



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و سوم - حرف ق
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۲۴	قابیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۰	قاتل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۱	قاذف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۵	قارون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۱	قاضی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۱	قانون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۳۴	قبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۴	قبض روح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۶۴	قبله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۲۶	قتل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۱۶	قحطی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۳۲	قدرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۴۹	قذف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۷۰	قرآن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۱۶۲	قربانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۲۲۵	قرض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۲۴۴	قرعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۲۴۹	قریش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۳۰۸	قساوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۳۳۳	قصاص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۳۳۷۹	قصه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۶۰۲	قضا و قدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۶۱۲	قضاوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۸۳۱	قلب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۹۹۳	قلم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۰۱۶	قوانین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۰۳۷	قوای ادراکی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۰۴۷	قیاس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۰۷۶	قیام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۰۸۴	قیامت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۷۳۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و سوم - حرف ق / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۱۳۹۰.۵۷۷۷د۳۷۲/۲۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف،

فایده، پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنج‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش‌های تفسیری؛ ۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانش‌های نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبانشناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک

و متودولوژی می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه

مراکز قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله

بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصور است اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را

در منظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش

آن در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و

صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و

یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أُنزِلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه

فرو فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات

است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینہ لایتنهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت

بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآوردند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف

آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق

ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل در آوردن استعداد های معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکان پذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ پردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) - وجود

لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند

و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر بخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و

کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکین اصفهانی

قائیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قائیل

اهداف قائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۱

۲۱ قائیل، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هاییل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قائیل افتخار کنند، برادرش را کشت.

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: ... ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قائیل قد تقبل قربان هاییل و لم يتقبل قربانک و انک ان ترکت یكون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فقتله کیلا یكون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ...

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

بی تقوایی قائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۳، ۱۹

۱۹ هاییل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قائیل را معلول بی تقوایی او دانست.

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما يتقبل الله من المتقين

۲۳ قایل ، انسانی نا آشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک .. قال انما يتقبل الله من المتقين

پشیمانی قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۴، ۲۳

۲۳ پشیمانی قایل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون .. فاصبح من الندمين

ظاهر این است که جمله > فاصبح

... < متفرع بر جمله > اعجزت > باشد. بنابراین پشیمانی قاییل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قاییل ، پشیمان از قتل برادرش هاییل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه < فاصبح ... > متفرع باشد بر < فقتله > که در آیه قبل آمده است.

تجربه قاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ قاییل ، از انسان های نخستین و با تجربیات ناچیز و بسیار محدود

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

آگاه بودن قاییل به کیفیت دفن جسد دلالت دارد که وی از انسانهای نخستین، و تجربیاتش ناچیز و بسیار محدوده بوده است.

تحریف قصه قاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۸

۸ آثار اهل کتاب مشتمل بر داستان قاییل و هاییل به گونه ای تحریف شده و آمیخته با باطل

بالحق

کلمه < بالحق > به قرینه آیات گذشته، که درباره اهل کتاب بود، می تواند اشاره به تحریفهایی باشد که در آثار اهل کتاب نسبت به فرزندان آدم وجود دارد.

تحیر قاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۴

۴ قایل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هاییل

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قایل هاییل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به .

...

مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۴.

ترس قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ قابیل ، فاقد ترس از خداوند و غافل از ربوبیت گسترده او

انی اخاف الله رب العلمین

چون خدا ترسی هاییل مانع از اقدام به قتل شده، معلوم می شود قابیل به دلیل تصمیمش بر برادر کشی، هیچ ترسی از خدا در دل نداشته است.

تعلیم قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هاییل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

جهل قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ قابیل ، انسانی نا آشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک .. قال انما یتقبل الله من المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۳،۲۰

۳ قابیل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هاییل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

حسد قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۵،۲۳

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۲۳ قابیل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک .. قال انما يتقبل الله من المتقين

خواسته قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۶

۱۶ نفس قابیل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخيه

<طوعت> می تواند به معنای <تابع< باشد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته و سوسه های خویش شده باشد.

ردّ قربانی قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قایل ، عامل انگیزش قایل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنك

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك قال انما يتقبل الله من المتقين

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی او

قال انما يتقبل الله من المتقين

۳۰ فربه ترین گوسفند هابیل ، قربانی قبول شده وی به درگاه خدا و دسته ای از خوشه های گندم یا مانند آن ، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل عليهم نبأ ابني ادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاد(ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم(ع) روایت شده: .. قرب احدهما اسمن كبش كان في صيانته و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الكبش و هو هابيل و لم يتقبل من الاخر ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

زیانکاری قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

از زمره زیانکاران

فاصبح من الخسرین

۱۳ زیانکاری قایل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

سرزنش قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ قایل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هابیل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

ضعف قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۵، ۲۱، ۲۰

۲۰ تأسف قایل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۱ قایل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هابیل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۵ قایل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب ..

تفریح ندامت قایل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید می کند.

۲ هایل ، در صدد آرام نمودن روح طغیانگر قاییل

قال لاقتلنک قال .. لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک

طغیانگری قاییل از تأکید در <لاقتلنک> به دست می آید و سخنان نرم و آموزنده هایل، نشانگر تلاش

وی برای نرم و آرام ساختن قایل است.

ظلم قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۵

۵ جنایت و برادرکشی قایل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله .. من اجل ذلك كتبنا على بني اسريل انه من قتل نفساً بغير نفس

<ذلك> اشاره است به داستان هاییل و قایل.

عصیان قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۳

۳۳ هاییل و قایل ، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قایل در مورد فرمان خدا به انتصاب هاییل به وصایت

حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذ قربا قرباناً

از امام صادق(ع) روایت شده: .. ان الله تبارك و تعالى اوحى الى آدم ان يدفع الوصيه و اسم الله الاعظم الى هاییل و كان

قایل اكبر منه فبلغ ذلك قایل فغضب فقال: انا اولی بالكرامه و الوصيه فامرهما ان يقربا قرباناً بوحي من الله اليه ففعلا ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ بی اعتنایی قایل به هشدارها و اندرزهای برادرش هاییل

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

غفلت قاييل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ قاييل ، فاقد ترس از خداوند و غافل از ربوبيت

گسترده او

انی اخاف الله رب العلمین

چون خداترسی هابیل مانع از اقدام به قتل شده، معلوم می شود قایل به دلیل تصمیمش بر برادرکشی، هیچ ترسی از خدا در دل نداشته است.

قایل و هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ پیکر بیجان هابیل ، ناخوشایند برای قایل

کیف یوری سوءه اخیه . .. فآوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هابیل <سوءه> (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قایل ناخوشایند بوده است.

قربانی قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۹

۱ داستان قربانی پسران حضرت آدم (ع) (هابیل و قایل) ، داستانی پرفایده ، عبرت آموز و شایان ذکر

و اتل علیهم نبأ ابنیء ادم بالحق

آگاه نبودن قایل از کیفیت دفن جسد هابیل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از <آدم>، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هابیل و قایل هستند. گفتنی است که <نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

۳ دو قربانی تقدیم شده از سوی هابیل و قایل از یک نوع و از یک جنس بود . *

اذ قربا قرباناً

مفرد آوردن کلمه <قرباناً> علی رغم اینکه هر کدام جداگانه هدیه ای را قربانی کردند می تواند اشاره به این باشد که آن

دو قربانی از یک جنس بوده است.

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هاییل و قابیل برای اهل کتاب

و ائمه علیهم

نبأ ابني ءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هاییل و قابیل ، ماجرای واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابني ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابني ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هاییل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هاییل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول الله عزوجل: <و اتل علیهم نبأ ابني ءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

قصه قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۱، ۲۱، ۱۹، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۶، ۴، ۲

۲ هر یک از هاییل و قابیل هدیه ای را به رسم تقرب به پیشگاه خداوند تقدیم کردند .

اذ قربا قرباناً

<قربان> هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هاییل و قایل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هاییل و قایل ، ماجرای واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۱۲ تصمیم قطعی قایل بر کشتن برادرش هاییل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قایل بر قتل است.

۱۳ قایل ، برادرش هاییل را به قتل تهدید کرد .

قال لاقتلنک

۱۴ پذیرش قربانی هاییل و رد شدن قربانی قایل ، عامل انگیزش قایل به قتل برادرش هاییل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قایل و پذیرش قربانی برادرش هاییل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هاییل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هاییل، انگیزه ای برای تصمیم قایل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هاییل فحسده قایل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هاییل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قایل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما يتقبل الله من المتقين

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا، پاسخ هایبیل به اعتراض قاییل بر پذیرفته نشدن قربانی

قال انما يتقبل الله من المتقين

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول الله عزوجل: ﴿و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم...﴾.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱

۱ تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر، حتی در صورت اقدام قابیل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در <لئن> و نیز <باء> زایده در <ببساط>، دلالت بر تأکید دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۳

۳ قابیل در دیدگاه و سخن هابیل، در صورت اقدام به تهاجم، مسؤول تمامی پیامدهای سوء عملکرد هر کدام

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

مراد از <اثمی>، به قرینه <اثمک>، گناهایی است که بر اثر درگیری آن دو به وجود می آید. زیرا به شهادت مقام، مراد از گناه قابیل، همان برادرکشی و مقدمات آن است. بنابراین مقصود هابیل این است که من تهاجمی را علیه تو آغاز نمی کنم و هرگز قصد کشتن تو را نخواهم کرد تا در درگیری احتمالی، تو مهاجم باشی و آغازگر و در نتیجه اگر تو تلف شدی و یامن کشته شدم در هر صورت گناه به گردن تو افتد.

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۱، ۱۹، ۱۶، ۱۳، ۱۰، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ درگیری و کشمکش درونی قایل با هوای نفس خویش در مورد قتل هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۲ وسوسه های نفسانی قایل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قایل ، وادار کننده وی به کشتن هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۴ قایل ، فریفته وسوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۵ قایل ، برادرش هاییل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۰ بی اعتنایی قایل به هشدارها و اندرزهای برادرش هاییل

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۳ زیانکاری قایل ، پیامد کشتن برادرش هاییل

فقتله فاصبح من الخسرین

۱۶ نفس قایل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعیت> باشد، یعنی نفس قایل در قتل برادرش هاییل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال،

قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته و سوسه های خویش شده باشد.

۱۹ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هاییل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاد(ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . . .

تفسیر قمی، ج ۱،

ص ۱۶۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

۲۱ قابیل، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هاییل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قابیل افتخار کنند، برادرش را کشت.

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: .. ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قابیل قد تقبل قربان هاییل و لم يتقبل قربانک و انک ان ترکتہ یكون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یكون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ...

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۸، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هاییل به سوی قابیل گسیل داشت.

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن، قابیل را به کیفیت دفن جثه هاییل رهنمون ساخت.

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۳ قابیل، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هاییل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۴ قابیل، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هاییل

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قابیل هاییل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به.

...

مجمع البيان، ج ٣، ص ٢٨٦ نورالثقلين، ج ١،

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قاییل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در < لیریه > به < غراب > برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قاییل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هاییل و گسیل کلاغی برای آموزش قاییل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف < بعث > بر < قتله > به وسیله < فاء >، بیانگر برداشت فوق است.

۱۶ قاییل ، برخوردار از امداد خداوند برای دفن جسد برادرش هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه

برداشت فوق بر این مبناست که روانه ساختن کلاغ و تعلیم قاییل برای رفع سرگردانی وی صورت گرفته باشد.

۲۰ تأسف قاییل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۱ قاییل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هاییل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۲ پیکر بیجان هاییل ، ناخوشایند برای قاییل

کیف یوری سوءه اخیه .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هاییل < سوءه > (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قاییل ناخوشایند بوده است.

۲۳ پشیمانی قاییل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هاییل

اعجزت ان اکون .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصیح ..> متفرع بر جمله <اعجزت> باشد. بنابراین پشیمانی قاییل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قاییل ، پشیمان از قتل برادرش هاییل

فاصبح من الندمين

بنابر اینکه <فاصبح ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

۲۵ قایل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب ..

تفریع ندامت قایل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید می کند.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قایل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقى الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

گمراهگری قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۹

۹- (فی المجمع) < و قال الذین کفروا فی النار أرنا الذین أضلّنا من الجن و الإنس > یعنون إبلیس الأبالسه و قایل بن آدم
أول من أبدع المعصیه . روی ذلك عن علی (ع) ؛

در مجمع البیان راجع به قول خداوند که می فرماید: < و قال الذین کفروا فی النار أرنا الذین .. > آمده است که: مقصود

آنان رئیس ابلیس ها و قاییل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی(ع) روایت شده است.

مسئولیت قاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۳

۳۳ هابیل و قاییل ، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قاییل در مورد فرمان خدا به انتصاب هابیل به وصایت حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذ قربا قرباناً

از امام صادق(ع) روایت شده: .. ان الله تبارك و تعالی اوحى الى آدم ان يدفع الوصيه و اسم الله الاعظم الى هابيل و كان قاييل اكبر منه فبلغ ذلك قاييل فغضب فقال: انا اولى بالكرامه و الوصيه فامرهما ان يقربا قرباناً بوحي من الله اليه ففعلا ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

هابیل و قاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۲، ۱۳، ۱۵

۱۲ تصمیم قطعی قاییل بر کشتن برادرش هابیل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قاییل بر قتل است.

۱۳ قاییل ، برادرش هابیل را به قتل تهدید کرد .

قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قاییل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هاییل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق

را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هابیل فحسده قابیل فقتله

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱،۴

۱ تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر، حتی در صورت اقدام قابیل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در <لئن> و نیز <باء> زایده در <ببساط>، دلالت بر تأکید دارد.

۴ توانایی هابیل بر قتل برادرش قابیل

ما إنا بباسط ... لاقتلک انی اخاف الله

اگر هابیل از قتل برادرش ناتوان بود، اقدام نکردن به قتل را ناشی از خداترسی خویش نمی شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱،۲

۱ عزم هابیل بر آلوده نساختن دست خویش به خون برادر و گرفتار نیامدن به پیامد های آن

انی ارید .. فتکون من اصحاب النار

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قابیل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

قائیل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هاییل

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قائیل هاییل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به .

...

مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۴.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قائیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

هدیه قائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲

۲ هر یک از هاییل و قائیل هدیه ای را به رسم تقرب به پیشگاه خداوند تقدیم کردند .

اذ قربا قرباناً

<قربان> هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

هشدار به قائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا بائمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

قائیل به هشدار ها و اندرز های برادرش هاییل

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید . . . فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

هشدار قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۸

۸ نهرا سیدن هاییل از تهدید برادرش به قتل وی *

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی . . . انی اخاف الله رب العلمین

تأکید هاییل بر ترس خویش از خداوند (انی اخاف)، می تواند اشاره به این باشد که از تهدید برادر، ترسی به دل او راه نیافته است.

هوای نفس قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۶، ۴، ۳، ۱

۱ درگیری و کشمکش درونی قایل با هوای نفس خویش در مورد قتل هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۳ وسوسه های نفسانی قایل ، وادار کننده وی به کشتن هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۴ قایل ، فریفته وسوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۶ نفس قایل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعیت> باشد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته و سوسه های خویش شده باشد.

قاتل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قاتل

اجتناب از امداد به قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۶

۶ - معتقدان به ادیان الهی نباید در کشتن و آواره کردن همکیشان خود، به قاتلان

و آواره کنندگان یاری رسانند .

تظہرون علیہم بالاثم و العدون

ارزش جان قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مانده - ۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ خون و جان قاتلان نابحق و مفسدان در زمین ، فاقد ارزش و احترام

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض

<باء> در <بغير نفس> برای مقابله است. بنابراین مفهوم جمله شرطیه <من قتل نفساً...> این است که قتل نفس آنگاه که در مقابل کشتن کسی (قصاص) و یا در مقابل فسادانگیزی باشد، کیفر ندارد.

افشای هویت قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۳،۲

۲ - خداوند ، قوم موسی را به معرفی قاتل نوید داد و قاتلان را به افشای هویتشان تهدید کرد .

و اللہ مخرج ما کنتم تکتمون

مراد از <ما کنتم تکتمون> (آنچه را کتمان می کردید)، به قرینه جمله قبل، معرفی نکردن قاتل علی رغم آگاهی به آن است. مراد از <إخراج> (مصدر مخرج)، به قرینه تکتمون، آشکار ساختن است.

۳ - گروهی از قوم موسی قاتل را می شناختند و از افشای هویتش خودداری می کردند .

و اللہ مخرج ما کنتم تکتمون

هر چند کتمان کردن به همه قوم موسی نسبت داده شده است، ولی به قرینه <فاداءتم>، معلوم می شود برخی از آنها قاتل را می شناختند و از معرفی آن خودداری می کردند.

امداد به قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۷

۷ - یاری رساندن به قاتلان و آواره کنندگان اهل دین ، گناه و تجاوز است .

تظہرون علیہم

بالاتم و العدون

پشیمانی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۷

۲۷ قتل نفس محترم ، در پی دارنده ندامت قاتل

فاصبح من الندمین

از امام سجاده (ع) روایت شده: .. و الذنوب التي تورث الندم قتل النفس التي حرم الله ... قال عزوجل في قصه قابيل حين قتل اخاه هابيل ... <فاصبح من النادمين > ...

معانی الاخبار، ص ۲۷۰، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۵، ح ۱۲.

تسلیم قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۷

۷ خونب های قتل از روی خطا ، باید به طور کامل تسلیم خانواده مقتول گردد .

و من قتل مؤمنا خطأ .. و ديه مسلّمه الى اهله

در معنای کلمه <مسلّمه > گفته شده است: <المدفوعه اليهم موفّره غير منقّصه >. یعنی باید به طور کامل و بدون هیچ کاستی تسلیم شود. <مجمع البيان >.

توبه قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۷

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمناً متعمداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: ... و ان کان قتله لغضب او
لسبب شیء من امر الدنيا فانّ توبته ان یقاد منه ...

کافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان -

۱ کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، از عذاب و کیفر دوچندان و خوار کننده آن گناهان در امان خواهند بود.

و من يفعل ذلك .. يضعف له العذاب ... إلا من تاب و ءامن و عمل عملاً صالحاً

جمله <إلا من تاب..> استثنا از عموم مستفاد از <من> در <من يفعل...> است.

۴ کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد.

و من يفعل ذلك .. يضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئك يبدل الله سيئ

در این که مقصود از تبدیل <سیئات> به <حسنات> چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: ۱ تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک، به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای <سیئه>، <حسنه> نوشته شود. ۲- تبدیل آثار و پیامدهای <سیئات> که عقاب است به آثار و پیامدهای <حسنات> که ثواب است. گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۵ کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند آثار بدی های آنان (عقاب) را محو و به جای آنها، آثار خوبی

ها (ثواب) قرار می دهد .

و من يفعل ذلك ... يضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئك يبدل الله سيئ

حسابرسی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۶

۶ - حسابرسی قاتل در قیامت ، بر دادخواهی مقتول توقف ندارد .

و إذا الموءودة سئلت

مجهول آوردن <سئلت>، حاکی از این است که فرد یا افرادی غیر از مقتول، پی گیر محاکمه قاتل خواهند شد.

ذلت اخروی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فيه مهاناً

ذلت قاتل مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۶

۶ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در حال خواری و برای همیشه در عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

و یخلد فيه مهاناً

فوق مبتنی بر همین نظریه است. و چنان چه <ذلك> اشاره به یکایک گناهان یاد شده به صورت مستقل باشد، در این صورت چون اتفاق همه علما و مفسران بر آن است که زناکار به عذاب ابدی در قیامت گرفتار نمی شود، از این رو مقصود از

<یخلد> طولانی بودن عذاب است نه جاودانگی آن.

رفتار اولیای مقتول با قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۸

۱۸ - اولیای مقتول در صورت گذشت از

حق قصاص و مطالبه دیه از قاتل ، باید با وی به گونه ای پسندیده رفتار کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف

فاعل <اتباع> محتمل است ولی مقتول، و محتمل است قاتل باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا <فاتباع بالمعروف>؛ یعنی، اولیای مقتول باید به گونه ای پسندیده با قاتل رفتار کنند؛ وی را آزار ندهند؛ در گرفتن دیه بر او سخت نگیرند؛ و بیش از حد متعارف از او مطالبه نکنند و

رفتار قاتل با اولیای مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۹

۱۹ - قاتل باید با نیکی و رفتاری پسندیده ، دیه را به اولیای مقتول بپردازد .

فاتباع بالمعروف و أداء إلیه یاحسن

فاعل <أداء> قاتل است و ضمیر در <إلیه> به <أخیه> - که مراد از آن ولی مقتول است - باز می گردد. بنابراین جمله <أداء إلیه ...>؛ یعنی، قاتل باید دیه را با رعایت احسان به ولی مقتول بپردازد؛ بدین صورت که در پرداخت دیه تأخیر نکند و کمتر از مقدار تعیین شده بپردازد و موجب ناراحتی اولیای مقتول نگردد.

عذاب اخروی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۸

۸ کسانی که به گناه شرک ، آدم کشی و زنا دست بیالایند ، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد .

یضعف له العذاب یوم القیمه و یخلد فیہ مهاناً

عذاب جسمانی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ -

۸ کسانی که به گناه شرک، آدم کشی و زنا دست بیالایند، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد.

يضعف له العذاب يوم القيمة و يخلد فيه مهاناً

عذاب روحی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۸

۸ کسانی که به گناه شرک، آدم کشی و زنا دست بیالایند، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد.

يضعف له العذاب يوم القيمة و يخلد فيه مهاناً

عذاب قاتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۵

۵ عذاب کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد، آماده و مهیاست.

و من يقتل مؤمناً متعمداً .. و اعد له عذاباً عظيماً

عفو قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۷، ۱۳، ۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند.

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

۱۳- قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء .. و

۲۷ - قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد

کتب علیکم القصاص .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولی مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

فرجام قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۱

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم .. لو قتل الناس جميعاً انما کان یدخل ذلک المكان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: یضاعف علیه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱/ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

قاتل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهاً .. ولا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثمًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان

العرب).

قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۴،۲۷

۴ - قاتل باید خود را برای قانون قصاص تسلیم کند .

یا ایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص

مخاطبان واقعی جمله <کتب علیکم> قاتلان هستند. بنابراین بر خود قاتل است که برای اجرای قانون قصاص، خویشتن را آماده کند و این به معنای لزوم تسلیم برای اجرای قصاص می باشد.

۲۷ - قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولی مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

کشتن قاتل پس از دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۴،۱۶،۳۰

۱۴ - اخوت و برادری اهل ایمان با یکدیگر

یا ایها الذین ءامنوا .. فمن عفی له من أخیه شیء

۱۶ - گذشت از قصاص ، مظهر عواطف ایمانی و اخوت اسلامی است .

فمن عفی له من أخیه شیء

۳۰ - حلبی می گوید: از امام صادق (ع) ... درباره سخن خداوند که فرموده <فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه یا حسان> سؤال کردم ، فرمود: <ینبغی للذی له الحق ان لایعسر أخاه إذا کان قد صالحه علی دیه و ینبغی للذی

عليه الحق ان لايمطل أخاه إذا قدر على ما يعطيه و يؤدى إليه يا حسان قال : و سألته عن قول الله عز و جل > فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم < فقال : هو الرجل يقبل الدية أو يعفو أو يصالح ثم يعتدى فيقتل فله عذاب أليم كما قال الله عز و جل ;

سزاوار است کسی که صاحب حق خون است و توافق در دیه کرده اند، در گرفتن دیه سخت گیری نکند و سزاوار است برای کسی که باید دیه بدهد اگر توانایی پرداخت آن را دارد کوتاهی نکند و با نیکویی پرداخت نماید. حلبی گوید: از سخن خداوند که فرموده: <فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم> سؤال نمودم، امام فرمود: مراد کسی است که دیه را پذیرفته یا عفو نموده و یا مصالحه کرده، سپس تجاوز نماید و دست به قتل زند^۲ پس همان طوری که خداوند فرموده برای او عذاب دردناکی است.<

کشتن قاتل پس از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۴،۲۶

۲۴ - کسانی که پس از عفو قاتل از قصاص و یا گرفتن دیه در پی کشتن وی برآیند ، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلك> اشاره به گرفتن دیه باشد. در این صورت جمله <فمن اعتدى ...> بیانگر این است که: اولیای مقتول اگر قاتل را عفو کنند و از او مطالبه دیه نمایند، پس از آن حق ندارند در صدد کشتن وی باشند و او را قصاص کنند.

۲۶ - ولیّ مقتول

اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

جمله <فله عذاب أليم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

کیفر اخروی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۴

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمة

کیفر اخروی قاتل مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد .

يضعف له العذاب يوم القيمة

در این که چرا افراد یاد شده، دو چندان مجازات خواهند شد، میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود از <يضعف> ..> دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرک، آدم کشی و زنا را با هم مرتکب شوند؛ زیرا شرک موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

۲ شرک ، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی ، زنا و ...)

يضعف له العذاب يوم القيمة

کیفر قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۱

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم .. لو قتل الناس جميعاً انما کان یدخل ذلک المكان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: یضعف علیه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱/ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

کیفیت کشف هویت قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۲

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد

إن البقر تشبه علينا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر...> یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، به قوم موسی فرمان داد تا قطعه ای از گاو ذبح شده را بر پیکر مقتول بزنند .

فقلنا اضربوه ببعضها

ضمیر مفعولی در <إضربوه> به <نفساً> بر می گردد و ضمیر در <بعضها> به <بقره> ارجاع می شود.

۲ - مقتول قوم موسی در پی زده شدن پاره ای از گاو ذبح شده بر وی ، زنده شد .

فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى

عبارت <كذلك يحيى الله الموتى> خداوند بدین سان مردگان را زنده می کند < پس از جمله >فقلنا . ..> دلالت بر زنده شدن آن مقتول دارد.

گناه قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۷

۷ خداوند ، گناهان مقتول به ناحق را به پای قاتل او ثبت خواهد کرد .

انى ارید ان تبوا بائمی و اثمک

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <ائمی>، مطلق گناهان باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می کند که فرمود: من قتل مؤمناً متعمداً اثبت الله علیه جميع الذنوب و برى المقتول منها و ذلك قول الله تعالى <انى ارید ان تبوا بائمی و اثمک فتكون من اصحاب النار>.

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (مترجم)، ص ۶۳۶، ح ۹، باب عقاب من قتل نفساً متعمداً نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۳، ح ۱۳۳.

مسئولیت قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۴،۱۳

۴- قاتل باید خود را برای قانون قصاص تسلیم کند .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص

مخاطبان واقعی جمله <کتب علیکم> قاتلان هستند. بنابراین بر خود قاتل است

که برای اجرای قانون قصاص، خویشتن را آماده کند و این به معنای لزوم تسلیم برای اجرای قصاص می باشد.

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود، باید به اولیای مقتول خون بها پردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یا حسن

نهی از مُثله قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۹

۱۹- > عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي الحسن (ع) إن الله عزوجل يقول في كتابه : > .. فلايسرف في القتل إنه كان منصوراً < فما هذا الإسراف الذي نهى الله عزوجل عنه قال : نهى أن يقتل غير قاتله أو يمثل بالقاتل قلت : فما معنى قوله : > إنه كان منصوراً < قال : و أي نصره أعظم من أن يدفع القاتل إلى أولياء المقتول فيقتله و لا تبعه تلزمه من قتله في دين و لا دنیا /

اسحاق بن عمار گوید: به امام موسی بن جعفر(ع) گفتم: همانا خدای عزوجل در کتابش می فرماید: > .. فلايسرف في القتل إنه كان منصوراً < این اسراف چه اسرافی است که خداوند عزوجل از آن نهی کرده است [راوی گوید] گفتم: پس معنای سخن خدا > إنه كان منصوراً < چیست؟ فرمود: چه نصرتی بزرگ تر از اینکه قاتل به اولیای مقتول داده می شود و آنان قاتل را می کُشند و پیامدهایی که لازمه قتل است چه پیامدهای دینی و چه دنیایی دامنگیر آنان نمی شود <.

هشدار به قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا بائمی و اثمک فتکون من اصحب النار

قاذف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار اصلاح قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳، ۲

۲ - قذف کنندگان (کسانی که به زنان پاکدامن بدون دلیل نسبت زنا دهند) ، در صورت توبه و اصلاح رفتار خویش و جبران زیان وارده بر شخص متهم ، مشمول بخشش و آمرزش خدا خواهند شد .

والذین یرمون المحصنت .. أولئک هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلک و ا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که اصلاح، پس از توبه و پشیمانی در هر موردی، متناسب با همان مورد است. بنابراین اصلاح گناه تهمت زدن، به این خواهد بود که ضرر و زیان مادی، معنوی، فردی و اجتماعی وارده بر متهم جبران شود.

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت .. أولئک هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلک و ا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زندگان شود و ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

آثار توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۲ - قذف کنندگان (کسانی که به زنان پاکدامن بدون دلیل نسبت زنا دهند) ، در صورت توبه و اصلاح رفتار خویش و جبران زیان وارده بر شخص متهم ، مشمول بخشش و آمرزش خدا خواهند شد .

والذین یرمون المحصنت .. أولئک هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلک و ا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که اصلاح، پس از توبه و پشیمانی در هر موردی، متناسب با همان مورد است. بنابراین اصلاح گناه تهمت زدن، به این خواهد بود که ضرر و زیان مادی، معنوی، فردی و اجتماعی وارده بر متهم جبران شود.

آثار قبول توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت .. أولئک هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلک و ا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زندگان شود؛ ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

ایمان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۴

۱۴ - > عن أبي جعفر (ع) ... و نزل بالمدينة > والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا

بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلده و لاتقبلوا لهم شهادة ابداً و أولئك هم الفاسقون < . . . فبرأه الله ما كان مقيماً على الفريه
من أن يسمى بالإيمان . . . >

از امام باقر(ع) روایت شده که آیه <والذین یرمون المحصنات. . . أولئك هم الفاسقون> در مدینه نازل شده است... پس
خداوند کسی را که تهمت زنا می زند با زمانی که بر این تهمت باقی باشد، او را از مؤمن نامیده شدن به دور داشته است...

بی ارزشی گواهی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۷

۷- اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان ، در تمامی
صحنه های گواهی

والذین یرمون المحصنت . . . و لاتقبلوا لهم شهده ابداً

بی اعتنایی به قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۴

۴- منزوی ساختن و بی مهری کردن به قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، وظیفه ای الهی بر عهده اهل ایمان

إن الذین یرمون المحصنت . . . لعنوا فی الدنیا

جمله <لعنوا فی الدنیا> می تواند بیانگر وظیفه اهل ایمان نسبت به قذف کنندگان باشد که در برداشت فوق، بدان اشاره شده
است.

تکذیب قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۳

۳- در صورتی که قذف کنندگان از اقامه بینه ناتوان باشند ، تکذیب آنان و میرا دانستن دامن متهم ، واجب است .

لولا جاءو عليه بأربعة

شهداء فإذ لم يأتوا بالشهداء فأولئك عند الله هم الكاذبون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <فأولئك عند الله هم الكاذبون> انشا در قالب اخبار باشد، یعنی، این افراد محکوم به کذب و دروغ گویی اند.

توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۹

۹ - > فی مجمع البيان [أحد القولین فی هذه الآیه] ان الإستثناء يرجع إلى الأمرین فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أو لم یحد و قول أبی جعفر (ع) و أبی عبدالله (ع) ;

در مجمع البیان آمد است که [یکی از دو قول در آیه یاد شده] این است که استثنا به هر دو امر بازمی گردد. پس هرگاه قذف کننده توبه کند، شهادت او قبول می شود؛ چه حد بر او جاری شده باشد و چه نشده باشد ... و ان قول امام باقر و امام صادق علیهما السلام است <.

تهدید قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۸

۸ - کسانی که با حیثیت زنان مؤمن ، بازی کرده و با قذف و نسبت دادن زنا به آنان ، به بد نام کردن ایشان در جامعه می پردازند ، به محاکمه و بازخواست الهی تهدید شدند .

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

دروغگویی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۴

۴ - در پیشگاه خداوند ، قذف کنندگان بی دلیل سرآمد دروغ

گویان اند .

فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

ضمیر <هم> ضمیر فصل و <الکاذبون> مسند محلی به <ال> جنس و مفید حصر است.

رذالت قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۹

۹ - نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، مردمی فرومایه و بی اعتبار در جامعه اسلامی

والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء .. و لا تقبلوا لهم شهده أبداً

پذیرفته نشدن گواهی نسبت دهندگان دروغین زنا به زنان پاکدامن و نیز توصیف آنان با کلمه <فاسقان>، حاکی از فرومایگی و بی اعتباری آنان در جامعه اسلامی است.

شرایط آمرزش قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۲

۲ - قذف کنندگان (کسانی که به زنان پاکدامن بدون دلیل نسبت زنا دهند) ، در صورت توبه و اصلاح رفتار خویش و جبران زیان وارده بر شخص متهم ، مشمول بخشش و آمرزش خدا خواهند شد .

والذین یرمون المحصنات .. أولئك هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلک و ا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که اصلاح، پس از توبه و پشیمانی در هر موردی، متناسب با همان مورد است. بنابراین اصلاح گناه تهمت زدن، به این خواهد بود که ضرر و زیان مادی، معنوی، فردی و اجتماعی وارده بر متهم جبران شود.

شرایط قبول توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار

خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت .. أولئک هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زندگان شود؛ ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

عذاب قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۵

۵ - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عقیف و مؤمن است .

إنّ الذین یرمون المحصنت .. لهم عذاب عظیم

عوامل رفع فسق قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت .. أولئک هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زندگان شود؛ ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

عوامل رفع کیفر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳

۳ - توبه نسبت دهندگان بی

دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت .. أولئك هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلك و أ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زندگان شود؛ ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

فسق قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۸

۸ - اتهام بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، بدترین نوع فسق است و نسبت دهندگان آن ، سرآمد فاسقان اند .

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء .. و أولئك هم الفسقون

ضمیر <هم> ضمیر فصل و <الفسقون> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است. منحصر کردن اهل فسق به نسبت دهندگان زنای بی دلیل به زنان پاکدامن، بیانگر برداشت یاد شده است.

کیفر اخروی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذین یرمون المحصنت .. یومئذ یوفّیهم الله دینهم

ضمیر <هم> در <یوفّیهم> و <دینهم> به <قذف کنندگان> (الذین یرمون المحصنات) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت به صورت تام و

کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱،۲

۱ - کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن، بدون ارائه چهار گواه ناظر، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمنین جلدہ

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

۲ - هشتاد ضربه تازیانه بر پوست بدن، کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن، بدون ارائه چهار گواه ناظر

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمنین جلدہ

کیفیت توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۸

۸ - < عن سماعه عنه فی قول الله عزوجل > و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً... إلا الذین تابوا >... قال یکذب نفسه علی رؤوس الناس حتی یضرب و یتغفر ربّه و إذا فعل ذالک فقد ظهرت توبته ;

سماعه روایت می کند که امام(ع) در باره قول خدای عزوجل <و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً

.. إلا الذين تابوا < فرمود: قذف کننده باید خود را در اجتماع مردم تکذیب کند تا حد بر او جاری گردد و از خدا طلب آمرزش کند و اگر این کار را کرد، توبه او آشکار شده است.

گواهی اخروی پای قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

گواهی اخروی دست قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

گواهی اخروی زبان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

گواهی قاذف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ - > عن الصادق (ع) عن أبيه عن جدّه (ع)

أَنَّ عَلِيًّا (ع) قَالَ ، لَيْسَ بَيْنَ خَمْسٍ مِنَ النِّسَاءِ وَبَيْنَ أَزْوَاجِهِنَّ مَلَاعِنَهُ . . . وَالْمَجْلُودُ فِي الْفَرِيحِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ : وَلا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا . . . ۱

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاعنه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود). .. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند؛ زیرا خداوند فرمود: <و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۹

۹ - > فی مجمع البیان [أحد القولین فی هذه الآیه] ان الإستثناء یرجع إلى الأمرین فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أو لم یحد و قول أبی جعفر (ع) و أبی عبد الله (ع) ۱

در مجمع البیان آمد است که [یکی از دو قول در آیه یاد شده] این است که استثنا به هر دو امر بازمی گردد. پس هرگاه قذف کننده توبه کند، شهادت او قبول می شود؛ چه حد بر او جاری شده باشد و چه نشده باشد ... و ان قول امام باقر و امام صادق علیهما السلام است <.

لعان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ - > عن الصادق (ع) عن أبیه عن جدّه (ع) أَنَّ عَلِيًّا (ع) قَالَ ، لَيْسَ بَيْنَ خَمْسٍ مِنَ النِّسَاءِ وَبَيْنَ أَزْوَاجِهِنَّ مَلَاعِنَهُ . . . وَالْمَجْلُودُ فِي

الفريه لأنَّ الله عزَّوجلَّ يقول : و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً . . . ;

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاحظه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود). .. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند؛ زیرا خداوند فرمود: <و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً>.

لعن بر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱

۱ - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنَّ الذين يرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا في الدنيا و الآخره

<محصنات> به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی نجیب گفته می شود.

محاكمه اخروي قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۸

۸ - کسانی که با حیثیت زنان مؤمن ، بازی کرده

و با قذف و نسبت دادن زنا به آنان ، به بد نام کردن ایشان در جامعه می پردازند ، به محاکمه و بازخواست الهی تهدید شدند

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

منشأ رفع فسق قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۶

۶ - پذیرش توبه قذف کنندگان و پاک شدن آنان از آثار فسق ، ناشی از غفران و رحمت خداوند است .

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ . إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأُ

منشأ قبول توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۶

۶ - پذیرش توبه قذف کنندگان و پاک شدن آنان از آثار فسق ، ناشی از غفران و رحمت خداوند است .

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ . إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأُ

موقعیت اجتماعی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۹

۹ - نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، مردمی فرومایه و بی اعتبار در جامعه اسلامی

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءِ .. وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا

پذیرفته نشدن گواهی نسبت دهندگان دروغین زنا به زنان پاکدامن و نیز توصیف آنان با کلمه <فاسقان>، حاکی از فرومایگی و بی اعتباری آنان در جامعه اسلامی است.

قارون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قارون

آثار تجمل گرای قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذين يريدون الحيوة الدنيا .. إنه لذو حظّ عظيم

۸ - اظهار حسرت و دریغ از سوی دنیاطلبان غافل ، به هنگام مشاهده قارون در تجمل ویژه خود

قال الذين يريدون الحيوة الدنيا يليت لنا مثل ما أوتى قرون

آثار ترک انفاق قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۲

۲۲ - زراندوزی قارون و خودداری وی از پرداختن حقوق مالی ، باعث پیدایش فساد و تباهی در میان بنی اسرائیل بود .

و لاتبع الفساد فی الأرض

آثار تکبر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ - > عن النبي (ص) : إن قارون أول من اختال ففسف الله به و بداره الأرض ;

از نبی اکرم (ص) روایت شده است: .. قارون اولین کسی بود که تکبر ورزید پس خدا او و خانه اش را در زمین فرو برد < .

آثار ثروت اندوزی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۲

۲۲ - زراندوزی قارون و خودداری وی از پرداختن حقوق مالی ، باعث پیدایش فساد و تباهی در میان بنی اسرائیل بود .

و لاتبع الفساد فی الأرض

آثار ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۶،۹

۶ - ثروت افسانه ای قارون ، موجب طغیان وی علیه ملت خود گردید .

و ائینه

بازگو کردن ثروت فراوان قارون، پس از معرفی وی به عنوان فردی متجاوز و طغیانگر، می تواند توضیح دهنده علیت این طغیان و تجاوز باشد.

۹ - شادمانی مغرورانه قارون به خاطر ثروت افسانه ای خویش

و ءاتینه من الكنوز .. إذ قال له قومه لاتفرح

آثار خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذين يريدون الحيوه الدنيا .. إنه لذو حظّ عظيم

آثار دنیاطلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۴

۴ - دل بستگی شدید قارون به اندوخته های خویش ، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود .

و ابتغ فيما ءاتيك الله الدار الآخرة

آثار طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۲

۲ - هلاکت قارون ، بازتاب طغیان و رفتار ظالمانه وی با مردم خویش بود .

إن قرون كان من قوم موسى فبغى عليهم .. فحسفنا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فخسفنا> بر <فبغی علیهم> به دست می آید.

آثار ظلم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۲

۲ - هلاکت قارون ، بازتاب طغیان و رفتار ظالمانه وی با مردم خویش بود .

إن قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم . . . فخسفنا به و

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فخسفنا> بر <فبغی علیهم> به دست می آید.

آثار علم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۳،۴

۳ - قارون ، مدعی بهره مندی از دانش و خلاقیت ویژه برای تحصیل ثروت بود .

قال إنما أوتيته على علم عندي

۴ - مؤثر دانستن دانش و ابتکار فردی در فزونی ثروت ، توجیه قارون برای ترک انفاق و احسان نکردن خود

إذ قال له قومه .. و أحسن ... قال إنما أوتيته على علم عندي

از این که قارون در پاسخ به توصیه قومش به انفاق و احسان، گفت: این ثروت ها، ناشی از دانش و ابتکار من است، می توان استفاده کرد که او با این پاسخ، درصدد توجیه کار خود (ترک احسان) برآمده بود.

آثار کفران قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض .. ویکأته لایفلح الکفرون

آثار هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۷،۱۲،۱۴

۷ - پیدایش روحیه تسلیم و رضا (تسلیم در برابر اراده خدا و رضا به داده او) در آرزومندان ثروت قارونی ، با مشاهده هلاکت غافلگیرانه وی

و أصبح الذين . . . ويكأن الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده و يقدر

تعبير <الله يبسط الرزق..> نشانگر این حقیقت است که روزی انسان ها در دست

خداوند است. بنابراین ما به هر چه او مصلحت بداند (هر چند فقر و تنگدستی) راضی و تسلیم هستیم.

۱۲ - آگاهی دل باختگان دنیا به عاقبت شوم دنیاطلبی ، پس از مشاهده نگون بختی قارون

لولا أن منّ الله علينا لخشف بنا

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

ويكأته لايفلح الكفرون

<كفر> (مصدر <كافرون>) در این جا مقابل <شکر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <ويكأته لايفلح الكافرون> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

آرزوی ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱۱

۱۱ - دستیابی به ثروتی هم چون ثروت قارون ، نهایت آرزوی دنیاطلبان غافل قوم وی بود .

قال الذين يريدون الحيوة الدنيا يليت لنا مثل ما أوتى قرون

احساس خطر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامن و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی (ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

ادعای قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - قارون ، مدعی بهره مندی از دانش و خلاقیت ویژه برای تحصیل ثروت بود .

قال إنّما أُوتيتُه علي علم عندي

استکبار قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۶،۷

۶ - قارون و فرعون و هامان ، با پیامبری موسی (ع) برخوردی مستکبرانه کردند .

و قرون و ... و لقد جاءهم موسی ... فاستکبروا

۷ - قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن ... فاستکبروا فی الأرض

افساد قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۰

۲۰ - قارون ، عنصری فسادگر و تباهی آفرین بود .

و لاتبع الفساد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۳

۳ - برتری جویی و فسادانگیزی ، مهم ترین و اصلی ترین صفت ناپسند قارون

تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوًا في الأرض ولا فسادًا

برداشت بالا با توجه به این نکته است که آیه مورد بحث نوعی جمع بندی از مطالبی است که تا این جا درباره داستان قارون و اوصاف وی ذکر شده بود. در این جمع بندی از دو صفت قارون (که مهم ترین و محوری ترین اوصاف او بود) یاد شده است.

امکانات دنیوی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۳

۳- فرعون ، هامان و قارون ، در اختیار دارنده همه امکانات اجتماعی (اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی) و مانع اصلی بر سر راه هدایت مردم

كانوا هم أشدّ منهم قوّه وءاثارًا .. و لقد أرسلنا موسى ... إلى فرعون

و همن و

برداشت یاد شده از آن جااست که این آیه، در صدد بیان نمونه و مصداقی از مردمی است که قدرت سیاسی و اقتصادی فزون تر از کافران صدر اسلام داشتند و مانع تبلیغ و رسالت پیامبر الهی بودند.

اوامر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۵

۵ - فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه

برتری طلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۳

۳ - برتری جویی و فسادانگیزی ، مهم ترین و اصلی ترین صفت ناپسند قارون

تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوًا في الأرض ولا فسادًا

برداشت بالا با توجه به این نکته است که آیه مورد بحث نوعی جمع بندی از مطالبی است که تا این جا درباره داستان قارون و اوصاف وی ذکر شده بود. در این جمع بندی از دو صفت قارون (که مهم ترین و محوری ترین اوصاف او بود) یاد شده است.

بنی اسرائیل و هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۵

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما كان له من فئة ينصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرورفتن قارون> هنگام شب رخ داد، یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان

آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون

در اوج بی کسی در کام زمین فرو رفت. جمله <ما کان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

بی ارزشی ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۷

۷ - ثروت افسانه ای قارون ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی در دیدگاه فرزندگان بنی اسرائیل

و قال الذين أوتوا العلم ويلکم ثواب الله خير

بی تأثیری تلاش قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۸

۸ - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما کان من المنتصرین

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

بی یآوری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۶

۶- تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما كان له من فته ينصرونه

تأثیرناپذیری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری قارون در برابر اندرز های قوم خویش

إذ قال له قومه لاتفرح . . . وابتغ فيما

ءاتيك الله الدار الآخرة ... قال إنما أ

تجاوز گری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۲

۲ - قارون ، عنصری متجاوز و طغیانگر بود .

إن قرون كان من قوم موسى فبغى عليهم

<بغى> (مصدر <بغى>) به معنای ظلم و تجاوز است.

تجمل گرایى قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۳

۳ - نمایان شدن قارون بر قوم خویش ، در نهایت آرایش و تجمل

فخرج على قومه فى زينته

تعبیر <فى زينته> نشانگر آن است که وی در حالی بر مردم ظاهر شد که غرق در تجمل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۳

۳ - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج على قومه فى زينته .. فحسفنا به ... و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

تحقیق قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - رفتار تحقیرآمیز قارون با مردم ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

فخر ج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <علی الناس> بیانگر مطلب یاد شده است.

ترس قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت

گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی (ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

تشویق قارون به انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۵

۵ - قوم قارون ، وی را بر حسن استفاده از ثروت خدادادی خویش و به کار گرفتن آن در راه آبادسازی سرای آخرت ترغیب کردند .

و ابتغ فيما آتیک الله الدار الآخره

تعجب از هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۴

۴ - آرزوکنندگان ثروت قارونی ، با مشاهده فرورفتن وی و خانه اش در زمین شگفت زده شدند .

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس يقولون ويكأن

واژه <وَيَؤَيَ> وقتی به کار می رود که شخص بخواهد شگفتی خود را از موضوعی بیان کند.

تفاخر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱،۵

۱ - اقدام قارون به خودنمایی و فخرفروشی بر قوم خویش

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <إلی قومه>، نشان می دهد که وی با انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

۵- رفتار تحقیرآمیز قاورن با مردم ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <علی الناس> بیانگر مطلب یاد شده است.

توجیه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۴

۴ - مؤثر دانستن دانش و ابتکار فردی در فزونی ثروت ،

توجیه قارون برای ترک انفاق و احسان نکردن خود

إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمَهُ .. و أَحْسَن ... قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلٰی عِلْمٍ عِنْدِي

از این که قارون در پاسخ به توصیه قومش به انفاق و احسان، گفت: این ثروت ها، ناشی از دانش و ابتکار من است؛ می توان استفاده کرد که او با این پاسخ، درصدد توجیه کار خود (ترک احسان) برآمده بود.

توصیه به قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - دستگیری از مردم و نیکی کردن به آنان ، توصیه دیگر قوم قارون به وی

و أحسن

تهمتهای قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۶

۶ - تهمت سحر و دروغ گویی به موسی (ع) ، از سوی فرعون ، هامان و قارون

فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَّابٌ

ثروت اندوزی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - قارون ، فردی افزون طلب و ناراضی به سهم خویش بود .

و لَاتَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا

ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۴،۵

۴ - قارون ، اندوخته های بسیاری داشت .

و ءاتينه من الكنوز ما إن مفاتحه لتنوأ بالعصبه أولى القوه

۵ - حمل کلید صندوق های گنج قارون ، کاری دشوار بود حتی برای جماعتی نیرومند .

إن مفاتحه لتنوأ بالعصبه أولى القوه

خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱

اقدام قارون به خودنمایی و فخرفروشی بر قوم خویش

فخر ج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <إلی قومه>، نشان می دهد که وی با انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

خوشبختی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۹

۹ - از دید دنیا طلبان، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخر ج علی قومه . . . قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است؛ یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

خویشاوندی قارون و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۸

۱۸ - <إنّ قارون کان من قوم موسی> ای کان من بنی اسرائیل ثمّ من سبط موسی و هو ابن خالته . . . روی ذلک عن أبی

عبدالله (ع)؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <إنّ قارون کان من قوم موسی> روایت شده که قارون از قوم بنی اسرائیل و از تیره موسی(ع) و پسر خاله آن حضرت بود.

خیرخواهان قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - قوم خیرخواه قارون، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصیبک من الدنیا

دنیاطلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - قارون ، فردی افزون طلب و ناراضی به سهم خویش

بود .

و لاتنس نصيبك من الدنيا

ذلت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۹

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما كان له من فته ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين

روش برخورد قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۵

۵ - رفتار تحقیرآمیز قارون با مردم ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <علی الناس> بیانگر مطلب یاد شده است.

روش مبارزه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۷

۷ - موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و شیوه مبارزه با موسی (ع)

فقالوا سحر کذاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۲، ۹، ۷

۷- کشتار فرزندان ذکور مؤمنان ، تنها راه پیشگیری از رواج آیین موسی ، در نگاه فرعون ، هامان و قارون

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که نخستین واکنش فرعون و .. در برابر ایمان آورندگان به موسی (ع)، قتل پسران آنان بود.

۹- زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحيوا نساءهم

۱۲- موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و

شیوه مبارزه با موسی (ع) و پیروان او

قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه و استحيوا نساءهم

زمینه ترک انفاق قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۴

۴ - مؤثر دانستن دانش و ابتکار فردی در فزونی ثروت ، توجیه قارون برای ترک انفاق و احسان نکردن خود

إذ قال له قومه .. و أحسن ... قال إنما أوتيته على علم عندی

از این که قارون در پاسخ به توصیه قومش به انفاق و احسان، گفت: این ثروت ها، ناشی از دانش و ابتکار من است؛ می توان استفاده کرد که او با این پاسخ، درصدد توجیه کار خود (ترک احسان) برآمده بود.

زمینه دنیاطلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذين يريدون الحيوة الدنيا .. إنه لذو حظّ عظیم

سختی حمل کلیدهای گنج قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۵

۵ - حمل کلید صندوق های گنج قارون ، کاری دشوار بود حتی برای جماعتی نیرومند .

إنّ مفاتحه لتنوّأ بالعصبه أُولی القوّه

سرزنش قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ - نکوهش قارون از سوی خدا ، به خاطر درس نگرفتن از فرجام شوم زراندوزان پیش از خود

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه

و أكثر جمعًا

سرشناسی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۵

۵ - قارون و فرعون و هامان ، چهره های سرشناس و پرنفوذ جامعه خود بودند .

و قرون و فرعون و همن و لقد جاءهم موسی بالبینت

با توجه به این که موسی(ع) پیامبری مبعوث شده از جانب خداوند برای توده های بنی اسرائیل بود، ذکر نام سه تن از میان آنان و یادآوری این که موسی(ع) با بینات، به سوی قارون و فرعون و هامان آمد، نشان می دهد که آنان چهره های سرشناس و صاحب نفوذی بوده اند.

شکست توطئه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه .. و ما کید الکفرین إلا فی ضلل

شهرت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی .. إلى فرعون و همن و قرون

طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - قارون ، عنصری متجاوز و طغیانگر بود .

إِنَّ قُرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ

<بَغَىٰ> (مصدر <بغى>) به معنای ظلم و تجاوز است.

۳ - رفتار ظالمانه و

تجاوز کارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إِنَّ قُرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ

ظلم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۳

۳ - رفتار ظالمانه و تجاوز کارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إِنَّ قُرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قارون ، فرد قدرتمند و زورمدار جامعه خویش بود .

من هو أشد منه قوه و أكثر جمعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۹، ۱۴

۱۴ - هلاکت قوم عاد و ثمود و قارون و هامان و فرعون با عذاب های الهی ، نتیجه ظلمی بود که خود ، در حق خود ، روا داشتند .

فكلاً أخذنا بذنبه . . . و ما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا أنفسهم يظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فكلاً أخذنا بذنبه . . . ولكن كانوا أنفسهم يظلمون

عبرت از فرجام شوم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - فرجام شوم قارون ، درس عبرتی است برای همه ثروتمندان مغرور و طغیانگر .

إِنَّ قَارُونَ .. فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ... فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ

عبرت از قصه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين كانوا من قبلهم .. فأخذهم ال

عبرت از هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۶

۶ - فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است، یعنی، <الذين تمنّوا مكاناً مثل مکانه> آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. <..>.

عبرت ناپذیری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ - نکوهش قارون از سوی خدا ، به خاطر درس نگرفتن از فرجام شوم زراندوزان پیش از خود

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه و أكثر جمعا

عجز قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۹

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت

۸- قارون و فرعون و هامان ، هیچ گاه ، نتوانستند بر اراده و قضای خدا ، پیشی گیرند .

و قرون و فرعون و همن ... و ما كانوا سبقین

به قرینه آیات پیش که درباره عذاب اقوام مکذّب انبیا است و نیز آیه بعد که درباره عقوبت قارون و فرعون و هامان است سبقت نگرفتن آنان، سبقت نگرفتن بر امر و قضای الهی در عذاب مکذبان است.

عذاب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۳۸

۳- درهم کوبیده شدن قارون و فرعون و هامان و اقوام عاد و ثمود ، به اراده و عذاب الهی بود .

فَكَالًا أَخَذْنَا بَذَنبِهِ

۸- برخی از مکذبان انبیا (قارون) ، در کام زمین فرو رفتند و نابود گردیدند .

و قرون ... فَكَالًا أَخَذْنَا بَذَنبِهِ ... و منهم من خسفنا به الأرض

عقیده قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۲

۲- اعتقاد قارون به نقش تعیین کننده دانش و ابتکار در دستیابی انسان به مال و ثروت و نه لطف و احسان خداوند

إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ .. أَحْسَنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ... قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي

عوامل تکبر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۹

۹ - شادمانی مغرورانہ قارون بہ خاطر ثروت افسانہ ای خویش

و ءاتینہ من الکنوز .. إذ قال له قومہ لاتفرح

عوامل سرور قارون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۹

۹ - شادمانی مغرورانه قارون به خاطر ثروت افسانه ای خویش

و ءاتینه من الكنوز .. إذ قال له قومه لاتفرح

عوامل طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۶

۶ - ثروت افسانه ای قارون ، موجب طغیان وی علیه ملت خود گردید .

و ءاتینه من الكنوز

بازگو کردن ثروت فراوان قارون، پس از معرفی وی به عنوان فردی متجاوز و طغیانگر، می تواند توضیح دهنده علیت این طغیان و تجاوز باشد.

عوامل هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۲

۲ - هلاکت قارون ، بازتاب طغیان و رفتار ظالمانه وی با مردم خویش بود .

إن قرون كان من قوم موسى فبغى عليهم .. فحسفنا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریح <فحسفنا> بر <فبغى عليهم> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ويكأنه لا يفلح الكفرون

فرجام شوم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۵،۱۷

۵ - پشيمان شدن دنياطلبان غافل از سخنان نسنجیده روز پيش خویش با دیدن فرجام شوم قارون

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس يقولون ويكأن الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

برخی

از مفسران واژه <وَي> را کلمه <تندم> گرفته و گفته اند: این واژه در مقام اظهار پشیمانی به کار می رود.

۱۷ - ثروت اندوزان قارون صفت و ناسپاس ، در معرض گرفتار شدن به فرجام شوم قارون

فخسفنا به و بداره الأرض .. ویکائنه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم .. فأخذهم ال

فرجام قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - اعتراف آرزوکنندگان ثروت قارونی به لطف و رحمت خداوند در حق ایشان ، به خاطر گرفتار نساختن آنان به سرنوشت قارون (فرو بردن آنان در زمین)

لولا أن منّ الله علينا لخشف بنا

فروروی قارون در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۱

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرو رفتن قارون> هنگام شب رخ داد، یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی

در کام زمین فرو رفت. جمله <ما كان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

۶ - تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه

۷ - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما كان له من فئه .. من دون الله

<من دون الله> استثنا از <من فئه> است ؛ یعنی ، در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

۸ - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما كان من المنتصرين

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين

۱۱ - < عن النبي (ص) : ... إن قارون أول من اختال فخسف الله به و بداره الأرض ؛

از نبی اکرم(ص) روایت شده است: .. قارون اولین کسی بود که تکبر ورزید ؛ پس خدا او و خانه اش را در زمین فرو برد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض .. ویکانه لا یفلح الکفرون

قارون از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱

۱ - قارون ، از قوم موسی (از تبار بنی اسرائیل) بود .

إِنَّ قُرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى

قارون در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۷

۷ - قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قُرُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَمَانَ ... فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ

قتلهای قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۵

۵ - فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

قدرت طلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قارون ، فرد قدرتمند و زورمدار جامعه خویش بود .

مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ جَمْعًا

قدرت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی . . . إلى فرعون و همین و قرون

قساوت قلب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - قارون ، فردی سنگ دل و بی رحم بود .

إذ قال له قومه لا تفرح

از این که قارون علیه ملت و

مردم هم نژاد خود دست به ظلم و تجاوز زد، می تواند به سنگ دلی و بی رحمی او پی برد.

قصه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۴

۴ - قارون ، اندوخته های بسیاری داشت .

و ءاتينه من الكنوز ما إن مفاتحه لتنوأ بالعصبه أولى القوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۸۹، ۶، ۵، ۱

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما كان له من فئه ينصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرو رفتن قارون> هنگام شب رخ داد؛ یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی در کام زمین فرو رفت. جمله <ما كان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

۶ - تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه

۸ - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما كان من المنتصرين

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن

فما كان له من فته ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۶، ۱۲، ۶، ۴، ۳، ۱

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

۳ - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج على قومه في زينته .. فحسفنا به ... و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - آرزوکنندگان ثروت قارونی ، با مشاهده فرورفتن وی و خانه اش در زمین شگفت زده شدند .

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس يقولون ويكأن

واژه <وَوَيْ> وقتی به کار می رود که شخص بخواهد شگفتی خود را از موضوعی بیان کند.

۶ - فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس يقولون ويكأن الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

کلمه <مكانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مكاناً> است؛ یعنی، <الذين تمنوا مكاناً مثل مكانه> آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. <..>.

۱۲ - آگاهی دل باختگان دنیا به عاقبت شوم دنیاطلبی ، پس از مشاهده نگون بختی قارون

لولا أن من الله علينا لخسف بنا

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل

هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ویکائنه لایفلح الکفرون

کفر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذاب . . . و ما کید الکفرین إلا فی ضلل

کیفر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلاً أخذنا بذنبه

گناه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱، ۱۸، ۱۹

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلاً أخذنا بذنبه

۱۸ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، مردمانی گناه پیشه بودند .

فکلاً أخذنا بذنبه . . . و ما کان الله لیظلمهم و لکن کانوا أنفسم یظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداوم به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فكلاً أخذنا بذنبه . . . ولكن كانوا أنفسهم يظلمون

گواهان هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۷

۷ - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما كان له من فئه . . . من دون الله

<من دون الله> استثنا از <من فئه> است ؛ یعنی ،

در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

لذا ید قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۹

۹ - از دید دنیا طلبان، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخر ج علی قومه . . . قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است، یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

منشأ ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۳،۴

۳ - قارون، مدعی بهره مندی از دانش و خلاقیت ویژه برای تحصیل ثروت بود .

قال إنما أوتيته علی علم عندی

۴ - مؤثر دانستن دانش و ابتکار فردی در فزونی ثروت، توجیه قارون برای ترک انفاق و احسان نکردن خود

إذ قال له قومه . . . و أحسن ... قال إنما أوتيته علی علم عندی

از این که قارون در پاسخ به توصیه قومش به انفاق و احسان، گفت: این ثروت ها، ناشی از دانش و ابتکار من است، می توان استفاده کرد که او با این پاسخ، در صدد توجیه کار خود (ترک احسان) برآمده بود.

موانع سعادت اخروی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۴

۴ - دل بستگی شدید قارون به اندوخته های خویش، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود .

و ابتغ فيما ءاتيك الله الدار الأخره

موسى (ع) و قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ -

۱ - فرعون ، هامان و قارون ، در قلمرو رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی .. إلى فرعون و همین و قرون

موعظه به قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - اقدام قوم قارون (بنی اسرائیل) به نصیحت کردن و برحذر داشتن وی از شادمانی و غرور بی جا

إذ قال له قومه لا تفرح

۱۳ - رفتار ناصحانه قوم قارون با وی ، امری شایان توجه و یادآوری است .

إذ قال له قومه لا تفرح

<إذ> در محل نصب و مفعول برای فعل محذوف است؛ یعنی، <اذكروا إذ قال له قومه..>.

نابودی خانه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

نژاد قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۳، ۱۸، ۱

۱ - قارون ، از قوم موسی (از تبار بنی اسرائیل) بود .

إِنَّ قَرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى

۳- رفتار ظالمانه و تجاوز کارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إِنَّ قَرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ

۱۸- > إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى < أَى كَانَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ثُمَّ مِنْ سَبَطِ مُوسَى وَهُوَ ابْنُ خَالَتِهِ . . . روى ذلك عن أبى
عبدالله (ع) ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: >إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ

قوم موسی < روایت شده که قارون از قوم بنی اسرائیل و از تیره موسی (ع) و پسرخاله آن حضرت بود >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۵

۵ - رفتار تحقیرآمیز قارون با مردم ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

فخر ج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <علی الناس> بیانگر مطلب یاد شده است.

نفوذ اجتماعی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۵

۵ - قارون و فرعون و هامان ، چهره های سرشناس و پرنفوذ جامعه خود بودند .

و قرون و فرعون و همن و لقد جاءهم موسی بالبینت

با توجه به این که موسی (ع) پیامبری مبعوث شده از جانب خداوند برای توده های بنی اسرائیل بود، ذکر نام سه تن از میان آنان و یادآوری این که موسی (ع) با بینات، به سوی قارون و فرعون و هامان آمد، نشان می دهد که آنان چهره های سرشناس و صاحب نفوذی بوده اند.

نقش قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۳،۴

۳ - فرعون ، هامان و قارون ، در اختیار دارنده همه امکانات اجتماعی (اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی) و مانع اصلی بر سر راه هدایت مردم

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و اثارًا .. و لقد أرسلنا موسی ... إلی فرعون و همن و

برداشت یاد شده از آن جااست که این آیه، در صدد بیان نمونه و مصداقی از مردمی است که قدرت سیاسی و اقتصادی فزون

اسلام داشتند و مانع تبلیغ و رسالت پیامبر الهی بودند.

۴ - نقش کلیدی و کارساز هامان و قارون ، در دستگاه حکومتی فرعون

إلى فرعون و همن و قرون

یاد شدن هامان و قارون در کنار فرعون (بدون ذکر دیگر اقشار جامعه)، حاکی از مطلب یاد شده است.

وقت هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱،۳

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

۳ - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج على قومه في زينته .. فحسفنا به ... و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

هلاکت شبانه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۳

۳ - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج على قومه في زينته .. فحسفنا به ... و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۱

۱ - قارون و فرعون و هامان ، سه شخصیت هلاک شده با عذاب الهی اند .

و قرون و فرعون و هم

<قارون> عطف بر <عاداً> است . <عاداً> مفعول فعل مقدر (أهلکنا) است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۱،۱۴،۱۵

۱۱ - نابود کردن قوم عاد و ثمود با طوفان و صدای مهیب و نیز هلاکت قارون و فرعون و هامان با فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، نشانه پیشی داشتن قضای الهی بر هر قدرتی است .

و قرون و فرعون و هم ... و ما كانوا سبقين . فكلاً أخذنا بذنبه فمنهم

۱۴ - هلاکت قوم عاد و ثمود و قارون و هامان و فرعون با عذاب های الهی ، نتیجه ظلمی بود که خود ، در حق خود ، روا داشتند .

فكلاً أخذنا بذنبه ... و ما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا أنفسهم يظلمون

۱۵ - آنچه خداوند با اقوام عاد و ثمود و نیز با قارون و فرعون و هامان کرد ، ظلم خدا به آنان نبود .

فكلاً أخذنا بذنبه ... و ما كان الله ليظلمهم

هماهنگی فرعون با قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۷

۷ - موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و شیوه مبارزه با موسی (ع)

فقالوا سحر كذاب

قاضی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قاضي

آستغفار قاضي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - نساء - ٤ - ١٠٦ - ٣

٣ قاضي بايد همواره

به درگاه خداوند استغفار کند .

لتحكم بين الناس . . . و استغفر الله

اختیارات قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۹، ۷

۷ داوران تحکیم ، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها

کلمه <حَکَمَ> بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت زن و شوهر است، حکم کند.

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر ، در گرو تفویض اختیار داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: ليس للحکمین ان یفرقا حتی . . . و یشرطا علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

اطمینان قاضی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن

که دیدن و مشاهده کردن را می‌طلبد - برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

اهمیت ترکیه قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - لزوم مبارزه با هوای نفس ، برای رهبران و داوران جامعه الهی

یداود إنا جعلنك خليفه في الأرض فاحكم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى

اهمیت زیرکی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۹

۹ ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران ، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم

قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

بهترین قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند ، برترین حکم کننده و بهترین داور است .

و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۲

۳۲ خداوند برترین حاکم و فیصله دهنده درگیری ها و کشمکش های طرفداران حق و باطل

و أنت خير الفتحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷- يونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۱۰

۱۰ خداوند ، بهترين حاکم و داور است .

و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸- يوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، بهترين داور و حکم کننده است .

و

هو خير الحكمين

تزکیه قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۶ - ۲

۲ ضرورت نیایش قاضیان به درگاه خداوند ، برای دوری نفس آنان از تمایل به خیانتکاران

و لا تکن للخائنین خصیماً. و استغفر الله

تعلیم قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۲، ۱۳

۱۲ متصدیان امر قضا ، وظیفه دار فراگیری دانش قضا و علوم مربوط به آن

لتحکم بین الناس بما اریک الله

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله

ظاهراً مراد از <ما اریک> ، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

حکم قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ خداوند ، شنوای احکام صادره از سوی قاضیان و حاکمان

و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل .. ان الله کان سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۴۸

۴ احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل الله فيه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیحکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی بر اساس انجیل صادر می کنند.

۸ قوانین

حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

حکم قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر ، در گرو تفویض اختیار داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس لل حکمین ان یفرقا حتی .. و یشرطا علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

۲۰ نفوذ حکم دو داور برگزیده بر جدایی زن و شوهر ، در گرو توافق هر دو داور بر آن حکم است .

فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از نفوذ حکم یکی از حکمین به جدایی زن و شوهر فرمود: لا یكون تفریق حتی یجتمعاً جمیعاً علی التفریق فاذا اجتمعاً علی التفریق جاز تفریقهما.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۷، ح ۴ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۵.

حکم قاضی مسیحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۵

۵ احکام قاضیان مسیحی تنها در بین همکیشان آنان دارای اعتبار است . *

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

عنوان <اهل الانجيل >

می تواند بیانگر محدوده اعتبار و نفوذ داوریهای مستند به انجیل باشد.

خائنان و قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۵

۵ خطر بهره برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحكم بين الناس .. و لاتجدل عن الذين يختانون انفسهم

رشوه به قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۳،۴

۳ - پرداخت رشوه به قاضیان ، ناروا و حرام است .

و تدلوا بها إلى الحكام

<تدلوا> عطف بر <تأكلوا> است و لذا مجزوم به <لا>ی ناهیه می باشد یعنی: و لاتدلوا . . ادلاء (مصدر تدلوا) به معنای فرستادن دلو در چاه است و در آیه کنایه از وسیله قرار دادن می باشد. بنابراین <تدلوا بها ...> یعنی، به قاضیان اموالی را نپردازید تا بدین وسیله به اموال مردم چنگ اندازی کنید. گفتنی است که به دست آوردن مال خصوصیتی ندارد و لذا می توان حرمت رشوه را در همه مواردی که حقی ضایع شود استفاده کرد. کلمه <بالأثم> مؤید این حقیقت است.

۴ - پرداخت رشوه به قضات ، به منظور دستیابی به اموال دیگران ، از جمله اسباب باطل برای تحصیل مال است .

و لاتأكلوا أموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها إلى الحكام لتأكلوا فريقاً من أموال الن

جمله <و تدلوا بها ..> عطف خاص بر عام است و لذا بیانگر مصداق بارزی از تصرف اموال دیگران با اسباب باطل می باشد. نیابردن <لا>ی ناهیه در <تدلوا> مؤید این معناست.

رشوه به قاضی جور

جلد - نام سوره -

۱۸ - حسن بن علی بن فضال می گوید: > قرأت فی کتاب ابی الأسد إلى ابی الحسن الثانی (ع) و قرأته بخطه سأله ما تفسیر قوله تعالی > و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلى الحکام < قال: فکتب إليه بخطه الحکام القضاء قال: ثم کتب تحته: هو أن یعلم الرجل انه ظالم فيحکم له القاضی فهو غیر معذور فی أخذه ذلك الذي حکم له إذا كان قد علم انه ظالم ;

در نامه ای که ابی الأسد به امام رضا(ع) نوشته بود و من خط او را خواندم، از امام (ع) سؤال کرده بود: تفسیر سخن خداوند > و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلى الحکام < چیست؟ امام باخط خود نوشت: مراد از حکام، قضات هستند. امام در زیر نامه او نیز نوشته بود: مراد آن است که شخص بداند ظالم است و قاضی به نفع او حکم کند. او در گرفتن این مال معذور نیست اگر بداند ظالم است <.

رشوه خواری قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تزییع حقوق مردم

و تدلوا بها إلى الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالأثم

زمینه هواپرستی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای

يداود إنا جعلنك خليفه في الأرض فاحكم بين الناس بالحق و لا تتبع الهوى

زیرکی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۶

۶ ضرورت هوشیاری قاضی در برابر نیرنگ ها و صحنه سازیها

لتحكم بين الناس . . . و لا تجدل عن الذين يختانون انفسهم

شرایط قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس بما اريك الله

ظاهراً مراد از <ما اريك>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۷

۴۷ آگاهی به احکام و مقررات الهی ، معیار صلاحیت داوران و حاکمان

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

عدالت قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، شخصی فرزانه، کاردان و عادل بود.

و شهد شاهد... و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد، و از آن جایی که حق را، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

علم قاضی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ حاکم نمی تواند به استناد علم خویش زن زناکار و همجنس باز را کیفر دهد . *

و التي يأتين الفاحشه .. فان شهدوا

مفهوم جمله <فان شهدوا> این است که در صورت نبودن چهار شاهد، کیفری (حبس ابد) نخواهد بود؛ هر چند حاکم به آن علم پیدا کند؛ زیرا غالباً حاکم با شهادت دو یا سه نفر شاهد عادل هم علم پیدا می کند.

عوامل لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هواهای نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع اهواءهم

فضایل قاضی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، شخصی فرزانه، کاردان و عادل بود.

و شهد شاهد .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد، و از آن جایی که حق را، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

قاضی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، علی رغم خویشی او با زلیخا، بی

طرفی کامل را رعایت کرد، و قضاوتی بر حق ارائه نمود.

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، پیش از اظهار نظر خویش، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد.

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست.

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست.

و إن كان ... و هو من الصديقين

قاضی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۶

۱۶ - خداوند، داور و حاکم در صحنه قیامت است.

فأله يحكم بينهم يوم القيمة

قضاوت قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۸

۸ صدور حکم قاضی، موجب تغییر حق و واقع نخواهد شد.

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم في الحيوه الدنيا فمن يجدل الله عنهم في يوم القيمه

از اينكه خداوند مي فرمايد: بر فرض كه در دنيا با دفاع ناحق ظالم را تبرئه كرديد، در قيامت چه خواهيد كرد،

معلوم می شود حکم قاضی ایجاد حق نمی کند و واقع را تغییر نمی دهد.

کاردانی قاضی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، شخصی فرزانه، کاردان و عادل بود.

و شهد شاهد... و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد، و از آن جایی که حق را، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ هواهای نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها، لغزشگاهی بس خطرناک برای حاکم و قاضی

فاحکم... و لاتتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

لغزشگاه قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - پیروی از هوای نفس، مهم ترین خطر تهدید کننده قاضیان و داوران

فاحکم بین الناس بالحق و لاتتبع الهوی

مسئولیت قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ لزوم نظارت حاکم (قاضی) بر اجرای مقررات طلاق خُلَع *

فان خفتم الا یقیما حدود الله فلا جناح علیهما

بنابراینکه <خفتم>، خطاب به حُکام باشد؛ چنانچه آلوسی نظر داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ متصدیان امر قضا، وظیفه دار فراگیری دانش قضا و علوم مربوط به آن

لتحکم بین الناس بما اریک الله

۱۶ قاضی و دستگاه قضایی نباید در مسیر حمایت از خائنان قرار گیرد.

و لاتکن للخائنین خصیماً

<خصیم> به کسی گفته می شود که از ادعایی طرفداری می کند، و مراد از <خائنین>، به قرینه <لتحکم بین الناس>، کسانی هستند که در محضر قاضی مدعی امر باطل هستند و حق با طرف مقابل آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۶ - ۲،۳،۴

۲ ضرورت نیایش قاضیان به درگاه خداوند، برای دوری نفس آنان از تمایل به خیانتکاران

و لاتکن للخائنین خصیماً. و استغفر الله

۳ قاضی باید همواره به درگاه خداوند استغفار کند.

لتحکم بین الناس .. و استغفر الله

۴ لزوم توجه متصدیان قضاوت به نظارت الهی بر اعمال آنان

لتحکم بین الناس .. و استغفر الله

فرمان خدا به <استغفار>، پس از بیان مبانی قضاوت، گویای این نکته است که در نظام قضایی اسلام توجه به خدا و ناظر دانستن وی از ضروریات و آمیخته با انجام وظیفه خطیر قضاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۶

۶ ضرورت هوشیاری قاضی در برابر نیرنگ ها و صحنه سازیها

لتحکم بین الناس .. و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۶

۳۶ مسؤلان قضایی و عالمان دینی ، در خطر دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لاتشتروا بایتی

ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - لزوم مبارزه با هوای نفس ، برای رهبران و داوران جامعه الهی

يداود انا جعلتك خليفه في الأرض فاحكم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى

نقش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ - نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

ولا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها إلى الحكام . . . و أنتم تعلمون

نقش قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۲۲، ۲۱

۲۱ حاکم ، وظیفه دار برگزیدن دو داور برای حل اختلاف میان زن و شوهر

فابعثوا حكماً

از ائمه معصومین (ع) در مورد تعیین مخاطب آیه فوق آمده است: هو السلطان الذي يترافعان اليه.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۹۲؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۰.

۲۲ جواز برگزیدن داور برای حل تمامی مسائل مورد اختلاف در جامعه

فابعثوا حكماً من اهله

امام باقر (ع) در پاسخ اعتراضی که از خوارج در مورد پذیرش حکمیت توسط حضرت علی (ع) مطرح بود و به عنوان اقامه دلیل بر جواز نصب حکم فرمود: حکم الله تعالی فی شریعه نبیه رجلین من خلقه فقال جلّ اسمه: فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلها . . .

احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۹، ح ۲۳۹.

هشدار به قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۵

۵ خطر بهره

برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحكم بين الناس . . . و لاتجدل عن الذين يخطنون انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۴

۴ دسیسه ها و صحنه سازی های خائنان ، خطری در جهت به انحراف کشیدن دستگاه قضایی

لتحكم بين الناس بما اريكم الله . . . لهمت طائفه منهم ان يضلوك

آیه شریفه در حقیقت توصیه ای است به قاضیان که همواره مراقب توطئه گران و دسیسه بازان باشند تا مبدا آنان را به انحراف و خلاف حق بکشانند؛ چنانچه نسبت به پیامبر(ص) در قصه طعمه بن ابی ایبرق چنین پنداری را داشتند.

هواپرستی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - پیروی از هوای نفس ، مهم ترین خطر تهدید کننده قاضیان و داوران

فاحکم بين الناس بالحق و لاتتبع الهوى

قاضی تحکیم

{قاضی تحکیم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ لزوم گزینش و فرستادن دو داور از خانواده زن و شوهر برای حلّ اختلاف بین آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۶ ضرورت اطاعت زن و شوهر از نظر و پیشنهاد داوران تحکیم در

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

اگر تبعیت از داوران لازم نبود، موقوف کردن حل اختلاف به آنان لغو بود. علاوه بر اینکه انتخاب کلمه <حکم> به معنای حاکم، بیانگر لزوم تبعیت است.

۸ قصد قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در <یریدا> حکمین باشد و ضمیر در <بینهما> به زن و شوهر برگردد.

۹ نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما

۱۰ قصد اصلاح از سوی زن و شوهر، موجب موفقیت قاضیان تحکیم در حل اختلافات آنان است.

و ان خفتم شقاق بینهما... ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما

بنابر اینکه ضمیر در <یریدا> به زن و شوهر برگردد و ضمیر در <بینهما> به حکمین.

۱۴ ترغیب قاضیان تحکیم به اراده اصلاح بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما

اختیارات قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۹، ۷

۷ داوران تحکیم، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

کلمه <حکم> بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت زن و شوهر است، حکم کند.

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر، در گرو تفویض اختیار

داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلہا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس للحکمین ان یفرقا حتی .. و یشرطا علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

حکم قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر، در گرو تفویض اختیار داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلہا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس للحکمین ان یفرقا حتی .. و یشرطا علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

۲۰ نفوذ حکم دو داور برگزیده بر جدایی زن و شوهر، در گرو توافق هر دو داور بر آن حکم است.

فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلہا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از نفوذ حکم یکی از حکمین به جدایی زن و شوهر فرمود: لا یکون تفریق حتی یجتمعاً جمعاً علی التفریق فاذا اجتمعاً علی التفریق جاز تفریقهما.

كافى، ج ٦، ص ١٤٧، ح ٤؛ نورالثقلين، ج ١، ص

نقش قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۲۲، ۲۱

۲۱ حاکم، وظیفه دار برگزیدن دو داور برای حل اختلاف میان زن و شوهر

فابعثوا حکماً

از ائمه معصومین (ع) در مورد تعیین مخاطب آیه فوق آمده است: هو السلطان الذی یترافعان الیه.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۹۲؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۰.

۲۲ جواز برگزیدن داور برای حل تمامی مسائل مورد اختلاف در جامعه

فابعثوا حکماً من اهله

امام باقر (ع) در پاسخ اعتراضی که از خوارج در مورد پذیرش حکمیت توسط حضرت علی (ع) مطرح بود و به عنوان اقامه دلیل بر جواز نصب حکم فرمود: حکم الله تعالی فی شریعه نبیه رجلین من خلقه فقال جلّ اسمه: فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهله... .

احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۹، ح ۲۳۹.

قانون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قانون

آثار قانون الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۹

۹ احکام و قوانین الهی ، در جهت منافع و مصالح واقعی انسانهاست .

انفروا ... و جهدوا ... ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

آثار قانون جاهلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ قوانین و مقررات غیر متکی بر علم، زیان آور خواهد بود.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغير علم

وصف <بغیر> بیان ریشه و سبب اصلی کارهای جاهلانه مشرکان است و به همین جهت که سبب بیان گردید، قابل تعمیم است. یعنی هر قانون

و رسمی که مبتنی بر علم نباشد، زیان در پی خواهد داشت.

اجرای قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۲

۱۲ مسؤولیت جامعه در نظارت بر اجرای قوانین

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

اهمیت احترام به قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۷

۱۷ لزوم احترام و مراعات قوانین حتی در نظام های غیر الهی

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلاّ أن یشاء الله

اهمیت رعایت قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۷

۱۷ لزوم احترام و مراعات قوانین حتی در نظام های غیر الهی

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلاّ أن یشاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جويا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال یابلیس ما لک ألاّ تكون مع السجدین

از اینکه خداوند، از ابلیس جویای انگیزه وی برای تمردش شد با اینکه بدون آن هم می توانست او را کیفر بدهد می تواند
مشعر به نکته فوق باشد.

اهمیت قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۳

۲۳ ضرورت قانون و حکومت ، برای جامعه انسانی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

بهترین قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۶، ۱۷، ۱۲

۱۲ احکام و

قوانین آن ، بهترین قانون و نیکوترین حکم

و من احسن من الله حكماً

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من الله حكماً لقوم یوقنون

۱۷ ناباوری به منزلت برتر احکام الهی بر سایر قوانین ، برخاسته از کوتاه فکری و ناتوانی اندیشه

و من احسن من الله حكماً لقوم یوقنون

ایقان، به معنای فهمیدن از روی تدبر و تحقیق است.

پرسش از انگیزه قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۳

۳ - جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال یابلیس ما منعك أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش از قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال یابلیس ما لك ألا تكون مع السجدين

از اینکه خداوند، از ابلیس جویای انگیزه وی برای تمردش شد با اینکه بدون آن هم می توانست او را کیفر بدهد می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

تبصره قانون قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۶

۶ - قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

ولکم

فی القصاص حیوه یا ولی الألب

تبعیت از قوانین غیر دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸،۲۰

۱۸ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

۲۰ - پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از جانب خداست .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۷

۱۷ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی - با وجود قوانین الهی - ظلم است .

لئن اتبعت أهواءهم من بعد جاءك من العلم إنک إذا لمن الظلمین

تبیین فلسفه قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۹

۹ - بیان فلسفه قوانین از سوی قانون گذاران امری شایسته و نیکوست . *

کتب علیکم الصیام . . . لعلکم تتقون

تعصب به قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ وابستگی و تعصب یهود، نسبت به قوانین اجتماعی و دینی خویش

و لَاحِلٌ لَّكُمْ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ

امر به تقوا و اطاعت پس از عنوان کردن تغییر برخی احکام، بیانگر انتظار جبهه گیری و تعصب

یهود در قبال احکام جدید است.

حاکمیت اخروی قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أیّان یوم الدّین

<دین> به معنای جزا و <یوم الدّین> به معنای روز جزا است.

روش اجرای قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۷

۱۷ لزوم توجه به عواطف و ارج نهادن به روحيات مردم ، در اعمال قوانین اجتماعی و دینی

خذ من أموالهم صدقه .. و صل علیهم إن صلوتک سکن لهم

زمینه اجرای قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۴

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن .. و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

سرزنش قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۸

۲۸ اسراف و قانونشکنی ، با وجود تعالیم انبیا ، بسی ناروا و ناپسند

ثم ان كثيراً منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون

شرایط پیروی از قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۸

۸ معارف و قوانینی ، شایسته و بایسته پذیرش و پیروی است که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشد .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم

شرایط مجریان قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۵

۵ - آگاهی کامل و دقیق ، شرط لازم برای قانون گذاران و مجریان آن

لاتنفع الشفعه إلا من أذن له ... يعلم ما بين أيديهم و ما خلفهم

عطف قانون به ما سبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۶

۲۶ - قوانین و مقررات ، شامل زمان های پیش از جعل و اعلام رسمیت آن نخواهد شد .

و ما كان الله ليضيع إيمانكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۸

۲۸ - قوانین و مقررات ، شامل زمان های پیش از وضع و اعلام رسمیت آن نخواهد شد .

فمن اعتدى بعد ذلك

برداشت فوق بر این اساس است که مشارالیه <ذلك> زمان نزول آیه قصاص و ابلاغ احکام مطرح شده در آن، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۹

۹ - قانون عطف به ماسبق نمی شود .

و إنهم ليقولون منكرًا من القول و زورًا و إن الله لعفوٌ غفور

فلسفه قوانین اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ بنای اسلام بر جذب هر چه بیشتر انسان ها و متمایل ساختن دل ها به دین حق است .

إنما الصدقات للفقراء .. و المؤلفه قلوبهم

قانون شکنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبران شان

، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبينت ثم ان كثيراً منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <فی الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۲،۷

۲ لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براهه من الله و رسوله إلى الذين عهدتم

۷ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذين عهدتم من المشركين

قوانین عالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظالمين

محدوده تأثیر قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۴

۴ جرم های سابق بر منع قانونی قابل مؤاخذه و مجازات ، در صورت دست نکشیدن مجرمان از آن جرم ، پس از منع قانونی

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا إذا ما اتقوا

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <اذ ما اتقوا ..> به قرینه آیه قبل شراب و قمار باشد بر این مبنای مفهوم جمله شرطیه <لا جناح

... اذا ما اتقوا > چنین می شود آنانکه از شراب و قمار پس از تحریم آن پرهیز نکنند بر شراب خواری و قماربازی سابقشان نیز مؤاخذه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۸

۱۸ قانون عطف بر ماسبق نمی شود . *

عفا الله عما سلف

محدوده قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۲ - ۵،۶

۵ ازدواجهایی که با همسر پدر قبل از بیان حرمت آن انجام شده ، باطل نیست .

و لا تنكحوا ما نکح اباؤکم من النساء الا ما قد سلف

۶ قانون ، عطف به ما سبق نمی شود .

و لا تنكحوا ما نکح اباؤکم من النساء الا ما قد سلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۳ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۶،۱۹،۲۵

۱۱ حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج ، شامل ازدواجهایی که قبل از نزول آیه انجام گرفته است ، نمی شود .

حرمت .. و ان تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف

۱۲ بطلان ازدواج های انجام شده با دو خواهر با نزول آیه < حرمت .. الا ما قد سلف > و صحت آنها تا قبل از نزول آن

و ان تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف

چون حرمت ازدواج با دو خواهر و دیگر محارم ناظر به بطلان آنها نیز می باشد، می توان گفت مراد از استثناء < الا ما قد سلف > این معناست که آنچه در گذشته (قبل از نزول آیه) انجام شده، محکوم به صحت است،

ولی از این به بعد حکم به بطلان آن می شود.

۱۳ جواز تداوم زندگی زناشویی با دو خواهر ، در صورتی که ازدواج با آنان قبل از نزول آیه < ان تجمعوا ... > صورت گرفته باشد . *

ألا ما قد سلف

تحریم در < حرمت .. ان تجمعوا > ناظر به حال و آینده است ؛ چون افعال گذشته را نمی توان تحریم کرد. بنابراین استثناء، یعنی < ألا ما قد سلف >، بیان حلیت جمع بین دو خواهر در زمان حال و آینده می باشد به شرط اینکه ازدواج با آنها قبل از نزول آیه صورت گرفته باشد.

۱۴ حرمت ازدواج با محارم سببی ، نسبی و رضاعی ، شامل ازدوایجایی که قبل از نزول آیه < حرمت علیکم > انجام گرفته است ، نمی شود .

حرمت .. ألا ما قد سلف

بنابر اینکه جمله < ألا ما قد سلف > استثناء از تمامی محرمات ذکر شده در آیه باشد.

۱۶ قانون ، عطف به ما سبق نمی شود .

حرمت .. ألا ما قد سلف

۱۹ خداوند جبران کننده منقصت های ناشی از ازدواج با محارم در صورتی که آن ازدواج ها قبل از حکم به تحریم صورت گرفته باشد .

حرمت إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً

۲۵ مرد مسلمانی که پیش از اسلام آوردن ، همسر دو خواهر بوده ، موظف به طلاق یکی از آن دو ، بسته به انتخاب خویش ، می باشد .

و ان تجمعوا بین الاختین ألا ما قد سلف

رسول خدا (ص) به کسی که قبل از مسلمان شدن جمع بین دو خواهر در ازدواج کرده بود فرمود: طلق

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۷۵.

مراقبت از قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۶

۱۶ مسؤولیت جامعه ایمانی در مراقبت از قانون عده وفات

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم

مفهوم <فاذا بلغن ...> با توجه به خطاب در کلمه <علیکم> حاکی از مسؤولیت جامعه ایمانی در مورد جلوگیری از ازدواج زنان شوهر مُرده در زمان عده است.

ملاک بالندگی قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۶

۶ برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

ملاک عمل به قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۷

۷ - صرف از جانب خداوند بودن دستوری، برای عمل کردن، کافی است .

و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله

دعوت از قومی برای تبعیت از حکم و فرمانی، بی آن که دلیلی برای آن اقامه شود و صرفاً یادآوری گردد که از جانب خداوند است، حکایت می کند که از جانب خداوند بودن یک حکم، کافی است که انسان به آن عمل کند.

ملاکهای قوانین لازم‌الاتباع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و

لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظلمين

منابع قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۷

۷ کتاب آسمانی ، کتاب قانون و حکم

يُدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم

منشأ تشريع قانون الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۱۱

۱۱ احکام و قوانین خداوند ، نشأت یافته از علم گسترده او به مصالح و مفاسد و حقایق هستی

حتى يبين لهم ما يتقون إن الله بكل شيء عليم

جمله <إن الله بكل ..> در مقام تعلیل و بیانگر علت تبیین احکام از سوی خداوند باشد.

منشأ نسخ قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشريع احکام دين و نسخ آنها به دست خداوند و در اختيار اوست .

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها

منشأ وضع قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك فى السماء فلنولينك قبلة ترضيها

موانع قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۶

۱۶ تقوا، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم ... و اعلموا ان الله مع المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۲ - توجه و اعتقاد به شنوایی و دانایی خداوند ، بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحاً فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهنّ . . . و

جمله < و الله سمیع علیم > استینافیه تعلیلیه و در مقام تهدید زنانی است که احياناً بخوانند از حکم حجاب و عفاف سرپیچی کنند و یا از موارد استثنا، سوء استفاده کنند. از این رو آمدن چنین جمله ای و یادآوری صفت شنوایی و دانایی خداوند، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب بزرگ آن روز ، بازدارنده آدمی از هرگونه گناه و قانون شکنی است .

إِنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

نقش قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- وجود کتاب و رهنمود های مدون ، در هدایت و تعالی انسان ها دارای نقشی مهم و تعیین کننده است .

و ءاتینا موسی الکتب و جعلنه هدّی لبنی إسرءیل

<کتاب> در اصل به معنای صحیفه و حاوی نوشته هاست (مفردات راغب). یاد کرد از کتاب، برای هدایت، می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

ویژگی قانون بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ تعالیم و معارف تدوین شده توسط بشر ، همواره قرین اختلافات و تضاد های بسیار است .

و لو کان

من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

مراد، تعالیم و معارف انبوهی است که در شرایطی همچون شرایط قرآن تدوین می شود.

ویژگیهای قانون قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱،۲

۱ - قانون قصاص (کشتن قاتل) قانونی ثابت و لازم الاجرا در جامعه اسلامی است .

يا ايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص في القتلى

۲ - قانون قصاص اختصاص به فرد و یا گروه خاصی ندارد .

يا ايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص في القتلى

<قتلى> (جمع قتيل) به معنای کشته شدگان است و <ال> در <القتلى> جنس است و مفید استغراق می باشد.

ویژگیهای قوانین بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۲

۲ - قوانین بشری حق محض نبوده و همواره با اموری باطل ، آمیخته است .

الحق من ربك

برداشت فوق بر این مبناست که: <ال> در <الحق> همانند، زید الرجل برای استغراق خصایص افراد باشد، یعنی، آنچه تمام

ویژگیهای حق را داراست و به امری باطل آمیخته نیست، از ناحیه خداوند می باشد.

ویژگیهای قوانین دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۴

۱۴ - انعطاف پذیری احکام و قوانین دین و ملاحظه ضرورت ها در تشریح آن قوانین

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا اثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۲

۲۲ - انعطاف پذیری احکام الهی و تخفیف در تکالیف ، پرتوی از رحمت الهی است .

فمن عفی له من اخیه شیء

... ذلك تخفيف من ربكم ورحمه

قانون شکنان

{قانون شکنان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مانده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسالنا بالبينت ثم ان كثيرا منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <في الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

قانون شکنی

پرسش از انگیزه قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۳

۳ - جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال يا بليس ما منعك أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش از قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال يا بليس ما لك ألا تكون مع السجدين

از اینکه خداوند، از ابلیس جویای انگیزه وی برای تمردش شد با اینکه بدون آن هم می توانست او را کیفر بدهد می تواند
مشعر به نکته فوق باشد.

سرزنش قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۸ اسراف و قانونشکنی ، با وجود تعالیم انبیا ، بسی ناروا و ناپسند

ثم ان كثيراً منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون

قانون شکنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبينت ثم ان كثيراً منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <في الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

موانع قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۴

۴ - ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب بزرگ آن روز ، بازدارنده آدمی از هرگونه گناه و قانون شکنی است .

إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۶

۱۶ تقوا ، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعة حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم ... و اعلموا ان الله مع المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - توجه و اعتقاد به شنوایی و دانایی خداوند ، بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی است .

و القواعد من النساء اللّٰتی لا یرجون نکاحًا

فليس عليهن جناح أن يضعن ثيابهنّ . . . و

جمله <و الله سمیع علیم> استینافیه تعلیلیه و در مقام تهدید زنانی است که احياناً بخواهند از حکم حجاب و عفاف سرپیچی کنند و یا از موارد استثنا، سوء استفاده کنند. از این رو آمدن چنین جمله ای و یادآوری صفت شنوایی و دانایی خداوند، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

قانونگذار

شرایط قانونگذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۰

۲۰ مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه و مقررات برای انسانها

إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخره هم كفرون

قانونگذاران

شرایط قانونگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۵

۵ - آگاهی کامل و دقیق ، شرط لازم برای قانون گذاران و مجریان آن

لا تنتفع الشفعه إلا من أذن له . . . يعلم ما بين أيديهم و ما خلفهم

علم قانونگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۵

۵ - آگاهی کامل و دقیق ، شرط لازم برای قانون گذاران و مجریان آن

لا تنتفع الشفعه إلا من أذن له . . . يعلم ما بين أيديهم و ما خلفهم

قانونگذاران مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

مسئولیت قانونگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۹

۹ - بیان فلسفه قوانین از سوی قانون گذاران امری شایسته و نیکوست . *

کتب علیکم الصیام ... لعلکم تتقون

قانونگذاری

{قانونگذاری}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۰

۲۰ خداوند ، نخستین قانونگذار برای مردم

فبعث الله ... و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

فاء در <فبعث الله> می رساند که آنگاه که میان جوامع بشری اختلاف شد و در نتیجه نیاز به قانون پیدا کردند، خداوند کتاب (دربردارنده قانون) و پیامبر (اجراکننده قانون) را فرستاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۱۳

۱۳ قوانین و معارف موجود در کتاب های آسمانی ، متناسب با ساختار حقیقی انسان

الله لا اله الا هو الحي القيوم. نزل ... هو الذي يصوركم

قیومیت خدا و آفریدن انسان به گونه ای که او خواسته است و نیز علم مطلق او و نزول کتاب برای هدایت، بیانگر تناسب قوانین با ساختار انسانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ پذیرش تحلیل و تحریم (قانونگذاری) دیگران ، پذیرش آنان به عنوان ربّ است .

و لا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

پیامبر (ص) در پاسخ شخصی که می گفت: ما کُنَّا نَعْبُدُهُمْ، فرمود: اما كانوا يحلّون لكم و يحزّمون فتأخذون بقولهم؟ فقال: نعم، فقال النّبي (ص): هو ذاك.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۶۷.

اخلاص در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ معارف و قوانینی، شایسته و بایسته پذیرش و پیروی است که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشد.

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم

اهمیت قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۸

۸ ضرورت تدوین و تنظیم قوانینی در جهت سهم کردن واسطه های کارهای نیک و بد علاوه بر مباحثان در نتایج و پیامد های آن اعمال

من یشفع شفاعة حسنه .. و من یشفع شفاعة سیئه یکن له کفل منها

تبعیض در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ ضرورت پرهیز از تبعیضهای ناروا و جاهلانه در قوانین مربوط به زن و مرد

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا .. سیجزیهم و صفهم

حق قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریح احکام است.

إن الحكم إلا لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۴

۴- تشریح دین و قانون گذاری ، حق اختصاصی خداوند است .

و له الدین واصبًا

حکمت در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۶

۳۶ علم و حکمت ، دو

شرط ضروری در قانون گذاری

یوصیکم الله فی اولادکم .. ان الله کان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات .. ان الله کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حرمت .. و المحصنات ... و من لم یستطع ... و الله علیم حکیم

روش قانون گذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۸

۸ ضرورت تدوین و تنظیم قوانینی در جهت سهم کردن واسطه های کار های نیک و بد علاوه بر مباحثان در نتایج و پیامد های آن اعمال

من یشفع شفاعه حسنه .. و من یشفع شفاعه سیئه یکن له کفل منها

شرایط قانون گذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۴،۱۶

۱۴ - انعطاف پذیری احکام و قوانین دین و ملاحظه ضرورت ها در تشریح آن قوانین

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا اثم علیه

۱۶ - قانون گذاران باید به هنگام وضع قوانین ، حالت ضرورت را ملاحظه کرده و احکام ویژه ای برای آن وضع کنند .

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا

إثم عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱۸

۱۸ قانونگذار ، باید آگاه به مصالح و مفاسد واقعی انسان باشد .

کتب علیکم القتال .. و الله يعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۷

۱۷ تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان كان الذی علیه الحقّ .. فليملل وليه بالعدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۶

۳۶ علم و حکمت ، دو شرط ضروری در قانون گذاری

یوصیکم الله فی اولادکم .. ان الله کان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات .. ان الله کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۹ ضرورت توجه به نیازهای جنسی انسان‌ها در تنظیم قوانین و سیاست‌های مربوط به هدایت صحیح مناسبات جنسی آنها

ذَلِكْ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ

چون خداوند با توجه به گزینه جنسی انسانها ازدواج با کنیزان را تجویز کرده است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حَرَمَتْ . . . و المحصنات ... و من لم يستطع ... و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ لزوم رعایت تناسب قوانین با توان مردم

يريد الله ان يخفف عنكم و خلق الانسان ضعيفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ ضرورت توجه به قوانین تکوین و تشریح در جعل مقررات حاکم بر خانواده

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله .. و بما انفقوا

چون خداوند در توجیه جعل مدیریت برای مردان به دو جهت تصریح فرمود: یکی برتری مردان بر زنان، که یک مسأله تکوینی است و دیگری عهده دار بودن نفقه، که یک حکم تشریحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴۵

۴۵ لزوم ملاحظه و مراعات حالت اضطرار در قانونگذاری

فمن اضطر في مخصصه غير متجانف لاثم فإن الله غفور رحيم

ملاحظه حالت اضطرار و جعل احکامی ویژه از سوی خداوند بر اساس آن، می تواند درسی برای قانونگذاران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴۵ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گروهی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که

بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۹

۱۹ تشریح احکام در صلاحیت کسی است که دانای به عالم هستی باشد .

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس .. و إنّ الله بكلّ شيء عليم

خصوصیات تشریحی کعبه، ماههای حرام و قربانی و دیگر مناسک حج و حکمتهای بیان شده برای آنها، مایه آگاهی به علم گسترده خداوند دانسته شده است و این معنا در صورتی قابل تحقق است که تشریح چنین قوانین از غیر او بر نیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۶

۶ ضرورت پرهیز قانونگذاران از جعل مقرراتی که جامعه بدان پایبند نخواهد بود .

لا تسئلوا عن اشیاء .. قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۸

۸ - لزوم توجه به طاقت و توان مردم ، در قانون گذاری و تعیین تکلیف

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج

شرک در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ پذیرش تحلیل و تحریم (قانونگذاری) دیگران ، پذیرش آنان به عنوان ربّ است .

و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

پیامبر (ص) در پاسخ شخصی که می گفت: ما کُنَّا نعبدهم، فرمود: اما كانوا يحلّون لكم و يحزّمون فتأخذون بقولهم؟ فقال: نعم، فقال النّبي (ص): هو ذاك.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۶۷.

علم در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱۷، ۱۸

۱۷ نقش علم ، در کمال قانون

کتب علیکم ... و الله یعلم و انتم لا تعلمون

۱۸ قانونگذار ، باید آگاه به مصالح و مفساد واقعی انسان باشد .

کتب علیکم القتال ... و الله یعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۶

۳۶ علم و حکمت ، دو شرط ضروری در قانون گذاری

یوصیکم الله فی اولادکم .. ان الله کان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات ... ان الله کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حرمت .. و المحصنات ... و من لم يستطع ... و الله عليم حكيم

قانونگذاری حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۴

۴۴ قانونگذاری ، جز بر پایه مقررات و مفاهیم الهی ، حرام و کفر است .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جمله > و من لم يحكم .

>> علاوه بر مسأله قضاوت می تواند شامل هر نوع دستور و قانونی بشود.

قانونگذاری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۳

۳ خداوند تنها مرجع شایسته جعل و تشریح قوانین و احکام

لا تحرموا طیب ما احل الله لكم

قانونگذاری ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۶

۶- ذوالقرنین ، تصمیم گرفت که قوانین و مقررات اجتماعی سهل و قابل تحمّلی را برای مؤمنان وضع کند .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

<یسر> یعنی <آسانی> و <من أمرنا> یعنی: <از فرامینی که صادر می کنیم> ، لذا مفاد جمله <و سنقول...> آن است

که برای مؤمنان صالح، فرامینی صادر می کنیم که اجرای آن دشوار نباشد و شنیدن آن برای مؤمنان سنگین نیاید.

قانونگذاری و اضطرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴۵

۴۵ لزوم ملاحظه و مراعات حالت اضطرار در قانونگذاری

فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لائم فإن الله غفور رحیم

ملاحظه حالت اضطرار و جعل احکامی ویژه از سوی خداوند بر اساس آن، می تواند درسی برای قانونگذاران باشد.

مبانی قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۰

۴۴ قانونگذاری، جز بر پایه مقررات و مفاهیم الهی، حرام و کفر است.

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جمله <و من لم يحکم...> علاوه بر مسأله قضاوت می تواند شامل هر نوع دستور و قانونی بشود.

۴۵ نفوذ و اعتبار

قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

۴۶ ضرورت پذیرش قوانین و داوری های مستند به احکام الهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

لازمه وجوب قضاوت بر اساس احکام الهی، ضرورت پذیرش آنها از سوی طرفین نزاع و مشاجره است.

۵۰ خودداری از قانونگذاری بر پایه مقررات الهی ، کفر است . *

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۰

۲۰ خودداری از قانونگذاری بر پایه مقررات الهی ، ظلم است . *

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۱۱، ۷

۷ قانونگذاری ، جز بر پایه تعالیم و مقررات الهی ، در پی دارنده فسق و تباهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جمله <من لم يحكم...> علاوه بر مسأله قضاوت، می تواند شامل هر نوع دستور و قانونی باشد.

۱۱ خودداری از قانونگذاری بر اساس تعالیم الهی ، فسق است . *

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ تمامی قوانین و مقررات باید تنها بر پایه تعالیم قرآن تدوین و

تنظیم گردد .

و انزلنا اليك الكتب .. فاحكم بينهم بما أنزل الله

ملاک قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۴

۱۴ تقویت نشدن بنیه مالی دشمنان اسلام ، از ملاک های به کار گرفته شده در وضع قوانین حقوقی اسلام *

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

به نظر می رسد عدم لزوم پرداخت دیه به خانواده مقتول در فرض مذکور، برای این باشد که دشمنان اسلام از نظر مادی تقویت نشوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۶

۱۶ وجود ملاک در نوع اشخاص ، مصحح جعل قانون برای همه افراد است . *

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم .. و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

ملاک تحریم طیبات بر یهود، ستمگری و دیگر عناوین یاد شده در آیه مورد بحث و آیه بعد می باشد ؛ و این ملاک در اکثریت جامعه یهود وجود داشته و به شهادت آیات بعد در همه آنان نبوده است ولی خداوند بر همه آنان طیبات را تحریم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱

۱ خداوند به رعایت قسط (عدل و انصاف) فرمان داده، نه به ارتکاب فحشا و زشتی

إن الله لا يأمر بالفحشاء .. قل أمر ربي بالقسط

ملاک قانونگذاری مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۶

۱۶ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها در گروپی

ریزی آنها بر اساس تعالیم قرآن است .

و انزلنا اليك الكتب . .. فاحكم بينهم بما أنزل الله

ملاکهای قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ ضرورت پرهیز از تبعیضهای ناروا و جاهلانه در قوانین مربوط به زن و مرد

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذكورنا و محرم علی أزوجنا . .. سیجزیهم و صفهم

منابع قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ قرآن ، منبعی برای دستیابی به قوانین و مقررات دین .

فی کتب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و كذلك أنزلنه حکماً

حکم کردن به چیزی آن است که داوری کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب).
بر این اساس <قرآن حکم است> ؛ یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست و این
معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد
؛ مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، به عنوان کتاب الهی ، منبعی برای تشریح

قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

منشأ قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۸

۱۸ - تشریح احکام و حلال شمردن یا حرام دانستن استفاده از امکانات ، به دست خداوند است .

كلوا من طيبت ... إنما حرم عليكم الميتة و الدم ... فمن اضطر غير باغ و لاعاد فلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۵

۵ - بشر ، فاقد صلاحیت گزینش پیامبر و تشریح قانون برای مردم

و ربك .. یختار ما كان لهم الخيره

<خیره> به معنای <تخیر> (اختیار کردن) است؛ مانند <طیره> که به معنای <تطیر> می باشد.

منشأ قانونگذاری مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

نقش علم در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۸

۸ معارف و قوانینی ، شایسته و بایسته پذیرش و پیروی است که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشد .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم

قبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قبر

آب داغ در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۳ - ۳

۳ - > عن أبي بصير ، قال : سمعت أبا عبد الله (ع)

يقول: ... > فنزل من حميم < في قبره ... '

ابی بصیر می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: ... > فنزل من حمیم < در قبر میّت است.

آثار عذاب قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۵

۵ - > عن علی بن ابی طالب (ع) قال: نزلت > ألهیکم التکاثر < فی عذاب القبر '

از علی(ع) روایت شده که فرمود: [سوره] > ألهیکم التکاثر <، در مورد عذاب قبر نازل شده است < . [یعنی، تا زمان دیدار عذاب قبر به تفاخر سرگرم هستید].

پرسش در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الذین توفّیهم الملئکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کتم

پرسش ملائکه قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۶، ۱۷

۱۶- > قال أمير المؤمنين (ع) صلوات الله عليه: إن ابن آدم... فإذا أدخل قبره أتاه ملكا القبر... فيقولان: من ربك و ما دينك و من نبيك؟ فيقول: الله ربّي و ديني الإسلام و نبيي محمد (ص) فيقولان له: ثبتك الله فيما تحبّ و ترضى و هو قول الله عزّوجلّ: > يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا و في الآخرة < ... '

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود:

همانا آدمی زاده را .. آن گاه که وارد قبرش می کنند، دو فرشته نزدش می آیند ... و می گویند: پروردگارت کیست؟ و دینت چیست؟ و پیامبرت کیست؟ پس پاسخ می گوید: <خداوند> پروردگارم و <اسلام> دین من و پیامبرم حضرت محمد(ص) است. پس به او می گویند: خداوند تو را در آنچه دوست می داری و به آن راضی هستی ثابت قدم و استوار کرده است و این همان سخن خداوند است که می فرماید: <يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ ...>.

۱۷- <عن أبي عبد الله (ع) قال: إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعة الملائكة إلى قبره ... و إن كان كافراً خرجت الملائكة تشيعة إلى قبره تلعنونه ... ثم يدخل عليه ملكا القبر ... فيقولان له: من ربك؟ فيتلجلج و يقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له: لادريت و يقولان له: ما دينك؟ فيتلجلج فيقولان له: لادريت و يقولان له: من نبيك؟ فيقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لادريت و يسأل عن إمام زمانه ... و هو قول الله عزوجل: <... و يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء >

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که [جنازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برند، ملائکه او را تا قبرش تشییع می کنند ... و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند ... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند

... پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سخن خداوند عزوجل است: ... یضَلَّ اللهُ الظالمین و یفعل اللهُ ما یشاء <.

تلاشی بدن در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳ - ۵

۵ متلاشی شدن اجزای بدن در خاک ، محور اشکال کافران در مسأله معاد

و کُنَّا تَرَابًا ذَلِكُمْ رَجْعٌ بَعِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴ - ۵

۵ اضمحلال بخشی از اجزای وجود انسان در خاک و نه همه آن *

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

برداشت بالا- در صورتی است که <منهم> برای تبعیض باشد که احتمال می رود منظور از جمله <علمنا ما تنقص..> این باشد که: <شما گمان می کنید همه وجود آدمی در خاک مضمحل می شود؛ در حالی که چنین نیست و ما مقداری را که اضمحلال پذیر است و جذب خاک می شود، می دانیم.>

خروج از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱،۵

۱ - آثار ذلت و

نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبرها در رستاخیز

خَشَعًا أَبْصَرَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ

۵- نگرانی و سردرگمی آدمیان ، در لحظه های آغازین رستاخیز و خروج از قبرها

يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ

تشبیه به <جراد منتشر>، بیانگر سردرگمی و حرکت های نامنظم و حیرت زده آدمیان، پس از خروج از قبرها در روز رستاخیز است.

خروج انسان ها از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۶، ۷، ۵

۵ - خروج انسان ها از قبر در قیامت ، به خواست و دعوت خداوند است .

ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَهُ مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

بنابر این که <من الأرض> متعلق به <تخرجون> باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

۶ - همه مردمان در روز قیامت ، با یک ندای خداوند ، به طور ناگهانی از دل خاک بیرون می آیند .

ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَهُ مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

۷ - مردگان ، در قیامت ، در پاسخ به ندای خداوند برای زنده شدن ، خود ، از قبرها خارج می شوند .

إِذَا دَعَاكُمْ ... إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۱ - ۴

۴ - انسان ها پس از زنده شدن از قبرها ، به سوی پروردگار خویش خواهند شتافت .

فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ

<نسلان> (مصدر <ینسلون>) به معنای گام برداشتن سریع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۴،۱۲

۴ - کافران در قیامت ، از زنده شدن

و بیرون آمدن شان از قبرها ، بسیار شگفت زده خواهند شد .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام (من) در آیه شریفه، برای تعجب استعمال شده است.

۱۲ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : > یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا < فإن القوم كانوا فی القبور ، فلما قاموا حسبوا أنهم كانوا نیامًا ، قالوا > یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا < قالت الملائكة > هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون < ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: >یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا..< روایت شده که فرمود: مردم که در قبراند؛ وقتی برمی خیزند می پندارند که در خواب بوده اند [ازاین رو] می گویند: >یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا<. فرشتگان می گویند: >هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۱

۱ - قبرها هنگام برپایی قیامت ، زیر و رو شده و هر چه در آن است بیرون ریخته خواهد شد .

و إذا القبور بعثرت

معنای <بعثرت>، این است که خاک قبرها زیر و رو شود و هر آنچه در آن است، پراکنده گردد. از آن جا که فعل <بعثرت> متضمن معنای <بُعِثَ > و <أُثِرَ > است، بعید نیست این فعل مرکب از آن دو فعل باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۴

۴ - تمام مردم در قیامت ، با بیرون آورده شدن از زمین

، در صحنه محشر حضور خواهند یافت .

و أخرجت الأرض أثقالها .. يومئذ يصدر الناس أشتاتاً

جمله <يصدر الناس>، ممکن است ناظر به رجوع مردم به حیات دوباره (معاد) باشد.

ذکر قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۹

۹ - توجه به وابستگی آفرینش ، تدبیر ، هدایت ، مرگ و قبر انسان به خداوند ، زمینه ساز انجام دادن تکالیف الهی

من نطفه خلقه .. ثم أماته فأقبره ... كلاً لما يقض ما أمره

سرزنش تفاخر به قبر نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۸

۸ - < قال عليّ (ع) بعد تلاوه > ألهيكم التكاثر حتى زرتم المقابر < یا له مرأماً ما أبعدّه و زوراً ما أغفله و خطراً ما افضّعه ..

. أفبمصارع أباءهم يفخرون أم بعدید الهلکی يتكاثرون ... و لأن يكونوا عبراً أحقّ من أن يكونوا مفتخراً ;

علی(ع) بعد از تلاوت آیه <ألهيكم التكاثر حتى زرتم المقابر>، فرمود: شگفتا چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان

غافلی و چه خرامیدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاک شدگان [اقوام خود

[مباهات می کنند؟ ... به راستی اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباهات و افتخار باشند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۶

عبرت از قبر نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲

۸ - > قال علی (ع) بعد تلاوه > ألهيكم التكاثر حتى زرتم المقابر < یا له مرأماً ما أبعدَه و زوراً ما أغفلَه و خطراً ما افضطَعَه . . . أفبمصارع أباؤهم يفخرون أم بعدید الهلکی يتکاثرون . . . و لأن یكونوا عبراً أحق من أن یكونوا مفتخراً ;

علی(ع) بعد از تلاوت آیه >ألهيكم التكاثر حتى زرتم المقابر<، فرمود: شگفتا چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان غافل و چه خرامیدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاک شدگان [اقوام خود] مباحات می کنند؟ . . . به راستی اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباحات و افتخار باشند.<

عجله در خروج از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۱

۱ - شتاب آدمیان در خروج از قبر ها ، برای اجابت منادی رستاخیز

یخرجون من الأجدات . . مهطعين إلى الداع

عذاب قبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۹

۹ عن رسول الله(ص): یکسی الکافر لوحین من نار و فی قبره فذلک قوله: >لهم من جهنم مهاده و من فوقهم غواش<.

از رسول خدا(ص) روایت شده است: دو لوح (زیر انداز و روانداز) از آتش بر کافر در قبرش پوشانده می شود و این است سخن خداوند: >برای کافران بستری از آتش جهنم و روی آنان پوششهایی از آن است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴

۱۲ - > عن أمير المؤمنين ين (ع) : و إنّ المعشيه الضنك التي حذر الله منها عدوّه عذاب القبر أنّه يسلّط على الكافر في قبره تسعه و تسعين تّيناً فينهش لحمه و يكسرن عظمه و يترددن عليه كذلك إلى يوم يبعث ؛

از اميرالمؤمنين (ع) روايت شده: همانا <معيشت ضنك> كه خداوند دشمنان خود را از آن برحذر داشته عذاب قبر است. خدا بر كافر در قبرش ۹۹ مار بزرگ مسلط مي كند كه گوشت او را مي گزند و استخوان وي را مي شكند و همين طور بر روي او رفت و آمد مي كنند تا روزي كه برانگيخته شود.<

غافلان از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عيس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - كافران ، بي اعتنا به مرگ ، قبر و قيامت خود و بي توجه به نشانه هاي خدا در خلقت خویش

كلاً

> كلاً< مي تواند براي ردع و باز داشتن از توهمي باشد كه آيات پيشين، زمينه ساز پيدايش آن بود و آن اين كه با وجود زمينه هاي توجه به خداوند در آفرينش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممكن نيست كسي در كفر بماند. <كلاً< دلالت دارد كه نبايد چنين پنداشت، زيرا افراي با وجود تمام اين نشانه ها، بر كفر خود اصرار ورزيدند.

مقربان در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۷

۷ - > عن أبي بصير ، قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : > فأما إن كان من المقرّبين فروح

و ریحان < قال : فی قبره > و جنّه نعیم < قال : فی الآخره ... >

ابی بصیر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: اگر محتضر از مقربان باشد، <روح و ریحان> در قبر او و <جنّه نعیم> در آخرت او خواهد بود.

قبض روح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

تشبیه ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۵

۵- فرشتگان ، به هنگام قبض روح برخی از مردم ، بسان شناکنندگان ، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند .

و السبحت سبّحًا

در نظر برخی از اهل لغت، حرکت در اعماق آب را، <عِوْم> و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را <سباحه> می گویند (تاج العروس). تعبیر <السباحات> به قرینه <الناشطات> در آیه قبل ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

تعدد ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۸

۸- ملائکه متعدد ، دست اندر کار قبض روح انسان ها

إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ

تقرب ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۲

۲- فرشتگان مأمور قبض روح ، دارای مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

والتزعت غرقاً

قسم خوردن خداوند به فرشتگان مرگ، نشانه ارجمندی آنان در نزد او است.

تنوع در قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۵

۵ - شیوه قبض روح انسان ها

، مختلف و دارای انواع آسان و دشوار است .

و النشاط نشطاً

از جمله معانی <ناشط>، شخصی است که سطل آب را از چاه بیرون می کشد (قاموس). اطلاق این کلمه بر فرشتگان پس از توصیف آنان به <نازعات> (بیرون کشندگان) ممکن است ناظر به انواع قبض روح باشد. در آیه قبل به قرینه <غرقاً> قبض روح سخت مورد نظر بود؛ ولی در آیه، قبض روحی مراد است که همچون کشیدن دلو از چاه آرام آرام صورت می پذیرد. گفتنی است که این تفاوت، ممکن است ناظر به تفاوت قبض روح مؤمن، با جان کندن کافر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۵

۵ - فرشتگان ، به هنگام قبض روح برخی از مردم ، بسان شناکنندگان ، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند .

و السبحت سبْحاً

در نظر برخی از اهل لغت، حرکت در اعماق آب را، <عِوْمٌ> و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را <سباحه> می گویند (تاج العروس). تعبیر <السباحات> به قرینه <النشاطات> در آیه قبل ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

سرعت در قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۳

۳ - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .. قلوب

یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

سوگند به ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزعت غرقاً

سهولت در قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۵

۵ - شیوه قبض روح انسان ها ، مختلف و دارای انواع آسان و دشوار است .

و النشاط نشطاً

از جمله معانی <ناشط>، شخصی است که سطل آب را از چاه بیرون می کشد (قاموس). اطلاق این کلمه بر فرشتگان پس از توصیف آنان به <نازعات> (بیرون کشندگان) ممکن است ناظر به انواع قبض روح باشد. در آیه قبل به قرینه <غرقاً> قبض روح سخت مورد نظر بود؛ ولی در آیه، قبض روحی مراد است که همچون کشیدن دلو از چاه آرام آرام صورت می پذیرد. گفتنی است که این تفاوت، ممکن است ناظر به تفاوت قبض روح مؤمن، با جان کندن کافر باشد.

شدت در قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۵

۵ - شیوه قبض روح انسان ها ، مختلف و دارای انواع آسان و دشوار است .

و النشاط نشطاً

از جمله معانی <ناشط>، شخصی است که سطل آب را از چاه بیرون می کشد (قاموس). اطلاق این کلمه بر فرشتگان پس از توصیف آنان به <نازعات> (بیرون کشندگان) ممکن است ناظر به انواع قبض روح

باشد. در آیه قبل به قرینه <غرقاً> قبض روح سخت مورد نظر بود؛ ولی در آیه، قبض روحی مراد است که همچون کشیدن دلو از چاه آرام آرام صورت می پذیرد. گفتنی است که این تفاوت، ممکن است ناظر به تفاوت قبض روح مؤمن، با جان کندن کافر باشد.

شدت قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۶

۶ - < فی المجمع بعد قوله تعالى > و النازعات غرقاً < قال : اختلف فی معناها علی وجوه أحدها : انه یعنی الملائکه الذین ینزعون أرواح الکفار عن أبدانهم بالشده ... روی ذلك عن علی (ع) و قيل هو الموت ینزع النفوس ... و روی ذلك عن الصادق (ع) ;

در مجمع البیان بعد از نقل قول خدای تعالی <والنازعات غرقاً> گفته است: در معنای <النازعات غرقاً> اختلاف به وجود آمده و وجوهی بیان شده است؛ یکی از آنها این است که مقصود فرشتگانی اند که ارواح کافران را از بدن هاشان بیرون می کشند .. این معنا از امام علی (ع) روایت شده است. [و نیز] گفته شده مقصود مرگ است که جان ها را بیرون می کشد و این معنا از امام صادق (ع) روایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۶

۶ - [فی المجمع] فی قوله تعالى < و الناشطات نشطاً > إنَّها الملائکه تنشط أرواح الکفار بین الجلد و الأظفار حتی تخرجها من أجوافهم بالكرب و

الغَم عن علي (عليه السلام) ؛

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی (ع) نقل شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصه از درون شان بیرون آوردند.

فضایل ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۲

۲ - فرشتگان مأمور قبض روح ، دارای مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

و النزعت غرقاً

قسم خوردن خداوند به فرشتگان مرگ، نشانه ارجمندی آنان در نزد او است.

قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۱

۱ میراندن انسان ها و گرفتن جان ایشان ، از مأموریت های فرشتگان

و لو تری إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۴

۴ اعمال انسان ، اندوخته ها و پیش فرستاده هایی است که دارای آثاری مثبت یا منفی در لحظه مرگ و پس از آن است .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۶

۶- مرگ ، دریافت کامل روح انسان به وسیله فرشتگان است ؛ نه فنا و نابودی آن .

فکیف إذا توفّتهم الملائکه

واژه <توفّتهم>، به معنای دریافت کامل است و این نشان می دهد که روح، مانند جسم، متلاشی و مضمحل نخواهد شد.

قبض روح انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۹

۱۹ روح، تمام حقیقت انسان است و مرگ با خروج آن از بدن حاصل می شود. *

أخرجوا أنفسكم

ممکن است <أخرجوا أنفسكم> فرمان ملائکه به ظالمان برای بیرون ساختن جانهای آنان باشد. در این صورت چون <نفس> بر <روح> اطلاق شده، اصالت روح و نقش اساسی آن در وجود انسانی را بیان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۵

۵ - شیوه قبض روح انسان ها ، مختلف و دارای انواع آسان و دشوار است .

و النشاط نشطاً

از جمله معانی <ناشط>، شخصی است که سطل آب را از چاه بیرون می کشد (قاموس). اطلاق این کلمه بر فرشتگان پس از توصیف آنان به <نازعات> (بیرون کشندگان) ممکن است ناظر به انواع قبض روح باشد. در آیه قبل به قرینه <غرقاً> قبض روح سخت مورد نظر بود ولی در آیه، قبض روحی مراد است که همچون کشیدن دلو از چاه آرام آرام صورت می پذیرد. گفتنی است که این تفاوت، ممکن است ناظر به تفاوت قبض روح مؤمن، با جان کندن کافر باشد.

قبض روح اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۲۱

۲۱- > عن أمير المؤمنين (ع) : . . . إنه ليس أحد من الناس تفارق روحه جسده حتى يعلم إلى أيّ المنزلين يصير إلى الجنة أم النار . . . فإن كان ولياً لله فتحت له أبواب الجنة و شرع له طرقها و نظر إلى ما أعد الله

له فيها... قال الله تعالى < الذين تتوفاهم الملائكة طيبين سلام عليكم ادخلوا الجنة... > ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است:.. روح از بدن هیچ یک از مردم جدا نمی شود تا اینکه بداننده سوی کدام یک از دو جایگاه می رود: به سوی بهشت یا آتش... پس اگر دوست خدا باشد، درهای بهشت برای او باز می شود و راههای آن نمایان می گردد و به آنچه خدا برای او در آن جا آماده کرده نگاه می کند... خدای تعالی فرمود: الذين تتوفاهم الملائكة طيبين...".

قبض روح جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲۲

۲۲- > عن أمير المؤمنين (ع) :... انه ليس أحد من الناس تفارق روحه جسده حتى يعلم إلى أي المنزلة يصير ، إلى الجنة أم النار... إن كان عدواً لله فتحت له أبواب النار... و نظر إلى ما أعد الله له فيها... كل هذا يكون عند الموت... قال الله تعالى... < الذين تتوفاهم الملائكة ظالمی أنفسهم... فادخلوا أبواب جهنم... > ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است:.. روح از بدن هیچ یک از مردم جدا نمی شود تا اینکه بدانند به سوی کدام یک از دو جایگاه می رود: بهشت یا آتش...؟ اگر دشمن خدا باشد، درهای آتش برای او باز می شود... و به آنچه خدا در آن جا برایش آماده

کرده است، نگاه می کند... این همه هنگام مرگ خواهد بود... خدای تعالی فرمود: الذین تتوفاهم الملائکه ظالمی أنفسهم... فادخلوا أبواب جهنم...>

قبض روح ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۶، ۱۵، ۱۳

۱۳ صحنه جان کندن ظالمان بزرگ، عبرت آموز و تماشایی است.

و لو ترى إذ الظلمون فی غمرت الموت

۱۵ ملائکه، جان ستمکاران را با قدرت و شدتی تمام می گیرند.

و لو ترى إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أيديهم

جمله <باسطوا أيديهم> ممکن است کنایه از قدرت و شدتی باشد که ملائکه به هنگام قبض روح ستمکاران به کار می گیرند.

۱۶ ملائکه قابض ارواح دارای دستانی هستند که به هنگام گرفتن جان ظالمان آنها را می گشایند.

إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أيديهم

قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵، ۳، ۲

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان، جانشان را خواهند گرفت.

و لو ترى إذ يتوفى الذین کفروا الملائکه يضربون وجوههم و أدبرهم

۳ تسلی و دلجویی خداوند از پیامبر (ص) و مؤمنان با بیان چگونگی جان کندن کفرپیشگان

و لو ترى إذ يتوفى الذین کفروا الملائکه

با توجه به اینکه خطاب در آیه متوجه پیامبر(ص) و یا هر انسان مؤمنی است، می توان گفت از اهداف بیان جان کندن

کفرپیشگان تسلی خاطر اهل ایمان است. چنانچه <لو> در <لوتری ...> به معنای تمنی باشد، این معنا وضوح بیشتری خواهد داشت.

مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۱

۱ شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است، نه ظمی از جانب خداوند بر ایشان.

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم

<ذلک> می تواند اشاره به خصوص <عذاب الحریق> باشد و می تواند اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شد. قابل ذکر است که در برداشت فوق <أن الله...> ناظر به این حقیقت گرفته شده که عذاب کافران بیش از استحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

قبض روح متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۸

۸- ملائکه به هنگام قبض روح تقواییشان، بر آنان درود و سلام می فرستند.

المتّقین . الذین تتوفّوهم الملائکه طیّین یقولون سلم علیکم

قبض روح مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۵

۵ گفتگوی فرشتگان مرگ با مشرکان به هنگام گرفتن جان آنان

قالوا این ما کنتم .. قالوا ضلوا عنا

قبض روح منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۲ جان‌کندن سخت منافقان، به هنگام مرگ

و تزهق أنفسهم

<زهوق> (مصدر تزهق) به معنای خارج شدن همراه با دشواری است. (مجمع البیان، ذیل آیه)

قبض روح مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۶

۶- [فی المجمع] فی قوله تعالی < و السابحات سبحاً > انّها الملائکه یقبضون أرواح المؤمنین یسلّونها سلاً رفیقاً... عن علی (ع)؛

در مجمع البیان از امام علی (ع) روایت شده که درباره قول خدای تعالی <و السابحات سبحاً> فرمود: آنان فرشتگانی اند که روح مؤمنان را قبض می‌کنند و آن را به آرامی و مدارا از بدن هایشان بیرون می‌آورند.

کیفیت قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۴

۴ - روح انسان به هنگام مرگ، به طور کامل و از اعماق بدن او، بیرون کشیده خواهد شد.

و النزعت غرقاً

<غرق> (اسم مصدر <اغراق>) به معنای <مبالغه و افراط در کار> است (لسان العرب). در این آیه چون <غرقاً> وصف برای مصدر است به معنای <مُغْرَقٌ> می‌باشد، یعنی، <نزعتاً مغرقاً>.

مدارا در قبض روح مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- فرشتگان، به هنگام قبض روح برخی از مردم، بسان شناکنندگان، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند.

و السبحت سبحًا

در نظر برخی از اهل لغت،

حرکت در اعماق آب را، <عَیْوْم> و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را <سباحه> می گویند (تاج العروس). تعبیر <السباحات> به قرینه <الناشاطات> در آیه قبل ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

۶- [فی المجمع] فی قوله تعالی < و السباحات سباحاً > انّ ها الملائکه یقبضون ارواح المؤمنین یسلّون ها سلاً رفیقاً . . . عن علی (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی (ع) روایت شده که درباره قول خدای تعالی <و السباحات سباحاً> فرمود: آنان فرشتگانی اند که روح مؤمنان را قبض می کنند و آن را به آرامی و مدارا از بدن هایشان بیرون می آورند.

مدارای ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۵،۶

۵- فرشتگان، به هنگام قبض روح برخی از مردم، بسان شناکنندگان، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند.

و السبحت سبِحاً

در نظر برخی از اهل لغت، حرکت در اعماق آب را، <عَیْوْم> و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را <سباحه> می گویند (تاج العروس). تعبیر <السباحات> به قرینه <الناشاطات> در آیه قبل ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

۶- [فی المجمع] فی قوله تعالی < و السباحات سباحاً > انّ ها الملائکه یقبضون ارواح المؤمنین یسلّون ها سلاً رفیقاً . . . عن علی (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی (ع) روایت

شده که درباره قول خدای تعالی <و السابحات سبحاً> فرمود: آنان فرشتگانی اند که روح مؤمنان را قبض می کنند و آن را به آرامی و مدارا از بدن هایشان بیرون می آورند.

ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۱،۶

۱ - گروهی از فرشتگان ، عهده دار قبض روح انسان هایند .

و النزعت غرقاً

<نزع> به معنای کشیدن و نیز بیرون کشیدن است. مصداق مورد نظر از <النازعات> به قرینه <فالمدبرات أمراً> در آیات بعد فرشتگانی هستند که مأمور نزع و قبض روح زندگان اند. آیاتی که میراندن انسان ها را به ملائکه نسبت داده است، این ذهنیت را ایجاد می کند که مراد از <نزع> در این آیه، <نزع روح انسان ها> است.

۶ - > فی المجمع بعد قوله تعالی < و النازعات غرقاً > قال : اختلف فی معناها علی وجوه أحدها : انه یعنی الملائکه الذین ينزعون أرواح الكفار عن أبدانهم بالشده . . . روی ذلك عن علی (ع) و قيل هو الموت ينزع النفوس . . . و روی ذلك عن الصادق (ع) ;

در مجمع البیان بعد از نقل قول خدای تعالی <والنازعات غرقاً> گفته است: در معنای <النازعات غرقاً> اختلاف به وجود آمده و وجوهی بیان شده است؛ یکی از آنها این است که مقصود فرشتگانی اند که ارواح کافران را از بدن هایشان بیرون می کشند . . این معنا از امام علی(ع) روایت شده است. [و نیز] گفته شده مقصود مرگ است که جان ها را بیرون می کشد

و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۶

۶- [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إِنَّهَا الْمَلَائِكَةُ تَنْشِطُ أَرْوَاحَ الْكُفَّارِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَالْأَظْفَارِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ أَجْوَافِهِمْ بِالْكَرْبِ وَالْغَمِّ عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی(ع) نقل شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصه از درون شان بیرون آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۳

۳- خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

ویژگیهای قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۶

۶- [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إِنَّهَا الْمَلَائِكَةُ تَنْشِطُ أَرْوَاحَ الْكُفَّارِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَالْأَظْفَارِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ أَجْوَافِهِمْ بِالْكَرْبِ وَالْغَمِّ عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی(ع) نقل

شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصه از درون شان بیرون آوردند.

قابضان روح

{قابضان روح}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱

۱ فرشتگان الهی ، مأمور گرفتن جان انسانها

انّ الذّین توفّیهم الملائکه

قابضان روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۶،۷،۸،۹

۶ با فرارسیدن زمان مرگ هر کس، سفیران خداوند جان آدمیان را می گیرند.

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

۷ فرشتگانی غیر از مأموران حفاظت آدمی، وظیفه قبض روح وی را بر عهده دارند. *

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

در صورتی که فرشتگان محافظ همان قابضان روح باشند، مناسبتر آن بود که با ضمیر به آنان اشاره می شد. گزینش <رسلنا> به جای ضمیر قرینه تفاوت ملائکه حافظ با ملائکه قابض است.

۸ فرشتگانی متعدد وظیفه قبض روح هر یک از آدمیان را به عهده دارند. *

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

<رسل>، جمع رسول، و بر بیشتر از دو نفر دلالت دارد. از سوی دیگر مضمون آیه این است که برای هر شخصی که مرگش فرامی رسد، <رسل> حضور پیدا می کنند. بنابراین قابضان روح آدمی بیش از دو نفرند.

۹ هیچ کوتاهی و تأخیری از جانب فرشتگان مأمور قبض روح صورت نمی گیرد.

توفته رسلنا و هم لا یفرطون

قبله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قبله

آثار تداوم قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۴ - ادامه داشتن بیت المقدس به عنوان قبله ، موجب برخورداری مخالفان اسلام از دلیل و حجت بر علیه پیامبر و مسلمانان

فول وجهک .. فولوا وجوهکم شطره لئلا یکون للناس علیکم حجه

آثار تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۳

۳ - نقش تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، در نیل امت اسلامی به امتی معتدل و برتر

ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا علیها .. و كذلك جعلنکم أمه وسطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۵، ۸، ۱۵

۵ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، موجب از میان رفتن سوژه تبلیغاتی مخالفان بر ضد اسلام و مسلمانان شد .

فول وجهک شطر المسجدالحرام .. لئلا یکون للناس علیکم حجه

۸ - تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان ، موجب روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام برای گروهی از مخالفان

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

وجود حجت برای ستمگران - که مفاد جمله استثنایه است - بدان معنا نیست که ستم پیشگان علیه مسلمانان دلیل دارند بلکه مراد تقسیم مخالفان است به دو جناح: جناحی که از سر ظلم و ستم با پیامبر(ص) مخالفت می کردند و جناحی که بر اساس شبهه دست به مخالفت زده اند. دسته اول در هر حال - چه تغییر قبله حاصل می شد، یا نمی شد - به مخالفت و دشمنی ادامه می دادند و دسته دوم به حقانیت پیامبر(ص) پی برده و از تبلیغات سوء دست می کشیدند.

- تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، زمینه ساز کامل شدن نعمت خدا بر مسلمانان

فولوا وجوهکم شطره .. لأتم نعمتی علیکم

برداشت فوق بر این اساس است که <لأتم نعمتی .. > عطف بر <لئلا یكون ... > باشد؛ در نتیجه <لأتم ... > بیان غایت و هدف برای جمله <فولوا وجوهکم شطره > خواهد شد.

آثار قبله شدن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ - قبله شدن کعبه ، زمینه ساز هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

ما ولیهم عن قبلتهم .. یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم

جمله <لله المشرق .. > بیانگر این است که: کعبه و بیت المقدس هر دو ملک خداست و از این جهت تفاوتی ندارند و جمله <یهدی ... > اشاره به این دارد که انتخاب کعبه به عنوان قبله، زمینه ساز هدایت انسانهاست و لذا آن را قبله همگان قرار داد.

آثار قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۸،۹،۱۵

۸ - تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان ، موجب روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام برای گروهی از مخالفان

لئلا یكون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

وجود حجت برای ستمگران - که مفاد جمله استثنایه است - بدان معنا نیست که ستم پیشگان علیه مسلمانان دلیل دارند؛ بلکه مراد تقسیم مخالفان است به دو جناح: جناحی که از سر ظلم و ستم با پیامبر(ص) مخالفت می کردند و جناحی که بر اساس شبهه دست به مخالفت زده اند. دسته اول در هر حال -

چه تغییر قبله حاصل می شد، یا نمی شد - به مخالفت و دشمنی ادامه می دادند و دسته دوم به حقانیت پیامبر(ص) پی برده و از تبلیغات سوء دست می کشیدند.

۹ - تنها ستم پیشگان پس از تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، دست از بهانه جویی برداشته و به دشمنی خویش علیه مسلمانان ادامه می دادند .

لئلا یكون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

۱۵ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، زمینه ساز کامل شدن نعمت خدا بر مسلمانان

فولوا وجوهکم شطره ... لأتم نعمتی علیکم

برداشت فوق بر این اساس است که <لأتم نعمتی ... > عطف بر <لئلا یكون ... > باشد؛ در نتیجه <لأتم ... > بیان غایت و هدف برای جمله <فولوا وجوهکم شطره > خواهد شد.

ابزار تشخیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۶ - ۳

۳- < قال رسول الله (ص) : > و بالنجم هم یهتدون < قال : هو الجدی لأنه نجم لاتزول و علیه بناء القبله و به یهتدی أهل البر و البحر ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <و بالنجم هم یهتدون > فرمود: آن ستاره جدی است؛ زیرا آن ستاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی] بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند. ..<

احکام قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۵، ۱۳، ۲۴

۱۳ - مسلمانان در هر سرزمینی که باشند ، باید مسجد الحرام را قبله خویش قرار دهند .

و حیث ما

کنتم فولوا وجوهکم شطره

۱۵- رو کردن به جهت و سمت مسجدالحرام، در اعمالی که مشروط به قبله اند، کافی است.

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

بدیهی است که خود مسجدالحرام و یا کعبه، قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز، لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد و یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد و یا کعبه در آن جهت قرار دارد.

۲۴- > ان الفرائض لاتصلیها إلا إلی القبلة و هو المروی عن أئمتنا (ع)؛

از ائمه اهل بیت (ع) روایت شده که نمازهای واجب را نمی شود به جا آورد، مگر اینکه به سوی قبله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۲،۴

۲ - پیامبر (ص) موظف شد در هر مکان، اعمال مشروط به قبله را به سوی مسجدالحرام انجام دهد.

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجدالحرام

۴- رو کردن به سمت و جهت مسجدالحرام، در اعمال مشروط به قبله کافی است.

فول وجهک شطر المسجدالحرام

بدیهی است که خود مسجدالحرام یا کعبه قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد، یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه

کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد، یا کعبه در آن جهت، قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۹، ۳، ۱

۱ - مسجدالحرام قبله پیامبر (ص) و همه مسلمانان جهان

و من حیث .. و حیث ما کنتم فولوا و جوهکم شطره

۳ - روکردن به سمت و جهت مسجدالحرام، کافی در اعمال مشروط به قبله

فول و جهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا و جوهکم شطره

برداشت فوق از کلمه <شطر> که به معنای سمت و جهت است، استفاده می شود.

۱۹ - از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: > البيت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم

قبله لأهل الأرض فی مشارقها و مغاربها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است <.

اعتراض به تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۷، ۳

۳ - سفیهان و بی خردان، تغییر قبله را امری ناروا می شمردند و مورد اعتراض قرار می دهند .

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا علیها

۷ - خداوند، پاسخ معترضان تغییر قبله را - پیش از عنوان کردن آن - به پیامبر (ص) تعلیم داد .

سیقول .. قل لله المشرق و المغرب

امتها قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - هر امتی از امت های دینی دارای قبله ای خاص است .

و لکل وجهه

<وجهه> به چیزی گفته می شود که آدمی رو به سوی آن می کند و مقصود از آن - به قرینه آیات قبل و بعد - قبله است. مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <أمة> می باشد و مراد از آن به قرینه <هو مولیها> امتهای دینی هستند.

۲ - خداوند تعیین کننده قبله برای امتهاست .

و لکل وجهه هو مولیها

ضمیر <هو> به <ربك> در آیه قبل بر می گردد. <مولی> به معنای برگرداننده است و مفعول اول آن <کل أمة> می باشد که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. بنابراین <هو مولیها> یعنی، خداوند امته را به سوی قبله ای خاص بر می گرداند (فرمان می دهد که چه سمتی را قبله خویش سازند).

اهل کتاب و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۲

۲۲ - اهل کتاب مورد تهدید خداوند به خاطر موضعگیری و مخالفتشان با تغییر قبله

و ما الله بغفل عما يعملون

<و ما الله...> کنایه از تهدید اهل کتاب به کیفرهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۷

۷ - اهل کتاب ، هیچ تردیدی در حقانیت تغییر قبله نداشتند . *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

اهل کتاب و قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲،۳

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی

رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

ليعلمون أنه الحق . . . و لئن أتيت الذين ... ما تبعوا قبلتك

۳- هیچ برهان و معجزه ای نمی تواند اهل کتاب را به پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله حق ، وادارد .

و لئن أتيت الذين أو تواتوا الكتب بكل ءايه ما تبعوا قبلتك

کلمه <ءايه> به معنای علامت و نشانه است و مقصود از آن معجزه و برهان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸- گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جمله <و هم يعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

اهمیت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷- تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، حادثه ای مهم و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام

و من حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام . . . و لعلكم تهتدون

نزول آیات متعدد درباره تغییر و تعیین قبله؛ مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) و تکرار فرمان <فولّ . . .> (در آیات ۱۴۴، ۱۴۹ و

۱۵۰) و نیز مخاطب قرار دادن مسلمانان و تکرار جمله <فولوا وجهكم شطره> (در دو آیه ۱۴۴ و ۱۵۰) بیانگر اهمیت خاص

و با ارزش بودن تغییر و تعیین قبله است و اهداف اساسی بیان شده برای آن، حکایت از سرنوشت ساز بودن آن دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۶

۶ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره ... کما أرسلنا فیکم رسولا ... واشکروا لی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

اهمیت قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۳

۳ - داشتن قبله ای خاص و روکردن به آن ، هدف اصلی دین و عبادت نیست .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر من ءامن

بدیهی است که روی آوردن به قبله (در عبادتها) خود از فرمانهای الهی است. بنابراین نفی نیکی از آن با توجه به فزاینده‌های بعد (و لکن البر ...) اشاره به این دارد که: دستور روی آوردن به قبله یک دستور فرعی است و آنچه هدف و اساس دین است، ایمان و ... می باشد.

بشارت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۶

۶ - خداوند ، پیامبر (ص) را به تغییر قبله و جایگزینی آن با قبله ای که فراهم کننده خشنودی او بود ، نوید داد .

فلنولینک قبله ترضیها

<نولیه > (مصدر نولی) به معنای گردانیدن است. بنابراین <فلنولینک ...> یعنی، تو را به قبله ای که مایه خشنودیت است، می گردانیم.

تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا عليها .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۹

۱۹ - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام *

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <کان> در <التي كنت عليها> دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت <التي

كنت عليها> دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۲

۱۲ - خداوند - در پی نوید تغییر قبله - به پیامبر (ص) و مسلمانان فرمان داد تا رو به سوی مسجد الحرام کنند .

فلنولينك .. فول وجهك شطر المسجد الحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۶

۶ - خداوند ، پس از تغییر قبله از پیامبر (ص) خواست که هرگز روی به قبله اهل کتاب نیاورد و آن را قبله خویش نسازد .

و ما أنت بتابع قبلتهم

جمله <و ما أنت ..> (تو از قبله آنان پیروی نخواهی کرد) جمله خبری است و منظور از آن انشا و دستور می باشد؛ یعنی،

نباید از قبله ایشان تبعیت کنی .

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۵

۵ - بعثت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، نمونه ای از توجه و یاد خدا از بندگان خویش *

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره .. . کما أرسلنا فیکم رسولا ... فاذکرونی اذکرکم

برداشت فوق احتمال دیگری است که می توان از تفریع جمله <فاذکرونی .. .> بر بعثت پیامبر و تغییر قبله، استفاده کرد؛ یعنی: فاذکرونی اذکرکم کما ذکرتمکم بارسال الرسول و تحویل القبله.

تغییر قبله در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۷۴

تغییر قبله در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و ...)

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله باز گردد.

تغییر قبله در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و ...)

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <يعرفونه> به تغییر قبله باز گردد.

تغییر قبله در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و ...)

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

توجه به قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲۲

۲۲ - > عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن قول الله عزوجلّ : < فأقم وجهك للدين حنيفاً > قال

: أمره أن يقيم وجهه للقبلة ليس فيه شيء من عبادة الأوثان خالصاً مخلصاً ;

أبوبصير گوید: از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند عزوجل <فأقم وجهك للدين حنيفاً> سؤال کردم. فرمود: رسول اکرم(ص) را امر کرده است که روی خود را به طور خالص و بدون شرک و بت پرستی به سوی قبله کند.

جهت قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۵

۱۵ - رو کردن به جهت و سمت مسجدالحرام ، در اعمالی که مشروط به قبله اند ، کافی است .

فول وجهك شطر المسجدالحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

بدیهی است که خود مسجدالحرام و یا کعبه، قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز، لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد و یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد و یا کعبه در آن جهت قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۴

۴ - رو کردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، در اعمال مشروط به قبله کافی است .

فول وجهك شطر المسجدالحرام

بدیهی است که خود مسجدالحرام یا کعبه قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد، یا کعبه قرار

گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد، یا کعبه در آن جهت، قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۳

۳ - رو کردن به سمت و جهت مسجدالحرام، کافی در اعمال مشروط به قبله

فول وجهك شطر المسجدالحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

برداشت فوق از کلمه <شطر> که به معنای سمت و جهت است، استفاده می شود.

حقانیت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۶، ۱۹، ۲۰

۱۶ - عالمان اهل کتاب (یهود و نصارا) به حقانیت تغییر قبله (از بیت المقدس به مسجدالحرام) واقف بودند .

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

مراد از ضمیر <أنه> نسخ قبله سابق (بیت المقدس) و تعیین قبله فعلی (مسجدالحرام) است.

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

جمله <و ما الله...> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶، ۷

۶- تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح

شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله بازگردد.

۷- اهل کتاب ، هیچ تردیدی در حقانیت تغییر قبله نداشتند . *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هرگونه بطلان و ناروایی

الحق من ربک

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

حقانیت قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲،۳

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

لیعلمون أنه الحق . . . و لئن أتیت الذین ... ما تبعوا قبلتک

۳ - هیچ برهان و معجزه ای نمی تواند اهل کتاب را به پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله حق ، وادارد .

و لئن أتیت الذین أو تواتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

کلمه <ءایه> به معنای علامت و نشانه است و مقصود از آن معجزه و برهان می باشد.

حقانیت قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربك

حقانیت قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جمله <و هم يعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

دشمنان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۶

۶ - پیشگویی قرآن از موضعگیری مخالفان اسلام درباره تغییر قبله

سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم التي كانوا عليها

سخن درباره قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۳

۳ - گفتگو درباره تغییر قبله و تعیین آن ، امری نابجاست .

و لكل وجهه هو مولّوها

هدف از تذکر این حقیقت که خداوند تعیین کننده قبله است - پس از بیان مخالفت اهل کتاب و تبلیغات آنان علیه تغییر قبله که طبعاً مشاجراتی را با مسلمانان در پی داشت - رساندن این معناست که: برای معتقدان به خدا شایسته نیست درباره تغییر و تعیین قبله به مشاجره پردازند زیرا خداوند تعیین کننده قبله است.

سفیهان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۳

۳ - سفیهان و بی خردان ، تغییر قبله را امری ناروا می شمردند و مورد اعتراض قرار می دهند .

سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم التي كانوا عليها

عالمانه بودن تغيير قبله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢

۱۴ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حکمی عالمانه و برخاسته از وحی و دستور خداوند است .

و ما أنت بتابع قبلتهم .. من بعد ما جاءك من العلم

از مصادیق مورد نظر برای <العلم>، وحی و دستور الهی مبنی بر تغییر قبله است.

علمای اهل کتاب و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۹، ۱۶

۱۶ - عالمان اهل کتاب (یهود و نصارا) به حقانیت تغییر قبله (از بیت المقدس به مسجدالحرام) واقف بودند .

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

مراد از ضمیر <أنه> نسخ قبله سابق (بیت المقدس) و تعیین قبله فعلی (مسجدالحرام) است.

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

علمای مسیحیت و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است .

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <ليعلمون> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

علمای یهود و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام ، فرمانی از

ناحیه خداوند است .

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <لِيعْلَمُونَ> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

عوامل تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۷

۷ - انتظار و اشتیاق پیامبر (ص) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود .

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها

تفریع جمله <فلنولينك...> بر <قد نرى...> به وسیله حرف <فاء> می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر(ص) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

فلسفه تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۰، ۲۱

۲۰ - هدف از تغییر قبله و تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله مسلمانان ، مشخص شدن پیروان واقعی پیامبر (ص) از غیر ایشان

*

ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب

برخی برآنند که <إلا- لنعلم...> بیان هدف تغییر قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام است؛ یعنی، <لنعلم> در حقیقت متعلق به فعلی محذوف است که قرینه های کلامی دلالت بر آن دارد و جمله با تقدیر آن چنین است: ما جعلنا القبلة التي كنت عليها فصرفناك عنها إلا لنعلم...

۲۱ - تبدیل قبله ، آزمونی برای تصفیه مسلمانان واقعی از غیر آنان

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۲۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که : > و صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ ... ثُمَّ عَيَّرْتَهُ الْيَهُودُ ، فَقَالُوا إِنَّكَ تَابِعَ لِقِبْلَتِنَا فَاعْتَمَّ لَذَلِكَ غَمًّا شَدِيدًا و لما كان في بعض الليل خرج (ص) يقلب وجهه في آفاق السماء ... فلما صَلَّى من الظهر ركعتين جاءه جبرئيل (ع) فقال له : قد نرى قلب وجهك في السماء فلنولينك قبله ترضى ها فول وجهك شطر المسجد الحرام - الآية - ثم أخذ بيد النبي (ص) فحوّل وجهه إلى الكعبة ... ;

رسول خدا(ص) به سوی بیت المقدس نماز می خواند .. سپس یهود او را سرزنش کرده گفتند: تو پیرو قبله ما هستی، و آن حضرت در پی این سرزنش بشدت اندوهگین شد و در موقعی از شب که از [خانه] بیرون آمده بود، در اطراف آسمان ها می نگریست ... و چون دو رکعت نماز ظهر را خوانده بود جبرئیل نازل گشت و به آن حضرت گفت: ما نگاههای انتظارآمیز تو را [برای تغییر قبله] مشاهده می کردیم، پس روی تو را به سوی قبله ای - که تو به آن راضی هستی - بر می گردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام برگردان. آن گاه دست او را گرفت و رویش را به سوی کعبه برگرداند.

فلسفه قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۷، ۱۰، ۹

۹ - هدف از تعیین بیت المقدس به عنوان قبله

مسلمانان ، مشخص شدن پیروان واقعی پیامبر (ص) از غیر آنان بود

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه

۱۰ - تعیین بیت المقدس به عنوان قبله ، آزمونی برای مسلمانان و تصفیه ایشان

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم

۱۷ - مشخص شدن روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا ، فلسفه تعیین بیت المقدس به عنوان قبله مسلمانان

إلا لنعلم من يتبع الرسول .. و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

فلسفه قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۳

۳ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۶

۱۶ - فراهم آمدن زمینه دستیابی مسلمانان به هدایت های ویژه ، از هدف های تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله آنان

فولوا وجوهكم شطره .. لعلکم تهتدون

چون مخاطبان آیه مسلمانان هستند و آنان به دلیل ایمانشان به اسلام هدایت یافته اند، معلوم می شود مراد از هدایت مطرح شده در <تهتدون>، هدایتی ویژه و کاملتر از هدایت نخست است.

قبله اول مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱،۲

۱ - بیت المقدس در برهه ای از عصر بعثت ، قبله مسلمانان بود .

ما ولیهم عن قبلتهم الی کانوا علیها

اکثر مفسران بر آنند که مراد از <قبلتهم .. > بیت

المقدس است.

۲ - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا عليها .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

قبله اهل حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ - از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود : > البيت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فی مشارقها و مغاربها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است <.

قبله اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱

۱ - اهل کتاب وظیفه دار پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله خویش

ما تبعوا قبلتک

قبله اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ - از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود : > البيت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فی مشارقها و مغاربها من أمتی ;

كعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مكه و حوالى آن) و حرم قبله تمامى اهل زمين از امت من در مشرقها و مغربهاى آن است <.

قبله بنى اسرائيل

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۳

۱۳ از امام کاظم (ع) روایت شده است: > لما خافت بنو اسرائیل جبابرت ها أوحى الله إلى موسى و هارون (ع): > أن تبوءا لقومكما بمصر بيوتاً و اجعلوا بيوتكم قبله < قال: امرؤا أن يصلوا في بيوتهم ;

هنگامی که بنی اسرائیل از حکام ستمگر زمان خود بیمناک شدند، خداوند به موسی و هارون (ع) وحی فرستاد که برای قوم خود در مصر خانه‌هایی مهیا سازید و خانه‌هایتان را قبله قرار دهید. امام فرمود: آنان مأمور شدند که در خانه‌هایشان نماز بخوانند.<

قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱،۲

۱ - بیت المقدس در برهه‌ای از عصر بعثت، قبله مسلمانان بود.

ما وليهم عن قبلتهم التي كانوا عليها

اکثر مفسران برآنند که مراد از <قبلتهم ..> بیت المقدس است.

۲ - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس)، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت.

ما وليهم عن قبلتهم التي كانوا عليها .. يهدى من يشاء

جمله <يهدى من يشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۸،۱۹

۸ - بیت المقدس، قبله مسلمانان در برهه‌ای از عصر بعثت

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها

مراد از <القبلة> بیت المقدس است. قابل ذکر است که <کان> در <التي كنت عليها> می

تواند به معنای حال باشد؛ یعنی، قبله ای که بر آن هستی. بر این مبنا نزول آیه مورد بحث قبل از تغییر قبله خواهد بود و می تواند <کان> در جمله فوق به معنای گذشته باشد. در این صورت، زمان نزول آیه مورد بحث پس از تغییر قبله خواهد بود. از آن جا که فرمان تغییر قبله در آیه بعد مطرح شده، به نظر می رسد احتمال نخست پسندیده تر باشد.

۱۹ - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام *

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <کان> در <التي كنت عليها> دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت <التي كنت عليها> دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، حق و پیراسته و از هر گونه بطلان و ناروایی

الحق من ربك

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

قبله بودن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۵

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۳، ۱۵

۱۳ - مسلمانان در هر سرزمینی که باشند، باید مسجد الحرام را قبله خویش قرار دهند .

وحيث ما كنتم فولوا

۱۵ - رو کردن به جهت و سمت مسجدالحرام ، در اعمالی که مشروط به قبله اند ، کافی است .

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

بدیهی است که خود مسجدالحرام و یا کعبه، قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز، لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد و یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد و یا کعبه در آن جهت قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱

۱ - اهل کتاب وظیفه دار پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله خویش

ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۲،۴

۲ - پیامبر (ص) موظف شد در هر مکان ، اعمال مشروط به قبله را به سوی مسجدالحرام انجام دهد .

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجدالحرام

۴ - رو کردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، در اعمال مشروط به قبله کافی است .

فول وجهک شطر المسجدالحرام

بدیهی است که خود مسجدالحرام یا کعبه قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد، یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد، یا

کعبه در آن جهت، قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۳، ۲، ۱

۱ - مسجدالحرام قبله پیامبر (ص) و همه مسلمانان جهان

و من حیث... و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۲ - مسجدالحرام قبله منطقه ای یا قبله گروهی خاص نیست.

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۳ - رو کردن به سمت و جهت مسجدالحرام، کافی در اعمال مشروط به قبله

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

برداشت فوق از کلمه <شطر> که به معنای سمت و جهت است، استفاده می شود.

قبله در ذبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۴

۴ - وجوب ذبح یا نحر قربانی، به طرف کعبه

ثم محلها إلى البيت العتيق

<محل> اسم مکان و مشتق از مصدر <حلول> است. <حلول> نیز به معنای نزول و فرود آمدن است و <حلّ بالمکان>؛ یعنی، در آن جا فرود آمد. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <جایی که دام های قربانی فرود می آیند، به طرف کعبه است.> مقصود این است که دام های قربانی، وقتی به قربانگاه رسیدند و در آن جا برای ذبح و نحر آماده شدند، باید به سوی کعبه باشند. گفتنی است که ذکر کیفیت قربانی کردن و این که دام ها باید به طرف کعبه ذبح و نحر بشوند، می تواند بدان جهت باشد که مشرکان عصر بعثت، دام ها را به طرف بت هایی که در منا نصب شده بود قربانی می کردند.

قبله در نماز

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۴

۲۴ - > ان الفرایض لاتصلیها إلا إلى القبلة و هو المروى عن أئمتنا (ع) ;

از ائمه اهل بیت (ع) روایت شده که نمازهای واجب را نمی شود به جا آورد، مگر اینکه به سوی قبله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله تعالى: > و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد < قال: مساجد محدثه فامروا أن یقیموا وجوهکم شطر المسجد الحرام.

از امام صادق(ع) روایت شده است: مراد از آیه > و أقیموا وجوهکم .. <، مساجد نو بنیاد است که مردم مأمورند (هنگام عبادت) در آنها رو به مسجد الحرام بایستند.

قبله در نمازهای مستحبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۵ - ۱۰

۱۰ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: > انزل الله هذه الآیه فی التطوع خاصه < فاینما تولوا فثم وجه الله . . . < و صلی رسول الله ایماً علی راحلته اینماتو جهت به حیث خرج الی خیبر و حین رجع من مکة و جعل الکعبه خلف ظهره ;

خداوند این آیه (فاینما تولوا فثم وجه الله) را در خصوص نماز مستحبی نازل کرده است و رسول خدا(ص) در حالی که سوار مرکب خود بود و به این سو آن سو می رفت، نمازهای [مستحبی] را با اشاره به جا می آورد آن زمانی که به سوی خیبر رفت و آن زمانی که از مکة مراجعت نمود

و کعبه را پشت سرش قرار داد.<

قبله شدن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۲

۲ - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا عليها .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و ...)

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هر گونه بطلان و ناروایی

الحق من ربك

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می

باشد.

قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۹

۱۹ - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام *

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <کان> در <التي كنت عليها> دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت <التي كنت عليها> دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۲، ۱۴، ۱۷

۱۲ - خداوند - در پی نوید تغییر قبله - به پیامبر (ص) و مسلمانان فرمان داد تا رو به سوی مسجد الحرام کنند .

فلنولينك .. فول وجهك شطر المسجد الحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

۱۴ - تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله مسلمانان ، خشنودی و رضایت پیامبر (ص) را در پی داشت .

فلنولينك قبله ترضيها فول وجهك شطر المسجد الحرام

۱۷ - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجد الحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است .

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <ليعلمون> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۱، ۵

۱ - مسجد الحرام قبله تعیین شده برای پیامبر (ص) از ناحیه خداوند

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و إنه للحق من ربک

۵- تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله ، پرتوی از

ربوبیت خدا بر پیامبر (ص) و در جهت پیشبرد اهداف وی بود.

و إنه للحق من ربك

اضافه <رب> (تریت کننده و مدبر) به ضمیر <ك> که خطاب به پیامبر است، می تواند اشاره به این معنا باشد که: تغییر قبله در جهت تدبیر امور پیامبر^ﷺ یعنی، اهداف رسالت، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، حادثه ای مهم و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام

و من حیث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام ... و لعلکم تهتدون

نزول آیات متعدد درباره تغییر و تعیین قبله^ﷺ مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) و تکرار فرمان <فولّ ..> (در آیات ۱۴۴، ۱۴۹ و ۱۵۰) و نیز مخاطب قرار دادن مسلمانان و تکرار جمله <فولوا وجوهکم شطره> (در دو آیه ۱۴۴ و ۱۵۰) بیانگر اهمیت خاص و با ارزش بودن تغییر و تعیین قبله است و اهداف اساسی بیان شده برای آن، حکایت از سرنوشت ساز بودن آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت

فولوا وجوهکم شطره .. لعلکم تهتدون. كما أرسلنا فيکم رسولا

برداشت فوق مبتنی بر این است که کاف در <كما> برای تشبیه باشد. بر این مبنا تغییر قبله - که از آیه قبل به دست می آید - <مشبهه> و ارسال پیامبر <مشبه به> می باشد و تشبیه مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن مسأله و

بزرگی آن نعمت است.

قبله محمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱

۱ - مسجدالحرام قبله پیامبر (ص) و همه مسلمانان جهان

و من حیث .. و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

قبله مردم دور از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ - از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: > البیت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فی مشارقها و مغاربها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است.<

قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - مسلمانان در هر سرزمینی که باشند، باید مسجد الحرام را قبله خویش قرار دهند .

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۱۴ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله مسلمانان، خشنودی و رضایت پیامبر (ص) را در پی داشت .

فلنولینک قبله ترضیها فول وجهک شطر المسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱

۱ - مسجد الحرام قبله پیامبر (ص) و همه مسلمانان جهان

و من حیث .. و حیث ما کنتم فولوا و جوهکم شرطه

قبله مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۷ - یهود و نصارا هر يك دارای قبله ای ویژه خویش

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

قبله یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۷

۷ - یهود و نصارا هر يك دارای قبله ای ویژه خویش

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

مجادله در قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۸

۸ - مشاجره و مجادله بر سر قبله و احکام فرعی دین ، از مصداق های خیر نیست .

و لكل وجهه هو مؤلّها فاستبقوا الخیرت

محمد(ص) و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱

۱ - پیامبر (ص) در برهه ای از زمان ، در انتظار و اشتیاق فرمانی از جانب خدا برای تغییر قبله بود .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله

تفریع جمله <فلنولینک ..> بر جمله <قد نری> می رساند

که: چشم دوختن پیامبر به اطراف و اکناف آسمان به خاطر انتظار فرمان تغییر قبله بوده است.

محمد(ص) و قبله اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۶

۶ - خداوند ، پس از تغییر قبله از پیامبر (ص) خواست که هرگز روی به قبله اهل کتاب نیاورد و آن را قبله خویش نسازد .

و ما أنت بتابع قبلتهم

جمله <و ما أنت .. > (تو از قبله آنان پیروی نخواهی کرد) جمله خبری است و منظور از آن انشا و دستور می باشد، یعنی، نباید از قبله ایشان تبعیت کنی.

مخالفت با قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۷

۷ - کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او (نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام) مخالفت کنند .

و ما الله بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

مسلمانان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۲

۲۲ - تغییر قبله امری دشوار و ناپذیرفتنی برای گروهی از مسلمانان

و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

مسلمانان و قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۱

۱۱ - قبله بودن بیت المقدس برای اهل اسلام ، امری دشوار و ناپذیرفتنی برای گروهی از مسلمانان

و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى

مسیحیان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۰

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

جمله <و ما الله...> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

مسیحیان و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا ، سرای آخرت و ...) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

ليس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: <آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. >

مسیحیان و قبله مسلمانان

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

ليعلمون أنه الحق . . . و لئن أتيت الذين ... ما تبعوا قبلتك

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر (ص) و مؤمنان از کعبه به قبله خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم . . . و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله < و لئن اتبعت . . . إنك لمن الظالمين > با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <اهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

مسیحیان و قبله یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا ، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

ملاک قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۱،۱۳

۱۱ - همه جهت ها و مکان ها از آن رو که ملک خداوند هستند ، صلاحیت قبله شدن را داشته و مزیتی بر یکدیگر ندارند .

قل لله المشرق و المغرب

۱۳ - تأثیر جهتی از

جهات یا مکانی از مکان ها در هدایت انسان ها ، ملاکی جهت قبله قرار دادن آن

ما ولیهم عن قبلتهم ... قل لله المشرق و المغرب یهدی من یشاء

منشأ تعیین قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۹،۱۱

۹ - تعیین قبله از شؤون خداوند است .

قد نری ... فلنولینک قبله ترضیها

۱۱ - نسخ قبله و تعیین آن ، در اختیار پیامبر (ص) نبود .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضیها

چنانچه پیامبر(ص) از ناحیه خداوند مأذون بود که قبله را تغییر دهد، یا حکمی را نسخ و یا تشریح کند؛ ضرورتی نداشت به انتظار وحی، برای نسخ قبله و تعیین قبله ای دیگر، چشم به آسمان دوزد و به انتظار وحی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۲،۴

۲ - خداوند تعیین کننده قبله برای امتهاست .

و لکل وجهه هو مولیها

ضمیر <هو> به <ربک> در آیه قبل بر می گردد. <مولی> به معنای بر گرداننده است و مفعول اول آن <کل أمه> می باشد که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. بنابراین <هو مولیها> یعنی، خداوند امتها را به سوی قبله ای خاص بر می گرداند (فرمان می دهد که چه سمتی را قبله خویش سازند).

۴ - توجه به الهی بودن تغییر قبله و تعیین آن ، موجب رفع مشاجره درباره آن است .

و لکل وجهه هو مولیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - بقره - ٢ - ١٤٩ - ١٣٨

١ - مسجد الحرام

قبله تعیین شده برای پیامبر (ص) از ناحیه خداوند

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و إنه للحق من ربک

۳- تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

۸- وجود زمینه های تخلف از فرمان خدا (تغییر و تعیین قبله)، در میان مسلمانان

و ما الله بغفل عما تعملون

ظاهر این است که خطاب در <تعملون> متوجه مسلمانان باشد. بنابراین آنان مورد تهدید واقع شده اند و این نشان می دهد که در میان مسلمانان کسانی بوده اند که در پذیرش قبله جدید تردید داشته و یا در صدد مخالفت با آن بوده اند.

منشأ تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، حکمی عالمانه و برخاسته از وحی و دستور خداوند است.

و ما أنت بتابع قبلتهم .. من بعد ما جاءك من العلم

از مصادیق مورد نظر برای <العلم>، وحی و دستور الهی مبنی بر تغییر قبله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۴

۴ - توجه به الهی بودن تغییر قبله و تعیین آن، موجب رفع مشاجره درباره آن است.

و لكل وجهه هو مولیها

مهتدین و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ - تنها هدایت یافتگان و پیروان واقعی پیامبر ، تغییر قبله را پذیرفته و آن

را امری دشوار نمی شمردند .

و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

مهتدين و قبله شدن بيت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۲

۱۲ - تنها هدایت یافتگان ، بیت المقدس را به عنوان قبله پذیرفته و آن را تکلیفی سنگین نمی شمردند .

و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

نسخ قبله بودن بيت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۷

۷ - انتظار و اشتیاق پیامبر (ص) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود .

قد نرى تقلب وجهك فى السماء فلنولينك قبله ترضيها

تفریع جمله <فلنولينك .. > بر <قد نرى ... > به وسیله حرف <فاء > می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر(ص) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

نعمت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت

فولوا وجوهكم شطره .. لعلکم تهتدون. کما أرسلنا فیکم رسولا

برداشت فوق مبتنی بر این است که کاف در <کما > برای تشبیه باشد. بر این مبنا تغییر قبله - که از آیه قبل به دست می آید - <مشبّه > و ارسال پیامبر <مشبّه به > می باشد و تشبیه مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن مسأله و بزرگی آن

نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۴ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، از نعمتهایی که مسلمانان باید به پاس آنها ، همواره به یاد خدا باشند .

فولوا وجوهکم شطره .. كما أرسلنا فيکم رسولاً ... فاذکرونی

برداشت فوق از حرف <فاء> که <اذکرونی> را بر نعمتهای یاد شده (تغییر قبله و رسالت پیامبر(ص)) تفریع کرده است، به دست می آید.

۶ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره .. كما أرسلنا فيکم رسولاً ... واشکروا لی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

و حیانت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حکمی عالمانه و برخاسته از وحی و دستور خداوند است .

و ما أنت بتابع قبلتهم .. من بعد ما جاءك من العلم

از مصادیق مورد نظر برای <العلم>، وحی و دستور الهی مبنی بر تغییر قبله است.

یهود و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۰

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

جمله <و ما الله ..> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل

کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷- یهود و نصاری عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

یهود و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۵

۲۵- از امام صادق (ع) روایت شده که : > و صَلَّى رسول الله (ص) إلى بيت المقدس . . . ثم عیترته اليهود ، فقالوا انك تابع لقبلتنا فاعتّم لذلك عمّاً شديداً و لما كان في بعض الليل خرج (ص) يقلب وجهه في آفاق السماء . . . فلما صَلَّى من الظهر ركعتين جاءه جبرئیل (ع) فقال له : قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبله ترضى ها فول وجهك شطر المسجد الحرام - الآیه - ثم أخذ بيد النبي (ص) فحوّل وجهه إلى الكعبه . . . ;

رسول خدا(ص) به سوی بیت المقدس نماز می خواند . . . سپس یهود او را سرزنش کرده گفتند: تو پیرو قبله ما هستی، و آن حضرت در پی این سرزنش بشدت اندوهگین شد و در موقعی از شب که از [خانه] بیرون آمده بود، در اطراف آسمان ها می نگریست . . . و چون دو رکعت نماز ظهر را خوانده بود جبرئیل نازل گشت و به آن حضرت گفت: ما نگاههای انتظارآمیز تو را [برای تغییر

قبله] مشاهده می کردیم، پس روی تو را به سوی قبله ای - که تو به آن راضی هستی - بر می گردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام برگردان. آن گاه دست او را گرفت و رویش را به سوی کعبه برگرداند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا، سرای آخرت و ...) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله، به بحث و مشاجره می پرداختند.

لیس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: > آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. <

یهود و قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲،۵،۹

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام)، آن را نخواهند پذیرفت.

ليعلمون أنه الحق... و لئن أتيت الذين... ما تبعوا قبلتك

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند.

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر (ص) و مؤمنان از کعبه به قبله

و ما أنت بتابع قبلتهم ... و لئن اتبعت أهواءهم

تأکید جمله < و لئن اتبعت .. إنك لمن الظالمين > با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <أهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

یهود و قبله مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

قتل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قتل

{قتل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۷، ۱۶، ۱۳، ۱۲

۱۲ کشتار نابحق (با علم و عمد) انبیای الهی ، به دست یهود

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ

نفی هر گونه حق در کشتن انبیا دلالت می کند که یهود، با علم به نبوت آنان و بدون خطا و فراموشی، پیامبران را می کشتند. چون اگر آنان را پیامبر نمی دانستند و یا به خطا و نسیان آنان را می کشتند، <بغیر حقّ> صدق نمی کرد.

۱۳ کثرت پیامبران شهید ، در بین انبیای الهی

و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغير حقّ و نقول ذوقوا عذاب الحریق

<حریق>، به معنای محرق (سوزاننده) است. گفتمی است عذاب سوزان برای کشتن

پیامبران و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناهانی است.

۱۷ عذاب سوزان نسبت دهندگان فقر به خدا و قاتلان انبیا ، با فرمان مستقیم خداوند

نقول ذوقوا عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۹، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۱۹، ۱۳، ۱۲

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حَقَّائیت آنان

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلمتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بینه> گفته می شود که حق را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حَقَّائیت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جاءکم رسل من قبلی . . . و بالذی قلمتم فلم قتلتموهم

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۲ دروغ بودن ادعای یهود در مورد ایمان به پیامبر (ص) ، در صورت مشاهده معجزه درخواستی خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب)

قل قد جاءکم . . . فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۳ تکذیب عهد خداوند با یهود در مورد ایمان نیاوردن به پیامبر (ص) ، جز با ارائه قربانی که آتشی از غیب آن را بسوزاند .

اللّٰه عهد الينا الّا نؤمن .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

اگر ادعای یهود صحیح بود، باید پیامبر (ص) خواسته آنان را عملی می کرد، و نیز نباید از عهد، به <الذی قتلتم> (آنچه را گفتید) تعبیر می کرد؛ بلکه می فرمود: بالعهد الذی عهد اللّٰه علیکم. چون اگر ادعای آنان حقیقت داشت، عهدی بود الهی؛ نه گفتار آنان.

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قتلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم اللّٰه القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

۲۹ رضایت به قتل نامشروع کسی به منزله کشتن اوست .

فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

امام صادق (ع) با تنقیح مناط از آیه فوق فرمود: .. لعن اللّٰه المرجه .. انّ هؤلاء یقولون: ان قتلنا مؤمنون فدمائنا متلطّخه بثیابهم الی یوم القیمه انّ اللّٰه حکى عن قوم فی کتابه: <الّا بین القاتلین و القائلین خمسماه فألزمهم اللّٰه القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۶۳.

آثار اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۴

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ

گیری، شرک، زنا، آدم کشی و سخن باطل، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت‌ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا... و لایزنون... و الذین لایشهدون الزور... أول

آثار تکرار قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۷

۲۷ - قاتل، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد.

کتب علیکم القصاص... فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولی مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

آثار قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۵

۱۵ - قتل موجب خروج قاتل از زمره مسلمانان نمی شود و مایه قطع رابطه اخوت ایمانی او، حتی با بازماندگان مقتول نخواهد شد.

یا ایها الذین ءامنوا... فمن عفی له من أخیه شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ جنایت و آدمکشی، حاکی از جرأت و جسارت نسبت به خداوند جهانیان است.

ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک انی اخاف الله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱

۱ عزم هاييل بر آلوده

نساختن دست خویش به خون برادر و گرفتار نیامدن به پیامد های آن

انی ارید . . فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۴

۱۴ آدمکشی ، در پی دارنده زیان و تباهی

فقتله فاصبح من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۷

۲۷ قتل نفس محترم ، در پی دارنده ندامت قاتل

فاصبح من الندمین

از امام سجاده (ع) روایت شده: .. و الذنوب التي تورث الندم قتل النفس التي حرم الله ... قال عزوجل في قصه قابيل حين قتل اخاه هابيل ... <فاصبح من الندمین > ...

معانی الاخبار، ص ۲۷۰، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۵، ح ۱۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۹

۹ کشتن نابحق یک فرد ، هتک حرمت انسانیت و سلب امنیت از همگان *

من قتل . . فکانما قتل الناس جميعاً

برابری قتل یک انسان با قتل همگان، می تواند به این معنا باشد که قاتل، حرمت انسانی را هتک کرده و در حقیقت امنیت جانی را از همگان سلب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ کشتن و مصدوم کردن دیگران ، موجب سلب حق حیات و سلامتی از مجرم

و کتبنا عليهم فيها ان النفس بالنفس و العين بالعين .. و الجروح قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۵ - ۲

گذرانیدن زندگی دنیا همراه با بی پروایی ، سرمست شدن به ثروت و مکنّت و بی رحمی و آدم کشی ، در پی دارنده قطعی عذاب هولناک دوزخ

فی سموم و حمیم .. . إِنْهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مَتْرَفِينَ

آثار قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۹،۳۰

۲۹ - انکار آیات الهی و کشتن انبیا ، موجب خوار گشتن و درمانده شدن همیشگی بنی اسرائیل شد .

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ

<ذَلِكَ> اشاره به <ذله> ، <مسکنه> و <غضب الهی> است و بآء در <بأنهم> سببیه می باشد.

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۹

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فَبِمَا نَقْضُهِمْ مِيثَاقَهُمْ ... وَ قَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۹

۹ تکذیب و قتل انبیا از سوی بنی اسرائیل مایه محرومیت آنان از حق شناسی و بینش دینی

فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ .. . فَعَمُوا وَ صَمُوا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اینکه متفرع بر جمله <حسبوا...> است می تواند متفرع بر جمله <فريقاً کذبوا

...< نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۸

۸- قتل پیامبران ، جرمی نابخشودنی و موجب عذاب الهی و محرومیت ابدی از هدایت الهی است .

أتقتلون رجالاً .. و من یضلل الله فما له من هاد

آثار قتل جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۷

۷- ولی مقتول بحق (کسی که مطابق قانون الهی کشته شده) فاقد هرگونه سلطه بر قاتل است .

و لاتقتلوا .. إلا بالحقّ و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً

آثار قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۴

۲۴ قتل خطائی ، موجب دوری قاتل از رحمت خدا خواهد شد .

و ما كان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الا خطا .. توبه من الله

توبه به معنای بازگشت است و توبه خدا بر بنده به معنای بازگشت رحمت و لطف خداوند به بنده خویش است. بنابراین معلوم می شود در قتل خطائی نیز خداوند آدمی را از رحمت و لطف خویش دور می سازد تا اینکه کفّاره آن را بپردازد.

آثار قتل دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۸

۸ - مسلمانان موظف به پیکار بی امان با دشمنان نیرومند ، تا مرز کشتن و یا به تسلیم کشاندن آنان

ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد تقاتلونهم أو يسلمون

آثار قتل رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۳۵ - کشتن رهبران الهی ، موجب ذلت و فقر و در پی دارنده غضب خداوند است .

ضربت عليهم الذله .. ذلك بأنهم ... يقتلون النبيين

آثار قتل شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۲،۳

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

ففقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أيام

۳ قوم ثمود ، پس از کشتن ناقه صالح ، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند .

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

ففقروها فأصبحوا ندمین

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است:

<ففقروها فرأوا اشرط العذاب فأصبحوا ندمین / ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند.>

آثار قتل فرعونى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۱

۱ - قتل مرد قبطی ، ظلم موسی (ع) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از سوی فرعونیان

فوكزه موسى فقضى عليه . . قال ربّ اِنّى ظلمت نفسى

موسى (ع) در پيشگاه پروردگار اعتراف كرد كه مرتكب خطاى بزرگى شده و با كشتن

مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - به هم ریختن آرامش موسی در پی کشته شدن مرد قبطی به دست وی

فوکزه موسی فقضی علیه .. فأصبح فی المدینه خائفًا یتربّب

۲ - موسی (ع) ، پس از حادثه قتل مرد قبطی به کاخ فرعون بازنگشت .

فأصبح فی المدینه

آثار قتل مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۹ - ۶

۶ - کشتن مؤمنان مجاهد و مبلغان دینی ، گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب و نابودی است .

قیل ادخل الجنّه .. إن کانت إلاّ صیحه وحده فإذا هم خمدون

آثار قتل مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۹ - ۶

۶ - کشتن مؤمنان مجاهد و مبلغان دینی ، گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب و نابودی است .

قیل ادخل الجنّه .. إن کانت إلاّ صیحه وحده فإذا هم خمدون

آثار قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۴

۴ - موسی (ع) ، از نافرجام ماندن رسالت الهی خویش در صورت کشته شدن به دست فرعونیان نگران بود .

إلى فرعون و ملائیه . . . قال ربّ إني قتل منهنم نفسًا

طرح موضوع قتل مرد قبطی، نه از آن باب است که موسی(ع) بر جان خویش می ترسید؛ بلکه بدان جهت بود که مبادا با دستگیری و کشته شدن او، رسالت

الهی که بر دوش او نهاده شده است نافرجام بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن شدید آنان بر اثر کشتن موسی (ع)

و إن یک صَادِقًا یصِبْکُمْ بعض الذی یعدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۴

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان و قبطیان ، درباره خطر عذاب الهی در صورت مخالفت با موسی (ع) و قتل او

فمن ینصرنا من بأس اللّٰه إن جاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۷

۷ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، درباره این که قتل موسی (ع) موجب گمراهی ابدی و علاج ناپذیر آنان خواهد شد .

أتقتلون رجلاً .. و من یضلل اللّٰه فما له من هاد

برداشت یادشده به خاطر این نکته است که هشدار مؤمن آل فرعون نسبت به گمراه شدن آنان در مورد قتل موسی (ع) انجام پذیرفت.

آثار قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۸

۸ - کشتن و آواره کردن اهل ایمان و تبعیض در دین ، موجب از دست دادن سرای آخرت و گرفتار شدن به عذاب شدید قیامت است .

أولئك الذين اشتروا .. فلا يخفف عنهم العذاب

<ال> در <العذاب> عهد ذكري و اشاره به <أشد العذاب> در آيه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۹ - ۶

۶ - کشتن مؤمنان مجاهد و مبلغان دینی ، گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب و نابودی است .

قیل ادخل الجنة . . . إن كانت إلا صيحة وحده فإذا هم خمدون

آثار قتل هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۳

۱۳ زیانکاری قایل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۲

۲ - پرهیز از کشتن و ریختن خون یکدیگر ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثقكم لا تسفكون دماءكم

جمله <لا تسفكون دماءكم> (خون [همکیشان] خود را نریزید) جمله ای خبری است و مراد از آن انشا می باشد، یعنی، خونریزی نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۲۶

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . . . ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۲۶ - پایبندی گروهی از یهودیان عصر بعثت به تورات با عمل کردن به پیمان های الهی و پرهیز از کشتن و

بیرون راندن همکیشان خود

فما جزاء من یفعل ذلک منکم

سیاق خطابه‌های گذشته اقتضا می‌کرد که جمله <فما جزاء ..> بدین گونه ایراد شود: <فما جزاء کم بما تفعلون إلا خزی>. این تغییر سیاق اشاره به این دارد که همه یهودیان مرتکب اعمال ناروای مذکور نشدند. من تبعیضیه در <منکم> مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱

۱ مؤمنان، وظیفه دار پرهیز از کشتن افراد مشکوک در مسیر سفر برای جهاد قبل از احراز کفر آنان

یا ایها الذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا

از سیاق آیه و شأن نزول وارد شده چنین استفاده می‌شود که مسلمانان به هنگام حرکت به سوی نبرد در بین راه اگر به افرادی مشکوک مواجه می‌شدند، به گمان اینکه آن افراد از قوای دشمن هستند، ممکن بود آنان را به قتل برسانند؛ خداوند اهل ایمان را امر می‌کند که بدون تحقیق، شخص مشکوک را نکشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۲

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قایل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می‌شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می‌کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پرهیز از شرک، فرزندکشی، کردارهای شنیع، کشتن بیگناهان، تجاوز به دارایی یتیمان، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

ألا تشرکوا به شیئاً .. و أن هذا صرطی مستقیماً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر متکلم در <صراطی> خداوند باشد. صراط خداوند یعنی راهی که به سوی اوست.

اجتناب از قتل دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۵

۵ - معتقدان به ادیان الهی نباید یکدیگر را بکشند یا گروهی از آنان، گروهی دیگر را از خانه و دیارشان بیرون رانند.

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم و تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

اجتناب از قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۶

۲۶ دوری از کارهای زشت و پرهیز از کشتن بی گناهان، از توصیه های خدا به انسانها

و لاتقربوا الفوحش .. ذلکم وصیکم به

احکام قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۱، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۵

۵ ضرورت پرداخت خونبها علاوه بر کفاره در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأ .. و دیه مسلّمه الی اهله

۱۳ اگر خانواده مقتول از دشمنان اهل ایمان باشند ، پرداخت دیه به آنان لازم نیست .

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

چون در فرض قبل و نیز فرض بعدی تصریح به خونبها شده است، ولی در فرض مذکور سخنی از خونبها نرفته، معلوم

می شود که در این فرض، خونبها لازم نیست.

۱۵ در قتل خطائی، اگر مقتول، مؤمن و خانواده اش از کافران همپیمان با مسلمانان باشند، کفاره آن آزادسازی یک برده با ایمان است.

و ان كان من قوم بينكم وبينهم ميثاق فدية مسلمة الى اهله و تحرير رقبة مؤمنه

ظاهراً مراد از ضمیر در <کان>، مقتول است، شرط ایمان در برده ای که باید آزاد شود، این معنا را تقویت می کند.

۱۶ اگر خانواده مؤمن مقتول، کافر و همپیمان با مسلمانان باشند، پرداخت دیه به آنان لازم است.

و ان كان من قوم بينكم وبينهم ميثاق فدية مسلمة الى اهله

۱۸ لزوم پرداخت خونبها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان كان من قوم بينكم وبينهم ميثاق فدية مسلمة الى اهله و تحرير رقبة مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <کان>، مقتول باشد، بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان كان ... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

۳۱ قتل خطائی آن است که چیزی غیر از مقتول، هدف باشد، لیکن به اشتباه، مقتول هدف قرار گیرد.

و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً الا خطأ .. و من قتل مؤمناً خطأً

امام صادق (ع) فرمود: .. و الخطأ من اعتمد شيئاً فاصاب غيره.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶ حرمت قتل و هر گونه تعرض به دشمن ، در صورت اظهار اسلام

و لا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا

مراد از القای اسلام، به قرینه <لست مؤمناً>، اظهار اسلام با گفتن شهادتین و یا سخنی که حاکی از مسلمان شدن است، می باشد.

۱۰ ضرورت پرهیز از کشتن افراد و یا گروه های از دشمنان محارب که تسلیم شده و خواهان ترک نبرد هستند .

و لا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا

با توجه به معنای لغوی <سلام> (صلح)، مراد از القای سلام، صلح خواهی است. یعنی اگر دشمن خواهان صلح است، نبرد با او جایز نیست و جمله <لست مؤمناً>، اشاره به این معنی دارد که در ترک تعرض، تنها ایمان شرط نیست؛ بلکه تسلیم و یا صلح خواهی نیز کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۱

۱۱ بهره گیری از تمام شیوه های ممکن (کشتن ، اسیر کردن ، محاصره نمودن و کمین زدن) به منظور وادار کردن جوامع غیر مسلمان به پذیرش آیین اسلام ، در پی اتمام حجت و دادن فرصت کافی به آنان ، بلامانع است .

فإذا انسلك الأشر الحرم فاقتلوا المشركين .. فإن تابوا ... فخلوا سبيلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۴، ۵، ۱

۱- کشتن فرزند ، از بیم تنگدستی و فقر ، ممنوع و حرام است .

و لا تقتلوا أولادكم خشية إملق

۴- کشتن فرزند ، به گمان رها ساختن وی از

مبتلا شدن به فقر و سرنوشتی سخت و فلاکت بار ، ممنوع و حرام است .

و لا تقتلوا أولادكم خشية إملق

برداشت فوق، بنابراین است که مراد از <إملق> بیم پدر و مادر، از تهی شدن خود و فرزندانشان باشد.

۵- ترس از فقر و تهی دستی ، مجوز ارتکاب قتل فرزند نمی شود .

و لا تقتلوا أولادكم خشية إملق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۳،۷،۲،۱

۱- کشتن انسان های بی گناه و بی تقصیر ، ممنوع و حرام است .

و لا تقتلوا النفس التي حرّم الله

۲- جان برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارج بوده و می توان آنها را به قتل رساند .

و لا تقتلوا النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

۳- حاکمیت اصل حرمت قتل ، جز در مورد های تصریح شده در حقوق و قوانین الهی

و لا تقتلوا النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

۷- ولی مقتول بحق (کسی که مطابق قانون الهی کشته شده) فاقد هرگونه سلطه بر قاتل است .

و لا تقتلوا .. إلاّ بالحقّ و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۴،۵،۶

۴ کشتن به ناحق انسان ، حرام است .

و لا یقتلون النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

۵ کشتن انسان مستحق قتل ، جایز است .

و لا يقتلون النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <لا يقتلون> و استثنای <إلاّ بالحقّ> از نوع استثنای مفرغ باشد؛ یعنی، <لا يقتلونها بسبب من الأسباب إلاّ بسبب الحقّ> نمی کشند

هیچ کس را به هر دلیلی که باشد مگر به سبب حق <.

۶ برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارزش انسانی و مستحق نابودی اند .

و لا یقتلون النفس التي حَرَّمَ اللهُ إِلَّا بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۶،۷،۹،۵،۴

۴ - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون .. لنغرینک بهم ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تقتیلاً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درک و انجام دادن کار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ینته .. و المرجفون فی المدینه ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تقتیلاً

۶ - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

لئن لم ینته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا

۷ - ادامه دهندگان به فساد در جامعه ، با آزار و اذیت زنان مؤمن ، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون و .. لنغرینک بهم ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا

<أین> مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

۹ - بر آحاد

جامعه اسلامی، روا و جایز است که ادامه دهندگان به فساد را پس از فرمان حاکم اسلامی، با رعایت مراحل و شرایط، به قتل برسانند.

لئن لم ینته المنفقون .. اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تقتیلاً

در آیه پیش وقتی سخن از تهدید منافقان و بیماردلان و .. به میان آمد، خداوند فرمود: <اگر آنان، ادامه بدهند پیامبر(ص) را بر آنها چنان مسلط خواهد کرد که ادامه زندگی برای شان ممکن نباشد> و در این آیه، فعل های <أخذوا> و <قتلوا> را مجهول آورده و برای انجام دادن وظیفه یاد شده، کسی را معرفی نکرده است. به نظر می رسد، با توجه به مهدورالدم اعلام شدن گروه های یاد شده، در آیه، به مسلمانان اجازه می دهد که آن افراد را به قتل برسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۵

۵ - شرک پدر و مادر و انحراف آنها از ادیان الهی، مجوز کشتن فرزندان آنان نیست.

و إذا الموءودة سئلت . بأی ذنب قتلت

آیه شریفه ناظر به رفتاری است که برخی از مشرکان عصر بعثت با دختران خود داشتند. محکومیت این رفتار، حاکی از مصونیت جان فرزندان آنان است.

اسراف در قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : إذا اجتمعت العده على قتل رجل واحد حکم الوالی أن یقتل أیهم شأؤوا و لیس لهم أن یقتلوا أكثر من واحد إن الله عزوجل یقول : > و من قتل مظلوماً فقد

جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر گاه گروهی یک مرد را به قتل برسانند والی حکم می کند که هر کدام از قاتلین را که اولیای دم بخواهند بکشند و آنان حق ندارند بیش از یک نفر را بکشند. همانا خداوند عزوجل می فرماید: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل < .

اصرار توطئه قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - فرعون ، سخن مؤمن آل فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أتقتلون رجلاً .. فمن ینصرنا من بأس الله إن جاءنا قال فرعون ما أریکم إلا ما أ

اظهار بی اطلاعی از قتل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۷

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثم لنقولن لولیه ما شهدنا مهلك أهله و إنا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولی دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

اعتراض به قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱

۱ - اعتراض و اظهار مخالفت مؤمن آل فرعون نسبت به تصمیم قتل موسی (ع)

از سوی فرعون

وقال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمنه أتقتلون رجلاً أن يقول ربي

افشای بانی قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۲

۲ - خداوند ، قوم موسی را به معرفی قاتل نوید داد و قاتلان را به افشای هویتشان تهدید کرد .

و الله مخرج ما كنتم تكتمون

مراد از <ما كنتم تكتمون> (آنچه را كتمان می كردید)، به قرینه جمله قبل، معرفی نکردن قاتل علی رغم آگاهی به آن است. مراد از <إخراج> (مصدر مخرج)، به قرینه تكتمون، آشكار ساختن است.

افشای توطئه قتل موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۴

۴ - شنود گفت و گو های سران حكومت فرعون به وسیله مرد ناشناس و رساندن سریع آن به موسی (ع)

و جاء رجل .. قال یموسی إنّ الملائم یأمرون بك لیقتلوك

افشای قتل فرعونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۹ - ۵

۵ - افشا شدن راز قتل مرد قبطی به وسیله مرد اسرائیلی

قال یموسی .. كما قتلت نفسًا بالأمس

امتحان با قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۷

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجكم من آل فرعون . . . و في ذلكم بلاء من ربكم عظيم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلكم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

۲۱ قاییل ، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هاییل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قاییل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: .. ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قاییل قد تقبل قربان هاییل و لم یتقبل قربانک و انک ان ترکه یكون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یكون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ...

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

اهمیت قتل دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۶

۱۶- لزوم حفظ حالت جنگی و تهاجم بر دشمن ، برای کشتن و اسیر گرفتن تا زمان فرو نشستن شعله های نبرد

حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا

می توان گفت: <حَتَّى تَضَعَ..> غایت برای مجموع پیام آیه است که عبارت بود از یورش بر دشمن، برای نابود ساختن و اسیر گرفتن آنان.

اهمیت قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۴

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیر شدن دشمن

فَضْرِبِ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتَمُوهُم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل

از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

برادران یوسف و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ برادران یوسف، کشتن یا تبعید او را گناه می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند.

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تكونوا من بعده قومًا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۵

۵ برادران یوسف در توطئه علیه او، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند.

و ألقوه فی غیبت الجب .. و أجمعوا أن يجعلوه فی غیبت الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

بندگان خدا و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳

۳ بندگان خالص خدا، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند.

و لا یقتلون النفس التي حرم الله إلا بالحق

بنی اسرائیل و قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۹، ۳۷، ۳۲، ۲۸، ۲۷

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و یقتلون النبیین بغیر الحق

۲۸ - بنی اسرائیل هیچ عذر و بهانه ای برای کشتن پیامبران الهی نداشتند .

و یقتلون النبیین بغیر الحق

با

توجه به این حقیقت که کشتن پیامبران هرگز حق نیست، قید توضیحی (بغیر الحق) آورده شده تا به این معنا اشاره کند که: بنی اسرائیل هیچ بهانه ای از قبیل جهل به پیامبری پیامبران و یا خطایی از سوی ایشان، سراغ نداشتند تا بتوانند کشتن آنان را حق جلوه دهند.

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت الله .. ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد .. اهبطوا مصرأ ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه / یعنی، <و ضربت علیهم الذله ..> با بخش اول آیه است.

۳۹ - <عن أبی عبد الله (ع) - و تلا هذه الآیه - > ذلک بأنهم كانوا یکفرون بایات الله و یقتلون النبین بغیر الحق ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون < قال : و الله ما قتلوهم بأیدیهم و لا ضربوهم باسیافهم و لکنهم سمعوا أحادیثهم فاذاعوها فاخذوا علیها فقتلوا فصار قتلا و اعتداء و معصیه ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که در پی تلاوت آیه فوق، فرمودند: به خدا سوگند!

بنی اسرائیل، پیامبران خود را با دستان خود نکشتند و آنان را با شمشیرهای خود به قتل نرساندند و لکن احادیث آنان را شنیدند و اسرارشان را فاش کردند و در نتیجه پیامبران، دستگیر و کشته می شدند. از این جهت افشای سرّ، قتل و تجاوز و معصیت محسوب شده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲، ۲۰

۲۰ بنی اسرائیل ، قاتل پیامبران الهی و قاتل حامیان پیامبران

و یقتلون النّبین بغیر حقّ و یقتلون الذّین یأمرون بالقسط

رسول الله (ص): ... قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیاً ... فقام ماہ رجل و اثنا عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فأمرّوا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جميعاً ...

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و یقتلون النّبین بغیر حقّ و یقتلون الذّین یأمرون بالقسط من النّاس فبشّرهم بعذاب

رسول الله (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جميعاً من آخر النّهار فی ذلك الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۲

۲ مکر و تلاش کافران بنی اسرائیل ، برای کشتن عیسی (ع)

و مکروا .. اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك

با توجه به آیه بعد که سخن از عروج عیسی (ع) به میان آمده، معلوم می شود که مکرشان در جهت کشتن عیسی (ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۱، ۱۶، ۱۰، ۹

۹ تکذیب پیامبران الهی و کشتن آنان ، شیوه بنی اسرائیل در برخورد با انبیا

کَلِمًا جَاءَهُمْ رَسُولٌ .. فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

۱۰ بی اعتنایی بنی اسرائیل به پیمان خداوند ، با تکذیب رسولان الهی و کشتن آنان

لَقَدْ اخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ .. فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

۱۱ هواپرستی بنی اسرائیل ، زمینه ساز تکذیب انبیا و قتل آنان

رَسُولٌ بِمَا لَآتَهُوهُمُ انْفُسَهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَآتَهُوهُمُ انْفُسَهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذین ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ بی پروایی بنی اسرائیل در شکستن پیمان الهی ، تکذیب انبیا و کشتن آنان ، برخاسته از باور آنان به مصونیت از عذاب فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون. و حسبوا الا تکون فتنه

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثاق بنی اسرئیل .. و حسبوا الا تکون فتنه

در برداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

۹ تکذیب و قتل انبیا از سوی بنی اسرائیل مایه محرومیت آنان از حق شناسی و بینش دینی

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون .. فعموا و صموا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اینکه متفرع بر جمله <حسبوا ..> است می تواند متفرع بر جمله <فریقاً کذبوا ...> نیز باشد.

۲۴ هشدار خداوند به بنی اسرائیل زمان پیامبر (ص) ، نسبت به تکرار رفتار پیشینیان خویش (نقض میثاق تکذیب و قتل انبیا)

لقد اخذنا میثاق بنی اسرئیل .. و الله بصیر بما تعملون

فعل مضارع <یعملون> علی رغم ماضی آوردن فعل های گذشته <حسبوا> ، <عموا و صموا> ، می رساند که جمله <و الله بصیر ..> ناظر بر بنی اسرائیل زمان پیامبر (ص) نیز می باشد.

بنی اسرائیل و قتل محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۴

۱۴ تلاش مستمر بنی اسرائیل برای کشتن پیامبر اسلام (ص)

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

فعل مضارع <یقتلون> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

بنی اسرائیل و قتل یکدیگر

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ ۲ هر کسی خود را بکشد.

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی (ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب>

به قرینه جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

۲۱ - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا مبنی بر کشتن یکدیگر ، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و اذ قال موسی .. فتاب علیکم

<اذ قال .. > عطف بر <نعمتی > در آیه ۴۷ است یعنی: <اذ کروا اذ قال ... >.

پادشاه اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پرداخت دیه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۹

۱۹ - قاتل باید با نیکی و رفتاری پسندیده ، دیه را به اولیای مقتول پردازد .

فاتباع بالمعروف و أداء إلیه یاحسن

فاعل <أداء> قاتل است و ضمیر در <إلیه> به <أخیه> - که مراد از آن ولی مقتول است - باز می گردد. بنابراین جمله <أداء إلیه ... > یعنی، قاتل باید دیه را با رعایت احسان به ولی مقتول پردازد بدین صورت که در پرداخت دیه تأخیر نکند و کمتر از مقدار تعیین شده پردازد و موجب ناراحتی اولیای مقتول نگردد.

ترس از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بیم موسی (ع) از اقدام فرعونیان مبنی بر قتل او به خاطر رفتار گذشته اش (قتل مرد قبطی)

فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۶

۶ - منافقان حاضر در غزوه احزاب ، برای نجات از مرگ و یا کشته شدن ، تصمیم به فرار از جهاد گرفتند .

إِنْ يَرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا .. . إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ

تغییر کیفیت قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۴

۴ - فرار از جبهه جهاد ، ممکن است که نحوه مرگ و یا قتل را تغییر دهد ، اما برای همیشه آنها را منتفی نمی سازد .

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَا تَمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

توطئه قتل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۱،۲

۱ - نیرنگ و توطئه گسترده مشرکان برای نابودی ابراهیم (ع)

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا

۲ - سوزاندن ابراهیم (ع) با انبوهی از آتش پرشعله ، مکر و توطئه مشرکان در راستای نابودی آن حضرت

فَأَلْقَوْهُ فِي الْجَحِيمِ . فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ

توطئه قتل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱،۴،۷

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و كان في المدينة تسعة رهط يفسدون .

.. قالوا تقاسموا بالله لنيبته و أهله

<تقاسم> (مصدر <تقاسموا>) به مشارکت کردن در قسم و <تبییت> (مصدر <تبییتن>) به سوء قصد شبانه گفته می شود.

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و كان في المدينة تسعة رهط .. تقاسموا بالله لنيبته و أهله

نه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است؛ با این حال برای از میان بردن صالح باهم متحد شدند.

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثم ليقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله و إنا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولی دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

توطئه قتل عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۸ - ۱،۳

۱ عدم حضور حضرت مسیح (ع) در بین مردم ، پس از توطئه قتل وی توسط یهود

و ما قتلوه. بل رفعه الله إليه

چنانچه عیسی(ع) پس از توطئه قتل در بین مردمان حضور می داشت، همگان به اشتباه خویش پی می بردند و واهی بودن قصه صلیب بر مدعیان آن روشن می گشت و جمله <رفعه الله الیه> در حقیقت جواب این سؤال است که اگر وی کشته نشد چرا پس از واقعه قتل در بین مردمان دیده نشد.

۳ نجات حضرت مسیح

(ع) از توطئه قتل ، با معراج وی به سوی خدا

و ما قتلوه و ما صلبوه .. بل رفعه الله إليه

توطئه قتل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۴

۱۴ یهود ، در صدد قتل پیامبر اسلام (ص) *

و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ

برداشت فوق، توجیهی است برای نسبت دادن قتل انبیا به یهود زمان پیامبر (ص). یعنی از اینکه کشتن پیامبران به آنان نسبت داده شده، معلوم می گردد که آنان در صدد قتل پیامبرند ؛ چرا که وی به منزله همه پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۳

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیثتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون

جمله <و یمکرون> بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

توطئه قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۳

۳ - مشاوره سران حکومت فرعون درباره کشتن موسی (ع)

إِنَّ الْمَلَائِئِمَّاتِ مَرُونَ بَكَ لِيَقْتُلُوكَ

<إتتمار> (مصدر <یأتمرون>) به معنای مشورت و رایزنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۱، ۶، ۲، ۱

۱ - تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع)

وقال

فرعون ذرونی اُقتل موسی

۲- فرعون درباره تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع)، با مشاوران و درباریانش به رایزنی پرداخت.

و قال فرعون ذرونی اُقتل موسی

۶- کشتن موسی (ع)، راه اصلی مبارزه با رسالت وی و گسترش آیین او، در نگاه فرعون

و قال فرعون ذرونی اُقتل موسی

۱۱- تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع)، به اتهام فسادانگیزی و اخلالگری او در نظم عمومی کشور

اُقتل موسی .. اِنِّیْ اُخاف ... اَنْ یظْهر فی الارض الفسَاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱

۱- اطلاع یافتن موسی (ع) از توطئه برای قتل خود به دست فرعون

ذرونی اُقتل موسی .. و قال موسی اِنِّیْ عذت برِّیْ و ربِّکم من کلِّ متکبِّر

توطئه قتل هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهیای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکورزی آنان

اِنْ الْقَوْمِ اسْتضعفونی و کادوا یقتلوننی

توطئه قتل هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۵۵ - ۳

۳ هود (ع)، به مشرکان قومش اعلام کرد که در پی توطئه ها و مکرهایشان، به او مهلت نداده و او را از میان بردارند.

فکيدونی جميعًا ثم لاتنظرون

<انظار> به معنای مهلت دادن است و <لاتنظرون> (مرا مهلت ندهيد) کنایه از <نابودم سازيد> ، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ قوم عاد ، درصدد آزار و اذیت هود (ع) و از میان برداشتن او بودند .

فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون. إنی توکلت علی الله ربی و ربکم

توطئه قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۲

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً

جمله <اقتلوا یوسف..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲ اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب .. . اقتلوا یوسف

تهدید به قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱

۱ - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و ابرهیم إذ قال لقومه .. . اعبدوه ... فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو

جرم قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

۱۱ - ولی مقتول، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولی مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولی مقتول استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۷

۷ - فتنه انگیزی بدتر از جنگ و خونریزی است .

و الفتنه أشد من القتل

جرم قتل بعد از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولی مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه، قاتل را بکشد، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلك فله عذاب أليم

جمله <فله عذاب أليم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

حتمیت قتل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۴

۴ - فرار از جبهه جهاد ، ممکن است که نحوه مرگ و یا قتل را تغییر دهد ، اما برای همیشه آنها را منتفی نمی سازد .

قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل و إذا لاتمتعون إلا قليلاً

حرمت قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۷

۷ کشتن مسلمان ، حرام است .

و لا تقتلوا انفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۴

۲۴ حرمت کشتن انسان، از مشخصه های او در پیشگاه خداوند

و لاتقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق

<التي حرم الله> به دلیل استثنا (إلا بالحق)، صفت توضیحی برای <النفس> است. و این بدان معناست که حرمت کشتن انسان از تعاریف انسان شمرده و از مشخصه های او دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۴، ۳، ۱

۱- کشتن انسان های بی گناه و بی تقصیر ، ممنوع و حرام است .

و لاتقتلوا النفس التي حرم الله

۳- حاکمیت اصل حرمت قتل ، جز در مورد های تصریح شده در حقوق و قوانین الهی

و لا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحقّ

۴- ممنوعیت قتل انسان ، از ویژگی ها و مشخصه های اوست .

و لا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحقّ

عبارت <التي حرم الله> به دلیل استثنای <إلا بالحقّ> صفت توضیحی برای <النفس> است. بنابراین، حرمت قتل انسان، از جمله صفات وی به حساب می آید.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۴

۴ کشتن به ناحق انسان ، حرام است .

و لا یقتلون النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

حرمت قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۶

۶ - کشتن مؤمنان به آیین الهی ، از محرّمات مؤکّد است .

لا تسفکون دماءکم

هر چند آیه بیانگر میثاقهای خدا با بنی اسرائیل است، ولی بیان آن در قرآن، نشانه آن است که رعایت آنها وظیفه همه مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳

۳ حرمت و ناروایی کشتن مومن از روی عمد

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الاّ خطأً

حرمت قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳

۳ حرمت کشتن نابحق بر بنی اسرائیل

کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس . . فکانما قتل الناس جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۳

۲۳ کشتن انسانها به ناحق از محرمات الهی است.

و لا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق

<بالحق> صفت برای مفعول مطلق محذوف، یعنی <قتلا>، و <با> در آن به معنای ملاجست است؛ یعنی: <لا-تقتلوا النفس إلا قتلا متلبسا بالحق>.

حقیقت قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۱

۳۱ قتل خطائی آن است که چیزی غیر از مقتول، هدف

باشد ، لیکن به اشتباه ، مقتول هدف قرار گیرد .

و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً الا خطأ .. و من قتل مؤمناً خطأً

امام صادق (ع) فرمود: ... و الخطأ من اعتمد شيئاً فاصاب غيره.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۵.

خطر قتل موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۳

۳- اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطر آفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی در نظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی (ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه)؛ ولی در کشتن موسی (ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

دیه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۸، ۱۳

۱۳- قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یاحسن

۱۸- اولیای مقتول در صورت گذشت از حق قصاص و مطالبه دیه از قاتل ، باید با وی به گونه ای پسندیده رفتار کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف

فاعل <اتباع> محتمل است ولی مقتول، و محتمل است قاتل باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا

<اتباع بالمعروف>؛ یعنی، اولیای مقتول باید به گونه ای پسندیده با قاتل رفتار کنند؛ وی را آزار

ندهند؛ در گرفتن دیه بر او سخت نگیرند؛ و بیش از حد متعارف از او مطالبه نکنند و ...

دیه قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۷، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۵

۷ خونب های قتل از روی خطا ، باید به طور کامل تسلیم خانواده مقتول گردد .

و من قتل مؤمناً خطاً .. و دیه مسلّمه الی اهله

در معنای کلمه <مسلّمه> گفته شده است: <المدفوعه الیههم موفّره غیر منقّصه>. یعنی باید به طور کامل و بدون هیچ کاستی تسلیم شود. <مجمع البیان>.

۲۳ قاتل در قتل خطائی ، در صورت ناتوانی از آزادسازی برده با ایمان ، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد .

فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین

۲۵ پرداخت خونب ها ، آزاد کردن برده مؤمن و یا گرفتن روزه ، در قتل خطائی ، زمینه پذیرش توبه قاتل از جانب خداوند

و من قتل مؤمناً خطاً .. توبه من اللّٰه

<توبه>، مفعول له است و بیانگر فلسفه احکام بیان شده در قتل خطائی. یعنی بنده ای را آزاد کنید یا روزه بگیرید و خونبها هم بدهید، تا خداوند رحمتش را شامل حال شما کند و توبه شما را بپذیرد.

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی ، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن ، ادای حق اولیای مقتول است .

و من قتل مؤمناً خطاً فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلّمه الی اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحریر رقبه مؤمنه ففیما بینه و بین اللّٰه و امّا الدّیه المسلّمه الی اولیاء المقتول. ..

ص ۲۶۲، ح ۲۱۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

۳۳ کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفاره کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً فتحرير رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفاره فرمود: كلّ العتق يجوز فيه المولود الّما في كفّاره القتلى فانّ الله عزّ وجلّ يقول: <فتحرير رقبه مؤمنه > يعنى بذالك مقرّة قد بلغت الحنث.

کافی، ج ۷، ص ۶۴۳، ح ۱۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۴۸۳.

۳۵ قاتل، معاف از پرداخت دیه مؤمن مقتول به قتل خطائی، در صورت مشرک بودن اولیای وی

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحرير رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا كان من اهل الشرك فتحرير رقبه مؤمنه فيما بينه وبين الله و ليس عليه ديه . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۲۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۴.

دیه قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۸

۱۸ لزوم پرداخت خونبها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان كان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیة مسلّمه الی اهله و تحرير رقبه مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <کان>، مقتول باشد؛ بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان كان ... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

دیه قتل مؤمنان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۵،۱۶

۵ ضرورت پرداخت خونبها علاوه بر کفاره در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً .. و ديه مسلمة الى اهله

۱۶ اگر خانواده مؤمن مقتول، کافر و همپیمان با مسلمانان باشند، پرداخت ديه به آنان لازم است.

و ان كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فديه مسلمة الى اهله

زمينه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ روابط نامشروع اقتصادی، زمينه بروز خونريزي و جنگ های داخلی

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل .. و لا تقتلوا انفسكم

عطف جمله <لا تقتلوا> بر جمله <لا تاكلوا>، می تواند بیانگر ترتب قتل و خونريزي بر تصرفات نامشروع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ حسد، زمينه ساز قتل و جنایت

قال لاقتلنک

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: .. فقبل الله قربان هاييل فحسده قابيل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۵

۵ گروه گروه شدن، زمینه درگیری و خونریزی و نشانه عذاب الهی است.

أو یلبسکم شیعا و یدیق بعضکم بأس بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۶

۶ علاقه آدمی به

محبوب شدن ، می تواند وی را برای رسیدن به این مقصود ، به قتل و جنایت وادار کند .

اقتلوا یوسف . . . یخل لکم وجه أییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۹

۹ شرک ، زمینه ساز آدم کشی ، زنا و روابط ناسالم جنسی در جامعه

و الذین لایدعون مع الله إلهاً .. و لایزنون

عطف جمله <لایقتلون .. و لایزنون> بر جمله قبل بدون تکرار اسم موصول (الذین) نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان گناه آدم کشی و زنا با شرک است و طرح مسأله شرک در آغاز آیه شریفه، حاکی از آن است که شرک مبدأ پیدایش و زمینه ساز آدم کشی و زنا در جامعه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

زمینه قتل خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوند کشی عناصر سست ایمان منافق ، در صورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

برداشت بالا- بنا بر این نکته است که <تولّیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیمار دلانی باشند

که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

زمینه قتل رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۶

۳۶ - تجاوزگری و ارتکاب گناهان ، آدمی را به سوی کفر گرایش داده و بر کشتن رهبران الهی بی پروا می سازد .

یکفرون بأیت الله .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

زمینه ممانعت از قتل موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون برای بیدار کردن مردم و انصراف آنان از قتل موسی (ع) ، سرگذشت یوسف پیامبر را یادآور شد .

أتقتلون رجلاً .. إني أخاف عليكم ... و لقد جاءكم يوسف

سختی اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم

کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

سختی قتل موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۳

۳- اقدام بر قتل موسی (ع)، کاری دشوار، خطرآفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی در نظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده

به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی (ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه) ولی در کشتن موسی (ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

سرزنش قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳

۳ بندگان خالص خدا، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لا یقتلون النفس التي حرم الله إلا بالحقّ

سرزنش قتل موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۹، ۱۵

۹ - کشتن موسی (ع) به صرف اعتقاد او به ربوبیت خداوند، کاری نکوهیده و نابه جا در نظر مؤمن آل فرعون

أقتلون رجلاً أن يقول ربّي الله

از استفهام انکاری در جمله <أقتلون رجلاً..> که در مقام تقییح عمل فرعون می باشد برداشت یاد شده استفاده می شود.

۱۵ - ناروا بودن قتل موسی (ع)، در نظر مؤمن آل فرعون حتی در صورت دروغ گو بودن او

و إن یک کذباً فعلیه کذبہ

شرایط قتل دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۰

۱۰ - عدم جواز کشتن دشمن، پس از زمین گیر شدن و قدرت نداشتن او بر دفاع *

فضرب الرقاب حتّی إذا أشختموهم

مفهوم <حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتَّمُوهُم>، ممکن است این باشد که پس از زمین گیر شدن دشمن و ناتوانی وی بر دفاع از خویش، کشتن او (ضرب الرقاب) لازم نیست؛ بلکه موقع اسیر گرفتن او <شَدُّوا الوَثَاقَ> است.

شومی قتل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ سرانجام شوم حسادت و برادرکشی قایبل، درسی برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابني ءادم .. فاصبح من الندمين

با توجه به اینکه ضمیر در <علیهم> به اهل کتاب باز می گردد، هدف اصلی از بر شمردن پیامدهای قتل هابیل، پند گرفتن آنان خواهد بود.

ظلم قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۴

۴ آدمکشی، تجاوز و ظلم است.

و لا تقتلوا انفسکم ... و من يفعل ذلک عدواناً و ظلماً

برخی برآنند که <عدواناً> و <ظلماً>، قید توضیحی است و اشاره به علت عقوبت دارد. یعنی چون آدمکشی و انتحار، تجاوز و ظلم است، موجب عقوبت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ قتل و برادر کشی، ظلم و موجب ورود به آتش دوزخ

قال لاقتلنک قال ... و ذلک جزؤا الظلمین

ظلم قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۲

۲ - تهاجم بی دلیل به انسان ها و کشتار آنها، ظلم است.

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا

عوامل قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲،۹

۲ وسوسه های نفسانی قابیل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطويع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

گستاخی نفس آدمی ، تا حد وادار سازی وی به قتل و جنایت

فطوعت له نفسه قتل اخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۳

۳ حسد ، آدمی را به گناہانی همانند قتل و آواره ساختن برادر وادار می سازد .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب .. اقتلوا يوسف أو اطرحوه أرضاً

عوامل قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۱۷

۱۷ هواپرستی و خودبرتربینی یهود ، وادار کننده ایشان به تکذیب پیامبران و یا قتل ایشان

بما لاتهوى أنفسکم استکبرتم ففريقاً کذبتم و فريقاً تقتلون

تفریع جمله <فريقاً کذبتم و ..> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <بما لاتهوى أنفسکم استکبرتم> گویای برداشت فوق است.

فجیع ترین قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۴

۴ - زنده به گور کردن ، فجیع ترین نوع قتل کودکان

و إذا الموءوده سئلت . بأی ذنب قتلت

فعل <قتلت> ، بیانگر این است که مؤاخذه به جهت قتل است. بنابراین کلمه <موءوده> که نوع خاصی از قتل را مطرح کرده حاکی از منفورتر بودن آن است.

فلسفه قتل پسران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۴

۴ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان از سوی فرعونیان ، برای جلوگیری از گسترش دعوت موسی (ع) کافی و کارساز نبود .

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه . . . و قال فرعون ذروني أقتل موسى

تصميم شخص فرعون

مبنی بر کشتن موسی(ع)، پس از اقدام او و درباریانش به کشتن مؤمنان طرفدار موسی(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

فلسفه قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ .. فاقتلوا المشركين ... كيف و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاّ

فلسفه قتل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ .. فاقتلوا المشركين ... كيف و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاّ

فلسفه قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۹

۹ - حفظ آیین مردم (قبطیان) ، بهانه فرعون برای کشتن موسی (ع)

أقتل موسی .. إني أخاف أن يبدل دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۸

۸ - تصمیم فرعونیان به قتل موسی (ع) ، به خاطر اعتقاد آن حضرت به ربوبیت مطلق خداوند بود .

أَتَقْتَلُونَ رِجَالًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ

فلسفه قتل مؤمنان به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۴

۴ - کشتار فرزندان ذکور

مؤمنان از سوی فرعونیان ، برای جلوگیری از گسترش دعوت موسی (ع) کافی و کارساز نبود .

قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه . . . و قال فرعون ذروني أقتل موسى

تصمیم شخص فرعون مبنی بر کشتن موسی(ع)، پس از اقدام او و درباریانش به کشتن مؤمنان طرفدار موسی(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

فلسفه قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۱

۱۱- > عن أبي عبدالله: . . . بينما العالم يمشي مع موسى إذا هم بسلام يلعب قال : > فوكزه العالم ، فقتله . فقال له موسى : > أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً ؟ < . قال : > فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب : كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: >پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: >أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟<. امام فرمود: >پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود >كافر مطبوع<. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . . . فخشيْنَا أن يرهقهما طغيئًا و كفرًا

>إرهاق<

یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزند پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن يبدلهما ربهما خيراً منه زكوه و أقرب رحماً

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحْم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

فلسفه کیفر قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۶

۶ جلوگیری از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلك كتبنا على بنی اسرئیل انه من قتل .. فکانما قتل الناس جميعاً

قتل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۴

۴- بت پرستان در جهت یاری به بت پرستی و جلوگیری از نفوذ منطق ابراهیم (ع)، از طرف گروهی برای کشتن آن حضرت تحریک شده بودند.

قالوا حرّقوه و انصروا الهتکم

آهنگ جمله

<إن كنتم فاعلين> (اگر بناست کاری بکنید) نوعی تحریک است و ظاهر آیه این است که گویندگان (قالوا) و دستور دهندگان (حزقوه و انصروا)، با شنوندگان و دستور گیرندگان دو گروه بودند و گروه اول دسته دوم را تحریک می کردند. از این رو برخی از مفسران، گروه اول را نمرود و عمال او دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱،۶

۱ - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود!

و ابرهیم إذ قال لقومه... اعبدوه... فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو

۶ - در بین قوم ابراهیم، برای برخورد با ابراهیم (ع) دو دید (کشتن و سوزاندن) وجود داشت.

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حزقوه

<أو> در <أو حزقوه> می تواند برای تنويع و می تواند برای اباحه باشد. بنابر احتمال نخست، می توان استفاده کرد که قوم ابراهیم، برای از بین بردن او، دو دیدگاه داشته اند: عده ای، حکم به اعدام و گروهی، دستور به سوزاندن او می دادند.

قتل اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۵

۱۵ - ممنوعیت کشتن نیروهای دشمن، پس از به اسارت در آوردن آنان *

فشّدوا الوثاق فإمّا منّا بعد و إمّا فداء

از مقابله <منّا> و <فداء> با <ضرب الرقاب>، استفاده می شود که پس از اسارت، مسأله قتل مطرح نیست.

قتل اصلاح طلبان

جلد - نام سوره - سوره

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و يقتلون النّبیّین بغیر حقّ و یقتلون الذّین یأمرون بالقسط من النّاس فبشرهم بعذاب

رسول الله (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلک الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۱۵

۱۵ - یهودیان ، گروهی از پیامبران را تکذیب و گروهی از آنان را به قتل رساندند .

ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹، ۲۳

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبیاء الله من قبل

چون جمله <فلم تقتلون ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبیاء الله> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۳ - ناسازگاری ایمان به کتاب های آسمانی و قتل پیامبران

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله

جلد - نام

۹ - دنیا پرستی ، دشمنی با فرشتگان ، ارتکاب گناهانی همچون کشتن انبیا و رهبران دینی و شکستن پیمان های الهی ، از مصداق های فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

آیات گذشته (از آیه ۷۴ - ۹۸) موانعی را برای ایمان آوردن یهود به قرآن و پیامبر ذکر کرده و در آیه مورد بحث ریشه انکار قرآن و پیامبر(ص) را فسق پیشگی دانسته است. بنابراین آنچه در آن آیات از موانع ایمان آوردن شمرده شده، از نظر قرآن مصداق فسق و بیانگر معنای آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۸، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳

۳ کفر به آیات الهی ، منشأ قتل انبیا و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون ... و یقتلون النّبیین ... و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۴ تهدید کافران از سوی خداوند ، نسبت به قتل پیامبران و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون ... و یقتلون النّبیین ... فبشرهم بعذاب الیم

۵ وجود منکران آیات الهی ، قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در میان اهل کتاب و مشرکان

قل للذین اوتوا الكتاب و الامّین . .. انّ الذین یکفرون بایات الله و یقتلون الن

۶ همسانی گناه کفر به آیات الهی ، با قتل انبیا و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون ... و یقتلون النّبیین ... و یقتلون

همسانی گناه، از همگون بودن کفر، استفاده شده است.

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران ، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون ... فبشرهم بعذاب الیم

الهی ، عملی ناحق و غیر قابل توجیه

و یقتلون النّیین بغیر حق

۱۰ کافران با توجیه و تظاهر به حقّ ، انبیای الهی و عدالتخواهان را به قتل می رساندند .

انّ الذین یکفرون ... و یقتلون النّیین بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

تأکید و تصریح به <بغیر حق> ، بیانگر توجیه و حق نمایی کافران است.

۱۱ بسیاری از پیامبران و عدالتخواهان ، به دست کافران به قتل رسیدند .

انّ الذین یکفرون ... و یقتلون النّیین بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۱۳ شدت غضب خداوند ، از کشتن انبیا و عدالتخواهان *

و یقتلون النّیین بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

بنظر می رسد تکرار کلمه <یقتلون> برای بیان مبعوضت قتل باشد.

۱۸ رضایت کفار عصر پیامبر (ص) به کشتار انبیا توسط گذشتگان ، علّت تهدید آنان به عذاب الهی *

و یقتلون النّیین ... فبشرهم بعذاب الیم

تهدید بازماندگان قاتلان انبیا به عذاب در صورتی صحیح است که آنان به اعمال گذشتگان خویش راضی باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱۰، ۴، ۲

۲ کفر و کشتن پیامبران و عدالتخواهان ، گناه بزرگی است که همه اعمال نیک را می زداید و تباه می کند .

انّ الذین یکفرون ... اولئک الذین حبطت اعمالهم

۴ اعمال کافران ، قاتلان انبیا و قاتلان عدالتخواهان ، فاقد اعتبار و ارزش اجتماعی *

انّ الذین یکفرون ... حبطت اعمالهم

به نظر می رسد حبط عمل در دنیا، به معنای عدم اعتبار آن اعمال و نتایجش باشد.

عدالتخواهان ، عامل محرومیت از یاری شفاعت کنندگان

انّ الذین یکفرون . . . و ما لهم من ناصرین

به نظر می رسد جمله <و ما لهم من ناصرین>، وجود یاری دهندگانی (شافعین) را برای جبران برخی اعمال فرض کرده است؛ و لیکن شامل اشخاص مذکور در آیه نمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۹

۹ پیامبران و عدالتخواهانی که به دست کافران کشته شدند ، خواهان حاکمیت کتب آسمانی بودند . *

يُدعون الی کتاب اللّٰه لیحکم بینهم

بنابراینکه فاعل محذوف <یدعون>، همان کشته شدگان مذکور در آیه قبل باشند؛ یعنی: یدعوهم المقتولون الی کتاب اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان و افترایشان در دین

قالوا لن تمسنا النار . . . فکیف اذا جمعناهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب (یهود) ، با علم به ناحق بودن قتل انبیاء ، آنان را می کشتند . *

و یقتلون الانبیاء بغير حقّ

چون تصوّر حق بودن قتل انبیا نمی رود، لذا می توان گفت که قید <بغير حق>، اشاره باشد به اینکه قاتلین می دانستند که قتل انبیا، حق نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۲

اهل عصیان و تعدی و برخی دیگر پذیرای طاعت خدا، اهل تلاوت آیات الهی و سجده کننده در پیشگاه او هستند .

ذلك بائهم كانوا يكفرون .. ليسوا سواء من اهل الكتب ... و هم يسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ کشتار نابحق (با علم و عمد) انبیای الهی ، به دست یهود

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ

نفی هر گونه حق در کشتن انبیا دلالت می کند که یهود، با علم به نبوت آنان و بدون خطا و فراموشی، پیامبران را می کشتند. چون اگر آنان را پیامبر نمی دانستند و یا به خطا و نسیان آنان را می کشتند، <بغیر حقّ > صدق نمی کرد.

۱۳ کثرت پیامبران شهید ، در بین انبیای الهی

و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ و نقول ذوقوا عذاب الحریق

<حریق>، به معنای محرق (سوزاننده) است. گفتنی است عذاب سوزان برای کشتن پیامبران و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناهی است.

۱۷ عذاب سوزان نسبت دهندگان فقر به خدا و قاتلان انبیا ، با فرمان مستقیم خداوند

نقول ذوقوا عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۴

۴ رضایت یهود

زمان پیامبر (ص) از کشتار انبیای گذشته به دست نیاکان و همکیشان خویش

و قتلهم الانبیاء .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

به نظر می رسد نسبت قتل پیامبران به یهود عصر پیامبر (ص) که از خطاب در <ایدیکم> به دست می آید، به جهت رضایت آنان به عملکرد گذشتگان خویش باشد، چون آنان مرتکب قتل انبیا نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۷، ۱۹، ۱۳، ۱۲

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حَقّانیت آنان

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلمتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بینه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حَقّانیت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۱۳ یهود، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند، بلکه آنان را کشتند.

قل قد جاءکم رسل من قبلی .. و بالذی قلمتم فلم قتلتموهم

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القاتلین خمس ماه عام، فالزمهم الله القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۵

۵ پایداری پیامبران در ابلاغ رسالت خویش، تا شهادت و کشته شدن در راه خدا

و قتلهم الأنبياء بغير حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - تلاش در جهت کشتن انبیا و محو پیام آنان، بارزترین نمود فسادگری در زمین

يفسدون في الأرض .. قالوا تقاسموا بالله لنبيتته

از این که خداوند از میان همه فسادگری های گروه های مورد بحث، تصمیم ایشان به قتل پیامبر را مطرح ساخته است، معلوم می شود که این تصمیم، خطرناک ترین و خائنانه ترین برنامه ای است که می تواند از سوی مفسدان عملی شود.

قتل انبیا در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹، ۱۳، ۱۲

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقایق آنان

قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات و بالذی قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بیینه> گفته می شود که حق را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقایق آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می

کشند.

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جاءکم رسل من قبلی .. و بالذی قلم قتلتموهم

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت ، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم الله القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

قتل انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبیاء الله من قبل

قتل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۲

۳۲ گمراه نبودن انسان هدایت یافته ، به منزله کشتن وی و هدایت انسان گمراه ، به منزله زنده کردنش می باشد .

من قتل نفساً .. فكلنا قتل الناس جميعاً و

من احيائها فكانما احيا الناس جميعاً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: من اخرجها من ضلال الی هدی فكانما احياها و من اخرجها من هدی الی ضلال فقد قتلها.

کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۳.

قتل برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ قتل و برادر کشی ، ظلم و موجب ورود به آتش دوزخ

قال لاقتلنک قال .. و ذلک جزؤا الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۳

۳ حسد ، آدمی را به گناہانی همانند قتل و آواره ساختن برادر وادار می سازد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب .. اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً

قتل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱

۱- تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت .. فأراد أن یتفزّهم من الأرض

برداشت فوق بنابراین نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشد. در این صورت لازمه <استفزاز> (برکندن)، قتل و نابود کردن است.

قتل بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۶

۶ - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

لئن لم ینته . . . و الذین فی قلوبهم

مرض ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا ت

قتل بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا .. سنه الله ... ولن تجد لسنة الله تبديلاً

قتل پسران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۶، ۷، ۵، ۴

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبون ابناء کم و یستحیون نساء کم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذبیح> (مصدر یذبون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. <استحیاء> (مصدر یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یذبون ابناء کم و یستحیون نساء کم

جمله <یذبون ..> می تواند تفسیر جمله قبل باشد، یعنی، منظور از <سوء العذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد، یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۷ - زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات از آنان سلب شده بود و از زنده ماندن خود در عذاب بودند .

یسومونکم

سوءالعذاب یذبحون ابناء کم و یستحیون نساء کم

زننده گذاشتن زنان، به عنوان یک عذاب برای بنی اسرائیل مطرح شده است. در حالی که مجرد نکشتن، عذاب و شکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله <یستحیون نساء کم> پس از <یذبحون ابناء کم> آمده، می توان گفت: همان کشتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندان، در رنج و عذاب باشند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندان، ادامه می دادند.

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناء کم و یستحیون نساء کم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده: <... اما مولد موسی (ع) فان فرعون لما وقف علی ان زوال ملکه علی یده... فلم یزل یأمر أصحابه به بشق بطون من الحوامل نساء بنی اسرائیل حتی قتل فی طلبه نیف و عشرون ألف مولود...>

اما قصه تولد حضرت موسی (ع) پس چون فرعون فهمید که انقراض پادشاهی او به دست موسی (ع) است. پس مدام به اطرافیانش دستور می داد که شکم زنان حامله بنی اسرائیل را بشکافند تا اینکه بیش از بیست هزار کودک را - در جستجوی موسی (ع) - به قتل رساندند...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد

اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتل أبناءهم و نستحي نساءهم

تقتیل (مصدر تقتل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۶،۷،۸

۶ فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را می کشتند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یقتلون أبناء کم و یستحیون نساء کم

<تقتیل> (مصدر یقتلون) به معنای کثرت کشتار است و <استحیاء> به معنای باقی گذاردن بر زندگانی است.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگاه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناء کم و یستحیون نساء کم

جمله <یقتلون أبناء کم و یستحیون نساء کم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد ؛ یعنی منظور از <سوء العذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد ؛ یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند ؛ از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

۸ زنان بنی اسرائیل به سبب کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات و زنده ماندن از آنان سلب شده بود .

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناء کم و یستحیون نساء کم

<زنده گذاشتن زنان> به عنوان یک عذاب برای قوم بنی اسرائیل است که از جمله آن قوم، خود زنان هستند. و چون مجرد

زنده گذاشتن عذاب تلقی نمی شود، با توجه به اینکه <یستحیون>

پس از <یقتلون> آمده، می توان گفت کشتن فرزندان به گونه ای بوده که زنان، یعنی مادران جامعه، از زنده ماندن خودشان و دیدن قتل فجیع فرزندان در رنج و عذاب بودند. آوردن <نساء> در مقابل <أبناء> می تواند این احتمال را تأیید کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۷، ۱۴، ۱۳

۱۳- سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان بنی اسرائیل ، بدترین نوع تحمیل شکنجه و آزار از سوی فرعونیان به آنان

یسومونکم سوء العذاب و یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

آوردن <یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم> پس از <یسومونکم> می تواند جمله تفسیری برای آن باشد. در این صورت، این دو مورد، شرح شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه آل فرعون است.

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساءکم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجکم من آل فرعون .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص -

۹ - اقدام فرعون به کشتار وسیع و بی رحمانه پسران بنی اسرائیل

یستضعف طائفه منهم یدبج أبناءهم

به کارگیری فعل مضارع باب تفعیل (یدبج)، بیانگر وسعت و گستردگی کشتار است.

۱۱ - زنده نگه داشتن دختران بنی اسرائیل علی رغم کشتن پسران آنان ، اقدام بی رحمانه دیگر فرعون علیه آن قوم

یدبج أبناءهم و یستحیی نساءهم

<نساء> مقابل <رجال> و به معنای زنان است و قرار گرفتن آن در مقابل <أبناء> (پسران)، نشان می دهد که مقصود از آن در این جا <بنات> (دختران) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸ - ۷

۷ - کشتن پسران بنی اسرائیل از سویی و برگرفتن موسی (ع) از آب از سوی دیگر ، نمود خطاپیشگی و نابخردی فرعونیان

یدبج أبناءهم .. فالتقطه ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۹،۱۴، ۷، ۵

۵ - فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

۷ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان ، تنها راه پیشگیری از رواج آیین موسی ، در نگاه فرعون ، هامان و قارون

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که نخستین واکنش فرعون و .. در برابر ایمان آورندگان به موسی(ع)، قتل پسران آنان بود.

۹ - زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع)

و بنی اسرائیل بود .

و استحووا نساءهم

- توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه . . و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

قتل جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ - > عن رسول الله (ص) قال : إذا أخذتم الساحر فاقتلوه ثم قرأ < و لا يفلح الساحر حيث أتى > قال : لا يأمن حيث وجد ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: هر گاه بر ساحری دست یافتید او را بکشید؛ سپس این آیه را قرائت فرمود: <و لا یفلح الساحر حیث اُتی> [آن گاه] فرمود: ساحر هر جا یافت شود در امان نیست.<

قتل جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولی مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

جمله <فله عذاب أليم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷، ۱۳، ۲، ۱

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الذین یقاتلوکم> بر می گردد و لذا از آنان به

کافران محارب تعبیر شده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم) به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲- ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

عبارت <حیث ثقفتموهم> (هر کجا آنان را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۳- در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقتلواکم فیه فإن قتلواکم فاقتلوهم

۱۷- سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهده است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۵ - ۱۱

۱۱ بهره گیری از تمام شیوه های ممکن (کشتن ، اسیر کردن ، محاصره نمودن و کمین زدن) به منظور وادار کردن جوامع غیر مسلمان به پذیرش آیین اسلام ، در پی اتمام حجت و دادن فرصت کافی به آنان ، بلامانع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۲،۹

۲- جان برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارج بوده و می توان آنها را به قتل رساند .

و لا تقتلوا النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

۹- کشتن انسان ها بر اساس حق ، ظلم و کاری ناروا به شمار نمی آید .

لا تقتلوا .. إلا بالحقّ و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً

عنوان <کشته بحق> و <کشته به ظلم> دو عنوان متضاد است که هر یک دیگری را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۵،۶

۵ کشتن انسان مستحق قتل ، جایز است .

و لا يقتلون النفس التي حرّم الله إلا بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <لا يقتلون> و استثنای <إلا بالحقّ> از نوع استثنای مفرغ باشد؛ یعنی، <لا يقتلونها بسبب من الأسباب إلا بسبب الحقّ/ نمی کشند هیچ کس را به هر دلیلی که باشد مگر به سبب حق>.

۶ برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارزش انسانی و مستحق نابودی اند .

و لا يقتلون النفس التي حرّم الله إلا بالحقّ

قتل جایز منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۴

۴ - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ينته المنافقون .. لنگرینک بهم ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تقتیلاً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درک و انجام دادن کار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

قتل حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱،۲،۶

۱ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای

ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم .. الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از رابطه ویژه ای که از <یصلون الی .. > استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظف به حمایت از آنان شوند؛ همانند پیمان نظامی.

۲ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان پناهنده ، به همپیمانان مسلمین

الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از <یصلون>، می تواند پناهنده شدن منافقان به همپیمانان مسلمین باشد. چون <یصلون> را به منافقان اسناد داده، نه به همپیمانان.

۶ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الا الذین .. او جاءوکم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصر صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۱، ۱۰، ۶، ۱

۱ مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از کشتن افراد مشکوک در مسیر سفر برای جهاد قبل از احراز کفر آنان

یا ایها الذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا

از سیاق آیه و شأن نزول وارد شده چنین استفاده می شود که مسلمانان به هنگام حرکت به سوی نبرد در بین راه اگر به افرادی مشکوک مواجه می شدند، به گمان اینکه آن افراد از قوای دشمن هستند، ممکن بود آنان را به قتل برسانند؛ خداوند اهل ایمان را امر می کند که

بدون تحقیق، شخص مشکوک را نکشید.

۶ حرمت قتل و هر گونه تعرض به دشمن، در صورت اظهار اسلام

و لا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا

مراد از القای اسلام، به قرینه <لست مؤمناً>، اظهار اسلام با گفتن شهادتین و یا سخنی که حاکی از مسلمان شدن است، می باشد.

۱۰ ضرورت پرهیز از کشتن افراد و یا گروه های از دشمنان محارب که تسلیم شده و خواهان ترک نبرد هستند.

و لا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا

با توجه به معنای لغوی <سلام> (صلح)، مراد از القای سلام، صلح خواهی است. یعنی اگر دشمن خواهان صلح است، نبرد با او جایز نیست و جمله <لست مؤمناً>، اشاره به این معنی دارد که در ترک تعرض، تنها ایمان شرط نیست بلکه تسلیم و یا صلح خواهی نیز کافی است.

۱۱ حرمت تعرض و قتل دشمنان در گرو اظهار تسلیم است، نه ایمان آوردن آنان.

و لا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا

بنابراین احتمال که مراد از القای سلام، تسلیم شدن باشد، نه اظهار اسلام و ایمان.

قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۷

۲۷ لزوم احتیاط برای حفظ نفوس و سعی در پیشگیری از وقوع قتل خطائی

و من قتل مؤمناً خطا .. توبه من الله

اگر چنین احتیاطی لازم و ضروری نبود، نباید خداوند به خاطر کاری که از اختیار انسان خارج است، وی را از رحمت خویش دور سازد.

قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۴ وجود زمینه های فراوان قتل و خونریزی نابحق در بنی اسرائیل

و من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل

نام بردن بنی اسرائیل با اینکه حکم یاد شده اختصاص به آنان ندارد، حاکی از این است که بنی اسرائیل بیش از دیگران در خطر ارتکاب قتل و جنایت بوده اند.

۵ جنایت و برادرکشی قایل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله .. من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل نفساً بغير نفس

<ذلك> اشاره است به داستان هاییل و قایل.

۲۶ بسیاری از بنی اسرائیل ، مردمی خونریز و آدمکش

ثم ان كثيراً منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون

مراد از اسراف، به قرینه فزاینده قبلی، می تواند خروج بنی اسرائیل از حد اعتدال در قتل نفس، یعنی آدمکشیهای نابحق و خونریزیهای مکرر، باشد.

۳۵ بسیاری از بنی اسرائیل مرتکب خونریزی شده و حرام های خدا را حلال می شمردند .

ثم ان كثيراً منهم بعد ذلك في الارض لمسرفون

از امام باقر(ع) روایت شده: المسرفون هم الذين يستحلون المحارم و يسفكون الدماء.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۰۴، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۰، ح ۱۵۸.

قتل در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ حسد و خودخواهی ، ریشه و آغاز برادرکشی در تاریخ

قال لاقتلنک

قتل در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۴

۴ - کشتن و آتش زدن ، از شیوه های قوم ابراهیم ، برای رویارویی با دعوت توحیدی او بود .

إبرهیم إذ قال

... ذلكم خير لكم ... فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حر

قتل در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۳

۱۳ - در صورتی که دشمنان دین در مسجد الحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است.

و لا تقتلوه عند المسجد الحرام حتى يقتلوه فيه فإن قتلوه فقتلوه

قتل دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۷، ۱۱، ۱۵

۷ لزوم تعقیب و کشتن دشمنان، بدون مهلت و تحت هر شرایط، در صورت توطئه گری و عدم پیشنهاد صلح و دست برد نداشتن از اذیت مسلمانان

فان لم يعتزلوكم و يلقوا اليكم السلم و يكفوا ايديهم فخذوهم و اقتلوهم حيث ثقتمو

۱۱ ایجاد امتیّت و آرامش از اهداف فرمان الهی به تعقیب و کشتن دشمنان توطئه گر و جنگ طلب

فان لم يعتزلوكم و يلقوا اليكم السلم و يكفوا ايديهم فخذوهم و اقتلوهم حيث ثقتمو

۱۵ - مسلمانان، برخوردار از دلیلی روشن برای جواز تعقیب و کشتن دشمنان توطئه گر و جنگ طلب

و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ - وارد گشتن خسارت سنگین (مانند قتل، جرح و ...) به دشمن از ره آورد های جهاد

فیه بأس شدید

<بأس> عبارت از عذاب و آسیب های جدی است که در میدان نبرد، برطرف وارد می شود.

قتل رهبران دینی

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۹

۹ - دنیا پرستی ، دشمنی با فرشتگان ، ارتکاب گناهانی همچون کشتن انبیا و رهبران دینی و شکستن پیمان های الهی ، از مصداق های فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

آیات گذشته (از آیه ۷۴ - ۹۸) موانعی را برای ایمان آوردن یهود به قرآن و پیامبر ذکر کرده و در آیه مورد بحث ریشه انکار قرآن و پیامبر(ص) را فسق پیشگی دانسته است. بنابراین آنچه در آن آیات از موانع ایمان آوردن شمرده شده، از نظر قرآن مصداق فسق و بیانگر معنای آن می باشد.

قتل شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۵

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم یتنه .. و المرجفون فی المدینه ... أینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

قتل شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

أینما ثقفوا أخذوا و قتلوا .. سنّه الله ... ولن تجد لسنة الله تبدیلاً

قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱،۷

۱ کافران قوم نمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

ففقروها

<عقر>

(مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۷ > عن أبي عبد الله (ع) (في حديث قوم صالح) ... قالوا: اعقروا هذه الناقة ... ثم قالوا: من الذي يلي قتلها و نجعل له جعلاً ما أحب، فجاءهم رجل ... شقى من الأشقياء ... فجعلوا له جعلاً ... فقعد لها في طريقها فضربها بالسيف ضربه فلم تعمل شيئاً فضربها ضربه أخرى فقتلها ... و أقبل قوم صالح فلم يبق أحد منهم إلا شرکه فی ضربته ... فأوحى الله تبارك و تعالی إلى صالح (ع) ... قل لهم: إني مرسل عليكم عذابي إلى ثلاثة أيام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صدقت عنهم . .. فأتاهم صالح (ع) فقال لهم: ... يا قوم إنكم تصبحون غداً و جوهكم مصفره و اليوم الثاني و جوهكم محمره و اليوم الثالث و جوهكم مسوده ... ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او] گفتند: این شتر را از پای در آورید ... سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیاء بود، نزد آنان آمد ... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر

او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب] آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت... ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۴

۴ کشتن ناقه صالح ، از ستمگری های قوم ثمود بود .

و أخذ الذين ظلموا الصيحه

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود ، معلوم می شود ظلم در <الذين ظلموا> اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱،۳،۸

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لاتمسوها بسوء ... فعقروها

<عقرو> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <اصبحوا> معادل <صاروا> است.

۳ - هم دلی و هم

گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نیز <أصبحوا نادمین>، می رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

۸ - > عن علی (ع) : ... : إِنْما عَقَرَ ناقَه ثَمُودَ رَجُلٌ واحِدٌ فَعَمَّهمُ اللهُ بالعَذابِ لِماعَمُوهُم بِالرَضی فَقالَ سَبِحانَه > فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نادِمِينَ < ... ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است: .. پی کننده ناقه قوم ثمود یک نفر بود؛ در حالی که خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد؛ چون آنان به عمل آن یک نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرماید: <فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نادِمِينَ <...> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ - نتیجه بخش نبودن پشیمانی ثمودیان ، پس از کشتن ناقه صالح

فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ . فَأَخَذَهُمُ الْعَذابُ

قَتَلَ عَدالتُخَواهُانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۶، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳

۳ کفر به آیات الهی ، منشأ قتل انبیا و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون .. و یقتلون النّبیین ... و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۴ تهدید کافران از سوی خداوند ، نسبت به قتل پیامبران و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون .. و یقتلون النّبیین ... فبشرهم بعذاب الیم

۵ وجود منکران آیات الهی ، قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در میان اهل کتاب و مشرکان

قل للذین اوتوا الکتاب و الامّین .. انّ الذین یکفرون بایات الله و یقتلون الن

همسانی گناه کفر به آیات الهی ، با قتل انبیا و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون ... و یقتلون النّبین ... و یقتلون

همسانی گناه، از همگون بودن کفر، استفاده شده است.

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران ، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون ... فبشّرهم بعذاب الیم

۱۰ کافران با توجیه و تظاهر به حقّ ، انبیای الهی و عدالتخواهان را به قتل می رساندند .

انّ الذین یکفرون ... و یقتلون النّبین بغير حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

تأکید و تصریح به <بغير حق>، بیانگر توجیه و حق نمایی کافران است.

۱۱ بسیاری از پیامبران و عدالتخواهان ، به دست کافران به قتل رسیدند .

انّ الذین یکفرون ... و یقتلون النّبین بغير حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۱۳ شدت غضب خداوند ، از کشتن انبیا و عدالتخواهان *

و یقتلون النّبین بغير حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

بنظر می رسد تکرار کلمه <یقتلون> برای بیان مبعوضیت قتل باشد.

۱۶ کشتن انبیای الهی و عدالتخواهان ، موجب گرفتاری جامعه به مشکلات توانفرساست .

و یقتلون النّبین بغير حق ... فبشّرهم بعذاب الیم

بنابراینکه <فبشّرهم بعذاب الیم>، نظر به مشکلات دنیوی و اخروی داشته باشد، به قرینه آیه بعد که می فرماید: <حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱۰، ۴، ۲، ۱

۱ حبط و تباهی اعمال کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در دنیا و آخرت

انّ الذين يكفرون .. اولئك الذين حبطت اعمالهم في الدنيا و الاخره

۲ کفر و کشتن پیامبران و عدالتخواهان ، گناه بزرگی

است که همه اعمال نیک را می زداید و تباہ می کند .

انّ الذین یکفرون . . . اولئک الذین حبطت اعمالهم

۴ اعمال کافران ، قاتلان انبیا و قاتلان عدالتخواهان ، فاقد اعتبار و ارزش اجتماعی *

انّ الذین یکفرون . . . حبطت اعمالهم

به نظر می رسد حبط عمل در دنیا، به معنای عدم اعتبار آن اعمال و نتایجش باشد.

۱۰ کفر ، و نیز قتل انبیا و عدالتخواهان ، عامل محرومیت از یاری شفاعت کنندگان

انّ الذین یکفرون . . . و ما لهم من ناصرین

به نظر می رسد جمله < و ما لهم من ناصرین >، وجود یاری دهندگانی (شافعین) را برای جبران برخی اعمال فرض کرده است؛ و لیکن شامل اشخاص مذکور در آیه نمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۹

۹ پیامبران و عدالتخواهانی که به دست کافران کشته شدند ، خواهان حاکمیت کتب آسمانی بودند . *

یُدعون الی کتاب اللّٰه لیحکم بینهم

بنابراینکه فاعل محذوف <یدعون>، همان کشته شدگان مذکور در آیه قبل باشند؛ یعنی: یدعوهم المقتولون الی کتاب اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان و افترايشان در دین

قالوا لن تمسنا النار . . . فکیف اذا جمعناهم

قتل عمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ حرمت و ناروایی کشتن مومن از روی عمد

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً

قتل عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ ضرورت تعقیب و کشتن کسانی که علی رغم امضای پیمان ترک تعرض ، بدان وفا نکنند .

فان لم يعتزلوكم .. فخذوهم و اقتلوهم

قتل عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ صلیب و به دار آویخته شدن حضرت مسیح ، پایه و اساسی جز گمان ندارد .

و قولهم إنا قتلنا المسيح .. و ما قتلوه و ما صلبوه و لكن شبه لهم

قتل غیر جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۱

۱ - نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند ، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل ، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن الله...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوهم و لا تقتلوهم إن الله غفور رحيم <.

قتل فرعونى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - جان باختن فرد قبطی با ضربه مشت موسی

فوکزه موسی فقضی علیه

عبارت <قضی علیه> مرادف با <قتله> است.

۱۲ - در دیدگاه موسی (ع) قتل ناخواسته مرد قبطی، عملکرد شیطان بود.

قال هذا من عمل الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۱ - آگاهی یافتن موسی (ع) به قدرت بدنی فوق العاده خویش پس از قتل مرد قبطی

فوکزه موسی ففضی علیه .. قال ربّ بما أنعمت علیّ

موسی(ع) وقتی دید، مرد قبطی تنها با یک ضربه مشت او از پای در آمد و جان باخت، دریافت که دارای نیروی فوق العاده ای است و خداوند او را علاوه بر دانش و حکمت، از توان جسمی دشمن شکن نیز برخوردار ساخته است. از این رو به سپاس این نعمت، با خدا پیمان بست که آن نیرو را هرگز در جهت تقویت مجرمان به کار نگیرد.

قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱،۶

۱ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم .. الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از رابطه ویژه ای که از <یصلون الی .. > استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظف به حمایت از آنان شوند؛ همانند پیمان نظامی.

۶ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الا الذین .. او جاءوكم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصرت صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کشته شدن و مرگ ، سزاوارترین فرجام برای کفرپیشگان

قتل الإنسن ما أكفره

کفر در <ما أكفره> مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

قتل کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷، ۲، ۱

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الذین یقاتلوکم> بر می گردد و لذا از آنان به کافران محارب تعبیر شده است. <ثقف> (مصدر ثقتم) به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲ - ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست .

و اقتلوهم حیث ثقتموهم

عبارت <حیث ثقتموهم> (هر کجا آنان را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهده است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

قتل مانعان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۳

۳ کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب (کشته شدن ، اسیر گشتن و . . .) بودند

و ما لهم ألا

يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجد الحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

قتل مجاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۷، ۱۵

۷ لزوم تعقیب و کشتن دشمنان، بدون مهلت و تحت هر شرایط، در صورت توطئه گری و عدم پیشنهاد صلح و دست بردن داشتن از اذیت مسلمانان

فان لم يعتزلوكم و يلقوا اليكم السلم و يكفوا ايديهم فخذوهم و اقتلوهم حيث ثقتمو

۱۵ - مسلمانان، برخوردار از دلیلی روشن برای جواز تعقیب و کشتن دشمنان توطئه گر و جنگ طلب

و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

قتل مجرم در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۷

۷ - قتل یا سوزاندن مخالفان و یا مجرمان، از مجازات های دوران حضرت ابراهیم (ع)

فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حرّوه

قتل مرتد در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ - کشتن مرتدان، از قوانین کیفری در آیین حضرت موسی (ع) *

فتوبوا إلى بارئکم فاقتلوا أنفسکم

قتل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱

۱ هلال ماه صفر سال دهم هجرت ، آغاز اجرای فرمان

کشتن و منع عبور و مرور مشرکان و سلب آزادی سیر و سیاحت از آنان

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين

توصیف <الأشهر> به <الحرم> حاکی از این است که: منظور از <أربعة أشهر> در آیه دوّم (فسیحوا فی الأرض أربعة أشهر) ماههای حرام سال ۲ یعنی، رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم است. بر این مبنا <ال> در <الأشهر> برای عهد حضوری می باشد ۲ یعنی هنگامی که این سه ماه حرام که اکنون با اعلام پیام برائت در روز حج اکبر مصادف شده است پایان یافت، مشرکان را بکشید. گفتنی است که پایان آن سه ماه، مساوی با آغاز ماه صفر سال دهم هجرت بود.

قتل مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۴

۴ دستور به کارگیری تمام شیوه های ممکن (به ترتیب: کشتن، اسیر گرفتن، محاصره و کمین زدن) برای ایجاد فشار بر مشرکان صدر اسلام

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اعدوا

قتل مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لكن الله قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم .. > متفرع بر آیاتی است که امداد های الهی را در جنگ بدر بر می شمرد ۲ یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امداد های الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۷،۹

۷ - ادامه دهندگان به فساد در جامعه ، با آزار و اذیت زنان مؤمن ، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون و .. لنگرینک بهم ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا

<أَیْنَ> مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

۹ - بر آحاد جامعه اسلامی ، روا و جایز است که ادامه دهندگان به فساد را پس از فرمان حاکم اسلامی ، با رعایت مراحل و شرایط ، به قتل برسانند .

لئن لم ینته المنفقون .. اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

در آیه پیش وقتی سخن از تهدید منافقان و بیماردلان و .. به میان آمد، خداوند فرمود: <اگر آنان، ادامه بدهند پیامبر(ص) را بر آنها چنان مسلط خواهد کرد که ادامه زندگی برای شان ممکن نباشد> و در این آیه، فعل های <أخذوا> و <قتلوا> را مجهول آورده و برای انجام دادن وظیفه یاد شده، کسی را معرفی نکرده است. به نظر می رسد، با توجه به مهدورالدم اعلام شدن گروه های یاد شده، در آیه، به مسلمانان اجازه می دهد که آن افراد را به قتل برسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۱

۱ - کشتن فسادگران در جامعه ، سنت جاری خداوندی در میان امت های پیشین بود .

و قتلوا تفتیلاً . سنّه الله فی الذین خلوا من قبل

قتل منافقان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ لزوم تعقیب و کشتن منافقان ، در صورت سر باز زدن آنان از هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه ایمانی

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم حیث وجدتموهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱،۶

۱ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم .. . الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از رابطه ویژه ای که از < یصلون الی .. > استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظف به حمایت از آنان شوند ؛ همانند پیمان نظامی.

۶ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الا الذین .. . او جاءوكم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصرت صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

قتل منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

أینما ثقفوا أخذوا و قتلوا .. . سنه الله ... ولن تجد لسنة الله تبديلاً

قتل موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد آتینا موسی تسع آیت .. فأراد أن يستفزهم من الأرض

برداشت فوق بنابر این نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشد. در این صورت لازمه <استفزاز> (برکندن)، قتل و نابود کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴ - ۴

۴ - بیم موسی (ع) از اقدام فرعونیان مبنی بر قتل او به خاطر رفتار گذشته اش (قتل مرد قبطی)

فأخاف أن يقتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۳

۳ - غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

يذبح أبناءهم .. فرددنه إلى أمه

موسی(ع) زمانی به دنیا آمد که فرعون به بهانه از بین بردن او، هر کودک پسر بنی اسرائیلی را سر می برید؛ اما خداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ - فرعون کشتن موسی (ع) را ، سیاستی درست در حکومت و به صلاح جامعه دانست .

و ما أهدیکم إلا سبیل الرشاد

قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲،۴،۳۴

۲ ناسازگاری ایمان با کشتن

مؤمن از روی عمد

و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً الا خطأً

چون جمله <ما كان...>، جمله ای خبری است، دلالت می کند که مؤمن هرگز مؤمنی را از روی عمد نخواهد کشت. یعنی اگر مؤمنی کشته شد، معلوم می شود قاتل او ایمان نداشته است؛ هر چند اظهار ایمان کند.

۴ کسی که از روی عمد دستش به خون مؤمنی آلوده گردد، در حقیقت مؤمن نیست.

و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً الا خطأً

۳۴ امام، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان کفار قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شود.

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: یعتق مکانه رقبه مؤمنه و ذلک قول الله عز و جل: <فان كان من قوم عدولکم...>.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱، ب ۳۶ مسلسل ۳۷۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۴۸۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۴

۳۴ خودداری از اطعام مؤمن گرسنه، به منزله کشتن وی و غذا دادن به او به منزله احیای اوست.

و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره اطعام مؤمن فرمود: ... من احیی مؤمن فکانما احیا الناس جميعاً، فان لم تطعموه فقد اتممتموه و ان اطعمتموه فقد احییتموه.

کافی، ج ۲، ص ۲۰، ح ۲۰؛ نورالثقلین، ج ۱،

قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۷

۷ خداوند ، گناهان مقتول به ناحق را به پای قاتل او ثبت خواهد کرد .

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <اثمی>، مطلق گناهان باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می کند که فرمود: من قتل مؤمناً متعمداً اثبت الله علیه جميع الذنوب و بری المقتول منها و ذلك قول الله تعالى <انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک فتكون من اصحاب النار>.

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (مترجم)، ص ۶۳۶، ح ۹، باب عقاب من قتل نفساً متعمداً، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۳، ح ۱۳۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲،۲۷

۲ کشتن نابحق یک انسان در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است .

من قتل نفساً بغير نفس .. فکانما قتل الناس جميعاً

۲۷ قتل و خونریزی نابحق ، از مصادیق بارز اسراف

من قتل نفساً .. ثم ان كثيراً منهم بعد ذلك فی الارض لمسرفون

قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۴ - ۴،۱۱

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَ غَلَمًا فَقَتَلَهُ

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۱۱- > عن

أبي عبدالله: . . . بينما العالم يمشى مع موسى إذا هم بسلام يلعب قال : < فوكزه العالم ، فقتله . فقال له موسى : > أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً؟ < . قال : > فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب : كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتى بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: >أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟<. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود >کافر مطبوع<. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شيئاً نكراً . قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

قتل هابيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۴، ۱۲

۱۲ تصمیم قطعی قایل بر کشتن برادرش هابیل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنك

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قایل بر قتل است.

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قایل ، عامل انگیزش قایل

به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۹، ۱۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ درگیری و کشمکش درونی قایل با هوای نفس خویش در مورد قتل هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۲ وسوسه های نفسانی قایل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قایل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۵ قایل ، برادرش هابیل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۶ نفس قایل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعیت> باشد، یعنی نفس قایل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قایل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته وسوسه های خویش شده باشد.

۱۹ قایل ، کیفیت قتل برادرش هابیل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاده (ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . . .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۴، ۲۲

۲۲ پیکر بیجان هاییل، ناخوشایند

برای قایل

کیف یوری سوء اخیه . . فاوری سوء اخی

از آن جهت جسد هاییل <سوء> (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قایل ناخوشایند بوده است.

۲۴ قایل ، پشیمان از قتل برادرش هاییل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح . . > متفرع باشد بر <فقتله > که در آیه قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۵

۵ جنایت و برادرکشی قایل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . . من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرئیل انه من قتل نفساً بغير نفس

<ذلک> اشاره است به داستان هاییل و قایل.

قتل یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۸،۹

۸ برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً . . و تکونوا من بعده قومًا صلحین

مراد از صلاح در <قومًا صالحین> صلاح امور دنیوی است ؛ زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تکونوا> عطف بر

<یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را

بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف . . و تکونوا من بعده قومًا صلحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و

اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <آن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

قتل یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به دست مسلمانان ، به قتل رسیدند .

فریفاً تقتلون

قصاص قتل عمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۷

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمناً متعمداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: ... و ان کان قتله لغضب او لسبب شیء من امر الدنيا فان توبته ان یقاد منه ...

کافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

قصه قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۲، ۳۰، ۲۷

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و يقتلون النبيين بغير الحق

٣٠- بني اسرائيل ، به خاطر كفرشان به آيات الهى و كشتن پيامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلك بأنهم كانوا

يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ .. ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

مشارالیه <ذَلِكْ> در <ذَلِكْ بِمَا عَصَوْا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذَلِكْ در <ذَلِكْ بِمَا عَصَوْا> را اشاره به <ذَلْتُ و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذَلْتُ و ...> شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۱

۱ - شخصی از قوم موسی به قتل رسید و هر طایفه ، دیگری را متهم به کشتن او کرده بر سر آن به نزاع پرداختند .

وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادْرَأْتُمْ فِيهَا

<ادراءتم> به معنای اختلاف و نزاع کردید، می باشد. این کلمه از باب تفاعل و در اصل <تدارءتم> بوده است. نزاع و اختلاف در مقتول (ادراءتم فیها) به معنای متهم کردن یکدیگر به قتل، و بر سر آن نزاع کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - داستان کشته شدن فردی از قوم موسی و احیای دوباره او ، معجزه و رخدادی سزاوار به خاطر سپردن و به یادداشتن

وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا .. فَعَلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضَهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى

<إِذْ> مفعول برای فعل مقدر <اذكروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۳

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم

اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی)، همدیگر را می کشتند.

ثم اقررتم .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابه‌های آیه نظیر خطابه‌های گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۳- بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند.

تظهرون علیهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>؛ یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

کتمان بانی قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۳

۳- گروهی از قوم موسی قاتل را می شناختند و از افشای هویتش خودداری می کردند.

والله مخرج ما کنتم تکتمون

هر چند کتمان کردن به همه قوم موسی نسبت داده شده است، ولی به قرینه <فاداءتم>، معلوم می شود برخی از آنها قاتل را می شناختند و از معرفی آن خودداری می کردند.

کشف قتل با گاو مذبوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۲

۲- قوم موسی، ناباور به کفایت ذبح هر گاوی برای حل معمای قتل

قالوا ادع لنا ربك یبین لنا ما هی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹

۱ - قوم موسی ، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود (حل معمای قتل) نمی دانستند .

فافعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربك یبین لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی(ع) با جمله <فافعلوا ما تؤمرون> به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاو میانسال را ذبح کنند؛ ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاو (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۲

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد

إن البقر تشبه علينا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر...> یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱

۱ - خداوند ، به قوم موسی فرمان داد تا قطعه ای از گاو

ذبح شده را بر پیکر مقتول بزنند .

فقلنا اضربوه ببعضها

ضمیر مفعولی در <إضربوه> به <نفساً> بر می گردد و ضمیر در <ببعضها> به <بقره> ارجاع می شود.

کفارہ قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۳

۳۳ کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفارہ کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبة مؤمنة

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفارہ فرمود: كلّ العتق يجوز فيه المولود ألما في كفارة القتل فانّ الله عزّ وجلّ يقول: <فتحرير رقبة مؤمنة > یعنی بذالك مقرة قد بلغت الحنث.

کافی، ج ۷، ص ۶۴۳، ح ۱۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۴۸۳.

کفارہ قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۴، ۱۲، ۶، ۵

۵ ضرورت پرداخت خونبها علاوه بر کفارہ در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأ .. و ديه مسلّمه الى اهله

۶ کفارہ کشتن مؤمن از روی خطا ، آزاد کردن یک برده با ایمان است .

و من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبة مؤمنة

۱۲ در قتل خطائی ، اگر مقتول ، مؤمن باشد ، ولی خانواده اش از دشمنان مسلمانان ، کفارہ اش تنها آزادسازی برده ای با ایمان است .

فان کان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقیه مؤمنه

۳۴ امام ، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان کفارہ قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شود .

فان کان من

قوم عدو لكم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: یعتق مکانه رقبه مؤمنه و ذلك قول الله عز و جل: <فان كان من قوم عدو لكم ... >.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱، ب ۳۶ مسلسل ۳۷۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۴۸۵.

کیفر اخروی قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا بائمی و اثمک فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان، آدم کشان و زناکاران، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد.

والذین لا یدعون مع الله إلهًا... و لا یزنون و من یفعل ذلك یلق أثامًا

<ذلك> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۷

۷ گناه شرک، آدم کشی و زنا، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیهِ مهانًا

کیفر قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۸

۲۸ - معتقدان به مکتب الهی ، در صورت کشتن یا آواره ساختن همکیشان

خود، به خواری در دنیا و شدیدترین عذاب در آخرت گرفتار خواهند شد.

فما جزاء من يفعل . . . و يوم القيامة يردون إلى أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱

۱ قتل و آدمکشی از سر ظلم و تجاوز، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . . . و من يفعل ذلك عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلك> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۰، ۷، ۵

۵ جنایت و برادرکشی قایل، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . . . من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل نفساً بغير نفس

<ذلك> اشاره است به داستان هاییل و قایل.

۷ کیفر سنگین برای قتل و آدمکشی، زمینه پرهیز انسان ها از ارتکاب آن

و من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل . . . فکانما قتل الناس جميعاً

<من اجل ذلك . . .> به این معناست که خداوند با توجه به آدمکشی قایل و پیامدهای شوم آن، بنی اسرائیل را به مجازاتی

سنگین تهدید کرد تا از تکرار چنین جنایتهایی باز دارد.

۳۰ شدیدترین عذاب جهنم، کیفر قتل به ناحق انسان

انه من قتل نفساً بغير نفس . . . فکانما قتل الناس جميعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم الیه ینتهی شده عذاب اهلها . . .

كافى، ج ٧، ص ٢٧١، ح ١٠ نورالثقلين، ج ١، ص ٦١٩، ح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۲، ۲۳

۲۲ اعدام ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل

انما جزؤا الذين يحاربون الله .. ان يقتلوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً فقتل قتل به

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذين يحاربون الله .. او يصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

کیفر قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲، ۲۳ - ۲۱، ۱۶، ۷

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران ، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذين يكفرون ... فبشرهم بعذاب الیم

۱۶ کشتن انبیای الهی و عدالتخواهان ، موجب گرفتاری جامعه به مشکلات توانفرساست .

و يقتلون النّبيّن بغير حقّ .. فبشّرهم بعذاب اليم

بنابراینکه <فبشّرهم بعذاب اليم>، نظر به مشکلات دنیوی و اخروی داشته باشد، به قرینه آیه بعد که می فرماید: <حبطت اعمالهم فی الدنيا و الاخره>.

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و يقتلون النّبيّن بغير حقّ و يقتلون الذین یأمرون بالقسط.

از رسول الله

(ص) سؤال شد: ایّ الناس اشدّ عذاباً يوم القيامة؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبياً او رجلاً امر بمعروف او نهى عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الذّین یکفرون ... >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و یقتلون النّبین بغير حقّ و یقتلون الذّین یأمرون بالقسط من النّاس فبشرهم بعذاب

رسول الله (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلاً من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جميعاً من آخر النّهار فی ذلك الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریّا و یحییٰ پیامبر (ع)

و یقتلون النّبین بغير حقّ ... فبشرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انّ نبی الله زکریّا قد نشر بالمناشیر و یحییٰ ابن زکریّا قتله قومه و هو یدعوهم الی الله.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱، ۸، ۹

۱ حبط و تباهی اعمال کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان، در دنیا و آخرت

انّ الذّین یکفرون ...

اولئك الذين حبطت اعمالهم في الدنيا و الاخره

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفيعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذين يكفرون .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرين

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذين يكفرون .. و ما لهم من ناصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۷، ۳، ۱

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحريق. ذلك بما قدمت ايديكم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبياء بغير حق .. ذلك بما قدمت ايديكم

بنابر اینکه خطاب در <ایديکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلك بما قدمت ..> می رساند که آنان در گناه

کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

۷ عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم ، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا يحسبنّ الذين ييخلون .. ذوقوا عذاب الحريق ... و انّ الله ليس بظلام للعب

جمله <و انّ الله ..> عطف بر <ما قدمت> می باشد. بنابراین دلیل دیگری برای گرفتار شدن بخیلان و قاتلان انبیا به

دوزخ است. یعنی عدالت خداوند اقتضا می کند که ستمگران را عذاب کند، ورنه به ستمدیده ظلم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثاق بنی اسرائیل .. و حسبوا الا تکون فتنه

در برداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

کیفر قتل زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریا و یحیی پیامبر (ع)

و یقتلون النبیین بغیر حق .. فبشرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انّ نبی الله زکریا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی الله.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

کیفر قتل شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱

۱ - نزول عذاب فراگیر الهی بر ثمودیان، در پی کشتن ناقه صالح

فعقروها .. فأخذهم العذاب

کیفر قتل عدالتخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفيعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون .. و ما لهم من ناصرین

کیفر قتل موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح، عاد، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب
ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح ... و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است؛ چنان که در سوره <ص>
آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب ایکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت
شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خویش، از دچار شدن به عذاب الهی در روز قیامت در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

و یقوم إتی أخاف علیکم یوم التناد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۴

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان، از دچار شدن آنان به عذاب گریزناپذیر الهی در قیامت در صورت کشتن موسی (ع)

یقوم إتی أخاف علیکم ... یوم تولون مدبرین ما لکم من الله من عاصم

کیفر قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۷، ۲، ۱

۱ خلود در جهنم، غضب و لعنت الهی، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه

۲ عذاب بزرگ الهی در

انتظار کسی که مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند .

و من یقتل مؤمناً .. و اعدّ له عذاباً عظیماً

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمناً متعمداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: ... و ان کان قتله لغضب او لسبب شیء من امر الدنيا فانّ توبته ان یقاد منه ...

کافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

کیفر قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

کیفر قتل نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۱

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و یقتلون النّبین بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط.

از رسول الله (ص) سؤال شد: ایّ الناس اشدّ عذاباً یوم القیامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبیاً او رجلاً امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الذین یکفرون ... >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان،

ج ۲، ص ۴۲۲.

کیفر قتل یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریا و یحیی پیامبر (ع)

و یقتلون النّیین بغیر حق .. فبشرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انّ نبی الله زکریا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی الله.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

گریه بر قتل برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۴

۴ جواز گریستن بر فقدان برادر و کشته شدن او

جاء و أباهم عشاءً یمکون

هر چند گفتار و افعال برادران یوسف نمی تواند دلیلی بر احکام شرعی باشد، ولی از آن جا که این عمل (گریه بر فقد برادر) در نزد یعقوب پیامبر انجام گرفته، معلوم می شود او آن عمل را نکوهیده و حرام نمی دانست.

گناه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۹

۹ کشتار و خونریزی، گناهی بزرگ و مصداق بارز فسادگری است.

أَتَجْعَلُ فِيهَا مِنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ

فسادگری شامل خونریزی نیز می شود. بنابراین عطف <یسفک الدماء> بر <یفسد فیها> عطف خاص بر عام است و حکایت از آن دارد که گناه خونریزی و آدمکشی از دیگر فسادگریها، بزرگتر و تباهی آن بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۹،۲۲

۱۹ گناه فتنه انگیزی ، بزرگتر از

آدم کشی در ماه های حرام است .

قل قتال فيه كبير . . . و الفتنه اكبر من القتل

الف و لام در <القتل>، عهد است ؛ یعنی قتل در ماههای حرام.

۲۲ سلب امتیت مردم ، بزرگتر از آدم کشی است .

و الفتنه اكبر من القتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۵

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبياء بغير حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ تصرف نابجا در اموال دیگران ، گناهی بزرگ ، همچون گناه قتل و آدمکشی است .

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل . . و لا تقتلوا انفسكم

بیان حرمت آدمکشی در کنار تصرفات ناروا در اموال دیگران، نشانه همسانی آن دو گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۸

۸ آدمکشی ، از گناهان کبیره

لا تقتلوا انفسكم . . ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا بائمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱،۲

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل

نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

۲ کشتن نابحق یک انسان در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است .

من قتل نفساً بغير نفس .. فکانما قتل الناس جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذین لا يدعون مع الله إلهاً .. و لا یزنون

ترتیب ذکرى جمله های <و الذین لا یدعون..> <لا-یقتلون...> و <لا-یزنون> می تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۹

۹ شرک ، آدم کشی و زنا ، از گناهان بزرگ و خطیر

یضعف له العذاب یوم القیمه و یخلد فیہ مهاناً

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

گناه قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۵

۵ خداوند حتی گناه کسانی را که تصمیم بر کشتن انبیا داشته باشند ، به شرط توبه و ایمان ، خواهد بخشید .

و الذین عملوا السيئات .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

از مصادیق مورد نظر برای <السیئات> به دلیل جمله <و کادوا یقتلوننی>، تصمیم بر کشتن هارون که از پیامبران است می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- قتل پیامبران ، جرمی نابخشودنی و موجب عذاب الهی و محرومیت ابدی از هدایت الهی است .

أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا.. و من یضلل الله فما له من هاد

گناه قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۳

۳ کشتن عمدی مؤمن ، از گناهان بسیار بزرگ

و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدّ

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: قتل النفس من الكبائر لأنّ الله عز و جل یقول: > و من یقتل مؤمناً متعمداً .. و اعدّ له عذاباً عظیماً <.

علل الشرایع، ص ۴۷۸، ح ۲، ب ۲۲۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۴۹۴.

لاوی و قتل یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۴

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لا تقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لا تقتلوا یوسف .. و ألقوه فی غیبت الجب یتلقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید،

در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (يلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف (ع) و از میان رفتن او بوده است.

مجازات قتل بعد از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولیّ مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

جمله <فله عذاب أليم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

مجوز قتل فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۵

۵ - شرک پدر و مادر و انحراف آنها از ادیان الهی ، مجوّز کشتن فرزندان آنان نیست .

و إذا الموءودة سئلت . بأیّ ذنب قتلت

آیه شریفه ناظر به رفتاری است که برخی از مشرکان عصر بعثت با دختران خود داشتند. محکومیت این رفتار، حاکی از مصونیت جان فرزندان آنان است.

مراد از اسراف در قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ - > عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي الحسن (ع) إن الله عزّوجلّ يقول فی کتابه : > . . . فلا یسرف فی القتل

إنه كان منصوراً < فما هذا الإسراف الذى نهى الله عزّوجلّ عنه قال : نهى أن يقتل غير قاتله أو يمثل بالقاتل قلت : فما معنى قوله : > إنه كان منصوراً < قال : و أى نصره أعظم من أن يدفع القاتل إلى أولياء المقتول فيقتله و لاتبعه تلزمه من قتله فى دين و لا دنيا ;

اسحاق بن عمار گوید: به امام موسى بن جعفر(ع) گفتم: همانا خدای عزّوجلّ در کتابش می فرماید: >.. فلايسرف فى القتل إنه كان منصوراً< این اسراف چه اسرافى است که خداوند عزّوجلّ از آن نهی کرده است[راوى گوید]گفتم: پس معنای سخن خدا >إنه كان منصوراً< چیست؟ فرمود: چه نصرتى بزرگ تر از اینکه قاتل به اولیای مقتول داده می شود و آنان قاتل را می کُشدند و پیامدهایی که لازمه قتل است چه پیامدهای دینی و چه دنیایی دامنگیر آنان نمی شود.<

۲۰- > عن أبي العباس قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن رجلين قتلا رجلاً فقال : يخيّر وليه أن يقتل أيهما شاء . . . و كذلك إن قتل رجل إمراً إن قبلوا ديه المرأة فذاك ، و إن أبى أوليائها إلاّ- قتل قاتلها غرموا نصف ديه الرجل و قتلوه و هو قول الله : > فقد جعلنا لوليّه سلطاناً فلايسرف فى القتل < ;

ابی العباس گفت: از امام صادق(ع) در باره دو مردی که یک مرد را کشته اند پرسیدم، حضرت در جواب فرمود: ولیّ مقتول مخیر است هر کدام از قاتلان را که بخواهد بکشد . . . و همچنین اگر مردی زنی را بکشد، چنانچه [اولیای دم] دیه

زن را قبول کنند، پس حکم همان است و اگر اولیای زن دیه را نپذیرفتند [و راضی نشدند] مگر به کشتن قاتل، باید نصف دیه مرد را بدهند و سپس او را بکشند و این سخن خداست: فقد جعلنا لولئیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل < .

مستحقان قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۲

۲- جان برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارج بوده و می توان آنها را به قتل رساند .

و لا تقتلوا النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۵،۶

۵ کشتن انسان مستحق قتل ، جایز است .

و لا یقتلون النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <لا یقتلون> و استثنای <إلاّ بالحقّ> از نوع استثنای مفرغ باشد؛ یعنی، <لا یقتلونها بسبب من الأسباب إلاّ بسبب الحقّ> نمی کشند هیچ کس را به هر دلیلی که باشد مگر به سبب حق < .

۶ برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارزش انسانی و مستحق نابودی اند .

و لا یقتلون النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

معاونت در قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۶،۷

۶ - معتقدان به ادیان الهی نباید در کشتن و آواره کردن همکیشان خود ، به قاتلان و آواره کنندگان یاری رسانند .

تظهرون علیهم بالاثم و العدون

۷ - یاری رساندن به قاتلان و آواره کنندگان اهل دین ، گناه و تجاوز است .

تظهرون عليهم بالاثم و

مکان قتل هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ کوه قاسیون در دمشق ، مکان کشته شدن هابیل توسط برادرش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از رسول خدا(ص) روایت شده: بدمشق. جبل يقال له قاسیون فیه قتل ابن آدم اخاه.

الدرالمنثور، ج ۳، ص ۶۱.

ممانعت از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۶،۲۴

۱۶ جلوگیری از تکرار رخدادی همچون کشته شدن هابیل ، فلسفه تعلق پاداش های عظیم خداوند بر پاسداری از جان انسانها

من اجل ذلک کتبنا .. و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

۲۴ ایجاد صلح و امنیت و جلوگیری از فساد و ریختن خون بی گناهان ، از اهداف رسالت انبیا

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض .. و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

اشاره به رسالت انبیا با دلایل روشن پس از بیان عقوبت قتل و پاداش حفظ حیات انسانها، بیانگر جایگاه این تعالیم در رسالت انبیای الهی است.

ممانعت از قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ - تلاش منطقی و عالمانه مؤمن آل فرعون ، برای منصرف ساختن فرعونیان از کشتن موسی (ع)

و قال رجل من آل فرعون یکتّم ایمنه .. و إن یک صَادِقًا یصبکم بعض الذی یعدکم

برداشت یاد شده از مجموع گفته ها، برخوردها، چگونگی استدلال و منطق مؤمن آل فرعون در مقابل فرعونیان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون در جهت انصراف فرعون از قتل موسی (ع) ، مؤثر واقع شد .

و قال رجل مؤمن من آل فرعون .. أتقتلون رجلاً... كذلك يطبع الله على كل قلب م

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که فرعون، در آغاز برخورد با موسی(ع) بر کشتن او مصمم گشته، این مطلب را به همه اطرافیانش اعلام کرده بود (قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى)؛ ولی پس از سخنان مؤمن آل فرعون، به جای کشتن وی دستور داد برجی بسازند تا او نسبت به درستی ادعای آن حضرت به تحقیق بپردازد.

منشأ قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ حسد و خودخواهی ، ریشه و آغاز برادرکشی در تاریخ

قال لاقتلنک

موانع قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه .. لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۶ ، ۱۰ ، ۷

۷ ترس هاییل از خداوند ، مانع اقدام وی به قتل برادر

ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک انی اخاف الله رب العلمین

۱۰ خداترسی ، جلوگیری آدمی از جنایت و آدمکشی

ما إِنَّا بياسط يدي إِلَيْكَ لاقتلك انى اخاف اللّٰه رب العلمين

۱۶ ناسازگارى قتل با اعتقاد به ربوبيت خداوند بر جهان هستى

ما إِنَّا .. انى اخاف اللّٰه رب العلمين

تعليل اقدام نكردن

به قتل به ترس از خدای رب العالمین، می رساند که ربوبیت خداوند بر جهان هستی چنین اقتضا می کند که انسانها باید در امنیت جانی بسر برند. بنابراین کسانی که مرتکب قتل می شوند، خود را به نوعی رودرروی ربوبیت خداوند قرار داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۷

۷ کیفر سنگین برای قتل و آدمکشی ، زمینه پرهیز انسان ها از ارتکاب آن

و من اجل ذلك كتبنا على بنی اسرئیل انه من قتل .. فکانما قتل الناس جميعاً

<من اجل ذلك ..> به این معناست که خداوند با توجه به آدمکشی قبیله و پیامدهای شوم آن، بنی اسرائیل را به مجازاتی سنگین تهدید کرد تا از تکرار چنین جنایتهایی باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - ایمان به خدا و مجازات او ، تأثیرگذار در دوری انسان از گناه و بزه کاری (چون قتل به ناحق)

يقوم .. فمن ينصرنا من بأس الله إن جاءنا

یادآوری خداوند و عذاب او، از سوی مؤمن آل فرعون در راستای نجات جان موسی(ع)، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۹

۹ - اعتقاد به روز قیامت ، بازدارنده انسان از گناه و بزه کاری (چون آدم کشی)

إني أخاف عليكم يوم التناد . يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم

از این که مؤمن آل فرعون برای بازداشتن فرعونیان از کشتن موسی(ع)،

مسأله معاد و حسابرسی اعمال بندگان را مطرح ساخت، مطلب یاد شده به دست می آید.

موجبات قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۴،۵،۶،۷

۴ - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان، در صورت تداوم کردار زشت خود، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند، باید به قتل برسند.

لئن لم ینته المنفقون .. لنگرینک بهم ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درک و انجام دادن کار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

۵ - شایعه پراکنان در مدینه، در صورت ادامه شایعه پراکنی، محکوم به قتل بودند.

لئن لم ینته .. و المرجفون فی المدینه ... اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا تفتیلاً

۶ - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند، در صورت ادامه کار خود، محکوم به قتل اند.

لئن لم ینته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوات

۷ - ادامه دهندگان به فساد در جامعه، با آزار و اذیت زنان مؤمن، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند.

لئن لم ینته المنفقون و .. لنگرینک بهم ... ملعونین اینما ثقفوا أخذوا و قتلوا

<أین> مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۲

۲ - دختر بودن فرزند

در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی موجب استحقاق قتل بود .

بأی ذنب قتلت

موسی (ع) و قتل فرعونى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - قتل ناخواسته فرد قبطی به وسیله موسی (ع) ، نمود دشمنی و گمراه گری شیطان

هذا من عمل الشیطن إنه عدوٌ مضلّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۱

۱ - بر جای ماندن حادثه کشته شدن مرد قبطی در خاطره موسی ، با گذشت چندین سال

قال ربّ إني قتلت منهم نفسًا

ناپسندی قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۲

۲ جنگ و خونریزی ، امری ناخوشایند برای انسان

کتب علیکم القتال و هو کره لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲۰

۲۰ کشتار و تعرض نابجا به افراد به خاطر دستیابی به غنیمت ، از روش های ناپسند دوران جاهلیت

و لا تقولوا .. لست مؤمنًا تبغون عرض الحیوه الدّنيا ... كذلك کنتم من قبل

ظاهراً <كذلك> اشاره است به جمله <تبتغون عرض .. > بر این اساس، مقصود از <من قبل>، قبل از اسلام، یعنی دوران جاهلیت است که به خاطر مال دنیا، بدون هیچ دلیلی دیگران را می کشتند.

ناپسندی قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- کشتن فرد بی گناه ، کاری زشت و ناروا است .

لقد جئت شیئاً نکراً

<نکر>

صفت مشبه و به معنای <منکر> است <یعنی کار قبیح و ناپسند و خلاف معروف>.

ناپسندی قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

كُلِّ ذَلِكْ كَانِ سَيِّئَةً عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهاً

نبوت و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵- قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التي فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نهی از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۲۲

۲۲- > عن أبي جعفر (ع) قال : ... بعث الله محمداً و ... أنزل عليه في سورة بني اسرائيل بمكة ... و أنزل نهيًا عن أشياء حذر عليها و لم يغلظ فيها ولم يتواعد عليها و قال : > ... و

لا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحقّ و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل إنه كان منصوراً... < ... >

از امام باقر(ع) روایت شده است:.. خداوند حضرت محمد(ص) را برانگیخت و ... بر او آیاتی چند از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود... [که در آن آیات] از چیزهایی نهی کرده که پرهیز از آنها لازم است و ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و بر ارتکاب موارد نهی وعید عذاب نداده و فرموده است: ... و لا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحقّ...< .

یهود و قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۷، ۲۱، ۱۹

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

چون جمله <فلم تقتلون .. > (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبياء الله > پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

۲۷ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید <... فلم تقتلون انبياء الله من قبل ان كنتم مؤمنين > روایت کرده که : < انما نزل هذا في قوم اليهود و كانوا على عهد محمد (ص) >

لم يقتلوا الأنبياء بأيديهم ولا كانوا في زمانهم و إنما قتل أو ايلهم . . . فجعلهم الله منهم و أضاف إليهم بما تبعوهم و تولوهم ;

این آیه درباره یهود نازل گشته است در حالی که یهودیان زمان پیامبر(ص) پیامبرانی را نکشته بودند و در زمان آنان نیز زندگی نمی کردند و همانا گذشتگان آنان پیامبران را کشتند . . . پس خداوند این یهودیان (یهودیان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبیا را به خاطر پیروی آنان و محبتشان به پیشینیان به آنان نسبت داده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا . . . قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . . . > (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۲۲، ۱۷

۱۷ عصیان اهل کتاب (یهود) و تجاوز مداومشان ، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بآیت الله . . . ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به

آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

۲۲ یهود با افشای اسرار پیامبران ، شریک جرم قاتلان آنان

و یقتلون الانبیاء بغير حقّ

امام صادق (ع) در تفسیر آیه <و یقتلون الانبیاء بغير حق>، فرمود: ... و لکن اذاعوا سرّهم و افشوا علیهم فقتلوا.

اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۱۳۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱،۴،۹

۱ یهود ، مردمی پیمان شکن و قاتل پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم و كفرهم بايت الله و قتلهم الانبياء بغير حق

۴ یهودیان ، هیچگونه توجیهی برای کشتن انبیا ، نداشتند .

و قتلهم الأنبياء بغير حق

با اینکه همواره کشتن انبیا نا به حق است، خداوند قید توضیحی <بغير حق> را ذکر کرده است تا به این معنا اشاره کند که قاتلان پیامبران خود نیز به ناروا بودن کشتن انبیا آگاه بودند.

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم ... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

یهود و قتل عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۱۵،۱۶،۱۰،۸،۷،۴،۱

۱ یهود، مدعی کشتن حضرت مسیح (ع)

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم

إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

۷ یهودیان ، به اشتباه شخص دیگری را به جای حضرت عیسی (ع) به دار آویخته و کشتند .

و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم

استدارک در جمله <و لکن شبه لهم> رسای به این است که یهودیان شخصی را به گمان اینکه حضرت عیسی(ع) است به دار آویخته و او را به قتل رساندند.

۸ اختلاف یهود ، در اصل رخداد قتل و به دار آویخته شدن عیسی (ع)

إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ

۱۰ ادعای یهود در مورد کشته شدن حضرت عیسی (ع) ، بر پایه گمان بود ، نه علم و یقین .

إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ

۱۵ یهودیان ، قطعاً حضرت عیسی (ع) را نکشتند .

و ما قتلوه یقیناً

۱۶ یهود به جای حضرت عیسی (ع) جوانی را که به شکل آن حضرت در آمده بود کشتند و به صلیب کشیدند .

و قولهم إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ و ما قتلوه

امام باقر(ع): .. و اخذوا الشاب الذي القى عليه شبح عيسى فقتل و صلب ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۹، ح ۶۵۳.

قتل نفس

کیفر قتل نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و يقتلون النّبیّن بغیر حق

و يقتلون الذين يأمرن بالقسط.

از رسول الله (ص) سؤال شد: ای الناس اشد عذاباً يوم القيامة؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبياً او رجلاً امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الذين يكفرون ... >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

قحطی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قحطی

آل یعقوب در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۲

۲ خاندان یعقوب در دوران قحطی به تنگدستی و رنج بسیار گرفتار شدند .

قالوا .. مسنا و أهلنا الضر

<مسّ> به معنای لمس کردن و تماس گرفتن است. <ضّر> به معنای فقر سختی و کمبود می باشد.

ابتلای فرعونیان به قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۱

۱ خداوند، فرعونیان زمان موسی را برای پذیرش رسالت های او، به قحطی های متعدد و کم محصولی فاحشی مبتلا ساخت .

و لقد أخذنا آل فرعون بالسنين و نقص من الثمرت لعلهم يذّكرون

<سنه> به معنای قحطی و خشکسالی است و جمع آوردن آن (السنين) حکایت از تعدد قحطی و خشکسالی دارد. این تعدد یا به اعتبار شهرهای زیادی است که قحطی در آنها به وجود آمده و یا به لحاظ سالهای متعدد است. نکرده آوردن <نقص> اشاره به کمبود فاحش دارد.

اهمیت پیشگیری از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۶

۱۶ ارائه برنامه های اقتصادی به دولت ها و

مردم کافر برای دور ماندنشان از گرسنگی و مصونیت در برابر قحطی ها و دشواریها ، امری جایز و پسندیده است .

قال تزرعون سبع سنين .. . إلا قليلاً مما تأكلون

اهمیت تأمین قحطی زدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۴ - ۳

۳ - تأمین خوراک قحطی زدگان ، برای کسانی که خود نیز گرفتار خشک سالی اند ، وظیفه ای سنگین و نیازمند همتی والا است .

و ما أدريكم ما العقبه .. . أو إطعم في يوم ذي مسغبه

قید <فی یوم>، ناظر به این معنا است که اطعام کنندگان، خود نیز در همان وضعیت به سر می برند.

برادران یوسف در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۷

پیشگیری از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۸

۸ هفت سال تلاش برای تولید غله ، ذخیره سازی غله ها با خوشه های آن ، صرفه جویی در مصرف ، توصیه های یوسف (ع) به مردم مصر برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت ساله قحطی و خشکسالی

قال تزرعون سبع سنين دأباً

برخی برآنند که رؤیای پادشاه اشاره ای به دستورالعملها و چاره اندیشیها ندارد و تدبیرهایی که یوسف(ع) بیان داشته و دستوراتی که صادر کرده از دانشی خدادادی او بوده و ارتباطی به رؤیای پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس این نظر است.

پیمانہ دوران قحطی مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲

۳ جام شاهی ، وسیله پیمانہ کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقايه في رحل أخيه .. نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانہ) گویای این است که پیمانہ مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

تأمین فقرا هنگام قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۳

۳ - سیر کردن گرسنگان که در سال های قحطی ، دستشان از هر آذوقه ای کوتاه است وظیفه ای سنگین ، پرارزش و نیازمند همتی والا است .

و ما أدريک ما العقبه .. أو مسکیناً ذا متربه

ثروتمندان هنگام قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۴ - ۴

۴ - سرمایه داران ، در کمک های اقتصادی به مردم قحطی زده ، باید تغذیه آنان را در اولویت قرار دهند .

أو إطعم في يوم ذی مسغبه

ذخیره طعام در قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۹

۱۹ جواز اندوخته ساختن آذوقه برای مصارف شخصی حتی در دوران قحطی و کمبود مواد غذایی

نمیر اهلنا .. ذلک کیل یسیر

زمینه قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۳

۳ - تأثیر گناه ، در گرفتار آمدن انسان ها به قحطی و خشکسالی

و هو

الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا .. و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

سیاق آیات، می تواند بیانگر این نکته باشد که رحمت و قدرت الهی گسترده و فراگیر است و قحطی ها و خشکسالی ها بازتاب عملکرد خود انسان ها است.

عزیز مصر در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۵

۵ یوسف (ع)، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یا یها العزیز

قحطی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

قحطی در دوران عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۵

۵ اصحاب عیسی (ع)، در برهه ای از زمان دچار کمبود مواد غذایی *

قالوا نرید ان نأکل منها

درخواست نزول مائده به انگیزه تغذیه در صورتی می تواند توجیهی برای آن درخواست به حساب آید که دستیابی به خوراکیها از راههای معمول برای آنان بسیار مشکل باشد.

قحطی در سرزمین کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی، مصر و اطراف آن (کنعانو...) را فرا گرفت.

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن

برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غله در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یا بانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

قحطی در فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۲

۲ کم محصولی فاحش، بارزترین اثر خشکسالی ها و قحطی های تحمیل شده به فرعونیان

و لقد أخذنا مال فرعون بالسنین و نقص من الثمرت

خشکسالی و قحطی در پی دارنده مشکلات فراوانی است که از جمله آنها کم محصولی است. بنابراین ذکر بخصوص آن می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

قحطی در مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱،۲

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

۲ رؤیای پادشاه، گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود.

بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکرى گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱،۴

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی، مصر و اطراف آن (کنعانو...) را فرا گرفت.

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

۴ طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت.

و جاء إخوه یوسف

قحطی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۶

۶ - عدم تبه کافران مکه، از بلاهای هشدار دهنده الهی (مثل قحطی و خشکسالی)

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربهم و ما يتضرعون

مدعیان انفاق هنگام قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۴ - ۲

۲ - مدعیان دروغین انفاق ، با پیدایش گرسنگی های فراگیر

، از اطعام بخل ورزیده ، مواد غذایی را احتکار می کنند .

يقول أهلكت مالا لبداً .. فلاقتحم العقبه ... أو إطعم في يوم ذى مسغبه

مصریان باستان پس از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۳

۳ روی آوری مصریان به افشرد گرفتن از محصولات خویش بر اثر فراوانی آنها ، در نخستین سال پس از سال های قحطی

ثم یأتی ... و فیه یعصرون

<عصر> به معنای آب گرفتن از چیزی مانند: میوه ، لباس تر و .. است. مفعول <یعصرون> به قرینه سیاق - محصولات کشاورزی همانند میوه جات می باشد.

موارد قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۲

۲ کم محصولی فاحش ، بارزترین اثر خشکسالی ها و قحطی های تحمیل شده به فرعونیان

و لقد أخذنا آل فرعون بالسنین و نقص من الثمرت

خشکسالی و قحطی در پی دارنده مشکلات فراوانی است که از جمله آنها کم محصولی است. بنابراین ذکر بخصوص آن می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

نجات مصر باستان از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۵

۵ سرزمین مصر بر اثر پیش بینی یوسف (ع) و تدبیر عالمانه او ، از عواقب فاجعه آمیز قحطی مصون ماند .

و جاء إخوه یوسف

یتیم هنگام قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - یتیمانِ نیازمند ، سزاوارترین قشر جامعه به دریافت کمک های

غذایی در سال های قحطی اند .

أو إطعم .. یتیمًا

۳- رساندن غذا به یتیمان در سال های قحطی ، تکلیفی سنگین و نیازمند همتی والا است .

ما العقبه .. أو إطعم فی یوم ذی مسغبه . یتیمًا

یوسف(ع) در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۴

۴ یوسف (ع) در دوران قحطی مصر ، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت .

قالوا یا یها العزیز

یوسف(ع) و پیشگیری از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

یوسف(ع) هنگام قحطی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) در زمان قحطی مصر ، پادشاه آن دیار نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۵

۵ یوسف (ع)، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یا ایها العزیز

قحطی زدگان

اهمیت تأمین قحطی زدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۴ - ۳

۳ - تأمین خوراک قحطی زدگان، برای کسانی که خود نیز گرفتار خشک سالی اند، وظیفه ای سنگین و نیازمند همتی والا است.

و ما أدریک ما العقبه

.. أو إطعم في يوم ذي مسغبه

قید <فی یوم>، ناظر به این معنا است که اطعام کنندگان، خود نیز در همان وضعیت به سر می برند.

قدرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قدرت

آثار ایمان به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۱

۲۱ - باور به قدرت خدا، ایجاد کننده محبت او در دلهاست .

والذین ءامنوا أشد حبا لله .. أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۰

۱۰ - باور به نزدیک بودن خدا به بندگان و توان او بر اجابت درخواست ها، گرایش دهنده آدمی به ایمان و اطاعت از اوست .

فإني قرب أجب دعوة الداع .. فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي

برداشت فوق از <فأني> تفریع در <فليستجيبوا> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۴

۴ - ایمان به توانایی و عزت مطلق خدا، ره یابی به توحید و ربوبیت یگانه‌ء او است .

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

آثار تعقل در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۲

۲ - مطالعه در مظاهر قدرت و تدبیر الهی ، از میان برنده هر گونه استبعاد و اعجاب انسان ، نسبت به حقایق وحی

أفمن هذا الحديث تعجبون

<فء> تفریح می رساند که اگر توجه کامل به مفاد آیات پیشین که بیانگر قدرت و تدبیر الهی بود مبذول شود، زمینه ای برای استبعاد و ناباوری باقی نخواهد ماند.

آثار جهل به قدرت

خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - بی خبری از قدرت خداوند ، مایه انکار معاد است .

أولم يروا كيف يبدئ الله الخلق . . . إن ذلك على الله يسير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۷

۷ - تردید در رخداد قیامت ، نشانگر عدم شناخت قدرت کامل خداوند است .

و إنه لعلم للساعة فلا تمترن بها

آفرینش شگرف عیسی(ع)، نشانه ای بر قدرت خداوند است و از آن جا که این آفرینش دلیل بر امکان معاد شمرده شده، می توان استفاده کرد که تردید در مورد قیامت، ناشی از غفلت نسبت به قدرت بی همتای خداوند است.

آثار ذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۹

۹- توجه به مشیت نافذ و نیروی قاهر خداوند ، بازدارنده آدمی از مغرور شدن به اموال دنیا و ابدی پنداشتن آن است .

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - باور و توجه به قدرت بی نهایت خداوند ، از بین برنده روحیه غرور و استکبار در انسان

فاستكبروا . . أولم يروا أن الله الذي خلقهم هو أشد منهم قوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۲۰

۲۰ - توجه به قدرت ، علم و حکمت گسترده خداوند ، مایه اطمینان قلب مؤمنان در طریق

ایمان .

أنزل السكينة . . . و لله جنود السموت و الأرض و كان الله عليماً حكيمًا

<لله جنود.. > دال بر حاکمیت و قدرت خداوند است و این که خداوند در پایان آیه به قدرت مطلقه و علم و حکمت گسترده خود اشاره کرده است؛ می تواند از آن جهت باشد که نفس توجه مؤمنان به این حقیقت، خود وسیله ازدیاد ایمان و آرامش قلب آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۸

۸ - توجه به علم و قدرت الهی ، زمینه امیدواری مؤمنان به پیروزی راه ایمان

قد أحاط الله بها و كان الله على كل شيء قديرًا

از این که خداوند، پس از نوید دادن به قدرت و پیروزی مؤمنان در آینده، علم و قدرت خویش را به ایشان یادآور شده است؛ مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ توجه به علم و قدرت الهی و نمود های رستاخیز در طبیعت ، زداینده هر شک در امکان معاد

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم .. أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم كيف بنيناها ... و

خداوند در پاسخ به شبهات منکران معاد، در این آیات به سه نکته اشاره کرده است: ۱ علم، ۲ قدرت، ۳ نمودهای رستاخیز در طبیعت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۴

۴ - توجه به تدبیر و قدرت الهی در نظام هستی ، مقتضی خضوع و سجود انسان در برابر آفریدگار آن

و أن إلى ربك المنتهي

.. فاسجدوا لله و اعبدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۵

۵ - توجه به قدرت برتر خداوند و عجز و ناتوانی خلق ، بازدارنده آنان از کفر و تکذیب

لاتنفذون إلاّ بسلطن . فبأیّ ءالآء ربکمما تکذبان

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که غفلت جن و آدمیان از قدرت خداوند، زمینه ساز تکذیب گری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۳

۳ - توجه به فرجام هستی و قدرت قاهر خداوند ، زمینه ساز اجتناب انسان از کفر و تکذیب حق

فإذا انشقت السماء .. فبأیّ ءالآء ربکمما تکذبان

آثار عقیده به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۲

۲ - اعتقاد به ربوبیت خدای یگانه و قدرت قاهر و علم گسترده او ، مقتضی توکل کردن انسان به او

إنّ ربک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم . فتوکل علی الله

تفریح <توکل علی الله> بر <إنّ ربک یقضی .. و هو العزیز العلیم> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۶ - ۴

۴ - توجه به ناتوانی معبود های ادعایی و عقیده به قدرت مطلق خداوند ، موجب تسلی خاطر و دل گرمی مبلغان اسلام و

مدافعان عقیده توحیدی

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ . لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ... فَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ

جمله <فلا يحزنك قولهم> جواب برای شرط مقدر است، یعنی، <اذا كان هذا حالهم مع ربهم حيث اتخذوا رجاء

النصرء الهه من دون الله لا يقدرن نصرهم فلا تحزن بسبب قولهم... و وقتی وضعیت آنان چنین است که به امید یاری، معبودهای دیگری جز خدا را که توانای بر یاری رسانی ندارند برگزیدند، پس تو از سخنان شان محزون مباش...<

آثار علم به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - پی بردن به قدرت و توانایی خداوند ، برطرف کننده استبعاد در وقوع معاد است .

سیروا... فانظروا... ثم الله ينشئ النشاء الأخره إن الله على كل شيء قدير

آثار غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۳

۳- استبعاد معاد پس از متلاشی شدن جسد انسان ، معلول غفلت از قدرت نامحدود خداست .

قل كونوا حجاره أو حديدًا . أو خلقًا ممًا يكبر في صدوركم

تذکر جمله <كونوا حجاره... أو خلقًا ممًا يكبر...> که اشاره به نامحدود بودن قدرت خدا دارد برای بیرون آوردن مشرکان از غفلتی است که سبب تردید آنان درباره زنده شدن استخوانهای خرد شده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲

۲- غفلت از قدرت نامحدود خدا ، منشأ شك و تردید مشرکان عصر بعثت در امکان معاد و حیات دوباره انسان

يأيتها الناس إن كنتم في ريب من البعث فإننا خلقنكم

جواب شرط در جمله <إن كنتم في ريب من البعث> حذف شده است و تقدیر آن چنین می باشد: <إن كنتم في ريب من البعث فانظروا إلی>

بدء خلقكم؛ اگر در امکان برپایی رستاخیز تردید دارید، به آغاز پیدایش خود بنگرید. مقصود از جمله یاد شده این است که: همان طور که خداوند توانست انسان ها را در این نشأه بیافریند مسلماً قدرت آن را دارد که دوباره و در نشأه دیگر آنان را زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۴

۴ - سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلاتعقلون... قا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۷، ۱۰

۱۰ - کفر و استکبار قوم عاد ، نتیجه غفلت آنان از قدرت برتر الهی

أولم یروا أن الله الذی خلقهم هو أشد منهم قوه

۱۷ - خودبرتربینی ، غرور و غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فأما عاد فاستکبروا فی الأرض .. و کانوا بآیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۷

۷ - بعید شمردن شیوه آفرینش عیسی (ع) ، نشأت یافته از بی توجهی به قدرت بی نهایت خداوند است .

و لما ضرب ابن مریم مثلاً .. إن هو إلا عبد أنعمنا ... و لو نشاء لجعلنا منکم م

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) <لما ضرب ابن مریم> نظر به جنبه خلقت عیسی(ع) دارد. ب) این آیه

در مقام رفع استبعاد و انکار مشرکان مکه است که برای خداوندی که قادر به آفرینش تمامی انسان ها به صورت ملک است، خلقت عیسی(ع) بدون پدر امری ساده می باشد.

آثار قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ - پنداشتن قدرت در معبودان دروغین ، عالم محبت مشرکان به آنهاست .

یحبونهم كحب الله .. و لو یری الذین ظلموا ... أن القوه لله جميعاً

۲۰ - تأثیر جاذبه قدرت در جلب محبت

یحبونهم كحب الله .. و لو یری الذین ظلموا ... أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۸

۸ قدرت و حکومت ، خصلت های درونی انسان را نمایان می سازد .

و اذا تولى سعى فى الأرض ليفسد فيها و يهلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۷

۷ پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم ، از عوامل پرستش آن دو ، از سوی مسیحیان *

قل اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً و لانفعاً

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح(ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل پرستش مسیح(ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۳

۱۳ اقتدار و تمکن مادی تأمین کننده سعادت نیست.

و مکنهم فی الأرض ما لم

نمکن لکم

از اینکه می فرماید ما به آنها مکنت دادیم بیش از شما و هلاکشان کردیم، پس مکنت مادی دلیل قرب نزد خدا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۶

۶- دستیابی به آرامش و قدرت اجتماعی ، زمینه غفلت انسان از جهان آخرت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الآخرة جئنا بکم لفيئاً

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند پس از <اسکنوا الأرض> که کنایه حاکمیت و قدرت است مسأله قیامت و احضار انسانها را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۴

۴- حفظ معارف و شریعت الهی و اجرای احکام آن ، نیازمند صلابت و توان مندی است .

خذ الکتب بقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۳

۳- دارایی ها و توان مندی ها ، از عمده ترین زمینه های غفلت و کفرورزی است .

و هم فی غفله و هم لایؤمنون . إنا نحن نرث الأرض

از جمله وجوه ارتباطی این آیه با آیه قبل، بیان اسباب غفلت و سعی در ریشه کن کردن آن است. در این آیه خداوند برای متنبه ساختن آدمیان و از بین بردن عوامل غفلت آنان، بر فناپذیری ثروت های دنیا و ساکنان زمین تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- پیشرفت های اقتصادی و قدرت های چشم گیر حتی در عالی ترین شکل آن تضمین کننده نجات جامعه از نابودی نیست

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثنا ورءیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤنون - ۲۳ - ۶۲ - ۲

۲ - خداوند ، خواهان تلاش انسان ها برای کسب ارزش ها به قدر توان خود و نه بیشتر از آن

أولئك يسرعون فی الخیرت . . . و لانکلف نفساً إلاّ وسعها

ذکر جمله < و لانکلف نفساً إلاّ وسعها > پس از تمجید و ستایش از کسانی که در انجام کارهای خیر شتاب میورزند و در میدان کسب ارزش ها از دیگران سبقت می گیرند، می تواند تذکری از جانب خداوند باشد تا آنان خود را در این راستا به مشقت نیندازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۴، ۱۵

۱۴ - قدرت ها و امکانات خدادادی در جهت رشد و تکامل انسان

قال هذا من فضل ربّی

استفاده از صفت < ربّ > به جای هر وصف و یا نام دیگر خداوند، اشاره به این نکته دارد که تفضلات الهی در جهت رشد و تکامل انسان ها است.

۱۵ - برخورداری از علم و قدرت ، زمینه توجه مردان الهی به مسؤولیت و وظایف برتر خود

فلما رءاه مستقرّاً عنده قال هذا من فضل ربّی لیلونی

برداشت یاد شده از آن جا است که سلیمان(ع) با مشاهده قدرت دربار خویش، متذکر گشت که هدف از این تفضلات و امکانات، امتحان و آزمون او است و باید به هوش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۲

۲- قدرت و ثروت ، از موجبات فخرفروشی ، خودنمایی و تجمل گرایی

فخر ج علی

قومه فی زینته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۱۱

۱۱ - مخالفت مشرکان مکه با پیامبر ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أولم یسیروا فی الأرض .. كانوا أشدّ منهم قوه

نکوهش مخالفان پیامبر(ص) بر عبرت نگرفتن از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، اشعار دارد که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دل خوشی آنها به امکانات رزمی و رفاهی خویش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۸

۸ - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

كانوا هم أشدّ منهم قوه و ءاثارًا .. إلى فرعون و همين و قرون فقالوا سحر كذّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - قدرت و آگاهی ، پشتوانه مدیریت و تدبیر شایسته

خلق الأرض .. ذلك تقدیر العزیز العلیم

آمدن صفت <عزیز> و <علیم> پس از بیان آسمان، زمین و .. اشاره به این واقعیت دارد که آفرینش زیبا و مستحکم، تکیه بر قدرت و علم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۶

۶ - قدرت و توانمندی ، زمینه غرور و سرکشی در برابر حق

فاستکبروا فی الأرض بغير الحقّ و قالوا من أشدّ منا قوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۹

۹- قدرت و امکانات در

دست انسان های ناصالح ، ابزار فسادانگیزی و گسستن عواطف انسانی

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

بنابراین که <تولیتم> به معنای عهده داری امور باشد؛ در حقیقت آیه شریفه هشدار می دهد به بیمار دلان سست ایمان است که اگر روزی، قدرت و حکومت در دستشان قرار گیرد، فسادگری آنان گسترش یافته و پهنه زمین را آلوده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۲،۵

۲ - کارساز نبودن قدرت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

هلک عنی سلطینه

۵ - قدرت و توانمندی بدون ایمان و مصرف آن در مسیر سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

هلک عنی سلطینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - ثروت و قدرت بدون ایمان ، سعادت بخش و سودمند به حال بشر نیست ؛ بلکه موجب خسارت و بدبختی است .

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۳

۳ - برخورداری از امکانات مادی و قدرت ، زمینه ساز طغیان و تعرض به حقوق دیگران

الذین طغوا فی البلد

آثار قدرت اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - نقش اساسی قدرت اقتصادی ، در امنیت و اقتدار سیاسی ملت ها *

فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

در صورتی که < کَفَّ .. > مترتب بر فتح خیر و غنایم آن (عَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ) باشد و

نتیجه آن شمرده شود؛ از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، برای امنیت بخشیدن به امت اسلامی در شرایط بحرانی، این مهم را از طریق تقویت بنیه اقتصادی ایشان، تأمین کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۶، ۹، ۱۴

۶ - قدرت سیاسی و اقتصادی گروهی، موجب پیروی و تأثیرپذیری قوم نوح از آنان شد.

و اتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

۱۴ - قدرت اقتصادی، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی *

مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

تقدیم ذکری <ماله> بر <ولده>، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

آثار قدرت اقتصادی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در بر نداشت.

مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

آثار قدرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۸

۸ - فسادانگیزی مجدد بنی اسرائیل، پس از رسیدن به قدرت و رفاه

لتفسدنّ في الأرض مرّتين . . . ثمّ رددنا لكم الكره عليهم ... فإذا جاء وعد الآخره

آثار قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره

۱۵ - تشریح دینی به جای دین نسخ شده و نازل کردن حکمی به جای حکم منسوخ ، در خورِ دارنده قدرت مطلق است .

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله كل شیء قدیر

در برداشت فوق جمله تعلیلیه < ألم تعلم .. > در ارتباط با < نأت بخیر ... > معنا شده است ؛ یعنی ، چون خداوند دارای قدرت مطلق است ، بر جای گزینی شریعتی بهتر و یا همانند شریعت منسوخ ، تواناست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۵

۵ قدرت مطلق خدا ، پشتوانه تحقق معاد و برپایی روز قیامت است .

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر. إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ قدرت شکست ناپذیر خداوند ، پشتوانه پیشبرد هدف های رسالت و تدبیر امور نبوت رسول خداست .

إن ربك هو القوی العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۲۰

۲۰ توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذی رفع السموت .. یفصل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۹

۹- قدرت شکست ناپذیر خدا و صاحب انتقام بودن او ، دلیل تخلف ناپذیری وعده هایش در یاری رسولان و عذاب کردن

ستمگران

فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله إن الله عزيز ذو انتقام

جملة > إن الله عزيز ذو

انتقام > به منزله تعلیل برای بخش اول آیه (فَلاتَحْسَبَنَّ ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۳

۳- امکان فرزنددار شدن انسان کهن سال و مایوس از فرزنددار شدن ، با لطف و قدرت خداوند

إِنَّا نَبْشُرُكَ بِغَلْمٍ عَلِيمٍ . قَالَ أَبْشُرْتُمُونِي عَلِيٌّ أَنْ مَسَّنِيَ الْكَبِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۹

۹- قدرت مطلق خداوند ، ضامن تحقق وعده او در زنده کردن دوباره انسان ها و برپایی قیامت

و أقسموا بالله .. لا يبعث الله من يموت بلى وعداً عليه ... إنما قولنا لشيء إذا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۱

۱- مالکیت و قدرت مطلقه خداوند ، مقتضی گرایش انسان به توحید و پرهیز از شرک به اوست .

فلاتضربوا لله الأمثال

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) <فاء> مضمون این آیه را متفرع بر آیه قبل کرده است و در آیه قبل سخن از مالکیت و قدرت مطلقه الهی به میان آمده بود. ب) بنابر اینکه مراد از <ضرب مَثَل> جعل شریک برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۱۱

۱۱- قدرت مطلق و بی پایان خداوند ، دلیل سهولت برپایی قیامت برای اوست .

و ما أمر الساعة إلا كلمح البصر أو هو أقرب إن الله على كل شيء قدير

جمله <إن الله ..> در مقام تعلیل برای جمله <و ما أمر الساعة ...> است ، یعنی ، امر قیامت بر

خدا آسان است؛ چون او بر انجام هر کاری تواناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۶

۶- حرکت پرندگان ، همواره متکی به قدرت و حفاظت خداوند است .

ألم يروا إلى الطير .. ما يمسكهن إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱

۱- آفرینش موجوداتی که خاصیت سایبانی برای انسان داشته باشد ، به قدرت خداست .

و الله جعل لكم ممّا خلق ظللاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۹ - ۵،۶،۷

۵- پیدایش و کارایی مظاهر طبیعت ، متکی به مشیت و نیروی الهی است .

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله

۶- هستی ، تحت مشیت و مدیریت و نیروی خداوند یگانه است .

ما شاء الله لا قوه إلا بالله

۷- قدرت و نیروی مطلق خدا، پشتوانه حاکمیت خواست او بر هستی است.

ما شاء الله لا قوة إلا بالله

بیان <لا قوه..> به منزله تعلیل است؛ یعنی، چون نیرویی در هستی وجود ندارد جز وابسته به خدا، پس جز مشیت اش اراده

ای حاکم بر هستی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۳

۱۳- توانایی خداوند بر ایجاد هرچه بخواهد ، دلیل منزه بودن او از اختیار کردن فرزند .

ما كان لله أن يتخذ من ولد سبحانه إذا قضى أمراً .. فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶- قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لينصرنَّ الله من ينصره إنَّ الله لقوى عزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۲

۱۲- توانایی مطلق خداوند بر انجام هر کاری ، دلیل تحقق و تخلف ناپذیری مشیت او در عالم هستی است .

يخلق الله ما يشاء إنَّ الله على كل شيء قدير

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنَّ الله..> تعلیل برای جمله <يخلق الله ما يشاء> است ؛ یعنی، چون خداوند بر

هر امری توانا است، می تواند مشیت خویش را در آفرینش هر چیزی تحقق بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۱،۲

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدَّ الظلَّ .. ثمَّ قبضنه إلینا قبضاً يسيراً

۲ کاهش اندک اندک امتداد سایه ها ، با مشیت و قدرت خدا است .

مدّ الظلّ . . ثمّ قبضنه إلينا قبضاً يسيراً

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباساً

جمله <و هو الذی جعل لکم الیل لباساً> برای حصر است و از نوع حصر افرادی است؛ یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد؛ نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۱

۱ آفرینش دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ و قرار دادن حایل و مانعی بازدارنده از اختلاط و در هم آمیختن آن دو ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات . . و حجراً محجوراً

<مَرَجَ> ماده <مَرَجَ> به معنای مخلوط کردن و یا ارسال و رها کردن است. بر این اساس جمله <مرج البحرین...> به معنای روان کردن دو دریا است به گونه ای که در کنار هم قرار گیرند؛ چنان که در آیه ۱۹ سوره <رحمن> آمده است: <مرج البحرین یتقیان؛ دو دریا را روان ساخت تا به هم برسند و برخورد کنند>. <عَيْذُْب> به معنای گوارا و <فرات> به معنای بسیار گوارا و متمایل به شیرینی است. <مِلْحَ> نیز به معنای شور و <اجاج> به معنای بسیار شور و متمایل به تلخی است. <برزخ> به معنای حایل و مرز میان دو شیء است و <حجراً> (مصدر و مفعولٌ به برای <جعل>) به معنای مانع می باشد. <محجوراً> نیز صفت تأکیدی برای <حجراً> است. گفتنی

است جمله <و هوالذی مرج البحرین...> برای حصر و از نوع قصر افرادی است، یعنی، تنها خدا دو دریا... را آفرید نه قدرتی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قدرت خدا بر حاکمیت بخشیدن به مستضعفان زمین و به اضمحلال کشاندن مستکبران

فأخرجهم من... و أورتها بنی إسرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۲

۲ - جریان امور طبیعت، در حیطه قدرت خدا و قابل تغییر و تحوّل به اراده او

ثمّ دمرنا الآخرین . و أمطرنا علیهم مطرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۴

۴ - قدرت شکست ناپذیر و رحمت گسترده الهی، مقتضی توکل و اعتماد مؤمنان بر او

و توکل علی العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۵

۵ - علم و قدرت بی کران خدا، اساس ربوبیت و تدبیر او بر نظام هستی

الذی یرج الخبء... و یعلم ماتخفون و ما تعلنون... ربّ العرش العظیم

<یرج الخبء> در آیه پیش بیانگر قدرت بی کران و <یعلم ماتخفون...> بیانگر علم همه جانبه خداوند است. ارتباط

این آیه با آیه قبل می رساند که ربوبیت و تدبیر خدا، بر پایه قدرت و علم همه جانبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- قدرت خداوند ، بر جهت دادن حوادث به سمت تحقق

أوحينا إلى أمّ موسى . . . و حرّمنا عليه المراضع... فرددنه إلى أمّه

چنان که گفته شد فرعون به بهانه نابود کردن موسی (ع)، فرزندان بنی اسرائیل را سر می برید و ولی خداوند حوادث را به گونه ای تنظیم کرد که موسی (ع) تحت حمایت خود فرعون قرار گیرد و در کاخ او رشد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ - بازآفرینی انسان ها در قیامت ، برخاسته از قدرت مطلق خداوند است .

إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِحَى الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲ - ۵

۵ - توانایی مطلق خداوند بر اعطای رحمت به بندگان و یا منع آن از ایشان ، دلیل عزّتمندی او است .

ما يفتح الله للناس من رحمه فلا ممسك لها .. و هو العزيز

از توصیف خداوند به عزّتمندی در پایان آیه، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۱۰

۱۰ - توانایی خداوند بر آفرینش هر چیزی و انجام هر کاری و انحصار خالقیت و رازقیت به او ، نشانه یکتایی خدا و انحصار الوهیت به او است .

يزيد في الخلق ما يشاء إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .. لا إله إلاّ هو

جمله <لا إله إلاّ هو> به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است. گفتنی است که محور آن، مسأله خالقیت و قدرت مطلق خداوند می باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۵

۵ - قدرت مطلق خداوند ، بر فراهم ساختن زمینه های هدایت و حق پذیری افراد

إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ مَنْ يَشَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - علم و توانایی خداوند ، دلیل بر ناتوانی قدرت ها از بازداشتن تحقق اراده الهی است .

و ما كان الله ليعجزه من شيء .. إِنَّه كانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

جمله <إِنَّه كانَ عَلِيمًا قَدِيرًا> در مقام تعلیل برای جمله پیشین است ؛ یعنی، از آن جایی که خداوند دانا و توانا است، هیچ نیرویی توانایی بازداشتن تحقق اراده الهی را ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۱

۱ - احیای مردگان به قدرت خدا است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيُ الْمَوْتَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - توانایی خداوند رحمان ، دلیل شایستگی او برای پرستش

إِنْ يَرِدْ مِنَ الرَّحْمَنِ بَضْرٌّ لَاتُغْنِ عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يَنْقُذُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۳،۶

۳- اراده قاهر و قدرت مطلق خداوند بر پدید آوردن هر چیزی، مقتضی تسبیح و تنزیه او از جانب انسان است.

و هو الخلق العليم . إنما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون. فسبحن الذی

<فاء> در <فسبحان> فصیحه است و جمله <فسبحان الذی> جواب شرط مقدر می باشد که تقدیر آن چنین است. <إن
كان أمره كذلك فسبحه>؛ یعنی، حال که خداوند چنان

توان مند است که با صرف اراده خویش بدون ابزار و وسایل و بی درنگ هر چیزی را می تواند بیافریند، پس چنین خدایی سزاوار تسبیح و تنزیه است.

۶- حاکمیت و مالکیت خداوند بر همه چیز و بازگشت همه انسان ها به سوی او ، دلیل و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت و احیای مجدد انسان ها

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات قیامت و ارائه جلوه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۵

۵- آسمان ها ، در روز قیامت پیچیده در دست قدرت خداوند است .

و السموت مطویّت بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱۳

۱۳- آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا .. إنا نکت أنت العزیز الحکیم

یاد شدن دو صفت عزت و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۷

۷- اعتراف کافران حق ناپذیر در قیامت ، به گناهان خود پس از مشاهده قدرت الهی در آخرت

فاعترفنا بذنوبنا فهل إلی خروج من سبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٦ - غافر - ٤٠ - ٦٢ - ٦

- ٦

توانایی بر آفرینش همه چیز ، نشانه یکتایی و بی همتایی خداوند است .

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

جمله <لا إله إلا هو> به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است؛ که محور آن مسأله خالقیت مطلق خداوند و ارائه جلوه های آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۸

۸- لطف ، رحمت ، قدرت و عزت خداوند ، مقتضی مصون داشتن حریم وحی از نفوذ و تصرف دروغ پردازان

اللَّهُ لَطِيفٌ بَعْبَادِهِ... وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ... وَ يَمُحُ اللَّهُ الْبَطْلَ

ارتباط مجموعه آیات و سیاق واحد آنها، می تواند بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۷

۷- پیشرفت صنعت و تمدن بشری ، در عین انتساب به بشر ، ناشی از اراده و قدرت الهی است .

وَ مِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۴

۴- قدرت و دانایی آفریدگار هستی ، پشتوانه پیدایش شرایط زیست در کره زمین

الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ . الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سَبِيلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۳

۳- کتاب تشریح و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض

طرح

مسأله حقانیت آفرینش آسمان و زمین و نظام تکوین در پی بیان نزول کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتاب تشریح با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ قدرت خداوند بر از میان بردن یک قوم و جایگزین ساختن قومی دیگر، به جای ایشان دلیل بی نیازی مطلق او از خلق

و الله الغنی . . . و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم

از این که جمله <و إن تتولّوا . . .> به دنبال <والله الغنی و أنتم الفقراء> آمده است، محتوای آن <و إن تتولّوا> را دلیل و مؤید بی نیازی خداوند دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۷

۷ - علم و قدرت گسترده، دو پشتوانه مهم تحقّق وعده های الهی

وعدکم الله . . . و آخری لم تقدروا علیها و قد أحاط الله بها و كان الله علی کلّ

از این که خداوند، پس از بشارت های مختلف به مؤمنان، به دو صفت مهم خویش (علم و قدرت فراگیر) اشاره کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۸ - ۶

۶ - قدرت و نیروی پایان ناپذیر الهی، پشتوانه روزی دهی او به خلق

إنّ الله هو الرزّاق ذو القوّه المتین

از ارتباط میان دو بخش آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات

۵ - قوت کاستی ناپذیر خداوند ، نویدی به مؤمنان و تهدیدی برای کافران است .

ذوالقوّه المتین . فَإِنَّ لِلذِّينِ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ

تأکید بر قدرت الهی (ذوالقوّه المتین) از یک سو نوید به عبادت گران و از سوی دیگر تهدید برای ظالمانی است که در کیفر الهی استعجال دارند و مهلت الهی را به معنای ضعف او می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۳

۳ - علم گسترده و قدرت مطلقه خداوند ، پشتوانه حتمی بودن نظام جزا و پاداش او

هو أعلم .. و لله ما فی السموت و ... لیجزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تأثیر غیر خدا در روند مرگ و حیات ، در طول اراده و قدرت خداوند است ؛ نه مستقل از او .

و أنه هو أمات و أحیا

با توجه به این که اسباب و عوامل طبیعی و حتی خود انسان ها در شکل گیری مرگ و حیات به نوعی مؤثراند، انحصار یافتن میراندن و زنده کردن به خداوند، از آن جهت است که اراده الهی، حاکم بر نظام مرگ و حیات است و دیگران هر نقشی که دارند در پرتو اراده الهی و به افاضه و تدبیر او دارای آن نقش هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۲

۲ - عدل ، تدبیر و قدرت الهی ، مقتضی برپا ساختن قیامت

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی .

.. و أنّ عليه النشأه الأخرى

عبارت <و أنّ عليه..> عطف است بر آنچه در آیات گذشته از عدل و تدبیر و قدرت خداوند بیان شده بود و در حکم نتیجه گیری از آن می باشد یعنی، بایسته است خداوند با چنین صفاتی، قیامت را برای تحقق کامل عدل و اکمال آفرینش خویش برپا سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۶

۶ - نیرومندی و شکست ناپذیری خداوند ، تضمین کننده پیروزی پیامبران بر دشمنانشان

كتب الله لأغلبنّ أنا و رسلی إنّ الله قویّ عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ - اقتدار الهی ، پشتوانه استجابت دعای مؤمنان در مصون ماندن از سلطه کافران

ربّنا لاتجعلنا فتنه .. إنّك أنت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۷

۷ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از قدرت مطلق و بی پایان او است .

تبرک الذی .. هو علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <و هو علی کلّ شیء قدیر> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> قرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۲ - ۲

۲ - اموال و دارایی های بشر ، به قدرت و مشیت خداوند و از نعمت های او است .

و جعلت له مالاً ممدوداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- مدثر - ۷۴ - ۱۳ - ۳

۳ - فرزندان شدن ، به قدرت و مشیت الهی است .

و جعلت له .. و بنین شهودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۴ - ۳

۳ - امکانات زندگی و وسایل معیشت انسان ها ، به قدرت و مشیت خداوند است .

و مهّدت له تمهیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۵

- ۵

دشمنان خداوند ، هر چند مجهّز و نیرومند باشند ، از رویارویی با او ناتوان اند .

ألم تر كيف فعل ربك .. فجعلهم كعصف مأكول

آثار قدرت در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۳

۳ - توانایی بر آفرینش هر چیزی ، دلیل و شاهد امکان آفرینش مجدد آن است .

قل يحييها الذي أنشأها أول مره

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در پاسخ به کسانی که احیای مجدد انسان ها را غیر ممکن می دانستند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

آثار قدرت دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۸

۸ - مؤمنان مجاهد ، در معرض قرار گرفتن در موضع انفعالی و متأثر شدن در برابر قدرت و مکتب بسیار دشمنان و کافران مخالف

فلايغررك تقلبهم في البلد

برداشت یاد شده از هشدار خداوند، به دست می آید.

آثار قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۹

۹ - پی بردن و اعتراف بقلیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)

فلما رأته .. قالت ربّ إني ظلمت نفسي

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

آثار قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۶،۹،۱۴

۶ - قدرت سیاسی و اقتصادی گروهی، موجب پیروی و تأثیرپذیری قوم نوح از آنان شد.

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا

۱۴ - قدرت اقتصادی، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی *

من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا

تقدیم ذکری <ماله> بر <ولده>، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

آثار قدرت سیاسی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در بر نداشت.

من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا

آثار قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ - قدرتمداری نمود، زمینه ساز غرور، کفر و طغیانگری وی

الم تر الى . . ان اتيه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه . . >، بیان علتّ محاجّه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیت الهی

الم تر الى الذی . . ان اتيه الله الملك

چنانچه جمله <ان اتیه . . >، بیان علتّ کفر و غرور

نمرود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۵

۵- رفاه طلبی و قدرت خواهی ، از عوامل ارتداد

كفر بأيتنا و قال لأتينا مالا و ولداً

ظاهر عبارت <كفر بأيتنا> به قرینه <لأوتينا> که برای استقبال است حدوث کفر است نه استمرار آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۹

۹- قدرت طلبی و زراندوزی ، از موجبات هلاکت و بدفرجامی

أولم يعلم أنّ الله قد أهلكك .. من هو أشدّ منه قوه و أكثر جمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۴

۴- روحیه اقتدار و اشرافی گری ، زمینه ساز غوطه‌وری انسان در گناه

طعام الأثيم .. ذق إنك أنت العزيز الكريم

در این آیات، دوزخیان مبتلا به عذاب شدید و گدازنده، در ابتدا با وصف <الأثيم> (به معنای غوطه‌ور در گناه) و سپس با وصف <العزيز الكريم> یاد شده اند. ارتباط این اوصاف، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۸

۸- فریفته شدن به ثروت و قدرت ، زمینه ساز انکار معاد

أحسب أن لن يقدر عليه أحد

مفاد آیه شریفه، ممکن است این باشد که فرد قدرتمند، نباید گمان کند که کسی قادر بر زنده ساختن و محاسبه و عذاب او نیست. هم چنین به قرینه آیه بعد، فرد

ثروتمند را از فریفته شدن به ثروت خویش و پندار رهایی از حساب و نظارت خداوند، برحذر داشته شده است.

آثار قدرت طلبی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص)، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود.

كانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا في الأرض فأخذهم الله بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار قدرت طلبی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص)، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود.

كانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا في الأرض فأخذهم الله بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۵

۵ - تمرکز اقتدار در شخص فرعون، مانع تلاش و تبلیغ موسی (ع) در میان توده ها *

و في موسى إذ أرسلناه إلى فرعون

با این که پیامبران

به سوی توده های مردم، مبعوث شده اند، موسی(ع)، در نخستین مأموریت، به سوی فرعون فرستاده شد. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۵

۵ - اقتدار حکومت فرعون ، اغواگر او و بازدارنده وی از پذیرش پیام روشن موسی (ع)

فتوئی برکنه

در صورتی که <باء> برای بیان سببیت یا استعانت و <رکن> کنایه از ارکان اقتدار حکومت فرعون باشد، استفاده می شود که فرعون به اتکای همین نیروها، به مبارزه با موسی(ع) پرداخت و از پذیرش دعوت او سر بر تافت.

آثار قدرت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۳

۳ - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند، استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

آثار قدرت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۳

۳ - رفاه و توانمندی قوم عاد ، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ . . . أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَ بَنِينَ ... قَالُوا سِوَاءَ عَلَيْنَا أَوْعَظْتَ أَمْ ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

و نیرومندی قوم عاد ، عامل غرور و استکبار آنان در مقابل حق

فاستکبروا فی الأرض بغير الحقّ و قالوا من أشدّ منّا قوّه

آثار قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۸

۸- مؤمنان مجاهد ، در معرض قرار گرفتن در موضع انفعالی و متأثر شدن در برابر قدرت و مکتب بسیار دشمنان و کافران مخالف

فلا یغررک تقلّبهم فی البلد

برداشت یاد شده از هشدار خداوند، به دست می آید.

آثار قدرت مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۴

۴- توانمندی مادی انسان ها ، دلیل شرافت و لیاقت معنوی آنان نزد خداوند نیست .

و قالوا لولا نزل هذا القرآن .. نحن قسمنا بینهم معیشتهم ... لیتخذ بعضهم بعضاً

قرآن در مقام نفی تفکر خرافی عرب (لزوم اعطای نبوت به ثروتمندان و اشراف)، این نکته را متذکر می شود که تفاوت آدمیان در بهره های مادی، نشانگر تفاوت آنها در مقامات معنوی نیست؛ بلکه اختلافات معیشتی در راستای سامان بخشی به نظام اجتماع است.

آثار قدرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۵

۵- نهی خداوند از فرو هشتن جهاد و مصالحه با دشمن ، منوط به برخورداری سپاه اسلام ، از توان و برتری رزمی است .

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

<و أنتم الأعلون> حال است و بیان می دارد که مؤمنان در صورتی موظف به ادامه جنگ و تن ندادن به سازش و تسلیم هستند که در جبهه نبرد، قدرت برتر را

دارا بوده و قادر به ادامه جنگ می باشند.

آثار قدرت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۵

۱۵ - توانایی مطلق خداوند بر انجام هر کاری ، دلیل امکان آفرینش پدیده های نو و توسعه جهان طبیعت

یزید فی الخلق ما یشاء إنّ الله علی کلّ شیء قدير

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ>، تعلیل برای جمله <یزید فی الخلق ما یشاء> می باشد.

آثار وسعت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۵

۵ - اتکای سنن الهی ، بر علم و قدرت ازلی و گسترده او ، راز جاودانگی و تبدیل ناپذیری آن *

قد أحاط الله بها و كان الله على كل شيء قديرًا .. و لن تجد لسنة الله تبديل

در آیات پیشین، خداوند دو وصف از اوصاف خویش را یاد آور شده است: ۱ علم ازلی و محیط؛ ۲ قدرت ازلی و نامحدود و در این آیه، سخن از جاودانگی قوانین خویش به میان آورده است. از ارتباط این دو بیان، مطلب بالا به دست می آید.

آرزوی قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۰ - ۲،۶

۲ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیروی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

امکانات برای مبارزه با تباهی ها و تبه کاران ، آرزویی روا و پسندیده است .

لو أن لی بکم قوّه أو ءاوی إلی رکن شدید

اتکا به قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - احساس اقتدار و ایمنی از آسیب دشمن ، زمینه ساز غفلت و کم تقوایی است . *

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتُنظَرَ . . . وَ اتَّقُوا اللَّهَ

در آیات پیشین خداوند به مؤمنان اطمینان داد که کافران یهود از این پس، تاب رویارویی مستقیم نخواهند داشت و منافقان هم کاری از پیش نخواهند برد؛ ولی پس از آن اطمینان بخشی، اکنون توصیه به تقوا کرده است. گویی که احساس ایمنی، زمینه غفلت را فراهم می آورد.

اتکای به قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

كانوا أشد منكم قوه و أكثر أمولا و أولداً

احاطه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۴

۱۴- حق گریزی کافران و منکران الهی ، در حیطه قدرت خدا و وابسته به اراده او است .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً

تأکید خداوند به وسیله <إِنَّا جَعَلْنَا...> بر حاکمیت و نقش خود، از آن جهت است که گمان نرود کفر کافران و منکران

آیات الهی، از قلمرو قدرت الهی بیرون است و آنان تبدیل به قدرتی در برابر خدا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۴

۴ - زمین ، در قیامت ، یکسره در قبضه قدرت خداوند است .

و الأرض جميعًا قبضته يوم القيامة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ - تمامی امور ، در حیطه قدرت مطلق و گسترده خداوند است .

إِنَّهٗ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۵

۵ - تحقق قیامت و علم به لحظه وقوع آن ، تنها در حیطه قدرت و علم الهی است .

ليس لها من دون الله كاشفه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <کاشفه>، پرده برداشتن از لحظه وقوع قیامت و تحقق ساختن و آشکار نمودن صحنه های آن است. برداشت بالا بر پایه این احتمال می باشد.

ارزش قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۵

۵ دستیابی به اقتدار و سلطنت در زمین ، در قیاس با پاداش های اخروی ناچیز است .

كذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ . . . و لأجر الآخرة خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - قدرت و ثروت ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی در نگاه دنیاطلبان قوم قارون

قال الذين يريدون الحيوة الدنيا يلبت لنا مثل ما أوتى قرون إنّه لذو حظّ عظیم

۱۳ - قدرت و ثروت در نگاه مؤمنان آخرت جو ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی نیست .

قال الذين يريدون

الحيوه الدنيا يليت لنا مثل ما أوتى قرون إنه لذو حظ عظيم

تعبیر <قال الذين يريدون الحياه الدنيا> می رساند که این گفته، تنها مربوط به دنیاطلبان سست ایمان است نه مؤمنان آخرت جو.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۶

۶ - قدرت و ثروت (هر چند بسیار و افسانه ای باشد) در نگاه اهل معرفت و مؤمنان دین شناس ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی است .

و قال الذين أوتوا العلم ويلكم ثواب الله خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۶

۶ - < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی > ، از ارزش ها و نعمت های الهی برای انسان

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۶

۶ - قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بیش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۵ - مال و قدرت ، تنها ملاک ارزش انسان ، از نگاه مخالفان پیامبران در طول تاریخ

و قالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم .. فلولا ألقى عليه أس

ازدیاد قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۲ - ۳

۳ - فراوانی قدرت و امکانات مادی ، زمینه افزایش فساد در جوامع انسانی است .

إرم ذات العماد .. ذی الأوتاد ... فأكثرها فیها الفساد

ازلیت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۶

۶ - خداوند ، دارای قدرت ازلی و نامحدود

و كان الله على كل شيء قديرًا

تعبیر <كان الله> بر ازلی بودن قدرت و تعبیر <على كل شيء> برنامحدود بودن آن، دلالت دارد.

استفاده از قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۲

۲- برخورداری انسان از قدرت و دانش و به کارگیری آن در جهت مصالح انسانی ، نمودی از رحمت پروردگار است .

.. قال هذا رحمه من ربی

ذوالقرنین، سد و به عبارت دیگر، تمام امکانات و دانشی که برای ساخته شدن آن به کار رفته بود را رحمت پروردگار دانست

این منطق، منطقی عام است و اختصاصی به سد و یا شخص ذوالقرنین ندارد.

استفاده از قدرت جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۹

۹ - لزوم بهره گیری از استعدادها و قوای جسمی و عقلی، به هنگام شکوفایی آن و در

دوران پیری

و من نعمره ننگسه فی الخلق أفلا یعقلون

اقرار به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۵

۵ انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج فراگیر ، به ناتوانی خود و قدرت و یاری خداوند اذعان می کنند .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۵

۵ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منیباً إلیه

انکار قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱

۱ یهودیان ، منکر قدرت و نفوذ اراده خداوند در تدبیر جهان

و قالت الیهود یدالله مغلوله

اطلاق جمله <یدالله مغلوله> می رساند که یهود بر این باور بودند که خداوند هیچ دخل و تصرفی در جهان هستی ندارد. بنابراین جمله <ینفق کیف یشاء> پس از <یداه مبسوطان> تنها اشاره به نمونه و مصداقی از نفوذ و قدرت الهی در جهان هستی دارد.

اهمیت استفاده بهینه از قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - ضرورت پاس داشتن نعمت قدرت و پرهیز از به کارگیری آن در جهت تقویت مجرمان

قال ربّ بما أنعمت علیّی فلن أكون ظهیرًا للمجرمین

اهمیت حفظ قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ضرورت پاس داشتن نعمت قدرت و پرهیز از به کارگیری آن در جهت تقویت مجرمان

قال ربّ بما أنعمت علیّی فلن أكون ظهیراً للمجرمین

اهمیت ذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱۰

۱۰- لزوم توجه دایمی به قدرت و حاکمیت الهی در همه حال (موقعیت خطر و امنیت)

نَجِّكُمْ إِلَى الْبَرِّ .. أَفَأَمْنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ ... أَوْ يَرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه خلق به قدرت مطلق او و عجز و ناتوانی خویش

إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفَعُوا .. فَبَأَىءَ الْآلَاءِ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانَ

اهمیت قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۶

۶ برخی از اهل کتاب ، تنها با اعمال زور و قدرت تن به بازگردانی امانت خواهند داد .

إِلَّا مَا دُمْتُ عَلَيْهِ قَائِمًا

جمله <مادمت .. >، کنایه از مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰ دعوت خداوند از مردم ، برای دستیابی به عزت و قدرتی شکست ناپذیر در پرتو عزت او

أَيْتَنُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۸

۸ قدرت و علم شرط لازم برای برنامه ریزی و موفقیت در اجرای آن است.

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

۶- فراهم آوردن قدرت و توان لازم برای سرکوب دشمنان ، امری ضروری و بایسته

بعثنا .. أولی بأس شدید

اهمیت قدرت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

اهمیت قدرت حکیمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲ - ۹

۹ - اهمیت همراه ساختن قدرت با حکمت

الله العزيز الحكيم

اهمیت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۹

۹- انسان ، در برابر اراده و قدرت الهی ، فاقد کمترین یاور و یاری دهنده

أهلکنهم فلاناصر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۶

۶- توجّه به آموزگار بودن خداوند و وابستگی قرائت و کتابت به قدرت او ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ .. الذى علم بالقلم

اهمیت قدرت دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ برخورداری جامعه از امنیت اجتماعی و توان دفاعی و امکانات اقتصادی ، از نعمت های مهم الهی

فاویکم و ایدکم بنصره و رزقکم من الطیبت

اهمیت قدرت عالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲ - ۹

۹ - اهمیت همراه ساختن قدرت با حکمت

الله العزیز

ایمان به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ باور به علم مطلق خدا و قدرت گسترده و همه جانبه او، زایل کننده هر گونه شبهه در راستی و درستی تحقق معاد و زنده شدن مردگان

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق ... و هو بکل شیء علیم

جمله <هو الذی... سبع سماوات> اشاره به قدرت بی انتهای خداوند دارد و جمله <و هو بکل شیء علیم> حاکی از علم مطلق الهی است. از هدفهای بیان قدرت و علم همه جانبه خداوند - پس از بیان معاد و زنده کردن مردگان (ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون) - بر طرف کردن هر گونه شبهه در راستی و درستی آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ - توجه به قدرت مطلق خداوند و حاکمیتش بر جهان آفرینش، موجب باور به توان خداوند بر جایگزینی دینی بهتر یا همانند دین منسوخ

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدیر. ألم تعلم أن الله له م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۹

۹ - ضرورت ایمان به نزدیک بودن خداوند به بندگان و توان او بر اعطای درخواست های ایشان

و لیؤمنوا بی

از آن جا که <و لیؤمنوا بی> پس از بیان قرب الهی به بندگان و اجابت درخواستهای ایشان مطرح شده، می توان گفت: مراد از ایمان در این جا ایمان به نزدیکی خدا و

اجابت درخواستهای بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱

۱ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نريد ان ناكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۹

۹ باور به توانمندی خدا و شدت کیفر های وی زمینه ساز پرهیز آدمی از کفرورزی و ارتکاب گناه

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوي شديد العقاب

هدف از توصیف خداوند با جمله <إن الله .. > پس از بیان مؤاخذه کفرپیشگان گنهکار این است که انسانها با باور به نیرومندی خدا و شدید العقاب بودن وی، از مخالفت با وی پرهیزند و رو به کفر و گناه نیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۶

۶ توجه و باور به قدرت مطلق خدا، زداینده هر گونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلى الله مرجعكم و هو على كل شيء قدير

هدف از بیان قدرت خداوند، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ باور و توجه به قدرت و حاکمیت مطلق خداوند، موجب پذیرش ربوبیت او بر انسان و سایر

هستی است .

إِلَّا مَا شَاءَ رَبِّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِّمَا يَرِيدُ

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۳

۳- انسان ها در گرداب های خطر آفرین ، نه تنها متوجه خداوند می شوند ، بلکه او را یگانه قدرتی می دانند که توان نجات آنان را از مرگ حتمی دارد .

وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرِّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۸

۸- موسی و هارون (ع) ، به قدرت برتر خداوند آگاه بودند و دیگران را از مقابله با خواست و اراده خدا ناتوان می دانستند .

إِنِّي مَعَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۸

۸- گستره قدرت الهی در جهان واپسین ، مورد باور تمامی انسان ها حتی دوزخیان

وَ نَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ

از این که جهنمیان نجات خود را به دست خداوند می دیدند و فرشتگان را به شفاعت می طلبیدند، استفاده می شود که حتی دوزخیان نیز در قیامت به قدرت الهی باور دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۴

۴- توجه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظيم .. ألم نجعل الأرض مهداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نبأ - ٧٨

۴ - اندیشیدن درباره ماهیت شب و ویژگی های آن ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۵

۵ - توجه به آسان سازی امور زندگی انسان با آفرینش روز و ویژگی های آن ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۳

۳ - مطالعه در ویژگی های خورشید و فواید آن برای انسان ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَ جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۴ - ۶

۶ - توجه به نزول باران و هدفدار بودن باران زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمَعْصَرِ مَاءً ثَجَّاجًا

توجه به نعمت باران، می تواند انسان را به این نکته رهنمون سازد که این نعمت ها، به گزاف در اختیار انسان قرار داده نشده و هدف از آن، جز با معاد تحقق نیافتنی است. هم چنین می تواند بیانگر این باشد که حیات زمین مرده به وسیله باران، نمونه بارزی برای زنده شدن مردگان است و استبعاد معاد وجهی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۳

۳ - توجّه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمینۀ باور داشتن معاد

ءأنتم أشدّ .. و الأرض بعد ذلك دحيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۳ - ۳

۳ - توجّه به انحصار الوهیت در خداوند ، زمینۀ ساز باور به قدرت او بر پناه دادن انسان در مشکلات

قل أعوذ .. إله الناس

برتری قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ قدرت خداوند ، برتر از همه قدرتهاست .

فمن ينصرني من الله

بشارت ازدیاد قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ هود (ع) مردم خویش را در صورت استغفار از گناهان ، گرایش به توحید و پرستش خدا ، به افزایش نیرو و توانشان بشارت داد .

و يقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه .. یزدکم قوه إلی قوتکم

<یزدکم> عطف بر <یرسل> و جواب برای شرط مقدر می باشد؛ یعنی: <إن تستغفروا .. یزدکم> اگر استغفار کنید و ...

خداوند نیروی شما را افزایش می دهد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۳

۳ - نوید الهی ، به فزونی مداوم قدرت مسلمانان و دستیابی ایشان به فتوحاتی برتر از تصور آنان

و آخری لم تقدروا علیها قد أحاط الله بها

برداشت یاد شده در صورتی است

که مراد از <لم تقدروا..> این باشد که شما الان قادر به پیش بینی آن نیستید؛ چون نه توان آن را در خود سراغ دارید و نه زمینه آن را فراهم می بینید؛ ولی خداوند براساس احاطه علمی خود، این هر دو را می داند و به شما نوید می دهد.

بی ارزشی قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - اقتدار و شوکت کافران ، ناچیز در برابر اقتدار شکست ناپذیر الهی

رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جمله <إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ> که بیانگر حصر عزت و اقتدار در خداوند است تعریض به قدرت های کفر دارد که درصدد مفتون و معذب ساختن مؤمنان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لا تطع كل حلاف .. ان كان ذا مال و بنين

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <ان كان ذا مال ..> متعلق به <لا-تطع> باشد. گفتنی است در آغاز <ان> لام تعلیل در تقدیر است.

بی تأثیری قدرت اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۱

۱ - کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلک عتی سلطینه

بی تأثیری قدرت اقوام پیشین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۵

۵ - اقتدار و شکوه تمدن های گذشته تاریخ ، بی تأثیر در پیشگیری از عذاب الهی از آنان

أَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ

تعبیر <أَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ..> تعریض بدان دارد که اقوام پیشین، به رغم اقتدار مادی شان، نابود شدند و شکوه و قدرت آنان نتوانست از عذاب الهی در حق آنان، جلوگیری کند؛ شما (کافران) که جای خود دارید.

بی تأثیری قدرت غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۴

۴- در لحظه های دشوار ، کارآمد نبودن قدرت های غیر الهی بر ملا می شود و از اسباب ظاهری قطع امید می گردد .

و إِذَا مَسَّكُمْ ... ضَلَّ مِنْ تَدْعُونَ

بی تأثیری قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۵

۵- جوامع کفرپیشه ، با تمامی امکانات و قوا ، بی دفاع در برابر کیفر الهی

و كَأَيْنَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكَنْهُمْ فَلَانَاصِرَ لَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۱

۱ - کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هَلِكٌ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ

بی تأثیری قدرت مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۳

۳ - بالاترین اقتدار مادی ، در برابر اراده خداوند ، هیچ توانایی و کاربردی ندارد .

الذین من قبلهم كانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض .

..فما كان الله ليظلمهم و ل

جمله <فما كان الله ليظلمهم> دلالت می کند که نابودی اقوام گذشته، به دست خداوند بوده است. توصیف آن جوامع، به برتری نظامی و اقتصادی بر قریش، برای بیان این حقیقت است که تجهیزات مادی انسان ها، هر چند پیشرفته باشد، در برابر خواست خداوند، کارایی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۵

۵ - ضعف و ناکارآمدی قدرت های مادی ، در برابر انتقام و عذاب الهی

قال مترفوها .. فانتقمنا منهم

بی تأثیری قدرت های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۲

۲ - قدرت های مادی ، با تمامی اقتدار و شکوه ، ناتوان از مقابله با قوانین و مشیت های خداوند

فأهلكنا أشدّ منهم بطشاً و مضى مثل الأولين

یادآوری نابودی جوامع مقتدر شرک پیشه، می تواند نشانگر این نکته باشد که قدرت ظاهری و مادی، مانع عذاب الهی نیست.

بی ثمری قدرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

بی ثمری قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۸

۸ - قدرت شگفت فرعون ، بی اثر در برابر عذاب الهی

ألم تر . . . و فرعون ذی الأوتاد

بی نظیری قدرت

خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۳

۳ - آفرینش انسان از منی در رحم ، جلوه ای از عظمت و قدرت بی مانند خداوند

أم نحن الخلقون

به کارگیری ضمیر متکلم مع الغير (نحن) در مسأله آفرینش انسان از منی در رحم، بیانگر عظمت آفرینش انسان و جلوه ای از قدرت برتر آفریننده آن است.

پشتوانه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۵

۵ علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه توانایی او بر روزی رسانی به موجودات و تدبیر امور آنهاست .

و ما من دابة فی الأرض إلا علی الله رزقها و يعلم مستقرها و مستودعها

هدف از بیان آگاهی خداوند به احوال موجودات ، پس از <علی الله رزقها> القای این نکته است که: روزی رسانی به موجودات و تدبیر امور آنها ، نیازمند علمی گسترده است که خداوند آن را داراست.

پیروزی بر قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۶، ۴، ۳

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف الله عنکم> در آیه بعد

معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ... > یعنی باید

مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان؛ حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومییدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

۶ مؤمنان صدر اسلام در برهه ای از عصر پیامبر (ص) دارای استعداد و توان پیروز شدن بر لشکری تا ده برابر نفرات ایشان

إن یکن ... یغلبوا ألفا

چون در آیه بعد تخفیف در حکم جهاد و مقاومت را به تحقق ضعف تعلیل کرده است، معلوم می شود خداوند با توجه به توان و استعداد اهل ایمان بر آنان واجب کرده بود که در مقابل لشکری تا ده برابر خود مقاومت کنند.

تاریخ قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قدرت طلبی و زراندوزی، دارای دیرینه ای بسیار طولانی در تاریخ بشر

أولم یعلم أنّ الله قد أهلك

من قبله من القرون من هو أشد منه قوه و أكثر جمعاً

تبعیت از قدرت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۶

۶ - پیروی از قدرت های باطل در مقابل فرمان های خدا شرک است . *

و من الناس من يتخذ من دون الله أنداداً يحبونهم .. إذ تبرأ الذين اتبعوا

تجلی اخروی قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۳

۳ قدرت و حاکمیت خداوند در قیامت تجلی می یابد.

قد خسر الذين كذبوا بقاء الله حتى إذا جاءتهم الساعة بغته

مراد از <لقاء الله> نمی تواند ملاقات و برخورد، به معنی متعارف، باشد. لذا مراد از لقاء خداوند، ملموس شدن حاکمیت و رضایت و غضب اوست، به گونه ای که گویا آدمیان با خود خداوند ملاقات کرده اند.

تذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۷

۷ اعلام قدرت بی انت های خداوند به مشرکان صدر اسلام و تذکر به بیهوده بودن مقاومت در برابر او

و اعلموا أنکم غیر معجزی الله

<عجز> مقابل <قدرت> و <اعجاز> (مصدر معجزین) به معنای ناتوان کردن و به زانو در آوردن است. هشدار به مشرکان نسبت به ناتوانیشان در به زانو در آوردن خدا، اعلام قدرت بی انتهای خداوند و بی نتیجه بودن مقاومت در برابر اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور موعظه و زنده نگه داشتن یاد

قیامت در خاطره ها و توجه دادن انسان ها ، به قدرت خداوند

فذکر

<ذکر>، حالتی است در نفس انسان که او را بر محافظت از معارفی که فرا گرفته، توانا می سازد. این کلمه با <حفظ> به یک معنا است؛ جز این که اصل فراگیری <حفظ> و در خاطر حاضر داشتن، <ذکر> خوانده می شود (مفردات راغب)؛ بنابراین <ذکر>؛ یعنی، متوجه ساز و به ذهن آنان بیفکن. این واژه چنانچه در قاموس آمده است در معنای موعظه کردن نیز به کار می رود.

۳- توجه دادن مردم به نشانه های قدرت خداوند در پدیده های جهان ، از وظایف پیامبر (ص)

أفلا ينظرون .. فذکر

آیات پیشین که درباره قیامت و نیز نشانه های قدرت خداوند در جهان است می رساند که مراد از <فذکر>، لزوم تذکر دادن به همان امور است.

ترس از قدرت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶- وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

تعقل در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۱ - ۲

۲- تأمل در نشانه های قدرت خداوندی در پهنه هستی ، زمینه ساز پذیرش پند و اندرز های دینی است .

أفلا ينظرون إلی .. فذکر

حرف <فاء>، فرمان به تذکر را بر آیات پیشین که از نشانه

های قدرت خداوند سخن گفته بود تفریع کرده است؛ یعنی، <حال که چنین است به تذکر اقدام کن.>

تقدیر قدرت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۷

۷ - قدرت خداوند بر آفرینش انسان ها ، تنظیم توانمندی های آنان ، هدایت تکوینی و نیز میراندن و به گور افکندن آنها ، دلیل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قیامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبیل یسرّه . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

تقویت قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا ، وظیفه ای بر عهده تمامی مسلمانان

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۲ مسلمانان باید برای تقویت بنیه نظامی تمام تلاش خویش را تا حد ترساندن دشمن ، به کار بندند و از هر چه در اختیار دارند دریغ نورزند .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۳ اسب های سواری در عصر بعثت ، کارآمدترین و مهمترین وسیله برای تقویت بنیه نظامی

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

عطف <رباط الخیل> بر <قوه> عطف خاص بر عام است و کاربرد چنین عطفی معمولاً برای رساندن اهمیت معطوف و نقش اساسیتر آن نسبت به دیگر مصادیق معطوف علیه است.

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو الله و عدوكم

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل الله > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم ... و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله

توکل بر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- مؤمنان ، متکی به مشیت و نیروی الهی اند ، نه مال و فرزند .

لولا .. قلت ما شاء الله لا قوه الا بالله إن ترن أنا أقل منك مالاً و ولداً

تهمت قدرت طلبی به صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است .

تهمت قدرت طلبی به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۲، ۳، ۱

۱ فرعون و اطرافیاننش ، پس از شنیدن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند

قال موسى . . قالوا أجنّتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء

۲ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر هدایت ؛ بلکه برای برگرداندن آنان از

سنت

و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است .

قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

۳ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تكون لكما الكبرياء في الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر <تكون> بر اسمش که می تواند مفید حصر باشد استفاده شده است.

تهمت قدرت طلبی به هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۱،۳

۱ فرعون و اطرافیانش ، پس از شنیدن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند

قال موسی ... قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء

۳ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تكون لكما الكبرياء في الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر <تكون> بر اسمش که می تواند مفید حصر باشد استفاده شده است.

جاودانگی قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۲

۱۲- علم و قدرت انسان ، ناپایدار و علم و قدرت خداوند ، همیشگی است .

و منکم من یردّ إلى أرذل العمر لکی لا یعلم بعد علم شیئاً إن الله علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۴، ۱۳

۱۳- خداوند ، دارای اقتدار و سلطه كامل و زوال ناپذير ، بر

هر کار و هر چیز است .

و كان الله على كل شيء مقتدرًا

<مقتدر> و <قدیر> در باره خدای تعالی به یک معنا است (مفردات راغب).

۱۴- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنيا .. و كان الله على كل شيء مقتدرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۴

۴ - قدرت خداوند ، گسترده و بی پایان است .

الله خلق كل شيء و هو على كل شيء وكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۶

۶ - قدرت خداوند ، مطلق و بی پایان است .

و هو على كل شيء قدير

جهاد با قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جهل به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ - نشناختن قدرت خدا و پندار قدرت برای غیر او ، از عوامل شرک است .

و من الناس من يتخذ من دون الله أنداداً .. أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۰

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد

انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًا و لكنَّ أكثر الناس لا يعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لا يعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۰- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًا و لكنَّ أكثر الناس لا يعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که <ال> در <الناس> عهد ذکری بوده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

حاکمان و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۵

۱۵ قدرتمندان و حاکمان نباید از مشیت قاهره خداوند غافل شده و جریان امور را به قدرت و مکت خویش بدانند .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

حاکمیت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۲،۳

۲ هیچ موجودی توانایی انجام کاری در جهت خنثی کردن کار خداوند را ندارد .

إن یمسک الله بضرِّ فلا کاشف له إلا هو و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

۳ تمام قدرت ها در جهان هستی ، مقهور و مغلوب قدرت خداوند است .

إن یمسک الله بضرِّ فلا کاشف له إلا هو . . . یصیب به من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۳

۱۳- محكم ترين دژهاى ساخته بشر ، در برابر اراده و قدرت الهى ، ناپايدارند .

فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ رَبِّى جَعَلَهُ دَكَّاءَ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۵

۵- علل و اسباب عادی و مجاری طبیعی امور ، محدودکننده اراده و قدرت خداوند نیست .

قال رَبِّكَ هُوَ عَلِيُّ هَيِّنٍ

مشکلی که برای تولد فرزندی بدون پدر متصور است، از ناحیه فقدان برخی اسباب طبیعی است، ولی خداوند حرکت بر خلاف این مسیر مأنوس را امری ساده و آسان می شمارد. پیام این قضیه همان حاکمیت خداوند بر علل و اسباب طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۲

۲- خاصیت و لوازم طبیعی اشیا و فعل و انفعالات آنها ، در قلمرو اراده خداوند و قابل تغییر به قدرت او است .

قلنا ینار کونی بردًا و سلماً علی إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۲

۲ - جهان هستی ، تنها تحت قدرت و تدبیر خداوند است .

و لله ملک السموت و الأرض

لازمه فرمان روایی انحصاری خداوند بر جهان، این است که جهان، تنها تحت قدرت و تدبیر او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۶ - ۲

۲ - انسان ها در چنبر قدرت مطلق خداونداند و مرگ و حیاتشان تحت مشیت او است .

إن یشاء ینهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - انسان ها ، مقهور اراده و قدرت خدا هستند .

و ما هم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۷

۶- قدرت و اراده الهی ، مطلق و بدون معارض

فلا تملكون لی من الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لا یجب داعی الله . . . و لیس له من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۵،۶

۵ - قدرت خداوند ، حاکم بر بیعت کنندگان با پیامبر (ص)

إنّ الذین یبایعونک . . . ید الله فوق أیدیهم

بنابراین که <ید> کنایه از قدرت باشد، جمله <یدالله فوق أیدیهم> پیام هشدار است به این که: ای بیعت کنندگان! از شکستن بیعت ها پرهیزید که با قدرت خداوند، مواجه خواهید بود.

۶ - قدرت و اراده خداوند ، برتر از همه قدرت ها است .

ید الله فوق أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۸

۸ - اراده و اقتدار خداوند ، حاکم بر اراده و اقتدار انسان ها

و کفّ أیدی الناس عنکم

تعبیر <کفّ..>، می رساند که اراده الهی، فائق بر قدرت و اراده مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۳

۳ - قدرت و مشیت خداوند ، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثر در مرگ و حیات موجودات

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد و از سوی دیگر انسان شاهد دخالت عوامل متعدد طبیعی

در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۵

۵ - شکوه و اقتدار حکومت فرعونى ، امرى ناچیز و مقهور قدرت خداوند بود .

فبذنبهم فى الیم

حقیقت قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - ثروت و قدرت ، خود به خود ، ناپسند نیست ؛ بلکه مى توان آن را در جهت سعادت و بهروزی انسان به کار برد .

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلا خسارًا

برداشت یاد شده با توجه به آمدن تعبیر <خسارت> درباره مال و فرزندان بسیار است ؛ زیرا خسارت در جایی به کار می رود که توقع سوده‌ی از آنجا می رود (مانند خسارت تاجر و کاسب).

درخواست قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ - پیامبر (ص) ، مأمور به دعا و نیایش به درگاه خدا ، برای کسب قدرت و توان در انجام پیروزمندانه رسالت خویش

و قل ربّ .. و اجعل لی من لدنک سلطناً نصیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <سلطان> آن گونه که برخی از مفسران گفته اند به معنای نیروی قوی و برتر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - دعا برای امور دنیوی (مانند داشتن قدرت سیاسی و رهبری) در صورت داشتن هدف الهی از آن

، امری پسندیده برای مردان الهی است .

و هب لی ملکا لاینبغی لأحد من بعدی

درخواست قدرت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۸، ۱۷

۱۷- رهنمود الهی به طلب قدرت و توانی سازنده و اصلاحگر نه مخرب و فسادانگیز

و اجعل لی من لدنک سلطناً نصیراً

لام در <لی> لام انتفاع است و اشاره به این جهت دارد که هر قدرتی، در جهت منافع انسان نیست؛ بنابراین، باید خواهان قدرتی بود که تأمین کننده مصالح انسان باشد.

۱۸- دستیازی به توانایی و طلب قدرت برای تحقق هدف های الهی ، مطلوب و خداپسندانه است .

و اجعل لی من لدنک سلطناً نصیراً

درک قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳ - ۵

۵ - اهل ایمان و حق جویان ، قادر به درک نمود های اقتدار و حکمت خداوند در هستی

العزیز الحکیم . إِنَّ فِی السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِینَ

آیات الهی در هستی، برای همه انسان ها است تا از آن نشانه ها، رو به ایمان آورده و یا در طریق ایمان استوار بمانند. با توجه به این نکته گفتنی است وصف <المؤمنین> نظر به کسانی دارد که اهل ایمان به حق و در جستوجوی آنند.

دلایل قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۶

۶ نابودی کفرپیشگان توطئه گر ، دلیل اقتدار خدا بر طرح نقشه ها و برنامه های پنهانی

أولم يروا .. و قد مكر الذين من قبلهم فله المكر جميعًا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم .. مثل الذین کفروا برّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الريح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۷

۷- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله .. خلق السموت والأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۲

۲- تأمین نیازهای مادی انسان در زمین ، دلیل قدرت و کفایت خدا در حمایت همه جانبه از انسان است .

و کفی برّبک و کیلاً. ربّکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

از اینکه خداوند، پس از تذکر کفایت و وکالت خود، این نکته را که کشتیها را به منظور برآوردن منافع انسانها به حرکت درمی آورد، یادآوری کرده است می تواند برای بیان نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱

۱- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أو لم یروا أن الله .. قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۹

۹- آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او ، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است

و ما أظنّ الساعة قائمه .. أكفرت بالذی خلقک من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله <أكفرت بالذی...> حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله <و ما أظنّ...> بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۸

۸- آفرینش نخستین انسان ها به دست خداوند ، دلیل قدرت الهی بر آفرینش دوباره آنان پس از مرگ است .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشبیه حضور آدمیان در قیامت به تولدشان در دنیا، ممکن است در جهت رفع استبعاد معاد و نیز توبیخ مشرکان به جهت انکار معاد باشد، یعنی، آن خلقت نخست، آیا دلیل وافی و کافی برای پذیرش معاد و قدرت خداوند بر محقق ساختن آن نبود؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۴

۴- پدیدار ساختن انسان در صحنه هستی و آوردن او از عدم به وجود ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد او و معاد

أولا یدکر الإنسن .. و لم یک شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- میراندن انسان ها و نابود کردن جوامع و تمدن ها ، دلیل قدرت بی مانند و شکست ناپذیر خداوند است .

أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفْهَمَ الْغُلَبُونَ

زیر سؤال بردن و نفی کردن پیروزی و چیرگی کافران در برابر قدرت الهی (أفهم الغالبون)، پس از طرح مسأله مرگ و میر انسان ها به وسیله خداوند، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۸

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ .. و تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً ... و أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مِنْ فِي الْقُبُورِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۳

۳ - نوسانات مستمر ساعات شب و روز (کوتاهی و بلندی آنها) در طول سال ، نشان از قدرت بی نهایت خداوند دارد .

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز باشد. و نیز مراد از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۲

۲ - گوناگونی نباتات ، از زمینه های مطالعه برای پی بردن به امکان معاد و قدرت خدا بر احیای مردگان

فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبُؤًا .

.. يستهزءون . أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

در این جا روی سخن با کسانی است که منکر معاد بوده و پذیرفتن آن برای آنان دشوار می نمود. آیه یاد شده برای برطرف کردن استبعاد کافران و ارائه نشانه های امکان معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۱۰

۱۰ - نظم حاکم بر پدیده های طبیعت ، چون حرکت باد ها ، تشکیل ابر ها و نزول باران حیات آفرین ، دلیل بر قدرت خداوند و یکتایی او

و الله الذي أرسل الرياح فتثير سحابًا .. فأحيينا به الأرض بعد موتها كذلك النشو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۲

۲ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > ، از نشانه های قدرت خداوند و یکتایی او

و ما يستوى البحرين هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أجاج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۳

۳ - پدیده حیات و احیای زمین مرده ، نشانه راستی قیامت و دلیل توانایی خداوند بر احیای مردگان است .

و آیه لهم الأرض الميتة أحييناها و أخرجنا منها حيا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه پس از طرح مسأله برانگیختن انسان ها که کافران آن را انکار می کردند آمده است. و در حقیقت، این آیه درصدد اثبات قیامت و نشان دادن جلوه ای از قدرت خداوند است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۱

۱ - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل و شاهد امکان برپایی قیامت و توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها

قل يحييها الذي أنشأها أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۶

۶ - علم همه جانبه خداوند به احوال ظاهر و باطن انسان ها ، دلیل توانایی او بر حسابرسی سریع بندگان

إنّ الله سريع الحساب . .. يعلم خائنه الأعين و ما تخفى الصدور

برداشت یاد شده بر این اساس است که جمله < يعلم خائنه الأعين . .. > تعلیل برای جمله < إنّ الله سريع الحساب > باشد؛ یعنی، چون خداوند از تمامی حالات انسان ها آگاهی کامل دارد، اعمال بندگان را با سرعت رسیدگی خواهد کرد و نیازی به ارائه دلیل و شهود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۷

۷ - آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إنّ الساعة لأتیة . .. الله الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه و النهار مبصرًا

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲،۳

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

الله الذي جعل

لكم الأنعم... و عليها و على الفلك تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

۳- وجود دلایل و نشانه های متعدد و گوناگون ، بر اثبات قدرت و یکتایی خداوند در هستی

و یریکم ءایته فأی ءایت الله

برداشت یاد شده از جمع آمدن <آیات> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰- آفرینش انسان به وسیله خداوند ، دلیل قدرت او بر اعطای نطق به اعضا و جوارح آدمی

قالوا أنطقنا الله... و هو خلقکم أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱۰

۱۰- قدرت نامحدود و بی کران خداوند ، دلیل توان مندی او بر احیای مردگان و برپایی قیامت

و هو یحی الموتی و هو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۱،۴

۱- نمود های آفرینش ، گواهی آشکار بر قدرت خداوند

أولم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض... بقدر

۴- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

الله الذی خلق... و لم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مطالعه بنای شگفت آسمان ، راهنمای انسان به عظمت قدرت و بی نیازی آفریدگار آن

و السَّمَاءِ بَنِينَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۲

۲ - آفرینش نشأ نخستین (جهان فعلی) ، نشانی روشن از توانایی خداوند بر آفرینش نشأ دیگر (جهان آخرت)

و لقد علمتم النشأ الأولى فلولا تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۸ - ۲،۳

۲ - دعوت از منکران معاد ، به مطالعه در آب نوشیدنی و کیفیت قرار گرفتن آن در دسترس آنان برای پی بردن به قدرت الهی

أفرء یتم الماء الذی تشربون

خطاب در این بخش از آیات، متوجه کافران و منکران معاد است. دعوت از آنان برای مطالعه در نقش آب شرب در زندگی بشر، بدان منظور است که آنان پی به قدرت الهی ببرند و بدین وسیله از انکار رستاخیز که از غفلت کردن از قدرت الهی نشأت می گیرد دست بردارند.

۳ - مطالعه در نقش آب شرب در حیات بشر ، راه را برای پذیرش قدرت الهی بر احیای مردگان در رستاخیز آسان می سازد .

أفرء یتم الماء الذی تشربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۴،۵

۴ - نمود های هستی و نماد های جهان طبیعت ، خود بیانگر قدرت و حکمت آفریدگار خویش اند .

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ارتباط عبارت <سَبَّحَ لِلَّهِ..> با <و هو العزيز الحكيم> می تواند بیانگر این معنا باشد که تسبیح و تنزیه پروردگار، نشانه اتقان و بی عیب و نقص بودن ذات و افعال او است. آفرینش نیز،

با این عظمت و استحکام خود نمایانگر قدرت و عزت او است.

۵ - مطالعه طبیعت و نظام هستی ، زمینه خدانشناسی و پی بردن به اقتدار و کاردانی آفریدگار جهان

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خبر دادن خداوند از تسبیح موجودات، در حقیقت توجه دادن انسان ها به حقایق نهفته در متن طبیعت است که هر یک با زبان حال، وجود خدا و صفات کمالی او را نجوا می کنند. گوش فرادادن به این نجوا، زمینه ساز ادراک عزت و حکمت خداوندی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۸ - ۶

۶ - رویش نباتات در زمین و سپس خشک شدن و تبدیل شدن آنها به خاک ، نشانه قدرت خداوند بر احیای مردگان در قیامت

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا .. وَيَخْرِجَكُمْ إِخْرَاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

أَلَمْ يَكْ نَظْفَهُ مِنْ مَنِيِّ يَمْنَى .. فَخَلَقَ فِسْوَى .. أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدْرِ عَلِيٍّ أَنْ يَحْيِيَ الْمَوْتَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۲ - ۴

۴ - بهره مند ساختن ساکنان زمین از آسمان های محکم و استوار ، دلیل قدرت خداوند و ضرورت معاد است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ .. وَبَنِينَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شَدَادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۲

۲ - آفرینش آسمان با وجود صلابت بیشتر آن نسبت به پیکر انسان ، برهانی آشکار بر امکان معاد و قدرت خداوند بر زنده کردن دوباره انسان ها

ءأنتم أشدّ خلقاً أم السماء بنیها

<أنتم> خطاب به منکران معاد است که آیات قبل سخنان آنان را نقل کرده بود. جمله <بناها> مستأنفه و مفاد آن این است که آسمان با آن که محکم تر است، خداوند آن را ساخت؛ چگونه آفرینش دوباره خود را محال می پندارید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۸ - ۴

۴ - برافراشتن آسمان و تعدیل آن ، دلیل قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم أشدّ . . . رفع سمکها فسویها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خلق من ماء . . . یخرج ... إنّه علی رجعه لقادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۴،۹

۴ - اعتقاد به آفریننده بودن خداوند ، ناسازگار با پندار عجز برای او در برابر انسان

خلقنا الإنسن . . . أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

۹ - آفرینش نخست انسان ، دلیل قدرت خداوند بر اعاده حیات او است .

لقد خلقنا الإنسن . . . أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

چنانچه در این آیه، سخن از قدرت خداوند بر معاد باشد، تعبیر <لقد خلقنا> در آیه قبل، برای رفع استبعاد معاد خواهد

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۱۰

۱۰ - برطرف شدن تاریکی شب و شکافتن آن با طلوع صبحدم به تدبیر خداوند ، دلیل توانمندی او بر نجات انسان ها از حوادث خطرناک

قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۷

۷ - آفریننده بودن خداوند ، دلیل توانمندی او بر دفع خطر مخلوقات خویش

من شرِّ ما خلق

توصیف موجودات خطر آفرین، به این که خداوند خالق آنها است؛ استدلال بر امکان پذیر بودن رفع خطر آنها از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۳

۳ - قدرت خداوند بر شکافتن تاریکی شب به وسیله سپیده صبح ، دلیل توانمندی او بر خنثی ساختن تهدید های پوشیده و توطئه های سرّی و شبانه دشمن

قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ .. و من شرِّ غاسقٍ إذا وقب

آیات بعد، قرینه بر این است که مراد از خطرهای شبانه، برنامه ریزی های کاملاً محرمانه دشمن در شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۵

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أعوذ بربّ الفلق . . . و من شرّ حاسد إذا حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۵

۵ - ربوبیت و فرمان روایی خداوند بر مردم و شایستگی او برای الوهیت ، دلیل

توانایی او بر ناکام گذاشتن وسوسه گران

بَرَبِّ النَّاسِ . مَلِكِ النَّاسِ . إِلَهِ النَّاسِ . مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۸

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

بَرَبِّ النَّاسِ . مَلِكِ النَّاسِ . إِلَهِ النَّاسِ ... مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

ذکر قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ . ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ . مَطَاعَ تَمَّ أَمِينٍ

ذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۸ - ۷

۷ - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير. ألم تعلم أن الله

استفهام تقریری در دو جمله < ألم تعلم أن الله على .. > و < ألم تعلم أن الله له ... > بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای

یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

۸- توجه به قدرت مطلق خداوند و حاکمیتش بر جهان آفرینش، موجب باور به توان خداوند بر جایگزینی دینی بهتر یا همانند دین منسوخ

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير. ألم تعلم أن الله له م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۲

۲ یادآور شدن قدرت اختصاصی خداوند بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، از وظایف تبلیغی پیامبر(ص)

قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۶

۶ توجه و باور به قدرت مطلق خدا، زداینده هر گونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلى الله مرجعكم و هو على كل شيء قدير

هدف از بیان قدرت خداوند، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۳

۳- توجه به مالکیت و قدرت مطلقه خدا و ناتوانی موجودات در برابر او، مستلزم تشبیه نکردن او به غیر است.

و يعبدون من دون الله ما لا يملكك .. فلا تضربوا الله الأمثال

عمده ترین موضوعی که از آیات قبل استفاده شد، مالکیت و قدرت مطلق الهی و نفی هر گونه مالکیت و قدرت

از خدایان دروغین مشرکان است و در این آیه خداوند، نتیجه و لازمه مطلب فوق را، تمثیل نکردن خدا به غیر او دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربک ذو الجلل و الإکرام . فبأی ءالء ربکما تکذبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

کل من علیها فان . و یبقی وجه ربک ... فبأی ءالء ربکما تکذبان

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه، در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۴

۴ - توجه به قدرت خداوند ، در صورت نگاری و ترکیب اجزای بدن انسان مانع تأثیر جاذبه های گناه در او و زمینه ساز پذیرش ربوبیت خداوند است .

ما غرک . . فی أیّ صوره ما شاء ركبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۴ - ۲

۲ - توجه به قدرت خداوند بر رویاندن گیاهان و به وجود آوردن چراگاه ها ، مایه منزّه دانستن او

از هر عیب و نقص و پیراستن نام او ، از هر وصف ناروا است .

سَبَّحِ اسْمَ . . . و الذی أخرج المرعى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۷

۷ - توجه به عجز انسان در برابر قدرت خداوند ، مانع انکار معاد

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

جمله <أهلکت مالاَ لبداً> (در آیه بعد)، می تواند حاکی از آن باشد که گوینده آن، به این دلیل انفاق ها را اتلاف مال می داند که منکر پاداش پس از مرگ است. در این صورت آیه شریفه، ریشه آن پندار را می زند و می گوید: مگر انسان گمان می کند که کسی قادر نیست او را حیات بخشیده و به او پاداش دهد که می گوید: انفاق هایم مایه اتلاف اموالم شد؟ آری خداوند بر اعاده او قدرتمند است؛ گرچه انفاق های چنین شخصی در آن روز پاداشی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۴

۴ - آگاهی از قدرت خداوند بر آفرینش انسان از خون لخته ، زمینه ساز توجه به او در آغاز هر کار است .

اقرأ باسم ربک .. خلق الإنسن من علق

زمینه ایمان به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۲

۲ - توجه به کیفیت پیدایش انسان از منی در رحم ، آسان کننده مسأله پذیرش معاد و توانایی خداوند بر احیای مجدد مردگان

أفرءیتم ما تمنون

روی سخن در آیه شریفه با منکران معاد است و مفاد آن

چنین می باشد: اگر شما به کیفیت پیدایش انسان از نطفه که در رحم می ریزید توجه می کردید، در قدرت و توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان تردید نمی کردید و به انکار معاد نمی پرداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۸ - ۲

۲ - بررسی قوانین حاکم بر آسمان و فضای بالا ، زمینه ساز باور به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى السماء كيف رفعت

زمینه ذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۳

۳ - حکمت ایجاد درخت آتش زنه از سوی خداوند ، یاد آوری قدرت الهی ، تداعی کردن روز رستاخیز و بیرون آمدن انسان ها از قبر ها است .

نحن جعلناها تذكرة

ضمیر <جعلناها> می تواند به <نار> و یا به <شجره> برگردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است، یعنی، ما آن درخت را مایه تذکار قرار دادیم تا انسان ها با دیدن آن، به یاد قدرت خداوند بیفتند و پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، قادر است که مردگان را نیز بار دیگر از گورها بیرون آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۲

۲ - تحقیق و تدبیر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى الجبال كيف نصبت

زمینه شناخت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

شناخت مراحل آغازین خلقت انسان ، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است .

علیها حافظ . فلینظر الإنسن مم خلق

ارتباط دو آیه، با توجه به حرف <فاء> در <فلینظر>، بیانگر برداشت یاد شده است.

زمینه عقیده به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۳

۳ - معرفت درست در باره خدا ، زمینه ساز اعتقاد به قدرت و عزت مطلق و نامحدود او

ما قدروا الله حق قدره إن الله لقوی عزیز

زمینه علم به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۴

۴ - فراخوانی به مطالعه طبیعت ، برای پی بردن به قدرت خداوند ، و در نتیجه ، رفع تردید در امکان معاد ، روش هدایتی قرآن است .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۴

۴ - ضرورت دقت در آفرینش پدیده های هستی ، برای پی بردن به قدرت مطلق خداوند

ءأنتم أشد خلقاً أم السماء بنیها

زمینه قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- رفع ناخوشایندی ها از انسان در پرتو دعا ، زمینه ساز اقتدار و توانمندی انسان در گستره حیات

و یکشف السوء و يجعلکم خلفاء الأرض

ذکر <يجعلکم خلفاء> بعد از <یکشف السوء> بیانگر این نکته است که اگر مشکلات همواره بر انسان هجوم آورد و خداوند آنها را

از وی دور سازد، بشر زمینگیر شده و قادر به ادامه حیات نخواهد بود. پس این گره گشایی های خدا است که زمینه آسایش و رفاه انسان را در پهنه زمین فراهم می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۹،۱۳

۹ - عبودیت و بندگی خالصانه خدا، زمینه ساز قدرت و توانمندی انسان است .

و اذکر عبدنا داود ذاالأید

از تقدم وصف عبودیت (عبدنا) بر نیرومندی (ذاالأید) برداشت یاد شده استفاده می شود.

۱۳ - توجه بسیار به خدا و مراجعه همیشگی به او در زندگی، موجب قدرت و توانمندی انسان

داود ذاالأید إنّه أواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۸

۸ - آخرت اندیشی و دنیاگریزی، موجب قدرت و توانایی و کمال بصیرت و روشن بینی است .

أولی الأیدی و الأبصر . إننا أخلصنهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إننا أخلصنهم..> تعلیل برای اوصافی باشد که برای پیامبران ذکر شده است (أولی الأیدی و الأبصار).

زمینه قدرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۲

۲- روی آوردن بنی اسرائیل به نیکوکاری و احسان، زمینه ساز بازگشت قدرت و رفاه به آنان

ثم رددنا لكم الكره .. إن أحسنتم أحسنتم لأنفسكم و إن أسأتم فلها

جمله <إن أحسنتم..> می تواند اشاره به این باشد که اگر شما راه صلاح و خیر در پیش گیرید، نتیجه آن که همان قدرت،

نصیب شما خواهد شد.

زمینه قدرت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ آبادانی و رونق اقتصادی، زمینه ساز قدرت و نیرومندی جوامع است.

یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

زمینه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۸

۸ آگاهی خداوند به عملکرد و دستاورد انسانها، زمینه ساز اقتدار او بر خنثی کردن مکرها و توطئه های ایشان علیه پیامبران و

برنامه های الهی

فله المکر جمیعًا یعلم ما تکسب کل نفس

جمله <یعلم...> به منزله تعلیلی است برای <فله المکر جمیعًا> و اشاره به ریشه و خاستگاه این حقیقت دارد که مکرها و

توطئه های کافران علیه برنامه های الهی بی اثر است و همه برنامه ها در اختیار خداوند است؛ یعنی، چون خداوند از اعمال و

رفتار انسانها آگاه است، مکر و نقشه های ایشان بر او مخفی نمی ماند و لذا به خوبی می تواند آنها را خنثی سازد.

زمینه قدرت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - رجوع و توجه همواره داوود (ع) به خداوند در زندگی، موجب قدرت و توانمندی او شد.

داود ذالآیید إنّه أواب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّه أواب> در مقام تعلیل برای <ذالآیید> است؛ یعنی، چون داوود(ع)

بسیار متوجه خدا و پرمراجعه به او بود، صاحب قدرت و توانمند بود.

زمینه قدرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۵

۵- در دست داشتن اسباب و راه کار های علمی و عملی ، زمینه ساز قدرت و اقتدار ذوالقرنین در زمین بود .

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

عطف <آینه> بر جمله قبل، عطف سبب بر مسبب است؛ یعنی، اگر <ذوالقرنین> در زمین اقتدار داشت، به جهت اسبابی بود که برای هر کار در اختیار او بود.

زمینه قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۶

۶- علم و دانش سلیمان ، زمینه ساز دستیابی او به قدرت و به خدمت گرفتن آن در مسیر اهداف الهی

و لقد ءاتینا داود و سلیمان علماً. .. و اوتینا من کلّ شیء... جنوده من الجنّ و الإ

طرح علم گسترده سلیمان، پیش از بیان عظمت سپاه و قدرت برتر نظامی وی، می تواند اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

زوال قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۲

۲- قوای انسان هرچند نیرومند باشد زوال پذیر و در معرض سستی است .

و من نعمره ننكسه فی الخلق

زوال قدرت مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۶

۶- اضمحلال شکوه و شوکتِ مفسدان جاه طلب تاریخ، شایان عبرت و درس آموزی

کیف کان عقبه المفسدین

سرزنش غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۲

۲ - بی

توجهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له .. و لساناً و شفّتين

سوگند به قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۶

۶ - سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

شک به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۶

۶- مشرکان ، به وجود نیرویی که قادر به احیای دوباره جسد انسان باشد ، در ناباوری و تردید بودند .

قل كونوا حجاره .. فسيقولون من يعيدنا

شک در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ حواریون عیسی نامطمئن به توانایی خداوند بر فرستادن مائده ای از آسمان

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء

۱۰ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل يستطيع ربك .. قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جمله <اتقوا الله ..> حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی(ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از <هل يستطيع ربك

...> به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

۱۱ تردید در قدرت الهی ناسازگار با تقوا و ایمان

هل يستطيع ربك .. اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۶

۶ شک در امکان معاد ، شک در قدرت خداوند

است .

أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ

شگفتی غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۲

۲ - بی توجهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ... و لِسَانًا وَ شَفْتَيْنِ

ضعف قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ ناتوانی همه قدرت ها ، در برابر قدرت و اراده خداوند

و مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۸

۸ ناتوانی همه قدرت ها و نیرو ها در ایمن ساختن انسان از کیفر الهی

لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ

ظالمان و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۴

۱۴ - ظالمان از قدرت خداوند غافلند .

و لو يرى الذين ظلموا .. أن القوه لله جميعاً

ظلم تكذيب قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۰

۱۰- انكار معاد و نادیده گرفتن قدرت عظیم الهی در آفرینش جهان ، عملی ظالمانه است .

أو لم يروا .. فأبى الظلمون إلا كفورا

ظهور قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - ظهور قدرت و شکست ناپذیری خداوند برای

کافران ، در جهان آخرت

و هو القویّ العزیز .. و ما له فی الآخره من نصیب

عظمت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۷

۷- خداوند ، در برابر توطئه های کافران علیه قرآن ، قدرت خویش را در پاسداری از آن به نمایش گذاشت و عظمت خویش را به رخ آنان کشید .

إنا نحن نزلنا الذّکر و إنا له لحفظون

از اینکه خداوند، برای بیان نزول قرآن از سوی خود، چند ضمیر جمع و اسم فاعل جمع می آورد، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹ - ۳

۳- ماجرای اصحاب کهف ، با توجه به قدرت و اراده خداوند ، رخدادی شگفت نیست .

أم حسبت أنّ أصحاب الکهف .. کانوا من ءایتنا عجبًا

<أم> در ابتدای آیه، <أم منقطعه> است و معنای اضراب همراه با استفهام و انکار دارد، بنابراین، معنای عبارت چنین است: <آیا چنین گمان کردی که اصحاب کهف ..> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۲

۲ - ناچیز بودن حکومت های بسیار مقتدر ، در برابر عظمت قدرت خداوند

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- برپا ساختن رستاخیز و زنده کردن مردگان ، کاری بزرگ و با عظمت است ؛ اما در برابر عظمت قدرت خداوند ناچیز می باشد .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيُ الْمَوْتَى

برداشت یاد شده، از آمدن دو

ضمیر جمع (إنا و نحن) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۲

۲ - انکار توحید ربوبی و احیای مجدد انسان ها به رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خدا در جهان امری شگفت آور است .

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ... فاستفتهم أهم أشدَّ خلقًا... بل عجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، نه تنها توانا بر گردآوری استخوان های مردگان است ؛ بلکه می تواند انگشتان هر کس را به همان صورتی که در دنیا بود ، تنظیم کند .

بلی قدرین علی أن نسوی بنانه

<بنانه> (مفرد <بنان>) در دو معنا استعمال می شود: ۱ انگشتان، ۲ سرانگشتان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - برچیدن ثمودیان از زمین ، حادثه ای ناچیز در برابر قدرت خداوند و خالی از هرگونه پیامد نامطلوب

و لایخاف عقبیها

ضمیر <عقباها>، به <دَمْدَمَه> و یا به <ثمود> برمی گردد. در صورت دوم مراد <عقبی هلاکتهم> خواهد بود.

۲ - خداوند ، از آثار هلاکت ثمودیان پروایی نداشته و ترسی از پیامد های آن ندارد .

و لایخاف عقبیها

عظمت قدرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- امكانات و نيروي ذوالقرنين ، بسيار زياد و با عظمت بوده است .

قد أحطنا بما لديهِ خبيرًا

تعبير موجود در آيه (احاطه خداوند بر همه آنچه در نزد ذوالقرنين وجود داشت) حاكي از عظمت امكاناتي است

که در اختیار ذوالقرنین بود.

عفو با قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۲

۱۲ - ارزش عفو در حال قدرت بر انتقام

فمن عفی له من أخیه شیء

عفو هنگام قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزه بودن از کینه توزی و حس انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۵

۵ گذشت در عین قدرت بر انتقام از ویژگی های محسنان است .

فإن الله لا یضیع أجر المحسنین .. قال لا تثریب علیکم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۲

۱۲ - غفران و بخشش لغزش ها در عین عزت و قدرتمندی ، رفتاری پسندیده و شایسته

ألا هو العزیز الغفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - گذشت از خطاها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر، کاری است شایسته و خداپسندانه .

أنا أدعوكم إلى العزيز الغفر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند؛ در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۶

۶ - عفو ، گذشت و خویشتن داری در حال توانمندی بر انتقام ، نشانگر اراده و تصمیم قوی انسان است .

و لمن صبر و غفر إنَّ ذلک لمن عزمُ الأُمور

قدرت بر انتقام از واژه <غفر> استفاده می شود؛ چه این که ظهور مغفرت آن است که انسان توان انتقام را داشته باشد.

عقیده به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۲ - ۵

۵ - ابلیس ، معتقد و معترف به عزت و قدرت پروردگار

فبعزَّتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱

۱ - اعتقاد و اعتراف مشرکان ، به خالقیت یگانه خداوند و پدید آمدن جهان آفرینش (آسمان ها ، زمین و ...) تنها به قدرت او

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۵

۵ - کشف و شناسایی ویژگی های شتر ، راهنمای فکری انسان برای اعتقاد به قدرت خداوند

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

عقیده به قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۶

۶ - اعتقاد به وجود نیرویی توانمند و پیروز در برابر اراده و قدرت خداوند در عالم ، نشانه غرور و فریب خوردگی است .

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرِكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكُفْرَانَ إِذَا فِي غُرُورٍ

علم به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره

۱۲ - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا أنّ اللّٰه علی کلّ شیء قدير و أنّ اللّٰه قد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <لام> در جمله <لتعلموا..> تعلیل برای عبارت <خلق سبع سماوات> است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

عوامل ایمان به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۴،۳۰

۴- توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان (خاک ، نطفه ، علقه و مضغه) ، زداینده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دوباره به مردگان

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنٰكُمْ .. ثُمَّ مِّنْ مَّضْغَةٍ

۳۰ - مطالعه در چگونگی رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، زایل کننده هر گونه شک و تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر احیای دوباره مردگان

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ .. وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً ... مِّنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

عوامل تضعیف قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه

، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقاً تقتلون و تأسرون فریقاً

عوامل تقویت قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ درك معارف الهی (توحید ، معاد و ...) و ایمان به آنها ، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن

بأنهم قوم لا یفقهون

عوامل رفع تعجب از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۴

۴ - توجه به ربوبیت الهی بر وجود انسان ، زداینده هر شگفتی درباره قدرت او

قالوا کذلک قال ربک

آوردن وصف <ربک>، دربردارنده نوعی استدلال بر قدرت خدا می باشد؛ یعنی، آن که وجود تو را پروریده، قادر است که پیرزنی نازا را نیز بارور کند.

عوامل شناخت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

عوامل غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ - لجاجت و عناد ، عامل استکبار و غفلت از قدرت نامحدود الهی *

فاستکبروا فی الأرض .. و کانوا بآیتنا یجحدون

چنانچه جمله <و کانوا بآیتنا یجحدون> به منزله تعلیل برای استکبار و عدم توجه قوم عاد، نسبت به قدرت نامحدود خداوند باشد، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

عوامل قدرت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۲

۱۲ آب فراوان و رونق کشاورزی از شاخصه های توانمندی و قدرت اقوام و تمدنهای

و أرسلنا السماء عليهم مدرارا و جعلنا الأنهر تجري من تحتهم

عوامل قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - نقش اساسی قدرت اقتصادی، در امنیت و اقتدار سیاسی ملت ها *

فعجل لكم هذه و كف أیدی الناس عنكم

در صورتی که <كف..> مترتب بر فتح خیر و غنایم آن (عجل لكم هذه) باشد و نتیجه آن شمرده شود؛ از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، برای امنیت بخشیدن به امت اسلامی در شرایط بحرانی، این مهم را از طریق تقویت بنیه اقتصادی ایشان، تأمین کرده است.

عوامل قدرت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۱

۱ - خداوند، با نابود کردن اصحاب فیل، قریش را بر ادامه زندگانی طبق عادت دیرینه آنان، توانمند ساخت.

لایلف قریش

این سوره با سوره قبل، ارتباطی تنگاتنگ دارد تا حدی که برخی آن دو را یک سوره شمرده و برخی دیگر جداساختن آن را از سوره فیل در نماز جایز نمی دانند. بنابراین <لایلاف> علت <جعلهم كعصف مأكول> را بیان می کند؛ یعنی، خداوند سپاه ابرهه را نابود ساخت تا قریش بتوانند به ایلاف خود ادامه دهند.

عوامل قدرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - نقش بارز صلح

حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

ممکن است <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و <كفّ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۴

۱۴ - ظالمان از قدرت خداوند غافلند .

و لو يرى الذين ظلموا .. أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد كذبوا .. أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

استفهام در <أولم يروا..> برای توییح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توییح کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله .. کل يوم هو في شأن . فبأي آلاء ربكما تكذبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إِن اسْتَطَعْتُمْ .. لَا تَنْفِذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنٍ . فَبَأَىٰ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توییخی در <فبأی..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ .. فَبَأَىٰ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

عبارت <انشقَّت السَّماء..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

فلسفه قدرت نمایی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ .. قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ ... قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي

فناپذیری قدرت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۰

قدرت ابراهيم (ع)

جلد - نام سوره -

۵- کیفیت مبارزه و چگونگی مواضع ابراهیم (ع) علیه بت پرستان ، متناسب با شرایط موجود و توانایی های خود آن حضرت بود .

تَاللّٰهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَمَكُم بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

تصمیم ابراهیم(ع) به از بین بردن بت ها به طور مخفی و هنگامی که مردم حضور ندارند، حکایت از این دارد که او توانایی انجام چنین کاری در حضور مردم به صورت آشکار نداشت. بنابراین مبارزه آن حضرت متناسب و همسو با شرایط و مقدمات او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَرِ

<أُولَى الْأَيْدِي> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

قدرت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۴

۲۴ - قیامت ، روز ظهور و بروز قدرت مطلق خدا و آگاهی همگان به نبود قدرت برای غیر اوست .

إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۶

۶ - ظهور و بروز قدرت مطلقه خداوند بر جهان در قیامت

و الأرض جميعًا قبضته يوم القيمة و السموت مطويت بيمينه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - زخرف - ٤٣ - ٧٧ - ٨

٨ - گستره

قدرت الهی در جهان واپسین ، مورد باور تمامی انسان ها حتی دوزخیان

و نادوا یملک ليقض علینا ربّک

از این که جهنمیان نجات خود را به دست خداوند می دیدند و فرشتگان را به شفاعت می طلبیدند، استفاده می شود که حتی دوزخیان نیز در قیامت به قدرت الهی باور دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۳

۳ - ظهور حاکمیت و قدرت یگانه خداوند برای آدمیان در قیامت

و لله ملک السموت و الأرض . . . و تری کلّ أمّه جائیه ... الیوم تجزون

با توجه به آیه قبل که سخن از مالکیت و حاکمیت مطلق خدا به میان آورد به زانو نشستن امت ها در قیامت که در این آیه مطرح شده می تواند نشانگر ظهور قدرت و حاکمیت خداوند در آن روز باشد.

قدرت اراده اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۶

۶ - طبیعت و مظاهر آن ، با اذن خدا مقهور اراده بندگان خاص او است .

أن اضرب بعصاک البحر فانفلق

قدرت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

<أولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

قدرت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۷

۸ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجبثنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

قدرت اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۵ - ۲

۲ - باغداران یمنی ، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود و محروم ساختن بینوایان از آن ، توانا می پنداشتند .

و غدوا علی حرد قدرین

قدرت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت

فرستادگان الهی

كذّبت قبلهم قوم نوح .. ثمود ... أصحاب لئیکه أولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أولئک) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود؛ یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

قدرت اقتصادی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۵ - ۳

۳ - غفلت و غرور باغداران یمنی ، بر اثر قدرت اقتصادی و توانایی خود

و غدوا علی حرد قدرین

قدرت اقتصادی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۵،۶

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد

الهی پس از اولین شکست

ثم رددنا لكم الكره عليهم و امددناكم بأموال و بنين

۶- سلطه مجدد بنی اسرائیل بر دشمنانشان پس از اولین شکست ، متکی بر توان اقتصادی و نیروی انسانی خدادادی است .

و امددناكم بأموال و بنين

قدرت اقتصادی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۴

۴ - سرزمین مصر در عصر فرعون ، برخوردار از تمدن و اقتصادی نیرومند

فأخرجهم من جنّت و عيون . و كنوز و مقام كريم

قدرت اقتصادی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إنهم عصونی و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

قدرت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۲

۲- جوامع و تمدن های بسیاری در طول تاریخ ، با وجود قدرت و امکانات بسیار و موقعیت برتر نسبت به کافران عصر بعثت ، به هلاکت رسیده و نابود شدند .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۴

۴ - ظهور و سقوط تمدن ها و اقوام نیرومندتر از مشرکان جزیره العرب در تاریخ

و كانوا أشدّ منهم قوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲

۸ - وجود آثار تمدن های بزرگ و نشانه هایی از توانایی اقوام نیرومند و پرجمعیت گذشته ، در عصر نزول قرآن

كانوا أكثر منهم و أشد قوه و ءاثارًا فى الأرض

از ظاهر توصیه خداوند به سیر در زمین و نظر افکندن بر آثار به جای مانده از پیشینیان، استفاده می شود که آن آثار تا عصر نزول قرآن باقی مانده بود.

قدرت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۷

۷ انحصار پیروزی آفرینی به خداوند ، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

و ما النَّصْرَ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۶

۶ توانایی های اهل ایمان در سرکوبی دشمنان دین ، پرتویی از قدرت الهی

ليقطع طرفاً .. لیس لك من الامر شیء

با وجود اینکه مسلمانان، دشمن را ذلیل و اسیر کردند و سرانجام آنها را از دستیابی به اهدافشان ناامید ساختند، ولی خداوند تمامی موارد را به خویش نسبت می دهد تا بفهماند که کار آنان و تواناییهایشان، در واقع از آن خداست.

قدرت الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۸

۸ توانمندی بر آفرینش و اعطای قوای ادراکی و اقتدار بر سلب آن، نشانه الوهیت است.

قل أرءیتم .. من إله غیر الله یأتیکم به

قدرت امت های منقرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۴

۴- امت های نیرومند هلاک

شده تاریخ ، دارای سلطه بر جوامع متعدد

و کم أهلکنا .. فنقبوا فی البلد

<التنقیب> (مصدر <نقبوا>) به معنای سیر و حرکت است و در این جا کنایه از فتح بلاد و تحت سلطه درآوردن آنها می باشد.

قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - آدمی ، می تواند حتی در زمان گرفتاریش به لعنت خدا ، خود را به سوی ایمان گرایش داده و اهل ایمان گردد .

لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما یؤمنون

تفریع جمله <فقلیلا ما یؤمنون> بر <لعنهم الله بکفرهم> می رساند که: کفر ورزی و دور شدن از رحمت خدا، بسیاری از زمینه های ایمان را از بین می برد نه همه آنها را؛ یعنی، با وجود لعنت الهی انسان می تواند خود را به سوی ایمان گرایش دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴ - ۵

۵ توان مردم بر کمتر نیروی خشم و غضب خویش

و الکاظمین الغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ توانایی آدمی در توجیه نفس خویش برای ارتکاب گناه

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند انسانها را برای بهره گیری از زمین و امکانات آن توانا ساخت.

و لقد مکنکم فی الأرض

۲ توانایی انسانها بر بهره گیری از امکانات زمین نعمتی بایسته شکرگزاری است.

و لقد مکنکم فی الأرض .. قلیلا ما تشکرون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۲

۲ انسان ها در صورت مشیت الهی ، توانا بر جلب منفعت و یا دفع ضرر از خویش خواهند شد .

قل لاأملك لنفسی نفعاً ولا ضراً إلا ما شاء الله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما> موصوله در <إلا ما شاء الله> تمکن بر نفع و ضرر باشد. بر این مبنا استثنا، استثنای متصل است و معنای آیه چنین می شود: من توانایی بر نفع و ضرر خویش ندارم، مگر خداوند به من توانایی بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۲ - ۳

۳- انسان ، در برابر اغواگری و سلطه طلبی ابلیس ، آزاد و مختار و توانا بر مخالفت است .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۶

۶- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنه لیس له سلطان علی الذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۲

۲- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنما سلطنه علی الذین یتوکلونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳ - ۹

۹- انسان ها ، این ویژگی را دارند که بتوانند عقیده ای برخلاف اعتقاد درونی شان ، ابراز

کنند .

فليعلمنَّ الله الذين صدقوا و ليعلمنَّ الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۴ - ۳

۳ - انسان ها ، توانایی دارند برخی از مقاصد خود را پنهان دارند .

إن تبدوا شيئاً أو تخفوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ - انسان ها ، دارای توانایی و استعدادی به مراتب فراتر از عظیم ترین موجودات طبیعی عالم اند .

إنّا عرضنا الأمانة على السموت و .. فأبين أن يحملنها و ... و حملها الإنسن

ترس آسمان ها و .. از پذیرش امانت الهی و قبول آن از سوی انسان حکایت از توانایی و استعداد برتر انسان ها از موجودات یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۸

۸ - خالق انسان ، همواره برتر و توانمندتر از انسان

أولم يروا أنّ الله الذي خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ - انسان ، بر مهار نفس خویش از هوس های ناروا ، توانا است .

و نهى النفس عن الهوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۷

۷ - خداوند ، در پی آفرینش انسان از نطفه ، او را توانمند و مهیّا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقَدَّره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای <تقدیر>، دَقَّت و تفکر در متعادل ساختن امور

و مهیا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده اند (لسان العرب). <فاء> در <فقدّره> گویای این است که مهیا شدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

قدرت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۵ - ۱

۱ - توانایی همه انسان ها ، در بهره بردن از درس ها و پند های قرآن

إنّه تذکره . فمن شاء ذکره

خداوند، به طور کلی و عام فرمود: هر کس خواست از قرآن پند گیرد و متذکر شود. از این می توان استفاده کرد که همه انسان ها، توانایی چنین کاری را دارند و می توانند از قرآن پند گیرند و درس بیاموزند.

قدرت بدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۵

۱۵ - < اسحاق بن عمار و یونس قالوا - : سألنا ابا عبد الله (ع) عن قول الله تعالى < خذوا ما اتيناكم بقوه > أفوه فی الأبدان أوقوه فی القلب ؟ قال فیهما جميعاً ;

اسحاق بن عمار و یونس از امام صادق(ع) درباره آیه <خذوا ما اتيناكم بقوه> سؤال کردند که: آیا مراد از <قوت> نیروی بدنی است یا قلبی؟ امام(ع) فرمودند: هر دو است.<

قدرت بر احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۱

۱ - خداوند ، بر اعاده مجدد انسان پس از مرگ او ، توانمند است .

إنّه علی رجعه لقادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳

۳ - گفتار خداوند درباره معاد و توان او بر احیای دوباره انسان ، گفتار نهایی و فیصله دهنده تمام گفتوگوها است .

إنه لقول فصل

ضمیر <إنه> چه به قرآن برگردد و چه به محتوای آیات پیشین که درباره قدرت خداوند بر معاد بود برداشت یاد شده استفاده می شود. <قول فصل>، به کلامی گفته می شود که <فصل الخطاب> باشد و به گفتوگوها خاتمه دهد.

قدرت بر انشقاق تاریکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۵

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أعوذ بربّ الفلق .. و من شرّ حاسد إذا حسد

قدرت بر تهدید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر كيف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

قدرت بر ثبت عمل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - طارق - ٨٦ - ٥ - ٢

٢ - شناخت مراحل آغازین خلقت

انسان ، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است .

علیها حافظ . فلینظر الإنسن مم خلق

ارتباط دو آیه، با توجه به حرف <فاء> در <فلینظر>، بیانگر برداشت یاد شده است.

قدرت بر طلوع فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۵

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أعوذ برَبِّ الفلق . . و من شرِّ حاسد إذا حسد

قدرت بر معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۴

۴ دو چیز ، معیار استحقاق معبودیت و سزاوار پرستش بودن است : < توانایی بر پدید آوردن جهان > و < قدرت بر برپا کردن دوباره آن > .

قل هل من شركائکم من یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۲

۱۲- امکان وقوع رستاخیز و نیز وجود نیرویی قادر به انجام آن ، دو موضوع زیربنایی در اثبات معاد است .

قل کونوا حجاره . . فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم

در آیه پیش، سؤال از امکان تبدیل شدن استخوانهای خرد شده به انسان مطرح شد و با فرض امکان آن، در این آیه، قدرتی که قادر به تحقق آن باشد مطرح گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۲

۲ - تحقیق و تدبیر در علل برقرار

ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى الجبال كيف نصبت

قدرت بر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای

تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . . . ألم تر كيف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم

محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را

مطرح کرده است.

قدرت برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۱، ۱۲، ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، گروهی نیرومند ، کارآمد و عهده دار رتق و فتق امور پدرشان یعقوب بودند .

و نحن عصبه إن أبانا لفي ضلل مبين

<عصبه> به جماعتی گفته می شود که تعداد آنان از ده نفر افزون تر باشد و با یکدیگر پیوند داشته و هم دیگر را پشتیبانی

کنند. لازمه این معنا نیرومند و کارآمد بودن آن گروه است. رابطه جمله <و نحن عصبه> با خطا پنداشتن محبت افزون تر

یعقوب به یوسف و بنیامین، گویای این است که: برادران یوسف، نیرو و توان خویش را در جهت منافع یعقوب(ع) به کار می

بردند و امور او را سامان می دادند.

۱۱ برادران یوسف ، به کثرت نیرو و نفرات خویش مغرور بودند .

نحن عصبه

۱۲ برادران یوسف به دلیل نیرومندی و کارآمد بودنشان ، خویش را به محبت پدرشان یعقوب سزاوارتر می دیدند .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا و نحن عصبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۱،۳

۱ برادران یوسف جماعتی متحد و نیرومند بودند .

و نحن عصبه

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف .. قالوا لئن أكله الذئب و نحن عصبه

قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۲

۲ - وجود قدرتی برتر و غالب در برابر تمام انسان ها ، حتی در اوج قدرت مندی آنان

أحسب أن لن يقدر عليه أحد

قدرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل پس از دریافت تورات و عمل به محتوای آن ، به قدرت و حکومت رسیدند . *

ثم توليتم من بعد ذلك

از معانی <تولی> ولایت پیدا کردن و حکومت یافتن است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است بر این مبنا مراد از فضل خدا و رحمت او، همان اعطای تورات و توفیق عمل به احکام آن می باشد و مقصود از خسران در <لکنتم من الخاسرین> قرار گرفتن در تحت سیطره حکومت‌های کفر و جور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰

۳ فرعونیان ، هراسان از قدرت یابی موسی (ع) و بنی اسرائیل و از دست دادن حکومت و سرزمین خویش

یرید أن یخرجکم من أرضکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۴

۴- جنگاوری و توانمندی بنی اسرائیل ، در نخستین مرحله از فسادانگیزیشان

بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

گسیل نیروهای بسیار پرتوان برای سرکوبی بنی اسرائیل، نشانگر توانمندی آنان در جنگ و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۹

۹- فرونی داشتن نیروی انسانی و نفرات رزمی بنی اسرائیل بر نفرات دشمن ، پس از نخستین شکست

و جعلنکم أكثر نفیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۳ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، مجموعه ای نیرومند بودند و فرعون برای مقابله با آنان نیازمند قوایی گسترده بود .

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

قدرت بیان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۸

۸- انسان موجودی توانمند برای بیان مقاصد و نظرات خویش

فإذا هو خصيم مبين

قدرت بینایی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه یریکم هو و قبيله من حیث لا ترونهم

قدرت تفکر اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۱

۲۱ - حافظه و قدرت تفکر و تصمیم گیری

اصحاب کهف و جهاز هاضمه آنان پس از خواب طولانی ایشان باز ، باقی و سالم مانده بود .

فابعثوا أحدکم بورقکم

قدرت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۲

۲ - ناتوانی آیین شرک و بت پرستی ، در مبارزه با آیین توحید و یکتا پرستی

ما أنتم علیه بفتنین

برداشت یاد شده از آن جا است که ناتوانی مشرکان از اغوای مردم از راه خدا، بیانگر ناتوانی آیین آنان در مبارزه با آیین توحیدی است.

قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۲،۵

۲ - جبرئیل ، فرشته ای بس مقتدر و نیرومند

عَلَّمَهُ شَدِيدَ الْقُوَى

۵ - جبرئیل ، دارای توانایی های بی شمار و در حد اعلا

عَلَّمَهُ شَدِيدَ الْقُوَى

<القوی> جمع همراه با <ال> است و افاده عموم می کند. بنابراین <شدیدالقوی>؛ یعنی، کسی که در او همه توانایی ها، در حدی شدید وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۱،۶

۱ - جبرئیل ، فرشته ای نیرومند و پر قدرت

نکره بودن <قوّه>، بر عظمت آن دلالت دارد.

۶ - < عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < ذی قوّه عند ذی العرش مکین > قال : یعنی : جبرئیل ... ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <ذی قوّه عند ذی العرش مکین> روایت شده که مراد جبرئیل است. <..>

قدرت جسمانی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۳، ۱۴، ۱۶

۱۳ قوم

عاد برخوردار از اندامی بزرگتر و نیرومندتر نسبت به دیگر اقوام

و زادکم فی الخلق بصره

۱۴ برخورداری قوم عاد از اندامی درشت و نیرومند ، از نعمت های بزرگ خداوند برای آنان

و اذکروا إذ . . . و زادکم فی الخلق بصره

۱۶ هود (ع) به منظور ایجاد زمینه رستگاری در قوم خویش آنان را به یادآوری دو نعمت بزرگ الهی (جانشینی قوم نوح ، برخورداری از نیرویی چشمگیر) فراخواند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح . . . لعلکم تفلحون

قدرت جسمانی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۳

۳ - موسی (ع) برخوردار از اعتدال جسمی همراه با قوت فکری در عنفوان جوانی

و لما بلغ أشده و استوی

ظاهر این است که جمله <بلغ أشده> اشاره به توان فکری موسی (ع) و عبارت <و استوی> اشاره به توان جسمی او باشد. گفتنی است که <أشده> معادل <قوته> و <استوی> به معنای <اعتدل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - موسی (ع) برخوردار از توان جسمی فوق العاده و دشمن شکن

فوکزه موسی ففضی علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۷ - ۱،۲،۴

۱ - آگاهی یافتن موسی (ع) به قدرت بدنی فوق العاده خویش پس از قتل مرد قبطی

فوكزه موسى فقضى عليه . . قال ربّ بما أنعمت عليّ

موسى(ع) وقتى دید، مرد قبطى تنها با يك ضربه مشت او از پای در آمد و

جان باخت، دریافت که دارای نیروی فوق العاده ای است و خداوند او را علاوه بر دانش و حکمت، از توان جسمی دشمن شکن نیز برخوردار ساخته است. از این رو به سپاس این نعمت، با خدا پیمان بست که آن نیرو را هرگز در جهت تقویت مجرمان به کار نگیرد.

۲ - توان جسمی موسی ، نعمتی عطا شده از سوی خداوند به وی

قال رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

۴ - سوگند موسی به قدرت دشمن شکن و خدادادی خویش

قال رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

درباره <با> در <بما أنعمت> دو دیدگاه از سوی مفسران ارائه شده است برخی آن را سببیه و برخی هم قسم دانسته اند. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

قدرت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲،۶

۲ - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفريت من الجنّ أنا ءاتيک به

واژه <عفريت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است.

۶ - تفاوت جنیان در قوت و ضعف

قال عفريت من الجنّ .. و إنّی علیه لقویّ أمين

از این که تنها یکی از جنیان اعلام آمادگی کرده است، استفاده می شود که همه آنان قادر به انجام چنان کاری نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - جنیان ، موجوداتی با شعور و فهم و توانمند بر انجام کارها

و من الجنّ من

يعمل بين يديه يا ذن ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۹

۹ - جَنّان ، موجوداتی با شعور و توانمند بر انجام کار های بزرگ

و من الجنّ من يعمل بين يديه .. يعملون له ما يشاء من محريب و تمثيل و جفان كال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۲

۲ - در نگاه برخی از انسان ها ، گروهی از جن توانا بر حل مشکلات بشر و پناهگاهی امن در مواقع ترس و اضطراب

و أنّه كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

پناه بردن به کسی و جایی، در وقتی است که انسان با مشکلی سخت و مسائلی وحشتناک و اضطراب آور روبه رو شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۲

۲ - توانایی جن ، بر تماس با آسمان

و أنا لمسنا السماء

قدرت جنسی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۳

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف (ع) ، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله

<همّ بها لولا...> تنها مانع یوسف (ع) را، مشاهده برهان الهی معرفی کرد تا گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

قدرت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۶

۶ جنیان دارای قدرت نفوذ و سلطه بر آدمیان هستند.

یَمْعَشِرُ الْجِنُّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ

قدرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۷

۷ - نوعی اراده و توان محدود ، برای دوزخیان وجود دارد .

كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

قدرت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و كَمْ أَهْلَكْنَا .. أَشَدَّ ... مِنْهُمْ بَطْشًا ... هَلْ مِنْ مَحِيصٍ

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

قدرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لا تحسبنّ الذين كفروا معجزين في الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است) ولی با توجه به این که کافران، همواره در صدد تضعیف جبهه حق و دین الهی اند، مقصود از آن نیروی الهی و جبهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض>

می رساند که این ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

۲- ناتوانی کافران در به شکست کشاندن جبهه حق و نیروی الهی، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد.

لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مَعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ

تعبیر <لَا تَحْسِبَنَّ> (گمان مبر) با آن که گمان امری غیر اختیاری است و چیزی نیست که به پرهیز از آن توصیه شود می رساند که جای چنین گمانی نیست و نباید کسی به خود تردید راه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۶۱ - ۲

۲- وانهادن شدن مشرکان و معبودهایشان به خود و ناتوانی آنان در برابر خداپرستان و حق جویان

فَأِنَّكُمْ و مَا تَعْبُدُونَ

قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۹

۱۹- خداوند، توانا بر انجام تمامی خواسته های بندگان است.

و إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

برداشت فوق لازمه این معناست که مراد از استعانت، استعانت در همه امور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۶

۶- خداوند بر انجام هر کاری تواناست.

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - تنها خداوند ، توانا بر آوردن همانند برای قرآن است .

و ادعوا شهداء کم من دون الله

گفته شده: من دون الله (غیر از خدا) به منظور تأکید بر اطلاق و عموم <شهداء کم> ایراد شده است؛ یعنی، هر کسی را با هر هنر و دانشی به کمک بگیرید (باز هم نمی توانید

همانند قرآن بیاورید). آوردن همسان برای قرآن تنها از ناحیه خداوند امکان پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۴

۴ - خداوند ، آگاه به اسرار انسان ها و توانا بر افشای آنهاست .

و الله مخرج ما كنتم تكتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۳، ۱۴

۱۳ - اتصاف خداوند به قدرتی فراگیر و مطلق ، امری روشن برای انسانها

ألم تعلم أن الله كل شيء قدير

استفهام در جمله فوق استفهام تقریری است و این نوع استفهام در موردی به کار می رود که مخاطب مضمون جمله را پذیرفته و آن را باور دارد. از آنجا که مخاطب جمله فوق همه انسانها هستند؛ یعنی، <ألم تعلم أيها الإنسان>، معلوم می شود: همگان به قدرت مطلق خدا آگاه هستند.

۱۴ - نسخ ادیان و احکامی از دین ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله كل شيء قدير

جمله <ألم تعلم ..> (البته دانستی که خدا بر هر چیز تواناست) دلیل برای حقایقی است که در آیه مطرح شده است و از آنهاست نسخ کردن احکام و یا به فراموشی انداختن آنها؛ یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، می تواند دینی را نسخ کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۲۲، ۲۳

۲۲ - قدرت و توانایی خداوند ، قدرتی فراگیر و همه جانبه است .

إن الله على كل شيء قدير

در زمانی مناسب ، و نیز جایگزین کردن آن با دستوری دیگر ، تواناست .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللہ بأمره إن اللہ علی کل شیء قدیر

جمله <إن اللہ . . . > را می توان با هر یک از حقایق مطرح شده در آیه ملاحظه کرد و به مناسبت آن، هدف از توجه دادن مخاطبان را به قدرت فراگیر خداوند، دریافت. در برداشت فوق جمله <إن اللہ . . . > در ارتباط با فرمان به عفو و گذشت و نسخ آن در آینده لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۱۰، ۶

۶ - خداوند ، بر پدید آوردن هر آنچه که بخواهد و هر آنچه تقدیر کرده ، تواناست .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

۱۰ - اقتدار خداوند بر ایجاد < هر آنچه که اراده کند > ، دلیل بر منزه بودنش از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن است .

قالوا اتخذ اللہ ولداً سبحنه بل . . . و إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن

برداشت فوق بر این اساس است که: جمله <و إذا قضی أمراً . . . > نیز، همانند فرازهای قبل، دلیل و برهان برای تنزیه خدا از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۶

۶ - خداوند ، برای دفع شر و خنثی کردن توطئه ستیزه گران با انبیا ، کافی است .

فسیکفیکهم اللہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۲

۱۲ - خداوند دارای قدرت مطلق است .

إن الله على

کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۱،۱۶

۱۱ - تمام قدرت ها از آن خداوند است و هیچ کس و هیچ چیز غیر از او قدرتی ندارد .

أَنْ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

۱۶ - مشرکان به هنگام مواجه شدن با عذاب الهی ، به انحصار قدرت به خدا ، پی خواهند برد .

و لو يرى الذين ظلموا إذ يرون العذاب أن القوة لله جميعاً

<إذ يرون> مفعول برای <یری> است و <أن القوة ..> با فعل مقدری جواب شرط می باشد؛ یعنی: <لو یری ... لعلموا أن القوة لله جميعاً>؛ اگر مشرکان امروز می دیدند آن روزی را که با عذاب قیامت مواجه خواهند شد، همانا می فهمیدند که تمام قدرتها از آن خداوند است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۶

۱۶ - <عن ابی عبداللہ (ع) فی قوله > فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي < يعلمون أني أقدر على أن اعطيهم ما يسئلون ؛

فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي لعلمهم یرشدون

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که فرموده: <فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي> روایت شده است: [بندگان] بدانند من توانایی دارم که آنچه می خواهند به آنها بدهم.<

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۳ ح ۱۹۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۵

۲۵ عزت و قدرت شکست ناپذیر الهی ، پشتوانه مجازات متخلفان از احکام و قوانین الهی

والمطلقات يتربصن . . . ولا

یحل لهن ... و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، قادر بر کیفر تخلف کنندگان از احکام الهی

و الله عزیز حکیم

آوردن صفت <عزیز> (به معنای قادری پیروز و شکست ناپذیر) پس از بیان احکام، تهدیدی است نسبت به متخلفان از احکام الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۵

۵ مرگ و حیات ، در قدرت خداوند

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۱۶، ۲۶، ۲۷

۱۶ شفاعت ، منافاتی با قدرت و مالکیت مطلق الهی ندارد .

له ما فی السموات و ما فی الارض من ذالذی یشفع عنده الا باذنه

۲۶ عدم غفلت در تدبیر عالم ، مالکیت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثیر اسباب و علل ، نشانه و دلیل قیومیت خداوند

الحي القیوم . . . وسع کرسیه السموات و الارض

تمام مطالبی که پس از صفت <القیوم> آمده است، می تواند توضیح دهنده آن صفت و نیز برهانی برای اثبات آن باشد.

۲۷ نگاهداری آسمان ها و زمین (نظام هستی) برای خداوند ، گران و دشوار نیست .

و لا یؤده حفظهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۵

۵ خداوند ، عزیر را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال اَنّی . . فاماته اللّٰه

مائه عام ثم بعثه

۲۰ درک عزیر از چگونگی معاد و توانایی خدا بر احیای مردگان ، پس از مشاهده زنده شدن خویش و عدم فساد طعام و نوشیدنی ها و زنده شدن الاغ

قال انی یحیی . . قال اعلم ان الله على كل شیء قدير

۲۱ مشاهده زنده شدن مردگان ، موجب شناخت قدرت مطلق خداوند

فلما تبين له قال اعلم ان الله على كل شیء قدير

۲۲ میرانده شدن عزیر و زنده شدن وی پس از صد سال و سالم ماندن خوردنی و آشامیدنی او از فساد و حیات مجدد الاغش ، پرتویی از قدرت مطلق الهی

فلما تبين له قال اعلم ان الله على كل شیء قدير

۲۳ میراندن و زنده کردن موجودات ، تنها در قلمرو قدرت مطلق الهی

فاماته الله مائه عام ثم بعثه . . قال اعلم ان الله على كل شیء قدير

۲۵ قدرت مطلق الهی

ان الله على كل شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲

۲ یادآوری ماجرای ابراهیم (ع) و زنده شدن مرغان ، باعث اطمینان به قدرت الهی ، بر احیای مردگان

و اذ قال ابرهیم ربّ ارنی کیف تحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱۵،۱۶

۱۵ قدرت مطلقه الهی

و الله على كل شیء قدير

۱۶ خداوند ، قدیر است .

و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۴

۴ شکل گیری انسان در رَجَم ، نشانه اقتدار

و حکمت خداوند است .

هو الذی یصورکم .. لا اله الا هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ اقتدار و حکمت الهی ، اساس قسط و عدل اوست .

قائماً بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم

۱۴ نظام عادلانه آفرینش ، نشان وحدانیت ، اقتدار و حکمت الهی است .

قائماً بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم

گویا جمله <لا-اله الا-هو .. > ، بیان نتیجه ای است برای <قائماً بالقسط> . یعنی نظام عادلانه دلالت می کند بر توحید، عزت، اقتدار و حکمت خداوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۲

۲ عدالت ، یکتایی ، اقتدار و حکمت خداوند مقتضی تسلیم شدن انسان ، تنها در برابر او

قائماً بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم. انّ الدّین عند الله الاسلام

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث با آیه پیشین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۵، ۳

۳ لزوم اقرار به مالکیت و قدرت مطلقه خدا ، و اینکه همه نیکی ها به دست اوست .

قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء .. بیدک الخیر

۵ قدرت و سیطره مطلق بر هستی ، از آن خداست .

قل اللهم مالك الملك

۶ خداوند ، تنها عطاکننده قدرت ، به هر کس که اراده فرماید .

تؤتی الملك من تشاء

۱۷ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نشأت یافتن هر خیری از جانب اوست .

بيدك الخير انك على كل

۱۹ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شرّ از او

بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر

۲۰ قدرت مطلق خداوند ، منشأ اعطای حاکمیت و عزّت

تؤتی الملک من تشاء .. تعزّ من تشاء ... انک علی کل شیء قدیر

۲۱ اعطای حاکمیت و پیروزی به انسان ها از جانب خداوند ، از قدرت مطلق او نمی کاهد .

مالک الملک .. انک علی کل شیء قدیر

از اینکه قبل از یادآوری عزّتها و قدرتهای خدادادی، مالکیت خدا ذکر شده و پس از آن، بر قدرت مطلق خداوند تأکید شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۴، ۵، ۶، ۱

۱ نوسان در مدّت شب و روز (تنظیم گردش ایام) ، از مظاهر قدرت الهی

انک علی کل شیء قدیر. تولج الیل فی النهار و تولج النهار فی الیل

<تولج النهار .. >، به معنای داخل کردن شب در روز و به عکس می باشد که بیانگر کاسته شدن از یکی و افزوده شدن به دیگری است. <تولج>، فعل مضارع است و دلالت بر استمرار این معنا دارد.

۳ تبدیل تدریجی شب و روز ، به یکدیگر (فاصله بین الطلوعین و غروب) به قدرت و حکمت الهی

انک علی کل شیء قدیر. تولج الیل فی النهار

بنابراینکه <ولوج> به معنای تبدیل تدریجی باشد.

۴ پدید آمدن زنده از مرده و مرده از زنده ، به دست خداوند

و تخرج الحیّ من المیت و تخرج المیت من الحیّ

۵ پیدایش مستمر حیات و مرگ به دست خدا ، نشانه قدرت

اوست .

تخرج الحي من الميت

۶ پیدایش جریان حیات در میان موجودات مرده و بی جان

و تخرج الحي من الميت

از تقدیم <تخرج الحي...> بر <تخرج الميت...> استفاده می شود که ابتداءً موجودات بی جان آفریده شدند و از بستر آنها زنده ها به وجود آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۵، ۴، ۳

۳ بازگشت انسان به سوی خدایی است که از علم و قدرت مطلق برخوردار است .

والى الله المصير. قل ان تخفوا ... و الله على كل شىء قدير

از ارتباط این آیه با جمله <والى الله المصير> .

۴ توجه به علم و قدرت مطلق الهی ، مقتضی پرهیز از قهر او *

و يحذرکم الله نفسه .. قل ان تخفوا ما فى صدورکم ... يعلمه الله

۵ توجه به علم الهی نسبت به آشکار و نهان و قدرت مطلق او ، مانع سوء استفاده از تقیه

الّا ان تتقوا منهم تقیه .. قل ... و الله على كل شىء قدير

۱۱ خداوند بر هر چیز تواناست . (قدرت مطلق الهی)

و الله على كل شيء قدير

۱۲ ایمان به علم و قدرت الهی ،

عامل احیای وجدان مذهبی

قل ان تخفوا... و يعلم ما فی السموات... و الله علی کل شیء قدیر

۱۴ قدرت مطلق الهی، پشتوانه اجرای تهدید او نسبت به مخالفان

قل ان تخفوا ما فی صدورکم... و الله علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱

۱ تجلی علم و قدرت حق، در روزی که هر کس کردار خویش را حاضر می یابد.

قل ان تخفوا... يعلمه الله... و الله علی کل شیء قدیر. یوم تجد کل نفس ما عملت

بنابراینکه <یوم تجد>، ظرف برای <یعلمه الله> و <قدیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۳

۳ ناتوانی زکریا بر تکلم تا سه روز، نمودی از قدرت خداوند بر تحقق مشیت خویش

كذلك الله يفعل ما یشاء. قال رب اجعل لی ایه قال ایتك الا تكلم الناس ثلثه ایام

ظهور <الا تكلم>، در نفی قدرت از متکلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۹،۱۴

۹ خداوند بدون اتکای به اسباب مادی و نیاز به آنها، آنچه را بخواهد، خلق می کند.

كذلك الله یخلق ما یشاء

۱۴ اراده خداوند به هر چه تعلق گیرد، چون بگوید باش، خواهد بود.

إذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۴

۴ توانایی و

چیرگی خداوند در مکر با کافران

و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۱۳، ۴، ۵

۳ خداوند، تنها قدرت غالب بر جهان هستی و همه عوامل و نیروها در حیطه قدرت اوست.

ان ینصرکم الله .. و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده

در آیه شریفه، یاری و نصرت را تنها از آن خدا می داند و چون به طور قطع، دیگر عوامل طبیعی و غیرطبیعی نیز در پیروزیها دخیل هستند، به این نتیجه می رسیم که قدرت و یاری دیگر عوامل، در احاطه خدا و به خواست اوست.

۴ پیروزی و شکست، تنها منوط به خواست و قدرت خداوند است.

ان ینصرکم الله .. و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده

۵ پوچی و ناتوانی تمام خواسته ها و قدرت ها در مقابل خواست و قدرت الهی

ان ینصرکم الله .. و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده

۱۳ توکل بر خدا، لازمه ایمان به قدرت مطلق خداوند است.

ان ینصرکم الله .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

با توجه به صدر آیه، که سخن از تنها قدرت غالب و نقش تعیین کننده الهی دارد، مراد از ایمان، ایمان به این قدرت است و تفریع جمله <و علی الله فلیتوکل .. > با <فاء> بر ما قبل، ضرورت توکل را متعاقب این باور ایجاب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱۰

توانایی مطلق خداوند بر انجام هر امری

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۵

۵ قدرت مطلق خداوند و آسیب ناپذیری وی از عملکرد کافران

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۶

۶ کوتاه بودن مدّت حیات آدمی در دنیا و یا به درازا کشیدن آن ، در اختیار خداست .

أَتَمَّا نَمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ .. أَتَمَّا نَمَلِي لَهُمْ

از اینکه <املاء> در آیه شریفه به خداوند اسناد داده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۴،۵

۴ خداوند ، توانمند و قادر بر هر چیز است .

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۵ مالکیت انحصاری و قدرت مطلق خداوند ، دلیل نبود گریزگاه برای مستحقان عذاب

فَلَا تَحْسَبْتَهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ .. وَ لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۱،۱۱

۱ خلقت آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر قدرت مطلق خداوند

وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ . اِنَّ فِىْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ الْاَيِّمِ وَالنَّهَارِ ل

جمله < اِنَّ فِىْ . . . > مى تواند بيانگر دلیلی برای قدرت مطلق الهی (وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ) باشد که در آیه قبل

مطرح شد. بنابراین مراد از <لایات>، نشانه های قدرت مطلق الهی خواهد بود.

۱۱ پی بردن از آفرینش به قدرت مطلق خداوند و یکتایی او در فرمانروایی بر هستی، دلیل بهره مند بودن آدمی از خرد ناب

انّ فی خلق السموات .. لایات لاولی الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ اعمال قدرت خداوند، حکیمانه است.

انّ الله کان عزیزاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ تمامی امور به دست خداوند و در اختیار اوست.

عسی الله ان یکفّ بأس الّذین کفروا

بدون تردید بازماندن کافران از آسیب رسانی به مؤمنان دارای عللی است، ولی خداوند آن را به خویش نسبت می دهد تا برساند که امور به دست و اختیار اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۷

۷ قدرت و تسلط خداوند بر حسابرسی و سنجش هر چیز

انّ الله کان علی کل شیء حسیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۴

۴ مالکیت خداوند بر هستی، دلیل توانمندی او بر رفع نیاز های انسان

يغنى الله كلاً من سعته .. والله ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - نساء - ٤ - ١٣٣ - ١،٢،٧

١ خداوند ، توانا بر هلاکت تمامی انسان ها و آفرینش انسانهاى دیگر

ان يشأ يذهبكم ايها الناس و يأت باخرين

و كان الله على ذلك قديراً

۲ قدرت خداوند بر نابودی کافران و گنهکاران و جایگزینی مؤمنانی تقوایسته به جای ایشان

ان اتقوا الله .. ان یشأ یدهبکم ایها الناس و یأت باخرین

۷ مالکیت مطلق خداوند ، دلیل نفوذ مشیت و قدرت وی بر هر گونه دخل و تصرف در جهان آفرینش

و لله ما فی السموت و ما فی الأرض .. ان یشأ یدهبکم

جمله <و لله ..>، تعلیل برای <ان یشأ...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی ، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۶،۷

۶ خداوند ، بسیار بخشنده و تواناست .

فإن الله كان عفواً قديراً

۷ عفو خداوند ، در عین قدرت او بر انتقام و کیفردهی

فإن الله كان عفواً قديراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۴

۱۴ عوامل طبیعی ، تحت سیطره خداوند و رام فرمان اوست .

فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۴

۱۴ ناتوانی و توانمندی دل ها ، برای درک تعالیم انبیا ، در اختیار خداست .

بل طبع الله علیها بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ خداوند ، قاهر و غالب در احتجاج و استدلال

لئلا یکون

للناس على الله حجه . . . و كان الله عزيزاً حكيماً

از نمونه های مورد نظر برای عزت و شکست ناپذیری خداوند، همان است که در جمله <لئلا يكون . . . > بیان شد.

۱۲ غلبه خداوند در احتجاج و استدلال ، برخاسته از حکمت بی پایان اوست . *

لئلا يكون للناس على الله حجه . . . و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۴۰

۴۰ توجه به قدرت و مالکیت مطلق خداوند ، زمینه ساز باور آدمی به کفایت خداوند در تدبیر هستی

له ما فى السموت و ما فى الارض و كفى بالله و كىلا

جمله <له ما فى السموت . . . > می تواند اشاره به علت کفایت خداوند در وکالت و تدبیر هستی داشته باشد ؛ یعنی چون مالک و فرمانروایی مطلق است، برای وکالت و تدبیر هستی کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۲

۱۲ تنها خداوند ، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لا يجدون لهم من دون الله ولياً و لا نصيراً

به قرینه فراز قبل <فيعذبهم عذاباً أليماً > مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می یابند، این است که تنها وی توانا بر یآوری آنهاست، نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۹

۱۹ نفی هر گونه قدرت در مقابل قدرت خدا

فلاتخشوهم و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

تحولات و دگرگونی های دل آدمی ، به دست خداست .

و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۴، ۲۰، ۱۰، ۹

۹ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك .. و من في الأرض جميعاً

۱۰ نفی هرگونه قدرت ، در برابر قدرت و اراده خداوند

فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك

استفهام <فمن يملك>، استفهام انکاری است. یعنی هیچکس قادر بر ایستادگی در برابر خواست خداوند نیست.

۲۰ ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، نشانه ضعف شناخت مسیحیان از خدا و قدرت مطلق اوست .

الذين قالوا .. و لله ملك السموت

۲۴ خداوند ، آنچه را بخواهد می آفریند .

يخلق ما يشاء

۲۷ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر)

لله ملك السموت و الارض و ما بينهما يخلق ما يشاء

بنابر اینکه <يخلق ما يشاء>، نتیجه ای باشد برای <لله ملك السموت والارض>

۲۹ خداوند ، بر هر چیزی تواناست .

و الله على كل شيء قدير

۳۰ قدرت مطلق خداوند ، دلیل نفوذ مشیت او بر تمام هستی

يخلق ما يشاء و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۳، ۱۴، ۱۵

۱۳ خداوند ، قادر مطلق و توانا بر انجام هر کار

و الله على كل شيء قدير

۱۴ بعثت پیامبران

الهی ، پرتویی از قدرت مطلقه خداوند

قد جاء کم .. و اللّٰه علی کل شیء قدیر

۱۵ قدرت خداوند بر انجام وعده ها و وعید های خویش

فقد جاء کم بشیر و نذیر و اللّٰه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۲، ۱۱

۱۱ خداوند ، مقتدر و کاردان است .

و اللّٰه عزیز حکیم

۱۲ خداوند ، مقتدری کاردان است .

و اللّٰه عزیز حکیم

بنابر اینکه <حکیم> صفت برای <عزیز> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲

۱۲ خداوند ، دارای قدرتی مطلق و گسترده

و اللّٰه علی کل شیء قدیر

۱۳ خداوند ، توانایی حکیم است . *

و اللّٰه علی کل شیء قدیر

<قدیر> به کسی گفته می شود که بر هر کاری توانا باشد و آن را بر اساس حکمت انجام دهد. (مفردات راغب).

۱۴ عذاب و آمرزش انسان ها پرتویی از قدرت مطلق خداوند

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء و اللّٰه علی کل شیء قدیر

۱۵ مشیت مطلق خداوند ، برخاسته از قدرت بیکران اوست .

يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء و الله على كل شيء قدير

۱۶ قدرت خداوند ، پشتوانه اعمال حاکمیت و جریان مشیت وی

الم تعلم إنّ الله له .. و الله على كل شيء قدير

جمله <والله> تعلیل است برای سلطنت و نفوذ مشیت خداوند در جهان هستی. یعنی چون خداوند قدرت مطلق دارد، می تواند حاکمیت و مشیت خویش را بر جهان اعمال کند.

۱۷ توجه به مالکیت مطلق خداوند و قدرت بیکران او ، بازدارنده

آدمی از هرگونه اعتراض به قوانین الهی

الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض . . . و الله على كل شيء قدير

جمله <الم تعلم . . .> می تواند به منظور توجیه حد سرقت و برطرف ساختن هر گونه اعتراض درباره آن باشد. به این بیان که مالک تمامی هستی، به هرگونه تصرف در ملک خویش مجاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۱

۳۱ اراده همه موجودات ، حتی رسول خدا (ص) ، مقهور حاکمیت اراده الهی

و من یرد الله فتنته فلن تملک له من الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۷

۲۷ قدرت خداوند بر قرار دادن انسان ها در یک شریعت و به صورت یک امت

و لو شاء الله لجعلکم امه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۹

۳۹ توان و غنای نامحدود و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده جریان خواست ها و مشیت های او

ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲،۱۰

۲ ناتوانی خداوند در انفاق و بخشش روزی به موجودات ، از باور های باطل یهود

و قالت اليهود یدالله مغلوله

جمله <ینفق کیف یشاء> می تواند قرینه باشد بر اینکه مراد از بسته بودن دست خدا و نافذ نبودن قدرت وی در پندار یهود تنها ناتوانی از اعطای روزی و انفاق به

انسانهاست.

۱۰ قدرت خداوند ، فراگیر و نافذ در تمامی امور هستی

بل یداه مبسوطان

باز بودن دست، کنایه از نفوذ قدرت می باشد و تشبیه آوردن کلمه <ید> برای رساندن کمال اقتدار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۴

۴ کسی جز خداوند قادر بر نفع و زیان رسانی نیست .

اتعبدون من دون الله ما لا یملک لکم ضراً و لانفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۲

۲ حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۱۱

۱۱ عزت و اقتدار خداوند ، دلیل امکان آمرزش مشرکان

و إن تغفر لهم فانک انت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۴،۵،۶،۷

۴ قدرت خداوند ، محیط بر همه هستی

و هو علی کل شیء قدیر

۵ قدرت مطلق و حاکمیت بر هستی ، ملائک الوهیت

لله ملك السموت و الارض و ما فيهن و هو على كل شيء قدير

۶ توجه به قدرت مطلق خداوند ، عامل آگاهی به بی همتایی او در الوهیت

و هو على كل شيء قدير

جمله <و هو على كل...> می تواند همانند جمله <و لله ملك...> تعلیلی باشد بر حقایق بیان شده در آیات گذشته.

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن

ينفع الصديقين صدقهم لهم جنت .. و ما فيهن و هو على كل شيء قدير

بيان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ عن أبي جعفر (اظنه محمّد بن نعمان) قال: سألت ابا عبد الله (ع) عن قول الله عز و جل > و هو الله في السموات و في الأرض < قال: كذلك هو في كل مكان .. محيط بما خلق عملا و قدره و احاطه و سلطاناً و ملكاً ...

ابوجعفر (احتمالاً همان محمّد بن نعمان است) گوید: از امام صادق (ع) درباره این جمله از آیه > و هو الله .. < سؤال کردم، امام فرمود: یعنی او به تمامی مخلوقات خویش از نظر علم، قدرت، سلطه و حاکمیت احاطه دارد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ ایجاد و استمرار بقای موجودات به دست خداوند است.

فاطر السموت و الأرض و هو يطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۶، ۳، ۲، ۱

۱ اگر خداوند آسیبی به پیامبر (ص) برساند، هیچ موجودی توان برطرف ساختن آن را ندارد.

و إن یمسک الله بضر .. فهو على كل شيء قدير

۲ هیچ موجودی توان جلوگیری از خیری را که خداوند به پیامبر (ص) برساند، ندارد.

و إن یمسک الله بخیر

هیچ موجودی توان دفع آسیب و یا خیری را که از ناحیه خدا باشد، ندارد.

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شوون ولایت الهی است.

أغیر الله أتخذ ولیا .. و إن یمسک الله بضر ... فهو علی کل شیء قدير

۷ توجه به اقتدار بی مانع خداوند بر رساندن نفع و ضرر، زمینه ساز اعتقاد به توحید و پرهیز از شرک

و لا تكونن من المشرکین .. و إن یمسک الله بضر ... فهو علی کل شیء قدير

۱۰ خداوند، قادر مطلق و توانمند بر هر کار است.

فهو علی کل شیء قدير

۱۱ هیچ مانعی در برابر جریان قدرت مطلقه الهی وجود ندارد.

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو .. فهو علی کل شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۱،۲

۱ آدمیان، مقهور در برابر اقتدار یگانه خداوند هستند.

و هو القاهر فوق عباده

۲ قدرت بدون رقیب خداوند در رساندن خیر و شر به آدمی، نشانه اقتدار و غلبه او بر تمامی بندگان

و إن یمسک الله بضر .. و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۹

۹ خداوند قادر به هدایت همه مردم به اسلام و ایمان است.

و لو شاء الله لجمعهم علی الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۵،۶،۷،۱۱

۵ تقاضای معجزات ویژه

و دلخواه، برخاسته از نادانی است.

و لکن اکثرهم لایعلمون

نفی علم از درخواست کنندگان معجزات ویژه بیانگر این است که نادانی زمینه پیدایش این نوع تقاضاهاست.

۶ ناآگاهی اغلب مشرکان از قدرت خداوند بر فرستادن هر گونه معجزه و نشانه

إن الله قادر علی أن ینزل آیه و لکن اکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون>، به قرینه فراز قبل آن، قدرت الهی است، یعنی: <لایعلمون أن الله قادر...>

۷ معدودی از مشرکان می دانستند که خداوند توان آوردن معجزه درخواستی آنان را دارد.

و لکن اکثرهم لایعلمون

۱۱ برخی از مشرکان، علی رغم آگاهی به قدرت خداوند بر نزول هر معجزه و فلسفه نازل نشدن آن، خواهان نزول معجزات ویژه خود بودند.

و قالوا لولا نزل... إن الله قادر... و لکن اکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۳،۵

۳ توانایی خداوند بر گرفتن قوه شنوایی و بینایی و از کار انداختن قوه درک انسان

إن أخذ الله سمعکم و أبصرکم و ختم علی قلوبکم

۵ اگر خداوند نعمت بینایی، شنوایی و ادراکی انسان را سلب کند، معبودهای باطل قدرت بازگرداندن آنها را ندارند.

إن أخذ الله سمعکم... من إله غیر الله یأتیکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱،۳،۶،۷

۱ فقط خداوند توانا بر فرستادن و مسلط کردن عذابهای گوناگون بر مشرکان است.

قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

۳ خداوند توانمند بر فرستادن عذاب از بالا (آسمان) و از زیر پاها (زمین) بر مشرکان است.

قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا من

فوقکم أو من تحت أرجلکم

۶ خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم

چون در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

۷ خداوند در عین قدرت بر عذاب و نابودی مشرکان، آنان را از مهلکه ها نجات می دهد.

قل الله ینجیکم ممنا و من کل کرب . . . قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۵

۵ خداوند یگانه، توانا بر رساندن نفع و ضرر به آدمیان، شایسته پرستش است.

قل أئدعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۶

۶ قدرت خداوند بر رویاندن گیاه زنده از دل دانه و هسته مرده، نمودی از قدرت او بر زنده ساختن آدمی پس از مرگ است.

لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم أول مره . . . إن الله فائق ... مخرج المیت من الحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۸

۱۸ جریان امور طبیعت و اداره آن در حیطه قدرت و قلمرو اراده خداوند است.

و هو الذی . . . فأخرجنا ... نخرج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۸،۹،۱۶

۱۸ اگر خداوند بخواهد

مردم ستمگر و کافر را نابود می کند و نسلهای دیگری را جانشین آنان می سازد.

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلَفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ

۹ اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود نابود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلَفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ

چون آمد و شد نسلها امری عادی و طبیعی است، جمله <إِنْ يَشَأْ...> باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

۱۶ اگر خداوند بخواهد با هلاک کردن آدمیان موجوداتی دیگر را جایگزین آنان خواهد کرد.

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلَفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ

فعل <یذهبکم> خطاب به همه آدمیان است و جمله <ما یشاء> (آنچه بخواهد)، عمومیت دارد و منحصر به انسان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۶

۶ اگر مشیت خداوند اجبار انسان بر هدایت بود، همگان را، بی استثنا، هدایت می کرد.

فَلَوْ شَاءَ لَهْدِيكُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱ - ۱

۱ عن الصادق(ع): ... و <المص> فمعناه: أنا الله المقتدر الصادق ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... <المص> یعنی، من خدای توانمند راستگو هستم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۱۹

۱۹ تنها خداوند، توانا به یاری انسان به هنگام مرگ است.

أين ما كنتم تدعون من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۱۳، ۱۲

۱۲ مطالعه عوامل طبیعی در حیاتبخشی به گیاهان ، موجب پذیرش معاد و پی بردن به قدرت خداوند است .

هو الذی یرسل الریح .. فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی

۱۳ پی بردن انسان ها به قدرت خداوند و توجه همواره به آن ، از اهداف آفرینش نیرو های طبیعی در هستی است .

هو الذی یرسل الریح .. لعلکم تذکرون

در برداشت فوق <لعلکم .. > غایت برای <یرسل الریح > و جمله های پس از آن گرفته شده است. یعنی از اهداف آفرینش این اسباب و مسببات تذکر یافتن انسانهاست. قابل ذکر است که <تذکر > به معنای دریافتن و پیوسته در ذهن داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۲

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفر های الهی ، بیانگر توانایی خداوند به گرفتارسازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبناهم بذنوبهم

فاعل <یهد > ضمیری است که به داستان و سرنوشت اقوام پیشین برمی گردد و <أن لو نشاء .. > مفعول آن می باشد. قابل ذکر است که <الذین یرثون > نیز مفعول به واسطه <یهد > است. و چون <یهد > به حرف لام متعدی شده، معنای تبیین در آن تضمین شده است. بنابراین جمله <أو لم یهد ... > یعنی آیا سرگذشت پیشینیان برای وارثانشان این حقیقت را روشن نکرده است که اگر مشیت ما اقتضا کند آنان را به سبب

گناهانشان عقوبت می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۳

۳ برطرف کردن عذاب های نازل شده از سوی خدا ، تنها در حیطة قدرت وی در اختیار اوست .

فلما كشفنا عنهم الرجز

چون اسناد برطرف ساختن عذاب به خداوند (فلما كشفنا)، در مقابل سخن فرعونیان است که برطرف ساختن عذاب را از موسی خواستند (لئن كشفت) به این حقیقت اشاره دارد که برطرف ساختن عذابهای نازل شده تنها در اختیار خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ حیات و مرگ همگان به دست خدا و در اختیار اوست .

یحی و یمیت

۱۴ حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل اقتدار او بر زنده کردن موجودات و میراندن آنهاست .

الذی له ملک السموت و الأرض . . . یحی و یمیت

بیان حاکمیت انحصاری خدا بر هستی و سپس توصیف او به حیات بخشی و مرگ آفرینی می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که چون امور هستی در اختیار اوست، مرگ و حیات موجودات نیز به دست او خواهد بود. بنابراین <له ملک ... > می تواند استدلال برای <یحی و یمیت > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۵

۲۵ طبیعت و جهان هستی در اختیار خدا و تحولات آن به دست اوست .

فانبعث منه . . . ظللنا عليهم الغم و أنزلنا عليهم المن و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ تنها خداوند شایسته پرستش و توانا بر تدبیر امور انسانهاست .

هو الذی خلقکم .. أیشر کون ما لایخلق شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۷ - ۷

۷ تنها خداوند توانا بر یاری بندگان و دفاع از خویشان است .

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم و لا أنفسمهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۹

۹ توان نیروهای شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، در برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت و أن الله مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۹، ۱۶

۱۶ تمایز حق از باطل با امداد های ویژه خداوند در جنگ بدر نمودی از قدرت مطلقه او

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شیء قدیر

برداشت فوق بر این مناست که جمله < و الله .. > ناظر به < یوم الفرقان > بودن جنگ بدر باشد.

۱۹ رفع نیازهای جامعه ایمانی از سوی خود مسلمانان ، منشأ تشریح خمس ، نه ناتوانی خداوند بر تأمین آن نیازها

و اعلموا أنما غنمتم من شیء .. و الله علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ قدرت و غلبه خداوند با حکمت و کاردانی است .

فإن الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۸ خداوند ، نیرومند و دارای عقاب شدید است .

إن الله قوي شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۲،۴،۷

۲ کافران هرگز قادر نخواهند بود خداوند را ناتوان ساخته و مانع تحقق اراده وی شوند .

إنهم لا يعجزون

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول محذوف از <لا يعجزون>، الله باشد. اعجاز (مصدر يعجزون) به معنای ناتوان ساختن است.

۴ کافران همواره مقهور خداوند هستند .

و لا يحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لا يعجزون

۷ خداوند ، مقتدری شکست ناپذیر

كفروا سبقوا إنهم لا يعجزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ انسان ها و قلب های ایشان در اختیار خداوند است .

و ألف بين قلوبهم .. و لكن الله ألف بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ اعلام قدرت بی انت های خداوند به عموم مشرکان صدر اسلام و هشدار به بی نتیجه بودن مقاومت در برابر او

و إن توليتم فاعلموا أنكم غير معجزى الله

۱۲ قدرت خدا، بی رقیب و غالب بر همه قدرتهاست .

فاعلموا أنكم غير معجزى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۶،۸،۹

۶ قدرت نامحدود خداوند، دلیل توانایی او بر عذاب مردم و جایگزین کردن امتی به جای امتی دیگر

يعذبكم عذاباً أليماً و يستبدل قوماً غيركم .. و الله على كل شيء قدير

۸ قدرت نامحدود خداوند، نشان بی نیازی او از

جهاد مؤمنان و آسیب ناپذیری او ، از تخلف آنان

إلا تنفروا .. و لا تضروه شيئاً و الله على كل شيء قدير

۹ سنت خداوند بر تعیین سرنوشت انسان ها در پرتو عملکرد خودشان ، با وجود قدرت او بر تعیین قطعی همه امور

إلا تنفروا يعذبكم .. و لا تضروه شيئاً و الله على كل شيء قدير

خداوند، از یک سو مؤمنان را به جهاد بر می انگیزد و از سوی دیگر بی نیازی خود را از عملکرد آنان اظهار می کند و این نشان دهنده سنت او بر نقش دادن به انسان در تعیین سرنوشت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ ناتوانی همه قدرت ها ، در برابر قدرت و اراده خداوند

و ما لكم من دون الله من وليّ و لانصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۸

۸ ناتوانی همه قدرت ها و نیرو ها در ایمن ساختن انسان از کیفر الهی

لا ملجأ من الله إلا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ خداوند ، دارای قدرتی بی چون و چرا و حاکمیتی بی بدیل ، بر مجموعه هستی

هو رب العرش العظيم

لزوم اتکا داشتن بر خدا به دلیل ربوبیت او نشانگر این است که حکم و اراده اش، همواره بر کل هستی نافذ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۴ - ۹

۹ توانایی خدا

بر پدید آوردن جهان و انسان ، نشانه توانمندی او بر ایجاد رستاخیز است .

إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۸

۸ قدرت پدید آوردن جهان و توانایی برپا کردن جهان آخرت ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شركائكم .. قل الله يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۴

۴ قدرت بر هدایت و رهبری به سوی حق ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شركائكم .. قل الله يهدى للحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۴،۵

۴ خداوند ، هر گاه کسی را به رنج و مصیبتی گرفتار فرماید ، هیچ موجودی توانایی دفع آن را ندارد .

إن یمسسک الله بضرّ فلا کاشف له إلا هو

۵ خداوند ، هر گاه خیر کسی را بخواهد ، هیچ موجودی توانایی سلب آن خیر را از وی نخواهد داشت .

و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۴،۷

۴ خداوند ، بر تحقق دادن هر امری تواناست .

و هو علی کل شیء قدير

۷ خداوند ، بر اعطای معیشت نیکو به موحدان و عذاب کردن مشرکان و پرستشگران غیر او تواناست .

یمتعکم متعًا حسنًا .. و إن تولّوا فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر .. و هو علی

در برداشت فوق، جمله <و هو علی ..> در ارتباط

با <یمتعمکم> و <أخاف علیکم عذاب یوم کبیر> معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۹

۹ خداوند هر آنچه را بخواهد ، انجام می دهد .

إن ربك فعال لما یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۴، ۲۱

۲۱ خداوند ، بر انجام مشیت ها و خواستههایش تواناست .

والله غالب علی أمره

ضمیر در <أمره> به <الله> باز می گردد و مراد از امر خدا ، کارهایی است که اراده و مشیت خداوند به تحقق آنها ، تعلق گرفته است.

۲۴ اکثریت مردم به جریان امور به تدبیر خدا و توان او بر انجام مشیتهایش و ناتوانی همگان در برابر او ، ناآگاهند .

والله غالب علی أمره و لكنّ أكثر الناس لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به وجود خدای یگانه و غالب و باور به شایستگی او برای پرستش ، اعتقاد و باوری خردمندانه است .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ هیچ کس و هیچ تدبیر و برنامه ای نمی تواند از اجرای تقدیرها ، مشیت ها و فرمان های تکوینی خدا جلوگیری کند .

ما أغنى عنكم من الله من شيء إن الحكم إلا لله

<اغناء> (مصدر أُغْنَى) از غَنَا و به معنای کفایت کردن و منع نمودن است (برگرفته شده از لسان العرب). <من شيء>
مفعول برای <ما أُغْنَى> و <من الله> حال برای

<شیء> می باشد. بنابراین جمله <ما أغنی عنکم ...> چنین معنا می شود: من [با تدبیر خویش] کفایت نمی کنم و باز نمی دارم چیزی (بلا و مصیبتی) را که از ناحیه خداوند [مقدّر] باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۲۰

۲۰ توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذی رفع السموت . . . يفصل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ تنها خداوند بر بازگرداندن گزند های تقدیر شده ، تواناست .

فلامرّد له و ما لهم من دونه من وال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۹

۱۹ خداوند ، بسیار مقتدر و تواناست .

و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۲

۲ هیچ کس و هیچ چیز (معبود های اهل شرک و . . .) هم پایه خداوند نبوده و به تدبیر امور انسان ها و قوام بخشیدن به آنان توانا نیست .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

<من> در <أفمن هو . . .> مبتداست و خبر آن شبه جمله ای همانند <کمن لیس كذلك> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- خداوند دارای قدرت لازم برای ایجاد پدیده ها و از بین بردن برخی و آوردن برخی دیگر به جای آنان

الم

تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۳

۳- خداوند ، آگاه به نیازها و خواسته های انسان و توانا بر تأمین آنهاست .

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه

چون خداوند تمامی نیازهای نوع بشر را برآورده است، معلوم می شود از آن نیازها آگاه و بر اعطای آنها قادر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۳

۳- انسان ها ، هر چند از همه امکانات و استعداد های خویش بهره جویند ، باز در برابر قدرت نامحدود خداوند ناتوانند .

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۳

۳- تمامی تلاش و توان ابلیس برای اغوای اکثریت مردمان ، تحت حاکمیت و قدرت خداوند است .

هذا صراط علیّ مستقیم

جمله <هذا صراط علیّ مستقیم> احتمال دارد در پاسخ ابلیس باشد که با انانیت، اغواگری مردمان را با تأکید به خود نسبت داد و خداوند، جواب می دهد: چنین نیست بلکه این امر تحت قدرت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۴ - ۵

۵- هیچ نیرویی توانایی دفع عذاب الهی را ندارد .

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲ - ۵،۷

۵- مسخر شدن ستارگان به فرمان و تدبیر

خداوند ، نمونه ای از قدرت عظیم او بر تحقق بخشیدن به فرمان های خود است .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه .. و النجوم مسخرت بأمره

در آیه <أتی أمر الله> خبر از آمدن امر الهی و تحقق وعده های او داده شده و در این جا تسخیر ستارگان به عنوان نمونه ای از آن امر یادآوری گردیده است تا نشان دهد خداوندی که ستارگان را رام خویش قرار داده است، قدرت بر تحقق وعده های خود را دارد.

۷- رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سخر لكم الیل والنهار والشمس والقمر .. إن فی ذلك لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۱۰، ۳

۳- خداوند ، دارای قدرت مطلق است .

إنما قولنا لشيء إذا أردناه أن نقول له كن فيكون

۱۰- مشرکان ، خداوند را قادر به احیای مجدد انسان ها پس از مرگ نمی دانستند .

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت بلی وعداً علیه ... إنما قولنا لشيء إذا أ

ذکر <إنما قولنا لشيء..> که برای اثبات قدرت مطلق خداوند است پس از بیان دیدگاه مشرکان درباره عدم احیای دوباره انسانها می تواند تعریض به مشرکان باشد؛ چون آنان دارای چنین دیدگاهی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۸

۸- قدرت خداوند ، فوق مکر و توطئه طراحان و توطئه گران علیه پیامبر (ص)

أفأمن الذين مکروا

السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- خداوند ، دارای علم و قدرت گسترده

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۴

۴- برپایی قیامت با همه گستردگی و عظمت ، امری آسان برای خداوند

و مَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَحٍ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۴

۴- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

و اللَّهُ . . . جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۵

۵- خداوند ، تنها قدرت حاکم بر جهان آفرینش است .

قُلْ . . . لَا تَبْتَغُوا إِلَيَّ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۴

۴- خداوند ، قادر بر زنده ساختن مجدد انسان ها ، حتی اگر به سنگ و آهن مبدل شوند .

قل کونوا حجاره أو حدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲

۲- برای خداوند ، احیای مجدد انسان از خاک ، سنگ ، آهن و یا ماده سخت تر از این ها ، یکسان است .

قل کونوا حجاره أو حدیداً . أو خلقاً ممّا یکبر فی صدورکم

از حرف <أو> که برای تخییر است و حکایت از تساوی معطوف و معطوف علیه در

نزد متکلم دارد، استفاده می شود که: سنگ شدن یا آهن شدن انسان، باعث نمی شود که خداوند در برخی موارد، نیاز به اعمال قدرت افزون تری داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱۲

۱۲- غیر خدا ، ناتوان از مقابله با قدرت و اراده او

ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۱،۹

۱- خداوند ، قادر بر محو و زایل کردن تمامی معارف و حقایقی است که بر پیامبر (ص) وحی کرده است .

و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

۹- > حسن بن محمد النوفلی یقول : ... قال سلیمان : ... إرادته علمه ، قال الرضا (ع) : ... ما الدلیل علی أن إرادته علمه ؟ و قد یعلم ما لا یریده أبداً ، و ذلک قوله عزّوجلّ : > و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک . . . قال سلیمان : فإن الإرادة القدره قال الرضا (ع) : و هو عزّوجلّ یقدر علی ما لا یریده أبداً و لا بدّ من ذلک لأنه قال تبارک و تعالی : > و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک < فلو كانت الإرادة هی القدره کان قد أراد أن یرده به لقدرته . . . ;

حسن بن محمدنوفلی می گوید:.. سلیمان گفت:... اراده خدا عین علم خداست. امام رضا(ع) فرمود:... چه دلیلی بر این هست که اراده او علم اوست؟ در حالی که خداوند تحقیقاً چیزی را می داند که

آن را هرگز اراده نمی کند و آن سخن خداوند عزوجل است که می فرماید: <و لئن شئنا لنذهبن بالذی أوحینا إلیک > ... سلیمان گفت: پس اراده همان قدرت است. امام رضا(ع) فرمود: این خداوند عزوجل است که هر چیزی که هرگز اراده نمی کند قادر است و ناچار باید این مطلب را پذیرفت؛ چون خداوند تبارک و تعالی فرمود: <و لئن شئنا لنذهبن بالذی أوحینا إلیک > پس اگر اراده همان قدرت بود اراده کرده بود که [آنچه بر پیامبر(ص) وحی شده] از یاد او ببرد چون قادر بود ...< .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۳ - ۳

۳- به هنگام نزول کیفر الهی ، تنها ، خداوند ، قادر به جلوگیری و متوقف ساختن آن است .

و لم تکن له فته ینصرونه من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

کانت أعینهم فی غطاء .. أفحسب الذین کفروا أن یتخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۲

۲- پیدایش فرزند از پدری فرتوت و مادری عقیم ، کاری آسان برای پروردگار

قال ربک هو علی هین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۷،۹

۷- خداوند دارای قدرت مطلق است و بر پدیدآوردن هر آنچه تقدیر کرده توانا است .

إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

۹- خداوند برای ایجاد چیزی ، نیازمند به کارگیری اسباب و وسایط نیست .

إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

معنای نیازمند نبودن خداوند به اسباب و وسایط این نیست که خداوند اسباب را به کار نمی گیرد، بلکه بدان معنا است که اسباب در رتبه متأخر از اراده و فرمان او قرار دارند، بنابراین اراده او محدود به هیچ وسیله ای نیست و وسایل نیز با فرمان او و به شکلی که او بخواهد عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۷

۷- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است . *

له ما بین أیدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: <ما بین أیدینا> (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و <ما خلفنا> (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و <ما بین ذلک> (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است تناسب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۷ - ۵

۵ - خداوند ، قادر

به دفع امراض و رفع هرگونه نقص و عیب از موجودات است .

واحلل عقده من لسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - عوامل گمراهی ، وسیله های آزمون مردم از سوی خداوند بوده و مقهور قدرت او هستند .

فتنًا .. و أضلّهم السامریّ

گمراه گری سامری با آن که به شخص او استناد داده شده است، مصداق آزمون الهی قرار گرفته، حاکی از این است که خداوند بر کار او تسلط دارد و وی را به خواست خویش، آزاد گذاشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۷ - ۳

۳- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتخذ لهموًا لآتخذنه من لدنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <من لدنا>، معنای <من جبهه قدرتنا> را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که <من لدنا> ظرف مختص در قبال <من لدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها، پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است.>. گفتنی است آمدن <لدنا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۶

۱۶- خداوند ، قادر بی مانند و حاکم مطلق در پهنه هستی است .

بل مَتَعْنَا هَؤُلَاءِ .. اَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۶

۶- قدرت خداوند ، مطلق است و همه قدرت ها در برابر او ناتوان و بی اثراند .

قالوا حَرِّقُوهُ .. قَلْنَا يَنَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلْمًا عَلٰی اِبْرٰهِيْمَ

جمله <قالوا حَرِّقُوهُ> پاسخ به قدرت نمایی بت پرستان است (قالوا حَرِّقُوهُ). بنابراین جمله یاد شده گویای این حقیقت است که انسان ها با همه توانایی هایشان در برابر اراده و قدرت خداوند ناتوان و مغلوب اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۳

۳ - توانایی خدا بر احیای همه مردگان

و اِنَّهُ يَحْيِي الْمَوْتِي

<موتی> جمع <میت> است و جمع محلاً به <ال> مفید عموم می باشد. بنابراین <الموتی> یعنی، همه مردگان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۷

۷ - خدا ، توانا بر نصرت و یاری رساندن به مؤمنان مورد تهاجم و مظلوم

و اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ

... و أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

در آیه پیش، خداوند به آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعده‌هایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه‌ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۵

۵ - توجه به چگونگی خلقت نخستین انسان، زداینده هر گونه تردید در امکان معاد و توانایی خدا بر احیای مجدد مردگان

و لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ... ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تَبْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند، قادر به از میان بردن همه آب‌های زمین

و إِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لِقَدْرُونَ

<ذهاب> (مصدر فعل لازم) به معنای رفتن است و با <باء> تعدیه به معنای بردن می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۱

۱ - خداوند، توانا بر تحقق بخشیدن به وعده‌های خود

و إِنَّا عَلَىٰ أَنْ نَرِيكَ مَا نَعْدُهُمْ لِقَدْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - خداوند تحقیقاً بر هر کاری توانا است.

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۱ - بی تردید خداوند ، قادر مطلق و بر آفرینش هر چیزی توانا است .

و الله خلق كل دابة

.. إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

از پیام های این سخن که <خداوند بر هر شیئی قادر است> به قرینه جملات پیشین که از آفرینش جانداران و هر آنچه خدا بخواهد سخن گفته است توانایی خداوند بر آفرینش هر چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۳،۵

۳ خداوند ، توانا بر مهتیا ساختن باغ هایی با نهر های روان برای پیامبر (ص) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

أَوْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا .. تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي

۵ خداوند ، توانا بر مهتیا ساختن قصرهایی با عظمت برای پیامبر (ص) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ .. يَجْعَلُ لَكَ قَصْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۴

۴ خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستادن آنها از کم و زیاد شدن

الظَّلِّ و لو شاء لجعله ساكنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۲

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذي جعل الليل والنهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱

معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۱،۴

۱ - قدرت خداوند ، بر نزول نشانه ای انکارناپذیر از آسمان برای ناگزیر ساختن کافران به ایمان

إن نشأ نزل علیهم من السماء آیه فظلت .. خضعین

۴ - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ .. فظلت أعنتهم لها خضعین

برخی بر آنند همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود، <عنق القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم>؛ یعنی، <سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۱،۳

۱ - خداوند ، تنها قدرت قاهر شکست ناپذیر

و إن ربك لهو العزيز

<العزيز> مسند محلی به <ال> جنس و مفید حصر است. گفتنی است که اهل لغت در معنای <عزیز> گفته اند: <الغالب الذی لا یغلب>؛ پیروزمندی که شکست نمی خورد.

۳ - اعتقاد به عزت و شکست ناپذیری خدا ، هموار کننده راه ایمان به رستاخیز و توانایی خدا بر احیای مردگان

و ما کان أكثرهم مؤمنین . و إن ربك لهو العزيز

با توجه به مفاد آیات پیش (انکار معاد از سوی کافران و ارائه نشانه های قدرت خدا بر برپا ساختن رستاخیز و پایان بخشیدن موضوع یاد شده با ذکر عزت خدا) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸

۲ - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

<عزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۲

۲ - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

<عزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۲

۲ - خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

واژه <عزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۲

۲ - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

کلمه <عزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۲

۲ - خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ

کلمه <العزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۱

۱ - خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ

واژه <العزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۲

۲ - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ

<العزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۶

۶ - خداوند ، توانا بر جدا ساختن سرنوشت مؤمنان واقعی از فرجام کافران محکوم به هلاکت

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين .. و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰، ۱۲

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

۱۲ - ربوبیت الهی ، آمیخته با قدرت و آگاهی عمیق

إِنَّ رَبَّكَ .. وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر آفرینش هر چه بخواهد .

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۵، ۳

۳ - خدا ، قدرت مطلق و بلامنازع جهان آفرینش است .

قل أرءيتم إن جعل الله عليكم الئيل سرمدًا إلى يوم القيمة من إله غير الله

مفاد آیه بالا، این است که اگر خدا چیزی را بخواهد، در تمام هستی کسی نیست که بتواند اراده او را نقض کند و برخلاف خواست او کاری انجام دهد.

۵- توانایی خدا بر تاریک قرار دادن زمین و محروم ساختن مردم از روشنایی روز تا برپایی قیامت

أرءیتم إن جعل الله علیکم الّیل سرمدًا إلی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۳

خدا، قدرت مطلق و بلامنازع جهان آفرینش است .

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه علیکم النهار سرمدًا . .. من إله غیر اللّٰه ... أفلاتبصرون

مفاد آیه بالا این است که هرگاه خداوند کاری را اراده کند، هیچ کس نمی تواند اراده او را نقض کند و برخلاف خواسته او کاری انجام دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۲

۱۲ - هرگز ، هیچ قدرتی ، توان پیشی گرفتن بر خدا را ندارد .

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أولم یروا کیف یبدئ اللّٰه الخلق

همزه <أولم یروا> استفهام توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۲

۲ - آسمان و زمین ، تحت قدرت قاهر خداوندی است .

و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و لا فی السماء

<ما أنتم بمعجزین> کنایه از این است که او، توان بیشتری دارد و شما، نمی توانید از قدرت او، فرار کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۴

۴ - ثبات و استقرار آسمان و زمین ، به فرمان و قدرت خداوند و بدون اسباب و علل ظاهری است .

و من آياته أن تقوم السماء والأرض بأمره

این که خداوند، برپایی و استقرار و ثبات آسمان و

زمین را بدون اسناد به علتی ظاهری، به امر و فرمان خود معرفی می کند، حاکی است که آسمان و زمین، بدون علت ظاهری برپا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۶،۱۶

۶ - خداوند، زمین را حیات می بخشد و بر احیای مردگان، توانا است.

کیف یحی الأرض بعد موتها إنّ ذلك لمحی الموتی

۱۶ - قدرت مطلق خداوند، منشأ ریزش باران، و احیای زمین به وسیله آن است.

فتری الودق یخرج من خلله .. یحی الأرض بعد موتها ... و هو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۶،۱۶

۶ - خداوند، بر آفرینش هر آنچه که بخواهد، توان دارد.

یخلق ما یشاء و هو .. القدیر

۱۶ - علم و قدرت مطلق خداوند، منشأ نفوذ مشیت او بر آفرینش هر چیزی است.

یخلق ما یشاء و هو العلیم القدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۶،۹

۶ - خداوند، بر همه امور قدرت مطلق دارد.

إنّها إن تک مثقال حبه من خردل .. یأت بها الله

<یأت بها الله> می تواند قرینه باشد بر این که آیه، درصدد اثبات قدرت مطلق خداوند است.

۹ - متوجه کردن فرزند به علم و قدرت مطلق خداوند، با استفاده از شیوه آموزشی قابل فهم، نمودی از حکمت لقمان است.

لقد ءاتينا لقمن الحكمه . . . إذ قال ... بينى إنّها إن تك مثقال حبه ...

یأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۸

۸ - کافران ، هیچ گریزی از حیطة قهر و قدرت خداوند ، ندارند .

نضطرهم إلى عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تن است .

ما خلقکم و لا بعثکم إلاّ کنفس وحده

۲ - برای خدا ، آفریدن افراد زیاد ، با آفریدن یک تن ، تفاوتی ندارد .

ما خلقکم و لا بعثکم إلاّ کنفس وحده

<إلاّ کنفس واحده> می تواند قرینه باشد بر این که مراد از خلق و بعث در <ما خلقکم و لا بعثکم> خلق و بعث جمعی است و در این صورت آیه، نکته یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۳

۳ - تبدیل شدن تدریجی قسمتی از روز و شب به هم ، به قدرت خدا است .

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

<یولج..> به معنای افزوده شدن بخشی از شب به روز و برعکس آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۴

۴ - خالقیت ، مالکیت ، قدرت و علم مطلق خدا ، برخاسته از حقانیت محض و ثبوت ازلی خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله .. لله ما فی ... إنَّ الله عز

مشارالیه <ذلك> می تواند صفات

کمالی ذکر شده در آیات پیشین برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۴

۴ - تردید در امکان معاد ، به رغم مشاهده قدرت خدا در آفرینش هستی ، برخاسته از بهره نگرفتن از ابزار شناخت و تعقل است .

جعل لكم السمع و .. و قالوا أءذا ضللنا فى الأرض أءنا لفى خلق جديد

ذکر <وقالوا أءذا..> پس از بیان ناسپاسی انسان ها و یا کم سپاسی آنان در برابر نعمت قوای ادراکی اعطا شده از جانب خداوند، می تواند بیان کننده این نکته باشد که انسان ها از نعمت قوای ادراکی، بهره نگرفتند. (ناسپاسی) و در نتیجه در مسأله معاد تردید روا داشتند. لازم به ذکر است که شکر نعمت قوای ادراکی به تناسب موضوع، به کاربردن آنها در راه شایسته و تعیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۷ - ۳،۵،۹

۳ - هیچ قدرتی توان ندارد از تصمیم خداوند درباره گرفتار کردن کسی به بدی و رنج ، جلوگیری کند .

من يعصمكم من الله إن أراد بكم سوءًا

۵ - خداوند ، آن چنان توانایی دارد که می تواند در سخت ترین شرایط جهاد و جنگ ، انسان را از مرگ حفظ کند .

إن فررتم من الموت .. من ذا الذى يعصمكم من الله إن أراد بكم سوءًا أو أراد بكم

۹ - خداوند ، تنها کسی است که می تواند شر و بدی خود آفریده را ، رفع کند .

من ذا الذى يعصمكم من الله إن أراد بكم سوءًا.

.. ولا يجدون لهم من دون الله وليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ - توان مندی خداوند ، با عزّت و شکست ناپذیری او همراه است .

و كان الله قويّاً عزيزاً

<عزيزاً> می تواند خبر دوم برای <كان> باشد و می تواند صفت برای <قويّاً> باشد. بنا بر احتمال دوم، نکته یاد شده به دست می آید.

۱۲ - توان مندی خداوند ، منشأ فراهم آمدن زمینه پراکنده شدن احزاب متّحد از اطراف مدینه

و ردّ الله الذين كفروا .. و كان الله قويّاً

<و كان الله ..> به منزله تعلیل برای جمله <و ردّ الله الذين كفروا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۲

۲ - توان مندی و شکست ناپذیری خداوند ، یهودیان را از قلعه های مستحکم خویش ، فرود آورد .

و كان الله قويّاً عزيزاً . و أنزل الذين ظهروا من أهل الكتب من صياصيههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۸،۹

۸ - قدرت مطلق خداوند ، عامل شکست یهود بنی قریظه و پیروزی مسلمانان مدینه بود .

أنزل الذين ظهروهم .. فريقاً تقتلون ... و كان الله على كلّ شيء قديراً

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب .. و أورثكم أرضهم ... و كان الله على كلّ ش

۶ - تشویق خداوند به دقت نظر در افق های آسمان و زمین ، جهت آگاهی یافتن از قدرت خدا بر تجدید حیات مردگان

رجل یتبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید .. أفلم یروا إلی ما بین أید

<أفلم یروا> تشویق و تحریک بر اندیشیدن در آسمان ها و زمین است و این که انسان ها در احاطه آنها هستند و هیچ راه گریزی از آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - خداوند ، توانا بر آفرینش پدیده های دیگری طبق مشیت خویش

یزید فی الخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توانایی خداوند بر نابودی انسان ها و آفرینش موجودات جدید به جای آنان

إن یشاء یدهبکم و یأت بخلق جدید

۳ - توانایی خداوند بر نابودی کامل ملّتی و جایگزین کردن مردمی جدید به جای آنان نشانه غنا و بی نیازی مطلق او از بندگان و عبادت آنان است .

و الله هو الغنی الحمید . إن یشاء یدهبکم و یأت بخلق جدید

برداشت بالا با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در جهت تبیین مطلب یاد شده در آیه قبل (قدرت مطلق خداوند و غنا و بی نیازی مطلق و ستودنی او) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - نابودی کامل ملت ها و جایگزین کردن موجودات جدید به جای آنان ، کاری آسان برای خداوند

و یأت

بخلق جديد . و ما ذلك على الله بعزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، قدرت مطلق و بلامنازع عالم هستی است .

و ما كان الله ليعجزه من شيء في السموت و لا في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۸ - ۳

۳ - نابود کردن جوامع محکوم به فنا ، امری آسان برای خدا و او بی نیاز از لشکر آسمانی است .

جند من السماء و ما کنا منزلین

تأکید خداوند بر نفرستادن هیچ لشکر آسمانی و نیز عذاب و نابود کردن انسان های محکوم به فنا تنها با یک صیحه که در آیه بعد آمده است می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند بر غرق ساختن تمامی سرنشینان کشتی ها در اعماق دریا ها توانا است .

و إن نشأ نغرقهم فلا صریخ لهم و لا هم ینقذون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۵

۵ - اعضای بدن انسان (پا ، دست و ...) در قیامت به قدرت خدا ، به سخن در خواهند آمد .

تکلمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها

و نوردیدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأئی یبصرون

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از <لطمسنا علی أعینهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از <الصراط> نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر مسخ کردن کافران ، به گونه ای که آنان آن چنان زمین گیر شوند که از برخاستن از جای خود و حرکت به پیش و عقب ناتوان شوند .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیاً و لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۵ - ۴

۴ - تنها خداوند ، توانا بر یاری رسانی به انسان ها در روز رستاخیز

و اتخذوا من دون الله ءالهه لعلهم ینصرون .. و هم لهم جند محضرون

از تأکید خداوند بر ناتوانی مطلق همه معبودها از یاری رسانی (به جز الله)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۶،۷

۶ - خداوند ، بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی آگاه و توانا است .

و هو بکلّ خلق علیم

۷ - آگاهی خداوند بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی ، دلیل و نشانه امکان برپایی قیامت و توانایی

خداوند بر احیای مجدد انسان ها

و هو بکلّ خلقِ علیم

جمله <و هو بکلّ خلقِ علیم> ادامه استدلال برای امکان معاد و رد شبهه منکران قیامت است؛ یعنی، بعید شمردن برپایی قیامت، ممکن است ناشی از این شبهه باشد که چگونه اجزای پوسیده و پراکنده بشر، شناسایی و جمع خواهد شد. خداوند در پاسخ آن، مسأله علم مطلق خویش بر آفرینش جهان هستی را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۵۸

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در <أولیس ..> استفهام انکاری و تعجیبی است.

۸ - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیی العظم و هی رمیم .. أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۸

۸ - خداوند ، دارای قدرت مطلق است .

إنما أمره إذا أراد شیئا أن یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۰ - ۶

۶ - ناآگاهی مشرکان از منزلت و قدرت پروردگار جهان

سبحن ربک ربّ العزّه عمّا یصفون

تنزیه و مبرا دانستن خداوند از توصیف های مشرکان، گویای این حقیقت است که

آنان، معرفتی نسبت به خداوند جهان نداشتند و از قدر و منزلت او بی اطلاع بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۵،۶،۷

۵ - معبود های مورد پرستش مشرکان ، خود مقهور اراده خدا و ناتوان در برابر قدرت او هستند .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله . . . برحمة هل هنّ ممسکت رحمتہ

۶ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله . . . برحمة هل هنّ ممسکت رحمتہ

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

۷ - قدرت گسترده و اراده مطلق خداوند ، در رساندن سود و زیان و رحمت و نعمت به انسان ها

قل أفرءیتم . . . إن أرادنی الله بضرّ هل هنّ کشفّت ضرّه أو أرادنی برحمة هل هنّ م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۰،۱۴

۱۰ - مقتضای الوهیت حق (الله) ، توانایی او بر خلق و آگاهی کامل او از غیب و شهود است .

قل اللهم فاطر السموت و الأرض علم الغیب و الشهده

یادآوری وصف توانایی و آگاهی خداوند، پس از آمدن نام مقدس او (الله)، بیانگر مطلب بالا است.

۱۴ - قدرت و علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری عادلانه او در میان بندگان

قل

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ

ذکر داوری خداوند، پس از یاد کردن از خالقیت و علم همه جانبه او، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۵

۵ - انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَانَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۲، ۷

۷ - ناچیز بودن جهان هستی (آسمان ها و زمین) ، در برابر عظمت و قدرت خداوند

و الأرض جميعاً قبضته .. و السموات مطوَّياتٌ بيمينه

<قبضه> بر وزن فعله دلالت بر <مرّه> می کند؛ یعنی، یک مشت. این تعبیر و نیز تعبیر پیچیده بودن آسمان ها در دست خدا، کنایه از ناچیز بودن آنها و نیز اشاره به عظمت خداوند است؛ زیرا به چیزی که کاملاً در اختیار کسی باشد، می گویند: در مشت او است.

۱۲ - > عن سليمان بن مهران ، قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ > و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة > فقال يعني ملكه لا يملكها معه أحد . . . > و السماوات مطوَّياتٌ بيمينه > قال : اليمين اليد ، و اليد القدره و القوه يقول عزَّوجلَّ و السماوات مطوَّياتٌ بقدرته و قوته سبحانه و تعالی عما يشركون ؛

سليمان بن مهران گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزَّوجلَّ که می فرماید: <و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة>

سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالک زمین نیست. .. و درباره >و السماوات مطویات بیمینه< فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزوجل فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هر گونه شرکی که به او نسبت می دهند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۶

۶ - خداوند ، صاحب قدرت است .

ذی الطول

یکی از موارد کاربرد واژه >طول< قدرت است و در این آیه چون خداوند، دو صفت امیدآفرین و ترغیب کننده را در آغاز بیان فرموده (غافر الذنب و قابل التوب)، ممکن است درصدد بیان دو صفت هشداردهنده باشد و آن شدیدالعقاب بودن و ذی الطول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۳،۴،۹

۳ - خداوند ، بر پدید آوردن هر آنچه تقدیر کرده ، توانا است .

فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

۴ - خداوند ، هر چیزی را تقدیر کند با گفتن > باش و به هستی درآ< آن را پدید می آورد .

فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

۹ - خداوند ، دارای قدرت مطلق است .

فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۸

۸ - خالق انسان ، همواره برتر و توانمندتر از انسان

أَوْلَم يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي

خلقهم هو أشد منهم قوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۸،۱۳

۸ - اعضا و جوارح آدمی ، آگاه به وجود خداوند و قدرت و اقتدار او

قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شيء

۱۳ - آفریدگار جهان و برپادارنده قیامت ، قادر به ایجاد نطق و شعور در اعضا و جوارح انسان

قالوا أنطقنا الله ... و هو خلقكم أول مره و إليه ترجعون

جمله <و هو خلقكم> به منزله دلیلی بر قدرت خداوند در ایجاد نطق و سخن در اعضا و جوارح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۸

۸ - قدرت خداوند در حیات بخشیدن به زمین ، نشانگر قدرت او در حیات بخشیدن به مردگان است .

إن الذي أحيها لمحي الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱

۱ - خداوند ، قادر به همسان ساختن مجموعه بشر ، در صورت تعلق مشیت او به همگونگی اجباری آنان

و لو شاء الله لجعلهم أمه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعيد . الله لطيف بعباده يرزق من يشاء و هو القوی العزيز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۰ - خداوند، قادر به مجازات گمراهان

و سلب بهره‌وری‌های دنیوی ایشان است؛ ولی ریزنگری‌ها و مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است.

لفی ضلل بعید... لطیف... یرزق من یشاء و هو القوی

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می‌دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ‌گویی به یک پرسش نهفته است و آن این‌که: اگر منکران معاد و گمراهان، بر باطل اند پس چرا خداوند روزی خود را از آنان دریغ نمی‌دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: <لطیف بودن>، <مشیت> و <قدرت شکست‌ناپذیر او>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۸،۱۳

۸ - خداوند، توانا بر گردآوری موجودات زنده جهان، هر زمان که مشیتش بدان تعلق گیرد.

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

۱۳ - برپایی قیامت برای آفریننده هستی، امری سهل و آسان است.

و من ءایته... و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۱

۱ - انسان‌ها، هیچ‌گونه راه فرار و گریزی در برابر قدرت الهی ندارند.

و ما أنتم بمعجزین فی الأرض

کلمه <معجزین> (از ماده <عجز>) به معنای به عجز در آوردن است؛ اما این کلمه در بسیاری از آیات قرآن به معنای فرار کردن از حیطه قدرت الهی و از چنگال عذاب او آمده است (که لازمه معنای لغوی آن می‌باشد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۸

۸ - مطالعه

قوانین طبیعت ، زمینه ساز ره بردن انسان به قدرت الهی است .

و من ءایته الجوار .. . إِنَّ فِی ذَٰلِکَ لَآیٰتٍ لِّکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۴

۴ - خداوند ، قادر و توانمند بر آفرینش هر آنچه بخواهد .

یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۲

۲ - قدرت های مادی ، با تمامی اقتدار و شکوه ، ناتوان از مقابله با قوانین و مشیت های خداوند

فأهلکنا أشدَّ منهم بطشًا و مضی مثل الأولین

یادآوری نابودی جوامع مقتدر شرک پیشه، می تواند نشانگر این نکته باشد که قدرت ظاهری و مادی، مانع عذاب الهی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۵

۵ - ضعف و ناکارآمدی قدرت های مادی ، در برابر انتقام و عذاب الهی

قال مترفوها .. . فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا .. . لیبوتهم سققًا من فضّه و معارج علیها یظہرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰

۱ - خداوند ، توانا بر جایگزین ساختن فرشتگان وحی پذیر ، به جای انسان های وحی ستیز

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة في الأرض

با توجه به آیات پیشین که در مورد مخالفت مشرکان مکه با پیام وحی بود، استفاده می شود که آیه شریفه در صدد اثبات مطلب بالا است.

۴ - تبدیل ماهیت انسانی به فرشته (مجرد) ، امری ممکن برای خداوند

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه

گروهی از مفسران آیه شریفه را ناظر بدین معنا دانسته اند که اگر خداوند بخواهد، می تواند فرزندان انسان را فرشته قرار دهد که جانشین او در زمین گردند.

۵ - خداوند ، می تواند انسان ها را خوی فرشتگی بخشد و آنان را مطیع و فرمانبر خویش قرار دهد .

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه فی الأرض یخلفون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <لجعلنا منکم ملئکه> این باشد که، می توانیم خوی عصیان و طغیان را از شما باز گیریم و شما را همانند ملئکه مطیع و فرمانبردار خود قرار دهیم. علامه در <المیزان> این احتمال را پذیرفته اند.

۶ - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی (ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۴

۴ - کتاب تشریح (قرآن) و کتاب تکوین (نظام طبیعت) ، هر دو متکی به مبدئی یگانه ، مقتدر و حکیم

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

. إن في السموت و الأرض لآيت

از ارتباط دو آیه و این که در آیه قبل سخن از <کتاب تشریح> و در این آیه سخن از <نظام تکوین> به میان آمده است؛
همگونی و منشأ یگانه هر دو استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۶

۶- ربوبیت یگانه خداوند بر هستی ، همراه با اقتدار و دانایی

رَبِّ الْعَالَمِينَ . و لَهُ الْكِبْرِيَاءُ ... و هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۶

۶- خداوند ، قادر به شنیدن و اجابت همه دعاها و نیازهای عبادت گران خود

مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر غیر خدا نمی تواند نیازهای گسترده خلق را برآورده کند؛ اما خداوند قادر به
اجابت هر دعا در هر زمینه و در هر زمان می باشد، چرا که او نه از دعایی غافل است و نه از اجابت آن عاجز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۷

۷- تنها خدای یگانه هستی ، حاضر در همه صحنه ها و قادر به یاری انسان

فَلَوْلَا ... اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ... بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ

برداشت بالا با استفاده از مفهوم آیه به دست می آید؛ زیرا این آیه به مشرکان تعریض دارد که چرا خدایانی را پرستیدند که
به هنگام نیاز، بدان ها دسترسی نداشته و آنها را گم کنند و چرا رو به خدایی

نیاورده اند که همه جا هست و هیچ مکانی از او خالی نیست؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۰

۲۰- خداوند ، قادر بر انتقام از کافران ، بدون دخالت نیرو های بشری

و لو یشاء الله لانتصر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۸

۸- کافران ، با تمامی امکانات خویش ، در نهایت مغلوب قدرت قاهر خداوند

دمّر الله عليهم

واژه <دمّر> در صورت تعدی با <علی> ، بیانگر شدت ویرانی و تخریب و نمایانگر نهایت قدرت و غلبه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۲

۲ ناتوانی بیماردلان منافق از غلبه بر اراده خداوند و پنهان داشتن چهره واقعی خود برای همیشه

یخرج الله أضغثهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، قادر به معرفی دقیق منافقان به پیامبر (ص)

و لو نشاء لأرینکهم فلعرفتهم بسیمهم

۲- خداوند ، قادر به ظاهر ساختن علایمی در وجود منافقان ، برای رسوا کردن آنان

و لو نشاء لأرینکهم فلعرفتهم بسیمهم

<سیما> به معنای علامت و نشانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۴

۴ - خداوند جهان آفرینِ حکیم و قادر، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذريت ذرؤا . فالحملت وقرآ . فالجريت يسرآ . فالمقسمت أمرآ . إنما تو

با توجه به این که <إنما..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از

ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۷ - ۳،۵۸

۳ - خداوند، آفریدگاری بی نیاز و توانا

و السَّمَاءِ بِنِينِهَا.. و إِنَّا لَمَوْسِعُونَ

<موسع> (مفرد <موسعون>) به معنای غنیِ قدرتمند است؛ یعنی، <إِنَّا لَذُو وَاسِعَةٍ فِي الْقُدْرَةِ وَالْغِنَى>.

۵ - نابودی اقوام کفرپیشه تاریخ، امری آسان برای بنیانگذار بنای شگفت و عظیم آسمان

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّعِقَةَ .. و السَّمَاءِ بِنِينِهَا بِأَيْدِيهِمْ و إِنَّا لَمَوْسِعُونَ

در آیات پیشین سخن از هلاکت اقوام کفرپیشه تاریخ بود و در این آیه، سخن از قدرت مطلق و بی بدیل او است. از ارتباط این آیات، مطلب بالا استفاده می شود.

۸ - عن أبي جعفر (ع) : أَلِدُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ الْقُوَّةَ وَالنَّعْمَةَ قَالَ : ... < و السَّمَاءِ بِنِينِهَا بِأَيْدِيهِمْ > أَيُّ بَقْوَةٍ ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ید در کلام عرب به معنای قوت و نعمت است. خدای عزوجل فرموده: <و السَّمَاءِ بِنِينِهَا بِأَيْدِيهِمْ > یعنی بقوه...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۲

۲ - هماهنگی نظام طبیعت با نیازهای بشر، برنامه ریزی شده از سوی خدای توانمند و نه پدیده ای اتفاقی

و الْأَرْضِ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمُهَدُونَ

گسترده‌گی صفحه زمین و <مهد> بودن آن برای بشر، بیانگر هماهنگی نظام طبیعت با نیاز بشر به آسایش است. از این که خداوند، <فرشناها> را با ضمیر متکلم آورده، برای جلب توجه انسان به دخالت تدبیر الهی در پیدایش این هماهنگی است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۳

۳ - یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

و أن إلى ربك المنتهی . . . و أنه هو أمات و أحیا

در صورتی که آیه <إلى ربك المنتهی> نظر به فرجام زندگی و پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه <هو أنه هو أمات و أحیا>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۱

۱ - تنها خداوند ، قادر به رفع دشواری ها و مشقت های صحنه قیامت است .

لیس لها من دون الله كاشفه

<كشف> (مصدر <كاشفه>) به معنای ازاله و برطرف کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد برطرف کردن سختی ها و مشقت های عرصه محشر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۷

۷ - اقتدار و توان مادی فرعونیان ، مقهور در برابر اقتدار و شکست ناپذیری خداوند

فأخذنهم أخذ عزيز مقتدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۶

۶ - نابود ساختن امت های کفرپیشه و مجرم ، امری آسان و بی مؤونه برای خداوند

و ما أمرنا إلا وحده كلمح بالبصر

با توجه به این که در آیات پیشین، سخن از هلاکت جوامع مجرم بود و در آیه بعد نیز همین امر، دنبال شده است، احتمال می

رود که مراد از <أمرنا>، مجازات و هلاکت کفرپیشگان و یا از مصادیق بارز آن باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۲

۲ - فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

كَلَّ مِنْ عَلَيْهَا فَانَ . وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است؛ اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۳

۳ - امکان نداشتن فرار جن و انس از قلمرو حاکمیت و قدرت خداوند ، نعمتی الهی و غیر قابل تکذیب و انکار

إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا... لَا تَنْفُذُوا... فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

اطلاق <آیه> بر محتوای آیه پیشین و نیز ذکر <رب>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۴

۴ - انکار جهان آخرت به رغم مشاهده قدرت خداوند در آفرینش نشأه نخستین (جهان فعلی) نشانه غفلت و بی توجهی است .

و لَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۴ - ۳

۳ - نقش الهی در فرایند رشد دانه ها در زمین ، منحصر به فرد بوده و هیچ نیرویی توان چنین عملی را ندارد .

أَمْ نَحْنُ الزَّرْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - خداوند ، در صورتی که بخواهد ، می تواند زراعت ها را

به خس و خاشاک تبدیل کند .

لو نشاء لجعلنه حطماً

<حطام> به چیز خشک و شکسته شده گفته می شود (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۹ - ۴

۴ - تنها خداوند ، توانا بر نازل کردن باران از ابر

أم نحن المنزلون

<المنزلون>، مسند محلی به <ال> و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۲

۲ - خداوند ، در صورتی که بخواهد ، قادر بر شور و تلخ گردانیدن آب های شیرین زمین است .

لو نشاء جعلنه أجاجاً

<أجاج>، به معنای شور همراه با تلخی است (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۵

۵ - خداوند ، بر انجام دادن هر چیزی قادر و توانا است .

و هو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۳ - ۵

۵ > عن أبي الحسن الرضا (ع) . . . و أما الظاهر فليس من أجل أنه علا الأشياء برکوب فوقها و قعود عليها و تسنم لذرأها و

لكن لقمهه و لغلبته الأشياء و قدرته عليها . . . و أمّيا الباطن فليس على معنى الإستبطن للأشياء بأن يغور فيها و لكن ذلك منه على استبطانه للأشياء علماً و حفظاً و تدبيراً . . . ;

از امام رضا(ع) روايت شده است : .. و اما ظاهر بودن خداوند نه از آن جهت است كه بر اشيا بالا رفته به اين كه بر آنها

سوار گشته و بر فراز آنها نشسته است؛ بلکه این ظهور از جهت قهر و غلبه و قدرت او بر اشیا است... اما خداوند باطن است، به این معنا نیست که او در درون اشیا قرار گرفته و در بطن آنها پنهان است؛ بلکه به این معنا است که از لحاظ آگاهی به اشیا و حفظ و تدبیر [و تنظیم امور] آنها در درون آنها است...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۷

۷ - تدبیر و اداره امور عالم از سوی خداوند ، همراه با اقتدار کامل و همه جانبه و به دور از هرگونه سستی و کاستی است .

ثَمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

ماده <إستواء> هرگاه با <علی> استعمال شود، به معنای <استیلاء> خواهد بود. بنابراین <استوی علی العرش>؛ یعنی، <استولی علی العرش> (بر عرش تدبیر جهان استیلاء دارد) و این کنایه از اقتدار تام و فراگیر خداوند، بر تدبیر امور جهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۷

۷ - دخالت در شؤون زندگی همه انسان ها ، به رغم وسعت و گستردگی آن ، برای خداوند بسی سهل و آسان است .

ما أصاب من مصیبه .. . إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ - انسان های مادی ، ناتوان از درک گستره قدرت خداوند ، در محاسبات خویش

ما ظننتم أن يخرجوا وظنوا .. . فَأَتَيْهِمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - اقتدار و شوکت کافران ، ناچیز در برابر اقتدار شکست ناپذیر الهی

رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جمله <إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ> که بیانگر حصر عزت و اقتدار در خداوند است تعریض به قدرت های کفر دارد که درصدد مفتون و معذب ساختن مؤمنان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۹،۶

۶ - خداوند ، قادر به ایجاد تحوّل در روابط ملت ها و تبدیل خصومت ها به موّدت

عَسَى اللَّهُ ... و اللَّهُ قَدِيرٌ

۹ - بخشایش و رحمت الهی نسبت به خلق ، در اوج قدرت و توانمندی او بر مجازات گنه کاران و عنادورزان

و اللَّهُ قَدِيرٌ و اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

تقدم <قدیر> بر صفت <غفور رحیم>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، بر هر چیزی توانا است .

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۵

۵ - خداوند ، بر انجام هر کاری توانا است .

و هو علی کلّ شیءٍ قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۲

۲ - اراده و قدرت خداوند ، مطلق و شکست ناپذیر است .

أمن هذا الذی هو جند لکم ینصرکم من دون الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۳

۳ - در برابر

عذاب الهی ، هیچ فردی و هیچ نیروی بازدارنده ای وجود ندارد .

لیس له دافع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۱ - ۵،۶،۳،۱

۱ - توانایی خداوند بر نابودی امت ها (همچون کافران) و جایگزین کردن امت های برتر و بهتر از آنها (همچون مؤمنان)

فَلَا أُقْسَمُ .. إِنَّ لِقَدْرُونَ . عَلِيٌّ أَنْ نَبْدَلَ خَيْرًا مِنْهُمْ

درباره زمان تبدیل و مقصود از آن در این آیه، دو احتمال وجود دارد: ۱ نابودی کافران و جایگزین کردن مردم خوب و مؤمن به جای آنان در دنیا؛ ۲ تبدیل کافران و دیگر انسان ها به انسان های برتر و مناسب حیات اخروی در قیامت. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۳ - توانایی قطعی خداوند ، بر احیای مردگان

عَلِيٌّ أَنْ نَبْدَلَ خَيْرًا مِنْهُمْ . وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

۵ - ربوبیت خداوند نسبت به مشرق و مغرب عالم ، دلیل توانایی او بر احیای مجدد انسان ها است .

بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّ لِقَدْرُونَ . عَلِيٌّ أَنْ نَبْدَلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

۶ - خداوند ، قادر مطلق و شکست ناپذیر است .

إِنَّ لِقَدْرُونَ .. وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۴،۱

۱ - توانایی خداوند بر احیای مردگان

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدْرِ عَلِيٍّ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى

۴ - استبعاد و تردید در توانایی خداوند ، مشکل و بهانه کافران در پذیرش مسأله معاد و احیای مردگان

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدْرِ عَلِيٍّ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى

طرح مسأله توانایی خداوند بر احیای مردگان به صورت سؤال، نشان دهنده حقیقت

یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱۱

۱۱ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل قدرت خداوند بر آفرینش مجدد او در روز رستاخیز

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً . إنا خلقنا الإنسان من نطف

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است، موضوع آیه ۵ این سوره تا پایان آن، درباره مسائل قیامت (مانند بهشت و جهنم و جایگاه کافران و خوبان و ..) است. ضمن آن که آیه پایانی سوره پیش که درباره اثبات توانایی خداوند بر احیای مردگان بود تأییدکننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۴

۴ - توانایی خداوند بر آفرینش انسان ، نشانه توانایی او بر نابود کردن امت های گنه پیشه و کافر و جایگزین کردن دیگران

نحن خلقنهم .. وإذا شئنا بدلنا أمثلهم تبديلاً

برداشت یاد شده، از یاد آوری آفرینش انسان از سوی خداوند پیش از تذکر به هلاکت امت های کافر و جایگزین کردن دیگران استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر ایجاد حالت خواب در انسان ، دلیل امکان معاد است .

عمّ يتساءلون .. و جعلنا نومكم سباتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۳

۳ - باغ ها و جنگل های پوشیده از درخت ، نشان دهنده قدرت خداوند و امکان پذیر بودن معاد

یتساءلون .. ألم نجعل ... جنت ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۳ - ۲

۲ - معاد و زنده ساختن دوباره انسان ها برای خداوند آسان است .

فإنّما هی زجره وحده

جمله <فإنّما..> پاسخی به استبعاد منکران معاد است؛ یعنی، تمام آنچه که آن را سخت و دشوار می پندارید، برای خداوند، تنها ایجاد یک خروش و بانگ حیات بخش است و بس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۹ - ۳

۳ - توانمندی خداوند بر ایجاد شب و روز ، نشانه قدرت او بر احیای دوباره انسان است .

ءأنتم أشدّ .. و أغطش لیلها و أخرج ضحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۷

۷ - قدرت خداوند بر آفرینش انسان ها ، تنظیم توانمندی های آنان ، هدایت تکوینی و نیز میراندن و به گور افکندن آنها ، دلیل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قیامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبیل یسّره . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۳ - ۳،۵

۳ - توانمندی خداوند بر ایجاد جهان هستی و اعاده آن ، دلیل قدرت او بر مجازات سخت کافران

إنّه هو یبدیء و یعید

حرف <إنّ> برای تعلیل است و مبنای آیه قبل را بیان می کند.

۵- توانایی خداوند بر عذاب پیشینیان ، دلیل توانمندی او بر اعاده آن برای نسل های آینده بشر *

قتل أصحاب الأُخُدود

... إِنَّهُ هُوَ بَیْدِیٌّ وَ یَعِیدُ

مفاد آیه شریفه به قرینه تهدید بودن آن برای کافران ممکن است این باشد که باید آیندگان، از سرنوشت پیشینیان عبرت بگیرند؛ زیرا کسی که عذاب ها را برای اولین بار به وجود آورد، بر اعاده آن نیز توانمند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، بر کافران قدرت کامل و سیطره همه جانبه دارد .

و اللّٰه من ورائهم محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۱

۱ - خداوند ، بر اعاده مجدد انسان پس از مرگ او ، توانمند است .

إِنَّهُ عَلِی رَجْعِهِ لِقَادِر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۳

۳ - گفتار خداوند درباره معاد و توان او بر احیای دوباره انسان ، گفتار نهایی و فیصله دهنده تمام گفتوگوها است .

إِنَّهُ لَقَوْلِ فَصْلِ

ضمیر <إِنَّهُ> چه به قرآن برگردد و چه به محتوای آیات پیشین که درباره قدرت خداوند بر معاد بود برداشت یاد شده استفاده می شود. <قول فصل>، به کلامی گفته می شود که <فصل الخطاب> باشد و به گفتوگوها خاتمه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۳ - ۳

۳ - خداوند ، آفریده های با شعور خویش را بر شیوه به کار بردن توانمندی های خود ، آگاه ساخته است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۱۴

۱۰ - > روی عن علی (ع) اَنَّهُ قَالَ : معناه [أی قوله تعالی : إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ] إِنَّ رَبَّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَجْزِيَ أَهْلَ الْمَعَاصِي جِزَاءَهُمْ ;

از علی (ع) روایت شده که فرمود: معنای آیه این است که پروردگارت، توانایی دارد که گناه کاران را کیفر بدهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۵

۵ - توجه به همراه بودن زندگانی با سختی ها ، مایه پی بردن انسان به ضعف خویش در برابر خداوند

فی کبد . أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - خداوند ، بر همه حوادث هستی ، مسلط است و از هیچ پیشامدی نمی هراسد .

و لایخاف عقیبها

۴ - خداوند ، از نابود ساختن جامعه های بزرگ آلوده به گناه ، نمی هراسد و بر آثار و پیامد های آن سلطه کامل دارد .

و لایخاف عقیبها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، توانا سازنده پیامبر (ص) بر قرائت مکتوباتی خاص

أقرأ

فرمان <اقرأ> به قرینه امی و بی سواد بودن پیامبر(ص) تا زمان بعثت فرمانی بود که در کنار تشریح حکم قرائت، تأثیر تکوینی در وجود آن حضرت داشت. تکرار این فرمان در آیات بعد و حذف مفعول آن دو، می تواند تأییدی بر تأثیر تکوینی آن باشد. واژه <قرائت> که در مورد نوشته ها به کار می رود بیانگر وجود مکتوباتی

در برابر دیدگان آن حضرت است که گرچه خط و نوع کتابت آن برای ما مجهول می باشد ولی قابل قرائت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۸

۸ - خداوند ، بر حفاظت انسان ها از خطر ها و آسیب ها توانا است .

قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر دفع ضرر و جلوگیری از آسیب دیدن انسان از دیگر موجودات

قل أَعُوذُ . . . مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، بر حفاظت انسان از مخفی ترین خطر ها ، توانا است .

و مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۶

۶ - خداوند ، توانا بر ابطال سحر و بی اثر کردن نفَس جادوگران

و مِنْ شَرِّ النَّفَّثَاتِ فِي الْعُقَدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۳

۳ - خداوند ، بر بی اثر کردن حسد دیگران و مصون ساختن انسان در برابر تلاش های عملی حسودان ، توانا است .

أعوذ برّب الفلق . . و من شرّ حاسد إذا حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۱ - ۷

۷ - خداوند ، بر حفاظت انسان ها از خطر ها و آسیب ها توانا است .

قل أعوذ

برَبِّ الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، به دلیل حاکمیت و تسلط بر مردم ، بر محافظت آنان از خطر ها و مهار کردن حوادث زیان بار ، توانا است .

قل أعوذ برَبِّ الناس . ملك الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۴

۴ - خداوند ، بر بی اثر ساختن وسوسه های شدید و مرموز دشمنان ، توانا است .

قل أعوذ برَبِّ الناس . .. من شرّ الوسواس الخناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۶

۶ - خداوند ، توانا بر خنثی ساختن وسوسه های جن و انس

قل أعوذ برَبِّ الناس . .. من الجنّه و الناس

قدرت خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۶

۶ - ظهور و تجلی اقتدار الهی بر خلق ، در صحنه قیامت

یرسل علیکما .. فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۵ - ۳

۳ - ظهور قدرت مطلق خداوند در قیامت و سیطره فرشتگان بر صحنه های آن ، دلیل بی نظیر بودن عذاب های او است .

فیومئذ لا یعذب عذابه أحد

حرف <فاء> در <فیومئذ>، آیه شریفه را بر مطالبی که در آیات پیشین بیان شد (از جمله آیه <و جاء ربک و الملک صفّاً صفّاً>) تفریع کرده است.

قدرت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸

۸ - داوود (ع) ، شخصیتی نیرومند و پرتوان

و اذکر عبدنا داود ذالْأید

<أید> به معنای قوت و شدت است و <ذالْأید> یعنی، صاحب قدرت و نیرومند.

۱۴ - <عن أبي جعفر (ع) قال: الید فی کلام العرب القوّه و النعمه قال (الله عزوجلّ) : > واذکر عبدنا داود ذالْأید < ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: <ید> در کلام عرب همان قوت و نعمت است. ... [خداوند عزوجلّ] فرمود: <واذکر عبدنا داود ذالْأید> <...>.

قدرت دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۹

۹ - خیرخواهی و توانمندی بر دایگی و پرستاری ، از معیار های بایسته برای گزینش دایه و سرپرست برای فرزندان شیرخوار

قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

قدرت در الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۵

۵ توانایی بر رفع نیاز بندگان و اجابت درخواست ها و دعا های آنان ، نشانه خدایی است .

له دعوه الحق والذین یدعون من دونه لایستجیون لهم بشیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۲

۲- قدرت و توانایی دفع هرگونه ضرر از خویش ، لازمه الوهیت است .

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند برای عدم الوهیت معبودهای مشرکان، ناتوانی آنان از دفع آتش دوزخ از خویش را دلیل قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۶

۶ - تنها قدرت حاکم بر نظام تدبیر جهان ، شایسته الوهیت

اللّٰه لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

در این آیه، به دو حقیقت <الوهیت> و <ربوبیت خدا بر نظام هستی> اشاره شده است. از ارتباط این دو بخش مطلب یاد شده استفاده می شود.

قدرت در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لَيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

قدرت در برنامه ریزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۸

۸ قدرت و علم شرط لازم برای برنامه ریزی و موفقیت در اجرای آن است.

ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

قدرت در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۹ - ۳

۳ - آگاهی و توانایی ، دو شرط لازم در ارشاد مردم

سنقرئک .. نیسْرک ... فذْکر

قدرت در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۹

۹ - تکالیف شرعی در صورتی که برای انسان طاقت فرسا باشد ، لازم الاجرا نیست .

و علی الذین یطیقونه فدیة

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۱

۳۱ حد و جوب قربانی در حج ، سهل و میسر بودن آن است .

فمن تمتع .. فما استیسر من الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۱ هیچکس به بیش از مقدار قدرت و توانایی خود تکلیف نمی شود .

لا تُكَلِّفُ نَفْسًا الْإِسْعَهَا

۱۲ میزان متعارف نفقه و مخارج واجب بر شوهران ، باید به اندازه توانایی مالی آنان باشد .

و علی المولود له زرقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف لا تُكَلِّفُ نَفْسًا الْإِسْعَهَا

به نظر می رسد جمله < لا تُكَلِّفُ .. > تبیین کلمه < معروف > باشد؛ یعنی نباید حدّ متعارف، بدون در نظر گرفتن توانایی مالی شوهر تعیین شود.

۱۳ وظیفه شوهر در تأمین مخارج زن ، بیش از توان او نیست .

و علی المولود له .. لا تُكَلِّفُ نَفْسًا الْإِسْعَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۸، ۹

۸ مقدار متاع و کالای مناسب و پسندیده برای پرداخت به زن مُطَلَّقه ، باید متناسب با توان مالی شوهر باشد .

و مَتَّوَهِّنَّ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدْرُهُ و عَلَى الْمَقْتَرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ

۹ تکالیف الهی بر بندگان ، در محدوده امکانات و توانایی های آنان *

علی الموسع قدره و علی المقتر قدره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۸

۸ لزوم پرداخت کالای شایسته به زنان مطلقه در حدّ توانایی مرد ، پس از انقضای مدّت

و للمطلقات متاع بالمعروف

امام صادق (ع) درباره آیه <و للمطلقات .. > فرمود: متاعها بعد ما تنقضی عدتها <على الموسع قدره و على المقتر قدره>

کافی، ج ۶، ص ۱۰۵، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۹۵۶ و ۹۵۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۱،۲

۱ خداوند ، بیشتر از توانایی و ظرفیت عادی هر انسان ، تکلیفی به او روا نمی دارد .

لا یكلف الله نفساً إلاّ وسعها

قید <عادی> در برداشت فوق، از کلمه <وسع> که به معنای <ما یسهل علیه من المقدور> است، استفاده می شود.

۲ قدرت عادی ، شرط تکلیف

لا یكلف الله نفساً إلاّ وسعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ لزوم رعایت تناسب قوانین با توان مردم

یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳۸

۳۸ لزوم خرید آب برای وضو ، در حد توان مالی

فلم تجدوا ماءً

امام کاظم (ع) درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیه آب وضو و غسل در صورت نبودن آب فرمود: ذلک علی قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۶

۱۶ جبر محیط با توان خروج از آن، عذری غیر قابل قبول برای ترک تکالیف الهی

قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم

تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۱۳، ۹، ۷، ۵، ۴، ۳

۳ توانایی ، شرط وجوب هجرت برای مسلمانان تحت ستم (مستضعف)

قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها .. الا المستضعفين ... لا يستطيعون

۴ قدرت ، از شرایط تکلیف

الا المستضعفين .. لا يستطيعون حيله و لا يهدون سيلا

۵ هجرت بر مردان و زنان و کودکان درمانده و ناتوان ، واجب نیست .

قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها .. الا المستضعفين من الرجال و ال

۷ ناتوانان از شناخت دین و احکام الهی ، در زمره مستضعفان حقیقی هستند .

الا المستضعفين .. لا يستطيعون حيله و لا يهدون سيلا

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای <مستضعفين> در آیه فوق فرمود: هو الذي لا يستطيع الكفر فيكفر و لا يهدى سبيل الايمان فيؤمن

معانی الاخبار، ص ۲۰۱، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۵۰۶.

۹ کسانی که توان انجام تکالیف الهی را ندارند ، در پیشگاه خداوند معذورند .

الا المستضعفين .. لا يستطيعون حيله و لا يهدون سيلا

۱۳ کودکان و مردان و زنانی که عقل کودکانه دارند ، مستضعف فکری بوده و مشمول تکالیف الهی نیستند .

الا المستضعفين .. و لا يهدون سيلا

امام باقر (ع) در مورد مستضعف در آیه فوق فرمود: .. و الصبيان و من كان من الرجال و النساء على مثل عقل الصبيان مرفوع عنهم القلم.

معانى الاخبار، ص ٢٠١، ح ٤؛ نورالثقلين، ج ١، ص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۶

۶ قدرت، از شرایط تکلیف

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء و لو حرصتم فلا تميلوا كل الميل

رعایت عدالت کامل، ملاک مطلوبیت را دارد، ولی به جهت عدم استطاعت، واجب نشده است، و این می نماید که تکلیف مشروط به استطاعت و قدرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۴۳

۴۳ لزوم خرید آب برای وضو و غسل، در حد توان مالی به وقت دسترسی نداشتن به آن

فلم تجدوا الماء

از امام کاظم (ع) روایت شده که درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیه آب وضو و غسل در صورت نبود آب فرمود: ذلک علی قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ انجام تکالیف دین منوط به توان و قدرت مکلف است.

فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام

۱۶ آدمی در محدوده توانایی های خویش موظف به جبران کوتاهی ها و گناهان خود است.

فكفرتہ اطعام .. فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام

۱۷ لزوم کسب و بدست آوردن امکانات مادی جهت پرداخت کفاره قسم *

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

جمله <فمن لم یجد> حکایت از آن دارد که شکننده سوگند باید برای بدست آوردن امکاناتی جهت پرداخت کفاره تلاش کند زیرا فعل <لم یجد> (نیافت) در مواردی استعمال می شود که شخص پس از تلاش و

پی گیری امری به آن دست نیابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۱

۱۱ تکلیفهای الهی متناسب با توان انسان است.

إلا ما اضطررتم إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲

۹ خداوند انسانها را بیش از توانشان تکلیف نمی کند.

لانكلف نفسا إلا وسعها

<وسع> (توان و قدرت) مصدر و در اینجا به معنای اسم مفعول است. یعنی: <لايكلف الله نفسا إلا تكليفا مقدورا لها>.

۱۰ قدرت انسان بر انجام تکالیف الهی از شرایط مکلف بودن به آن تکالیف است.

لانكلف نفسا إلا وسعها

۱۱ مراعات کردن عدالت در مبادلات و انتخاب سودمندترین روش برای تصرف در اموال آنها بیش از توان متعارف واجب نیست.

إلا بالتی هی أحسن .. و أوفوا الكيل ... لانكلف نفسا إلا وسعها

بیان این حقیقت که <خداوند انسان را بیش از توانش تکلیف نمی کند> پس از فرمانهای یاد شده، اشاره به این دارد که مکلفان برای رعایت آن فرمانها لازم نیست خود را به مشقت اندازند. چرا که انجام تکلیف تا حد قدرت متعارف فرض است و نه بیش از آن.

۱۲ تجاوز نکردن به اموال یتیمان و رعایت عدالت در مبادلات از تکالیفی است که انسانها بر انجام آن توانا هستند. *

و لا تقربوا مال الیتیم .. و أوفوا الكيل و المیزان بالقسط لانكلف نفسا إلا وسعها

برخی بر آنند که هدف از جمله <لا تکلف ..> تذکر این معناست که فرمانهای یاد شده در حد توان انسانهاست تا مبادا به

گمان اینکه این اوامر مشقتبار و طاقت شکن است،

از پذیرش آنها سرباز زنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۲ - ۳،۴

۳ تکلیف و مسؤولیت هر انسان در باور به معارف الهی و انجام تکالیف دین ، به میزان قدرت و استطاعت اوست .

لانكلف نفساً إلا وسعها

۴ انسان ها در باورشان به معارف دین و انجام تکالیف الهی ، برخوردار از توانایی های متفاوت هستند .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لانكلف نفساً إلا وسعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۸

۸ تکالیف الهی متناسب با توان مکلفان است .

و علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائة صابره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۲،۲۱

۲ قدرت ، شرط تکلیف است .

ليس على الضعفاء ... حرج

۲۱ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : > ... إن الله يحتج على العباد بما آتاهم و عزفهم ... و ما امروا إلا بدون سعتهم ... و كل شئى لا يسعون له فهو موضوع عنهم ... ثم تلا > ليس على الضعفاء و لا على المرضى و لا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج < ... ;

... به تحقیق خداوند بر بندگان احتجاج می کند به چیزی که به آنها عطا فرموده و شناختی که به آنها داده است ... و آنان مأمور نشده اند مگر به تکلیفی که پایین تر از سعه و توانشان باشد ...

و هر تکلیفی که در وسع بندگان نباشد، از آنها برداشته شده ... سپس امام آیه شریفه را تلاوت فرمود: <بر ضعیفان و بیماران و آنان که چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) هزینه کنند، باکی نیست >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۹

۹ استطاعت شرط لزوم وفا به عهد ، قسم و تکالیف الهی است .

إِلَّا أَنْ يَحَاطَ بِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱۲

۱۲- در نظر گرفته شدن نیاز و توان بشر ، در احکام و تکالیف الهی

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ .. فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۸

۸- لزوم توجه به طاقت و توان مردم ، در قانون گذاری و تعیین تکلیف

وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۱

۱ - تکالیف الهی برای انسان ها ، به میزان طاقت و توان آنها است .

وَلَا نَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

<تکلیف> (مصدر <نکلف>) وادار کردن به انجام یا ترک چیزی را گویند. <وسع> مرادف با طاقت و توان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- احکام و قوانین اسلام ، مطابق با ضرورت ها و واقعیت های موجود در زندگی و متناسب با توانایی ها و مقدرات بشری است .

و القواعد

من النساء التي لا يرجون نكاحًا فليس عليهن جناح أن يضعن ثيابهن غير متب

سخت گیری اسلام نسبت به مسأله حجاب و پوشش زنان و استثنا کردن زنان سالخورده و آسان گرفتن بر آنان در این مسأله نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۷ - ۳

۳- قوانین و فرمان های الهی ، متناسب با استعداد و توان ذاتی انسان ها

إن يسئلكموا فيحفكم تبخلوا

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که خداوند انفاق تمامی اموال را بر انسان ها واجب نساخته است زیرا اگر چنین دستوری صادر می شد و حتی مورد تأکید هم قرار می گرفت، انسان ها بخل میورزیدند. بنابراین با توجه به این خصلت عینی و فراگیر، خداوند چنین قانونی را جعل نکرده و توان آنان را در نظر گرفته است. البته این برداشت، مبتنی بر این است که مراد از <أموالکم>، تمام اموال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

۲ - تکالیف و مسؤولیت های الهی ، برای انسان ها متناسب با امکانات و توان آنان

ليس على الأعمى حرج... ولا على المريض حرج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۵،۱۴،۲

۲ - توجه و اهتمام اسلام به مقدورات و توانایی های مکلفان ، در تشریح احکام و وضع قوانین

لم يجد . . . فمن لم يستطع ... تلك حدود الله

۵ - در صورتی که گرفتن روزه برای ظاهرکننده مقدور نباشد ، باید شصت مسکین را اطعام کند .

فمن لم يستطع فإطعام ستین مسکیناً

۱۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله عزّوجلّ . . . < و من لم يستطع فإطعام ستین مسکیناً > قال : من مرض أو عطاش ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ . . . < و من لم يستطع فإطعام ستین مسکیناً > روایت شده که فرمود: [مراد، عدم استطاعت بر صوم]، ناشی از مرض یا بیماری تشنگی است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۱۳، ۱۰

۱۰ - صدقه نجوا ، تنها بر کسانی واجب بود که توانایی مالی داشتند .

فإن لم تجدوا فإنّ الله غفور رحيم

۱۳ - توجه و اهتمام اسلام به مقدورات و توانایی های مکلفان ، در وضع و تشریح احکام و تکالیف

فإن لم تجدوا فإنّ الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۲، ۱

۱ - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر رعایت تقوای الهی به میزان توان خویش

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ

۲ - تکالیف الهی ، به میزان توانایی و امکانات افراد است .

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۳

۳- مسکن زنان مطلقه از نظر کمیت و کیفیت ، باید به مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد ؛ نه کمتر از آن .

أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكْتُمْ مِنْ وَجَدِكُمْ

<وجدكم>، به معنای وسع

و طاقت (توانایی) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۶، ۷، ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

۶ - خداوند ، به میزان توانایی ها و امکانات هر شخصی ، به او تکلیف کرده و از وی مسؤولیت خواسته است .

لا یكلف الله نفساً إلاّ ما آتیها

۷ - مقدار توانایی و امکانات افراد ، از شاخصه هایی است که باید در تکلیف کردن و مسؤولیت خواستن لحاظ شود .

لا یكلف الله نفساً إلاّ ما آتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۷

۷ - سلامت و توانایی ، از شرایط مکلف

یدعون إلى السجود و هم سلمون

مطلب یاد شده، از قید <و هم سالمون> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۸، ۱۵، ۱۱، ۱۰، ۸

۸ - رخصت یافتن مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به کاستن از مدّت شب زنده داری خویش و انجام آن به میزان میسور و ممکن

علم أن لن تحصوه فتاب علیکم

در گذشتن خداوند از مؤمنان شب زنده دار پس از یادآوری به کم و زیاد شدن میزان شب زنده داری آنان حاکی از رخصت

دادن او، به این کمی و زیادی است.

۱۰ - تلاوت قرآن ، باید به میزان میسور باشد ؛ نه مقداری که برای قاری خسته کننده و مشقت آور است .

فاقرءوا ما تيسر من القرآن

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تيسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

۱۵ - رعایت حال مریضان ، مسافران تاجر و سوداگر و جنگجویان خداجو ، فلسفه تخفیف دادن تکلیف شب زنده داری و کاستن از آن ، به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تيسر من القرآن علم أن سیکون منکم مرضی و .. و آخرون یقتلون فی سبی

عبارت <ضرب فی الأرض> در معانی سفر برای تجارت و خارج شدن برای جنگ آمده است؛ ولی با آمدن <و آخرون یقاتلون فی سبیل الله> معنای اول مراد است.

۱۸ - تکالیف عبادی اسلام ، آسان و در توان بشر و به دور از مشقت و مشکل طاقت فرسا

فاقرءوا ما تيسر منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۵

۵ - مصرف طعام ، باید به منظور از بین بردن گرسنگی و به دست آوردن توان عبادت باشد .

فلیعبدوا .. الذی أطعمهم من جوع

<من جوع>، بیانگر آن است که هدف از طعام، زوال گرسنگی

است؛ نه آن که خوردن، همواره مطلوب باشد. <فلیعبدوا> بیانگر هدف بودن عبادت برای طعامی است که از خداوند به انسان می رسد.

قدرت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حسیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب .. لکیلا یعلم من بعد علم شیئا ... ذلک بأنّ الله هو الحق

قدرت در ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۲ - ۴،۳

۳ توانا بودن بر یاری رسانی به بندگان و دفاع کردن از خویش ، از ملاک های ربوبیت و معبود راستین است .

لا یستطیعون لهم نصرا و لا أنفسهم ینصرون

۴ عاجز بودن معبودان اهل شرک بر دفاع از خود و پرستشگران خویش ، دلیل عدم لیاقت آنها برای ربوبیت و پرستش

ایشرکون ما .. لا یستطیعون لهم نصرا و لا أنفسهم ینصرون

قدرت در رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۵

۵ - نیرومندی و صلابت ، شرطی ضروری برای رسولان الهی و رهبران مبارزه با طغیانگران است .

أشدّد به أزری

قدرت در روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۸

۸ - کسانی

که روزه ماه رمضان برای آنان مشقت بار و طاقت فرساست ، نباید روزه بگیرند .

و علی الذین یطیقونه فدیة

<اطاقه> به معنای قدرت داشتن بر انجام کار و یا صرف کردن تمام قدرت برای انجام آن است. لازمه معنای دوم، انجام دادن فعل با رنج و مشقت است. به نظر می رسد مراد از <یطیقونه> معنای دوم باشد. بنابراین <و علی الذین یطیقونه فدیة> یعنی، کسانی که [اگر بخواهند روزه بگیرند] باید تمام قدرت خویش را برای این کار صرف کنند و در نتیجه به رنج و زحمت می افتند، روزه نگیرند؛ بلکه فدیة پردازند.

قدرت در رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۵

۵ - نیرومندی و صلابت ، شرطی ضروری برای رسولان الهی و رهبران مبارزه با طغیانگران است .

أشدد به أزی

قدرت در رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۸

۸ - ارتباط همیشگی با خداوند ، نیرومندی ، حکمت ، توانایی بر فیصله دادن به امور و داشتن منطق قوی در جداسازی حق از باطل ، از شرایط لازم رهبران و مدیران جامعه در نگاه وحی

واذکر عبدنا داود ذا الأید إنه أواب .. و شددنا ملکه و آتینه الحکمه و فصل الخ

برداشت یاد شده از مجموع اوصافی که خداوند برای داوود(ع) به عنوان حاکم و فرمانروا ذکر کرده است، به دست می آید.

قدرت در شفاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۳ - ۴

دو شرط اصلی شایستگی شفاعت به پیشگاه الهی است .

قُلْ أُولُو كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ

قدرت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر ، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي... و هو العزيز العليم

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف <عزیز> و <علیم> را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

قدرت در مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ نیروی انسانی و فرماندهی ، دو شرط اساسی برای مبارزه با ستمگران

اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنك ولياً و اجعل لنا من لدنك

قدرت در مدیریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ دانش و توان ، دو شرط اساسی برای مدیریت و تصدی وزارت

اجعلني... إني حفيظ عليم

قدرت در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۲ - ۴

۴ عاجز بودن معبودان اهل شرک بر دفاع از خود و پرستشگران خویش ، دلیل عدم لیاقت آنها برای ربوبیت و پرستش

أشركون ما .. لا يستطيعون لهم نصرا و لا أنفسهم ينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۳ - ۳

۳ هدایتگری و پاسخ به هدایتجویی بندگان ، از ملائک

های معبود راستین

و إن تدعوهم إلى الهدى لا يتبعوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۴ - ۷

۷ اجابت درخواست بندگان ، از نشانه های معبود راستین

فادعوهم فليستجيبوا لكم إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۳

۳- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن ، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است .

و الذین يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً و هم يخلقون

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که <الله> باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

قدرت در نفقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لينفق ذو سعة من سعته و من قدر عليه رزقه فلينفق مما آتاه الله

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

قدرت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - قدرت و توانایی ، شرط شایستگی برای ولایت و سرپرستی است .

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ .. و هو علی کلّ شیء قدير

قدرت درك اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درك فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لكم فى القصاص حيوه یاولى الألب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درك آن حقیقت در خور خردی ناب است.

قدرت دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ لزوم مبارزه با دشمنان ، علی رغم ترس از نیرو و قدرت آنان

قال رجالان من الذین یخافون .. ادخلوا علیهم الباب

قدرت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۱،۲

۱ قدرت و توشه های مادی ، هر اندازه باشد ، ناچیز و اندک است .

لا یغرنک .. متاع قليل

علی رغم اینکه امکانات مادی کافران به اندازه ای بوده که خطر فریبندگی داشته، خداوند آنها را اندک می شمارد.

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قليل ثم ماویهم جهنم

قدرت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۲

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قليل ثم ماويهم جهنم

قدرت دید شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ شیطان قادر به مشاهده اموری

پنهان از دید آدمیان

ینی اری ما لاترون

قدرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۱،۳،۴

۱- < ذوالقرنین > شخصیتی نیرومند و برخوردار از امکاناتی گسترده در پهنه زمین بود .

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ

<مَكَّنَّا> یعنی: <به او قدرت دادیم> . در باره <ذوالقرنین> و شخصیت تاریخی او و این که او کیست نظر واحدی در میان مورّخان و مفسران وجود ندارد؛ بعضی، او را از فرمانروایان ما قبل تاریخ دانسته اند و قرآن را تنها مرجع شناخت او می دانند و برخی، او را همان <اسکندر> دانسته و برخی دیگر، <فریدون> و برخی، او را از ملوک یمن دانسته و بالاخره، برخی، مانند علامه طباطبایی (ره) تطبیق وی را با <کورش> (پادشاه هخامنشی) با آیات سازگارتر دیده اند. بعضی نیز، او را از پادشاهان چین دانسته و دیوار چین را شاهی بر مدعای خود گرفته اند.

۳- < ذوالقرنین > ، شخصیتی الهی بود . *

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ

احتمال می رود که انتساب قدرت ذی القرنین به خدا، از آن جهت باشد که خدا، به خاطر شخصیت الهی وی، امکاناتی را به او عطا کرده باشد.

۴- < ذوالقرنین > از اسباب و عواملی کارساز برای محقق ساختن هر مقصودی برخوردار بود .

و ءاتینه من کلّ شیء سبباً

عموم در <کلّ شیء> عموم عرفی است. <سبباً> مفعول دوم <آتیناه> است. با توجه به مضافی که در کلام مقدر است، تقدیر جمله چنین می شود: <و آتیناه سبباً من اسباب کلّ شیء> یعنی، از اسباب و وسایلی که برای نیل به تمامی مقاصد علمی و عملی او وجود

داشت، سبب و راهی را در اختیار او قرار دادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۹

۹- ساحل نشینان مناطق غربی سرزمین ذی القرنین ، از رویارویی با نیرو های او ناتوان بودند و در برابر تصمیمات او ، قدرت مقاومت نداشتند .

وجد عندها قومًا قلنا یذا القرنین إِمَّا أَنْ تُعَذَّبَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۳

۳- ذوالقرنین ، بر قوم ساحل دریا ، سلطه کامل یافته بود .

قال أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۴

۴- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا یذا القرنین إِنْ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

با این که <ذوالقرنین> بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهد و دیدن قدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدند که او، کسی است که می تواند سدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشمنان برای آنان برپا کند و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادی و قصدی سلطه‌گرانه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۳

۳- در وجود ذی القرنین بینش توحیدی و الهی همراه ، با قدرت علمی و فنی ، تبلور داشت .

ما مَكْنَىٰ فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ... هَذَا رَحْمَةٌ

من ربّی

قدرت سپاه احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لما رء المؤمنون الأحزاب . . . و ما زادهم إلا إيماناً و تسليماً

ممکن است <تسليماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

قدرت سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۴

۴ - ارتش سلیمان (ع) ، بسیار توانمند و شکست ناپذیر

فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم بها

قدرت سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۴

۴ - ناتوانی مشهود بنی اسرائیل از مقابله با سپاه فرعون

قال أصحاب موسى إنا لمدركون

قدرت سرکوب کنندگان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- سرکوب کنندگان اولین فساد بنی اسرائیل ، مردانی بس توانمند و جنگاور

بعثنا علیکم عبادًا لنا أولى بأس شدید

قدرت سلطه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا .. هل من محیص

قدرت سلیمان(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۲،۳

۲ - برخوردار سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا، قاطع، آمرانه و از موضع قدرت بود.

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

۳ - نامه سلیمان، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

آوردن اوصاف <رحمان> و <رحیم> در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۶

۶ - نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع)، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قَالُوا نَحْنُ أَوْلَا قُوَّةً... قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۵

۵ - سلیمان (ع)، مصمم بر نمایاندن قدرت فوق العاده خود به ملکه سبا، با احضار تخت او

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۵

۵ - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او، قبل از رسیدن به دربار وی

وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

ضمير <من قبلها> به آيه و بينه برمی گردد که از عمل خارق العاده

دربار سلیمان به دست می آید.

قدرت سیاسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۵

۵ - فرعون ، دارای قدرت و ثبات در عرصه های سیاست و حکومت

و فرعون ذی الأوتاد

<أوتاد> (جمع <وتد>) به معنای میخ ها است. توصیف فرعون به این عبارت (دارای میخ های فراوان)، کنایه از استحکام قدرت او است؛ همان گونه که میخ های اطراف خیمه مایه استحکام آن است. این تعبیر ممکن است کنایه از فراوانی سپاه او باشد که برای نصب خیمه هایشان، زمین وسیعی میخ کاری می شد.

قدرت سیاسی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إنهم عصونی و اتبعوا من لم یزده ماله وولده إلاّ خسارًا

قدرت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۳

۳- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تکنوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنفس

قدرت شنوایی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۳

۳- در آسمان ها ، خبرها و اطلاعاتی مبادله می شود که قابل شنود برای موجوداتی چون شیاطین است .

من کلّ شیطن رجیم . إلاّ من استرق السمع

لازمه استراق سمع، وجود

و تبادل اخباری است که قابل شنیدن است.

قدرت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۲ - ۲

۲ - قدرت شیاطین بر استماع و استراق سمع گفتار فرشتگان ، در برهه ای از زمان (قبل از ممنوع شدن و عزل گشتن)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ

<معزولون> می تواند به معنای حال باشد؛ یعنی، گر چه شیاطین در گذشته گفتار فرشتگان را می شنیدند؛ اما اکنون (از زمان نزول قرآن) از آن عزل گشته و ممنوع شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۴

۴ - قدرت شیاطین بر صعود به نزدیک ترین آسمان

إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا .. لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

قدرت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ ضرورت هشیاری کامل در برابر اغواگریهای شیطان به دلیل توان وی بر نفوذ مخفیانه بر آدمیان و سیطره و حاکمیت او بر اغواشدگان

لَا يَفْتَنُكُمُ الشَّيْطَانُ .. إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

دو جمله <إِنَّهُ يَرَاكُمْ ..> و <إِنَّا جَعَلْنَا ...> به منزله تعلیلی است برای تأکید خداوند به پرهیز از اغواگریهای شیطان. یعنی توصیه و تأکید ما بدان جهت است که وی راه نفوذ مخفیانه را دارد و پس از گمراه کردنتان بر شما ولایت پیدا خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ شیطان عنصری توانا بر آگاهی یافتن از درون آدمی و اندیشه های او

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

ایمان

به آیات و معارف الهی و نیز کفر به آنها از امور قلبی است، و از آنجا که شیطان پس از منسلخ شدن بلعم باعورا از آیات و معارف الهی به تعقیب او پرداخت، معلوم می شود وی به اندیشه ها و باورهای آدمی می تواند آگاهی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۴

۴- شیطان، موجودی قدرتمند و توانا بر صعود و نفوذ بر آسمانها

و حفظها من کلّ شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۸

۸- شیطان، بر زدودن مهم ترین خاطره ها از ذهن انسان، توان دارد.

و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

خاطره زنده شدن ماهی، با آن که به اعتراف همسفر موسی امری شگفت بود، با دخالت شیطان، به فراموشی کشانده شد. این، نشان دهنده امکان نفوذ عمیق شیطان در انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۷

۷- شیطان در وسوسه و به انحراف کشاندن آدمیان، از توانی گسترده برخوردار است.

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نِزْغًا فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که پیامبر(ص) نیز در برابر وسوسه های شیطان، نیازمند به استعاذه و پناه بردن به خداوند است.

قدرت طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۹

۹ طالوت ، نسبت به دیگران ، از توانایی جسمی و علمی (کاردانی) بیشتری برخوردار بود .

و زاده بسطه فی

چون جمله <وزاده... > بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و علت تقدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو صفت برتر از دیگران بوده است؛ بنابراین <زاده... > بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

قدرت طلبی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۴

۴- اقوام کافر پیشین در برابر انبیا احساس قدرت می کردند و مدعی بودند که سرزمین مسکونی آنان و انبیا از آن آنهاست .

لنخرجنکم من أرضنا

از اینکه آنان، پیامبران را تهدید به اخراج کردند، احساس قدرت استفاده می شود و از اینکه <أرض > (سرزمین) را به خود اضافه کردند؛ به دست می آید که آنان مدعی حاکمیت و مالکیت بر آن بودند.

قدرت طلبی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۶

۶- قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

قدرت طلبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۶- قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال يقوم أليس لي ملك مصر .. أم أنا خير من هذا الذي

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

قدرت طلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قارون ، فرد قدرتمند و زورمدار جامعه خویش بود .

من هو أشد منه قوه و أكثر جمعًا

قدرت طلبی مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۳

۳- دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثم يطمع أن أزيد . كلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاً) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

قدرت طلبی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی

، تکیه گاه مشرکان در دنیا

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیئا و لا ما اتخذوا

تعبیر <ما کسبوا> که اشاره به امکانات مادی دارد و نیز <ما اتخذوا..> که ناظر به عقاید شرک آلود آنان است نشان می دهد که آنان تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

قدرت طلبی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۷

۷ نفاق ، پُل به قدرت رسیدن سیاست بازانِ ناصالح

و اذا تولى سعى فى الأرض

در برداشت فوق، <تولی>، رسیدن به حکومت معنا شده است.

قدرت طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولید بن مغیره)
(

ثم يطمع أن أزيد . كلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولید بن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاً) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

قدرت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۹

۹- سوگند ستمگران در دنیا بر پایداری و زوال ناپذیری قدرت خویش

الذین ظلموا .. أو لم تكونوا أقسمتم من قبل ما لكم من زوال

قدرت عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

۹ تنها صاحبان عقل و فهم بر دریافت ربوبیت خدا و یکتایی او در تدبیر هستی توانایند .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

قدرت عفریت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۴

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

وَإِنِّي عَلَيْهِ لِقَوِيٍّ أَمِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ - قدرت و توان عفریت دربار سلیمان ، مقهور دانش و علم آصف بن برخیا

قال عفریت من الجنّ .. قال الذی عنده علم من الکتب

در پاسخ پرسش سلیمان(ع)، نخست عفریت بود که قدرت خویش را مطرح ساخت؛ ولی دانش برتر دانشمند دربار سلیمان
مجاله برای اعمال قدرت به وی نداد.

قدرت علمای محسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ قدرت و مکنت دانشمندان نیکوکار ، نعمت و رحمت الهی بر آنان است .

إِنِّي حَفِيزٌ عَلِيمٌ. وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ ... نَصِيبٌ بِرَحْمَتِنَا مِنْ نَشْأَةٍ

از مصداقهای رحمت الهی (رحمتنا) به قرینه <مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ> دستیابی انسانهایی چون یوسف(ع) به قدرت و
مکنت است.

قدرت علمی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۷ - ۲

۲ - فرعون ، عاجز از مقابله با منطق موسی (ع)

قال إنّ رسولکم .. لمجنون

اقدام فرعون به متهم کردن موسی به جنون در مقابل منطق قوی او، نشانگر عجز و ناتوانی وی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۹ - ۱

۱ - روی آوری فرعون به تهدید موسی (ع) با احساس ناتوانی از مقابله با منطق او

قال لئن اتَّخَذتِ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

قدرت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۵،۷

۵ مسیح (ع) و مادرش مریم، مالک هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند.

اتَّعْبُدُونَ مَنْ دُونَ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

۷ پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم، از عوامل پرستش آن دو، از سوی مسیحیان *

قُلْ اتَّعْبُدُونَ مَنْ دُونَ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح (ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل پرستش مسیح (ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۱

۲۰ مسیح (ع) توانمند بر آفرینش مجسمه ای از گل به شکل پرندگان که با دمیدنش در آن به پرواز در می آمد

و اذ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَذْنِي فَتَنْفِخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَذْنِي

۲۴ حضرت مسیح توانا بر بیناسازی کور های مادرزاد و شفابخشی مبتلایان به پیسی

و تبری الاکمه و الابرص بأذنی

۲۵ توانایی حضرت مسیح بر زنده کردن مردگان مدفون شده در خاک

و اذ تخرج الموتى باذنی

مراد از اخراج مردگان (تخرج الموتی) زنده کردن آنهاست و به کارگیری کلمه اخراج برای

رساندن این معناست که عیسی (ع) قادر بود حتی مردگان مدفون در خاک را نیز زنده کند و از خاکها بیرون کشد.

۲۶ عیسی (ع) ، برخوردار از ولایت تکوینی

و اذ تخلق من الطین . . . و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

۳۱ توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند روح بخشی به مجسمه ها ، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان ، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی . . . و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

قدرت غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۸

۸ - غریزه جنسی ، غریزه ای نیرومند و کنترل آن برای عموم مردم امری دشوار است .

علم الله أنکم کتمتخانون أنفسکم فتاب علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ رهایی از دام تمایلات جنسی و مکر زنان ، بدون امداد الهی حتی برای پیامبران و بندگان خالص خدا نیز میسر نیست .

و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۶

۶ - غریزه و جاذبه های جنسی ، از نیرومندترین غریزه ها و جاذبه ها است .

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . . غیر متبرّجت بزینه

پیشگیری از طغیان غریزه جنسی و روابط ناسالم جنسی فلسفه مهم حجاب و پوشش زنان است. بنابراین ممنوعیت زنان سالخورده از خودآرایی در برابر نامحرمان، می رساند که

غریزه جنسی و جاذبه های آن، آنقدر نیرومند است که ممکن است خودآرایی سالخوردگان نیز غریزه جنسی انسان را تحریک کرده و به طغیان وادارد.

قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۴

۲۴ - قیامت ، روز ظهور و بروز قدرت مطلق خدا و آگاهی همگان به نبود قدرت برای غیر اوست .

إذ يرون العذاب أن القوه لله جميعاً

قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی با نفوذ در سرزمین مصر بود .

يأتوك بكل سحر عليم

فعل <يأتوك> جواب فعل امر قرار گرفته و به حرف شرطِ مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین است: ان ترسل الحاشرين يأتوك بكل ساحر عليم. انتخاب این ترکیب برای کلام حاوی این نکته است که فرستادن نیروها مستلزم آوردن ساحران است و این حکایت از نفوذ فراوان فرعون و مأموران وی بر سرزمین مصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۸

۸ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکنت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجبثنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۴

۴- فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی بانفوذ در سرزمین مصر

يَا تَوَكُّبَ كَلِّ سَحَارِ عَلِيمِ

فعل <يأتوك> جزای شرط مقدر (إِنْ تَبْعْتَهُمْ يَا تَوَكُّبَ كَلِّ سَحَارِ عَلِيمِ) است. این ترکیب

حاوی این نکته است که فرستادن نیروها برای جذب ساحران، مساوی با آمدن آنان بدون تعلل است و این مطلب، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی .. . إلى فرعون و همین و قرون

قدرت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۳

۳ - فرعون ، طرفداران و کارگزاران حکومت خود را ، گروهی متحد ، نیرومند و آماده نبرد معرفی کرد .

و انا لجمع حذرون

یکی از معانی <جمع> ضد <متفرق> یعنی، متحد است (لسان العرب). برداشت یاد شده بر اساس همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

كذبت قبلهم قوم نوح .. . ثمود ... أصحاب لئیکه أولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أولئک) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود، یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۶

و توان بالا

فأخذنهم أخذ عزيز مقتدر

آورده شدن اوصاف <عزیز> و <مقتدر> برای خداوند در این آیه، تعریض به قدرت ظاهری فرعونیان دارد.

قدرت قابل اتکا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۹

۹ یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین ، تنها قدرت قابل اتکا برای انسانها

إن الله له ملك السموت والأرض . . . و ما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

قدرت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی . . . إلى فرعون و همين و قرون

قدرت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۴

۴ - اصحاب حجر (قوم ثمود) مردمی نیرومند و سخت کوش بودند و در مناطق کوهستانی زندگی می کردند .

و كانوا ينحتون من الجبال بیوتاً ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳- قوم نوح، عاد، فرعون، ثمود، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب)، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

كذبت قبلهم قوم نوح... ثمود... أصحاب لئیکه أولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أولئک) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود، یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند

که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

قدرت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ قوم عاد ، مردمی قوی و نیرومند بودند .

و یزدکم قوه إلی قوتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳- قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

كذبت قبلهم قوم نوح... ثمود... أصحاب لئیکه أولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أولئک) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود؛ یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۴

۴- قوم عاد ، دارای قدرت و توانمندی بی نظیر در عصر خویش

و قالوا من أشدّ منّا قوه

قوم عاد، ادعای نیرومندی داشتند و خداوند این ادعا را رد نکرد؛ بلکه به گونه ای دیگر پاسخ آنان را داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱- قوم عاد ، برخوردار از قدرت و امکانات بس فزون تر از مشرکان مکه

و لقد مكنهم فيما إن مكنكم فيه

حرف <إن> نافية است.

۲- هلاکت قوم عاد ، به رغم داشتن توان و نیرویی قوی و گسترده ، هشداری است به تمامی

مشركان .

و لقد مكّنتهم فيما إن مكّنتكم فيه

گرچه مورد آیه، مشركان مکه است؛ ولی در هشدار الهی، دیگر مشركان نیز با آنها تفاوتی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۶

۶ - قوم عاد ، مردمی بلندقامت و پر قدرت *

إرم ذات العماد

چنانچه <إرم> نام قوم عاد باشد، توصیف آنان به <ستون دار>، کنایه از نیرومندی و قامت رشید آنان خواهد بود. گفتنی است که در این برداشت، <عماد> به معنای عمود و ستونی گرفته شده است که خانه را بر آن استوار می کنند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۵

۵ - قوم عاد ، مردمی بی نظیر در قدرت و قامت *

ذات العماد . التي لم يخلق مثلها في البلد

در برداشت یاد شده، <إرم> نام قوم عاد گرفته شده است؛ در نتیجه <التي..> توصیف گر آن قبیله، به نبود امثال آنها در شهرها خواهد بود.

قدرت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

كذبت قبلهم قوم نوح . . . ثمود ... أصحاب لئكة أولئك الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أولئك) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود، یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران،

مانند آنان نبودند.

قدرت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

كذبت قبلهم قوم نوح ... ثمود ... أصحاب لئیکه أولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أولئک) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود، یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

قدرت کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۸

۸ - لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

جمله <إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ..> تعلیل برای <استأجره> می باشد و با توجه به این که تعلیل مفید تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

قدرت کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داری منصب پذیر را احراز کند .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی ... مکین أمين

قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۶ - ۳،۴،۵،۶

۳ قدرت و شکوه ظاهری کافران و برخورداری آنان از بهره های مادی ، امری فریبنده برای مسلمانان

لا یغزینک تقلب

الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

۴ رهبران الهی ، حتّی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لَا يَغْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

۵ خطر تأثیر منفی قدرت اقتصادی و شکوه ظاهری کافران ، در روحیه مسلمانان صدر اسلام

لَا يَغْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا

۶ شوکت ظاهری و تلاش و جولان کافران در سرزمین ها ، نباید موجب فریب و خام شدن مسلمانان گردد .

لَا يَغْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۵

۵ فریفته نشدن در برابر شوکت ظاهری و قدرت اقتصادی کافران ، از مصادیق تقوایشگی است . *

لَا يَغْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا .. لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ

نهی از فریفته شدن و آنگاه بشارت بهشت به تقوایشگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی ، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران

أَيُّتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۶

۶ امکانات مادی و داشتن نیرو های انسانی و هوادار ، هرگز موجب نجات کفرپیشگان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ نخواهد شد .

ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۹

۹ توان نیروهای شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، در

برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فتنکم شیئا و لو کثرت و أن الله مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أكثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۶

۶ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان ، درباره تأثیرپذیری از قدرت و مکت کافران و تجدید نظر کردن در برنامه

های تبلیغی و الهی خویش

فلا یغررک تقلبهم فی البلد

پیامبر(ص) و مسلمانان، در حالی به تبلیغ دین اسلام می پرداختند که کافران در اوج قدرت اقتصادی و سیاسی قرار داشتند.

بنابر این هشدار خداوند در آیه شریفه می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

قدرت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ غرور و اعتماد نابجای کافران عصر پیامبر(ص) به اقتدار و تمکن خویش

ألم یروا کم أهلکنا .. مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

از اینکه می فرماید اقوام قدرتمندتر از شما را هلاک کردیم، معلوم می شود که اینان به قدرت و مکت خویش مغرور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۲

۲- جوامع و تمدن های بسیاری در طول تاریخ ، با وجود قدرت و امکانات بسیار و موقعیت برتر نسبت به کافران عصر بعثت ، به هلاکت رسیده و نابود

شدند .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۸

۸ - مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا .. و كانوا أشدّ منهم قوه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

قدرت کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۵

۵ کافران قوم مدین برخوردار از نیرویی افزون بر مؤمنان آن سامان

لنجرجنک یشعیب و الذین ءامنوا معک من قریتنا

تصمیم کافران قوم مدین به اخراج شعیب و همگامانش و ابراز آن با سوگند و تأکید بسیار، حکایت از برداشت فوق دارد.

قدرت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

قدرت مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۹ - سعادت جوامع ، در گرو ایمان به انبیا و پیروی از آنها است و نه داشتن قدرت مادی

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين . . . و جاءتهم رسلهم بالبينت

قدرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۱

۳۱ اراده همه موجودات ،

حتى رسول خدا (ص) ، مقهور حاکمیت اراده الهی

و من یرد الله فتنته فلن تملک له من الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص) از جانب خدا مأمور بود تا وابسته بودن توانش را به مشیت خدا و آگاه نبودنش را به امور غیبی به مردم اعلام کند .

قل لأملک .. و لو کنت أعلم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توان بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصم الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۵

۵ - بیرون آوردن کافران حق گریز به هر نحو ممکن از گمراهی ، نه کار پیامبر است و نه در توان او است .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۴

۴- تأکید خداوند ، بر توانایی پیامبر (ص) به شناخت منافقان از آهنگ سخنان

و لتعرفنهم فی لحن القول

از جمله معانی <لحن القول>، آهنگ سخن است.

قدرت مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۳

۳ - مشرکان و مخالفان پیامبر (ص) ، معتقد به اقتدار و متکی به نیرومندی خود

أن كنتم قومًا مسرفين .. فأهلكنا أشدّ منهم

از یادآوری هلاکت اقوامی نیرومندتر از مردم مکه، استفاده می شود که مکیان، به قدرت خویش مغرور بوده و آن را غیر قابل زوال می پنداشتند.

قدرت مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۲

۲ - مخالفان نوح ، دارای قدرت برتر در جامعه

قالوا لئن لم تنته ينوح لتكونن من المرجومين

لحن تهدیدآمیز مخالفان از یکسو و مطرح ساختن رجم که معمولاً کاری علنی و گروهی است نشانگر موضع قوی اجتماعی مخالفان نوح است.

قدرت مدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۸

۸ - لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

جمله <إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ..> تعلیل برای <استأجره> می باشد و با توجه به این که تعلیل مفید تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

قدرت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۶

۶ - بی رغبتی به زیورآلات ، توان مندی و فرادستی در میدان بحث و درگیری ، خصلت های دیرینه مردان

أَوْ مِنْ يَنْشُؤْا فِي الْحَلِيه

با توجه به قرینه مقابله، استفاده می شود که مردان نوعاً دارای ویژگی های ذکر شده در آیه نیستند.

قدرت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۷،۵

۵ مسیح (ع) و مادرش مریم ، مالک هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند .

اتعدون من دون

اللّٰهُ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

۷ پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم، از عوامل پرستش آن دو، از سوی مسیحیان *

قُلْ اتَّعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح(ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل پرستش مسیح(ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۷

۷ - به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن، از کرامات او بود.

و هَزَيٰٓ اِلَيْكَ .. تَسْقُطُ

قدرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ توان رزمی و نیروی مقاومت هر مسلمان، حتی پس از گراییدن جامعه ایمانی به ضعف، بیش از دو چندان هر کافر است.

و عِلْمٌ اَنْ فَيُكْمُ ضَعْفًا فَاِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مَّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۵

۵ سال نهم هجری، سال قدرت مسلمانان و استیلای آنان بر اداره مسجدالحرام

فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هٰذَا

اینکه مسلمانان در سال نهم هجری مکلف به این تکلیف الهی شدند با اینکه اصل پلیدی مشرکان در گذشته نیز بوده است نشان می دهد که در گذشته، اجرای آن میسر نبوده است.

قدرت مسلمانان صدر اسلام

سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۶

۶ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را در مدینه با امداد های خویش توانا و قدرتمند ساخت .

تخافون أن يتخطفكم الناس فأویکم و أیدکم بنصره

<تأیید> به معنای تقویت کردن و قدرتمند ساختن است.

قدرت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۹

۹ توان نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، در برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فتکم شیئا و لو کثرت و أن الله مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۳

۳ - مشرکان و مخالفان پیامبر (ص) ، معتقد به اقتدار و متکی به نیرومندی خود

أن کنتم قومًا مسرفین .. فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

از یادآوری هلاکت اقوامی نیرومندتر از مردم مکه، استفاده می شود که مکیان، به قدرت خویش مغرور بوده و آن را غیر قابل زوال می پنداشتند.

قدرت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۴۸

۴ - ظهور و سقوط تمدن ها و اقوام نیرومندتر از مشرکان جزیره العرب در تاریخ

و كانوا أشدّ منهم قوّه

۸ - مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا .. و كانوا أشدّ منهم قوّه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد

شده باشد.

قدرت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱

۱- قوم عاد ، برخوردار از قدرت و امکانات بس فزون تر از مشرکان مکه

و لقد مكنهم فيما ان مكنكم فيه

حرف <ان> نافیه است.

قدرت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- توانایی مطلق خداوند بر همه چیز و انجام هر کاری

يفعل الله ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۳

۳- قوانین طبیعی و علل عادی ، محدود کننده قدرت و اراده خداوند نیست .

قال كذلك قال ربك هو على هين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ - قدرت خداوند ، مطلق بوده و بر انجام هر کاری توانا است .

ان الله على كل شيء قدير

قدرت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۶ - ۵

۵- موجود فاقد قدرت مستقل و مطلق ، شایسته پرستش نیست .

الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضّر عنکم و لاتحویلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۶ - ۳

۳- توانمندی معبود بر جزای بندگان ، نمایانگر شایستگی وی برای حمد و سپاس

و ما لکم من نصرین . . . فلله الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض

حرف <فاء> در <فلله الحمد> مفاد آن را بر مطالب قبل که در باره معاد بود، تفریع کرده است.

قدرت معبود راستین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۷ - ۴

۴ توان بر یاری بندگان از ملائکه های معبود راستین

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۲

۲- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق .. و الله یعلم ... و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئ

آوردن عبارت <إلهکم إله واحد> پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۴

۴ تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۷

۷- شنوایی، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز، از شروط بدیهی معبود حقیقی است.

لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۶

۶ مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ

ءالهه لا یخلقون شیئا و هم یخلقون . . . و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۶

۶ توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان ، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: ۱ آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. ۲ این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۳

۳ - موجود ناتوان و ناشنوا ، فاقد شایستگی برای خدا بودن و پرستیده شدن

قال هل یسمعونکم اذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۵ - ۸

۸ - قدرت و علم فراگیر و نامحدود ، دو ملاک اصلی در شناخت معبود حقیقی

الذی یخرج الخبء . . . و یعلم ما تخفون

<یخرج الخبء> بیانگر قدرت نامحدود و <یعلم> بیانگر علم گسترده الهی است. خداوند با طرح این دو اصل، به انسان یادآوری می کند که معبود راستین باید از این دو صفت برخوردار باشد. در غیر این صورت شایسته پرستش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - موجود ضعیف و ناتوان از اعمال اراده خویش ، نالایق برای الوهیت و پرستش

لا إله إلا هو . . . الجبار المتکبر

با توجه به این که آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ضروری خداوند است، از مفهوم آیه استفاده می

شود که موجود فاقد این اوصاف، شایسته الوهیت نیست.

قدرت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۸

۱۸ - مشرکان ، خدایان دروغین را دارای قدرت می پندارند .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه لله جميعاً

طرح مسأله قدرت خداوند و انحصار آن به او برای کسانی که غیر خدا را همتای خدا می پندارند، بیانگر این است که: مشرکان به توهم برخورداري معبودانشان از قدرت، آنها را همانند خداوند پنداشته و بر اساس آن به ایشان محبت میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۳ - ۸

۸ - معبود ها ، برخوردار از توانایی برای نجات دادن از گرفتاری و رنج در نظر مردم انطاکیه

ءالهه إن یردن الرحمن بضراً لاتغن عنی . . و لاینقذون

قدرت معبودان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ مشرکان، معتقد به کارایی و توانمندی معبودان خویش در رهاسازی آنان از مشکلات

أین ما کنتم تدعون من دون الله

قدرت مکر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۱،۴،۶

۱- هلاکت و عذاب دنیوی ستم پیشگان تاریخ از سوی خداوند ، علی رغم مکر و چاره اندیشی های فراوان و قدرتمندانه آنان

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا . . . و قد مکروا مکرهم ... و إن کان مکرهم لتزول منه

۴- تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر ترفند ها و مکر های گوناگون

و کوه شکن ستم پیشگان جامعه

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم و إن کان مکرمهم لتزول منه الجبال

۶- مکرها و چاره اندیشی های ستمگران ، هر چند گسترده و کوه شکن باشد ، در برابر نیروی حق بی ثمر و ناموفق خواهد بود .

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم و إن کان مکرمهم لتزول منه الجبال

قدرت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - فرشتگان ، توانا بر اخفای امور خویش بر دیگران فرشتگان

أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۲ - ۴

۴ خداوند ، به دست فرشتگان مهمان لوط ، دیار قوم لوط را تخریب کرد و آنان را هلاک ساخت .

إنا أرسلنا إلی قوم لوط .. إنا رسل ربک ... فلما جاء أمرنا جعلنا علیها سافلها

از اینکه خداوند، فرشتگان را برای تخریب دیار قوم لوط می فرستد (إنا أرسلنا إلی قوم لوط) و در عین حال تخریب آن دیار و نزول عذاب را به خودش نسبت می دهد (جعلنا عالیها سافلها) چنین استفاده می شود که: فرشتگان به منزله وسیله ای برای نزول عذاب بوده و کار آنها جلوه ای از فعل خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۰

۱۰ - توانایی و نقش آفرینی ملائکه در جهان متفاوت است .

أولی أجنحه مثنی و ثلث و ربع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که پروبال فرشتگان، کنایه از توانایی

و قدرت جولان آنان در جهان باشد. در مثل می گویند: فلانی پروبالش سوخته و یا شکسته شده؛ کنایه از این که نیروی حرکت و توانایی از او سلب گردیده است.

قدرت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت، ثروت و فرزندان بسیار خویش

كانوا أشد منكم قوه و أكثر أمولا و أولداً

قدرت موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۱ - ۲

۲ - وانهاده شدن مشرکان و معبودهایشان به خود و ناتوانی آنان در برابر خداپرستان و حق جویان

فإنكم و ما تعبدون

قدرت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲۰

۲۰ حضرت موسی (ع)، دارای قدرت و توانی بالا در ایفای رسالت و اتمام حجت بر مردم

و ءاتینا موسی سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۲،۳

۲ فرعون و درباریان او آگاه به توان و اقتدار موسی (ع) برای برچیدن نظام حکومتی آنان

یرید أن یخرجکم من أرضکم

تشکیل جلسه مشورتی از سوی سران حکومت مصر برای ارزیابی روشهای مبارزه با موسی بدین سبب که وی در صدد برچیدن حکومت است، نشانگر این نکته است که فرعونیان به توانایی و اقتدار موسی پی برده و سخت بیمناک بودند.

۳ فرعونیان ، هراسان از قدرت یابی موسی (ع) و بنی اسرائیل و از دست دادن حکومت و سرزمین

یرید أن یخرجکم من أرضکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۹

۹ - فرعون به قدرت یک تنه موسی (ع) در برابر تشکیلات عریض و طویل خویش اعتراف کرد .

فاجعل بیننا .. لانخلفه نحن و لانت

برداشت یاد شده از آنجا است که فرعون ضمیر مربوط به خود را جمع (نحن) و ضمیر مربوط به موسی (ع) را مفرد (انت) ذکر کرده است. البته محتمل است انتخاب این نحوه سخن برای تعظیم خود باشد ولی این نکته را نمی توان از نظر دور داشت که در هر صورت، فرعون با مجموع امکانات و قدرت خود، در برابر موسی (ع) موضع گیری کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۴

۴ - موسی (ع) ، فردی ترس و دارای اراده ای قوی و همتی والا

قال یقوم .. قال یهرون ... قال فما خطبک یسمری

موسی (ع)، پس از بازگشت از میقات، یک تنه و با استیضاح رئیس، مرئوس، فرد و گروه، با جو حاکم و غالب بر بنی اسرائیل درافتاد و با همه آنان از موضع قدرت سخن گفت. این برخورد، برخاسته از نیرویی وابسته به قدرت لایزال الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۲

۲ - ناتوانی فرعونیان در مبارزه با موسی (ع) و منحصر شدن تمام قدرت و تدبیر نظام فرعونی در وجود ساحران

لعلنا نتبع السحره إن كانوا هم الغلبین

با این که در نظام فرعونی تلاش بر حذف همه نیروها

و منحصر دانستن فرعون در جایگاه رهبری بوده است؛ اما ناتوانی او از مقابله با موسی (ع) و نیاز وی به کارآیی ساحران، سبب گشت تا به جای فرعون، ساحران پیشوای مردم قلمداد شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۲

۲ - ناتوانی فرعون از نابود ساختن موسی (ع) ، علی رغم خشم و دشمنی عمیق وی نسبت به او و آیینش

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

مأموریت جدید موسی (ع)، نشانگر آن است که فرعون علی رغم تلاش برای نابودی آیین موسی (ع) نتوانست به خود وی آسیبی برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۶

۶ - موسی (ع) ، مردی نیرومند و شخصیتی امین در دیدگاه دختر شعیب

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

قدرت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۶

۶ توانایی های اهل ایمان در سرکوبی دشمنان دین ، پرتویی از قدرت الهی

ليقطع طرفاً .. لیس لك من الامر شیء

با وجود اینکه مسلمانان، دشمن را ذلیل و اسیر کردند و سرانجام آنها را از دستیابی به اهدافشان ناامید ساختند، ولی خداوند تمامی موارد را به خویش نسبت می دهد تا بفهماند که کار آنان و تواناییهایشان، در واقع از آن خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۵

۵ نیرو و قدرت مؤمنان ، وسیله تحقق اراده الهی در نابودی و عذاب منافقان

أن يصيبكم الله بعذاب من

عنده أو بأيدينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است) ولی با توجه به این که کافران، همواره درصدد تضعیف جبهه حق و دین الهی اند، مقصود از آن نیروی الهی و جبهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض> می رساند که این ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان ، قادر به دفع هجوم کافران ، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لولوا الأدبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد، یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد، اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

قدرت مؤمنان در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۹

۹ مؤمنان در مدینه ، برخوردار از قدرت و شوکت بسیار در مقایسه با منافقان

و يحلفون بالله إنهم لمنکم ..

و لکنهم قوم یفرقون

بیم منافقان و تلاش آنان برای مؤمن جلوه دادن خود، نشانه ای از قدرت و شوکت مؤمنان است.

قدرت مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۶

۶ مؤمنان صدر اسلام در برهه ای از عصر پیامبر (ص) دارای استعداد و توان پیروز شدن بر لشکری تا ده برابر نفرات ایشان

إن یکن .. یغلبوا ألفا

چون در آیه بعد تخفیف در حکم جهاد و مقاومت را به تحقق ضعف تعلیل کرده است، معلوم می شود خداوند با توجه به توان و استعداد اهل ایمان بر آنان واجب کرده بود که در مقابل لشکری تا ده برابر خود مقاومت کنند.

قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۶

۶ - برخورداری از توان رزمی فراوان و توسعه کشاورزی و آبادانی سرزمین ها ، برترین جلوه های تمدن در جوامع پیشین بوده است .

کانوا أشدّ منهم قوه و أثاروا الأرض و عمروها أكثر ممّا عمروها

<إشارة> (مصدر <أثاروا>) به معنای <زیر و رو کردن> است و در این جا، منظور، زیر و رو کردن خاک برای زراعت یا ساختمان سازی و غیر آن است.

قدرت نظامی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل الله > است .

وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ . . . وَ مَا تَنفَقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

قدرت نظامی

سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۷

۷- قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

قدرت نظامی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله <کانما یساقون إلی الموت> در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

قدرت نظامی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۶

۶ وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان ، تعیین کننده مرز قدرت نظامی ضروری در جامعه ایمانی

و أعدوا لهم ما استطعتم .. ترهبون به عدو الله

جمله <ترهبون ..> به منزله تفسیر و توضیحی است برای <ما استطعتم>. یعنی توان نظامی باید به حدی رسد که دشمن را به وحشت اندازد، نه کمتر از آن ؛ هر چند جامعه اسلامی بر بیشتر از این مقدار توانمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ توان رزمی و نیروی مقاومت هر مسلمان ، حتی پس از گراییدن جامعه ایمانی به ضعف ، بیش از دو چندان هر کافر است .

و علم أن فیکم ضعفا فإن یکن

منکم مائه صابره یغلبوا مائتین

قدرت نظامی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ مشرکان صدر اسلام ، از توان رزمی بالایی برخوردار بودند .

أتخشونهم

قدرت نفس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۷

۷ نفس آدمی بر آراستن کارهای زشت و ناروا و واداشتن او به ارتکاب آنها تواناست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

قدرت نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۹ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ، گرچه گروهی منسجم باشند ، از مانع شدن نماز گزاران ناتوان اند .

کَلَّا

حرف <کَلَّا> برای ردع و منع است و در آیه شریفه تکذیب گران دین را، از پندار موفقیت در باز داشتن مردم از نماز منع می کند.

قدرت نمایی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - حضور با تمام قوا و با آرایش منظم و با هیبت ، طرح پیشنهادی فرعونیان برای قدرت نمایی در صحنه مقابله با موسی (ع)

فَأَجْمَعُوا كَيْدَ كَمِ ثَمَّ اتْتُوا صَفًّا

قدرت نمایی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۴

۴ - قدرت نمایی و بزرگ جلوه دادن توانایی های خود در برابر جبهه مخالف ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونى است .

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَذِرُونَ

قدرت نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ قدرتمداری نمود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الى . . ان اتيه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه .. >، بیان علتّ محاجّه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری ، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیت الهی

الم تر الى الذى . . ان اتيه الله الملك

چنانچه جمله <ان اتیه .. >، بیان علتّ کفر و غرور نمود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلیّ به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

قدرت هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۴

۴ توانایی هاییل بر قتل برادرش قایل

ما انا بباسط . . لاقتلك انى اخاف الله

اگر هاییل از قتل برادرش ناتوان بود، اقدام نکردن به قتل را ناشی از خداترسی خویش نمی شمرد.

قدرت هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسى . . إلى فرعون و همين و قرون

قدرت هوای نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۸

۸ توانایی هوای نفس در سرکوبی عواطف برادری و انسانی

فطوعت له نفسه قتل اخیه

تصریح به کلمه <اخیه> برای رساندن این است که حتی عواطف برادری نیز نتوانست نفس قایل

را از خواسته خویش (کشتن هابیل) باز دارد.

قدرت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۹

۹- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صییًا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا در آورد.

قدرت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۴

۴- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

<أولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

قدرت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقواییشان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتقّ و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

قلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۵

۱۵ - > اسحاق بن عمار و یونس قالا-: سألنا ابا عبد الله (ع) عن قول الله تعالى > خذوا ما اتيناكم بقوة < أوقوه في الأبدان أوقوه في القلب؟ قال فيهما جميعاً ;

اسحاق بن عمار و یونس از امام صادق(ع) درباره آیه

<خدا ما اتیناکم بقوه> سؤال کردند که: آیا مراد از <قوت> نیروی بدنی است یا قلبی؟ امام(ع) فرمودند: هر دو است.>

کافران و قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلک عنی سلطینه

کفر به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۴

۴ عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند ، رسالت عیسی (ع) و معجزه بودن آن مائده کافر شوند .

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمین

متعلق <یکفر> می تواند، رسالت عیسی(ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در <لااعذبه> مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه <عذاباً> می باشد یعنی لااعذب قبل هذا العذاب احداً

کمال قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۵

۵ - علم و قدرت خدا ، کامل و بی نقص است .

ذلک بأنّ الله یولج الّیل .. و أنّ الله سمیع بصیر

کیفیت استفاده از قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ - لزوم به کارگیری علم و قدرت ، در مسیر صلاح و سازندگی و جلب رضایت خداوند

و لقد ءاتینا داود ۰ و سلیمان علماً . . و اوتینا من

کُلّ شیء... و أن أعمل صلحًا ت

گرایش به قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۸

۸ گرایش طبیعی انسان ها به قدرتی فراتر و نیرومند ، برای اتکا به او

و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

اینکه خداوند فرموده است: <برای شما جز او یار و سرپرستی نیست>، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و استمداد و اتکا به مبدأ قدرت در انسانها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۸

۸ - انسان ها ، دارای گرایشی درونی به قدرتی برتر جهت انتخاب ولی و یاورند .

و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

نفی مطلق غیرخدا برای ولایت و یآوری، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و اتکا به ولی برتر است.

گسترش قدرت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت و نقش آفرینی ملائکه در جهان ، با مشیت الهی در حال گسترش و توسعه است .

جاعل الملكة رسلاً أولى أجنحه .. یزید فی الخلق ما یشاء

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <الخلق> فرشتگان و مراد از <ازدیاد> زیاد کردن بال های آنان باشد (بال ها کنایه از قدرت است).

گواه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به

پیامبر (ص) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذی أخرج المرعى . فجعله غناء أحوی . سنقرئک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند پیش از وعده به قرائت و حفظ نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است؛ به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

مالک قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۸ - ۷

۷ - تمام قدرت ها و واسطه های فیض در نظام هستی ، در مالکیت و سیطره یگانه خداوند

إِنَّ اللَّهَ هُوَ .. ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ

تعبیر <ذوالقوه> به جای <القوی> می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که خداوند، نه تنها قوی است؛ بلکه هر نوع توان و قدرتی که در نظام وجود یافت شود، مملوک و مقهور او است.

مجاری قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۵

۵- عوامل طبیعی ، مجرای اراده و قدرت خداست .

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ .. مَا يَمْسُكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ

با آنکه پرواز پرندگان به خاطر توانایی خاصی است که در وجود آنها نهفته است، اما خداوند این توانایی را به خود نسبت می دهد؛ پس معلوم می شود که همه عوامل طبیعی به اراده خدا در کارند.

محدوده قدرت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ نابرابری ناآگاهان و آگاهان به محدوده قدرت و وظایف پیامبران، مانند

قل لا أقول لكم .. إني ملك ... قل هل يستوى الأعمى و البصير أفلاتتفكرون

در اینکه مراد از <أعمى> و <بصیر> در آیه چیست، احتمالاتی وجود دارد؛ از آن جمله اینکه کسانی که پس از بیان محدوده قدرت و وظایف پیامبران این حقایق را دریافته و پذیرا می شوند، <بصیر> و آن کسانی که جاهلانه سخنهاى واهی گفته و درخواستهای نابجا دارند <أعمى> (کور) هستند.

محدوده قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۳

۳ - برخی از جنیان ، قادر به انجام امور فوق طبیعی و خارج از محدوده قدرت بشر

قال عفريت من الجنّ أنا اتيك به قبل أن تقوم من مقامك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۸

۸ - فرایند رویش درختان در دامان طبیعت ، خارج از قلمرو توان بشر

ما كان لكم أن تنبتوا شجرها

محدوده قدرت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۳

۳ - برخی از جنیان ، قادر به انجام امور فوق طبیعی و خارج از محدوده قدرت بشر

قال عفريت من الجنّ أنا اتيك به قبل أن تقوم من مقامك

محدوده قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧- از امام صادق (ع) روایت شده كه : قيل لأميرالمؤمنين (ع) هل يقدر ربك أن يدخل الدنيا في بيضه من غير أن تصغر الدنيا و تكبر البيضه ؟ قال :

إن الله تبارك و تعالی لا ینسب إلی العجز و الذی سألتنی لایکون ;

از امیر المؤمنین (ع) سؤال شد: آیا خداوند می تواند دنیا را در تخم مرغی جای دهد بدون اینکه دنیا کوچک یا تخم مرغ بزرگ شود؟ فرمود: خدای تبارک و تعالی موصوف به ناتوانی نمی شود ولی آنچه مورد سؤال توست شدنی نیست (محال است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ کفر ورزیدن به خداوند دارنده قدرت بی انت ها و برخوردار از علم مطلق ، امر شگفت انگیز و نامعقول است .

کیف تکفرون بالله .. هو الذی خلق لکم ... و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۴

۱۴ عوامل طبیعی، مسخر اراده الهی و در قلمرو قدرت اوست.

کم أهلکنا ... مکنهم ... و أرسلنا السماء ... و جعلنا الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ خداوند توانا بر انجام هر کار و دارای قدرتی مطلق

و الله علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۶

۶ - برخورداری دنیا طلبان از بخشی از موهبت های دنیایی ، به اراده و تدبیر خداوند است و نه خارج از قدرت و خواست او .

یرزق من یشاء و هو القوی .. من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها

محدوده قدرت شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء -

۳- فرو ریختن قطعات آسمانی ، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم آیکه

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصدقين

محدوده قدرت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۴

۴ - محدودیت توان و دامنه نفوذ شیاطین

و ما يستطيعون

محدوده قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۲

۲ - مباحات فرعون ، به قلمرو قدرت و میزان مکت و دارایی خویش

و نادى فرعون فى قومه قال يقوم أليس لى ملك مصر. .. أفلاتبصرون

محدوده قدرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۹

۲۹ پیامبر (ص) از نجات کسانی که خداوند عذاب را برای آنان حتمی ساخته ، ناتوان است .

و من یرد الله فتنته فلن تملك له من الله شيئاً

<من الله> متعلق به <تملك> و بیانگر این است که اگر پیامبر(ص) برای نجات مردمان از ضلالت و عذاب قدرتی دارد، از جانب خداست و این قدرت در مورد یادشدگان از وی سلب شده است. کلمه <فتنه> در اصل به معنای <اختبار> و <بر ملا ساختن باطل> است و چون عذاب الهی هويت شخص را آشکار می سازد به آن <فتنه> اطلاق می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۵

۵ پیامبر(ص) نخواهد توانست با نقب زدن به زمین و گذاشتن نردبان به آسمان خودسرانه معجزه ای ارائه کند.

فان

استطعت أن تتبغى نفقا في الأرض أو سلما في السماء فتأتيهم بأيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۲۱، ۲۰

۲۰ تفکر درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبر(ص) و معجزات وی، مورد ترغیب و توصیه خداوند

قل لا أقول لكم .. أفلاتتفكرون

از مصادیق مهم و بارز مذکور در آیه، محدوده قدرت و وظایف پیامبر(ص) است که جمله <أفلاتتفكرون> همه مردم را به تفکر درباره آن فرا می خواند.

۲۱ نیندیشیدن درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبران و خرافه گویی درباره آنان، مورد نکوهش خداوند

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله .. أفلاتتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۲۱، ۲۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۶

۶ معجزه، فعل خدا و خارج از قلمرو توانایی پیامبر (ص) است.

لولا أنزل علیه آیه من ربه فقل إنما الغیب لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۲، ۴، ۱

۱ هیچ کس حتی پیامبر اکرم (ص)، جدا از مشیت خداوند، توانایی جلب منفعت و دفع ضرر از خویشان را ندارد.

قل لاأملک لنفسی ضرراً ولا نفعاً إلا ما شاء الله

۲ پیامبر اکرم (ص)، تنها پیام رسان خداوند است و بیرون از خواست و اراده او به تحقق بخشیدن وعده یا وعیدی، توانایی ندارد.

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لأملكك لنفسي ضرراً و

لَا نَنْفَعُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

۴ پیامبر اکرم (ص)، بی مشیت خداوند توانایی تعیین زمان و تحقق بخشیدن عذاب استیصال را ندارد.

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لأملك لنفسي ضراً ولا نفعاً إلا ما شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۶ - ۱

۱ - هدایت بخشی و ایجاد ایمان در دل مردم، خارج از قلمرو توانایی پیامبر (ص) است.

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ

<هدایه> هم به معنای نشان دادن راه به کار می رود و هم به معنای رساندن به مقصد. مراد از هدایت در این آیه، معنای دوم است؛ زیرا هدایت (به معنای نشان دادن راه) وظیفه هر پیامبر و از جمله رسول اکرم (ص) است و معنا ندارد که خداوند آن را از پیامبر (ص) نفی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۱

۱ - نجات محکومان به عذاب قطعی الهی، در توان هیچ کس حتی پیامبر (ص) نیست.

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تَنْقُذُ مَنْ فِي النَّارِ

و <حَقَّ> یعنی، <ثَبَّتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) و <کلمه> در آیه شریفه به معنای وعده و یا فرمان است و همزه در <أَفَأَنْتَ..> استفهام انکاری می باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: آیا کسی که وعده و فرمان عذاب بر آنان قطعی شده است، تو می توانی نجاتش بخشی؟ هرگز!

محدوده قدرت ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

۱۵ هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله <فلا مرد له> می رساند که تقدیر الهی بر گزندرسانی بازگشتنی نیست و جمله <و ما لهم ..> بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

محدودیت قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۳ - ۵

۵- حوادث آینده ، از علم و قدرت قطعی انسان خارج است .

و لاتقولنّ لشیء ائی فاعل ذلک غدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۲

۲- قوای انسان هرچند نیرومند باشد زوال پذیر و در معرض سستی است .

و من نعمره ننکسه فی الخلق

محدودیت قدرت دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۵

۱۵- قدرت و حاکمیت دشمنان پیامبران و مؤمنان ، موقت و محدود به زندگی دنیایی است .

إِنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

محدودیت قدرت دشمنان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - قدرت و حاکمیت دشمنان پیامبران و مؤمنان ، موقت و محدود به زندگی دنیایی است .

إِنَّمَا تَقْضَىٰ هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

محرومان از درک قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۵ - محرومیت منافقان ، از درک روابط و مناسبات جهان آفرینش و قدرت خداوند

و لکنّ المنفقین لایفقهون

مشرکان و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۶

۱۶ - مشرکان به هنگام مواجه شدن با عذاب الهی ، به انحصار قدرت به خدا ، پی خواهند برد .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه لله جميعاً

<إذ یرون> مفعول برای <یری> است و <أن القوه...> با فعل مقدری جواب شرط می باشد یعنی: <لو یری... لعلموا
أن القوه لله جميعاً> اگر مشرکان امروز می دیدند آن روزی را که با عذاب قیامت مواجه خواهند شد، همانا می فهمیدند که
تمام قدرتها از آن خداوند است.>

مظاهر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۴،۱۳

۱۳ - برپا کردن قیامت و آوردن همه انسان ها در آن ، مظهر قدرت همه جانبه خداوند است .

یأت بکم الله جميعاً إن الله علی کل شیء قدیر

۱۴ - برپا کردن صحنه قیامت و آوردن انسان ها به آن صحنه ، درخور قادری مطلق است .

یأت بکم الله جميعاً إن الله علی کل شیء قدیر

مکذبان قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - کافران ، خدا را از احیای مجدد انسان ها پس از مرگ ، ناتوان می دانستند .

و ضرب لنا مثلاً .. قال من يحي العظم و هی رمیم

مقصود از

>ضرب لنا مثلاً> (برای ما مثل آورد) می تواند این معنا باشد که: کافران، قدرت خدا را با قدرت دیگران یکی می دانستند؛ یعنی، همان گونه که همه از احیای استخوان کهنه ناتوان اند، او نیز مانند همه ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۵

۵ - انکار قدرت خداوند بر حیات مجدد انسان ها و برپایی قیامت از سوی کافران

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا

اعتراف کافران در روز قیامت به دو بار مردن و زنده شدن و نیز گنه کار بودن شان، نشانگر آن است که آنان در دنیا منکر توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها بودند. از این رو به خطاکار بودن شان اعتراف می کنند.

ملاک قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۶

۶ وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان ، تعیین کننده مرز قدرت نظامی ضروری در جامعه ایمانی

و أعدوا لهم ما استطعتم .. ترهبون به عدو الله

جمله <ترهبون ..> به منزله تفسیر و توضیحی است برای <ما استطعتم>. یعنی توان نظامی باید به حدی رسد که دشمن را به وحشت اندازد، نه کمتر از آن؛ هر چند جامعه اسلامی بر بیشتر از این مقدار توانمند باشد.

منابع قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۹، ۶

۶ خداوند ، تنها عطاکننده قدرت ، به هر کس که اراده فرماید .

تؤتی الملك من تشاء

۹ خداوند به هر کس که

بخوهد مُلک (قدرت و حاکمیت) می دهد و از هر کس بخوهد ، باز می ستاند .

تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممّن تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۷

۷ - دریا ، یکی از منابع ثروت و قدرت

و الشیطان کلّ بناء و غواص

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، در پاسخ به درخواست سلیمان(ع) مبنی بر داشتن حکومت مقتدر، مسأله به خدمت در آوردن شیاطین برای غواصی و استخراج منابع و ذخایر آن را مطرح ساخت.

منشأ قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ - تمام قدرت ها از آن خداوند است و هیچ کس و هیچ چیز غیر از او قدرتی ندارد .

أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۸

۸ شرک و پرستش غیر خدا ، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون الله ما لا یملک لکم ضرراً و لانفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۷

۱۷ امت ها و جوامع نیرومند باید توان و نیروی خویش را نعمتی خدادادی بدانند و همواره آن را به یاد داشته باشند .

اذكروا إذ جعلكم .. و زادكم في الخلق بصطه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ برخورداران از نعمت و عزت و مكننت

، باید به خدادادی بودن آنها توجه داشته و بدان اقرار کنند .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- دلیل و حجت نیرومند و توان پیروزمند در صحنه رویارویی با منکران حق و حقیقت ، در گرو امداد الهی است .

و اجعل لی من لدنک سلطناً نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۴

۴- تمام نیروها ، وابسته به خداوند است .

لا قوّه إلاّ بالله

جمله <لا قوّه إلاّ بالله> به دلیل <لا> ی نفی جنس و حرف <إلاّ> افاده حصر می کند، یعنی، هیچ توان و قدرتی، جز به نیروی خداوند، نمی تواند عرضه وجود کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۲

۲- قدرت و امکانات عناصر نیرومند تاریخ ، در قلمرو اراده و حاکمیت خداوند و نه مستقل از آن .

إنا مکنا له فی الأرض

نسبت دادن قدرت و امکانات ذوالقرنین به خداوند، این پیام را دارد که نباید پنداشت که قدرت مندان، آنچه دارند، خود، به دست آورده اند، بلکه همه چیز از او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۲

۲- برخورداری انسان از قدرت و دانش و به کارگیری آن در جهت مصالح انسانی ، نمودی از رحمت پروردگار است .

.. قال هذا رحمه من ربّي

ذوالقرنین، سد و به عبارت دیگر، تمام امکانات و دانشی که برای

ساخته شدن آن به کار رفته بود را رحمت پروردگار دانست این منطق، منطقی عام است و اختصاصی به سد و یا شخص ذوالقرنین ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۴

۴ - علم ، منشأ قدرت

قال الذی عنده علم من الکتب أنا ءاتیک به قبل أن یرتد إلیک طرفک

وصف <عنده علم..> اشعار به علیت دارد؛ یعنی، چون به دانش آن کتاب آگاهی داشت، توانست به خواسته سلیمان جامه عمل بپوشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۸

۸- اموال ، توانایی ها و امکانات بشر ، همگی داده خداوند و جلوه لطف او است .

فلینفق ممّا ءاتیه الله لایکلف الله نفسًا إلا ما ءاتیهها

منشأ قدرت اقتصادی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۵

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد الهی پس از اولین شکست

ثمّ ردّنا لکم الکزّه علیهم و امددکم بأمول و بنین

منشأ قدرت اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۸ - ۶

۶- سنت الهی در تاریخ ، انتقال قدرت و اقتدار اقوام حق ستیز به دیگر ملت ها

كذلك و أورثها قومًا آخريں

بنابراین كه <كذلك> اشاره به استمرار داشته باشد، تعبیر <و أورثها> می رساند كه باقی نماندن قدرت و اقتدار برای همیشه در اختیار يك قوم و انتقال آن به سایر اقوام، از سنت های الهی است.

منشأ قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۳ - ۴

۴ - انسان ، توانا به تسخیر تمامی قوا و امکانات طبیعت در پرتو اراده الهی *

و سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

تعبیر <سَخَّرَ لَكُمْ> ممکن است به این معنا باشد که خداوند، موجودات را مسخّر انسان قرار داده است؛ یعنی، انسان بالقوه قادر است که در همه مظاهر طبیعت به نفع خویش تصرف کند.

منشأ قدرت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۸

۸ - اراده و اقتدار خداوند ، حاکم بر اراده و اقتدار انسان ها

و كَفَّ أَيْدِي النَّاسِ عَنْكُمْ

تعبیر <كَفَّ..>، می رساند که اراده الهی، فائق بر قدرت و اراده مردم است.

منشأ قدرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱

۱ - بازگشت قدرت و توان بنی اسرائیل با اراده خداوند پس از نخستین شکست آنان

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ

<كَرْه> در لغت به معنای بازگشت و دولت و نیز به معنای تجدید خلق پس از نابودی است. در هر حال، بازگشت قدرت و توان، از آن قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۲

۲ - بیرون آوردن بنی اسرائیل از محرومیت و فقر و قرار دادن امکانات دنیوی (سرزمین مستقل ، قدرت و مکنّت) در اختیار آنان ، نمودی دیگر از امتنان الهی بر آنها

و نرید أن نمنّ . . . و نمکنّ لهم فی الأرض

منشأ قدرت تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۵

۵ - القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن ، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است .

اقرأ و رَبِّكَ الْأَكْرَم

منشأ قدرت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ - دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لا یقدر علی شیء .. هل یتوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم

برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل..> و <أحدهما أبکم... لا یأت بخیر> به دست آمد.

منشأ قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۵

۵ - سلطه خداوند بر عرش ، پشتوانه اقتدار جبرئیل

ذی قوّه عند ذی العرش مکین

وصف <ذی العرش>، می تواند این نکته را برجسته سازد که منزلت والای جبرئیل، نزد کسی که عرش مقهور او است، اتصاف او را به <ذی قوّه> تضمین می کند.

منشأ قدرت حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلما رءاه .. قال هذا من فضل ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هَذَا> اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد؛ یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من که توانست تخت عظیم بلقیس را

در کمتر از یک نگاه حاضر سازد تفضل پروردگار به من است.

منشأ قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۶ - ۲

۲ توانمندی خداوند بر زنده کردن و میراندن ، برخاسته از مالکیت انحصاری او بر هستی است .

ألا إن لله ما فی السموت و الأرض .. هو یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۰ - ۲

۲- خداوندی خداوند ، منشأ قدرتمندی او بر انجام کارهای شگفت آور و بزرگ

و ما ذلک علی الله بعزیز

ذکر اسم ظاهر <الله> به جای ضمیر با اینکه به دلیل ذکر <الله> در آیه جای کاربرد ضمیر است می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۶

۶- قدرت مطلقه و رحمت گسترده ، در انحصار خداوند است .

إنه هو العزیز الرحیم

منشأ قدرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۷

۷- امکانات و نیروی < ذوالقرنین > و برخورداری او از وسایل و ابزار لازم در مقاصد خویش ، اعطای خداوند به وی بود .

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ .. وءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

منشأ قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - علم و قدرت ، دو نمود بارز فضل الهی برای سلیمان (ع) و در خدمت او

قال الذی عنده علم

من الكتب .. فلما رءاه مستقرًا عنده قال هذا من فضل ربِّي

گرچه علم و قدرت مطرح شده در آیه مربوط به آصف بن برخیا است ولی وی از اعضای دربار سلیمان بود و دانش ویژه و توان فوق العاده او در خدمت حکومت آن حضرت قرار داشت. بر این اساس است که سلیمان(ع) خدا را بر این علم و قدرت سپاس می گزارد. بعلاوه برخی از مفسران مراد از <الذی عنده...> را خود سلیمان(ع) دانسته اند.

منشأ قدرت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۴

۴- پایه های اقتدار و شکوفایی نظام فرعونى ، متكى بر شانه های رنج کشیده بنی اسرائیل *

کم ترکوا من جنت و عیون .. من العذاب المہین

از ارتباط میان این آیه با آیاتی که سخن از امکانات گسترده اقتصادی فرعونیان به میان آورده، به دست می آید که احتمالاً بنی اسرائیل در استخدام باغداری و کشاورزی نظام فرعونى بوده و از این بابت مشقت ها و بردگی ها را تحمل می کردند.

منشأ قدرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لك صدرک

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده

<صدر> اعم از <قلب> است زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

منشأ قدرت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۸

۸ توان و قدرت موجودات ، عطایی از خداوند به آنهاست .

ما أنزل الله بها من سلطان

منشأ قدرت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۶

۶ - قرار داشتن موسی و هارون (ع) در موضع اقتدار و تسلط ، در پرتو آیات و معجزات الهی

و نجعل لكما سلطانًا .. بئائنا

منشأ قدرت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۶

۶ - قرار داشتن موسی و هارون (ع) در موضع اقتدار و تسلط ، در پرتو آیات و معجزات الهی

و نجعل لكما سلطانًا .. بئائنا

منشأ قدرت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷، ۱۸، ۱۱، ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) (نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود

و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

۱۱ به قدرت رسیدن یوسف (ع) پس از بردگی و اسارت در زندان ، دلیلی متقن بر حاکمیت مشیت الهی بر تمامی اسباب و علتهاست .

كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نَصِيبٌ بِرَحْمَتِنَا مِنْ نَشَاءِ

جمله >رحمت خویش را بر هر کس که خواهیم شامل می گردانیم و به او قدرت

می بخشیم > که مفاد <نصیب برحمتنا..> است به منزله ادعایی است که با <كذلك مَكَّنَّا...> بر آن استدلال شده است؛ یعنی، خداوند برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

۱۷ دستیابی یوسف (ع) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی، پاداش کارهای نیک او بود.

كذلك مَكَّنَّا .. نصیب برحمتنا ... و لانضیع أجر المحسنين

۱۸ به قدرت رسیدن یوسف (ع) در سرزمین مصر، دلیلی روشن بر ضایع نشدن اجر نیکوکاران از ناحیه خداوند است.

و كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض ... و لانضیع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکتب و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قد آتيتني من الملك و علمتني .. أنت وليّ في الدنيا و الآخره

موانع شك در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۴

۴ مشاهده خلقت نخستین موجودات و شك در قدرت خداوند برای آفرینش مجدد آنها، ناسازگار با یکدیگر

أفبعينا بالخلق الأول بل هم في لبس من خلق جديد

از آیه شریفه، استفاده می شود که میان خلقت نخستین موجودات و اعاده آنها از نظر امکان، حکمی یکسان جاری است؛ اگر اولی ممکن شد

دومی نیز ممکن است. حال ممکن شمردن یکی و محال شمردن دیگری، تناقض می باشد.

موجبات ضعف قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۵

۵ ضعف ایمان در مسلمانان صدر اسلام موجب ضعف قدرت ایشان در میدان های نبرد

علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائة صابره

از علل توان بسیار برتر مسلمانان در برابر کافران مفهومی است که از <بأنهم قوم لا يفقهون> به دست می آید؛ یعنی ایمان راسخ به معارف دین. بنابراین می توان گفت منشأ بروز ضعف نسبی مسلمانان پس از گذشت برهه ای از صدر اسلام، افت درجه ایمانی آنان بوده است.

موجبات قدرت اقتصادی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۹

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجل لكم هذه و كف أیدی الناس عنكم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <كف..> مترتب بر آن می باشد؛ به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

موجبات قدرت سیاسی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۹

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجل لكم هذه و كف أیدی الناس عنكم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <كفّ..> مترتب بر آن می باشد؛ به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در

لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

ناپایداری قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۲

۱۲- علم و قدرت انسان ، ناپایدار و علم و قدرت خداوند ، همیشگی است .

و منکم من یردّ إلى أرذل العمر لکی لا یعلم بعد علم شیئاً إن الله علیم قدیر

ناپسندی قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۳

۳ - طمعورزی و افزون خواهی در به چنگ آوردن ثروت و قدرت بیشتر ، خصلتی ناپسند و محکوم است .

ثمّ یطمع أن أزید

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات که درباره افراد کافر و دین ستیزی همچون ولیدبن مغیره است درصدد بیان خصلت های زشت آنان و محکوم کردن آنها است.

نبوت و قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۶

۱۶ - عدم تنافی شکوه و قدرت و امکانات مادی با مقام نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إنه صرح ممرد من قواریر

تعبیر <صرح ممرد من قواریر> بیان گوشه ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

نشانه های قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۲

۱۲ آب فراوان و رونق کشاورزی از شاخصه های توانمندی و قدرت اقوام و تمدنهای

و أرسلنا السماء عليهم مدرارا و جعلنا الأنهر تجري

من تحتهم

نشانه های قدرت جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۶

۶ - استفاده از فیل در جنگ های عرب ، کم سابقه و نشانه برخورداری سپاه مهاجم ، از تجهیزات پیشرفته جنگی بود .

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

شهرت سپاه ابرهه با عنوان <اصحاب الفيل>، نشانگر تازگی داشتن این ابزار جنگی و هراس افکن بودن آن است.

نشانه های قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ آفرینش موجودات زمین و آسمان های هفتگانه ، دلیل توانایی خدا بر زنده کردن مردگان است .

ثم يحييكم ثم إليه ترجعون. هو الذي خلق لكم ... فسويهن سبع سموت

جمله <هو الذي ..> می تواند مرتبط با ذیل آیه قبل باشد و نیز می تواند با صدر آن آیه در ارتباط باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ خداوند ، آیات و نشانه های قدرت خویش را همواره و به گونه ای روشن برای مردم نمایان می سازد .

و یریکم ءآيته

آیات به معنای نشانه هاست، به نظر می رسد در آیه فوق - به مناسبت بیان احیای مردگان - مراد از آیات، نشانه ها و دلایل قیامت یا قدرت خداوند است.

۱۳ از اهداف ارائه آیات به مردم ، ایجاد زمینه های فهم اقتدار و توانمندی خداوند در آنان است .

و یریکم ءایته لعلکم تعقلون

۱۵ - زنده شدن مقتول بنی اسرائیل و معرفی قاتل

خویش ، از آیات خدا و از نشانه های اقتدار اوست .

فقلنا اضربوه ببعضها كذلك .. یریکم ءایته لعلکم تعقلون

از مصداقهای <آیاته> - که آیه ناظر به آن است - زنده شدن مقتول بنی اسرائیل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۲

۲۲ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع) ، مریم (ع) و تمامی اهل زمین و نفی هرگونه قدرت در برابر قدرت اوست .

فمن یملک من اللّٰه شیئاً ان اراد ان یهلک .. و للّٰه ملک السموت و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ تمامی جنبندگان زمین و چگونگی زندگی آنها، آیات قدرت خداوند است.

إن اللّٰه قادر علی أن ینزل .. و ما من دابه فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۵

۵ کسانی که نتوانند از جنبندگان و شکل زندگی آنها به توانمندی خداوند پی ببرند، مانند کر و لالهایی فرو رفته در تاریکی هستند.

و ما من دابه فی الأرض .. إلى ربهم یحشرون. و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظ

مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث با آیه قبل می تواند این مضمون باشد که همین آیات موجود در طبیعت برای هدایت کافی است و کسانی که نتوانند از همین آیات توانمندی خداوند را (إن اللّٰه قادر علی أن ینزل) دریابند، کر و لالهایی ظلمت زده هستند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۷

۷ برنامه های جاری جهان هستی، نمودی از قدرت مطلقه و دانش گسترده خداوند است.

فالق الإصباح .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۴

۱۴ پدید آوردن نسلها و جوامع موجود به جای اقوام پیشین، نشان قدرت الهی بر نابود ساختن جوامع ستم پیشه

إن یشأ یدهبکم .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۳،۵۸

۳ مظاهر گوناگون طبیعت جلوه قدرت خداوند است.

و هو الذی أنشأ جنت

۵ گوناگونی میوه ها و محصولات کشاورزی از آثار قدرت الهی

و الزرع مختلفا أکله

<اکل> به معنای میوه و ثمرهای خوراکی است.

۸ همگونی میوه ها در شکل و گوناگونی آنها در طعم و کیفیت، نشانی از قدرت خداوند است.

و هو الذی .. الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه

محتمل است مراد از زیتون و انار در آیه، میوه های آن باشد. در این صورت <متشابه> یعنی تشابه میوه های زیتون با یکدیگر و همچنین انار، <و غیر متشابه> یعنی تفاوت آنها از نظر رنگ و طعم و ... در عین تشابه با یکدیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ یاری رسیدن به مسلمانان در جنگ بدر و به پیروزی رساندن آنان نمودی از قدرت مطلقه خداوند

و ما أنزلنا علی عبدنا .. و الله علی کل شیء قدیر

جمله >و

اللّه .. < می تواند ناظر به تمام حقایقی باشد که در آیه مورد بحث مطرح شده است که از جمله آنها امدادهای خداوند در جنگ بدر است که > «و ما أنزلنا ... < دلالت بر آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفرهای شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوي شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱،۱۶

۱ نصرت خداوند به پیامبر (ص) در سخت ترین شرایط هجرت ، نشان قدرت و بی نیازی خدا از نصرت دیگران برای تحقق اراده خویش است .

و الله على كل شيء قدير. إلا تنصروه فقد نصره الله إذ أخرجه الذين كفروا

۱۶ پیروزی پیاپی اسلام بر کفر ، نمودی از قدرت الهی بر تحقق اراده خویش و نصرت پیامبر (ص)

و الله على كل شيء قدير .. فقد نصره الله ... و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۷

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم يأتيهم نبال الذين من قبلهم قوم نوح .. و المؤمنتفكت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۴

۴ مالکیت مطلق و همه جانبه خداوند بر

جهان هستی ، نشان توانمندی او بر تحقق بخشیدن به تمامی وعده های خویش است .

ألا إن لله ما فى السموت والأرض ألا إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۵۶ - ۶

۶ توانمندی خداوند بر زنده کردن و میراندن ، نشانه قدرت او بر برپا ساختن رستاخیز است .

هو یحی و یمیت و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۸، ۱۳، ۱۱

۱۱ آفرینش آسمان های متعدد و رفیع ، تسخیر خورشید و ماه ، از نشانه های توان و اقتدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یفصل الأیت

جمله های <الله الذی رفع السموت ...> حاکی است که متعلق <آیات> اقتدار خداوند ، سلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ؛ یعنی: <یفصل الأیات الداله علی قدرته و ...> .

۱۳ قرآن ، بیانگر نشانه ها و دلایل اقتدار خداوند و روشن گر تدبیر او بر امور جهان است .

یدبر الأمر یفصل الأیت

در برداشت فوق <الآیات> به آیات قرآنی تفسیر شده است. گفتنی است که بر این مبنا مقصود از تفصیل (جداسازی) تبیین کردن و به روشنی بیان نمودن است.

۱۸ اعتقاد و باور جزمی انسان ها به معاد و لقای خداوند ، از هدف های قرآن در بیان نشانه های قدرت و تدبیر خدا و سلطه او بر هستی است .

یفصل الأیت لعلکم بقاء ربکم توقنون

برداشت فوق ، ناظر به این معناست که مراد از <الآیات> آیات قرآنی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم

۱۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت خداوند بر احیای مردگان در قیامت (معاد) است . *

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

این برداشت مبتنی بر این احتمال است که آیه در صدد طرح مسأله معاد و اثبات قدرت خداوند بر آن است و آیات قبل، که کیفر اخروی کافران و حبط عمل آنها را مطرح کرد، می تواند قرینه ای بر ادعای فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۳ - ۴

۴- آفرینش موجودات زمینی با رنگ های گوناگون ، نشانه ای از خداوند و نمونه ای از قدرت اوست .

و ما ذرأ لكم فی الأرض مختلفاً ألونه إن فی ذلك لأیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۸

۸- در فرآورده های خرما و انگور برای خردورزان ، آیت و نشانه ای از قدرت و ربوبیت خداوند است .

و من ثمرت النخیل و الأعب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا إن فی ذلك لأیه لقوم ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۱

۱۱- آفرینش و مرگ و اعطای دانش و سلب آن از انسان ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

و الله خلقكم ثم يتوفّكم إن الله علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۱۰

۱۰- برپایی قیامت ، جلوه ای

از قدرت مطلقه الهی

و ما أمر الساعه إلا كلمح البصر . . . إن الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱

۱- تولد انسان ها از مادرانشان ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

إن الله على كل شيء قدير . و الله أخرجكم من بطون أمهتكم

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط این آیه با آیه قبل است که در پایان آن، سخن از قدرت بی پایان الهی به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۴،۷

۴- پرواز پرندگان در جو آسمان بدون سقوط بر زمین ، از نشانه های قدرت خداوند است .

ألم يروا إلى الطير مسخرت في جو السماء ما يمسكهن إلا الله

۷- در پرواز پرندگان و حرکت اجرام آسمانی ، آیات بسیاری بر عظمت و قدرت خداوند وجود دارد .

ألم يروا إلى الطير . . . ما يمسكهن إلا الله إن في ذلك لآيت لقوم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱ - ۳،۴

۳- سیر دادن پیامبر (ص) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصى ، نشانه قدرتمندی خداوند و مبرّا بودنش از هر ضعف و کاستی است .

سبحن الذي أسرى بعبده ليلاً من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصا

۴- معراج پیامبر (ص) ، نشانی از قدرت خداوند و مبرّا بودنش از هر ضعف و کاستی

سبحن الذي أسرى بعبده ليلاً من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصا

نوع مفسران برآند که مقصود از سیر شبانه پیامبر(ص) همان معراج آن حضرت است

و روایات بسیاری هم مؤید این نظریه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۴

۱۴- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنيا .. و كان الله على کل شیء مقتدرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۱۰

۱۰- تبلور قدرت خداوند ، در اعطای فرزند به پدری فرتوت و مادری عقیم

و كانت امرأتی عاقراً .. یزکریا إنا نبشرك بغلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۱

۱۱- آفرینش انسان ، نمودی از قدرت خداوند است .

و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱۱

۱۱- حضرت عیسی (ع) و آفرینش او بدون پدر ، نشانه ای بزرگ برای پی بردن مردم به قدرت خداوند

و لنجعله آیه للناس

ضمیر مفعولی <لنجعله> به عیسی(ع) بازمی گردد. تنوین <آیه>، مفید تفخیم است؛ یعنی بدان جهت عیسی(ع) را به تو عطا کردیم که او را برای مردم آیتی بزرگ قرار دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او بفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره.. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- هم آوایی موجودات طبیعت با پیامبران برای تسبیح خداوند ، جلوه ای از قدرت الهی است .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۱۱

۱۱- تَجَلَّى عِزَّتْهُ وَكَرَمَتْهُ أَلْفَاظُ الْقُرْآنِ وَجَبَّتْ كَيْفِيَّةَ الْبَيْتِ وَأَلْفَاظُ الْقُرْآنِ بَدِيئَةٌ لِمَا يَسْتَلْزِمُونَ الْإِنْسَانَ تَضَلَّ حَسَبَهُ فَأَلَفَّ كَمَا أَلْفَى فَجِئَتْ لِرَبِّهِ الْهَيْبَةُ وَكُلٌّ مِنَ الْأَلْفَاظِ الْمَعْنَى (ع)

و جعلناها و ابنها آیه للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰- قدرت خداوند بر خلقت آغازین نظام آفرینش ، نشانگر قدرت او بر آفرینش دوباره آن است .

یوم نطوی . . . إنا کنا فاعلین

تشبیه <کما> می تواند برای اصل خلقت جهان و آفرینش مجدد آن باشد، یعنی، همان گونه که ما توانستیم جهان را در آغاز پدید آوریم، دوباره نیز می توانیم به وجود آوریم. گفتنی است جمله تأکیدی <إنا کنا فاعلین>، بیانگر این است که اصل آفریدن دوباره جهان، مورد انکار بوده و آیه شریفه در صدد بیان امکان آفرینش مجدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۹، ۱۰

۱۰- آفرینش انسان از عناصر بی جانی چون : خاک ، نطفه ، علقه و مضغه ، جلوه روشنی از توانایی خدا بر احیای مجدد انسان در روز رستاخیز است .

فإنا خلقناکم من تراب . . . لنبین لکم

<لنبین لکم> مفعول له برای <خلقناکم> و به تقدیر <لنبین لکم ان الله قادر علی أن یحیی الموتی> است، یعنی، ما شما را از خاک و سپس از

نطفه و سپس ... آفریدیم تا روشن سازیم که خدا، بر احیای دوباره شما توانا است.

۲۹ - رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، جلوه ای از قدرت خداوند

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ .. وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً... مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۴،۶

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ .. وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً... وَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى

جمله <و أَنَّهُ يُحْيِي...> عطف بر <أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ> و به تقدیر <و ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوْتَى > می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶ - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

وَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۲

۲ - در پی هم آوردن شب و روز و جای گزینی مستمر یکی به جای دیگری ، جلوه ای از توانایی مطلق خدا

بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

<إِيلَاج> (مصدر <يُولِج>) به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می تواند کنایه از جابه جا کردن شب و روز باشد؛ یعنی، خدا شب را به تدریجاً

جای روز و روز را تدریجاً به جای شب قرار می دهد. هم چنین می تواند به معنای کم کردن از روز و افزودن بر شب و بالعکس باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ - برپایی نظام آفرینش ، جلوه ای از قدرت بی نهایت خداوند

و یمسك السماء أن تقع على الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۶ - ۳

۳ - شنوایی ، بینایی ، دانایی و نیز در دست داشتن زمام همه امور ، نشانه هایی از نیرومندی ، عزّت و شکست ناپذیری خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ... سَمِيعٌ بَصِيرٌ... وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۳

۳ - آفرینش انسان از گلی ناچیز و بی جان ، نمود عظمت و قدرت خیره کننده آفریدگار

و لقد خلقنا الإنسان من سللة من طين

نکره آوردن <سلاله> و <طين> ظاهراً برای تحقیر است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای ناچیز از گلی بی مقدار آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۱

۱ - ورود و قرار گرفتن نطفه در داخل رحم ، جلوه ای از قدرت و توانایی عظیم خداوند .

ثم جعلناه نطفه في قرار مكين

<قرار> کنایه از رحم و به معنای مستقر می باشد. <مکین> نیز به معنای محکم و استوار است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۶

۶ - رشد جنین و مراحل تکوین انسان در رحم ، جلوه ای از قدرت و توانایی عظیم خداوند

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً .. ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۴

۴ - سرگذشت قوم نوح ، دارای نشانه هایی روشن بر قدرت الهی در کیفر کافران و نصرت مؤمنان

قال رب انصرني .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

با توجه به ظهور قدرت خدا در طوفان نوح و غرق شدن کافران و مشرکان و نیز ظهور نصرت الهی نسبت به حضرت نوح (ع) و همراهان او، عبارت <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ>، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۸

۸ - معجزات ، تجلی قدرت خدا به دست پیامبران

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى .. بِآيَاتِنَا

برداشت یاد شده با توجه به اضافه شدن <آیات>، به ضمیر <نا>، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۸

۸ - تشکیل و تراکم ابرها و نزول باران و تگرگ ، جلوه فرمان روایی و قدرت بی مانند خداوند بر جهان (آسمان ها و زمین)

و لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ .. أَنْ اللَّهُ يَزْجِي سَحَابًا ... وَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه

ای از قدرت مطلق خداوند است .

و الله خلق كل دابة من ماء .. . يخلق الله ما يشاء ان الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۷ - ۴،۵

۴ خداوند ، غرق کردن قوم نوح را در آب ، از نشانه های قدرت مندی خویش و درس عبرتی برای همه مردم قرار داد .

أغرقنهم و جعلنهم للناس ءایه

مقصود از <آیه> در این جا، ممکن است معنای لغوی آن (علامت و نشانه) و یا به معنای موعظه و عبرت باشد.

۵ گرفتاری تکذیب کنندگان پیامبران الهی و آیات او به قهر و هلاکت خداوند ، از نشانه های قدرت خدا و درس عبرتی برای همه مردمان

الذین کذبوا بآیتنا فدمرناهم تدمیرًا . و قوم نوح ... أغرقنهم و جعلنهم للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۲

۲ وجود دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب ، از نشانه های ربوبیت و قدرت خداوند

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات .. . و حجرًا محجورًا

ممکن است مراد از دو دریا، دو دریای معینی باشد (مثل اقیانوس هند و بحر احمر) و یا از آن رو که عرب رودخانه بزرگ را <بحر> می نامد، مراد ریزش آب رودخانه که شیرین و گوارا است به دریای شور و تلخ باشد و میان این دو مانعی است که نه دریا، آب های شیرین رودخانه ها را تلخ

می کند و نه آب های شیرین رودخانه، آب شور و تلخ دریا را شیرین و گوارا می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۶

۶ آفرینش انسان ها از عنصری مایع (نطفه یا آب) و ایجاد دو نوع پیوند خویشاوندی نسبی و سببی میان آنان ، از نشانه های ربوبیت و قدرت بی انت های خداوند است .

و هو الذی خلق من الماء بشرًا .. فجعله نسبًا و صهرًا و کان ربّک قدیرًا

یادآوری ربوبیت خداوند در پایان آیه شریفه و نیز در آغاز نخستین آیات مربوط به بحث از آفرینش پدیده های جهان (ألم تر إلی ربّک..) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا .. و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۳

۳ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۶ - زیبایی موجود در انواع گیاهان جلوه هنرنمایی خداوند

من کلّ زوج کریم

قید <کریم> بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۱

۱ - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

أولم یروا إلى الأرض کم أنبتنا .. إن فی ذلک لآیه

واژه <ذلک> اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۴

۴ - هلاکت فرعونیان ، نمود عزّت و قدرت پیروزمند خداوند

ثم أغرقنا الآخرين .. و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۷ - ۴

۴ - ربوبیت خدا ، نشانگر قدرت او در رساندن فیض به خلق

فإنّهم عدوّ لی إلا ربّ العلمین

آمدن <ربّ العالمین> در برابر ضمیر <هم> که به بت ها بازمی گردد می تواند اشاره به عجز و بی خاصیتی بت ها داشته باشد؛ در حالی که پروردگار جهانیان، به دلیل پروردگاری اش، در یاری رساندن به انسان ها، توانا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - هلاکت قوم نوح ، نمود عزت و قدرت قاهر خداوند

ثمَّ أغرقنا بعد الباقيين . . . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۴

۴ - هلاکت قوم عاد ، نمود عزت و قدرت قاهر خداوند .

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ . . . وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۴

۴ - هلاکت ثمودیان ، نمود عزت و قدرت قاهر خداوند

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابَ . . . إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۵

۵ - هلاکت قوم لوط ، نمود عزت و قدرت پیروزمند خداوند

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ . . . وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۵،۶

۵ - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده ها است .

كَيْفَ يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

۶ - فرایند پیدایش مستمر موجودات و بازگشت آنان به حالت قبلی ، نمودی از قدرت خداوند است .

كَيْفَ يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

عطف <يعيد> بر فعل <يبدئ> نشان می دهد که تمام موجودات، پس از خلق شدن، باز به حالت سابق شان برمی گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۳

۳ - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد پدیده ها است .

سيروا في الأرض فانظروا كيف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۳

۳ - آفرینش نخستین انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز

آفرینی وی در عالم آخرت است .

اللّٰهُ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيْدهُ ثُمَّ اِلَيْهِ تَرْجَعُوْنَ

این آیه، به قرینه آیه بعد که درباره برپایی قیامت است درصدد اثبات معاد از طریق توجه دادن به خلقتِ نخستینِ انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان و موجود بی جان از جان دار ، نشانه قدرت مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ .. وَ كَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۶

۶ - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

وَ كَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ . وَ مِنْ اٰيٰتِهٖ اَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با > و کذالك تخرجون < پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۶

۶ - برق هایی ترس آفرین و طمع زا ، بارش باران و رویش گیاهان با آن ، نشانه های قدرت خداوند

يُرِيْكُمْ الْبَرْقَ .. اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لٰٰيٰتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۹

۹ - احیای زمین موات با نزول باران ، دلیل

قدرت خداوند بر احیای مجددانسان ها در قیامت است .

و من آياته . . . و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها ... ثم إذا دعاك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۶ - ۷

۷ - مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل توانایی وی بر حشر انسان ها در قیامت است .

ثم إذا دعاكم دعوه . . . إذا أنتم تخرجون . و له من فى السموت و الأرض

<و له من فى السماوات و ..> می تواند به منزله دلیلی برای <ثم إذا دعاكم ... تخرجون> در آیه قبلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۴،۱۴

۴ - آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذى يبدؤا الخلق ثم يعيده

۱۴ - عالی ترین صفات را داشتن ، دلیل توانایی خداوند بر باز آفرینی آسان انسان هادر قیامت است .

ثم يعيده و هو أهون عليه و له المثل الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۸

۸ - احیای مجدد زمین مرده با باران ، نشانه ای گویا بر توان مندی خداوند در باز آفرینی انسان ها ، در قیامت است .

يحيى الأرض بعد موتها إن ذلك لمحي الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۱۲،۱۱،۹

۹ - رسیدن انسان از مرحله ضعف و ناتوانی به توان مندی ، نشانه علم و قدرت خداوند است .

اللّٰه الذى خلقكم من

ضعف .. و هو العليم القدير

۱۱ - تحولات مراحل عمر آدمی (از کودکی تا پیری) ، تجلی توان مندی و علم الهی است .

اللّٰه الذی خلقکم .. ثمّ جعل ... شیبه ... و هو العليم القدير

۱۲ - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها در قیامت است . *

اللّٰه الذی خلقکم .. یخلق ما یشاء

عبارت < یخلق ما یشاء > به قرینه آیه پنجاه که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود و نیز آیه پنجاه و پنج که درباره برپایی قیامت است می تواند درباره معاد و باز آفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱،۴

۱ - نوسان مدام شب و روز در طول سال ، نشانه ای از قدرت خداوند است .

ألم تر أنّ الله یولج الیل فی النهار

< یولج > ریشه < یولج > به معنای < دخول > است (مفردات راغب) و داخل شدن شب در روز، به معنای کاسته شدن از مدت روز است و داخل شدن روز در شب نیز، کم شدن از مدت شب است. لازم به ذکر است که فعل مضارع < یولج > دلالت بر استمرار دارد.

۴ - گردش شب و روز به قدرت خداوند ، دلیل توان مندی او بر آسان زنده کردن مجدد انسان ها پس از مرگ است .

ما خلقکم ولابعثکم إلاّ کنفس وحده .. ألم تر أنّ الله یولج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۶ - ۴

۴ - تاریخ و سرگذشت ناگوار پیشینیان کافر ، حامل آیه های فراوانی از قدرت نمایی خداوند است .

أولم يهد لهم كم أهلكنا من قبلهم من القرون . . . إن في ذلك لآيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۷

۷ - ویرانی و آبادانی سرزمین ها ، به اراده خدا و نشان قدرت او است .

كم أهلكنا من قبلهم . . . أنا نسوق ... فنخرج به زرعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۲

۲ - وجود آسمان و زمین در مقابل دیدگان انسان ها ، نشانه قدرت الهی است .

أفلم يروا إلى ما بين أيديهم و ما خلفهم من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۸،۱۵

۸ - آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

و الله خلقكم من تراب ثم من نطفه ثم جعلكم أزواجًا

۱۵ - آفرینش انسان در قالب زن و مرد و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدر عمر آدمی ، نشانه توانایی خداوند بر

برپایی قیامت و احیای مجدد انسان ها

و الله خلقكم من تراب ثم من نطفه . . . إن ذلك على الله يسير

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله

آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت مطلق خدا و نیز توانایی او بر احیای مردگان می باشد؛ مانند آیه >والله الذی أرسل الرياح.. فأحیينا به الأرض بعد موتها كذلك النشور<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - آثار متفاوت و مشترک آب های دریا ها و استفاده چند منظوره انسان ها از آن ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند است .

و ما یستوی البهران هذا عذب فرات . . . و من کلّ تأکلون لحمًا طریماً ... لتبتغوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره قدرت مطلق و یکتایی خداوند متعال سخن می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - در پی هم آمدن شب و روز و جایگزینی مستمر یکی جای دیگری ، جلوه ای از توانایی مطلق خدا و یکتایی او

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

>ایلاج< (مصدر >یولج<) به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می تواند کنایه از جابه جا کردن شب و روز باشد؛ یعنی، خدا شب را تدریجاً به جای روز و روز را به تدریج در جای شب قرار می دهد.

۲ - نوسانات مستمر ساعات شب و روز (کوتاهی و بلندی آنها) در طول سال ، نشانه قدرت بی نهایت خداوند و یکتایی او است .

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

برداشت یاد شده بر این اساس استوار

است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز و مقصود از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۵

۵ - نیاز همه جانبه انسان به خدا و بی نیازی مطلق خداوند ، نشانه قدرت و یکتایی او

أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغني

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در سلسله آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت و یکتایی خداوند می باشد. گفتنی است برخی از مفسران از این آیه، برای یکی از براهین اثبات وجود خدا (برهان امکان و وجوب و فقر و غنا) استفاده کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۵

۵ - باران حیات بخش ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفاً ألونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هلاکت کافران نیرومند در گذشته از سوی خداوند بدون هیچ مانع و رادعی جلوه ای از علم و قدرت مطلق او است .

فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم . . . و ما كان الله ليعجزه من شيء ... إنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۲

۲ - رویش انواع دانه ها (چون گندم ، جو

، برنج و ...) از زمین ، نشانه ای بزرگ از قدرت خدا است .

و ءایه لهم الأرض المیتة أحنینها و أخرجنا منها حبًّا

مقصود از <حَبِّ> در آیه شریفه، جنسِ <حَبِّ> و به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است و نکره آمدن آن با توجه به این که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های الهی و امتنان است گویای همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۲،۵

۲ - نخلستان ها و تاکستان ها ، از نشانه های قدرت خداوند است .

و ءایه لهم .. و جعلنا فیها جَنَّت من نخیل و أعنب

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درصدد ارائه نمونه هایی از قدرت خدا و نیز برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

۵ - روان شدن چشمه ها ، از نشانه های قدرت خداوند است .

و فَجَرْنَا فیها من العیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۹

۹ - تدبیر روزی و تغذیه انسان ها از زمین ، از نشانه های قدرت خدا است .

و ءایه لهم الأرض المیتة أحنینها. .. و فَجَرْنَا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره و

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیات بالا، با طرح مسأله احیای زمین و تغذیه انسان ها از آن، درصدد نشان دادن جلوه هایی از قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ -

۸- نوع حیات و حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) ، از آیات خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و ءایه لهم الأرض .. سبحن الذی خلق الأزوج کلها... و ممّا لایعلمون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه، در ضمن سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۷ - ۱

۱- شب ، آن گاه که روشنایی روز از آن رفته باشد ، از آیات بزرگ خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و ءایه لهم الیل نسلخ منه النهار

<نسلخ> (مصدر <نسلخ>) در اصل به معنای ازاله پوست حیوان است و در آیه شریفه، کنایه از اخراج و ازاله روشنایی روز از شب است. جمله <نسلخ منه...> یا استئناف بیانی است و یا حال برای <اللیل> می باشد. گفتنی است تنکیر <آیه> بر تعظیم دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۴

۴- خورشید ، به هنگام روان شدن به سوی قرارگاه ویژه اش ، از آیات و نشانه های بزرگ قدرت خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که <والشمس> عطف بر <اللیل> است و همان گونه که شب از آیات الهی شناسانده شده (و آیه لهم اللیل) خورشید نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۶

۶- توالی شب و روز و نور و

تاریکی در زندگی انسان ، جلوه قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم الیل .. لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الیل سابق النهار ..

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است؛ چنان که در آیه ۳۷ نیز به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲، ۱

۱ - سوار شدن انسان ها بر کشتی های پر بار و مجهز ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم انا حملنا ذرّیتهم فی الفلک المشحون

<مشحون> به معنای <مملو> است و <فلک مشحون>؛ یعنی، کشتی پر بار و مجهز به تجهیزات لازم.

۲ - سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم انا حملنا ذرّیتهم فی الفلک المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذرّیتهم> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلک المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم انا حملنا ذرّیات البشر فی سفینه نوح>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۲

- آفرینش مرکب‌هایی مانند کشتی (چهارپایان و...) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر، از آیات و نشانه‌های قدرت و تدبیر خداوند

و آیه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <و خلقنا لهم..> عطف بر جمله <حملنا ذریتهم> می‌باشد و درصدد بیان نشانه‌های تدبیر و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۶

۶ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی، نشانگر توانایی خداوند بر عذاب کافران و بازگرداندن آنان به روز رستاخیز است.

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم .. و من نعمه ننکسه فی الخلق

برداشت یاد شده براین اساس استوار است که عبارت <من نعمه ..> عطف بر <و لو نشاء لطمسنا...> از باب عطف علت بر معلول باشد؛ یعنی، آیه شریفه درصدد ارائه شاهدهی بر توانایی خداوند بر مسخ و زمین‌گیر کردن انسان و بازگرداندن وی به روز رستاخیز برای محاکمه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱،۳

۱ - شتر، گاو و گوسفند، مخلوق خدا و جلوه‌هایی از قدرت او

أولم یروا انا خلقنا لهم ممّا عملت ایدینا أنعمًا

<أنعم> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <ممّا عملت ایدینا> کنایه از قدرت خدا می‌باشد. گفتنی است که آیه

شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

۳ - خداوند ، کافران را به جهت اندیشه نکردن در جلوه های قدرت الهی در طبیعت سرزنش کرده است .

أُولِم يَرُوا أَنَا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلت أَيْدِينَا أَنْعَمًا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درباره کافران و درصدد سرزنش آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۲

۲ - رام و مسخر کردن دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أُولِم يَرِ الْإِنْسَن أَنَا خَلَقْنَه مِن نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل > (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۰ - ۲،۳

۲ - آتشزا بودن درخت سبز و مرطوب ، جلوه ای روشن از قدرت خدا

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا

<أخضر > (سبز) صفت برای درخت است و توصیف درخت به سبز بودن در آیه شریفه برابر نظر بیشتر مفسران کنایه از مرطوب بودن آن است؛ زیرا آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است و پدید آوردن

آتش از درخت مرطوب بیش از درخت خشک، بیانگر قدرت خدا است؛ چرا که آب و آتش ضد هم هستند.

۳- آتشنا بودن درخت سبز و مرطوب، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا

برداشت یاد شده با توجه به آیات پیشین است که درصدد بیان جلوه های قدرت خداوند برای اثبات معاد و رستاخیز انسان ها است؛ یعنی، خداوندی که قادر است از درخت سبز آتش را پدید آورد و از آب، آتش را بیافریند؛ همو قادر است مرده را نیز زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱۰، ۳، ۱

۱ - آسمان ها و زمین، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر

۳- آفرینش آسمان ها و زمین، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

۱۰- آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلق العلیم

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است؛ می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ -

۷- آفرینش انسان از گِل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إِنَّا خَلَقْنَهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

برداشت فوق از آن جا است که جمله <إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ> تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۶

۶- انسان ، جلوه ای از قدرت و عظمت خداوند

ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰، ۵

۵- پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

يَكُوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ

۱۰- آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموات والأرض .. كلّ يجرى لأجل مسمى ألا هو العزيز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۷، ۱۲، ۶

۶- قرار دادن همسرانی از جنس خودِ انسان ها ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

۷- آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر

و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

<أنعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود؛ چنان که در این آیه چنین است. <أزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

۱۲ - بقای نسل انسان از طریق زوجیت و همسرداری ، نشانه قدرت خدا و از نعمت های الهی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها .. یخلقکم فی بطون أمهتکم خلقاً من بعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۵، ۱۳، ۸

۸ - متنوع و رنگارنگ بودن کشت ها ، از جلوه های قدرت خدا و توحید ربوبی او است .

ثم یخرج به زرعاً مختلفاً ألونه

آیه شریفه، درصدد بیان جلوه هایی از قدرت و توحید ربوبی خداوند (چون نزول باران، پیدایش چشمه ها و رویدن کشت ها) است. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن قید تنوع و رنگارنگی کشت ها، می تواند به منظور به نمایش گذاشتن جلوه دیگری از قدرت خدا باشد.

۱۳ - طبیعت (جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سارها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. ثم یجعلهُ حطماً إن فی ذلک لذکرى

۱۵ - مرگ و نزول باران حیات آفرین (رویش کشت ها و خشک و خرد شدن

آنها) ، نشانه قدرت خداوند بر حیات بخشیدن دوباره انسان ها در قیامت

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثمّ يخرج به زرعًا ... ثمّ يجعله حطامًا

طبق نظر برخی از مفسران از آن جایی که آیه شریفه پس از آیات مربوط به معاد و بهشت و جهنم آمده است، می تواند درصدد اثبات قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲

۲ - جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

الله يتوفّى الأنفس حين موتها .. فيمسخك ... و يرسل الأخرى ... إنّ في ذلك لأيت

جمع آمدن < آیات > می رساند که آیه و نشانه بودن < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۸

۸ - وجود آیات و نشانه های فراوان و گوناگون قدرت خداوند و ربوبیت او ، در چگونگی رسیدن روزی انسان ها و فراخی و تنگی آن

أنّ الله يبسط الرزق لمن يشاء و يقدر إنّ في ذلك لأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۲

۲ - جهان هستی ، جلوه ای از قدرت و توحید ربوبی خداوند است .

له مقالید السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۸

۸ - نابودی و عقوبت امت های نیرومند و متمدن گذشته ، جلوه قدرتمندی و سخت کیفری خداوند

كانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا .. فأخذهم الله إنّه قوَى شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳

۳ - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۰، ۵۸

۵ - ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم الله ربّکم .. الله الذی جعل لکم الأرض قرارًا

۸ - آفرینش انسان خوش اندام و سرشار از استعداد ها و کمالات ، جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند .

و صورکم فأحسن صورکم

۱۰- فراهم ساختن تمامی نیازهای بشر از نوع پاکیزه و دلپذیر آن پس از

آفرینش او جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

فأحسن صوركم و رزقكم من الطيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ - آفرینش انسان و سیر تطور و تحوّل وی از خاک تا پیری و مرگ ، نشانه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند است

هو الذی خلقکم من تراب .. و لتبلغوا أجلاً مسمّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۱

۱ - خداوند ، آیات و نشانه های قدرت و ربوبیت بی همتای خود را به انسان ها نشان داده و شناسانده است .

و یریکم ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - آفرینش انسان و هستی ، روشن ترین نشانه قدرت برتر الهی

أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً

تکیه بر خالقیت خداوند در مقام بیان قدرت برتر او، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۵

۱۵ - خالقیت خداوند ، نمایانگر قدرت او بر معاد و آفرینش دوباره آدمیان در قیامت

و هو خالقکم أول مرّه و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹

۱ - حیات و خرمی زمین پژمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من ءایته أنّک تری الأرض خشعه فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزت و ربت

<خشوع> (مصدر <خاشعه>) در اصل به معنای تضرع و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردگی می باشد. <اهتزاز> (مصدر <اهتزت>) به معنای تحرك و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. <ربو> (مصدر <ربت>) به معنای افزایش و نمو است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

۲ - جهان ، سرشار از نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و من ءایته أنّک تری الأرض

کلمه <من> در <و من آیاته> برای تبعیض است و از این که حیات و سرسبزی زمین، تنها بخشی از آیات معرفی شده، مطلب بالا قابل استفاده است.

۱۷ - حیات زمین در دنیا و رستاخیز مردگان در قیامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمَحْيِ الْمَوْتِي إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۸

۸ - مشیت بی چون و چرای خداوند ، نشانی از قدرت شکست ناپذیر او است .

يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بثّ فیهما من دابّه

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، آیه ای الهی و نشانی از تدبیر ، علم و قدرت خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر

<جوار> (جمع <جاریه>) و وصف <سفن> (جمع <سفینه>) است که به دلیل اختصار حذف گشته، و وصف جریان و حرکت کشتی ها جایگزین آن شده است.

۲ - حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

۵ - جهان هستی ، سرشار از آیات و قدرت بی مانند خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

از حرف <من> که برای تبعیض است استفاده می شود که حرکت کشتی در دریا، تنها گوشه ای از آیات فراوان خداوند در هستی است.

۶ - فرو نرفتن کشتی های کوه پیکر در اعماق دریا ها ، از شگفتی های جهان طبیعت و نشانه قدرت بی مانند خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

اشاره به کوه پیکر بودن کشتی ها، می تواند ناظر به این نکته باشد که فرونرفتن چنین اجسامی در دل دریاها، امری بس شگفت بوده و نشان از قدرتی بی مانند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

با توجه به این که لام

در <لکل صبار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۵

۵ - فرزند دادن و یا عقیم ساختن انسان ها ، هر دو نمودی از علم و قدرت خداوند است .

یهب لمن یشاء .. إنه علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۸

۸ - جهان آفرینش ، جلوه ای از قدرت شکست ناپذیر و علم گسترده خداوند است .

خلقهنّ العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۸

۸ - داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیروها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إنّ یوم الفصل .. یوم لایغنی ... إنه هو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۲

۲ - نمود های اقتدار و کاردانی خداوند ، نمایان در نظام آسمان ها و زمین

العزیز الحکیم . إنّ فی السموت و الأرض لآیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۵

۵ - معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز الحکیم

<تنزیل> می تواند اشاره به تنزّل یافتن معارف بلند وحی، در مرتبه فهم بشر باشد و نه تنزّل فیزیکی و مکانی. از ارتباط
<تنزیل الکتب> با <العزیز الحکیم> ممکن است

استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزل آن دلیل حکمت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۹

۹- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ؛ علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت و الأرض . . . بلی إنه علی کل شیء قدیر

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است؛ ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۳

۳- حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنت . . . و یعدّب المنفقین . . . و المشرکین . . . و لله

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۳،۷

۳ آفرینش شکفت ، زیبا و متقن آسمان ، نشانی از قدرت خداوند بر احیای مجدد مردگان

ذلک رجع بعید . . . أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم کیف بنینها

۷ نشانه های وجود ، قدرت و علم خداوند ، مشهود در پهنه هستی برای بشر

أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم . . . و الأرض مددنها

واژه بالا، اشاره به آن دارد که

آسمان با این عظمت و شگفتی در منظر و چشم انداز انسان قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷

۷- نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلکنا .. أشدّ ... منهم بطشًا ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۳،۶

۳- آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت و الأرض

به قرینه آیات پیشین که بیان کننده قدرت قاهره الهی بود و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسینا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

۶- خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود، طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۷

۷- تدبیر ، تقدیر و قدرت الهی در تأمین روزی

زمینیان از آسمان ، نشانه قدرت او بر تحقق وعده های خویش *

و فی السَّماء رزقکم و ما توعدون

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از تحقق رستاخیز و وجود دوزخ و بهشت بود؛ ممکن است این آیه در صدد رفع شبهه انسان در قدرت خدا باشد. از این رو عبارت <و فی السَّماء رزقکم> به عنوان نمودی از قدرت خداوند یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۷ - ۲

۲ - بنای آسمان ، نمود قدرت و توانایی عظیم خداوند

و السَّماء بنینها بأیئد

<أید> در اصل جمع <ید> است و در معانی قدرت و نعمت نیز به کار می رود. مراد از <أید> در آیه شریفه، معنای اول (قدرت) است؛ یعنی، <و السَّماء بنینها بقوه>. نکره آمدن <أید> نیز، بیانگر عظمت قدرت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۲

۲ - دریای خروشان جلوه ای از عظمت و قدرت الهی و شایان تأمل و اندیشه

و البحر المسجور

<سجر> (شعله‌ور کردن) گاهی استعاره از التهاب و خروشیدن است (مفردات راغب). بنابراین <بحر مسجور>؛ یعنی، دریای خروشان. گفتنی است که با توجه به این که سوگند، همواره به امور مهم و در خور تأمل تعلق می گیرد، خداوند با سوگند به دریای خروشان، بشر را به عظمت و قابل تأمل و تدبیر بودن آن توجه داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۲

۲ - مظاهر قدرت خداوند ، در نظام تشریح و تکوین ، گواه حتمی

بودن مجازات کافران تکذیب گر

و الطور . و ... إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ

در آیات پیشین، تعبیر <و کتاب..>، اشاره به نظام تشریح و تعبیر <والسقف...> اشاره به قدرت خداوند در نظام تکوین دارد. از ارتباط این دو با <إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۲

۲ - غروب ستارگان ، نمودی از قدرت و تدبیر آفریدگار جهان

و النجم إذا هوى

از آن جا که سوگند، به چیزی یاد می شود که دارای اهمیت و پیامدار معنایی باشد می توان گفت که سوگند الهی به غروب ستارگان، برای توجه دادن بشر به تنظیم گر نظام آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۳

۳ - پیدایش انسان از آبی اندک (نطفه) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

و أَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى .. و أَنَّهُ خَلَقَ ... مِنْ نَظْفَةٍ

از ارتباط این آیه با آیه <و أَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى>، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه على ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود

که مثنی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۴

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت و قدرت خداوند *

و لقد یسرنا القرآن

جمع آمدن ضمیر متکلم <یسرنا>، در صورتی که برای تفریح باشد، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۴

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت قدرت خداوند *

و لقد یسرنا القرآن

جمع آمدن ضمیر متکلم در <یسرنا> در صورتی که برای تفریح باشد، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۴

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت و قدرت خداوند

و لقد یسرنا القرآن

جمع آمدن ضمیر متکلم در <یسرنا> در صورتی که برای تفریح باشد می تواند مطلب بالا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۴

۴ - آسان سازی مفاهیم قرآنی ، در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت قدرت خداوند

و لقد يَسْرنا القراءان للذّكر

جمع آمدن ضمیر متکلم <یَسْرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد می تواند مطلب یاد شده

را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۳

۳ - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من .. و خلق الجن من مارج من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۸

۸ - مرگ و فنای موجودات زنده ، نشانی از اقتدار یگانه پروردگار هستی

كل من عليها فان . و يبقى وجه ربك

از این که خداوند پس از یادآوری فنای موجودات، خود را به وصف <ذوالجلال> توصیف کرده است؛ می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۲

۲ - حوران بهشتی ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

إنا أنشأهنّ إنشاءً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۳

۳ - آفرینش انسان از منی در رحم ، جلوه ای از عظمت و قدرت بی مانند خداوند

أم نحن الخلقون

به کارگیری ضمیر متکلم مع الغير (نحن) در مسأله آفرینش انسان از منی در رحم، بیانگر عظمت آفرینش انسان و جلوه ای از قدرت برتر آفریننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۳ - ۳

۳ - رویش و رشد دانه ها در بستر خاک ، نمودی از قدرت الهی و نشانی روشن از امکان معاد

أفرءیتم ما تحرثون

روی سخن در این آیه، با منکران معاد است. تشویق

آنان به مطالعه در چگونگی رشد گیاهان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۴ - ۲

۲ - رویش دانه های کاشته شده ، در زمین ، رشد و نمو و بالاخره به ثمر رسیدن آن نمودی از قدرت خداوند است .

أم نحن الزرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۹ - ۳

۳ - نزول باران از ابر ، جلوه ای از قدرت الهی است .

أم نحن المنزلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۲،۳

۲ - بیرون آمدن آتش از چوب آتش زنه ، نشانه ای از قدرت الهی است .

أفرء یتم النار التی تورون

روی سخن در این آیات، با منکران معاد است. دعوت شدن کافران به مطالعه در بهره گیری از چوب آتش زنه برای روشن کردن آتش، ارائه یکی از نمودهای قدرت الهی است تا آنان از این راه پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، می تواند مردگان را نیز زنده کرده و از قبرها بیرون آورد.

۳ - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه ، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرء یتم النار التی تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه

۳ - آفرینش چوب آتش زنه ، نشانه ای از توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها و برپایی قیامت

ءأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن المنشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۴

۴ - تبدیل زمین های مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرم ، نمود اراده و قدرت خداوند

أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - ارزش ها و کمالات موجودات جهان ، نمایانگر اقتدار و حکمت الهی

يَسْبِغْ لَهُ .. العزیز الحکیم

در صورتی که تسبیح وجودی و به زبان حال باشد، نمایانگر کمال وجودی موجودات است که خود حکایت از عزت و حکمت آفریدگار آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۲

۲ - انسان ، جلوه قدرت و فرمان روایی مطلق خداوند است .

له الملك .. و هو علی کل شیء قدير . هو الذی خلقکم

یادآوری آفرینش انسان با تعبیر <هو الذی خلقکم> (او است که شما را آفرید) پس از ذکر قدرت و فرمان روایی مطلق خداوند بر جهان می تواند برای بیان مصداق و جلوه این قدرت و فرمان روایی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۳

۳- آسمان ها و زمین ، نشانه قدرت خداوند و آیت یکتایی او است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲

۲ - تقدیر مرگ و حیات برای بشر ، جلوه فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بیده الملك و هو على كل شيء قدير . الذى خلق الموت و الحيوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذى خلق الموت..>، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش آسمان هفتگانه ، جلوه و نشانه فرمان روایی و قدرت مطلق و بی چون خداوند

بیده الملك .. الذى خلق سبع سموت طباقاً

جمله <الذى خلق سبع سماوات طباقاً> توضیح و تبیین دیگری برای آثار و جلوه های ملک و قدرت مطلق خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۸ - ۵

۵ - عذاب شدن اقوام و ملت های پیشین ، درس عبرت برای همگان و آیتی از نشانه های قدرت خداوند

ءأمنتهم من فى السماء .. و لقد كذب الذين من قبلهم فكيف كان نكير

جمله استفهامیه <فكيف كان نكير>، برای برانگیختن مردم به تفکر و تأمل و عبرت آموزی از تاریخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۲،۳،۵

۲ - پرواز طیور و پرندگان در فضا ، بدون سقوط بر زمین ، از آیات قدرت و جلوه های رحمانیت خداوند

أولم يروا إلى الطير .. ما يمسكهن إلا الرحمن

پرنندگان بر فراز زمین ، از برجسته ترین جلوه های قدرت و رحمانیت خداوند

أولم يروا إلى الطير ... ما يمسكهنّ إلا الرحمن

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن <باز و بسته شدن بال های پرنندگان در فضا> به دست می آید.

۵ - پرواز پرنندگان بر فراز زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر عذاب و هلاکت کافران

فكيف كان نكير . أولم يروا إلى الطير ... ما يمسكهنّ إلا الرحمن

ذکر پرواز پرنندگان به عنوان نشانه قدرت خدای رحمان پس از یادآوری کیفر و عذاب کافران پیشین می تواند به منظور ارائه نمونه و جلوه ای از قدرت همه جانبه خداوند در جهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۳

۳ - پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او (قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن ... هو الذى أنشاكم و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۳،۶

۳ - پیدایش انسان و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه و جلوه قدرت خداوند رحمان

الرحمن ... قل هو الذى ذرأكم فى الأرض

۶ - آفرینش بشر و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه توانایی خداوند بر رستاخیز و حیات دوباره انسان ها در قیامت

قل هو الذى ذرأكم ... و إليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۵

۵ - آب های روان و

جاری ، از نعمت های خداوند و جلوه رحمانیت و قدرت مطلق او است .

قل هو الرحمن ... قل أرى يرمون إنا أصبح ماؤكم غورًا فمن يأتيكم بماء معين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۴

۴ - آسمان هفت گانه ، جلوه عظمت ربوبی خداوند و قدرت او

مالکم لاترجون لله وقارًا .. ألم تروا كيف خلق الله سبع سموت طباقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۳

۳ - ماه تابان و خورشید فروزنده ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

مالکم لاترجون لله وقارًا .. و جعل القمر فيهن نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۸ - ۳

۳ - بازگشت انسان ها پس از مرگ ، به عناصر نخستین آفرینش خود و زنده شدن مجدد آنان از همان عناصر ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

ما لكم لاترجون لله وقارًا .. ثم يعيدكم فيها و يخرجكم إخراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۹ - ۲

۲ - زمین گسترده و پهناور ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

و الله جعل لكم الأرض بساطًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تکوین انسان از مایه ای ناچیز (منی) ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت

ألم یک نطفه من منی یمنی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه

در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان مسأله معاد و اثبات آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۱

۱ - تقسیم شدن انسان ها به هنگام شکل گیری در رحم به دو صنف مرد و زن ، از نشانه های قدرت خداوند است .

فجعل منه الزوجين الذكر و الأنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۲

۲ - آفرینش انسان از نطفه ، جلوه عظمت و قدرت خداوند

إنا خلقنا الإنسان من نطفه أمشاج

انتساب آفرینش انسان از نطفه به خداوند، با به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۴

۴ - آفرینش انسان ها از مایعی پست و بی مقدار (نطفه) ، نشانه قدرت و عظمت خداوند

ألم نخلقكم من ماء مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۱ - ۱

۱ - ره یابی نطفه به داخل رحم و قرار گرفتنش در آن ، جلوه ای از قدرت عظیم خداوند

فجعلنه فی قرار مکین

<جعل> (مصدر <جعلنا>) به معنای قرار دادن است. <قرار>، کنایه از رحم و به معنای <مستقر> است. <مکین> نیز به معنای محکم و استوار و صفت برای <قرار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۶

۶ - آفرینش انسان از مایعی بی مقدار و سیر تکاملی آن در رحم ، جلوه قدرت خداوند

ألم نخلقکم .

.. فقدرنا فنعم القادرون

برداشت یاد شده، با توجه به این مطلب است که خداوند، وصف <فنعم القادرون> را پس از طرح مسأله آفرینش بشر و تقدیر آن، مطرح فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۳

۳ - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض كفاً . أحياء و أمواتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۷

۷ - وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فيها روسی شمخت و أسقینکم ماء فراثاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴

۴ - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عم یتساءلون .. ألم نجعل ... و الجبال أوتاداً

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۲

۲ - پیدایش دو جنس مرد و زن در نوع انسان ، کار خداوند و نشان قدرت او است .

<أزواجاً> حال برای ضمیر <کم> در <خلقناکم> است. در این صورت مفاد آیه چنین می شود: خداوند شما را با حالت

زوجیت و دو جنس بودن آفرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۸ - ۱

۱ - سقف افراشته و مرتفع آسمان ساخته خداوند و جلوه قدرت او است .

رفع سمکها

<سَمَكٌ> یعنی، سقف و نیز قامت هر چیز را <سَمَكٌ> می گویند (قاموس). جمله <رفع...> تفسیر جمله <بناها> در آیه قبل است، یعنی، ساختن آسمان به این گونه بوده است که خداوند، طاق آن را بالا برده و آن را همچون گنبدی برافراشته قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۹ - ۲، ۱

۱ - تاریک ساختن شب در فضای آسمان ، کار خداوند و نشانه قدرت او است .

و أغطش لیلها

<أغطش> یعنی، تاریک ساخت (مفردات راغب). ارجاع ضمیر <لیلها> به آسمان، به این جهت است که منشأ پیدایش شب، وضعیت اجرام آسمانی است.

۲ - پدیدار ساختن روز و روشنایی آن ، وابسته به خداوند و جلوه قدرت او است .

و أخرج ضحیها

<ضحی> به معنای گسترش نور خورشید و پهناور شدن روز است (مفردات راغب) و نیز هنگامی را که اندکی از بالا آمدن روز گذشته باشد، <ضحی> می نامند(قاموس). مراد از <ضحی> به قرینه <لیل> روز است و نام بردن این بخش روز به جهت فرح بخش تر بودن آن لحظات است، زیرا منظور برانگیختن اعجاب و شگفتی در انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۱ - ۳

۳ - بیرون آوردن آب و گیاه از دل زمین ، نشانه قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان

ها است .

ءَأْتَم أَشَدَّ خَلْقًا .. أخرج منها ماءها و مرعيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نازعات - ٧٩ - ٣٢ - ٢

٢ - آفرينش كوه هاى پايدار و تزلزل ناپذير ، نشان قدرت خداوند بر احياى دوباره انسان ها است .

ءَأْتَم .. و الجبال أرسيتها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - عبس - ٨٠ - ٢٧ - ١

١ - روياندن دانه هاى خوراكي در زمين ، براى تأمين غذاى انسان ، كار خداوند و جلوه قدرت او است .

فَأَبْتَنَّا فِيهَا حَبًّا

<حَبِّ> اسم جنس است و به گندم، جو و ديگر دانه هاىي گفته مى شود كه از زمين مى رويد؛ گرچه برخى از اهل لغت استعمال آن را تنها در گندم و جو دانسته اند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - عبس - ٨٠ - ٣٠ - ٣

٣ - توجه به جنگل هاى انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسى و كفرورزى به او است .

ما أكفروه .. فلينظر الإنسن ... حدائق غلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - طارق - ٨٦ - ٦ - ٣

٣ - آفرينش انسان از آب ، شگفت انگيز و نشانه قدرت خداوند بر معاد است .

عليها حافظ .. خلق من ماء دافق

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط این آیه با جمله <إِنَّهٗ عَلِيٌّ رَجَعَهُ لِقَادِرٍ> در آیات بعد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ -

۷- آفرینش شتر، با ویژگی های برجسته آن، نشان قدرت خداوند بر اعاده انسان ها است.

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

با توجه به این که آغاز سوره با یاد قیامت شروع شده، این آیات نیز ناظر به معاد و امکان آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۲

۲- هموار بودن زمین، نشانه ای آشکار بر قدرت خداوند و دلیل امکان معاد

و إلى الأرض كيف سطحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۸

۸- سرکوب کردن اصحاب فیل، نشانه قدرت خداوند

كيف فعل ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۲ - ۳

۳- ناکامی ابرهه در طرح انهدام کعبه و به هم خوردن توطئه او در تعطیل عبادت نزد آن، کاری شگفت و نشانه قدرت خداوند

ألم تر كيف فعل ربك .. ألم يجعل كيدهم في تضليل

ارتباط این آیه با جمله <كيف فعل ربك> (در آیه قبل)، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۴

۴ - شکست دشمنان قوی پنجه و آشفته ساختن نقشه های آنان ، به وسیله پرندگان کوچکی و ضعیف ، نشانه قدرت خداوند و سزاوار تأمل و اندیشه

ألم تر كيف فعل ربك .. ألم يجعل كيدهم في تضليل . و أرسل عليهم طيرًا أبابيل

جمله <و أرسل عليهم..>، هجوم پرندگان را مصداق مطالبی قرار داده که در آیات قبل آمده

بود.

نشانه های قدرت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۵

۵ - همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذالْأَيْدِ إِنَّهُ أَوْابٌ . إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَ

جمله <إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ..> می تواند تعلیل برای <ذالْأَيْدِ...> باشد؛ یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح پردازند.

نشانه های قدرت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۳

۱۳- قدرت خداوند بر اعطای وجود به معدوم مطلق ، نشانگر محدود نبودن آن در دایره علل و اسباب طبیعی است .

هُوَ عَلِيُّ هَيْئًا وَ قَدْ خَلَقْتَكْ مِنْ قَبْلِ وَ لَمْ تَكْ شَيْئًا

مراد از <لم تک شیئاً>، نیستی مطلق است و تطبیق آن بر زکریا که پیدایش او به پیدایش حضرت آدم از خاک منتهی می شود، به اعتبار زمانی است که اولین مخلوق از کتم عدم به وجود آمد.

نشانه های قدرت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تَوَلَّى عَنْهُمْ .. فَهُوَ كَظِيمٍ

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء>

بر <تولّی عنهم> است.

نشانه های وسعت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۳

۱۳ - فتح دژ های مستحکم و استوار یهود بنی نضیر بدون جنگ و درگیری ، نمودی عینی از قدرت نامحدود الهی است .

هو الذی أخرج الذین کفروا .. و ظنّوا أنّهم مانعتهم حصونهم ... و اللّٰه علی کلّ ش

نعمت قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۷

۷ بهره مند شدن از قدرت و مکتب از نعمت های بزرگ الهی است .

رب قدّاتیتی من الملک

از آن جا که یوسف(ع) در مقام سپاسگزاری و بیان الطاف خداوند است ، معلوم می شود: آنچه نام برده از نعمتهای الهی است و از اینکه در میان نعمتهای بی شمار الهی چندین نعمت را یادآور شده است ، عظمت و بزرگی آنها را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۸

۸ - علم و قدرت ، دو نعمت بزرگ الهی و درخور شکر و سپاس

و لقدّاتینا داود و سلیمان علّمًا .. و أوتینا من کلّ شیء... و قال ربّ أوزعنی أن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۷ - ۷

۷ - توانایی و قدرت ، نعمتی الهی است .

فوكزه موسى فقضى عليه .. قال ربّ بما أنعمت عليّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - ص - ٣٨ - ٣٩ - ٧

٧ - قدرت ،

مکنت و ثروت در صورت بودن در مسیر الهی ، عطیه خداوندی است .

و هب لی ملکا .. هذا عطاؤنا فامنن أو أمسک بغیر حساب

از تعبیر <عطاؤنا> درباره قدرت سیاسی و مکنت و ثروت سلیمان(ع) که در مسیر رسالت الهی قرار داشت برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۶

۶ - < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی > ، از ارزش ها و نعمت های الهی برای انسان

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

نعمت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربک ذو الجلل و الإکرام . فبأی ءالاء ربکما تکذبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

نفی قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۲، ۱۰

۱۰ نفی هرگونه قدرت ، در برابر قدرت و اراده خداوند

فمن یملک من الله شیئاً ان اراد ان یهلک

استفهام <فمن یملک> ، استفهام انکاری است. یعنی هیچکس قادر بر ایستادگی در برابر خواست خداوند نیست.

۲۲ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع) ، مریم ()

ع) و تمامی اهل زمین و نفی هرگونه قدرت در برابر قدرت اوست .

فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك .. و لله ملك السموت و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱۲

۱۲- غیر خدا ، ناتوان از مقابله با قدرت و اراده او

ثم لا تجدوا لكم علينا به تبيحاً

نقش قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۴

۴ قدرت ، از شرایط تکلیف

ألا المستضعفين .. لا يستطيعون حيلة و لا يهدون سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ قدرت و حکمت ، دو شرط لازم برای برخورد با مجرمان و متخلفان *

فاقطعوا .. و الله عزيز حكيم

<عزيز> به معنای پیروزمندی است که هیچگاه مقهور نمی شود و جمله < و الله عزيز حكيم > پس از بیان حد سرقت، می تواند اشاره به این باشد که تنها کسانی که عزت و حکمت دارند می توانند با مجرمان برخورد لازم و متناسب داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - ثروت و قدرت ، خود به خود ، ناپسند نیست ؛ بلکه می توان آن را در جهت سعادت و بهروزی انسان به کار برد .

وَاتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

برداشت یاد شده با توجه به آمدن تعبیر <خسارت> درباره مال و فرزندان بسیار است زیرا خسارت در جایی به کار

می رود که توقع سودهی از آنجا می رود (مانند خسارت تاجر و کاسب).

نقش قدرت جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۶

۶ - عبرت گرفتن از قوم عاد و دل خوش نبودن به نیروی جسمی در برابر تهدید های الهی ، نشان خردورزی است .

لذی حجر . . . الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

نقش قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۷

۷ - عمل عوامل طبیعی ، تحت اراده و قدرت خداوند است .

و أرسلنا الريح لوقح فأنزلنا من السماء ماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۶

۶ - انسان ، در پیدایش و روان ساختن چشمه ها ، هیچ نقشی نداشته و این کار تنها با قدرت خدا انجام گرفته است .

و فجّرنا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره و ما عملته أیدیهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <و ما عملته أیدیهم> در موضع حال باشد و <ما> در <ما عملته> نافییه و ضمیر آن به تفجیر بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۴،۴

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربنا أمتنا اثنتين و أحييتنا اثنتين

٤ - مرگ و حیات ، به قدرت خدا است .

ربنا أمتنا اثنتين و أحييتنا اثنتين

نقش قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۷

۱۷ - امکانات مادی و قدرت خارق العاده سلیمان (ع) در خدمت تبلیغ دین و هدایت مردم

قال إنه صرح ممرّد .. قالت ... و أسلمت مع سليمان لله ربّ العلمين

ماجرای اتفاق افتاده میان سلیمان(ع) و بلقیس، بیانگر مطلب فوق است.

نگرانی از قدرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۹

۳۹- کافران ، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

كزرج أخرج ... ليغيظ بهم الكفار

نمایش قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۷

۱۷ اهل ایمان باید توان رزمی برتر خویش را به دشمنان دین بنمایانند .

ترهبون به عدو الله

وحشت دشمن از توان نظامی مستلزم این است که آنان بر توان نظامی اهل ایمان آگاه شوند. بنابراین مسلمانان باید توان خویش را به گونه ای به آنان بنمایانند.

وسعت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۲،۱۳

۱۲ - قدرت خداوند، قدرتی فراگیر و مطلق است .

أَن اللّٰهُ كَلَّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۳ - اتصاف خداوند به قدرتی فراگیر و مطلق، امری روشن برای انسانها

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ كَلَّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

استفهام در جمله فوق استفهام تقریری است و این نوع استفهام در موردی به کار می رود که مخاطب مضمون جمله را پذیرفته و آن را باور دارد. از آنجا که مخاطب جمله فوق همه انسانها هستند؛ یعنی، <أَلَمْ تَعْلَمْ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ>، معلوم می شود: همگان

به قدرت مطلق خدا آگاه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۱ - ۶

۶- قلمرو قدرت و مالکیت خدا ، نامحدود است .

و إن من شیء إلا عندنا خزائنه . . . معلوم

وجود گنجینه های همه امور عالم در نزد خدا، می تواند کنایه از قدرت بی پایان الهی باشد؛ زیرا وقتی خزینه همه ممکنات به دست خدا باشد، تحقق آن ممکنات هم برای او مقدور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۹

۹- قدرت خداوند ، حد و مرزی ندارد و او قادر بر انجام هر کاری است .

إن الله علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۵

۵ - خدا ، دارای قدرت بی کران و نامحدود و توانا بر انجام هر کاری

و أنه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۶،۹

۶ - خدا ، قادر مطلق است .

إنَّ الله یفعل ما یرید

۹ - قدرت مطلق و نامحدود الهی ، پشتوانه و تضمین کننده پاداش مؤمنان نیک کردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - قدرت نامتناهی خداوند ، در اجرای مشیت و خواسته های خویش

إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۵

۵ خداوند ، همواره بر هر چیز توانا است .

و کان

از دیدگاه برخی از مفسران، <کان> در آغاز چنین جمله ای، دلالت بر استمرار می کند؛ هر چند این جمله خود به خاطر اسمیه بودنش نیز دلالت بر استمرار دارد (آلوسی در روح المعانی، ذیل آیه شریفه). گفتنی است ذکر نشدن متعلق <قدیراً>، حاکی از شمول و فراگیری قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۹

۹ - خداوند ، بر انجام هر چیزی ، قادر است .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، دارای قدرتی نامحدود است .

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۷

۷ - خداوند ، همواره بر هر چیزی ، توانایی دارد .

وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۱

۱ - احاطه قدرتمندانه خداوند بر جهان هستی ، دلیل توانایی او بر تحقق معاد

هل ندلكم على رجل يبتئكم إذا مزقتم كل ممزق إنكم لفي خلق جديد .. أفلم يروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۴

۴ - قدرت خداوند ، گسترده و بی پایان است .

اللّٰه خلق کلّ شیء و هو علی کلّ شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ - لجاجت و عناد

، عامل استکبار و غفلت از قدرت نامحدود الهی *

فاستکبروا فی الأرض .. و کانوا بآیتنا یجحدون

چنانچه جمله <و کانوا بآیتنا یجحدون> به منزله تعلیل برای استکبار و عدم توجه قوم عاد، نسبت به قدرت نامحدود خداوند باشد، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۶

۱۶ - قدرت نامحدود الهی ، تضمین کننده تحقق قیامت است .

لمحی الموتی إنه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱۰، ۹

۹ - خداوند ، دارای قدرتی نامحدود و بی کران است .

و هو علی کل شیء قدیر

۱۰ - قدرت نامحدود و بی کران خداوند ، دلیل توان مندی او بر احیای مردگان و برپایی قیامت

و هو یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۸

۸ - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریح و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فالله هو الولی .. ذلکم الله ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۷

۷- قدرت نامحدود خدا ، تضمین کننده رزق پیوسته او به بندگان

یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۷

۷- مشیت الهی در آفرینش ، متکی به علم و قدرت گسترده او است .

یخلق ما یشاء .

.. إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۴ - ۱،۲

۱ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن کافران تا جایی که خانه های خود را مجلل و دارای درب ها و ورودی های متعدد بسازند .

لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُر بِالرَّحْمَنِ... و لِيُوتَهُمْ أُبُوبًا

۲ - شکوه بخشیدن به زندگی کافران تا جایی که آنان در خانه های مجلل خویش بر تخت هاتکیه زنند در حیطه قدرت و

توانایی خداوند

لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُر بِالرَّحْمَنِ... و لِيُوتَهُمْ أُبُوبًا و سِرًّا عَلَيْهَا يُتَكُونُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۶،۷

۶ - انسان ها هر چند مقتدر و توانمند باشند ، مقهور قدرت مطلق خداوند هستند .

فَأِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ

۷ - خداوند ، به انتقام گرفتن از حق ستیزان چه در دنیا و چه در آخرت توانا است .

فَأِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۸

۸ - گستره قدرت الهی در جهان واپسین ، مورد باور تمامی انسان ها حتی دوزخیان

و نادوا يملِكُ لِيَقْضِيَ عَلَيْنَا رَبُّكَ

از این که جهنمیان نجات خود را به دست خداوند می دیدند و فرشتگان را به شفاعت می طلبیدند، استفاده می شود که حتی

دوزخیان نیز در قیامت به قدرت الهی باور دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- خداوند ، دارای قدرت مطلق و نامحدود

بلی إِنَّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۶

۶ - خداوند ، دارای قدرت ازلی و نامحدود

و كان الله على كل شيء قديرًا

تعبیر <كان الله> بر ازلی بودن قدرت و تعبیر <على كل شيء> بر نامحدود بودن آن، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۴

۴ - آفریدگار جهان ، قادر بر نابود ساختن کافران و منکران معاد *

و کم أهلکنا .. و لقد خلقنا السموت و الأرض

بنابراین که تذکر به خالقیت خداوند، در ادامه آیات تهدیدی (کم أهلکنا قبلهم من قرن) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قدرت مطلق و نامحدود خداوند ، در عینیت بخشیدن به تمامی خواسته های خویش

و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۱۱

۱۱ - خداوند دارای قدرت مطلق و توانا بر انجام هر کاری

و هو على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۸،۹

۸- قدرت خداوند ، مطلق است و شامل هر چیزی در عالم وجود می شود .

لتعلموا أنّ الله على كلّ شيء قدير

۹- آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

الله الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا أنّ الله على كلّ شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قدرت خداوند ، مطلق و بی پایان است .

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۹ - قدرت مطلق و بی پایان خداوند ، مقتضی امید و دل‌بستگی مؤمنان به استجابت دعایشان در درگاه الهی

يقولون ربنا أتمم لنا نورنا و اغفر لنا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ> در مقام تعلیل برای دعاها و درخواست های مؤمنان از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۶، ۷

۶ - قدرت خداوند ، مطلق و بی پایان است .

و هو على كل شيء قدير

۷ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از قدرت مطلق و بی پایان او است .

تبرک الذی .. هو على كل شيء قدير

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <هو على كل شيء قدير> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> قرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲

۲ - تقدیر مرگ و حیات برای بشر ، جلوه فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بيده الملك و هو على كل شيء قدير . الذی خلق الموت و الحیوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی خلق الموت..>، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰

۸ - قدرت گسترده خداوند ، امری غیر قابل انکار و تردید

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۴

۴ - خداوند ، دارای قدرت مطلق و شکست ناپذیر

وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَعْبُدَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نَعْبُدَهُ هَرَبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴ - ۳

۳ - توانایی خداوند ، مطلق و نامحدود است .

بَلِي قَدْرِينَ عَلِيَّ أَنْ نَسُوِيَ بِنَانَه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۴

۴ - ضرورت دقت در آفرینش پدیده های هستی ، برای پی بردن به قدرت مطلق خداوند

ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَيْنَهُمَا

وسعت قدرت طلبی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۵

۵ - فزون خواهی قدرت ها ، نامحدود به قلمرو آنان و منتهی به سلطه گری بر سایر جوامع

هَمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَدِ

<فاء> در <فَنَقَّبُوا> برای نتیجه است؛ یعنی، قدرت، منتهی به نفوذ و تجاوز به دیگران است.

وسعت قدرت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۹

۹ - خداوند، بر انجام هر چیزی، قادر است.

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وضوح قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - اقتدار خداوند و برتری قدرت او بر همگان، امری

بس روشن و آشکار

أولم يروا أن الله .. هو أشد منهم قوه

به کارگیری <رؤیت> (دیدن) برای آگاهی و علم به قدرت خداوند، اشاره به این معنا دارد که قدرت و اقتدار برتر خداوند، به حدی روشن و آشکار است که گویا امری دیدنی و قابل مشاهده است.

ویژگیهای قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۲

۱۲ - قدرت خداوند، قدرتی فراگیر و مطلق است .

أن الله كل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۷

۷ خداوند، دارای قدرتی بی پایان و نامحدود

و الله علی كل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ قدرت خداوند، برتر از همه قدرتهاست .

فمن ینصرنی من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ حاکمیت خداوند بر هستی، حاکمیتی مطلق و قدرت او بلامنازع است .

إن ربك فعال لما يريد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۹

۹- قدرت خداوند ، حد و مرزی ندارد و او قادر بر انجام هر کاری است .

إن الله علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۵

۵ - خدا ، دارای قدرت بی کران و نامحدود و توانا بر انجام هر کاری

و أنه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۵

۵ - علم و قدرت خدا ، کامل و بی نقص است .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهْرِ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ - قدرت خداوند ، مطلق بوده و بر انجام هر کاری توانا است .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۹

۹ - خداوند ، دارای قدرتی نامحدود و بی کران است .

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ - اقتدار و عزت خداوند ، آمیخته با رحمت گسترده و جاودان او است .

هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۸

۸ - قدرت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با کاردانی و حکمت او است .

وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۸ - ۳،۵

۳ - خداوند ، دارای قدرت و نیرویی استوار و کاستی ناپذیر

ذوالقوه المتین

<متین> (سخت و استوار)، می تواند وصف برای <ذوالقوه> و یا خبر دیگر برای <إِنَّ> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

۵ - کاستی نیافتن نیرو و توان الهی ، با روزی دهی گسترده او به خلق

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ

از ارتباط میان دو بخش آیه و این که خداوند پس

از طرح رازقیت خود به نیروی کاستی ناپذیر خویش اشاره کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۲

۲ - قدرت الهی در نظام هستی ، نافذ و بدون کمترین مزاحم

ما له من دافع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - آگاهی کامل و قدرت نامحدود خداوند ، آمیخته با خطاپوشی و مغفرت گسترده او

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ .. و لَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ... إِنَّ رَبَّكَ وَسْ

از ارتباط آیات شریفه، می توان استفاده کرد که خداوند در عین آگاهی کامل به عملکرد انسان ها و قدرت نامحدود او بر مجازات آنان، از کاستی های ایشان درمی گذرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۷

۷ - عزّت و اقتدار الهی ، آمیخته با حکمت (کاردانی و مصلحت سنجی) است .

و هو العزيز الحكيم

قرار گرفتن صفت <حکیم> پس از صفت <عزیز>، بیانگر آمیختگی حکمت و عزت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - اقتدار و پیروزمندی خداوند ، آمیخته با حکمت و مصلحت دانی او

العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۸

۸ - قدرت خداوند ، همراه با غفران و رحمت است .

و الله قدير و الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۵

۵ - خداوند ، بهترین توانا است .

فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که <قدرنا> از ریشه <قدرت> و جمله <فنعم القادرون> متفرع بر <جعلناه> باشد.

هلاکت قدرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۷

۷ - تعلق اراده الهی بر نابودسازی جوامع قدرت طلب و زراندوز پیش از قارون ، با خشم و قهر خود

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك من قبله من القرون.. ولا یستل عن ذنوبهم المجرمون

یعقوب(ع) و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشکوا بّتی و حزنی إلى الله

هدف یعقوب(ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا ، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

قدرت دفاعی

اهمیت قدرت دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ برخورداری جامعه از امنیت اجتماعی و توان دفاعی و امکانات اقتصادی ، از نعمت های مهم الهی

فاویکم و ایدکم بنصره و رزقکم من الطیبت

قدرت طلبان

هلاکت قدرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۷

۷ - تعلق اراده الهی بر نابودسازی جوامع قدرت طلب و زراندوز پیش از قارون ، با خشم و قهر خود

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك من قبله من القرون. .. ولا یسئل عن ذنوبهم

المجرمون

قدرت طلبی

آثار قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ قدرت‌مداری نمود، زمینه ساز غرور، کفر و طغیانگری وی

الم تر الى .. ان اتیه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه .. >، بیان علت محاجه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرت‌مداری، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیت الهی

الم تر الى الذی .. ان اتیه الله الملك

چنانچه جمله <ان اتیه .. >، بیان علت کفر و غرور نمود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۵

۵- رفاه طلبی و قدرت خواهی، از عوامل ارتداد

کفر بآیتنا و قال لأتین مالا و ولدا

ظاهر عبارت <کفر بآیتنا> به قرینه <لأتین> که برای استقبال است حدوٲ کفر است نه استمرار آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت طلبی و زراندوزی، از موجبات هلاکت و بدفرجامی

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك .. من هو أشدّ منه قوّه و أكثر جمعا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۴

۴- روحیه اقتدار و اشرافی گری ، زمینه ساز غوطه‌وری انسان در گناه

طعام الأثیم .. ذق إنک أنت العزیز الکریم

در این آیات، دوزخیان مبتلا به عذاب شدید

و گدازنده، در ابتدا با وصف <الاثیم> (به معنای غوطهور در گناه) و سپس با وصف <العزیز الکریم> یاد شده اند. ارتباط این اوصاف، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۸

۸ - فریفته شدن به ثروت و قدرت ، زمینه ساز انکار معاد

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

مفاد آیه شریفه، ممکن است این باشد که فرد قدرتمند، نباید گمان کند که کسی قادر بر زنده ساختن و محاسبه و عذاب او نیست. هم چنین به قرینه آیه بعد، فرد ثروتمند را از فریفته شدن به ثروت خویش و پندار رهایی از حساب و نظارت خداوند، برحذر داشته شده است.

آثار قدرت طلبی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود .

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فی الأرض فأخذهم الله بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار قدرت طلبی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود .

کانوا هم أشدّ منهم قوّه

و ءاثَارًا فِى الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

تاریخ قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قدرت طلبی و زراندوزی ، دارای دیرینه ای بسیار طولانی در تاریخ بشر

أَوَّلِم يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ جَمْعًا

تهمت قدرت طلبی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو كذاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

تهمت قدرت طلبی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۱،۲،۳

۱ فرعون و اطرافیانش ، پس از شنیدن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند

قال موسى . . . قالوا أجبئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء

۲ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر هدایت بلکه برای برگرداندن آنان از

سنت و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است .

قالوا أجبنا لتلفتنا عما

وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

۳ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تكون لكما الكبرياء في الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر <تكون> بر اسمش که می تواند مفید حصر باشد استفاده شده است.

تهمت قدرت طلبی به هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۱،۳

۱ فرعون و اطرافیانش ، پس از شیندن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند

قال موسى . . . قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء

۳ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تكون لكما الكبرياء في الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر <تكون> بر اسمش که می تواند مفید حصر باشد استفاده شده است.

قدرت طلبی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۴

۴- اقوام کافر پیشین در برابر انبیا احساس قدرت می کردند و مدعی بودند که سرزمین مسکونی آنان و انبیا از آن آنهاست .

لنخرجنكم من أرضنا

از اینکه آنان، پیامبران را تهدید به اخراج کردند، احساس قدرت استفاده می شود و از اینکه <أرض> (سرزمین) را به خود اضافه کردند، به دست می آید که آنان مدعی حاکمیت و مالکیت بر آن بودند.

قدرت طلبی فرعون

۶- قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال يقوم أليس لي ملك مصر . . أم أنا خير من هذا الذي

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

قدرت طلبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۶

۶- قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال يقوم أليس لي ملك مصر . . أم أنا خير من هذا الذي

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

قدرت طلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۲

۱۲- قارون ، فرد قدرتمند و زورمدار جامعه خویش بود .

من هو أشد منه قوه و أكثر جمعاً

قدرت طلبی مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دل‌داری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولید بن مغیره)
(

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ . كَلَّا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولید بن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کَلَّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دل‌داری به پیامبر(ص) باشد.

قدرت طلبی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۳

۳ - توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی ، تکیه گاه مشرکان در دنیا

و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیئا و لا ما اتّخذوا

تعبیر <ما کسبوا> که اشاره به امکانات مادی دارد و نیز <ما اتّخذوا..> که ناظر به عقاید شرک آلود آنان است نشان می دهد که آنان تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

قدرت طلبی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۷

۷ نفاق ، پُل به قدرت رسیدن سیاست بازانِ ناصالح

و اذا تولى سعى فى الأرض

در برداشت فوق ، <تولى> ، رسیدن به حکومت معنا شده است.

قدرت طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دلدارى خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت هاى كافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون

ولیدبن مغیره)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ . كَلَّا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کَلَّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

ناپسندی قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۳

۳ - طمعورزی و افزون خواهی در به چنگ آوردن ثروت و قدرت بیشتر ، خصلتی ناپسند و محکوم است .

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات که درباره افراد کافر و دین ستیزی همچون ولیدبن مغیره است درصدد بیان خصلت های زشت آنان و محکوم کردن آنها است.

وسعت قدرت طلبی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۵

۵ - فزون خواهی قدرت ها ، نامحدود به قلمرو آنان و منتهی به سلطه گری بر سایر جوامع

هم أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَدِ

<فَاء> در <فَنَقَّبُوا> برای نتیجه است ؛ یعنی، قدرت، منتهی به نفوذ و تجاوز به دیگران است.

قدرت نظامی

تقویت قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا، وظیفه ای بر عهده تمامی مسلمانان

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

۲ مسلمانان باید برای تقویت بنیه نظامی تمام تلاش خویش را تا

حد ترساندن دشمن ، به کار بندند و از هر چه در اختیار دارند دریغ نورزند .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

۳ اسب های سواری در عصر بعثت ، کارآمدترین و مهمترین وسیله برای تقویت بنیه نظامی

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

عطف <رباط الخيل> بر <قوه> عطف خاص بر عام است و کاربرد چنین عطفی معمولاً برای رساندن اهمیت معطوف و نقش اساسیتر آن نسبت به دیگر مصادیق معطوف علیه است.

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو الله و عدوكم

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل الله > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم ... و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله

عوامل تضعیف قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقاً تقتلون و تأسرون فریقاً

عوامل تقویت قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۰

١٠ درك معارف الهى (توحيد ، معاد و ..

۱. و ایمان به آنها ، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن

بأنهم قوم لا يفقهون

قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۶

۶- برخورداری از توان رزمی فراوان و توسعه کشاورزی و آبادانی سرزمین ها ، برترین جلوه های تمدن در جوامع پیشین بوده است .

كانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض و عمروها أكثر ممّا عمروها

<إثارة> (مصدر <أثاروا>) به معنای <زیر و رو کردن> است و در این جا، منظور، زیر و رو کردن خاک برای زراعت یا ساختمان سازی و غیر آن است.

قدرت نظامی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل الله > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم ... و ما تنفقوا من شيء فی سبیل الله

قدرت نظامی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۷

۷- قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

قدرت نظامی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله >کانما یساقون

إلى الموت > در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

قدرت نظامی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۶

۶ وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان ، تعیین کننده مرز قدرت نظامی ضروری در جامعه ایمانی

و أعدوا لهم ما استطعتم .. ترهبون به عدو الله

جمله < ترهبون .. > به منزله تفسیر و توضیحی است برای < ما استطعتم >. یعنی توان نظامی باید به حدی رسد که دشمن را به وحشت اندازد، نه کمتر از آن ؛ هر چند جامعه اسلامی بر بیشتر از این مقدار توانمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ توان رزمی و نیروی مقاومت هر مسلمان ، حتی پس از گراییدن جامعه ایمانی به ضعف ، بیش از دو چندان هر کافر است .

و علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مائتين

قدرت نظامی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ مشرکان صدر اسلام ، از توان رزمی بالایی برخوردار بودند .

أتخشونهم

ملاک قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۶

۶ وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان ، تعیین کننده مرز قدرت نظامی ضروری در جامعه ایمانی

و أعدوا لهم ما استطعتم .. ترهبون به عدو الله

جمله <ترهبون .. > به منزله تفسیر و توضیحی است برای

<ما استطعتم>. یعنی توان نظامی باید به حدی رسد که دشمن را به وحشت اندازد، نه کمتر از آن؛ هر چند جامعه اسلامی بر بیشتر از این مقدار توانمند باشد.

موجبات ضعف قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۵

۵ ضعف ایمان در مسلمانان صدر اسلام موجب ضعف قدرت ایشان در میدان های نبرد

علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائة صابرة

از علل توان بسیار برتر مسلمانان در برابر کافران مفهومی است که از <بأنهم قوم لا يفقهون> به دست می آید؛ یعنی ایمان راسخ به معارف دین. بنابراین می توان گفت منشأ بروز ضعف نسبی مسلمانان پس از گذشت برهه ای از صدر اسلام، افت درجه ایمانی آنان بوده است.

نمایش قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۷

۷ اهل ایمان باید توان رزمی برتر خویش را به دشمنان دین بنمایانند .

ترهبون به عدو الله

وحشت دشمن از توان نظامی مستلزم این است که آنان بر توان نظامی اهل ایمان آگاه شوند. بنابراین مسلمانان باید توان خویش را به گونه ای به آنان بنمایانند.

قدرتمند

ادیان و جامعه قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ به وجود آوردن جامعه های نیرومند و توانا ، از هدف های پیامبران وادیان الهی است .

و یزدکم قوه إلی قوتکم

انبیا و جامعه قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ به وجود آوردن

جامعه های نیرومند و توانا ، از هدف های پیامبران وادیان الهی است .

و یزدکم قوه إلی قوتکم

بهترین قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۵

۵ - خداوند ، بهترین توانا است .

فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که <قدرنا> از ریشه <قدرت> و جمله <فنعم القادرون> متفرع بر <جعلناه> باشد.

علاقه به رهبران قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۳

۲۳ - گروهی از انسان ها (مشرکان) سران و بزرگان خویش را در قدرت ، همتای خدا می پندارند و آنان را همپراز او دوست دارند .

و من الناس من يتخذ من دون الله أنداداً يحبونهم كحب الله

با توجه به آیه بعد - که مشرکان را به سران شرک و پیروان آنان تقسیم می کند - می توان گفت: مراد از <من الناس> مشرکان پیرو مقصود از <أنداد> سران آنهاست. ارجاع ضمیر <هم> به <أنداد> این احتمال را تأیید می کند، زیرا کاربرد این ضمیر برای انسانها و دارندگان عقل و شعور است.

قدرتمندان

{قدرتمندان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ > يَعْنِي أُولَى الْقُوَّةِ فِي الْعِبَادَةِ وَالْبَصْرِ فِيهَا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ> روایت شده که مراد صاحبان قوت و بصیرت در عبادت هستند.<

آثار مکر قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قد أضلّوا کثیرًا

بینش قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۹

۹- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أنا أكثر منك مالاً .. قال ما أظنّ أن تبيد هذه أبداً

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

پیروی از قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۵

۵- قوم نوح ، از نظر فرهنگی و دینی ، تحت تأثیر صاحبان زر و زور و پیرو آنان بودند .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <مال> مظهر زر و قدرت اقتصادی و <ولد> نماد زور و قدرت سیاسی است که از کثرت نفرت نشأت می گیرد.

تأمین منافع قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- آیین شرک ، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است .

و قالوا لاتدرنّ ءالہتکم و

لَا تَذَرْنِ وِدًّا .. و نَسْرًا

دعوت قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۱

۱ - توصیه اکید صاحبان زر و زور به مردم در عصر نوح (ع) ، به دست برداشتن از عبادت معبود های خویش

و قالوا لا تذرنا الهتکم

<إله> (مفرد <آلهه>) به معنای معبود است. گفتنی است تأکید در برداشت یاد شده از آمدن <ن> تأکید ثقیله <لا تذرنا> استفاده می شود.

دین ستیزی قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۲

۲ - قدرت صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت مکر و حيله گری علیه دین الهی و در جهت گمراه کردن مردم قرار داشت .

و مکروا مکراً کباراً

رد منافع قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۵

۵ - آیین شرک ، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است .

و قالوا لا تذرنا الهتکم و لا تذرنا وِدًّا .. و نَسْرًا

زیانکاری قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در بر نداشت .

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

سوء استفاده قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - سوء استفاده صاحبان زر و زور و تزویر ، از عقاید مذهبی مردم در عصر حضرت نوح (ع)

و قالوا لاتذرنا الهتکم و لاتذرنا ودا . . . و نسرًا

توصیه مؤکد صاحبان زر و زور به مردم عادی، درباره حفظ عقاید مذهبی خود با آن که خود آنان جز به مال و منال خویش نمی اندیشند بیانگر حقیقت یاد شده است.

عبرت از فرجام قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - سرانجام شوم زورمداران و زراندوزان تاریخ ، درس عبرتی است برای دیگران .

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك من قبله من القرون من هو أشد منه قوه و أكثر جمعًا

فرجام شوم قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - زورمداران و زراندوزان ، دارای فرجامی شوم و ناخوشایند

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك . . . من هو أشد منه قوه و أكثر جمعًا

۱۱ - سرانجام شوم زورمداران و زراندوزان تاریخ ، درس عبرتی است برای دیگران .

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك من قبله من القرون من هو أشد منه قوه و أكثر جمعًا

فرجام قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶- هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا .. هل من محیص

قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۷

۷- وجود

قشری ثروتمند و قدرت مند (صاحبان مال و فرزند بسیار) ، در میان قوم نوح

و اتَّبَعُوا مِنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَ وُلْدَهُ إِلَّا خَسَارًا

قدرتمندان و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۸

۸ - قدرتمندان و ثروتمندانِ سرمست ، تشکیل دهنده جبهه اصلی مخالفان پیامبران

و كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا

<مُتْرَفٌ> (از ماده <تُرْفَهَ>) به معنای فزونی و بسیاری نعمت است. با توجه به این که بسیاری از دارندگان نعمت، غرق در شهوات و هواهای نفسانی می شوند، واژه <مترف> به معنای کسانی که به نعمت مغرور شده و سرمستی و طغیان کرده اند به کار می رود.

گمراهگری قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا

مخالفان قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۵

۱۵ - پیامبران ، در قطب مخالف صاحبان زر و زور

قال نوح ربِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَ اتَّبَعُوا مِنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَ وُلْدَهُ إِلَّا خَسَارًا

مخالفت قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۳

۳ - ثروتمندان و زورمداران حيله گر ، مخالفان اصلى دعوت نوح (ع)

و مکروا مکراً کباراً

مخالفت قدرتمندان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳

۶- صاحبان قدرت و شوکت ، مخالفان اصلی پیامبر (ص) در مکه

فأهلکنا أشدَّ منهم بطشًا

با توجه به واژه <أشد> که افعال التفضیل است استفاده می شود که مخالفان پیامبر(ص) در مکه، به نوعی از قدرت ظاهری برخوردار بودند.

مکر قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۱

۱- استفاده صاحبان زر و زور از مکر و نیرنگی بس بزرگ ، علیه دعوت نوح (ع) و در جهت گمراه کردن مردم

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا . و مکروا مکراً کبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۴

۴- دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم ، از حيله ها و نیرنگ های صاحبان زر و زور ، برای مبارزه با دعوت توحیدی نوح (ع)

و قالوا لاتدرنّ ءالہتکم و لاتدرنّ ودًا .. و نسرًا

منشأ امکانات قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۸۴ - ۲

۲- قدرت و امکانات عناصر نیرومند تاریخ ، در قلمرو اراده و حاکمیت خداوند و نه مستقل از آن .

إنا مکنا له فی الأرض

نسبت دادن قدرت و امکانات ذوالقرنین به خداوند، این پیام را دارد که نباید پنداشت که قدرت مندان، آنچه دارند، خود، به

دست آورده اند، بلکه همه چیز از او است.

نقش قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر

قدرتمند و مرفه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - تأثیر عمیق و سرنوشت ساز گروه های پرنفوذ و قدرتمند اجتماعی ، همچون صاحبان زر و زور ، در فرهنگ و باور های دینی جامعه

و اتبعوا من لم يزده ماله و ولده إلا خسارًا .. يضلّوا عبادك و لا يلدوا إلاّ فآ

نقش قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۵۸

۵ - قوم نوح ، از نظر فرهنگی و دینی ، تحت تأثیر صاحبان زر و زور و پیرو آنان بودند .

و اتبعوا من لم يزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <مال> مظهر زر و قدرت اقتصادی و <ولد> نماد زور و قدرت سیاسی است که از کثرت نفرات نشأت می گیرد.

۸ - صاحبان زر و زور ، عامل اصلی گمراهی و کفر قوم نوح بودند .

و اتبعوا من لم يزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۹

۹ - تأثیرپذیری قوم نوح ، از سران کفر و شرک و صاحبان

زر و زور جامعه

و اتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَ وُلِدَهُ إِلَّا خَسَارًا .. يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَا

هشدار به قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۸

۸- تنهایی و بی پناهی در قیامت ، هشدارى به مال اندوزان و قدرت مداران

وَ لَا يَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَ لَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ

هلاکت قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۶

۶- تاریخ بشر ، شاهد عذاب و هلاکت جوامعی قدرتمندتر و زراندوزتر از قارون بوده است .

أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ جَمْعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۶

۶- هلاکت برخی از جوامع نیرومند در گذشته تاریخ ، به خاطر کفرورزی

وَ كَأَيْنِ مِنْ قَرْيَةٍ .. أَهْلَكْنَاهُمْ

هماهنگی ثروتمندان با قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۹

۹- امکان اتحاد و موضع گیری واحد صاحبان زر و زور ، در برابر تعالیم پیامبران الهی (چون پیامبر اسلام)

كانوا هم أشدّ منهم قوّه وءاثارًا .. إلى فرعون و همن و قرون فقالوا سحر كذّ

هماهنگی قدرتمندان با ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - امکان اتحاد و موضع گیری واحد صاحبان زر و زور در برابر تعالیم پیامبران الهی)

چون پیامبر اسلام)

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه و استحيا نساءهم

قذف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قذف

آثار قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۷

۷ - اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان، در تمامی صحنه های گواهی

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شهده ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن، نجیب و مؤمن، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إن الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الآخره

<محصنات> به معنای زنان عقیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی نجیب گفته می شود.

۲ - قذف زنان پاکدامن، نجیب و مؤمن (نسبت دادن زنا به آنان)، در پی دارنده خشم الهی و محرومیت از رحمت او

إن الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الآخره

<لعن> (مصدر <لعنوا>)، به معنای طرد کردن و دور ساختن فرد از خیر و نیکی است (لسان العرب). و هم چنین طرد برخاسته از خشم و غضب می باشد (مفردات راغب).

آثار قذف عقیفان

- آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۶

۶ - نسبت دادن دروغین زنا به زنان پاکدامن ، در پی دارنده لعنت خدا (محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او)

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

آمزش قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۱

۱ - گناه قذف (نسبت دادن زنا بدون دلیل به زنان پاکدامن) علی رغم بزرگی اش ، بخشودنی و قابل آمزش از سوی خداوند است .

والذين يرمون المحصنات .. أولئك هم الفسقون. إلا الذين تابوا من بعد ذلك و أصل

احکام قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۳، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است .

والذين يرمون المحصنات ثم لم يأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

۲ - هشتاد ضربه تازیانه بر پوست بدن ، کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر

والذين يرمون المحصنت ثم

لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

۳- وجوب برهنه بودن بدن نسبت دهندگان زنا به زنان ، به هنگام اجرای کیفر (قذف) بر آنان

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

۴- پذیرش نسبت زنا به زنان پاکدامن در گرو ارائه چهار شاهد مرد از سوی شخص نسبت دهنده است .

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

<شهداء> جمع <شاهد> است و <شاهد> مفرد مذکر می باشد. بنابراین <أربعة شهداء> به معنای چهار مرد ناظر می باشد. گفتنی است ذکر <أربعة> با تایی تأنیث نیز شاهد بر مطلب فوق است؛ زیرا اعداد از سه تا ده در زبان عرب، در مذکر با تایی تأنیث و در مؤنث بدون <تاء> به کار می رود.

۶- کیفر <قذف> (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذین یرمون المحصنت .. فاجلدوهم ثمنین جلده

۷- اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان ، در تمامی صحنه های گواهی

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شهده ابداً

۱۳- نسبت بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شهده ابداً و أولئک هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۸،۹

۸- < عن سماعه عنه فی قول الله عزوجلّ > و لاتقبلوا لهم شهاده ابداً ... إلا الذین تابوا < ... قال یکذب

نفسه علی رؤوس الناس حتی یضرب و یتغفر ربّه و إذا فعل ذالک فقد ظهرت توبته ۱

سماعه روایت می کند که امام(ع) در باره قول خدای عزوجل <ولا تقبلوا لهم شهادة أبداً .. إلا الذين تابوا> فرمود: قذف کننده باید خود را در اجتماع مردم تکذیب کند تا حد بر او جاری گردد و از خدا طلب آمرزش کند و اگر این کار را کرد، توبه او آشکار شده است.

۹ - < فی مجمع البیان [أحد القولین فی هذه الآیه] ان الإستثناء یرجع إلى الأمرین فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أو لم یحد و قول أبی جعفر (ع) و أبی عبدالله (ع) ۱

در مجمع البیان آمد است که [یکی از دو قول در آیه یاد شده] این است که استثنا به هر دو امر بازمی گردد. پس هرگاه قذف کننده توبه کند، شهادت او قبول می شود ۱ چه حد بر او جاری شده باشد و چه نشده باشد ... و ان قول امام باقر و امام صادق علیهما السلام است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - مردی که همسرش را قذف کند (نسبت زنا بدهد) ، برای اثبات ادعای خود ، نخست باید چهار شاهد مرد ارائه کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء

<شهداء> جمع <شاهد> است و شاهد مفرد مذکر است. بنابراین <شهداء> به معنای <چند مرد ناظر> می باشد. گفتنی است که عدد چهار، با توجه به آیه قبل که مربوط به قذف است و

نیز به قرینه ذیل آیه که در صورت عجز از ارائه شهود باید چهار سوگند یاد شود استفاده می گردد.

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۳ - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند.>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۴ - شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد ، نوبت به سوگند او نمی رسد ؛ بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۶ - شوهر اگر در ادعای زناى همسرش ، مدعی مشاهده نباشد ؛ ولی چهار شاهد مرد ارائه کند ، زناى همسرش ثابت می شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - مردی که مدعی مشاهده زناى همسرش است و ولی برای صدق ادعایش چهار بار سوگند نخورد و درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند نکند ، محکوم به حد قذف (هشتاد تازیانه) و دیگر مجازات آن مدعا می شود .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

آیه چهارم (والذین یرمون المحصنات.. .. فاجلدوهم ...)، قرینه است بر این که اگر مردان مدعی زناى همسران شان، شاهد نیاورند و پنج بار سوگند یاد نکنند، محکوم به حد قذف خواهند شد.

تشریح حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۱

۱ تحریم اُکید بی عفتی و زنا ، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن ، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان (صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف) و تشریح < لعان > ، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه ایمانی است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. .. والذین یرمون المحصنت... فاجلدوهم ... و لولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه که در مقام امتنان است پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

حتمیت حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۶

۶ - کیفر < قذف > (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذین یرمون المحصنت فاجلدوهم ثمنین جلدہ

حد قذف

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱

۱ - کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن، بدون ارائه چهار گواه ناظر، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

حرمت قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۹

۹ نسبت دادن فحشا و بی عفتی به پاکدامنان (قذف)، حرام و موجب دوری از رحمت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۳

۱۳ - نسبت بی دلیل زنا به زنان پاکدامن، حرام و از گناهان بزرگ است .

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شهده أبداً و أولئک هم الفسقون

سوگند در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۲

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن

لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

عوامل سقوط حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۵

۵ - با اعلام پذیرش لعنت خدا در پنجمین سوگند از سوی شوهر مدعی زناى همسرش ، حد قذف و دیگر کیفر های آن ، از وی ساقط می شود .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

قذف عفيفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۹،۶،۵،۲،۱

۱ - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذين يرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا في الدنيا و الآخره

<محصنات> به معنای زنان عقیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی نجیب گفته می شود.

۲ - قذف زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن (نسبت دادن زنا به آنان) ، در پی دارنده خشم الهی و محرومیت از رحمت او

إنّ الذين يرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا في الدنيا و الآخره

<لعن> (مصدر <لعنوا>)، به معنای طرد کردن و دور ساختن فرد از خیر و نیکی است (لسان العرب). و هم چنین طرد برخاسته از خشم و غضب می باشد (مفردات راغب).

۵ - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد

و کیفر قذف کردن زنان عقیف و مؤمن است .

إِنَّ الذین یرمون المحصنت .. لهم عذاب عظیم

۶- قذف و اتهام به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، از گناهان کبیره است .

إِنَّ الذین یرمون المحصنت .. لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه شریفه، قذف کنندگان و تهمت به زنان مورد طرد و لعن در دو عرصه دنیا و آخرت قرار گرفته اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

۹- > عن أبی عبداللہ (ع) قال : قذف المحصنات من الكبائر لأنّ اللّٰه عزّوجلّ یقول : لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود قذف زنان پاکدامن (یعنی، نسبت زنا دادن به آنان) گناه کبیره است زیرا خدای عزّوجلّ [در باره قذف کنندگان] می فرماید: لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم <.

قذف مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲

۱- قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إِنَّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الآخره

>محصنات< به معنای زنان عقیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند

و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

۲- قذف زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن (نسبت دادن زنا به آنان) ، در پی دارنده خشم الهی و محرومیت از رحمت او

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

<لعن> (مصدر <لعنوا>)، به معنای طرد کردن و دور ساختن فرد از خیر و نیکی است (لسان العرب). و هم چنین طرد برخاسته از خشم و غضب می باشد (مفردات راغب).

۵- عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عفیف و مؤمن است .

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۶- قذف و اتهام به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، از گناهان کبیره است .

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه شریفه، قذف کنندگان و تهمت به زنان مورد طرد و لعن در دو عرصه دنیا و آخرت قرار گرفته اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

قذف همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۱،۲،۳،۴

۱- مردی که همسرش را قذف کند (نسبت زنا بدهد) ، برای اثبات ادعای خود ، نخست باید چهار شاهد مرد ارائه کند .

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ

<شهداء> جمع <شاهد> است و شاهد مفرد مذکر است. بنابراین <شهداء> به معنای <چند مرد ناظر> می باشد. گفتنی است که عدد چهار، با توجه به آیه قبل که مربوط به قذف

است و نیز به قرینه ذیل آیه که در صورت عجز از ارائه شهود باید چهار سوگند یاد شود استفاده می گردد.

۲- شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادات باللّ

۳- با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند.>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۴- شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد ، نوبت به سوگند او نمی رسد ؛ بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادات باللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳- مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أن لعنت الله علیه إن کان من الکذبین

قذف همسر محمد(ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - قذف یکی از همسران پیامبر (ص)، < افک > و بهتانی آشکار بود .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ... وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مِّبِينٌ

کیفر قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۵

۵ - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عفیف و مؤمن است .

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

کیفر قذف عفیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ

ضمیر <هم> در <یوفیهم> و <دینهم> به <قذف کنندگان> (الذین یرمون المحصنات) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <یوفی>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر قذف مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذین یرمون المحصنت .. یومئذ یوفّیهم

ضمير <هم> در <يوقيهم> و <دينهم> به <قذف کنندگان> (الذين يرمون المحصنات) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <يوقی>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دين> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفیت حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۳، ۲

۲ - هشتاد ضربه تازیانه بر پوست بدن ، کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر

والذين يرمون المحصنت ثم لم يأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلده

۳ - وجوب برهنه بودن بدن نسبت دهندگان زنا به زنان ، به هنگام اجرای کیفر (قذف) بر آنان

والذين يرمون المحصنت ثم لم يأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلده

گناه قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۳

۱۳ - نسبت بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

والذين يرمون المحصنت .. و لا تقبلوا لهم شاهده أبداً و أولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۶، ۹

۶ - قذف و اتهام به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، از گناهان کبیره است .

إنّ الذين يرمون المحصنت .. لعنوا فی الدنيا و الآخره و لهم عذاب عظیم

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه شریفه، قذف کنندگان و تهمت به زنان مورد طرد و لعن در دو عرصه دنیا و

اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

۹ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : قذف المحصنات من الكبائر لأنَّ الله عزَّوجلَّ يقول : لعنوا في الدنيا و الآخرة و لهم عذاب عظيم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود قذف زنان پاکدامن (یعنی، نسبت زنا دادن به آنان) گناه کبیره است؛ زیرا خدای عزوجل [در باره قذف کنندگان] می فرماید: لعنوا فی الدنيا و الآخرة و لهم عذاب عظیم.<

گواهی در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۶ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - مردی که همسرش را قذف کند (نسبت زنا بدهد) ، برای اثبات ادعای خود ، نخست باید چهار شاهد مرد ارائه کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء

<شهداء> جمع <شاهد> است و شاهد مفرد مذکر است. بنابراین <شهداء> به معنای <چند مرد ناظر> می باشد. گفتنی است که عدد چهار، با توجه به آیه قبل که مربوط به قذف است و نیز به قرینه ذیل آیه که در صورت عجز از ارائه شهود باید چهار سوگند یاد شود استفاده می گردد.

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت بالل

۳ - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و

لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۴ - شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد، نوبت به سوگند او نمی رسد؛ بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود.

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادات باللّ

۶ - شوهر اگر در ادعای زنا همسرش، مدعی مشاهده نباشد؛ ولی چهار شاهد مرد ارائه کند، زنا همسرش ثابت می شود.

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

موجبات حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۴

۴ - شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد، نوبت به سوگند او نمی رسد؛ بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود.

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادات باللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۸

۸ - مردی که مدعی مشاهده زنا همسرش است؛ ولی برای صدق ادعایش چهار بار سوگند نخورد و درخواست

لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند نکند ، محکوم به حد قذف (هشتاد تازیانه) و دیگر مجازات آن مدعا می شود .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

آیه چهارم (والذین یرمون المحصنات.. .. فاجلدوهم ...)، قرینه است بر این که اگر مردان مدعی زنا ی همسران شان، شاهد نیاورند و پنج بار سوگند یاد نکنند، محکوم به حد قذف خواهند شد.

نقش گواهان در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱

۱ - کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

مقذوف

اعاده آبروی مقذوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳، ۲

۲ - قذف کنندگان (کسانی که به زنان پاکدامن بدون دلیل نسبت زنا دهند) ، در صورت توبه و اصلاح رفتار خویش و جبران زیان وارده بر شخص متهم ، مشمول بخشش و آمرزش خدا خواهند شد .

والذین یرمون المحصنت .. أولئك هم الفسقون . إلا الذین تابوا

من بعد ذلك و ا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که اصلاح، پس از توبه و پشیمانی در هر موردی، متناسب با همان مورد است. بنابراین اصلاح گناه تهمت زدن، به این خواهد بود که ضرر و زیان مادی، معنوی، فردی و اجتماعی وارده بر متهم جبران شود.

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود.

والذین یرمون المحصنت .. أولئك هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلك و أ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زندگان شود؛ ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

شرایط تبرئه مقذوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۳

۳ - در صورتی که قذف کنندگان از اقامه بینه ناتوان باشند، تکذیب آنان و میرا دانستن دامن متهم، واجب است .

لولا جاء و علیه بأربعة شهداء فإذا لم یأتوا بالشهداء فأولئك عند الله هم الكذوبون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <فأولئك عند الله هم الكاذبون> انشا در قالب اخبار باشد؛ یعنی، این افراد محکوم به کذب و دروغ گویی اند.

قرآن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قرآن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۷، ۱۱

۱۱ کتب آسمانی (قرآن، تورات و انجیل)

(، از آیات الهی

انزل التوریه و الانجیل ... و انزل الفرقان إنّ الذین کفروا بایات اللّٰه

۱۷ فرقان ، آیات محکم (غیر متشابه) و کتاب ، جملگی قرآن است .

و انزل الفرقان

امام صادق (ع): الفرقان هو کل امر محکم و الکتاب هو جمله القرآن ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۹۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۵،۶

۵ قرآن ، مشتمل بر آیات محکم و متشابه

منه ایات محکّمات ... و اخر متشابهات

۶ آیات محکم ، اصل و اساس قرآن است .

منه ایات محکّمات هنّ ام الکتاب

به اصل و اساس هر چیز <ام>، گفته می شود. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۵

۵ ایمان به تمامی قرآن (محکّمات و متشابهات) ، هدایتی از جانب خداوند است .

و الرّاسخون فی العلم یقولون امّنا به کل من عند ربّنا ... ربّنا لا ترغ قلوبنا بع

جمله <هدیتنا> پس از <امّنا به کل من عند ربّنا>، می تواند تفسیری برای ایمانشان به تمامی قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ پیامبر (ص)، دارای دستورات و اوامری غیر از آنچه در وحی و قرآن آمده است .

قل اطيعوا الله و الرسول

اگر پیامبر (ص) دستور و امری غیر از آنچه در قرآن آمده، نداشت، الزام به اطاعت از رسول بی معنا

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۳

۳ علم و آگاهی علمای یهود و نصارا به حَقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

یا اهل الكتاب .. و انتم تعلمون

با توجه به اینکه محور اختلاف اهل کتاب با مسلمانان در حَقانیت قرآن و پیامبر (ص) بوده، معلوم می شود منظور از کلمه <الحق>، قرآن و رسالت پیامبر (ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۱،۲

۱ تظاهر به پذیرش اسلام و قرآن و سپس کفر به آن دو، از راه های آمیختن حق به باطل توسط اهل کتاب

یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل .. و طائفه من اهل الكتاب

به نظر می رسد جمله <و قالت طائفه .. >، پس از <لم تلبسون>، ذکر مصداقی برای تلبیس حق به باطل باشد.

۲ توصیه گروهی از اهل کتاب به دیگران مبنی بر ایمان به قرآن در اوّل روز و کفر به آن در آخر روز، به منظور بازگشت مؤمنان از اسلام

و قالت طائفه من اهل الكتاب .. لعلمهم يرجعون

بنابراینکه <وجه النهار>، متعلق به <امنوا> و <اخره>، متعلق به <اکفروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۸

۸ برخورد منافقانه برخی از اهل کتاب با مسلمانان، در اظهار ایمان به تمامی کتب آسمانی (قرآن و ...)

و اذا لقوكم قالوا امنا و اذا خلوا علیکم الا نامل

به قرینه <و تؤمنون

بalkتاب کله، متعلق <امنا>، تمامی کتب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۱، ۲۰، ۱۷، ۱۶، ۱۲، ۱۰، ۴، ۱

۱ ایمان واقعی گروهی از عالمان اهل کتاب به خداوند، قرآن و کتب آسمانی خویش

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ . . . خَاشِعِينَ لِلَّهِ

سوداگری با آیات الهی از اموری است که اغلب با عالمان و دانشمندان دینی سنخیت دارد؛ جمله <لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ>، در آیه ۱۸۷ این معنا را تأیید می کند.

۴ تکبر و گردن فرازی گروهی از اهل کتاب در برابر خداوند، موجب کفر و انکار قرآن از سوی آنان

إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ . . . خَاشِعِينَ لِلَّهِ

۱۰ سوداگری نکردن با آیات الهی، ویژگی اهل کتاب مؤمن به خدا و قرآن و دیگر کتب آسمانی

لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

۱۲ پرهیز برخی اهل کتاب از دین فروشی و سوداگری با آیات الهی (تورات و انجیل)، مایه ایمان آنان به قرآن

إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ . . . خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

جمله <لا- یشترون...>، حال برای فاعل <یؤمن> است (یعنی مؤمنان اهل کتاب) و توصیف آنان به جمله ذکر شده، می تواند اشاره به علت و زمینه ایمان آنان به قرآن باشد.

۱۶ تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ . . . لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أَوْلَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ

۱۷ ایمان اهل کتاب به قرآن

، نشانه ارزشگذاری صحیح آنان نسبت به آیات الهی (تورات و انجیل)

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن بالله و .. لا يشتركون بايات الله ثمناً قليلاً

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند؛ از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئك لهم اجرهم عند ربهم

کلمه <عند ربهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۱ ایمان به خدا، قرآن، تورات، انجیل، فروتنی در برابر خدا و ارج نهادن به آیات الهی، ملاک ارزش انسان نزد خداوند

لهم اجرهم عند ربهم

اضافه تشریفیه در <ربهم> بیانگر آن است که دارندگان صفات یاد شده، در پیشگاه خداوند دارای ارزشی والا هستند.

۲۸ نجاشی (پادشاه حبشه)، مؤمن به خدا، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن بالله

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ احاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه؛ فقال رجل یا

رسول الله کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول الله <و انّ من اهل الكتاب .. >

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۳

۳- قرآن، از نام های کتاب آسمانی اسلام و شناخته شده در مراحل آغازین نزول وحی بر پیامبر (ص)

فإذا قرأت القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹

۹- ذکر و قرآن ، از نام های کتاب آسمانی پیامبر اسلام (ص)

إن هو إلا ذكر وقرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۱

۱- قرآن ، نام کتاب نازل شده بر پیامبر اسلام (ص)

قرءاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۷ - ۱

۱- < قرآن > ، نام کتاب آسمانی پیامبر اسلام

إنه لقرآن كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- قرآن ، نام کتاب آسمانی نازل شده بر پیامبر اسلام

فاقرءوا ما تيسر من القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳ - ۴

۴- قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر اسلام (ص)

إننا نحن نزلنا عليك القرءان تنزيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - قرآن ، نامی برگزیده از جانب خداوند پیش از تکمیل آیات آن در عصر رسول اکرم (ص)

و إذا قرىء عليهم القرآن

آثار استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۰، ۷، ۳، ۲

۲ جوشیدن اشک شوق از دیدگان گروهی از مسیحیان عصر پیامبر (ص) با شنیدن آیات قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

کلمه <دمع> می تواند به معنای اشک، باشد در این صورت تفیض یعنی لبریز می شود. بنابراین جمله <تفیض من الدمع> به این معناست

که چشمانشان از اشک لبریز شد.

۳ گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسيسين و رهباناً .. ما أنزل إلى الرسول تری اعينهم تفيض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسيسين> و <رهبان> برگردانده شود.

۷ ایمان مسیحیان به پیامبر (ص) و تأثیر شدید آنان به هنگام شنیدن قرآن، نشانه تواضع آنان در برابر حق

و انهم لا يستكبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ... مما عرفوا من الحق

جمله <و إذا سمعوا ..> که حکایت از اعتراف آنان به حقانیت قرآن و پیامبر(ص) دارد می تواند به عنوان دلیل و شاهی بر جمله <انهم لا يستكبرون> باشد.

۱۰ گروهی از مسیحیان، کشیشان و راهبان عصر بعثت، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن.

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول .. يقولون ربنا ءامنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۵

۵- وجود عالمانی در میان مردم عصر نزول و اذعان آنان به حقانیت قرآن پس از شنیدن آن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴، ۶

۶- پی بردن جنیان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)، با استماع کلام وحی

فلما حضروه قالوا أنصتوا فلما قضى ولوا إلى قومهم منذرين

تعبیر <ولوا إلى..> نشان می دهد خود جنیان، اندازها را پذیرفتند و به آن ایمان آوردند.

۱۴- ایمان گروهی از جنیان، به مجرد شنیدن قرآن، تعریضی به مشرکان لجوج و حق

ستیز است . *

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود؛ این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است؛ زیرا جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند؛ ولی آنان چنین نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱

۱ - شنیدن آیات قرآن، باید مایه خضوع و فروتنی انسان گردد.

و إذا قرىء عليهم القرآن لا يسجدون

<سجود> به معنای خضوع است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۱

۱ - کافران، به مجرد شنیدن آیات قرآن، آن را تکذیب کرده و معارف آن را دروغ می پنداشتند.

بل الذين كفروا يكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنان نیکوکار، با شنیدن آیات قرآن، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده، خضوع می کنند.

فما لهم... و إذا قرىء عليهم القرآن لا يسجدون... إلا الذين آمنوا و عملوا الص

آثار استماعی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۲،۵

۲ گوش فرادادن به قرآن و سکوت کردن به هنگام شنیدن آن ، زمینه ساز دستیابی به رحمت خداوند است .

فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

۵ گوش سپاری کافران به آوای قرآن ، زمینه ساز دستیابی آنان به هدایت و رحمت الهی خواهد شد .

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

چنانچه خطاب

در آیه شامل کافران باشد، مصداق مورد نظر از رحمت در <ترحمون> هدایت خواهد بود.

آثار استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۶

۶ - واقعیت های مهم قرآنی مورد استهزای کافران ، دامنگیر آنان در آینده ای نزدیک

فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۶

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أن تقول نفس يحسرتی ... و إن كنت لمن السخرین

آثار اطاعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۶،۷

۶ منحرفان ، ناتوان از گمراه سازی مسلمانانی که به تعالیم قرآن پایبند بوده و از دستورات پیامبر (ص) پیروی کنند .

لا یضرکم من ضل إذا هتدیتم

برداشت فوق بر این اساس است که حرف <لا> در <لا یضرکم> نافیه باشد.

۷ پایبندی به تعالیم قرآن و پیروی از دستورات پیامبر (ص) ، مایه هدایت آدمی است .

علیکم انفسکم ... إذا هتدیتم

مراد از هدایت یافتن در جمله <اذا هتدیتم> به قرینه آیه قبل، پذیرش تعالیم قرآن و دستورات پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۷ رستگاری انسان ها در گرو پیروی از قرآن است .

فالذین .. اتبعوا النور الذی أنزل معه أولئک هم المفلحون

آثار اعتصام به قرآن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۶

۶ تمسک به قرآن و پیامبر(ص)، موجب سعادت انسان می شود.

و هم ینهون عنه و ینتون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

چون در آیه شریفه هلاکت آدمی را حاصل دوری از وحی و قرآن دانسته، در نتیجه سعادت آدمی در اتصال به وحی و قرآن خواهد بود.

آثار اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۲

۱۲ - ترك دستورات قرآن و پیامبر (ص) ، موجب تباهی و خسران است .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

چنانچه مراد از تلاوت در جمله <یتلونه> پیروی کردن باشد، می توان گفت: مراد از کفر در <و من یکفر>، به قرینه مقابله، ترك دستورات قرآن - که از آن به <کفر عملی> تعبیر می کنیم - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۴،۵

۴ کافران با پرهیز از گوش فرا دادن به قرآن و جلوگیری مردم از آن، ناخودآگاه خود را به هلاکت می افکنند.

و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

۵ فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و بازداشتن مردم از گرایش به آنها، سقوط و هلاکت است.

و هم ینهون عنه و ینتون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۹

۹ منکران قرآن با بی‌اعتنایی به معارف آن، تباه‌کننده سرمایه‌های خویش هستند.

قد خسروا أنفسهم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۲

۲- خودداری مردم از ایمان به قرآن و استغفار به درگاه الهی ، به منزله نشستن آنان در انتظار عذاب الهی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا . . . إلا أن تأتيهم سنّه الأولین

<أن يؤمنوا> در اصل <من أن يؤمنوا> بوده است و <أن تأتيهم> فاعل برای <منع> است، ولی از آن جا که نظم معنابه کلمه ای بستگی دارد که بعد از <إلا> در تقدیر باشد، گفته می شود که <أن تأتيهم> در تقدیر، <انتظار أن تأتيهم> است؛ یعنی: <ما منع الناس من أن يؤمنوا.. إلا انتظار أن تأتيهم> و مراد این است که حال این مردم، بسان حال کسی است که در انتظار عذاب نشسته باشد و گرنه مانعی دیگر برای ایمان آنان وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۳

۳- اعراض کنندگان از قرآن و تذکار های آن ، در دنیا گرفتار انحراف و گناه می شوند .

ءاتینک من لدنا ذکراً . من أعرض عنه فإنّه یحمل ... وزراً

جمله <فإنّه یحمل..> ممکن است حاکی از گرفتاری اعراض کنندگان از قرآن به گناهی دیگر باشد؛ یعنی، آنان بر اثر این روی گردانی، در دنیا به دام گناه گرفتار می شوند و در قیامت زیر بار آن بوده و آن را حمل خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۹

۹ جدایی از راه پیامبران ، دوستی با افراد ناباب و بیگانه شدن با تعالیم قرآن ، موجب درافتادن

به ورطه خواری و نهایت ذلت

یویلتی لیتنی لم اتّخذ فلائناً خلیلاً . لقد أضلّنی عن الذکر ... و کان الشیطن للاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۱،۲

۱ شکوه پیامبر (ص) به پیشگاه خداوند از مردم عصر خویش (کافران شهر مکه)، به خاطر متروک و مهجور ساختن قرآن کریم

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القراء مهجوراً

در این که شکوائیه پیامبر(ص) در این دنیا است و یا در آخرت؟ دو نظریه میان مفسران وجود دارد. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است که مطابق نظر بیشتر مفسران می باشد. گفتنی است واژه <مهجور> به معنای متروک و رها شده است.

۲ شکوه پیامبر (ص) به پیشگاه خداوند در قیامت، از مردم عصر خویش به خاطر متروک و مهجور ساختن قرآن

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القراء مهجوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۱

۱ - اقدام کافران به تکذیب آیات قرآن در پی روی گردانی از آن

إلا كانوا عنه معرضین . فقد کذبوا

تقدیر عبارت <فقد کذبوا> به قرینه آیه پیش، <فقد کذبوا بالذکر> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۷

۷ - رها ساختن تعالیم قرآن و کناره گیری از فراخواندن مردم به سوی آنها، زمینه ساز قرار گرفتن در صف کافران است .

لا یصدّنک عن ءایت الله . . . و ادع إلى ربّک و لاتکوننّ من المشرکین

گفتنی است که از

صدر و ذیل آیه شریفه^۲ یعنی، ارتباط میان موضوع جدا شدن از صف مشرکان و موضوع ابلاغ رسالت الهی و دعوت به توحید، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبول نکردن تعالیم قرآن از سوی برخی انسان ها ، ناشی از بی اعتنائی آنان است و نه از ناحیه قرآن .

و إذا تتلى عليه آياتنا ولى مستكبرا كأن لم يسمعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۰، ۸

۸ - نزدیکی و دوری از قرآن ، معیاری برای تعیین ارزش انسان ها و سعادت مندی آنان

ثم أورثنا الکتب .. فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخيرت

۱۰ - تمسک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشان است .

ثم أورثنا الکتب .. فمنهم ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۳، ۲

۲ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، کوتاهی کردن در حق خداوند است .

و اتبعوا أحسن ما أنزل إليکم .. أن تقول نفس يحسرتی علی ما فرّطت فی جنب الله

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <أن تقول..> یا مفعول له برای جمله <اتبعوا> است و یا با تقدیر لام تعلیل و لای نافیہ تعلیل برای جمله های پیشین (<أنیبوا>، <أسلموا> و <اتبعوا أحسن ما أنزل>) می باشد. در هر صورت پیام این آیه

چنین می شود: توبه کنید، تسلیم شوید و از تعالیم قرآن پیروی کنید، تا دچار حسرت نشوید و احساس نکنید که حق خدا را ضایع کردید.

۳- عمل نکردن به تعالیم قرآن، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و حیات اخروی

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ .. أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۷۸

۷- روی گردانی از قرآن، مایه محرومیت از پذیرش مفاهیم آن

فَأَعْرَضَ أَكْثَرَهُمْ فَهَمَّ لَا يَسْمَعُونَ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لایسمعون> به معنای <لایقبلون> باشد (المیزان، روح المعانی).

۸- اعراض از قرآن، عامل محرومیت از فهم آیات و معارف آن

فَأَعْرَضَ أَكْثَرَهُمْ فَهَمَّ لَا يَسْمَعُونَ

برداشت بالا- بر این اساس است که <لایسمعون> به معنای <لایفهمون> باشد؛ چنانکه <مفردات> در مفهوم <سمع> این معنا را آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۸

۸- نزول قرآن از جانب خداوند، احتمالی شایان توجه و بی اعتنایی به آن کج روی از فطرت و منش انسانی است.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلِّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۷، ۱۶

۱۶- بی تفاوتی در برابر تذکارها و رهنمودهای قرآن در دراز مدت، باعث قساوت قلب خواهد شد.

و لایکونوا کالذین .. فطال علیهم الأمد ففتست قلوبهم

خداوند، مسلمانان را از پیش گرفتن

شیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند، بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

۱۷ - مسلمانان بی تفاوت ، در خطر خارج شدن از جاده حق و عدالت در صورت استمرار یافتن بی تفاوتی آنان نسبت به تذکرات و رهنمود های قرآن

و لایکونوا کالذین .. فطال علیهم الأمد ... و کثیر منهم فسقون

در آیه شریفه، قساوت قلب و خروج از عدل و انصاف (حق)، از پیامدهای بی تفاوتی مستمر و دائمی یهود و نصارا نسبت به رهنمودهای کتاب های آسمانی شان بر شمرده است. بر حذر داشتن مسلمانان از پیش گرفتن شیوه اهل کتاب، بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۸، ۱۵

۸- اسطوره قلمداد کردن قرآن ، بازدارنده مردم از ایمان به آن است .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا ... و من أوزار الذین یضلونهم

۱۵- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، به پیامد کلام گمراه گر خود توجه ندارند .

قالوا أسطر الأولین .. و من أوزار الذین یضلونهم بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۲

۲ - استکبار در برابر حقایق الهی و افترا بر دین ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است .

و استکبر . فقال إن هذا إلا سحر ... سأصلیه سقر

آثار انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تأثیر انذارها و اخطارهای قرآن و پیامبر (ص) تنها در دل های مستعد ، زنده و هوشمند

لینذر من کان حیًّا

از این که خداوند فرمود: قرآن و پیامبر(ص) انسان های زنده را انذار خواهد کرد، می توان استفاده کرد که قرآن و کلام پیامبر(ص) تنها در انسان های آماده و مستعد برای فهم و دریافت حقایق، مؤثر خواهد بود.

آثار انس با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ - انس با قرآن و تعلیمات آسمانی آن ، مایه بیداری و دور ماندن از غفلت و بی خبری

لتنذر قومًا... لعلهم یتذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۸

۸ - نزدیکی و دوری از قرآن ، معیاری برای تعیین ارزش انسان ها و سعادت مندی آنان

ثم أورثنا الکتب... فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت

آثار انکار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۵

۲۵ انکار تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (قرآن) ، کفر است .

لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک... فلاتأس علی القوم الکفرین

آثار ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۷

۷ - رهایی از آتش دوزخ ، در گرو ایمان به قرآن و تصدیق رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۵، ۱۳

۱۳ ایمان به قرآن و التزام به حقایق دیگر کتاب های آسمانی ، مایه مصون ماندن از عذاب های الهی است .

و ایّی فاتّقون

<اتقاء> (مصدر اتقوا) یعنی: در اختیار گرفتن وسیله ای برای مصون ماندن از حادثه ها و مشکلاتی که آدمی از پیشامدن آنها در هراس است. بنابراین <فاتقون> یعنی، برای مصون ماندن از عذابهای الهی باید وسیله ای در اختیار داشته باشید. فرازهای پیشین بیان می دارد که آن وسیله: ایمان به قرآن و التزام به حقایق کتابهای آسمانی است.

۱۵ - نهرا سیدن از پیامد های التزام به حقایق تورات و انجیل و ایمان به قرآن ، از توصیه های خداوند به بنی اسرائیل

و لاتشتروا بآیتی . . . و ایّی فاتّقون

حصر در جمله <ایای فاتقون> - پس از بیان لزوم ایمان و پرهیز از دین فروشی - به این اشاره دارد که: ایمان به قرآن و التزام به حقایق تورات و انجیل، ممکن است برای شما یهودیان و نصرانیان مشکلاتی را به همراه داشته باشد - که نباید از آنها در هراس باشید - و فقط از عذابهای الهی بترسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، در صورت ایمان به قرآن و قبول شریعت جدید ، با تنگنا ها و مشکلاتی شدید مواجه می شدند .

یبنی اسرائیل اذکروا . . . و ءامنوا ... و استعینوا بالصبر و الصلوه

سفارش خداوند به

بنی اسرائیل (پیشه کردن صبر و برپایی نماز) پس از دعوت آنان به ایمان، بیانگر این است که: آنان به خاطر پذیرش اسلام و ترک شریعت پیشین، با مشکلات فراوانی مواجه می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۳

۳ - ایمان به قرآن ، پیروی از دستورات خدا و پرهیز از محرّمات ، وسیله محافظت آدمی در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

ءامنوا بما أنزلت .. واتقوا يوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت) - پس از دعوت به ایمان (آمنوا بما أنزلت) و دیگر تکلیفهای یاد شده در آیه - می رساند که: وقایه آدمی در روز قیامت، همان ایمان به قرآن و .. خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۱

۱۱ - منفعت و سود واقعی انسان ها ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص) است .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۳

۳ - ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از کفر ورزی به آنها ، وسیله محافظت در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به .. واتقوا يوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت)، پس از ترغیب به ایمان (أولئک یؤمنون به) و هشدار از کفرورزی (و من یکفر ..) می رساند که: وقایه انسان در روز قیامت، ایمان به قرآن

و پیامبر(ص) و پرهیز از کفرورزی به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت.

و بالحقّ أنزلناه .. قل ءامنوا به أو لا تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۲

۲ - آمادگی برای ایمان به قرآن و برخورداری از روح خشیت، از زمینه های لازم برای تأثیرپذیری از اندازها و اخطارهای الهی

إنّما تنذر من أتبع الذکر و خشى الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت است و رد و انکار آن گمراهی و ضلالت.

فمن اهتدى فلنفسه و من ضلّ فإنّما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۵

۵- ایمان به پیامبر اسلام و قرآن، شرط ثمربخشی عقیده به خداوند و عمل صالح

و الذین ءامنوا .. و ءامنوا بما نزل علی محمّد

از تکرار <آمنوا..> استفاده می شود که <آمنوا> در <الذین آمنوا> به معنای اعتقاد به خدای یگانه است؛ چه این که در <آمنوا بما...> به معنای ایمان به قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. از قرین آمدن ایمان و عمل صالح، اعتقاد به پیامبر(ص) و قرآن، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲

۶- ایمان به قرآن ، ایمان به خدا و انکار آن ، کفر به او است .

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَأَمْنَا بِهِ فَمِنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ

برداشت یاد شده، از تبدیل و تغییر ایمان به قرآن (آمنّا به)، به ایمان به خداوند (یؤمن برّبه) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۳

۳- باور داشتن معاد و معارف قرآن و انجام دادن کار های صالح ، نجات بخش انسان از عذاب دردناک است .

فبشّرهم بعذاب أليم . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

متعلق <آمنوا> به قرینه آیات پیشین معاد و قرآن است و <الصالحات> که جمع با حرف <ال> است دلالت بر عموم می کند. در این موارد، مراد عموم عرفی است، یعنی، تمام صالحاتی که امکان پذیر است.

آثار بی نظیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۹، ۶

۶ قرآن ، به دلیل ناتوانی همگان از آوردن کتابی همسان آن ، نشانه یکتایی خدا و نبود هیچ معبودی شایسته پرستش جز او

فإلّم يستجيبوا لكم فاعلموا .. أن لا إله إلا هو

<أن لا إله إلا هو> که حاکی از یکتایی خدا و ضرورت توحید عبادی است عطف بر <أنما أنزل ..> می باشد لذا جزای شرط (فإلّم يستجيبوا) خواهد بود و حکایت از آن دارد که قرآن، به دلیل ناتوانی بشر از آوردن همانند برای آن، خود نشانه ای بر توحید است.

۹ ناتوانی همگان ، از آوردن همانند برای قرآن ، دلیل

لزوم پذیرش اسلام و تسلیم شدن در برابر خداست .

فَإِلْمِ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ .. فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

برداشت فوق ، با توجه به حرف <فاء> که جمله <هل أنتم ..> را بر <فإلّم يستجيبوا...> تفریع کرده است ، استفاده می شود.

آثار پیروی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۵

۵ پیروی از قرآن و پرهیز از مخالفت با آن، زمینه ساز جلب رحمت الهی است.

فاتبعوه و اتقوا لعلکم ترحمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - سپردن گوش جان به رهنمود های قرآن ، مایه بیدار شدن انسان ها است .

من إله غير الله يأتيكم بضياء أفلاتسمعون

مفاد <أفلاتسمعون> این است که اگر خوب به رهنمودهای قرآن گوش فرا دهید، از خواب غفلت بیدار شده و به راه توحید رهنمون خواهید شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - تمسک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشان است .

ثمّ أورثنا الکتب .. فمنهم ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۲

۲ - پیروی از تعالیم قرآن ، از شرایط بهره مند شدن از غفران و آمرزش الهی

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا .. وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

آثار تأثیرناپذیری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قلب های تأثیرناپذیر از آیات قرآن ، سخت تر و بی اساس از سنگ های کوه

لو أنزلنا هذا القرآن .. متصدّعا من خشية الله

آثار تحدی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۷

۷- پیروزمندی قرآن در صحنه تحدی و مبارزطلبی ، تبلور حقانیت بی چون آن است .

قل جاء الحقّ .. قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ ... لا یأتون بمثله

آثار تدبیر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۶

۶ تدبّر در قرآن ، زمینه برطرف شدن نفاق و ضعف ایمان

و یقولون طاعه .. افلا یتدبّرون القرآن

ترغیب منافقان و مسلمانان ضعیف الایمان به تدبیر در قرآن می تواند به منظور ارائه رهنمودی برای برطرف شدن نفاق و ضعف ایمان آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۳

۳- تأمل در آیات قرآن ، زداینده هر گونه تردید در الهی و آسمانی بودن آن

أفلم یدبّروا القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- اندیشه و تدبیر انسان ، در قرآن ، مانع کفر است .

فَأَصْمَمَهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ . أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ

از لحن <أفلا يتدبّرون>، استفاده می شود که اگر آنان به راستی در قرآن تدبّر می کردند، در برابر دستورات حق کر و کور نبوده و موضع نمی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- فهم و درک صحیح قرآن، نیازمند به تدبر و اندیشیدن است.

کتاب... لیدَّبَرُوا آیته

۱۱- تدبر و اندیشه کردن در قرآن، زمینه بیداری و پندگیری از آن کتاب الهی است.

کتاب... لیدَّبَرُوا... و لیتذکَّر

با توجه به تقدم ذکر تدبر در قرآن بر بیداری و پندپذیری از آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

آثار ترتیل در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۷

۷- تأثیر معنوی و سازنده قرائت آیات قرآن با تأنی و شمرده شمرده در انسان

و رتَّل القرآن ترتیلاً

برداشت یاد شده با توجه به این احتمال است که توصیه به ترتیل قرآن، می تواند به لحاظ تأثیر این نوع قرائت در انسان ها باشد.

آثار ترک تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- مشرکان عرب، مورد توبیخ و سرزنش الهی به خاطر نیندیشیدن در کتاب آسمانی نازل شده به لغت ایشان

و إذ لم یهدوا به... هذا کتب مصدق لساناً عربیاً

لحن آیه شریفه، توییخی است؛ زیرا مخاطب این استدلال کسانی اند که می گفتند: <لو کان خیراً ما سبقونا إلیه>.

آثار تصدیق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴ ارجاع داوری به غیر خداوند از سوی کسی که حقانیت و اعجاز قرآن را دریافته، کاری بس نکوهیده و نارواست.

أفغير الله أبتغي حكما .. فلا تكونن من الممترین

آثار تعالیم قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۲

۲ - مخالفان قرآن ، با زحمت خود را از تأثیر تذکرات آن ، دور نگه می دارند .

و يتجنّبها

باب تفعل که فعل <يتجنّب> از آن باب است بر تکلف دلالت دارد. این فعل بیان گر آن است که تذکرات قرآنی، با فطرت انسان ها ملائمت و مناسبت کامل دارد؛ به گونه ای که مخالفان، باید برای دور ماندن از تأثیرات آن، خود را به زحمت اندازند.

آثار تفکر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- تفکر در آیات قرآن ، عامل کشف حقایق و روا بودن نزول وحی بر بشر

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً نوحى إليه . . . و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس

احتمال دارد متعلق <يتفكرون> شبهه ای باشد که از سوی مشرکان درباره عدم امکان نزول وحی بر بشر، القا و مطرح می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۹

۹ - تفکر در آیات وحی ، زمینه ساز خشیت و خشوع انسان در برابر خداوند

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خشعاً متصدعاً من خشية الله . . . لعلمهم

آثار تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۲، ۱

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای

بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲- بر گوش و چشم منکران آن، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین، ناتوان ساخته است.

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ خواری و ذلت و از دست دادن منزلت اجتماعی، پیامد انکار قرآن از سوی اهل کتاب

امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنرذها علی ادبارها

بدان احتمال که مراد از <وجوه>، وجاهت باشد. بر این مبنا <فنرذها> به این معناست که آن وجاهتها مبدل به ذلت و خواری می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۶

۶ خداوند منکران قرآن را در انکار و طغیانشان به حال خود رها می سازد.

و ینرهم فی طغینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۵

۵ پافشاری بر شرک، تکذیب پیامبر (ص) و انکار قرآن، ظلم بوده و در پی دارنده عذاب است.

و إن کذبوک .. أثم إذا ما وقع ءامنتم

به ... و لو أن لكل نفس ظلمت ما في الأرض لا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۵ - ۶

۶ تکذیب قرآن ، مایه خسران و از دست دادن سرمایه سعادت است .

و لا تكونن من الذين كذبوا بآيت الله فتكون من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مثل الفريقین كالأعمى والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۶

۶ - واقعیت های مهم قرآنی مورد استهزای کافران ، دامنگیر آنان در آینده ای نزدیک

فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت است و رد و انکار آن گمراهی و ضلالت .

فمن اهتدی فلنفسه و من ضلّ فإنما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۹

۹ - انکار و یا تردید در حقانیت قرآن ، موجب استحقاق عذاب دنیایی است .

و لولا كلمه سبقت من ربك لقضى بينهم

از این که سنت الهی بر امهال است، استفاده می شود که کافران مستحق عذاب اند (هرچند که عذاب نشوند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۷

۷ - تکذیب قرآن و معاد ، از

عوامل و زمینه های سقوط تدریجی جوامع بشری

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إِنَّهٗ لَحَسْرَةٌ عَلَی الْکَافِرِیْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۶

۶ - ایمان به قرآن ، ایمان به خدا و انکار آن ، کفر به او است .

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدٰی ءَامَنَّا بِهِ فَمَنْ یُّؤْمِن بِرَبِّهٖ

برداشت یاد شده، از تبدیل و تغییر ایمان به قرآن (آمنّا به)، به ایمان به خداوند (یؤمن برّبه) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

مَا یَکْذِبُ بِهِ إِلَّا کُلٌّ مَعْتَدٌ أَتَمُّ .. . إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ یَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۴ - ۱

۱ - انکار معاد و تکذیب قرآن ، درپی دارنده عذابی دردناک است .

فَبِشْرِهِمْ بِعَذَابِ آلِیْمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب .. بل هو قرءان مجید . فی لوح محفوظ

آثار تلاوت تدریجی قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۷

۷- برخوانی تدریجی قرآن بر مخاطبان ، موجب برانگیخته شدن انتظار در آنان برای قراءت بخشی دیگر می شود .

لتقرأه علی الناس علی مکث

مکث در لغت، آرامش همراه با انتظار است (مفردات راغب).

آثار تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۱

۱ خشیت قلب از یاد خدا ، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن ، نشان ایمان حقیقی

أولئك هم المؤمنون حقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۲،۳

۲ آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند ، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت را برای آنان بیان کنند ، هدایت نخواهند یافت .

و لو أن قرءاناً .. کلم به الموتی

هر یک از جمله های <سیرت به الجبال> و <قطعت به الأرض> و <کلم به الموتی> حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله <کلم به الموتی> حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر(ص) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

۳ آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) هدایت نشوند ، با مشاهده هیچ آیت و معجزه ای هدایت نخواهند شد .

و لو أن قرءاناً سیرت به الجبال .. بل لله الأمر جميعاً

۱۱- > دخل... هشام بن السائب... على أبي عبدالله (ع) فقال: ... أخبرني عن قول الله > و إذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً <... قال: آیه فی الکهف و آیه فی النحل و آیه فی الجاثیه و هی: > أفرايت من اتخذ إلهه هواه و أضلّه الله على علم و ختم على سمعه و قلبه... < و فی النحل: > أولئك الذين طبع الله على قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أولئك هم الغافلون < و فی الکهف: > و من أظلم ممّن ذكّر بآيات ربّه فأعرض عن ها و نسی ما قدّمت يده... < ;

هشام بن سائب بر امام صادق(ع) وارد شد، پس به امام گفت: مرا از سخن خدا > و إذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً < خبر ده؟ حضرت فرمود: مقصود از قرآنی که پیامبر با خواندن آن از چشم کافران مستور و ناپدید می شود، آیه ای در سوره جاثیه > أفرايت... < و در سوره نحل > أولئك الذين... < و در سوره كهف > و من أظلم ممّن... < است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- تلاوت آیات قرآن ، فزاینده خشوع عالمان

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. و يزيدهم خشوعاً

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۲

۱۲- تلاوت آیات قرآن ، در افرادی که به امکانات مادی و موقعیت های اجتماعی خود فخر و مباهات می کنند ، بی تأثیر است .

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين كفروا .. أئى الفريقين خير مقامًا و أح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۵

۵- لزوم تلاوت قرآن ، به گونه ای ثمربخش و در جهت هدایت و بیدارگری

و أن أتلو القرآن فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه

از جمله <فمن اهتدى.. > در پی <أن أتلو القرآن> استفاده می شود که تلاوت پیامبر(ص)، تلاوتی راستین، دارای هدف و در جهت هدایت و بیدارگری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱

۱ - اقدام ایمان آوردگان از اهل کتاب ، به اقرار مجدد ایمان خویش به هنگام تلاوت آیات قرآن بر ایشان

الذين آتینهم الكتب .. و إذا يتلى عليهم قالوا ءامنّا به

مقصود از <إذا يتلى عليهم.. > این است که هر بار که آیاتی از قرآن نازل می شود و بر آنان تلاوت می گردد، اظهار می دارند که <آمنّا به>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خداترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنّما يخشى الله من عباده العلماء .. إنّ الذين يتلون كتب الله و أقاموا الصل

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداترسی ، تلاوت قرآن ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اسباب آمرزش گناهان و دریافت افتخار سپاس
گزارای خداوند

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... وَيُزِيدُهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۹

۹ - انس با قرآن ، انسان را به تدریج از تاریکی های ضلالت به روشنایی هدایت وارد می کند .

ليُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

به کارگیری فعل مضارع <یخرج> ، دلالت بر این حقیقت دارد که خارج شدن از تاریکی ها به تدریج انجام می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن ، اثربخش دل های نرم و خاشع

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ .. وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ

مقصود از <ما نزل من الحق> قرآن کریم است.

۳ - دل مؤمن ، باید چنان نرم باشد که با یاد خدا و تلاوت قرآن کریم ، تأثیرپذیر و خاشع گردد .

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لَذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ

خداوند، در آیه شریفه، مؤمنان بی تفاوت را نکوهش کرده و به آنان هشدار می دهد تا فرصت باقی است و گرفتار قساوت
قلب نشده اند؛ دل های خود را با یاد او و تلاوت آیاتش خاشع و نرم گردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ -

۱ - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن)، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لَذِكْرِ اللَّهِ .. وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ

جمله <اعلموا أن الله..> تعلیل برای جمله <ألم یأن... لذكر الله> است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خدا و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شده است. همان طور که خداوند به وسیله باران، زمین مرده را زنده می کند، یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۴

۴ - تأثیر شب زنده داری و تلاوت قرآن، در بالا بردن توان انسان ها برای به دوش گرفتن مسؤولیتی سنگین (همچون تبلیغ دین و هدایت گمراهان)

قَمِ الْآيِلِ .. وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا . إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۹

۹ - عظمت قرآن، به مجرد قرائت آن بر شنوندگان، نمایان شده و در دل هر انسان جا می گیرد .

وَ إِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ

توییخ کسانی که با شنیدن قرآن اظهار خضوع نکرده و به خاک نمی افتند، بیانگر تأثیر آن در اعماق دل هر شنونده منصف است.

آثار تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱

۲ - تلاوت آیات قرآن از سوی پیامبر (ص) ، خشم و کینه کافران را به شدت برمی انگیزد .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم لَمَا سمعوا الذکر

آثار تنزیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۴

۴ - ارجمندی ، عظمت و پیراستگی صفحات قرآن و مقام والای نویسندگان آن ، تضمین کننده شایستگی آن برای غفلت زدایی و بیان حقایق

إنّها تذکره .. فی صحف مکرمه . مرفوعه مطهره . بأیدی سفره . کرام برره

آثار تنوع مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۶

۶ - بیان انواع مثل ها ، از روش های تربیتی و هدایتی قرآن

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل لعلّهم یتذکرون

آثار توطئه علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۳

۳ - اندیشه و طراحی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از موجبات عذاب سخت و طاقت فرسا

سأرهقه صعودًا . إنّه فکر و قدر

آثار جهان شمولی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۷

۷ اختصاص نداشتن قرآن به مردم عصر بعثت ، از دلایل شایسته نبودن درخواست مزد از ایشان در قبال ابلاغ آن

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلا ذکر للعلمین

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان <دریافت نکردن مزد رسالت> و <جهانی بودن قرآن> است ؛ یعنی ، چون قرآن برای همه مردم

و برای همه عصرهاست ، شایسته نیست مزد آن از گروه و طایفه ای خاص گرفته شود.

آثار حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتک فی مریه منه إنه الحق من ربک

جمله <إنه الحق من ربک> به منزله دلیل برای <فلاتک . . .> می باشد.

آثار دشمنی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۴، ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن ، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته ، انکار قرآن ، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

۱۴ آنان که با قرآن و رسالت پیامبر (ص) به مبارزه می پردازند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلاّ إفک . . . و قالوا مال

هذا الرسول ... إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

<فَاء> در <فَضِّلُوا> برای سببیت و در <فَلَايَسْتَطِيعُونَ> تفسیریه است؛ یعنی، برخورد های عناد آلود کافران با پیامبر (ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

آثار ذکر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است.

أفمن كان على بينة... فلاتك في مريه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فَلَاتَكْ فِي مَرِيهٍ مِنْهُ> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ - توجه به قرآن و تذکار های آن، موجب سبک باری و نجات در روز قیامت است.

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزراً

همان گونه که روی گردانی از قرآن موجب گران باری و گرفتاری در قیامت است، روی آوردن به قرآن و التزام به آن، نیز زمینه ساز سبک باری و نجات انسان در قیامت می باشد.

آثار ذکر و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ -

۹- توجه به نزول قرآن از سوی خالق ، مدیر و مالک تمام هستی ، مایه تقویت روحیه پندپذیری انسان از قرآن است .

تذکره .. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ ... استوی . له ما فی السموت ... و ما تحت الثری

آثار روانی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۵

۵- تأثیر قرآن بر روح و روان عالمان آشنا به معارف آسمانی ، در حدی است که از دیدگان آنها اشک جاری می شود .

إذا یتلی علیهم .. یتلون

آثار روانی نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۲

۲- نزول آیات قرآن از سوی خداوند ، برای شفابخشی بیماری های روحی و فکری انسان است .

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه

از آنجایی که قرآن، کتاب هدایت و وجه غالب آن، کتاب معنویت است، شفا بودن آن می تواند رفع مشکلات فکری و روحی باشد.

آثار روشنگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۴،۵،۶

۴- روشنگری های قرآن ، بی نیاز کننده مؤمنان از طرح ها و ایده های جاهلانه و هواپرستانه ظالمان

و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون .. هذا بصائر للناس

۵ - پیام های قرآن ، بصیرت آفرین برای تمامی انسان ها و نه صرفاً برای گروهی خاص

هذا بصائر للناس

۶ - روشنگری های قرآن ، مایه هدایت و رحمت برای جویندگان یقین

بصائر . . . و هدای و رحمه لقوم یوقنون

آثار شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیُّ أولئک ینادون من مکان بعید

آثار شک به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۲

۱۲ تردید در الهی بودن قرآن ، همانند تردید اقوام پیشین در آیات نازل شده بر آنان می باشد و در پی دارنده فرجامی شوم است .

لقد جاءك الحق من ربك فلا تكونن من الممترین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می توان گفت که: مراد از <الممترین> اقوام پیامبران گذشته است که با نپذیرفتن آیات الهی و تردید در آنها، گرفتار فرجام شومی شدند.

آثار شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۹،۱۱

۹ - انکار و یا تردید در حقانیت قرآن ، موجب استحقاق عذاب دنیایی است .

و لولا کلمه سبقت من ربك لقضى بینهم

از این که سنت الهی بر امهال است، استفاده می شود که کافران مستحق عذاب اند (هرچند که عذاب نشوند).

۱۱ - انکار و مخالفت منکران حقانیت قرآن ، مبتنی بر شک و تردید است نه یقین و برهان .

و إنهم لفی شک منه مریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ، نبوت ، قرآن و ...) ، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلی و لکنکم ...

آثار شك در وحيانيت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران كفر و شرك با پيامبراسلام ، به خاطر شك و ترديد آنان در اصل نزول وحى و الهى بودن قرآن بود ؛ نه در شايستگى پيامبر (ص) براى رسالت .

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

<بل> در جمله <بل هم فى شك من ذكرى> براى اضراب مى باشد. بر اين اساس مقصود از آيه شريفه اين است كه مخالفت سران كفر و شرك با رسول خدا، ناشى از شك و ترديد آنان در درستي قرآن است و بحث از شايستگى آن حضرت براى رسالت، معلول چنين ترديدى مى باشد.

آثار شناخت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲- با تمام وجود سر بر آستان خداوند سايدن و حريصانه به سجده افتادن جمعى از علمای اهل كتاب به هنگام آشنايى با قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ... يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سَجْدًا

برداشت فوق، مبتنى بر اين نکته است كه مراد از <أوتوا العلم من قبله> اهل كتاب باشد و تعبير از سجده به <خر> كه به معنای سقوط و به رو افتادن است مى تواند اشاره به حقيقت ياد شده داشته باشد.

آثار عجز از فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳- روى گردانى كافران از قرآن ، به دليل ناتوانى آنان از درك مفاهيم آن است و

افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطير الأولين . كلاً بل ران علی قلوبهم

آثار عدم تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۸

۸- گریزان بودن مشرکان از توحید ، نمونه ای است از عدم تأمل و تعمق آنان در آیات قرآن

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه . . . و إذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا عل

آثار عدم تفکر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۸

۸- نیندیشیدن در آیات وحی ، عامل بی باکی در برابر خدا و تأثیرناپذیری از قرآن

لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خشعاً . . . و تلك الأمثل... لعلهم يتفكر

آثار عربیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۳

۱۳- نقش اساسی عربی بودن زبان قرآن در انجام رسالت پیامبر (ص) ، در میان مردم جزیره العرب

أوحینا إلیک قرءاً أنا عربیاً لتندر أم القرى

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لتندر> تعلیل برای نزول قرآن با وصف عربی باشد، یعنی، ما به این خاطر قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا انداز امکان پذیر شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- نزول قرآن به زبان عربی روشن ، زمینه ای برای بیداری خلق و پندآموزی آنان

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

آثار عظمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف -

۱۰- کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد لله الذی .. لم يجعل له عوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۴

۴- ارجمندی ، عظمت و پیراستگی صفحات قرآن و مقام والای نویسندگان آن ، تضمین کننده شایستگی آن برای غفلت زدایی و بیان حقایق

إنّها تذکره ... فی صحف مکرّمه . مرفوعه مطّهّره . بأیدی سفره . کرام برره

آثار عقیده به خیریت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۸

۱۸- عقیده به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر محض بودن آن ، عامل تعالی انسان به مقامی والا

و قيل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا . .. و لنعم دار المتّقین ... الذی

آثار عقیده به وحيانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۸

۱۸- عقیده به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر محض بودن آن ، عامل تعالی انسان به مقامی والا

و قيل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا . .. و لنعم دار المتّقین ... الذی

آثار علاقه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تنها کسانی توان فراگیری معارف قرآن و به خاطر سپردن آن را دارند که طالب آن بوده و یادگیری آن را بر خود تحریم نکرده باشند .

فمن

<ذکر> یعنی شناختی که در ذهن حاضر باشد (بر گرفته از مفردات راغب). و ضمیر مفعولی در <ذکره> به <تذکره> بازمی گردد. مذکر بودن آن که آخر آیات را هماهنگ ساخته به این اعتبار است که <تذکره> و <ذکر> به یک معناست.

آثار علم به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ آگاه شدن از قرآن و محتوای آن، آدمی را به حقایق رسالت پیامبر (ص) راهنمایی می کند.

کفی بالله شهیداً .. و من عنده علم الکتب

آثار فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۴

۱۴ - فصاحت قرآن، عاملی مؤثر در اسلام مردم مکه و نواحی آن

أوحینا إلیک قرءاناً عربیاً لتنذر أمّ القری

برداشت یاد شده بر این پایه است که <عربیاً> به معنای فصاحت و روشنی قرآن بوده و <لتنذر> تعلیل برای نزول قرآن با وصف فصاحت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۶

۶ - فصاحت قرآن، موجب جلب توجه اعراب عصر پیامبر (ص) و واداشتن آنان به اندیشه و تعقل

إنّا جعلنه قرءاناً عربیاً لعلکم تعقلون

آثار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخزون للأذقان يبكون

جلد - نام سوره - سوره -

۴- تأثیر دوگانه قرآن و سخنان پیامبر (ص)، بر هدایت پذیران و هواپرستان

يستمع إليك .. طبع الله على قلوبهم واتبعوا أهواءهم . و الذين اهدوا زادهم هدى

با توجه به پیوستگی این آیه با آیه قبل چنین استفاده می شود که سخنان پیامبر(ص) و پیام وحی در درون هواپرستان مرده دل جای نمی گیرد و می گویند: <ماذا قال..> ولی در دل حق پذیران تأثیر کرده و بر هدایت و تقوای آنان می افزاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آموزه های قرآن ، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و ليقول الذين في قلوبهم مرض و الكفرون .. و ما هي إلا ذكري للبشر . كلاً

<كلاً> در این آیه برای انکار است؛ انکار تذکار بودن قرآن برای بیماردلان و کافران حق ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - آیات قرآن ، بازدارنده انسان از طغیان گری و گناه و راهنمای او برای ایمان به قیامت است .

و ما يكذب به إلا.. إذا تتلى عليه ءآيتنا قال أسطير الأولين

آثار قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - اخبار و سرگذشت های هشداردهنده و بازدارنده از گناه و سیه روزی ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

آثار کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۸

۸ - بنی اسرائیل در صورت کفر به قرآن ، نکوهیده ترین و ناشایسته ترین کافران در پیشگاه خداوند خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق مبتنی بر دو مقدمه روشن است: ۱ <أول> بودن در جمله <و لا-تکونوا ..> به اعتبار رتبه و منزلت است، نه به لحاظ زمان؛ ۲ <أول> بودن قید توضیحی است، نه احترازی. بر این اساس جمله <و لا-تکونوا ...>؛ یعنی، و به قرآن کافر نشوید که در این صورت اولین رتبه کفر از آن شما خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۵

۵ - بنی اسرائیل در خطر گرفتار آمدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن ، مطرود شدن و ...) در صورت ایمان نیاوردن به قرآن و انجام ندادن اعمال صالح

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خستین

در آیات گذشته (از ۴۱ تا ۴۵ و نیز آیه ۶۲) خداوند بنی اسرائیل را به ایمان و تصدیق قرآن و انجام اعمال صالح دعوت کرد و در آیه مورد بحث سرگذشت شوم اسحاب سبت را یادآور شد تا هشدار می باشد به آنها که مبادا با سرپیچی از دعوت خدا و فرمانهای او، به سرنوشتی همانند اصحاب سبت گرفتار آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۴، ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را

مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۸، ۱۶

۱۶ - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن يكفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله .. فباء و بغضب على غضب

<باءوا> به معنای <باز گشتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشد، یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

۱۸ - آنان که علی رغم اطمینان به حقانیت قرآن بدان کافر شوند ، به خشم و غضب خدا گرفتار خواهند شد .

أن يكفروا بما أنزل الله .. فباء و بغضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من يكفر به فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۴

۴ - یهود و نصارا ، در صورت نپذیرفتن معارف ابلاغ شده به آنان (ایمان به قرآن ، ایمان به همه پیامبران و ...) از دشمنان و ستیزه جویان با اسلام و مسلمانان ، تلقی خواهند شد .

فإن آمنوا

.. فقد اهتدوا و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

<شقاق> به معنای دشمنی و مخالفت کردن است. حرف <فی> می رساند که دشمنی و مخالفت یهود و نصارا با اسلام، سراسر وجود آنان را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ آنان که به قرآن و پیام های آن ایمان نیاورند، به هیچ سخن هدایت بخش دیگری ایمان نخواهند آورد.

فبأی حدیث بعده يؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ضمیر در <بعده> به قرآن برگردد. حرف <با> در <بأی> برای الصاق باشد. یعنی اگر به قرآن ایمان نیاورند، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت.

و بالحق أنزلنه .. قل ءامنوا به أو لا تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶ - ۱

۱- ایمان نیاوردن و موضع گیری های نابخردانه کافران در برابر قرآن، موجب رنجی کشنده و تأسفی عمیق برای پیامبر (ص) بود.

فلعلک ببع نفسک علی ءاثرهم إن لم يؤمنوا بهذا الحدیث أسفاً

<باخع نفسه> به کسی گفته می شود که از شدت هیجان و ناراحتی، خود را به هلاکت بیندازد در <مقایس اللغه> آمده: آنگاه گفته می شود: که <ببع الرجل نفسه> که او، خویشتن را، به خاطر خشم شدید و شدت هیجان، هلاک سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۳

۳ - کفر به قرآن و وحی ، پس از مواجهه با آن [و درک حقانیت آن] مستلزم دوزخی شدن انسان است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ

تعبیر <لَمَّا جَاءَهُمْ> بیانگر این است که اساساً کفر و انکار زمانی تحقق می یابد که انسان با کلام وحی روبه رو شده و آن را فهم کرده باشد. سپس به انکار آن پرداخته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن ، در پی دارنده پشیمانی و حسرت شدید در قیامت

و إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۱

۱ - آنان که به قرآن ایمان نمی آورند ، به هیچ گفتار هدایت بخش دیگری ، ایمان نخواهند آورد .

فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

استفهام <فَبَأَىٰ> انکاری و تعجیبی است. بر این اساس مفاد آیه چنین است: <وقتی آنان قرآن را که با دلایل روشن همراه است تصدیق نمی کنند، پس مسلم به هیچ سخن حقی ایمان نخواهند آورد.>

آثار کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۱۰

۱۰ - کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي .. لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا

آثار لجاجت باقرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷

۱۰- سرسختی و لجاجت در برابر دعوت قرآن ، موجب گرفتاری به عقوبت و عذاب الهی

و تنذر به قومًا لُدًّا

آثار مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۲

۲ - مخالفت با قرآن و پیام وحی ، دشمنی با خدا است .

قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن .. ذلك جزاء أعداء الله النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۱۱

۱۱ - مخالفت با اسلام و قرآن ، کفر است .

یریدون .. و الله متم نوره و لو کره الکفرون

آثار مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- ناتوانی همگان از دگرگون ساختن قرآن و سخنان خداوند ، دلیل شایستگی آن برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أحيى إليك .. لا مبدل لكلمته

آثار نزول تدریجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۸

۸- قرآن و نزول تدریجی آیات آن ، مایه تثبیت و تحکیم ایمان مؤمنان است .

نَزْلَهُ .. لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۳

۳- نقش نزول تدریجی آیه های قرآن ، در زدایش بیماری انسانها

و نَنْزِلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ

برخی اهل لغت برآنند که ماده <نزل> در باب تفعیل، به معنای نزول تدریجی است. بنابراین، ذکر نزول قرآن به صورت تدریجی و یادآوری هدف آن که شفاست، گویای

حقیقت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۱

۱ تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

مجموعه اشیاى به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را <جمله> گویند. بنابراین <جمله> در آیه شریفه، به معنای <مجتمعاً> (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۴

۴ - نقش نزول تدریجی قرآن در بیدارسازی مردم

و لقد وصلنا لهم القول لعلهم یتذکرون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه بالا، بیانگر حکمت نزول تدریجی قرآن و پاسخی به بهانه جویی کافران باشد که می گفتند: چرا قرآن مانند تورات یکباره نازل نشده است؟

آثار نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ افزایش ایمان مؤمنان و بروز شادمانی در چهره آنان ، با نزول و شنیدن آیه های قرآن

فأما الذین ءامنوا فزادتهم إیماناً و هم یتبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۱

۱ افزایش پلیدی منافقان بیماردل ، پس از نزول آیه های قرآن و شنیدن آن

و إذا ما أنزلت سورة .. و أما الذين فى قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۴

۴ نزول قرآن بر پیامبر (ص) مایه سرور و شادمانی گروهی

از یهود و نصارا بود .

والذین ءاتینهم الکتب یفرحون بما أنزل إلیک

جمله <و من الأحزاب .. > (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از <الذین ... یفرحون > همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱

۱- نزول آیات قرآن از جانب خداوند ، جلوه حق و مایه نابودی باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل .. و نزل من القرآن

ذکر <و نزل من القرآن > پس از اعلام پیروزی حق و شکست باطل می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۵

۵- اذعان عالمان اهل کتاب به تخلف ناپذیری وعده های خداوند ، با مشاهده تحقق بشارت خدا در پرتو نزول قرآن

أوتوا العلم من قبله .. یقولون ... إن کان وعد ربّنا لمفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۲

۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، احساس مسؤولیت ی سنگین را برای آن حضرت به همراه داشت .

ما أنزلنا علیک القرآن لتشقی

از زبان مشفقانه آیه برمی آید که با نزول قرآن پیامبر(ص) مسؤولیت سنگینی را احساس نموده و در جهت انجام آن رنج بسیاری را برخود هموار کرده بود تا به هر طریق ممکن مردم را هدایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- نزول قرآن، جلوه ای از رحمانیت خداوند و اقتدار او بر عرش و تدبیر امور است.

تنزیلاً .. الرحمن علی العرش استوی

گرچه جمله <الرحمان علی..> به صورت جمله ای مستقل از آیه قبل است، ولی بیان فرمان روایی خداوند بر هستی و توصیف او به <رحمان> پس از بیان اوصاف قرآن، گویای این است که نزول قرآن، جلوه آن صفات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۱

۱- نزول قرآن، از مبدأ یگانه وحی، مقتضی پرهیز از هر گونه شرک

و ما تنزلت به الشیطن .. فلا تدع مع الله الهاء اخر

از این که خداوند پس از نفی هر گونه دخالت شیاطین در امر وحی، نتیجه گیری کرده (با <فاء> تفریع) و خطاب را متوجه دعوت به توحید نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۷۸

۷- بعثت پیامبر خاتم (ص) و نزول قرآن، از نشانه های تحقق حتمی قیامت *

فقد جاء أشراتها

به قرینه آیات پیشین و به میان آمدن نام پیامبر(ص) و استماع کلمات وحی از آن حضرت (من یستمع إلیک..)، احتمال دارد مراد از شرایط قیامت، آمدن پیامبر خاتم(ص) و قرآن باشد.

۸- برپایی قیامت و نظام کیفر و پاداش منوط به آمدن پیامبر و قوانین روشنگر *

فقد جاء أشراتها

اگر این احتمال را بپذیریم که مراد از <أشراط>، بعثت پیامبر(ص) و نزول قرآن است و در صورتی که <أشراط> را شرط

بدانیم و نه صرفاً نشانه از آیه شریفه استفاده می شود که آمدن پیامبر و قرآن، شرط کیفر و پاداش است؛ زیرا تا اتمام حجت نشود، مجازات معنا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۲، ۷، ۱

۱ - صخره های ستر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خشعاً متصدعاً من خشیه الله

۲ - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن . . . و تلك الأمثل نضربها

<تصدع> (مصدر <متصدعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷ - فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل . . . و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۴

۴ - نگهبانان و شهاب ها ، از هنگام نزول آیات قرآن ، مانع استراق سمع جن از آسمان شدند .

و أنا لمسنا السماء فوجدناها ملئت حرساً شديداً و شهباً

آیه بعد (فمن یستمع الآن یجد له شهاباً رصداً)، قرینه است بر این که جنیان از استراق سمع از آسمان، از وقت نزول قرآن و استماع آن، منع شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ -

۳- جن ، از هنگام نزول قرآن ، برای همیشه از استراق سمع از آسمان ، با مانع شهاب ها روبه رو شده و با آن مورد هدف قرار می گرفتند .

فمن یستمع الآن یجد له شهاباً رصداً

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) و در این آیه استعاره است؛ یعنی، <شهاب> به نگهبانی که از چیزی حفاظت و دفاع می کند، تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۳

۳- نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أنا ظننا أن لن نعجز الله في الأرض و لن نعجزه هرباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۲

۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، مستلزم صبر و شکیبایی آن حضرت در جهت تبلیغ و اجرای تعالیم آن

إنا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلاً . فاصبر لحکم ربك

از تفریع فرمان به صبر (فاصبر)، بر نزول قرآن بر پیامبر(ص) (نزلنا عليك القرآن) مطلب یاد شده به دست می آید.

آثار نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۷

۷- نزول قرآن در شب قدر ، نشان سلامتی معارف آن از هر عیب و نقص است .

إنا أنزلناه في ليلة القدر .. سلم هی

آثار نسخ آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳

- ۳

نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

آثار نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۲

۲- نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی ، دستاویزی برای مشرکان در مبارزه با پیامبر (ص) و متهم کردن او به دروغ گویی

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قالوا إنما أنت مفتّر

آثار و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، با توجه دادن مشرکان به الهی بودن قرآن ، آنان را به پذیرش اسلام و قرآن دعوت کرد .

فإنکم یتستجیبوا لکم فاعلموا .. فهل أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتک فی مریه منه إنه الحق من ربک

جمله <إنه الحق من ربک> به منزله دلیل برای <فلاتک ..> می باشد.

آثار هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۹

۹ - هدایت قرآن ، منجر به عزت و ستودگی

می شود .

یهدی إلی صرط العزیز الحمید

ذکر دو صفت <عزیز> و <حمید> به جای سایر صفات خداوند (به عنوان مضاف الیه <صراط>) اشعار دارد به این که راهی که قرآن انسان ها را به آن رهنمون می کند، راه خدایی است که عزت و ستودگی دارد و طی کنندگان آن راه هم آن دو صفت را به دست خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۵،۶،۹

۵ - راهنما بودن قرآن به درستی و حق ، فلسفه و دلیل ایمان آوردن گروهی از جن به این کتاب

یهدی إلی الرشد فامنا به

<فا> در <فامنا> عاطفه و برای ربط مسبب به سبب است؛ یعنی، چون قرآن به رشد هدایت می کند، پس ما به این سبب به آن ایمان آوردیم.

۶ - راهنما بودن قرآن به راه حق و درستی ، مقتضی ایمان به آن است .

یهدی إلی الرشد فامنا به

۹ - راهنما بودن قرآن از سوی خداوند ، مقتضی شرک نوزیدن و شریک ندانستن هیچ کس برای او است .

یهدی إلی الرشد فامنا به و لن نشرک برّنا أحدًا

آثار هدایت‌های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمی أولئک ینادون من مکان بعید

آداب استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۷

۱۷- سجده و گریه ، به هنگام استماع آیات الهی ، سزاوار و از آداب مواجه شدن با قرآن و

آیات الهی است .

إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً و بكيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذين إذا ذكروا بآيات ربهم لم يخروا عليها صماً و عمياناً

فعل <خَرَّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا- به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمياناً> حال برای فاعل <يخروا> است. گفتنی است فعل <لم يخروا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است؛ زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۲

۲ - اظهار و اقرار کردن ایمان خویش به قرآن به هنگام شنیدن آیات آن ، امری پسندیده و بایسته در پیشگاه خداوند

و إذا يتلى عليهم قالوا ءامنا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۷

۷ - سجود و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن ، رفتاری شایسته و مطلوب است . *

و إذا قرىء عليهم القرآن لا يسجدون

کلمه <سجود> در برداشت یاد شده، به معنای اصطلاحی آن گرفته شده است. این آیه هر چند از آیاتی نیست که سجده واجب دارند؛ ولی مفاد آن مندوب بودن سجده به هنگام شنیدن هر یک از آیات قرآن

و یا خصوص آیاتی است که در آن فرمان سجود آمده است.

آداب تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۳

۳ تلاوت کننده قرآن ، هر که باشد ، باید به هنگام قرائت او خاموش ماند و به قرآن گوش داد .

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له وأنصتوا لعلکم ترحمون

برداشت فوق از مجهول بودن فعل <قری> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۱

۱- لزوم پناه بردن به خدا از شرّ شیطان ، به هنگام قرائت قرآن

فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۶

۶- لزوم توجه به معانی و مفاهیم آیات قرآن به هنگام قرائت

و رتل القرآن ترتيلاً

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که قرائت قرآن با تأنی و شمرده شمرده، در پی دارنده تفکر و تأمل در معانی و مفاهیم آیات آن است و شاید مقصود آیه شریفه، بیان این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۳،۴،۹

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور آغاز قرائت قرآن ، با نام خداوند

اقراً باسم ربك

حرف <باء> در <باسم>، به حال محذوفی نظیر <مبتدئاً> یا <مفتتحاً> تعلق دارد.

۴ - ذکر نام خداوند، از آداب شروع تلاوت قرآن

اقراً باسم ربك

۹ - لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند، هنگام قرائت قرآن

اقراً باسم ربك

حرف <باء> در <باسم ربك>،

برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجه به صفات و نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

آرزوی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۷

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی سعادت آفرین

يقول الذين نسوه... فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذين كنا نعمل

آمزش پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة و اجر كريم

آمزش تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۸

۸ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، برخوردار از آمزش و دارنده نشان سپاس گزاری خداوند

إنما يخشى الله من عباده العلماء... إن الذين يتلون كتب الله... إنه غفور

آهداف نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ برقراری نظام قضایی عادلانه و برحق در جامعه بشری ، از اهداف نزول قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

توصیف قرآن به حق بودن، بیانگر این است که قضاوت

نیز، که از اهداف نزول قرآن است، همواره قرین حق و عادلانه خواهد بود.

۹ برقراری حاکمیت حق در جامعه ، از اهداف نزول قرآن *

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

لازمه قضاوت عادلانه و تشکیلات قضایی، وجود حکومت و حاکمیت نظام حق است.

آیات خدا در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، حاوی آیات الهی است .

و كذلك أنزلنا إليك الكتاب . . . و ما يجحد بآيتنا إلا الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۱

۱ - قرآن ، حاوی آیات روشن الهی است .

و كذلك أنزلنا إليك الكتاب . . . بل هو آيت بينت

مرجع ضمیر <هو>، <الكتاب> در آیه چهل و هفت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، مجموعه ای است از نشانه های خداوند .

كذبوا بآيتنا

آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۰

۱۰ پیوستگی و انسجام آیات محکم قرآن *

منه ایات محکّمات هنّ ام الكتاب

از تعبیر به <ام> که مفرد است، می توان استفاده کرد که کلّیه آیات محکم قرآن، پیوسته و دارای انسجام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۶

۶ دلایل و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند، قابل فهم برای مردم

من بعد ما جاءهم الیّنات

اولا از واژه <یینه>، روشن و

قابل فهم بودن استفاده می شود؛ ثانیاً آنگاه احتجاج تمام است و مذمت بجا، که بیّنات، قابل فهم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱ - ۲

۲ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۲

۲ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه است .

و إذا تتلى عليهم ءایاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱ - ۱

۱ قرآن ، کتابی با عظمت و دارای ساختاری بندبند به نام ((آیه)) .

کتبُ أحمکُم ءایته

((کتاب)) خبر برای مبتدای محذوف (ذلک) است و نکره آوردن آن برای تعظیم می باشد؛ یعنی : ذلک الکتاب ، کتابٌ عظیم الشأن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱ - ۴۸

۴ آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلک ءایت الکتب المبین

مشارالیه <تلک> آیات سوره یوسف است. بنابراین <تلک آیات ...> ؛ یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

۸ حروف مقطعه قرآن (الر) بخشی از آیات با عظمت قرآن

الر تلك آيت الكتب المبين

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که <تلك> اشاره به <الر> باشد ؛ یعنی: تلك الحروف آيات . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۲،۵

۲ آیات سوره رعد بخشی از قرآن است .

تلك آيت الكتب

مشارالیه <تلك> آیات سوره

رعد است. بنابراین <تلك آیات...> یعنی، آیاتی که پیش روی شماست، آیات این کتاب (قرآن) است.

۵ قرآن و آیات آن، از نشانه های خداوند است.

تلك آیت الکتب

کلمه <آیات> به معنای نشانه هاست و آیات قرآن به این دلیل آیات نامیده شدند که ویژگیهای نازل کننده خود را نشان می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۲

۲- <الف، لام، را> از زمره آیات قرآن کریم بوده و دارای عظمت است.

الر تلك آیت الکتب

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <الر> مبتدا و جمله <تلك آیات الکتب> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۶

۶- آیه های قرآن، تبلور ربوبیت کامل و بی نقص خداوند نسبت به انسان ها، در نظر آگاهان

إن الذين أوتوا العلم... إذا يتلى عليهم... يقولون سبحن ربنا إن كان وعد ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۶

۶ آیات قرآن، جلوه ربوبیت خداوند

ذکروا بآیت ربهم

برداشت فوق از اضافه شدن <آیات> به <ربهم> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آیات قرآن، از نشانه‌ها و جلوه‌های ربوبیت پروردگار است.

و ما تأتیهم من آیه من آیت ربهم

برداشت یاد شده بر این پایه استوار است که مقصود از <آیات>، آیه‌های قرآن می‌باشد و اضافه آن

به صفت <رَبِّ>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۱،۶

۱ - آیات قرآن، دارای مفاهیمی روشن و بی ابهام

کتب فصلت آیته

برداشت یاد شده بر این مبنا است که <فصلت>، به معنای <به روشنی بیان شده> باشد.

۶ - آیات قرآن، برخوردار از فصاحت و شیوایی *

قرءاناً عربیاً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <عربیاً> به معنای سخن فصیح و شیوا باشد. در برابر اعجمی که به معنای غیر فصیح می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۱،۲

۱ - آیات روشن قرآن، بشارت دهنده و انذارکننده مردمان

کتب فصلت آیته ... بشیراً و نذیراً

۲ - بشارت و انذار، دو پیام مهم و روشن آیات قرآن

کتب فصلت ... بشیراً و نذیراً

با توجه به این که قرآن در بردارنده مفاهیم مختلف معرفتی است، تخصیص به ذکر یافتن بشارت و انذار، نشان گر اهمیت و برجستگی آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۶

۶ - مجموعه آیات قرآنی، به دور از هرگونه ابهام و برخوردار از فصاحت

و لو جعلنه قرءاناً أعجمياً لقالوا لولا فصلت ءآيته

<أعجمی> منسوب به <أعجم> است و <أعجم> به کسی گفته می شود که کلام او دارای ابهام بوده و گویا نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۲

۲ - آیات قرآن ، حامل فرمان های الهی به انسان ها

ذلك أمر الله

أنزله إليكم

آیات محکم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۵

۳۵ - راوی می گوید: < سألت أبا عبد الله (ع) عن القرآن و الفرقان ... فقال: القرآن جملة الكتاب و الفرقان المحکم الواجب العمل به ;

از امام صادق (ع) از معنای قرآن و فرقان پرسیدم، فرمود: <قرآن> همه کتاب است و فرقان، [آیات] محکمی است که عمل به آن واجب می باشد.

آیه بندی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۵

۵- نام گذاری آخرین کتاب آسمانی به <قرآن> و تقسیم بندی آن به <آیات> ، از جانب خداوند بود .

الر تلك آيات الكتب و قرءان مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است با ساختاری آیه آیه .

أنزله آیت

<آیات> جمع <آیه> و حال برای ضمیر مفعول در <أنزلناه> است؛ یعنی، قرآن را در حالی که مجموعه ای از آیه های واضح و روشنگر است، نازل کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۴

۴ - ساختار قرآن ، ساختاری است بندبند که هر بند آن آیه نام دارد .

فی ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۹

۹ - قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

كذَّبُوا بآيَاتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

۱ - قرآن ، دارای ساختاری بندبند که هر بند آن < آیه > نامیده می شود .

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۳

۳ - آیه ، نامی نهاده شده از سوی خدا بر بندبند نثر قرآن

قد كانت آیتی تتلى عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۸

۸ قرآن ، کتابی است که به تدریج و جدا جدا (آیه آیه و سوره سوره) بر پیامبر اسلام (ص) فرود آمد .

تبارك الذى نزل الفرقان على عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود. / مثلاً در آیه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقاناً لتقرأه على الناس على مكث و نزلناه تنزیلاً> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۲

۲ - عبارات قرآن ، ساختاری بندبند دارد و هر بند آن آیه نامیده می شود .

تلک آیت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۲

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام آیه

تلک ءایت القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۲

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام >

آیه <

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۶

۶ - ساختار قرآن ، به صورت آیه ، آیه است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۴

۴ - نام گذاری بند بند قرآن ، به < آیه > از سوی خداوند

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۹

۹ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

کتب ... لیدبروا ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۴

۴ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

ءایت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۲

۲ - ساختار قرآن ، ساختاری آیه آیه است .

فصلت آیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر کاربرد ماده <فصل> در معنای تفصیل و تجزیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۵

۵ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند است و هر بند آن آیه نامیده می شود .

هو الذی ینزل علی عبده آیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۷

۷ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند است و هر یک از بند های آن < آیه > نامیده می شود .

وقد أنزلنا آیت

بیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۵

۵ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

ءایتنا

ابزار تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۴

۴- نقش اساسی زبان عربی ، در تسهیل بیان معارف و محتوای بلند قرآن

فأئما یسرنه بلسانک

ابزار نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۲

۲ - وجود وسایط در نزول قرآن ، از جانب خداوند

إنّا أنزلناه

ضمیر جمع در <أنزلناه>، می تواند ناظر به نقش وسایط در نزول قرآن باشد.

ابعاد اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۱

۱۱- اعجاز قرآن در همه زمینه ها و ابعاد (لفظی ، معنوی ، معرفتی و ...) بوده و تحدی آن در همه این ابعاد است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. لا يأتون بمثله

مخاطب قرار گرفتن همه جن و انس در طول تاریخ، نشانگر آن است که تنها عرب مخاطب این تحدی نیست تا زمینه تحدی فقط بعد لفظی و ادبی قرآن باشد.

ابعاد تحدی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۱

۱۱- اعجاز قرآن در همه زمینه ها و ابعاد (لفظی ، معنوی ، معرفتی و ...) بوده و تحدی آن در همه این ابعاد است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. لا يأتون بمثله

مخاطب قرار

گرفتن همه جن و انس در طول تاریخ، نشانگر آن است که تنها عرب مخاطب این تحدی نیست تا زمینه تحدی فقط بعد لفظی و ادبی قرآن باشد.

ابلاغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - محدود بودن ثبت و ابلاغ قرآن به سفیران خداوند، تضمین کننده پاکی و پیراستگی آن از هر گونه خطا و باطل

مطهره . بآیدی سفره

عبارت <بآیدی سفره>، ممکن است متعلق به <مطهره> باشد؛ بر این اساس عامل تطهیر قرآن از خطا و باطل، آن است که تنها دستان سفیران الهی آن را ثبت و ابلاغ می کند و دیگران از دسترسی به آن ناتوان اند.

۴ - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بآیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند؛ نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند؛ زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۴،۵

۴ - قرآن در مرحله ابلاغ به مردم، همانند مرحله نزول و دریافت، مصون از تحریف و کتمان است.

و ما هو علی الغیب بضنین

۵ - بخیل نبودن و امتناع نورزیدن پیامبر (ص) از ابلاغ تمام

آیات قرآن به مردم ، ضامن مخفی نماندن هیچ آیه ای از آن است .

و ما هو علی الغیب بضنین

ابلاغ قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۲،۳،۴،۵

۲ - خداوند برای ابلاغ قرآن ، فرستاده ای را به سوی پیامبر (ص) گسیل داشت .

إِنَّهُ لَقَوْلِ رَسُولِ

ضمیر <إِنَّهُ> به قرینه سیاق آیات به قرآن برمی گردد. مراد از <رسول> به قرینه مقابله این آیه با جمله <و ما هو بقول شیطان> در آیات بعد مأمور ابلاغ قرآن به پیامبر(ص) است که در بعضی از سوره ها، جبرئیل عهده دار این وظیفه معرفی شده است.

۳ - فرستاده خداوند برای ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، واجد تمام کمالاتی است که برای پیام رسان ضروری است .

رسول کریم

هر چیز که در زمینه مربوط به خود، والا مرتبه باشد با وصف <کَرَم> توصیف می شود. (مفردات راغب)

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ... وَاللَّيْلِ ... وَالصُّبْحِ ... إِنَّهُ لَقَوْلِ رَسُولِ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۲

ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوه

مراد از <قوه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۵،۷،۲

۲ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، تنها نبود و مأمورانی فرمان پذیر در اختیار داشت .

لقول رسول ... مطاع

۵ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، امانت داری قابل اعتماد و به دور از هرگونه دخل و تصرف در آن بود .

إنه لقول رسول .. أمين

۷ - توجه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنه لقول رسول كريم . ذی قوه عند ذی العرش مکین . مطاع ثم أمين

اتفاق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۶

۶ - زدوده شدن شبهات شیطانی از آیات تلاوت شده توسط پیامبران و استوار گشتن آن به اراده خداوند

فينسخ الله ما يلقي الشيطان ثم يحكم الله ءاياته

<نسخ> (مصدر <ینسخ>) به معنای ازاله، ابطال و زدودن است. <ما> (مفعول <ینسخ>) کنایه از شبهاتی است که شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران، در آنها می نهاد. <احکام> نیز به معنای استوار کردن است. بنابراین معنای

جمله فوق چنین می شود: آن گاه خداوند شبهات شیطانی را می زدود و آیات خود را پس از سست و لرزان شده با آن شبهات، محکم و استوار می ساخت.

اتقان آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲،۹

۲ همه آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هر گونه خلل و بطلان پذیری مبراست .

کتبُ أَحکمتُ ءآیته

إحکام (مصدرُ أَحکمتُ) به معنای اتقان است . بنابراین ((أَحکمتُ آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

۹ اتقان قرآن و روشنی آیه های آن ، جلوه ای از حکیم و خیر بودن خداوند است .

کتبُ أَحکمتُ ءآیته ثم فصلت من لدن حکیم خیر

اتقان تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۵

۵ - بنیان های متقن مفاهیم و معارف قرآن ، گواه مبرّا بودن آن از تخیلات شاعرانه

و الشعراء یَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ . أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

اتقان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن کتابی متقن و منزّه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود

ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، کتابی است پاینده و خلل ناپذیر .

الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <محکم> باشد ؛ زیرا <إحکام> (مصدر محکم) به معنای بازداشتن و مصون ساختن چیزی از فساد و تباهی است. توصیف <کتاب> به <حکیم> بیانگر اتقان، پایداری و خلل ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۵

۵ - ربوبیت خداوند ، مقتضی فرستادن قرآنی خلل ناپذیر و متقن است .

تنزیل الکتب لاریب فیه من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است پاینده ، استوار و خلل ناپذیر .

و القرءان الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۸

۸ - آیات قرآن و معارف آن ، حقایقی استوار و تردید ناپذیر

و إنّه لکتب عزیز

<عزیز> به معنای شکست ناپذیر است که مراد از آن در آیه شریفه، استحکام و خلل ناپذیری قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۱،۲

۱- قرآن حقیقتی مستحکم ، خلل ناپذیر و نازل شده از سوی خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. أَمْرًا حَكِيمًا ... أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا

کلمه <أمرًا> می تواند حال برای ضمیر مفعولی <أنزلناه> باشد. در این صورت از ارتباط آن با <أمر حکیم> در آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

۲- حقایق نازل شده از

جانب خداوند ، برخوردار از استحکام و نمود کاردانی و حکمت

يفرق كلّ أمر حكيم . أمراً من عندنا

<أمراً> می تواند به فعل مقدر (مانند <أعنى>) منصوب شده باشد و یا حال برای <أمر> و یا ضمیر <أنزلناه> در آیات قبل به شمار آید. در هر صورت از ارتباط دو آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۶

۶- محتوای قرآن ، حقایقی استوار و ابطال ناپذیر

تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم

نسبت دادن تنزیل قرآن به خداوند عزیز و حکیم، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که قرآن نیز، همچون نازل کننده آن عزیز و شکست ناپذیر است.

اتمام حجت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۵

۵- آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أولم تأتهم بيّنة ... ولو أنا أهلكنهم بعذاب من قبله ... فتتبع آيتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرءان مبین . لينذر ... و يحقّ القول على الكافرين

از عطف جمله <و يحقّ الحقّ ...> بر جمله <لينذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۵

۱۵- قرآن و انذار های بيدارگرانه آن ، اتمام

<بلاغ> خبر برای <هذا>ی مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۳

۳ - پیام های حکیمانه و رسای قرآن ، اتمام حجت الهی بر خلق

و لقد جاءهم .. حکمه بلغه

برداشت فوق با توجه به این است که آیه قبل از <و لقد جاءهم..> در مقام بیان علت مجازات کافران و اتمام حجت بر ایشان بود بر این اساس می توان از <حکمه بالغه...> که بدل از <ما فیه...> است مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۷

۷ - با ارائه قرآن به انسان ها ، حجت الهی بر آنان تمام است .

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

خداوند، با ارائه آیات قرآن که مایه بیداری و تذکار است (هذه تذکره) حجتش را بر آدمیان تمام کرده و این انسان است که باید راه دین را، طریق زندگی خویش قرار دهد (اتخذ إلى ربّه سبیلًا).

اتمام حجت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جئتهم بکتاب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و

بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

اجتناب از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۲

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنہ

<نَأَى> به معنی دور شدن است و <ینئون عنہ> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

اجتناب از استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۷۸

۷ مسلمانان در همنشینی با کافران و مشرکان بی طرف باید با تذکر آنان را از مغلظه و استهزای در اسلام و قرآن بر حذر دارند. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

۸ حفظ قداست قرآن و اسلام و بازداشتن دیگران از یاوه سرایی و تخطئه و استهزای آن، وظیفه مسلمانان است.

و ما علی الذین یتقون .. و لکن ذکری لعلهم یتقون

اجتناب از تجزیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۴

۴- لزوم ایمان به مجموعه معارف و آموزه های قرآن و اسلام و پرهیز از هر گونه تجزیه و التقاط در آن

المقتسمین. الذین جعلوا القرآن عضمین

اجتناب از تعجیل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ -

۲۳ - ترک تعجیل در نزول تمامی قرآن و سکوت کامل تا پایان نزول هر آیه ، زمینه ساز افزایش علوم پیامبر (ص) از جانب خداوند

و لاتعجل بالقرءان .. و قل رب زدنی علماً

اجتناب از تواضع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۶

۶ - امتناع برخی از مردم ، از فروتنی و تواضع هنگام شنیدن و دریافت آیات قرآن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

فما لهم .. و إذا قرء علیهم القرءان لایسجدون

اجتناب از تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۲

۲ - افسانه پنداشتن قرآن ، پنداری واهی و سزاوار پرهیز است .

قال أسطیر الأولین . کلاً ... کلاً

حرف < کلاً > در این آیه ، می تواند تأکید < کلاً > در آیه قبل باشد .

اجتناب از دعوت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۷

۷ - رها ساختن تعالیم قرآن و کناره گیری از فراخواندن مردم به سوی آنها ، زمینه ساز قرار گرفتن در صف کافران است .

لایصدنک عن ءایت الله .. و ادع إلى ربک و لاتکونن من المشرکین

گفتنی است که از صدر و ذیل آیه شریفه، یعنی، ارتباط میان موضوع جدا شدن از صف مشرکان و موضوع ابلاغ رسالت الهی و دعوت به توحید، برداشت یاد شده به دست می آید.

اجتناب از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا اول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

اجتناب از مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۳،۵

۳ همگان باید از قرآن پیروی کنند و از مخالفت با آن پرهیز کنند.

فاتبعوه و اتقوا

متعلق <اتقوا> هم می تواند <مخالفت با قرآن> باشد و هم می تواند <پیروی از قوانین غیر قرآنی> باشد.

۵ پیروی از قرآن و پرهیز از مخالفت با آن، زمینه ساز جلب رحمت الهی است.

فاتبعوه و اتقوا لعلکم ترحمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۱

۱ - لزوم تأمل و تدبر انسان ، درباره حقانیت قرآن و پرهیز از مخالفت عجولانه با آن

قل أراءيتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به من أضلّ

اجمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی اجمالی و تفصیل نیافته *

تنزیل من . . . فصّلت آیته

جمله <فصّلت آیاته> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

احاطه محمد(ص) بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۴ احاطه کامل پیامبر اکرم (ص) به محتوای قرآن *

إني علي بينه من ربي

<علی> حرف استعلاست و به کارگیری آن در <علی بینه> اشاره به این است که پیامبر بر بینه خویش (قرآن) احاطه و اشراف کامل دارد.

احتجاج قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۸، ۱۹، ۲۰

۱۸ استدلال های قرآن بر وحدانیت خداوند و بطلان تثلیث بسیار روشن و سزاوار تأمل

ما المسيح . . . انظر كيف نبين لهم الايت

الف و لام در <الایت> برای عهد و اشاره به استدلالهایی است که در آیه آمده است.

۱۹ لزوم تأمل و اندیشه در چگونگی استدلال های قرآن

انظر كيف نبين لهم الايت

کلمه <نظر> به معنای دقت کردن است.

۲۰ اصرار مسیحیان بر تثلیث و الوهیت مسیح (ع) علی رغم استدلال های روشن قرآن بر بطلان عقیده آنان

انظر كيف نبين لهم الايت ثم انظر اني يؤفكون

<یوفکون> از مصدر <افک> به معنای بازگرداندن است. و <انی> به معنای کجا و چگونه است، بنابراین جمله <انظر انی یوفکون> یعنی بنگر آنان علی رغم بیان دلایلی روشن بر واهی بودن تثلیث و الوهیت مسیح (ع) چگونه از حق منحرف می شوند و به کجا نگون می گردند.

احترام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ قرآن ، کتابی است با عظمت و مؤمنان وظیفه دار حراست از حرمت و منزلت آن

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

برداشت فوق، از اسم اشاره <هذا> در <هذا القرآن> که بر تعظیم

و تفخیم دلالت دارد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی، مانند کران و کوران، با بی‌اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی‌گذرند.

و الذین إذا ذُکروا بأیت ربهم لم یخزوا علیها صمًا و عمیانًا

فعل <خزَ > در معنای <سقط > به کار می‌رود که به معنای فرود از بالا- به پایین است (لسان العرب) و <صمًا > و <عمیانًا > حال برای فاعل <یخزوا > است. گفتنی است فعل <لم یخزوا > در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است؛ زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می‌دارد.

احترام قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۲،۳

۲ - اوراق قرآن، دارای عظمت و احترام در پیشگاه خداوند

مکرّمه

آنچه در نوع خود شریف باشد، به <کرم > توصیف می‌شود (مفردات راغب). باب تفعیل این کلمه (تکریم)، به معنای <عظمت دادن > و <پاک و منزّه ساختن > است (لسان العرب). بنابراین توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه >، حاکی از این است که خداوند آنها را عظمت داده و محترم داشته است.

۳ - لزوم گرامی داشتن و ارج نهادن به ورق قرآن و آیات مکتوب آن

فی صحف مکرّمه

توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه >، گرچه خبر از حقیقتی خارجی می‌دهد؛ ولی متضمن توصیه شدن مسلمانان به حفظ احترام قرآن نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - لزوم جای دادن قرآن ، در مکانی برجسته و شریف

مرفوعه

خبر از رفعت مقام قرآن علاوه بر بیان حقیقت آن توصیه به مسلمانان نیز می باشد که باید قرآن را در مقامی رفیع، قرار دهند و جای عالی رتبه ای برای آن در نظر گیرند.

۶ - لزوم پاک نگه داشتن قرآن از هر آلودگی و خبثات

مطهره

احترام کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۱

۱ - نویسندگان قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، شخصیت هایی بزرگوار و دارای ارزش و احترام در پیشگاه خداوند

بأیدی سفره . کرام

احکام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له و أنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر <أنصتوا>) به معنای سکوت کردن است.

احکام قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

احیاگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱

۱ - ارائه نمونه های عینی از نیکان و بدان ، از روش های قرآن در راستای بیدار کردن و هدایت خلق

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح

گفتنی است آنچه خداوند در این آیه،

به عنوان ضرب المثل ذکر فرموده، دارای حقیقت و وجود خارجی است.

اخبار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۹

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

ادب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۲۶

۲۶ رعایت ادب در قرآن نسبت به بیان مسائل جنسی و مانند آن

او جاء احد منکم من الغائط او لمستم النساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۲

۲۲ رعایت ادب در قرآن نسبت به بیان مسائل جنسی و مانند آن

او جاء أحد منکم من الغائط او لمستم النساء

<غائط> به معنای گودال است و آمدن از گودال، کنایه از خروج بول و مدفوع است و <المس> به معنای تماس، کنایه از جماع و نزدیکی است. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که درباره <او لامستم النساء> فرمود: هو الجماع و لکن الله ستیر یحب الستر فلم یسم کما تسمون.

کافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۹.

ادعای پیشینه برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲- کافران ، مدعی دروغ بودن قرآن و پیشینه داشتن آن

فسیقولون هذا إفك قديم

ادعای دریافت قرآن از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۵

۵ - ادعای ارتباط

پیامبر (ص) با شیطان و دریافت قرآن از او، از ترفند های تبلیغاتی دشمنان اسلام در عصر بعثت

و ما هو بقول شیطن رجیم

ادعای همانندسازی برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۴، ۱۱، ۹

۹ ادعای عدم نزول وحی، به دروغ مدعی نبوت شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، از روشهای مخالفان برای مبارزه با اسلام و پیامبر(ص) بود.

ما أنزل الله علی بشر .. افتری علی الله کذبا أو قال أوحی إلیّ ... سأُنزل مثل ما

۱۱ مدعیان دروغین وحی و کسانی که مدعی آوردن ماندی برای قرآن هستند به هنگام احتضار حالتی بس دشوار دارند.

أوحی إلیّ و لم یوح إلیه شیء و من قال .. و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت

۲۴ دروغ بستن به خداوند و به دروغ مدعی دریافت وحی شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، سخنانی باطل و ناحق است.

ممن افتری علی الله کذبا أو قال .. بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

ادیان در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۸

۸ - دین یهود، نصارا و صابئان از آیین های به رسمیت شناخته شده در قرآن

إن الذین ءامنوا و الذین هادوا و النصری و الصبئین

از نکته هایی که می تواند توجیه کننده آوردن عناوین مذکور باشد، اعلام رسمیت آیینهای یاد شده است.

ارزش اطاعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - محمد - ٤٧ - ٣ - ٤

٤- ملاك اصلي ارزش اعمال

، پیروی از قرآن و تعالیم الهی است .

و ءامنوا بما نزل علی محمد و هو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

تعبیر <الحق من ربهم> هر چند مطلق است؛ ولی با توجه به آیه قبل که تعبیر <الحق> در مورد قرآن و <و ما نزل علی محمد> به کار رفته می رساند که مصداق بارز حق <قرآن> است.

ارزش تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۴، ۱۲

۱۲ احکام و قوانین آن ، بهترین قانون و نیکوترین حکم

و من احسن من الله حکماً

۱۴ تنها اهل یقین ، قادر بر تشخیص برتری احکام قرآن بر دیگر قوانین هستند .

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

حکم خدا، برترین حکم است، چه اهل یقینی وجود داشته باشند و یا وجود نداشته باشند؛ بنابراین قید <لقوم یوقنون> به سؤال در <و من احسن> باز می گردد؛ یعنی جواب این سؤال، تنها از اهل یقین بر می آید؛ چون تنها آنان به این حقیقت واقفند.

ارزش تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۱۰

ارزش تعلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ - زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشتن ، فراگیری قرآن و آموختن حکمت ، احکام و معارف دین ، دارای جایگاهی

رفيع و ارزشمند

كما أرسلنا فيكم رسولا... و يعلمكم الكتب و الحكمة

ارزش تعليم قرآن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

عَلَّمَ الْقُرْآنَ . خَلَقَ الْإِنْسَانَ

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

ارزش تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۳

۳ - ارزش و اهمیت تلاوت قرآن کریم

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که تلاوت قرآن کریم، در ردیف برپایی نماز و انفاق، از اوصاف عالمان راستین و خدا ترسان قرار گرفته است.

ارزش قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است ارجمند و با عظمت و نازل شده از پیشگاه خداوند

و لما جاءهم كتب من عند الله

نکره آوردن <کتاب> و تصریح به اینکه از نزد خدا آمده است، دلالت بر عظمت و ارجمندی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۳

۳ متاع دنیا در مقایسه با دین خدا و کتاب او (قرآن) ، متاعی اندک است .

اشتروا بأيت الله ثمناً قليلاً

خداوند سوداگری بر سر دین را ثمن قلیل و بهای ناچیز شمرد (ثمناً قليلاً) این حقیقت بیانگر این است که متاعهای دنیوی در مقایسه با ارزش دین بسیار اندک است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۳

۳- تمامی ثروت ها ، امکانات و جلوه های زندگی دنیا ، در مقایسه با دین داری و شناخت حقایق نورانی قرآن ، ناچیز و بی فروغ است .

و لقد آتینک سبعا من المثانی و القرءان العظیم . لا تمدن عینیک إلی ما متعنا به

نهی از چشم دوختن به متاعها و امکانات مادی دنیا، پس از یادآوری اعطای نعمت بزرگ قرآن به پیامبر(ص)، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۳

۳ قرآن ، کتابی ارجمند و والا ، نزد خداوند

و الکتب المبین

<واو> در <والکتاب> واو قسم است. سوگند خوردن خداوند به قرآن، نشان از ارجمندی و قداست آن در پیشگاه او دارد.

ارزش نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۲

۲ - نزول قرآن ، دارای هدفی ارجمند و هماهنگ با واقعیت هستی و نیاز های انسان

أنزل الکتب بالحقّ

حق، گاهی به معنای شیء مطابق با حکمت می آید و گاهی به معنای امر ضروری و مورد نیاز. برداشت یاد شده براساس هر دو احتمال است. هم چنین بر این پایه استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزل> باشد.

استحکام قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - قرآن ، کتابی استوار و خلل ناپذیر است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

<الحکیم> صفت مشبّهه ای است که می تواند معنای مفعولی داشته باشد یعنی، به معنای <محکم و خدشه

ناپذیر < باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - صفحات قرآن ، گنجینه نوشته هایی استوار و به دور از اعوجاج و انحراف

فیها کتب قیمه

< کتاب > (مفرد < کتب >) مصدری است که در معنای اسم مفعول آن (مکتوب) به کار رفته است. بنابراین < فیها کتب > ؛ یعنی، در صحیفه های مطهر، نوشته هایی متعدد وجود دارد. < قیمه >، دارای دو معنا است: ۱. به صورت متعدی و با مفعولی محذوف ؛ یعنی، قوام بخش و برپادارنده جامعه ؛ ۲. به صورت لازم ؛ یعنی، با استقامت و اعتدال و خالی از کجی و اعوجاج. برخی این کلمه را جمع دانسته اند (مجمع البیان) ؛ ولی بیشتر اهل لغت و تفسیر مفرد بودن آن را پذیرفته اند.

۳ - وجود معارف استوار و قوام بخش در قرآن ، نشان تمام بودن حجت بر کافران با ابلاغ آن از سوی پیامبر (ص) است .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْيَبْرَةُ . رسول من الله ... فیها کتب قیمه

استعاذه در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۱،۱۳

۱- لزوم پناه بردن به خدا از شرّ شیطان ، به هنگام قرائت قرآن

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

۱۳- > عن سماعه عن أبي عبد الله (ع) في قول الله : > و إذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم < قلت : كيف

أقول قال : تقول : أستعذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم و قال : ان الرجيم أحبث الشياطين ؛

سماعه گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا > و إذا قرأت القرآن

فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم < سؤال کردم که چگونه بگویم؟ حضرت فرمود: می گویی: >أستعید بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم < و حضرت فرمود: همانا رجیم خبیث ترین شیاطین است <.

استفاده از بشارتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- برخورداری از روحیه تسلیم در برابر حق ، شرط بهره‌وری از هدایت و بشارت قرآن

و هدی و بشری للمسلمین

استفاده از تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۸

۸ - پیام قرآن برای همگان است ؛ ولی بهره‌وری از آن ، مخصوص حق باوران و حق جویان می باشد .

هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون

استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۹

۹ خداوند ، تشویق کننده و فراخوان عالمان و دانشمندان به تحقیق و تدبر در قرآن و بهره گیری از معارف آن

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

ذکر <لقوم یعلمون> در پی بیان تفصیل و تبیین معارف قرآن، تشویقی است الهی برای اهل علم و دانش، جهت بهره گیری از کتاب خداوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۸

۱۸ تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف قرآن برخوردارند .

كذلك نفصل الأيت لقوم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ، کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای

همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من كلّ مثل

<ل> در <لنّاس> برای انتفاع است؛ یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۶

۶- قرآن ، به رغم این که کتابی برای همه است ، اما درک عمیق و درست آن ، در حیطه گروه خاصی است .

لنّاس و ما یعقلها إلاّ العلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، از رحمت و پندآموز بودن قرآن ، بهره می برند .

إنّ فی ذلك لرحمه و ذکرى لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۹

۹ - برپایی کامل نماز و پرداخت مدام زکات و یقین به عالم آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت ویژه قرآن است .

هدی .. للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف بلند قرآن برخوردارند .

الله یتوفی الأنفس حین موتها .. إنّ فی ذلك لأیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - موضع گیری تکذیب گرانه در برابر قرآن ، تنها بهره مشرکان حق ستیز صدر اسلام

و تجعلون رزقكم انکم تکذّبون

<رزق> در معانی عطا، نصیب و طعام به کار می رود

(مفردات راغب). مفسران <رزق> را در این آیه به معنای نصیب گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۷،۹

۷ - هدف الهی از بیان روشن و بدون ابهام رهنمود ها و مواعظ در قرآن ، بهره گیری و استفاده اهل ایمان از آنها است .

قد بینا لکم الأیت

<لام> در <لکم> ، برای انتفاع و خطاب در آن متوجه مؤمنان است.

۹ - وجود همیشگی مؤمنانی که با تدبر در قرآن ، از رهنمود های آن بهره می گیرند .

قد بینا لکم الأیت لعلکم تعقلون

به کارگیری <لعل> که برای بیان امید است نشان می دهد که زمین هرگز از وجود مؤمنانی که از قرآن استفاده کنند، خالی نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۲

۲ - تقوای پیشگان ، بهره مند از قرآن و بیدار و هشیار با تعالیم آن

و إنّه لتذکره للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۵ - ۱،۳

۱ - توانایی همه انسان ها ، در بهره بردن از درس ها و پند های قرآن

إنّه تذکره . فمن شاء ذکره

خداوند، به طور کلی و عام فرمود: هر کس خواست از قرآن پند گیرد و متذکر شود. از این می توان استفاده کرد که همه انسان ها، توانایی چنین کاری را دارند و می توانند از قرآن پند گیرند و درس بیاموزند.

۳ - قرآن ، مقتضی پندآموزی و بیدارگری و اراده انسان ، شرط تأثیرگذاری آن کتاب است .

إِنَّه تَذَكْرَه . فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَه

برداشت یاد

شده، با توجه به این نکته است که خداوند قرآن را مایه پندگیری و بیدارگری معرفی کرده و سپس اراده انسان ها نسبت به پذیرش آن را مطرح ساخته است. این نکته می رساند که اراده و تصمیم انسان ها، در تأثیرگذاری قرآن مؤثر است و چنانچه انسان ها آن را نپذیرند، این خاصیت قرآن در حد اقتضا باقی می ماند و نمی تواند خود به خود تأثیر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۱

۱ - مخاطبان قرآن ، عموم مردم و بهره مندان از آن ، گروهی خاص اند .

لمن شاء منکم أن یستقیم

بدل آوردن <لمن شاء منکم> برای <للعالمین>، به منظور بیان این نکته است که قرآن برای همه مردم است ولی تنها گروهی خاص از آن بهره می برند و سایر مردم خود را از هدایت آن محروم می کنند.

استفاده از مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۳

۳ - استفاده از مثل های به کاربرده شده در قرآن ، تنها ، برای دانشوران اهل تحقیق ممکن است .

و تلک الأمثل نضربها للناس و ما یعقلها إلا العلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ - خردورزان ، تنها گروه بهره مند از تمثیلات و تشبیهات قرآنی اند .

ضرب لکم مثلاً .. کذلک نفصل الأیت لقوم یعقلون

استفاده محسنان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ -

۶- بهره مندی محسنان از هدایت و رحمت قرآن، افزون از دیگران است.

هدی... للمحسنین

<محسنین> به قرینه آیه بعد که در آن برپایی نماز و پرداخت صدقه و ایمان به آخرت، به عنوان اوصاف محسنان ذکر شده است کسانی اند که ایمان دارند. بنابراین، هدایت قرآن نسبت به آنان، می تواند ابتدایی نبوده و بلکه افزایشی باشد.

استکبار با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۹،۱۰

۹- توبیخ مشرکان و کافران از سوی خدا، به خاطر استکبارشان در برابر قرآن

قل أریتم إن کان من عند اللّٰه و کفرتم به... و استکبرتم

۱۰- موضع تکبر آمیز و مستکبرانه مشرکان مکه در برابر قرآن

و استکبرتم

استکبار مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷- کفرپیشگان و تکذیب گران صدر اسلام، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه.

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا... عذاب مهین

استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱،۳،۴

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له وأنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر أنصتوا) به معنای سکوت کردن است.

۳ تلاوت کننده قرآن ، هر که باشد ، باید به هنگام قرائت او خاموش ماند و به قرآن گوش داد .

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له وأنصتوا لعلکم ترحمون

برداشت فوق از مجهول بودن فعل <قری>

استفاده شده است.

۴ خداوند کافران را به گوش فرادادن به آوای قرآن فراخواند .

هذا بصائر من ربكم .. إذا قرى القرآن فاستمعوا له

برداشت فوق مبتنی بر این است که خطاب در <فاستمعوا .. > شامل کافران نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن

استماع قرآن جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱

۱- روی آوری گروهی از جنیان به تدبیر الهی ، برای استماع قرآن از پیامبر (ص)

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ يستمعون القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۱،۲

۱ - گروهی از جن (سه تا هفت نفر یا سه تا ده نفر) ، به قرائت قرآن پیامبر (ص) گوش فرامی دادند .

قل أوحى إليّ أنه استمع نفر من الجنّ

واژه <نفر> به گروهی متشکل از سه تا ده نفر و بنابر نقلی سه تا هفت نفر از مردان اطلاق می شود. (مصباح المنیر)

۲ - پیامبر (ص) ، از راه وحی به استماع جن نسبت به قرآن آگاه شد .

قل أوحى إليّ أنه استمع نفر من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۷

۷ - اعتقاد جنیان استماع کننده قرآن ، به ربوبیت یگانه خدا و دوری آنان از

شرک‌ورزی به او

و لن نشرک برّنا أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۵

۵ - ایمان و اعتراف گروهی از جن ، به ربوبیت و یکتایی خداوند پس از شنیدن آیات قرآن

و أنه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۱

۱ - برخی از افراد جن ، به مجرد شنیدن آیات هدایت بخش قرآن ، به آن ایمان آوردند .

و أنا لما سمعنا الهدی ءامنّا به

مقصود از <الهدی> به قرینه آیه <قالوا إنا سمعنا قرءاناً عجباً . یهدی إلی الرشد...> قرآن کریم است.

استماع قرآن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۲

۲ - سرزنش خداوند از کافران ، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن ؛ به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فمالّ الذین کفروا قبلک مهطعین

<ما> در <فمالّ>، اسم استفهام و برای توییح است.

استماع قرآن مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۳

۳- اعتراف ایمان آوردگان اهل کتاب ، به حقانیت و آسمانی بودن قرآن به هنگام شنیدن آیات آن

و إذا يتلى عليهم قالوا . . . إنه الحقّ من ربّنا

استماع مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۲

۲- فراخوانی مشرکان برای استماع ضرب المثل خداوند ، در تبیین سستی بنیان اندیشه شرک

يأيتها الناس ضرب مثل

فاستمعوا له

استمهال مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۱

۱ - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم .. و أُملى لهم

استهزاکنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲،۵

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمين. الذين جعلوا القرآن عضين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

۵- > عن ابن عباس قال : سأل رجل رسول الله (ص) < ..الذين جعلوا القرآن عضين > قال : آمنوا ببعض و كفروا ببعض ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <الذين جعلوا القرآن عضين> سؤال کرد، حضرت فرمود: به بعضی از [قرآن] ایمان می آورند و نسبت به بعض دیگر آن کافر می شوند.<

استهزای آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۱

۱ برخورد استهزاآمیز منافقان در برابر آیات الهی قرآن ، به هنگام نزول سوره ای از آن

و إذا ما أنزلت سوره فمنهم من يقول أئیکم زادته هذه إیماناً

ضمیر <منهم>

به منافقان برمی گردد و استفهام در <ایکم زاده ... > استفهام انکاری است، انکار تأثیرگذاری قرآن، بیانگر تحقیر آیات الهی و به استهزا گرفتن آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۸

۸ - جدی نگرفتن آیات قرآن و شوخی پنداشتن آن، از نشانه های کفر است .

و ما هو بالهزل ... فمهل الكفرین

استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸،۹

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله <کانوا به يستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتيهم من آیه ... إلا كانوا عنها معرضین. فقد کذبوا بالحق ... ما كانوا به ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۵

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی آیتنا ... یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین ... >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تمسخر و استهزا، از شیوه های برخورد مشرکان

با تعالیم قرآن و پیامبر اسلام (ص)

بل عجت و یسخرون

از مضارع آمدن فعل <یسخرون> که دلالت بر استمرار کار تمسخر دارد ، می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد. گفتنی است که تکرار این فعل در دو آیه بعد (و إذا رأوا آیه ... یستسخرون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۸

۸ - تمسخر ، از شیوه های مبارزاتی کافران و مشرکان با تعالیم آسمانی (قرآن)

یحسرتی علی ما فرطت .. و إن كنت لمن السخرین

آمدن کلمه <السخرین> به صورت صفت (در قالب اسم فاعل) گویای این نکته است که به تمسخر گرفتن تعالیم قرآن، به صورت مقطعی و موردی نبود؛ بلکه دائمی و مکرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۳

۳ - موضع گیری استهزا آمیز مشرکان مکه ، نسبت به بیان قرآن درباره تولد و زندگی عیسی بن مریم (ع)

و لما ضرب ابن مریم مثلاً إذا قومك منه یصدون

<صدید> (مصدر <یصدون>) به معنای خندیدن و فریاد کشیدن و سر و صدا راه انداختن است. این امور معمولاً به هنگام استهزا، تحقق پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۲،۶

۲ - شرک پیشگان صدر اسلام ، پیام وحی (قرآن) را جدی نگرفته و با آن برخوردی استهزا آمیز داشتند .

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

۶ - نکوهش مشرکان صدر اسلام از سوی خداوند ، به خاطر بی اعتنایی آنان نسبت به قرآن

، جدی نگرفتن رهنمود های آن و برخورد استهزاآمیز با آن

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

استفهام در <أفبهذا الحديث> توییخی است.

اشراف صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۹

۹ رویارویی قشر های مرفه و اشراف عصر بعثت با پیامبر (ص) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضرت (قرآن کریم)

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

اضلال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۹

۹ - قرآن کسانی را به گمراهی می کشاند که : عهد های الهی را نقض کنند ، پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده بگسلند و در زمین به فسادگری پردازند .

و ما يضل به إلا الفسقين. الذين ... يفسدون في الأرض

اضلال مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - خداوند با مثال های قرآن ، بسیاری را گمراه و بسیاری را هدایت می کند .

يضل به كثيراً و يهدى به كثيراً

ضمیر در <يضل و يهدى> به <الله> و در <به> به <مثلاً> بر می گردد.

۱۱ - تنها فاسقان به سبب وجود مثل‌هایی در قرآن ، به گمراهی کشانده می شوند .

و ما یضل به إلا الفسقین

اضلال مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- کسانی که قرآن را اسطوره می خواندند ، با استفاده از جهل

مردم ، آنان را به قرآن بدین کرده و گمراهشان می ساختند .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا ... و من أوزار الذين يضلّونهم بغير علم

این برداشت بر این اساس است که <بغير علم> حال برای ضمیر مفعولی <يضلّونهم> باشد.

اطاعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ خیر ، پیروی نمودن از قرآن و سنّت پیامبر (ص) است .

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير

رسول خدا (ص) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: الخیر اتباع القرآن و سنّتی.

الدر المثور، ج ۲، ص ۲۸۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۷

۲۷ اطاعت از خدا و رسول و اولوالامر (تبعیت از قرآن و سنّت) ، امری پسندیده و دارای بهترین فرجام

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر . . . ذلك خیر و احسن تاویلا

بنابر اینکه <ذلك> اشاره به <اطيعوا الله . . . > نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱،۲،۴

۱ فراخوانی خداوند کفرپیشگان را به پیروی از قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول

۲ ارزش و تعالی انسان در سایه پیروی از قرآن و رسول خدا (ص) است .

و إذا قيل لهم تعالوا

به کارگیری کلمه <تعالوا> که از ریشه <علو> به معنای بالا- است می تواند اشاره به این باشد که تعالی واقعی انسان با گرایش به دستورات خدا و

رسول او امکان پذیر است.

۴ پیروی از قرآن و رسول خدا عامل رهایی از افکار و اندیشه های خرافی

ما جعل الله من بحيره .. تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۲

۲ پاسداری از ایمان با پیروی از تعالیم قرآن و دستورات پیامبر (ص)، توصیه و فرمان خداوند به مسلمانان

تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول .. یا ایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم

مراد از فرمان به مراقبت از ایمان به قرینه آیه قبل همان روی آوردن به قرآن و تعالیم پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۱۰

۱ لزوم تبعیت از قرآن و ترک پیروی از غیر خدا

اتبعوا ما أنزل إليکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <من دونه> به <ربکم> برگردانده شود.

۱۰ پیروی از قرآن، پذیرش ولایت خداوند و فرمانبرداری از اوست.

اتبعوا ما أنزل إليکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۲۰

۲۰- عزّت، غلبه و کمال، پیامد پیمودن راه خدا و پیروی از آموزه های قرآن است.

کتاب .. إلى صراط العزيز الحمید

اضافه شدن <صراط> به <العزيز الحمید> اشاره به این نکته دارد که سالک این راه، راه عزّت و کمال را می پیماید زیرا

حمد و ستایش در برابر کمال است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۷

۷- رهنمود های قرآن ، تنها تعالیم شایسته برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أحي إليك من كتاب ربك

فعل <اتل> می تواند از مصدر <تلاوه> به معنای قرائت باشد و ممکن است مصدر آن <تلو> به معنای تبعیت در نظر گرفته شود. برداشت بالا، براساس معنای دوم است. مقابله <اتل> در این آیه با <لاتطع> در آیه بعد این احتمال را تقویت کرده و بر حصر نیز دلالت دارد.

اظهار ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۲

۲ - اظهار و اقرار کردن ایمان خویش به قرآن به هنگام شنیدن آیات آن ، امری پسندیده و بایسته در پیشگاه خداوند

و إذا يتلى عليهم قالوا ءامنا به

اعتدال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إليکم الکتب .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است عاری از هرگونه عدم اعتدال و انحراف از حق .

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتب .. قِيَمًا

<قيَم>، چنان چه در لسان العرب آمده است، می تواند به معنای <مستقیم>، یعنی <راست و پیراسته از انحراف> باشد.

اعتراض مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱

۱- منکران اعجاز قرآن ، پیامبر (ص) را به خاطر ارائه نکردن معجزات اقتراحی و پیشنهادی آنان ، مورد انتقاد قرار می دادند .

و قالوا لولا یأتینا بآیه من ربّه

اعتصام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۲،۵،۱۱

۲ ایمان به خداوند و تمسک به قرآن و پیامبر (ص) موجب برخورداری از رحمت و فضل الهی

فاما الذین ءامنوا باللّٰه و اعتصموا به فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل

بدان احتمال که ضمیر در <به> به <پرهمن> (پیامبر(ص)) و <نور> (قرآن) در آیه قبل برگردد.

۵ تمسک به قرآن و پیامبر (ص) شرط باروری ایمان به خدا

فاما الذین ءامنوا باللّٰه و اعتصموا به فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل

۱۱ هدایت به راه راست و رسیدن به خداوند ، در گرو ایمان به وی و تمسک به قرآن و پیامبر (ص)

فاما الذین ءامنوا باللّٰه و اعتصموا به ... یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۸

۸ - تمسک جویندگان به قرآن و وحی ، در صراط مستقیم الهی اند .

فاستمسک بالذی .. إنک علی صراط مستقیم

اعتماد به غیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۲

۲ - بی اعتمادی به قرآن ، با وجود مصونیت آن در مراحل نزول ، دریافت و ابلاغ و اعتماد

به غیر آن ، انتخاب بیراهه است .

فأین تذهبون

مفاد استفهام (کجا می روید؟) در آیه شریفه این است که جز این راه، راه دیگری وجود ندارد. گفتنی است که در این گونه پرسش ها نوعی <تعجیز> نهفته است. حرف <فاء> این مفاد را بر اوصاف قرآن که آیات پیشین بیانگر آن بود تفریع کرده است.

اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۳، ۲، ۱

۱ - انسان ها در همه ادوار و اعصار از آوردن همانند حتی برای سوره ای از سوره های قرآن ناتوانند .

فأتوا بسوره .. فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا

حرف <لن> برای نفی همیشگی و ابدی است، لذا <لن تفعلوا> (هرگز همانند برای قرآن نمی آورید) دلالت بر این دارد که: بشر در هیچ عصری نمی تواند همانند برای قرآن بیاورد.

۲ - ناتوانی انسان ها از آوردن همانند برای قرآن ، از پیشگویی های قرآن است .

و لن تفعلوا

۳ - ناتوانی انسان ها از آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، دلیل آسمانی بودن قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

چنانچه ناتوانی از آوردن همانند برای قرآن، دلالت بر آسمانی بودن آن نمی کرد؛ حجت بر مخالفان تمام نمی شد و تفریع <اتقوا النار> بر آن صحیح نمی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۳

۳ بازگویی گزارشات غیبی ، جلوه ای از اعجاز قرآن

ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱

۱ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد کذبوا بالحق لما جاءهم

جمله ظرفیه <لما جاءهم> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۱

۱ مشرکان، مدعی نارسایی معجزات پیامبر (قرآن) برای اثبات رسالت آن حضرت.

و قالوا لولا نزل علیه آیه من ربه

درخواست معجزه از سوی مشرکان، علی رغم معجزاتی مانند قرآن، حکایت از آن دارد که آنان معجزات آن حضرت را برای اثبات رسالت کافی نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۵

۵ قرآن، معجزه ای کافی برای هدایت و برآورنده تمامی نیازهای هدایتی انسان است.

و قالوا لولا نزل علیه آیه .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به آیه قبل، که سخن از نزول معجزات بوده می توان گفت مراد از <الکتب> قرآن است و چون قرآن کتاب هدایت و <من شیء> بیانگر جامعیت آن است، لذا بر مبرا بودن قرآن از هرگونه کاستی در جهت هدایت آدمیان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۳

۳ قرآن، بینه و دلیل روشن پیامبر (ص) و گواه حقانیت او

قل إني علی بینه من ربی و کذبتم به

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از بینه و مرجع ضمیر < کذبتم به > قرآن است. مفرد آمدن کلمه < بینه > و مذكر

آمدن ضمیر <به> این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۵،۷،۱۴

۵ نزول قرآن معجزه ای کافی برای اثبات حقانیت پیامبر(ص)

أفغير الله أبتغي حكما و هو الذي أنزل إليكم الكتب مفصلا

۷ نزول معجزه ای روشن چون قرآن از سوی خدا، بهترین نشانه شایستگی او برای داوری است.

أفغير الله أبتغي حكما و هو الذي أنزل إليكم الكتب مفصلا

۱۴ ارجاع داوری به غیر خداوند از سوی کسی که حقانیت و اعجاز قرآن را دریافته، کاری بس نکوهیده و نارواست.

أفغير الله أبتغي حكما .. فلا تكونن من الممترين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱

۱ آیات قرآن نشانه و معجزه ای برای حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و إذا لم تأتهم بآية

کلمه <آیه> به معنای نشانه و دلیل است و مراد از آن آیات قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱

۱ انسان ها و معبود های دروغینشان ، ناتوان از آوردن ده سوره هم طراز قرآن

قل فأتوا بعشر سور مثله .. فإلّم يستجيبوا لكم

ظاهر این است که خطاب در <لکم> و <اعملوا> به قرینه <فهل أنتم مسلمون> متوجه مشرکان باشد. براین اساس، ضمیر فاعلی در <يستجيبوا> به <من استطعتم> باز می گردد؛ یعنی، [ای پیامبر! به مشرکان بگو: اگر کسی و از جمله معبودهایتان، برای آوردن همانند قرآن - به خاطر عجزشان دعوت شما را اجابت نکردند ...

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۱، ۱۲

۱۱- قرآن ، کتابی است که نقش بینات و معجزات انبیای پیشین را به تنهایی ایفا می کند .

و ما أرسلنا .. بالبینت و الزبر و أنزلنا إليك الذکر لتبین للناس ما نزل إليه

از اینکه خداوند در کنار ذکر اعطای بینات و کتاب به انبیای پیشین، برای پیامبر(ص) جداگانه کتابی خاص را ذکر می کند، می تواند به خاطر نکته فوق باشد.

۱۲- خداوند ، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (ص) ، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد

* .

و ما أرسلنا .. بالبینت و الزبر و أنزلنا إليك الذکر

<بینه > به معنای دلیل واضح و روشن اعم از عقلی و حسی است. طبق شواهد تاریخی مراد از <بینات > در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر(ص) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۲

۲- فراخوانی همه مخاطبان قرآن (جن و انس) به آزمودن اعجاز قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۵

۵- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی ماندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. و قالوا لن نؤمن لك

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی ماند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را

نقل می کند، می تواند به نکته فوق اشعار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، معجزه پیامبر (ص) و دلیل روشن بر اثبات نبوت آن حضرت

أولم تأتهم بيّنه ما في الصحف الأولى

بیان یعنی، وضوح و انکشاف (مصباح). بنابراین <بیّنه> به چیزی گفته می شود که واضح باشد. ضمیر مذکر که از کلمه <من قبله> (در آیه بعد) به این کلمه بازمی گردد دلالت می کند که از آن برهان و دلیل اراده شده است (کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود و پیامبر اسلام (ص)

لقد أنزلنا إليكم كتاباً فيه ذكركم أفلاتتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر (ص) مبنی بر آوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبر اسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۵،۶،۷

۱ - قرآن ، معجزه ای کفایت کننده برای خواستاران معجزه است .

قالوا لولا أنزل عليه آية... أولم يكفهم أننا أنزلنا عليك الكتاب

استفهام در <أولم> انکاری است.

۵ - قرآن ، برای اثبات حقانیت نبوت پیامبر (ص) از هر معجزه دیگری برتر است .

قالوا لولا أنزل عليه آية... أولم يكفهم أننا أنزلنا

<کفایه> رسیدن به حدی است که نیاز بر طرف شود و با توجه به این که معجزه، برای اثبات حقانیت است، نزول قرآن، به جای هر معجزه دیگری و اعلام کافی بودن آن، حکایت از حقیقت بالا می کند.

۶ - خداوند ، با وجود اعجاز قرآن ، معجزه های حسّی درخواستی مشرکان را برآورده نکرد .

و قالوا لولا أنزل عليه آية من ربه قل إنما الآيات عند الله .. أولم يكفهم

۷- برتری اعجاز قرآن بر معجزات حسّی ، در این است که قرآن ، دارای معارفی است و مردم با خواندن آن ، بر آن معارف ، آگاه می شوند .

أولم يكفهم أنّا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۶

۶- اعجاز قرآن ، در پیشگویی ورود حتمی مسلمانان به مسجدالحرام همراه با آرامش و امنیت

لتدخلن المسجد الحرام .. ءامنين

با توجه به این که رؤیای پیامبر(ص) و وعده خداوند، دو سال پس از حدیبیه به کامل ترین صورت تحقق یافت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۶

۶- قرآن ، برهان صدق پیامبر (ص) و معجزه او

فليأتوا بحديث مثله إن كانوا صدقين

اعراض از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۱

۱ - روی گردانی کافران ، از شنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، همچون فرار گورخران از شیر ژیان ، بسیار شدید بود .

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

<قِسْوَرَةٍ> اسم جامد

و به معنای شیر است و گاهی اسم جمع و در معنای شکارچیان تیرانداز استعمال می شود. (الصحاح)

اعراض از تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۷

۷ تصور رشد رسانی و بهروزی در پیروی از سنت اجدادی عامل رویگردانی از احکام قرآن و تعالیم پیامبر (ص)

إذا قيل لهم تعالوا .. قالوا حسبنا ما وجدنا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۲

۲ - روی گردانی کافران مخالف پیامبر (ص)، از سخن بیداربخش و پندآموز قرآن، همراه با ترس و نگرانی از آینده خویش بود.

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

از تشبیه اعراض کافران از قرآن، به فرار گورخران از شیر ژیان که همراه با ترس و اضطراب شدید است برداشت یاد شده استفاده می شود.

اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من ءایه ... إلا كانوا عنها معرضین. فقد کذبوا بالحق ... ما كانوا به ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۲

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنہ

<نَأَى> به معنی دور شدن است و <ینئون عنہ> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۳

۳ قرآن کریم ، آن چنان که شایسته آن بود در میان مسلمانان صدراسلام (نیمه اول بعثت) ، مورد بهره برداری قرار نگرفت و حق آن ادا نشد .

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۶

۶ - نکوهش مشرکان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر بی اعتنایی آنان نسبت به قرآن ، جدی نگرفتن رهنمود های آن و برخورد استهزاآمیز با آن

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

استفهام در <أفبهذا الحدیث> توییحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۴،۵

۴ - وجود مؤمنان بی تفاوت و بی رغبت به خداوند و قرآن ، در میان مسلمانان صدراسلام

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحقّ

۵ - مؤمنان بی تفاوت ، که دل هایشان با یاد خدا و تلاوت آیات او نرم و خاشع نمی شود ، مورد نکوهش خدا هستند .

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحقّ

استفهام در <ألم یأن..> برای توییح و نکوهش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطير الأولين . كلاً بل ران على قلوبهم

اعراض از مغالطه گران در قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱۹، ۲

۲ پیامبر(ص) موظف به اجتناب از بحث و جدال و درگیر شدن با مغالطه گران و شبهه افکنان در آیات قرآن و دیگر آیات الهی

و إذا رأیت الذین یخوضون فی آیتنا فأعرض عنهم

۱۹ عن أبی جعفر(ع) فی قول الله: <و إذا رأیت الذین یخوضون فی آیتنا> قال: الکلام فی الله و الجدل فی القرآن <فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره> . . .

امام باقر(ع) فرمود: مراد از <یخوضون فی آیتنا>، سخن گفتن در مورد ذات خداوند و مجادله کردن درباره قرآن است. <پس از آنان رویگردان شو تا به سخن دیگری پردازند> . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۴

۴ بر مؤمنانی که از همنشینی با مغالطه گران و یاوه گویان در مورد قرآن و اسلام پرهیز کنند، گناهی نیست، هر چند مغالطه و استهزای آنان ادامه یابد.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ممکن است این آیه در صدد پاسخ به سؤال برخی مؤمنان باشد. بدین گونه که آنان فکر کنند که اگر ما مجالس کافران را تحریم کنیم، آنان زمینه مساعد بیشتری برای مغالطه و استهزا دارند. این آیه می فرماید شما پرهیز کنید، گناه کار آنان به شما تسری نمی کند.

اعراض اکثریت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۶

۶- روی گردانی بیشتر مردم از قرآن، جز به خاطر حق گریزی نیست.

و لقد صرّفنا .. فأبی

أكثر الناس إلا كفورًا

اعراض مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۶

۶ مشرکان و منکران روز قیامت و کافران به پیامبر (ص) و قرآن، روی گردانان از دعوت الهی اند.

والذین لم يستجیبوا له

آیات گذشته شاهد بر این است که مقصود از <الذین لم يستجیبوا له> مشرکان و منکران رسالت پیامبر(ص) و ناباوران به قیامت می باشد.

اعطاء قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۳

۳- خداوند، اعطا کننده قرآن به پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک .. القرآن العظیم

افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۸

۸ شرک پیشگان عصر بعثت، قرآن را ساخته و پرداخته ذهن حضرت محمد (ص) می پنداشتند.

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا أو بدله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۷

۷ شرک پیشگان عصر بعثت ، قرآن را ساخته ذهن پیامبر (ص) دانسته و آن حضرت را فردی مفتری (کسی که بر خدا دروغ می بندد) می خواندند .

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقراءان غیر هذا أو بدله . . . قل ... فمن أظلم ممن ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۷

۷ شباهت و همگونی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین (

تورات ، انجیل و . . .) دستاویز مشرکان صدر اسلام برای زدن برجسب < ساختگی بودن > به آن

و ما كان هذا القرآن أن يفتری من دون الله و لكن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۱

۱ < ساختگی بودن > از برجسب های شرک پیشگان عصر بعثت به قرآن و در راستای مبارزه آنان با پیامبر اکرم (ص) بود

و ما كان هذا القرآن أن يفتری . . . أم يقولون افتريه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۲

۲- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین . . . قد مکر الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰- نسبت دادن قرآن به بشر ، نسبتی ناروا و دور از حق است .

لسان الذی يلحدون إليه أعجمی

در مفهوم <الحاد> انحراف از حق نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲- اعتقاد برخی از مردم عصر پیامبر (ص) به عدم و حیانت قرآن و ساختگی بودن آن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . . . لا یأتون بمثله

از اینکه قرآن با قاطعیت تمام اعلام تحدی می کند، می توان آن را پاسخ این شبهه که <قرآن وحی نیست > تلقی کرد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۴

۴ - اتهام مشرکان به پیامبر (ص) مبنی بر ابداع قرآن با وهم و خیال خویش

و الشعراء يتبعهم الغاوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۲

۲ - مشرکان ، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می دانستند .

أم يقولون افتريه

<فري> ریشه <افترا> به آن دروغی گفته می شود که خود شخص آن را بسازد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۱

۱ - اتهام کافران به پیامبر (ص) ، در ابداع قرآن از نزد خود و نسبت دادن آن به خداوند

أم يقولون تقوله

<تقول> یعنی، به دروغ چیزی را به کسی نسبت دادن (المصباح المنير). مقصود کافران این است که قرآن، کلام خداوند

نیست و پیامبر(ص) به دروغ آن را به او نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۱

۱ - قرآن ، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلا قول البشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ مشرکان عصر بعثت، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می پنداشتند.

أم يقولون افتريه

در اینکه مقصود از ضمیر در <يقولون> چه کسانی هستند، دو نظر ابراز شده است: برخی برآنند که مقصود، مشرکان عصر پیامبر(ص) هستند و گروهی دیگر از مفسران، مراد از آن

را کفرپیشگان قوم نوح می دانند. برداشت فوق براساس نظر اول است. گفتنی است که براین اساس، مخاطب کلمه <قل> پیامبر(ص) و ضمیر مفعولی در <إفتراه> به قرآن و یا خصوص داستان نوح(ع) باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۳

۳- ساخته و پرداخته بودن قرآن از جانب پیامبر (ص) ، از تهمت های مشرکانِ ستم پیشه به آن حضرت

بل افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱

۱- کافران ، مدعی منتسب نبودن قرآن به مبدأ وحی و انتساب دروغین آن از سوی پیامبر (ص) به خداوند

أم یقولون افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۱

۱ - برخی از مردم عصر بعثت ، پیامبر (ص) را دیوانه شمرده و او را به تدوین قرآن براساس اختلالات عقلی ، متهم می کردند .

و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۱

۱ - برخی از مردم عصر بعثت ، قرآن را کلامی القا شده از سوی شیطان می پنداشتند .

و ما هو بقول شیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۳

۳- تصور وحی نبودن قرآن و تراوش آن از مغزی مجنون و یا شیطانی مطرود و پندار بخلورزی پیامبر (ص) در بیان حقایق ،
کژاندیشی و گم کردن راه حقیقت است .

فأین تذهبون

ممکن است

استفهام در آیه شریفه، ناظر به توهماتى باشد که مخالفان درباره قرآن و شخص پیامبر(ص) داشتند. در این صورت پرسش آیه این است که: فکر شما به کجا می رود و چه می پندارید؟! قرآن غیر آنچه گفته شد، نیست.

افراط در مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۲

۲ - مخالفت سرسختانه و افراط گرانه مشرکان عصر بعثت ، با قرآن

آن کنتم قومًا مسرفین

افساد مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۶۸

۶ کسانی که به آسمانی بودن قرآن باور دارند و در عین حال آن را تکذیب می کنند ، مفسد هستند .

و منهم من یؤمن به . . . و ربک أعلم بالمفسدین

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به تکذیب کنندگان برگردد و مراد از <المفسدین> دسته اول (من یؤمن به) باشد.

۸ کسانی که قرآن را تکذیب می کنند ، مردمی مفسد هستند .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به و ربک أعلم بالمفسدین

افشای توطئه علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۱

۱- إخبار و پرده برداری خداوند از توطئه های مخفیانه کافران و مشرکان علیه حقانیت پیامبر (ص) و قرآن

و لقد نعلم أنهم یقولون إنما یعلمه بشر

اقرار به اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۵ - ۳

۳ - پی بردن مشرکان صدر اسلام به اعجاز

و خارق العاده بودن قرآن کریم

و قالوا إن هذا إلا سحر مبين

سحر دانستن قرآن، اعتراف به اعجاز و خارق العاده بودن آن است؛ زیرا سحر، خود نوعی از کارهای خارق العاده است و مشرکان به ناچار و از سر لجاج و عناد، قرآن را به آن متهم کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۵

۵- اعتراف ضمنی کافران، نسبت به اعجاز قرآن و نفوذ عمیق آن در دل ها و اندیشه ها

قال الذين كفروا للحق لما جاءهم هذا سحر مبين

از این که کافران، قرآن را سحر می خواندند، استفاده می شود که آنان آثار خارق العاده آن را دیده و چون درصدد ایمان نبوده اند، نام آن را سحر گذاشته اند.

اقرار به تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۴

۴ - اعتراف ناخود آگاه مشرکان مکه، به تأثیر خارق العاده قرآن در مخاطبان خود

قالوا هذا سحر

اگر مشرکان مکه شاهد چنین تأثیری نبودند، دلیلی نداشت که آن را سحر معرفی کنند.

اقرار به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۵

۵- وجود عالمانی در میان مردم عصر نزول و اذعان آنان به حقانیت قرآن پس از شنیدن آن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - اذعان درونی کافران صدر اسلام ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و قرآن

بل جاءهم بالحقّ

و أكثرهم للحقّ كرهون

عبارت <أكثرهم للحقّ كارهون> یعنی، بیشتر آنان حقیقت را خوش ندارند. بنابراین انکار رسالت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن، نه از آن رو است که آنان به حقانیت آن دو یقین ندارند؛ بلکه بدان جهت بود که آن دو حق است و آنها از حق خوششان نمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۳

۳ - اعتراف ایمان آوردگان اهل کتاب ، به حقانیت و آسمانی بودن قرآن به هنگام شنیدن آیات آن

و إذا يتلى عليهم قالوا... إنه الحقّ من ربّنا

اقرار به وحقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۳

۳ - اعتراف ایمان آوردگان اهل کتاب ، به حقانیت و آسمانی بودن قرآن به هنگام شنیدن آیات آن

و إذا يتلى عليهم قالوا... إنه الحقّ من ربّنا

اقرار مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۵

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

يوم يأتي تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲ - تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أکثه .. و فی آذاننا وقر

اقسام نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۳

۳ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که <انزال> در <أنزلت سوره> برای نزول دفعی به کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۲

۲ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود از <انزال> در جمله <و إذا ما أنزلت ..> نزول دفعی باشد. قابل ذکر است که <انزال> مانند <تنزیل> هم در نزول دفعی و هم در نزول تدریجی به کار می رود.

الفاظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۵

۵ - الفاظ قرآن هم چون محتوای آن آسمانی و الهی است .

تنزیل من الرحمن .. قرءاناً عربیاً

قید <قرآناً عربیاً> می تواند بیانگر این معنا باشد که آیات قرآن، نه تنها از حیث محتوا الهی است بلکه الفاظ آن هم کلام خداوند است.

القای شبهه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یاوه گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأيت الذين يخوضون في آيتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: >الخوض التخليط في المفاوضه على سبيل اللعب و العبث و ترك التفهم و

التبيين >. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

القای قرآن بر قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۲

۲- خداوند ، قرآن کریم را در دل مجرمانِ هدایت ناپذیر القا می کند و آنان را با قرآن آشنا می سازد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین

القای قرآن در قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۱

۱- خداوند ، قرآن کریم را در قلب کافران هدایت ناپذیر مکه راه داد و به آنان شناساند .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه> ، <الذکر> و الف و لام <المجرمین> عهد ذکری باشد که اشاره به <الذین کفروا> در آیات قبل می کند.

امیدواری تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - امید داشتن به رحمت و پاداش الهی نه خود را مستحق آن شمردن از ویژگی های عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ

من عباده العلماء .. إن الذين يتلون كتب الله و أقاموا الصل

انتظار نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱،۲

۱- مؤمنان عصر پیامبر (ص) ، در اشتیاق نزول سوره ای که تعیین کننده تکلیف آنان در قبال دشمنان باشد .

و يقول الذين ءامنوا لولا نزلت سوره

محتوای <فإذا أنزلت سوره محكمه و ذكر فيها القتال> قرینه ای است بر این که سوره مورد انتظار مؤمنان، در زمینه تعیین تکلیف آنان با کافران بوده است.

۲- مؤمنان عصر نزول ، همواره چشم انتظار رسیدن پیامی جدید ، از جانب خداوند

و يقول الذين ءامنوا لولا نزلت سوره

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <سوره>، نظر به سوره ای خاص با محتوایی ویژه نداشته باشد؛ بلکه در مجموع اشتیاق مؤمنان به نزول وحی را افاده کند.

انجیل و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن ، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسكم و أنتم تتلون الكتب

جمله <تسنون أنفسكم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید؛ ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید؛ سپس با جمله <و أنتم تتلون الكتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع

بودند؛ یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

انحطاط تدریجی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۵

۵ - خداوند، تکذیب کنندگان قرآن و معاد را به تدریج به ورطه سقوط می کشاند.

سنستدرجهم

<استدراج> (مصدر <سنستدرج>) در اصل به معنای نزدیک کردن کسی به سوی چیزی است و مقصود از آن در این آیه، بردن و نزدیک کردن کافران به ورطه سقوط و هلاکت است؛ به گونه ای که خود متوجه آن نشوند (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۲

۲ - مهلت دادن به تکذیب گران، در راستای سقوط تدریجی آنان است؛ نه در جهت منافع آنان

سنستدرجهم.. و اُملی لهم

عبارت <اُملی لهم> تأکید و بیان دیگری برای مسأله سقوط تدریجی کافران است؛ یعنی، ما به آنان مهلت دادیم تا سقوط تدریجی آنان تحقق یابد.

انذار با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۶

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و اُنذر به

مرجع ضمیر به <قرآن> است؛ یعنی با قرآن انذار کن. و چون ابزار انذار مشخص شده است، بالطبع باید قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

انذار مفتريان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ - ٢٥ - ١٦

١٦- اسطوره تلقى کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه و کیفر

عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم ... ألا ساء ما يزرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۶

۶- هشدار خداوند به افترا زنندگان به قرآن کریم مبنی بر نابودی و هلاکت آنان

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم فأت

انذار مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۱

۱ - انذار های پیامبر (ص) در منکران قرآن و کافران به آن ، بی تأثیر بود .

إن الذين كفروا سواء عليهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم

<انذار> (مصدر اندرت) به معنای خبر دادن و مطلع ساختن از چیزی است که باید از آن ترسید و دوری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- کافران منکر حقانیت قرآن ، به عذاب استیصال تهدید شدند .

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم ..

انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۲، ۱۱

۱۱ قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انذار دهنده کسی که به معارف آن دست یابی یابد.

و أوحى إليّ هذا القرآن لأنذركم به و من بلغ

<من بلغ> بیانگر عموم و محدود نبودن مرز دعوت قرآن در عرصه زمان و مکان است.

۱۲ انذار مردم در طول تاریخ، هدف از فرستادن قرآن بر پیامبر(ص)

و أوحى إليّ هذا القرآن لأنذركم به و من بلغ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷ قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلك آيات الكتب .. أن أُنذر الناس و بشر الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۳

۳- قرآن ، وسیله انذار و اخطار به تمامی انسانها

هذا بلغ للناس و لينذروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۹

۹- نهی از ارتکاب فحشا و زشتی و ستم ، از مهم ترین تحذیر های قرآن و نواهی خداوند است .

و نزلنا عليك الكتب .. إن الله ... ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۴

۴- بیم دادن آدمیان از عذاب شدید خداوندی ، از رسالت های قرآن است .

لينذر بأسًا شديدًا من لدنه

مرجع ضمیر در <ینذر> و <بیشتر> ممکن است <الکتاب> و یا <عبده> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴ - ۳

۳- بیم دادن کسانی که خدا را دارای فرزند می پندارند ، از رسالت های قرآن و پیامبر (ص) است .

و ينذر الذين قالوا اتخذ الله ولداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۹۷ - ۶،۷

۶- بشارت به پرهيزگاران و انذار دشمنان متعصب و

سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقين و تنذر به قومًا لُدًّا

<لُدًّا> جمع <ألدِّ> است و <قومًا لُدًّا>؛ یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

۷- محتوای قرآن ، وسیله بشارت و انذار است .

فإنّما یسّرنه بلسانک لتبشّر .. و تنذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۱

۱۱ انذار و اخطار به همه انسان ها در تمام گیتی ، از اهداف قرآن و پیامبر اسلام (ص)

نزل الفرقان علی عبده لیكون للعلمین نذیرًا

ضمیر در <لیكون> ممکن است به دو چیز باز گردد: ۱ <فرقان> ۲ <عبده> (پیامبر اسلام).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۵

۵ - هشدار دهی به خلق ، از پیام های بارز قرآن

نزل به الروح الأمين .. لتكون من المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۴

۴ - قرآن ، برخوردار از بیانی روشن در جهت انذار مردمان

لتكون من المنذرين بلسان عربی مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱۱

۱۱- قرآن ، کتابی انذارگر و بیم دهنده

لتنذر قومًا

روشن است که پیامبر(ص) با تلاوت وحی الهی (قرآن) به انذار مردم می پرداخت. بنابراین <لتنذر قومًا> به تقدیر <بالقرآن> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱۱

۱۱- قرآن ، کتاب هشدار و هدایت است .

تنزیل الكتب . . . بل هو الحق من ربك

لتنذر قومًا... لعلهم يهتدون

لام در <لتنذر> برای تعلیل است و چون در آیه پیش، سخن از رسالت پیامبر نیست تا تعلیل برای آن باشد، بلکه سخن از نزول قرآن است، بنابراین، تعلیل مربوط به تنزیل قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - <انذار و تبشیر> ، <بیم دادن و امیدبخشیدن> و <تشویق و تهدید> ، از روش های تربیتی قرآن

لهم من فوقهم ظلل من النار... ذلك يخوف الله به عباده... لهم البشري فبشر عبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۱،۲

۱ - آیات روشن قرآن ، بشارت دهنده و انذارکننده مردمان

کتب فصلت آیته... بشیرًا و نذیرًا

۲ - بشارت و انذار ، دو پیام مهم و روشن آیات قرآن

کتب فصلت... بشیرًا و نذیرًا

با توجه به این که قرآن در بردارنده مفاهیم مختلف معرفتی است، تخصیص به ذکر یافتن بشارت و انذار، نشان گر اهمیت و برجستگی آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۵

۱۵- قرآن ، پیام دار انذار و هشدار به کافران

تنزیل الکتب... و الذین کفروا عمًا أنذروا معرضون

از ارتباط این آیه با آیه قبل که در آن مسأله نزول کتاب مطرح شده استفاده می شود که روی گردانی کافران، از انذارهایی است که در متن <کتاب> صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶

۱۳- قرآن ، بیم دهنده به ستمکاران و بشارت دهنده به نیک کرداران

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

۱۴- انذار و تبشیر ، دو محور اصلی پیام های هدایتی قرآن

و هذا کتب ... لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

اصلی بودن دو محور بالا، از اختصاص به ذکر یافتن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۵

۱۵- قرآن و انذار های بیدارگرانه آن ، اتمام حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خیر برای <هذا>ی مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۱

۱- قرآن و پیامبر (ص) ، بیم دهنده ای از زمره بیم دهندگان گذشته تاریخ

هذا نذیر من النذر الأولى

<هذا> هم می تواند به پیامبر(ص) و هم به قرآن اشاره داشته باشد. در برداشت بالا، هر دو احتمال رعایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۴

۴- اخبار و سرگذشت های هشداردهنده و بازدارنده از گناه و سیه روزی ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۶ - ۲

۲ - قرآن ، دربردارنده حقایقی اندازگر و هشداردهنده به بشر

نذیرًا للبشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - هشدار و ترغیب ، از روش های تربیتی و هدایتی

هو . . . أهل المغفرة

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این سوره، با فرمان انذار و اخطار آغاز گردیده (قم فأنذر. ..) و با مغفرت و آمرزش الهی، خاتمه یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انذار در کنار یکدیگر، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. إنا أنذرناكم عذابًا قريبًا

انس با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۲

۲ - انس با قرآن و تلاوت پیوسته آن، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار، از نشانه های خدا ترسی است .

إنما يخشى الله من عباده العلماء .. إن الذين يتلون كتب الله و أقاموا الصل

انسان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۸

۸ مردم در پذیرش و عدم پذیرش قرآن، آزاد و مختارند .

قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضل فإنما يضل عليها و ما أ

انکار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) با وجود آگاهی به حقانیت آن ، کفر به خداوند است .

و ما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق

چنانچه ایمان واقعی به خداوند در گرو ایمان به قرآن و رسالت پیامبر(ص) نباشد معنا ندارد که مسیحیان

و دانشمندان آنان با آنانکه به ایمان خداوند داشتند پس از اختیار اسلام بگویند: < ما لنا لا نؤمن بالله >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۷

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

انگیزه مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستیزی ، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها .

أم يقولون به جنّه . . . و أكثرهم للحقّ كرهون

اوراق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۲،۳،۱

۱ - معارف قرآن ، نوشته هایی ثبت شده در ورقه هایی متعدد

فی صحف

عبارت < فی صحف > با < إنّها تذکره > ارتباط دارد؛ یعنی، آن تذکره در صحیفه هایی متعدد است. < صحیفه > (مفرد

< صحف >) یعنی، هر چه در آن چیزی نوشته شود. (مفردات راغب)

۲ - اوراق قرآن ، دارای عظمت و احترام در پیشگاه خداوند

مکرّمه

آنچه در نوع خود شریف باشد، به < کرم > توصیف می شود (مفردات راغب). باب تفعیل این کلمه (تکریم)، به معنای

< عظمت دادن > و < پاک و منزّه ساختن > است (لسان العرب). بنابراین توصیف صفحات قرآن به < مکرّمه >، حاکی از این

است که خداوند آنها را عظمت داده و محترم داشته است.

۳- لزوم گرامی داشتن و ارج نهادن به ورق قرآن و آیات مکتوب آن

فی صحف مکرمه

توصیف صفحات قرآن به <مکرمه>، گرچه خبر از حقیقتی خارجی می دهد ولی

متضمن توصیه شدن مسلمانان به حفظ احترام قرآن نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۹،۱۰

۹ - ثبت آیات قرآن، در صحیفه ها و ورق ها، برنامه ای پیش بینی شده از جانب خداوند و القا شده به رسول اکرم (ص)

یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <صحف> (جمع <صحیفه> یعنی، چیزی که در آن می نویسند)، اشاره به آینده قرآن و مکتوب شدن آن دارد. اسناد <یتلوا> به <صحفًا> با آن که پیامبر(ص) آیات الهی را از روی صحیفه های موجود تلاوت نمی کرد به اعتبار مکتوب شدن پیام ها، پس از تلاوت آن است.

۱۰ - پیامبر (ص)، قرآن را از صحیفه هایی مکتوب و پیراسته از هر باطل، دریافت و بر مردم تلاوت می کرد.

رسول من الله یتلوا صحفًا مطهّره

در برداشت یاد شده، مراد از <صحفًا مطهّره>، قرآن مکتوب پیش از مرحله نزول بر پیامبر(ص) دانسته شده است. قرآن در آن مرحله براساس بعضی از آیات در اختیار فرشتگانی بزرگوار بوده است.

اولوا الالباب و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۸

۸ تنها خردمندان حقایق قرآن و الهی بودن آن را درمی یابند و آن را باور می کنند.

إنما یتذکر أولوا الألباب

اولین مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۶

۶- محرومان، نخستین گروندگان به قرآن و پیامبر (ص)

وقال الذين كفروا... لو كان

خَيْرًا مَا سَبَقْنَا إِلَيْهِ

از لحن تحقیرآمیز <ماسبقونا> استفاده می شود که کافران، از طبقه اشراف و توده مؤمنان، از طبقات محروم و پایین جامعه بودند.

اهتمام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، مسلمانان را از بی تفاوتی نسبت به تذکارها و رهنمودهای قرآن و در پیش گرفتن شیوه یهود و نصارا در مورد کتابهای آسمانی خود (بی اعتنایی آنان به رهنمودها و مواعظ تورات و انجیل) ، برحذر می دارد .

ألم يأن للذين ءامنوا .. و لا يكونوا كالذين أوتوا الكتب من قبل

اهتمام محمد(ص) به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۳

۳ تلاوت آیات قرآن ، از کارهای مهم و همیشگی پیامبر اکرم (ص) بوده است .

و ما تتلوا منه من قرءان

از ذکر تلاوت قرآن در حالی که جمله <ما تكون في شأن> آن را شامل می شود برداشت فوق استفاده می گردد.

اهداف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ تربیت انسان های مؤمن به غیب ، پایبند به نماز و انفاق گر ، از اهداف قرآن

ذلك الكتب .. هدى للمتقين. الذين يؤمنون ... و مما رزقنهم ينفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - هدف قرآن انسان سازی است نه مجرد تبیین مفاهیم نیکو و بیان رفتار های ناپسند

و

لكن البر من ءامن

توضیح برداشت پیشین، بیانگر استفاده برداشت فوق از جمله <و لكن البر من ءامن > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۳

۳ قرآن و پیامبر (ص) ، دارای حقیقتی واحد و هدفی یکسان (هدایت بشر)

یهدی به الله من اتبع رضونه سبل السلم

ارجاع ضمیر مفرد <به > به قرآن و پیامبر(ص) بیانگر این معناست که آنها دارای یک حقیقت هستند و در هدایتگری یک چیز به شمار می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۸

۸ رساندن انسان ها به معیشتی نیکو در دنیا ، از هدف های قرآن و ادیان الهی است .

ألا تعبدوا إلا الله . . . و أن استغفروا ربكم ثم توبوا إليه يمتعكم متعًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۸

۱۸ اعتقاد و باور جزمی انسان ها به معاد و لقای خداوند ، از هدف های قرآن در بیان نشانه های قدرت و تدبیر خدا و سلطه او بر هستی است .

يفضّل الأيت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

برداشت فوق ، ناظر به این معناست که مراد از <الآیات > آیات قرآنی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴ - ۴

۴- تصحیح عقیده انسان در باره خداوند ، از هدف های مهم قرآن است .

أنزل على عبده الكتب .. و ينذر الذين قالوا اتخذ الله ولداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - مريم

۶- بشارت به پرهیزگاران و انداز دشمنان متعصب و سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقين و تنذر به قومًا لُدًّا

<لُدًّا> جمع <ألدًّا> است و <قومًا لُدًّا>؛ یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۸

۸ مبارزه و جهاد فرهنگی با کفر و شرک ، هدف کلی قرآن و محور اصلی دعوت پیامبر اسلام (ص)

و جهدهم به جهادًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۵

۵ - تنبه و بیداری مردمان ، از هدف های تعالیم قرآن

و لقد وَّصّلنا لهم القول لعلّهم يتذكّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۴

۴ - قرار گرفتن میزان و ترازوی تفکر و سنجش در اختیار انسان ها ، از جمله اهداف و فلسفه های مهم نزول قرآن

اللّه الذی أنزل .. المیزان

کتابی که به حق نازل شده است، می تواند آثار و نتایج متعددی داشته باشد و این که تنها عنوان <المیزان> تخصیص به ذکر یافته، دلیل اهمیت این ویژگی قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- هدف اساسی قرآن ، دور داشتن انسان ها از ظلم و تباهی و ترغیب آنان به نیکی و احسان

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

<لام> در <لینذر> غایت و هدف را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر

اهل بصیرت و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۲، ۱۳

۱ گروهی از انسانها ، برخوردار از بصیرت الهی و دلیلی روشن بر حقانیت قرآن و الهی بودن آن

أفمن كان علی بینة من ربه

<بینة> به معنای دلیل روشن است و متعلق آن به دلیل آیات قبل و نیز جمله های بعد نظیر <إنه الحق من ربك> حقانیت و الهی بودن قرآن است. <من> در <أفمن كان> مبتدا و خبر آن شبه جمله ای همانند <کمن لیس كذلك> است. بنابراین <أفمن كان...> یعنی، پس آیا کسی که از بصیرتی الهی برخوردار است و دلیل روشنی بر حقانیت قرآن دارد، مانند کسی است که چنین نیست؟

۳ بهره مندان از بصیرت الهی ، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن ، درمی یابند و بدان واقف می شوند .

أفمن كان علی بینة من ربه و يتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن ، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن... .. يتلوه شاهد منه [کمن لیس كذلك]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست؛ بلکه درک و عدم درک آنان از گواهی قرآن ، موجب تمایز آن دو گروه است.

۱۲ آنان که از بصیرت الهی برخوردارند ،

به قرآن ایمان می آورند .

أفمن كان على بينة .. أولئك يؤمنون به

مراد از ضمیر در <به> به دلیل آیات گذشته (أم يقولون افتراه ..) و نیز بخشهای بعدی آیه ، قرآن است.

اهل کتاب و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون انه منزل من ربك بالحق

اهل کتاب و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۸

۸ برخورد منافقانه برخی از اهل کتاب با مسلمانان ، در اظهار ایمان به تمامی کتب آسمانی (قرآن و ...)

و اذا لقوكم قالوا امنا و اذا خلوا عضوا عليكم الأنامل

به قرینه <و تؤمنون بالكتاب كله>، متعلق <امنا>، تمامی کتب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۳، ۱۹، ۱۱، ۹

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقانیت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزلنا مصدقاً لما معكم

<مصدقاً لما معكم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقانیت قرآن و لزوم ایمان بدان.

۱۱ خواری و ذلت و از دست دادن منزلت اجتماعی ، پیامد انکار قرآن از سوی اهل کتاب

امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً فتردها علی ادبارها

بدان احتمال که مراد از <وجوه>، وجاهت باشد. بر این

مبنا <فردها> به این معناست که آن وجاهاها مبدل به ذلت و خواری می گردد.

۱۹ سرگذشت اصحاب سبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً فردّها علی ادبارها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نطمسها عن الهدی فردّها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۶، ۱۴

۱۴ اهل کتاب ، موظف به پذیرش و اقامه قرآن و تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص)

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغیناً و کفراً

ظاهراً ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن است. بنابراین آنان موظف به پذیرش قرآن و تعالیم آن هستند.

۱۶ گروهی از اهل کتاب ، مردمانی وارسته از موضعگیری کفرآمیز و خصمانه در برابر قرآن

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۸

۸ اهل کتاب، قرآن و حقانیت آن را، همانند فرزندان خود، می شناختند.

و أوحى إلیّ هذا القرآن .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

از احتمالات مطرح در مورد مرجع ضمیر <یعرفونه> قرآن است که در آیه قبل به صراحت به عنوان شاهد بر نبوت و

توحید ذکر گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۵

۵ گروههایی از اهل کتاب ، قسمتهایی از قرآن را نمی پذیرفتند و حقانیت آن را انکار می کردند .

و من الأحزاب من ینکر بعضه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۸

۸ - پیامبر (ص) و قرآن ، در ادعای واهی و نادرست اهل کتاب و مشرکان ، مصداق < بینه > نبوده و برهان درخواستی آنان را تأمین نمی کردند .

لم یکن ... منفکین حتی تأتیهم البینه ... و ما تفرق الذین أوتوا الکتب إلا

این آیه، تسلای خاطری است برای پیامبر(ص) در برابر کافرانی که حتی پس از مشاهده آن حضرت و قرآن، هنوز خود را منتظر <بینه> قلمداد می کردند و بیان می کند که در گذشته نیز کافران همین رویه را داشتند و آمدن بینه برای آنان اثری نداشت.

اهل کتاب و نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

اهمیت انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۹

۹- انذار ، مهم ترین و بارزترین پیام قرآن برای جنیان

فلما حضروه قالوا أنصتوا .. ولّوا إلى قومهم منذرين

تنها صفتی که خداوند برای جنیان، یاد کرده، این است که آنان پس از

شنیدن آیات قرآن، با روحیه اندازگری و به انگیزه انداز به سوی قومشان بازگشتند.

اهمیت ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲

۲ - یهودیان ، در گستره دعوت پیامبر (ص) قرار دارند و موظف به پذیرش اسلام و ایمان به قرآن هستند .

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱

۱ - ضرورت ایمان داشتن به خدا ، قرآن و احکام و معارف نازل شده بر ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع)

قولوا ءامنوا بالله و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم . . . و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۲

۲- پیامبر (ص) بر هدایت مردم و ایمان آنان به قرآن ، بسیار شایق و حریص بود .

فلعلک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم يؤمنوا بهذا الحدیث أسفاً

اهمیت بسمله در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۸

۸- قرائت قرآن ، بدون کمک گرفتن از نام خداوند ، کامل نیست و تنها با ذکر نام او ، قرائتی مطلوب خواهد بود .

اقرأ باسم ربک

چنانچه حرف <باء> در <باسم ربک> برای استعانت باشد، اسم خداوند، وسیله کامل بودن قرائت خواهد بود و با اکتفا به

ابزار قرائت (زبان، ذهن و ..) و کمک نگرفتن از نام خداوند، گرچه قرائت انجام می پذیرد؛ ولی از

کمال برخوردار نیست.

اهمیت پیروی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۲

۲ - دفاع از حریم قرآن و پیروی از تعالیم آن ، عامل هجرت پیامبر (ص) از مکه

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ

این که خداوند پیش از وعده به بازگشت پیامبر(ص) به مکه، مسأله وجوب عمل به تعالیم قرآن را مطرح ساخته است / می تواند به علّت هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۸

۸ - پیروی از قرآن و تعالیم نازل شده از جانب خداوند ، ضروری است .

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

اهمیت تبعیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱

۱ - ضرورت پیروی از قرآن و احکام و مقررات نازل شده از جانب خدا

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

اهمیت تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۲

۲- پیامبر (ص) مسئول ابلاغ قرآن و تذکر دادن به مردم است و در مورد به ثمر نشستن آن مسئولیت ی ندارد .

ما أنزلنا عليك .. إلا تذكرة لمن يخشى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۳

۳- لزوم قرائت آیات قرآن ، برای مردم و ابلاغ آن حتی به غیر مؤمنان

و إذا قرء عليهم القرآن

اهمیت تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- قرآن ، برای حضور در عینیت جامعه ، نیاز به تفسیر و تبیین از سوی عالم به آن دارد .

و ما أنزلنا عليك الكتاب إلا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه

اهمیت تدبر در آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۷

۷- لزوم تدبر و اندیشیدن در آیات قرآن

کتب .. لیدبروا آیته

اهمیت تدبر در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۱

۱- لزوم تأمل و تدبر انسان ، درباره حقانیت قرآن و پرهیز از مخالفت عجولانه با آن

قل أراءيتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به من أضلّ

اهمیت تدبر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۱ - ۹

۹ خداوند ، تشویق کننده و فراخوان عالمان و دانشمندان به تحقیق و تدبر در قرآن و بهره گیری از معارف آن

و نفصل الأيت لقوم يعلمون

ذکر <لقوم يعلمون> در پی بیان تفصیل و تبیین معارف قرآن، تشویقی است الهی برای اهل علم و دانش، جهت بهره گیری از کتاب خداوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ لزوم ژرف نگری در آیات قرآن و پرهیز از برخورد سطحی با پیام های الهی (وحی)

بأنهم قوم لا يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۴

۴ - لزوم تدبر در آیات و معارف

۱۶ - بی تفاوتی در برابر تذکارها و رهنمودهای قرآن در دراز مدت، باعث قساوت قلب خواهد شد.

و لایکونوا کالذین... فطال علیهم الأمد فقسست قلوبهم

خداوند، مسلمانان را از پیش گرفتن شیوه یهود و نصارا در مورد کتابهای آسمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند؛ بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

۱۷ - مسلمانان بی تفاوت، در خطر خارج شدن از جاده حق و عدالت در صورت استمرار یافتن بی تفاوتی آنان نسبت به تذکرات و رهنمودهای قرآن

و لایکونوا کالذین... فطال علیهم الأمد... و کثیر منهم فسقون

در آیه شریفه، قساوت قلب و خروج از عدل و انصاف (حق)، از پیامدهای بی تفاوتی مستمر و دائمی یهود و نصارا نسبت به رهنمودهای کتابهای آسمانی بر شمرده است. بر حذر داشتن مسلمانان از پیش گرفتن شیوه اهل کتاب، بیانگر مطلب یاد شده است.

اهمیت تسلیم به قرآن

۳ - لزوم تسلیم در برابر تعالیم قرآن

و أنا منّا المسلمون

اهمیت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۲

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت ، اقتصاد شکوفا و شرافت ، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

و لقد آتینا بنی اسرائیل .. ثم جعلناک علی شریعه من الأمر

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناک علی شریعه من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن مواهب خواهد بود.

اهمیت تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۸

۸ - خداوند ، خواهان اندیشه و تدبیر کردن مؤمنان در آیات قرآن ، رهنمود ها و مواعظ آن

قد بینا لکم الآیت لعلکم تعقلون

<عقل> (مصدر <تعقلون>) به معنای تدبیر کردن است (مصباح المنیر).

اهمیت تعلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۵

۵ معارف قرآن و احکام آن ، حقایقی است که باید آنها را فرا گرفت و همواره به خاطر داشت .

إن هو إلا ذکر للعلمین

<ذکر> به علم و معرفتی گفته می شود که در ذهن حاضر باشد و از آن غفلت نشود. توصیف قرآن به این که ذکر است ، اشاره به این دارد که حقایق آن باید آموخته شود و از یاد نرود و از آن غفلت نشود.

اهمیت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعہ - ۶۲

۶ - تلاوت آیات الهی ، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت ، اصول و محور های برنامه رسالت پیامبر (ص) در هدایت خلق

یتلوا علیهم آیته و یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۲

۲ - آشنایی با معارف قرآن ، امری ضروری و مورد ترغیب از سوی خداوند

فمن شاء ذکره

اهمیت تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۴

۴ تلاوت قرآن بر مردم ، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های ارسال او به پیامبری

أرسلنک .. لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

<تلاوت> (مصدر تتلوا) به معنای خواندن است و <لتتلوا> متعلق به <أرسلناک> می باشد و بیانگر وظیفه پیامبر و هدف ارسال او به پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۸

۸- قراءت قرآن ، عملی صالح و دارای اهمیتی ویژه *

من عمل صلحًا .. فإذا قرأت القرآن فاستعذ

برداشت فوق، از ارتباط میان آیه قبل، که درباره عمل صالح به صورت عموم بود و آیه فوق که در رابطه با یکی از اعمال با ارزش (قراءت قرآن) است، به دست آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۵

۵- قراءت قرآن و بازخوانی پیام وحی ، عمده ترین رکن و مهمترین بُعد نماز

أقم الصلوه .. و قرءان الفجر

مراد از <قرآن الفجر> نماز صبح است و آوردن <قرآن>

(تلاوت آیات الهی) به جای <صله> می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۳،۴

۳- تلاوت قرآن کریم با بیدار شدن از خواب در شب ، دارای اهمیتی ویژه است .

و قرآن الفجر کان مشهودًا . و من الیل فتهجد به نافله لك

۴- اهمیت قراءت قرآن ، در نماز شب

و قرآن الفجر . . . و من الیل فتهجد به نافله لك

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <قرآن>، نماز مشتمل بر قراءت قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۳

۳- ارزش و اهمیت تلاوت قرآن کریم

إِنَّ الذِّينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که تلاوت قرآن کریم، در ردیف برپایی نماز و انفاق، از اوصاف عالمان راستین و خداترسان قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۳

۳- لزوم قرائت آیات قرآن ، برای مردم و ابلاغ آن حتی به غیر مؤمنان

و إذا قرء علیهم القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، با تأکید بر فرمان خویش ، پیامبر (ص) را به دریافت و قرائت قرآن در آغاز رسالتش فرا خواند .

اقراً .. اقرأ

فرمان < اقرأ > ، تکرار و تأکید فرمانی است که در آغاز سوره آمده بود و مفعول محذوف آن نیز به قرینه سیاق کلام مطالبی است که بعد از

آن فرمان، وحی خواهد شد.

اهمیت تلاوت قرآن در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - نماز و خواندن قرآن ، از بهترین اعمال مراسم در شب زنده داری و عبادت شبانه

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . . . فاقراءوا ما تیسر من القرآن

۱۳ - شب هنگام ، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . . . فاقراءوا ما تیسر من القرآن

اهمیت تلاوت قرآن رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۵

۵ - لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الّیل . . . و رتل القرآن ترتیلاً . إنا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً

اهمیت تلاوت قرآن مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۵

۵ - لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الّیل . . . و رتل القرآن ترتیلاً . إنا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً

اهمیت حفظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - پیامبر (ص)، دارای اشتیاق شدید به حفظ آیات قرآن و به خاطر سپردن آن

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن یقضی الیک وحیه

گفته شده است که انگیزه پیامبر(ص) در قرائت آیات، همراه با قرائت جبرئیل، اطمینان یافتن به دریافت کامل

وحی بوده است.

اهمیت خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۴

۴ - لزوم کرنش و سر فرود آوردن ، در برابر عظمت قرآن

و إذا قرىء عليهم القرآن لا يسجدون

اهمیت دفاع از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۲

۲ - دفاع از حریم قرآن و پیروی از تعالیم آن ، عامل هجرت پیامبر (ص) از مکه

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ

این که خداوند پیش از وعده به بازگشت پیامبر(ص) به مکه، مسأله وجوب عمل به تعالیم قرآن را مطرح ساخته است؛ می تواند به علّت هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه اشاره داشته باشد.

اهمیت ذکر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ... فَلَاتُكْفَىٰ فِي مَرِيهٍ مِنْهُ

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتکف فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن

شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴

۵ معارف قرآن و احکام آن ، حقایق است که باید آنها را فرا گرفت و همواره به خاطر داشت .

إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

<ذکر> به علم و معرفتی گفته می شود که در ذهن حاضر باشد و از آن غفلت نشود. توصیف قرآن به این که ذکر است ، اشاره به این دارد که حقایق آن باید آموخته شود و از یاد نرود و از آن غفلت نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱۰

۱۰- معارف قرآن ، معارفی فطری و تنها نیازمند تذکر و توجه است .

سوره أنزلناها .. فيها آيات بينت لعلكم تذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۱

۱ - قرآن در بردارنده معارفی که باید آنها را فراگرفت و همواره به خاطر داشت .

إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ

<ذکر> و <حفظ> به یک معنا است؛ جز این که <حفظ> فراگرفتن و <ذکر> حاضر داشتن فراگرفته ها است؛ بنابراین به ادامه حفظ نیز <ذکر> گفته می شود؛ گرچه مسبوق به فراموشی نباشد (مفردات راغب). این تعبیر برای قرآن که گرچه وسیله ذکر است ولی از روی مبالغه <ذکر> خوانده شده است نشانه آن است که قرآن، مایه توجه انسان به حقایق است که باید همواره آن را به خاطر داشته باشد.

اهمیت عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۰ - ۲

۲ - لزوم خداترسی و تأثیرپذیری از پند های قرآن و هراس از فرجام ناهماهنگی با تعالیم آن

... فذکر ... سیذکر من یخشی

اهمیت فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۵

۵ مسلمانان ، وظیفه دار به صحنه آوردن و فهم صحیح قرآن و عمل به تعالیم آن .

یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

تردید نیست که مهجور و متروک ساختن قرآن، مربوط به ظاهر آن نیست بلکه مقصود، تأمل نکردن در معارف آن و نشناختن و عمل نکردن به تعالیم آن است. از این رو آیات بسیاری از قرآن، انسان ها را به تفکر در قرآن و عمل به آموزه های آن، فرا خوانده است.

اهمیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۵

۵ قرآن ، مایه یادآوری

و الذکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۱

۱ قرآن ، روشنگر مردم و هدایت کننده تقوایندگان و پندی برای ایشان

هذا بیان للنّاس و هدیّ و موعظه للمتّقین

بنابر اینکه <هذا> اشاره به قرآن باشد یعنی این قرآن روشنگر و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۴

۴ تکذیب قرآن، نکوهیده تر از تکذیب دیگر آیات الهی است.

ما تأتیهم من آیه .. فقد کذبوا بالحق

مراد از <الحق> می تواند قرآن باشد. در این آیه نسبت به آیه قبل <ترقی> صورت گرفته است. یعنی اینکه کافران آیات را تکذیب کردند و عجیتر آنکه قبل از آن قرآن را تکذیب کردند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۳

۳ خداوند به خاطر نازل کردن قرآن بر پیامبر (ص)، مصونیت او را از خطر مکر و توطئه مشرکان تضمین کرد.

إن ولی الله الذی نزل الکتب

توصیف <الله> با <الذی نزل الکتب> بیانگر علت ولایت و یاری ویژه پیامبر(ص) از جانب خداست. یعنی چون قرآن را بر من نازل کرد، مرا در برابر شما مشرکان یاری خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۳

۳ اظهار آگاهی کافران از محتوای قرآن و غیر مهم جلوه دادن آن، از حیلہ های آنان علیه پیامبر (ص)

و یمکرون .. قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطیر

جمله <ان هذا ..> دلالت می کند بر اینکه مقصود از <مثل هذا> همانندی در محتوای قرآن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲

۲ تنها نعمتی که برخوردار از آن، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد، قرآن است.

قد جاء تکم موعظه من ربکم .. قل بفضل الله و برحمته فلیفرحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۶، ۱۴

۱۴ همه انسان ها از هر گروه و طایفه (مشرکان، یهود، نصارا و ...) وظیفه دار ایمان به قرآن

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

۱۶ شک و شبهه در راستی و درستی قرآن

، مایه گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلاتک فی مریه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۶

۶ تبلیغ قرآن نباید وسیله درآمد های مادی قرار گیرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلا ذکر للعلمین

حصر در جمله <إن هو...> حصر اضافی و نسبی است که به قرینه جمله <و ما تسئلهم...> می توان گفت: مقصود این است که قرآن را خداوند بر پیامبر(ص) نازل کرد تا حقایق آن را به مردم بیاموزد و ابلاغ کند نه اینکه آن را وسیله کسب معاش قرار دهد و پیامبر(ص) نیز همین گونه عمل کرد (ما تسئلهم...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۷

۷ معارف ، احکام و قوانین قرآن ، حقایقی عالمانه ، سزاوار و بایسته پذیرش و پیروی است .

و كذلك أنزلنه حکماً عربیاً .. بعد ما جاءک من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۵

۵- قرآن ، مایه نجات آدمی از خطر ها ، آسیب ها و دشواری های موجود بر سر راه انسان *

هذا بلغ للناس و لینذروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۵

۵- قرآن ، جلوه ای از خلّاقیت و علم خداوند

إن ربّک هو الخلق العظیم . و لقد ءاتینک سبعاً من المثانی و القرءان العظیم

ذکر >اعطای قرآن به پیامبر(ص)< پس از بیان دو صفت خالقیت و دانایی خداوند، می

تواند بیانگر مصداقی از خلاقیت و علم خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۶

۶- هشدار خداوند به افترا زندگان به قرآن کریم مبنی بر نابودی و هلاکت آنان

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم فأت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۵

۱۵- لزوم مراجعه به قرآن ، برای شناخت عوامل واقعی رشد و هدایت انسان

و نزلنا عليك الكتب تبيّنًا لكل شيء و هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۶

۶- اعطای کتابی بی مانند چون قرآن به پیامبر (ص) نشان فضل عظیم الهی به آن حضرت است .

إن فضله كان عليك كبيرًا . قل لئن اجتمعت ... لاياتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۴

۴ قرآن ، از سنخ اسرار نهفته در عالم آفرینش است که نزول آن ، تنها از سوی خداوند دانای به اسرار امکان پذیر است . *

قل أنزله الذي يعلم السرّ في السموت و الأرض

رابطه بین نزول قرآن و علم به اسرار، می تواند گویای این نکته باشد که این کتاب از ساخته های دست بشر نیست؛ بلکه جزء اسرار عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ مهجور ساختن و خارج کردن قرآن از صحنه زندگی ، عملی است که مورد شکوه

پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند قرار خواهد گرفت .

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

۵ مسلمانان ، وظیفه دار به صحنه آوردن و فهم صحیح قرآن و عمل به تعالیم آن .

یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

تردید نیست که مهجور و متروک ساختن قرآن، مربوط به ظاهر آن نیست؛ بلکه مقصود، تأمل نکردن در معارف آن و نشناختن و عمل نکردن به تعالیم آن است. از این رو آیات بسیاری از قرآن، انسان ها را به تفکر در قرآن و عمل به آموزه های آن، فرا خوانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۷

۷- قرآن ، کتابی سودمند برای بشر و در جهت منافع و مصالح او است .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ

برداشت یاد شده با توجه به لام در <للناس> است که متضمن معنای انتفاع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۴

۴- نزول قرآن در شبی مبارک ، بیانگر اهمیت قرآن نزد خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكِ

این که شبی برکت زا برای نزول قرآن برگزیده شده است، خود نشانی از عظمت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۴

۴- ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن

تنزیل الکتب من الله العزيز

از ارتباط میان <تنزیل الكتاب> با وصف <العزیز> نوعی تحدی استفاده می شود طرح عزت و شکست ناپذیری خداوند در
زمینه نزول قرآن در ابعاد مختلفی تصویر می

شود و از جمله در بعد محتوایی و لفظی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۷

۷- قرآن و محتوای آسمانی آن ، کافی برای اثبات حقانیت رسالت پیامبر (ص)

صرفنا إليك ... يستمعون القرآن ... إنا سمعنا كتمًا أنزل من بعد موسى ... يهدى

برداشت بالا با توجه به دو نکته است زیرا استفاده شده است: ۱ مؤمنان پیشتاز جن، فقط با استماع قرآن به آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) پی بردند ۲ در مقام دعوت قوم، باز بر محتوای پیام قرآن تکیه نمودند نه بر معجزه و نظائر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۹

۹- لزوم محور قرار دادن قرآن ، در تبلیغ دین و هدایت خلق

فذکر بالقرءان

هر چند آیه شریفه خطاب به پیامبر(ص) است اما تکلیف استفاده از قرآن و محور قرار دادن آن در امر تبلیغ، دارای ملاک عام است و اختصاصی به شخص پیامبر(ص) ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۸ - ۲

۲- نزدیک و نزدیک تر شدن پیامبر (ص) ، به مبدأ وحی در افق اعلی برای دریافت قرآن

و هو بالأفق الأعلى . ثم دنا فتدلی

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر فاعلی به پیامبر(ص) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۵

۵- قرآن ، کتابی است که باید آن را جدی گرفت و در متن زندگی قرار

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۳

۳ - تشویق مؤمنان از سوی خداوند ، به اهمیت دادن یاد او و نقش کلام او (قرآن) در دل ها

ألم یأن للذین ءامنوا .. اعلّموا أنّ الله یحیی الارض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۲

۲ - دریافت وحی (قرآن) و تبلیغ آن ، امری بس سنگین و گران بار برای پیامبر (ص)

إنّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

اهمیت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۷

۷ - نزول قرآن ، جلوه ای از بلند مرتبگی و فرمان روایی مطلق خداوند و حقانیت او

و کذلک أنزلنه .. فتعلی الله الملک الحقّ

<فا> در <فتعالی> برای تفریع است و می رساند دارد که پی بردن به مطالب بعد از آن، نتیجه توجه به ما قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۱،۲

۱ - شیاطین ، فاقد کمترین شایستگی برای نزول قرآن

و ما ینبغی لهم

ضمیر فاعل در <ینبغی> به <تنزل> (مصدر <تنزلت>) بازمی‌گردد <استطاعه> (مصدر <یستطیعون>) به معنای توانایی است، یعنی، <و ما ینبغی لهم أن یتنزلوا به و لایقدرون علی التنزل به> نه می‌سزد که شیاطین قرآن را نازل کنند و نه می‌توانند.

۲- نازل کردن قرآن، خارج از توانایی شیاطین

و ما یستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۳،۷

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حق> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، هدفمند و کاری شایسته و لازم برای بشر می باشد.

۷ - نزول کتاب آسمانی (قرآن) ، نعمتی است درخور شکر و شایسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فاعبد الله مخلصاً له الدين>، بر جمله <إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۳

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حقّ> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، امری هدفمند و شایسته و بایسته برای بشر بوده است.

اهمیت نعمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۳،۴

۳ نعمت بهره مندی مؤمنان از قرآن ، نعمتی است بهتر و با ارزشتر از تمام دارایی ها و مال

و منال دیگران .

قد جاء تکم موعظه من ربکم .. قل بفضل اللّٰه و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یبج

در عود ضمیرهای فاعلی در <یفرحوا> و <یجمعون> سه احتمال است: الف) هر دو ضمیر به <الناس> برگردد. ب) هر دو ضمیر، عاید به <المؤمنین> باشد. ج) ضمیر اول راجع به <المؤمنین> و ضمیر دوم به <الناس> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال سوم است.

۴ قرآن، نعمتی است که مؤمنان با بهره مندی از آن، نباید از تنگدستی خود و دارایی و اندوخته های مادی دیگران، اندوهناک باشند.

قد جاء تکم موعظه من ربکم .. فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون

اهمیت هشدارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۱

۱ - توجه به هشدارهای قرآن درباره بررسی نامه های عمل و پیامد های آن، برای ایمان آوردن کافی است.

فما لهم لایؤمنون

حرف <فاء>، این آیه را بر مفاد آیه های قبل تفریح کرده است؛ یعنی، پس از گوشزد شدن خطرهای ایمان نیاوردن توجیه ناپذیر است.

ایمان به بخشی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱،۵

۱- یهود و نصارا، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند.

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب

است؛ چون کافران و مشرکان اصل دینت الهی

را قبول نداشتند؛ چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <.. و يقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

۵- < عن ابن عباس قال : سأل رجل رسول الله (ص) > ..الذين جعلوا القرآن عضين > قال : آمنوا ببعض و كفروا ببعض ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <الذين جعلوا القرآن عضين> سؤال کرد، حضرت فرمود: به بعضی از [قرآن] ایمان می آورند و نسبت به بعضی دیگر آن کافر می شوند.

ایمان به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ لزوم زدودن شک و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتک ..> تک تک انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ لزوم ایمان به قرآن ، الهی بودن و پیراستگی آن از هر گونه باطل

و الذى أنزل إليك من ربك الحق و لكن أكثر الناس لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فينسخ الله ما يلقي الشيطان .. و ليعلم الذين أوتوا

ضمیر در <أَنه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبت>) مشتق از <خبت> است. <خبت> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ الله ما یلقى الشیطان...> است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۱

۱ - ایمان به قرآن و معارف و احکام نازل شده بر پیامبر (ص)، از صفات متقین است .

هَدَى للمتقين .. الذین يؤمنون بما انزل إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند، از منکران قرآن خواسته است تا در صورت عجز از آوردن همانند برای قرآن، به قرآن و رسالت پیامبر (ص) ایمان آورند .

فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار

مراد از لزوم دوری از آتش دوزخ پرهیز از موجبات آن است و موجبات آتش - به قرینه موضوع بحث در این دو آیه (حقانیت قرآن و پیامبر (ص)) - انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) می باشد. بنابراین <فاتقوا النار>؛ یعنی:

فاتقوا الكفر بالقرآن و الرسول لتتقوا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۵، ۳، ۱

۱ - خداوند، فراخوان بنی اسرائیل به تصدیق قرآن و ایمان به آن

یبنی إسرائيل . . . و ءامنوا بما أنزلت

۳ - ایمان به قرآن و کافر نشدن به آن، از عهد های خدا با بنی اسرائیل

أوفوا بعهدي . . . و ءامنوا بما أنزلت

۵ - نزول قرآن از جانب خدا، دلیل ضرورت ایمان همگان به آن

ءامنوا بما أنزلت

هدف از آوردن <ما>ی موصوله و تبیین آن با جمله <أنزلت> به جای قرآن و مانند آن، بیان علت حکم (لزوم ایمان) است؛ یعنی، چون قرآن را خداوند نازل کرده، باید بدان ایمان آورید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسكم و أنتم تتلون الكتب

جمله <تنسون أنفسكم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید؛ ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید؛ سپس با جمله <و أنتم تتلون الكتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع بودند؛ یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر (ص) و قرآن و پرهیز از گناهان (سحر، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و...) از پاداش های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمتوبه...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثبوا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۴

۴ - تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن قرآن و پیامبر (ص) و بیانگر ضرورت ایمان به آن دو است .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

چون خواندن تورات و انجیل و پیروی از آن دو، مایه ایمان آوردن به قرآن و پیامبر(ص) می شود، به دست می آید که: آن دو کتاب، بشارت به آمدن قرآن و پیامبر(ص) و لزوم ایمان آوردن به آنها مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ - مسلمانان ، باید به یهود و نصارا ابلاغ کنند که به قرآن و همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان و به تمامی کتاب های آسمانی ، ایمان دارند .

قولوا ءامنوا بالله و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم . . و ما أوتی النبیین

برداشت فوق از کلمه <قولوا>

(بگویند) استفاده می شود. آیه قبل گویای این است که <مقول له> (کسی که باید به او ابلاغ شود) یهود و نصارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۸ - ۱

۱ - ایمان داشتن به قرآن و پیامبران و معارف نازل شده بر آنان ، صبغه ای است که خداوند اهل ایمان را با آن تطهیر و تزیین کرده است .

قولوا ءامنا باللّٰه .. صبغه اللّٰه

<صبغه> مصدر نوعی و به معنای رنگ آمیزی کردن است و در آیه شریفه مفعول مطلق برای فعل محذوف (صبغنا) می باشد. آوردن مصدر نوعی، اشاره به رسم یهود و نصارا دارد که به منظور تطهیر فرزندانشان آنان را با آبی مخصوص به نام <معمودیه> شستشو می دادند. مراد از <صبغه اللّٰه> - به قرینه آیات قبل - ایمان به خدا و ... است. بنابراین جمله <صبغه اللّٰه> چنین معنا می شود: خداوند، ما را با ایمان به خود و ... رنگ آمیزی (تطهیر) کرده است نه مانند رنگ آمیزی یهود و نصارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۱، ۲۸، ۲۰، ۱۷، ۱۶، ۱۲، ۱۰، ۱

۱ ایمان واقعی گروهی از عالمان اهل کتاب به خداوند، قرآن و کتب آسمانی خویش

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمَّا نَزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ .. خاشعین لله

سوداگری با آیات الهی از اموری است که اغلب با عالمان و دانشمندان دینی سنخیت دارد ؛ جمله <لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ>، در آیه ۱۸۷ این معنا را تأیید می کند.

۱۰ سوداگری نکردن با آیات الهی ، ویژگی اهل کتاب مؤمن به

خدا و قرآن و دیگر کتب آسمانی

لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

۱۲ پرهیز برخی اهل کتاب از دین فروشی و سوداگری با آیات الهی (تورات و انجیل) ، مایه ایمان آنان به قرآن

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن . . . خاشعين لله لا يشترون بایات الله ثمناً قليلاً

جمله <لا- یشترون . . . > ، حال برای فاعل <یؤمن> است (یعنی مؤمنان اهل کتاب) و توصیف آنان به جمله ذکر شده، می تواند اشاره به علت و زمینه ایمان آنان به قرآن باشد.

۱۶ تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب ، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن . . . لا يشترون بایات الله ثمناً قليلاً اولئك لهم اجرهم

۱۷ ایمان اهل کتاب به قرآن ، نشانه ارزشگذاری صحیح آنان نسبت به آیات الهی (تورات و انجیل)

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن بالله و . . . لا يشترون بایات الله ثمناً قليلاً

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا ، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند ؛ از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئك لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم> ، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش ، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۱ ایمان به خدا ، قرآن ، تورات ، انجیل ، فروتنی در برابر خدا و ارج نهادن به آیات الهی ، ملاک ارزش انسان نزد خداوند

لهم اجرهم عند ربّهم

اضافه تشریفیه در <ربّهم> بیانگر آن است که دارندگان صفات یاد شده، در پیشگاه خداوند دارای ارزشی والا هستند.

۲۸ نجاشی)

پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن بالله

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ احاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه؛ فقال رجل یا رسول الله کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول الله < و انّ من اهل الکتب .. >

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۹، ۴، ۳، ۱

۱ دعوت خداوند از اهل کتاب برای ایمان به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا بما نزلنا

۳ آشنایی اهل کتاب با وحی و کتب آسمانی ، مقتضی ایمان آنان به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا بما نزلنا

مخاطب قراردادن یهود و نصارا با عنوان اهل کتاب و تصریح به اینکه قرآن از جانب خداوند است، استدلالی بر لزوم ایمان آوردن اهل کتاب به قرآن است.

۴ ایمان به قرآن ، از وظایف اهل کتاب

امنوا بما نزلنا

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقیقت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزلنا مصداقاً لما معکم

<مصداقاً لما معکم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقیقت قرآن و لزوم ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت ، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الى الذين

یزعمون ... یریدون ان یتحاکمو الی الطّاغوت

۱ جمله <یریدون ... > دلالت می کند که حتی تصمیم بر چنین کاری نیز خطاست؛ چه رسد به انجام آن. ۲ کلمه <طاغوت>، مصدر و به معنای اسم فاعل است؛ یعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبار.

۲ ناسازگاری ایمان به قرآن و کتب آسمانی، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الی الذین یزعمون ... یریدون ان یتحاکمو الی الطّاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱

۱ ضرورت ایمان به خدا، پیامبر (ص)، قرآن و دیگر کتب آسمانی

یأیها الذین ءامنوا ءامنوا باللّٰه و رسوله .. و الکتب الذی أنزل من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴

۲ عالمان ژرفنگر یهود و مؤمنان واقعی آنها، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند.

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

۳ لزوم ایمان به کتب آسمانی پیشین در کنار ایمان به قرآن

لکن الرسخون .. و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

۴ نقش ایمان واقعی به ادیان گذشته در پذیرش قرآن و دیگر کتب آسمانی

و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

۵ نقش مثبت و سازنده علم در ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم ... یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

۱۰ یهودیان پیادارنده نماز

و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون .. و المقيمین الصلوه و المؤتون الزکوه

گفتنی است که <المقیمین> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنابر قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

۱۱ یهودیان مؤمن به خدا و قیامت ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون فی العلم منهم .. و المؤمنون بالله و الیوم الاخر

بنابر اینکه <المؤمنون بالله ..> عطف باشد بر <الرسخون>.

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

۱۶ ایمان به خدا و قیامت ، مستلزم ایمان به پیامبر (ص) ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک .. و المؤمنون بالله و الیوم الاخر

کلمه <المؤمنون بالله> عطف بر <الراسخون> است و در نتیجه <یؤمنون بما انزل ..> خبر برای <المؤمنون بالله> نیز می باشد. گفتنی است که لازمه ایمان به قرآن، ایمان به پیامبر(ص) است و لذا در برداشت فوق ایمان به پیامبر(ص) نیز آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۶

۱۶ ایمان به پیامبر (ص) و قرآن ، راه خداست .

إِنَّ الذین کفروا و

صدوا عن سبيل الله

با توجه به اینکه متعلق <كفروا> قرآن و پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <سبيل الله> ایمان به پیامبر(ص) و قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۷

۷ ایمان به پیامبر اکرم (ص) و قرآن موجب خیر و سعادت بشریت

يأيتها الناس قد جاءكم الرسول بالحق .. فامنوا خيراً لكم

برداشت فوق بر این اساس است که <خيراً> خبر برای فعل محذوف <يكن> باشد و تقدیر کلام چنین است <فامنوا ان تؤمنوا يكن خيراً لكم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ ایمان به قرآن ، دعوت از اهل کتاب

ياهل الكتب .. قد جاءكم من الله نور و كتب مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص)

ياهل الكتب قد جاءكم رسولنا .. يهديهم إلى صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۲،۳،۶

۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر انتقاد آنان از ایمان مؤمنان به خدا ، قرآن و کتب آسمانی

قل يا أهل الكتب هل تنقمون منا الا ان ءامننا بالله . . و ما أنزل من قبل

۳ ایمان مسلمانان به خدا، قرآن و تمامی کتب آسمانی ، برانگیزنده

اهل کتاب بر تمسخر نماز و ديگر شعایر اسلام

قل یا اهل الکتب هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّٰه .. و ما أنزل من قبل

برداشت فوق بر این مناسبت که <ان ءامنا> به تقدیر <لام>، بیانگر کراهت و ناخرسندی اهل کتاب نسبت به مسلمانان باشد، یعنی <ما تنقمون منا دیننا و صلاتنا لشیء الا ایماننا باللّٰه .. >.

۶ مؤمنان به خدا و قرآن، وظیفه دار ایمان به تمامی کتب آسمانی

هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّٰه و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۱

۱ گروهی از اهل کتاب در حضور پیامبر (ص) و مؤمنان، به دروغ مدعی ایمان به خدا، قرآن و ديگر کتب آسمانی

و إذا جاءوكم قالوا ءامنا .. و اللّٰه اعلم بما كانوا یکتُمون

با توجه به آیه ۵۷، ۵۸ که اهل کتاب را استهزا کننده اسلام و نماز معرفی کرده بود، معلوم می شود تنها گروهی از آنان نزد مسلمانان، خود را اهل ایمان قلمداد می کردند. گفتنی است که مراد از <ءامنا> به قرینه آیه ۵۹ ایمان به خدا، قرآن و ديگر کتب آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۲

۲ دعوت خداوند از اهل کتاب به رعایت تقوا و ایمان به خدا، قرآن و ديگر کتب آسمانی

و لو ان اهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۱۴ اهل کتاب وظیفه دار ایمان به قرآن و اقامه آن د تمام شئون زندگی *

و لو انهم اقاموا .. ما أنزل اليهم من ربهم

می توان گفت مراد از <ما انزل اليهم>، قرآن است و کلمه <اليهم> بیانگر این معناست که اهل کتاب باید خود را از مخاطبان قرآن بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب ، موظف به پذیرش و اقامه قرآن و تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص)

و ليزيدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفرًا

ظاهراً ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن است. بنابراین آنان موظف به پذیرش قرآن و تعالیم آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۳،۴

۳ بنی اسرائیل در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن خود را به ولایت و دوستی کافران آلوده نمی ساختند .

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه ما اتخذوهم أولياء

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه ما اتخذوهم أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱،۷

۱ ایمان به خداوند یکتا و حقانیت قرآن تنها راه منطقی و درست در دیدگاه مسیحیان عصر بعثت پس از آشنایی با قرآن

يقولون .. لا تؤمن بالله وما

جاءنا من الحق

۷ ایمان به خدا، قرآن و پیامبر (ص) زمینه عروج به درجه صالحان

و ما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق .. يدخلنا ربنا مع القوم الصالحين

جمله <و نطمع ..> می رساند که حتی پس از اعتراف به خدای یگانه نمی توان به همنشینی با صالحان یقین داشت بلکه ایمان مذکور تنها می تواند زمینه ساز نیل به درجه صالحان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۱، ۱۰، ۴، ۲

۲ ایمان به خدا، پیامبر (ص) و قرآن عامل ورود به بهشت جاویدان

فأثبهم الله بما قالوا جنت

۴ ضرورت اقرار زبانی به توحید، رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن پس از باور به آن

فأثبهم الله بما قالوا

۱۰ مسیحیان فروتن و مؤمن به خدا، قرآن و پیامبر (ص) در زمره محسنان اند.

و انهم لا يستكبرون .. و ذلك جزاء المحسنين

۱۱ ایمان به خدا، قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از استکبار و نیکوکاری مایه رسیدن به مقام محسنین است.

و انهم لا يستكبرون .. و ذلك جزاء المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۴

۱۴ تحکیم بنیانهای عقیدتی مردم به قرآن و اسلام در پرتو تقویت ایمان آنان به آخرت میسر است.

و الذين يؤمنون بالأخرة يؤمنون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ باور به آسمانی بودن قرآن، از میان برنده هرگونه نگرانی

از نارسائی آن برای هدایت مردم

فلا یکن فی صدرک حرج منه

توصیف قرآن به <أنزل> و سپس نهی از نگرانی درباره آن (منه)، ممکن است ناظر به این باشد که قرآن برای انذار و تذکر کافی است و از این ناحیه جایی برای نگرانی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ تنها مؤمنان به قرآن بهره مند از هدایت ها و رحمت های بیکران آن هستند .

هدی و رحمه لقوم یؤمنون

با توجه به اینکه هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی همگان به رحمت ویژه الهی است، به نظر می رسد <لقوم یؤمنون> اشاره به این حقیقت داشته باشد که تنها مؤمنان از هدایتها و رحمتهای ویژه بهره مند خواهند شد. گفتنی است مراد از <لقوم یؤمنون> به دلیل فراز قبل، مؤمنان به قرآن می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱،۱۰

۱ تنها راه ایمان به قرآن برای منکران قرآن ، تحقق تهدید ها و بروز حقایق آن است .

و لقد جننهم بکتب .. هل ينظرون إلا تأويله

ضمیر در <تأويله> به <کتب> در آیه قبل برمی گردد. و مراد از تأویل کتاب الهی، به قرینه فرازهای بعد، بروز و ظهور حقایق قرآن و تحقق تهدیدها و وعده های آن است. و جمله <هل ينظرون ...> با توجه به اینکه ناظر به آیه قبل است، چنین معنا می شود: برای منکران قرآن جهت تصدیق آن راهی جز ظهور حقایق قرآنی، که در قیامت تحقق می یابد، نیست.

به تعالیم قرآن و انجام دستورات آن ، راه جلوگیری از تباہ گشتن سرمایه عمر

قد خسروا أنفسهم

جمله <قد خسروا أنفسهم> در توصیف کسانی است که در دنیا قرآن را باور نکردند و به دستورات آن گردن نهادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت ، و ردّ و انکار آن گمراهی و ضلالت است .

قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضل فإنما يضل عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، با توجه دادن مشرکان به الهی بودن قرآن ، آنان را به پذیرش اسلام و قرآن دعوت کرد .

فإلم يستجيبوا لكم فاعلموا... فهل أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ همه انسان ها از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهود ، نصارا و ...) وظیفه دار ایمان به قرآن

و من يكفر به من الأحزاب فالنار موعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ توحید خالص و پیراسته از هر گونه شرک ، ایمان به قرآن و وحی ، راه رسیدن به خداست .

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين... و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ اعتقاد به یگانگی خدا و پذیرش آنچه از ناحیه خداوند به پیامبر (ص) نازل شده، عهد ها و پیمان های خداوند با آدمیان است.

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق

آیه قبل که سخن از حقایق قرآن و تعالیم آن داشت و آیات پیش از آن که درباره توحید و نفی شرک بود بیانگر مصادیقی بارز از عهد و پیمان خداوند با بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو..> یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۷

۷- رهنمود های قرآن، تنها تعالیم شایسته برای پذیرش و اطاعت است.

واتل ما أحي إلیک من کتاب ربک

فعل <اتل> می تواند از مصدر <تلاوه> به معنای قرائت باشد و ممکن است مصدر آن <تلو> به معنای تبعیت در نظر گرفته شود. برداشت بالا، براساس معنای دوم است. مقابله <اتل> در این آیه با <لاتطع> در آیه بعد این احتمال را تقویت کرده و بر حصر نیز دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱

۱ - اقدام ایمان آوردگان از اهل کتاب ، به اقرار مجدد ایمان خویش به هنگام تلاوت آیات قرآن بر ایشان

الذین ءاتینهم الکتب .. و إذا یتلی علیهم قالوا ءامنّا به

مقصود از <إذا یتلی علیهم..> این است که هر بار که آیاتی از قرآن نازل می شود و بر آنان تلاوت می گردد، اظهار می دارند که <آمنّا به>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۹

۹ - مسلمان ، باید به قرآن و کتاب های آسمانی ، ایمان داشته باشد .

ءامنّا بالذی أنزل إلینا و أنزل إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۷۸

۷ - قرآن ، جزء متعلق ایمان است و مؤمنان ، باید به آن ایمان داشته باشند .

و كذلك أنزلنا إلیک الکتب فالذین ءاتینهم الکتب یؤمنون به

۸ - تعداد کمی از مشرکان مکه ، به قرآن ، ایمان آوردند .

و من هؤلاء من یؤمن به

<من> در <من هؤلاء> تبعیض است و <هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه دارد. گفتنی است که تعبیر <من هؤلاء> همان گونه که برخی گفته اند دلالت بر قلت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱،۵

۱ - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشین آسمانی ایمان نمی آورند .

وقال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذي بين يديه

٥ - مؤمنان ، بايد

به کتاب های آسمانی پیشین ، همچون قرآن ، ایمان بیاورند .

لن تؤمن بهذا القرآن ولا بالذی بین یدیه

از این که کافران به صراحت و قاطعیت اعلام کرده اند که به قرآن، تورات و انجیل ایمان نمی آورند، استفاده می شود که ایمان به کتاب های پیشین نیز لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۲ - ۳

۳ - مشرکان ، در قیامت و یا با مشاهده نزول عذاب ، اظهار می کنند که به قرآن ایمان دارند .

و لو تری إذ فزعوا .. و قالوا ءامنا به

مرجع ضمیر <به>، به قرینه آیات پیشین که درباره قرآن بود می تواند قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳،۴

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند الله و کفرتم به و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

۴- ایمان و اعتقاد برخی از پیروان ادیان آسمانی به قرآن ، تأییدی بر حقانیت آن

إن کان من عند الله و کفرتم به و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله

ارزش ایمان اهل کتاب به قرآن و پیام آن برای دیگران، از آن جهت است که آنان با پیام وحی آشنا هستند و ایمانشان به قرآن، بر اساس آگاهی به پیام

و محتوای کتاب های آسمانی است. از این جهت می تواند برای دیگران دلیل و حجت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳،۶

۳- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تعبیر <لو کان خیرًا..>، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

۶- محرومان ، نخستین گروندگان به قرآن و پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

از لحن تحقیرآمیز <ما سبقونا> استفاده می شود که کافران، از طبقه اشراف و توده مؤمنان، از طبقات محروم و پایین جامعه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- ترویج دین و مبارزه با گمراهی ، از لوازم ایمان و پذیرش قرآن

یستمعون القرآن .. فلما قضی و لّوا إلی قومهم منذرین

عبارت <فلما قضی و لّوا.. منذرین> می رساند که پس از فهم پیام وحی و قبول آن، نوبت اقدام برای هدایت خلق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۲،۳،۷،۸

۲ - توصیه خداوند به کافران و منکران قیامت به ایمان به خدا ، پیامبر اسلام و قرآن

فامنوا باللّٰه و رسوله و النور الذی أنزلنا

بیشتر مفسران مقصود از <نور> در این آیه را

قرآن کریم می دانند.

۳- ایمان به خدا، پیامبر (ص) و قرآن، سه رکن اصلی عقاید اسلامی

فامنوا بالله ورسوله و النور الذي أنزلنا

۷- ایمان به خدا، پیامبر (ص) و قرآن، مستلزم عمل و رفتار متناسب با آن است.

فامنوا بالله .. و الله بما تعملون خبير

یادآوری آگاهی خداوند از رفتار انسان ها پس از توصیه به ایمان می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۸- ایمان به خدا، پیامبر (ص) و قرآن، تأثیرگذار در رفتار و کردار آدمی

فامنوا بالله .. والله بما تعملون خبير

از ارتباط میان توصیه به ایمان و یادآوری موضوع آگاهی خداوند از رفتارهای انسان ها، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۴

۴- ایمان گروهی از جن به قرآن، در مرحله آغازین نزول

إنا سمعنا قرءاناً عجباً . يهدى إلى الرشـد فامنا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۱

۱- برخی از افراد جن، به مجرد شنیدن آیات هدایت بخش قرآن، به آن ایمان آوردند.

و أنا لما سمعنا الهدى ءامنا به

مقصود از <الهدى> به قرینه آیه <قالوا إنا سمعنا قرءاناً عجباً . يهدى إلى الرشـد...> قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۲

۲ - جن ، وظیفه دار ایمان به قرآن و تسلیم در برابر تعالیم آن

و أَنَا مِّنَّا

ایمان به و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ لزوم ایمان به قرآن ، الهی بودن و پیراستگی آن از هر گونه باطل

و الذى أنزل إليك من ربك الحق و لكن أكثر الناس لا يؤمنون

بازی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱

۱- مشرکان ، نزول وحی و پیام جدید پروردگار (قرآن) را ، سرسری گرفته و بازی گرانه به آن گوش می سپارند .

ما یأتیهم من ذکر من ربهم .. و هم یلعبون

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <ذکر> هر نوع وحی و یا خصوص قرآن کریم است و جمله <و هم یلعبون> حال برای فاعل <استمعوه> می باشد؛ یعنی، آنان در حالی که به لعب و بازی مشغول اند به آیات الهی گوش می دهند و به طور جدی و شایسته آن را استماع نمی کنند.

باطن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ عن محمد بن منصور قال: سألت عبدا صالحا عن قول الله عز وجل: <قل إنما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن> قال: ان القرآن له ظهر و بطن فجميع ما حرم الله في القرآن هو الظاهر و الباطن من ذلك ائمه الجور . . .

محمد بن منصور گوید: از امام کاظم (ع) درباره آیه <قل إنما حرم .. > سؤال کردم فرمود: قرآن، دارای ظاهر و باطن است ؛ آنچه را خداوند در قرآن تحریم کرده

فاحشه آشکار و باطن آن، اطاعت از پیشوایان ستمگر است ...

برتری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن از نظر بینش و منطق، محیط و مسلط بر ادیان پیشین

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقْضَىٰ .. أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

پرداختن قرآن به تبیین حق در مشاجرات فکری بنی اسرائیل، می تواند برای نمایاندن منطق برتر خود باشد.

برخورد با مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۶

۶ لزوم سوق دادن یاوه گویان و مغالطه گران درباره قرآن و آیات الهی به بحثهای دیگر

الَّذِينَ يَخُوضُونَ .. فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ

برکت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۳

۳ قرآن کتابی گرانقدر و مبارک (فزاینده و رشد دهنده و دارای خیر فراوان) است.

و هذا كتب أنزل نه مبارک

<برکه> یعنی رشد و فزونی (لسان العرب) و <مبارک> چیزی است که در آن فزونی باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۲،۶

۲ قرآن کتابی فرخنده و دارای خیر و برکت فراوان

هذا كتب . . . مبارک

<مبارک> به چیزی و یا کسی که خیر بسیار از آن تراوش کند، گفته می شود.

۶ الهی بودن قرآن و پر برکت بودن آن دلیل لزوم پیروی از آن است.

هذا كتب أنزل نه مبارک فاتبعوه

حرف <فا> در <فاتبعوه> سببیه است. بنابراین دلالت می کند که حقایق

بیان شده در جمله قبل علت لزوم پیروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند

تبارک الذی نزل الفرقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۳

۳ - قرآن ، منبع خیر و برکت و موجب رشد و تعالی بشر

کتب أنزلنه إليك مبرک

<برکه> به معنای رشد و فزونی است و <مبارک> به چیزی گفته می شود که در آن رشد و فزونی باشد (مفردات راغب). مقصود از مبارک بودن قرآن این است که این کتاب، منبع خیر و برکت و مایه رشد و تعالی برای کسانی است که در آن تدبر کنند و درس بیاموزند.

برگزیدگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ انتخاب قرآن از میان کتب آسمانی ، برای داوری بین اهل کتاب ، وظیفه پیامبر (ص)

و انزلنا اليك الكتب .. مهيمناً عليه فاحكم بينهم بما أنزل الله

<فاء> در <فاحكم> پس از ذکر مهيمن بودن قرآن، بیانگر این است که مراد از <ما انزل الله> قرآن است.

برهان در تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۳

۳- آیات الهی و معارف قرآنی ، مبتنی بر دلیل و برهان است .

الذین یجدلون فی ءایت اللّٰه بغير سلطن اُتیهم

بسمله در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ -

۳ - پیامبر (ص)، مأمور آغاز قرائت قرآن، با نام خداوند

اقرأ باسم ربك

حرف <باء> در <باسم>، به حال محذوفی نظیر <مبتدأ> یا <مفتتحاً> تعلق دارد.

۴ - ذکر نام خداوند، از آداب شروع تلاوت قرآن

اقرأ باسم ربك

بشارت به پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پررب های الهی

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة و أجر كريم

بشارت به تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - بشارت به عالمان خداترس، تلاوتگر قرآن، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار، مبنی بر تجارتی از بین

نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إنما يخشى الله من عباده العلماء .. إن الذين يتلون كتب الله و أقاموا الصل

<بوار> (ریشه <لن تبور>) به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این

واژه در معنای <هلاک> به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

بشارت حفظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خداوند ، پیامبر (ص) را به حافظ قرآن شدن بشارت داده و به آن حضرت اطمینان داد که هرگز آن را فراموش نخواهد کرد .

فلاتنسی

بشارت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - قرآن ، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادت‌مندی آنان در دنیا و آخرت

و بشری للمؤمنین

<بشری> به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جا بودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک .. هدی و بشری للمؤمنین

عبارت <هدی و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۱

۱ - کتاب های آسمانی پیشین ، دربردارنده بشارت نزول قرآن

و إنه لفی زبر الأولین

<زبور> (مفرد <زُبُر>) به معنای کتاب است؛ یعنی، <و إنَّ خبر القرآن، أو خبر نزول القرآن علیک مذکور فی کتب الماضین من الأنبياء؛ بشارت قرآن یا بشارت نزول آن بر تو، در کتاب های پیامبران پیشین مذکور بوده است.>

بشارت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۶

۶ تورات ، حاوی بشارت به نزول قرآن

و من قبله کتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إِنَّا كُنَّا مِنْ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

بشارت‌های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷ قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک آیت الکتب .. أن أنذر الناس و بشر الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزلنا علیک الکتب .. و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۹

۹- قرآن و آیات آن ، دربردارنده هدایت و بشارت برای مسلمانان

و هدی و بشری للمسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۴

۴- قرآن ، بشارت دهنده به مؤمنان نیک کردار است .

و یشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۵

۵- قرآن ، بشارت دهنده مؤمنانِ نیک کردار ، به پاداشی شایسته و عظیم

و يبشّر المؤمنين الذين يعملون الصلح انّ لهم أجراً حسناً

نکره آوردن <أجراً> برای بیان عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۶،۷،۸

۶- بشارت به پرهیزگاران

و انذار دشمنان متعصب و سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقين و تنذر به قومًا لُدًّا

<لُدًّا> جمع <ألدًّا> است و <قومًا لُدًّا>؛ یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

۷- محتوای قرآن ، وسیله بشارت و انذار است .

فإنّما یسرّنه بلسانک لتبشّر . . و تنذر

۸- تقوا ، زمینه ساز برخورداری انسان از بشارت های قرآن و دستیابی به پاداش های الهی

لتبشّر به المتّقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۱،۲،۳

۱ - آیات قرآن ، آیاتی هدایتگر و بشارت دهنده

تلک ءایة القرءان . . هدی و بشری للمؤمنین

کلمه های <هدی> و <بشری> مصدر به معنای اسم فاعل (هادیه و مبشره) و حال برای <آیات> است.

۲ - تنها مؤمنان ، از هدایت ها و بشارت های قرآن بهره مندند .

هدی و بشری للمؤمنین

۳ - رهنمود ها و بشارت های قرآن ، خالی از ابهام و پیچیدگی و به دور از هر نقص و کاستی است .

و کتاب مبین . هدی و بشری

به کارگیری مصدر (هدی و بشری) به جای اسم فاعل (هادیه و مبشره) بیانگر پیراسته بودن برنامه های هدایتی و بشارت های قرآن از هرگونه نقص و کاستی است. قید <کتاب مبین> در آیه پیش نیز نشانگر خالی بودن آن از ابهام و پیچیدگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - < انذار و تبشیر > ، < بیم دادن و امیدبخشیدن > و < تشویق و تهدید > ، از روش های تربیتی قرآن

لهم من

فوقهم ظلل من النار .. ذلك يخوف الله به عباده ... لهم البشرى فبشر عبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۱،۲

۱ - آیات روشن قرآن ، بشارت دهنده و انذارکننده مردمان

کتب فصلت آیته ... بشیراً و نذیراً

۲ - بشارت و انذار ، دو پیام مهم و روشن آیات قرآن

کتب فصلت .. بشیراً و نذیراً

با توجه به این که قرآن در بردارنده مفاهیم مختلف معرفتی است، تخصیص به ذکر یافتن بشارت و انذار، نشان گر اهمیت و برجستگی آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۳،۱۴

۱۳- قرآن ، بیم دهنده به ستمکاران و بشارت دهنده به نیک کرداران

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

۱۴- انذار و تبشیر ، دو محور اصلی پیام های هدایتی قرآن

و هذا کتب .. لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

اصلی بودن دو محور بالا، از اختصاص به ذکر یافتن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۶

۶- یکتاپرستان استوار بر طریق حق ، همان محسنان مورد بشارت قرآن اند .

و بشری للمحسنین . إنّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقموا

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - هشدار و ترغیب، از روش های تربیتی و هدایتی قرآن

هو . . . أهل المغفره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است

که این سوره، با فرمان انذار و اخطار آغاز گردیده (قم فأنذر..). و با مغفرت و آمرزش الهی، خاتمه یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انذار در کنار یکدیگر، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. إنا أنذرناكم عذابًا قريبًا

بصیرت مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۶

۶ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را پذیرفته اند، عالم و بصیرند.

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

بلاغت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۵،۶

۵- قرآن، حجّت رسا و پیام بلیغ خدا برای بندگان است.

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمِ عَبْدِ مَن

۶- قرآن، در بیان مقاصد و اهداف خویش بلیغ و رسا است.

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمِ عَبْدِ مَن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴- قرآن، بهترین، گویاترین و شفاف ترین سخن برای پنددهی و درس آموزی

اللّٰهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ .. لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ . قَرَأْنَا عَرَبِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۴

۴ رسایی و بلاغت بیان ، از ابعاد عظمت قرآن

و الکتب المبین

از این که قرآن با وصف < کتاب مبین > مورد سوگند الهی قرار گرفته است، مطلب یاد شده استفاده

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۳

۳ - نزول قرآن ، با بیانی بلیغ و روشنگر برای همگان ، جلوه ای از عظمت الهی

و الکتب المبین . إنا أنزلناه فی لیلہ مبرکہ

از ارتباط دو آیه و نیز تکرار ضمیرهای متکلم مع الغیر که اشاره به عظمت الهی دارد می توان به مطلب بالا ره برد.

بندگان خدا و استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکروا بآیت ربهم لم یخزوا علیها صمًا و عمیًا

فعل <خز> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا- به پایین است (لسان العرب) و <صمًا> و <عمیًا> حال برای فاعل <یخزوا> است. گفتنی است فعل <لم یخزوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

بنی اسرائیل و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹، ۷، ۳، ۱

۱ - خداوند ، فراخوان بنی اسرائیل به تصدیق قرآن و ایمان به آن

بینی اسرائیل . .. و ءامنوا بما أنزلت

۳ - ایمان به قرآن و کافر نشدن به آن ، از عهد های خدا با بنی اسرائیل

.. و ءامنوا بما أنزلت

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند؛ یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱

۱ بسیاری از

بنی اسرائیل به پیامبر (ص) و قرآن ایمان نیاوردند و اعتقاد راسخی به خداوند نداشتند .

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه

برداشت فوق بنابر این احتمال است که مراد از <النبي> پیامبر اسلام(ص) باشد، در این صورت <ما انزل الیه> قرآن خواهد بود قابل ذکر است که بر این مبنا عدم ایمان نسبت به خداوند ایمان واقعی و نسبت به پیامبر و قرآن ایمان واقعی و ظاهری است. زیرا بنی اسرائیل ایمان به خداوند را اظهار می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبر اکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بآینت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقایق دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم(ص) باشد؛ که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بهانه جویی دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۱

۱ تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین كفروا لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

مجموعه اشیاى به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را <جمله> گویند. بنابراین <جمله> در آیه شریفه، به معنای <مجتمعا> (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

بهانه جویی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۶

کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربك صدقا و عدلا .. و هو السميع العليم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السمیع> با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

بهره مندان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۸

۱۸ تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف قرآن برخوردارند .

كذلك نفصل الأيت لقوم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۸

۸ - اهل دانش و آگاهی ، بهره مند از آیات و معارف قرآن اند .

تنزيل من الرحمن الرحيم . كتب فصلت آيته ... لقوم يعلمون

گرچه قرآن برای همگان نازل شده؛ اما از لام <لقوم> که برای انتفاع است استفاده می شود که تنها اهل دانش، شایستگی بهره گیری از قرآن را دارند.

بی اعتمادی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۲

۲ - بی اعتمادی به قرآن ، با وجود مصونیت آن در مراحل نزول ، دریافت و ابلاغ و اعتماد به غیر آن ، انتخاب بیراهه است .

فأین تذهبون

مفاد استفهام (کجا می روید؟) در آیه شریفه این است که جز این راه،

راه دیگری وجود ندارد. گفتنی است که در این گونه پرسش ها نوعی <تعجیز> نهفته است. حرف <فاء> این مفاد را بر اوصاف قرآن که آیات پیشین بیانگر آن بود تفریع کرده است.

بی اعتنایی به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أولم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرائیل

بی اعتنایی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱

۱- مشرکان ، نزول وحی و پیام جدید پروردگار (قرآن) را ، سرسری گرفته و بازی گرانه به آن گوش می سپارند .

ما یأتیهم من ذکر من ربهم .. و هم یلعبون

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <ذکر> هر نوع وحی و یا خصوص قرآن کریم است و جمله <و هم یلعبون> حال برای فاعل <استمعوه> می باشد؛ یعنی، آنان در حالی که به لعب و بازی مشغول اند به آیات الهی گوش می دهند و به طور جدی و شایسته آن را استماع نمی کنند.

بی اعتنایی به هشدارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۲

۲ - گروهی از مردم ، هشدارهای قرآن را نشنیده انگاشته و در برابر آن سر تعظیم فرود نمی آورند .

و إذا قرء علیهم القرآن لایسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - جدی نگرفتن هشدار های قرآن به معاد و شوخی قلمداد کردن آن ، دسیسه کافران در مقابله با آیین الهی

و ما هو بالهزل . إنهم يَكِيدُونَ كِيدًا

بی ایمانی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۱،۵

۱ اکثر مردم به قرآن و وحی الهی ، ایمان نمی آورند .

و ما أكثر الناس .. بمؤمنين

متعلق <مؤمنين> به قرینه آیه قبل (نوحیه إلیک) و نیز آیه بعد (إن هو ..) قرآن و وحی الهی است.

۵ غرور و خودپسندی مردمان ، از ریشه های ایمان نیاوردن آنان به پیامبر (ص) و قرآن *

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

آیه مورد بحث می تواند به عنوان یکی از نتایج نقل داستان یوسف و برادرانش مطرح باشد و در آن داستان بیان شد که یکی از علل برخورد برادران یوسف با وی غرور و خودبرتربینی آنان بود (و نحن عصبه) بنابراین <ما أكثر الناس> پس از نقل آن داستان اشاره به این معنا دارد که از علل ایمان نیاوردن مردم مکه به پیامبر(ص) غرور و خودبرتربینی ایشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۲

۲ کافران هیچ عذر و بهانه ای برای ایمان نیاوردن به قرآن و پیامبر (ص) نداشتند .

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين . و ما تسئلهم علیه من أجر

آیه ۱۰۲ عهده دار اثبات حقایق قرآن در رسالت پیامبر(ص) بود و آیه ۱۰۳ اشاره به این معنا داشت که قرآن و تعالیم وحی

به واسطه پیامبر(ص) به مردم ابلاغ شد. آیه مورد بحث بیانگر این است که هیچ هزینه ای از آنان مطالبه نشد؛ یعنی، راه هر عذر و بهانه ای برای ایمان نیاوردن کافران مسدود بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۲، ۱۳، ۱۴

۱۲ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند و حقانیت کامل آن را باور نمی کنند .

و الذی أنزل إليك من ربك الحق ولكن أكثر الناس لا يؤمنون

متعلق <لایؤمنون> مطالبی است که از جمله <والذی أنزل ..> معلوم می شود ، از جمله آنهاست قرآن و کمال آن در حق بودن.

۱۳ بیشتر مردم به الهی بودن قرآن و نزولش از ناحیه خداوند ایمان نمی آورند .

الذی .. من ربك الحق ولكن أكثر الناس لا يؤمنون

از حقایقی که جمله <الذی أنزل ..> گویای آن است الهی بودن قرآن می باشد (من ربك). از این رو این حقیقت نیز متعلق <لایؤمنون> می باشد؛ یعنی: <لایؤمنون بأن القرآن من ربك>.

۱۴ ایمان نیاوردن همه و یا اکثر مردم به قرآن خلاف انتظار است .

و الذی أنزل إليك من ربك الحق ولكن أكثر الناس لا يؤمنون

برداشت فوق با توجه به کلمه <لکن> که برای استدراک است استفاده می شود. گویا مخاطب پس از شنیدن این حقیقت که قرآن تنها کتاب سراسر حق است چنین می اندیشد و انتظار دارد که عموم مردم به آن ایمان آورند. کلمه <لکن> برای برطرف کردن این اندیشه بیان می کند که: چنین نشد، بلکه اکثر ایمان نیاوردند.

بی ایمانی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۳

۳ - ایمان نیاوردن تکذیب گران به قرآن ، امری شگفت آور است .

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

بی تأثیری توطئه علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ توطئه و نیرنگ علیه قرآن ، تلاشی مذبحانه بوده و نیرنگ بازان پیش از به ثمر رساندن توطئه های خود ، در دام مکر (عذاب) خدا گرفتار خواهند شد .

إذا لهم مکر فی آیاتنا قل الله أسرع مکرأ

بی توجهی مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، به پیامد کلام گمراه گر خود توجه ندارند .

قالوا أسطر الأولین .. و من أوزار الذین یضلونهم بغیر علم

بی عقلی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۹

۹ ناباوران به حقایق قرآن و الهی بودن آن ، از خردمندی بی بهره اند .

أفمن یعلم .. کمن هو أعمی إنما یتذکر أولوا الألب

بی منطقی تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۹

۹ - موضع گیری علیه قرآن ، به بهانه بی سابقه بودن نزول کتاب از سوی خدا یا بی سابقه بودن پیام های آن امری بی اساس و غیر قابل پذیرش

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶

۲- موضع گیری کافران در قبال قرآن ، بی کمترین تأمل و توجه به امکان حقانیت آن

قل أراءيتم إن كان من عند الله و كفرتم به

خداوند با تعبیر <أراءيتم .. >، به منکران قرآن تذکر داده است که به هنگام موضع گیری علیه قرآن، به احتمال حقانیت آن بیندیشند و به این که اگر قرآن از ناحیه خداوند باشد، کفر آنان چه عواقبی برای آنان در پی خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۱

۱ - پندار دروغ بودن قرآن ، پنداری موهوم و از اندیشه های باطل کافران است .

فی تکذیب .. بل هو قرءان مجید

حرف <بل>، اضراب از قبل است و اندیشه تکذیب گرانه کافران را تخطئه می کند.

بی منطقی مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۶

۶ - مخالفت با قرآن ، با احتمال نزول آن از سوی خداوند ، امری به دور از عقل و خرد

قل أراءيتم إن كان من عند الله

بنا بر این که مراد از <أراءيتم> تفکر و تعقل باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

بی منطقی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۵

۵ - سستی عقاید مشرکان و ناتوانی آنان از برخورد منطقی با تعالیم قرآن

بل عجبت و یسخرن

توسل مشرکان به تمسخر در برابر تعالیم قرآن و رسالت پیامبر اسلام (ص)، گویای حقیقت یاد شده است.

بی نظیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ هیچ مخلوقی ، توانایی آوردن کتابی همانند قرآن را ندارد .

و ما كان هذا القرآن أن يفتری من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۵،۶،۷

۵ تحدی و دعوت مشرکان از سوی پیامبر (ص) به آوردن سوره ای همانند سوره قرآن

أم يقولون افتريه قل فأتوا بسوره مثله

۶ ناتوانی بشر از آوردن سوره ای همانند یکی از سوره های قرآن ، نشانه بارز آسمانی بودن قرآن است .

قل فأتوا بسوره مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صدقین

۷ غیر خدا ، توانایی ساختن سوره ای همانند کوچکترین سوره قرآن را ندارد .

قل فأتوا بسوره مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱،۳

۱ انسان ها و معبود های دروغینشان ، ناتوان از آوردن ده سوره هم طراز قرآن

قل فأتوا بعشر سور مثله .. فإلم يستجیبوا لكم

ظاهر این است که خطاب در <لكم> و <اعملوا> به قرینه <فهل أنتم مسلمون> متوجه مشرکان باشد. براین اساس، ضمیر فاعلی در <يستجیبوا> به <من استطعتم> باز می گردد؛ یعنی، [ای پیامبر! به مشرکان بگو: اگر کسی و از جمله معبودهایتان، برای آوردن همانند قرآن - به خاطر عجزشان دعوت شما را اجابت نکردند ...

۳ خودداری عاجزانه مخالفان دین از آوردن همانند برای قرآن ، نشانه و برهانی روشن بر الهی بودن قرآن و ابتدای آن بر علم خداست .

فإلم يستجیبوا لكم

فاعلموا أنما أنزل بعلم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۵

۵- اعتراف ضمنی مخالفان پیامبر (ص) به اینکه هیچ یک از عرب ها قدرت ارائه مطالبی مانند قرآن را ندارند .

و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلمه بشر لسان الذي يلحدون إليه أعجمي

با توجه به اینکه آنان قرآن را آموزه افراد عجمی دانسته و می گفتند: پیامبر(ص) نزد آنان این مطالب را فرا گرفته است، روشن می شود که آنان مطالب قرآن را بسی فراتر از آنچه در توان خودشان هست، می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۳، ۵، ۳

۳- قرآن ، حاوی حقایق ، آموزه ها و معارفی است که انس و جن هرگز توان دست یافتن به آن حقایق را ، بدون وحی پیدا نخواهند کرد .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون .. . ظهیرًا

ناتوانی انسانها و جنیان از آوردن همانندی برای قرآن، مطلق است و شامل معارف و آموزه های آن نیز می شود.

۵- قرآن ، معجزه جاودان الهی که همواره کتابی بی مانند بوده و تا ابد نیز بی همانند خواهد ماند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. . لایأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرًا

از اینکه آیه تصریح می کند هیچ انس و جنی توان آوردن مانند قرآن را ندارد، به دست می آید که قرآن، همواره کتابی بی مانند خواهد ماند.

۱۳- عدم امکان آوردن کتابی همانند قرآن ، خود دلیلی قاطع بر الهی بودن و بشری نبودن

آن است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. لا يأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۵

۵- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی مانندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. وقالوا لن نؤمن لك

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی مانند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را نقل می کند، می تواند به نکته فوق اشعار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ - بشر ، ناتوان از ارائه کتابی برتر و هدایت کننده تر از قرآن و تورات

قل فأتوا بكتب .. هو أهدى ... إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۴

۴- ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن

تنزیل الكتب من الله العزيز

از ارتباط میان <تنزیل الكتاب> با وصف <العزيز> نوعی تحدی استفاده می شود طرح عزت و شکست ناپذیری خداوند در زمینه نزول قرآن در ابعاد مختلفی تصویر می شود و از جمله در بعد محتوایی و لفظی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۲،۳،۴

۲ - پیام قرآن ، پیامی نو و بی نظیر برای همیشه تاریخ

فلیأتوا بحدیث

در واژه <حدیث>، نوین بودن پیام قرآن نهفته است. <تحدی> قرآن، برای همیشه تاریخ است و بی نظیر ماندن آن نیز همیشگی خواهد بود.

۳ - بشر، ناتوان از

آوردن سخنی نو و پرتراوت چون قرآن

فلیأتوا بحديث مثله

امر در <فلیأتوا> برای تعجیز و بیان ناتوانی بشر از آوردن سخنی مانند قرآن است.

۴- عجز آدمیان از آوردن سخنی همچون قرآن، برترین گواه بر الهی بودن آن

فلیأتوا بحديث مثله إن كانوا صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۳

۳- قرآن، کتابی بی نظیر، جدید و بی سابقه در فرهنگ بشری

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

<حديث>، به خبر تازه و نو گفته می شود و <هذا الحديث> یا اشاره به قرآن دارد و یا مراد از آن خبر قیامت است. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۳

۳- قرآن، کتابی بی نظیر و دارای مطالبی نو و بی سابقه

الحديث

<حديث> به معنای شیء جدید و نوپیدا است. به کار رفتن این تعبیر درباره قرآن، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

بیماری محرومان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۸

۸- اعراض از خدا در حال رفاه، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها، بیماری محرومان از هدایت قرآن است.

و ننزل .. شفاء و رحمه للمؤمنين و لا يزيد الظلمين إلا خسارًا . و إذا أنعمنا ع

بينات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۴،۵

۴ - قرآن ، متضمن آيات و دلايلی روشن بر حقانيت خود و رسالت پیامبر

و لقد أنزلنا إليك آيات بينت

مقصود از <آیات> می تواند آیات قرآنی باشد و می تواند معجزات و دلایلی باشد که بر صداقت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن دلالت دارد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۱ ، ۱۰

۱۰ - قرآن ، حاوی دلایلی روشن و فراوان برای رهنمون ساختن انسان ها به هدایت های ویژه و مراحل والای هدایت

الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس و بینت من الهدی

<بینه> به معنای دلیل و روشن و آشکار است و جمع آوردن آن دلالت بر کثرت دارد. از معرفه بودن <الهدی> در <بینات من الهدی> چنین بر می آید که مراد، هدایت‌هایی خاص است.

۱۱ - قرآن ، حاوی رهنمود ها و دلایلی روشن جهت دستیابی به میزانی برای تمییز حق از باطل

الذی أنزل فیہ القرآن .. بینت من الهدی و الفرقان

<فرقان> به چیزی گفته می شود که به وسیله آن می توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمییز داد.

پاداش انس با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب الله .. لیوفیهم أجورهم

پاداش ایمان به قرآن

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا .. أن لهم جنت تجرى من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

پاداش پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشره بمغفره و أجر كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا بالله و اعتصموا .. یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

پاداش تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب الله .. لیوفیهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- قرائت قرآن ، دارای منافع بسیار و تضمین شده از سوی خداوند

اقرأ وربك الأكرم

توصیف خداوند به < کریم ترین > پس از امر به قرائت بیانگر تأثیر آن در فراهم آمدن

زمینه کرامت و احسان خداوند است.

پاداش وارثان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۳

۳ - پیشگامان در انجام کارهای خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنت عدن یدخلونها

پاسخ مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، وظیفه دار پاسخ گویی به اتهامات مشرکان مبنی بر ساختگی بودن قرآن با روشن کردن حقیقت وحی

إنما أنت مفتر .. قل نزله روح القدس من ربك

پاسداران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ قرآن کریم در حصار حفاظت و مراقبت فرشتگان الهی

إذا لهم مكر في آياتنا قل الله أسرع مكرًا إن رسلنا يكتبون ما تمكرون

به قرینه مقام می توان گفت که: خداوند برای جاودان ماندن قرآن و مصونیت آن از هر گونه اقدامهای شیطانی انسانهای کفرپیشه و ضد دین، فرشتگانی را مأمور حفاظت و مراقبت از آن کرده است و مراد از <رسل> در <إن رسلنا یکتبون ما تمکرون> همین دسته از فرشتگان می باشد.

پاکی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قرآن ، گفتاری است پاک و پسندیده .

الطَّيِّبُ مِنَ الْقَوْلِ

پشیمانی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یَلِيتُنَا

نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا...> و <ضل عنهم...> به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل...> یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

پوچی افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۲

۱۲- ادعای اسطوره ای بودن قرآن ، جاهلانه و به دور از مبانی علمی است .

قالوا أسطر الأولین .. یضلونهم بغیر علم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <بغیر> حال برای ضمیر فاعلی <یضلون> باشد و از آن جایی که مایه اضلال، اسطوره خواندن قرآن بوده است، معلوم می شود که آن ادعا عالمانه نبوده است.

پوچی تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۲

۲ - افسانه پنداشتن قرآن ، پنداری واهی و سزاوار پرهیز است .

قال أسطیر الأولین . کلاً ... کلاً

حرف <کلاً> در این آیه، می تواند تأکید <کلاً> در آیه قبل باشد.

پیروزی بر قرآن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا .. لعلکم تغلبون

پیروزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۹

۹ - پیروزمندی تفکر قرآنی ، در صحنه رویارویی با اندیشه های بشری

و اِنَّه لکتب عزیز

پیروی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۳

۳ همگان باید از قرآن پیروی کنند و از مخالفت با آن پرهیز کنند.

فاتبعوه و اتقوا

متعلق <اتقوا> هم می تواند <مخالفت با قرآن> باشد و هم می تواند <پیروی از قوانین غیر قرآنی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۷

۷ معارف ، احکام و قوانین قرآن ، حقایقی عالمانه ، سزاوار و بایسته پذیرش و پیروی است .

و كذلك أنزلنه حکماً عربیاً .. بعد ما جاءک من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) موظف به پیروی دقیق از قرآن *

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ . . . وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ

واژه <أتلوا> می تواند از مصدر <تَلَوُا> (تبعیت و پیروی) مشتق شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) پیش از هر کس ، موظف به پیروی از قرآن و

عمل کردن به دستورات آن بود .

إِنَّ الذی فرض علیک القرآن

<فَرَضَ> (مصدر <فَرَضَ>) به معنای واجب کردن است. بنابراین <فرض علیک القرآن>؛ یعنی، <قرآن را بر تو واجب فرمود>. واجب شدن قرآن بر پیامبر(ص) می تواند به این معنا باشد که عمل کردن به دستورات آن نخست بر خود آن حضرت واجب می باشد و سپس بر دیگران. هم چنین می تواند به این معنا باشد که پیامبر(ص) وظیفه دارد قرآن را بر مردم تلاوت کند و پیام آن را به مردم ابلاغ نماید. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۶

۶ - لزوم پیروی از تعالیم قرآن

إِنَّمَا تَنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ

برداشت یاد شده، از آمدن قید <اتَّبَعَ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۹

۹ - روی آوردن به قرآن و عمل به تعالیم آن ، پس از آمدن عذاب بی فایده است .

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ .. من قبل أن يأتيكم العذاب بغته

از این که خداوند فرمود: پیش از آمدن عذاب به تعالیم قرآن عمل کنید، روشن می شود که با آمدن عذاب، این کار بی فایده خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳ - برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از

آن پیروی می کنند .

أو تقول حين ترى العذاب لو أن لي كثره فأكون من المحسنين

پیشگویی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۲

۲ - ناتوانی انسان ها از آوردن همانند برای قرآن ، از پیشگویی های قرآن است .

و لن تفعلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قيل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست؛ بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۶

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۹

۱۹ - سرکوبی کفرپیشگان مسلط بر مساجد عصر بعثت و گرفتار شدنشان به خواری و ذلت، از اخبار غیبی

قرآن و از نوید های خدا به مسلمانان

لهم فی الدنيا خزی

چنانچه گذشت، آیه شریفه اشاره به قضایای صدر اسلام و بازداری مسلمانان از ورود به مسجد الحرام و مانند آن دارد . با توجه به این حقیقت، جمله <لهم فی الدنيا خزی> نویدی است به مسلمانان که کفرپیشگان مانع از ورود به مساجد، به خواری و ذلت گرفتار خواهند شد، که به مناسبت مورد، مقصود از خواری و ذلت، کوتاه شدن دست آنان از مساجد اسلامی و سیطره مسلمانان بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۶

۶ - پیشگویی قرآن از موضعگیری مخالفان اسلام درباره تغییر قبله

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۷

۷ خبر غیبی قرآن از شکست قریب الوقوع یهود عصر پیامبر (ص)

قل للذین كفروا ستغلبون

بنابراینکه منظور از <للذین كفروا>، یهودیان باشند؛ چنانچه در شأن نزول آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ وعده خداوند به عیسی (ع) در مورد غلبه پیروان راستین آن حضرت بر کافران (یهودیان) تا قیامت

و جعل الذين اتبعوك فوق الذين كفروا الى يوم القيمة

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۱

۱ پیشگویی خداوند به اینکه نصارای نجران، دعوت به مباحله را نمی پذیرند . *

فقل تعالوا ندع .. فان تولّوا فانّ الله علیم بالمفسدین

ظاهراً جمله <فان تولّوا .. >، اشاره به این است که مسیحیان، دعوت به مباحله را نمی پذیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۵

۵ پیشگویی قرآن در عجز اهل کتاب، از ضرر رسانیدن به مسلمانان و شکست و فرار آنان در پیکار با مسلمانان

لن یضروکم إلیّ اذی و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۳

۳ پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و کذب به قومک و هو الحق

از معانی حق، <ثابت> و <واجب> است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر <به>، <عذاب> در آیه قبل باشد، جمله <و هو الحق> تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته

را به وضوح تأیید کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۴

۴ پیشگویی قرآن از تمسک مشرکان در آینده به جبر برای توجیه عقاید و عملکرد خویش

سيقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم يستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۸

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت كلمه ربك لأملأن جهنم من الجنه والناس

<تمت> یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران بر آنند که مقصود از <کلمه ربك> که با جمله <لأملأن...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأن جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين> حق این است و من جز

حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه .. حتى يأتي وعد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱،۲

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلكه في قلوب المجرمين . لا يؤمنون به ... و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء

۲- مجرمان هدایت ناپذیر ، در صورت گشوده شدن دری از آسمان و راه یافتن آنان به آنجا جهت مشاهده حقایق ، باز ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلكه في قلوب المجرمين . لا يؤمنون به ... و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظّلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم

بندی می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۵

۵- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسيقولون من يعيدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۳

۱۳- هیچ گاه میان کافران و مسلمانان ، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد .

و إن كادوا ليفتنونك عن الذي أوحينا إليك .. و إذا لاتخذوك خليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۹ - ۳

۳- از پیدایش درگیری های داخل میان یاجوج و مأجوج ، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است . *

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء .. و تركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض

بدان احتمال که ضمیر در <بعضهم> به یاجوج و مأجوج بازگردد/ یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۹

۹- قرآن پیشاپیش از سرخوردگی سریع مشرکان و ناکامی آنان در رسیدن به آرزوی عزّت و ثروت ، و ضدّیت آنان با معبود های موهوم خویش ، خبر داده است .

سيفرون بعبادتهم و يكونون عليهم ضدًا

قرینه ای وجود ندارد که موجب انصراف آیه به وضعیت قیامت مشرکان باشد؛ بنابراین بعید نیست مراد آیه، اخبار از آینده نزدیک مشرکان مکه

و روگردانی آنان از شرک و بت پرستی باشد. در این برداشت، ضمیر فاعلی <سیکفرون> و <یکونون> به مشرکان بازگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۵

۵- پیشگویی قرآن، مبنی بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماءمنت قبلهم .. أفهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۵

۵- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفاین مت فهم الخلدون

همزه در <أفاین> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر(ص)) <بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید؛ بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۴

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یاجوج و ماجوج در سراسر زمین در آینده

حتی إذا فتحت یاجوج و ماجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یاجوج و ماجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست؛ بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۱

پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض و لیمكنن لهم

پیشگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۳

۳ بازگویی گزارشات غیبی ، جلوه ای از اعجاز قرآن

ذلك من انباء الغیب نوحیه الیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸،۹

۸ اخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معکم

۹ اخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سیحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معکم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این صورت، اخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۵

۵ اخبار خداوند به عزم قطعی برخی افراد (منافقان) بر تخلف از جنگ تبوک (حتی در صورت عدم دریافت اذن از پیامبر)
(ص)

و سیحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا .. لم أذنت لهم حتی یتبین لك الذین صدقوا و ت

از اظهار ناتوانی منافقان برای جهاد و تذکر خداوند به دروغ بودن این اظهار، استفاده می شود که آنان تصمیم بر تخلف از

جنگ داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵

۴ خداوند از توجیه گری های آینده منافقان نسبت به عملکرد خائنانه شان پرده برداشت .

و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۳۰

۳۰ إخبار خداوند ، از رسوایی و فضاحت نهایی منافقان صدر اسلام در جامعه و منزوی شدن آنان

و ما لهم فی الأرض من ولی و لانصیر

با توجه به اینکه آیه، إخبار از آینده است و نیز واژه <فی الأرض> می تواند به همین زندگی دنیوی اشاره داشته باشد، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱

۱ خبر دادن خداوند از امکان اجازه خواستن منافقان متخلف از جنگ ، برای شرکت جستن در جنگ های آینده

فإن رجعتك الله إلى طائفه منهم فاستذنوك للخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۹،۹

۱ إخبار خداوند از اقدام توانمندان متخلف از جهاد ، به عذرتراشی پس از بازگشت مؤمنان از جنگ تبوک

يعتذرون إليكم إذا رجعتم إليهم

۹ إخبار خداوند به بی اساس بودن عذرتراشی متخلفان از جنگ تبوک به دلیل ادامه داشتن کجروی ها و تخلفات آنان در آینده

قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم ... و سیری الله عملکم

جمله <سیری الله ...> می تواند بیانگر علت عدم پذیرش عذر متخلفان باشد ، یعنی، عملکرد خلاف اینان در آینده، خود

بهترین گواه بر نادرستی معذرت جویی آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- اخبار خداوند به تحقق بدخواهی های بادیه نشینان در مورد خودشان و نه پیامبر (ص) و مؤمنان

یتخذ ما ینفق مغرماً و یتربص بکم الدوائر علیهم دائره السوء

برداشت فوق بدان احتمال است که جمله <علیهم دائره السوء> در مقام اخبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲- کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۱

۱۱- اخبار خداوند به آشکار شدن حقانیت اسلام ، برای کافران صدراسلام در آینده

ربما یوّد الذین کفروا .. فسوف یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول و متعلق علم در <یعلمون> حقانیت اسلام باشد که مورد انکار آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۶

۶- پیشگویی قرآن درباره اختراع وسایل پیشرفته و جدید برای حمل و نقل ، مسافرت و سایر وسایل آسایشی و رفاهی انسان

و الأنعم خلقها لکم فیها دفء و منفع .. و لکم فیها جمال ... لتركبوا و زینه و

متعلق <یخلق> نامعلوم و فواید آن محذوف است، ولی با توجه به فوایدی که برای اشیای خلق شده ذکر کرده، می توان حدس زد که فواید مخلوقهای جدید نیز در راستای بهرهوری انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ایمان نیاوردن عرب به قرآن و پیامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردی غیر عرب و با زبان غیر عربی

و لو نزلناه .. ما كانوا به مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۵، ۳

۳ - تردید و ناباوری نسبت به آیات الهی ، مشکل مجموعه های آینده بشری

أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

۵ - آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول عليهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۸

۸ - خداوند ، از ماندگاری قرآن در میان مردم و خواننده شدن اش بر آنان ، خبر داده است .

أنا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم

فعل مضارع <یتلی> دلالت بر استمرار می کند و تعیین نشدن فاعل آن نیز، نکته یاد شده را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن ، درباره پیروزی قریب الوقوع رومیان شکست خورده بر ایرانیان پیروز

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیشگویی قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان فاتح ، در خلال زمانی اندک (سه تا ده سال)

فی بضع سنین

کلمه <بضع> بر عددی اطلاق می شود که از سه بالاتر و از ده کمتر باشد (لسان العرب).

۵ - قرآن از برانگیخته شدن احساسات شادمانه مؤمنان

صدر اسلام در روز پیروزی رومیان بر ایرانیان ، خبر داده است .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . . و یومئذ یفرح المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باوراند که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه

وعده ها و وعیدهای قرآن است؛ اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۲،۱۲

۲ - پیشگویی قرآن نسبت به مصونیت آن از تحریف در طول تاریخ

لایاتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

مراد از <من بین یدیه> زمان نزول قرآن و از <من خلفه> زمان آینده است.

۱۲ - < فی المجمع : فی قوله تعالی < لایاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه > ، قیل فیہ أقوال : . . . ثالثها : معناه أنه لیس فی أخباره عمّا مضی باطل و لا فی أخباره عما یکون فی المستقبل باطل بل إخباره کلّها موافقه لمخبراتها . و هو المروری عن أبی جعفر و عن أبی عبدالله (ع) . . . ;

در مجمع البیان در مورد قول خدا <لایاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه> آمده است: اقوالی در تفسیر این آیه گفته شده که سوم آن این است: در خبر دادن قرآن از آنچه گذشته و از آنچه در آینده خواهد آمد، هیچ باطلی نیست؛ بلکه خبرهای قرآن همه مطابق با واقع است و این معنا از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۸

۸ - پیش بینی قرآن ، از ساخت و حرکت کشتی های کوه پیکر در اقیانوس ها *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

بنابراین که در عصر نزول، کشتی های کوه پیکر هنوز ساخته نشده بود،

آیه شریفه می تواند نظر به آینده کشتی سازی بشر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۱

۱- تهدید شدن کافران سست اندیش و بیهوده گرا، به فرجامی سخت و جانکاه

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

تعبیر <بدخان مبین>، می تواند حکایت از عذاب دنیوی و نیز سختی های صحنه قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۱

۱- پیشگویی خداوند، از درد و رنج فراگیر مردم مکه هنگام گرفتاری آنان به عذاب الهی در دنیا

یغشی الناس هذا عذاب أليم

چنانچه این آیات در مورد عذاب دنیوی باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۵ - ۲

۲- اخبار خداوند از رفع محدود عذاب دنیوی مشرکان مکه و بازگشت دوباره آنان به کفر و شرک

إنا كاشفوا العذاب قليلاً إنكم عائدون

برداشت یادشده بر این اساس است که عذابی که در آیات پیشین از آن یاد شده، عذاب دنیوی باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: ما عذاب دنیوی را برای زمانی اندک خواهیم داشت؛ یعنی، در دنیا که اصولاً مجالی اندک است عذاب را از شما برمی داریم؛ اما انتقام به قیامت موکول خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۲

۲ - پیشگویی خداوند، از حقارت و ذلت سران مشرک مکه در دنیا *

لهم عذاب مهين . من ورائهم جهنم

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر >لهم عذاب

مهین < ناظر به دنیا و >من وراثهم.. > ناظر به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشیِ عناصر سست ایمان منافق ، در صورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

برداشت بالا- بنا بر این نکته است که <تولیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طرفه می روند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و صدّوا .. و شاقّوا ... من بعد ما تبین لهم الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلفون من الأعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱،۱۱

۱ - اخبار خداوند ، از مواضع بعدی متخلفان از سفر حدیبیه ، در قبال مسؤولیت های جهادی

سیقول المخلفون

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ .. قل لن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

<لن تَتَّبِعُونَا> ممكن

است در مقام انشا نباشد؛ بلکه اخبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۲،۷

۲ - اخبار الهی از نبرد قریب الوقوع مسلمانان با دشمنی نیرومند، پس از جنگ خیبر

قل للمخلفین من الأعراب ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد

۷ - اخبار از حوادث و رخداد های آینده، جلوه ای از اعجاز قرآن

إذا انطلقتم إلى مغنم لتأخذوها .. كذلكم قال الله من قبل ... قل للمخلفین من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱،۱۶

۱ - بشارت خدا به مسلمانان حاضر در حدیبیه، مبنی بر برخورداری آنان از غنائم فراوان در آینده

وعدكم الله مغنم كثيره تأخذونها

۱۶ - تحقق پیشگویی اعجاز آمیز خداوند، از پیروزی های آینده مؤمنان، زمینه ساز هدایت ایشان به صراط مستقیم

وعدكم ... و لتكون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

<آیه> به معنای معجزه است؛ زیرا در پیشگویی قطعی از آینده، اعجاز نهفته است. مقدمه قرار گرفتن این معجزه برای هدایت مؤمنان را، می توان از تقدم <آیه> بر <یهدیکم> استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۲

۲ - اخبار خداوند، از دستیابی مسلمانان به پیروزی های بزرگ و فراتر از توان به کار گرفته شده از سوی آنان در فتح خیبر

و آخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیات شریفه، در محدوده صلح حدیبیه و جنگ خیبر نازل شده است؛ تعبیر <لم تقدروا> می رساند که مؤمنان غنائمی در پیش دارند که اکنون توان

دستیابی به آن را ندارند؛ یعنی، به دست آوردن آن غنایم، نیازمند توانی بیش از این است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۶

۶- اعجاز قرآن، در پیشگویی ورود حتمی مسلمانان به مسجدالحرام همراه با آرامش و امنیت

لتدخلنَّ المسجد الحرام .. ءامنين

با توجه به این که رؤیای پیامبر(ص) و وعده خداوند، دو سال پس از حدیبیه به کامل ترین صورت تحقق یافت؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۳

۳- اخبار خداوند، از شکست قریب الوقوع جماعت شرک پیشه در جنگ بدر

سیهزم الجمع و یولون الدبر

با توجه به تطبیق این آیه بر جنگ بدر در آرای مفسران و با توجه به این که آیات یاد شده مکی است و جنگ بدر نخستین مرحله انهزام مشرکان بوده است؛ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۴

۴- خبر دادن خداوند، از وجود رویارویی مجدد مسلمانان و یهود (پس از غزوه بنی نضیر)

أخرج الذين كفروا... لأول الحشر

قید <لأول>.. این پیام را در بر دارد که برای این تجمع و برخورد، موارد دیگری نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۱،۶

۱- خبر دادن خداوند، به همگام نشدن منافقان با یهود بنی نضیر در مسیر تبعید آنان

لئن أخرجوا لا يخرجون معهم

٦ - خبر دادن خداوند ، از

شکست حتمی یهود و برخوردار نشدن آنان از هیچ امداد

ثمّ لاینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۴

۴ - خبر دادن خداوند از درگیری های آینده کافران (یهود) با مؤمنان ، از درون دژ ها و از پس دیوار های بلند

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه أو من وراء جدر

با توجه به معنای مضارع (یقاتلون)، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۲ - ۹

۹ - اخبار خداوند از سر و سرّ منافقان با یهود بنی نضیر ، نمودی از علم وی به غیب و شهود

علم الغیب و الشّهده

با توجه به این که بخش قابل توجهی از سوره درباره غزوه بنی نضیر می باشد، آیات پایانی می تواند نظر به مطالب یاد شده، از جمله رابطه منافقان و یهود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۴

۴ - اخبار ضمنی خداوند ، از فتح مکه به دست مسلمانان *

عسی الله .. مودّه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این مودّت، عملاً با فتح مکه تحقق یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تاریخ آینده بشر ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله .. لیظهره علی الدین کلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۳ - ۲

- تاریخ آینده بشریت ، شاهد برانگیخته شدن مردانی بزرگ برای هدایت خلق و زنده نگه داشتن اسلام و قرآن

یتلوا علیهم آیته . . . و آخرین منهم لَمَّا یلحقوا بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخراطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه در صدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلت بار کافران در جنگ های آتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ - هشدار خداوند ، به ظهور جمعیتی منافق در آینده نزدیک ، در میان جامعه اسلامی

و ليقول الذين في قلوبهم مرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از بیمار دلان، منافقان اند؛ چنان که در آیه ۱۰ از سوره <بقره> بدان تصریح شده است. از آن جایی که این سوره مکی است و در مکه گروه منافقان به وجود نیامده بودند، از این رو آیه شریفه هشدار به پیدایش چنین جمعیتی، در آینده ای نزدیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۱

۱۱ - وجود خبر های غیبی و پیشگویی از آینده ، در قرآن

فلاتنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۵

۵- قرآن پیشاپیش ، رهایی پیامبر (ص) را از روی گردانی و خشم خداوند تا پایان عمر آن حضرت ، خبر داده است .

و للأخره خیر لک

مراد از <آخرت> و <أولى> چه دنیا و آخرت باشد و چه آغاز و فرجام زندگانی دنیوی پیامبر(ص) چنانچه برخی از مفسران احتمال داده اند آیه شریفه سلامت کامل پیامبر(ص) را، از هرگونه انحراف که به خشم خداوند بینجامد، پیشگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۱

۱ - لرزشی شدید در آینده، تمام زمین را فراخواهد گرفت .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

اضافه <زلزال> به ضمیر <الأرض>، بیانگر شدت آن است زیرا از طرفی آن را به تمام زمین ارتباط می دهد و از طرفی دیگر، به این نکته اشاره دارد که ابعاد آن حادثه، به قدری بزرگ است که ویژگی های آن را نمی توان بر شمرد بلکه در بیان آن تنها باید گفت: <زلزله زمین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۸

۸ - شکست خوردن ابولهب و بی ثمر بودن تلاش های او در برابر اسلام، از پیشگویی های قرآن

تبت يدا ابي لهب و تب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۵

۵ - گرایش نیافتن ابولهب به اسلام تا آخر عمر، از پیشگویی های قرآن

سيصلى نارًا ذات لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - کافر ماندن همسر ابولهب تا آخر عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارًا .. و امرأته حمّاله الحطب

پیوستگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- اسلام و معارف و آموزه های قرآن ، مجموعه ای به هم پیوسته ، مرتبط و غیر قابل تفکیک و التقاط

المقتسمین. الذین جعلوا القرآن عضین

تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۳

۳ - وحشت کافران مکه ، از تأثیر شگفت قرآن و پیام وحی در شنوندگان

لا تسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه

تأثیر قرآن در اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۸،۱۱

۸ - تأثیر عمیق و لرزه انداز قرآن ، بر اهل خشیت و خداترسان

کتباً .. تقشعراً منه جلود الذین یخشون ربهم

۱۱ - تأثیر آرامش بخش و سرور آفرین قرآن ، در اهل خشیت و خداترسان

ثم تلین جلودهم و قلوبهم إلى ذکر الله

نرم شدن پوست ها و قلب ها (تلین جلودهم و قلوبهم)، کنایه از آرامش یافتن و سرور است. این مطلب در مقابل ترس و ناراحتی است که موجب لرزش پوست ها (اندام) و اضطراب دل ها می باشد.

تأثیر قرآن در مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۳

۳- قرآن ، دارای تأثیری شگرف در میان مردم عصر نزول

قالوا هذا سحر

این که مشرکان قرآن را سحر می خواندند، نشانگر تأثیر عمیق آن است.

تأثیرپذیری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۹

۹- اثرپذیری عمیق و لرزه انداز قرآن ، نشانه وجود روح خشیت و خداترسی در انسان

کتابا .

.. تقشعّر منه جلود الذین یخشون ربّهم

وقتی تأثیرگذاری عمیق قرآن اختصاص به اهل خشیت داشته باشد (الذین یخشون ربّهم)، استفاده می شود که هر کس از قرآن تأثیرپذیرفت و به لرزه درآمده، اهل خشیت خواهد بود.

تأنی در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۲

۲- امکان بازخوانی همراه با تانی و آرامی قرآن بر مردم، فلسفه نزول تدریجی آن بر پیامبر (ص)

و قرءأنا فرقه لتقرأه علی الناس علی مکث

<مکث> در لغت به معنای درنگ و تأمل است (لسان العرب).

تأویل قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۲، ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵

۱۵ عدم جواز فتنه جویی و تأویل نادرست از قرآن

فأما الذین فی قلوبهم زیغ .. ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

۱۶ منحرفین، به منظور تأویل محکّمات، متشابهات را دنبال می کنند.

فأما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

بنابراینکه ضمیر در <تأویله> ارجاع به <ام الكتاب> شود که عبارت است از آیات محکم.

۱۸ آیات قرآن، دارای تأویل است.

و ما یعلم تأویله الا الله

در معنای فوق، ضمیر <تأویله> ارجاع به قرآن شده است.

۱۹ منحرفان و کج اندیشان توان تأویل آیات قرآن را ندارند .

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأويله

در معنای فوق، ضمیر <تأويله> ارجاع به قرآن شده است.

۲۱ تأویل قرآن ، مختص به خدا و راسخین در علم (عالمان ژرفنگر) است .

و ما يعلم تأويله إلا الله و

بنابراینکه <الراسخون> عطف بر <الله> باشد. برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در تفسیر آیه فرمود:
<وما يعلم تأويله ... > یعنی تأویل القرآن كله الا الله والراسخون في العلم.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۱۳.

۲۲ قرآن، مشتمل بر تأویلهایی (معارفی) کشف نشده که علم آن تنها در نزد خداوند است.

و ما يعلم تأويله الا الله

۲۳ تنها خداوند، تأویل آیات قرآن را می داند.

و ما يعلم تأويله الا الله

بنابراینکه <واو> در <والراسخون>، مستأنفه باشد؛ نه عطف بر <الله>. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین (ع) تأیید می کند که فرمود: ... ان الراسخين في العلم هم الذين اغناهم الله عن الأقتحام في السدد المضروبه دون الغيوب فلزموا الاقرار بجمله ما جهلوا تفسيره من الغيب المحجوب فقالوا: <امنا به كل من عند ربنا> فمدح الله عز وجل اعترافهم بالعجز عن تناول ما لم يحيطوا به علماً و سمى تركهم التعمق فيما لم يكلفهم البحث عنه منهم رسوخاً.

توحید صدوق، ص ۵۵، ح ۱۳؛ ب ۲؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۵؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۹۱.

۳۲ وجود معارفی در قرآن که فهم آن تنها در اختیار گروه خاصی است.

و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم

۳۸ ائمه معصومین (ع) مصادیق بارز راسخین در علم و عالمان به تأویل قرآن هستند.

و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم

امام صادق (ع): نحن الراسخون في العلم و نحن

کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۶، ح ۳۴.

۴۲ علم به باطن قرآن، علم به تأویل آن است.

و ما يعلم تأويله الا الله

از امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از معنای روایت <ما من القرآن آیه الا ولها ظهر و بطن > فرمود: ظهره تنزیله و بطنه تأويله ...

بصائر الدرجات صفار، ص ۱۹۶، ح ۷، ب ۷؛ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۷، ح ۶۴.

۴۳ آیاتی که موهوم صدور گناه از پیامبران است از متشابهات قرآن و علم به تأویل آن تنها نزد خدا و راسخان در علم می باشد

و اخر متشابهات ... و ما يعلم تأويله

امام رضا (ع): .. اتق الله و لا- تنسب الى انبياء الله الفواحش و لا- تتأول كتاب الله برأيك، فان الله عز و جل قد قال: <و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم ... >.

عيون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۱، ب ۱۴؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۲، ح ۱.

۴۴ تأویل متشابهات قرآن توسط غیر راسخان در علم، تأویل به رأی است.

و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم

امام رضا (ع): .. و لا تتأول كتاب الله برأيك فان الله عز و جل قد قال: <و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم >.

عيون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۱، ب ۱۴؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۲، ح ۱.

۴۵ اعتراف راسخان در علم ناآگاه از تأویل متشابهات، به اینکه همه قرآن (محکم و متشابه آن) از نزد

خداست .

يقولون امنا به كل من عند ربنا

امام باقر (ع): .. فقال الذين لا يعلمون: ما نقول اذا لم نعلم تأويله فاجابهم الله: <يقولون امنا به كل من عند ربنا> ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۱۳.

تاریخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۶

۶- بهره گیری از حقایق تاریخ و قصه های واقعی ، از روش های به کار گرفته شده در قرآن

نحن نقص عليك نبأهم بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۲، ۱

۱ - لزوم توجه به روش قرآن در نقل سرگذشت پیشینیان

كذلك نقص عليك من انباء ما قد سبق

<كذلك> برای تشبیه نقل سرگذشت دیگران، به شیوه نقل داستان موسی (ع) است و ذیل آیه (آتیناک.. ذکرأ) بیانگر این نکته است که خداوند در آن ماجراها نیز نکته های پندآموز را برمی گزیند و در قرآن بازگو می کند؛ همان گونه که در داستان موسی (ع) و بنی اسرائیل چنین کرد.

۲ - تداوم نقل اخبار پیامبران و امت های گذشته ، از وعده های خداوند به پیامبر (ص)

كذلك نقص عليك من انباء ما قد سبق

<نقص عليك..> وعده خداوند به نقل گوشه هایی از تاریخ پیشینیان است.

تاریخ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۲

۲ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

ذلك الكتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش

یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید و یا به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) نازل می شده است. احتمال اول و دوم گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۹

۹ - قرآن در همان عصر پیامبر (ص) بخشهایی به نام سوره تقسیم شده بود .

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۷

۷ کتابت قرآن در عصر نزول توسط کُتّاب وحی *

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال دوم استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر نزول *

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص) ، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما يتلى عليكم في الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص

(نوشته شده بر سطوح و تدوین یافته به صورت کتاب

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کتاب بوده است .

و قد نزل عليكم في الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ قرآن ، به صورت کتاب و نوشته در عهد پیامبر (ص)

کتاب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إليك الكتاب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱

۱ قرآن در عصر نزول، حتی در مکه، به عنوان <کتاب> شناخته شده بود.

و هذا كتب أنزل نه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۳

۳ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که <انزال> در <أنزلت سوره> برای نزول دفعی به کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۳ - ۸

۸ قرآن در عصر پیامبر (ص) ، به بخشهایی

به نام < سوره > تقسیم بندی شده بود .

فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب المبین

اطلاق <الکتاب > (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یابدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب در آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب

اطلاق <کتاب > (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت است که آیات آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب و نوشته در آید. به هر تقدیر ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۴

۴- قرآن ، قبل از به پایان رسیدن نزول مجموعه آیات آن ، به عنوان کتاب معرفی شده است .

الر تلک ءایت الکتب و قرءان مبین

با اینکه این سوره مکی است و هنوز همه آیات قرآن در آن هنگام نازل نشده بود، از قرآن، به عنوان <کتاب > یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۲

۲- قرآن ، از همان دوران اولیه نزول ، به عنوان کتاب معرفی و شناخته شده است .

و ما أنزلنا عليك الكتاب

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۲

۲- قرآن ، در عصر رسول خدا (ص) مجموعه ای مدوّن بود .

واذکر فی الکتب

حرف <ال> در <الکتاب> عهد حضوری است و به کتاب موجود اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۳

۳- قرآن در عهد پیامبر (ص) (در نیمه نخست بعثت) به عنوان کتاب شناخته شده بود .

لقد أنزلنا إلیکم کتابًا

با توجه به این که سوره <انبیاء> در مکه نازل گردید، استفاده می شود که قرآن در نیمه اول بعثت به عنوان کتاب شناخته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۳

۳ قرآن کریم ، آن چنان که شایسته آن بود در میان مسلمانان صدر اسلام (نیمه اول بعثت) ، مورد بهره برداری قرار نگرفت و حق آن ادا نشد .

وقال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۳

۳ قرآن ، نامی شناخته شده در عصر نزول برای مجموعه آیات نازل شده

لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - نوشته شدن قرآن توسط کاتبان وحی در پی نزول هر آیه یا هر سوره آن

تلکء آیت القرآن و کتاب مبین

<کتاب>، مصدر به معنای مفعول (مکتوب) است. <کتاب مبین> یعنی، نوشته ای روشن. بنابراین اطلاق <کتاب> بر

قرآن

می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول، نوشته می شد و یا توصیه ای است بر این که باید نوشته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۵

۵ - تدوین قرآن ، پس از نزول هر آیه یا هر سوره آن

الکتب المبین

اطلاق <کتاب> (نوشته) می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول آیات قرآن، مکتوب می شده و یا توصیه ای است بر این که باید مکتوب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۴

۴ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و ما کنت ترجوا أن یلقى إلیک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۳

۳ - قرآن ، پیش از اتمام نزول تمام آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

اتل ما أوحى إلیک من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۳

۳ - قرآن ، پیش از نزول آخرین آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۳

۳ - قرآن ، پیش از

نزول آخرین آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

أنا أنزلنا عليك الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۵

۵ - پیش از هجرت ، عنوان < کتاب > ، عنوانی شناخته شده برای قرآن بوده است .

تلک ءایت الكتب الحکیم

سوره لقمان، سوره ای مکی است. از این که در این سوره، از قرآن به عنوان < کتاب > یاد شده است، نکته بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، در همان عصر نزول ، به < کتاب > مشهور بود .

تنزیل الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۲۲

۲۲ - قرآن کریم ، حتی قبل از نزول همه آیات آن ، کتاب نامیده می شده است .

کان ذلک فی الكتب مسطورًا

در صورتی که مراد از <الکتاب> قرآن باشد، اطلاق کتاب بر آن، در این سوره که بی شک آخرین سوره نازل شده بر پیامبر(ص) نیست نکته یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۳

۳ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۵

۵ - تأثیر شگرف قرآن و معجزات الهی بر مردم عصر بعثت

و قالوا إن هذا إلا سحر مبين

از سحر دانستن قرآن و معجزه الهی، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

تنزیل الكتب من الله

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۴

۴ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

الله نزل أحسن الحديث كتباً

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو احتمال گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

إننا أنزلنا عليك الكتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه

های آن پس نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۲

۲- کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص) انجام گرفت .

تنزیل الکتب من الله

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۳

۳- قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی اجمالی و تفصیل نیافته *

تنزیل من ... فصلت آیه

جمله <فصلت آیه> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۸

۸ انجام کتابت و جمع آوری قرآن ، در عهد پیامبر اکرم (ص) *

و الکتب المبین

آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص)، به صورت مکتوب و مدوّن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲ - ۳

۳- قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (

تنزیل الکتب

اطلاق کتاب (نوشته) بر قرآن، می تواند حاکی از آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۳

۳- نزول قرآن ، در ادامه نزول کتاب های آسمانی بر امت های پیشین

و لقد ءاتینا بنی اسرائیل

این آیه از نظر سیاق و محتوا، با نخستین آیات سوره که درباره نزول قرآن بود ارتباط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۳

۳- قرآن ، دارای عنوان < کتاب > و به صورت تدوین شده در عصر بعثت

تنزیل الکتب من الله

قرآن، خود عنوان کتاب را بر آیات نازل شده منطبق ساخته است. از این نکته و با توجه به مکی بودن آیات، استفاده می شود که آیات قرآن، از آغاز نزول دارای عنوان کتاب بوده و مدون و مکتوب می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۴

۴- قرآن ، پیش از نزول در صفحه هایی متعدد مکتوب بوده است .

فی صحف مکرّمه

توصیف قرآن به < فی صحف > با توجه به نزول سوره < عبس > در مکه یا پیشگویی از نوشته شدن آن در آینده است و یا از نوشته بودن آن پیش از نزول کامل خبر می دهد. در صورت دوم، مراد این است که ملائکه قرآن را از لوح محفوظ بر گرفته و به صورت نوشته هایی در صفحات متعدد، آن را به مراحل بعدی نازل می کردند.

تاریخ کتابت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۵

۵ قرآن به صورت کتاب در عصر پیامبر (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن، حاکی از این است که قرآن به صورت کتاب و نوشته بر پیامبر(ص) نازل می شد و یا در آن عصر آن را می نوشتند و به صورت کتاب در می آوردند؛ و گرنه اطلاق کتاب بر آن صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

کتاب أنزلناه إليك

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. در هر دو فرض، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

تاریخ نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۲ - ۴

۴ - نزول تورات و انجیل از سوی خدا پیش از قرآن

الذین ءاتینهم الکتب من قبله

ضمیر در <من قبله> به قرآن بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تورات و انجیل ، دو کتاب نازل شده قبل از قرآن

کالذین أُوتوا الکتب من قبل

تازگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ -

۵ قرآن پدیده بدیعی است که مردم عصر پیامبر (ص) نسبت به آن کاملاً بیگانه بوده اند.

و لا أدریکم به

برداشت فوق، لازمه جمله <لو شاء الله... و لا أدراکم به> (اگر خدا خواسته بود شما را به آن آشنا نمی کرد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۶

۶- قرآن، پیامی جدید و بی سابقه برای بشر

لم يؤمنوا بهذا الحديث

<حدیث> به معنای <نو و جدید> است. محتمل است که به معنای <حادث> مقابل قدیم نیز باشد. برداشت بالا، ناظر به معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۲

۲ - پیام قرآن، پیامی نو و بی نظیر برای همیشه تاریخ

فلیأتوا بحدیث

در واژه <حدیث>، نوین بودن پیام قرآن نهفته است. <تحدی> قرآن، برای همیشه تاریخ است و بی نظیر ماندن آن نیز همیشگی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۳

۳ - قرآن، کتابی بی نظیر، جدید و بی سابقه در فرهنگ بشری

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

<حدیث>، به خبر تازه و نو گفته می شود و <هذا الحديث> یا اشاره به قرآن دارد و یا مراد از آن خبر قیامت است.

برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بی نظیر و دارای مطالبی نو و بی سابقه

الحديث

<حديث> به معنای شیء جدید

و نوپیدا است. به کار رفتن این تعبیر درباره قرآن، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۵،۶

۵ - قرآن ، همواره سخنی نو و جدید است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

<حدیث> به معنای جدید است. نام گذاری قرآن به حدیث، بیانگر مطلب یاد شده است.

۶ - قرآن ، نوترین سخن در باب هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن

فبأی حدیث بعده یؤمنون

تبعیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۳

۳ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی اسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی اسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

بینی اسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۲،۱۱

۲ - پیامبر (ص) ، فراخوان همه انسان ها به پیروی از قرآن و احکام الهی

و اذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله

۱۱ - تبعیت از قرآن و احکام الهی ، امری عاقلانه است .

اتبعوا ما أنزل الله . .. أو لو كان ءاباؤهم لا يعقلون شيئاً و لايهتدون

بیان ضرورت پیروی از قرآن و احکام الهی و سپس انتقاد از

مشركان و غير منطقي خواندن روش آنان در پيروي كردن از نياكاني بي خرد و گمراه، گويای اين است كه: تبعيت از قرآن و احكام الهی امری عاقلانه است.

تبليغ با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۶

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبليغ و انذار مردم

و انذر به

مرجع ضمير به <قرآن> است؛ يعنی با قرآن انذار كن. و چون ابزار انذار مشخص شده است، بالطبع بايد قرآن در فعليت بخشي به انذار کافی و كارآمد باشد.

تبليغ عليه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ - تلاش تبليغاتی يهود و نصارا عليه اسلام و قرآن

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱

۱ تلاش بی امان يهود و نصارا، با هدف خاموش كردن نور الهی (قرآن)، با سخنان و تبليغات خود

يريدون أن يطفئوا نور الله بأفواههم

ضميرهای جمع در <يريدون>، <يطفئوا> و <بأفواههم> به يهود و نصارا (الذين أوتوا الكتاب) بازمی گردد. قيد <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند كه: اهل كتاب برای انحراف افكار عمومی عليه قرآن و اسلام، دست به تبليغات نادرست می زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۲

۲- معرفی قرآن به صورت مجموعه ای غیرمنظم و کتابی بدون انسجام ، از تبلیغات سوء مشرکانِ ستم پیشه

بل قالوا أضغث أحلم

برداشت یاد شده

باتوجه به معنای لغوی <أضغاث> (اشیای آشفته و دسته های پراکنده و بی انسجام) است.

تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱

۱ ابلاغ توحید ، تبلیغ قرآن و مبارزه با شرک ، وظیفه پیامبر (ص) و راه و رسم او بود .

قل هذه سبیلی

<هذه> اشاره به مطالبی است که آیات قبل به آنها اشاره داشت. از جمله آنهاست: ابلاغ توحید ، نفی شرک ، تبلیغ قرآن و تعالیم وحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱،۲

۱- جنیان مؤمن ، در تلاش برای هدایت جامعه خود به سوی قرآن

قالوا یقومنا إنا سمعنا کتبًا .. یهدی إلى الحقّ

۲- جنیان انذارگر ، پیام آور نزول کتابی آسمانی پس از تورات ، برای قوم خویش

ولّوا .. منذرین . قالوا یقومنا إنا سمعنا کتبًا أنزل من بعد موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۷

۷- پیامبر (ص) ، تا زمانی موظف به ابلاغ قرآن به مخالفان است که آنان ، راه های آگاهی به آن را بر خود نبسته اند .

فذکر .. سیذکر من یخشی و یتجنّبها الأشقی

منافع تذکر که در این دو آیه بیان شده است یکی پندپذیری اهل خشیت و دیگری بروز عکس العمل اهل شقاوت است. از آن جا که واکنش شقاوتمندان، اعراض بوده و تذکر مجدد به آنان سودی ندارد، تکلیف <فذکر> نیز ساقط می گردد.

تبیین آیات قرآن

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۱،۲

۱ تبیین آیات قرآن و کیفیت آن از جانب خداوند است.

و كذلك نفصل الأیت

۲ آیات با عظمت سوره انعام نمونه ای از تفصیل و تبیین خداوند

و كذلك نفصل الأیت

<ذلك> ظاهراً اشاره به آیات سوره انعام است. یعنی ما مانند این آیات با عظمت، آیات خود را بیان می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۶

۶ تبیین آیات برای آگاهان، هدف از تنوع بیانی قرآن است.

و كذلك نصرَف الأیت .. و لنبینه لقوم یعلمون

تبیین تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۲

۲ خداوند قرآن را بر اساس علم خویش تبیین کرده و معارف آن را به روشنی بیان داشته است .

و لقد جئناهم بكتب فصلنه علی علم

<علی علم> می تواند متعلق به <فصلنه> باشد و نیز می تواند متعلق به <جئناهم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

تبیین حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند دستور یافت تا مردم را به الهی و حق بودن قرآن توجه داده و آنان را به پذیرش معارف آن دعوت کند .

قل یا ایها الناس قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یتهدی لنفسه

تبیین فواید قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - پیامبر)

ص) ، موظف به بیان فواید و آثار قرآن ، در پاسخ به بهانه جویی های کافران

و لو جعلناه ... ءاعجمی و عربی قل هو للذین ءامنوا هدی و شفاء

تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۸

۸ معارف قرآن ، تبیین شده ، ممتاز و بی ابهام است .

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

<تفصیل> (مصدر نفصل) از ریشه <فصل> است. <فصل> به معنای دور کردن یکی از دو چیز از دیگری است، به گونه ای که کاملاً جدا و مشخص شوند؛ منظور این است که معارف گوناگون قرآن، هر یک جداگانه و به صورت مشخص و ممتاز، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۶

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار تبیین قرآن کریم برای مردم

و أنزلنا إلیک الذکر لتبیین للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۵

۵- تبیین قرآن برای حل اختلاف های عقیدتی مردم ، از جمله وظایف پیامبر (ص)

و ما أنزلنا علیک الکتب إلا لتبیین لهم الذی اختلفوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۹ - ۲

۲ - بعضی از آیات قرآن ، برخی دیگر را تبیین و تفسیر می کند .

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بیانه> تبیین در قالب الفاظ و آیات دیگر قرآن باشد.

تثبیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره -

۳- تثبیت وحی و بقای مفاهیم قرآنی ، جلوه رحمت الهی بر بندگان

لئن شئنا لنذهبنّ .. إلاّ رحمه من ربّك

تجزیه کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۵

۵- > عن ابن عباس سأل رجل رسول الله (ص) قال : أرأيت قول الله : > كما أنزلنا على المقتسمين < قال : اليهود و النصارى ... ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) سؤال کرد و گفت: نظر شما درباره سخن خداوند >کما أنزلنا على المقتسمين < چیست؟ حضرت فرمود: [مقصود از مقتسمین] یهود و نصارا است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱،۶

۱- یهود و نصارا ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند .

الذين جعلوا القرآن عضين

>عضين < جمع >عضه < است و >عضه < به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است ؛ چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند ؛ چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: > .. و يقولون تؤمن ببعض و نکفر ببعض... < (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

۶- > عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) عن قوله : > الذين جعلوا القرآن عضين < قال : هم قریش ؛

از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خداوند >الذين

جعلوا القرآن عظیم > روایت شده است که فرمودند: آنان قریش بودند >.

تجزیه کنندگان قرآن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۲

۲- پیدایش گروهی التقاطی و تجزیه کننده قرآن ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام

كما أنزلنا علی المقتسمین

تحدی با مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بكتب من عند الله هو أهدى منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

تحدی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۸،۱۱

۸ - خداوند در تحدی با منکران قرآن آنان را به آوردن یک سوره همانند قرآن به مبارزه فرا خواند .

فأتوا بسوره من مثله

ضمیر در <مثله> به <ما> در <مما نزلنا> بر می گردد.

۱۱ - خداوند از منکران قرآن خواسته است تا برای آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، تمامی خبرگان خویش را فرا خواند .

وادعوا شهداء کم من دون الله

<شهداء> جمع شهید و به معنای گواهان است و به مطلعان نیز اطلاق می گردد. مصدر <ادعوا> دعاست به معنای خواندن و دعوت کردن است. جمله <وادعوا شهداء کم> می تواند به این معنا باشد که: شاهدان را دعوت کنید تا بر آن چه می آورید و همانند قرآن می نامید، گواهی و نظر دهند؛ بر این

مبنا <شهداء> به معنای گواهان است و نیز می تواند به این معنا باشد که: شاهدهایتان را فراخوانید تا شما را بر آوردن سخنی همانند قرآن یاری دهند؛ در این صورت <شهداء> به معنای مطلعان و خبرگان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۲

۲ قرآن در تحدی با مشرکان ، آنان را به آوردن ده سوره همانند سوره های قرآن فراخواند و آنان را به مبارزه طلبید .

أم یقولون افتریه قل فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۲

۲- فراخوانی همه مخاطبان قرآن (جن و انس) به آزمودن اعجاز قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۱

۱ - دعوت خداوند ، از منکران قرآن برای هموردی با مضامین بلند آن

فلیأتوا بحدیث مثله

تحدی مطلق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۴،۵ - ۳

۳ خداوند ، برای آوردن سوره هایی همانند قرآن ، هیچ شرط و محدودیتی را پیش روی انسان ها قرار نداده است .

فأتوا بعشر سور مثله مفتریت وادعوا من استطعتم

<من> در <من استطعتم> شامل جن و انس ، عرب و عجم و . . می شود و این بدان معناست که در آوردن همانند برای قرآن ، هیچ محدودیتی فرض نشده است.

۴ خداوند ، انسان ها را در ارائه همانند برای قرآن ، به آوردن مطالب حقیقی و

واقعی ملزم نکرده است .

فأتوا بعشر سور مثله مفتریت

توصیف <عشر سور> به <مفتریات = بافته های دروغین> گویای این معناست که: خداوند انسانها را در آوردن هم طراز برای قرآن، به ارائه مطالب و محتوایی حقیقی و واقعی همانند قرآن ملزم نمی کند؛ بلکه همانندی در فصاحت و بلاغت و شیوایی سخن را کافی می داند.

۵ مشرکان برای ساختن سوره هایی همانند قرآن ، به کمک خواهی از هر کس مجاز بودند .

وادعوا من استطعتم

تحریف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ تغییر و تبدیل و کم و زیاد کردن کلام خدا (قرآن) خارج از قلمرو اختیارات پیامبر (ص) است .

قل ما یکون لی أن أبدله من تلقاء نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۹

۹- قرآن و سخن های خداوند ، ایمن از دستبرد دیگران و مصون از هر گونه تحریف است .

واتل ما أحي إلیک .. لا مبدل لکلمته

ضمیر در <کلماته> به <رب> برمی گردد و مصداق مورد نظر برای <کلمات> به قرینه صدر آیه آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - مصونیت قرآن ، در برابر هر گونه تحریف

لایأتیة البطل من بین یدیه و لا من خلفه

منظور از عدم امکان راه یافتن باطل به ساحت قرآن <لا- یأتیہ الباطل> می تواند این باشد که هیچ کس توانایی تحریف کردن قرآن را ندارد.

۲- پیشگویی قرآن نسبت به مصونیت آن از تحریف در طول

لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ

مراد از <من بین یدیه> زمان نزول قرآن و از <من خلفه> زمان آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۶

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

تحریف معنوی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیان ، قرآن (کلام خدا) را می شنیدند ، آن را به خوبی می فهمیدند و به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام الله> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

تحریفگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیان ، قرآن (کلام خدا) را می شنیدند ، آن را به خوبی می فهمیدند و به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام الله> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

تحریر مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ خداوند منکران قرآن را در انکار و طغیانشان به حال خود رها می سازد .

و یذرهم فی طغینهم

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهُ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

۸ کفرپیشگان منکر قرآن راهی برای نجات از تحیر و سرگردانی ندارند .

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

معنای جمله <یذرهم ...> بنابراینکه <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> باشد، چنین می شود: خداوند منکران قرآن را رها نمی سازد تا همچنان در وادی طغیان، سرگردان بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۴

۴ تکذیب کنندگان حق قرآن ، پیامبر و معاد گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذبوا بالحقّ لما جاءهم و هم فی أمر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید؛ این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

تداوم تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۲

۲ - انس با قرآن و تلاوت پیوسته آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از نشانه های خداترسی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

تداوم مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص)، با اندیشه ای مستمر و حساب شده بود.

إِنَّهُ فِكْرٌ وَقَدَرٌ .. ثُمَّ نَظَرٌ

تدبر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱،۱۴

۱ ضرورت و لزوم تدبّر و اندیشه عمیق در قرآن

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ

اندیشه و تأمل مداوم در یک چیز را تدبّر می گویند که از آن به <اندیشه عمیق> تعبیر شده است.

۱۴ پندار وجود اختلاف در قرآن، نتیجه نگرش سطحی و عدم تدبّر در آن

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۹

۱۹ لزوم تأمل و اندیشه در چگونگی استدلال های قرآن

انظر كيف نبين لهم الآيات

کلمه <نظر> به معنای دقت کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۵

۵- مفاهیم عالی قرآن ، قابل درک و تدبّر برای انسان

أفلايتدبرون القرآن

تعبیر <أفلايتدبرون>، همگان را به تدبّر در قرآن برمی انگیزاند. این انگیزش از سوی خداوند، مبتنی بر این است که حقایق قرآن برای بشر، قابل درک و استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۴

۴- قرآن ، برای تدبر و اندیشه است .

كتب أنزلنه إليك مبرك ليدبروا آياته

تدبر در قصص قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۶

۶ - لزوم تدبّر و اندیشه کردن در داستان های قرآن ، برای متذکّر شدن و درس آموختن

نقص علیک من انباء .. ذکرًا

تدوین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۲

۲ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

ذلک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید و یا به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) نازل می شده است. احتمال اول و دوم گویای برداشت فوق است.

تذکر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۱

۱ - قرآن ، مایه تذکر و یادآوری برای پیامبر (ص) و قوم آن حضرت است .

و اِنَّه لَذکر لک و لقومک

تذکرات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده

هذا ذكر من معي و ذكر من قبلي

<ذكر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است؛ با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن

است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی یادآور و بیدارگر

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن ، یادآور فطریات فراموش شده انسان به او

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ

انتخاب واژه <ذکر> (یادآوری) در نام گذاری قرآن، مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- قرآن ، کتاب تذکار ، یاد آور خدا و بیانگر اوصاف و آیات عظمت و کبریایی او

أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحقّ

مراد از <ما نزل من الحقّ> در آیه شریفه، قرآن کریم است. برخی از مفسران برآنند <ذکرالله> نیز در توصیف قرآن آورده شده است. برداشت بالا براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۳

تنها وصف شایسته برای قرآن، وصف < تذکردهنده > است؛ نه کلام شیطان یا ساخته مجنون

و ما صاحبکم بمجنون... و ما هو بقول شیطن... إن هو إلا ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۰ - ۶

۶ - عاقبت اندیشان و اهل خشیت، تأثیرپذیر از تذکرات و پندهای قرآن

فذكر... سيدك من يخشى

ترتیل در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۳،۴،۵،۸،۹

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر قرائت قرآن با تأنی و به صورت شمرده شمرده در عبادت و شب زنده داری

قم الیل... و رتل القراء ترتیلاً

<ترتیل> در قرائت و سخن، به معنای آهسته آهسته و درست و بدون شتاب خواندن است (برگرفته از صحاح، مفردات راغب و مصباح المنیر).

۴ - قرائت قرآن با تأنی و شمرده شمرده، از مهم ترین و مناسب ترین اعمال عبادی شبانه و مراسم شب زنده داری

قم الیل... و رتل القراء ترتیلاً

۵ - فرمان خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر قرائت قرآن با تأنی و شمرده شمرده در نمازهای نیمه شب

قم الیل... و رتل القراء ترتیلاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که چون آیه به دنبال توصیه به نماز شب آمده است، اشاره دارد به قرائت قرآن در حین نماز؛ زیرا قرائت قرآن از ارکان نماز است.

۸ - > عن عبدالله بن سلیمان قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله

عزوجلّ : < ورتّل القرآن ترتیلاً > قال : قال أميرالمؤمنین (ع) بَيْنَهُ تَبَيَانٌ وَ لَا تَهَيُّدُهُ هَيْدُ الشَّعْرِ وَ لَا تَنْثَرُهُ نَثْرُ الرَّمْلِ وَ لَكِنْ أَفْرَعُوا قُلُوبِكُمُ الْقَاسِيَهُ وَ لَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ ;

عبدالله بن سلیمان گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجلّ: < ورتّل القرآن ترتیلاً > سؤال کردم; گفت: علی(ع) در [معنای ترتیل] فرمود: آن (کلمات قرآن) را به طور کامل آشکار کن و آن را چون شعر به سرعت بخوان، و چون رمل (ریگ) پراکنده مساز ولی دل های سخت خود را در سایه تلاوت قرآن بترسانید و قصد شما به پایان رساندن سوره نباشد.

۹ - > عن أبي عبدالله (ع) في هذا قال : هو أن تتمكث فيه و تحسن به صوتك ;

از امام صادق(ع) در این باره (ترتیل) روایت شده که فرمود: ترتیل آن است که قرآن را با مکث و صدای زیبا تلاوت کنی.

تردید ناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن کتابی متقن و منزّه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۷

۷ - قرآن منزّه از آن است که در آسمانی بودنش ، شک

و تردید روا باشد .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

با وجود اینکه کفر پیشگان در آسمانی بودن قرآن اظهار تردید می کردند و بلکه منکر آن بودند خداوند در بیان تردید آنان جمله شرطیه به کاربرد تا به این حقیقت اشاره کند که: تردید در حقانیت قرآن تنها قابل فرض است و نمی تواند واقعیت داشته باشد.

ترسناکی بی اعتنایی به تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۵

۵ - فرجام بی اعتنایی به پیام های قرآن ، هراس انگیز و هولناک است .

سنقرئک .. فذکر ... سیذکر من یخشی

خشیت و ترس از خداوند، به معنای هراس از مجازات های او در صورت روی گردانی از تذکرات قرآنی است.

ترک استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۳

۳ - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

و إنه لحسره علی الکفرین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

ترک تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰ دست شستن از تعالیم قرآن حتی اندکی از آن ، حرام و نشانه پیروی از اندیشه های هواپرستان

و لاتتبع اهواءهم و احذرهم

ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

۱۱ دست شستن از تعالیم و احکام قرآن بر اثر تزویر دسیسه گران ، در پی دارنده سختی ها و ناگواریها

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

<یفتنوك > ای: یوقعوك فی بلیه و شده .. (مفردات راغب) یعنی مبادا تو را با منصرف کردن از احکام الهی در عذاب و ناراحتی قرار دهند.

ترک شك به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ تردید و شك در الهی و حق بودن قرآن ، امری ناروا و خلاصی نفس از آن ، ضروری و لازم است .

لقد جاءك الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

تشبیه قلب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۲

۲ - دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله .. اعلّموا أنّ الله يحيي الأرض بعد موتها

تشبیهات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۱

۱ - منافق رها شده در ظلمت و گمراهی بسان شخص کر و لال و نابیناست .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

صم، بکم و عمی به ترتیب: جمع أضم (کر)، أبکم (لال) و أعمی (کور) است. کلمات یاد شده خبر برای مبتدای محذوف، یعنی ضمیر <هم> است که به توصیف شدگان در آیه قبل (منافقان رها شده در ظلمت) بر می گردد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۲

۲ - قرآن برای منافقان بسان بارانی است همراه با رعد و برق در شبی تاریک و مخوف

أو كصيب من السماء فيه ظلمت و رعد و برق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۲

۲ - قلب ها و دل های بنی اسرائیل در سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت تر شد .

فهی كالحجاره أو أشد قسوه

<حجاره> جمع حجر و به معنای سنگها و صخره هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱

۱ - اطمینان اهل کتاب به نبوت پیامبر (ص) همانند اطمینان آنان به فرزندی پسرانشان بود .

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

ظاهر این است که مراد از ضمیر مفعولی در <یعرفونه> پیامبر(ص) می باشد؛ گرچه این احتمال نیز وجود دارد که آن ضمیر به تغییر قبله باز گردد. از آن جا که <مشبه به> فرزندان می باشد، این احتمال قوی به نظر نمی رسد؛ زیرا تشبیه شناخت قبله به شناخت فرزندان، تناسب چندانی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱۲

۱۲ انسان در دنیا ، همچون مسافر است .

و تزودوا فان خیر الزاد التقوی

از به کار بردن <تزودوا> استفاده می شود که انسان تشبیه به مسافری شده است که نیاز به توشه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۱

۱ مالی

که در راه خدا انفاق می شود ، همچون بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد .

مثل الذین ینفقون .. مائه حبه

از مُشبهه به (دانه) به دست می آید که مُشبهه، مالی است که شخص در راه خدا انفاق می کند؛ نه اینکه مشبهه، خود انفاق کننده باشد؛ چنانچه ظاهر تشبیه افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۵،۹

۵ همانندی انفاق توأم با منت و آزار مؤمنان ، با انفاق همراه با ریای کافران

یا ایها الذین امنوا .. کالذی ینفق ماله رءاء الناس و لا یؤمن بالله

انفاق مؤمنان آنگاه که با منت و آزار توأم شود، همانند انفاق کافرانی است که با ریا باشد.

۹ مثل انفاق کنندگان از روی منت و آزار و ریا ، همچون صخره صافی است که بر روی آن قشرِ خاکی باشد و بذرهایی در آن افشانده شود و ناگهان ، رگباری تند بر آن رسد و همه خاک ها را بشوید و آن سنگ را کشت ناپذیر کند .

فمثلہ کمثل صفوان علیہ تراب فاصابه وابل فترکہ صلداً لا یقدرون علی شیءمما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۱

۱ تشبیه انفاق کننده از روی منت و آزار و ریا ، به صاحب بوستانی از خرما و انگور که جوی ها در پای درختانش جاری و هر گونه میوه ای دهد و خود پیر شده و فرزندان ناتوان داشته باشد و ناگهان ، گردبادی آتشنا به آن بوستان

افتد و آنرا بسوزاند .

ايوَد احدكم ان تكون له جَنَّة .. و اصابه الكبر ... نار فاحترقت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱،۴

۱ رباخواران ، همچون شیطان زدگان آشفته ، دیوانه و پریشان

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الزَّبْوَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ

با توجه به معنای لغوی <تَخَبَّطَ> که دیوانگی و پریشانی است. (التَّخَبُّطُ الْمَسِّ بِالْجَنُونِ وَالتَّخِيلُ).

۴ به کارگیری تمثیل در قرآن ، روشی برای بیان حقایق و احکام دین

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الزَّبْوَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۹ - ۱،۳

۱ شباهت خلقت حضرت عیسی (ع) به خلقت آدم (ع)

انّ مثل عیسی عندالله کمثل ادم

۳ عیسی ، همانند آدم (ع) مخلوق خداوند نه فرزند او .

انّ مثل عیسی عندالله کمثل ادم خلقه من تراب

چون این آیه پس از سرگذشت حضرت عیسی (ع) آمده است، اشاره به پندار مسیحیان و ردّ آن است که عیسی (ع) را به دلیل نداشتن پدر، فرزند خداوند می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۲

۱۲ پشیمان نشدن و توبه نکردن از گناهان گذشته خود ، به منزله اصرار بر آن گناهان است .

الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً... فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ... وَ لَمْ يَصِرُوا عَلٰى مَا فَعَلُوا

بنابر اینکه جمله <و لم يصروا...>، عطف تفسیری برای جمله <فاستغفروا> باشد یعنی اگر بعد از گناه، یاد

خدا نکنند و استغفار نمایند، در واقع اصرار کنندگان بر گناه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۲

۲ خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع ، خوردن آتش است .

انّ الذّین یا کلون اموال الیتامی ظلماً انّما یا کلون فی بطونهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۶، ۱۵، ۱۴

۱۴ گروهی از مسلمانان صدر اسلام به گونه ای از نبرد با دشمن هراسناک بودند که خداترسان از خدا می ترسند .

إذا فریق منهم یخشون النّاس کخشیه الله

برداشت فوق بر این مبناست که <کخشیه الله> حال برای فاعل <یخشون> باشد که در این صورت مضافی مقدر است و تقدیر کلام چنین خواهد بود: یخشون النّاس مثل اهل خشیه الله.

۱۵ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، فزونتر از ترسِ خداترسان ، از رویارویی با دشمن هراسناک بودند .

إذا فریق منهم یخشون النّاس .. او اشدّ خشیه

او در <او اشدّ خشیه> برای تنويع است و اشاره دارد به اینکه مسلمانان هراسناک از نبرد با دشمن، دو گروه بودند.

۱۶ گروهی از مسلمانان صدر اسلام به گونه ای که از خدا ، ترسان بودند ، از رویارویی با دشمن می ترسیدند .

إذا فریق منهم یخشون النّاس کخشیه الله

در برداشت فوق <کخشیه الله> صفت مفعول مطلق محذوف گرفته شده است و فاعل <خشیه> ضمیری است که به <فریق> بازمی گردد ؛ یعنی یخشون النّاس مثل خشیتهم من الله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۷

۲۷ خودداری از ادای شهادت

، همانند شهادت دروغ ، گناه و موجب کیفر الهی است .

و إن تلوا او تعرضوا فإنَّ الله كان بما تعملون خبيراً

بیان آگاهی خداوند به عملکرد ناشایست آدمی، کنایه از کیفردهی اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۳، ۳۴، ۳۲، ۲

۲ کشتن نابحق یک انسان در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است .

من قتل نفساً بغير نفس .. فکانما قتل الناس جميعاً

۳۲ گمراه نبودن انسان هدایت یافته ، به منزله کشتن وی و هدایت انسان گمراه ، به منزله زنده کردنش می باشد .

من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: من اخرجها من ضلال الی هدی فکانما احياها و من اخرجها من هدی الی ضلال فقد قتلها.

کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۳.

۳۳ سیراب نمودن تشنه ای که به آب دسترسی ندارد ، به منزله احیای اوست .

و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

امام صادق(ع): .. و من سقى الماء فى موضع لايوجد فيه الماء كان كمن احيا نفساً و <من احياها فکانما احيا الناس جميعاً>.

کافی، ج ۴، ص ۵۷، ح ۳، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۹.

۳۴ خودداری از اطعام مؤمن گرسنه ، به منزله کشتن وی و غذا دادن به او به منزله احیای اوست .

و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره اطعام مؤمن فرمود: .. من احیی مؤمن فکانما احیا الناس جمیعاً، فان لم تطعموه

کافی، ج ۲، ص ۲۰، ح ۲۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۳

۳ کسانی که آیات الهی و دعوت پیامبر(ص) را ناشنیده می انگارند، مردگانی متحرکند.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

به کار رفتن کلمه <الموتی> در برابر <الذین یسمعون> حاکی از آن است که آن دسته که در برابر دعوت پیامبر(ص) به گونه ای رفتار می کنند که گویا اصلاً چیزی نشنیده اند، مرده دلانی هستند که کلمه <الموتی> در خور آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۵

۵ کسانی که نتوانند از جنبندها و شکل زندگی آنها به توانمندی خداوند پی ببرند، مانند کر و لالهایی فرو رفته در تاریکی هستند.

و ما من دابة فی الأرض ... إلی ربهم یحشرون. و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظ

مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث با آیه قبل می تواند این مضمون باشد که همین آیات موجود در طبیعت برای هدایت کافی است و کسانی که نتوانند از همین آیات توانمندی خداوند را (إن الله قادر علی ان ینزل) دریابند، کر و لالهایی ظلمت زده هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ نابرابری ناآگاهان و آگاهان به محدوده قدرت و وظایف پیامبران، مانند نابرابری کوران و بینایان

قل لا أقول لكم ... إنی ملک ... قل هل یتوی الأعمی و البصیر أفلاتتفکرون

مراد از <أعمى> و <بصیر> در آیه چیست، احتمالاتی وجود دارد؛ از آن جمله اینکه کسانی که پس از بیان محدوده قدرت و وظایف پیامبران این حقایق را دریافته و پذیرا می شوند، <بصیر> و آن کسانی که جاهلانه سخنهاى واهی گفته و درخواستهای نابجا دارند <أعمى> (کور) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۹، ۱۴، ۱۳

۱۳ بازگشت کننده به شرک (مرتد) مانند دیوانه ای سرگردان است که شیطانها (جنیان) عقل او را زایل کرده اند.

أندعوا من دون الله . . . و نرد ... کالذی استهوته الشیطان

<استهوته الشیاطین> یعنی شیطانها عقل و فکر او را برده اند. همچنین جمله <استهوته الشیاطین> را در موردی که شخصی جن زده شده باشد، به کار می برند. (لسان العرب).

۱۴ مرتد مانند جن زده است که روی زمین بی هدف و سرگردان راه می پیماید.

و نرد علی اعقابنا .. کالذی استهوته الشیطان فی الأرض حیران

۱۹ مرتد به سرگردانی در بیابان می ماند که شیطانها او را به بی راهه می خوانند و گروهی نیز او را به راه هدایت دعوت می کنند.

کالذی استهوته الشیطان فی الأرض حیران له أصحاب یدعونه إلى الهدی اثنا

<فی الأرض> متعلق به <استهوی> است، و <استهوی فی الأرض> به معنی عقل او را در بیابان ربوده اند، می تواند باشد و مراد از <اصحاب> در <له اصحاب یدعونه> ممکن است مشرکان و یا موحدان باشند که در برداشت فوق احتمال دوم برگزیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۱

انسان در پی مرگ، مانند آفرینش نخستین خویش، تنها نزد خداوند حضور می یابد.

و لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً كأنما یصعد فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ شباهت و همگونی معاد انسانها با آغاز آفرینش آنان

کما بدأکم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۶

۶ ورود تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران به بهشت، امری ناممکن، همچون عبور شتر از روزنه سوزن

و لایدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط

<جمل> به معنای شتر است و <سم> به معنای روزنه ای است که در انتهای سوزن برای عبور نخ تعبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ حیاتبخشی دوباره به مردگان به هنگام برپایی قیامت ، همانند رویش گیاهان مرده و به ثمر نشاندن آنهاست .

فاخرجنا به من كل الثمرت كذلك نخرج الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ نیکوکاران ، مانند سرزمین طیب ، سودمند و برخوردار از فیض فراوان خداوند

إن رحمت الله قريب من المحسنين. و هو الذي يرسل الريح ... و البلد الطيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۴،۱۵

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورد و له له زند .

فمثله كمثل الكلب إن تحمل عليه يلهث او تترکه يلهث

<تحمل> از <حَمَلَه> گرفته شده و <حَمَلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

۱۵ حالت درونی تکذیب کنندگان آیات الهی مانند حالت سگ تشنه ای است که همواره له له می زند .

ذلك مثل القوم الذين كذبوا بآياتنا

<ذلك> اشاره به حالتی است که جمله <فمثله ..> آن را درباره سگ بیان داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۱

۱ حالت جوامع تکذیب کننده آیات الهی ، حالتی شوم است .

ساء مثلاً القوم الذين كذبوا بآياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۲

۱۲ تکذیب کنندگان آیات الهی ، در محروم بودن از درک معارف الهی مانند چارپایانند .

أولئك كالأنعم

همسانی گمراهان تکذیب کننده آیات با چهارپایان و به اصطلاح <وجه شبه>، به دلیل جمله <لایفقهون بها و...> (محرومیت از درک معارف الهی) است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۸

۸ چهره مردمان زشت کار در قیامت ، مانند پاره ای از شب دیجور ، سیاه خواهد بود .

و الذین کسبوا السيئات .. كأنما أغشيت وجوههم قطعاً من الليل مظلماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۶

۶ مثل درخواست کننده از خدایان دروغین مثل تشنه ای است که از راه دور دستان خود را به طرف آب دراز می کند تا آب ، خود به کام او برسد که هرگز چنین نمی شود .

إلا كبسط كفيه إلى الماء ليبلغ فاه وما هو ببالغه

برخی عبارت <إلا- کبسط> را استثنا از استجابت گرفته اند و گفته اند تقدیر کلام چنین است: <لايستجيبون بشيء من الأستجابة إلا استجابة كإستجابة الماء لبسط كفيه إلى الماء>. و برخی آن را استثنا از <الذین یدعون> دانسته اند و گفته اند تقدیر کلام چنین می شود: <الذین یدعون من دونه ليسوا إلا كباسط كفيه إلى الماء>. قابل ذکر است که ضمیر در <ليبلغ> به <الماء> و ضمیر در <فاه> (دهانش) به <بسط> برمی گردد. و ضمیر <هو> به <الماء> و ضمیر در <ببالغه> به <فاه> ارجاع می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ نابرابری مشرکان با موحدان بسان نابرابری انبوه تاریکی ها با روشنایی است .

أم هل تستوی الظلمت والنور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۲۱، ۷، ۸، ۴

۴ فلزات گداخته شده در کوره های

آتش ، کفهایی همانند کف های سیلاب از خود ایجاد می کنند .

و مما یوقدون علیه فی النار .. زبد مثله

<من> در <مما یوقدون> نشویه است. <ایقاد> (مصدر یوقدون) به معنای شعله‌ور ساختن آتش می باشد. مراد از <ما> به قرینه <حلیه> و <متاع> فلزاتی نظیر طلا، نقره، مس و ... است. <فی النار> حال مؤکده می باشد. بنابراین <یوقدون ...> یعنی، و حاصل می شود از فلزاتی که آتش بر آن برافروزند (آن را ذوب کنند) کفی مانند کف سیلاب.

۷ حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها فاحتمل السيل زبداً رابياً .. كذلك يضرب ا

۸ حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما یوقدون علیه فی النار .. زبد مثله كذلك يضرب الله الحق و البطل

۲۱ تشبیه حقایق به امور محسوس و آوردن مثل برای آنها از شیوه های قرآن

كذلك يضرب الله الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۲

۲ پیامبر (ص) در رسالت و تلقی وحی همانند پیامبران امت های پیشین و برخورد امتش با وی همسان برخورد امت های پیشین با پیامبران خویش

كذلك أرسلنك فی أمه قد خلت من قبلها أمم لتتلوا عليهم الذی أوحینا إليك

تشبیه در جمله <كذلك أرسلنك ..> مقتضی مشبه، مشبه به و وجه شبه می باشد. گفته شده مشبه <ارسال پیامبر در امت خویش>، مشبه به <ارسال پیامبران در امتهای

گذشته > و وجه شبه < حقایقی است که از آیات قبل و نیز آیه مورد بحث می توان استفاده کرد >. از آن حقایق است نفس رسالت، تلقی وحی، وظیفه پیامبری، هدف ارسال (لتتلوا علیهم...)، برخورد امتها، سرنوشت ایشان، سنت خداوند در امر هدایت و اضلال مردم پس از ارسال پیامبران (قل إن الله یضل من یشاء و یهدی إلیه من أناب) و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۵

۵- استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم ، از روش های تعلیمی قرآن کریم

ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۴

۴- استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم ، از روش های تعلیمی قرآن کریم است .

مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه اجتثت من فوق الأرض ما لها من قرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱،۱۸

۱- شکستن عهد و پیمان قطعی ، همانند گسستن رشته ای است ، پس از بافتن محکم آن

أوفوا بعهد الله . . . و لاتنقضوا ... و لاتکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوه أنك

۱۸- > عن أبي جعفر (ع) قال : التي نقضت غزلها إمراه . . . يقال لها : رابطه (ریطه) . . . کانت حمقاء تغزل الشعر فإذا

غزلت نقضته ثم عادت فغزلته فقال الله : > کالتی نقضت

غزلها ... < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن زن که رشته‌هی تافته خود را باز می‌کرد زنی بود... به نام رابطه (یا ریطه) ... و او زن احمقی بود که مو [ی بز و غیره] را می‌تافت و پس از تافتن، آنها را باز می‌کرد و سپس دوباره می‌تافت. پس خداوند فرمود: کالتی نقضت غزلها...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۳

۳- انسان بخیل ، همانند انسانی دست بسته به گردن است .

و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

>و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک< کنایه از امساک و پرهیز از انفاق (بُخل) است. اینکه از بُخل و امساک به >دستت را به گردنت مبنده< تعبیر شده، نشان می‌دهد که انسان بخیل، همانند شخص دست بسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ مرگ و رستاخیز ، پدیده‌ای مانند خواب و بیداری است .

لیعلموا.. أن الساعة لاریب فیها

به خواب رفتن اصحاب كهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقایق معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسان بیداری از خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یتغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهمل>

به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۷

۷- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا كما خلقنكم أول مرة

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از جهت همراه نداشتن امکانات مادی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۳

۳- غروب خورشید در نقطه پایانی سفر ذوالقرنین به جانب مغرب ، چونان فرو رفتن آن در چشمه ای تیره فام بود .

وجدها تغرب فی عین حمئه

از جمله معانی <عین> چشمه است و به قرینه <وجدها> (آن را چنان یافت که) مراد آیه آن نیست که خورشید، در چشمه ای دارای گل سیاه فرو می رفت، بلکه منظره غروب خورشید را ذوالقرنین آنگونه مشاهده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱

۱ - قرار دادن زمین ، همانند گاهواره ای برای آرامش و آسایش انسان ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی جعل لکم الأرض مهذا

<مهد> جایگاهی است که برای طفل آماده می کنند (گهواره)، در آیه شریفه، زمین به گهواره ای که طفل در آن می

آرمد، تشبیه

شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۵

۵ - خروج مجدد انسان از زمین و حیات تازه او ، همانند آفرینش نخستین او از زمین خواهد بود .

و منها نخرجکم تاره أُخری

<تاره أُخری> یعنی، بار دیگر گفتنی است که مرتبه اول بیرون آمدن انسان از خاک، همان خلقت اولیه او از نطفه است و بار دوم زمانی است که پس از مرگ مجدداً از زمین برانگیخته خواهد شد. <تاره أُخری> اشاره به همین تشابه دارد تا استعابدها را نیز تلویحاً رد کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱

۱- قیامت روزی است که خداوند ، آسمان را هم چون پیچیدن طومارنامه ها ، در هم می پیچد .

یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ <طی> به معنای پیچیدن است. ۲ <سجل> یا به معنای <کاتب> می باشد که در این صورت اضافه <طی> به <سجل> اضافه مصدر به فاعل است و <لام> در <للکتب> برای اختصاص و یا برای تقویت عامل <طی> است و یا به معنای هر چیزی است که در آن نوشته باشند. در این صورت اضافه <طی> اضافه به مفعول است و <لام> در <للکتب> به معنای <من أجل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۲

۱۲- بیم و هراس مردم در عرصه محشر ، به اندازه ای است که آنان همچون مردم می خورده و مست ، عقل و هوش خود

را از کف خواهند داد .

و تری الناس سکری و ما هم بسکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۴،۵

۴ - مثل کسی که به خدا شرک میورزد ، مثل کسی است که از آسمان فرو افتد و طعمه مرغان شکاری گردد .

و من یشرک باللّه فکأنّما خرّ من السماء فتخطفه الطیر

<خرّ و خُرور> (مصدر <خرّ>) به معنا سقوط و فرو افتادن است. <خرّ من السماء> یعنی، از آسمان فرو افتاد. <خطف> (مصدر <تخطف>) نیز به معنای ربودن است. <تخطفه الطیر> یعنی، پرنده او را ربود. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین است: هر کس به خدا شرک بورزد، چنان است که گویا از آسمان فرو افتاده و پرنده شکاری او را ربوده است. گفتنی است که تشبیه در آیه فوق، از باب تشبیه معقول به محسوس است یعنی، شرک که با روگرداندن از خدای متعال و فرو افتادن در پای بت ها، در واقع از اوج کمالات انسانی سقوط می کند و در دام شیطان گرفتار می شود به کسی تشبیه شده است که از آسمان فرو افتد و طعمه پرنده گان شکاری شود.

۵ - کسی که به خدا شرک میورزد ، مانند کسی است که از آسمان فرو افتد و باد او را به جایی دور بیفکند .

و من یشرک باللّه .. أو تهوی به الريح فی مکان سحیق

جمله <أو تهوی به الريح..> عطف است بر <تخطفه الطیر>. <هوی> (مصدر <تهوی>)، به معنای سقوط و فرو افتادن است و هرگاه با <بای> تعدیه بیاید، به معنای اسقاط و فرو افکندن می

شود. <هوت به الريح> یعنی، باد او را فروافکند. <سَيْحِق> (مصدر <سحیق>) به معنای بُعد و دور بودن است و <مکان سحیق> یعنی، جایی دور. بنابراین تقدیر جمله فوق چنین می شود: <من یشرك بالله فكأنما تهوى به الريح فى مكان سحیق> هر کس به خدا شرک بورزد، چنان است که گویا از آسمان فرو افتاده و باد او را به جایی دور افکنده است. گفتنی است که در جمله یاد شده مشرک که با روی برتافتن از عبادت خدای یگانه و فرو افتادن در زیر پای بت ها و پرستش آنها، در واقع از اوج هدایت و روشنایی به نهایت ضلالت و تاریکی سقوط می کند به کسی تشبیه شده است که از آسمان فرو می افتد و باد او را به جایی دور که راهی برای نجات نباشد فرو می افکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۱

۱ - موضع گیری کافران رفاه زده عصر بعثت ، در برابر رهنمود های پیامبر (ص) ، همانند موضع گیری کافران پیشین در برابر رهنمود های پیامبرانشان

بل قالوا مثل ما قال الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱،۳

۱ - اعمال و رفتار کفرپیشگان ، همانند سرابی است در کویر که تشنه به پندار آب به سراغ آن می رود و چیزی به دست نمی آورد .

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعه يحسبه الظمآن ماء حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً

۳ - اعمال و رفتار کفرپیشگان ، چون سراب فریبنده است .

و

الذین کفروا أعملهم کسرآب بقیعه یحسبه الضمآن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۱

۱ - اعمال کافران ، به مثابه تاریکی شدید در دریای ژرفناک با امواجی متلاطم و پوشیده از ابر است که کمترین روزنه ای در آن نیست .

و الذین کفروا أعملهم .. کظلمت فی بحر لَجّی یغشیه موج من فوقه موج من فوقه سحا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۶،۷

۶ - خداوند ، از بالا و از ابر یخ زده که به کوه می ماند تگرگ فرو می ریزد .

و ینزل من السماء من جبال فیها من برد

<من جبال> بدل از <من السماء> و برای تشبیه کردن ابرها، به کوه ها است؛ همان گونه که تشبیه اشیا بزرگ و با عظمت به کوه، بسیار معمول است؛ مانند کوه علم و... <برد> نیز به معنای تگرگ است.

۷ - در فضا ، انبوهی از ابر های یخ زده همچون کوه ، وجود دارد .

و ینزل من السماء من جبال فیها من برد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۸

۸ دوست ناباب ، چونان شیطان است .

یویلتی لیتنی لم أّخذ فلاناً خلیلاً . لقد أضلّنی عن الذکر... و کان الشیطن للاین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و کان الشیطان..> دنباله سخن ظالمان باشد و مقصود از <شیطان> ابلیس نباشد؛ بلکه نامی باشد که ظالمان برای دوستان ناباب و گمراه

گر خود انتخاب کرده باشند، زیرا عمل گمراهی، کار شیطان است و هر کس چنین کاری را انجام دهد، همچون شیطان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۶

۶ مردمان هواپرست را، در حق نشنوی و بی خردی، جز به چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) نمی توان تشبیه کرد .

إِن هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ

<أنعام> نامی است که شامل سه نوع حیوان می شود: شتر و گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب، همچون لباس و پوشش، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الیل لباسًا

جمله <و هو الذی جعل لکم الیل لباسًا> برای حصر است و از نوع حصر افرادی است، یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد، نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۷

۷ - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار، چون دو کوه بزرگ

فانفلق فکان کلّ فرق کالطود العظیم

فعل <کان> در این جا به معنای <صار> است. <فرق> نیز معادل قطعه (پاره) و <طود> مرادف <جبل> (کوه) است. بنابراین <کان کلّ فرق...>، یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷

۷ - کافران حق ناپذیر ، چونان مردگانی ناشنوا و غیرقابل تفهیم

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى

۸ - کفرپیشگان روی گردان از دلایل آشکار ، همچون ناشنویان روی برتافته از راهنمای خویش

و لَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدَّعَا إِذَا وُلُّوا مَدْبِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - دوست گیرندگان غیرخدا ، همانند عنكبوت اند که خانه ای بس سست و بی بنیاد ، برای خود ساخته است .

مثل الذين اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا

۲ - انتخاب کنندگان ولی و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنكبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مثل الذين اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۱

۱ - معبودان باطل و جعلی ، در مقایسه با خداوند ، همانند بردگان زرخرید در برابر مالک خویش اند .

هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ

مثلی که در آیه آورده شده است، به قرینه آیات سابق که درباره اثبات خداوند و وحدانیت بود برای نفی معبودانی است که مشرکان، آنان را در برابر خداوند، انتخاب کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۳

۳ - زبان قرآن ، استفاده از کلمات و تشبیهات رایج و شناخته شده در میان مردم است .

و البحر يمدّه من بعده سبعه أبحر

کلمه <سبعه> در آیه برای بیان کثرت است و مراد

از آن، واقعاً، هفت دریای دیگر نیست. استفاده از چنین کلمه ای برای بیان مقصود، عین همان چیزی است که در محاوره های عامیانه گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تن است .

ما خلقکم و لابعثکم إلیٰ کنفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، به منزله چراغی فروزان (برای هدایت) است .

و سراجاً منیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۷،۹

۷ - تشبیه تجدید حیات انسان ها در قیامت ، به احیای زمین و پدید آمدن حیات در آن

أرسل الريح فتثير سحاباً فسقنه إلیٰ بلد مّیت فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک الن

۹ - احیای انسان ها در قیامت همچون احیای زمین از راه یک سلسله عوامل و زمینه های حیات آفرین خواهد بود .

فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور

برداشت یاد شده از تشبیه به کار رفته در آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک بینی

ولا الظلمت ولا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱

۱ - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

و لا الظلّ و لا الحرور

<ظلّ> به معنای سایه و <حرور> به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبرها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۱

۱ - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند ، مانند کسانی اند که در گردنشان تا چانه ها ، غل و زنجیر قرار داشته و سرهایشان به طرف بالا مانده باشد .

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ

<ذقن> (مفرد <أذقان>) به معنای چانه و <قمح> (ریشه <مقمحون>) به معنای بلند کردن سر است. گفتنی است آیه شریفه در مقام تمثیل و تشبیه حال کافران و مشرکان لجوجی است که نمی خواستند هرگز ایمان بیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۱

۱ - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب

الهی گردند ، مانند کسانی اند که سدی بلند در پیش رو و پشت سرشان نهاده شده و بر دیدگانیشان پرده ای افکنده شده که هیچ چیز نبینند .

و جعلنا من بین أیدیهم سداً

تنکیر <سداً> برای تعظیم است و به قرینه <فأغشیناهم> مقصود از آن، سدی بلند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۳ - ۳

۳ - وضعیت فرهنگی و دینی مردم عصر پیامبر اسلام ، شبیه و مانند وضعیت مردم انطاکیه هنگام آمدن رسولان به سوی آنان

و اضرب لهم مثلاً أصحاب القریه إذ جاءها المرسلون

بیشتر مفسران بر آنند که مقصود از <أصحاب القریه> مردم شهر <انطاکیه> است (که هم اکنون جزء خاک ترکیه و از شهرهای تجاری آن می باشد). گفتنی است <إذ> ظرف زمان و بدل اشمال، برای <أصحاب القریه> است؛ یعنی، مثل بزن از مردم انطاکیه، آن گاه که رسولان الهی به سوی شان آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۹ - ۳

۳ - ماه ، پس از طی منزل های خود در ۲۸ روز ، مانند شاخه خشکیده خرما می شود .

و القمر قدرنه منازل حتی عاد کالعرجون القديم

<عرجون> (از ماده <عرجن>) به معنای شاخه خوشه خرما است که از درخت جدا شده باشد و پس از چندی زرد گشته و به شکل هلال درآمده باشد. گفتنی است صفت <قدیم> اشاره به پژمردگی و کهنگی آن شاخه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از

حیات واقعی و معقول، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لیندر من کان حیًا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه؛ یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۵ - ۲،۳

۲ - مشرکان چونان سپاهی آماده به خدمت، پشتیبان معبود های خویشند .

و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <هم> به مشرکان و ضمیر <لهم> به معبودها باز گردد.

۳ - معبود های ادعایی به روز رستاخیز، در حالی که همچون سپاه آماده به خدمت برای مشرکان اند، از هرگونه یاری رسانی به آنان ناتوان خواهند بود .

لا یستطیعون نصرهم و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر <هم> به معبودها و ضمیر <لهم> به مشرکان باز گردد و این جمله حال برای ضمیر غایبی در <لا یستطیعون> باشد. بر این اساس، این ترکیب از باب مبالغه آمده است؛ زیرا متمرکز کردن تمامی نیروها در قالب یک سپاه آماده به خدمت و در عین حال ناتوان بودن از یاری رسانی، نشان دهنده اوج ناتوانی معبودها می باشد. گفتنی است بر اساس این نظر، آیه شریفه ناظر به روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۱

۱ - زنان و حوران بهشتی، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند .

کأَنَّهُنَّ بیض

<بیض> اسم جنس و مفرد آن <بیضه>

و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشانده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به <بیض> تشبیه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت <زقوم> ، در زشتی همانند سرهای شیطان ها است .

طلعها کأنة رءوس الشیطن

<طلع>، به معنای <ثمره> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۵

۵ - شباهت خدایان ادعایی شرک پیشگان ، به شریکان ناسازگار و سخت گیر

ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشکسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۷

۷ - خواب ، پدیده ای شبیه به مرگ

الله یتوفی الأنفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها

کاربرد <توفی> در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - شباهت رستاخیز انسان ها در قیامت ، به رویش گیاهان پس از ریزش باران

و من ءایته أنك تری الأرض خشعه .. إنّ الذی أحيها لمحی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۶

۶ - مشرکان عصر بعثت ، فرشتگان را موجوداتی شبیه خداوند در رحمت

می دانستند .

بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به کلمه <رحمان> و <مثلاً>، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۵ - ۱

۱- ثمره درخت زقوم ، چونان موادی آلوده و مذاب و جوشان در درون دوزخیان

إِنَّ شَجَرَتِ الزَّقْوَمِ . طَعَامُ الْأَثِيمِ . كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبَطْنِ

در معنای <مُهْل>، برخی به آلودگی و عده ای به مذاب بودن آن اشاره کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۱

۱- جوشش زقوم ، در درون دوزخیان ، چونان جوشش آب های داغ

كغلي الحميم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۳، ۷

۷- لذت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین كفروا يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

۱۳- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی است . *

و الذین كفروا يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ -

۸- نگاه بیمار دلان به پیامبر (ص)، پس از نزول آیات جهاد، نگاهی وحشت زده و محتضر گونه

ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۳

۳ - خدمت کاران بهشتی، چونان مروارید های نهفته در صدف

غلمان لهم كأنهم لؤلؤ مكنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۴

۴ - منظره رستاخیز آدمیان، همچون منظره ملخ های پراکنده بر پهنه زمین

يخرجون من الأجداث كأنهم جراد منتشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۰ - ۲

۲ - اجساد قوم عاد، پس از عذاب، همانند نخل های ریشه کن شده از اعماق خاک

تنزع الناس كأنهم أعجاز نخل منقعر

<عجز> (مفرد <أعجاز>) به معنای تنه و <منقعر> به معنای کنده شده از ریشه است (مختار الصحاح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۴

۴ - خشک شدن قوم ثمود، همانند علف های خشک دامداران، با یک صدای مهیب آسمانی

إننا أرسلنا عليهم صيحة وحده فكانوا كهشيم المحتظر

<هشيم> به گياه خشك و <محتظر> به كسى گفته مى شود كه براى دام آغل درست كند. بنا براين <هشيم المحتظر>; يعنى، علف خشكى كه دامدار براى دامش تهيه مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

وله الجوار المنشات فى

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۷ - ۲،۳

۲ - سرخ شدن آسمان و شباهت پیدا کردن آن به چرمی گلگون ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

<ورده> به معنای گل سرخ و <دهان> به معنای چرم قرمز است. بنابراین <كانت وردة كالدهان> یعنی، همانند چرم گلگون سرخ خواهد شد.

۳ - ذوب شدن اجرام آسمانی چون روغن گداخته ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

برداشت یاد شده در صورتی است که <دهان> به معنای روغنی باشد که در نتیجه گداختن به رنگ گل سرخ در آمده است (چنان که عده ای از مفسران برآند) برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۳ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در نهایت صفا و طراوت همچون مروارید نهفته در صدف

و حور عین . كَأَمْثَلِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهمیم

<همیم> جمع <همیاء> است و <همیاء> به شتر تشنه گفته می

شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شترِ تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۲

۲ - دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لَذِكْرِ اللَّهِ .. اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - حیات دنیا ، همچون رستنی های کشتزار ، فریبا و ناپایدار است .

اَعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا .. كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ... ثُمَّ يَكُونُ حَطَمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۵

۵ - تلاش های گسترده کافران علیه اسلام ، به مثابه پفی ناچیز در مقابل نوری عظیم و درخشان

يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۴

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ .. قَالَ الْحَوَارِيُّونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۶

۶ - منافقان ، به رغم ظاهر فریبنده و سخنان زیبایشان ، چونان چوب های تکیه شده بر دیوار ، خشک و بی روح اند .

کأنهم خشب مسندہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ -

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۴

۴ - شباهت و همانندی کره زمین با آسمان ها ، در ترکیبات ، خصوصیات و قوانین حاکم بر آنها

اللّٰه الذی خلق سبع سموت و من الأرض مثلهنّ

مفسران درباره وجه شبه در این آیه (تشبیه زمین به آسمان)، دو احتمال داده اند: ۱ شباهت و همانندی از نظر ترکیبات، خصوصیات و قوانین حاکم بر آنها (احتمال برگزیده در برداشت بالا)؛ ۲ شباهت از نظر عددی یعنی، کره زمین مانند آسمان هفت تا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۱

۱ - اعلام خداوند به کافرانِ برخوردار از ثروت و مکنّت ، به آزمودنشان همچون آزمودن باغداران یمنی

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

مفسران درباره <اصحاب الجنّه> (صاحبان باغ) چنین نوشته اند: این باغ در حومه <یمن> در اختیار پیرمرد مؤمنی قرار داشت. او به قدر نیاز از آن برمی گرفت و بقیه را به مستمندان می داد. اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندان گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم؛ چون عیال و فرزندان ما بسیار است و نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم. آنان سوگند یاد کردند تمام مستمندان را از آن محروم سازند. سرنوشت آنان همان شد که در این آیات از آن یاد شده است. (مجمع البیان و نیز برگرفته از الکشاف زمخشری)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۲

۲ - قوم عاد بر اثر باد ، مانند تنه های پوک و افتاده درختان خرما از پای درآمدند .

فتری القوم فیها صرعی

كَأَنَّهُمْ أُعْجِزُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

<صریح> (مفرد <صرعی>) به معنای چیز افکنده شده بر زمین و <أعجاز> به معنای ساقه های ریشه دار در زمین (تنه ها) است. <خاویه>؛ یعنی، شیء خالی و نیز به معنای شیء افتاده بر زمین آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۸ - ۱

۱ - گداخته شدن آسمان ، همچون ذوب فلزات در آستانه برپایی قیامت

یوم تکون السماء کالمهل

<مهمل> به هر فلز گداخته شده (همچون طلا، نقره، مس و ..) گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۱

۱ - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش>؛ (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و الله أنبتكم من الأرض نباتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۸ - ۵

۵ - چگونگی زنده شدن انسان ها در قیامت ،

همچون رویدن نباتات است .

و الله أنبتكم من الأرض نباتاً .. و يخرجكم إخراجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۳

۳ - خداوند ، همانند رسول گرامی اسلام ، پیامبری به سوی فرعون گسیل داشت .

كما أرسلنا إلى فرعون رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۵

۵ - تهدید شدن سران کفر و شرک در صدر اسلام ، به مؤاخذه شدن همچون مؤاخذه فرعون

إنا أرسلنا إليكم رسولاً شهيداً عليكم .. فعصى فرعون الرسول فأخذنه أخذاً وببلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران لجوج و پندناپذیر ، همچون گورخران رمیده اند .

كأنهم حمر مستنفره

<حمار> (مفرد <حمر>) به معنای خر اهلی یا وحشی است (الصحاح)؛ ولی مفسران آن را در آیه شریفه، از نوع وحشی دانسته اند که در فارسی از آن به گورخر تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۱

۱ - روی گردانی کافران ، از شنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، همچون فرار گورخران از شیر ژیان ، بسیار شدید بود .

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

<قسوره> اسم جامد و به معنای شیر است و گاهی اسم جمع و در معنای شکارچیان تیرانداز استعمال می شود.

(الصّاح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ - انسان در این جهان ، همچون رونده ای گم کرده راه و دین راهی است درست ، و دینداران مردمی راه یافته اند .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۲

۲ - قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و ...) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

كانت قواریرًا . قواریرًا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۶

۶ - جوانکان خدمت گزار ابرار در بهشت ، چون مروارید پراکنده اند .

و يطوف عليهم ولدن مخلدون \$ إذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤًا منثورًا

إذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤًا منثورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۴

۴ - فرشتگان وحی ، همچون طوفان با سرعت بسیار مأموریت خود را دنبال می کردند .

فالعصفت عصفًا

<عاصفات> از نظر لغوی، به معنای تندبادها و طوفان‌ها است و اگر مقصود از آن، فرشتگان باشد، در این کلام تشبیه و استعاره به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۳ -

۱ - شراره های برخاسته از آتش دوزخ ، همانند شتران زرد رنگ است .

کأنه جملة صفر

<جمالات> جمع <جماله> است . <جماله> یا جمع <جمل> (شتر) و یا اسم جمع است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۴،۶

۴ - خواب برای انسان ، نوعی مرگ است .

و جعلنا نومکم سباتاً

فعل <سَبَّيْتُ> علاوه بر معنای <بی هوش شد>، به معنای <مُرد> نیز استعمال می شود (مصباح). بنابراین، احتمال می رود که <سبات> به معنای مرگ باشد.

۶ - مرگ و معاد انسان ، شبیه خواب و بیداری است .

و جعلنا نومکم سباتاً

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده / ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۱

۱ - تاریکی شب بسان لباسی پوشیده بر موجودات با مستور ساختن آنها از دید انسان ، مانع تلاش و فعالیت بیش از حد او است .

و جعلنا الیل لباساً

تقابل این آیه و آیه بعد که روز را زمان تلاش برای زندگی دانسته است بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - معاد انسان ، شبیه رویش گیاهان از زمین است .

لنخرج به حَبًّا و نباتًا

یاد آوری اخراج دانه و گیاه از زمین در آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده گویای تشابه

معاد با رویش گیاهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۲

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیرت الجبال فکانت سراباً

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۲

۲ - زمین ، همچون گوی پرتاب شده در فضا است . *

دحیها

یکی از معانی <دحو>، بازی با پرتاب سنگ، گردو و ... به سوی حفره ای است که از پیش به همین منظور حفر شده است. آن حفره را <أُدْحِيَه> و سنگ را <مَدْحَاه> می نامند (لسان العرب). بر این اساس جمله <دحاها>، حاکی از پرتاب شدن زمین در فضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - فاصله ولادت تا قیامت در دیدگاه اهل محشر فاصله ای ناچیز و همسان با عصر یک روز و یا وقت چاشت آن

كَأَنَّهُمْ ... لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحًى

مراد از <لَبِث> در <لم يلبثوا>، درنگی است که در دنیا و برزخ رخ می دهد. این زمان گرچه زیاد باشد، در مقایسه با آنچه انسان پس از حشر با آن مواجه خواهد شد، اندک است. برای <عشیه> معانی متفاوتی ذکر شده است؛ از قبیل: <ظهر تا غروب>، <آخر روز> و <ظهر تا صبح فردا>

(مصباح). <ضحی>؛ یعنی، گسترش نور خورشید و پهنای شدن روز (مفردات راغب). اضافه <ضحی> به <عشیه>، برای بیان این نکته است که مقدار صبح یا عصر از یک روز مراد است.

۲ - فاصله قیامت و دنیا هر چند طولانی باشد در برابر عظمت حوادث قیامت ناچیز و بسان گذشت نیمروز از عمر دنیا است .

كَأَنَّهُمْ .. لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحِيهَا

مفاد <یرونها> ممکن است در ناچیز دیدن دوران گذشته، دخیل باشد؛ یعنی، دیدن قیامت و رخدادهای آن، این ذهنیت را در انسان ایجاد می کند که فاصله طولانی دنیا و برزخ، در نظر او اندک آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۱ - ۲

۲ - آسمان ، همچون سقفی فراگیر و پوسته ای پوشاننده و قابل ازاله است .

و إذا السماء كَشِطَّتْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۳، ۲

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الكُنُس

<كُنُس> جمع <کانس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <كَنَّسَ الطَّبِي> گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

۳ - بعضی از اختران در طلوع ، حرکت و غروب خود ، شبیه آهوان پنهانی هستند که ظاهر شده و با حرکت به سمت مخفیگاه خود ، ناپدید شوند .

بالخُنُس . الجوار الكُنُس

توصیف ستارگان با وصف <كُنُس>

که از اوصاف آهوان است تشبیه بدیع و استعاره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۱

۱ - انجام دادن بعضی از کارهای نیک، دشوار و بسان افکندن خویش در یک راه کوهستانی و گردنه‌های صعب‌العبور است.

فلا اقتحم العقبه

<اقتحام>؛ یعنی، بین کاری سخت و هولناک قرار گرفتن (مفردات). زمانی که شخص بدون فحص و بررسی خود را در ماجرای بزرگ بیفکند، گفته می‌شود: <إِقْتَحَمَ> (نهایه ابن اثیر). راه دشواری که در کوه قرار دارد، <عقبه> نامیده می‌شود (مفردات) و نیز <عقبه> به مسیر صعب‌العبوری گفته می‌شود که از آن بر کوه بالا روند (قاموس). این راه از آن جهت <عقبه> نامیده می‌شود که راه پیمایان، باید در آن پشت سر هم و به یک ستون حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۲

۲ - کارهای خیر، هر چند به وزن مورچه‌ای ریز و یا ذرات معلق در هوا باشد، باقی مانده، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد.

فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره

<مثقال>؛ یعنی، وسیله‌ای که با آن، وزن چیزی سنجیده شود (مفردات). <ذره> (مفرد <ذَرٌّ>) به معنای کوچک‌ترین نوع مورچه است (صحاح اللغة). برخی آن را یک صدم وزن <جو> دانسته و برخی گفته‌اند: مراد ذراتی است که در شعاع خورشید، مشاهده می‌شود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۲

- کار های ناروا ، هر چند به وزن مورچه ریز و یا ذرات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد

و من يعمل مثقال ذره شراً يره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۳، ۱

۱ - مردم در قیامت ، مانند پروانه های ریز و پراکنده در هوا ، هراسان و بی سامان به هر طرف روی خواهند آورد .

يوم يكون الناس كالفراس المبتوث

<فَراشه> (مفرد <فَراش>) یعنی، آنچه بال زده و در حرارت چراغ سقوط کرده و خود را می سوزاند (تاج العروس)
<فَراء> آنها را ملخ هایی می داند که روی زمین گسترده و در هم می لولند (مجمع البیان). تشبیه مردم در قیامت به آن
حشرات، نشانگر سردرگمی، ترس و اضطرابی است که انسان ها را به هر سو خواهد کشاند.

۳ - تشبیه وضع انسان ها در قیامت ، به انبوه ملخ های پراکنده *

يوم يكون الناس كالفراس المبتوث

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که فَراش چنان که فَراء گفته است به معنای ملخ هایی باشد که بر زمین گسترده
شده، در هم می لولند. گفتنی است که این معنا، تنها از فَراء نقل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، مانند پشم های رنگارنگی خواهند شد که حلاجی شده و از هم باز شده باشد .

و تكون الجبال كالعهن المنفوش

<عهن>، به معنای پشمی است که با رنگ های گوناگون رنگ آمیزی شده باشد.

برخی گفته اند: به هر پشمی <عَهْن> گفته می شود. <نَقْش> یعنی، بازکردن و کشیدن پشم تا آن جا که اجزای آن از هم بگسلد. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۴

۴ - تشبیه خطاپیشگان در قیامت ، به جان باختگانی که تحمل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است . *

فأُمَّه هاویه

فعل <هوی> در معانی مختلفی از جمله <سَقَطَ> و <مات> به کار رفته است (قاموس). بنا بر معنای دوم، کلمه <هاویه>، به معنای <هالکه> خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر وی است، به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند شد. در این صورت مرجع ضمیر <هی> در آیه بعد، عنوان <داهیه> (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله <فأُمَّه هاویه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۳،۴

۳ - بارش سنگ \$ های پرندگان بر اصحاب فیل ، آنان را مانند گاه و خاشاک مرغزاری ساخت که حیوانات در آن چرانده شده و ساقه های نرم شده گیاهان آن ، بر زمین مانده باشد .

فجعلهم كعصف مأكول

<عصف> یعنی، خاشاک گیاهی که خرد شده است (مفردات). توصیف آن به مأكول، به اعتبار خورده شدن مقداری از آن، در چرای حیوانات است.

۴ - تشبیه < جنازه های اصحاب فیل > ، به برگ هایی که حیوانات ، آن را خورده و تفاله آن را بیرون

داده باشند .

فجعلهم كعصف مأكول

در <قاموس> آمده است: <عصف مأكول>، ممکن است به معنای برگی باشد که چارپایان آن را خورده باشند. بر این اساس، مراد تشبیه اجساد فیل داران به سرگین خواهد بود که از آن، با تعبیری لطیف تر یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۶

۶ - تشبیه رهایی از شرور، به شکافتن تاریکی

قل أعوذ ربِّ الفلق . من شرِّ ما خلق

تشکر از تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۸،۱۲

۸ - عالمان خداترس، تلاوت گران قرآن، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان، برخوردار از آمرزش و دارنده نشان سپاس گزاری خداوند

إنما يخشى الله من عباده العلماء .. إنَّ الذين يتلون كتب الله ... إنَّه غفور

۱۲ - سپاس گزاری از عالمان خداترس، تلاوت گران قرآن، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان، رفتاری ارزشمند و خدایی است .

إنما يخشى الله من عباده العلماء .. إنَّ الذين يتلون كتب الله ... إنَّه غفور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

تشویق به تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آشنایی با معارف قرآن ، امری ضروری و مورد ترغیب از سوی خداوند

فمن شاء ذكره

تشویقهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلك من أنباء الغيب نوحيها إليك .. فاصبر إن العقبه للمتقين

خداوند، با تفریع جمله <إصبر..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست؛ بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۸

۸ - تهدید و ترغیب ، از روش های قرآن برای هدایت انسان ها است .

فلهم عذاب جهنم .. لهم جنّ تجرى من تحتها الأنهر

تصدیق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۵

۵ - توحید ربوبی و افعالی و تسلیم بودن در برابر خدا و تصدیق رسالت پیامبر اکرم (ص) و کتاب آن حضرت (قرآن) ، از اصول آیین ابراهیم است .

وابعث فيهم رسولا .. و من يرغب عن ملة إبراهيم

آیه مورد بحث انسانها را به گزینش آیین ابراهیم دعوت می کند و آیه های گذشته، اشاره به اصول این آیین دارد. جمله <ربنا تقبل...> بیانگر این است که: ابراهیم(ع) به توحید ربوبی و افعالی و ... معتقد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۱

۱ - پیامبر اسلام (ص) ،

آورنده کتاب آسمانی قرآن و دین الهی و تصدیق کننده و مؤمن به آن بود .

و الذی جاء بالصدق و صدق به

در این که <الذی> در دو جمله < جاء بالصدق و صدق به > چیست، چند احتمال وجود دارد: ۱ مقصود در هر دو جمله یک شخص و آن پیامبراسلام(ص) است. ۲ مراد پیامبران الهی می باشد و <الذی> هرچند به صیغه مفرد است ولی به قرینه این که با صیغه جمع (أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ) بدان اشاره گشته، از آن جنس اراده شده است. ۳ مقصود از <الذی> در جمله دوم (و صدق به) بر مبنای احتمال نخست، پیروان پیامبراسلام(ص) و بر مبنای احتمال دوم، پیروان پیامبران الهی است. گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

تضمین جمع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۱،۲،۳

۱ - تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر پیامبر (ص) ، تضمین شده از سوی خداوند

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

<جمع> در لغت به معنای تألیف است و مقصود از آن در این آیه تألیف و تنظیم کلمات قرآن می باشد. واژه <قرآن> نیز معنای مصدری دارد یعنی، خواندن. بنابراین <إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ> یعنی، <بی تردید تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر تو [ای پیامبر] بر عهده ما است.>

۲ - گردآوری قرآن در سینه پیامبر (ص) و توانایی آن حضرت بر قرائت آن ، تضمین شده از سوی خداوند

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

یکی از احتمالات یاد شده در تفسیر آیه شریفه، این است که

مقصود از <جمعه>، گردآوری قرآن در سینه پیامبر(ص) است؛ به گونه ای که آن حضرت به خاطر سپارد و فراموش نکند و مقصود از <قرآنه> تثبیت قرائت قرآن بر زبان ایشان است؛ به گونه ای که هرگاه خواسته باشد بتواند آن را قرائت کند (مانند آیه ۶ از سوره <اعلی> <سنقرئک فلا تنسی>).

۳- تضمین گردآوری شدن اجزای قرآن از سوی خداوند در یک مجموعه و حفظ و قرائت آنها در تمامی اعصار و برای همیشه تاریخ *

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

جمله <إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ> تعلیل برای <لَا تَحْزَنْكَ بِهِ لَسَانُكَ..> است. بر این اساس برخی از مفسران گفته اند: چون پیامبر(ص) درباره حفظ قرآن نگران بود، این آیه برای رفع نگرانی آن حضرت و تضمین دائمی درباره آن است.

تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۴

۴ - قرآن ، متضمن آیات و دلایلی روشن بر حقانیت خود و رسالت پیامبر (ص)

و لقد أنزلنا إليك آیت بینت

مقصود از <آیات> می تواند آیات قرآنی باشد و می تواند معجزات و دلایلی باشد که بر صداقت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن دلالت دارد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، حاوی دلایلی روشن و فراوان برای رهنمون ساختن انسان ها به هدایت های ویژه و مراحل والای هدایت

الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس و بینت من الهدی

<بینه> به معنای دلیل و روشن و آشکار است و جمع آوردن آن دلالت بر کثرت دارد.

از معرفه بودن <الهدی> در <بینات من الهدی> چنین بر می آید که مراد، هدایت‌هایی خاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۲

۲ همه مردم در پهنه گیتی و در همه ادوار، مخاطب تعالیم روشنگر قرآن

هذا بیان للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۳،۱۱

۳ حقانیت همه جانبه قرآن و مطابقت معارف و تعالیم آن با واقع

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق

کلمه <حق> به معنای مطابقت و موافقت با واقع است و در برداشت فوق، کلمه <بالحق>، توصیف <الکتب> گرفته شده و به تعبیر ادبی، حال برای آن است. یعنی: متلبساً بالحق.

۱۱ پیامبر (ص)، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه‌های ارائه شده به او، از سوی خداوند

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۸،۱۹

۱۸ اهتمام قرآن به مسایل حقوقی و اقتصادی

قل الله یفتیکم فی الکله . . . بین الله لکم ان تضلوا

۱۹ نادیده گرفتن مسایل اقتصادی و حقوقی دین (ارث و ...) مایه گمراهی و ضلالت

یستفتونک قل الله یفتیکم . . . بین الله لکم ان تضلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ تمامی قوانین و مقررات باید تنها بر پایه تعالیم قرآن تدوین و تنظیم گردد .

و انزلنا اليك الكتب .

.. فاحکم بینهم بما أنزل الله

۱۶ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها در گرو پی ریزی آنها بر اساس تعالیم قرآن است .

و انزلنا اليك الكتب .. فاحکم بینهم بما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۸

۸ احکام و قوانین قرآن ، مبتنی بر علم و عقل

و إن احکم بینهم بما أنزل الله .. افحکم الجهلیه یبغون

جهل در لغت مقابل عقل و نیز علم، کاربرد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انداز دهنده کسی که به معارف آن دست یابی یابد.

و أوحی إلیّ هذا القرآن لأنذرکم به و من بلغ

<من بلغ> بیانگر عموم و محدود نبودن مرز دعوت قرآن در عرصه زمان و مکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه باطل و میرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جئناهم بکتب فصلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۷

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفا بخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

يأيها الناس قد جاءكم موعظه من ربكم .. ورحمه للمؤمنين

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

٨ - يوسف -

۸ طرح پرسش و آن گاه مراجعه به قرآن برای پاسخ یابی ، توصیه خداوند به انسانها

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۱

۱۱ قرآن هر آنچه را مردم برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بدان نیازمندند ، به روشنی بیان کرده است .

و لکن ... تفصیل کل شیء

توصیف قرآن به <هدی> و <رحمه> پس از <و لکن ... تفصیل کل شیء> می رساند که مراد از <هر چیز> مسائل هدایتی و هر آنچه رحمت آفرین و مایه سعادت بشر می باشد ، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۹

۹ آیات قرآن ، آیاتی عظیم الشان و دارای محتوا و تعالیمی والا و بلند مرتبه است .

تلک آیت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۳

۱۳ قرآن ، بیانگر نشانه ها و دلایل اقتدار خداوند و روشن گر تدبیر او بر امور جهان است .

یدبر الأمر یفصل الآیت

در برداشت فوق <الآیات> به آیات قرآنی تفسیر شده است. گفتنی است که بر این مبنا مقصود از تفصیل (جداسازی) تبیین کردن و به روشنی بیان نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و كذلك أنزلنه حکمًا

حکم کردن به چیزی آن است که داوری

کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب). بر این اساس <قرآن حکم است>؛ یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد؛ مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۸

۸ قرآن با توجه دادن مردم به زندگانی بشری و عادی پیامبران پیشین، طعن و ایراد مخالفان پیامبر (ص) را امری نابجا و ناموجه دانست.

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزواجاً و ذریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۶، ۱۴، ۱۵، ۱۳

۱۳- قرآن، حاوی تمامی حقایق هستی که آگاهی از همه آنها در اختیار پیامبر (ص) است. *

و نزلنا عليك الكتب تبيناً لكل شيء و هدًى

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <تبیاناً لكل شيء> تمامی حقایق هستی باشد، ولی از آن جا که قرآن بر شخص پیامبر (ص) نازل شد (نزلنا عليك) و آن حضرت نقش تبیین حقایق قرآن را برعهده دارد (و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس... <سوره نحل / ۴۴>) از این رو می توان استفاده کرد که تمامی حقایق قرآن که حاوی حقایق عالم است

نزد پیامبر(ص) موجود است و ایشان بر حسب مصلحت برخی از آن حقایق را برای مردم تبیین می کنند.

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جئنا بک شهیداً علی هؤلاء و نزلنا علیک الکتب تبییناً لکل شیء و هدئی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه / یعنی ، <و جئنا بک شهیداً ..> با <و نزلنا علیک ...> و نیز بنابر اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

۱۵- لزوم مراجعه به قرآن ، برای شناخت عوامل واقعی رشد و هدایت انسان

و نزلنا علیک الکتب تبییناً لکل شیء و هدئی

۱۶- ارائه بهترین برنامه به انسان (قرآن) ، اتمام حجت خداوند بر آدمیان

و یوم نبعث فی کل أمه شهیداً .. و نزلنا علیک الکتب تبییناً لکل شیء و هدئی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۱

۱- قرآن دربردارنده برترین هدایت ها و استوارترین شریعت برای بشر است .

إن هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم

عبارت <التی هی أقوم> صفت برای موصوف محذوف مثل کلمه <شریعت> و <ملت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۲

۱۲- قرآن ، دربردارنده همه بیان های هدایتی مورد نیاز انسان در فصل ها و بخش های متعدد

إن هذا القرآن یهدی .. و کل شیء فصلنه تفصیلاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که <فصلناه> به معنای لغوی خود (جدا کردن) استعمال شده

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۶

۶- حقایق قرآنی ، اساس رسالت پیامبر (ص) و بشارت ها و انذار های آن حضرت

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل و ما أرسلنک إلا مبشّراً و نذیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۸

۸- قرآن ، حقایقی عالی و تنزل یافته در حد فهم و درک بشر *

نزلنه تنزیلاً

در معنای <نزول> فرود از مرتبه عالی نهفته است (مفردات راغب) و چون نزول فیزیکی قرآن قابل تصور نیست، ممکن است مقصود نزول معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۱،۵

۱- قرآن ترسیم کننده سیما و سرگذشت واقعی عیسی (ع)

ذلک عیسی ابن مریم قول الحقّ

<ذلک> اشاره به دارنده اوصافی است که در آیات گذشته تشریح شد. و <قول الحقّ> مفعول برای فعل محذوف (أقول) است، یعنی سخن درستی می گویم.

۵- قرآن ، بیان کننده حقایق تاریخ و واقعیت های آن است .

ذلک عیسی ابن مریم قول الحقّ الذی فیہ یمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۷

۷- محتوای قرآن ، وسیله بشارت و انذار است .

فَاتِّمَّا يَسِّرَنه بلسانك لتبشّر . . و تنذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۵

۵- قرآن ، حاوی هشدار ها و وعیدهایی گوناگون و متنوع

و صرفنا فيه من الوعيد

<صرف> و <تصریف> باز گرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر

و یا تعویض آن است. گفتنی است که در <تصریف> مبالغه افزون تری وجود دارد (مفردات راغب). بنابراین مقصود از <صرفنا...> این است که وعیدها را به شکل های گوناگون عرضه کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۵ - ۱

۱ - قرآن حاوی عهد ها و توصیه های خداوند

و كذلك أنزلناه... لعلمهم... و لقد عهدنا إلى آدم من قبل

<عهد>؛ یعنی، وصیت و سفارش (قاموس)، <واو> در <و لقد عهدنا> داستان آدم را به مطالب قبل (و كذلك أنزلناه)، عطف کرده است، ارتباط عهد خداوند با آدم به نازل کردن قرآن، گویای آن است که قرآن در پی آموختن عهدها و توصیه های خداوند، به مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۷

۷ - قرآن، حاوی معارف کتاب های آسمانی پیشین

أولم تأتتهم بينه ما في الصحف الأولى

توصیف قرآن به این که <بینه دیگر کتاب های آسمانی است>، دو نکته را روشن می سازد: اول این که مطالب قرآن و آن کتاب ها شبیه یکدیگر است؛ دوم این که این کتاب، شاهد صدقی بر آن کتاب ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۴

۴ - قرآن، یاد آورنده انسان و حاوی مسائل مربوط به آدمیان است.

کتاباً فیه ذکر کم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ذکر> به معنای چیزی را به زبان آوردن و یاد کردن باشد. گفتنی است که این معنا از معانی مشهور و غالب آن است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۸

۸ - پیام های قرآن ، هماهنگ با پیام های آسمانی پیشین

أم جاءهم ما لم يأت ءاباءهم الأولين

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <ما> در <ما لم يأت> محتوا و پیام های قرآن باشد، یعنی <أم جاءهم من الوحي ما لم يأت..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۵

۵ - بیان دقیق سرگذشت امت های کفرپیشه تاریخ در قرآن ، نازل شده از سوی خداوند .

و إنه لتنزيل ربّ العلمين

برداشت یاد شده با توجه به نکته این است که ضمیر <إنه> ناظر به محتوای آیات پیشین باشد که مربوط به سرنوشت امت های گذشته تاریخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۵

۵ - هشدار دهی به خلق ، از پیام های بارز قرآن

نزل به الروح الأمين .. لتكون من المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۲

۲ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، عصاره پیام قرآن

فلاتدع مع الله إلهًا آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بیان دقیق سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور (ماجرای که به جز خدا کسی از آن خبر نداشت) دلیلی روشن بر آسمانی بودن قرآن

و إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ .. إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ

بیان ماجرای موسی در وادی طور، که می

تواند دلیلی برای <إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ..> باشد؛ زیرا آن واقعه ای است که جز خدا احدی از آن اطلاع نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۵،۹

۵ - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقْضُ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

مراد از <يَقْضُ> صرف قصه گویی و گزارش نیست؛ بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره است.

۹ - برخی اختلافات دینی بنی اسرائیل ، فاقد ارزش تبیین و نقادی از نظر قرآن

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقْضُ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

این که قرآن به همه مسائل مورد اختلاف بنی اسرائیل پرداخته است، می تواند از آن جهت باشد که قرآن به مسائل ضروری و مورد نیاز توجه داشته و اختلافات فاقد ارزش را مسکوت گذاشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۷

۷ - پایبند ساختن بشر به نیکی ها و ارزش ها ، عصاره پیام وحی و دعوت قرآن

من جاء بالحسنة فله خير منها

از این که خداوند به جای هر عمل خاصی، عنوان <الحسنة> را برگزیده و آن را ملاک اصلی رستگاری انسان معرفی کرده است، استفاده می شود که همه تکالیف و رهنمودهای دین، در حقیقتی به نام <حسنة> خلاصه می شود و وحی الهی با تشویق و رهنمود به نیکی ها، درصدد پایبند ساختن انسان به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

عنكبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، حاوی آیات الهی است .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب .. و ما يجحد بآيتنا إلا الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۷

۷ - برتری اعجاز قرآن بر معجزات حسّی ، در این است که قرآن ، دارای معارفی است و مردم با خواندن آن ، بر آن معارف ، آگاه می شوند .

أولم يكفهم أنا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، از مقام ربوبیت خدا ، نشأت گرفته و دربردارنده معارفی در جهت رشد و کمال انسان است .

تنزيل الكتب .. من ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۴

۴ - قرآن ، دربردارنده آیه های خدا و حکمت است .

و اذكرن ما يتلى في بيوتكن من آيات الله و الحكمة

مراد از <ما> به قرینه <یتلی> می تواند قرآن باشد و <من> برای بیان <ما>، در این صورت، آیات و حکمت، تشکیل دهنده محتوای قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - تعالیم قرآن کریم ، با آیین و سنت های ماندگار از گذشتگان مشرکان ، در تعارض آشکار است .

و إذا تتلى عليهم آيتنا .. قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كان يعب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - ص

۷- قرآن ، یادآور دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

برداشت یاد شده از نام گذاری قرآن به <ذکر> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۸

۸- قرآن ، برخوردار از معارف و آموزه های عمیق و ژرف

کتاب .. لِيَذَّبُوا آيَاتِهِ

از این که خداوند فرمود: قرآن برای تدبر و اندیشه کردن است، استفاده می شود که محتوای این کتاب، عمیق و ژرف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۲

۲- بشارت و انذار ، دو پیام مهم و روشن آیات قرآن

کتاب فصلت .. بَشِيرًا وَ نَذِيرًا

با توجه به این که قرآن در بردارنده مفاهیم مختلف معرفتی است، تخصیص به ذکر یافتن بشارت و انذار، نشان گر اهمیت و برجستگی آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۴

۴- قرآن ، یادآور فطریات فراموش شده انسان به او

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ

انتخاب واژه <ذکر> (یادآوری) در نام گذاری قرآن، مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۴

۴ - اخبار و سرگذشت های هشداردهنده و بازدارنده از گناه و سیه روزی ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵

۵ - توصیه به دور نشدن از قوانین و موازین عادلانه در زندگی ، برخوردار از جایگاهی ویژه در بین توصیه ها و آموزه های الهی و قرآنی

أَلَا تَطْغَوْنَ فِي الْمِيزَانِ

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که سفارش به دور نشدن از قوانین و موازین عادلانه، نخستین توصیه الهی در این سوره قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، بازگوکننده شأن و منزلت برتر خداوند ، در عالم هستی و بیانگر یکتایی او و بطلان شرک

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ .. وَ أَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۸

۸ - انسان و احیای مجدد او در روز رستاخیز ، از مباحث اساسی و محوری قرآن در دوره نخستین رسالت پیامبر (ص)

لَا أَقْسَمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ .. أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ ... أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرُ

برداشت یاد شده، به این سبب است که این سوره که از سوره های مکی و نازل شده در مرحله نخستین رسالت است از آغاز تا پایان، درباره دو موضوع انسان و قیامت بحث کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۲

۲ - قرآن ، یادآور نیاز های بشر و تأمین کننده آن است .

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ

واژه <تذکره> در بیشتر لغت نامه ها چنین معنا و تعریف شده است: <مَا يُسْتَدَكَّرُ بِهِ الْحَاجَهُ > (چیزی که

بهوسیله آن نیازها خاطر نشان می شود و انسان همواره آن را به یاد دارد و فراموشش نمی کند (ر. ک: قاموس، صحاح، تاج العروس و لسان العرب). بر این اساس می توان استفاده کرد که قرآن، نیازهای انسان ها را بدان ها یادآور شده است، بگونه ای که آن را همواره در خاطر دارد و در واقع آنها را تأمین خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۴

۴ - آگاه ساختن اهل خشیت به معارف قرآن، آسان و بی نیاز از تحمل رنج و ناراحتی است .

سنقرئک ... و نیسرک لیسری . فذکر ... سیدکر من یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۴

۴ - قرآن در رهنمود های خود، خردمندان را مخاطب قرار داده است .

لذی حجر

<حجر> به معنای <منع> است (قاموس). از آن جهت به عقل <حجر> گفته می شود که انسان را از خواسته های نفس باز می دارد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۷

۷ - قرآن، کتابی با عظمت و گنجینه معارفی هماهنگ با مقدرات جهان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

نزول قرآن در شب قدر، اسناد نازل کردن آن به خداوند و آوردن ضمیر بدون مرجع آن که خود حاکی از شهرت مرجع ضمیر است نشانه های عظمت قرآن است. تناسب ظرف و مظروف نیز، بیانگر هماهنگی نزول قرآن با ویژگی های شب قدر است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۲

۲ - قرآن ، در برگیرنده قوانینی نظام بخش و حافظ مصالح مردم

فیها کتب قیمه

<قیم> هر چیز، برپادارنده و قوام بخش آن است (لسان العرب). فعل <کُتِبَ>؛ یعنی، حکم و قضاوت کرد و ملزم ساخت (مصباح). بنابراین مراد از <کُتِبَ> در آیه شریفه، ممکن است مجموعه حکم ها و الزام های الهی باشد.

تعالیم قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۴

۴ داستان پیامبران در قرآن ، حاوی حقایقی که مصلحان و هدایتگران جوامع بشری را بر پیشبرد هدف های خویش ، قوی و استوار می سازد .

و کلاً نقض علیک من أنباء الرسل ما نثبت به فؤادک

تعجیل در نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۹

۹ - نزول سریع تر تمامی قرآن و تکمیل زودرس مجموعه آیات آن ، خواسته قلبی پیامبر (ص) بود .

و لاتعجل بالقراءان من قبل أن یقضی الیک وحیه

در وجه نزول این آیه، دیدگاههایی وجود دارد: ۱ پیامبر(ص)، همراه قرائت جبرئیل، آیات را قرائت می کرد تا به دریافت کامل آن اطمینان یابد. ۲ پیامبر(ص) پیش از روشن شدن معنای آیات، آن را بر اصحاب املا می فرمود. ۳ پیامبر(ص) خواستار نزول تمامی قرآن در زمانی کوتاه تر بود. و چون تعبیر <القرآن> با اراده مجموعه قرآن سازگارتر است، می توان سومین احتمال را ترجیح داد.

تعدد کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۱،۲

- ۱

قرآن، به دست نویسندگانی متعدد، نگاشته شده است.

بأیدی سفره

<بأیدی> مانند <فی صحف> در آیات پیشین به محذوفی نظیر <مکتوبه> یا <مشته> تعلق دارد.

۲- نوشتن قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت، رسالت الهی بر عهده سفیران متعدد

بأیدی سفره

<سفره> یا به معنای نویسندگان است و یا رسولان. در کتب لغت درباره این کلمه چنین آمده است: <سفر< در تمام مشتقاتش [بر مکشوف و آشکار شدن دلالت دارد و <سَافِرٌ> یعنی، کتابت و <سفره> یعنی، نویسندگان؛ آنها را از آن جهت به این نام نامیدند که کتابت، آشکار سازنده چیزی است که مورد نیاز از نوشته است (مقایس اللغه). کلمه <سفیر> بر رسول نیز اطلاق می شود؛ زیرا او مأموریت خود را آشکار می سازد (تاج العروس). جمع <سفیر>، گرچه <سفراء> است؛ ولی از آنجا که در لسان العرب، کلمه <سفره> بر فرشتگانی که بین خدا و پیامبران او سفارت (رسالت) دارند، اطلاق شده است، می توان گفت: <سفره>، به معنای <سفراء> نیز استعمال شده است.

تعدد نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۶

۱۶ - نزول مکرر قرآن *

و لاتعجل بالقرءان

برداشت یاد شده بر اساس احتمال نزول قرآن در شب قدر است که در نتیجه پیامبر(ص) قبل از نزول تدریجی آیات، به آن آگاه بوده است.

تعقل در آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ ضرورت تأمل و اندیشه در کیفیت بیان توحید و ارائه حقایق به شکلهای گوناگون در آیات قرآن

تصریف به معنی دگرگون ساختن و گرداندن است و در آیه شریفه به معنی ارائه صورتها و طرحهای گوناگون کلام برای ارائه حقایق است.

تعقل در تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱

۱ انسان ، وظیفه دار سنجش میان فرجام تقواییشگان و تکذیب کنندگان قیامت و دوزندگی بهشت و جهنم ، با تفکر در رهنمود های قرآن

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

تعقل در روش مبارزه دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۱،۲

۱ خداوند ، پیامبر (ص) را به اندیشه و تحلیل در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و رسالت آن حضرت ، فراخواند

انظر كيف ضربوا لك الأمثل

۲ ضرورت اندیشه در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و پیامبر اسلام (ص) و تحلیل عمیق آن برای رهبران جامعه اسلامی

انظر كيف ضربوا لك الأمثل

تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱

۱ ضرورت و لزوم تدبّر و اندیشه عمیق در قرآن

افلا يتدبّرون القرآن

اندیشه و تأمل مداوم در یک چیز را تدبّر می گویند که از آن به <اندیشه عمیق> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۸

۸- خداوند ، انسان را به تعقل و اندیشه در معارف قرآن ، فراخوانده و ترغیب

می کند .

أفلاتتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۷

۷ - ترغیب مردم از سوی خداوند ، برای اندیشه در قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر

تعقل در مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۴

۴ مثال های به کاربرده شده در قرآن ، دارای ظرافت و دقایق قابل تأمل است .

و ما یعقلها إلاّ العلمون

تعلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ فراگیری قرآن و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنا أنزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس بما أريک الله

ظاهراً مراد از <ما اریک> ، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - تعلیم حقایق و معارف قرآن و آموزش حکمت به مردم ، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های رسالت اوست .

و يعلمکم الکتب و الحکمه

۱۱ - پیراستن مردم از آلودگی ها و تعلیم قرآن ، احکام و معارف دین ، از وظایف اساسی مبلغان دین و از رؤوس برنامه های آنان است .

یتلوا علیکم ءایتنا و یزکیکم و يعلمکم الکتب و الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۹

طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانش کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم آیته و یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

تقدّم ذکری < تزکیه > بر < تعلیم کتاب >، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۳

۳ - ابن ام مکتوم ، خواهان فراگیری معارف قرآن بود .

فمن شاء ذکره

آیه شریفه تلویحاً حاضران مجلس پیامبر(ص) را به دو دسته تقسیم می کند و به قرینه آیات پیشین عبارت < من شاء > به ابن ام مکتوم نظر دارد.

تعلیم قرآن به انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - خداوند ، معلم انسان و تعلیم دهنده قرآن

الرحمن . علّم القرءان

۲ - نزول قرآن و تعلیم آن به انسان ، تبلور رحمت گسترده خداوند به خلق

الرحمن . علّم القرءان

اسناد تعلیم به اسم < رحمان >، بیانگر مطلب بالا است.

تعلیم قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۲

۲- روی آوردن جبرئیل به سوی پیامبر (ص)، جهت تعلیم قرآن به آن حضرت

علمه شدید القوی .. فاستوی

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <استوی> حذف شده و تقدیر آن <فاستوی إلیه> می باشد (آهنگ پیامبر کرد).

تعلیم قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۹ - ۲

۲- فراگرفتن قرآن و حفظ آن و دارا

بودن تسهیلات خدا دادی، پیامبر (ص) را از شرایط لازم برای ارشاد مردم برخوردار ساخته بود.

سنقرئک فلاتنسی... و نیسرك لیسری. فذکر

حرف <فاء>، فرمان ارشاد و تذکر را بر آیات پیشین تفریع کرده است. در آن آیات، از توانمندی پیامبر(ص) بر قرائت، حفظ و پی گیری آسان تعالیم قرآن سخن به میان آمده بود. بنابراین وجود آن ویژگی ها، مقدمه لازم برای اقدام به تذکر است.

تغییرناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۴

۴- قرآن، کتابی است جاودانه و تعالیم آن تأثیرناپذیر از گذشت زمان.

و بالحق أنزلنه و بالحق نزل

برداشت فوق، مبتنی بر یکی از معانی و موارد استعمال <حق> است که عبارت است از: امر ثابت و زوال ناپذیر.

تفسیر به رأی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴۴

۴۴ تأویل متشابهات قرآن توسط غیر راسخان در علم، تأویل به رأی است.

و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم

امام رضا (ع): ... و لا تتأول کتاب الله برأیک فان الله عز و جل قد قال: <و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم>.

عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۱، ب ۱۴ / بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۲، ح ۱.

تفسیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢ - آل عمران - ٣ - ٧ - ٧٨، ١٥، ٢٠، ٣٢، ٣٤، ٣٥، ٤٢

٧ آيات محكم قرآن ، مرجع فهم و تفسير آيات متشابه

منه ايات محكمات هنّ ام الكتاب

<ام> در لغت عرب به هر چه مرجع چیزی دیگری باشد گفته می شود. (روح المعانی، ج ۳، ص ۷۰).

۸ عدم جواز برداشت از آیات متشابه ، بدون ارجاع آنها به آیات محکم

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه

۱۵ عدم جواز فتنه جویی و تأویل نادرست از قرآن

فأما الذين في قلوبهم زيغ .. ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأويله

۲۰ فهم و برداشت صحیح از قرآن ، بدون شناخت محکم و متشابه آن ، امری ناممکن است .

هنّ ام الكتاب .. فأما الذين في قلوبهم زيغ

فهم متشابه در گرو ارجاعش به محکم است ؛ چون محکم ، <ام> و مرجع است. بنابراین اول باید آیات محکم از متشابه تشخیص داده شود، تا بتوان قرآن را فهمید.

۳۲ وجود معارفی در قرآن که فهم آن تنها در اختیار گروه خاصی است .

و ما يعلم تأويله إلا الله و الراسخون في العلم

۳۴ جز خردمندان ، کسی قدرت درک و ویژگی های آیات محکم و متشابه را ندارد .

و ما يذکر إلا اولوا الالباب

ظاهراً مراد از متعلق <ما يذکر>، مطالب عنوان شده در همین آیه باشد.

۳۵ خردمندی ، شرط دریافت حقایق قرآن و ویژگی های آن

و ما يذکر إلا اولوا الالباب

۴۲ علم به باطن قرآن ، علم به تأویل آن است .

و ما يعلم تأويله إلا الله

از امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از معنای روایت <ما من القرآن آیه الا اولها ظهر و بطن> فرمود: ظهره تنزیله و بطنه تأويله ...

بصائر الدرجات صفار، ص ١٩٦، ح ٧، ب ٧ / بحار الانوار، ج ٩٢، ص ٩٧، ح ٦٤.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۵

۵ - تشویق خداوند ، به کسب دانش و خردورزی جهت دریافت دقایق قرآن کریم

و ما يعقلها إلاّ العلمون

تفسیر قرآن به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۹ - ۲

۲ - بعضی از آیات قرآن ، برخی دیگر را تبیین و تفسیر می کند .

ثمّ إنّ علینا بیانہ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بیانه> تبیین در قالب الفاظ و آیات دیگر قرآن باشد.

تفضل به تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۴،۹

۴ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق گران ، از فضل خداوند و مزد بیش از استحقاق خود برخوردارند .

إنّما یخشی اللّٰه من عباده العلموا... إنّ الذین یتلون کتب اللّٰه... و یزیدهم

۹ - اعطای اجر کامل و بیش از استحقاق به عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، برخاسته از صفت آمرزندگی و سپاس گزاری خداوند است .

لیوفّیهم أجورهم و یزیدهم من فضله إنّہ غفور شکور

جمله <إنّہ غفور شکور> در مقام تعلیل برای <لیوفّیهم...> است؛ یعنی، چون خداوند نسبت به بندگانش غفور و شکور است، به آنان پاداش کامل و بیش از استحقاق می هد.

تفقه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ مبلغان دین وظیفه دار تأمل و تحقیق در شیوه

های بیان حقایق در قرآن و به کارگیری آن در تبلیغ هستند.

انظر كيف نصرफ الأیت لعلهم یفقهون

۱۱ روشهای گوناگون و متنوع قرآن در بیان مفاهیم و مقاصد، جولانگاهی است برای تأمل و اندیشه.

انظر كيف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

تفکر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۷

۷ - ترغیب مردم از سوی خداوند ، برای اندیشه در قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۷

۷ - ترغیب مردم از سوی خداوند ، برای اندیشه در قرآن

و لقد یسرنا القرآن .. فهل من مدکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۷

۷ - ترغیب مردم از سوی خداوند برای اندیشه در قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر

تفکیک ناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۳

۳- اسلام و معارف و آموزه های قرآن ، مجموعه ای به هم پیوسته ، مرتبط و غیر قابل تفکیک و التقاط

المقتسمین. الذین جعلوا القرآن عظیم

تقدس قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۳

۳- قرآن ، کتابی مقدس و ارجمند نزد خداوند

و الکتب المبین

واو در <و الکتب> واو قسم است. سوگند خوردن خداوند به قرآن، نشان از ارجمندی و قداست قرآن در پیشگاه او دارد.

تکبر بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - گردن فرازی در برابر تعالیم قرآن ، نشانه کفر است .

لايسجدون . بل الذين كفروا

تکذیب آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱۰

۱۰ - رد و انکار آیات قرآن ، کفر است .

و قد أنزلنا آيات بينت و للكافرين عذاب مهين

تکذیب اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۲

۲ - تلاش کافران ، برای بشری جلوه دادن قرآن و نفی اعجاز از آن

أم يقولون تقوله

تکذیب بخشی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۵

۵ گروههایی از اهل کتاب ، قسمتهایی از قرآن را نمی پذیرفتند و حقانیت آن را انکار می کردند .

و من الأحزاب من ينكر بعضه

تکذیب حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله

تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۸

۸ - انکار قرآن و دلایل رسالت پیامبر (ص) ، نشانه فسق و انحراف انکار کننده است .

و ما يكفر بها إلا الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹، ۱

۱ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون

درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد كذبوا بالحق لما جاءهم

جمله ظرفیه <لما جاءهم> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من آیه .. إلا كانوا عنها معرضین. فقد كذبوا بالحق ... ما كانوا به ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۸

۸ مشرکان به هنگام حضور در نزد پیامبر(ص)، از سر لجاج و انکار به مجادله درباره قرآن و رسالت آن حضرت می پرداختند.

حتى إذا جاءوك یجدلونك یقول الذین كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین .. بل بدالهم ما كانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما كانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۶

۶ مشرکان صدر اسلام دلیل روشن حقانیت پیامبر(ص) (قرآن) را تکذیب می کردند.

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و کذب به قومک و هو الحق

در آیه ۵۷

<قل إني علي بينه> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۳،۵

۳ انکار قرآن و پیام های آن نشانه گمراه گشتن انسان به دست خداوند است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون. من یضلل الله فلا هادی له

۵ کفر به قرآن و انکار معارف آن طغیانگری است .

و یدرهم فی طغینهم یعمهون

ضمیر <هم> در <یدرهم> و <طغیانهم> به منکران قرآن، که از جمله <فبأی حدیث> استفاده می شود، برمی گردد. بنابراین مراد از <طغیان> انکار قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۹

۹ انکار آسمانی بودن قرآن و رسالت حضرت محمد (ص) علی رغم آگاهی به زندگی و شخصیت پیش از بعثت او ، نشانه بی خردی است .

قل لو شاء الله ما تلوته علیکم .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۹

۹ تکذیب قرآن ، نشانه وجود روحیه جرم پیشگی و بزهکاری در تکذیبگر

أو کذب بأیته إنه لا یفلح المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت ، و ردّ و انکار آن گمراهی و ضلالت است .

قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فإنما يهتدى

لنفسه و من ضل فإنما يضل عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۷

۷ پذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمت اوست .

لتتلوا عليهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم ..> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شدن به خدا، گویای این نکته است که پذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله کفر ورزیدن به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۸

۸- انکار قرآن با وجود دلایل حقانیت و بی ماندی آن ، ناسپاسی بس بزرگ و غیر قابل توجیه است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <کفور> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۱

۱ - مشرکان ، منکر وجود کتاب آسمانی جدید از سنخ کتاب های رسولان پیشین

لو أنّ عندنا ذکراً من الأوّلین

<لو> شرطیه بوده و جواب آن، جمله <لکننا عباد الله..> (در آیه بعد) است. مقصود از <ذکر>، کتاب های آسمانی و مراد از <الأوّلین> رسولان پیشین است. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: اگر پیش ما کتابی مانند کتاب های آسمانی رسولان پیشین بود، ما از بندگان

خالص بودیم؛ ولی چون چنین کتابی در دست ما نیست، پس به آیین توحیدی جدید ایمان نخواهیم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق، از خصوصیات کافران است.

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مَثْوَى لِلْكَافِرِينَ) کافران می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۷،۹

۷ - انکار قرآن، با وجود درک حقایق آن دشمنی با خدا است.

ذلك جزاء أعداء الله .. جزاء بما كانوا بآيتنا يجحدون

۹ - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص)، شیوه مستمر کافران مکه

كانوا بآيتنا يجحدون

فعل <كان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۱

۱ - مجادله مشرکان مکه درباره عیسی (ع)، اقدامی در جهت تخطئه آیات قرآن

و لما ضرب ابن مريم مثلاً

تأمل در آیات بعد، نشان می دهد که مثل مذکور در این آیه، از ناحیه مشرکان و برای توجیه روی آوری آنان به پرستش بت ها و انکار مورد عذاب واقع شدن معبودهای شرک بوده است؛ چنان که در آیه بعد می فرماید: <ما ضربوه إلاّ جِدلاً..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران ، در انکار پیامبر و قرآن ، گرفتار

آشفته گویی و تناقض بودند .

إنکم لفی قول مختلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن ، بر تکذیب آن پافشاری کردند .

و تجعلون رزقکم انکم تکذبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم..> می باشد.

تکذیب و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۲

۲ - مشرکان ، منکر آسمانی بودن قرآن بودند .

لو ان عندنا ذکرًا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مشرکان، در حالی ایمان خود را مشروط به نزول کتابی آسمانی (همانند کتاب های آسمانی پیامبران گذشته) می دانستند که قرآن برای هدایت آنان نازل شده بود و از آن آگاه بودند.

تکرار تلاوت قرآن بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۴

۱۴ - تکرار قرائت قرآن بر پیامبر (ص) از سوی خداوند ، مایه فراموش نشدن آن بود . *

سنقرئک فلاتنسی

حرف <سین> که برای استقبال است اگر بر فعلی درآید که در زمان تکلم نیز در حال انجام گرفتن است، دلالت بر تداوم فعل خواهد کرد و چون آیه <سنقرئک ..>، خود نیز مصداق قرائت قرآن است، بنابراین حرف <سین> بر استمرار قرائت

در آینده دلالت می کند و حرف <فاء> در <فلاتنسی>، فراموش نکردن قرآن را بر استمرار قرائت آن تفریع کرده است.

تکرار در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۳

۳ - تکرار و گوشزد کردن پی در پی رهنمود ها ، روش تعلیم و تربیت قرآن

و لقد وَّصَّلنا لهم القول لعلَّهم يتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۶

۶ - تکرار مطالب و مسائل ، از اوصاف قرآن

کتابًا متشبهًا مثنائی

<مثنی> (جمع <مثنائی>) به معنای مکرر است و مقصود از آن تکرار شدن بسیاری از مسائل و مطالب قرآن (همچون داستان ها و ..) به مناسبت های مختلف و به اقتضای نیازهایی بود که پیش می آمد.

تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۷

۱۷ > عن ابی عبداللّٰه (ع) [فی قوله] ... > و مما رزقناهم ینفقون < قال : مما علمناهم ینبؤن و مما علمناهم من القرآن یتلون >

از امام صادق (ع) [در باره سخن خداوند که می فرماید:] <و مما رزقناهم ینفقون> روایت شده که فرمود: یعنی، از آن چه ما به آنان تعلیم داده ایم خبر می دهند (آن را نشر می نمایند) و از آن چه ما از قرآن به آنها آموخته ایم تلاوت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۲

۲ تلاوت آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، از سوی خداوند

ذلك تتلوه عليك من الايات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ -

۱ گمراهی و کفر (ارتداد) مؤمنان، علی رغم تلاوت آیات الهی بر آنان و حضور پیامبر (ص) در میانشان، مایه شگفتی است.

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم آیات اللّٰه و فیکم رسوله

مراد از استفهام، تعجب است.

۸ هدف و انگیزه از تلاوت آیات الهی (انزال قرآن) و ارسال پیامبران، هدایت انسان ها به صراط مستقیم است.

و انتم تتلی علیکم آیات اللّٰه و فیکم رسوله و من یعتصم باللّٰه فقد هُدی الی صراط مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۷۸

۷ ارزش والای اطاعت و بندگی خدا، تلاوت آیات الهی (قرآن و...) به هنگام شب و در حال سجده به درگاه وی

یتلون ءایت اللّٰه ءاناء الیل و هم یسجدون

بنابر اینکه جمله <و هم یسجدون>، حال باشد.

۸ ترغیب به عبادت و تلاوت آیات الهی، (قرآن و...) در هنگام شب به همراه سجده

امّه قائمه یتلون ءایت اللّٰه ءاناء الیل و هم یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۸

۸ تلاوت آیات قرآن (ارائه نشانه های خدا و حقایق اسلام) زمینه ساز تربیت و تزکیه انسانها

یتلوا علیهم ءایته و یزکیهم

تقدّم ذکری تلاوت قرآن بر تزکیه، دلالت بر تقدّم رتبه ای آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲- ۲- ۸

۸ قرآن ، کتابی برای خواندن و

إنا أنزلناه قرءاً نأ عربياً لعلكم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱

۱- تلاوت آیات قرآن ، رسالتی الهی برعهده پیامبر (ص) بود .

واتل ما أحیٰ إلیک من کتاب ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - تلاوت ، نحوه نزول قرآن بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبیا موسی

۳ - داستان موسی و فرعون ، تلاوت شده از سوی خدا بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبیا موسی و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۳

۳ - تلاوت آیات قرآن برای مردم و ابلاغ پیام آن به ایشان ، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (ص)

إن الذی فرض علیک القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ بی درنگ آیات الهی بر مردم به محض دریافت آن

ولا یصدنک عن ءایة الله بعد إذ أنزلت إلیک

قید < بعد إذ أنزلت إليك > به معنای < بعد وقت الإنزال > است، یعنی، همین که نزول آیات بر تو پایان یافت، بی هیچ تأخیر باید آن را به مردم ابلاغ کنی و مبادا کافران تو را از این کار بازدارند و باعث تأخیر در تلاوت آن شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۱

۱ - تلاوت کتاب آسمانی قرآن، از جمله مسئولیت های

پیامبر اکرم (ص) است .

اتل ما أوحى إليك من الكتب

تلاوت قرآن با ترتیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : > الذين ءاتينهم الكتب يتلونه حق تلاوته < روایت شده که فرمود : > یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیہ ... >

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعید آن ترسان می باشند، و از قصه های آن پند و عبرت می گیرند و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند ... < .

تلاوت قرآن بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱

۱- خداوند ، به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرآن .. حجابًا مستورًا

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۴

۴ - تلاوت آیات قرآن بر کافران تکذیب گر و انکار

عمدی آن از سوی آنان

إذا تتلى عليه آياتنا قال أسطير الأولين

تلاوت قرآن بر کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - تلاوت کنندگان قرآن در عصر بعثت ، غیر مؤمنان را نیز با آیات آن آشنا ساخته ، برای آنها قرآن می خواندند .

و إذا قرىء عليهم القرآن لا يسجدون

تلاوت قرآن بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۸

۸ - قرآن ، کتاب قرائت شده بر پیامبر (ص)

و قرءان

<قرآن> مصدر <قرأ> است که مانند <رجحان> و <کفران> بر اسم مفعول اطلاق شده است؛ یعنی، <الكلام المقروء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۷ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی خوانده شده بر پیامبر (ص)

إنه لقرءان كريم

<قرآن>، مصدر به معنای مفعول است؛ یعنی، <إنه لمقروء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر پیامبر (ص)، تضمین شده از سوی خداوند

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

<جمع> در لغت به معنای تألیف است و مقصود از آن در این آیه تألیف و تنظیم کلمات قرآن می باشد. واژه <قرآن> نیز معنای مصدری دارد یعنی، خواندن. بنابراین <إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ> یعنی، <بی تردید تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر تو [ای پیامبر] بر عهده ما است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج

۲- آیات قرآن، بر پیامبر (ص) خوانده شده است و ساخته و پرداخته آن حضرت نیست.

بل هو قرءان

کلمه <قرآن>، هرگاه با حرف <ال> ذکر شود، عَلَم است و آن گاه که نکره باشد، مصدر و به معنای مفعول (مقروء) می باشد. مراد از وصف <مقروء> (قرائت شده)، این است که پیامبر(ص)، آن آیات را دریافت کرده است نه این که به دروغ آن را ساخته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۴

۴- وحی و نزول قرآن، به صورت قرائت آن بر پیامبر (ص) و جاری ساختن آن بر زبان او بوده است.

سنقرئک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۷ - ۸

۸- قرائت کامل قرآن بر پیامبر (ص) و بقای آن در حافظه آن حضرت، نویدی متکی بر علم خداوند

سنقرئک فلاتنسی .. إنه يعلم الجهر و ما یخفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۹

۹- ثبت آیات قرآن، در صحیفه ها و ورق ها، برنامه ای پیش بینی شده از جانب خداوند و القا شده به رسول اکرم (ص)

یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <صحف> (جمع <صحیفه>، یعنی، چیزی که در آن می نویسند)، اشاره به آینده قرآن و مکتوب شدن آن دارد. اسناد <یتلوا> به <صحفًا> با آن که پیامبر(ص) آیات الهی را از روی صحیفه های موجود تلاوت نمی کرد به

اعتبار مکتوب شدن پیام ها، پس از تلاوت آن است.

تلاوت قرآن بر مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۲،۳

۲- قراءت قرآن و تلاوت وحی بر مردم ، از وظایف پیامبر (ص)

و إذا قرأت القرآن

از اینکه خداوند برای پاسداری از پیامبر(ص)، بین وی و کافران به هنگام تلاوت قرآن حجابی نامریی قرار داده است / می تواند به خاطر این باشد که آن حضرت موظف بوده است که قرآن را برای مردم تلاوت کند اما چون با تلاوت قرآن، مورد آزار و اذیت قرار می گرفت خداوند با جعل حجاب، او را از آزار آنان محافظت کرد.

۳- تلاوت قرآن کریم توسط پیامبر (ص) در میان مردم

و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک .. حجاباً مستوراً

تلاوت قرآن بر مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۴

۴ - فراخوانده شدن مردم صدر اسلام به توحید و تلاوت شدن آیات قرآن بر آنان از سوی مؤمنان

و إذا تتلى عليهم آیتنا .. بالذین یتلون علیهم آیتنا

تلاوت قرآن برای گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۲

۲ - متجاوزان و گنه پیشگان ، نباید از شنیدن آیات قرآن محروم بمانند .

کلّ معتد أثمّ . إذا تتلى علیه آیتنا

تلاوت قرآن برای متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۲

۲ - متجاوزان و گنه پیشگان ، نباید از شنیدن آیات قرآن محروم بمانند

كَلِّمْ مَعْتَدًا أَتَمَّ . إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِ ءَايَتِنَا

تلاوت قرآن در تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۳،۴

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر قرائت قرآن با تأنی و به صورت شمرده شمرده در عبادت و شب زنده داری

قَمِ اللَّيْلُ . . . وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا

<ترتیل> در قرائت و سخن، به معنای آهسته آهسته و درست و بدون شتاب خواندن است (برگرفته از صحاح، مفردات راغب و مصباح المنیر).

۴- قرائت قرآن با تأنی و شمرده شمرده، از مهم ترین و مناسب ترین اعمال عبادی شبانه و مراسم شب زنده داری

قَمِ اللَّيْلُ . . . وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا

تلاوت قرآن در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۵

۵- قرائت قرآن و بازخوانی پیام وحی، عمده ترین رکن و مهمترین بُعد نماز

أَقِمِ الصَّلَاةَ . . . وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا

مراد از <قرآن الفجر> نماز صبح است و آوردن <قرآن> (تلاوت آیات الهی) به جای <صلاه> می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

تلاوت قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۵

۵- فرمان خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر قرائت قرآن با تأنی و شمرده شمرده در نمازهای نیمه شب

قم الیل . . و رتل القرءان ترتیلاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که چون آیه به دنبال توصیه به نماز شب آمده است، اشاره دارد به قرائت قرآن در
حین

نماز، زیرا قرائت قرآن از ارکان نماز است.

تلاوت قرآن صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱،۹

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ .. و طائفه من الذين معك

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

۹ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به تلاوت قرآن در شب هنگام به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تيسر من القرآن

تلاوت قرآن علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱

۱ - انس با قرآن و تلاوت مستمر آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه <إِنَّ الَّذِينَ..> در مقام بیان جمله <إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ

العلماء> است، یعنی، در توصیف عالمان خداترس می باشد.

تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۳

۳ تلاوت آیات قرآن ، از کار های مهم و همیشگی پیامبر اکرم (ص) بوده است .

و ما تتلوا منه من قرآن

از ذکر تلاوت قرآن در حالی که جمله <ما تکون فی شأن> آن را شامل می شود برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام

۱- خداوند ، به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرآن .. حجابًا مستورًا

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

۲- قراءت قرآن و تلاوت وحی بر مردم ، از وظایف پیامبر (ص)

و إذا قرأت القرآن

از اینکه خداوند برای پاسداری از پیامبر(ص)، بین وی و کافران به هنگام تلاوت قرآن حجابی نامرئی قرار داده است؛ می تواند به خاطر این باشد که آن حضرت موظف بوده است که قرآن را برای مردم تلاوت کند اما چون با تلاوت قرآن، مورد آزار و اذیت قرار می گرفت خداوند با جعل حجاب، او را از آزار آنان محافظت کرد.

۳- تلاوت قرآن کریم توسط پیامبر (ص) در میان مردم

و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک .. حجابًا مستورًا

۴- کافران ، پیامبر (ص) را به هنگام تلاوت آیات قرآن بر مردم ، مورد آزار و اذیت قرار می دادند و برای آن حضرت ایجاد مزاحمت می کردند .

و إذا قرأت القرآن

طبق شأن نزولهایی که وارد شده است (مجمع البیان، ذیل آیه) و نیز ظاهر آیه <جعلنا بینک و بین الذین > جعل حجاب به خاطر این بود که کافران نشنوند تا پیامبر(ص) را اذیت نمایند و برای آن حضرت، مزاحمت ایجاد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- مأموریت پیامبر (ص) به قراءت بخش های قرآن بر مردم به آرامی و با تأنی

و قرءاناً فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۲، ۱۰

۱۰- پیامبر (ص) ، آیات قرآن را پیش از پایان یافتن وحی آن ، به زبان جاری می ساخت و در تلاوت آن تعجیل داشت . *

و لاتعجل بالقراءان من قبل أن یقضی الیک وحیه

۱۲ - خداوند ، پیامبر (ص) را به شتاب نکردن در تلاوت آیات قرآن ، پیش از پایان یافتن وحی آن ، توصیه کرد .

و لاتعجل بالقراءان من قبل أن یقضی الیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱

۱ - تلاوت قرآن ، رسالت و وظیفه تغییرناپذیر پیامبر (ص) برای هدایت خلق

إنما أمرت أن .. و أن أتلاوا القرآن فمّن اهتدی

در این آیه تلاوت آیات قرآن به مردم، به عنوان یگانه مسؤلیت پیامبر(ص) مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله >فمن اهتدی...< نیز استفاده می شود که هدف از تلاوت آیات آن، هدایت خلق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱،۳

۱- روی آوری گروهی از جنیان به تدبیر الهی ، برای استماع قرآن از پیامبر (ص)

و إذ صرفنا الیک نفرًا من الجنّ یستمعون القرآن

۳- گروه جنیان ، مجذوب پیام وحی با استماع آن از زبان پیامبر (ص)

صرفنا إليك .. فلما حضروه قالوا أنصتوا

تعبیر <أنصتوا> و فراخواندن به سکوت، نشانگر اشتیاق آنان به استفاده هرچه بیشتر از قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، تلاوت گر آیات الهی (قرآن) برای مردم

رسولاً یتلوا علیکم ءایت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص) ، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لما سمعوا الذکر و یقولون إنه لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۱

۱ - تجمیع سریع و شتابزده کافران در اطراف پیامبر (ص) ، به هنگام تلاوت وحی برای مردم

فمال الذین کفروا قبلک مهطعین

<اهطاع> (مصدر <مهطعین>) به معنای گردن کشیدن و به سرعت راه رفتن و نیز به معنای گردن کشیدن برای خبر گرفتن آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از جن (سه تا هفت نفر یا سه تا ده نفر) ، به قرائت قرآن پیامبر (ص) گوش فرامی دادند .

قل أوحی إلیّی أنه استمع نفر من الجنّ

واژه <نفر> به گروهی متشکل از سه تا ده نفر و بنا بر نقلی سه تا هفت نفر از مردان اطلاق می شود. (مصباح المنیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۳

۳ - فرمان خداوند به

پیامبر (ص) ، مبنی بر قرائت قرآن با تأنی و به صورت شمرده شمرده در عبادت و شب زنده داری

قم الیل . . . و رتل القرءان ترتیلاً

<ترتیل> در قرائت و سخن، به معنای آهسته آهسته و درست و بدون شتاب خواندن است (برگرفته از صحاح، مفردات راغب و مصباح المنیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ . . . و طائفه من الذین معک

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۲

۲ - منع شدن پیامبر (ص) ، از شتابورزی در خواندن آیات وحی ، پیش از پایان یافتن وحی آن

لا تَحْرَکْ به لسانک لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۲

۲ - گردآوری قرآن در سینه پیامبر (ص) و توانایی آن حضرت بر قرائت آن ، تضمین شده از سوی خداوند

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ و قراءانه

یکی از احتمالات یاد شده در تفسیر آیه شریفه، این است که مقصود از <جمعه>، گردآوری قرآن در سینه پیامبر (ص) است؛ به گونه ای که آن حضرت به خاطر سپارد و فراموش نکند و مقصود از <قرآنه> تثبیت قرائت قرآن بر زبان ایشان است؛ به گونه ای که هرگاه خواسته باشد بتواند آن را قرائت کند (مانند آیه ۶ از سوره <اعلی>

<سنقرئك فلاتنسی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۲

۲ - سفارش خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر قرائت آیات نازل شده قرآن ، پس از پایان دریافت کامل آنها

فإذا قرأه فاتبع قرءانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲، ۱

۱ - آگاهی پیامبر (ص) بر وحی و زبان گشودن آن حضرت به قرائت قرآن ، وابسته به خواست خداوند و در گرو عنایت ویژه او بود .

سنقرئك

۲ - خداوند ، پیامبر (ص) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد .

سنقرئك

<إقراء> یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف <سین> در <سنقرئك> برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

۳ - توانمند ساختن پیامبر (ص) بر قرائت قرآن و فراموش نکردن آن ، از جلوه های ربوبیت خداوند بر آن حضرت است .

سنقرئك فلاتنسی

۷ - دریافت قرائت قرآن از جانب خداوند ، مصون سازنده پیامبر (ص) از فراموش کردن آن

سنقرئك فلاتنسی

حرف <فاء>، جمله <فلاتنسی> را بر <سنقرئك> تفریع کرده است.

۹ - تسبیح خداوند ، زمینه ساز شایستگی پیامبر (ص) برای دریافت قرآن و حفظ آن

سبح اسم ربك .. سنقرئك فلاتنسی

۱۲ - خداوند پیامبر (ص) را به داشتن حافظه ای نیرومند و فراموش نکردن آنچه خوانده است ، وعده داد .

سنقرئک فلاتنسی

حذف مفعول از فعل های <نقرء> و

<لاتنسی>، ممکن است برای افاده عموم باشد، یعنی، تو را بر قرائت توانا می سازیم و تو خواننده های خویش را، از یاد نخواهی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۱۱، ۳، ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور دریافت قرآن و قرائت آن

اقراً

<قرائت>، ممکن است به تلفظ یا مرور در ذهن انجام گیرد و در آیه شریفه به این دلیل که پیش از آن چیزی نازل نشده بود تا پیامبر(ص) مأمور به قرائت آن شود مراد دریافت و قرائت آیاتی است که بعد از فرمان <اقراء> نازل می شود. این فرمان، شامل قرائت کلمه <اقراء> نیز می باشد، نظیر آن که گفته شود: <آنچه را می گویم، گوش کن> که شامل همین جمله نیز می گردد.

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور آغاز قرائت قرآن ، با نام خداوند

اقراً باسم ربك

حرف <باء> در <باسم>، به حال محذوفی نظیر <مبتدأ> یا <مفتتحاً> تعلق دارد.

۱۱ - الزام پیامبر (ص) به قرائت قرآن در آغاز رسالت ، مایه رشد و تعالی آن حضرت و از جلوه های ربوبیت خداوند بود .

اقراً باسم ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، با تأکید بر فرمان خویش ، پیامبر (ص) را به دریافت و قرائت قرآن در آغاز رسالتش فرا خواند .

اقراً .. اقرأ

فرمان <اقراً>، تکرار و تأکید فرمانی است که در آغاز سوره آمده بود و مفعول محذوف آن نیز به قرینه سیاق کلام مطالبی

است که بعد از آن فرمان، وحی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۵

۵ - توجه به وابستگی تمام آموخته ها به خداوند، مایه اطمینان پیامبر (ص) به توانایی بر عمل به وظیفه دریافت و قرائت قرآن

اقرأ .. الذی علم بالقلم

با توجه به <امی> و بی سواد بودن پیامبر(ص) تا زمان بعثت، خداوند پس از فرمان دادن آن حضرت به قرائت، خود را معلم تمام اهل قلم معرفی کرده است تا آن حضرت را به امدادهای خویش امیدوار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۵ - ۶

۶ - توجه به وابستگی تمام معلومات انسان به خداوند، مایه اطمینان پیامبر (ص) به امداد الهی در توانا ساختن او بر دریافت و قرائت قرآن

اقرأ .. علم الإنسن ما لم یعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۶، ۱۳، ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص)، قرآن را از صحیفه هایی مکتوب و پیراسته از هر باطل، دریافت و بر مردم تلاوت می کرد.

رسول من الله یتلوا صحفًا مطهّره

در برداشت یاد شده، مراد از <صحفًا مطهّره>، قرآن مکتوب پیش از مرحله نزول بر پیامبر(ص) دانسته شده است. قرآن در آن مرحله براساس بعضی از آیات در اختیار فرشتگانی بزرگوار بوده است.

۱۳ - پیامبر (ص)، دارای رسالتی بزرگ از جانب خداوند و حامل پیامی مکتوب و خالی از انحراف و عهده دار بازخوانی آن بر

رسول من الله يتلوا صحفًا مطهّره

نکره آمدن <رسول>، بر عظمت پیامبر(ص) و رسالت آن حضرت دلالت دارد.

۱۶ - تلاوت قرآن بر مردم ، رسالتی الهی بر عهده پیامبر (ص)

رسول من الله يتلوا صحفًا مطهّره

توصیف پیامبر(ص) به تلاوت کننده قرآن پس از تطبیق عنوان <رسول> بر آن حضرت بیانگر آن است که تلاوت قرآن، بخشی از رسالت او است.

تلاوت قرآن مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۹

۹ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به تلاوت قرآن در شب هنگام به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تیسر من القرءان

تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : <الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته > روایت شده که فرمود : < یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیة ... >

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعید آن ترسان می باشند، و از قصه های آن پند و عبرت می گیرند و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند ... >.

تمسک به قرآن

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۳۱

۳۱ لزوم تمسک به قرآن کریم ، که ریسمان الهی است .

و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا

رسول خدا (ص) درباره <حبل الله> در آیه فوق فرمود: اِنَّه كتاب الله.

تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۵۴۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۱۵۹.

تناقض گویی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۴

۴ تکذیب کنندگان حق قرآن ، پیامبر و معاد گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذبوا بالحق لما جاءهم و هم فی امر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید؛ این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

تنزیه آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۱

۱ - آیات قرآن ، منطبق با حقیقت و واقعیت هستی و به دور از هرگونه کذب و افترا

تلک ءایة الله نتلوها علیک بالحق

برداشت بالا بنابراین نکته است که <تلک>، اشاره به آیات قرآن باشد و <بالحق> حال برای مفعول <نتلو> و نیز <حق>

به معنای مطابق با واقع باشد.

تنزیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن کتابی متقن و منزّه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و

نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۷

۷- قرآن منزّه از آن است که در آسمانی بودنش ، شک و تردید روا باشد .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

با وجود اینکه کفر پیشگان در آسمانی بودن قرآن اظهار تردید می کردند و بلکه منکر آن بودند خداوند در بیان تردید آنان جمله شرطیه به کاربرد تا به این حقیقت اشاره کند که: تردید در حقانیت قرآن تنها قابل فرض است و نمی تواند واقعیت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۵

۱۵- قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

و هو الحق

<ال> در <الحق> نظیر ال در <زید الرجل> برای استغراق صفات افراد است؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه باطل و مبرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جنّهم بکتب فصلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۸

پندارها، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءك الحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۲

۲ قرآن کتابی حق و مبرّا از هرگونه پندارها و تخیلات باطل است .

قد جاءكم الحق من ربكم

حق، مقابل باطل و به معنای دارای واقعیت است؛ به این معنا که معارفی که در قرآن آمده، حقایقی است منطبق با واقعیت و از هرگونه پندار و تخیلات واهی خالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱ - ۲

۲ همه آیات قرآن و تعالیم آن، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبرّاست .

کتبُ أحمکُم ءآیته

إحکام (مصدر أحمکت) به معنای اتقان است . بنابراین ((أحمکت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

إنه الحق

<ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۳، ۵

۵ قرآن ، گفتاری دروغ و بافته شده نبوده ؛ بلکه سخنی راست و درست است .

ما کان حدیثاً یفتری

مراد از ضمیر <کان> قرآن است. وصفهای بیان شده در آیه (و لکن تصدیق ...) بیانگر این معناست.

۱۳ هدایت های قرآن ، پیراسته از هر گمراهی و منزه از

کمترین پیامدی ناهنجار

و لکن ... هدی

<هدی> مصدر است و در این جا به معنای اسم فاعل (هدایت کننده) می باشد. به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل اشاره به این حقیقت دارد که: موصوفش (قرآن) محض هدایت است؛ یعنی، رهنمودهای آن مستلزم هیچ گمراهی و آمیخته به هیچ ضلالتی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۶

۶ قرآن کتابی سراسر حق، بدون نقص و پیراسته از هر گونه باطل و ناروایی

و الذی أنزل إليك من ربك الحق

<ال> در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است. بنابراین <الحق>؛ یعنی، حق کامل که کمترین باطلی در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۱

۱ قرآن، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل و ناروا

أنما أنزل إليك من ربك الحق

<ما> در <أنما> موصول اسمی و به معنای <الذی> است و مراد از آن قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۶

۶- قرآن، کتابی است سراسر حق و به دور از سخنان باطل و بیهوده

قل نزله روح القدس من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ساحت قرآن ، از هرگونه كجی و انحراف مبرا است .

أنزل علی عبده الکتب و لم يجعل له عوجًا

<عوج> به معنای كجی و انحراف است.

۱۰- كمال و عظمت قرآن و نبود كمتريں كجی و انحراف در آن ، مقتضى

حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد لله الذی .. لم يجعل له عوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۲

۲- قرآن ، كتابی است عاری از هرگونه عدم اعتدال و انحراف از حق .

الحمد لله الذی أنزل علی عبده الکتب .. قیماً

<قیم>، چنانچه در لسان العرب آمده است، می تواند به معنای <مستقیم>، یعنی <راست و پیراسته از انحراف> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۷

۷- قرآن ، كتابی است آمیخته به حق و مبرا از هرگونه باطل .

أنه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۶

۶- قرآن ، كتابی آمیخته با حق و مبرا از هرگونه سخن باطل

بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۲

۲- قرآن ، سخنی راست و به دور از هر دروغ

بل أتینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حقیقت قرآن مبرّاز شعر ، و ساحت پیامبر (ص) منزّه از شاعری و خیال پردازی

و الشعراء يتبعهم الغاوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۴

۴ - قرآن ، مبرّاز هرگونه سخنان نسنجیده و بی اساس

و إنك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۲

۲- قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه آموزه های باطل

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۴

۴- قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه باطل

إنه الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۴

۴- قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

من الكتب هو الحق

<ال> در <الحق> نظیر ال در <زیدالرجل> برای استغراق صفات است؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۲،۳،۱۱

۲- قرآن ، سخنی از سنخ شعر نیست .

و ما علّمه الشعر

مقصود از آموخته ای که از سنخ شعر نیست، قرآن کریم است که کافران آن را شعر می پنداشتند و بر این اساس، پیامبر اسلام(ص) را به شاعر بودن متهم می کردند.

۳- قرآن ، سخنی است سراسر حق و هدف مند و پیراسته از کلامِ برخواسته از تخیلات و سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع .

و ما علّمه الشعر

برداشت یاد شده از شعر نبودن قرآن استفاده می شود؛ زیرا شعر برخاسته از تخیلات شاعر و معمولاً توأم با سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع است که شاعران گاهی به منظور حفظ وزن، سجع و قافیه شعر به آن متوسل می شوند.

۱۱ - محتوا، شیوه و نظم موجود در قرآن، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن

از تخیلات شاعرانه .

و ما علمنه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلا ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواه الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

بل جاء بالحقّ

مقصود از <حق> قرآن است و <ال> در آن، می تواند برای استغراق صفات افراد باشد (مانند <ال> در <زید الرجل>)؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و خیال پردازی های باطل .

إنّا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۵

۵ - مبّرّا بودن قرآن از هرگونه انحراف ، کجی ، اختلاف و تضاد

قرءأنا عربیّا غیر ذی عوج

<عوج> به معنای کجی و انحراف است، این واژه در مواردی به کار می رود که با فکر و بصیرت شناخته می شود، نه با حواس ظاهری. از این رو مفسران گفته اند: مقصود از آن در آیه شریفه با

توجه به تنکیر آن و بودنش در سیاق نفی هرگونه کجی و انحراف در معانی و پیام های قرآن و یا اختلاف و تضاد در آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و تخیلات باطل

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحق> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و میرا از هرگونه باطل

و ما نزل من الحق

در صورتی که <حق> در آیه شریفه، مقابل باطل به کار رفته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۶

۶ - هدایت و راهنمایی های قرآن ، به دور از هر کاستی و پیراسته از کمترین پیامد ناهنجار

أرسل رسوله بالهدی

در صورتی که مراد از <هدی> قرآن باشد، تعبیر مصدر به جای اسم فاعل (هادی) اشاره به این حقیقت دارد که قرآن، محض هدایت است، یعنی، رهنمودهای قرآن مستلزم هیچ ضلالت و همراه با هیچ گمراهی و سر درگمی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفحات قرآن ، پاک و منزّه از ثب هرگونه ناروا و دروغ و به دور از مطالب باطل

مطهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰

۶- دور بودن ساحت قرآن از دخالت شیطان ، ضامن حقانیت و درستی تعالیم آن

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ .. و ما هو بقول شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۴ - ۱

۱ - ساحت قرآن و آیات معاد ، از بذله گویی و سخنان سست و بی پایه ، مبرّا است .

و ما هو بالهزل

<هَزَلٌ> و <هُزَالٌ> از یک ریشه اند و بر ضعف و سستی دلالت دارند. <هَزَلٌ> نقطه مقابل <جِدٌّ> و <هُزَالٌ> نقطه مقابل <فَرَبَهِيٌّ> است. (مقایس اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۷

۷- نزول قرآن در شب قدر ، نشان سلامتی معارف آن از هر عیب و نقص است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ .. سلم هی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۰، ۱۱، ۱۳

۱۰- پیامبر (ص) ، قرآن را از صحیفه هایی مکتوب و پیراسته از هر باطل ، دریافت و بر مردم تلاوت می کرد .

رسول من الله يتلوا صحفًا مطهّره

در برداشت یاد شده، مراد از <صحفًا مطهّره>، قرآن مکتوب پیش از مرحله نزول بر پیامبر(ص) دانسته شده است. قرآن در آن مرحله براساس بعضی از آیات در اختیار فرشتگانی بزرگوار بوده است.

۱۱- قرآن از خطا و انحراف ، منزّه و پیراسته است .

صحفًا مطهّره

۱۳ - پیامبر (ص) ، دارای رسالتی بزرگ از جانب خداوند و حامل پیامی مکتوب و خالی از

انحراف و عهده دار بازخوانی آن بر مردم

رسول من الله يتلوا صحفًا مطهّره

نکره آمدن <رسول>، بر عظمت پیامبر(ص) و رسالت آن حضرت دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۱

۱ - صفحات قرآن، گنجینه نوشته هایی استوار و به دور از اعوجاج و انحراف

فیها کتب قیمه

<کتاب> (مفرد <کتب>) مصدری است که در معنای اسم مفعول آن (مکتوب) به کار رفته است. بنابراین <فیها کتب>؛ یعنی، در صحیفه های مطهر، نوشته هایی متعدد وجود دارد. <قیمه>، دارای دو معنا است: ۱. به صورت متعدی و با مفعولی محذوف؛ یعنی، قوام بخش و برپادارنده جامعه؛ ۲. به صورت لازم؛ یعنی، با استقامت و اعتدال و خالی از کجی و اعوجاج. برخی این کلمه را جمع دانسته اند (مجمع البیان)؛ ولی بیشتر اهل لغت و تفسیر مفرد بودن آن را پذیرفته اند.

تنظیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۰، ۹

۹ - قرآن در همان عصر پیامبر (ص) بخشهایی به نام سوره تقسیم شده بود.

فأتوا بسوره من مثله

۱۰ - تقسیم بندی قرآن و نامیدن هر بخش به <سوره> از ناحیه خداوند بوده است. *

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۱

۱ - تنظیم، تفصیل و بخش بخش شدن قرآن، از جانب خداوند بود نه در اختیار پیامبر (ص)

قرأنا فرقه

تنوع آيات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام -

۹ تنوع و گوناگونی بیان، از شیوه های به کار رفته در آیات قرآن

انظر كيف نصرف الأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۱۰، ۵

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و ليقولوا درست و لئینه لقوم يعلمون

۱۰ عالمان از گوناگونی آیات قرآن و رمز و رازهای ارزشمند آن بهره می برند.

و كذلك نصرف الأيت . . . و لئینه لقوم يعلمون

تنوع بیانی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ تنوع و گوناگونی بیان، از شیوه های به کار رفته در آیات قرآن

انظر كيف نصرف الأيت

۱۰ مبلغان دین وظیفه دار تأمل و تحقیق در شیوه های بیان حقایق در قرآن و به کارگیری آن در تبلیغ هستند.

انظر كيف نصرف الأيت لعلهم يفقهون

۱۱ روشهای گوناگون و متنوع قرآن در بیان مفاهیم و مقاصد، جولانگاهی است برای تأمل و اندیشه.

انظر كيف نصرف الأيت لعلهم يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۶

۶ تبیین آیات برای آگاهان، هدف از تنوع بیانی قرآن است.

و كذلك نصرَف الأیت... و لنینه لقوم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند، آیات خویش را در قرآن به گونه های متنوع و فراوان تبیین کرد تا مشرکان تنبه یابند.

و لقد صرَفنا فی هذا القرءان لیذکروا

<صرف> در لغت به معنای

تحول و دگرگونی است و باب تفعیل آن، دلالت بر کثرت می کند. بنابراین مراد از آن، تبیین با بیانات گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۲،۳

۲- بیان های مختلف و شیوه های متنوع قرآن در تبیین حقایق و مفاهیم ، جلوه ای از ابعاد اعجاز آن

لایاتون بمثله .. و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

<تصریف> در لغت به معنای گرداندن چیزی به جهات گوناگون است و <تصریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب هدایت است و می فرماید: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> استفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۱

۱- خداوند ، در قرآن ، به بیان های گوناگون ، مثال ها و نمونه های فراوانی را برای هدایت بشر ، طرح کرده است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

<صرّفنا> به معنای <بینا> است؛ یعنی <بیان کردیم> (لسان العرب)، ولی از آن جهت که باب تفعیل، برای تکثیر است، مراد، بیان های متعدد است. ریشه کلمه <صرّفنا> که تصریف و تغییر از حالتی به حالتی است، گویای آن است که این بیانات، گوناگون و متنوع هستند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من كلّ مثل ... و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۵،۱۱

۵- قرآن ، حاوی هشدار ها و وعیدهایی گوناگون و متنوع

و صرّفنا فیہ من الوعید

<صرف> و <تصریف> بازگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر و یا تعویض آن است. گفتنی است که در <تصریف> مبالغه افزون تری وجود دارد (مفردات راغب). بنابراین مقصود از <صرّفنا...> این است که وعیدها را به شکل های گوناگون عرضه کردیم.

۱۱ - خداوند ، سامان دهنده الفاظ و کلمات قرآن و هشدار دهنده انسان هادر قالب آیاتی گوناگون

أنزلنه قرءاناً عربیّاً و صرّفنا فیہ من الوعید

توصیف قرآن به عربی بودن (در حال نزول)، حاکی از این است که علاوه بر محتوای قرآن، الفاظ آن نیز مستند به خداوند است.

تنوع تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۴ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، مأمور ابهام زدایی در زمینه تأثیر دوگانه قرآن نسبت به انسان های مختلف

و ننزل من القرآن .. قل كلّ يعمل علی شاکلته

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که این آیه، پاسخ سؤالی مقدر درباره آیه قبل باشد و آن این است که چگونه افراد

مختلف، بهره های متفاوت از قرآن می برند؟ و این آیه جواب می

دهد که بهره متضاد و متفاوت، بازتاب روحيات و عادات خود آنهاست.

تنوع عذاب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۷

۱۷- عذاب کافران به قرآن، ممکن است انواعی مغایر با عذاب پیشینیان باشد.

أَن تَأْتِيَهُمْ سَنَةٌ الْأُولَىٰ أَوْ يَأْتِيَهُم الْعَذَابُ قَبْلًا

چنان چه <قُبْلًا> جمع <قبیل> باشد، به معنای انواع و اقسام گوناگون است و مراد آیه این می شود که عذاب این کافران، لزوماً از همان انواع عذاب پیشینیان نیست، بلکه ممکن است آنان به انواع گوناگون دیگری از عذاب مبتلا شوند.

تنوع مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۱،۴

۱ - قرآن، حاوی انواع مثل ها است.

و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كلِّ مثل

۴ - گوناگونی مثل های قرآن، متناسب با فهم توده های بشری و قابل استفاده و سودمند برای طبقات مختلف فکری و اجتماعی است.

و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كلِّ مثل

برداشت یاد شده با توجه به آمدن سه واژه در آیه شریفه است: ۱ لام در <لنّاس> که برای انتفاع است؛ ۲ <النّاس> که بر عموم مردم دلالت دارد؛ ۳ آمدن واژه <کل> با <مّثل> که بر تنوع مثل ها اشاره دارد.

تواضع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۷

۷- سجود و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن ، رفتاری شایسته و مطلوب است . *

و إذا قرء عليهم القرآن لا يسجدون

کلمه <سجود> در برداشت یاد

شده، به معنای اصطلاحی آن گرفته شده است. این آیه هر چند از آیاتی نیست که سجده واجب دارند، ولی مفاد آن مندوب بودن سجده به هنگام شنیدن هر یک از آیات قرآن و یا خصوص آیاتی است که در آن فرمان سجود آمده است.

توجیه ناپذیری تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۸ - ۳

۳ - افسانه پنداشتن قرآن و تکذیب قیامت ، توجیه ناپذیر است .

قال أسطير الأولين .. هذا الذي كنتم به تكذبون . كلاً

حرف <كلاً> ممکن است برای ردع و منع از توهماتى باشد که در آیات پیشین، کافران گرفتار آن دانسته شده بودند.

تورات و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن ، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسكم و أنتم تتلون الكتب

جمله <تُنسون أنفسكم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید، ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید؛ سپس با جمله <و أنتم تتلون الكتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع بودند؛ یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷

۵ تورات ، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه .. من قبله کتب موسی

< کتاب > عطف بر < شاهد > است و ضمیر در < قبله > به شاهد برمی گردد.

۶ تورات ، حاوی بشارت به نزول قرآن

و من قبله کتب موسی

توصیه به استماع آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۵

۵ - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر گوش جان سپردن به رهنمود های قرآن

و اسمعوا

توصیه به پاکیزگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۲

۱۲ - پاکیزه نگه داشتن صفحات قرآن ، توصیه خداوند

صحفًا مطهره

توصیف ورق های قرآن به < مطهره > علاوه بر بیان طهارت معنوی آنها از انحراف آنها را سزاوار تطهیر دانسته و به لزوم دور داشتن آنها از آلودگی های ظاهری نیز اشاره دارد.

توصیه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ توصیه و سفارش قرآن به استفاده از تجربه های گذشته

و اذ غدوت من اهلک

تذکر قرآن به پیامبر (ص) و مخاطبین درباره به خاطر سپردن مسائل جنگ احد، در واقع سفارش به استفاده از تجربه های گذشته است.

توطئه دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۲

۲- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین . . . قد مکر الذین من قبلهم

توطئه علیه قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلى عليهم آياتنا قالوا .. إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۹

۹ رویارویی قشر های مرفه و اشراف عصر بعثت با پیامبر (ص) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضرت (قرآن کریم)

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۹

۹- بشر بودن پیامبر (ص) محتوای نجوای توطئه آمیز مشرکان و دستاویز آنان علیه اسلام و قرآن

و أسروا النجوى الذين ظلموا هل هذا إلا بشر مثلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۱

۱ - تلاش پی گیر مشرکان عصر بعثت ، علیه آیات الهی (قرآن) و ناکام ساختن پیامبر (ص) در دعوت خویش

و الذين سعوا في آياتنا معجزين أولئك أصحاب الجحيم

<سعی> (مصدر <سعوا>) به معنای تلاش کردن است و <فی آیاتنا> به تقدیر <فی ابطال آیاتنا> می باشد. <معجزه> (مصدر <معجزین>) اگر از <عَجَز> (دنباله) مشتق شده باشد به معنای سبقت گرفتن از چیزی و پشت سر گذاشتن آن است و اگر از <عَجَز> (ناتوانی) مشتق شده باشد، به معنای ناتوان کردن می باشد. در هر صورت <معجزین> حال برای فاعل <سعوا> است

و مفعول آن محذوف می باشد و تقدیر آن می تواند <معجزینا> و یا <معجزین رسولنا> باشد. <جحیم> نیز به معنای آتش بر افروخته و شعلهور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۱

۱ - اندیشه عمیق و مستمر ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و رسالت پیامبر (ص)

ثمّ نظر

<ثمّ> در <ثمّ نظر> یا برای تراخی زمانی است و یا رتبی. در هر دو صورت بیانگر نظر و اندیشه عمیق و مستمر کافرانی است که پیش از این، به فکر و حسابگری علیه دین مشغول بودند (إنّه فکّر و قدّر و...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۲ - ۲

۲ - چاره اندیشی عجولانه و شتاب آلود ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و پیامبر (ص)

إنّه فکّر و قدّر . . . ثمّ نظر . ثمّ عبس و بسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۲

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنّه فکّر و قدّر . . . فقال إنّ هذا إله إلاّ سحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۶

۶ - کافرانی که در برابر حاکمیت قرآن و تأثیر هشدار های آن ، خدعه کنند ، به کیفری غافلگیرانه و غیر قابل پیش بینی گرفتار خواهند شد .

إنّه لقول فصل . . . یکیدون ... و أكید کیداً

<حيله>؛ یعنی، آنچه به صورت مخفیانه، مایه رسیدن به حالت مورد نظر

گردد. و <کید> نوعی احتیال است. (مفردات راغب)

توطئه علیه هشدارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۳

۳ - بی تأثیر ساختن هشدارهای قرآن درباره معاد، محور نیرنگ های کافران

إنه لقول فصل .. إنهم یکیدون کیداً

به قرینه آیات پیشین، مصداق بارز کید و مکر کافران، توطئه برای جدی نگرفتن هشدارهای قرآن به معاد است.

توطئه های مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۲

۲ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر مخالفت ها و کارشکنی های تکذیب گران

فذرني و من یکذب بهذا الحديث

تهدید مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۳

۳ - مشرکان مخالف قرآن در صدر اسلام، به کیفر و عذاب الهی تهدید شدند.

فکفروا به فسوف یعلمون

جمله <فسوف یعلمون> جمله ای است تهدید آمیز علیه مشرکان مخالف قرآن. در این که این تهدید مربوط به چه مسأله ای است و متعلق علم در (یعلمون) چیست، دو دیدگاه وجود دارد: ۱ عذاب استیصال، ۲ پی آمدهای ناگوار اجتماعی و فردی کفر و شکست خوردن جبهه کفر در آینده نزدیک. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ تهدید منکرانِ پیام‌های روشن و قابل درک قرآن، به فرجامی سخت از سوی خداوند

فَأِنَّمَا يَسْتَرْهَنَهُ .. فَاَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ

عبارت <إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ>، کنایه از این است که کافران

به بیان های روشن وحی ایمان نمی آورند تا سرانجام وعیدهای ما تحقق یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و معاد ، از سوی خداوند به عذاب تهدید شدند .

فذرني و من يكذب بهذا الحديث

مقصود از <حدیث> یا قرآن است و یا مسأله معاد که در آیه پیش مطرح شده است. گفتنی است که تعبیر <فذرني و من يكذب> و مانند آن، در مورد تهدید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۷

۷ - خداوند ، منکران معاد و تکذیب کنندگان قرآن را ، به مؤاخذه افکار و کردارشان تهدید کرده است .

و الله أعلم بما يوعون

مقصود از بیان آگاهی خداوند، به افکار انباشته در ظرف ذهن و کردار موجود در نامه عمل، تهدید به مؤاخذه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، تهدید کننده کافران و تکذیب کنندگان قرآن به سرنوشتی همچون فرجام فرعونیان و قوم ثمود

هل أتیک .. فرعون و ثمود . بل الذین کفروا فی تکذیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند ، تهدید کننده کافران و تکذیب کنندگان قرآن ، به سرنوشتی همچون فرجام فرعونیان و قوم ثمود

هل أتیک حدیث الجنود .. و الله من ورائهم محیط

تهدیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱

۸- تهدید و ترغیب ، از روش های قرآن برای هدایت انسان ها است .

فلهم عذاب جهنم .. لهم جنّ تجرى من تحتها الأنهر

تهمت آشفته‌گی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۲

۲- معرفی قرآن به صورت مجموعه ای غیرمنظم و کتابی بدون انسجام ، از تبلیغات سوء مشرکانِ ستم پیشه

بل قالوا أضغث أحلم

برداشت یاد شده باتوجه به معنای لغوی <أضغاث> (اشیای آشفته و دسته های پراکنده و بی انسجام) است.

تهمت افسانه بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۵، ۱۰

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شیوه های مبارزه کافران و مشرکان با اسلام

حتى إذا جاءوك یجدلونك یقول الذین كفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

۱۵ اسطوره خواندن قرآن و جدال و سرسختی در برابر آن، کفرورزی است.

یقول الذین كفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۳

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین. و هم ینهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۱

۱- منکران آخرت، آیات قرآن را سخنانی ساختگی و قصه های نوشته شده پیشینیان قلمداد می کردند .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم

منکره . . . و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أس

<أساطیر> (جمع أسطوره) به معنای داستانهای ساختگی و سخنان موهومی است که به صورت مکتوب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۸، ۷، ۵، ۳، ۲

۲- کیفی کسانى که قرآن را اسطوره می خوانند ، در قیامت بدون هیچ کاستی داده خواهد شد .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه

۳- ساختگی دانستن قرآن ، گناهی بس بزرگ و سنگین

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه

۵- کسانى که با ساختگی دانستن قرآن ، دیگران را به گمراهی کشیدند ، بخشی از گناهان آنان را به عهده خواهند داشت .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <من> برای تبعیض باشد.

۷- کسانى که قرآن را اسطوره می خوانند ، علاوه بر گناه افترا زدن به قرآن ، برخی از گناه دیگران (گناه گمراهی آنان) را

نیز بر دوش می کشند .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه و من أوزار الذین یضلّونه

این برداشت، مبتنی بر تبعیض بودن <من> در <من أوزارهم> است.

۸- اسطوره قلمداد کردن قرآن ، بازدارنده مردم از ایمان به آن است .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا ... و من أوزار الذین یضلّونهم

۱۲- ادعای اسطوره ای بودن قرآن ، جاهلانه و به دور از مبانی علمی است .

قالوا أسطر الأولین . . . یضلّونهم بغير علم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <بغير> حال برای ضمیر فاعلی <یضلّون> باشد و از آن جایی

که مایه اضلال، اسطوره خواندن قرآن بوده است، معلوم می شود که آن ادعا عالمانه نبوده است.

۱۴- بار گناه اسطوره خواندن قرآن ، باری بس ناشایست و زشت

قالوا أسطر الأولین .. ألا ساء ما یزرون

۱۵- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، به پیامد کلام گمراه گر خود توجه ندارند .

قالوا أسطر الأولین .. و من أوزار الذین یضلونهم بغير علم

۱۶- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه و کیفر عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم .. ألا ساء ما یزرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۲

۲- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین .. قد مکر الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- اسطوره خواندن قرآن ، توطئه علیه دین الهی و انتخاب کفر ، اعمالی زشت و ناپسند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین .. قد مکر الذین من قبلهم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۶

۶ - افسانه خواندن قرآن از سوی کافران ، دروغی ناروا به ساحت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین .. و إنهم لکذیبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۴، ۵ - ۱، ۲

۱ کافران ، مدعی بودند که قرآن

، افسانه های مکتوب پیشینیان است که پیامبر (ص) از روی آنها نسخه برداری کرده و به آنها سامان بخشیده است .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها

۲ کفرپیشگان بر این داعیه بودند که پیامبر (ص) برای ساختن قرآن ، از برخی از اشخاص درخواست استنساخ از اسطوره های پیشینیان را کرده است .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها

برداشت فوق، مبتنی بر این است که فعل <اکتبها> در معنای حقیقی خود (نوشتن و نسخه برداری پیامبراسلام) استعمال نشده باشد؛ زیرا به گواه تاریخ پیامبر(ص) آشنا به نوشتن نبوده است. بنابراین مقصود از آن، درخواست نوشتن از دیگران است؛ چنان که نوشته های بزرگان را دیگران می نویسند، ولی به آنان نسبت می دهند.

۴ کافران ، مدعی بودند که قرآن همان افسانه های پیشینیان است که گروهی در هر صبح و شام و به صورت مخفیانه ، بر پیامبر (ص) دیکته کرده و می خوانند .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

مراد از صبح و شام، می تواند وقت هایی باشد که مردم در منظر و مرای نیستند و به طور معمول، کسی که می خواهد متن مقدسی را بسارد، آن را به صورت پنهانی انجام می دهد تا کسی خبردار نشود.

۵ کافران مدعی بودند که گروهی با استتخ از افسانه های پیشینیان و املائی آن بر پیامبر (ص) ، آن حضرت را در ساختن قرآن کمک می کنند .

و أعانه علیه قوم ءآخرون . . . و قالوا أسطیرالأولین اکتبها فهی تملی علیه بکره و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران تکذیب گر ، آیات قرآن و مطالب آن را بی اساس و از افسانه های کهن می پنداشتند .

إذا تتلى عليه آيتنا قال أسطير الأولين

۲ - معرفی قرآن به عنوان افسانه کهن ، از ترفند های همیشگی کافران تکذیب گر

إذا تتلى عليه آيتنا قال أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۳،۵

۳ - تکذیب کنندگان قیامت ، معارف قرآن را نوشته هایی بی اساس و ساخته و پرداخته پیشینیان می دانند .

قال أسطير الأولين

(>أساطير< جمع >أسطورة<) به سخن های زیبا و نوشته شده ای گفته می شود که در محتوا، شبیه یاوه سرایی باشد (لسان العرب). مراد از استناد >أساطير< به >أولین< یا این است که این اساطیر، تراوش افکار آنان است و یا این که زندگانی آنان، در این افسانه ها ترسیم شده است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال نخست است.

۵ - منکران قیامت ، قرآن را مجموعه ای افسانه ای ، درباره نسل های انقراض یافته بشر می دانند .

إذا تتلى عليه آيتنا قال أسطير الأولين

ر. ک. توضیح ۳

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطير الأولين . کلاً بل ران علی قلوبهم

تهمت املای قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۴

۴ کافران

، مدعی بودند که قرآن همان افسانه های پیشینیان است که گروهی در هر صبح و شام و به صورت مخفیانه ، بر پیامبر (ص) دیکته کرده و می خوانند .

و قالوا أسطیر الأولین اکتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

مراد از صبح و شام، می تواند وقت هایی باشد که مردم در منظر و مرای نیستند و به طور معمول، کسی که می خواهد متن مقدسی را بسارد، آن را به صورت پنهانی انجام می دهد تا کسی خبردار نشود.

تهمت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۴،۵

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتارها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از طرفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۳۸

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک افتریه و أعانه علیه قوم ءآخرون

۸ > عن أبي جعفر (ع) فی

قوله < إفك افتراه > قال : الإفك الكذب ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا: <إفك افتراه> فرمود: افك به معنای دروغ است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۷

۷ استفاده از شیوه های بهانه جویانه و دروغ علیه قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه ای ناموفق و ناکام

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک .. أسطیرالأولین ... رجلاً مسحوراً... فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۴

۴ - خداوند ، در مقابل تهمت مشرکان (ساختگی بودن قرآن) ایستاده و از حقانیت قرآن ، دفاع کرده است .

أم یقولون افتریه بل هو الحق

تهمت جادو به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۲، ۱۳، ۱۵

۱۲- نسبت ناروای سحر به قرآن و جادوگری به پیامبر (ص) از سوی مشرکان ستم پیشه

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

۱۳- مشرکان ستم پیشه ، ضمن ایراد اتهام سحر به قرآن ، آن را هرگز شایسته پیروی نمی دانستند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

استفهام در جمله <أفتأتون السحر> انکاری است و جمله <و أنتم تبصرون> حال برای فاعل <تأتون> می باشد. بنابراین
معنای آیه چنین می شود: آیا شما

با چشم باز و آگاهی به دنبال قرآن که سحر است می روید؟ یعنی این که شایسته نبودن قرآن برای پیروی، امری است روشن و بدیهی.

۱۵- سحر بودن قرآن و ساحر بودن پیامبر (ص)، دلیل واهی و بهانه دیگر مشرکان ستم پیشه برای ایمان نیاوردنشان

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

مشرکان برای ردّ ادعای نبوت پیامبر(ص)، دو دلیل واهی و بهانه جویانه می آوردند: ۱ بشر بودن آن حضرت (هل هذا إلاّ بشر مثلكم)، ۲ ساحر بودن ایشان (أفتأتون السحر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ - قرآن و تورات، دو جادوی پشتیبان یکدیگر، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۵

۱۵ - اتهام بی پرده کافران، مبنی بر جادوی آشکار بودن قرآن کریم

و قال الذين كفروا للحقّ لَمَا جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - قرآن، سحری آشکار در دیدگاه مشرکان

و قالوا إن هذا إلاّ سحر مبين

۴ - اصرار و پافشاری مشرکان بر متهم کردن قرآن و معجزه الهی به سحر و جادوگری

و قالوا إن هذا إلاّ سحر مبين

برداشت فوق از به کار رفتن نفی و استثنا در آیه شریفه که دلالت بر حصر و قطعی بودن مفاد آن است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - اتهام سحر و

جادوگری به قرآن ، از سوی ولیدبن مغیره

فقال إن هذا إلا سحر

۲- اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنه فكر و قدر .. فقال إن هذا إلا سحر

۳- قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلا سحر يؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یؤثر> از ماده <أثر> (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

تهمت رؤیای آشفته به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۱

۱- خواب آشفته دانستن قرآن ، از تبلیغات سوء مشرکان ستم پیشه علیه پیامبر (ص)

بل قالوا أضغث أحلم

<أضغاث> (جمع <ضغث>) به معنای دسته ها و مختلط ها و <أحلام> (جمع <حلم>) به معنای خواب ها است. این تعبیر (أضغاث أحلام) به خواب های آشفته و پراکنده اطلاق می شود.

تهمت ساختگی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۳

۳- ردّ اتهام کافران از سوی خداوند نسبت به ساختگی بودن قرآن

و إنك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - مشرکان ، معتقد بودند قرآن ساخته و پرداخته است / نه وحی .

و قالوا ما هذا إلا إفك مفترى

مشارالیه <هذا> به قرینه <تتلى عليهم آياتنا> می تواند قرآن باشد. هم چنین می تواند حاصل تلاوت (قول به توحید) باشد.
برداشت یاد شده بنابر احتمال اول

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۱

۱ - مشرکان ، در حالی قرآن را ساخته و پرداخته [دست] بشر می دانستند که هیچ دلیل آسمانی نداشتند .

و قال الذين كفروا للحقِّ لما جاءهم إن هذا إلا سحر مبين . و ما ءاتينهم من كتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۶

۶ - نسبت دادن ساختگی بودن قرآن از سوی مشرکان ، ناآگاهانه و به دور از علم بوده است .

قالوا ما هذا إلا سحر مبين . . . و قد كفروا به من قبل و يقذفون بالغيب

تهمت شعر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵ - ۴

۴- نسبت ناروای شعر و شاعری به قرآن و پیامبر (ص) ، از سوی مشرکانِ ستم پیشه

بل هو شاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۳

۳ - حقیقت قرآن مبرا از شعر ، و ساحت پیامبر (ص) منزّه از شاعری و خیال پردازی

و الشعراء يتبعهم الغاوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۴

۴ - اتهام شعر به قرآن و شاعری به پیامبر (ص) ، از سوی کافران و مشرکان در آغاز رسالت

و ما هو بقول شاعر

تهمت کفانت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۴

۴ - اتهام کفانت

به قرآن و کاهنی به پیامبر اسلام (ص) ، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

ثبات قدم مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۳

۳- خداوند ، کسانی را که به سخنان استوار و جاودانه (قرآن) ایمان آورند ، در دنیا و آخرت ثابت قدم و خلل ناپذیر می کند .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ

برداشت فوق بر این اساس است که <باء> در <بالقول> متعلق به <آمنوا> باشد؛ یعنی، کسانی که به سخنان استوار، که به قرینه آیه قبل می تواند همان <کلمه طیبه> باشد، ایمان آورند از ناحیه خداوند مورد تأیید هستند.

جادوانگاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۱

۱ - مشرکان ، قرآن را سحر قلمداد کردند .

و لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذين كفروا للحقّ لَمَّا جَاءَهُمُ هَذَا سِحْرٌ مِّمِّين

جاذبه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ جاذبه خاص قرآن برای علمای راستین و ژرفنگر

لكن الرسخون .. يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

جامعیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۴، ۵، ۶

قرآن، معجزه ای کافی برای هدایت و برآورنده تمامی نیازهای هدایتی انسان است.

و قالوا لولا نزل علیه آیه . . . ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به آیه قبل، که سخن از نزول معجزات بوده می توان گفت مراد از <الکتاب> قرآن است و چون قرآن کتاب هدایت و <من شیء> بیانگر جامعیت آن است، لذا بر مبر بودن قرآن از هرگونه کاستی در جهت هدایت آدمیان دلالت دارد.

۶ قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه آیه . . . ما فرطنا فی الکتب من شیء

۱۴ عن الرضا(ع): . . . إن الله عز و جل ... أنزل علیه القرآن فيه تبیان کل شیء بین فيه الحلال و الحرام و الحدود و الأحکام و جمیع ما یحتاج إليه الناس کملاً فقال عز و جل: <ما فرطنا فی الکتب من شیء> . . .

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . خداوند عز و جل ... قرآن را بر رسولش(ص) نازل کرد، در قرآن روشننگری برای هر چیزی وجود دارد، در آن حلال و حرام، حدود و احکام و تمامی آنچه را که مورد نیاز مردم است بطور کامل بیان فرمود و خداوند عز و جل فرمود: <ما در این کتاب، هیچ چیز را فرو گذار نکردیم> . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ بیان قرآن و تنوع و گوناگونی آن برای هدایت انسان کافی است.

انظر کیف نصر ف الآیة ثم هم یصدفون

دعوت به نگرش در چگونگی بیان آیات و همچنین اظهار شگفتی از رویگردانی برخی مردم از

هدایت‌های قرآن، بیانگر کارسازی و نقش مؤثر آن در هدایت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱،۵

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إليکم الکتب .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۵ قرآن و اسلام پاسخگوی همه نیازهای هدایتی بشر و حجت تامه پروردگار است.

و تمت کلمت ربک

لازمه تمام بودن قرآن و در نتیجه اسلام، توان پاسخگویی به همه نیازهاست؛ به گونه ای که به بیرون از خود نیازی نداشته باشد؛ همان گونه که راغب می گوید: <تمام .. انتهائه إلى حد لا یحتاج إلى شیء خارج عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۵

۵ قرآن، برنامه کامل حیات مادی و معنوی انسان است.

اتبعوا ما أنزل إليکم من ربکم و لا تتبعوا من دونه أولیاء

لازمه وجوب پیروی از خداوند با اجرای قرآن و ضرورت پرهیز از پیروی از غیر آن این است که آنچه را انسانها در حیات مادی و معنوی خویش بدان نیاز واقعی دارند، به صورت اجمال و یا تفصیل در قرآن بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۴

۴- هدایت قرآنی، هدایتی جامع و فراگیر است.

فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

کلمه <الناس> نشان دهنده اختصاص نداشتن معارف قرآنی به قشری خاص است و <من کلّ مثل>

گویای بهره‌گیری از تمامی انواع مثل‌ها در زمینه‌های هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۵

۵- قرآن ، کامل‌ترین کتاب آسمانی و اسلام جامع‌ترین دین الهی

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

در برداشت یاد شده، برتر بودن قرآن در مقایسه با دیگر کتاب‌های آسمانی و به لحاظ کمال و جامعیت سنجیده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۷

۷- قرآن ، بیانگر و در بر دارنده همه مسائل مهم *

و الکتب المبین . إنا أنزلناه فی لیلہ مبرکہ ... فیها یفرق کلّ أمر حکیم

خداوند، از سویی قرآن را کتابی روشن و روشنگر و از سویی دیگر نزول آن را در شبی مبارک که تقدیر امور هستی در آن صورت می‌پذیرد معرفی می‌نماید. تقارن دو امر یاد شده، این احتمال را تقویت می‌کند که مقدرات کلی الهی در هستی، در قرآن موجود و بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۳

۳- قرآن ، در بیدارگری و پندآموزی ، بهترین و جامع‌ترین کتاب است .

إنه تذکره

تنکیر <تذکره> برای تعظیم است. بر این اساس می‌توان گفت: عظیم بودن تذکار قرآن، بیانگر عظمت و برتری این کتاب، از نظر پندآموزی و بیدارگری، نسبت به دیگر کتاب‌ها و نیز جامعیت آن در این عرصه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ -

۴- قرآن ، حاوی معارف کتاب های آسمانی گذشته است . *

یتلوا صحفًا مطهَّره . فیها کتب قیمه

جاودانگی عذاب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۱

۱ - کسانی که از تذکرات قرآن ، فاصله گرفته ، آن را نپذیرند ، به بزرگ ترین و سوزان ترین آتش ها ، گرفتار شده و در آن باقی خواهند ماند .

و یتجنَّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

زجاج گفته است: <صلی> یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب) و <صلی النار> یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید. (قاموس). <کبری> یعنی، بزرگ تر و بزرگی آتش به گستردگی و افروخته تر بودن آن است.

جاودانگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۹

۹ قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان و ماندگار

و یأبی الله إلا أن یتم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، کتابی است پاینده و خلل ناپذیر .

الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <محکم> باشد ؛ زیرا <إحکام> (مصدر محکم) به معنای

بازداشتن و مصون ساختن چیزی از فساد و تباهی است. توصیف <کتاب> به <حکیم> بیانگر اتقان، پایداری و خلل ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۵

۵- قرآن ، معجزه جاودان الهی که همواره کتابی بی مانند بوده و تا ابد نیز بی همانند خواهد

ماند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. لا يأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهيرًا

از اینکه آیه تصریح می کند هیچ انس و جنی توان آوردن مانند قرآن را ندارد، به دست می آید که قرآن، همواره کتابی بی مانند خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است جاودانه و تعالیم آن تأثیرناپذیر از گذشت زمان .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

برداشت فوق، مبتنی بر یکی از معانی و موارد استعمال <حق> است که عبارت است از: امر ثابت و زوال ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۸

۸ - خداوند ، از ماندگاری قرآن در میان مردم و خوانده شدن اش بر آنان ، خبر داده است .

أنا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم

فعل مضارع <یتلی> دلالت بر استمرار می کند و تعیین نشدن فاعل آن نیز، نکته یاد شده را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است پاینده ، استوار و خلل ناپذیر .

و القرءان الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۴

۴ - تأثیر نداشتن گذشت زمان ، در حقانیت معارف قرآن

لا یأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

بنابراین که مراد از <باطل> زوال حقانیت باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ -

۱۱- قرآن ، کتابی جاودان و کهنه نشدنی

و ما نزل من الحقّ

یکی از معانی واژه <حقّ> ثابت و استوار است. در این صورت توصیف قرآن به <حقّ>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۸

۸- قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان

و الله متمّ نوره

جایگزینی آیات منسوخ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۷

۷- خداوند ، هرگاه آیه ای از قرآن یا حکمی از اسلام را نسخ کند و یا به متارکه آن فرمان دهد ، آیه و حکمی بهتر یا همسان با آن را نازل می کند .

ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

جذابیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ قرآن برای مشرکان زیبا و جذاب بوده است.

يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

<أساطیر> به معنی سخن زینت شده و زیبا آمده است. <سطر فلان علی فلان إذا زخرف له الأقاویل و نمقها>. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۵

۵- زیبایی و گیرایی قرآن، پذیرفته شده و مسلم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخوردار است؛ بدین سبب مشرکان، پیامبر(ص) را شاعر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴

۱۴

قرآن، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

و قالوا أسطیرا الأولین . . . إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۴

۴- قرآن، کتابی است دارای نظم، شیوه و ترکیبی جذاب و مخصوص به خود.

و ما علمنه الشعر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که آنچه کافران را به شعر پنداشتن قرآن واداشت، نظم و اسلوب پرجاذبه و ویژه ای بود که در این کتاب الهی مشاهده کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۳

۳- گروه جنیان، مجذوب پیام وحی با استماع آن از زبان پیامبر (ص)

و إذ صرفنا إليك . . . فلما حضروه قالوا أنصتوا

تعبیر <أنصتوا> و فراخواندن به سکوت، نشانگر اشتیاق آنان به استفاده هرچه بیشتر از قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳- قرآن و کلام الهی، دارای جاذبه بسیار؛ حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمال الذين كفروا قبلك مهطعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۴

۴- قرآن ، کلامی پرجاذبه و اثرگذار ، حتی در نظر کافران حق ناپذیر عصر نزول

فقال إن هذا إلا سحر يؤثر

اطلاق <سحر> به قرآن، می

تواند به این جهت باشد که همان گونه که سحر بسیار تأثیرگذار است، قرآن نیز چنین است.

جمع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص)، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما یتلی علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته شده بر سطوح و تدوین یافته به صورت کتاب

یأیها الذین ءامنوا ءامنوا بالله و رسوله و الکتب الذی نزل علی رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کتاب بوده است .

و قد نزل علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إلیک الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت است که آیات آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از

جانب خدا که باید به صورت کتاب و نوشته درآید. به هر تقدیر، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۲

۲- قرآن، در عصر رسول خدا (ص) مجموعه ای مدوّن بود.

واذکر فی الکتب

حرف <ال> در <الکتاب> عهد حضوری است و به کتاب موجود اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۳

۳- قرآن در عهد پیامبر (ص) (در نیمه نخست بعثت) به عنوان کتاب شناخته شده بود.

لقد أنزلنا إلیکم کتابًا

با توجه به این که سوره <انبیاء> در مکه نازل گردید، استفاده می شود که قرآن در نیمه اول بعثت به عنوان کتاب شناخته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۵

۵ - تدوین قرآن، پس از نزول هر آیه یا هر سوره آن

الکتب المبین

اطلاق <کتاب> (نوشته) می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول آیات قرآن، مکتوب می شده و یا توصیه ای است بر این که باید مکتوب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۴

۴ - کتابت و تدوین آیات قرآن، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و ما كنت ترجوا أن يلقى إليك الكتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است

از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، در همان عصر نزول ، به < کتاب > مشهور بود .

تنزیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۳

۳ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

تنزیل الکتب من اللّٰه

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۴

۴ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

اللّٰه نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شد و

یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو احتمال گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص) انجام گرفت.

تنزیل الکتب من الله

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۸

۸ انجام کتابت و جمع آوری قرآن، در عهد پیامبر اکرم (ص) *

و الکتب المبین

آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص)، به صورت مکتوب و مدوّن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۳

۳ - قرآن، به صورت

مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

تنزیل الکتب

اطلاق کتاب (نوشته) بر قرآن، می تواند حاکی از آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جن بعد از نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۲،۶

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أَنَا مِّنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ

۶ - مؤمنان جن ، پس از نزول قرآن و ایمان آوردن به آن ، به چند فرقه مذهبی تقسیم شده و به مسلک های گوناگون روی آوردند .

كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدْيَ ءَامِنًا بِهِ .. و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

<قَسِطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغه)

جن قبل از نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۶

۶ - جنیان ، پیش از نزول قرآن و بعثت پیامبر اسلام ، معتقد به شرک و وجود همسر و فرزند برای خداوند

و أَنَّهُ تَعَلَىٰ جَدِّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَهُ وَ لَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و

ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَانَ عَجَبًا . .. وَ أَنَا ظَنُّنَا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنْسَ وَ الْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۱،۲

۱ - در کمین نشستن جن در آسمان برای استراق سمع ، پیش از نزول قرآن

وَ أَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعَدُ لِّلْسَمْعِ

۲ - آگاهی و دسترسی جن از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان ، پیش از نزول قرآن

وَ أَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعَدُ لِّلْسَمْعِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۵

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ؛ ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذَلِكَ

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست؛ بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۵ - جن پیش از نزول قرآن ، دارای مسلک ها و عقاید گوناگون

كُنَّا طَرَائِقُ قَدَدًا

<طرائق> (جمع <طریقه>) به معنای راه و <قَدَد> (جمع <قِد>) به معنای بریده شده است.

جوسازی علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکہ ،

شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیر گذاری

قال الذین کفروا .. لعلکم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جوسازی هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۲

۲ - تلاش مشرکان برای مقابله با قرآن ، از طریق جنجال آفرینی و ایجاد سر و صدا ، هنگام قرائت آیات آن به وسیله پیامبر و مؤمنان

و الغوا فیه

<لغو> (مصدر <ألغوا>) در مورد کلام و سخن بی معنی اطلاق می شود و در این جا مراد، گفتن سخنان یاوه و ایجاد سر و صدا می باشد.

جهان شمولی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۷

۷ - همه انسان ها مخاطبان قرآن هستند .

هدی للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۳

۳۳ - همه انسان ها مخاطبان قرآن هستند .

یبین الله ایتة للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۸

۸ تمامی انسان ها ، مخاطبان قرآن

يَأَيُّهَا النَّاسُ .. و انزلنا اليكم نوراً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انداز دهنده کسی که به معارف آن دست یابی یابد.

و أوحى إليّ هذا القرآن لأنذركم به و من بلغ

<من بلغ> بیانگر عموم و

محدود نبودن مرز دعوت قرآن در عرصه زمان و مکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ قرآن، یادآوری برای جهانیان است.

إن هو إلا ذكرى للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ نزول قرآن برای انداز همه مردم جهان بوده و محدود به مکانی خاص نیست.

و لتذر أم القرى و من حولها

کاربرد کلمه <ام القرى> به صورت توصیفی برای مکه، که در عین حال عنایت به دیگر شهرها و نقاط نیز هست، مضافاً بر الحاق <من حولها> که شامل تمامی نقاط دیگر می شود، بیانگر دعوت اسلام و قرآن برای همه مردم زمین و در تمام نقاط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۲

۲ دعوت قرآن، دعوتی عام، فراگیر و جهان شمول است.

يا أيها الناس قد جاءكم موعظه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۴

۴ اسلام و تعالیم قرآن جهانی است و محدود به زمان، مکان و طایفه ای نیست.

إن هو إلا ذكر للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- قرآن، کتابی است جهانی و پیامبر (ص) برای همه انسان‌ها مبعوث شده است.

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

کلمه <الناس> دلالت بر عموم مردم می‌کند و هیچ قیدی در کلام نیست تا <الناس> را مقید به گروه

خاصی نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۲

۲- قرآن ، کتاب جهانی و قابل فهم برای همه مردم

هذا بلغ للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۷،۱۲

۷- همه مردم ، مخاطبان قرآند و پیام آن جهانی است .

و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم

۱۲- خداوند ، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (ص) ، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد

* .

و ما أرسلنا .. بالبينت و الزبر و أنزلنا إليك الذكر

<بینه> به معنای دلیل واضح و روشن اعم از عقلی و حسی است. طبق شواهد تاریخی مراد از <بینات> در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر(ص) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۵

۵- مخاطبان قرآن همه توده های بشری هستند و نه گروهی خاص

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۶

۶- تعالیم قرآن ، جهانی است و همه انسان ها توان فهم آن را دارند .

و قرءاناً فرقنه لتقرأه على الناس على مكث و نزلنه تنزيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ، كتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا

القرءان للناس من كلِّ مثل

<ل> در <لنّاس> برای انتفاع است؛ یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ - همه انسان ها ، مخاطب پیام قرآن و دین اند .

يضرب الله الأمثل للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۲

۱۲ قرآن ، کتابی جهانی و اسلام ، آیینی همگانی

ليكون للعلمين نذيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۷

۷ - همه مردم ، مخاطب قرآن کریم اند .

و لقد ضربنا للناس في هذا القرءان من كلِّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی جهانی ، و پیام آن برای همه مردم است .

يأئنها الناس اتقوا ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۲

۲- قرآن ، کتاب جهانی و فراملیتی

إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۶

۶- قرآن ، کتابی برای عموم مردم است نه ویژه گروهی خاص .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده از تعبیر <للناس> (برای مردم) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۲ - ۱،۳

۱- قرآن ، مایه تذکر و بیداری جهانیان است .

و

ما هو إلا ذكر للعلمين

۳- قرآن ، کتابی است جهانی و برای همه ملت ها با فرهنگ های گوناگون .

ذكر للعلمين

عالم (مفرد <عالمین>) به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین <عالمین> یعنی، همه انسان ها و با توجه به همه مجموعه های بشری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۲

۲- تعالیم قرآن ، برای همه مردم است و به زمان ، مکان و طایفه ای خاص ، محدود نیست .

للعلمين

<عالمین> به معنای اصناف مخلوقات است (لسان العرب). سیاق آیه شریفه، آن را در مخلوقات عاقل محدود می سازد.

جهل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدلنا آیه .. أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - عوامل و زمینه های سقوط و هلاکت تکذیب گران ، ناشناخته برای خود آنان

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

حامی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۴

۴ - خداوند خود ، مدافع

قرآن در برابر تبلیغات مکارانه کافران است .

إنه لقول فصل . . . یکیدون کیداً . و اُکید کیداً

حتمیت عذاب توطئه گران علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۸ - ۵

۵ - تلاش گران بر ضد آیات قرآن ، عذابی قطعی خواهند داشت .

و قال الذين كفروا لن تؤمن بهذا القرآن . . . و الذين يسعون في آياتنا ... أولئ

در این که مراد از <آیات> در این آیه، مطلق آیات خدا است و یا آیه های قرآن (به قرینه این که در آیات پیشین از قرآن سخن به میان آمده است)، دو احتمال وجود دارد. برداشت یاد شده بنابر احتمال دوم است.

حتمیت کیفر مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۳

۳ - کفر و مبارزه با قرآن ، دارای کیفری حتمی و غیر قابل چشم پوشی

فلنذيقن الذين كفروا عذاباً شديداً و لنجزينهم

تأکید فعل های <نذیق> و <نجزی> به لام و نون ثقیله، مفید برداشت یاد شده است.

حج قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۳، ۳۰، ۱۵

۱۵ حج تمتع ، مخصوص غیر اهل مکه است .

ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام

۳۰ ملاک مکی بودن ، سکونت در شعاع هجده میلی ، از هر سوی مسجد الحرام

لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه مزبور، فرمود: من کان منزله علی ثمانیه عشر میلا من بین یدیها و ثمانیه عشر میلا من خلفها و ثمانیه عشر میلا عن

کافی، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۶۹۲.

۳۳ عدم جواز حج قرآن و افراد، مگر برای اهل مکّه و حاضران در آن

و اتمّوا الحجّ و العمره لله

امام رضا (ع): لا يجوز القران و الافراد الذي يستعمله العامه الا لاهل مكّه و حاضريها .. قال الله تعالى <و اتمّوا الحجّ و العمره لله ...>

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱، ب ۳۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۱.

حجاب قلب دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۰

۱۰- خداوند، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی، بر دل هایشان، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان، سنگینی، می افکند.

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا

<أكِنَّة> جمع <کِنان> به معنای <پرده و پوشش> است. <وَقْر> به معنای <سنگینی> است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه کران، در آن است. ضمیر <يفقهوه> به <آیات> بازمی گردد که چون مراد از <آیات>، واژه <قرآن> است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از <أن يفقهوه>، <لثلايفقهوه> و یا <کراهه أن يفقهوه> است.

حدوث قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶ - ۷

۷- قرآن ، کلامی حادث و ایجاد شده از سوی خداوند

إِن لَّمْ يَأْمُنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ

< حدیث >

چه به معنای جدید باشد و چه به معنای حادث مقابل قدیم، بر حدوث قرآن دلالت دارد.

حرمت کتمان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

حسابرسی اخروی تجزیه کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسلّتهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نسل< برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرآن عضین . فوربّك لنسلّتهم أجمعین . عمّا كانوا يعمل

حفظ قداست قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ حفظ قداست قرآن و اسلام و بازداشتن دیگران از یاهه سرایی و تخطئه و استهزای آن،

وظیفه مسلمانان است.

و ما علی الذین یتقون ... و لکن ذکری لعلهم یتقون

حق طلبان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

حق ناپذیران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار ؛ حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمال الذین کفروا قبلک مهطعین

حق ناپذیری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوا علیک بالحقّ فبأی حدیث بعد الله و ءایته یؤمنون

خداوند با تعبیر <فبأی حدیث..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضی به کافران نیز دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست؛ بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

حق ناشنوایی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۶

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من

يستمعون إليك أفانت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

حقانیت آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲

۲ همهء آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبراست .

کتابُ أحکمت ءآیته

إحکام (مصدرُ أحکمت) به معنای اتقان است . بنابراین ((أحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۶ - ۱

۱ - آیات قرآن ، منطبق با حقیقت و واقعیت هستی و به دور از هرگونه کذب و افترا

تلک ءآیت الله نتلوها علیک بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <تلک>، اشاره به آیات قرآن باشد و <بالحقّ> حال برای مفعول <نتلو> و نیز <حقّ> به معنای مطابق با واقع باشد.

حقانیت آیات منسوخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدلنا ءایه مکان ءایه .. قل نزله روح القدس من ربّک بالحقّ

حقانیت آیات ناسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قل نزلہ روح القدس من ربک بالحقّ

حقانیت انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به ... و کم أهلكنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشدار به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

حقانیت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲

۲ همه آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هر گونه خلل و بطلان پذیری مبرا است .

کتابُ أْحْکَمْتُ ءَايْتَه

إْحْکَام (مصدرُ أْحْکَمْتُ) به معنای اتقان است . بنابراین ((أْحْکَمْتُ آيَاتَه)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳- قرآن کتابی متقن و منزّه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۷- قرآن منزّه از آن است که در آسمانی بودنش ، شک و تردید روا باشد .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

با وجود اینکه کفر پیشگان در آسمانی بودن قرآن اظهار تردید می کردند و بلکه منکر آن بودند خداوند در بیان تردید آنان جمله شرطیه به کاربرد تا به این حقیقت اشاره کند که: تردید در حقانیت قرآن تنها قابل فرض است و نمی تواند واقعیت داشته باشد.

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب .. فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است؛ یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون ..؛ اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶،۷

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل

، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتّموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

و هو الحق

<ال> در <الحق> نظیر ال در <زید الرجل> برای استغراق صفات افراد است^{۱۴} یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۴

۴ حقانیت آیات الهی (قرآن)

تلك ايات الله نتلوها عليك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۴

۱۴ تورات و انجیل ، حاوی آیات و نشانه هایی دالّ بر حقانیت قرآن و پیامبر (ص) *

انّ من اهل الكتب .. لا يشترون بايات الله ثمناً قليلاً

از رابطه بین ایمان به قرآن و نادیده نگرفتن آیات الهی (تورات و انجیل)، به دست می آید که در آنها بروشنی حقانیت قرآن و پیامبر (ص) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۹

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقانیت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزلنا مصداقاً لما معكم

<مصداقاً لما معكم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقایق قرآن و لزوم ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ حقانیت قرآن و پیامبر اسلام، امانتی الهی که اهل کتاب وظیفه دار بیان آن بودند .

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله .. ان الله يأمرکم ان تؤدّوا الام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۸،۱۱

۸ محتوای قرآن، شاهد حقانیت آن

افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

۱۱ پیراستگی قرآن از هر گونه اختلاف، دلیل صدور آن از جانب خداست .

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۳

۳ حقانیت همه جانبه قرآن و مطابقت معارف و تعالیم آن با واقع

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق

کلمه <حق> به معنای مطابقت و موافقت با واقع است و در برداشت فوق، کلمه <بالحق>، توصیف <الکتب> گرفته شده و به تعبیر ادبی، حال برای آن است. یعنی: متلبساً بالحق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱۳،۷،۵،۱

۱ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك .. و الملكة يشهدون

در برداشت فوق جمله <و الملكة يشهدون> عطف بر <الله يشهد> گرفته شده است و در نتیجه متعلق <يشهدون> نیز <بما انزل اليك> خواهد بود.

۵ تجلی علم الهی در قرآن ، گواهی خداوند بر حقانیت قرآن و پیامبر (ص) است .

لكن الله يشهد

بما أنزل إليك أنزله بعلمه

جمله <انزله بعلمه> می تواند تفسیری برای <یشهد> باشد یعنی نزول قرآن که مظهری از علم خداوند است، همان شهادت الهی بر حقانیت قرآن و متعاقباً حقانیت پیامبر(ص) است.

۷ گواهی خداوند به حقانیت قرآن برخاسته از علم و آگاهی او نسبت به آن

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

۱۳ شهادت خداوند برای اثبات حقانیت قرآن کافی است .

لكن الله يشهد بما أنزل .. و كفى بالله شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۴

۴ قرآن ، کتابی از جانب خدا و سراسر حق

قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم

در برداشت فوق کلمه <الحق> به قرآن تفسیر شده است و <من ربکم> حال برای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲

۲ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

و انزلنا إليك الكتب بالحق

در برداشت فوق <بالحق> حال برای <الكتب> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۶

۶ گرایش مسیحیان عصر بعثت به اسلام ، برخاسته از آگاهی آنان بر حقانیت قرآن

تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الحق> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱

۱ ایمان به خداوند یکتا و حقانیت قرآن تنها راه منطقی و درست در دیدگاه مسیحیان عصر بعثت پس از آشنایی با قرآن

يقولون .

.. لا تؤمن بالله وما جاءنا من الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۴

۴ ضرورت اقرار زبانی به توحید، رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن پس از باور به آن

فأثبهم الله بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۸

۸ اهل کتاب، قرآن و حقانیت آن را، همانند فرزندان خود، می شناختند.

و أوحى إليّ هذا القرآن .. الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم

از احتمالات مطرح در مورد مرجع ضمیر <يعرفونه> قرآن است که در آیه قبل به صراحت به عنوان شاهد بر نبوت و توحید ذکر گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و كذب به قومك و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إني على بينة> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹،۱۰

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون أنه منزل من ربك بالحق

۱۰ نزول قرآن بر اساس حق، جلوه ربوبیت الهی نسبت به پیامبر(ص) است.

أنه منزل من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره -

۷ قرآن خود روشنگر حقانیت خویش و بی نیاز از دلیلی دیگر است.

فقد جاء کم بینہ من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۳ قرآن ، کتابی سراسر حق و نازل شده از جانب خداوند

إِکان هذا هو الحق من عندک

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو اتتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ وجود پیامبر (ص) در میان منکران قرآن، علت مصونیت آنان

از عذاب های الهی ، نه حقانیت آنان در انکار قرآن

إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر .. و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم

جمله <و ما كان .. > پاسخی است به عذاب خواهی منکران قرآن. یعنی وجود پیامبر(ص) در میان جامعه مانع عذاب استیصال است. بنابراین کسی میپندارد که عذاب نشدن منکران قرآن هر چند به تقاضای خود آنان باشد، دلیل حقانیت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۸

۸ قرآن ، کتابی حق ، میرا از پندار ها ، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءك الحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۲

۲ قرآن کتابی حق و مبرّاً از هرگونه پندار ها و تخیلات باطل است .

قد جاءكم الحق من ربكم

حق، مقابل باطل و به معنای دارای واقعیت است؛ به این معنا که معارفی که در قرآن آمده، حقایقی است منطبق با واقعیت و از هرگونه پندار و تخیلات واهی خالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

إنه الحق

<ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در

تبلیغ و نه ناتمام بودن برهان بر حقایق قرآن

ذلك من أنباء الغيب .. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

آیه قبل بیان داشت که حقایق قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت> می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی بی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۶

۶ قرآن کتابی سراسر حق ، بدون نقص و پیراسته از هر گونه باطل و ناروایی

و الذی أنزل إليك من ربك الحق

<ال> در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است. بنابراین <الحق> ؛ یعنی ، حق کامل که کمترین باطلی در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۱

۱ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل و ناروا

أنما أنزل إليك من ربك الحق

<ما> در <أنما> موصول اسمی و به معنای <الذی> است و مراد از آن قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۶

۶- قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از سخنان باطل و بیهوده

قل نزله روح القدس من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن ، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت .

و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ

.. قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- نقش مؤثر و سازنده اندیشه و خردمندی در ره یابی به حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

لقد أنزلنا. .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۷

۷- قرآن ، کتابی است آمیخته به حق و میرا از هر گونه باطل .

أنه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۶

۶- قرآن ، کتابی آمیخته با حق و میرا از هر گونه سخن باطل

بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۲

۲- قرآن ، کتابی آمیخته به حق و میرا از هر گونه آموزه های باطل

فلما جاءهم الحقّ من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۴

۴- قرآن ، کتابی آمیخته به حق و میرا از هر گونه باطل

إِنَّهُ الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی سراسر حق است .

أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ

برداشت بالا براساس این احتمال است که <ال> در <الْحَقُّ> عهد بوده و به قرینه <لَمَّا جَاءَهُ> اشاره به قرآن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۴،۶

۴ - خداوند ، در مقابل تهمت مشرکان (ساختگی بودن قرآن)

ایستاده و از حقانیت قرآن ، دفاع کرده است .

أم يقولون افتريه بل هو الحقّ

۶- قرآن ، حقّ محض و نازل شده از جانب خداوند است .

بل هو الحقّ من ربّك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۲

۲- قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و يرى الذين أوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربّك هو الحقّ

مراد از <الذي أنزل إليك> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۹

۱۹- قرآن ، کتابی حق است و ساخته و پرداخته [دست] بشر نیست .

و قالوا ما هذا إلا إفكٌ .. و قال الذين كفروا للحقّ لما جاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۷

۷- قرآن ، کتاب حقی است و ساخته دست بشر نیست .

قالوا ما هذا إلا إفكٌ مفترىٌ .. قل إن ربّي يقذف بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۲

۲- قرآن ، کتاب حقی است .

قل جاء الحقّ

به قرینه این که آیه در سیاق آیاتی است که درباره قرآن کریم و برخورد با مشرکان با آن است، <ال> در <الحقّ> می تواند عهد بوده و به قرآن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۴

۴ - قرآن

، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

من الکتب هو الحقّ

<ال> در <الحقّ> نظیر ال در <زیدالرجل> برای استغراق صفات است؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۳،۱۱

۳- قرآن، سخنی است سراسر حق و هدف مند و پیراسته از کلامِ برخاسته از تخیلات و سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع .

و ما علّمناه الشعر

برداشت یاد شده از شعر نبودن قرآن استفاده می شود؛ زیرا شعر برخاسته از تخیلات شاعر و معمولاً توأم با سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع است که شاعران گاهی به منظور حفظ وزن، سجع و قافیه شعر به آن متوسل می شوند.

۱۱- محتوا، شیوه و نظم موجود در قرآن، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلا ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواه الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۱

۱- قرآن، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل

بل جاء بالحقّ

مقصود از <حق> قرآن است و <ال> در آن، می تواند برای استغراق صفات افراد باشد (مانند <ال> در <زیدالرجل>)؛

یعنی، قرآن در

حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و خیال پردازی های باطل .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحق> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و كَذَّبَ بِالصِّدْقِ

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد، یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۷

۷ - قرآن و ادیان الهی ، سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و تخیلات باطل

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۷

۷ - انکار قرآن ، با وجود درک حقانیت آن دشمنی با خدا است .

ذلک جزاء أعداء الله

.. جزاء بما كانوا بأيتنا يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۸

۸ - آیات قرآن و معارف آن ، حقایقی استوار و تردید ناپذیر

و اِنَّه لکتب عزیز

<عزیز> به معنای شکست ناپذیر است که مراد از آن در آیه شریفه، استحکام و خلل ناپذیری قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۳،۴،۱۲

۳ - معارف و آموزه های قرآن ، سراسر حق و به دور از هر گونه سخن باطل است .

لایاتیة البطل من بین یدیه و لا من خلفه

۴ - تأثیر نداشتن گذشت زمان ، در حقانیت معارف قرآن

لایاتیة البطل من بین یدیه و لا من خلفه

بنابراین که مراد از <باطل> زوال حقانیت باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۲ - < فی المجمع : فی قوله تعالی > لایاتیة الباطل من بین یدیه و لا من خلفه < ، قیل فیہ أقوال : . . . ثالثها : معناه انه لیس فی أخباره عمّا مضی باطل و لا فی أخباره عما یکون فی المستقبل باطل بل إخباره کلّها موافقه لمخبراتها . و هو المروی عن أبی جعفر و عن أبی عبدالله (ع) . . . ;

در مجمع البیان در مورد قول خدا <لایاتیة الباطل من بین یدیه و لا من خلفه> آمده است: اقوالی در تفسیر این آیه گفته شده که سوم آن این است: در خبر دادن قرآن از آنچه گذشته و از آنچه در آینده خواهد آمد، هیچ باطلی نیست؛ بلکه خبرهای قرآن همه مطابق با واقع است و

این معنا از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱،۶

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

۶ - حقانیت محتوای قرآن ، نشانگر نزول آن از سوی خداوند (الله)

اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

آیه شریفه بدین معنا است که آن کس که این کتاب را به حق نازل کرده خداست و جز او نمی تواند باشد؛ نظیر این که گفته شود: هنرمند است آن کس که چنین خط زیبا نوشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (ص) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ... وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَطْلَ وَيُحَقِّقُ الْحَقَّ بِكَلِمَتِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۷

۷ - قرآن ، سخنی سراسر حق و حقیقت

حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که مراد از <حَقُّ> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲ - ۵

۵ - محتوای

قرآن ، حقایقی استوار و ابطال ناپذیر

تنزیل الكتب من الله العزيز الحكيم

آیه شریفه از یک سو نزول قرآن را به خداوند نسبت می دهد و از سویی دیگر او را به وصف عزت توصیف می کند. تناسب بین نزول قرآن و صفت عزت، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که قرآن نیز همچون نازل کننده آن، عزیز و شکست ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند؛ در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۰، ۹، ۷

۷- قرآن ، حقایقی نازل شده از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص)

نزل علی محمد و هو الحق من ربهم

تصریح به <نزل>، بیانگر این حقیقت است که شخص پیامبر(ص) مفاهیم و حقایق قرآن را ابداع نکرده؛ بلکه قرآن به همین صورت از جانب خداوند بر آن حضرت نازل شده است.

۹- قرآن ،

حقایق و قوانینی در جهت رشد و تکامل بشر

و هو الحقّ من ربّهم

با توجه به این که ضمیر <هو> به <ما نزل..> (قرآن) بازمی گردد؛ از تعبیر <من ربّهم> استفاده می شود که قرآن نشأت یافته از مقام ربوبیت خدا و در جهت رشد و تکامل انسان ها است.

۱۰- مفاهیم و معارف قرآن، حق، و به دور از پوچی و تضاد با ارزش ها و واقعیت های هستی

و ءامنوا بما نزل علی محمد و هو الحقّ

از اطلاق واژه <حقّ> بر قرآن (مانزل علی محمد)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۶

۶- پیام های پروردگار (آیات قرآن)، سراسر حق و به دور از بطلان و پوچی

الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

از مقابله حق و باطل و این که <حقّ> مقید به <من ربّهم> شده؛ استفاده می شود که <ما نزل علی محمد> جز حق چیزی نیست و باطل به خداوند انتساب ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۲

۲ قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از نمود های بارز حق

و القرءان المجید . بل عجبوا أنّ جاءهم منذر... بل کذبوا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰- قرآن، کتابی آمیخته به حق و میرا از هرگونه باطل

و ما نزل من الحقّ

در صورتی که <حق> در آیه شریفه، مقابل باطل به کار رفته باشد،

برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ - قرآن ، کتابی است سراسر حق .

و إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ

۲ - حقانیت قرآن و درستی تعالیم آن ، امری است یقینی و تردیدناپذیر .

و إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ

۳ - وجود مسائل و معارف یقینی و تردیدناپذیر در قرآن

و إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ

حقانیت قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۹

۹ - نقل های تاریخی قرآن ، سراسر حقیقت است و افسانه سرایی در آن راه ندارد .

إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرَ الْأُولِينَ

حقانیت مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۵،۷

۵ - مثل های قرآن ، حق (بیانگر واقعیت ها) و همه از جانب خداوند است .

فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ

۷ - اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی می فهمند .

فأما الذين ءامنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم

حقانیت نزول تدریجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قل نزله روح القدس من ربك بالحق

حقانیت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۱

۱- فرو فرستادن قرآن از سوی خدا و رسیدن آن به

دست پیامبر (ص) و آدمیان، بر اساس حق و به دور از کمترین خلل و باطلی

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

حقانیت وعده های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باوراند که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است؛ اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

حقانیت وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باوراند که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است؛ اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

حقیقت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۵

۵- قرآن، دارای حقیقتی والا و متعالی است.

قالوا إنما أنت مفتّر... قل نزله روح القدس من ربك

تعبیر <نزل> که به معنای فرود آمدن از بالا به پایین است درباره القای قرآن به پیامبر(ص) توسط جبرئیل، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی

اجمالی و تفصیل نیافته *

تنزیل من .. فصلت آیه

جمله <فصلت آیات> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۱،۴،۶

۱ - قرآن، دارای حقیقتی متعالی و مکتوب در < لوح محفوظ >، قبل از نزول به زبان عربی

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا .. و إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ لَدِينَا

مراد از <أُمُّ الْكِتَابِ > لوح محفوظ است.

۴ - حقیقت ملکوتی قرآن، فراتر از حد درک و دریافت عادی بشر

و إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ لَدِينَا لَعَلِّي

جمله <إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدِينَا لَعَلِّي > تأکیدی برای عبارت پیشین است، یعنی، قرآن دارای چنان مرتبه بلندی است که اگر ما آن را از <أُمُّ الْكِتَابِ > به زبان عربی بر نمی گردانیم و برای زمینیان نازل نمی کردیم، دستیابی به معارف آن برای هیچ انسانی مقدور نبود.

۶ - حقیقت قرآن، نزد خداوند است و بشر تنها بهره مند از جلوه های آن حقیقت ملکوتی است.

و إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ لَدِينَا لَعَلِّي حَكِيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۶

۶ - قرآن، حقیقتی نازل شده از مرتبتی والا و رفیع

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- قرآن حقیقتی الهی و نازل شده از سوی او

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

از انتساب مکرر نزول قرآن به خداوند، مطلب بالا استفاده می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن للذکر

مفهوم <لقد یسرنا..> این است که حقایق قرآنی در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا القرآن..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا القرآن..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها در درک آن ناتوان می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا> این است که حقایق قرآنی، در مرحله اول و

قبل از آسان شدن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۲

۲ - قرآن ، تحقیقاً از سنخ شعر و کلامی شاعرانه نیست .

و ما هو بقول شاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۲

۲ - قرآن ، به تحقیق از سنخ کهنات و کلامی کاهنانه نیست .

و لا بقول کاهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱

۱ - قرآن ، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

<لوح> ، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح> ، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

حقیقت نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدلنا آیه .. أكثرهم لا يعلمون

حکمت در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی است آمیخته به حکمت .

آیت الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <ذوالحکمه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ -

۴- قرآن، دربردارنده آیه های خدا و حکمت است.

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنن من ءایت اللّٰه و الحکمہ

مراد از <ما> به قرینه <یتلی> می تواند قرآن باشد و <من> برای بیان <ما>، در این صورت، آیات و حکمت، تشکیل دهنده محتوای قرآن خواهد بود.

حکمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۲

۲ - قرآن، کتابی حکیمانه است.

تلک ءایت الکتب الحکیم

وصف <حکیم>، برای قرآن، می تواند به معنای <دارای حکمت> باشد و می تواند به معنای مفعول، یعنی محکم باشد. برداشت بالا، براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۳

۳ - قرآن، کتابی است آمیخته با حکمت.

و القرءان الحکیم

<حکیم> می تواند به معنای <ذوالحکمه> باشد و نیز می تواند مرادف <مُحکَم> (فعل به معنای <مُفَعَّل>) باشد؛ چنان که در قرآن هم به همین معنا به کار رفته است: <کتاب اُحکمت آیاته..> (هود (۱۱) آیه ۱). برداشت فوق برپایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵- قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و . . . پیروز شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که چون خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و حکیم است؛ بنابراین سخن او نیز در عرصه خاص خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی

تنزیل الکتب من الله .. الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۸

۸- برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی است .

تنزیل الکتب من الله العزيز الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۱

۱- قرآن و اخبار هشداردهنده آن ، پیامی حکیمانه و در اوج کمال

حکمه بلغه

<بلوغ> (مصدر <بالغه>) در اصل به معنای رسیدن شیء به نهایت و پایان مسافت به کار می رود و در این جا کنایه از تمامیت و کمال شیء است. بنابراین <حکمه بالغه> یعنی، حکمت تام و کاملی که از هر نقص و کاستی مبرا است. گفتنی است که <حکمه بالغه> در آیه شریفه، بدل برای <ما> در <ما فیه مزدجر> است یعنی، <جائهم حکمه بالغه>.

حمایت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ اعلام حمایت و پشتیبانی خدا از پیامبر (ص) و قرآن ، علیه توطئه گران و نیرنگ بازان عصر بعثت و تهدید آنان به عذاب

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم

مکر فی آیاتنا قل الله أسرع مكرًا

مکر خدا، می تواند کنایه از عذاب او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهدرا

حیات بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

كذلك أوحینا إليك روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

خاتمیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۲

۲ اسلام آخرین دین آسمانی و پیامبر(ص) خاتم انبیا و قرآن آخرین کتاب آسمانی است.

و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

لازمه تمام بودن قرآن در طول زمان این است که قرآن آخرین کتاب آسمانی و محتوای آن اسلام نیز آخرین دین باشد.

خبرهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - بیان اخبار و اطلاعات بزرگ و پرفایده ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

قل هو نبؤا عظیم

ختم قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۴، ۲، ۱

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح

لا-ک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲- بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاه> گرفته شده است.

۴- مؤثر نبودن انذار های پیامبر (ص) در کافرانِ منکرِ قرآن ، ناشی از مسدود بودن ابزار درک و فهم ایشان است .

سواء علیهم ءأندرتهم أم لم تندرهم لایؤمنون. ختم الله علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲- تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أکنه .. و فی ءاذاننا وقر

خدا ترسان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۴

۴- آموزش قرآن به اهل خشیت ، آسان و بی نیاز از تحمل رنجو ناراحتی است .

ما أنزلنا .. لتشقی إلا تذکره لمن یخشی

خشوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخزون للأذقان ييكون

٢- قرآن

، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ ... يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن ، همراه با سرشک دیدگان

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ ... وَ يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ يَزِيدُهُ

خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنانِ نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فَمَا لَهُمْ ... وَ إِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ... إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّ

خضوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳، ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخْرُونَ

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءَامَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخْرُونَ

برداشت فوق بر این اساس است که <إِنَّ> تعلیل باشد برای جمله <آمَنُوا بِهِ أَوْ...> یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ -

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخزون للأذقان يبكون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخزون للأذقان يبكون

خطای اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۱

۱ - اعراض از قرآن و روی آوردن به غیر آن ، شگفت آور و خطایی آشکار است .

فأین تذهبون

استفهام توییخی در آیه شریفه، علاوه بر سرزنش خطاکاران، بر تعجب از آن خطا نیز دلالت دارد.

خطر عذاب دنیوی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های

دنیوی

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر هلاکت معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم آیتنا .. و کم أهلكنا قبلهم من قرن

خواسته های مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۱،۲

۱ آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند،

از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك

<نظر>، مصدر <ينظرون>، در اینجا به معنای انتظار و توقع است. استفهام به دلیل <إلا> استفهام انکاری می باشد و بنابراین <هل ينظرون> یعنی <ما ينتظرون>. انتظارهایی که در آیه شریفه مطرح شده هم می تواند توقعاتی باشد که از سوی مشرکان مطرح شده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۲ تحقیق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن .. تأتي بعض آيات ربك

مراد از <بعض آیات ربك>، به دلیل <إلا- ينفع نفساً إيمانها>، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل <إتيان> (تأتيهم، يأتي ربك و يأتي بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. <إتيان> در <يأتي بعض آیات> به معنای تحقق یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱

۱- منکران اعجاز قرآن، پیامبر (ص) را به خاطر ارائه نکردن معجزات اقتراحی و پیشنهادی آنان، مورد انتقاد قرار می دادند.

و قالوا لولا يأتينا بآية من ربّه

خیریت تلاوت قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۷

۳۷ - شب زنده داری ، تلاوت قرآن ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و انفاق ، از مظاهر نیکوکاری و مصداق های بارز کار های خیر

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تیسر من القرءان ... و ما تقدّموا لأنفسک

خیریت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۲

۲ قرآن کتابی فرخنده و دارای خیر و برکت فراوان

هذا کتب ... مبارک

<مبارک> به چیزی و یا کسی که خیر بسیار از آن تراوش کند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱

۱- تقوایبشگان ، معتقد به خیر محض بودن وحی الهی (قرآن)

وقیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند

تبارک الذی نزل الفرقان

درخواست تبدیل قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۷،۹

۷ مشرکان ، در راستای مخالفت با قرآن ، به پیامبر (ص) پیشنهاد می کردند : برای آنان به جای قرآن ، کتاب دیگری را که موافق خواسته ها و تمایلاتشان باشد بخواند .

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. قال الذين لا يرجون لقاءنا انت بقراءان غير هذا

۹ تبدیل و برگرداندن محتوای قرآن به موضوعاتی باب

طبع با حفظ نظام و ساختار ظاهری آن یکی دیگر از پیشنهاد های مشرکان به پیامبر (ص) در راستای مخالفت با قرآن

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين لا يرجون لقاءنا .. أو بدله

درخواست دلایل حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین .. هل ينظرون إلا أن تأتیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتیهم الملائکه أو یأتی أمر ربک> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

درخواست نزول دفعی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۵،۹

۵- نزول دفعی قرآن همانند تورات ، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلما جاءهم الحق من عندنا

۹- رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند ، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أولم یکفروا بما أوتی موسی من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست؛ زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

درک کنندگان قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ تنها دانشوران ، شایسته فهم و درک آیات قرآند (آیات مربوط به پدیده های جهان آفرینش) .

یفصل الأیت لقوم یعلمون

دروغگویی مفتریان بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۷

۷- افترا زندگان به پیامبر (ص) و قرآن ، خود دروغگوی واقعی اند .

و أولئک هم الکذبون

دروغگویی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب ... فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است؛ یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون ...؛ اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

دریافت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۵

۵ - مرحله دریافت قرآن ، همانند مرحله نزول آن ، مصون از خطا و تحریف است .

إنّه لقول رسول .. و ما صاحبكم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۳

۳ - عقل سالم پیامبر (ص) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن ، تضمین کننده دریافت

صحیح قرآن از فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأفق المبین

دشمنان دین و معارف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۶

۶ انکار نفوذ آموزه های قرآن در میان دل و جان مردم ، از ترفند های منافقان و دشمنان دین

و إذا ما أنزلت سوره فمَنهم من يقول أیُکم زادته هذه إیماناً

استفهام در جمله <ایکم زادته .. > استفهام انکاری و بیانگر نفی تأثیرگذاری آیات قرآن در دل و جان اهل ایمان است. قابل ذکر است که ضمیر <منهم> به منافقان برمی گردد.

دشمنان قاریان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۴،۵

۴- انسان به هنگام قراءت قرآن ، در معرض هجوم و خشم شیطان است .

فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

۵- شیطان ، مخالف قراءت قرآن و آشنایی انسان با آموزه های آن است .

فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

پناه بردن انسان از شرّ شیطان به خداوند، بیانگر این است که شیطان قراءت قرآن و آشنایی با آن را خوش ندارد. گفتنی است آیه بعدی که سخن از سلطه شیطان و مصونیت مؤمنان از این سلطه است مؤید همین برداشت است.

دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فَأَمْطَرَ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنْ السَّمَاءِ أَوْ اثْنَا بَعْدَ ذَلِكَ أَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن)، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

ضمیرهای جمع در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفوههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الكتاب) بازمی گردد. قید <بأفوههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

۳ احبار (عالمان یهود) و راهبان (عالمان نصارا) سردمداران مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً .. یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <هم> در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفوههم> به احبار و راهبان بازگردد، که در این صورت آیه شریفه بیانگر یکی از مصداقهای <اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً> خواهد بود؛ بدین معنا که احبار و راهبان علیه قرآن و اسلام سخنان نادرست می گفتند و یهود و نصارا از آنان تبعیت کورکورانه و اطاعت محض داشتند.

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً .. یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- شیطان، مخالف قراءت قرآن و آشنایی انسان با آموزه های آن است .

فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

پناه بردن انسان از شرّ شیطان به خداوند، بیانگر این است که شیطان قراءت

قرآن و آشنایی با آن را خوش ندارد. گفتنی است آیه بعدی که سخن از سلطه شیطان و مصونیت مؤمنان از این سلطه است مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۳،۵،۶

۳ - تعصب کورکورانه و جاهلانه مشرکان صدراسلام نسبت به مرام شرک، و خشم و کینه آنان نسبت به معارف الهی قرآن

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

<منکر> (مرادف <انکار>) مصدر میمی و به معنای ناخرسندی و کراهت است؛ یعنی، هر گاه آیات روشن ما بر آنان تلاوت شود، آثار کراهت و ناخشنودی را در چهره کافران تشخیص می دهی.

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند.

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم آیتنا

<سَاطُو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است؛ یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۴

۴ واکنش کافران در برابر قرآن و رسالت پیامبر (ص)، رفتاری بس ظالمانه و مزورانه بود.

فقد جاءو

ظلمًا و زورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۲

۲ - استمرار دشمنی مجرمان با قرآن و وحی ، تا لحظه مرگ

لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم

مراد از مشاهده عذاب دردناک، می تواند لحظه مرگ کافران و حق ستیزان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن

دشمنی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۱ - ۴

۴- مخالفت و مبارزه با قرآن و پیامبر اسلام (ص) ، مصداق آشکار ظلم و ستم است .

لقد أنزلنا إليك.. و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه

خداوند، پس از بیان نزول قرآن و فراخواندن مردم به تعقل در آن و نیز طرح نابودی بسیاری از اقوام گذشته به خاطر ظلمشان، مخالفان اسلام و قرآن را به عذاب و نابودی تهدید کرد و این می رساند که مخالفت با اسلام و قرآن، مصداق روشن ظلم و موجب نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۹

۹ - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه مستمر کافران مکه

كانوا بأيتنا يجحدون

فعل <كان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن

و رسالت پیامبر (ص)، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود.

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيَّتِنَا عَيْنِدَا .. إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۳

۳ - بدگویی و یاوه سرایی کافران مرفه، علیه قرآن و پیامبر (ص) در محفل های شبانه شان

سَمْرًا تَهْجُرُونَ

سمر< (مصدر <سامر>)؛ یعنی، گفت و گو و تشکیل محفل شبانه. <سامر> اسم جمع است مانند: <حاج>، <حاضر> و <حامل>. <سامراً> حال دیگر برای ضمیر فاعل <تنکصون> است. <تهجرون> به تقدیر تهجرون به مشتق از <هَجْر> (بدگویی) و یا <هَجْر> (هزیان و یاوه گویی) است. جمله <تهجرون> (فعل و فاعل) در محل نصب و نعت برای <سامراً> می باشد؛ یعنی، <در حالی که در محافل شبانه، درباره آن بدگویی می کردید>.

دعوت از مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۱

۱ - دعوت خداوند، از منکران قرآن برای هموردی با مضامین بلند آن

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ

دعوت به تدبر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۲

۲ - فراخوانده شدن کافران به تدبر و اندیشه در آیات قرآن و پرهیز از داوری های نسنجیده درباره آن

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ

دعوت به تعلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۵

۵ - آموختن تعالیم قرآن و پایداری بر عمل به آن ، دعوت خداوند از همه انسان ها

است .

إِن هُوَ إِلَّا ذَكَرَ لِلْعَلَمِينَ . لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

مخاطبان در <منکم> گرچه همان کسانی اند که <أین تذهبون> خطاب به آنان بود؛ ولی به قرینه <للعالمین> این رهنمود برای عموم مردم است.

دعوت به عمل به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۵

۵ - آموختن تعالیم قرآن و پایداری بر عمل به آن ، دعوت خداوند از همه انسان ها است .

إِن هُوَ إِلَّا ذَكَرَ لِلْعَلَمِينَ . لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

مخاطبان در <منکم> گرچه همان کسانی اند که <أین تذهبون> خطاب به آنان بود؛ ولی به قرینه <للعالمین> این رهنمود برای عموم مردم است.

دعوت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، یهودیان را به پذیرش اسلام و ایمان آوردن به قرآن فرا می خواند .

و إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

فاعل <قيل> به قرینه <قل فلم تقتلون> (در ذیل آیه) پیامبر است؛ یعنی: و إِذَا قِيلَ لَهُمْ ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ پیامبر اکرم (ص) در دعوت مردم به پذیرش کتاب الهی ، در پی جلب منفعت برای خود یا دفع ضرر از خویش نبود .

فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

دعوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۲

۲ قرآن ، فراخوان اهل کتاب به خودداری

از گفتار باطل درباره خداوند

ياهل الكتب .. لاتقولوا على الله الا الحق

دعوتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۶

۶- قرآن ، فراخوان مردم به هوشمندی و ژرف نگری در آیات الهی و حوادث و تحولات تاریخی

و تَبَّهْم عن ضيف إبراهيم .. و أمطرنا عليهم حجاره من سجّيل . إن في ذلك لأيت للممت

دفع شرّ استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۲

۲- نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دفع شرّ استهزا کنندگان آن حضرت و قرآن

إنا كفيناك المستهزئين

دلایل اتقان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴

۴- توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فيه هدی للمتقین

<هدی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فيه> است.

دلایل اجتناب از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت پرهیز از کفر ورزی به قرآن و پست بودن هر چیزی در مقابل از دست دادن آن ، است .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

تعبیر کردن از قرآن به <ما> و توصیف آن به <أنزل الله> بیانگر علت و دلیل حکمی است که در فراز قبل بیان شد؛ یعنی، چون قرآن کتابی است نازل شده از جانب خدا، کفر به آن موجب می شود هر

چیزی که در مقابل از دست دادن آن دریافت شود، پست باشد.

دلایل ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۵

۵ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت ایمان آوردن به آن

ءامنوا بما أنزل الله

توصیف قرآن به اینکه خدا آن را فرستاده است، اشاره به علت لزوم ایمان (ءامنوا) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- ناتوانی همگان از دگرگون ساختن قرآن و سخنان خداوند ، دلیل شایستگی آن برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أحیٰ إِلِیکَ .. لا مبدل لکلمته

دلایل بطلان شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتک فی مریه منه إنه الحق من ربک

جمله <إنه الحق من ربک> به منزله دلیل برای <فلاتک ..> می باشد.

دلایل بی نظیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۴

۴ پدید آمدن و نشأت گرفتن قرآن از علم الهی ، دلیل ناتوانی غیر خدا از آوردن همانند برای آن است .

فإلّم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله

جمله <فإلّم يستجيبوا لكم فاعلموا ..> ناظر به علت اثباتی (اقامه برهان بر الهی بودن قرآن است) و در عین حال از علت ثبوتی (سرّ و ریشه ناتوانی بشر از آوردن همانند برای قرآن) نیز حکایت می کند.

دلایل بی نیازی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یشرون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو..> یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

دلایل پوچی افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۴

۴ - مطرود بودن شیطان از درگاه خداوند ، شاهد واهی بودن پندار کسانی است که معارف الهی قرآن را القای شیطان می پنداشتند .

و ما هو بقول شیطن رجیم

دلایل پیروی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۶

۶ الهی بودن قرآن و پر برکت بودن آن دلیل لزوم پیروی از آن است.

هذا کتب أنزل نه مبارک فاتبعوه

حرف <فا> در <فاتبعوه> سببیه است. بنابراین دلالت می کند که حقایق بیان شده در جمله قبل علت لزوم پیروی است.

دلایل تبعیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - الهی بودن قرآن و احکام اسلام ، دلیل لزوم پیروی از آن است .

اتبعوا ما أنزل الله

مراد از <ما> در <ما أنزل الله> قرآن و احکام دین است.

توصیف آنها به اینکه از ناحیه خداست - پس از فرمان به پیروی از آنها (اتبعوا) - به علت و دلیل لزوم پیروی اشاره دارد.

دلایل تنزیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۵

۵ - بنیان های متقن مفاهیم و معارف قرآن ، گواه مبرّا بودن آن از تخیلات شاعرانه

و الشعراء يتبعهم الغاوان . ألم تر أنهم في كل واد يهيمون

دلایل حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴

۴ - توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر انتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدی للمتقین

<هدی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ، از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۴

۴- قرآن ، متضمن آیات و دلایلی روشن بر حقانیت خود و رسالت پیامبر (ص)

و لقد أنزلنا إليك آیت بینت

مقصود از <آیات> می تواند آیات قرآنی باشد و می تواند معجزات و دلایلی باشد که بر صداقت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن دلالت دارد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ وجود دلایل حقانیت قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون انه منزل من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۳

۳ کتاب های آسمانی پیشین ، سند زنده ای برای اثبات حقانیت و الهی بودن آیات قرآن کریم

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسل الذين يقرءون الكتب من قبلك

تذکر این نکته لازم است که مراد از کتابهای آسمانی پیشین، کتابهایی است که دست تحریف، آنها را دگرگون نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، دلیلی است متقن و روشن بر الهی بودن قرآن و درستی حقایق مطرح شده در آن .

كتبُ أحكامهُ ءآيته ثم فصلت من لدن حكيم خبير

کلمه ((آیات)) به معنای نشانه هاست . نامیده شدن بندهای قرآن به این نام سپس توصیف آنها به اینکه از ناحیه خدای حکیم داناست ، اشاره به این دارد که : جملات قرآن ، آیت و نشانی بر الهی ، حکیمانه و عالمانه بودن آنهاست . بنابراین آیه فوق را می توان چنین معنا کرد: این قرآن ، کتابی از ناحیه خدای حکیم و خیر است و تک تک آیات آن ، دلالت بر این مدعا دارد و این دلالت هم متقن است و هم واضح و روشن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۱۰

راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما نتنزل إلا بأمر ربك .. و ما كان ربك نسياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۶

۶- بررسی تاریخ و پیدایش و زوال تمدن ها ، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی و درک حقایق قرآن

فإنما يسرناه.. لتندر به ... و کم أهلكنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود و پیامبر اسلام (ص)

لقد أنزلنا إليكم كتاباً فيه ذكر کم أفلاتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی بر آوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش؛ یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبر اسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۶

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارك أنزلنه أفأنتم له منكرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أولم يكن لهم آية أن يعلمه علموا بنى إسرائيل

استفهام در این آیه توییخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و <آیه> خبر <لم يكن> و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن يعلمه...> نیز اسم <لم يكن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد؛ یعنی، <أولم يكن علم علماء بنى اسرائيل بخبر القرآن أو خبر نزوله عليك على سبيل البشارة فى كتب الأنبياء الماضين آية للمشركين على صحه نبوتك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۲

۲ - تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إن هذا القرآن يقصّ على بنى إسرائيل أكثر الذى هم فيه يختلفون

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۴

۴ - تصدیق و تأیید رسولان پیشین از سوی پیامبراکرم (ص) ، نشانه درستی رسالت آن حضرت و حقانیت قرآن

بل جاء بالحقّ و

خداوند در این آیه به دو مطلب اشاره فرموده است: ۱ تأیید حقانیت آنچه پیامبر(ص) آورده است (قرآن)؛ ۲ توصیف آن حضرت به تصدیق کننده رسولان پیشین. بیان هم زمان این دو مطلب، می تواند دلیلی بر راستی رسالت پیامبر اکرم(ص) و لزوم تصدیق آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۱

۱ - گذشت زمان و آینده بشریت ، بستر کشف حقانیت قرآن

و لتعلمن نبأه بعد حين

طبق نظر مفسران، ضمیر در <نبأه> به قرآن بازمی گردد و مقصود از <نبأ> خبر حق بودن قرآن است؛ یعنی، به زودی خواهید فهمید که قرآن و گفته های آن، حق و مطابق با واقعیت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۳

۳ - نشانه ها و دلایل حقانیت قرآن ، نهفته در متن طبیعت و اسرار وجود آدمی

سنریمهم ءايتنا فی الأفاق .. انه الحق

بنابراین که ضمیر <أنه> به قرآن باز گردد، انطباق آیات مربوط به پدیده های طبیعی با واقعیت جهان طبیعت، نشانگر حقانیت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبر اکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بینت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم(ص) باشد؛ که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۴،۷

۴- ایمان و اعتقاد برخی از پیروان ادیان آسمانی به قرآن، تأییدی بر حقانیت آن

إِنَّ كَانِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلِيَّ مِثْلَهُ

ارزش ایمانِ اهل کتاب به قرآن و پیام آن برای دیگران، از آن جهت است که آنان با پیام وحی آشنا هستند و ایمانشان به قرآن، بر اساس آگاهی به پیام و محتوای کتاب های آسمانی است. از این جهت می تواند برای دیگران دلیل و حجت باشد.

۷- وجود قرینه هایی در متن تورات، بر حقانیت قرآن *

و شَهِدَ شَهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلِيَّ مِثْلَهُ فَامِنْ

مترتب شدن ایمان به قرآن، بر ایمان به تورات و آیین موسی، ممکن است از آن جهت باشد که در تورات، قرینه هایی بر حقانیت قرآن وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۴

۴ - دلایل حقانیت قرآن، متجلی در متن آن برای حق جویان

أَمْ يَقُولُونَ تَقُولُهُ بَلْ لَآ يُؤْمِنُونَ

<بل لایؤمنون> یعنی، اینان نمی خواهند ایمان بیاورند؛ و گرنه حقانیت قرآن و الهی بودن آن، بدان اندازه پنهان نیست که آنها درک نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن، زداینده هرگونه شک و تردید، از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لَآ يَرْتَابُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكُتُبَ وَالْمُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفًا منشره .. کلاً إنّه تذکره

کلمه < کلاً >، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاً بل لایخافون ..) بیان شده است؛ یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانب خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۴

۴ - قرآن ، دارای مضامینی روشن و دلایلی گویا ، بر صدق و درستی خویش

فبأی حدیث بعده یؤمنون

از این که ایمان نیاوردن به قرآن، امری شگفت آور تلقی شده است؛ می توان پی برد که راستی و درستی قرآن، آن چنان روشن است که به اثبات از بیرون نیاز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۶

۶ - دور بودن ساحت قرآن از دخالت شیطان ، ضامن حقانیت و درستی تعالیم آن

إنّه لقول رسول .. و ما هو بقول شیطن رجیم

دلایل عدم قبول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبول نکردن تعالیم قرآن از سوی برخی انسان ها ، ناشی از بی اعتنائی آنان است و نه از

ناحیه قرآن .

و إذا تتلى عليه ءآيتنا ولى مستكبرا كأن لم يسمعها

دلایل قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۴

۴- قرآن ، دلیل حقانیت خود و سند راستی و درستی نبوت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

دلایل کفر یهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷

۷- نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

دلایل وحيانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۳

۳- ناتوانی انسان ها از آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، دلیل آسمانی بودن قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

چنانچه ناتوانی از آوردن همانند برای قرآن، دلالت بر آسمانی بودن آن نمی کرد؛ حجت بر مخالفان تمام نمی شد و تفریع <اتقوا النار> بر آن صحیح نمی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ زندگی پیش از بعثت حضرت محمد (ص) ، گواه روشن بر الهی و آسمانی بودن قرآن

قل لو شاء الله ما تلوته علیکم . . فقد لبثت فیکم عمراً من قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱۰

آیات قرآن ، دلیلی است متقن و روشن بر الهی بودن قرآن و درستی حقایق مطرح شده در آن .

کتابُ أحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

کلمه ((آیات)) به معنای نشانه هاست . نامیده شدن بندهای قرآن به این نام سپس توصیف آنها به اینکه از ناحیه خدای حکیم داناست ، اشاره به این دارد که : جملات قرآن ، آیت و نشانی بر الهی ، حکیمانه و عالمانه بودن آنهاست . بنابراین آیه فوق را می توان چنین معنا کرد: این قرآن ، کتابی از ناحیه خدای حکیم و خبیر است و تک تک آیات آن ، دلالت بر این مدعا دارد و این دلالت هم متقن است و هم واضح و روشن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۳،۴

۳ خودداری عاجزانه مخالفان دین از آوردن همانند برای قرآن ، نشانه و برهانی روشن بر الهی بودن قرآن و ابتدای آن بر علم خداست .

فإلّم يستجیبوا لکم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله

۴ پدید آمدن و نشأت گرفتن قرآن از علم الهی ، دلیل ناتوانی غیر خدا از آوردن همانند برای آن است .

فإلّم يستجیبوا لکم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله

جمله <فإلّم يستجیبوا لکم فاعلموا...> ناظر به علت اثباتی (اقامه برهان بر الهی بودن قرآن است) و در عین حال از علت ثبوتی (سرّ و ریشه ناتوانی بشر از آوردن همانند برای قرآن) نیز حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۶،۹

۶ آگاه نبودن پیامبر (ص)

به حقایق داستان یوسف پیش از نزول قرآن ، دلیلی روشن بر الهی بودن قرآن

ذلك من أنباء الغیب نوحیه إلیك و ما كنت لدیهم

جمله حالیه <و ما كنت لدیهم> به منزله تعلیل برای <نوحیه إلیك> است ؛ یعنی، از نشانه های این حقیقت که قرآن وحی الهی است آن است که تو از داستان یوسف(ع) بی خبر بودی ؛ ولی آن را به بهترین وجه آوردی و این جز از طریق وحی امکان پذیر نبود.

۹ بیان قرآن درباره مکرها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما كنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمكرون

جمله <و ما كنت لدیهم..> به منزله تعلیل برای <ذلك من أنباء الغیب...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۸

۸- بیان فصیح و روشن قرآن در قالب زبان عربی ، گویاترین دلیل بر القا نشدن آن توسط فردی عجمی (غیر عرب) بر پیامبر (ص) است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمی و هذا لسان عربی مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۳

۱۳- عدم امکان آوردن کتابی همانند قرآن ، خود دلیلی قاطع بر الهی بودن و بشری نبودن آن است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. لا یأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۶

۶- قرآن ، خود دلیل آسمانی بودن خویش است .

مفهوم دعوت یاد شده، این است که هر کس در قرآن تدبر کند، به آسمانی بودن آن یقین پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۵

۵ - محتوای بلند قرآن ، سند آسمانی بودن آن

و ما ینبغی لهم و ما یتطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۲

۲ - بیان دقیق سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور (ماجرای که به جز خدا کسی از آن خبر نداشت) دلیلی روشن بر آسمانی بودن قرآن

و اِنَّكَ لَتَلْقٰى الْقُرْءَانَ .. اِذْ قَالَ مُوسٰى لِاٰهَلِهٖ

بیان ماجرای موسی در وادی طور، که می تواند دلیلی برای <اِنَّكَ لَتَلْقٰى الْقُرْءَانَ..> باشد؛ زیرا آن واقعه ای است که جز خدا احدی از آن اطلاع نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۵

۵ - امی بودن پیامبر (ص) ، دلیلی غیر قابل انکار ، بر آسمانی بودن قرآن کریم است .

و ما كنت تتلوا من قبله .. اِذَا لَارْتَابِ الْمَبْطُلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۲

۲ - قرآن ، خود نشانه آسمانی بودن و بدیع بودن و عدم دخالت بشر در تنظیم آن است .

و ما كنت تتلوا من قبله .. بل هو آیت بینت

<بل> برای اِضْرَاب است و از این حقیقت حکایت می کند که حتی اگر پیامبر(ص) امی نبود، تنظیم چنین کتابی، میسر نبود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۶

۶ - حقانیت محتوای قرآن ، نشانگر نزول آن از سوی خداوند (الله)

الله الذي أنزل الكتب بالحق

آیه شریفه بدین معنا است که آن کس که این کتاب را به حق نازل کرده خداست و جز او نمی تواند باشد؛ نظیر این که گفته شود: هنرمند است آن کس که چنین خط زیبا نوشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۸

۸- تأثیر شگرف آیات قرآن بر قلب ها و اندیشه ها ، نشانگر استناد آن به نیرویی فوق طبیعی

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين كفروا .. هذا سحر مبين

از مجموع آیه شریفه، تأثیر شگرف و اعجاز گونه آیات قرآن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۴

۴- هماهنگی محتوای قرآن با تعالیم پیامبران پیشین ، گواه آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر (ص)

أم يقولون افتريه .. قل ما كنت بدعاً من الرسل

واژه <بدعاً> می تواند ناظر به شخص پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، او اولین رسولی نیست که مبعوث شده است؛ بلکه قبل از او نیز رسولان دیگری بوده اند. هم چنین می تواند ناظر به اقوال و افعال پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، آن حضرت ابداع کننده اقوال و سخنان تازه ای نیست؛ بلکه سخنان او پیشینه در اقوال و سخنان پیامبران گذشته دارد. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۲- همسویی و هماهنگی محتوای قرآن و تورات و تصدیق آن نسبت به تورات ، دلیلی بر وحیانی بودن قرآن

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدق

طرح هماهنگی پیام تورات و قرآن و نیز تصدیق مطالب تورات از سوی قرآن، زمینه ای است برای تفکر اهل کتاب و غیر آنان، و یافتن آثار وحی بودن و دلایل حقانیت قرآن در آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- هماهنگی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین ، دلیل آسمانی بودن آن

يقومنا إنا سمعنا كِتَابًا أَنْزَلَ .. مَصَدَّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

جنیان با استناد به هماهنگی قرآن با کتاب آسمانی دیگر (تورات) درصدد بودند تا آسمانی بودن قرآن را به هموعانشان اثبات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۴

۴ - عجز آدمیان از آوردن سخنی همچون قرآن ، برترین گواه بر الهی بودن آن

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۵

۵ - طرح جزئیات حوادث قیامت در قرآن ، نشانه وحی بودن آن

فَلَا أُقْسِمُ

جمله <إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ> در آیات بعد که سوگندهای مکرر در این آیات، مربوط به آن است از انتساب قرآن به فرستاده الهی حکایت دارد. حرف <فاء> در آیه شریفه، مجموعه را بر آیات پیشین تفریع کرده است که درباره حوادث قیامت بود.

یعنی، حال که رخدادهای قیامت و آینده جهان را بیان کردیم، جای آن دارد که قرآن را به

مبدأ وحی مربوط بدانید.

ذکر آیات خدا هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۹

۹ - لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند ، هنگام قرائت قرآن

اقراً باسم ربّك

حرف <باء> در <باسم ربّك>، برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجه به صفات و نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

ذکر بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتاب یادآوری و پندآموزی است .

أنا أنزلنا عليك الكتب .. إن في ذلك لرحمة و ذكری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۷

۷ - قرآن ، یادآور دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

أءنزل عليه الذكر من بيننا بل هم في شك من ذكری

برداشت یاد شده از نام گذاری قرآن به <ذکر> استفاده می شود.

ذکر صفات خدا هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند ، هنگام قرائت قرآن

اقراً باسم ربِّك

حرف <باء> در <باسم ربِّك>، برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجه به صفات و

نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

ذکر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۳

۳ - قرآن ، بیدارگر فطرت و یادآور باور ها و شناخت های فطری انسان ها است .

و إِنَّهُ لَذَكَرٌ

ذکر منشأ نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۳

۳- توجه به مبدأ نزول قرآن زمینه تذکرپذیری و پند گرفتن از آن است .

تذکره لمن یخشی . تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت العلی

گاهی برای بیان علت، از حال استفاده می شود. <تنزیلاً> که حال برای قرآن است بیانگر علت <تذکره بودن> آن است؛ یعنی، قرآن به دلیل صدور از ناحیه خداوند، برای تذکر دادن کاملاً شایسته است.

ذکر و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۸

۸ - نزول قرآن از جانب خداوند ، احتمالی شایان توجه و بی اعتنایی به آن کج روی از فطرت و منش انسانی است .

قل أراءیتم إن کان من عند اللّٰه ثم کفرتم به من أضلّ ممّن هو فی شقاق بعید

ذکر وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - هشدارهای مکرر و متنوع قرآن را باید جدی گرفت و معارف و تعالیم آن را به خاطر سپرد .

أَنْزَلْنَاهُ .. لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يَحْدِثَ لَهُمْ ذِكْرًا

<لعلّ> برای اظهار امیدواری است، و در کلام خداوند، امید مخاطبان است؛ یعنی، مخاطبان را به بهره گیری از شرایط فراهم شده دعوت می

کند و بیان می دارد که جا دارد به نتیجه آن امیدوار باشند.

ذلت اخروی دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۲

۲ کافران مخالف قرآن و پیامبر (ص) در قیامت ، در اوج ذلت و خواری محشور خواهند شد .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنم

محشور شدن کافران، در حالی که به رو افتاده و به سوی جهنم سوق داده می شوند، حاکی از برخورد تحقیرآمیز با آنان است.

ذلت اخروی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقت بار و شگفت آور است .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن . . و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو تری . . لرأیت أمراً عجیباً باشد.

ذلت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ - منکران حقانیت قرآن و کافران به پیامبر (ص) ، به عذابی خوار کننده گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

رازهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۵

۵ قرآن ، کتابی حاوی تعالیمی اسرار آمیز *

قل أنزله الذي يعلم السرّ في السموت و الأرض

همان گونه که برخی از مفسران (مانند علامه طباطبایی و آلوسی در المیزان و روح المعانی) گفته اند، رابطه < يعلم السرّ > با انزال

قرآن، احتمالاً به جهت نکته یاد شده باشد.

رجوع به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۸

۸ طرح پرسش و آن گاه مراجعه به قرآن برای پاسخ یابی ، توصیه خداوند به انسانها

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

رحمت بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان .

بسم الله الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۴

۱۴ قرآن ، برای مردم رحمت آفرین است .

و لكن ... هدى و رحمه

رحمت در شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۸

۸- شفابخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين

ذکر دو صفت <شفاء> و <رحمت> برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

رحمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ تنها مؤمنان به قرآن بهره مند از هدایت ها و رحمت های بیکران آن هستند .

هدی و رحمه لقوم یؤمنون

با توجه به اینکه هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی همگان به رحمت ویژه الهی است، به نظر می رسد <لقوم یؤمنون> اشاره

به این حقیقت داشته باشد که تنها مؤمنان از هدایتها و رحمتهای ویژه بهره مند خواهند شد. گفتنی است مراد از >لقوم یؤمنون< به دلیل فراز قبل، مؤمنان به قرآن می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۳، ۱۲

۱۲ قرآن کتاب هدایت و مایه رحمت است .

هذا .. هدی و رحمه

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۶، ۷، ۴

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ

۶ قرآن برای مؤمنان ، هدایت و رحمت است .

وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ .. وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۹

۹- قرآن ، کتاب هدایت و رحمت برای مؤمنان است .

وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ .. هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ . . . و

هَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُسْلِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۶

۶- آیات قرآن ، رحمتی بزرگ از جانب خدا برای اهل ایمان است .

و نَزَّلَ ... رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱

۱- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادريس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

<أُولَئِكَ> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أَنْعَمَ اللَّهُ...> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۱،۴،۵

۱ - قرآن ، کتاب هدایت و رحمت

و إِنَّهُ لَهْدِي وَرَحْمَةً

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إِنَّهُ لَهْدِي وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

قید <لِّلْمُؤْمِنِينَ> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

۵ - روحیه لجاج و عناد ، مانع بهره‌وری از هدایت و رحمت قرآن

و إِنَّ لَهُدًى و رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

قرآن برای هدایت کافران و سایر اهل کتاب است و بی تردید هدایتگری های آن در بسیاری از آنان تأثیر دارد. با توجه به این

نکته گفتنی است که مراد از <مؤمنین> کسانی اند که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم اند و در یک کلمه روح حق پذیری در آنان نمرده است و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاج و عناد قرار دارند و از حق می‌گزینند و چه بسا با آن می‌ستیزند. آیات بعد مؤید همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۳

۳ - بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن بر آن حضرت، جلوه رحمت و مقتضای ربوبیت خداوند بر خلق

و لکن رحمه من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان، از رحمت و پندآموز بودن قرآن، بهره می‌برند.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۱،۲،۶

۱ - قرآن کریم، کتابی دربردارنده هدایت و رحمت است.

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

<هدی> و <رحمه> حال برای <الکتاب> در آیه قبل است.

۲ - قرآن، کتاب هدایت و رحمت برای محسنان (کسانی که اعمال شایسته انجام می‌دهند) است.

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

از این که مراد از <محسنین> چه کسانی اند، چندین احتمال داده شده است: یکی از آن احتمال‌ها که با لفظ هم سازگار است این است: <کسانی که اعمال شایسته انجام می‌دهند>.

۶ - بهره‌مندی محسنان از هدایت و رحمت قرآن، افزون از دیگران است

هدی ... للمحسنین

<محسنین> به قرینه آیه بعد که در آن برپایی نماز و پرداخت صدقه و ایمان به آخرت، به عنوان اوصاف محسنان ذکر شده است کسانی اند که ایمان دارند. بنابراین، هدایت قرآن نسبت به آنان، می تواند ابتدایی نبوده و بلکه افزایشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی پیروزمند ، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القرآن .. تنزیل العزیز الرحیم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزتمند و رحمت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند؛ از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

رد تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۱

۱ - افسانه پنداشتن قرآن ، دیدگاهی مطرود است و صاحب نظران نباید از قرآن چنین تصویری داشته باشند .

کلا

حرف <کَلَّا>، برای منع مخاطب از پذیرفتن سخنی است که پیش از آن، مطرح بوده است.

رد تهمت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۱

۱ - پاسخ کوبنده و موضع گیری سخت خداوند

، در برابر مدعیان دخالت شیاطین در نزول قرآن

هل أُتْبِئُكُمْ عَلَىٰ مِنْ تَنْزَلُ الشَّيْطَانِ

اصرار و تأکید خداوند بر ردّ گفتار و اتهام های مشرکان به قرآن و پیامبر(ص)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۳

۳ - ردّ اتهام کافران از سوی خداوند نسبت به ساختگی بودن قرآن

وَإِنَّكَ لَتَلْقَىٰ الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

رد عجمیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۸

۸- بیان فصیح و روشن قرآن در قالب زبان عربی ، گویاترین دلیل بر القا نشدن آن توسط فردی عجمی (غیر عرب) بر پیامبر (ص) است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین

رذایل اخلاقی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۴

۴ - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، از قشر مرفّه ، قدرتمند و افزون خواه بودند .

و جعلت له مالاً ممدوداً . و بنین شهوداً . و مهّدت له تمهیداً . ثمّ یطمع أن أزیّد

رسالت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقْضُ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

مراد از <يقض> صرف قصه گویی و گزارش نیست؛ بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره

است.

رعایت طهارت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۶

۶ - لزوم پاک نگه داشتن قرآن از هر آلودگی و خبائث

مطهره

رفاه مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۴

۴ - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از قشر مرفّه، قدرتمند و افزون خواه بودند.

و جعلت له مالا ممدودا. و بنین شهودا. و مهّدت له تمهيدا. ثمّ يطمع أن أزيد

رفع ابهامات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۴ - ۱

۱- پیامبر (ص)، مأمور ابهام زدایی در زمینه تأثیر دو گانه قرآن نسبت به انسان های مختلف

و نزل من القرآن .. قل كلّ يعمل على شاكلته

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که این آیه، پاسخ سؤالی مقدر درباره آیه قبل باشد و آن این است که چگونه افراد مختلف، بهره های متفاوت از قرآن می برند؟ و این آیه جواب می دهد که بهره متضاد و متفاوت، بازتاب روحیات و عادات خود آنهاست.

رفع شبهه از حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ لزوم زدودن شك و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتك فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتك .. > تك تك انسانهاست.

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه

تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن كان على بينة .. فلاتك في مريه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتك في مريه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

رفع شبهه از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۶۸

۶- زدوده شدن شبهات شیطانی از آیات تلاوت شده توسط پیامبران و استوار گشتن آن به اراده خداوند

فينسخ الله ما يلقي الشيطان ثم يحكم الله آياته

<نسخ> (مصدر <ینسخ>) به معنای ازاله، ابطال و زدودن است. <ما> (مفعول <ینسخ>) کنایه از شبهاتی است که شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران، در آنها می نهاد. <احکام> نیز به معنای استوار کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: آن گاه خداوند شبهات شیطانی را می زدود و آیات خود را پس از سست و لرزان شده با آن شبهات، محکم و استوار می ساخت.

۸- آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشيطان .. والله عليم حكيم

رموز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱ - ۱

۱. ل. ر. از رمزهای قرآن

الر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱

۱. ل. م. ر. ، از رمزهای قرآن

المر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱ - ۱

۱- < کهیعص > از رمزهای قرآن است .

کهیعص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲ - ۷

۷- < کهیعص > ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیعص . ذکر رحمت ربّك عبده زکریا

گفته اند: < کهیعص > می تواند مبتدا باشد و < ذکر >، خبر آن. در این صورت خود < کهیعص >، یادی رمزگونه از رحمت خداوند به زکریا است.

روحیه مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۹

۹ تکذیب قرآن ، نشانه وجود روحیه جرم پیشگی و بزهکاری در تکذیبگر

أو كذب بأيته إنه لا يفلح المجرمون

روزه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۴

۴ - روزه و قرآن ، دارای ارتباطی عمیق و تنگاتنگ با یکدیگر

شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن

روش اثبات حق ستیزی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بكتب من عند

اللّٰهُ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا

امر در <فأْتُوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش اثبات دروغگویی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأْتُوا بكتب من عند الله هو أهدى منهما

امر در <فأْتُوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش برخورد با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ لزوم ژرف نگری در آیات قرآن و پرهیز از برخورد سطحی با پیام های الهی (وحی)

بأنهم قوم لا يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۹

۹- ترغیب مشرکان از سوی خدا ، به رها کردن شیوه های خصمانه و انتخاب بهترین سخنان در برخورد با پیامبر (ص) و قرآن

قل لعبادی يقولوا التی هی أحسن . . . إن یشأ یرحمکم أو إن یشأ یعذبکم

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <عبادی> در آیه قبل و مخاطب در این آیه، مشرکان باشند و خداوند از آنان خواسته است که در برخورد با پیامبر(ص) و مؤمنان، بهترین سخنان را برگزینند و از خصومت با آنان دست بردارند.

روش برخورد با مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

- تحدی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بكتب من عند الله هو أهدي منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش برخورد مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- مشرکانی که قرآن را اسطوره می خوانند و کسانی که علیه دین الهی توطئه می کنند ، با علمای دین برخورد تحقیرآمیز و خوار کننده دارند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

حضور عالمان در قیامت هنگام مؤاخذه مشرکان و اعلام این نکته از آنان که: خواری و بدی روز قیامت برای کافران است، می تواند حکایت کننده این نکته باشد که: آنان در دنیا، مورد برخورد اهانت آمیز افراد یاد شده قرار گرفته بوده اند. لازم به ذکر است که مراد از <أوتوا العلم> به تناسب موضوع (قرآن و تعالیم ادیان آسمانی)، می تواند علمای دین باشد.

روش بیانی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ - ترغیب اهل ایمان به انجام تکالیف الهی با بیان پشتوانه فکری آن تکالیف ، از روش های قرآن است .

ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله أموت بل أحياء

خداوند پس از فراخوانی مردم به صبر در راه ایمان و تحمل مشکلات آن - که جلوه بارز آن، پیکار و کشته شدن است - با

بیان این واقعیت که کشته شدگان راه خدا از حیاتی ویژه برخوردارند، اندیشه نیست شدن شهیدان را نفی کرده تا اهل ایمان دستوراتش را (پیشه کردن صبر در راه دین و ..) به شایستگی انجام دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۳

۳ بیان قرآن در ارائه مطالب خویش، روشن و بدون اجمال و ابهام است.

الکتب المبین

برداشت فوق، براساس لازم بودن کلمه <مبین> (روشن و واضح) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۵

۳ قرآن، بازگو کننده داستان ها با بهترین و زیباترین بیان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

چنان چه <قصص> مصدر باشد، <أحسن القصص> مفعول مطلق می شود و در حقیقت توصیفی برای کیفیت بیان کردن و بازگو کردن خواهد بود.

۵ خداوند، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است.

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند، آیات خویش را در قرآن به گونه های متنوع و فراوان تبیین کرد تا مشرکان تنبه یابند.

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا

<صرف> در لغت به معنای تحول و دگرگونی است و باب تفعیل آن، دلالت بر کثرت می کند. بنابراین مراد از آن، تبیین با بیانات گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۱،۲

۱- تبیین حقایق الهی در قرآن ، با بیان

ها و مثال های گوناگون

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

۲- بیان های مختلف و شیوه های متنوع قرآن در تبیین حقایق و مفاهیم ، جلوه ای از ابعاد اعجاز آن

لایأتون بمثله . . . و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۴

۴- بهره بردن از تمثیل در تبیین حقایق معنوی ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۲

۲- آوردن مثال و نمونه ، از شیوه های بیانی قرآن و از روش های مناسب در تبلیغ و بیان حقایق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

برای <مَثَل> معانی متعددی از جمله: <شبییه و نظیر> و <حدیث (کلام تازه)> و <ضرب المثل> و <صفت> ذکر شده است. در آیه مورد بحث، به مناسبت <و اضرب لهم مثلاً رجلین> در آیات قبل ظاهراً، مقصود، ذکر شبیه و نظیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱۱

۱۱- بهره گیری قرآن از شیوایی سخن و رسایی آن در بشارت و بیم دهی

فإنّما یسرّنه . . . لتبشّر . . . و تنذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱

۱- تبیین بی اساس بودن اندیشه شرک و بت پرستی در اسلوبی زیبا، مختصر، بدیع و روشن همچون مَثَل، از سوی خداوند

یأیها

خطاب در <یا ایها الناس> متوجه مشرکان است. <إستماع> (مصدر <استمعوا>) به معنای گوش فرا دادن و <دعا> (مصدر <یدعون>) به معنای ندا کردن و فریاد استغاثه برداشتن است. گفتنی است: <مَثَلٌ> جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که بسبب روانی لفظ، روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته و همگان آن را بدون تغییر در محاوره به کار برند. در آیه یاد شده، سستی بنیان شرک و بت پرستی، با اسلوبی چنان زیبا، مختصر، بدیع و روشن بیان شده که سزاوار است همچون مَثَلی، شهرت عام یافته و دهان به دهان گردد. و بدین جهت خدا از آن به مَثَل تعبير کرده است. بدان جهت است که خدا از آن به مثل تعبير کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ - استفاده از تمثیل و تشبیه معقول به محسوس و ارائه نمونه عینی، از روش های هدایتی قرآن برای تفهیم معارف بلند الهی

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح .. و یضرب الله الأمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۶

۶ - استفاده از تشبیه، برای بیان کردن حقایق، از روش های بیانی قرآن است.

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه .. إذا جاءه لم یجده شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - انتخاب ملموس ترین مثال، برای تبیین حقایق پیچیده و بلند آسمانی، شیوه بیانی قرآن

کریم است .

ألم تر أن الله يسبح له ... و الطير صفت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در آیه شریفه، پرندگان از حیث قابل دسترس بودن و نوع پرواز و اندامشان، مورد تمثیل قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۹ - ۲

۲ ارائه مثل ها (الگوها و نمونه های عینی) ، روش کاربردی قرآن در تبیین حقایق و هدایت مردمان

و كلاً ضربنا له الأمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۴

۴ قرآن ، حاوی دلایل گوناگون و همراه با اسلوب ها و شیوه های مختلف بیانی در ارائه حقایق به مردم

و لقد صرفناه بينهم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر مفرد غایب در <صرفناه> به قرینه آیات متعددی که در این سوره، از جمله آیه نخست و دو آیه بعد (و جاهدهم به جهاداً کبیراً) آمده است قرآن باشد. بر این اساس مقصود از <صرفناه> یا تغییرات موجود در اسلوب بیانی و شیوه ارائه مطالب قرآن است یا مراد دلایل گوناگونی است، که قرآن بر اثبات ادعاهای خود آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۸

۸ - یادآوری سرگذشت امت های پیشین ، از شیوه های قرآن در انداز خلق

لتكون من المنذرين

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که به گونه منظم سرنوشت امت های هلاک شده را یکی پس از دیگری بیان کرده است

می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۳

۳ - تکرار و گوشزد کردن پی در پی رهنمود ها ، روش تعلیم و تربیت قرآن

و لقد وَّصَّلنا لهم القول لعلَّهم يتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۳

۳ - زبان قرآن ، استفاده از کلمات و تشبیهات رایج و شناخته شده در میان مردم است .

و البحر يمده من بعده سبعة أبحر

کلمه <سبعه> در آیه برای بیان کثرت است و مراد از آن، واقعاً، هفت دریای دیگر نیست. استفاده از چنین کلمه ای برای بیان مقصود، عین همان چیزی است که در محاوره های عامیانه گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۳

۳ - استفاده از امور محسوس و قابل مشاهده ، برای اثبات امور غیبی و دور از دسترس ، از شیوه های تبلیغی قرآن کریم

رجل يتبئكم إذا مَرَّتم كلَّ مَرَّك إنكم لفي خلق جديد .. أفلم يروا إلی ما بین أید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنما یسرناه لعلَّهم يتذکرون

تعبیر <فإنما یسرناه> .. پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۳

۳- پرسش از حقایق مورد غفلت و واداشتن اندیشه ها به تأمل درباره آن ، روشی قرآنی برای هدایت آدمیان

قل أراءيتم ما تدعون . . . أروني ماذا خلقوا

طرح پرسش از سوی قرآن، برای وادار کردن مشرکان به تأمل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۹

۹- بیان های تمثیلی و توصیفی قرآن ، برای توده های بشر و در جهت منافع آنان

كذلك يضرب الله للناس أمثالهم

لام در <لنناس> بیانگر منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۴

۴- بهره گیری قرآن ، از باور های ارزشی و راستین اهل کتاب ، در گرایش دادن آنان به اسلام *

و الطّور

با توجه به این که کوه طور، در باور اهل کتاب (یهود و نصارا) محل نزول وحی و سرزمین مقدس بوده است و این باور از نظر قرآن به جا بوده است؛ با سوگند خوردن به آن، قلب اهل کتاب را مجذوب پیام قرآن می ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۲ - ۳

۳- استفاده از جلد و به کارگیری مبانی باطل گرایان علیه خود آنان ، از روش های قرآن در احتجاج با اهل شرک

ألكم الذّکر و له الأُنثی . . . تلک إداً قسمه ضیزي

با توجه به این که خداوند مبنای ارزشی مشرکان را در تبعیض بین پسران و دختران علیه خود آنان به کار گرفته است،

مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۶

۶ - استفاده قرآن از مثال ها ، برای به فکر واداشتن توده مردم

و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۰ - ۲

۲ - ایجاد انگیزه در مخاطب ، با طرح پرسش و آن گاه بیان پاسخ آن ، از روش های هدایتی قرآن

هل أدلکم علی تجربه

جمله <هل أدلکم...> طرح پرسش و <تؤمنون بالله> در آیه بعد بیان پاسخ آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۶

۶ - قرآن ، نوترین سخن در باب هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن

فبأی حدیث بعده يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انداز در کنار یکدیگر ، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. إنا أنذرناکم عذابًا قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۳

۳- استفاده از محسوسات در تبیین معقولات ، از شیوه های قرآن

ءأنتم أشدّ خلقاً أم السماء بنیها

روش تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۵

۵- لزوم به کارگیری روشی متناسب با استعداد فکری و روحی انسان برای تفهیم دقیق معارف دین و آموزه های قرآن

و قرءاناً

فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث

از اینکه خداوند در بیان معارف دینی در قرآن، از روش تدریج و گام به گام استفاده کرده است؛ نکته فوق به دست می آید.

روش تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۵

۵ بیان حقایق و معارف در قالب پرسش و پاسخ از روش های قرآن برای توجه دادن مردم به آن حقایق

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ تشبیه حقایق به امور محسوس و آوردن مثل برای آنها از شیوه های قرآن

كذلك يضرب الله الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۴

۴- استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم از روش های تعلیمی قرآن کریم

مثل الذین کفروا برّبهم أعملهم کرماد اشتدّت به الريح فی یوم عاصف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۵

۵- استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم ، از روش های تعلیمی قرآن کریم

ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم ، از روش های تعلیمی قرآن کریم است .

مثل کلمه خبیثه کسجره خبیثه اجتت من فوق الأرض ما لها من قرار

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۵

۵- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادت‌مندانه تقوایبشگان ، از روش های هدایتی قرآن *

الغاوین . و إن جهنم لموعدهم أجمعين ... إن المتقين في جنّٰت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۰ - ۲

۲- ایجاد حالت خوف و رجا و بیم و امید در انسان ، از روش های هدایتی و تربیتی قرآن

تبیء عبادی أنى أنا الغفور الرحيم . و أن عذابى هو العذاب الأليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۱ - ۳

۳- آگاه ساختن مردم از حقایق تاریخی مهم و بسیار سودمند ، از روش های هدایتی و تربیتی قرآن

و تبئهم عن ضیف إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۲

۲- استفاده خداوند از مَثَل و مانند آوردن برای تقریب مفاهیم وحی به ذهن توده مردم

ضرب الله مثلاً عبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۲

۲- استفاده خداوند از مَثَل و مانند ، برای تقریب مفاهیم وحی به ذهن توده مردم

و ضرب الله مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۸

۸- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باور های ایشان در رد عقاید شرک آلودشان

أَفَأَصْفِكُمْ رَبِّكُمْ بِالْبَنِينَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف

۶- بهره گیری از حقایق تاریخ و قصه های واقعی ، از روش های به کار گرفته شده در قرآن

نحن نقصّ عليك نبأهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۲

۲- بهره بردن از تمثیل در تبلیغ و محسوس ساختن مفاهیم ارزشی برای توده ها ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

واضرب لهم مثل الحيوة الدنيا كماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۱

۱ - لزوم توجه به روش قرآن در نقل سرگذشت پیشینیان

كذلك نقصّ عليك من أنباء ما قد سبق

<كذلك> برای تشبیه نقل سرگذشت دیگران، به شیوه نقل داستان موسی(ع) است و ذیل آیه (آتیناک. .. ذکراً) بیانگر این نکته است که خداوند در آن ماجراها نیز نکته های پندآموز را برمی گزیند و در قرآن بازگو می کند؛ همان گونه که در داستان موسی(ع) و بنی اسرائیل چنین کرد.

روش مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۶

۶- مشرکان ، در مقابله با قرآن و اعلان موضع روشن در برابر آن ، سرگردان و ناتوان بودند .

بل قالوا أضغث أحلم بل . . . بل هو شاعر

<بل> در آیه شریفه، برای اضرب انتقالی است. این حرف در مواردی به کار می رود که گوینده در صدد بیان نکته ای دیگر بوده و از نکته اول صرف نظر کرده باشد. تکرار این حرف در یک کلام نشان دهنده اضطراب، تردید و دو دلی گوینده

ناتوانی وی در تصمیم گیری است.

روش مبارزه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۶،۷

۶- برخورد و مبارزه پیامبر (ص) و قرآن با مخالفان دعوت الهی (کافران و مشرکان)، متکی بر منطق و استدلال بود.

فأتوا بکتبکم إن کنتم صدقین

۷- زیر سؤال بردن عقاید باطل و ضد منطق، روش قرآن و پیامبر (ص) در مبارزه با آنها

فاستفتهم الربک البنات و لهم البنون .. أم لکم سلطن مبین . فأتوا بکتبکم إن کن

روش هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۲۰

۲۰- استفاده از تهدید و تشویق، روش قرآن در تربیت و هدایت انسان

إنه کان حلیمًا غفورًا

<حلیمًا> در بردارنده تهدید و <غفورًا> نویدی است امیدبخش و مشعر به تشویق

روش هدایتی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۷

۷- به کارگیری مثل، از روش های هدایتی تبلیغی قرآن کریم

و یضرب الله الأمثال للناس لعلهم یتذکرون

روشنگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۷،۱۱

۷ قرآن ، کتابی روشن و روشنگر راه هدایت

و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

۱۱ قرآن ، چراغی روشن و برهانی آشکار بر توحید و یگانگی خداوند

قد جاءکم برهن من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

در برداشت فوق <برهان> به قرآن تفسیر شده و متعلق آن به قرینه آیات پیشین، توحید و یگانگی خداوند دانسته شده است ؛
آیه

بعد <فاما الذين آمنوا بالله> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۵،۷،۸

۵ قرآن کتابی روشن و روشنگر و نازل شده از جانب خدا

فقد جاءكم بينه من ربكم

۷ قرآن خود روشنگر حقانیت خویش و بی نیاز از دلیلی دیگر است.

فقد جاءكم بينه من ربكم

۸ قرآن دلیلی روشن بر اثبات ربوبیت خدا بر انسانهاست.

فقد جاءكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۵

۲۵ قرآن سراسر نور و روشنگر راه رستگاری است .

فالذين .. اتبعوا النور الذي أنزل معه أولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۹،۱۰

۹ قرآن کتابی روشنگر و بینش آفرین است .

هذا بصائر من ربكم

<بصیره> (مفرد بصائر) به معنای حجت، برهان و چیزی که مایه بینش باشد، است.

۱۰ قرآن و روشنگری های آن پرتویی از ربوبیت خدا و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

هذا بصائر من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است روشنگر .

الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است روشنگر راه سعادت .

و کتاب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی روشنگر

الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۲۸،۹

۲ - بیان درست و به حق سرگذشت موسی (ع) و فرعون ، نمودی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک من نیا موسی و فرعون بالحقّ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب یاد شده به دست می آید.

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

۹ - روحیه خیره سری و عناد ، مانع بهره‌وری از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

با توجه به این که قرآن، آمده است تا با روشنگری هایش گمراهان را هدایت کند و بی تردید این روشنگری ها در بسیاری از آنان اثر کرده است؛ مراد از عبارت <لقوم یؤمنون> همه کسانی است که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم می شوند و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاجت و دشمنی قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن به ستیز می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۶

۶ - قرآن ، روشنگر راه هدایت

و الکتب المبین

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مبین> از <إبانه> (متعدی) مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۲

۲ قرآن ، روشنگر راه هدایت است .

و الكتب

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مبین> از ابانه متعدی مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۳

۳ - نزول قرآن ، با بیانی بلیغ و روشنگر برای همگان ، جلوه ای از عظمت الهی

و الکتب المبین . إنا أنزلنه فی ليله مبرکه

از ارتباط دو آیه و نیز تکرار ضمیرهای متکلم مع الغیر که اشاره به عظمت الهی دارد می توان به مطلب بالا ره برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۴

۴ - رهنمود ها و معارف قرآن ، همچون نور خود روشن و روشنایی بخش حیات بشر و روشنگر حقایق است .

والنور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۳

۳ - آیات قرآن ، روشنگر حقایق است .

آیت الله مبینت

رهبران شرک و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

و قالوا أسطیرا الأولین . .. إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

رهبران کفر و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

و قالوا أسطیرا الأولین .

.. إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

رهبری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۲

۱۲ قرآن، ولی و پیشوایی شایسته برای انسانهاست.

و لا تتبعوا من دونه أولياء

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <من دونه> به <ما أنزل ..> برگردانده شود.

زبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن عرب به قرآن و پیامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردی غیر عرب و با زبان غیر عربی

و لو نَزَّلْنَاهُ .. ما كانوا به مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۲

۲ - قرآن، در قالب زبان عربی نازل شد.

قرءاناً عربیاً

زمینه استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۴

۴ سلامت دل و پاکی باطن ، از زمینه های لازم در تأثیرپذیری از تعالیم قرآن

فأما الذین ءامنوا فزادتهم إیمناً .. و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۷

۷ - بهره مندی از هدایت قرآنی ، در گرو اراده و روحیه هدایت پذیری خود انسان

فمن اهتدی فإِنما يهتدی لنفسه

از نسبت داده شدن فعل <اهتدی> به <من>، معلوم می شود که شرط استفاده از آیات الهی، روحیه هدایت پذیری و اراده و خواست انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جوینان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایة الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۸

۸ - بهره گیری از معارف و رهنمود های قرآن ، در گرو بیداری و به دور بودن از غفلت

و لقد یسرنا القرآن .. فهل من مدکر

این که خداوند انسان های متذکر و بیدار را به تأمل در قرآن فراخوانده است، معلوم می شود که غافلان، شایستگی درک معارف و حقایق آن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۳

۳ - تقوای پیشگی ، زمینه ساز بهره مندی و تأثیر پذیری از قرآن

و إنّه لتذکره للمتّقین

<قرآن> بی تردید برای انسان ها مایه بیداری و پندآموزی است. اختصاص به ذکر یافتن اهل تقوا، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

زمینه استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۷

برخوانی تدریجی قرآن بر مخاطبان ، موجب برانگیخته شدن انتظار در آنان برای قراءت بخشی دیگر می شود .

لتقرأه علی الناس علی مکث

مکث در لغت، آرامش همراه با انتظار است (مفردات راغب).

زمینه ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به قیامت و رخداد های مخاطر آمیز آن ، زمینه ساز ایمان به پیامبر (ص) و قرآن

من یکفر به فأولئک هم الخسرون . . و اتقوا يوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱

۱- خداوند ، برای ایمان مردم به قرآن و مغفرت خواهی آنان از گذشته خویش ، تمامی موانع هدایت را برطرف ساخته است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدی و يستغفروا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۶

۶ - برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، برای پذیرش قرآن ، از دیگران آماده ترند .

أنزلنا إلیک الکتب فالذین ءاتینهم الکتب يؤمنون به

<آتیناهم الکتب> مشعر به این حقیقت است که اهل کتاب، از آن جهت که با داشتن کتاب، آگاهی هایی در زمینه معارف

آسمانی به دست آورده اند، زمینه مناسب تری برای پذیرش حقایق قرآن دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۶

۶- ایمان به محتوای تورات اصلی ، مستلزم ایمان به حقانیت قرآن

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

مراد از <مثله> تورات

است و <فاء> در <فآمن> می رساند که ایمان به قرآن، نتیجه روحیه حق پذیری و ایمان به تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۱

۱ - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فامنوا بالله و رسوله و النور الذی أنزلنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۵،۶

۵ - راهنما بودن قرآن به درستی و حق ، فلسفه و دلیل ایمان آوردن گروهی از جن به این کتاب

یهدی إلی الرشد فامنا به

<فا> در <فآمنا> عاطفه و برای ربط مسبب به سبب است ، یعنی ، چون قرآن به رشد هدایت می کند، پس ما به این سبب به آن ایمان آوردیم.

۶ - راهنما بودن قرآن به راه حق و درستی ، مقتضی ایمان به آن است .

یهدی إلی الرشد فامنا به

زمینه ایمان به مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت

قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إِنَّه لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ . ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ . مَطَاعَ تَمَّ أَمِينٍ

زمینه تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۳

۳- تعالیم قرآن، تنها در کسانی مؤثر است که توجه به عظمت خداوند در دل آنان هراس افکنده است.

إِلَّا تَذَكَّرْهُ لَمَنِ يَخْشَى

<خشیت> ترسی است آمیخته با احساس عظمت (مفردات راغب). متعلق <بخشی> به قرینه آیه بعد که عظمت نازل کننده قرآن را بیان کرده است خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - تأثیرگذاری قرآن، در گرو وجود زمینه های لازم و دل آماده است.

تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

این که خداوند فرمود: قرآن، لرزه به اندام اهل خشیت می اندازد و در خداترسان اثر عمیق می گذارد، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که قرآن در کسانی اثر می گذارد که زمینه آن را داشته باشند و دلشان آماده پذیرش سخن حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۱ - ۳

۳ - قرآن، دارای تأثیری قطعی بر هر کس که خود را از تذکرات آن محروم نسازد.

و يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى

گزینش فعل <یتجنّب> (کناره گیری می کند)، نشانگر این نکته است که آنچه مانع تأثیر قرآن در مخالفان است، کناره گیری آنان است؛ نه ناتوانی قرآن از تأثیر در مردم.

زمینه تأثیرپذیری از قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۴

۴ سلامت دل و پاکی باطن ، از زمینه های لازم در تأثیرپذیری از تعالیم قرآن

فأما الذين ءامنوا فزادتهم إيماناً .. و أما الذين فى قلوبهم مرض فزادتهم رجساً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۸

۸ - تأثیرپذیری از قرآن و متذکر شدن و بیدار گشتن در سایه تعالیم آن ، در گرو وجود زمینه های لازم و شایستگی های بایسته است .

لقد ضربنا للناس فى هذا القرآن من كلّ مثل لعلّهم يتذكّرون

برداشت یاد شده از به کار رفتن واژه <لعلّ> (شاید و به امید آن که ..) در آیه شریفه به دست می آید. این واژه در مواردی به کار می رود که هدف و نتیجه مورد نظر در حد احتمال حاصل می شود و حصول کامل آن به شرایط و زمینه های دیگری بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۳

۳ - تقوایشگی ، زمینه ساز بهره مندی و تأثیرپذیری از قرآن

و إنّه لتذکره للمتّقین

<قرآن> بی تردید برای انسان ها مایه بیداری و پندآموزی است. اختصاص به ذکر یافتن اهل تقوا، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

زمینه تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۷

۷ - خداشناسی ، زمینه لازم برای تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت

یتلوا علیهم ءایته و یرزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

تقدم ذکری <یتلوا علیهم آیاته > بر <یرزکیهم

و يعلمهم الكتاب و الحکمه > احتمالاً اشاره به مطلبی دارد که در این برداشت آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۱

۱ - تنها کسانی توان فراگیری معارف قرآن و به خاطر سپردن آن را دارند که طالب آن بوده و یادگیری آن را بر خود تحریم نکرده باشند .

فمن شاء ذکره

<ذکر> یعنی شناختی که در ذهن حاضر باشد (بر گرفته از مفردات راغب). و ضمیر مفعولی در <ذکره> به <تذکره> بازمی گردد. مذکر بودن آن که آخر آیات را هماهنگ ساخته به این اعتبار است که <تذکره> و <ذکر> به یک معناست.

زمینه تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۹

۹- تکذیب قرآن از سوی مشرکان ، نتیجه عدم خردورزی آنان است .

هم فی غفله معرضون.. .. لاهیه قلوبهم... لقد أنزلنا... أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۱

۱ - اقدام کافران به تکذیب آیات قرآن در پی روی گردانی از آن

إلا كانوا عنه معرضين . فقد كذبوا

تقدیر عبارت <فقد کذبوا> به قرینه آیه پیش، <فقد کذبوا بالذکر> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۶

۶ - تجاوزگری و آلودگی به گناه ، زمینه ساز انکار معارف قرآن و ارتجاعی خواندن آیات آن است .

كلّ معتد أثيم . إذا تتلى عليه ءايتنا قال أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - انشقاق - ٨٤ - ٢٢ - ٦

- اظهار کفر، فراهم سازنده زمینه پافشاری بر تکذیب قرآن

بل الذین کفروا یکذبون

مراد از <الذین کفروا>، همان کسانی اند که در <فما لهم لایؤمنون> به نداشتن ایمان توصیف شدند. ایجاد تفاوت در تعبیر، نشانگر آن است که آنان علاوه بر این که بی ایمان بودند، کفر را نیز از خود بروز می دادند. فعل مضارع <یکذبون> بر استمرار و اصرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۱

۱ - منکران معاد، بر اثر پندارهایی انباشته در ذهن خود، قرآن را تکذیب می کنند .

بل الذین کفروا یکذبون . و الله أعلم بما یوعون

<وَعَاءٌ> یعنی، ظرف و <أوعیت الزاد و المتعاع> زمانی گفته می شود که آن را در <وَعَاءٌ> قرار دهی (لسان العرب). ظرف مورد نظر، ممکن است ذهن و قلب منکران معاد باشد که جایگاه باورهای آنان است.

زمینه تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- توجیه ناپذیری و نادرستی اعتماد بر غیر خدا برای شناخت حقایق، مقتضی روی آوردن به تلاوت وحی الهی و پیروی از آن است .

واتل ما أوحی إليك .. و لن تجد من دونه ملتحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۳

۳ - توجّه به بزرگواری و شرافت برتر خداوند، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ و ربك الأكرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۶

۶ - توجّه

به آموزگار بودن خداوند و وابستگی قرائت و کتابت به قدرت او ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ .. الذی علم بالقلم

زمینه تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۳ - ۶

۶ - تجاوزگری و آلودگی به گناه ، زمینه ساز انکار معارف قرآن و ارتجاعی خواندن آیات آن است .

كل معتمد ائیم . إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأولین

زمینه حفظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۱

۱ - تنها کسانی توان فراگیری معارف قرآن و به خاطر سپردن آن را دارند که طالب آن بوده و یادگیری آن را بر خود تحریم نکرده باشند .

فمن شاء ذکره

<ذکر> یعنی شناختی که در ذهن حاضر باشد (بر گرفته از مفردات راغب). و ضمیر مفعولی در <ذکره> به <تذکره> بازمی گردد. مذکر بودن آن که آخر آیات را هماهنگ ساخته به این اعتبار است که <تذکره> و <ذکر> به یک معناست.

زمینه ذکر اندازهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۴

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انداز های قرآن است .

و تنذر به .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجاج به وسیله قرآن) هشدارى به مردم
عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در

برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

زمینه عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۹

۹ ایمان، زمینه بهره‌وری و پندپذیری از قرآن

و ذکری للمؤمنین

<ذکری> اسم مصدر برای تذکیر است و از معانی تذکیر، موعظه کردن و انذار دادن است. (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - تدبر و اندیشه کردن در قرآن، زمینه بیداری و پندگیری از آن کتاب الهی است.

کتب .. لیدِّبروا ... و لیتذکر

با توجه به تقدم ذکر تدبر در قرآن بر بیداری و پندپذیری از آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۶ - ۹

۹ - اهلیت خداوند به تقوای پیشگی و آمرزش گناهان، مقتضی پذیرش بیدارباش ها و پند های او در قرآن

فمن شاء ذکره .. هو أهل التقوی و أهل المغفره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <هو أهل التقوی..>، در مقام تعلیل برای <فمن شاء ذکره> است.

زمینه عبرت از مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ - تنها در سایه علم و آگاهی ، می توان به عمق مثل های قرآن پی برد و از آن درس آموخت .

ضرب الله مثلاً رجلاً .. بل أكثرهم لا يعلمون

زمینه علاقه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- برخوانی تدریجی قرآن بر مخاطبان ، موجب برانگیخته شدن انتظار در آنان برای قراءت بخشی دیگر می شود .

لتقرأه علی الناس علی مکث

مکث در لغت، آرامش همراه با انتظار است (مفردات راغب).

زمینه غفلت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۸

۸ رفاه بسیار ، زمینه ساز از یاد بردن خدا و غفلت از تعالیم قرآن

و لکن متعتهم و ابااءهم حتی نسوا الذکر

مقصود از <الذکر> در آیه شریفه، هم می تواند یاد خدا باشد و هم قرآن زیرا <ذکر> یکی از نام های قرآن است.

زمینه فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۴

۱۴- تأثیر سطح دانش مردم ، در مقدار بهره‌وری آنان از معارف قرآنی

إن الذین أُوتوا العلم . . . یخزون للأذقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۷

۷- دستیابی به رهنمود های قرآن ، منوط به اراده و خواست خداوند است .

و كذلك أنزلناه ءایة بینت و أن الله یریدی من یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۶

۶- فهم و درک صحیح قرآن، نیازمند به تدبر و اندیشیدن است.

کتب... لیدبروا آیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۸

۸- تأثیرپذیری از قرآن و پدید آوردن روح تقوایبشگی در سایه تعلیم آن، در گرو وجود

زمینه های لازم و شایستگی های بایسته است .

قرءاناً .. لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۱۰

۱۰ - فهم تفصیلی و روشن آیات قرآن ، نیازمند آشنایی با زبان عربی و ظرافت های آن

کتب .. عربیاً لقوم یعلمون

برخی از مفسران فعل <یعلمون> را در آیه شریفه را، به منزله فعل لازم می دانند و لذا مفعولی برای آن نمی گیرند. بر این اساس <لقوم یعلمون> یعنی، برای مردمی که دانا هستند. برخی دیگر بر آنند که <یعلمون> متعدی است و مفعول آن به قرینه <عربیاً> زبان و لغت عربی است، یعنی، <یعلمون هذه اللغة و اللسان>. برداشت بالا با توجه به مبنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۲

۲ - نزول قرآن به زبان عربی ، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (ص) و جامعه های عرب زبان

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

<عربیاً> اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در <لعلکم تعقلون> خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود، یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر <عربیاً> به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در <لعلکم تعقلون> عام بوده و فراگیرنده همه انسان ها می شود، یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال

اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۸

۸ - بهره گیری از رهنمود های قرآن ، در گرو هشیاری و به دور بودن از غفلت

و لقد یسرنا القرآن .. فهل من مدکر

این که خداوند اهل ذکر و هشیاران را به تأمل در قرآن فرامی خواند، روشن می شود که اهل غفلت، شایستگی درک معارف آن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۸

۸ - بهره گیری از رهنمود های قرآن ، در گرو هشیاری و به دور بودن از غفلت

و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر

از این که خداوند متذکران و هشیاران را به تأمل در قرآن فراخوانده است، روشن می شود که اهل غفلت، شایستگی درک معارف آن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۸

۸ - پاکی و منزّه بودن از گناه و آلودگی ، از زمینه های لازم برای درک حقایق قرآنی

لایمسه إلا المطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۲

۲ - درک مفاهیم قرآنی ، در گرو رشد ، تعالی و ارتقای انسان است .

مرفوعه

رفعت صفحات قرآن، بیانگر والا مرتبه بودن محتوای آن است و به قرینه مقام، کنایه از این است که پندگیری از تذکرات آن، تنها برای افرادی برجسته میسر است.

زمینه فهم مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ - تنها

در سایه علم و آگاهی، می توان به عمق مثل های قرآن پی برد و از آن درس آموخت .

ضرب الله مثلاً رجلاً .. بل أكثرهم لا يعلمون

زمینه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵- قرآن، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا على الإنسان .. ثم كفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه گرایش به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ - توجه به قیامت، زمینه ساز گرایش انسان به حقانیت قرآن و موازین الهی

الله الذي أنزل الكتب بالحق .. و ما يدريك لعل الساعة قريب

زمینه محرومیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۲

۱۲- انسان ها خود، در بهره بردن یا محرومیت از هدایت قرآن نقش اصلی را دارند .

من القراء ان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين و لا يزيد الظالمين إلا خساراً

وصف <مؤمنين> و <ظالمين> مشعر به علیت است یعنی، روحیه حق پذیری مؤمن، زمینه بهره‌وری وی از شفا و روحیه حق ناپذیری ظالم، عامل محرومیت وی از قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- موقعیت برتر اقتصادی و اجتماعی و بهره مندی های مادی ، زمینه ساز غفلت از حق و بهره نبردن از آیات

و إذا تتلى عليهم آيتنا .. أئى الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًا

زمينه نزول آيات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۶

۶- پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمينه ساز نزول برخی آيات و تبیین مطالبی برای آنان

و یسلونک عن الجبال فقل

زمينه نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۵

۵- ربوبیت خداوند ، مقتضی فرو فرستادن قرآن (تعالیم دین) بر بندگان خویش

و قيل للذین اتقوا ماذا أنزل ربکم قالوا خیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱ - ۷

۷- نقش عبادت و عبودیت پیامبر (ص) ، در نایل شدن آن حضرت به مقام رسالت و نزول قرآن برایشان

أنزل علی عبده الکتب

وصف و یاد کردن از پیامبر(ص) به عنوان <بندی خداوند> در بیان نازل کردن قرآن بر او، می تواند این معنا را برساند که:

<بنده خدا> بودن و او را بندگی و عبادت کردن، از زمينه های مهم برای تحمّل رسالت و دریافت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۳ - ۴

۴- پرسش‌های مردم از پیامبر (ص)، زمینه نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای مردم بود.

و یسئلونک عن ذی القرنین

زمینه هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۲

۱۲- انسان ها خود، در بهره بردن یا

محرومیت از هدایت قرآن نقش اصلی را دارند .

من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين ولا يزيد الظلمين إلا خسارًا

وصف <مؤمنین> و <ظالمین> مشعر به علیت است؛ یعنی، روحیه حق‌پذیری مؤمن، زمینه بهره‌وری وی از شفا و روحیه حق‌ناپذیری ظالم، عامل محرومیت وی از قرآن است.

زمینه هدایت‌های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۸

۸- بهره‌وری از نور و هدایت قرآن، نیازمند داشتن زمینه سالم و پرهیز از پیشداوری

صبرفنا .. و ما یزیدهم إلا نفورًا

زمینه هلاکت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۶

۶- عوامل و زمینه‌های سقوط و هلاکت تکذیب‌گران، ناشناخته برای خود آنان

سنستدرجهم من حیث لا یعلمون

زنگار قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۴

۴- قلب منکران قرآن، زنگار گرفته و چرکین است و از درک مفاهیم آن ناتوان می‌باشد .

کَلَّا بِل ران علی قلوبهم

<رَئین> (مصدر <ران>) به معنای زنگار و چرک است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۴

۴ - قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون . کلاً إنهم ... محجوبون

جمله بعد از <کلاً>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

زیاده

طلبی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۴

۴ - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از قشر مرفّه، قدرتمند و افزون خواه بودند.

و جعلت له مالا ممدودا. و بنین شهودا. و مهّدت له تمهيدا. ثمّ يطمع أن أزيد

زیانکاری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن، در قیامت، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد.

نرد فنعمل غير الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا...> و <ضل عنهم...> به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل...> یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

زیبایی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۵

۵- قرآن، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است.

الحمد لله الذی أنزل علی عبده الکتب

<ال> در <الکتاب> برای استغراق صفات است، یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به

سبب

نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۵

۵- زیبایی و گیرایی قرآن، پذیرفته شده و مسلّم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخوردار است، بدین سبب مشرکان، پیامبر(ص) را شاعر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۴

۴- قرآن، حتی در دیدگاه کافران، ظاهری زیبا و آراسته دارد.

أسطیر الأوّلین

در صورتی نوشته افسانه ای را <اسطوره> می گویند که زیبا باشد.

ساختار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱ - ۲

۲ قرآن، دارای ساختاری آیه آیه

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۲

۲ قرآن، دارای ساختاری آیه آیه است.

و إذا تتلی علیهم آیاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۶

۶ قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

أو كذَّبْ بِآيَتِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه

إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ قرآن ، مجموعه ای است از

آیه های روشن و به دور از هر گونه ابهام

كذلك نفصل الأيت

<تفصیل> به معنای تبیین و برداشتن هر گونه ابهام است.

۱۳ قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه

كذلك نفصل الأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۳

۳ ساختار قرآن ، ساختاری سوره سوره

قل فأتوا بسوره مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱ - ۱

۱ قرآن ، کتابی با عظمت و دارای ساختاری بندبند به نام ((آیه)) .

كتب أحکمت ءآيته

((کتاب)) خبر برای مبتدای محذوف (ذلک) است و نکره آوردن آن برای تعظیم می باشد؛ یعنی: ذلک الكتاب ، کتاب عظیم الشأن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است با ساختاری آیه آیه .

أنزله ءآيت

<آیات> جمع <آیه> و حال برای ضمیر مفعول در <أنزلناه> است؛ یعنی، قرآن را در حالی که مجموعه ای از آیه های واضح و روشنگر است، نازل کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۴

۴ - ساختار قرآن ، ساختاری است بندبند که هر بند آن آیه نام دارد .

فی ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۹

۹ - قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

کذبوا بآیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱

۱ - قرآن ، دارای

ساختاری بندبند که هر بند آن < آیه > نامیده می شود .

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۲

۲ - عبارات قرآن ، ساختاری بندبند دارد و هر بند آن آیه نامیده می شود .

تلک آیت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۲

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام آیه

تلک آیت القراءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۲

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

تلک آیت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۶

۶ - ساختار قرآن ، به صورت آیه ، آیه است .

تلک آیت الکتب الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۹

۹- قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

کتب ... لیدبروا آیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۴

۴- قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

آیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۲

۲- ساختار قرآن ، ساختاری آیه آیه است .

فصلت آیته

برداشت یاد شده، مبتنی بر کاربرد ماده <فصل> در معنای تفصیل و تجزیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۵

۵- قرآن ، دارای ساختاری بند بند است و هر بند آن آیه نامیده می شود .

هو الذی ینزل علی عبده آیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۷

۷- قرآن ، دارای ساختاری بندبند است و هر یک از بند های آن < آیه > نامیده می شود .

و قد أنزلنا آیت بیئت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۵

۵- قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

ءایتنا

سجده در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لا تؤمنوا إن الذین أوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یشرون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو..> یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

سجده هنگام استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۷

۷ - سجود و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن ، رفتاری شایسته و مطلوب است . *

و إذا قرء علیهم القرآن لیسجدون

کلمه <سجود> در برداشت یاد شده، به معنای اصطلاحی آن گرفته شده است. این آیه هر

چند از آیاتی نیست که سجده واجب دارند؛ ولی مفاد آن مندوب بودن سجده به هنگام شنیدن هر یک از آیات قرآن و یا خصوص آیاتی است که در آن فرمان سجود آمده است.

سختی تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۴

۴ تبلیغ قرآن، مسؤولیتی سنگین و نیازمند تحمل فراوان و سعه صدر

کتب أنزل إليك فلا يكن في صدرك حرج منه

جمله <فلا- یکن...>، که در صدد پیشگیری از ملائت خاطر پیامبر(ص) است، بیانگر آن است که تبلیغ قرآن مشکلات فراوانی به همراه خواهد داشت که جز با تحمل و سعه صدر نمی توان به آن پرداخت.

سختی کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۳

۳- وزر و عقوبت روی گردانی از قرآن در روز قیامت، باری ناگوار و مشقت بار بر دوش اعراض کنندگان، خواهد بود.

وزرًا... و ساء لهم يوم القيمة حملاً

سختی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۲

۲ - مخالفان قرآن، با زحمت خود را از تأثیر تذکرات آن، دور نگه می دارند.

و يتجنّبها

باب تفعل که فعل <یتجنّب> از آن باب است بر تکلف دلالت دارد. این فعل بیان گر آن است که تذکرات قرآنی، با فطرت انسان ها ملائمت و مناسبت کامل دارد؛ به گونه ای که مخالفان، باید برای دور ماندن از تأثیرات آن، خود را به زحمت

اندازند.

سرزنش اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۴

۴ مهجور ساختن و خارج کردن قرآن از صحنه زندگی، عملی است که مورد شکوه پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند قرار خواهد گرفت.

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

سرزنش تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۴، ۲

۲ تکذیب حق (قرآن)، بدون تأمل در آن، مورد سرزنش خداوند است.

فقد کذبوا بالحق لما جاءهم فسوف

۴ تکذیب قرآن، نکوهیده تر از تکذیب دیگر آیات الهی است.

ما تأیهم من ءایه .. فقد کذبوا بالحق

مراد از <الحق> می تواند قرآن باشد. در این آیه نسبت به آیه قبل <ترقی> صورت گرفته است. یعنی اینکه کافران آیات را تکذیب کردند و عجیبت آنکه قبل از آن قرآن را تکذیب کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۴

۴ - نکوهش مشرکان از سوی خداوند، به خاطر موضع گیری تکذیب گرانه آنان در برابر قرآن

و تجعلون رزقکم انکم تکذبون

سرزنش دشنام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱

۱ - سرزنش رفاه زدگان از سوی خدا، به خاطر یاوه سرایی های آنان علیه قرآن

مستکبرین به سمرًا تهجرون . أفلم يدبروا القول ... ءاباءهم الأولین

استفهام در آیه فوق، استفهام توییخی است و ضمیر جمع در آن به <مترفین> باز می گردد. خداوند در این بخش از آیات،

آنها را به خاطر اتهاماتی که به پیامبر(ص) و قرآن می زدند، مورد سرزنش قرار داده و با ارائه دلایل گوناگون، همه راه های عذرتراشی شان را سد کرده است. آیه فوق، در ردّ اتهامات آنان به قرآن است.

سرزنش عدم تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱،۶

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلا يتدبرون القرآن

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

سرزنش معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سرزنش کافران، به خاطر روی گردانی آنان از قرآن

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

سرزنش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ سرزنش مشرکان از سوی خداوند، به خاطر انکار الهی بودن قرآن و رسالت پیامبر (ص)، علی رغم آشنایی کامل آنان

با شخصیت پیش از بعثت آن حضرت

قل لو شاء الله ما تلوته علیکم .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۵

۵- کافران به خاطر انکار قرآن و حق ناشناسی آنان نسبت به آن ، مورد سرزنش خداوند

قرار دارند .

أفأنتم له منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۴

۴ - کسانی که به قرآن ایمان نمی آورند ، شایسته سرزنش و نکوهش اند .

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

سرور از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۹

۹ احساس شادمانی و نشاط روحی پس از شنیدن آیات قرآن ، نشانه تکامل و ازدیاد ایمان

فزادتهم إیمناً و هم یستبشرون

سکوت در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱،۲،۳

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له و أنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر <أنصتوا>) به معنای سکوت کردن است.

۲ گوش فرادادن به قرآن و سکوت کردن به هنگام شنیدن آن ، زمینه ساز دستیابی به رحمت خداوند است .

فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

۳ تلاوت کننده قرآن ، هر که باشد ، باید به هنگام قرائت او خاموش ماند و به قرآن گوش داد .

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

برداشت فوق از مجهول بودن فعل <قری> استفاده شده است.

سنگینی تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۲

۲ - دریافت وحی (قرآن) و تبلیغ آن ، امری بس سنگین و گران بار برای پیامبر (ص)

إنا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً

سنگینی گناه معرضان از قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۱

۱ - روی گردانندگان از قرآن و تذکار های آن ، در قیامت باری سنگین از گناه را به دوش خواهند کشید .

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزرًا

نکره بودن <وزرًا> بر گران باری و سنگینی آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۱

۱ - کیفر روی گردانی از قرآن ، در قیامت همانند باری سنگین بر دوش اعراض کنندگان خواهد بود .

من أعرض عنه .. وزرًا . خلدین فیه ... حملًا

<حمل> به محمولی گفته می شود که نظیر باری که بر سر یا پشت نهند، آشکار باشد (لسان العرب). نکره بودن آن، گویای گران باری آن است.

سنگینی گوش دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۰

۱۰- خداوند ، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی ، بر دل هایشان ، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان ، سنگینی ، می افکند .

إنا جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی آذانهم وقْرًا

<أكنه> جمع <كنان> به معنای <پرده و پوشش> است. <وقْر> به معنای <سنگینی> است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه کران، در آن است. ضمیر <یفقهوه> به <آیات> بازمی گردد که چون مراد از <آیات>، واژه <قرآن> است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از <أن يفقهوه>، <لئلا يفقهوه> و یا <کراهه أن

یفقوهه < است.

سنگینی گوش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۱

۱۱- برخی از مردم ، در برابر آیات قرآن ، مانند کسانی اند که گوش شان ، سنگین ، و فهم آنها از کار افتاده است .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا

تعبیرهای <علیٰ قلوبهم اکنه> و <فی آذانهم وقراً> تعبیراتی کنایی هستند، نه این که واقعاً، گوش و قلب آن ها، خللی ظاهری پیدا کرده باشد.

سوء استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۳

۱۳ سوء استفاده منحرفین از قرآن ، در جهت ایجاد فتنه

فَاَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ

سودمندی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۳

۳- قرآن ، کتابی است سودمند برای همه مردم .

و إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ .. و قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا فِكْ مَفْتَرَىٰ ... قُلْ مَا س

<هو> احتمال دارد به قرآن برگردد که مستفاد از آیه ۴۳ می باشد. لام در <لکم> برای انتفاع است.

سوره بندی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ - قرآن در همان عصر پیامبر (ص) بخشهایی به نام سوره تقسیم شده بود .

فأتوا بسوره من مثله

۱۰ - تقسیم بندی قرآن و نامیدن هر بخش به < سوره > از ناحیه خداوند بوده است . *

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۸

۸ قرآن در عصر پیامبر (ص)، به بخشهایی به نام <سوره> تقسیم بندی شده بود.

فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۱

۱- تنظیم، تفصیل و بخش بخش شدن قرآن، از جانب خداوند بود نه در اختیار پیامبر (ص)

قرءاناً فرقنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۸

۸ قرآن، کتابی است که به تدریج و جدا جدا (آیه آیه و سوره سوره) بر پیامبر اسلام (ص) فرود آمد.

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود.؛ مثلاً در آیه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً>.

سوره های قرآن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۷

۷ واژه <سوره> و استعمال آن در بخشی از آیات قرآن، اصطلاحی آشنا و شناخته شده در عصر وحی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره

سوره های متشابه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۵

۵- برخی از سوره های قرآن ،

روشن و توجیه ناپذیر (محکم) و برخی دیگر متشابه

فإذا أنزلت سورة محكمه

از احترازی بودن قید <محكمه>، مطلب بالا استفاده می شود.

سوره های محکم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۴،۵

۴- سوره های دربردارنده فرمان جهاد ، سوره هایی محکم ، قاطع و خالی از تشابه

فإذا أنزلت سورة محكمه و ذکر فیها القتال

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <ذکر فیها القتال> تفسیرکننده <محكمه> باشد؛ یعنی، سوره از آن جهت <محکم> نامیده می شود که در آن، حکم قاطع و روشن جهاد آمده باشد.

۵- برخی از سوره های قرآن ، روشن و توجیه ناپذیر (محکم) و برخی دیگر متشابه

فإذا أنزلت سورة محكمه

از احترازی بودن قید <محكمه>، مطلب بالا استفاده می شود.

سوگند به صحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنه لقول رسول کریم

سوگند به قاریان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان تلاوت گر وحی الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فالتلّیت ذکرًا

مراد از <ذکر> وحی الهی و یا خصوص قرآن کریم است. طبق این دیدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیامبران و یا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

۳ - سوگند خداوند به مجاهدان تلاوت گر آیات الهی و قرآن کریم

فالتلّیت ذکرًا

سوگند به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القراءان

<واو> در <والقرآن> برای قسم است؛ یعنی، <أقسم بالقرآن الحكيم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القراءان

<واو> در <والقرآن> برای قسم است؛ یعنی، <أقسم بالقرآن..>.

۳ - سوگند خداوند به قرآن، مبنی بر حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام (ص)

و القراءان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القراءان) به قرینه آیات مشابه مانند <والقرآن الحكيم * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ> در سوره <یس> و.. مربوط به رسالت پیامبر اسلام (ص) است و تقدیر آن چنین می باشد: <والقراءان ذی الذکر إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ یا إِنَّكَ صادق>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۴

۴ - سوگند خداوند به قرآن

و الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- سوگند خداوند ، به قرآن مجید

ق و القراءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۵

۵ - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن *

و النجم إذا هوی

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از <نجم> چنان که برخی از مفسران گفته اند قرآن باشد؛ زیرا آیات قرآن <نجوماً> (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

سوگند به و حیانت قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إِنَّه لَقَوْلِ رَسُولِ كَرِيمٍ

سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فَوَرَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

ضمیر جمع غایب <لَنَسْئَلَنَّهُمْ> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۹

۹- سوگند خداوند به ذات خود ، برای تهدید و مورد مؤاخذه قرار دادن مشرکان

تَاللّٰهِ لَنَسْئَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۱

۱- سوگند خداوند به خویش ، مبنی بر ارسال پیامبرانی به سوی امت های مختلف ، پیش از ظهور اسلام

تَاللّٰهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر ختمی بودن احضار منکران معاد و شیاطین به گردآوری آنان در قیامت تأکید کرده است .

فوربک لنحشرنهم والشیطن

ضمیر مفعولی در <لنحشرنهم> به <انسان> در آیه قبل بازمی گردد و مراد منکران معاد است که زنده شدن دوباره را بعید شمرده بودند. <حشر> یعنی، جمع کردن و برخی آن را جمع

کردنی که افراد را به محل اجتماع سوق دهند، معنا نموده اند (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۸

۸- خداوند با سوگند به ربوبیت خود، بر تحقق حتمی طبقه بندی عاصیان در قیامت، تأکید کرده است.

فوربک .. ثم لتزعن من کل شیعه ... عتیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش، بر آگاهی دقیق خود از میزان عذاب مجرمان تأکید کرده است.

فوربک .. ثم لنحن أعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۶

۶- سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جَنّی و انسی

و لكن حقّ القول منی لأملأن جهنم من الجنّه و الناس

لام در <لأملأن> برای قسم است و حکایت از آن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <والقرآن> برای قسم است، یعنی، <أقسم بالقرآن الحکیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سوگند خداوند بر حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القراءان

<واو> در <و القرآن> برای قسم است؛ یعنی، <أقسم بالقرآن..>.

۳ - سوگند خداوند به قرآن ، مبنی بر

حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام (ص)

و القراءان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القراءان) به قرینه آیات مشابه مانند <و القرآن الحکیم * إنک لمن المرسلین > در سوره <یس > و .. مربوط به رسالت پیامبر اسلام (ص) است و تقدیر آن چنین می باشد: <و القراءان ذی الذکر إنک لمن المرسلین یا إنک صادق >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به حق

قال فالحق

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <فالحق > مبتدا و خبر آن (قسمی) در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۴

۴ - سوگند خداوند به قرآن

و الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به قرآن مجید

ق و القراءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱ - ۱

۱ - سوگند الهی ، به باد های پراکننده خاک و مژده آور باران

<ذَرّو> به معنای پاشیدن و پراکندن و <ذاریات> (جمع <ذاریه>) به معنای <پراکننده ها> است. مراد از <پراکننده ها> بادهای است که به هنگام وزیدن، خاک و دیگر ذرات را در هوا پراکنده و جا به جا می کنند. گفتنی است که وزیدن این بادهای مژده آور باران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲ - ۱،۳

۱ - سوگند الهی به ابرهای گرانبار

فالحملت

<وَقْرًا> بر بار سنگین اطلاق می شود. مقصود از حمل کننده های بار سنگین، ابرها است که در پی بادهای می آیند و با خود توده های عظیم ذرات آب را حمل می کنند.

۳ - سوگند الهی ، به باد های حامل ابر های سنگین و آبستن باران

فالحملت وَقْرًا

کلمه <حاملات>، می تواند وصفی دیگر برای بادهای باشد. در این صورت مراد از <وَقْرًا> (بار سنگین)، ابر سنگین و باران را خواهد بود که به وسیله بادهای حمل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۴، ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کشتی های روان بر آب های دریا به آسانی و نرمی

فالجريت يَسْرًا

<يسر> نقطه مقابل <عسر> و به معنای سهولت و آسانی است. مراد از <جاریات> کشتی هایی است که در دریا، به آرامی و نرمی حرکت می کنند.

۴ - سوگند الهی ، به باد ها که آرام در آسمان روان اند .

و الذريت ذرّوا .. فالجريت يَسْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۱

۱ - سوگند الهی ، به فرشتگان تقسیم کننده امور

فالمقسّمت أمرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به آسمان تزئین یافته با ستارگان

و السَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ

<حبیکه> و <حباک> (مفردهای <حُبُك>) در معانی استحکام، راه و زیبایی به کار می رود. برداشت یاد شده براساس معنای اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَرَّبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ

در این که مرجع ضمیر در <إِنَّهُ> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۵،۱

۱ - سوگند خداوند ، به کوه طور

و الطُّور

<طور> در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

۵ - سوگند خداوند ، به کوه ها

و الطُّور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مراد از <طور> مطلق کوه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۵،۱

۱ - سوگند خداوند ، به کتاب نگاشته شده (تورات)

و کتب مسطور

مراد از <طور> در آیه قبل می تواند کوه طور باشد. این نکته قرینه است بر این که مراد از <کتاب مسطور>، تورات می باشد که به صورت الواح نوشته شده بر موسی در طور سینا نازل شده است.

۵ - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

برخی از مفسران مراد از <کتاب مسطور> را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۱

۱ - سوگند

خداوند ، به کعبه

و البيت المعمور

<واو> در <و البيت..> برای قسم و مقصود از <بيت معمور> (خانه آباد) کعبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به سقف برافراشته (آسمان)

و السقف المرفوع

<مرفوع>؛ یعنی، بلند و برافراشته شده. مراد از <سقف مرفوع> ظاهراً آسمان است که همچون سقفی بلند، بر فراز آدمیان بر افراشته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به دریای سرشار از آب

و البحر المسجور

<سجر> در معانی پرکردن و شعلهور کردن به کار می رود. بنابراین <مسجور> یا به معنای <مملو> (پر شده) و یا به معنای شعلهور شده است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۴،۵،۷

۱ - سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> به معنای ستاره است و <الف و لام> آن جنس و مفید عموم است؛ یعنی، <اقسم بكلّ نجم إذا هوی> . <هُوِیَ> (مصدر <هوی>) به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

۴ - سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . *

و النجم إذا هوی

برخی از مفسران <نجم> را به قرینه <إذا هوی> (آن گاه که سقوط کند) به معنای شهاب گرفته اند.

۵ - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن *

و

النجم إذا هوى

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از <نجم> چنان که برخی از مفسران گفته اند قرآن باشد زیرا آیات قرآن <نجوماً> (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

۷ - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوى

<نجم> بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحيط). گفتنی است <ال> در <النجم> بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۳

۳ - سوگند الهی ، به نظام ستارگان آسمان

فلا أقسم بموقع النجوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مواقع> به معنای مکان های استقرار ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۲

۱ - سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

۲ - سوگند خداوند ، به قلم زدن و نویسندگی

و ما یسطرون

<ما> در <ما یسطرون> یا مصدریه (یعنی <و سطرهم>) و یا موصوله (یعنی <الذی یسطرونه>) است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إِنَّه لَقَوْلِ رَسُولِ كَرِيمٍ

۲ - سوگند خداوند ، بر درست گویی و راست گویی پیامبراسلام (ص)

إِنَّه لَقَوْلِ رَسُولِ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند اُکید خداوند ، به ربوبیت خویش نسبت به مشرق ها (خاور ها) و مغرب ها (باختر

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغْرِبِ

درباره <لا> در <لا أقسم> و امثال آن، مفسران توجیحات چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <أقسم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ماه

و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سحرگاهان

و الیل إذ أدبر

<إدبار> (مصدر <أدبر>) به معنای پشت کردن است و مقصود در این آیه، پایان یافتن شب و آغاز سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سپیده صبح

و الصبح إذا أسفر

عبارت <سفر الصبح> و یا <أسفر الصبح>، به معنای <أضاء> (روشن شد) و <أشرق> (درخشید) است. (قاموس المحيط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱ - ۱

۱ - سوگند اُکید خداوند ، به روز قیامت

لَأُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ

مفسّران درباره <لا> در <لَأُقْسِمُ> و امثال آن، توجیّحات چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <أُقْسِمُ> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۱

۱ - سوگند اُکید خداوند ، به نفس ملامت گر

وَأُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۱،۵

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده

وجود دارد: ۱ تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به <بادها و طوفان ها> است؛ ۲ همه سوگندها، اشاره به <فرشتگان وحی> است؛ ۳ سوگند اول و دوم ناظر به مسأله <بادها و طوفان ها> و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم، جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله <واو> است؛ در حالی که بقیه به وسیله <فاء> به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است؛ از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

۵ - سوگند خداوند ، به باد های پیایی

و المرسلت عرفاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مراد از <مرسلات> بادها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند ، به تندباد ها و طوفان ها

فالعصفه عصفاً

<عاصفه> (مفرد <عاصفات>) به معنای باد شدید و طوفان است.

۳ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالعصفه عصفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و النشرت نشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالفرقت فرقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالملقیة ذکرًا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزعت غرقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۲

۲ - سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النشاطت نشاطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به فرشتگانی که در اجرای وظایف خویش شتابان اند .

و السبحت سبْحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبْقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۵ - ۵

۵ - سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبّر

فالمدبّرت أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۳

۳ - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند مؤکد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود ، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ

حرف <لا> در

<لأقسم> زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: <لأقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. <خَنَس> جمع <خانَس> است و مصدر آن <خنوس> یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل <خَنَسَ> یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

۲ - سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر، به نقطه هایی که از آن گذشته اند، بازمی گردند.

فَلأقسمُ بالخَنَسِ

برخی از اهل لغت و تفسیر <خَنَسَ> را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

۳ - سوگند خداوند به سیاره های زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد

فَلأقسمُ بالخَنَسِ

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خَنَسَ> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند.

بالخَنَسِ . الجوار

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

۲ - سوگند خداوند، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده

و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الكنس

<کنس> جمع <کانس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کنس الطبی> گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در <کناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به شب، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الیل إذا عسعس

<الیل> عطف بر <الخنس> است و قسم مؤکد در <لا أقسم> به آن نیز تعلق دارد. فعل <عسعس> گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعد (و الصبح إذا تنفس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند؛ ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: <عسعسه>؛ یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل <عسعس> هر دو زمان را شامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۸ - ۲، ۱

۱ - سوگند خداوند به بامداد؛ زمانی که سپیده صبح در آسمان گسترده می شود .

و الصبح إذا تنفس

<تنفس روز> به معنای توسع و گسترده شدن آن است. (مفردات راغب)

۲ - سوگند خداوند به سپیده دم؛ زمانی که نفس تازه کند .

و الصبح إذا تنفس

از معانی <تنفس> وارد ساختن نفس به درون و خارج ساختن آن است (مصباح). نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع

نور

خورشید است، به گونه ای که گویا روز از حبس شب رها شده و در هوای آزاد نفس می کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص)، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است.

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ... وَاللَّيْلِ ... وَالصُّبْحِ ... إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۶ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند، به سرخی افق هنگام غروب خورشید

فَلَا أُقْسِمُ بِالْشَّفَقِ

مشهور بین اهل لغت، این است که <شفق> همان سرخی است که بعد از غروب خورشید، در طرف مغرب دیده می شود (مصباح). در سخن و شعر عرب، به طور فراوان اتفاق می افتد که برای تأکید قسم، فعل آن را با حرف <لا> می آورند. برخی آن را زاید و دسته ای آن را، برای نفی پندار قبل می دانند (کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند.

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ

واژه <وَسَقَ> به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند (مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

۲ - سوگند خداوند، به هر چه تاریکی شب آن را فراگیرد. *

<ما> در <ما وسق>، موصول است و ضمیری که به آن برمی گردد، در کلام نیامده است. مصداق <ما وسق>، ممکن است تمام موجودات جاندار و بی جان باشد که تاریکی شب، آنها را زیر پرده سیاه خود جمع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سوگند خداوند به ماه ، هنگام روشنایی کامل آن

و القمر إذا اتسق

<اتساق قمر>، به معنای تکمیل شدن و به نقطه اعتدال رسیدن آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أقسم بالشفق .. لتركبن طبقاً عن طبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱ - ۲،۳

۲ - سوگند خداوند ، به آسمان و برج های آن

و السماء ذات البروج

قسم به آسمان، با وصف خاص آن، قسم به موصوف و وصف، هر دو است.

۳ - سوگند خداوند ، به ستارگان که مرتفع و نمایان اند .

و السماء ذات البروج

تطبیق <برج> بر ستاره، به لحاظ ارتفاع و ظهور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به روز قیامت

و الیوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰

۱ - سوگند خداوند ،

به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده؛ یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

۴ - سوگند خداوند، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

۶ - سوگند خداوند، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد؛ نه مشاهده و نظارت، کلمه <مشهود> نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد <مشهود به> است.

۷ - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملاء عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن، سوزانده می شوند.

و مشهود

داستان اصحاب <اخذود> که پس از این آیه مطرح شده است به ویژه آیه <و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود> قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق <مشهود> گفته شده است. در این نظر تقدیر آن <مشهود علیهم> است.

۸ - > عن محمد بن هاشم عن روى عن أبي جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبي عن قول الله عز وجل > و شاهد و مشهود < فقال أبو جعفر (ع)

(: ما قيل لك ؟ فقال : قالوا : الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفه ، فقال أبو جعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامة أما تقرأ القرآن ؟ قال الله عزوجل : > ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود ؛

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجل <و شاهد و مشهود> سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: <شاهد> روز جمعه و <مشهود> روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست؛ بلکه <شاهد> روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزوجل فرموده است: <ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود>.

۹ - > عن علي (ع) قال : . . . و الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم النحر ؛

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است.<

۱۰ - > روى عن الحسن بن علي (ع) و هو يُحدِّثُ عن رسول الله (ص) فقيل له أخبرني عن < شاهد و مشهود > فقال : أمّا الشاهد فمحمّد و أمّا المشهود فيوم القيامة . أمّا سمعته سبحانه يقول : > يا أيّها النبي إنّنا أرسلناك شاهداً و مبشّراً و نذيراً < و قال : > ذلك يوم مجموع له الناس ذلك يوم مشهود ؛

از امام حسن(ع) روایت شده که از

رسول خدا نقل حدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسیر] شاهد و مشهود خبر ده، حضرت فرمود: اَمَّا شَاهِدٌ مُحَمَّدٌ (ص) است و اَمَّا مَشْهُودٌ رَوْزِ قِيَامَتٍ اِسْت. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید: <يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا> و فرموده: ذَلِكُ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لِهَ النَّاسِ وَ ذَلِكُ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۲، ۱

۱ - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا ...)

و الطارق

<طارق> یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرَقَ> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند، به مرتفع ترین ستاره ها *

و الطارق .. النجم الثاقب

<نجم ثاقب> یعنی، ستاره ای که جایگاه آن رفیع تر از دیگر ستارگان است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ -

۳ - خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق .. إن كل نفس لما عليها حافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند به آسمان و به ارجاع های مکرری که پدید می آورد .

و السماء ذات الرجع

سوگند به چیزی که دارای وصف خاصی است، در حقیقت سوگند به وصف نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند به زمین و شکاف پذیر بودن آن

و الأرض ذات الصدع

سوگند به موصوف، سوگند به وصف آن نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۲

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء .. و الأرض ... إنه لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سپیده دم

و الفجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به شب های ده گانه

و لیل عشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و

حرف <ال> در <الشفع> و <الوتر>، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است؛ برخی گفته اند: <شفع> روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویة) و <وتر> روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که <شفع>، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از <وتر>، ذات باری تعالی باشد؛ زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الیل إذا یسر

حرف <ال> در <الیل>، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از <الیل> را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. <یسر> یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

۲ - سوگند خداوند ، به پاس هایی از شب که شبروان در آن سیر می کنند .

و الیل إذا یسر

می توان گفت، <حرکت شب> تعبیری است مانند <شب خوابیده> که مراد از آن، حرکت دیگران در شب و خواب آنها در آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ -

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر .. . إِنَّ رَبَّكَ لَبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إِنَّ رَبَّكَ> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند به شهر مکه

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ

حرف <لا> در <لَا أُقْسِمُ>، زاید و تأکیدی بر سوگند است. برخی گفته اند: <لَا أُقْسِمُ> با همین ترکیب، کلمه قسم است و در سوگند مؤکد، به کار می رود، و برخی دیگر آن را برای نفی قسم دانسته و گفته اند: مراد این است که مدعا بقدری واضح است که سوگند نمی خواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۳ - ۱،۶

۱ - سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و والد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که <والد و ما ولد>، پدر و فرزندى اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل است.

۶ - سوگند خداوند به انسان تولیدمثل کننده و فرزندانش

و والد و ما ولد

واژه <والد> ممکن است به شخص خاصی نظر نداشته باشد؛ بلکه اسم جنس بوده و بر هر انسان مذکر و یا حتی

مؤنثی که در تولید مثل نقش داشته باشند، اطلاق گردد (ر. ک: لسان العرب). در این صورت شگفتی تکثیر نسل و نقش
عجاب برانگیز پدر و مادر در آن و نیز عظمت فرزند به وجود آمده از آنها، راز سوگند خداوند به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ،
تأکید کرده است .

لا أقسم .. لقد خلقنا الإنس فی کبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به خورشید

و الشمس

۲ - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

و ضحیها

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس)
به کار می رود. اضافه شدن <ضحی> به ضمیری که به خورشید برمی گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور
خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۱،۲،۴

۱ - سوگند خداوند ، به ماه هنگام طلوع آن پس از غروب خورشید

و القمر إذا تلیها

<إِذَا> در <إِذَا تَلِيهَا>، سوگند به ماه را به حالت خاصی از آن اختصاص می دهد. در این موارد <إِذَا> را ظرف برای <كَائِنًا> به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدره

برای <القمر> به حساب می آید؛ اختصاص قسم به این زمان خاص، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است. این زمان، شامل شب هایی می شود که پس از غروب خورشید، ماه تابان در آسمان مشاهده می شود.

۲ - سوگند خداوند ، به کره ماه در شب های وسط هر ماه

و القمر إذا تليها

<تلوّ> (مصدر <تلی>)، به معنای از پی در آمدن است. در شب های چهاردهم و قبل و بعد آن، طلوع ماه در پی غروب خورشید است. بنابراین می توان گفت: مراد از <إذا تلاها>، فقط همان شب ها است.

۴ - ماه و ظهور آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به روز در لحظه فروغ افکندن آن بر زمین

و النهار إذا جلیها

مفاد آیه شریفه، گواه آن است که ضمیر مفعولی <جلاها> به <الشمس> برنمی گردد؛ زیرا جلا یافتن خورشید را، نمی توان ناشی از روز دانست. بنابراین باید گفت: از آن جا که جلوه گر شدن زمین به وسیله روز، بسیار واضح است، نیازی به ذکر <الأرض>، برای ارجاع ضمیر به آن نبود.

۲ - پیدایش روز و درخشان شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا جلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند به شب در لحظه ای که تاریکی آن ، سطح زمین را بپوشاند .

و الیل إذا یغشیها

طَبَق و [سرپوش هایی] مانند آن که

بر چیزی نهاده می شود، <غطاء> نام دارد؛ همان طور که به پوشاک و [رواندازهایی]مانند آن که روی چیزی قرار داده می شود، <غشاء> می گویند (مفردات راغب). بنابراین <یغشاها> که مرجع ضمیر مفعولی آن در این برداشت <أرض> گرفته شده به این معنا است که تاریکی شب، سطح زمین را می پوشاند.

۲- سوگند خداوند، به هنگامی که شب، خورشید را می پوشاند.

و الیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <یغشاها>، <الشمس> دانسته شده است.

۳- پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است.

و الیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۶، ۵، ۳، ۱

۱ - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

۳- سوگند خداوند، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف <ما> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به <بناکردن آسمان> است. برخی <ما> را موصول دانسته اند؛ ولی یک نواختی سوگندها که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است مؤید مصدری بودن آن است.

۵- سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنانچه <ما> در <مابناها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. آوردن <ما> در این موارد با توجه به این که این کلمه بیش از <من> موصول، ابهام دارد بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

۶- سوگند خداوند به خود

و ما بينها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۵، ۳، ۱

۱ - سوگند خداوند

به زمین

و الأرض

۳ - سوگند خداوند ، به گستراندن زمین

و ما طحیها

<ما> در <ماطحاها> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به گسترش دادن زمین است. برخی <ما> را موصول و کنایه از گستراننده زمین (خداوند) دانسته اند؛ ولی مصدری بودن آن، با سیاق آیات که سوگند به مخلوقات است سازگارتر است.

۵ - سوگند خداوند ، به گستراننده زمین

و ما طحیها

چنانچه <ما> در <وماطحاها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. <طحو> (مصدر <طحاها>) مانند <دحو> است؛ یعنی، گستراندن هر چیز. (مفردات)

۶ - سوگند خداوند به خود

و ما طحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۷ - ۶، ۷، ۳، ۲، ۱

۱ - سوگند خداوند به جان انسان ها

و نفس

<نفس>، به معنای روح و نیز جسد آمده است (صحاح اللغة). آیات بعد که ویژگی های روح انسان را مطرح می کند قرینه بر اراده معنای اول است. کلمه <نفس> گرچه نکره است؛ ولی بر ابهام دلالت ندارد. بلکه مراد جنس نفس است؛ زیرا آنچه بعد از آن، درباره نفس ذکر شده مربوط به تمام نفس ها است. نکره در این موارد، مفید تفخیم است.

۲ - روح ، موجودی با عظمت و شایسته سوگند خداوند

و نفس

۳- سوگند خداوند ، به آفرینش متعادل و به دور از افراط و تفریط نفس انسان

و ما سَوِيهَا

حرف <ما> در <ماسوآها> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به تسویه نفس است. برخی آن را موصول و تعبیر <و ما سَوَاها> را سوگند به خداوند دانسته اند. سیاق آیات که نمودار سوگند به مخلوقات است با احتمال اول

مناسب تر است.

۶- سوگند خداوند ، به تعدیل کننده و سامان دهنده قوای روحی انسان

و ما سَوَّيْهَا

چنانچه مراد از <ما> در <ما سَوَّاهَا> خداوند باشد، جایگزین ساختن آن به جای <من>، به جهت ابهام عظمت آمیزی است که در <ما> وجود دارد.

۷- سوگند خداوند به خود

و ما سَوَّيْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳- خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به <خورشید و نور آن > ، <ماه > ، <روز و شب > ، <آسمان و زمین > ، <روح > و <ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. قد أفلح من زكَّيْهَا

جمله <قد أفلح ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <كذَّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱ - ۱،۲،۴

۱- سوگند خداوند ، به شب ، هنگام فراگیر شدن آن

و الَّیْلِ إِذَا یَغْشَى

۲- پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الَّیْلِ إِذَا یَغْشَى

۴- <عن محمد بن مسلم قال : قلت لأبي جعفر (ع) قول الله عزَّوجلَّ > و الَّیْلِ إِذَا یَغْشَى ... > و ما أشبه ذلك فقال : إنَّ

لَلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ اَنْ يُقْسِمَ مِنْ خَلْقِهِ بِمَا شَاءَ وَ لَيْسَ لَخَلْقِهِ اَنْ يُقْسِمُوا اِلَّا بِهِ ;

از محمد بن مسلم روایت شده که

گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: قول خدای عزوجل <وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ..> [که در آن به <شب> سوگند یاد شده] و مشابه این [سوگندها چه حکمی دارد؟] فرمود: برای خدای عزوجل است که به مخلوقات خود، به هر چه که خواست سوگند یاد کند و ولی مخلوقاتش نمی توانند سوگند یاد کنند، مگر به او <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به روز ، هنگام درخشان شدن آن

و النهار إذا تجلّی

۲ - پدیده روز و تابناکی آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا تجلّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند ، به آفرینش جنس نر و ماده در مخلوقات

و ما خلق الذکر و الأُنثی

حرف <ما> مصدریه بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به خلقت <مذکر> و <مؤنث> است. این احتمال نیز وجود دارد که <ما> موصول باشد و ولی مصدریه بودن آن که در نتیجه سوگند به مخلوقات خواهد بود نه خالق با سوگند به <لیل> و <نهار> تناسب بیشتری دارد.

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می تواند موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

۳ - سوگند خداوند به خویش

خلق الذکر و الأُنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، در تأکید بر گوناگون بودن تلاش های انسان ها و شیوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل . . . إِنَّ سَعِیْکُمْ لَشَتَّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۸

۸ - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل . . . إِنَّ سَعِیْکُمْ لَشَتَّى . فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى ... لیسری . و أمَّا مَنْ بَخِلَ ... فسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ با تقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف> ، لام قسم و یا لام ابتدا است ؛ برداشت یاد شده ، براساس احتمال اول است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندکی پس از بالا آمدن روز>

(قاموس) به کار می رود.

۲- وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الیل إذا سجی

<سجی الیل> یعنی، شب با تاریکی خود ساتر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد. (مقایس اللغه)

۲ - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

۳ - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الیل إذا سجی

<آرامش یافتن> (یکی از معانی ذکر شده برای <سَجَوْا>) در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است یا معنایی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرک بودن موجودات در شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (ص) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الیل إذا سجی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - تين - ٩٥ - ١ - ١،٢،٣،٥

١ - سوگند خداوند ، به انجير و زيتون

و التين و الزيتون

٢ - انجير و زيتون

، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

۳ - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون *

و التین و الزیتون

از احتمالاتی که درباره مفاد آیه گفته شده، این است که مراد از <انجیر> و <زیتون> به قرینه دو آیه بعد دو منطقه است که یکی مانند <کوفه> سرزمین انجیرخیز و دیگری مانند <بیت المقدس> سرزمین زیتون بوده است. در این صورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سرزمین های نزول وحی را دربر گرفته است؛ زیرا <نوح> (ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی (ع) در بیت المقدس، موسی (ع) در طور سینا و پیامبر اسلام (ص) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

۵ - > عن أبي الحسن الأول قال : قال رسول الله (ص) : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى . . . اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةَ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ : >
و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأَمین < فالتین المدینه ، و الزیتون بیت المقدس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأَمین مکه ؛

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . . . از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او که عزیز و جلیل است فرمود: < و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأَمین >. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأَمین> مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ،

به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

<سینین>، در اصل نام نوعی درخت است که به آن <سَیْنَاء> نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، <سَیْنَاء> یا <سینین> گفته شود و کوه طور که در آن سرزمین است به <طور سینین> یا <طور سَیْنَاء> مشهور گردد.

۲ - <طور>، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۳ - ۲، ۴، ۱

۱ - سوگند خداوند، به شهر مکه

و هذا البلد الأمين

۲ - <مکه>، شهری با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و هذا البلد الأمين

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه <هذا> دانسته می شود زیرا آوردن اشاره به جای ذکر نام یا برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

۴ - امنیت مکه، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است.

و هذا البلد الأمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری انسان از خلقت برتر، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر، زیتون، طور سینا و شهر مکه، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است.

والتين . . لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - علق - ٩٦ -

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ینته لنسفعا بالناصیه

<لام> در <لئن...> لام قسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که در راه جهاد تاخته و نفس نفس زده اند .

و العدیت ضبِحًا

<عادیات>، از ریشه <عَدُو> (دویدن) است و به قرینه آیات بعد که از جرقه های سُم و برپا کردن غبار سخن گفته است مراد، اسبان دهنده است. <ضبح> یعنی، صدای نفس های اسب که به <ضُبْح> (صدای روباه) تشبیه شده است (مفردات). جمله <فأثرن...> در آیات بعد که خبر از گذشته می دهد بیانگر آن است که مراد، اسبانی است که در نبرد خاص حضور داشتند. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که آن نبرد، غزوه <ذات السلاسل> بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد با دویدن و کوباندن سم بر سنگ ها ، جرقه برمی افروختند .

فالموریت قدحًا

<قدح>، به معنای استخراج آتش از سنگ چخماق است. این کلمه مصدر و با <ایراء> (مصدر <موریات>) به یک معنا است (تاج العروس). عطف <موریات> بر <عادیات> با حرف <فاء>، بیانگر ارتباط <پیدایش جرقه> با <دویدن اسب> ها است و قسم را نیز به این وصف سرایت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ -

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان مجاهدان که هنگام صبحدم بر دشمنان تاخته و آنان را غافلگیر کرده اند .

فالمغیرت صبحًا

<اغاره> (مصدر <مغیرات>)، به معنای تاختن سریع اسب برای غارت کردن یا غیر آن است (قاموس). <صبحًا> ظرف و تاختن در صبحگاه، کنایه از غافلگیر کردن دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان جنگی که با حرکت سریع خود ، در هجوم غافلگیرانه بر دشمنان دین ، غبار شدیدی به فضا پراکنده ساختند .

فأثرن به نَقَعًا

فعل <أثرن>، عطف بر <مغیرات> و بیانگر آثار <اغاره> است؛ بنابراین قسم در آیه قبل به این وصف نیز مربوط است. ضمیر <به> به <عَدُو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است برمی گردد. <اثره> (مصدر <أثرن>) به معنای منتشر ساختن است. <نقع> یعنی، غبار منتشر و نکره بودن آن، بر شدت غبار دلالت دارد.

۲ - حرکت مرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نَقَعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد ، خود را به قلب سپاه دشمن زده ، رزمندگان را برای نبرد همه جانبه یاری می دادند .

فوسطن به جمعًا

<جمع>، به معنای جماعت و گروه است. این کلمه مصدری است که به صورت اسم به کار می رود (مصباح). ضمیر <به> به <عَدُو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است

بازمی گردد.

۲- آسیب زدن به قلب سپاه دشمن و از کار انداختن مرکزیت آن، رزمی در خور تمجید و سوگند خداوند

فوسطن به جمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۳

۳- خداوند، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش، به اسبان تیزپای مجاهدان، سوگند یاد کرده است

و العدیت .. و إِنَّه علی ذلک لشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۷

۷- خداوند، در تأکید بر شدت مال دوستی دشمنان دین، به مرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است.

و العدیت .. و إِنَّه لحبّ الخیر لشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۲

۲- سوگند خداوند برای تأکید بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت

لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ..> یا جواب <لو> است و یا جواب قسم محذوف. برداشت یاد شده ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲- سوگند مکرر خداوند، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثم لترونها عين اليقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - عصر - ١٠٣ - ١ - ١،٢،٣،٤

١ - سوگند خداوند ، به عصر پیامبر (ص)

و العصر

حرف <ال> در <العصر>، برای عهد حضوری است؛ یعنی، سوگند به این عصر!

٢ - عصر پیامبر (ص)، دارای عظمتی

درخور سوگند خداوند

و العصر

۳ - سوگند خداوند به روزگار

و العصر

یکی از معانی <عصر> دهر است؛ یعنی، زمانی طولانی و غیر محدود که انقضای آن، به انقراض اهل آن زمان بستگی دارد.
(تاج العروس)

۴ - سوگند خداوند، به عصر هر روز و نماز فریضه آن *

و العصر

چنانچه <عصر> به معنای <عشی> (بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مظلوف، مراد نماز عصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۲

۲ - خداوند، در تأکید بر خسارت بار بودن وضع انسان ها، به عصر پیامبر (ص) سوگند یاد کرده است.

و العصر . إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند، در تأکید برافکننده شدن دوزخیان در آتشِ جهنم

لِينَبْذَنَّ

حرف <لام> در <لینبذَنَّ>، نشانگر قسم محذوف است.

سهولت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- آموزش قرآن به اهل خشیت ، آسان و بی نیاز از تحمل رنجو ناراحتی است .

ما أنزلنا .. لتشقی إلا تذکره لمن یحشی

سهولت فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۳

۳ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هر گونه ابهام و قابل درک برای همگان

و إذا تتلی علیهم آیاتنا بینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۹

۹ قرآن ، کتابی است قابل فهم برای تمامی انسان ها .

إنا أنزلناه .. لعلکم تعقلون

مخاطب در جمله <لعلکم تعقلون> (باشد که اندیشه کنید و بفهمید) گروه و طایفه خاصی نیست ؛ بنابراین همگان بر درک آن توانا هستند. آری کلمه <عربیاً> دلالت می کند که عربی دانستن از شرایط آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۴

۴ احکام و قوانین قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای مردم

و كذلك أنزلناه حکماً عربیاً

<عربی> به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به همین لحاظ عربی می گویند. بنابراین <أنزلناه ... عربیاً> ؛ یعنی ، قرآن را به لغت عرب، همان لغتی که گویا و رساست نازل کردیم. و لازمه گویا بودن ، قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۸

۸- آیات قرآن کریم ، آیاتی روشن و قابل فهم

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر لازم بودن <مبین> است که به معنای آشکار و روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۳

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

<تصریف> در لغت به معنای گرداندن چیزی به جهات گوناگون است و <تصریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب

هدایت است و می فرماید: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> استفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۶۸

۶- تعالیم قرآن ، جهانی است و همه انسان ها توان فهم آن را دارند .

و قرءاناً فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلنه تنزیلاً

۸- قرآن ، حقایقی عالی و تنزل یافته در حد فهم و درک بشر *

نزلنه تنزیلاً

در معنای <نزول> فرود از مرتبه عالی نهفته است (مفردات راغب) و چون نزول فیزیکی قرآن قابل تصور نیست، ممکن است مقصود نزول معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱،۲،۳،۵

۱- معارف و حقایق مطرح شده در قرآن ، مطالبی سنگین و بسیار عالی ؛ که در سطح فهم بشر تنزل یافته و آسان شده است .

فإنما یسرّنه بلسانک

<تیسیر> (مصدر <یسرّنا>) به معنای آسان ساختن است. آسان سازی در موردی متصور است که قبل، از آن به نحوی دشواری و سنگینی وجود داشته باشد. دشواری محتوای قرآن قبل از تسهیل (یسرّناه)، ظاهراً به اعتبار مفاهیم بلند و متعالی آن و به دور از دسترس بودن آنها برای افراد بشر است.

۲- تسهیل آسان سازی فهم مطالب متعالی قرآن برای بشر ، موهبتی از جانب خداوند است .

فإنما یسرّنه بلسانک

۳- قرآن و معارف آن قابل درک برای بشر

فإنما یسرّنه بلسانک لتبشّر به

۵- پیامبر (ص) و زبان گویای آن حضرت ، واسطه آسان شدن محتوای بسیار عالی قرآن برای درک

مراد از <لسانك> علاوه بر عربی بودن قرآن، جاری شدن آن بر زبان مبارک پیامبر(ص) نیز می باشد؛ که در تأثیر گذاری بر شنوندگان، نقش بسزایی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱۲

۱۲ - معارف قرآن ، قابل درك برای مردم

و صرّفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم برای همگان .

أنزله آیت بینت

توصیف آیه های قرآن به <بین>، بیانگر قابل فهم بودن آن است. حذف متعلق <بین> حاکی از آن است که: فهم قرآن اختصاص به قشر خاصی ندارد؛ بلکه همگان توانایی بهره مند شدن از آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۲

۲ - آیات قرآن ، روشن ، قابل فهم و به دور از هرگونه ابهام

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت

<بینات> (جمع <بینه>) حال برای <آیاتنا> و <بینه> (مؤنث <بین>) به معنای روشن و واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۶

۶- قرآن ، دارای معارف و رهنمودهایی روشن و قابل فهم برای همگان

سوره .. فیها آیت بینت

<بینه> (مفرد <بینات>) به معنای دلالت واضح و برهان روشن است. توصیف آیات قرآن به <بینات> به اعتبار این است که دلالت آنها بر معانی واضح و روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۲- قرآن ، قابل فهم برای همه مردم

و لقد أنزلنا إليك آيات مبينت

<مبينات> (جمع <مبينه> و مؤنث <مبين>) است و <مبين> به معنای بيانگر و روشن کننده است. بنابراین توصيف آيات الهی (قرآن) به <مبينات>، حکايت از روشن بودن و قابل فهم بودن خود آيات برای مردم است؛ زیرا سخنی که خود روشن نباشد، نمی تواند روشنگر چیز دیگری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۶ - ۲

۲- آيات الهی (قرآن) ، روشن و قابل شناخت برای انسان است .

لقد أنزلنا آيات مبينت

برداشت یاد شده، از توصيف آيات الهی به <مبينات> (روشنگر) به دست می آید؛ زیرا چیزی که صفت روشنگری داشته باشد، بی گمان خود روشن و قابل درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۴

۴- قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتاب المبين

<إبانه> به معنای وضوح و روشنی نیز می آید. بنابراین <کتاب مبين>؛ یعنی، کتاب روشن و واضح الدلاله. گفتنی است که در این صورت، حذف متعلق <مبين> بيانگر این حقیقت است که فهم معانی قرآن اختصاص به قشر و طبقه ای خاص ندارد؛ بلکه این کتاب، برای همه مردم واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۵

۵- قرآن ، قابل فهم و استفاده برای عموم مردمان

بلسان عربیّ مبین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۳

۳ - قرآن ،

کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

تلک آیت القرآن و کتاب مبین

<إبانة> (مصدر <مبین>)، گاهی لازم و به معنای وضوح و روشنی به کار می رود و گاهی متعدی و به معنای ایضاح و روشنگری. بنابراین، <مبین> هم می تواند به معنای واضح و روشن باشد و هم به معنای ایضاح کننده و روشنگر. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است. گفتنی است که حذف متعلق <مبین> بر پایه معنای اول بیانگر آن است که فهم قرآن، اختصاص به قشر خاصی ندارد؛ بلکه همگان می توانند از این سفره الهی بهره مند شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتب المبین

<مبین> به معنای <روشن> و نیز <روشنگر> است برداشت یاد شده براساس معنای اول است. گفتنی است که در آیه بالا بیان نشده است که این کتاب برای چه کسانی روشن است و این نشان می دهد که فهم قرآن، اختصاص به دسته ای خاص ندارد؛ بلکه همگان می توانند آن را بفهمند و از آن بهره گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۳

۳ - قرآن کریم ، برای توده های مردم ، قابل فهم است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۳

۳ - قرآن ، حاوی آیه های روشن و قابل فهم برای مردم

تتلی علیهم آیتنا بینت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

و قرءان مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۴

۴ - گوناگونی مثل های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و قابل استفاده و سودمند برای طبقات مختلف فکری و اجتماعی است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

برداشت یاد شده با توجه به آمدن سه واژه در آیه شریفه است: ۱ لام در <لنّاس> که برای انتفاع است؛ ۲ <النّاس> که بر عموم مردم دلالت دارد؛ ۳ آمدن واژه <کل> با <مَثَل> که بر تنوع مثل ها اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۳

۳ - آموزه های قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای همه انسان ها است .

قرءاناً عربیّاً

<عربیّ> به معنای سخن فصیح و روشن است. بنابراین لازمه عربی بودن قرآن، گویایی و رسا و قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی قابل فهم و مفاهیم آن قابل دستیابی برای بشر

و الکتب المبین

از توصیف قرآن به <مبین> (روشن)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۵

۵ آسانی فهم و معارف قرآن برای انسان

و الکتب المبین

وصف <مبین> برای قرآن، نشانگر آن است که درک ظاهر معارف قرآن، چندان دشوار نیست.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۲

۲- قرآن ، کتابی آسان و در دسترس فهم و درک بشر

فإنما يسرناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۱

۱ تهدید منکران پیام های روشن و قابل درک قرآن ، به فرجامی سخت از سوی خداوند

فإنما يسرناه .. فارتقب إنهم مرتقبون

عبارت <إنهم مرتقبون> ، کنایه از این است که کافران به بیان های روشن وحی ایمان نمی آورند تا سرانجام وعیدهای ما تحقق یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۵

۵- معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزیل الكتب من الله العزيز الحكيم

<تنزیل> می تواند اشاره به تنزل یافتن معارف بلند وحی، در مرتبه فهم بشر باشد و نه تنزل فیزیکی و مکانی. از ارتباط <تنزیل الكتاب> با <العزيز الحكيم> ممکن است استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزل آن دلیل حکمت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۵

۵- کلمات و مفاهیم قرآن ، قابل فهم برای جنیان

یستمعون القرآن فلما حضروه قالوا أنصتوا

کلمات <یستمعون>، <أنصتوا> و <ولّوا .. منذرین> نشانگر فهم و درک جنیان نسبت به مفاهیم قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۵

۵- مفاهیم عالی قرآن، قابل درک و تدبّر برای انسان

أفلا یتدبّرون القرآن

تعبیر

>أفلا يتدبرون<، همگان را به تدبّر در قرآن برمی انگیزاند. این انگیزش از سوی خداوند، مبتنی بر این است که حقایق قرآن برای بشر، قابل درک و استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسرنا القرآن

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت و قدرت خداوند *

و لقد یسرنا القرآن

جمع آمدن ضمیر متکلم <یسرنا>، در صورتی که برای تفخیم باشد، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسرنا القرآن

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت قدرت خداوند *

و لقد یسرنا القرآن

جمع آمدن ضمیر متکلم در <یسرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسرنا القرآن

۴- آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت و قدرت خداوند

و لقد یسرنا القرآن

جمع آمدن ضمیر متکلم در <یسرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد می تواند مطلب بالا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۱،۴

۱- قرآن

، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسرنا القرآن

۴- آسان سازی مفاهیم قرآنی ، در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت قدرت خداوند

و لقد یسرنا القرآن للذکر

جمع آمدن ضمیر متکلم <یسرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۴

۴- قرآن ، قابل درک و بهره بردن برای تمام مردم

إن هو إلا ذکر للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - مفاد آیات قرآن ، قابل فهم حتی برای غیر مؤمنان

و إذا قرء علیهم القرآن لایسجدون

تویخ در موردی صحیح است که مخاطب در برابر آنچه درک کرده است، خضوع نکند.

سهولت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۷

۷- نزول قرآن از جایگاه رفیع ، به منظور آسانی دستیابی خلق به معارف قرآن *

و الکتب المبین . إنا أنزلناه

از ارتباط دو آیه، می توان استفاده کرد که نزول قرآن از مقام اصلی آن، برای این بوده است که بتواند قالبی رسا و روشن پیدا

کند و در دسترس فهم همگان قرار گیرد.

شبهه افکنی در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۸

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقي الشيطان

... و الله عليم حكيم

شرایط استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۱

۱۱- خردمندی ، از زمینه های لازم و از شرایط بهره مند شدن از معارف و آموزه های قرآن

هذا بلغ للناس . . . و ليدكر أولوالألبي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۲

۲- عبودیت و بندگی خداوند ، شرط بهره مندی از معارف قرآن

إن في هذا لبلغاً لقوم عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۵

۵ - برخورداری از روحیه حق جویی ، شرط بهره‌وری از پیام های روشن و هدایتگر قرآن

تلک آیت القراء و کتاب مبین . هدی و بشری للمؤمنین

از آن جا که <ایمان> وصفی مقابل <کفر> است و کافران به خاطر داشتن روحیه استکباری و حق ستیزی (به جای بهره مند شدن از هدایت های آن) با آن به ستیز بر می خاستند، می توان گفت که قید <للمؤمنین> اشاره به این حقیقت دارد که روحیه ایمان و تسلیم در برابر حق، شرطی است لازم برای بهره‌وری از هدایت های قرآن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۲

۲ - پایبندی به نماز و زکات و باور به آخرت ، شرط بهره‌وری از هدایت و بشارت قرآن

هدی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های < یقیمون > و < یؤتون > مضارع و مفید استمرار است؛ یعنی، < هدّی و بشری للذین یستمرون علی اقامه الصلاه

و إيتاء الزكاه >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، اگرچه برای همه مردم است ، اما بهره گیری از آن ، شرایط و شایستگی خاص می طلبد .

أنا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم إنَّ في ذلك لرحمه .. لقوم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۴

۴ - آمادگی برای پذیرش حق ، شرط بهره گرفتن از قرآن است .

هدى و رحمه للمحسنين

بی شک قرآن کریم، کتاب هدایت برای همه است. اختصاص یافتن هدایت آن به گروهی خاص، در این آیه، به معنای محدودیت هدایت قرآن نیست، بلکه به معنای بهره بردن کسانی است که آمادگی لازم را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

إنما يتذكر أولوا الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. إنَّ في ذلك لذكرى لأولى الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تنها آن کسانی از تعالیم قرآن بهره می برند که خواهان حرکت در راه راست باشند .

لمن شاء منکم أن یستقیم

شرایط ایمان مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ تحقیق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن .. يأتى بعض آيات ربك

مراد از <بعض آیات ربك>، به دلیل <لا- ينفع نفساً إيمانها>، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل <إتيان> (تأتيهم، يأتى ربك و يأتى بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. <إتيان> در <يأتى بعض آیات> به معنای تحقق یافتن است.

شرایط تأثیر بشارتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۸

۱۸- روحیه حق پذیری ، شرط بهره‌وری از هدایت ، رحمت و بشارت قرآنی

و نزلنا عليك الكتب .. و هدى و رحمه و بشرى للمسلمين

شرایط تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۵ - ۳

۳- قرآن ، مقتضی پندآموزی و بیدارگری و اراده انسان ، شرط تأثیرگذاری آن کتاب است .

إنه تذكرة . فمن شاء ذكره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند قرآن را مایه پندگیری و بیدارگری معرفی کرده و سپس اراده انسان ها نسبت به پذیرش آن را مطرح ساخته است. این نکته می رساند که اراده و تصمیم انسان ها، در تأثیرگذاری قرآن مؤثر است و

چنانچه انسان ها آن را نپذیرند، این خاصیت قرآن در حد اقتضا باقی می ماند و نمی تواند خود به خود تأثیر داشته باشد.

شرایط تأثیر هدایت‌های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۸

۱۸- روحیه حق پذیری ، شرط بهره‌وری از هدایت ، رحمت و بشارت قرآنی

و نزلنا علیک الکتب .. و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

شرایط تفسیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۷

۷- خردورزی ، از راه های دستیابی به حقایق معارف و مثال های قرآن است .

و تلك الأمثل .. و ما یعقلها إلا العلمون

شرایط شفا بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۹

۹- ایمان ، شرط بهره‌وری انسان از نور هدایت و شفا بخشی قرآن

قل هو للذین ءامنوا هدی و شفاء

شرایط مس قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۱،۹

۱ - حرمت دست زدن به نوشته های قرآن بدون طهارت

ضمير در <لايمسه>، می تواند به قرآن بازگردد و نیز می تواند راجع به <کتاب مکنون> باشد. در صورت اول جمله <لايمسه...> انشا در قالب اخبار بوده و مفاد آن نهی از لمس قرآن بدون طهارت می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

۹ - > عن ابراهيم بن عبدالحميد عن أبي الحسن (ع) قال المصحف لا تمسه على غير طهر و لا جنباً إن الله يقول : >

لَا يَمْسَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ > ;

ابراهیم بن عبدالحمید از امام کاظم (ع) روایت نموده که فرمود: قرآن را بدون طهارت و در حال جنابت مس نکن. .. زیرا خدا فرموده: لَا يَمْسَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ > .

شرائط فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۷

۷ دانستن زبان عرب ، شرط درک و فهم معارف و حقایق قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

شرك ستیزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۸

۸- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باور های ایشان در رد عقاید شرك آلودشان

أَفَأَصْفَكُمْ رَبِّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنْتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرك

فَلَاتَطْعَمُوا الْكُفْرِينَ وَجَهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر (ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرك است.

شروع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان .

بسم الله الرحمن الرحيم

شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۱ قرآن ، برای همه مردم موعظه و برای بیماری های نهفته در دل بیمار دلان ، دارویی شفابخش است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ . . . وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

۸ امام صادق (ع) از پدراناش روایت کرده است : > شكا رجل إلى النبي (ص) وجعاً في صدره فقال (ص) : استشف بالقرآن فان الله عزوجل يقول : > و شفاء لما في الصدور < ;

مردی خدمت رسول خدا (ص) از درد سینه شکایت کرد، حضرت فرمود: از قرآن شفا بگیر؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: [قرآن] شفاست برای آنچه در سینه هاست < .

۹ از امام صادق (ع) روایت شده است : > و انزل عليكم كتاباً فيه شفاء لما في الصدور من امراض الخواطر و مشتبهات الأمور ;

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۳، ۱۴، ۱۱، ۹، ۷، ۴، ۳، ۲

۲- نزول آیات قرآن از سوی خداوند ، برای شفابخشی بیماری های روحی و فکری انسان است .

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة

از آنجایی که قرآن، کتاب هدایت و وجه غالب آن، کتاب معنویت است؛ شفا بودن آن می تواند رفع

مشکلات فکری و روحی باشد.

۳- نقش نزول تدریجی آیه های قرآن ، در زدایش بیماری انسانها

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ

برخی اهل لغت برآنند که ماده <نزل> در باب تفعیل، به معنای نزول تدریجی است. بنابراین، ذکر نزول قرآن به صورت تدریجی و یادآوری هدف آن که شفاست، گویای حقیقت فوق است.

۴- قرآن ، شفابخش هرگونه بیماری در انسانهاست .

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآنند .

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

۹- راه یابی برخی بیماری های فکری ، روحی و اخلاقی در مؤمنان و نیاز آنان به درمان خویش با قرآن

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَإِزِيدَ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

۱۳- > عن أبي عبد الله (ع) : ... إنما الشفاء في علم القرآن لقوله : < و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ > ...

;

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. همانا شفا در علم قرآن است زیرا خداوند می فرماید: و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ...>

۱۴- > قال أبو عبد الله (ع) : ما اشتكى أحد من المؤمنين شكايه قطّ و قال يا خلاص نيه و مسح موضع العله و

يقول < و نزل من القرآن ... > إلا عوفى من تلك العله أیه عله كانت ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: مؤمنی بیمار نشده که در حال بیماری با نیت خالص جای بیماری را مسح کند و بگوید: < و نزل من القرآن .. > مگر اینکه از آن بیماری شفا یافته است...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۸

۸ - قرآن ، شفابخش امراض روحی و زداینده بیماری های نفسانی اهل ایمان

قل هو للذین ءامنوا .. شفاء

شقاوت معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها کسانی خود را از تذکرات قرآن ، دور نگه می دارند که تیره بخت تر از دیگران و گرفتار دشوارترین فرجام اند .

و یتجنّبها الأشقی

<أشقی> اسم تفضیل از ماده <شقاوت> است. ریشه اصلی این کلمه بر سختی کشیدن دلالت دارد و نقطه مقابل سهولت و سعادت است (مقایس اللغه). ذکر این کلمه خالی از قید زمان و مکان و متعلق سبب شده است که بر هر نوع تیره بختی در دنیا و آخرت، قابل تطبیق باشد. آیه بعد، نوع اخروی آن را بیان داشته است.

شقاوت‌مندان و تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۸

۸ - تیره بختان در روی گردانی از تعالیم قرآن ، درنگی نکرده و شتابزده خود را از آن دور می سازند .

سیدّ کر .. و یتجنّبها الأشقی

فعل <سیدّ کر> در

آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد و در این آیه فعل <یتجنب> بدون حرف <سین> درباره شقاوتمندان آمد تا بر عجزلانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

شقاوتمندان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۶

۶ - شقاوتمندان، در برابر خداوند و پیام های قرآن، گستاخ و بی پروايند .

سیدّکر من یخشی . و یتجنبها الأشقی

شک به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۳، ۶

۶ - مخالفان رسالت درباره آسمانی بودن قرآن و نزولش از جانب خدا، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب .. فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است؛ یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون ..؛ اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

شک به و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۱

۱ - شک و تردد مشرکان صدراسلام نسبت به قرآن والهی بودن آن، عمیق و غیر قابل زوال بود .

ولا يزال الذين كفروا في مريه منه

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ

متعلق <كفروا> حذف شده و تقدیر آن به قرینه <أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ> (در آیه پیش)، <كفروا بالقرآن> می باشد. <مریه> اسم مصدر از فعل <امتري یمتری> و به معنای شک و تردید است. <ال> در <الساعة> برای عهد ذهنی و <ساعة> به معنای لحظه و هنگام است. بنابراین <الساعة> یعنی، آن هنگام که اشاره دارد به زمان برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر. <بغت و بغته> یعنی ناگهان.

شک در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳

۳- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

و قال الذين كفروا .. لو كان خيراً ما سبقونا إليه

تعبیر <لو كان خيراً..>، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶- ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

كذلك يضلُّ الله من يشاء و يهدى من يشاء

شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۷

۷- منافقان ، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید ، نبوت ، معاد ، قرآن

(... و)

قالوا بلى و لكنكم ... ارتبتم

شکست توطئه دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا إلا إفك .. قالوا مال هذا الرسول ... لولا أنزل إليه ملك ... إلا رج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد؛ یعنی،
<فلا يستطيعون سيلاً إلى إبطال أمرك..>

شکست توطئه علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۷

۷ استفاده از شیوه های بهانه جویانه و دروغ علیه قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه ای ناموفق و ناکام

و قال الذين كفروا إن هذا إلا إفك .. أسطير الأولين ... رجلاً مسحوراً... فضل

شکست دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۷

۷ - کسانی که بدون منطق و برهان ، به ستیزه جویی و مبارزه با تعالیم قرآن می پردازند ، به مقصود خود نخواهند رسید .

إن الذين يجدلون في آيات الله .. إن في صدورهم إلا كبر ما هم ببلغيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

شکست مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۷

۷ - هر گونه تدبیر و تلاش در راستای مبارزه با اسلام و قرآن، مغلوب اراده خداوند و محکوم به شکست است.

یریدون لیطفؤا .. و الله متم نوره

شکست مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ - اعلام خداوند مبنی بر شکست خوردن مشرکان مخالف قرآن و گرفتار شدن آنان به پی آمدهای سوء کفرشان در آینده نزدیک

فکفروا به فسوف یعلمون

شکست ناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۴

۴ - قرآن، کتابی پیروزمند، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القرءان .. تنزیل العزیز الرحیم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزتمند و رحمت

آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و . . . پیروز شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

برداشت بالا به خاطر این نکته است که

چون خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و حکیم است؛ بنابراین سخن او نیز در عرصه خاص خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر و اندیشه ، پیروز شکست ناپذیر و کتابی عالمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز العليم

از آن جایی که خداوند عزیز و علیم است، سخن او هم در عرصه خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ... و إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

شگفتی اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۱

۱ - اعراض از قرآن و روی آوردن به غیر آن ، شگفت آور و خطایی آشکار است .

فأین تذهبون

استفهام توییخی در آیه شریفه، علاوه بر سرزنش خطاکاران، بر تعجب از آن خطا نیز دلالت دارد.

شگفتی تأثیر ناپذیری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۵

۵- تأثیرناپذیری از قرآن ، امری شگفت آور است .

فما لهم عن التذکره معرضین

شگفتی تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۴

۴- قرآن ، دارای مطالب و موضوعاتی اعجاب برانگیز و شگفت آور

قرءأنا عجبا

شگفتی تکذیب قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۶

۶ - > عن ابن جریح رضی اللہ عنہ فی قوله < بل عجت > قال النبی (ص) : عجت بالقرآن حین أنزل و یسخر منه ضلال بنی آدم ;

از ابن جریح درباره قول خدا < بل عجت > روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هنگام نزول قرآن تعجب می کردم که گمراهان بنی آدم آن را مسخره می کنند.

شناخت حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۲

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن كان علی بینة من ربه .. و لكنّ أكثر الناس لا يؤمنون

شیاطین و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۳

۳ - شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین ، دلیل بیگانگی عمیق آنان بامفاهیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغی لهم

مقصود از برداشت یاد شده این است که با توجه به محتوای هدایتگر و تکامل بخش قرآن عرصه ای بر این اتهام که عناصر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند باقی نمی ماند.

شیطان هنگام تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۷

۷- شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (ص) برای مردم

و ما أرسلنا .. ألقى الشيطان في أممته

صالحان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهداءین .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جمله <نطمع ان یدخلنا ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهداءین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

صبر در تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۵

۵ - تبلیغ و اجرای تعالیم قرآن، مستلزم صبر و شکیبایی است.

فاصبر لحکم ربک

صداقت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۰، ۹، ۱

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

۱۰ قرآن و کلام الهی در برترین مرتبه از نظر صدق و عدل قرار دارند.

و تمت کلمت ربك صدقا و عدلا

اگر <صدقا و عدلا> تمیز نسبت باشند، بیانگر جهت تمامیت بوده که مضمون آن در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۵

قرآن ، گفتاری دروغ و بافته شده نبوده ؛ بلکه سخنی راست و درست است .

ما کان حدیثاً یفتری

مراد از ضمیر <کان> قرآن است. وصفهای بیان شده در آیه (و لکن تصدیق ...) بیانگر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۲

۲ - قرآن ، سخنی راست و به دور از هر دروغ

بل أتینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و کذب بالصدق

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد ؛ یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

صفات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۳

۳ - تنها وصف شایسته برای قرآن ، وصف < تذکردهنده > است ؛ نه کلام شیطان یا ساخته مجنون

و ما صاحبکم بمجنون ... و ما هو بقول شیطن ... إن هو إلا ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۳

۳- قرآن، کتابی شریف و پرفایده است.

قرءان مجید

<مجید>، به معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزّت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از <مَجَدَّتِ الْاِبْل> گرفته شده است؛ یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

صفات مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷ - کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا .. عذاب مهین

صیانت قرآن از تغییر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۲

۱۲ قرآن و کلام الهی تبدیل ناپذیر و مصون از هر گونه نقض و تغییر است.

و تمت کلمت ربک .. لا مبدل لکلمته

<تبدیل> یعنی چیزی را به جای چیز دیگر قرار دادن، و همچنین به معنی ابطال و نقض هم مجازاً به کار می رود. لذا نفی تبدیل در آیه به این معنا نیز گرفته شده است.

طغیان مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۶،۷

۶ خداوند منکران قرآن را در انکار و طغیانشان به حال خود رها می سازد .

و یذرهم فی طغینهم

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهُ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

ظاهر قرآن

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ عن محمد بن منصور قال: سألت عبدا صالحا عن قول الله عز و جل: <قل إنما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن >
قال: ان القرآن له ظهر و بطن فجميع ما حرم الله في القرآن هو الظاهر و الباطن من ذلك ائمه الجور

محمد بن منصور گوید: از امام کاظم (ع) درباره آیه <قل انما حرم...> سؤال کردم فرمود: قرآن، دارای ظاهر و باطن است ؛ آنچه را خداوند در قرآن تحریم کرده فاحشه آشکار و باطن آن، اطاعت از پیشوایان ستمگر است ...

ظرافت مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۴

۴ مثال های به کاربرده شده در قرآن ، دارای ظرافت و دقایق قابل تأمل است .

و ما يعقلها إلا العلمون

ظلم استکبار با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴- استکبار در برابر قرآن ، ظلم و مایه محرومیت از هدایت الهی

و استکبرتم إن الله لا يهدي القوم الظالمين

از منطبق شدن عنوان ظالم بر <مستکبر>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

ظلم اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۹

۹ - اعراض از قرآن ، ظلم است .

و قد خاب من حمل ظلماً

مراد از ظلم به قرینه آیات پیشین، روی گردانی از قرآن است که از آن به <وزر> تعبیر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من يعيش عن ذکر الرحمن . . . و لن ينفعم اليوم إذ ظلمتم أنکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

ظلم افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۲

۲ تکذیب قرآن و ساختگی خواندن آن علی رغم اعتقاد به الهی بودنش اوج بیدادگری است .

فمن أظلم ممن .. أو كذب بآيته

ظلم تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۲

۲ تکذیب قرآن و ساختگی خواندن آن علی رغم اعتقاد به الهی بودنش اوج بیدادگری است .

فمن أظلم ممن .. أو كذب بآيته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۴

۴ تکذیب و انکار قرآن ، ظلم و موجب مخلد شدن مکذبان و منکران در عذاب اخروی است .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به .. ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۶

۶ - تکذیب قرآن ، بزرگ ترین ظلم است .

و من أظلم ممن .. أو كذب بالحق لما جاءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱

۱- دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، بزرگ ترین نوع ظلم است .

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق

مقصود از <صدق> قرآن و دین حق می باشد.

ظلم ستیزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۸

۸- اسلام ، آیین ظلم ستیز

و تعالیم قرآن در جهت زدودن ظلم و سیه کاری از چهره جامعه است .

ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث إلا استمعوه و هم یلعبون. .. و أسروا النجوى الذین

توطئه و مخالفت گروه ستم پیشه با پیامبر(ص) و قرآن، بیانگر این نکته است که اسلام در جهت زدودن ظلم از جامعه و قطع منافع ظالمانه طبقه استثمارگر است؛ و گرنه چه دلیلی داشت که تنها این قشر به مخالفت با اسلام برخیزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی یادآور و بیدارگر

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- هدف اساسی قرآن ، دور داشتن انسان ها از ظلم و تباهی و ترغیب آنان به نیکی و احسان

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

<لام> در <لینذر> غایت و هدف را می رساند.

ظلم کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . . . و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

ظلم معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ کسانی که از قرآن رویگردان باشند، ستمکارترین مردمند.

فمن أظلم ممن .. صدف عنها

<صدف> (مصدر)

صدف) به معنای اعراض کردن و منصرف ساختن آمده است. (برگرفته از قاموس المحيط). برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

ظلم مغالطه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱۷

۱۷ مغالطه گران و یاوه گویان و جدل کنندگان در مورد قرآن و آیات الهی ستمکارند.

الذین یخوضون فی ءایتنا .. مع القوم الظلمین

ظلم مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۰

۱۰ تکذیب کنندگان قرآن ستمکارترین مردمند.

فمن أظلم ممن كذب بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۳

۳ مشرکان تکذیب کننده پیامبر (ص) و قرآن ، مردمی ظالم و ستم پیشه اند .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به .. ثم قيل للذین ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ - کافران به قرآن ، مردمانی ظالم اند .

وقال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن .. و لو ترى إذ الظلمون

ظلمت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱

۱ تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذين كذبوا بآيتنا صم و بكم فى الظلمت

ظهور حقایق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱،۲،۵

۱ تنها راه ایمان به قرآن برای منکران قرآن ،

تحقق تهدیدها و بروز حقایق آن است .

و لقد جننهم بكتب .. هل ينظرون إلا تأويله

ضمیر در <تأویله> به <کتب> در آیه قبل برمی گردد. و مراد از تأویل کتاب الهی، به قرینه فرازهای بعد، بروز و ظهور حقایق قرآن و تحقق تهدیدها و وعده های آن است. و جمله <هل ينظرون ...> با توجه به اینکه ناظر به آیه قبل است، چنین معنا می شود: برای منکران قرآن جهت تصدیق آن راهی جز ظهور حقایق قرآنی، که در قیامت تحقق می یابد، نیست.

۲ قیامت ، روز تأویل و بروز حقایق مطرح شده در قرآن

هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله

مراد از <یوم> به دلیل فرازهای بعد روز قیامت است.

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

يوم يأتي تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسلنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

عاقلان و سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل في ذلك قسم لذي حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل في ذلك قسم لذي

استفهام در <هل فی ذلک..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

عاقلان و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ - خردورزان ، تنها گروه بهره مند از تمثیلات و تشبیهات قرآنی اند .

ضرب لكم مثلاً .. كذلك نفضل الأيت لقوم يعقلون

عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۸

۸ وجود فرد و یا افرادی در میان مسلمانان که به تمامی قرآن آگاه بود .

و من عنده علم الكتب

در اینکه مراد از <الكتاب> چیست؟ چند نظر ابراز شده است: ۱ مقصود قرآن است ؛ ۲ منظور تورات و انجیل است ؛ ۳ مراد لوح محفوظ است.

عبرت آموزی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۵ - ۳

۳ - قرآن ، مقتضی پندآموزی و بیدارگری و اراده انسان ، شرط تأثیرگذاری آن کتاب است .

إِنَّه تذکره . فمن شاء ذکره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند قرآن را مایه پندگیری و بیدارگری معرفی کرده و سپس اراده انسان ها

نسبت به پذیرش آن را مطرح ساخته است. این نکته می‌رساند که اراده و تصمیم انسان‌ها، در تأثیرگذاری قرآن مؤثر است و چنانچه انسان‌ها آن را نپذیرند، این خاصیت قرآن در حد اقتضا باقی می‌ماند.

ماند و نمی تواند خود به خود تأثیر داشته باشد.

عبرت آموزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۳

۳ - قرآن ، در بیدارگری و پندآموزی ، بهترین و جامع ترین کتاب است .

إنه تذکره

تنکیر <تذکره> برای تعظیم است. بر این اساس می توان گفت: عظیم بودن تذکار قرآن، بیانگر عظمت و برتری این کتاب، از نظر پندآموزی و بیدارگری، نسبت به دیگر کتاب ها و نیز جامعیت آن در این عرصه است.

عبرت از آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۵

۵ آیات قرآن ، مایه پند و درس آموزی است .

و الذین إذا ذكروا بأیت ربهم

عبرت از تذکرات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۴

۴ - پذیرش تذکرات قرآن و خشیت و هراس در برابر خداوند ، مایه رهایی از آتش دوزخ

سیدّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ عبرت گیری و پندآموزی ، هدفی برای نقل و تحلیل تاریخ در قرآن

قد كان لكم .. انّ في ذلك لعبره لاولي الابصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۱

۱۱ پندپذیری انسانها از قرآن، بسیار اندک و ناچیز است.

قلیلا ما تذکرون

<قلیلا> صفت برای مفعول مطلق محذوف است. یعنی <تذکرا قلیلا>. و کلمه

<ما> زایده و تأکید برای قلت تذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۹

۹ - توجه به نزول قرآن از سوی خالق ، مدیر و مالک تمام هستی ، مایه تقویت روحیه پندپذیری انسان از قرآن است .

تذکره ... مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ ... استوی . له ما فی السموت ... و ما تحت الثری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۵

۵- قرآن ، درس آموز و مایه تذکر و پند برای انسان

کتاباً فیه ذکر کم

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <ذکر> به معنای <تذکره> و <تذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۵

۵ پندگیری و درس آموزی ، فلسفه نزول قرآن بر مردم با دلایل گوناگون و اسلوب مختلف

و لقد صرّفنه بینهم لیذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، از رحمت و پندآموز بودن قرآن ، بهره می برند .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَ ذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- قرآن ، برای بیداری و پندگیری صاحبان خرد ناب است .

کتب أنزلنه .. ليتذکر أولوا الألب

<لب> به معنای عقل خالص و خرد ناب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴- قرآن ، بهترین ، گویاترین و شفاف ترین سخن

برای پنددهی و درس آموزی

اللّٰهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ .. لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ . قراءاً عربياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی است بیداربخش و پندآموز .

و إِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

۴ - بیداربخشی و پندآموزی ، فلسفه نزول قرآن و قلمرو موضوعات آن

و إِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است بیدارگر و پندآموز .

عَنِ التَّذَكْرِ مَعْرُضِينَ

به گفته مفسران، مقصود از <تذکره> در این آیه، قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آیات قرآن ، راهنما و مایه غفلت زدایی و زمینه پندگیری و عبرت

كَلَّا إِنَّهَا تَذَكَّرَةٌ

مراد از ضمیر در <اِنَّهَا>، آیات قرآن است که با توجه به بیان اوصاف آنها در آیات بعد، تصریح به مرجع ضمیر لزومی نداشته است. <تذکره> اعم از <دلالت> (راهنمایی) و <اماره> (نشانه) است و به هر چیزی که با آن تذکر حاصل شود، اطلاق می گردد (مفردات راغب). <تذکیر> (مرادف تذکره) به معنای موعظه کردن و <ذکری> (اسم مصدر آن) به معنای عبرت است (قاموس)؛ بنابراین مراد از <تذکره> بودن قرآن، راهنمایی، موعظه کردن و مایه عبرت بودن آن است.

عبرت از قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : > الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته < روایت

شده که فرمود: > یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیہ ... >

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعید آن ترسان می باشند، و از قصه های آن پند و عبرت می گیرند و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۵

۵ - بالا بردن معرفت و عبرت آموختن بشر ، فلسفه و قلمرو داستان سرایی های قرآن

كذبت قبلهم قوم نوح . . . و لقد تركنها آیه فهل من مدكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۳

۳ - پندآموزی ، از اهداف نقل داستان گذشتگان در قرآن

إن فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت پذیران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۷

۷ - تعالیم قرآن ، برای انسان های پندپذیر سودمند است .

إن نفع الذکری . سیدکر من یخشی

مراد از جمله <سیدکر..> به قرینه <إن نفع الذکری> (در آیه قبل) <سیدکر و ینتفع> است؛ یعنی، پذیرش پند قرآن، ملازم با سود بردن از آن است.

عجز از مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸

۶ - کافران ، ناتوان از رویارویی با قرآن و مبارزه با تعالیم آن

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

کافران، به هنگام شنیدن آیات قرآن به جای مبارزه با آن و یا نقد و رد تعالیم آن، به متهم ساختن آورنده آن (پیامبراسلام) روی آوردند. از این نکته می توان به مطلب یاد شده پی برد.

عجز مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۱

۱ - منکران قرآن و تورات ، ناتوان از پاسخ دادن به پیشنهاد پیامبر (ص) (ارائه کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات)

قالوا سحران تظهرا .. فإن لم يستجيبوا لك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۸

۸ - کافران تکذیب گر ، ناتوان از رها کردن خود از سقوط و مبارزه با عوامل آن

سنستدرجهم من حيث لا يعلمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چون عوامل و زمینه های سقوط، برای کافران ناشناخته و غافل گیرانه است؛ قهراً رهایی از آن نیز برای آنان ناممکن خواهد بود.

عدم تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۲

۲- نیندیشیدن در آیات الهی (قرآن) و گذر کردن از آن بدون تأمل و اندیشه ، ستم کاری است .

و من أظلم ممن ذكر بآيت ربّه فأعرض عنها

عطف <أعرض> به وسیله حرف <فاء> گویای آن است که برخی، بدون تأمل و درنگ، پس از گوشزدشدن آیات الهی به آنان، از آن رومی گردانند

و همین، موجب ورود آنان به زمره ستم کاران می شود.

عذاب اخروی دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لا تجزوا اليوم .. سمرًا تهجرون

عذاب اخروی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۱

۱ انکار کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) و اخروی اند .

أفأمنوا أن تأتيهم غشيه من عذاب الله أو تأتيهم الساعة

ضمیر در <أفأمنوا> می تواند به <أكثر الناس> در آیه ۱۰۳ باز گردد. در این صورت مقصود از آن ضمیر کسانی اند که به قرآن و وحی الهی و رسالت پیامبر(ص) کافر شدند و آنها را انکار کردند.

عذاب تجزیه کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۱

۱- التقاطیون و تجزیه کنندگان قرآن در صدر اسلام، دچار عذاب الهی شدند .

كما أنزلنا على المقتسمين

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که لفظ عذاب در جمله <أنا النذير..> در آیه قبل، در تقدیر باشد و مفعول فعل <أنزلنا> ضمیر محذوفی باشد که به عذاب بر می گردد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: همان گونه که عذاب را بر <مقتسمین> نازل کردیم. گفتنی است <المقتسم> به معنای کسی است که چیزی را به چند جزء تقسیم کند و مراد از آن

به قرینه آیه بعد (الذین جعلوا القرآن عضین) تجزیه کنندگان قرآن هستند که برخی از معارف آن را پذیرفته و برخی را انکار کردند.

عذاب توطئه گران علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵ - ۵

۵ - تلاش گران بر ضد آیات قرآن ، عذابی دردناک و بد خواهند داشت .

و الذین سَعَوْا فِیْ ءَايَاتِنَا .. لَهِمْ عَذَابٌ مِنْ رَجْزِ أَلِيمٍ

به قرینه آیه بعد، می توان گفت که مراد از <آیات> در این آیه، آیات قرآن است.

عذاب دنیوی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۱

۱ انکار کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) و اخروی اند .

أَفَأْمَنُوا أَنْ تُؤْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ

ضمیر در <أَفَأْمَنُوا> می تواند به <أَكْثَرُ النَّاسِ> در آیه ۱۰۳ باز گردد. در این صورت مقصود از آن ضمیر کسانی اند که به قرآن و وحی الهی و رسالت پیامبر(ص) کافر شدند و آنها را انکار کردند.

عذاب کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافران به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للكفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینه آیه قبل، کسانی هستند که

کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

عذاب مانعان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۲

۲ - ممانعت از دسترسی انسان ها به پیام قرآن ، در پی دارنده عذاب سخت الهی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا .. فلنذیقن الذین کفروا عذابًا شدیدًا

عذاب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۳

۱۳ خداوند، اعراض کنندگان از آیات خویش (قرآن) را به عذابی سخت گرفتار خواهد ساخت.

سنجزی الذین یصدفون عن ءایتنا سوء العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها کسانی خود را از تذکرات قرآن ، دور نگه می دارند که تیره بخت تر از دیگران و گرفتار دشوارترین فرجام اند .

و یتجنبها الأشقی

<أشقی> اسم تفضیل از ماده <شقاوت> است. ریشه اصلی این کلمه بر سختی کشیدن دلالت دارد و نقطه مقابل سهولت و سعادت است (مقایس اللغه). ذکر این کلمه خالی از قید زمان و مکان و متعلق سبب شده است که بر هر نوع تیره بختی در دنیا و آخرت، قابل تطبیق باشد. آیه بعد، نوع اخروی آن را بیان داشته است.

عذاب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ - منکران حقانیت قرآن و کافران به پیامبر (ص) ، به عذابی خوار کننده گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۸

۸- در قیامت، هیچ راه نجاتی برای کافران به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت.

أولئك يؤمنون به و من يكفر به .. و اتقوا يوماً لا تجزي نفس عن نفس شيئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیة ای گرفته نمی شود و ...؛ مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی - جز ایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۵۰ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر اکرم (ص)، همواره در معرض عذاب ناگهانی استیصال، قرار دارند.

قل أریتم إن أتیکم عذابه بیتاً أو نهاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۸

۱۸- کافران به قرآن، در خطر عذابی غافل گیرانه و یا عذابی رو در رو و آشکارند.

أن تأتيهم سنّة الأولین أو یأتیهم العذاب قبلاً

چنان چه <قُبْلاً> مفرد باشد، به معنای <رؤیت شده> و <روبه رو> است و مراد آیه این می شود که کافران، چه بسا، به عذابی از نوع عذاب پیشینان که به قرینه مقابله با <قُبْلاً> غافل گیرانه بود کیفر شوند و ممکن است به عذابی آشکار و رویاروی، گرفتار آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز، به

حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال>) بوده است؛ یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَالِيَ بِالنَّارِ وَ صَالِيَهَا صَالِيًا قَاسِيًا حَرًّا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَالِيَ فُلَانٌ بِالنَّارِ يَصْلِي صُلِيًّا احترق (سوخت).

عرب ها و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۲

۲ - نزول قرآن به زبان عربی، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (ص) و جامعه های عرب زبان

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

<عربیًّا> اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در <لعلکم تعقلون> خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود؛ یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر <عربیًّا> به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در <لعلکم تعقلون> عام بوده و فراگیرنده همه انسان ها می شود؛ یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

عربیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۴

۴ خداوند، قرآن را در قالب لغت و زبان عرب نازل کرد .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۳

۳ خداوند قرآن را در قالب لغت و زبان عرب نازل کرد .

و كذلك أنزلنه حکماً عربیاً

کلمه <عربیاً> می تواند صفت برای <حکماً> باشد و می تواند حال برای ضمیر <ه> در <أنزلناه> باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۷

۷- قرآن ، در قالب زبان عربی فصیح و روشن نازل شده است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۳

۳- قرآن ، نازل شده به زبان عربی ، و منطبق با اصول و قواعد آن

و كذلك أنزلنه قرءاً عربیاً

برداشت یاد شده ناظر به این احتمال است که <عربیاً> به معنای زبان مخصوص عرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۱،۳

۱ - نزول مفاهیم وحی در قالب الفاظ عربی بر قلب پیامبر (ص)

نزل .. علی قلبک ... بلسان عربیّ

۳ - انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

در برداشت یاد شده <مبین> به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. براین اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۱

۱ - مجرمان متعصب

عرب ، منکر آسمانی بودن قرآن ، علی رغم جریان آن در قلب هایشان به زبان عربی روشن

كذلك سلكنه في قلوب المجرمين

<كذلك> به فرض نزول قرآن به زبان غیر عربی (و لو نزلناه علی بعض الأعجمین ..) اشاره دارد. <سلوک> (مصدر <سلکنا>) به معنای وارد کردن و راه دادن است. ضمیر مفعول در <سلکنا> به قرآن بازمی گردد؛ یعنی، <مثل ذلك السلوک سلکنا القرآن فی قلوب المجرمین>. مقصود این است که همان طور که اگر قرآن به زبان عجمی نازل می گردید و بر این مجرمان تلاوت می شد، از آن چیزی نمی فهمیدند، اکنون هم که به زبان عربی شیوا و روشن نازل شده است، از آن چیزی نمی فهمند و به آن ایمان نمی آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۲

۲ - قرآن ، در قالب زبان عربی نازل شد .

قرءانا عربیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۵

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشته باشد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نتیجه گرفت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهومی و معرفتی بوده و نزول لفظی آن در قالب حروف و کلمات عربی، نزول تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۴،۷

۴ - نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان

تنزیل من الرحمن .. قرءأنا عربیًّا

۷- قابلیت و گنجایش زبان عربی ، برای ارائه مفاهیم وحی و بیان معارف الهی

کتب فضلت آیته قرءأنا عربیًّا

خداوند پس از بیان این حقیقت که قرآن به روشنی بیان گشته (فضلت آیاته) آن را به عربی بودن توصیف کرده تا به این معنا اشاره کند که لغت عرب آن قابلیت را داشت که بتواند زبان وحی باشد و معارف الهی را در خود جای دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱

۱ - قرآن از سوی خداوند ، در قالب زبان عربی بر پیامبر (ص) وحی شده است .

و كذلك أوحینا إليك قرءأنا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده به زبان عربی از سوی خداوند

إنَّا جعلنه قرءأنا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۱۸

۱ - قرآن ، دارای حقیقتی متعالی و مکتوب در < لوح محفوظ > ، قبل از نزول به زبان عربی

إنَّا جعلنه قرءأنا عربیًّا .. و إنّه فی أمّ الکتب لدینا

مراد از < أمّ الکتب > لوح محفوظ است.

۸ - پایین آمدن مفاهیم عالی وحی از مرتبه < أمّ الکتب > تا < زبان عرب > ، نمودی از حکمت الهی است .

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا . . . وَ إِنَّهُ فِي أُمَّ الْكُتُبِ لَدِينَا لَعَلَى حَكِيمٍ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- عربی

بودن ، از امتیازات قرآن

و هذا كتب مصدق لساناً عربياً

عصیان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۶

۶ شرک و تسلیم نشدن در برابر آیات روشن قرآن، ظلم است.

انظر كيف نصرَف الأيت ثم هم يصدفون .. هل يهلك إلا القوم الظلمون

مخاطب فعل <أرءيتم> همان کسانی هستند که از آیات الهی اعراض کردند که از آنان به عنوان ظالم یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۴

۴ - تسلیم نشدن در برابر تعالیم قرآن ، ظلم و انحراف از مسیر حق است .

و أنا منّا المسلمون و منّا القسطنون

با توجه به مقابله <قاسطنون> با <مسلمون> مطلب یاد شده استفاده می شود.

عظمت آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۴

۴ مشرکان و کافران عصر بعثت، به والایی آیات قرآنی و محتوای بلند آن اعتراف داشتند.

و ليقولوا درست

زیرا اگر آیات در نظر مشرکان کم اهمیت بود، برای رد آیات به کم اهمیتی آن اشاره می کردند و نه به فراگیری آن از دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۳،۹

۳ آیات سوره رعد آیاتی ارجمند و رفیع است .

تلك ءايت الكتب

<تلك> لفظی است برای اشاره به دور. به کارگیری آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

۹ آیات قرآن ، آیاتی عظیم الشان و دارای محتوا و تعالیمی والا و بلند مرتبه است .

تلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۱

۱ - آیات قرآن ، دارای عظمت و منزلتی والا در نزد خداوند

تلک آیت القرآن

<تلک> برای مشارالیه بعید وضع شده است به کارگیری آن برای اشاره به آیاتی که پیش رو داریم بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۱

۱ - آیات قرآن ، برخوردار از عظمت و مرتبتی والا در پیشگاه خداوند

تلک آیت الکتب المبین

به کارگیری <تلک> (وضع شده برای بعید) برای اشاره به آیاتی که پیش رو داریم، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۱

۱ - آیات قرآن کریم ، از عظمت و شکوهی خاص برخوردار است .

تلک آیت الکتب الحکیم

اسم اشاره <تلک> مبتدا و برای اشاره به دور است. استعمال آن درباره آیاتی که در پیش رو است، برای اشاره به عظمت آنها است. لازم به ذکر است که احتمال دارد مراد از آیات، همه آیه های قرآن و یا آیه های سوره لقمان باشد. برداشت بالا، براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۸

۸- تأثیر شگرف آیات قرآن بر قلب‌ها و اندیشه‌ها، نشانگر استناد آن به نیرویی فوق طبیعی

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين كفروا .. هذا سحر مبين

از مجموع آیه شریفه، تأثیر شگرف و اعجاز گونه آیات قرآن استفاده می شود.

عظمت تعالیم قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، حاوی مطالب و مضامینی گران سنگ و ارائه دهنده تکالیفی گران بار برای بشر

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا

در این که مقصود از <قول> و ثقیل بودن آن چیست؛ مفسران چند احتمال بیان کرده اند. مهم ترین آنها، دو احتمال زیر است: ۱ قرآن کریم (نظر بیشتر مفسران)؛ سنگین بودن آن یا به لحاظ محتوا و مضامین و یا به لحاظ عمل و اجرا و یا هر دو است. ۲ مطلق سخن سنگین؛ ولی ممکن است مقصود، فرمان به تبلیغ علنی دین باشد؛ چون این آیات در مرحله آغازین بعثت (در مکه) نازل شده و در این مرحله، تبلیغ دین کاری بس دشوار و سنگین بوده است.

عظمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۱

۱ - قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلك الكتب

<ذلك> مبتدا و <الكتاب> خبر آن است. بر این مبنا <ال> در الکتاب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است ارجمند و با عظمت و نازل شده از پیشگاه خداوند

و لما جاءهم كتب من عند الله

نکره آوردن <کتاب> و تصریح به اینکه از نزد خدا آمده است، دلالت بر عظمت و ارجمندی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ عظمت پیامبر (ص) و قرآن

قد جاءكم

من الله نور و کتب

نکره آوردن <نور> و <کتاب> برای رساندن این معناست که عظمت پیامبر(ص) و قرآن، فراتر از آن است که بشر به تمامی آن دست یابد و حقیقت آن را به طور کامل بشناسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۹

۹ عظمت و ارزش برتر قرآن نسبت به دیگر کتاب های آسمانی

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصداقاً .. و مهيمناً عليه

حفاظت و نگرهبانی از کتابهای آسمانی که به عهده قرآن گذارده شده است، نشانه برتری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ قرآن برای مشرکان زیبا و جذاب بوده است.

يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

<أساطير> به معنی سخن زینت شده و زیبا آمده است. <سطر فلان علی فلان إذا زخرف له الأقاویل و نمقها>. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۲،۳

۲ قرآن کتابی گرانسنگ و نازل شده از جانب خداوند است.

و هذا کتب أنزل نه

۳ قرآن کتابی گرانقدر و مبارک (فزاینده و رشد دهنده و دارای خیر فراوان) است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک

<برکه> یعنی رشد و فزونی (لسان العرب) و <مبارک> چیزی است که در آن فزونی باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۱

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، با عظمت و نازل شده بر پیامبر (ص)

کتب أنزل إليك

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و

توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۴

۴ قرآن ، کتابی است با عظمت و تلاوت آن بسیار ارزشمند می باشد .

و ما تكون في شأن و ما تتلوا منه من قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱

۱ قرآن ، کتابی با عظمت و دارای ساختاری بندبند به نام ((آیه)) .

کتابُ أحمكُم ءآيته

((کتاب)) خبر برای مبتدای محذوف (ذلک) است و نکره آوردن آن برای تعظیم می باشد؛ یعنی : ذلک الکتاب ، کتابُ عظیم الشأن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۴

۴- قرآن ، کتابی نازل شده از رتبه و جایگاهی بس رفیع و با عظمت

کتاب أنزلنه إليك

نزول در لغت به معنای فرود آمدن از جای بلند است که به تناسب موضوع، نزول از جایگاه رفیع است و نه مکان بلند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۷

۷- قرآن ، کتابی ارجمند و والا در پیشگاه خداوند

و قرءان مبین

تنوین تنکیر <قرآن> برای تفخیم و تعظیم است و بر نکته یاد شده دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۲

۲- قرآن ، کتابی نازل شده از رتبه و جایگاهی بس بلند و رفیع

إنا نحن نزلنا الذِّكْرَ

ذکر ضمیرهای جمع برای بیان فرو فرستادن قرآن و لغت <نزول>، که فرود

آمدن از جایگاه عالی به پایین است، دلالت بر نکته فوق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است با عظمت و نعمتی بزرگ

و لقد آتینک .. و القرءان العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۵

۵- قرآن ، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد لله الذی أنزل علی عبده الکتب

<ال> در <الکتاب> برای استغراق صفات است؛ یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۲

۲- قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه

لقد أنزلنا إلیکم کتابًا

تنوین <کتاباً> دال بر تفخیم و تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۶

۶ قرآن ، کتابی است با عظمت و مؤمنان وظیفه دار حراست از حرمت و منزلت آن

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

برداشت فوق، از اسم اشاره <هَذَا> در <هَذَا الْقُرْآنُ> که بر تعظیم و تفخیم دلالت دارد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی ارجمند و دارای جایگاهی والا نزد خداوند

تلک ءایت الکتب

اشاره به آیات پیش رو با لفظ <تلک> که برای مشارالیه بعید است بیانگر بُعد منزلت و بلندی جایگاه قرآن در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۵

۵ - محتوای بلند قرآن ، سند آسمانی بودن آن

و ما ینبغی لهم و ما یتطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه در پیشگاه خداوند

و القرءان

سوگند خداوند به قرآن، حاکی از عظمت و بلند مرتبه بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۳

۳ - قرآن ، جلوه عزت و رحمت خداوند

و القرءان .. تنزیل العزیز الرحیم

یادکرد دو صفت <عزت> و <رحمت> خداوند به هنگام نسبت دادن نزول قرآن به او، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه در پیشگاه خداوند

و القراءان

سوگند خداوند به قرآن، حاکی از عظمت و بلند مرتبه بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی گران سنگ و نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

کتب أنزلنه إليك

تنکیر

<کتاب> مفید تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قرآن ، دارای حقیقتی ملکوتی و متعالی

الله الذی أنزل الکتب

به کارگیری ماده <نزول> (فرود آمدن از فراز) می تواند اشاره به برداشت بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی مقدس و ارجمند نزد خداوند

و الکتب المبین

واو در <و الکتب> واو قسم است. سوگند خوردن خداوند به قرآن، نشان از ارجمندی و قداست قرآن در پیشگاه او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۴

۴ - حقیقت ملکوتی قرآن ، فراتر از حد درک و دریافت عادی بشر

و إِنَّه فی أُمِّ الکتب لدینا لعلی

جمله <إِنَّه فی أُمِّ الکتب لدینا لعلی> تأکیدی برای عبارت پیشین است، یعنی، قرآن دارای چنان مرتبه بلندی است که اگر ما آن را از <أُمِّ الکتب> به زبان عربی بر نمی گردانیم و برای زمینیان نازل نمی کردیم، دستیابی به معارف آن برای هیچ انسانی مقدور نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۴

۴ رسایی و بلاغت بیان ، از ابعاد عظمت قرآن

و الكتب المبين

از این که قرآن با وصف < کتاب مبین > مورد سوگند الهی قرار گرفته است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۶

۶- قرآن ، حقیقتی نازل شده از مرتبتی والا و رفیع

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایشه - ۴۵ - ۲ - ۴

۴ - ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن و یا همانند آن

تنزیل الکتب من الله العزيز

برداشت بالا- با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) از ارتباط میان <تنزیل الکتب> با وصف <العزيز> نوعی تحدی استفاده می شود. ب) مطرح ساختن عزت و شکست ناپذیری خداوند در مورد قرآن، در ابعاد مختلفی تصویر می شود؛ از جمله در بُعد محتوایی و لفظی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۵،۷

۵- معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

<تنزیل> می تواند اشاره به تنزل یافتن معارف بلند وحی، در مرتبه فهم بشر باشد و نه تنزل فیزیکی و مکانی. از ارتباط <تنزیل الکتب> با <العزيز الحكيم> ممکن است استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزل آن دلیل حکمت او است.

۷- عزت و حکمت الهی ، متجلی در قرآن و مضامین عالی آن

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

ارتباط <تنزیل الکتب> با وصف <العزيز الحكيم>، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، دارای ارج و عظمتی والا

و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۵

۵- چشم پوشی کافران ، از عظمت

خدشه ناپذیر قرآن و تمسک آنان به بشر بودن پیامبر (ص)، برای انکار رسالت آن حضرت

و القرآن المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم فقال الكفرون هذا شیء عجیب

از ارتباط این آیه با آیه قبل که سوگند به ارجمندی قرآن بود می توان استفاده کرد که خداوند قبل از هر چیز، عظمت خدشه ناپذیر آیات قرآن را به کافران یادآور شده و ایشان را به سبب تمسک به مسائل بی ارزش، ملامت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن للذکر

مفهوم <لقد یسرنا..> این است که حقایق قرآنی در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا القرآن..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا

القرآن .. > این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها در درک آن ناتوان می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۷ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بس ارجمند و نفیس

إنه لقرءان کریم

> کریم < معادل نفیس و گران بها است (مصباح المنیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۲

۲ - اوراق قرآن ، دارای عظمت و احترام در پیشگاه خداوند

مکرمه

آنچه در نوع خود شریف باشد، به <کرم> توصیف می شود (مفردات راغب). باب تفعیل این کلمه (تکریم)، به معنای <عظمت دادن> و <پاک و متزه ساختن> است (لسان العرب). بنابراین توصیف صفحات قرآن به <مکرمه>، حاکی از این است که خداوند آنها را عظمت داده و محترم داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیمی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب .. بل هو قرءان مجید . فی لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۷

۷- قرآن ، کتابی با عظمت و گنجینه معارفی هماهنگ با مقدرات جهان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

نزول قرآن در شب قدر، اسناد نازل کردن آن به خداوند و آوردن ضمیر بدون مرجع آن

که خود حاکی از شهرت مرجع ضمیر است نشانه های عظمت قرآن است. تناسب ظرف و مظهر نیز، بیانگر هماهنگی نزول قرآن با ویژگی های شب قدر است.

عفو تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - سپاس گزاری از عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان ، رفتاری ارزشمند و خدایی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... إِنَّهُ غَفُورٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

عقلانیت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- معارف و تعالیم قرآن ، مطابق و سازگار با عقل و خرد است .

لقد أنزلنا إليكم كتاباً .. أفلا تعقلون

تشویق و برانگیختن به تعقل در قرآن، بیانگر آن است که این کتاب آسمانی، از نظر محتوا با عقل و خرد سازگار است.

عقلانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۲

۱۲- معارف و آموزه های قرآن مطابق و هماهنگ با خرد ناب است .

هذا بلغ للناس .. و ليدكر أولوالألب

از اینکه خداوند هدف از نزول قرآن را پندپذیری صاحبان خرد قرار داد، معلوم می شود که قرآن با موازین عقلی مطابق و هماهنگ است و اگر غیر از این بود، خردورزان از آن پند

نمی گرفتند؛ بلکه نتیجه معکوس در برمی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - معارف و آموزه های قرآن ، مطابق با عقل و خرد ناب است .

کتاب .. لیدبّروا آیته و لیتذکر أولوا الألب

از این که خداوند، عاقلان و صاحبان خرد جامعه بشری را مخاطب خود ساخته و آنان را به تدبیر در آیات قرآن تشویق کرده است، می توان حقیقت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۳

۳ - قرآن ، سخنی نو و در عین حال به دور از مطالب نامعقول و غیرقابل قبول

أفمن هذا الحديث تعجبون

مشارالیه <هذا>، می تواند قرآن باشد. در این صورت واژه <الحديث> اشاره به نو بودن آن دارد. نفی اعجاب و استبعاد که از استفهام توییخی استفاده می شود می رساند که قرآن در اوج نو بودن، منطقی و قابل درک و فهم است.

عقیده به خیریت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ - عقیده مندان به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر بودن آن ، دارای جایگاهی خوب در عالم آخرت

و قيل للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم قالوا خيراً .. و لنعم دار المتقين

عقیده به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۴

۴- ایمان و اعتقاد برخی از پیروان ادیان آسمانی به قرآن ، تأییدی بر حقانیت آن

إِن كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ

و کفرتم به و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله

ارزش ایمانِ اهل کتاب به قرآن و پیام آن برای دیگران، از آن جهت است که آنان با پیام وحی آشنا هستند و ایمانشان به قرآن، بر اساس آگاهی به پیام و محتوای کتاب های آسمانی است. از این جهت می تواند برای دیگران دلیل و حجت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مواضع گروه های جنی در برابر قرآن و رهنمود های آن

قل

عقیده به و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ - عقیده مندان به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر بودن آن ، دارای جایگاهی خوب در عالم آخرت

و قیل للذین اتقوا ماذا أنزل ربکم قالوا خیراً . . . و لنعم دار المتّقین

عقیده یهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به آسمانی بودن قرآن و معترف به الهی بودن آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّٰه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

چنانچه یهودیان آسمانی بودن قرآن را باور نداشتند در پاسخ به دعوت پیامبر(ص) (ءامنوا بما أنزل اللّٰه) به آنچه خدا فرو فرستاده ایمان آورید)، اظهار می داشتند که: قرآن از جانب خدا نیست. اعراض از چنین پاسخی، گویای اطمینان ایشان به آسمانی بودن قرآن و اعتراف ضمنی آنان به الهی بودن آن است.

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به

الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَوَّابُونَ نَحْنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا

علاقه به حفظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) ، دارای اشتیاق شدید به حفظ آیات قرآن و به خاطر سپردن آن

و لا تعجل بالقرءان من قبل أن یقضی الیک وحیه

گفته شده است که انگیزه پیامبر(ص) در قرائت آیات، همراه با قرائت جبرئیل، اطمینان یافتن به دریافت کامل وحی بوده است.

علم انحصاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۲

۲ آگاهی به زمان برپایی قیامت ، دانشی در انحصار خداوند

قل إنما علمها عند ربی . . . قل إنما علمها عند الله

علم بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۲۰

۲۰ - قرآن ، افزایش دهنده علم است .

و لا تعجل بالقرءان . . . و قل رب زدنی علماً

علم به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - آگاهی یهود و نصارا ، از کتاب آسمانی بعد از تورات و انجیل (قرآن) پیش از نزول آن

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

علم حافظان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۴

۴ - حافظان قرآن ، برخوردار از موهبت علم اند .

بل هو . . . فی صدور الذین أوتوا العلم

علما و آیات قرآن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ تنها دانشوران ، شایسته فهم و درک آیات قرآند (آیات مربوط به پدیده های جهان آفرینش) .

یفصل الأیت لقوم یعلمون

علما و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۶

۶ جاذبه خاص قرآن برای علمای راستین و ژرفنگر

لکن الرسخون . .. یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵،۱۰

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و ليقولوا درست و لنینه لقوم یعلمون

۱۰ عالمان از گوناگونی آیات قرآن و رمز و رازهای ارزشمند آن بهره می برند.

و کذلک نصر الف الأیت . .. و لنینه لقوم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳

۱- خضوع و خشوع همیشهگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذین أوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخزون للأذقان یتکون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخزون للأذقان يبكون

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن ، همراه با سرشک دیدگان

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. و يخزون للأذقان يبكون و يزيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر

۱۶ - تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف بلند قرآن برخوردارند .

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

علما و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۳

۳ - استفاده از مثل های به کار برده شده در قرآن ، تنها ، برای دانشوران اهل تحقیق ممکن است .

و تلك الأمثل نضربها للناس و ما يعقلها إلاّ العلمون

علمای اهل کتاب و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ - با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با

قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ .. يَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أوتوا العلم من قبله> اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به <خر> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

علمای بنی اسرائیل و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۱

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أَوَّلَمْ يَكُنْ لَهُمْ ءَايَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

استفهام در این آیه توییخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و <آیه> خبر <لم یکن>

و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن يعلمه...> نیز اسم <لم یکن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد؛ یعنی، <أولم یکن علم علماء بنی اسرائیل بخبر القرآن أو خبر نزوله علی سبیل البشاره فی کتب الأنبياء الماضین آیه للمشرکین علی صحه نبوتک>.

علمای مسیحیت و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أولم یکن لهم آیه أن یعلمه علموا بنی اسرائیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۰، ۳

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسیسین و رهباناً .. ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسیسین> و <رهبان> برگردانده شود.

۱۰ گروهی از مسیحیان، کشیشان و راهبان عصر بعثت، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن.

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول

... يقولون ربنا امانا

علمای یهود و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - عالمان یهود در عصر پیامبر (ص)، به الهی بودن قرآن آگاهی کامل داشتند.

و هم یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول <یعلمون> به قرینه <یسمعون کلام الله> الهی بودن کلامی باشد که برای آنان قراءت می شده است، یعنی: <و هم یعلمون ان الذی یسمعونه کلام الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون انه منزل من ربک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أولم یکن لهم ءایه أن یعلمه علموا بنی اسرائیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

علوم قبل از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۶

۶- وجود برخی علوم و معارف صحیح الهی در میان مردم قبل از نزول قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ

عَمِلُوا بِهِ تَعَالِيمَ قُرْآنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۶ منحرفان ، ناتوان از گمراه سازی مسلمانانی که به تعالیم قرآن پایبند بوده و از دستورات پیامبر (ص) پیروی کنند .

لا یضرکم من ضل إذا اهدیتهم

برداشت فوق بر این اساس است که حرف <لا> در <لا یضرکم> نافیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ باور به تعالیم قرآن و انجام دستورات آن ، راه جلوگیری از تباه گشتن سرمایه عمر

قد خسروا أنفسهم

جمله <قد خسروا أنفسهم> در توصیف کسانی است که در دنیا قرآن را باور نکردند و به دستورات آن گردن نهند.

عمل به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : <الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته> روایت شده که فرمود : < یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیة . . . >

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعید آن ترسان می باشند، و از قصه های آن پند و عبرت می گیرند و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند . . . > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۴

اهل کتاب وظیفه دار ایمان به قرآن و اقامه آن د تمام شوون زندگی *

و لو انهم اقاموا .. ما أنزل اليهم من ربهم

می توان گفت مراد از <ما انزل اليهم>، قرآن است و کلمه <اليهم> بیانگر این معناست که اهل کتاب باید خود را از مخاطبان قرآن بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت ، و ردّ و انکار آن گمراهی و ضلالت است .

قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضل فإنما يضل عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۵

۵ مسلمانان ، وظیفه دار به صحنه آوردن و فهم صحیح قرآن و عمل به تعالیم آن .

يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

تردید نیست که مهجور و متروک ساختن قرآن، مربوط به ظاهر آن نیست؛ بلکه مقصود، تأمل نکردن در معارف آن و نشناختن و عمل نکردن به تعالیم آن است. از این رو آیات بسیاری از قرآن، انسان ها را به تفکر در قرآن و عمل به آموزه های آن، فرا خوانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) پیش از هر کس ، موظف به پیروی از قرآن و عمل کردن به دستورات آن بود .

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ

<فَرَضَ> (مصدر <فَرَضَ>) به معنای واجب کردن است. بنابراین <فرض عليك القرآن> یعنی، <قرآن را بر تو

واجب فرمود<. واجب شدن قرآن بر پیامبر(ص) می تواند به این معنا باشد که عمل کردن به دستورات آن نخست بر خود آن حضرت واجب می باشد و سپس بر دیگران. هم چنین می تواند به این معنا باشد که پیامبر(ص) وظیفه دارد قرآن را بر مردم تلاوت کند و پیام آن را به مردم ابلاغ نماید. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۱،۷،۹

۱ - لزوم التزام عملی به قرآن و عینیت بخشیدن به محتوای آن در عرصه زندگی

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

مقصود از <أحسن ما أنزل..> قرآن کریم است.

۷ - توصیه خداوند به عمل کردن به قرآن ، پیش از دچار شدن به پیامد های هلاکت بار رها کردن قرآن (عذاب)

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ .. من قبل أن يأتیکم العذاب

۹ - روی آوردن به قرآن و عمل به تعالیم آن ، پس از آمدن عذاب بی فایده است .

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ .. من قبل أن يأتیکم العذاب بغته

از این که خداوند فرمود: پیش از آمدن عذاب به تعالیم قرآن عمل کنید، روشن می شود که با آمدن عذاب، این کار بی فایده خواهد بود.

عمل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۶

۶ - خداوند ، به افکار و کردار منکران معاد و تکذیب کنندگان قرآن ، داناتر از هر کس دیگر است .

و الله أعلم بما یوعون

عمل ناپسند مفتریان به قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه و کیفر عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . ليحملوا أوزارهم ... ألا ساء ما يزرون

عمومیت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۵۸

۵ - پیام های قرآن ، بصیرت آفرین برای تمامی انسان ها و نه صرفاً برای گروهی خاص

هذا بصائر للناس

۸ - پیام قرآن برای همگان است ؛ ولی بهره‌وری از آن ، مخصوص حق باوران و حق جویان می باشد .

هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون

عمومیت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۱ - ۳

۳ - شایستگی قرآن برای تذکر و ارشاد همه مردم ، دلیل لزوم پرهیز از منحصر ساختن مجالس آموزش آن به قشری خاص

فأنت له تصدی .. فأنت عنه تلهی . کلاً إنها تذکره

عمومیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۶

۶ - قرآن ، به رغم این که کتابی برای همه است ، اما درک عمیق و درست آن ، در حیطه گروه خاصی است .

للناس و ما يعقلها إلاّ العلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، اگرچه برای همه مردم است ، اما بهره گیری از آن ، شرایط و شایستگی خاص می

طلبید .

أنا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم إن في ذلك لرحمة.. لقوم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۱

۱ - همه مردم از هر قشری ، مخاطبان قرآن اند .

يَأْتِيهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ .. يَأْتِيهَا النَّاسُ

برداشت یاد شده از معنای لغوی <ناس> (مردم) و نیز تکرار آن در قسمت آغازین سوره، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است برای عموم مردم ؛ نه ویژه گروهی خاص .

و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كل مثل

برداشت یاد شده از آمدن واژه <لنناس> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۱

۱ - مخاطبان قرآن ، عموم مردم و بهره مندان از آن ، گروهی خاص اند .

لمن شاء منكم أن يستقيم

بدل آوردن <لمن شاء منكم> برای <للعالمين>، به منظور بیان این نکته است که قرآن برای همه مردم است و ولی تنها گروهی خاص از آن بهره می برند و سایر مردم خود را از هدایت آن محروم می کنند.

عمومیت هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - هدایت یافتن و سود بردن از قرآن ، برای تمامی طیف های اجتماعی جامعه بشری ، ممکن و میسر است .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰

۳ - شایستگی قرآن برای تذکر و ارشاد همه مردم ، دلیل لزوم پرهیز از منحصر ساختن مجالس آموزش آن به قشری خاص

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى .. فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى . كَلَّا إِنَّهَا تَذَكَّرُ

عمومیت هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۴

۴ - پیام هدایت قرآن ، عام و برای همگان است و بشارت های آن ، خاص و ویژه مؤمنان .

هُدًى و بشرى للمؤمنين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <للمؤمنين> قید برای <بشرى> باشد. بنابراین <هدى> از آن جهت که فاقد قید است، افاده عموم می کند.

عوامل اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۵

۵ - تکیه بر آداب و رسوم گذشتگان و اصرار بر رعایت آنها ، از عوامل نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص) و پیروی نکردن از قرآن و احکام دین

قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۸

۸ فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و مبارزه با آنها برخاسته از جهل است. *

و هم ینهون عنه و ینثون عنه و إن یشهلون إلا أنفسهم و ما یشهرون

<واو> در جمله <و ما یشهرون> می تواند حالیه و یا عاطفه باشد. در صورت عطف، جمله <ما یشهرون> بیان خصلتی

دیگر از صفات کافرانی است که در صدد رویارویی با قرآن هستند. که همان نداشتن درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

۱۰ محرومیت منافقان از درک و فهم صحیح ، عامل اعراض آنان از قرآن

و إذا ما أنزلت سورة .. ثم انصرفوا ... بأنهم قوم لا يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷ - ۱۱

۱۱- روی گردانی کافران از ارزش های نو قرآن ، معلول دنیاطلبی آنان است .

لم يؤمنوا بهذا الحديث .. ما على الأرض زينة لها لنبلوهم

جمله <إننا جعلنا ما على الأرض زينة لها> می تواند به عنوان تعلیلی برای اعراض کافران مطرح باشد؛ یعنی، زیبایی دنیا، باعث شده که ایشان به آن، دل خوش کنند و به قرآن ایمان نیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۶ - ۳

۳- برتر دیدن زندگانی دنیا از آخرت ، دیدگاهی ناروا و مایه شقاوت و روی گردانی از تذکرات قرآن و گرفتاری به آتش دوزخ است .

و يتجنَّبها الأشقى . الذی یصلی النار ... بل تؤثرون الحیوه الدنیا

عوامل ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۷

۱۷- پروا داشتن از خدا و نهرا سیدن از غیر او ، مستلزم ایمان به قرآن و پرهیز از دین فروشی است .

ءامنوا بما أنزلت .. و لاتشتروا بآیتی ثمناً قليلاً و إیّی فاتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۳

۳ - تلاوت تورات و انجیل و پیروی از آن دو ، موجب ایمان آوردن به قرآن و پیامبر (ص

(است .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۲

۱۲ قرآن برترین سخن برای هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بینه . . . فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان (توانایی درک و فهم حقایق) گرایش دهنده او به توحید ، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۲

۲ - گرویدن اهل ایمان به قرآن و بهره گیری از معارف آن ، مرهون هدایت و راهنمایی خداوند

وهدوا إلى الطَّيِّب من القول

مقصود از سخن پاک (الطيب)

من القول) می تواند قرآن یا کلمه توحید (لا إله إلا الله) باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال اول است.

عوامل تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱

۱ مشرکان ، آیاتی از قرآن را که حامل معارفی بلند بوده و در ظرف کوچک ذهن آنان جای نمی گرفت ، انکار می کردند .

أم يقولون افتريه . . . بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما لم يحيطوا .. > اشاره به دسته ای از آیات قرآن باشد و مای محذوف در <لما يأتهم تأويله > که عطف بر <لم يحيطوا> و به تقدیر <و كذبوا بما لما يأتهم تأويله > است اشاره به دسته ای دیگر از آیات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۵ - ۸

۸ مشرکان عصر بعثت به خاطر دنیا طلبی و تجمل گرایی ، قرآن را نپذیرفته و آن را ساخته دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند .

أم يقولون افتريه . . . من كان يريد الحيوة الدنيا و زينتها

بیان پیامدهای دنیاخواهی و تجمل گرایی، پس از دعوت به توحید و اقامه برهانی روشن برای آن، اشاره به ریشه های اصرار مشرکان به کفرورزی دارد؛ یعنی، اینکه مشرکان با وجود دلیلی روشن بر حقانیت قرآن، حقایق مطرح شده در آن را نمی پذیرند به دلیل دنیاخواهی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه

استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فالدین لایؤمنون بالآخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون .. و إذا قیل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۱

۱ تکذیب قیامت ، عامل اصلی انکار رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم از سوی کافران و مشرکان

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک .. و قالوا مال هذا الرسول ... بل کذبوا ب

<بل> در <بل کذبوا> برای اضراب انتقالی است و به قرینه مقام، انتقال از یک امر مهم و بزرگ به امری بزرگ تر و مهم تر است؛ یعنی، انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) به خاطر غذا خوردن و داد و ستد آن حضرت در بازار نیست (اینها همه بهانه بود)؛ بلکه به خاطر قبول نداشتن اصل اعتقادی معاد است؛ اصلی که پس از توحید، محور دعوت هر پیامبری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۳

۳- بی ایمانی و بی پروایی نسبت به روز جزا ، عامل مخالفت کافران با رسالت پیامبر (ص) و نپذیرفتن تعالیم قرآن

بل لایخافون الآخره

عوامل حُسن استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۴ - ۳

۳- حُسن استفاده برخی انسان ها از قرآن و سوء استفاده گروهی دیگر ، معلول خصلت ها و روحیات نفسانی خود آنان است .

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلا خسارًا ..

عوامل رفع شبهه از قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۳

۳ - تأمل در آیات قرآن، زداینده هر گونه تردید در الهی و آسمانی بودن آن

أفلم يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ

عوامل سوء استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۴ - ۳

۳- حسن استفاده برخی انسان ها از قرآن و سوء استفاده گروهی دیگر، معلول خصلت ها و روحيات نفسانی خود آنان است .

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يُزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ..

عوامل سهولت فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱،۳

۱- تسهیل معارف والای قرآن از سوی خداوند برای خلق، در پرتو ویژگی های خاص زبان عربی

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ

مراد از <لسانك>، می تواند زبان عربی باشد که زبان پیامبر(ص) بوده است.

۳- نقش مهم توضیحات و تفسیرهای پیامبر (ص)، در فهم آسان حقایق عالی قرآن

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <لسانك>، کنایه از تفسیرها و توضیحاتی باشد که پیامبر(ص) درباره آیات قرآن، برای فهماندن آنها به مردم ارائه داده است.

عوامل غفلت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۲

۲ دوستی و نزدیکی با افراد ناباب ، عامل غفلت و دوری از تعالیم بیدارگر قرآن

لقد أضلّني عن الذكر بعد إذ جاءني

مقصود از <الذکر> به قرینه آیه بعد که از مهجور شدن قرآن و فراموش شدن آن در میان جامعه سخن می

گوید و نیز به این دلیل که یکی از نام های قرآن، <ذکر> است، قرآن می باشد.

عوامل فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۷

۷ علم و دانش ، زمینه و ابزار فهم معارف قرآن

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

عوامل کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۷

۷ - فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصدق روشن برای <الفاسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای نفس دارد .

قل فأتوا بکتب .. أهدی منهما... فاعلم أنما يتبعون أهواءهم

عوامل مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و مبارزه با آنها برخاسته از جهل است. *

و هم ینھون عنہ و ینثون عنہ و إن ینھلون إلا أنفسهم و ما یشعرون

<واو> در جمله <و ما یشعرون> می تواند

حالیه و یا عاطفه باشد. در صورت عطف، جمله <ما یشعرون> بیان خصلتی دیگر از صفات کافرانی است که در صدد رویارویی با قرآن هستند. که همان نداشتن درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۵

۵ دنیاطلبی مشرکان صدر اسلام، عامل مبارزه آنان با اسلام و قرآن

اشتروا بأیت الله ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ - دل بستگی به کفر، عامل ایستادن در مقابل تعالیم قرآن کریم

وقال الذين كفروا للحقّ لَمَّا جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبين

آوردن فاعل ظاهر (الذين كفروا) برای <قال> به جای <قالوا> می تواند به خاطر اشاره به نکته یاد شده باشد.

عوامل محرومیت از شفا بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - محرومیت انسان از هدایت و شفای قرآن، معلول شرایط و قابلیت های روحی خود او است.

والذين لا يؤمنون في آذانهم وقر

بنابراین که جمله <فی آذانهم وقر> به منزله علت برای عدم ایمان کافران باشد، از آیه استفاده می شود که ایمان نیاوردن کافران و بی بهره ماندن آنان از قرآن، ناشی از وضعیت فکری و روحی خود آنان است.

عوامل محرومیت از فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم

ایمان

به آخرت است .

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الکافرین> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۳

۳- محرومیت از درک صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذین لایؤمنون بالأخره ... و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۲

۱۲- محروم شدن از درک پیام های قرآن ، کیفر بی اعتنایی به آیات خدا و فرو رفتن در غفلت از گناهان است .

ذکر بآیت ربّه فأعرض عنها .. إنا جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۸

۸- اعراض از قرآن ، عامل محرومیت از فهم آیات و معارف آن

فأعرض أكثرهم فهم لایسمعون

برداشت بالا- بر این اساس است که <لایسمعون> به معنای <لایفهمون> باشد؛ چنانکه <مفردات> در مفهوم <سمع> این معنا را آورده است.

عوامل مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان

به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

عوامل مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۳

۳ - محدود بودن ثبوت و ابلاغ قرآن به سفیران خداوند، تضمین کننده پاکی و پیراستگی آن از هر گونه خطا و باطل

مطهره . بآیدی سفره

عبارت <بآیدی سفره>، ممکن است متعلق به <مطهره> باشد؛ بر این اساس عامل تطهیر قرآن از خطا و باطل، آن است که تنها دستان سفیران الهی آن را ثبت و ابلاغ می کند و دیگران از دسترسی به آن ناتوان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۶

۶ - سلامت عقلانی پیامبر (ص)، ضامن دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی و مصونیت مرحله دریافت از خطا و تحریف

و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۳

۳ - عقل سالم پیامبر (ص) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن، تضمین کننده دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأفق المبین

عوامل مؤثر در فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۴

۴ - عزم و اراده آدمی، در درک و عدم درک حقایق قرآنی و پذیرش آنها نقشی تعیین کننده دارد.

الذین لایؤمنون بالأخره . . . و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه

ذکر جمله <الذین لایؤمنون> (آنان که ایمان نمی آورند) برای معرفی اندیشه های کافران به جای

>الکافرین < می تواند حاکی از نقش تصمیم و قصد آنان باشد.

عوامل نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ ربوبیت و پروردگاری خدا، مقتضی نزول قرآن

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۴

۴ ربوبیت خداوند، مقتضی نزول کتابی پندآموز، شفابخش، هدایتگر و رحمت بخش است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ

غفلت زدایی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۳

۳- وحی الهی (قرآن و ...)، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است.

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی الهی به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسانِ غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۹

۹- قرآن ، کتابی است بیدارگر و غفلت زدا .

سوره أنزلنها .. فیها آیت بینت لعلکم تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳

۴ - قرآن ، بیدارکننده آدمیان از غفلت و بی توجهی

أفضرب عنکم الذکر

به کارگیری <ذکر> به جای <قرآن>، حاکی از این است که قرآن، بیدارگر خفتگان و یادآور غافلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آیات قرآن ، راهنما و مایه غفلت زدایی و زمینه پندگیری و عبرت

کلاً إنَّها تذکره

مراد از ضمیر در <إنَّها>، آیات قرآن است که با توجه به بیان اوصاف آنها در آیات بعد، تصریح به مرجع ضمیر لزومی نداشته است. <تذکره> اعم از <دلالت> (راهنمایی) و <اماره> (نشانه) است و به هر چیزی که با آن تذکر حاصل شود، اطلاق می گردد (مفردات راغب). <تذکیر> (مرادف تذکره) به معنای موعظه کردن و <ذکری> (اسم مصدر آن) به معنای عبرت است (قاموس)؛ بنابراین مراد از <تذکره> بودن قرآن، راهنمایی، موعظه کردن و مایه عبرت بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ارجمندی ، عظمت و پیراستگی صفحات قرآن و مقام والای نویسندگان آن ، تضمین کننده شایستگی آن برای غفلت زدایی و بیان حقایق

إنّھا تذکره .. فی صحف

مکرّمه . مرفوعه مطّهّره . بآیدی سفره . کرام برره

غیبگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۳

۳ - گسترش نسل پیامبر (ص) ، از خبر های غیبی قرآن

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۵

۵ - گسترش آوازه پیامبر (ص) و بقای نام نیک برای او و مهجور ماندن نام دشمنان دین در تاریخ ، بشارت خداوند به آن حضرت و از خبر های غیبی قرآن

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمان مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

و لا أُنتم عبدون ما أعبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴،۴

۲ - سازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید ، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أُنتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم، عبارتی یکسان دارد ولی در زمان با آن متفاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد

زمان آینده است و ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

۴- بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان عمر، از خبر

های غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۴

۴ - خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را از پیش به فتح مکه و امداد های خود بشارت داد .

إذا جاء نصر الله و الفتح

فاسقان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

فاسقان و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - تنها فاسقان به سبب وجود مثلهایی در قرآن ، به گمراهی کشانده می شوند .

و ما یضل به إلا الفسقین

فرجام استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۶

۶ مردن بر حال کفر ، فرجام شوم منافقان استهزاکننده آیات قرآن

و أما الذين فى قلوبهم مرض . . . و ماتوا و هم كفرون

فرجام اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۶

۶- لزوم خداترسى و هراس از فرجام مخالفت با تعاليم قرآن

إلا تذكرة لمن يخشى

فرجام بى اعتنايى به تعاليم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۱۰ - ۵

۵- فرجام بى اعتنايى به پيام هاى قرآن ، هراس انگيز و هولناك است .

سنقرئك . . . فذكر

... سیدّ کر من یخشی

خشیت و ترس از خداوند، به معنای هراس از مجازات های او در صورت روی گردانی از تذکرات قرآنی است.

فرجام بی نیازی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۱ - ۲

۲ - روسیاهی در قیامت ، فرجام بی نیاز دیدن خود از پند و اندرز قرآن

أما من استغنى . . . کلاً إنّها تذکره ... ترهقها قتره

ارتباط این آیه با آیات آغاز سوره، گویای برداشت یاد شده است.

فرجام شوم اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۵

۵- فرجام بی اعتنایی به پیام های قرآن ، هراس انگیز و هولناک است .

إلا تذکره لمن یخشی

خشیت و ترس از خداوند، به معنای هراس از مجازات های او در صورت مخالفت با تذکرات قرآنی است.

فرجام شوم معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۹

۹ - اعراض کنندگان از قرآن ، مجرمانی بد فرجامند .

ءاتینک . . . من أعرض ... و نحرش المجرمین یومئذ زرقاً

فرجام کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافرانِ به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للكفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینهء آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا

را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

فرجام مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۱ - ۲

۲ - مبارزه با پیام غیب ، با اتکا بر منابع ظنی و بشری ، مبارزه ای بی فرجام

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

آیه شریفه تعریضی دارد به مشرکان که با مشتی حدس و گمان، به مبارزه با غیب مکتوب (قرآن) برخاسته اند و به بی فرجامی چنین مبارزه ای نیندیشیده اند.

فرجام معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها کسانی خود را از تذکرات قرآن ، دور نگه می دارند که تیره بخت تر از دیگران و گرفتار دشوارترین فرجام اند .

و یتجنَّبها الأشقی

<أشقی> اسم تفضیل از ماده <شقاوت> است. ریشه اصلی این کلمه بر سختی کشیدن دلالت دارد و نقطه مقابل سهولت و سعادت است (مقایس اللغه). ذکر این کلمه خالی از قید زمان و مکان و متعلق سبب شده است که بر هر نوع تیره بختی در دنیا و آخرت، قابل تطبیق باشد. آیه بعد، نوع اخروی آن را بیان داشته است.

فرجام مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ تکذیب گران آیات الهی (قرآن) مردمانی بدفرجام

أو کذب بأیته إنه لا یفلح المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن ، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر

دوش خواهند کشید .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم ال

لام <ليحملوا> لام عاقبت است و <أوزار> (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۱

۱ تهدید منکران پیام های روشن و قابل درک قرآن ، به فرجامی سخت از سوی خداوند

فإنما يسرناه .. فارتقب إنهم مرتقبون

عبارت <إنهم مرتقبون>، کنایه از این است که کافران به بیان های روشن وحی ایمان نمی آورند تا سرانجام وعیدهای ما تحقق یابد.

فسق مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۸

۸- انکار قرآن و دلایل رسالت پیامبر (ص) ، نشانه فسق و انحراف انکار کننده است .

و ما يكفر بها إلا الفسقون

فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۷۸

۷- قرآن ، در قالب زبان عربی فصیح و روشن نازل شده است .

لسان الذی يلحدون إليه أعجمی و هذا لسان عربی مبین

۸- بیان فصیح و روشن قرآن در قالب زبان عربی ، گویاترین دلیل بر القا نشدن آن توسط فردی عجمی (غیر عرب) بر پیامبر (ص) است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند ، با بیانی فصیح و روشن

و كذلك

أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

<عَرَبِيًّا> یا به معنای فصیح و روشن می باشد (مفردات راغب) و یا گویای انتساب به عرب زبانان است (لسان العرب). برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴ - قرآن ، بهترین ، گویاترین و شفاف ترین سخن برای پنددهی و درس آموزی

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ .. لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ . قُرْآنًا عَرَبِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۶

۶ - آیات قرآن ، برخوردار از فصاحت و شیوایی *

قُرْآنًا عَرَبِيًّا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <عَرَبِيًّا> به معنای سخن فصیح و شیوا باشد. در برابر اعجمی که به معنای غیر فصیح می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - زبان قرآن ، زبانی گویا ، روشن و به دور از ابهام

و لو جعلناه قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ

۶ - مجموعه آیات قرآنی ، به دور از هرگونه ابهام و برخوردار از فصاحت

و لو جعلناه قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ

<أَعْجَمِيًّا> منسوب به <أَعْجَم> است و <أَعْجَم> به کسی گفته می شود که کلام او دارای ابهام بوده و گویا نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - فصاحت و شیوایی والا و بی مانند قرآن

أوحینا إلیک قرءاناً عربیاً

<عربی> به سخنی گفته می شود که فصیح و شیوا باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی فصیح و دارای پیامی روشن و بدون ابهام

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

برداشت یاد شده با توجه به معنای دیگر <عربیًّا> که فصاحت است به دست می آید. در مفردات راغب آمده: <العربی: الفصیح البین من الکلام>؛ یعنی، عربی به سخنی گفته می شود که شیوا، روشن و بدون ابهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۴

۴ رسایی و بلاغت بیان ، از ابعاد عظمت قرآن

و الکتب المبین

از این که قرآن با وصف <کتاب مبین> مورد سوگند الهی قرار گرفته است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

فضایل تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۴

۴ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق گران ، از فضل خداوند و مزد بیش از استحقاق خود برخوردارند .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ . . . إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ . . . و يزيدهم

فضایل قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۲

۲ خردمندان ، معتقد به عظمت قرآن و مقام والای رسول اکرم (ص)

سمعنا منادياً ينادي

مراد از <منادياً> رسول اکرم (ص) و یا قرآن مجید است. و نکره آوردن آن اشاره به تفخیم و عظمت آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۷

۷ - قرآن ، مظهر و نمود کامل

رحمت الهی برای انسان ها است .

و من یعش عن ذکر الرحمن

تعبیر <ذکر رحمان> برای قرآن اشاره به آن دارد که آن، از سرچشمه نامتناهی رحمت الهی، نازل شده و در اختیار بشر قرار گرفته است.

فضایل مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۶

۶ - ایمان آورندگان به قرآن و پیام وحی ، ایمن از سلطه شیاطین

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مراد از <ذکر>، قرآن باشد. شاهد آن، آیات پیشین است که در مورد قرآن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مؤمنان به قرآن ، به راه حق و درستی دست یافته اند .

فمن أسلم فأولئك تحزوا رشداً

فضیلت اوراق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۱

۱ - صفحه های قرآن در پیشگاه خداوند ، دارای جایگاهی بلند و ارزشی والا است .

مرفوعه

فضیلت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تلاوت آیات قرآن و آموختن معارف آن به مردم ، حرکتی مطلوب و شایسته پی گیری است .

إذا تتلى عليه آیتنا

تداوم، از فعل مضارع <تتلى> استفاده می شود زیرا در مواردی که سخن درباره کارهای گذشته افراد و یا بیان حالت آنان است، فعل مضارع بر استمرار دلالت دارد.

فضیلت تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

۴ قرآن، کتابی است با عظمت و تلاوت آن بسیار ارزشمند می باشد.

و ما تكون في شأن و ما تتلوا منه من قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۵

۵ - تلاوت وحی و قرآن کریم، کاری ارزشمند است و قرائت کنندگان از جایگاهی بلند در پیشگاه خداوند برخوردارند.

فالتلّیت ذکراً

از سوگند خداوند به تلاوت کنندگان وحی و قرآن کریم، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تلاوت آیات قرآن و آموختن معارف آن به مردم، حرکتی مطلوب و شایسته پی گیری است.

إذا تتلى عليه آیتنا

تداوم، از فعل مضارع <تتلى> استفاده می شود؛ زیرا در مواردی که سخن درباره کارهای گذشته افراد و یا بیان حالت آنان است، فعل مضارع بر استمرار دلالت دارد.

فضیلت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱۵

۱۵ - > عن رسول الله (ص) و عن علی (ع) فی معنی < صراط المستقیم > انه کتاب الله ;

از رسول خدا (ص) و علی (ع) روایت شده که مراد از < صراط المستقیم > کتاب خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ قرآن پرتوی از علم و دانش خداوند

أنزله بعلمه

در برداشت فوق <بعلمه> حال برای ضمیر مفعولی و <باء> در آن به معنای مصاحبت و ملابست گرفته

شده است ؛ یعنی قرآن نازل شده بر پیامبر(ص) علم الهی را به همراه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۷

۷ شرافت و برتری قرآن ، بر دیگر کتب آسمانی *

ءامنا بالله و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

تقدیم <ما انزل الینا> بر <ما انزل من قبل> علی رغم تقدم زمانی کتب آسمانی گذشته می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۱۰، ۹، ۲، ۱

۱ قرآن ، کتابی از جانب خداوند و ارجمند و گرانقدر

و لقد جننهم بکتب

مراد از <کتاب> قرآن کریم است که به صورت نکرده آورده شده تا اشاره به عظمت و والایی آن باشد.

۲ خداوند قرآن را بر اساس علم خویش تبیین کرده و معارف آن را به روشنی بیان داشته است .

و لقد جننهم بکتب فصلنه علی علم

<علی علم> می تواند متعلق به <فصلنه> باشد و نیز می تواند متعلق به <جننهم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

۹ قرآن ، گنجینه ای از رحمت های ویژه الهی برای مؤمنان به آن

هدی و رحمه لقوم یؤمنون

۱۰ قرآن ، جلوه ای از علم و هدایت و رحمت بیکران خداوند

فصلنه علی علم هدی و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - توبه - ٩ - ٣٢ - ٥

٥ قرآن ، نور خداست .

يريدون أن يطفئوا نور الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ١ -

۱ قرآن ، دارای مرتبتی والا و جایگاهی بلند در نزد خداوند

تلک ءایت الکتب

<تلک> کلمه ای است که برای اشاره به مشارالیه دور وضع شده است. به کارگیری آن، جهت اشاره به مشارالیه نزدیک (آیاتی که پیش روی ماست) نشان دهنده عظمت شأن و جایگاه رفیع قرآن در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲،۳

۲ تنها نعمتی که برخورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد ، قرآن است .

قد جاء تکم موعظه من ربکم . . . قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا

۳ نعمت بهره مندی مؤمنان از قرآن ، نعمتی است بهتر و با ارزشتر از تمام دارایی ها و مال و منال دیگران .

قد جاء تکم موعظه من ربکم . . . قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یج

در عود ضمیرهای فاعلی در <یفرحوا> و <یجمعون> سه احتمال است: الف) هر دو ضمیر به <الناس> برگردد. ب) هر دو ضمیر، عاید به <المؤمنین> باشد. ج) ضمیر اول راجع به <المؤمنین> و ضمیر دوم به <الناس> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال سوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱

۱ قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است .

مما أنزلنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۶

۶ قرآن ، بسی فراتر از آن است که بافته شده و ساخته بشر باشد .

ما کان حدیثاً یفتری

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۳

۳ قرآن جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

أَنَّمَا أُنزِلُ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۱، ۱۲

۱۱- قرآن ، کتابی است که نقش بینات و معجزات انبیای پیشین را به تنهایی ایفا می کند .

و ما أرسلنا .. بالبینت و الزبر و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليه

از اینکه خداوند در کنار ذکر اعطای بینات و کتاب به انبیای پیشین، برای پیامبر(ص) جداگانه کتابی خاص را ذکر می کند، می تواند به خاطر نکته فوق باشد.

۱۲- خداوند ، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (ص) ، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد .
* .

و ما أرسلنا .. بالبینت و الزبر و أنزلنا إليك الذكر

<بینه> به معنای دلیل واضح و روشن اعم از عقلی و حسی است. طبق شواهد تاریخی مراد از <بینات> در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر(ص) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جئنا بک شهیداً علی هؤلاء و نزلنا علیک الکتب تبیناً لكل شیء و هدی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه / یعنی ، <و جئنا بک شهیداً ..> با <و نزلنا علیک ...> و نیز بنابر

اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۵

۵- قرآن ، دارای حقیقتی والا و متعالی است .

قالوا إنما أنت مفر . . . قل نزله روح القدس من ربك

تعبیر <نزل> که به معنای فرود آمدن از بالا به پایین است درباره القای قرآن به پیامبر(ص) توسط جبرئیل، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۴

۴- قرآن ، عطیه بزرگ الهی به پیامبر (ص) و مایه تذکر و بیدارباش است .

و قد ءاتینک من لدنا ذکراً

نکره بودن <ذکراً> دلالت بر عظمت آن دارد و مراد از <ذکر> به قرینه <من أعرض عنه> (درآیه بعد) قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۲

۲- قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه

لقد أنزلنا إلیکم کتاباً

تنوین <کتاباً> دال بر تفخیم و تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۱،۴،۶

۱- قرآن ، منشأ برکات و خیرات فراوان و منافع بسیار و دائمی برای بشر

و هذا ذكر مبارك أنزلنه

مشاراليه <هذا> قرآن است که در اذهان حضور دارد و <البرکه> به معنای خیر بسیار و ثابت و سود فراوان است. توصیف قرآن به <مبارک> گویای این معنا است که قرآن منشأ خیرات و منافع بسیار برای بشر

است.

۴- برتری و برجستگی قرآن نسبت به تورات

ءاتینا موسی .. ذکرًا ... و هذا ذکر مبارک

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مورد <تورات> فقط <ذکر> به کار برده است؛ در صورتی که برای قرآن صفت <مبارک> را اضافه کرده است.

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارک أنزلنه أفانتم له منكرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۸ - ۵

۵- قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام و جلوه ای از علم و حکمت خداوند

و یبین الله لکم الایت و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۴،۶

۴ قرآن ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند

تبارک الذی نزل الفرقان

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ قرآن ، جلوه ای از علم مطلق و گسترده خداوند است .

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی ارجمند و دارای جایگاهی والا نزد خداوند

تلک ءایت الکتب

اشاره به آیات پیش رو با لفظ <تلک> که برای مشارالیه بعید است بیانگر بُعد منزلت و بلندی جایگاه قرآن در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و إنه لتنزیل ربّ العلمین

مراد از ضمیر در <إنه>، می تواند قرآن باشد و یا بیان سرگذشت امت های کفرپیشه تاریخ باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۵

۵ - عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از قرآن و تورات

قل فأتوا بکتب من عند الله هو أهدی منهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - < عن أبي جعفر (ع) .. يقول الله عزوجل > ذلك هو الفضل الكبير < یعنی القرآن ... >

از امام باقر(ع) روایت شده: ..[این که] خداوند عزوجل می فرماید: <ذلك هو الفضل الكبير> مقصود قرآن است...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه در پیشگاه خداوند

و القراءان

سوگند خداوند به قرآن، حاکی از عظمت و بلند مرتبه بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۷

۷- نزول کتاب آسمانی (قرآن) ، نعمتی است درخور شکر و شایسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فاعبد الله مخلصاً له الدين>، بر جمله <إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۳

۳- قرآن ، بهترین کتاب آسمانی در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ

بهترین بودن قرآن، ممکن است در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی سنجیده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴- قرآن ، بهترین ، گویاترین و شفاف ترین سخن برای پنددهی و درس آموزی

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ .. لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ . قَرَأْنَا عَرَبِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۷

۷- قرآن و ادیان الهی ، سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و الَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۴

۴- قرآن ، نیکوترین نازلہ های خداوند برای بشر

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۴،۵

۴- قرآن ، جلوه عزت و علم خداوند

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز العلیم

آمدن دو صفت عزیز و علیم

برای خداوند، پس از یادآوری الهی بودن قرآن، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

۵- قرآن ، در عرصه فکر و اندیشه ، پیروز شکست ناپذیر و کتابی عالمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز العليم

از آن جایی که خداوند عزیز و علیم است، سخن او هم در عرصه خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۶

۶- قرآن ، جلوه ای از رحمانیت و رحیم بودن خداوند

تنزیل من الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۸،۹

۸- قرآن ، مظهر حکمت و کاردانی خداوند است .

تنزیل من حکيم حميد

۹- قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزیل من حکيم حميد

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۵

۵- قرآن ، دارای حقیقتی ملکوتی و متعالی

الله الذي أنزل الكتب

به کارگیری ماده <نزول> (فرود آمدن از فراز) می تواند اشاره به برداشت بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ - قرآن ، کلمه الهی است .

و یحَقِّ الحَقَّ بکلمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

۴- قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

كذلك أوحينا إليك روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۳

۳- قرآن ، کتابی مقدس و ارجمند نزد خداوند

و الكتب المبین

واو در <و الكتاب> واو قسم است. سوگند خوردن خداوند به قرآن، نشان از ارجمندی و قداست قرآن در پیشگاه او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۶

۶- قرآن ، حقیقتی نازل شده از مرتبتی والا و رفیع

إنا أنزلناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۸

۸- برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی است .

تنزیل الكتب من الله العزيز الحكيم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۳

۳- < قرآن > کتاب معرفت و شناخت ، و < اسلام > دین عقل و اندیشه

أفلا يتدبرون القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۰ - ۳

۳- قرآن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند

تنزیل من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۳

۳- قرآن ، رزق معنوی و عطای

الهی به انسان ها

و تجعلون رزقکم اَنتکم تکذّبون

تعبیر <رزق> درباره قرآن، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی شریف و پرفایده است .

قرءان مجید

<مجید>، به معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزّت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از <مَجَدَّتِ الْاَبْل> گرفته شده است؛ یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

فطرت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱۰

۱۰- معارف قرآن ، معارفی فطری و تنها نیازمند تذکر و توجه است .

سوره اُنزَلْنَهَا .. فِيهَا آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ لِّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

فطريت تعاليم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۷

۷- پیام قرآن ، هماهنگ با فطرت آدمی و بیدارگر آن است .

إِلَّا تَذَكَّرْهُ لَمَنْ يَخْشَى

<تذکره> آن گونه که از <لسان العرب> برمی آید به معنای به یادانداختن فراموش شده ها است. یادآور بودن قرآن به این است که انسان را به آنچه در فطرت او نهفته است و از آن غفلت دارد متوجه سازد.

فطريت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۵

۵ - معارف قرآنی ، هماهنگ با فطرت انسانی است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ

واژه <ذکر> از آن رو بر قرآن نام نهاده شده که معارفش در نهاد انسان و ساختار وجود او پیشینه دارد و هماهنگ با آن است.

فلسفه آیات آفاقی قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۴

۴ هدف خداوند از بیان آیات طبیعت در قرآن استفاده دانشمندان است.

إن الله فالق .. فالتق الإصباح ... النجوم لتهتدوا ... قد فصلنا الأيت لقوم يعلمون

فلسفه اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۷

۷- روی گردانی از قرآن ، به خاطر قابل فهم نبودن قرآن و یا محتوای آن نیست ؛ بلکه به دلیل حق گریزی است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من كلّ مثل فأبى أكثر الناس إلاّ كفورًا

فلسفه پیشگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - نمایاندن معجزه به مؤمنان ، از جمله اهداف الهی در پیشگویی و اخبار از حقایق آینده

وعدکم الله .. و لتکون ءایه للمؤمنین

اسم <لتکون..> وعده های الهی و پیشگویی او است که از <وعدکم الله> استفاده می شود؛ یعنی، خداوند از گفتن این اخبار غیبی و این وعده ها، اهداف گوناگونی را دنبال می کند که یکی از آنها معجزه نمایی است.

فلسفه تبیین آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۳،۴

۳ روشن ساختن راه و روش مجرمان، از اهداف تفصیل و تبیین آیات قرآن

و كذلك نفصل الأيت و لتستين سبيل المجرمين

٤ ترسيم راه و روش صالحان، از اهداف تبين آيات قرآن

و كذلك نفصل الأيت و لتستين سبيل المجرمين

بيان راه و روش مجرمان، با بيان راه و روش

مجرمان، با بیان راه و روش صالحان، که نقطه مقابل مجرمان است، ملازمه دارد و بیان یکی از دو ضد، مآلاً بیان دیگری نیز خواهد بود. لذا برخی گفته اند جمله <و لتستبین> عطف بر جمله محذوف <لتستبین سبیل المؤمنین> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ توجه انسان به خدادادی بودن نعمتهای مادی و معنوی، از اهداف تبیین آیات قرآن و معارف دین

ذَلِكْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ

فلسفه تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۴

۱۴- هدف از نزول قرآن و تبیین و تفسیر آن ، رشد فکری مردم است .

و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس... و لعلهم يتفكرون

فلسفه تذکرات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ - ۳

۳- تذکار های قرآن ، به منظور معرفت خدا و راه یابی آگاهانه و آزادانه انسان ها به او است .

فَمَنْ شَاءَ اتَّخِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۵

۵- تذکار های قرآن ، به منظور معرفت و راه یابی آگاهانه و آزادانه انسان ها به خدا است .

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

فلسفه تشبیهات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ به کارگیری تمثیل و تشبیه در تفهیم معارف دین ، شیوه ای از شیوه های گوناگون بیان

آیات الهی در قرآن

و البلد الطیب . . . كذلك نصر فی الأیت

فلسفه تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، تکذیب قرآن را ابزار رسیدن به اهدافی ساخته بودند که آن را اظهار نمی کردند .

بل الذین کفروا یکذبون . و الله أعلم بما یوعون

از مصادیق <مایوعون>، نیت ها و مقاصدی است که کافران، تکذیب قرآن را وسیله رسیدن به آن مقاصد کرده بودند.

فلسفه تلاوت قرآن علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱

۱ - عالمان خداترس ، به منظور دریافت اجر الهی ، به تلاوت قرآن ، اقامه نماز و انفاق می پردازند .

إنما یخشی الله من عباده العلماء . . . إن الذین یتلون کتب الله ... لیوفیهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که لام در <لیوفیهم> برای تعلیل بوده و این جمله متعلق به <یتلون> باشد؛ یعنی، قرآن را تلاوت می کنند و ... به خاطر آن که خداوند به آنان پاداش کامل عنایت کند.

فلسفه تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۳

۳ - بالا- بردن توان پیامبر (ص) برای به دوش گرفتن مسؤولیت سنگین و گران بار رسالت ، فلسفه توصیه خداوند به آن حضرت مبنی بر شب زنده داری و تلاوت قرآن

قم الیل . . . و رتل القرآن ترتیلاً . إننا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّا سَنُلْقِي..> در

مقام تعلیل برای <قم اللیل...> است، یعنی، به شب زنده داری پرداز، زیرا به زودی سخنی گران بار بر تو القا خواهیم کرد.

فلسفه تنوع آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۶

۶ تبیین آیات برای آگاهان، هدف از تنوع بیانی قرآن است.

و كذلك نصرَف الأیت .. و لئینه لقوم یعلمون

فلسفه تنوع بیانی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۲

۱۲ دریافت و فهم مقاصد قرآن، هدف از بیان آیات به شکلهای متنوع و گوناگون است.

انظر کیف نصرَف الأیت لعلهم یفقهون

فلسفه رفع شبهه از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر، به آن ایمان بیاورند.

فینسخ الله ما یلقى الشیطن .. و لیعلم الذین أوتوا العلم ... فتخبث له قلوبهم

ضمیر در <أنه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبث>) مشتق از <خَبْتُ> است. <خَبْتُ> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مغبث> یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ الله ما یلقى الشیطن...> است، یعنی، خداوند

شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

فلسفه سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربك بعدا

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشمس .. و قد خاب من دسبها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید

بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزیای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت .. . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

فلسفه عربیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۶

۶ گویایی و رسا بودن زبان عرب ، فلسفه نزول قرآن به آن لغت

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

<عربی> به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به این سبب عربی می گویند. بنابراین <قرآناً عربیاً> یعنی ، قرآن به لغت عرب است ، همان لغتی که گویا و رساست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱

۱ - عربی بودن قرآن ، اتمام حجت خداوند بر مردم عرب است .

و لو جعلناه قرءاناً أعجمیاً لقالوا لولا فصلت ءآیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۲

۲ - نزول قرآن به زبان عربی ، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (ص) و جامعه های عرب زبان

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

<عربیاً> اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در <لعلکم تعقلون> خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود؛ یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر <عربیاً> به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در <لعلکم تعقلون> عام بوده و فراگیرنده همه

انسان ها می شود، یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

فلسفه علوم طبیعی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۷

۷ - طرح مسائل طبیعی در قرآن ، به منظور خداشناسی و پندآموزی است .

و السَّمَاءُ بَنِينَهَا بَأْيُنَيْدٍ وَ إِنَّا لَمَوْسِعُونَ . . . وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجِينَ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

طرح مسائل مربوط به طبیعت و قوانین حاکم بر آن (مانند توسعه نظام آسمان ها و حاکمیت قانون زوجیت بر جهان)، در سلسله آیاتی که درصدد بیان قدرت و تدبیر خداوند بر جهان و در مقام پندآموزی به انسان ها است، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

فلسفه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۹

۹- انتخاب راه ، براساس اختیار و آگاهی ، از هدف های ارائه قرآن به انسان و ایجاد شرایط مناسب برای زندگی وی در زمین است .

لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ . . . جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ

در آیه قبل، خداوند، پیامبر(ص) را از پافشاری بی حد برای ایمان آوری مردم به قرآن، بازداشته است و در این آیه، بیان می دارد که دنیا و جلوه های آن، برای آزمایش انسان ها برپا شده است، بنابراین، خداوند، گرچه قرآن را مایه آگاهی انسان قرار داده، ولی نمی خواهد او را بر پذیرش آن اجبار کند، بلکه می خواهد که او با آگاهی

کامل و با اختیار خود، در این آزمون شرکت کند.

فلسفه قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۶

۱۶ - هدف از نقل داستان ها در قرآن ، ایجاد زمینه های درک و اندیشه در انسانهاست .

و یریکم ءایته لعلکم تعقلون

مراد از <آیات> گاهی حقایق و وقایع خارجی است و گاهی مقصود از آن بیان و نقل حقایق می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است. بر اساس این احتمال از مصادیق <آیاته>، داستان گاو بنی اسرائیل و داستان زنده شدن مقتول آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلك من أنباء الغیب نوحیها إلیك .. فاصبر إن العقبه للمتقین

خداوند، با تفریع جمله <إصبر..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست؛ بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلی دهنده پیامبر (ص) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمكرون. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان <ما أكثر الناس ..> با

خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم یمکرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۳

۳- شناخت صحیح خداوند (توحید) و پندآموزی و درس گیری، هدف و فلسفه نقل داستان ها و حوادث تاریخی در قرآن است.

و تَبْتَهُم عن ضيف إبراهيم .. و أمطرنا عليهم حجارة من سجيل. إن في ذلك لآيت للمتو

جمله <إن في ذلك ..> و نیز جمله <إن في ذلك لأیه للمؤمنین> در آیه ۷۷ به منزله نتیجه گیری از نقل داستان ابراهیم(ع) و قوم لوط است و این نتیجه گیری می تواند بیانگر هدف و فلسفه بیان داستانها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۵

۵- شناخت خداوند (توحید) و پندآموزی و درس گیری، هدف و فلسفه نقل داستان ها و حوادث تاریخی در قرآن است.

و تَبْتَهُم عن ضيف إبراهيم .. إن في ذلك لآيت للمتوسمين ... إن في ذلك لأیه للمؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹ - ۶

۶- تسلّی دادن به پیامبر (ص) و تسکین اندوه آن حضرت، از اهداف بیان سرگذشت اصحاب كهف

أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم كانوا من ءايتنا

<حسبت> خطاب به پیامبر(ص) است. سیاق آیات، اقتضا می کند که این آیه با آیات پیشین، به خصوص <لعلک باخع نفسک> مرتبط باشد. از وجوه محتمل این است که یادآوری داستان اصحاب کهف و بیان ویژگی های آنان، ممکن است دارای این پیام باشد که مؤمنان حقیقی، گرچه اندک اند، ولی ارزشمند بوده و حضور آنان در برابر اکثریت کفرپیشه، مایه تسلی خاطر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۵

۵ - نقل داستان های پیشینان در قرآن ، برای یادآوری و بیدارباش است .

نقص علیک من انباء ما قد سبق . . . ذکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۴ - ۶

۶ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) درباره رویارویی مشرکان با آن حضرت ، با ذکر برخورد های اقوام گذشته با پیامبرانشان

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلا قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۵،۶

۵ - یاد و یادآوری ، هدف قرآن از نقل سرگذشت انسان های شایسته چون پیامبران الهی

و اذکر داود . . . إسمعیل و الیسع و ذالکفل و کلّ من الأخیار . هذا ذکر

۶ - یادآوری سرگذشت انسان های شایسته همچون پیامبران ، از روش های تربیتی قرآن

و اذکر داود . . . إسمعیل و الیسع و ذالکفل و کلّ من الأخیار . هذا ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۷

هلاکت فرعونیان و نجات بنی اسرائیل از سوی خداوند ، پیامدار تهدید برای مشرکان و نویدی برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و لقد نجینا بنی اسرائیل .. بلوا مبین

با توجه به این که آیات گذشته، در زمینه رویارویی مشرکان و مؤمنان بود؛ طرح سرگذشت فرعونیان و بنی اسرائیل، پیامدار مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۵

۵ - بالا بردن معرفت و عبرت آموختن بشر ، فلسفه و قلمرو داستان سرایی های قرآن

كذبت قبلهم قوم نوح .. و لقد تركنها آیه فهل من مدكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۳

۳ - نقل داستان و سرگذشت پیشینیان در قرآن ، در چارچوب درس آموزی و پنددهی است .

لنجعلها لكم تذکره و تعیها اذن وعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۳

۳ - پندآموزی ، از اهداف نقل داستان گذشتگان در قرآن

إن فی ذلک لعبره لمن یحشی

فلسفه قصه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۹

۱۹ ذکر داستانهای انبیای پیشین در قرآن برای تسلی پیامبر(ص) و همچنین تاسی وی به آنان است.

و لقد كذبت .. و لقد جاءك من نبی المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۹

۱۹ واداشتن آدمی به تفکر در فرجام و سرنوشت خویش ، از اهداف داستان های قرآن است .

فاقصص

القصص لعلهم يتفكرون

فلسفه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - رسیدن به منافع دنیوی ، از عوامل گرایش به کفر و انکار قرآن

و لا تشتروا بآیتی ثمناً قليلاً

فلسفه مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۵،۶

۵ - مثل های قرآن ، حق (بیانگر واقعیت ها) و همه از جانب خداوند است .

فيعلمون أنه الحق من ربهم

۶ - مثال های قرآن مایه تربیت و رشد مؤمنان است .

فيعلمون أنه الحق من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ خداوند برای تبیین حقایق مثل های فراوان می آورد .

كذلك يضرب الله الأمثال

ادات عموم مانند <کل> ، <ال> جنس که بر جمع داخل شود و ... گاهی برای استغراق حقیقی است و گاهی حاکی از کثرت و فراوانی است که از آن به عموم عرفی تعبیر می شود. به نظر می رسد معنای دوم از <الأمثال> اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- استفاده خداوند از مَثَل و مانند آوردن برای تقریب مفاهیم وحی به ذهن توده مردم

ضرب الله مثلاً عبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- مَثَل و مانند آوردن خداوند ، برای ترسیم فرجام شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قریه . . . فکفرت بأنعم الله فأذقها ... بما كانوا يصنعون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۱،۳

۱- تبیین حقایق الهی در قرآن ، با بیان ها و مثال های گوناگون

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

<تصریف> در لغت به معنای گرداندن چیزی به جهات گوناگون است و <تصریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب هدایت است و می فرماید: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> استفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۸

۸- اقناع روح مجادلگر آدمی و رام ساختن او در مسیر حق ، فلسفه ارائه مثال ها و نمونه های متعدّد در قرآن است .

و لقد صرّفنا .. و كان الإنسن أكثر شیء جلدلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۲

۲ - استفاده از مثال های فراوان و تبیین کننده ، در قرآن به منظور آگاهی مردم

و تلك الأمثل نصریها للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۵

۵ - متذکر شدن و بیدار گشتن مردم ، هدف و فلسفه آمدن مثل ها در قرآن است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل لعلهم یتذکرون

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۷

۷- فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل . . . و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

فلسفه مهلت به مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۲

۲- مهلت دادن به تکذیب گران ، در راستای سقوط تدریجی آنان است ؛ نه در جهت منافع آنان

سنستدرجهم .. و أُملى لهم

عبارت < أُملى لهم > تأکید و بیان دیگری برای مسأله سقوط تدریجی کافران است ؛ یعنی ، ما به آنان مهلت دادیم تا سقوط تدریجی آنان تحقق یابد.

فلسفه نامگذاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۳

۱۳ > عن ابن عباس . . . قال عبدالله بن سلام : . . . یا محمّد (ص) فاخبرنی هل أنزل علیک کتاباً ؟ قال : نعم قال : و أئی کتاب هو ؟ قال : الفرقان ، قال : ولم سماء ربک فرقاناً ؟ قال : لأنه متفرق الأیات و السور . . . ؛

ابن عباس گوید: عبدالله بن سلام [به رسول خدا(ص)..] گفت: یا محمد(ص)! به من خبر ده که آیا خدا کتابی بر تو نازل کرده است؟ فرمود: آری. گفت: آن کتاب کدام است؟ فرمود: فرقان است. گفت: چرا پروردگارت آن را فرقان نامیده است؟ فرمود: برای این که، آیه ها و سوره

های آن متفرق نازل شده است ...>.

فلسفه نزول تدریجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۵

۵ نزول تدریجی قرآن ، متناسب با نیاز ها و رخداد های اجتماعی

يحذر المنفقون أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- تثبیت ایمان مؤمنان و هدایت و بشارت به مسلمانان ، از اهداف نسخ و تغییر پیام های الهی و نزول تدریجی آیات قرآن

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قل نزلہ ... لیثبت الذین ءامنوا و هدئی و بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۲

۲- امکان بازخوانی همراه با تأنی و آرامی قرآن بر مردم ، فلسفه نزول تدریجی آن بر پیامبر (ص)

و قرءاناً فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث

<مکث> در لغت به معنای درنگ و تأمل است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۴

۴ اطمینان قلب و آرامش خاطر یافتن پیامبر (ص) ، فلسفه تدریجی نازل شدن قرآن کریم

و قال الذین كفروا لولا نزل عليه القرآن جمله وحده كذلك لثبت به فؤادك

فلسفه نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ پیامبر(ص)، موظف به اعلام وحی شدن قرآن به خویش و بیان اهداف نزول آن

و أوحى إلّی هذا القرآن لأنذرکم به و من بلغ

۱۲ انذار

مردم در طول تاریخ، هدف از فرستادن قرآن بر پیامبر(ص)

و أوحى إليّ هذا القرآن لأنذرکم به و من بلغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۸،۱۰

۸ انذار مردم مکه (ام القری) و اطراف آن، از اهداف نزول قرآن است.

و هذا کتب . . . و لتنذر أم القری و من حولها

۱۰ نزول قرآن برای انذار همه مردم جهان بوده و محدود به مکانی خاص نیست.

و لتنذر أم القری و من حولها

کاربرد کلمه <ام القری> به صورت توصیفی برای مکه، که در عین حال عنایت به دیگر شهرها و نقاط نیز هست، مضافاً بر الحاق <من حولها> که شامل تمامی نقاط دیگر می شود، بیانگر دعوت اسلام و قرآن برای همه مردم زمین و در تمام نقاط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۵،۶

۵ هشدار به مردم درباره پیامدهای شوم اعراض از تعالیم دین و احکام خداوند، از اهداف نزول قرآن

کتب أنزل . . . لتنذر به

با توجه به آیات بعد معلوم می شود متعلق <لتنذر> عذابهای دنیوی و اخروی خداوند است که دامنگیر مخالفان احکام الهی می شود.

۶ یادآوری همواره تعالیم دین به مؤمنان، از اهداف نزول قرآن

کتب أنزل إلیک . . . ذکری للمؤمنین

کلمه <ذکری> به معنای تذکر دادن و عطف بر <تنذر> است. یعنی: کتاب أنزل لانذار الناس و تذکیر المؤمنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ تربیت انسانها و تدبیر امور آنان در تمامی مراحل حیات، از اهداف

نزول قرآن است.

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم

کلمه <ربکم> اشاره به این دارد که نزول قرآن برای تربیت و تدبیر امور مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۳۸

۳ نزول قرآن ناشی از علم کامل خداوند به نیازهای هدایتی مردم

و لقد جننهم بكتب فصلنه على علم هدى

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <علی علم> متعلق به <جننهم> باشد. نکرده بودن کلمه <علم> اشاره به عظمت آن علم دارد که در برداشت فوق به <علم کامل> تعبیر شده است.

۸ هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی به رحمت بیکران خداوند است .

و لقد جننهم بكتب فصلنه على علم هدى و رحمه

با توجه به اینکه همگان دعوت به ایمان شده اند و نیز اینکه آیه در مقام احتجاج علیه کافران است، معلوم می شود متعلق <هدی> و <رحمه> کلمه ای همانند <للناس> می باشد. یعنی: جننهم بكتب هدى للناس و رحمه لهم. قابل ذکر است که <هدی> و <رحمه> معفول له برای <جننهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۳

۳ ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

قد جاءكم الحق من ربكم

برداشت فوق از وجه تسمیه قرآن به <حق> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۵

۵- هدف از نزول قرآن ، خارج ساختن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور است .

كتب أنزلنه إليك لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۱

۱- هدف از نزول قرآن ، هدایت مردم به سوی خداوند مالک جهان هستی است .

کتب أنزلنه إليك لتخرج .. إلى صراط العزيز الحميد. الله الذي له ما في السموت و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۰

۱۰- قرآن برای بیداری و پندپذیری صاحبان خرد ناب نازل گردید .

هذا بلغ للناس .. و ليدكر أولوالألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۴

۱۴- هدف از نزول قرآن و تبیین و تفسیر آن ، رشد فکری مردم است .

و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس .. و لعلهم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۳

۳- هدف از نزول قرآن کریم ، تبیین اختلافات عقیدتی مردم است .

و ما أنزلنا عليك الكتب إلا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۲

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نزلنا عليك الكتب تبيناً لكل شيء

هر چند <کلّ شیء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد؛ از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و

رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۱

۱- هدف از نزول قرآن بر پیامبر (ص)، هشدار و توجه دادن به مردم و نصیحت کردن آنان است.

ما أنزلنا .. إلا تذکره لمن یخشی

استثنا در <إلا- تذکره> منقطع است و <تذکره> مفعول له می باشد؛ یعنی، <لکن أنزلنا للتذکره>. <تذکره> معنایی گسترده تر از <راهنمایی> و <نشانه دادن> دارد و هرچه را مایه توجه به چیزی گردد شامل می شود (مفردات راغب و به معنای <وعظ> نیز می آید (مصباح و قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۴

۴- قرآن، عطیه بزرگ الهی به پیامبر (ص) و مایه تذکر و بیدارباش است.

وقد ءاتینک من لدنا ذکراً

نکره بودن <ذکراً> دلالت بر عظمت آن دارد و مراد از <ذکر> به قرینه <من أعرض عنه> (درآیه بعد) قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۷،۱۰

۷- پیدایش روحیه تقوا در انسان، از اهداف نزول قرآن

أنزلنه .. لعلهم یتقون

۱۰- متذکر و متنبه ساختن آدمیان، از اهداف قرآن و بیانات روشن آن

و صرفنا فیہ من الوعد لعلهم .. أو یحدث لهم ذکراً

<ذکر> نقطه مقابل نسیان است (مقایس اللغه) بنابراین <ذکر> یعنی، فراموش نکردن و در خاطر زنده نگه داشتن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- وحی الهی (قرآن و ...) ، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی الهی به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسانِ غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۱

۱۱ انذار و اخطار به همه انسان ها در تمام گیتی ، از اهداف قرآن و پیامبر اسلام (ص)

نزل الفرقان علی عبده لیکون للعلمین نذیراً

ضمیر در <لیکون> ممکن است به دو چیز بازگردد: ۱ <فرقان> ۲ <عبده> (پیامبر اسلام).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۵

۵ پندگیری و درس آموزی ، فلسفه نزول قرآن بر مردم با دلایل گوناگون و اسلوب مختلف

و لقد صرّفنه بینهم لیذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۴

۴ - رشد و تکامل آدمیان ، هدف الهی در نازل کردن قرآن

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

<رب> به معنای تربیت کننده است و <تربیت> ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و

راغب). بنابراین تعبیر <ربّ العالمین> و انتخاب آن به جای هر نام و صفت دیگر، می تواند بیانگر این معنا باشد که قرآن از مقام ربوبیت و برای تکامل خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱

۱ - انذار و اخطار به انسان ها ، فلسفه نزول قرآن

و قرآن مبین . لینذر

لام در فعل <لینذر> برای تعلیل است و ضمیر فاعلی آن فعل، یا به قرآن بازمی گردد؛ که در این صورت مصدر مؤول به فعل <انذر> متعلق می شود. و یا به پیامبر(ص) بازمی گردد؛ که در این صورت، به فعل <أرسل> متعلق خواهد بود. گفتنی است که برآشت یاد شده، مبتنی بر فرض اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۵

۵ - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۷

۷ - پدید آمدن روح تقوایی در انسان ها ، از اهداف نزول قرآن

قُرْءَانًا .. لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۵۸، ۳

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حقّ> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به

جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، امری هدفمند و شایسته و بایسته برای بشر بوده است.

۵- ارائه حق و شناساندن آن به مردم، فلسفه نزول قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

۸- قرآن، کتابی نازل شده برای هدایت و راهنمایی مردم.

فمن اهتدى فلنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۴

۴ - ساختن انسان با تقوا، از اهداف نزول وحی (قرآن)

لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَى النَّاسَ لَهَدَى النَّاسَ لَكُنْتُمْ مِنَ الْغَائِبِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۸

۸ - هدف از نزول قرآن، دستیابی همگان به رحمت الهی است.

تَنْزِيلَ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از آن جا که نزول قرآن از رحمت الهی سرچشمه گرفته، به دست می آید که هدف از نزول، ایجاد زمینه برای دستیابی همگان به رحمت الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۵

۱۵ - انداز مردم مکه (أُمُّ الْقُرَى) و اطراف آن، از اهداف نزول قرآن است.

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ .. لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - نزول قرآن ، دارای هدفی ارجمند و هماهنگ با واقعیت هستی و نیاز های انسان

أنزل الكتب بالحقّ

حق، گاهی به معنای شیء مطابق با حکمت می آید و گاهی به معنای امر ضروری و مورد نیاز. برداشت یاد شده براساس هر دو احتمال است. هم چنین بر این پایه استوار است که

<بالحقّ > متعلق به <أنزل > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۷،۹

۷- نزول قرآن از جایگاه رفیع ، به منظور آسانی دستیابی خلق به معارف قرآن *

و الكتب المبین . إنا أنزلنه

از ارتباط دو آیه، می توان استفاده کرد که نزول قرآن از مقام اصلی آن، برای این بوده است که بتواند قالبی رسا و روشن پیدا کند و در دسترس فهم همگان قرار گیرد.

۹- هشدار و انذار خلق ، از اهداف اصلی نزول قرآن

إنا أنزلنه . .. إنا كنا منذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۰ - ۷

۷- هدف از نزول قرآن ، تربیت انسان و حرکت دادن او به سوی کمال است .

تنزیل من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۴

۴ - هدف از نزول قرآن ، بیرون آوردن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور و روشنایی ها است .

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۴

۴ - بیداربخشی و پندآموزی ، فلسفه نزول قرآن و قلمرو موضوعات آن

و إِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۹ - ۴

۴ - هدف از نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، توجّه دادن به مردم و نصیحت کردن آنان است .

سنقرئک .. فذکر

فلسفه نسخ در قرآن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۶،۷

۶- نسخ و تبدیل آیات و پیام های قرآن ، دارای حکمت و دلیلی عالمانه است .

و إذا بدلنا آیه مکان آیه و الله أعلم بما ينزل

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدلنا آیه .. أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- تثبیت ایمان مؤمنان و هدایت و بشارت به مسلمانان ، از اهداف نسخ و تغییر پیام های الهی و نزول تدریجی آیات قرآن

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قل نزله ... لیثبت الذین ءامنوا و هدئی و بشری

فلسفه وضوح قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۷

۷- هدف الهی از بیان روشن و بدون ابهام رهنمود ها و مواعظ در قرآن ، بهره گیری و استفاده اهل ایمان از آنها است .

قد بینا لكم الآیت

<لام> در <لکم> ، برای انتفاع و خطاب در آن متوجه مؤمنان است.

فلسفه وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۸

۸- بازداشتن مردم از مخالفت با بیان های روشن قرآن ، فلسفه وعید ها و هشدار های قرآن

و صرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون

تهدید شدن اعراض کنندگان از قرآن در آیات گذشته و نیز جمله <أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا> قرینه براین است که متعلق <يتقون> روی گردانی از قرآن می

باشد.

فواید تشبیهات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۶

۶ - استفاده از تشبیه ، برای بیان کردن حقایق ، از روش های بیانی قرآن است .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه .. إذا جاءه لم یجده شیئاً

فواید تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۰ - ۷

۷ - تعالیم قرآن ، برای انسان های پندپذیر سودمند است .

إن نفع الذکری . سیدّکر من یخشی

مراد از جمله <سیدّکر..> به قرینه <إن نفع الذکری> (در آیه قبل) <سیدّکر و ینتفع> است یعنی، پذیرش پند قرآن، ملازم با سود بردن از آن است.

فواید تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۳،۴

۳ تلاوت قرآن بر مؤمنان راستین ، فزاینده ایمان در نهاد آنان

و إذا تلیت علیهم ءایته زادتهم ایمنا

<تلیت> به قرینه کلمه <علی> از تلاوت، که به معنای قرائت است، گرفته شده است. بنابراین مراد از <ءایته>، آیات قرآن است.

۴ دل های بیمناک و لرزان از یاد خدا ، دارای زمینه ای مناسب برای تأثیرپذیری از تلاوت آیات قرآن

إذا ذكر الله وجلت قلوبهم و إذا تليت عليهم آياته زادتهم إيمانا

فواید قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۲

۲- بهره بردن از تمثیل در تبلیغ و محسوس ساختن مفاهیم ارزشی برای توده ها ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کماء

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی سودمند برای بشر و در جهت منافع و مصالح او است .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ

برداشت یاد شده با توجه به لام در <للناس> است که متضمن معنای انتفاع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی شریف و پرفایده است .

قرءان مجید

<مجید>، به معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزّت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از <مَجَدَّتِ الْاِبِلُ> گرفته شده است؛ یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

فواید مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱

۱ - به کارگیری مثل از روش های قرآن برای هدایت مردم

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا... يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۶

۶ - همه مثالهایی که خداوند برای مردم به کار می برد ، جهت تنبه و تذکر به آنان است .

و يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۴

۴- بهره بردن از تمثیل در تبیین حقایق معنوی ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۱،۲

۱- خداوند ، در قرآن ، به

بیان های گوناگون ، مثال ها و نمونه های فراوانی را برای هدایت بشر ، طرح کرده است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

<صرّفنا> به معنای <بینا> است؛ یعنی <بیان کردیم> (لسان العرب)، ولی از آن جهت که باب تفعیل، برای تکثیر است، مراد، بیان های متعدد است. ریشه کلمه <صرّفنا> که تصریف و تغییر از حالتی به حالتی است، گویای آن است که این بیانات، گوناگون و متنوع هستند.

۲- آوردن مثال و نمونه ، از شیوه های بیانی قرآن و از روش های مناسب در تبلیغ و بیان حقایق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

برای <مَثَل> معانی متعددی از جمله: <شبیهِ و نظیر> و <حدیث (کلام تازه)> و <ضرب المثل> و <صفت> ذکر شده است. در آیه مورد بحث، به مناسبت <و اضرب لهم مثلاً رجلین> در آیات قبل ظاهراً، مقصود، ذکرِ شبیه و نظیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - بر ملا شدن ضعف و ناتوانی معبود ها (اصنام) و جهل و نادانی پرستندگان آنها با ضرب المثل خداوند ، برای همگان

ضعف الطالب و المطلوب

<ضَعْفَهِ> (مصدر <ضعف>) به معنای ناتوان شدن است؛ یعنی، طالب و مطلوب هر دو ناتوان شدند. ظاهراً مقصود این است که با دلایل قاطع و غیرقابل انکاری که ارائه شد، نه تنها ضعف و ناتوانی بت ها؛ بلکه جهل و نادانی پرستندگان آنها نیز بر همگان آشکار شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ -

۲۰ - استفاده از تمثیل و تشبیه معقول به محسوس و ارائه نمونه عینی ، از روش های هدایتی قرآن برای تفهیم معارف بلند الهی

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح .. و یضرب الله الأمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - انتخاب ملموس ترین مثال ، برای تبیین حقایق پیچیده و بلند آسمانی ، شیوه بیانی قرآن کریم است .

الم تر أن الله یسبح له .. و الطیر صفت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در آیه شریفه، پرندگان از حیث قابل دسترس بودن و نوع پرواز و اندامشان، مورد تمثیل قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۹ - ۲

۲ ارائه مثل ها (الگو ها و نمونه های عینی) ، روش کاربردی قرآن در تبیین حقایق و هدایت مردمان

و کلاً ضربنا له الأمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۶

۶ - استفاده از مثال های متنوع ، از روش های قرآن کریم ، برای تبیین معارف و حقایق است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۲

۲ - مثل های قرآن ، بهترین و سودمندترین مثل ها است .

و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كلّ مثل

تنكير <مثل> دلالت بر تعظیم و شرافت دارد؛ یعنی، یعنی مثل های قرآن بهترین و سودمندترین مثل ها است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۹

۹- بیان های تمثیلی و توصیفی قرآن ، برای توده های بشر و در جهت منافع آنان

كذلك يضرب الله للناس أمثلهم

لام در <لنّاس> بیانگر منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۶

۶ - استفاده قرآن از مثال ها ، برای به فکر واداشتن توده مردم

و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

فهم انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۲

۲ - پیام های انذارگر قرآن ، پیام هایی معقول و شناختنی است ؛ نه دور از حیطه درک بشر .

حکمه بلغه

در معنای <حکمت>، اتقان فهم و مطابقت با عقل نهفته است و وصف <بالغه> این معنا را تأکید می کند.

فهم تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۳

۳ انسانها قادر به فراگیری قرآن و شایسته برای فهم معارف آن هستند.

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم

با توجه به اینکه پیروی از قرآن بدون فهم محتوای آن امکان پذیر نیست و تصریح شده که قرآن به سوی انسانها آمده است، معلوم می شود که آنان قادر به درک مفاهیم قرآن هستند.

فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته > روایت شده که فرمود:

> یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیہ ... ;

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعید آن ترسان می باشند، و از قصه های آن پند و عبرت می گیرند و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۲۵

۲۵ آیات قرآن (آیات الاحکام) قابل فهم و بهره برداری مردم

یسئلونک .. کذلک ینبیین الله لکم الایات لعلکم تتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۷

۲۷ آیات قرآن ، قابل فهم و بهره برداری برای همه مردم

و ینبیین ایاته للناس لعلهم یتذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۳۴ ، ۲۰ ، ۱۷

۱۷ اعتدال و سلامت قلب و اندیشه ، زمینه فهم صحیح قرآن

فأما الذین فی قلوبهم زیغ .. و ابتغاء تأویلہ

انحراف قلب، منتهی به تأویل نادرست قرآن می شود؛ بنابراین سلامت قلب، فهم صحیح آیات قرآن را در پی دارد.

۲۰ فهم و برداشت صحیح از قرآن ، بدون شناخت محکم و متشابه آن ، امری ناممکن است .

هنّ ام الكتاب .. فأما الذین فی قلوبهم زیغ

فهم متشابه در گرو ارجاعش به محکم است

؛ چون محکم، <آم> و مرجع است. بنابراین اول باید آیات محکم از متشابه تشخیص داده شود، تا بتوان قرآن را فهمید.

۳۴ جز خردمندان، کسی قدرت درک و ویژگی های آیات محکم و متشابه را ندارد.

و ما یدّکرّ الاّ اولوا الالباب

ظاهراً مراد از متعلّق <ما یدّکرّ>، مطالب عنوان شده در همین آیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۴

۴ قرآن، قابل فهم برای همه مردم در هر عصر و دوره ای

هذا بیان للنّاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۳

۳ قرآن، کتابی قابل فهم برای همه

افلا یتدبّرون القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۹

۹ تمامی مردمان، توانمند بر درک مفاهیم قرآن

یأیها الناس .. و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۲

۱۲ دریافت و فهم مقاصد قرآن، هدف از بیان آیات به شکلهای متنوع و گوناگون است.

انظر کیف نصرّف الأیت لعلهم یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۴

۴ قرآن ، کتابی قابل درک برای مردم و همگان توانا بر بهره گیری از هدایت های آن

و لقد جننهم بکتب فصلنه علی علم هدی و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۸

۸ قرآن ، کتابی برای خواندن و

فهمیدن

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۲

۲- قرآن ، کتاب جهانی و قابل فهم برای همه مردم

هذا بلغ للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- قرآن ، حاوی تعالیم و حقایقی است که کلید فهم آنها در دست پیامبر (ص) بود .

و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ، کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای همگان است .

و لقد صرّفنا في هذا القرآن للناس من كلّ مثل

<ل> در <لنّاس> برای انتفاع است ، یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۵

۵- قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم .

أفلم يدبروا القول

با توجه به توصیه خداوند به تدبر در قرآن، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۵

۵ - قرآن ، قابل فهم و شناخت است .

کتب .. لیدبروا ایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۵، ۱۱

۱۱ - عجز کافران ، از درک معارف و مفاهیم بلند قرآن

و الذین لایؤمنون فی اذانهم وقر و هو علیهم عمی

جمله <فی آذانهم وقر> (در گوش های کافران

سنگینی است) و نیز جمله <هو علیهم عمی> (کوری کافران نسبت به قرآن است) کنایه از ناتوانی کافران نسبت به درک مفاهیم قرآن می باشد.

۱۵ - پیام روشن قرآن ، دور از شنود و فهم کافران لجوج

أُولَئِكَ ينادون من مكان بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۸ - ۳

۳ - عن أبي إبراهيم (ع) ... قال : ... إن هذه لغة في قریش إذا أراد الرجل منهم أن يقول قد سمعت يقول قد تدلیت و إنما التدلی الفهم ;

از امام کاظم (ع) روایت شده .. که فرمود: ... تدلی واژه ای است در قریش هرگاه مردی از آنان خواست بگوید: شنیدم، می گوید <تدلیت> و تدلی به معنای فهمیدن است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن للذکر

مفهوم <لقد یسرنا..> این است که حقایق قرآنی در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا> این است که حقایق قرآنی، در مرحله اول و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک

آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۵

۵ - معارف و آموزه های قرآن ، قابل شناخت و درک برای بشر

عَلَّمَ الْقُرْآنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۷

۷ - هیچ کس جز افراد پاک حقایق قرآن را به خوبی درک نخواهند کرد .

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی قابل فهم برای اهل فکر و اندیشه

لَوْ أَنزَلْنَاهُ هَذَا الْقُرْآنَ .. لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

در دسترس بودن قرآن که از اسم اشاره قریب (هذا) فهمیده می شود و نیز ترغیب به اندیشیدن و تفکر در آن، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، قابل درک و فهم برای جن

إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا

فهم مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۷

۷ - اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی می فهمند .

فأما الذين ءامنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۱

۱ - خداوند ، فراخوان مردم به مطالعه و تیزبینی در چگونگی مثالهایش برای دریافت حقایق

ألم تر كيف ضرب الله مثلاً

قانونمندی قرآن

جلد - نام سوره - سوره -

۲ - قرآن ، در برگیرنده قوانینی نظام بخش و حافظ مصالح مردم

فیها کتب قیمه

<قیم> هر چیز، برپادارنده و قوام بخش آن است (لسان العرب). فعل <کُتِبَ> یعنی، حکم و قضاوت کرد و ملزم ساخت (مصباح). بنابراین مراد از <کُتِبَ> در آیه شریفه، ممکن است مجموعه حکم ها و الزام های الهی باشد.

قبول تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ پذیرش قرآن و معارف آن در گرو رحمتی خاص از جانب خداوند

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و کفراً

قداست قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۶

۶ تبلیغ قرآن نباید وسیله درآمد های مادی قرار گیرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلا ذکر للعلمین

حصر در جمله <إن هو ..> حصر اضافی و نسبی است که به قرینه جمله <و ما تسئلهم ...> می توان گفت: مقصود این است که قرآن را خداوند بر پیامبر(ص) نازل کرد تا حقایق آن را به مردم بیاموزد و ابلاغ کند نه اینکه آن را وسیله کسب معاش قرار دهد و پیامبر(ص) نیز همین گونه عمل کرد (ما تسئلهم ...).

قدرتمندی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از قشر مرفّه، قدرتمند و افزون خواه بودند.

و جعلت له مالاً ممدوداً.

و بنین شهوڈا . و مہدت له تمہیدًا . ثم یتطمع أن ازید

قرآن از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۹

۹ قرآن از آیات الهی است.

فقد جاءكم بينه من ربكم .. فمن أظلم ممن كذب بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ معارف قرآن ، آیات و نشانه های خدایند .

و نفصل الأیت

مقصود از <الآیات> می تواند همه معارف مطرح شده در قرآن باشد. بنابراین تعبیر از آن معارف به <آیات> مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۵

۵ قرآن ، مجموعه ای از آیات و نشانه های خداوند

أو کذب بأیته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۵ - ۲

۲ قرآن ، آیت و نشانه الهی است .

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك .. ولا تكونن من الذين كذبوا بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۷

۷ قرآن ، از آیات خدا و نشانه های اوست .

تلک ءایت الکتب المبین

<آیات> به معنای نشانه هاست و آیه های قرآن به این دلیل آیات نامیده شده است که ویژگیهای نازل کننده خود را نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۵

۵ قرآن و آیات آن ، از نشانه های خداوند

است .

تلک ءایت الکتب

کلمه <آیات> به معنای نشانه هاست و آیات قرآن به این دلیل آیات نامیده شدند که ویژگیهای نازل کننده خود را نشان می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۳

۱۳ - قرآن ، از آیات الهی است .

بایه من ربّه أولم تأتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۳

۳ - قرآن ، مجموعه ای از نشانه های خداوند

فی ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۸ - ۳

۳ - قرآن ، مجموعه ای از آیات و نشانه های خداوند

و الذین هم بأیت ربهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۵

۵ - احکام و قوانین قرآن ، از آیات و نشانه های خداوندی است .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستئذنوا .. کذلک یبیین الله لکم ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۳

۳ - آیات قرآن ، از نشانه ها و جلوه های ربوبیت پروردگار است .

و ما تأتیهم من آیه من آیت ربهم

برداشت یاد شده بر این پایه استوار است که مقصود از <آیات>، آیه های قرآن می باشد و اضافه آن به صفت <ربب>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۸

۸ - قرآن ، از آیات الهی است .

كانوا بأیتنا یجحدون

مصدق مورد نظر برای <آیاتنا>

به قرینه آیه ۲۶ قرآن است.

قرآن از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۴

۱۴ - آسمانی بودن قرآن حتی در نظر مخالفان رسالت ، امری روشن بود .

إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱

۱ قرآن ، کتابی فرو فرستاده شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

و انزلنا إليك الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۱

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، با عظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

كتب أنزل إليك

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱۱، ۳

۳ قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر اسلام (ص) است .

و ما كان هذا القرءان أن يفتری من دون الله

۱۱ قرآن ، کتابی است الهی .

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۷

۷ قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر (ص)

بما أوحینا إلیک هذا القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

قد کانت آیتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ -

۳- قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از سوی خداوند

بل أتینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۲

۲- قرآن ، کتاب آسمانی و وحی الهی به پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۱

۱- قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ؛ نه بشری .

تنزیل الکتب من الله

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده آن (پیامبر اسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۱

۱- قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ؛ نه بشری .

إنا أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱

۱- قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ؛ نه بشری

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بود می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند است ؛ نه دستاورد بشر

تنزیل الکتب من الله

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبر اسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

قرآن در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتمرون الناس بالبیر و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

جمله <تُنسون أنفسکم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید و ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید و سپس با جمله <و أنتم تتلون الکتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع بودند یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۴

۴ - تورات و انجیل، حاوی بشارت به آمدن قرآن و پیامبر (ص) و بیانگر ضرورت ایمان به آن دو است.

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

چون خواندن تورات و انجیل و پیروی از آن دو، مایه ایمان آوردن به قرآن و پیامبر(ص) می شود، به دست می آید که: آن دو کتاب، بشارت به آمدن قرآن و پیامبر(ص) و

لزوم ایمان آوردن به آنها مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۸

۸ تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن پیامبر (ص) و قرآن

نزلنا مصداقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ وجود دلایل حقایق قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

قرآن در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن ، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

جمله <تُنسون أنفسکم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید و ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید و سپس با جمله <و أنتم تتلون الکتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع بودند یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۹

۹ - تورات ، متضمن بشارت به نزول قرآن و بعثت پیامبر (ص) است . *

مصدق لما معهم و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

عبارت >مصدق لما

معهم < قرینه آن است که منشأ آگاهی یهود پیش از بعثت بر اینکه <قرآن نازل می شود و پیامبر(ص) مبعوث می گردد>، تورات بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۴

۴ - تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن قرآن و پیامبر (ص) و بیانگر ضرورت ایمان به آن دو است .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

چون خواندن تورات و انجیل و پیروی از آن دو، مایه ایمان آوردن به قرآن و پیامبر(ص) می شود، به دست می آید که: آن دو کتاب، بشارت به آمدن قرآن و پیامبر(ص) و لزوم ایمان آوردن به آنها مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حَقانیت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود ، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الکتب لمن .. لا یشترون بایات الله ثمنًا قلیلا

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۸

۸ تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن پیامبر (ص) و قرآن

نزلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ وجود دلایل حَقانیت قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه

منزل من ربك بالحق

قرآن در دوران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص) انجام گرفت .

تنزیل الكتب من الله

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۲

۲- قرآن ، در عصر رسول خدا (ص) مجموعه ای مدوّن بود .

واذکر فی الكتب

حرف <ال> در <الکتاب> عهد حضوری است و به کتاب موجود اشاره دارد.

قرآن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ قرآن به صورت کتاب در عصر پیامبر (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق < کتاب > (نوشته) بر

قرآن، حاکی از این است که قرآن به صورت کتاب و نوشته بر پیامبر (ص) نازل می شد و یا در آن عصر آن را می نوشتند و به صورت کتاب در می آوردند؛ و گرنه اطلاق کتاب بر آن صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص)، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما یتلی علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته شده بر سطوح و تدوین یافته به صورت کتاب

یأیها الذین ءامنوا ءامنوا بالله و رسوله و الکتب الذی نزل علی رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کتاب بوده است .

و قد نزل علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ قرآن، به صورت کتاب و نوشته در عهد پیامبر (ص)

کتب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إليك الكتب

اطلاق < کتاب > (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱

۱ قرآن در عصر نزول، حتی در مکه، به عنوان < کتاب > شناخته شده بود.

و هذا کتب أنزل نه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۸

۸ قرآن در عصر پیامبر (ص)، به بخشهایی به نام < سوره > تقسیم بندی شده بود.

فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۳

۳ قرآن، نامی شناخته شده در عصر نزول برای مجموعه آیات نازل شده

لولا نزل عليه القرآن جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن، در همان عصر نزول، به < کتاب > مشهور بود.

تنزیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۲۲

۲۲ - قرآن کریم، حتی قبل از نزول همه آیات آن، کتاب نامیده می شده است.

كان ذلك في الكتب مسطورًا

در صورتی که مراد از <الکتاب> قرآن باشد، اطلاق کتاب بر آن، در این سوره که بی شک آخرین سوره نازل شده بر پیامبر(ص) نیست نکته یاد شده را می رساند.

قرآن در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷۸

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است

و لا تلبسوا الحق بالبطل و تکتّموا الحق

۸- بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لا تلبسوا الحق بالبطل و تکتّموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک مصدق الذی بین یدیه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخزون .. يقولون سبحن ربنا إن كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۲

۲- نزول قرآن بر شخص پیامبراکرم (ص) یاد شده در کتاب های آسمانی پیشین

و إنّه لفي زبر الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳

۸- وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۷

۷- وجود قرینه هایی در متن تورات ، بر حقانیت قرآن *

و شهد شهد من بنی إسرئیل علی مثله فامن

مترتب شدن ایمان به قرآن، بر ایمان به تورات و آیین موسی، ممکن است از آن جهت باشد که در تورات، قرینه هایی بر حقانیت قرآن وجود داشته است.

قرآن در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۱،۵

۱- قرآن ، دارای حقیقتی متعالی و مکتوب در < لوح محفوظ > ، قبل از نزول به زبان عربی

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا . . . وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ لَدِينَا

مراد از < اُمُّ الْكُتُبِ > لوح محفوظ است.

۵- قرآن ، در اُمُّ الْكُتُبِ (لوح محفوظ) ، دارای حقیقتی واحد و بسیط

و إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ . . . حَكِيمٌ

< حکیم > به معنای محکم است و < محکم > به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی ناگسستنی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در اُمُّ الْكُتُبِ به < محکم > با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات،

آیات و سوره های مفصل و مجزا از یکدیگر است

اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در اُمّ الکتاب، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۴

۴ - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند، نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند، زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱،۲

۱ - قرآن، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است.

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

۲ - لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است، از نابودی و تغییر مصون است.

فی لوح محفوظ

کلمه <محفوظ>، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۴- اهمیت قرائت قرآن ، در نماز شب

و قرآن الفجر . . . و من الیل فتهجد به نافله لک

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <قرآن>، نماز مشتمل بر قرائت قرآن باشد.

قرآن قبل از نزول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۳

۳ قرآن پیش از نزولش ، دارای حقیقتی که نه خواندنی بود و نه عربی .

إنا أنزلناه قرءاً عربیاً

قرآن و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۹

۹ قرآن ، تبیین گر آیات و جلوه های ربوبیت الهی در پدیده های جهان آفرینش

ما خلق الله ذلك إلا بالحق يفصل الأیت

قرآن و ابهام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۳

۳ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هر گونه ابهام و قابل درک برای همگان

و إذا تتلى عليهم آياتنا بینت

قرآن و ازدیاد طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

قرآن و ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و

طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفوياً

قرآن و افترا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱

۱ قرآن کتابی است که نسبت ساختگی و غیر الهی بودن را، نه در شکل و نه در محتوا، نمی پذیرد.

و ما كان هذا القرءان أن يفتری من دون الله

نفی صفت افترا و ساختگی بودن از قرآن با به کارگیری <ما كان> که برای نفی شأن و استعداد است بیانگر این حقیقت می باشد که: در قرآن چه در شکل و چه در محتوای آن هیچ نشانه ای که حاکی از غیر الهی بودن آن باشد، وجود ندارد.

قرآن و افسانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۴،۵

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتارها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند.

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

قرآن و انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و ...)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

۶- قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵

۵ گواهی قرآن بر حقانیت تورات و انجیل

امنوا بما نزلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتاب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتاب>، تورات و انجیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۶،۸

۶ قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . .

(.

و لكن تصدیق الذی بین یدیه

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...) است .

و تفصیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵

۵- قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...)

مصدقاً لما بین یدیه

قرآن و انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱ - ۹

۹- ساحت قرآن ، از هرگونه کجی و انحراف مبرا است .

أنزل علی عبده الکتب و لم يجعل له عوجاً

<عوج> به معنای کجی و انحراف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است عاری از هرگونه عدم اعتدال و انحراف از حق .

الحمد لله الذی أنزل علی عبده الکتب .. قیماً

<قیم> ، چنان چه در لسان العرب آمده است ، می تواند به معنای <مستقیم> ، یعنی <راست و پیراسته از انحراف> باشد.

قرآن و اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۳

۳- اهل کتاب نیز چون مسلمانان ، مخاطب قرآن هستند .

و

لقد آتینک .. و القرآن العظیم ... كما أنزلنا علی المقتسمین

برداشت فوق بر این احتمال است که مفعول <آنزلنا> ضمیری باشد که به قرآن باز می گردد و مراد از <المقتسمین> طبق مفاد برخی شأن نزولها، یهود و نصارا باشد (روح المعانی).

قرآن و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفحات قرآن ، پاک و منزّه از ثبوت هرگونه ناروا و دروغ و به دور از مطالب باطل

مطهره

قرآن و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۳

۳ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

بینی اسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

بینی اسرائیل اذکروا

قرآن و بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۱

۱ - آموزه های قرآن ، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و ليقول الذين في قلوبهم مرض و الكفرون .. و ما هي إلا ذكري للبشر . كلاً

<كلاً> در این آیه برای انکار است؛ انکار تذکار بودن قرآن برای بیماردلان و کافران حق ناپذیر.

قرآن و تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ ضرورت تأمل و اندیشه در کیفیت بیان توحید و ارائه حقایق به شکلهای گوناگون در آیات قرآن

انظر كيف نصرف الأيت

تصريف به

معنی دگرگون ساختن و گرداندن است و در آیه شریفه به معنی ارائه صورتها و طرحهای گوناگون کلام برای ارائه حقایق است.

۱۱ بیان قرآن و تنوع و گوناگونی آن برای هدایت انسان کافی است.

انظر کیف نصرف الآيت ثم هم یصدفون

دعوت به نگرش در چگونگی بیان آیات و همچنین اظهار شگفتی از رویگردانی برخی مردم از هدایت‌های قرآن، بیانگر کارسازی و نقش مؤثر آن در هدایت انسان است.

۱۲ اعراض مشرکان از توحید و حقایق آسمانی، با وجود بیان روشن و مستدل قرآن، امری شگفت‌انگیز

انظر کیف نصرف الآيت ثم هم یصدفون

قرآن و تخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی به دور از تخیلات و احساس های بی منطق و غیر علمی

و ما هو بقول شاعر

شعر، سخنی است موزون و متکی بر احساس و تخیل و نفی شعر بودن قرآن، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

قرآن و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴،۶

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و ...)

ءامنوا بما أنزلت مصداقاً لما معکم

مراد از <ما> می موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصداقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصداقاً لما معکم>;

یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق

می کند.

۶- قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۲،۳

۲- قرآن ، صحت محتوای تورات و آسمانی بودن آن را تأیید و تصدیق می کند .

کتب .. مصدق لما معهم

۳- قرآن ، دلیلی بر حقانیت و آسمانی بودن تورات است . *

مصدق لما معهم

تصدیق تورات از ناحیه قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب آن شد که نوید آن کتاب مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین، نزول قرآن مایه اثبات حقانیت تورات شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۶،۱۸

۱۶- قرآن ، تأیید کننده محتوای تورات و تصدیق کننده آسمانی بودن آن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

۱۸- قرآن ، گواه و دلیلی بر راستی و درستی تورات است . *

و هو الحق مصدقاً لما معهم

تصدیق کتابهای آسمانی اهل کتاب از سوی قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتاب ها، مبنی بر آوردن قرآن تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن مایه اثبات راستین و درستی آن کتاب هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۴، ۸، ۷

۷ - قرآن ، محتوای

تورات را تأیید و راستی و درستی آن را تصدیق می کند .

مصدقاً لما بین یدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <مصدقاً> حال برای ضمیر مفعولی <نزله> - که مراد از آن قرآن است - باشد. مقصود از <ما بین یدیه> (کتابی که پیش از قرآن بوده است)، در آیه مورد بحث، تورات است.

۸- وجود قرآن ، گواه و شاهی بر حقانیت تورات است . *

مصدقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصدقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است، یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

۱۴- تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک یاذن الله مصدقاً لما بین یدیه

<مصدقاً لما بین یدیه> (قرآن درستی تورات را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشمن جبرئیل، این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵

۵ گواهی قرآن بر حقانیت تورات و انجیل

امنوا بما نزلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳

۵ تورات ، حاوی احکامی نسخ نشده به وسیله قرآن

و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

اگر آن حکم و یا احکامی که یهودیان از آن اعراض می کردند به وسیله قرآن نسخ شده بود، یهودیان نباید به خطر اعراض آن، مورد مذمت قرار می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا الیک الکتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتاب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتاب>، تورات و انجیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۶۸

۶ قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...)

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...) است .

و تفصیل الکتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵

۵ - قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...)

مصدقاً لما بین یدیه

قرآن و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه باطل و مبرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .

.. و لقد جنّهم بكتب فصلنه

قرآن و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - قرآن از خطا و انحراف ، منزّه و پیراسته است .

صحفًا مطهّره

قرآن و دانشمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۴

۴ هدف خداوند از بیان آیات طبیعت در قرآن استفاده دانشمندان است.

إن الله فالتق .. فالتق الإصباح ... النجوم لتهدتوا ... قد فصلنا الأیت لقوم يعلمون

قرآن و دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفحات قرآن ، پاک و منزّه از ثبت هرگونه ناروا و دروغ و به دور از مطالب باطل

مطهّره

قرآن و سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۳

۳ هدایت انسان ها ، در گرو حضور قرآن با سنت پیامبر (ص) در میان آنها

تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول

چنانچه مراد از <تعالوا .. الى الرسول> پذیرش معارفی باشد که به آن حضرت وحی می شد ضمیمه ساختن <الی الرسول> لزومی نداشت بنابراین آیه اشاره به این دارد که رسول خدا(ص) علاوه بر مسائل وحی شده به وی، دارای دستورات و معارفی است که از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر می شود.

قرآن و شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۲

۲- قرآن ، سخنی از سنخ شعر نیست .

و ما علّمه الشعر

مقصود

از آموخته ای که از سنخ شعر نیست، قرآن کریم است که کافران آن را شعر می پنداشتند و بر این اساس، پیامبر اسلام (ص) را به شاعر بودن متهم می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۲

۲ - قرآن ، تحقیقاً از سنخ شعر و کلامی شاعرانه نیست .

و ما هو بقول شاعر

قرآن و عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۸

۸ احکام و قوانین قرآن ، مبتنی بر علم و عقل

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّٰه .. افحکم الجهلیه بیغون

جهل در لغت مقابل عقل و نیز علم، کاربرد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۲

۱۲- معارف و آموزه های قرآن مطابق و هماهنگ با خرد ناب است .

هذا بلغ للناس .. و لیذکر أولوالألّٰب

از اینکه خداوند هدف از نزول قرآن را پندپذیری صاحبان خرد قرار داد، معلوم می شود که قرآن با موازین عقلی مطابق و هماهنگ است و اگر غیر از این بود، خردورزان از آن پند نمی گرفتند؛ بلکه نتیجه معکوس در بر می داشت.

قرآن و علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۸

۸ احکام و قوانین قرآن ، مبتنی بر علم و عقل

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّٰه . . افحکم الجهلیه ییغون

جهل در لغت مقابل عقل و نیز علم، کاربرد دارد.

قرآن و علما

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۴

۴ هدف خداوند از بیان آیات طبیعت در قرآن استفاده دانشمندان است.

إن الله فالق .. فالق الإصباح ... النجوم لتهتدوا ... قد فصلنا الأيت لقوم يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰- تأثیر عمیق آیات قرآن در وجود آگاهان و اندیشمندان

إن الذين أوتوا العلم من قبله .. يخزون للأذقان سجداً

قرآن و عهد شکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۹

۹- قرآن کسانی را به گمراهی می کشاند که : عهد های الهی را نقض کنند ، پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده بگسلند و در زمین به فسادگری پردازند .

و ما يضل به إلا الفسقين. الذين ... يفسدون في الأرض

قرآن و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۸،۹

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمت های آن می باشد.

۹ بیان قرآن درباره مکرها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر

وحی بودن و الهی بودن آن

ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

جمله <و ما كنت لديهم..> به منزله تعلیل برای <ذلك من أنباء الغیب...> است.

قرآن و قلبهای بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۸

۸ زراره بن اعین روایت کرد که امام باقر (ع) فرمود: < و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم يقول : شكاً إلى شكهم ;

اینکه خداوند می فرماید: <اما کسانی که در قلبهای آنان مرض است [سوره نازل شده] رجسی را بر رجس آنان می افزاید > مراد این است که شکی را بر شک آنان می افزاید >.

قرآن و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلى عليهم آیتنا قالوا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إن الذین یلحدون .. إن الذین کفروا ... و إنه لکتب عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۱

۱ - آموزه های قرآن ، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و ليقول الذين في قلوبهم مرض و الكفرون .. و ما هي إلا ذكرى للبشر . كلاً

<كلاً> در این آیه برای انکار است؛ انکار

تذکار بودن قرآن برای بیمار دلان و کافران حق ناپذیر.

قرآن و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و ...)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۵، ۱۰

۱۰ قرآن ، تأیید کننده سایر کتاب های آسمانی (همانند تورات و انجیل)

مصدقاً لما بین یدیه و انزل التوریه و الانجیل

۱۵ قرآن ، دلیلی برای حقانیت کتب آسمانی گذشته (همانند تورات و انجیل) است . *

مصدقاً لما بین یدیه و انزل التوریه و الانجیل

چون در تورات و انجیل، بشارت به نزول قرآن داده شده، طبعاً نزول آن، گواه راستی و صحت آن کتب خواهد بود؛ و این احتمالی است برای مصدق بودن قرآن نسبت به دیگر کتب آسمانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۶، ۹

۶ وجود قرآن ، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

اینکه کتابهای آسمانی به آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد بود.

۹ عظمت و ارزش برتر قرآن نسبت به دیگر کتاب های آسمانی

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصداقاً .. و مهيمناً عليه

حفاظت و نگهبانی از کتابهای آسمانی که به عهده قرآن گذارده شده است، نشانه برتری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۷

۷ شرافت و برتری قرآن ، بر دیگر کتب آسمانی *

ءامننا بالله و ما أنزل الينا و ما أنزل من قبل

تقديم <ما انزل الينا> بر <ما انزل من قبل> علی رغم تقدم زمانی کتب آسمانی گذشته می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۶۸

۶ قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...)

و لكن تصدیق الذی بین یدیه

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...) است .

و تفصیل الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۰، ۸

۸ قرآن تصدیق کننده و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین است .

و لكن تصدیق الذی بین یدیه

<تصدیق> مصدر است و به معنای اسم فاعل تصدیق کننده می باشد. این کلمه به وسیله <لکن> بر <حادثاً> عطف شده است.

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای

آسمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد ، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵

۵- قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...)

مصدقاً لما بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۳

۳- هماهنگی معارف قرآنی ، با کتاب های آسمانی پیشین

كذلك یوحى إليك و إلى الذین من قبلك

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <كذلك> اشاره به محتوای وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۴

۴- قرآن ، حاوی معارف کتاب های آسمانی گذشته است . *

یتلوا صحفًا مطهّره . فیها کتب قیمه

قرآن و کهنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۲

۲- قرآن ، به تحقیق از سنخ کهنات و کلامی کاهنانه نیست .

و لا بقول کاهن

قرآن و گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷ قرآن ، کتاب مزده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک ءایت الکتب .. أن أنذر الناس و بشر الذین ءامنوا

قرآن و گمراهی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ تأثیر منفی قرآن در برخی مردمان ، برخاسته از کفرورزی و طغیانگری آنان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

قرآن و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۴ - ۱

۱ - ساحت قرآن و آیات معاد ، از بذله گویی و سخنان سست و بی پایه ، میرا است .

و ما هو بالهزل

<هَزَلٌ> و <هُزَالٌ> از یک ریشه اند و بر ضعف و سستی دلالت دارند. <هَزَلٌ> نقطه مقابل <جِدٌّ> و <هُزَالٌ> نقطه مقابل <فربهی> است. (مقایس اللغه)

قرآن و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۶

۶- آیات قرآن ، آیاتی فرود آمده از لوح محفوظ

الر تلك ءآیت الکتب و قرءان مبین

با توجه به اینکه لفظ <قرآن> پس از <الکتاب> ذکر شده و نیز اصل در آوردن لفظ مترادف ، تأسیس است نه تأکید و تکرار ، احتمال دارد که مراد از <الکتاب> لوح محفوظ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۱

۱ - محتوای قرآن ، مطابق با لوح محفوظ

إنه لقراءان كريم . في كتب مكنون

مراد از <كتاب مكنون> طبق آنچه كه در سوره <بروج> آمده (بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ) لوح محفوظ است.

قرآن و متقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴،۵

۴ - توان قرآن بر هدايت

و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدّی للمتقین

<هدّی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

۵- قرآن کتاب هدایت و راهنمای اهل تقوا به مراحل والای آن

هدّی للمتقین

قرآن و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱،۲

۱ خداوند ، نازل کننده کتاب (قرآن) بر پیامبر (ص)

هو الذی انزل علیک الکتاب

۲ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

هو الذی انزل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اول استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۴،۵

۴ قرآن و پیامبر (کتاب و سنت) هماهنگ و تفکیک ناپذیر

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّٰه و الی الرّسول

اگر قرآن و سنت ناهماهنگ و تفکیک پذیر بود، فرمان مراجعه به هر دو، در واقع امر به دو چیز متخالف بود که از حکمت خداوند به دور است.

۵ تفکیک میان قرآن و پیامبر (کتاب و سنت) ، از شیوه های منافقان

و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرّسول رايت المنافقين يصدّون عنك ص

منافقان در برابر دعوت به قرآن و پیامبر (ص)، تنها اعراض از پیامبر (ص) را عنوان کردند (یصدّون عنک)، نه اعراض

از قرآن را. زیرا در آیه نیامده است: یصدون عما انزل الیک.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۱

۱ - قرآن ، مایه تذکر و یادآوری برای پیامبر (ص) و قوم آن حضرت است .

و إنه لذکر لک و لقومک

قرآن و مخالفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱۳

۱۳ - برخورد منطقی و استدلالی قرآن با مخالفان

أو لو کان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً و لایهتدون

قرآن و مردم صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۵

۵ - تأثیر شگرف قرآن و معجزات الهی بر مردم عصر بعثت

و قالوا إن هذا إلا سحر مبین

از سحر دانستن قرآن و معجزه الهی، برداشت یاد شده به دست می آید.

قرآن و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۱

۱ - قرآن ، مایه تذکر و یادآوری برای پیامبر (ص) و قوم آن حضرت است .

و إِنَّهُ لَذَكَرُ لَكُمْ و لِقَوْمِكُمْ

قرآن و مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۳۱

۳۱ برخورد منطقی و استدلالی قرآن با مسیحیان ، در مورد پندار الوهیت برای مسیح (ع)

الذین قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ . . . وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

قرآن و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ قرآن برای

مشركان زيبا و جذاب بوده است.

يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

<أساطير> به معنی سخن زينت شده و زيبا آمده است. <سطر فلان على فلان إذا زخرف له الأقاويل و نمقها>. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۲

۲ قرآن در تحدى با مشركان ، آنان را به آوردن ده سوره همانند سوره های قرآن فراخواند و آنان را به مبارزه طلبيد .

أم يقولون افتريه قل فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۲

۲- قرآن ، درصدد تحريك مشركان ، برای انديشيدن به پوچى و ناتوانى معبود های دروغينشان

قل أرءيتم ما تدعون من دون الله أرونى ماذا خلقوا

تعبير <أرأيتم> چه به معنای <أخبرونى> باشد و چه به معنای سؤال از نگرستن دعوت برای انديشيدن در ماهيت پوچ بت ها است.

قرآن و معاش نيكو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۸

۸ رساندن انسان ها به معيشتى نيكو در دنيا ، از هدف های قرآن و اديان الهى است .

ألا تعبدوا إلا الله .. و أن استغفروا ربكم ثم توبوا إليه يمتعكم متعًا حسنًا

قرآن و مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - قرآن کسانی را به گمراهی می کشاند که : عهد های الهی را نقض کنند ، پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده بگسلند و در زمین به فسادگری پردازند .

و ما یضل به

إلا الفسقين. الذين ... يفسدون في الأرض

قرآن و مقتضیات زمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهاداً کبیراً

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

قرآن و منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۲،۳

۲ - قرآن برای منافقان بسان بارانی است همراه با رعد و برق در شبی تاریک و مخوف

أو کصیب من السماء فیہ ظلمت و رعد و برق

۳ - قرآن ، برای اهل نفاق ظلمت زا ، وحشت آفرین و احیاناً روشنی بخش (در بردارنده منافی گذرا) است .

فیہ ظلمت و رعد و برق

قرآن و مؤمنان راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۳

۳ تلاوت قرآن بر مؤمنان راستین ، فزاینده ایمان در نهاد آنان

و إذا تلیت علیهم آیتة زادتهم إیمنا

<تلیت> به قرینه کلمه <علی> از تلاوت، که به معنای قرائت است، گرفته شده است. بنابراین مراد از <ءایته>، آیات قرآن است.

قرآن و مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷ قرآن،

کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک آیت الکتب .. أن أنذر الناس و بشر الذین ءامنوا

قرآن و ناهماهنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۷

۱۷ اگر قرآن از جانب خدا نبود ، اختلافات بسیاری در آن یافت می شد .

و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً

با توجه به اینکه قرآن در مدت بیست و سه سال و در شرایط بسیار مختلف نازل گردید، بنابراین اگر از جانب غیر خداوند بود، طبعاً اختلافهای فراوانی در آن پدیدار می گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۵

۵ - مبّرأ بودن قرآن از هرگونه انحراف ، کجی ، اختلاف و تضاد

قرءأنا عربیّاً غیر ذی عوج

<عوج> به معنای کجی و انحراف است، این واژه در مواردی به کار می رود که با فکر و بصیرت شناخته می شود، نه با حواس ظاهری. از این رو مفسران گفته اند: مقصود از آن در آیه شریفه با توجه به تنکیر آن و بودنش در سیاق نفی هرگونه کجی و انحراف در معانی و پیام های قرآن و یا اختلاف و تضاد در آنها است.

قرآن و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۸

۸ - آیات قرآن ، در طول زندگانی پیامبر (ص) از خطا و کاستی مصون ماند .

سنقرئک فلاتنسی

درباره مفاد <إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ> در آیه بعد،

دو دیدگاه وجود دارد: ۱. بیان حاکمیت مشیت خداوند که در نتیجه مراد، استثنای حقیقی نخواهد بود؛ بلکه تنها نشانگر آن است که <لاتنسی> هر چند مطلق است و هیچ استثنایی ندارد؛ ولی مشیت خداوند بر همه چیز حاکم است و نسیان و عدم نسیان پیامبر(ص)، بیرون از مشیت او نیست. ۲. حرف <إلا> در استثنای حقیقی به کار رفته است و بیانگر آن است که خداوند، بخشی از آیات را براساس مشیت خویش از یاد پیامبر(ص) خواهد برد. برداشت یاد شده براساس نظر اول است.

قرآن و نیازهای انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۲

۲ - نزول قرآن، دارای هدفی ارجمند و هماهنگ با واقعیت هستی و نیازهای انسان

أنزل الكتب بالحق

حق، گاهی به معنای شیء مطابق با حکمت می آید و گاهی به معنای امر ضروری و مورد نیاز. برداشت یاد شده براساس هر دو احتمال است. هم چنین بر این پایه استوار است که <بالحق> متعلق به <أنزل> باشد.

قرآن و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و

پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

قریش و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبيله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و کذب به قومک و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إني على بينة> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۶

۶- <عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) عن قوله: <الذين جعلوا القرآن عضين> قال: هم قریش ;

از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <الذين جعلوا القرآن عضين> روایت شده است که فرمودند: آنان قریش بودند.

قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۴،۶،۹

۴ داستان های بازگوشده در قرآن ، از آیات الهی

تلک ایات الله

۶ حقانیت داستان های بازگوشده در قرآن

تلک ایات الله نتلوها عليك بالحق

۹ بیان بحق تاریخ گذشتگان توسط پیامبر (ص) ، نشانه ای بر حقانیت رسالت وی

تلک ایات اللّٰه .. و انّک لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۰، ۱

۱ همسر عمران ، فرزندی را که در شکم داشت ، برای خداوند نذر کرد و از هر خدمتی به خود آزاد ساخت

اذ قالت امرات عمران ربّ انّی نذرت لك ما فی بطنی محرّراً

۱۰ زنده نبودن عمران ، آن زمان که همسرش ، فرزند خویش را نذر پروردگار کرد . *

اذ قالت امرات عمران ربّ انّی نذرت لك ما فی بطنی محرّراً

زیرا مادر با وجود پدر، معمولاً چنین تصمیمی را نسبت به فرزند اتخاذ نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱،۷،۸

۱ حقایقی از سرگذشت مریم و زکریا ، برای اولین بار به پیامبر اکرم (ص) گفته شد .

ذلك من انباء الغیب نوحیه الیک

بیان حقایق مذکور اگر در دیگر کتب آسمانی آمده باشد، ظاهراً اطلاق غیب بر آن نمی شده است.

۷ نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم ، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم .. اذ یختصمون

۸ شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه ، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون

به نظر می رسد تکرار <ما کنت لدیهم>، اشاره به شگفتی جریان نزاع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱

۱ سرگذشت زکریا ، عیسی ، مریم ، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن ، حق و از جانب پروردگار است .

الحق من ربّک

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در

آیات سابق بیان شد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۲ - ۱

۱ تنها آنچه در قرآن درباره حضرت عیسی (ع) بیان شد، حق است؛ نه آنچه مسیحیان می پندارند.

انّ هذا لهو القصص الحق

حصّر، از ضمیر فصل استفاده شده و قصر در این جمله، قصر قلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۳، ۱

۱ قرآن، حاوی بهترین و زیباترین داستانها

نحن نقصّ عليك أحسن القصص بما أوحينا إليك هذا القرآن

۳ قرآن، بازگو کننده داستان ها با بهترین و زیباترین بیان

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

چنان چه <قصص> مصدر باشد، <أحسن القصص> مفعول مطلق می شود و در حقیقت توصیفی برای کیفیت بیان کردن و بازگو کردن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۵

۱۵- بیان سرگذشت ستم پیشگان کیفر شده و نیز داستان های مثال زدنی و درس آموز، در قلمرو موضوعات قرآن

و سکنتم فی مسکن الذین... و تبیین لكم کیف فعلنا بهم و ضربنا لكم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۱

۱- پیامبر اکرم (ص) وظیفه دار یاد کردن سرگذشت ابراهیم (ع) در قرآن

واذکر فی الکتب إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۱

۱- پیامبر اکرم (ص) وظیفه دار یاد کرد سرگذشت حضرت موسی در قرآن

واذکر فی الکتب موسی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۱

۱- خداوند ، پیامبر (ص) را به یاد کردن سرگذشت ادریس (ع) در قرآن فرمان داد .

واذکر فی الکتب ادریس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۵، ۱۴، ۴، ۳

۳ - خداوند ، تنها سرگذشت برخی از رسولان را برای پیامبر اسلام (ص) بازگو کرده و برخی دیگر را نقل نکرده است .

رسلاً من قبلک منهم من قصصنا علیک و منهم من لم نقصص علیک

۴ - در قرآن ، تنها سرگذشت برخی از فرستادگان الهی بازگو شده است .

رسلاً من قبلک منهم من قصصنا علیک و منهم من لم نقصص علیک

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مقصود از آیه شریفه، نقل داستان های پیامبران در قرآن باشد.

۱۴ - > عن علی (ع) [فی قوله < و منهم من لم نقصص علیک >] انه قال : بعث الله نبیاً أسود لم یقص علینا قصته ;

از امام علی (ع) درباره سخن خداوند < و منهم من لم نقصص علیک > روایت شده که فرمود: خدا پیامبری سیاه چهره را مبعوث کرده بود که قصه او را برای ما نقل نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۵

۵ - > فی المجمع : یعنی بالحديث ما تقدم من الأخبار ، عن الصادق (ع) ;

از امام صادق (ع) درباره < أفمن هذا الحديث تعجبون > روایت شده که مراد از < حدیث > همان اخباری است که در آیات پیشین گذشته است (اخبار قوم

عاد، ثمود، قوم نوح و المؤمنفکه).>

قصه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۴

۴ خداوند ، سرگذشت گروهی از پیامبران را در قرآن بیان نکرده است .

و رسلا لم نقصصهم عليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعيب (ع)

تلک القری نقص عليك من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قلمرو تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۲ - ۲

۲ - بیداری و آگاهی انسان ها ، در قلمرو رسالت پیامبر (ص) و قرآن

و ما هو إلا ذکر للعلمین

کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۴

۴- فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند؛ نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند؛ زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ

قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت.

ءامنوا بما أنزلت... واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکه: فدیة و عوضی گرفته نمی شود و...، مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ آنان که به قرآن و پیام های آن ایمان نیاورند، به هیچ سخن هدایت بخش دیگری ایمان نخواهند آورد.

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ضمیر در <بعده> به قرآن برگردد. حرف <با> در <بأی> برای الصاق باشد. یعنی اگر به قرآن ایمان نیاورند، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۱۰، ۵

۵ مردم روزی زمین همواره نسبت به قرآن دو دسته هستند: مؤمن و کافر.

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به

۱۰ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله < و منهم من لا یؤمن به > فهم اعداء محمد (ص) و آل محمد (ع) من بعده ;

از

امام باقر (ع) روایت شده [از جمله] کسانی که به قرآن ایمان نمی آورند < دشمنان محمد و آل محمد هستند که پس از او می آیند >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت، مستحق عذاب دنیوی اند و به آن تهدید شده اند.

و لئن أٰخٰرنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه> (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳، ۲۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان، یهودیان، نصارا و...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت، مصداقهای بارز و موردنظر آن، گروههای نامبرده اند.

۲۳ اکثر مردم عصر بعثت، از ایمان آوردن به قرآن امتناع میورزیدند.

و لکنّ اکثر الناس لا یؤمنون

برداشت فوق، براین اساس است که <ال> در <الناس> عهد حضوری و اشاره به مردمی باشد که در زمان نزول آیات سوره هود، زندگی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه،

علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - کافر ماندن همسر ابولهب تا آخر عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارًا .. و امرأته حمّاله الحطب

کافران صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱ کافران صدر اسلام، مردم را از گوش فرادادن به قرآن نهی می کردند.

و هم ینهون عنه

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنه

<نَأَى> به معنی دور شدن است و <ینئون عنه> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۴

۴ مشرکان و کافران عصر بعثت، به والایی آیات قرآنی و محتوای بلند آن اعتراف داشتند.

و ليقولوا درست

زیرا اگر آیات در نظر مشرکان کم اهمیت بود، برای رد آیات به کم اهمیتی آن اشاره می کردند و نه به فراگیری آن از

دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۶

۶ کافران ، در عصر بعثت منکر هر گونه نوآوری در قرآن بودند .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

این که کافران، قرآن را افسانه های پیشینیان می شمردند، حاکی از آن است که

آنان نه تنها منکر اصالت قرآن بودند؛ بلکه آن را فاقد هر گونه نوآوری نیز می دانستند.

کافران صدر اسلام هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵،۶

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت تعرف في وجوه الذين كفروا المنكر

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند.

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم آیتنا

<سَاطُونَ> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است؛ یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

کافران مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۸

۱ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد کذبوا بالحق لما جاءهم

جمله ظرفیه <لما جاءهم> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله <كانوا به يستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۱ تمسک کافران مکه به حيله برای مقابله با آنان

و يمكرون .. و إذا تتلى عليهم آيتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلى .. > می تواند بیان مصداقی از <يمكرون> در آیه قبل باشد.

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتارها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطير الأولين

<اساطير> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولين> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطير الأولين> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱،۲،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرودرستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و يمكرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا افناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با

اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فَأَمْطَرَ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ اثْنَا بَعْدَ ذَلِكَ أَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم يستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۲

۲- < ذکر بودن قرآن > ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

و قالوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نَزَّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

كذالك نسلكه في قلوب المجرمين . لا يؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است

که جمله <لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵،۹

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا .. لعلکم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۷

۷ - مخالفت مستمر کافران مکہ

، نسبت به آیات قرآن

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ

برداشت یاد شده با توجه به معنای <لَمَّا> است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

کافران و استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۵

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما يستمعون به .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نحوی> - همان گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

کافران و فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۹

۹- فصاحت عالی قرآن و بیان روشن آن ، مورد قبول همگان حتی کافران و مشرکان

و هذا لسان عربی مبین

استدلال خداوند در ردّ ادعای کافران، مبتنی است بر آنکه فصاحت قرآن مورد قبول آنها باشد.

کافران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۶

۶ پایبندی کفرپیشگان به افکار و آراء گذشتگان خویش مانع پذیرش تعالیم قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا .. قالوا حسينا ما وجدنا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما

تأتيهم من آية .. إلا كانوا عنها معرضين. فقد كذبوا بالحق ... ما كانوا به ي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۲، ۱۰

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شیوه های مبارزه کافران و مشرکان با اسلام

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۳، ۴، ۷

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطير الأولين. و هم ينهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

۴ کافران با پرهیز از گوش فرادادن به قرآن و جلوگیری مردم از آن، ناخودآگاه خود را به هلاکت می افکنند.

و إن يهلكون إلا أنفسهم و ما يشعرون

۷ ترفندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ينهون عنه و يثنون عنه و إن يهلكون إلا أنفسهم

صدر آیه بیان مبارزه کافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن يهلكون> می تواند ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه

قرآن و اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . . . بل بدالهم ما كانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما كانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و ليقولوا درست و لئینه لقوم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۴،۵

۴ خداوند کافران را به گوش فرادادن به آوای قرآن فراخواند .

هذا بصائر من ربکم . . . إذا قرى القرآن فاستمعوا له

برداشت فوق مبتنی بر این است که خطاب در <فاستمعوا . . .> شامل کافران نیز باشد.

۵ گوش سپاری کافران به آوای قرآن، زمینه ساز دستیابی آنان به هدایت و رحمت الهی خواهد شد .

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

چنانچه خطاب در آیه شامل کافران باشد، مصداق مورد نظر از رحمت در <ترحمون> هدایت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۳،۵

۳ اظهار آگاهی کافران از محتوای قرآن و غیر مهم جلوه دادن آن ، از حیلہ های آنان علیہ پیامبر (ص)

و یمکرون .. قالوا قد سمعنا

لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطير

جمله <ان هذا .. > دلالت می کند بر اینکه مقصود از <مثل هذا> همانندی در محتوای قرآن بوده است.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا .. إن هذا إلا أسطير الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۸

۸ مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم یأیئس الذین ءامنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعاً

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله <أفلم یأیئس الذین ءامنوا> و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۲

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی یا مرگ

تلك ءایة الکتب و قرءان مبین . ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

محمتمل است که متعلق <کفروا> قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱

۱ کافران ، منکر نزول

وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۸

۱۸ - قرآن کریم در نگاه کافران ، فراتر از کلام عادی است و تأثیری در حد سحر دارد .

و قال الذین کفروا للحقّ لئما جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبین

از سحر دانستن قرآن، استفاده می شود که مشرکان، قرآن را کلامی فراتر از کلام معمولی و دارای تأثیری فوق العاده می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۶

۶ - اعتراف ضمنی کافران ، به تأثیر شگرف و خارق العاده قرآن و معجزات پیامبر (ص)

و إن يروا آية . . . و يقولوا سحر مستمرّ

وصف <سحر مستمرّ> گرچه در مقام تنقیص بیان شده، اما به طور غیر مستقیم به تأثیر

خارق العاده کارها و گفته های اعجازی پیامبر(ص) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار / حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مَهْطَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطير الأولین . کلاً بل ران علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۵

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و الله أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند، ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

کافران و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران ، تمثیل به پشه و مانند آن را امری ناروا ، نامعقول و به دور از شأن خداوند می پنداشتند .

و أما الذین کفروا فیقولون ماذا أراد الله بهذا مثلاً

با توجه به اینکه کفرپیشگان قرآن را نپذیرفته بودند معلوم می شود: جمله <ماذا أراد الله . . .> خداوند چه هدفی را از این
مثلاً تعقیب می کند < بدین معنا نیست که آنان باور

داشتند که این مثلها از جانب خداوند است و در توجیه آنها در مانده بودند؛ بلکه مقصود آنان این بود که چون آن گونه مثلها ناپسند، بی هدف و نامعقول است، نمی تواند نازل شده از جانب خداوند باشد.

کافران هنگام استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص)، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

کتاب بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۳

۳ - قرآن، پیش از اتمام نزول تمام آیات اش، کتاب نامیده شده است.

اتل ما أوحى إليك من الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۳

۳ - قرآن، پیش از نزول آخرین آیات اش، کتاب نامیده شده است.

و كذلك أنزلنا إليك الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۳

۳ - قرآن، پیش از نزول آخرین آیات اش، کتاب نامیده شده است.

أنا أنزلنا عليك الكتب

کتابت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۲

۲ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

ذلك الكتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه

ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید و یا به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) نازل می شده است. احتمال اول و دوم گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۴،۷

۴ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

نزل عليك الكتاب

اطلاق <الكتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اول استفاده شده است.

۷ کتابت قرآن در عصر نزول توسط کُتّاب وحی *

نزل عليك الكتاب

اطلاق <الكتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال دوم استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر نزول *

هو الذي انزل عليك الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص) ، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما يتلى عليكم في الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته شده بر سطوح و تدوین

یافته به صورت کتاب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إليك الكتاب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

کتابُ أحکمت ءآیته

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یا بدان جهت است که آیه های آن ، پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید ، به صورت کتاب درآید. در هر دو صورت ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءآیت الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت است که آیات آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب و نوشته درآید. به هر تقدیر ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۵

۵- نوشته شدن قرآن توسط کاتبان وحی در پی نزول هر آیه یا هر سوره آن

تلک

<کتاب>، مصدر به معنای مفعول (مکتوب) است. <کتاب مبین> یعنی، نوشته ای روشن. بنابراین اطلاق <کتاب> بر قرآن می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول، نوشته می شد و یا توصیه ای است بر این که باید نوشته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۴

۴ - کتابت و تدوین آیات قرآن، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و ما کنت ترجوا أن یلقى إلیک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۳

۳ - کتابت و تدوین آیات قرآن، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

تنزیل الکتب من الله

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا

توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۴

۴ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

اللّٰهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو احتمال گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص) انجام گرفت .

تنزيل الكتاب من الله

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته

در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۸

۸ انجام کتابت و جمع آوری قرآن، در عهد پیامبر اکرم (ص) *

و الکتب المبین

آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص)، به صورت مکتوب و مدوّن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲ - ۳

۳- قرآن، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

تنزیل الکتب

اطلاق کتاب (نوشته) بر قرآن، می تواند حاکی از آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۳

۳- قرآن، دارای عنوان < کتاب > و به صورت تدوین شده در عصر بعثت

تنزیل الکتب من الله

قرآن، خود عنوان کتاب را بر آیات نازل شده منطبق ساخته است. از این نکته و با توجه به مکی بودن آیات، استفاده می شود که آیات قرآن، از آغاز نزول دارای عنوان کتاب بوده و مدوّن و مکتوب می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۴ - ۱،۳،۴

۱ - معارف قرآن، نوشته هایی ثبت شده در ورقه هایی متعدد

عبارت <فی صحف> با <إنها تذکره> ارتباط دارد؛ یعنی، آن تذکره در صحیفه هایی متعدد است. <صحیفه> (مفرد <صحف>)؛ یعنی، هر چه در آن چیزی نوشته شود. (مفردات راغب)

۳- لزوم گرامی داشتن و ارج نهادن به ورق

قرآن و آیات مکتوب آن

فی صحف مکرّمه

توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه>، گرچه خبر از حقیقتی خارجی می دهد؛ ولی متضمن توصیه شدن مسلمانان به حفظ احترام قرآن نیز هست.

۴- قرآن، پیش از نزول در صفحه هایی متعدد مکتوب بوده است.

فی صحف مکرّمه

توصیف قرآن به <فی صحف> با توجه به نزول سوره <عبس> در مکه یا پیشگویی از نوشته شدن آن در آینده است و یا از نوشته بودن آن پیش از نزول کامل خبر می دهد. در صورت دوّم، مراد این است که ملائکه قرآن را از لوح محفوظ برگرفته و به صورت نوشته هایی در صفحات متعدد، آن را به مراحل بعدی نازل می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۲

۲ - نوشتن قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت، رسالت الهی بر عهده سفیران متعدد

بأیدی سفره

<سفره> یا به معنای نویسندگان است و یا رسولان. در کتب لغت درباره این کلمه چنین آمده است: <سفر< در تمام مشتقاتش [بر مکشوف و آشکار شدن دلالت دارد و <سَفْرٌ> یعنی، کتابت و <سفره> یعنی، نویسندگان؛ آنها را از آن جهت به این نام نامیدند که کتابت، آشکار سازنده چیزی است که مورد نیاز از نوشته است (مقایس اللغه). کلمه <سفیر> بر رسول نیز اطلاق می شود؛ زیرا او مأموریت خود را آشکار می سازد (تاج العروس). جمع <سفیر>، گرچه <سفراء> است؛ ولی از آنجا که در لسان العرب، کلمه <سفره> بر فرشتگانی که بین خدا و پیامبران او سفارت (رسالت) دارند، اطلاق شده است، می توان

گفت: <سفره>، به معنای <سفراء> نیز استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱

۱ - قرآن، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است.

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ .. الذی علم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۹

۹ - ثبت آیات قرآن، در صحیفه ها و ورق ها، برنامه ای پیش بینی شده از جانب خداوند و القا شده به رسول اکرم (ص)

یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <صحف> (جمع <صحیفه>؛ یعنی، چیزی که در آن می نویسند)، اشاره به آینده قرآن و مکتوب شدن آن دارد. اسناد <یتلوا> به <صحفًا> با آن که پیامبر(ص) آیات الهی را از روی صحیفه های موجود تلاوت نمی کرد به اعتبار مکتوب شدن پیام ها، پس از تلاوت آن است.

کتابت قرآن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن در عصر پیامبر

تلک آیت الکتب المبین

اطلاق <الکتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یابدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب درآید.

کتب آسمانی قبل از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۴

۴ نزول کتاب آسمانی بر دو طایفه غیر عرب (یهود و نصارا) قبل از نزول قرآن

إنما أنزل الکتب علی طائفین من قبلنا

کتب آسمانی و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۳

۳ کتاب های آسمانی پیشین ، سند زنده ای برای اثبات حقانیت و الهی بودن آیات قرآن کریم

فإن كنت فی شك مما أنزلنا إليك فسل الذين یقرءون الکتب من قبلک

تذکر این نکته لازم است که مراد از کتابهای آسمانی پیشین، کتابهایی است که دست تحریف، آنها را دگرگون نکرده است.

کتمان حقیقت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۸

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق

برخی برآند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

کتمان و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۶- کوشش مخالفان پیامبر (ص) بر غیر الهی جلوه دادن قرآن کریم

يقولون إنما يعلمه بشر

کرامت کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۱

۱ - نویسندگان قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، شخصیت هایی بزرگوار و دارای ارزش و احترام در پیشگاه خداوند

بأیدی سفره . کرام

کری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲ - بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱

۱ تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظلمت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲ - تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أکثه .. و فی ءاذاننا وقر

کشیشان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۰، ۳

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسیسین و رهباناً .. ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسیسین> و <رهبان> برگردانده شود.

۱۰ گروهی از مسیحیان ، کشیشان و راهبان عصر بعثت ، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن .

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول .. یقولون ربنا ءامنا

کفایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۱

۱- معارف قرآن ، برای هدایت و سعادت قوم عبادتگر خدا ، کافی و بسنده است .

إِنَّ فی هذا لبلغاً لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به قرآن و مجموعه مطالب این سوره باشد. و <بلاغ> به معنای کفایت باشد (لسان العرب).

کفایت گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ شهادت و گواهی عالمان به قرآن ، بر حقیقت رسالت پیامبر (ص) در اثبات آن کافی و تمام است .

کفی بالله .. و من عنده علم الکتب

<من عنده .. > عطف بر <الله > است و در حقیقت فاعل

برای <کفی> می باشد ؛ یعنی: <کفی بمن عنده علم الكتاب شهيدًا>.

کفر به بخشی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۳

۳۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند: <... الکفر فی کتاب اللّٰه علی خمسہ اوجه ... و الوجه الرابع من الکفر ترک ما أمر اللّٰه عز و جل به و هو قول اللّٰه عز و جل > ... أفتؤمنون ببعض الكتاب و تکفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منکم < فکفر هم بترک ما أمر اللّٰه عز و جل به و نسبهم إلى الايمان و لم يقبله منهم و لم ينفعهم عنده ... >

کفر در کتاب خدا بر پنج قسم است ... و قسم چهارم از کفر، ترک اوامر خداست و این سخن خدای عز و جل است که می فرماید: <أفتؤمنون ببعض الكتاب و تکفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منکم> پس خداوند آنان را به خاطر ترک نمودن اوامر الهی کافر دانسته و به آنان نسبت ایمان داده است، اگر چه ایمان مورد قبول نیست و برای آنان نزد خداوند سودی ندارد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱،۵

۱- یهود و نصارا، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند.

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می

باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است؛ چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند؛ چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <..و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

۵- < عن ابن عباس قال : سأل رجل رسول الله (ص) > ..الذین جعلوا القرآن عضین > قال : آمنوا ببعض و کفروا ببعض ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <الذین جعلوا القرآن عضین> سؤال کرد، حضرت فرمود: به بعضی از [قرآن] ایمان می آورند و نسبت به بعضی دیگر آن کافر می شوند.

کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا اول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <ولاتکونوا...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند؛ یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و

(...)

و لاتكونوا اول كافر به .. و استعينوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ - يهوديان على رغم مطابق يافتن ويژگي های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۹۰ - ۱۲ ، ۴ ، ۲

۱ - يهوديان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أن يكفروا بما أنزل الله

مراد از <ما أنزل الله> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن يهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ويژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - يهوديان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله

<اشترأ> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما<ی موصوله در <بئسما< فاعل <بئس< و <أن يكفروا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی يهوديان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

۴ - هر آنچه آدمی در برابر کفر به قرآن و از دست دادن دین الهی به چنگ آورد ، پست و ناچیز است .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا

بما أنزل الله

برداشت فوق مبتنی بر این است که مخصوص به ذم، مال و منال، ریاستهای دنیوی و مانند آن باشد که در کلام ذکر نشده تا شامل هر چیزی بشود. بر این مبنا <أن یکفروا...> بیان معامله و داد و ستد است و معنای جمله <بئسما اشتروا...> چنین می شود: یهودیان آنچه از مال و منال دنیا در برابر فروختن خویش به دست آوردند، بهای پستی بود و این معامله با کفر به قرآن صورت گرفت.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است؛ برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغياً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷،۹

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۹ - یهودیان، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن، به آن ایمان نیاوردند.

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵،۱۱

۵ - تنها فاسقان (منحرفان)، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند.

و ما یکفر بها إلا الفسقون

۱۱ - انکار

قرآن ، نشانه خروج از بینش صحیح در شناخت وحی و رسالت است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

برداشت فوق با توجه به معنای فسق (خروج از حد اعتدال) استفاده شده است. خروج از اعتدال در مقوله ایمان - که یک مقوله معرفتی و شناختی است - به نداشتن اندیشه و بینش صحیح باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام ، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توییخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله و انتم تشهدون

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره محاسبه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل

کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۴

۴ تکبر و گردن فرازی گروهی از اهل کتاب در برابر خداوند ، موجب کفر و انکار قرآن از سوی آنان

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . . . خاشعین لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۵، ۱۲، ۱۰

۱۰ هشدار خداوند به اهل کتاب ، در مورد مسخ انسانیت آنان در صورت ایمان نیاوردن به قرآن

امنوا . . . من قبل ان نظمس وجوهاً فردّها علی ادبارها او نلعنهم

<نظمس> به معنای نابود کردن اثر چیزی است، و <وجه> به معنای صورت می باشد. مراد از <وجوه> نیز به دلیل برگشت ضمیر <هم> به آن، افراد انسان است؛ البته به لحاظ شخصیت انسانی آنان و نه به لحاظ جسم ایشان.

۱۲ انحراف فکر و اندیشه و مسخ شخصیت ، پیامد کفر به قرآن

امنوا . . . من قبل ان نظمس وجوهاً فردّها علی ادبارها

<وجوه> به اعتبار اینکه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند کنایه از درک و فهم باشد.

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب . . . او نلعنهم کما لعنا اصحاب السّبت

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . . . او نلعنهم کما لعنا اصحاب السّبت

۱۹ سرگذشت اصحاب سبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنا

۲۱ مسخ کافران به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً .. او نلعنهم ... و كان امر الله مفعولاً

۲۲ مسخ و یا لعنت کافران به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً ... و كان امر الله م

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً فردّها علی ادبارها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نطمسها عن الهدی فردّها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بأنّها لا تفلح ابداً.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۳، ۲

۲ کفر به قرآن به مثابه شرک به خداوند است .

امنوا بما نزلنا .. انّ الله لا یغفر ان یشرک به

جمله <ان الله .. > تهدیدی برای کافران به قرآن است. بنابراین کفر به قرآن باید مصداقی از شرک به خدا باشد و یا به منزله شرک به او.

۳ اهل کتاب ، مردمی مشرک ، به خاطر کفر به قرآن

فلا یؤمنون الاّ قليلاً .. یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا بما نزلنا ... انّ ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لكن> استدراک از جمله <فلا يؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لكن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لكن...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۲،۳

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازدارى مردمان از پیوستن به اسلام، منحرفانی سخت گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا...> به قرینه آیات پیشین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند؛ و مراد از <سبیل الله> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا، گمراهی عمیق است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

متعلق <کفروا> به قرینه آیات قبل قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۲

۲ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا، موجب محرومیت

از هدایت و آمرزش الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

با توجه به آیات قبل مراد از <کفر>، کفر به پیامبر(ص) و قرآن است و مراد از ظلم، بازداشتن دیگران از راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۶

۶ کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام، مایه خلود در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا .. خَلَدِينَ فِيهَا أَبَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ کافران به خدا، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فَمَا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ .. صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذين ءامنوا ..> بیانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۵

۱۵ بی اعتنایی و عدم تعهد اهل کتاب به تورات و انجیل، موجب کفر آنان به قرآن

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ .. طَعْنًا

بیان کفرورزی اهل کتاب به قرآن پس از بیان بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، نمایانگر این است که بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، زمینه ساز کفر و انکار قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۳

و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا...> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ کافران به قرآن، در قیامت، اندیشه‌ها و باورهای خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید.

ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۵،۷

۵ کفر به قرآن و انکار معارف آن طغیانگری است.

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

ضمیر <هم> در <یذرهم> و <طغیانهم> به منکران قرآن، که از جمله <فبأی حدیث> استفاده می‌شود، برمی‌گردد. بنابراین مراد از <طغیان> انکار قرآن است.

۷ کفرپیشگان منکر قرآن، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهُ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی‌آورند.

و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

برداشت فوق ، مبنی بر این است که <ال> در <الناس> برای استغراق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (

ص) و قرآن، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قريبا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته، انکار قرآن، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۷

۷- دلداری خداوند به پیامبر (ص) در قبال کفر مشرکان مکه به معجزه آن حضرت (قرآن)

و قالوا لن نؤمن لك .. و لقد ءاتينا موسى تسع ءايت بينت ... فقال له فرعون إني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لا تؤمنوا إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو..> یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱

۱ - کفر و انکار قرآن از دید خداوند، پنهان نمی ماند .

لا يخفون علينا .. إن الذين كفروا بالذکر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که خبر

<إِنَّ> در <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا> به قرینه آیه قبل جمله <لَا يَخْفُونَ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۴

۴ - کفر به قرآن ، بدترین درجه ضلالت و گمراهی است .

قل أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلِّ مَمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقِ بَعِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

کفر تحریفگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۶

۶ - تحریف گران آیات الهی ، کافراند .

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي آيَاتِنَا .. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ

کفر مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه

دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

کفر مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذين كفروا .. لا يؤمنون

متعلق <لایؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است؛ یعنی: لایؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۷،۸

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغیانهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهُ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

۸ کفرپیشگان منکر قرآن راهی برای نجات از تحیر و سرگردانی ندارند .

و یذرهم فی طغیانهم یعمهون

معنای جمله <یذرهم ..> بنابراینکه <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> باشد، چنین می شود: خداوند منکران قرآن را رها نمی سازد تا همچنان در وادی طغیان، سرگردان بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۱

۱ - منکران قرآن ، کافرانند .

ثم أورتنا الكتب . . . و الذين كفروا

مقصود از کفر در این آیه به قرینه آیات پیشین که درباره قرآن کریم بود انکار قرآن است.

کفرستیزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، در هر

عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه دادن کافران به کمبود فرصت ، از راه کار های مبارزه قرآن با کفر

إنا أنذرناکم عذابًا قریبًا

جمله <يقول الکافر..> در ذیل آیه - گویای آن است که روی خطاب در <أنذرناکم>، با کافران است.

کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۱

۱ - قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلک الکتب

<ذلک> مبتدا و <الکتب> خبر آن است. بر این مبنا <ال> در الکتب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۶

۶ قرآن خالی از هر گونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه ءایه .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذى أنزل إليكم الكتب .. و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل

که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جنابك شهيداً على هؤلاء و نزلنا عليك الكتب تبيناً لكل شيء و هدى

با توجه به ارتباط دو بخش آیه؛ یعنی، <و جنابك شهيدا ..> با <و نزلنا عليك ...> و نیز بنابر اینکه <شهيداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۲

۲- قرآن ، کامل ترین کتاب هدایت

إن هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم

برداشت فوق بنابراین است که مفضل علیه <أقوم> صرفاً هدایت تورات نباشد؛ بلکه مفضل علیه محذوف، عام بوده و شامل همه کتابهای هدایتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱ - ۵

۵- قرآن ، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب

<ال> در <الكتاب> برای استغراق صفات است؛ یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که

قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

کمی عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۵

۵ - پندگیری و درس آموزی مردم از تعالیم قرآن ، در نیمه نخست رسالت بسیار ناچیز و اندک بود .

قلیلاً ما تذكرون

کمی مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۵

۵ - ایمان به قرآن در میان مردم ، در نیمه نخست رسالت (مگه) بسیار اندک بود .

قلیلاً ما تؤمنون

کوردلی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

کوری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۲

۲ - بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ - کیفر روی گردانی از قرآن ، در قیامت همانند باری سنگین بر دوش اعراض کنندگان خواهد بود .

من أعرض عنه .. وزرًا . خلدین فیه

... حملاً

<حمل> به محمولی گفته می شود که نظیر باری که بر سر یا پشت نهند، آشکار باشد (لسان العرب). نکره بودن آن، گویای گران باری آن است.

۲ - عقوبت و پی آمد های اخروی روی گردانان از قرآن ، ابدی و جدایی ناپذیر است .

وزراً . خلدین فیه و ساء لهم

مرجع ضمیر <فیه> ، <وزراً> در آیه قبل است. خلود در <وزر>، به معنای جاودانگی در آثار و تبعات آن است.

کیفر اخروی مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۲

۲- کیفر کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند ، در قیامت بدون هیچ کاستی داده خواهد شد .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه

کیفر استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذبوا بالحق لما جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما کانوا به یتستهزءون

کیفر استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۷

۷ - تمسخر تعالیم آسمانی قرآن ، در پی دارنده عذاب الهی

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ . . . مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ... أَنْ تَقُولَ ... وَ إِنْ كُنْتَ لِمَنْ

كَيْفَرِ اعْرَاضِ از قُرْآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۷۸، ۱۰

۷ - توصیه خداوند به عمل کردن به قرآن ، پیش از دچار شدن به پیامدهای هلاکت بار

رها کردن قرآن (عذاب)

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ .. من قبل أن يأتيكم العذاب

۸- عمل نکردن به تعالیم قرآن ، در پی دارنده عذاب ناگهانی در دنیا

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ .. من قبل أن يأتيكم العذاب بغته

<بغته> به معنای ناگهانی است.

۱۰- عذاب عمل نکردن به تعالیم قرآن ، ناگهانی و غیرقابل پیش بینی است .

و أنتم لاتشعرون

کیفر افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۸

۸- افترا بستن بر پیامبر (ص) و قرآن ، موجب عذاب دردناک اخروی است .

لهم عذاب أليم . إنما يفتری الكذب الذين لا يؤمنون

کیفر تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۴

۴ تکذیب و انکار قرآن ، ظلم و موجب مخلد شدن مکذبان و منکران در عذاب اخروی است .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به .. ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲- عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا فأولئک لهم عذاب مهین

کیفر شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ شک و شبهه در راستی و درستی قرآن ، مایه گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلا تک فی مریه منه

کیفر کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

کیفر مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۵

۵ - خلود در جهنم ، کیفر مقابله کنندگان با آیات الهی (قرآن)

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئک أصحاب الجحیم

کیفر معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۷

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسن ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست؛ در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکرری بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

کیفر مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه و کیفر عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم

... ألا ساء ما يزرون

کیفر مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

کیفر ممانعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۲

۲ - ممانعت از دسترسی انسان ها به پیام قرآن ، در پی دارنده عذاب سخت الهی

و قال الذين كفروا لاتسمعوا .. فلنذيقن الذين كفروا عذابًا شديدًا

کیفیت تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۴

۴ - نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان عربی

تنزيل من الرحمن .. قرءانا عربیًا

کیفیت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۵، ۳، ۲

۲ - جبرئیل ، نازل کننده قرآن بر قلب پیامبر (ص)

فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰى قَلْبِكَ

۳- جبرئیل ، نه از سر خود بلکه به اذن خدا و فرمان او ، قرآن را بر پیامبر (ص) فرود آورد .

فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ

۵- نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ

جمله <فانه ..> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی

یهود با جبرئیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۳

۳ نزول آیات قرآن بر پیامبر (ص) به شکل نوشتارهایی ملموس نبوده است.

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۴

۴ قرآن به صورت مجزا و بخش بخش بر پیامبر (ص) نازل می شد .

و إذا لم تأتھم بایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۱

۱ - تلاوت ، نحوه نزول قرآن بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبیا موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، نازل شده به شکل نزول تدریجی

تنزیل من الرحمن الرحیم

مطلب یاد شده از واژه <تنزیل> که برای نزول تدریجی به کار می رود استفاده شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۴

۴- نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان عربی

تنزیل من الرحمن .. قراءاً عربیاً

گریه هنگام استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۴،۵

۴- گریستن به هنگام شنیدن آیات قرآن ، امری ارزشمند است .

إذا يتلى عليهم .. و يخزون للأذقان يبكون

۵- تأثیر قرآن بر روح و روان عالمان آشنا به معارف آسمانی ، در حدی است که از دیدگان

آنها اشک جاری می شود .

إذا يتلى عليهم .. يبكون

گسترش تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۸

۸ اراده خدا بر گسترش اسلام و تعالیم قرآن در سراسر گیتی

و یأبی الله إلا أن يتم نوره

گمراهان مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الكتب علی طائفین

گمراهان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۴

۴ - کج اندیشان از حق بازداشته شده ، از هیچ مثل و بیان روشن قرآن ، بهره ای نمی برند .

کذلک کانوا یؤفکون .. و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

گمراهی مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ راه کفر و ستیزه جویی با پیامبر (ص) و تعالیم قرآن، بی راهه ترین راه ها است .

الذین کفروا .. أولئک شرّ مکائناً و أضلّ سبیلاً

گمراهی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۳

۳ - اعراض کنندگان از قرآن و تذکار های آن، در دنیا گرفتار انحراف و گناه می شوند .

ءاتینک من لدنا ذکراً . من أعرض

عنه فإِنَّه يحمل ... وزراً

جمله <فإِنَّه يحمل.. > ممکن است حاکی از گرفتاری اعراض کنندگان از قرآن به گناهای دیگر باشد؛ یعنی، آنان بر اثر این روی گردانی، در دنیا به دام گناه گرفتار می شوند و در قیامت زیر بار آن بوده و آن را حمل خواهند کرد.

گمراهی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۷

۷ کفرپیشگان منکر قرآن، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرههم فی طغیانهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهُ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

گناه استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلاتتعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

گناه اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۲

۲ - اعراض از قرآن، گناهی است و در قیامت دامنگیر انسان خواهد شد.

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی

غیرقابل بخشش است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن . . . و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون
برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

گناه افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۳،۱۴

۳- ساختگی دانستن قرآن ، گناهی بس بزرگ و سنگین

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيمة

۱۴- بار گناه اسطوره خواندن قرآن ، باری بس ناشایست و زشت

قالوا أسطر الأولين . . . ألا ساء ما يزرون

گناه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن . . . و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون
برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

گناه مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلا تتعد بعد الذكري مع القوم الظلمين. و ما على الذين يتقون من حسابهم من شيء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>،
مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

گناه مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶

۵- کسانی که با ساختگی دانستن قرآن، دیگران را به گمراهی کشیدند، بخشی از گناهان آنان را به عهده خواهند داشت.

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم ال

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <من> برای تبعیض باشد.

۶- افترا زندگان به قرآن، علاوه بر گناه خویش، عهده دار گناه گمراه شدگان به دست خود نیز خواهند بود.

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القیمه و من أوزار الذین یضلون

برداشت فوق بر این احتمال است که <من> یا زاید و یا برای جنس باشد چنان که مفسران احتمال داده اند.

۷- کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند، علاوه بر گناه افترا زدن به قرآن، برخی از گناه دیگران (گناه گمراهی آنان) را نیز بر دوش می کشند .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القیمه و من أوزار الذین یضلون

این برداشت، مبتنی بر تبعیض بودن <من> در <من أوزارهم> است.

گناه مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر دوش خواهند کشید .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم ال

لام <ليحملوا> لام عاقبت است و <أوزار> (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

گناهکاری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۴

قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون . کلاً إثمهم ... محجوبون

جمله بعد از <کلاً>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

گواهان بر معارف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۹

۹ خداوند ، گواهی کافی برای حقایق معارف ارائه شده در قرآن

ما اصابک من حسنه فمن الله و ما اصابک من سیئه فمن نفسک .. و کفی بالله شهیداً

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <شهیداً>، معارفی باشد که در این بخش از آیات تبیین گردید.

گواهان حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۱، ۵، ۲

۲ قرآن ، خود دلیل و شاهدهی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربک> حقانیت و الهی بودن قرآن است و <تُلُوْهُ> (مصدر یتلوه) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در <یتلوه> به <من> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه> یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بینه> از پشتیبانی شهادت

قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

۵ تورات، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه .. من قبله کتب موسی

<کتاب> عطف بر <شاهد> است و ضمیر در <قبله> به شاهد برمی گردد.

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدهی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن كان علی بیئنه من ربه .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بیئنه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتک...> را مؤید این نظر شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۸

۸- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل، فردی دانا و متشخص بود.

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن، خود گواه حقانیت خویش*

و القرءان المجید

وجود سوگند به <قرآن> در متن آن، در صورتی منطقی خواهد بود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ مسیحیان عصر بعثت پس از پذیرش اسلام با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیوستن به صف شاهدان

و گواهان حقانیت قرآن بودند .

ربنا ءامننا فاکتبنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله <نطمع ان یدخلنا ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

گواهی بر حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۳،۴

۳ آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملائکه

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح شده در این آیه شرایطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

۴ ظهور خداوند برای تصدیق قرآن و بیان پیامهای خویش به طور مستقیم، ناممکن است.

هل ینظرون إلا أن .. یأتی ربک

<إتیان> در جمله <یأتی ربک> به معنای ظاهر شدن و آشکار گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ، به خوبی درمی یابند .

أفمن كان على بينة من ربه ..ومن قبله كتب موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامنا فاكتمنا مع الشهدین

گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۹

۹ عالمان و آگاهان به قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) گواهی می دهند .

كفى بالله .. و من عنده علم الكتب

گواهی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۸، ۱۷

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ، از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

۱۸ - قرآن ، گواه و دلیلی بر راستی و درستی تورات است . *

و هو الحق مصدقاً لما معهم

تصدیق کتابهای آسمانی اهل کتاب از سوی قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوئیهای آن کتاب ها، مبنی بر آوردن قرآن تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن مایه اثبات راستین و درستی آن کتاب هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۷۸

۷ - قرآن ، محتوای تورات را

تأیید و راستی و درستی آن را تصدیق می کند .

مصدقاً لما بین یدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <مصدقاً> حال برای ضمیر مفعولی <نزله> - که مراد از آن قرآن است - باشد. مقصود از <ما بین یدیه> (کتابی که پیش از قرآن بوده است)، در آیه مورد بحث، تورات است.

۸- وجود قرآن ، گواه و شاهی بر حقانیت تورات است . *

مصدقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصدقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است، یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵

۵ گواهی قرآن بر حقانیت تورات و انجیل

امنوا بما نزلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الكتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الكتب>، تورات و انجیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۲۰، ۱۷، ۱۶

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر(ص)

قل الله شهيد بيني و بينكم و أوحى إليّ هذا القرآن

١٧ قرآن، گواه یگانگی خداوند و بطلان شرک

قل أغير الله اتّخذ وليا .

.. قل الله ... و أوحى إليّ هذا القرآن

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

۲۰ شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أنتکم لتشهدون أن مع الله ءالهه أخرى

همزه استفهام در <أنتکم> دال بر شگفتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۳

۳ قرآن، بینه و دلیل روشن پیامبر(ص) و گواه حقانیت او

قل إني على بينه من ربي و كذبتم به

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از بینه و مرجع ضمیر <کذبتم به> قرآن است. مفرد آمدن کلمه <بینه> و مذکر آمدن ضمیر <به> این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۵

۵ قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲،۳

۲ قرآن، خود دلیل و شاهی بر راستی و درستی خویش است.

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربك> حقانیت و الهی بودن قرآن است و

<تَلُوٌّ> (مصدر يتلو) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می

باشد. ضمیر در <یتلوه> به <مَن> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه>; یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بینه> از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

۳ بهره مندان از بصیرت الهی، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن، درمی یابند و بدان واقف می شوند.

أفمن كان علی بینه من ربه و یتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن... یتلوه شاهد منه [کمن لیس كذلك]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست؛ بلکه درک و عدم درک آنان از گواهی قرآن، موجب تمایز آن دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن، خود گواه حقانیت خویش *

و القرءان المجید

وجود سوگند به <قرآن> در متن آن، در صورتی منطقی خواهد بود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

لالی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱

۱ تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظلمت

لجاجة مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۲

۲ - سرسختی و لجاجت تکذیب گران صدراسلام ، در پذیرش قرآن و اسلام

فبأی حدیث بعده یؤمنون

مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتيهم من آية... إلا كانوا عنها معرضين. فقد كذبوا بالحق... ما كانوا به ي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شیوه های مبارزه کافران و مشرکان با اسلام

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

۱۵ اسطوره خواندن قرآن و جدال و سرسختی در برابر آن، کفرورزی است.

يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطير الأولين. و هم ينهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

۷ ترفندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ينهون عنه و يثنون عنه و إن يهلكون إلا أنفسهم

صدر آیه بیان مبارزه کافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن يهلكون> می تواند

ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه قرآن و اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۵، ۴، ۱

۱ تمسک کافران مکه به حيله برای مقابله با آنان

و یمکرون ... و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی...> می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتارها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۲

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون ... و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق

خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۴

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً .. یريدون أن یطفئوا نور اللّٰه بأفوههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱ - ۴

۴- مخالفت و مبارزه با قرآن و پیامبراسلام (ص) ، مصداق آشکار ظلم و ستم است .

لقد أنزلنا إلیکم .. و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه

خداوند، پس از بیان نزول قرآن و فراخواندن مردم به تعقل در آن و نیز طرح نابودی بسیاری از اقوام گذشته به خاطر ظلمشان، مخالفان اسلام و قرآن را به عذاب و نابودی تهدید کرد و این می رساند که مخالفت با اسلام و قرآن، مصداق روشن ظلم و موجب نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۳

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه و أعانه علیه قوم ءآخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۷

۷- ترور شخصیت (همچون پیامبر (ص))

، از ترفند های کافران برای مبارزه با تعالیم اسلام و قرآن

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

این که کافران، به جای مبارزه با تعالیم قرآن، پیامبر(ص) را متهم به جنون کردند؛ بیانگر این نکته است که آنان درصدد بودند با این کار، به هدف خود (نابودی دین) نائل شوند.

مبین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۴

۴ آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلك آيت الكتب المبين

مشارالیه <تلك> آیات سوره یوسف است. بنابراین <تلك آیات ...> ؛ یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- قرآن ، حاوی تعالیم و حقایقی است که کلید فهم آنها در دست پیامبر (ص) بود .

و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم

متشابهات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱ - ۵

۵ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : > ان الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ؛

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها

را غیر از او کسی نمی داند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴۱، ۳۹، ۳۷، ۳۴، ۳۰، ۲۹، ۲۵، ۲۰، ۱۶، ۱۰، ۷، ۶، ۵،

۵ قرآن ، مشتمل

بر آیات محکم و متشابه

منه آیات محکّمات . . . و آخر متشابهات

۶ آیات محکم ، اصل و اساس قرآن است .

منه آیات محکّمات هنّ ام الكتاب

به اصل و اساس هر چیز <ام>، گفته می شود. (مفردات راغب).

۷ آیات محکم قرآن ، مرجع فهم و تفسیر آیات متشابه

منه آیات محکّمات هنّ ام الكتاب و آخر متشابهات

<ام> در لغت عرب به هر چه مرجع چیز دیگری باشد گفته می شود. (روح المعانی، ج ۳، ص ۷۰).

۸ عدم جواز برداشت از آیات متشابه ، بدون ارجاع آنها به آیات محکم

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه

۱۰ پیوستگی و انسجام آیات محکم قرآن *

منه آیات محکّمات هنّ ام الكتاب

از تعبیر به <ام> که مفرد است، می توان استفاده کرد که کلیه آیات محکم قرآن، پیوسته و دارای انسجام است.

۱۶ منحرفین ، به منظور تأویل محکّمات ، متشابهات را دنبال می کنند .

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأويله

بنابراینکه ضمیر در <تأویله> ارجاع به <ام الكتاب> شود که عبارت است از آیات محکم.

۲۰ فهم و برداشت صحیح از قرآن ، بدون شناخت محکم و متشابه آن ، امری ناممکن است .

هنّ ام الكتاب . . . فأما الذين في قلوبهم زيغ

فهم متشابه در گرو ارجاعش به محکم است ؛ چون محکم، <ام> و مرجع است. بنابراین اول باید آیات محکم از متشابه تشخیص داده شود، تا بتوان قرآن را فهمید.

۲۵ راسخین در علم (عالمان ژرفنگر) ، آیات محکم و متشابه را از جانب خدا دانسته و به آنها ایمان دارند .

و الراسخون فی

العلم يقولون امنا به كل من عند ربنا

۲۹ اظهار ایمان به آیات متشابه و محکم قرآن ، شیوه راسخین در علم

و الراسخون فی العلم يقولون امنا به كل من عند ربنا

جمله <يقولون ... >، بیانگر آن است که راسخین در علم، ایمان خویش را اظهار می کنند.

۳۰ کارایی هر یک از آیات محکم و متشابه ، در تربیت انسان

كل من عند ربنا

هر کدام از آیات محکم و متشابه، ناشی از مقام ربوبیت خدا (من عند ربنا) است؛ بنابراین هر دو دسته، برای تربیت می باشد.

۳۴ جز خردمندان ، کسی قدرت درک و ویژگی های آیات محکم و متشابه را ندارد .

و ما یدکر الا اولوا الالباب

ظاهراً مراد از متعلق <ما یدکر>، مطالب عنوان شده در همین آیه باشد.

۳۷ آیات منسوخ ، از مصادیق متشابه و ناسخ آنها از محکومات است .

منه ایات محکومات ... و اخر متشابهات

امام باقر (ع): .. فالمنسوخات من المتشابهات و المحکومات من الناسخات.

کافی، ج ۲، ص ۲۸، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۹.

۳۹ گسترش کفر ، هدف کج اندیشان از تمسک به آیات متشابه و دنبال کردن آن

فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

امام صادق (ع): المراد بالفتنه هاهنا الکفر.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۰۰ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

۴۱ لزوم ایمان توأم با عمل به آیات محکم و ایمان به آیات متشابه بدون مبنا قرار دادن آن برای عمل

منه آیات محکّات و آخر متشابهات

امام صادق (ع): ان القرآن فيه محکم و متشابه فاما المحکم فنؤمن به و نعمل به و ندین و

اما المتشابه فنؤمن به ولا نعمل به و هو قول الله تبارك و تعالی: <فأما الذين في قلوبهم... >.

بصائر الدرجات صفار، ص ۲۰۳، ح ۳، ب ۱۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۵

۵ ایمان به تمامی قرآن (محکمت و متشابهات)، هدایتی از جانب خداوند است.

و الزاسخون فی العلم یقولون امنا به کل من عند ربنا... ربنا لا تزغ قلوبنا بع

جمله <هدیتنا> پس از <امنا به کل من عند ربنا>، می تواند تفسیری برای ایمانشان به تمامی قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۷

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱۲

۱۲ ((عن أبي جعفر (ع) قال: إن حیی بن أخطب و أخاه أبایاسر بن أخطب و نفرأ من اليهود من أهل نجران أتوا رسول الله (ص) فقالوا له: أليس فیما

از امام باقر(ع) روایت شده است که حیی بن اخطب و برادرش ابویاسر و چند تن از یهود نجران نزد رسول خدا(ص) آمدند و گفتند: آیا در میان آنچه می گویی بر تو نازل شده ((الم)) نیست؟ فرمود: چرا... آن گاه حیی به آن حضرت گفت: آیا غیر از ((الم)) نیز هست؟ فرمود: آری گفت: بیاور، فرمود: ((الر))، گفت: ... الف یک

، لام سی و راء دویست . . . ، امام باقر(ع) فرمود: آیات قرآن نازل شده درحالی که بخشی از آنها محکمانند که آنها اساس کتابند و بخشی دیگر متشابهات و این متشابهات راههای تأویلی دارند غیر از آنچه حُبی و ابویاسر و یاران او تأویل کرده اند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۶

۶- از ائمه علیهم السلام روایت شده : > إِنَّ الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱ - ۱

۱ از ائمه علیهم السلام روایت شده : > إِنَّ الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱ - ۱

۱ از ائمه علیهم السلام روایت شده : > إِنَّ الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم

تأویل ها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲ - ۱

۱ از ائمه علیهم السلام روایت شده : > ان الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأویلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱ - ۱

۱ - > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱ - ۱

۱ - > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از

متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱ - ۱

۱ - > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱ - ۱

۱ - > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۶

۶ > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی

داند < .

متفکران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۸

۱۸ تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف قرآن برخوردارند .

كذلك نفضل الأيت لقوم يتفكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف بلند قرآن برخوردارند .

الله يتوفى الأنفس حين موتها .. إن في ذلك لآيت لقوم يتفكرون

مثالهای باطل دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۴

۴ سخنان کافران علیه پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل .

ولا يأتونك بمثل إلا جئتك بالحق وأحسن تفسيراً

مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷ - ۱

۱ - حالت منافقان در اظهار ایمان ، به کسی می ماند که برای رهایی از ظلمت ، آتشی ناپایدار و گذرا برافروزد .

مثلهم كمثل الذى استوقد ناراً فلما أضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم

<استيقاد> (مصدر استوقد) به معنای آتش افروختن است. <لما> حرف شرط است و جواب آن محذوف می باشد و جمله <ذهب الله...> بیانگر آن جواب است؛ یعنی: آن گاه که آتش اطراف او را روشن کرد، خاموش شود و او در تاریکی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۲،۱۶

- خداوند ، در تبیین برخی حقایق ، حشره ای چون پشه و بزرگتر از آن را در مثل های قرآنی به کار برده است .

إن الله لا يستحي أن يضرب مثلاً ما بعوضه فما فوقها

گفتنی است که در لسان العرب آمده است: بعوض از خانواده مگسهاست و بعوضه مفرد آن است.

۱۶- از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: > إنما ضرب الله المثل بالبعوضه لأن البعوضه على صغر حجمها خلق الله فيها جميع ما خلق في الفيل مع كبره و زيادة عضوين آخرين ;

خداوند مثل به پشه زده؛ چون پشه با کوچکی جسمش تمام آنچه را خداوند در فیل با آن تنومندی جمع کرده است، دارد و حتی دو عضو زیادتر از فیل دارد . . <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۱

۱ - مثل کفریپشگان ، مثل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الأیمان کمثل الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۷

۷ تمثیل ، از روش

های قرآن برای بیان حقایق ، ارزش ها و پاداشها

مثل الذین ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۹

۹ مثل انفاق کنندگان از روی منت و آزار و ریا ، همچون صیخره صافی است که بر روی آن قشرِ خاکی باشد و بذرهایی در آن افشانده شود و ناگهان ، رگباری تند بر آن رسد و همه خاک ها را بشوید و آن سنگ را کشت ناپذیر کند .

فمثله کمثل صفوان علیه تراب فاصابه وابل فترکه صلداً لا یقدرون علی شیء مما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۱،۷

۱ مثل انفاق کنندگان اموال برای خشنودی خدا و ثبات نفس خویش ، همچون بوستانی است بر تپه ای بلند که یا رگباری تند بر آن بارد و دو چندان میوه دهد و یا باران ملایمی بر آن بارد و آن را به ثمر بنشانند .

و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات اللّٰه .. کمثل جنّه ... اکلها ضعیف

۷ به کارگیری تمثیل از سوی خداوند برای بیان حقایق

و مثل الذین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۲

۲ به کارگیری تمثیل برای بیان حقایق ، از سوی خداوند

ایوّد احدکم ان تکون له جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۱

۱ آنچه اهل کفر در این دنیا انفاق می کنند ، همچون باد سرد سوزانی است که بر زراعت قوم ستمکار بر

خویش بوزد و آن را نابود سازد .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا .. فاهلکته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱،۲

۱ زندگی دنیوی مانند کشتزار سرسبزی است که در معرض انواع رخداد ها و آفت های بنیان کن می باشد .

إنما مثل الحیوه الدنیا کماء .. حتی إذا أخذت الأرض زخرفها و ازینت ... أتیها أمر

۲ دنیامداران ، به دهقانی می مانند که مزرعه خرم و به خوشه نشسته اش وی را مست و بی خود سازد و با خاطری آسوده و غافل از تمامی حوادث و آفت های در کمین نشسته به خوابی خوش فرو رود .

إنما مثل الحیوه الدنیا .. و ظن أهلها أنهم قدرون علیها أتیها أمرنا لیلاً أو نهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱،۲

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصم

۲ حالت موحدان و مؤمنان به قرآن ، همانند انسان های بینا و شنواست .

مثل الفریقین کالأعمی والأصم والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۲۲، ۲۱، ۴۸

۴ فلزات گداخته شده در کوره های آتش ، کفهایی همانند کف های سیلاب از خود ایجاد می کنند .

و مما یوقدون علیه فی النار .. زبد مثله

<من> در <مما یوقدون> نشویه است . <ایقاد> (مصدر یوقدون) به معنای شعله‌ور ساختن آتش می باشد. مراد از <ما>

به قرینه <حلیه> و <متاع> فلزاتی نظیر

طلا، نقره، مس و ... است. <فی النار> حال مؤکده می باشد. بنابراین <یوقدون...> یعنی، و حاصل می شود از فلزاتی که آتش بر آن برافروزند (آن را ذوب کنند) کفی مانند کف سیلاب.

۸ حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما یوقدون علیه فی النار .. زبد مثله كذلك یضرب الله الحق و البطل

۲۱ تشبیه حقایق به امور محسوس و آوردن مثل برای آنها از شیوه های قرآن

كذلك یضرب الله الأمثال

۲۲ همانندی حق با آب فرود آمده از آسمان و نیز با فلزات ذوب شده و همسانی باطل با کف سیلاب ها و کف فلزات ذوب شده ، از ضرب المثل های قرآن است .

كذلك یضرب الله الحق و البطل .. كذلك یضرب الله الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱

۱- عمل نیک کافران به ربوبیت خداوند ، چونان خاکستری است در معرض تندباد در روز طوفانی

مثل الذین كفروا برّبهم أعمالهم کرماذ اشتدت به الريح فی یوم عاصف

مراد از <أعمالهم> می تواند اعمال خیر و صالحی باشد که کافران انجام می دهند. چه اینکه روشن است عمل زشت و گناه هیچ کس، کافر و مسلمان، ثمری ندارد تا اینکه جبط گردد و یا به خاکستر در معرض باد تشبیه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۳،۴

۳- < کلمه طیبه > چونان درخت پاکی و طیبی است که ریشه ای ثابت داشته و شاخ و

برگش در بلندای فضا باشد .

کلمه طَّيْبَه کَشَجَرَه طَّيْبَه أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفِرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ

۴- اعتقادات حق چنان درختی ریشه دار ، ثابت و استوار است .

کلمه طَّيْبَه کَشَجَرَه طَّيْبَه أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفِرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ

از معنایی که مفسران، از صحابه و تابعان تاکنون، برای <شجره طيبه> ذکر کرده اند، عقیده به توحید و کلمه <لا إله إلا الله> است که عقیده حق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۱،۷

۱- کلمه طيبه ، چنان درخت پاکی است که ریشه ثابت و شاخه برافراشته داشته و در وقت ثمردهی ، بی کم و کاست ثمر بدهد .

مثلاً کلمه طَّيْبَه کَشَجَرَه طَّيْبَه أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفِرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ . تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ

احتمال دارد که <توتی اكلها كل حين> ادامه مشبه به باشد و مراد از آن به تناسب موضوع، آن زمانی است که درخت در آن هنگام به بار می نشیند و ثمر می دهد.

۷- به کارگیری مَثَل ، از روش های هدایتی تبلیغی قرآن کریم

و يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۱

۱- کلمه خبیثه ، چنان درخت پلیدی است که ریشه هایش از روی زمین کنده شده و ثبات و قراری ندارد .

و مثل کلمه خبیثه کَشَجَرَه خَبِيثَةٌ اجْتَثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

<جثت> در لغت به معنای قلع و کنده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۵

۱۵- بیان سرگذشت ستم پیشگان

کیفر شده و نیز داستان های مثال زدنی و درس آموز ، در قلمرو موضوعات قرآن

و سکنتم فی مسکن الذین ... و تبین لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱

۱- مخلوق در مقایسه با خدا ، همانند برده ای مملوک که فاقد کمترین اراده و اختیار است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً لایقدر علی شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱،۲

۱- خلق در مقایسه با خدا ، به مثابه لالهایی ناتوان و نیازمند سرپرستند .

و ضرب الله مثلاً رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء و هو کلّ علی موله

۲- استفاده خداوند از مثل و مانند ، برای تقریب مفاهیم وحی به ذهن توده مردم

و ضرب الله مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۲

۲- سمبل اشراف ، در بیان الهی ، مردی مرفّه و برخوردار از دو تاکستان و نخل هایی در اطراف و کشت زاری در میان ، اما گرفتار غرور است .

جعلنا لأحدهما جنتین من أعنب و حففنهما بنخل و جعلنا بینهما زرعاً

<غرور> از آیات بعد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۶،۹

۶- زندگانی دنیا، مانند بارانی است که موجب رویش انبوه گیاهان زمین شده، ولی به زودی خُرد و خاشاک گشته و با هر نسیم، پراکنده می گردد.

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کماء أنزلنه

من السماء .. هشيماً تذوره الريح

<هشيم> يعنى، گياه خشكى كه خرد شده است و <ذروه> مصدر <تذروه> يعنى، پراكنده و متفرق ساختن، همراه با برانگيختن. <تذروه> يعنى، بادهاء، آن را پراكنده و متفرق مى سازند. جمله <فاختلط به نبات الأرض> در صورتى كه <باء> براى استعانت باشد يعنى، به سبب باران، گياهان، درهم فرو رفته و انبوهى از ريشه ها و ساقه ها و شاخه هاى تودر تو را تشكيل مى دهند.

۹- حيات دنيا و ماديات زندگى ، مانند خاشاكي در مسير باد است .

مثل الحيوه الدنيا .. فأصبح هشيماً تذروه الريح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۳

۳- سرگذشت رفاه مند مغرور ، عصيان ابليس و بى پاسخ ماندن استمداد مشركان از معبودان خویش در قيامت ، نمونه هاىي از مثال هاى هدايت گر قرآن است .

واضرب لهم مثلاً رجلين .. و لقد صرّفنا فى هذا القرآن للناس من كلّ مثل

اين آيه، به منزله نگاهی است کلی به آیات گذشته از سى و دوم با پنجاه و سوم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- داستان موسى و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال هاى متنوع قرآنى ، در جهت هدايت مردم است .

و لقد صرّفنا فى هذا القرآن للناس من كلّ مثل .. و إذ قال موسى لفتيه لأأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱

۱- تبیین بى اساس بودن اندیشه شرک و بت پرستى

در اسلوبی زیبا، مختصر، بدیع و روشن همچون مَثَل، از سوی خداوند

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِثْلٌ

خطاب در <يا أَيُّهَا النَّاسُ> متوجه مشرکان است. <إِستماع> (مصدر <استمعوا>) به معنای گوش فرا دادن و <دعا> (مصدر <یدعون>) به معنای ندا کردن و فریاد استغاثه برداشتن است. گفتنی است: <مَثَل> جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که بسبب روانی لفظ، روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته و همگان آن را بدون تغییر در محاوره به کار برند. در آیه یاد شده، سستی بنیان شرک و بت پرستی، با اسلوبی چنان زیبا، مختصر، بدیع و روشن بیان شده که سزاوار است همچون مَثَلی، شهرت عام یافته و دهان به دهان گردد. و بدین جهت خدا از آن به مَثَل تعبیر کرده است. بدان جهت است که خدا از آن به مَثَل تعبیر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۸

۸ - خداوند، بیانگر مثال‌ها و نمونه‌هایی از امت‌های منقرض شده پیشین برای تقوای پیشگان

و مَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ و مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که لام در <لِّلْمُتَّقِينَ> بیانگر غایت و نتیجه برای <و مَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۷

۷ - مثل نور خداوند، همانند چراغدانی است دربرگرینده چراغی در میان آبگینه بلورین و چونان ستاره درخشان؛ چراغی که از روغن زیتون با برکت و آماده اشتعال فروزان می

شود .

مثل نوره كمشكوه فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجه كأنها كوكب دري يوقد من شجر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱،۴

۱ - مثل نور خدا ، همانند چراغ دانی است دربرگیرنده چراغی پر فروغ و نورافشان که در خانه هایی است که به اذن خداوند ، رتبه رفیع یافته اند و همواره مرکز یاد خدا هستند .

مثل نوره كمشكوه فيها مصباح المصباح في زجاجة . . . في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <فی بیوت> متعلق به <مشکوه> و صفت برای آن باشد.

۴ - مثل نور خداوند ، همانند چراغی است پرفروغ و درخشان در چراغ دانی که در خانه ها و معابدی مرتفع واقع است که همواره نام خداوند در آنها زنده می باشد .

مثل نوره كمشكوه فيها مصباح . . . في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه

برداشت فوق بر دو چیز استوار است: ۱ مراد از <ترفع> رفعت مادی باشد؛ چنان که خداوند درباره حضرت ابراهیم (ع) فرمود: <و إذا يرفع إبراهيم القواعد من البيت؛ و آن گاه ابراهیم پایه های خانه (خانه خدا) را بالا برد> بقره، آیه ۱۲۷. ۲- جمله <فی بیوت> ادامه تمثیل خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۹ - ۱

۱ خداوند ، پیش از هلاکت تکذیب کنندگان موسی (ع) و اقوام نوح ، عاد ، ثمود و اصحاب رسّ برای اتمام حجت و عبرت آموزی آنان ، مثل های روشنگرانه ای

زده بود .

فقلنا اذهبا إلى القوم الذين كذبوا بآيتنا .. و قوم نوح ... و عادًا و ثمودا و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱،۵

۱ - قرآن ، حاوی مثل های گوناگون برای مردم است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

<ضرب> در آیه، به معنای <بیان> است و <مثل>، می تواند به همان معنای مشهور و یا صفت و یا دلیل باشد.

۵ - اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخدادهای قیامت است .

یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون . . . و قال الذین أوتوا العلم و الإیمان ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱،۲،۳

۱ - مثل زدن خداوند به فردی که تحت بردگی چند مالک ناسازگار و سخت گیر باشد و فردی که تنها مملوک یک مالک باشد و تنها از او دستور گیرد .

ضرب الله مثلاً رجلاً فیہ شرکاء متشکسون و رجلاً سلماً لرجل

<متشاکسون> به معنای <مختلفون عسرون> (اختلاف کنندگان سخت گیر) است (قاموس المحيط). و <سلم> (مصدر <سلم له>) نیز به معنای خالص شدن است و از آن جایی

که صفت قرار گرفته بر مبالغه دلالت می کند.

۲ - مشرکان ، چونان بردگانی اند که چند مالک ناسازگار و سخت گیر بر سر آنان به نزاع برخاسته و به آنها فرمان های متعدد می دهند .

ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشکسون

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه چون در ردیف آیات مربوط به شرک پیشگان و یکتاپرستان قرار دارد، درصدد تشریح وضعیت آنان می باشد.

۳ - مؤمنان و موحدان ، همچون بردگانی اند که تنها یک مالک داشته و فقط از او فرمان می برند .

ضرب الله مثلاً .. و رجلاً سلماً لرجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۷

۷ - حقانیت وعده های الهی مانند قدرت آدمیان بر نطق ، روشن و انکارناپذیر است .

و ما توعدون .. إنه لحقّ مثل ما أنکم تنطقون

بنابراین که ضمیر <إنّه> به <ما توعدون> بازگردد، تمثیل آیه شریفه در جهت بیان این معنا است که تحقق وعده های الهی، همان قدر روشن است که سخن گفتن آدمیان و قدرت ایشان بر نطق واضح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۳

۳ - مثل عالمان بی عمل یهود در پیشگاه خداوند ، مثل الاغی است که بار کتاب حمل می کند ولی از آن بهره ای ندارد .

مثل الذین حملوا التوریه .. کمثل الحمار یحمل أسفاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۳

۳ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ،

مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان ، مانند شتاب کردن یونس (ع) در این باره

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

مفسران بر آنند که این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیا> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات..>.

مجادله باقرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۹

۱۹- <عن أبي عبدالله (ع) قال : و الله نحن السبيل الذی أمرکم الله باتباعه ، قوله < و جادلهم بالتي هي أحسن > یعنی بالقرآن ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: به خدا سوگند! آن راهی که خدا شما را به پیروی از آن امر فرموده ما هستیم و مقصود از سخن خدا <و جادلهم بالتي هي أحسن > قرآن است.<

مجادله در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۹

۹- جدل و اشکال تراشی ، در برابر آیات روشن قرآنی ، کاری است نکوهیده .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن .. و كان الإنسن أكثر شيء جدلاً

موارد استعمال کلمه <جدل> گواه تمسک فراوان اهل جدل به باطل است با به هر نحو ممکن، با حق، مقابله کنند. بنابراین، ممکن است که آیه، به نوعِ مذمومِ جدل، نظر داشته باشد؛ یعنی، شیوه برخورد کافران با آیات قرآن را محکوم می کند.

مجادله قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باور های ایشان در رد عقاید شرک آلودشان

أفأصفاكم ربكم بالبنين و اتخذ من الملائكة إناثاً

مجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۵

۵ < قرآن مجید > ، عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند

ق و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱ - ۱

۱ < الم > در سوره آل عمران ، یعنی منم خداوند مجید .

الم

امام صادق(ع): <الم> فی اول آل عمران، فمعناه انا الله المجید.

معانی الاخبار، ص ۲۲، ح ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۱ / نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۲ .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۹

۹ خداوند ، حمید (پسندیده کار) و مجید (والا مقام) است .

ینه حمید مجید

<حمید> به معنای محمود (ستایش شونده) است و برخی گفته اند به معنای حامد (ستایش کننده) نیز می تواند باشد. مجید

از مجد به معنای عظمت و بزرگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۶

۶ - < ذوالعرش > و < مجید > ، از نام های خداوند است .

ذو العرش المجید

محافظت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۵،۶،۷

۵- قرآن ، تحت حفاظتِ همیشگی خداوند و مصون از

هرگونه تحریف و زوال

إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحفظون

۶- خداوند، در برابر مخالفت ها و توطئه های کافران علیه قرآن، به پیامبر (ص) اطمینان داد که خود حفاظت و پاسداری از آن را عهده دار است.

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر .. لو ما تأتینا بالملئکه ... إنا نحن نزلن

۷- خداوند، در برابر توطئه های کافران علیه قرآن، قدرت خویش را در پاسداری از آن به نمایش گذاشت و عظمت خویش را به رخ آنان کشید.

إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحفظون

از اینکه خداوند، برای بیان نزول قرآن از سوی خود، چند ضمیر جمع و اسم فاعل جمع می آورد، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۶

۶ قرآن، کتابی است با عظمت و مؤمنان وظیفه دار حراست از حرمت و منزلت آن

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

برداشت فوق، از اسم اشاره <هذا> در <هذا القرآن> که بر تعظیم و تفخیم دلالت دارد استفاده شده است.

محدوده تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ عن الرضا(ع): .. إن الله عز و جل ... أنزل علیه القرآن فيه تبیان کل شیء بین فيه الحلال و الحرام و الحدود و الأحکام و جمیع ما یحتاج إليه الناس کملا فقال عز و جل: <ما فرطنا فی الكتاب من شیء>

از امام رضا(ع) روایت شده است: .

.. خداوند عز و جل ... قرآن را بر رسولش (ص) نازل کرد، در قرآن روشنگری برای هر چیزی وجود دارد، در آن حلال و حرام، حدود و احکام و تمامی آنچه را که مورد نیاز مردم است بطور کامل بیان فرمود و خداوند عز و جل فرمود: > ما در این کتاب، هیچ چیز را فرو گذار نکردیم <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۵

۵ قرآن، برنامه کامل حیات مادی و معنوی انسان است.

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم و لا تتبعوا من دونه أولياء

لازمه وجوب پیروی از خداوند با اجرای قرآن و ضرورت پرهیز از پیروی از غیر آن این است که آنچه را انسانها در حیات مادی و معنوی خویش بدان نیاز واقعی دارند، به صورت اجمال و یا تفصیل در قرآن بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۵

۵ - بیان اخبار و اطلاعات بزرگ و پرفایده ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

قل هو نبؤا عظیم

محرومان از رحمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰- ظالمان نه تنها از رحمت و شفای قرآن بهره ای نمی گیرند ؛ بلکه تنها ، مایه خسران و زیان آنان می شود .

و لا یزید الظلمین إلا خسارًا

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لا یزید الظلمین إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این

نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷- سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

محرومان از فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۱۰

۱۰ محرومیت منافقان از درک و فهم صحیح ، عامل اعراض آنان از قرآن

و إذا ما أنزلت سوره .. ثم انصرفوا ... بأنهم قوم لا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۵

۵- کافران به آخرت ، از درک پیام های وحی محرومند .

و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

احتمال دارد مراد از جعل حجاب بین پیامبر(ص) و کافران، این باشد که آنان در نتیجه ایمان نیاوردن به آخرت از درک و فهم آیات قرآن محروم شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱

۱- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم

قرآن نباشند .

الذین لایؤمنون بالأخره . . . و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۳

۳ - قلب مجرمان ، محروم از درک حقایق قرآن

كذلك سلكنه في قلوب المجرمين

محرومان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۴

۴ - کج اندیشان از حق بازداشته شده ، از هیچ مثل و بیان روشن قرآن ، بهره ای نمی برند .

كذلك كانوا يؤفكون .. و لقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كل مثل

محرومان از هدایت‌های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم ... معرضون

محرومیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۵

۱۵ لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياً و کفراً

محرومیت از هدایت‌های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۸

۸- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزل .. شفاء و رحمه للمؤمنين و لا يزيد الظلمين إلا خسارًا . و إذا أنعمنا ع

محرومیت دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن

و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لا تجثروا الیوم . . . سمرًا تهجرون

محرومیت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶

۲ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند مانند کسانی هستند که از حس شنوایی محروم و از نیروی عقل و اندیشه بی بهره اند .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۵ مردمی که به آیات قرآن گوش فرادهند و به آن ایمان نیاورند ، مانند کسانی هستند که از حس شنوایی محروم و از قوه عاقله بی نصیبند .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۵

۵ - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از خداوند، نمی

تواند به معنای ندیدن با چشم باشد؛ زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

محکمات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۷

۱۷ فرقان، آیات محکم (غیر متشابه) و کتاب، جملگی قرآن است.

و انزل الفرقان

امام صادق (ع): الفرقان هو كل امر محکم و الكتاب هو جمله القرآن ..

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۹۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳۳

۳۳ محکمات آیات قرآن و سنت رسول خدا (ص)، مرجع اصلی حل اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول

علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، در توضیح آیه فوق فرمود: فالرد الی الله الاخذ بمحکم کتابه و الرد الی الرسول الاخذ بسنته الجامعه غیر المفترقه.

نهج البلاغه، نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر)؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۶، ح ۳۵۵؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۴۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱۲

١٢ ((عن أبي جعفر (ع) قال : إن حُيى بن أخطب و أخاه أباياسر بن أخطب و نفرأ من اليهود من أهل نجران أتوا رسول الله (ص) فقالوا له : أليس فيما

از امام باقر(ع)

روایت شده است که حُیی بن اخطب و برادرش ابویاسر و چند تن از یهود نجران نزد رسول خدا(ص) آمدند و گفتند: آیا در میان آنچه می‌گویی بر تو نازل شده ((الم)) نیست؟ فرمود: چرا... آن گاه حُیی به آن حضرت گفت: آیا غیر از ((الم)) نیز هست؟ فرمود: آری گفت: بیاور، فرمود: ((الر))، گفت: ... الف یک، لام سی و راء دویست... ، امام باقر(ع) فرمود: آیات قرآن نازل شده درحالی که بخشی از آنها محکمانند که آنها اساس کتابند و بخشی دیگر متشابهات و این متشابهات راههای تأویلی دارند غیر از آنچه حُیی و ابویاسر و یاران او تأویل کرده اند).

محل نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۱

۱ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول قرآن و پیام وحی

نزل به الروح الأمين . علی قلبک

محمد(ص) در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۸

۸ رسالت پیامبر (ص) ، از پیام های متقن ، روشن و اساسی قرآن

کتاب اُحکمت ءآیته ثم فصلت .. إني لکم منه نذیر و بشیر

جمله <إني لکم منه ..> نیز همانند <لاتعبدوا...> تفسیر <کتاب اُحکمت ...> می باشد؛ یعنی ، از پیامهای این کتاب ، رسالت و نبوت پیامبر(ص) است.

محمد(ص) و آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ -

۶- پیامبر (ص)، نگران فراموش کردن آیات قرآن و در تلاش برای حفظ آن

سنقرئک فلاتنسی

اطمینان بخشیدن به پیامبر(ص) که قرآن را فراموش نخواهد کرد نشانگر نگرانی آن حضرت از خطر فراموشی است.

محمد(ص) و تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۱

۱ پیامبر (ص) کمترین مزدی برای ابلاغ قرآن و تعالیم وحی درخواست نمی کرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر

<سؤال> و مشتقات آن هرگاه بدون حرف <عن> متعدی شوند چنان چه در آیه شریفه این گونه است به معنای مطالبه و درخواست خواهند بود. کلمه <أجر> نکره و پس از نفی واقع شده و لذا دلالت بر عموم دارد و کمترین مزد را نیز شامل می شود. <من> زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

محمد(ص) و تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۴

۴ تلاوت قرآن بر مردم، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های ارسال او به پیامبری

أرسلنک .. لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

<تلاوت> (مصدر تتلوا) به معنای خواندن است و <لتتلوا> متعلق به <أرسلناک> می باشد و بیانگر وظیفه پیامبر و هدف ارسال او به پیامبری است.

محمد(ص) و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن كان علی بینه

من ربه ... و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بینه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتک...> را مؤید این نظر شمرده اند.

محمد(ص) و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴ وقوف و احاطه کامل پیامبر (ص) بر محتوای قرآن

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس بما أريكم الله

ارتباط بین جمله <انا انزلنا اليك>، و جمله <لتحكم بين الناس> اقتضا می کند که مراد از <بما اريكم الله>، همان محتوای قرآن باشد، نه آنهایی که از صریح و یا ظاهر قرآن به دست می آید، بلکه مطالبی است از بطن قرآن، که جز با تعلیم الهی راهی به آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۳

۳ قرآن و پیامبر (ص) ، دارای حقیقتی واحد و هدفی یکسان (هدایت بشر)

یهدی به الله من اتبع رضونه سبل السلم

ارجاع ضمیر مفرد <به> به قرآن و پیامبر(ص) بیانگر این معناست که آنها دارای یک حقیقت هستند و در هدایتگری یک چیز به شمار می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۶

۲۶ قرآن در دوران رسالت پیامبر (ص) همواره قرین او بود .

اتبعوا النور الذی أنزل معه

<معه> حال برای نائب فاعل <أنزل> است. بنابراین <الذی أنزل معه> یعنی قرآنی که نازل شده و همواره قرین پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۶

۶ ناآشنایی حضرت محمد (ص) به معارف قرآن پیش از نزول آن بر ایشان

قل لو شاء الله ما تلوته عليكم و لا أدريكم به

کلمه <أدري> می تواند افعال تفضیل و به معنای <أعلم> (داناتر) و به تقدیر <ولا أدري منكم به> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند دستور یافت تا مردم را به الهی و حق بودن قرآن توجه داده و آنان را به پذیرش معارف آن دعوت کند .

قل یا ایها الناس قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یتهدی لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۶

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار تبیین قرآن کریم برای مردم

و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۸

۸- پیامبر (ص) آگاه به حقایق قرآن کریم

و ما أنزلنا علیک الکتب إلا لتبین لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ - پیامبر (ص) ، قبل از نزول تدریجی آیات قرآن ، به آن آگاه بود . *

و لاتعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه

یکی از احتمالات ذکر شده در آیه، این است که هرگاه جبرئیل آیه جدیدی را بر پیامبر(ص) می خواند، آن حضرت به دلیل
آشنایی قبلی با

تمام قرآن که در شب قدر آن را دریافت کرده بود دنباله آیه را پیشاپیش تلاوت می کرد و در این آیه، آن حضرت به سکوت کامل تا پایان وحی هر آیه امر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص)، موظف به بیان فواید و آثار قرآن، در پاسخ به بهانه جویی های کافران

و لو جعلناه... أعجمی و عربی قل هو للذین ءامنوا هدی و شفاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۷

۷ - پیامبر اکرم (ص)، پیش از نزول وحی با کتاب های آسمانی و مفاهیم قرآن هیچ آشنا نبود.

ما کنت تدری ما الکتب و لا الایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۶

۶ - مسؤولیت پیامبر (ص) و امت آن حضرت در برابر نعمت نزول قرآن *

و سوف تسئلون

برداشت بالا بدین احتمال است که مراد از <قوم> امت پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱

۱ - شخصیت پیامبر (ص)، تبلور فرهنگ قرآن و نمایانگر وجود عینی آن است.

قد أنزل الله إلیکم ذکرًا . رسولاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <رسولاً> می تواند بدل برای <ذکرًا> باشد. بر این اساس، نزول قرآن

مساوی با فرستادن پیامبر(ص) تلقی شده است و این همان حقیقت یاد شده در

برداشت بالا است.

محمد(ص) و منکران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۲

۲ وجود پیامبر (ص) در میان منکران قرآن ، علت مصونیت آنان از عذاب های الهی ، نه حقانیت آنان در انکار قرآن

إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر .. و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم

جمله < و ما كان .. > پاسخی است به عذاب خواهی منکران قرآن. یعنی وجود پیامبر(ص) در میان جامعه مانع عذاب استیصال است. بنابراین کسی میندارد که عذاب نشدن منکران قرآن هر چند به تقاضای خود آنان باشد، دلیل حقانیت آنان است.

مخاطبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۳

۳ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی اسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی اسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

بینی اسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۲

۲ - همه انسان ها مخاطب قرآن بوده و به رعایت احکام آن دعوت شده اند .

يَأْيْهَا النَّاسِ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلًا طَيِّبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۷ - همه انسان ها مخاطبان قرآن هستند .

هدی للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۳

۳۳ - همه انسان ها مخاطبان قرآن هستند .

يبين الله آياته للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۲

۲ قرآن کتابی است نازل شده برای انسانها

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۳

۳- اهل کتاب نیز چون مسلمانان ، مخاطب قرآن هستند .

و لقد آتینک .. و القرءان العظیم ... كما أنزلنا علی المقتسمین

برداشت فوق بر این احتمال است که مفعول <آنزلنا> ضمیری باشد که به قرآن باز می گردد و مراد از <المقتسمین> طبق مفاد برخی شأن نزولها، یهود و نصارا باشد (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۷

۷- همه مردم ، مخاطبان قرآنند و پیام آن جهانی است .

و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- > قال الرضا (ع) : ممّا نزل بيّاك أعنى و اسمعى يا جاره خاطب الله عزّوجلّ بذلك نبيه و أراد به أمّته قوله : ... > و
لولا أن ثبتناك لقد كدتّ تركن إليهم شيئاً قليلاً < ... ;

امام رضا(ع) فرمود: از جمله آیاتی که بر سبک و روش [مثال معروف عرب] >إياك أعنى

و اسمعی یا جاره < نازل گردید و آن هم بدین معنا که خداوند عزوجل به پیامبر(ص) خطاب می کند ولی مقصود و مراد امت اوست؛ این آیه شریفه است: < و لولا أن ثبتناک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً >.. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۵

۵- مخاطبان قرآن همه توده های بشری هستند و نه گروهی خاص

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ - همه انسان ها ، مخاطب پیام قرآن و دین اند .

يضرب الله الأمثل للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۷

۷ - همه مردم ، مخاطب قرآن کریم اند .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی جهانی ، و پیام آن برای همه مردم است .

يأيتها الناس اتقوا ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۱

۱ - همه مردم از هر قشری ، مخاطبان قرآن اند .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ .. يَا أَيُّهَا النَّاسُ

برداشت یاد شده از معنای لغوی <ناس> (مردم) و نیز تکرار آن در قسمت آغازین سوره، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - عاقلان و صاحبان خرد ناب ،

مخاطبان اصلی قرآن

کتب .. لیتذکر أولوا الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۰ - ۷

۷ - خردورزان و اندیشمندان ، مخاطبان اصلی دین و قرآن اند .

فاتقوا الله یا ولی الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۱

۱ - مخاطبان قرآن ، عموم مردم و بهره مندان از آن ، گروهی خاص اند .

لمن شاء منکم أن یستقیم

بدل آوردن <لمن شاء منکم> برای <للعالمین>، به منظور بیان این نکته است که قرآن برای همه مردم است؛ ولی تنها گروهی خاص از آن بهره می برند و سایر مردم خود را از هدایت آن محروم می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۴

۴ - قرآن در رهنمود های خود ، خردمندان را مخاطب قرار داده است .

لذی حجر

<حجر> به معنای <منع> است (قاموس). از آن جهت به عقل <حجر> گفته می شود که انسان را از خواسته های نفس باز می دارد. (مفردات راغب)

مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۹

۹ تبدیل و برگرداندن محتوای قرآن به موضوعاتی باب طبع با حفظ نظام و ساختار ظاهری آن یکی دیگر از پیشنهاد های
مشرکان به پیامبر (ص) در راستای مخالفت با قرآن

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين لا يرجون لقاءنا .. أو بَدَله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ -

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۱

۱ - رو به رو شدن قرآن و پیامبر اسلام ، با مخالفت کافران سرکش ، متکبر ، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<عزت> در اصل به معنای رفعت و سرافرازی است و ولی هر گاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به کار رفته است. <شقاق> به معنای مخالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخالفت با پیامبر اسلام و قرآن است. گفتنی است تنکیر <عزت> و <شقاق> دلالت بر شدت آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۷

۷ - مخالفت مستمر کافران مکه ، نسبت به آیات قرآن

إنّ الذین کفروا بالذکر لّما جاءهم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <لّما> است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ -

۱۱ مخالفت با قرآن و اسلام ، کفر است .

یریدون أن یطفئوا نور الله .. و یأبی الله إلا أن یتیم نوره و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۴

۴ - غرور و خودخواهی کافران ، عامل مخالفت آنان با قرآن و پیامبر (ص)

بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفاً منشره

مخالفت مشرکان با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۱، ۱۰، ۷

۷ مشرکان ، در راستای مخالفت با قرآن ، به پیامبر (ص) پیشنهاد می کردند : برای آنان به جای قرآن ، کتاب دیگری را که موافق خواسته ها و تمایلاتشان باشد بخواند .

و إذا تتلی علیهم آياتنا .. قال الذین لا یرجون لقاءنا یت بقرءان غیر هذا

۱۰ طرح مسأله قیامت در قرآن و مطرح شدن موضوع دیدار انسان ها با خدا در آن روز ، از عمده ترین علل و اسباب مخالفت مشرکان با قرآن و پیامبر (ص)

قال الذین لا یرجون لقاءنا یت بقرءان غیر هذا أو بدله

۱۱ مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم ، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلی علیهم آياتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا یت بقرءان غیر هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی ، آشکار و واضح بود و در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند ، برداشت فوق استفاده می گردد.

مراتب استفاده از قرآن

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳- بهره مندی افراد از قرآن ، متفاوت و دارای مراتب است .

قل نزله روح القدس من ربك بالحق ليثبت الذين آمنوا وهدى و بشرى للمسلمين

از اینکه قرآن هدف خود را ایجاد ثبات قدم برای مؤمنان و رهنمود و بشارت برای مسلمانان می داند و این دو گروه باهم متفاوتند، استفاده می شود که بهره مندی از قرآن برای افراد مختلف یکسان نیست.

مراتب عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۵

۵ - بیداری در پرتو تعالیم قرآن و پندآموزی از آن ، دارای مراتب و مراحل است .

و إنه لتذكرة للمتقين

تردید نیست که تقوای پیشگان، از رهنمودهای قرآن بهره مندند؛ چون بدون این بهره مندی <تقوا> حاصل نخواهد شد. بنابراین مراد از <لتذکره للمتقین>، تذکره ای است والاتر از آنچه که تقوای پیشگان حایز آن هستند.

مراد از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۵

۳۵- راوی می گوید : < سألت أبا عبد الله (ع) عن القرآن و الفرقان ... فقال : القرآن جملة الكتاب و الفرقان المحکم الواجب العمل به ؛

از امام صادق(ع) از معنای قرآن و فرقان پرسیدم، فرمود: <قرآن> همه کتاب است و فرقان، [آیات] محکمی است که عمل به آن واجب می باشد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٤ > عن ابن سنان أو غيره عمّن ذكره قال : سألت

أبا عبد الله (ع) عن القرآن و الفرقان أهما شيان أو شيء واحد؟ فقال (ع) : القرآن جملة الكتاب و الفرقان المحكم الواجب العمل به ;

راوی گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: قرآن و فرقان دو چیزند یا یک چیز؟ فرمود: قرآن تمامی کتاب است و فرقان آیات محکمی است که عمل به آن واجب است <.

مراد از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۶

۲۶ > عن أمير المؤمنين (ع) في قوله تعالى : < و من يكفر به من الأحزاب فالنار موعده > يعني الجحود به والعصيان له ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که مقصود از کفر در آیه شریفه ، انکار و نافرمانی است <.

مردم صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۵

۵ قرآن پدیده بدیعی است که مردم عصر پیامبر (ص) نسبت به آن کاملاً بیگانه بوده اند .

و لا أدريكم به

برداشت فوق، لازمه جمله <لو شاء الله .. و لا أدراكم به> (اگر خدا خواسته بود شما را به آن آشنا نمی کرد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۴

۱۴- تأثیر شگرف و فوق العاده قرآن ، در مردم روزگار پیامبر (ص)

أفتأتون السحر

از این که اتهام سحر را به قرآن روا می داشتند، برمی آید که قرآن تأثیری فوق العاده داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - بیشتر مردم عصر بعثت ، از آیات قرآن ، علی رغم وضوح و روشنی مفاهیم آن روی گردان بودند .

کتب فضلت .. فأعرض أكثرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۴

۴ - بیشتر مردم عصر بعثت ، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فأعرض أكثرهم .. و قالوا ... فاعمل إننا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه (>أَكْثَهُ< ، >وَقَرُّ< و >حِجَابُ<) تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۲

۲ - نزول قرآن به زبان عربی ، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (ص) و جامعه های عرب زبان

إننا جعلناه قرءاناً عربياً لعلكم تعقلون

>عَرَبِيًّا< اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در >لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ< خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود؛ یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر >عَرَبِيًّا< به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در >لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ< عام بوده و فراگیرنده همه انسان ها می شود؛ یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

مردم و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۴،۵،۳

۳ هرگز همه مردم روی

زمین ، قرآن را انکار و تکذیب نخواهند کرد .

و منهم من يؤمن به و منهم من لا يؤمن به

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <منهم> عموم مردم باشد ؛ که در این صورت، آیه در مقام بیان حال آنان به هنگام روبرو شدنشان با قرآن است.

۴ هرگز تمامی مردم روی زمین ، به قرآن ایمان نخواهند آورد .

و منهم من يؤمن به و منهم من لا يؤمن به

۵ مردم روزی زمین همواره نسبت به قرآن دو دسته هستند : مؤمن و کافر .

و منهم من يؤمن به و منهم من لا يؤمن به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۱، ۲۲

۲۱ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند .

و لكنّ أكثر الناس لا يؤمنون

برداشت فوق ، مبنی بر این است که <ال> در <الناس> برای استغراق باشد.

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن كان على بينة من ربه .. و لكنّ أكثر الناس لا يؤمنون

مرفهان صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۹

۹ رویارویی قشر های مرفه و اشراف عصر بعثت با پیامبر (ص) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضرت (قرآن کریم)

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

مزد تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۳،۶،۷

۳ مبلغان دینی باید

از دریافت مزد برای ابلاغ دین و تعالیم قرآن پرهیز کنند .

و ما تسئلهم علیه من أجر

۶ تبلیغ قرآن نباید وسیله درآمد های مادی قرار گیرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلا ذکر للعلمین

حصر در جمله <إن هو...> حصر اضافی و نسبی است که به قرینه جمله <و ما تسئلهم...> می توان گفت: مقصود این است که قرآن را خداوند بر پیامبر(ص) نازل کرد تا حقایق آن را به مردم بیاموزد و ابلاغ کند نه اینکه آن را وسیله کسب معاش قرار دهد و پیامبر(ص) نیز همین گونه عمل کرد (ما تسئلهم...).

۷ اختصاص نداشتن قرآن به مردم عصر بعثت ، از دلایل شایسته نبودن درخواست مزد از ایشان در قبال ابلاغ آن

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلا ذکر للعلمین

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان <دریافت نکردن مزد رسالت> و <جهانی بودن قرآن> است ؛ یعنی ، چون قرآن برای همه مردم و برای همه عصرهاست ، شایسته نیست مزد آن از گروه و طایفه ای خاص گرفته شود.

مسلمانان در قرآن مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۶

۱۶ - <مسلمان> ، نام امت پیامبر در کتاب های آسمانی پیشین و قرآن

هو سمیکم المسلمین من قبل و فی هذا

مسلمانان صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۳

۳ قرآن کریم ، آن چنان که شایسته آن بود در میان مسلمانان صدر اسلام (نیمه اول بعثت) ، مورد بهره

برداری قرار نگرفت و حق آن ادا نشد .

و قال الرسول يربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

مسلمانان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۳

۳ - مسلمانان در حفظ و عمل کردن به قرآن ، به سه دسته ستمکار (ضایع کننده عمر) ، میانه رو و پیشتاز تقسیم می شوند .

فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخيرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر جمع <منهم> به <الذین اصطفینا> بازگردد و این تقسیم بندی مربوط به مسلمانان باشد؛ نه <عبادنا> و عموم بندگان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۶

۶ - مسؤولیت پیامبر (ص) و امت آن حضرت در برابر نعمت نزول قرآن *

و سوف تسئلون

برداشت بالا بدین احتمال است که مراد از <قوم> امت پیامبر(ص) باشد.

مسیحیان مؤمن به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از میان یهود و نصارا ، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد (ص) ایمان می آورند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

>تلاوت به معنای خواندن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پیروی کردن نیز گفته اند. مراد از ضمیر <به> محتمل است قرآن یا پیامبر(ص) باشد و نیز می تواند به الکتاب (تورات و انجیل) برگردد. برداشت فوق ناظر به این

است که مراد از ضمیر <به> قرآن یا پیامبر

(ص) بوده و تلاوت به معنای پیروی کردن باشد.

مسیحیان و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فائبهم الله بما قالوا جنت

مسیحیان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷،۱۰

۷ - خداوند، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن، بر حذر داشت.

و لا تکونوا اول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لا تشتروا بآیتی ثمناً قليلاً

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ - تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده

۱ تأثر شدید و آشکار مسیحیان زمان پیامبر از شنیدن آیات قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

فیض به معنای جاری شدن است، <من> در <من الدمع> نشویه. و <دمع> مصدر و به معنای اشک ریختن است. و نسبت فیضان به چشم برای مبالغه در گریستن و متأثر شدن است یعنی آنقدر متأثر شدند که گویا چشمهای آنان بر اثر گریستن، جاری شد.

۲ جوشیدن اشک شوق از دیدگان گروهی از مسیحیان عصر پیامبر (ص) با شنیدن آیات قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

کلمه <دمع> می تواند به معنای اشک، باشد در این صورت تفیض یعنی لبریز می شود. بنابراین جمله <تفیض من الدمع> به این معناست که چشمانشان از اشک لبریز شد.

۵ سابقه آشنایی مسیحیان عصر پیامبر (ص) به حقائق، زمینه تأثیرپذیری آنان از قرآن

تری أعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

بدان احتمال که مراد از <الحق> حقایقی غیر از قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد بر این مبنا: ما در <مما> مصدریه و <من> در <من الحق> تبعیضیه است نه بیانیه یعنی چون مسیحیان مؤمن، حقایقی از دین را می شناختند، اعتراف به رسالت پیامبر(ص) کردند. ماضی بودن فعل <عرفوا> این احتمال را تأیید می کند.

۶ گرایش مسیحیان عصر بعثت به اسلام، برخاسته از آگاهی آنان بر حقانیت قرآن

تری أعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الحق> قرآن باشد.

۷ ایمان مسیحیان به پیامبر (ص) و تأثر

شدید آنان به هنگام شنیدن قرآن ، نشانه تواضع آنان در برابر حق

و انهم لا یتکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ... مما عرفوا من الحق

جمله <و اذا سمعوا ..> که حکایت از اعتراف آنان به حقانیت قرآن و پیامبر(ص) دارد می تواند به عنوان دلیل و شاهدهی بر جمله <انهم لا یتکبرون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱،۴

۱ ایمان به خداوند یکتا و حقانیت قرآن تنها راه منطقی و درست در دیدگاه مسیحیان عصر بعثت پس از آشنایی با قرآن

يقولون .. لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق

۴ مسیحیان مؤمن به قرآن و پیامبر (ص) آرزومند همراهی با صالحان در بهشت

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول حذف شده از <یدخلنا> به قرینه مقام و نیز آیه بعد <الجنه> باشد یعنی <نطمع ان یدخلنا الجنه مع القوم الصالحین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱

۱- یهود و نصارا ، پس

از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند .

الذین جعلوا القرءان عظیمین

<عظیمین> جمع <عصه> است و <عصه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است؛ چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند؛ چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <..و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

مشرکان صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۴

۴ مشرکان و کافران عصر بعثت، به والایی آیات قرآنی و محتوای بلند آن اعتراف داشتند.

و ليقولوا درست

زیرا اگر آیات در نظر مشرکان کم اهمیت بود، برای رد آیات به کم اهمیتی آن اشاره می کردند و نه به فراگیری آن از دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۶

۶ انکار رسالت حضرت محمد (ص) و آسمانی بودن قرآن ، از ناحیه شرک پیشگان عصر بعثت

قال الذین لا یرجون لقاءنا ات بقراءان غیر هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر انکار الهی بودن قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کامل آنان با شخصیت پیش از بعثت آن حضرت

قل لو شاء الله ما تلوته علیکم .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۷

۷ شرک پیشگان عصر بعثت ، قرآن را ساخته ذهن پیامبر (ص) دانسته و آن حضرت را فردی مفتری (کسی که بر خدا دروغ می بندد) می خواندند .

قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقرءان غير هذا أو بدله .. قل ... فمن أظلم ممن ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۱

۱ واکنش مشرکان صدر اسلام نسبت به قرآن کریم ، واکنشی تحقیرآمیز بود .

و يقولون لو لا أنزل عليه آیه من ربه

کلمه < آیه > ، به قرینه مقام ، به معنای معجزه است / یعنی ، مشرکان می گویند: چرا بر محمد (ص) از سوی خدایش معجزه نازل نشده. مفهوم این سخن آن است که: ما قرآن را به عنوان آیت و نشانه ای الهی برای صدق ادعای پیامبر (ص) قبول نداریم و این در واقع تحقیر شأن قرآن و استخفاف به امر کتاب خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۷

۷ شباهت و همگونی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...) دستاویز مشرکان صدر اسلام برای زدن برچسب < ساختگی بودن > به آن

و ما كان هذا القرءان أن يفتری من دون الله و لكن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۱

۱ < ساختگی بودن > از

برچسب های شرک پیشگان عصر بعثت به قرآن و در راستای مبارزه آنان با پیامبر اکرم (ص) بود.

و ما كان هذا القرآن أن يفتری . . . أم يقولون افتريه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۱

۱ مشرکان عصر بعثت، قرآن را دروغهایی ساخته و پرداخته دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند.

أم يقولون افتريه

<إفتره> به معنای دروغ بافتن است. ضمیر فاعلی در <إفتره> به پیامبر(ص) برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۸

۸ مشرکان عصر بعثت به خاطر دنیا طلبی و تجمل گرایی، قرآن را نپذیرفته و آن را ساخته دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند.

أم يقولون افتريه . . . من كان يريد الحيوه الدنيا و زينتها

بیان پیامدهای دنیاخواهی و تجمل گرایی، پس از دعوت به توحید و اقامه برهانی روشن برای آن، اشاره به ریشه های اصرار مشرکان به کفرورزی دارد؛ یعنی، اینکه مشرکان با وجود دلیلی روشن بر حقانیت قرآن، حقایق مطرح شده در آن را نمی پذیرند به دلیل دنیاخواهی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۱

۱ مشرکان عصر بعثت، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می پنداشتند.

أم يقولون افتريه

در اینکه مقصود از ضمیر در <يقولون> چه کسانی هستند، دو نظر ابراز شده است: برخی برآنند که مقصود، مشرکان عصر پیامبر(ص) هستند و گروهی دیگر از مفسران، مراد از آن را کفرپیشگان قوم نوح

می دانند. برداشت فوق براساس نظر اول است. گفتنی است که براین اساس، مخاطب کلمه <قل> پیامبر(ص) و ضمیر مفعولی در <إفتراه> به قرآن و یا خصوص داستان نوح(ع) باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۱

۱ - شك و تردد مشركان صدراسلام نسبت به قرآن والهي بودن آن ، عميق و غير قابل زوال بود .

و لا يزال الذين كفروا في مريه منه حتى تأتيهم الساعة

متعلق <كفروا> حذف شده و تقدیر آن به قرینه <أنه الحق من ربك> (در آیه پیش)، <كفروا بالقرآن> می باشد. <مريه> اسم مصدر از فعل <امتري يمتری> و به معنای شك و تردید است. <ال> در <الساعة> برای عهد ذهنی و <ساعة> به معنای لحظه و هنگام است. بنابراین <الساعة>، یعنی، آن هنگام که اشاره دارد به زمان برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر. <بغت و بغته> یعنی ناگهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۶

۶ - سرسختی و لجاجت مشركان عصر بعثت ، در برابر قرآن و دعوت پیامبر (ص)

و قالوا قلوبنا في أكنه مما تدعونا إليه و .. فاعمل إننا عملون

مشركان مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ مشركان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشان را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الكتب على طائفتين

جلد - نام سوره - سوره -

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی ماندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . . . و قالوا لن نؤمن لك

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی مانند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را نقل می کند، می تواند به نکته فوق اشعار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- مشرکان مکه ، از مفاهیم عالی قرآن غافل بوده و به زخارف دنیا چشم دوخته بودند .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن من کلّ مثل فابی . . . و قالوا لن نؤمن لك حتی ... أو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

از سر لجاجت ، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب . . . و ما يجحد بآيتنا إلا الكفرون

<جحد> نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل، نفی کرده است (مفردات راغب) بنابر معنای لغوی، <جحد>، منطبق بر لجاجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۵

۵ - بهانه جویی های پیپی و گوناگون مشرکان مکه ، در برابر پیامبر (ص) و قرآن

قالوا هذا سحر . . . و قالوا لولا نزل هذا القرآن

از این که مشرکان مکه گاهی قرآن را به سحر متهم می کردند و گاهی فقر و تنگدستی پیامبر(ص) را بهانه قرار می دادند، مطلب بالا استفاده می شود.

مشرکان و آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یاهو گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأيت الذين يخوضون في آيتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: <الخوض التخليط في المفاوضه على سبيل اللعب و العبث و ترك التفهم و التبیین>. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

مشرکان و تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۱

۱ - مشرکان ، مدعی قابل درک نبودن قرآن و پیام وحی برای آنان

و قالوا قلوبنا فی أکثه ممّا

تدعونا إليه

مشركان و فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۹

۹- فصاحت عالی قرآن و بیان روشن آن ، مورد قبول همگان حتی کافران و مشرکان

و هذا لسان عربی مبین

استدلال خداوند در ردّ ادعای کافران، مبتنی است بر آنکه فصاحت قرآن مورد قبول آنها باشد.

مشرکان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۸

۸ مشرکان به هنگام حضور در نزد پیامبر(ص)، از سر لجاج و انکار به مجادله درباره قرآن و رسالت آن حضرت می پرداختند.

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۱

۱ مشرکان، مدعی نارسایی معجزات پیامبر (قرآن) برای اثبات رسالت آن حضرت.

و قالوا لولا نزل علیه آیه من ربه

درخواست معجزه از سوی مشرکان، علی رغم معجزاتی مانند قرآن، حکایت از آن دارد که آنان معجزات آن حضرت را برای اثبات رسالت کافی نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ مشرکان آیات قرآن را مجموعه ای ساخته شده و گزینش شده به دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند .

لولا اجبتیها

<اجتباء> (مصدر اجبتیت) به معنای جمع آوری کردن با گزینش و انتخاب است. (مفردات راغب). مشرکان با نسبت دادن <اجتباء> به پیامبر(ص) (اجبتیت) این معنا را القا می کردند که او مطالب قرآن را از این سو و آن سو جمع آوری و گزینش می کند و به مردم ارائه می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱

۱ مشرکان ، آیاتی از قرآن را که حامل معارفی بلند بوده و در ظرف کوچک ذهن آنان جای نمی گرفت ، انکار می کردند .

أم یقولون افتریه . . . بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما لم یحیطوا . . > اشاره به دسته ای از آیات قرآن باشد و مای محذوف در <لما یأتهم تأویله> که عطف بر <لم یحیطوا> و به تقدیر <و کذبوا بما لما یأتهم تأویله> است اشاره به دسته ای دیگر از آیات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۱،۲

۱ برخی مشرکان ، با اینکه آسمانی بودن قرآن را باور داشتند ، به تکذیب آن برمی خاستند .

بل کذبوا . . . و منهم من یؤمن به

این برداشت مبتنی بر این است که: ضمیر <هم> با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش به

تکذیب کنندگان قرآن برگردد و از <یؤمن> زمان حال اراده شده باشد.

۲ برخی مشرکان ، آسمانی بودن قرآن را باور نداشته ، آن را تکذیب می کردند .

و منهم من لا یؤمن به

این برداشت نیز مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به تکذیب کنندگان قرآن برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۱

۱ برخی از مشرکان با اینکه مکرراً به سخنان پیامبر (ص) گوش می سپردند و آیات الهی را از زبان او می شنیدند ، به تکذیب آن برخاسته ، انکارش می کردند .

و منهم من یستمعون إلیک .. و لو کانوا لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۵

۵ مشرکان برای ساختن سوره هایی همانند قرآن ، به کمک خواهی از هر کس مجاز بودند .

وادعوا من استطعتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، با توجه دادن مشرکان به الهی بودن قرآن ، آنان را به پذیرش اسلام و قرآن دعوت کرد .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا .. فهل أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱

۱- مشرکان ، نزول وحی و پیام جدید پروردگار (قرآن) را ، سرسری گرفته و بازی گرانه به آن گوش می سپارند .

ما یأتیهم من ذکر من ربهم ... و هم یلعبون

بیشتر مفسران بر آنند که مقصود از <ذکر> هر نوع وحی و یا خصوص

قرآن کریم است و جمله <و هم یلعبون> حال برای فاعل <استمعوه> می باشد؛ یعنی، آنان در حالی که به لعب و بازی مشغول اند به آیات الهی گوش می دهند و به طور جدی و شایسته آن را استماع نمی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أولم یکن لهم ءایه أن یعلمه علموا بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱،۲،۴

۱ - مشرکان ، منکر نزول قرآن کریم از جانب خداوند بودند .

تنزیل الکتب . . . من رب العلمین . أم یقولون افتریه

<أم>، منقطع و به معنای <بل> است و معنای دو فراز دو آیه چنین می شود: <قرآن، از جانب خداوند است و آنان، مدعی اند که ساختگی است>.

۲ - مشرکان ، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می دانستند .

أم یقولون افتریه

<فری> ریشه <افترا> به آن دروغی گفته می شود که خود شخص آن را بسازد (لسان العرب).

۴ - خداوند ، در مقابل تهمت مشرکان (ساختگی بودن قرآن) ایستاده و از حقانیت قرآن ، دفاع کرده است .

أم یقولون افتریه بل هو الحق

مشرکان هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۲

۲ - تلاش مشرکان برای مقابله با قرآن ، از طریق جنجال آفرینی و ایجاد سر و صدا ، هنگام قرائت آیات آن

به وسیله پیامبر و مؤمنان

و الغوا فيه

<لغو> (مصدر <ألغوا>) در مورد کلام و سخن بی معنی اطلاق می شود و در این جا مراد، گفتن سخنان یاهو و ایجاد سر و صدا می باشد.

مشکلات تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۴

۴ - تبلیغ و اجرای تعالیم قرآن ، پیامدار سختی ها و مشکلات

فاصبر لحکم ربک

مشمولان رحمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۵

۱۵ تنها مؤمنان به قرآن ، از هدایت ها و رحمت آفرینی های آن بهره مند می شوند .

و لکن .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

دلیل این برداشت نظیر سخنی است که در توضیح برداشت شماره ۲ از همین آیه آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۷

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآنند .

و ننزل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

مشمولان هدایت های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۲

۲ - تنها مؤمنان ، از هدایت ها و بشارت های قرآن بهره مندند .

هدی و بشری للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إنه لهدی و رحمه للمؤمنین

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری

از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) ، بنده برگزیده خدا و بهره مند از هدایت ویژه قرآن

و لکن جعلنه نورًا نهدي به من نشاء من عبادنا

با توجه به لفظ <لکن> که برای استدراک جمله قبل (ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان) است می توان گفت که عبارت <من نشاء من عبادنا> گرچه عام است ولی پیامبر اکرم (ص) از مصادیق بارز آن می باشد. به ویژه که در قسمت پایانی آیه شریفه آن حضرت را هدایتگر دیگر مردمان به راه حقیقت معرفی می کند.

مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۲

۲ قرآن ، مصون از هرگونه باطل ، در سیر نزولی آن بر پیامبر (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

<باء> در <بالحق> به معنای مصاحبت است و در برداشت فوق، متعلق به جمله <انزلنا> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۶

۶ نزول قرآن به اشراف الهی و مصون از تعرض شیاطین

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

برخی از مفسران جمله <انزله بعلمه> را با این بیان که علم خداوند در این جا کنایه از حفظ و نگهداری است چنین معنا کرده اند که خداوند قرآن را نازل کرد در حالی که خود آن را از تصرف و دستبرد شیاطین مراقبت می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ قرآن در سیر نزولش بر پیامبر (ص)، مصون از هرگونه باطل

و انزلنا إليك الكتب بالحق

برداشت فوق بر این مبناست که <بالحق> متعلق به <انزلنا> باشد. یعنی نزول قرآن همراه حق بوده و به هنگام نزول هیچ باطلی بدان راه نیافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۵

۵- قرآن، تحت حفاظتِ همیشگی خداوند و مصون از هرگونه تحریف و زوال

إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحفظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۲،۳

۲- قرآن، مجموعه ای الهی و غیر قابل تصرف و چشم پوشی، حتی از کمترین بخش آن

و بالحق أنزلناه و بالحق نزل

با توجه به مضامین آیات ۸۸ و ۹۳، که در آنها درخواست مشرکان درباره نزول قرآن به صورت مکتوب مطرح شده بود، ممکن است این آیه پاسخی باشد به آنان که حقایق قرآنی با اقتراحات تغییر نمی یابد.

۳- قرآن از آمیختگی به غیر کلام وحی میرا بوده و سلامت آن از سوی خداوند، تضمین شده است.

و بالحق أنزلناه و بالحق نزل

جمله <و بالحق نزل> می تواند بیانگر کیفیت نزول قرآن باشد؛ یعنی، نزول قرآن بر پایه حق بود و هرگز با باطل و ناصواب آمیخته نشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۹

۹- قرآن و سخن های خداوند ، ایمن از دستبرد دیگران و مصون از هرگونه تحریف است .

واتل ما أحيى إليك .

.. لامبَدَل لکلمته

ضمیر در <کلماته> به <رَبِّ> برمی گردد و مصداق مورد نظر برای <کلمات> به قرینه صدر آیه آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۲

۲ - قرآن ، مصون از هر گونه تبدیل و تحریف در مرحله نزول آن بر پیامبر (ص)

نزل به الروح الأمين

توصیف <الروح> به امانت داری اشاره به مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۱

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۱،۲،۱۱

۱ - مصونیت قرآن ، در برابر هر گونه تحریف

لایأتیة البطل من بین یدیه و لا من خلفه

منظور از عدم امکان راه یافتن باطل به ساحت قرآن <لا- یأتیة الباطل> می تواند این باشد که هیچ کس توانایی تحریف کردن قرآن را ندارد.

۲ - پیشگویی قرآن نسبت به مصونیت آن از تحریف در طول تاریخ

لایأتیة البطل من بین یدیه و لا من خلفه

مراد از <من بین یدیه> زمان نزول قرآن و از <من خلفه> زمان آینده است.

۱۱ - < عن أبي الجارود عن أبي جعفر (ع) في قوله > إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ < یعنی القرآن الذی > لایأتیة الباطل من بین یدیه < قال لایأتیة الباطل من قبل التوراه و لا من قبل الإنجیل و الزبور و اما من خلفه لایأتیة من بعده کتاب یبطله

; ...

امام باقر(ع) درباره <ذکر> در آیه <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ> فرمود: مراد قرآن است و

فرمود: <و لایاتیه الباطل من بین یدیه> یعنی، باطل از سوی تورات، انجیل و زبور در قرآن نمی آید و اما (لایاتیه) <من خلفه> یعنی، بعد از آن هم کتابی نمی آید که قرآن را باطل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۴

۴ - در مسیر نزول قرآن بر پیامبر (ص)، هیچ دست ناپاکی بدان نرسیده و کاملاً مصون از تحریف و دستبرد بوده است.

لایمسه إلا المطهرون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که ضمیر در <لایمسه> به قرآن بازگردد و آیه شریفه ناظر به وضعیت نزول قرآن به وسیله فرشتگان بر پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۳

۳ - قرآن، کتابی به دور از تخیلات و احساس های بی منطق و غیر علمی

و ما هو بقول شاعر

شعر، سخنی است موزون و متکی بر احساس و تخیل و نفی شعر بودن قرآن، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۳

۳ - قرآن، کتابی است به دور از پیشگویی ها و آینده نگری های نادرست.

و لا بقول کاهن

<کهانته> به معنای پیشگویی است. نفی کهانته از قرآن، بیانگر این است که این کتاب، از هرگونه پیشگویی های نادرست مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۱،۲،۳

۱ - تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر پیامبر (ص)

(، تضمین شده از سوی خداوند

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقِرْءَانَهُ

<جمع> در لغت به معنای تألیف است و مقصود از آن در این آیه تألیف و تنظیم کلمات قرآن می باشد. واژه <قرآن> نیز معنای مصدری دارد؛ یعنی، خواندن. بنابراین <إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقِرْءَانَهُ>؛ یعنی، <بی تردید تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر تو [ای پیامبر] بر عهده ما است>.

۲ - گردآوری قرآن در سینه پیامبر (ص) و توانایی آن حضرت بر قرائت آن ، تضمین شده از سوی خداوند

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقِرْءَانَهُ

یکی از احتمالات یاد شده در تفسیر آیه شریفه، این است که مقصود از <جمعه>، گردآوری قرآن در سینه پیامبر(ص) است؛ به گونه ای که آن حضرت به خاطر سپارد و فراموش نکند و مقصود از <قرآنه> تثبیت قرائت قرآن بر زبان ایشان است؛ به گونه ای که هرگاه خواسته باشد بتواند آن را قرائت کند (مانند آیه ۶ از سوره <اعلی> <سُنْقَرُوكَ فَلَاتِنْسِي>).

۳ - تضمین گردآوری شدن اجزای قرآن از سوی خداوند در یک مجموعه و حفظ و قرائت آنها در تمامی اعصار و برای همیشه تاریخ *

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقِرْءَانَهُ

جمله <إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقِرْءَانَهُ> تعلیل برای <لَا تَحْرُكْ بِهِ لِسَانَكَ..> است. بر این اساس برخی از مفسران گفته اند: چون پیامبر(ص) درباره حفظ قرآن نگران بود، این آیه برای رفع نگرانی آن حضرت و تضمین دائمی درباره آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۴

۴ - آیات قرآن ، فراتر از دسترس نااهلان و منزّه از هرگونه تغییر و تحریف

مرفوعه مطهره

ارتباط دو

وصف <رفعت> و <طهارت>، گویای راز پاک ماندن قرآن از انحراف است، زیرا کج اندیشان به آن دسترسی ندارند تا آن را با افکار پلید خود آلوده سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۶

۶ - قرآن در مرحله نزول بر پیامبر (ص) ، از هرگونه تحریف ، افزودن و کاستن مصون بوده است .

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ .. ثُمَّ أَمِين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۵

۵ - مرحله دریافت قرآن ، همانند مرحله نزول آن ، مصون از خطا و تحریف است .

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ .. وَ مَا صَاحِبِكُمْ بِمَجْنُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۴،۵

۴ - قرآن در مرحله ابلاغ به مردم ، همانند مرحله نزول و دریافت ، مصون از تحریف و کتمان است .

وَ مَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ

۵ - بخیل نبودن و امتناع نورزیدن پیامبر (ص) از ابلاغ تمام آیات قرآن به مردم ، ضامن مخفی نماندن هیچ آیه ای از آن است .

وَ مَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۳

۳ - مرحله نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، منزّه از القاءات شیطان و همراه با رانده شدن او از محدوده آن

وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۲

۲ - بی

اعتمادی به قرآن، با وجود مصونیت آن در مراحل نزول، دریافت و ابلاغ و اعتماد به غیر آن، انتخاب بیراهه است.

فأین تذهبون

مفاد استفهام (کجا می روید؟) در آیه شریفه این است که جز این راه، راه دیگری وجود ندارد. گفتنی است که در این گونه پرسش ها نوعی <تعجیز> نهفته است. حرف <فاء> این مفاد را بر اوصاف قرآن که آیات پیشین بیانگر آن بود تفریع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۲،۳

۲ - لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است، از نابودی و تغییر مصون است.

فی لوح محفوظ

کلمه <محفوظ>، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران، هر چند بر آن اصرار ورزند، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد.

بل الذین كفروا فی تکذیب .. بل هو قرآن مجید . فی لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۸

۸ - آیات قرآن، در طول زندگانی پیامبر (ص) از خطا و کاستی مصون ماند.

سنقرئک فلاتنسی

درباره مفاد <إلا ما شاء الله> در آیه بعد، دو دیدگاه وجود دارد: ۱. بیان حاکمیت مشیت خداوند که در نتیجه مراد، استثنای حقیقی نخواهد بود؛ بلکه تنها نشانگر آن است که <لاتنسی> هر

چند مطلق است و هیچ استثنایی ندارد؛ ولی مشیت خداوند بر همه چیز حاکم است و نسیان و عدم نسیان پیامبر(ص)، بیرون از مشیت او نیست. ۲. حرف <إلا> در استثنای حقیقی به کار رفته است و بیانگر آن است که خداوند، بخشی از آیات را براساس مشیت خویش از یاد پیامبر(ص) خواهد برد. برداشت یاد شده براساس نظر اول است.

مطالعه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۳۰

۳۰ - < سئل الصادق (ع) عن قول الله عزوجل < أُولم يسيروا في الأرض > قال : معناه أولم ينظروا في القرآن ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند <أُولم يسيروا في الأرض> سؤال شد. فرمود: مقصود <أُولم ينظروا في القرآن> است. توضیح: از روایت این گونه استفاده می شود که مراد از سیر در زمین، سیر علمی و تاریخی است و قرآن از منابع آن است.<

معجزه سور قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۴

۴ - قرآن و یکایک سوره های آن ، معجزه است .

فأتوا بسوره من مثله

معجزه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۴

۴ - قرآن و یکایک سوره های آن ، معجزه است .

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ قرآن ، معجزه و سند حقانیت پیامبر (ص) است .

أم يقولون افتريه . . . فإلم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵،۹

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرفنا فی هذا القراء لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورا

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرفنا فی هذا القراء لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۱

۱۱- روی گردانی کافران از ارزش های نو قرآن ، معلول دنیاطلبی آنان است .

لم یؤمنوا بهذا الحدیث . . . ما علی الأرض زینه لها لنبوهم

جمله <إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا> می تواند به عنوان تعلیلی برای اعراض کافران مطرح باشد ؛ یعنی، زیبایی دنیا، باعث شده که ایشان به آن، دل خوش کنند و به قرآن ایمان نیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۲

۲- منکران رسالت پیامبر (ص) ، با نادیده گرفتن معجزه قرآن ، آن حضرت را فاقد هر گونه معجزه معرفی می کردند .

و قالوا لولا یأتینا بآیه من ربّه أولم تأتھم بینه

۱۳- مشرکان ستم پیشه ، ضمن ایراد اتهام سحر به قرآن ، آن را هرگز شایسته پیروی نمی دانستند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

استفهام در جمله <أفتأتون السحر> انکاری است و جمله <و أنتم تبصرون> حال برای فاعل <تأتون> می باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: آیا شما با چشم باز و آگاهی به دنبال قرآن که سحر است می روید؟ یعنی این که شایسته نبودن قرآن برای پیروی، امری است روشن و بدیهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۵

۵- اعراض کافران از شنیدن کلام الهی و درک مفاهیم و معارف قرآنی ، دلیل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من یکلؤکم .. من الرحمن بل هم عن ذکر ربهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد؛ زیرا یکی از نام ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از مردم ، در برخورد با آیات قرآن کریم ، آن را می پذیرند و گروهی دیگر ، از آن روی گردانده و به سخنان بیهوده روی می آورند .

تلک ءایت الکتب .. هدی ... للمحسنین ... و من الناس من یشتری لهو الحدیث

آیه، عطف معنوی به آیات پیش و یا عطف قصه به قصه است و گویا، در صدد بیان این نکته است که مردم، در برخورد با قرآن، دو

دسته اند: گروهی از آنان محسنان اند که هدایت پذیرند و گروهی دیگر، از آن گریزانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۵

۵ - بیشتر مردم عصر بعثت ، از آیات قرآن ، علی رغم وضوح و روشنی مفاهیم آن روی گردان بودند .

کتب فصلت ... فأعرض أكثرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۲

۲ - کافران پندناپذیر و مخالف پیامبر (ص) ، هیچ دلیل و عذر قابل قبولی ، برای روی گردانی از دین و پند های قرآن نداشتند .

فما لهم عن التذکره معرضین

از مفاد <فما لهم> (چيست آنان را)، استفاده می شود که مقصود، نبودن هیچ دلیل و عذری برای کفر و انکار کافران نسبت به قرآن پند آفرین است.

معرضان از قرآن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۱

۱ - روی گردانندگان از قرآن و تذکار های آن ، در قیامت باری سنگین از گناه را به دوش خواهند کشید .

من أعرض عنه فإنه یحمل یوم القیمه وزراً

نکره بودن <وزراً> بر گران باری و سنگینی آن دلالت دارد.

معرضان از قرآن و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۲

۲ - مخالفان قرآن ، با زحمت خود را از تأثیر تذکرات آن ، دور نگه می دارند .

و يتجنّبها

باب تفعّل که فعل <يتجنّب> از آن باب است بر تکلف دلالت دارد. این فعل بیان گر آن است

که تذکرات قرآنی، با فطرت انسان‌ها ملایمت و مناسبت کامل دارد؛ به گونه‌ای که مخالفان، باید برای دور ماندن از تأثیرات آن، خود را به زحمت اندازند.

معلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۱،۴

۱ - خداوند، معلم انسان و تعلیم دهنده قرآن

الرحمن . علم القرآن

۴ - خداوند، معلم واقعی قرآن، بدون کمترین تصرف پیامبر (ص) در آن

الرحمن . علم القرآن

مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۵

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده‌اند.

الذین یخوضون فی آیتنا .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

مفتریان بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۲

۲- تنها کسانی که به آیات الهی ایمان ندارند، به قرآن کریم دروغ و افترا می‌بندند .

إنما یفتری الکذب الذین لا یؤمنون بأیت الله

مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر

شدند .

المقتسمين. الذين جعلوا القرآن عضين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

مقامات اخروی مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۸

۱۸- عقیده مندان به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر بودن آن ، دارای جایگاهی خوب در عالم آخرت

و قيل للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم قالوا خيراً .. و لنعم دار المتقين

مقامات قاریان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۵

۵- تلاوت وحی و قرآن کریم ، کاری ارزشمند است و قرائت کنندگان از جایگاهی بلند در پیشگاه خداوند برخوردارند .

فالتليت ذكراً

از سوگند خداوند به تلاوت کنندگان وحی و قرآن کریم، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

مقامات کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۴

۴- ارجمندی ، عظمت و پیراستگی صفحات قرآن و مقام والای نویسندگان آن ، تضمین کننده شایستگی آن برای غفلت

زدایی و بیان حقایق

إنها تذكرة .. في صحف مكرّمة . مرفوعة مطهّره . بأیدی سفره . کرام برره

مقدار تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۰،۴۹

۱۰ - تلاوت قرآن ، باید به میزان میسور باشد ، نه مقداری که برای قاری خسته کننده و مشقت

آور است .

فاقرءوا ما تيسر من القرآن

۴۹ - > عن النبي (ص) < فاقراءوا ما تيسر منه > قال : مائه آيه ;

از پیامبر(ص) [درباره] <فاقرءوا ما تيسر منه> روایت شده که مراد قرائت صد آیه است <.

مکذبان اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۳

۳- کافران عصر بعثت ، علی رغم روشن بودن اعجاز قرآن و هماهنگی آن با دیگر کتاب های آسمانی ، آن را نادیده گرفتند و معجزه بودن آن را انکار می کردند .

لولا يأتينا بآيه من ربّه أولم تأتهم

مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ مخالفان هیچ شاهی را که بر وجود همانندی سخنی با قرآن شهادت بدهد نخواهند یافت .

وادعوا شهداء کم من دون الله

چنانچه <شهداء> به معنای گواهان باشد، استثناء <من دون الله> از جمله قبل، ناظر به سخن متعارفی است که انسانها هنگام نداشتن شاهد بر مدعی خویش آن را بر زبان جاری می کنند؛ یعنی، گواهانی را فراخوانید تا نظر دهند و اگر نیافتید نگویید: خدا شاهد است که این سخن همانند قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۶

۶ مشرکان صدر اسلام دلیل روشن حقانیت پیامبر(ص) (قرآن) را تکذیب می کردند.

قل إني علي بينه من ربي و كذبتم به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبيله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت

قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و كَذَّبَ به قومك و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إني على بينة> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱،۹

۱ تنها راه ایمان به قرآن برای منکران قرآن، تحقق تهدیدها و بروز حقایق آن است.

و لقد جئتهم بكتب .. هل ينظرون إلا تأويله

ضمیر در <تأویله> به <کتب> در آیه قبل برمی گردد. و مراد از تأویل کتاب الهی، به قرینه فرازهای بعد، بروز و ظهور حقایق قرآن و تحقق تهدیدها و وعده های آن است. و جمله <هل ينظرون ...> با توجه به اینکه ناظر به آیه قبل است، چنین معنا می شود: برای منکران قرآن جهت تصدیق آن راهی جز ظهور حقایق قرآنی، که در قیامت تحقق می یابد، نیست.

۹ منکران قرآن با بی اعتنایی به معارف آن، تباه کننده سرمایه عر خویش هستند.

قد خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۶

۶ انکار رسالت حضرت محمد (ص) و آسمانی بودن قرآن، از ناحیه شرک پیشگان عصر بعثت

قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقرءان غير هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱

۱ مشرکان، آیاتی از قرآن را که حامل معارفی بلند بوده و

در ظرف کوچک ذهن آنان جای نمی گرفت ، انکار می کردند .

أم يقولون افتريه . . . بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما لم يحيطوا . . > اشاره به دسته ای از آیات قرآن باشد و مای محذوف در <لما يأتهم تأويله> که عطف بر <لم يحيطوا> و به تقدیر <و كذبوا بما لما يأتهم تأويله> است اشاره به دسته ای دیگر از آیات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۳، ۲، ۱

۱ برخی مشرکان ، با اینکه آسمانی بودن قرآن را باور داشتند ، به تکذیب آن برمی خاستند .

بل كذبوا . . . و منهم من يؤمن به

این برداشت مبتنی بر این است که: ضمیر <هم> با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش به تکذیب کنندگان قرآن برگردد و از <يؤمن> زمان حال اراده شده باشد.

۲ برخی مشرکان ، آسمانی بودن قرآن را باور نداشته ، آن را تکذیب می کردند .

و منهم من لا يؤمن به

این برداشت نیز مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به تکذیب کنندگان قرآن برگردد.

۳ هرگز همه مردم روی زمین ، قرآن را انکار و تکذیب نخواهند کرد .

و منهم من يؤمن به و منهم من لا يؤمن به

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <منهم> عموم مردم باشد ؛ که در این صورت ، آیه در مقام بیان حال آنان به هنگام روبرو شدنشان با قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ برخی از مشرکان با اینکه مکرراً به سخنان پیامبر (ص) گوش می سپردند و آیات الهی را از زبان او می شنیدند ، به تکذیب آن برخاسته ، انکارش می کردند .

و منهم من يستمعون إليك .. و لو كانوا لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۵

۵ گروههایی از اهل کتاب ، قسمتهایی از قرآن را نمی پذیرفتند و حقایق آن را انکار می کردند .

و من الأحزاب من ينكر بعضه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمين. الذين جعلوا القرآن عضين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۲

۲- منکران عالم آخرت ، منکر نزول قرآن از جانب خداوند بودند .

فالذين لا يؤمنون بالأخـره... إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين

رفع <أساطير> به خاطر خبر برای مبتدای محذوف بودن (<المنزل> یا <الذی یسئل عنه>) است که مراد از آن قرآن می باشد.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذکرت ربّک فی القرآن وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۹

۹- مشرکان مکه ، نسبت به آسمانی بودن قرآن و رسالت الهی پیامبر (ص) بی اعتقاد بودند .

أو ترقی فی السّماء و لن نؤمن لرقیک حتی تنزل علینا کتبًا نقرؤه

از اینکه آنان، نامه و کتابی را از پیامبر(ص) خواستند که خود از آسمان آورده باشد، حکایت از آن دارد که: قرآن را که به صورت وحی بر آن حضرت نازل می شده است قبول نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۱

۱ - مجرمان متعصب عرب ، منکر آسمانی بودن قرآن ، علی رغم جریان آن در قلب هایشان به زبان عربی روشن

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

<کذلک> به فرض نزول قرآن به زبان غیر عربی (و لو نزلناه

علی بعض الأعجمین..). اشاره دارد. <سلوک> (مصدر <سلکنا>) به معنای وارد کردن و راه دادن است. ضمیر مفعول در <سلکناه> به قرآن بازمی‌گردد یعنی، <مثل ذلك السلوک سلکنا القرآن فی قلوب المجرمین>. مقصود این است که همان طور که اگر قرآن به زبان عجمی نازل می‌گردید و بر این مجرمان تلاوت می‌شد، از آن چیزی نمی‌فهمیدند، اکنون هم که به زبان عربی شیوا و روشن نازل شده است، از آن چیزی نمی‌فهمند و به آن ایمان نمی‌آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - اقدام حق ستیزان صدر اسلام به انکار صریح قرآن و تورات و تأکید بر کفر خویش نسبت به آن دو

و قالوا إنا بكلّ كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ - مشرکان مکه، از سر لجاجت، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند.

و كذلك أنزلنا إليك الكتب... و ما يجحد بأيتنا إلا الكفرون

<جحد> نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می‌کند و اثبات چیزی است که دل، نفی کرده است (مفردات راغب) بنابراین معنای لغوی، <جحد>، منطبق بر لجاجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود.

ما يجحد بأيتنا إلا الكفرون... و ما يجحد بأيتنا إلا الظلمون

<جحد> در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می‌کند

و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب). <جحد> طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است:
<ال> در <الظالمون> عهد بوده و اشاره به <الکافرون> در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۰ - ۲

۲ - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسی شدند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب ... و ما يجحد بآيتنا ... و قالوا لولا أنزل عليه آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۱

۱ - مشرکان ، به رغم ادعای آمادگی برای ایمان آوردن به کتاب آسمانی ، به قرآن کفر ورزیدند .

لو أن عندنا ذكراً من الأولين . لكننا عباد الله المخلصين . فكفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مثنوی للكافرين) کافران می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۲

۲ - انکار لجاجت آمیز وحی و قرآن ، از سوی مشرکان مکه

و رسول مبین . و لما جاءهم الحق قالوا هذا سحر و انا به كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نکوهش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری تکذیب گرانه آنان در برابر قرآن

و تجعلون رزقکم انکم تکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۶

۶ - قوم یهود ، تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)

بئس مثل القوم الذین کذبوا بایت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۴

۴ - تلاوت آیات قرآن بر کافران تکذیب گر و انکار عمدی آن از سوی آنان

إذا تتلى علیه آیتنا قال أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۳

۳ - تکذیب قرآن ، از سوی گروهی از مردم در عصر نزول وحی

و انا لنعلم ان منکم مکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۳

۳ - منکران معاد ، نه تنها به هشدار های قرآن ایمان نیاورده و در برابر آن فروتنی نمی کنند ؛ بلکه پا را فراتر نهاده و قرآن را تکذیب می کنند .

بل ... یکذبون

مکذبان قرآن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنمند .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ -

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق .. أليس في جهنم مثوى للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۲

۲ - منکران حقانیت قرآن ، گرفتار آتش دوزخ در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ

برداشت یاد شده بر این اساس است که خبر <إِنَّ> در <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا> به قرینه آیه قبل جمله <يلقى في النار> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز ، به حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم> ، <صالون> (جمع <صال>) بوده است ؛ یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَالِيَ بِالنَّارِ وَ صَالِيَهَا صَالِيًا قَاسِيًا حَرًّا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَالِيَ فُلَانٌ بِالنَّارِ يَصْلِي صَالِيًا احترق (سوخت).

مکذبان قرآن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

يليتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷- ۵۳- ۵۷،۱۲

۵ منکران حقانیت

قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویلہ یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی سعادت آفرین

یقول الذین نسوه .. فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن ، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر دوش خواهند کشید .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

لام <لیحملوا> لام عاقبت است و <أوزار> (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

مکذبان نوآوری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۶

۶ کافران ، در عصر بعثت منکر هر گونه نوآوری در قرآن بودند .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

این که کافران، قرآن را افسانه های پیشینیان می شمردند، حاکی از آن است که آنان نه تنها منکر اصالت قرآن بودند بلکه آن را فاقد هر گونه نوآوری نیز می دانستند.

مکذبان و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۶

۶ - مخالفان رسالت درباره آسمانی بودن قرآن و نزولش از جانب خدا ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۹

۹- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن از جمله آیه دوم همین سوره از قرآن به <ذکر> یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص

(، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أوتی مثل ما أوتی موسی

مقصود از <ما أوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود، یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱

۱ - مشرکان ، منکر نزول قرآن کریم از جانب خداوند بودند .

تنزیل الکتب . . من رب العلمین . أم یقولون افتربه

<أم>، منقطع و به معنای <بل> است و معنای دو فراز دو آیه چنین می شود: <قرآن، از جانب خداوند است و آنان، مدعی اند که ساختگی است.>

مکر دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۲

۲- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین . . . قد مکر الذین من قبلهم

ملائکه و پاسداری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ قرآن کریم در حصار حفاظت و مراقبت فرشتگان الهی

إذا لهم مكر في آياتنا قل الله أسرع مكرًا إن رسلنا يكتبون ما تمكرون

به قرینه مقام می توان گفت که: خداوند برای جاودان ماندن قرآن و مصونیت آن از

هر گونه اقدامهای شیطانیِ انسانهای کفرپیشه و ضد دین، فرشتگانی را مأمور حفاظت و مراقبت از آن کرده است و مراد از <رسل> در <إن رسلنا یکتبون ما تمکرون> همین دسته از فرشتگان می باشد.

ممانعت از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۱،۳،۴،۵

۱ کافران صدر اسلام، مردم را از گوش فرادادن به قرآن نهی می کردند.

و هم ینهون عنه

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین. و هم ینهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

۴ کافران با پرهیز از گوش فرا دادن به قرآن و جلوگیری مردم از آن، ناخودآگاه خود را به هلاکت می افکنند.

و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

۵ فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و بازداشتن مردم از گرایش به آنها، سقوط و هلاکت است.

و هم ینهون عنه و ینثون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم

ممانعت از تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۵،۶

۵ - بدترین عمل کافران، مبارزه با قرآن و تلاش در جهت محروم ساختن مردم از دستیابی به معارف آن است .

و قال الذین کفروا لاتسمعوا... و لنجزینهم أسوأ الذی کانوا یعملون

۶ - سد کردن راه ایمان و معرفت دیگران به قرآن، گناهی بزرگ تر و بدتر از کفر و گناهان شخصی کافران

وقال الذين كفروا

لا تسمعوا .. و لنجزينهم أسوأ الذی كانوا يعملون

برداشت بالا بدان احتمال است که <أسوء> در مقام مقایسه میان کفر و حق ناباوری کافران، با تلاش های آنان در جلوگیری از گرایش دیگران به ایمان باشد.

ممانعت از تعجیل در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۲

۲ - منع شدن پیامبر (ص)، از شتابورزی در خواندن آیات وحی، پیش از پایان یافتن وحی آن

لا تحرك به لسانك لتعجل به

ممانعت از مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۸

۸ - بازداشتن مردم از مخالفت با بیان های روشن قرآن، فلسفه وعید ها و هشدار های قرآن

و صرفنا فيه من الوعيد لعلمهم يتقون

تهدید شدن اعراض کنندگان از قرآن در آیات گذشته و نیز جمله <أنزلناه قرآناً عربياً> قرینه براین است که متعلق <يتقون> روی گردانی از قرآن می باشد.

منافع تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۶

۶ - قرائت قرآن، دارای منافع بسیار و تضمین شده از سوی خداوند

اقرأ و ربك الأكرم

توصیف خداوند به <کریم ترین> پس از امر به قرائت بیانگر تأثیر آن در فراهم آمدن زمینه کرامت و احسان خداوند است.

منافقان صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۵

۵ منافقان صدر اسلام ، مردمانی تأثیرناپذیر در برابر آیات الهی قرآن

و إذا ما أنزلت سوره فمنهم من يقول

أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا

منافقان نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۱

۱ افزایش پلیدی منافقان بیماردل ، پس از نزول آیه های قرآن و شنیدن آن

و إذا ما أنزلت سورة... و أما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم

منافقان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۸

۸ - منافقان در برابر آوازه قرآن و گسترش اسلام ، چاره ای جز ناشنیده انگاشتن آن ندارند .

يجعلون أصعبهم فيء اذانهم من الصوعق حذرالموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۶،۸

۶ انکار نفوذ آموزه های قرآن در میان دل و جان مردم ، از ترفند های منافقان و دشمنان دین

و إذا ما أنزلت سورة فمنهم من يقول أئیکم زادته هذه إيمناً

استفهام در جمله <أئیکم زادته .. > استفهام انکاری و بیانگر نفی تأثیرگذاری آیات قرآن در دل و جان اهل ایمان است.

قابل ذکر است که ضمیر <منهم> به منافقان برمی گردد.

۸ تلاش منافقان برای سرایت دادن روحیه منفی خویش (تأثیرناپذیری از آیات الهی قرآن) به دیگران

فمنهم من يقول أئیکم زادته هذه إيمناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ اشاره مرموزانه منافقان به یکدیگر، برای خروج مخفیانه از جمع شنندگان آیات الهی

و إذا ما أنزلت سورة نظر بعضهم إلى بعض هل يريكم من أحد

۶ سعی منافقان در گریختن از محیط ابلاغ

آیات الهی و مراکز شناخت و تبلیغ دین

و إذا ما أنزلت سورة . . . ثم انصرفوا

۷ روی گردانی منافقان صدر اسلام از آیات الهی پس از شنیدن وحی

و إذا ما أنزلت سورة . . . ثم انصرفوا

۸ منافقان روی گردان از آیات الهی قرآن ، مورد نفرین خداوند

ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <صرف الله قلوبهم> خبر در مقام انشا بوده و برای نفرین باشد.

منافقان و نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۱

۱ نگاه مرموز منافقان به یکدیگر پس از نزول هر سوره ای از قرآن

و إذا ما أنزلت سورة نظر بعضهم إلى بعض

منحرفان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

منشأ ابلاغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۲

۲ - خداوند برای ابلاغ قرآن ، فرستاده ای را به سوی پیامبر (ص) گسیل داشت .

إِنَّه لَقَوْلِ رَسُولِ

ضمیر <إِنَّه> به قرینه سیاق آیات به قرآن برمی گردد. مراد از <رسول> به قرینه مقابله این آیه با جمله <و ما هو بقول شیطان> در آیات بعد مأمور ابلاغ قرآن به پیامبر(ص) است که در بعضی از سوره ها، جبرئیل عهده دار این وظیفه معرفی شده است.

منشأ اعتراض به قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۹

۹ - ناتوانی کافران از آوردن همانند برای قرآن ، منشأ اعتراض ها و ایراد های آنان به مثل های قرآن

فان لم تفعلوا و لن تفعلوا .. إن الله لا يستحي أن يضرب مثلا ما ... و أما الذين

بیان اشکال تراشی کافران به برخی تمثیلهای قرآن - پس از دعوت آنان به تحدی (فأتوا بسوره) و بیان ناتوانی آنان از آوردن همانند برای قرآن (و لن تفعلوا) - اشاره به ریشه بهانه جوییهای کافران دارد؛ یعنی، چون نتوانستند برای قرآن همانند بیاورند به بهانه گیری و اشکال تراشی پرداختند (ماذا أراد الله بهذا مثلا)

منشأ اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۶

۶ - جهل و جاهلیت ، ریشه روی گردانی بیشتر مردم از آیات روشن وحی

لقوم يعلمون .. فأعرض أكثرهم

از تفریع <أعرض أكثرهم> بر آیه قبلی، استفاده می شود که علت اعراض بیشتر مردم از قرآن، نادانی ایشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۴

۴ - روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوتاه فکری آنان بود .

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنهم حمر مستنفره

منشأ انحطاط مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۵

۵ - خداوند ، تکذیب کنندگان قرآن و معاد را به تدریج به ورطه سقوط می کشاند .

سنستدرجهم

<إستدراج> (مصدر <سنستدرج>)

در اصل به معنای نزدیک کردن کسی به سوی چیزی است و مقصود از آن در این آیه، بردن و نزدیک کردن کافران به ورطه سقوط و هلاکت است؛ به گونه ای که خود متوجه آن نشوند (برگرفته از لسان العرب).

منشأ انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۳

۳ - پیام های بشارت دهنده و انذار کننده قرآن ، نشأت یافته از رحمانیت و رحیم بودن خداوند

تنزیل من الرحمن الرحیم . . . بشیراً و نذیراً

منشأ ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۳

۳ - تصمیم انسان بر پیمودن راه دین و پذیرش تعالیم قرآن ، وابسته به مشیت و خواست خداوند است .

فمن شاء اتَّخِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا . و ما تشاءون إلا أن یشاء الله

یکی از مصادیق <ما تشاءون>، مشیت انسان در انتخاب راه خدا است که در آیه پیش بیان شده است (فمن شاء اتَّخِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا).

منشأ بشارتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۳

۳ - پیام های بشارت دهنده و انذار کننده قرآن ، نشأت یافته از رحمانیت و رحیم بودن خداوند

تنزیل من الرحمن الرحیم . . . بشیراً و نذیراً

منشأ پیشگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خبر های خداوند از آینده پیروزمند مؤمنان ، متکی به علم گسترده و همه جانبه او

وعدکم اللّٰه .. و آخری لم تقدروا علیها

قد أحاط الله بها

از ارتباط <قد أحاط..> با مطالب قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

منشأ تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۸

۸- تأثیر شگرف آیات قرآن بر قلب ها و اندیشه ها ، نشانگر استناد آن به نیرویی فوق طبیعی

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قال الذین کفروا .. هذا سحر مبین

از مجموع آیه شریفه، تأثیر شگرف و اعجاز گونه آیات قرآن استفاده می شود.

منشأ تأثیر پذیری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۲

۲ - تأثیر پذیری از تعالیم و تذکرات قرآن ، وابسته به مشیت خداوند است .

إن هو الا ذکر .. لمن شاء ... و ما تشاءون إلا أن یشاء الله

منشأ تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۹ - ۱

۱ - خداوند ، عهده دار تبیین و توضیح مطالب قرآن

ثم إن علينا بیانہ

منشأ تدوین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - خداوند ، سامان دهنده الفاظ و کلمات قرآن و هشدار دهنده انسان هادر قالب آیاتی گوناگون

أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ

توصیف قرآن به عربی بودن (در حال نزول)، حاکی از این است که علاوه بر محتوای قرآن، الفاظ آن نیز مستند به خداوند است.

منشأ تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۲

۲ - نزول قرآن و تعلیم آن

به انسان ، تبلور رحمت گسترده خداوند به خلق

الرحمن . علم القرآن

اسناد تعلیم به اسم <رحمان>، بیانگر مطلب بالا است.

منشأ تعلیم قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، پیش از دریافت هدایت های الهی ، از شریعت اسلام و احکام قرآن بی خبر بود .

و وجدك ضالاً فهدی

ضلالت دو گونه است: ۱. تحیر در علوم نظری مانند توحید؛ ۲. سرگردانی در علوم عملی نظیر احکام شرعی (مفردات راغب).
درباره پیامبر(ص) به قرینه آیه <ما ضلّ صاحبكم...> (النجم/۲) که ضلالت را از آن حضرت منتفی می داند مراد دومین نوع است؛ یعنی، پیامبر(ص) آنچه را بعد از بعثت با نزول قرآن پی برد، پیش از بعثت نمی دانست.

منشأ تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۵

۵ - کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن) ، برخاسته از خوی استکبار و خود بزرگ بینی

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا .. عذاب مهین

توصیف <عذاب> به <مهین> (ذلیل کننده)، گویای این حقیقت است که کفر به خدا و تکذیب آیات او، کرداری برخاسته از روح استکباری و خودبزرگ بینی است و خداوند، متناسب با آن، کیفری را تعیین فرموده است تا آن روح را درهم بشکند و به خواری و ذلتشان بکشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - انکار و مخالفت منکران حقانیت قرآن ، مبتنی بر شک و تردید

است، نه یقین و برهان .

و إنهم لفي شك منه مريب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحقّ فبأی حدیث بعد الله و آیته یؤمنون

خداوند با تعبیر <فبأی حدیث..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضی به کافران نیز دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست، بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

منشأ تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۶

۶ - توجه به آموزگار بودن خداوند و وابستگی قرائت و کتابت به قدرت او، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ .. الذی علم بالقلم

منشأ تهمت جادو به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظھرا .. فاعلم أنّما یتبعون أهواءهم

منشأ دشمنی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أم يقولون تقوله بل لا يؤمنون

منشأ عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بیداری و پندگیری از قرآن به توفیق الهی است .

و ما یدکرون إلا أن یشاء الله

آیه شریفه می رساند که خواست انسان وابسته به خواست خداوند است. در ضمن می فهماند که پندگرفتن و متذکر شدن از قرآن نیز، به توفیق الهی است.

منشأ عربیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۳

۳ - عربی بودن زبان قرآن ، امری الهی است و پیامبر در آن نقشی نداشت . *

و لو جعلنه قرءاً أنا أعجمیاً

از این که خداوند عجمی بودن قرآن و طبعاً عربی بودن آن را به خود نسبت داده (جعلناه)، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۷

۷ - نزول قرآن در قالب واژگان عرب ، متکی به حکمت خداوند است .

إننا جعلنه قرءاً أنا عربیاً .. لعلی حکیم

منشأ قدرت تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۵

۵ - القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن ، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است .

اقرأ وربك الأكرم

منشأ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی تحقق یافته و نشأت گرفته از اسم < الله > است .

بسم الله

<بسم الله> در آغاز قرآن را به دو گونه می توان لحاظ کرد: ۱ سخنی باشد که خداوند آن را

برای تعلیم به مردم بیان کرده است. در این لحاظ <بسم الله> دستوری به مردم است که چگونه کارهای خویش را آغاز کنند. ۲ خداوند خود گوینده این سخن باشد. در این صورت <بسم الله> در آغاز قرآن اشاره به آن است که خداوند قرآن را با اسم <الله> تحقق بخشیده و به ظهور رسانده است؛ یعنی، قرآن مظهر اسم <الله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۳،۴

۳ خودداری عاجزانه مخالفان دین از آوردن همانند برای قرآن، نشانه و برهانی روشن بر الهی بودن قرآن و ابتدای آن بر علم خداست.

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ

۴ پدید آمدن و نشأت گرفتن قرآن از علم الهی، دلیل ناتوانی غیر خدا از آوردن همانند برای آن است.

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ

جمله <فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا...> ناظر به علت اثباتی (اقامه برهان بر الهی بودن قرآن است) و در عین حال از علت ثبوتی (سرّ و ریشه ناتوانی بشر از آوردن همانند برای قرآن) نیز حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ قرآن، کتابی از ناحیه خداوند و پرتوی از ربوبیت اوست.

إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۱

۱ خداوند، نازل کننده قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهيم - ۱۴ - ۱ - ۴

۴- قرآن،

کتابی نازل شده از رتبه و جایگاهی بس رفیع و با عظمت

کتب أنزلناه إليك

نزول در لغت به معنای فرود آمدن از جای بلند است که به تناسب موضوع، نزول از جایگاه رفیع است و نه مکان بلند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۷

۷- قرآن ، کلامی حادث و ایجاد شده از سوی خداوند

إن لم يؤمنوا بهذا الحديث

<حدیث> چه به معنای جدید باشد و چه به معنای حادث مقابل قدیم، بر حدوث قرآن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۶

۶- آیات قرآن ، برگرفته از گنجینه ای مکتوب و مدون نزد پروردگار است .

واتل ما أوحى إليك من كتاب ربك

چنان چه <من> در <من کتاب ربک> نشویه باشد، مراد از <کتاب> منبعی خواهد بود که آیات قرآن از آن سرچشمه گرفته است. جمله <لامبدل لکلماته> که بر تغییرناپذیر بودن کلمات کتاب دلالت دارد، این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۱

۱- خداوند ، قرآن را بر پیامبر (ص) نازل کرده است .

ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷ - ۶

۶- قرآن و پندهای آن ، نشأت یافته از علم مطلق خداوند است .

تذکره .. فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۸

۸- قرآن ، کتابی

است نازل شده از جانب خداوند .

أَنَّ الْحَقَّ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، نشأت یافته از رحمت و لطف الهی به انسان ها است .

و ما يأتيهم من ذكر من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۱

۱ - نزول قرآن ، از مبدأ یگانه وحی ، مقتضی پرهیز از هر گونه شرک

و ما تنزلت به الشیطين .. فلا تدع مع الله إلهًا اخر

از این که خداوند پس از نفی هر گونه دخالت شیاطین در امر وحی، نتیجه گیری کرده (با <فاء> تفریع) و خطاب را متوجه دعوت به توحید نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند ، بر پیامبر (ص) وحی شده است .

اتل ما أوحى إليك من الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است که از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص) نازل شده است .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۲

۲ - قرآن

، از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص) نازل شده است .

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۳،۵

۳ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند

إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدَ اللَّهِ

با توجه به این که اسم کان قرآن است، مطلب بالا استفاده می شود.

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ .. ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۱،۴

۱ - قرآن حقیقتی مستحکم ، خلل ناپذیر و نازل شده از سوی خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. أَمْرًا حَكِيمًا ... أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا

کلمه <أمرًا> می تواند حال برای ضمیر مفعولی <أنزلناه> باشد. در این صورت از ارتباط آن با <أمر حکیم> در آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

۴ - قرآن حقیقتی الهی و نازل شده از سوی او

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

از انتساب مکرر نزول قرآن به خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- نزول قرآن ، جلوه ای از رحمت الهی و در جهت رشد ، تعالی و تکامل خلق

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

<رحمه> مفعول لأجله و علت برای <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ> است. وصف <رَبِّ> می رساند که آن نزول و این رحمت، در

جهت ربوبیت خلق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۱

۱- فرستنده قرآن و رسولان ، همان پروردگار یگانه آسمان ها و زمین و موجودات است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ ... رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، نازل شده از جانب خداوند مقتدر و حکیم

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۴

۴ - کتاب تشریح (قرآن) و کتاب تکوین (نظام طبیعت) ، هر دو متکی به مبدئی یگانه ، مقتدر و حکیم

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم . إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَأَيَاتٍ

از ارتباط دو آیه و این که در آیه قبل سخن از <کتاب تشریح> و در این آیه سخن از <نظام تکوین> به میان آمده است؛ همگونی و منشأ یگانه هر دو استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۳

۳ - مفاهیم وحی و قرآن ، متکی به مبدای مقتدر و بس نیرومند

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قرآن ، نازل شده از لوح محفوظ است و نه ساخته و پرداخته ذهن بشر .

إنّه لقراءان کریم . فی کتب مکنون

۴- > عن النبی (ص) > إنه لقرآن کریم

. فی کتاب مکنون < قال : عندالله فی صحف مطهره . . . >

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <إِنَّه لقرآن کریم . فی کتاب مکنون> یعنی، قرآن نزد خداوند در صحیفه های پاک و بی آرایش است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

هو الذی ینزل علی عبده ءآیت بیئت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۵

۵ - قرآن ، کتاب نازل شده از سوی خداوند است .

و النور الذی أنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۰ - ۸

۸ - قرآن ، کتابی است نازل شده از سوی خداوند برای بشر .

قد أنزل الله إلیکم ذکرًا

طبق گفته مفسران، مقصود از نزول ذکر، نزول قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۳ - ۲، ۱

۱ - قرآن ، کتابی است الهی .

تنزیل من ربّ العلمین

۲- قرآن ، جلوه ربوبیت خداوند است .

تنزیل من ربّ العلمین

مطلب یاد شده، از نسبت تنزیل به <ربّ العالمین> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۲

۲- اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدراسلام ، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر . فقال إن هذا إلا سحر یؤثر . إن هذا إلا قول البشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۱

۱ - قرآن ، کلام خداوند است .

إِنَّه لَقَوْلِ رَسُولِ

عنوان <رسول> گویای آن است که او ابلاغ کننده قول است؛ نه گوینده آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۳

۳ - تصور وحی نبودن قرآن و تراوش آن از مغزی مجنون و یا شیطانی مطرود و پندار بخلورزی پیامبر (ص) در بیان حقایق ، کژاندیشی و گم کردن راه حقیقت است .

فَأَیْنَ تَذْهَبُونَ

ممکن است استفهام در آیه شریفه، ناظر به توهماتى باشد که مخالفان درباره قرآن و شخص پیامبر(ص) داشتند. در این صورت پرسش آیه این است که: فکر شما به کجا می رود و چه می پندارید؟! قرآن غیر آنچه گفته شد، نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۳ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی الهی و آیات آن ، وابسته به خداوند است .

ءآیْتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۲، ۱

۱ - خداوند ، نازل کننده قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

جمع آمدن ضمیر متکلم، بیانگر عظمت است و مراد از ضمیر مفعولی <آنزلناه> قرآن است. اشتها نزل قرآن از جانب

خداوند، کلام را از تصریح به نام آن بی نیاز ساخته است.

۲- وجود وسایط در نزول قرآن، از جانب خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

ضمیر جمع در <أنزلناه>، می تواند ناظر به نقش وسایط در نزول قرآن باشد.

منشأ قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۸

- داستان های قرآن ، نازل شده از منبع علم الهی است ؛ نه برگرفته شده از گفته های دیگران .

من لدنَّا

منشأ مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۵

۵ - مثل های قرآن ، حق (بیانگر واقعیت ها) و همه از جانب خداوند است .

فیعلمون أنه الحق من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۵

۲۵ - تمثیل های خداوند برای فهم معارف بلند الهی ، به امری محسوس و قابل درک همگان ، برخاسته از علم فراگیر او به ویژگی ها و استعداد های انسان ها است .

و يضرب الله الأمثال للناس و الله بكلّ شیء علیم

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱ جمله < و الله بكلّ شیء علیم > عطف بر جمله < و يضرب الله الأمثال للناس > باشد. ۲- تذکر به آگاهی همه جانبه خداوند، پس از بیان تمثیل برای مردم، می رساند که این آگاهی مرتبط با انسان ها و ویژگی ها و استعدادهای او برای بهره گیری از چنین تمثیل هایی است.

منشأ مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - انکار و مخالفت منکران حقانیت قرآن ، مبتنی بر شک و تردید است ؛ نه یقین و برهان .

و إنهم لفی شك منه مریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر)

ص) ، ناشی از بیماری دلی و غرضورزی آنان بود .

و ليقول الذين في قلوبهم مرض . . . ماذا أراد الله بهذا مثلاً

منشأ مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ - حکمت الهی ، تضمین کننده مصونیت قرآن از تحریف و دستبرد مخالفان

لا يأتیه البطل . . . تنزيل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۴

۴ - صیانت قرآن از تحریف به وسیله خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

منشأ نامگذاری آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۳

۳ - آیه ، نامی نهاده شده از سوی خدا بر بندبند نثر قرآن

قد کانت ءایتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۳

۳ - نام گذاری هر یک از عبارات های مشخص قرآن به < آیه > از سوی خداوند

و لقد أنزلنا إلیکم ءایت مبینت

منشأ نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۵، ۲

۲ - نازل کننده قرآن ، خداوند است .

و ءامنوا بما أنزلت

مراد از <ما>ی موصوله در <بما انزلت> قرآن است.

۵ - نزول قرآن از جانب خدا ، دلیل ضرورت ایمان همگان به آن

ءامنوا بما أنزلت

هدف از آوردن <ما>ی موصوله و تبیین آن با جمله <أنزلت> به جای قرآن و مانند آن، بیان علت حکم (لزوم ایمان)

است، یعنی، چون قرآن را خداوند نازل کرده، باید بدان ایمان

آورید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۲

۲ خداوندی که قرآن را به تفصیل نازل کرده، شایسته داوری است.

أفغير الله أبتغى حكما و هو الذى أنزل إليكم الكتب مفصلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۶

۶ قرآن، نشأت گرفته از مقام ربوبی خداوند است.

من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۶۸

۶ قرآن ، به تمامی ، وحی و نازل شده از جانب خداست ، نه ساخته دست بشر

قل إنما أتبع ما يوحى إليّ من ربى

حصر در جمله <انما أتبع .. > ناظر به اتهام مشرکان و رد پندار آنان است. یعنی من در ارائه آیات قرآن تابع وحی هستم، نه اینکه از پیش خود آنها را بسازم و یا از این سو و آن سو جمع آوری کنم.

۸ قرآن کتابی نشأت گرفته از مقام ربوبی خداوند

إنما أتبع ما يوحى إليّ من ربى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۹

۹ ربوبیت الهی ، مقتضی نزول قرآن بر پیامبر اکرم (ص) بوده است .

لقد جاءك الحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند نازل کننده قرآن است .

و كذلك أنزله

ضمیر در < أنزلناه > به < ما أنزل إليك > در آیه قبل که مراد از آن قرآن است باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۱

۱- قرآن ، بی هیچ تردیدی تنها از جانب خداوند نازل شده است .

إنا نحن نزلنا الذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱ - ۳

۳- خداوند ، نازل کننده قرآن بر پیامبر (ص) است .

أنزل علی عبده الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۱

۱- قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خداوند .

أنزله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۱،۲،۴،۵

۱ - بی تردید ، قرآن ، از سوی خداوند نازل شده است .

تنزیل الکتب لاریب فیه من ربّ العلمین

<تنزیل> مصدر به معنای مفعول است و اضافه آن به <الکتاب> از باب اضافه صفت به موصوف است. بنابراین، معنای آیه، چنین می شود: <این، آن کتاب نازل شده ای است که شبهه ای در آن نیست.>

۲- قرآن ، کتابی است که از سوی پروردگار جهان ، نازل شده است .

تنزیل الکتب . . من ربّ العلمین

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که <تنزیل> مبتدا و <لاریب> خبر باشد. لازم به گفتن است که <ال> در <الکتاب> برای عهد است و به قرآن کریم، اشاره دارد.

۴- قرآن، از مقام ربوبیت خدا، نشأت گرفته و دربردارنده معارفی در جهت رشد و کمال انسان است.

تنزیل الکتب .. من ربّ العلمین

۵- ربوبیت خداوند، مقتضی فرستادن قرآنی خلیل ناپذیر و متقن است.

تنزیل الکتب لاریب فیه من ربّ العلمین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱،۵،۶

۱ - مشرکان ، منکر نزول قرآن کریم از جانب خداوند بودند .

تنزیل الکتب . . من ربّ العلمین . أم یقولون افتریه

<أم>، منقطع و به معنای <بل> است و معنای دو فراز دو آیه چنین می شود: <قرآن، از جانب خداوند است و آنان، مدعی اند که ساختگی است.>.

۵ - ربوبیت خداوند ، منشأ نزول کتاب آسمانی (قرآن و ...) است .

تنزیل الکتب . . بل هو الحقّ من ربّک

۶ - قرآن ، حقّ محض و نازل شده از جانب خداوند است .

بل هو الحقّ من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۳

۳ - نزول کتاب آسمانی قرآن بر پیامبر (ص) ، پرتوی از ربوبیت خدا است .

الذی أنزل إليك من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند ، مقتضی فرو فرستادن قرآن کریم

قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

<ال> در <الحقّ> می تواند عهد بوده و به قرآن کریم (ذکر شده در آیات سابق) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قرآن ، کتابی گران سنگ و نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

کتب أنزلنه إليك

تنکیر < کتاب > مفید تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است

نه بشری .

تنزیل الکتب من الله

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده آن (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است نه بشری .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است نه بشری

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بود می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند است نه دستاورد بشر .

تنزیل الکتب من الله

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از ناحیه خداوند

تنزیل من الرحمن الرحيم

<تنزیل > مصدر

و به معنای اسم مفعول <منزل> است. این کلمه خبر برای مبتدای محذوف <هذا> است که اشاره به قرآن دارد.

۲ - تمامی قرآن ، حتی حروف آن ، نازل شده از ناحیه خداوند *

حم . تنزیل من

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که <حم> اشاره به حروف داشته باشد، یعنی، تنها مفاهیم و معارف کلی از ناحیه خداوند بر پیامبر نازل نشده است تا او آنها را به لفظ درآورده باشد، بلکه آیات قرآن که تشکیل یافته از <حاء و میم> و امثال آن است با همین شکل از ناحیه خداوند نازل شده است.

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشته باشد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نتیجه گرفت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهومی و معرفتی بوده و نزول لفظی آن در قالب حروف و کلمات عربی، نزول تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۶

۶ - قرآن ، نازل شده از سوی پروردگار کاردان و ستوده

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۳

۳ - قرآن ، وحی خدا و نازل شده از عالم امر *

أوحینا إلیک روحاً من أمرنا

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <روحاً> قرآن باشد. در این صورت <من أمرنا> اشاره دارد به این که قرآن مخلوقی از جهان بالا و نازل

شده از عالم امر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده به زبان عربی از سوی خداوند

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، فرستاده شده از جانب خداوند عزیز و حکیم

تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۲

۲ - نزول قرآن و تعلیم آن به انسان ، تبلور رحمت گسترده خداوند به خلق

الرحمن . علم القرآن

اسناد تعلیم به اسم <رحمان>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۰ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

تنزيل من رب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۹

۹- قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و ما نزل من الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۸

۸- آیه های قرآن ، نازل شده از جانب خداوند

و قد أنزلنا آيات بينت

منشأ هدايتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۹

۹- راهنما بودن قرآن از سوی خداوند ، مقتضی شرک نورزیدن و شریک ندانستن هیچ کس برای او است .

يهدى إلى الرشد فامنا به ولن نشرك برّينا أحدًا

منطق قرآن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۸

۸ برخورد منطقی قرآن با مخالفان

يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ

زیرا کتاب خودشان را حَکَم قرار داده است.

منکران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۲،۶

۲ وجود پیامبر (ص) در میان منکران قرآن ، علت مصونیت آنان از عذاب های الهی ، نه حقانیت آنان در انکار قرآن

إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقِّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ .. و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم

جمله <و ما كان .. > پاسخی است به عذاب خواهی منکران قرآن. یعنی وجود پیامبر(ص) در میان جامعه مانع عذاب استیصال است. بنابراین کسی مپندارد که عذاب نشدن منکران قرآن هر چند به تقاضای خود آنان باشد، دلیل حقانیت آنان است.

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم يستغفرون > حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

مواعظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۹

۹ بیان احکام الهی (لزوم پرهیز از رباخواری ، پیروی از خدا و رسول و ...) ، روشنگر

مردم و پندی برای تقوایبشگان و هدایت کننده آنان

يا ايها الذين امنوا .. هذا بيان للناس و هدى و موعظه للمتقين

برخی برآند که <هَذَا>، اشاره به کلیه مسائل و معارفی است که در آیات ۱۳۰ تا ۱۳۷ تبیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳ - ۴

۴ - قرآن ، مایه پند انسان ها و بیداری از غفلت ها

و إذا ذكروا لا يذكرون

موانع استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۹

۹ - روحیه خیره سری و عناد ، مانع بهرهوری از روشنگری های قرآن

تلك آيات الكتب المبين . نتلوا عليكم... لقوم يؤمنون

با توجه به این که قرآن، آمده است تا با روشنگری هایش گمراهان را هدایت کند و بی تردید این روشنگری ها در بسیاری از آنان اثر کرده است؛ مراد از عبارت <لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ> همه کسانی است که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم می شوند و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاجت و دشمنی قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن به ستیز می پردازند.

موانع ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۹

۹ دنیا طلبیو تجمل گرایی ، از موانع پذیرش توحید و ایمان به پیامبر (ص) و قرآن است .

فاعلموا أنما أنزل بعلم الله و أن لا إله إلا هو فهل أنتم مسلمون. من كان يريد ا

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۸

۸- اسطوره قلمداد کردن قرآن ، بازدارنده مردم از ایمان به آن است .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا ... و من أوزار الذين يضلّونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲

۲ - تعصّب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قيل لهم اتّبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذی الذکر . بل الذين كفروا فى عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۷

۷ - روی گردانی از قرآن ، مایه محرومیت از پذیرش مفاهیم آن

فأعرض أكثرهم فهم لا يسمعون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لا يسمعون> به معنای <لا يقبلون> باشد (المیزان، روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۸

۸ - عقیده به شریک داشتن خدا ، در تضاد با ایمان به قرآن

فامنا به ولن نشرك برّنا أحدًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جنیان پس از درک هدایت گری قرآن، دو نکته را با هم بر این درک تفریع کردند: ۱ ایمان به قرآن، ۲ شریک نگرفتن برای خدا.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۵

۵ - روحیه ناباوری ، مانع پذیرش قرآن و خضوع در برابر آن

لایؤمنون . و إذا قرئ علیهم القرآن لایسجدون

موانع تبعیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۸

۸ - تقلید های کورکورانه ، از دسیسه های شیطان برای بازداري انسان ها از پیروی قرآن و احکام دین

لا تتبعوا خطوت الشیطن . . . و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما أل

جمله <بل نتبع...> که گویای تقلید کورکورانه است - به قرینه آیات قبل - بیانگر مصداقی است برای <خطوات الشیطن>. قابل ذکر است که قید <کورکورانه> از جمله <أو لو کان آباؤهم...> استفاده شده است.

موانع خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۵

۵ - روحیه ناباوری ، مانع پذیرش قرآن و خضوع در برابر آن

لایؤمنون . و إذا قرئ علیهم القرآن لایسجدون

موانع دشمنی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱۰

۱۰- توجه به عزت و شکست ناپذیری خداوند ، مقتضی خصومت نوزیدن در برابر قرآن و قوانین آن *

تنزیل الکتب من اللہ العزیز الحکیم

تذکر خداوند به مردم، درباره عزت و پیروزمندی خود، می تواند از آن جهت باشد که آنان را هشدار دهد تا مبادا در برابر کتاب و قوانین او، به ستیز برخیزند؛ زیرا کاری از پیش نخواهند برد.

موضوعگیری علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۴

۴ واکنش کافران در برابر قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، رفتاری بس ظالمانه و مزورانه بود .

فقد جاء وظلماً و زوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۵

۵ - موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (ص) ، متکی به پندار و نه دلیل یقینی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لا یوقنون

موضعگیری منفی علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۲

۲ موضع گیری منفی و تمسخرآمیز در برابر آیات الهی قرآن و ارزش های دینی ، نشانه نفاق است .

و إذا ما أنزلت سوره فممنهم من یقول أیکم زادته هذه إیمناً

موعظه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۶

۶ - هوشیاری و پندآموزی مردم ستیزه جو و کافر ، از مواعظ و آیات الهی ، بسیار اندک است .

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّهِ .. و ما یتسوی الأعمی والبصیر ... قليلاً ما تت

موعظه گری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ قرآن ، برای همه مردم موعظه و برای بیماری های نهفته در دل بیمار دلان ، دارویی شفابخش است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شَفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی

است .

يأبها الناس قد جاءتكم موعظه من ربكم . . . و رحمه للمؤمنين

مؤاخذه اخروی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۵، ۱۳

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن . . . و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

۱۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی مؤاخذه کافران به قرآن

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن . . . و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند رب

مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از میان یهود و نصارا ، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد (ص) ایمان می آورند .

الذين ءاتينهم الكتب يتلونه حق تلاوته أولئك يؤمنون به

>تلاوت به معنای خواندن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پیروی کردن نیز گفته اند. مراد از ضمیر <به> محتمل است قرآن یا پیامبر(ص) باشد و نیز می تواند به الکتاب (تورات و انجیل) برگردد. برداشت فوق ناظر به این است که مراد از ضمیر <به> قرآن یا پیامبر (ص) بوده و تلاوت به معنای پیروی کردن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۴، ۵، ۷

۴ هرگز تمامی مردم روی زمین ، به قرآن ایمان نخواهند آورد .

و منهم من يؤمن به و منهم من لا يؤمن به

۵ مردم روزی زمین همواره نسبت به قرآن دو دسته هستند

: مؤمن و کافر .

و منهم من يؤمن به و منهم من لا يؤمن به

۷ کسانی که قرآن را می پذیرند و به آن ایمان می آورند ، از رذیله فسادانگیزی منزّه هستند .

و منهم من يؤمن به .. و ربك أعلم بالمفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ آنان که از بصیرت الهی برخوردارند ، به قرآن ایمان می آورند .

أفمن كان على بينة .. أولئك يؤمنون به

مراد از ضمیر در <به> به دلیل آیات گذشته (أم يقولون افتراه ..) و نیز بخشهای بعدی آیه ، قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۸

۸ تنها خردمندان حقایق قرآن و الهی بودن آن را درمی یابند و آن را باور می کنند .

إنما يتذكر أولوا الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۲ - ۱

۱ - ایمان آوردن برخی از اهل کتاب صدراسلام به قرآن

الذين ءاتينهم الكتب .. به يؤمنون

عبارت <الذين آتيناهم الكتاب> اشاره به گروهی از اهل کتاب دارد نه همه آنان، زیرا بدیهی است که همه اهل کتاب در صدراسلام به قرآن ایمان نیاوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - تعداد کمی از مشرکان مکه ، به قرآن ، ایمان آوردند .

و من هؤلاء من یؤمن به

<من> در <من هؤلاء> تبعیض است و <هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه دارد. گفتنی است که تعبیر <من هؤلاء>

همان گونه که برخی گفته اند دلالت بر قلت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از مردم، در برخورد با آیات قرآن کریم، آن را می پذیرند و گروهی دیگر، از آن روی گردانده و به سخنان بیهوده روی می آورند.

تلک ءایة الکتب ... هدی ... للمحسنین ... و من الناس من یشتری لهو الحدیث

آیه، عطف معنوی به آیات پیش و یا عطف قصه به قصه است و گویا، در صدد بیان این نکته است که مردم، در برخورد با قرآن، دو دسته اند: گروهی از آنان محسنان اند که هدایت پذیرند و گروهی دیگر، از آن گریزانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص)، آورنده کتاب آسمانی قرآن و دین الهی و تصدیق کننده و مؤمن به آن بود.

و الذی جاء بالصدق و صدق به

در این که <الذی> در دو جمله <جاء بالصدق و صدق به> چیست، چند احتمال وجود دارد: ۱ مقصود در هر دو جمله یک شخص و آن پیامبراسلام(ص) است. ۲ مراد پیامبران الهی می باشد و <الذی> هرچند به صیغه مفرد است ولی به قرینه این که با صیغه جمع (أولئک هم المتقون) بدان اشاره گشته، از آن جنس اراده شده است. ۳ مقصود از <الذی> در جمله دوم (و صدق به) بر مبنای احتمال نخست، پیروان پیامبراسلام(ص) و بر مبنای احتمال دوم، پیروان پیامبران الهی است. گفتنی است

برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۶

۶- پی بردن جنیان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با استماع کلام وحی

فلَمَّا حضروه قالوا أنصتوا فلَمَّا قضی ولّوا إلی قومهم منذرین

تعبیر <ولّوا إلی..> نشان می دهد خود جنیان، اندازها را پذیرفتند و به آن ایمان آوردند.

مؤمنان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۳

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۶

و رحمت است .

و هدی و رحمه للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲،۴

۲ تنها نعمتی که برخورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد ، قرآن است .

قد جاء تکم موعظه من ربکم .. قل بفضل الله و برحمته فلیفرحوا

۴ قرآن ، نعمتی است که مؤمنان با بهره مندی از آن ، نباید از تنگدستی خود و دارایی و اندوخته های مادی دیگران ، اندوهناک باشند .

قد جاء تکم موعظه من ربکم .. فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیکم... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۹

۹ - وجود همیشگی مؤمنانی که با تدبیر در قرآن ، از رهنمود های آن بهره می گیرند .

قد بینا لکم الایات لعلکم تعقلون

به کارگیری <لعل> که برای بیان امید است نشان می دهد که زمین هرگز از وجود مؤمنانی که از قرآن استفاده کنند، خالی نمی شود.

مؤمنان و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۷

۷ - اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی

می فهمند .

فأما الذين ءامنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم

مؤمنان و نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ افزایش ایمان مؤمنان و بروز شادمانی در چهره آنان ، با نزول و شنیدن آیه های قرآن

فأما الذين ءامنوا فزادتهم إيماناً و هم يستبشرون

مهربانی در شفا بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۸

۸- شفا بخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين

ذکر دو صفت <شفاء> و <رحمت> برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

مهلت به مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۵

۵ - مهلت دادن به تکذیب گران ، جلوه کید و تدبیر خداوند علیه آنان است .

إنّ کیدی متین

جمله <إنّ کیدی متین> در مقام تعلیل برای <أملی لهم> است ، یعنی، مهلت دادن ما به کافران، چنین است که ما کید و تدبیری متین و استوار درباره آنان اندیشیده ایم و این مهلت، جلوه همین تدبیر است.

مهمترین تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۲۸

۲ توحید و لزوم یکتاپرستی از تعالیم اساسی ، متقن و روشن قرآن است .

کتبُ أحکمتْ ءایته ثم فصلت .. ألاّ تعبدوا إلاّ الله

<ألاّ> مرکب از <أن> تفسیریه و <لا> ی ناهیه است و جمله <لا تعبدوا

... < تفسیر > کتاب اُحکمت آیاتہ ثم فصلت < می باشد / یعنی ، نہی از پرستش غیر خدا ، سخن متقن و روشن قرآن است .

۸ رسالت پیامبر (ص) ، از پیام های متقن ، روشن و اساسی قرآن

کتب اُحکمت ء آیتہ ثم فصلت . . . اینی لکم منہ نذیر و بشیر

جمله < اینی لکم منہ . . . > نیز همانند < لاتعبدوا ... > تفسیر < کتاب اُحکمت ... > می باشد / یعنی ، از پیامهای این کتاب ، رسالت و نبوت پیامبر (ص) است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - ہود - ۱۱ - ۳ - ۲

۲ ضرورت استغفار از گناہان (پرستش غیر خدا و ...) از پیام های اساسی ، متقن و روشن قرآن است .

و أن استغفروا ربکم

< أن > در جمله فوق تفسیریه است و لذا < استغفروا ربکم > نیز همانند < لاتعبدوا . . . > تفسیر < کتاب اُحکمت ... > می باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۳ ، ۸

۸- اثبات یگانگی خدا و آگاه کردن مردم به این حقیقت ، اساسی ترین موضوع قرآن و محور آموزہ های آن است .

هذا بلغ للناس . . . و ليعلموا أنما هو إله واحد

۱۳- پنددہی به صاحبان خرد ناب ، از محور های مهم آموزہ های قرآن و از موضوعات اساسی آن است .

هذا بلغ للناس . . . و لیذکر أولوالألئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۳ ، ۲

۲- عدل ، احسان و صلہ رحم ، از مهم ترین دستورات ہدایتی قرآن است .

و نزلنا علیک الکتب . . . إن اللہ

يَأْمُر بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ

خداوند، پس از معرفی قرآن به مسأله عدل، احسان و بخشش به خویشاوندان پرداخته است. ارتباط این دو موضوع، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۱۳- قرآن، عهده دار بیان همه ارزش ها و ضد ارزشهاست .

تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ... إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ... وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ

فرمان به رعایت عدالت و... تحذیر از فحشا و... پس از توصیف قرآن به <تبیاناً لكل شیء> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد؛ یعنی، قرآن بیانگر تمامی حقایق مربوط به ارزشها و ضد ارزشهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۹

۹- توحید ربوبی، از مهم ترین تعالیم قرآن کریم و مشرکان دارای حساسیتی شدید نسبت به آن

و إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ نَفْرًا

ذکر صفت <رَبِّ> از میان دیگر اسما و صفات خداوند، به ضمیمه قید <وحده> (توحید ربوبی) بیانگر اهمیت آن در تعالیم دینی است و روی گردانی نفرت آلود مشرکان از طرح آن، نشانگر حساسیت شدید آنان به آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۴

۴- ایمان به رستاخیز و معاد، از تعالیم مهم دین و آموزه های قرآن است .

و قَالُوا أَءِذَا... لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

ذکر مسأله معاد پس از بیان موضوع قرآن و رسالت پیامبر(ص) از میان سایر تعالیم دین، حکایت از جایگاه ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۹- انذار ، مهم ترین و بارزترین پیام قرآن برای جنیان

فلما حضروه قالوا أنصتوا .. ولّوا إلى قومهم منذرين

تنها صفتی که خداوند برای جنیان، یاد کرده، این است که آنان پس از شنیدن آیات قرآن، با روحیه انذارگری و به انگیزه انذار به سوی قومشان بازگشتند.

ناپسندی افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۴

۱۴- بار گناه اسطوره خواندن قرآن ، باری بس ناشایست و زشت

قالوا أسطر الأولین .. ألا ساء ما یزرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- اسطوره خواندن قرآن ، توطئه علیه دین الهی و انتخاب کفر ، اعمالی زشت و ناپسند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین .. قد مکر الذین من قبلهم ...

ناپسندی شک به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ تردید و شک در الهی و حق بودن قرآن ، امری ناروا و خلاصی نفس از آن ، ضروری و لازم است .

لقد جاءك الحق من ربك فلا تكونن من الممترین

ناخشنودی از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۴،۵

۴ ناخشنودی از شنیدن آیات الهی ، نشانه نفاق است .

و إذا ما أنزلت سوره .. هل یریکم من أحد ثم انصرفوا

۵ نگرانی شدید منافقان از افشای ماهیت پلید و برملا شدن ناخشنودی آنان از آیات الهی ، نزد دیگران

هل یریکم

من أحد ثم انصرفوا

نامگذاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۵

۵- نام گذاری آخرین کتاب آسمانی به < قرآن > و تقسیم بندی آن به < آیات > ، از جانب خداوند بود .

الر تلك آيات الكتب و قرءان مبین

نامه عمل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۴

۴ - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زنده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بما یوعون

به قرینه آیات پیشین که درباره نامه های اعمال بود می توان گفت: مراد از < وعاء > در < یوعون > ، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

نامهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۵

۵ < الكتاب > ، از نام های قرآن *

نزل علیک الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۵

۵ فرقان ، از اسامی قرآن

و انزل الفرقان

بنابر قول بسیاری از مفسرین، منظور از <فرقان>، قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۲،۳

۲ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

هو الذی انزل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت

کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اول استفاده شده است.

۳ > الكتاب < ، از اسامی قرآن *

هو الذي انزل عليك الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۴

۴ > الذكر الحكيم < ، از نام های قرآن

ذلك تتلوه عليك من الايات و الذكر الحكيم

برداشت فوق را روایت رسول الله (ص) تأیید می کند که فرمود: .. کتاب الله، هو الذكر الحكيم.

الدر المثلث، ج ۲، ص ۲۲۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۴

۴ حق ، از نام های قرآن است .

قد جاءكم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۴

۴ آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلك آيات الكتب المبين

مشارالیه <تلك> آیات سوره یوسف است. بنابراین <تلك آیات...> یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۳

۳- قرآن کریم ، از همان آغاز نزول ، از جانب خداوند < کتاب > نامیده شده است .

کتب أنزلنه إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۴

۴- قرآن ، قبل از به پایان رسیدن نزول مجموعه آیات آن ، به عنوان کتاب معرفی شده است .

الر تلك آيات الكتب و قرءان مبین

با اینکه این سوره مکی است و هنوز همه

آیات قرآن در آن هنگام نازل نشده بود، از قرآن، به عنوان < کتاب > یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۲

۲- < ذکر بودن قرآن > ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۳

۳- < ذکر > از نام های قرآن است .

إنا نحن نزلنا الذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۵، ۱۹

۵- ذکر ، از نام های قرآن کریم است .

و أنزلنا إلیک الذکر

۱۹- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . و سَمی الله عزوجلّ القرآن ذکراً فقال تبارک و تعالی : > و أنزلنا إلیک الذکر . . . < ;

از امام صادق (ع) روایت شده است: . . . خدای عزوجلّ قرآن را < ذکر > نامیده و فرموده است: و أنزلنا إلیک الذکر .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۲

۲- قرآن ، از همان دوران اولیه نزول ، به عنوان کتاب معرفی و شناخته شده است .

و ما أنزلنا علیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قرآن ، از نام های کتاب آسمانی اسلام و شناخته شده در مراحل آغازین نزول وحی بر پیامبر (ص)

فإذا قرأت القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ -

۵- < کتاب پروردگار > ، عنوانی برای قرآن در عصر پیامبر (ص) بود .

کتاب رَبِّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۷

۷- < ذکر > ، از اسامی و اوصاف قرآن

و قد ءاتینک من لدنا ذکراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۷

۷ فرقان ، نامی از نام های قرآن کریم

نزل الفرقان علی عبده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۳

۳ ذکر ، از نام های قرآن کریم

لقد أضلّنی عن الذکر

مراد از < ذکر > در آیه یاد شده قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۵

۵- پیش از هجرت ، عنوان < کتاب > ، عنوانی شناخته شده برای قرآن بوده است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

سوره لقمان، سوره ای مکی است. از این که در این سوره، از قرآن به عنوان < کتاب > یاد شده است، نکته بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۴

۴ - < ذکر > از نام های قرآن است .

من أتبع الذكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۹

۹ - ذکر و قرآن ، از نام های کتاب آسمانی پیامبر اسلام (ص)

إن هو إلا ذكر وقرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۳

۳ - ذکر ، از نام های کتاب های آسمانی

ذکراً من الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۶

۶ - ذکر ، از نام های قرآن

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۳

۳ - ذکر ، از نام های قرآن

هذا ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۵

۵ - < ذکر > ، از نام های قرآن است .

أَفَضْرِبْ عَنْكُمْ الذِّكْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۷

۷ > الكتاب < از نام های قرآن

و الكتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - < الکتب > ، از نام های قرآن است .

تنزیل الکتب من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۲،۳

۲ - < الکتب > ، از نام های قرآن

تنزیل الکتب من الله

۳ - قرآن ، دارای عنوان < کتاب > و به صورت تدوین شده در عصر بعثت

تنزیل الکتب من الله

قرآن، خود عنوان کتاب را بر آیات نازل شده منطبق ساخته است. از این نکته و با توجه به مکی بودن آیات، استفاده می شود که آیات قرآن، از آغاز نزول دارای عنوان کتاب بوده و مدوّن و مکتوب می شده است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۵

۵ < قرآن مجید > ، عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند

ق و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - قرآن ، نام کتاب آسمانی نازل شده بر پیامبر اسلام

فاقرءوا ما تیسر من القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۴

۴ - ذکر ، از نام های قرآن و دیگر کتاب های آسمانی

فالملقیة ذکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، نامی برگزیده از جانب خداوند پیش از تکمیل آیات آن در عصر رسول اکرم (ص)

و إذا قرئ علیهم القرءان

نجات بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۵

۵- قرآن ، مایه نجات آدمی از خطر ها ، آسیب ها و دشواری های موجود بر سر راه انسان *

هذا بلغ للناس و لينذروا به

نجاشی و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ نجاشی و یاران او در زمره محسنان و مؤمنان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن بودند .

قالوا إنا نصرى ذلك بان منهم قسيسين و رهباناً .. ذلك جزاء المحسنين

این بخش از آیات (۸۵ ۸۲) بنابر آنچه بسیاری از مفسران گفته اند، درباره نجاشی پادشاه حبشه و یاران او نازل شده است.

نجوای اخروی معرضان از قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۳ - ۱،۲،۳

۱ - گنه کاران و اعراض کنندگان از قرآن ، در صحنه قیامت ، آهسته و بی صدا با یکدیگر سخن می گویند .

یتخفتون بینهم

<خفت> به معنای پوشاندن گفتار است (لسان العرب). <یتخفتون> از باب تفاعل، دال بر این است که هنگام گفت و گوی با یکدیگر، از آنان صدایی شنیده نمی شود. گفتنی است که به قرینه <خشعت الأصوات للرحمان> (در آیات بعد)، آنچه مجرمان را وادار به پایین آوردن صدا کرده است، احساس عظمت خداوند و انتظار رحمت او است.

۲ - برآورد مدت زمان درنگ در برزخ ، از جمله گفتوگو های پنهانی سرپیچی کنندگان از قرآن با یکدیگر ، در صحنه قیامت

یتخفتون بینهم إن لبثتم

سؤال مجرمان در باره مدت درنگ خود به قرینه اختلاف فاحش عمر آنان در دنیا سؤال از مدت سپری شده پس از مرگ است.

۳ - گروهی از مجرمان و روی گردانان از قرآن در قیامت ، مدت زمان درنگ خود را در برزخ ، ده روز تخمین می زنند .

إن لبثتم إلا عشرًا

<لبث> به معنای توقف و درنگ است و مراد از <عشرًا> به قرینه <یومًا> در آیه بعد ده روز می باشد. این کلمه گرچه فقط برای مؤنث (مثل لیالی) به کار می رود؛ ولی هنگام حذف تمیز برای مذکر (مانند آیام) نیز استعمال دارد.

نزول آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۶

۶- آیات قرآن ، آیاتی فرود آمده از لوح محفوظ

الر تلك آيات الكتب و قرءان مبين

با

توجه به اینکه لفظ <قرآن> پس از <الکتاب> ذکر شده و نیز اصل در آوردن لفظ مترادف، تأسیس است نه تأکید و تکرار، احتمال دارد که مراد از <الکتاب> لوح محفوظ باشد.

نزول آیه برائت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۱۰

۱۰ از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: <نزلت هذه الآية بعد ما رجع رسول الله (ص) من غزوة تبوك في سنة تسع من الهجرة...>

آیه <برائه من الله...> بعد از مراجعت رسول خدا (ص) از جنگ تبوک در سال نهم هجری نازل شده است ...>

نزول تدریجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۶

۶ نزول قرآن، تدریجی و نزول دیگر کتب آسمانی، دفعی و یکباره بوده است.

و الکتب الذی نزل علی رسوله و الکتب الذی أنزل من قبل

برخی از مفسران همانند زمخشری برآنند که <نزل> در مورد نزول تدریجی و <انزل> در مورد نزول دفعی به کار گرفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۹

۹ قرآن به صورت تدریجی بر پیامبر (ص) نازل شده است.

ان تسئلوا عنها حين ينزل القرآن تبدلکم

چنانچه نزول قرآن دفعی باشد، پرسش و پاسخ در هنگام نزول آن، امکان پذیر نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷- ۲۰۳- ۲،۳

۲ آیات قرآن گاهی با

تأخیر و فاصله زمانی نازل می شد .

و إذا لم تأتھم بایه

۳ مخالفان پیامبر (ص) تأخیر نزول آیات را دستاویز و بهانه تکذیب رسالت وی قرار می دادند و وی را شماتت می کردند .

و إذا لم تأتھم بایه قالوا لو لا اجتیبتھا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۳

۳ نزول وحی (قرآن) بر پیامبر (ص) ، تدریجی بود .

و اتبع ما یوحی إلیک

فعل مضارع < یوحی > دلالت بر تجدد و استمرار دارد و لازمه تجدد و استمرار، تدریجی بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۶

۱۶- قرآن ، دارای دو نزول (دفعی و تدریجی) است .

و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل إلیهم

آوردن دو فعل < أنزل > و < نزل > برای بیان نزول قرآن چنان چه راغب گفته است احتمال دارد از این جهت باشد که < نزل > به معنای نزول پراکنده و تدریجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۴،۵

۴- آیات قرآن ، به تدریج و به مرور زمان نازل شده است .

و إذا بدلنا آیه مکان آیه

لازمه تبدیل یا نسخ آیات و پیامهای قرآن، نزول تدریجی آنهاست.

۵- نزول تدریجی آیات قرآن و تغییر برخی از آنها از نظر مفاد به مرور زمان ، ناشی از علم الهی است .

و إذا بدلنا آیه مکان آیه و الله أعلم بما ینزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - نزول آیات قرآن و کلمات آن بر پیامبر (ص)، تدریجی بود.

و لا تعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۸

۸ قرآن، کتابی است که به تدریج و جدا جدا (آیه آیه و سوره سوره) بر پیامبر اسلام (ص) فرود آمد.

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود. مثلاً در آیه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقاناً لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۶،۷،۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص)، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدر اسلام

و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

۶ آیات قرآن، در عین تدریجی و با فاصله نازل شدن آنها، دارای بهترین نظم و انسجام

کذلک لنتبت به فؤادک و رتلنه ترتیلاً

<ترتیل> مصدر <رتلنا> و از ریشه <رتل> (به معنای نظم و ترتیب زیبا و منسجم) است.

۷ آیات قرآن، شمرده شمرده و آهسته آهسته بر پیامبر (ص) نازل شد.

و رتلنه ترتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲

۲ - تعلق اراده الهی بر نازل کردن تدریجی قرآن

و إنه لتنزيل رب العلمين

به کارگیری واژه <تنزیل> به جای <إنزال>، می تواند اشاره به مطلب یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۴

۴ - قرآن ، به صورت تدریجی و نه دفعی بر مردم نازل گردید .

قالوا لولا أوتى مثل ما أوتى موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۲

۲ - نزول پیاپی رهنمود های الهی در قرآن

و لقد وَّصَّلنا لهم القول

<توصیل> (مصدر <وَصَّيْلنا>) به معنای پی در پی آوردن است و <ال> در <القول> برای جنس و مفید استغراق می باشد. بنابراین <وَصَّلنا لهم القول>; یعنی، هر سخنی را برای آنان پیاپی آوردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۵،۷،۴

۴ - قرآن ، نازل شده به شکل نزول تدریجی

تنزيل من الرحمن الرحيم

مطلب یاد شده از واژه <تنزیل> که برای نزول تدریجی به کار می رود استفاده شده است (مفردات راغب).

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشته باشد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نتیجه گرفت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهومی و معرفتی بوده و نزول لفظی آن در قالب حروف و کلمات عربی، نزول تدریجی بوده است.

۷- نزول تدریجی قرآن ، جلوه ای از رحمت خداوندی

تنزیل من الرحمن الرحیم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی اجمالی و تفصیل نیافته *

تنزیل من .. فصلت آیه

جمله <فصلت آیات> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۷

۷ - نزول قرآن ، نزولی تدریجی ، حکیمانه و شایان ستایش

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری لفظ <تنزیل> که برای نزول تدریجی است مفید برداشت یاد شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۰ - ۲

۲ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، نزول تدریجی بود .

تنزیل من ربّ العلمین

مفسران، <تنزیل> را به نزول تدریجی و <إنزال> را به نزول دفعی معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۲

۲ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) تدریجی بود .

هو الذی ینزل علی عبده آیت ینت

به کارگیری فعل مضارع <ینزل> که مفید استمرار یافتن نزول قرآن است بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۴

۴ - نزول آیات قرآن بر پیامبر (ص)، به تدریج و جمله جمله بود.

لاتحرّك به لسانك لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳ - ۳

۳ - نزول قرآن بر پیامبر (ص)، تدریجی و مرحله ای بود.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا

<تنزیلاً>، مفعول مطلق نوعی است و در این آیه بر نزول تدریجی قرآن بر پیامبر(ص) دلالت دارد. ضمن آن که پیش از این آیه و پس از آن، سوره ها و آیات فراوانی که بافاصله زمانی بسیاری از هم قرار دارند نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۸

۸ - > قال الصادق (ع) نزل القرآن في ليلة القدر إلى البيت المعمور جملة ثم نزل من البيت المعمور على رسول الله (ص) في طول عشرين سنة ;

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد.

نزول تفصیلی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۲

۲ خداوندی که قرآن را به تفصیل نازل کرده، شایسته داوری است.

أفغير الله أبتغي حكما وهو الذي أنزل إليكم الكتب مفصلا

نزول دفعی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۳

۳ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سورة

برداشت فوق بر این اساس است که <انزال> در <أنزلت سورة> برای نزول دفعی به کار رفته باشد.

جلد - نام سورة - سورة

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۲

۲ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود از <انزال> در جمله <و إذا ما أنزلت ... > نزول دفعی باشد. قابل ذکر است که <انزال> مانند <تنزیل> هم در نزول دفعی و هم در نزول تدریجی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۶

۱۶- قرآن ، دارای دو نزول (دفعی و تدریجی) است .

و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم

آوردن دو فعل <أنزل> و <نزل> برای بیان نزول قرآن چنان چه راغب گفته است احتمال دارد از این جهت باشد که <نزل> به معنای نزول پراکنده و تدریجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أوتى مثل ما أوتى موسى

مقصود از <ما أوتى موسى> تورات است که یکباره نازل شده بود، یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۴۸

۴ - نزول قرآن در شب قدر ، به صورت کامل بوده است . *

إنّا أنزلناه فى ليلة القدر

نزول بسیاری از آیات قرآن، به مناسبت های گوناگونی بوده است که در طول زندگانی رسول اکرم (ص)، پیش آمده بود. در نتیجه آیه شریفه، ناظر به نزول آن

در مرحله ای دیگر خواهد بود که معارف و رهنمودهای قرآن، به صورت کامل از جانب خداوند در شب قدر نازل شده بود. گفتنی است که تفاوت تعبیر <إنزال> و <تنزیل>، می تواند بیانگر این دو مرحله از نزول قرآن باشد. در این احتمال، <إنزال> ناظر به نزول دفعی در شب قدر و <تنزیل> ناظر به نزول تدریجی آن در طول زندگانی پیامبر(ص) خواهد بود.

۸ - > قال الصادق (ع) نزل القرآن فی ليله القدر إلى البيت المعمور جمله ثم نزل من البيت المعمور علی رسول الله (ص) فی طول عشرين سنة ;

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد.

نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱

۱ - قرآن کتابی است که خداوند، آن را بر پیامبر خویش نازل کرده است .

مما نزلنا علی عبدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۳، ۱۵

۱۳ - نازل شدن قرآن به فرمان خدا، دلیلی بر ناروایی عداوت یهود با جبرئیل است .

من كان عدواً لجبرئیل فإنه نزله علی قلبك بإذن الله

برداشت فوق بر این اساس است که قید <بإذن الله> پاسخی حلی در ارتباط با عداوت یهود با جبرئیل باشد؛ یعنی، او به فرمان خدا قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل کرد و کسی که فرمان خدا را اطاعت کند، نباید در نزد معتقدان

به خدا مبعوض باشد.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است.

فإنه نزله علی قلبک .. هدی و بشری للمؤمنین

عبارت <هدی و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۸، ۱۵، ۱۴

۱۴ لزوم یادآوری نزول کتاب و حکمت (قرآن) از سوی خداوند بر مردم

و اذکروا نعمت الله علیکم و ما انزل علیکم من الكتاب و الحکمه

مراد از <کتاب>، قوانین و احکام ظاهری قرآن است و مراد از <حکمت>، باطن و حکمتهای قوانین و شریعت است. (المیزان)

۱۵ قرآن و حکمت های نازل شده، از نعمت های الهی

و اذکروا نعمت الله علیکم و ما انزل علیکم من الكتاب و الحکمه

بنابراینکه جمله دوّم (و ما انزل ..)، عطف تفسیری برای <نعمت الله> باشد، و یا اینکه از موارد عطف خاص بر عام باشد.

۱۸ قرآن فرستاده شده برای بشر، مرتبه ای تنزل یافته از آنچه در پیشگاه خداوند است. *

و ما انزل علیکم من الكتاب و الحکمه

ظاهراً مراد از <انزل>، نزول مرتبه ای است نه مکانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۵ - ۳

۳ نزول وحی و قرآن، ناشی از مقام ربوبیت الهی

امن الرسول بما انزل الیه من ربّه

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۴، ۹، ۶، ۴، ۲، ۱

۱ نزول تدریجی قرآن بر پیامبر (ص)

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

تنزیل، معمولاً در مورد نزول تدریجی به کار می رود.

۲ مصونیت قرآن در هنگام نزولش به پیامبر (ص) از هر گونه باطلی که بدان آمیخته شود .

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

بنابراینکه <بالحق>، متعلق به <نَزَلَ> باشد.

۴ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اول استفاده شده است.

۶ نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، تکریم الهی نسبت به وی

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

از تقدّم ظرف <علیک> بر مفعول صریح، و همچنین خطاب به پیغمبر (ص)، تکریم خداوند به آن حضرت استفاده شده است.

۹ نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، بر اساس شایستگی آن حضرت *

بنابراینکه <بالحق> متعلق باشد به <نَزَلَ> با قید <علیک>.

۱۴ نزول قرآن و تورات و انجیل ، تجلی یکتایی ، حیات و قیومیت (قائم به ذات و قوام دهنده هستی بودن) خداوند است .

اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

از اسناد <نزل> به <اللّه> با صفات یکتایی، حیات و قیومیت برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۲، ۱

۱ خداوند ، نازل کننده کتاب (قرآن) بر پیامبر

(ص)

هو الذى انزل عليك الكتاب

۲ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

هو الذى انزل عليك الكتاب

اطلاق <الكتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اول استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۴، ۲، ۱

۱ خداوند ، فرو فرستنده قرآن به سوی پیامبر (ص)

إنا انزلنا إليك الكتاب

۲ قرآن ، مصون از هرگونه باطل ، در سیر نزولی آن بر پیامبر (ص)

إنا انزلنا إليك الكتاب بالحق

<باء> در <بالحق> به معنای مصاحبت است و در برداشت فوق، متعلق به جمله <انزلنا> گرفته شده است.

۴ شایستگی پیامبر (ص) برای نزول قرآن بر او

إنا انزلنا إليك الكتاب بالحق

بنابر اینکه <بالحق> توصیف برای <الیک> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ قرآن و حکمت فرو فرستاده شده بر رسول خدا (ص) و الهامات مستقیم به او ، رحمت و فضل عظیم الهی بر آن حضرت

و لولا فضل الله عليك و رحمته ... و كان فضل الله عليك عظيماً

ظاهراً کتاب و حکمت و علوم پیامبر(ص) که در جمله <وانزل الله علیک ..> آمده، مصداقی از فضل و رحمت خاص خداوند است که در جمله <لولا فضل الله...> بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

۲ خداوند نازل کننده قرآن بر پیامبر (ص)

يشهد بما أنزل إليك أنزله

۶ نزول قرآن به اشراف الهی و مصون از تعرض شیاطین

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

برخی از مفسران جمله <انزله بعلمه> را با این بیان که علم خداوند در این جا کنایه از حفظ و نگهداری است چنین معنا کرده اند که خداوند قرآن را نازل کرد در حالی که خود آن را از تصرف و دستبرد شیاطین مراقبت می کرد.

۸ خداوند با علم به شایستگی پیامبر (ص) قرآن را بر ایشان نازل نمود . *

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

در برداشت فوق <بعلمه> حال برای فاعل <انزله> گرفته شده است و متعلق <علم>، لیاقت پیامبر(ص) برای نزول قرآن بر وی ؛ یعنی <انزله عالماً بانك اهل لذلك>.

۱۱ فرشتگان الهی ، شاهد و ناظر نزول قرآن بر پیامبر (ص)

و الملكة يشهدون

کلمه <واو> در جمله <و الملكة يشهدون> حالیه و <يشهدون> به معنای نظارت می کنند، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۵،۱۶

۵ بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن پرتویی از ربوبیت الهی

قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم

۱۶ بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن برخاسته از علم و حکمت خداوند

يأيها الناس قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم... و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، نازل

کننده قرآن به سوی مردمان

انزلنا اليكم نوراً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱،۳

۱ قرآن ، کتابی فرو فرستاده شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

و انزلنا إليك الكتب

۳ قرآن در سیر نزولش بر پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه باطل

و انزلنا إليك الكتب بالحق

برداشت فوق بر این مبناست که <بالحق> متعلق به <انزلنا> باشد. یعنی نزول قرآن همراه حق بوده و به هنگام نزول هیچ باطلی بدان راه نیافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۷

۱۷ نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، جلوه ای از ربوبیت خداوند

ما أنزل إليك من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۷

۷ خداوند پاسخ گوی پرسش های مردم ، به هنگام نزول قرآن ، گرچه موجب ناخشنودی آنان گردد .

لا تسئلوا عن اشیاء .. و إن تسئلوا عنها حين ينزل القرآن تبدلکم

به مقتضای اینکه ضمیر در <عنها> به اشیاء توصیف شده به <ان تبدلکم تسؤکم> بر می گردد می توان گفت آن اشیاء و احکام هر چند به خاطر دشواری آنها بر مکلفان بیان نشده است لکن اگر به هنگام نزول قرآن مورد سؤال قرار گیرد، بیان خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۲،۴

۲ قرآن کتابی گرانسنگ و نازل شده از جانب خداوند است.

و هذا کتب أنزل نه

۴ نزول قرآن گواه دیگری بر

بطلان ادعای عدم نزول وحی بر بشر است.

ما أنزل الله على بشر .. من أنزل الكتب الذي جاء به موسى ... و هذا كتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۶

۱۶ ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت كلمت ربك صدقا وعدلا .. و هو السميع العليم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السمیع> با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۱

۱ قرآن کتابی نازل شده از جانب خداوند

هذا كتب أنزل نه

مشارالیه <هذا>، به دلیل آیات بعد، <قرآن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۱

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، با عظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

كتب أنزل إليك

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۲

۲ قرآن کتابی است نازل شده برای انسانها

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۲،۳

خداوند نازل کننده قرآن بر پیامبر (ص)

الذی نزل الکتب

۳ خداوند به خاطر نازل کردن قرآن بر پیامبر (ص) ، مصونیت او را از خطر مکر و توطئه مشرکان تضمین کرد .

إن ولی الله الذی نزل الکتب

توصیف <الله> با <الذی نزل الکتب> بیانگر علت ولایت و یاری ویژه پیامبر(ص) از جانب خداست. یعنی چون قرآن را بر من نازل کرد، مرا در برابر شما مشرکان یاری خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۳

۳ قرآن ، کتابی سراسر حق و نازل شده از جانب خداوند

إِکان هذا هو الحق من عندک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۳

۳ بعثت پیامبر اکرم (ص) و نزول قرآن ، از مقتضیات ربوبیت خدا بر انسان ها و در راستای تربیت و رشد آنان است .

أکان للناس عجباً أن أوحینا إلی رجل منهم . .. إن ربکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

کتب أحکمت ءایته

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یا بدان جهت است که آیه های آن ، پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید ، به صورت کتاب درآید. در هر دو صورت ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - ۲ - ۱،۲،۴

۱ خداوند ، نازل کننده قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

۲ قرآن ، نام کتاب نازل شده بر پیامبر (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

۴ خداوند ، قرآن را در قالب لغت و زبان عرب نازل کرد .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۷

۷ قرآن ، کتابی از ناحیه خدا و نازل شده بر پیامبر (ص)

وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۲

۲ قرآن کتاب نازل شده بر پیامبر (ص)

بِمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۲

۲- قرآن ، کتابی نازل شده از رتبه و جایگاهی بس بلند و رفیع

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ

ذکر ضمیرهای جمع برای بیان فرو فرستادن قرآن و لغت <نزول>، که فرود آمدن از جایگاه عالی به پایین است، دلالت بر

نکته فوق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۱

۱- قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

و ما أنزلنا عليك الكتاب

<ال> در <الكتاب> عهد ذهنی بوده و مراد از آن قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۳

۳- روح القدس (جبرئیل) ، واسطه ابلاغ وحی و نازل کننده قرآن از جانب پروردگار

قل نزله روح القدس من ربك

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۸

۸- قرآن ، حقایقی عالی و تنزل یافته در حد فهم و درک بشر *

نزله تنزیلاً

در معنای <نزول> فرود از مرتبه عالی نهفته است (مفردات راغب) و چون نزول فیزیکی قرآن قابل تصور نیست، ممکن است مقصود نزول معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۴

۴- خداوند ، به جهت نازل کردن قرآن بر پیامبر (ص) سزاوار همه ستایش ها است .

الحمد لله الذي أنزل .. الكتب

توصیف خداوند به <الذی أنزل ..> ، گویای علت و دلیل اختصاص حمدها و ستایش ها به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱

۱- معارف و حقایق مطرح شده در قرآن ، مطالبی سنگین و بسیار عالی ؛ که در سطح فهم بشر تنزل یافته و آسان شده است .

فإنما يسرناه بلسانك

<تیسیر> (مصدر <یسرنا>) به معنای آسان ساختن است. آسان سازی در موردی متصور است که قبل، از آن به نحوی دشواری و سنگینی وجود داشته باشد. دشواری محتوای قرآن قبل از تسهیل (یسرناه)، ظاهراً به اعتبار مفاهیم بلند و متعالی آن و به دور از دسترس بودن آنها برای افراد بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۱،۴

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزيلاً ممّن خلق الأرض والسموت

<تنزيلاً> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن> در

آیات قبل است.

۴- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او بفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره.. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱

۱- قرآن ، کتاب آسمانی فرستاده شده از سوی خداوند

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۳

۳- قرآن ، حقیقتی نازل شده از جانب خداوند

هَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ

مشارالیه <هذا> قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر اسلام (ص)

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ

از دیدگاه بیشتر مفسران مقصود از <فرقان> در آیه شریفه قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۲

۲- قرآن ، مصون از هر گونه تبدیل و تحریف در مرحله نزول آن بر پیامبر (ص)

نزل به الروح الأمين

توصیف <الروح> به امانت داری اشاره به مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۰ - ۱

۱ - شیاطین ، فاقد کمترین نقش و دخالت در نزول آیات قرآن

و ما تنزلت به الشیطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۱

۱ - قرآن ، سخن آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

و لقد وَّصَّلنا لهم القول

برداشت یاد شده، با توجه به اسناد فعل <وصل> به ضمیر <نا> (خداوند) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۴،۹

۴ - تأکید خداوند ، بر استمرار نزول قرآن تا آخرین آیات اش بر پیامبر (ص)

أنا أنزلنا عليك الكتب

با توجه به نزول تدریجی قرآن در طول بیستوسه سال، تعبیر <أنا أنزلنا عليك الكتاب> در مکه، با آوردن فعل ماضی (أنزلنا) در واقع، وعده ای است که خداوند، درباره نزول قرآن بر پیامبر(ص) تا آخرین آیات اش داده است.

۹ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، مظهر رحمت ویژه خداوند است .

أنا أنزلنا عليك الكتب .. إن في ذلك لرحمه

<ذالك> اشاره به نزول قرآن دارد و نکره بودن واژه <رحمت> (لرحمه) بر عظمت و خصوصیت آن دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و يرى الذين أوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك هو الحق

مراد از <الذي أنزل إليك> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۳۸

۳ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن

بر پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

۸- انتخاب پیامبر (ص) برای دریافت وحی و قرآن کریم، بر اساس آگاهی خداوند، از شایستگی ها و ارزش های نهفته در وجود آن حضرت بود.

و الذی أوحینا إلیک من الکتب .. إنَّ الله بعباده لخبیر بصیر

جمله <إنَّ الله بعباده ..> در مقام تعلیل برای <و الذی أوحینا إلیک...> بوده و در واقع پاسخ به این پرسش است که چرا به پیامبر اسلام (ص) وحی می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۱

۱- قرآن، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و القرءان .. تنزیل العزیز الرحیم

<تنزیل مفعول مطلق برای فعل محذوف و به تقدیر <نزل تنزیلاً من العزیز الرحیم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۲

۲- کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

کتب أنزلنه إلیک

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. در هر دو فرض، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۳- نزول قرآن ، با بیانی بلیغ و روشنگر برای همگان ، جلوه ای از عظمت الهی

و الکتب المبین . إنا أنزلناه فی لیلہ مبرکہ

از ارتباط دو آیه و نیز تکرار ضمیرهای متکلم مع الغیر که اشاره به عظمت الهی دارد می توان به مطلب بالا ره برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- قرآن حقیقتی مستحکم ، خلل ناپذیر و نازل شده از سوی خداوند

إنا أنزلناه .. أمر حکیم ... أمرًا من عندنا

کلمه <أمرًا> می تواند حال برای ضمیر مفعولی <أنزلناه> باشد. در این صورت از ارتباط آن با <أمر حکیم> در آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

۴- قرآن حقیقتی الهی و نازل شده از سوی او

إنا أنزلناه .. أمرًا من عندنا إنا کنا مرسلین

از انتساب مکرر نزول قرآن به خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- نزول قرآن ، جلوه ای از رحمت الهی و در جهت رشد ، تعالی و تکامل خلق

إنا أنزلناه .. رحمه من ربک

<رحمه> مفعول لأجله و علت برای <إنا أنزلناه> است. وصف <ربب> می رساند که آن نزول و این رحمت، در جهت ربوبیت خلق است.

۹- نزول قرآن و تقدیر و تدبیر امور خلق ، متکی بر آگاهی عمیق خداوند از نیاز آنان است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ ... إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جمله <إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ> می تواند تعلیل برای

<إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۱

۱- فرستنده قرآن و رسولان ، همان پروردگار یگانه آسمان ها و زمین و موجودات است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .. إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ ... رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، نازل شده از جانب خداوند مقتدر و حکیم

تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۵

۵ - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن *

و النجم إذا هوى

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از <نجم> چنان که برخی از مفسران گفته اند قرآن باشد زیرا آیات قرآن <نجوماً> (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۱

۱ - عزیمت جبرئیل از بالاترین افق هستی ، به سوی پیامبر (ص) جهت ابلاغ قرآن به آن حضرت

فاستوی . و هو بالأفق الأعلى

ضمایر در این آیات، به <شدیدالقوی> (جبرئیل) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۶

۱۶ - بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن ، جلوه ای از رأفت و رحمت خداوند بر خلق

هو الذی ینزل .. و إنّ الله بکم لرءوف رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق -

۸- قرآن ، کتابی است نازل شده از سوی خداوند برای بشر .

قد أنزل الله إليكم ذكراً

طبق گفته مفسران، مقصود از نزول ذکر، نزول قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۵

۵- مرحله دریافت قرآن ، همانند مرحله نزول آن ، مصون از خطا و تحریف است .

إنه لَقَوْلِ رَسُولٍ .. و ما صاحبكم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۳

۳- مرحله نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، منزّه از القاءات شیطان و همراه با رانده شدن او از محدوده آن

و ما هو بقول شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، نازل کننده قرآن

إنّا أنزلناه

جمع آمدن ضمیر متکلم، بیانگر عظمت است و مراد از ضمیر مفعولی <أنزلناه> قرآن است. اشتها نزل قرآن از جانب خداوند، کلام را از تصریح به نام آن بی نیاز ساخته است.

نزول قرآن بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۳

۳- خداوند ، در راستای دادن بینات و کتاب به انبیا ، قرآن کریم را به پیامبر اکرم (ص) اعطا فرمود .

بالبینت و الزبر و أنزلنا إليك الذكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۲

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به

رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

هر چند <کُلّ شیء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد؛ از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۶

۶- اعطای کتابی بی مانند چون قرآن به پیامبر (ص) نشان فضل عظیم الهی به آن حضرت است .

إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا . قُلْ لئن اجتمعت ... لا يأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۱

۱ - نزول قرآن ، توسط روح الامین (جبرئیل) بر پیامبر (ص)

نزل به الروح الأمين

مراد از <الروح الأمين> با توجه به آیه ۹۷ سوره <بقره> (من كان عدواً لجبرئيل فإنه نزله على قلبك يا ذن الله) جبرئیل (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، دریافت کننده قرآن از جانب خداوند

و إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱،۳

۱ - دریافت کتاب آسمانی و برعهده گرفتن رسالت الهی ، خارج از گمان پیامبر (ص) بود .

و ما كنت ترجوا أن يلقى

إليك الكتب

۳- قرآن ، کتابی القا شده از سوی خداوند به پیامبر (ص)

و ما كنت ترجوا أن يلقى إليك الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۳

۳- قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

عن آیت الله بعد إذ أنزلت إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۲

۲- پیامبراسلام (ص) ، دریافت کننده وحی (قرآن) از سوی خداوند

إننا أنزلنا إليك الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۴

۴- نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان عربی

تنزيل من الرحمن .. قراءنا عربياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱

۱- قرآن از سوی خداوند ، در قالب زبان عربی بر پیامبر (ص) وحی شده است .

و كذلك أوحينا إليك قراءنا عربياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- قرآن ، حقایقی نازل شده از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص)

نَزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ

تصریح به <نزل>، بیانگر این حقیقت است که شخص پیامبر(ص) مفاهیم و حقایق قرآن را ابداع نکرده؛ بلکه قرآن به همین صورت از جانب خداوند بر آن حضرت نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۲

۲ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، مستلزم صبر و شکیبایی آن حضرت در جهت تبلیغ و اجرای تعالیم آن

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا . فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ

از تفریح فرمان به صبر (فاصبر)، بر نزول قرآن بر پیامبر(ص) (نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ) مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۶

۶ - قرآن در مرحله نزول بر پیامبر (ص) ، از هرگونه تحریف ، افزودن و کاستن مصون بوده است .

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ .. ثُمَّ أَمِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۸

۸ - > قال الصادق (ع) نزل القرآن في ليلة القدر إلى البيت المعمور جمله ثم نزل من البيت المعمور على رسول الله (ص)

في طول عشرين سنة ;

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد.<

نزول قرآن به بیت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۸

٨ - > قال الصادق (ع) نزل القرآن في ليله القدر إلى البيت المعمور جملة ثم

نزل من البيت المعمور على رسول الله (ص) في طول عشرين سنة 7

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد.<

نزول قرآن به عجم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن عرب به قرآن و پیامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردی غیر عرب و با زبان غیر عربی

و لو نزلناه .. ما كانوا به مؤمنين

نزول قرآن به عجمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن عرب به قرآن و پیامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردی غیر عرب و با زبان غیر عربی

و لو نزلناه .. ما كانوا به مؤمنين

نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱،۴

۱- نزول قرآن از سوی خداوند ، در شبی مبارک و ارجمند (شب قدر)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ

۴- نزول قرآن در شبی مبارک ، بیانگر اهمیت قرآن نزد خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ

این که شبی برکت زا برای نزول قرآن برگزیده شده است، خود نشانی از عظمت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۸

۸- نزول قرآن در شب قدر، خود نمودی از تقدیر امور مهم در

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ... فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

تطبیق کلی <فیهما یفرق کلّ أمر حکیم> بر <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكَةِ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

نزول قرآن در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۷، ۲

۲ - قرآن ، در ماه رمضان نازل شده است .

شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

۳ - نزول قرآن در ماه رمضان ، دلیلی برای انتخاب این ماه برای روزه گرفتن

شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن

توصیف ماه رمضان به اینکه قرآن در آن نازل شده، پس از بیان احکام روزه و تعیین این ماه برای روزه داری، می تواند اشاره به آن باشد که: علت تعیین ماه رمضان برای روزه گرفتن، نزول قرآن در این ماه است.

۳۷ - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده : < فان قال : فلم جعل الصوم فی شهر رمضان خاصه دون سایر الشهور ؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذی أنزل الله فیہ القرآن و فیہ فرّق بین الحق و الباطل كما قال الله عز و جل > شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان < و فیہ نبیء محمد (ص) و فیہ لیلہ القدر التی هی خیر من ألف شهر... ;

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این

ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده <شهر رمضان الذی أنزل فيه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان>. در این ماه حضرت محمد(ص) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ...>.

نزول قرآن در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۲

۲ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود از <انزال> در جمله <و إذا ما أنزلت ..> نزول دفعی باشد. قابل ذکر است که <انزال> مانند <تنزیل> هم در نزول دفعی و هم در نزول تدریجی به کار می رود.

نسخ آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۷

۷ - خداوند، هرگاه آیه ای از قرآن یا حکمی از اسلام را نسخ کند و یا به متارکه آن فرمان دهد، آیه و حکمی بهتر یا همسان با آن را نازل می کند.

ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۳،۴

۳ - امکان نسخ در آیات قرآن و احکام اسلام

ما ننسخ من آیه أو ننسها

از مصادیق <ءایه> می تواند آیه ای از قرآن و یا حکمی از اسلام باشد.

۴- نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام ، تنها

به دست خدا و در اختیار اوست .

ما ننسخ من ءایه . . . ألم تعلم أن الله علی کل شیء قدير

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله < ألم تعلم . . . >، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من ءایه . . . أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... وڈ کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۱،۳،۵

۱- متهم شدن پیامبر (ص) به دروغ گویی از سوی مشرکان ، با رخ دادن نسخ و تبدیل پیامی به پیام دیگر در برخی از آیات قرآن

و إذا بدلنا ءایه مکان ءایه . . . قالوا إنما أنت مفتر

۳- وجود نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی در قرآن به وسیله خود قرآن

و إذا بدلنا ءایه مکان ءایه

۵- نزول تدریجی آیات قرآن و تغییر برخی از آنها از نظر مفاد به مرور زمان ، ناشی

از علم الهی است .

و إذا بدّلنا آیه مکان آیه و الله أعلم بما ینزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۲

۲- آیات ناسخ و منسوخ ، همه از جانب پروردگار نازل شده است .

قل نزله روح القدس من ربّک

نشانه عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۵ - ۸

۸- ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیدّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلی

نشانه های اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۲

۲- بیان های مختلف و شیوه های متنوع قرآن در تبیین حقایق و مفاهیم ، جلوه ای از ابعاد اعجاز آن

لایأتون بمثله .. و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

۲ - غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم آیتنا .. حتّی یتبین لهم أنّه الحقّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <آنه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

نشانه های حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ -

۷- پیروزمندی قرآن در صحنه تحدی و مبارزطلبی، تبلور حقانیت بی چون آن است.

قل جاء الحقّ .. قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ ... لا یأتون بمثلہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

۲ - غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا .. حتّی یتبین لهم أنّه الحقّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <اِنَّه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

نشانه های حکمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۵

۵- معارف والای قرآن، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر، نشانگر حکمت او است. *

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز الحکیم

<تنزیل> می تواند اشاره به تنزل یافتن معارف بلند وحی، در مرتبه فهم بشر باشد و نه تنزل فیزیکی و مکانی. از ارتباط <تنزیل الکتب> با <العزیز الحکیم> ممکن است استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزل آن دلیل حکمت او است.

نشانه های رحمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۷

۷- قرآن، مظهر و نمود کامل رحمت الهی برای انسان ها است.

و من یعش عن ذکر الرحمن

تعبیر <ذکر رحمان> برای قرآن اشاره به آن دارد که آن، از سرچشمه نامتناهی رحمت الهی، نازل شده و در اختیار بشر قرار گرفته است.

نشانه های و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۶

۶ ناتوانی بشر از آوردن سوره ای همانند یکی از سوره های قرآن ، نشانه بارز آسمانی بودن قرآن است .

قل فأتوا بسوره مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صدقین

نظام تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۹

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

نظم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۶

۶ آیات قرآن ، در عین تدریجی و با فاصله نازل شدن آنها ، دارای بهترین نظم و انسجام

كذلك لنتبت به فؤادك و رتله ترتیلاً

<ترتیل> مصدر <رتلنا> و از ریشه <رتل> (به معنای نظم و ترتیب زیبا و منسجم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۴،۱۱

۴ - قرآن ، کتابی است دارای نظم ، شیوه و ترکیبی جذاب و مخصوص به خود .

و ما علمنه الشعر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که آنچه کافران را به شعر پنداشتن قرآن واداشت، نظم و اسلوب پر جاذبه و ویژه ای بود که در این کتاب الهی مشاهده کردند.

۱۱ - محتوا، شیوه و نظم موجود در قرآن، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلا ذکر

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشننگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمانا الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواه الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

نعمت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

علم القرءان . خلق الإنسن

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۵

۱۵ قرآن و حکمت های نازل شده ، از نعمت های الهی

و اذکروا نعمت الله علیکم و ما انزل علیکم من الكتاب الحکمه

بنابراینکه جمله دوّم (و ما انزل ..)، عطف تفسیری برای <نعمت الله > باشد، و یا اینکه از موارد عطف خاص بر عام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است با عظمت و نعمتی بزرگ

و لقد ءاتینک .. و القرءان العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ تنها نعمتی که برخورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد

، قرآن است .

قد جاءتكم موعظه من ربكم .. قل بفضل الله و برحمته فبذلك فليفرحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۴

۴- قرآن ، از نعمت های بارز خداوند برای انسان است .

و نزل من القرآن .. و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض

از مصداقهای مورد نظر نعمت به قرینه آیه قبل (و نزل من القرآن)، قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۷

۷- نزول وحی و معارف الهی (قرآن) برای انسان ها ، نعمت خداوند و شایسته شکر و سپاس است .

لنذهبن بالذی أوحینا إلیک

آیه، در مقام تحذیر درباره وحی و معارف آسمانی است و از تحذیر به دست می آید که موارد یاد شده عطایایی الهی است و باید آنها را پاس داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۴

۴- قرآن ، عطیه بزرگ الهی به پیامبر (ص) و مایه تذکر و بیدارباش است .

و قد ءاتینک من لدنا ذکرًا

نکره بودن <ذکرًا> دلالت بر عظمت آن دارد و مراد از <ذکر> به قرینه <من أعرض عنه> (درآیه بعد) قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۸،۹

۸ قرآن ، نعمتی بزرگ و مقتضی شکر و سپاس گذاری

و لقد صرّفناه بينهم ليذكّروا فأبى أكثر الناس إلا كفورًا

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند

و لقد صرّفنه بينهم ليذكروا فأبى أكثر الناس إلا كفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۲

۲ - قرآن ، ارث و موهبت الهی برای جامعه اسلامی

ثم أورثنا الكتب الذين اصطفينا من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر ارث درباره اعطای قرآن به دست می آید؛ زیرا ارث چیزی است که برای آن تلاشی صورت نگرفته و در نتیجه حقی هم برای دریافت آن به وجود نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۷

۷ - نزول کتاب آسمانی (قرآن) ، نعمتی است درخور شکر و شایسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إنا أنزلنا إليك الكتاب بالحقّ فاعبد الله مخلصاً له الدين

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فاعبد الله مخلصاً له الدين>، بر جمله <إنا أنزلنا إليك الكتاب> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۹

۹ - قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- قرآن، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است.

و إذا أنعمنا علی الإنسان .. ثم کفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۲

۲- شرک پیشگان صدراسلام، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن، بر تکذیب آن پافشاری کردند.

و تجعلون رزقکم أنکم تکذبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم..> می باشد.

نفرت از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۳

۳- کافران مخالف پیامبر (ص)، از شنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن به شدت نفرت داشتند.

عن التذکره معرضین . کأنهم حمر مستنفره

نقش آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱ - ۱۰

۱۰ آیات قرآن، دلیلی است متقن و روشن بر الهی بودن قرآن و درستی حقایق مطرح شده در آن.

کتبُ أحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

کلمه ((آیات)) به معنای نشانه هاست. نامیده شدن بندهای قرآن به این نام سپس توصیف آنها به اینکه از ناحیه خدای

حکیم داناست ، اشاره به این دارد که : جملات قرآن ، آیت و نشانی بر الهی ، حکیمانه و عالمانه بودن آنهاست . بنابراین آیهء فوق را می توان چنین

معنا کرد: این قرآن، کتابی از ناحیه خدای حکیم و خبیر است و تک تک آیات آن، دلالت بر این مدعا دارد و این دلالت هم متقن است و هم واضح و روشن.

نقش اخروی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۶

۶ - قرآن، محور و میزان سنجش اعمال در قیامت است.

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزراً

منطوق آیه دلالت می کند که اعراض از قرآن و زر آور است و مفهوم آیه می رساند که روی آوردن به قرآن، مایه نجات می باشد. بنابراین ارزش اعمال و عقاید آدمیان در روز قیامت، به دوری و نزدیکی آنان به قرآن، وابسته است و بدین وسیله برای آنها تعیین درجات و یا درکات می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ - قرآن و قانون الهی، ابزار سنجش و داوری در قیامت

اللّٰه الذی .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

نقش قاریان قرآن صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - تلاوت کنندگان قرآن در عصر بعثت، غیر مؤمنان را نیز با آیات آن آشنا ساخته، برای آنها قرآن می خواندند.

و إذا قرء علیهم القرآن لایسجدون

نقش قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و

حقانیت آن است .

لاریب فیه هدی للمتقین

<هدی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

۵- قرآن کتاب هدایت و راهنمای اهل تقوا به مراحل والای آن

هدی للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ تربیت انسان های مؤمن به غیب ، پایبند به نماز و انفاق گر ، از اهداف قرآن

ذلك الكتب .. هدی للمتقین. الذین يؤمنون ... و مما رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۱

۱- قرآن و اسلام ، مایه حیات و رشد انسانها

أو کصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۵

۵- قرآن ، سندی اساسی برای اثبات رسالت پیامبر (ص) است .

و إن کنتم فی ریب .. إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۴

۴- قرآن ، دلیل حقانیت خود و سند راستی و درستی نبوت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۶

۶ - قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۵، ۱۰، ۹، ۸

۸ - وجود قرآن، گواه و شاهدهی بر حقانیت تورات است . *

مصدقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصدقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است؛ یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

۹ - قرآن، هدایتگر اهل ایمان است .

هدی و بشری للمؤمنین

<هدی> مصدر است و در اینجا به معنای اسم فاعل (هادی) می باشد.

۱۰ - قرآن، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادت مندی آنان در دنیا و آخرت

و بشری للمؤمنین

<بشری> به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک .. هدی و بشری للمؤمنین

عبارت <هدی و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر (ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۸

۱۸ - آیات قرآن، نشانه هایی روشن بر حقانیت پیامبر (ص) است .

قد بیننا الأیت

مراد از <الآيات> می تواند همه نشانه هایی باشد که گواه

بر راستی و درستی نبوت پیامبر(ص) است که بارزترین آنها، آیات قرآن می باشد و نیز منظور از آن می تواند خصوص آیات قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۹

۹ - اسلام و قرآن ، برنامه هدایتی خداوند برای انسانهاست .

إن هدی اللّٰه هو الهدی

مصدق مورد نظر برای <هدی اللّٰه> چنانچه مفسران گفته اند، قرآن و اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۶،۱۱

۶ - قرآن کتابی هدایتگر و راهنمای همه انسانهاست .

الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس

۱۱ - قرآن ، حاوی رهنمود ها و دلایلی روشن جهت دستیابی به میزانی برای تمیز حق از باطل

الذی أنزل فیہ القرآن .. بینت من الهدی و الفرقان

<فرقان> به چیزی گفته می شود که به وسیله آن می توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمیز داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۴

۴ قرآن ، بیانگر حقایق ؛ حتی در مواردی که نتیجه آن به ضرر برخی از مسلمانان باشد .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیہ قل قتال فیہ کبیر

برخی از مسلمانان در ماه رجب به عده ای از کافران حمله بردند و آنان را کشته یا اسیر کردند. پس از این واقعه، آیه مزبور نازل شد و حکم به تحریم قتال در ماههای حرام کرد؛ هر چند بیان این حقیقت، به ضرر آن گروه از مسلمانان تمام شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ قرآن ، کتاب موعظه

من الكتاب و الحكمه يعظكم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۲،۳

۲ قرآن و پیامبر (ص) (سنّت) ، زمینه ای کامل برای پاسداری از ایمان و عقیده

و كيف تكفرون و انتم تتلى عليكم ايات الله و فيكم رسوله

۳ قرآن و سنّت ، وسیله هدایت انسانها

و كيف تكفرون و انتم تتلى عليكم ايات الله و فيكم رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۳،۵

۳ تمسک به ريسمان الهی (کتاب و سنّت) ، وسیله و عامل وحدت صفوف اهل ایمان

و من يعتصم بالله .. و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرّقوا

<حبل الله> به قرینه آیه صد و یکم، کتاب و سنّت است.

۵ وحدت بر مبنای دین الهی (کتاب و سنّت) و اعتقاد به آن ، نجات دهنده انسان ها از آتش اختلاف

و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۷

۷ پیام های الهی ، بیانگر راه ایجاد وحدت

من بعد ما جاءهم البينات

به مناسبتِ بحثِ اختلاف و تفرقه، مراد از <بَیِّنَات>، پیامهای وحدت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲،۷

۲ فرمان خداوند به وحدت و یکپارچه شدن پیروان ادیان الهی بر محور قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما

۷ نزول قرآن ، دلیل و گواه حقایق تورات و انجیل

نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ

مصدق بودن قرآن می تواند به این معنا باشد که آمدن قرآن از جمله دلایل حقایق تورات و انجیل است. زیرا در آن دو کتاب، وعده آمدن قرآن داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳۳، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۲، ۱۰

۱۰ لزوم مراجعه به خدا و رسول (کتاب و سنت) ، برای حل اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول

۱۲ لزوم مراجعه به خدا و رسول (کتاب و سنت) ، در تعیین اولوالامر و اختلافات مربوط به آن *

فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول

با توجه به اینکه <اولی الامر> در آیه، مرجع حل اختلافات قرار نگرفته است به نظر می رسد از مصادیق مهم و مورد نظر از <تنازع>، اختلافات مربوط به مسأله اولوالامر باشد.

۱۶ قرآن و سنت ، حاوی قانون برای حل و فصل کلیه اختلافات و کشمکشها

فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول

لازمه مرجعیت قرآن و سنت در تمام امور مورد نزاع، که از کلمه <فی شیء> به دست می آید، این است که نسبت به همه چیز، راه حل و فصل و قانون مناسب داشته باشد.

۱۷ ارجاع اختلافات و کشمکش ها به خدا و پیامبر (ص) (قرآن و سنت) ، از نشانه های @ایمان به خدا و قیامت

فان تنازعتم . . ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر

۱۸ ارجاع نمودن داوری اختلافات به خدا و رسول (قرآن و سنت) ،

حاکمی از بی ایمانی به خدا و قیامت است .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی الله و الرّسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر

۱۹ عدم صلاحیت دادگاههایی که در آن بر اساس قانونی غیر از قوانین اسلام (قرآن و سنت) حکم می شود .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی الله و الرّسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر

۳۳ محکّمات آیات قرآن و سنّت رسول خدا (ص) ، مرجع اصلی حلّ اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی الله و الرّسول

علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، در توضیح آیه فوق فرمود: فالردّ الی الله الاخذ بمحکم کتابه و الردّ الی الرّسول الاخذ بسنّته الجامعه غیر المفرّقه .

نهج البلاغه، نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر)؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۶، ح ۳۵۵؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۴۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۲

۲ وجوب مراجعه به قرآن و رسول ، برای حل و فصل اختلافات

و اذا قيل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرّسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۲

۲ قرآن ، دلیل حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و ارسلناک للنّاس رسولا و کفی بالله شهیداً .. افلا يتدبّرون القرآن

در آیه ۷۹ بیان شد که خدا، شاهد حقانیت رسالت پیامبر (ص) است و در این آیه چگونگی شهادت را این چنین توضیح می دهد که خداوند قرآن را به صورت معجزه بر پیامبر (ص) فرستاد تا

شاهد حقانیت او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۹، ۱۳، ۱۱، ۶

۶ قرآن ، پایه و اساس برای قضاوت میان مردم

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

مراد از <تحکم>، قضاوت است و اگر مراد حکومت بود، می فرمود: <لتحکم علی الناس>.

۱۱ پیامبر (ص) ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او ، از سوی خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

۱۳ فراگیری قرآن و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

ظاهراً مراد از <ما اریک>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ... بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

۲۰ جانشینان پیامبر (ص) ، همانند خود آن حضرت ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

امام صادق(ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هی جاریه فی الاوصیاء.

کافی، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۸؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۵۴۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

وعدۀ خداوند به بیان و تلاوت آیاتی از قرآن، درباره احکام زنان یتیم

قل اللّٰه یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب فی یتمی النساء

در برداشت فوق، <مایتلی>، بر ضمیر <فیهن> عطف شده است و اضافه <یتمی> به <النساء>، اضافه صفت به موصوف است، یعنی زنانی که یتیم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱۴، ۱۰

۱۰ قرآن دلیلی کافی برای باور به حقانیت رسالت پیامبر (ص)

لکن اللّٰه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

<باء> در <بما انزل الیک> می تواند سببیه باشد؛ در این صورت متعلق شهادت به قرینه آیات گذشته رسالت پیامبر(ص) خواهد بود؛ بنابراین مبنا مفاد جمله <یشهد بما انزل..> این است که علت شهادت خداوند بر رسالت پیامبر(ص)، نزول قرآن بر وی است، یعنی هر کس قرآن را ملاحظه کند به حقانیت رسالت پیامبر(ص) شهادت می دهد.

۱۴ قرآن، اتمام حجت خداوند بر مردم

لئلا یشهد للناس علی اللّٰه حجه بعد الرسل .. لکن اللّٰه یشهد بما أنزل إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۱۱

۱۱ قرآن، چراغی روشن و برهانی آشکار بر توحید و یگانگی خداوند

قد جاءکم برهن من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

در برداشت فوق <برهان> به قرآن تفسیر شده و متعلق آن به قرینه آیات پیشین، توحید و یگانگی خداوند دانسته شده است؛ آیه بعد <فاما الذین ءامنوا باللّٰه> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ قرآن ، روشن و روشنگر و بیان کننده حقایق است .

قد جاءكم من الله نور و كتب مبين

بنابر اینکه مراد از نور و کتاب، قرآن باشد. ارجاع ضمیر مفرد <به> در آیه بعد، این احتمال را تقویت می کند.

۱۲ قرآن ، کتابی روشنگر از جانب خداوند

قد جاءكم من الله نور و كتب مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائه - ۵ - ۱۶ - ۹،۱۵

۲ خداوند ، هدایتگر انسان ها به راه های سلامت ، امنیت و صلح ، به وسیله پیامبر (ص) و قرآن

یهدی به الله من اتبع رضونه سبل السلم

مقصود از ضمیر <به>، پیامبر(ص) نیز می تواند باشد. زیرا پیامبر (نور) و قرآن (کتاب مبین) پیگیر هدفی واحد هستند و به منزله یک چیز به شمار می آیند.

۹ قرآن و پیامبر (ص) ، خارج کننده انسان ها از تاریکی و گمراهی به نور و هدایت با اذن خداوند

و یخرجهم من الظلمت إلى النور باذنه

در برداشت فوق <باذنه> متعلق به <یخرجهم> گرفته شده است. بر این مبنا ضمیر در <یخرجهم> باید به <نور> و <کتاب> برگردانده شود، نه به <الله>، چون معنا ندارد که خدا با اذن خودش کاری انجام دهد.

۱۵ قرآن و پیامبر (ص) ، هدایتگر انسان ها به راه مستقیم

و یهدیهم إلى صراط مستقیم

بنابر اینکه فاعل <یهدیهم>، قرآن و پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائه - ۵ - ۴۸ - ۱۷،۱۲،۹،۸

۶ وجود قرآن ، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و

انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً لما بين يديه من الكتب

با در نظر گرفتن اینکه کتابهای آسمانی به آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد بود.

۸ قرآن ، نگهبان حقایق و معارف تورات و انجیل

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً . .. و مهيمناً عليه

<مهيمن> به معنای مراقب و محافظ است.

۱۲ انتخاب قرآن از میان کتب آسمانی ، برای داوری بین اهل کتاب ، وظیفه پیامبر (ص)

و انزلنا اليك الكتب . .. مهيمناً عليه فاحكم بينهم بما أنزل الله

<فاء> در <فاحكم> پس از ذکر مهيمن بودن قرآن، بیانگر این است که مراد از <ما انزل الله> قرآن است.

۱۷ خداوند بر حذر دارنده پیامبر (ص) از پیروی تمایلات اهل کتاب و عدول از حق (احکام قرآن) در قضاوت

فاحكم . .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

کلمه <عن> در <عما جاءك> می رساند که معنای عدول در <لاتتبع> تضمین شده است. یعنی لاتعدل عن الحق متبعاً اهواءهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ تلاش مودیان و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (ص) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

چون <يفتنوك> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ؛ یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ قرآن دارای اثری شگرف در دل های آشنا با حقیقت

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۴

۴ قرآن و پیامبر (ص) دو مصداق بزرگ از آیات الهی

کفروا و کذبوا بایتنا

به قرینه آیات قبل مصداق مورد نظر برای <آیاتنا> قرآن و پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ اهل ایمان نسبت به احکامی که پاسخ آنها در قرآن و سنت نیامده ، تکلیفی ندارند

لا تسئلوا عن اشیاء .. عفا الله عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۳

۳ هدایت انسان ها ، در گرو حضور قرآن با سنت پیامبر (ص) در میان آنها

تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول

چنانچه مراد از <تعالوا .. إلى الرسول> پذیرش معارفی باشد که به آن حضرت وحی می شد ضمیمه ساختن <الی الرسول> لزومی نداشت بنابراین آیه اشاره به این دارد که رسول خدا(ص) علاوه بر مسائل وحی شده به وی، دارای دستورات و معارفی است که از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۹ - ۱۱

۱۱ قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انداز دهنده کسی که به معارف آن دست یابی یابد.

و أوحى إلّی هذا القرآن

لأنذركم به و من بلغ

<من بلغ> بیانگر عموم و محدود نبودن مرز دعوت قرآن در عرصه زمان و مکان است.

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر(ص)

قل الله شهيد بيني و بينكم و أوحى إليّ هذا القرآن

۱۷ قرآن، گواه یگانگی خداوند و بطلان شرک

قل أغير الله اتّخذ وليا .. قل الله ... و أوحى إليّ هذا القرآن

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

۱۹ ضرورت حضور مبلغانی انذارگر در جامعه همراه قرآن

و أوحى إليّ هذا القرآن لأنذركم به

تأکید بر حضور پیامبر(ص) در کنار قرآن برای انذار، گویای این نکته است که قرآن به تنهایی برای انذار کافی نیست، بلکه باید کسانی نیز همواره با قرآن به تبلیغ دین و انذار مردم پردازند.

۲۹ عن مالك الجهني قال: قلت لأبي عبد الله(ع): قوله عز و جل <و أوحى إليّ هذا القرآن لأنذركم به و من بلغ> قال: من بلغ أن يكون إماما من آل محمد(ص) فهو ينذر بالقرآن كما أنذر به رسول الله(ص).

مالك جهني گوید از امام صادق(ع) درباره آیه <لأنذركم به و من بلغ> سؤال کردم، فرمود: هر کس از آل محمد(ع) به مقام امامت برسد، به وسیله قرآن مردم را بیم می دهد (از مخالفت با خدا می ترساند.) همان گونه که رسول خدا(ص)، با قرآن به مردم هشدار می داد. از روایت استفاده می شود که <من> در <من بلغ>، عطف به ضمیر فاعل در <أنذركم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱،۶

۱ انذار مردم با وحی

و قرآن، از وظایف پیامبر(ص)

و أنذر به الذین یخافون

ضمیر <به الذین> به <ما یوحی> برمی گردد و مراد از <ما یوحی> مطلق وحی و قرآن بزرگترین و کاملترین مصداق آن است.

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و أنذر به

مرجع ضمیر به <قرآن> است؛ یعنی با قرآن انذار کن. و چون ابزار انذار مشخص شده است، بالطبع باید قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۳،۶

۳ قرآن، بینه و دلیل روشن پیامبر(ص) و گواه حقانیت او

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از بینه و مرجع ضمیر <کذبتم به> قرآن است. مفرد آمدن کلمه <بینه> و مذكر آمدن ضمیر <به> این احتمال را تقویت می کند.

۶ مشرکان صدر اسلام دلیل روشن حقانیت پیامبر(ص) (قرآن) را تکذیب می کردند.

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱۱،۱۲،۱۵

۱۱ تذکر دادن به مردم با قرآن، از وظایف پیامبر(ص) و مبلغان دین است.

و ذکر به أن تبسل نفس

مرجع ضمیر <به> قرآن می تواند باشد که از سیاق آیات مورد بحث به دست می آید و به اصطلاح مرجع حکمی است.

۱۲ قرآن کتابی برای تذکر به مردم است.

و ذکر به أن تبسل نفس

۱۵ مصونیت از تباهی و هلاکت، نتیجه متذکر شدن با تذکارات قرآن است.

و ذکر به أن تبسل نفس بما کسبت

جمله <أن تبسل>، با تقدیر

لام تعلیل و حرف نفی، مفعول له برای <ذکر> می تواند باشد. بنابراین جمله چنین معنی می شود: به مردم با قرآن تذکر بده تا آنان گرفتار عواقب سوء اعمال خود نگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ قرآن، یادآوری برای جهانیان است.

إن هو إلا ذکری للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۳،۴،۵،۸

۳ قرآن کتابی گرانقدر و مبارک (فزاینده و رشد دهنده و دارای خیر فراوان) است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک

<برکه> یعنی رشد و فزونی (لسان العرب) و <مبارک> چیزی است که در آن فزونی باشد. (مفردات راغب).

۴ نزول قرآن گواه دیگری بر بطلان ادعای عدم نزول وحی بر بشر است.

ما أنزل الله علی بشر .. من أنزل الکتب الذی جاء به موسی ... و هذا کتب

۵ قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

۸ انذار مردم مکه (ام القرى) و اطراف آن، از اهداف نزول قرآن است.

و هذا کتب .. و لتندر أم القرى و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱،۵

۱ آیات قرآن آگاهی‌هایی ارائه شده از پروردگار به انسانهاست.

قد جاءكم بصائر من ربكم

۵ قرآن و پیامبر(ص) و برهانهای ارائه شده از جانب خداوند، پیام آور بینش و آگاهی برای انسان است.

قد جاءكم بصائر من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۳،۴،۵،۷

۳ قرآن، بیانگر داوری

خداوند درباره حق و باطل است.

و هو الذی أنزل إليکم الکتب مفصلاً

<مفصّل> به معنای <مبیّن> است و به قرینه <حکماً> در صدر آیه موضوع مورد نظر آیه داوری بین حق و باطل در عرصه های مورد نیاز است، یعنی اینکه قرآن بیانی شافی و کافی برای تشخیص حق از باطل در اینگونه موارد است.

۴ با نزول قرآن جایی برای نزول معجزات درخواستی مشرکان متصور نیست.

و لو أننا نزلنا إليهم .. أفعیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إليکم الکتب

به نظر می رسد جمله استفهامی توییخی <أفعیر الله أبتغی ..> به قرینه آیات قبل، تعریض به کسانی باشد که دلیل و معجزه ای غیر از قرآن طلب می کردند و جمله <و هو الذی أنزل ...> متمیمی بر این تعریض است. یعنی با وجود قرآن جایی برای درخواستهای دیگر نمی ماند.

۵ نزول قرآن معجزه ای کافی برای اثبات حقانیت پیامبر(ص)

أفعیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إليکم الکتب مفصلاً

۷ نزول معجزه ای روشن چون قرآن از سوی خدا، بهترین نشانه شایستگی او برای داوری است.

أفعیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إليکم الکتب مفصلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۴

۴ قرآن کتابی تمام و کافی برای اثبات نبوت و رسالت پیامبر(ص) است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر مراد از <کلمت>، قرآن باشد، تمام بودن آن بدین معنی می تواند باشد که قرآن از جهت مقاصدی که برای آن آمده وافی و کافی است. و از جمله مقاصد، به قرینه آیات قبل، اثبات حقانیت رسالت پیامبر(ص)

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۱،۲،۵

۱ نزول قرآن اتمام حجتی است برای مشرکان مکه و سایر انسانها

هذا کتب أنزل نه .. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفین

<أن تقولوا> به تقدیر <لام> و <لا> نافیه متعلق به <أنزلناه> در آیه قبل است ؛ یعنی: <أنزلنا القرآن لئلا تقولوا .. > مخاطبان آیه همه انسانها، بجز یهود و نصارا، هستند و مشرکان مکه نیز به دلیل آیات گذشته و نیز مکی بودن سوره، مصداق مورد نظر هستند.

۲ هدایت نایافتگان در صورت آگاهی از وجود قرآن، هیچ عذری در پیشگاه خدا نخواهند داشت.

هذا کتب أنزل نه .. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفین

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشان را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲،۴،۶،۸

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه .. أو تقولوا لو أنزل علينا الکتب لکنا أهدى منهم

۴ نازل نشدن قرآن موجب اعتراض گمراهان و مشرکان در قیامت به سبب نداشتن کتاب آسمانی و دور ماندن از هدایتهای الهی

أو تقولوا لو أنزل علينا الکتب لکنا أهدى منهم

۶ قرآن پرتوی از ربوبیت خداوند بر انسانهاست.

فقد جاء كم بينه من ربكم

۸ قرآن دلیلی روشن بر اثبات ربوبیت خدا بر انسانهاست.

فقد جاء كم بينه من ربكم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۴

۴ تربیت انسانها و تدبیر امور آنان در تمامی مراحل حیات، از اهداف نزول قرآن است.

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم

کلمه <ربکم> اشاره به این دارد که نزول قرآن برای تربیت و تدبیر امور مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۶،۷

۶ معارف و احکام قرآن موجب هشیاری انسان از فریفتگی به حیات دنیاست .

غرثهم الحیوه الدنیا .. و لقد جننهم بکتب

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر، به فراموشی سپردن قیامت، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جننهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ قرآن و پیام های آن بهترین وسیله برای ایمان به معارف الهی (توحید، قیامت و ...) است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

در برداشت فوق ضمیر <بعده> به قرآن و <باء> در فبأی <سبیه گرفته شده است. قابل ذکر است که در این صورت متعلق <یؤمنون> معارف

الهی خواهد بود. یعنی اگر به وسیله قرآن به توحید و مانند آن ایمان نیاورند، پس به سبب چه چیز دیگری ایمان خواهند آورد؟

۱۲ قرآن برترین سخن برای هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ قرآن کتابی روشنگر و بینش آفرین است .

هذا بصائر من ربکم

<بصیره> (مفرد بصائر) به معنای حجت، برهان و چیزی که مایه بینش باشد، است.

۱۰ قرآن و روشنگری های آن پرتویی از ربوبیت خدا و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

هذا بصائر من ربکم

۱۲ قرآن کتاب هدایت و مایه رحمت است .

هذا .. هدی و رحمه

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ قرآن ، منبعی برای دستیابی به قوانین و مقررات دین .

فی کتب اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ قرآن ، کتاب هدایت است .

هو الذی أرسل رسوله بالهدی

نوع مفسران برآنند که مقصود از <الهدی> قرآن کریم است چرا که قرآن کتاب هدایت است و هدایت فلسفه نزول قرآن است.

۵ آمدن پیامبر (ص) ، همراه با هدایت (قرآن) و دین حق (اسلام) در راستای تکمیل نور الهی و تحقق اراده خداست .

و یأبی الله إلا أن

یتم نوره . . هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۴

۴ فاش شدن نیت قلبی منافقان ، توسط وحی و قرآن *

يحذر المنفقون أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم

بیم منافقان، می تواند نشانگر افشاگریهای پیشین قرآن درباره آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۱

۲۱ تورات ، انجیل و قرآن ، سند وعده های خدا به مجاهدان و شهیدان و مایه اطمینان آنان

وعداً عليه حقاً في التوریه و الإنجیل و القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷ قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلك آيات الكتب . . أن أُنذر الناس و بشر الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۲۸

۲ قرآن ، معجزه حضرت محمد (ص) و دلیل رسالت و نبوت وی

و ما كان هذا القرآن أن يفتری من دون الله

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .) است .

و تفصیل الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۴

۴ قرآن ، معجزه جاودان حضرت محمد (ص) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم يقولون افتريه قل فأتوا بسوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۸،۹

۸ امام صادق (ع) از پدرانش روایت کرده است: > شكا رجل إلى النبي (ص) وجعاً في صدره فقال (ص): استشف بالقرآن فان الله عزوجل يقول: > وشفاء لما في الصدور > ;

مردی خدمت رسول خدا (ص) از درد سینه شکایت کرد، حضرت فرمود: از قرآن شفا بگیر؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: [قرآن] شفاست برای آنچه در سینه هاست <.

۹ از امام صادق (ع) روایت شده است: > و انزل عليكم كتاباً فيه شفاء لما في الصدور من امراض الخواطر و مشتبهات الأمور ;

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲،۳

۲ قرآن، خود دلیل و شاهدهی بر راستی و درستی خویش است.

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربك> حقانیت و الهی بودن قرآن است و <تُلُوْا> (مصدر یتلوه) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در <یتلوه> به <مَنْ> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه>؛ یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بینه> از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه

نیست؟

۳ بهره مندان از بصیرت الهی ، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن ، درمی یابند و بدان واقف می شوند .

أفمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن ، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن . . . يتلوه شاهد منه [کمن لیس كذلك]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست بلکه درک و عدم درک آنان از گواهی قرآن ، موجب تمایز آن دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۵،۷

۵ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، پیش از نزول قرآن ، به سرگذشت نوح (ع) آگاهی نداشتند .

ما كنت تعلمها أنت و لاقومك من قبل هذا

مشارالیه <هذا> قرآن است که از جمله <نوحیها إلیک> معلوم می شود.

۷ قرآن ، منبعی برای آشنایی به تاریخ بشر و شناخت رویداد های مهم تاریخی

نوحیها إلیک ما كنت تعلمها أنت و لاقومك من قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۰ - ۶

۶ قرآن ، منبعی برای آشنایی به تاریخ بشر و فرجام پیشینیان

ذلك من أنباء القرى نقصه عليك منها قائم و حصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۴، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ پیامبر (ص) ، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف ، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت .

نقص . . . بما أوحينا . . . و إن كنت من قبله لمن الغفلین

به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

و إن كنت من قبله لمن الغفلين

<إن> در جمله فوق مخففه است و مراد از <الغافلین> مردم عصر بعثت می باشد. بنابراین مفاد جمله <إن كنت...> چنین می شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم، از داستان یوسف بی خبر بودی.

۱۱ قرآن، منبعی برای آگاهی به تاریخ و سرگذشت پیشینیان

و إن كنت من قبله لمن الغفلين

۱۴ علم و آگاهی پیامبر (ص)، نشأت گرفته از قرآن و وحی الهی است.

بما أوحينا إليك .. و إن كنت من قبله لمن الغفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۴،۵،۸

۴ قرآن منبعی برای آشنایی به تاریخ بشر و شناخت رویداد های مهم تاریخی و حوادث مخفی مانده برای بشر

ذلك من أنباء الغيب نوحیه إليك

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت.

و ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما كنت لديهم> (نزد آنان نبود) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمكرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمت های آن می

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۸،۱۰

۸ قرآن تصدیق کننده و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

<تصدیق> مصدر است و به معنای اسم فاعل تصدیق کننده می باشد. این کلمه به وسیله <لکن> بر <حدیثاً> عطف شده است.

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای آسمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد ، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۳

۳ آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) هدایت نشوند ، با مشاهده هیچ آیت و معجزه ای هدایت نخواهند شد .

و لو أن قرءاناً سیرت به الجبال . . بل لله الأمر جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و كذلك أنزلنه حکماً

حکم کردن به چیزی آن است که داوری کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب).

بر این اساس <قرآن حکم است> ؛ یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست

و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد؛ مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۶۸، ۱۷

۶- پیامبر (ص)، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها)، با تعالیم قرآن کریم

أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

۸- انسان ها، بدون تعالیم دین و آموزه های قرآن، گرفتار انواع ظلمت ها گمراهیهايند .

لتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

خداوند، هدف از نزول کتاب خویش را بیرون آوردن مردم از ظلمتها معرفی می کند و برای ظلمتها نیز هیچ گونه قیدی نیاورده است که مشخص کند مراد از آنها چیست و این، حکایت از آن دارد که بدون تعالیم دین، زندگی انسانها در ظلمت است.

۱۷- پیامبر (ص)، وظیفه دار هدایت مردم به راه خدای عزتمند ستودنی، با تعالیم قرآن کریم

كُتِبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ..إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۰

۳- قرآن، وسیله انذار و اخطار به تمامی انسانها

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ

۵- قرآن، مایه نجات آدمی از خطر ها، آسیب ها و دشواری های موجود بر سر راه انسان *

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ

۶- قرآن برای آگاهی انسان

ها به خدای یکتا و پی بردن به وحدانیت اوست .

هذا بلغ للناس .. و ليعلموا أنما هو إله وحد

۷- قرآن سندی گویا بر وحدانیت خداوند

هذا بلغ .. و ليعلموا أنما هو إله وحد

برداشت فوق مبتنی بر این است که خود قرآن، با کیفیت و خصوصیات ویژه گیهایش، دلیل بر یگانگی خدا باشد، نه اینکه تنها محتوای آن آموزنده توحید باشد.

۱۰- قرآن برای بیداری و پندپذیری صاحبان خرد ناب نازل گردید .

هذا بلغ للناس .. و ليدكر أولوالألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۹

۹- آیات قرآن ، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمیز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعدی بودن <مبین> است که در لغت به معنای جدا کننده بین دو شیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۴

۴- قرآن ، کتاب یاد و یادآوری و مایه بیداری و هشیاری انسان از غفلت ها و فراموشیهاست .

إنا نحن نزلنا الذكر

نام گذاری قرآن به <الذکر>، احتمالاً به این جهت باشد که قرآن، برای تنبه و مایه بیداری انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۴

۴- قرآن ، کتاب یاد و یادآوری است .

و أنزلنا إليك الذكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۶

۶- قرآن ، برای حضور در عینیت جامعه ،

نیاز به تفسیر و تبیین از سوی عالم به آن دارد .

و ما أنزلنا عليك الكتب إلا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۲

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به رشد و سعادت آدمی و نیازهای هدایتی او

و نزلنا عليك الكتب تبييناً لكل شيء

هر چند <كل شيء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد؛ از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۳

۱۳- قرآن ، عهده دار بیان همه ارزش ها و ضد ارزشهاست .

تبييناً لكل شيء .. إن الله يأمر بالعدل ... و ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى

فرمان به رعایت عدالت و .. تحذیر از فحشا و .. پس از توصیف قرآن به <تبييناً لكل شيء> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد؛ یعنی، قرآن بیانگر تمامی حقایق مربوط به ارزشها و ضد ارزشهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۸

۸- قرآن و نزول تدریجی آیات آن ، مایه تثبیت و تحکیم ایمان مؤمنان است .

نزله .. لیثبت الذين آمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قرآن ، هدایتگر مردمان به خلل ناپذیرترین و استوارترین راهها

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِينَ هِيَ أَقْوَمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۳

۳- آیه های قرآن ، عامل بیداری ، تنبه و پندگیری انسانهاست .

و لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۴،۱۰

۴- قرآن ، شفابخش هرگونه بیماری در انسانهاست .

و نَنْزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ

۱۰- ظالمان نه تنها از رحمت و شفای قرآن بهره ای نمی گیرند ؛ بلکه تنها ، مایه خسران و زیان آنان می شود .

و لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰- تأثیر عمیق آیات قرآن در وجود آگاهان و اندیشمندان

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ .. يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۱

۱- قرآن و تعالیم آن ، قوام بخش و رهبری کننده جامعه بشری است .

أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدَهُ الْكُتُبَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَيِّمًا

<قِيم> به معنای <مقیم> یعنی <برپادارنده و سامان بخش> است. <قِيم القوم> به معنای <مدیر و مدبّر امور قوم> است. (اقتباس از لسان العرب). لازم به ذکر است که قَيِّمًا یا مفعول برای فعل مقدر <جعل> است یعنی: <جعله قَيِّمًا> و یا حال برای <الكتاب>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۳

۵- اهتمامِ قرآن ، به ارائه ترسیمی صحیح از چهره مردان الهی و جریان های بر حق تاریخ و زدایش ابهام از داستان آنان

نحن نقصّ عليك نبأهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۴

۴- قرآن ، جلوه ربوبیت خداوند و برای پیشبرد رسالت پیامبر (ص) است .

کتاب ربّک

کلمه <ربّ> در <ربّک>، گویای این است که قرآن، مایه تربیت و رشد آن حضرت در مسیر ابلاغ پیام الهی است و چون خداوند، مربی پیامبر(ص) است، آن را به وی عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۶

۶- قرآن ، دلیلی روشن بر راستی و درستی دیگر کتاب های آسمانی است .

أولم تأتھم بینه ما فی الصحف لأولی

عنوان <ما فی الصحف الأولی> قرینه است براین که مراد از <بینه>، کتاب آسمانی پیامبر(ص) (قرآن) است که معارفی نظیر معارف دیگر کتاب های آسمانی دارد و به دلیل نزول مستقیم آن از جانب خداوند، برهان صحت معارف آن کتاب ها نیز می باشد.

۱۰- قرآن ، معجزه پیامبر (ص) و دلیل روشن بر اثبات نبوت آن حضرت

أولم تأتھم بینه ما فی الصحف الأولی

بیان^۱ یعنی، وضوح و انکشاف (مصباح). بنابراین <بینه> به چیزی گفته می شود که واضح باشد. ضمیر مذکر که از کلمه <من قبله> (در آیه بعد) به این کلمه بازمی گردد دلالت می کند که از آن برهان و دلیل اراده شده است (کشاف).

۱۱ - نزول قرآن ، پرتو ربوبیت خداوند و وسیله پیشرفت اهداف رسالت

است .

لولا یأتینا بایه من ربّه أولم تأتهم

جمله <أولم تأتهم..> قرآن را مصداق معجزه ای قرار داده که خداوند باید بر پیامبر(ص) نازل می کرد. شمول ربوبیت خداوند بر پیامبر(ص) (ربّه)، به معنای تربیت و رشد پایه ها و ساختار رسالت آن حضرت است.

۱۲- قرآن ، نشانه و دلیلی روشن بر ربوبیت خداوند بر انسان ها است .

بایه من ربّه أولم تأتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۵

۵- آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أولم تأتهم بینه ... و لو أنا أهلکنهم بعذاب من قبله ... فتتبع آیتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۴

۱۴- تأثیر شگرف و فوق العاده قرآن ، در مردم روزگار پیامبر (ص)

أفتأتون السحر

از این که اتهام سحر را به قرآن روا می داشتند، برمی آید که قرآن تأثیری فوق العاده داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲، ۶، ۵

۵- قرآن ، درس آموز و مایه تذکر و پند برای انسان

کتباً فیه ذکرکم

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <ذکر> به معنای <تذکره> و <تذکر< باشد.

۶- قرآن ، مایه شرافت و آوازه انسان و امت اسلام است .

کتاباً فیه ذکر کم

از جمله معانیی که اهل لغت برای واژه <ذکر> بیان کرده اند، <شرافت> و <صیت> (آوازه) است (قاموس المحيط). بنابراین مقصود از <فیه ذکر کم> این است که شرافت و آوازه، در پرتو قرآن و عمل به آن است. گفتنی است مقصود از ضمیر

مخاطب <کم> هم می تواند تمامی انسان ها باشد و هم می شود خصوص امت اسلام باشد که در برداشت، هر دو لحاظ شده است.

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود و پیامبر اسلام (ص)

لقد أنزلنا إليك كتاباً فيه ذكر كم أفلا تعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی بر آوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش؛ یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبر اسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده انسان ها

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است؛ با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۲

۲- قرآن ، عامل بیداری و یادآوری دانستنی های فراموش شده انسان ها و احیاگر فطرت خفته آنان

و هذا ذکر

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار

احراز و به دست آوردن آن است و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است که از امور فطری و دانستنی های خدادادی خویش، غافل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۵

۵- قرآن ، حجّت رسا و پیام بلّغ خدا برای بندگان است .

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلْغًا لِقَوْمٍ عَبْدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۶

۶- قرآن ، خود دلیل آسمانی بودن خویش است .

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ

مفهوم دعوت یاد شده، این است که هر کس در قرآن تدبّر کند، به آسمانی بودن آن یقین پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۵

۵ قرآن ، مایه خیر و برکت بسیار برای انسان های مؤمن

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ

برداشت فوق به خاطر این نکته است که قرآن، برای انسان ها نازل شده است. پس برکات و خیرات این کتاب مبارک هم به انسان ها باز خواهد گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۴

۴ قرآن کریم مایه بیداری و هشجاری انسان

لقد أضلّني عن الذكر

تعبیر از قرآن به <ذکر> که به معنای یاد و یادآوری است مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان -

۴ پیامبر (ص)، وظیفه دار مبارزه گسترده فرهنگی و تبلیغی با جریان کفر و شرک، با محور قرار دادن قرآن

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهاداً کبیراً

مرجع ضمیر <به> به قرینه مقام (یعنی، آیه قبل که از انذار رسول به مردمان سخن گفته است) قرآن کریم است و آمدن مفعول مطلق (جهاداً) و توصیف آن به <کبیراً>، بیانگر گستردگی و بزرگی این جهاد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۳

۳ - آیات قرآن، مایه تذکر آدمیان و بازدارنده آنان از غفلت

و ما یأتیهم من ذکر

برداشت یاد شده با توجه به بکارگیری واژه <ذکر> (مایه تذکر) درباره کتاب های آسمانی استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۳

۳ - قرآن، مظهر ربوبیت خداوند

و إنه لتنزیل رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۲

۲ - قرآن، جلوه علم و حکمت خداوند

و إنک لتلقى القرآن من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱،۲

۱- قرآن ، بیانگر حقیقت بسیاری از مسائل مورد اختلاف بنی اسرائیل ، برای آنان

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقْضَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

۲- تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقْضَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ

الذی هم فیہ یختلفون

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۴ - ۴

۴ - عدم اطلاع پیامبر (ص) از محل و چگونگی داستان نزول تورات بر موسی (ع) پیش از نزول قرآن

و ما کنت بجانب الغربی . . . و ما کنت من الشهدین

از آیه یاد شده استفاده می شود که پیامبر(ص) پیش از نزول قرآن، از کیفیت نزول تورات و محل نزول آن اطلاع نداشته است. این آگاهی تنها از طریق وحی و با نزول قرآن برای او پیدا شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۶

۶ - قرآن ، معیار شناخت حق و باطل در معارف الهی

فلما جاءهم الحق

توصیف قرآن به <حق> می تواند به این خاطر باشد که بشر در شناخت حقایق و معارف الهی (هم چون مبدأ و معاد) دچار خطا نشود و معیاری صحیح در شناخت آنها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتاب یادآوری و پندآموزی است .

أنا أنزلنا علیک الکتب . . . إن فی ذلک لرحمه و ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، از مقام ربوبیت خدا ، نشأت گرفته و دربردارنده معارفی در جهت رشد و کمال انسان است .

تنزیل الکتب . . من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱۱،۱۵

۱۱ - قرآن ، کتاب هشدار و هدایت است .

تنزیل الکتب . . بل هو الحقّ من ربّك لتندر قومًا... لعلّهم یهدون

لام در <لتندر> برای تعلیل است و چون در آیه پیش، سخن از رسالت پیامبر نیست تا تعلیل برای آن باشد، بلکه سخن از نزول قرآن است، بنابراین، تعلیل مربوط به تنزیل قرآن است.

۱۵ - قرآن ، مبنای پیامبری و رسالت پیامبر اکرم (ص) است .

تنزیل الکتب . . هو الحقّ ... لتندر قومًا ... لعلّهم یهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، به عنوان کتاب الهی ، منبعی برای تشریح قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی كتب اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۴

۴ - با آمدن قرآن ، باطل مطلق جایی برای جولان ندارد و نمی تواند بروز و ظهور پیدا بکند .

قل جاء الحقّ و ما یدئی البطل و ما یعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵،۶

۵ - قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و .

مصدقاً لما بين يديه

۶- وحدت و هم سویی تعالیم قرآن ، با تعالیم کتاب های آسمانی پیشین

مصدقاً لما بين يديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۸

۸- نزدیکی و دوری از قرآن ، معیاری برای تعیین ارزش انسان ها و سعادت مندی آنان

ثم أورثنا الکتب .. فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخيرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۲

۲- قرآن ، دلیل صدق و گواه راستی رسالت پیامبر اسلام است .

و القراءان الحکیم . إئتک لمن المرسلین

برخی از مفسران برآنند که میان آیه شریفه و آیه قبل، ارتباط نزدیکی وجود دارد؛ بدین صورت که هر دو آیه درصدد اثبات راستی رسالت پیامبر اسلام(ص) از راه قرآن می باشند؛ منتها این حقیقت در قالب سوگند بیان شده است و انتخاب این قالب، صرفاً برای جلب توجه بیشتر مخاطبان به این امر مهم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۴

۴- قرآن ، کتابی پیروزمند ، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القراءان .. تنزیل العزیز الرحیم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزتمند و رحمت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۲، ۱

۱ - پیامبر اسلام ، وظیفه دار انذار و اخطار به مردم بر پایه تعالیم قرآن

تنزیل العزیز الرحیم . لتندر

۲- تعالیم قرآن ، مبنا و پایه تبلیغ و انذار پیامبراسلام (ص)

تنزیل العزیز الرحیم . لتندر قومًا

<لام> در <لتندر> برای تعلیل و متعلق به <تنزیل..> است. بر این اساس نزول قرآن، برای اخطار به مردم از سوی پیامبر(ص) بوده است و این کتاب، پایه و اساس دعوت آن حضرت بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۵

۵- قرآن ، عامل یادآوری دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها است .

إنما تنذر من أتبع الذکر

<ذکر> به معنای استحضار و یادآوری اندوخته ها و دانستنی ها است. توصیف قرآن به <ذکر> می تواند بدین جهت باشد که این کتاب، یادآور دانستنی های فراموش شده است و یا بیدارگر فطرت خفته انسان هایی است که از دانسته های فطری خود غافل اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۷

۷- قرآن ، کتابی سراسر یاد و یادآوری برای انسان است .

إن هو إلا ذکر

<ذکر> مصدری است که برای بیان مبالغه، وصف برای قرآن قرار گرفته و به معنای تذکر و یادآوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰، ۳، ۶

۳- زندگی انسان ها بدون تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبراسلام ، با خطر ها و آفت های گریزناپذیر رو به رو خواهد بود .

و ما علمنه الشعر .. إن هو إلا ذکر و قرءان مبین . لیندر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که انذار و اخطارِ

مردم به وسیله قرآن و پیامبر اسلام، حاکی از این حقیقت است که بر سر راه انسان ها خطرها و آسیب های بسیار وجود دارد که به وسیله قرآن و پیامبر (ص) شناخته می شود و اگر انسان ها به این امور توجه نکنند، با آنها روبه رو خواهند شد. گفتنی است معنای لغوی <انذار> (اعلام به امری خطرناک و شایسته بر حذر بودن) مؤید همین برداشت است.

۶- تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبر اسلام (ص) ، مایه حیات واقعی انسان ها است .

لینذر من کان حیًّا

۱۰- قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرآن مبین . لینذر ... و یحقّ القول علی الکفرین

از عطف جمله <و یحقّ الحقّ . ..> بر جمله <لینذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۶

۶- وحی الهی و قرآن کریم ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

فالتلیت ذکرًا

نام گذاری وحی الهی و قرآن مجید به <ذکر>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۴

۴- قرآن ، مایه پند انسان ها و بیداری از غفلت ها

و إذا ذکروا لا یدکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۴

۴- قرآن ، یادآور دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

و القراءان ذى الذكر

<ذكر> به معنای

استحضار و یادآوری اندوخته ها و دانستنی ها است. توصیف قرآن به <ذکر> می تواند به این خاطر باشد که این کتاب، یادآور دانستنی هایی است که فراموش شده و یا بیدارگر فطرت خفته انسانی است که از دانستنی های فطری خود غفلت ورزیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۷

۷- قرآن ، یادآور دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

برداشت یاد شده از نام گذاری قرآن به <ذکر> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱۰، ۳

۳- قرآن ، منبع خیر و برکت و موجب رشد و تعالی بشر

كُتِبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكًا

<برکه> به معنای رشد و فزونی است و <مبارک> به چیزی گفته می شود که در آن رشد و فزونی باشد (مفردات راغب). مقصود از مبارک بودن قرآن این است که این کتاب، منبع خیر و برکت و مایه رشد و تعالی برای کسانی است که در آن تدبر کنند و درس بیاموزند.

۱۰- قرآن ، برای بیداری و پندگیری صاحبان خرد ناب است .

كُتِبَ أَنْزَلْنَاهُ .. لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

<لَبَّ> به معنای عقل خالص و خرد ناب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۲، ۱

۱- قرآن ، وسیله یاد و یادآوری انسان ها است .

هَذَا ذِكْر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هَذَا> اشاره به آیات قرآن باشد.

۲- قرآن ، عامل یادآوری

دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

هذا ذکر

<ذکر> به معنای استحضار و یادآوری اندوخته ها و دانستنی ها است. توصیف قرآن به <ذکر>، می تواند به این خاطر باشد که این کتاب یادآور دانستنی هایی است که فراموش شده است. و یا بیدارگر فطرت خفته انسان هایی است که از دانستنی های فطری خود، غفلت ورزیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۱،۶

۱- قرآن ، عامل یادآوری دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها است .

إن هو إلا ذکر

ضمیر <هو> به قرآن بازمی گردد و <ذکر> به معنای استحضار و یادآوری اندوخته ها و دانستنی ها است. توصیف قرآن به <ذکر> می تواند به این خاطر باشد که این کتاب، یادآور دانستنی هایی است که فراموش شده است و یا بیدارگر فطرت خفته انسانی می باشد که از دانستنی های فطری خود غفلت ورزیده است.

۶- انسان ، بدون بهره مند شدن از تعالیم قرآن ، در معرض انواع غفلت ها و نسیان ها است .

إن هو إلا ذکر للعلمین

با توجه به ذکر بودن و مایه یاد و بیداری بودن قرآن برای انسان ها، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۴،۶

۴- قرآن ، جلوه عزت و حکمت خداوند

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

آمدن دو صفت عزت و حکمت خداوند، پس از یادآوری الهی بودن قرآن، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

۶- قرآن ، مایه عزت انسان ها و

آموزنده حکمت به آنان است .

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

تذکر این نکته که قرآن از منشأیی (خدایی) نازل گشته که دارای عزت و حکمت است، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن کتابی عزت آفرین و حکمت آموز برای بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۴، ۱۰، ۸

۸ - تأثیر عمیق و لرزه انداز قرآن ، بر اهل خشیت و خداترسان

کتابا .. تقشعراً منه جلود الذین یخشون ربهم

۱۰ - تأثیر گذاری عمیق و لرزه انداز دل های آماده ، از اوصاف کتاب آسمانی قرآن

کتابا .. تقشعراً منه جلود الذین یخشون ربهم

جمله < تقشعراً منه جلود .. > صفت برای < کتاب > است.

۱۴ - پدید آوردن حالت < خوف و رجا > ، < ترس و آرامش > و < بیم و امید > در انسان ، از آثار قرآن است .

کتابا .. تقشعراً منه جلود الذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم إلی ذکر ا

لرزش یا آرامش اندام و قلب، از آثار توجه به قرآن کریم است و این دو نشانه وجود دو حالت خوف و رجا در انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۵

۱۵ - تنها در سایه کتاب آسمانی قرآن ، هدایت حقیقی و کامل میسر است .

فمن اهتدی فلنفسه و من ضلّ فإِنَّمَا یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۶

۶- قرآن ، مایه عزت انسان ها و آموزنده دانش به آنان

تنزیل الكتب من الله العزيز

تذکر این نکته که قرآن از منشأیی نازل شده که دارای عزت و علم است، (خدا)، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن کتابی عزت آفرین و دانش آموز برای بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۷

۷ - قرآن ، راهنما و هدایتگر اهل ایمان

قل هو للذین ءامنوا هدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۳،۷،۸

۳ - قرآن ، معیار و میزان حق (در میدان باور ها ، روش ها و عملکرد ها)

اللّٰه الذی أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

برداشت یاد شده بر این پایه است که <المیزان> عطف تفسیری بر <الکتاب> و تعبیر دیگری از قرآن باشد.

۷ - دستیابی انسان به حق و عدل ، در پرتو بهره گیری از قرآن و به کارگیری آن

أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

بنابراین که <المیزان> عبارت دیگری از <الکتاب> باشد و با توجه به این که <میزان> ابزار اجرای عدالت است، برداشت یاد شده به دست می آید.

۸ - قرآن ، مرجع حل اختلافات اجتماعی و اعتقادی

و الذین یحاجّون .. أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

طرح حقانیت و میزان بودن قرآن، پس از ذکر اختلافات و مباحثات بی اساس مخالفان، می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۲

۱۲- وحی الهی (قرآن) ، موجب تحکیم حق و نابودی باطل

یَمَحُّ اللَّهُ الْبَطْلَ وَیُحَقِّقُ الْحَقَّ بِکَلِمَتِهِ

<کلمات> می تواند اشاره به وحی و آیات الهی داشته باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴،۹،۱۰

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

كذلك أوحينا إليك روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

۹ - قرآن ، نور الهی در تاریکی های نادانی و موجب هدایت انسان از گمراهی است .

و لكن جعلنه نورًا نهدی به من نشاء من عبادنا

۱۰ - هدایت انسان به وسیله وحی و قرآن ، تابع مشیت الهی است .

نهدی به من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، بیدارکننده آدمیان از غفلت و بی توجهی

أفضرب عنکم الذکر

به کارگیری <ذکر> به جای <قرآن>، حاکی از این است که قرآن، بیدارگر خفتگان و یادآور غافلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۳

۳ - قرآن ، راه حرکت انسان به سوی خداوند است .

و من یعش عن ذکر الرحمن .. لیصدونهم عن السبیل

با توجه به توضیح برداشت قبل و این که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- قرآن ، مایه تذکر و یادآوری برای پیامبر (ص) و قوم آن حضرت است .

و اِنَّهٗ لَذِکْرٌ لِّکَ و لِقَوْمِکَ

۳- قرآن ، بیدارگر فطرت و یادآور باور ها و شناخت های فطری انسان ها است .

و اِنَّهٗ لَذِکْرٌ

۴- قرآن ،

موجب عظمت و آوازه نام پیامبر (ص) و قوم عرب *

و إینه لذكر لك و لقومك

برداشت یاد شده با توجه به دو احتمال زیر است: الف) مراد از <ذکر> بلندآوازی و شهرت نام باشد؛ ب) مقصود از <قوم>، قوم عرب باشد که در پرتو قرآن توانستند به قدرت و بلندآوازی دست یابند.

۵ - عظمت مسلمانان در پرتو تعالیم وحی و قرآن *

و إینه لذكر لك و لقومك

مقصود از <قوم>، ممکن است امت پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۸

۸- قرآن ، وسیله ابلاغِ انذارها و هشدارهای الهی به مردم

و الکتب المبین . . . إنا کنا منذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۱،۶

۱ - قرآن و دین ، مظهر بصیرت و بینش برای خلق

هذا بصائر للناس

<هذا> اشاره به قرآن و یا اشاره به دین است که از <الأمر> در دو آیه قبل استفاده می شود. اطلاق <بصائر> بر قرآن و دین از قبیل <زید عدل> مبالغه را افاده می کند.

۶ - روشنگری های قرآن ، مایه هدایت و رحمت برای جویندگان یقین

بصائر . . . و هدی و رحمه لقوم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۲

۲- قرآن ، درصدد تحریک مشرکان ، برای اندیشیدن به پوچی و ناتوانی معبود های دروغینشان

قل أرأیتم ما تدعون من دون الله أرونی ماذا خلقوا

تعبیر <أرأیتم> چه به معنای <أخبرونی> باشد و چه به معنای سؤال از نگریستن؛ دعوت برای اندیشیدن

در ماهیت پوچ بت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱- قرآن ، وسیله هدایت و راه یابی انسان به حقیقت

و اذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا إفك قديم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۷۸

۷- قرآن و محتوای آسمانی آن ، کافی برای اثبات حقانیت رسالت پیامبر (ص)

صرفنا إليك .. يستمعون القرآن ... إنا سمعنا كُتُبًا أنزل من بعد موسى ... يهدى

برداشت بالا با توجه به دو نکته است زیر استفاده شده است: ۱ مؤمنان پیشتاز جن، فقط با استماع قرآن به آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) پی بردند ۲ در مقام دعوت قوم، باز بر محتوای پیام قرآن تکیه نمودند نه بر معجزه و نظائر آن.

۸- قرآن ، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیشین

كُتُبًا أنزل من بعد موسى مصدقًا لما بين يديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۵

۱۵- قرآن و انذار های بیدارگرانه آن ، اتمام حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خبر برای <هذای مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۹

۹- قرآن ، حقایق و قوانینی در جهت رشد و تکامل بشر

و هو الحقّ من ربّهم

با توجه به این که ضمیر <هو> به <ما نزل..> (قرآن) بازمی گردد؛ از تعبیر <من ربّهم> استفاده می شود که قرآن نشأت یافته از مقام ربوبیت خدا و

در جهت رشد و تکامل انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۵

۵- قرآن ، دلیل روشن از جانب خدا ، در جهت رشد و کمال آدمیان *

أفمن كان على بينة من ربه

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از <بینه>، قرآن باشد. در این صورت تعبیر <من ربه> می نمایاند که قرآن، از جایگاه ربوبیت و به هدف رشد و تربیت خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۳

۳- قرآن ، کتاب هدایت و مایه تقوا برای حق پذیران *

و الذين اهتدوا زادهم هدى و آتاهم تقويهم

ممکن است گفته شود: فاعل <زاد> قرآن است که به قرینه <يستمع إليك> از آیه قبل استفاده می شود زیرا عمده و اساس سخنان پیامبر(ص) قرائت آیات وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۶۸،۹

۶- قرآن ، مایه تذکر و هشدار آدمیان

فذکر بالقرآن

۸- قرآن ، محور اساسی تبلیغ و رسالت پیامبر (ص)

فذکر بالقرآن

۹- لزوم محور قرار دادن قرآن ، در تبلیغ دین و هدایت خلق

فذکر بالقرآن

هر چند آیه شریفه خطاب به پیامبر(ص) است، اما تکلیف استفاده از قرآن و محور قرار دادن آن در امر تبلیغ، دارای ملاک عام است و اختصاصی به شخص پیامبر(ص) ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۴

۴ - دلایل حقانیت قرآن، متجلی در متن آن برای حق جویان

أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ

<بل لایؤمنون> یعنی، اینان نمی خواهند ایمان بیاورند و گرنه حقانیت قرآن و الهی بودن آن، بدان اندازه پنهان نیست که آنها درک نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۶

۶ - قرآن ، ستاره هدایت برای انسان ها *

و النجم إذا هوی

در صورتی که مراد از <نجم> قرآن باشد، اطلاق <نجم> بر قرآن می تواند به منظور مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۱

۱ - قرآن و پیامبر (ص) ، بیم دهنده ای از زمره بیم دهندگان گذشته تاریخ

هذا نذیر من النذر الأولى

<هذا> هم می تواند به پیامبر(ص) و هم به قرآن اشاره داشته باشد. در برداشت بالا، هر دو احتمال رعایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۲

۲ - پیام های قرآن و وحی ، زداینده غفلت و غرور کاذب از آدمیان

أفمن هذا الحدیث تعجبون .. و أنتم سمدون

توییخ کافران به خاطر غفلت زدگی آنان و ناباوری به مفاهیم قرآن، می رساند که اگر آنان به قرآن گوش جان فرا دهند، از غفلت و غرور بیرون خواهند آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۶

۶- اعتراف ضمنی کافران ، به تأثیر شگرف و خارق العاده قرآن و معجزات پیامبر (ص)

و إن یروا آیه . . . و یقولوا سحر مستمرّ

وصف <سحر مستمرّ> گرچه در مقام تنقیص بیان شده؛ اما به طور غیر

مستقیم به تأثیر خارق العاده کارها و گفته های اعجازی پیامبر(ص) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۳

۳ - پیام های حکیمانه و رسای قرآن ، اتمام حجت الهی بر خلق

و لقد جاءهم .. حکمه بلغه

برداشت فوق با توجه به این است که آیه قبل از <و لقد جاءهم..> در مقام بیان علت مجازات کافران و اتمام حجت بر ایشان بود بر این اساس می توان از <حکمه بالغه...> که بدل از <ما فیه...> است مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسرنا القرآن للذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- قرآن ، کتاب تذکار ، یاد آور خدا و بیانگر اوصاف و آیات عظمت و کبریایی او

أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحقّ

مراد از <ما نزل من الحقّ> در آیه شریفه، قرآن کریم است. برخی از مفسران برآنند <ذکرالله> نیز در توصیف قرآن آورده شده

است. برداشت بالا براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۴

۴ - آیات قرآن ، پیامدار خشیت از خدا برای خلق

لو أنزلنا هذا القرآن .. متصدّعا من خشية الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۴

۴ - رهنمود ها و معارف قرآن ، همچون نور خود روشن و روشنایی بخش حیات بشر و روشنگر حقایق است .

والنور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۰ - ۱۰، ۹

۹ - قرآن ، مایه تذکر و بیداری انسان ها

قد أنزل الله إليكم ذكرا

مطلب یاد شده، از نام گذاری قرآن به <ذکر> استفاده شده است.

۱۰ - انسان ، بدون آشنایی با تعالیم قرآن ، از بسیاری از حقایق در غفلت و فراموشی به سر خواهد برد .

قد أنزل الله إليكم ذكرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۱، ۶، ۵

۵ - پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها) در پرتو تعالیم قرآن

کریم

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

۶- انسان ها ، بدون تعاليم دين و آموزه های قرآن ، گرفتار انواع ظلمت ها و گمراهی هايند .

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

تأكيد خداوند بر اين مطلب كه قرآن، رهایی بخش انسان ها از ظلمت ها و هدايت به نور است / می رساند كه بدون تمسك

به این کتاب، امکان رهایی برای بشر نخواهد بود زیرا اگر راه دیگری ممکن بود خداوند آن را به بشر ارائه می کرد.

۱۱ - سنت پیامبر (ص)، همگام و همتراز قرآن، در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

ليخرج الذين آمنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و هدایت آنان به نور ایمان، هدفی دائمی است. از سوی دیگر پیامبر(ص) همچون سایر انسان ها، از دنیا خواهد رفت. بنابراین تنها سنت آن حضرت، می تواند همواره چنین نقشی را ایفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۴

۴ - قرآن، مایه تذکر و بیداری انسان ها است .

الذکر

مقصود از <ذکر>، قرآن است و نام گذاری قرآن به آن، مفید مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۲ - ۱

۱ - قرآن، مایه تذکر و بیداری جهانیان است .

و ما هو إلا ذکر للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۳ - ۶

۶ - نزول قرآن، در جهت تربیت بشر است .

تنزیل من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۱

۱- قرآن ، کتابی است بیداربخش و پندآموز .

وَإِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ -

۱- قرآن ، زداینده غفلت ها و مایه یادآوری و بیداری انسان ها

إِنَّ هَذِهِ تَذَكْرَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۲،۳

۲- قرآن ، کتابی است بیدارگر و پندآموز برای بشر .

إِنَّهُ تَذَكْرَةٌ

مطابق نظر مفسران، ضمیر <إِنَّهُ> به قرآن بازمی گردد.

۳- قرآن ، در بیدارگری و پندآموزی ، بهترین و جامع ترین کتاب است .

إِنَّهُ تَذَكْرَةٌ

تنکیر <تذکره> برای تعظیم است. بر این اساس می توان گفت: عظیم بودن تذکار قرآن، بیانگر عظمت و برتری این کتاب، از نظر پندآموزی و بیدارگری، نسبت به دیگر کتاب ها و نیز جامعیت آن در این عرصه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۷

۷- تصحیح بینش بشر درباره جهان و انسان ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۱،۲،۷

۱- قرآن ، زداینده غفلت ها و وسیله یادآوری و بیداری انسان ها است .

إِنَّ هَذِهِ تَذَكْرَةٌ

>هذه<، به مجموع آیاتی اشاره دارد که تا کنون یاد شده است.

۲- قرآن، یادآور نیازهای بشر و تأمین کننده آن است.

إِنَّ هَذِهِ تَذَكْرَةٌ

واژه <تذکره> در بیشتر لغت نامه ها چنین معنا و تعریف شده است: <مَا يُسْتَذَكَّرُ بِهِ الْحَاجَةُ> (چیزی که بهوسیله آن نیازها خاطر نشان می شود و انسان همواره آن را به یاد دارد و فراموشش نمی کند) (ر. ک: قاموس، صحاح، تاج العروس و لسان العرب). بر این اساس می توان استفاده کرد

که قرآن، نیازهای انسان ها را بدان ها یادآور شده است؛ بگونه ای که آن را همواره در خاطر دارد و در واقع آنها را تأمین خواهد کرد.

۷- با ارائه قرآن به انسان ها ، حجت الهی بر آنان تمام است .

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

خداوند، با ارائه آیات قرآن که مایه بیداری و تذکار است (هذه تذکره) حجتش را بر آدمیان تمام کرده و این انسان است که باید راه دین را، طریق زندگی خویش قرار دهد (اتخذ إلى ربّه سبیلًا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۲

۲- دین و تعالیم قرآن ، رحمت الهی برای انسان ها

يدخل من يشاء في رحمة

مفسران برای <رحمت> در این آیه، دو مصداق ذکر کرده اند: ۱. دین و پیمودن راه خدا (به قرینه <من اتخذ إلى ربّه سبیلًا>)؛ ۲. بهشت (به قرینه بخش آخر این آیه که عذاب دوزخ در آن مطرح شده است). گفتنی است، برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۳

۳- کتاب های آسمانی و قرآن ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

فالملقیة ذکراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) و قرآن ، برهانی روشن بر لزوم دست کشیدن اهل کتاب و مشرکان از کفر و شرک خویش

حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ . رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مَطْهُرَةً

- آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۵،۶

۳ - وجود معارف استوار و قوام بخش در قرآن، نشان تمام بودن حجت بر کافران با ابلاغ آن از سوی پیامبر (ص) است.

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَاتُ . رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ ... فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ

۵ - اهل کتاب و مشرکان، ملزم به ترک کفر خویش، پس از ابلاغ معارف استوار و قوام بخش قرآن به آنان

لَمْ يَكُنْ ... مَنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ... فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ

۶ - بعثت پیامبر (ص) همراه با قرآن، تحقق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لَمْ يَكُنْ ... مَنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَاتُ . رَسُولٌ ... فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادعای کافران دانسته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۸

۸ - پیامبر (ص) و قرآن، در ادعای واهی و نادرست اهل کتاب و مشرکان، مصداق < بینه > نبوده و برهان درخواستی آنان را تأمین نمی کردند.

لَمْ يَكُنْ ... مَنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ... وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكُتُبَ إِلَّا

این آیه، تسلای خاطری است برای پیامبر(ص) در برابر کافرانی که حتی پس از مشاهده آن حضرت و قرآن، هنوز خود را منتظر <بینه> قلمداد می کردند و بیان می کند که در گذشته نیز کافران همین رویه را داشتند و آمدن بینه برای آنان اثری نداشت.

نقش قرآن در

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۵

۵ - تأثیر شگرف قرآن و معجزات الهی بر مردم عصر بعثت

و قالوا إن هذا إلا سحر مبين

از سحر دانستن قرآن و معجزه الهی، برداشت یاد شده به دست می آید.

نقش کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۳

۳ - محدود بودن ثبت و ابلاغ قرآن به سفیران خداوند، تضمین کننده پاکی و پیراستگی آن از هر گونه خطا و باطل

مطهره . بآیدی سفره

عبارت <بآیدی سفره>، ممکن است متعلق به <مطهره> باشد؛ بر این اساس عامل تطهیر قرآن از خطا و باطل، آن است که تنها دستان سفیران الهی آن را ثبت و ابلاغ می کند و دیگران از دسترسی به آن ناتوان اند.

نقش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۴

۴ - تکذیب کنندگان قرآن و منکران معاد، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بما یوعون

به قرینه آیات پیشین که درباره نامه های اعمال بود می توان گفت: مراد از <وعاء> در <یوعون>، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

نوآوری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۵

۵- قرآن ، حاوی تعالیمی نو و جدید در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی است .

ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث

<محدث> به معنای

چیز جدید و نواست و در آیه شریفه، صفت برای <ذکر> می باشد. توصیف قرآن به جدید و نو بودن، می تواند به اعتبار نزول آیات جدید باشد هم چنین می تواند به اعتبار جدید بودن مجموعه آیات قرآن و تعالیم آن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی باشد. برداشت یاد شده براساس فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۳

۳ - قرآن ، سخنی نو و در عین حال به دور از مطالب نامعقول و غیرقابل قبول

أفمن هذا الحديث تعجبون

مشارالیه <هذا>، می تواند قرآن باشد. در این صورت واژه <الحديث> اشاره به نو بودن آن دارد. نفی اعجاب و استبعاد که از استفهام توییخی استفاده می شود می رساند که قرآن در اوج نو بودن، منطقی و قابل درک و فهم است.

نور بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۵

۵ قرآن ، نور خداست .

یریدون أن یطفئوا نور الله

نورانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۵

۲۵ قرآن سراسر نور و روشنگر راه رستگاری است .

فالدین .. اتبعوا النور الذی أنزل معه أولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۹

۹- قرآن ، نور الهی در تاریکی های نادانی و موجب هدایت انسان از گمراهی است .

و لکن جعلنه نورًا نهدي به من نشاء من عبادنا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۴

۴ - رهنمود ها و معارف قرآن ، همچون نور خود روشن و روشنایی بخش حیات بشر و روشنگر حقایق است .

والنور

نیاز به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۳

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحق> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حق> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، هدفمند و کاری شایسته و لازم برای بشر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۳

۳ - نیاز بشر ، به تذکار های الهی و تعالیم قرآن کریم

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرٌ

وارثان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ - انتخاب مسلمانان برای وراثت قرآن و بهره مند شدن از آموزه های آن ، فضل بزرگ خداوند به آنان است .

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا .. ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <ذلك> به <اصطفاء> و <ایراث کتاب> (مستفاد از جمله <أورثنا الكتاب الذین اصطفینا>) اشاره داشته باشد.

واسطه نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۰

۱۰ برای نزول قرآن بر پیامبر (ص

(، میان او و خداوند واسطه ای وجود داشته است .

و الذى أنزل إليك من ربك الحق

فاعل <أنزل> در عبارت فوق نمی تواند خداوند فرض شود ؛ زیرا در این صورت صحیح آن بود که گفته می شد: <و الذى أنزل ربك إليك الحق> و یا <الذى أنزل إليك الحق> ؛ یعنی، آن گاه که فاعل حذف شود و فعل به صورت مجهول آورده شود، نباید در عبارت اشاره به فاعل شود. بنابراین فاعل <أنزل> شخصی دیگر (جبرئیل یا ...) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۴

۴ برای نزول قرآن میان خدا و پیامبر (ص) واسطه ای وجود داشته است .

أنما أنزل إليك من ربك الحق

دلیل این برداشت در آیه اول از همین سوره گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۰ - ۲

۲ - اتهام مشرکان به پیامبر (ص) ، مبنی بر دریافت قرآن از شیاطین

و ما تنزلت به الشیطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۱

۱ - پاسخ کوبنده و موضع گیری سخت خداوند ، در برابر مدعیان دخالت شیاطین در نزول قرآن

هل أتبئکم على من تنزل الشیطين

اصرار و تأکید خداوند بر ردّ گفتار و اتهام های مشرکان به قرآن و پیامبر(ص)، بیانگر مطلب یاد شده است.

واقعیة قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - داستان های قرآن ، برگرفته شده از واقعات های تاریخی

است .

نقَصَّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ

<نبأ> به معنای خیر است و <ما قد سبق> یعنی، آنچه که محققاً در گذشته اتفاق افتاده است؛ نه آن که تخیلات و امور غیر واقعی باشد.

وجوه اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۷

۷- اخبار از حوادث و رخداد های آینده ، جلوه ای از اعجاز قرآن

إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا .. كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ ... قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنْ أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - نمایاندن معجزه به مؤمنان ، از جمله اهداف الهی در پیشگویی و اخبار از حقایق آینده

وَعَدَكُمْ اللَّهُ .. وَ لَتَكُونَ ءَايَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

اسم <لتكون..> وعده های الهی و پیشگویی او است که از <وعدكم الله> استفاده می شود؛ یعنی، خداوند از گفتن این اخبار غیبی و این وعده ها، اهداف گوناگونی را دنبال می کند که یکی از آنها معجزه نمایی است.

وحدت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۵

۵- قرآن ، در أم الكتاب (لوح محفوظ) ، دارای حقیقتی واحد و بسیط

وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ .. حَكِيمٌ

<حکیم> به معنای محکم است و <محکم> به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی

ناگسستی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در اُمّ الكتاب به <محکم> با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات، آیات و سوره های مفصل و

مجزا از یکدیگر است اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در اُمّ الكتاب، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

و حیانت الفاظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۶ - ۹

۹ - الفاظ قرآن ، همچون محتوای آن ، نازل شده از سوی خداوند است .

نتلوها علیک بالحقّ

با توجه به کلمه <تلاوت> و اسناد آن به خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

و حیانت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۴، ۱

۱ - قرآن کتابی است که خداوند ، آن را بر پیامبر خویش نازل کرده است .

مما نزلنا علی عبدنا

۱۴ - آسمانی بودن قرآن حتی در نظر مخالفان رسالت ، امری روشن بود .

إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - عالمان یهود در عصر پیامبر (ص) ، به الهی بودن قرآن آگاهی کامل داشتند .

و هم یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول <یعلمون> به قرینه <یسمعون کلام الله> الهی بودن کلامی باشد که برای آنان قراءت می شده است، یعنی: <و هم یعلمون ان الذی یسمعونه کلام الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است ارجمند و با عظمت و نازل شده از پیشگاه خداوند

و لما جاءهم کتب من عند الله

نکره آوردن <کتاب> و تصریح به اینکه از نزد خدا آمده است، دلالت بر عظمت و

ارجمندی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۵،۶

۵ - قرآن ، کتابی که خداوند آن را نازل کرده است .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ .. أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ

۶ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت پرهیز از کفر ورزی به قرآن و پست بودن هر چیزی در مقابل از دست دادن آن ، است .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

تعبیر کردن از قرآن به <ما> و توصیف آن به <أنزل الله> بیانگر علت و دلیل حکمی است که در فراز قبل بیان شد؛ یعنی، چون قرآن کتابی است نازل شده از جانب خدا، کفر به آن موجب می شود هر چیزی که در مقابل از دست دادن آن دریافت شود، پست باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۴،۵،۸،۹

۴ - قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا .

ءامنوا بما أنزل الله

مراد از <ما> در <ما أنزل الله> (آنچه خدا فرو فرستاده است) قرآن می باشد.

۵ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت ایمان آوردن به آن

ءامنوا بما أنزل الله

توصیف قرآن به اینکه خدا آن را فرستاده است، اشاره به علت لزوم ایمان (ءامنوا) دارد.

۸ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به آسمانی بودن قرآن و معترف به الهی بودن آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

چنانچه یهودیان آسمانی بودن قرآن را باور نداشتند در پاسخ به دعوت پیامبر(ص) (ءامنوا بما أنزل الله) به آنچه خدا فرو

فرستاده ایمان آورید)، اظهار می داشتند که: قرآن از جانب

خدا نیست. اعراض از چنین پاسخی، گویای اطمینان ایشان به آسمانی بودن قرآن و اعتراف ضمنی آنان به الهی بودن آن است.

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۳

۳ - الهی بودن قرآن و احکام اسلام ، دلیل لزوم پیروی از آن است .

اتبعوا ما أنزل الله

مراد از <ما> در <ما أنزل الله> قرآن و احکام دین است. توصیف آنها به اینکه از ناحیه خداست - پس از فرمان به پیروی از آنها (اتبعوا) - به علت و دلیل لزوم پیروی اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۱

۱ - خداوند ، نازل کننده کتاب های آسمانی (تورات ، انجیل ، قرآن و ...)

ذلك بأن الله نزل الكتب

<ال> در <الكتاب> برای جنس است و <الكتاب> شامل همه کتابهای آسمانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ پیامبر(ص)، موظف به اعلام وحی شدن قرآن به خویش و بیان اهداف نزول آن

و أوحى إليّ هذا القرآن لأنذركم به و من بلغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۲

۲ قرآن کتابی گرانسنگ و نازل شده از جانب خداوند است.

و هذا کتب أنزل نه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۱،۶

۱ قرآن کتابی نازل شده از جانب خداوند

هذا کتب أنزل نه

مشارالیه <هذا>، به دلیل آیات بعد، <قرآن> است.

۶ الهی بودن قرآن و پر برکت بودن آن دلیل لزوم پیروی از آن است.

هذا کتب أنزل نه مبارک فاتبعوه

حرف <فا> در <فاتبعوه> سبیه است. بنابراین دلالت می کند که حقایق بیان شده در جمله قبل علت لزوم پیروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۵

۵ قرآن کتابی روشن و روشنگر و نازل شده از جانب خدا

فقد جاء کم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۱،۳

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، با عظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

کتب أنزل إلیک

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

۳ باور به آسمانی بودن قرآن، از میان برنده هرگونه نگرانی از نارسائی آن برای هدایت مردم

فلا یکن فی صدرک حرج منه

توصیف قرآن به <أنزل> و سپس نهی از نگرانی درباره آن (منه)، ممکن است ناظر به این باشد که قرآن برای انذار و تذکر کافی است و از این ناحیه جایی برای نگرانی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۱

۱ قرآن ، کتابی از جانب خداوند و ارجمند و گرانقدر

و لقد جننهم بکتب

مراد از <کتاب> قرآن کریم است که به صورت نکرده آورده شده تا اشاره به عظمت و والایی آن باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۶

۶ قرآن ، به تمامی ، وحی و نازل شده از جانب خداست ، نه ساخته دست بشر

قل إنما أتبع ما يوحى إليّ من ربّی

حصر در جمله <انما أتبع .. > ناظر به اتهام مشرکان و رد پندار آنان است. یعنی من در ارائه آیات قرآن تابع وحی هستم، نه اینکه از پیش خود آنها را بسازم و یا از این سو و آن سو جمع آوری کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۳

۳ قرآن ، کلام خداست .

حتى يسمع كالم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ پیامبر اکرم (ص) ، کلام خدا (قرآن) را از راه وحی دریافت می کرد .

أنت بقرءان غیر هذا .. إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱۱،۱

۱ قرآن کتابی است که نسبت ساختگی و غیر الهی بودن را ، نه در شکل و نه در محتوا ، نمی پذیرد .

و ما كان هذا القرءان أن يفتری من دون الله

نفی صفت افترا و ساختگی بودن از قرآن با به کارگیری <ما كان > که برای نفی شأن و استعداد است بیانگر این حقیقت می باشد که: در قرآن چه در شکل و چه در محتوای آن هیچ نشانه ای که حاکی از غیر

الهی بودن آن باشد، وجود ندارد.

۱۱ قرآن ، کتابی است الهی .

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۳

۳ قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خداوند .

قد جاء تکم موعظه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۲

۲ قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا و خوانده شده بر پیامبر (ص) .

و ما تتلوا منه من قرآن

برداشت فوق از عود ضمیر <منه> به خداوند و از تنکیر قرآن که مصدر به معنای مفعول است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۸

۱ قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است .

مما أنزلنا إلیک

۸ قرآن ، کتابی حق ، میرا از پندار ها ، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاء ک الحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۷

۷ قرآن ، کتابی است از ناحیهء خداوند .

کتاب ... من لدن حکیم خبیر

((من لدن ...)) می تواند هم قید برای ((فصلت)) و ((أُحکمت)) باشد و هم می تواند قید برای کتاب گرفته شود. بنابراین آیه شریفه دلالت می کند که قرآن از ناحیهء خداوند حکیم و خبیر است و اتقان و تبیین آیاتش نیز از جانب اوست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ آیه های قرآن ، حقایقی که از طریق وحی به پیامبر (ص) نازل می شد .

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۲۸

۲ قرآن ، کتابی از ناحیه خدا و جلوه ای از علم اوست .

فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلُ بِعِلْمِ اللَّهِ

۸ لزوم تسلیم شدن در برابر خدا و پذیرش اسلام و توحید و الهی بودن قرآن

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ .. فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

استفهام در جمله <فهل أنتم...> استفهامی است که به داعی امر و ترغیب ایراد شده است یعنی: فاسلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ قرآن ، کتابی از ناحیه خداوند و پرتوی از ربوبیت اوست .

إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۸

۸ خداوند ، قرآن و داستان های آن را از طریق وحی در اختیار پیامبر (ص) قرار می داد .

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ .. بِمَا أُوحِيَنا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ

حرف <باء> در <بما أوحینا> سببیه است و <ما> در آن مصدریه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۶

۶ قرآن ، بسی فراتر از آن است که بافته شده و ساخته بشر باشد .

ما کان حدیثاً یفتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۳، ۷

۷ قرآن ، کتابی از

ناحیه خدا و نازل شده بر پیامبر (ص)

و الذى أنزل إليك من ربك الحق

۱۳ بیشتر مردم به الهی بودن قرآن و نزولش از ناحیه خداوند ایمان نمی آورند .

الذى .. من ربك الحق ولكن أكثر الناس لا يؤمنون

از حقایقی که جمله <الذى أنزل ..> گویای آن است الهی بودن قرآن می باشد (من ربك). از این رو این حقیقت نیز متعلق <لا يؤمنون> می باشد ; یعنی: <لا يؤمنون بأن القرآن من ربك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۲،۵،۶

۲ قرآن ، کتابی از ناحیه خداوند و نازل شده بر پیامبر (ص)

أنما أنزل إليك من ربك الحق

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

۶ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را پذیرفته اند ، عالم و بصیرند .

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۵،۸

۵ قرآن حقیقتی که خداوند آن را با وحی بر پیامبر (ص) نازل کرد .

لتتلوا عليهم الذى أوحينا إليك

۸ قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) پرتوی از رحمت گسترده خداوند است .

و هم يكفرون بالرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند بر پیامبر (ص) نازل شده است .

کتب أنزلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱

۱- قرآن ، ابلاغ پیام خداوند به مردم است .

هذا بلغ للناس

مفسران درباره مشارالیه <هذا> سه احتمال ذکر کرده اند: آیات اخیر که درباره وضعیت بد دوزخیان است؛ آیات همین سوره؛ قرآن کریم. برداشت فوق مبتنی بر احتمال سوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۱

۱- قرآن ، بی هیچ تردیدی تنها از جانب خداوند نازل شده است .

إنا نحن نزلنا الذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳، ۲

۲- منکران عالم آخرت ، منکر نزول قرآن از جانب خداوند بودند .

فالدین لایؤمنون بالأخره ... إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین

رفع <أساطیر> به خاطر خبر برای مبتدای محذوف بودن (<المنزل> یا <الذی یسئل عنه>) است که مراد از آن قرآن می باشد.

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فالدین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون ... و إذا قیل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۱

۱- قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

و ما أنزلنا عليك الكتاب

<ال> در <الکتاب> عهد ذهنی بوده و مراد از آن قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۲

۲- آیات ناسخ و منسوخ ، همه از جانب پروردگار نازل

شده است .

قل نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۴،۱۰

۴- پیامبر (ص) در ارائه کتابی به نام قرآن ، از هیچ انسانی کمک نگرفته است .

نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ .. و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلمه بشر

۱۰- نسبت دادن قرآن به بشر ، نسبتی ناروا و دور از حق است .

لسان الذي يلحدون إليه أعجمي

در مفهوم <الحاد> انحراف از حق نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۳

۳- قرآن ، حاوی حقایق ، آموزه ها و معارفی است که انس و جن هرگز توان دست یافتن به آن حقایق را ، بدون وحی پیدا نخواهند کرد .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ على أن يأتوا بمثل هذا القرآن لا يأتون .. ظهيرا

ناتوانی انسانها و جنیان از آوردن همانندی برای قرآن، مطلق است و شامل معارف و آموزه های آن نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۹

۹- مشرکان مکه ، نسبت به آسمانی بودن قرآن و رسالت الهی پیامبر (ص) بی اعتقاد بودند .

أو ترقى في السماء و لن نؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتابا نقرؤه

از اینکه آنان، نامه و کتابی را از پیامبر(ص) خواستند که خود از آسمان آورده باشد، حکایت از آن دارد که: قرآن را که به صورت وحی بر آن حضرت نازل می شده است قبول نداشتند.

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۲،۳

۲- قرآن ، مجموعه ای الهی و غیر قابل تصرف و چشم پوشی ، حتی از کمترین بخش آن

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

با توجه به مضامین آیات ۸۸ و ۹۳، که در آنها درخواست مشرکان درباره نزول قرآن به صورت مکتوب مطرح شده بود، ممکن است این آیه پاسخی باشد به آنان که حقایق قرآنی با اقتراحات تغییر نمی یابد.

۳- قرآن از آمیختگی به غیر کلام وحی میرا بوده و سلامت آن از سوی خداوند ، تضمین شده است .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

جمله <و بالحقّ نزل> می تواند بیانگر کیفیت نزول قرآن باشد؛ یعنی، نزول قرآن بر پایه حق بود و هرگز با باطل و ناصواب آمیخته نشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۳

۳- قرآن کتابی وحی شده به پیامبر (ص) از جانب خداوند است .

واتل ما أحي إلیك من كتاب ربك

حرف <من> در <من کتاب ربك> برای تبیین است و گویای این که آنچه وحی شده است، همان کتاب خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۱

۱- خداوند ، قرآن را بر پیامبر (ص) نازل کرده است .

ما أنزلنا علیك القرآن لتشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۱

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت

<تنزیلاً> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن>

در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند ، با بیانی فصیح و روشن

و كذلك أنزلناه قرءاناً عربياً

<عربیّاً> یا به معنای فصیح و روشن می باشد (مفردات راغب) و یا گویای انتساب به عرب زبانان است (لسان العرب). برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ - قرآن ، سراسر وحی الهی است .

من قبل أن یقضی الیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن ، پرتو ربوبیت خداوند و وسیله پیشرفت اهداف رسالت است .

لولا یأتینا بآیه من ربّه أولم تأتھم

جمله <أولم تأتھم..> قرآن را مصداق معجزه ای قرار داده که خداوند باید بر پیامبر(ص) نازل می کرد. شمول ربوبیت خداوند بر پیامبر(ص) (ربّه)، به معنای تربیت و رشد پایه ها و ساختار رسالت آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱

۱ - قرآن ، کتاب آسمانی فرستاده شده از سوی خداوند

لقد أنزلنا إلیکم کتاباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۳

۳- قرآن ، حقیقتی نازل شده از جانب خداوند

هذا ذکر مبارک أنزلنه

مشارالیه <هذا> قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است

نازل شده از جانب خداوند .

أَنْزَلْنَاهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۸

۸ - قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خداوند .

أَنَّه الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

قد كانت آیتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۳

۳ - تأمل در آیات قرآن ، زداینده هر گونه تردید در الهی و آسمانی بودن آن

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از سوی خداوند

بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر اسلام (ص)

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

از دیدگاه بیشتر مفسران مقصود از <فرقان> در آیه شریفه قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۴

۴ قرآن ، از سنخ اسرار نهفته در عالم آفرینش است که نزول آن ، تنها از سوی خداوند دانای به اسرار امکان پذیر است . *

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

ربط بین نزول قرآن و علم به اسرار، می تواند گویای این نکته باشد که این کتاب از ساخته های دست بشر نیست؛

بلکه جزء اسرار عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَلَمِينَ

مراد از ضمیر در <إِنَّهُ>، می تواند قرآن باشد و یا بیان سرگذشت امت های کفرپیشه تاریخ باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، دریافت کننده قرآن از جانب خداوند

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۴

۴ - قرآن و تورات ، دو کتاب آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

فَأْتُوا بَكْتَبٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا

ضمیر <هما> در <منهما> به تورات و قرآن بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۱

۱ - قرآن ، سخن آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

و لقد وَّصَّلنا لهم القول

برداشت یاد شده، با توجه به اسناد فعل <وصل> به ضمیر <نا> (خداوند) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند و جلوه ربوبیت او

إنَّه الحقّ من ربّنا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی القا شده از سوی خداوند به پیامبر (ص)

و ما کنت ترجوا أن یلقى إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

عن آیت الله بعد إذ أنزلت إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند ، بر پیامبر (ص) وحی شده است .

اتل ما أوحى إلیک من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن و انجیل و تورات ، کتاب های نازل شده از سوی خداوند است .

ءامنًا بالذی أنزل إلینا و أنزل إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است که از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص) نازل شده است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۲

۲ - قرآن ، از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص) نازل شده است .

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۱،۲

۱ - بی تردید ، قرآن ، از

سوی خداوند نازل شده است .

تنزیل الكتب لاریب فیه من ربّ العلمین

<تنزیل> مصدر به معنای مفعول است و اضافه آن به <الكتاب> از باب اضافه صفت به موصوف است. بنابراین، معنای آیه، چنین می شود: <این، آن کتاب نازل شده ای است که شبهه ای در آن نیست>.

۲- قرآن ، کتابی است که از سوی پروردگار جهان ، نازل شده است .

تنزیل الكتب . . من ربّ العلمین

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که <تنزیل> مبتدا و <لاریب> خبر باشد. لازم به گفتن است که <ال> در <الكتاب> برای عهد است و به قرآن کریم، اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۶

۶- قرآن ، حقّ محض و نازل شده از جانب خداوند است .

بل هو الحقّ من ربّك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۲

۲- قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و یری الذین أوْتوا العلم الذی أنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

مراد از <الذی أنزل إلیک> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۷

۷- قرآن ، کتاب حقی است و ساخته دست بشر نیست .

قالوا ما هذا إلاّ إفک مفترى . . قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب آسمانی و

وحی الهی به پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و القراءان .. تنزیل العزیز الرحیم

<تنزیل> مفعول مطلق برای فعل محذوف و به تقدیر <نزل تنزیلاً من العزیز الرحیم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ - محتوا ، شیوه و نظم موجود در قرآن ، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلا ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواه الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی گران سنگ و نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

کتب أنزلنه إلیک

تنکیر <کتاب> مفید تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۴

۴- قرآن، کتاب آسمانی جن و انس و مایه یاد و بیداری آنان

إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

عالم (مفرد <عالمین>) است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین <العالمین> یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و

دسته ها. بنابر دیدگاه بسیاری از مفسران، مقصود از آن می تواند علاوه بر انسان ها جن هم باشد، چنان که در آیه نخست سوره <جن> آمده است (فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قرآنًا عَجَبًا . يَهْدِي إِلَى الرشد فآمَنَّا بِهِ...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ؛ نه بشری .

تنزیل الکتب من الله

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده آن (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ؛ نه بشری .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكُتُبَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ؛ نه بشری

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكُتُبَ

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بود می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند است ؛ نه دستاورد بشر .

تنزيل الكتب من الله

تصريح و تأكيد خداوند بر الهی بودن

قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبر اسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۵، ۲، ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از ناحیه خداوند

تنزیل من الرحمن الرحیم

<تنزیل> مصدر و به معنای اسم مفعول <منزل> است. این کلمه خبر برای مبتدای محذوف <هذا> است که اشاره به قرآن دارد.

۲ - تمامی قرآن ، حتی حروف آن ، نازل شده از ناحیه خداوند *

حم . تنزیل من

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که <حم> اشاره به حروف داشته باشد، یعنی، تنها مفاهیم و معارف کلی از ناحیه خداوند بر پیامبر نازل نشده است تا او آنها را به لفظ درآورده باشد؛ بلکه آیات قرآن که تشکیل یافته از <حاء و میم> و امثال آن است با همین شکل از ناحیه خداوند نازل شده است.

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشته باشد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نتیجه گرفت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهومی و معرفتی بوده و نزول لفظی آن در قالب حروف و کلمات عربی، نزول تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۵

۵ - الفاظ قرآن هم چون محتوای آن آسمانی و الهی است .

تنزیل

من الرحمن .. قرءاناً عربياً

قید <قرءاناً عربياً> می تواند بیانگر این معنا باشد که آیات قرآن، نه تنها از حیث محتوا الهی است بلکه الفاظ آن هم کلام خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۶

۶ - قرآن ، نازل شده از سوی پروردگار کاردان و ستوده

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۳،۶

۳ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند

إن كان من عند الله

با توجه به این که اسم کان قرآن است، مطلب بالا استفاده می شود.

۶ - مخالفت با قرآن ، با احتمال نزول آن از سوی خداوند ، امری به دور از عقل و خرد

قل أریتم إن كان من عند الله

بنا بر این که مراد از <أریتم> تفکر و تعقل باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱

۱ - قرآن از سوی خداوند ، در قالب زبان عربی بر پیامبر (ص) وحی شده است .

و كذلك أوحینا إلیک قرءاناً عربياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۳

۳ - قرآن ، وحی خدا و نازل شده از عالم امر *

أوحینا إلیک روحًا من أمرنا

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <روحاً> قرآن باشد. در این صورت <من أمرنا> اشاره دارد به این که قرآن مخلوقی از جهان بالا و نازل شده از عالم امر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۴

۴ - قرآن ، وحی الهی بر پیامبر (ص) بوده و آن حضرت در محتوای آن نقشی نداشته است .

فاستمسک بالذی أوحی إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۴

۴ - قرآن حقیقتی الهی و نازل شده از سوی او

إنا أنزلناه .. أمرًا من عندنا إنا کنا مرسلین

از انتساب مکرر نزول قرآن به خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، نازل شده از جانب خداوند مقتدر و حکیم

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱

۱- قرآن ، فرستاده شده از جانب خداوند عزیز و حکیم

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۷

۷- قرآن ، حقایقی نازل شده از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص)

نزل علی محمد و هو

تصریح به <نزل>، بیانگر این حقیقت است که شخص پیامبر(ص) مفاهیم و حقایق قرآن را ابداع نکرده؛ بلکه قرآن به همین صورت از جانب خداوند بر آن حضرت نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۵

۵- قرآن، دلیل روشن از جانب خدا، در جهت رشد و کمال آدمیان *

أفمن كان على بينة من ربه

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از <بینه>، قرآن باشد. در این صورت تعبیر <من ربه> می نمایاند که قرآن، از جایگاه ربوبیت و به هدف رشد و تربیت خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۳

۳- قرآن، نازل شده از لوح محفوظ است؛ و نه ساخته و پرداخته ذهن بشر.

إنه لقرءان كريم . في كتب مكنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۱

۱ - اظهارات انکارآمیز مشرکان صدراسلام نسبت به قرآن، به رغم باور قلبی آنان به آسمانی بودن آن

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

<إدهان> (مصدر <مدهنون>) به دو معنا آمده است: الف) اظهار کردن بر خلاف آنچه در دل است؛ ب) به شوخی گرفتن چیزی و برخورد استهزاآمیز کردن با آن. برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱

۱- قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

هو الذی ینزل علی عبده ءایت بینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۹

۹ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و ما نزل من الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۸

۸ - آیه های قرآن ، نازل شده از جانب خداوند

و قد أنزلنا آيات بينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۰ - ۸

۸ - قرآن ، کتابی است نازل شده از سوی خداوند برای بشر .

قد أنزل الله إليكم ذكراً

طبق گفته مفسران، مقصود از نزول ذکر، نزول قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۴ - ۲

۲ - قرآن ، ساخته و پرداخته دست بشر (پیامبر (ص) و مانند ایشان) نیست .

و لو تقول علينا بعض الأقاويل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ

۲- قرآن ، کتابی است الهی که نه ساخته و پرداخته دست بشر .

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ

تصریح و تأکید فراوان بر اختصاص نزول قرآن از سوی خداوند در فضایی که کافران ساختگی بودن آن را تبلیغ می کردند می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۱

۱ - قرآن ، کلام خداوند است .

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ

عنوان <رسول> گویای آن است که او ابلاغ کننده

قول است: نه گوینده آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۳ - ۷

۷ - قرآن، کتابی الهی و آیات آن، وابسته به خداوند است.

ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۲

۲ - آیات قرآن، بر پیامبر (ص) خوانده شده است و ساخته و پرداخته آن حضرت نیست.

بل هو قرءان

کلمه <قرآن>، هرگاه با حرف <ال> ذکر شود، عَلم است و آن گاه که نکره باشد، مصدر و به معنای مفعول (مقروء) می باشد. مراد از وصف <مقروء> (قرائت شده)، این است که پیامبر(ص)، آن آیات را دریافت کرده است نه این که به دروغ آن را ساخته باشد.

وحیائیت مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۷

۷ - اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی می فهمند.

فأما الذين ءامنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم

وضوح آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۳،۹

۳ همه آیات قرآن، برخوردار از بیانی روشن و پیراسته از ابهام و پیچیدگی

کتاب احکمت و آیه‌تہ ثم فصلت

تفصیل (مصدر فصلت) به معنای تبیین است. بنابراین ((فصلت)) گویای این است که: آیه‌های قرآن، برخوردار از وضوح و روشنی است و در ارائهٔ

۹ اتقان قرآن و روشنی آیه‌های آن، جلوه‌ای از حکیم و خبیر بودن خداوند

است .

کتابُ اُحکمتِ ایتِه ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۶

۶ - آیات قرآن ، روشن و دلالت آنها واضح است .

ینزل . . . آیت ینت

وضوح انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۲

۲ - پیام های انذارگر قرآن ، پیام هایی معقول و شناختنی است ؛ نه دور از حیطه درک بشر .

حکمه بلغه

در معنای <حکمت>، اتقان فهم و مطابقت با عقل نهفته است و وصف <بالغه> این معنا را تأکید می کند.

وضوح تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۳

۳ بیان قرآن در ارائه مطالب خویش ، روشن و بدون اجمال و ابهام است .

الکتب المبین

برداشت فوق ، براساس لازم بودن کلمه <مبین> (روشن و واضح) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۵ - ۳

۳- وجود مسائل و معارف یقینی ، مسلّم و تردیدناپذیر در قرآن

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

وضوح حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أكثر الناس .. بمؤمنين ... و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم

مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب ..> که حاوی برهان بر حقایق قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأین من آیه ...> که در بردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتب کرده است / یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۷

۷ حقایق قرآن امری روشن و واضح است .

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

نابینا خواندن کسانی که حقایق قرآن را باور ندارند ، اشاره به این نکته دارد که: حقایق قرآن امری روشن است. اگر کسی نمی پذیرد خود مقصر است / چشمانش را باز کند تا ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقایق قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقایق چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

وضوح عظمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۹

۹ - عظمت قرآن ، به مجرد قرائت آن بر شنوندگان ، نمایان شده و در دل هر انسان جا می گیرد .

و إذا قرء علیهم القرآن لایسجدون

توییخ کسانی که با شنیدن قرآن اظهار خضوع نکرده و به خاک نمی افتند، بیانگر تأثیر آن در اعماق دل هر شنونده منصف

است.

وضوح قرآن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۸

۸ معارف قرآن ، تبیین شده ، ممتاز و بی ابهام است .

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

<تفصیل> (مصدر نفصل) از ریشه <فصل> است. <فصل> به معنای دور کردن یکی از دو چیز از دیگری است، به گونه ای که کاملاً جدا و مشخص شوند؛ منظور این است که معارف گوناگون قرآن، هر یک جداگانه و به صورت مشخص و ممتاز، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، روشن و به دور از هر گونه ابهام

یفصل الأیت

<تفصیل> به معنای <تبیین> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۳

۳ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هر گونه ابهام و قابل درک برای همگان

و إذا تتلی علیهم آیاتنا ینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ قرآن ، مجموعه ای است از آیه های روشن و به دور از هر گونه ابهام

کذلک نفصل الأیت

<تفصیل> به معنای تبیین و برداشتن هر گونه ابهام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۹

۹ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

و تفصیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۲ - ۹

۹ قرآن ، کتابی است قابل فهم برای تمامی انسان ها .

إنا أنزلناه

... لعلکم تعقلون

مخاطب در جمله <لعلکم تعقلون> (باشد که اندیشه کنید و بفهمید) گروه و طایفه خاصی نیست؛ بنابراین همگان بر درک آن توانا هستند. آری کلمه <عربیاً> دلالت می کند که عربی دانستن از شرایط آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۴

۴ احکام و قوانین قرآن، گویا، رسا و قابل فهم برای مردم

و کذلک أنزلنه حکماً عربیاً

<عربی> به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به همین لحاظ عربی می گویند. بنابراین <آنزله ... عربیاً>؛ یعنی، قرآن را به لغت عرب، همان لغتی که گویا و رساست نازل کردیم. و لازمه گویا بودن، قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۲

۲- قرآن، کتاب جهانی و قابل فهم برای همه مردم

هذا بلغ للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۸

۸- آیات قرآن کریم، آیاتی روشن و قابل فهم

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر لازم بودن <مبین> است که به معنای آشکار و روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۶

۶- تعالیم قرآن، جهانی است و همه انسان ها توان فهم آن را دارند.

و قرءاناً فرقنه لتقرأه على الناس على مكث و نزلنه تنزيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ،

کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

<ل> در <لنّاس> برای انتفاع است؛ یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۳

۳- قرآن و معارف آن قابل درک برای بشر

فإنّما یسرّنه بلسانک لتبشّر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱،۱۲

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند ، با بیانی فصیح و روشن

و کذلک أنزلنه قرءاً عربیّاً

<عربیّاً> یا به معنای فصیح و روشن می باشد (مفردات راغب) و یا گویای انتساب به عرب زبانان است (لسان العرب).

برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

۱۲ - معارف قرآن ، قابل درک برای مردم

و صرّفنا فیهِ من الوعید لعلّهم یتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم برای همگان .

أنزلنه ءایت ینت

توصیف آیه های قرآن به <بین>، بیانگر قابل فهم بودن آن است. حذف متعلق <بین> حاکی از آن است که: فهم قرآن

اختصاص به قشر خاصی ندارد؛ بلکه همگان توانایی بهره مند شدن از آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۲

۲ - آیات قرآن ، روشن ، قابل فهم و به دور از هرگونه ابهام

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت

<بینات> (جمع <بینه>) حال برای <آیاتنا> و

<بینه> (مؤنث <بین>) به معنای روشن و واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم .

أفلم یدَّبِروا القول

با توجه به توصیه خداوند به تدبر در قرآن، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۶

۶- قرآن ، دارای معارف و رهنمودهایی روشن و قابل فهم برای همگان

سوره .. فیها آیت بینت

<بینه> (مفرد <بینات>) به معنای دلالت واضح و برهان روشن است. توصیف آیات قرآن به <بینات> به اعتبار این است که دلالت آنها بر معانی واضح و روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۸ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام و جلوه ای از علم و حکمت خداوند

و یبین الله لکم الایت و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۶ - ۲

۲ - آیات الهی (قرآن) ، روشن و قابل شناخت برای انسان است .

لقد أنزلنا آیت مبینت

برداشت یاد شده، از توصیف آیات الهی به <میینات> (روشنگر) به دست می آید؛ زیرا چیزی که صفت روشنگری داشته باشد، بی گمان خود روشن و قابل درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتب المبین

<إبانة> به معنای وضوح و روشنی

نیز می آید. بنابراین <کتاب مبین> یعنی، کتاب روشن و واضح الدلاله. گفتنی است که در این صورت، حذف متعلق <مبین> بیانگر این حقیقت است که فهم معانی قرآن اختصاص به قشر و طبقه ای خاص ندارد؛ بلکه این کتاب، برای همه مردم واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۴،۵

۴ - قرآن ، برخوردار از بیانی روشن در جهت انذار مردمان

لتكون من المنذرين بلسان عربی مبین

۵ - قرآن ، قابل فهم و استفاده برای عموم مردمان

بلسان عربی مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

تلک ءآیت القرءان و کتاب مبین

<إبانة> (مصدر <مبین>)، گاهی لازم و به معنای وضوح و روشنی به کار می رود و گاهی متعدی و به معنای ایضاح و روشنگری. بنابراین، <مبین> هم می تواند به معنای واضح و روشن باشد و هم به معنای ایضاح کننده و روشنگر. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است. گفتنی است که حذف متعلق <مبین> بر پایه معنای اول بیانگر آن است که فهم قرآن، اختصاص به قشر خاصی ندارد؛ بلکه همگان می توانند از این سفره الهی بهره مند شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۳

۳ - رهنمود ها و بشارت های قرآن ، خالی از ابهام و پیچیدگی و به دور از هر نقص و کاستی است .

و کتاب مبین . هدّی و بشری

به کارگیری مصدر (هدّی)

و بشری) به جای اسم فاعل (هادیه و مبشره) بیانگر پیراسته بودن برنامه های هدایتی و بشارت های قرآن از هرگونه نقص و کاستی است. قید <کتاب مبین> در آیه پیش نیز نشانگر خالی بودن آن از ابهام و پیچیدگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۲

۲ - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ . إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وُلُّوا مَدْبِرِينَ

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست؛ بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتاب المبین

<مبین> به معنای <روشن> و نیز <روشنگر> است برداشت یاد شده براساس معنای اول است. گفتنی است که در آیه بالا بیان نشده است که این کتاب برای چه کسانی روشن است و این نشان می دهد که فهم قرآن، اختصاص به دسته ای خاص ندارد؛ بلکه همگان می توانند آن را بفهمند و از آن بهره گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۳

۳ - قرآن کریم ، برای توده های مردم ، قابل فهم است .

و لقد ضربنا للناس فی

هذا القرءان من كلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۳

۳ - قرآن ، حاوی آیه های روشن و قابل فهم برای مردم

تتلی علیهم ءایتنا بیئت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

و قرءان مبین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۳

۳ - آموزه های قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای همه انسان ها است .

قرءاناً عربیاً

<عربی> به معنای سخن فصیح و روشن است. بنابراین لازمه عربی بودن قرآن، گویایی و رسا و قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۱

۱ - آیات قرآن ، دارای مفاهیمی روشن و بی ابهام

کتب فصلت ءایته

برداشت یاد شده بر این مبنا است که <فصلت>، به معنای <به روشنی بیان شده> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - قرآن ، دارای آیات روشن و مفاهیم متمایز و قابل درک است .

و لو جعلنه قرءاناً أعجمیاً لقالوا لولا فصلت ءایته

<تفصیل> (مصدر <فصلت>) در مقابل اجمال و به معنای تبیین است.

۶ - مجموعه آیات قرآنی ، به دور از هرگونه ابهام و برخوردار از فصاحت

و لو جعلنه قرءاناً أعجمیاً لقالوا لولا فصلت ءایته

<أعجمی> منسوب به <أعجم> است و <أعجم> به کسی گفته می شود که کلام او دارای ابهام بوده و گویا

نباشد.

۱۵ - پیام روشن قرآن ، دور از شنود و فهم کافران لجوج

أُولَئِكَ ينادون من مكان بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

و الکتب المبین

<إبانة> (مصدر <مبین>) دو کاربرد دارد: لازم و متعدی. کلمه مبین، در استعمال لازم به معنای روشن و در کاربرد متعدی به معنای روشنگر است. برداشت یاد شده بر پایه استعمال اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی فصیح و دارای پیامی روشن و بدون ابهام

إِنَّا جعلناه قرءاً عربياً

برداشت یاد شده با توجه به معنای دیگر <عربياً> که فصاحت است به دست می آید. در مفردات راغب آمده: <العربی: الفصیح البین من الکلام>؛ یعنی، عربی به سخنی گفته می شود که شیوا، روشن و بدون ابهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

و الکتب المبین

<إبانة> (مصدر <مبین>) هم به صورت لازم و متعدی به کار می رود. <مبین> در کاربرد لازم به معنای روشن و در کاربرد متعدی به معنای روشنگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۱

۱ تهدید منکرانِ پیام‌های روشن و قابل‌درک قرآن، به فرجامی سخت از سوی خداوند

فإنّما یسرّنه .. فارتقب إنّه‌م مرتقبون

عبارت <إنّه‌م مرتقبون>، کنایه از این است که کافران

به بیان های روشن وحی ایمان نمی آورند تا سرانجام وعیدهای ما تحقق یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحقّ فبأی حدیث بعد الله و آیته یؤمنون

خداوند با تعبیر <فبأی حدیث..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضی به کافران نیز دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست؛ بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۲

۲- آیات قرآن ، روشن و خالی از هر گونه ابهام

آیتنا بینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۵

۵- قرآن ، دلیل روشن از جانب خدا ، در جهت رشد و کمال آدمیان *

أفمن كان علی بیته من ربّه

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از <بیته>، قرآن باشد. در این صورت تعبیر <من ربّه> می نمایاند که قرآن، از جایگاه ربوبیت و به هدف رشد و تربیت خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۵

۵ - معارف و آموزه های قرآن ، قابل شناخت و درک برای بشر

علم القرآن

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - مجادلہ - ۵۸ - ۵ - ۹

۹ - آیات قرآن ، روشن

و بدون هرگونه ابهام است .

و قد أنزلنا آيات بينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۹ - ۳

۳ - قرآن ، برای رساندن مقصود و پیام خویش به انسان ها ، هیچ ابهام و نارسایی ندارد .

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ

لازمه تبیین شدن قرآن از سوی خداوند، نبودن ابهام و نارسایی در مطالب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۴

۴ - قرآن ، دارای مضامینی روشن و دلایلی گویا ، بر صدق و درستی خویش

فَبَأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

از این که ایمان نیاوردن به قرآن، امری شگفت آور تلقی شده است؛ می توان پی برد که راستی و درستی قرآن، آن چنان روشن است که به اثبات از بیرون نیاز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۴

۴ - قرآن ، قابل درک و بهره بردن برای تمام مردم

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

وضوح مواضع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۶

۶- قرآن ، دربردارنده رهنمود ها و مواعظ روشن و بدون ابهام برای مؤمنان

قد یبنا لکم الأیت

وعدہ نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعدہ های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخزون . . . یقولون سبحن ربنا إن کان

وعدہ نزول

قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، در آغاز رسالت پیامبر (ص) ، آن حضرت را به نزول آیاتی خواندنی (قرآن) وعده داد .

اقراً

مشهور این است که سوره <علق> یا <پنچ آیه نخست آن>، اولین آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل گردید. تعبیر <اقراء> در سر آغاز وحی، شروع مناسبی است که در خود دو نکته دارد: ۱. پس از این مطالبی به پیامبر نازل خواهد شد؛ ۲. آن مطالب خواندنی خواهد بود، نه این که به دانستن آن بسنده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقراً .. الذی علم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۵،۱۱

۵ - قرآن ، حاوی هشدارها و وعیدهایی گوناگون و متنوع

و صرّفنا فیہ من الوعید

<صرف> و <تصریف> باز گرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر و یا تعویض آن است. گفتنی است که در <تصریف> مبالغه افزون تری وجود دارد (مفردات راغب). بنابراین مقصود از <صرّفنا...> این است که وعیدها را به شکل های گوناگون عرضه کردیم.

۱۱ - خداوند ، سامان دهنده الفاظ و کلمات قرآن و هشدار دهنده انسان هادر قالب آیاتی گوناگون

أنزلنه

قرأنا عربياً و صرّفنا فيه من الوعيد

توصیف قرآن به عربی بودن (در حال نزول)، حاکی از این است که علاوه بر محتوای قرآن، الفاظ آن نیز مستند به خداوند است.

وقت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱۱

۱۱- > عن حمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجل > إنا أنزلناه في ليلة مباركة < قال : نعم هي ليلة القدر و هي في كل سنة في شهر رمضان في العشر الأواخر فلم ينزل القرآن إلا في ليلة القدر . . . >

از حمران روایت شده است که از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزوجل > إنا أنزلناه في ليلة مباركة < سؤال کرد حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. ..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۳

۳ - قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إنا أنزلناه في ليلة القدر

ولایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۲

۱۲ قرآن، ولی و پیشوایی شایسته برای انسانهاست.

ولا تتبعوا من دونه أولياء

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <من دونه> به <ما أنزل . . .> برگردانده شود.

وليد بن مغيره وقرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - مدثر - ٧٤ - ٢٥ - ١

١ - قرآن ،

در نظر غرض آلود و لیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إِن هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ

ویژگی آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۹

۹ تنوع و گوناگونی بیان، از شیوه های به کار رفته در آیات قرآن

انظر كيف نصرف الآيات

ویژگی اندازهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۱

۱ - قرآن و اخبار هشداردهنده آن ، پیامی حکیمانه و در اوج کمال

حکمه بلغه

<بلوغ> (مصدر <بالغه>) در اصل به معنای رسیدن شیء به نهایت و پایان مسافت به کار می رود و در این جا کنایه از تمامیت و کمال شیء است. بنابراین <حکمه بالغه>؛ یعنی، حکمت تام و کاملی که از هر نقص و کاستی مبرا است. گفتنی است که <حکمه بالغه> در آیه شریفه، بدل برای <ما> در <ما فیه مزدجر> است؛ یعنی، <جائهم حکمه بالغه>.

ویژگی پیشگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است به دور از پیشگویی ها و آینده نگری های نادرست .

و لا بقول کاهن

<کهانته> به معنای پیشگویی است. نفی کهانته از قرآن، بیانگر این است که این کتاب، از هر گونه پیشگویی های نادرست

مبّرا است.

ویژگی تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۴

۱۴ هدایت های قرآن مشوب به هیچ ضلالتی نبوده و مستلزم کمترین ناهنجاری نخواهد شد .

هذا .. هدی و رحمه

به کارگیری مصدر <هدی>

به جای اسم فاعل <هاد>، گویای برداشت فوق است.

ویژگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۲،۳،۸

۲ مصونیت قرآن در هنگام نزولش به پیامبر (ص) از هر گونه باطلی که بدان آمیخته شود .

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

بنابراینکه <بالحق>، متعلق به <نزل> باشد.

۳ قرآن، پیوسته ملازم حق و پیراسته از باطل است .

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

بنابراینکه <باء> در <بالحق> برای مصاحبت و متعلق به محذوف باشد؛ یعنی کتابی که مصاحب و ملازم حق است.

۸ قرآن، کتابی منطبق با واقعیت و حقیقت

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

حق، خبری را گویند که مطابق با واقع باشد (تفسیر المیزان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۶

۶ قرآن، جداکننده حق و باطل از یکدیگر، در زمینه هدایت انسانها

هدی للناس و انزل الفرقان

به گفته مجمع البیان <الفرقان> یعنی چیزی که حق را از باطل متمایز نماید و <هدی للناس> قرینه حمل آن بر موارد هدایتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ مقایسه میان رخداد های تاریخی و سرنوشت ساز در یک جامعه ، از روش های قرآن در شناسایی نقاط ضعف و قوت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلک .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

خداوند در این آیه و آیات قبل، برای شناساندن نقاط قوت و ضعف جامعه ایمانی، به دو رخداد تاریخی بدر و احد و مقایسه بین آنها

اشاره می کند.

۱۱ یادآوری وضعیّت نابهنجار یک جامعه در هنگام رکود و انحطاط ، از روش های تربیتی قرآن در تصحیح حرکت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلک .. و اذ همّت طائفتان ... و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۸

۸ واگذاردن بندگان میان عذاب و آمرزش (خوف و رجاء) ، از روش های قرآن برای تربیت انسانها

یغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ بینش توحیدی قرآن در تحلیل حوادث تاریخی

و تلک الایام نداولها بین الناس

مستفاد از انتساب گردش حوادث تاریخی به خداوند (نداولها).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۶

۶ رعایت ادب در قرآن نسبت به بیان مسائل جنسی

و قد افضی بعضکم الی بعض

به کارگیری کلمه <افضی> برای رساندن معنای دخول و آمیزش (بنابر اینکه <افضی> کنایه از آمیزش باشد)، نشانگر ادب قرآن در سخن گفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۷

۷ مبارزه با علل و زمینه های گناه ، از روش های قرآن در مبارزه با مفسد

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل . . . و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۱، ۹، ۷

۱۷ اگر قرآن از جانب خدا

نبود ، اختلافات بسیاری در آن یافت می شد .

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

با توجه به اینکه قرآن در مدت بیست و سه سال و در شرایط بسیار مختلف نازل گردید، بنابراین اگر از جانب غیر خداوند بود، طبعاً اختلافهای فراوانی در آن پدیدار می گشت.

۹ قرآن ، منزّه از هر گونه ناهمگونی و تضاد و تناقض

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

کلمه <کثیراً> قید توضیحی است ؛ یعنی در صورتی که قرآن از ناحیه غیر خداوند بود، در آن اختلاف یافت می شد و این اختلاف همواره بسیار بود. بنابراین از وصف <کثیراً> مفهوم گرفته نمی شود و از قرآن انواع و اقسام اختلافات نفی می گردد.

۱۱ پیراستگی قرآن از هر گونه اختلاف ، دلیل صدور آن از جانب خداست .

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۲

۲ قرآن ، مصون از هرگونه باطل ، در سیر نزولی آن بر پیامبر (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِالْحَقِّ

<باء> در <بالحق> به معنای مصاحبت است و در برداشت فوق، متعلق به جمله <انزلنا> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۵،۶

۵ قرآن، معجزه ای کافی برای هدایت و برآورنده تمامی نیازهای هدایتی انسان است.

و قالوا لولا نزل عليه آية .. ما فرطنا في الكتاب من شيء

با توجه به آیه قبل، که سخن از نزول معجزات بوده می توان

گفت مراد از <الکتاب> قرآن است و چون قرآن کتاب هدایت و <من شیء> بیانگر جامعیت آن است، لذا بر مبرای بودن قرآن از هرگونه کاستی در جهت هدایت آدمیان دلالت دارد.

۶ قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه آیه .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ روشهای گوناگون و متنوع قرآن در بیان مفاهیم و مقاصد، جولانگاهی است برای تأمل و اندیشه.

انظر کیف نصراف الأیت لعلهم یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۶

۶ بهره گیری قرآن از حس منفعت خواهی انسان و گریز از ضرر برای تبلیغ توحید و معارف الهی

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ نزول قرآن برای انذار همه مردم جهان بوده و محدود به مکانی خاص نیست.

و لتندر أم القری و من حولها

کاربرد کلمه <ام القری> به صورت توصیفی برای مکه، که در عین حال عنایت به دیگر شهرها و نقاط نیز هست، مضافاً بر الحاق <من حولها> که شامل تمامی نقاط دیگر می شود، بیانگر دعوت اسلام و قرآن برای همه مردم زمین و در تمام نقاط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۶، ۱۲، ۱۰، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم

الكتب . . . و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۲ اسلام آخرین دین آسمانی و پیامبر(ص) خاتم انبیا و قرآن آخرین کتاب آسمانی است.

و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

لازمه تمام بودن قرآن در طول زمان این است که قرآن آخرین کتاب آسمانی و محتوای آن اسلام نیز آخرین دین باشد.

۴ قرآن کتابی تمام و کافی برای اثبات نبوت و رسالت پیامبر(ص) است.

و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

اگر مراد از <کلمت>، قرآن باشد، تمام بودن آن بدین معنی می تواند باشد که قرآن از جهت مقاصدی که برای آن آمده وافی و کافی است. و از جمله مقاصد، به قرینه آیات قبل، اثبات حقانیت رسالت پیامبر(ص) است.

۵ قرآن و اسلام پاسخگوی همه نیازهای هدایتی بشر و حجت تامه پروردگار است.

و تمت كلمت ربك

لازمه تمام بودن قرآن و در نتیجه اسلام، توان پاسخگویی به همه نیازهاست؛ به گونه ای که به بیرون از خود نیازی نداشته باشد؛ همان گونه که راغب می گوید: <تمام . . . انتهائه إلى حد لا يحتاج إلى شيء خارج عنه>.

۱۰ قرآن و کلام الهی در برترین مرتبه از نظر صدق و عدل قرار دارند.

و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

اگر <صدقا و عدلا> تمیز نسبت باشند، بیانگر جهت تمامیت بوده که مضمون آن در برداشت فوق آمده است.

۱۲ قرآن و کلام الهی تبدیل ناپذیر و مصون از هر گونه نقض و تغییر است.

و تمت كلمت ربك . . . لا مبدل لكلمته

<تبدیل> یعنی چیزی را به جای چیز

دیگر قرار دادن، و همچنین به معنی ابطال و نقض هم مجازاً به کار می رود. لذا نفی تبدیل در آیه به این معنا نیز گرفته شده است.

۱۶ ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربك صدقا و عدلا .. و هو السميع العليم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السمیع> با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۹

۹ قرآن راهنمای کامل و تمام برای مصون ماندن از انحراف در عقاید و افکار و اسیر شدن در دام گمان

و تمت کلمت ربك صدقا و عدلا .. و إن تطع أكثر من فی الأرض یضلوک عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۵

۵ قرآن، برنامه کامل حیات مادی و معنوی انسان است.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

لازمه وجوب پیروی از خداوند با اجرای قرآن و ضرورت پرهیز از پیروی از غیر آن این است که آنچه را انسانها در حیات مادی و معنوی خویش بدان نیاز واقعی دارند، به صورت اجمال و یا تفصیل در قرآن بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ قرآن برترین سخن برای هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

ویژگی هدایت‌های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۸،۹

۸ - هدایت های قرآن ، به دور از هر کاستی و پیراسته از کمترین پیامد های ناهنجار است .

هدی للناس

<هدی> مصدر است و در اینجا به معنای اسم فاعل (هادی) می باشد. به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل، اشاره به این حقیقت دارد که: قرآن محض هدایت است؛ یعنی، رهنمودهای آن مستلزم هیچ ضلالت و مشوب به هیچ گمراهی و سردرگمی نیست.

۹ - هدایت های قرآن دارای مراحل و مراتب

هدی للناس و بینت من الهدی

تکرار <هدی> دلالت بر آن دارد که: هدایت‌های قرآن، دارای مراحل و مراتب است. مرحله نخست آن برای همه مردم و طبعاً مراحل بالاتر آن برای افرادی است که مرحله نخست را پیموده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۴

۴- هدایت قرآنی ، هدایتی جامع و فراگیر است .

فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

کلمه <الناس> نشان دهنده اختصاص نداشتن معارف قرآنی به قشری خاص است و <من کلّ مثل> گویای بهره‌گیری از تمامی انواع مثل ها در زمینه های هدایت است.

ویژگیهای آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲،۳

۲ همه آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبرا است .

کتابُ احکمتُ ایتة

احکام

(مصدرُ اُحکمت) به معنای اتقان است. بنابراین ((اُحکمت آیاته)) گویای این است که: آیه های قرآن، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

۳ همهء آیات قرآن، برخوردار از بیانی روشن و پیراسته از ابهام و پیچیدگی

کتب اُحکمت ءایته ثم فصلت

تفصیل (مصدر فصلت) به معنای تبیین است. بنابراین ((فصلت)) گویای این است که: آیه های قرآن، برخوردار از وضوح و روشنی است و در ارائه ء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۹

۹- آیات قرآن، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمیز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعدی بودن <مبین> است که در لغت به معنای جدا کننده بین دو شیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

ویژگیهای احتجاج قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۳

۱۳- پاسخ قرآن به پرسش های انسان در زمینه معاد، متکی بر استدلال است.

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

از اینکه خداوند در پاسخ شبهات منکران معاد، به جای بسنده کردن به تعبد، توجه آنان را به مبدأ آفرینش معطوف می کند و آن را دلیل امکان تحقق معاد برمی شمارد، نکته یاد شده به دست می آید.

ویژگیهای بشارتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۴

۴ - پیام هدایت قرآن ، عام و برای

همگان است و بشارت های آن ، خاص و ویژه مؤمنان .

هدی و بشری للمؤمنین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <للمؤمنین> قید برای <بشری> باشد. بنابراین <هدی> از آن جهت که فاقد قید است، افاده عموم می کند.

ویژگیهای تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۷

۷ معارف ، احکام و قوانین قرآن ، حقایق عالمانه ، سزاوار و بایسته پذیرش و پیروی است .

و كذلك أنزلنه حكماً عربياً .. بعد ما جاءك من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۱،۳

۱- تبیین حقایق الهی در قرآن ، با بیان ها و مثال های گوناگون

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

<تصریف> در لغت به معنای گرداندن چیزی به جهات گوناگون است و <تصریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب هدایت است و می فرماید: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> استفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۵

۵- قرآن ، حاوی تعالیمی نو و جدید در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی است .

ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث

<محدث> به معنای چیز جدید و نو است و

در آیه شریفه، صفت برای <ذکر> می باشد. توصیف قرآن به جدید و نو بودن، می تواند به اعتبار نزول آیات جدید باشد هم چنین می تواند به اعتبار جدید بودن مجموعه آیات قرآن و تعالیم آن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی باشد. برداشت یاد شده براساس فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۹

۹ - مفاهیم معرفتی و احکام تشریحی قرآن ، هماهنگ با نظام تکوین *

و إِنَّ لَتَنْزِيلَ رَبِّ الْعَلَمِينَ

همان طور که گفته شد <العالمین> (جمع <عالم>) محلاً به <ال> و مفید عموم است. بنابراین <العالمین> یعنی، همه عوالم وجود. قرار گرفتن این واژه در کنار <رَبِّ> ممکن است بیانگر این نکته باشد که فرو فرستنده قرآن، همان کسی است که آفرینش، رشد و هدایت مجموعه هستی از او است و براساس این واقعیت، احکام تشریحی او، هماهنگ با کل نظام هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فَأِنَّمَا يَسْتَرْنَه بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

تعبیر <فَأِنَّمَا يَسْتَرْنَه..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

ویژگیهای حشر دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۲

۲ کافران مخالف قرآن و پیامبر (ص) در قیامت ، در

اوج ذلت و خواری محشور خواهند شد .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنم

محشور شدن کافران، در حالی که به رو افتاده و به سوی جهنم سوق داده می شوند، حاکی از برخورد تحقیرآمیز با آنان است.

ویژگیهای شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۸

۸- شفابخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

و نزل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

ذکر دو صفت <شفاء> و <رحمت> برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

ویژگیهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۲،۹

۲- قرآن ، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان .

بسم الله الرحمن الرحيم

۹- قرآن جلوه ای از رحمانیت و رحیمیت خداست .

بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجا که غالباً گوینده در آغاز سخن به اهداف کلی برنامه خویش اشاره می کند، می توان گفت که از اهداف انتخاب دو صفت رحمانیت و رحیمیت خدا در آغاز قرآن، رساندن این حقیقت است که قرآن جلوه ای از رحمت الهی برای بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۱،۳

۱- قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلك الكتب

<ذلك> مبتدا و <الكتاب> خبر آن است. بر این مبنا <ال> در الكتاب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

۳- قرآن کتابی متفن و منزّه از هر

گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۳

۳ - قرآن بهترین راهنمای مردم برای ایمان به خدا و قیامت

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

چنانچه مراد از <کفر> کفر به قرآن باشد، جمله <سواء علیهم> به این حقیقت اشاره دارد که اگر قرآن در انسانی تأثیر نبخشد چگونه انتظار می رود که از سخن پیامبر (ص) تأثیر بپذیرد؟ و این حاکی از آن است که قرآن بهترین وسیله هدایت و ارائه کننده مؤثرترین اندازهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۱

۱ - قرآن و اسلام ، مایه حیات و رشد انسانهاست .

أو کصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۴،۵

۴ - قرآن و یکایک سوره های آن ، معجزه است .

فأتوا بسوره من مثله

۵ - قرآن ، سندی اساسی برای اثبات رسالت پیامبر (ص) است .

و إن کنتم فی ریب .. . إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است ارجمند و با عظمت و نازل شده از پیشگاه خداوند

و لما جاءهم

کتاب من عند الله

نکره آوردن <کتاب> و تصریح به اینکه از نزد خدا آمده است، دلالت بر عظمت و ارجمندی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی که خداوند آن را نازل کرده است .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ .. أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا .

ءامنوا بما أنزل الله

مراد از <ما> در <ما أنزل الله> (آنچه خدا فرو فرستاده است) قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۱، ۱۰، ۶

۶ - قرآن کتابی هدایتگر و راهنمای همه انسانهاست .

الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس

۱۰ - قرآن ، حاوی دلایلی روشن و فراوان برای رهنمون ساختن انسان ها به هدایت های ویژه و مراحل والای هدایت

الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس و بینت من الهدی

<بینه> به معنای دلیل و روشن و آشکار است و جمع آوردن آن دلالت بر کثرت دارد. از معرفه بودن <الهدی> در <بینات من الهدی> چنین بر می آید که مراد، هدایت‌هایی خاص است.

۱۱ - قرآن ، حاوی رهنمود ها و دلایلی روشن جهت دستیابی به میزانی برای تمییز حق از باطل

الذی أنزل فیہ القرآن .. بینت من الهدی و الفرقان

<فرقان> به چیزی گفته می شود که به وسیله آن می توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمییز داد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۶

۶ قرآن ، کتابی سراسر حکمت (مُتَقِن و خَلَل ناپذیر)

و الذکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۴

۴ قرآن ، قابل فهم برای همه مردم در هر عصر و دوره ای

هذا بیان للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۱،۲

۱ قرآن کتابی نازل شده از جانب خداوند

هذا کتب أنزل نه

مشارالیه <هذا>، به دلیل آیات بعد، <قرآن> است.

۲ قرآن کتابی فرخنده و دارای خیر و برکت فراوان

هذا کتب .. مبارک

<مبارک> به چیزی و یا کسی که خیر بسیار از آن تراوش کند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۵،۶،۷

۵ قرآن کتابی روشن و روشنگر و نازل شده از جانب خدا

فقد جاء کم بینه من ربکم

۶ قرآن پرتوی از ربوبیت خداوند بر انسانهاست.

فقد جاءكم بينه من ربكم

۷ قرآن خود روشنگر حقانیت خویش و بی نیاز از دلیلی دیگر است.

فقد جاءكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۳

۳ قرآن ، کلام خداست .

حتى يسمع كلم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۱

۱ قرآن ، مجموعه ای از آیات و نشانه های خداوند است .

اشتروا بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

۸ معارف قرآن ، تبیین شده ، ممتاز و بی ابهام است .

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

<تفصیل> (مصدر نفصل) از ریشه <فصل> است. <فصل> به معنای دور کردن یکی از دو چیز از دیگری است، به گونه ای که کاملاً جدا و مشخص شوند؛ منظور این است که معارف گوناگون قرآن، هر یک جداگانه و به صورت مشخص و ممتاز، بیان شده است.

۱۰ معارف قرآن ، آیات و نشانه های خدایند .

و نفصل الأیت

مقصود از <الآیات> می تواند همه معارف مطرح شده در قرآن باشد. بنابراین تعبیر از آن معارف به <آیات> مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۵

۵ قرآن ، نور خداست .

یریدون أن یطفئوا نور الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۴، ۳، ۲

۲ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه

تلک ءایت الکتب

۳ قرآن ، کتابی است آمیخته به حکمت .

ءایت الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <ذوالحکمه> باشد.

۴ قرآن ، کتابی است پاینده و خلل ناپذیر .

الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <محکم> باشد ؛ زیرا <إحکام> (مصدر محکم) به معنای بازداشتن و مصون ساختن چیزی از فساد و تباهی است. توصیف <کتاب> به <حکیم> بیانگر اتقان، پایداری و خلل ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، روشن و به

دور از هر گونه ابهام

یفصل الأیت

<تفصیل> به معنای <تبیین> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۲، ۳

۳ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هر گونه ابهام و قابل درک برای همگان

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت

۱۲ قرآن پیام خدا ، و پیامبر (ص) مأمور ابلاغِ بی کم و کاست آن ، به مردم

قل ما یکون لی أن أبدله من تلقاءِ نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱

۱ قرآن ، کتاب خداست ، نه ساخته ذهن بشر .

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان .. قل لو شاء الله ما تلوته علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۴، ۵، ۶

۴ قرآن ، کتاب خداوند است .

أو کذب بأیته

۵ قرآن ، مجموعه ای از آیات و نشانه های خداوند

أو کذب بأیته

۶ قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

أو كذب بآيته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه

إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ قرآن ، مجموعه ای است از آیه های روشن و به دور از هر گونه ابهام

كذلك نفصل الآية

<تفصیل> به معنای تبیین و برداشتن هر گونه ابهام است.

۱۳ قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه

كذلك نفصل الآية

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۱۸

۱ قرآن کتابی است که نسبت ساختگی و غیر الهی بودن را، نه در شکل و نه در محتوا، نمی پذیرد.

و ما كان هذا القرآن أن يفتری من دون الله

نفی صفت افترا و ساختگی بودن از قرآن با به کارگیری <ما کان> که برای نفی شأن و استعداد است بیانگر این حقیقت می باشد که: در قرآن چه در شکل و چه در محتوای آن هیچ نشانه ای که حاکی از غیر الهی بودن آن باشد، وجود ندارد.

۸ قرآن، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات، انجیل و...) است.

و تفصیل الكتب

۹ قرآن، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

و تفصیل الكتب

۱۰ قرآن، مجموعه ای است از معارف حق و به دور از هر چیزی که مایه ریب و تردید می باشد.

لاریب فیه

<ریب> از عارضه های نفسانی انسان است. نفی آن از ساحت قرآن از باب اطلاق سبب و اراده مسبب است؛ یعنی، چیزی که مایه ریب باشد در قرآن نیست.

۱۱ قرآن، کتابی است الهی.

من رب العلمین

۱۴ قرآن، کتابی است انسان ساز و مایه رشد و پرورش.

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۴، ۷، ۳

۳ ساختار قرآن، ساختاری سوره سوره

قل فأتوا بسوره مثله

۴ قرآن ، معجزه جاودان حضرت محمد (ص) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم

يقولون افتريه قل فأتوا بسوره مثله

۷ غیر خدا ، توانایی ساختن سوره ای همانند کوچکترین سوره قرآن را ندارد .

قل فأتوا بسوره مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۸، ۹، ۷، ۴، ۲، ۱

۱ قرآن ، برای همه مردم موعظه و برای بیماری های نهفته در دل بیمار دلان ، دارویی شفابخش است .

يأيتها الناس قد جاء تكم موعظه من ربكم و شفاء لما في الصدور

۲ دعوت قرآن ، دعوتی عام ، فراگیر و جهان شمول است .

يأيتها الناس قد جاء تكم موعظه من ربكم

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

يأيتها الناس قد جاء تكم موعظه من ربكم و شفاء لما في الصدور و هدى و رحمه

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

يأيتها الناس قد جاء تكم موعظه من ربكم .. و رحمه للمؤمنين

۸ امام صادق (ع) از پدراناش روایت کرده است : > شكاً رجل إلى النبي (ص) وجعاً في صدره فقال (ص) : استشف

بالقرآن فان الله عزوجل يقول : > و شفاء لما في الصدور < ;

مردی خدمت رسول خدا (ص) از درد سینه شکایت کرد، حضرت فرمود: از قرآن شفا بگیر زیرا خدای عزوجل می فرماید:

[قرآن] شفاست برای آنچه در سینه هاست < .

۹ از امام صادق (ع) روایت شده است : > و انزل عليكم كتاباً فيه شفاء لما في الصدور من امراض الخواطر و

مشتبهات الأمور :

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۱،۴

۱ قرآن ، مظهر فضل خداوند و جلوه رحمت اوست .

يَأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ .. قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ

۴ قرآن ، نعمتی است که مؤمنان با بهره مندی از آن ، نباید از تنگدستی خود و دارایی و اندوخته های مادی دیگران ، اندوهناک باشند .

قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ .. فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۲

۲ قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا و خوانده شده بر پیامبر (ص) .

و ما تتلوا منه من قرءان

برداشت فوق از عود ضمیر <منه> به خداوند و از تنکیر قرآن که مصدر به معنای مفعول است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱،۸

۱ قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است .

مما أنزلنا إليك

۸ قرآن ، کتابی حق ، میرا از پندارها ، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءك الحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ قرآن کتابی حق و مبرّا از هرگونه پندارها و تخیلات باطل است .

قد جاءكم الحق من ربكم

حق، مقابل باطل و به معنای دارای واقعیت است؛ به این معنا که معارفی که در قرآن آمده، حقایقی

است منطبق با واقعیت و از هرگونه پندار و تخیلات واهی خالی است.

۷ قرآن، کتابی است که برای هدایت و راهنمایی مردم نازل شده است.

قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱،۷

۱ قرآن، کتابی با عظمت و دارای ساختاری بندبند به نام ((آیه)) .

کتابُ أحکمت ءایته

((کتاب)) خبر برای مبتدای محذوف (ذلک) است و نکره آوردن آن برای تعظیم می باشد؛ یعنی: ذلک الکتاب، کتابٌ عظیم الشأن .

۷ قرآن، کتابی است از ناحیه خداوند .

کتاب . . . من لدن حکیم خبیر

((من لدن . . .)) می تواند هم قید برای ((فصلت)) و ((أحکمت)) باشد و هم می تواند قید برای کتاب گرفته شود. بنابراین آیه شریفه دلالت می کند که قرآن از ناحیه خداوند حکیم و خبیر است و اتقان و تبیین آیاتش نیز از جانب اوست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۲

۲ قرآن، کتابی از ناحیه خدا و جلوه ای از علم اوست .

فاعلموا أنما أنزل بعلم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ قرآن، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

إنه الحق

<ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۲،۳

قرآن، بیانگر حقایق و معارف الهی و روشنگر راه هدایت

الکتب المبین

کلمه <مبین> به معنای روشن و نیز روشنگر است؛ یعنی، هم متعدی استعمال می شود و هم لازم. براساس متعدی بودن نیاز به مفعول دارد و آن به قرینه محتوای قرآن و هدفی که خود بیان کرده (هدی للناس <بقره، ۱۸۵>) عبارت است از معارف، احکام، راه هدایت و

۳ بیان قرآن در ارائه مطالب خویش، روشن و بدون اجمال و ابهام است.

الکتب المبین

برداشت فوق، براساس لازم بودن کلمه <مبین> (روشن و واضح) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۹

۹ قرآن، کتابی است قابل فهم برای تمامی انسان ها.

إنا أنزلناه .. لعلکم تعقلون

مخاطب در جمله <لعلکم تعقلون> (باشد که اندیشه کنید و بفهمید) گروه و طایفه خاصی نیست؛ بنابراین همگان بر درک آن توانا هستند. آری کلمه <عربیاً> دلالت می کند که عربی دانستن از شرایط آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱،۳

۱ قرآن، حاوی بهترین و زیباترین داستانها

نحن نقصّ عليك أحسن القصص بما أوحينا إليك هذا القرآن

۳ قرآن، بازگو کننده داستان ها با بهترین و زیباترین بیان

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

چنان چه <قصص> مصدر باشد، <أحسن القصص> مفعول مطلق می شود و در حقیقت توصیفی برای کیفیت بیان کردن

و بازگو کردن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۴

۴ اسلام و

تعالیم قرآن جهانی است و محدود به زمان ، مکان و طایفه ای نیست .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۴، ۱۲، ۶، ۵

۵ قرآن ، گفتاری دروغ و بافته شده نبوده ؛ بلکه سخنی راست و درست است .

ما كان حديثاً يفتري

مراد از ضمیر <کان> قرآن است. وصفهای بیان شده در آیه (و لکن تصدیق ...) بیانگر این معناست.

۶ قرآن ، بسی فراتر از آن است که بافته شده و ساخته بشر باشد .

ما كان حديثاً يفتري

۱۲ قرآن ، کتابی هدایت گر است .

لكن .. هدى

۱۴ قرآن ، برای مردم رحمت آفرین است .

و لكن .. هدى و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۹، ۸، ۶

۶ قرآن کتابی سراسر حق ، بدون نقص و پیراسته از هر گونه باطل و ناروایی

و الذى أنزل إليك من ربك الحق

<ال> در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است. بنابراین <الحق> ؛ یعنی ، حق کامل که کمترین باطلی در آن راه ندارد.

۸ قرآن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

و الذى أنزل إليك من ربك

۹ آیات قرآن ، آیاتی عظیم الشأن و دارای محتوا و تعالیمی والا و بلند مرتبه است .

تلک آیت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۱،۷

۱ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل و ناروا

أنما أنزل إليك من ربك الحق

<ما> در <أنما> موصول اسمی و به معنای <الذی> است و مراد از آن قرآن می

باشد.

۷ حقایق قرآن امری روشن و واضح است .

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

نابینا خواندن کسانی که حقایق قرآن را باور ندارند ، اشاره به این نکته دارد که: حقایق قرآن امری روشن است. اگر کسی نمی پذیرد خود مقصر است ؛ چشمانش را باز کند تا ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲،۳،۴

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و كذلك أنزلنه حکماً

حکم کردن به چیزی آن است که داوری کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب). بر این اساس <قرآن حکم است> ؛ یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد ؛ مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

۳ خداوند قرآن را در قالب لغت و زبان عرب نازل کرد .

و كذلك أنزلنه حکماً عربیاً

کلمه <عربیاً> می تواند صفت برای <حکماً> باشد و می تواند حال برای ضمیر <ه> در <أنزلناه> باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

۴ احکام و قوانین قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای مردم

و كذلك أنزلنه حکماً عربیاً

<عربی> به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به همین لحاظ عربی می گویند. بنابراین <أنزلناه ...>

عربیّاً؛ یعنی، قرآن را به لغت عرب، همان لغتی که گویا و رساست نازل کردیم. و لازمه گویا بودن، قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۷

۷- قرآن، کتابی است جهانی و پیامبر (ص) برای همه انسان ها مبعوث شده است.

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

کلمه <الناس> دلالت بر عموم مردم می کند و هیچ قیدی در کلام نیست تا <الناس> را مقتید به گروه خاصی نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۲

۲- قرآن، کتاب جهانی و قابل فهم برای همه مردم

هذا بلغ للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۴

۴- قرآن، کتاب یاد و یادآوری و مایه بیداری و هشیاری انسان از غفلت ها و فراموشیهاست.

إنا نحن نزلنا الذّکر

نام گذاری قرآن به <الذّکر>، احتمالاً به این جهت باشد که قرآن، برای تنبه و مایه بیداری انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۴

۴- قرآن، کتاب یاد و یادآوری است.

و أنزلنا إليك الذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۴، ۱۳

۱۳- قرآن ، حاوی تمامی حقایق هستی که آگاهی از همه آنها در اختیار پیامبر (ص) است . *

و نزلنا علیک الکتب تبییناً لكل شیء و هدی

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مقصود

از <تبیاناً لكلّ شیء> تمامی حقایق هستی باشد، ولی از آن جا که قرآن بر شخص پیامبر(ص) نازل شد (نزلنا علیک) و آن حضرت نقش تبیین حقایق قرآن را برعهده دارد (و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس .. <سوره نحل / ۴۴>) از این رو می توان استفاده کرد که تمامی حقایق قرآن که حاوی حقایق عالم است نزد پیامبر(ص) موجود است و ایشان بر حسب مصلحت برخی از آن حقایق را برای مردم تبیین می کنند.

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جنّابک شهیداً علی هؤلاء و نزلنا علیک الکتب تبیناً لكلّ شیء و هدّی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه / یعنی، <و جنّابک شهیداً ..> با <و نزلنا علیک ...> و نیز بنابر اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۱،۲

۱- قرآن دربردارنده برترین هدایت ها و استوارترین شریعت برای بشر است .

إن هذا القرآن یهدی للّتی هی أقوم

عبارت <الّتی هی أقوم> صفت برای موصوف محذوف مثل کلمه <شریعت> و <ملت> است.

۲- قرآن ، کامل ترین کتاب هدایت

إن هذا القرآن یهدی للّتی هی أقوم

برداشت فوق بنابرین است که مفضل علیه <أقوم> صرفاً هدایت تورات نباشد؛ بلکه مفضل علیه محذوف، عام بوده و شامل همه کتابهای هدایتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲

۱۲- قرآن ، در بردارنده همه بیان های هدایتی مورد نیاز انسان در فصل ها و بخش های متعدد

إِنْ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي . . . وَ كَلَّ شَيْءَ فَضْلَنَهُ تَفْصِيلاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که <فَضْلَنَهُ> به معنای لغوی خود (جدا کردن) استعمال شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند ، آیات خویش را در قرآن به گونه های متنوع و فراوان تبیین کرد تا مشرکان تنبه یابند .

و لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا

<صرف> در لغت به معنای تحول و دگرگونی است و باب تفعیل آن، دلالت بر کثرت می کند. بنابراین مراد از آن، تبیین با بیانات گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۱، ۳

۳- قرآن ، حاوی حقایق ، آموزه ها و معارفی است که انس و جن هرگز توان دست یافتن به آن حقایق را ، بدون وحی پیدا نخواهند کرد .

قُلْ لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون . . . ظهیراً

ناتوانی انسانها و جنیان از آوردن همانندی برای قرآن، مطلق است و شامل معارف و آموزه های آن نیز می شود.

۱۱- اعجاز قرآن در همه زمینه ها و ابعاد (لفظی ، معنوی ، معرفتی و . . .) بوده و تحدی آن در همه این ابعاد است .

قُلْ لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . . . لایأتون بمثله

مخاطب قرار گرفتن همه جن و انس در طول تاریخ، نشانگر آن است که تنها عرب مخاطب این تحدی نیست تا زمینه تحدی

فقط بعد لفظی و ادبی قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۲،۳،۴

۲- قرآن ، مجموعه ای الهی و غیر قابل تصرف و چشم پوشی ، حتی از کمترین بخش آن

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

با توجه به مضامین آیات ۸۸ و ۹۳، که در آنها درخواست مشرکان درباره نزول قرآن به صورت مکتوب مطرح شده بود، ممکن است این آیه پاسخی باشد به آنان که حقایق قرآنی با اقتراحات تغییر نمی یابد.

۳- قرآن از آمیختگی به غیر کلام وحی مبرا بوده و سلامت آن از سوی خداوند ، تضمین شده است .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

جمله <و بالحقّ نزل> می تواند بیانگر کیفیت نزول قرآن باشد؛ یعنی، نزول قرآن بر پایه حق بود و هرگز با باطل و ناصواب آمیخته نشد.

۴- قرآن ، کتابی است جاودانه و تعالیم آن تأثیرناپذیر از گذشت زمان .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

برداشت فوق، مبتنی بر یکی از معانی و موارد استعمال <حق> است که عبارت است از: امر ثابت و زوال ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۸

۸- قرآن ، حقایقی عالی و تنزل یافته در حد فهم و درک بشر *

نَزْلَهُ تَنْزِيلاً

در معنای <نزول> فرود از مرتبه عالی نهفته است (مفردات راغب) و چون نزول فیزیکی قرآن قابل تصور نیست، ممکن است مقصود نزول معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- كهف - ۱۸ - ۱ - ۵،۹

۵- قرآن ، كتابی با عظمت و در اوج زیبایی و

کمال است .

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتب

<ال> در <الكتاب> برای استغراق صفات است؛ یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

۹- ساحت قرآن، از هر گونه کجی و انحراف مبرا است .

أنزل على عبده الكتب و لم يجعل له عوجًا

<عوج> به معنای کجی و انحراف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۱،۲

۱- قرآن و تعالیم آن، قوام بخش و رهبری کننده جامعه بشری است .

أنزل على عبده الكتب و لم يجعل له عوجًا قِيمًا

<قِيم> به معنای <مقیم> یعنی <برپادارنده و سامان بخش> است. <قِيم القوم> به معنای <مدیر و مدبّر امور قوم> است. (اقتباس از لسان العرب). لازم به ذکر است که قِيمًا یا مفعول برای فعل مقدر <جعل> است یعنی: <جعله قِيمًا> و یا حال برای <الكتاب>.

۲- قرآن، کتابی است عاری از هر گونه عدم اعتدال و انحراف از حق .

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتب .. قِيمًا

<قِيم>، چنان چه در لسان العرب آمده است، می تواند به معنای <مستقیم>، یعنی <راست و پیراسته از انحراف> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶ - ۶

۶- قرآن، پیامی جدید و بی

سابقه برای بشر

لم يؤمنوا بهذا الحديث

<حدیث> به معنای <نو و جدید> است. محتمل است که به معنای <حادث> مقابل قدیم نیز باشد. برداشت بالا، ناظر به معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۷

۷- رهنمود های قرآن ، تنها تعالیم شایسته برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أحي إلیک من کتاب ربک

فعل <اتل> می تواند از مصدر <تلاوه> به معنای قرائت باشد و ممکن است مصدر آن <تلو> به معنای تبعیت در نظر گرفته شود. برداشت بالا، براساس معنای دوم است. مقابله <اتل> در این آیه با <لاتطع> در آیه بعد این احتمال را تقویت کرده و بر حصر نیز دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ، کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

<ل> در <للناس> برای انتفاع است؛ یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۶

۶- قرآن ، کتابی سراسر هدایت است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن .. و ما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدی

مصدق بارز <الهدی> به قرینه آیه قبل، قرآن است. اطلاق مصدر (الهدی) بر چیزی که هدایت گر است، برای مبالغه در

بیان هایت گری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه

۷- پیام قرآن ، هماهنگ با فطرت آدمی و بیدارگر آن است .

إلا تذکره لمن یخشی

<تذکره> آن گونه که از <لسان العرب> برمی آید به معنای به یادانداختن فراموش شده ها است. یادآور بودن قرآن به این است که انسان را به آنچه در فطرت او نهفته است و از آن غفلت دارد متوجه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱،۳

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند ، با بیانی فصیح و روشن

و كذلك أنزلناه قرءاناً عربیاً

<عربیاً> یا به معنای فصیح و روشن می باشد (مفردات راغب) و یا گویای انتساب به عرب زبانان است (لسان العرب). برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

۳ - قرآن ، نازل شده به زبان عربی ، و منطبق با اصول و قواعد آن

و كذلك أنزلناه قرءاناً عربیاً

برداشت یاد شده ناظر به این احتمال است که <عربیاً> به معنای زبان مخصوص عرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ - قرآن ، سراسر وحی الهی است .

من قبل أن یقضی الیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن ، پرتو ربوبیت خداوند و وسیله پیشرفت اهداف رسالت است .

لولا يأتينا بآيه من ربّه أولم تأتهم

جمله <أولم تأتهم..> قرآن را مصداق معجزه ای قرار داده که خداوند باید بر پیامبر(ص) نازل می کرد. شمول ربوبیت خداوند بر پیامبر(ص) (ربّه)، به معنای تربیت و

رشد پایه ها و ساختار رسالت آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۶

۶- قرآن ، در بیان مقاصد و اهداف خویش بلیغ و رسا است .

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلْغًا لِقَوْمِ عَبْدِ بْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۳

۳- قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم برای همگان .

أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ

توصیف آیه های قرآن به <بَیِّن>، بیانگر قابل فهم بودن آن است. حذف متعلق <بَیِّن> حاکی از آن است که: فهم قرآن اختصاص به قشر خاصی ندارد؛ بلکه همگان توانایی بهره مند شدن از آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۳

۳- قرآن ، گفتاری است پاک و پسندیده .

الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۴

۴- ساختار قرآن ، ساختاری است بندبند که هر بند آن آیه نام دارد .

فِي آيَاتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۷،۱۱

۷- قرآن ، کتابی است آمیخته به حق و مبرا از هر گونه باطل .

أَنَّهُ الْحَقُّ

۱۱ - قرآن ، کتاب هدایت

أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ . . . وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۹،۱۰

۹ - قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

۱۰ - قرآن ، مجموعه

ای است از نشانه های خداوند .

كذَّبوا بآيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱

۱ - قرآن ، دارای ساختاری بندهند که هر بند آن < آیه > نامیده می شود .

و إذا تتلى عليهم آيتنا بينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم .

أفلم يدبروا القول

با توجه به توصیه خداوند به تدبر در قرآن، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۶

۶ - قرآن ، کتابی آمیخته با حق و مبرا از هر گونه سخن باطل

بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی یادآور و بیدارگر

بل أتینهم بذكرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- قرآن ، دارای معارف و رهنمودهایی روشن و قابل فهم برای همگان

سوره .. فیها آیت بینت

<بینه> (مفرد <بینات>) به معنای دلالت واضح و برهان روشن است. توصیف آیات قرآن به <بینات> به اعتبار این است که دلالت آنها بر معانی واضح و روشن است.

۹- قرآن ، کتابی است بیدارگر و غفلت زدا .

سوره أنزلنها .. فیها آیت بینت لعلکم تذکرون

۱۰- معارف قرآن ، معارفی فطری و تنها نیازمند تذکر و توجه است .

سوره أنزلنها .. فیها آیت بینت لعلکم تذکرون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۲

۲ - قرآن ، قابل فهم برای همه مردم

و لقد أنزلنا إلیکم آیت مبینة

<مبینات> (جمع <مبینه> و مؤنث <مبین>) است و <مبین> به معنای بیانگر و روشن کننده است. بنابراین توصیف آیات الهی (قرآن) به <مبینات>، حکایت از روشن بودن و قابل فهم بودن خود آیات برای مردم است؛ زیرا سخنی که خود روشن نباشد، نمی تواند روشنگر چیز دیگری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ - همه انسان ها ، مخاطب پیام قرآن و دین اند .

يضرب الله الأمثل للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۲

۱۲ قرآن ، کتابی جهانی و اسلام ، آیینی همگانی

لیکون للعلمین نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۳،۵

۳ قرآن ، کتابی است عمیق و عالمانه .

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، در مقام اثبات حقانیت و وحی بودن قرآن، علم گسترده خویش را یادآور شد. این یاد آوری می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن، کتاب عمیق و عالمانه است؛ نه افسانه و داستان ساختگی.

۵ قرآن ، کتابی حاوی تعالیمی اسرار آمیز *

قل أنزله الذي يعلم السرّ في السموت و الأرض

همان گونه که برخی از مفسران (مانند علامه طباطبایی و آلوسی در المیزان و روح المعانی) گفته اند، رابطه < يعلم السرّ > با انزال قرآن، احتمالاً به

جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۶

۶ آیات قرآن، در عین تدریجی و با فاصله نازل شدن آنها، دارای بهترین نظم و انسجام

کذلك لثبث به فؤادك و رتلنه ترتیلاً

<ترتیل> مصدر <رتلنا> و از ریشه <رتل> (به معنای نظم و ترتیب زیبا و منسجم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۸

۸ تعالیم قرآن و پیامبراسلام (ص)، به گونه ای است که همه انسان ها به جز افراد لجوج و حق ناپذیر را تحت تأثیر خود قرار داده و مؤمن می سازد.

إن كاد لیضلنا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۹

۹ تعالیم قرآن و پیامبراسلام (ص)، متکی بر یک سلسله برهان ها و دلایل سمعی و عقلی

أم تحسب أن أكثرهم یسمعون أو یعقلون

سرزنش هواپرستان و مشرکان از سوی خداوند به خاطر حرف نشنوی و تعقل نکردن آنان در قرآن و کلام رسول خدا(ص)، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلا تطع الكفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی

بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۳،۴

۳ - قرآن ، کتابی است روشنگر .

الکتب المبین

۴ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتب المبین

<إبانة> به معنای وضوح و روشنی نیز می آید. بنابراین <کتاب مبین> یعنی، کتاب روشن و واضح الدلاله. گفتنی است که در این صورت، حذف متعلق <مبین> بیانگر این حقیقت است که فهم معانی قرآن اختصاص به قشر و طبقه ای خاص ندارد؛ بلکه این کتاب، برای همه مردم واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۴،۵

۴ - قرآن ، برخوردار از بیانی روشن در جهت انذار مردمان

لتكون من المنذرين بلسان عربی مبین

۵ - قرآن ، قابل فهم و استفاده برای عموم مردمان

بلسان عربی مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۲،۳،۴

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام آیه

تلک آیت القرءان

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین

<إبانہ > (مصدر <مبین >)، گاهی لازم و به معنای وضوح و روشنی به کار می رود و گاهی متعدی و به معنای ایضاح و روشنگری. بنابراین، <مبین > هم می تواند به معنای واضح و روشن باشد و هم به معنای ایضاح کننده و روشنگر. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است. گفتمی است که

حذف متعلق <مبین> بر پایه معنای اول بیانگر آن است که فهم قرآن، اختصاص به قشر خاصی ندارد؛ بلکه همگان می توانند از این سفره الهی بهره مند شوند.

۴- قرآن، کتابی است روشنگر راه سعادت.

و کتاب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۱،۳

۱- آیات قرآن، آیاتی هدایتگر و بشارت دهنده

تلک آیت القرآن .. هدی و بشری للمؤمنین

کلمه های <هدی> و <بشری> مصدر به معنای اسم فاعل (هادیه و مبشره) و حال برای <آیات> است.

۳- رهنمودها و بشارت های قرآن، خالی از ابهام و پیچیدگی و به دور از هر نقص و کاستی است.

و کتاب مبین . هدی و بشری

به کارگیری مصدر (هدی و بشری) به جای اسم فاعل (هادیه و مبشره) بیانگر پیراسته بودن برنامه های هدایتی و بشارت های قرآن از هرگونه نقص و کاستی است. قید <کتاب مبین> در آیه پیش نیز نشانگر خالی بودن آن از ابهام و پیچیدگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۴

۴- قرآن، میرا از هرگونه سخنان نسنجیده و بی اساس

و إنک لتلقى القرآن من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۱

۱۱- قرآن از نظر بینش و منطق، محیط و مسلط بر ادیان پیشین

إن هذا القرآن یقصد .. أكثر الذی هم فیہ یختلفون

پرداختن قرآن به تبیین حق در مشاجرات فکری بنی اسرائیل، می تواند برای نمایاندن منطق

برتر خود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۲،۳،۴

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

تلک ءایت الکتب

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتب المبین

<مبین> به معنای <روشن> و نیز <روشنگر> است برداشت یاد شده براساس معنای اول است. گفتنی است که در آیه بالا بیان نشده است که این کتاب برای چه کسانی روشن است و این نشان می دهد که فهم قرآن، اختصاص به دسته ای خاص ندارد؛ بلکه همگان می توانند آن را بفهمند و از آن بهره گیرند.

۴ - قرآن ، کتابی روشنگر

الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، کتابی انذارگر و بیم دهنده

لتنذر قومًا

روشن است که پیامبر(ص) با تلاوت وحی الهی (قرآن) به انذار مردم می پرداخت. بنابراین <لتنذر قومًا> به تقدیر <بالقرآن> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه آموزه های باطل

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و میرا از هرگونه باطل

إنه الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است سودمند برای همه مردم .

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت ..

و قالوا ما هذا إلا إفك مفترى ... قل ما س

<هو> احتمال دارد به قرآن برگردد که مستفاد از آیه ۴۳ می باشد. لام در <لکم> برای انتفاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتاب حقی است و ساخته دست بشر نیست .

قالوا ما هذا إلا إفك مفترى .. قل إن ربی يقذف بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب حقی است .

قل جاء الحقّ

به قرینه این که آیه در سیاق آیاتی است که درباره قرآن کریم و برخورد با مشرکان با آن است، <ال> در <الحقّ> می تواند عهد بوده و به قرآن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

من الكتب هو الحقّ

<ال> در <الحقّ> نظیر ال در <زیدالرجل> برای استغراق صفات است؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۳،۴

۳ - قرآن ، کتابی است آمیخته با حکمت .

<حکیم> می تواند به معنای <ذوالحکمه> باشد و نیز می تواند مرادف <مُحَكَّم> (فعل به معنای <مُفَعَّل>) باشد؛ چنان که در قرآن هم به همین معنا به کار رفته است: <کتاب اُحکمت آیاته..> (هود (۱۱) آیه ۱). برداشت فوق برپایه احتمال اول است.

، استوار و خلل ناپذیر .

و القراءان الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و القراءان .. تنزیل العزیز الرحیم

<تنزیل> مفعول مطلق برای فعل محذوف و به تقدیر <نزل تنزیلاً من العزیز الرحیم> می باشد.

۴ - قرآن ، کتابی پیروزمند ، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القراءان .. تنزیل العزیز الرحیم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزّتمند و رحمت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۱،۱۰،۴،۳

۳ - قرآن ، سخنی است سراسر حق و هدف مند و پیراسته از کلام برخواسته از تخیلات و سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع .

و ما علّمه الشعر

برداشت یاد شده از شعر نبودن قرآن استفاده می شود زیرا شعر برخاسته از تخیلات شاعر و معمولاً توأم با سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع است که شاعران گاهی به منظور حفظ وزن، سجع و قافیه شعر به آن متوسل می شوند.

۴ - قرآن ، کتابی است دارای نظم ، شیوه و ترکیبی جذاب و مخصوص به خود .

و ما علّمه الشعر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که آنچه کافران را به شعر پنداشتن قرآن واداشت، نظم و اسلوب پر جاذبه و ویژه ای بود که در این کتاب الهی مشاهده کردند.

۱۰- قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

و قرءان مبین

۱۱- محتوا، شیوه و نظم

موجود در قرآن، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه.

و ما علمنه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلا ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواه الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۷ - ۱

۱ - قرآن، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

بل جاء بالحقّ

مقصود از <حق> قرآن است و <ال> در آن، می تواند برای استغراق صفات افراد باشد (مانند <ال> در <زید الرجل>); یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۴

۴ - قرآن، دربردارنده تمامی عوامل هدایت و بیداری انسان ها

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

با توجه به توضیح گذشته، می توان استفاده کرد که قرآن مایه بیداری و هدایت بشر است و در این ویژگی هیچ کم و کاستی ندارد و غفلت و گمراهی برخی از مردم (کافران) ناشی از عیوبی مانند غرور و سرکشی در خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۸

۸ - قرآن، برخوردار از معارف و آموزه های عمیق و ژرف

کتب . . . لیذبّروا آیته

از این که خداوند فرمود:

قرآن برای تدبر و اندیشه کردن است، استفاده می شود که محتوای این کتاب، عمیق و ژرف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۲،۳،۴

۲ - قرآن ، کتاب جهانی و فراملیتی

إن هو إلا ذكر للعلمین

۳ - قرآن ، کتابی هماهنگ و سازگار با فطرت ، نیازها و خواسته های گوناگون بشر

إن هو إلا ذكر للعلمین

با توجه به جهانی و فراملیتی بودن قرآن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

۴ - قرآن ، کتاب آسمانی جن و انس و مایه یاد و بیداری آنان

إن هو إلا ذكر للعلمین

عالم (مفرد <عالمین>) است و به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین <العالمین> یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. بنابر دیدگاه بسیاری از مفسران، مقصود از آن می تواند علاوه بر انسان ها جن هم باشد، چنان که در آیه نخست سوره <جن> آمده است (فقالوا إنا سمعنا قرآناً عجیباً . یهدی إلى الرشد فأمنا به...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و . . . پیروز شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزیز الحکیم

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که چون خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و حکیم است؛ بنابراین سخن او نیز در عرصه خاص خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۴

، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و خیال پردازی های باطل .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحق> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۵، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۲

۲ - قرآن ، حاوی بهترین سخن درباره دین و هدایت مردمان

اللّٰهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ

مقصود از <أحسن الحديث> قرآن کریم است و چون موضوع کتاب های آسمانی، دین و هدایت مردمان می باشد، قهراً بهترین بودن قرآن در رابطه با موضوع خودش خواهد بود.

۵ - شباهت ، هماهنگی و انسجام مطالب ، از اوصاف قرآن

کتاباً متشبهاً

<متشابهاً> صفت برای <کتاباً> است و مقصود از <مشابهت> هماهنگی و انسجام مطالب قرآن است که هیچ گونه اختلاف و تضاد و تناقض در آنها وجود ندارد.

۶ - تکرار مطالب و مسائل ، از اوصاف قرآن

کتاباً متشبهاً مثانی

<مثنی> (جمع <مثانی>) به معنای مکرر است و مقصود از آن تکرار شدن بسیاری از مسائل و مطالب قرآن (همچون داستان ها و ..) به مناسبت های مختلف و به اقتضای نیازهایی بود که پیش می آمد.

۷ - مطالب و مسائل قرآن در عین تکرار شدن آنها برخوردار از مشابهت ، هماهنگی و انسجام و به دور از هر گونه اختلاف ، تناقض و تضاد

متشبهاً مثانی

برداشت بالا- مبتنی بر این دیدگاه است که نصب <مثانی>، به خاطر تمیز بودن برای <متشبهاً> باشد، یعنی، <متشابهه
مثانیه> (تکرار هایش، مشابه و هماهنگ باهم هستند).

۱۰ - تأثیرگذاری عمیق و لرزه انداز دل های آماده ، از اوصاف کتاب آسمانی قرآن

کتابا .. تقشعرا

منه جلود الذین یخشون ربهم

جمله <تقشعز منه جلود..> صفت برای <کتاب> است.

۱۵ - قرآن ، کتاب هدایت است .

کتبا .. ذلک هدی الله یهدی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۱،۳،۴

۱ - قرآن ، حاوی انواع مثل ها است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

۳ - قرآن ، کتابی است برای عموم مردم ؛ نه ویژه گروهی خاص .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

برداشت یاد شده از آمدن واژه <لنناس> استفاده می شود.

۴ - گوناگونی مثل های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و قابل استفاده و سودمند برای طبقات مختلف فکری و اجتماعی است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

برداشت یاد شده با توجه به آمدن سه واژه در آیه شریفه است: ۱ لام در <لنناس> که برای انتفاع است؛ ۲ <الناس> که بر عموم مردم دلالت دارد؛ ۳ آمدن واژه <کل> با <مثل> که بر تنوع مثل ها اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۳،۵

۳ - آموزه های قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای همه انسان ها است .

قرءاناً عربیاً

<عربی> به معنای سخن فصیح و روشن است. بنابراین لازمه عربی بودن قرآن، گویایی و رسا و قابل فهم بودن آن است.

۵- مبّرًا بودن قرآن از هرگونه انحراف، کجی، اختلاف و تضاد

قرءاناً عربیّاً غیر ذی عوج

<عوج> به معنای کجی و انحراف است، این واژه در مواردی به کار می رود

که با فکر و بصیرت شناخته می شود، نه با حواس ظاهری. از این رو مفسران گفته اند: مقصود از آن در آیه شریفه با توجه به تنکیر آن و بودنش در سیاق نفی هرگونه کجی و انحراف در معانی و پیام های قرآن و یا اختلاف و تضاد در آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵- قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و کذب بالصدق

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد؛ یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۴۰، ۷، ۶، ۴

۴- قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و تخیلات باطل

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحق> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

۶- قرآن ، کتابی برای عموم مردم است نه ویژه گروهی خاص .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده از تعبیر <للناس> (برای مردم) استفاده شده است.

۷- قرآن ، کتابی سودمند برای بشر و در جهت منافع و مصالح او است .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ

برداشت یاد شده با توجه به لام در <للناس> است که متضمن معنای انتفاع می باشد.

۸- قرآن ، کتابی نازل شده برای هدایت و راهنمایی مردم .

فمن اهتدی فلنفسه

سود بردن از قرآن ، برای تمامی طیف های اجتماعی جامعه بشری ، ممکن و میسر است .

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۴،۵،۳

۳ - قرآن ، راهنمای عمل انسان ها

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

توصیه خداوند به عمل کردن به تعالیم قرآن به جای هر سفارشی دیگر درباره قرآن، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

۴ - قرآن ، نیکوترین نازله های خداوند برای بشر

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

۵ - قرآن ، کامل ترین کتاب آسمانی و اسلام جامع ترین دین الهی

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

در برداشت یاد شده، برتر بودن قرآن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی و به لحاظ کمال و جامعیت سنجیده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۵،۶

۵ - قرآن ، در عرصه فکر و اندیشه ، پیروز شکست ناپذیر و کتابی عالمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز العليم

از آن جایی که خداوند عزیز و علیم است، سخن او هم در عرصه خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

۶ - قرآن ، مایه عزت انسان ها و آموزنده دانش به آنان

تنزیل الکتب من الله العزيز العليم

تذکر این نکته که قرآن از منشأیی نازل شده که دارای عزت و علم است، (خدا)، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن

کتابی عزت آفرین و دانش آموز برای بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر

۴ - قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

آیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۳

۳ - آیات الهی و معارف قرآنی ، مبتنی بر دلیل و برهان است .

الذین یجدلون فی آیت الله بغير سلطان اتيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۵،۲

۲ - تمامی قرآن ، حتی حروف آن ، نازل شده از ناحیه خداوند *

حم . تنزیل من

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که <حم> اشاره به حروف داشته باشد، یعنی، تنها مفاهیم و معارف کلی از ناحیه خداوند بر پیامبر نازل نشده است تا او آنها را به لفظ درآورده باشد، بلکه آیات قرآن که تشکیل یافته از <حاء و میم> و امثال آن است با همین شکل از ناحیه خداوند نازل شده است.

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشته باشد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نتیجه گرفت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهومی و معرفتی بوده و نزول لفظی آن در قالب حروف و کلمات عربی، نزول تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۴،۵،۶،۳،۲،۱

۱ - آیات قرآن ، دارای مفاهیمی روشن و بی ابهام

کتب فضلت آیته

برداشت یاد شده بر این مبنا است که <فضلت>، به معنای <به

روشنی بیان شده باشد.

۲ - ساختار قرآن ، ساختاری آیه آیه است .

فصلت آیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر کاربرد ماده <فصل> در معنای تفصیل و تجزیه است.

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی اجمالی و تفصیل نیافته *

تنزیل من .. فصلت آیه

جمله <فصلت آیات> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

۴ - نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان عربی

تنزیل من الرحمن .. قرءاناً عربیاً

۵ - الفاظ قرآن هم چون محتوای آن آسمانی و الهی است .

تنزیل من الرحمن .. قرءاناً عربیاً

قید <قرآناً عربیاً> می تواند بیانگر این معنا باشد که آیات قرآن، نه تنها از حیث محتوا الهی است بلکه الفاظ آن هم کلام خداوند است.

۶ - آیات قرآن ، برخوردار از فصاحت و شیوایی *

قرءاناً عربیاً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <عربیاً> به معنای سخن فصیح و شیوا باشد. در برابر اعجمی که به معنای غیر فصیح می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶

۱ - مصونیت قرآن ، در برابر هرگونه تحریف

لایاتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

منظور از عدم امکان راه یافتن باطل به ساحت قرآن <لا- یاتیه الباطل > می تواند این باشد که هیچ کس توانایی تحریف کردن قرآن را ندارد.

۳- معارف و آموزه های قرآن ، سراسر حق و به دور از هر گونه سخن باطل است .

لایاتیه البطل من بین یدیه و لا

من خلفه

۴ - تأثیر نداشتن گذشت زمان ، در حقانیت معارف قرآن

لا يأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

بنابراین که مراد از <باطل> زوال حقانیت باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۶ - قرآن ، نازل شده از سوی پروردگار کارداران و ستوده

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۴۶

۴ - قرآن ، دارای آیات روشن و مفاهیم متمایز و قابل درک است .

و لو جعلنه قرءاً أعجمياً لقالوا لولا فصلت ءایته

<تفصیل> (مصدر <فصلت>) در مقابل اجمال و به معنای تبیین است.

۶ - مجموعه آیات قرآنی ، به دور از هرگونه ابهام و برخوردار از فصاحت

و لو جعلنه قرءاً أعجمياً لقالوا لولا فصلت ءایته

<أعجمی> منسوب به <أعجم> است و <أعجم> به کسی گفته می شود که کلام او دارای ابهام بوده و گویا نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند

إن کان من عند الله

با توجه به این که اسم کان قرآن است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - معارف قرآنی ، هماهنگ با قوانین هستی و فطرت انسانی

سنرهم ءایتنا .. و فی أنفسهم حتی یتبین لهم أنه الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <أنه> به قرآن باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - قرآن از سوی خداوند ،

در قالب زبان عربی بر پیامبر (ص) وحی شده است .

و كذلك أوحينا إليك قرءاناً عربياً

۲ - فصاحت و شیوایی والا و بی مانند قرآن

أوحينا إليك قرءاناً عربياً

<عربی> به سخنی گفته می شود که فصیح و شیوا باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱،۲،۸

۱ - خداوند، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّٰه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

۲ - نزول قرآن ، دارای هدفی ارجمند و هماهنگ با واقعیت هستی و نیاز های انسان

أنزل الکتب بالحقّ

حق، گاهی به معنای شیء مطابق با حکمت می آید و گاهی به معنای امر ضروری و مورد نیاز. برداشت یاد شده براساس هر دو احتمال است. هم چنین بر این پایه استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزل> باشد.

۸ - قرآن ، مرجع حل اختلافات اجتماعی و اعتقادی

و الذین یحاجّون .. أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

طرح حقانیت و میزان بودن قرآن، پس از ذکر اختلافات و مباحثات بی اساس مخالفان، می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۱،۲

۱ - قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

<إبانہ> (مصدر <مبین>) دو کاربرد دارد: لازم و متعدی. کلمه مبین، در استعمال لازم به معنای روشن و

در کاربرد متعددی به معنای روشنگر است. برداشت یاد شده بر پایه استعمال اول می باشد.

۲- قرآن، کتابی قابل فهم و مفاهیم آن قابل دستیابی برای بشر

و الکتب المبین

از توصیف قرآن به <مبین> (روشن)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۱،۴

۱- قرآن، کتابی نازل شده به زبان عربی از سوی خداوند

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

۴- قرآن، کتابی فصیح و دارای پیامی روشن و بدون ابهام

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

برداشت یاد شده با توجه به معنای دیگر <عربیًّا> که فصاحت است به دست می آید. در مفردات راغب آمده: <العربی: الفصیح البین من الکلام>، یعنی، عربی به سخنی گفته می شود که شیوا، روشن و بدون ابهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۵

۵- قرآن، در أم الكتاب (لوح محفوظ)، دارای حقیقتی واحد و بسیط

و إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ .. حَكِيم

<حکیم> به معنای محکم است و <محکم> به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی ناگسستنی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در أم الكتاب به <محکم> با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات، آیات و سوره های مفصل و مجزا از یکدیگر است اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در أم الكتاب، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- قرآن ، بیدارکننده آدمیان از غفلت و بی توجهی

أفضرب عنکم الذکر

به کارگیری <ذکر> به جای <قرآن>، حاکی از این است که قرآن، بیدارگر خفتگان و یادآور غافلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۱

۱- قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

و الکتب المبین

<إبانه> (مصدر <مبین>) هم به صورت لازم و متعدی به کار می رود. <مبین> در کاربرد لازم به معنای روشن و در کاربرد متعدی به معنای روشنگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۷

۷- قرآن ، بیانگر و در بر دارنده همه مسائل مهم *

و الکتب المبین . إنا أنزلنه فی لیلہ مبرکہ ... فیها یفرق کلّ أمر حکیم

خداوند، از سویی قرآن را کتابی روشن و روشنگر و از سویی دیگر نزول آن را در شبی مبارک که تقدیر امور هستی در آن صورت می پذیرد معرفی می نماید. تقارن دو امر یاد شده، این احتمال را تقویت می کند که مقدرات کلی الهی در هستی، در قرآن موجود و بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۱

۱- قرآن حقیقتی مستحکم ، خلل ناپذیر و نازل شده از سوی خداوند

إنا أنزلنه . . . أمر حکیم ... أمراً من عندنا

کلمه <أمراً> می تواند حال برای ضمیر مفعولی <أنزلناه> باشد. در این صورت از ارتباط آن با <أمر حکیم> در آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۲

۲- قرآن ، کتابی آسان و در دسترس فهم و درک بشر

فإنّما یسرّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲ - ۴

۴ - ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن و یا همانند آن

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز

برداشت بالا- با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) از ارتباط میان <تنزیل الکتب> با وصف <العزیز> نوعی تحدی استفاده می شود. ب) مطرح ساختن عزت و شکست ناپذیری خداوند در مورد قرآن، در ابعاد مختلفی تصویر می شود؛ از جمله در بُعد محتوایی و لفظی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۶

۶- محتوای قرآن ، حقایقی استوار و ابطال ناپذیر

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز الحکیم

نسبت دادن تنزیل قرآن به خداوند عزیز و حکیم، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که قرآن نیز، همچون نازل کننده آن عزیز و شکست ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۲

۲- آیات قرآن ، روشن و خالی از هر گونه ابهام

ءایتنا بیّنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- عربی بودن ، از امتیازات قرآن

و هذا کتب مصدق لساناً عربیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم ، اصیل

ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

كُتِبَ أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۲،۳

۲ - پیام قرآن ، پیامی نو و بی نظیر برای همیشه تاریخ

فلیأتوا بحديث

در واژه <حدیث>، نوین بودن پیام قرآن نهفته است. <تحدی> قرآن، برای همیشه تاریخ است و بی نظیر ماندن آن نیز همیشگی خواهد بود.

۳ - بشر ، ناتوان از آوردن سخنی نو و پرطراوت چون قرآن

فلیأتوا بحديث مثله

امر در <فلیأتوا> برای تعجیز و بیان ناتوانی بشر از آوردن سخنی مانند قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۶

۶ - قرآن ، ستاره هدایت برای انسان ها *

و النجم إذا هوی

در صورتی که مراد از <نجم> قرآن باشد، اطلاق <نجم> بر قرآن می تواند به منظور مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۳

۳ - قرآن ، سخنی نو و در عین حال به دور از مطالب نامعقول و غیرقابل قبول

أفمن هذا الحديث تعجبون

مشاراليه <هذا>، می تواند قرآن باشد. در این صورت واژه <الحديث> اشاره به نو بودن آن دارد. نفی اعجاب و استبعاد که از استفهام توییخی استفاده می شود می رساند که قرآن در اوج نو بودن،

منطقی و قابل درک و فهم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسرنا القرآن

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن للذکر

مفهوم <لقد یسرنا..> این است که حقایق قرآنی در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۱،۵

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسرنا القرآن

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا القرآن..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۱،۵

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسرنا القرآن

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا القرآن . . > این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها در درک آن ناتوان می شدند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۱،۵

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسرنا القرآن

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسرنا القرآن

مفهوم <و لقد یسرنا> این است که حقایق قرآنی، در مرحله اول و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بی نظیر ، جدید و بی سابقه در فرهنگ بشری

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

<حدیث>، به خبر تازه و نو گفته می شود و <هذا الحدیث> یا اشاره به قرآن دارد و یا مراد از آن خبر قیامت است. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، کتابی جاودان و کهنه نشدنی

و ما نزل من الحقّ

یکی از معانی واژه <حقّ> ثابت و استوار است. در این صورت توصیف قرآن به <حقّ>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۷،۹

۷- قرآن ، دارای ساختاری بندبند است و هر یک از بند های آن < آیه > نامیده می شود .

و قد أنزلنا آیت بینت

۹- آیات قرآن ، روشن و بدون هرگونه ابهام است .

و قد أنزلنا آیت بینت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی قابل فهم برای اهل فکر و اندیشه

لو أنزلنا هذا القرآن .. لعلهم يتفكرون

در دسترس بودن قرآن که از اسم اشاره قریب (هذا) فهمیده می شود و نیز ترغیب به اندیشیدن و تفکر در آن، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۵

۵ - قرآن ، کتاب هدایت است .

أرسل رسوله بالهدی

مقصود از <الهدی> قرآن کریم است، چرا که قرآن کتاب هدایت است و هدایت فلسفه نزول قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۵

۵ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بی نظیر و دارای مطالبی نو و بی سابقه

الحديث

<حدیث> به معنای شیء جدید و نوپیدا است. به کار رفتن این تعبیر درباره قرآن، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است جهانی و برای همه ملت ها با فرهنگ های گوناگون .

ذکر للعلمین

عالم (مفرد <عالمین>) به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین <عالمین> یعنی، همه انسان ها و با توجه به همه مجموعه های بشری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۹

جن - ۷۲ - ۱۳ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب هدایت است .

الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲۳

۲۳ - قرآن ، دربردارنده حقایقی پندآموز و بیدارگر

و ما هی إلا ذکرى للبشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است بیدارگر و پندآموز .

عن التذکره معرضین

به گفته مفسران، مقصود از <تذکره> در این آیه، قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است الهی نه ساخته و پرداخته دست بشر .

إنا نحن نزلنا عليك القرآن

تصریح و تأکید فراوان بر اختصاص نزول قرآن از سوی خداوند در فضایی که کافران ساختگی بودن آن را تبلیغ می کردند می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۵،۶

۵- قرآن ، همواره سخنی نو و جدید است .

فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

<حدیث> به معنای جدید است. نام گذاری قرآن به حدیث، بیانگر مطلب یاد شده است.

۶- قرآن ، نوترین سخن در باب هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن

فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۴

۴- قرآن در مرحله ابلاغ به مردم ، همانند مرحله نزول و دریافت ، مصون از تحریف و کتمان است .

و ما هو علی الغیب بضنین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۱

۱ - قرآن در بردارنده معارفی که باید آنها را فراگرفت و همواره به خاطر داشت .

إن هو إلا ذکر

<ذکر> و <حفظ> به یک معنا است؛ جز این که <حفظ> فراگرفتن و <ذکر> حاضر داشتن فراگرفته ها است؛ بنابراین به ادامه حفظ نیز <ذکر> گفته می شود؛ گرچه مسبوق به فراموشی نباشد (مفردات راغب). این تعبیر برای قرآن که گرچه وسیله ذکر است ولی از روی مبالغه <ذکر> خوانده شده است نشانه آن است که قرآن، مایه توجه انسان به حقایقی است که باید همواره آن را به خاطر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۲

۲ - لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است ، از نابودی و تغییر مصون است .

فی لوح محفوظ

کلمه <محفوظ>، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۴، ۲، ۱

۱ - قرآن ، کلامی است که حق و باطل را به طور کامل متمایز می سازد .

إنه لقول فصل

از سیاق مطالب به دست می آید که مرجع ضمیر <إنه> قرآن است. <فصل>؛ یعنی، جدا ساختن دو چیز از یکدیگر، به گونه ای که بین آن دو فاصله افتد (مفردات راغب). تعبیر <فصل> که مصدر است در معنای فاصل، مبالغه

آمیز است و بر کمال جدایی دلالت دارد. برخی گفته اند: مراد از ضمیر در <إِنَّه>، گفته های خداوند درباره معاد است که آیات پیش گویای آن بود. در این احتمال نیز <قول فصل> بودن آن آیات، به اعتبار قرآن بودن آنها است.

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . . . و الأرض ... إِنَّه لقول فصل

۴ - < [فی مجمع البیان فی قوله تعالی] > < إِنَّه لقول فصل > یعنی إِنَّ القرآن يفصل بين الحقّ و الباطل بالبیان عن کلّ واحد منهما و روی ذلك عن الصادق (ع) ;

[در مجمع البیان در تفسیر قول خدای تعالی] <إِنَّه لقول فصل> [آمده است]: یعنی قرآن با بیان حقّ و باطل، آن دو را از یکدیگر جدا می سازد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ .. الذی علم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۴، ۲، ۱

۱ - صفحات قرآن ، گنجینه نوشته هایی استوار و به دور از اعوجاج و انحراف

فیها کتب قیّمه

<کتاب> (مفرد <کتب>) مصدری است که در معنای اسم مفعول آن (مکتوب)

به کار رفته است. بنابراین <فیها کتب> یعنی، در صحیفه های مطهر، نوشته هایی متعدد وجود دارد. <قیمه>، دارای دو معنا است: ۱. به صورت متعدی و با مفعولی محذوف یعنی، قوام بخش و برپادارنده جامعه/ ۲. به صورت لازم یعنی، با استقامت و اعتدال و خالی از کجی و اعوجاج. برخی این کلمه را جمع دانسته اند (مجمع البیان) ولی بیشتر اهل لغت و تفسیر مفرد بودن آن را پذیرفته اند.

۲- قرآن، در برگیرنده قوانینی نظام بخش و حافظ مصالح مردم

فیها کتب قیمه

<قیم> هر چیز، برپادارنده و قوام بخش آن است (لسان العرب). فعل <کَتَبَ> یعنی، حکم و قضاوت کرد و ملزم ساخت (مصباح). بنابراین مراد از <کُتِبَ> در آیه شریفه، ممکن است مجموعه حکم ها و الزام های الهی باشد.

۴- قرآن، حاوی معارف کتاب های آسمانی گذشته است. *

یتلوا صحفًا مطهّره . فیها کتب قیمه

ویژگیهای مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۲

۲ - مثل های قرآن، بهترین و سودمندترین مثل ها است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

تنکیر <مثل> دلالت بر تعظیم و شرافت دارد یعنی، یعنی مثل های قرآن بهترین و سودمندترین مثل ها است.

ویژگیهای مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا .. لا یؤمنون

متعلق < لایؤمنون > به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است، یعنی: لایؤمنون بالله ولا بالیوم

الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۲

۲ - بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

ویژگیهای نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۸

۸ قرآن ، کتابی است که به تدریج و جدا جدا (آیه آیه و سوره سوره) بر پیامبر اسلام (ص) فرود آمد .

تبارك الذی نزل الفرقان علی عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود. / مثلاً در آیه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقاناً لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۴

۴ - در مسیر نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، هیچ دست ناپاکی بدان نرسیده و کاملاً مصون از تحریف و دستبرد بوده است .

لا یمسه إلا المطهرون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که ضمیر در <لا یمسه> به قرآن باز گردد و آیه شریفه ناظر به وضعیت نزول قرآن به وسیله فرشتگان بر پیامبر (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نزول قرآن بر پیامبر (ص)، تدریجی و مرحله ای بود.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا

<تنزیلاً>، مفعول مطلق نوعی است و در این آیه بر نزول تدریجی قرآن بر پیامبر(ص) دلالت دارد. ضمن آن که پیش از این آیه و پس از آن، سوره ها و آیات فراوانی که بافاصله زمانی بسیاری از هم قرار دارند نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۷

۷ - نزول قرآن، به صورت گفتار بوده است.

إِنَّهُ لَقَوْلٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۴۸

۴ - نزول قرآن در شب قدر، به صورت کامل بوده است. *

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

نزول بسیاری از آیات قرآن، به مناسبت های گوناگونی بوده است که در طول زندگانی رسول اکرم(ص)، پیش آمده بود. در نتیجه آیه شریفه، ناظر به نزول آن در مرحله ای دیگر خواهد بود که معارف و رهنمودهای قرآن، به صورت کامل از جانب خداوند در شب قدر نازل شده بود. گفتنی است که تفاوت تعبیر <إنزال> و <تنزیل>، می تواند بیانگر این دو مرحله از نزول قرآن باشد. در این احتمال، <إنزال> ناظر به نزول دفعی در شب قدر و <تنزیل> ناظر به نزول تدریجی آن در طول زندگانی پیامبر(ص) خواهد بود.

۸ - <قال الصادق (ع) نزل القرآن في ليلة القدر إلى البيت المعمور جملة ثم نزل من البيت المعمور على رسول الله (ص) في طول عشرين

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد.<

ویژگیهای هدایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۷

۷ هدایت های قرآن ، به دور از هر کاستی و پیراسته از کمترین پیامد ناهنجاری است .

هدی للمتقین

<هدی> مصدر و در اینجا به معنای اسم فاعل (هادی) است. به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل اشاره به این حقیقت دارد که قرآن محض هدایت است؛ یعنی رهنمودهای قرآن مستلزم هیچ ضلالت و مشوب به هیچ گمراهی و سردرگمی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ هدایت های قرآن ، پیراسته از هر گمراهی و منزّه از کمترین پیامدی ناهنجار

و لکن ... هدی

<هدی> مصدر است و در این جا به معنای اسم فاعل (هدایت کننده) می باشد. به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل اشاره به این حقیقت دارد که: موصوفش (قرآن) محض هدایت است؛ یعنی ، رهنمودهای آن مستلزم هیچ گمراهی و آمیخته به هیچ ضلالتی نیست.

ویژگیهای هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۳

۳ - هدایت قرآن ، کامل و به دور از هر شایبه کاستی و نقص است .

<هدی> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. کاربرد آن به جای اسم فاعل، اشاره به هدایت محض بودن

آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۶

۶ - هدایت و راهنمایی های قرآن ، به دور از هر کاستی و پیراسته از کمترین پیامد ناهنجار

أرسل رسوله بالهدی

در صورتی که مراد از <هدی> قرآن باشد؛ تعبیر مصدر به جای اسم فاعل (هادی) اشاره به این حقیقت دارد که قرآن، محض هدایت است؛ یعنی، رهنمودهای قرآن مستلزم هیچ ضلالت و همراه با هیچ گمراهی و سر درگمی نیست.

هدایت پذیری پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱

۱ - انذارها و اخطارهای پیامبر (ص)، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند، مؤثر بود.

إنما تنذر من أتبع الذکر و خشی الرحمن

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند؛ ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از <ذکر> طبق نظر بیش تر مفسران قرآن است.

هدایت مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مؤمنان به قرآن ، به راه حق و درستی دست یافته اند .

فمن أسلم فأولئك تحروا رشداً

هدایت ناپذیری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات -

۱ - آنان که به قرآن ایمان نمی آورند ، به هیچ گفتار هدایت بخش دیگری ، ایمان نخواهند آورد .

فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

استفهام <فَبَأَىٰ> انکاری و تعجیبی است. بر این اساس مفاد آیه چنین است: <وقتی آنان قرآن را که با دلایل روشن همراه است تصدیق نمی کنند، پس مسلم به هیچ سخن حقی ایمان نخواهند آورد.>

هدایتگری آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۱

۱ - آیات قرآن ، آیاتی هدایتگر و بشارت دهنده

تلك آيات القرآن .. هدى و بشرى للمؤمنين

کلمه های <هدی> و <بشری> مصدر به معنای اسم فاعل (هادیه و مبشره) و حال برای <آیات> است.

هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴،۵

۴ - توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدی للمتقین

<هدی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

۵ - قرآن کتاب هدایت و راهنمای اهل تقوا به مراحل والای آن

هدی للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- ایمان به غیب و رسالت انبیای الهی و یقین به آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت های قرآن است .

هَدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ .. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قرآن بهترین راهنمای مردم برای ایمان به خدا و قیامت

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

چنانچه مراد از <کفر> کفر به قرآن باشد، جمله <سواء عليهم> به این حقیقت اشاره دارد که اگر قرآن در انسانی تأثیر نبخشد چگونه انتظار می رود که از سخن پیامبر(ص) تأثیر پذیرد؟ و این حاکی از آن است که قرآن بهترین وسیله هدایت و ارائه کننده مؤثرترین انذارهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۹، ۱۵

۹ - قرآن ، هدایتگر اهل ایمان است .

هدی و بشری للمؤمنین

<هدی> مصدر است و در اینجا به معنای اسم فاعل (هادی) می باشد.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فَإِنَّ نَزْلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ .. هَدًى وَّ بَشْرًا لِّلْمُؤْمِنِينَ

عبارت <هدی و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۹

۹ - اسلام و قرآن ، برنامه هدایتی خداوند برای انسانهاست .

إِنَّ هُدًى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ

مصدقاً مورد نظر برای <هدی الله> چنانچه مفسران گفته اند، قرآن و اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - هدف قرآن انسان سازی است نه مجرد تبیین مفاهیم نیکو و بیان رفتار های ناپسند

و لکن

توضیح برداشت پیشین، بیانگر استفاده برداشت فوق از جمله <و لكن البر من ءامن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۰، ۶

۶ - قرآن کتابی هدایتگر و راهنمای همه انسانهاست .

الذی أنزل فيه القرآن هدی للناس

۱۰ - قرآن ، حاوی دلایلی روشن و فراوان برای رهنمون ساختن انسان ها به هدایت های ویژه و مراحل والای هدایت

الذی أنزل فيه القرآن هدی للناس و بینت من الهدی

<بینه> به معنای دلیل و روشن و آشکار است و جمع آوردن آن دلالت بر کثرت دارد. از معرفه بودن <الهدی> در <بینات من الهدی> چنین بر می آید که مراد، هدایت‌هایی خاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۱۱، ۷

۷ قرآن ، کتابی روشن و روشنگر راه هدایت

و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

۱۱ قرآن ، چراغی روشن و برهانی آشکار بر توحید و یگانگی خداوند

قد جاءکم برهن من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

در برداشت فوق <برهان> به قرآن تفسیر شده و متعلق آن به قرینه آیات پیشین، توحید و یگانگی خداوند دانسته شده است ؛ آیه بعد <فاما الذین ءامنوا بالله> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ قرآن ، کتابی روشنگر از جانب خداوند

قد جاءكم من الله نور و كتب مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۳،۱۵

۳ قرآن و پیامبر (ص)، دارای

حقیقتی واحد و هدفی یکسان (هدایت بشر)

یهدی به الله من اتبع رضونه سبل السلم

ارجاع ضمیر مفرد <به> به قرآن و پیامبر(ص) بیانگر این معناست که آنها دارای یک حقیقت هستند و در هدایتگری یک چیز به شمار می آیند.

۱۵ قرآن و پیامبر (ص) ، هدایتگر انسان ها به راه مستقیم

و یهدیهم إلی صراط مستقیم

بنابر اینکه فاعل <یهدیهم>، قرآن و پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۵

۵ قرآن، معجزه ای کافی برای هدایت و برآورنده تمامی نیازهای هدایتی انسان است.

و قالوا لولا نزل علیه آیه .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به آیه قبل، که سخن از نزول معجزات بوده می توان گفت مراد از <الکتب> قرآن است و چون قرآن کتاب هدایت و <من شیء> بیانگر جامعیت آن است، لذا بر مبرای بودن قرآن از هرگونه کاستی در جهت هدایت آدمیان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۱، ۱۲

۱۱ بیان قرآن و تنوع و گوناگونی آن برای هدایت انسان کافی است.

انظر کیف نصراف الآیت ثم هم یصدفون

دعوت به نگرش در چگونگی بیان آیات و همچنین اظهار شگفتی از رویگردانی برخی مردم از هدایت‌های قرآن، بیانگر کارسازی و نقش مؤثر آن در هدایت انسان است.

۱۲ اعراض مشرکان از توحید و حقایق آسمانی، با وجود بیان روشن و مستدل قرآن، امری شگفت انگیز

انظر کیف نصراف الآیت ثم هم یصدفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۳ قرآن کتابی گرانقدر و مبارک (فزاینده و رشد دهنده و دارای خیر فراوان) است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک

<برکه> یعنی رشد و فزونی (لسان العرب) و <مبارک> چیزی است که در آن فزونی باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱

۱ آیات قرآن آگاهی‌هایی ارائه شده از پروردگار به انسانهاست.

قد جاء کم بصائر من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۵

۵ قرآن و اسلام پاسخگوی همه نیازهای هدایتی بشر و حجت تامه پروردگار است.

و تمت کلمت ربک

لازمه تمام بودن قرآن و در نتیجه اسلام، توان پاسخگویی به همه نیازهاست؛ به گونه ای که به بیرون از خود نیازی نداشته باشد؛ همان گونه که راغب می گوید: <تمام... انتهائه إلى حد لا یحتاج إلى شیء خارج عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۹

۹ قرآن راهنمای کامل و تمام برای مصون ماندن از انحراف در عقاید و افکار و اسیر شدن در دام گمان

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا... و إن تطع أكثر من فی الأرض یضلوک عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۳

۳ باور به آسمانی بودن قرآن، از میان برنده هرگونه نگرانی از نارسائی آن برای هدایت مردم

فلا یکن فی صدرک حرج منه

توصیف قرآن به <أنزل> و سپس نهی از نگرانی درباره آن (منه)،

ممکن است ناظر به این باشد که قرآن برای انذار و تذکر کافی است و از این ناحیه جایی برای نگرانی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۳،۴،۸،۱۱

۳ نزول قرآن ناشی از علم کامل خداوند به نیاز های هدایتی مردم

و لقد جننهم بكتب فصلنه علی علم هدی

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <علی علم> متعلق به <جننهم> باشد. نکرده بودن کلمه <علم> اشاره به عظمت آن علم دارد که در برداشت فوق به <علم کامل> تعبیر شده است.

۴ قرآن ، کتابی قابل درک برای مردم و همگان توانا بر بهره گیری از هدایت های آن

و لقد جننهم بكتب فصلنه علی علم هدی و رحمه

۸ هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی به رحمت بیکران خداوند است .

و لقد جننهم بكتب فصلنه علی علم هدی و رحمه

با توجه به اینکه همگان دعوت به ایمان شده اند و نیز اینکه آیه در مقام احتجاج علیه کافران است، معلوم می شود متعلق <هدی> و <رحمه> کلمه ای همانند <للناس> می باشد. یعنی: جننهم بكتب هدی للناس و رحمه لهم. قابل ذکر است که <هدی> و <رحمه> معقولاً له برای <جننهم> است.

۱۱ تنها مؤمنان به قرآن بهره مند از هدایت ها و رحمت های بیکران آن هستند .

هدی و رحمه لقوم یؤمنون

با توجه به اینکه هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی همگان به رحمت ویژه الهی است، به نظر می رسد <لقوم یؤمنون> اشاره به این حقیقت داشته باشد که تنها مؤمنان از هدایتها و رحمتهای ویژه بهره

مند خواهند شد. گفتنی است مراد از <لقوم یؤمنون> به دلیل فراز قبل، مؤمنان به قرآن می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۴، ۱۳، ۱۲

۱۲ قرآن کتاب هدایت و مایه رحمت است .

هذا .. هدی و رحمه

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

۱۴ هدایت های قرآن مشوب به هیچ ضلالتی نبوده و مستلزم کمترین ناهنجاری نخواهد شد .

هذا .. هدی و رحمه

به کارگیری مصدر <هدی> به جای اسم فاعل <هاد>، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۵

۵ گوش سپاری کافران به آوای قرآن، زمینه ساز دستیابی آنان به هدایت و رحمت الهی خواهد شد .

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

چنانچه خطاب در آیه شامل کافران باشد، مصداق مورد نظر از رحمت در <ترحمون> هدایت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۳

۳ قرآن، کتاب هدایت است .

هو الذی أرسل رسوله بالهدی

نوع مفسران برآنند که مقصود از <الهدی> قرآن کریم است چرا که قرآن کتاب هدایت است و هدایت فلسفه نزول قرآن

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی است انسان ساز و مایه رشد و پرورش .

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷- یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۶،۷

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شَفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ

۶ قرآن برای مؤمنان ، هدایت و رحمت است .

و هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ .. وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۶

۶ انذار و اخطار ، بشارت و نوید ، از روش های تربیتی هدایتی قرآن

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ .. ثُمَّ نَجَّيْنَا رَسُلَنَا ... كَذَلِكَ حَقًّا عَلٰى

برداشت فوق از ارتباط میان آیه قبل، که در آن مشرکان و کافران لجوج تهدید به عذاب شدند و این آیه که به مؤمنان حق جو، بشارت نجات و نوید یاری، داده شده است، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۷

۷ قرآن ، کتابی است که برای هدایت و راهنمایی مردم نازل شده است .

قَدْ جَاءَ كَمِ الْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱ - ۲

۲ قرآن ، بیانگر حقایق و معارف الهی و روشنگر راه هدایت

الكتب المبين

کلمه <مبین> به معنای روشن و نیز روشنگر است ؛ یعنی، هم متعدی استعمال

می شود و هم لازم. براساس متعدی بودن نیاز به مفعول دارد و آن به قرینه محتوای قرآن و هدفی که خود بیان کرده (هدی للناس > بقره، ۱۸۵<) عبارت است از معارف، احکام، راه هدایت و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۲، ۱۵

۱۲ قرآن، کتابی هدایت گر است .

لکن ... هدی

۱۵ تنها مؤمنان به قرآن، از هدایت ها و رحمت آفرینی های آن بهره مند می شوند .

و لکن ... هدی و رحمه لقوم یؤمنون

دلیل این برداشت نظیر سخنی است که در توضیح برداشت شماره ۲ از همین آیه آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۵، ۶، ۱۳

۵- هدف از نزول قرآن، خارج ساختن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور است .

کتب أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

۶- پیامبر (ص)، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها)، با تعالیم قرآن کریم

أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

۱۳- سنت پیامبر (ص)، همگام و همتراز قرآن در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور *

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

فرمان خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر خارج ساختن مردم از ظلمتها، امری دایمی است و از طرف دیگر پیامبر(ص) همچون سایر انسانها، محکوم به ارتحال است. بنابراین برای تحقق مأموریت واگذار شده، سنت پیامبر(ص) است که همواره چنین نقشی را عهده دار

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۲۱

۲۱- بیان تاریخ انبیا و سرگذشت اقوامشان ، از روش های هدایتی تربیتی قرآن برای نجات مردم از ظلمت ها و بردن آنان به سوی نور

أخرج قومك من الظلمت إلى النور .. ألم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح و عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۷

۷- به کارگیری مثل ، از روش های هدایتی تبلیغی قرآن کریم

و يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۴

۴- قرآن ، کتاب یاد و یادآوری و مایه بیداری و هشیاری انسان از غفلت ها و فراموشیهاست .

إنا نحن نزلنا الذكر

نام گذاری قرآن به <الذکر>، احتمالاً به این جهت باشد که قرآن، برای تنبه و مایه بیداری انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۵

۵- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادت‌مندانة تقواییشان ، از روش های هدایتی قرآن *

الغاوين . و إن جهنم لموعدهم أجمعين ... إن المتقين في جنّ و عيون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- هدف از نزول قرآن کریم ، تبیین اختلافات عقیدتی مردم است .

و ما أنزلنا عليك الكتاب إلا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه

۹- قرآن ، کتاب هدایت و رحمت برای مؤمنان است .

و ما أنزلنا عليك الكتاب .. هدى و رحمه لقوم يؤمنون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷، ۱۵، ۱۲

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

هر چند <کُلّ شیء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد؛ از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

۱۵- لزوم مراجعه به قرآن ، برای شناخت عوامل واقعی رشد و هدایت انسان

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ . . . وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرًا لِلْمُسْلِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۲

۲- عدل ، احسان و صلّه رحم ، از مهم ترین دستورات هدایتی قرآن است .

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ . . . إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى

خداوند، پس از معرفی قرآن به مسأله عدل، احسان و بخشش به خویشاوندان پرداخته است. ارتباط این دو موضوع، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۹

۹- قرآن و آیات آن ، دربردارنده هدایت و بشارت برای مسلمانان

و هُدًى و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱- قرآن در بردارنده برترین هدایت ها و استوارترین شریعت برای بشر است .

إن هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم

عبارت <التي هي أقوم> صفت برای موصوف محذوف مثل کلمه <شریعت> و <ملت> است.

۲- قرآن ، کامل ترین کتاب هدایت

إن هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم

برداشت فوق بنابرین است که مفضل علیه <أقوم> صرفاً هدایت تورات نباشد؛ بلکه مفضل علیه محذوف، عام بوده و شامل همه کتابهای هدایتی باشد.

۳- قرآن ، هدایتگر مردمان به خلل ناپذیرترین و استوارترین راهها

إن هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم

۷- > عن أبي عبدالله (ع) في قوله تعالى : < إن هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم > قال : يهدي إلى الإمام ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای تعالی <إن هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم> روایت شده است که فرمود: یعنی به سوی امام هدایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰ - ۵

۵- بشارت و انذار ، دو عنصر اصلی در هدایت قرآن است .

إن هذا القرآن يهدى... و يبشّر... أن الذين لا يؤمنون بالأخرة أعتدنا لهم عذاباً

نکته فوق از بشارت دادن خداوند به مؤمنان و از انذار کافران در کنار هم استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- قرآن ، دربردارنده همه بیان های هدایتی مورد نیاز انسان در فصل ها و بخش های متعدد

إن هذا القرآن يهدي . . . و كلّ شيء

برداشت فوق مبتنی بر این است که <فصلناه> به معنای لغوی خود (جدا کردن) استعمال شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۱۰

۱۰- تبیین پیامد های سوء اعمال ناپسند ، و جدایی نهی از آنها از روش های هدایتی تبلیغی قرآن

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سییلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۳

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

<تصریف> در لغت به معنای گرداندن چیزی به جهات گوناگون است و <تصریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب هدایت است و می فرماید: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> استفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۱

۱- قرآن و تعالیم آن ، قوام بخش و رهبری کننده جامعه بشری است .

أنزل علی عبده الکتب و لم يجعل له عوجاً قیماً

<قیم> به معنای <مقیم> یعنی <برپادارنده و سامان بخش> است. <قیم القوم> به معنای <مدیر و مدبّر امور قوم> است. (اقتباس از لسان العرب). لازم به ذکر است که قیماً یا مفعول برای فعل مقدر <جعل> است یعنی: <جعله قیماً> و یا حال برای <الکتب>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- استفاده از انگیزه امید و آرزو ، از روش های قرآن برای هدایت و تربیت است .

و البقیة الصلحة خیر عند ربك ثواباً و خیر اَمْلاً

<أمل> به معنای <آرزو و امید> است و <أَمْلاً> تمیز برای <خیر> است ، یعنی ، <الباقیات الصالحات> از نظر امید داشتن به نتیجه آن، از دل بستن و امید داشتن به حیات دنیا و زینت های آن، بهتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۳

۳- سرگذشت رفاه مند مغرور ، عصیان ابلیس و بی پاسخ ماندن استمداد مشرکان از معبودان خویش در قیامت ، نمونه هایی از مثال های هدایت گر قرآن است .

واضرب لهم مثلاً رجلین . . . و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

این آیه، به منزله نگاهی است کلی به آیات گذشته از سی و دوم با پنجاه و سوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۶

۶- قرآن ، کتابی سراسر هدایت است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن . . . و ما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدی

مصادق بارز <الهدی> به قرینه آیه قبل، قرآن است. اطلاق مصدر (الهدی) بر چیزی که هدایت گر است، برای مبالغه در بیان هایت گری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی

هذا القرءان للناس من كلّ مثل . . . و إذ قال موسى لفتيه لأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۳

۳- وحی الهی (قرآن و . . .) ، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی الهی به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسانِ غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۲،۶

۲- قرآن ، عامل بیداری و یادآوری دانستنی های فراموش شده انسان ها و احیاگر فطرت خفته آنان

و هذا ذکر

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن است و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافلی است که از امور فطری و دانستنی های خدادادی خویش، غافل شده است.

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارک أنزلنه أفأنتم له منکرون

خداوند،

قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۱

۱- معارف قرآن ، برای هدایت و سعادت قوم عبادتگر خدا ، کافی و بسنده است .

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلْغًا لِقَوْمٍ عَبْدِينَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به قرآن و مجموعه مطالب این سوره باشد. و <بلاغ> به معنای کفایت باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۵

۵- قرآن ، کتاب هدایت است .

وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَرِيدُ

تقدیر جمله <أَنَّ اللَّهَ يَهْدِي> به قرینه واقع شدن در پی جمله <أَنْزَلْنَاهُ> <یهدی به من یرید> می باشد، یعنی، خدا به وسیله قرآن، هر کس را که بخواهد هدایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱- قرآن ، کتاب هدایت

أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ .. و إِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۹

۹- قرآن ، کتابی است بیدارگر و غفلت زدا .

سوره أنزلنها .. فيها آیت بینت لعلکم تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - بهره گیری از روش

های مختلف (نزول آیات روشنگر ، بیان سرگذشت امت های پیشین و موعظه) برای هدایت مردمان

و لقد أنزلنا إليكم آيات مبینة و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم و موعظه للمتّقین

از آمدن چند نمونه (آیات روشنگر داستان های پیشینیان و موعظه و اندرز) در کنار هم، بدون بیان رابطه آنها می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

۵ تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر درست جریان حق و باطل

إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۸

۸ تعالیم قرآن و پیامبراسلام (ص) ، به گونه ای است که همه انسان ها به جز افراد لجوج و حق ناپذیر را تحت تأثیر خود قرار داده و مؤمن می سازد .

إن کاد لیضلّنا عن ءالہتنا لولا أن صبرنا علیہا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتاب هدایت و رحمت

و إِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

۱۲ - انس با قرآن و تعلیمات آسمانی آن ، مایه بیداری و دور ماندن از غفلت و بی خبری

لتنذر قومًا .. لعلهم يتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۵،۱۲

۵ - عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از قرآن و تورات

قل فأتوا بكتب من عند الله هو أهدي منهما

۱۲ - بشر ، ناتوان از ارائه کتابی برتر و هدایت کننده تر از قرآن و تورات

قل فأتوا بكتب .. هو أهدي ... إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۶

۶ - قرآن ، به اعتراف مشرکان بهانه جو کتاب هدایت است .

و قالوا إن نتبع الهدى معك

با توجه به آیات پیشین که سخن در آنها تماماً در رابطه با قرآن بود می توان گفت که مراد از <الهدی> قرآن است ؛ یعنی ،

<إن نتبع هدی القرآن معك> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، کتاب هدایت برای مردمان

إنّ الذی فرض علیک القرآن .. قل ربّی أعلم من جاء بالهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قرآن کریم ، کتابی دربردارنده هدایت و رحمت است .

هدی و رحمه للمحسنين

<هدی> و <رحمه> حال برای <الکتاب> در آیه قبل است.

۲ - قرآن ، کتاب هدایت و رحمت برای محسنان (کسانی که اعمال شایسته انجام می دهند) است .

هدی و رحمه للمحسنين

از

این که مراد از <محسنین> چه کسانی اند، چندین احتمال داده شده است: یکی از آن احتمال ها که با لفظ هم سازگار است این است: <کسانی که اعمال شایسته انجام می دهند>.

۶- بهره مندی محسنان از هدایت و رحمت قرآن ، افزون از دیگران است .

هدی .. للمحسنین

<محسنین> به قرینه آیه بعد که در آن برپایی نماز و پرداخت صدقه و ایمان به آخرت، به عنوان اوصاف محسنان ذکر شده است کسانی اند که ایمان دارند. بنابراین، هدایت قرآن نسبت به آنان، می تواند ابتدایی نبوده و بلکه افزایشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۹

۹- برپایی کامل نماز و پرداخت مدام زکات و یقین به عالم آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت ویژه قرآن است .

هدی .. للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۱۱

۱۱- قرآن کریم ، کتاب هدایت است .

تلك آیت الکتب هدی و رحمه للمحسنین .. أولئک علی هدی من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱۱

۱۱- قرآن ، کتاب هشدار و هدایت است .

تنزیل الکتب .. بل هو الحق من ربک لتنذر قومًا... لعلهم یهتدون

لام در <لتنذر> برای تعلیل است و چون در آیه پیش، سخن از رسالت پیامبر نیست تا تعلیل برای آن باشد، بلکه سخن از نزول قرآن است، بنابراین، تعلیل مربوط به تنزیل قرآن است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۵

۵ - عالمان ، قرآن را کتابی می دانند که همواره هدایت گر مردمان به راه خدا است .

و يرى الذين أُوتوا العلم الذي أنزل إليك .. و يهدى إلى صراط العزيز الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، دربردارنده تمامی عوامل هدایت و بیداری انسان ها

و القرآن ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

با توجه به توضیح گذشته، می توان استفاده کرد که قرآن مایه بیداری و هدایت بشر است و در این ویژگی هیچ کم و کاستی ندارد و غفلت و گمراهی برخی از مردم (کافران) ناشی از عیوبی مانند غرور و سرکشی در خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۶، ۱۵، ۲

۲ - قرآن ، حاوی بهترین سخن درباره دین و هدایت مردمان

اللّه نزل أحسن الحديث

مقصود از <أحسن الحديث> قرآن کریم است و چون موضوع کتاب های آسمانی، دین و هدایت مردمان می باشد، قهراً بهترین بودن قرآن در رابطه با موضوع خودش خواهد بود.

۱۵ - قرآن ، کتاب هدایت است .

کتاباً .. ذلك هدى الله يهدى به

۱۶ - هدایت پذیری از قرآن ، در گرو مشیت و خواست خداوند است .

کتاباً .. ذلك هدى الله يهدى به من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۸،۱۲،۱۵

۸ - قرآن ، کتابی نازل شده برای هدایت و راهنمایی مردم .

فمن

۱۲ - خدا ، تنها فراهم آورنده وسایل و زمینه های هدایت به قرآن است و مردم در پذیرش و عدم پذیرش آن آزاد و مختاراند

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ .. فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

۱۵ - تنها در سایه کتاب آسمانی قرآن ، هدایت حقیقی و کامل میسر است .

فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۳

۳ - قرآن ، راهنمای عمل انسان ها

وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

توصیه خداوند به عمل کردن به تعالیم قرآن به جای هر سفارشی دیگر درباره قرآن، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۷،۹

۷ - قرآن ، راهنما و هدایتگر اهل ایمان

قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى

۹ - ایمان ، شرط بهرهوری انسان از نور هدایت و شفا بخشی قرآن

قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَ شَفَاءٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۹،۱۰،۱۱

۹ - قرآن ، نور الهی در تاریکی های نادانی و موجب هدایت انسان از گمراهی است .

و لكن جعلنه نورًا نهدي به من نشاء من عبادنا

۱۰ - هدايت انسان به وسيله وحى و قرآن ، تابع مشيت الهى است .

نهدي به من نشاء

۱۱ - پيامبر (ص) ، بنده برگزيده خدا و بهره مند از هدايت ويژه قرآن

و لكن جعلنه نورًا نهدي به من نشاء من عبادنا

با توجه به لفظ <لكن> كه

برای استدراک جمله قبل (ما کنت تدری ما الكتاب و لا الایمان) است می توان گفت که عبارت <من نشاء من عبادنا> گر چه عام است؛ ولی پیامبر اکرم (ص) از مصادیق بارز آن می باشد. به ویژه که در قسمت پایانی آیه شریفه آن حضرت را هدایتگر دیگر مردمان به راه حقیقت معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۶

۶ - قرآن ، روشنگر راه هدایت

و الکتب المبین

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مبین> از <إبانه> (متعدی) مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۸

۸ - تبیین حقایق و معارف والا ، با بیانی ساده و همه فهم ، روش هدایتی قرآن

و الذی نزل .. فأنشرنا به بلده میتا کذلک تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۶

۶ - یادکرد داستان عیسی (ع) در قرآن ، اقدامی هدایتگرانه و مثلی درس آموز

و لما ضرب ابن مریم مثلاً

با توجه به کاربرد واژه <مَثَل> که داستان عیسی(ع) را به عنوان نمونه و سمبل ذکر کرده است برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۲

۲ قرآن ، روشنگر راه هدایت است .

و الکتب المبین

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مبین> از اَبانه متعدی مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ -

۱- قرآن ، مظهر کامل هدایت الهی برای خلق

هذا هدی

آمدن <هدی> (به صورت مصدر) به جای <هاد> (به صورت اسم فاعل)، مبالغه را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷- سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱- قرآن ، وسیله هدایت و راه یابی انسان به حقیقت

و إذ لم یهدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۳، ۱۱

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم ، اصیل ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

کتاباً أنزل من بعد موسی مصدقاً لما بین یدیه یهدی إلى الحق و إلى طریق مستقیم

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

۱۳- هدایت های قرآن ، در دو بُعد عقیده و عمل *

یهدی إلى الحقّ و إلى طریق مستقیم

می توان گفت: <یهدی إلى الحقّ> نظر به حقایق عقیدتی و <طریق مستقیم> اشاره به شیوه های عملی و تکالیف جوارحی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷

۵- قرآن ، دلیل روشن از جانب خدا ، در جهت رشد و کمال آدمیان *

أفمن كان على بينة من ربه

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از <بینه>، قرآن باشد. در این صورت تعبیر <من ربه> می نمایاند که قرآن، از جایگاه ربوبیت و به هدف رشد و تربیت خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۳

۳- قرآن ، کتاب هدایت و مایه تقوا برای حق پذیران *

و الذين اهتدوا زادهم هدى و آتاهم تقويهم

ممکن است گفته شود: فاعل <زاد> قرآن است که به قرینه <يستمع إليك> از آیه قبل استفاده می شود؛ زیرا عمده و اساس سخنان پیامبر(ص) قرائت آیات وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۶

۶- قرآن ، ستاره هدایت برای انسان ها *

و النجم إذا هوى

در صورتی که مراد از <نجم> قرآن باشد، اطلاق <نجم> بر قرآن می تواند به منظور مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۹

۹- انس با قرآن ، انسان را به تدریج از تاریکی های ضلالت به روشنایی هدایت وارد می کند .

ليخرجكم من الظلمت إلى النور

به کارگیری فعل مضارع <يخرج>، دلالت بر این حقیقت دارد که خارج شدن از تاریکی ها به تدریج انجام می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۵

۵ - قرآن ، کتاب هدایت است .

أرسل رسوله بالهدى

مقصود از

<الهدی> قرآن کریم است، چرا که قرآن کتاب هدایت است و هدایت فلسفه نزول قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۴،۱۱

۴ - هدف از نزول قرآن، بیرون آوردن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور و روشنایی ها است .

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

۱۱ - سنت پیامبر (ص) ، همگام و همتراز قرآن ، در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و هدایت آنان به نور ایمان، هدفی دائمی است. از سوی دیگر پیامبر(ص) همچون سایر انسان ها، از دنیا خواهد رفت. بنابراین تنها سنت آن حضرت، می تواند همواره چنین نقشی را ایفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۱،۳

۱ - قرآن ، در دیدگاه گروهی از جن ، راهنمای مؤمنان به راه حق و درستی است .

یهدی إلى الرشد

<رشد> <ضد <غی>> به معنای دستیابی به راه حق و درستی است. (مصباح المنیر و قاموس المحيط)

۳ - قرآن ، راهنمای انسان ها به راه حق و درستی

یهدی إلى الرشد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۲،۳

۲ - قرآن ، کتاب هدایت است .

الهدی

۳ - هادی و راهنما بودن قرآن ، فلسفه ایمان آوردن جن

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۵

۵ - تذکار های قرآن ، به منظور معرفت و راه یابی آگاهانه و آزادانه انسان ها به خدا است .

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آیات قرآن ، راهنما و مایه غفلت زدایی و زمینه پندگیری و عبرت

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكَرَةٌ

مراد از ضمیر در <إِنَّهَا>، آیات قرآن است که با توجه به بیان اوصاف آنها در آیات بعد، تصریح به مرجع ضمیر لزومی نداشته است. <تذکره> اعم از <دلالت> (راهنمایی) و <اماره> (نشانه) است و به هر چیزی که با آن تذکر حاصل شود، اطلاق می گردد (مفردات راغب). <تذکیر> (مرادف تذکره) به معنای موعظه کردن و <ذکری> (اسم مصدر آن) به معنای عبرت است (قاموس)؛ بنابراین مراد از <تذکره> بودن قرآن، راهنمایی، موعظه کردن و مایه عبرت بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۳

۳ - قرآن ، هدایت گر مردم به راه راست

لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

<استقامه> در مورد انسان به معنای ملازمت او با راه راست است. (مفردات راغب)

هدایتگری مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - خداوند با مثال های قرآن ، بسیاری را گمراه و بسیاری را هدایت می کند .

یضـل به کثیراً و یهدی به کثیراً

ضمیر در <یضـل و یهدی> به <اللّه> و در <به> به <مثلاً> بر

می گردد.

هدایت‌های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - خدا، راهنمای اهل ایمان

و إِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۵

۵ - روحیه لجاج و عناد، مانع بهرهوری از هدایت و رحمت قرآن

و إِنَّهُ لَهْدِي وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

قرآن برای هدایت کافران و سایر اهل کتاب است و بی تردید هدایتگری های آن در بسیاری از آنان تأثیر دارد. با توجه به این نکته گفتنی است که مراد از <مؤمنین> کسانی اند که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم اند و در یک کلمه روح حق پذیری در آنان نمرده است و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاج و عناد قرار دارند و از حق می‌گریزند و چه بسا با آن می‌ستیزند. آیات بعد مؤید همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۴

۴ - اخطار و بشارت و ایجاد خوف و رجا، روش تربیتی و هدایتی قرآن کریم

و لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ... إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

هدفداری قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۳

۳ - بیان داستان پیامبران در قرآن ، براساس هدف و مصلحتی حکیمانه و سازنده

من لدن حکیم . . . إذ قال موسى لأهله إنني آمنت نارا

برداشت یاد شده با توجه به این

نکته است که قرآن از جانب خدای حکیم نازل شده است.

هدفداری نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۳

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحق> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حق> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، هدفمند و کاری شایسته و لازم برای بشر می باشد.

هشدار به مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱

۱- هشدار خداوند به منکران قرآن، نسبت به عواقب کفرورزی آنان

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ

تعبیر <أرأيتم...>، دربردارنده معنای هشدار و تذکر است.

هشدارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۲

۲ - اخبار قرآن از فرارسیدن قیامت، هشدار کافی برای دور شدن آدمیان از کفر و گناه است.

اقترَبَ السَّاعَةُ... وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ... مَا فِيهِ مَزْجِرٌ

مراد از <الأنباء> به قرینه آیات پیشین، می تواند مسأله نزدیکی قیامت و مسائل مختلف آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۳

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لایرجون حساباً . و کذبوا بآیتنا کذاباً

جمع بودن < آیات >

بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳،۴

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهِ بَصِيرًا .. فما لهم لا يؤمنون

متعلق <لا يؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و

۴ - انکار معاد ، با وجود هشدار های قرآن ، نکوهیده ، شگفت آور و فاقد برهان است .

فما لهم لا يؤمنون

<ما> اسم استفهام است و مراد از استفهام در این موارد، تعجب همراه با توییح است. تغییر سیاق کلام از خطاب در <لترکبَنَ> به غایب در <لهم>، بر نکوهش افزوده است.

هلاکت مفتریان بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۶

۶- هشدار خداوند به افترا زندگان به قرآن کریم مبنی بر نابودی و هلاکت آنان

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین .. قد مکر الذین من قبلهم فأت

همانند سازی برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۸

۸ - خداوند در تحدی با منکران قرآن آنان را به آوردن یک سوره همانند قرآن به مبارزه فرا خواند .

فأتوا بسوره من مثله

ضمير

در <مثله> به <ما> در <مما نزلنا> بر می گردد.

۱۱ - خداوند از منکران قرآن خواسته است تا برای آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن، تمامی خبرگان خویش را فرا خوانند.

وادعوا شهداء کم من دون الله

<شهداء> جمع شهید و به معنای گواهان است و به مطلعان نیز اطلاق می گردد. مصدر <ادعوا> دعاست به معنای خواندن و دعوت کردن است. جمله <وادعوا شهداء کم> می تواند به این معنا باشد که: شاهدان را دعوت کنید تا بر آن چه می آورید و همانند قرآن می نامید، گواهی و نظر دهند؛ بر این مبنا <شهداء> به معنای گواهان است و نیز می تواند به این معنا باشد که: شاهدهایتان را فراخوانید تا شما را بر آوردن سخنی همانند قرآن یاری دهند؛ در این صورت <شهداء> به معنای مطلعان و خبرگان خواهد بود.

۱۲ - تنها خداوند، توانا بر آوردن همانند برای قرآن است.

وادعوا شهداء کم من دون الله

گفته شده: من دون الله (غیر از خدا) به منظور تأکید بر اطلاق و عموم <شهداء کم> ایراد شده است؛ یعنی، هر کسی را با هر هنر و دانشی به کمک بگیرید (باز هم نمی توانید همانند قرآن بیاورید). آوردن همسان برای قرآن تنها از ناحیه خداوند امکان پذیر است.

۱۵ مخالفان هیچ شاهی را که بر وجود همانندی سخنی با قرآن شهادت بدهد نخواهند یافت.

وادعوا شهداء کم من دون الله

چنانچه <شهداء> به معنای گواهان باشد، استثناء <من دون الله> از جمله قبل، ناظر به سخن متعارفی است که انسانها هنگام نداشتن شاهد بر مدعای خویش آن را بر زبان جاری می کنند؛ یعنی، گواهانی را فراخوانید تا

نظر دهند و اگر نیافتید نگویید: خدا شاهد است که این سخن همانند قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱ - انسان ها در همه ادوار و اعصار از آوردن همانند حتی برای سوره ای از سوره های قرآن ناتوانند .

فأتوا بسوره .. فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا

حرف <لن> برای نفی همیشگی و ابدی است، لذا <لن تفعلوا> (هرگز همانند برای قرآن نمی آورید) دلالت بر این دارد که: بشر در هیچ عصری نمی تواند همانند برای قرآن بیاورد.

۲ - ناتوانی انسان ها از آوردن همانند برای قرآن ، از پیشگویی های قرآن است .

و لن تفعلوا

۳ - ناتوانی انسان ها از آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، دلیل آسمانی بودن قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

چنانچه ناتوانی از آوردن همانند برای قرآن، دلالت بر آسمانی بودن آن نمی کرد؛ حجت بر مخالفان تمام نمی شد و تفریع <اتقوا النار> بر آن صحیح نمی بود.

۵ - خداوند ، از منکران قرآن خواسته است تا در صورت عجز از آوردن همانند برای قرآن ، به قرآن و رسالت پیامبر (ص) ایمان آورند .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

مراد از لزوم دوری از آتش دوزخ پرهیز از موجبات آن است و موجبات آتش - به قرینه موضوع بحث در این دو آیه (حقانیت قرآن و پیامبر (ص)) - انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) می باشد. بنابراین <فاتقوا النار> یعنی: فاتقوا الکفر بالقرآن و الرسول لتتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۹

۹ - ناتوانی کافران از آوردن همانند برای قرآن ، منشأ اعتراض ها و ایراد های آنان به مثل های قرآن

فان لم تفعلوا و لن تفعلوا .. إن الله لا يستحي أن يضرب مثلا ما ... و أما الذين

بیان اشکال تراشی کافران به برخی تمثیلهای قرآن - پس از دعوت آنان به تحدی (فأتوا بسوره) و بیان ناتوانی آنان از آوردن همانند برای قرآن (و لن تفعلوا) - اشاره به ریشه بهانه جویهای کافران دارد؛ یعنی، چون نتوانستند برای قرآن همانند بیاورند به بهانه گیری و اشکال تراشی پرداختند (ماذا أراد الله بهذا مثلا)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۷، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ قرآن در تحدی با مشرکان ، آنان را به آوردن ده سوره همانند سوره های قرآن فراخواند و آنان را به مبارزه طلبید .

أم يقولون افتريه قل فأتوا بعشر سور مثله

۳ خداوند ، برای آوردن سوره هایی همانند قرآن ، هیچ شرط و محدودیتی را پیش روی انسان ها قرار نداده است .

فأتوا بعشر سور مثله مفتریت و ادعوا من استطعتم

<من> در <من استطعتم> شامل جن و انس ، عرب و عجم و .. می شود و این بدان معناست که در آوردن همانند برای قرآن ، هیچ محدودیتی فرض نشده است.

۴ خداوند ، انسان ها را در ارائه همانند برای قرآن ، به آوردن مطالب حقیقی و واقعی ملزم نکرده است .

فأتوا بعشر سور مثله مفتریت

توصیف <عشر سور> به <مفتریات = بافته های دروغین> گویای این

معناست که: خداوند انسانها را در آوردن هم طراز برای قرآن، به ارائه مطالب و محتوایی حقیقی و واقعی همانند قرآن ملزم نمی کند؛ بلکه همانندی در فصاحت و بلاغت و شیوایی سخن را کافی می داند.

۵- مشرکان برای ساختن سوره هایی همانند قرآن، به کمک خواهی از هر کس مجاز بودند.

وادعوا من استطعتم

۷- آوردن همانند برای قرآن، تنها در توان خداوند است.

وادعوا من استطعتم من دون الله

قید <من دون الله> به این معنا نیست که از خدا کمک نخواهید؛ بلکه در کنار تأکید بر شمول و عموم (من استطعتم) این حقیقت را بیان کرده است که آوردن همانند برای قرآن، تنها در توان خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱

۱- انسان ها و معبود های دروغینشان، ناتوان از آوردن ده سوره هم طراز قرآن

قل فأتوا بعشر سور مثله .. فإلّم يستجيبوا لكم

ظاهر این است که خطاب در <لکم> و <اعملوا> به قرینه <فهل أنتم مسلمون> متوجه مشرکان باشد. بر این اساس، ضمیر فاعلی در <يستجيبوا> به <من استطعتم> باز می گردد؛ یعنی، [ای پیامبر! به مشرکان بگو: اگر کسی و از جمله معبودهایتان، برای آوردن همانند قرآن - به خاطر عجزشان دعوت شما را اجابت نکردند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۳، ۸، ۴، ۱

۱- مأموریت پیامبر (ص) به اعلام ناتوانی انس و جن در آوردن همانند قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. لا یأتون بمثله

۴- نیرو های بشری و جنی

، حتی در صورت پشتیبانی و همیاری یکدیگر ، از آوردن همانند قرآن و هموردی با آن ، عاجزند .

قل لئن اجتمعت ... و لو كان بعضهم لبعض ظهيرا

۸- عجز انسان از آوردن همانند قرآن ، بیانگر دانش و توان اندک وی در برابر خداست .

و ما أوتيتم من العلم إلا قليلاً ... قل لئن اجتمعت ... لا يأتون بمثله

۱۳- عدم امکان آوردن کتابی همانند قرآن ، خود دلیلی قاطع بر الهی بودن و بشری نبودن آن است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجن ... لا يأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲ - ۴

۴ - ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن و یا همانند آن

تنزیل الکتب من الله العزيز

برداشت بالا- با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) از ارتباط میان <تنزیل الکتب> با وصف <العزيز> نوعی تحدی استفاده می شود. ب) مطرح ساختن عزت و شکست ناپذیری خداوند در مورد قرآن، در ابعاد مختلفی تصویر می شود؛ از جمله در بُعد محتوایی و لفظی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۵، ۳، ۱

۱ - دعوت خداوند ، از منکران قرآن برای هموردی با مضامین بلند آن

فلیأتوا بحديث مثله

۳ - بشر ، ناتوان از آوردن سخنی نو و پرتراوت چون قرآن

فلیأتوا بحديث مثله

امر در <فلیأتوا> برای تعجیز و بیان ناتوانی بشر از آوردن سخنی مانند قرآن است.

۵ - ناتوانی کافران از هموردی با قرآن ، نشانگر بی صداقتی آنان در اتهام هایشان

إن كانوا صدقین

هماهنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۹، ۱۴، ۱۶

۹ قرآن، منزّه از هر گونه ناهمگونی و تضاد و تناقض

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

کلمه <کثیراً> قید توضیحی است؛ یعنی در صورتی که قرآن از ناحیه غیر خداوند بود، در آن اختلاف یافت می شد و این اختلاف همواره بسیار بود. بنابراین از وصف <کثیراً> مفهوم گرفته نمی شود و از قرآن انواع و اقسام اختلافات نفی می گردد.

۱۴ پندار وجود اختلاف در قرآن، نتیجه نگرش سطحی و عدم تدبّر در آن

افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

۱۶ بشر، ناتوان از ارائه مفاهیم و تعالیمی همچون قرآن است که همگون و بدون اختلاف باشد.

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۹

۹ - مفاهیم معرفتی و احکام تشریحی قرآن، هماهنگ با نظام تکوین *

و إنه لتنزيل ربّ العلمین

همان طور که گفته شد <العالمین> (جمع <عالم>) محلاً به <ال> و مفید عموم است. بنابراین <العالمین>؛ یعنی، همه عوالم وجود. قرار گرفتن این واژه در کنار <ربّ> ممکن است بیانگر این نکته باشد که فرو فرستنده قرآن، همان کسی است که آفرینش، رشد و هدایت مجموعه هستی از او است و براساس این واقعیت، احکام تشریحی او، هماهنگ با کل نظام هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵

۷- تعالیم اسلام و قرآن ، مجموعه ای است به هم پیوسته و جداناپذیر و هماهنگ .

إِلَّا الْمَصْلِينَ .. و الذین فی أموالهم حقّ ... و الذین هم لأمتهم و عهدهم رعون .

خداوند، سعادت اخروی و بهشت را از آن مؤمنانی دانسته است که دارای مجموعه اوصاف یاد شده باشند. از این مطلب می توان استفاده کرد که اصولاً تعالیم دین و قرآن کریم، مجموعه به هم پیوسته و جداناپذیر و هماهنگ است.

هماهنگی تورات و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۵

۵- تورات [اصلی] ، کتابی همانند قرآن از نظر پیام های اصولی

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

واژه <علی مثله>، وجود هماهنگی و مشابهت بین تورات اصلی و قرآن را می رساند؛ زیرا مراد از <مثله>، کتاب آسمانی موسی(ع) است که همانند قرآن، معرفی شده است.

هماهنگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۵،۷

۵ - شباهت ، هماهنگی و انسجام مطالب ، از اوصاف قرآن

کتاباً متشبهاً

<متشابهاً> صفت برای <کتاباً> است و مقصود از <مشابهت> هماهنگی و انسجام مطالب قرآن است که هیچ گونه اختلاف و تضاد و تناقض در آنها وجود ندارد.

۷- مطالب و مسائل قرآن در عین تکرار شدن آنها برخوردار از مشابهت ، هماهنگی و انسجام و به دور از هرگونه اختلاف ، تناقض و تضاد

برداشت بالا- مبتنی بر این دیدگاه است که نصب <مثانی>، به خاطر تمیز بودن برای <متشبهًا> باشد، یعنی، <متشابهه
مثانیه > (تکرارهایش، مشابه و هماهنگ باهم

هستند).

هماهنگی قرآن با آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۶،۱۶

۶ - معارف قرآنی ، هماهنگ با قوانین هستی و فطرت انسانی

سنریهم ءایتنا .. و فی أنفسهم حتی یتبین لهم أنه الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <آنه> به قرآن باز گردد.

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنریهم ءایتنا .. حتی یتبین لهم أنه الحقّ أولم یکف برّبک أنه علی کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۸

۸- برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی است .

تنزیل الکتب من الله العزیز الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۷

۷- قرآن ، کتابی با عظمت و گنجینه معارفی هماهنگ با مقدرات جهان

إنّا أنزلنه فی لیلہ القدر

نزول قرآن در شب قدر، اسناد نازل کردن آن به خداوند و آوردن ضمیر بدون مرجع آن که خود حاکی از شهرت مرجع ضمیر است نشانه های عظمت قرآن است. تناسب ظرف و مظروف نیز، بیانگر هماهنگی نزول قرآن با ویژگی های شب قدر است.

هماهنگی قرآن با تعالیم انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۴

۴- هماهنگی محتوای قرآن با تعالیم پیامبران

پیشین ، گواه آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر (ص)

أم يقولون افتريه .. قل ما كنت بدعًا من الرسل

واژه <بدعاً> می تواند ناظر به شخص پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، او اولین رسولی نیست که مبعوث شده است؛ بلکه قبل از او نیز رسولان دیگری بوده اند. هم چنین می تواند ناظر به اقوال و افعال پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، آن حضرت ابداع کننده اقوال و سخنان تازه ای نیست؛ بلکه سخنان او پیشینه در اقوال و سخنان پیامبران گذشته دارد. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

هماهنگی قرآن با تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱،۲

۱- تصدیق قرآن ، نسبت به تورات و هماهنگی پیام آن دو

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدق

۲- همسویی و هماهنگی محتوای قرآن و تورات و تصدیق آن نسبت به تورات ، دلیلی بر وحیانی بودن قرآن

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدق

طرح هماهنگی پیام تورات و قرآن و نیز تصدیق مطالب تورات از سوی قرآن، زمینه ای است برای تفکر اهل کتاب و غیر آنان، و یافتن آثار وحی بودن و دلایل حقانیت قرآن در آن.

هماهنگی قرآن با فطرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۳

۳- قرآن ، کتابی هماهنگ و سازگار با فطرت ، نیاز ها و خواسته های گوناگون بشر

إن هو إلا ذکر للعلمین

با توجه به جهانی و فراملیتی بودن قرآن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۶

۶ - معارف قرآنی ، هماهنگ با قوانین هستی و فطرت انسانی

سنریهم ءایتنا .. و فی أنفسهم حتّی یتبین لهم أنه الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <أنه> به قرآن باز گردد.

هماهنگی قرآن با کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- هماهنگی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین ، دلیل آسمانی بودن آن

يقومنا إنا سمعنا كُتُبًا أنزل .. مصدقًا لما بين يديه

جنیان با استناد به هماهنگی قرآن با کتاب آسمانی دیگر (تورات) درصدد بودند تا آسمانی بودن قرآن را به هموعانشان اثبات کنند.

هماهنگی قرآن و سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۴،۵

۴ قرآن و پیامبر (کتاب و سنت) هماهنگ و تفکیک ناپذیر

و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول

اگر قرآن و سنت ناهماهنگ و تفکیک پذیر بود، فرمان مراجعه به هر دو، در واقع امر به دو چیز متخالف بود که از حکمت خداوند به دور است.

۵ تفکیک میان قرآن و پیامبر (کتاب و سنت) ، از شیوه های منافقان

و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول رایت المنافقین یصدّون عنک ص

منافقان در برابر دعوت به قرآن و پیامبر (ص)، تنها اعراض از پیامبر (ص) را عنوان کردند (يصدون عنك)، نه اعراض از قرآن را. زیرا در آیه نیامده است: يصدون عما انزل اليك.

همنشینی با

استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۶

۶ همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام پردازند، حرام نیست. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل <یتقون> کافران، و مرجع ضمیر <حسابهم> خوض کنندگان فرض شده است؛ یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

همنشینی با مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱۵

۱۵ همنشینی و مجالست با مغالطه گران و یاوه گویان و جدل کنندگان در مورد قرآن و آیات الهی حرام است.

الذین یخوضون فیء ایتنا .. فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۴، ۳، ۱

۱ بر کسانی که از همنشینی با بیهوده گویان درباره قرآن و اسلام پرهیز می کنند، ولی بناچار سخنان آنها را می شنوند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

در این برداشت، <یتقون> به معنای لغوی آن گرفته شده است.

۳ بر کسانی که در همنشینی با مغالطه گران درباره قرآن و اسلام از بحث پرهیز نموده و سعی در بازداشتن دیگران کنند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری

در این برداشت، <یتقون> به معنای لغوی آن و متعلق آن <خوض> گرفته شده است. علاوه بر این که

<ذکری> نیز مفعول مطلق برای فعل محذوف <یذکرونهم> فرض شده است؛ یعنی: <یتقون الخوض و لکن یذکرونهم ذکری>.

۴ بر مؤمنانی که از همنشینی با مغالطه گران و یاوه گویان در مورد قرآن و اسلام پرهیز کنند، گناهی نیست، هر چند مغالطه و استهزای آنان ادامه یابد.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ممکن است این آیه در صدد پاسخ به سؤال برخی مؤمنان باشد. بدین گونه که آنان فکر کنند که اگر ما مجالس کافران را تحریم کنیم، آنان زمینه مساعد بیشتری برای مغالطه و استهزا دارند. این آیه می فرماید شما پرهیز کنید، گناه کار آنان به شما تسری نمی کند.

۶ همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام پردازند، حرام نیست. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل <یتقون> کافران، و مرجع ضمیر <حسابهم> خوض کنندگان فرض شده است؛ یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

یأس مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۳

۳ - کافران به قرآن، مأیوس از رحمت خداوندند.

و الذین کفروا بأیت الله .. أولئک یشوا من رحمتی

یهود مؤمن به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از میان یهود و نصارا، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد (ص) ایمان می آورند.

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته

>تلاوت به معنای خواندن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پیروی کردن نیز گفته اند. مراد از ضمیر <به> محتمل است قرآن یا پیامبر(ص) باشد و نیز می تواند به الکتاب (تورات و انجیل) برگردد. برداشت فوق ناظر به این است که مراد از ضمیر <به> قرآن یا پیامبر (ص) بوده و تلاوت به معنای پیروی کردن باشد.

یهود و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷،۱۰

۷ - خداوند، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن، بر حذر داشت.

و لاتکونوا اول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بآیتی ثمناً قليلاً

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیان، قرآن (کلام خدا) را می شنیدند، آن را به خوبی می فهمیدند و

به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد كان فريق منهم يسمعون كلم الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام الله> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱، ۶، ۵

۵ - یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث شدن پیامبر (ص) آگاهی داشتند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

۶ - یهودیان ، از دیرباز در انتظار پیامبر (ص) و نزول قرآن بودند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲، ۱

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أن يكفروا بما أنزل الله

مراد از <ما أنزل الله> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله

<اشترء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز

به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما<ی موصوله در <بئسما< فاعل <بئس< و <أن یکفروا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قيل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست؛ بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ - تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ -

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن)، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفواههم

ضمیرهای جمع در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الكتاب) باز می گردد. قید <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱

۱- یهود و نصارا، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند.

الذین جعلوا القرآن عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است؛ چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند؛ چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <.. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

یهود و نزول قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ - یهودیان ، آمدن پیامبر (ص) و نزول قرآن را از دیرباز و پیش از بعثت برای کافران تشریح می کردند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

<استفتاح> (مصدر يستفتحون) می تواند به معنای مطلع ساختن باشد، چنانچه در مفردات راغب آمده: <فتح عليه كذا> آن گاه گفته می شود که به او امری را اعلام کند و او را بر آن امر مطلع سازد. قابل ذکر است که در این صورت بردن <يفتحون> به باب استفعال برای تأکید است و معنای طلب ندارد.

قربانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قربانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۸، ۲۳، ۲۲، ۱۳، ۹، ۶، ۲، ۱

۱ ارائه قربانی و سوخته شدن آن به آتشی از غیب ، عهدی الهی در پندار یهود ، برای ایمان به رسولان

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ الْيَنَّا أَلَّا نؤمن لرسول حَتَّى ياتينا بقربان تاكله النار

۲ در آتش سوختن قربانی پیامبر (ص) ، شرط یهود برای ایمان به آن حضرت

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ .. حَتَّى ياتينا بقربان تاكله النار

<قربان> به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن به خداوند تقرب جوید و قربانِ امتهای گذشته، گاو، گوسفند و شتری بود که برای تقرب به خدا ذبح می شد (تاج العروس).

۶ سوختن قربانی در آتشی از غیب ، نشانه راستگویی مدعی رسالت از دیدگاه یهود

أَلَّا نؤمن لرسول حَتَّى ياتينا بقربان تاكله النار

۹ سوخته شدن قربانی به آتشی از غیب ، معجزه برخی انبیا و

قال انّ الله عهد الينا .. قد جاءكم رسل ... و بالذی قلم

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جاءكم رسل من قبلی .. و بالذی قلم فلم قتلتموهم

۲۲ دروغ بودن ادعای یهود در مورد ایمان به پیامبر (ص) ، در صورت مشاهده معجزه درخواستی خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب)

قل قد جاءكم .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

۲۳ تکذیب عهد خداوند با یهود در مورد ایمان نیاوردن به پیامبر (ص) ، جز با ارائه قربانی که آتشی از غیب آن را بسوزاند .

انّ الله عهد الينا الا نؤمن .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

اگر ادعای یهود صحیح بود، باید پیامبر (ص) خواسته آنان را عملی می کرد، و نیز نباید از عهد، به <الذی قلم> (آنچه را گفتید) تعبیر می کرد ؛ بلکه می فرمود: بالعهد الذی عهد الله علیکم. چون اگر ادعای آنان حقیقت داشت، عهدی بود الهی ؛ نه گفتار آنان.

۲۸ آتش گرفتن قربانی بنی اسرائیل ، علامت قبولی آن در پیشگاه خداوند

حتّی یاتینا بقربان تاكله النار

امام صادق (ع) فرمود: كانت بنو اسرائیل اذا قربت القربان تخرج نار تأكل قربان من قبل منه . . .

کافی، ج ۴، ص ۳۳۵، ح ۱۶ ؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۴۶۲.

آداب قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۶

- لزوم اظهار شکر و سپاس گزاری به پیشگاه خداوند ، در مراسم قربانی با شعار < الله أكبر علی ما هدانا > .

كذلك سخر لكم لتكبروا الله علی ما هديكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۹

۹ - لزوم توجه به ربوبیت خداوند ، هنگام قربانی کردن حیوانات

فصل لربك وانحر

اجتناب از قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از حیوانات قربانی شده برای بتها

و الانصاب .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی انصاب در آیه فوق روایت شده: ما ذبحوا لآلتهم . . .

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

احکام قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ حرمت قربانی کردن برای غیر خدا (بتها) *

أو فسقا أهل لغير الله به

از معانی مذکور درباره جمله < أهل لغير الله >، < ما ذبح لأجل الأصنام > (آنچه که برای بتها ذبح می شود)، است ؛ چنانکه

راغب به این معنی اشاره کرده است. و بدان جهت که این کار <فسق> نامیده شده، حرمت آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۸

۱۸ - لزوم تأخیر قربانی از نماز عید ، در عید قربان *

فصل لربك وانحر

تطبیق نماز و قربانی در آیه، بر نماز عید قربان و قربانی در آن، یکی از احتمالات موجود

در این آیه است. عطف به <واو> گرچه بر ترتیب تصریح ندارد ولی ترتیب ذکر می تواند بیانگر ترتیب واقعی باشد.

ارزش قربانی کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکر قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

استفاده از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - حج گزاران می توانند تا روز قربانی ، از دام هایی که برای قربانی کردن به همراه دارند ، استفاده کنند .

لکم فیها منفع إلی أجل مسمی

ضمیر <فیها> به <شعائر> بازمی گردد. <منافع> جمع <منفعه> و به معنای بهره و سود است. <إلی أجل مسمی> یعنی، تا زمانی مشخص. مقصود این است که شما می توانید تا روز قربانی از دام هایی که به منظور قربانی کردن در حج، به همراه می برید، استفاده کنید (بارتان را به وسیله آنها حمل کنید و آنها را سوار بشوید و از شیر آنها تغذیه کنید).

۳ - ممنوعیت استفاده از دام های قربانی ، در پندار مشرکان عصر بعثت

لکم فیها منفع إلی أجل مسمی

تصریح به جواز بهره برداری از دام های قربانی، نشان می دهد که اعتقاد عمومی پیش از نزول آیه، برخلاف آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوار شدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

استفاده از گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - استفاده از تمام گوشت قربانی ، جایز نیست .

فکلوا منها و أطعموا البائس الفقیر

<من> در <منها> تبعیضیه است. بنابراین <کلوا منها> یعنی، <بخورید بخشی از آن را[نه همه آن را]>.

استفاده حاجیان از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فکلوا منها

اطعام از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۸، ۱۲

۱۲ - لزوم اطعام مستمندان از گوشت قربانی در حج ؛ چه خودشان درخواست کنند و چه روی درخواست کردن نداشته باشند

فكلوا منها و أطمعوا القانع و المعتز

<قانع> به کسی گفته می شود که درخواست کمک می کند (سائل و گدا) و <معتز> یعنی، نیازمندی که طالب کمک است؛ لکن روی سؤال کردن ندارد. بنابراین معنای جمله فوق چنین

می شود: بخشی از گوشت قربانی را خودتان بخورید و بقیه آن را به نیازمندان بخورانید؛ چه نیازشان را بر زبان جاری کنند و چه بر زبان نیاورند.

۱۸ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل... > و أطعموا القانع و المعتز > قال : القانع الذي يرضى بما أعطيته و لا يسخط و لا يكلح و لا يلوى شذقه غضباً و المعتز المار بك لتطعمه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل.. >و أطعموا القانع و المعتز > فرمود: >قانع > کسی است که راضی می شود به آنچه که به او می دهی و نسبت به آن ناراحتی، ترش رویی و دهن کجی نمی کند و >معتز > رهگذری است که بر تو می گذرد تا او را اطعام کنی >.

اطعام فقرا از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقير

اهمیت ذبح قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۹

۹ - مراسم قربانی ، عبادت خدا و سپاس گزاری در برابر نعمت های او است .

جعلنا منسكاً .. على ما رزقهم من بهيمة الأنعم

اهمیت قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، با یادآوری عطای ویژه خویش به پیامبر (ص) ، آن حضرت را آماده دریافت فرمان نماز و قربانی ساخت .

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَر

اهمیت قربانی حج

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۸

۸ اهمیت ویژه قربانی در مراسم حج *

و لالهیدی و لالقلند

ذکر قربانی با تفصیل آن (با نشان و بی نشان) از میان سایر مناسک حج، بیانگر اهمیت خاص آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۵

۵ - مراسم قربانی در حج ، عرصه یاد کرد عظمت و کبریایی خداوند

كذلك سخر لكم لتكبروا الله

ضمیر <ها> در <سخرها> به <بُیدن> (شتران قربانی) بازمی گردد. <تکبیر> (مصدر <تکبرون>) به معنای خدا را به بزرگی یاد کردن است. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: <ما آن شتران درشت و عظیم الجثه را برای شما رام کردیم>، (شما به راحتی می توانید کارد را در حلقوم آنها فرو کنید، بدون این که کمترین آسیبی به شما برسد.) این کار برای آن است که شما به پاس این نعمت بزرگ (توفیق انجام دادن عبادت قربانی)، خدا را به بزرگی یاد کنید و یک صدا فریاد بزنید: <الله أكبر علی ما هدانا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۶

۶- اهمیت قربانی ، در مناسک عبادی مسجدالحرام

و الهدی معکوفاً أن يبلغ محله

از این که خداوند، یکی از جرم های کافران را، جلوگیری از رسیدن قربانی به قربانگاه شمرده است، اهمیت آن در مناسک زیارت خانه خدا استفاده می شود.

اهمیت قربانی عمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۷

۷- قربانی حیوان در قربانگاه

، دارای اهمیتی ویژه در اعمال عبادی عمره

و الهدی معکوفاً أن يبلغ محله

باربری با قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . . . لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلى أجل مسمى)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

پوست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۳

۲۳ - > عن صفوان بن يحيى الأرزق قال : قلت لأبي إبراهيم (ع) : الرجل يعطى الاضحیه من يسلخها بجلد ها قال : لا بأس به ، إنما قال الله عزوجل < فكلوا منها و أطعموا > و الجلد لا يؤكل و لا يطعم ;

صفوان بن يحيى می گوید: به امام کاظم (ع) گفتم: شخص، قربانی را می دهد به کسی که آن را سلاخی کند، در مقابل پوست آن که پوست را مزد خود بردارد [حکمش چیست؟] فرمود: مانعی ندارد؛ زیرا خدای عزوجل فرموده است: <فكلوا منها و أطعموا> و پوست نه خورده می شود و نه (به وسیله آن) اطعام می شود.<

تأخیر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - جواز تأخیر انداختن قربانی ، از روز دهم به هر یک از روز های یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه

و یدکروا اسم الله فی ایام معلومت . . من بهیمه الأنعم

تحریم گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فکلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

تخیر در قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

تعظیم قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۹

۹ - بزرگداشت دام های قربانی و حرمت نهادن به آنها ، نشانه تقوا و خداترسی است .

و من يعظم شعراً لله فإنها من تقوى القلوب

تعظيم قربانى حج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

حج - ۲۲ - ۳۲ - ۳

۳ - بزرگداشت و رعایت حرمت دام های قربانی (کوشش در حفظ و نگه داری آنها و پرهیز از سهل انگاری در حق آنها) ،
توصیه خدا به اهل ایمان

و من يعظم شعئر الله

تکبیر هنگام قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۶

۶ - لزوم اظهار شکر و سپاس گزاری به پیشگاه خداوند ، در مراسم قربانی با شعار < الله أكبر علی ما هدانا > .

كذلك سخر لكم لتكبروا الله على ما هديكم

حرمت قربانی برای بتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ حرمت قربانی کردن برای غیر خدا (بتها) *

أو فسقا أهل لغير الله به

از معانی مذکور درباره جمله < أهل لغير الله > ، < ما ذبح لأجل الأصنام > (آنچه که برای بتها ذبح می شود) ، است ؛ چنانکه
راغب به این معنی اشاره کرده است. و بدان جهت که این کار < فسق > نامیده شده، حرمت آن به دست می آید.

حقیقت قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۲

۱۲ - اهدای قربانی به پیشگاه پروردگار ، شکر نعمت های او است .

إنّا أعطینک الکوثر . . . وانحر

خباثت قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی

های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت ... إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

خوردن قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۳، ۱۰

۱۰ - خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

<وجوب> (مصدر <وجبت>) به معنای سقوط و افتادن است. <جنوب> نیز جمع <جنب> و به معنای پهلو است؛ یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است؛ بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

۱۳ - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فكلوا منها

با توجه به کلمه <من> معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید؛ (نه همه اش را).

دلایل اخلاص در قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۰

۱۰ - مالک و مدبر بودن خداوند، دلیل لزوم اخلاص و قصد قربت در قربانی کردن به درگاه او است .

فصل لربك وانحر

ردّ قربانی قایل

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنك

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك قال انما يتقبل الله من المتقين

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی او

قال انما يتقبل الله من المتقين

۳۰ فربه ترین گوسفند هابیل ، قربانی قبول شده وی به درگاه خدا و دسته ای از خوشه های گندم یا مانند آن ، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل عليهم نبأ ابني اءادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاد(ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم(ع) روایت شده: .. قرب احدهما اسمن كبش كان في صيانته و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الكبش و هو هابيل و لم يتقبل من الاخر ...

۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

زمینه قبول قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۴

۲۴ تقوای هابیل، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما .. قال انما يتقبل الله من المتقين

سواری با قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار، سوار شدن و تغذیه از شیر آنها)، برای حاجیان مجاز است.

و البدن .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلى أجل مسمى)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعم> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعم> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که

<بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت

است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴، ۵، ۲، ۱

۱ - شتران قربانی از شعائر دینی و الهی مراسم حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

<بدن> جمع <بدنه> است. <بدنه> نیز در لغت، به گاو و شتر درشت و چاق گفته می شود. در گذشته، کسانی که قصد داشتند در مراسم حج شرکت کنند، از قبل به دام هایی قربانی خوب می رسیدند تا چاق و فربه شوند. بدین جهت به گاو و شتر قربانی <بدنه> گفته می شد. گفتنی است که مراد از <بدن> در آیه یاد شده به قرینه <فإذا وجبت جنوبه> تنها شتران می باشد؛ یعنی، شترانی را که به رسم قربانی به همراه می برید، برای شما از شعائر دینی و الهی قرار دادیم.

۲ - لزوم برگزیدن شتران درشت و چاق برای قربانی در حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

به کارگیری <بدن> که به معنای شتران فربه و چاق است به جای <إبل> که به مطلق شتر اطلاق می شود می تواند توصیه ای باشد به حج گزاران که شتران فربه و درشت را، برای قربانی برگزینند.

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها)، برای حاجیان مجاز است.

و البدن .. لكم فيها خیر

مقصود از <لكم فيها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لكم فيها منافع إلی أجل مسمى)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می

برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

۵- لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لكم من شعر الله

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم > می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

شکر هنگام قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۶

۶- لزوم اظهار شکر و سپاس گزاری به پیشگاه خداوند ، در مراسم قربانی با شعار < الله أكبر علی ما هدانا > .

كذلك سخر لكم لتكبروا الله علی ما هديكم

شیر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴- استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوار شدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن .. لكم فيها خير

مقصود از <لكم فيها خير > با توجه به آیه ۳۳ (لكم فيها منافع إلى أجل مسمى)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

عبادیت قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ -

۱- قربانی کردن ، از مراسم عبادی در همه ادیان و شرایعت های الهی

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ

<منسك> مصدر میمی و مرداف با <نُسك> است. <نُسك> به عمل ذبح کردن حیوان با قصد تقرب به خدا، گفته می شود.

عوامل قبول قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۴

۴- خداوند ، عمل قربانی را ، در صورتی می پذیرد که برخاسته از روح تقوا و خداترسی باشد .

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لِحُومَهَا .. و لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ

فلسفه قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۵

۵- ذکر نام خدا به هنگام ذبح یا نحر حیوان ، فلسفه تشریح قربانی برای امت ها

و لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ .. الْأَنْعَمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۷

۱۷- شکر و سپاس گزاری به درگاه خداوند ، فلسفه تشریح قربانی

و الْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعْرِ اللَّهِ .. لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - > عن أبي بصير ، عن أبي عبد الله (ع) قال : قلت له : ما علّه الأضحيه ؟ فقال إنه يغفر لصاحبها عند أول قطره تقطر من دمها إلى الأرض ، و ليعلم الله تعالى من يتقيه بالغيب ، قال الله تعالى : > لن ينال الله لحومها و لادمائها و لكن يناله التقوى منكم < .

ابو بصير مى

گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: علت قربانی کردن چیست؟ فرمود: با اولین قطره خونی که از قربانی ریخته می شود، گناهان قربانی کننده بخشوده می شود و دیگر این که معلوم می گردد چه کسی از خدای نادیده پروا دارد [و به امر او عمل می کند]. خداوند می فرماید: <لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لِحُومَهَا وَلَا دِمَائِهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ>.

فواید قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۹

۹ قربانی کردن و عمل به احکام آن موجب بهره مندی از مغفرت و رحمت الهی

و الهدى و القلئد . . . و إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

فواید قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۱، ۱۰، ۷

۷ ماه های حرام و قربانی های بی نشان و بانسان حج ، دارای نقشی خاص در قوام و برپایی جوامع

جعل الله الكعبة . . . قِيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلئد

الشهر الحرام و ما بعد آن عطف بر <الكعبة> و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای <جعل> می باشند و مفعول دوم آن یعنی <قِيماً للناس> به قرینه ماقبل حذف شده است.

۱۰ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل الله الكعبة البيت الحرام قِيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف <قِيماً للناس> نسبت به <الشهر الحرام . . .> اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل الله .. ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما في السموت و ما في الارض

<ذلك> می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

قبول قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۹

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

قبول قربانی هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۰، ۳۲، ۲۴، ۱۵، ۱۴، ۱۰

۱۰ هابیل سزاوار و شایسته بهره مندی از پاداش های الهی با پذیرفته شدن قربانی وی

فتقبل من احدهما

<تقبل> به پذیرفته شدنی اطلاق می گردد که مقتضی پاداش باشد. (مفردات راغب)

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی

این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن

پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هابیل فحسده قابیل فقتله

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۲۴ تقوای هابیل، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما .. قال انما يتقبل الله من المتقين

۳۰ فربه ترین گوسفند هابیل، قربانی قبول شده وی به درگاه خدا و دسته ای از خوشه های گندم یا مانند آن، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل عليهم نبأ ابني ادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاد(ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم(ع) روایت شده: .. قرب احدهما اسمن كبش كان في صيانه و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الكبش و هو هابيل و لم يتقبل من الاخر

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

۳۲ در گرفتن آتش و به کام خود فروبردن قربانی هابیل، نشانه پذیرفته شدن آن از سوی خداوند

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

از امام باقر(ع) روایت شده: .. فتقبل قربان هابيل و لم يتقبل قربان قابيل و هو قول الله عزوجل: < و اتل عليهم ... > و كان القربان اذا قبل تاكله النار

کمال الدین، ص ۲۱۳، ح ۲، ب ۲۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۲، ح ۱۳۱.

قداست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دام های قربانی (دام هایی که حاجیان برای قربانی کردن به

همراه می برند) ، از شعائر الهی و دارای حرمت و قداست در پیشگاه خداوند

و من يعظم شعائر الله

<تعظیم> (مصدر <يعظم>) به معنای بزرگ شمردن است <شعائر> جمع <شعیره> و <شعیره> به معنای علامت و نشانه است. مراد از <شعائر الله> به قرینه آیه بعد (لكم فيها منافع إلى أجل مسمى ثم محلها إلى البيت العتيق) دام هایی برای قربانی است که حج گزاران به همراه خود می بردند؛ یعنی، <هر کس دام های قربانی را که شعائر و نشانه های خدایند حرمت گذارد و بزرگ بشمارد...>. بنابراین، آیه یاد شده توصیه ای است از سوی خداوند به همه اهل ایمان چه مالک دام های قربانی باشند و چه نباشند که در حفظ و نگه داری آن دام ها بکوشند و از هرگونه سهل انگاری درباره آنها، اجتناب بورزند.

قربانی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۷ - ۱،۳

۱ - خداوند ، به جای قربانی اسماعیل (ع) ، قربانی دیگری پذیرفته و جان او را حفظ کرد .

و فدینه بذبح عظیم

<فدیه> و <فداء> (از ماده <فدینا>) به معنای قرار دادن چیزی به جای شیء دیگری به منظور دفع ضرر از آن شیء است.

۳ - > علی بن الحسن بن علی بن الفضال عن أبيه قال : سألت أبا الحسن علی بن موسی الرضا (ع) عن معنی قول النبی (ص) : أنا ابن الذبیحین قال : یعنی اسماعیل بن ابراهیم . . . فلما عزم علی ذبحه فداه الله بذبح عظیم ، بکبش أملح . . . و

كان يرتع قبل ذلك في رياض الجنة أربعين عاماً و ما خرج من رحم أنثى . . .

علی بن حسن بن علی بن فضال از پدرش نقل می کند که از امام رضا(ع) از سخن رسول خدا(ص) که فرمود: <من فرزند دو ذبیح هستم > پرسیدم، فرمود: [یکی از آن دو] اسماعیل فرزند ابراهیم است . . . چون ابراهیم تصمیم به قربانی کردن اسماعیل گرفت، خداوند قربانی بزرگی را جایگزین اسماعیل کرد. آن قربانی قوچی به رنگ سیاه آمیخته با سفیدی (جو گندمی) ... که چهل سال قبل از آن در باغ های بهشت به چرا مشغول بود و از مادری زاییده نشده بود...<.

قربانی بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۷، ۱۲، ۹، ۶

۶ حرمت استفاده از حیوانی که بر آستان بت ها ذبح شود ، هر چند نام غیر خدا بر او برده نشود .

حرمت . . و ما ذبح علی النصب

چون عنوان <ما ذبح . . > عنوان مستقلی است در مقابل <ما اهل ... >، معلوم می شود که ذبح حیوان برای تقرب به بتها، اگر چه نام غیر خدا بر آن برده نشود، حرام است.

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . . و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم

۱۲ قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت

ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم ذلکم فسق

۳۷ استفاده از حیوان قربانی شده بر آستان بت ها و گوشت های سهمبندی شده با تیر های قمار ، در حال اضطرار جایز است .

و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم .. فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۴

۴ - مشرکان ذبایحی را برای بت ها و به نام آنها قربانی می کردند .

و ما أهل به لغير الله

آوردن فعل ماضی <أهل> حکایت از وقوع ذبح برای غیر خدا و به نام غیر او داشته و به ذبح حیوانات برای بتها و به نام آنها - که در جاهلیت مرسوم بوده - اشاره دارد.

قربانی برای غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۳

۳- حرمت خوردن گوشت حیوان قربانی شده برای غیر خدا

حرّم علیکم .. ما أهلّ لغير الله به

برداشت فوق، بنابراین نکته است که مراد از <ما أهلّ ..> قربانیهایی باشد که مشرکان برای بتها انجام می دادند.

قربانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۸

۲۸ آتش گرفتن قربانی بنی اسرائیل ، علامت قبولی آن در پیشگاه خداوند

حَتَّى يَاتِنَا بِقِرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ

امام صادق (ع) فرمود: كانت بنو اسرائيل اذا قربت القربان تخرج نار تأكل قربان مَنْ قُبِلَ منه . . .

کافی، ج ۴، ص ۳۳۵، ح ۱۶

نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۴۶۲.

قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۰

۱۰ ماه های حرام، قربانی های بی نشان و بانشان حج و نیز نشانه های قربانی، از شعایر الهی

لاتحلوا شعر الله و لالشهر الحرام و لالهدی و لالقلند

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر الله) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۱۲، ۳

۳ مخالفت با قربانی حج و احکام آن موجب عقاب شدید از سوی خداوند

و الشهر الحرام و الهدی و القلند .. اعلموا ان الله شديد العقاب

۱۲ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند.

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. ان الله شديد العقاب و ان الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲، ۶

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر، از مناسک واجب حج

و یدکروا اسم الله .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به

اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می

باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است، یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوكم عن المسجد الحرام و الهدى معكوفاً أن يبلغ محله

قربانی حج در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳- مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هر یک از ادیان آسمانی پیشین

و لكل أمه جعلنا منسكاً

قربانی در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۷

۷ تشریح قربانی در ادیان الهی

حتی یاتینا بقربان تاكله النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱

۱- تکلیف قربانی ، از احکام مشترک تمامی ادیان آسمانی

و لكل أمه جعلنا منسكاً

<مَنسَك> مشتق از مصدر <نُسَك> است. <نُسَك> یعنی، اظهار کردن طاعت و انقیاد خود به خدا، به وسیله قربانی کردن دام. بنابراین <منسك> در آیه یاد شده، می تواند مصدر میمی باشد، یعنی، ما برای هر امتی از امت های پیشین، عبادتی قرار دادیم که با قربانی کردن دام های خود به ما تقرب جویند. هم چنین می تواند اسم مکان باشد، یعنی، برای هر امتی محلی برای قربانی کردن قرار دادیم و نیز می تواند اسم زمان باشد، یعنی، برای هر امتی، زمانی برای انجام مراسم قربانی

مشخص ساختیم برداشت فوق، بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۱

۱ - قربانی کردن، از مراسم عبادی در همه ادیان و شریعت های الهی

لُكُلْ أُمَّه جَعَلْنَا مَنْسَكًا هَمَّ نَاسِكُوه

<منسك> مصدر میمی و مرداف با <نُسك> است. <نُسك> به عمل ذبح کردن حیوان با قصد تقرب به خدا، گفته می شود.

قربانی در امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۲

۲ - هر امتی از امت های گذشته موظف بودند مراسم قربانی را، آن گونه که از سوی خدا مقرر شده، برگزار کنند.

لُكُلْ أُمَّه جَعَلْنَا مَنْسَكًا هَمَّ نَاسِكُوه

جمله <هم ناسکوه> در محل نصب و صفت است برای <منسكاً> و جمله فوق انشا در قالب اخبار است، یعنی، هر امتی موظف بود آن منسك را، آن گونه که ما مقرر کردیم، انجام دهد. گفتنی است که قید <هم ناسکوه> متضمن دستوری است از سوی خدا به پیامبر(ص) و بالتبع به مسلمانان که آنان نیز موظف اند منسك خود را، آن گونه که خدا مقرر کرده، انجام دهند.

قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمَ إِلَّا مَا يَتْلُو عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

قربانی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۱، ۲۹، ۲۸، ۱۴، ۱۳، ۹، ۸، ۷، ۵، ۳

۳ محصور

از حج و عمره ، باید برای خروج از احرام ، چهارپایی (گاو ، شتر یا گوسفند) را که برای او میسور و آسان باشد ، قربانی کند .

فان أحصرتم فما استيسر من الهدى

محصور، مُحْرِمِی است که به خاطر مرض و یا منع دشمن، نتواند اعمال حج و یا عمره را به پایان رساند.

۵ حرمت تراشیدن سر برای محصور ، قبل از رسیدن قربانی به قربانگاه

و لا تحلقوا رءوسکم حتى يبلغ الهدى مَحَلَّهُ

۷ ذبح و یا نحر قربانی ، باید در مکان مخصوص خود باشد .

حتى يبلغ الهدى مَحَلَّهُ

۸ مُحْرِمِی که بیمار باشد و یا از ناحیه سر در اذیت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بترشد .

و لا تحلقوا رءوسکم .. فمن كان منكم مريضاً

مراد از <مريض> به قرینه قسیمش (او به اذی من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از <به اذی>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحْرِمِی باشد.

۹ مرض ، موجب تخفیف در تکلیف

فمن كان منكم مريضاً او به اذی من رأسه ففديه

۱۳ وجوب قربانی در حج تمتع

فمن تمتع .. فما استيسر من الهدى

۱۴ وجوب روزه به مدت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام فى الحج و سبعة .. تلك عشرة كاملة

۲۸ اقل قربانی ، یک گوسفند است .

فما استيسر من الهدى

امام رضا (ع): <فما استيسر من الهدى> یعنی شاه.

عيون اخبار الرضا (ع)،

ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۶۶۰.

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است.

فمن كان منكم مريضاً .. او صدقه او نسك

امام صادق (ع): .. و جعل الصيام ثلاثة ايام و الصدقه على ستة مساكين لكل مسكين مدين و النسك شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۳۱ حد وجوب قربانی در حج، سهل و میسر بودن آن است.

فمن تمتع .. فما استيسر من الهدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام، پس از انجام مراسم قربانی

و يذكروا اسم الله .. ثم ليقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <يقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث> یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثم ليقضوا تفثهم> یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

قربانی فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۳

۳ کشتن فرزند (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای الهی، نشانه بارز زیانکاری است.

قد خسر الذین .. و حرموا ما رزقهم الله

قربانی فرزند برای بتها

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما يحكمون. و كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولدهم

در آیه شریفه تزیین کشتن فرزندان به <شركاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و .. فرزندان خود را می کشتند.

قربانی فرزند در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا اولدهم سفها بغیر علم

قربانی فرزندان آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ هر یک از فرزندان آدم، آگاه به پذیرش و یا رد قربانی خود و برادر خویش

قال لاقتلنک قال انما يتقبل الله من المتقين

جمله <انما يتقبل الله> و نیز تصمیم قایل برای کشتن هابیل می رساند هر یک از آن دو متوجه پذیرش و رد قربانی خویش شدند. بسیاری از مفسران بر آنند که قربانی هابیل با آتشی از غیب بسوخت. و سوختن قربانی نشانه پذیرش آن بوده است.

قربانی قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ داستان قربانی پسران حضرت آدم (ع) (هاییل و قایل) ، داستانی پرفایده ، عبرت آموز و شایان ذکر

و

اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

آگاه نبودن قاییل از کیفیت دفن جسد هاییل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از <آدم>، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هاییل و قایل هستند. گفتنی است که <نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

۳ دو قربانی تقدیم شده از سوی هاییل و قایل از یک نوع و از یک جنس بود . *

اذقربا قرباناً

مفرد آوردن کلمه <قرباناً> علی رغم اینکه هر کدام جداگانه هدیه ای را قربانی کردند می تواند اشاره به این باشد که آن دو قربانی از یک جنس بوده است.

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هاییل و قایل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هاییل و قایل ، ماجرای واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع)

(به هابیل و قایل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هابیل و قایل ان یقربا قرباناً ... و هو قول الله عزوجل: > و اتل علیهم نبأ ابني
ءادم...<.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

قربانی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۸

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدیاً بلغ الکعبه

قربانی کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیة (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحْرِمِ معذور

فمن كان منكم .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۷، ۹

۹ اطراف کعبه ، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان الله یقول <هدیاً بالغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۲۷ کفاره صید در حال احرام، قربانی و در صورت ناتوانی از آن، انفاق قیمت آن

و در حال عدم تمکن از قیمت ، روزه می باشد .

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلك صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم يجد هدیاً کان علیه ان يتصدق بثمانه واما قوله < او عدل ذلك صیاماً > یعنی عدل الکفارہ اذا لم يجد الفدیہ ولم يجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

قربانی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - برگزیدن گران بهاترین حیوان اهلی (شتر) برای قربانی ، واکنشی بایسته از سوی پیامبر (ص) ، در سپاس گزاری از کوثر عطا شده به آن حضرت

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ .. وانحر

قربانی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۴

۴ - مشرکان ذبایحی را برای بت ها و به نام آنها قربانی می کردند .

و ما أهل به لغير الله

آوردن فعل ماضی <أهل> حکایت از وقوع ذبح برای غیر خدا و به نام غیر او داشته و به ذبح حیوانات برای بتها و به نام آنها - که در جاهلیت مرسوم بوده - اشاره دارد.

قربانی هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱،۳،۴،۶،۷،۹،۳۱

۱ داستان

قربانی پسران حضرت آدم (ع) (هابیل و قابیل) ، داستانی پرفایده ، عبرت آموز و شایان ذکر

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

آگاه نبودن قابیل از کیفیت دفن جسد هابیل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از <آدم>، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هابیل و قابیل هستند. گفتنی است که <نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

۳ دو قربانی تقدیم شده از سوی هابیل و قابیل از یک نوع و از یک جنس بود . *

اذ قربا قرباناً

مفرد آوردن کلمه <قرباناً> علی رغم اینکه هر کدام جداگانه هدیه ای را قربانی کردند می تواند اشاره به این باشد که آن دو قربانی از یک جنس بوده است.

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هابیل و قابیل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هابیل و قابیل ، ماجرای واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند

آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هاییل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هاییل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول الله عزوجل: <واتل علیهم نبأ ابني
ءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

کیفیت قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۳

۳ - مسلمانان ، موظف به انجام مراسم قربانی ، آن گونه که از سوی خدا مقرر شده است .

لکلُّ أُمَّه جعلنا منسكاً هم ناسكوه

گاو قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوسفند قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فكلوا منها

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطلعوا البائس الفقير

گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - حرمت استفاده از گوشت قربانی، پندار عرب عصر جاهلیت

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

محل قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۹

۹ اطراف کعبه، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفار صید

هدياً بلغ الكعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان الله یقول <هدیاً بالغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

مشرکان صدر اسلام و قربانی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۴

۴ - مراسم قربانی مسلمانان ، مورد اعتراض ستیزه جویانه

مشركان صدر اسلام

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزَعُ عَنْكَ فِي الْأَمْرِ

<نزاع> (مصدر <ينزعون>) به معنای مخاصمه و ستیزه جویی است. ضمیر فاعل در <لاينزععنك> به مشركان بازمی گردد و <ال> در <في الأمر>، عوض از مضاف اليه و به تقدير <في أمر المنسك> می باشد؛ یعنی، مشركان در مسأله قربانی، نباید با تو به ستیزه جویی برخیزند.

ممانعت از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱

۱- مذمت خداوند از کفر مشركان، و جلوگیری آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانی کردن

هم الذين كفروا و صدوكم عن المسجدالحرام و الهدى معكوفاً

منازعه درباره قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۵

۵- خداوند، مشركان را از درگیری و ستیزه جویی با پیامبر (ص) در امر قربانی به شدت بر حذر داشت.

فلاينزععنك في الأمر

نحر شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۸،۹

۸- لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها، همراه ذکر نام خدا

فاذكروا اسم الله عليها صواف

<صواف> جمع <صافه> حال از ضمير <عليها> و از مصدر <صف> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم

به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم درآمدند ببرید.

۹- لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی ، به هنگام نحر کردن آنها

فاذکروا

اسم الله عليها صواف

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند <صواف> را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

نشانه گذاری قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۴

۴ - لزوم نشانه گذاری روی دام هایی که به منظور قربانی در مراسم حج ، برده می شود .

و من يعظم شعئر الله

تسمیه دام های قربانی به <شعائر> می تواند دربردارنده توصیه ای باشد به صاحبان آنها که باید دام ها را نشانه گذاری کنند تا همگان بدانند که آنها مربوط به خدا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۵

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم> می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

وقت ذبح قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۲

۲ - مراسم قربانی ، دارای زمانی معین است .

فيها منفع إلى أجل مسمى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳ - مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هریک از ادیان آسمانی پیشین

و لكل أمه جعلنا منسكا

وقت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۹

۹ - انجام تکلیف قربانی ، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه)

و يذكروا اسم الله في أيام معلومت على ما رزقهم من بهيمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت (ع) وارد شده است، مراد از <ایام معلومات>، ایام تشریق (دهم تا سیزدهم) ذی حجه است.

هتک قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۵،۶

۵ هتک حرمت ماه های حرام ، هدی (قربانی بی نشان حج) و قلائد (قربانی با نشان حج) ، حرام و گناه است .

لاتحلوا .. و لا الشهر الحرام و لا الهدی و لا القلند

<قلائد> جمع قلابه به معنای گردنبند است و مراد از آن گوسفند، شتر و گاوی است که به منظور قربانی کردن در حج،

علامتی را بر گردن آن می آویزند. و لفظ <الشهر الحرام> اگر چه مفرد است ولی مراد از آن جنس است. بنابراین شامل

تمامی ماههای حرام می شود.

۶ هتک حرمت علامت های ویژه قربانی حج ، حرام و گناه است .

و لاتحلوا .. و لا القلند

بنابر اینکه مراد از <قلائد>، خود علامت باشد، نه حیوان دارای علامت.

قرض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قرض

آثار قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۷

۷ - قرض به خداوند (انفاق) ، موجب جلب آمرزش او است .

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا .. يَغْفِرْ لَكُمْ

آداب قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۱۷، ۱۸

۱۷ قرض به خدا (انفاق) ، باید قرضی نیکو باشد .

وَ اقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

بنابر اینکه <قرضاً> مفعول مطلق باشد. در این صورت <حسناً> بیانگر چگونگی پرداخت انفاق است، یعنی انفاق را به نحو نیک پرداخت کنید. مثلاً منت نگذارید و ریا نکنید و ...

۱۸ قرض به خدا (انفاق) ، باید از چیز های نیک باشد .

وَ اقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

<قرض> وامی است که به دیگری پرداخت می شود. (لسان العرب). بر اساس این معنی، <قرضاً> مفعول به است و <حسناً> توصیف چیزی خواهد بود که مورد انفاق قرار می گیرد.

احکام قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ گرفتن وام بدون توان بازپرداخت آن ، تصرف نابجا در اموال دیگران است .

لَا تَاكُلُوا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ

امام صادق (ع) بعد از تلاوت آیه فوق فرمود: ... و لا يستقرض علی ظهره الا و عنده وفاء ...

کافی، ج ۵، ص ۹۵، ح ۲؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۱.

ارزش قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۳

۳ - قرض دادن به خداوند، قرضی نیکو و با

ارزش است .

من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً

وصف <حسناً> می تواند قید تخصیصی و یا قید توضیحی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

اهمیت قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۷

۷ - < قال أبو عبد الله (ع) ... قوله عز وجل > و یمنعون الماعون > قال : هو القرض یقرضه و المعروف یصطنعه و متاع البيت یعیره و منه الزکاه ;

امام صادق(ع) [درباره] سخن خدای عزوجل <و یمنعون الماعون> فرمود: ماعون، قرضی است که [انسان] به دیگری می دهد و کار نیکی است که [درباره دیگران] انجام می دهد و وسایل خانه است که عاریه می دهد و از [مصادیق] ماعون، زکات است <.

پاداش اخروی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً ... و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۱۰، ۵

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در

آخرت .

من ذا الذي يقرض الله .. فيضعفه له و له أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و

له أجر کریم < ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند ، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا ، پاداشی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

واژه < کریم > در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض الله .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

< یوم > در < یوم تری >، مربوط به < له أجر کریم > در آیه پیش است؛ یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که... گفتنی است که مراد از < یوم تری > روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۱، ۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله < فیضعف لهم >، ناظر به پاداش دنیوی و جمله < و لهم

أجر کریم < ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ .. و أقرضوا الله ... و لهم أجر کریم

واژه <کریم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش دنیوی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیا است.

پاداش دنیوی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۱۰، ۵

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند ، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا ، پاداشی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد

من ذا الذي يقرض الله .. فيضعفه له و له أجر كريم

واژه <کريم> در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۱، ۹، ۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فيضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان باز می گرداند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <يضعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ ... و أقرضوا الله ... و لهم أجر كريم

واژه <کريم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش قرض

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۵

۵ قرض دهندگان به خداوند با جان و مال ، از پاداش مُضاعف الهی بهره مندند .

من ذا الذی یقرض اللّٰه . . . فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

پاداش قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۷

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّٰه . . . فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له> ، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد .

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان باز می گرداند .

من ذا الذی یقرض اللّٰه . . . فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

تشبیه به قرض الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا اللّٰه

دعوت به قرض الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه ،

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

کافی، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

شرایط قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - قرض به خداوند (انفاق) ، باید بدون چشم داشت مادی از دیگران باشد .

إن تقرضوا الله قرضًا حسنًا .. و الله شكور حلیم

خداوند برای انفاق، پاداش مضاعف و غفران خویش را مقرر فرموده و سپاسداری خود را یادآور شده است. از این مطلب می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

قرض با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۲

۲ - قرض دادن به خدا ، قرضی نیکو و با ارزش در نزد او

إن تقرضوا الله قرضًا حسنًا

وصف <حسنًا> می تواند توضیحی و یا تخصیصی باشد. برداشت یاد شده، برپایه احتمال اول است.

قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ پیکار در راه خدا، قرض شایسته بندگان به او *

و قاتلوا .. من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً

۲ تأمین تدارکات پیکار در راه خدا، قرض شایسته مسلمانان به او

و قاتلوا .. من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً

۳- انفاق در راه خدا، قرض شایسته بندگان به او

من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً

مراد از <قرض> در آیه شریفه،

انفاق در راه خداوند است. بنابراین انفاق در راه خدا، همان قرض دادن به اوست.

۵ قرض دهندگان به خداوند با جان و مال، از پاداش مُضاعف الهی بهره مندند.

من ذا الذی یقرض الله .. فیضاعفه له اضعافاً کثیره

۱۲ ایمان به < قبض > و < بسط > الهی، برانگیزنده آدمی به انفاق

و الله یقبض و یرسط

۱۳ بقای آنچه به خداوند قرض داده می شود و بازگشت چندین برابر آن به آدمی

من ذا الذی یقرض الله .. فیضاعفه له اضعافاً کثیره

مُراد از ضمیر مفعولی در < یضاعفه > قرض است؛ یعنی آن مالی که قرض داده شود، چندین برابر شده و به او باز پس داده می شود؛ بنابراین باید آن مال باقی باشد.

۱۵ ایمان به بازگشت و رجعت آدمی به سوی خداوند، برانگیزاننده انسان ها به پیکار در راه او و انفاق

و قاتلوا فی سبیل الله .. من ذا الذی یقرض الله ... و الیه ترجعون

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

< الیه ترجعون >، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین < فیضاعفه > بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

۱۷ صله و کمک مالی به امام مسلمین، از مصادیق قرض به خداوند است.

من ذا الذی یقرض الله قرضاً

امام کاظم (ع) درباره آیه < من ذا الذی .. > فرمود: نزلت فی صله الإمام

کافی، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۴۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

قرض به خدا (انفاق) ، باید قرضی نیکو باشد .

و اقرضتم الله قرضاً حسناً

بنابر اینکه <قرضاً> مفعول مطلق باشد. در این صورت <حسناً> بیانگر چگونگی پرداخت انفاق است، یعنی انفاق را به نحو نیک پرداخت کنید. مثلاً منت نگذارید و ریا نکنید و

۱۸ قرض به خدا (انفاق) ، باید از چیز های نیک باشد .

و اقرضتم الله قرضاً حسناً

<قرض> وامی است که به دیگری پرداخت می شود. (لسان العرب). بر اساس این معنی، <قرضاً> مفعول به است و <حسناً> توصیف چیزی خواهد بود که مورد انفاق قرار می گیرد.

۱۹ انفاق در راه خدا ، قرض دادن به اوست .

و اقرضتم الله قرضاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۹، ۲، ۱

۱ - انفاق در راه خداوند ، قرض دادن به او است .

و ما لكم ألا تنفقوا في سبيل الله . . من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً

خداوند در آیه قبل، آنانی را که از انفاق در راه او کوتاهی می کنند، مورد نکوهش قرار داده است. در این آیه نیز مؤمنان را فرامی خواند که با انفاق خویش، به خدا قرض بدهند.

۲ - خداوند ، مردم را به قرض دادن به او (انفاق کردن در راه او) فرامی خواند .

من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً

۹ - انفاق در راه جهاد (تلاش برای رفع نیازمندی های جبهه و جنگ) ، قرض الحسنه به خداوند است .

و ما لكم ألا تنفقوا في سبيل الله . . يقرض الله قرضاً حسناً

با توجه به ارتباط

آیه شریفه با آیه قبل و با توجه به این که مراد از انفاق در آیه قبل، برطرف کردن نیاز جبهه و جنگ می باشد؛ مصداق مورد نظر از <قرض الحسنه> در این جا، انفاق در جبهه و جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - صدقه و انفاق در راه خداوند، قرض دادن به او محسوب می شود .

إِنَّ الْمَصْدِقِينَ .. و أقرضوا الله

جمله <و أقرضوا الله>، عطف تفسیری و بیانگر حقیقت صدقه و انفاق است. آن این که کسانی که با صدقات خود، احتیاج نیازمندان را برطرف می کنند، در واقع به خدا وام می دهند.

۵ - وام دادن به خداوند (صدقه و انفاق در راه او)، قرضی نیکو و بس با ارزش است .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا

وصف <حسنًا>، می تواند قید توضیحی و یا قید تخصیصی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۱،۲،۴

۱ - انفاق در راه خداوند، قرض دادن به او است .

إن تقرضوا الله قرضًا حسنًا

۲ - قرض دادن به خدا، قرضی نیکو و با ارزش در نزد او

إن تقرضوا الله قرضًا حسنًا

وصف <حسنًا> می تواند توضیحی و یا تخصیصی باشد. برداشت یاد شده، بر پایه احتمال اول است.

۴ - قرض به خدا (انفاق)، موجب بهره مندی از سود و پاداش مضاعف الهی است .

إن تقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعفه لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶، ۲۹

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا الله

۲۹ - زکات ، قرض دادن به خداوند است .

و ءاتوا الزکوة و أقرضوا الله قرضاً حسناً

مفسران احتمال هایی درباره قرض به خدا مطرح کرده اند؛ که یکی از آنها زکات است و مقصود این است که باید به بهترین وجهی پرداخت شود.

قرض نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۲

۲ - قرض دادن به خدا ، قرضی نیکو و با ارزش در نزد او

إن تقرضوا الله قرضاً حسناً

وصف <حسناً> می تواند توضیحی و یا تخصیصی باشد. برداشت یاد شده، بر پایه احتمال اول است.

مراد از قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - > عن أبي عبد الله (ع) قال إن الله عز وجل... فرض في أموال الأغنياء حقوقاً غير الزكاة فقال عز وجل: >... أقرضوا الله قرضاً حسناً < و هذا غير الزكاة... >

از امام صادق (ع) روایت شده که خدای عزوجل... در اموال صاحبان ثروت، حقی غیر زکات واجب نموده... و فرموده است: >... أقرضوا الله قرضاً حسناً < و این <قرض حسن > غیر از زکات است... <.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۵۱

۵۱ - > عن سَمَاعِه قال : سألتُه عن قول اللّٰه : > و أقرضوا اللّٰه قرضاً حسناً < قال : هو غيرُ الزّكاه ;

سماعه

می گوید: از امام (ع) درباره سخن خداوند: <و أقرضوا الله قرضاً حسناً> سؤال کردم؛ فرمود: این [قرض حسن] غیر از زکات است <.

قرض الحسنه

{قرض الحسنه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۳

۳ - قرض دادن به خداوند، قرضی نیکو و با ارزش است .

من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً

وصف <حسناً> می تواند قید تخصیصی و یا قید توضیحی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۵

۵ - وام دادن به خداوند (صدقه و انفاق در راه او) ، قرضی نیکو و بس با ارزش است .

و أقرضوا الله قرضاً حسناً

وصف <حسناً>، می تواند قید توضیحی و یا قید تخصیصی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

تشبیه به قرض الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا الله

دعوت به قرض الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه ، کاری پسندیده و شایسته

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

کافی، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

قرعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قرعه

احکام قرعه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ مشروعیت بهره گیری از قرعه ، در رفع اختلاف

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۵

۵ - قرعه ، راهی مشروع و مجاز برای گشودن مشکل غیرقابل حل از راه فکر و اندیشه

فساهم فکان من المدحضین

اصابت قرعه به یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۳

۳ - اصابت قرعه به نام یونس (ع) و مغلوبیت او در قرعه کشی

فساهم فکان من المدحضین

<مدحضین> (اسم مفعول از <ادحاض>) به معنای <ازلاق> (کسی را لغزاندن) است و در این جا کنایه از شکست و مغلوبیت در امر قرعه کشی می باشد.

جواز قرعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ مشروعیت بهره گیری از قرعه ، در رفع اختلاف

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

۶ - > وقال الصادق (ع) : ما تقارع قوم ، ففوّضوا أمرهم إلى الله تعالى إلا خرج سهم المحق وقال : أي فضيه أعدل من القرعه إذ فوّض الأمر إلى الله ؟ أليس الله تعالى يقول : > فساهم فكان من المدحضين < ;

امام صادق(ع) فرمود: هیچ قومی قرعه نزدند و امر خود را به خداوند تعالی واگذار نکردند؛ مگر این که سهم کسی که صاحب

حق است از آن بیرون آمد. امام فرمود: چه قضیه ای به عدالت نزدیک تر از قرعه است، آن گاه که کار به خدا واگذار شود؟ آیا خداوند تعالی نفرموده است: <فساهم فکان من المدحضین؟>

قرعه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیرهای قمار، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است.

و الازلّم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یتقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

قرعه در قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۱،۷

۱ - قرعه کشی یونس (ع) و سرنشینان کشتی، برای به دریا افکنده شدن یک نفر از جمعیان

فساهم فکان من المدحضین

<ساهم> به معنای <قارع> (قرعه افکند) می باشد.

۷ - > عن أبي جعفر (ع) قال: ... إستهموا فی یونس لَمَا ركب مع القوم فوقفت السفینه فی اللّجه ... فوق السهم علی یونس ثلاث مرّات ...؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... در مورد یونس(ع) قرعه انداختند، آن هنگام که به همراه قوم بر کشتی سوار شد و کشتی در آب های متراکم متوقف گردید، ... و قرعه سه مرتبه به نام یونس اصابت کرد...<

موارد قرعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۷ نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم ، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم .. اذ یختصمون

۸ شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه ، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون

به نظر می رسد تکرار <ما کنت لدیهم>، اشاره به شگفتی جریان نزاع باشد.

۱۲ انجام قرعه کشی بین شش نفر ، برای تعیین سرپرست مریم (س)

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

امام باقر (ع): اول من سوهم علیه مریم بنت عمران و هو قول الله عزّ و جل <و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم> و السهام سته.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱، ب ۳۸؛ خصال صدوق، ص ۱۵۶، ح ۱۹۸، باب الثلاثه.

۱۳ قرعه کشی برای تعیین سرپرست مریم ، به هنگام درگذشت پدر وی

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

امام باقر (ع): .. <اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم> حین أیتمت من ابیها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۷؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۹۲، ح ۲.

قریش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قریش

آثار امنیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۹

۹ - امنیت بخشیدن خداوند به قریش و از بین بردن ترس آنان ، عبادت او را بر آنان الزامی ساخت .

فلیعبدوا .. الذی ... وءامنهم من خوف

آثار تغذیه قریش

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۲

۲ - قریش ، به دلیل تأمین تغذیه شان از سوی خداوند ، ملزم به پرستش او بودند .

فلیعبدوا .. الذی أطعمهم من جوع

آثار عبودیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۶

۶ - سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

ألم تر کیف فعل ربك بأصحاب الفیل .. فلیعبدوا

آثار قدرت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۳

۳ - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشاً

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند، استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

آثار کوچ تابستانی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۳

۳ - امنیت کعبه و کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، زمینه دست یابی آنان به مواد خوراکی بود .

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا ... الذي أطعمهم من جوع

آثار کوچ زمستانی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۳

۳ - امنیت کعبه و کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، زمینه دست یابی آنان به مواد خوراکی بود .

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا ... الذي

أطعمهم من جوع

اتمام حجت بر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ - فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لایلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

استهزاهای قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و کذب به قومک .. قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل ..> گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عذاب واقع شدنی است باید پیامبر(ص) آن را عملی سازد. بنابراین جمله <قل لست ...> قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

استهزاهای کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمين. الذين جعلوا القرءان عظيم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل

چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

افتراهای کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرآن عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

امکانات مادی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۵

۵ - مشرکان مکه (قریش) ، اندازه یک دهم برخورداری ملت های پیشین را نداشته اند .

و ما بلغوا معشار ما ءاتینهم

<معشار> یک دهم چیزی را می گویند (مفردات راغب).

امنیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۲

۲ - قریش ، نیازمند امنیت در مسیر بیلاق و قشلاق کردن خویش

لایلف قریش . ایلفهم رحله الشتاء و الصيف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل . . فليعبدوا

بی احترامی قریش

جلد

۷ - > عن ابراهيم بن ابى يحيى قال : سئل أبو عبد الله (ع) عن قول الله تعالى > لا أقسم بهذا البلد و أنت حلّ بهذا البلد < قال إن قريشاً كانوا يُحزّمون البلد . . . فاستحلّوا من نبيّ الله (ص) الشتم و التكذيب فقال : لا أقسم بهذا البلد و أنت حلّ بهذا البلد > إنهم عظموا البلد و استحلّوا ما حرّم الله تعالى ;

از ابراهيم بن ابى يحيى روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) از سخن خدای تعالی > لا أقسم بهذا البلد . و أنت حلّ بهذا البلد < سؤال شد، امام فرمود: قریش احترام شهر [مکه] را نگه می داشتند ... ولی ناسزاگویی و تکذیب پیامبر خدا(ص) را حلال شمردند[و حرمت مکه را درباره ایشان رعایت نکردند]. پس خدا فرمود: > لا أقسم بهذا البلد. و أنت حلّ بهذا البلد < آنان برای این شهر عظمت قائل شدند، ولی حرام خدای تعالی را حلال شمردند <.

پشیمانی کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله > ثم يغلبون < دلالت می کند که زمان ندامت آنان

در دنیاست.

پیشنهاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۵

۵ - > سأل [الأحول] أبا عبد الله (ع) عن ذلك فقال: كان سبب نزولها و تكرارها أن قریشاً قالت لرسول الله تعبد آلهتنا سنه و تعبد إلهك سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهك سنه فأجابهم الله بمثل ما قالوا؛

[ابوجعفر احول] از امام صادق (ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید؛ امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا (ص) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره] تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنان جواب داد.

تاریخ قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۷

۷ - نابودی اصحاب فیل ، مایه استحکام پیوند قریش با شهر مکه و باقی ماندنشان در آن *

لایلف قریش

آیه بعد یا تفسیر این آیه است که در نتیجه <ایلافهم> در آن بدل خواهد بود و یا ذکر خاص بعد از عام است که در نتیجه، این آیه به الفتی دیگر نیز علاوه بر الفت با کوچ های تابستانی و زمستانی، نظر خواهد داشت. ارتباط آیه شریفه با سوره قبل می تواند بیانگر آن باشد که استمرار پیوند قریش با مکه، مصداق برجسته ای برای عموم <ایلاف قریش> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰- قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۴

۴- شکست اصحاب فیل، زمینه ساز گرفتار نشدن قریش، به فقر اقتصادی و گرسنگی فراگیر و جان فرسا

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل .. لايلف قریش ... الذي أطعمهم من جوع

نکره بودن <جوع>، بر شدت آن دلالت دارد.

تداوم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۹

۹- استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لايلف قریش

چنانچه سوره <قریش> سوره ای مستقل باشد و با سوره <فیل> یک سوره تلقی نگردد؛ حرف <لام> در <لايلف> متعلق به <فلیعبدوا> در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلان را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند. گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

تفضل به قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۶

۶- عنایت ویژه خداوند به قبیله قریش

لايلف قریش

تکلیف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۱

۱- قریش ، باید خود را به عبادت خداوند و بندگی نکردن غیر او ، ملزم می ساختند .

فلیعبدوا ربَّ هذا البيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۹

۹ - امنیت بخشیدن خداوند به قریش و از بین بردن ترس آنان ، عبادت او را بر آنان الزامی ساخت .

فلیعبدوا

... الذی ... وءامنهم من خوف

توطئه اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۳ - ۷

۷ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلك جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر <مکه> است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

تهدید قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۲

۲ قوم و قبیله پیامبر، تهدید به عذاب از جانب خداوند را باور نکرده و آن را تکذیب کردند.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا .. و کذب به قومک

در آیه <قل هو القادر> وعیدهایی از جانب خداوند مطرح گردید. محتمل است مرجع ضمیر <کذب به> همان وعیدهایی مطرح شده در آیه قبل باشد برداشت فوق بر این اساس استوار است.

تهدید مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۱۳

۱۳ - کافران قریش ، مورد تهدید شدید خداوند

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا .. و عمروها أكثر ممّا عمروها و جاءتهم رسلهم بال

به قرینه این که سوره روم، مکی است، مراد از <أكثر ممّا عمروها> کافران قریش اند که در برابر پیامبر(ص) به مخالفت

برخاستند.

تہمتہای کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام

، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرآن عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

جهاد با مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱

۱ مسلمانان صدر اسلام موظف به هجوم به کاروان تجاری مشرکان قریش و یا نبرد با سپاه مسلح آن بودند .

كما أخرجك ربك .. إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين ... و يريد الله أن يحق الحق بك

حاکمیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۴

۴ - تسلط قریش بر مکه پیش از اسلام *

لایلف قریش

دفع مهاجمان به مکه، در صورتی امتنان بر قریش شمرده می شود که مکه در تصرف آنان باشد.

حسرت کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله

>ثم يغلبون< دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیا است.

خواسته های قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و كَذَّبَ به قومك .. قل لست عليكم بوكيل

چنانچه مرجع ضمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل ..> گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عذاب واقع شدنی است باید پیامبر(ص) آن را عملی سازد. بنابراین جمله <قل لست ..> قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

خود بر تربینی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۷

۷ فرمان الهی به امتیاز طلبان قریش در حج، مبنی بر استغفار از گناه امتیاز طلبی *

ثم افيضوا من حيث افاض الناس و استغفروا الله

پس از ردّ امتیاز طلبی (من حيث افاض الناس)، امر به استغفار، می تواند اشاره باشد که این عمل، گناه و استغفار از آن لازم است.

دشمنی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۹

۹- > عبدالرحمان بن كثير قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : > ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا < ... ، قال : عنى بها قریشاً قاطبه الذين عادوا رسول الله (ص) و نصبوا له الحرب و جحدوا و صّيه و صّيه ;

عبدالرحمان بن كثير گوید: از امام صادق (ع) در باره

سخن خداوند عزوجل <ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: از آیه تمام افراد قریش قصد شده است که با رسول خدا(ص) دشمنی کرده و در برابر او به جنگ برخاستند و جانشینی جانشین او را انکار کردند.

دعای مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند.

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

دلایل تکلیف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۳

۳ - مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن، برهان الزام قریش به عبادت او است.

فليعبدوا ربَّ هذا البيت

دلایل عبودیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ - فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش، حجتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لإيلف قریش . إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می

شود.

رسوم قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش

۲- قریش، به برنامه ای منظم در اداره زندگانی خود خو گرفته بودند.

لایلف قریش

برای <ایلاف> معانی گوناگونی ذکر شده است؛ از جمله: الفت یافتن، الفت دادن (قاموس)؛ مهیا و مجهز ساختن (تاج العروس)؛ عهد بستن و امان گرفتن (نهایه ابن کثیر). برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست (الفت یافتن) است. چیزی که قریش با آن الفت یافته بودند به قرینه آیه بعد کوچ تابستانی و زمستانی بوده است. این برداشت، با معنای <الفت دادن> نیز سازگار است. در آن صورت <الله> (فاعل <ایلاف>) در کلام ذکر نشده است و <قریش> و <رحله> مفعول اول و دوم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱

۱- قریش، طبق عادت دیرینه، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند.

ایلفهم رحله الشتاء و الصيف

<رحله> (پیمودن راه بر راحله و مرکب)، مفعول <ایلاف> و ضمیر <ایلفهم> فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتی انجام می دادند.

زمینه تغذیه قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۳

۳- امنیت کعبه و کوچ زمستانی و تابستانی قریش، زمینه دست یابی آنان به مواد خوراکی بود.

ایلفهم رحله الشتاء و الصيف . فلیعبدوا ... الذی أطعمهم من جوع

زمینه تکلیف قریش

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۲

۲ - قریش ، به دلیل تأمین تغذیه شان از سوی خداوند ، ملزم به پرستش او بودند .

فلیعبدوا .. الذی أطعمهم من جوع

زمینه عصیان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۳

۳ - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشد منهنم بطشاً

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند؛ استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

زمینه کسب قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لایلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد؛ می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

زمینه کفر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۳

۳ - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشد منهنم بطشاً

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند؛ استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

زمینه نابودی قریش

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۳

۳ - نظام زندگانی قریش و شیوه امرار معاش آنان در صورت پیروزی ابرهه از هم می پاشید .

لایلف قریش

زمینه نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۴

۴ - شکست اصحاب فیل ، زمینه ساز گرفتار نشدن قریش ، به فقر اقتصادی و گرسنگی فراگیر و جان فرسا

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل .. لایلف قریش ... الذي أطعمهم من جوع

نکره بودن <جوع>، بر شدت آن دلالت دارد.

سپاه مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون أن غير ذات الشوكه تكون لكم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله <کانما یساقون إلی الموت> در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

سکونت قریش در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۷

۷- نابودی اصحاب فیل ، مایه استحکام پیوند قریش با شهر مکه و باقی ماندنشان در آن *

لایلف قریش

آیه بعد یا تفسیر این آیه است که در نتیجه <ایلافهم> در آن بدل خواهد بود و یا ذکر خاص بعد از عام است که در نتیجه، این آیه به الفتی دیگر نیز علاوه بر الفت با کوچ های تابستانی و زمستانی، نظر خواهد داشت. ارتباط

آیه شریفه با سوره قبل می تواند بیانگر آن باشد که استمرار پیوند قریش با مکه، مصداق برجسته ای برای عموم <ایلاف قریش> است.

سلطه جویی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۳

۳ کفار قریش برخوردار از روحیه زورمداری و سلطه جویی

أنتم قليل مستضعفون .. تخافون أن يتخطفكم الناس

چون آیه ناظر به حالات مسلمانان تا پیش از هجرت است، مصداق مورد نظر از <الناس>، مشرکان مکه و کفار قریش است.

شکرگزاری قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۶

۶ - سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل .. فليعبدوا

شکست کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰، ۷، ۶

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

۷ خداوند با خبری غیبی ، شکست کفار قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم يغلبون

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند، از دوزخیان هستند.

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند

بود.

شکست مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۶

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

ضعف مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۲

۲ کاروان تجاری قریش ، فاقد نیروی دفاعی مقاوم

غير ذات الشوكه

<شوکه> به معنای خار درخت و بوته است و در آیه کنایه از سلاحهای جنگی است. بنابراین <غير ذات الشوکه> یعنی گروهی نامسلح. و مقصود از آن کاروان تجاری قریش است که به سرکردگی ابوسفیان و همراه با چهل نفر از شام به سوی مکه در حرکت بودند.

ظلم کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۳

۳ کفار قریش برخوردار از روحیه زورمداری و سلطه جویی

أنتم قليل مستضعفون .. تخافون أن يتخطفكم الناس

چون آیه ناظر به حالات مسلمانان تا پیش از هجرت است، مصداق مورد نظر از <الناس>، مشرکان مکه و کفار قریش است.

عبودیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۱،۳

۱ - قریش، باید خود را به عبادت خداوند و بندگی نکردن غیر او، ملزم

می ساختند .

فلیعبدوا ربَّ هذا البيت

۳ - مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فلیعبدوا ربَّ هذا البيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۹

۹ - امنیت بخشیدن خداوند به قریش و از بین بردن ترس آنان ، عبادت او را بر آنان الزامی ساخت .

فلیعبدوا .. الذی ... و ءامنهم من خوف

عذاب قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۳

۳ پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و کذب به قومک و هو الحق

از معانی حق، <ثابت> و <واجب> است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر <به>، <عذاب> در آیه قبل باشد، جمله <و هو الحق> تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته را به وضوح تأیید کرد.

عقیده قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۲

۱۲ اعتقاد قریش به عدم لزوم کوچ کردن آنان از عرفات

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

امام صادق (ع): اولئك قريش كانوا يقولون: نحن اولى الناس بالبيت و لا يفيضون الا من المزدلفه، فامرهم الله ان يفيضوا من عرفه

تفسير عياشى، ج ١، ص ٩٦، ح ٢٦٣؛ نورالثقلين، ج ١، ص ١٩٥، ح ٧١٠.

عوامل اتحاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لایلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد؛ می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

عوامل امنیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لایلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد؛ می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - امنیت قریش ، مرهون وجود کعبه و امنیت آن بود .

ربّ هذا البيت . . . وءامنهم من خوف

تعبیر <ربّ هذا البيت> به جای <الله> پیش از توصیف خداوند به پدید آورنده امنیت نشانگر نقش کعبه در امنیت قریش است که قبایل عرب، آنها را اهل حرم دانسته و به آنان تعرض نمی کردند. ارتباط این سوره با سوره قبل، بیانگر نقش هلاکت اصحاب فیل، در پیدایش امنیت برای کعبه و در نتیجه برای قریش است.

۱۱ - شکست اصحاب فیل ، از میان برنده زمینه تهاجم دیگران به مکه و برطرف سازنده ترس شدید قریش از دشمن

و ءامنهم من خوف

نکره بودن <خوف>، بر شدت آن دلالت دارد.

عوامل رفع ترس قریش

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - شکست اصحاب فیل ، از میان برنده زمینه تهاجم دیگران به مکه و برطرف سازنده ترس شدید قریش از دشمن

و ءامنهم من خوف

نکره بودن <خوف> ، بر شدت آن دلالت دارد.

عوامل شکست مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن الله قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد / یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

عوامل قدرت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، با نابود کردن اصحاب فیل ، قریش را بر ادامه زندگانی طبق عادت دیرینه آنان ، توانمند ساخت .

لایلف قریش

این سوره با سوره قبل ، ارتباطی تنگاتنگ دارد تا حدی که برخی آن دو را یک سوره شمرده و برخی دیگر جداساختن آن را از سوره فیل در نماز جایز نمی دانند. بنابراین <لایلاف> علت <جعلهم کعصف مأكول> را بیان می کند / یعنی ، خداوند سپاه ابرهه را نابود ساخت تا قریش بتوانند به ایلاف خود ادامه دهند.

فیء به قریش

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۸ - ۱۶

۱۶ - > عن الصادق (ع)

... ثم قال [الله تعالى]: < للفقراء المهاجرين الذين أخرجوا... > فجعلها الله لمن هاجر من قريش مع النبي (ص)... و أخرج... عنهم المهاجرين مع رسول الله من العرب لقوله < الذين أخرجوا من ديارهم و أموالهم > لأن قريشاً كانت تأخذ ديار من هاجر منها و أموالهم و لم تكن العرب تفعل ذلك بمن هاجر منها... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ..خدا فرموده [اموالی که بدون جنگ به دست آمده] از آن فقرای مهاجر است که از خانه ها و اموال خود اخراج شده اند.[بااین دستور] خدا آن اموال را برای مهاجران قریش که در معیت پیامبر(ص) بوده اند قرار داده و مهاجران عرب را که همراه آن حضرت بوده اند از [شمول حکم] آنان خارج کرده است؛ زیرا فرموده: <الذین أخرجوا من ديارهم و أموالهم > قريش خانه ها و اموال مهاجران خود را تصاحب می کرده؛ ولی عرب با مهاجران خود این کار را نمی کرده [و اموال را برای خود آنان باقی می گذاشته است].<

قتل مشرکان قريش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لكن الله قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم... > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد؛ یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر

این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

قدرت نظامی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله <کانما یساقون إلی الموت> در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

قریش و عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۲

۱۲ اعتقاد قریش به عدم لزوم کوچ کردن آنان از عرفات

ثم ایضوا من حیث افاض الناس

امام صادق (ع): اولئک قریش کانوا یقولون: نحن اولی الناس بالبیت و لا یفیضون الا من المزدلفه، فامرهم الله ان یفیضوا من عرفه

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۶۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۷۱۰.

قریش و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و کذب به قومک و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إني على بينة> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ -

۶- > عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) عن قوله : > الذين جعلوا القرآن عضين < قال : هم قریش ؛

از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خداوند >الذين جعلوا القرآن عضين< روایت شده است که فرمودند: آنان قریش بودند.<

قریش و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۴

۲۴- از امام صادق (ع) درباره آیه فوق روایت شده که : > انهم قریش حين منعوا رسول الله دخول مكة و المسجد الحرام ؛
آنان قریش بودند آن هنگام که مانع ورود رسول خدا(ص) به مکه و مسجد الحرام شدند.<

قشلاق نشینی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱

۱- قریش ، طبق عادتی دیرینه ، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند .

ایلافهم رحله الشتاء و الصيف

>رحله< (بیمودن راه بر راحله و مرکب)، مفعول >ایلاف< و ضمیر >ایلافهم< فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتي انجام می دادند.

قمار در قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ - ابو عبيده حذاء می گوید : > سألت أبا عبد الله عن قول الله عز و جل > و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل < فقال : كانت قریش تقامر الرجل بأهله و ماله فنهاهم الله عز

و جل عن ذلك ؛

از امام صادق(ع) از آیه <ولا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل> سؤال کردم، امام فرمود: قریش خانواده و مال خود را به قمار می گذاشتند پس خداوند آنان را از این عمل نهی فرمود.<

کاروان تجارتی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۴، ۵، ۲، ۱

۱ مسلمانان صدر اسلام موظف به هجوم به کاروان تجاری مشرکان قریش و یا نبرد با سپاه مسلح آن بودند .

كما أخرجك ربك .. إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين ... و يريد الله أن يحق الحق بك

۲ کاروان تجاری قریش ، فاقد نیروی دفاعی مقاوم

غیر ذات الشوکه

<شوکه> به معنای خار درخت و بوته است و در آیه کنایه از سلاحهای جنگی است. بنابراین <غیر ذات الشوکه> یعنی گروهی نامسلح. و مقصود از آن کاروان تجاری قریش است که به سرکردگی ابوسفیان و همراه با چهل نفر از شام به سوی مکه در حرکت بودند.

۴ پیروزی بر سپاه مشرکان قریش و یا تسلط بر کاروان تجاری آنان ، وعده خداوند به اهل ایمان

و إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين

۵ مسلمانان ، مشتاق رویارویی با کاروان تجاری قریش و ناخشنود از درگیری با سپاه مسلح آنان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لكم

کاروان تجاری قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۵، ۶

۵ قافله تجاری قریش به هنگام استقرار سپاهیان بدر ، در مسیری پایتتر از سپاه اسلام در حرکت بودند .

و الركب أسفل منكم

کلمه <رکب> جمع راکب و به معنای سواران است و مقصود از

آن به گفته اهل تفسیر کاروان تجاری قریش است. تعبیر از کاروان تجاری به <سواران> می تواند اشاره به حرکت سریع آنان برای فرار از مسلمانان باشد.

۶ مسیر حرکت قافله تجاری قریش نامعلوم برای مسلمانان و به دور از دسترسی آنان به هنگام حضورشان در منطقه بدر

و الركب أسفل منكم

نکره آوردن کلمه <أسفل> در مقابل معرفه آوردن <العدوه>، می تواند مشعر به برداشت فوق باشد. ناآگاهی مسلمانان به جایگاه قافله، تمهیدی بوده است از جانب خدا برای <لیقضی الله>. یعنی اگر مسلمانان از مسیر حرکت تجاری قریش آگاه بودند به سوی آنان می شتافتند و در نتیجه جنگ بدر رخ نمی داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۴

۴ - هجوم اصحاب فیل به مکه ، کاروان های تجارتی قریش در تابستان و زمستان را با خطری جدی مواجه ساخته بود .

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف

کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۵

۵ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله > و إن كانوا ليقولون . لو أنّ عندنا ذكراً من الأولين . لكنّا عباد الله المخلصين > فهم كفّار قریش كانوا يقولون : قاتل الله اليهود و النصارى كيف كذبوا أنبياءهم ! أما و الله لو كان عندنا ذكراً من الأولين لكنّا عباد الله المخلصين يقول الله : < فكفروا به > حين جاءهم محمد (ص) . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و إن كانوا ليقولون لو أنّ عندنا ذكراً من الأولين لكنّا

عباد الله المخلصين > روایت شده که فرمود: آنان کفار قریش بودند که می گفتند: نفرین بر یهود و نصارا! چگونه پیامبران خود را تکذیب کردند. به خدا قسم! اگر یکی از کتاب های آسمانی پیشینیان نزد ما بود، به آنها ایمان می آوردیم و از بندگان خالص خدا می شدیم؛ اما هنگامی که حضرت محمد(ص) بر آنان مبعوث شد به آن حضرت کفر ورزیدند >.

کافران قریش و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۲،۵

۲ خداوند مسلمانان را از سرمایه گذاری های کلان کافران قریش برای هجوم به مسلمانان و جلوگیری از گسترش اسلام آگاه ساخت .

فسینفقونها ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جمع مضاف <امولهم> دلالت بر عموم دارد؛ یعنی تمامی داراییهایشان و این اشاره به پرداخت هزینه های فراوان است. گفتنی است توجه به سیاق آیه مورد بحث و آیات قبل این سخن مفسران را تأیید می کند که آیه شریفه درباره کفار قریش نازل شده است.

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیا است.

کفر اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱

۱ مجرمات سردمدار

مکه از ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أكبر مجرميها .. قالوا لن نؤمن

کفر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۲

۲ قوم و قبیله پیامبر، تهدید به عذاب از جانب خداوند را باور نکرده و آن را تکذیب کردند.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا .. و کذب به قومک

در آیه <قل هو القادر> وعیدهایی از جانب خداوند مطرح گردید. محتمل است مرجع ضمیر <کذب به> همان وعیدهایی مطرح شده در آیه قبل باشد برداشت فوق بر این اساس استوار است.

کوچ تابستانی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱،۲،۳،۵

۱ - قریش ، طبق عادتی دیرینه ، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

<رحله> (پیمودن راه بر راحله و مرکب)، مفعول <ایلاف> و ضمیر <ایلافهم> فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتي انجام می دادند.

۲ - قریش ، نیازمند امنیت در مسیر بیلاق و قشلاق کردن خویش

لایلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

۳ - امنیت راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

در برداشت یاد شده، سوره <قریش> مستقل از سوره <فیل> دانسته شده است. در این صورت، این آیه مانند آیه قبل،

<فلیعبدوا> در آیه بعد خواهد بود، یعنی، حال که این ایلاف تداوم یافته است، قریش باید خدا را بندگی کنند. گفتنی است که التزام به بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

۵- خداوند، با از میان بردن سپاه ابرهه، راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش را امنیت بخشید.

ایلفهم رحله الشتاء و الصیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴- فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش، حجتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لایلف قریش . ایلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

کوچ زمستانی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱،۲،۳،۵

۱- قریش، طبق عادتی دیرینه، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند.

ایلفهم رحله الشتاء و الصیف

<رحله> (پیمودن راه بر راحله و مرکب)، مفعول <ایلاف> و ضمیر <ایلافهم> فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتي انجام می دادند.

۲- قریش، نیازمند امنیت در مسیر بیلاق و قشلاق کردن خویش

لایلف قریش . ایلفهم رحله الشتاء و الصیف

۳- امنیت راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

در برداشت یاد شده، سوره <قریش> مستقل از سوره <فیل> دانسته شده است. در این صورت، این آیه مانند آیه قبل، مربوط به <فلیعبدوا> در آیه بعد خواهد بود؛ یعنی، حال که این ایلاف تداوم یافته است، قریش باید خدا را بندگی کنند. گفتنی است که التزام به بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

۵- خداوند، با از میان بردن سپاه ابرهه، راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش را امنیت بخشید.

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴- فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش، حجتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لإيلف قریش . إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

کیفر کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند، از دوزخیان هستند.

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

گرسنگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد.

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی، یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است؛ به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

مسلمانان و کاروان تجاری قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۶

۶ مسیر حرکت قافله تجاری قریش نامعلوم برای مسلمانان و به دور از دسترسی آنان به هنگام حضورشان در منطقه بدر

و الركب أسفل منكم

نکره آوردن کلمه <أسفل> در مقابل معرفه آوردن <العدوه>، می تواند مشعر به برداشت فوق باشد. ناآگاهی مسلمانان به جایگاه قافله، تمهیدی بوده است از جانب خدا برای <لیقضی الله>. یعنی اگر مسلمانان از مسیر حرکت تجاری قریش آگاه بودند به سوی آنان می شتافتند و در نتیجه جنگ بدر رخ نمی داد.

مسلمانان و مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۵،۶

۵ مسلمانان، مشتاق رویارویی با کاروان تجاری قریش و ناخشنود از درگیری با سپاه مسلح آنان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

۶ خداوند خواهان رویارویی مسلمانان با سپاه مسلح قریش و مشرکان مکه

تودون أن .. و یرید الله أن یحق الحق بکلمته

از مقابله دو جمله <تودون ..> و <یرید الله ...> به دست می آید که اراده خداوند بر خلاف خواسته مسلمانان

در انتخاب یکی از دو گروه (کاروان تجاری و سپاه مسلح مشرکان) بوده است.

مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۴،۱۵

۴ ضربات مرگبار مسلمانان پیکارگر در آغاز جنگ احد بر پیکره مشرکان قریش ، به اذن و اراده الهی

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسونهم باذنه

۱۵ دستیابی مسلمانان پیکارگر احد بر غنائم جنگی ، به دنبال شکست ابتدایی مشرکان قریش

من معد ما اریکم ما تحبون

اگر چه مراد از <ما تحبون> پیروزی بر دشمن است، و لکن در آیه شریفه می تواند لازمه آن، یعنی غنیمت نیز مراد باشد؛ به دلیل <منکم من یرید الدنیا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱

۱ فرار پیکارگران احد از رویارویی با مشرکان قریش ، بی آنکه به فکر کسی باشند .

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

کلمه <تصعدون> از <اصعاد>، به معنای دور شدن تا حد پنهان شدن از نظرهاست، و <لا تلون> از ماده <لئ>، به معنای التفات و میل کردن است. یعنی از معرکه دور شدید و به کسی توجه نمی کردید و تنها به فکر فرار از صحنه بودید.

مشرکان قریش در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۸

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سرهای کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إليه (الكافرين) است و مراد از <فوق الأعناق>

سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

مکر اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۳ - ۷

۷ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و كذلك جعلنا في كل قرية

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر <مکه> است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

منشأ اتحاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۵

۵ - خداوند، با خنثی کردن توطئه اصحاب فیل، قریش را از خطر از هم گسیختگی رهانید.

لایلف قریش

منشأ امنیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۵

۵ - خداوند، با از میان بردن سپاه ابرهه، راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش را امنیت بخشید.

یلفهم رحله الشتاء و الصيف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۸،۹

۸ - خداوند، قریش را در سفر و حضر، از امنیت کامل برخوردار ساخته و هراس آنان را از میان برد.

و ءامنهم من خوف

به قرینه آیات پیشین، مراد امنیت در مراحل کوچ و نیز رفع خطر فیل داران و نظایر آنها، در شهر مکه است.

- امنیت بخشیدن خداوند به قریش و از بین بردن ترس آنان ، عبادت او را بر آنان الزامی ساخت .

فلیعبدوا .. الذی ... و ءامنهم من خوف

منشأ تغذیه قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۲، ۱

۱ - خداوند ، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد .

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی؛ یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است؛ به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

۲ - قریش ، به دلیل تأمین تغذیه شان از سوی خداوند ، ملزم به پرستش او بودند .

فلیعبدوا .. الذی أطعمهم من جوع

منشأ رفع ترس قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۸

۸ - خداوند ، قریش را در سفر و حضر ، از امنیت کامل برخوردار ساخته و هراس آنان را از میان برد .

و ءامنهم من خوف

به قرینه آیات پیشین، مراد امنیت در مراحل کوچ و نیز رفع خطر فیل داران و نظایر آنها، در شهر مکه است.

منشأ نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۵

۵ - خداوند ، با خنثی کردن توطئه اصحاب فیل ، قریش را از خطر از هم گسیختگی رهانید .

لایلف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴

۱ - خداوند، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد.

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی؛ یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است؛ به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱

۱ - خداوند، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد.

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی؛ یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است؛ به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

نظم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۲

۲ - قریش، به برنامه ای منظم در اداره زندگانی خود خو گرفته بودند.

لایلف قریش

برای <ایلاف> معانی گوناگونی ذکر شده است؛ از جمله: الفت یافتن، الفت دادن (قاموس)؛ مهیا و مجهز ساختن (تاج العروس)؛ عهد بستن و امان گرفتن (نهایه ابن کثیر). برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست (الفت یافتن) است. چیزی که قریش با آن الفت یافته بودند به قرینه آیه بعد کوچ تابستانی و زمستانی بوده است. این برداشت، با معنای <الفت دادن> نیز سازگار است. در آن صورت <الله> (فاعل <ایلاف>) در کلام ذکر نشده است و <قریش> و

<رحله > مفعول اول و دوم می باشد.

نعمتهای قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۹

۹ - استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لایلف قریش

چنانچه سوره <قریش> سوره ای مستقل باشد و با سوره <فیل> یک سوره تلقی نگردد؛ حرف <لام> در <لایلاف> متعلق به <فلیعبدوا> در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلاف را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند. گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۳

۳ - امنیت راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

ایلفهم رحله الشتاء و الصيف

در برداشت یاد شده، سوره <قریش> مستقل از سوره <فیل> دانسته شده است. در این صورت، این آیه مانند آیه قبل، مربوط به <فلیعبدوا> در آیه بعد خواهد بود؛ یعنی، حال که این ایلاف تداوم یافته است، قریش باید خدا را بندگی کنند. گفتنی است که التزام به بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۶

۶ - سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

الم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل .. فليعبدوا

نیازهای قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۲

۲ - قریش

، نیازمند امنیت در مسیر بیلاق و قشلاق کردن خویش

لایلف قریش . ایلفهم رحله الشتاء و الصیف

هشدار به قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۶

۶ - هشدار خداوند به اشرار قریش در قبال توطئه علیه پیامبر (ص)

فانظر کیف کان عقبه مکرهم انا دمرنهم

با توجه به این که سوره نمل در مکه نازل شده، می توان گفت که آیه فوق از یک سو پیام دار حمایت خداوند از پیامبر(ص) و تقویت روحیه مؤمنان است و از سوی دیگر هشدار به سران مشرک مکه است که از سرنوشت ثمودیان عبرت بگیرند و از توطئه علیه پیامبر(ص) دست بردارند و یا به فکر توطئه علیه او نیفتند.

بیلاق نشینی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱

۱ - قریش ، طبق عادتی دیرینه ، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند .

ایلفهم رحله الشتاء و الصیف

<رحله> (بیمودن راه بر راحله و مرکب)، مفعول <ایلاف> و ضمیر <ایلافهم> فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتي انجام می دادند.

قساوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قساوت

آثار قساوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ نیازمندی و قساوت دو عامل گرایش به ظلم و رعایت نکردن عدل است.

لکل درجت مما عملوا .. و ربك الغنی ذو الرحمه

ذکر دو صفت غنا

و رحمت، پس از بیان عدم ظلم خداوند در پاداش بندگان، بیانگر این است که ظلم برخاسته از نیاز و یا شقاوت و قساوت است که در مورد خدا این دو منتفی است.

آثار قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۴

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم .. فهی کالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود؛ یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم .. أفتطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۷

۷ سنگدلی و خشونت رهبران ، موجب پراکندگی مردم از پیرامون

و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

<انفضوا> از <فض> به معنای تفرّق و پراکندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ سنگدلی بنی اسرائیل ، منشأ تحریف تورات

و جعلنا قلوبهم قسیه يحرفون الكلم عن مواضعه

جمله <يحرفون> جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۱۲، ۵، ۴

۴ سنگدلی، مانع تضرع به درگاه خداوند، حتی در شداید و سختیها

فلولا... و لکن قست قلوبهم

۵ سنگدلی، موجب هدایت ناپذیری و اجابت نکردن دعوت انبیا

و لقد أرسلنا.. فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا و لکن قست قلوبهم

۱۲ قساوت دل زمينه اى مناسب براى القای تزینات شیطان

و لكن قست قلوبهم و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون

جمله <زين لهم> مى تواند از قبیل عطف مسبب بر سبب باشد ؛ يعنى تزین شیطان پس از قساوت دل حاصل مى گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۲

بیمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

ليجعل ما يلقي الشيطان فتنه .. و القاسيه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۷، ۱۳

۱۳ - قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح الله صدره للإسلام .. فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان که از نور هدایت الهی برخوردارند می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

۱۷ - قساوت قلب و خدا فراموشی ، نشانه گمراهی سخت و آشکار

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله أولئك في ضلال مبين

آثار قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۳

۳ - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأخدود .. إذ هم عليها قعود

کلمه <إذ>، ظرف برای <قتل> و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود

قتل أصحاب الأندود .. إذ ... و هم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود

زمينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۹

۹ استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیرپذیری از قرآن

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ... تفیض من الدمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ - ثروت فراوان و نخوت آفرین ، زمینه ساز سنگ دلی و بی رحمی است .

إذ قال له قومه لاتفرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۴

۴- ترک رهنمودها و قوانین الهی ، زمینه تبدیل شدن انسان به عنصری فسادگر و بی عاطفه و نه صرفاً بی ایمان

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

با توجه به متعدی آمدن واژه <تفسدوا>، استفاده می شود که روی گردانی از جهاد و سایر تکالیف دینی، صرفاً موجب فاسد شدن خود فرد نمی شود؛ بلکه او در نتیجه فساد شخصی، ناگزیر فسادگر نیز می گردد. جمله <تقطعوا أرحامکم> بر بی عاطفه شدن متخلفان جهاد دلالت دارد.

زمینه قساوت قلب اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲۱

۲۱ - فسق پیشگی اهل کتاب و نافرمانی آنان از حق ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان نسبت به تعالیم الهی و گرفتار شدن به

فطال عليهم الأمد فقتت قلوبهم و كثير منهم فسقون

سرزنش قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - آل عمران - ٣ - ١٥٩ - ٨

ترغیب به خوش خُلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ، در برخورد های اجتماعی

و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك

ظلم قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۴

۴ سنگدلی و تضرع نکردن به درگاه خداوند، حتی در دشواریها، ظلم است.

فلولا... تضرعوا و لكن قست قلوبهم... فقطع دابر القوم الذين ظلموا

در آیه شریفه هدف از آمدن سختیها را تضرع و روی آوردن به خدا دانسته، و به دنبال آن گروهی را معرفی کرده که حتی در شدت و سختی منفعل نمی شوند، و سرانجام از این گروه با عنوان <ظالمان> یاد کرده است، بنابراین سنگدلی و تضرع نکردن آنان ظلم است.

عوامل قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً... ثم قست قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۳، ۶

۶ سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان

بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۶

۶ - علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیمار دلی

ليجعل ... فتنه للذين في قلوبهم مرض ... و ليعلم الذين أوتوا العلم أنه الحق من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۶

۱۶- گناه ، مایه تیرگی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان *

كفر عنهم سيئاتهم و أصلح بهم

میان سیئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علی و سببی باشد. از تقدم سیئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که <بال> به معنای قلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- هواپرستی ، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا أهواءهم

جمله <واتبعوا أهواءهم> می تواند بیانگر علت <طبع الله ..> باشد؛ چه این که <طبع الله> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲۲، ۱۶

۱۶ - بی تفاوتی در برابر تذکارها و رهنمودهای قرآن در دراز مدت ، باعث

قساوت قلب خواهد شد .

و لایکونوا کالذین . . . فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

خداوند، مسلمانان را از پیش گرفتن شیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند؛ بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

۲۲ - > عن أبي بصير عن أبي جعفر (ع) قال : لم يزل بنو إسماعيل ولاة البيت [و] يقيمون للناس حجّهم و أمر دينهم . . . >
فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم < و أفسدوا و أحدثوا في دينهم . . . ;

ابوبصیر از امام باقر(ع) روایت نموده که فرزندان اسماعیل(ع) بزرگی بعد از بزرگی دیگر متولیان خانه خدا بودند و حجّ و امور دینی مردم را برپا می داشتند. .. پس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب های آنان قساوت پیدا کرد و به فساد آلوده شدند و در دینشان دست بردند...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۳

۳ - قلب های تأثیرناپذیر از آیات قرآن ، سخت تر و بی اساس از سنگ های کوه

لو أنزلنا هذا القرآن . . . متصدّعا من خشية الله

عوامل قساوت قلب مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ - قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لایکونوا کالذین

أوتوا الكتب من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم

عوامل قساوت قلب يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ - قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لایکونوا کالذین أوتوا الكتب من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم

قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۹

۹ گرایش مردم به رهبران دینی ، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۵

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۲

۲ - اصحاب اخدود ، از سوختن مؤمنان هیچ اضطرابی در خود احساس نکرده ، خاطری آرام داشتند .

إذ هم عليها قعود

نشستن هنگام تماشای سوختن مؤمنان، نشانگر آن است که برای تماشاگران، این حادثه اهمیت چندانی نداشت و آنان را برآشفته نمی ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۴

۴ - اصحاب اخدود ، مردمی سنگدل و بی عاطفه بودند .

و هم علی

ما يفعلون بالمؤمنين شهود

حضور اصحاب اخدود در مراسم آدم سوزی برای شهود و نظاره آن صحنه، گویای قساوت قلب و بی رحمی آنان است.

قساوت قلب اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۱

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أكثرهم .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

قساوت قلب اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۱

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أكثرهم .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

قساوت قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - قلب های بنی اسرائیل - علی رغم دریافت آیات و معجزه های فراوان - به سختی گرایید و از درک معارف و آیات الهی ناتوان شد .

لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

<قساوه> (مصدر قست) به معنای غلظت پیدا کردن و سخت شدن است. جمله <لعلکم تعقلون> بیان می دارد که: سخت

شدن دل‌های بنی اسرائیل در برابر فهم و درک آیات و معارف الهی است. <ذلک> اشاره به نعمتها و معجزاتی است که

خداوند به بنی اسرائیل ارائه کرد و در آیات پیشین مطرح شد.

۲ - قلب ها و دل های بنی اسرائیل در سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت تر شد .

فهی كالحجاره أو أشد قسوه

<حجاره> جمع حجر و به معنای سنگها و صخره هاست.

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبكم

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبكم .. فهی كالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود؛ یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

۵ - بیرون زدن و جاری شدن نهر های آب از برخی صخره ها ، شاهدی بر سختی قلب های سخت تر از سنگ بنی اسرائیل

أو أشد قسوه و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

<تفجر> (مصدر یتفجر) به معنای بیرون آمدن و جاری شدن است (اقتباس از مجمع البیان). جمله <إن من الحجاره> به منزله دلیل برای <أشد قسوه> می باشد. <لما> مرکب از لام تأکید و <ما>ی موصوله است و مراد از آن، سنگ می باشد. بنابراین <إن من الحجاره لما ...>؛ یعنی، برخی از سنگها همانا سنگی است که ...

۶ - شکاف برداشتن برخی سنگ

ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

و إن منها لما يشقق فيخرج منه الماء

<تَشَقُّق> (مصدر يشقق = يتشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که <شق> به شکاف ریز که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

۷- سقوط سنگ ها بر اثر هراس و خشیت از خدا ، نشانه افزونتر بودن سختی دل های بنی اسرائیل از پاره سنگهاست .

و إن منها لما يهبط من خشية الله

<من> در <من خشية الله> تعلیلیه است. <هبوط> (مصدر يهبط) به معنای افتادن و سقوط کردن است. بنابراین جمله <إن منها...> یعنی، برخی سنگها همانا سنگی است که به علت ترس از خدا سقوط می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴- قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبكم .. أفطمعون أن يؤمنوا لكم

حرف <فاء> در <أفطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۱۲

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

۱۲ سنگدلی بنی اسرائیل ، منشأ تحریف تورات

و جعلنا

قلوبهم قسيه يحرفون الكلم عن مواضعه

جمله <يحرفون> جمله مفسره و بيانگر آثار قساوت قلب است.

قساوت قلب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - قارون ، فردی سنگ دل و بی رحم بود .

إذ قال له قومه لاتفرح

از این که قارون علیه ملت و مردم هم نژاد خود دست به ظلم و تجاوز زد، می تواند به سنگ دلی و بی رحمی او پی برد.

قساوت قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه كفر و شرك در طول تاريخ ، متشكل از انسان هايی بیمار دل و قسى القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول . . . للذين فى قلوبهم مرض و القاسيه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسيه قلوبهم..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

۱۵ - کافران اسلام گریز ، دچار سنگدلی و قساوت قلب اند .

قلوبهم من ذكر الله

قساوت قلب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - کافران صدراسلام ، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

قساوت قلب مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۵

۵ - مخالفان پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمانی بودند بیمار دل ، قسی القلب و ستم پیشه .

ليجعل ما يلقي الشيطان .. و إنّ الظلمين لفي شقاق بعيد

قساوت قلب مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لا یكونوا كالذین اوتوا الکتب .. فقسست قلوبهم

قساوت قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من

قبلک من رسول .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

قساوت قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم .. أفتطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أوتوا الکتب .. فقست قلوبهم

مراتب قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ - قساوت و سخت دلی ، دارای مراحل و مراتبی مختلف است .

فهی كالحجاره أو أشد قسوه

كلمه

> او < در جمله فوق، می تواند برای تقسیم و تنويع باشد. بر این مینا جمله <فهی کالحجاره ...> دلالت می کند که: برخی از قلبهای قسی همانند سنگ است و برخی سخت تر از سنگ.

موانع قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۶

۶ جلویی از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته ، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل .. فکانما قتل الناس جميعاً

نشانه های قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ - درک نکردن و نپذیرفتن حقایق دینی و معارف الهی ، نشانه سخت شدن و قساوت پیدا کردن دلهاست .

یریکم ءایته لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

قصاص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قصاص

آثار عفو از قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۳، ۱۲

۱۲ چشمپوشی از قصاص در پی دارنده آمرزش گناهان صاحب حق

فمن تصدق به فهو کفار له

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آمرزش گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو كفاره له

چنانچه ضمیر <له> به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، برگردد جمله <فهو كفاره له> علاوه بر سقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

آثار قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۱،۲

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی

است .

و لكم فى القصاص حيوه

۲ - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازدارى مردم از ارتكاب قتل

و لكم فى القصاص حيوه .. لعلكم تتقون

احكام قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۳،۲۳،۲۶،۲۷

۱ - قانون قصاص (كشتن قاتل) قانونی ثابت و لازم الاجرا در جامعه اسلامى است .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص فى القتلى

۴ - قاتل بايد خود را براى قانون قصاص تسليم كند .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص

مخاطبان واقعى جمله < كتب عليكم > قاتلان هستند. بنا بر اين بر خود قاتل است كه براى اجراى قانون قصاص، خويشتن را آماده كند و اين به معنای لزوم تسليم براى اجراى قصاص مى باشد.

۵ - انسان آزاد (غير برده) در مقابل كشتن انسان آزاد و برده در مقابل كشتن برده ، قصاص مى شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۶ - زن در مقابل كشتن زن قصاص مى شود .

و الأنتى بالأنثى

۷ - عدم تساوى انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

كتب عليكم القصاص فى القتلى الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنتى بالأنثى

۸ - اوليای مقتول مى توانند قاتل را از قصاص عفو كنند .

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

- قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یا حسن

۲۳ - کسانی که به احکام قصاص و دیه ملتزم نباشند ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

<ذلک> می تواند اشاره به احکام یاد شده درباره قصاص و دیه باشد. بر این مبنا جمله <فمن اعتدی ...> گویای این است که: اگر کسی ملتزم به احکام مذکور نباشد و همانند روزگار جاهلیت عمل کند، گنهکار است و به عذاب الهی گرفتار خواهد شد.

۲۶ - ولی مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

جمله <فله عذاب ألیم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۲۷ - قاتل

، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص ... فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولی مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص ... کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود الله فلا تقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۳، ۹، ۶، ۴

۲ یهود وظیفه دار اجرای احکام و قوانین قصاص (بیان شده در تورات) در میان خویش

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس ... و الجروح قصاص

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم ... و العین بالعين و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

۶ احکام قصاص در تورات ، نور و مایه هدایت

فیها هدی و نور ... و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

توصیف تورات به اینکه در

آن نور و هدایت است و سپس بیان اینکه احکام قصاص در تورات وجود دارد، دلالت می کند که آن احکام نور و مایه هدایت انسانهاست.

۹ صاحبان حق قصاص ، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو كفاره له

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آمرزش گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو كفاره له

چنانچه ضمیر <له> به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، برگردد جمله <فهو كفاره له> علاوه بر سقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۲۰، ۱۸، ۱۱، ۱۰، ۸

۸- تصمیم گیری درباره قاتل ، مخصوص اولیای مقتول است و باید در جهت منافع آنان باشد .

فقد جعلنا لولیه سلطناً

برداشت فوق، با توجه به لام در <لولیه> است که اختصاص و منفعت را افاده می کند.

۱۰- زیاده روی اولیای مقتول ، در انتقام گیری از قاتل ، ممنوع و حرام است .

فلایسرف فی القتل

۱۱- اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیه سلطناً فلایسرف فی القتل

۱۸- > عن أبي عبد الله (ع) قال : إذا اجتمعت العده على قتل رجل واحد حكم الوالی أن یقتل أیهم شأؤوا و لیس لهم أن یقتلوا أكثر من واحد إن الله عزوجل یقول : > و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلایسرف فی القتل > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر گاه گروهی یک مرد را به قتل برسانند والی حکم می کند که هر کدام از قاتلین را

که اولیای دم بخواهند بکشند و آنان حق ندارند بیش از یک نفر را بکشند. همانا خداوند عزوجل می فرماید: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولئیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل <.

۲۰- > عن أبی العباس قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن رجلین قتلا رجلاً فقال : یخیر ولیه أن یقتل أیها شاء . . . و كذلك إن قتل رجل إمرأه إن قبلوا دیه المرأه فذاك ، و إن أبی أولیائها إلا- قتل قاتلها غرموا نصف دیه الرجل و قتلوه و هو قول الله : > فقد جعلنا لولیته سلطاناً فلا یسرف فی القتل < ;

ابی العباس گفت: از امام صادق(ع) در باره دو مردی که یک مرد را کشته اند پرسیدم، حضرت در جواب فرمود: ولی مقتول مخیر است هر کدام از قاتلان را که بخواهد بکشد . . . و همچنین اگر مردی زنی را بکشد، چنانچه [اولیای دم] دیه زن را قبول کنند، پس حکم همان است و اگر اولیای زن دیه را نپذیرفتند [و راضی نشدند] مگر به کشتن قاتل، باید نصف دیه مرد را بدهند و سپس او را بکشند و این سخن خداست: فقد جعلنا لولیته سلطاناً فلا یسرف فی القتل <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۴ - ۹

۹- قصاص قاتل و کشتن او به جرم قتل ، در شریعت موسی (ع) جایز بوده است .

أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس

از مفهوم <بغیر نفس> استفاده می شود که اگر قتل نفس، از روی قصاص می بود، از نظر موسی(ع) قابل قبول بود و خضر مورد اعتراض موسی(ع) واقع نمی

شد.

اختیارات اولیای مقتول در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولی مقتول، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولی مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولی مقتول استفاده کرد.

ارزش قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۵

۵- صبر و شکیبایی، مفیدتر و ارزشمندتر از قصاص و مقابله به مثل است .

و إن عاقبتهم فعاقبوا .. و لئن صبرتم لهو خیر

اصالت قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۶

۶ - قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

و لكم فى القصاص حيوة بأولى الألب

اهميت التزام به قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۳

۲۳ - کسانی که به احکام قصاص و دیه ملتزم نباشند ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

<ذلك> می تواند اشاره به احکام یاد شده درباره قصاص و دیه باشد. بر این مبنا جمله <فمن اعتدى...> گویای این است که: اگر کسی ملتزم به احکام مذکور نباشد و همانند روزگار جاهلیت عمل کند، گنهگار است و به عذاب الهی گرفتار خواهد شد.

اهميت قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱،۳

۱ - قانون قصاص (کشتن قاتل) قانونی ثابت و لازم الاجرا در جامعه اسلامی است .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص فى القتلى

۳ - جامعه اسلامی وظیفه دار اجرای قانون قصاص است . *

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص فى القتلى

بدیهی است که حق قصاص از آن اولیای مقتول می باشد و اجرای آن تنها در مورد قاتل است. بنابراین مخاطب قرار دادن همه مسلمانان برای بیان حقیقت مذکور، می تواند اشاره به این باشد که: همگان باید پی گیر استیفای آن بوده و شرایط اجرای آن را فراهم سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ -

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص .. کتب علیکم .. الوصیه ... تلک حدود الله فلا تقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

۳۴ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو و نیز احکام قصاص و وصیت ، از آیات الهی است .

کذلک یبین الله آیته للناس

تبدیل قصاص به دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۱، ۲۰، ۱۳

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها پردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یاحسن

۲۰ - تجویز عفو از قصاص و تبدیل آن به دیه ، حکمی است رحمت آفرین برای جامعه اسلامی

ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

۲۱ - تخفیف قانون قصاص (جواز تبدیل آن به دیه) در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی است .

ذلک تخفیف من ربکم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

تبصره قانون قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۶

۶ - قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

و لكم في القصص حيوة يأولى الألب

تخفيف در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۱، ۲۰

۲۰ - تجویز عفو از قصاص و تبدیل آن به دیه ، حکمی است رحمت آفرین برای جامعه

ذلك تخفيف من ربكم و رحمه

۲۱ - تخفيف قانون قصاص (جواز تبديل آن به ديه) در جهت تدبير امور جامعه اسلامي است .

ذلك تخفيف من ربكم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

ترك قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۲

۲۲ بی اعتنایی به قانون قصاص ، ستمگری است .

و كتبنا عليهم فيها ... و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظالمون

تشریح احکام قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۶

۱۶- تشریح حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً .. إنه كان منصوراً

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولی مقتول باز گردد.

تفاوت جنسيتها در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۷

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأثنی بالأثنی

حرمت افراط در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- زیاده روی اولیای مقتول ، در انتقام گیری از قاتل ، ممنوع و حرام است .

فلا یسرف فی القتل

حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۹،۱۱

۹ - قصاص حقی است قابل

گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص ، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۱،۱۶

۱۱- اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیة سلطناً فلا یسرف فی القتل

۱۶- تشریح حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیة سلطناً .. إنه کان منصوراً

برداشت فوق ، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولیّ مقتول باز گردد.

حقوق صاحب قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۹،۲۵

۹ صاحبان حق قصاص ، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو کفاره له

۲۵ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند ، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو کفاره له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از <فمن تصدق به فهو كفاره له > فرمود: يكفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا . . .

کافی، ج ۷، ص ۳۵۸، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۳۷، ح ۲۲۶ و ۲۲۷

سقوط حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آمرزش

گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو كفاره له

چنانچه ضمیر <له> به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، برگردد جمله <فهو كفاره له> علاوه بر سقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

سقوط قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ - قصاص حتی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولی مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولی مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولی مقتول استفاده کرد.

شرایط قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۷، ۵

۵- انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۷- عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم

القصاص فی القتل الحر بالحر و العبد بالعبد و الأثنی بالأثنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۲

۲- لزوم رعایت تساوی همه جانبه در قصاص و مقابله به مثل

و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

عدالت در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۲

۲- لزوم رعایت تساوی همه جانبه در قصاص و مقابله به مثل

و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۳

۱۳- لزوم رعایت حق و عدل ، حتی در مورد متجاوزان به جان انسانها

جعلنا لولیه سلطناً فلا یسرف فی القتل

عفو از قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۷، ۲۰، ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می

گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

۹- قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰- حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است.

نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها پردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یاحسن

۱۶ - گذشت از قصاص ، مظهر عواطف ایمانی و اخوت اسلامی است .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۸ - اولیای مقتول در صورت گذشت از حق قصاص و مطالبه دیه از قاتل ، باید با وی به گونه ای پسندیده رفتار کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف

فاعل <اتباع> محتمل است ولی مقتول، و محتمل است قاتل باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا <اتباع بالمعروف> یعنی، اولیای مقتول باید به گونه ای پسندیده با قاتل رفتار کنند وی را آزار ندهند در گرفتن دیه بر او سخت نگیرند و بیش از حد متعارف از او مطالبه نکنند و ...

۲۰ - تجویز عفو از قصاص و تبدیل آن به دیه ، حکمی است رحمت آفرین برای جامعه اسلامی

ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

۲۷ - قاتل ، در صورتی که از

قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص ... فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولی مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۶

۶ - قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

و لکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۱، ۲۵، ۱۰، ۹

۹ صاحبان حق قصاص ، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو کفار له

۱۰ خودداری از قصاص مجرمان در پیشگاه خداوند پسندیده تر از پافشاری بر قصاص آنان است .

فمن تصدق به فهو کفار له

و عده آمرزش گناهان به کسانی که از حق قصاص صرفنظر کنند، حاکی از عنایت ویژه خداوند به آنان است.

۱۱ چشمپوشی از قصاص بدون دریافت بهایی در مقابل آن ، از مصادیق صدقه

فمن تصدق به فهو کفار له

واژه <تصدق> به معنای عفو بدون عوض می باشد.

۲۵ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند ، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو کفار له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از <فمن تصدق به فهو كفاره له > فرمود: يكفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا . . .

كافی، ج ۷، ص

عمومیت قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲

۲ - قانون قصاص اختصاص به فرد و یا گروه خاصی ندارد .

یا ایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

<قتلی> (جمع قتیل) به معنای کشته شدگان است و <ال> در <القتلی> جنس است و مفید استغراق می باشد.

فلسفه قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۱، ۲، ۳، ۵، ۸

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لکم فی القصاص حیوه

۲ - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازسازی مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه .. لعلکم تتقون

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

۵ - گذشت از حق قصاص تا زمانی پسندیده است که حکمت قانون قصاص از میان نرود .

فمن عفی له .. و لکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

طرح مسأله عفو از قصاص و مطالبه دیه و سپس بیان برترین حکمتهای اجتماعی برای قصاص^۲ یعنی، تضمین حیات جامعه، می تواند اشاره به نکته ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

۸ - حضرت علی (ع) فرموده

است : > فرض الله ... القصاص حقناً للدماء ... ;

خداوند ... قصاص را تشریح کرده تا خونها محفوظ باشد ... <.

قصاص از موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۳

۳ - ترس موسی از کشته شدن به دست فرعونیان به تقاص قتل مرد قبطی

إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

قصاص برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۵،۷

۵ - انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

كتب عليكم القصاص في القتلى الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنتى بالأنتى

قصاص بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص

در تورات

و كتبنا عليهم ... و العين بالعين و الأنف بالأنف و الأذن بالأذن و السن بالسن

قصاص جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص
در تورات

و کتبنا علیهم

... و العين بالعين و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

قصاص جراحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۵

۵ قانون قصاص جراحت ها ، از جمله قوانین الهی در تورات

و الجروح قصاص

قصاص چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و كتبنا عليهم ... و العين بالعين و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

قصاص حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۵،۷

۵ - انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

كتب عليكم القصاص في القتلى الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنتى بالأنتى

قصاص حریم شکنی

۱۸ - از امام باقر (ع) در تفسیر < و الحرمات قصاص > روایت شده: < ان قریشاً فخرت بردها رسول الله عام الحديبيه محرماً في ذى القعدة عن البلد الحرام فادخله الله مكة في العام المقبل في ذى القعدة فقضى عمرته و اقصه بما حيل بينه و

بینه یوم الحدیبیه ؛

قریش افتخار می کرد که رسول خدا(ص) را در سال حدیبیه در ذی القعدة در حال احرام از بلد حرام (مکه) منع کرد، پس خدا آن حضرت را سال آینده در ذی القعدة وارد مکه کرد و عمره خود را انجام داد [بدین گونه] خداوند محرومیت پیغمبر را - که در روز حدیبیه از رفتن به مکه منع شده بود - قصاص و جبران کرد.

قصاص در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ حکم قصاص نفس و قانون اعدام مفسدان ، از احکام الهی در آیین بنی اسرائیل

انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض

قصاص در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ خداوند بیانگر قوانین قصاص برای یهود در تورات

و کتبنا علیهم فیها ان النفس . . . و الجروح قصاص

۲ یهود وظیفه دار اجرای احکام و قوانین قصاص (بیان شده در تورات) در میان خویش

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس . . . و الجروح قصاص

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . . . و العین بالعين و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

۵ قانون قصاص جراحت ها ، از جمله قوانین الهی در تورات

و الجروح قصاص

۶ احکام قصاص در تورات ، نور و مایه هدایت

فیها هدی و نور

... و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

توصیف تورات به اینکه در آن نور و هدایت است و سپس بیان اینکه احکام قصاص در تورات وجود دارد، دلالت می کند که آن احکام نور و مایه هدایت انسانهاست.

۷ برابری تمامی یهودیان با یکدیگر در برابر قانون قصاص بیان شده در تورات

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

<ال> در <النفس> و <العین> و ... به معنای کل می باشد و بیانگر این است که تورات همه افراد یهود را در برابر قانون قصاص یکسان دانسته است. مؤید این معناست نزول آیه پس از شکایت بنی قریظه در پیشگاه پیامبر(ص) مبنی بر اینکه بنی نظیر افراد را در برابر قانون قصاص یکسان نمی دانند.

قصاص در مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ آیین یهودیان و مسیحیان ، دارای احکام و قوانین یکسان در قصاص *

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس .. مصداقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف تورات به نور و هدایت و سپس بیان احکام قصاص می رساند که آن احکام از مصادیق نور و هدایت است و چون انجیل بلافاصله به نور و هدایت توصیف شده، معلوم می شود آن احکام بر اهل انجیل نیز نوشته شده است. جمله <وقفینا علی ءاثرهم> و نیز کلمه <مصداقاً> این معنا را تأیید می کند.

قصاص در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از یهودیان ، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت

به تمامی یهودیان

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه . . . و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ آیین یهودیان و مسیحیان ، دارای احکام و قوانین یکسان در قصاص *

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس . . . مصداقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف تورات به نور و هدایت و سپس بیان احکام قصاص می رساند که آن احکام از مصادیق نور و هدایت است و چون انجیل بلافاصله به نور و هدایت توصیف شده، معلوم می شود آن احکام بر اهل انجیل نیز نوشته شده است. جمله <وقفینا علی ءاثرهم> و نیز کلمه <مصداقاً> این معنا را تأیید می کند.

قصاص در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۹

۹- قصاص قاتل و کشتن او به جرم قتل ، در شریعت موسی (ع) جایز بوده است .

أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس

از مفهوم <بغیر نفس> استفاده می شود که اگر قتل نفس، از روی قصاص می بود، از نظر موسی(ع) قابل قبول بود و خضر مورد اعتراض موسی(ع) واقع نمی شد.

قصاص دندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در

برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و كتبنا عليهم ... و العين بالعين و الأنف بالأنف و الأذن بالأذن و السن بالسن

قصاص زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۶،۷

۶ - زن در مقابل کشتن زن قصاص می شود .

و الأنتی بالآنتی

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

كتب عليكم القصاص في القتلى الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنتی بالآنتی

قصاص قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۴،۲۷

۴ - قاتل باید خود را برای قانون قصاص تسلیم کند .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص

مخاطبان واقعی جمله <كتب عليكم> قاتلان هستند. بنابراین بر خود قاتل است که برای اجرای قانون قصاص، خویشان را آماده کند و این به معنای لزوم تسلیم برای اجرای قصاص می باشد.

۲۷ - قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

كتب عليكم القصاص ... فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولی مقتول. بر این مبنا <ذلك> به <عفو> - که از جمله <فمن عفى له> به دست می آید - اشاره دارد.

قصاص قبل از جنایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۱ - ۵

قصاص قبل از جنایت ، امری ناروا و ممنوع است .

و لمن انتصر بعد ظلمه

قید <بعد ظلمه> می تواند اشاره به این داشته باشد که قبل از تحقق ظلم، هرگونه اقدام انتقام جویانه، مطرود است.

قصاص قتل عمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۷

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمناً متعمداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: ... و ان کان قتله لغضب او لسبب شیء من امر الدنيا فانّ توبته ان یقاد منه ...

کافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

قصاص گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم .. و العین بالعين و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

قصاص مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ خودداری از قصاص مجرمان در پیشگاه خداوند پسندیده تر از پافشاری بر قصاص آنان است .

فمن تصدق به فهو كفاره له

وعدہ آمرزش گناهان به کسانی که از حق قصاص صرفنظر کنند، حاکی از عنایت ویژه خداوند به آنان است.

قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۷

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأثنی بالأثنی

قصاص مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ حکم قصاص نفس و قانون اعدام مفسدان ، از احکام الهی در آیین بنی اسرائیل

انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض

قطعیت حکم قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱

۱ - قانون قصاص (کشتن قاتل) قانونی ثابت و لازم الاجرا در جامعه اسلامی است .

یا ایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

محدوده عفو از قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۵

۵ - گذشت از حق قصاص تا زمانی پسندیده است که حکمت قانون قصاص از میان نرود .

فمن عفی له ... و لکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

طرح مسأله عفو از قصاص و مطالبه دیه و سپس بیان برترین حکمتهای اجتماعی برای قصاص^۲ یعنی، تضمین حیات جامعه، می تواند اشاره به نکته ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

مساوات در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۷،۸

۷. برابری تمامی یهودیان با یکدیگر در برابر قانون قصاص بیان شده در تورات

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

<ال> در <النفس>

و <العین> و ... به معنای کل می باشد و بیانگر این است که تورات همه افراد یهود را در برابر قانون قصاص یکسان دانسته است. مؤید این معناست نزول آیه پس از شکایت بنی قریظه در پیشگاه پیامبر(ص) مبنی بر اینکه بنی نظیر افراد را در برابر قانون قصاص یکسان نمی دانند.

۸ گروهی از یهودیان ، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت به تمامی یهودیان

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه .. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

مسؤول اجرای قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۳

۳ - جامعه اسلامی وظیفه دار اجرای قانون قصاص است . *

یا ایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

بدیهی است که حق قصاص از آن اولیای مقتول می باشد و اجرای آن تنها در مورد قاتل است. بنابراین مخاطب قرار دادن همه مسلمانان برای بیان حقیقت مذکور، می تواند اشاره به این باشد که: همگان باید پی گیر استیفای آن بوده و شرایط اجرای آن را فراهم سازند.

مشروعیت قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۴

۴- قصاص و مقابله به مثل ، امری پذیرفته شده در اسلام

و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

مماثلت در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۶ - زن در مقابل کشتن زن قصاص می شود .

و الأنتی بالآنتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۵

۵ - قصاص و مجازات بدی و خطا ، باید مطابق و مماثل با خطا باشد ؛ نه متفاوت با آن

و جزؤا سیئه سیئه مثلها

موارد قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولی مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

جمله <فله عذاب ألیم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

موانع افراط در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - توجه ولی مقتول به حمایت خدا از او ، بازدارنده وی از زیاده روی و تجاوز در قصاص است .

جعلنا لوليّه سلطناً فلايسرف في القتل إنه كان منصوراً

ویژگیهای قانون قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱،۲

۱ - قانون قصاص (کشتن قاتل) قانونی ثابت و لازم

الاجرا در جامعه اسلامی است .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص في القتلى

۲ - قانون قصاص اختصاص به فرد و یا گروه خاصی ندارد .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص في القتلى

<قتلى> (جمع قتيل) به معنای کشته شدگان است و <ال> در <القتلى> جنس است و مفید استغراق می باشد.

قصه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قصه

آثار ابهام قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۹

۲۹- ابهام ماجرای اصحاب كهف ، برای برخی از بازدیدکنندگان ، دلیل اکتفای آنان به پیشنهاد ساختمان عادی و شرکت نکردن در تأسیس آن

فقالوا ابنوا عليهم نبيناً ربهم أعلم بهم قال الذين غلبوا على أمرهم لنتخذنّ علي

به کار بردن ضمیر غائب در <ابنوا> و ضمیر متکلم در <لنتخذنّ> گویای دوگانگی گویندگان در ارائه پیشنهادها است: دسته نخست، آن را بر عهده دیگران نهادند و دسته دوم، خود را به بنای آن موظف ساختند. حرف <فاء> در <فقالوا> گویای این است که اختلاف حاضران در اهداف ساختمان، ناشی از نزاع آنان در باره حقیقت ماجرای اصحاب كهف است.

آثار تدبیر در قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۳

۳ - تدبیر در سرگذشت ایوب (ع) ، مایه تقویت نیروی صبر و شکیبایی در برابر مشکلات

و اذكر عبدنا أيوب إذ نادى ربه أنى مسنى الشيطان بنصب و عذاب

ابتلای ایوب(ع) به مشکلات و رنج های طاقت فرسا و صبر و شکیبایی او، مهم ترین بخش سرگذشت آن حضرت است. بنابراین یادآوری آن، می تواند سبب دمیدن روح مقاومت و شکیبایی در انسان گرفتار

گردد.

آثار ذکر قصه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۵ - ۳

۳ - یادآوری سرگذشت پیامبران گذشته ، مایه تقویت روحیه پیامبر (ص) در برابر مخالفان

هل ءاتیک حدیث موسی

بیان داستان موسی(ع)، پس از نقل مخالفت منکران معاد، به منظور آرامش بخشیدن به پیامبر(ص) در برابر مخالفت ها است.

آثار سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعبیها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفینه غصبًا

آثار قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۳۲، ۹

۹- سرگذشت اصحاب كهف ، دلیل حقاقت معاد و از میان برنده زمينه های تردید در آن

و كذلك أعترا عليهم ليعلموا .. أن الساعة لاریب فیها

<ساعه> یعنی <پاره ای از وقت> و این که از قیامت به <ساعه> تعبیر می شود، به خاطر شباهت آن به پاره ای از وقت است؛ زیرا، حساب رسی در آن، به سرعت انجام می پذیرد (مفردات راغب).

۳۲- برخی از منکران معاد به دلیل پی نبردن به زوایای سرگذشت اصحاب كهف آن را نشانه امکان معاد نیافتند و بر تردید سابق خویش باقی ماندند .

ليعلموا .. انَّ الساعه لاريب فيها ... ربهم اعلم بهم

چنان چه مشاهده اصحاب كهف براي همه بازديد كنندگان، مايه تقويت ايمان به معاد شده بود، مناسبتى نداشت كه

بگویند: <ربهم> بلکه می بایست تعبیر <رَبَّنَا> را جایگزین آن سازند و نسبت به موضوع اصحاب کهف اظهار بی اطلاعی نکنند.

آثار قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر تأثیرپذیری در برابر شایعه < افک > و عدم موضع گیری مناسب در برابر آن ، نکوهش کرد .

و لولا إذ سمعتموه قلتم .. سبحنك هذا بهتن عظیم

آثار قصه ذبح اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۲

۲ - آشکار شدن درجه ایمان و خلوص ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) در جریان قربانی

إِنَّ هَذَا لَهُو الْبَلَاءُ الْمَبِينُ

برداشت یاد شده از آن جا است که آزمایش مؤمنان برای نمایاندن درجه ایمان و اخلاص آنان است و ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) با سربلند بیرون آمدن از این آزمایش بزرگ الهی، خلوص خود را در بلندترین مرتبه نشان دادند.

آثار قصه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبر اسلام و مؤمنان

و إِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

یادآوری سرگذشت لوط (ع) برای پیامبر اسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار مطالعہ قصہ یوسف (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۱

۳۱ مطالعہ سرگذشت یوسف (ع) ، زمینہ باور و توجہ بہ ربوبیت خدا و علم و حکمت اوست .

إن ربی لطیف لما یشاء

إنه هو العليم الحكيم

آداب نقل قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۷

۷- رعایت ادب ، توجه به درس آموزی و دوری از بدآموزی در نقل داستان های مربوط به امور جنسی و فساد اخلاقی ، امری لازم و بایسته

و تبئهم عن ضیف إبرهیم . . . قال إن هؤلاء ضیفی فلا تفضحون ... قال هؤلاء بناتی إن

برداشت فوق با توجه به این نکته است که: خداوند داستان قوم لوط را که دچار انحراف جنسی و همجنس بازی بودند به گونه ای نقل فرموده است که نه تنها بدآموزی در آن وجود ندارد بلکه آن را مایه پندگیری و درس آموزی و نشانه عظمت خداوند دانسته است.

آگاهی از قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۱ - ۱

۱- پیامبر (ص) وظیفه دار باخبر ساختن بندگان از ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان)

و تبئهم عن ضیف إبرهیم

آگاهی از قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۵ ، ۱۰

۱۰- ماجرای اصحاب کهف ، رازی است که دست یافتن بشر به زوایای آن ، جز با وحی ، ممکن نیست .

قل الله أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

۱۵- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان

است .

قل اللّٰه أعلم بما لبثوا .. ما لهم من دونه من ولى

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۸

۸- بها ندادن به آرای دیگران در سرگذشت اصحاب کهف ، رهنمود خداوند به پیامبرش (ص) بود .

قل الله أعلم بما لبثوا .. واتل ما أحيى إليك من كتاب ربك

نکته یاد شده، بدان احتمال است که رهنمود الهی به تلاوت آیات وحی، در بردارنده این مفهوم باشد که سخن غیر وحی، از اتقان کافی برخوردار نیست و در جریانی تاریخی، مانند جریان اصحاب کهف، مطمئن ترین منبع، وحی است.

آیات خدا در قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۲

۲- سرگذشت ابراهیم (ع) و لوط (ع) و قوم او ، سرشار از نشانه های خداوند

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلم عليم .. و أمطرنا عليهم حجارة من سجيل. إن فی ذلک

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ذلک> اشاره به مجموعه داستانهای ابراهیم(ع) و لوط(ع) باشد.

آیات خدا در قصه قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبأ و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، در بردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إن فی ذلک لآیت لكل صبار شکور

۱۳ - ماجرای برخورداری اهل سبأ از نعمت های فراوان و امنیت و جاری شدن سیل در میان آنان و پراکنندگی و متلاشی شدنشان ، آیات متعددی از خدا در خود دارد .

لقد کان لسبیا فی مسکنهم ءایه جنتان .. بلده طیبه و ربّ غفور ... فأرسلنا علیهم س

در قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۲

۲- سرگذشت ابراهیم (ع) و لوط (ع) و قوم او ، سرشار از نشانه های خداوند

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلم عليم . . . و أمطرنا عليهم حجارة من سجيل. إن فی ذلک

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ذلک> اشاره به مجموعه داستانهای ابراهیم(ع) و لوط(ع) باشد.

آیات خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسرائین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسرائین> لام انتفاع است و <للسرائین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

ابهام قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۸

۲۸- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب کهف ، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند .

فقالوا ابنوا علیهم نبیناً ربهم أعلم بهم

جمله <ربهم أعلم بهم> گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب کهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

احیای قصه اصحاب کھف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۲۱

۳۶- زنده نگه داشتن خاطره و سرگذشت اصحاب کهف ، از اهداف بنا کنندگان مسجد در فضای غار بود .

لَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا

قید <علیهم> بیان گر این نکته است که بنای مسجد در آن مکان، برای یادبود اصحاب کهف پیشنهاد شده بود.

اخفای قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۲

۲ سرگذشت نوح (ع) و حادثه طوفان ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان

تلك من أنباء الغیب

<تلك> اشاره به داستان نوح و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت دارد؛ یعنی: تلك الأنباء من أنباء الغیب.

ارزش قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۳ - ۳

۳- نقل سرگذشت اصحاب کهف ، دارای هدفی با ارزش و سودمند

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

<حقّ> به چیزی گفته می شود که به جا و حکیمانه باشد(مجمع البیان.) و به حق بیان کردن داستان اصحاب کهف که مفاد

<نقصّ علیک نبأهم بالحقّ> است اشاره به این معنا دارد که نقل آن داستان، مقصدی منطقی را تعقیب و غرض صحیح و

ارزشمندی را دنبال می کند.

اضلالگری قصه سرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۶

٦ - > و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ > والشعراء يتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ < قال : هم القصَّاص ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل >والشعراء.. < سؤال شد، آن حضرت فرمود: آنان قصه سرایان هستند.<

اطمینان قاضی قصه یوسف(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و ... است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می طلبد - برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

اعجاز قصه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴- در داستان زکریا ، معجزه ای ، وسیله اثبات اعجازی دیگر شد .

ءاتیک ألاً تکلم الناس

سکوت سه روزه زکریا خرق عادتی بود که صدق بشارت تولد یحیی را که خود امری خارق العاده بود، اثبات می کرد.

افشای توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۳

۳ - فضل و رحمت الهی و افشای چهره توطئه گران < افک > از سوی خدا ، مسلمانان صدراسلام را از خطر عذابی بزرگ نجات بخشید .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته .. لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

افشای قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۷۸

۷ - خداوند ، توطئه بدخواهان و منافقان علیه پیامبر (

ص) (ماجرای افک) را افشا کرد .

إِنَّ الدِّينَ جَاءُ بِالْإِفْكَ عَصَبُهُ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

۸- توطئه < افک > ، در نهایت با افشا شدن نیت و انگیزه بدخواهان و برملا شدن چهره کریه آنان ، به نفع مسلمانان به پایان رسید .

إِنَّ الدِّينَ جَاءُ بِالْإِفْكَ .. لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

انقیاد آتش قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۱

۱- آتش به فرمان خداوند ، بر ابراهیم (ع) سرد و سلامت (مطبوع و بی آسیب) گردید .

قلنا ینار کونی بردا و سلما علی ابرهیم

فرمان خداوند به سلامت شدن آتش بر ابراهیم(ع)، می تواند اشاره به این نکته باشد که نه تنها آتش باید بر آن حضرت سرد باشد و او را نسوزاند؛ بلکه سردی آن به گونه ای و به اندازه ای باشد که کاملاً مطبوع، دلپذیر و بی آسیب باشد.

انقیاد والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینا و کفرا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن> . (مفردات راغب).

اوامر ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۴

۴- دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود ، برای مصون ماندن از پایمال

شدن توسط سلیمان و سپاهیان

ادخلوا مسکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده

<لا> در <لایحطمنکم> ناهیه است. <حطم> (مصدر <یحطمن>) در اصل به معنای شکستن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهای <ادخلوا> و <لایحطمنکم> که به صورت امر و نهی آمده بیانگر نوعی ریاست است؛ به ویژه اگر تنکیر <نمله> برای تفخیم باشد.

اهالی شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۴

۴- هیچ یک از مردم شهر، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد.

استطعما أهلها فأبوا أن یضیفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

اهداف قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۳

۳- نقل سرگذشت اصحاب کهف، دارای هدفی با ارزش و سودمند

نحن نقص علیک نبأهم بالحقّ

<حقّ> به چیزی گفته می شود که به جا و حکیمانه باشد (مجمع البیان). و به حق بیان کردن داستان اصحاب کهف که مفاد <نقص علیک نبأهم بالحقّ> است اشاره به این معنا دارد که نقل آن داستان، مقصدی منطقی را تعقیب و غرض صحیح و ارزشمندی را دنبال می کند.

اهمیت بیان قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- پیامبر (ص) وظیفه دار باخبر ساختن بندگان از ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان)

و تَبَيَّنَهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ

اهمیت ذکر قصه ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱

۱ - یادآوری سرگذشت ایوب (ع) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر عبدنا ایوب

اهمیت قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملئکه .. و کان من الکفرین

<اذ> مفعول برای <اذکر> (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

اهمیت قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۱ - ۲

۲- ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) و اطلاع از آن ، امری مهم و بسیار سودمند

و نبئهم عن ضیف ابرهیم

<نبأ> به خبر مهم و بسیار سودمند گفته می شود (مفردات راغب).

اهمیت قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۲

۲۲- داستان اصحاب کهف ، خاطره ای ماندگار و محور اظهار نظر های گوناگون میان ساکنان شهر آنان بوده است .

إذ يتزعون بينهم أمرهم

اهمیت قصه انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۳ - ۴

۴ - داستان مردم < انطاکیه > ، داستانی مثال زدنی ، درس آموز و عبرت انگیز

و اضرب لهم مثلاً أصحاب القریه

اهمیت قصه حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - داستان مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، داستانی مثل

واضرب لهم مثلاً أصحاب القرية . . . و جاء من أفصا المدینه رجل

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات مربوط به حبیب نجار، به دنبال آیات مربوط به داستان مردم انطاکیه آمده و جزء آن می باشد.

اهمیت قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳

۳- ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

<نبأ> به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

اهمیت قصه لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۳

۳- قصه لقمان حکیم ، قصه ای بس مهم است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

شروع قصه لقمان با لام قسم و حرف تأکید (قد)، حکایت از اهمیت آن می کند.

اهمیت قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹ - ۱

۱- سرگذشت حضرت موسی (ع) ، فصلی مهم و قابل تأمل و تأسی برای پیامبر (ص) بود .

و هل اتیک حدیث موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۸

۸- نمایان شدن آتش و فراهم آمدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسی (ع) ، حادثه ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (ص) بود .

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه <إذ> ظرف است برای <حدیث> (در آیه قبل)

و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه به آن ماجرا است.

اهمیت قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۲

۲ سرگذشت نوح (ع) و حادثه طوفان ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان

تلك من أنباء الغيب

<تلك> اشاره به داستان نوح و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت دارد؛ یعنی: تلك الأنباء من أنباء الغيب.

اهمیت قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلك من أنباء الغيب

<ذلك> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ؛ یعنی: <ذلك النبأ من أنباء الغيب>.

ایمان والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن> . (مفردات راغب).

باروری نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۳،۷

۳- بارور شدن و ثمر دادن غیر طبیعی درخت خرما، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود.

و هزّی إلیک .. تسقط

فعل <تساقط> مجزوم است و عامل جزم آن

شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

۷- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن، از کرامات او بود.

و هزّی إلیک .. تسقط

بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۰، ۱۱، ۱۰، ۹

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد.

یرید أن ینقضّ فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرف بر ویرانی، به دست خضر، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت.*

حتّی إذا أتیا أهل قریه .. فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدوا فیها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتن خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن، از موسی (ع) کمک نطلبید.

فأقامه

مفرد آمدن <أقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد؛ چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تشبیه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمایانده است.

۲۰- <عن جعفر بن محمد (ع) : ... فوجدوا فیها جداراً یرید أن ینقضّ، فوضع الخضر یده علیه فأقامه؛

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۳

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی، به ترمیم آن پرداخته بود. *

فكان لغلمين يتيمين في المدينة

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدينة> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدينة> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

بت شکنی قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۹ - ۱

۱- پس از در هم شکسته شدن بت ها به وسیله ابراهیم (ع)، بت پرستان به پرسوجو از یکدیگر در مورد شکننده آنها پرداختند.

فجعلهم جذذاً .. قالوا من فعل هذا بالهتنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <مَن> اسم استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۳

۳- ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند.

فسلوهم إن كانوا ينطقون

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزید؛ زیرا بت پرستان از

این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند، چنان که آیه بعد (فرجعوا إلى أنفسهم..). گویای همین حقیقت است.

بشارت دهنده قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۶

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) قال: ... > فلما أن جاء البشير < و هو يهودا ابنه ... >

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: ... > فلما أن جاء البشير < و آن بشیر ، یهودا فرزند یعقوب بود ... >.

بنیامین و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۶

۶ تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

بهترین قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

بی خطری ما قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۶

۶ - عصای اژدها شده موسی ، نسبت به انسان ها بی آزار بود .

إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِينَ

تعبیر <من الامنین> به جای <آمن> برای بیان این معنا است که نه تنها موسی (ع) از آسیب اژدها شده در امان است؛ بلکه مردم نیز آسیبی از آن نخواهند دید.

بی گناهی نوجوانان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۵

۵- موسی

(ع) نوجوان مقتول را، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی، به شدت مورد اعتراض قرار داد.

قال أقتلت نفسًا زكية بغير نفس لقد جئت شيئا نكرا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکيه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

بیان قصه یوسف (ع) برای یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ یوسف (ع) پس از ورود خاندانش به مصر، خلاصه ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد.

يأبت .. قد أحسن بي إذ أخرجني من السجن و جاء بكم من البدو

پادشاه مصر و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشraf را، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشraf شد.

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پدر مالک دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۵،۶

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود.

و کان أبوهما صلحا

پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أما الجدار فكان لغلمین یتیمین . . . و کان أبوهم صالِحًا

جمله < و کان أبوهم صالِحًا > نشانِ علتِ تعمیر دیوار است.

پرسش از قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۳

۳ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره سرگذشت یوسف (ع)

لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسائلین

تاریخ قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹ - ۵

۵- قبل از نزول قرآن نیز سرگذشت اصحاب کهف در بین مردم مطرح بوده است .

أم حسبت أن أصحاب الکهف .. کانوا من آیتنا عجبا

سیاق و لحن آیه، حاکی از آن است که مردم عصر بعثت، از داستان اصحاب کهف، اطلاعاتی هر چند ناقص داشته اند و آن را از عجایب می شمردند.

تازگی خرمای قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۴

۴- تازگی ، رسیده بودن و سلامت ظاهری ، از ویژگی های خرمای فرو ریخته بر مریم (س) بود .

تسقط علیک رطبًا جئیًا

<رطب> به خرماى تازه گفته مى شود <جَنَى> زمانى كه صفت ميوه اى باشد، بدان معنا است كه ميوه در وقت خود چيده شده است (معجم مقاييس اللغه).

تبين قصه انبيا بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۶

۶ - اقدام الهى به بيان معارف ، شرايع و سرگذشت پيامبران

، از طریق وحی کردن قرآن به پیامبر (ص)

و لَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعَمْرُ

تبیین قصه اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۷

۷- بیان سرگذشت اهل مدین از سوی پیامبر (ص) برای مردم با این که خود آن حضرت در میان مدینیان اقامت نداشت نشانه دیگری بر رسالت آن حضرت است .

و ما كنت ثاوياً في أهل مدین تتلوا عليهم آیتنا

تبیین قصه ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۵

۵- خداوند به ارائه مطالبی درباره < ذی القرنین > به وسیله آیاتی از قرآن ، وعده حتمی داد .

قل سأتلوا علیکم منه ذکراً

ضمیر در <منه> به <ذی القرنین> برمی گردد و <من> برای تبعیض است ؛ یعنی، بخشی از اخبار و حالات او. مراد از <ذکراً> به قرینه <سأتلوا> آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۱ - ۲

۲- بازگویی سفر ذوالقرنین به شرق و غرب ، نمودی از احاطه علمی خداوند بر زوایای زندگی او بود .

کذلک و قد أحطنا بما لدیه خبراً

واژه <کذلک> (این چنین بود) در این موارد، برای تشبیه چیزی به خود آن به کار می رود که گویای مبالغه در بی مانند بودن است ؛ یعنی، برای آن، نظیری جز خودش وجود ندارد. جمله حالیه <و قد أحطنا...> دلالت دارد که آنچه گفته شد،

برخاسته از احاطه علمی خداوند بوده است.

تبیین قصه عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۱

۱- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

تبیین قصه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۲،۳

۲ - بیان درست و به حق سرگذشت موسی (ع) و فرعون ، نمودی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک من نبیا موسی و فرعون بالحق

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب یاد شده به دست می آید.

۳ - داستان موسی و فرعون ، تلاوت شده از سوی خدا بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبیا موسی و فرعون

تبیین قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۱

۱- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز

است.

تبیین قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۲،۳

۲ - بیان درست و به حق سرگذشت موسی (ع) و فرعون، نمودی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک من نبیٰ موسی و فرعون بالحقّ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب یاد شده به دست می آید.

۳ - داستان موسی و فرعون، تلاوت شده از سوی خدا بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبیٰ موسی و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۴ - ۳

۳ - تبیین ماجرای نزول تورات بر موسی (ع) از سوی پیامبر اسلام با این که خود، نه در وادی طور بود و نه شاهد نزول

گواهی است روشن بر رسالت الهی آن حضرت .

و ما کنت بجانب الغربیّ . . و ما کنت من الشهدین

تحریف قصه قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۸

۸ آثار اهل کتاب مشتمل بر داستان قایل و هابیل به گونه ای تحریف شده و آمیخته با باطل

بالحق

کلمه <بالحق> به قرینه آیات گذشته، که درباره اهل کتاب بود، می تواند اشاره به تحریفهایی باشد که در آثار اهل کتاب

نسبت به فرزندان آدم وجود دارد.

تحریر قصه هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۸

۸ آثار اهل کتاب مشتمل بر داستان قایل و هاییل به گونه ای تحریر

شده و آمیخته با باطل

بالحق

کلمه <بالحق> به قرینه آیات گذشته، که درباره اهل کتاب بود، می تواند اشاره به تحریفهایی باشد که در آثار اهل کتاب نسبت به فرزندان آدم وجود دارد.

تدبر در قصه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۷

۷ - داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان ، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبر

الم تر کیف

تذکر قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱

۱- زندگی حضرت ابراهیم (ع) و کیفیت و نوع دعایش ، درس آموز و شایسته یادآوری است .

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هذا البلد ءامنًا

<و إذ قال> متعلق به <اذکر> و یا <اذکروا> در تقدیر است. روشن است که تذکر به یادآوری داستان حضرت ابراهیم(ع) نشانگر اهمیت و درس آموزی آن است.

تذکر قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إذ قال موسی لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل <اذکر> قبل از <إذ> مقدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفه آن حضرت است.

تذکر قصه هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱

۱- پیامبر (ص) مأمور یادکرد سرگذشت پیامبر قوم عاد و تلاش های وی در جهت انذار قومش

و اذکر أخوا عاد

ترویج قصه های خرافی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۲، ۶، ۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکه، به کشورهایی مانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل الله> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

۶ - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من يشتري لهو الحديث . . . بغير علم

<بغير علم> متعلق به فعل <بشتری> است.

۱۲ - از اهداف رواج دهندگان افسانه های باطل و خرافی در میان مردم ، به تمسخر گرفتن راه خدا است .

بشتری لهو الحديث ليضل . . . و يتخذها هزوا

ترویج قصه های خرافی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لہو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکہ، به کشورهایی مانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکہ منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل اللہ> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

تشویق به تدبر در قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۲

۲ خداوند ، انسان ها را به تأمل در سرگذشت یوسف (ع) و برادرانش ترغیب کرده است .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءآیت للسانین

حرف لام در <لقد> نشانه قسم مقدر و <قد> نیز برای تأکید است. هدف از تأکید و سوگند خداوند بر اینکه در داستان یوسف و برادرانش آیاتی برای پرسش کنندگان است ، ترغیب انسانها به تأمل در آن داستان می باشد.

تشویق به مطالعه قصه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۸ - ۳

۳ - ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <فهل تری> استفاده می شود.

تشویق به مطالعه قصه قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۸ - ۳

۳- ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب

گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <فهل تری> استفاده می شود.

تعالیم قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۶

۲۶ داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او ، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إذ قال ربك للملكه .. إني أعلم ما لاتعلمون

کلمه <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر

داشتن

و إذ قلنا للملكه ... و كان من الكفرین

<اذ> مفعول برای <اذکر> (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

تعالیم قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱

۱- زندگی حضرت ابراهیم (ع) و کیفیت و نوع دعایش ، درس آموز و شایسته یادآوری است .

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هذا البلد ءامناً

<و إذ قال> متعلق به <اذکر> و یا <اذکروا> در تقدیر است. روشن است که تذکر به یادآوری داستان حضرت ابراهیم(ع) نشانگر اهمیت و درس آموزی آن است.

تعالیم قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - وجود بسترهای گوناگون اندیشه و خردورزی در سرگذشت ایوب پیامبر

و اذکر عبدنا

أَيُّوبُ إِذْ نَادَى . . . وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ ... وَذَكَرَى لِأُولَى الْأَلْبَابِ

از این که خداوند، بیدار شدن انسان ها از سرگذشت ایوب(ع) را به صاحبان خرد اختصاص داده است، می توان استفاده کرد که در این داستان زمینه های بسیاری برای اندیشیدن و خردورزی وجود دارد.

تعالیم قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسى لفته لأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز ابراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

تعالیم قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسى لفته لأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز ابراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس

شود.

تعالیم قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد.

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ > عن أبي عبدالله (ع) : التقيه من دين الله . . . لقد قال يوسف > أيتها العير إنكم لسارقون < والله ما كانوا سرقوا شيئاً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: تقیه از دین خداست . . . به تحقیق یوسف گفت: >أيتها العير إنكم لسارقون< [ولی] به خدا سوگند چیزی را ندزدیده بودند ...<.

۱۲ > عن أبي عبدالله (ع) : قال رسول الله (ص) : لا كذب على مصلح ثم تلا : > أيتها العير إنكم لسارقون < ثم قال : والله ما سرقوا و ما كذب . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: رسول خدا(ص) فرمود: دروغ برای کسی که قصد اصلاح دارد نیست. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: >أيتها العير إنكم لسارقون< ; سپس فرمود: به خدا سوگند کاروانیان دزدی نکرده بودند و [اعلام کننده نیز [دروغ

نگفت...>

تعقل در قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - وجود بسترهای گوناگون اندیشه و خردورزی در سرگذشت ایوب پیامبر

و اذکر عبدنا ایوب إذ نادى .. و وهبنا له أهله ... و ذكرى لأولى الألب

از این که خداوند، بیدار شدن انسان ها از سرگذشت ایوب(ع) را به صاحبان خرد اختصاص داده است، می توان استفاده کرد که در این داستان زمینه های بسیاری برای اندیشیدن و خردورزی وجود دارد.

تفکر در قصه شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۱

۱ - سرگذشت شعيب (ع) و مردم ایکه ، شایان اندیشه و دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

کلمه <ذلك> به ماجرای میان شعيب(ع) و مردم ایکه اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ> یعنی، به راستی در این ماجرا، درس عبرتی بزرگ وجود دارد.

تفکر در قصه فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

<ذلك> اشاره به ماجرای میان موسی(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای

تفخیم است. بنابراین جمله <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً> یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

تفکر در قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سرگذشت حضرت موسی (ع) ، فصلی مهم و قابل تأمل و تأسی برای پیامبر (ص) بود .

و هل اتیک حدیث موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

<ذَلِكَ> اشاره به ماجرای میان موسی(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین جمله <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً> یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

تکاندن نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱،۷

۱- عیسی (ع) ، در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به تکان دادن درخت خرما و استفاده از میوه آن راهنمایی کرد .

و هزّی إلیک بجذع النخلة تسقط علیک رطبًا جئیًا

<هزّ> به معنای حرکت دادن به چپ و راست است و به قرینه <إلیک> در آن معنای <متمایل ساختن> نیز تضمین شده است. بنابراین <هزّی إلیک>، یعنی درخت را به جانب خود بکش و به چپ و راست تکان ده این راهنمایی چنان چه از آیه بعد پیدا است، به منظور تأمین غذای مریم(س) بوده است.

۷- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن ، از کرامات او بود .

و هزّی إلیک .. تسقط

تکلم ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره -

۲۴ - > عن جعفر بن محمد (ع) قال : لما قالت النملة < يا أيها النمل ادخلوا مساكنكم ... > حملت الريح صوت النملة إلى سليمان (ع) ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که آن مورچه [به سایر مورچگان] گفت: < یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم .. > باد صدای آن مورچه را به سلیمان رسانید...<.

تنور قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲۱، ۲۰، ۵، ۴

۴ جوشش شدید آب از تنوری خاص ، پس از فرمان الهی به نزول عذاب بر قوم نوح

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ

>تَّنُّور< که در فارسی بدون تشدید تلفظ می شود جایی است که در آن نان پخته می شود. فوران (مصدر فار) به معنای بیرون آمدن و جوشش کردن است. اسناد جوشش به تنور همانند <جری المیزاب> حاکی از فوران شدید آب است. <ال> در <التَّنُّور> عهد ذهنی است و از آن تنوری خاص اراده شده است.

۵ جوشش آب از تنور ، علامت و سرآغازی برای حادثه طوفان نوح بود .

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ

۲۰ > عن أبي جعفر (ع) قال [في وصف مسجد الكوفة] : ... و منه فار التَّنُّور ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که [در وصف مسجد کوفه] فرمود: .. از مسجد کوفه تنور فوران کرد ...<.

۲۱ > عن أبي عبدالله (ع) قال : جائت

إمرءه نوح إليه و هو يعمل السفينه فقالت له : إن التَّنُّور قد خرج منه ماء فقام إليه مسرعاً حتى جعل الطبق عليه فختمه بخاتمه فقام الماء ، فلما فرغ نوح من السفينه جاء إلى خاتمه ففضّه و كشف الطبق ففار الماء ۷

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همسر نوح درحالی که شوهرش مشغول ساختن کشتی بود، به نزد او آمد و گفت: تنور آب درآورده. نوح با سرعت بر سر تنور رفت و سرپوشی بر روی آن گذاشت و با مهر خود آن را ممهور کرد. پس آب ایستاد. هنگامی که از ساختن کشتی فارغ شد مهر خود را شکست و سرپوش را کنار زد؛ پس آب فوران کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۶،۷

۶ - فوران آب از تنور ، نشان صدور فرمان خدا و شروع طوفان نوح (ع) بود .

فإذا جاء أمرنا و فار التَّنُّور

عبارت <فارتَّنُّور>، عطف تفسیری است برای <جاء أمرنا>.

۷ - تنوری که فوران آب از آن نشانه در رسیدن عذاب بر قوم نوح بود از پیش تعیین شده بود .

فإذا جاء أمرنا و فار التَّنُّور

<ال> در <التَّنُّور> برای عهد ذهنی است. بنابراین <التَّنُّور> یعنی، آن تنور.

تهدید توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸- دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افك > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای < افك > باشد.

تهدید طراح قصه افك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند، طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افك > را به عذاب بزرگ تهدید کرد.

والذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

< کبر > به معنای معظم شیء و قسمت عمده هر چیزی است و مرجع ضمیر < کبره >، < افك > است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: < کسی که متولی و عهده دار قسمت عمده ماجرای افك می باشد... > و مقصود از آن، عامل اصلی و طراح این ماجرا است.

ثمردهی نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۳

۳- بارور شدن و ثمر دادن غیر طبیعی درخت خرما، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود.

و هزّی إلیک .. تسقط

فعل < تساقط > مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

جنس منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۶

۶ - > عن الرضا (ع)

...: بعث الله عزوجل إلى داود الملكين فتسورا المحراب ...

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجل دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند.
..<

جنسیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - گردانندگان توطئه < افک > همگی از مردان بودند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

<مرء> در لغت هم به معنای انسان آمده و هم به معنای مرد؛ ولی به قرینه شأن نزول آیه شریفه، در این جا به معنای مرد است.

جهل به قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲،۵

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلك من أنباء الغيب

<ذلك> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است؛ یعنی: <ذلك النبأ من أنباء الغيب>.

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت .

و ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما كنت لديهم> (نزد آنان نبودی) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

چاه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع)، چاهی مشخص

و مورد نظر بوده است .

ألقوه في غيبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱

۱ کاروانی در اطراف چاهی که یوسف (ع) در آن بود، منزل گزیدند و مأمور تهیه آب را به سوی آن چاه روانه کردند .

و جاءت سیاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسی که برای تهیه آب بر سر چاه، نهر و مانند آن می رود، گفته می شود.

حسابرسی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر

قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

حق طلبان و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی

خواهند برد .

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائیلین > لام انتفاع است و <للسائیلین > گویای

این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

حکمت خدا در قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

بدیهی است که داستان یوسف (ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . .) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

حیات ماهی قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۵،۶

۵- ماهی بی جان همراه موسی (ع) ، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند ، در آب دریا فرو رفت .

نسیا حوتهما فاتخذ سبيله فی البحر سربًا

فاعل <اتخذ> ضمیری است که به <حوت> بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. <سرب> به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای

<سبیل> است؛ یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

۶- < عن أبي عبد الله (ع) قال: ... أرسل (أى موسى) إلى يوشع إني قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا، و اشترى حوتاً . . . ثم شواه ثم حمله فى مكثل . . . فقطرت قطره من السماء فى المكثل فاضطرب الحوت ثم جعل يثب من المكثل إلى البحر قال: و هو قوله: < واتخذ سبيله فى البحر سرباً >؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . . . موسی به یوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب و جوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله فى البحر سرباً.

خرابی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۸

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود.

فوجدوا فيها جداراً يريد أن ينقض

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <پرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است؛ یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است

خشکی نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۲

۲- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود، میوه نداشت.

و هزى إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جئیًا

جمله <تساقط علیک..> گویای امتنان بر مریم(س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت؛ بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرماى آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه <جذع> به کلام و نیز اسناد <تساقط> به <نخله>، خشک بودن درخت و خارق العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

خطر در کشتی قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۲

۲- وجود خطر برای کشتی حامل یونس (ع) و رفع آن، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلى الفلک المشحون . فساهم فکان من المدحضین

خواسته های منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۱، ۱۰، ۶

۶- نزاع کنندگان و شاکیان، از داوود خواستند که براساس حق و به دور از هرگونه افراط و ستمی درباره شان داوری کند.

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

<شطط> در اصل به معنای تجاوز از حد و اندازه است و بیشترین کاربرد آن در معنای افراط، زیاده روی و ستم می باشد.

۱۰- نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستار نمایاندن راه درست زندگی به آنان

و

اهدنا إلى سواء الصراط

<سواء> در اصل به معنای وسط و میانه است. مقصود از آن در آیه شریفه، راه درست و میانه و به دور از افراط و تفریط در زندگی است.

۱۱ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستند که برای حل مشکلات و اختلافات اقتصادی آنها ، راه درست و میانه را به آنان بیاموزد .

و اهدنا إلى سواء الصراط

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که درخواست هدایت به راه درست، ممکن است به موضوع مورد اختلافشان مربوط باشد که از موضوعات اقتصادی است.

خویشاوندی منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۱

۱ - وجود نسبت برادری میان دو فرد نزاع کننده و متخاصم در نزد داوود (ع)

إِنَّ هَذَا أَخِي

دعوای منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - نزاع کنندگان و شاکیان ، مسأله مورد اختلاف خود را نزد داوود (ع) مطرح کردند .

خصمان بغی بعضنا علی بعض

۵ - نزاع کنندگان و شاکیان ، در حضور داوود (ع) مدعی متجاوز بودن یکی از آنان در حق دیگری بودند .

خصمان بغی بعضنا علی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - طرح دعوا و نزاع در حضور داوود (ع) ، از سوی برادری که صاحب یک میش بود ، آغاز گردید .

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً

۳ - طمع کردن برادر دارای

۹۹ میش به تنها میش برادر خود ، ادعانامه برادر شاکي به حضور داوود (ع)

و لی نعجه وحده فقال أكفنيها

تعبیر <أكفنيها> (کفالت آن را به من واگذار) کنایه از بخشش و هدیه کردن است؛ یعنی، این یک میش را به من هدیه کن.

۶- ادعای مالک تنها میش ، مبنی بر مغلوب شدنش در گفت و گو با برادر دارای ۹۹ میش ، در گرفتن حق خود

و عزنی فی الخطاب

<عزنی فی الخطاب>؛ یعنی، او در گفتوگو با من، مرا مغلوب ساخت و من از عهده بحث با او برای گرفتن حقم برنمی آیم و تو ای داوود مرا یاری کن.

ذکر قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱

۱- ماجرای سجده ملائکه در برابر آدم و نافرمانی ابلیس ، شایسته یاد و یادآوری است

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <إذ> متعلق به <اذکر> و یا <اذکروا> مقدر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱

۱- سرگذشت سجده ملائکه در برابر آدم و تمرد ابلیس ، عبرت آموز و شایان توجه است .

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

<إذ> ظرف برای فعل مقدر مانند <اذکر> است؛ یعنی: <یاد کن زمانی را که ...>. فرمان خداوند به پیامبر(ص) و یا آحاد مردم در مورد یاد کردن داستان سجده برای آدم، گویای سازنده بودن این یادآوری و عبرت آموزی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - داستان سجده فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس ، سرگذشتی درخور توجه و درس آموزی

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا

<إذ> مفعول فعل محذوف است و به قرینه آیات مشابه، آن فعل <اذکر> (فراگیر و به خاطر داشته باش) می باشد.

ذکر قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۱

۱- پیامبر اکرم (ص) وظیفه دار یاد کردن سرگذشت ابراهیم (ع) در قرآن

واذکر فی الکتب ابرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

واذکر عبدنا ابرهیم و اسحق و یعقوب

ذکر قصه ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۱

۱- خداوند ، پیامبر (ص) را به یاد کردن سرگذشت ادريس (ع) در قرآن فرمان داد .

واذکر فی الکتب ادريس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادريس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

ذکر قصه اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت ابراهیم ،

اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر عبدنا ابرهیم و اسحق و یعقوب

ذکر قصه اسماعیل صادق الوعد(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۴ - ۱

۱- پیامبر اکرم (ص) مأمور یادکرد سرگذشت اسماعیل صادق الوعد در قرآن

واذکر فی الکتب اسماعیل

درباره این که اسماعیل مذکور در این آیه، آیا فرزند ابراهیم(ع) است یا شخصی دیگر، بین مفسران دو نظر وجود دارد که هر کدام به ادله ای تمسک بسته اند. این نام در قرآن به صورت مطلق بر فرزند ابراهیم(ع) اطلاق شده و در این جا نیز قرینه جدی بر این که اسماعیل <صادق الوعد> شخص دیگری است وجود ندارد.

ذکر قصه اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و اسمعيل .. کل من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذوالکفل (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر اسمعيل و الیسع و ذوالکفل

ذکر قصه الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت اسماعیل ، الیسع و

ذالكفل (عليهم السلام) ، توصيه خداوند به پيامبر (ص)

و اذكر اسمعيل و اليسع و ذالكفل

ذکر قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۱

۱- سرگذشت ایوب (ع) و نیایش او با خدا، درس آموز و سزاوار یاد و یادآوری است.

و أیوب إذ نادى ربه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <ایوب> به وسیله عامل مقدری، چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت و دو چندان شدن خانواده ایوب (ع) ، مایه تذکر و بیداری صاحبان خرد ناب

و وهبنا له أهله .. رحمه منا و ذکری لأولی الألب

<لُب> به معنای عقل خالص و خرد ناب است (مفردات راغب).

ذکر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۴

۴- تلاش موسی (ع) برای یافتن خضر (ع) ، واقعه ای درخور یادآوری و توجه است .

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

<إذ> مفعول برای <أذکر> در تقدیر است.

ذکر قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱

۱- داستان داوود و سلیمان ، شایسته یاد و یادآوری است .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <داود> مفعولٌ به برای فعل مقدری، چون <اذکر> باشد (البته با حذف مضافی مانند <خبر>)؛ یعنی، به یاد آور خبر داوود و سلیمان را.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۴

۴ - توصیه خداوند به پیامبر اسلام مبنی بر یادآوری سرگذشت داوود پیامبر ، در دوران سخت رسالت خود

واذکر عبدنا داود

ذکر قصه ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذوالکفل (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

واذکر إسمعیل و الیسع و ذوالکفل

ذکر قصه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱

۱- داستان زکریا و فرزند خواهی او ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و زکریّا إذ نادى

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <زکریّا> به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

ذکر قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱

۱- داستان داوود و سلیمان ، شایسته یاد و یادآوری است .

و داود و سلیمین إذ یحکمان فی الحرث

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <داود> مفعولٌ به برای فعل مقدری، چون <اذکر> باشد

(البته با حذف مضافی مانند <خبر> یعنی، به یاد آور خیر داوود و سلیمان را.

ذکر قصه عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۱

۱- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

ذکر قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۲

۲ - رسالت لوط و مبارزات او با زشت کرداری های قومش، شایان یاد و یادآوری

و لوطاً إذ قال لقومه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوطاً> مفعول <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع)، در مبارزه بر ضد فحشا، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است.

و لوطاً إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدر <اذکر> باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

ذکر قصه مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۱

۱- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای

الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۱

۱- داستان حضرت مریم و پاک دامنی و فرزنددار شدن او، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است.

و التي أحصنت فرجها فنمخنا فيها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <التي> منصوب به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

ذکر قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱،۲

۱- پیامبر (ص)، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إذ قال موسی لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل <اذکر> قبل از <إذ> مقدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفه آن حضرت است.

۲- سرگذشت موسی (ع) و قومش، درس آموز و شایسته به خاطر سپردن

و إذ قال موسی لقومه

اینکه خداوند پیامبر(ص) را موظف به یادآوری سرگذشت حضرت موسی(ع) کرده است، حکایت از اهمیت و سودمندی آن دارد و شایسته است انسانها آن را به خاطر بسپارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۴

۴- تلاش موسى (ع) برای یافتن خضر (ع) ، واقعه

ای درخور یادآوری و توجه است .

و إذ قال موسی لفتیه لأُبرح

<إذ> مفعول برای <أُذکر> در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۱

۱- پیامبر اکرم (ص) وظیفه دار یادکرد سرگذشت حضرت موسی در قرآن

و اذکر فی الکتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹ - ۲

۲- تاریخ زندگی موسی (ع) و حوادث آن ، درس آموز و شایان توجه و تأمل برای رهبران و مبلغان دین است .

و هل اتیک حدیث موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰ - ۱

۱- سرگذشت مبارزه موسی (ع) با فرعونیان ، شایان توجه و درس آموزی

و إذ نادى ربك موسی

واژه <إذ> در محل نصب و مفعول برای فعل محذوف است ، یعنی ، <واذکر إذ نادى..> فرمان الهی مبنی بر به خاطر آوردن سرگذشت موسی بیانگر حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱- سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسى لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است؛ یعنی، <اذکر إذ قال موسى لأهله...> زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یاد آور<.

ذکر قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۲

۲- داستان حضرت نوح ، داستانی درس آموز و شایسته یاد و یادآوری

است .

و نوحاً إذ نادى

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <نوحاً> مفعول برای فعل مقدر (هم چون <اذکر> یا <اذکروا>) باشد.

ذکر قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

ذکر قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون برای بیدار کردن مردم و انصراف آنان از قتل موسی (ع) ، سرگذشت یوسف پیامبر را یاد آور شد .

أتقتلون رجلاً .. إني أخاف عليكم ... و لقد جاءكم يوسف

ذکر قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱

۱- ماجرای ذالنون (یونس (ع)) ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و ذالنون إذ ذهب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <ذالنون> به وسیله عامل مقدری چون <اذکر> یا <اذکروا> باشد. گفتنی است که <النون> به معنای ماهی است و <ذالنون> لقب برای یونس(ع) است، به این مناسبت که او مدتی در شکم ماهی قرار داشت.

ربوبیت خدا در قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد

کان فی یوسف و إخوته آیت للسانین

بدیهی است که داستان یوسف (ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسانین> لام انتفاع است و <للسانین> گویای این است که پرسشگران و محققان، از آن داستان سود می برند.

رنگ چشمه قصه ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۲

۲- ذوالقرنین، با رسیدن به انت های خشکی های غرب، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید.

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ

<حمئه> یعنی دارای <حمأه> به <گل سیاه بدبو> گفته می شود. (کتاب العین)

روش نقل قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۶

۶- نقل داستان ها و واقعیت های تاریخی، در قالبی آسان و ساده، دارای تأثیری فزون تر در خاطره توده ها *

كذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ... و لقد يسرنا القرآن

در صورتی که <لقد يسرنا..> نظر به نقل داستان قوم نوح داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۶

۶- نقل داستان های و واقعیت های تاریخی، در قالبی ساده و آسان، دارای تأثیری فزون تر در خاطر توده ها

كذَّبَتْ عاد... و لقد يسرنا القرآن

در صورتی که <و لقد يسرنا..> نظر به نقل داستان قوم عاد داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۶ - نقل داستان ها و واقعیت های تاریخی ، در قالبی ساده و آسان ، دارای تأثیری فزون تر در خاطر توده ها

كذّبت ثمود بالئذر . . . و لقد یسرنا القرءان للذّكر فهل من مدّكر

برداشت یاد شده در صورتی است که <لقد یسرنا..> نظر به نقل داستان قوم ثمود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - نقل داستان ها و واقعیت های تاریخی ، در قالبی ساده و آسان دارای تأثیری فزون تر در خاطر توده ها

كذّبت قوم لوط بالئذر . . . و لقد یسرنا القرءان للذّكر فهل من مدّكر

در صورتی که <لقد یسرنا..> نظر به نقل داستان قوم لوط داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه فراموشی قصه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - گذشت زمان و انقراض نسل های پیشین ، باعث از میان رفتن خاطرات پیامبران ، کتاب های آسمانی ، شرایع الهی و محروم شدن مردم عصر بعثت از آنها شد .

و لكنا أنشأنا قرونًا فتطاول عليهم العمر

زیان کشتزار قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث إذ نفثت فيه غنم القوم و

کُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

نوع مفسران بر آنند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ> و <و كَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

زیان کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیہ غنم القوم و کُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

نوع مفسران بر آنند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ> و <و كَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

فَفَهَّمْنَاهَا سَلِيمًا

<فا> در <فَفَهَّمْنَاهَا> برای تعقیب است و ضمیر <ها> به حکومت

(قضاوت) بازمی گردد؛ یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

زیبایی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴،۵

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

۵ خداوند ، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است .

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

سردی آتش قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۱

۱- آتش به فرمان خداوند ، بر ابراهیم (ع) سرد و سلامت (مطبوع و بی آسیب) گردید .

قلنا ینار کونی بردًا و سلماً علی ابرهیم

فرمان خداوند به سلامت شدن آتش بر ابراهیم(ع)، می تواند اشاره به این نکته باشد که نه تنها آتش باید بر آن حضرت سرد باشد و او را نسوزاند؛ بلکه سردی آن به گونه ای و به اندازه ای باشد که کاملاً مطبوع، دلیپذیر و بی آسیب باشد.

سرزمین مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۲

۲- قرار داشتن سرزمین مورچگان ، در منطقه ای پایین تر از منطقه اطراف آن

أتوا علی واد النمل

واژه <علی> برای استعلا به کار می رود. بنابراین <علی واد النمل> بیانگر این نکته است که منطقه اطراف سرزمین مورچگان مشرف بر آن بود و سرزمین مورچگان پایین تر از آن قرار داشت.

سرنوشت ماهی قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف -

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أريت إذ أوتينا إلى الصخرة فإني نسيت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوتينا إلى الصخرة> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

۵- همسفر موسی ، در پی درخواست تهیه چاشت از جانب موسی (ع) ، ماجرای رفتن ماهی به دریا را به یاد آورد .

ءاتنا غداءنا .. قال أريت ... فإني نسيت الحوت

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسينه إلاّ الشيطان أن أذكره

سوراح کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۴،۵،۶،۸

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینیان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّى إذا ركبا في السفينة خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینیان کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده،

چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شيئاً إمرًا

<إمر> به معنای <منکر عظیم> و نیز <منکر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۳

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها .. ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبرًا

شاكران و قصه قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، در بردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکر گزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

شدت آتش قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۲

۲- آتشی که ابراهیم (ع) در آن افکنده شد ، آتشی انبوه و شدید بود .

قالوا حرّوه

<تحریق> (مصدر <حرّوه>) و مبالغه در <حرق> (سوزاندن) است یعنی، سوزاندن بسیار و شدید.

شرایط حُسن قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۴

۴ عبرت آموز بودن داستان ، از شرایط حسن آن داستان است .

نحن نقص عليك أحسن القصص .. لقد كان في

خداوند در مقدمه داستان یوسف(ع) بیان داشت که آن داستان نیکوترین داستان است و در پایان هدف از آن را عبرت و پند دانست. بنابراین حسن یک داستان از نظر قرآن به این است که مایه عبرت باشد.

شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۵، ۲

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتی إذا أتيا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن يضيّفوهما

شیوع قصه افك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۵

۵- انتشار وسیع ماجرای < افك > ، در میان مسلمانان صدر اسلام

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تحسبوه شراً لكم بل هو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۸

۸- توطئه < افك > چنان تأثیر عمیقی داشت که مسلمانان را به خود مشغول کرده و تنها موضوع سخن هر مجلس و محفل گشته بود .

لمسك في ما أفضتم فيه

مطلب یاد شده از

به کارگیری واژه <افاضه> که به معنای سخن گفتن بسیار درباره موضوعی و انتشار آن است استفاده می شود. گفتنی است که خطاب در <مسئکم> و <أفضتم> به عموم مسلمانان است و این نشان می دهد که شایعه <افک>، در میان همه مسلمانان مدینه پیچیده بود و آنان را به خود مشغول کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۲،۳

۲ - ماجرای <افک> ، علی رغم این که مستقیماً هتک حریم پیامبر (ص) محسوب می شد ، مردم آن را ساده انگاشته و خوش باورانه به دامن زدن و گسترش آن پرداختند .

إذ تلقونه بألسنتكم و تقولون بأفواهكم ما ليس به علم و تحسبونه هيناً

۳ - ماجرای <افک> ، شایعه فراگیر و زبازرد عموم مردم شده بود .

إذ تلقونه بألسنتكم و تقولون بأفواهكم

صابران و قصه قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبا - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکر گزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - طراح و گرداننده اصلی ماجرای <افک> یک تن بود .

والذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

طبق نظر بیشتر مفسران، طراح و گرداننده اصلی ماجرای <افک>، فردی به نام عبدالله بن ابی سلول بود (مجمع البیان).

طمع منازعان قصه داود(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۳

۳ - طمع کردن برادر دارای ۹۹ میش به تنها میش برادر خود ، ادعای نامه برادر شاکلی به حضور داوود (ع)

و لی نعجه وحده فقال أكفلیها

تعبیر <أكفلیها> (کفالت آن را به من واگذار) کنایه از بخشش و هدیه کردن است یعنی، این یک میش را به من هدیه کن.

ظلم پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷۸

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

عاقلان و قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت و دو چندان شدن خانواده ایوب (ع) ، مایه تذکر و بیداری صاحبان خرد ناب

و وهبنا له أهله .. رحمه منّا

و ذکری لأولی الألب

<لُب> به معنای عقل خالص و خرد ناب است (مفردات راغب).

عبرت آموزی قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۴

۴ عبرت آموز بودن داستان ، از شرایط حسن آن داستان است .

نحن نقص عليك أحسن القصص .. لقد كان في قصصهم عبره

خداوند در مقدمه داستان یوسف(ع) بیان داشت که آن داستان نیکوترین داستان است و در پایان هدف از آن را عبرت و پند دانست. بنابراین حسن یک داستان از نظر قرآن به این است که مایه عبرت باشد.

عبرت از قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۴

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا يفتننكم الشيطان كما أخرج أبويكم من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱

۱- سرگذشت سجده ملائکه در برابر آدم و تمرد ابلیس ، عبرت آموز و شایان توجه است .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

<إذ> ظرف برای فعل مقدر مانند <أذکر> است یعنی: <یاد کن زمانی را که ...>. فرمان خداوند به پیامبر(ص) و یا

آحاد مردم در مورد یاد کردن داستان سجده برای آدم، گویای سازنده بودن این یادآوری و عبرت آموزی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - داستان سجده فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس ، سرگذشتی درخور توجه و درس آموزی

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا

<إذ> مفعول

فعل محذوف است و به قرینه آیات مشابه، آن فعل <اذکر> (فراگیر و به خاطر داشته باش) می باشد.

عبرت از قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۳

۳- زندگی ابراهیم (ع) و خصوصیات او ، سازنده و درس آموز است .

واذکر فی الکتب ابرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۹ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، ماجرای مهم و شایان درس آموزی

و اتل علیهم نبأ ابرهیم

<نبأ> به ماجرای گفته می شود که دارای فایده ای بزرگ باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۱

۱ - سرگذشت ابراهیم و قوم او ، نشانه الهی و درس عبرتی بزرگ برای همه انسان ها

و اتل علیهم نبأ ابرهیم .. . إن فی ذلک لآیه

به کارگیری اسم اشاره بعید (ذلک) و نکره آوردن <آیه>، بیانگر آن است که ماجرای میان ابراهیم(ع) و قومش، از رخدادهای بسیار مهم تاریخ و در بردارنده آموزه های گرانسنگی برای انسان ها است. گفتنی است که واژه <آیه> در این جا معادل <عبره> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و اذکر عبدنا ابرهیم و اسحق و یعقوب

توصیه خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر یادآوری سرگذشت حضرت ابراهیم (ع) و .. می تواند به منظور درس آموزی

و سازندگی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۲

۲ - داستان مبارزه حضرت ابراهیم (ع) با شرک و بت پرستی ، داستانی زنده و درس آموز برای همیشه تاریخ

و اذ قال ابرهیم

کلمه < اذ > در محل نصب و مفعول به برای فعل محذوف است ، یعنی ، < واذکر اذ قال .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۴ - ۱

۱ - سرگذشت ابراهیم (ع) و میهمانان گرامی او ، شایان شنیدن و درس آموزی

هل أتیک حدیث ضیف ابرهیم المکرمین

عبرت از قصه ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۲

۲- زندگی ادريس (ع) و خصوصیات او ، سازنده و درس آموز است .

واذکر فی الکتب ادريس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادريس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و اسمعیل .. کل من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب < اسماعیل > به وسیله عامل مقدری چون < اذکر > یا < اذکروا > باشد.

عبرت از قصه اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و اذکر عبدنا ابرهیم و اسحق و یعقوب

توصیه خداوند به

پیامبر(ص)، مبنی بر یادآوری سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و.. می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۲

۲ - سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبراسلام (ص) و مؤمنان

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذالکفل

توصیه خدا به پیامبر(ص) مبنی بر یادآوری سرگذشت اسماعیل(ع) و.. می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱ - ۱۰۵ - ۷

۷ - داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان ، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبیر

ألم تر کیف

عبرت از قصه الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۳ - ۲

۲ - سرگذشت الیاس پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش برای پیامبر اسلام و مؤمنان

و إِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که یادآوری سرگذشت الیاس(ع) و قوم او برای پیامبر(ص) و مؤمنان که در شرایط سخت مکه قرار

داشتند و با مخالفت های مشرکان روبه رو بودند در واقع به منظور درس آموزی و دلداری آنان بوده است.

عبرت از قصه الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۲

۲ - سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبراسلام (ص) و مؤمنان

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذالکفل

توصیه خدا به پیامبر(ص) مبنی بر یادآوری سرگذشت اسماعیل(ع) و... می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱،۲

۱ داستان پیامبران و امت های ایشان حاوی پند و مایه عبرت است .

لقد کان فی قصصهم عبره

<قصص> به معنای داستان است. ضمیر در <قصصهم> به <رسل> و نیز امتهای ایشان که از <من نشاء> و <القوم المجرمین> در آیه قبل استفاده می شود برمی گردد.

۲ تنها خردمندان از سرگذشت های پندآموز پیامبران بهره می گیرند و عبرت می آموزند .

لقد کان فی قصصهم عبره لأولی الألب

روشن است که داستان پیامبران برای همگان می تواند عبرت باشد. بنابراین اختصاص دادن آن به خردمندان ، برای رساندن این حقیقت است که ایشان از داستان پیامبران درس می گیرند و دیگران محرومند.

عبرت از قصه اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۳ - ۴

۴- داستان مردم < انطاکیه > ، داستانی مثال زدنی ، درس آموز و عبرت انگیز

و اضرب لهم مثلاً أصحاب القریه

عبرت از قصه اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر (ص) از یهودیان درباره مردم ایله

و سنلهم عن القریه الی کانت حاضره البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون .. قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر > باشد.

عبرت از قصه ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۱

۱- سرگذشت ایوب (ع) و نیایش او با خدا، درس آموز و سزاوار یاد و یادآوری است .

و أیوب إذ نادى ربّه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <أیوب > به وسیله عامل مقدری، چون <أذکر > یا <أذکروا > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۲

۲- سرگذشت ایوب (ع) درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر یاد کردن سرگذشت ایوب(ع) می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - بازگشت و دو چندان شدن خانواده ایوب (ع) ، مایه تذکر و بیداری صاحبان خرد ناب

و وهبنا له أهله .. رحمه منّا و ذكرى لأولى الألب

<لُب> به معنای عقل خالص و خرد ناب است (مفردات راغب).

عبرت از قصه حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - داستان مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، داستانی مثل زدنی و درس آموز

واضرب لهم مثلاً أصحاب القرية .. و جاء من أقصا المدینه رجل

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات مربوط به حبیب نجار، به دنبال آیات مربوط به داستان مردم انطاکیه آمده و جزء آن می باشد.

عبرت از قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۴

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا یفتنکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنه

عبرت از قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۲

۲ - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، درس آموز برای پیامبراسلام (ص)

و هل أتیک نبؤا الخصم

از تشویق شدن پیامبر(ص) به مطالعه در این ماجرا، برداشت یاد شده استفاده می شود.

عبرت از قصه ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع)

و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۲

۲ - سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر اسلام (ص) و مؤمنان

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذالکفل

توصیه خدا به پیامبر (ص) مبنی بر یادآوری سرگذشت اسماعیل (ع) و .. می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱

۱- داستان زکریا و فرزند خواهی او ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و زکریا إذ نادى

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <زکریا> به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

عبرت از قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۳

۳- ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب های خود ، ماجرای آموزنده و مهم

إذ عرض علیه بالعشی الصفنت الجیاد

از توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر یادآوری داستان سان دیدن سلیمان (ع) از اسبان خود، برداشت یاد شده به دست می

آید.

عبرت از قصه شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۱

۱ - سرگذشت شعیب (ع) و مردم ایکه ،

شایان اندیشه و دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

کلمه <ذلک> به ماجرای میان شعیب(ع) و مردم ایکه اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً> یعنی، به راستی در این ماجرا، درس عبرتی بزرگ وجود دارد.

عبرت از قصه عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۶

۶ - یادکرد داستان عیسی (ع) در قرآن، اقدامی هدایتگرانه و مثلی درس آموز

و لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا

با توجه به کاربرد واژه <مَثَل> که داستان عیسی(ع) را به عنوان نمونه و سمبل ذکر کرده است برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۳

۳ - داستان رسالت عیسی (ع) و بر خورد بنی اسرائیل با آن حضرت، دربردارنده درس های سازنده و عبرت آموز

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ .. فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

عبرت از قصه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۷

۷ - داستان موسی و فرعون، دربردارنده درس عبرت برای انسان های مؤمن و حق پذیر

نَتَلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيٍّ مُوسَىٰ وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أولم

يسيروا فى الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين كانوا من قبلهم .. فأخذهم ال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نازعات - ٧٩ - ٢٦ - ٥

٥ - شكست نهایی فرعون در مبارزه با موسى (ع) ، درس عبرتی برای مخالفان پیامبر (ص) و منکران معاد

إِنَّ فى ذلك لعبره لمن يخشى

نقل داستان موسى(ع) و فرعون پس از بیان شبهات منکران معاد و نیز خطاب به پیامبر(ص) با جمله <هل أتاك..> بیانگر این است که مراد از توصیف داستان مزبور به عبرت، تهدید منکران معاد و مخالفان پیامبر(ص) است که چه بسا آنان نیز در نهایت، همچون فرعون به عذاب الهی گرفتار شوند.

عبرت از قصه فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٣ - شعراء - ٢٦ - ٦٧ - ١

١ - سرگذشت موسى و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إِنَّ فى ذلك لآيه

<ذلك> اشاره به ماجرای میان موسى(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین جمله <إِنَّ فى ذلك لآيه> یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

عبرت از قصه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ - ٢٤ - ١١

١١ - داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أولم يسيروا فى الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين كانوا من قبلهم .. فأخذهم ال

عبرت از قصه قوم ثمود

سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۸ - ۳

۳ - ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <فهل تری> استفاده می شود.

عبرت از قصه قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۸ - ۳

۳ - ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <فهل تری> استفاده می شود.

عبرت از قصه قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۱

۱ - غرق شدن قوم نوح و نجات مؤمنان ، ماجرای درس آموز و پنددهنده

لنجعلها لكم تذکره

عبرت از قصه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

<ذَلِكَ> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر

ضد فحشا ، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و لوطاً إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدر <اذکر> باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطاً لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

عبرت از قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۱

۱- داستان حضرت مریم و پاک دامنی و فرزنددار شدن او ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و التي أحصنت فرجها فنفخنا فيها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <التي> منصوب به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

عبرت از قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۲

۲- تاریخ زندگی موسی (ع) و خصوصیات او ، درس آموز و سازنده است .

واذکر فی الکتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹ - ۲

۲ - تاریخ زندگی موسی (ع) و حوادث آن ، درس آموز و شایان توجه و تأمل برای رهبران و مبلغان دین است .

و هل اتيك حديث موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰ - ۱

۱ - سرگذشت

مبارزه موسی (ع) با فرعونیان ، شایان توجه و درس آموزی

و اِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى

واژه <اِذْ> در محل نصب و مفعول برای فعل محذوف است؛ یعنی، <واذکر اِذْ نادى..> فرمان الهی مبنی بر به خاطر آوردن سرگذشت موسی بیانگر حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

<ذلک> اشاره به ماجرای میان موسی(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین جمله <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً>؛ یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۷

۷ - داستان موسی و فرعون ، دربردارنده درس عبرت برای انسان های مؤمن و حق پذیر

نتلوا علیک من نیا موسی و فرعون بالحق لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۱

۱ - سرگذشت موسی (ع) و رسالت او در هدایت فرعون ، آیتی الهی و درس آموز

و فی موسی اِذْ ارسلنه اِلی فرعون

عبارت <و فی موسی> عطف بر جمله <ترکنا فیها آیه> است؛ یعنی، <و فی قصه موسی آیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱

۱ - داستان گفتوگوی موسی (ع) با قوم خویش و آزارهای آنان نسبت به آن حضرت ، دربردارنده درس

های سازنده و عبرت آموز

و إذ قال موسی لقومه یقوم لم تؤذوننی

فرمان الهی به یاد کرد گفتوگوی موسی(ع) با قومش و .. نشانه مشتمل بودن آن بر درس های سازنده برای امت اسلام است. ضمناً باید توجه داشت که کلمه <إذ> در <إذ قال>، مفعول برای فعل محذوف (أذکر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - سرگذشت موسی (ع) ، قابل دقت و مایه عبرت حتی برای پیامبر (ص)

هل أتیک حدیث موسی

<حدیث> یعنی، خبر. (لسان العرب)

۲ - خداوند ، برانگیزاننده همگان به آگاهی از داستان موسی (ع) و عبرت گیری از آن

هل أتیک حدیث موسی

استفهام در <هل أتاک..> برای ترغیب به شنیدن پاسخ است. نقل داستان موسی(ع) در قرآن، نشانه آن است که گرچه ضمیر <هل أتاک> در خطاب به پیامبر(ص) به کار رفته است ولی مراد گزارش سرگذشت موسی(ع) به تمام مردم است.

عبرت از قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۲

۲- داستان حضرت نوح ، داستانی درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و نوحاً إذ نادی

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <نوحاً> مفعول برای فعل مقدر (هم چون <اذکر> یا <اذکروا>) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۱

۱- نجات نوح (ع) و پیروانش و هلاکت کفرپیشگان قوم وی ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

<ذَلِكَ> به

جریان نجات نوح(ع) و پیروان وی و نیز هلاکت قوم کفرپیشه وی اشاره دارد. <آیه> در این جا مرادف <عبره> می باشد و نکره آمدن آن بیانگر عظمت آن است.

عبرت از قصه هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين كانوا من قبلهم .. فأخذهم ال

عبرت از قصه هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۵

۵ - سرگذشت هود (ع) و قوم عاد ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

فكذبوه فأهلكنهم إن في ذلك لآيه

واژه <ذلك> اشاره دارد به: نصیحت های هود(ع) و هشدارهای وی به عادیان، تأثیر ناپذیری آنان، تکذیب رسالت او و سرانجام هلاکت آنان به اراده خداوند. گفتنی است که کلمه <آیه> در اصل، به معنای نشانه است و در این جا معنایی معادل <عبره> دارد و نکره آمدن آن برای تفخیم و بیانگر وجود مایه های بزرگ عبرت در داستان هود و عادیان است.

عبرت از قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر یادآوری سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و .. می

تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۳

۳ سرگذشت یوسف (ع) و برادرانش سرگذشتی آموزنده و مایه عبرت است .

لقد كان في قصصهم عبره

می توان گفت ضمیر در <قصصهم> به یوسف(ع) و برادران او و تمام کسانی که در داستان یوسف(ع) نظیر زلیخا نقش داشته اند باز می گردد. بر این اساس دلالت جمله <لقد كان...> بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

عبرت از قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱

۱- ماجرای ذالنون (یونس (ع)) ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و ذالنون إذ ذهب

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <ذالنون> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد. گفتنی است که <النون> به معنای ماهی است و <ذالنون> لقب برای یونس(ع) است؛ به این مناسبت که او مدتی در شکم ماهی قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۲

۲ - سرگذشت یونس پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبر اسلام و ایمان آورندگان به آن حضرت

و إن یونس لمن المرسلین

برداشت بالا به خاطر این نکته است که یادآوری سرگذشت یونس(ع) و قومش، برای پیامبر و مؤمنان که در شرایط سخت

مکه قرار داشتند و با مخالفت های مشرکان روبه رو بودند در واقع به منظور درس آموزی و دلداری به آنان است.

عدالت قاضی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، شخصی فرزانه، کاردان و عادل بود.

و شهد شاهد... و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد، و از آن جایی که حق را، علی رغم خویشتی با زلیخا کتمان نکرد، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

عذاب توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای < افک > باشد.

عذاب طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند، طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > را به عذاب بزرگ تهدید کرد.

وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

< کبر > به معنای معظم شیء و قسمت عمده هر چیزی است و مرجع ضمیر < کبره >، < افک > است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: < کسی که متولی و عهده دار قسمت عمده ماجرای افک می باشد... > و مقصود از آن، عامل اصلی و طراح این ماجرا است.

عزیز مصر و قصہ یوسف (ع)

جلد - نام سورہ

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۷

۷ عزیز مصر در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، پیشداوری نکرد و از تصمیم‌گیری عجولانه خودداری نمود.

قالت .. قال هی رودنتی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱۳، ۱۷، ۸

۱ عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت.

فلما رءا قمیصه قُد من دُبر

ظاهر این است که ضمیر در <رأی> به عزیزمصر برگردد.

۷ عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام‌جویی، از مکرهای زنانه زلیخا شمرد.

إنه من کیدکنّ

محتمل است ضمیر در <إنه> به حقیقتی که از جمله <غَلَقَتِ الأبواب ..> استفاده می‌شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

۸ عزیز مصر، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را، از مکرهای زلیخا شمرد.

قالت ما جزاء من أراد بأهلک سوءاً .. إنه من کیدکنّ

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در <إنه ..> به معنایی که از <قالت ما جزاء ...> در آیه ۲۵ استفاده می‌شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

۱۳ عدالت و انصاف عزیز مصر، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و

فلما رءا قمیصه .. قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

علم خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسانین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <لسانین> لام انتفاع است و <لسانین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

غارتگری پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أما السفینه .. فأردت أن أعبیها ... يأخذ کلّ سفینه غصبًا

غفلت از تعالیم قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۲

۱۲- برخی مردم ، از پیام اصلی ماجرای اصحاب کهف ، غفلت کرده و به ابعاد فرعی و کم فائده آن می پردازند .

سیقولون ثلثه .. قل ربّی أعلم بعدتهم

فرار ماهی قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۱ - ۵،۶

۵- ماهی بی جانِ همراه موسی (ع) ، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند

، در آب دریا فرو رفت .

نسیا حوتهما فاتخذ سبيله في البحر سرباً

فاعل <اتخذ> ضمیری است که به <حوت> بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. <سرب> به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای <سبیل> است؛ یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

۶- < عن أبي عبدالله (ع) قال : . . . أرسل (أى موسى) إلى يوشع إني قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا ، و اشتري حوتاً . . . ثم شواه ثم حمله في مكمل . . . فقطرت قطره من السماء في المكمل فاضطرب الحوت ثم جعل يثب من المكمل إلى البحر قال : و هو قوله : < واتخذ سبيله في البحر سرباً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: .. موسی به یوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب و جوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله في البحر سرباً.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱۱، ۱۰، ۳، ۲

۲- ماهی همراه موسی و یوشع ، در مجمع البحرین ، در آب دریا فرو غلتید و از دسترس آنان دور شد .

واتخذ سبيله في البحر عجباً

۳- حرکت ماهی بی

جان به سمت دریا و فرو رفتن در آن ، از چشم موسی (ع) پنهان مانده ، ولی خدمت کارِ وی آن را دیده بود .

أرءیت إذ أوتینا إلی الصخره فإنی نسیت الحوت . . . أن أذکره

<آن اذکره>، بدل برای ضمیر مفعولی در <ما انسانیه> است و مفاد جمله این است که شیطان، ذکر ماجرای ماهی را برای تو، از یاد من برد. این گفته نشان می دهد که یوشع، ماجرای ماهی را می دانست، ولی موسی(ع) از آن خبر نداشت.

۱۰- فرو غلتیدن ماهی و حرکت آن در آب در نظر همسفر موسی به گونه ای غیرعادی و عجیب بوده است .

واتخذ سبیله فی البحر عجبا

۱۱- <عن أبی جعفر (ع) و أبی عبدالله (ع) قال : إنه لما کان من أمر موسی الذی کان أعطی مکتل فیه حوت مملح قیل له : هذا یدلک علی صاحبک عند عین مجمع البحرین . . . فانطلق الفتی یغسل الحوت فی العین فاضطرب الحوت فی یده حتّی خدشه فانفلت و نسیه الفتی ;

از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی(ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند ... پس آن جوانی که همراه موسی(ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد

کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و <ذلک ما کنا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.>
<یا> <نبغی> در پایان سخن موسی (ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

فرجام قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۸

۸ - توطئه <افک> ، در نهایت با افشا شدن نیت و انگیزه بدخواهان و برملا شدن چهره کریه آنان ، به نفع مسلمانان به پایان رسید .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

فضایل قاضی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

فقر مالکان کشتی قصه خضر (ع)

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع)، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

فلسفه بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- خضر (ع) علت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار .. ما فعلته عن أمري

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمين یتیمین فی المدینه و كان تحته كنز لهما

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمين یتیمین .. و كان أبوهما صالحًا

جمله <و كان أبوهما صالحًا> نشانِ علتِ تعمیر دیوار است.

فلسفه بیان قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلی دهنده پیامبر (ص) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان <ما أكثر الناس ..> با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم یمکرون) است و به

این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با

پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

فلسفه ذکر قصه عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۶

۶ - یاد کرد داستان عیسی (ع) در قرآن ، اقدامی هدایتگرانه و مثلی درس آموز

و لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا

با توجه به کاربرد واژه <مَثَلٌ> که داستان عیسی(ع) را به عنوان نمونه و سمبل ذکر کرده است برداشت بالا به دست می آید.

فلسفه ذکر قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالی در باره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَلِّينِ

فلسفه سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۳، ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أَمَّا السَّفِينَةُ... فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا... يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از تقدیم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

وَأَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ... يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

فلسفه قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸

۱۱- > عن أبي عبدالله: ... بينما العالم يمشى مع موسى إذا هم بـغلام يلعب قال: > فوكزه العالم، فقتله. فقال له موسى: > أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً؟ <. قال: > فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب: كافر مطبوع؛

از امام صادق(ع) روایت شده: .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: >پس آن عالم، مشتى بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: >أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟<. امام فرمود: >پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود >کافر مطبوع<. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود.

و أما الغلم .. فخشيها أن يرهقهما طغيئاً و كفرًا

>إرهاق< یعنی: >وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است<. (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندى پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه زكوه و أقرب رحماً

مراد

از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحْم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

فلسفه قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹ - ۶

۶- تسلی دادن به پیامبر (ص) و تسکین اندوه آن حضرت، از اهداف بیان سرگذشت اصحاب کهف

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا

<حسبت> خطاب به پیامبر(ص) است. سیاق آیات، اقتضا می کند که این آیه با آیات پیشین، به خصوص <لعلک باخع نفسک> مرتبط باشد. از وجوه محتمل این است که یادآوری داستان اصحاب کهف و بیان ویژگی های آنان، ممکن است دارای این پیام باشد که مؤمنان حقیقی، گرچه اندک اند، ولی ارزشمند بوده و حضور آنان در برابر اکثریت کفرپیشه، مایه تسلی خاطر است.

فلسفه قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است.

تلك من أنباء الغيب نوحيها إليك .. فاصبر إن العقبه للمتقين

خداوند، با تفریع جمله <إصبر..> به وسیله

حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست؛ بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

فلسفه قصه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۹

۱۹ ذکر داستانهای انبیای پیشین در قرآن برای تسلی پیامبر(ص) و همچنین تأسی وی به آنان است.

و لقد كذبت .. و لقد جاءك من نبی المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۹

۱۹ واداشتن آدمی به تفکر در فرجام و سرنوشت خویش ، از اهداف داستان های قرآن است .

فاقصص القصص لعلمهم یتفكرون

فواید قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۴ - ۲

۲ - لزوم استفاده از شیوه های مختلف تمثیلی و داستانی ، برای تفهیم حقایق به مردمان

إِنَّه لَحَقَّ مِثْلَ مَا أَنْكُم تَنْطِقُونَ . هل أتیک حدیث ضیف إبرهیم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیه قبل، از تمثیل و در این آیه از بیان سرگذشت میهمانان گرامی ابراهیم(ع) در جهت حقانیت وعده های خویش بهره جسته است.

فواید قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۱ - ۲

۲- ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) و اطلاع از آن، امری مهم و بسیار سودمند

و تَبَّهْمَ عَنِ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ

<نبأ> به خبر مهم و بسیار سودمند گفته می شود (مفردات راغب).

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... آیوب ... ابرهیم و اسحق و یعقوب... اسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... آیوب ... ابرهیم و اسحق و یعقوب... اسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... آیوب ... ابرهیم و اسحق و یعقوب... اسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به

مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... آیوب ... ابرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... آیوب ... ابرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذكر داود . . . سليمان ... أيوب ... إبراهيم و إسحق و يعقوب...

إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... آیوب ... ابرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... آیوب ... ابرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۶

۶ - داستان موسی و فرعون ، از فراز های بسیار مفید و شایان توجه تاریخ

نتلوا علیک من نبی موسی و فرعون

واژه <نبأ> در خبرهایی به کار می رود

که دربردارنده فائده ای بزرگ و قابل توجه باشد.

فواید قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۶

۶ - داستان موسی و فرعون ، از فراز های بسیار مفید و شایان توجه تاریخ

نتلوا علیک من نبی موسی و فرعون

واژه <نبأ> در خبرهایی به کار می رود که دربردارنده فائده ای بزرگ و قابل توجه باشد.

فواید قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... آیوب ... ابرهیم و اسحق و یعقوب... اسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُد من قُبَل

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، پیش از اظهار نظر خویش، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد.

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قدّ

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع)

(و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

و إن كان .. و هو من الصديقين

قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۱، ۴

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتى إذا لقياً غلاماً فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۱۱- > عن أبي عبدالله: ... بينما العالم يمشي مع موسى إذا هم بغلام يلعب قال: > فوكزه العالم ، فقتله . فقال له موسى : > أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً ؟ < . قال : > فأدخل العالم يده فاقطلع كتفه فإذا عليه مكتوب : كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: >پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او

گفت: <أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند.

لقد جئت شيئاً نكراً. قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

قرآن و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۸،۹

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمت های آن می باشد.

۹ بیان قرآن درباره مکرها و توطئه های برادران یوسف، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

جمله <و ما كنت لديهم...> به منزله تعلیل برای <ذلك من أنباء الغیب...> است.

قرعه در قصه یونس (ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۱،۷

۱ - قرعه کشتی یونس (ع) و سرنشینان کشتی ، برای به دریا افکنده شدن یک نفر از جمعیان

فساهم فکان من المدحضین

<ساهم> به معنای <قارع> (قرعه افکند) می باشد.

۷ - > عن أبي جعفر (ع) قال :... إستهوا فی یونس لَمَّا ركب مع القوم فوقفت السفینه فی اللجه... فوقع السهم علی یونس ثلاث مرّات... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... در مورد یونس(ع) قرعه انداختند، آن هنگام که به همراه قوم بر کشتی سوار شد و کشتی در آب های متراکم متوقف گردید،... و قرعه سه مرتبه به نام یونس اصابت کرد...<

قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند آدم (ع) را با استعداد فراگیری دانشهایی ویژه آفرید و تمامی حقایق و اسامی آنها را به وی آموخت .

و علّم آدم الأسماء کلها

جمله <علّم آدم> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. آن جمله به قرینه <إنی جاعل...> می تواند این گونه باشد: فخلق آدم جديراً للخلافه و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۱،۲،۵

۱ - خداوند به آدم (ع) فرمان داد تا نام هر یک از حقایق هستی را برای فرشتگان باز گو کند .

قال یأدم أنبئهم بأسمائهم

۲ - آدم (ع) ، نام های حقایق هستی را

برای فرشتگان بیان کرد .

فلما أنبأهم بأسمائهم

۵- آدم (ع) ، آموزگار فرشتگان

يأدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۳، ۲، ۱

۱ - خداوند پس از تعلیم حقایق هستی به آدم (ع) و اثبات لیاقت وی برای خلافت ، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند

و علم آدم الأسماء كلها .. و إذ قلنا للملكه اسجدوا لأدم

۲ - همه فرشتگان پس از فرمان خدا ، بر آدم (ع) سجده کردند .

و إذ قلنا للملكه اسجدوا لأدم فسجدوا

۳ - ابلیس نیز همانند فرشتگان ، مأمور به سجده بر آدم (ع) بود .

فسجدوا إلا إبليس أبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۴، ۲، ۱

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة

۲ - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملكه اسجدوا لأدم .. و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة

۴ - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

يٰٓاٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ

۹- آدَم (ع) و حوا در صورت نزديك شدن به شجره منهيه ، در معرض ارتكاب نهي الهي قرار مي گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجره

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزديك نشويد) نهي از خوردن باشد، به كارگيري <لاتقربا> به جاي

<لا تاكلا> (نخوريد) اشاره به اين معنا دارد كه: آدم(ع) و حوا در صورت نزديك شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتكاب نهي الهی قرار می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۹، ۱۳، ۱۲، ۷، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیة ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند كشانید .

فأزلهما الشيطان عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجره> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی كه سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

۴ - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندك بود .

و قلنا يادام اسكن أنت و زوجك الجنة .. فأزلهما الشيطان عنها

عطف جمله <أزلهما ..> بر آيه قبل به وسيله

حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۷- شیطان در بهشتِ آدم (ع) و حوا، حضور داشت .

فأزلهما الشيطان عنها

۱۲- خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم (ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد؛ تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم (ع) و حوا از شجره منهی در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

۱۹ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: < انما كان لبث آدم و حوا في الجنة حتى خرجا من ها سبع ساعات من أيام الدنيا... >

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۷ - ۱۱، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - آدم (ع)، از کرده خویش (نافرمانی خدا) پشیمان شد و در صدد توبه به درگاه خداوند برآمد .

فتلقى ءادم من ربه كلمت

۲ - خداوند کلمات پر ارزشی را به آدم (ع) تلقین کرد تا با توسل به آنها

، در پیشگاه خداوند توبه کند .

فتلقى ءادم من ربه كلمت

<تلقى> (مصدر تلقى) به معنای: گرفتن و دریافت کردن است و معنای جمله <فتلقى ..> چنین می شود: آدم(ع) از جانب خداوند کلماتی را دریافت کرد. نکره آوردن <کلمات> دلالت بر عظمت و ارجمندی آن کلمات دارد.

۳- توبه آدم (ع) و دریافت کلمات از ناحیه خداوند ، پس از استقرارش در زمین بود . *

و لكم فى الأرض مستقر .. فتلقى ءادم من ربه كلمت

برداشت فوق با عنایت به حرف <فاء> در <فتلقى ..> - که برای ترتیب است - استفاده می شود.

۴- خداوند توبه آدم (ع) را پذیرفت ، گنااهش را آمرزید و او را مشمول رحمت خویش قرار داد .

فتاب علیه إنه هو التواب الرحيم

۱۱- ابن عباس می گوید : < سألت رسول الله عن الكلمات التى تلقى ها آدم من ربه فتاب عليه قال : سأل بحق محمد و على و فاطمه و الحسن و الحسين الا تبت على فتاب عليه ;

از رسول خدا(ص) از کلماتی که آدم(ع) از طرف خدا دریافت داشت و توبه او را پذیرفت. سؤال کردم حضرت فرمود: خداوند را به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین - علیهم السلام - خواند و گفت: توبه مرا بپذیر، پس خداوند توبه او را پذیرفت.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۴

۴- خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و

رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى

<إِذَا> مرکب از <إِنْ> شرطیه و <مَا>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <مَا>ی زایده و نون تأکید در <يَأْتِيَنَّ> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۱

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول الله عزوجل: <واتل علیهم نبأ ابنيءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۹

۹ ابلیس از سجده کردن بر آدم(ع) سرباز زد و از فرمان خدا تمرد کرد.

فسجدوا إلا إبليس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و يأدم أسکن أنت و زوجک الجنة

۲ خداوند تمام خوردنیهای بهشت را برای آدم و همسرش مباح کرد.

فكلا من حيث شئما

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از <لا تقربا... > به قرینه فراز قبل (فكلا...) و نیز

(فلما ذاقا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد.*

و لا تقربا هذه الشجره

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجره فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۷، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشيطان

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدي لهما ما وُرى عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان لیبدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

برخی جمله <ما نهاکما ربکما .. > را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۲

۲ آدم و همسرش حوا، بی اعتماد به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

و قاسمهما إني لکما لمن النصحين

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۸، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما .. فدلیمها بغرور

<تدلیه>، مصدر <دلیی>، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره

به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوء تهما

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما ... فدلیهما بغرور

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

۱۹ عن أبی عبدالله(ع): ... فلما أکلا (آدم و حوا) من الشجره طار الحلی و الحلل

عن اجسادهما و بقيا عريانين

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند

۲۰ عن أبي عبدالله(ع) في قوله: <بَدت لهما سوءاتهما> قال: كانت سوءاتهما لا تبدو لهما يعني كانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه <بَدت لهما سوءاتهما> روایت شده است: عورت آدم و حوا نمایان نبود، یعنی: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پدیدار شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱،۴،۷

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بپامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

۷ آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱،۱۰

۱ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فرو آیند.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرینه <و لکم فی الأرض مستقر> کلمه <الأرض> است.

۱۰ عن أبي عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلى الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی

عاص و لا فی سماواتی ...

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸،۱۰

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما

جمله <ینزع .. > حال برای فاعل <أخرج > است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۷،۹،۱۰

۷ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله شد .

فلما تغشیها حملت حملاً خفیفا

<تغشی > یعنی <پوشانید > و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در <تغشی > به <نفس واحده > که مراد از آن آدم(ع) است برمی گردد.

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا اللّٰه ربهما

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندى سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّٰه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنكونن من

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما آتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱،۴

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا الله ربهما لئن ... فلما آتیهما صلحاً

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان ، به شرک گراییدند .

فلما آتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء فیما آتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلاً له شرکاء > (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند ؛ زیرا آنان منزله از شرکوری می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۲،۳،۱۴

۲- فرمان خداوند به سجده همه فرشتگان بر آدم (ع)

للملئكة اسجدوا لأدم

۳- همه فرشتگان جز ابلیس، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت کردند.

قلنا للملئكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس

۱۴- همه فرشتگان به جز ابلیس، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد تکریم خویش قرار دادند.

و إذ قلنا للملئكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی <سجده> است که به معنای <خضوع> و <تذلل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱،۲

۱- تکریم آدم (ع) از سوی خدا، مورد اعتراض ابلیس قرار گرفت.

قال أرىيتك هذا الذي كَرَّمْت عليّ

۲- ابلیس، از خداوند خواستار با خبر شدن از فلسفه بزرگداشت آدم (ع) و برتر دانستن او بر خود شد.

قال أرىيتك هذا الذي كَرَّمْت عليّ

عبارت <أرأيت> معمولاً در آغاز جمله و برای سؤال می آید و به معنای <أخبرنی> است؛ بنابراین مراد از آن این است که: خداوند! به من اطلاع بده که چرا آدم را بر من برتری دادی؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۵ - ۲،۳،۴

۲ - خداوند، در آغاز آفرینش انسان و روزگار پیش از عصر نزول قرآن، با آدم ابوالبشر، خواسته و توصیه ای را در میان گذاشته بود.

و كذلك أنزلناه .. و لقد عهدنا إلى آدم من قبل

و مراد از عهدی که خداوند با حضرت آدم (ع) کرده بود چنانچه از آیات دیگر قصه آدم (ع) استفاده می شود نخوردن از

درخت ممنوع بوده است.

۳- آدم (ع)، سفارش و عهد خداوند را نادیده گرفت و به آن عمل نکرد.

و لقد عهدنا إلى آدم من قبل فَنَسَى

مراد از <نسیان> به قرینه سخن شیطان به آدم (ما نهاکما ربکمما.. اعراف / ۲۰) فراموشی حقیقی نبوده است؛ بلکه لازمه آن (ترک عمل) اراده شده است.

۴- آدم، فاقد عزم و اراده لازم برای به کار بستن توصیه های خداوند و توجه به آن بود.

و لقد عهدنا إلى آدم .. فَنَسَى و لم نجد له عزمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۳،۴،۸

۳- تمامی فرشتگان، فرمان سجده برای آدم را گردن نهادند و بی درنگ در برابر او به سجده افتادند.

فسجدوا

حرف <فا> بر نبودن فاصله بین فرمان سجده و انجام آن دلالت دارد.

۴- ابلیس، همچون فرشتگان، مأمور به سجده در برابر آدم (ع) بود.

للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلا ابلیس

۸- آدم (ع)، دارای مقام و جایگاهی برتر از ملائکه

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱،۴،۵،۷،۹،۱۰

۱- آدم (ع) و همسرش حوا، در بهشت سکونت داشتند.

فقلنا .. فلا یخرجنکما من الجنه

<جَنَّة> به معنای باغ است و <الْجَنَّة> در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

ابلیس از سجده در برابر آدم، نشانگر دشمنی او با آدم و دیگرانسان ها است .

إِلَّا ابْلِيسَ أُبِي . فَقَلْنَا يَا دَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزُوجِكَ

معرفی ابلیس پس از امتناع از سجده، به عنوان دشمن <آدم و حوا> نشانگر آن است که ترک سجده، علامت این دشمنی بوده است و دشمن شدن او با حوا، گویای این است که ابلیس پس از ماجرای سجده بر آدم، با جنس انسان، خصومت یافته است.

۵- بهشت مسکونی آدم و حوا، جایگاهی آماده برای آسایش و راحتی و به دور از هرگونه مشقت و سختی

فَلَايُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى

۷- هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فَلَايُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى

۹- آدم (ع) و حوا، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف، ملزم بوده اند .

فَلَايُخْرِجَنَّكُمَا

گرچه نهی در <فلايُخْرِجَنَّكُمَا> متوجه ابلیس است؛ ولی خطاب آن به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القانات او است.

۱۰- حوا در بهشت مسکونی خویش، همسر آدم (ع) و تحت سرپرستی وی بود .

عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزُوجِكَ فَلَايُخْرِجَنَّكُمَا

خداوند، رهنمودهای مربوط به حوا را، با آدم(ع) در میان گذاشته و او را به پرهیز هر دو از زمینه های خروج از بهشت فرمان داده است. این گونه خطاب را می توان نشان سرپرستی آدم(ع) قلمداد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۱،۲

۱ - آدم (ع) در

بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرَى

تعبیر <إِنَّ لَكَ..> وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد؛ زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده <لاتعری> در حق او عملی نگردد.

۲- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۱

۱- آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

وَ إِنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَ لَا تَضْحَى

<لاتضحی>؛ یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی <جَنَّةٌ> که بستان پوشیده از درخت است به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۱۴، ۹، ۶، ۵

۵- گفت و گوی مستقیم شیطان با آدم

قال یادم

۶- راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از

هل أدلك علی شجرة الخلد و ملك لا یبلی

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملك> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملك لا یبلی> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

۹ - آدم (ع) به سکونت جاودانه خویش در بهشت اطمینان نداشت .

إن لك ألا تجوع .. هل أدلك علی شجرة الخلد

خداوند، تأمین بودن آدم(ع) از نظر غذا، پوشاک، آب، و مسکن را به او خیر داد؛ ولی گویا آدم در عین تضمین این نعمت ها، نسبت به جاوید بودن خود در آن بهشت اطمینان نداشت. از همین رو وسوسه شیطان در او اثر کرد.

۱۴ - آدم (ع) ، دارای محدودیت در استفاده از برخی میوه های درختان بهشت بود .

هل أدلك علی شجرة الخلد و ملك لا یبلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۲،۱۶،۱۷،۱۹،۲۱،۲۳،۲۴

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشیطن .. فأكلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع ، موافق تصمیمات شوهرش آدم ، عمل می کرد .

فوسوس إليه الشیطن .. فأكلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود(فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

۳ - تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملك بی زوال ، او و همسرش را به

تناول از درخت ممنوع شده واداشت .

هل أدلك على شجرة الخلد .. فأكلا منها

۴ - آدم و حوا (ع) ، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان ، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند .

إن هذا عدو لك و لزوجك .. فأكلا منها

۵ - تأثیرپذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع ، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود .

و لقد عهدنا .. فأنسى .. فأكلا منها

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و پی آمدهای آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

۸ - عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

<سواء> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۹ - تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

۱۰ - نافرمانی آدم و حوا ، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد .

إن لك .. لاتعری .. فبدت لهما سوءتهما

۱۲ - آدم و حوا در پی مکشوف شدن عورت

هایشان ، سعی در پوشاندن آن با برگ درختان داشتند .

فبت لهما سوءتھما و طفقا یخصفان علیھما من ورق الجنّہ

<طفقا>؛ یعنی، آغاز کردند و <خصف> هرگاه با <علی> متعدی شود، به معنای به هم دوختن چیزهایی و نهادن آن بر جایی خواهد بود؛ یعنی، آدم و حوا، برگ ها را به یکدیگر متصل کرده و آن را بر خود گرفتند.

۱۶ - آدم (ع) با تناول از درخت ممنوع ، مرتکب معصیت پروردگار گردید .

فأکلا .. و عصی ءادم ربّہ

۱۷ - آدم (ع) قبل از تناول از درخت منع شده ، فرمان ممنوعیت آن را از خداوند دریافت کرده بود .

فأکلا منها .. و عصی ءادم ربّہ

<عصیان> در صورتی تحقق می یابد که امر یا نهی از جانب خداوند صادر شده باشد. بنابراین گرچه در این آیات به ممنوعیت تناول از درخت، تصریح نشده است؛ ولی ذکر <عصیان>، شاهدی گویا بر صادر شدن نهی در مورد تناول از آن درخت است.

۱۹ - آدم (ع) ، به جاودانگی و فرمان روایی ابدی در بهشت ، دست نیافت و در خواسته خویش ، ناکام ماند .

هل أدلک علی شجره الخلد .. فأکلا ... و عصی ءادم ربّہ فغوی

<غوی>؛ یعنی، ناکام شد و راه را گم کرد (مصباح) گفتنی است مراد از ناکامی و گمراهی آدم به قرینه وسوسه ابلیس راه نیافتن او به آرزوهای القا شده از سوی شیطان است.

۲۱ - آدم ، بر اثر نافرمانی خداوند و خوردن از درخت منع شده ، از رشد خویش بازماند .

فغوی

<غی> (مصدر <غوی>) نقطه مقابل رشد است (مقایس اللغه).

- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : > بدت لهما سوأتهما < قال : كانت سوأتهما لا تبدو لهما ؛ یعنی ، كانت داخله ؛

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا >بدت لهما سوأتهما< روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان] بود.<

۲۴ - > عن أبي عبد الله (ع) (في حديث) : فلما أسكن الله عزوجل آدم و زوجته الجنة قال لهما : . . . و لا تقربا هذه الشجرة . . . فلما أكلا من الشجرة طار الحلبي و الحلل عن أجسادهما و بقيا عربانيين ؛

از امام صادق(ع) [ضمن حدیثی] روایت شده که فرمود: چون خداوند عزوجل آدم و همسرش را در بهشت جای داد، به آنان گفت: . . . نزدیک این درخت نشوید ... و آنان چون از آن درخت خوردند، زیور و جامه ها از اندام آنان پرید و آنها عریان ماندند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸

۱ - آدم (ع) در پی عصیان و تناول از درخت ممنوع ، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد .

ثم اجتبه ربه فتاب عليه

>جبايه < (ریشه اصلی >اجتبی <) ؛ به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و >اجتباء < به معنای اصطفاء (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین >اجتباء ربه < یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را

برای خود خالص گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم(ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

۲ - خداوند ، برای تربیت و رشد آدم ، علاقه های غیر الهی را از او دور ساخت و وی را برای خود خالص گردانید .

ثم اجتبه ربّه فتاب علیه

۳ - پذیرش دوباره آدم (ع) و برگزیدن او از سوی خداوند ، پس از گذشت مدتی از خطای تناول از درخت ممنوع صورت گرفت .

ثم اجتبه ربّه فتاب علیه

<ثم> برای تراخی است و می رساند که اجتبای الهی که همان موفق ساختن آدم(ع) به توبه و انقطاع از غیر خدا بود با تأخیر انجام پذیرفت.

۵ - خداوند با عطوفت و مهربانی توبه آدم را پذیرفت و گناه او را بخشید .

ثم اجتبه ربّه فتاب علیه

<تاب> یعنی رجوع کرد و به دلیل حرف <علی> در آن معنای عطوفت و ترحم تضمین شده است، یعنی، خداوند در حالی به آدم توجه و عنایت کرد، که بر او عطف و مهربان بود.

۶ - انقطاع کامل آدم (ع) از غیر خدا و معطوف شدن تمام توجه او به خداوند ، زمینه ساز عنایت دوباره خداوند به آن حضرت بود .

اجتبه ربّه فتاب علیه

حرف <فا> گویای تفریع <تاب علیه> بر جمله قبل است که بر گرد آمدن و جمع شدن همه علایق و وابستگی های آدم(ع) در توجه به خداوند دلالت داشت .

۷ - آدم (ع) ، در پی برگزیدگی و آمرزیده شدن ، از هدایت الهی نیز برخوردار گردید .

ثم اجتبه ربّه فتاب علیه و هدی

۸ - آدم (ع) ، پس از

آمزش گناش ، راه رشد و تعالی خویش را باز یافت .

و هدی

در آیه قبل آمده بود که آدم(ع) در پی نافرمانی و عصیان، از رشد و کمال خویش بازماند (غوی). فعل <هدی> در این آیه دلالت می کند که خداوند آثار آن گمراهی را از میان برد و راه کمال و برگزیدگی را الهی را به او نشان داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱،۲

۱ - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده ، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فأكلا منها .. قال اهبطا منها

<اهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۲ - خداوند ، شیطان را به دلیل وسوسه گری و فریب دادن آدم ، از بهشت اخراج کرد و به فرود آمدن به زمین فرمان داد .

فوسوس إليه الشيطان .. قال اهبطا منها جميعًا

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مخاطب در <اهبطا> آدم و شیطان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور به ابلاغ چگونگی آگاه شدنش از ملأ اعلی (عالم فرشتگان) و منشأ اطلاعات و اخبارش درباره آدم (ع) ، فرشتگان و .

ما كان لي من علم بالملا الأعلى .. إن يوحى إلي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۳ - ۱

۱ - با صدور فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، بی درنگ همه آنها ، در برابر او به سجده درافتادند .

فقعوا له سجدين . فسجد الملائكة كلهم

قصه ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۶، ۴، ۱

۱ - خداوند ، پیامبرش ابراهیم (ع) را با تکالیفی سنگین و دشوار بیازمود .

و إذ ابتلی إبرهیم ربه بكلمت

<ابتلاء> به معنای آزمودن است. تعبیر کردن از مواد آزمون به کلمات (سخنان) اشاره به این دارد که: آن مواد فرمانهایی بوده که ابراهیم باید آنها را امتثال می کرد و لذا کلمات در برداشت، به تکالیف تفسیر شد. نکره آوردن (کلمات) حکایت از عظمت آن دارد، که به مناسبت آزمون، از آن به دشواری و سنگینی تعبیر شد.

۴ - ابراهیم (ع) ، همه آزمون های الهی را با موفقیت کامل به پایان رسانید .

و إذ ابتلی إبرهیم ربه بكلمت فتمهن

<اتمام> (مصدر اتمّ) به معنای انجام دادن کار به طور کامل است. بنابراین <أتمهن> یعنی، ابراهیم (ع) آن تکالیف را به طور کامل به انجام رسانید.

۶ - موفقیت ابراهیم (ع) در آزمون های الهی ، موجب شایستگی او برای مقام امامت شد .

فتمهن قال إني جاعلك للناس إماماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - بقره - ٢ - ١٢٥ - ١٧

١٧ - ابراهيم (ع)

و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱،۵،۲۰

۱ - تبدیل زمین های اطراف کعبه به شهری دارای امنیت ، درخواست ابراهیم (ع) از درگاه خداوند

و إذ قال إبرهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً

ظاهر آن است که مشارالیه <هَذَا> زمینهای اطراف کعبه باشد. بر این مبنا جمله <اجعل...> حاکی از دو درخواست است: ۱ شهر شدن زمینهای اطراف کعبه؛ ۲ برقرار بودن امنیت در آن شهر. قابل ذکر است که کلمه <بلد> به معنای سرزمین دارای حدود و مشخصات و نیز به معنای شهر است. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال می باشد.

۵ - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق . . من ءامن منهم باللّٰه و الیوم الآخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

۲۰ - دلجویی خداوند از ابراهیم (ع) به خاطر اجابت نکردن دعای او علیه کافران مکه

و ارزق . . من ءامن منهم ... قال و من کفر فأمتعه قليلا ثم أضطره إلی عذاب النار

از هدفهای بیان اندک بودن متاع دنیا و زمان بهره گیری از آن و نیز بیان فرجام شوم کفرپیشگان پس از رد کردن تقاضای ابراهیم علیه آنان، دلجویی از ابراهیم است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱،۳،۴

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۴ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، با دعا به درگاه خدا خواستار پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه) شدند .

ربنا تقبل منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱،۳،۸،۱۰

۱ - تسلیم خدا شدن ، از دعا های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه

و إذ یرفع إبرهیم القواعد .. ربنا واجعلنا مسلمین لك

۳ - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمه مسلمه لك

۸ - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ،

از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

۱۰- ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۱ - ۲

۲- ابراهیم (ع) ، فرمان خدا را بدون هیچ تأخیری پذیرفت و تسلیم بودن خویش را در برابر خدا ، اعلام کرد .

قال أسلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱،۲

۱- ابراهیم و یعقوب (ع) هر یک دارای پسرانی چند بودند .

و وصی بها ابرهیم بنیه و یعقوب بینی

۲- ابراهیم (ع) ، پسرانش را به پیروی از آیین خویش (تسلیم خدا بودن) توصیه کرد .

و وصی بها ابرهیم بنیه

ضمیر <بها> می تواند به <مله ابراهیم> (در آیه ۱۳۰) برگردد و نیز می تواند به جمله <أسلمت> در آیه قبل بازگردانده شود. گفتنی است بازگشت هر دو فرض به یک معناست؛ زیرا آئین ابراهیم همان تسلیم گشتن در برابر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۸

۸- ابراهیم (ع) ، هرگز به شرک گرایش پیدا نکرد و از مشرکان نبود .

و ما كان من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۵

۵ داستان ابراهیم (ع) و نمود و قصه عزیز و یا ارمیای پیامبر و زنده شدن مرغان کوبیده شده و نیز تمامی احکام و مقررات انفاق، از آیات الهی است.

الم تر .. او کالذی مرّ ... فخذ اربعه من الطیر ... مثل الذین ... کذلک یتین ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۲،۳،۶

۲ ابراهیم(ع) شخصیتی شناخته شده نزد مردم مکه، و مورد احترام آنان بود.

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

همان گونه که مفسرانی مانند فخر رازی و آلوسی گفته اند، چون حضرت ابراهیم(ع) برای مشرکان مکه مورد احترام و شناخته شده بود، خداوند از زبان آن حضرت برای ابطال پندارهای مشرکان مطالبی ذکر فرموده است.

۳ آزر، پدر صلبی ابراهیم(ع) نبوده است.

إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

روش قرآن در آیات مختلف مشابه این آیه ذکر نام و نشان افراد نیست. لذا تصریح به اسم آزر به صورت عطف بیان بدان جهت می تواند باشد که مراد از <اب> را روشن نماید که پدر حقیقی ابراهیم(ع) نبوده، بلکه عمو و یا پدر خوانده وی بوده است.

۶ تلاش ابراهیم(ع) با استفاده از احتجاج و اعتراض برای بازداشتن آزر از بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر أتتخذ أصناما ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۹

۹ عن أبی عبدالله(ع): ... نظر (ابراهیم) إلى الزهره فی السماء فقال: <هذا ربی> فلما افلت ... قال: <لا احب الآفلین> فلما نظر

إلى المشرق رأى وقد طلعت الشمس ... فلما تحركت و زال قال: <هذا ربي> ... فلما تحركت و زالت كشف الله له عن السموات حتى رأى العرش و من عليه و اراه الله ملكوت السموات و الأرض ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. ابراهیم(ع) به ستاره زهره در آسمان نظر افکند و گفت: <این پروردگار من است> و هنگامی که غروب کرد ... گفت: <غروب کنندگان را دوست ندارم> و هنگامی که به مشرق نگریست ماه را در حال بر آمدن دید گفت: <این پروردگار من است> ... چون به حرکت در آمد و محو شد، گفت: <اگر پروردگارم مرا هدایت نکند حتماً از گمراهان خواهم بود.> چون صبح شد و خورشید بر آمد ... گفت: <این پروردگار من است> ... وقتی که به حرکت در آمد و محو شد، خداوند برای او آسمانها را نمایان کرد تا اینکه عرش و ساکنان آن را مشاهده نمود و خدا ملکوت آسمانها و زمین را به او نمایاند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۱۱، ۶، ۲

۲ ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن عليه الیل رءا كو كبا قال هذا ربي

جمله <فلما جن> تصریح بر <كذلك نرى ..> است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک پردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله

و به برای ابطال باطل بوده است.

۶ ابراهیم(ع) در برابر ستاره پرستان، با توجه به پنهان شدن ستارگان، پذیرفتن ربوبیت برای آنها را نامعقول اعلام کرد.

قال هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

<افول> به معنی پنهان شدن است.

۱۱ عن الرضا(ع): إن إبراهيم(ع) وقع إلى ثلاثة اصناف، صنف يعبد الزهره .. <فلما جن عليه الليل> فرأى الزهره، قال <هذا ربی> <على الإنكار و الاستخبار> فلما افل <الكوكب> قال لا أحب الأفلین <لأن الافول من صفات المحدث لا من صفات القدم ...>

از امام رضا(ع) روایت شده است: ... ابراهیم(ع) با سه گروه برخورد کرد؛ گروهی که ستاره زهره را می پرستیدند ... <چون شب، ابراهیم(ع) را فروگرفت> و ستاره زهره را دید، به عنوان استفهام انکاری گفت: <این پروردگار من است> و چون ستاره غروب کرد گفت: <غروب کنندگان را دوست ندارم>؛ زیرا غروب کردن از صفات موجود حادث است نه قدیم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۱۳، ۲، ۳

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله با تظاهر به ماه پرستی به ابطال آن پرداخت.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی فلما أفل

۳ تظاهر ابراهیم(ع) به ماه پرستی و مجادله با ماه پرستان به هنگام تابندگی آن بوده است.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی

<بزوغ> به معنای طلوع و تابش است. (لسان العرب). راغب نیز در ماده <بزغ> و در شرح آیه مورد بحث گوید: <ای طالعا منتشر الضوء>. بنابراین سخن ابراهیم(ع) با ماه پرستان در اوایل و یا اواخر ماه نبوده، بلکه به هنگام تابش آن بوده

است.

۱۳ عن الرضا(ع): إن إبراهيم(ع) وقع إلى ثلاثة اصناف .. صنف يعبد القمر ... <فلما رأى القمر بازغا قال هذا ربي > على الانكار والاستخبار ...

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. ابراهیم(ع) با سه گروه برخورد کرد ... گروهی که ماه را می پرستیدند ... <پس آنگاه که ماه را تابان دید>، به عنوان استفهام انکاری گفت: <این پروردگار من است> ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱۲، ۹، ۳، ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربي

۳ بزرگتر بودن خورشید از ماه، بهانه ابراهیم(ع) برای عدول از ماه پرستی و تظاهر به پرستش خورشید

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربي هذا أكبر

۹ ابراهیم(ع) در پی ابطال مستدل عقاید شرک آمیز قوم خویش، به صراحت از معبودهای آنان بیزاری جست.

فلما رء الشمس .. إني برىء مما تشركون

چنانچه <ما> در <مما تشركون> موصول باشد، مضمون جمله چنین است: <برىء من الذى تشركون به>. یعنی از چیزهاییکه به آن شرک میورزید بیزارم.

۱۲ عن الرضا(ع): إن إبراهيم(ع) وقع إلى ثلاثة اصناف .. صنف يعبد الشمس ... <فلما أصبح و رأى الشمس بازغه قال هذا ربي هذا أكبر> من الزهره و القمر على الانكار و الاستخبار ... <فلما افلت> قال للاصناف الثلاثة من عبده الزهره و القمر و الشمس <يا قوم إني برىء مما تشركون ... >.

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. ابراهیم(ع) با سه گروه برخورد کرد ... گروهی که خورشید

را می پرستیدند ... پس چون صبحگاهان خورشید را تابان دید از روی انکار و استخبار گفت: این پروردگار من است این، از ستاره زهره و ماه بزرگتر است ... پس هنگامی که غروب کرد به گروههای سه گانه پرستنده زهره، ماه و خورشید گفت: <ای قوم من، من از آنچه شما شریک خدا می دانید، بیزارم> ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۲، ۹، ۳، ۱

۱ قوم ابراهیم به جای تسلیم در برابر توحید مستدل او، به احتجاج با او پرداختند.

و ما أنا من المشركين. و حاجه قومه

۳ اظهار شگفتی ابراهیم(ع) از لجاجت مردم بر شرک، علی رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتجوني في الله

۹ قوم ابراهیم در مقابله با ادله توحیدی آن حضرت، او را به آسیب دیدن از جانب بتها بیم دادند.

و لا أخاف ما تشركون به

جمله <لا أخاف> که پاسخ حضرت ابراهیم(ع) به تهدید مشرکان است قرینه بر وقوع تهدید از جانب آنهاست.

۱۲ ابراهیم(ع) با اعلام نهراسیدن از معبودهای مشرکان، بی پایگی منطق و تهدیدهای مشرکان را نشان داد.

و لا أخاف ما تشركون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۲

۲ قوم ابراهیم او را به آسیب دیدن از جانب معبودهای خود تهدید می کردند.

و لا أخاف ما تشركون به ... و كيف أخاف ما أشركتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۱۷، ۱۶، ۱۱، ۸، ۷، ۴، ۳، ۱

۱ خداوند، فرشتگانی چند برای بشارت

دادن به حضرت ابراهیم (ع) به سوی او گسیل داشت .

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

آیه ۷۰ و نظایر آن، حاکی است که فرستادگان الهی فرشته بودند و بشارت مورد نظر به قرینه آیه ۷۱، بشارت میلاد اسحاق و یعقوب بوده است.

۳ فرشتگان پیام آور بشارت ، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند .

قالوا سلّمًا

۴ ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلم فما لبث أن جاء بعجل حنید

۷ فرشتگان پیام آور بشارت ، به سیمای آدمیان بر ابراهیم (ع) وارد شدند .

قالوا سلّمًا قال سلم فما لبث أن جاء بعجل حنید

از اینکه ابراهیم(ع) غذایی که انسانها از آن تناول می کنند برای فرشتگان آورد، معلوم می شود: آن حضرت، فرشتگان را به صورت و سیمای انسان دید و به ماهیت آنان پی نبرد.

۸ ابراهیم (ع) ، در فاصله ای کوتاه پس از آمدن فرشتگان بشارت ، گوساله ای بریان شده برای آنان آورد .

فما لبث أن جاء بعجل حنید

ضمیر در <لبث> به ابراهیم(ع) برمی گردد و <أن جاء> به تقدیر <فی> متعلق به <لبث> است. <عجل> به گوساله نر که بیش از یک ماه نداشته باشد، گفته می شود و <حنید> به معنای بریان شده است. بنابراین <فما لبث...>؛ یعنی، ابراهیم(ع) در آوردن گوساله ای بریان شده درنگی نکرد.

۱۱ مباشرت حضرت ابراهیم (ع) در پذیرایی از میهمانان خویش

فما لبث أن جاء بعجل حنید

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى

بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط : جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و كزوبيل (ع) فمروا براهيم (ع) . . . و كان صاحب
أضياف فشوى لهم عجلًا سمينًا حتى أنضجه ثم قرّبه إليهم . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی برای هلاک کردن قوم لوط چهار فرشته فرستاد: جبرئیل، میکائیل،
اسرافیل و کزوبیل. پس بر ابراهیم گذر کردند و ابراهیم مهمانپذیر و مهمان دوست بود. از این رو گوساله فربهی برایشان بر
آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد...<.

۱۷ > عن أبي جعفر (ع) قال : . . . قدم الله تعالى رسلاً إلى ابراهيم يبشرونه باسحاق . . . و ذلك قوله : > و لقد جاءت رسلنا
ابراهيم بالبشرى < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند به سوی ابراهیم مأمورانی فرستاد که او را به [تولد] اسحاق مژده دهند و
این است سخن خداوند که فرمود: و لقد جاءت ..<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۰ - ۱۲، ۷، ۸، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرشتگان وارد بر ابراهیم (ع) ، دست به غذا نبردند و از آن تناول نکردند .

فلما رء آ أیدیهم لاتصل إليه

> لاتصل إليه < (دستشان به سوی گوساله بریان شده نمی رسید) کنایه از آن است که از غذا تناول نمی کردند.

۲ خودداری فرشتگان از خوردن غذای ابراهیم (ع) ، موجب ناراحتی و ناخوشایندی او شد .

فلما رء آ أیدیهم لاتصل إليه نکرهم

۳ ابراهیم (ع) ، از فرشتگان حاضر در خانه خویش

، احساس ترس و دلهره کرد .

و أوجس منهم خيفة

ایجاس (مصدر أوجس) به معنای احساس کردن است.

۴ خودداری فرشتگان از تناول غذا ، عامل ترس ابراهیم (ع) از آنان شد .

فلما رأ أیدیهم لاتصل إلیه نکرهم و أوجس منهم خيفة

۷ فرشتگان مهمان بر ابراهیم (ع) ، با معرفی خود و مأموریتشان ، ترس و دلهره را از ابراهیم (ع) زدودند .

قالوا لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط

۸ حضرت ابراهیم (ع) به ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) تا پیش از معرفی خودشان ، پی نبرده بود .

قالوا لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط

۱۲ > عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعة أملاك . . . فمروا بابراهيم (ع) و هم معتمون فسلموا عليه فلم يعرفهم . . . فشوى لهم عجلًا سمينًا حتى أنضجه ثم قرّبه إليهم فلما وضعه بين أیدیهم رأى أیدیهم لاتصل إلیه نکرهم و أوجس منهم خيفة فلما رأى ذلك جبرئیل حسر العمامه عن وجهه و عن رأسه فعرفه ابراهيم (ع) فقال أنت هو؟ فقال : نعم . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی چهار فرشته فرستاد آنان بر ابراهیم گذر کردند در حالی که دارای عمامه بودند [سر و صورت خود را با عمامه پوشانده بودند] پس بر او سلام کردند، او آنان را نشناخت. .. آن گاه برایشان گوساله فربهی بر آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد و هنگامی که ابراهیم(ع) دید دست فرشتگان به آن گوساله بریان نمی

رسد، آنان را شناخت و در دل احساس ترس نمود، چون جبرئیل چنین دید، عمامه را از سر و صورت خود کنار زد. پس ابراهیم او را شناخت و گفت: تو همانی گفت: آری.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۹، ۷، ۲، ۱

۱ همسر ابراهیم (ساره) در مجلس فرشتگان پیام آور بشارت حضور داشت .

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری . . . وامرأته قائمه فضحكت

۲ ابراهیم (ع) و فرشتگان حاضر در نزد او ، همگی نشسته بودند و ساره ایستاده بود .

وامرأته قائمه

۷ خداوند ، همسر ابراهیم را به دارا شدن فرزند پسری بشارت داد .

فبشرنها یاسحق

۹ خداوند ، به ساره بشارت داد که اسحاق ، دارای فرزند پسری خواهد شد .

فبشرنها یاسحق و من وراء إسحق یعقوب

کلمه <یعقوب> عطف بر <اسحاق> است و عبارت <من وراء إسحاق> توصیفی برای <یعقوب> می باشد، یعنی: فبشرنها ییعقوب کائناً من وراء اسحاق.

۱۱ نوید تولد اسحاق و یعقوب به ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، در جلسه پذیرایی ابراهیم از فرشتگان بیان شد .

فبشرنها یاسحق و من وراء إسحق یعقوب

۱۲ زمان آگاهی ابراهیم (ع) به دارا شدن فرزند و نوه (اسحاق و یعقوب) اندکی پیش از به هلاکت رسیدن قوم لوط بود .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط. وامرأته قائمه فضحكت فبشرنها یاسحق

۱۵ > عن أبي جعفر (ع) [فی قوله تعالی] : > وامرأته قائمه < قال : إنما عنی ساره قائمه . . . > فضحكت < یعنی فعجبت من قولهم . . . >

از امام

باقر(ع) درباره قول خدای تعالی: <وامرأته قائمه> روایت شده است: مقصود ساره همسر ابراهیم(ع) است که ایستاده بود .. و درباره <فضحکت> [روایت شده است]: یعنی ساره از سخن فرشتگان شگفت زده شد ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱،۵

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً

۵ گفتوگوی ساره (همسر ابراهیم) با فرشتگان

فبشرنها یاسحق .. قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۵،۶،۱۰

۱ ترس و دلهره ابراهیم (ع) ، با پی بردن به ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) برطرف شد .

فلما ذهب عن إبرهیم الروع

<الروع> به معنای ترس و دلهره است و <ال> در آن عهد ذکر است و اشاره به ترسی دارد که به خاطر تناول نکردن فرشتگان از طعام ابراهیم(ع)، بر وی عارض شد.

۲ فرشتگان مهمان بر ابراهیم (ع) ، او را به دارا شدن فرزندی پسر ، بشارت دادند .

و جاءته البشری

<ال> در <البشری> عهد ذکر است و اشاره به بشارتی دارد که آیه ۷۱ (فبشرناها) متضمن آن بود.

۳ ابراهیم (ع) ، پس از پی بردن به هدف فرشتگان (نابودسازی قوم لوط) ، با آنان به چون و چرا و جر و بحث پرداخت .

یجدلنا فی قوم لوط

جمله <قد جاء أمر ربك> در

آیه ۷۶ می تواند قرینه ای بر این باشد که مراد از <یجادلنا>، <یجادل رسلنا> باشد.

۵ جدال و چون و چرای ابراهیم (ع) درباره قوم لوط، پس از برطرف شدن ترس او و دریافت بشارت (فرزنددار شدن) بود

فلما ذهب عن إبرهیم الروح و جاءته البشری یجدلنا فی قوم لوط

۶ بشارت یافتن ابراهیم (ع) به فرزنددار شدن در سن کهولت، او را به پذیرش شفاعتش درباره قوم لوط (برطرف شدن عذاب از آنان) امیدوار ساخت.

فلما .. جاءته البشری یجدلنا فی قوم لوط

برداشت فوق، مقتضای ترتب <یجادلنا ..> بر <جاءته البشری> است.

۱۰ > عن أبي بصير... قال أبو جعفر (ع): فلما جاءت ابراهيم البشارة باسحاق و ذهب عنه الروح أقبل یناجی ربه فی قوم لوط و یسأله كشف البلاء عنهم... ;

از ابوبصیر نقل شده... که امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که به ابراهیم بشارت اسحاق رسید و ترس او برطرف شد، درباره قوم لوط با پروردگار خود به نجوا سخن گفت و از خدا خواست تا بلا را از آن قوم برطرف سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۶ - ۷

۷ جر و بحث ابراهیم (ع) با فرشتگان و شفاعت او درباره قوم لوط، پیش از اطلاع او بر قطعی شدن عذاب آنان بوده است.

یجدلنا فی قوم لوط... یابرهیم أعرض عن هذا إنه قد جاء أمر ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۱ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۲۰

۲۰- > عن أبي الحسن موسى بن جعفر (ع) قال : إن إبراهيم (ع) لما أسكن اسماعيل (ع) و هاجر مكة ... قال : > اللهم إني أسكنت من ذريتى بواد غير ذى زرع عند بيتك المحرم ... فاجعل أفئده من الناس تهوى إليهم ... > فأوحى الله إلى إبراهيم عن أصعد أباقبيس فناد فى الناس : يا معشر الخلائق إن الله يأمركم بحج هذا البيت الذى بمكة ... فهناك ... وحب الحج على جميع الخلائق ... ;

از امام کاظم(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که ابراهیم(ع)، اسماعیل و هاجر را در مکه اسکان داد .. گفت: پروردگارا! >إني أسكنت من ذريتى بواد غير ذى زرع ...<. پس خداوند به او وحی کرد: بر بالای کوه ابوقبیس برو، پس در میان مردم ندا ده: ای مردمان! همانا خداوند شما را به حج این خانه ای که در مکه است امر کرده ... پس آن جا بود که حج بر تمام خلائق واجب شد.<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۲ - ۱۱، ۹، ۴۸، ۳، ۱

۱- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به هنگام ورود بر وی ، به او

سلام و درود گفتند .

و تَبَّهَم عن ضيف إبراهيم . إذ دخلوا عليه فقالوا سلِّمًا

۳- ابراهيم (ع) و خانواده وی با مشاهده ورود مهمانان (فرشتگان) به محضر ایشان ، هراسناک و مضطرب شدند .

إذ دخلوا عليه .. قال إنا منكم وجلون

با اینکه ملائکه بر شخص حضرت ابراهيم(ع) وارد شدند (دخلوا عليه) اما آن حضرت هراس و اضطراب را به صورت جمع (إنا منكم وجلون) بیان کرده است و این نشان دهنده هراس خود او و خانواده اش می باشد. لازم به ذکر است که <وجل> به آن ترسی گفته می شود که سراپای وجود انسان را فراگیرد (مفردات راغب).

۴- حضرت ابراهيم (ع) ترس و اضطراب خویش را که ناشی از حضور مهمانان (فرشتگان) در محضر او بود ، به آنان اظهار کرد .

إذ دخلوا عليه .. قال إنا منكم وجلون

۸- فرشتگان وارد شده بر حضرت ابراهيم (ع) ، در قالب و شکل انسان بوده و به عنوان مهمان وارد شدند .

و تَبَّهَم عن ضيف إبراهيم . إذ دخلوا عليه فقالوا سلِّمًا قال إنا منكم وجلون

۹- گفت و گوی مستقیم فرشتگان با حضرت ابراهيم (ع)

فقالوا سلِّمًا قال إنا منكم وجلون . قالوا لاتوجل

۱۱- > ... قال أبو جعفر (ع) : . . . بعث الله رسلاً إلى إبراهيم . . . فدخلوا عليه ليلاً ففزع منهم و خاف أن يكونوا سُرَّاقاً ، قال : فلما أن رأته الرسل فزعاً وجللاً > قالوا سلاماً < . . . > قال إنا منكم وجلون قالوا لاتوجل . . . < .

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. خداوند فرستادگانی را به سوی ابراهیم(ع) گسیل داشت ... پس شبانه بر او وارد شدند و او از آنان وحشت کرد و ترسید که دزد باشند. امام فرمود: پس چون فرستادگان آن حضرت را وحشت زده و هراسان دیدند، به او سلام کردند ... او [گفت]: قال إنا منكم وجلون...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۱

۱- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به او دلداری داده و از وی خواستند که از حضورشان مضطرب و هراسناک نشود .

قالوا لا توجل إنا نبشرك بغلمِ عَلِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۱،۴

۱- ابراهیم (ع) از دریافت خبر فرزنددار شدنش در دوران پیری به شدت شگفت زده شد .

قال أَبشّرتمونی علی أن مَسْنی الکبر فبم تبشرون

۴- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزنددار شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فبم تبشرون

برداشت فوق بر این اساس است که <با> در <فبم> برای ملابست باشد و استفهام در جمله <فبم تبشرون> سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۱

۱- تأکید فرشتگان بر تحقق و عینیت یافتن بشارت پسر دار شدن ابراهیم (ع) در دوران پیری

قالوا بشرنک بالحقّ

مقصود از <بالحق> در آیه فوق یا خبر مطابق با واقع است و یا

به معنای این است که بشارت ما حقیقت دار است (مجمع البیان). در هر صورت گویای این نکته است که: آنچه بشارت داده شد، تحقق یافتنی است و به وقوع خواهد پیوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۷ - ۱،۲،۳

۱- ابراهیم (ع) پس از شناخت مهمانانش (فرشتگان) از مأموریت اصلی و مهم آنان جویا شد.

قال فما خطبکم أئیها المرسلون

<خطب> به معنای امر مهم است.

۲- بشارت به فرزنددار شدن ابراهیم (ع) کار فرعی و عذاب قوم لوط مأموریت اصلی و مهم فرشتگان بود.

إنا نبشرك بغلم .. قال فما خطبکم أئیها المرسلون

از اینکه حضرت ابراهیم (ع) پس از شناخت فرشتگان و دریافت بشارت فرزنددار شدن از مأموریت اصلی و مهم آنان سؤال کرد (فما خطبکم ..) و این مأموریت طبق آیه بعد عذاب قوم لوط بود.

۳- ابراهیم (ع) پیش از اظهار فرشتگان از مأموریت خودشان برای عذاب قوم لوط، از آن آگاه نبود.

قال فما خطبکم أئیها المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۱

۱- در پی جویا شدن ابراهیم (ع) از مأموریت اصلی مأموران الهی (فرشتگان) آنان هلاکت قوم تبهکار (قوم لوط) را مأموریت اصلی خویش معرفی کردند.

قال فما خطبکم أئیها المرسلون . قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۰ - ۲

۲- ابراهیم (ع) در آغاز پیامبریش، تنها موحد و عبادتگر

عصر خویش بود .

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ

برداشت فوق، بر این اساس است که اطلاق <أمة> به ابراهیم(ع) از آن جهت باشد که <امت موحد> در عصر او منحصر به شخص وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱۱، ۴، ۳، ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) ، به خاطر بت پرستی آزر با او به بحث و گفت و گو پرداخت .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

چنانچه در سوره انعام آمده است، نام مخاطب ابراهیم(ع) <آزر> بوده است.

۳- برخورد منطقی و استدلالی حضرت ابراهیم با انحراف عقیدتی و شرک آزر

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ

۴- گفت و گوی ابراهیم (ع) با آزر ، در زمان نبوت آن حضرت بوده است . *

إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا . إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

در باره <إذ قال ..> چندین احتمال ادبی وجود دارد. ۱ بدل برای <ابراهیم> باشد که در این صورت حکم مفعول به برای <اذکر> در آیه قبل را دارد. ۲ ظرف برای <کان> و یا <نبیاً> باشد. برداشت فوق بر احتمال دوم مبتنی است.

۱۱- مناظرات ابراهیم (ع) با آزر در مورد نفی بت پرستی ، بسیار مهم و شایسته یادآوری و بزرگداشت است .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ .. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ ... مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

<إذ> در <إذ قال> بدل از ابراهیم و در حقیقت مفعول برای <اذکر> است. بیان نحوه استدلال ابراهیم(ع) و مواد به کار رفته در قیاس های آن، گویای آن است که این مجموعه دارای ارزش و

سزاوار یادکرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۴،۵،۶

۴- حضرت ابراهیم (ع)، آزر را به رهاساختن شرک و پیروی از وی فرا خواند .

يَأْتِ اِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي

۵- ابراهیم (ع)، پیش از مناظره اش با آزر، موحدی هدایت یافته و آگاه بود .

يَأْتِ اِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي اُهْدِكُ صِرَاطًا سَوِيًّا

۶- راهنمایی ها و هدایت های حضرت ابراهیم (ع) به آزر، همراه با لطف و مهربانی بوده است .

يَأْتِ .. فَاتَّبِعْنِي اُهْدِكُ صِرَاطًا سَوِيًّا

خطاب <یا اَبْت> حاکی از اظهار شفقت ابراهیم(ع) به آزر است. علاوه بر این که او آزر را جاهل نخواند و بر محدودیت آگاهی خود نیز تصریح کرد (من العلم)؛ این روش، سرشار از عطوفت به مخاطب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع)، آزر را از پرستش شیطان برحذر داشت .

يَأْتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱،۲،۸

۱- ابراهیم (ع) در اندرز خود به آزر، عذاب سخت الهی را در کمین پرستشگران بت ها خواند و وی را به آن هشدار داد .

اِنِّي اُخَافُ اَنْ يَمْسُكَ عَذَابُ مِنَ الرَّحْمَنِ

نکره آوردن <عذاب> بر عظمت آن دلالت دارد. و <مَسَّ> (مصدر <يمسك>) چنانچه در مفردات راغب آمده است در باره هرگونه آزاری که به انسان برسد، استعمال می

شود.

۲- حضرت ابراهیم (ع) برای هدایت آزر به توحید و نجات وی از عذاب الهی، تلاشی دلسوزانه داشت.

يَأْتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ

۸- حضرت ابراهیم (ع) با برخوردی عاطفی و مؤدبانه سعی در ارشاد و هدایت آزر داشت.

يَأْتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ

خطاب <یاأبت> گویای عطوفت ابراهیم(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۹، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- اظهار شگفتی و ناباوری نسبت به عقاید توحیدی حضرت ابراهیم (ع)، پاسخ آزر به منطق توحیدی و بت ستیزی آن حضرت بود.

قال أراغب أنت عن ءالتهى يا برهيم

همزه در <أراغب> برای استفهام توییخی است که تعجب نیز از آن فهمیده می شود.

۲- آزر، پیش از دعوت شدن به توحید از سوی ابراهیم (ع)، از عقاید توحید آن حضرت بی خبر بود.

قال أراغب أنت عن ءالتهى

اظهار شگفتی و ناباوری آزر از عقاید توحیدی ابراهیم(ع)، دال بر این است که تا پیش از آن آزر او را در عقاید، همراه خود می دیده و به همین خاطر است که پس از اظهارات حضرت ابراهیم(ع)، وی دچار شگفتی و ناباوری می شود.

۳- آزر، ابراهیم (ع) را در صورت دست نکشیدن از بت ستیزی به سنگسار کردن تهدید کرد.

لئن لم تنته لأرجمنك

<رجم> که در اصل به معنای کشتن به وسیله سنگسار بوده است، به هریک از انواع کشتن نیز اطلاق می گردد. این لغت، به معنای ناسزا گفتن نیز آمده است (لسان العرب). در آیه، همه این معانی محتمل است و

برداشت یادشده براساس اصل معنای آن است.

۴- آزر، با سوگند بر سنگسار کردن ابراهیم (ع)، در صورت ادامه مبارزه با بت پرستی، او را برای مدتی طولانی از خانه اش بیرون کرد.

واهجرنی ملئاً

<ملئاً> به معنای مدت طولانی است (لسان العرب).

۵- آزر با حضرت ابراهیم (ع) و عقاید توحیدی او، علی رغم دعوت منطقی، مستدل و عاطفی آن حضرت، برخوردی خشن و غیر منطقی داشت.

لئن لم تنته لأرجمَنَّكَ

در کلام آزر هیچ استدلال و پاسخی وجود ندارد. تنها وجه شاخص سخن او ارباب و تهدید است و حتی در خطاب به او هم کمترین عطفی نظیر <یابنی> در پاسخ <یاأبت> به کار نبرد.

۶- آزر با تهدید ابراهیم (ع) به سنگسار کردن و نیز دور ساختن او از خود، در صدد تحمیل عقیده خویش بر ابراهیم (ع) و بازداشتن او از توحید بود.

لئن لم تنته لأرجمَنَّكَ واهجرنی ملئاً

۹- حضرت ابراهیم (ع) در خانه آزر و تحت سرپرستی او زندگی می کرد.

واهجرنی ملئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱،۳،۴

۱- ابراهیم (ع) پس از برخورد خشن و غیر منطقی آزر، به بحث و گفت و گو با او در باره توحید و شرک پایان داد.

قال سلم علیک

از موارد کاربرد <سلام علیک> جایی است که طرف بحث می خواهد به بحث پایان دهد و دیگر آن را ادامه ندهد، مانند آنچه در آیه <إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً> آمده است. در گفت و گوی حضرت ابراهیم (ع) با آزر

نیز ظاهراً <سلام> از همین نوع باشد.

۳- حضرت ابراهیم (ع) پس از پایان گفتوگو با آزر، به او وعده داد که آمرزش گناه شرک او را به زودی از خداوند خواهد خواست.

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

ابراهیم (ع) به قرینه <أخاف> در آیات قبل، آزر را مشرکی که قابل بخشش نباشد و به تعبیر برخی آیات <دشمن خدا> نمی دانست؛ بنابراین به بخشش گناه شرک او امیدوار بود، لذا نه عذاب او را قطعی دانست و نه به او وعده مغفرت حتمی داد، بلکه با اطمینان به مهرورزی خداوند به او، اظهار امیدواری کرد که استغفارش تأثیر بخشد.

۴- ابراهیم (ع) به هدایت شدن آزر، در عین اصرار و تعصب او بر بت پرستی امیدوار بود.

سأستغفر لك ربّي

ممکن است مراد ابراهیم (ع) از طلب مغفرت، طلب مقدمات مغفرت (ترک بت پرستی) باشد، زیرا آن حضرت از هدایت یافتن آزر ناامید نشده بود و لذا سعی در رام کردن او از طریق برانگیختن احساسات وی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۱،۲،۵

۱- ابراهیم (ع)، زندگی در میان هم کیشان آزر را هم سان زندگی در خانه او، مانعی در راه خداپرستی خویش دیده و از همه آنها کناره گیری کرد.

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله

۲- حضرت ابراهیم (ع) در پاسخ به تهدیدهای آزر، تصمیم خود را بر دوری گزیدن از بت پرستان و بت ها، اعلام کرد.

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله

۵- ابراهیم (ع)

(، هجرت از محیط شرک و بت پرستی را جهت حراست از عقیده توحیدی خود و عبادت پروردگار یگانه برگزید .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله و أدعوا ربّی

از جمله معانی <دعاء> عبادت است. در این آیه نیز <أدعوا> به قرینه <لِمَ تعبد> در آیات قبل می تواند به معنای <عبادت می کنم> باشد. بر این مبنا ابراهیم، هجرت خود را برای میسر شدن عبادت خداوند دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۱،۶

۱- حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبود های آنان کناره گیری کرد .

فلما أعتزلهم و ما یعبدون من دون الله و هبنا له إسحق و یعقوب

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

و هبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین بر می آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۱،۲،۳

۱- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش ، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثل

استفهام در <ما هذه التماثل..> سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به

سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

۲- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد.

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر <تماثيل> (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت پرستی به وسیله ابراهیم(ع) است. گفتنی است استفهام در <ما هذه...> به قرینه مقام توییخی است.

۳- ابراهیم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آباءنا لها عابدين)، به دست می آید که سؤال ابراهیم(ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۲

۲- مخالفت قاطع و صریح ابراهیم (ع) با شرک و تقلید کورکورانه پدر و قوم خویش

إذ قال لأبيه و قومه .. لقد كنتم أنتم و ءاباؤكم فی ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۱

۱- قوم ابراهیم نسبت به حق بودن سخن ابراهیم (ع) و جدی

بودن او در نفی شرک و بت پرستی ، تردید داشته و آن را بعید می دانستند .

قالوا أجتئنا بالحق أم أنت من اللّعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۵

۵- برخورد و مبارزه ابراهیم (ع) با بت پرستان و مشرکان ، متکی بر استدلال و برهان بود .

قال ما هذه التماثيل .. قال بل ربکم ... فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۱،۳،۷

۱- سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حيله و تدبير کردن ، برای ضربه زدن به بت ها در غياب بت پرستان

و تالله لأکیدنّ أصنمکم بعد أن تولّوا مدبرین

<کید> به معنای حيله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

۳- تصمیم ابراهیم (ع) بر نابودی بت و بت پرستی ، پس از یک سلسله کار فرهنگی و فکری او برای هدایت و اصلاح اندیشه مردمان بود .

لقد کنتم ... فی ضلل مبین ... ربکم ربّ السموت ... و تالله لأکیدنّ أصنمکم بعد

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حضرت ابراهیم(ع) در آغاز مخالفت با بت پرستی، پدر و قومش را مخاطب قرار داد و یک سلسله دلایل روشن بر اثبات توحید و نفی شرک به آنان ارائه کرد. سپس در مرحله دوم تهدید نمود که بت ها را نابود خواهد کرد و در نهایت به تهدید خود عمل کرد و همه بت ها را نابود ساخت.

۷- > عن أبي جعفر (ع) : . . . فلما تولّوا عنه مدبرین

إلى عيد لهم دخل إبراهيم (ع) إلى آلهتهم بقدم فكسرها إلا كبيراً لهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده: چون نمودیان از ابراهیم(ع) دور شدند و به طرف محل جشن ویژه خود رفتند، آن حضرت با تیشه داخل بتخانه شد و غیر از بت بزرگ، همه بت ها را شکست. <..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۸ - ۵، ۶، ۲، ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) در غیاب مردم و دور شدن آنان از بت ها ، به شکستن بت ها پرداخت .

بعد آن تولوا مدبرین . فجعلهم جذذاً

<جذاذ> فعال به معنای مفعول و از ماده <جذذ> (قطع و شکستن) است. <فا> در <فجعلهم> به اصطلاح اهل ادب فصیح و حاکی از تقدیر جمله ای است و تقدیر آن چنین است: <فولوا فأتی إبراهيم الأصنام فجعلهم جذذاً> مردم به بت ها پشت کردند، پس ابراهیم نزد بت ها آمد و آنها را شکست.<.

۲- ابراهیم (ع) تمامی بت ها را در هم شکست و تنها بت بزرگ را سالم باقی گذاشت .

فجعلهم جذذاً إلا كبيراً

۵- باقی ماندن بت بزرگ به وسیله ابراهیم (ع) ، برای مراجعه بت پرستان به آن و درک عجز بت ها بود .

فجعلهم جذذاً إلا كبيراً لهم لعلهم إليه يرجعون

۶ اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت ها و سالم باقی گذاشتن بت بزرگ ، تدبیری از سوی آن حضرت برای جلب نظر مردم و توجه دادن آنان به بطلان بت پرستی بود .

و تالله لأکیدن أصنمکم .. فجعلهم جذذاً إلا كبيراً لهم لعلهم إليه يرجعون

<فاء> در <فجعلهم>

یا برای ترتیب است و یا برای تعقیب. در هر دو صورت گویای این است که عمل حضرت ابراهیم(ع) مصداق همان حیل و تدبیری بود که بر آن سوگند یاد کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۹ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱- پس از در هم شکسته شدن بت ها به وسیله ابراهیم (ع) ، بت پرستان به پرسوجو از یکدیگر در مورد شکننده آنها پرداختند .

فجعلهم جُذُذًا .. قالوا من فعل هذا بالهتنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <مَن> اسم استفهام باشد.

۲- ابراهیم (ع) ، در نبود مردم ، بت ها را در هم شکست و هیچ کس از آن با خبر نشد .

قالوا من فعل هذا بالهتنا

پرسوجوی بت پرستان از یکدیگر در باره شکننده بت ها و نیز پاسخ برخی از آنان به این که ابراهیم(ع) از بت ها بدگویی می کرد، (فتی یدکرهم) به جای این که بگویند: ما دیدیم چه کسی شکسته است گویای برداشت یاد شده است.

۳- قوم ابراهیم ، پس از مشاهده در هم شکسته شدن بت ها ، به عجز و ناتوانی آنها پی بردند .

إلَّا كِبِيرًا .. إليه يرجعون . قالوا من فعل هذا بالهتنا

از این که قوم ابراهیم، بت ها را مورد سؤال قرار ندادند و به دنبال عاملی غیر از آنها بودند، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد. به ویژه اگر ضمیر در <إليه> به <كبيراً> (بت بزرگ) باز گردد.

۷- حضرت ابراهیم (ع) به خاطر شکستن بت ها ، در پندار قومش ظالم و

ستمگر بود .

قالوا من فعل هذا بالهتتا إنه لمن الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۰ - ۱،۲،۳

۱- ابراهیم (ع) در نظر قوم خود ، مظنون به شکستن بت ها بود .

قالوا سمعنا فتی یدکرهم یقال له ابرهیم

۲- ابراهیم (ع) در دوران جوانی ، بت ها را در هم شکست و مبارزه با بت پرستی را آغاز کرد .

قالوا سمعنا فتی یدکرهم

۳- ابراهیم (ع) تصمیم خود بر حيله و چاره اندیشی علیه بت ها را با برخی از بت پرستان در میان گذاشته بود .

ما هذه التماثيل .. قالوا سمعنا فتی یدکرهم

از این که بت پرستان گفتند: <شنیده ایم که ابراهیم از بت ها بدگویی می کند>، استفاده می شود که آنان این سخنان را مستقیماً از وی شنیده اند و از سویی دیگر گروهی بودند که مستقیماً سخنان تهدیدآمیز ابراهیم(ع) را شنیده و برای گروه دیگر نقل کرده بودند. دو آیه پیش (تالله لأکیدن أصنامکم بعد أن تولوا...) که خطاب <أصنامکم> برای مخاطب حاضر است مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱- بت پرستان ، خواهان احضار ابراهیم (ع) و بازجویی علنی از وی برای کشف شکننده بت ها

قالوا فأتوا به علی أعین الناس

۲- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را به منظور گواهی دادن مردم به مجرم بودن او در شکستن بت ها ، احضار کردند .

فأتوا به .. لعلمهم یشهدون

۳- بت پرستان ، حضرت ابراهیم

(ع) را به منظور نشان دادن کیفر بت شکنی او به عموم مردم، احضار کردند.

فأتوا به... لعلهم يشهدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <یشهدون> به معنای <یحضرون> (حضور پیدا کنند) باشد. بر اساس این احتمال، مقصود از حضور مردم به تناسب مورد آیه حضور برای دیدن کیفر و عقوبت ابراهیم(ع) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۲ - ۱،۲

۱- بت پرستان، حضرت ابراهیم(ع) را شکننده بت ها می دانستند.

قالوا أنت فعلت هذا بالهتنا یا برهیم

۲- بت پرستان، ابراهیم(ع) را برای اعتراف به شکستن بت ها مورد بازجویی قرار دادند.

قالوا أنت فعلت هذا بالهتنا یا برهیم

استفهام در <ءأنت> استفهام تقریری و به منظور اعتراف گرفتن از مخاطب است؛ یعنی، بت پرستان می دانستند که ابراهیم(ع) شکننده بت ها است؛ ولی به خاطر اقرار و اعتراف گرفتن از آن حضرت گفتند: <ءأنت فعلت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۱،۲،۳،۴

۱- ابراهیم(ع) در پاسخ سؤال از شکننده بت ها، ابتدا شکستن بت ها را به بت بزرگ نسبت داد.

قال بل فعله کبیرهم

۲- نسبت شکستن بت ها به بت بزرگ از سوی ابراهیم(ع)، زمینه تئبه بت پرستان به بطلان عقیده بت پرستی بود؛ نه نسبتی دروغ از جانب آن حضرت.

قال بل فعله کبیرهم

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ، نه تنها دروغ نگفت؛ بلکه با اشاره ای

بلیغ، حقیقت ماجرا را بیان کرد زیرا ابراهیم(ع) با جمله <فسئلوهم..> خواست به بت پرستان بفهماند که بت ها از سخن گفتن عاجزند، تا چه رسد به شکستن. پس باید پذیرفت که معبود عاجز، شایسته پرستش نیست. گفتنی است که آیه بعد (این که بت پرستان با شنیدن پاسخ ابراهیم(ع) به خود آمدند و متنبه شدند) مؤید برداشت یاد شده است.

۳- ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند.

فسلوهم إن كانوا ينطقون

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزید زیرا بت پرستان از این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند چنان که آیه بعد (فرجعوا إلی أنفسهم..) گویای همین حقیقت است.

۴- ابراهیم (ع) با درخواست از بت پرستان برای بازجویی از بت ها، عجز و ناتوانی آنها را برای آنان به نمایش گذاشت.

فسلوهم إن كانوا ينطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۱،۲،۳،۴

۱- قوم بت پرست ابراهیم، پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن، به خود آمده و به تفکر و اندیشه در عقیده خویش فرو رفتند.

فرجعوا إلی أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <فرجعوا إلی أنفسهم> به خود آمدن و رجوع هر یک از بت پرستان به وجدان و ضمیر

خود و به فکر فرو رفتن آنان باشد.

۲- قوم بت پرست ابراهیم پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به یک دیگر مراجعه کرده و به سرزنش هم پرداختند .

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أظلمون

برداشت، براساس این احتمال است که مقصود از <أنفسهم> رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنكم أظلمون ..) به ملامت هم پرداختند.

۳- استدلال ابراهیم (ع) بر بطلان شرک و شگرد او در مبارزه با بت پرستی ، تأثیری کامل بر تمامی قومش داشت .

قال بل فعله كبيرهم .. فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أظلمون

از این که تمامی قوم ابراهیم، بلافاصله به گمراهی خود اعتراف کردند، قوت استدلال آن حضرت و تأثیر کامل شیوه دعوت او به دست می آید.

۴- بت پرستان قوم ابراهیم ، به ظلم خویش و تبرئه ابراهیم (ع) از آن اعتراف کردند .

فقالوا إنكم أظلمون

ضمیر منفصل <أنتم> تأکید برای <کم> است و جمله <إنكم أظلمون..> دلالت بر حصر دارد. این حصر از نوع حصر اضافی است یعنی، منحصرأ شما ظالم هستید نه حضرت ابراهیم(ع).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۱،۶

۱- بت پرستان ، در برابر استدلال محکم ابراهیم (ع) بر بطلان شرک ، سرفکنده و شرمسار شدند .

ثم نکسوا علی رؤسهم

<نکس> به معنای قلب و برگرداندن قسمت بالای شیء به پایین و برعکس است. جمله <نکسوا علی رؤسهم> تمثیل (از نوع تشبیه معقول به محسوس) و کنایه از

افرادی است که از شدت شرمساری و سرافکندگی، سر آنان به طرف پایین بدنشان قرار می گیرد.

۶- بت پرستان، استدلال های ابراهیم (ع) بر بطلان شرک را نادرست انگاشته و او را به خاطر شکستن بت ها مجرم دانستند .

فسلوهم إن كانوا ينطقون .. ثم نكسوا على رؤوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جمله <لقد علمت ما هؤلاء ينطقون> پاسخ مشرکان به کلام ابراهیم(ع) (فسلوهم إن كانوا ينطقون) است؛ یعنی، تو می دانی که بت ها از سخن گفتن عاجزاند، پس چرا ما را به سؤال کردن از بت ها حواله می دهی. لابد سؤال تو برای فرار از اتهام بت شکنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۱،۴

۱- ابراهیم (ع) قومش را به خاطر عبادت غیر خدای یکتا، مورد سرزنش قرار داد .

قال أفتعبدون من دون الله

همزه در <أفتعبدون> از نوع استفهام انکاری توییخی است.

۴- حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات توحید و بطلان شرک از شیوه آگاه کردن بت پرستان به ناتوانی بت ها و به اعتراف و داشتن آنان بر این حقیقت استفاده کرد .

فسلوهم إن كانوا ينطقون .. لقد علمت ما هؤلاء ينطقون . قال أفتعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۴

۴- ابراهیم (ع) قوم بت پرست خویش را به خاطر تعقل نکردن در باور ها و اندیشه های خود، مورد سرزنش قرار داد .

أف لكم .. أفلاتتعقلون

همزه در <أفلاتتعقلون> برای استفهام توییخی است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۶، ۴، ۳، ۱

۱- ابراهیم (ع) ، از سوی بت پرستان محکوم به سوزانده شدن در آتش شد .

قالوا حرّوه

۳- درماندگی و ناتوانی قوم ابراهیم ، از مقابله با منطق ابراهیم (ع)

قال أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم .. قالوا حرّوه وانصروا الهتكم

بت پرستان در برابر سخنان منطقی و مواضع به حق حضرت ابراهیم(ع)، متوسل به زور و تهدید شدند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

۴- بت پرستان در جهت یاری به بت پرستی و جلوگیری از نفوذ منطق ابراهیم (ع) ، از طرف گروهی برای کشتن آن حضرت تحریک شده بودند .

قالوا حرّوه و انصروا الهتكم

آهنگ جمله <إن كنتم فاعلین> (اگر بناست کاری بکنید) نوعی تحریک است و ظاهر آیه این است که گویندگان (قالوا) و دستور دهندگان (حرّوه و انصروا)، با شنوندگان و دستور گیرندگان دو گروه بودند و گروه اول دسته دوم را تحریک می کردند. از این رو برخی از مفسران، گروه اول را نمرود و عمال او دانسته اند.

۶- سوزاندن کامل ابراهیم (ع) ، تنها راه دفاع از عقیده بت پرستان و معبود های ادعایی در دید قوم او بود .

قالوا حرّوه و انصروا الهتكم إن كنتم فاعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۳، ۲، ۱

۱- توطئه و نیرنگ بت پرستان علیه ابراهیم (ع) ناکام ماند .

و أرادوا به كيدًا فجعلنهم الأخرین

۲- توطئه و نیرنگ بت پرستان علیه ابراهیم (ع)

، عامل خسران و زیان کاری کامل آنان شد .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخرین

۳- حضرت ابراهیم (ع) ، علاوه بر افکنده شدن در آتش ، با نیرنگ و توطئه دیگری از سوی بت پرستان روبه رو گشت .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخرین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <کیداً> نیرنگ جدید و غیر از افکندن در آتش باشد؛ زیرا در معنای <کید> محرمانه بودن نهفته است، در حالی که افکندن در آتش کاری علنی بود نه مخفی؛ به علاوه تعبیر <أرادوا>؛ یعنی، اراده کردند و خواستند (نه عملی کردن) شاهد این مدعا است. گفتنی است تنوین <کیداً> برای تفخیم و تعظیم باشد که در این صورت بیانگر بزرگی نیرنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۳، ۲، ۱

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیداً .. و نجینه و لوطاً إلى الأرض التي برکنا فیها

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلى الأرض التي برکنا فیها

۳- حضرت لوط (ع) ، هم چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نجینه و لوطاً إلى الأرض التي برکنا فیها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بیانگر برداشت بالا است؛ زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نَجِّينَهُ و لَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ . . . و هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ و يَعْقُوبَ

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱

۱ - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۳ - ۲

۲ - بهره گیری ابراهیم (ع) در هدایت قومش ، از محسوس ترین و بدیهی ترین امور

قال هل يسمعونكم . . . أو ينفعونكم أو يضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۵ - ۱،۲

۱ - اقدام ابراهیم (ع) به سرزنش قوم خود ، به خاطر پرستش کورکورانه بت ها

قال أفريتم ما كنتم تعبدون

استفهام در <أفريتم> توییخی است و مفاد آن این است که: چرا در باره آنچه می پرستید، اندیشه نمی کنید و صرفاً متکی به تقلید کورکورانه از نیاکان خود هستید؟

۲- ابراهیم (ع)، برانگیزاننده قوم خویش به نگرش مجدد نسبت به پرستش بت ها

قال أفرء یتیم ما کنتم تعبدون

<رأی و رویه> (مصدر <رأیتم>)

هم در مورد نگاه کردن با چشم به کار می رود و هم در نگرستن با عقل. در این جا مورد اخیر مراد است. ضمناً استفهام در <أفرأیتم> توییخی و در بردارنده نوعی ترغیب به تأمل و اندیشیدن در عبادت بت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۶ - ۱

۱ - اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت سنت گرایی و تقلید بی چون و چرا از نیاکان

أفرءیتم .. أنتم وءاباؤکم الأقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۵

۵ - ابراهیم (ع) آرزومند دریافت حکومت از جانب خدا، برای هدایت و تدبیر امور مردم

ربّ هب لی حکماً وألحقنی بالصلحین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حکم> در آیه معادل <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور خلق) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۶ - ۱،۲

۱ - طلب آمرزش ابراهیم (ع) از درگاه خداوند، برای پدرش

و اغفر لأبی

۲ - نگرانی ابراهیم (ع) از گمراهی دیرینه پدر خود

و اغفر لأبی إنّه کان من الضالّین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که دعای ابراهیم (ع) در زمان حیات پدرش بوده باشد. بر این اساس به کارگیری <کان>

در جمله <إنّه کان من الضالّین> بیانگر گمراهی دیرینه پدرش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۵،۶،۹،۱۱،۱۵

۵ - حضرت ابراهیم (ع) برای بیداری قوم اش ، ناتوانی بت ها را تبیین می کرده است

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ .. أَوْثَانًا ... إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ... لَا يَمْلِكُونَ

۶- ابراهیم (ع) به قوم خود اعلام کرد که بت ها هیچ گونه توانی برای تأمین روزی آنان ندارند .

و ابرهیم إذ قال .. إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا

۹- توصیه ابراهیم (ع) قوم اش را برای درخواست روزی از پیشگاه خداوند

و ابرهیم إذ قال لقومه .. فابتنوا عند الله الرزق

۱۱- دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به پرستش خداوند پس از نهی آنان از بت پرستی

و ابرهیم إذ قال لقومه .. إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا ... وَاعْبُدُوهُ

۱۵- هشدار حضرت ابراهیم (ع) به قوم اش با اعلام بازگشت همگان به سوی خدا

و ابرهیم إذ قال لقومه .. اعبدوه ... إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۶

۶- هشدار ابراهیم (ع) به قوم خویش به جهت تکذیب رسالت اش

و إن تكذبوا فقد كذب أمم من قبلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱۰، ۱۲، ۹، ۸، ۵، ۴، ۳، ۱

۱- تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و ابرهیم إذ قال لقومه .. اعبدوه ... فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو

۳- قوم ابراهیم ، برای رویارویی با خیرخواهی او برای آنان ، به خشونت متوسل شدند .

و ابرهیم إذ قال لقومه .. ذلكم خير لكم ... فما كان

جواب قومه إلا أن قالوا اقتل

۴ - کشتن و آتش زدن ، از شیوه های قوم ابراهیم ، برای رویارویی با دعوت توحیدی او بود .

إبرهیم إذ قال .. ذلکم خیر لکم ... فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حر

۵ - واکنش خشونت آمیز قوم ابراهیم به دعوت توحیدی او ، فراگیر و عمومی بود .

فما کان جواب قومه إلا أن قالوا

۶ - در بین قوم ابراهیم ، برای برخورد با ابراهیم (ع) دو دید (کشتن و سوزاندن) وجود داشت .

فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حرّقه

<أو> در <أو حرّقه> می تواند برای تنويع و می تواند برای اباحه باشد. بنابر احتمال نخست، می توان استفاده کرد که قوم ابراهیم، برای از بین بردن او، دو دیدگاه داشته اند: عده ای، حکم به اعدام و گروهی، دستور به سوزاندن او می دادند.

۸ - قوم ابراهیم ، سرانجام تصمیم گرفتند که ابراهیم (ع) را در آتش بسوزانند .

فما کان جواب قومه إلا أن قالوا اقتلوه أو حرّقه فأنجیه الله من النار

۹ - قوم ابراهیم ، برای عملی ساختن تصمیم خود ، ابراهیم را در آتش پرتاب کردند .

فما کان جواب قومه .. أو حرّقه فأنجیه الله

<فاء> در <فأنجاه> برای فصاحت است و دلالت بر حذف جمله ای می کند و آن می تواند چنین باشد: <ثم جعلوه فی النار>

۱۰ - خداوند ، ابراهیم (ع) را از آتش نجات داد .

أو حرّقه فأنجیه الله من النار

۱۲ - نجات حضرت ابراهیم (ع) از مجازات قوم اش (آتش ، گسترده گی

آتش ، پرتاب کردن ، ...) ، نشانه های چندی از خدا ، برای اهل ایمان است .

فَأُنجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱،۳،۵

۱ - حضرت ابراهیم (ع) پس از نجات از آتش ، قوم خود را رها نکرد و به ارشاد آنان پرداخت .

فَأُنجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ .. وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

۳ - حضرت ابراهیم (ع) برای آگاهی قوم اش ، حقارت و ناتوانی بت ها را تبلیغ می کرد .

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

<أوثاناً> به صورت نکره آورده شده و تنوین آن، برای تحقیق است.

۵ - پیام توحیدی حضرت ابراهیم (ع) پیش و پس از انداخته شدن در آتش ، تفاوتی نداشت .

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا .. إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ ... وَقَالَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۳،۴،۵،۷،۸،۱۲

۳ - حضرت ابراهیم (ع) از سرزمین خویش ، پس از واقعه دعوت به توحید و انداخته شدن در آتش و نجات اش از آن ، هجرت کرد .

و إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ .. اَعْبُدُوا اللَّهَ ... فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ... أَوْ حَرِّقْ

به قرینه سیاق، مرجع ضمیر فاعلی <قال> حضرت ابراهیم(ع) است.

۴ - هجرت حضرت ابراهیم (ع) از سرزمین خود ، مبنای الهی داشت .

إِنِّي مَهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي

۵ - حضرت ابراهیم (ع) ،

در پی برخورد قهرآمیز قوم اش با او ، تصمیم گرفت به سرزمینی هجرت کند که در آن ، برای انجام رسالت اش ، آزادی عمل داشته باشد .

و قال إني مهاجر إلى ربِّي

مراد از <هجرت به سوی پروردگار> دستیابی به مکانی است که حضرت ابراهیم(ع) بتواند آنچه را برعهده او گذاشته است، بدون مزاحمت دشمنان اش، به انجام برساند.

۷- حضرت ابراهیم (ع) تصمیم اش را برای هجرت ، به قوم خود اعلان کرد .

و قال إني مهاجر إلى ربِّي

اگر چه برای <قال> مفعول به ذکر نشده است، اما به قرینه سیاق گفتوگوی حضرت ابراهیم(ع) با قوم اش استفاده می شود که او، جریان هجرت اش، را با قوم اش در میان گذاشته است.

۸- حضرت ابراهیم (ع) ، وقتی محیط را برای انجام رسالت اش مساعد ندید ، تصمیم به هجرت از آنجا گرفت .

قالوا .. حَرْقُوهُ فَأَنْجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ... و قال إني مهاجر إلى ربِّي

۱۲- < عن أبي جعفر (ع) . . . أمّا ابراهیم (ع) نبوّته بکوئی ربا و هی قریه من قری السواد فیها بدأ أوّل أمره ثم هاجر منها و لیست بهجره قتال . و ذالک قول الله عزوجلّ : > إني مهاجر إلى ربِّي ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ..رسالت ابراهیم، از قریه <کوئی ربا> یکی از روستاهای سواد (عراق) است شروع شد و آنگاه از آنجا هجرت کرد. این، هجرت جنگ نبود و آن، همان سخن خدای عزوجلّ <إني مهاجر إلى ربِّي...> است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۴

۴ - فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط ، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع)) ، نیز به ابراهیم (ع) دادند .

و لما جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم(ع) بشارت فرزنددار شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که <البشری> در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، آیین شرک و بت پرستی پدر و قومش را زیر سؤال برد و آن را محکوم کرد .

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۸ - ۱،۲،۳

۱ - حضرت ابراهیم (ع) پس از دعوت شدن از سوی قومش برای خروج از شهر به تفکر عمیق در این باره پرداخت .

فنظر نظره فی النجوم

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: ۱ <فاء> در <فنظر> عاطفه و جمله <فنظر..> عطف بر جمله مقدر است و تقدیر آن چنین است: <قال قومه أخرج معنا فنظر...>. ۲ جمله <فنظر نظره فی النجوم>، ضرب المثلی است برای کسی که می خواهد به تفکر بپردازد. از این رو به آسمان می نگرد تا اشیا و موجودات پیرامونش، او را از تفکر درست باز ندارد (لسان العرب).

۲ - حضرت ابراهیم (ع) ،

به هنگام فراخوانده شدن برای خروج از شهر ، به منظور تصمیم گیری در این باره به ستارگان نگریست .

فنظر نظره فی النجوم

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که نگاه حضرت ابراهیم(ع) به ستارگان به معنای حقیقی آن باشد نه کنایه از به تفکر فرورفتن.

۳- دعوت مشرکان از ابراهیم (ع) برای خروج از شهر ، در شب هنگام بود .

فنظر نظره فی النجوم

نگاه ابراهیم(ع)، به ستارگان حاکی است که این نگاه در شب بود زیرا ستارگان در شب مشاهده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۹ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱- ابراهیم (ع) ، پس از اندیشه عمیق ، مریض بودن خود را به قومش اعلام کرد .

فنظر نظره فی النجوم . فقال إني سقيم

۲- مریض بودن ابراهیم (ع) ، به هنگام دعوت شدن از جانب قوم خود برای خروج از شهر

فقال إني سقيم

۳- مریض بودن ، عذر و دلیل ابراهیم (ع) برای پذیرفتن دعوت قوم خود برای خروج از شهر و شرکت در مراسم سالانه مشرکان

فقال إني سقيم

۴- ابراهیم (ع) ، به مرضی موسمی و فصلی مبتلا بود .

فنظر نظره فی النجوم . فقال إني سقيم

اگر پذیرفته شود که نگاه ابراهیم(ع) به ستارگان نگاه با چشم و حقیقی بود، می توان گفت که اظهار بیماری پس از این نگاه، حاکی است که ایشان به مرضی موسمی و فصلی گرفتار بود که با نگاه به ستارگان، توانسته بود وقت رو به رو شدن با مرض موسمی خود را پیش بینی کند

(هم زمان با روز مراسم ویژه).

۵- ابراهیم پیامبر، از رفتن به بیرون شهر برای شرکت در مراسم سالانه مشرکان پیش از دریافت دعوت قومش پرهیز می کرد

فقال إني سقيم

پیشنهاد مردم مشرک به ابراهیم(ع) برای بیرون رفتن از شهر با آن که همگان بر این امر مبادرت ورزیدند می تواند به دلیل این نکته باشد که آن حضرت از این کار امتناع داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۰ - ۱،۲،۳

۱ - خروج مشرکان از شهر و تنها گذاشتن ابراهیم (ع) در آن، پس از اعتذار آن حضرت

فتولوا عنه مدبرین

>مدبرین< حال مؤکد برای فعل <تولوا> است و بر این نکته تأکید دارد که روی گردانی مشرکان از ابراهیم(ع) همراه با پشت کردن به او و رو کردن به جانب قرارگاه خویش در بیرون از شهر بوده است.

۲ - عذر و دلیل ابراهیم (ع)، برای شرکت نکردن در مراسم سالانه مشرکان، مورد پذیرش آنان قرار گرفت .

فقال إني سقيم . فتولوا عنه مدبرین

رفتن و پشت کردن مشرکان به ابراهیم(ع) بدون هیچ سخنی و اعتراضی حاکی از مطلب یاد شده است.

۳ - > عن حجر عن أبي عبدالله (ع) قال : خالف ابراهيم (ع) قومه و عاب آلهم... قال أبو جعفر (ع) : عاب آلهم >
فنظر نظره في النجوم فقال إني سقيم <... و الله ما كان سقيماً و ما كذب فلما تولوا عنه مدبرین إلی عيد لهم ، دخل ابراهيم

إلى آلهتهم فكسرها إلا كبيراً لهم ... ;

از حجر نقل شده که از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: ابراهیم با قومش مخالفت کرد و خدایان آنها را مورد عیب جویی خود قرار داد .. امام باقر(ع) فرمود: از معبودهای آنان خرده گرفت <فنظر نظره فی النجوم فقال إنی سقیم> ... به خدا سوگند ابراهیم مریض نبود و دروغ هم نگفت. پس چون قومش برای عیدی که داشتند از پیش ابراهیم(ع) رفتند، او [با تبر] به سوی معبودهای آنان رفت و آنها را شکست مگر بزرگ ترین بت آنان را...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۱ - ۱،۲،۳

۱ - رفتن مخفیانه ابراهیم (ع) ، به جانب معبود های مشرکان پس از خروج آنان از شهر

فراغ إلی ءالھتھم

<دروغ> (مصدر <دراغ>) در اصل به معنای تمایل به چیزی به صورت سرّی و پنهانی است.

۲ - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلی ءالھتھم فقال ألا تأکلون

استفهام در <ألا تأکلون> برای استهزا است.

۳ - وجود غذا در بتکده ، به هنگام رفتن مردم از شهر و آمدن ابراهیم (ع) به آن بتکده

فراغ إلی ءالھتھم فقال ألا تأکلون

پرسش استهزا آمیز ابراهیم(ع) از بت ها برای غذا خوردن، می رساند که در محل معبودهای مشرکان، غذا وجود داشت. گفتنی است که در تاریخ آمده است: مشرکان غذاهایی را برای متبرک شدن نزد بت ها می گذاشتند که این موضوع، می تواند مؤید برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره -

۱ - استهزای معبود های مشرکان از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنها از سخن و گفتوگو

ما لکم لاتنطقون

۲ - گفتوگوی طعن آمیز ابراهیم (ع) ، با معبود های مشرکان در بتکده

فقال ألا تأکلون . ما لکم لاتنطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ابراهیم (ع) ، با دست راست ضربه ای محکم بر بت ها و معبود های مشرکان وارد ساخت .

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

برداشت یاد شده از مقید شدن <ضرباً> به <بالیمین> (دست راست) به دست می آید که ضربه ابراهیم(ع) محکم بود زیرا دست راست نیرومندتر از دست چپ است و مردم نوعاً از دست راست خود برای ضربه شدید استفاده می کنند.

۲ - ضربه ابراهیم (ع) به بت ها و شکستن آنها ، به صورت سری و پنهانی بود .

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

برداشت یاد شده با توجه به معنای لغوی <راغ> است زیرا <روغ> (مصدر <راغ>) به معنای تمایل به چیزی به صورت سری و پنهانی است.

۳ - شدت غضب و خشم ابراهیم (ع) ، به هنگام شکستن بت ها و معبودها

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

گفتوگوی ابراهیم(ع) با بت ها با آن که آن حضرت می دانست که آنها از سخن گفتن ناتوان اند می تواند به منظور تقویت روح غضب و خشم خود نیست به آنها باشد تا عمل شکستن آنها خشمگینانه انجام گیرد.

۴ - سوگند ابراهیم (ع) ، بر

شکستن بت های مشرکان

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <یمین> به معنای قسم باشد. بر این اساس <با> به معنای سببیت است؛ یعنی، ابراهیم(ع) به سبب سوگندی که یاد کرده بود، ضربه ای محکم بر بت ها فرود آورد.

۵ - وفای ابراهیم (ع) ، به سوگند خویش در شکستن بت ها

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۴ - ۱،۲

۱ - حرکت شتابان مشرکان به سوی ابراهیم (ع) ، پس از آگاهی از شکسته شدن بت ها

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ

<فا> برای تفریع <فَأَقْبَلُوا..> بر جمله ای مقدر است و تقدیر آن چنین است: <فَبَلَغَ قَوْمَهُ مِنْ رَأَى فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ> کسی که شکسته شدن بت ها را دید، به مردم اطلاع داد. سپس آنان شتابان به جانب ابراهیم(ع) روی آوردند. گفتنی است: <زف> (مصدر <يزفون>) به معنای حرکت شتابان است.

۲ - شدت خشم و نگرانی قوم ابراهیم ، از شکسته شدن بت های شان

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ

حرکت شتابان قوم ابراهیم به جانب آن حضرت پس از شکسته شدن بت ها، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۵ - ۱،۵

۱ - ابراهیم (ع) مشرکان را به خاطر پرستش معبود های دست ساز خود سرزنش کرد .

قال أتعبدون ما نتحتون

<نحت> (ماده <نتحتون>) به معنای تراشیدن شیء سخت (چون سنگ و چوب) است.

٥ - > عن أبي عبدالله (ع) : أخذ إبراهيم القدوم فكسر الصنم الذي عمله ، ففزع أبوه من

ذلك فرعاً شديداً ، فقال له : أئى شىء عملت ؟ فقال له ابراهيم (ع) : و ما تصنعون به ؟ فقال آزر : نعبده ، فقال له ابراهيم : > أتعبدون ما تنحتون < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. ابراهيم(ع) تبر را برداشت و بتی را که آزر ساخته بود شکست و آزر فریاد شدیدی از روی ترس برآورد و به ابراهيم(ع) گفت: چه کاری کردی؟ ابراهيم(ع) در جواب گفت: با بت چه می کنید؟ آزر گفت: آن را می پرستیم. ابراهيم(ع) در جواب گفت: >أتعبدون ما تنحتون< آنچه را خود می تراشید، می پرستید؟<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۱،۲،۴

۱ - توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهيم (ع)

قالوا ابنوا له بنيًا فألقوه فى الجحيم

۲ - تصمیم دسته جمعی مشرکان بر سوزاندن ابراهيم (ع) در آتشی پر حرارت و پر شعله

فألقوه فى الجحيم

>جحيم< (از ماده <جحه>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

۴ - ابراهيم (ع) ، در آغاز مبارزه اش با شرک و بت پرستی ، قدرت اجتماعی و جایگاه نیرومندی در میان قوم خود نداشت .

قالوا ابنوا له بنيًا فألقوه فى الجحيم

تصمیم بر نابودی ابراهيم(ع) با سوزاندن او، در انبوهی از آتشی که مردم هیزم آور آن بودند بدون این که احدی از او دفاع کند می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۱،۲،۳

- نیرنگ و توطئه گسترده مشرکان برای نابودی ابراهیم (ع)

فأرادوا به كيدًا

۲ - سوزاندن ابراهیم (ع) با انبوهی از آتش پرشعله ، مکر و توطئه مشرکان در راستای نابودی آن حضرت

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به كيدًا فجعلنهم الأسفلين

۳ - نجات ابراهیم (ع) ، از میان تلی از آتش پرشعله مشرکان

فألقوه فی الجحیم . . . فجعلنهم الأسفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۱۰۱، ۱۱، ۱۳، ۱۰، ۷، ۵، ۱

۱ - تصمیم ابراهیم (ع) ، به هجرت از وطن خود به شهری دیگر و اعلام آن به مردم

قال إني ذاهب إلی ربّي

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از رفتن به سوی پروردگار (ذاهب إلی ربّي) هجرت است و آمدن <قال> در آغاز آیه شریفه، می رساند که ابراهیم(ع) تصمیم خود مبنی بر هجرت را به مردم اعلام کرد.

۵ - مصون ماندن از اذیت و توطئه های سهمگین مشرکان ، فلسفه هجرت ابراهیم (ع)

و قال إني ذاهب إلی ربّي

برخی از مفسران بر این عقیده اند که اعلام هجرت از سوی ابراهیم(ع)، برای صرف نظر کردن مشرکان از تعقیب و مجازات آن حضرت پس از نجات از آتش بوده است. بدین صورت که آن حضرت می خواست از اذیت ها و توطئه های مشرکان رهایی یابد.

۷ - راه یابی بهتر به مقصد و خیر و صلاح افزون تر در پرتو عنایت خداوند ، فلسفه هجرت ابراهیم (ع)

و قال إني ذاهب إلی ربّي سیهدين

به قرینه این که رسالت ابراهیم(ع) پس از هجرت هم ادامه داشت به دست می آید که مراد از هدایتی

که مورد درخواست آن حضرت بود، ره یابی به مقصد و خیر و صلاحی است که ایشان از آغاز به دنبال آن بوده است.

۱۰ - توکل ابراهیم (ع) بر خداوند ، در برابر دشمنان رسالت

و قال إني ذاهب إلى ربّي سيهدين

۱۱ - ناامید شدن ابراهیم (ع) ، از هدایت قوم بت پرست خویش

و قال إني ذاهب إلى ربّي سيهدين

از تصمیم ابراهیم(ع) برای هجرت از شهر خود پس از نجات یافتن از آتش افروزی مشرکان علیه ایشان برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۳ - > عن ابراهيم بن أبي زياد الكرخي ، قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ إبراهيم (ع) ... لَمَّا كَسَرَ أَصْنَامَ نَمْرُودَ ... فَأَمْرَهُمْ أَنْ يَنْفُوا إِبرَاهِيمَ مِنْ بِلَادِهِ ... فَأَخْرَجُوا إِبرَاهِيمَ وَ لُوطًا مَعَهُ (ع) مِنْ بِلَادِهِمْ إِلَى الشَّامِ . فَخَرَجَ إِبرَاهِيمَ (ع) وَ مَعَهُ لُوطٌ لِإِيفَارِقَهُ وَ سَارَهُ وَ قَالَ لَهُمْ < إني ذاهب إلى ربّي سيهدين > يعني بيت المقدس ;

ابراهیم بن ابی زیاد کرخی می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: ابراهیم(ع) .. چون بت های نمروود را شکست ... نمروود به اصحابش دستور داد ابراهیم(ع) را از شهر برانند ... پس ابراهیم(ع) را در حالی که لوط(ع) هم راه او بود، از شهرشان به سوی شام اخراج کردند و در حالی که لوط و ساره با او بودند [از شهر بیرون آمدند] و ابراهیم به آنان گفت: >إني ذاهب إلى ربّي سيهدين< ; یعنی، به سوی بیت المقدس می روم.<

جلد - نام سوره -

۱ - ابراهیم (ع) از خداوند، فرزندی صالح درخواست کرد .

رَبِّ هَب لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

مفعول فعل <هب> در تقدیر است: <هب لی ولدًا من الصالحین / مرا فرزندی از صالحان ببخش >.

۳ - ابراهیم (ع) تا پیش از افکنده شدن در آتش و هجرت از موطن خود، بی فرزند بود .

و قال إني ذاهب إلى ربِّي سيهدني . رَبِّ هَب لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دعای ابراهیم (ع) برای فرزنددار شدن، مورد استجابت پروردگار قرار گرفت .

رَبِّ هَب لِي مِنَ الصَّالِحِينَ . فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ

۱۱ - > بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبي عبد الله (ع) كم كان بين بشاره ابراهيم باسما عيل و بين بشارته ياسحاق قال كان بين البشارتين خمس سنين قال الله سبحانه فبشّرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلما كان في الليل أتى ابراهيم آت من ربّه فأراه الرؤيا في ذبح ابنه اسماعيل بموسم مکه . . . ثم انطلقا إلى السعى فلما صارا في المسعى قال ابراهيم (ع) لاسماعيل يا بني إني أرى في المنام أنّي أذبحك في موسم عامي هذا فماذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدى اسماعيل بكبش عظيم فذبحه و تصدق بلحمه على المساكين /

برید عجلی گوید: به امام صادق(ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج

سال بود خدا می فرماید: <فبشّرناه بغلام حلیم، یعنی،... چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسر من! من در خواب دیدم که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیة شد. پس ابراهیم (ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۶، ۱۱، ۹، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - اسماعیل (ع) به هنگام نوجوانی، در معیت پدرش ابراهیم (ع) به سعی و تلاش می پرداخت.

فبشّرناه بغلم حلیم . فلّمّا بلغ معه السعی

۲ - اسماعیل (ع)، کمک کار پدرش ابراهیم (ع) در مسائل اجتماعی و زندگی

فلّمّا بلغ معه السعی

از آمدن قید <معه> (در معیت او) برداشت یاد شده به دست می آید.

۴ - ابراهیم (ع)، خواب خود را با فرزندش اسماعیل در میان گذاشت.

قال یبنیّ ائنی اری فی المنام ائنی اذبحک

۵ - مشورت و نظرخواهی ابراهیم (ع)، از فرزندش اسماعیل نسبت به ذبح وی

ائنی اذبحک فانظر ماذا تری

از لحن جمله <فانظر ماذا تری> (بنگر تا رأی تو چیست؟) نوعی نظر خواهی و مشورت استفاده می شود. البته فلسفه این کار،

استفاده

ابراهیم(ع) از نظرات اسماعیل(ع) نبود؛ بلکه یا برای آزمایش فرزندش بود و یا به منظور زمینه سازی برای پذیرش بی تحمیل فرمان ذبح از جانب اسماعیل(ع)

۶- ابراهیم (ع) ، فرزندش اسماعیل (ع) را برای اجرای فرمان ذبح او آزمایش کرد و وی را برای سر بلند شدن در این آزمایش بزرگ آماده نمود .

أني أذبحك فانظر ماذا تري

۹- اعلام رضایت و تسلیم اسماعیل (ع) ، در مقابل فرمان قربانی شدن

قال يأبت افعلى ما تؤمر

۱۱- مأموریت ابراهیم (ع) ، به ذبح فرزندش از راه خواب بود .

بينى إني أرى فى المنام أنى أذبحك .. قال يأبت افعلى ما تؤمر

۱۶- وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

يأبت افعلى ما تؤمر ستجدنى إن شاء الله من الصبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۱

۱- تسلیم ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) ، در برابر فرمان خداوند به ذبح

إني أرى فى المنام أنى أذبحك .. قال يأبت افعلى ما تؤمر ... فلما أسلما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- خداوند ، به جای قربانی اسماعیل (ع) ، قربانی دیگری پذیرفته و جان او را حفظ کرد .

و فدينه بذبح عظيم

<فديه> و <فداء> (از ماده <فدينا>) به معنای قرار دادن چیزی به جای شیء دیگری به منظور دفع ضرر از آن شیء است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ - بشارت خداوند به ابراهیم (ع) ، به تولد فرزندی به نام اسحاق برای او

و بشرنه یاسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۱

۱ - اعلان برائت حضرت ابراهیم (ع) از شرک و بت پرستی قوم خود

و إذ قال إبرهیم لأبیه و قومه إننی براء ممّا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۴،۶،۷،۹

۴ - گفتوگوی مستقیم و رودرروی فرشتگان با حضرت ابراهیم (ع)

فقالوا سلماً قال سلم

۶ - پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش ، قبل از هر سخن دیگر

فقالوا سلماً قال سلم

۷ - تحیت و سلام ابراهیم (ع) ، بهتر و افزون تر از تحیت و سلام فرشتگان وارد بر آن حضرت

فقالوا سلماً قال سلم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تحیت فرشتگان، جمله فعلیه و مفید حدوث است زیرا <سلام> به تقدیر <نسلم سلاماً> می باشد. اما تحیت حضرت ابراهیم(ع)، جمله اسمیه و مفید ثبوت است زیرا به تقدیر <سلام علیکم> است.

۹ - میهمانان وارد شده بر ابراهیم (ع) ، مردانی ناشناس برای آن حضرت

قوم منکرون

<منکر> نقطه مقابل <معروف> (شناخته شده) است، یعنی، <هم قوم منکرون له> (آنان برای او (ابراهیم(ع)) گروهی ناشناخته بودند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۷، ۶، ۵، ۳، ۱

۱ - اقدام بی درنگ و نهانی حضرت ابراهیم (ع)

در تهیه غذا، برای میهمانان گرمی خویش

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

از <فاء> در <فراغ> تسریع استفاده می شود. ماده <راغ> نیز بیانگر اقدام پنهانی و غیرعلنی است.

۳- مراجعه حضرت ابراهیم (ع) به همسر خود، برای تهیه غذای میهمانان

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

۵- محل سکونت همسر ابراهیم (ع) مجزا از محیط پذیرایی میهمانان *

فراغ إلی أهله

حرکت مخفیانه ابراهیم (ع) به سوی اهل، در جایی فرض می شود که محیط خانواده آن حضرت در معرض دید میهمانان نبود.

۶- پذیرایی کامل ابراهیم (ع) از میهمانان خود، در عین ناشناس بودن آنان برای آن حضرت

قوم منکرون. فراغ... فجاء بعجل سمین

<عجل سمین> (گوساله چاق)، نشان می دهد که به هر حال ابراهیم (ع)، در صدد پذیرایی مفصل از میهمانان ناشناس خویش بود.

۷- پذیرایی ابراهیم (ع) از میهمانان خویش، با گوساله ای فربه و بریان

فجاء بعجل سمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۷ - ۱،۲

۱- تقاضای حضرت ابراهیم (ع) از میهمانان، برای خوردن غذا همراه با نهادن آن در دسترس آنان

فقرّبہ إلیهم

۲- پذیرایی شخص ابراهیم (ع)، از میهمانان خویش

فراغ... فجاء بعجل... فقرّبہ إلیهم قال

استناد افعال ذکر شده در آیات به شخص ابراهیم(ع)، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱،۲،۵

۱ - میهمانان ابراهیم (ع)، از خوردن غذا خودداری کردند.

فأوجس منهم خيفة

<فاء> در <فأوجس> فصیحه و نشانگر این

است که جمله ای پیش از آن حذف شده است. تقدیر آن چنین می باشد: <فلم يأكلوا فأوجس منهم خيفه>.

۲ - خودداری میهمانان از خوردن غذا ، مایه بیم و نگرانی حضرت ابراهیم (ع)

قال ألا تأكلون . فأوجس منهم خيفه

<أوجس> معادل دو فعل <أحسّ و أضمر> می باشد و تنوین <خيفه> برای تنويع است؛ یعنی، ابراهیم(ع) در درون خویش از آنان احساس نوعی ترس کرد.

۵ - اقدام میهمانان ابراهیم (ع) ، به رفع نگرانی از آن حضرت با معرفی خویش

قالوا لاتخف

از مطالب بعد، استفاده می شود که میهمانان بعد از گفتن <لا-تخف>، خود را به ابراهیم(ع) معرفی کردند و نگرانی آن حضرت را برطرف نمودند؛ و گرنه صرف گفتن <لاتخف> نگرانی را نمی زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴

۱ - حضور همسر ابراهیم (ع) ، در جمع آن حضرت و میهمانان ایشان

و بشروه بغلم عليم . فأقبلت امرأته في صرّه ... و قالت عجوز عقيم

۲ - فریاد همسر ابراهیم (ع) و سیلی زدن وی به صورت خویش ، با شنیدن بشارت اعطای فرزند به ایشان

فأقبلت امرأته في صرّه

<صرّه> به معنای فریاد و <صكّ> به معنای ضربه شدید است. <صكّ وجهها>؛ یعنی، سیلی سختی به صورت خویش نواخت.

۳ - هیجان ، تعجب و ناباوری شدید همسر ابراهیم ، از باروری پس از پیری و عمری نازایی

فأقبلت امرأته في صرّه فصكّت وجهها و قالت عجوز عقيم

۴ - همسر ابراهیم ، فردی کهنسال و نازا به هنگام بشارت فرزنددار شدنش

فأقبلت امرأته . . . و قالت عجوز عقيم

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۱،۲

۱ - اطمینان بخشی فرشتگان به همسر ابراهیم (ع) ، در مورد خدایی بودن پیام و بشارتشان (فرزنددار شدن او)

قالوا کذلک قال ربّک

۲ - هم سخن شدن همسر ابراهیم (ع) با فرشتگان بشارت دهنده

قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۱ - ۱،۲

۱ - پرسش حضرت ابراهیم (ع) ، درباره رسالت و مأموریت میهمانان خویش (فرشتگان)

قال فما خطبکم أیها المرسلون

<خطب> به شأن و امری گفته می شود که شخص در پی آن است. سؤال ابراهیم(ع) از مأموریتی بود که فرشتگان، می خواستند آن را به اجرا درآورند.

۲ - پی بردن حضرت ابراهیم (ع) به منحصر نبودن مأموریت فرشتگان در بشارت اعطای فرزند به ایشان

و بشروه بغلم . . . قال فما خطبکم أیها المرسلون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیه شریفه سخنی از وجود رسالتی افزون بر بشارت فرزند به میان نیامده است و فرشتگان خود آن را آشکار نکرده اند؛ اما ابراهیم(ع) به این نکته پی برده و رسالت اصلی فرشتگان را جویا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۲ - ۱،۲

۱ - توضیح فرشتگان به حضرت ابراهیم (ع) ، درباره مأموریت خود به سوی قومی مجرم

قالوا إنا أرسلنا إلی قوم مجرمین

۲ - حضور فرشتگان به محضر ابراهیم (ع) ، قبل از ایفای مأموریت

خود در نابودی قوم لوط

قال فما خطبكم أيها المرسلون . قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

مفسران این مأموریت را به قرینه <لنرسل > بعد از حضور یافتن ملائکه در منزل ابراهیم(ع) دانسته اند. البته آیات مربوط به قوم لوط در سوره هود مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۷

۱۷ - عدم برقراری رابطه میان ابراهیم (ع) و قوم مشرک او ، مگر در وعده استغفار آن حضرت برای آزر

إذ قالوا لقومهم إنا برءؤا منكم .. إلا قول إبراهيم لأبيه

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إلا>، استثنا از برائت ابدی باشد که از بخش پیشین آیه استفاده می شود.

قصه ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۷ - ۴

۴- خداوند ، ادريس (ع) را به جایگاهی بلند بالا برد . *

و رفعه مكاناً علياً

محتمل است مقصود از <مكان>، مکانی مادی باشد که در این صورت، مقصود عروج او به آسمان، همانند حضرت عیسی(ع) است.

قصه ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۱۳

۱۳ بیانگر حق و پندآموز بودن و یادآور شدن حقایق و معارف الهی ، معیار ارزشمندی داستان ها و سرگذشت پیشینیان

جاءك في هذه الحق و موعظه و ذكرى للمؤمنين

قصه اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و

نَجِينَهُ وَ لَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ . . . وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۲

۲ - اسحاق (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

وَ قَالَ إِنِّي مَهَاجِرٌ . . . وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۴

۴ - فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط ، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع)) ، نیز به ابراهیم (ع) دادند .

وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرَى

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم(ع) بشارت فرزنددار شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که <البشرى> در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

قصه اسلام جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۷

۷- بازگشت جنیان مؤمن ، به سوی قومشان با پیام انذار و هدایت

وَلَوْآ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنذِرِينَ

قصه اسماعیل(ع)

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ - ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱،۳،۴

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۴ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، با دعا به درگاه خدا خواستار پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه) شدند .

ربنا تقبل منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱،۳،۸،۱۰

۱ - تسلیم خدا شدن ، از دعا های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام

ساختن کعبه

و إذ يرفع إبراهيم القواعد .. ربنا واجعلنا مسلمين لك

۳ - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمه مسلمه لك

۸ - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

۱۰ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱،۲،۵،۶،۹

۱ - اسماعیل (ع) به هنگام نوجوانی ، در معیت پدرش ابراهیم (ع) به سعی و تلاش می پرداخت .

فبشّرناه بغلم حلیم . فلما بلغ معه السعی

۲ - اسماعیل (ع) ، کمک کار پدرش ابراهیم (ع) در مسائل اجتماعی و زندگی

فلما بلغ معه السعی

از آمدن قید <معه> (در معیت او) برداشت یاد شده به دست می آید.

۵ - مشورت و نظرخواهی ابراهیم (ع) ، از فرزندش اسماعیل نسبت به ذبح وی

أنی أذبحک فانظر ماذا تری

از لحن جمله <فانظر ماذا تری> (بنگر تا رأی تو چیست؟) نوعی نظرخواهی و مشورت استفاده می شود. البته فلسفه این کار، استفاده ابراهیم(ع) از نظرات اسماعیل(ع) نبود؛ بلکه یا برای آزمایش فرزندش بود و یا به منظور زمینه سازی برای پذیرش بی

تحميل فرمان ذبح از جانب اسماعيل (ع)

٦- ابراهيم)

ع) ، فرزندش اسماعیل (ع) را برای اجرای فرمان ذبح او آزمایش کرد و وی را برای سر بلند شدن در این آزمایش بزرگ آماده نمود .

أنتی أذبحك فانظر ماذا ترى

۹ - اعلام رضایت و تسلیم اسماعیل (ع) ، در مقابل فرمان قربانی شدن

قال یا بئ افعال ما تؤمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ - تسلیم ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) ، در برابر فرمان خداوند به ذبح

إنی أرى فی المنام أنتی أذبحك .. قال یا بئ افعال ما تؤمر ... فلما أسلما

قصه اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۱

۱ - گروهی از جباران ، برای تعذیب مؤمنان ، در زمین حفره عمیقی ایجاد کردند .

أصحاب الأخدود

<اخذود>؛ یعنی، شکاف طولانی و عمیقی که در زمین ایجاد شود. اصل و ریشه آن <خَدَّ> است؛ یعنی، مقداری از صورت که طرف راست و چپ بینی قرار گرفته است (مفردات راغب). <أصحاب الأخدود>؛ یعنی، کسانی که حفره را ایجاد کردند. این احتمال که مراد، مؤمنان معذب در <اخذود> باشد، با ضمیرهایی که در آیات بعد آمده، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۵ - ۱

۱ - حفره اصحاب اخدود ، یکپارچه آتش برافروخته و دارای سوخت فراوان و کافی بود .

النار ذات الوقود

<النار>، بدل از <الأخدود> است. بدل قرار گرفتن آتش برای مکان آن، مبالغه است و از شدت آتش حکایت دارد؛
گویی که

آن حفره چیزی جز آتش نبود. <وقود> به معنای مواد سوختنی (هیزم و غیر آن) است و به شعله نیز اطلاق می شود (مفردات راغب). توصیف آتش به <ذات الوقود>، گویای فراهم بودن سوخت کافی و سلطه آتش بر تمام آن است؛ به گونه ای که گویا آتش مالک آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۱

۱ - اصحاب اخدود ، اطراف حفره آتش گرد آمده ، به تماشای سوختن مؤمنان نشستند .

إذ هم علیها قعود

ضمیر <علیها>، به آتش برمی گردد و مراد مشرف بودن بر آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱

۱ - اصحاب اخدود ، هنگام سوزانده شدن مؤمنان ، حاضر و ناظر بوده و آن را مشاهده می کردند .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

<شاهده>، در اصل به معنای خیر دادن از چیزی است که شخص آن را مشاهده کرده و نزد آن حاضر بوده است (نهایه ابن اثیر)؛ و چون جمله <و هم علی..> حالیه و مربوط به زمان حضور کنار خندق آتش است؛ مراد تحمل شهادت و دریافت خیر است، نه ادای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۶

۶ - اصحاب اخدود ، در صورت دست کشیدن مؤمنان از ایمان خویش ، آنان را نمی سوزاندند .

إلا أن یؤمنوا

فعل مضارع همراه با حرف <أن> در <أن یؤمنوا>، برای استقبال بوده و بیانگر آن است که آنچه اصحاب <اخدود> را به مقابله واداشت؛ باقی ماندن

مؤمنان بر ایمان خویش بود. گویا ایمان گذشته آنان، در نظر دشمنان شان موجب عقوبت نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۶

۶ - پایداری مؤمنان در عصر اصحاب اخدود ، بر ایمان خویش تا نیل به شهادت ، در محضر خداوند بوده و به آن رسیدگی خواهد شد .

و الله على كل شيء شهيد

بیان گواه بودن خداوند، برای مجرمان تهدید و برای مؤمنان وعده به پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۷۸

۷ - اصحاب اخدود ، حتی زنان مؤمن را نیز در آتش سوزاندند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

۸ - پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت ، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

قصه اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۴ - ۲

۲ - تصمیم قاطع باغداران یمنی ، بر محروم ساختن بینوایان از محصولات باغ

أن لا يدخلنَّها اليوم علیکم مسکین

قصه اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ سرگذشت اصحاب سبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم كما لعنا اصحاب السببت

قصه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۱۱، ۲، ۱

۱ - لشکری فیل سوار پیش از عصر بعثت ، گرفتار کیفر خداوند شده ، به شدت مجازات شدند .

الم تر کیف فعل ربک

۲ - سرکوب فیل داران از جانب خداوند ، رخدادی شگفت و خاطره ای زنده در عصر بعثت

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

استفهام در <ألم تر> علاوه بر تعجبی بودن اصل رؤیت را تحقق یافته قلمداد کرده است؛ کنایه از این که گرچه مخاطب، آن حادثه را ندیده است؛ ولی شهرت آن به حدی است که گویا او نیز دیده است.

۱۱ - عن أبي عبد الله عن أبيه عن أبائه (ع) قال : لما ظهرت الحبشه باليمن وَجَّهَ يَكْسُومَ ملك الحبشه بقائدين من قُواده يقال لأحدهما أبرهه و الآخر أرباط في عشره من الفيل كل فيل في عشره آلاف لهدم بيت الله الحرام . . . فقتل أبرهه أرباط و استولى على الجيش فلما قارب مكه . . . أقبلت الطير الأبايل في منقار كل طائر حجر و في رجله حجران فكان الطائر الواحد يقتل ثلاثه من أصحاب أبرهه . . . و قد قصَّ الله تبارك و تعالی نبأهم فقال سبحانه : ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل ؛

امام صادق از پدرانش (ع) نقل کرده است: چون حبشیان بر یمن پیروز شدند، پادشاه حبشه به نام <یکسوم> دو نفر از فرماندهان خود به نام های <ابرهه> و <ارباط> را به همراه ده فیل که همراه هر فیل ده هزار نیرو بود برای منهدم کردن خانه خدا [به مکّه] فرستاد . . . ابرهه، ارباط را به قتل رساند و خود مسلط بر نیروها شد. پس چون به مکّه نزدیک شد ... آن پرندگان پی در پی آمدند و در منقار هر یک از آنها، یک سنگ و در پاهایشان

دو سنگ بود. هر پرنده ای سه نفر از اصحاب ابرهه را می کشت ... خدای تبارک و تعالی داستان آنان را نقل کرده، فرموده است: ألم تر کیف فعل ربك بأصحاب الفيل <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۱،۵

۱ - خداوند ، پرنده گانی فراوان و ناشناخته را بر اصحاب فیل ، حملهور ساخت و آنها گروه گروه و پیایی بر آنان هجوم بردند .

و أرسل عليهم طيراً أبابيل

نکره آمدن <طیراً> (اسم جمع <طائر>) بر ناشناخته بودن آنها دلالت دارد. توصیف آن به <أبابیل> که یا به معنای دسته دسته و یا پی در پی است (قاموس) بیانگر آن است که یورش پرنده گان بر اصحاب فیل، تدریجی بوده است.

۵ - > عن أبي مریم عن أبي جعفر (ع) قال سألته عن قول الله عزوجل > و أرسل عليهم طيراً أبابيل . ترمیهم بحجاره من سجیل < قال : كان طير سافَّ جاءهم من قِبَل البحر رؤوسهم كأمثال رؤوس السباع و أظفارها كأظفار السباع من الطير مع كلِّ طائر ثلاثة أحجار في رجله حجران و في منقاره حجر فجعلت ترمیهم بها حتَّى جُردت أجسادهم فقتلهم [فقتلتهم حل] بها ... ;

ابی مریم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجل > و أرسل عليهم طيراً أبابيل . ترمیهم بحجاره من سجیل < سؤال کردم حضرت فرمود: پرنده گانی که در سطح پایین پرواز می کردند از جانب دریا به سوی آنان آمدند. سرهای آنها مثل سرهای درنده گان و چنگال های آنها نیز مثل چنگال های پرنده گان درنده بود و با هر پرنده سه

سنگ [بود]؛ دو سنگ در پاهایش و سنگی در منقارش با آن سنگ ها [سپاه ابرهه] را هدف قرار می دادند تا این که در بدن های آنان آبله پدیدار شد که با همان سنگ ها آنان را نابود کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۴ - ۱

۱ - پرندگان مهاجم ، اصحاب فیل را با سنگ هایی از گل پخته ، سنگ باران کردند .

ترمیم بحجاره من سجیل

<حجاره> (جمع <حجر>) است و <سجیل> (معرب سنگ گل)، سنگی است که مانند <گل خشک شده> باشد (قاموس). فعل مضارع <ترمیم>، دلالت بر استمرار دارد. به قرینه آیه بعد، پرندگان تا آن جا به سنگ باران ادامه دادند که سپاه ابرهه نابود شدند. حرف <من> بیانیه و بیانگر آن است که سنگ های انتخابی پرندگان، گل های سنگ شده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، رقم زنده فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

فجعلهم كعصف مأكول

ه فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

۲ - تأثیر هجوم پرندگان به اصحاب فیل ، به دست خداوند و مستند به او است .

ترمیم ... فجعلهم كعصف مأكول

فاعل <ترمیم>، پرندگان و فاعل <جعلهم>، خداوند است؛ یعنی، کار از آنها و اثر از خداوند بود.

قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹ - ۹ - ۱،۳،۴،۷،۸،۹

۱- سرگذشت اصحاب کهف ، از آیات و نشانه های الهی است .

أم حسبت أن أصحاب

۳- ماجرای اصحاب كهف ، با توجه به قدرت و اراده خداوند ، رخدادی شگفت نیست .

أم حسبت أن أصحاب الكهف . . كانوا من آيتنا عجبًا

<أم> در ابتدای آیه، <أم منقطعه> است و معنای اضراب همراه با استفهام و انکار دارد، بنابراین، معنای عبارت چنین است: <آیا چنین گمان کردی که اصحاب كهف . . >.

۴- خداوند ، آیاتی بس شگفت تر از ماجرای اصحاب كهف دارد .

أم حسبت أن أصحاب الكهف . . كانوا من آيتنا عجبًا

نفی شگفتی از ماجرای اصحاب كهف علی رغم شگفتی آن در نظر آدمیان گواه این مطلب است که خداوند، آیاتی بس عجیب تر از این داستان نیز آفریده است.

۷- < عن أبي عبد الله (ع) في قوله > أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم . . . < قال : هم قوم فرّوا و كتب ملك ذلك الزمان بأسمائهم و أسماء آبائهم و عشائهم في صحف من رصاص ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا <أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم. . .> روایت شده که فرمود: آنان، قومی بودند که فرار کردند و پادشاه آن زمان، نام آنان و پدران و عشیره هاشان را در چند لوحه از سرب مرقوم داشت. (این وجه تسمیه اصحاب كهف به اصحاب رقيم است).<

۸- < عن نعمان بن بشير ، أنه سمع رسول الله (ص) يحدث عن أصحاب الرقيم : انّ ثلاثة نفر دخلوا إلى الكهف فوق من الجبل حجر على الكهف فأو صد عليهم . . . ففرج الله عنهم و خرجوا إلى أهلهم راجعين ;

از نعمان بن بشير نقل شده که

او، از رسول الله (ص) شنید که درباره اصحاب رقیم فرمود: آنان، سه نفر بودند که داخل غار شدند و سنگی از کوه بر غار فرود آمد و غار را به روی آنان بست .. پس خداوند، گشایشی در کارشان پدید آورد [و از غار آزاد شدند] و به سوی خانواده های خود بازگشتند.

۹- > عن أبي عبد الله (ع) قال: إن أصحاب الكهف أسروا الإيمان و أظهروا الكفر... ;

از امام صادق (ع) روایت شده: اصحاب کهف، ایمان خود را مخفی داشته و تظاهر به کفر می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱

۱- اصحاب کهف ، گروهی بودند که از خطر جامعه ناسالم کفر ، به سوی پناهگاهی در کوه گریختند .

إذ أوى الفتيه إلى الكهف

>أوى إلى كذا< یعنی: >به آن جا پیوست و آن را مأوا و مسکن خود قرار داد<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خداوند ، با مسلط کردن خواب بر اصحاب کهف ، دعای آنان را مستجاب کرد .

فقالوا ربنا انا .. فضرنا على اذانهم

عبارت <ضرنا على اذانهم> کنایه از آن است که خداوند، خواب را بر آنان مسلط کرد، به گونه ای که گوش آنان نمی شنید. و عطف جمله <ضرنا> با حرف تفریع بر جملات قبل که متضمن دعای اصحاب کهف بود گویای آن است که تسلط خواب بر ایشان، در مسیر اجابت دعای آنان صورت گرفته است.

۲- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله

، به اراده خدا بود .

فَضْرِبْنَا عَلٰى اِذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سَنِيْنَ عَدَدًا

<عددًا> مصدر و به معنای <معدوده> و یا <ذات عدد> است. توصیف <سنین> به این که دارای عدد و شمارش است در نظر برخی از مفسران به کثرت آن سال ها اشاره دارد؛ زیرا تعداد سال ها، اگر اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

۳- حیات طولانی اصحاب کهف در خواب ، از آیات الهی است .

كانوا من ايتنا عجبًا .. فاضربنا على اذانهم فى الكهف سنين عددًا

۴- خداوند ، با تصرف در حسّ شنوایی اصحاب کهف ، آنان را در خوابی چندین ساله ، در غار نگاه داشت .

فَضْرِبْنَا عَلٰى اِذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سَنِيْنَ عَدَدًا

۸- غار ، محلّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب کهف

فَضْرِبْنَا عَلٰى اِذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سَنِيْنَ عَدَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۲ - ۱،۳

۱- اصحاب کهف ، به اراده خداوند ، پس از خوابی چندین ساله ، بیدار شدند .

فَضْرِبْنَا عَلٰى اِذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سَنِيْنَ عَدَدًا . ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ

۳- میان اصحاب کهف ، در برآورد مدّت خواب خویش ، دو دستگی به وجود آمد . *

أَيُّ الْحَزْبَيْنِ أَحْصَى لَمَّا لَبَثُوا

با توجه به آیات بعد که گفت و گوی اصحاب کهف را با هم نقل کرده است (قالوا لبثنا) چنین برمی آید که آنان، خود، به دو گروه (الحزبین) تقسیم شده بودند و درباره مدّت زمان خواب خویش اختلاف نظر داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۴ - ۸

۸- محیط اجتماعی اصحاب کهف ، محیطی شرک آلود و

نامساعد برای ابراز توحید بود .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا

چنان چه محیط برای اظهار نظر اصحاب کهف مساعد بود، نیازی به قیام نبود و امدادهای ویژه الهی (ربطنا ..) ضرورتی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱،۲

۱- جامعه اصحاب کهف ، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدّد بود .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

۲- اصحاب کهف ، از شرک و انحراف عقیدتی مردم جامعه خویش ، نگران و در رنج روحی بودند .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

لحن جمله <هؤلاء..> گویای تحسّر و اندوه اصحاب کهف بر ضلالت و گمراهی مردم زمان خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۱۲، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- اصحاب کهف ، از سوی جامعه کفر ، مورد تهدید بودند و نیروی کافی برای مقابله با آنان را نداشتند .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

کنارگیری (اعتزال) اصحاب کهف از جامعه خویش، نشانگر در تنگنا قرار گرفتن آنان از سوی جامعه و فشار مشرکان بر ایشان است.

۲- رفتن به غار ، پیشنهاد برخی از اصحاب کهف به دیگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

۳- اصحاب کهف ، جهت رهایی از مشرکان ، غاری را برای جای گرفتن برگزیدند .

فأوؤا إلى الكهف

جای گرفتن اصحاب کهف در غار، ظاهراً، به جهت مخفی ماندن از دید مأموران و تعقیب کنندگان بوده است.

۴- اصحاب کهف ، برای حفظ ایمان خویش ، ناگزیر به کنارگیری از جامعه شرک آلود

شدند .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلا الله فأووا إلى الكهف

با توجه به <و ما يعبدون إلا الله> معلوم می گردد که اعتزال اصحاب کهف، برای حفظ عقیده و آرمان بوده است.

۶- اصحاب کهف ، زندگی سخت و پر مشقت ولی همراه با توحید را ، بر زندگی آسوده در محیط شرک و حاکمیت آن ترجیح دادند .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلا الله فأووا إلى الكهف

۱۲- اصحاب کهف ، به فراهم آمدن زمینه های لازم برای تداوم بخشی به یکتاپرستی و حرکت توحیدی خویش ، مطمئن بودند .

و يهتبيء لكم من أمرکم مرفقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۷ - ۵،۶

۵- اصحاب کهف ، در بخش وسیع غار ، مستقر بودند .

و هم فی فجوه منه

۶- بدن اصحاب کهف ، در غار ، از تابش مستقیم نور آفتاب ، در امان بود .

تزور عن كهفهم ذات اليمين . . . تقرضهم ذات الشمال و هم فی فجوه منه

<فجوه> به مکان و فضای وسیعی که در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب کهف در <فجوه> و فضای وسیع غار و ذکر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید که به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۱۹،۲۰ - ۱۸ - ۱۸

۱- اصحاب کهف ، با احساس امنیت از خطر دشمن ، در غار به خواب رفتند .

و هم رفود

۲- خواب اصحاب كهف ، به گونه ای

بود که هر بیننده ای آنان را بیدار می پنداشت .

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

<يَقِظُ> به شخص بیدار گفته می شود و <أيقاظ> جمع آن است. <رقود> جمع <راقد> است و <راقد>؛ یعنی، شخصی که به خواب رفته است.

۳- پیکر و اعضای بدن اصحاب کهف ، در تمام مدّتی که در خواب بودند ، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت .

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

مفاد جمله <تحسبهم..> این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خوابِ اصحاب کهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجسادى از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید؛ یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

۴- خداوند ، پیکر های اصحاب کهف را در زمان چیرگی خواب بر آنان ، به راست و چپ گردش می داد .

و نقلّبهم ذات اليمين و ذات الشمال

۵- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست ، از عوامل مصونیت آنان در برابر آسیب های جسمی بود . *

و نقلّبهم ذات اليمين و ذات الشمال

اسناد <نقلّب> (گرداندن) به خداوند، در جمله <نقلّبهم..> گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

۶- اصحاب کهف ، به هنگام آرمیدن در غار ، سگی به همراه خود داشتند .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصيد

۷- سگ اصحاب کهف ، در مدّت خواب طولانی آنان ، ساق دستان خود را گشوده و

بر دهانه غار خوابیده بود .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

<وصید> به آستانه در ب گفته می شود.

۸- سگ اصحاب کهف نیز مانند خود آنان ، در سلامت کامل بود .

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

۹- جسم سگ اصحاب کهف ، در مدت خواب طولانی آنان ، بی حرکت بود و به راست و چپ نمی گردید . *

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

۱۳- آرمیدن اصحاب کهف در غار ، به گونه ای بود که اگر کسی به جایگاه آنان دست می یافت ، از ناحیه آنان احساس خطر می کرد و می گریخت .

لو اطلعت علیهم لولیت منهم فراراً

به قرینه جمله <لبثنا یوماً أو بعض یوم> در آیه بعد که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

۱۴- منظره اصحاب کهف ، رعب آور و فرو برنده بینندگان در ترس و وحشتی فراگیر

لو اطلعت علیهم .. لملت منهم رعباً

۱۵- بیدارنمایی اصحاب کهف ، دارای نقشی به سزا در هول انگیز ساختن منظره آنان

و تحسبهم أیقاظاً .. لملت منهم رعباً

۱۷- خوابگاه اصحاب کهف ، از دید مردم پنهان بود و کسی بر آن واقف نمی شد .

لو اطلعت علیهم

حرف <لو> در <لو اطلعت..> برای امتناع است و بر میسر نبودن اطلاع دلالت دارد.

۱۹- > عن أبي جعفر (ع) فی قول الله : > .. لولیت منهم فراراً و لملت منهم رعباً

< قال : > إِنَّ ذَلِكَ لَم يُعَنَّ بِهِ النَّبِيُّ (ص) . . . لَكِنَّهُ حَالَهُمُ الَّتِي هُمْ عَلَيْهَا ;

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره این سخن خدا >.. لو لیت منهم فراراً و لم لیت منهم رعباً < فرمود: همانا، در این آیه، پیامبر(ص) قصد نشده ... و مقصود، تجسم حالتی است که اصحاب کهف بر آن حالت بودند.<

۲۰- > [عن الصادق (ع) فی قصّه أصحاب الکهف أنّه قال] : . . . لهم فی کلّ سنه نقلتان ینامون سته أشهر علی جنوبهم الیمنی و سته أشهر علی جنوبهم الیسری . . . ;

[از امام صادق(ع) در قصّه اصحاب کهف، روایت شده که فرمود]: . . . برای آنان، در هر سال، دو گردیدن بود: شش ماه بر پهلو راست شان و شش ماه بر پهلو چپ شان می خوابیدند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۱، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳

۳- بیدارسازی اصحاب کهف ، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود .

بعثنهم لیتساءلوا

> < در > لیتساءلوا < بیانگر علت بیدارسازی است. هدف از به خواب بردن و بیدار ساختن اصحاب کهف چنان چه از تفریح آیات یازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست آمد اعطای رحمت و رشدی بود که اصحاب کهف درخواست کرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بیدار می کرد تا از راه پرسش و غیر آن، به حوادثی که بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

۴- فضای حاکم بر اصحاب کهف ، به هنگام

بیداری آنان ، منظره ای بهت آور برای یکی از آنان و مایه کنجکاوی و تبادل نظر وی با همراهان خود ، در سنجش گذشت زمان بود .

قال قائل منهم کم لبثتم

۵- خواب اصحاب کهف ، در نظر گروهی از آنان ، درنگی یک روزه ، یا کمتر از آن بود .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم

حرف <أو> برای تردید است و منشأ تردید در <یوماً أو بعض یوم> این بود که گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه خورشید، مردّد ماندند که: <آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند که در آن به خواب رفتند؟>. براساس این تقریب، کلمه <یوماً> به معنای یک شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر کرد.

۶- وضعیت جسمانی اصحاب کهف ، پس از بیداری ، با حالت آنان در زمانی که تازه به خواب رفته بودند ، تفاوتی نداشت .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم

۷- بیداری اصحاب کهف ، هم زمان با یکدیگر و در هنگامی بود که پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض .. فابعثوا أحدکم

از گفتوگوی اصحاب کهف در باره مشخصات زمان خواب شان و نیز از تصمیم آنان به تهیه غذا از شهر، نکته فوق استفاده می شود.

۸- اصحاب کهف از برآورد دقیق مدّت زمان خواب خویش ناتوان بودند .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم قالوا ربکم أعلم بما لبثتم

۹- گروهی از اصحاب کهف ، با اعتراف

به ناتوانی خود از تشخیص مدّت خواب اندک بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتوگو درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند .

قالوا ربکم أعلم بما لبثتم

کلمه <ربکم> قرینه بر این است که گویندگان جمله <ربکم أعلم> افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: <لبثا یوماً..> زیرا، در غیر این صورت، گفتن <ربثنا> مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا یوماً أو بعض یوم) تخطئه کردند.

۱۵- اصحاب کهف ، پس از بیدار شدن از خواب طولانی خویش ، احساس گرسنگی کردند .

فابعثوا أحدکم بورقکم .. از کی طعاماً

۱۶- اصحاب کهف ، پس از بیدار شدن ، تصمیم گرفتند باز در غار بمانند و تنها ، یک نفر از خود را برای تهیه آذوقه به شهر روانه کنند .

فابعثوا أحدکم بورقکم هذه إلى المدینه

۱۷- حرکت اصحاب کهف به سوی غار ، حرکتی ناگهانی و بدون پیش بینی آذوقه و نیازمندی های دیگر بود .

فابعثوا أحدکم بورقکم

۱۸- اصحاب کهف ، به عادی نبودن خواب خویش پی نبردند و احتمال آن نیز به فکر آنان خطور نکرد .

فابعثوا أحدکم بورقکم

۲۱- حافظه و قدرت تفکر و تصمیم گیری اصحاب کهف و جهاز هاضمه آنان پس از خواب طولانی ایشان باز ، باقی و سالم مانده بود .

فابعثوا أحدکم بورقکم

۲۵- اصحاب کهف ، باهم ، هماهنگ و صمیمی بودند .

بورقکم هذه

استناد یافتن پول و سرمایه در <ورقکم> به تمامی افراد، حاکی از نکته یاد شده است.

۲۷- سگه هایی که اصحاب کهف برای تهیه غذا در نظر

گرفتند ، سگه های نقره ای که در زمان ورود به غار ، آن را به همراه خود داشتند .

بورقکم هده

<هده> به چیزی اشاره دارد که حاضر و مشخص باشد. گفتنی است که از عادی بودن برخوردار اصحاب کهف، می توان فهمید که جنس سگه ها تغییر محسوسی نیافته بود.

۲۸- بازدید اغذیه فروشی های متعدّد و انتخاب پاک ترین و شایسته ترین خوراک ها ، خواسته اصحاب کهف از فرستاده ویژه خویش بود .

فلینظر أیها ازکی طعامًا

<زکاه> (مصدر <ازکی>) به معنای <طهارت> و نیز <صلاح> آمده است (لسان العرب). ضمیر در <أیها> به <المدینه> برمی گردد و مراد از آن به طریقه استخدام مکان های مدینه است.

۳۰- اصحاب کهف ، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا ، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند .

فلیأتکم برزق منه

<برزق> طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). <من> در <منه> برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد <فلیأتکم برزق منه> این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

۳۱- مدارا و نرمش با فروشندگان و تحریک نکردن کنجکاوی آنان ، توصیه اصحاب کهف به فرستاده ویژه خویش

ولیتلطف

<تلطف> به معنای رفق و مدارا است (مصباح). ارتباط جمله <لیتطف> با جمله <لایشعرون...> این نکته را می رساند که مدارا کردن با فروشندگان، مانع پی بردن آنان به وجود اصحاب کهف است.

۳۳- اصحاب کهف ، از پی بردن مردم به مخفی گاه شان نگران و بیم ناک بودند و برای پیش گیری از افشای آن ، تلاش می کردند .

ولایشعرونّ بکم أحدًا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۳، ۱

۱- اصحاب كهف ، خود را در صورت اسارت به دست كافران ، محكوم به سنگ سار و يا مجبور به پذيرش آيين شرك مي ديدند .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

<مله> به معنای دین و آیین است و جمله <يعيدوكم في ملتهم> یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

۳- مشركان ، در عصر اصحاب كهف ، در صورت بازگشت كامل يكتاپرستان به شرك ، از كيفر آنان چشم پوشی می کردند .

يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

در اصل، بايد برای فعل <يعيدوكم> حرف <إلى> به كار رود؛ جای گزینی حرف <فی> گویای این است که چنان چه اصحاب كهف، به طور كامل، در شرك مستقر شوند و هيچ گفته و کرداری خلاف آن نداشته باشند، مشركان، از سنگ سار آنان صرف نظر خواهند کرد.

۱۰- اصحاب كهف ، در صورت گرفتاری به دست كافران ، سنگ سار شدن را بر پذيرش آيين شرك ترجيح می دادند .

يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا

ارتباط جمله <ولن تفلحوا..> با <يعيدوكم> گویای این است که اصحاب كهف، تنها، شرك و بازگشت به آيين قوم خویش را مانع رستگاری می دانستند و درباره سنگ سار شدن چنین دیدگاهی نداشتند.

۱۱- اصحاب كهف ، تمامی راه های گریز از شرك را در صورت پذيرش اجباری آيين مشركان برخویش بسته می ديدند .

او يعيدوكم في ملتهم و لن تفلحوا إذا أبدا

مراد از <فلاح> به مناسبت مورد رستن و رهایی از شرك است.

اصحاب كهف ، ارتداد و پذيرش دوباره شرك را ، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند .

أو يعيدوكم في ملتهم و لن تفلحوا إذا أبداً

۱۳- اصحاب كهف ، از مدت زمان خواب خویش ، کاملاً بی اطلاع بودند .

إنهم إن يظهروا .. و لن تفلحوا إذا أبداً

بدیهی است اگر اصحاب كهف ، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند ، هرگونه تغییر و تحوّل را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را ، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۳۳، ۳۵، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۳، ۲۱، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱

۱- جایگاه اصحاب كهف علی رغم تلاش آنان برای مخفی نگه داشتن آن کشف شد و مردم ، برای مشاهده آنها ، در آن جا حضور یافتند .

و كذلك أعرنا عليهم ليعلموا

۴- آمدن فرستاده اصحاب كهف با سگّه دوران گذشته به شهر ، موجب برملا شدن سرگذشت آنان بود .

فابعثوا أحدكم بورقكم هذه .. و كذلك أعرنا عليهم

۱۷- کاشفان جایگاه اصحاب كهف ، به جدال و کشمکش درباره رستاخیز گرفتار بودند .

أعرنا عليهم .. إذ يتزعون بينهم أمرهم

<إذ> ظرف است برای <أعرنا> لذا مفاد آیه این است که مردم ، هنگامی بر اصحاب كهف دست یافتند که درباره امری از امور مربوط به خویش ، اختلاف داشتند . مراد از آن امر ، به قرینه <أن الساعة لاریب فیها> برپایی قیامت است و مراد از ضمیر در <أمرهم> همان مردمی هستند که بر اصحاب كهف آگاهی یافتند .

۱۸- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب كهف را

از خواب بیدار کرد .

أَعْرَنَّا عَلَيْهِمْ .. إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ

۱۹- برخی از ساکنان شهر مسکونی اصحاب کهف ، به هنگام بیدار شدن آنان ، به حقایق معاد معتقد بودند .

أَعْرَنَّا عَلَيْهِمْ .. إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ

۲۱- بیداری اصحاب کهف با بروز مشاجره میان مردم ، درباره هویت و اهداف آنان ، هم زمان بود .

أَعْرَنَّا عَلَيْهِمْ .. إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ

به قرینه <رَبِّهِمْ أَعْلَمَ بِهِمْ> می توان گفت که نزاع مردم، در باره اصحاب کهف بوده و به دلیل مضارع بودن <یتنازعون> این مشاجره دیرینه، حتی با مشاهده آنان نیز پایان نیافته بود، بلکه گروهی از مردم، شناخت حقیقی آنان را به خداوند، احاله کردند و از پی بردن به هویت واقعی آنان، اظهار عجز کردند. بر این اساس، ضمیر در <أمرهم> به اصحاب کهف مربوط می شود. حرف <فاء> در <فقالوا> این احتمال را تأیید می کند.

۲۳- اصحاب کهف پس از دیدار مردم با آنان در همان غار ، به صورت اجساد بی جان درآمدند .

فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا

۲۵- بازدید کنندگان از اصحاب کهف ، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان ، حفاظی بنا کنند .

فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ .. لِنَتَّخِذَنَّهُمْ مَسْجِدًا

۲۶- کاشفان اصحاب کهف ، در ساختن بنای عادی و یا مسجد در جایگاه اصحاب کهف ، اختلاف کردند .

فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا .. قَالَ الَّذِينَ ... لِنَتَّخِذَنَّهُمْ مَسْجِدًا

۲۷- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف ، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان ، ترغیب کردند .

فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبِّهِمْ أَعْلَمَ بِهِمْ

جمله <قال الذين غلبوا..>

در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادی را مطرح کردند. نکره بودن <بنیاناً> بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

۲۸- گروهی از بازدید کنندگان از اصحاب کهف، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند.

فقالوا ابنوا علیهم بنیناً ربهم أعلم بهم

جمله <ربهم أعلم بهم> گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب کهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

۲۹- ابهام ماجرای اصحاب کهف، برای برخی از بازدید کنندگان، دلیل اکتفای آنان به پیشنهاد ساختمان عادی و شرکت نکردن در تأسیس آن

فقالوا ابنوا علیهم بنیناً ربهم أعلم بهم قال الذین غلبوا علی أمرهم لتتخذنّ علی

به کار بردن ضمیر غائب در <ابنوا> و ضمیر متکلم در <لتتخذنّ> گویای دوگانگی گویندگان در ارائه پیشنهادها است: دسته نخست، آن را بر عهده دیگران نهادند و دسته دوم، خود را به بنای آن موظف ساختند. حرف <فاء> در <فقالوا> گویای این است که اختلاف حاضران در اهداف ساختمان، ناشی از نزاع آنان در باره حقیقت ماجرای اصحاب کهف است.

۳۰- برتری آگاهی خداوند بر سرگذشت حقیقی اصحاب کهف، مورد اعتراف کسانی بود که از کشف حقیقت ماجرا اظهار عجز می کردند.

فقالوا ابنوا علیهم بنیناً ربهم أعلم بهم

۳۳- گروهی از کاشفان اصحاب کهف، با کنار زدن رقیبان خود، مسؤولیت امور اصحاب کهف را برعهده گرفتند.

قال الذین غلبوا علی أمرهم

ضمیر در <أمرهم> به اصحاب کهف مربوط است و مفاد جمله <قال الذین..> این است که گروهی، بر امور مربوط به اصحاب

کهف سلطه یافتند و بنای مسجد را همت خویش قرار دادند.

۳۵- اداره کنندگان جایگاه اصحاب کهف به منظور عبادت خداوند بر ساختن مسجدی در فضای غار، همت گماشتند.

قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتخذنّ علیهم مسجدًا

تعبیری که گروه نخست به کار بردند (ابنوا) خطاب به دیگران بود و بیان کننده این که نمی خواستند در انجام دادن پیشنهاد خویش سهم عملی داشته باشند، ولی دسته دوم، علاوه بر به کار بردن ضمیر متکلم (نتخذنّ) که حاکی از تصمیم آنان بر حضور مستقیم در ساختن مسجد است با تعبیر <إتخاذ مسجد> این معنا را نیز اعلام کردند که خود، در آن جا، به عبادت خواهند پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۵

۵- سگ اصحاب کهف، به دلیل همراهی با آنان، موجودی شایسته احترام شمرده شده است.

رابعهم .. سادسهم ... و ثامنهم کلبهم

یاد کردن از سگ اصحاب کهف به شکلی که گویا، فردی از آنان به حساب آمده، حاکی از عنایتی ویژه به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۵ - ۱،۲،۳

۱- درنگ اصحاب کهف در غار، سیصد و نه سال بوده است.

و لبثوا فی کهفهم ثلاث مائة سنین وازدادوا تسعًا

<سنین> بدل است برای <ثلاثمئة>. این کلمه علاوه بر مشخص ساختن مراد از <سیصد> نشانه این است که گذشت سالیانی چند بر خواب اصحاب کهف، امری شگفت است.

۲- اصحاب کهف، در تمام مدت سیصد و نه سال، در همان غاری بودند که به

آن پناهنده شده بودند .

و لبثوا فی كهفهم

۳- اصحاب كهف ، براساس سال های شمسی ، سیصد سال و براساس سال های قمری ، سیصد و نه سال در غار ماندند .

و لبثوا فی كهفهم ثلث مائه سنین وازدادوا تسعاً

ضمیر در <ازدادوا> به اصحاب كهف مربوط است و تفکیك نه سال از سیصد سال، شاید ناظر به این باشد که آن ها، به حساب سال های شمسی، سیصد سال آرمیده بودند و شمار این سال ها، موافق سال های قمری، از سیصد و نه سال اندکی (کمتر از سه ماه) بیشتر می شود که معمولاً، این مقدار را در زمان بندی حوادث نادیده می گیرند.

قصه الیاس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۴ - ۱،۳

۱ - الیاس (ع) ، قومش را به تقوای پیشگی فراخواند .

إذ قال لقومه أَلَا تَتَّقُونَ

۳ - الیاس پیامبر ، قوم خود را به خاطر بی تقوایی شان سرزنش کرد .

إذ قال لقومه أَلَا تَتَّقُونَ

همزه در <أَلَا تَتَّقُونَ> برای استفهام انکاری توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۴

۴ - الیاس (ع) ، قوم خود را به جهت رها کردن پرستش بهترین آفریننده (خدا) سرزنش کرد .

و تذرّون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۱

۱ - الیاس پیامبر (ع) از سوی قوم خود مورد تکذیب قرار گرفت .

وَ إِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ . إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ... فَكَذَّبُوهُ

قصه انبیا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود.

و اتل علیهم نبأ نوح... فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیک فسل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۳

۳ - بیان داستان پیامبران در قرآن، براساس هدف و مصلحتی حکیمانه و سازنده

من لدن حکیم... إذ قال موسی لأهله إنی ءانست ناراً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که قرآن از جانب خدای حکیم نازل شده است.

قصه اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۳

۳ خداوند از پیامبر (ص) خواست تا از یهودیان، سرگذشت مردم ایله را جویا شود.

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۲،۳،۴،۸

۲ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند.

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه <قوما> می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۳ موعظه گران یهود

در آبادی ایله ، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز شنبه) بر حذر می داشتند .

لم تعظون قوماً

۴ تارکان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، به موعظه گران اعتراض کردند و عمل آنان (نهی از منکر) را نابجا شمردند .

لم تعظون قوماً

۸ داشتن عذر در پیشگاه خداوند و نیز امید به پرهیز تجاوز گران از تجاوز خویش ، پاسخ موعظه گران یهود به اعتراض تارکان نهی از منکر

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

<معذره> مصدر و به معنای حجت داشتن است. این کلمه مفعولٌ له برای فعل مقدر <نعظهم> می باشد ، یعنی آنان را موعظه می کنیم تا در پیشگاه خدا حجت و عذر داشته باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ یهودیان متخلف در آبادی ایله ، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند .

فلما نسوا ما ذکرنا به

۲ خداوند یهودیان متمرّد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذکرنا به .. أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

۳ خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أنجینا الذین ینهون عن السوء

۴ خداوند حتی آن گروه از یهودیان ایله را که خود صالح بودند ، ولی متجاوزان را موعظه نکردند ، به عذابی شدید

گرفتار ساخت .

أنجينا الذين ينهاون عن السوء و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس

در آیه قبل در مقام تقسیم یهودیان ایله از نظر عملکرد، آنان را به سه گروه تقسیم کرد و آیه مورد بحث در مقام بیان سرنوشت آنان است و ایشان را در دو گروه قرار داده است. این مقایسه نشان می دهد که خداوند ترک کنندگان نهی از منکر را از گروه ظالمان (الذین ظلموا) شمرده است.

۵ ترک کنندگان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، بی اعتنا به تذکار موعظه گران (لزوم نهی از منکر)

فلما نسوا ما ذکروا به

ضمیر در <نسوا> و <ذکروا> به تجاوزگران و نیز به ترک کنندگان نهی از منکر برمی گردد. تذکری که به ترک کنندگان نهی از منکر داده شد، همان است که از جمله <معذره إلی ربکم> فهمیده می شود. یعنی مصلحان به آنان تفهیم کردند که شما نیز باید نهی از منکر کنید، و گر نه مسؤول هستید ؛ اما آنان همچنان بی تفاوت ماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱،۳،۶

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسین

<عتو> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذين ظلموا

بعذاب بیس . . فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذين ظلموا . . >، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

۶ ترک کنندگان نهی از منکر از میان مردم ایله ، به بوزینه تبدیل نشدند .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده

عنوان <ما نهوا عنه> شامل ترک نهی از منکر نمی شود. به خلاف عنوان <ما ذکرنا به> در آیه قبل که شامل ترک نهی از منکر نیز هست.

قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۲، ۱

۱- خداوند دعا و درخواست ایوب (ع) را پذیرفت و مورد اجابت قرار داد .

و أیوب إذ نادى ربه . . فاستجبنا له

۲- خداوند ، مشکلات ایوب (ع) را گشود و غم و اندوه آن حضرت را از جسم و جان وی زدود .

و أیوب . . فکشفنا ما به من ضرر

۴- خداوند ، خاندان (زن و فرزند) در گذشته ایوب (ع) را احیا و به او بازگردانید .

و ءاتیناه أهله

در این که مقصود از اعطای خاندان ایوب(ع) به آن حضرت چیست، دو دیدگاه وجود دارد: ۱ احیای زن و فرزندان در گذشته ایوب(ع) و بازگردانیدن آنان به ایشان؛ ۲ اعطای زن و فرزندان جدید به جای زن و فرزندان از دست رفته او. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۵- خداوند ، به جای خاندان از دست رفته ایوب (ع) ، زن

و فرزندان جدید دیگری به او اعطا کرد .

و ءاتینه أهله

۷- خداوند ، افزون بر بازگرداندن زن و فرزندان ایوب (ع) به وی ، زن و فرزندان دیگری نظیر آنان به آن حضرت عطا کرد .

و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

۸- ایوب (ع) ، به گرفتاری فراق و از دست دادن خانواده اش مبتلا شده بود .

و ءاتینه أهله

۹- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی ایوب (ع) بود .

أَنِّي مَسْنِي الضَّرَّ .. فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضِرٍّ و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <آتیناه أهله.. > عطف بر <فكشفتنا...> باشد. در این صورت ذکر <آتیناه أهله...> از باب ذکر خاص بعد از عام و مفید اهمیت و عظمت خواهد بود زیرا از دست دادن خانواده، خود <ضِرٌّ > است.

۱۱- بهره مندی ایوب (ع) از عطایی فزون تر از آن چه تمنا داشت .

أَنِّي مَسْنِي الضَّرَّ .. فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضِرٍّ و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <آتیناه.. > عطف بر <فاستجبنا > باشد. بنابراین آن چه مورد درخواست ایوب(ع) بود، بر طرف شدن بیماری و رنج (ضِرٌّ) بود که خداوند افزون تر از آن، خانواده اش را به آن حضرت بازگردانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۱۳، ۶، ۵

۵- توسل ایوب (ع) به ربوبیت خدا ، در هنگام عرض حاجت و دعا برای رفع گرفتاری خود

إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي

۶- ایوب (ع) ، در زندگی خود به رنج و عذابی سخت گرفتار شد .

إذ نادى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنِصْبٍ وَعَذَابٍ

<نصب> به معنای مشقت و رنج است.

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : لَمَّا طَالَ بَلَاءُ أَيُوبَ وَرَأَى إِبْلِيسَ صَبْرَهُ أَتَى إِلَى أَصْحَابٍ لَهُ كَانُوا رَهْبَانًا فِي الْجِبَالِ فَقَالَ لَهُمْ : مَرُّوا بِنَا إِلَى هَذَا الْعَبْدِ الْمَبْتَلَى وَنَسْأَلُهُ عَنْ بَلِيَّتِهِ . . . وَقَالُوا يَا أَيُّوبَ لَوْ أَخْبَرْتَنَا بِذَنْبِكَ فَلانرى تبتلى إلا لأمر كنت تستره . . . فعند ذلك دعا رَبَّهُ وَقَالَ : > رَبِّ أَنِّي مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنِصْبٍ وَعَذَابٍ < . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چون ابتلای ایوب(ع) طولانی گشت و ابلیس صبر او را دید، نزد دیرنشینانی که از اصحاب وی بودند آمد و به آنان گفت: بیایید تا نزد این بنده مبتلا برویم و از او درباره ابتلایش سؤال کنیم. .. آنان گفتند: ای ایوب! کاش گناهی را که انجام داده ای به ما می گفتی؟ ما را عقیده بر آن است که تو تنها به خاطر چیزی (گناهی) که از ما پنهان می کنی، مبتلا شده ای... پس در آن موقع پروردگارش را خواند و گفت: (رَبِّ أَنِّي مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنِصْبٍ وَعَذَابٍ).<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - توصیه خداوند به ایوب (ع) ، مبنی بر کوبیدن پای خود بر زمین برای جوشیدن آب از آن

ار كض برجلك هذا مغتسل بارد و شراب

<ركض> در اصل به معنای

زدن با پا است و هرگاه به راکب نسبت داده شود، به معنای راندن مرکوب و هرگاه به رونده نسبت داده شود، به معنای گام نهادن بر زمین خواهد بود (مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه <هذا مغتسل...>، به دست می آید که مقصود پای کوبیدن بر زمین برای جوشیدن چشمه و آب سرد از آن است.

۲ - جوشیدن آب سرد برای شستوشوی و نوشیدن، بلافاصله پس از این بود که ایوب (ع) پای خود را بر زمین کوبید.

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

۳ - شفا یافتن ایوب (ع) از مصیبت زمین گیر بودن، همراه با توصیه خداوند به راه رفتن او

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

برخی از مفسران بر این نظراند که جمله <ارکض برجلک> مرتبط با <هذا مغتسل...> نیست؛ بلکه مستقل است و این دو جمله بیانگر دو نشانه از بهبود یافتن ایوب(ع) و دو معجزه جداگانه است: ۱ بهبود یافتن او از زمین گیر بودن؛ ۲ سالم شدن از امراض جسمی و پوستی او.

۴ - آب خنک جوشیده از زمین، وسیله شفای ایوب (ع) از بیماری و رنج

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

۵ - شفا یافتن ایوب (ع) از آب سرد جوشیده از زمین، از معجزات خداوند و الطاف او به آن حضرت

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، که خداوند درصدد بیان معجزه و لطف خود به ایوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۸، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

خداوند ، خانواده از دست رفته ایوب را زنده کرد و به او بازگرداند .

و وهبنا له أهله

در این که مقصود از <و وهبنا له أهله> چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ برخی برآنند که خانواده ایوب، مرده بودند و خداوند آنان را زنده کرد و به او بازگردانید. ۲ برخی دیگر برآنند که خانواده ایوب(ع) زنده بودند؛ ولی از اطراف او که به امراض و بلیه های گوناگون مبتلا بود پراکنده شده بودند. اما خداوند با شفا دادن ایوب(ع) و رفع گرفتاری از آن حضرت، آنان را به او بازگردانید. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۲- با عنایت خداوند ، خانواده پراکنده و متفرق ایوب (ع) به سوی آن حضرت بازگشتند .

و وهبنا له أهله

۳- خداوند ، بر تعداد خانواده ایوب (ع) پس از شفا و بهبود یافتنش دو چندان افزود .

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

۴- بازگشت خانواده ایوب (ع) و دو چندان شدن آنها ، موهبت الهی برای آن حضرت

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

۶- بازگشت و ازدیاد خانواده ایوب (ع) ، تبلور رحمت خدا به ایشان

و وهبنا له أهله .. رحمه منّا

۸- استجابت دعای ایوب (ع) از سوی خداوند ، با بهبود دادن او و بازگرداندن خانواده اش

إذ نادى ربّه .. هذا مغتسل بارد و شراب . و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۵،۶

۵- ایوب (ع)

، در ادای سوگند خود (تنبيه همسرش) دچار تردید و پشیمانی شده بود .

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لاتحنث

توصیه خداوند به ایوب(ع) به نشکستن سوگندش، بیانگر این حقیقت است که ایوب(ع) در ادای سوگندش دچار تردید شده و حالت پشیمانی به او دست داده بود؛ به گونه ای که در جست و جوی راهی برای حل این مشکل برآمده بود.

۶ - خطای همسر ایوب (ع) ، خطایی بزرگ و غیرقابل چشم پوشی برای آن حضرت بود .

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لاتحنث

سوگند ایوب(ع) مبنی بر تنبیه همسر خطاکارش، گویای این حقیقت است که خطای همسرش بزرگ و غیرقابل بخشش بود و گرنه شخصیتی مانند ایوب(ع)، از آن اغماض می کرد و او را می بخشید.

قصه باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۱،۵،۶،۸

۱ - اعلام خداوند به کافرانِ برخوردار از ثروت و مکنت ، به آزمودنشان همچون آزمودن باغداران یمنی

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

مفسران درباره <اصحاب الجنة> (صاحبان باغ) چنین نوشته اند: این باغ در حومه <یمن> در اختیار پیرمرد مؤمنی قرار داشت. او به قدر نیاز از آن برمی گرفت و بقیه را به مستمندان می داد. اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندان گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم؛ چون عیال و فرزندان ما بسیار است و نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم. آنان سوگند یاد کردند تمام مستمندان را از آن محروم سازند. سرنوشت آنان همان شد که در این آیات از آن یاد شده است.

(مجمع البیان)

و نیز برگرفته از الکشاف زمخشری)

۵ - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذ أقسموا لیصرمنّھا مصبحین

۶ - آشنایی کافران صدراسلام ، با داستان باغداران یمنی

إنّا بلونهم کما بلونا أصحاب الجنّة إذ أقسموا

تهدید شدن کافران، به دچار شدن به سرنوشت اصحاب الجنّه < به عنوان نمونه عینی از عملی شدن تهدید خداوند بیانگر این حقیقت است که آنان، از این داستان کم و بیش با خبر بودند و گرنه این تهدید فایده نمی بخشید.

۸ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < إنّا بلوناهم کما بلونا أصحاب الجنّة > . . . هي الجنّة التي كانت في الدنيا و كانت في اليمن يقال له الرضوان علی تسعه أميال من صنعاء >

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند (إنّا بلوناهم کما بلونا أصحاب الجنّة) روایت شده است: .. [مراد از <جنّه>] باغی است که در دنیا بوده و در یمن قرار داشت که آن را <رضوان> می گفتند و در فاصله نه میلی <صنعاء> واقع شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۸ - ۲، ۱

۱ - سوگند صاحبان باغ یمنی ، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إذ أقسموا لیصرمنّھا مصبحین . و لایستنون

<استثنا> به معنای خارج کردن است و <لایستنون> عطف بر <لیصرمنّ> می باشد.

۲ - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إذ أقسموا لیصرمنّھا مصبحین . و لایستنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را

بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۰ - ۱

۱ - بوستان باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلاى الهی سوزانده شد و همچون شب سیاه گردید .

فأصبحت كالصريم

<صريم>، در معانی شب و بریده شده (فعلیل به معنای مفعول) به کار می رود. با توجه به معنای نخست، مقصود از آن سوختن و سیاه شدن تمامی درختان باغ، همچون سیاهی شب است. بر مبنای دوم، مراد از آن، نابود شدن تمامی میوه های باغ است. گفتنی است مطلب یاد شده، با توجه به معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۱ - ۲

۲ - صاحبان بوستان یمنی ، برای عمل به سوگند خویش مبنی بر چیدن تمامی محصولات باغ خود بدون کنار گذاشتن سهم مستمندان به مشورت با یکدیگر پرداختند .

فتنادوا مصبحین

ندای افراد یک گروه به یکدیگر (تنادوا)، به معنای اجتماع و حضور آنان در یک محل و مکان برای مشورت و هم فکری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۲ - ۲

۲ - پدیدار شدن سستی و کوتاهی در میان برخی از باغداران یمنی ، در عمل به سوگند خویش

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرمین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط <إن کنتم صرمین> برای تعلیق حقیقی نیست؛ زیرا آنان از پیش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند؛ بلکه به منظور بیان پدیدار شدن سستی و کوتاهی در وفا

به سوگند خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۳ - ۲،۳

۲ - مشاوره و گفتوگوی پنهانی باغداران یمنی ، درباره کیفیت چیدن میوه ها و چگونگی انجام سوگند خویش مبنی بر محروم ساختن مستمندان از آنها

فانطلقوا و هم يتخفتون

<تخافت> (مصدر <یتخافتون>) به معنای آهسته سخن گفتن و پنهان داشتن آن است و چون این واژه از باب تفاعل است، متضمن معنای مشورت و گفت و گوی پنهانی است.

۳ - تلاش باغداران یمنی ، در مخفی نگه داشتن کار برداشت میوه ها از دید دیگران

فانطلقوا و هم يتخفتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۴ - ۱،۴

۱ - توصیه اکید باغداران یمنی به یکدیگر ، مبنی بر اطلاع نیافتن هیچ فردی از بینوایان از عمل برداشت میوه ها

أن لايدخلنَّها اليوم عليكم مسكين

۴ - حضور هر ساله بینوایان در بوستان باغداران یمنی ، به وقت برداشت جهت بهره مند شدن از محصولات آن

أن لايدخلنَّها اليوم عليكم مسكين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - باغداران یمنی ، صبح هنگام به قصد مانع شدن بینوایان از ورود آنان به بوستان و محروم ساختن آنان از محصولات ، به سوی باغ شتافتند .

و غدوا علی حرد قدرین

<حرد> به معنای قصد و منع است، یعنی، صاحبان باغ به قصد اجرای تصمیم خود مبنی بر منع بینوایان و محروم ساختن آنان از محصولات باغ، به سوی آن روان شدند.

۲- باغداران یمنی، خود را در برچیدن تمامی محصولات باغ برای خود

و محروم ساختن بینوایان از آن ، توانا می پنداشتند .

و غدوا علی حرد قدرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - باغداران یمنی ، با مشاهده باغ خویش هیچ اثری از آن ندیده و گمان بردند که راه را گم کرده اند .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که در این جا معنای اصلی و لغوی <ضالون> مراد باشد.

۲ - شگفت زدگی باغداران یمنی ، هنگام مشاهده باغ خود

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

آیه بعد (بل نحن محرومون) قرینه است بر این که این سخن، از روی شگفتی گفته شده است.

۳ - ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

۴ - باغداران یمنی ، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش ، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <ضالون> گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه <لما> در اصطلاح بیانگر اقراران جواب به شرط و افاده کننده فور و بداهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۷ - ۱،۲

توجه و اعتراف باغداران یمنی ، به محروم شدن خویش از تمامی محصولات باغ

بل نحن محرومون

۲ - تمامی محصولات باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلا نابود شده بود .

بل نحن محرومون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۸ - ۲،۳،۴،۵،۶

۲ - ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، به تسبیح و یاد خدا از سوی برادر عاقل و معتدل خود

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

<لولا> برای تحضیض و ترغیب است و تسبیح در این آیه، به معنای یاد خداوند است، یعنی، <لولا تذکرون الله>.

۳ - ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، از سوی برادر عاقل و معتدل خویش ، بر رعایت حقوق مستمندان و پرهیز از محروم ساختن آنان از محصولات باغ

أن لا يدخلنَّها اليوم عليكم مسكين . . . قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

۴ - مخالفت برادر عاقل و معتدل ، از میان برادران صاحب باغ ، با محروم ساختن مستمندان از محصولات خویش

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

۵ - باغداران یمنی ، نصیحت و هشدار برادر عاقل و معتدل خود را درباره حق مستمندان و یاد خداوند نمی پذیرفتند .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

۶ - سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن مستمندان از محصولات باغ

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در <ألم> برای استفهام توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - قلم - ٤٨ - ٢٩ - ١٢

- توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظلمین

۲- باغداران یمنی ، از مشاهده نابودی محصولات خویش از خواب غفلت بیدار شده و به تسییح و تنزیه خداوند پرداختند .

قالوا سبحن ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۰ - ۱

۱- باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم علی بعض يتلومون

قصه باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۲

۲- سمبل اشراف ، در بیان الهی ، مردی مرفه و برخوردار از دو تاکستان و نخل هایی در اطراف و کشت زاری در میان ، اما گرفتار غرور است .

جعلنا لأحدهما جنتین من أعنب و حفنهما بنخل و جعلنا بینهما زرعًا

<غرور> از آیات بعد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۳ - ۱

۱- مرد انتخاب شده به عنوان سمبل مرفهان مغرور ، دارای باغ هایی پر حاصل و بی آفت و سرشار از آب بود .

كلتا الجنتین ءاتت أكلها و لم تظلم منه شیئا و فجّرنا خللها نهرًا

<اتت أكلها> و نیز <لم تظلم> بر پر محصول بودن و نیز میرا بودن از آفت ها، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۴ - ۱،۳

۱- سمبل رفاه مندانه مغرور ، مالک بدون شریک اموالی عظیم و انبوه بود .

و

چنان که در <قاموس> آمده، <ثمر> به انواع مال گفته می شود. چون در آیه گذشته، در باره باغ ها و میوه آن سخن گفته شد، برای جلوگیری از تکرار، مناسب آن است که <ثمر>، در این آیه، به معنای مطلق اموال باشد، نه میوه های باغ نکره بودن <ثمر> بر عظمت آن مال دلالت دارد.

۳- تکیه ثروت مند مغرور، به زیادی مال و نیروی فرزندان، خویشان و هواخواهان خود بود.

فقال لصحبه .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً

به قبیله و عشیره انسان و نیز به گروهی که در کاری به هم کمک کنند، <نفر> اطلاق می شود (لسان العرب) و به قرینه <أنا أقلّ منك مالاً و ولداً> در آیه ۳۹ برجسته ترین مصداق آن برای گوینده این سخن، فرزندان وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۱،۷

۱- مرد ثروت مند، با دلی آکنده از غرور، به دارایی خویش، به باغ پر نعمت خود، گام نهاد.

و دخل جنته و هو ظالم لنفسه قال

۷- ثروت مند مغرور، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فناپذیر می پنداشت.

قال ما أظنّ أن تبید هذه أبداً

<تبید> از <بید> به معنای هلاک و نابود شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۱،۹

۱- غرور و دنیاپرستی مرد رفاه مند، به تردید و تشکیک در برپایی قیامت و وقوع رستاخیز منتهی شد.

و ما أظنّ الساعة قائمه

۹- رفاه مند

مغرور، به برخورداری از عاقبتی نیکوتر و نعمت هایی برتر در صورت برپایی قیامت مطمئن بود.

وَلئن رُددتُّ إِلَى رَبِّي لِأَجْدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مَنْقَلِبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱- مرد مؤمن (سمبل ایمان) از بینش و منش کفرآلود ثروت مند دنیاگرا، اظهار بی زاری کرد.

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي

۲- مرد مؤمن، با اعتراف به ربوبیت خدای یگانه و اظهار بی زاری از شرک، اندیشه خود را از افکار انحرافی ثروت مند مغرور، متمایز ساخت.

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أَشْرَكَ بِرَبِّي أَحَدًا

<لَكِنَّا> در اصل <لَكِنُّ أَنَا> بوده است و پس از حذف همزه <أنا> و ادغام نون ها، دو کلمه، به صورت یک کلمه نوشته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱،۱۳

۱- بی توجهی رفاه مند مغرور به نقش اساسی مشیت خدا در امور، مورد سرزنش مرد مؤمن قرار گرفت.

و لولا... قلت ما شاء الله

۱۳- مؤمنان، متکی به مشیت و نیروی الهی اند، نه مال و فرزند.

لولا... قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله إن ترن أنا أقل منك مالا و ولدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۱

۱- مرد مؤمن، با اظهار امیدبه پروردگار خویش، نعمتی برتر از بوستان ثروت مند مغرور را آرزو کرد.

فَعسى رَبِّي أَن يُؤْتين خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- مرد مؤمن به ثروت مند مغرور در مورد امکان به زمین فرو رفتن آب های جاری در باغ و کشت زار او و خشکیدن آن با عذاب الهی هشدار داد .

أَوْ يَصْبِحُ مَاؤَهَا غُورًا

<غور> مصدر و در معنای <غائر> (فرورونده) به کار رفته است، استعمال مصدر به معنای اسم فاعل در لغت عرب از شیوه های مبالغه است.

۴- مرد مؤمن ، با بیان ناتوانی ثروت مند مغرور از دسترسی به آب فرو رفته ، او را به وابستگی نعمت ها به مشیت الهی ، آگاه ساخت .

لَوْلَا .. قَلْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ ... أَوْ يَصْبِحُ مَاؤَهَا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلْبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸

۱- امکانات ثروت مند مغرور ، با نزول عذاب فراگیر الهی ، نابود شد و تمامی منافع باغ و کشت زار او از بین رفت .

و أُحِيطَ بِثَمَرِهِ

<أُحِيطَ بِثَمَرِهِ> عطف بر محذوف است، یعنی، <وقع العذاب و ..> . احاطه شدن، کنایه از نابود شدن است. مراد از <ثمر>، تمامی دستاوردهای مرد ثروت مند در باغ و کشت زار خود است.

۲- نصایح مرد مؤمن ، در ثروت مند گرفتار کبر و غرور ، بی تأثیر بود .

و أُحِيطَ بِثَمَرِهِ

روشن است که اگر مرد ثروت مند، به نصایح مرد مؤمن گوش فرا می داد، گرفتار نابودی اموال و سرمایه خود نمی شد.

۳- امید و آرزوی مرد مؤمن ، با زوال امکانات ثروت مند مغرور ، تحقق یافت .

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن .. و أُحِيطَ بِثَمَرِهِ

۴- مرد ثروت مند ، بادیدن باغ فرو

ریخته بر سقف ها و تباهی تمامی محصول و سرمایه های خویش به حسرت شدید فرو رفت .

و أُحِيطَ بِشْمَرِهِ فَأُصْبِحَ يَقْلَبُ كَفِّيهِ.. و هی خاویه علی عروشها

<كَفٌّ> یعنی دست و <كَفِّيهِ> تشبیه آن و به معنای دو دست او است. جمله <يَقْلَبُ كَفِّيهِ> یعنی، دو دست اش را زیر و رو می کرد (گاهی کف یک دست را بر پشت دست دیگر و گاه عکس آن را انجام می داد). این حرکت، بازتابی از اندوه و حسرت شدید آدمی است. <خاویه> یعنی، فرو ریخته و منهدم شده و <عروش> به معنای سقف ها و یا داربست هایی است که برای برخی درختان میوه برپا می گردد. <خاویه علی عروشها> یعنی: <درختان و یا بناهای باغ، بر سقف های خود فرو ریخته بود.>

۵- سرمایه دار خود پرست ، با تباه شدن حاصل بوستان اش در فصل برداشت و جمع آوری محصول ، غافل گیر شد .

و أُحِيطَ بِشْمَرِهِ

تعبیر <أُحِيطَ بِشْمَرِهِ> و نیز <ما أنفق> نشان می دهد که کارهای مقدماتی کشت و سرمایه‌گذارهای لازم، قبلاً صورت گرفته بود و دقیقاً، عذاب، هنگامی نازل شد که می بایست از باغ ثمر گرفت.

۸- ثروت مند خودپرست ، پس از نابودی اموال خویش ، به خود آمده و بر مواضع شرک آلود گذشته خویش تأسف می خورد .

يَلِيتَنِي لِمَ أَشْرَكَ بِرَبِّي أَحَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۳ - ۱،۶

۱- سرمایه دارِ مغرورِ به کثرت هواداران ، هنگام نابودی سرمایه اش با عذاب الهی ، تنها و بی یاور بود .

أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً .

.. و لم تكن له فئه ينصرونه من دون الله

۶- مرد مشرک ، از دفع عذاب از خویش ، ناتوان بود .

و ما كان منتصرًا

<انتصار> به معنای <حفظ خود از ظلم و تعدی> است (لسان العرب). در مورد آیه، به معنای <حفظ خود از عذاب> است، یعنی، ثروت مند مغرور، راهی برای دفع عذاب و نجات از مخمصه ای که بدان گرفتار شده بود، نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۳

۳- سرگذشت رفاه مند مغرور ، عصیان ابلیس و بی پاسخ ماندن استمداد مشرکان از معبودان خویش در قیامت ، نمونه هایی از مثال های هدایت گر قرآن است .

واضرب لهم مثلاً رجلین .. و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

این آیه، به منزله نگاهی است کلی به آیات گذشته از سی و دوم با پنجاه و سوم.

قصه بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ خداوند به پیامبر خویش فرمان داد تا داستان بلعم باعورا را برای مردم بیان کند .

و اتل علیهم نبأ الذی ءاتینہ ءایتنا

بسیاری از مفسران بر این باورند که مقصود از <الذی ءاتینہ .. > بلعم، فرزند باعورا، است که در زمان حضرت موسی (ع) می زیسته.

۲ خداوند آیات و نشانه های خویش را به بلعم باعورا ارائه کرد و وی آنها را بخوبی دریافت .

الذی ءاتینہ ءایتنا فانسلخ منها

<انسلخ> به معنای بیرون شدن چیزی از پوست خود است. در آیه شریفه، آیات الهی به پوست و مانند آن که به

شخص چسبیده و ملصق باشد تشبیه شده است. بنابراین <فانسلخ منها> می رساند که آیات الهی مانند پوست بر بلعم احاطه داشت و بر او چسبیده بود، یعنی به خوبی آنها را لمس کرده و دریافته بود.

۳ داستان بلعم باعورا، داستانی پرفایده و هشداردهنده به دینداران و عالمان دینی

و اتل علیهم نبأ الذی ءاتینہ ءایتنا

<نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده ای بزرگ باشد. (مفردات راغب). گویا هدف از نقل آن هشدار به دینداران و عالمان دینی است. یعنی کسانی که از آیات الهی بهره مند هستند.

۴ بلعم باعورا معارف الهی را به دور افکند و آنها را نادیده انگاشت و مرتد شد.

ءاتینہ ءایتنا فانسلخ منها

۵ شیطان در پی فاصله گرفتن بلعم باعورا از معارف الهی به تعقیب وی پرداخت.

فأتبعه الشیطن

<اتباع> (مصدر أتبع) به معنای دنبال کردن و تعقیب کردن است.

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد.

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوایه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۷، ۱۸، ۱۶، ۱۴

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی، زبان از کام بیرون آورد و له له زند.

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمَلَه> گرفته شده و <حَمَلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

پیامبر (ص) از جانب خداوند مأمور شد تا داستان بلعم باعورا را برای تکذیب کنندگان آیات الهی گزارش کند .

فأقصص القصص

<قَصَّ > (مصدر <أَقْصَصَ >) به معنای بیان کردن و بازگو کردن است. <قَصَصَ > به معنای خبر و داستان است و <ال > در آن عهد ذکری و اشاره به داستان بلعم باعورا است.

۱۷ بلعم باعورا پس از ایمان به آیات الهی آنها را تکذیب کرد .

فمثله كمثل الكلب . . . ذلك مثل القوم الذين كذبوا بآياتنا

۱۸ توجه به داستان بلعم باعورا برانگیزاننده آدمی به تفکر در سرنوشت شوم تکذیب کنندگان و ایجادکننده زمینه های هدایت در وی است .

فأقصص القصص لعلهم يتفكرون

قصه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۵

۵ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله > بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منسّره < و ذلك أنهم قالوا : يا محمد قد بلغنا أن الرجل من بني اسرائيل كان يذنب الذنب فيصبح و ذنبه مكتوب عند رأسه و كفّارته ، فنزل جبرئيل على النبيّ (ص) و قال : يسألك قومك سنّه بنی اسرائيل في الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلك بهم و أخذناهم بما كنّا نأخذ به بنی اسرائيل . . . >

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منسّره> روایت شده که آنان [به رسول خدا] گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهِش در بالای سرش همراه

با کفاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم؛ به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...>

قصه بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷،۸

۷ - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی الله .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی الله..> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد؛ زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

۸ - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها *

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

می توان گفت: مراد از <ما فی قلوبهم> به قرینه <فأتزل السکینه> نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

قصه پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱

۱ خداوند بیان کننده داستانهایی از سرگذشت اقوام پیشین برای پیامبر (ص)

تلک القرى نقص علیک من أنبائها

قصه حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حیب نجار، از حاشیه و کرانه شهر انطاکیه به دفاع از پیامبران تهدید شده به سنگسار

و شکنجه ، شتافت .

و جاء من أقصا المدينة رجل يسهى

بیشتر مفسران براساس شواهد تاریخی و روایات مربوطه بر این باورند که مقصود از <رجل> حبیب نجار است و آیه شریفه تا آیه ۲۷ درباره سرگذشت او می باشد. گفتنی است که حبیب نجار در کرانه شهر انطاکیه می زیست و به عبادت در غار و یا چرانیدن گوسفندان مشغول بود و آن گاه که شنید پیامبران به سنگسار و شکنجه تهدید شده اند، به میان مردم آمد و به دفاع از آنان برخاست. گفتنی است <الف> و <لام> <المدينة> برای عهد است و اشاره به شهر <اصحاب القریه> دارد.

۶ - حبیب نجار ، مردی آشنا به پیامبران عصر خویش و مؤمن و پیرو ایشان

و جاء من أقصا المدينة رجل يسهى قال يقوم أتبعوا المرسلين

دفاع حبیب نجار از پیامبران و توصیه به پیروی از آنان، گویای برداشت یاد شده است.

۱۱ - حبیب نجار ، مردم انطاکیه را به اقتدا و پیروی از رسولان الهی ، فراخوانده بود .

قال يقوم أتبعوا المرسلين

۱۲ - دعوت حبیب نجار به پیروی از انبیا ، همراه با ملاحظت و اظهار محبت به مردم بود .

قال يقوم أتبعوا المرسلين

برداشت یاد شده از تعبیر <یا قوم> (ای قوم من) که معمولاً برای اظهار محبت و ابراز نزدیکی به کار می رود استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۱

۱ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، مردم را به پیروی از رسولانی ره یافته که هیچ مزدی در ابلاغ رسالت خویش نمی خواستند فراخوانده

بود .

اتَّبِعُوا مِنْ لَيْسَ لَكُمْ أُجْرًا وَهُمْ مَهْتَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۲۸

۲ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) به دلیل ایمان به خدای یکتا و پیروی از رسولان الهی ، مورد اعتراض و تهدید مردم کافر قرار گرفت .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

از آهنگ آیه شریفه که با استفهام انکاری همراه است مطلب یاد شده به دست می آید زیرا استفهام انکاری، در رد چیزی به کار می رود که مورد انکار و اعتراض قرار گرفته است.

۸ - مردم انطاکیه به علت کفر به خدا و انکار معاد ، مورد انتقاد و سرزنش مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) قرار گرفتند .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

بیشتر مفسران برآنند که آیه شریفه، در مقام تعریض و سرزنش مردم کافر انطاکیه می باشد و آمدن آن در قالب <و ما لی لا أعبد> به جای <و ما لکم لاتعبدون> برای تأکید بیشتر است. گفتنی است آمدن جمله <ترجعون> به صیغه مخاطب، مؤید این حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۱،۲،۳

۱ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، ایمان استوارش به خدای یکتا را قاطعانه به مردم اعلام کرد .

إِنِّي ءَامِنْتُ بِرَبِّكُمْ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مخاطبان <رَبِّكُمْ> و <فاسمعون>، مردم انطاکیه باشند.

۲ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، مردم را به گوش فرادادن به سخنان خود و تأمل و تفکر در اندیشه ها و باور

های خود فراخواند .

فاسمعون

۳ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، ایمان استوارش به خدای یکتا را به پیامبران آن دیار اعلام کرد .

إِنِّي ءَامِنْتُ بِرَبِّكُمْ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مخاطبانِ <کم> و <فاسمعون>، پیامبران مردم انطاکیه باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۱،۹

۱ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از اظهار ایمان به خدای یکتا و دفاع از پیامبران ، به دست کافران به شهادت رسید .

قال يقوم أتبعوا المرسلين . .. إِنِّي ءَامِنْتُ بِرَبِّكُمْ فاسمعون . قيل ادخل الجنة

جمله <قيل ادخل الجنة> استثناف بیانی است؛ یعنی، ممکن است پس از مطالعه داستان مؤمن انطاکیه، به ذهن خواننده خطور کند که این مرد الهی پس از اظهار ایمان و دفاع از پیامبران به چه سرنوشتی دچار شد؟ که آیه شریفه پاسخگوی چنین سؤالی است.

۹ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدنش ، از آگاه نبودن مردم از جایگاه بهشتی خود ، اظهار تأسف کرده و آرزو نمود که ای کاش آنان آگاه می شدند .

یلیت قومی یعلمون

جمله <یا لیت قومی..> برای استثناف بیانی است؛ یعنی، بیانگر امری است که پس از ورود به بهشت [برزخی] اتفاق افتاده است.

قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۴،۳،۲،۱

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

وَقَلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ

٢- سَكُونت آدم (ع)

و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم .. و قلنا يآدم اسكن أنت و زوجك الجنة

۳ - حوا، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنة

۴ - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

یآدم اسکن أنت و زوجک الجنة

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهیه، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجرة

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تاکلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۹، ۱۳، ۱۲، ۷، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشيطان عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجرة> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب

خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

۴ - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا يأدمن أسكن أنت و زوجك الجنة .. فأزلهما الشيطان عنها

عطف جمله <أزلهما ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۷ - شیطان در بهشت آدم (ع) و حوا ، حضور داشت .

فأزلهما الشيطان عنها

۱۲ - خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا ، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر ، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم (ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم (ع) و حوا از شجره منیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

۱۹ از رسول

خدا (ص) روایت شده که فرمود: > انما كان لبث آدم و حوا في الجنة حتى خرجا من ها سبع ساعات من أيام الدنيا ... <

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۴

۴ - خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإما يأتينكم مني هدى

>إما< مرکب از >إن< شرطیه و >ما<ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با >ما<ی زایده و نون تأکید در >يأتين< از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۳، ۴، ۵

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و يأدم أسكن أنت و زوجك الجنة

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از >لا تقربا .. < به قرینه فراز قبل (فكلا ...) و نیز (فلما ذاقا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد.*

و لا تقربا

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴،۵،۷

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدي لهما ما وُرى عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان لیبدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما .. أو تكونا من الخلدین

برخی جمله <ما نهاکما ربکما ..> را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۲

اعتماد به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

و قاسمهما إني لكما لمن الناصحين

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲،۳،۴،۷،۸،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹،۲۰

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجرة

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجرة

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوء تهما

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما .. فدلیمها بغرور

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقاً یخصفان علیهما من ورق الجنة

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی

شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

۱۹ عن أبی عبدالله(ع): .. فلما أکلا (آدم و حوا) من الشجره طار الحلی و الحلل عن اجسادهما و بقیا عریانین

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <بذت لهما سوءاتهما> قال: کانت سوءاتهما لا تبدو لهما یعنی کانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه <بذت لهما سوءاتهما> روایت شده است: عورت آدم و حوا نمایان نبود، یعنی: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پدیدار شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱،۴،۷

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را ببامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا

و ترحمنا

۷ آدم و حوا خویشان را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱،۱۰

۱ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فرو آیند.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرینه <و لکم فی الأرض مستقر> کلمه <الأرض> است.

۱۰ عن أبی عبدالله (ع) (فی قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلى الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی ...

از امام صادق (ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸،۱۰

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما

جمله <ینزع ...> حال برای فاعل <أخرج> است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۳،۴،۷،۸،۹،۱۰

۳ خداوند ، همسر آدم (حوا) را

از او آفرید .

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <منها> نشویه باشد. بر این مبنا <جعل منها زوجها> بیانگر این است که آدم(ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

۴ همسر آدم (حوا) انسانی همانند او در جنس و نوع

جعل منها زوجها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من> در <منها> جنسیه باشد. بنابراین جمله <جعل ... > گویای این است که زوج آدم انسان و از جنس و نوع او بوده است.

۷ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله شد .

فلما تغشيتها حملت حملا خفيفا

<تغشی> یعنی <پوشانید> و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در <تغشی> به <نفس واحده> که مراد از آن آدم(ع) است برمی گردد.

۸ حوا در ابتدای حاملگی به خاطر ناچیز بودن حملش بدان بی توجه بوده و درباره آن اندیشه ای نداشت .

حملت حملا خفيفا فمرت به

ضمیر <به> به <حملا>، که مراد از آن جنین است، برمی گردد. <مرورا>، مصدر <مرت>، به معنای گذر کردن و در آیه کنایه از بی اعتنایی است.

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا الله ربهما

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا الله ربهما لئن ءاتيتنا صلحا لنكونن من الشكرين

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت

مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما آتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱،۴

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا لله ربهما لئن ... فلما آتیهما صلحاً

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان، به شرک گراییدند .

فلما آتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء فیما آتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلاً له شرکاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند؛ زیرا آنان منزله از شرکورزی می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱،۶،۱۱

۱- موسی (ع) برای یافتن خضر، با عزمی راسخ و جدی، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد .

لأبرح حتی أبلغ مجمع البحرین

<لأبرح> صیغه متکلم از

<برح> و به معنای <دست بر نمی دارم> و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

۶- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر، در محل تلاقی دو دریا، مطلع بود.

لأبرح حتى أبلغ مجمع البحرين

۱۱- داستان موسی و خضر (ع)، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی، در جهت هدایت مردم است.

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من كلّ مثل . . . و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۴

۴- موسی (ع) بسیار مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود.

لأبرح حتى . . . ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۷

۷- شیطان، برای عدم ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد.

فإنی نسیت . . . و ما أنسنيه إلا الشیطن أن أذکره

همسفر موسی با ادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد؛ یعنی، هیچ عامل دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر (ع) شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود.

قال ذلک ما کنا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و

<ذلك ما كنا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.>. یاء <نبغی> در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی (ع) ، از رخداد علانمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود .

قال ذلک ما کنا نبغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتدا علی ءاثارهما قصصا . فوجدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱۱ ، ۴ ، ۳ ، ۲ ، ۱

۱- موسی (ع) از خضر (ع) برای همراه شدن با او ، اجازه خواست .

قال له موسی هل أتبعك

۲- هدف موسی از همراه شدن با خضر ، بهره‌وری از علم رشد آفرین وی بود .

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت رشدًا

<رشدًا> اگر مفعولٌ له باشد، مفاد آیه این است که: <پیروی من، به منظور رشد یافتن است> که اگر مفعولٌ به باشد، مراد این است که: <تورا پیروی می کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی.> .

۳- موسی (ع) به <علم لدنی> حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت رشدًا

۴- موسی (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او ، متواضع و

فروتن بود .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی (ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۱۱- موسی (ع) همسفر خود را به همراهی با خضر (ع) و دریافت علوم او، وادار نکرد . *

هل أتبعك على أن تعلمن

در سفر با خضر، سخنی از همسفر موسی به میان نیامده است؛ ممکن است او در این سفر، از موسی جدا شده و یا به دلیل شخصیت برجسته موسی و خضر(ع) تنها، از آن دو، در آیات بعد یاد شده باشد. جمله <ذلك ما كنا نبيغ> در آیات قبل، احتمال دوم را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۷ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی، برای فراگیری علوم ویژه، ناتوان دید .

هل أتبعك .. قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إنك لن تستطيع معي صبرًا

۳- کارهای خضر، برای دیگران، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود .

قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

تأکید بر <معی> نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته غیر قابل تحمّل بوده است.

۴- حضرت خضر (ع)

(ع)، نسبت به خصوصیات روحی موسی (ع) از پیش، مطلع بود. *

قال إِنْكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر(ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: ۱ اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی(ع) ۲ این که اصولاً تحمّل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۲،۳

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست.

إِنْكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ ... و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

۳- اعمال خضر (ع)، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود.

و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۱،۲،۴،۵

۱- موسی (ع) به شکیب بودن در برابر کارهای خضر و چیزهایی که از او فرا می گیرد، متعهد گردید.

قال ستجدني إن شاء الله صابراً ولا أعصي لك أمراً

جمله <ستجدنی...> (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی(ع) صبری را نوید می داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با <سأصبر> و نظایر آن، تأکید بیشتری دارد.

۲- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان

های او تأکید کرد .

ستجدنی إن شاء الله صابراً و لا أعصى لك أمراً

۴- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتبعك ... ستجدنی ... و لا أعصى

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی(ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتبعك)؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمْتُ)؛ ج) علم او را رشد آفرین دانست (رشداً)؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (مِمَّا عُلِّمْتُ)؛ ه) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت <ستجدنی إن شاء الله.. > ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج ۱۳).

۵- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدنی إن شاء الله صابراً و لا أعصى لك أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱- خضر، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او، به صورت مشروط، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی فلا تسئلنی عن شیء

۲- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلا تسئلنی عن شیء حتی أحدث لك منه ذكراً

۳- خضر، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود، الزام نکرد .

حتى أحدث لك

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد.

أُحْدَثُ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر، همراه او حرکت کرد.

فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی (ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر (ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی، سوار کشتی شدند.

فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ

۳- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع)، از آنان جدا شد. *

فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تثنیه (<فانطلقا>، <رکبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند.

حَتَّى إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه

کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرجتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقتها قال أخرجتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرجتها لتغرق أهلها

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شيئاً إمرًا

<إمر> به معنای <منکر عظیم> و نیز <منکر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرجتها لتغرق أهلها

۱۱- موسی (ع) ، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را ، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرجتها لتغرق أهلها لقد جئت شيئاً إمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱،۳

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبرًا

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز

معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها .. ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۳ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱- موسی (ع) با به یاد آوردن گفتار خضر درباره ناشکیبایی وی ، به ناروا بودن اعتراض خود پی برد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۲- موسی (ع) به دلیل تخلف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او ، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (ع) تقاضای چشم پوشی کرد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۳- تخلف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۷- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلف از عهد خویش ، تقاضا کرد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت ولا ترهقني من أمري عسراً

<إرهاق> به معنای <تحمیل کاری طاق سوز بر دیگری> است. (قاموس) و مفاد <لاترهقني...> این است که کاری دشوار (مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهی) را بر من تحمیل مکن و مرا به زحمت مینداز. لازم به ذکر است که <عسراً> مفعول دوم برای <لاترهقني> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۲، ۱۱، ۵، ۴، ۲، ۱

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از

آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتّى إذا لقیَا غلامًا

<غلام> یعنی <کسی که سبیل او تازه روییده باشد>. (معجم مقاییس اللغه).

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّى إذا لقیَا غلامًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئًا نکرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

۱۱- > عن أبي عبد الله: ... بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : > فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : > أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکرًا ؟ > . قال : > فأدخل العالم یده فاقطلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: >أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون

آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است) <.

۱۲- < عن أبي عبد الله (ع) :... و خرجا (موسی و خضر (ع)) علی ساحل البحر فإذا غلام يلعب مع غلمان... فتورّکه العالم فذبحه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: ... آن دو (موسی و خضر(ع)) در کنار ساحل دریا (از کشتی) بیرون آمدند، ناگهان به پسری برخوردند که با چند پسر دیگر بازی می کرد... پس آن عالم (یعنی خضر) آن پسر را بر زانوی خود گذاشت و ذبح اش کرد <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی (ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شيئًا نكراً . قال ألم أقل لك

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت <لک> آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

۲- خضر (ع) بر ناتوانی موسی (ع) از تحمل کار های خضر برای سومین بار تأکید کرد .

قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبرًا

خضر(ع) یک بار، در آغاز برخورد با موسی(ع) و بار دیگر، پس از ماجرای کشتی و مرتبه سوم در پی قتل نوجوان، جمله ای را به موسی(ع) یاد آور شد که حاوی چندین تأکید است. (إنك

لن تستطيع...).

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شيئاً نكراً . قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شيئاً نكراً . قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۶ - ۴، ۵، ۱، ۲

۱- موسی (ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى

۲- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتك من شيء بعدها فلا تصحبنى

۴- موسی (ع) به ناتوانی خود از تحمل کردار خضر (ع) و همراهی با وی پی برد .

قال .. قد بلغت من لدنى عذراً

۵- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در جدا شدن از وی با مشاهده تخلف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت ، اعتراف کرد .

قال إن سألتك .. قد بلغت من لدنى عذراً

جمله <قد بلغت من لدنى عذراً> یعنی: <از دیدگاه من، به عذری قابل قبول

جهت ترک مصاحبت دست یافتی. < این جمله، به قرینه <قد>، مربوط به <إن سألتك...> نیست، بلکه اعتراف موسی (ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) درخواست مهلت موسی (ع) را پذیرفت و برای بار سوم، به او فرصت همراهی داد.

إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبني... فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند.

فانطلقا حتى إذا أتيا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر (ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی، از مردم شهر، تقاضای طعام و خوراکی کردند.

استطعما أهلها

به قرینه <يضيّفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر (ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

۴- هیچ یک از مردم شهر، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد.

استطعما أهلها فأبوا أن يضيّفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی، دور

بودند .

فَأَبُوا أَنْ يَضَيَّفُوهُمَا

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدا فیها جدارًا یرید أن ینقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است؛ یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است .

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

یرید أن ینقضّ فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرف بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتّی إذا أتیا أهل قریه . . . فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدا فیها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتا خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فَأقامه

مفرد آمدن <أقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد؛ چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تثنیه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمایانده است.

۱۲- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار ، چیزی دریافت نکرد .

قال لو شئت لَتخذت علیه أجرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

۱۳- موسی

(ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها .. قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

۱۸- سخنِ شِکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن مزد ، سومین تخلف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

۱۹- > عن جعفر بن محمد (ع) : ... > فانطلقا حتّى إذا أتيا أهل قرية < و هي الناصره ;

از امام صادق(ع) روایت شده:.. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است.<

۲۰- > عن جعفر بن محمد (ع) : ... > فوجدوا فيها جداراً يريد أن ينقضّ ، فوضع الخضر يده عليه فأقامه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد.<

۲۱- > عن أبي عبد الله (ع) : ... > فوجدوا فيها جداراً يريد أن ينقضّ فأقامه قال : > لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا خبزاً نأكله فقد جُعْنَا < ;

از امام صادق(ع) روایت شده:.. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را

راست کرد. موسی (ع) گفت: <می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- سومین تخلف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لتخذت .. قال هذا فراق بینی و بینک

در باره این که <هذا> اشاره به چیست، احتمالاً-تی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی (ع) باشد، یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

۲- ناتوانی موسی (ع) از تحمل کار های خضر (ع) ، در پی سومین سؤال و اعتراض او ، به اثبات رسید .

قال هذا فراق بینی و بینک سأبئتك بتأويل ما لم تستطع عليه صبرًا

۳- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدني عذرا .. قال لو شئت لتخذت عليه أجرا . قال هذا فراق بینی و بین

۴- خضر ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کار های شگفت خویش را پیش از جدایی ، برای او بازگو خواهد کرد .

سأبئتك بتأويل ما لم تستطع عليه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۳، ۱۸

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أما السفينه

.. فأردت أن أعيبها ... يأخذ كل سفينة غصبا

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع)، پادشاهی، کلیه کشتی های سالم را در آن منطقه، مصادره می کرد.

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

مراد از <كل سفينة> به قرینه <أن أعيبها> <كل سفينة صالحه> بوده است.

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی، مصداقی از تقدیم اهم، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است.

و أما السفينة فكانت لمسكين ... يأخذ كل سفينة غصبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود.

و أما الغلم ... فخشينا أن يرهقهما طغيئا و كفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول، در صورت زنده ماندن فرزندشان، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند.

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱،۸،۹

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزند پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن يبدلها ربهما خيرا منه زكوه و أقرب رحما

مراد از <زكاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و

<رُحْمَ > و <رحمت > به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه > خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

۸- < عن أبي عبدالله (ع) في قول الله : < فأردنا أن يبدلهما ربهما خيراً منه . . . > قال : < إنّه ولدت لهما جاریه فولدت غلاماً فكان نبياً . > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا <فأردنا أن يبدلهما ربهما خيراً منه..> روایت شده که فرمود: <همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد.>

۹- < عن أبي عبدالله (ع) : . . . [في قول الله عزوجل] < فأردنا أن يبدلهما ربهما خيراً منه زكاه و أقرب رحماً > : < أبدلهما الله به جاریه ولدت سبعین نبياً . > ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزوجل] <فأردنا أن يبدلهما ربهما خيراً منه زكاه..> روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۱، ۲۳، ۱۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) علت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح

کرد .

و أمّا الجدار .. ما فعلته عن أمری

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و کان أبوهما صلحًا

۱۶- خضر (ع) با توجه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیت خداوند دانست .

فأراد ربّک

خضر(ع) با اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب (ربّک) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و مدبر تو، مالک و مدبر یتیمان نیز هست.

۲۱- موسی (ع)

(، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر آن ، نکوهش کرد .

ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۹

۹ بعثت داود (ع) قبل از بعثت عیسی (ع)

علی لسان داود و عیسی ابن مریم

تقدیم ذکر داود بر عیسی حاکی از سبقت زمانی حضرت داود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

<نفث> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۹- > أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عز وجل : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث >

قال : كان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذي فهم الله عز وجل سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف

ذلك العام كله ;

احمد بن عمر حلبي گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن

خداوند عزوجل > و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث < سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سليمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد.<

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) قال : كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفثت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الكرم إلى داود فاستعدى على صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهب إلى سليمان (ع) ليحكم بينكما فذهبوا إليه فقال : سليمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما في بطنها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنه يدفع ولدها إلى صاحب الكرم و كان هذا حکم داود ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند .. صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سليمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سليمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...<

۱۱- > عن أبي

عبداللہ (ع) (فی) قول اللہ عزوجل: < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > ... قال: إنه کان أوحى الله عزوجل إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم ... فحكّم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزوجل إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان < ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجل < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > روایت شده ... که فرمود: همانا خدای عزوجل به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجل به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۷، ۴، ۱

۱- خداوند ، صنعت زره سازی را به داوود (ع) آموخت .

داود ... و علّمه صنعه لبوس

<لبوس> در اصل به معنای لباسی است که انسان را از هر

چیز زشتی ببوشاند (مفردات راغب) و مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه <لتحصنکم من بأسکم> (تا شما را از خطرات جنگ حفظ کند) می تواند زره باشد. گفتنی است که برخی از اهل لغت <لبوس> را به معنای <درع> (زره) گرفته اند (قاموس).

۴- فنّ زره سازی داوود (ع)، در جهت حفظ مردم از خطرات و پی آمد های جنگ بود.

داود .. و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

۷- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند.

داود .. و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است که با داوود(ع) زندگی می کردند؛ زیرا مخاطب <کم> در این آیه آنان هستند. این امتنان آن گاه صحیح است که آنان در معرض هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۶

۶ - خداوند، تسخیر کننده پرنده گان برای داوود (ع)

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا .. و الطیر

بنابراین که <الطیر> عطف به <فضلاً> باشد، <ایتای طیر> به داوود(ع) به معنای مسخر بودن پرنده گان برای داوود(ع) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - فرمان خداوند به داوود (ع)، برای ساختن زره های کامل از آهن

و أَلْتَأْتِيهِ الْحَدِيدُ . أَنْ أَعْمَلَ سَبْعَت

<أن> برای تفسیر بوده و در نقش <أی> است؛ یعنی، ما آهن را برای داوود نرم ساختیم به این

معنا که با آهن زره بساز. گفتنی است که <سابغات> در لغت به معنای تام فراخ است (مفردات راغب) و صفت برای موصوف محذوف <دروع> می باشد.

۲- ممکن شدن زره سازی برای داوود (ع) از آهن، فلسفه نرم شدن آهن برای آن حضرت

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ أَعْمَلَ سَبِغَت

بنابراین که <آن> مصدری باشد، معنا چنین می شود: ما آهن را برای داوود نرم کردیم، به منظور ساختن زره هایی کامل.

۳- فرمان خداوند به داوود (ع) برای ساختن زره هایی با حلقه های متناسب و به اندازه از آهن

و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ أَعْمَلَ سَبِغَت وَ قَدَّرَ فِي السَّرْدِ

<سرد> یعنی، <نسج> و بافت (المنجد) و به معنای سوراخ های خشن مثل حلقه های آهنی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۵، ۲۱، ۱۳

۱۳- برادر مظلوم و دارای یک میش، مورد دلداری داوود (ع) قرار گرفت.

وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخَطَاءِ لَيَبْغَى . . . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا . . . وَ قَلِيلٌ مَّا هُمْ

از ظاهر آیه استفاده می شود که سخن داوود(ع) برای دلداری به برادر مظلوم بوده است.

۲۱- به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

وَ خَزَّ رَاكِعًا

مقصود از <خزّ راکعاً> مطابق نظر بیشتر مفسران سجده است.

۲۵- <عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجلّ إلى داود الملكين فتسورا المحراب فقالا خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم

بيننا بالحقّ إنّ هذا أخى له تسع

و تسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) على المدعى عليه فقال لقد ظلمك . . . و لم يسئل المدعى اليينه على ذلك و لم يقبل على المدعى عليه فيقول له ما تقول فكان هذا خطيئه رسم الحكم ؛

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجل دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی یینه نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۲

۲ - خداوند ، از لغزش داوود (ع) در امر داوری میان دو گروه متخاصم در گذشت و او را مورد آمرزش قرار داد .

فغفرنا له ذلك

<ذلك> اشاره به لغزش مربوط به داوری میان دو گروه متخاصم دارد.

قصه ذبح اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ - > بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبي عبد الله (ع) كم كان بين بشاره ابراهيم باسماعیل و بین بشارته یاسحاق قال كان بین البشارتين خمس سنين قال الله سبحانه فبشرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلما كان فی اللیل أتى ابراهیم

آت من ربّه فأراه الرؤيا في ذبح ابنه اسماعيل بموسم مكة . . . ثم انطلقا إلى السعي فلمّا صارا في المسعى قال ابراهيم (ع) لاسماعيل يا بنيّ إنّني أرى في المنام أنّي أذبحك في موسم عامي هذا فماذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدى اسماعيل بكبش عظيم فذبحه و تصدق بلحمه على المساكين ;

بريد عجلي گوید: به امام صادق(ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا می فرماید: <فبشّرناه بغلام حلیم> یعنی، . . چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسر! من در خواب دیدم که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیة شد. پس ابراهیم(ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۰

۲۰ - دلداری اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) در ارتباط با دستور قربانی کردن او

يأبت افعل ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من الصبرين

اشاره اسماعیل(ع) به صبر و شکیبایی خویش در ارتباط با قربانی شدنش، می

تواند به منظور دلداری به پدر خود (ابراهیم(ع)) باشد.

قصه ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۵ - ۱،۳

۱- ذوالقرنین ، از برخی از امكانات وسیع الهی خویش ، برای حرکت به سمت غرب ، بهره گرفت .

فَاتَّبِعْ سَبِيًّا . حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ

۳- > سأل رجل علياً (ع) : رأيت ذالقرنين كيف استطاع أن يبلغ المشرق و المغرب ؟ قال : سخر الله له السحاب و مد له في الأسباب و بسط له النور فكان الليل والنهار عليه سواء ;

مردی به علی(ع) گفت: مرا خبر ده که ذوالقرنین، چگونه توانست به شرق و غرب عالم برسد؟ حضرت فرمود: خداوند، ابر را مسخر او قرار داد و ابزار و وسائل او را افزایش داد و نور را برای او گستراند، به گونه ای که شب و روز برای او یکسان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۶ - ۹،۸،۶،۵،۴،۲،۱

۱- ذوالقرنین ، با به کارگیری برخی از ابزارها و نیروهایش ، به سمت غرب سرزمین خویش پیش رفت .

فَاتَّبِعْ سَبِيًّا . حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ

۲- ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرِبُ فِي عَيْنِ حَمِئَةٍ

>حَمِئَةٍ< یعنی دارای >حمأه< به >گل سیاه بدبو< گفته می شود. (کتاب العین)

۴- پیشروی ذوالقرنین ، با رسیدن به ساحل دریایی گسترده ، متوقف شد .

وَجَدَهَا تَغْرِبُ فِي عَيْنِ حَمِئَةٍ

بدان احتمال که نمای غروب خورشید در آب، نشانه

گسترده‌گی پهنه دریا باشد؛ یعنی، در چشم انداز آن، چیزی مشاهده نمی‌شد، لذا تصوّر آن بود که خورشید در چشمه جوشانی در دریا فرو می‌رود و خشکی دیگری در ورای آن نیست.

۵- محدوده پیشروی ذوالقرنین در ناحیه مغرب تا دریای سیاه بوده است . *

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ

برخی، نظیر ابن عاشور، منطقه فرمانروایی ذی‌القرنین را چین دانسته‌اند، در این صورت، او، در حرکت به سمت غرب، تا دریای سیاه پیش رفته است که منظره غروب خورشید را به صورت فرو رفتن آن در چشمه آب کدر و سیاه مشاهده کرده است.

۶- ذوالقرنین ، در آخرین نقطه خشکی ، در غرب سرزمین خویش ، با مردمی دارای تشکّل و قومیت مواجه شد .

وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا

۸ ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قَلْنَا يَا ذَالْقَرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْتَ مُعَذِّبٌ وَإِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ فِيهِمْ حَسَنًا

۹- ساحل نشینان مناطق غربی سرزمین ذی‌القرنین ، از رویارویی با نیروهای او ناتوان بودند و در برابر تصمیمات او ، قدرت مقاومت نداشتند .

وَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قَلْنَا يَا ذَالْقَرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْتَ مُعَذِّبٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱،۳،۴

۱- ذوالقرنین ، از کیفر ساحل نشینان غرب ، چشم پوشی کرد و تنها کسانی را که بر ستم کاری خود باقی بمانند ، به مجازات تهدید کرد .

قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ

۳- ذوالقرنین ، بر قوم ساحل دریا ، سلطه کامل یافته بود .

قَالَ أَمَّا مَنْ

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نَعْدَبُه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۰، ۶، ۲

۲- تعجیل نکردن ذوالقرنین در کیفر ظالمان کافر ، مهلتی برای گرایش آنان به ایمان بود . *

أمّا من ظلم فسوف نَعْدَبُه .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاء الحسنی

مراد از <من ءامن و ..> (هرکس ایمان بیاورد و...) کسانی اند که از ظلم و کفر، دست برداشته و ایمان آورند، نه آنان که هنگام ورود ذوالقرنین مؤمن بودند؛ زیرا، معنا ندارد که او، بین عذاب و یا رفتار نیک با مؤمنان مخیر باشد! بنابراین، درنگ ذوالقرنین در عذاب ظالمان (سوف نَعْدَبُه) ایجاد فرصتی برای تغییر رویه آنان بوده است.

۶- ذوالقرنین ، تصمیم گرفت که قوانین و مقررات اجتماعی سهل و قابل تحمّلی را برای مؤمنان وضع کند .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

<یسر> یعنی <آسانی> و <من أمرنا> یعنی: <از فرامینی که صادر می کنیم> ، لذا مفاد جمله <و سنقول...> آن است که برای مؤمنان صالح، فرامینی صادر می کنیم که اجرای آن دشوار نباشد و شنیدن آن برای مؤمنان سنگین نیاید.

۱۰- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از

زمینه مساعدی برخوردار بودند .

أَمَا مِنْ ظَلَمٍ .. وَأَمَا مِنْ ءَامِنٍ وَعَمَلٍ صَالِحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۹ - ۱،۲،۴

۱- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثُمَّ أَتَبِعَ سَبَبًا . حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ

۲- ذوالقرنین در ادامه سفرهایش ، از امکانات خویش در جهت گسترش حکومت و دین الهی ، بهره گرفت .

ثُمَّ أَتَبِعَ سَبَبًا

۴- > عن أمير المؤمنين (ع) : . . . > ثُمَّ أَتَبِعَ سَبَبًا < ذوالقرنین من الشمس سبباً >

از امیرالمؤمنین (ع) [در توضیح این سخن خدا]: > ثُمَّ أَتَبِعَ سَبَبًا < روایت شده: ذوالقرنین، از خورشید، به عنوان یک سبب بهره گرفت > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۰ - ۱،۲،۳،۷

۱- ذوالقرنین ، در سفر دوم خویش ، به آخرین نقطه خشکی در سمت مشرق رسید و با مردمی بدوی و عاری از تمدن روبه روشد .

بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ . . . لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا

ضمیر <دونها> به <الشمس> بازمی گردد و مفاد جمله <لم نجعل...> این است که مردم آن سرزمین، جز خورشید، پوششی نداشتند؛ یعنی، هیچ بنا و ساختمانی که سایبان آنان باشد و هیچ پوشاکی که بدنشان را به پوشاند، در بین آنان مشاهده نمی شد، لذا از آنان، تعبیر به اقوامی بدوی شده است.

۲- ساکنان شرق سرزمین ذی القرنین ، مردمی فاقد تن پوش و سرپناه بودند .

وَجَدَهَا تَطَّلِعُ عَلَى قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا

ذوالقرنین ، در شرق سرزمین خویش ، با مردمی ساکن بیابانی کویری و بدون گیاه مواجه شد . *

لم نجعل لهم من دونها ستراً

از واژه <لم نجعل> این احتمال جان می گیرد که بی پناهی در برابر تابش آفتاب، معلول اموری بود که به <جعل> الهی مربوط می شود، مانند کویری بودن سرزمین که از امور طبیعی است.

۷- > عن أمير المؤمنين (ع) : . . . ان ذالقرنين ورد على قوم قد أحرقتهم الشمس و غيرت أجسادهم و ألوانهم حتى صيرتهم كالظلمه ;

از امیرالمؤمنین(ع): روایت شده: همانا، ذوالقرنین، به قومی رسید که تابش خورشید، آنان را سوزانده و موجب تغییر بدن و تغییر رنگ شان شده بود، به گونه ای که آنان را (در سیاهی) به مانند پاره ای از تاریکی درآورده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۲ - ۱،۲،۴

۱- ذوالقرنین ، از برخی امکانات خویش ، برای حرکت در جهات مختلف زمین ، بهره می گرفت .

ثم أتبع سبباً

سومین مسیر ذی القرنین به قرینه آیات قبل به سمت مشرق و مغرب نبوده است، بنابراین، یا به سمت شمال یا جنوب سرزمین خویش به راه افتاده است.

۲- سومین حرکت و پیشروی ذوالقرنین به سمت شمال بوده است . *

ثم أتبع سبباً

چنان چه یأجوج و مأجوج، همان مغول و تاتار باشند، حرکت ذی القرنین به سمت شمال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۳ - ۱،۲

۱- رسیدن ذوالقرنین به تنگه ای میان دو کوه سدآسا ، در سومین پیشروی خود

حتى إذ بلغ بين

<سد> به هر مانع و حاجزی گفته می شود، از جمله به کوه نیز اطلاق شده است. لذا <بین السّدین> محتمل است که به معنای حد فاصل دو کوه باشد. در باره این که این دو کوه در کجا قرار داشته نظر واحدی وجود ندارد، برخی آن ها را در شمال چین دانسته و برخی کوه های فاصل میان آذربایجان و ارمنستان گرفته اند قرینه ای برای اثبات هیچ یک وجود ندارد.

۲- مواجه شدن ذوالقرنین در سومین پیشروی خود با مردمی کم بهره از درک و فهم لغات بیگانه و ناتوان از شناخت سریع آن

وجد من دونهما قومًا لایکادون یفقهون قولاً

مراد از کُند فهمی ساکنان کوهستان در شناخت زبان دیگران این است که مفاهمه ذی القرنین با آنان دشوار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۲، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲

۲- منطقه گسترده ای از سرزمین شمال ، در عهد ذی القرنین ، مورد تهدید هجوم ها و فسادگری های یأجوج و مأجوج قرار داشت .

إِنَّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

حرف <ال> در <فی الأرض> برای عهد حضوری است و چون تعبیر <فی الأرض> برای مناطق کوچک و محدود، تعبیر متعارفی نیست، مراد از آن منطقه ای گسترده خواهد بود.

۳- خطر هجوم یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إِنَّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

۴- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا یذا القرنین إِنَّ یأجوج و

با این که <ذوالقرنین> بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهد و دیدن قدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدند که او، کسی است که می تواند سدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشمنان برای آنان برپا کند و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادّی و قصدی سلطگرا نه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

۵- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج از کوه های مرتفع به عنوان سدّ دفاعی در برابر هجوم آنان بهره می بردند .

حتّی إذا بلغ بین السدّین . . . إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون

۷- آسیب پذیران از هجوم یأجوج و مأجوج ، از ذوالقرنین برای ساختن سدّی در میانه دو رشته کوه بلند در برابر هجوم آن متجاوزان ، کمک خواستند .

قالوا یذا القرنین . . . تجعل بیننا و بینهم سدّاً

۸- همجواریان یأجوج و مأجوج ، خود از ایجاد سدّی محکم و غیرقابل نفوذ در برابر هجوم آن متجاوزان ، ناتوان بودند .

فهل نجعل لك خرجاً علی أن تجعل بیننا و بینهم سدّاً

۱۲- > عن أمير المؤمنين (ع) : إنّ ذالقرنین . . . وجد . . . قوماً لا یکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذالقرنین ! إنّ یأجوج و مأجوج خلف هذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدّین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لا یبقون من ها شیئاً > فهل نجعل لك خرجاً < نؤدیه إلیک فی کلّ عام > علی أن تجعل بیننا و بینهم سدّاً

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یاجوج و ماجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو پردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۵ - ۹۰، ۹۱، ۹۸، ۱۰۸

۱- ذوالقرنین ، از کمک های مادی مردم در برابر ساختن سدّ در مقابل یاجوج و ماجوج ، اظهار بی نیازی کرد .

فهل نجعل لك خرجًا .. قال ما مكنى فيه ربى خير

۸- ذوالقرنین ، خود طراح و مجری بنای سد و عهده دار امور فنی و مدیریتی آن بود .

فأعینونی بقوه أجمع بینکم و بینهم ردماً

۹- ذوالقرنین ، خواستار مشارکت نیروی انسانی و امکانات مردمی در احداث سد شد .

فأعینونی بقوه

<قوه> یعنی نیرو <فأعینونی بقوه> یعنی: <مرا با نیروی خود کمک دهید>. آیات بعد، قرینه این است که او، علاوه بر خواستن نیروی انسانی، به آوردن ابزار و مصالح نیز فرمان داد. بنابراین، آنچه را از مردم نپذیرفت، اجر و مزد تلاش خویش بود.

۱۰- ذوالقرنین ، به ساختن بنایی محکم تر از سد مورد درخواست مردم ، تصمیم گرفت

تجعل بیننا و بینهم سدًّا .. أجعل بینکم و بینهم ردْمًا

چنان که مفسران گفته اند <ردم> بنایی است مستحکم تر از <سد> معمولی و بر همین اساس، به لباسی که وصله روی وصله دارد، گفته می شود: <ثوب مُردَم>. <فأعینونی> بر <ما مکّنی فیہ ربّی خیر> تفریع شده است؛ یعنی، احداث سد محکم تر، نتیجه برخورداری ذی القرنین از امکانات برتر الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۶ - ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱- ذوالقرنین، مردم را به تهیه پاره های آهن، برای احداث سد فرمان داد.

ءاتونی زبر الحديد

<زُبْرٌ> جمع <زُبْرَةٌ> به معنای <قطعات> است. <زبر الحديد> یعنی: <قطعه های آهن>. راغب در مفردات آن را <قطعات بزرگ آهن> دانسته است.

۲- آهن، نقشی اصلی و مهم، در بنای سد ذوالقرنین داشت.

ءاتونی زبر الحديد حتّی إذا ساوی بین الصدفین

گرچه در مصالح ساختمانی سدّ، از مس نیز استفاده شده، ولی از <حتی إذا ساوی ..> دانسته می شود که تمام فضای بین دو کوه، ابتدا، از آهن پاره ها آکنده شد و مس ذوب شده، تنها، برای پیوند آن قطعات به کار رفت.

۴- ذوالقرنین، ارتفاع سدّ آهنین را تا لبه دو کوه مجاور، بالا برد.

حتّی إذا ساوی بین الصدفین

<صدف> به معنای جانب و کرانه است و <الصدفین> یعنی: <جانب دو کوه که در دو طرف سدّ قرار داشت>. فعل <ساوی> دلالت بر تسویه و برابری ارتفاع سد با لبه دو کوه دارد.

۵- ذوالقرنین، برای سرخ کردن آهن های به کار رفته در سد، کوره های بزرگی را در

مجاورت سد ایجاد کرد .

حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا

<نفخ> به معنای <دمیدن> است. و دمیدن در دیواره سدّ برای سرخ کردن آن، نیازمند کوره های بزرگ است تا بتواند آتش و اکسیژن را به مقدار مورد نیاز به دیواره بزند تا شرایط برای ریختن آلیاژ مس بر روی آن فراهم گردد.
۶- ذوالقرنین ، به دمیدن در کوره ها ، تا حدّ سرخ شدن پاره های آهن به کار رفته در دیواره سدّ ، فرمان داد .

قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا

۷- ذوالقرنین ، از مس مذاب ، برای پر کردن میان پاره های آهن اسکلت سد ، استفاده کرد .

ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا

<افراغ> به معنای <خالی کردن ظرف و ریختن محتویات آن> است و <قطرًا> (مس مذاب) مفعول برای <أُفْرِغْ> است و مفعول <آتونی> به قرینه <قطرًا> محذوف است.

۹- ذوالقرنین ، بر احداث سد و مراحل آن ، نظارت و مدیریت مستقیم داشت .

ءَاتُونِي .. قَالَ انْفُخُوا ... ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا

ذکر ضمائر به صورت <متکم وحده>، جمله‌گی، گواه معشرت و نظارت دقیق ذوالقرنین بر احداث سد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۷ - ۱،۲

۱- با طرح و برنامه و نظارت مستقیم ذوالقرنین ، ساخت سد آهنین به اتمام رسید .

فَمَا اسْطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوا وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا

<فاء> در <فَمَا اسْطَعُوا> فصیحه است (یعنی از مضامینی ناگفته حکایت می کند) یعنی: <اوامر ذوالقرنین، انجام شد و کار سد به اتمام رسید و پس از آن، یأجوج و مأجوج نتوانستند که بر آن بالا رفته و یا این که سوراخی در آن

ایجاد و از آن عبور کنند.

۲- یأجوج و مأجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما استطعوا أن يظهره و ما استطعوا له نقباً

<ظهور> به معنای <علو> و بالا رفتن است <فما استطعوا أن يظهره> یعنی: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند.> .
<نقب> به معنای <سوراخ و تونل> است و <ما استطعوا له نقباً> یعنی: <نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۰

۱۰- ذوالقرنین ، پس از پایان کار سد ، حَقَائِیتِ معاد و حتمیت برپایی آن را یادآور شد .

قال .. فإذا جاء وعد ربِّي جعله دكّاء و كان وعد ربِّي حقّاً

قصه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱،۵

۱ حقایقی از سرگذشت مریم و زکریا ، برای اولین بار به پیامبر اکرم (ص) گفته شد .

ذلك من انباء الغیب نوحیه الیک

بیان حقایق مذکور اگر در دیگر کتب آسمانی آمده باشد، ظاهراً اطلاق غیب بر آن نمی شده است.

۵ ناشناخته بودن حقایقی از تاریخ زکریا و مریم ، برای اهل کتاب

ذلك من انباء الغیب

آیات در مورد وفد نجران نازل شده است پس تعریض به اهل کتاب دارد که نسبت به سرگذشت پیامبران، خصوصاً مسیح و مریم، اظهار اطلاع می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱،۳،۷

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم

، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلك تتلوه عليك من الايات و الذکر الحکیم

<ذلك>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلك تتلوه عليك من الايات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکر است .

ذلك تتلوه عليك من الايات و الذکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲ - ۷

۷- < کهیص > ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیص . ذکر رحمت ربّك عبده زکریا

گفته اند: < کهیص > می تواند مبتدا باشد و < ذکر >، خبر آن. در این صورت خود < کهیص >، یادی رمزگونه از رحمت خداوند به زکریا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱

۱- زکریا به هنگام پیری مفرط و سستی استخوان ها و سپیدی مو های سرش از خداوند خواهان فرزند شد .

قال ربّ إنّی وهن العظم منّی واشتعل الرأس شیباً

<عظم > به معنای استخوان است. <وهن العظم منّی >؛ یعنی، استخوان هایم سست شد کلمه <شیباً > تمیز و به معنای سفیدی مو است و <اشتعل >، یعنی آتش گرفتن (لسان العرب). بنابراین جمله <اشتعل > از ماده <شعل > سفیدی دم و پیشانی اسب) مشتق باشد؛

در این صورت جمله <اشتعل...>، یعنی <موی سر سپید شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۲۸، ۱

۱- زکریا (ع)، از درگاه خداوند، برای خویش و خاندان حضرت یعقوب، وارثی تمنا می کرد.

یرثنی و یرث من ءال یعقوب

گرچه <یعقوب> را، برخی بر <یعقوب بن ماثان> عموی همسر زکریا و حضرت مریم (س) تطبیق داده اند؛ ولی بیشتر مفسران وی را همان <یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم> می دانند.

۲- زکریا (ع)، نگران قرار گرفتن میراث وی و همسرش در اختیار ناهلان بود.

فهب لی من لدنک ولیاً . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

۸- زکریا (ع) از خداوند خواست، فرزندش در زمان حیات او و همسرش نمیرد.

فهب لی... ولیاً . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

۹- زکریا (ع)، برای صلاح و شایستگی معنوی فرزند خویش دعا کرد.

یرثنی... واجعله ربّ رضیاً

۱۲- حضرت زکریا (ع) هنگام دعا برای برخورداری از فرزند، به اجابت خواسته خود، اطمینان داشت.

فهب لی من لدنک ولیاً . یرثنی... واجعله ربّ رضیاً

حضرت زکریا با این که در حال دعا است، ولی به گونه ای سخن گفته که گویا دعای او مستجاب شده است و مفاد جمله <واجعله ربّ رضیاً> این است که خدایا فرزندی را که به من عطا می کنی، از هر جهت مورد رضایت قرار ده.

۱۳- زکریا (ع) با دعا به درگاه خداوند، خواهان توفیق کامل فرزند خویش در استفاده صحیح از میراث

او و خاندان یعقوب پیامبر (ع)

یرثنی و یرث من ءال یعقوب واجعله ربّ رضیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۷۸

۷- زکریا (ع) ، هنگام بشارت تولد یحیی (ع) ، همسری سال خورده داشت که از آغاز زندگی نازا بود .

و کانت امرأتی عاقراً

فعل <کانت> در آیه، با بیان دیرینه بودن نازایی، اشاره به گذشت زمان بارداری نیز دارد.

۸- زکریا (ع) در زمان دریافت بشارت تولد یحیی (ع) ، در نهایت پیری و از کف دادن قوای جنسی و شهوانی قرار داشت .

و قد بلغت من الکبر عتياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۷، ۶، ۵، ۱

۱- زکریا (ع) خواستار نشانه ای از خداوند ، برای شناخت زمان آمادگی او و همسرش برای برخورداری از فرزند

قال ربّ اجعل لی ءایه

هدف زکریا از خواستن آیه و علامت، یا رفع تردید در صحت بشارت بوده و یا آمادگی برای رعایت آداب هم بستری و یا پرداختن به شکرگزاری و امثال آن. برای احتمال سوم در آیه شاهدهی وجود ندارد. برخی احتمال اول را نیز به دلیل نسبت دادن تردید به پیامبران، نپذیرفته و احتمال دوم را صحیح دانسته اند. برداشت یاد شده براین اساس است.

۵- ناتوانی زکریا (ع) از سخن گفتن با مردم به مدت سه شبانه روز کامل ، نشانه ای الهی بر زمان تحقق یافتن بشارت فرزند بود .

قال ءایتک ألا تکلم الناس ثلاث لیل سوياً

<سوياً> یا صفت برای <ثلاث لیل> است و

یا حال برای فاعل <أَلَّا تَكَلَّمْ> و در هر دو صورت مراد از <سه شب> سه شبانه روز است. آیه چهل و یکم سوره آل عمران شاهد این معنا است. فعل <أَلَّا تَكَلَّمْ> فعل نفی است و مراد از آن، تکلیف زکریا به سکوت نیست، بلکه از صادر نشدن سخنی از زکریا خیر می دهد.

۶- زکریا (ع) ، در روز های ناتوانی از سخن گفتن با مردم ، به عبادت و ذکر خداوند ، قدرت داشت .

أَلَّا تَكَلَّمِ النَّاسِ ثَلَاثَ لَيَالٍ سُوِّيًّا

واژه <الناس> نشان می دهد که عجز زکریا، تنها از سخن گفتن با مردم بوده است و نه به طور مطلق.

۷- ناتوانی زکریا (ع) از سخن گفتن با مردم ، امری اعجازی بود ، نه معلول نقصی در زبان یا جسم او .

قَالَ ءَايَتِكَ ءَلَّا تَكَلَّمِ النَّاسِ ثَلَاثَ لَيَالٍ سُوِّيًّا

<سوئی> به کسی گفته می شود که اخلاق و خلقت او در حد اعتدال باشد، نه کمبودی داشته باشد و نه از حد تجاوز کرده باشد (مفردات راغب) و براین مبنی که <سوئیاً> حال باشد، برای فاعل <تکلم> که زکریا است، مفاد آیه این می شود. <تو در حالی که سالم هستی، با مردم سه شبانه روز سخن نخواهی گفت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۲، ۱۱، ۹، ۸، ۲، ۱

۱- زکریا (ع) ، در زمان فرا رسیدن نشانه وعده داده شده برای پیدایش فرزندش یحیی ، در عبادت گاه بود .

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ

محراب های بنی اسرائیل همان مسجدهای آنها بود که برای نماز در آن اجتماع می کردند (کتاب <العین>). فاء در

<فخرج> فصیحه است؛ یعنی از جملاتی محذوف حکایت می‌کند. به قرینه آیه قیل، آن محذوف، سخن نگفتن زکریا به مدت سه روز است که چه به اعجاز و چه با اراده خود و به فرمان خداوند در آن سه روز سخن نگفت. تعبیر <فخرج...> آنگاه از عبادتگاه خود بیرون آمد، حاکی از این است که در آن سه روز در عبادتگاه بود.

۲- زکریا (ع) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد.

فخرج علی قومه من المحراب

۸- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند.

أن سَبَّحُوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد؛ یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

۹- زکریا (ع) پس از آغاز روزه سکوت، برای تفهیم دستور العمل های عبادی به قوم خویش، از اشاره و رمز استفاده می‌کرد.

فأوحى إليهم أن سبحوا

فاعل <أوحى> زکریا و ضمیر <إليهم> به <قوم> بازمی‌گردد. هر چیزی که به قصد آموختن به هر شکلی به دیگری القا شود، <وحی> نامیده می‌شود (مصباح) و در این آیه مراد <اشاره> است. آیه چهل و یکم آل عمران نیز شاهد این معنا است.

۱۱- قوم زکریا، برای دریافت دستورالعمل های عبادی او، بیرون عبادتگاه در انتظار وی می‌ماندند.

فخرج علی قومه .. أن سَبَّحُوا

<خرج>

علیه < و >دخّل علیہ<، هنگامی گفته می شود که شخص به هنگام خروج یا ورود، با دیگری مواجه شده باشد. فرمان تسبیح گفتن که از زکریا(ع) صادر شده است نشان می دهد که اجتماع قوم او بیرون عبادتگاه، به منظور شنیدن فرمان وی بوده است.

۱۲- زکریا (ع) با اشاره از قوم خویش خواست ، سپیده دم و پسین گاه به تسبیح خداوند پردازند .

فأوحى إليهم أن سبحوا بكرة و عشياً

<بکره> به فاصله بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب). <عشیاً> یا به معنای <ظهر تا غروب> است و یا <آخر روز> و از برخی اهل لغت معانی دیگری نیز نقل شده است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۲،۴،۷

۲- زکریا (ع) با صدای بلند و روشن ، از خداوند خواستار فرزند شد .

و زکریا إذ نادى ربه لاتذرنى فرداً

مقصود از جمله <لاتذرنى فرداً> (مرا تنها مگذار) به قرینه آیه بعد (فاستجبنا له و وهبنا له یحیی ..) درخواست فرزند است. گفتنی است که <ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (لسان العرب).

۴- زکریا (ع) از تنهایی در رنج بود و آرزوی فرزنددار شدن داشت .

إذ نادى ربه رب لاتذرنى فرداً

تردیدی نیست که انسان آن چه را در دعاها از خداوند می خواهد، مورد علاقه و آرزوی او است و فقدان آن موجب رنج او به ویژه اگر دعا کننده فرد بزرگی چون پیامبر الهی باشد. بنابراین دعای زکریا(ع) برای فرزند دار شدنش، می تواند گویای برداشت یاد شده

باشد.

۷- نگرانی زکریا (ع) نسبت به آینده رسالت خویش با نبود فرزند و وارثی در زندگی اش

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

ممکن است درخواست زکریا (ع) از خداوند برای فرزنددار شدنش به خاطر مسائل اجتماعی باشد، یعنی، آن حضرت خواسته است رسالتش و دستاوردهای آن نگه داری شده و تداوم یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹

۱- دعا و خواسته زکریا (ع) برای فرزنددار شدن، مورد استجابت و پذیرش خداوند قرار گرفت.

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا... فَاسْتَجِبْنَا لَهُ

۲- یحیی (ع) موهبتی بی چشمداشت از جانب خداوند به زکریا (ع)، پس از دعا و روی آوردن او به درگاه الهی

إِذْ نَادَى رَبَّهُ... فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى

<هبه> به معنای عطیه و بخششی بدون عوض و خالی از اغراض (چشمداشت) است (لسان العرب).

۳- یحیی (ع)، نخستین فرزند زکریا (ع) پس از استجابت دعای او برای فرزنددار شدن

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا... فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى

۴- دعای زکریا (ع) مبنی بر اصلاح نازایی همسرش، مورد اجابت قرار گرفت و خداوند او را شایسته حمل قرار داد.

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ> عطف بر جمله <وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى> باشد که در این صورت اصلاح همسر جز دعای زکریا (ع) محسوب می شود.

۵- همسر زکریا (ع) پیش از دعای آن حضرت نازا بود.

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا... فَاسْتَجِبْنَا

له و وهبنا له يحيى و أصلحنا له زوجه

۸- خداوند ، اخلاق و رفتار همسر زکریا (ع) را اصلاح و او را همسری شایسته برای ایشان قرار داد . *

فاستجبنا له و وهبنا له يحيى و أصلحنا له زوجه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <أصلحنا له زوجه> عطف بر <فاستجبنا له> باشد. در این صورت اصلاح همسر جز خواسته زکریا(ع) نبود بلکه خدا از روی تفضل و افزون برخواسته او، آن را به ایشان عطا فرمود. هم چنین اصلاح در معنای عام و گسترده خود استعمال شده است نه اصلاح نازایی. گفتنی است طرح مسأله اصلاح همسر پس از بخشیدن فرزند، مؤید همین برداشت است.

۹- اعطای فرزند به زکریا (ع) و اصلاح همسرش از جانب خداوند ، تنها به خاطر رعایت مصلحت و اجابت خواسته او بود .

فاستجبنا له و وهبنا له يحيى و أصلحنا له زوجه

تکرار <له> (برای او) به ویژه در مورد اصلاح همسر می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

قصه سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) ، پس از توییخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمری

۲ - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمری

<خطب> نزد برخی لغت دانان به

معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک>؛ یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳

۳ - سامری، به کمک علم و آگاهی خود، به اندکی از آثار و تعالیم یکی از رسولان الهی دست یافت و بخشی از آن را در اختیار گرفت.

بصرت .. فقطیبت قبضه من أثر الرسول

محتمل است مراد از <أثر الرسول> دانش و اسراری باشد که در دست موسی و هارون(ع) و یا پیامبران پیش از آن دو بوده است؛ که گوشه ای از آن به دست سامری افتاده بود و وی با تسویلات نفسانی، آن را در راه گمراه ساختن مردم به کار گرفته بود. <ال> در <الرسول> دلالت دارد که فرد مورد نظر سامری، برای حضرت موسی(ع) نیز شناخته شده بود؛ ولی گویا سامری به منظور پی نبردن دیگران به حقیقت ماجرا، نام رسول و اثر او را برای عموم بنی اسرائیل مشخص نداشت.

۴ - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی(ع)

فبذتها

<بذ> در <بذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن؛ یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری

اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

۵- سامری، با بی اعتنایی به آموخته های ویژه و الهی خود و دورافکندن آنها، به ساختن گوساله و گمراه سازی مردم پرداخت.

فبذتها و کذلک سؤلت لی نفسی

از جمله معانی محتمل در آیه بالا، این است که مراد از <فبذتها> بی اعتنایی به آموخته ها (بصرت.. قبضت) باشد، یعنی، اعتراف سامری چنین بوده است که من دانش و آموخته های الهی خود را که از رسولان فراگرفته بودم به دور افکندم و در پی آن مفتون نفس خویش شده انجام دادم آنچه کردم.

۶- ارتداد سامری، سبب انحراف بنی اسرائیل بود.

فبذتها

۷- خطاکاری و تسویل نفس (تزیین داده شدن عمل از سوی نفس)، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

قال بصرت.. و کذلک سؤلت لی نفسی

<تسویل> به معنای نیکو و زیبا جلوه دادن و محبوب ساختن چیزی در دیدگاه دیگری است، تا او وادار به گفتن سخنی مخصوص و یا انجام کاری خاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از <سول> به معنای استرخا (نرمی و آسانی) مشتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۰، ۹، ۳، ۱

۱- موسی (ع) در پی محاکمه سامری، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد.

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب>

علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است؛ یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خیر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

۳- ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود.

إِنَّ لَكَ فِي الْحَيَوه أَنْ تَقُولَ لَامَسَّاس

محتمل است <فإنَّ لك في الحياه..> نفرین موسی (ع) در حق سامری باشد؛ یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

۹- سامری، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید.

وَانظُرْ إِلَى إِلْهَكِ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا

<إلهك> علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان <إله> پذیرفته بود.

۱۰- سامری، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد.

ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا

<ظلت>، تخفیف یافته <ظللت> (مداومت داشتی) است. <عكوف> به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و <ظلت عليه عاكفًا>؛ یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵، ۲

۲ - شیاطین، حضرت

سلیمان را به جادوگری متهم می کردند .

و ما کفر سلیمان و لکن الشیطان کفروا

مراد از <ما کفر سلیمان> (سلیمان کافر نشد) نفی جادوگری از سلیمان (ع) است. جمله <و لکن الشیاطین...> و نیز <ما تتلوا الشیاطین> حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

۵- شیاطین ، دستیابی سلیمان رابه سلطنت ، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند .

علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان

نفی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

<نفث> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۹- <أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : كان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فہم اللہ عزَّوجلَّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام کلہ

احمد بن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن (ع) در باره سخن خداوند عزوجل <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود (ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد.

۱۰- > عن أبی عبدالله (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفثت فیہ غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرّم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبإلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهبإلیه فقال : سلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یدفع إلی صاحب الکرّم الغنم و ما فی بطنها و إن کانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإِنَّه یدفع ولدها إلی صاحب الکرّم و کان هذا حکم داود ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند... صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب

تا کستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع) (في) قول الله عزوجل: < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > ... قال: إنه كان أوحى الله عزوجل إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم ... فحكّم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزوجل إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان < ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجل < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > روایت شده .. که فرمود: همانا خدای عزوجل به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجل به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندهگان

و حشر لسلیمن

جنوده من الجنّ و الإنس و الطير

۲- فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و .. می باشد.

۳- وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

<وَزَعٌ> به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشکر برای جنگ

۴- حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۱،۳

۱- رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ

۳- اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نملة يا أيها النمل ادخلوا مسكنكم لا يحطمنكم سليمان و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱،۴،۲۴

۱- تبسم سلیمان از سخنان مورچه

فتبسم ضاحكاً من قولها

۴ - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس‌گزاری او به درگاه خدا

فتبسم ضاحكاً من قولها و قال ربّ أوزعنی أن أشكر

۲۴ - > عن جعفر بن محمد (ع) قال : لما قالت النملة < يا أيها النمل ادخلوا مساكنكم ... > حملت الريح صوت النملة إلى سلیمان (ع) ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که آن مورچه [به سایر مورچگان] گفت: < یا ایها النمل ادخلوا مساكنكم .. > باد صدای آن

مورچه را به سلیمان رسانید...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۹، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - بازدید سلیمان (ع) از گروه پرندگان به منظور جویا شدن از احوال آنها

و تفقّد الطیر

<تَفَقَّدَ> (مصدر <تَفَقَّدَ>) معادل <تعهد> (وارسی کردن) است. بنابراین <تفقّد الطیر>؛ یعنی، از حال پرندگان جویا شد.

۲ - غایب یافتن سلیمان هدهد را در صف پرندگان

فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

۳ - پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

۴ - هدهد، از اعضای سپاهیان سلیمان

و حشر لسلیمن جنوده.. فقال ما لی لأری الهدهد

۵ - نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیروهای تحت فرمان خویش

و تفقّد الطیر .. أم کان من الغائبین

۶ - احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیروهای تحت امر خویش

فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلف نکرد؛ بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

۹ - در مجمع البیان آمده است: > و اختلف فی سبب تفقده الهدهد فقیل إنه احتاج إلیه فی سفره لیدله علی الماء قال أبوحنیفه لأبی عبدالله (ع) کیف تفقّد سلیمان الهدهد من بین الطیر؟ قال: لأنّ الهدهد یری الماء فی بطن الأرض کمایری

أحدكم الدهن في القارورة ;

در انگیزه سؤال سلیمان از غیبت هدهد اختلاف شده است: بعضی گفته اند: سلیمان در

سفرش نیاز به هدهد داشت تا وی را به وجود آب راهنمایی کند. [مجمع می افزاید] که ابوحنیفه از امام صادق (ع) سؤال کرد: چرا سلیمان از میان پرندگان سراغ هدهد را گرفت؟ فرمود: برای این که هدهد آب را در دل زمین می بیند، همان گونه که فردی از شما روغن را در ظرف بلورین می بیند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۱۸

۱ - تصمیم سلیمان (ع) به مجازات سخت هدهد در صورت عدم ارائه دلیلی قابل قبول بر غیبت خویش

لأَعْدَبَنَّ عَذَابًا شَدِيدًا .. أَوْ لِيَأْتِيَنَّ بِسُلْطَنٍ مِّبِينٍ

<سلطان> به معنای حجت و برهان است و <سلطان مبین> یعنی، دلیل روشن و قانع کننده.

۸ - اعلام سلیمان (ع) به بخشودن هدهد، در صورت آوردن دلیلی روشن و قابل قبول برای غیبت خود

لأَعْدَبَنَّ .. أَوْ لِيَأْتِيَنَّ بِسُلْطَنٍ مِّبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۱،۲،۳،۵

۱ - حاضر شدن هدهد در نزد سلیمان، پس از درنگی نه چندان طولانی

فمكث غير بعيد فقال

۲ - مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

فقال أحطت بما لم تحط به

۳ - هدهد، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

<احاطه> در این جا کنایه از علم آمده است؛ یعنی، <علمت بما لم تعلم به> به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای.<

۵ - هدهد، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین <سبا> برای

سلیمان (ع)

و جئتک من سبا بنیا یقین

<نبا> به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود؛ یعنی، <برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۱

۱ - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إنی وجدت امرأه تملکهم

<مُلک> (مصدر <تملکهم>) به معنای حکومت و فرمانروایی است؛ یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ - حضرت سلیمان (ع)، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعا های وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به .. قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

۲ - سلیمان (ع)، درصدد بررسی ادعا های هدهد درباره سرزمین سبا

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

۳ - ادعا های هدهد در رابطه با سرزمین سبا، امری شگفت و دور از باور سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

تعبیر <خواهیم دید که راست می گویی یا از دروغ گویانی> پس از بیان تفصیلی هدهد و درس های بلند توحیدی وی، می تواند نشانگر شگفتی و ناباوری سلیمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

<کتاب> معادل <مکتوب> و به معنای نامه است؛ یعنی،

این نامه مرا ببر، آن گاه... .

۲- افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

<ها> ساکن در <ألقه> ها سکت و <إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

۴- هدهد، موظف به روی برتافتن از درباریان سبا (پس از افکندن نامه سلیمان) نزد ایشان

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

<تولّى> (مصدر <تولّى>) به معنای روی برتافتن است؛ یعنی، از آنان روی برتاب و سپس بنگر چه پاسخ می دهند.

۵- مأموریت هدهد برای مشاهده بازتاب نامه سلیمان در میان درباریان سبا و شنود کردن سخنان ایشان.

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

۶- تدبیر سلیمان در کشف صدق و کذب ادعای هدهد از طریق به کارگیری خود وی

قال سننظر أصدقت .. اذهب بکتبی هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴

۱- قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قالت يَأَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ كَرِيمٌ

۲- جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا (بلقیس)

قالت يَأَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ كَرِيمٌ

<کریم>، صفت <کتاب> و به معنای گران مایه است. <کتاب کریم>؛ یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

۳- عدم اطلاع بلقیس از مشخصات آورنده نامه سلیمان

إِنِّي أَلْقِي إِلَيْ

مجهول آمدن فعل <أَلْقَى> نشانگر آن است که هدهد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

۴ - اقدام بلقیس

به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنَّي أَخْتَلِي إِلَيْ كِتَابِ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۱،۲،۴

۱ - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ

۲ - آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إِنِّي أَخْتَلِي إِلَيْ كِتَابِ كَرِيمٍ . إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ

جمله <إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ> ظاهراً تعلیل برای <کتاب کریم> است؛ یعنی، این که می گویم <مکتوبی گران مایه> این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

۴ - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إِنِّي أَخْتَلِي إِلَيْ كِتَابِ كَرِيمٍ .. و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمله <و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ ..> تعلیل دیگری برای بیان گرانمایه بودن مکتوب سلیمان است؛ یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۱،۲،۴

۱ - راه ندادن اندیشه سرکشی به خود و آمدن و تسلیم شدن ، فرمان سلیمان (ع) به ملکه سبا و درباریان وی

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ و أَتَوْنِي مُسْلِمِينَ

<علو> (مصدر <تعلوا>) به معنای استکبار و برتری جویی است. <اتیان> (مصدر <أتونی>) نیز به معنای حاضر شدن و <اسلام> (مصدر <مسلمین>) معادل <تسلیم> و

<انقیاد> است. آیه یاد شده حاوی سه فرمان است: الف) بر من برتری نجوید. ب) نزد من بیایید. ج) تسلیم دستورات من باشید.

۲- برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا، قاطع، آمرانه و از موضع قدرت بود.

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ

۴- سلیمان (ع)، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم الله الرحمن الرحيم . أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۵، ۲، ۱

۱ - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

<إفتاء> (مصدر <أفتونی>) به معنای اظهار نظر است. <أفتونی فی امری> یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

۲- برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود؛ بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

۵- احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَهُ أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونَ

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار

جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱ - تدبیر ملکه سبا در فرستادن هدیه ای بزرگ برای سلیمان (ع)

و اِنِّیْ مَرْسَلَةٌ اِلَیْهِمْ بِهَدِیَّةٍ

بزرگی هدیه از نکره آمدن آن استفاده می شود.

۲ - هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع)، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود.

و اِنِّیْ مَرْسَلَةٌ اِلَیْهِمْ بِهَدِیَّةٍ فَنَظَرَهُ بِمَ یَرْجِعُ الْمَرْسَلُونَ

۴ - همراهی هیأتی از فرستادگان بلقیس با هدیه او به سوی سلیمان (ع)

فَنَظَرَهُ بِمَ یَرْجِعُ الْمَرْسَلُونَ

تعبیر <مرسلون> با صیغه جمع، نشان دهنده رفتن هیأتی از نمایندگان همراه هدیه او به سوی سلیمان (ع) است.

۵ - هیأت نمایندگان سبا، مأمور گزارش کردن نقطه نظرهای جدید سلیمان (ع) به دربار

فَنَظَرَهُ بِمَ یَرْجِعُ الْمَرْسَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱ - حضور سفیر ملکه سبا همراه با هدایا در نزد سلیمان (ع)

فَلَمَّا جَاءَ سَلِیْمَنُ

از تعبیر <جاء> به صورت مفرد، استفاده می شود که تنها یکی از نمایندگان بلقیس (با این که آنان متعدد بودند) برای تقدیم هدایا به دربار سلیمان (ع) باریافت. گفتنی است که جمله <ارجع ایلهم> که خطاب به یک فرد است مطلب فوق را تأیید می کند. بنابراین احتمال این که مراد از ضمیر <جاء> مال باشد چنان که برخی از مفسران گفته اند تضعیف می شود.

ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قال أتمدونن بمال

۴- بی اعتنایی سلیمان (ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدونن بمال

۵- هدیه ملکه سبا، هدیه ای چشمگیر و پربها بود.

قال أتمدونن بمال

از تعبیر <أتمدونن بمال> استفاده می شود که هدیه، فی نفسه دارای جاذبه کافی برای هر پادشاه مقتدری بوده است، اما در چشم سلیمان پیامبر(ع) جایی نداشته است.

۶- توییح دربار سبا توسط سلیمان (ع)، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدونن بمال

استفهام در <أتمدونن> برای توییح و سرزنش است.

۷- هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر.

قال أتمدونن بمال فما ءاتین الله خیر مما ءاتیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۵، ۲، ۱

۱- رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إليهم فلنأتينهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

۲- تهدید اکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران، پرتوان و بی همآورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتينهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله <لا قبل لهم بها> صفت <جنود> است؛ یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

۵- سلیمان در تلاش مدام،

برای به تسلیم واداشتن دربار سبا ، قبل از وقوع جنگ

فلنأتينهم بجنود... و هم صغرون

لحن شدید و تهدید آمیز سلیمان(ع)، نشانگر آن است که وی تلاش می کرده تا کار به جنگ و خونریزی نینجامد؛ چه این که اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهای قبلی خلاف منطق جنگ به شمار می آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۴، ۵، ۶، ۳، ۲، ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای مجلسیانی سرشناس و ممتاز در میان نیرو های تحت امر خویش

قال يأتيا الملأا

واژه <ملأا> به عناصر سرشناس و شخصیت های برجسته و ممتاز گفته می شود.

۲ - پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال يأتيا الملأا أیکم یأتینی بعرشها

۳ - عزم ملکه سبا بر تسلیم شدن در برابر سلیمان (ع) ، پس از رد هدایای وی

قبل أن یأتونی مسلمین

از سخنان سلیمان و تعبیر <قبل أن یأتونی مسلمین> استفاده می شود که بلقیس مصمم بر تسلیم شده بود و سلیمان از قبل آن را می دانست.

۴ - آگاهی یافتن سلیمان (ع) از تصمیم بلقیس مبنی بر تسلیم شدنش در برابر وی

قال يأتيا الملأا... قبل أن یأتونی مسلمین

۵ - سلیمان (ع) ، مصمم بر نمایاندن قدرت فوق العاده خود به ملکه سبا ، با احضار تخت او

قال يأتيا الملأا أیکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی

۶ - وجود افرادی برخوردار از قدرت فوق طبیعی در میان درباریان سلیمان (ع)

أیکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی مسلمین

پرسش سلیمان حاکی از اطلاع او نسبت به وجود چنین افرادی در میان

درباریانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۱،۴

۱ - اعلام آمادگی عفریتی از جنیان ، برای حاضر ساختن تخت بلقیس ، پیش از برخاستن سلیمان از مسند خویش

قال عفریت من الجنّ أنا اتيك به قبل أن تقوم من مقامك

<مقام> اسم مکان از <قام بالأمر> است؛ یعنی، <قبل أن تقوم من مجلسك الذی تجلس فيه لأمر الحکومه>. گفته شده که سلیمان هر روز صبح تا ظهر برای انجام کارها و اداره امور مملکت بر مسند می نشست.

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إني عليه لقوي أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۳، ۱۰، ۹، ۱۸

۱ - اعلام آمادگی فردی از درباریان سلیمان برای آوردن تخت بلقیس در کمتر از یک طرفه العین

قال الذی .. أنا اتيك به قبل أن یرتد إليك طرفك

۸ - اقدام آصف بن برخیا به حاضر ساختن تخت بلقیس در برابر سلیمان (ع)

فلما رءاه مستقرًا عنده

از تعبیر <فلما رءاه..> استفاده می شود که سلیمان(ع) به آصف بن برخیا اجازه اعمال قدرت داد و او تخت را همان گونه که ادعا کرده بود، حاضر ساخت.

۹ - سپاس سلیمان (ع) به درگاه خدا ، پس از مشاهده تخت بلقیس در برابر خود

فلما رءاه مستقرًا عنده قال هذا من فضل ربّي

کلمه <هذا> می تواند اشاره به حضور تخت داشته باشد. بر این مبنا عبارت <هذا من فضل ربّي>؛ یعنی، این حضور تخت در کمتر از طرفه العین در نزد من، فضلی از جانب

پروردگار است. هم چنین می تواند اشاره به قدرتی باشد که توانست آن را در کمتر از طرفه العینی حاضر سازد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

۱۰ - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلما رءاه .. قال هذا من فضل ربی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد؛ یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من که توانست تخت عظیم بلقیس را در کمتر از یک نگاه حاضر سازد تفضل پروردگار به من است.

۱۳ - قدرت و توان عفريت دربار سلیمان ، مقهور دانش و علم آصف بن برخیا

قال عفريت من الجنّ .. قال الذی عنده علم من الکتب

در پاسخ پرسش سلیمان(ع)، نخست عفريت بود که قدرت خویش را مطرح ساخت؛ ولی دانش برتر دانشمند دربار سلیمان مجالی برای اعمال قدرت به وی نداد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۱ - ۴،۳،۲،۱

۱ - فرمان سلیمان به دگرگون ساختن آرایش تخت بلقیس برای آزمودن هوش وی

قال نكروا لها عرشها نظر أتهتدی

۲ - اهمیت پی بردن به میزان هوش و فراست ملکه سبا برای سلیمان (ع)

قال نكروا لها عرشها نظر أتهتدی

ظاهراً اقدام سلیمان(ع) به آزمودن بلقیس، دانستن هوش وی بوده است. بنابراین تقدیر <نظر أتهتدی...> چنین است: <نظر أتهتدی إلی معرفه عرشها...>؛ بنگریم آیا می تواند به شناختن تختش پی ببرد یا از کسانی است که نمی توانند راه یابند.>

۳ - نقش تیزهوشی ملکه سبا ، در نحوه موضع گیری و تصمیم سلیمان

(ع) در قبال وی

ننظر أتهتدی أم تكون من الذین لایهتدون

اهمیت پی بردن به میزان هوش بلقیس، می تواند از آن جهت باشد که نحوه موضع گیری سلیمان(ع) را در قبال وی مشخص سازد.

۴- استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نكروا لها عرشها. .. من الذین لایهتدون

برخی برآنند که <أتهتدی..> به تقدیر <أتهتدی إلى الإیمان بالله ورسوله> می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلما جاءت

۲- آزموده شدن بلقیس در آغاز ورود به دربار سلیمان به وسیله تخت تغییر یافته اش

فلما جاءت قیل أهكذا عرشك

ظاهر آیه دلالت بر این دارد که پرسش از بلقیس، در آغاز و قبل از هر چیز دیگر صورت گرفته است.

۳- فراست بلقیس در بازشناسی تخت تغییر یافته خویش

قالت كأنه هو

نحوه پاسخ بلقیس، نشان دهنده فراست او است؛ زیرا نه تصریح کرد که آن اریکه، تخت او است و نه شباهت زیاد آن را با تخت خویش مخفی داشت.

۴- درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجاز گونه تخت وی

قالت كأنه هو و أوتینا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده ایم.

۵ - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او، قبل از

رسیدن به دربار وی

و أوتينا العلم من قبلها و كُنَّا مسلمين

ضمیر <من قبلها> به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۲

۲ - تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أوتينا العلم من قبلها و كُنَّا مسلمين . و صدّها... إِنْهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ كَفْرِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگروده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ

<صرح> به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه جمله بعد (حسبته لَجَّه) معنای دوم (صحن) مراد است؛ زیرا اطلاق <لَجَّه> بر قصر درست نمی نماید.

۲ - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً

<لَجَّه> معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۴ - بلقیس، برای عبور از آبگینه های آب نما، دامن برکشید

و ساق های پایش نمایان شد .

فلما رأته حسبته لجة و كشفت عن ساقیها

۵ - سلیمان (ع) ، ناظر عکس العمل بلقیس ، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و كشفت عن ساقیها قال إنه صرح

مراد از ضمیر فاعل در <قال> سلیمان(ع) می باشد.

۶ - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجة .. قال إنه صرح ممرد من قواریر

۸ - صحن شیشه ای آب نما ، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

قیل لها ادخلی الصرح .. و كشفت عن ساقیها قال إنه صرح ممرد من قواریر

۹ - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق

العاده سلیمان (ع)

فلما رأته .. قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون

تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

۱۰ - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قیل لها ادخلی الصرح .. قال إنه صرح... قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

۱۲ - التجای بلقیس به ربوبیت خدا برای جبران گذشته شرک آلود خویش

قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

۱۳ - راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

و أسلمت مع سلیمن لله ربّ العلمین

تصریح بلقیس به <مع سلیمان> از یک سو

به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

۱۴ - توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه ، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

و أسلمت مع سلیمن لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۴، ۱۳، ۵، ۴

۴ - بادِ تحت امر سلیمان (ع) ، مسیر دو ماهه رفت و برگشت را در یک روز طی می کرد .

و لسلیمن الريح غدوها شهر و رواحها شهر

<غدو> در لغت به رفتن در طرف صبح آمده (المنجد) و <رواح> استعاره برای رفتن از ظهر به بعد است (مفردات راغب).

۵ - دیگ های بزرگی برای ذوب مس جهت ساختن ابزار مسی ، در اختیار سلیمان (ع) قرار داشت .

و أسلنا له عین القطر

<عین> در آیه به معنای حقیقی آن (چشمه) نیست؛ بلکه معنای کنایی آن مورد نظر است؛ یعنی، ظرف های بزرگی که مذاب مس داخل آنها بوده و از آن تعبیر به <عین> شده است.

۱۳ - تهدید شدن جنیان در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند ، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من یعمل بین یدیہ . . . و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

۱۴ - در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنیان ، براساس تکلیف الهی بود .

و من الجنّ من یعمل بین یدیہ . . . و من یزغ

از تهدید به عذاب جنیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸

۱ - جنیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجن من يعمل بین یدیه .. يعملون له ما یشاء

۲ - جنیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

يعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳ - جنیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

يعملون له ما یشاء من محاریب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

۴ - جنیان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

يعملون له ما یشاء من .. تمثیل

۷ - جنیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

يعملون له ما یشاء من .. و جفان کالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جایبه> و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

۸ - ساخته شدن دیگ های بزرگ

ثابت و غیر منقول ، به وسیله جنیان برای سلیمان (ع)

یعملون له ما یشاء من .. و قدور راسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ - مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلما قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلما خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم یعلم> به معنای خوردن است و یا <ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

۳ - سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش ، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود .

فلما قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض .. لو كانوا یعلمون ا

۴ - گروهی از جنیان ، همواره در خدمت و پیشگاه سلیمان (ع) بودند .

فی العذاب المہین

۵ - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلما خرّ تبینت الجنّ أن لو كانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المہین

۶ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از علم غیب برخوردار نبودند .

فلما خرّ تبینت الجنّ أن لو كانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المہین

۷ - خدمت

در دستگاه سلیمان (ع) ، برای جنیان خوشایند نبود .

فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

۱۰ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ

۱۲ - سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فَلَمَّا قُضِيَنا عَلَيْهِ الْمَوْتِ مَا دَلَّهْمُ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : . . . وُلِّيَ سُلَيْمَانَ مَدْبَرًا إِلَى مَحْرَابِهِ فَقَامَ فِيهِ مَتَّكِنًا عَلَى عَصَاهُ فِقْبُضَ رُوحَهُ مِنْ سَاعَتِهِ ، قَالَ فَجَعَلَتِ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ يَخْدُمُونَهُ وَيَسْعُونَ فِي أَمْرِهِ بِمَا كَانُوا وَهُمْ يَظُنُّونَ أَنَّهُ حَيٌّ . . . حَتَّى دَبَّتِ الْأَرْضُ مِنْ عَصَاهُ فَأَكَلَتْ مِنْسَأَتَهُ فَانْكَسَرَتْ وَخَرَّ سُلَيْمَانَ إِلَى الْأَرْضِ أَفَلَا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ : فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ;

از امام صادق (ع) روایت شده: . . . سلیمان (ع) به محل عبادت خود روی آورد و در آن جا تکیه زنان بر عصای خود ایستاد. در همان لحظه قبض روح شد و جن و انس همان گونه که موظف بودند، او را خدمت می کردند و در امور او می کوشیدند و گمان می کردند زنده است ... تا این که موریانه عصای او را خورد. آن عصا شکست و سلیمان (ع) بر زمین افتاد آیا نمی شنوی قول خدای عزوجل را (فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ...) <.

جلد - نام سوره -

۱ - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب های اصیل ، نفیس و تیز تک

إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

<عشيّ> به معنای آخر روز و عصر است و <صافنات> (جمع <صافنه>) به اسب هایی گفته می شود که بر روی سه دست و پای ایستاده و دست راست خود را کمی بلند می کنند و تنها نوک جلوی سم را بر زمین می گذارند (این حالت مخصوص اسب های نجیب و اصیل است). <جیاد> نیز به دو معنا آمده است: ۱ جمع <جید> در مقابل <ردی> و به معنای نفیس است. ۲ جمع <جواد> است که وقتی در توصیف اسب به کار رود به معنای سریع خواهد بود. گفتنی است که در آیه شریفه، هر یک از دو معنا می تواند مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب ها تا غروب آفتاب به طول انجامید .

فقال إني أحببت حبّ الخير . . . حتى توارت بالحجاب

مقصود از <خیر> در آیه شریفه اسب ها است و <تواری> (مصدر <تورات>) به معنای اختفا و پنهان شدن است. گفتنی است فاعل <تورات> در برداشت بالا به قرینه <العشيّ> خورشید دانسته شده است؛ یعنی، تا وقتی که خورشید در حجاب افق پنهان شد.

۲ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، آن چنان برای آن حضرت جذاب بود که تا پنهان و دور شدن کامل آنها از

دیدگان وی ، ادامه داشت .

فقال إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ .. حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر فاعلی <تورات> به <صافنات> بازگردد. بنابراین <حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ> یعنی، تا وقتی که اسب ها از نظرش غایب و در حجاب دوری پنهان شدند.

۳- سان دیدن طولانی سلیمان (ع) از اسب ها ، به خاطر خدا و یاد او بود .

فقال إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عَنْ> در <عَنْ ذِكْرِ رَبِّي> برای تعلیل باشد، یعنی، دوستی من نسبت به اسب ها، به خاطر خدا و ناشی از فرمان او است، نه برخاسته از هوا و هوس و تفریح کردن من.

۵- سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها ، موجب غفلت او از یاد خدا گشت .

إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عَنْ> در <عَنْ ذِكْرِ رَبِّي> به معنای <علی> و <أَحْبَبْتُ> به معنای <آثرت> (ترجیح دادم) باشد، یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم، تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

۱۰- اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

در

صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إني.. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۱،۲،۳

۱ - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتی توارت بالحجاب . ردّوها علی

ضمیر مؤنث <ردّوها> به قرینه جمله بعدی (فطفق مسحاً.. ..) به <صافنات> (اسب ها) بازمی گردد.

۲ - سلیمان (ع) پس از بازگردانده شدن اسب ها ، آنها را نوازش کرد و به سودن پاها و گردن آنها پرداخت .

فطفق مسحاً بالسوق و الأعناق

۳ - شدت علاقه سلیمان (ع) به اسب های نجیب و تیزرو و سان دیدن از آنها

فطفق مسحاً بالسوق و الأعناق

درخواست بازگرداندن اسب ها، برای بازدید مجدد و نوازش آنها (با سودن پاها و گردن آنها)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۲،۵،۶،۷

۲ - افکندن جسم بی جان انسانی بر تخت سلیمان ، وسیله آزمایش ایشان از سوی خداوند بود .

و لقد فتنّا سلیمان و ألقینا علی کرسیّه جسداً

<جسد> به جسم بی جان انسان گفته می شود و <کرسی> به معنای تخت و سریر است.

۵ - توبه و انابه سلیمان (ع) به درگاه خدا پس از آزمایش الهی

و لقد فتنّا سلیمان ثمّ أناب

افکنده شدن جسدی بی جان بر تخت سلیمان (ع)، زمینه توجه ایشان به خدا و توبه و انابه به درگاه الهی شد.

و ألقینا علی کرسیه جسدًا ثم أناب

از ارتباط میان افکنده شدن جسد بر تخت سلیمان و توبه و انابه او پس از آن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

۷- جسم بی جان افکنده شده بر تخت سلیمان، پس از مدتی زنده شد و جان گرفت.

و ألقینا علی کرسیه جسدًا ثم أناب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <أناب> در معنای اصلی خود (<رجع>؛ یعنی، رجوع کرد و بازگشت) باشد. بر این اساس مقصود از رجوع و بازگشت در آیه شریفه، می تواند رجوع جسد بی روح به حالت قبلی و بازگشت جان به این جسد باشد که بدین وسیله سلیمان(ع) مورد آزمایش الهی قرار گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۶ - ۱،۳،۴

۱ - دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر، مورد استجاب خدا قرار گرفت.

و هب لی ملکا .. فسخرنا له الريح

از فای تفریع <فسخرنا..> استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملک او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

۳ - جریان ملایم باد تحت فرمان سلیمان بود و به هر سوی که او می خواست روان می گشت.

فسخرنا له الريح تجرى بأمره رخاء حيث أصاب

<رخاء> به معنای آرامی و ملایمت است و ضمیر فاعل در <أصاب> به سلیمان بازمی گردد. <أصابه> (مصدر <أصاب>) معادل قصد و

اراده است^۲ یعنی، هر جا سلیمان اراده کند.

۴ - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن حضرت بود .

هب لی ملکاً .. فسخرنا له الريح تجرى بأمره رخاء حيث أصاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۱،۲،۴،۵

۱ - شیاطین جنی ، تحت تسخیر و فرمان سلیمان (ع) از جانب خداوند

فسخرنا له .. و الشیطن

<شیاطین> (جمع <شیطان>) مجازاً درباره اشخاصی که دارای مهارت و زبردستی بالایی باشند، به کار می رود. تعبیر <کلّ بِنَاء و غَوَاص> می تواند مؤید همین معنا باشد. گفتنی است که با توجه به آیه ۱۷ سوره <نمل> (و حشر لسلیمان جنوده من الجنّ...)، مقصود از <شیاطین> موجوداتی از جنس <جن> می باشد.

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطن کلّ بِنَاء و غَوَاص

۴ - تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکاً .. فسخرنا له ... الشیطن کلّ بِنَاء و غَوَاص

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطن کلّ بِنَاء و غَوَاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ>

نیز به معنای قید و بند است.

۲- اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزارى مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

قصه شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۴، ۱۹، ۱۴، ۴، ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعيب و مردم مدین

و إلی مدین آخاهم شعبياً

از اینکه شعيب برادر مردم مدین خوانده شده، یا اشاره به خویشی وی با مردم مدین دارد و یا حکایت از آن دارد که او حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز برای قوم خویش بوده است. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۴ شعيب ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم مدین

و إلی مدین آخاهم شعبياً

۱۴ شعيب با ارائه بینه ای روشنگر ، قوم خویش را به توحید و ترک شرک دعوت کرد .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاءكم بينه من ربكم

۱۹ شعيب (ع) از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس پیمانانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

فأوفوا الكيل و الميزان

کلمه <کیل> مصدر است و در آیه مورد بحث به معنای چیزی است که به وسیله آن کیل می کنند ؛ یعنی پیمانانه . <ایفاء> (مصدر)

اوفوا) به معنای اتمام می باشد و <اتمام کیل> به این است که گنجایش پیمانہ مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲۴ شعيب (ع) ، مردم خویش را از فسادگری در زمین نهی کرد .

و لا تفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۳

۳ شعيب از مردم خویش خواست تا دست از تهدید اهل ایمان بردارند و آنان را از پیمودن راه خدا بازدارند .

و لا تقعدوا بكل صرط توعدون و تصدون عن سبیل اللّٰه من ءامن به

۷ شعيب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا ، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد .

و اذکروا إذ کنتم قلیلا فکثرکم

۱۲ شعيب ، مردم خویش را به مطالعه و بررسی فرجام شوم فسادگران تاریخ فراخواند .

و أنظروا کیف کان عقبه المفسدین

۱۳ شعيب ، کافران قوم خویش را به گرفتار آمدن به فرجامی همانند سرنوشت فسادگران پیشین تهدید کرد .

و أنظروا کیف کان عقبه المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۰، ۹، ۸، ۲، ۱

۱ گروهی از مردم مدین به رسالت شعيب (ع) ایمان آوردند و گروهی دیگر از پذیرش آن سر باز زدند .

و إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا

>إن کان طائفه

... > به دلیل آیه قبل از مواردی است که در آن <این> شرطیه در مورد تحقق شرط به کار رفته است؛ مانند <ان کنت ابنی فلا تفعل کذا>. بنابراین <این کان طائفه منکم... فاصبروا> یعنی چنانچه گروهی از شما ایمان آوردید پس صبر پیشه سازید.

۲ شعیب (ع)، دعوتگر مؤمنان قوم خویش به صبر در برابر کفرپیشگان

این کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

در اینکه مخاطب <فاصبروا> چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد: خصوص مؤمنان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. در این صورت متعلق صبر، آزارها و اذیتهای کافران است. یعنی: فاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید).

۸ شعیب (ع)، کافران قوم خویش را به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد.

و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

با توجه به ذیل آیه ۸۹ (ربنا افتح ..) معلوم می شود مقصود شعیب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در <فاصبروا> خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

۹ شعیب (ع)، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد.

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

۱۰ شعیب (ع) از مؤمنان و کافران قوم خویش خواست با وانهادن داوری

به خداوند از تعرض به یکدیگر پرهیز کنند .

إن كان طائفه منكم ءامنوا .. و طائفه لم يؤمنوا ... فاصبروا حتى يحكم الله بيننا

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در <فاصبروا> علاوه بر مؤمنان متوجه کافران نیز باشد. در این صورت مراد از صبر در <فاصبروا> عدم تعرض به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۳، ۹، ۸، ۳، ۲، ۱

۱ گروهی از اشراف قوم شعیب (ع) از سر تکبر و خودبرتربینی به وی و رسالت‌هایش کافر شدند .

قال المأذون الذين استكبروا من قومه

برداشت فوق بر این اساس است که <الذين استكبروا> قیدی احترازی باشد. بر این مبنا اشراف به دو طایفه مستکبران و غیر مستکبران تقسیم می شوند. قابل ذکر است که مراد از استکبار، کفرورزی است که برای تبیین علت کفر به جای <کفروا>، <استکبروا> استعمال شده است.

۲ اشراف کفرپیشه مدین ، شعیب و مؤمنان به رسالتش را به تبعید دسته جمعی تهدید کردند .

لنخرجنک یشعیب و الذین ءامنوا معک من قریتنا

<معک> می تواند متعلق به <لنخرجنک> باشد. بر این مبنا <لنخرجنک> حاکی از تبعید دسته جمعی است.

۳ اشراف کفرپیشه قوم مدین ، سردمداران مبارزه با شعیب و رسالت های وی

قال المأذون الذين استكبروا من قومه لنخرجنک

۸ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک .. او لتعودن فی ملتنا

۹ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می

رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست

قال أو لو كنا كرهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵، ۲۰، ۱۲، ۱۱، ۶، ۴، ۳، ۱

۱ شعیب (ع) در پاسخ اشراف کفرپیشه مدین، گرایش به آیین شرک را افترا بر خداوند دانست.

قد افترينا على الله كذبا إن عدنا في ملتكم

۳ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش، بیزار از گرایش به آیین شرک و افترا بستن بر خدا

قال أو لو كنا كرهين. قد افترينا على الله كذبا إن عدنا في ملتكم

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

۶ شعیب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست.

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

جمله <ما يكون لنا .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریحی (ناشایست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن يشاء الله) مشیت تکوینی

است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریحی است.

۱۱ شعب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن یشاء الله ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یكون لنا .. > به دست می آید، عدم امکان تشریحی باشد.

۱۲ شعب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن یشاء الله ربنا

۲۰ شعب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی الله توکلنا

۲۵ شعب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۱،۵

۱ اشراف کفرپیشه مدین در تلاش برای بازداشتن مردم از ایمان به رسالت شعب و پیروی از فرمان های او

و قال المأذون کفروا من قومه لئن اتبعتم شعباً إنکم إذاً لخرسون

مراد از متابعت در <اتبعتم> می تواند پیروی از آیین و دستورات شعب باشد. در این صورت مخاطبان این کلمه (اتبعتم) عموم مردم هستند. همچنین می تواند مراد از آن پیروی از شعب در خروج از شهر مدین باشد. در این صورت

مؤمنان به شعيب مخاطبانِ <اتبعتم> خواهند بود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۵ شعيب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحيد و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آيين شرک)، خروج از ديار مدین را برگزید.

لئن اتبعتم شعيباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اتبعتم شعيباً>، پیروی از شعيب(ع) در خروج از شهر مدین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۳،۵

۳ کافران قوم شعيب شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و صبحگاهش به هلاکت رسیدند. *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <ادخلوا فی الصبح> (داخل در صبح شدند) باشد، نه به معنای <صاروا>. بر این مبنا <فأصبحوا...> می رساند که هلاکت به هنگام صبح اتفاق افتاد و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح، یعنی درشب، بر کافران قوم شعيب عارض شده است.

۵ لرزش شدید و عذاب نازل شده بر قوم شعيب توان حرکت و بیرون آمدن از خانه ها را از ایشان سلب کرد.

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<فی دارهم> هم می تواند اشاره به این نکته باشد که نزول عذاب هنگامی بود که همه و یا اکثر آنان در خانه هایشان استراحت می کردند و هم می تواند علاوه بر این، اشاره به این داشته باشد که با احساس لرزش زمین، که طبعاً آدمی از خانه می گریزد، قوم شعيب نیز خواستند از خانه ها بیرون شوند، ولی عذاب مهلت نداد و در همانجا به هلاکت رسیدند. با توجه به اینکه

<فی دارهم> متعلق به <جثمین> است، این معنا وضوح بیشتری پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۲، ۱

۱ شعب (ع) پس از حتمیت نزول عذاب الهی بر تکذیب کنندگان رسالتش، از آنان فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت.

فتولی عنهم

۲ شعب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت.

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعب به مردم خویش دارد.

۴ شعب (ع) هنگام خروجش از میان مردم مدین، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد.

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رسل ربی

۶ شعب (ع)، پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید.

لقد أبلغتکم رسل ربی و نصحت لکم

لام تأکید در <لقد> که خبر از قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد> که گویای تأکید است، می رساند که شعب در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه بسیار تلاش کرد.

۷ شعب (ع)، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

۱۰ شعب (ع) با توجه به کفرورزی مردم خویش، دریغ و تأسف بر هلاکت آنان را ناروا خواند.

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

لحن جمله <یقوم...> حکایت از دریغ و تأسف شعب دارد و جمله <کیف ءاسی...> دلالت

می کند که تأسف بر هلاکت کفرپیشگان نارواست. گویا شعیب هنگامی که قومش را مشرف به هلاکت یافت بر آنان افسوس خورد و سپس کفرورزی آنان را ملاحظه کرد و آنان را مستحق این هلاکت دانست و لذا نتیجه گرفت که نباید بر هلاکت ایشان افسوس خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۳،۹

۳ مردم مدین، نمازها و عبادت های شعیب (ع) را مورد تمسخر و استهزای خویش قرار می دادند.

أصلوتكك تأمرک أن نترك ما یعبد ءاباؤنا

استفهام در جمله <أصلوتكك ..> به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است.

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أن نترك ما یعبد ءاباؤنا

فعل مضارع <یعبد> حاکی است که مقصود از <آباؤنا> تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست؛ بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۹

۱۹ شعیب (ع) در شهر مدین به داد و ستد و مبادلات اقتصادی اشتغال داشت . *

أوفوا المکیال و المیزان .. و ما أريد أن أخالفکم إلی ما أنهیکم عنه

شعیب(ع)، پس از تأکید فراوان بر لزوم رعایت قسط و عدل در مبادلات و پرهیز از کم فروشی و اجحاف در معاملات، می فرماید: من هرگز به آنچه شما را از آن نهی کرده ام روی نخواهم آورد. این سخن آن گاه جایگاهی مناسب دارد که خود

نیز به داد و ستد اشتغال داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۴

۴ شعيب (ع) کفرپيشگان ستيزه جوی قومش را به مبتلا شدن سرنوشتی همانند سرنوشت برخی از جوامع هلاک شده پيشين هشدار داد .

و یقوم لایجرمنکم شقاقی أن یصیبکم مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰، ۹، ۷، ۴، ۳

۳ مردم مدین ، بسیاری از تعالیم شعيب (ع) را ، سخنانی سخيف و بی فایده می شمردند و شایسته اعتنا کردن نمی دانستند .

ما نفقه کثیرًا مما تقول

مراد از جمله <ما نفقه ..> (بسیاری از سخنان را نمی فهمیم) می تواند معنای حقیقی آن باشد؛ یعنی، واقعاً توان درک تعالیم تو را نداریم، مسأله توحید برای ما لاینحل است، محدود دانستن مالک در تصرف اموال خویش قابل هضم نیست و ... و می تواند کنایه از نامعقول بودن و نا به جا و بی ثمر بودن باشد؛ یعنی، پیامهای تو آن قدر سخيف است که شایسته تأمل کردن و فهمیدن و عمل کردن نیست. برداشت فوق، ناظر به احتمال دوم است.

۴ شعيب (ع) در نظر مردم مدین ، به خاطر نداشتن پشتیبان و یاور ، ضعيف و ناتوان بود .

و إنا لنرىك فينا ضعيفًا

کلمه <فينا> (در میان ما) گویای این است که مردم مدین حضرت شعيب(ع) را در قیاس با مخالفانش ناتوان می شمردند؛ نه اینکه او را شخصی ضعيف و ناتوان بدانند و لذا در برداشت <به خاطر نداشتن یاور>

آورده شد.

۷ شعيب (ع) در شهر مدین ، دارای طایفه ای انگشت شمار بود .

لولا رهطك لرجمنك

۹ خاندان شعيب ، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطك لرجمنك

<رهط> به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله ، قوم و خاندان است.

۱۰ عزت و احترام قبیله شعيب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کيفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطك لرجمنك

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعيب (ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطك> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند بلکه به قرینه <ما أنت علينا بعزیز> و <أرهطی أعز..> در آیه بعد مراد از <لولا رهطك> ، <لولا عزه قومك و کرامتهم عندنا...> است.

۱۱ مردم مدین ، شعيب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شرکورزی و بی عدالتی ، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام نمی شمردند .

و ما أنت علينا بعزیز

<عزیز> به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۲،۳،۸،۹

۲ شعيب (ع) از مردم خویش خواست با در نظر گرفتن عزت و شکوه خداوند ، معارف و احکام الهی را بپذیرند .

أرهطی أعزّ علیکم من الله

با توجه به اینکه جمله

>أرهطى أعزّ .. < پاسخ شعيب(ع) در برابر <لولا رهطك ...> است، می توان گفت: مقصود او این است که اگر به خاطر عزت خاندانم مرا سنگسار نمی کنید، چرا عزت و شکوه خداوند را که از هر کسی عزتمندتر است در نظر نمی آورید و غیر او را پرستش می کنید و

۳ شعيب (ع) مردم مدین را به خاطر غفلت از خدا و رعایت نکردن جانب او ، توییح و سرزنش کرد .

أرهطى أعزّ علیکم من الله واتخذتموه وراءکم ظهرياً

استفهام در جمله >أرهطى .. < انکار توییحی است.

۸ شعيب (ع) با بیان سیطره خداوند بر رفتار کفرپیشگان مدین ، تهدید های آنان را به هیچ انگاشت .

لولا رهطك لرجمنك .. إن ربى بما تعملون محیط

چنان چه مراد از احاطه خدا بر اعمال، سیطره و حاکمیت او بر اعمال باشد، هدف شعيب(ع) از آوردن <رَبِّى>، <إن ربى . ..> و نگفتن <إن الله ...> این است که چون اعمال شما در سیطره خداست و او رب و مدبر من است، اجازه نخواهد داد بر من غلبه کنید و اگر غلبه نیز کردید، آن را در راستای تدبیر و تربیت من قرار می دهد پس در هر حال مرا از تهدیدهای شما باکی نیست.

۹ شعيب (ع) مردم مدین را به حسابرسی خداوند و مجازات های او هشدار داد .

إن ربى بما تعملون محیط

چنان چه مقصود از احاطه خداوند بر اعمال بندگان ، آگاهی او بر اعمال باشد ، جمله <إن ربى .. > کنایه از حسابرسی و کیفردهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

۱ شعیب (ع) از سر تهدید و هشدار، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند.

و يقوم اعمالوا علی مکانکم

۲ ناامیدی و یأس شعیب (ع) از ایمان آوردن کفرپیشگان مردم مدین

اعملوا علی مکانکم .. سوف تعلمون ... وارتقبوا

جمله هایی نظیر <هرچه از دستتان برمی آید کوتاهی نکنید، بر مواضع ناصوابتان بمانید، به زودی خواهید دانست و منتظر باشید> سخنانی است که آدمی پس از یأس و ناامیدی، به زبان می آورد. گفتنی است که: <ارتقاب> (مصدر ارتقبوا) به معنای انتظار کشیدن است.

۴ شعیب (ع)، کفرپیشگان قومش را به عذابی خوارکننده هشدار داد.

سوف تعلمون من یأتیة عذاب یخزیه .. وارتقبوا

۵ مردم مدین، شعیب (ع) را به دروغ گویی در ادعای نبوت و رسالت متهم می کردند.

سوف تعلمون .. من هو کذب

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود.

وارتقبوا إنی معکم رقیب

<رقیب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ خداوند، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید.

و لما جاء أمرنا نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تکذیب رسالت شعیب ، از سوی مردم سرزمین

> ایکه <

كذب أصحاب لیكه المرسلین

بسیاری از مفسران بر آنند كه <ایكه> سرزمینی است مجاور <مدین> كه شعیب(ع) بر آنان و اهل مدین مبعوث شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۵

۵- اصحاب ایكه مورد سرزنش شعیب (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم شعیب ألا تتقون

استفهام در جمله <ألا تتقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۲،۵

۲- دعوت شعیب (ع) از مردم ایكه ، مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد كردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألا تتقون إني لكم رسول أمين

واژه <أمين> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد وثوق و اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أمين> دعوتی از جانب شعیب(ع) است كه مردم به او اعتماد كنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

۵- تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود ، مبنی بر تضمین منافع مردم <ایكه> در پرتو رسالت وی

إني لكم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید <لكم> (با لام انتفاع) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۱

۱- دعوت مجدد شعیب (ع) از مردم ایكه ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعيب ألا تتقون .. فاتقوا الله و أطيعون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۱

۱ - تصریح شعیب (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر .. إلا على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۱ - ۲

۲ - تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم <ایکه >

أوفوا الكیل و لا تكونوا من المخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۱،۲،۴

۱ - موضع گیری خصمانه مردم آیکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرین

ضمیر فاعل در <قالوا> به <اصحاب الأیکه> بازمی گردد. <إنما> از ادوات قصر است؛ بنابراین جمله <إنما أنت من المسخرین> به تقدیر <ما أنت إلا من المسخرین> می باشد. <مسخر> نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

۲ - متهم شدن شعیب (ع) از سوی مردم <ایکه > به جنون و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسخرین

<مسخر> (مفرد <مسخرین>) به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

۴ - برخوردار شدن شعیب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم <ایکه > در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسخرین

<مسخر> می تواند مشتق از <سحر> باشد <مسخر> مرادف <رئه> (شش) است. بنابراین واژه <مسخر> به معنای

موجود دارای شش که از خصوصیات بشری است می باشد. این تعبیر کنایه از همگونی شعیب(ع) با سایر مردم و امتیاز

نداشتن وی می باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۳،۴،۵

۳ - عدم برخورداری شعیب (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی، مانع پذیرش رسالت او از سوی مردم آیکه

و ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای همانندی در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد، مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی باشد.

۴ - شعیب (ع) متهم به دروغ گویی در ادعای رسالت، از سوی مردم آیکه

و إن نظنك لمن الكذابين

<إن> مخفف از ثقیله و <ظن> (مصدر <نظن>) مرادف <ایقان> (یقین داشتن) است؛ یعنی، <قطعاً تو را از جمله دروغ گویان می دانیم>.

۵ - پیام عدالت خواهی و حق جویی شعیب (ع)، مایه انکار رسالت وی از سوی مفسدان سودجوی آیکه

أوفوا الكيل . . . و لاتعتوا فی الأرض مفسدین ... و إن نظنك لمن الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مردم آیکه، خواهان فرو ریختن قطعات آسمانی بر سرشان توسط شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصدقین

<كسفه> (مفرد <كسف>) مرادف <قطعه> است.

۲ - اقدام مردم آیکه به ناتوان جلوه دادن شعیب (ع)، با هدف وادار ساختن وی به عقب نشینی از مواضع تبلیغی خویش

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصدقین

امر در <أسقط> به اصطلاح تعجیزی است. بنابراین، مردم آیکه اقتراح یاد شده (فرو ریختن قطعات آسمانی) را در شرایطی مطرح

کردند که می پنداشتند، انجام آن امری غیر ممکن است و شعیب (ع) از این کار ناتوان بوده و به ناچار دست از تبلیغتش خواهد کشید.

۳- فرو ریختن قطعات آسمانی ، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم آیکه

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصادقين

۴- پافشاری مردم آیکه ، بر کفر و انکار رسالت شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۹ - ۱

۱- پافشاری مردم < آیکه > ، بر تکذیب شعیب (ع) و انکار رسالت او

فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۶

۱۶- ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتين تزدودان .. قالتا لانسقى حتى يصدر الرعاء

۱۷- نبودن مردی توانا در خانواده شعیب ، علت پرداختن دختران او به کار دامداری

قالتا لانسقى .. و أبونا شيخ كبير

۱۹- شعیب (ع) ، پیرمردی سالخورده و ناتوان از رسیدگی به کار دام

قالتا .. و أبونا شيخ كبير

۲۰- تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا .. و أبونا شيخ كبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱،۴،۷،۸،۹

۱ - بازگشت یکی از دختران شعیب نزد موسی به فرمان پدر

فجاءته إحدیهما .. قالت إنَّ أبی یدعوك

۴ - دختر شعیب ، پیامدار دعوت پدرش از موسی (ع

قالت إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ

۷- پذیرش دعوت شعیب از سوی موسی (ع) و رفتن وی به نزد او

قالت إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ .. فَلَمَّا جَاءَهُ

۸- گفت و گوی موسی (ع) با شعیب و بیان سرگذشت خویش برای وی

فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ

۹- اقدام شعیب به دلداری موسی (ع) رفع نگرانی و ترس از وی و اعلام نجات یافتنش از شر فرعونیان

قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۲، ۹، ۵، ۳، ۱

۱- پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

۳- ستایش دختر شعیب از موسی (ع) نزد پدر

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

۵- نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استئجره

با توجه به آیات پیشین، مراد از <استئجره> استیجار برای نگه داری گوسفندان شعیب می باشد.

۹- استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

سکوت شعیب (ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین

مطلب است.

۱۲ - > عن الرضا (ع) : ... و لَمَّا قَالَتْ : > استأجره إنَّ خير من استأجرت القويَّ الأمين < قال أبوها كيف علمت ذلك ؟
قالت لَمَّا أتته برسالتك فأقبل معي قال كوني خلفي و دلّيني على الطريق ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده [است که فرمود] آن گاه که دختر

شعیب به پدرش گفت: موسی را اجیر کن؛ چون بهترین اجیر کسی است که نیرومند و امین باشد؛ پدر گفت: چگونه به این حقیقت پی برده ای؟ گفت: آن گاه که پیام تو را برای او بردم با من همراه شد و گفت: تو پشت سر من باش و راه را به من نشان ده. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۴، ۲، ۱

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی (ع) دارد.

۴ - شعیب (ع)، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شبانای گوسفندان)، از موسی در قبال ازدواج با یکی از دخترانش بود.

قال إني أريد أن أنكحك .. علي أن تأجرني ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

<حجج> جمع <حجه> است و مراد از آن <سنین> می باشد؛ یعنی، <علی أن تأجرني ثمنی سنین>.

۱۳ - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

۱۵ - شعيب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أريد أن أشقَّ عليك

این که حضرت شعيب (ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعيب (ع) است که موسی (ع) پیشنهاد او را رد نکند.

۱۶ - تضمین مدارا کردن با موسی (ع) و سخت نگرفتن بر وی در کارها از سوی شعيب (ع)

و ما أريد أن أشقَّ عليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱،۲،۷

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعيب (ع) (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إنني أريد .. أئما الأجلين قضيت فلاعدون علي

۲ - موسی (ع) خواهان ملزم نشدن از سوی شعيب به ادامه کار، پس از اتمام مدت اول (هشت سال) در صورت عدم تمایل به ادامه کار و مجبور نشدن به ترک کار در صورت تمایل به اتمام مدت دوم (ده سال)

أئما الأجلين قضيت فلاعدون علي

جمله <لاعدوان علي> انشا در قالب اخبار است. بنابراین مقصود این است که من هر یک از دو مدت را بخواهم پایان ببرم، نباید برخلاف خواسته ام مرا مجبور کنی.

۷ - موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعيب (ع) گواه گرفت .

قال ذلك بيني وبينك .. والله علي ما نقول وكيل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۱

۱ - شعيب (ع) از پیامبران الهی بود که به شهر مدین فرستاده شد .

و لقد أرسلنا نوحًا و .. و إلى مدین أخاهم شعيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۱

۱ - مردم مدین ، رسالت شعيب (ع) را نپذیرفتند و او را تکذیب کردند .

و إلى مدین أخاهم شعيبًا .. فكذبوه

قصه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۸، ۱۵، ۱۳، ۶، ۵، ۳، ۱

۱ صالح (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

>إلى ثمود> عطف بر >إلى قومه> و >أخاهم> عطف بر >نوحاً> در آیه ۵۹ است، یعنی: أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحاً.

۳ وجود رابطه خویشاوندی میان صالح و قوم ثمود

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

۵ صالح (ع) با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال يقوم

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال يقوم اعبدوا الله

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاء تكلم بينه من ربكم

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لكم ءايه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به

گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاء تکم بینه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که <قد> در <قد جاء تکم> برای توقع باشد.

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای خریدن آزاد بگذرانند .

فذروها تأکل فی أرض الله

۲۱ صالح (ع) بر حذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از خریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض الله و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب أليم

۲۳ آزادی ناقه صالح برای خریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فذروها تأکل فی أرض الله و لاتمسوها بسوء

نهی از آزار رساندن به ناقه پس از فرمان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقه برای خریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فذروها تأکل فی أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزاد گذاری آن برای خریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از خریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذرورها ...> به وسیله فاء بر جمله <هذه

ناقه الله < نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۶، ۱۲، ۴، ۳

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا سرنوشت شوم قوم عاد را همواره به یاد داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند .

فاذکروا ءالاء الله

<الاء> جمع <إلی> و به معنای نعمتهاست.

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت .

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا> از <عشی یعنی عثوا> است، یعنی فساد نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱۱، ۵، ۲، ۱

۱ صالح (ع) ، از پیامبران الهی

أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملائه الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الذین .. > وصفی احترازی باشد. یعنی ملأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع)،

علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملائه الذین استکبروا من قومه .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح ، تلاشی بی ثمر بود .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۱

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعیر>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عَقْرٌ> به جراحی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۱،۲،۴،۵

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه ، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت .

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف بر <فعقروا الناقه> در آیه ۷۷ است.

۲ صالح (ع) با دریغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال يقوم

لحن آیه

و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

۴ صالح (ع) پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید.

لقد أبلغتكم رساله ربي و نصحت لكم

لام تأکید در <لقد>، که دلالت بر قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد>، که گویای تأکید است، می رساند که صالح(ع) در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه تلاش بسیار نمود.

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد.

فتولى عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رساله ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶،۱۳

۶ صالح (ع)، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد.

أتنهنا أن نعبد ما يعبدوا

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعوننا إليه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹،۱۴،۱۵

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد: در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود.

فمن ينصرني من الله إن عصيته

۱۴ کفرپیشگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی

مردم به توحید منصرف شود .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته فما تزیدوننی غیر تخسیر

<فاء> در <فما تزیدوننی .. > فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و به قرینه <أتنها...> در آیه قبل مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱۰، ۸، ۶، ۵، ۴

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذروها تأکل فی أرض الله

۵ صالح (ع) ، برحذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب قریب

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فذروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقه برای چریدن بود؛ یعنی ، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست ، روا نیست ناقه را از

چریدن باز دارید.

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) قال: إن رسول الله (ص) سأله جبرئيل (ع): ... فقال: يا محمد (ص) ان صالحاً بعث إلى قومه . . قالوا: يا صالح ادع لنا ربك يخرج لنا من هذا الجبل الساعة نأقح حمراء شقراء وبراء عشراء بين جنبيها ميل . . فسأل الله تعالى صالح ذلك فانصدع الجبل صدعاً . . ثم اضطرب ذلك الجبل . . ثم لم يفجأهم إلا رأسها . . ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه على الأرض . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . . . جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۳، ۲، ۱

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فَعْقَرُوهَا

<عقر> (مصدر عقروا) در

اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۲ قوم ثمود، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند.

فَعَقَرُوها فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

۳ قوم ثمود، پس از کشتن ناقه صالح، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند.

فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

۷ > عن أبي عبد الله (ع) (في حديث قوم صالح) ... قالوا: اعقروا هذه الناقة ... ثم قالوا: من الذي يلي قتلها و نجعل له جعلاً ما أحب، فجاءهم رجل ... شقى من الأشقياء ... فجعلوا له جعلاً ... فقعد لها في طريقها فضربها بالسيف ضربه فلم تعمل شيئاً فضربها ضربه أخرى فقتلها ... و أقبل قوم صالح فلم يبق أحد منهم إلا شركه في ضربته ... فأوحى الله تبارك و تعالى إلى صالح (ع) ... قل لهم: إني مرسل عليكم عذابي إلى ثلاثة أيام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صدقت عنهم .. فأتاهم صالح (ع) فقال لهم: ... يا قوم إنكم تصبحون غداً و جوهكم مصفره و اليوم الثاني و جوهكم محمره و اليوم الثالث و جوهكم مسوده ... ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او] گفتند: این شتر را از پای در آورید

... سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیاء بود، نزد آنان آمد ... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب] آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت... ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۵، ۳، ۲

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

۳ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، عذابی ذلت آور و خوار کننده بود .

نَجِينًا صَالِحًا .. و من خزی یومئذ

۵ گروهی از قوم ثمود ، توحید را پذیرفتند و به رسالت صالح (ع)

(ایمان آوردند .

نَجِّينَا صٰلِحًا وَّالذِّينَ ءٰمَنُوۡا مَعَهٗ

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهانید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نَجِّينَا صٰلِحًا وَّالذِّينَ ءٰمَنُوۡا مَعَهٗ . . . و من خزی یومئذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۱

۱ - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

و قال الملائه من قومه . . . ان هو الا رجل افتری ... و ما نحن له بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲

۱ - التجای پیامبر پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

ظرف <قال> محذوف است؛ یعنی، <قال بعد ما ایس من ایمانهم> . <باء> در <بما کذبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی) است. بنابراین <بما کذبون> به تأویل <بتکذیبهم ایای> می باشد.

۲ - فرستاده الهی پس از نوح خواستاری یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش بود .

قال رب انصرنی بما کذبون

۴ - التجای فرستاده الهی پس از نوح به درگاه پروردگار ، برای نزول عذاب استیصال

قال رب انصرنی بما کذبون

<باء> در <بما کذبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> اسم موصول و به معنای <الذی> بوده و عاید آن محذوف است؛ یعنی، <رب انصرنی بالذی کذبونی به> (پرودگارا! مرا با همان چیزی که [دروغش پنداشتند و] تکذیبم کردند، یاری فرما).

استیصال ، از سوی پیامبر پس از نوح

قال رب انصرنی بما کذبون

۶ - مردم جامعه پس از نوح ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۱

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبر پس از نوح از سوی خداوند

قال رب انصرنی .. قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قلیل> به معنای <بعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است ، یعنی ، <بعد زمان قلیل> . <عمّا قلیل> متعلق به <یصبحنّ> و <إصباح> (مصدر یصبحنّ) به معنای صیوروت و شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۱ - ۱

۱ - تکذیب رسالت صالح (ع) از سوی قوم ثمود

کذّبت ثمود المرسلین

عده ای مفسران برآنند که <ثمود> نام جد اعلای قوم صالح می باشد. بنابراین تسمیه آن قوم به ثمود از باب تسمیه یک قبیله به نام نیای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۶

۶ - ثمودیان ، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم صلح ألا تتقون

استفهام در جمله <أَلَا تَتَّقُونَ> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲،۵

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومه را ، به پذیرفتن رسالت وی

، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون>؛ (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵- تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱- دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ

۲- صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۱

۱- تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ... إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۴

۴- سرزنش نمودن از سوی صالح (ع)، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش

گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در <أترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده و به تقدیر <أو تنحتون..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۱ - ۲

۲ - تلاش صالح (ع) برای بازداشتن قوم خویش از اطاعت اسراف گران و متجاوزان

و لاتطیعوا أمر المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱،۲،۳،۵

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنما أنت من المسحّرين

<مسحّر> (مفرد <مسحّرين>) به کسی گفته می شود که به شدت افسون شده باشد.

۲ - موضع گیری خصمانه ثمودیان در برابر نصیحت های صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسحّرين

چنان که گفته شد، <مسحّر> به کسی گفته می شود که به شدت گرفتار سحر و افسون شده است. این تهمت سخت، بیانگر عمق دشمنی ثمودیان با صالح(ع) است.

۳ - سرمستی، رفاه زدگی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسحّرين

بیان رفاه مندی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به

شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند؛ این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

۵- برخورداری صالح

(ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۴،۵،۶،۷

۴ - برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا .. ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

۵ - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن كنت من الصدّقين

۶ - ثمودیان ، ایمان به صالح را منوط به ارائه معجزه ای از سوی او می دانستند .

فأت بئایه إن كنت من الصدّقين

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت من الصدّقين

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۱،۴

۱ - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه .. قال هذه ناقة ... شرب يوم

۴ - آب آشامیدنی منطقه ثمود ، یک روز به ناقه صالح اختصاص داشت و یک روز به خود ثمودیان .

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

<شرب> به یک نوبت از آب گفته می شود تقدیر آیه چنین است: <لها شرب یوم معلوم و لکم شرب یوم معلوم> نوبتی از آب در روزی معین از آن او و نوبتی از آن در روزی معین از آن شما است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، نسبت به رساندن هر گونه گزندی به ناقه

و لاتمسوها بسوء . . . یوم عظیم

<مس> (مصدر <لاتمسوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادلِ آسیب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند، یعنی، مبادا به او گزندی برسانید.

۲ - ناقه صالح ، در معرض کینه و دشمنی ثمودیان

و لاتمسوها بسوء

۳ - اختصاص یافتن نوبتی از آب به ناقه ، موجب ناخرسندی ثمودیان *

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم . و لاتمسوها بسوء

با توجه به ارتباط آیه بالا با آیه پیش، احتمال می رود که تقسیم آب، زمینه بداندیشی و نارضایتی را در میان ثمودیان، نسبت به ناقه پدید آورده باشد و <لاتمسوها> هشدار به این موضع گیری است.

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هر گونه گزندی به ناقه

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لاتمسوها بسوء .. فعقروها

<عَقْرَ> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <أصبحوا> معادل <صاروا> است.

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمین

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است:
<فعقروها فرأوا اشراف العذاب فأصبحوا نادمین> ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند.

۳ - هم دلی و هم گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نیز <أصبحوا نادمین>، می رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

۸ - <عن علی (ع) : ... إنَّما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعَمَّهم الله بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه > فعقروها فأصبحوا نادمین < ... >

از حضرت علی (ع) روایت شده است: .. پی کننده ناقه قوم ثمود یک نفر بود؛ در حالی که خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد؛ چون آنان به عمل آن یک نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرماید: <فعقروها فأصبحوا نادمین> ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۱،۸

۱ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر بدکرداری آنان

قال يقوم لم تستعجلون بالسیئه قبل الحسنه

استفهام

در <لم تستعجلون.. > و <لولا تستغفرون> استفهام توییخی است.

۸- تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال يقوم لم تستعجلون .. لولا تستغفرون الله لعلکم ترحمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱۰، ۴، ۳، ۱

۱- اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او، از سوی کافران ثمود

قالوا اطيرنا بك و بمن معك

<تطير> (مصدر <اطيرنا>) مقابل تفال و به معنای فال بد زدن است؛ یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطيرنا بك و بمن معك>؛ یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

۳- پدید آمدن دو دستگی و خصومت های اجتماعی در پی دعوت صالح (ع)، زمینه بدیمن خوانده شدن وی از سوی کافران

فاذا هم فريقان يختصمون .. قالوا اطيرنا بك

احتمالاً آنچه کافران به عنوان شومی و نامبارکی از آن یاد کرده اند، همان دو دستگی و اختلافات اجتماعی باشد که در پی دعوت صالح (ع) و پیدایش مؤمن و کافر به وجود آمده بود.

۴- مشکلات ثمودیان، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان بود، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او.

قال طرکم عند الله بل انتم قوم تفتنون

عبارت <طائرکم.. >؛ یعنی، آنچه که باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد؛ بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر

الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، <فتنه> در جمله <بل اَنتم قوم تفتنون> به معنای آزمایش گرفته شده است.

۱۰ - برخورد های خصمانه ثمودیان با صالح پیامبر (ع) ، ناشی از فریب آنان توسط عوامل خدعه گر

بل اَنتم قوم تفتنون

<تفتنون> می تواند از <فتنه> به معنای خدعه و فریب باشد. بنابراین <تفتنون> معادل <تخدعون> است؛ یعنی، این سخنان از خود شما نیست؛ بلکه عناصری مرموز و خدعه گر آنها را به شما تلقین کرده و شما را فریب می دهند. آیه بعد این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۸ - ۳

۳ - فسادگران مخالف صالح ، سازمان یافته در نُه گروه

و كان في المدينة تسعة رهط يفسدون في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۹

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نُه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و كان في المدينة تسعة رهط يفسدون .. قالوا تقاسموا بالله لنبیتنه و أهله

<تقاسم> (مصدر <تقاسموا>) به مشارکت کردن در قسم و <تبییت> (مصدر <نبیتن>) به سوء قصد شبانه گفته می شود.

۲ - فسادانگیزی گروه های نُه گانه مخالف صالح ، علی رغم اظهار اعتقادشان به خدا

يفسدون في الأرض .. قالوا تقاسموا بالله

سوگند خوردن به خدا، حکایت از نوعی باور به خدا دارد.

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه

های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و كان في المدينة تسعة رهط .. تقاسموا بالله لنبئته و أهله

نه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است؛ با این حال برای از میان بردن صالح باهم متحد شدند.

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبئته و أهله

۶ - توطئه گران علیه صالح ، نگران عکس العمل و مقاومت یاران وی در قبال هجوم علنی آنان

لنبئته و أهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله

طرح هجوم شبانه و اندیشه کردن در چگونگی پاسخ به ولی دم، نشانگر نگرانی آنان است.

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله و إنا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولی دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

۹ - دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لنبئته و أهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبئته و أهله .. و مکروا مکراً

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً> آنان علیه او و خانواده اش

خده کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - نجات یافتن مؤمنان پیرو صالح ، از عذاب نازل شده بر ثمودیان به اراده الهی

و أنجينا الذين ءامنوا

۲ - پابندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

جمله <كانوا يتقون> ماضی استمراری است یعنی، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو كذاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۲

۲ - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إِنَّا مَرسلُوا النّاقه

جمله <إِنَّا مَرسلُوا النّاقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <النّاقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۱

۱ - تقسیم آب در سرزمین قوم ثمود ، میان ایشان و ناقه صالح ، به فرمان خداوند

و

تَبَّهْمُ أَنْ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهره مند ساختن ناقه صالح از آب آشامیدنی ، دارای برنامه ای خاص بود .

و سقیها

<سَيْقَى> و <سَيْقِيَا>، به معنای در اختیار نهادن نوشیدنی است (مفردات) و <سَيْقِيَا> اسم مصدر برای <سَيْقَى> می باشد (العین). اضافه این کلمه به ضمیر <ناقه> و نیز برحذر داشتن قوم ثمود از بی توجهی به آن، نشانه آن است که مردم درباره آب آشامیدنی ناقه، وظیفه خاصی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن نباتة قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) على منبر الكوفة يقول : ... أيتها الناس إنما عقر ناقه صالح واحد فأصابهم الله بعذابه بالرضا و آیه ذلك قوله عز وجل > . . . فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها . . . >

أَصْبَحَ بن نباتة گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین (ع) که بر منبر کوفه می فرمود: > .. ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم ثمود] پی کرد و ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزوجل است >... فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها...< .

قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

اهمیت

صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند؛ اما با صلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (ص) ، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إِنَّ الدِّينَ يَبَايَعُكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر <فمن نکث..> بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۴، ۱۳، ۹، ۲، ۱

۱ - تَخَلَّفَ برخی از اعراب بادیه نشین در سفرِ منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود؛ استفاده می شود که تَخَلَّفَ این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ .. فَاَسْتَغْفِرْ لَنَا

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای

توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

۱۴- سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لك المخلفون من الأعراب .. یقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲- سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم

تعبیر <إلی أهلیهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

۳- ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلف اعراب از همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳- افراد مریض و ناتوان از شرکت در

سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توییح شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توییح خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک تحت الشجره

۲ - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر(ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی الله عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این برداشت را افاده می کند

که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

۹- نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ

از تعبیر <فأنزل السكينة> وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۳،۶،۱۰

۳- مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سَنَّهُ اللَّهُ .. و هو الذی کَفَّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکه

۶- رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکه> سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

۱۰- امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و کان الله بما تعملون بصیرًا

ارتباط <کان الله..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمم به زیارت خانه خدا و

قربانی کردن هدی

و صدوكم عن المسجد الحرام و الهدی معكوفاً أن يبلغ محله

۵- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در < عمره القضا > ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه *

هم الذين كفروا و صدوكم عن المسجد الحرام و الهدی معكوفاً

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته را به یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۷،۹،۱۰

۷- نزول آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۹- تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (ص) و مؤمنان

فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از نزول <آرامش> استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

۱۰- اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳،۱۴

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ، در حرکت آن حضرت به

الرءیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

۱۴- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فعلم ما لم تعلموا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر(ص) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی شمرده است؛ به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

قصه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱،۲۹

۱ دعوت خداوند به رؤیت (دقت کامل) در واقعه طالوت و بنی اسرائیل

الم تر الى الملاء من بنی اسرائیل

۲۹ نیروهای صادق و پایدار بنی اسرائیل در رکاب طالوت، شصت هزار نفر بودند.

تولوا الا قليلا

امام باقر(ع) درباره <قلیل> در آیه فوق فرمود: كان القليل ستین الفاً

معانی الاخبار، ص ۱۵۱، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۹۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ داستان طالوت و هلاکت جالوتیان ، از آیات الهی

الم تر الى المأ من بنی

اسرائیل . . . تلک ایات الله

کلمه <تلک> اشاره به داستان طالوت و جالوت است.

قصه ظهار خوله بنت ثعلبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱ - ۵، ۹، ۳، ۲، ۱

۱ - خداوند ، خواسته زنی را که شوهرش او را ظهار کرده بود ، استجاب کرد .

قد سمع الله قول التي تجدلک فی زوجها

<ظهار> نوعی طلاق بود که از عرب جاهلی باقی مانده و تا قبل از نزول این بخش از آیات، در میان مسلمانان نیز به آن عمل می شد. در این نوع از طلاق، هر گاه شوهر به زنی می گفت: <أنت علی کظهر أمی> زن حکم مادرش را پیدا می کرد و بر او حرام مؤید می شد. آیه شریفه درباره زنی بود که شوهرش او را ظهار کرد. آن زن که نمی خواست از شوهرش جدا شود، برای حل مشکل خود به محضر پیامبر اکرم (ص) آمد و درخواست کرد که برای او چاره اندیشی کند. خداوند با ملغی کردن این رسم جاهلی، خواسته زن را اجابت فرمود. بنابراین <قد سمع الله> به معنای <قد استجاب الله> می باشد و این کنایه ای رایج است.

۲ - زن ظهار شده ، مایل نبود از شوهرش جدا شده و کانون خانواده اش متلاشی گردد .

قد سمع الله قول التي تجدلک فی زوجها

۳ - زن ظهار شده ، برای یافتن راه چاره به محضر رسول اکرم (ص) رسید و با آن حضرت درباره شوهرش گفتوگو کرد .

قد سمع الله قول التي تجدلک فی زوجها

۵ - زن ظهار شده ، در حضور رسول اکرم (ص) از حادثه

ای که برایش پیش آمده بود به خداوند شکایت برده ، خواستار حل مشکل خویش شده بود .

تجدلك في زوجها و تشكى إلى الله

۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إنَّ امرأه من المسلمات أتت النبيّ (ص) فقالت : يا رسول الله إنَّ فلاناً زوجي . . . أشكوه إليك فقال : فيم تشكينه قالت : إنّه قال أنت عليّ حرام كظهر أمي . . . فسمع الله تبارك و تعالی مجادلتها لرسول الله في ما شكت إليه و أنزل الله في ذلك قرآناً > . . . قد سمع الله قول التي تجادلک في زوجها . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: زنی از زنان مسلمین نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! فلانی همسر من است. .. شکایت او را برای تو آورده ام. رسول خدا(ص) فرمود: در چه چیز از او شکایت داری؟ گفت: [مرا با <ظهار> بر خود حرام کرده] و گفته است: <أنت عليّ حرام كظهر أمي> ... پس خدای تبارک و تعالی مجادله او را درباره همسرش با رسول خدا(ص) شنید و در این باره آیه ای نازل فرمود (قد سمع الله قول التي تجادلک في زوجها).<

قصه عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱ - ۱،۴

۱ - چهره درهم کشیدن یکی از مسلمانان صدراسلام و روی گردانی اعتراض آمیز او ، از مسلمانی که با ظاهری ناخوشایند نزد او حاضر شده بود .

عبس و تولی

فاعل <عبس> در آیه شریفه ذکر نشده است / ولی به قرینه نکوهش شدیدی

که از او در آیات بعد آمده است؛ وی فردی بود که خداوند از اخلاق او رضایت کامل نداشت.

۴ - > روی عن الصادق (ع) أنها [أى > عبس و تولّى . . . <] نزلت فى رجل من بنى امیة كان عند النبى (ص) فجاءه ابن أمّ مکتوم فلما رآه تقدّر منه و جمع نفسه و عبس و أعرض بوجهه عنه فحكى الله سبحانه ذلك و أنكره علیه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که آیه >عبس و تولّى< درباره مردی از بنی امیه نازل شده است. آن مرد نزد پیامبر(ص) بود که ابن امّ مکتوم هم به حضور ایشان رسید. آن مرد وقتی ابن امّ مکتوم را دید، از او بدش آمد و خود را جمع کرد و چهره در هم کشید و روی از او برتافت. پس خداوند سبحان داستان وی را حکایت کرده، آن را بر وی ناپسند دانسته است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲ - ۱،۲،۳

۱ - مسلمانی نابینا ، پس از ورود خود به مجلس و عظمی و ارشاد پیامبر (ص) ، با ترش رویی و روی گردانی یکی از حاضران مواجه شد .

عبس و تولّى . أن جاءه الأعمى

۲ - عبدالله بن أمّ مکتوم ، نابینای مسلمانی که گرفتار ترش رویی و اعراض یکی از حاضران مجلس پیامبر (ص) شد .

أن جاءه الأعمى

برخی از مفسّران، نام شخصی را که >أعمى< بود و آیه شریفه درباره حضور او نازل شده، >عمرو< و اکثریت >عبدالله< نوشته اند؛ ولی همگان بر این اتفاق

دارند که او فرزند نایبای <ام مکتوم> بود. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که وی در حال ورود به مجلسی که پیامبر(ص)، در آن حضور داشت، مورد اسائه ادب فردی از بنی امیه که گفته می شود عثمان بن عفان بوده است قرار گرفت.

۳ - خداوند، اعتراض کننده به ابن ام مکتوم را، به دلیل برخورد سرد و حاکی از خشم او، با گفتاری قهرآمیز سرزنش کرد.

عبس و تولی . أن جاء الأعمی

فعل غایب <عبس> و <تولی>، حاکی از لایق نبودن شخص برای خطاب مستقیم است. در جملات بعدی، گرچه ضمیر خطاب به طور مکرر به کار رفته است ولی در این موارد که فعلی به صورت غایب در آغاز سخن قرار می گیرد متکلم گاه در ادامه کلام خود، فرد مورد نظر را شنونده گفتار خود فرض می کند، بدون این که با او گفتوگوی مستقیم داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳ - ۵

۵ - اعتراض کننده به حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص)، فردی ناآشنا به صفات نفسانی او و ناتوان از شناخت صالحان

أن جاء الأعمی . و ما یدریک لعلّه یزکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴ - ۹

۹ - رفتار مسلمانی که از حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ناخشنود بود به دلیل ناآگاهی او از روحیات نیک و بد وی رفتاری ناروا و توجیه ناپذیر بود.

عبس . . . و

ما یدریک لعلّه یزّکی ... أو یدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۵ - ۱

۱ - برخی از حاضران مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم ، خود را از پند و اندرز های الهی بی نیاز می دیدند و از فرجام خود نگرانی نداشتند .

أما من استغنی

به قرینه <جاءك> و <یخشی> در آیات بعد مراد از جمله <استغنی>، احساس بی نیازی نسبت به حضور در مجلس وعظ و ارشاد و نیز بی خطر دیدن عاقبت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۶ - ۵

۵ - عثمان بن عفان ، از حاضران مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم و ارشاد کننده کافران مکه در عصر بعثت *

أما من استغنی . فأنت له تصدّی

در شأن نزول آیه شریفه از تفسیر قمی نقل شده که فرد مورد نظر از ضمیر خطاب در <أنت له تصدّی>، عثمان بوده است. او در صدد مسلمان ساختن حاضران مجلس که از چهره های برجسته قریش بودند برآمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۸ - ۲

۲ - ابن ام مکتوم ، پس از ورود به مجلس پیامبر (ص) ، در کنار مسلمانی قرار گرفت که در حال ارشاد و سخن گفتن با دیگری بود .

أما من استغنی . فأنت له تصدّی ... و أما من جاءك یسعی

تعبیر <جاءك> بیانگر آن است که ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر(ص)، نزد همان

شخصی جا گرفته بود که با اخم و قهر، ناخرسندی خود را ابراز داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۱

۱ - فرد خشمگین از حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ، از او اعراض کرده ، خود را به گفتوگو با دیگری سرگرم ساخت .

فأنت عنه تلّهي

<تلّهي> در اصل <تلّهي> بوده و حذف <تاء> از باب تفعّل در این موارد شایع است. این کلمه از ریشه <لهو> است و راغب در مفردات <لهو> را به معنای چیزی دانسته است که انسان را از آنچه باید مقصد او قرار گیرد و برای او اهمیت دارد، باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۴

۴ - اشراف حاضر در مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم ، بر اثر بی رغبتی خود ، از آموختن و به خاطر سپردن معارف قرآن محروم بودند .

فمن شاء ذكره

قصه عزیر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۵

۵ داستان ابراهیم (ع) و نمود و قصه عَزیر و یا اِرمیای پیامبر و زنده شدن مرغان کوبیده شده و نیز تمامی احکام و مقررات انفاق ، از آیات الهی است .

الم تر .. او کالذی مرّ ... فخذ اربعة من الطیر ... مثل الذین ... کذلک یبیین ال

قصه عمره القضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۴

۴ - درگیر

نشدن مؤمنان و مکيان با يکديگر در < عمره القضا > ، نعمتی مهم برای اهل ايمان *

و هو الذي كف أيدى هم عنكم و أيدىكم عنهم بطن مکه

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر < بطن مکه > اشاره به < عمره القضا > داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۱،۱۲

۱۱- وجود نگرانی در مسلمانان ، نسبت به سرنوشت و خطرات < عمره القضا >

لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله ءامين. .. لاتخافون

تعبیر < لاتخافون >، در واقع جنبه بشارتی دارد و در مقام اطمینان بخشی به مسلمانان و رفع نگرانی از آنان است.

۱۲- تضمین الهی به مؤمنان ، در انجام تمامی اعمال < عمره القضا > با امنیت و آرامش کامل

لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله ءامين. .. لاتخافون

تعبیر < آمین > و تکرار آن در قالب < لاتخافون >، می رساند که ورود مسلمانان به مکه، همراه با امنیت بوده و پایان مراسم عمره نیز، آمیخته با آرامش تضمین شده است.

قصه عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۸

۸ - عیسی (ع) زاده مریم (ع) و فرزند او ، نه فرزند خدا

عیسی ابن مریم

از نکاتی که می تواند هدف از نسبت دادن عیسی (ع) به مادرش شمرده شود، رد پندار مسیحیان است که وی را فرزند خدای سبحان می خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ بشارت خدا به مریم ، در مورد زنده ماندن عیسی (ع) تا میانسالی

بیشرک .. و یکلم الناس ... و کهلا

<کهل> به معنای میانسالی است. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۸

۸ وجود اعتقاد به خداوند و تورات و احکام آن ، در میان بنی اسرائیل ، در عصر حضرت عیسی (ع)

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱،۳،۷

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذکر الحکیم

<ذلک>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلک نتلوه علیک من الایات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکر است .

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱،۶

۱ سرگذشت زکریا، عیسی، مریم، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن، حق و از جانب پروردگار

است .

الحق من ربك

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

۶ کیفیت خلقت عیسی و دروغ پردازی های نصارا در مورد آن ، زمینه ایجاد شبهه

فلا تکن من الممترین

آنچه می تواند برای مخاطبین قرآن در مورد حضرت مسیح، تردید ایجاد کند، همان خلقت استثنایی آن حضرت است که با توجه به <انّ مثل .. >، این شبهه از بین می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲

۲ علم و آگاهی پیامبر (ص) به حقیقت داستان عیسی (ع) و مریم (س) پس از بیان سرگذشت آنان از طریق وحی

فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۸ - ۱،۲،۳

۱ عدم حضور حضرت مسیح (ع) در بین مردم ، پس از توطئه قتل وی توسط یهود

و ما قتلوه. بل رفعه الله إليه

چنانچه عیسی (ع) پس از توطئه قتل در بین مردمان حضور می داشت، همگان به اشتباه خویش پی می بردند و واهی بودن قصه صلیب بر مدعیان آن روشن می گشت و جمله <رفعه الله الیه> در حقیقت جواب این سؤال است که اگر وی کشته نشد چرا پس از واقعه قتل در بین مردمان دیده نشد.

۲ خداوند ، حضرت عیسی (ع) را با جسم و جانش به سوی خود بالا برد .

بل رفعه الله إليه

رفعه الله اليه < رد این پندار يهود است که عيسى (ع) کشته شده است، بايد مراد از <رفعه الله اليه> بالا بردن وی با جسم و جان باشد چون پرواز روحانی با مردن، منافاتی با کشته شدن ندارد.

۳ نجات حضرت مسیح (ع) از توطئه قتل، با معراج وی به سوی خدا

و ما قتلوه و ما صلبوه .. بل رفعه الله اليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۲،۵

۲ حضرت مسیح (ع) پس از حضور مجدد در بین امت خویش، خواهد مرد.

إلا ليؤمننَّ به قبل موته

۵ حضرت عيسى (ع)، هم اکنون زنده و دارای حیاتی جسمانی است.

و إن من أهل الكتب إلا ليؤمننَّ به قبل موته

با توجه به مضارع بودن فعل <ليؤمننَّ> که اخبار از آینده است و در طول تاریخ گذشته چنین نبوده که تمامی اهل کتاب به حضرت عيسى (ع) ایمان آورده باشند، معلوم می شود آن حضرت هنوز زنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۷،۱۱

۷ حضرت مسیح بهره مند از پشتیبانی و تأیید خداوند در دوران حیات خویش

اذکر نعمتی عليك .. اذ ایدتک بروح القدس

اتصال دو جمله <تکلم الناس ..> و <ایدتک ...> بدون حرف عطف شاهد بر این است که جمله <تکلم الناس ...> تفسیر جمله ایدتک است. و می رساند که عيسى (ع) در کودکی و بزرگسالی مورد تأیید خداوند بوده است.

۱۱ سخنان عيسى (ع) در کودکی گفتاری حکیمانه و همسنگ

با سخنان او در دوران کهولت و کمال رشد

اذ اید تک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهلا

بدیهی است که سخن گفتن عیسی (ع) در سن کهولت نعمتی خاص برای وی نیست بنابراین عطف <کهلا> بر <فی المهد> می تواند اشاره به این باشد که سخن گفتن او به هنگام نوزادی همانند دوران رشد یافتگی وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۴، ۱۳، ۳، ۲

۲- حضرت عیسی (ع) در شرایط سخت روحی و جسمی مادرش مریم (س) پس از زایمان با وی سخن گفت و او را دل داری داد.

فحملته .. فنادیها من تحتها ألاتحزنی

مراد از ضمیر فاعلی در <نادی> به قرینه ضمائر <فحملته فانبتت به> در آیات قبل حضرت عیسی (ع) است و مراد از ضمیر <من تحتها> همانند ضمیر <فنادها> حضرت مریم (س) است. برخی فاعل <نادی> را جبرئیل دانسته و ضمیر <من تحتها> را به <نخله> یا <مریم> ارجاع داده اند؛ ولی سیاق آیات با آنچه گفته شد سازگارتر است.

۳- عیسی (ع) در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به اندوهگین نبودن توصیه کرد.

فنادیها من تحتها ألاتحزنی

۱۳- <عن أبي جعفر (ع): ضرب عیسی (ع) برجله فظهرت عین ماء تجری؛

از امام باقر (ع) روایت شده: عیسی (ع) (هنگام ولادت) پای خود را بر زمین زد، پس چشمه آب روانی ظاهر شد.

۱۴- <قال رسول الله (ص): ... و هذا عیسی ابن مریم (ع) قال الله عزوجلّ فیه > فناداها من

تحتها ألتحزني ... < فكلّم أمّه وقت مولده ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: .. این عیسی بن مریم(ع) است که خداوند عزّوجلّ در باره او فرمود <فنادها من تحتها ألتحزني ...> پس عیسی(ع) با مادرش به هنگام ولادت سخن گفت.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱

۱- عیسی (ع) ، در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به تکان دادن درخت خرما و استفاده از میوه آن راهنمایی کرد .

و هزّی إلیک بجذع النخلة تسقط علیک رطبًا جنيًا

<هزّ> به معنای حرکت دادن به چپ و راست است و به قرینه <إلیک> در آن معنای <متمایل ساختن> نیز تضمین شده است. بنابراین <هزّی إلیک>، یعنی درخت را به جانب خود بکش و به چپ و راست تکان ده این راهنمایی چنان چه از آیه بعد پیدا است، به منظور تأمین غذای مریم(س) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱،۳،۷،۸،۱۰

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرماى تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها .. تحتک سرّیًا ... رطبًا جنيًا . فکلی واشربى

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها .. فکلی واشربى و

<عیناً> تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قرّی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قُرّ> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قرّی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قرّی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

۷- عیسی (ع) ، وظیفه دفاع از مادر خویش در مقابل تهمت های مردم را به عهده گرفت .

فإمّا ترینّ من البشر أحدًا فقولی إنی نذرت للرحمن صومًا

توصیه مادر به سکوت از جانب عیسی(ع) بدان معنا بود که او نگران دفاع از خود نباشد، چرا که عیسی(ع) خود آن را انجام خواهد داد. سخن گفتن عیسی(ع) با مادر پس از ولادت، این اطمینان را به مریم داده بود که او براین کار کاملاً توانا است.

۸- عیسی (ع) ، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت .

فإمّا ترینّ من البشر أحدًا فقولی

۱۰- عیسی (ع) ، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت ، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد .

فإمّا ترینّ من البشر أحدًا فقولی إنی نذرت للرحمن صومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۱،۶

۱- مریم (س) پس از دریافت رهنمود های نوزادش عیسی (ع)

، او را آشکارا در آغوش خود گرفت و نزد قومش برد .

فَأْتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ

۶- > عن أبي جعفر (ع) قال : لَمَّا قَالَتِ الْعَوَاتِقُ . . . لِمَرْيَمَ (ع) : < لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا > أَنْطَقَ اللَّهُ تَعَالَى عِيسَى (ع) عِنْدَ ذَلِكَ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نوس به مریم گفتند: <لقد جئت شيئاً فرياً> خداوند در آن هنگام زبان عیسی(ع) را به سخن گفتن گشود.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۳،۵

۳- حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ

آمدن مریم به میان قوم خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

۵- مردم ، از واگذارشدن پاسخ اتهامات از سوی مریم (س) به نوزادش عیسی (ع) ، شگفت زده شده و آن را باور نکردند .

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا

استفهام در آیه انکاری است. این انکار را چندین تأکید نیز همراهی می کند: ۱) فعل <کان> که در این موارد بر ماضی دلالت ندارد، بلکه استقرار و ثبوت را می فهماند؛ ۲) قید <فی المهد> که نشانه ناتوانی عیسی(ع) از هرگونه حرکتی است؛ ۳) قید <صیباً> که با وجود <فی المهد> نیازی به آن نبود، ولی گویندگان آن را به منظور تأکید انکار و تعجبشان افزودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۱،۱۱

۱- نوزاد مریم (س) با اشاره مادرش و در حضور مردم شروع به سخن گفتن کرد .

فأشارت إليه .. قال إني عبدالله

۱۱- > عن رسول الله (ص) :... و هذا عيسى بن مریم (ع) ... حين أشارت إليه ... قال : إني عبدالله آتاني الكتاب < .. أعطى كتاب النبوه و أوصى بالصلاه والزكاه في ثلاثه أيام من مولده و كلمهم في اليوم الثاني من مولده ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: .. و این عیسی بن مریم(ع) است که وقتی مریم به او اشاره کرد گفت: >إني عبدالله آتاني الكتاب < ... کتاب نبوت به او داده شد و به نماز و زکات سفارش گردید (و این همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۶

۶- عیسی (ع) در معرفی خویش به مردم ، دریافت فرمان خداوند به نماز و زکات را از ویژگی های خویش برشمرد .

و أوصني بالصلوه والزكوه مادمت حيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۳

۳- عیسی (ع) در برشمردن ویژگی هایش ، بر پیدایش خود بدون پدر تأکید ورزید .

و بَرًّا بولدتي

عیسی(ع) در مورد نیکی کردن، تنها از مادر خود یاد کرد و ذکری از پدر به میان نیاورد تا در

گفتار هم این مطلب را که مادرش پاکدامن است، تأیید کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۴

۴- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی، بر مبرابودن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد.

والسلم علی یوم ولدت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۱

۱- قرآن ترسیم کننده سیما و سرگذشت واقعی عیسی (ع)

ذلك عیسی ابن مریم قول الحق

<ذلك> اشاره به دارنده اوصافی است که در آیات گذشته تشریح شد. و <قول الحق> مفعول برای فعل محذوف (أقول) است، یعنی سخن درستی می گویم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- ماجرای تولد و سخن گفتن عیسی (ع)، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر هستی است؛ نه نشان فرزندگی عیسی (ع) برای خداوند.

ما كان لله أن يتخذ من ولد .. إذا قضى أمراً فإنما يقول له كن فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در گهواره، خداوند را پروردگار خود و دیگر انسان ها معرفی کرد.

وإن الله ربّي وربكم

جمله <إِنَّ اللَّهَ رَبِّي .. > عطف بر <إِنِّي عبد الله> در آیات قبل است. این آیه نیز نقل بخشی از گفته های عیسی (ع) در گهواره است و آیات <ذلك عيسى ... کن

فیکون < در این بین معترضه می باشد. تشابه این جمله با آنچه در سوره آل عمران و زخرف از عیسی (ع) نقل شده، تأیید کننده این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۲

۲- گروهی از مردم زمان مریم به عیسی (ع) و گفته های او ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند .

فاختلف الأحزاب من بينهم فویل للذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۴،۵،۱۰

۴ - نقل مکان کردن مریم به همراه نوزادش (عیسی) ، به محلی دیگر غیر از زادگاه او

و ءاوينهما إلی ربوه

<إيواء> (مصدر <آوینا>) به معنای امکان و جای دادن است. <ربوه> نیز به تپه و هر زمین بلند گفته می شود. <ذات قرار> (مرادف <مستقر>) به معنای جای زیست است و <معین> به آبی که بر روی زمین جاری باشد، گفته می شود.

۵ - استقرار مریم و نوزادش (عیسی) ، در سرزمینی بلند ، آرام و دارای آبی روان

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

۱۰ - برخورداری حضرت عیسی و مریم (ع) ، از امکانات و آسایش زندگی

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۷

۷ - عیسی بن مریم (ع) ، شخصیتی شناخته شده و نامی آشنا در مکه عصر بعثت

و لَمَّا ضرب ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- فرزند حضرت مریم (س) (عیسی (ع))، پرتو روح الهی و دارای مقامی بس بلند در پیشگاه خداوند

فنفخنا فيه من روحنا

اضافه <روح> به <نا>، اضافه تشریفی و برای بیان شرافت و عظمت این روح است.

قصه غدیر خم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۵

۵ - > عن جعفر بن محمد (ع) عن آبائه (ع) قال : لما نصب رسول الله علياً يوم غدیر خم . . . فقَدِمَ علي رسول الله التُّعمان بن الحرث الفهري فقال : أمرتنا عن الله أن نشهد أن لا إله إلا الله و أنك رسول الله . . . فقَبَلْنَاها ثم لم تَرْضَ حتى نصبت هذا الغلام . . . فهذا شيء منك أو أمرٌ من عند الله . . . فولَّى النعمان الحرث و هو يقول : > اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء < . . . و أنزل الله تعالى : > سأل سائل بعذاب واقع . . . < ;

امام صادق(ع) از پدراناش روایت نموده است: چون رسول خدا(ص) در غدیر خم علی(ع) را به امامت منصوب کرد . . . نعمان بن حرث فهري، جلوی آن حضرت ایستاد و با [اعتراض] گفت: از جانب خدا به ما امر کردی که شهادت به یگانگی خدا و رسالت تو دهیم، و ما پذیرفتیم. سپس راضی نگشتی تا این جوان را بر ما منصوب کردی ... حال این (نصب علی(ع)) از طرف خودت می باشد یا دستوری از جانب خداوند است ...

نعمان در حالی که به رسول خدا(ص) پشت کرده بود، می گفت: >اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة من السماء< ... پس خداوند متعال آیه >سأل سائل بعذاب واقع...< را نازل نمود.<

قصه غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ ترغیب مجاهدان صدر اسلام به تعقیب لشکریان دشمن ، پس از نبرد احد

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم

گفته شده که آیه پس از نبرد احد نازل شد تا مسلمانان را به تعقیب لشکریان ابوسفیان ترغیب کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۳ آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکونوا تألمون فأنهم یألمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

قصه غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۵،۶،۴،۲

۲ - مورد هجوم قرار گرفتن مسلمانان در مدینه از سوی لشکر دشمن در غزوه احزاب

اذکروا نعمه الله علیکم إذ جاء تکم جنود

مفسران بر این نکته اتفاق نظر دارند که این آیه، درباره غزوه احزاب نازل شده است. مراد از >جنود< گروه های مشرک و یهودیان اند که در یک تصمیم جمعی، متحد شدند و جهت درهم کوبیدن مسلمانان، به مدینه هجوم بردند.

۴ - برای درهم شکستن سپاه دشمن ، در غزوه احزاب ، طوفانی عظیم برخاست .

إذ جاء تکم جنود فأرسلنا علیهم ریحا

تنوین نکره در >ریحاً< برای تعظیم است و حکایت از این می کند که بادی که وزیده، معمولی نبوده است، بلکه طوفانی

خیمه ها را در هم می کوبیده و خار و خاشاک را در چشمان دشمن می پاشیده است.

۵ - به وجود آمدن طوفان ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن توان دشمن ، نعمتی الهی برای مسلمانان بود .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ .. فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا

<فأرسلنا> بیان نعمتی است که خداوند، از مسلمانان خواسته است که به یاد آن باشند.

۶ - خداوند ، در غزوه احزاب نیرویی نامرئی ، به کمک مسلمانان فرستاد .

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ .. وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - مسلمانان مدینه ، از ناحیه بالا و پایین مدینه ، در محاصره دشمن (احزاب متحد) قرار گرفتند .

إِذْ جَاءَ وَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ

۲ - احزاب متحد ، در جنگ علیه مسلمانان ، جمعیتی فراوان داشتند .

إِذْ جَاءَ تَكُمْ جُنُودٌ .. إِذْ جَاءَ وَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندین سپاه می کند. آمدن نیروها از بالا دست مدینه و پایین دست آن نیز مؤید این نکته است؛ زیرا آنان دارای جمعیتی چشمگیر بوده اند که توانسته اند نیروهایشان را در اطراف مدینه مستقر کنند.

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إِذْ جَاءَ وَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ

<إِذْ جَاءَ وَكُمْ> عطف بر <إِذْ جَاءَتْكُمْ> در آیه پیش و متعلق فعل <أذکروا> در همان آیه است.

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ،

ائتلاف کردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

۵- هجوم احزاب متحد به سوی مدینه ، باعث وحشت و نگرانی مسلمانان شد .

إذ جاءوكم . . . و إذ زاغت الأبصر

<زاغت الأبصار> می تواند کنایه از به وجود آمدن آن چنان وحشتی باشد که چشم شخص، قدرت دید و تشخیص را از دست می دهد.

۸- هجوم احزاب متحد به مدینه ، برای درهم شکستن مسلمانان ، مسلمانان را به قدری وحشت زده کرد که همانند افراد محتضر شدند .

إذ جاءوكم . . . و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

مراد از به حنجره رسیدن قلب ها، خفگی و به حال مرگ افتادن است.

۱۱- ایام هجوم احزاب متحد به مدینه ، روزهایی بس سخت و نگران کننده برای مسلمانان بود .

إذ جاءوكم . . . و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

۱۳- پس از محاصره مدینه از سوی احزاب متحد ، ظنّ و گمان های گوناگونی درباره خدا ، در میان مردم مسلمان پدید آمد .

إذ جاءوكم . . . و تظنون بالله الظنونا

<ظنون> مفعول مطلق عددی است و <ال> در آن، برای جنس است. جمع آورده شدن <ظنون> همراه با <ال> دلالت بر تعدد و گوناگونی می کند.

۱۴- عارض شدن بدگمانی به خدا در مسلمانان ، در

پی هجوم احزاب متّحد به مدینه

إذ جاءوكم .. و تظنون بالله الظنونا

احتمال دارد که مخاطب فعل <تظنون> مسلمانان باشند و یکی از احتمال های <الظنونا> بدگمانی باشد. آیات بعدی می تواند قرینه ای بر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - هجوم احزاب متّحد به مدینه ، وسیله امتحان مسلمانان آن دیار بود .

هنالك ابتلى المؤمنون

۲ - مسلمانان مدینه ، با هجوم احزاب متّحد به آنان ، دچار اضطراب و تزلزل شدید شدند .

وزلزلوا زلزالاً شديداً

۳ - مسلمانان مدینه ، با هجوم احزاب متّحد ، در شرایط سختی قرار گرفتند .

وزلزلوا زلزالاً شديداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۱

۱ - منافقان ، همسو با احزاب متّحد ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن روحیه مسلمانان فعالیت می کردند .

إذ جاءتكم جنود .. و إذ يقول المنافقون ... ما وعدنا الله ... إلا غروراً

فعل مضارع <يقول> بر تداوم کار منافقان دلالت می کند که از آن، به <فعالیت> تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۹

۱ - عده ای از منافقان ، مسلمانان شرکت کننده در غزوه احزاب را ، به ترک جهاد وسوسه می کردند .

و إذ قالت طائفة منهم يا أهل يثرب لامقام لكم فارجعوا

۲ - منافقان برای ماندن مسلمانان به همراه پیامبر (ص) در غزوه احزاب با توجه به هجوم دشمن وجهی منطقی قائل نبودند و آنان را به

ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قالت طائفه منهم یاهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۳ - منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم یاهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۴ - منافقان ، به نفع جبهه احزاب متحد ، برای درهم شکستن جبهه مسلمانان ، فعالیت تبلیغاتی داشتند .

و إذ قالت طائفه منهم یاهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۵ - منافقان ، در غزوه احزاب ، برای وادار کردن مؤمنان به ترک اسلام و روی آوردن به کفر ، تلاش می کردند .

یاهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

برداشت بالا، بر این احتمال است که مراد از <لامقام لکم> ماندن در دین رسول الله و مراد از <فارجعوا> دعوت به رجوع به کفر باشد.

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبی یقولون إن بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه ، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود (مفردات راغب).

۹ - پیامبر اکرم (ص) فرمانده و تصمیم گیر اصلی در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبی

۱۰ - در سپاه مسلمانان ، به هنگام غزوه احزاب ، نظمی استوار ، حاکم بود . به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند .

و یستئذن فریق منهم النبی

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در

غزوه احزاب بود .

و يستئذون فریق منهم النبى يقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

۱۲ - خانه و کاشانه مجاهدان شرکت کننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذیر و دارای استحکام بود .

يقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

۱۹ - منافقان ، پیشگامان زلزله و اضطراب و فرار از غزوه احزاب بودند .

هنالك ابتلى . . . و زلزلوا زلزالاً . . . و إذ يقول المنفقون . . . إنّ بیوتنا عوره . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۳،۶

۳ - منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، در صورت حضور در داخل خانه هایشان و هجوم دشمن ، از آن دفاع نمی کردند .

يقولون إنّ بیوتنا عوره . . . و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها

۶ - زلزله منافقان مدینه در غزوه احزاب ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

و يستئذون فریق منهم . . . يقولون إنّ بیوتنا عوره . . . إن یریدون إلاّ فراراً . . . ثمّ

<ثمّ سئلوا الفتنه> دلالت می کند که آنان، با درخواست شرک، آن را قبول می کردند. چنین امری اشعار دارد که استیذان در ترک جهاد و بهانه جویی برای فرار، ناشی از بی ایمانی و زلزله در عقیده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه احد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد کانوا عهدوا اللّٰه من قبل لایؤلّون

مرجع ضمیر در <کانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه أحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگر بار چنین نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۲

۲ - تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفه منهم .. لا مقام لكم فارجعوا ... قد يعلم الله المعوقين منكم

تضعیف <عوق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۳

۳ - منافقان مدینه ، به هنگام خبردار شدن از وقوع جنگ احزاب ، به قدری می ترسیدند که چشمان شان بی اختیار ، به چرخش می افتاد .

فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون إليك تدور أعينهم كالذي يغشى عليه من الموت

مراد از <الخوف> به قرینه بحث جهاد و هجوم دشمن، خبر جنگ و قتال است که برای منافقان بسیار ترس آور بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لما رء المؤمنون الأحزاب .. و ما زادهم إلا إيماناً و تسليمًا

ممکن است <تسليماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الكو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ -

۹ - غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيراً و كفى الله المؤمنين القتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به اسارت سپاه مسلمانان در آمدند .

و تأسرون فریقاً

قصه غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

يسئلونك عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۱،۲،۳،۴،۸

۱ پیامبر (ص) برای نبرد با مشرکان مکه از مدینه به سوی بدر حرکت کرد .

أخرجك ربك من بيتك بالحق

با توجه به آیات بعد معلوم می شود مراد از جمله <أخرجك . . . >، خروج پیامبر(ص) برای جنگ بدر بوده است.

۲ فرمان خداوند و تقدیر او ، عامل حرکت پیامبر (ص) به سوی جنگ بدر

أخرجك ربك من بيتك بالحق

اسناد <أخرجك> به <ربك> می رساند که حرکت پیامبر(ص) به فرمان و تقدیر الهی بوده است، نه تصمیمی از جانب خود آن حضرت.

۳ تقدیر خداوند بر وقوع جنگ بدر، در جهت تدبیر امور پیامبر (ص) و در راستای پیشبرد رسالت وی

أخرجك ربك من بيتك بالحق

<رب> به معنای مدبر و مربی است و اضافه آن

به <ك> در جمله <كما أخرجك ربك> می رساند که از اهداف تقدیر الهی بر خروج پیامبر(ص)، تدبیر امور وی بوده که طبعاً برای تکمیل رسالت او بوده است.

۸ حکم خداوند درباره انفال ، حکمی حق و همانند حقانیت فرمان او به خروج از مدینه برای جنگ بدر

قل الأنفال لله و الرسول .. كما أخرجك ربك من بيتك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۰

۱۰ قضایای جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، نعمتی بزرگ و شایسته و بایسته به یاد داشتن و شامل درسهایی از توحید

إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين أنها لكم

مقصود از فرمان خداوند به یادآوری قضایای بدر، یادآوری حاکمیت خداوند بر عوامل طبیعی است. زیرا نیروی برتر و غیر قابل مقایسه مشرکان نسبت به مسلمانان اقتضا می کرد که مشرکان پیروز شوند و ولی تقدیر خداوند بر این بود که پیروزی از آن مسلمانان باشد و چنین شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۸

۸ حضور هزار فرشته در جنگ بدر ، که هر یک فرشته و یا فرشتگانی به دنبال خویش داشتند .

بألف من الملائكة مردفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۱

۱ نقش ملائکه در جنگ بدر ، تنها بشارت به پیروزی و اطمینان دادن به مؤمنان بود ، و نه اقدامی عملی در قتل مشرکان .

و ما جعله الله إلا بشري و لتطمئن به قلوبكم

ضمیر در <جعله> و <به> به امداد

که از <أنی ممدکم> استفاده می‌شود، برمی‌گردد و کلمه <بشری> مفعولٌ له برای <جعل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰

۱ آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إذ تستغيثون .. إذ يغشيكم النعاس أمنة منه

<غشاهه> به معنای احاطه است و فعل <یغشیکم>، از باب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می‌توان گفت نمود آن کثرت، فراگیری خواب بر تمامی افراد بوده است. کلمه <أمنة>، که به معنای نبودن ترس است، مفعولٌ له حصولی برای <یغشیکم> است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

۲ خداوند در آستانه جنگ بدر با رفع اضطراب از مجاهدان، آنان را از آرامشی کامل بهره‌مند ساخت.

إذ يغشيكم النعاس أمنة منه

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

إذ يغشيكم النعاس أمنة منه

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره‌مند ساخت.

و ينزل عليكم من السماء ماء

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست‌ها و قذارتهای آنها، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به

ذکر نشدن متعلق <یطهركم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

۸ برخی

از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب...> مترتب بر <لیطهرکم...> است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان ، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ینزل علیکم... و یذهب عنکم رجز الشیطن

۱۳ تقویت دل های مجاهدان با مشاهده امداد های حسی ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

و ینزل علیکم... لیربط علی قلوبکم

<ربط علی قلبه> یعنی دل های آنان را استحکام بخشید، و این کنایه از ایجاد شهامت و شجاعت است. گفتنی است تناسب نزول باران با استحکام دلها برای نبرد این است که مجاهدان در زمانی که نیاز فراوان به آب دارند با نزول باران، امداد الهی را لمس کرده و بدان یقین کنند.

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم... و یثبت به الأقدام

۱۸ استحکام اردوگاه مسلمانان و استواری گام های آنان بر شنزار محل اقامتشان ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

ینزل علیکم من السماء ماء

لیطهرکم ... و یثبت به الأقدام

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الاقدام> گامهای مجاهدان باشد. بنابراین <و یثبت به الاقدام> یعنی هدف از نزول باران این بود که خداوند گامهای شما را استوار سازد و از لغزش و فرو رفتن در شنزارها بازدارد.

۱۹ خداوند با تقویت دل های مجاهدان بدر آنان را برای رویارویی با مشرکان ثابت قدم ساخت .

لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

<یثبت به الأقدام> در عین اینکه بیانگر هدفی از اهداف نزول باران است، نبودن <لام> در آن می رساند که این هدف به دنبال <لیربط علی قلوبکم> حاصل می شود. بنابراین می توان گفت ضمیر در <به> به استحکام قلوب، که از <لیربط علی قلوبکم> استفاده می شود، برمی گردد. قابل ذکر است که در برداشت فوق ثبات قدم (یثبت به الأقدام) به معنای کنایی آن (پایداری و عزم راسخ) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۶،۸،۹

۱ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر ، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان آگاه ساخت .

إذ یوحى ربك إلی الملئکه أنى معکم فثبتوا الذین

۲ ایجاد پایداری در مجاهدان ، فرمان خداوند به فرشتگان گسیل شده به جنگ بدر

إذ یوحى ربك إلی الملئکه أنى معکم فثبتوا الذین

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ یوحى ربك إلی الملئکه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذکر> باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به

خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم كل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إليه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ...> یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم كل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا ..> متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله الله إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لكن الله قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم ..> متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد / یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر

این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲،۶

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند.

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ

جمله <إِنْ تَسْتَفْتِحُوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إِنْ تَعُودُوا نَعُدْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أَيْدِيكُمْ بِنَصْرِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱،۳،۴،۵،۷،۸،۱۰

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند.

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدُوهِ

<عُدُوهُ> به معنای کناره و دامنه وادی است و وادی به زمینی که بین دو کوه و دو تپه قرار دارد گفته می شود و هر وادی دارای دو عدوه و کناره است. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شریفه حکایت از آن دارد که سپاه اسلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر

شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوى

۴ موقعیت ضعیف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعیت کفار

إذ أنتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوى

می توان گفت هدف از بیان موقعیت مسلمانان و کفرپیشگان مکه در منطقه بدر یادآوری موقعیت بسیار ضعیف مسلمانان است. جمله <ليهلك من هلك ... > مؤید این معنا می باشد. زیرا پیروزی آنگاه دلیل حقانیت مسلمانان می شد که شرایط ظاهری، تضمین کننده پیروزی کافران و شکست مسلمانان بود.

۵ قافله تجاری قریش به هنگام استقرار سپاهیان بدر ، در مسیری پایتتر از سپاه اسلام در حرکت بودند .

و الركب أسفل منكم

کلمه <ركب> جمع راکب و به معنای سواران است و مقصود از آن به گفته اهل تفسیر کاروان تجاری قریش است. تعبیر از کاروان تجاری به <سواران> می تواند اشاره به حرکت سریع آنان برای فرار از مسلمانان باشد.

۷ رویارویی دو سپاه بدر در زمانی مشخص ، حتی با برنامه ریزی طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلقتم فی الميعد

کلمه <میعاد> می تواند اسم زمان به معنای زمان قرار، و می تواند اسم مکان به معنای جایگاه قرار باشد. و مراد از <تواعد> وعده مسلمانان با اهل مکه است ؛ یعنی <و لو تواعدتم أنتم و اهل مکه ... > که در برداشت به برنامه ریزی طرفین تعبیر شد.

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلقتم فی الميعد

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لكن ليقضى الله

۱ پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد، اندک دید .

إذ يريكم الله في منامك قليلا

فعل مضارع <يُرى> دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر(ص) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

۳ پیامبر (ص) رؤیای خویش (کمی نفرات دشمن در جنگ بدر) را برای مسلمانان بیان کرد .

إذ يريكم الله في منامك قليلا و لو أريكم كثيرا لفشلتم

۸ پیامبر (ص) در صورتی که کافران بدر را در رؤیای خویش لشکری بزرگ می دید ، مسلمانان در تصمیم بر نبرد سست شده و بر سر آن اختلاف می کردند .

و لو أريكم كثيرا لفشلتم و لتزغنم في الأمر

<في الأمر> متعلق به <لتزغنم> و نیز <فشلتم> است و <ال> در آن عهدیه و اشاره به جنگ بدر است.

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ يريكموهم إذالتقتيم في أعينكم قليلا

۳ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

ليقضى الله أمرأ كان مفعولا

<أمرأ> به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل <كان> دلالت می کند که ثبوت خبر <مفعولا> برای اسمش (تحقق جنگ بدر)

از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به قرینه <لیقظی>، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقظی
الله ... > یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن
هر یک در نظر دیگری

إذ یریکموهم إذالتقیمتیم فی أعینکم قلیلا .. لیقظی الله أمرا کان مفعولا

۵ خداوند تحقق دهنده جنگ بدر و پیروزکننده مسلمانان در آن نبرد

لیقظی الله أمرا کان مفعولا

۸ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیمتیم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذا> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۳

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۸، ۴

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد.

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه، قبل از جنگ بدر

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

۱۰ شیطان به هنگام رویارویی دو لشکر کفر و ایمان از کارزار بدر عقب نشینی کرد.

فلما تراءت . . . نکص علی عقیه و قال إنی بریء

<نکص> به معنای خودداری کردن است و چون با <علی> متعدی شده معنای رجوع در آن تضمین شده است. <عقب> به پاشنه پا گفته می شود؛ یعنی شیطان از نبرد خودداری کرد و با چرخیدن بر پاشنه های پا عرصه را ترک گفت.

۱۴ شیطان در آستانه جنگ بدر، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد.

إني أرى ما لاترون

به قرینه آیه ۹ و ۱۲ از همین سوره می توان گفت مراد از <ما لاترون> فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد.

إني أرى ما لاترون إني أخاف الله

مراد از خوف خدا (إني أخاف الله) به دلیل <إني أرى ما لاترون> گرفتار شدن به جنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱،۲

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ يقول المنافقون و الذين في قلوبهم مرض... و من يتوكل على الله

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردید در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من يتوكل على الله> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی

و راستین، دارد.

۲ حضور مؤمنان واقعی در کارزار بدر، در مقابل دشمنی به مراتب قویتر، برخاسته از پابندی آنان به اسلام، حتی در دیدگاه منافقان و سست ایمانها

إذ يقول المنفقون .. غر هؤلاء دينهم

<غر هؤلاء دينهم> که سخن منافقان و سست ایمانهاست، بیانگر این است که آنان نیز حضور مؤمنان در کارزار بدر برخاسته از اندیشه دینی ایشان می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

كدأب ءال فرعون .. فأهلكنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۵

۵- جنگ بدر، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

يوم نبطش البطشه الكبرى إنا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

قصه غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۵ - ۲

۲ - قطع بعضی از نخل ها و بر جای نهادن برخی دیگر در غزوه بنی نضیر از سوی مسلمانان، به اجازه خداوند بود.

ما قطعتم من لينة أو تركتموها قائمة على أصولها فبإذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۳

۳ - دستیابی مسلمانان به غنایم و

امکانات بنی نضیر ، بدون جنگ و درگیری

و ما أفاء الله على رسوله منهم فما أوجفتم عليه من خيل و لا ركاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۳

۳ - موضع مسلمانان در مقطع غزوه بنی نضیر ، موضعی برتر نسبت به یهود

لئن أخرجتم .. و إن قوتلتم ... لئن أخرجوا ... و لئن قوتلوا

در این آیات، همواره از موضع آسیب پذیر یهود، سخن به میان آمده است؛ زیرا مسأله اخراج و جنگ نه از سوی ایشان بلکه علیه آنان یاد شده است. پس معلوم می شود که آنها در موضعی نبوده اند که بخواهند اقدام به جنگ کنند.

قصه غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۴

۴ بروز نوعی سستی میان گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، برای رفتن به جنگ تبوک

يأيتها الذين آمنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا .. أتأقلمتم إلى الأرض

این بخش از آیات، چنانکه برخی از مفسران گفته اند، مربوط به جنگ تبوک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳،۸،۹

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لكن بعدت عليهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و کنایه از مسافت است؛ یعنی، به نظر آنان (منافقان) راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت

نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معکم

۹ إخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سیحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معکم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این صورت، إخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۲

۲ متخلفان از جنگ تبوک ، گروهی بی ایمان بودند .

عفا الله عنک لم أذنت لهم .. لا یستذنبک الذین یؤمنون بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برخوردار از امکانات لازم برای شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۲ تصمیم قطعی متخلفان جنگ تبوک بر ترک جهاد

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۳ فراهم نکردن مقدمات جهاد ، دلیل دروغگویی متخلفان جنگ تبوک و عزم قطعی آنان بر عدم شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۴ کراهت و ناخوشایندی خداوند ، از برانگیختن و موفق ساختن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برای شرکت در آن

و لکن کره الله انبعاثهم فبطهم و قیل اعدوا مع القعدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۱۴، ۱۲، ۸، ۶

۶ متخلفان جنگ تبوک در صورت شرکت در آن جنگ ، جز نفوذ در میان صفوف لشکر اسلام به منظور فتنه جویی ، نقشی دیگر

نداشتند .

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا و لأوضعوا خلكم ببيغونكم الفتنه

۸ منافقان ، دارای جاسوسانی در میان رزمندگان جنگ تبوک

و فيكم سمعون لهم

<سَمَاع> می تواند کنایه از جاسوس باشد یعنی، در میان شما کسانی هستند که به نفع منافقان خبرچینی می کنند.

۱۲ ماهیت فسادانگیز و فتنه جویانه متخلفان جنگ تبوک ، دلیل کراهت و ناخوشایندی خداوند از شرکت آنان در جنگ

و لكن كره الله انبعاثهم .. لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا ... ببيغونكم الفت

۱۴ دلداری خداوند به مؤمنان ، به منظور رفع نگرانی آنان ، به دنبال تخلف کردن گروهی از شرکت در جنگ تبوک

إنما يستئذنك الذين لا يؤمنون .. لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا ... و الله ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۴

۴ ناتوانی متخلفان جنگ تبوک (منافقان) در به شکست کشانیدن جبهه اسلام

لقد ابتغوا الفتنة من قبل .. حتى جاء الحق و ظهر أمر الله و هم كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱

۱ اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من يقول ائذن لي و لا تفتني

در شأن نزول آیه آورده اند که: یکی از منافقان به پیامبر اکرم (ص) گفت: <یا رسول الله ائذن لي و لا تفتني بينات الأصغر

فإني أخاف أن أفتن بهن> یعنی، ای رسول خدا! به من اذن بده تا در جنگ شرکت نکنم .. چون، می ترسم

مفتون دخترکان رومی کردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۱

۱ آمادگی برخی از متخلفان جنگ تبوک ، برای انفاق مال به جای رفتن به جهاد

قل أنفقوا طوعاً

در شأن نزول این آیه آورده اند که: فردی از منافقان پیشنهاد پرداخت پول به جای رفتن به جهاد را کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۰، ۹، ۲، ۱

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

۹ اخلاص لگري منافقان صدر اسلام ، در بسیج برای جنگ تبوک

لاتنفروا فی الحر

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لاتنفروا فی الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۴، ۲

۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ تبوک و خروج آن حضرت از مدینه همراه مجاهدان

فإن رجعتك الله

۱۴ وقوع اولین تخلف منافقان از جهاد در جنگ تبوک *

رضیتم بالعود أول مرّه

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که تخلف منافقان در جنگ تبوک، اولین تخلف آنان بوده و <أول مرّه> ناظر به این معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۶

۶ جنگ تبوک ، از عوامل متمایز شدن صف مجاهدان و مؤمنان

راستین از صف منافقان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالمف . . لکن الرسول ... جهدوا

<جاهدوا> (به صورت فعل ماضی) به عنوان گزارش از جنگی است که مسلمانان پشت سر گذاشته اند که مفسران آن را جنگ تبوک دانسته اند و خداوند، پس از این جنگ است که چهره منافقان را افشا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۲

۲ بسیج عمومی همه مسلمان ها برای شرکت در جنگ تبوک

و جاء المعذرون من الأعراب

از آن جایی که حتی بادیه نشینان برای عذرخواهی نزد پیامبر(ص) آمدند، بسیج عمومی و وجوب جهاد بر همگان استفاده می شود. گفتنی است که این بخش از آیات چنانکه مفسران گفته اند درباره جنگ تبوک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۴،۶

۴ محدودیت امکانات پیامبر (ص) در جنگ تبوک ، برای تأمین ساز و برگ رزمندگان داوطلب

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

۶ محروم شدن برخی از رزمندگان داوطلب ، از شرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشتن امکانات رزمی (مرکب و ...) علی رغم اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶،۷

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

۷ تنگنا های جنگ تبوک ، مایه تزلزل قلب برخی از مسلمانان شده بود

فی ساعه العسرہ من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱۲، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ تخلف سه نفر از مسلمانان ، از حضور یافتن در جنگ تبوک

و علی الثلثه الذین خَلَفُوا

۲ شمول رحمت و غفران الهی ، نسبت به سه نفر از مسلمانان متخلف از جنگ تبوک

لقد تاب الله علی النبی . . و علی الثلثه الذین خَلَفُوا

۳ تنگ شدن عرصه زندگی بر سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک ، در اثر رو به رو شدن با پیامد های عمل خطایی که کرده بودند .

حتى اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

۴ تحریم ارتباط با متخلفان از جنگ تبوک و انزوای اجتماعی آنان از سوی مسلمانان

ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

با توجه به شأن نزول که تنگ شدن زندگی بر متخلفان از جنگ تبوک را، ناشی از قطع رابطه مسلمانان با ایشان معرفی کرده است، مطلب فوق استفاده می شود.

۵ گرفتار شدن سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک به عذاب وجدان

و ضاقت علیهم أنفسهم

۶ اذعان متخلفان از جنگ تبوک ، به ناگزیری خود از التجا به خداوند

و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه

۱۲ پذیرش توبه سه مسلمان متخلف جنگ تبوک ، از سوی خداوند

و علی الثلثه الذین خَلَفُوا . . ثم تاب علیهم لیتوبوا إن الله هو التواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ پیروان واقعی پیامبر اکرم (ص) در لحظات سخت جنگ تبوک ، از صادقان بودند .

الذین اتبعوه فی

ساعه العسره . . . و كونوا مع الصدقين

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در زمینه ثبات قدم برخی از مؤمنان در شدايد جنگ تبوك و لغزش گروهی دیگر بود و خداوند متخلفان را در پی توبه شان بخشيد اکنون به ایشان رهنمود می دهد که شما نیز همانند مؤمنان، استوار و تزلزل ناپذیر باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوك ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا يظنون موطناً يغيب الكفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوك است، برداشت فوق استفاده می شود.

قصه غزوه حنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۲

۲ جنگ حنين از عرصه های به یاد ماندنی نصرت خدا و دخالت نیروهای غیبی برای تقویت سپاه اسلام و شکستن مقاومت جبهه دشمن

لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره و یوم حنين

با اینکه <مواطن کثیره> شامل جنگ <حنين> نیز می شود، ذکر جداگانه آن بویژه با تعبیر <یوم حنين> (روز حنين)، بیانگر برداشت فوق است.

۴ مسلمانان ، در جنگ حنين حضوری گسترده داشتند .

و یوم حنين إذ أعجبتکم کثرتکم

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنين ، کارساز نبود .

و یوم حنين إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتكم كثرتكم .. و ضاقت عليكم الأرض بما رحبت

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس

از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرور آفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۸

۱ نزول آرامش روحی از جانب خداوند بر رسول اکرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنین ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل الله سکینته علی رسوله

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

با توجه به اینکه در فراز قبل، مؤمنان به وسیله ضمیر < کم > مخاطب قرار گرفتند و در این آیه به جای آن ضمیر، کلمه < مؤمنین > آمده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۵ امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

۸ امداد های الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در جنگ حنین

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل الله سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذب الذین کف

قصه غزوه خندق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۵

۵ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله > يقول أهلکت مالاً لبدأ > قال : هو عمرو بن عبدود حین عرض علیه علی بن أبی طالب (

ع) الإسلام یوم الخندق و قال

: فأين ما أنفقت فيكم مالاً لبدأ و كان أنفق مالاً في الصدّ عن سبيل الله فقتله علي (ع) ؛

امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <يقول أهلكم مالاً لبدأ> روایت شده که فرمود: گوینده این سخن عمرو بن عبدود بود، آن زمان که حضرت علی بن ابی طالب(ع) در روز [غزوه] خندق، اسلام را بر او عرضه کرد؛ وی گفت: کجا رفت آن اموال زیادی که در مورد شما خرج کردم؟ و او اموال [زیادی] را در راه جلوگیری از راه خدا صرف کرده بود پس حضرت علی(ع) او را کشت.

قصه غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۱، ۹، ۷، ۶، ۴، ۲

۲ - تمایل متخلفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم .. ذرونا تتبعكم

هدف متخلفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلى مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یبدلوا...> حاکی از نکته دوم است.

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی

باشد.

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

۷ - اعراب متخلف از سفر حدیبیه ، در صدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است؛ ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود را مؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص) ، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه ، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ .. قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

<لَنْ تَتَّبِعُونَا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ .. قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

<لَنْ تَتَّبِعُونَا> ممکن است در مقام انشا نباشد؛ بلکه اخبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۹

۹ - نبرد مسلمانان پس از جنگ خیبر ، با مشرکان بود و نه اهل کتاب . *

تقتلونهم أو يسلمون

در صورتی که <یسلمون> به معنای اسلام آوردن باشد؛ از محدود شدن فرجام دشمنان به کشته شدن یا اسلام آوردن، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مورد اهل کتاب راه سومی

به عنوان تسلیم و پرداخت <جزیه> نیز مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۵

۵ - تنها بیعت کنندگان با پیامبر (ص) در جریان حدیبیه، برخوردار از غنایم خیر*

إذ يباعدونك تحت الشجرة... و مغنم كثيره يأخذونها

از این که <مغنم کثیره> به مؤمنان بیعت کننده نوید داده شده است، مطلب بالا احتمال می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۷،۹

۷ - امتنان الهی بر مؤمنان، با رساندن ایشان به غنایم خیر و کوتاه ساختن دست دشمنان از آنان

فعجل لكم هذه و كفّ أیدی الناس عنكم

۹ - فتح خیر، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجل لكم هذه و كفّ أیدی الناس عنكم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیر دارد و <كفّ..> مترتب بر آن می باشد؛ به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

قصه غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۴

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) في قوله <والعادیات ضبجاً...> قال: هذه السوره نزلت في أهل وادی الیابس... فخرج علی (ع) و معه المهاجرون و الأنصار... ثم اغار علیهم بأصحابه... حتی قتل مقاتلیهم و سبی ذراریهم و استباح أموالهم و خرب دیارهم و

أقبل بالأسارى و الأموال معه . . . و أنزل الله تبارك و تعالى فى ذلك اليوم هذه السوره < و العاديات ضبحاً > يعنى بالعاديات الخيل تعدوا بالرجال و الضبح صيحت ها فى أعنت ها و لُجم ها ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <و العاديات ضبحاً> روایت شده که فرمود: این سوره درباره ساکنان سرزمین یابس (در غزوه ذات السلاسل) نازل شد که علی(ع) [برای جنگ با آنان] خارج شد و مهاجران و انصار همراه او بودند آن گاه شبانه با همراهانش بر آنان یورش برد تا آن که جنگجویانشان را کشت، فرزندانشان را اسیر گرفت، اموالشان را مباح قرار داد، خانه هایشان را خراب کرد و اسیران و اموال را همراه خود آورد و خداوند تبارک و تعالی در آن روز این سوره (و العاديات ضبحاً) را نازل کرد و مقصود از <عاديات> اسبانی هستند که به وسیله مردان سوارکار می تازند و <ضبح> شیهه آنها است در حالی که در افسارها و لگام ها قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عاديات - ۱۰۰ - ۵ - ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبحًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

قصه غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و ایدکم بنصره

قصه فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۳

۱۳ - اقدام حاطب ابن ابی بلتعنه به ارتباط مخفیانه با مشرکان ، در آستانه آمادگی مسلمانان برای فتح مکه

لا تَتَّخِذُوا .. . إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي

با توجه به شأن نزول آیه، عبارت <إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ.. > نظر به آمادگی مسلمانان برای فتح مکه دارد.

قصه فدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۱۵

۱۵- < عن أبي الحسن موسى (ع) : ... ان الله تبارك و تعالی لَمَّا فَتَحَ عَلٰی نَبِيِّهِ (ص) فَدَكَ ... فَأَنْزَلَ اللهُ عَلٰی نَبِيِّهِ (ص) >
< و آت ذاللقربی حَقُّهُ > فلم یدر رسول الله (ص) من هم ... فَأَوْحٰی اللهُ إِلَيْهِ أَنْ اَدْفَعْ فَدَكَ إِلَى فَاطِمَةَ (ع) ... ;

از ابی الحسن موسی بن جعفر(ع) روایت شده است: .. آنگاه که خداوند تبارک و تعالی فدک را برای پیامبرش فتح کرد ... پس بر او این آیه را نازل فرمود: <و آت ذاللقربی حَقُّهُ >. پس رسول خدا(ص) ندانست نزدیکان چه کسانی اند ... پس خداوند به او وحی کرد که فدک را به حضرت فاطمه(س) بدهد ... <.

قصه فرزندان آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۱،۳۰، ۹، ۱۷، ۱

پسران حضرت آدم (ع) (هابیل و قابیل) ، داستانی پرفایده ، عبرت آموز و شایان ذکر

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

آگاه نبودن قابیل از کیفیت دفن جسد هابیل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از <آدم>، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هابیل و قابیل هستند. گفتنی است که <نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

۱۱ هر یک از فرزندان آدم ، آگاه به پذیرش و یا رد قربانی خود و برادر خویش

قال لاقتلنک قال انما يتقبل الله من المتقين

جمله <انما يتقبل الله> و نیز تصمیم قابیل برای کشتن هابیل می رساند هر یک از آن دو متوجه پذیرش و رد قربانی خویش شدند. بسیاری از مفسران برآنند که قربانی هابیل با آتشی از غیب بسوخت. و سوختن قربانی نشانه پذیرش آن بوده است.

۳۰ فربه ترین گوسفند هابیل ، قربانی قبول شده وی به درگاه خدا و دسته ای از خوشه های گندم یا مانند آن ، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاد(ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم(ع) روایت شده: ... قرب

احدهما اسمن كبش كان في صيانته و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الكيش و هو هاييل و لم يتقبل من الاخر ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۲

۲ تأکید هاییل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قاییل به دست هاییل صورت گیرد، معلوم می شود هاییل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۵

۵ قاییل، برادرش هاییل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید.

اذ قربا قرباناً .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۴، ۲۵، ۲، ۱

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هاییل به سوی قاییل گسیل داشت.

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن، قاییل را به کیفیت دفن جثه هاییل رهنمون ساخت.

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قاییل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی

برای دفن هابیل

فبعث الله غراباً يبحث في الارض ليريه كيف يوري سوءه اخيه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قایل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قایل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۲۴ قایل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

۲۵ قایل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب ..

تفریع ندامت قایل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید می کند.

قصه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱۱، ۱۰، ۸، ۵

۵ موسی (ع) پیامبری از جانب خداوند برای ارشاد و هدایت فرعون زمان خویش و بزرگان دربار وی

إلی فرعون و ملایه

کلمه <فرعون> عنوان و لقب پادشاهان و حاکمان بزرگ مصر در عصرهای گذشته بوده است.

۸ فرعون و بزرگان دربار او ، آیات و معجزات ارائه شده از سوی موسی را تکذیب کردند .

بنایتنا إلی فرعون و ملایه

ضمير در <بها> به <آياتنا> برمی گردد و چون <ظلم> به حرف باء متعدی شده (ظلموا بها) متضمن معنای تکذيب است.

۱۰ فرعون و بزرگان دربارش به عاقبتی شوم گرفتار شدند .

فانظر كيف كان عقبه المفسدين

۱۱ فرعون و بزرگان دربارش ، مردمی فسادانگيز بودند .

إلى فرعون و ملايه . . فانظر كيف كان عقبه المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۷۹ - ۴

۴ فرعون ، برای مبارزه با موسى و هارون (ع) به سحر و جادو متوسل شد .

و قال فرعون ائتوني بكل سحر عليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۰ - ۱

۱ مأموران حکومت ، پس از دستور فرعون ، تمام ساحران چيره دست و ماهر را از اطراف و اکناف کشور فراخوانده و در پایتخت گرد آوردند .

و قال فرعون ائتوني بكل سحر عليم. فلما جاء السحرة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۱ - ۸

۸ از امام صادق (ع) روايت شده است که فرمود : > . . . قال [جبرئيل] يا محمد لما أغرق الله فرعون > قال آمنت أنه لا اله إلا الذي آمنت به بنو اسرائيل و أنا من المسلمين < فأخذت حمأه فوضعتها في فيه ثم قلت له : > آلئن و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين < و عملت ذلك من غير أمر الله خفت أن تلحقه الرحمه من الله عز و جل و يعذبني الله على ما

فعلت فلما كان الآن و أمرني الله عزّ و جل أن اؤدى إليك ما قلته أنا لفرعون امنت و علمت أن ذلك كان لله تعالى رضاً... ;

.. جبرئیل گفت: ای محمد! هنگامی که خدا فرعون را غرق کرد، فرعون گفت: ایمان آوردم که خدایی نیست به جز خدایی که بنی اسرائیل به او ایمان دارند و من از تسلیم شدگانم. پس من قطعه ای از لجن برداشتم و در دهان او گذاشتم و گفتم اکنون؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی و از مفسدان بودی. و این کار را بدون فرمان خدا انجام دادم ; ترسیدم رحمت خدا به او برسد و خدا مرا برای این کار عذاب کند. پس چون این لحظه فرارسید و خداوند فرمان داد آنچه را من به فرعون گفتم به شما برسانم، ایمن شدم و دانستم که آن کار مورد رضای خدا بوده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۱۳، ۱۲

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شده است : > ... و قد كان فرعون من قرنه إلى قدمه في الحديد قد لبسه على بدنه فلما أغرق ألقاه الله تعالى على نحوه من الأرض ببدنه ليكون لمن بعده علامه فيرونه مع تثقله بالحديد على مرتفع من الأرض و سبيل الثقل أن يرسب و لا يرتفع فكان ذلك آيه و علامه ... ;

.. فرعون سر تا پا غرق در لباس آهنین بود. پس هنگامی که در آب غرق شد، خدا بدن او را بر بلندی ساحل افکند تا برای

انسانهای بعد از او نشانه [عبرت] باشد و او را با همه سنگینی آهنی که بر بدن داشته بر بلندی زمین ببینند با اینکه جسم سنگین باید زیر آب رود نه اینکه بر بلندی قرار گیرد پس این دلیل و نشانه [قدرت خدا] بود ... <.

۱۳ از امام باقر (ع) روایت شده است: > ... و أما فرعون فنبذه الله وحده فألقاه بالساحل لينظروا إليه و ليعرفوه ... و لئلا يشك أحد في هلاكه و انهم كانوا اتخذوه رباً فأراهم الله إياه جيفه ملقاه بالساحل ليكون لمن خلفه عبره و عظه ... ;

.. اما فرعون را خداوند تنها [از جمع غرق شدگان] به ساحل افکند تا او را ببینند و بشناسند ... و هیچ کس در هلاکت او شک نکند و در حالی که گروهی او را پروردگار خود قرار داده بودند، خدا او را به صورت مرداری گنبدیده افکنده بر ساحل نشان داد تا برای انسانهای بعد از او پند و عبرت باشد ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۳،۴

۳- روی آوردن فرعون به اعمال قهرآمیز علیه موسی (ع) در پی ناتوانی از رودرویی منطقی و فرهنگی با او

و لقد ءاتينا موسى تسع ءايت بينت .. فقال له فرعون إني لأظنك يموسى مسحوراً

۴- غرق شدن فرعون و تمامی همراهانش به اراده خداوند، در پی تصمیم ظالمانه وی علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل

فأراد .. فأغرقه و من معه جميعاً

جلد - نام سوره - سوره -

۵ - دربار فرعون در نگه داری ، پرستاری و تغذیه موسی (ع) دچار مشکل شد .

هل أدلکم علی من یکفله

<هل أدلکم> گویای آن است که دربار فرعون در طلب دایه و سرپرستی برای موسی(ع) بوده است. قبول پیشنهاد خواهر موسی، این نکته را می رساند که هیچ یک از درباریان از عهده کار برنیامده بود و آنان برای نگه داری و تغذیه موسی درمانده شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مردم عصر بعثت ، اطلاعاتی مخدوش و نادرست از داستان موسی و فرعون داشتند .

نتلوا علیک من نیا موسی و فرعون بالحق

قید <بالحق> نشان می دهد که آنچه در میان مردم عصر پیامبر(ص) از ماجرای موسی(ع) و فرعون مطرح بود، با واقعیت انطباق نداشت.

۵ - سوره <قصص> دربردارنده تنها گوشه ای از داستان موسی و فرعون

نتلوا علیک من نیا موسی و فرعون

به کارگیری <من> تبعیضیه در <من نیا> بیانگر آن است که آنچه در سوره <قصص> مطرح شده، تنها بخشی از سرگذشت موسی(ع) و فرعون است و نه همه آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - تظاهر به خیرخواهی و صلاح اندیشی ، برای دین و دنیای مردم از سوی فرعون

إنی أخاف أن یبدل دینکم أو أن یظهر فی الأرض الفساد

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۵، ۱۴، ۱۳

۱۳ - فرعون ، سخن مؤمن آل

فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا .. فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَاسِ اللَّهِ إِنَّ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أ

۱۴ - نصیحت ها و هشدار های مؤمن آل فرعون ، نسبت به قتل موسی (ع) ، در فرعون بی تأثیر بود .

أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا .. قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى

۱۵ - فرعون ، خود را فردی خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و عقاید خویش و نیز به دور از دورویی معرفی کرد .

قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى

برداشت یاد شده از آن جااست که فرعون با گفتن <ما أريكم إلا ما أرى> (من جز آنچه را که تشخیص می دهم به شما ارائه نمی دهم)، می خواست خویشتن را فردی صادق، خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و نظرات خود، جلوه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۰ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون به رغم قطع شدن سخنانش به وسیله فرعون به گفتار هشداردهنده خود ادامه داد و فرعونیان را از پیامد هلاکت بار قتل موسی (ع) آگاه ساخت .

يقوم لكم الملك .. قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى ... وقال الذي ءامن يقوم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون در جهت انصراف فرعون از قتل موسی (ع) ، مؤثر واقع شد .

وقال رجل مؤمن من

ءال فرعون .. أتقتلون رجلاً... كذلك يطیع الله علی کلّ قلب م

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که فرعون، در آغاز برخورد با موسی(ع) برکشتن او مصمم گشته، این مطلب را به همه اطرافیانش اعلام کرده بود (قال فرعون ما أریکم إلا ما أری) ولی پس از سخنان مؤمن آل فرعون، به جای کشتن وی دستور داد برجی بسازند تا او نسبت به درستی ادعای آن حضرت به تحقیق پردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - فرمان فرعون به هامان ، مبنی بر ساختن بنایی بلند برای رسیدن به راه های آسمان ها

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا لعلی أبلغ الأسباب

<صرح> به معنای قصر و بنای بلند است. مقصود از آن در این آیه، بنای بلند (مانند برج) و یا رصدخانه است.

۲ - فرمان فرعون به هامان ، مبنی بر احداث رصدخانه

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۸، ۶، ۵، ۳

۳ - فرعون ، مدعی شد که به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) در آسمان ها ، فرمان ساختن بنای بلند و رصدخانه را صادر کرده است .

أسبب السموت فأطلع إلی إله موسی

۵ - دستور ساختن بنای مرتفع و رصدخانه برای اطلاع پیدا کردن از خدای موسی (ع) ، نیرنگ و ترفند فرعون برای اثبات دروغ گویی موسی (ع) در ادعای وجود خدای یکتا در جهان

أسبب السموت فأطلع إلی إله موسی

در این که مقصود اصلی فرعون از ساختن

بنای مرتفع چه بوده، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: از جمله این که فرعون با ساختن بنای مرتفع، درصدد نبود که به راه های آسمان دست یابد؛ زیرا کوه های مرتفعی وجود داشت که از برج ها و بنای احدائی او بلندتر بود. از این رو مقصود اصلی او این بود که برای مردم اثبات کند که راه یافتن به آسمان، امری ناممکن است. بنابر این ادعای موسی (ع) به این که در جهان خدایی هست که با او ارتباط دارد، دروغ و باطل می باشد. گفتنی است ذیل آیه که در آن از بی اثر بودن توطئه فرعون سخن به میان آمده مؤید همین برداشت است.

۶- موسی (ع) ، متهم به فردی دروغ گو و دین ساز از سوی فرعون

و إِنِّي لَأُظَنُّ كَذِبًا

۸- ساختن بنای بلند و رصدخانه ، به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) ، رفتار زشتی بود که فرعون آن را زیبا و آراسته می یافت .

ابن لی صرْحًا .. فَأُطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ ... وَ كَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ

۱۳- زیبا جلوه گر شدن رفتار زشت فرعون در دیدگان خود او ، سبب انحراف وی از راه اصلی هدایت و سعادت (ارائه شده از سوی موسی (ع)) گشت .

كَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَ صَدَّ عَنِ السَّبِيلِ

جمله < وَ صُدِّدَ عَنِ السَّبِيلِ > به منزله نتیجه برای جمله پیش است؛ یعنی، رفتار زشت فرعون در دیدگان او زیبا جلوه کرد و همین سبب شد که او راه اصلی هدایت را پیدا نکند.

۱۴- توطئه ها و نیرنگ

های فرعون علیه موسی (ع) ، سرانجام به زیان و نابودی او انجامید .

و ما کید فرعون إلا فی تباب

<تباب> به معنای خسارت و هلاکت است.

۱۵ - کار ساز نبودن مکر و حيله فرعون در ساختن بنای بلند ، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن او

یهمن ابن لی صرْحًا.. فأطلع إلی إله موسی... و ما کید فرعون إلا فی تباب

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی <کید فرعون> ساختن بنای بلند می باشد.

۱۶ - عقب نشینی تاکتیکی فرعون در مقابل موسی (ع) و دست برداشتن از قتل او به طور موقت ، پس از هشدار های مؤمن آل فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی.. و قال فرعون یهمن ابن لی صرْحًا... و ما کید فرعون

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون، در آغاز مبارزه با موسی (ع) طرح قتل او را داده بود ولی پس از هشدارها و تبلیغات مؤمن آل فرعون احداث بنای مرتفع برای جست و جو از خدای موسی (ع) را مطرح ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۲

۲ - فرعون ، مانع توجه و گرایش نیروهای تحت امر خویش ، به پیام و رسالت موسی (ع)

فتوئی برکنه

در صورتی که <باء> برای تعدیه و <رکن> کنایه از نیروهای حکومتی باشد، معنای آیه چنین می شود: <فجعل رکنه متولین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۲

۲ - حرکت

به سوی فرعون و باز داشتن او از طغیان گری ، فرمان خداوند به موسی (ع) در وادی طوی

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۰ - ۱

۱\$ - موسی (ع) در پی گفت و گو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او ، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد .

فأریه الآیه الکبری

- موسی (ع) در پی گفت و گو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او ، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۱ - ۱،۴

۱\$ - فرعون ، نشانه رسالت موسی (ع) و معجزه بودن آن را نپذیرفت و بی درنگ آن را تکذیب کرد .

فکذّب

حرف <فاء> برای تعقیب بدون فاصله است و می رساند که فرعون، پیش از هر گونه تأمل و درنگ، به تکذیب و عصیان پرداخت. متعلق تکذیب به قرینه <الآیه الکبری> در آیه قبل معجزه موسی (ع) است. از اقدام فرعون به آوردن مثل معجزه موسی (ع)، که آیات بعد بر آن دلالت دارد دانسته می شود که فرعون، معجزه بودن آن و دلالتش بر صداقت موسی (ع) را تکذیب کرده است.

۴\$ - فرعون ، از پذیرش رهنمود های موسی (ع) سرپیچی کرد .

و عصی

متعلق <عصی> به قرینه <أهدیک> رهنمودهای موسی (ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۲ - ۳،۴،۵

(ع) ، خطری جدی برای فرعون و تحریک کننده او به مقابله ای پی گیر در برابر آن

ثم أدبر یسعی

۴- فرعون ، گفتوگوی مستقیم خود با موسی (ع) و تکذیب و مخالفت با او را در سرکوب آن حضرت کارساز نمی دید .

ثم أدبر

<ادبار> یعنی، پشت کردن و حاکی از نومیدی فرعون از نتیجه گفتوگوی مستقیم با موسی(ع) است.

۵- فرعون با مشاهده معجزه موسی (ع) ، وحشت زده از آن روی برتافت و شتابزده گریزان شد . *

ثم أدبر یسعی

<ادبار> فرعون، در یک احتمال به معنای فرار او از ترس معجزه موسی(ع) است که در شکل مار عظیم ظاهر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۳ - ۱،۲

۱- فرعون برای مبارزه با موسی (ع) ، مردم را در اجتماعی گردآورد و با آنان در این زمینه سخن گفت .

فحشر فنادی

<حشر>، به معنای جمع کردن همراه با سوق دادن است (مصباح).

۲- فرعون ، در جمع کسانی که برای استماع سخن او گردآمده بودند ، با صدایی بلند سخن گفت .

فنادی

<ندا>، به معنای بلند کردن صدا و آشکار ساختن آن است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۴ - ۳،۴

۳- فرعون ، در حضور مردم و با صدای بلند ، خود را برترین تصمیم گیرنده درباره اداره زندگانی و تدبیر امور آنان معرفی کرد .

فنادى . فقال أنا ربكم الأعلى

فرعون براساس دیگر آیات قرآن هم خود را <اله> می خواند و

هم برای خود <الهی> غیر خدا مدعی بود. بنابراین برگزیدن تعبیر <ربّ اعلی> درباره خود، برای تصریح به این نکته است که در رشد و تربیت مردم نیز، تصمیم اصلی را او می گیرد.

۴- فرعون ، بر تمام امور زندگانی مردم مصر مسلط بود .

أنا ربکم الأعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۸

۸- سرنوشت فرعون ، نشانگر حاکمیت خداوند بر حوادث تاریخ

فأخذہ اللہ . . . إن فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت بودن فرجام فرعون برای آیندگان، مستلزم مقهور بودن همه امور در برابر اراده خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۷

۷- وجود اهرام مصر در عصر فرعون *

و فرعون ذی الأوتاد

گفته شده است: <اوتاد فرعون>، همان اهرام ثلاثه مصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۱

۱- فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و سرزمین ها ، به طغیان گری پرداخته ، در گناه فرورفتند .

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقایس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف <ال> در <البلاد>، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن <بلادهم> بوده و حرف <ال>، جانشین ضمیر <هم> است و مراد سرزمین

هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۲ - ۱

۱ - فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و مناطق خود ، به فساد و ناهنجاری ها دامن زده ، و آن را گسترش می دادند .

فأكثروا فيها الفساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند ، با فرود آوردن عذابی سخت بر فرعون و قوم عاد و ثمود ، شلاق عقوبت خویش را پیایی بر آنان نواخت .

فصبّ عليهم ربّك سوط عذاب

<صبّ> ، به معنای ریختن چیزی و <سوط> به معنای آمیختن چیزی با چیز دیگر است و به شلاق از آن جهت <سوط> گفته می شود که با پوست می آمیزد (مقایس اللغه). <ریختن شلاق عذاب> ، کنایه از عذاب پیایی و شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۷

۷ - نواختن شلاق عذاب بر عاد ، ثمود و فرعون ، نمونه ای از کمین گذاری خداوند برای مخالفان پیامبران است .

فصبّ عليهم ربّك .. إنّ ربّك لبالمرصاد

قصه قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۱ ، ۲۱ ، ۱۹ ، ۱۵ ، ۱۴ ، ۱۳ ، ۱۲ ، ۶ ، ۴ ، ۲

۲ هر یک از هابیل و قابیل هدیه ای را به رسم تقرب به پیشگاه خداوند تقدیم کردند .

اذ قربا قرباناً

<قربان> هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هاییل و قایل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنیء ادم بالحق

با توجه

به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هاییل و قایل ، ماجرای واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۱۲ تصمیم قطعی قایل بر کشتن برادرش هاییل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قایل بر قتل است.

۱۳ قایل ، برادرش هاییل را به قتل تهدید کرد .

قال لاقتلنک

۱۴ پذیرش قربانی هاییل و رد شدن قربانی قایل ، عامل انگیزش قایل به قتل برادرش هاییل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قایل و پذیرش قربانی برادرش هاییل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هاییل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هاییل، انگیزه ای برای تصمیم قایل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هاییل فحسده قایل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هاییل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قایل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما يتقبل الله من المتقين

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا، پاسخ هاییل به اعتراض قایل بر پذیرفته نشدن قربانی او

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول اللّٰه عزوجل: <واتل علیهم نبأ ابنیء آدم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱

۱ تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر، حتی در صورت اقدام قابیل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در <لئن> و نیز <باء> زایده در <ببساط>، دلالت بر تأکید دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۳

۳ قابیل در دیدگاه و سخن هابیل، در صورت اقدام به تهاجم، مسؤول تمامی پیامدهای سوء عملکرد هر کدام

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

مراد از <اثمی>، به قرینه <اثمک>، گناہانی است که بر اثر درگیری آن دو به وجود می آید. زیرا به شهادت مقام، مراد از گناه قابیل، همان برادرکشی و مقدمات آن است. بنابراین مقصود هابیل این است که من تهاجمی را علیه تو آغاز نمی کنم و هرگز قصد کشتن تو را نخواهم کرد تا در درگیری احتمالی، تو مهاجم باشی و آغازگر و در نتیجه اگر تو تلف شدی و یامن کشته شدم در هر صورت گناه به گردن تو افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۰،۱۳،۱۶،۱۹،۲۱ - ۳۰

۱ درگیری و کشمکش درونی قاییل با هوای نفس خویش در مورد قتل هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۲ وسوسه های نفسانی قاییل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قاییل ، وادار کننده وی به کشتن هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۴ قاییل ، فریفته وسوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۵ قاییل ، برادرش هاییل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۰ بی اعتنایی قاییل به هشدارها و اندرزهای برادرش هاییل

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۳ زیانکاری قاییل ، پیامد کشتن برادرش هاییل

فقتله فاصبح من الخسرین

۱۶ نفس قاییل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعیت> باشد، یعنی نفس قاییل در قتل برادرش هاییل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال،

قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته و سوسه های خویش شده باشد.

۱۹ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هاییل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاد(ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . . .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نورالثقلین،

۲۱ قابیل، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هاییل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قابیل افتخار کنند، برادرش را کشت.

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: .. ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قابیل قد تقبل قربان هاییل و لم يتقبل قربانک و انک ان ترکتہ یكون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یكون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ...

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۸، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هاییل به سوی قابیل گسیل داشت.

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن، قابیل را به کیفیت دفن جثه هاییل رهنمون ساخت.

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۳ قابیل، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هاییل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۴ قابیل، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هاییل

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قابیل هاییل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به.

مجمع البيان، ج ٣، ص ٢٨٦ نورالثقلين، ج ١، ص ٦١٠، ح

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قایل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در < لیریه > به < غراب > برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قایل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هاییل و گسیل کلاغی برای آموزش قایل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف < بعث > بر < قتله > به وسیله < فاء >، بیانگر برداشت فوق است.

۱۶ قایل ، برخوردار از امداد خداوند برای دفن جسد برادرش هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه

برداشت فوق بر این مبناست که روانه ساختن کلاغ و تعلیم قایل برای رفع سرگردانی وی صورت گرفته باشد.

۲۰ تأسف قایل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۱ قایل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هاییل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۲ پیکر بیجان هاییل ، ناخوشایند برای قایل

کیف یوری سوءه اخیه .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هاییل < سوءه > (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قایل ناخوشایند بوده است.

۲۳ پشیمانی قایل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هاییل

اعجزت ان اکون .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصبح .. > متفرع بر جمله <اعجزت > باشد. بنابراین پشیمانی قاییل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قاییل ، پشیمان از قتل برادرش هاییل *

فاصبح من الندمین

بنابر

اینکه <فاصیح .. > متفرع باشد بر <فقتله > که در آیه قبل آمده است.

۲۵ قابیل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب . ..

تفریح ندامت قابیل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت > این معنا را تأیید می کند.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاده (ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

قصه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۴

۴ - قارون ، اندوخته های بسیاری داشت .

و ءاتینه من الكنوز ما انّ مفاتحه لتنوّاً بالعصبه اُولى القوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۹، ۶، ۵، ۱

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه

قارون در دل زمین

فما كان له من فئه ينصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرو رفتن قارون> هنگام شب رخ داد؛ یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی در کام زمین فرو رفت. جمله <ما كان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

۶- تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه

۸- تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما كان من المنتصرين

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

۹- خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما كان له من فئه ينصرونه من دون الله و ما كان من المنتصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۶، ۱۲، ۶، ۴، ۳، ۱

۱- اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

۳- اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج على قومه في زينته .. فحسفنا به ... و أصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

آرزوکنندگان ثروت قارونی ، با مشاهده فرورفتن وی و خانه اش در زمین شگفت زده شدند .

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ

واژه <وَيُؤَيُّ> وقتی به کار می رود که شخص بخواهد شگفتی خود را از موضوعی بیان کند.

۶- فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است، یعنی، <الذين تمنّوا مكاناً مثل مكانه> آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. ..>.

۱۲- آگاهی دل باختگان دنیا به عاقبت شوم دنیاطلبی ، پس از مشاهده نگون بختی قارون

لولا أن منّ الله علينا لخشف بنا

۱۶- ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخشفنا به و بداره الأرض .. ويكأنّه لا يفلح الكفرون

قصه قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۲، ۳۰، ۲۷

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و يقتلون النبين بغير الحق

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت الله و يقتلون النبين

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

يكفرون بأيت الله

.. ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۱

۱ - شخصی از قوم موسی به قتل رسید و هر طایفه ، دیگری را متهم به کشتن او کرده بر سر آن به نزاع پرداختند .

و إذ قتلتم نفساً فادراءتم فیها

<ادراءتم> به معنای اختلاف و نزاع کردید، می باشد. این کلمه از باب تفاعل و در اصل <تدارءتم> بوده است. نزاع و اختلاف در مقتول (ادراءتم فیها) به معنای متهم کردن یکدیگر به قتل، و بر سر آن نزاع کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - داستان کشته شدن فردی از قوم موسی و احیای دوباره او ، معجزه و رخدادی سزاوار به خاطر سپردن و به یادداشتن

و إذ قتلتم نفساً .. فقلنا اضربوه ببعضها كذلك یحی اللہ الموتی

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۳

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم>

هؤلاء > (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابه‌های آیه نظیر خطابه‌های گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۳ - بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهِرون علیهم

>تظاهر< (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. >تظاهرون علیکم<؛ یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

قصه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۷

۷ - صورت گرفتن نوعی مبادله و تفاهم ، میان قوم ثمود و کشنده ناقه صالح ، قبل از اجرای توطئه *

فتعاطی فعقر

با توجه به این که واژه <فتعاطی> در ساختار باب تفاعل بیانگر نوعی داد و ستد متقابل است؛ احتمال می رود که قبل از کشتن ناقه میان قوم ثمود و کشنده ناقه، قرار دادی

خاص صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵ - ۱

۱ - قوم ثمود ، به وسیله صاعقه کوبنده و سرکش به هلاکت رسیدند .

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

<طاغیه> در اصل، به معنای سرکش و متجاوز از حد و مرز است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه برابر نظر مفسران صاعقه است. البته در آیه ۱۳ سوره <فصلت> بدان تصریح شده است.

قصه قوم شعیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلك القري نقص عليك من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلك القري>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قصه قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلك القري نقص عليك من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر

گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۱

۱ - سرگذشت قوم عاد ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی

خداوند، پس از بیان نابودی قوم عاد، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <ببیند چگونه عذاب ها و اندازهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۶ - ۱

۱ - قوم عاد ، به وسیله بادی سرکش ، بسیار سرد و توفنده به هلاکت رسیدند .

و أمّا عاد فأهلکوا بریح صرصر عاتیه

<صرصر>؛ یعنی، صدای شدید و یا [هوای] سرد شدید؛ به گونه ای که بسوزاند. <عُتُوُّ> (مصدر <عاتیه>) به معنای استکبار و تجاوز از حد است. (قاموس المحيط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۱،۴

۱ - خداوند ، بادی سرد و توفنده را هفت شب و هشت روز پی در پی ، بر قوم عاد مسلط کرد .

بریح صرصر عاتیه . سخرها علیهم سبع لیل و ثمنیه آیام حسوماً

<حسوم> به معنای شوم و یا تداوم در عمل است (قاموس المحيط). در این آیه هر دو معنا، می تواند مراد باشد؛ زیرا در سوره های دیگر (فصلت و قمر) به این دو معنا اشاره شده است.

۴ - اجساد بی جان قوم عاد بر اثر نزول عذاب ، متلاشی و نابود نگردید؛ بلکه به گونه ای که برای بینندگان قابل شناسایی باشد ، بر زمین به جای ماند .

فتری القوم فیها صرعی کأنهم أعجاز نخل خاویه

تشبیه بدن های قوم عاد به تنه های افتاده درختان خرما، استفاده می شود.

قصه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قصه قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۹

۹ قوم نوح ، مردمانی مشرک بودند .

ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قصه قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۱۰، ۷، ۶

۶ قوم یونس ، پیامبر خویش را در آغاز تکذیب کرده و از ایمان

آوردن به دعوت های او سرباز زدند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا كشفنا عنهم عذاب

۷ قوم یونس بر اثر تکذیب پیامبر خود و سرباز زدن از ایمان به دعوت های او ، در معرض عذاب استیصال قرار گرفتند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا كشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوه الدنیا

۱۰ خداوند ، توبه و ایمان قوم یونس را پذیرفت و عذاب استیصال را از آنان برداشت .

إلا قوم یونس لما ءامنوا كشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوه الدنیا

قصه گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۲۵

۲۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : > ان رجلا من خیار بنی اسرائیل و علمائهم خطب إمرأه منهم فانعمت له و خطبها ابن عمّ لذلك الرجل و كان فاسقاً ردياً فلم ينعموا له فحسد ابن عمّه الذی انعموا له فقعد له فقتله غيلة ثم حمله إلى موسى فقال يا نبي الله هذا ابن عمّي قد قتل قال موسى من قتله قال لا ادري . . . فعظم ذلك على موسى فاجتمع إليه بنو اسرائيل فقالوا ماترى يا نبي الله . . . قال لهم موسى > ان الله يأمرکم ان تذبحوا بقره < . . . ;

مردی از علما و برگزیدگان بنی اسرائیل از قوم خود زنی را خواستگاری کرد و او پذیرفت؛ و همان زن را پسر عموی آن عالم - که مردی فاسق و پست بود - خواستگاری کرد و آنان به او جواب رد دادند و این پسر عموی فاسق به آن عالم حسد

برد و در کمین او نشست و غافلگیرانه او را کشت و جنازه او را به سوی موسی (ع) برده و گفت: ای پیامبر خدا! این پسر عموی من است که او را کشته اند. موسی (ع) فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: نمی دانم... این واقعه بر موسی (ع) گران آمد و بنی اسرائیل در اطراف موسی (ع) جمع شدند و گفتند نظر و حکم شما ای پیامبر خدا چیست؟ ... موسی (ع) فرمود: خداوند به شما امر می کند که گاوی را ذبح کنید...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۹

۹ - از رسول خدا (ص) روایت شده که : > أنهم أمروا بأدنی بقره و لكنهم لما شدوا علی أنفسهم شدد الله عليهم و ايم الله لو لم يستثنوا ما بينت لهم ، إلى آخر الأبد ... ;

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند؛ لکن چون بر خویشتن سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان <إن شاء الله> نمی گفتند هرگز علامتهای گاوی که می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱۱ - امام صادق (ع) فرموده اند : > ... و كان في بني اسرائيل رجل له بقره و كان له ابن بازر و كان عند ابنه سلعه فجاء قوم يطلبون سلعته و كان مفتاح بيته تحت رأس أبيه و كان نائماً . .

. فلما انتبه أبوه قال له يا بني ما صنعت في سلعتك قال هي قائمه لم ابعها لان المفتاح كان تحت رأسك فكرهت ان أنبهك و انغص عليك نومك قال له ابوه قد جعلت هذه البقره عوضاً عما فاتك من ربح سلعتك و شكر الله لابنه ما فعل بابيه و امر بني اسرائيل أن يذبحوا تلك البقره . . . قال لهم موسى ان الله يأمركم أن تذبحوا بقره . . . هي بقره فلان فذهبوا ليشتروا فقال : لا يبيعها الا بملء جلدها ذهباً فرجعوا إلى موسى فأخبروه فقال لهم موسى لا بد لكم من ذبحها بعينها بملء جلدها ذهباً فذبحوها . . .

.. در بين بنی اسرائیل مردی بود که گاوی داشت و این مرد را پسر نیکوکاری بود و نزد این پسر کالایی بود که عده ای برای خرید آن آمدند و کلید خانه اش زیر سر پدرش بود و او نیز در خواب بود ... پدر چون از خواب بیدار شد پرسید که با کالای خود چه کردی؟ پسر گفت: کالا در جای خود باقی است و آن را نفروختم؛ چون کلید زیر سر شما بود و دوست نداشتم که شما را بیدار کرده و خواب را برایتان ناگوار نمایم. پدر به او گفت: این گاو را در مقابل سودی که از دست دادی به تو بخشیدم. و خدا خوش رفتاری این پسر را با پدر خویش پاس داشت و به بنی اسرائیل دستور داد آن گاو را ذبح کنند ... موسی به آنان گفت: خداوند به شما دستور داده که گاوی را بکشید ...

این همان گاو شخص نیکوکار بود. پس برای خرید آن رفتند و آن شخص گفت: گاو خود را نمی فروشم مگر اینکه پوست آن را پر از طلا نمایم. پس بنی اسرائیل به سوی موسی (ع) آمدند و آن حضرت به آنان گفت: باید همین گاو را بکشید و لو اینکه پوست آن را پر از طلا نمایم و بنی اسرائیل ناچار به ذبح آن گاو شدند...>

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: >... ان الذین أمروا قوم موسی بعباده العجل ، كانوا خمسه أنفس ، و كانوا أهل بیت يأکلون علی خوان واحد... و هم الذین ذبحوا البقره التي أمر الله عز و جل بذبحها ؛

.. کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند... و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود ذبح کنند.>

۱۳ یونس بن یعقوب می گوید: > قلت لابی عبدالله (ع) : ان أهل مکة یذبحون البقره فی اللبب فما تری فی أکل لحومها؟ قال : فسکت هنیهه ثم قال : قال الله : > فذبحوها و ما کادوا یفعلون لا تأکل الا ما ذبحوها من مذبحه ؛

به امام صادق (ع) عرض کردم: اهل مکه گاو را (مثل شتر) می کشند (نحر می کنند) پس گوشت آن چه حکمی دارد؟ امام لحظه ای ساکت شد، سپس فرمود: خداوند فرموده: آن گاو را ذبح نمودند

و نزدیک بود آن مأموریت را انجام ندهند. بنابراین هیچ گوشتی را نخور مگر اینکه از راه (شرعی) خودش ذبح شده باشد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ - بزنتی از امام رضا (ع) روایت نموده که : > ان رجلا من بنی اسرائیل قتل قرابه له . . . فقالوا لموسی (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله ؟ قال ایتونی ببقره . . . فاشتروها و جاؤا بها فأمر بذبحها ثم أمر ان يضرب المیت بذنبها فلما فعلوا ذلک حیى المقتول و قال یا رسول الله ابن عمی قتلنی دون من یدعی علیه قتلی فعلموا بذلک قاتله . . . ;

شخصی از بنی اسرائیل یکی از نزدیکان خود را کشت . . . بنی اسرائیل به موسی گفتند: فلان قبیله، فلانی را کشته است و تو قاتل را معرفی کن. موسی (ع) فرمود: گاوی را نزد من آورید . . . آنان گاو را خریده و نزد موسی (ع) بردند و موسی امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون این کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت ای پیامبر خدا! پسر عمویم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با این عمل قاتل را شناسایی نمودند . . .<

قصه لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷، ۱۹

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت

رسول الله (ص) يقول: حَقًّا أقول: لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه و مَنْ عليه بالحكمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمه ;

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام <... در این جا به او حکمت داده شد <.

۱۹ - > عن رسول الله (ص) (أنه قال :) كان (لقمان) حبشياً ;

از رسول خدا روایت شده که گفت: لقمان، اهل حبشه بود <. حبشه، همان اتیوپی فعلی است.

قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۶۸، ۲، ۱

۱ لوط

، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطاً إذ قال لقومه

کلمه <لوط> می تواند عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ باشد؛ یعنی <و أرسلنا لوطاً>. و نیز می تواند مفعول به برای فعل مقدر <اذکر> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

۲ سرگذشت لوط پیامبر در مبارزه علیه فحشا و فرجام شوم قوم زشتکار او، سرگذشتی پندآموز و شایسته یادآوری

و لوطاً إذ قال

چنانچه <لوطاً> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> باشد، کلمه <إذ> بدل اشمال برای لوطاً است و اگر لوطاً مفعول برای <أرسلنا> گرفته شود، <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> خواهد بود، که بر این مبنا تقدیر جمله چنین است: أرسلنا لوطاً اذکر إذ قال ... بنا بر هر دو احتمال، لزوم یادآوری داستان لوط و قومش به دست می آید. گفتنی است هدف از یادآوری سرگذشت پیشینیان، عبرت آموزی و پندگیری است.

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد.

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ...> انکار توییخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط، آنان را توییح کرد.

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه .. قالوا أخرجهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی

مرتبط شده است؛ زیرا جمله <إلا أن قالوا... > در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است؛ و از سوی دیگر این پیشنهاد با جمله <انهم... > تعلیل شده است. بنابراین تصمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد.

أخرجوهم من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردارهای ناپسند، دارای همگامان و یارانی متعدد بود.

و ما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجوهم... > و نیز آوردن کلمه <اناس>، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

۵ یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند.

قالوا أخرجوهم من قريبتكم

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

۶ لوط، پیامبری مهاجر به دیار سدوم، نه اهل آن سامان *

أخرجوهم من قريبتكم

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از

وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خواند. ولی در مورد بعثت لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتساب <قریه> به مخالفان لوط با اضافه آن به <کم> می تواند بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است و آن دیار بنا بر گفته مفسران بخشی از سرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۴، ۵، ۳، ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <كانت من الغبرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا اياه من بینهم.

۳ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

۵ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته كانت من الغبرین

<غابر> به معنای باقی مانده است. بنابراین <كانت من الغبرین> بیانگر این است که همسر لوط به جهت باقی ماندن

در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۹، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرشتگان پس از گفتگو با ابراهیم (ع)، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند.

و لما جاءت رسلنا لوطاً

۲ فرشتگان، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم

۳ لوط (ع)، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم .. و قال هذا یوم عصیب

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان، عرصه را بر خویشان تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت.

و لما جاءت رسلنا لوطاً سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمیزی مبدل از فاعل می باشد. بنابراین <ضاق بهم ذرعاً>، یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مثل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سیء> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

۶ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد.

و قال هذا یوم عصیب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن

از عَضْب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را <یوم عَصِيب> می گویند که شَرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

۹ > عن أبي عبدالله (ع) قال : إن الله تعالى بعث اربعة أملاء-كك في إهلاء-كك قوم لوط ... فأتوا لوطاً وهو في زراعه له قرب المدينه ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: خداوند متعال چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . . پس نزد لوط رفتند در حالی که او در کشتزار خود در نزدیکی شهر بود ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۵، ۲۳، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۷

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

يقوم هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداري آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال يقوم .. فاتقوا الله ولا تخزون في ضيفي أليس منكم رجل رشيد

۱۳ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا يوم عَصِيب .. قال يقوم هؤلاء بناتي

لوط با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی

کرد.

۱۴ لوط (ع)، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

۲۳ > عن أبي عبد الله (ع) قال : إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط ... فأتوا لوطاً ... فسلموا عليه ... فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم ... ثم مشى فلما بلغ باب المدینه ... دخل و دخلوا معه حتى دخل منزله فلما رأتهم إمرأته ... صعدت فوق السطح و صفقت فلم يسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلى الباب يهرعون ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد ... آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند؛ سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد؛ همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...<

۲۵ > عن أبي عبد الله (ع) في قول لوط < هؤلاء بناتي هن أطهر لكم > قال : عرض عليهم التزويج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد.<

جلد - نام سوره - سوره -

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أظهر لكم .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ حضرت لوط (ع) ، خویشان را در مقابله با مهاجمان تبه کار ، ناتوان و بی یاور دید .

قال لو أن لی بکم قوّه أو ءاوی إلی رکن شدید

۲ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو .. أو ءاوی إلی رکن شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ مهمانان لوط ، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم

قَوْه . . . قالوا يلو ط إنا رسل ربك

۲ فرشتگان میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا يلو ط إنا رسل ربك

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربك) معرفی کردند ، استفاده می شود.

۳ فرشتگان ، فرا رسیدن زمان عذاب و کیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ کردند .

إنا رسل ربك لن يصلوا إليك فأسر . . أليس الصبح بقريب

۷ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن يصلوا إليك

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند:
>لن يصلوا إلینا؛ آنان از دسترسی به ما ناتوانند.<. این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا يلو ط إنا رسل ربك لن يصلوا إليك

۱۰ فرشتگان ، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند .

إنا رسل ربك لن يصلوا إليك فأسر بأهلك

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

>اسراء< (مصدر)

آسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلك> برای تعدیه می باشد و <ال> در <اللیل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من اليل ... إلا امرأتك

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من اليل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر...) در شب نزول عذاب نبوده باشد؛ بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لا يلتفت منكم أحد

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلك بقطع من اليل .. إلا امرأتك

برداشت فوق، بر این اساس است که <امرأتك> استثنا از <أهلك> باشد.

۱۷ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط باز گشت .

و لا يلتفت منكم

أحد إلا امرأتك

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <إلا-امراتك> استثنا از جمله <لا-يلتفت ..> باشد. بر این مبنا جمله <لا-يلتفت...> اینه مصیبا ما أصابهم <چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

۱۸ همسر لوط ، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود ، گرفتار می شد .

اینه مصیبا ما أصابهم

ضمیر در <اینه> به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك .. إلا امرأتك اینه مصیبا ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <اینه مصیبا ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و تبئهم عن ضیف إبرهیم .. فما خطبکم أیها المرسلون ... فلما جاء ءال لوط المرس

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب

قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أیها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم (ع) بر لوط (ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۱،۲

۱- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قیافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

<قوم> از نظر ریشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضمائر <إنکم> و <منکرون> به صورت جمع مذکر، مؤید برداشت فوق است.

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود گردید .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنایه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آیه بعد آمده است مؤید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۱،۲،۳

۱- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استیصال) و فرا رسیدن موعد آن بر قوم لوط ، توسط فرشتگان به حضرت لوط (ع) ابلاغ گردید .

قالوا بل جننک بما کانوا فیه یمترو

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جننک بما کانوا

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا

بل جئنک بما کانوا فیه یمتروں

مقصود از <ما> در جمله <بما کانوا فیه یمتروں> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذاب انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۱

۱- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مقصود از <بالحق> خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۱، ۱۰، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- فرشتگان، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب، جهت نجات از عذاب الهی شدند.

فأسر بأهلک بقطع من الیل

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی، مأمور گردید.

فأسر بأهلک .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبرهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند.

فأسر بأهلک .. و اتّبع أدبرهم

۴- خداوند

حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود بر حذر داشت .

فأسر بأهلك ... و لا يلفت منكم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلك بقطع من الیل ... و امضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط (ع) بر حرکت خاندانش (و اتبع أذبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من الیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك ... و امضوا حیث تؤمرون

۱۰- > قال أبو جعفر (ع) : ... > فلما جاء آل لوط المرسلون > ... قالوا ... > فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضی لك من یومك هذا سبعة أيام و لیالیها > بقطع من الیل > إذا مضی نصف الیل > ... و امضوا > من تلک الیل > حیث تؤمرون > ; ...

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند ... گفتند: ... ای لوط! پس از گذشت هفت

شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون بیر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) : ... إن الله تعالى لَمَّا أَرَادَ عَذَابَهُمْ (قوم لوط) ... بَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً ... وَقَالُوا لِلَّوْطِ : أَسْرَ بِأَهْلِكَ مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ اللَّيْلَةَ ... فَلَمَّا انْتَصَفَ اللَّيْلَ سَارَ لُوطٌ لُوطًا بِنَاتِهِ ...

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده ... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۷ - ۱

۱- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدينة يستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۸ - ۹، ۵، ۱

۱- حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان را از هر گونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدينة يستبشرون. قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون

۵- برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود .

قال إن هؤلاء ضيفي فلاتفضحون

۹- ناشناخته بودن فرشتگان برای

حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرض قومش به آنان

و جاء أهل المدينة يستبشرون . قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون

از اینکه حضرت لوط (ع) با مشاهده قصد تعرض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۱،۳

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

و اتقوا الله

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، برحذر داشت .

ولا تخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۷،۸،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۲- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضيفي فلا تفضحون .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۳- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه و حمایت از آن ، منع کرده و برحذر داشتند .

قال إن هؤلاء ضيفي .. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک

آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون ... و لاتخزون. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

۵- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام ، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أو لم ننهك عن العلمين

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهرها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهك عن العلمين

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

۷- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو لم ننهك عن العلمين

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

۸- > قال أبو جعفر (ع) : ... و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم

لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين لاتقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك .
; ..

امام باقر(ع) فرمود:.. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۹، ۳، ۱

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتی إن كنتم فعلين

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتی إن كنتم فعلين

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتی> زنان قوم باشند، چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۹- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتی إن كنتم فعلين

جمله >إن

کنتم فاعلین > به منزله جمله <إِن فعلتم ما أقول لكم و ما أظنکم تفعلون> است؛ یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع)، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیداً... و نَجَّينَهُ و لوطًا إلى الأرض التي برکنا فيها

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع)، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلى الأرض التي برکنا فيها

۳- حضرت لوط (ع)، هم چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نَجَّينَهُ و لوطًا إلى الأرض التي برکنا فيها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بیانگر برداشت بالا است؛ زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۵،۶،۹

۵- خداوند، حضرت لوط (ع) را از شر قوم پلید، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نَجَّينَهُ من القرية التي كانت تعمل الخبث

۶- اذیت و آزار شدید روحی لوط (ع)، از اعمال ناپسند جامعه خویش

و لوطًا... و نَجَّينَهُ من القرية التي كانت تعمل الخبث

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) نجات در موردی به کار می رود که سابقه گرفتاری باشد.

ب) وصف <تعمل الخبائث> برای قریه، نشان دهنده آن است که کردار آنان، ناخوشایند لوط بود و موجب اذیت و آزار وی می گشت.

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نَجِيْنَه مِنْ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيْثَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تکذیب رسالت لوط (ع) از سوی قومش

كَذَّبَتْ قَوْمَ لُوطِ الْمُرْسَلِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۶

۶- قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

استفهام در جمله <أَلَا تَتَّقُونَ> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲،۵

۲- دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط (ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵- تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۱۰۴

- دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ... فَاتَّقُوا اللَّهَ

۴- لوط (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۱

۱ - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش، در قبال رسالت خویش

و مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ... إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۲

۲ - قوم لوط، مورد اعتراض و توبیخ او، به خاطر انحراف جنسی

أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

استفهام در <أَتَأْتُونَ الذَّكَرَانَ> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۱

۱ - قوم لوط، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

<وَذُرُّوا> (مصدر <تذرون>) به معنای ترک کردن و وا گذاشتن است. <من أزواجکم> بیانگر مراد از <ما> در <ما خلق لکم> <زوج> (مفرد <أزواج>) به معنای جفت و همسر است. <عدوان> (مصدر <عادون>) نیز مرادف تعدی و تجاوز است، یعنی، <و آنچه را پروردگارتان برای شما آفریده است (همسرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شما گروهی تجاوزپیشه

ايد.<

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ۱۳

۱ - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود ، به اخراج و تبعید در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ... من المخرجین

ضمیر فاعل در <قالوا> به قوم لوط باز می گردد <إنتهاء> (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

۴ - تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع) ، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکونن من المخرجین

۵ - لوط (ع) ، فاقد پایگاه قوی ، در برابر منحرفان و دشمنان نیرومند خود

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکونن من المخرجین

از تهدید حضرت لوط (ع) به وسیله قوم خود، نیرومندی آنان در مقایسه با او استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۱،۲،۳

۱ - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إني لعملمکم من القالین

<قلا> (مصدر <قالین>) به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط (ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش علی رغم تهدید اکید آنان به اخراج و تبعید وی به دست می آید.

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إني لعملمکم من القالین

۳ - لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إني لعملمکم من القالین

برداشت یاد شده با توجه به

این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۱،۲،۵،۷

۱ - ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (

عذاب)

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما يعملون) یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش را از عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجاب دعا لوط (ع) مبنی بر نجات خود

و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

رَبِّ نَجْنِي و أهلي مِمَّا يَعْمَلُونَ . فَنَجِّنِيه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۲،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فَنَجِّنِيه و أهله أَجْمَعِينَ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرين>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فَنَجِّنِيه و أهله أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از واژه <الغابرين> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۳،۴

۳ - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَحْشَاءَ

استفهام در <أتأتون الفحشه> برای توبیخ و سرزنش است.

۴ - مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَحْشَاءَ

مقدم آمدن <أتأتون الفحشه> و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - تأثیرناپذیری قوم لوط ،

در برابر هشدارها و هدایت‌گری‌های او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش، تنها پاسخ آنان به هشدارهای خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

۳ - خاندان لوط، هم عقیده با وی، پاکدامن و مخالف انحراف‌های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

۴ - ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع)، جز افراد خانواده وی

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می‌دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

۶ - گرایش به پاکی و ارزش‌ها، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱،۴،۷

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجیناه و أهله إلا امرأته

۴ - همسر لوط، مخالف اندیشه‌های وی و هم عقیده با قوم منحرف

فأنجیناه و أهله إلا امرأته

۷ - فرو گذاشتن همسر لوط در میان قوم محکوم به عذاب، براساس تقدیر الهی و برنامه از پیش تعیین شده

قَدْرَنَهَا مِنَ الْغَبْرِينَ

<غَبور> (مصدر <غَابَرِينَ>) به معنای باقی ماندن است؛

یعنی، ما مقدر کردیم که همسر لوط از جمله باقی ماندگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۲

۲ - حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

فَأَمِنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی <قال> به قرینه <فَأَمِنَ لَهُ لُوطٌ> حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹ - در دوران لوط (ع) ، مناطق وسیعی از کره زمین ، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَاءَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

۱۰ - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَحْشَاءَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۰ - ۱،۴،۵

۱ - لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه بر آنها ، استمداد طلبید .

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمَفْسُودِينَ

۴ - لوط (ع) ، برای بازداشتن قوم اش از کردار زشت ، با آنان به مبارزه برخاست .

أَتُنْكُم لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ... رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمَفْسُودِينَ

طلب نصرت از خدا بر ضد قوم مفسد، برای بیان

این است که لوط (ع) با آنان به مبارزه برخاست و در مبارزه اش، نیاز به امداد الهی داشت.

۵- لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود، تنها بود.

قال رب انصرني على القوم المفسدين

ضمیر مفعولی <نی> در دعای لوط (ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱،۳

۱- فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع)، ابتدا، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند.

قال رب انصرني .. و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هذه

۳- دعای لوط (ع) برای یاری اش، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند، برای در هم کوبیدن قوم لوط، گسیل شدند.

قال رب انصرني .. و لما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل هذه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱- حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط، با وجود لوط (ع) در میان آنان، نگران بود.

و لما جاءت رسلنا .. قالوا انا مهلكوا اهل هذه القرية... قال ان فيها لوطاً

۲- حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت و گو پرداخت.

قالوا انا مهلكوا اهل هذه القرية .. قال ان فيها

لوطاً قالوا نحن أعلم بمن فيه

۵ - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجينّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند .

و لَمَّا جَاءت رسلنا إِبْرَاهِيمَ . . . و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً

۲ - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی ، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سِئِءَ بِهِمْ و ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعاً

<سِئِءَ> متعدی به بای سببی است. <سِئِءَ بِهِمْ> یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. <ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعاً> به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

۳ - فرشتگان عذاب قوم لوط ، به صورت انسان ، بر لوط (ع) وارد شدند .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سِئِءَ بِهِمْ

احتمال دارد دلیل <سِئِءَ بِهِمْ و ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعاً> این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط (ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط (ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

۵ - حضرت لوط (ع) ، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

و لَمَّا أَن جَاءت رسلنا لوطاً سِئِءَ

بهم و ضاق بهم ذرعًا

۶- حضرت لوط (ع)، در دفاع از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها، ناتوان بود.

و لما أن جاءت رسلنا لوطًا سيء بهم و ضاق بهم ذرعًا

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

۹- فرشتگان، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او، دلداری دادند.

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۰- لوط (ع)، با ورود ملائکه به محضرش، نگران شد و ترسید.

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۱- حضرت لوط (ع) نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود.

و لما أن جاءت رسلنا لوطًا سيء بهم .. و قالوا لاتخف و لاتحزن إنا منجوك

دلداری ملائکه به لوط(ع) و اطمینان بخشی به وی برای نجات حتمی از عذاب، می تواند قرینه باشد بر این که نگرانی لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

۱۲- فرشتگان مأمور به عذاب قوم لوط، مأموریت شان را به اطلاع لوط (ع) رساندند.

قالوا .. إنا منجوك وأهلك إلا امرأتك

۱۳- پس از حضور فرشتگان مأمور عذاب، حضرت لوط (ع) و فرشتگان، به گفتوگو پرداختند.

و لما أن جاءت رسلنا لوطًا .. و قالوا لاتخف

۱۴- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش، به جز همسرش را، از عذاب نجات خواهند داد.

إنا منجوك و أهلك

إِلَّا أَمْرًا تَكُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند.

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۱،۲،۷

۱ - همسر حضرت لوط، از هلاک شدگان عذاب الهی قوم لوط بود.

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

<غابری> (مفرد <غابریین>) به معنای باقی و مانده است و مقصود از آن، کسانی اند که از شهر بیرون نیامده و به عذاب الهی قوم لوط گرفتار شدند.

۲ - همسر لوط به هنگام نزول عذاب، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت.

إِلَّا عَجُوزًا

<عجوز> به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

۷ - نجات لوط (ع) و مؤمنان، از عذاب الهی، با خروج از شهر انجام پذیرفت.

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

از آمدن تعبیر <غابریین> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۶ - ۳

۳ - مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع)، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - قمر - ٥٤ - ٣٤ - ٣٤،٤،٦

٣ - هلاكت تمامى قوم لوط با عذاب الهى ؛ به جز

شخص لوط (ع) و خاندان او

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ

۴ - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِّينَهُمْ بِسِحْرِ

۶ - خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نَجِّينَهُمْ بِسِحْرِ

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نَجِّينَهُمْ .. نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۱،۴،۵،۷،۸،۹

۱ - جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، برای در اختیار گرفتن و آلوده ساختن میهمانان پیامبر خویش

و لَقَدْ رَوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ

۴ - لوط پیامبر (ع) ، تنها و بدون پشتیبان در میان قوم فسادگر خویش

و لَقَدْ رَوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ

از این که مخالفان لوط (ع) جرأت مراجعه به آن حضرت برای امری ناشایست را پیدا کردند و کسی هم جز خداوند از ایشان حمایت نکرد، مطلب بالا استفاده می شود.

۵- تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

۷- مردان مصمم به تجاوز نسبت به

میهمانان لوط ، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد روده عن ضیفه فطمسنا أعینهم

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای محو کردن و از بین بردن است. بنابراین <طمسنا أعینهم>؛ یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

۸ - کور شدن چشم های متجاوزان قوم لوط ، پیش در آمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه <ذوقوا>، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

۹ - > عن أبی یزید الحمار عن أبی عبداللّه . . . فلما دخلوا (أی دخلوا قوم لوط) أهوی جبرئیل یأصبغه نحوهم فذهب أعینهم و هو قوله > فطمسنا أعینهم . . . <؛

ابی یزید حمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:.. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...<.

قصه لوط(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

<ذَلِكَ> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

قصه مأجوج

جلد - نام سوره - سوره

۶- میانه دو کوه مرتفع و سد آسا، تنها راه نفوذ و حمله یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) علیه همسایگان خود بود.

فهل نجعل لك خرجاً علی أن تجعل بیننا و بینهم سداً

۱۲- > عن أمير المؤمنين (ع) : إن ذالقرنین ... وجد ... قوماً لا يكادون يفقهون قولاً قالوا : يا ذالقرنین ! إن ياجوج و ماجوج خلف هذين الجبلين و هم يفسدون فی الأرض إذا كان إبان زروعنا و ثمارنا خرجوا علينا من هذين السدین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتى لا یبقون من ها شيئاً > فهل نجعل لك خرجاً < تؤديه إليك فی كل عام > علی أن تجعل بیننا و بینهم سداً < ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده: .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یاجوج و ماجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما اسطعوا أن يظهروه و ما استطعوا له نقباً

<ظهور> به معنای <علو> و بالا رفتن است <فما اسطعوا أن يظهروه> یعنی: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند.> .
<نقب> به معنای <سوراخ و تونل> است و <ما استطعوا له نقباً> یعنی: <نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یاجوج و ماجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْتَ بِأُجُوجٍ وَ مَاجُوجٍ وَ هُم مِّنْ كُلِّ حَدْبٍ يَنسُلُونَ

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون>؛ یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

قصه مائده آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در الهام به حواریون پس از قصه مائده ، آنان را به ایمان به خود و رسولش مسیح فراخواند .

وَ إِذْ أَوْحَيْتَ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي

ظاهراً <اذ قال ..> در آیه بعد که بیانگر داستان نزول مائده آسمانی است ظرف برای <اوحیت> می باشد بنابراین مفاد آیه چنین می شود: الهام خداوند به حواریون پس از

جریان مائده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۵

۵ حواریون عیسی پیش از داستان مائده نیز از زمره مدعیان ایمان به رسالت عیسی (ع) بودند .

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

چنانچه <اتقوا الله> فرمان به پرهیز از درخواست معجزه ویژه باشد، مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> ایمان به رسالت عیسی(ع) خواهد بود.

قصه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۵

۵ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله > بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منشّره < و ذلك أنّهم قالوا : يا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بني اسرائيل كان يذنب الذنب فيصبح و ذنبه مكتوب عند رأسه و كفّارته ، فنزل جبرئيل على النبيّ (ص) و قال : يسألك قومك سنّه بني اسرائيل في الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلك بهم و أخذناهم بما كنّا نأخذ به بني اسرائيل ... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منشّره> روایت شده که آنان [به رسول خدا] گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره

آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم؛ به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...>.

قصه مرد انصاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۵

۵ - > قال البزنطی : ... و سمعت الرضا (ع) يقول في تفسير < و الّيل إذا يغشى > قال : إنّ رجلاً من الأنصار كان لرجل في حائطه نخله و كان يُصَيِّرُ به فشكا ذلك إلى رسول الله (ص) فدعاه فقال : اعطني نخلتك بنخله في الجنّة فأبى فبلغ ذلك رجلاً من الأنصار يكتي أبا الدحداح فجاء إلى صاحب النخله فقال : بعني نخلتك بحائطي فباعه فجاء إلى رسول الله (ص) فقال : يا رسول الله قد اشتريت نخله فلان بحائطي ، قال : فقال رسول الله (ص) فلك بدل ها نخله في الجنّة فأنزل الله تبارك و تعالى على نبيه (ص) < .. فأما من أعطى > يعني النخله < و اتقى و صدق بالحسنى > بوعد رسول الله (ص) ... ;

بزنطی گفت: از امام رضا(ع) شنیدم که در تفسیر < و الّيل إذا يغشى > سخن می گفت و فرمود: در باغ مردی از انصار درخت خرمایی متعلق به شخص دیگری بود و آن شخص [به هنگام استفاده از درخت] به مرد انصاری زیان می رساند. مرد انصاری از این عمل به رسول خدا(ص) شکایت کرد؛ رسول خدا(ص) صاحب درخت را فراخواند و به او فرمود: درخت خرمایت را در ازای یک اصله درخت خرما در بهشت،

به من واگذارکن و آن مرد امتناع کرد. پس این خبر به مردی از انصار رسید که کنیه او <ابودحداح> بود. وی نزد صاحب آن درخت رفت و گفت: آن درخت خرمایت را در ازای باغ من به من بفروش، او هم فروخت. آن گاه ابودحداح نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: درخت خرماى فلانى را در عوض باغ خود خریدم، رسول خدا(ص) به او فرمود: تو به جای آن درخت، درختی را در بهشت مالک هستی. پس خدای تبارک و تعالی بر پیامبرش [این آیه را] نازل فرمود: <فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ مَقْصُودَ [بخشیدن] درخت خرما است <وَأَتَّقَىٰ وَصَدَّقَ بِالْحَسَنَىٰ> مقصود [تصدیق] [وعدده رسول خدا است].

قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ زکریا، عهده دار سرپرستی مریم (س)، از جانب خدا

و کفلهای زکریا

<كفّل>، دو مفعولی است، بنابراین معنای <كفلهای زکریا>، چنین می شود: جعل الله زکریا کفیلاً لمریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱

۱ حقایقی از سرگذشت مریم و زکریا، برای اولین بار به پیامبر اکرم (ص) گفته شد.

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ

بیان حقایق مذکور اگر در دیگر کتب آسمانی آمده باشد، ظاهراً اطلاق غیب بر آن نمی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۷، ۳، ۱

۱ سرگذشت حضرت زکریا، مریم، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت

، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلك تتلوه عليك من الايات و الذکر الحكيم

<ذلك>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم، زکریا، یحیی و عیسی (ع)، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلك تتلوه عليك من الايات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی، زکریا، مریم و یحیی، سراسر حکمت و مایه تذکر است.

ذلك تتلوه عليك من الايات و الذکر الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱

۱ سرگذشت زکریا، عیسی، مریم، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن، حق و از جانب پروردگار است.

الحق من ربك

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲

۲ علم و آگاهی پیامبر (ص) به حقیقت داستان عیسی (ع) و مریم (س) پس از بیان سرگذشت آنان از طریق وحی

فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۱۰

۱۰ اتهام ارتباط نامشروع مریم (ع) با مردی نجار به نام یوسف ، و باردار شدن وی

به عیسی (ع) ، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتاً عظیماً

امام صادق(ع): .. الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ...

امالی صدوق، ص ۹۲، ح ۳، مجلس ۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۳،۵،۸

۳- مریم از خانواده خویش کناره گیری کرد و در شرق مسجدالاقصی مستقر شد .

واذکر .. مریم إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

<انتبذ> از ریشه <نبذ> و به معنای دوری جستن است. <مکاناً شرقیاً>؛ یعنی جایگاهی رو به شرق و چون حضرت مریم(س) وقف بر معبد(مسجدالاقصی) شده بود، مقصود مکانی در شرق مسجدالاقصی است.

۵- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع) ، در نزدیکی مسجدالاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

به قرینه <مکاناً قصیاً> در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم(س) برگزید، مکان شرقی مسجدالاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

۸- پیدایش عارضه ای ناخوشایند در مریم (س) ، وادارسازنده وی به انزوا و دورساختن خویش از مردم *

إذ انتبذت من أهلها

<نبذ>؛ یعنی دورافکندن چیزی بر اثر بی اعتنایی به آن و <انتبذ>، یعنی گوشه گیری کردن کسی که ارزش حضور خود نزد مردم را اندک و ناچیز می بیند (مفردات راغب). برخی از احتمالاتی که در توجیه کناره گیری مریم ذکر شده است نظیر

گذران ایام قاعدگی و مانند آن با این معنا سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۴، ۹، ۸، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- حضرت مریم (س) در ناحیه شرقی مسجدالاقصی، مکانی دور از انظار برای خود برگزید و خود را از مردم پنهان ساخت

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا

<حجاب> به معنای ساتر و چیزی است که حائل می شود. مراد از <اتَّخَذَتْ... حِجَابًا> افکندن پرده و یا رفتن در مکانی است که دارای پوشش طبیعی، مانند دیوار یا کوه و مانند آن باشد.

۲- مکانی که مریم با رفتن به آن از دید مردم مخفی شد، به منطقه مسکونی مردم نزدیک بود.

من دونهم

کلمه <دون> گاه برای تقریب و گاه برای تحقیر به کار می رود (العین).

۳- در پی استقرار مریم (س) در ناحیه شرقی و در مکانی مستور خداوند فرشته ای ارجمند را به سوی او فرستاد.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

مراد از <روحنا>، به دلیل صفاتی که در ادامه آیات برای او ذکر شده است، یکی از فرشتگان است که عظمت و ارجمندی او در پیشگاه پروردگار، مایه انتساب او به خداوند شده است. با توجه به آیاتی که جبرئیل را <روح الأمين> و <روح القدس> خوانده می توان گفت: این فرشته، همان جبرئیل بوده است.

۴- باردارشدن مریم (س) به فرزندش عیسی (ع)، وابسته به حضور او در مکانی خلوت و به دور از انظار مردم بود.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

<فاء> در <فأرسلنا> برای تفریع است و نشان می هد که کارهای قبلی مریم

زمینه آمادگی او برای مقام مادری عیسی(ع) و پذیرش فرشته الهی شده است.

۸- مأمور ویژه الهی ، به صورت مردی معتدل و دارای همه خصوصیات جسمی یک انسان ، برای مریم (س) نمودار شد .

فتمثل لها بشراً سوياً

<تمثیل>، یعنی صورت پذیری و به شکل چیزی نمودار شدن. <بشراً> حال است برای فاعل <تَمَثَّلَ> و مراد از آن به قرینه آیه بعد، مرد است. <سوئاً> به معنای معتدل است و <بشراً سوئاً>، یعنی انسانی معتدل که در خصوصیات جسمی خارج از حد افراط و تفریط باشد.

۹- چهره جلوه یافته فرشته الهی برای مریم (س) ، چهره ای ناآشنا و بی شباهت به هم شهریان و خویشاوندان او بود .

بشراً سوئاً

<بشراً> اسم نکره است و بر ناشناخته بودن شخص دلالت دارد.

۱۴- <قال الباقر (ع) : إنيها (مریم) بشرت بعیسی فیینا هی فی المحراب إذ تمثّل لها الروح الأمين بشراً سوئاً ;

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۱،۲

۱- برانگیختن روحیه تقوا و خداترسی در مرد ناشناس ، واکنش اعتراض آمیز مریم (س) ، هنگام مشاهده او در خلوت گاه خویش بود .

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

جمله <إن كنت تقياً> دعوت به تقوا در قالب جمله شرطیه است، مفاد آیه این است که اگر متقی هستی که باید باشی از من

دور

شو و خود را گرفتار خشم خداوند مساز، که من خود را در پناه او قرار داده و دفع خطر تو را از او می خواهم.

۲- مریم (س) با وحشت از حضور مرد ناشناس نزد وی، به خداوند پناه برد و او را از خشم خداوند برحذر داشت.

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

مریم(س) به جای <اللهم إني أعوذ بك> مرد ناشناس را مخاطب ساخت تا ترس از خشم خداوند را در دل او ایجاد کند. <تقوی> یعنی قرار دادن خویش در وقایه (مانع) از هر چیز ترسناک (مفردات راغب) و <تقیاً> یعنی پرهیزکننده از خطر. به قرینه کلام مریم(س) که مخاطب خود را از خداوند ترساند، مراد خطر خشم خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۱،۴،۷

۱- مأمور ویژه الهی در پاسخ به نگرانی مریم (س) خود را به او شناساند و فرستاده خدا بودن خود را به او ابلاغ کرد.

قالت إني أعوذ .. قال إنما أنا رسول ربك

۴- عیسی (ع)، موهبتی ویژه از جانب خداوند به مریم (س) بود.

إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلماً زكياً

با وجود آن که القای روح عیسی(ع) به مریم(س) با وسائط دیگر هم امکان پذیر بوده است، ولی فرستادن جبرئیل و بشارت به مریم و برشمردن ویژگی های آن موهبت، جملگی بر ویژه بودن آن موهبت دلالت دارد.

۷- < عن الباقر (ع) [فی قصه مریم]: ... تمثل لها الروح الأمين ... >

قال إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلاماً زكياً > فتفل في جيبها فحملت بعيسى (ع) ;

از امام باقر(ع) [در داستان مریم] روایت شده: روح الامین بر وی ظاهر شد . . . و گفت: >إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلاماً زكياً< پس آب دهان در گریبان وی افکند و او به عیسی(ع) حامله شد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰

۱- حضرت مریم (س) از دریافت خبر داشتن پسر، بدون تماس با هیچ بشری شگفت زده شد .

قالت أنى يكون لى غلم و لم يمسنى بشر

>أنى< ادات استفهام و به معنای <کیف> (چگونه؟) و یا <من أين> (از کجا؟) است و در هر صورت، حاوی تعجب نیز می باشد.

۲- مریم (س) از متهم شدن به زنا، درپی دریافت بشارت به عیسی (ع) نگران بود .

أنى يكون . . و لم أك بغياً

با این که <لم يمسنى بشر> برای نفی اسباب عادی حامله شدن کافی بود، ولی جمله <و لم أك بغياً> نیز از مریم(س) صادر گردید. برخی آن را قرینه براین قرار داده اند که <لم يمسنى...> تنها به نکاح مشروع نظر دارد و <لم أك بغياً> نوع نامشروع آن را نفی می کند؛ و محتمل است مراد از <لم يمسنى...> مطلق هم بستری باشد و اضافه شدن <لم أك بغياً> به این خاطر است که مریم(س) دریافت که در صورت حامله شدن، به زنا متهم خواهد شد. و با این سخن، اظهار کرد که تحمل آن اتهام، بر من سنگین خواهد بود.

۳- حضرت

مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندى بدون پدر آگاه سازد .

قالت أُنّى يكون لى غلم و لم يمسنى بشر و لم أك بعياً

۵- مریم (س) به هنگام مواجهه با جبرئیل ، دختری باکره و شوهر ندیده بود .

قالت أُنّى يكون لى غلم و لم يمسنى بشر

۶- مریم (س) ، هنگام دریافت بشارت تولد عیسی (ع) ، در شرایط سنّی مناسب و سلامت جسمی لازم برای بارداری بود .

و لم يمسنى بشر و لم أك بعياً

آنچه در کلام مریم، مانع پیدایش عیسی(ع) قلمداد شده است، به نبود پدر مربوط می شود و سخنی از آمادگی جسمی نداشتن مریم مطرح نشده است. بنابراین او از این جهت مشکلی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱،۲،۹

۱- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال كذلك

<كذلك> خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم(س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال كذلك

چنان چه مشارالیه <ذلك> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدى بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

۹- توجه

مریم (س) به ربوبیت خداوند، را به آسانی و امکان بارداریش به عیسی (ع) مطمئن می ساخت .

قال ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۲ - ۱،۲،۷

۱- حضرت مریم (س) به فرمان و خواست خداوند، بدون هیچ آمیزش جنسی به عیسی (ع) حامله شد .

فحمله

۲- حضرت مریم (س) در پی حامله شدن به عیسی (ع)، از منطقه خویشاوندان خود فاصله گرفت و به مکان دوردستی رفت .

فحمله فانتبذت به مکاناً قصیاً

<إتباد> از ریشه <نذ> و به معنای دوری گزیدن است. <باء> در <به> یا برای ملامت و یا سببیه؛ یعنی دوری گزیدن مریم، همراه حمل خود و یا به خاطر آن، صورت گرفت. <قصی> صفت مشبهه و به معنای <دور> است.

۷- <عن أبي عبدالله (ع) ... قال : إنَّ مریم (ع) ... حملته سبع ساعات ؛

از امام صادق (ع) روایت شده که ... فرمود: همانا مریم (ع) ... هفت ساعت به عیسی (ع) حامله بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۱۴،۱۵

۲- مریم (س) هنگام زایمان، تنها و بدون پرستار و در مکانی دور از مناطق مسکونی، به سر می برد .

مکاناً قصیاً . فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

در جمله <أجاءها المخاض>، آوردن مریم کنار درخت، به درد زایمان نسبت داده شده و آیات بعد، نوزاد او را راهنمای وی به آب معرفی کرده است، علاوه بر آن، مریم (س) برای تهیه

خرما، خود مجبور به حرکت دادن نخله شد، مجموعه این امور می تواند قرائن تنهایی مریم به هنگام زایمان باشد.

۳- زایمان مریم (س) در سرزمینی گرمسیر و دارای نهال های نخل صورت گرفت .

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ

<نخل> در سرزمینی می روید که دارای آب و هوای گرم باشد.

۵- حضرت مریم (س) به هنگام زایمان آرزو کرد : کاش قبل از باردار شدن مرده بود و به کلی از یاد ها رفته بود .

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ .. قَالَتْ يَلِيتَنِي مَتَّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا

جمله <و کنت نسیاً نسیاً> قرینه است بر این که انگیزه مریم از آرزوی مرگ، رهایی از زخم زبان مردم بوده است، گرچه به قرینه <أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ ..> تنهایی و بی آب و غذایی، نیز او را اندوهناک ساخته بود، ولی این همه، تبعات همان گریز از زخم زبان است؛ یعنی کاش پیش از حاملگی مرده بودم، که برای فرار از بیشتر مردم مجبور به تحمل این آوارگی نباشم.

۶- ناراحتی ها و فشار های روحی مریم (س) به هنگام تولد عیسی (ع) ، خارج از حدّ توصیف بود .

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلِيتَنِي مَتَّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا

آرزوی مرگ از جانب شخصیتی چون مریم(س) که مورد عنایت خاص خداوند بود، باید در شرایطی صورت گرفته باشد که وضعیتی فوق تحمل و طاقت برایش پیش آمده باشد، این حالت به قرینه آیات بعد فشارهای روحی ناشی از احتمال اتهام و آوارگی حاصل از آن است.

۷- مرگ در حال بارداری و یا پس از وضع حمل ، نمی

توانست پایان بخش نگرانی های مریم (س) باشد .

یلتنی متّ قبل هذا

<هذا> در کلام مریم(س)، اشاره به اصل بارداری است نه آوارگی و تنهایی و سختی زایمان، زیرا پیدایش این امور به خواست خود مریم و برای رهایی از زخم زبان مردم بود، بنابراین او که از اتهام زنا، حتی پس از مرگ خود بیم داشت، رهایی از اتهام را در گرو مرگ پیش از بارداری می دید.

۸- مریم (س) ، حامله بودن خود را در تمام مدت ، از مردم پنهان کرده بود .

مکاناً قصیّاً . فأجاءها المخاض ... یلتنی متّ قبل هذا و کنت نسیّاً منسیّاً

رفتن به مکان دوردست و نیز تنهایی و بی سرپناهی به هنگام وضع حمل، نشان می دهد که تا آن زمان مریم(س) توانسته بود حامله بودن خود را از مردم پنهان کند.

۱۴- > روی عن الصادق (ع) فی قول مریم < یالیتنی متّ قبل هذا > : لأنّها لم ترفی قومها رشیداً ذا فراسه ینزهها من السوء ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره قوم مریم که هنگام تولد عیسی(ع) آرزوی مرگ کرد، فرمود: این بدان جهت بود که در قوم خودش فرد فرزانه هوشمندی را نمی یافت که او را از تهمت زنا تبرئه کند.

۱۵- > عن الصادق (ع) [فی قصه مریم] : إنّ زکریا و خالتهما أقبلا یقضان أثرها حتی هجما علی ها و قد وضعت ما فی بطنها و هی تقول : < یالیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیّاً منسیّاً > ;

از امام صادق(ع) [در داستان مریم] روایت شده که زکریا و

خاله مریم به جست و جوی او برآمدند تا این که به طور ناگهانی به او برخوردند، در حالی که فرزندش (عیسی) را به دنیا آورده بود و می گفت: <یالیتنی متّ قبل هذا..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۲۵، ۳، ۶

۲- حضرت عیسی (ع) در شرایط سخت روحی و جسمی مادرش مریم (س) پس از زایمان با وی سخن گفت و او را دل داری داد .

فحملهته .. فنادیها من تحتها ألاتحزنی

مراد از ضمیر فاعلی در <نادی> به قرینه ضمائر <فحملهته فانتبذت به> در آیات قبل حضرت عیسی(ع) است و مراد از ضمیر <من تحتها> همانند ضمیر <فناداها> حضرت مریم(س) است. برخی فاعل <نادی> را جبرئیل دانسته و ضمیر <من تحتها> را به <نخله> یا <مریم> ارجاع داده اند ولی سیاق آیات با آنچه گفته شد سازگارتر است.

۳- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به اندوهگین نبودن توصیه کرد .

فنادیها من تحتها ألاتحزنی

۵- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به روان شدن جویباری در پایین دست او بشارت داد .

فنادیها .. قد جعل ربك تحتك سریاً

۶- نبود آب به هنگام زایمان ، موجب نگرانی شدید مریم (س) شده بود .

ألاتحزنی قد جعل ربك تحتك سریاً

<قد جعل> تعلیل برای <ألاتحزنی> است، یعنی محزون نباش، زیرا خداوند در پایین دست تو آبی روان قرار داده است. از این تعلیل می توان دریافت که تا چه اندازه مریم(س) برای آب نگران بوده

و این بشارت چه نقشی در شادمانی وی ایفا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۲۳

۲- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود، میوه نداشت.

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جئیًا

جمله <تساقط علیک..> گویای امتنان بر مریم(س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت؛ بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرماي آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه <جذع> به کلام و نیز اسناد <تساقط> به <نخله>، خشک بودن درخت و خارق العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

۳- بارور شدن و ثمر دادن غیر طبیعی درخت خرما، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود.

و هزّی إلیک .. تسقط

فعل <تساقط> مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۳، ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش، مادرش مریم (س) را به خوردن خرماي تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند.

فنادیها من تحتها .. تحتک سرّیًا ... رطبًا جئیًا . فکلی واشربی

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س)

س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها .. فکلی و اشربی و قزی عیناً

<عیناً> تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قزی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قز> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قزی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشم از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قزی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

۷- عیسی (ع) ، وظیفه دفاع از مادر خویش در مقابل تهمت های مردم را به عهده گرفت .

فإماتین من البشر أحداً فقولي إني نذرت للرحمن صوماً

توصیه مادر به سکوت از جانب عیسی(ع) بدان معنا بود که او نگران دفاع از خود نباشد، چرا که عیسی(ع) خود آن را انجام خواهد داد. سخن گفتن عیسی(ع) با مادر پس از ولادت، این اطمینان را به مریم داده بود که او براین کار کاملاً توانا است.

۸- عیسی (ع) ، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت .

فإماتین من البشر أحداً فقولي

۹- حضرت مریم (س) در هنگام وضع حمل و پس از آن ، تا زمان بازگشت به قوم خویش تنها بود . *

فحملته فانتبذت به مکان قصیاً.. فأما ترین من البشر أحداً

جمله شرطیه <فإماتین..> ممکن است براین دلالت کند که در هنگام وضع حمل

و بعد از آن بشری در آنجا نبوده است، گرچه به قرینه سیاق کلام می توان گفت: مراد عموم انسان ها نیستند، بلکه افرادی مورد نظر هستند که فرزند داشتن مریم برای آنان سؤال انگیز باشد. برخی <ال> در <البشر> را برای عهد و اشاره به قوم مریم دانسته اند.

۱۰- عیسی (ع)، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد.

فَإِمَّا تَرِينَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

۱۱- مریم (س)، نذر روزه سکوت را پس از مواجهه با اولین نفر از افراد جامعه خویش منعقد ساخت.

فَإِمَّا تَرِينَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ

ظاهر <فقولی> آن است که مریم مفاد نذر خود را با زبان بیان کرده باشد، در این صورت همان جمله <إِنِّي نَذَرْتُ...> صیغه نذر بوده و نذر مریم با گفتن آن منعقد شده است.

۱۶- جسم و روح مریم (س)، تحت مراقبت ویژه خداوند بود.

فنادیها... فکلی و اشربی... فإماترین

ندا دهنده به مریم هر کس که باشد (چه عیسی(ع) و یا فرشته) از جانب خداوند و به فرمان او بوده است، لذا باید گفت مریم(س) در تمامی این حالات در مراقبت خاصی از جانب خداوند قرار داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۳، ۴، ۶، ۱، ۲

۱- مریم (س) پس از دریافت رهنمود های نوزادش عیسی (ع)، او را آشکارا در آغوش خود گرفت و نزد قومش برد.

فأتت به قومها تحمله

۲- مریم (س)

به هنگام بازگشت میان مردم، فارغ از هرگونه هراس و نگرانی بود.

فکلی و اشربی... فإمّاترین من البشر... فأتت به قومها تحمله

باین که جمله <أتت به قومها> برای بیان آوردن عیسی(ع) توسط مادرش، جمله ای کامل است، ولی جمله حالیه <تحمله> نیز بر آن اضافه گردیده است تا بر مباشرت مریم(س) در حمل کردن فرزندش دلالت کند؛ یعنی دیگر مریم(س) انگیزه ای برای پنهان داشتن فرزند خود نداشته است، بلکه آشکارا او را در بغل گرفته و به میان مردم آمد.

۳- مردم با دیدن مریم (س) همراه کودک خویش، بدون پرس و جو او را به زنا متهم کردند.

فأتت به قومها تحمله قالوا یمریم لقد جئت شیئاً فریاً

<فریاً> صفت مشبیه به معانی <سنگین و بزرگ> و <شگفت> و <کار بی سابقه> آمده و از ریشه <فری> به معنای قطع گرفته شده است؛ به این تناسب که چنین عملی قطع روند گذشته است. در هر صورت مراد کسانی که این سخن را به مریم(س) گفتند، اتهام زنا و خلاف بوده است.

۶- <عن أبی جعفر (ع) قال: لَمَّا قَالَتِ الْعَوَاتِقُ... لِمَرِيْمِ (ع): > لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً فَرِيّاً > أَنْطَقَ اللَّهُ تَعَالَى عِيسَى (ع) عِنْدَ ذَلِكَ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نارس به مریم گفتند: <لقد جئت شیئاً فریاً> خداوند در آن هنگام زبان عیسی(ع) را به سخن گفتن گشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۱،۶

۱- قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی

پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدنِ بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بعیاً

۶- مردم بیت المقدس ، مریم (س) را به زنا متهم کردند .

و ما کانت أمک بعیاً

<بعی>، یعنی زن بدکاره (قاموس). مردم گرچه مریم(س) را صریحاً به زنا متهم نکردند، ولی با کنایه این کار را انجام دادند. جمله <و ما کانت ...> (مادرت بدکاره نبود)، یعنی تو این چنین هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷

۱- مریم (س) با اشاره به نوزادش (عیسی (ع)) کار پاسخ گویی به اتهامات وارده را به او واگذار کرد .

و ما کانت أمک بعیاً . فأشارت إلیه

۲- حضرت مریم (س) ، هنگام مواجه شدن با اتهام های قوم خود ، در حال روزه بود و سخن نمی گفت .

فأشارت إلیه

۳- حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .

فأشارت إلیه

آمدن مریم به میان قوم خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

۴- ورود مریم (س) با نوزادش عیسی (ع) بر قوم خویش ، به هنگام روز بود .

فلن أکلم الیوم إنسیاً . .. فأشارت إلیه

۵- مردم ، از واگذارشدن پاسخ اتهامات از سوی مریم (س) به نوزادش عیسی (ع) ، شگفت زده شده و آن را باور نکردند .

فأشارت إلیه

قالوا كيف نكلم من كان في المهد صبياً

استفهام در آیه انکاری است. این انکار را چندین تأکید نیز همراهی می کند: ۱) فعل <کان> که در این موارد بر ماضی دلالت ندارد، بلکه استقرار و ثبوت را می فهماند؛ ۲) قید <فی المهد> که نشانه ناتوانی عیسی (ع) از هرگونه حرکتی است؛ ۳) قید <صبياً> که با وجود <فی المهد> نیازی به آن نبود، ولی گویندگان آن را به منظور تأکید انکار و تعجبشان افزودند.

۷- مریم (س) از سوی افرادی متعدد به زنا متهم شده بود .

قالوا یمریم .. قالوا کیف نکلّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۱

۱- نوزاد مریم (س) با اشاره مادرش و در حضور مردم شروع به سخن گفتن کرد .

فأشارت إليه .. قال إني عبدالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۴

۴- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی ، بر مبرابودن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد .

والسلم علیّ یوم ولدت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۴،۴

۴- بارداری مریم (س) و تولد حضرت مسیح (ع) با دمیده شدن روح الهی در او بود .

ففخنا فیها من روحنا

۴- بارداری مریم (س) و تولد حضرت مسیح (ع) با دمیده شدن روح الهی در او بود .

ففخنا فیها من روحنا

- آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۴،۵،۱۰

۴ - نقل مکان کردن مریم به همراه نوزادش (عیسی) ، به محلی دیگر غیر از زادگاه او

و ءاوينهما إلی ربوه

<إيواء> (مصدر <آوینا>) به معنای امکان و جای دادن است. <ربوه> نیز به تپه و هر زمین بلند گفته می شود. <ذات قرار> (مرادف <مستقر>) به معنای جای زیست است و <معین> به آبی که بر روی زمین جاری باشد، گفته می شود.

۵ - استقرار مریم و نوزادش (عیسی) ، در سرزمینی بلند ، آرام و دارای آبی روان

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

۱۰ - برخورداری حضرت عیسی و مریم (ع) ، از امکانات و آسایش زندگی

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۴،۶

۴ - گواهی خداوند ، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

۶ - بارداری مریم (س) و تولد مسیح (ع) ، با دمیده شدن روح الهی در او

فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا

قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱،۳

۱ - خداوند ، پس از نجات بنی اسرائیل از سیطره فرعونیان ، موسی (ع) را برای عبادت و مناجاتی خاص فرا خواند .

و إذ وعدنا موسى أربعين ليلة

به کارگیری کلمه <لیلہ> (شب) - با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن، از کلمه <یوم> (روز) استفاده می شود - اشاره به این معنا دارد

که: وعده خدا با موسی (ع) برای عبادت و مناجات بوده است. از آن جا که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل نیز اعمال عبادی داشته، معلوم می شود آن دعوت برای عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

۳ - مدت زمان عبادت و مناجات ویژه موسی (ع) ، چهل شب تعیین شد .

و إذ وعدنا موسی أربعین ليله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۵، ۹، ۲

۲ - موسی (ع) با بیان ستمکاری قومش ، به آنان فرمان داد تا روی به درگاه خدا آورده ، توبه کنند .

و إذ قال موسی لقومه .. فتوبوا إلی بارئکم

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی (ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا ، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست .

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <بارء> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن

است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - از امام رضا (ع) روایت شده که فرموده اند: <ان کلیم الله موسی بن عمران... لما کلمه الله عز و جل... رجع إلی قومه... فقالوا لن تؤمن لک حتی نسمع کلامه... ثم اختار منهم سبعین رجلا... فکلمه الله تعالی ذکره و سمعوا کلامه... فقالوا لن تؤمن لک بان هذا الذی سمعناه کلام الله حتی نری الله جهره...>

موسی بن عمران چون خداوند با او سخن گفت... به سوی قومش باز گشت... آن قوم گفتند: به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه کلام خدا را بشنویم... سپس موسی (ع) از بین قومش هفتاد نفر را انتخاب کرد [و به سوی کوه طور رفتند]... و در آن جا موسی (ع) با خدای سبحان سخن گفت و آن قوم کلامش را شنیدند... و گفتند: ما ایمان نمی آوریم که این کلامی که شنیدیم کلام خدا باشد مگر اینکه خدا را آشکارا ببینیم...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۹

۱۹ - <عن الباقر (ع) قال فی قوله

تعالی > و ادخلوا الباب سجداً < ان ذلك حين فصل موسى من أرض التيه فدخلوا العمران . . . >

از امام باقر(ع) درباره <و ادخلوا الباب سجداً> روایت شده که این دستور هنگامی بود که موسی (ع) از سرزمین <تیه> رهایی یافته و به سرزمین آبادی وارد گشته بودند . . . <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰

۲ - موسی (ع) از خداوند خواست ، تا قومش را از کمبود آب رهایی بخشد .

و إذ استسقى موسى لقومه

<استسقاء> در لغت به معنای طلب کردن آب است و در اصطلاح شرعی دعا به درگاه خداوند است به نحوی خاص برای نزول باران.

۳ - خداوند ، به موسی (ع) فرمان داد تا برای دستیابی به آب ، عصای خویش را بر سنگ زند .

فقلنا اضرب بعصاك الحجر

<ال> در <الحجر> می تواند تعریف جنس باشد. در این صورت مراد از <الحجر>، سنگ در مقابل اشیای دیگر است و می تواند <ال> برای عهد حضوری یا ذهنی باشد. در این صورت مراد از <الحجر> سنگی مخصوص بوده است.

۴ - خداوند ، دعا و درخواست موسی (ع) (دستیابی به آب) را سریعاً اجابت کرد .

فقلنا اضرب بعصاك الحجر

حرف <فاء> در <فقلنا> اشاره به این دارد که میان دعای موسی و اجابت آن فاصله زمانی نبوده است.

۵ - موسی (ع) در پی فرمان خدا بدون هیچ تأخیر ، عصای خویش را برای به دست آوردن آب بر سنگ زد .

فقلنا اضرب بعصاك الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا

حرف <فاء> در <فانفجرت> فای

فصیحه است؛ یعنی، بیانگر معطوف علیه مقدر می باشد. جمله با تقدیر آن چنین است: <فضرب بعصاه الحجر فانفجرت>. گویا حذف این جمله برای رساندن این معناست که فرمان الهی (اضرب) همان و زدن همان.

۶- در پی فرود آمدن عصای موسی بر سنگ، دوازده چشمه آب از آن جوشش کرد.

فانفجرت منه اثنتا عشرة عیناً

۱۵- داستان استسقای موسی (ع) و جوشیدن چشمه های آب از سنگ، داستانی آموزنده و خاطره ای شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذ استسقی موسی لقومه .. قد علم کل أناس مشربهم

عبارت <إذ استسقی> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است؛ یعنی: <أذكروا إذ استسقی موسی لقومه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۶،۲۱

۱۶- موسی (ع) مردمش را به خاطر تقاضای غذایی پست تر در مقابل از دست دادن غذایی بهتر، سرزنش کرد.

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

استفهام در <أتستبدلون> انکار توییخی است. ضمیر در <قال> می تواند به <ربک> برگردد و می تواند به <موسی> ارجاع شود در برداشت فوق دومین احتمال لحاظ شده است.

۲۱- موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهرها در آیند و شهرنشینی را انتخاب کنند.

قال أتستبدلون .. اهبطوا مصرأ فان لکم ما سألتم

چنانچه ضمیر در <قال> به <ربک> برگردد، جمله <اهبطوا ..> سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن جمله گفته موسی (ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۶

۶ - موسی (ع) مخالفت و موضع گیری قومش را درباره دستور ذبح گاو، پیش بینی کرد.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةَ

موسی(ع) فرمان الهی (لزوم ذبح گاو) را با جمله اسمیه <إِنَّ اللَّهَ ..> - که قرین به حرف تأکید <إِنَّ> است - بیان داشت و معمولاً- بیان معنا با کلامی مؤکد، حاکی از آن است که مخاطب پذیرای مضمون کلام نیست و یا آن را مورد تردید قرار خواهد داد.

۷ - قوم موسی وی را به دروغ گویی در ابلاغ حکم خدا (فرمان ذبح گاو)، متهم کردند.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ .. قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا

با وجود اینکه موسی(ع) با جمله <إِنَّ اللَّهَ ..> تصریح می کند که خداوند چنین دستوری داده بنی اسرائیل با خطاب به موسی (ع) (أَتَتَّخِذُنَا) او را صادر کننده آن فرمان می پنداشتند؛ یعنی، بر این گمان بودند که وی به گزاف آن حکم را به خداوند نسبت می دهد.

۸ - قوم موسی وی را به استهزا کردن بنی اسرائیل متهم کردند.

أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا

۱۰ - استعاده موسی (ع) به خدا از اینکه در زمره جاهلان باشد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

۱۱ - موسی (ع) با جاهلانه خواندن استهزای مردم، پندار قوم خویش را درباره خود ناروا دانست.

قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۷، ۵، ۳

مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي

۵ - موسی (ع) مردم خویش را به انجام مأموریتشان (ذبح گاو میانسال) فرمان داد .

إنها بقره لافارض و لابکر عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

۷ - موسی (ع) از مردم خواست تا با سؤال درباره گاوی که به ذبح آن مأمور شدند ، تکلیف را بر خود مشکل نسازند .

فافعلوا ما تؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۲

۲ - قوم موسی ، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود ، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد .

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۶

۶ - قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد ، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند .

قالوا لئن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن... هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ - بزنتی از امام رضا (ع) روایت نموده که : > ان رجلا من بنی اسرائیل قتل

قرايه له . . . فقالوا لموسى (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله؟ قال ايتونى ببقره . . . فاشتروها و جاؤا بها فأمر بذبحها ثم أمر ان يضرب الميت بذبها فلما فعلوا ذلك حياى المقتول و قال يا رسول الله ابن عمى قتلنى دون من يدعى عليه قتلى فعلموا بذلك قاتله . . . ;

شخصى از بنى اسرائيل يکى از نزديکان خود را کشت . . . بنى اسرائيل به موسى گفتند: فلان قبيله، فلانى را کشته است و تو قاتل را معرفى کن. موسى (ع) فرمود: گاوى را نزد من آوريد . . . آنان گاو را خريده و نزد موسى (ع) بردند و موسى امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون اين کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت اى پيامبر خدا! پسر عمويم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با اين عمل قاتل را شناسايى نمودند . . . <.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۷، ۴، ۳، ۱

۱ - موسى (ع) پيامبرى از نژاد اسرائيل و مبعوث شده براى بنى اسرائيل

قالوا تؤمن بما أنزل علينا . . . و لقد جاءكم موسى بالبينت

۳ - موسى (ع) ، برجسته ترين و بارزترين چهره در ميان انبياي بنى اسرائيل

و لقد جاءكم موسى بالبينت

ذکر نام موسى (ع)، از ميان پيامبران بنى اسرائيل، براى ارائه نمونه اى از برخوردهاى کفرآمیز يهود با پيامبران اسرائيلى؛ اشاره

به

برداشت فوق دارد.

۴ - قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم أخذتم العجل من بعده

۷ - یهودیان ، علی رغم دریافت دلایل و معجزات موسی (ع) با رسالت های او مخالفت کردند .

لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۵

۵ - موسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده پیش از پیامبر اسلام (ص)

كما سئل موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲۰

۲۰ حضرت موسی (ع) ، دارای قدرت و توانی بالا در ایفای رسالت و اتمام حجت بر مردم

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۱۰، ۱۱

۱۰ گفتگوی خداوند با موسی (ع) به مقدار صد و بیست و چهار هزار کلمه در مدت سه شبانه روز

و کلم الله موسی تکلیماً

رسول خدا(ص): ان الله ناجی موسی بن عمران(ع) بمائه الف کلمه و اربعه و عشرين الف کلمه فی ثلثه ایام و لیالیهن . . .

۱۱ سخن خداوند با موسی (ع) در طور سینا بصورت ایجاد صدا در درخت و قابل شنیدن برای همراهِ آن حضرت از هر طرف

و کلم الله موسی تکلیماً

امام رضا(ع) درباره سخن گفتن خداوند با موسی(ع) فرمود: .. فخرج بهم الی طور سیناء

... فکلمه الله تعالى ذكره و سمعوا كلامه ... لان الله عزوجل احده في الشجره ثم جعله منبعثاً منها حتى سمعوه من جميع الوجوه ...

توحيد صدوق، ص ۱۲۱، ح ۲۴، ب ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۴، ح ۶۷۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱

۱ سرگذشت موسی (ع) با قوم خویش، شایسته یادآوری و پندگیری

و اذ قال موسی لقومه یقوم

<اذ> در <اذ قال...>، مفعول برای فعلی مقدر مانند <اذکر> یا <اذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۸

۸ موسی (ع) بر حذر دارنده قوم خویش از فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با ساکنان سرزمین مقدس

و لا ترتدوا علی ادبارکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱

۱ یورش به سرزمین مقدس از دروازه آن، پیشنهاد دو نفر از یاران موسی (ع)

قال رجلا .. ادخلوا علیهم الباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۹، ۷، ۳، ۱

۱ عذر خواستن موسی (ع) در پیشگاه پروردگار، از ناتوانی خویش در بسیج بنی اسرائیل برای مبارزه با جباران

قال رب انى لا املك الا نفسى و اخى

۳ شکایت موسی (ع) به پیشگاه پروردگار ، از تمرد بنی اسرائیل در مبارزه با جباران

قال رب انى لا املك الا نفسى و اخى

۷ جدایی موسی (ع) و برادرش هارون از

بنی اسرائیل ، درخواست و دعای موسی (ع) به پیشگاه پروردگار

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

۹ نفرین موسی (ع) بر قوم خویش با درخواست محروم شدن آنان از فیض وجود او و برادرش هارون

فأفرق بیننا و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۸

۸ فرعون و بزرگان دربار او ، آیات و معجزات ارائه شده از سوی موسی را تکذیب کردند .

بثایتنا إلی فرعون و ملایه فظلموا بها

ضمیر در <بها> به <آیاتنا> برمی گردد و چون <ظلم> به حرف باء متعدی شده (ظلموا بها) متضمن معنای تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۴ - ۱

۱ موسی پس از بعثت به نبوت با حضور در برابر فرعون و گفتگو با وی ، رسالت الهی خویش را به او اعلان کرد .

و قال موسی یفرعون إنی رسول من رب العلمین

کلمه <واو> در <وقال .. > بیانگر این است که در قبل از بیان رسالت سخنانی بین موسی و فرعون مبادله شده بود که به سبب دخالت نداشتن آنها در موضوع بحث، بیان نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۰، ۹، ۱

۱ موسی (ع) در حضور فرعون خویشتن را از هر گونه افترا بر خداوند میرا دانست .

حقیق علی أن لا أقول علی الله إلا الحق

۹ موسی (ع) در راستای رهاسازی بنی اسرائیل از فرعون خواست تا از مهاجرت آنان با

وی جلوگیری نکند .

فأرسل معی بنی اسرائیل

۱۰ رهاسازی بنی اسرائیل از نظام فاسد فرعونى ، از وظایف الهی موسی (ع)

فأرسل معی بنی اسرائیل

تفریع جمله <فأرسل .. > بر <اینی رسول ... > حکایت از آن دارد که رهایی بنی اسرائیل از رسالت‌های الهی موسی بوده است. یعنی به امر خداوند موظف به انجام این کار بود، نه به تصمیم شخصی خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۶ - ۲

۲ فرعون از موسی خواست چنانچه قادر به ارائه معجزه است ، آن را ارائه کند .

قال إن كنت جئت بئایه فأت بها

روشن است که در جمله های شرطیه نباید شرط و جزا از نظر مفهوم همانند باشد و نمی توان گفت: اگر آورده ای بیاور. بنابراین جمله <إن كنت جئت بئایه > (اگر آیت و معجزه ای آورده ای) به این معناست: اگر قادر به ارائه معجزه هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۷ - ۱،۲،۴

۱ موسی (ع) در پاسخ فرعون (درخواست آیت رسالت) عصای خویش را رها ساخت .

فألقى عصاه

۲ عصای موسی (ع) در برابر فرعون به ماری بزرگ تبدیل شد .

فألقى عصاه فإذا هی ثعبان مبین

۴ نبودن هیچ فاصله زمانی بین افکنده شدن عصای موسی (ع) و تبدیل آن به ماری بزرگ

فألقى عصاه فإذا هی ثعبان مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷- ۱۰۸- ۳- ۱،۳

۱ موسی (ع) در

پی درخواست فرعون (آوردن معجزه) دومین آیت رسالت خویش را ارائه کرد.

إن كنت جئت بئایه فأت بها .. و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

۳ سفید گشتن دست موسی (ع)، پس از نمایان ساختن آن، امری غیر منتظره و خارق العاده و قابل رؤیت برای همه بینندگان

فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳،۴

۱ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از مشاهده معجزات موسی، برای چاره اندیشی و مبارزه با موسی جلسه مشورتی تشکیل دادند.

قال الملأ من قوم فرعون

در آیات پیشین روی سخن موسی با فرعون بود و در این آیه عکس العمل اشراف دربار او مطرح شده است. این تغییر سیاق با توجه به جمله <فماذا تأمرون> در آیه بعد (چه نظری دارید و چه دستوری پیشنهاد می کنید)، حاکی از تبادل نظر آنان درباره برخورد با موسی است که از آن در برداشت فوق به <جلسه مشورتی> تعبیر شد.

۲ اشراف و بزرگان دربار فرعون بر مبنای ساحر بودن موسی و سحر بودن معجزات وی، جلسه مشورتی خویش را آغاز کردند.

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

جمله <إن هذا ..> می تواند از نتایج بحث و گفتگوی اشراف باشد. یعنی در ابتدا این مسأله مطرح شد که امور خارق العاده موسی از چه سنخی است. همچنین می تواند بیانگر این باشد که آنان ساحر بودن موسی را مفروض گرفته بودند و درباره روش مبارزه با وی تبادل نظر می کردند. برداشت فوق

بر اساس احتمال دوم است.

۳ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از تبادل نظر در جلسه مشورتی به این نتیجه رسیدند که موسی (ع) بدون هیچ تردید ساحری زبردست و معجزه وی سحر است .

قال الملائ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

برداشت فوق بر اساس اولین احتمالی است که در توضیح فیش قبل درباره جمله <إن هذا .. > بیان شد.

۴ معجزات موسی (ع) در دیدگاه اشراف قوم فرعون ، اموری با عظمت ، خارق العاده و شگفت آور

إن هذا لسحر علیم

توصیف موسی به <علیم> (بسیار دانا) و بیان جمله <ان هذا .. > با چندین تأکید (اسمیه آوردن جمله، مقرون ساختن آن به دو حرف تأکید <إن> و <لام>) حکایت از آن دارد که همگان به عظمت کار موسی پی برده بودند و بدان اقرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۵، ۳، ۱

۱ به قدرت رساندن بنی اسرائیل برای برچیدن نظام فرعون ، تحلیل اشراف دربار از پیشنهاد موسی (رهاسازی بنی اسرائیل)

فأرسل معی بنی إسرائيل .. یزید أن یخرجکم من أرضکم

۳ فرعونیان ، هراسان از قدرت یابی موسی (ع) و بنی اسرائیل و از دست دادن حکومت و سرزمین خویش

یزید أن یخرجکم من أرضکم

۵ انتخاب روش مبارزه با موسی پس از تصمیم به ساحر خواندن وی و تحلیل اهداف او (برچیدن حکومت فرعون) ، از مسائل مطرح شده در جلسه مشورتی بزرگان دربار فرعون

فماذا تأمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از پیشنهاد های ارائه شده در جلسه مشورتی اشراف و سران حکومت فرعون

قالوا أرجه و أخاه

پیشنهاد تأخیر در مجازات موسی و هارون حکایت از آن دارد که فرعون و یا برخی از اشراف دربار مجازات موسی و هارون را مطرح کرده بودند.

۲ تأخیر در مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از مصوبات جلسه مشورتی سران و بزرگان دربار فرعون

قالوا أرجه و أخاه

<ه> در <أرجه> ضمیری است که به صورت ساکن قرائت شده و مفعول <ارج> می باشد. <ارج> فعل امر از مصدر <ارجاء> (به تأخیر انداختن) است. مشتقات کلمه <ارجاء> گاهی با همزه استعمال می گردد و گاهی همزه آن تبدیل به یاء می شود. گفته می شود: أَرْجَأُ يُرْجَى قابل ذکر است که مراد از تأخیر انداختن، تأخیر در مجازات است.

۳ هارون ، برادر موسی (ع) ، همراه و همگام وی در تبلیغ رسالت و ارشاد و هدایت فرعونیان

أرجه و أخاه

۴ خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل فی المدائن حشرین

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله

<أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۱،۴،۷،۸

۱ ساحرانی زبردست و کارآمد پس از فراخوانی آنان برای مبارزه با موسی ، به درگاه فرعون حاضر شدند .

و جاء السحرة فرعون

<ال > در <السحرة > عهد ذکری است و اشاره به <کل سحر علیم > دارد.

۴ فرعون در تلاش برای بهره گیری از عالمان عصر خویش در مبارزه با موسی (ع) (ع)

و جاء السحرة فرعون

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جمله <إن لنا .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... نکره آمدن کلمه <أجراً > دلالت بر بزرگی و گرانبگی پاداش دارد.

۸ سودجویی ، از انگیزه های ساحران برای مبارزه با موسی (ع) (ع)

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۴

۴ فرعون بر اثر خودباختگی در برابر معجزات موسی (ع) مهبای پرداخت بهای سنگینی برای خنثی سازی آن شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

از اینکه فرعون

برای پیروزی بر موسی (ع) حاضر شد هر بهایی را پردازد، معلوم می شود روحیه خویش را باخته بود و در خود عجز شدیدی احساس می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ ساحران پس از اجتماع در صحنه رویارویی با موسی (ع) ، شروع کننده مبارزه را به انتخاب وی وانهادند .

قالوا یموسی إِمَا أَن تَلْقَى و إِمَا أَن نَكُونَ نحن الملقین

بدیهی است هر یک از طرفین (موسی از یک سو و ساحران از سوی دیگر) برای عرضه کار خود در صحنه مبارزه حاضر شده بودند. بنابراین تخییرِ مستفاد از جمله <إِمَا أَن تَلْقَى ... >، ناظر به شروع کننده کار است، نه به اصل انجام آن.

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إِمَا أَن تَلْقَى و إِمَا أَن نَكُونَ نحن الملقین

به کارگیری <تلقى> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <اللقاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إِمَا أَن تَلْقَى و إِمَا أَن نَكُونَ نحن الملقین

بدیهی ست ساحران جمله های <إِمَا أَن تَلْقَى> و <إِمَا أَن نَكُونَ نحن الملقین> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی (ع) دارد.

۴ ساحران دربار فرعون مطمئن به غلبه سحرشان بر معجزه موسی (ع)

إِمَا أَن تَلْقَى و إِمَا

از اينكه ساحران اختيار شروع كننده مبارزه را به موسى(ع) واگذاشتند و جمله مربوط به خويش را با تأكيد بيان داشتند، معلوم مي شود آنان به غلبه خويش اطمينان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۱،۲،۶

۱ موسى (ع) با بي اعتنايي به جادوگري ساحران شروع مبارزه را به آنان واگذاشت .

قال ألقوا

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسى (ع) آنچه را برای جادوگري تدارك دیده بودند ، در مقابل تماشاگران رها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس

۶ ساحران فرعونی با افكندن ابزار سحر خويش و ايجاد هول و هراس در مردم ، سحری بس بزرگ و شگفت آور را به نمايش گذاشتند .

سحروا أعين الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۱،۳،۴،۵

۱ خداوند پس از جادوگري ساحران به موسى فرمان داد تا عصای خويش را در صحنه مبارزه رها سازد .

و أوحينا إلی موسى أن ألق عصاك

۳ عصای موسى (ع) پس از افكنده شدن ، تمام بافته های جادویی ساحران را بلعيد و به كام خويش فروبرد .

فإذا هي تلقف ما يأفكون

<لَقْفَ> (مصدر تلقف) به معنای گرفتن چیزی با سرعت است و در آيه شريفه به مناسبت مورد به <بلعيدن> تفسير شده است. جمله <فإذا هي ...> مي تواند خبر از رخدادی باشد که در صحنه مبارزه اتفاق افتاده است. در اين صورت تقدير

جمله چنین خواهد بود: أوحینا إلی موسی أن ألق عصاک فإلقیها فإذا هی تلقف.

۴ خداوند به موسی (ع) بشارت داد که عصای وی پس از رها شدن، تمام ساخته های دروغین ساحران را خواهد بلعید.

أن ألق عصاک فإذا هی تلقف ما یأفکون

در برداشت فوق جمله <فإذا هی...>، همانند <أن ألق عصاک>، تفسیر <أوحینا> گرفته شده است. بر این مبنا تقدیر جمله بدین صورت خواهد شد: ألق عصاک فإذا القیتها إذا هی تلقف ما یأفکون.

۵ عصای موسی (ع) با بلعیدن ابزار جادویی ساحران، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد.

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<إذا> برای مفاجات است و دلالت می کند که جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۳، ۲، ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد.

فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون

در برداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <ما> در <ما کانوا...> همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند.

و بطل ما کانوا یعملون

فعل مضارع <یعملون> پس از <کانوا> حکایت از مداومت ساحران

به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

۳ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر <کانوا> و <یعملون> فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از <ما> در <ما کانوا> تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالک و انقلبوا صغیرین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقى السحرة سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱،۴

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامننا برب العلمین

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامننا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به

حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۴،۵

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع)، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامننا برب العلمین. رب موسی و هرون

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامننا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

۵ ساحران ، ایمان خویش را به موسی (ع) و هارون به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامننا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱،۴،۵،۸

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند ، بشدت بر آشفت و آنان را به سبب ایمانشان توبیخ کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لكم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی

شده اعلام کرد .

إِن هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ

کلمه <هَذَا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۵ برخورد و ملاقات ساحران با موسی (ع) در پایتخت مصر ، پیش از حضورشان در صحنه مبارزه

إِن هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ

۸ بیرون راندن و آواره ساختن مردم پایتخت مصر ، تحلیل فرعون از داستان مبارزه ساحران با موسی و ایمان آوردن آنان

إِن هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لَتَخْرُجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <أهلها> همه مردم مصر (عوامل حکومت و توده مردم) باشد، نه خصوص عوامل حکومتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لَأَقْطَعَنَّ .. ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ

حرف <لام> در <لَأَقْطَعَنَّ> در <لَأَصْلَبَنَّكُمْ> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۳

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و مَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا

۳ ساحران گرویده به موسی (ع) ، برخوردار از ایمانی راسخ به آیات خداوند

و ما تنقم منا إلا أن ءامننا بايت ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف -

۳ اشراف دربار فرعون بیمناک از برچیده شدن نظام فرعونى و به قدرت رسیدن موسى (ع) و قوم او

أُتذِر موسى و قومه ليفسدوا فى الأرض و يذرك و ءالتهك

۴ بنى اسرائيل همگام موسى (ع) و پيرو او در مبارزه عليه فرعون

أُتذِر موسى و قومه

۵ رو آوردن موسى (ع) و قومش به فسادگرى عليه نظام فرعونى ، هشدار اشرافيان به فرعون

أُتذِر موسى و قومه ليفسدوا فى الأرض

<لام> در <ليفسدوا> در اصطلاح اهل ادب لام عاقبت مى باشد. بنا بر اين مقصود اشراف از جمله <أُتذِر ...> اين است كه ترك مجازات موسى (ع) و قومش به فسادگرى آنان مى انجامد. قابل ذكر است كه مراد از فسادگرى، به قرينه <و يذرك و ءالتهك>، شورش كردن عليه نظام فرعونى است.

۷ اشرافيان دربار ، سرکوب نشدن موسى (ع) را مایه انزوای فرعون و ترك پرستش خدایان وی دانسته و آن را به فرعون گوشزد کردند .

أُتذِر موسى و قومه . . . و يذرك و ءالتهك

۸ آمادگى موسى (ع) و قومش براى شورش عليه نظام فرعونى و به انزوا کشاندن فرعون و خدایان او ، دليل اشراف دربار براى ضرورت مجازات و سرکوبى آنان

أُتذِر موسى و قومه ليفسدوا فى الأرض و يذرك و ءالتهك

۱۱ فرعون با پذيرش پيشنهاد اشرافيان (سرکوبى موسى (ع) و قوم او) بر کشتار وسيع پسران بنى اسرائيل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتل أبناءهم و نستحي نساءهم

تقتيل (مصدر تقتل) به معنای کشتار وسيع است. <استحياء> از ماده <حيات> به معنای زنده

نگاه داشتن است.

۱۳ فرعون به اشراف دربارش اطمینان داد که نظامش از تسلط کامل بر موسی (ع) و قومش برخوردار است.

إنا فوقهم قهرون

<قاهر> به معنای غالب است و کلمه <فوقهم> متعلق به <قهرون> می باشد. یعنی ما از جهت بالا بر آنها مسلط هستیم. و این کنایه از سلطه کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱،۵

۱ موسی (ع) پس از تصمیم فرعون به سرکوبی بنی اسرائیل، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزارهای فرعونیان فراخواند.

قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا

۵ موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل، پندار مالکیت فرعون را بر زمین، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند.

قال موسی لقومه .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۲،۴،۵،۶

۲ موسی (ع) مورد انتقام قوم خویش به سبب استمرار بیدادگری فرعون پس از بعثت وی

قالوا أوذینا من قبل أن تأتینا و من بعد ما جئتنا

۴ موسی (ع)، قوم خویش را به هلاکت فرعونیان و حاکمیت بنی اسرائیل بر سرزمین مصر امیدوار ساخت.

عسی ربکم أن یهلك عدوکم و یتخلفکم فی الأرض

۵ موسی (ع) در عین امیدواری به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل، نگران عدم ایجاد شرایط آن از سوی قوم خویش بوده است.

ربکم أن يهلك عدوكم و يستخلفكم في الأرض

کلمه <عسی> حکایت از آن دارد که موسی(ع) یقین به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن قومش نداشته است و شاید دغدغه خاطر او بدان جهت بود که وی اطمینان نداشت مردمش شرایطی را که برای پیروزی مطرح ساخته بود (استعینوا بالله ..) رعایت کنند.

۶ موسی (ع) از ایمان آوردن فرعونیان به خدا و پذیرش تعالیم وی ناامید شد .

عسی ربکم أن يهلك عدوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۱

۱ فرعونیان با سحر خواندن تمامی معجزات موسی ، به وی گفتند که هرگز رسالتش را تصدیق نخواهند کرد .

مهما تأتانا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين

<مهما> از أسماء شرط و به معنای <ای شیء> است. و <من> در <من آیه> بیان <مهما> است. بنابراین جمله <مهما تأتانا ...> یعنی <هر چیزی را که به عنوان معجزه بیاوری ...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۶

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا عليهم .. فاستكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱۱، ۱۰، ۲

۲ فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب شدید ، رو به موسی (ع) آورده از وی خواستند تا برای برطرف شدن آن دعا کند .

و لما وقع عليهم الرجز قالوا يموسى ادع لنا ربك

۱۰ فرعونیان با موسی (ع)

(پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند .

لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك و لنرسلن معك بنی اسرائیل

۱۱ فرعونیان پس از وقوع هر یک از عذاب های پنجگانه (طوفان ...) با موسی پیمان بستند که در صورت برطرف ساختن آن ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد کنند .

لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك و لنرسلن معك بنی اسرائیل

برداشت فوق بر این اساس است که <ال> در <الرجز> عهد ذکری باشد. در این صورت <الرجز> اشاره به عذابهای پنجگانه در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۱،۵

۱ موسی (ع) با پذیرش تقاضای فرعونیان (دعا برای رفع عذاب) ، برطرف شدن عذاب را از خداوند درخواست کرد .

فلما كشفنا عنهم الرجز

سیاق آیه نشان می دهد که جمله ای همانند <فدعا موسی فكشفنا عنهم الرجز> در تقدیر است که به سبب وضوحش در کلام آورده نشده است.

۵ خداوند پس از اجابت دعای موسی (ع) و رفع عذاب از فرعونیان ، به آنان فهماند که تا زمانی محدود به عذاب مبتلا نخواهند شد .

فلما كشفنا عنهم الرجز إلى أجل هم بلغوه

<إلى أجل> می رساند که خداوند عذاب را برای همیشه از فرعونیان برطرف نساخت و برای آن زمان تعیین کرد و اگر این حقیقت را به آنان ابلاغ نمی کرد، تعیین زمان اثر مطلوب نداشت.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۹ - ۳

۳ موسی (ع) با تبیین فساد آیین بت پرستی ، بنی اسرائیل را که آرزومند آن آیین بودند ، بر جهلشان واقف ساخت .

قال إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فیه و بطل ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۱،۵

۱ موسی (ع) با انکار شایستگی غیر خدا برای پرستش ، از گرایش قومش به بت پرستی شگفت زده شد .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً

همزه در <أغیر الله> برای انکار و تعجب و <کم> به تقدیر لام است. <إلهاً> مفعول برای <أبغی> و <غیر الله> صفت و یا حال برای <إلهاً> است. یعنی: <أبغی لکم إلهاً غیر الله>

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۲

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان رها ساخت .

و إذ أنجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی نظر به

اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب آن بعثت حضرت موسی است. بنابراین <آنجیناکم> یعنی ما با بعثت موسی شما را نجات دادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۹، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۰، ۹، ۷، ۳، ۱

۱ خداوند، موسی (ع) را پس از عبور بنی اسرائیل از دریا، برای عبادت و مناجاتی خاص فراخواند.

و وعدنا موسی ثلثین ليله

به کارگیری کلمه <لیله> (شب)، با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن از کلمه <یوم> استفاده می شود، اشاره به این دارد که مواعده خدا با موسی برای عبادت بوده است. و چون موسی در میان قومش نیز عبادت و مناجات داشته، معلوم می شود که این، عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

۳ موسی (ع) علاوه بر گذراندن سی شب برای عبادت و مناجات، موظف به ادامه آن تا ده شب دیگر شد.

و أتممنها بعشر فتم میقت ربه أربعین ليله

<میقات> به معنای زمانی است که برای انجام کاری تعیین گردد. <میقات ربه> یعنی زمانی را که خدا برای انجام عبادت و مناجات موسی تعیین کرد.

۷ بروز بدا برای خدا در مقدار زمان تعیین شده جهت عبادت و مناجات موسی (ع)

و أتممنها بعشر

۹ موسی (ع)، برادرش هارون را به رهبری بنی اسرائیل تا پایان مناجاتش با خدا منصوب کرد.

و قال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

۱۰ موسی (ع) امت خویش را حتی برای مدتی کوتاه (زمان دوری از قوم برای مناجات) بدون رهبر رها نساخت.

و قال

موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

۱۴ خداوند از موسی (ع) خواست تا مناجات و عبادت ویژه او در مکانی به دور از بنی اسرائیل باشد .

و وعدنا موسی .. اخلفنی فی قومی

از اینکه موسی برای آمدن به میقات، هارون را به جانشینی خویش معرفی کرد، معلوم می شود وی در مدت میقات در میان بنی اسرائیل نبوده و از آنان فاصله داشته است.

۱۵ اصلاح امور جامعه بنی اسرائیل از دستورالعمل های موسی به برادر و خلیفه خود هارون

و أصلح

چون فرمان به اصلاح پس از انتخاب هارون به سرپرستی بنی اسرائیل آمده است، معلوم می شود مراد، اصلاح امور اجتماعی، فرهنگی و .. بنی اسرائیل است، نه درستکاری هارون در امور شخصی خودش.

۱۷ پرهیز از پیروی از نظریات و روش های مفسدان ، وظیفه ای تعیین شده از سوی موسی برای خلیفه اش هارون

و لا تتبع سبیل المفسدین

۱۹ موسی (ع) نگران توطئه مفسدان بنی اسرائیل در غیاب خویش

و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۴، ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۲، ۱۱، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ موسی با تشرف به میعادگاه مناجات با خدا ، دعوت وی را بی هیچ تأخیر اجابت کرد .

و لما جاء موسی لمیقتنا

<لام> در <لمیقاتنا> به معنای <عند> است. بنابراین <جاء موسی لمیقاتنا> یعنی موسی(ع) در همان هنگامی که برای او تعیین کردیم، آمد و تأخیری نداشت.

۲ خداوند به هنگام حضور موسی (ع) در میعادگاه مناجات ، با وی سخن گفت .

و لما جاء موسی لمیقتنا و کلمه ربه

موسی (ع) ، از وعده های الهی به وی در هنگام دعوتش برای مناجات

و لما جاء موسی لمیقتنا و کلمه ربه

۵ رؤیت خداوند ، درخواست موسی (ع) به هنگام سخن گفتن خدا با وی در میعاد گاه مناجات

قال رب أرني أنظر إليك

۶ تکلم خدا با موسی (ع) و ادارکننده وی برای تقاضای رؤیت خدا

و کلمه ربه قال رب أرني أنظر إليك

از اینکه تقاضای رؤیت از سوی موسی (ع) در پی سخن گفتن خدا با وی مطرح شد (و لما .. کلمه ربه قال ...) ، می توان گفت حضرت موسی (ع) بر اثر شنیدن سخن خدا و شیوایی گفتار باری تعالی ، مشتاق دیدار جمال زیبای او شد.

۷ ناممکن بودن رؤیت خدا ، پاسخ خداوند به درخواست موسی (ع) (تقاضای مشاهده او)

قال لن ترني

۱۱ خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترني و لكن انظر إلى الجبل

<ال> در <الجبل> عهد حضوری است ؛ یعنی: انظر إلى هذا الجبل.

۱۲ خداوند به موسی (ع) اعلام کرد در صورتی وی را مشاهده خواهد کرد که کوه بر اثر تجلی او پایدار بماند .

و لكن انظر إلى الجبل فإن استقر مكانه فسوف ترني

۱۶ موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا و خرّ موسی صعقا

<خرو> (مصدر <خر>) به معنای افتادن و

ساقط شدن و <صَيِّعٌ> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خَرَّ موسى صعقاً> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دكاً>، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی (ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور، بی هوش شد و بر زمین افتاد.

جعله دكاً و خَرَّ موسى صعقاً

<صَيِّعٌ> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۱۹ موسی (ع) پس از به هوش آمدن خداوند را تسبیح گفت و وی را منزّه از آن دانست که رؤیت شود.

فلما أفاق قال سبحنك

<سبحان> به معنای منزّه دانستن از عیب و نقص است که به مناسبت مورد آن، عیب و نقصی که موسی (ع) خداوند را از آن منزّه دانست، امکان رؤیت اوست.

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد.

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك

۲۴ موسی (ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد.

قال .. و أنا أول المؤمنين

متعلق <المؤمنين> به قرینه فرازهای قبل (بانك لا تری) است. کلمه <اول> در جمله <أنا أول المؤمنين> علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص بخواهد اول مؤمن باشد، به این است که بی درنگ حقیقت رخ

نموده را باور کند و به آن ایمان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصله ایمان آورد و او نتواند اول مؤمن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۵، ۴، ۳

۳ اعلام گزینش موسی و برتری او بر همگان، از سخنان خداوند با موسی در میعادگاه مناجات

قال یموسی إنی اصطفیتک علی الناس

۴ دلجویی خداوند از موسی (ع)، به سبب پاسخ منفی او در تقاضای رؤیت وی

قال لن ترنی .. قال یموسی إنی اصطفیتک علی الناس

به نظر می رسد بیان نعمتهای ویژه خداوند به موسی (ع) پس از رد تقاضای وی (رؤیت خدا) به هدف دلجویی از او باشد. یعنی اگر رؤیت برای تو ممکن نشد، ولی خدا نعمتهایی ارزانی تو داشت که به دیگران عطا نکرد.

۵ خداوند با اعطای پیام های خویش به موسی (ع) و سخن گفتن با وی، او را بر همه مردم عصرش برتری داد.

اصطفیتک علی الناس برسلتی و بکلمی

حرف <باء> در <برسالتی> و <بکلامی>، <باء> استعانت است.

۱۰ فرمان به دریافت پیام های خدا و به کار بستن آنها و سپاسگزاری در برابر نعمت های او، از سخنان خداوند با موسی (ع) در میعادگاه مناجات

قال .. فخذ ما ءاتیتک و کن من الشکرین

۱۱ تصفیه موسی (ع) با مناجات چهل شبه، مقدمه ای برای دریافت تورات بود.

یموسی إنی اصطفیتک .. فخذ ما ءاتیتک

چون خداوند در پایان داستان مواعده خویش با موسی (ع) و مناجات چهل شبه وی، اعطای

پیامهای خویش را، که همان تورات باشد، مطرح ساخته، معلوم می شود آن مواعده و مناجات به سبب اعطای تورات بوده است.

۱۲ سخن گفتن خدا با موسی (ع) و گزینش وی به پیامبری، از نعمت های بزرگ خداوند به وی

اصطفیتک علی الناس برسلتی و بکلمی .. و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱،۷،۸

۱ خداوند در میعادگاه مناجات، الواح نگارش یافته ای را به موسی عطا کرد.

و کتبنا له فی الألواح .. فخذها

<ال> در <الألواح> عهد ذکری و اشاره به <ما اتیتک> در آیه قبل است.

۷ خداوند دعوت کننده موسی (ع) به جدیت در فراگیری لوحه های دریافتی و به کار بستن آن

فخذها بقوه

۸ خداوند از موسی خواست تا قومش را به فراگیری معارف نوشته شده بر الواح و احکام یاد شده در آن فرمان دهد.

و أمر قومک یاخذوا بأحسنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱

۱ قوم موسی در غیاب وی (زمان حضورش در میعادگاه مناجات) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند.

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیمهم عجلاً جسداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۴، ۱۰، ۹، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ موسی (ع) پس از مناجات چهل شبه خویش با خدا، به سوی قومش بازگشت.

و لما جاء موسى لميقتنا .. و لما رجع موسى إلى قومه

٢ موسى (ع)

(به هنگام بازگشت به سوی بنی اسرائیل از گمراه شدن قومش خشمگین و بسیار اندوهناک بود .

و لما رجع موسى إلى قومه غضبن أسفاً

<أسف> به کسی گفته می شود که بسیار اندوهناک باشد. (برگرفته از لسان العرب).

۳ موسی (ع) در زمان مناجات با خدا و پیش از حضور در میان بنی اسرائیل ، از ارتداد و گوساله پرستی آنان آگاه شد .

و لما رجع موسى إلى قومه غضبن أسفاً

۴ موسی (ع) پس از حضور در میان قوم منحرف خویش ، با نکوهیده خواندن شیوه آنان در غیاب وی ، ایشان را بشدت توبیخ کرد .

قال بئسما خلفتموني من بعدی أعجلتم أمر ربکم

۷ موسی (ع) بر اثر شدت غضب به خاطر گوساله پرستی قومش ، لوحه های تورات را بر زمین افکند .

لما رجع موسى إلى قومه غضبن أسفاً .. و ألقى الألواح

۹ موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت .

و أخذ برأس أخيه يجره إليه

۱۰ موسی (ع) به خاطر مقصر شناختن هارون در انحراف بنی اسرائیل ، با گرفتن موهای سر او و کشیدنش به سوی خود ، در صدد مؤاخذه وی برآمد .

أخذ برأس أخيه يجره إليه

مفسران در معنای جمله <أخذ برأس أخيه> گفته اند که موسی موهای هارون را گرفت. گویا تفسیر <راس> به موهای سر به دلیل جمله بعد (یجره إليه، او را به سوی خود می کشید) باشد. زیرا اگر موسی سر هارون را گرفته بود، طبعاً هارون با او فاصله ای

نداشت تا او را به سوی خود بکشد.

۱۴ هارون با تحریک عواطف موسی (ع) در صدد تسکین غضب او و مطمئن ساختنش بر انجام وظایف و مسؤولیت های خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل برآمد .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

به نظر می رسد هارون با انتخاب <ای فرزند مادرم> در خطاب به موسی، در صدد تحریک عواطف وی به سوی خود بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۹، ۷، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ موسی (ع) پس از مشاجره خویش با هارون و پی بردن به ناتوانی او در برابر منحرفان، رو به درگاه خدا آورد و به مناجات با او پرداخت .

قال رب اغفر لی و لأخی

۲ موسی (ع) در مناجاتش با خدا آمرزش خویش و برادرش هارون را از خداوند درخواست کرد .

قال رب اغفر لی و لأخی

۴ موسی (ع) خشم شدید خویش را بر هارون خطا تلقی کرد و به خاطر آن از خداوند آمرزش طلبید . *

قال رب اغفر لی

از اینکه موسی (ع) پس از شنیدن سخنان هارون برای خویش طلب مغفرت کرد، معلوم می شود از برخورد شدید خویش با هارون پشیمان شد و آن را خطا تلقی کرد.

۵ موسی (ع) در عین قانع شدن به بی تقصیری هارون در گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی، وی را کاملاً دور از خطا ندانست . *

قال رب اغفر لی و لأخی

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۷ فراگیری رحمت الهی بر

موسی (ع) و هارون، از دعاها و درخواست های موسی (ع) از خداوند.

و أدخلنا فی رحمتک

۹ موسی (ع) با توجه به ربوبیت خدا و توصیف او به < أرحم الراحمین >، خواسته های خویش را از وی تقاضا کرد.

و أنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۱

۱۱ آمرزش گناه گوساله پرستان بنی اسرائیل مؤثر در پیشبرد اهداف رسالت موسی (ع)

إن ربك من بعدها لغفور رحیم

مخاطب در جمله <إن ربك .. > حضرت موسی (ع) است. در اینکه چرا خداوند در بیان آمرزش گناهان بنی اسرائیل، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داده و کلمه <رب> را به آن اضافه کرده، دو وجه می توان ذکر کرد: بخشش گناه بنی اسرائیل در راستای ربوبیت خدا بر موسی و طبعاً در راستای پیشبرد رسالت اوست. توصیه ای است به موسی (ع) که تو نیز از خطاها و لغزشهای قومت، در صورت توبه، در گذر و آنها را نادیده انگار. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست.

و لما سكت عن موسى الغضب

وقوع جمله <و لما سكت .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی (ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و

تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

۲ موسی (ع) پس از فرونشستن خشمش، لوحه های تورات را که بر اثر غضب رها ساخته بود، از زمین برگرفت.

و لما سکت عن موسى الغضب أخذ الألواح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۷، ۲۱، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ خداوند از موسی (ع) خواست تا گروهی از قومش را همراه خود به میعادگاه مناجات بیاورد.

و اختار موسى قومه سبعين رجلا لميقتنا

۲ موسی (ع) از میان بنی اسرائیل هفتاد نفر را برای بردن به میعادگاه مناجات انتخاب کرد.

و اختار موسى قومه سبعين رجلا لميقتنا

کلمه <سبعین> مفعول برای <اختار> می باشد و <قومه> به سبب حذف حرف جر، منصوب شده است؛ یعنی <من قومه>. البته برخی <قومه> را مفعول و <سبعین> را بدل از آن گرفته اند.

۳ هفتاد مرد گزینش شده برای حضور در میعادگاه مناجات، بهترین و لایقترین مردم بنی اسرائیل در دیدگاه موسی (ع)

و اختار موسى

<اختیار> به معنای انتخاب و گزینش خیر است. بنابراین <اختار موسی> یعنی موسی بهترینها را انتخاب کرد.

۴ برگزیدگان موسی برای حضور در میعادگاه مناجات، از میان مردان بنی اسرائیل بودند؛ نه زنان ایشان

سبعين رجلا

۵ برگزیدگان بنی اسرائیل برای همراهی موسی (ع) در میعادگاه مناجات، پس از حضور در آن مقام به لرزشی شدید و کشنده گرفتار شدند.

فلما أخذتهم الرجفة

۶ خداوند، بجز موسی (ع)، همه حاضران در میعادگاه مناجات را به هلاکت رسانید

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

۷ موسی (ع) با مشاهده هلاکت همراهان خویش در میعادگاه مناجات، به دعا به درگاه خداوند پرداخت.

فلما أخذتهم الرجفة قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

۸ موسی (ع) اندوهناک از هلاکت برگزیدگان در میعادگاه مناجات به دور از چشمان بنی اسرائیل

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

جمله <لو شئت...> (اگر می خواستی من و ایشان را به هلاکت رسانی، پیش از حضور در میقات به هلاکت می رساندی) حکایت از تحسر و اندوه موسی(ع) بر از میان رفتن همراهانش دارد و قید <من قبل> می رساند که اندوه وی برخاسته از آن است که هلاکت آنان در میقات و به دور از چشمان بنی اسرائیل تحقق یافته است.

۹ ترس موسی (ع) از متهم شدن به کشتن حاضران در میقات، مایه اندوه فراوان بر هلاکت ایشان شد.

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

برداشت فوق توجیهی است احتمالی بر اینکه چرا موسی(ع) به خاطر هلاکت همراهانش به دور از چشمان بنی اسرائیل، اندوهناک شد.

۱۰ اندوه موسی (ع) بر هلاکت همراهانش در میقات، موجب شکوه او به درگاه خدا و آرزوی مرگ خویش و همراهانش پیش از حضور در میعادگاه مناجات

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل و إیّی

۱۱ کردار سفیهانه گروهی از همراهان موسی در میعادگاه مناجات، عامل نزول عذاب الهی و به هلاکت رساندن همه آنان شد.

أتهلكنا بما فعل السفهاء منا

گفته شده مراد از کردار سفیهانه برخی از همراهان موسی، تقاضای رؤیت خدا با چشم بوده است.

موسی (ع) در پی هلاکت همراهانش در میقات، با پرسشی شکوه آمیز، توجیه و چرایی هلاکت همه حاضران را به خاطر گناه گروهی از آنان، از خداوند تقاضا کرد.

أتهلكنا بما فعل السفهاء منا

۱۴ آزمون بنی اسرائیل از جانب خدا، توجیه و برداشت موسی (ع) از مشیت الهی بر هلاک سازی همراهان او

إن هی إلا فتنتک

۱۷ موسی (ع) هلاکت همراهان خویش را زمینه ساز تحقق مشیت الهی در گمراه سازی گروهی از بنی اسرائیل و به هدایت رساندن گروهی دیگر از آنان دانست.

إن هی إلا فتنتک تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء

۲۱ موسی (ع) در مناجات خویش با خداوند، در پی هلاکت همراهانش در میعادگاه مناجات، از خداوند خواست تا وی و همراهانش را ببخشاید و بر آنان ترحم کند.

فاغفرلنا و ارحمنا و أنت خیر الغفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱،۳،۴،۸،۹

۱ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الآخرة

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از <نا> در <لنا>، موسی (ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدر کردن است.

۳ موسی (ع) خود و همراهانش را مردمی بازگشته به سوی خدا و توبه کار به درگاه او دانست.

إنا هدنا إلیک

<هوْد> (مصدر هدنا) به معنای بازگشتن

و توبه کردن است.

۴ موسی (ع) به دلیل بازگشت خود و همراهانش به سوی خدا، همگان را شایسته برخوردار شدن از حیات نیکوی دنیا و سعادت آخرت دانست.

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

جمله <إنا هدنا إلیک> تعلیل برای <و اکتب لنا .. > است. یعنی چون به سوی تو بازگشتیم، این تقاضا و انتظار که زمینه و مقدمه آن را فراهم کرده ایم گزاف نیست.

۸ موسی (ع)، نگران شمول عذاب الهی بر همه قوم خویش *

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره .. قال عذابی أصیب به من أشاء

به نظر می رسد تقاضای موسی (ع) با جمله <و اکتب لنا .. > و تعلیل آن با جمله <إنا هدنا إلیک>، ناشی از واقعه ای است که در آیه قبل بیان شد و آن عبارت بود از هلاکت همه همراهان به سبب سفاهت گروهی از ایشان. گویا موسی (ع) از آن واقعه چنین برداشت کرد که با گناه گروهی از بنی اسرائیل همه آنان در خطر نابودی خواهند بود و لذا نگران شد و از خدا چنین تقاضایی کرد.

۹ خداوند با بیان عدم تقدیر عذاب بر همگان و جریان آن بر اساس مشیت خویش، موسی (ع) را از نگرانی شمول عذاب بر همه بنی اسرائیل رها ساخت.

قال عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی وسعت کل شیء

جمله <عذابی أصیب به من أشاء> در مقابل <و رحمتی وسعت کل شیء>، بیانگر این است که خداوند خواهان عذاب همگان نخواهد

شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۲، ۱۰، ۹

۹ موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

و أوحینا إلی موسی . . . أن اضرب بعصاک الحجر

<ال> در <الحجر> هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از <الحجر>، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند <ال> برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از <الحجر> سنگی مخصوص بوده است.

۱۰ موسی (ع) در پی فرمان الهی بدون هیچ تأخیر عصای خویش را برای به دست آوردن آب بر سنگ زد .

أن اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا

حرف <فاء> در <فانجست> فاء فصیحه است ؛ یعنی بیانگر معطوف علیه مقدر می باشد. آن معطوف علیه مقدر به قرینه فراز قبل، <اضرب بعصاه الحجر> است. گویا حذف این جمله برای رساندن این معناست که فرمان الهی (اضرب) همان و زدن همان.

۱۲ جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا

<انجاس> مصدر <انجست> به معنای جوشیدن و فوران زدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۷، ۴، ۲

۲ حضرت موسی (ع) ، از انکار معجزه توسط فرعون و اطرافیانش و جادو خواندن آن ، اظهار تعجب و شگفتی کرد .

أسحر هذا

۴ حضرت موسی (ع) ، سحر بودن کار خود را نفی

کرده ، معجزه بودن آن را امری بدیهی ، روشن و غیر قابل تردید خواند .

أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسْحَرُ هَذَا

با توجه به استفهام انکاری و اسم اشاره و جمله قبل ، معنای جمله (أَسْحَرُ هَذَا) چنین است که: این عمل سحر نیست و مایه تعجب است اگر کسی حق و معجزه بودن آن را انکار کند.

۷ حضرت موسی (ع) ، همراه با نفی ساحریت از خود ، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود .

و لا یفلح السحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) ، پس از رویارویی با انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به قصد میدان انداختن آورده اند ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحرة قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسی ألقوا .. فلما ألقوا

۲ موسی (ع) ، پس از مشاهده عمل ساحران ، برای رفع اتهام ساحری از خود ، سحر بودن آن عمل را به آنان گوشزد نمود .

فلما ألقوا قال موسی ما جئتم به السحر

۳ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر

آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيطله

۴ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، به خدا مرتبط نموده و خود را صرفاً واسطه فعل او اعلام کرد .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيطله إن الله لا يصلح عمل المفسدين . و يحق ال

۵ موسی (ع) ، از پیش بر پیروزی خود و شکست ساحران و ابطال سحرشان ، اطمینان داشت .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيطله

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسى ما جئتم به السحر .. إن الله لا يصلح عمل المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۱ ، ۱۰

۱۰ موسی (ع) در دعای خود ، نابودی کامل ثروت های فرعون و اطرافیانش را از خداوند خواستار گردید .

ربنا اطمس علی أموالهم

گاهی <طموس> به چیزی نسبت داده می شود و از آن فساد، تباهی و نابودی خود آن شیء اراده می شود؛ مانند طموس قلب، یعنی فساد و تباهی قلب؛ طموس طریق، یعنی خراب شدن و از بین رفتن راه و گاهی از آن تباهی آثار و لوازم شیء اراده می شود؛ مانند طموس نجم، یعنی زوال نور آن؛ طموس چشم، یعنی محور نور آن. برداشت فوق مبتنی بر استعمال اول است.

۱۱ موسی (ع) در دعای خود ، برای جلوگیری از گمراه شدن

مردم ، از خداوند درخواست کرد تا جاذبه های اموال فرعون و اطرافیانش را (در چشم و دل مردم) دگرگون نماید .

ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی أمولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ موسی (ع) و برادرش (هارون) ، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند .

قال موسی ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملاء زینه و أمولا .. لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < و جاوزنا بینی اسرائیل ... > . . . فخرج موسی بینی اسرائیل و أتبعهم فرعون . . . فدعا موسی ربه فأوحی الله إلیه : أن اضرب بعصاک البحر فضربه فانفلق البحر فمضى موسی و أصحابه حتی قطعوا البحر . . . فلما توسط فرعون و من معه أمر الله البحر فانطبق علیهم فغرقهم أجمعین . . . ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم . . . > روایت شده است: موسی (ع) بنی اسرائیل را بیرون برد و فرعون آنان را تعقیب کرد . . . پس موسی (ع) پروردگار خود را خواند. خداوند به او وحی کرد که عصای خود را به دریا بزن. موسی (ع) عصا را به دریا زد ; آن گاه دریا شکافته شد و موسی (ع) و اصحابش از دریا گذشتند . . . در آن هنگام

فرعون و همراهانش به وسط دریا رسیده بودند که خداوند فرمان داد تا امواج آب آنان را در کام خود فرو برد و [بدین ترتیب] همه آنان را غرق کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود.

و اتل علیهم نبأ نوح... فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیک فستل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۷ - ۳

۳ فرعون و قوم او و بزرگان دربارش، رسالت موسی (ع) را نپذیرفتند.

فاتبعوا أمر فرعون

پیروی از دستور فرعون (فاتبعوا أمر فرعون) پس از رسالت موسی (ع) (أرسلنا موسی) گویای مخالفت قوم فرعون و بزرگان دربارش با رسالت موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۹

۹- فرعون پس از مشاهده معجزه های نه گانه موسی (ع)، او را متهم به سحر و سحرزدگی کرد.

ءاتینا موسی تسع ءایت .. فقال له فرعون إنی لأظنک یموسی مسحورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۱۲- صراحت لهجه و شجاعت موسی (ع) در برابر فرعون

و إني لأظنك يفرعون مثبورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱،۳

۱- تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد آتينا موسى تسع آيات .. فأراد أن يستفزهم من الأرض

برداشت فوق بنابرین نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشد. در این صورت لازمه <استفزاز> (برکندن)، قتل و نابود کردن است.

۳- روی آوردن فرعون به اعمال قهرآمیز علیه موسی (ع) در پی ناتوانی از رودرویی منطقی و فرهنگی با او

و لقد آتينا موسى تسع آيات بينت .. فقال له فرعون إني لأظنك ي موسى مسحورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۱، ۶، ۵، ۲، ۱

۱- موسی (ع) برای یافتن خضر ، با عزمی راسخ و جدی ، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد .

لأبرح حتى أبلغ مجمع البحرين

<لأبرح> صیغه متکلم از <برح> و به معنای <دست برنمی دارم> و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

۲- موسی (ع) در جستار تحقیقی خویش برای یافتن خضر ، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود .

و إذ قال موسى لفتيه لأبرح

<فتی> به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی (ع)،

> یوشع بن نون < وصی آن حضرت بوده است.

۵- موسی (ع) همسفر خود را از احتمال طولانی بودن سفرشان آگاه ساخت و احتمال بازگشت از نیمه راه را منتفی دانست .

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح .. أو أمضی حقبًا

۶- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر ، در محل تلاقی دو دریا ، مطلع بود .

لأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرين

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی هذا القراءان للناس من کلّ مثل .. و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۶، ۳، ۲، ۱

۱- موسی (ع) و همسفر او به محلّ تلاقی دو دریا رسیدند و در آن جا توقف کردند .

فلّمّا بلغا مجمع بینهما

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرين ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلّمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

> حوت < یعنی > ماهی < و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محلّ تلاقی دو دریا ، از ماهی همراه خویش ، غفلت کردند .

فلّمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

۶- > عن أبی عبدالله (ع) قال : ... أرسل (أی موسی) إلی یوشع إئی قد ابتلیت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا

، و اشتری حوتاً... ثم شواه ثم حملة فى مكتل... فقطرت قطره من السماء فى المكتل فاضطرب الحوت ثم جعل يثب من المكتل إلى البحر قال: و هو قوله: < واتخذ سبيله فى البحر سرباً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: .. موسى به يوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. يوشع، يك ماهی خرید... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب و جوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله فى البحر سرباً.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- موسى (ع) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرين ، در جستوجوی خضر (ع) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلما بلغا مجمع بينهما .. فلما جاوزا

موسى(ع) در سخن خود با يوشع، مجمع البحرين را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسى(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلّ مورد نظر موسى(ع) رسیده اند.

۲- موسى (ع) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرين ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود

و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

۴- موسی (ع) بسیار مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود .

لأبرح حَتَّى .. ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

۵- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرین ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

۶- همسفر موسی (ع) عهده دار حمل و تدارک غذا بود .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کار همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاً می گفت <آنتی غدائی> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱۱، ۷، ۴، ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوتينا إلى الصخره

٤- همسفر موسى از

بازگویی سرگذشت ماهی، برای موسی (ع)، در مدت استراحت شان در مجمع البحرین، غفلت کرد.

قال أريت إذ أوينا إلى الصخره فإني نسيت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوينا إلى الصخره> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>

۷- شیطان، برای عدم ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد.

فإني نسيت .. و ما أنسنيه إلا الشيطان أن أذكره

همسفر موسی با ادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد؛ یعنی، هیچ عامل دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر(ع) شود.

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) قال: إني لما كان من أمر موسى الذي كان أعطى مكمل فيه حوت مملح قيل له: هذا يدلك على صاحبك عند عين مجمع البحرین... فانطلق الفتى يغسل الحوت في العين فاضطرب الحوت في يده حتى خدشه فانفلت و نسيه الفتى ;

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی(ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند... پس آن جوانی که همراه موسی(ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که

به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود.

قال ذلک ما کنا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و <ذلک ما کنا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.>
<یاء نبغی> در پایان سخن موسی (ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی (ع)، از رخداد علائمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود.

قال ذلک ما کنا نبغ

۳- همسفر موسی، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر، همگام موسی (ع) و خواهان به مقصد رسیدن او بود.

ذلک ما کنا نبغ

۴- موسی (ع) و همسفرش، پی جویانه، به نقطه قبلی توقّف خود و محل از دست دادن ماهی بازگشتند.

فارتدا علی آثارهما قصصاً

<إرتداد> (مصدر <إرتدا>)؛ یعنی، <بازگشتن> و <قصّ أثره قصصاً>؛ یعنی، جاب پای او را با دقت، دنبال و پی گیری کرد. مراد از <فارتدا...> این است که موسی (ع) و همراه او، به دقت، راه رفته را بازگشتند تا به همان نقطه که ماهی به دریا رفته بود، بازگردند.

۵- مسیر رفت و بازگشت موسی (ع) پس از عبور از مجمع البحرین، در خشکی بود.

علی آثارهما

<أثر> نشانه ای است که در زمین پدید آید و به

وسیله آن بتوان به راه پیموده شده، دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۶۵ - ۱،۲

۱- موسی (ع) و همسفرش، پس از بازگشت به مجمع البحرین، با خضر (ع) ملاقات کردند.

فارتدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود.

فارتدا .. فوجدا عبداً من عبادنا ... و علمنه من لدنا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۶۶ - ۱۱، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- موسی (ع) از خضر (ع) برای همراه شدن با او، اجازه خواست.

قال له موسی هل أتبعك

۲- هدف موسی از همراه شدن با خضر، بهره‌وری از علم رشد آفرین وی بود.

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علمت رشدًا

<رشدًا> اگر مفعول له باشد، مفاد آیه این است که: <پیروی من، به منظور رشد یافتن است> که اگر مفعول به باشد، مراد این است که: <تو را پیروی می کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی.>

۳- موسی (ع) به <علم لدنی> حضرت خضر احساس نیاز می کرد.

هل أتبعك علی أن تعلمن

مِمَّا عَلَّمَتْ رَشَدًا

۴- موسی (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او ، متواضع و فروتن بود .

هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلِيٌّ أَنْ تَعْلَمَنَ مِمَّا عَلَّمْتَ

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۵- موسی (ع) برای رسیدن به رشد و تکامل -برتر از راه تحصیل دانش ، در تلاش بود .

هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلِيٌّ أَنْ تَعْلَمَنَ مِمَّا عَلَّمْتَ رَشَدًا

۱۱- موسی (ع) همسفر خود را به همراهی با خضر (ع) و دریافت علوم او ، وادار نکرد . *

هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلِيٌّ أَنْ تَعْلَمَنَ

در سفر با خضر، سخنی از همسفر موسی به میان نیامده است؛ ممکن است او در این سفر، از موسی جدا شده و یا به دلیل شخصیت برجسته موسی و خضر(ع) تنها، از آن دو، در آیات بعد یاد شده باشد. جمله <ذَلِكْ مَا كُنَّا نَبِغُ > در آیات قبل، احتمال دوم را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هَلْ أَتَّبِعُكَ .. قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

۳- کار های خضر ، برای

دیگران ، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود .

قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

تأکید بر <معی> نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته غیر قابل تحمّل بوده است.

۴- حضرت خضر (ع) ، نسبت به خصوصیات روحی موسی (ع) از پیش ، مطلع بود . *

قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر(ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: ۱ اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی(ع) ۲ این که اصولاً تحمّل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۸ - ۲،۳

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إنك لن تستطيع ... و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

۳- أعمال خضر (ع) ، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته ، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود .

و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۹ - ۱،۲،۴،۵

۱- موسی (ع) به شکیب بودن در برابر کار های خضر و چیزهایی که از او فرا می گیرد ، متعهد گردید .

قال ستجدني إن شاء

اللّٰهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

جمله <ستجدنی..> (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی(ع) صبری را نوید می داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با <سأصبر> و نظایر آن، تأکید بیشتری دارد.

۲- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان های او تأکید کرد .

ستجدنی إن شاء الله صابراً ولا أعصي لك أمراً

۴- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلّم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتبعك... ستجدنی... ولا أعصي

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی(ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتبعك)؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمْتُ)؛ ج) علم او را رشد آفرین دانست (رشداً)؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (مِمَّا عُلِّمْتُ)؛ ه) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت <ستجدنی إن شاء الله..> ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج ۱۳).

۵- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدنی إن شاء الله صابراً ولا أعصي لك أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱- خضر، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او، به صورت مشروط، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی

۲- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او ، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلاتسئلنی عن شیء حتّی أحدث لك منه ذکراً

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی أحدث لك منه ذکراً

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أحدث لك منه ذکراً

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱۱، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّی إذا ركبأ فی السفینه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فأ> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را

پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا ركبأ فی السفینه

۳- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع) ، از آنان جدا شد . *

فانطلقا حتّی إذا ركبأ فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و

رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تثنیه

(>فانطلقا<، >ركبا<) گواهی روشن بر این نکته است.

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند.

حتّی إذا ركبا فی السفینه خرقها

>خرق< به معنای >شکافتن و دریدن< است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد.

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است.

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است.

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق، علت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود.

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود.

لقد جئت شیئاً إمراً

>إمر< به معنای >منکر عظیم< و نیز >منکر عجیب< آمده است. (لسان العرب).

۱۱- موسی (ع)، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست.

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شیئاً إمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱،۳

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را

دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبراً

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد

أخرقتها لتغرق أهلها .. ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۳ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱- موسی (ع) با به یاد آوردن گفتار خضر درباره ناشکیبایی وی ، به ناروا بودن اعتراض خود پی برد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۲- موسی (ع) به دلیل تخلف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او ، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (ع) تقاضای چشم پوشی کرد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۳- تخلف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

۷- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلف از عهد خویش ، تقاضا کرد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت ولا ترهقني من أمري عسراً

<إرهاق> به معنای <تحمیل کاری طاقت سوز بر دیگری> است. (قاموس) و مفاد <لا ترهقني...> این است که کاری دشوار (مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهی) را بر من تحمیل مکن و مرا به زحمت مینداز. لازم به ذکر است که <عسراً> مفعول دوم برای <لا ترهقني> است.

جلد - نام سوره - سوره -

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتّی إذا لقیَا غلَمًا

<غلام> یعنی <کسی که سبیل او تازه رویده باشد>. (معجم مقاییس اللغه).

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیَا غلَمًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدّت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفساً زکیه بغير نفس لقد جئت شیئاً نکراً

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

۱۱- > عن أبي عبد الله: ... بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : > فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : > أقتلت نفساً زکیه بغير نفس لقد جئت شیئاً نکراً؟ < . قال : > فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: ... آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می

رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغير نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>. (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

۱۲- <عن أبي عبد الله (ع): ... و خرجا (موسی و خضر (ع)) علی ساحل البحر فإذا غلام يلعب مع غلمان... فتورکه العالم فذبحه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. آن دو (موسی و خضر(ع)) در کنار ساحل دریا (از کشتی) بیرون آمدند، ناگهان به پسری برخوردند که با چند پسر دیگر بازی می کرد... پس آن عالم (یعنی خضر) آن پسر را بر زانوی خود گذاشت و ذبح اش کرد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی (ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شيئاً نكراً . قال ألم أقل لك

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت <لک> آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

۲- خضر (ع) بر ناتوانی موسی (ع) از تحمل کار های خضر برای سومین بار تأکید کرد

قال ألم أفل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

خضر(ع) يك بار، در آغاز برخورد با موسی(ع) و بار دیگر، پس از ماجرای کشتی و مرتبه سوم در پی قتل نوجوان، جمله ای را به موسی(ع) یاد آور شد که حاوی چندین تأکید است. (إنك لن تستطيع...).

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شيئاً نكراً . قال ألم أفل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شيئاً نكراً . قال ألم أفل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۶ - ۵، ۴، ۲، ۱

۱- موسی (ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى

۲- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتك من شيء بعدها فلا تصحبنى

۴- موسی (ع) به ناتوانی خود از تحمل کردار خضر (ع) و همراهی با وی پی برد .

قال .. قد بلغت من لدنى عذراً

۵- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در

جدا شدن از وی با مشاهده تخلف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت ، اعتراف کرد .

قال إن سألتك .. قد بلغت من لدني عذرا

جمله <قد بلغت من لدني عذرا> یعنی: <از دیدگاه من، به عذری قابل قبول جهت ترک مصاحبت دست یافتی.> این جمله، به قرینه <قد>، مربوط به <إن سألتك...> نیست، بلکه اعتراف موسی(ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) درخواست مهلت موسی (ع) را پذیرفت و برای بار سوم ، به او فرصت همراهی داد .

إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى .. فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتى إذا أتيا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <يضيّفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی

و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن يضيّفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن يضيّفوهما

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدا فیها جدارًا یرید أن ینقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است؛ یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است .

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

یرید أن ینقضّ فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرف بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتّی إذا أتیا أهل قریه . . . فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدا فیها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتا خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فأقامه

مفرد آمدن <أقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد؛ چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تشبیه آمده و نقش هر دو را در

طلب غذا نمایانده است.

۱۳- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها .. قال لو شئت لتخذت عليه أجرًا

آنچه خضر و موسی (ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی (ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

۱۸- سخن شِکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن مزد ، سومین تخلف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لتخذت عليه أجرًا

۱۹- > عن جعفر بن محمد (ع) : ... > فانطلقا حتى إذا أتيا أهل قرية < و هي الناصره ;

از امام صادق (ع) روایت شده: .. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است <.

۲۰- > عن جعفر بن محمد (ع) : ... فوجدوا فيها جداراً يريد أن ينقض ، فوضع الخضر يده عليه فأقامه ;

از امام صادق (ع) روایت شده: (خضر و موسی (ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد <.

۲۱- > عن أبي عبد الله (ع) : ... فوجدوا فيها جداراً يريد أن ينقض فأقامه قال : > لو شئت لتخذت عليه أجرًا خبزاً نأكله فقد جُعنا < ;

از امام صادق (ع) روایت شده: .. خضر و موسی (ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می

خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: >می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱- سومین تخلف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لَتَخَذْتُ . . . قال هذا فراق بيني و بينك

در باره این که >هذا< اشاره به چیست، احتمالاً-تی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی(ع) باشد، یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

۲- ناتوانی موسی (ع) از تحمل کار های خضر (ع) ، در پی سومین سؤال و اعتراض او ، به اثبات رسید .

قال هذا فراق بيني و بينك سأبئتك بتأويل ما لم تستطع عليه صبرًا

۳- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدني عذراً . . . قال لو شئت لَتَخَذْتُ عليه أجراً . قال هذا فراق بيني و بين

۴- خضر ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کار های شگفت خویش را پیش از جدایی ، برای او بازگو خواهد کرد .

سأبئتك بتأويل ما لم تستطع عليه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۸

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلیه کشتی های سالم را در

آن منطقه ، مصادره می کرد .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

مراد از <كل سفينة> به قرینه <أن أعيبها> <كل سفينة صالحه> بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۳، ۲۱، ۱۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) علت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار .. ما فعلته عن امری

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فكان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی (ع) شناخته شده بود.

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین فی المدینه و كان تحته كنز لهما

۱۶- خضر (ع) با توجه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیت خداوند دانست .

فأراد ربّك

خضر (ع) با اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب (ربّك)

به موسی (ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و مدبر تو، مالک و مدبر یتیمان نیز هست.

۲۱- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذَٰلِكَ تَأْوِيلَ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۲- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبوری در برابر آن ، نکوهش کرد .

ذَٰلِكَ تَأْوِيلَ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱،۲

۱- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

<أيمن> یا از <یمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأيمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

۲- کوه طور ، مکانی مبارک و محلی که خداوند از آن ناحیه با موسی (ع) سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

<الأيمن> که در این برداشت به معنای مبارک گرفته شده است ممکن است وصف برای <الطور> باشد و ممکن است وصف برای <جانب> گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند.

إذ رءا نارًا .. بقبس أو أجد على النار هدى

جمله <أجد على النار هدى> دلالت می کند که موسی(ع) و همراهانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

۲ - موسی (ع) در مسیر حرکت خویش، علاوه بر همسر خود، افرادی دیگر از اعضای خانواده اش را به همراه داشت.

فقال لأهله امكثوا

فعل <امكثوا> که به صورت جمع آمده است، بر نکته یاد شده دلالت دارد.

۳ - حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان، آتشی را دید و به خانواده اش بشارت داد.

إذ رءا نارًا فقال .. إني ءانست نارًا

<ایناس> (مصدر <ءانست>) در معانی <احساس کردن>، <دیدن>، <دانستن> و <شنیدن> استعمال می شود (لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد <دیدن> است.

۴ - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد، ندیدند. *

فقال لأهله امكثوا أتي ءانست نارًا

از گفته موسی(ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی(ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

۵ - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن

پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند .

لَعَلِّيْ ءَاتِيْكُمْ مِنْهُ بِقَبْسٍ اَوْ اُجْدَ عَلٰى النَّارِ هَدٰى

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدی> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند و گرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی (ع) در پی مشاهده آتش، از خانواده خویش جدا شده و به طرف آتش حرکت کرد .

رءَا نَارًا .. فَلَمَّا اَتٰیهَا

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فَلَمَّا اَتٰیهَا

۳ - موسی (ع) با نزدیک شدن به آتش، با ندایی مواجه شد که او را با نام صدا می زد .

فَلَمَّا اَتٰیهَا نُوْدٰى يٰمُوْسٰى

۴ - ندای < یا موسی > ناگهانی و بدون گذشت زمانی از لحظه رسیدن موسی (ع) به آتش، به او خطاب شد .

فَلَمَّا اَتٰیهَا نُوْدٰى يٰمُوْسٰى

۵ - موسی (ع)، گوینده < یا موسی > را نشناخت .

نودی ی موسی

مجهول آمدن <نودی> و نیز جمله <إِنِّيْ اَنَا رَبُّكَ> (در آیه بعد) گویای ناشناخته بودن صاحب صدا برای موسی در اولین برخورد است.

جلد - نام سوره

۱ - دره طوی در صحرای سینا سرزمین تکلم خداوند با موسی (ع)

یموسی . اِنِّی اَنَا رَبُّکَ ... اِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی

<واد> مخفف <وادی>، یعنی حد فاصل بین کوه ها که راه عبور سیلاب باشد (مصباح). <طوی> ممکن است نام دره ای پایین کوه طور باشد (لسان العرب). در این صورت بدل یا عطف بیان برای <الواد المقدس> خواهد بود و ممکن است به معنای <ساعه> و <لحظه> باشد (لسان العرب). که ظرف برای <المقدس> می شود؛ یعنی دره ای که در برهه ای از زمان (اشاره به لحظه تکلم خداوند با موسی (ع)) تقدس یافته است.

۲ - خداوند در خطاب به موسی (ع) ، خود را به او شناساند و به او فهماند که در محضر پروردگار خود قرار دارد و کلام او را می شنود .

یموسی . اِنِّی اَنَا رَبُّکَ

۴ - خداوند به موسی (ع) فرمان داد ، به پاس احترام محضر پروردگار خود ، نعلین از پای درآورد و با پای برهنه در وادی مقدس گام نهد .

فاخلع نعلیک اِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی .. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) هنگام جدا شدن از خانواده اش برای آوردن آتش، چوب دستی خود را نیز به همراه داشت.

و ما تلک بیمینک یموسی

<تلک> برای اشاره به مؤنث به کار می رود و دلالت دارد که اطلاق نام خشبه یا عوده (چوب) بر آنچه در دست موسی(ع) است، مسلم گرفته شده است؛ بنابراین از موسی(ع) خواسته شده بود که در جواب، خصوصیات آن چوب را بیان کند تا متوجه باشد که چه چیزی تبدیل به مار خواهد شد. گفتنی است که از جمله <أهش بها علی غمی> (در آیه بعد)، استفاده می شود که موسی(ع) پیش از آمدن به کوه طور، آن عصا را به همراه داشت.

۲ - خداوند در وادی طوی، از موسی (ع) خواست، خصوصیات چوب دستی خود را بیان کند.

و ما تلک بیمینک یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۸ - ۱،۵،۶

۱ - موسی (ع) در پاسخ به پرسش خداوند در باره آنچه در دست دارد آن را عصای خویش اعلام کرد.

و ما تلک بیمینک .. قال هی عصای

۵ - حضرت موسی (ع) در راه مدین به مصر، دارای گوسفندانی بود که خود، آنها را شبانی می کرد.

أهش بها علی غمی

<غنم> یعنی، گوسفندان. این کلمه از لفظ خود، مفرد ندارد و به یک گوسفند <شاه> گفته می شود (مصباح)

۶ - سرزمینی که موسی (ع) در آن

دام داری و شبانی می کرد ، درختانی داشت که برگ آن برای تغذیه دام مناسب بود .

و أهشَّ بها علی غنمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۹ - ۱

۱ - خداوند در وادی طوی به موسی (ع) فرمان داد تا عصای خویش را بر زمین بیفکند .

قال ألقها یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) به فرمان خداوند عصای خویش را بر زمین افکند .

فألقیها

۲ - عصای موسی (ع) در پی افکنده شدن ، به ماری در حال حرکت تبدیل شد .

فألقیها فإذا هی حیة تسعى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۱ - ۱،۲،۳،۵

۱ - خداوند به موسی (ع) فرمان داد عصای تبدیل شده به مار را بدون ترس از زمین برگردد .

قال خذها

۲ - موسی (ع) از گرفتن عصای مار شده خویش در بیم و هراس بود .

قال خذها و لاتخف

۳ - خداوند ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که عصای مار شده پس از گرفته شدن به حالت اول بر خواهد گشت .

و لاتخف سنعیدها سیرتها الأولى

<سیره> در اصل به معنای حالت و هیئت سیر است، ولی به صورت مجاز، بر هر صفت و حالتی اطلاق می شود. در جمله
<سنعیدها سیرتها> حرف <إلی> در تقدیر است، که حذف آن، کلمه را منصوب به نزع خافض کرده است؛ یعنی
<سنعیدها إلی سیرتها> یا <سنعید إلیها سیرتها>.

- نمایاندن معجزه به موسی (ع) در وادی طوی و به دور از چشم مردم، به خاطر تجربه و آمادگی بیشتر او برای ارائه معجزه در حضور مردم بود. *

ألقها .. خذاها و لاتخف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۲ - ۱

۱ - خداوند، در وادی طوی به موسی (ع) فرمان داد که با گذاردن دست در زیر بغل و بیرون آوردن آن، با معجزه ای دیگر آشنا شود.

واضمم یدک إلی جناحک .. آیه أُخری

<جناح> در معانی <دست>، <بازو>، <زیر بغل> و <پهلوی> به کار می رود (قاموس). فعل <تخرج> قرینه است براین که مراد از <جناح> در آیه <زیر بغل> است، زیرا بر دور شدن دست از بازو و پهلوی خروج صادق نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۳ - ۱

۱ - ارائه معجزه عصا و یدبضا به موسی (ع) در وادی طوی، به جهت نمایاندن برخی معجزات بزرگ الهی به آن حضرت بود.

لنریک من ءایتنا الکبری

<لنریک> متعلق به فعلی است که از <آیه أُخری> انتزاع می شود؛ یعنی آیه آوردیم تا ... <من> برای تبعیض است و دلالت می کند که مراد، نشان دادن بعضی از آیات بزرگ خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۴ - ۲

۲ - خداوند، موسی (ع) را به حرکت به سوی فرعون و بازداشتن او از طغیان گری، فرمان

اذهب إلی فرعون إنه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۱،۷

۱ - موسی (ع) جهت انجام رسالت خویش و بازداشتن فرعون از طغیان گری، با دعابه درگاه خداوند، خواهان شرح صدر خویش شد.

اذهب... قال ربّ اشرح لی صدري

فراخی سینه، کنایه از خویشتن داری و کنترل خود و اختیار از کف ندادن است.

۷ - موسی (ع) در وادی طوی از خداوند خواست او را پذیرای حقیقت قرار دهد و توان مندی های او را برای دریافت پیام های الهی افزایش دهد.

ربّ اشرح لی صدري

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). صدر و قلب، کنایه از نفس انسان است که دارای وصف فهم و درک است و گفته شده است که صدر اعم از قلب است، زیرا علاوه بر عقل و علم، شامل قوای شهوت و غضب و هوس و غیر آن نیز می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۸ - ۲

۲ - موسی (ع) در مبارزه با فرعون، خود را مواجه با گروهی از حامیان او می دید و برای ارشاد آنان چاره اندیشی می کرد.

اذهب إلی فرعون... یفقهوا قولی

با آن که در فرمان رسالت فقط نام فرعون آمده بود، اما موسی (ع) برای گفتار خویش، شنوندگان بیشتری را پیش بینی می کرد و <یفقهوا> را با صیغه جمع آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ -

۱ - موسی (ع) از خداوند خواست ، هارون (ع) را در ابلاغ پیام الهی به فرعون ، شریک او گرداند .

هرون أخی . . و أشركه فی امری

مقصود از شراکت مورد درخواست موسی(ع)، مشارکت هارون با او در ابلاغ پیام خداوند به فرعونیان است، نه در دریافت وحی، زیرا موسی(ع) از تنهایی در آن هراسی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۱،۳

۱ - خداوند تمامی خواسته های موسی (ع) را پذیرفت و به او شرح صدر و بیان روان عطا کرد و هارون را وزیر او قرار داد .

قال ربّ . . قال قد أوتیت سؤلک یموسی

<سؤل> یعنی احتیاجی که نفس انسان بر تحصیل آن حرص میورزد و فرق آن با آرزو این است که آرزو در فکر انسان می گذرد، ولی <سؤل> پی گیری می شود. گویا همواره رتبه <سؤل> بعد از آرزو است.

۳ - خداوند در وادی طوی (در کوه طور) موسی (ع) را بر اجابت خواسته هایش آگاه ساخت .

قد أتیّت سؤلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۲۲، ۲۰، ۱۸، ۹، ۸، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - جان موسی (ع) از آغاز تولد و اوان طفولیت از سوی فرعونیان در خطر بود .

أن اقدفیه فی التابوت فاقدفیه فی الیم

فرمان یافتن مادر موسی به افکندن فرزندش در آب رودخانه، نشان از شرایط سخت آن دوران و در خطر بودن جان موسی(ع) دارد.

۲ - خداوند ، مادر موسی را به نهادن او در صندوق و

افکندن آن به رود نیل ، فرمان داد .

أَن أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ

مدلول <قذف> پرتاب کردن و افکندن است (مقایس اللغه) و <اقذفی> که هم در مورد گذاردن موسی(ع) در صندوق و هم افکندن صندوق به آب، به کار رفته، گویای این است که باید موسی(ع) به گونه ای در صندوق قرار داده شده و به آب افکنده شود که هر بیننده ای گمان کند آن را دور انداخته اند. <تابوت>، یعنی صندوق (نهایه ابن اثیر) و <یَمِّ> به معنای دریا است و در آیه، مراد رود نیل است (لسان العرب).

۴ - خداوند به مادر موسی (ع) اطمینان بخشید که آب خروشان نیل ، صندوق حامل موسی (ع) را به ساحل خواهد افکند .

فَلْيَلْقَهُ الْيَمِّ بِالسَّاحِلِ

امر به دریا که باید صندوق را به ساحل بیفکند، مجاز و برای مبالغه در این است که آمدن صندوق به همراه جریان آب تا کناره رودخانه و افکنده شدن آن به خشکی، قطعی است.

۵ - مادر موسی (ع) ، به پیام خداوند ایمان داشت و به حفظ جان موسی (ع) از جانب او مطمئن بود .

إِذْ أَوْحَيْنَا .. أَنْ أَقْذِفِيهِ ... يَأْخُذُهُ عَدُوٌّ

به قرینه <القیة علیک محبه> و نیز آیات دیگر قرآن؛ مادر موسی(ع) به محتوای وحی الهی عمل کرد و موسی(ع) را به نیل سپرد. این کار گواه اطمینان مادر موسی(ع) به آن است که پیام دریافت شده وحی الهی بوده و نیز نشان از ایمان کامل او دارد.

۶ - رود نیل از جانب خداوند ، مأمور افکندن صندوق حامل موسی (ع) به ساحل بود

فَلَيْقَهُ الِیْمَ بِالسَّاحِلِ

جمله <فلیقه الیم>، علاوه بر این که به مادر موسی می فهماند که افکنده شدن موسی (ع) به ساحل قطعی است، از این حقیقت نیز حکایت می کند که آب به امر تکوینی خداوند، مأمور است که این عمل را انجام دهد.

۸- مادر موسی (ع) ، پیش از افکندن او به آب ، از جانب خداوند ، به نجات موسی (ع) به دست یکی از دشمنان آگاه شده بود .

أَوْحَيْنَا .. يَأْخُذُهُ عَدُوُّ لِي وَعَدُوُّ لَه

۹- فرعون با خداوند و موسی (ع) دشمن بود و در پی شناخت موسی (ع) و نابود ساختن او برآمده بود .

يَأْخُذُهُ عَدُوُّ لِي وَعَدُوُّ لَه

عداوت فرعون برای موسی (ع)، آن هم پیش از پیدا شدن کودکی با ویژگی های او، گویای آن است که فرعون تصمیم داشت در صورت دست یافتن بر او، وی را هلاک سازد.

۱۸- محبوبیت موسی (ع) در دل ها و در دربار فرعون ، مایه احترام به موسی (ع) و موجب خدمت فراوان به او شده بود .

وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَ لَتَصْنَعُ عَلِيَّ عَيْنِي

چنانچه <صنیعه> (ریشه اشتقاقی <لتصنع>) به معنای احسان و کرامت باشد، مفاد <لتصنع..> چنین می شود: محبت تو را در قلب دیگران قرار دادم تا با مراقبت کامل من، مورد احترام و احسان آنان قرار گیری.

۲۰- زندگی موسی (ع) ، نمونه ای از نظارت خداوند بر پرورش پیامبران از آغاز ولادت آنان است .

و لَتَصْنَعُ عَلِيَّ عَيْنِي

۲۲- > عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ : أَنْزَلَ اللَّهُ عَلِيَّ

موسی التابوت و نودیت أمّه ضعیبه فی التابوت فاقدفیه فی الیم و هو البحر ۷

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: خداوند تابوت را بر موسی(ع) نازل کرد و به مادر وی ندا داده شد که او را در تابوت قرار ده، پس آن را به دریا بیفکن >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۳، ۳۲، ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۰، ۱۸، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - موسی (ع) در زمان تولد، دارای خواهری بزرگ و رشید بود .

إذ تمشی أختک فتقول هل أدلکم

تعقیب کردن موسی(ع) و نفوذ به دربار و نیز پیشنهاد دایه، جملگی گویای آن است که خواهر او در سنینی قرار داشته که علاوه بر توان جسمی و فکری براین کارها و ترفندها، سخن او نیز مورد پذیرش و قبول قرار می گرفته است.

۲ - خواهر موسی، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختک فتقول

حرکت کردن خواهر موسی در پی او، نشانگر آن است که وی از جریان موسی(ع) و به آب افکنده شدن او و نیز اجمال حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

۳ - خواهر موسی، تا زمان نجات او از آب و مشاهده تلاش درباریان فرعون برای یافتن دایه، به تعقیب وی ادامه داد .

إذ تمشی أختک فتقول هل أدلکم

ظاهر <هل أدلکم> آن است که خواهر موسی، تصاحب او را از سوی فرعونیان دیده و با رساندن خود به درباریان، پیشنهاد خود را بدون واسطه با مقامات دربار و کسانی که در طلب دایه بودند، مطرح

کرده بود.

۴- فرعون، به نگه داری و حفاظت از موسی (ع) مصمم شد.

هل أدلکم علی من یکفله

تلاش برای یافتن دایه و سرپرست، حکایت از آن دارد که فرعون بر نگه داری موسی مصمم شده بود.

۶- خواهر موسی به فرعونیان اظهار آمادگی کرد تا دایه ای مناسب را برای او معرفی کند.

هل أدلکم علی من یکفله

<کافل> به کسی گفته می شود که پرداختن به امور کسی را بر عهده گیرد (مقایس اللغه).

۷- خواهر موسی، آمادگی خود را برای معرفی دایه به فرعونیان، مکرر به آنان گوشزد می کرد.

فتقول هل أدلکم

فعل مضارع <تقول> بر استمرار کار در گذشته دلالت دارد.

۸- دایه پیشنهادی خواهر موسی، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد.

هل أدلکم علی من یکفله فرجعنک إلی أمک

<فاء> در <فرجعنک> فصیحه است؛ یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

۱۰- فرعونیان، موسی (ع) را به مادرش سپردند و او وی را به خانه خویش برد.

فرجعنک إلی أمک

بازگشت موسی نزد مادر، به این است که مادر، او را نزد خود برده باشد؛ نه این که برای پرستاری او به دربار رفته باشد.

۱۱- موسی (ع)، در خردسالی تحت تکفل مادر خود بود.

علی من یکفله

۱۲- خواهر موسی، تلاش و نقشی مؤثر در بازگرداندن او به مادرش داشت.

إذ تمشى أختك .. فرجعنك إلى أمك

یادکردن از خواهر موسی (ع) و تلاش او، نشان از نقش مؤثر و کارساز او در بازگرداندن وی به مادر دارد.

- مادر موسی ، با چشم دوختن به سرنوشت نامعلوم فرزندش ، از دوری او اندوهگین بود .

کی تقرّ عینها و لاتحزن

آرام و قرار گرفتن چشم، کنایه از بر طرف شدن نگرانی شدیدی است که چشم را به سویی خیره می کند و یا آن را همواره به چپ و راست می چرخاند.

۱۴ - دیدار دوباره با موسی (ع) ، به چشمان مادر روشنی و آرامش بخشید و اندوه او را برطرف ساخت .

فرجعنک إلى أمک کی تقرّ عینها و لاتحزن

<قره العین> یا از <قرار> به معنای آرام گرفتن مشتق است و یا از <قُرّ> به معنای سرد شدن که نتیجه توقف اشک سوزان است. در هر صورت این تعبیر، کنایه از شادمانی است که چشم را از نگران بودن و حرکت به سمت راست و چپ بازمی دارد و اشک سوزان اندوه را قطع می کند.

۱۸ - موسی (ع) ، پیش از دریافت وحی در کوه طور و رسیدن به مقام رسالت ، شخصی را به قتل رسانده بود .

و قتلت نفسًا

این آیه به کشته شدن مردی از قبطیان در مصر نظر دارد که با یکی از هم کیشان موسی(ع) درگیر شده و آن حضرت او را کشته بود. ولی فکر پی آمد آن، او را آسوده نمی گذاشت، تا آن که از مصر گریخت و در مدین از خطر رهایی یافت و غم و غصه او زایل گشت.

۲۰ - موسی (ع) به خاطر ارتکاب قتل ، نزد فرعونیان امنیت جانی نداشت .

فنجینک من الغم

۲۵ - خداوند ، پیش از ورود موسی (ع) به مدین ، او را

به آزمایشی سخت گرفتار ساخت .

و فتنک فتوناً فلبثت سنین فی أهل مدین

<فتنه> به معنای امتحان و اختبار است (مصباح). <فتون> مصدر و مفعول مطلق است و برای تأکید کلام آورده شده است و جمله <فتنک فتوناً>؛ یعنی، تو را به خوبی آزمودیم.

۲۷ - تعدد آزمایش های الهی از موسی (ع) ، پیش از ورود به مدین

و فتنک فتوناً

ممکن است کلمه <فتون> آن گونه که در <کشاف> و <البحرالمحیط> آمده، جمع فتنه باشد.

۲۸ - موسی (ع) در دوران زندگانی خویش ، با سختی های فراوانی مواجه شد .

و فتنک فتوناً

<فتون> چنانچه برخی گفته اند جمع فتنه است و <فتنه>، در مورد شداید و سختی ها استعمال بیشتری دارد (مفردات راغب).

۳۲ موسی (ع) در پی رهایی از چنگ فرعونیان ، با سختی به مدین رسید و در آن جا چندین سال اقامت گزید .

و فتنک فتوناً فلبثت فی أهل مدین

<فاء> در <فلبثت..> دلالت دارد که ورود موسی به مدین، بعد از سختی کشیدن او در راه مصر و مدین بوده است.

۳۳ درنگ چندساله موسی (ع) در بین مردم مدین ، مرحله ای دیگر از آزمون و ابتلای موسی (ع) بود .

و فتنک فتوناً فلبثت فی أهل مدین

<فاء> در <فلبثت> ممکن است برای عطف مفصل بر مجمل باشد. در این صورت درنگ موسی (ع) در مدین، مصداق فتنه (آزمون یا سختی) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۴،۳،۲،۱

۱ - موسی و هارون (ع) قبل از حرکت به طرف فرعون ، با

یکدیگر ملاقات نموده و موانع احتمالی ارشاد او را بررسی کردند .

قالا ربنا إتنا نخاف

قسمت هایی از داستان موسی(ع) از قبیل بازگشت او نزد خانواده اش و پیدا کردن راه مصر و ملاقات با برادرش هارون(ع) به این جهت که در ماجرای برخورد با فرعون، چندان دخیل نبوده، در این آیات ذکر نشده است. این احتمال نیز وجود دارد که آیه ۴۲ (اذهب أنت و أخوڪ) به بعد، سخنان خداوند به موسی و هارون(ع)، پس از ملاقات آن دو باشد.

۲- موسی و هارون (ع) با مناجات به درگاه خداوند و برشمردن موانع احتمالی اقدام خود، از خداوند راه چاره خواستند .

قالا ربنا إتنا نخاف أن یفرط علینا

۳- موسی و هارون (ع) از پیشدستی فرعون و اقدام او به کیفر فوری آنان، پیش از هرگونه فرصت اظهار معجزه و بیان حقیقت، نگران بودند .

قالا ربنا إتنا نخاف أن یفرط علینا

<فَرَطَ>؛ یعنی، پیشی گرفت بدون آن که افراط یا تفریط کرده باشد (مفردات راغب). مراد موسی و هارون(ع)، احتمال دست زدن فرعون به کاری است که فرصت ابلاغ پیام الهی را از آنان بگیرد.

۴- موسی و هارون (ع)، از احتمال افزایش طغیان فرعون، در پی ابلاغ دعوت الهی به او، نگران بودند .

أو أن یطغی

خداوند در سخن با موسی(ع)، به طغیان گری فرعون تصریح کرده بود. بنابراین مراد موسی و هارون(ع) از این سخن، احتمال افزایش طغیان او است؛ به گونه ای که زمینه پذیرش دعوت را در او به کلی از میان ببرد.

۵- نگرانی موسی و هارون (ع) از

ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۷، ۶، ۳، ۲

۲ - خداوند به موسی و هارون (ع) اطمینان داد که فرعون فرصت ابلاغ پیام رسالت را از آنان نگرفته و بر طغیان خود نخواهند افزود .

نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ .. قَالَ لَانْخَافَا

۳ - خداوند همراهی کامل خود با موسی و هارون (ع) و حمایت و حفاظت از آنان را طی رویارویی با فرعون ، اعلام کرد .

إِنِّي مَعَكُمْ

خداوند، همواره با همگان هست و در همه جا حضور دارد. آنچه که برای رفع نگرانی موسی و هارون(ع) مورد تأیید قرار گرفته، حضور ویژه خداوند است که حاکی از حمایت بی دریغ او از آنان است.

۶ - شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه ای اطمینان بخش برای تضمین یاری موسی و هارون (ع) در برابر فرعون بود .

إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى

۷ - وعده یاری خداوند و آگاهی گسترده او بر جزئیات ماجرای ارشاد فرعون ، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های نگران موسی و هارون (ع) بود .

إِنَّا نَخَافُ .. لَانْخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۵، ۳، ۱

۱ - خداوند ، موسی و هارون (ع) را به حضور بی باکانه و بی درنگ نزد فرعون و آگاه ساختن او از رسالت خویش فرمان داد .

لَانْخَافَا .. فَأْتِيَاهُ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ

<فأتيه> عطف بر <لاتخافا> و تفریع بر

آن است. یعنی حال که امنیت و حفاظت شما تأمین گردید بدون ترس و نگرانی نزد فرعون بروید. <فاء> عاطفه برای تعقیب است و دلالت دارد که نباید بین دو کار فاصله غیر متعارفی وجود داشته باشد.

۳- آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع)، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود.

فقولا .. فأرسل معنا بنی إسرئیل

۵- موسی و هارون (ع) به فرمان خداوند، وظیفه دار رهبری بنی اسرائیل پس از موافقت فرعون با خروج آنان

فأرسل معنا بنی إسرئیل

۱۱- موسی و هارون (ع)، از جانب خداوند مأمور بازداشتن فرعون از شکنجه بنی اسرائیل بودند.

إنا رسولا ربك .. ولا تعذبهم

۱۳- خداوند، به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا داشتن معجزه برای اثبات رسالت خویش را به فرعون ابلاغ کنند.

قد جئتك بآیه

<آیه> اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است. بنابراین می توان بر معجزات متعدد نیز <آیه> اطلاق کرد.

۱۴- توجه دادن فرعون به وابستگی امور زندگانی او به ربوبیت خداوند، از جمله برنامه های دیدار موسی و هارون (ع) با فرعون بود.

إنا رسولا ربك .. بآیه من ربك

تکرار <ربك> در این آیه و در خطاب به فرعون با توجه به ادعای ربوبیت او برای متذکر ساختن وی به انحصار ربوبیت برای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۳

۳- انذار فرعون از عذاب، با لحنی ملایم و پس

از تبشیر وی ، از وظایف موسی و هارون بود .

والسلم علی من .. العذاب علی من کذب

ظاهر کلام آن است که انذار فرعون پس از تبشیر او صورت گرفته باشد. به کار گرفتن صیغه های غایب در انذار، و نیز تصریح به وحی بودن آن همراه با تأکید، جملگی گواه نرمی گفتار موسی و هارون در سخن گفتن با فرعون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۹ - ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - موسی و هارون (ع) با ابلاغ پیام های وحی الهی به فرعون ، مأموریت خویش را به انجام رساندند .

فَقُولَا لَهُ .. قَالَ فَمَنْ رَبِّكُمَا

آیات گذشته، جملگی سخن خداوند با موسی و هارون(ع) بود؛ ولی از مواجهه آنان با فرعون و آنچه روی داده، در این آیات سخنی نیست. از پاسخ فرعون برمی آید که آنان پیام خویش را به وی رساندند و پاسخ او را دریافت کردند.

۲ - فرعون با گوش فرادادن به سخنان موسی و هارون (ع) ، اجازه داد آنان پیام الهی خویش را به او برسانند .

فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا .. قَالَ فَمَنْ رَبِّكُمَا

۳ - اظهار بی اطلاعی و تجاهل نسبت به پروردگار موسی و هارون ، عکس العمل فرعون در برابر سخنان آن دو

إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ .. بآیه من رَبِّكَ ... قَالَ فَمَنْ رَبِّكُمَا

گرچه موسی و هارون(ع)، مبدأ پیام را با عنوان <رَبِّكَ> به فرعون معرفی کردند؛ ولی فرعون در مقام سؤال <رَبِّكُمَا> به کار برده است تا ضمن انکار ربوبیت خداوند، نسبت به آن اظهار بی خبری نیز کرده باشد.

۴ - فرعون

با اظهار بی اطلاعی از پروردگار موسی و هارون، رکن اصلی پیام های آنان را زیر سؤال برد.

إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ ... أَوْحَىٰ إِلَيْنَا ... فَمَنْ رَبِّكُمَا

۵- با وجود مشارکت موسی و هارون (ع) در وحی و رسالت، مسؤولیت آن با موسی (ع) بود.

قال فمَنْ رَبِّكُمَا يَمُوسَى

موسی و هارون(ع)، در کلیه مکالمات خود موظف بودند که پیام مشترک خویش را به فرعون ابلاغ کنند و از این رو کلیه ضمایر در آیات گذشته به صورت تشبیه و مشترک آمده است (اذهبا، قولا، لاتخافا، معكما، فقولا، رسولا، جئناک، إِنَّا، إِلینا)؛ ولی فرعون در مطرح کردن سؤال خود در عین مخاطب قرار دادن هر دو، پاسخ را از موسی(ع) طلب می کند (یا موسی). این قرینه ها نشان دهنده آن است که در عین اشتراک موسی و هارون(ع) در رسالت، رهبری با موسی(ع) بوده و فرعون به آن پی برده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۹، ۱

۱ - موسی (ع) در پاسخ فرعون، پروردگارش را آفریننده و هدایتگر همه موجودات معرفی کرد.

مَنْ رَبِّكُمَا ... قَالَ رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ ... ثُمَّ هَدَىٰ

۹ - تأکید موسی (ع) در برابر فرعون، بر یگانگی خالق و ربّ جهان

مَنْ رَبِّكُمَا ... رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۵، ۶، ۳

۳ - چگونگی برخورد خداوند با اقوام غیر مؤمن گذشته، پرسش فرعون از موسی (ع)

أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ

من كَذَّب .. فما بال القرون الأولى

چون در آیات گذشته، موسی(ع) سخن از امنیت پیروان هدایت و عذاب تکذیب کنندگان به میان آورد، سؤال فرعون به منظور اظهار نظر موسی(ع) در باره حال نسل های پیشین بوده است. انگیزه او از این پرسش می تواند تحریک نسل حاضر در برابر پاسخ موسی(ع) به معذّب بودن پدرانشان باشد. طفره رفتن موسی(ع) از جواب صریح، این احتمال را تقویت می کند.

۵- فرعون با طرح پرسش از موسی (ع) در باره وضعیت اقوام گذشته، سعی در پنهان ساختن درماندگی خود در برابر سخنان او داشت.

من ربّكما .. الذی أعطی کلّ شیء خلقه ... فما بال القرون الأولى

ممکن است طرح سؤال فرعون در باره اقوام گذشته، صرفاً به جهت منحرف ساختن بحث و بردن آن به زاویه ای نامشخص صورت گرفته باشد. وارد نشدن موسی(ع) در چنین بحثی، نقشه او را خنثی کرده است.

۶- فرعون با استناد به عقاید و افکار اقوام گذشته، سعی در مقابله با موسی (ع) و تثبیت حقانیت شرک داشت.

قال فما بال القرون الأولى

تمسک فرعون به افکار پیشینیان و این که اگر رسالت موسی حق است، چرا برای اقوام گذشته چنین رسولی نیامد و چرا آنها عذاب نشدند، نشان می دهد که در دیدگاه او، پذیرفته های نسل های قبل، صحیح و قابل تبعیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۳، ۲

۲- موسی (ع) در پاسخ فرعون، آگاهی دقیق خداوند از مشرکان نابود شده را، دلیل امکان پذیر

بودن عذاب آنان خواند .

قال فما بال القرون الأولى . قال علمها عند ربّي

۳- موسی (ع) با احاله علم و آگاهی در باره اقوام پیشین به خداوند ، از منحرف شدن بحث به مسائل غیر اصلی جلوگیری کرد .

فما بال . . . قال علمها عند ربّي

موسی (ع) به جای پاسخ صریح به سؤال فرعون، علم آن را به خداوند احاله کرده است. بعید نیست فرعون با درماندگی در برابر منطوق او، با طرح پرسشی در باره اقوام گذشته، سعی در منحرف ساختن بحث داشته است. از این رو موسی (ع) با احاله پاسخ به خداوند، نقشه فرعون را خنثی نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۲

۲- فرعون ، معجزات ارائه شده از جانب موسی (ع) را تکذیب کرد و منکر دلالت آنها بر رسالت او شد .

و لقد أرینہ ءایتنا کلّھا فکذّب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۷ - ۳،۴،۵

۳- برنامه ریزی و توطئه برای بیرون راندن فرعون و فرعونیان از مصر و تلاش برای رسیدن به حکومت ، اتهام فرعون به حضرت موسی (ع)

أجئتنا لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

۴- فرعون آیات و معجزات الهی موسی (ع) را سحر خواند و آن را وسیله ای برای بیرون راندن فرعونیان از مصر دانست .

لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

۵- فرعون ، با اعلام خطر به قبطیان در مورد خطر اخراج از مصر ، به تحریک آنان در جهت مقابله با موسی (ع) پرداخت

أجئتنا لتخرجنا من أرضنا

در کلام موسی(ع) با فرعون، هیچ نشانه ای به چشم نمی خورد که دال بر تصمیم او بر اخراج فرعونیان از مصر باشد. آنچه موسی(ع) خواهان آن بود، نجات دادن بنی اسرائیل از بردگی و بیرون بردن آنان از مصر بود. بنابراین مطرح شدن این سخن (اخراج قبطیان) از سوی فرعون، صرفاً به جهت برانگیختن احساسات آنان علیه موسی(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ - فرعون برای مقابله با موسی (ع) به وسیله سحر مصمم شد .

فلنأتینك بسحر مثله

<لنأتینك> حاوی لام تأکید و نون تأکید ثقلیه است و بر اعلان تصمیم قطعی فرعون برای مقابله با موسی(ع) دلالت می کند.

۲ - فرعون ، مدعی قدرت ارائه سحری همانند معجزات و آیات موسی (ع) (

فلنأتینك بسحر مثله

۳ - فرعون ، معجزات موسی (ع) را سحر خوانده و امکان انجام نظیر آن را دلیل معجزه نبودن آن دانسته بود .

فلنأتینك بسحر مثله

۵ - فرعون ، مطمئن به توانایی خویش در جمع آوری امکانات (سحر و ساحران) برای مقابله با موسی (ع) (

موعداً لانخلفه نحن

تأکید فرعون بر عدم تخلف از زمان موعود، حکایت از آمادگی او برای جمع آوری ساحران و ارائه سحری بزرگ دارد.

۶ - فرعون با تظاهر به اطمینان خویش بر پیروزی بر موسی (ع) ، تعیین مکان و زمان رویارویی را به او واگذار کرد .

فاجعل بیننا و بینك موعداً لانخلفه

در این که <موعداً> مصدر است یا اسم زمان و یا اسم مکان، نظریاتی چند ابراز شده است.

گفتنی است که به قرینه وصف <لانخلفه> و کلمه <مکاناً> و کلمه <یوم الزینه> (در آیه بعد) می توان پی برد که مجموعه هر سه معنا، مورد نظر بوده است؛ هر چند برای برخی از آن معانی کلام دارای تقدیراتی باشد.

۷- فرعون به موسی (ع) اطمینان داد که او و یارانش، از حضور در میعادگاه تخلف نخواهند ورزید.

موعداً لانخلفه نحن

۸- فرعون از موسی (ع) خواست به وی اطمینان دهد که او نیز در میعادگاه حاضر خواهد شد.

و لا أنت

۹- فرعون به قدرت یک تنه موسی (ع) در برابر تشکیلات عریض و طویل خویش اعتراف کرد.

فاجعل بیننا .. لانخلفه نحن و لا أنت

برداشت یاد شده از آنجا است که فرعون ضمیر مربوط به خود را جمع (نحن) و ضمیر مربوط به موسی (ع) را مفرد (أنت) ذکر کرده است. البته محتمل است انتخاب این نحوه سخن برای تعظیم خود باشد؛ ولی این نکته را نمی توان از نظر دور داشت که در هر صورت، فرعون با مجموع امکانات و قدرت خود، در برابر موسی (ع) موضع گیری کرده بود.

۱۰- فرعون، برای مقابله با معجزات موسی (ع) از او خواست مکانی مناسب و هموار را در نظر گیرد.

فاجعل .. مکاناً سوئی

<مکاناً> بدل است برای <موعداً> و <سوی> به معنای مستوی است. <مکاناً سوی>؛ یعنی، زمینی که مسطح باشد. این وصف، آگاهی طرفین را بر آنچه انجام می گیرد، ممکن می سازد.

۱۱- دعوت موسی (ع) و مقابله فرعون با آن حضرت، موضوعی مطرح در افکار عمومی مردم

فاجعل ... موعداً ... مكاناً سوّی

سعی فرعون در مقابله با موسی(ع) به وسیله سحر، و دعوت از مردم برای شرکت در این رویارویی، حکایت از آن دارد که موضوع دعوت آن حضرت، موضوعی مطرح در جامعه آن زمان بوده و مردم این رویداد را تعقیب می کرده اند.

۱۲- فرعون، ناگزیر از قانع کردن افکار عمومی مردم مصر، در برابر دعوت و معجزات حضرت موسی(ع)

فلنأتینك بسحر مثله فاجعل ... مكاناً سوّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۹ - ۹، ۶، ۵، ۴، ۲

۲- موسی(ع)، روز عید را به عنوان روز موعود برای مقابله با فرعون برگزید.

قال موعداکم یوم الزینه

۴- هنگام بالا آمدن آفتاب و اجتماع مردم در روز عید، زمان مواعده موسی(ع) و فرعون

موعداکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

۵- موسی(ع) با قاطعیت برای مقابله با فرعون در برابر مردم، اعلام آمادگی کرد.

قال موعداکم یوم الزینه

کلمه <موعدا> در این آیه، اسم زمان و به معنای زمان وعده است. تعیین قاطع و روشن زمان وعده و انتخاب روز عید و اجتماع مردم، جمله‌گی حکایت از قاطعیت موسی(ع) در امر مقابله با فرعون دارد.

۶- موسی(ع)، مناسب ترین زمان را برای تبلیغ و ارائه معجزات خویش و منکوب ساختن فرعون برگزید.

قال موعداکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

روز عید، نوعاً روز فراغت و آمادگی فکری مردم است. انتخاب چنین روزی از سوی موسی(ع) و نیز توجه به حضور گسترده مردم در روشنایی روز، حکایت

از انتخاب مناسب آن حضرت دارد.

۹- موسی (ع) همراه با تعیین زمان و مکان مبارزه، تلاش فرعونیان را برای جمع کردن مردم در صحنه مبارزه، شرط کرد.

موعدکم یوم الزینه و أن یحشر الناس ضحی

مجهول آوردن <یحشر> حاکی از نقش عواملی در جمع شدن مردم است. چنانچه حرف <واو> در <و أن یحشر...> به معنای <مع> باشد، قید <محشور شدن مردم> گویای این نکته است که موسی (ع)، وعده خویش را به احضار مردم مشروط ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۰ - ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- فرعون با پذیرفتن زمان و مکان پیشنهادی موسی (ع) برای مبارزه، از ادامه بحث و گفت و گو با او لب فرو بست و مجلس مناظره را ترک کرد.

فتوئی فرعون

۲- فرعون، پس از تعیین زمان رویارویی با موسی (ع)، بی درنگ و بدون از دست دادن فرصت، به تهیه و تدارک مقدمات لازم برای مقابله پرداخت.

موعدکم یوم الزینه... فتوئی فرعون فجمع

<فاء> در <فتوئی> و <فجمع> برای بیان ترتیب کار و اتصال است، یعنی، فرعون به مجرد پایان مذاکره و مواعده با موسی (ع)، به تدارک مکر و جمع آوری آن پرداخت و هیچ فرصتی را از دست نداد.

۳- تهیه و تدارک برای ارائه سحری بزرگ در برابر موسی (ع)، از حيله های فرعون

فلنأتینک بسحر... فجمع کیده

۴- فرعون برای مقابله با موسی (ع)، تمامی حيله ها و برنامه های خود را جمع آوری کرد و به کار

گرفت .

فتولی فرعون فجمع کیده

<کید> یعنی، مکر ورزیدن و چاره اندیشیدن (قاموس) و مراد از <جمع کید>، گردآوری اهل مکر و ابزار آن است.

۵- فرعون، از فرصت کافی برای تدارک سحر و امکانات دیگر جهت مقابله با موسی (ع) برخوردار بود .

فجمع کیده ثم اُتی

<ثم> برای بیان تراخی است. ممکن است این تراخی، زمانی باشد، یعنی، پس از جمع آوری مکرها، مدتی تا رسیدن روز موعود فاصله شد و سپس آن روز فرا رسید. براین اساس باید گفت: فرعون فرصتی کامل برای کسب آمادگی داشت.

۶- فرعون پس از گردآوری امکانات و حيله های خویش، در میعادگاه خود با موسی (ع) حاضر گردید .

موعدکم یوم الزینه .. فجمع کیده ثم اُتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۱۱، ۱۰، ۶، ۴، ۲

۲- شرک و سحر خواندن معجزات موسی و ادعای آوردن همانند برای آن و تکذیب رسالت الهی آن حضرت، از جمله افترا های فرعونیان به خداوند بود .

لا تفتروا علی الله کذبًا

با توجه به آیات پیشین که مشتمل بر بیان توحید از زبان موسی (ع) و نیز ارائه معجزات، و عکس العمل فرعون در سحر خواندن آنها بود، می توان به مواردی از افتراهای فرعونیان اشاره کرد.

۴- ترساندن فرعونیان از عذاب به خاطر افترای بر خداوند سرلوحه سخنان موسی (ع) در صحنه مقابله با ساحران فرعون

قال لهم موسی ویلکم لا تفتروا علی الله کذبًا فیسحتکم بعذاب

<ویل> یعنی، <اندوه> و <هلاکت> و <هر سختی که از ناحیه عذاب پدید آید> (لسان العرب). <ویلکم> نفرین

است، یعنی، عذاب

باد بر شما. برخی آن را مفعول برای فعل محذوف دانسته اند، یعنی، اَلزموا ویلکم (با هلاکت و عذابتان همدم باشید). جمله <فیسحتکم بعذاب> روشنگر مفاد <ویلکم> است.

۶- بهره جستن موسی (ع) از تجمع مردم مصر جهت تماشای صحنه مقابله او و ساحران، برای بیم دادن مردم و دعوت آنان به توحید و ایمان

قال لهم موسی ویلکم لاتفتروا علی الله کذبًا

۱۰- موسی (ع) با توجه به افتراهای فرعونیان بر خداوند، به آنان هشدار داد و شکست و ناکامی را برای آنان پیش بینی کرد.

ویلکم لاتفتروا علی الله .. و قد خاب من افتری

۱۱- موسی (ع)، با یادآوری ناکامی اهل افترا در امت های پیشین، آن را درس عبرتی برای فرعونیان خواند.

و قد خاب من افتری

جمله <قد خاب..> خبر از حال گذشتگان است و به منظور عبرت گیری حاضران در صحنه مبارزه موسی و فرعون، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۲ - ۷، ۵، ۴، ۱

۱- هشدارهای موسی (ع) به فرعونیان در صحنه مقابله، موجب بروز اختلاف و تنش در میان آنان گردید.

ویلکم لاتفتروا .. فتنزعوا أمرهم بینهم

<فاء> در <فتنزعوا> دال بر این نکته است که بلافاصله پس از هشدارهای موسی (ع) در صحنه مقابله، در بین فرعونیان نزاع و کشمکش به وجود آمد گردید.

۴- فرعونیان، اختلاف نظر خویش در باره موسی (ع) را به شدت از مردم پنهان می کردند.

فتنزعوا .. و أسروا النجوی

<نجوا> به معنای

سخن پنهانی و درگوشی است. <أسرّوا> نیز، یعنی، پنهان ساختند. پنهان ساختن نجوا که خود نیز نهن است نشان از شدت پنهان کاری فرعونیان در امور مربوط به موسی(ع) دارد.

۵- فرعونیان، با پنهان نگه داشتن اختلاف نظر خود در باره موسی(ع)، از دست یابی مردم به گفته های محرمانه آنان، پیشگیری کردند.

فتنزعوا .. و أسرّوا النجوى

<ال> در <النجوى> عهد ذکری و اشاره به نزاع و گفته های رد و بدل شده بین فرعونیان دارد و فعل <أسرّوا>، می رساند که آن را از دیگران پوشیده داشته و نگذاشتند کسی به آن پی ببرد.

۷- فرعونیان، با اتفاق نظر بر لزوم مقابله با موسی(ع)، در باره روش آن اختلاف نظر داشتند. *

فتنزعوا أمرهم .. و أسرّوا

از فعل <أسرّوا> استفاده می شود که طرفین نزاع، خواهان مخفی ماندن گفتوگوهای خود بودند و آنچه رسماً به مردم اعلام شد چنانچه مطالب آیه بعد گفته فرعونیان به مردم باشد گفته مشترک آنان بوده که به منظور مقابله با موسی(ع) و خنثی سازی فعالیت او، القا شده بود. کلمه <أمرهم> که نزاع را در مورد امور فرعونیان قرار داده تأییدی بر این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- برخی از فرعونیان در پی سخنان موسی(ع)، به آن حضرت گرایش پیدا کرده، و موجب بروز تنش در میان فرعونیان گردیدند.

فتنزعوا .. قالوا إن هذن لسحرن

فاعل <قالوا> به قرینه <فأجمعوا کیدکم>

(در آیه بعد) گروهی از فرعونیان بودند که با گروهی دیگر از خودشان به گفت و گو پرداختند. آیه قبل نیز به این معنا تصریح دارد که در میان فرعونیان مشاجره ای پدید آمد. این مشاجره در باره موسی(ع) بوده و فاعل <قالوا> سعی در توجیه گروه دوم داشته است.

۲- فرعونیان برای جلب نظر و توجیه تمایل یافتگان به موسی (ع) ، دست به حرکت تبلیغاتی و توجیهی زدند .

فتنزعوا .. و أسروا النجوى . قالوا إن هذن لسحرن

۳- تأکید بر ساحر بودن موسی و هارون (ع) ، از جمله حرکت های تبلیغی فرعونیان بود .

قالوا إن هذن لسحرن

حرف <إن> مخفف از <إنَّ> و ملغی از عمل است؛ ولی معنای تأکید را می رساند.

۴- هارون ، همگام موسی (ع) در مبارزه با فرعون و حاضر در صحنه مقابله موسی و ساحران

إن هذن لسحرن

۵- متهم ساختن موسی و هارون (ع) به تلاش و برنامه ریزی برای بیرون راندن قبطیان از مصر به وسیله سحر ، از جمله محور های تبلیغاتی فرعونیان علیه موسی (ع))

لسحرن یریدان أن یخرجاكم من أرضكم بسحرهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۶۸ ، ۵ ، ۴ ، ۲ ، ۱

۱- ایادی و مبلغان فرعون ، همه فرعونیان را به هم فکری ، اتحاد و به کار بستن تمامی حیلها ، علیه موسی (ع) دعوت می کردند .

فتنزعوا .. قالوا ... فأجمعوا كيدكم ثم ائتوا صفًا

از آیات پیشین چنین برمی آید که پس از سخنان موسی(ع)، در بین فرعونیان اختلافاتی بروز کرد (فتنازعوا)

و گروه حامیان و مبلغان فرعون درصدد توجیه گروه دیگر برآمدند که نسبت به موسی (ع) و مبارزه با او تردید داشتند. به نظر می رسد <فأجمعوا> نیز از ناحیه همان گروه به عنوان نتیجه سخنان قبلی آنان ابراز شده باشد.

۲- اختلاف و تشمت فرعونیان پس از سخنان موسی (ع)، خطری جدی و زمینه ساز تضعیف جبهه آنان، در میدان مقابله بود.

ویلکم .. قالوا ... فأجمعوا کیدکم ثم ائتوا صفًا

آیات یاد شده، جملگی نشانگر تلاش جدی فرعونیان برای حفظ اتحاد خود در برابر موسی (ع) است و از زاویه دیگر، حکایت از خطری دارد که به خاطر بروز اختلاف، آنان را تهدید می کرده است.

۴- حضور با تمام قوا و با آرایش منظم و با هیبت، طرح پیشنهادی فرعونیان برای قدرت نمایی در صحنه مقابله با موسی (ع)

فأجمعوا کیدکم ثم ائتوا صفًا

۵- روز مقابله ساحران فرعون با موسی (ع) روزی سرنوشت ساز و تعیین کننده، از دیدگاه فرعونیان

و قد أفلح اليوم من استعلی

<فلاح> به معنای موفقیت و پیروزی است. ابراز این سخن از ناحیه فرعونیان، گواه این مدعا است که آنان این مبارزه را، مبارزه مرگ و زندگی و نقطه عطفی در تاریخ خود تلقی می کردند.

۶- فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند.

و قد أفلح اليوم من استعلی

۸- فرعونیان، پذیرش دعوت های موسی (ع) را، به توان مندی او در آوردن سحری بی نظیر مشروط کرده بودند.

و قد أفلح اليوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إِمَّا أَنْ تُلْقَى . . . أَلْقَى

۲ - ساحران فرعون ، آمادگی خویش را برای پیش قدم شدن در ارائه سحر خود ، اعلام کردند .

إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لااقل تظاهر به آن از سوی آنان دارد.

۴ - برخورد و گفت و گوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَ إِمَّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند؛ زیرا به جای <أَنْ نَكُونَ . . .> می توانستند

بگویند <أَمَا أَنْ تَلْقَى>

۶- ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إِذَا أَنْ تَلْقَى وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

۸- ساحران فرعون ، جادویی هم نوع با معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

أَنْ تَلْقَى .. مِنْ أَلْقَى

۹- ساحران فرعون ، یک دل و یک زبان و یار یکدیگر ، در مبارزه با موسی (ع) بودند .

وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

صدق <أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى> بر همه ساحران، گویای هدف مشترک و وحدت رویه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۱، ۹، ۶، ۴، ۱

۱- موسی (ع) ، شروع مبارزه را به ساحران فرعون واگذار نمود و بر آغاز کار از سوی آنان تأکید کرد .

إِذَا أَنْ تَلْقَى .. قَالَ بَلْ أَلْقُوا

۴- ساحران فرعون ، به مجرد اجازه موسی (ع) ، ابزار سحر خود را به کار انداختند و سحر خویش را آغاز کردند .

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا

سرعت عمل ساحران است. از این رو مفاد آیه

چنین است: <موسی گفت شما سحر تان را بیندازید و آنان سحر خویش را ارائه کردند که ناگهان ریسمان ها و...>.

۶ - ساحران فرعون ، با سحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فَإِذَا جِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى

<آنها تسعی> نائب فاعل <يُخَيَّلُ> است و فعل <يُخَيَّلُ إِلَيْهِ> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند؛ نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که بر اثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ - ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها و عصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فَإِذَا جِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ

۱۱ - دیدگان و قوه خیال موسی (ع) نیز ، تحت تأثیر سحر ساحران فرعون قرار گرفت .

يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۱،۲،۳،۶

۱ - موسی (ع) ، پس از مشاهده سحر ساحران فرعون ، در دل خویش از پی آمده های احتمالی آن احساس نگرانی کرد .

من سحرهم .. فأوجس في نفسه خيفة موسی

<أوجس> به معنای <أحس> و نیز به معنای <أضمر(اخفاکرد)> آمده است (لسان العرب). در این آیه، معنای <أحس> به نظر مناسب تر می رسد؛ چرا که معنای <اخفا> در <في نفسه> آمده است. بنابراین <أوجس في نفسه...>؛ یعنی، موسی(ع) در دل خود نگرانی و ترسی را احساس کرد.

۲ - نگرانی موسی (ع) از تبعات

سحر ساحران ، تنها در دل او و بدون بروزی در ظاهر بود .

فأوجس في نفسه خيفة موسى

۳ - سحر ارائه شده از سوی ساحران فرعون ، سحری چشمگیر و جذاب و اغواکننده بود .

فأوجس في نفسه خيفة موسى

<خيفة> به معنای نوعی از خوف و نگرانی است. بروز این نگرانی برای موسی(ع)، پس از سحر ساحران فرعون، از چشمگیر و هنرمندانه بودن کار آنان حکایت دارد، به گونه ای که موسی(ع) خطر فریب خوردن مردم را به وضوح می دید.

۶ - > عن أمير المؤمنين ين (ع) : لم يوجس موسى (ع) خيفة على نفسه بل أشفق من غلبه الجهال و دُول الضلال ;

از امیرالمؤمنین(ع): روایت شده است: موسی(ع) بر جان خویش نترسید، بلکه ترسید که مبادا جاهلان و حکومت های گمراه غلبه یابند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۵، ۳، ۱

۱ - دل قوی داشتن و نگران نبودن از پی آمد های سحر ساحران فرعون ، مفاد وحی خداوند به موسی (ع) در میدان مقابله با ساحران

فأوجس .. قلنا لاتخف

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إنك أنت الاعلى

جمله <إنك أنت الاعلى> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی(ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبه گردد و مردم به حقانیت او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

۵ - خداوند ، به موسی (ع) اطمینان بخشید که

توان او برتر از همه ساحران حاضر در صحنه مبارزه و مقام او رفیع تر از فرعون و فرعونیان است .

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۶، ۳، ۲، ۱

۱ - پس از ارائه سحر ساحران فرعون ، خداوند به موسی (ع) فرمان داد تا عصایش را بر زمین بیندازد .

و أَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ

مراد از <ما فی یمینک>، عصای موسی(ع) است که در آیات پیشین در پاسخ <ما تلک یمینک> از زبان موسی(ع) بیان شده بود. تصریح به این وصف، برای موسی(ع) خاطره آن پرسش و پاسخ را تجدید کرده و مایه اطمینان بیشتر او بود.

۲ - بلعیده شدن سحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت

و أَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان العرب).

۳ - عصای موسی در میدان مقابله با ساحران ، در دست راست او قرار داشت .

و أَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ

۶ - خداوند با بیان هم سنخ بودن سحر ارائه شده از سوی همه ساحران فرعون ، ابطال آن را برای موسی (ع) ، امری سهل و آسان جلوه داد .

کید سحر

<ساحر> نکره است و بر وحدت دلالت دارد؛ یعنی، یک ساحر. مراد از آن، واحد حقیقی نیست؛ بلکه مراد این است که کید همه ساحران به جهت تشابه و هم سنخی، به منزله مکر یک ساحر

است و کثرت ساحران برپیچیده بودن آن نیافزوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۳، ۱۰، ۸، ۶، ۴، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ - عصای موسی با اعجاز او ، تمامی ابزار و آلات سحر جادوی ساحران فرعون (بند ها و عصا ها) را بلعید .

تلقف ما صنعوا .. فَأَلْقَى السِّحْرَ

<فاء> در <فألقى> فصیحه و حاکی از جملاتی محذوفی است. مفاد آیه با تقدیرات آن چنین می شود: موسی(ع) عصای خود را انداخت و عصا آلات سحر را بلعید، آن گاه ساحران به سجده افتادند.

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدًا

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هِرُونَ وَ مُوسَى

۵ - ساحران به جهت تخصص در سحر ، حقانیت گفته های موسی (ع) و سحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند .

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا

از ظاهر آیه برمی آید، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لاقلاً اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

۴ - جاذبه نیرومند معجزه موسی ، توان هر گونه درنگ و مقاومت را از ساحران فرعون سلب کرد .

فَأَلْقَى السِّحْرَ

فعل <ألقى> مجهول است و دلالت دارد که ساحران وادار به سجده شدند، به گونه ای که گویا عاملی آنها

را بر سجده مجبور ساخته است.

۶ - ساحران با مشاهده بطلان سحرشان ، ربوبیت خداوند بر همه موجودات را باور کرده و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنّا برّ هرون و موسى

۸ - ساحران ، ایمان خود به خداوند را به گونه ای اعلام کردند که فرعون نتواند آن را تحریف و از آن سوء استفاده کند .

قالوا ءامنّا برّ هرون و موسى

از آن جایی که موسی (ع) مدتی در خانه فرعون پرورش یافته بود، اگر ساحران <ربّ موسی> می گفتند، این احتمال وجود داشت که فرعون سجده آنان و گفته هایشان را به نفع خود توجیه کند و خود را <ربّ موسی> بداند. آنان با آوردن اسم هارون در کنار اسم موسی (ع) (ربّ هارون و موسی) راه سوء استفاده از کلام خود را به روی فرعون بستند.

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنّا برّ هرون و موسى

۱۳ - هارون در صحنه مبارزه با ساحران فرعون ، در کنار موسی (ع) حاضر بود .

ءامنّا برّ هرون و موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۲

۲ - ساحران فرعون ، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند .

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، <آمنّا برّ هارون و موسی> بود؛ ولی فرعون در توییح خود، آنان را مؤمن به موسی (ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به <ربّ موسی و هارون> با ایمان به

رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

۷- فرعون ، موسی (ع) را برترین ساحر و معجزه او را سحری فراتر از آنچه به دیگران آموخته بود ، قلمداد کرد .

إِنَّه لَكَبِيرَ كَمِ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

۸- فرعون ، موسی (ع) را به استادی ساحران و سر رشته داری امور آنان متهم کرد .

ءَامَنْتُمْ لَهٗ .. إِنَّه لَكَبِيرَ كَمِ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

۹- فراگرفتن سحر از موسی (ع) و هم دستی با او در توطئه علیه فرعون ، از اتهامات فرعون به ساحران مؤمن بود .

إِنَّه لَكَبِيرَ كَمِ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

۱۱- در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءَامَنْتُمْ لَهٗ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمُ إِنَّه لَكَبِيرَ كَمِ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

۱۳- قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

۱۵- تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن ، تصمیمی قاطع و

مستبدانه بود .

لَأَقْطَعَنَّ .. لأَصْلِبَنَّكُمْ ... لتعلمنَّ أئنا أشدَّ عذابًا و أبقى

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی(ع) با اطرافیان خویش به مشورت می نشست؛ ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لَأَقْطَعَنَّ> و <لَأَصْلِبَنَّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

۲۱ - پایه های حکومت فرعون پس از ماجرای ساحران و ایمان آنان به موسی (ع) ، بسیار متزلزل شد .

و لتعلمنَّ أئنا أشدَّ عذابًا و أبقى

تفاوت برخوردهای اولیه فرعون با برخوردهای پس از ایمان ساحران، نشان از تزلزل حکومت فرعون و احساس خطر شدید او از ناحیه موسی(ع) و مؤمنان به او دارد.

۲۲ - شکنجه ، کشتار ، تهدید و ارباب ، از آخرین حربه های فرعون برای جلوگیری از نهضت موسی (ع) و بقای حکومت خویش

فَلَأَقْطَعَنَّ .. لأَصْلِبَنَّكُمْ ... و لتعلمنَّ

۲۴ - موسی و هارون (ع) ، مصون از گزند فرعون و بیرون از سلطه فرعونیان

إِنَّه لَكَبِيرٌ كَم .. فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيكُمْ ... أَشَدَّ عَذَابًا و أبقى

تهدید ساحران به شکنجه و دار، به دلیل گرایش به موسی و هارون(ع) و سکوت از مجازات آن دو، نشانه میسر نبودن آن برای فرعون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، برتری دادن

فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را، به کلی منتفی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند.

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۵

۵ - ساحران مؤمن، برخلاف میل باطنی و با اجبار حکومت فرعون، وادار به مقابله با موسی (ع) شده بودند.

و ما أکرهتنا علیه من السحر

<اکراه> یعنی، وادار کردن کسی به کاری که خود تمایل به آن نداشته باشد. گفتنی است که <اکرهتنا> سخن ساحران مؤمن، خطاب به فرعون است؛ یعنی، تو ما را به سحر و مبارزه علیه موسی (ع) وادار کردی. اقداماتی که ساحران در شیوه اجرای سحر انجام دادند، گرچه اختیاری بود ولی احضار آنان در صحنه مبارزه با موسی (ع) اجباری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۱۳، ۱۲، ۱۸

۱ - موسی (ع)، مأمور به حرکت در آوردن شبانه بنی اسرائیل، جهت خروج و هجرت از مصر

و لقد أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

<إسراء> به معنای سیر شبانه و حرف <باء> برای تعدیه است، <أسر بعبادی> یعنی، بندگان مرا شبانه حرکت بده [و از مصر خارج کن].

۸ - ایجاد راهی خشک در عمق دریای سرخ برای عبور بنی اسرائیل، از مأموریت های موسی (ع)

فاضرب لهم طریقًا فی البحر بیسًا

<اضرب لهم...>، یعنی برای آنان راهی را ایجاد کن. <بیس> به معنای خشک است. <ال> در

<البحر> عهد ذهنی و اشاره به دریای مشخصی است که در مسیر هجرت قرار داشت. گروهی از مفسران آن را دریای سرخ و برخی رود نیل دانسته اند.

۱۲ - موسی (ع) ، از برخورد با نیروهای فرعون و بروز مشکلات دیگر در مسیر هجرت از مصر نگران بود .

أسر بعبادی .. لاتخف درگا و لاتخشی

<درک> به معنای ملحق شدن و رسیدن و نیز به معنای پی آمد است (قاموس). نفی هرگونه پی گیری و پی آمد و نیز اطمینان بخشیدن به موسی(ع) در مورد امنیت مسیر هجرت، نشان از وجود زمینه تعقیب شدن و نیز نگرانی های دیگر در این مسیر دارد.

۱۳ - خداوند به موسی (ع) اطمینان داد که در مسیر هجرت از مصر نه با نیروهای دشمن درگیر خواهد شد و نه مشکل جدی دیگری برای آنان بروز خواهد کرد .

أسر بعبادی .. لاتخف درگا و لاتخشی

حذف متعلق <لاتخشی> بیانگر منتفی بودن هر چیزی است که مایه دلهره و خشیت باشد از قبیل: احتمال غرق شدن در دریا و یا خطرهای غیر قابل پیش بینی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۱،۶

۱ - موسی (ع) به فرمان خداوند ، بنی اسرائیل را شبانه از مصر کوچ داد و از دریا گذراند .

أسر بعبادی .. فأتبعهم

حرف <فاء> در <فأتبعهم> فصیحه است ؛ یعنی، از یک سری جملات محذوف قبل از خود حکایت می کند. حاصل آن جملات این است که موسی(ع) بنی اسرائیل را از مصر کوچ داد و فرعونیان نیز از حرکت

آنان آگاه شدند.

۶- امواج بزرگ و سهمگین دریا، فرعون و سپاهیان‌ش را فرا گرفت و آنان را در کام خود فرو برد.

فغشيهٔ من اليمّ ما غشيهٔم

<يمّ> به معنای دریا است و نیز به رودخانه بزرگی که آب آن شیرین باشد اطلاق می‌گردد (لسان العرب). <غشاوه> (مصدر <غشی>) به معنای پوشاندن و فراگرفتن است. ابهامی که در <ما غشيهٔم> وجود دارد، برای بیان عظمت امواجی است که موجب غرق شدن فرعونیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۳ - ۱،۲،۳

۱ - خداوند با موسی (ع) و قوم او، قرار گفت و گو در کنار کوه طور نهاده بود.

وعدنکم جانب الطور الأيمن . . . و ما أعجلک عن قومک

در آیه ۸۰ این سوره از مواعده خداوند با بنی اسرائیل (در کوه طور) سخن به میان آمده بود. ظاهر این است که <ما أعجلک> که حاکی از شتاب موسی (ع) در آمدن به میقات است مربوط به همان مواعده باشد.

۲ - موسی (ع)، وظیفه دار همراهی با قوم خود در مسیر وصول به میقات بود.

و ما أعجلک عن قومک یموسی

پرسش خداوند از موسی (ع) به قرینه پاسخ او در آیه بعد سؤالی توبیخی و در مقام ملامت است. از این سرزنش، برمی آید که موسی (ع) در رها ساختن قوم خود و جدا شدن از آنان، ترک اولی کرده است و می‌بایست همراه قوم خویش حرکت می‌کرد و بر آنان پیشی نمی‌گرفت.

۳ - موسی (ع)، در رسیدن به میقات، تعجیل کرده و

بر قوم خود پیشی گرفته بود .

و ما أعجلک عن قومک یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱ - موسی (ع) ، سبقت گرفتن خود بر قومش در آمدن به میقات را ، به جهت اطمینان به قومش در پیروی از او و طی مسیر تا میقات دانست .

قال هم أولاء علی اثری

<أولاء> اسم اشاره به بعید است و <أثر> به معنای علامت باقی مانده از هر چیزی است. از همین رو به جای پا نیز <اثر> گفته می شود. <أثر> به معنای اتباع و دنباله روی نیز آمده است. (مقایس اللغه). مفاد آیه بالا- این است که آنان همان جماعت اند که بر نشانه پای من به سوی میقات روان اند و یا این که به دنبال من در حال آمدن به میقات هستند.

۲ - ورود موسی (ع) به میقات ، اندکی پیش از ورود قومش به آن مکان بود .

و ما أعجلک .. قال هم أولاء علی اثری

مورد اشاره قرار گرفتن همراهان موسی از سوی آن حضرت، نشان می دهد که آنان در چشم انداز موسی (ع) بودند و برای رسیدن به میقات، زمان زیادی لازم نداشتند. بنابراین بین ورود موسی (ع) به میقات و ورود قوم او، چندان فاصله ای نبوده است.

۳ - قوم موسی ، با فاصله زمانی کوتاهی ، به دنبال موسی (ع) و رد پای او به سوی میقات روانه شدند .

و ما أعجلک .. قال هم أولاء علی اثری

۵ - شوق موسی (ع) به ملاقات و گفت و گوی با پروردگار

و جلب رضایت او ، موجب شتاب وی در آمدن به میقات بود .

و عجلت إلیک ربّ لترضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۲،۴،۹

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إلیک .. فإنا قد فتنا قومک من بعدک

۴ - سامری ، موجب گمراهی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع) شد .

و أضلّهم السامریّ

<سامریّ> نام شخصی است که از قوم بنی اسرائیل بود و موجب گمراهی آنان گردید.

۹ - اعتراض خداوند به موسی (ع) در مورد جدا شدن او از مردم و پیشی گرفتن بر آنان ، به جهت بروز انحراف در آنان ، در غیاب وی بوده است .

و ما أعجلک .. فإنا قد فتنا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱،۱۱،۱۴

۱ - موسی (ع) در پی آگاه شدن از گمراهی بنی اسرائیل همراه با خشم و اندوهی شدید ، به نزد آنان بازگشت .

و أضلّهم السامریّ . فرجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً

با توجه به آیات دیگر قرآن در این زمینه و نیز قرینه های موجود در همین آیات، چنین برمی آید که گمراه شدن بنی اسرائیل به دست سامری در میقات چهل روزه موسی(ع)، اتفاق افتاده بود و رجوع موسی(ع) به قوم خود نیز پس از پایان میقات بوده است. <غضببان> چنان که برخی از اهل لغت گفته

اند به شخصی گفته می شود که غضب شدیدی داشته باشد و <أسف> به فرد خشمگینی گفته می شود که بر چیزی افسوس می خورد (لسان العرب).

۱۱ - موسی (ع) قبل از عزیمت به میقات ، توصیه های لازم را به بنی اسرائیل ارائه کرده و قول و قرار های لازم را برای حفظ ایمان ، با آنان گذاشته بود .

فأخلفتهم موعدي

<موعده> در این آیه مصدر و به معنای <وعده> است. از این رو <فأخلفتهم موعدي> یعنی ، شما از وعده و عهد خود با من تخلف کردید. از این جمله برمی آید که موسی(ع) قبل از رفتن به میقات، پیش بینی های لازم را کرده بود و از این نظر حجت را بر بنی اسرائیل تمام نموده بود.

۱۴ - موسی (ع) ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۲

۲ - تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح عليه عكفين حتى يرجع إلينا موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۱،۳

۱ - موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد بازخواست و توبیخ قرار داد .

يهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

- موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال يهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

<ما منعك..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۲،۳،۴

۲ - هارون در غیاب موسی (ع) ، وظیفه رهبری و هدایت بنی اسرائیل را به عهده داشت .

يهرون ما منعك .. ألا تتبعن

۳ - موسی (ع) ، وظایف و مسؤولیت های هارون را در زمان غیبت خود ، برای وی معین کرده بود .

ما منعك .. ألا تتبعن أفصيت أمری

<لا> در <ألا تتبعن> برای تأکید نفی مستفاد از <منعك> است و در اصل مراد چنین بوده است: <ما منعك أن تتبعن>. برخی گفته اند: <لا> زاید نیست؛ بلکه مراد این است که: <ما الذي صدك و حملك على ألا تتبعن>؛ یعنی، چه چیز تو را بازداشت و بر پیروی نکردن من وادار ساخت (مفردات راغب).

۴ - هارون (ع) ، متهم به مخالفت با فرمان های موسی (ع) با سکوت و بی تفاوتی در برابر انحراف بنی اسرائیل

ما منعك .. أفصيت أمری

<أفصيت..> خطاب موسی(ع) به هارون(ع) است. ظاهر آیه چنین دلالت دارد که عصیان هارون از دستورات موسی(ع)، لااقل به عنوان اتهام از جانب موسی(ع) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۸، ۱۷، ۱۳، ۵، ۸، ۳، ۲، ۱

۱ - موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت

از میقات ، به شدت خشمگین شد .

يَبْنُوْمٌ لَا تَأْخُذُ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی(ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

۲ - موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ .. لَا تَأْخُذُ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي

۳ - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ .. لَا تَأْخُذُ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي

۵ - هارون (ع) با مشاهده غضب موسی (ع) ، سعی در فرونشاندن خشم آن حضرت و جلب محبت و تحریک عواطف او داشت .

قَالَ يَبْنُوْمٌ

مخاطب قرار دادن موسی(ع) با ندای <یا بن اُمّ> گویای این نکته است که هارون(ع) سعی داشت با برانگیختن احساسات موسی، غضب او را فرونشانده و سپس توضیحات خود را بیان کند. در باره مفتوح بودن کلمه <اُمّ> توجیهاتی بیان شده است؛ از جمله این که اصل آن <یا بن اُمّاه> بوده و برای تخفیف چنین شده است.

۸ - هارون (ع) ، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان ، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد .

لَا تَأْخُذُ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ

۱۳ - حفظ وحدت و یک پارچگی بنی اسرائیل ، از سفارش های موسی (ع) به هارون

فَرَّقْتُ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

<ترقب> به معنای <تحفظ> است و مفاد جمله <إِنِّي خَشِيتُ..> با توجه به عطف <لم>

ترقب < بر > فرقت < این است که: > من نگران آن بودم که بگویی بنی اسرائیل را متفرق ساختی و گفته مرا حفظ و مراعات نکردی <. این گفته هارون (ع) دال بر آن است که موسی (ع) پیش از رفتن به میقات، در مورد حفظ وحدت بنی اسرائیل، توصیه های لازم را به او کرده بود.

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

۱۸ - هارون (ع) ، در صدد اجرای دقیق فرمان های موسی (ع) و تخطی نکردن از معیار های او ، در طول مدت میقات موسی (ع) و غیبت او

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ . . . وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) ، پس از توییح بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمری

۲ - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمری

<خطب> نزد برخی لغت دانان به معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک>؛ یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو

چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - موسی (ع) در پی محاکمه سامری، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد.

قال فاذهب فإن لك في الحيوة أن تقول لامساس

فا در <فاذهب> علامه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است، یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خیر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

۳ - ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود.

إن لك في الحيوة أن تقول لامساس

محمّل است <فإن لك في الحياه..> نفرین موسی (ع) در حق سامری باشد، یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلى إلهك .. لنحرّقه ثم لنسفنه في اليم نسفاً

<تحريق> (مصدر <لنحرّقه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و

منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین >ثُمَّ لَنَسْفَعُ...< یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر .. لَنَحْرَقَنَّ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ

>انظر< فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در >لَنَحْرَقَنَّ< و >لَنَنسِفَنَّهُ<، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

۱۳ - موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارك دیده و بر شرکت دادن آنان در این اقدام مصمم بود .

لَنَحْرَقَنَّ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ

ضمیرهای جمع در افعال >لَنَحْرَقَنَّ< و >لَنَنسِفَنَّهُ< گویای نکته یاد شده است.

۱۴ - تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا ، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لَنَحْرَقَنَّ

از معانی ذکر شده برای >حرق< و >تحریق<، سوهان کاری کردن و ساییدن است و >تحریق< بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

۱۵ - مبارزه با زمینه های فکری و عینی شرک و نابود کردن آنها ، شیوه موسی (ع) در ستیز با گوساله پرستی بنی اسرائیل

إِلْهَكِ الَّذِي .. لَنَحْرَقَنَّ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ

سوزاندن گوساله سامری

از چند جهت قابل تأمل است: ۱ از جهت نابود کردن و محو ساختن آن از دیدگان مردم تا مبادا دوباره به آن گرایش یابند. ۲ اثبات <اله> نبودن آن برای ظاهر بینان، با سوزاندن و خرد کردن تندیس زرین گوسال. جهت اول، جهتی عینی و جهت دوم، جهت فکری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱،۶

۱ - مسئولیت مشترک موسی و هارون ، در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف قوم او

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون . . . إلى فرعون و ملایه

<ملاً> اسم جمع و به معنای اشراف و سران است. <إستکبار> (مصدر <استکبروا>)؛ یعنی، کبر ورزیدن و تکبر نمودن <علو> (مصدر <عالین>) نیز به معنای برتری جویی و سلطه طلبی است.

۶ - موضع گیری مستکبرانه فرعون و اشراف دربار او ، در برابر موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون . . . إلى فرعون و ملایه فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴ - ۱،۲،۴

۱ - موسی (ع) ، فردی مجرم (قاتل) از نظر نظام فرعون

و لهم علیّ ذنب

مقصود از <ذنب> قتل مرد قبطی است که موسی در پی آن، از مصر فرار کرد و به مدین رفت.

۲ - رفتار گذشته موسی (ع) (قتل مرد قبطی) ، از نظر دستگاه فرعون جرم محسوب می شد ، نه از دیدگاه خود وی

و لهم علیّ ذنب

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر (لهم علیّ..) اشاره ای باشد به این که

آنان مرا مجرم می دانند؛ گرچه واقعا گناهکار نیستم.

۴- بیم موسی (ع) از اقدام فرعونیان مبنی بر قتل او به خاطر رفتار گذشته اش (قتل مرد قبطی)

فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۳،۴،۷

۳- پذیرش درخواست موسی (ع) از سوی خدا در مورد همراهی هارون با وی

فَأَرْسَلْ إِلَىٰ هَرُونَ... فَأَذْهَبَا بَايْتَنَا

۴- موسی و هارون (ع)، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بَايْتَنَا إِنَّا مَعَكُمْ

۷- هارون، شریک و همراه موسی (ع) در امر رسالت

فَاذْهَبَا بَايْتَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶ - ۱،۱۰

۱- فرمان الهی به موسی و هارون (ع) مبنی بر مواجهه مستقیم با فرعون و اعلام رسالت خویش به وی

فَأْتِيَ فِرْعَوْنَ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

<آتئی و ایتیان> در این جا به معنای حاضر شدن و خود را رساندن است. بنابراین <فأتیا فرعون> یعنی، خود را به فرعون برسانید و... .

۱۰- طرح ربوبیت مطلق خداوند در برابر فرعون، اولین گام مبارزه صریح موسی و هارون (ع) با وی

فَأْتِيَ فِرْعَوْنَ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تصریح موسی و هارون(ع) به این که عوالم جهان آفرینش تحت ربوبیت خدا است، می تواند اولین گام در مبارزه با فرعون و ردّ صریح ادعای وی باشد که می گفت: <أَنَا رَبِّكُمْ الْأَعْلَى>. (۷۹/۲۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۱ - رهنیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونى ، در رأس اهداف موسى (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أن أئت القوم الظلمين .. فأتيا فرعون فقولا... أن أرسل معنا بنى إسرائيل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسى (ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱ - موضع گیری فرعون ، در قبال دعوت موسى (ع) با به رخ کشیدن دوران سرپرستی خویش بر او

قال ألم نربك فينا وليدا

<تربیه> (مصدر <تربى>) به معنای پروریدن است. <ولید> به نوزاد و نیز به کودکی گفته می شود که از وقت ولادتش زمانی زیادی نگذشته باشد؛ و گرنه طفل گفته می شود. <لبث> (مصدر <لبثت>) به معنای ماندن و درنگ کردن است؛ یعنی، فرعون گفت: آیا تو را از کودکی در میان خود نپروریدم [مگر] سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی.

۲ - کودکی و بخشی از دوران عمر موسى (ع) و نیز رشد و پرورش جسمی او در خاندان فرعون گذشت .

قال ألم نربك فينا وليدا و لبث فينا من عمرك سنين

۳ - تلاش فرعون در جهت بی اساس جلوه دادن رسالت موسى (ع) ، از طریق به رخ کشیدن گذشته زندگی او

قال ألم نربك فينا وليدا .. سنين

- ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع) ، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود .

فقولا إنا رسول ربّ العلمین . أن أرسل معنا بنی إسرءیل . قال ألم نربّک ... و لبث

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی (ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۱،۲،۴

۱ - یادآوری فرعون به موسی (ع) نسبت به جرم گذشته او در قتل مرد قبطی

و فعلت فعلتک التی فعلت

مقصود فرعون از <فعلتک التی فعلت> قتل مرد قبطی به دست موسی (ع) است.

۲ - ناراحتی عمیق فرعون از عمل موسی (ع) و کشته شدن مرد قبطی به دست او

و فعلت فعلتک التی فعلت

از این که فرعون نفس عمل را نام نبرده؛ بلکه بدان اشاره کرده (التي فعلت) و موسی (ع) را بدان خاطر کافر و ناسپاس شمرده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

۴ - تلاش فرعون برای تکذیب موسی (ع) با یادآوری ارتکاب قتل و ناسپاسی وی

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰ - ۱

۱ - اعتراف موسی (ع) در برابر فرعون به قتل غیر عمدی و ناخواسته مرد قبطی

قال فعلتها إذا و أنا من الضالین

تعبیر <أنا من الضالین> می تواند اشاره به این باشد که موسی (ع)

پیش از آن عمل نمی دانسته که درگیری او با مرد قبطی (برای دادخواهی مرد سبطی) منجر به قتل او خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۱،۲،۳،۷

۱ - فرار موسی (ع) از مصر، در پی کشتن مرد قبطی و ترس از انتقام فرعونیان

ففررت منکم لَمَا خفتکم

۲ - اعطای حکمت و دانش به موسی (ع) از سوی پروردگار در پی فرار او از نظام فرعون

ففررت منکم... فوهب لی ربی حکماً

واژه <حکم> می تواند مرادف <حکومت> (سرپرستی و تدبیر امور مردم) باشد و نیز می تواند معادل <حکمه> و به معنای دانش و معرفت باشد. برداشت یاد شده بر پایه معنای دوم است.

۳ - جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعون، زمینه اعطای رسالت و سرپرستی بنی اسرائیل به وی از جانب خداوند

ففررت منکم... فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تفریع <وهب> بر <ففررت> اشاره به تأثیر جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعون در شایستگی وی برای دریافت حکم و رسالت داشته باشد. گفتنی است که در برداشت فوق واژه <حکم> به معنای ولایت و سرپرستی گرفته شد و مراد از آن سرپرستی بر بنی اسرائیل و هجرت دادن آنان از سرزمین مصر می باشد.

۷ - طرح موضوع پیشینه داشتن خط رسالت و بی سابقه نبودن رسالت بشری، از سوی موسی (ع) برای فرعون

و جعلنی من المرسلین

تعبیر <و جعلنی من المرسلین> (مرا از پیامبران قرارداد) به جای <جعلنی رسولاً> (مرا پیامبر قرار داد) می

تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۱،۵

۱ - انتقاد صریح موسی (ع) از فرعون به خاطر به بردگی کشاندن بنی اسرائیل

و تلک نعمه .. أن عبَدتْ بنی إسرئیل

جمله <و تلک نعمه..> استفهامی و به تقدیر <أَوْتَلک...> است. <أن عبَدتْ> می تواند عطف بیان برای اسم اشاره <تلک> و یا منصوب به نزع خافض (لام تعلیل) و به تقدیر <لأن عبَدتْ> باشد. <تعیید> (مصدر <عبَدتْ>) به معنای برده و بنده [خود] ساختن است، یعنی، آیا این که فرزندان اسرائیل را بنده خود ساخته ای، این نعمتی است که منت آن را بر من می نهی.

۵ - امتنان فرعون بر موسی (ع)، امری بی جا و مردود از نظر موسی (ع)

و تلک نعمه تمنّھا علیّ أن عبَدتْ بنی إسرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پرسش انکار آمیز فرعون از موسی (ع) در باره حقیقتی به نام <ربّ العالمین> (پروردگار جهانیان)

قال فرعون و ما ربّ العلمین

واژه <ما> اسم استفهام است و غالباً با آن، از حقیقت اسم مابعدش پرسش می شود. گفتنی است که استفهام یاد شده برای اظهار تعجب به منظور انکار حقیقت مورد پرسش می باشد.

۴ - <عن أبی عبدالله (ع) قال لَمَّا بعث الله موسی إلی فرعون... فقال فرعون > و ما ربّ العالمین < و إنّما سألہ عن کیفیہ الله فقال موسی >

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ > فَقَالَ فِرْعَوْنُ مُتَعَجِباً لِأَصْحَابِهِ > أَلَا تَسْتَمْعُونَ < أَسْأَلُهُ عَنِ الْكَيْفِيَّةِ فَيَجِيبُنِي عَنِ الصِّفَاتِ ... >

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند موسی را به سوی فرعون مبعوث کرد... فرعون به موسی(ع) گفت <و ما رب العالمین> و سؤال فرعون از موسی درباره کیفیت خداوند بود. موسی(ع) در جواب فرعون گفت: <رب السماوات والأرض و ما بینهما...>. فرعون در حالی که تعجب کرده بود به اصحابش گفت: آیا نمی شنوید [چه میگوید؟] من از کیفیت خدا می پرسم و او در جواب من از صفات می گوید...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۱،۳،۵

۱ - اقدام موسی (ع) ، به معرفی پروردگار جهانیان برای فرعون و حاضران مجلس او

قال رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال رَبِّ السَّمَوَاتِ .. إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن كنتم موقنین) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۵ - بیان توحید و یگانگی پروردگار ، مهم ترین پیام عقیدتی موسی (ع) برای فرعونیان

إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ .. قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ . قَالَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مناظره موسی و فرعون در منظر جمعی از فرعونیان

قال لمن حوله

<حَوْلَ > به

چیزی که شیء را احاطه کرده باشد، گفته می شود. استفهام در <ألا تستمعون> برای اظهار تعجب است. یعنی <[فرعون] به کسانی که پیرامونش بودند [با تعجب] گفت آیا نمی شنوید.>

۲ - شدت انکار و شگفتی فرعون نسبت به سخنان موسی (ع) درباره پروردگار جهانیان

قال ربّ السموت و الأرض .. قال لمن حوله ألا تستمعون

لحن استهزاآمیز فرعون بیانگر مطلب یاد شده است.

۳ - لحن مستکبرانه و تمسخرآمیز فرعون ، در برابر منطق محکم موسی (ع)

قال ربّ السموت و الأرض .. قال لمن حوله ألا تستمعون

استفهام در جمله <ألا تستمعون> می تواند برای استهزا باشد.

۴ - فرعون ، هنگام شنیدن مواضع اعتقادی موسی (ع) اطرافیانش را علیه او تحریک و تهییج کرد .

قال ربّ السموت و الأرض .. قال لمن حوله ألا تستمعون

برداشت یاد شده از آن جا است که سخن فرعون می تواند به هدف تحریک و تهییج اطرافیان ادا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۶ - ۱

۱ - دست برنداشتن موسی (ع) از تبلیغ رسالت خویش در برابر جوّ آفرینی و لحن تمسخرآمیز فرعون

قال لمن حوله ألا تستمعون . قال ربّکم و ربّ ءابائکم الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۷ - ۱،۲،۴

۱ - شدت یافتن خشم فرعون نسبت به موسی (ع) با تأکید موسی بر ربوبیت خدای یگانه هستی

قال ربّکم و ربّ ءابائکم الأولین . قال إنّ رسولکم... لمجنون

متهم کردن موسی به جنون، نشان دهنده شدت خشم فرعون است.

منطق موسی (ع)

قال إنّ رسولکم... لمجنون

اقدام فرعون به متهم کردن موسی به جنون در مقابل منطق قوی او، نشانگر عجز و ناتوانی وی می باشد.

۴ - استهزا و تهمت ، از ابزار مقابله فرعون با رسالت موسی (ع)

قال لمن حوله ألا تستمعون... قال إنّ رسولکم... لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۱،۳،۹

۱ - دست برداشتن موسی (ع) از تبلیغ رسالت خویش در برابر تهمت ها و سخنان ناروای فرعون علیه او

قال إنّ رسولکم... لمجنون . قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما

۳ - اهتمام موسی (ع) به تبیین < ربّ العالمین > علی رغم روبه رو شدن با استهزا و تهمت فرعون

قال لمن حوله ألا تستمعون... إنّ رسولکم... لمجنون. قال ربّ المشرق و المغرب و ما

۹ - تحقیر فرعون و فرعونیان از سوی موسی (ع) به خاطر نیندیشیدن در نظام هستی و انکار پروردگار جهان

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إنّ کنتم تعقلون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر < إنّ کنتم تعقلون > تعریضی به عدم تعقل فرعون و فرعونیان و مقابله به مثل با اتهام جنون به موسی (ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۹ - ۱،۶

۱ - روی آوری فرعون به تهدید موسی (ع) با احساس ناتوانی از مقابله با منطق او

قال لئن اتّخذت إلها غیری لأجعلنک من المسجونین

۶ - موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به زندانی شدن

، در صورت پذیرش الوهیت غیر او

قال لئن اتَّخَذتِ إِلَهًا غَيْرِي لأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۰ - ۳،۵

۳ - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) بر صدق رسالت خویش

قال أُولُو جِبْتِكَ بَشِيءٌ مِّمَّنْ

مراد از <بشیء مبین> به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

۵ - اقدام موسی (ع) به ارائه معجزه ، پس از اقامه برهان و دلیل عقلی بر مدعای خویش و کارساز نیفتادن آن

قال رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ. قال أُولُو جِبْتِكَ بَشِيءٌ مِّمَّنْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱،۲،۳

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أُولُو جِبْتِكَ بَشِيءٌ مِّمَّنْ . قال فأت به

۲ - تردید فرعون نسبت به توان موسی (ع) در ارائه دلیل روشن بر مدعای خویش

قال فأت به إن كنت من الصادقين

برداشت یاد شده، در صورتی است که امر در <فأت به> تعجیزی باشد. بنابراین فرعون بدان جهت که از توانایی موسی نسبت به آن کار اطمینان نداشت، از او خواست تا معجزه خویش را ارائه دهد.

۳ - فرعون دلایل آفاقی و انفسی ارائه شده از سوی موسی را گویای صدق ادعای او ندانسته و تنها معجزه را شاهد صدق گفتارش می دانست .

قال رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ . قال أُولُو جِبْتِكَ بَشِيءٌ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون دلایل آفاقی و انفسی حضرت موسی

را نپذیرفت و ضمن تمسخر آنها، او را به زندان تهدید کرد؛ ولی آن گاه که آن حضرت مسأله معجزه (شیء مبین) را مطرح ساخت، فرعون به ظاهر به آن تن داد و پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۲ - ۱،۳

۱ - اقدام موسی (ع) به افکندن عصای خویش به منظور نشان دادن معجزه ای آشکار به فرعونیان

أولوجئتک بشیء مبین .. فألقى عصاه

۳ - تبدیل عصای موسی (ع) به اژدها، پدیده ای شگفت و دور از انتظار فرعونیان

فألقى عصاه فإذا هی ثعبان مبین

برداشت یاد شده از <إذا> فجائیه استفاده می شود؛ زیرا این کلمه می رساند که مفاد جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره انجام شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۳ - ۴

۴ - ارائه معجزات توسط موسی (ع) در حضور جمع (فرعون و اطرافیانش)

و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ - واکنش حق ستیزانه فرعون در قبال دو معجزه روشن موسی (ع)

قال للملأ حوله إنَّ هذا لسحر علیم

۲ - تلاش فرعون برای سحر قلمداد کردن معجزات موسی برای اطرافیانش

قال للملأ حوله إنَّ هذا لسحر علیم

۳ - اقرار ناخواسته فرعون به عظمت کار موسی (ع) در ارائه معجزات

إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ

۵- تناقض گویی فرعون ، در اتهام های خویش علیه موسی (ع)

قال إِنَّ رَسُولَكُمْ ..

لمجنون ... قال ... إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ

فرعون از یک سو موسی (ع) را مجنون و از سوی دیگر ساحر بسیار دانا و کاردان می خواند و این تناقض گویی آشکاری است که در یک مجلس از فرعون به طور ناخواسته سر زده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸

۱ اقدام فرعون برای ایجاد نگرانی در اطرافیان خویش ، نسبت به اهداف نهایی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۲ - نگرانی فرعون از تأثیر معجزات موسی در اطرافیان

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۳ - فرعون با تحریک احساسات قومی و میهنی اطرافیان خود ، درصدد تهییج آنان علیه موسی (ع) بود .

قال .. یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۴ - دروغ و تزویر ، دو حربه فرعون علیه موسی (ع)

قال .. إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ . یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

تعبیر <یرید أن یخرجکم..> دروغی آشکار است؛ چه این که موسی (ع) خواهان خارج ساختن بنی اسرائیل از مصر بود و نه قبطیان. و از سوی دیگر در مجموع کلام وی تزویر و فریبکاری نهفته است چه در گفتن <أرضکم> (سرزمین شما) و چه در تعبیر <بسحره> (با جادویش)

۵ - بیم فرعون از ناگزیر شدن قبطیان به ترک سرزمین خویش با پیروزی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۶ - مشاوره فرعون با اطرافیان خویش و نظر خواهی از آنان برای مبارزه با موسی (ع)

فماذا تأمرون

<أمر> (مصدر <تأمرون>) به معنای فرمان دادن است. مقصود از آن در این جا فرمان

مشورتی است. بنابراین <چه فرمان می دهید> یعنی، رأیتان چیست.

۸- فرعون، از چاره اندیشی و پیدا کردن راه مبارزه با موسی (ع) به تنهایی احساس ناتوانی می کرد.

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره فماذا تأمرون

مشورت و نظرخواهی فرعون از دیگران در عین ادعای خدایی بیانگر ناتوانی او در مبارزه با موسی(ع) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۴،۵،۳،۱

۱- پیشنهاد مشاوران فرعون به خود وانهادن موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتَّخَذتِ إِلَهًا غَيْرِي لأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ . . . فماذا تأمرون . قالوا أرجه و

<ارجاء> (مصدر <ارج>) به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتمنی است که <ارج> در اصل <ارجی> بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر <ه> ساکن در آخر آن، مفعولی و راجع به موسی می باشد.

۳- هارون در کنار موسی (ع) و همراه وی در تمام مراحل مناظره و رو در رویی با فرعون

قالوا أرجه و أخاه

۴- صلاحدید مشاوران فرعون، مبارزه با موسی به شیوه ای همسان شیوه خود وی بود و نه زندان و قتل .

قالوا أرجه و أخاه و ابعث فی المدائن حشرین

برداشت یاد شده از آن جا است که منطق فرعون <لأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ> بود و ولی مشاوران وی با دیدن معجزات موسی این راه را نپسندیدند بلکه در پیش گرفتن راهی منطقی تر و ظاهراً همسان راه موسی را ترجیح دادند.

۵- تدبیر مشاوران فرعون، مبنی بر اعزام

اشخاصی به تمام شهرها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلی به <ال> و مفید عموم است، یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی، طرح مشاوران فرعون بود.

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۲،۳،۴

۲ - گردآوری ساحران در سریع ترین وقت، پس از پیشنهاد مشاوران فرعون

قالوا .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحره

برداشت یاد شده با توجه به آمدن <فاء> که بیانگر نبودن فاصله زمانی است استفاده می شود.

۳ - گردآوری ساحران، برای هماوردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود.

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

<میقات> به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد.

مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴ - اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هماوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - دعوت همگانی از مردم و تشویق آنان برای اجتماع در صحنه هم‌آوردی موسی (ع) با ساحران

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

استفهام در عبارت <هل أنتم مجتمعون> برای تشویق و ترغیب است.

۲ - اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کارآزموده بر موسی (ع)

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعبیری چون: <لعلنا> و <إن كانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردهای تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پاسخ مثبت فرعون، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً... قال نعم

۶ - فرعون از پیروزی خود در برابر معجزه موسی (ع) مأیوس شده و تنها به حمایت ساحران چشم دوخته بود.

قال نعم و إنکم إذا لمن المقربین

تلاش فرعون برای جلب حمایت ساحران از خود، به هر قیمت ممکن و بیش از انتظار آنها، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

۲ - اطمینان موسی به غلبه خویش و پوچی افسون ساحران

قال لهم موسى ألقوا

ما أنتم ملقون

شتاب نداشتن موسی(ع) در ارائه معجزه خویش، حاکی از اطمینان او و تعبیر <ألقوا ما أنتم ملقون> نشانگر بی اعتنایی وی به همه دست مایه های ساحران است.

۳ - تلاش ساحران برای انجام کاری شبیه به معجزه موسی

ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴،۷،۸ - ۲،۳،۴

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصيهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عصی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا .. فألقوا حبالهم و عصيهم

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا .. و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

۷ - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا حبالهم و عصيهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای ازدها شوند) موسی(ع) استفاده کردند.

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا .. وقالوا بعزّه فرعون إنّنا لنحن الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۱ - افکندن موسی (ع) عصای خویش را ، در پی ارائه افسون از سوی ساحران

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ

۲ - بلعیده شدن ابزار ساحران (ریسمان ها و عصا ها) به وسیله عصای موسی

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

۴ - غلبه سریع و برق آسای موسی (ع) بر ساحران ، در میدان هموردی و در برابر دید همگان

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

واژه <إِذَا> معادل ناگهان است؛ یعنی، انداختن عصا همان و بلعیده شدن طناب ها و چوبدستی های ساحران همان.

۵ - عصای موسی با بلعیدن ابزار جادویی ساحران ، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که <إِذَا> برای مفاجات است و نشانگر آن است که جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ . فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدِينَ

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <أَلْقَى> بر آیه پیش به دست می آید.

۲ - به سجده در افتادن بی درنگ ساحران ، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدِينَ

به کارگیری <فاء> تعقیب و فعل مجهول <أَلْقَى> بیانگر آن است که ساحران با مشاهده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده در افتادند.

۱ - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ .. قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۴۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳

۴ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به هم دستی با موسی (ع) برای توطئه علیه وی

إِنَّهٗ لَكَبِيرٌ كَمِ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ

۶ - اصرار و پافشاری فرعون بر سحر شمردن معجزه موسی

إِنَّهٗ لَكَبِيرٌ كَمِ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ

۷ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به شاگردی موسی (ع) و یاد گرفتن سحر در مکتب او

إِنَّهٗ لَكَبِيرٌ كَمِ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ

۸ - تهدید ساحران مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

۹ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ .. وَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱، ۲

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ .. قَالُوا لَاضْمِر

۲ - خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ .. قَالُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۲

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۱۸

۱ - وحی خداوند به موسی (ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي

۸ - موسی (ع)، رهبری پذیرفته شده و مورد اطاعت بنی اسرائیل، حتی پیش از ترک مصر

و أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ

فرمان الهی به کوچاندن شبانه بنی اسرائیل، در صورتی عملی بود که مجموعه بنی اسرائیل مطیع موسی (ع) بودند و این حرکت مخاطره آمیز را به خاطر اطاعت از وی به جان می خریدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۲

۲ - تشویق مردم از سوی مأموران فرعون، به تسریع در پیوستن به سپاه وی

و إِنَّا لَجَمِيعٌ حَذِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۲ - ۱،۲

۱ - اقدام قاطع موسی (ع) برای زدودن وحشت همراهان خویش و (ترس آنان از گرفتار شدن در کمند سپاه فرعون)

قال أصحاب موسى إنا لمدركون . قال كلاً

۲ - موسى (ع) ، مطمئن به دست نیافتن سپاه فرعون بر وی و همراهانش

قال كلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۵،۷،۳،۲

- وحی الهی به موسی (ع) مبنی بر زدن عصای خویش به دریا

فأوحينا إلى موسى أن اضرب بعصاك البحر

۳ - شکافته شدن دریا با ضربت عصای موسی و باز شدن راه نجات برای بنی اسرائیل

أن اضرب بعصاك البحر فانفلق

<انفلاق> (مصدر <انفلق>) به معنای شکافته شدن است.

۵ - بنی اسرائیل و فرعونیان ، شاهد معجزه ای دیگر از موسی (ع) با شکافتن دریا

أن اضرب بعصاك البحر فانفلق

۷ - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار ؛ چون دو کوه بزرگ

فانفلق فکان کلّ فرق کالطود العظیم

فعل <کان> در این جا به معنای <صار> است. <فرق> نیز معادل قطعه (پاره) و <طود> مرادف <جبل> (کوه) است. بنابراین <کان کلّ فرق...> ؛ یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۱

۱ - نجات یافتن موسی (ع) و همراهان وی (بنی اسرائیل) از شرّ فرعونیان ، با عبور از دریا به اراده الهی بود .

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۲

۲ - ماجرای میان موسی (ع) و فرعونیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلك لأیه

چنان که گفته شد <آیه> به معنای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

۲ - بیان دقیق سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور (ماجراجویی که به جز خدا کسی از آن خبر نداشت) دلیلی روشن بر آسمانی بودن قرآن

و إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ .. إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ

بیان ماجرای موسی در وادی طور، که می تواند دلیلی برای <إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ..> باشد زیرا آن واقعه ای است که جز خدا احدی از آن اطلاع نداشته است.

۴ - همراهی خانواده موسی (همسر و فرزندان) با وی در سفر از <مدین>

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ .. لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

تعبیر <سَأْتِيكُمْ> و <لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ> (با ضمائر جمع) نشان می دهد که همراهیان موسی بیش از یک نفر بوده اند و تعبیر <أَهْلٍ> بیانگر آن است که همه آنان از نزدیکان (همسر و فرزندان) او بوده اند.

۵ - گرفتاری موسی (ع) و خانواده اش در سردی هوا، تاریکی شب و گم کردن راه در مسیر سفر

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ .. سَأْتِيكُمْ مِنْهَا بَخِيرٌ... لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

۶ - قرار گرفتن خانواده موسی در شرایط نیاز به دلگرمی و امید

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ .. سَأْتِيكُمْ مِنْهَا بَخِيرٌ... تَصْطَلُونَ

از تعبیر <إِنِّي آنست نارا> و <سَأْتِيكُمْ> که جمله اول به صورت مؤکد به <إِنَّ> و جمله دوم به صورت مؤکد با حرف تنفیس آمده است استفاده می شود که خانواده موسی در شرایط اضطراب آور و دلهره آمیزی قرار داشتند که موسی می بایست به آنان دلگرمی می داد و امید می بخشید.

۷ - آرامش موسی (ع) در شرایط سخت و بحرانی و

تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إِنِّي ءانست نَارًا سناتیکم .. لعلکم تصطلون

۸ - مشاهده موسی ، آتشی را از دور در وادی طور

إِنِّي ءانست نَارًا

<ایناس> (مصدر <آنست>) معادل <إبصار> (دیدن) است؛ یعنی، آتشی به نظرم رسید.

۹ - تنها موسی (ع) ، نظاره گر آتش وادی طور و همراهانش محروم از مشاهده آن

إِنِّي ءانست نَارًا

۱۰ - تصمیم موسی (ع) به حرکت به سمت آتش طور

ساتیکم منها بخبر أو ءاتیکم

۱۱ - امید موسی (ع) ، به یافتن اطلاعاتی از محل برافروخته شدن آتش ، برای یافتن راه و ادامه مسیر سفر

ساتیکم منها بخبر

جمله <ساتیکم منها بخبر> به تقدیر <ساتیکم من عندها بخبر نهتدی به> است؛ یعنی، به زودی از آن جا اطلاعی خواهم آورد که با کمک آن راهمان را پیدا کنیم.

۱۲ - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أو ءاتیکم بشهاب قبس لعلکم تصطلون

<شهاب> به شعله آتش و <قبس> به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. <اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) نیز به معنای گرم شدن است؛ یعنی، یا شعله ای از آتش بگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۴، ۳، ۱

۱ - ندای خداوند به موسی (ع) در پی رسیدن وی به آتش طور

فلما جاءها نودی

۳ - تبریک خداوند به موسی و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودی أن بورک من فی النار و من حولها

برداشت یاد شده بدان احتمال است که >بورک من فی

النار > انشای تبریک باشد.

۴ - قرار گرفتن موسی (ع) در احاطه آتش طور

نودی أن بورک من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۳، ۲، ۱

۱ - تأکید خداوند ، بر الهی بودن ندای برخاسته از دل آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار . . . یموسی إنه أنا الله

۲ - موسی ، در شگفتی و حیرت از ندای برآمده از آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار . . . یموسی إنه أنا الله

تصریح خداوند به <إنه أنا الله> می تواند از آن جهت باشد که موسی با شنیدن ندا از درون آتش، در شگفتی فرو رفت و حیران ماند؛ به گونه ای که سخت نیازمند راهنمایی روشن و صریح بود.

۳ - سخن گفتن بیواسطه خدا با موسی در وادی طور

فلما جاءها نودی . . . إنه أنا الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۰ - ۸، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - فرمان خدا به موسی (ع) در وادی طور ، مبنی بر افکندن عصای خویش

و ألق عصاك

۲ - تبدیل ناگهانی عصای موسی به ماری پرتحرک ، در پی افکندن آن بر زمین

فلما رءاها تهتّرت كأنّها جانّ

<اهتزاز> (مصدر <تهتّرت>) به حرکت تند و سریع گفته می شود. <جانّ> نیز به گفته مفسران، گونه ای از مار باریک است که بسیار چست و چالاک می باشد.

۳ - تبدیل عصای موسی به اژدهایی بزرگ اما به چالاکي مارهای کوچک

فلما رءاها تهترّ كأنها جانّ

با توجه به این که در جای دیگر تبدیل عصا به اژدهایی بزرگ

(فإذا هي ثعبان مبين) آمده احتمال می رود که تعبیر <کأنها جانّ> در این جا نه از آن باب باشد که عصای موسی در مرتبه نخست به شکل ماری کوچک و در دفعات دیگر به شکل اژدها درآمده بود بلکه تشبیه آن به مار کوچک از جهت حرکت تند و سریعی است که آن مار داشته است.

۴- ترس و گریز بی تأمل موسی (ع) ، با مشاهده تبدیل عصای دست خویش به ماری چالاک

فلما رءاها تهتز كأنها جانّ ولى مدبرًا

۶- رهنمود خدا به موسی (ع) مبنی بر این که او نباید از عصای مار شده بیم داشته باشد .

یموسی لاتخف

۸- اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

یموسی لاتخف إني لا يخاف لدي المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۲ - ۱

۱- فرمان خدا به موسی (ع) مبنی بر فروردن دست در گریبان خویش و خارج ساختن آن با سپیدی جذّاب و غیرزنده

و أدخل يدك في جيبيك تخرج بيضاء من غير سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۲

۲- سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۴،۵

۴- مردم عصر بعثت ، اطلاعاتی مخدوش و نادرست از داستان موسی و فرعون داشتند .

نتلوا علیک من نیا موسی و

قید <بالحقّ> نشان می دهد که آنچه در میان مردم عصر پیامبر(ص) از ماجرای موسی(ع) و فرعون مطرح بود، با واقعیت انطباق نداشت.

۵ - سوره <قصص> دربردارنده تنها گوشه ای از داستان موسی و فرعون

نتلوا علیک من نبیا موسی و فرعون

به کارگیری <من> تبعیضیه در <من نبیا> بیانگر آن است که آنچه در سوره <قصص> مطرح شده تنها بخشی از سرگذشت موسی(ع) و فرعون است و نه همه آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۱

۱ - تولد موسی (ع) ، در فضایی آکنده از خوف و خطر و به دور از چشم دیگران

یذبح أبناءهم... و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

۶ - مأموریت مادر موسی از سوی خداوند ، به شیر دادن فرزندش دور از چشم بیگانگان

و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

۷ - شرایط اضطراب آور روحی برای مادر موسی به هنگام ولادت فرزندش و نیز احساس خطر برای او از جانب فرعونیان ، موجب سرگردانی وی در شیر دادن به موسی (ع) بود .

و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

توصیه خداوند به مادر موسی برای شیر دادن به فرزندش، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

۸ - مادر موسی ، مأمور افکندن فرزندش به رود نیل در صورت احساس خطر برای وی از جانب فرعونیان

فإذا خفت علیه فألقیه فی الیمّ

واژه <یمّ> به آب زیاد گفته می شود. بدین جهت به دریا <یمّ> گفته می شود و هم به رود بزرگ. در این آیه معنای دوم مراد است و مقصود از آن رود نیل

می باشد.

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ

۱۱ - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی . . . و جاعلوه من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸ - ۱،۳،۷

۱ - برگرفته شدن موسی (ع) از آب نیل به وسیله نزدیکان فرعون

فالتقطه ءال فرعون

<إلتقاط> به معنای برگرفتن چیزی از زمین است و <آل> به کسان و نزدیکان شخص گفته می شود.

۳ - برگرفتن موسی (ع) از آب به وسیله فرعونیان، اقدامی ناخواسته علیه خود آنان

فالتقطه ءال فرعون لیكون لهم عدوًّا و حزناً

۷ - کشتن پسران بنی اسرائیل از سویی و برگرفتن موسی (ع) از آب از سوی دیگر، نمود خطاپیشگی و نابخردی فرعونیان

یذبح أبناءهم . . . فالتقطه ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۱،۲،۷،۹،۱۱،۱۳

۱ - انتقال موسی (ع) پس از برگرفته شدن از آب، به نزد فرعون و همسرش

فالتقطه ءال فرعون . . . و قالت امرأت فرعون قرت عین لی و لک

۲ - درخشش برق امید و شادمانی در دیدگان زن فرعون با مشاهده قنடைه موسی

و قالت امرأت فرعون قرت عین لی و لک

۷- تحریک شدن غریزه فرزندخواهی زن فرعون با دیدن قنناق موسی

و قالت امرأت فرعون قوّت عین لی و لک

۹- زنده گذاشتن موسی (ع) و چشم پوشی از قتل وی ،

درخواست آسیه از فرعون

و قالت امرأت فرعون .. لا تقتلوه

۱۱ - همسر فرعون ، خواستار نگه داری موسی (ع) با امید به منتفع شدن از خدمات وی ، یا برگزیدن او به فرزندى خویش

عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولداً

۱۳ - پذیرفته شدن خواسته آسیه (نگه داری موسی (ع)) از سوی فرعون

و قالت امرأت فرعون .. لا تقتلوه

سکوت فرعون در برابر خواسته آسیه، نشان از پذیرفته شدن آن از سوی فرعون دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۱۳، ۹، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - تأثیر ژرف و آرامش بخش وحی الهی در دل مادر موسی

و أوحينا إلى أم موسى .. وأصبح فؤاد أم موسى فرغاً

<أصبح> معادل <صار> و <فارغاً> مرادف <خالياً> است. با توجه به ارتباط این آیه با آیه هفتم، تقدیر آن چنین می شود: <و صار فؤاد أم موسى بعد الوحي خالياً من الخوف و الحزن دل مادر موسی بعد از وحی ما از ترس و اندوه خالی گشت.>

۲ - دل مادر موسی ، فارغ از ترس و اندوه نسبت به فرجام نوزادش پس از دریافت وحی الهی

و أوحينا إلى أم موسى .. أن لا تخافی ... و أصبح فؤاد أم موسى فرغاً

۳ - اقدام خداوند به محکم ساختن دل مادر موسی ، به منظور پیش گیری از فاش شدن راز نوزادش توسط خود وی

إن كادت لتبدي به لولا أن ربطنا على قلبها

<ربط> (مصدر <ربطنا>) به معنای بستن و محکم کردن است.

۴ - اطمینان یافتن مادر موسی به بازگردانده شدن فرزندش به آغوش وی ، پس از دریافت وحی الهی

أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۹- راسخ شدن ایمان مادر موسی ، هدف الهی در محکم ساختن دل وی و اطمینان بخشیدن به وی

لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۱۳- قرار داشتن مادر موسی در آستانه افشا کردن راز فرزندش ، به خاطر شدت پریشانی و اضطراب

إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۱

۱ - تبدیل شدن مادر موسی به شخصیتی مصمم و قادر بر انجام کارهای سترگ ، پس از دریافت پیام امیدآفرین الهی

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ... وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيه

جمله <وقالت...> عطف بر محذوف است؛ یعنی، <فألقيه في اليمِّ و قالت لأخته قصيه>. مادر موسی پس از دریافت وحی، اقدام به انداختن فرزندش در رود نیل کرد؛ با این که پیش از آن از فرط ترس و نگرانی نزدیک بود راز فرزندش را فاش سازد. این موضوع، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - مأموریت خواهر موسی از سوی مادر برای دنبال کردن موسی در پی افکنده شدنش در آب نیل

و قالت لأخته قصيه

۵ - حضور خواهر موسی در کنار مادر ، هنگام افکندن موسی در رود نیل

و قالت لأخته قصيه

۷ - خواهر موسی ، از دور نظاره گر سرنوشت برادر خود بر روی آب نیل

فبصرت به عن جنب

<جُنُب> معادل دور است؛ یعنی، او موسی را از دور زیر نظر گرفت.

۸ - خواهر موسی ، شاهد بر گرفته شدن برادرش از آب به وسیله کسان فرعون

فبصرت به عن جنب

برداشت یاد شده برپایه این احتمال است که >بصرت

به... > به این معنا باشد که خواهر موسی، از دور دید که فرعونیان او را از آب گرفتند.

۹ - تلاش خواهر موسی برای اطلاع نیافتن دیگران، از پی جویی سرنوشت آن کودک به وسیله او

فبصرت به عن جُنُب

۱۰ - پی جویی خواهر موسی، از دید فرعونیان پنهان بود.

فبصرت به عن جُنُب و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - احضار دایگان به کاخ فرعون، برای شیر دادن به موسی (ع)

و حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ

۲ - امتناع موسی (ع) از گرفتن پستان دایگان

و حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ

۴ - انس گرفتن پیشین موسی با آغوش و شیر مادر، باعث امتناع او از خوردن شیر دایگان شد.

و أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ .. و حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ

خداوند پیش از این، به مادر موسی فرمان داد وی را شیر دهد. از تعبیر <حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ> استفاده می شود که فلسفه آن دستور، این بود که ذائقه موسی(ع)، تنها با پستان و شیر مادرش شکل بگیرد، تا از گرفتن پستان دیگران امتناع ورزد.

۵ - در ماندگی خاندان فرعون از یافتن دایه ای مناسب و مورد پذیرش موسی (ع) و اقدام خواهر وی برای بهره گیری از آن فرصت

حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ

۶ - حاضر شدن خواهر موسی در جمع خاندان فرعون و دایگان

و حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ

۷ - اقدام به موقع خواهر

موسی ، برای بازگرداندن وی به آغوش مادر

و حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ . . . قَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ

۸ - اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۴، ۱۰، ۹، ۷، ۳، ۱

۱ - به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلکم علی أهل بیت . . . فرددنه إلی أمّه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

۳ - غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

يَذْبَحُ أَبْنَاءَهُمْ . . . فرددنه إلی أمّه

موسی(ع) زمانی به دنیا آمد که فرعون به بهانه از بین بردن او، هر کودک پسر بنی اسرائیلی را سر می برید اما خداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

۷ - شادی کردن مادر موسی و زدایش غم از دل وی ، از هدف های خداوند در بازگرداندن موسی (ع) به دامان وی

فرددنه إلی أمّه کی تقرّ عينها و لاتحزن

کلمه <کی> به اصطلاح، <تعلیلیه> و بیانگر هدف الهی در بازگرداندن موسی به دامان مادرش می باشد. در این آیه به دو هدف اشاره شده است: الف) شاد شدن مادر موسی و زدودن غم و اندوه ناشی از فراق فرزند. ب) عمل کردن خدا به

وعدۀ خود و یقین پیدا کردن مادر موسی به حقانیت وعدۀ های الهی. برداشت یاد شده بیان مضمون هدف نخست است.

۹ - وعدۀ خدا به مادر موسی ، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

این آیه اشاره به وعدۀ ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسی داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند>، (إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ).

۱۰ - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعدۀ های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی (ع) به آغوش وی

فرددنه إلى أمّه .. و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

۱۴ - > عن محمد بن مسلم قال: ... قلت لأبي جعفر (ع) فكم مكث موسى غائباً عن أمّه حتّى رده الله عليها؟ قال: ثلاثة أيّام ... ;

محمد بن مسلم می گوید: .. از امام باقر (ع) سؤال کردم: موسی (ع) چند روز از مادرش غایب بود تا این که خداوند او را دوباره به دامن او برگردانید؟ حضرت فرمود: سه روز...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۱

۱ - سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی موسی (ع) و رسیدن او به مرحله جوانی ، بی هیچ حادثه درخور بیان

فرددنه إلى أمّه .. و لما بلغ أشده و استوی

تعبیر <بلغ أشده> کنایه از رسیدن شخص به دوره جوانی است؛ زیرا نوعاً بلوغ فکری انسان هم زمان با رسیدن وی به مرحله جوانی است. بنابراین پرداختن قرآن به حوادث روزگار جوانی موسی (ع) و بعد از

آن و مسکوت گذاشتن دوران پیش از جوانی (کودکی و نوجوانی)، نشانگر آن است که کودکی و نوجوانی او در کمال آرامش سپری شده بود و در این مدت حادثه ای درخور بیان برای وی روی نداده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۴، ۳، ۱

۱ - ورود موسی (ع) به شهر مصر، در ساعت استراحت و غفلت و بی خبری مردم

و دخل المدینه علی حین غفله من أهلها

<غفلت> به معنای بی خبری و مراد از <علی حین غفله من أهلها> (ساعت بی خبری مردم شهر) زمانی است که مردم دست از کسب و کار می کشند و به خانه هایشان برمی گردند و از آنچه در شهر می گذرد بی خبر می مانند.

۳ - برخورد موسی (ع) در شهر مصر، با زد و خورد دو مرد به قصد کشتن یکدیگر

فوجد فیها رجلین یقتتلان

واژه <یقتتلان> نشان می دهد که نزاع میان آن دو مرد، نزاعی عادی نبوده است؛ بلکه آن دو به قصد کشتن، همدیگر را می زدند.

۴ - یکی از دو مرد در حال زد و خورد، اسرائیلی و از پیروان موسی (ع) و دیگری قبطی و از دشمنان او بود.

هذا من شیعتہ و هذا من عدوہ

۷ - استغاثه و یاری طلبی مرد بنی اسرائیلی، از موسی (ع) علیه فرد قبطی

فاستغنه الذی من شیعتہ علی الذی من عدوہ

۸ - اقدام بی درنگ موسی (ع) برای حمایت از مرد بنی اسرائیلی علیه فرد قبطی

فوکزه موسی

<فاء> در <فوکزه> فصیحه و عطف بر

جمله محذوف است یعنی، <فَأَقْبَلَ مُوسَى عَلَى الذِّیْ مِنْ عَدُوِّهِ فُوكَزَهُ>. گفتنی است که <اقدام بی درنگ> از به کارگیری <فاء> که بیانگر عدم وجود فاصله میان یاری طلبی مرد اسرائیلی و پاسخ مثبت موسی(ع) به وی است استفاده می شود.

۹ - حمله موسی (ع) به فرد قبطی و وارد آوردن ضربه مشت بر وی

فوکزه موسی

<وَكَزَ> (مصدر <وَكَزَ>) زدن با مشت است.

۱۰ - جان باختن فرد قبطی با ضربه مشت موسی

فوکزه موسی ففضی علیه

عبارت <فضی علیه> مرادف با <قتله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - قتل مرد قبطی ، ظلم موسی (ع) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از سوی فرعونیان

فوکزه موسی ففضی علیه .. قال ربّ اِنّی ظلمت نفسی

موسی(ع) در پیشگاه پروردگار اعتراف کرد که مرتکب خطای بزرگی شده و با کشتن مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

۲ - اعتراف صریح موسی (ع) در پیشگاه پروردگار ، به اشتباه خویش در قتل مرد قبطی و درخواست آمرزش از ساحت او و نجات از شرّ فرعونیان

قال ربّ اِنّی ظلمت نفسی فاغفرلی

مقصود موسی(ع) از آمرزش در <اغفرلی> زدوده شدن پی آمد کار وی و رهایی از انتقام فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸

۱ - به هم ریختن آرامش موسی در پی کشته شدن مرد قبطی به دست وی

فوكزه موسى فقضى عليه .. فأصبح فى المدينه خائفًا يترقب

٢ - موسى (ع) ، پس

از حادثه قتل مرد قبطی به کاخ فرعون بازنگشت .

فأصبح في المدينة

۳ - درنگ موسی (ع) تا بامداد روز بعد در شهر ، همراه با هراس و انتظار پیشامد حادثه ای ناگوار برای خویش

فأصبح في المدينة خائفاً يترقب

<ترقب> (مصدر <يترقب>) معادل <انتظار> است؛ یعنی، <ينتظر وقوع المكروه به>. مفعول <يترقب> نیز حذف شده است.

۴ - برخورد مجدد موسی (ع) با فریاد کمک طلبی مرد اسرائیلی (همان که روز پیش از وی یاری خواسته بود) در بامداد روز بعد

فأصبح في المدينة .. فإذا الذي استنصره بالأمس يستصرخه

<استصرخ> (مصدر <يستصرخ>) به معنای سردادن فریاد کمک خواهی است.

۵ - درگیری دوباره مرد اسرائیلی با فردی دیگر از قبطیان در روز بعد

فإذا الذي استنصره بالأمس يستصرخه

۶ - نزاع مجدد مرد اسرائیلی آن هم با پیشامد حادثه روز پیش امری غیر مترقبه و دور از انتظار برای موسی (ع)

فإذا الذي استنصره بالأمس يستصرخه

مطلب یاد شده با توجه به آمدن <إذا>ی فجائیه به دست می آید.

۷ - برانگیخته شدن خشم موسی (ع) با مشاهده مرد اسرائیلی در حال درگیری مجدد با یکی دیگر از قبطیان

قال له موسى إنك لغويّ مبين

۸ - پرخاش کردن موسی (ع) نسبت به مرد اسرائیلی

قال له موسى إنك لغويّ مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اقدام موسی (ع) به حمله به مرد قبطی و وارد کردن ضربه سخت و کوبنده بر وی

فلما أن أراد أن يبطش بالذي هو عدوُّ لهما

<بطش> (مصدر <ببطش>) به دست گشودن برای هجوم

قهرآمیز گفته می شود.

۳ - برداشت اشتباه مرد اسرائیلی از تصمیم موسی (ع)

قال یموسی أترید أن تقتلنی

۴ - اعتراض مرد اسرائیلی به موسی (ع) به توهم این که او بر کشتن وی تصمیم گرفته است .

قال یموسی أترید أن تقتلنی

۵ - افشا شدن راز قتل مرد قبطی به وسیله مرد اسرائیلی

قال یموسی . . . کما قتلت نفسًا بالأمس

۶ - متهم شدن موسی (ع) از سوی مرد اسرائیلی به داشتن انگیزه های جبارانه و روحیه ظلم و تجاوزگری

إن ترید إلا أن تكون جبارًا فی الأرض

۷ - عاری بودن از انگیزه های اصلاح طلبانه ، اتهام دیگر مرد اسرائیلی به موسی (ع)

و ما ترید أن تكون من المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - ورود شتابزده مردی ناشناس از دورترین نقطه شهر به حضور موسی (ع)

و جاء رجل من أقصا المدینه یسعی

۲ - مرد ناشناس ، حامل خبری مهم و سرنوشت ساز برای موسی (ع) بود .

قال یموسی إن الملائمات یأمرون بک لیقتلوک

۳ - مشاوره سران حکومت فرعون درباره کشتن موسی (ع)

إن الملائمات یأمرون بک لیقتلوک

<إتتمار> (مصدر <یأتمرون>) به معنای مشورت و رایزنی است.

۴- شنود گفت و گو های سران حکومت فرعون به وسیله مرد ناشناس و رساندن سریع آن به موسی (ع)

و جاء رجل .. قال یموسی إنّ الملائم یأمرون بک لیقتلوك

۵- مرد ناشناس ، خواهان خروج بی درنگ موسی (ع) از شهر بود .

فاخرج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خارج شدن موسی (ع) از شهر مصر، در پی توصیه مرد ناشناس

قال یموسی .. فاخرج ... فخرج منها خائفاً

۲ - موسی (ع) نگران پیش آمدن حادثه ای ناگوار برای خویش، به هنگام خروج از شهر مصر بود.

فخرج منها خائفاً یتربّب

<تَرَبَّبَ> (مصدر <یتربّب>) به معنای انتظار است. در این جا مفعول <یتربّب> حذف شده است؛ یعنی، <ینتظر وقوع المکروه به>.

۵ - نیایش موسی (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خویش از شر فرعونیان

قال ربّ نجّنی من القوم الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۲ - ۱،۲،۴

۱ - تلاش موسی (ع) پس از خروج از شهر مصر، برای رساندن خود به سمت منتهی به مدین

فخرج منها .. و لَمَّا توجّه تلقاء مدین

تعبیر <لَمَّا توجّه..> نشان می دهد که موسی(ع) هم زمان با خارج شدن از شهر مصر، در جهت مدین قرار نداشت؛ بلکه مدتی راه پیمود تا خود را در آن سمت قرار دهد.

۲ - قرار گرفتن موسی (ع) در جهت منتهی به مدین و روانه شدن وی به سوی آن

و لَمَّا توجّه تلقاء مدین

<توجّه> (مصدر <توجّه>) به معنای روی آوردن و <تلقاء> معادل جانب است. <و لَمَّا توجّه تلقاء مدین>؛ یعنی، <لَمَّا> صرف وجهه هذاء مدین، (همین که روی به جانب مدین آورد...).

۴ - موسی (ع) ناآشنا به راه منتهی به مدین

و لَمَّا توجّه تلقاء مدین قال عسی ربّی أن یهدینی سواء السبیل

مطلب یاد شده با توجه به

نیایش موسی (ع) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۲۰، ۹، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - موسی (ع) مسافت میان مصر تا مدین را بدون حادثه ای در خور بیان طی کرد .

فخرج منها .. و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدِينِ

پرداختن قرآن به مقطع ورود موسی (ع) به حوالی مدین و سکوت از حوادث بین راه، نشان می دهد که برای وی از مصر تا مدین رخداد درخور ذکری اتفاق نیفتاده بود.

۲ - ورود موسی (ع) به حوالی مدین در اثنای روز

و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدِينِ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ

۳ - ورود موسی (ع) به محل آب شرب مدین هم زمان با آمدن چوپانان برای آب دادن دام هایشان

و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدِينِ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ

۴ - روبرو شدن موسی (ع) با جمعیت انبوهی از چوپانان بر سر آب مدین

و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدِينِ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ

کلمه <أُمَّةٌ> به جماعتی از مردم گفته می شود و نکره آمدن آن، نشان دهنده کثرت چوپانان است.

۶ - جلب توجه موسی (ع) به دو زن تنها که به جای آب دادن به گوسفندانشان، آنها را از نزدیک شدن به آب باز می داشتند .

و وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ

<ذود> (مصدر <تذودان>) به معنای دور کردن است؛ یعنی، آن دو زن گوسفندانشان را دور می کردند و نمی گذاشتند که به آب نزدیک شوند. گفتنی است، که دو زن چنان که از عبارت های بعد استفاده می شود دختران شعیب بودند.

پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبکما

<خطب> معادل <شان> است؛ یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود؛ چه چیزی شما را بر این کار وامی دارد؟>

۹ - دختران شعیب به پرسش موسی پاسخ دادند .

قالتا لانسقی

۲۰ - تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ - برانگیخته شدن عواطف موسی (ع) با شنیدن پاسخ دختران شعیب

قالتا لانسقی .. فسقی لهما

۳ - اقدام بی درنگ موسی (ع) به آب دادن گوسفندان دختران شعیب پس از شنیدن اظهارات آنان

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر . فسقی لهما

تعبیر <فسقی لهما> با <فای> عاطفه که برای عدم تراخی است بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - بازگشتن موسی (ع) به سایه جهت استراحت ، پس از آب دادن گوسفندان دختران شعیب

ثمّ تولّی إلى الظلّ

۵ - هم زمانی هجرت موسی (ع) به مدین با فصل گرما

ثمّ تولّی إلى الظلّ

۶ - کمک رسانی موسی (ع) به دختران شعیب ، علی رغم خستگی و گرسنگی شدید وی

ثمّ تولّی إلى الظلّ فقال ربّ إني لما أنزلت إلی من خیر فقیر

۷- اظهار گرسنگی و نیاز در پیشگاه خداوند از سوی موسی (ع) و درخواست کمک از ساحت او

فقال ربّ إنّي لما أنزلت إليّ من خير فقير

۱۰- > عن أبي عبدالله (ع) في قول

اللّه عزّوجلّ حکایه عن موسی (ع) > رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ < فقال : سأل الطعام ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ که از قول موسی(ع) حکایت کرده > رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ < روایت شده که موسی(ع) [با این سخن] درخواست طعام کرد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۴، ۱

۱ - بازگشت یکی از دختران شعیب نزد موسی به فرمان پدر

فجاءته إحدیهما .. قالت إنّ أبا یدعوك

۴ - دختر شعیب ، پیامدار دعوت پدرش از موسی (ع)

قالت إنّ أبا یدعوك

۷ - پذیرش دعوت شعیب از سوی موسی (ع) و رفتن وی به نزد او

قالت إنّ أبا یدعوك .. فلما جاءه

۸ - گفت و گوی موسی (ع) با شعیب و بیان سرگذشت خویش برای وی

فلما جاءه و قصّ علیه القصص

۹ - اقدام شعیب به دلداری موسی (ع) رفع نگرانی و ترس از وی و اعلام نجات یافتنش از شر فرعونیان

قال لا تخف نجوت من القوم الظلمین

۱۲ - > عن البنظی قال : سألت الرضا (ع) عن قوله تعالی > إنّ أبا یدعوك لیجزیک أجر ما سقیت لنا < أهی التی تزوّج

بها؟ قال : نعم ... ;

از بنظی نقل شده که گفت: از امام رضا(ع) درباره قول خدای تعالی: > إنّ أبا یدعوك .. < پرسیدم: آیا دختری که نزد موسی آمد و گفت پدرم تو را خواسته ... همان دختری بود که بعداً موسی(ع) با او ازدواج کرد؟ فرمود: آری...<

جلد - نام

۱ - پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

۳ - ستایش دختر شعیب از موسی (ع) نزد پدر

إن خیر من استئجرت القویّ الأمین

۶ - موسی (ع)، مردی نیرومند و شخصیتی امین در دیدگاه دختر شعیب

إن خیر من استئجرت القویّ الأمین

۷ - موسی (ع)، از دیدگاه دختر شعیب، بهترین و شایسته ترین مرد برای نگه داری دام هایشان

قالت إحدیهما .. إن خیر من استئجرت القویّ الأمین

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إن خیر من استئجرت القویّ الأمین

سکوت شعیب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

۱۲ - > عن الرضا (ع) : ... و لَمَّا قَالَتْ : < استأجره إن خیر من استأجرت القویّ الأمین > قال أبوها کیف علمت ذلك ؟

قالت لَمَّا أتیته برسالتک فأقبل معی قال کونی خلفی و دلّینی علی الطريق ...

از امام رضا(ع) روایت شده [است که فرمود] آن گاه که دختر شعیب به پدرش گفت: موسی را اجیر کن / چون بهترین اجیر کسی است که نیرومند و امین باشد / پدر گفت: چگونه به این حقیقت پی برده ای؟ گفت: آن گاه که پیام تو را برای او بردم با من همراه شد و گفت: تو پشت سر من باش و راه را به من نشان ده. <..>

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۴، ۲، ۱

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی (ع) دارد.

۴ - شعیب (ع)، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شبانگی گوسفندان)، از موسی در قبال ازدواج با یکی از دخترانش بود.

قال إني أريد أن أنكحك .. علي أن تأجرني ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

<حجج> جمع <حجه> است و مراد از آن <سنین> می باشد یعنی، <علی أن تأجرنی ثمانی سنین>.

۱۳ - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

۱۵ - شعیب (ع)، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أريد أن أشقّ عليك

این که حضرت شعیب (ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب (ع)

است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

۱۶ - تضمین مدارا کردن با موسی (ع) و سخت نگرفتن بر وی در کارها از سوی شعیب (ع)

و ما أُرید أن أشقَّ علیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱،۲،۷

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إني أُرید . . . أیما الأجلین قضیت فلاعدون علیّ

۲ - موسی (ع) خواهان ملزم نشدن از سوی شعیب به ادامه کار، پس از اتمام مدت اول (هشت سال) در صورت عدم تمایل به ادامه کار و مجبور نشدن به ترک کار در صورت تمایل به اتمام مدت دوم (ده سال)

أیما الأجلین قضیت فلاعدون علیّ

جمله <لاعدوان علیّ> انشا در قالب اخبار است. بنابراین مقصود این است که من هر یک از دو مدت را بخواهم پایان ببرم، نباید برخلاف خواسته ام مرا مجبور کنی.

۷ - موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلک بینی و بینک . . . و اللّٰه علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱

۱ - اقامت موسی در مدین تا پایان مدت قراردادش با شعیب (ع)

فلما قضی موسی الأجل

<قضاء> (مصدر <قضی>) به معنای تمام کردن و به پایان رساندن است. <الأجل> اشاره به مدتی دارد که میان موسی و شعیب(ع) مقرر شده بود.

موسی (ع) به همراه همسر و فرزندان از مدین، پس از پایان یافتن مدت قراردادش با شعیب (ع)

فلما قضی موسی الأجل و سار بأهله

گرچه واژه <أهل> انصراف به زوجه دارد؛ لکن با توجه به تعبیر <امکثوا> (با خطاب جمع) معلوم می شود علاوه بر همسر حداقل دو نفر دیگر نیز که به احتمال قوی فرزندان او بوده اند او را همراهی می کردند.

۳- ورود موسی (ع) به صحرای سینا در مهاجرت از مدین

ءانس من جانب الطور نازًا

<طور> معادل <جبل> (کوه) است و مراد از آن، طور واقع در سرزمین سینا می باشد.

۴- موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد.

ءانس من جانب الطور نازًا

<ایناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (دیدن) است. بنابراین <آنس> یعنی، <بصر و رأی>.

۵- موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد.

قال لأهله امکثوا إني ءانست نازًا

۶- تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود.

إني ءانست نازًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی (ع) و نیز نکره آمدن <نازًا>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی (ع) قابل مشاهده بوده است.

۷- تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امکثوا .. أو جذوه من النار لعلکم تصطلون

<إصطلاء> (مصدر <تصطلون>) به معنای خود را گرم کردن است.

۸- موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ نکنند.

قال لأهله امکثوا .. لعلی

ءاتیکم منها بخیر أو جذوه من النار

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلی ءاتیکم منها بخیر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

۱۰ - موسی (ع) ، امیدوار به یافتن کسی یا کسانی در کنار آتش و کسب اطلاع از آنان درباره راه

قال لأهله امکتوا .. لعلی ءاتیکم منها بخیر

۱۱ - < عن أبي جعفر (ع) قال : لما قضی موسی الأجل و سار بأهله نحو بیت المقدس أخطأ الطريق لیلاً > فقال لأهله امکتوا
إنی آنست ناراً < ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که قرارداد موسی [با شعیب] پایان یافت و همراه با اهلش به سوی بیت المقدس رهسپار گردید، شب هنگام راه را گم کرد. پس به اهلش گفت: <امکتوا إنی آنست ناراً>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۳، ۶، ۱، ۲

۱ - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلی ءاتیکم منها .. أو جذوه من النار ... فلما أتیها

۲ - آتش طور ، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور ، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلما أتیها نودی .. یموسی إنی أنا الله ربّ العلمین

۳ - آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور ،

هم زمان بانزدیک شدن وی به آتش

فلما أتيتها نودی من شطی الواد . . . من الشجره

<شاطئ> به معنای <جانب> است و <الایمن> مقابل <الایسر> (چپ) صفت برای شاطئ < می باشد. بنابراین <شاطئ الواد الایمن> یعنی، طرف راست وادی.

۶ - اقدام خداوند به معرفی خود در آغاز مکالمه اش با موسی (ع)

یموسی إني أنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۲،۳،۴،۷

۲ - تحرك شديد و تند و تیز عصای موسی در پی افکندن آن بر زمین

فلما رءاها تهتزّ كأنها جانّ

<إهتزاز> (مصدر <تهتزّ>) به معنای به حرکت در آمدن است. تشبیه حرکت عصای ازدها شده موسی به حرکت مار کوچک (جان)، بیانگر آن است که عصای مار شده علی رغم این که ماری بزرگ بود چنان چالاک بود که گویا ماری کوچک است.

۳ - فرار بی درنگ موسی (ع) در پی مشاهده عصای خود بسان ماری چست و چالاک

فلما رءاها تهتزّ كأنها جانّ

۴ - ندا و فرمان خدا به موسی (ع) مبنی بر پیش آمدن و نترسیدن از عصای مار شده خویش

یموسی أقبل ولا تخف

۷ - > عن أبي عبد الله (ع) . . . فلما قضی موسی الأجل و سار بأهله نحو بیت المقدس فنودی . . . أن ألق عصاك فلما رءاها تهتزّ كأنها جانّ و لى مدبراً و لم يعقب < فإذا حیّه مثل الجذع يخرج منها مثل لهب النار . . . >

از امام صادق(ع) روایت شد. .. که چون موسی(ع) قرارداد خود را به پایان رسانید و همراه با اهلش به

سوی بیت المقدس حرکت کرد ... آن گاه به وی ندا شد ... عصای خود را بیفکن [و چون موسی (ع) آن را افکند] دید که مانند مار کوچک پر جست و خیزی به حرکت درآمد رو برگرداند و (پا بفرار گذاشت) و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد پس ناگهان (آن عصا) ماری چون تنه درخت خرما گشته بود که از دهانش شعله های آتش زبانه می کشید...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۵، ۳، ۲

۲ - درخشش دست موسی ، به هنگام بیرون آوردن آن از گریبان

تخرج بیضاء

۳ - < ید بیضای > موسی ، دارای منظری زیبا و مبرا از هر گونه زشتی و عیب

تخرج بیضاء من غیر سوء

۵ - پیش آمدن ناگهانی حادثه طور (مکالمه خدا ، تبدیل عصا به اژدها و ید بیضا) باعث به هم ریختن آرامش موسی (ع) و چیره شدن ترس بر وی

فلما أتيتها نودی . . . و اضمم إليك جناحك من الرهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۵، ۳، ۱

۱ - بر جای ماندن حادثه کشته شدن مرد قبطی در خاطره موسی ، با گذشت چندین سال

قال ربّ إنّي قتلتم منهم نفسًا

۳ - ترس موسی از کشته شدن به دست فرعونیان به تقاص قتل مرد قبطی

إنّي قتلتم منهم نفسًا فأخاف أن يقتلون

۵ - موسی (ع) در وادی طور ، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت .

قال ربّ إنّي قتلتم منهم نفسًا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۴ - ۴،۵،۷،۸

۴ - اعتقاد موسی (ع) به ضروری بودن وجود هارون در کنار وی ، در مصاف با فرعون

و أخی هرون هو أفصح مني لساناً .. إنني أخاف أن يكذبون

۵ - بهره گیری از منطق فصیح و برتر هارون ، انگیزه موسی (ع) در بودن او با وی

فأرسله معي ردءاً يصدقني إنني أخاف أن يكذبون

۷ - ترس موسی از روبه رو شدن با تکذیب فرعونیان و عدم توانایی وی در دفاع از رسالت خویش

إنني أخاف أن يكذبون

۸ - موسی (ع) خواسته خویش (همراهی هارون با وی) را با خداوند در میان گذاشت .

قال ربّ .. و أخی هرون ... إنني أخاف أن يكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - پذیرفته شدن درخواست موسی (مأموریت هارون برای پشتیبانی) از سوی خداوند

و أخی هرون .. فأرسله معي ... قال سنشدّ عضدك بأخيك

۲ - هارون بازوی موسی و مایه توان و اقتدار وی در مصاف با فرعونیان

قال سنشدّ عضدك بأخيك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۶ - ۱،۲،۴

۱ - بازگشتن موسی (ع) ، به مصر و ابلاغ رسالت الهی خویش به فرعونیان

فلما جاءهم موسی

۲ - موسی (ع) معجزات متعددی را به فرعونیان ارائه کرد .

فلما جاءهم موسی بآیاتنا ینت

۴ - انکار معجزات موسی از سوی فرعونیان ، به اتهام سحر و ساختگی بودن آنها

فلما جاءهم موسی بآیاتنا ینت

قالوا ما هذا إلا سحر مفتري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۱،۲

۱ - اتکال موسی (ع) به خداوند ، در برابر تکذیب گری های فرعونیان

قالوا.. و ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأولین . و قال موسی ربی أعلم

تعبیر <ربی أعلم> (خدای من بهتر می داند) در پاسخ فرعون که در برابر همه معجزات و براهین روشن و غیر قابل انکار موسی(ع)، موضع تکذیب و انکار در پیش می گیرد و آن حضرت را به سحر و جادوگری متهم می کند بیانگر اتکال به خدا و به داوری طلبیدن او می باشد.

۲ - موسی (ع) ، داوری میان خود و فرعونیان را به خداوند حواله کرد .

و قال موسی ربی أعلم

وقتی موسی(ع) با ارائه معجزات روشن و غیر قابل انکار، با تکذیب فرعونیان روبه رو شد، چاره ای ندید جز این که خدا را به داوری میان خود و آنان بخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۲۸،۱۰

۲ - فرعون ، درباره خدای مورد ادعای موسی اظهار تردید کرد .

و قال فرعون .. ما علمت لکم من إله غیری

۸ - متهم شدن موسی (ع) به دروغ گویی از سوی فرعون ، به خاطر مردود دانستن الوهیت وی و فراخواندن همگان به پرستش خدای یگانه

و إني لأظنه من الكذابين

۱۰ - اقدام فریبکارانه فرعون ، برای مقابله با روشنگری های موسی (ع)

فاجعل لی صرحًا لعلی أطلع إلی إله موسی

دستور ساختن برج برای تحقیق درباره خدای

یگانه که موسی همگان را به پرستش او فراخوانده بود می تواند بدان منظور باشد که افکار عمومی را از توجه به تبلیغات موسی منحرف سازد. برداشت یاد شده براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۹ - ۱،۲،۵

۱ - حضرت موسی (ع)، مورد آزار و اذیت قوم خود بوده است .

لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی

۲ - خداوند، از اتهامی که قوم موسی به آن حضرت وارد کردند، دفاع کرد و او را از آن میژا دانست .

لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی فبرّاه الله ممّا قالوا

<برّاه الله ممّا قالوا> قرینه است بر این که مراد از اذیت به موسی(ع)، تهمت و افترا بوده است.

۵ - تهمت به موسی (ع)، موجب آزردهی و اذیت آن حضرت بود .

لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی فبرّاه الله ممّا قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۱،۳

۱ - موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

۳ - موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار از سوی فرعونیان

و نَجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

اندوهی که موسی و هارون(علیهما السلام) و قوم شان به آن گرفتار بودند، ناشی از مسائل و مشکلات شخصی نبود؛ بلکه بر اثر تبلیغ رسالت شان در میان فرعونیان به وجود آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات

۲ - غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۵،۶،۷

۵ - مبارزه با عوامل و سردمداران کفر و فساد و اصلاح نظام اجتماعی حاکم ، سرلوحه رسالت موسی (ع) و مرحله نخستین نهضت او

لقد أرسلنا موسی . . . إلى فرعون و همین و قرون

۶ - تهمت سحر و دروغ گویی به موسی (ع) ، از سوی فرعون ، هامان و قارون

فقالوا سحر کذاب

۷ - موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و شیوه مبارزه با موسی (ع)

فقالوا سحر کذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۱

۱ - موسی (ع) با راه یافتن به دربار فرعونیان ، پیام حق الهی را به آنان ارائه کرد .

لقد أرسلنا موسی . . . إلى فرعون و همین و قرون ... فلما جاءهم بالحق من عندنا

۵ - فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی (ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

۷ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان ، تنها راه پیشگیری از رواج

آیین موسی ، در نگاه فرعون ، هامان و قارون

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که نخستین واکنش فرعون و .. در برابر ایمان آورندگان به موسی (ع)، قتل پسران آنان بود.

۸- آیین توحیدی موسی (ع) در زمان حکومت فرعون ، هامان و قارون ، به شدت در حال گسترش بود .

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

فرمان قتل فرزندان مؤمنان به موسی (ع)، نشان دهنده گسترش شدید آیین موسی است؛ زیرا در صورت کذب بودن آن، فرمان قتل به عنوان نخستین واکنش از سوی فرعونیان صادر نمی شد.

۹- زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحيوا نساءهم

۱۲- موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و شیوه مبارزه با موسی (ع) و پیروان او

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه و استحيوا نساءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۲، ۱۱، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع)

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۲- فرعون درباره تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) ، با مشاوران و درباریانش به رایزنی پرداخت .

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۳- اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطرآفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی در نظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان

ایمان آورندگان به موسی(ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه) ولی در کشتن موسی(ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

۴ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان از سوی فرعونیان ، برای جلوگیری از گسترش دعوت موسی (ع) کافی و کارساز نبود .

قالوا اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه . . . و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

تصمیم شخص فرعون مبنی بر کشتن موسی(ع)، پس از اقدام او و درباریانش به کشتن مؤمنان طرفدار موسی(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

۶ - کشتن موسی (ع) ، راه اصلی مبارزه با رسالت وی و گسترش آیین او ، در نگاه فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۷ - تمسخر موسی از سوی فرعون ، در خصوص امداد الهی به وی و نزول عذاب بر دشمنان کافر

و لیدع ربّه

مقصود از جمله <ولیدع ربّه> (او پروردگارش را بخواند)، خواندن خداوند برای نجات موسی(ع) و یا فرود عذاب بر فرعونیان در جهت حمایت از آن حضرت می باشد. گفتنی است که فرعون این جمله را از سر استهزا و تمسخر گفته است.

۱۱ - تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع) ، به اتهام فسادانگیزی و اخلالگری او در نظم عمومی کشور

أقتل موسی . . . إني أخاف ... أن يظهر في الأرض الفساد

۱۲ - موسی (ع) از سوی فرعون ، به فسادانگیزی و اخلالگری در نظم عمومی سراسر کشور مصر متهم شد .

أو أن يظهر في الأرض الفساد

آمدن تعبیر <في الأرض> (در زمین) گویای این نکته است که موسی(ع) به اخلال و فسادانگیزی در سراسر کشور متهم گردید؛ نه در نقطه ای خاص.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱،۳،۵

۱ - اطلاع یافتن موسی (ع) از توطئه برای قتل خود به دست فرعون

ذرونی أقتل موسی . . . و قال موسی إني عدت برّبي و ربّكم من كلّ متكبر

۳ - موسی (ع) ، اعتقاد خود به ربوبیت مطلق خداوند و نیز اعتماد خویش بر او در انجام رسالت را به فرعونیان اعلام کرد .

و قال موسی إني عدت برّبي و ربّكم من كلّ متكبر

۵ - اطمینان موسی (ع) به حمایت خداوند از او ، در برابر تهدید به قتل از سوی فرعون

أقتل موسی . . . قال ... عدت برّبي و ربّكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۹، ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۱

۱ - اعتراض و اظهار مخالفت مؤمن آل فرعون نسبت به تصمیم قتل موسی (ع) از سوی فرعون

وقال رجل مؤمن من ءال فرعون يكتّم إيمنه أتقتلون رجلاً أن يقول ربّي

۷ - دفاع مؤمن آل فرعون از موسی (ع) ، جلوه ای از حمایت و امداد خداوند از او

إني عدت برّبي و ربّكم . . . و قال رجل مؤمن من ءال فرعون يكتّم إيمنه

ذکر دفاع مؤمن آل فرعون از موسی (ع) پس از پناه بردن آن حضرت به خداوند از شر فرعون می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۸ - تصمیم فرعونیان به قتل موسی (ع) ، به خاطر اعتقاد آن حضرت به ربوبیت مطلق خداوند بود .

أتقتلون رجلاً أن يقول ربّي الله

۹ - کشتن موسی (ع) به

صرف اعتقاد او به ربوبیت خداوند ، کاری نکوهیده و نابه جا در نظر مؤمن آل فرعون

أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ

از استفهام انکاری در جمله <أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا..> که در مقام تقییح عمل فرعون می باشد برداشت یاد شده استفاده می شود.

۱۰ - موسی (ع) ، ارائه دهنده دلایل روشن و بی ابهام ، بر اثبات ربوبیت خداوند برای فرعونیان

و قد جاءكم بالبينت من ربكم

۱۱ - دفاع مؤمن آل فرعون از موسی (ع) ، به خاطر برخوردار بودن اندیشه و عقیده او بر دلیل و برهان روشن

أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ قَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <و قد جائكم بالبينات ..> که حال برای فاعل <يقول> یا <رجلاً> است در مقام تعلیل برای مطلب پیشین ؛ یعنی ، تقییح کشتن موسی (ع) می باشد.

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعا های خود

وَ إِنْ يَكْذِبُوا فَعَلَيْهِمْ كَذِبُهُ

۱۵ - ناروا بودن قتل موسی (ع) ، در نظر مؤمن آل فرعون حتی در صورت دروغ گو بودن او

وَ إِنْ يَكْذِبُوا فَعَلَيْهِمْ كَذِبُهُ

۱۸ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن شدید آنان بر اثر کشتن موسی (ع)

وَ إِنْ يَكْ صَادِقًا يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ

۱۹ - هشدار مستمر موسی (ع) به فرعونیان ، درباره گرفتار شدن آنان به عذاب های گوناگون الهی

وَ إِنْ يَكْ صَادِقًا يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ

مقصود از وعده موسی به فرعونیان، عذاب

های الهی است. آمدن کلمه <بعض> می رساند که این وعده ها و عذاب ها، متعدد بوده است. فعل مضارع <یعد> نیز می فهماند که این وعده ها، به طور دائمی و مستمر به آنان ابلاغ می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۸، ۱۷

۸ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون، بر ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) و راستی هشدار های او در افکار عمومی قومش

وإن يك كذبًا فعليه كذبه .. فمن ينصرنا من بأس الله إن جاءنا

شیوه سخن مؤمن آل فرعون به فرعونیان (اگر موسی (ع) دروغ گو باشد به ضرر خودش است و اگر راستگو باشد ممکن است هشدارهای او درباره نزول عذاب درست باشد)، گویای این نکته است که او با ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) در افکار عمومی، در صدد جلب نظر آنان به سود آن حضرت بوده است.

۱۷ - فرعون کشتن موسی (ع) را، سیاستی درست در حکومت و به صلاح جامعه دانست .

و ما أهدیکم إلا سبیل الرشاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۰ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون به رغم قطع شدن سخنانش به وسیله فرعون به گفتار هشداردهنده خود ادامه داد و فرعونیان را از پیامد هلاکت بارقتل موسی (ع) آگاه ساخت .

يقوم لكم الملك .. قال فرعون ما أریکم إلا ما أرى ... و قال الذی ءامن یقوم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰

۵ - دستور ساختن بنای مرتفع و رصدخانه برای اطلاع پیدا کردن از خدای موسی (ع)، نیرنگ و ترفند فرعون برای اثبات دروغ گویی موسی (ع) در ادعای وجود خدای یکتا در جهان

أسبب السموت فأطلع إلى إله موسى

در این که مقصود اصلی فرعون از ساختن بنای مرتفع چه بوده، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: از جمله این که فرعون با ساختن بنای مرتفع، در صدد نبود که به راه های آسمان دست یابد؛ زیرا کوه های مرتفعی وجود داشت که از برج ها و بنای احدائی او بلندتر بود. از این رو مقصود اصلی او این بود که برای مردم اثبات کند که راه یافتن به آسمان، امری ناممکن است. بنابر این ادعای موسی (ع) به این که در جهان خدایی هست که با او ارتباط دارد، دروغ و باطل می باشد. گفتنی است ذیل آیه که در آن از بی اثر بودن توطئه فرعون سخن به میان آمده مؤید همین برداشت است.

۶ - موسی (ع)، متهم به فردی دروغ گو و دین ساز از سوی فرعون

و إني لأظنه كذبا

۸ - ساختن بنای بلند و رصدخانه، به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع)، رفتار زشتی بود که فرعون آن را زیبا و آراسته می یافت.

ابن لی صرحا... فأطلع إلى إله موسى... و كذلك زين لفرعون سوء عمله

۱۵ - کار ساز نبودن مکر و حيله فرعون در ساختن بنای بلند، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن

یهمن ابن لی صرْحًا.. فَأُطْلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ... و ما کید فرعون إِلَّا فی تَبَاب

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی <کید فرعون> ساختن بنای بلند می باشد.

۱۶ - عقب نشینی تاکتیکی فرعون در مقابل موسی (ع) و دست برداشتن از قتل او به طور موقت ، پس از هشدار های مؤمن آل فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی.. و قال فرعون یهمن ابن لی صرْحًا... و ما کید فرع

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون، در آغاز مبارزه با موسی(ع) طرح قتل او را داده بود ولی پس از هشدارها و تبلیغات مؤمن آل فرعون احداث بنای مرتفع برای جست و جو از خدای موسی(ع) را مطرح ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۲

۲ - مؤمن آل فرعون ، پس از کتمان ایمانش به مدتی چند ، آن را فاش ساخت و به موضع گیری علنی علیه فرعون و دفاع از موسی (ع) پرداخت .

و قال الذی ءامن یقوم اتّبعون

فراخوانی مردم به پیروی از خویش، بیانگر علنی کردن ایمان و موضع اعتقادی شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش مؤمن آل فرعون از قوم خود ، درباره انگیزه مخالفت آنان با دعوت و خیرخواهی های او

و یقوم مالی أَدْعُوکُمْ إِلَى النّجْوهِ و تدعوننی إِلَى النّار

گفتنی است که به قرینه خطاب در جمله حالیه <تدعوننی ..>، عبارت <مالی> در اصل <مالکم> می باشد. این جمله

در زبان عرب به جای <أخبرونی عنکم> (از حالتان به من خبر دهید) به کار می رود و مقصود از آن پرسش از انگیزه و دلیل وضعیت به وجود آمده از مخاطب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ - اقدام سریع و بی درنگ موسی (ع) به انجام رسالت الهی خویش ، پس از فرمان خداوند به او

لقد أرسلنا موسی . . . فقال إني رسول

از حرف <فاء>، می توان استفاده کرد که موسی(ع) پس از دریافت رسالت خویش، بی درنگ و بدون تأخیر به انجام آن اقدام نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۱

۱ - ارائه معجزات از سوی موسی (ع) ، به فرعون و درباریان

فلما جاءهم بآيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربك بما عهد عندك إنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندك>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

۱۲ - فرعونیان پس از گرفتاری به عذاب الهی به موسی (ع) وعده دادند که در صورت رفع عذاب ، ایمان خواهند آورد .

وقالوا ياآيه السحر ادع لنا ربك بما عهد عندك إنا لمهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پاسخ مثبت موسی (ع) به تقاضای فرعونیان و دعای او برای رفع عذاب از ایشان

ادع لنا ربِّك .. فلما كشفنا عنهم العذاب

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که در آیه شریفه ایجاز و حذفی صورت گرفته است. بدین صورت که آنان از حضرت موسی (ع) درخواست دعا کردند و او خواسته آنها را اجابت نمود.

۳ - اجابت دعای موسی (ع) از سوی خداوند، در زمینه رفع عذاب از فرعونیان

ادع لنا ربِّك .. فلما كشفنا عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۳،۴

۳ - لکنت زبان و نقص گفتاری موسی (ع)، به هنگام طرح دعوت در برابر فرعون *

و لایکاد بین

۴ - تلاش فرعون برای حقیر نمایاندن موسی (ع) و تحقیر جایگاه و موقعیت اجتماعی او

أم أنا خیر من هذا الذی هو مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۵

۵ - تذکر موسی (ع) به فرعونیان، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أن أدوا .. إني لكم رسول أمين

لام در <لکم> برای منفعت و <رسول أمين> تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است، یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۱ - ۱

، پیشنهاد موسی (ع) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون

<فاعتزلون>، کنایه از این است که اگر خود اهل ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیامم را به مردم برسانم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۲

۲- موسی (ع) ، مأمور خارج ساختن شبانه و مخفیانه بنی اسرائیل از مصر

فأسر بعبادی لیلاً

<إسراء> (مصدر <أسر>) به معنای رفتن در شب است و <لیلاً> تأکید آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۳،۷

۳ - نخستین مأموریت موسی (ع) ، حرکت به سوی فرعون بود .

و فی موسی إذ أرسلنه إلی فرعون

۷ - رسالت موسی (ع) به سوی فرعون ، همراه با دلایل قاطع و روشن

أرسلنه إلی فرعون بسلطن مبین

<سلطان> به معنای حجت و برهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۱،۳،۶،۸

۱ - روی گردانی فرعون با تمام وجود ، از پذیرش رسالت موسی (ع)

أرسلنه إلی فرعون .. فتولّی برکنه

<رکن> در این جا می تواند به معنای ارکان وجود و کنایه از اعراض کامل و همه جانبه باشد.

۳ - نگرانی فرعون ، از نفوذ سخنان موسی (ع) در دل ارکان حکومت خویش

فتوئی برکنه

۶ - اتهام سحر و جنون از سوی فرعون به موسی (ع) ، پس از مشاهده دلایل و برهان های روشن رسالت آن حضرت

أرسلنه .. بسلطن مبین ...

و قال سحر أو مجنون

۸- آشفستگی و سردرگمی فرعون، در انکار دلایل روشن موسی (ع)

و قال سحر أو مجنون

سحر و جنون، فاصله بسیاری از یکدیگر دارند؛ زیرا سحر، نوعی تبهر و جنون سراسر آشفستگی و اشمئزاز آور است و میان این دو سنخیتی نیست. از این رو سخن فرعون، نشانگر اضطراب شدید او در موضع گیری علیه منطق روشن موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۲

۲ - موسی (ع)، مورد اذیت و آزار مستمر قوم خویش

و إذ قال موسی ... لم تؤذوننی

تعبیر <تؤذوننی> به صیغه مضارع به جای <آذیتمونی> بیانگر آن است که موسی (ع) از سوی قومش، به صورت مکرر مورد اذیت و آزار قرار می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند، در وادی طوی با موسی (ع) سخن گفت.

إذ نادیه ربّه بالواد المقدّس طوی

<واد> (مخفف <وادی>) یعنی، حد فاصل بین کوه ها و تپه ها که راه عبور سیلاب باشد (مصباح). برخی از اهل لغت <طوی> را نام درّه ای می دانند که پایین کوه طور در صحرای <سینا> قرار دارد. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۲

۲ - حرکت به سوی فرعون و باز داشتن او از طغیان گری، فرمان خداوند به موسی (ع) در وادی طوی

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۱

۱\$ - موسی (ع) به فرمان خداوند ، مأمور اظهار آمادگی نزد فرعون برای هدایت او به خداوند

و أهدیک إلی ربّک

- موسی(ع) به فرمان خداوند، مأمور اظهار آمادگی نزد فرعون برای هدایت او به خداوند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۰ - ۱

۱\$ - موسی (ع) در پی گفت و گو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او ، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد .

فأریه الآیه الکبری

- موسی(ع) در پی گفت و گو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۱ - ۱،۴

۱\$ - فرعون ، نشانه رسالت موسی (ع) و معجزه بودن آن را نپذیرفت و بی درنگ آن را تکذیب کرد .

فکذّب

حرف <فاء> برای تعقیب بدون فاصله است و می رساند که فرعون، پیش از هر گونه تأمل و درنگ، به تکذیب و عصیان پرداخت. متعلق تکذیب به قرینه <الآیه الکبری> در آیه قبل معجزه موسی(ع) است. از اقدام فرعون به آوردن مثل معجزه موسی(ع)، که آیات بعد بر آن دلالت دارد دانسته می شود که فرعون، معجزه بودن آن و دلالتش بر صداقت موسی(ع) را تکذیب کرده است.

۴\$ - فرعون ، از پذیرش رهنمود های موسی (ع) سرپیچی کرد .

متعلق <عصی> به قرینه <أهدیک> رهنمودهای موسی (ع) بوده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۲ - ۱،۴،۵

۱ - فرعون ، به تکذیب گفته های موسی (ع) اکتفا نکرده سرسختانه به مخالفت با او پرداخت .

ثم أدبر یسعی

حرف <ثم> در این آیه، برای تراخی رتبی است؛ یعنی، ادبار فرعون، نارواتر از تکذیب او بود.

۴ - فرعون ، گفتوگوی مستقیم خود با موسی (ع) و تکذیب و مخالفت با او را در سرکوب آن حضرت کارساز نمی دید .

ثم أدبر

<ادبار>؛ یعنی، پشت کردن و حاکی از نومیدی فرعون از نتیجه گفتوگوی مستقیم با موسی (ع) است.

۵ - فرعون با مشاهده معجزه موسی (ع) ، وحشت زده از آن روی برتافت و شتابزده گریزان شد . *

ثم أدبر یسعی

<ادبار> فرعون، در یک احتمال به معنای فرار او از ترس معجزه موسی (ع) است که در شکل مار عظیم ظاهر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - فرعون برای مبارزه با موسی (ع) ، مردم را در اجتماعی گردآورد و با آنان در این زمینه سخن گفت .

فحشر فنادی

<حشر>، به معنای جمع کردن همراه با سوق دادن است (مصباح).

۳ - فرعون ، تأثیر رسالت موسی (ع) را بر دیگران پیش بینی کرده و از آن وحشت داشت .

فحشر فنادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۴ - ۵

۵- ادعای ربوبیت برتر، موضع گیری فرعون در برابر طرح توحید ربوبی از سوی موسی (ع)

و أهديك إلی

رَبِّكَ .. أَنَا رَبِّكُمْ الْأَعْلَى

جمله <وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ> در آیات پیشین، سخنی بود که موسی(ع)، آن را با توجه به انکار ربوبیت خداوند از سوی فرعون، مطرح ساخت. فرعون در واکنش به این دعوت، برترین ربوبیت را برای خود قائل شد.

قصه موسی(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

<ذَلِكَ> اشاره به ماجرای میان موسی(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین جمله <إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً>؛ یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

قصه مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۲۱، ۲۰، ۱۴، ۲، ۱

۱ - اعتراض و اظهار مخالفت مؤمن آل فرعون نسبت به تصمیم قتل موسی (ع) از سوی فرعون

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَنَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ

۲ - مؤمن معترض از خاندان فرعون ، ایمان خود را پوشیده می داشت .

قَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَنَهُ

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعا های خود

وَأِنْ يَكْذِبُوا فَعَلْبُهُمْ كَذِبًا

۲۰ - استفاده مؤمن آل فرعون ، از شیوه جدل در مقابل منطق زور فرعونیان

وإن يك كذباً فعليه كذبه و إن يك صادقاً يصبكم بعض الذي يعدكم

آمدن این تعبیر که اگر موسی (ع)

دروغ گفته باشد، علیه خودش اقدام کرده است و .. از باب جدل می باشد و گرنه برای مؤمن آل فرعون، احتمال دروغ گو بودن موسی (ع) متصور نبود.

۲۱ - تلاش منطقی و عالمانه مؤمن آل فرعون ، برای منصرف ساختن فرعونیان از کشتن موسی (ع)

و قال رجل من آل فرعون یکتّم ایمنه .. و إن یک صادقًا یصبکم بعض الذی یعدکم

برداشت یاد شده از مجموع گفته ها، برخوردها، چگونگی استدلال و منطق مؤمن آل فرعون در مقابل فرعونیان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۳، ۹، ۸، ۶، ۵، ۴

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان و قبطیان ، درباره خطر عذاب الهی در صورت مخالفت با موسی (ع) و قتل او

فمن ینصرنا من بأس اللّٰه إن جاءنا

۵ - مؤمن آل فرعون ، قومش را از هرگونه غرور و خودکامگی ناشی از اقتدار و سلطه همه جانبه بر سرزمین مصر برحذر داشت .

لکم الملک الیوم .. فمن ینصرنا من بأس اللّٰه إن جاءنا

۶ - تنهایی و بی پناهی انسان در برابر عذاب الهی ، از هشدار های مؤمن آل فرعون به قوم خود

فمن ینصرنا من بأس اللّٰه إن جاءنا

۸ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون ، بر ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) و راستی هشدار های او در افکار عمومی قومش

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه .. فمن ینصرنا من بأس اللّٰه إن جاءنا

شیوه سخن مؤمن آل فرعون به فرعونیان (اگر موسی (ع) دروغ گو باشد به ضرر خودش است و اگر راستگو باشد ممکن است هشدارهای

او درباره نزول عذاب درست باشد)، گویای این نکته است که او با ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) در افکار عمومی، در صدد جلب نظر آنان به سود آن حضرت بوده است.

۹ - اظهار محبت و دلسوزی کردن مؤمن آل فرعون نسبت به قوم خود (قبطیان)

يقوم

استفاده مؤمن آل فرعون از تعبیر <یا قوم> (ای قوم من) و تکرار آن در چهار نوبت (آیه های ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۸ و ۴۱)، گویای مطلب یاد شده است.

۱۳ - فرعون ، سخن مؤمن آل فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا.. فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَاسِ اللَّهِ إِنَّ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۰ - ۲، ۱

۱ - مؤمن آل فرعون به رغم قطع شدن سخنانش به وسیله فرعون به گفتار هشداردهنده خود ادامه داد و فرعونیان را از پیامد هلاکت بار قتل موسی (ع) آگاه ساخت .

يقوم لكم الملك .. قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى ... وقال الذي ءامن يقوم إن

۲ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به روزگار شوم ، همچون روزگار احزاب و اقوام کافر پیشین

وقال الذي ءامن يقوم إننى أخاف عليكم مثل يوم الأحزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۳، ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خویش ، از دچار شدن به عذاب الهی در

روز قیامت در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

و يقوم إني أخاف عليكم يوم التناد

۳ - مؤمن آل فرعون ، برخوردار از موقعیت اجتماعی و نفوذ در جامعه

يقوم إني أخاف عليكم يوم التناد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۴،۷

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از دچار شدن آنان به عذاب گریزناپذیر الهی در قیامت در صورت کشتن موسی (ع)

يقوم إني أخاف عليكم .. يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم

۷ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، درباره این که قتل موسی (ع) موجب گمراهی ابدی و علاج ناپذیر آنان خواهد شد .

أتقتلون رجلاً .. و من يضل الله فما له من هاد

برداشت یادشده به خاطر این نکته است که هشدار مؤمن آل فرعون نسبت به گمراه شدن آنان در مورد قتل موسی (ع) انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۸،۱۷

۱ - مؤمن آل فرعون برای بیدار کردن مردم و انصراف آنان از قتل موسی (ع) ، سرگذشت یوسف پیامبر را یادآور شد .

أتقتلون رجلاً .. إني أخاف عليكم ... و لقد جاءكم يوسف

۸ - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتهم في شك مما جاءكم به

۱۷ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مصر ، از دچار شدن به گمراهی ابدی بر اثر پافشاری بر

مخالفت با دعوت موسی (ع) و تردید در حقانیت آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۵، ۵

۵ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مجادله گر و حق ستیز مصر، درباره خشم انقلابی و انتقام مؤمنان طرفدار موسی (ع)

الذين يجدلون في آيات الله .. كبر مقتاً ... عندالذين ءامنوا

تذکر مؤمن آل فرعون به فرعونیان، مبنی بر این که ستیزه جویی در آیات الهی، موجب بغض و دشمنی مؤمنان می شود. می تواند بیانگر این نکته باشد که عمل آنان، موجب خشم انقلابی و شورش مؤمنان طرفدار موسی (ع) علیه آنان خواهد گردید.

۱۵ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون در جهت انصراف فرعون از قتل موسی (ع)، مؤثر واقع شد.

وقال رجل مؤمن من آل فرعون .. أتقتلون رجلاً... كذلك يطبع الله على كل قلب م

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که فرعون، در آغاز برخورد با موسی (ع) برکشتن او مصمم گشته، این مطلب را به همه اطرافیانش اعلام کرده بود (قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى) ولی پس از سخنان مؤمن آل فرعون، به جای کشتن وی دستور داد برجی بسازند تا او نسبت به درستی ادعای آن حضرت به تحقیق پردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۲

۲ - مؤمن آل فرعون، پس از کتمان ایمانش به مدتی چند، آن را فاش ساخت و به موضع گیری علنی علیه فرعون و دفاع از

موسی

(ع) پرداخت .

و قال الذی ءامن یقوم اتّبعون

فراخوانی مردم به پیروی از خویش، بیانگر علنی کردن ایمان و موضع اعتقادی شخص است.

قصه نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۵

۵ داستان ابراهیم (ع) و نمرود و قصه عَزیر و یا اِرمیای پیامبر و زنده شدن مرغان کوبیده شده و نیز تمامی احکام و مقررات انفاق، از آیات الهی است .

الم تر .. او کالذی مرّ ... فخذ اربعه من الطیر ... مثل الذین ... کذلک یبین ال

قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۴

۴ حضرت نوح پیش از ابراهیم(ع) می زیست.

و نوحا هدینا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۱، ۱۸

۱۱ نوح، مشرکان قوم خویش را به کیفرهای سخت اخروی تهدید کرد .

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

۱۸ نوح، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر اثر شرکورزی و ترک پرستش خداوند

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۰ - ۱،۲

۱ جبهه گیری گروه سرشناس و اشراف قوم نوح در برابر دعوت وی

قال المأ من قومه إنا لنریك فی ضلل مبین

۲ اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قال المأ

من قومه إنا لنريك في ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۱،۳

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال يقوم لیس بی ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند ، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند .

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱،۳،۴،۷

۱ نوح (ع) ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغکم رسلت ربی

۳ نوح (ع) استواری خویش را در تبلیغ رسالت های الهی به مردم گوشزد کرد .

أبلغکم رسلت ربی

جمله <لکنی رسول ..> و نیز آیات قبل دلالت بر این معنا دارد که نوح(ع) مبلغ رسالت های الهی است. بنابراین توصیف رسول به جمله <أبلغکم ...> هدف دیگری را تعقیب می کند و بیانگر نکته ای جدید است و آن اینکه وی بر ابلاغ رسالت های الهی اصرار خواهد ورزید و بر آن پافشاری خواهد کرد.

۴ اعتقاد راسخ نوح (ع) به ربوبیت خدا بر وی ، موجب استواریش در تبلیغ رسالت های الهی بود .

و لکنی رسول من رب

العلمین. ابلغکم رسلت ربی

حضرت نوح(ع) برای اینکه اشاره به علت پایداریش بر ابلاغ رسالت کند، به جای آوردن ضمیر و گفتن <رسالاته>، <رسلت ربی> گفت.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از خیرخواهی نوح برای مردم خویش بود .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۰، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ اکثریت عمده قوم نوح (ع) وی را تکذیب کردند و یگانگی خداوند ، معاد و رسالت را باورهای دروغین پنداشتند .

فکذبوه

از اینکه خداوند تکذیب نوح(ع) را به همگان نسبت داده (فکذبوه)، در حالی که عده ای از آنان، یعنی همراهانش در کشتی، رسالت وی را تصدیق کردند، معلوم می شود نسبت مؤمنان به کافران بسیار اندک بوده است.

۲ گروهی از قوم نوح (ع) رسالت وی را تصدیق کرده و پیامهایش را پذیرفتند .

فکذبوه فانجینه و الذین معه

جمله <أغرقتنا الذین کذبوا .. > دلالت می کند بر اینکه مراد از <الذین معه> مؤمنان و تصدیق کنندگان آیات الهی است.

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فکذبوه فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقتنا الذین کذبوا

۴ مؤمنان به رسالت نوح (ع) ، همراه و همسفر او در کشتی

فانجینه و الذین معه فی الفلک

۵ خداوند ، قوم نوح (ع) را به خاطر تکذیب آیاتش ، با غرق کردن در آب به هلاکت رساند .

و أغرقتنا الذین کذبوا بایتنا

۱۰ گروهی از همسفران نوح (ع) در

کشتی نجات ، نه از مؤمنان بودند و نه از تکذیب کنندگان آیات الهی

فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقنا الذین کذبوا بآیتنا

از اینکه خداوند نجات یافتگان را توصیف نکرد که اهل ایمان بودند، مثلاً نفرمود <و الذین آمنوا>، می توان گفت گروهی از همراهان نوح(ع) در کشتی به وی ایمان نداشتند. و از جمله <و أغرقنا ... > می توان فهمی آن گروه وی را تکذیب نیز نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۱۲، ۱۰، ۹

۹ حضرت نوح (ع) ، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار ، شاهد درستی ادعای نبوت خود ، اعلام نمود .

إن کان کبر علیکم مقامی . . فأجمعوا أمرکم ... و لا تنظرون

جمله <فعلی الله توکلت > بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم > بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

۱۰ حضرت نوح (ع) همراه با اعلان تحدی ، خدا را تنها کانون قدرت و معبود های قومش را شرکایی ساختگی و فاقد هر گونه توانایی اعلام کرد .

يقوم إن کان کبر . . فعلی الله توکلت فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ... و لا تنظرون

۱۲ حضرت نوح (ع) در راه دعوت به حق ، آمادگی خود را برای تحمل انواع مشکلات تا مرز کشته شدن را ، به مردم اعلام داشت .

فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمه . . و لا تنظرون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۷

۷ حضرت نوح (ع) در برابر نارضایتی قومش نسبت به دعوت او، عزم راسخ خویش را اعلام کرد و بر ادامه سرسختانه راه خود اصرار و تأکید ورزید.

فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم .. و أمرت أن أکون من المسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۳،۴

۳ خداوند، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند، از غرق شدن نجات داد.

فنجینه و من معه فی الفلک

۴ خداوند، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند، جانشین غرق شدگان و وارث سرزمین آنان قرار داد.

فنجینه و من معه فی الفلک و جعلنهم خلف و أغرقنا الذین کذبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود.

و اتل علیهم نبأ نوح .. فإن كنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ اشراف قوم نوح ، آن حضرت را در ادعای پیامبری به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نزنکم کذبین

متهم کردن نوح و پیروانش به دروغ گویی بر حسب مدعای آنان است؛ یعنی ، اتهام نوح به دروغ گویی در ارتباط با ادعای نبوت است و نسبت به پیروانش در ادعای ایمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۹

۹ مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه جای سران و اشراف (طرد مؤمنان تهی دست)

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و <با> ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۴،۷

۱ نوح (ع) برای هدایت قومش ، تلاشی مستمر و پی گیر داشت .

قالوا ینوح قد جدلنا فأكثر جدلنا

إكثار (مصدر أكثر) به معنای کاری را فراوان انجام دادن است. بنابراین <أكثر جدلنا> یعنی ، بسیار مناظره کردی و فراوان دلیل و برهان آوردی و ... این معنا ، حکایت از تلاش مستمر و پی گیر حضرت نوح(ع) در تبلیغ رسالت دارد.

۲ بحث و گفت و گو و ارائه دلیل و برهان ، از روش های نوح (ع) برای بازسازی مردم از شرک و گرایش دادن آنان به توحید

قالوا ینوح قد جدلنا فأكثر جدلنا

<جدال> به معنای مناظره کردن و آوردن برهان برای ابطال دلیلهای او ، اندیشه ها و باورهای طرف مقابل است.

۳ نوح (ع)، همواره کفرپیشگان را

به نزول عذاب الهی هشدار می داد .

فأتنا بما تعدنا

آوردن فعل مضارع (تعد) به جای فعل ماضی (وعدت) اشاره به تکرار وعیدها و هشدارهای حضرت نوح(ع) دارد.

۴ کفرپیشگان قوم نوح ، از او خواستند که به بحث و مناظره با آنان پایان دهد و تهدید های خویش را تحقق بخشد .

قالوا ینوح قد جدلتنا فأكثر جدلنا فأتنا بما تعدنا

جمله <فأكثر جدلنا> (با ما بسیار مناظره کردی) به قرینه تفریع جمله <فأتنا بما تعدنا> بر آن کنایه از این است که دلیل و برهان آوردن کافی است ، به این امر پایان ده.

۷ اشراف و سران قوم نوح ، درصدد مأیوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد جدلتنا فأكثر جدلنا فأتنا بما تعدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱

۱ نوح (ع) ، در پی درخواست قومش (تحقق بخشیدن به عذاب های موعود) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا .. قال ... لا ینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نومیدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای

ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن يؤمن من قومك .. فلا تبئس بما كانوا يفعلون

برداشت فوق ، از تفریح <لا-تبئس> بر اخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است؛ یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۹، ۳، ۲، ۱

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك .. واصنع الفلك

۲ نوح (ع) پیش از مأموریتش برای ساختن کشتی ، به چگونگی (اندازه ، شکل و ...) آن آگاه بود .

واصنع الفلك

ظاهر این است که <ال> در <الفلك> عهد ذهنی است و اشاره به سفینه ای خاص دارد که نوح(ع) به آن آشنایی داشت. براین اساس خداوند، پیش از فرمان به ساختن کشتی، طرح و دورنمایی از آن را به او نشان داده بود. گفته شده که آن حضرت کشتی مورد نظر را در رؤیا دیده بود.

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلك بأعيننا

<عین> به معنای چشم و در آیه شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعيننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <اصنع الفلك بأعيننا>؛ یعنی، آن کشتی را بساز در حالی که قرین محافظت و مراقبت کامل ما

(خداوند) هستی.

۹ غرق شدن و هلاکت کفرپیشگان قوم نوح ، سرنوشتی حتمی برای آنان

إنهم مغرقون

تأکید جمله <إنهم مغرقون> با حرف إن، حکایت از قطعی بودن نزول عذاب و هلاکت کفرپیشگان قوم نوح دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ نوح (ع) در پی فرمان خداوند ، به ساختن کشتی پرداخت .

واصنع الفلک ... و یصنع الفلک

در کلام عرب ، گاهی فعل مضارع به جای فعل ماضی به کار می رود و منظور از آن ترسیم حادثه های گذشته است به گونه ای که گویا پیش روی مخاطبان قرار دارد. در آیه شریفه نیز ، فعل <یصنع> به همین منظور به جای <صنع> استعمال شده است.

۲ کارگاه کشتی سازی نوح ، مجاور گذرگاه عمومی و در دید و منظر همگان بود .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملاً من قومه

۳ کفرپیشگان ، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی سازی به استهزا و مسخره می گرفتند .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملاً من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان ، آن گاه که دسته جمعی و گروه گروه با نوح (ع) مواجه می شدند ، او را به خاطر کشتی سازی به تمسخر می گرفتند .

کلما مرّ علیه ملاً من قومه

برداشت فوق ، از کلمه <ملاً> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۵ نوح (ع) پس از دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی ، همه وقت و همّت خویش را مصروف

اجرای آن فرمان کرد .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه مألّمن قومه سخروا منه

بدیهی است که تمسخر کفرپیشگان، مخصوص زمانی نبوده که نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهده کنند. بنابراین مقید کردن زمان استهزا به وقتی که در جایگاه کشتی سازی با او مواجه می شدند، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول به کار بوده است.

۷ تمسخر و استهزای کفرپیشگان ، هرگز نوح (ع) و پیروانش را از اجرای فرمان خدا باز نداشت .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه مألّمن قومه سخروا منه

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإننا نسخر منكم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إننا> و <نسخر> است.

۱۴ > عن أبي عبد الله (ع) . . . فلما أتى عليهم تسعمأه سنه هم أن يدعو عليهم . . . فأمره الله عزوجل أن يغرس النخل . . . فلما أتى لذلك خمسون سنه و بلغ النخل و استحکم أمر بقطعه . . . فأمره الله أن ينحت السفينه و أمر جبرئيل (ع) أن ينزل عليه و يعلمه كيف يتخذها فقدّر طولها في الأرض ألفاً و مأتى ذراع و عرضها ثمانمأه ذراع و طولها في السماء ثمانون ذراعاً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند] خواست که بر آنان نفرین کند؛ پس

خداوند عزوجل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد . . . پس چون پنجاه سال گذشت و درخت کامل و محکمی شد، آن حضرت را به بریدن آن فرمان داد . . . آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیل را مأمور کرد که بر نوح نازل شود و به او یاد دهد که کشتی را چگونه بسازد. پس جبرئیل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشتصد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد . . . <

۱۵ > عن أبي عبدالله (ع) [فی حدیث قال بعد ما قرأ قوله تعالى] : < كلما مرّ عليه ملاً من قومه سخروا منه . . . > . . .
كانوا يسخرون منه و يقولون : ينحت سفينه في البرّ ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی بعد از قرائت آیه مزبور] فرمود: . . . قوم نوح او را مسخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!<

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) قال : بقي نوح في قومه ثلاثمأه سنه يدعوهم إلى الله فلم يجيبوه . . . فأمره الله أن ينحت السفينه . . . فقال : يا رب من يعينني على اتخاذها ؟ فأوحى الله إليه ناد في قومك من أعانني عليها و نجر منها شيئاً صار ما ينجره ذهباً و فضه فنادی نوح (ع) فيهم بذلك فأعانوه عليها . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح سیصد سال در بین قوم خود باقی ماند و آنها را به خدا دعوت

کرد، ولی او را اجابت نکردند... پس خداوند وی را امر کرد تا کشتی بسازد... نوح گفت: پروردگارا! چه کسی مرا در ساختن کشتی کمک می کند؟ به او وحی شد در بین قوم خود ندا کن: هر کس مرا در ساختن کشتی کمک کند، تراشه های چوبی که می تراشد برای او طلا و نقره می شود. نوح این ندا را داد، پس قوم او در ساختن کشتی به او کمک کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۷، ۳، ۱

۱ ساخت کشتی نوح و درگیری های لفظی او و کفرپیشگان تا فرا رسیدن طوفان ، همچنان ادامه داشت .

یصنع الفلک و کلما مرّ علیه .. حتّٰی إذا جاء أمرنا

<حتّٰی> بیانگر غایت گزارشها و حقایق مطرح شده در آیه قبل (ساختن کشتی و تمسخر کافران و پاسخ گویی حضرت نوح) می باشد؛ یعنی ، اینها ادامه داشت تا زمانی که ...

۳ خداوند ، زمان بارگیری کشتی نوح و سوار شدن بر آن را تعیین کرد .

حتّٰی إذا جاء أمرنا و فار التّنور قلنا احمل فیها

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است؛ یعنی: من کل حیوان کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

۱۱ نوح (ع) از

ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فيها .. أهلك

کلمه <أهل> در <أهلك> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فيها .. أهلك إلا من سبق عليه القول

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلك إلا من سبق عليه القول

۱۷ نوح (ع) موظف به سوار کردن مؤمنان بر کشتی و نجات دادن آنان از طوفان

قلنا احمل فيها .. من آمن

۱۹ > عن أبي عبدالله (ع) قال : لما أراد الله عزوجل هلاك قوم نوح عقم أرحام النساء أربعين سنة فلم يولد فيهم مولود فلما فرغ نوح من اتخاذ السفينه أمره الله أن ينادى بالسريانيه لايبقى بهيمه و لا حيوان إلا حضر [إلى أن قال] فصاحت إمرأته لما فار التّور فجاء نوح إلى التّور فوضع على ها طيناً و ختمه حتى أدخل جميع الحيوان السفينه ثم جاء إلى التّور ففضّ الخاتم و رفع الطين ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند عزوجل اراده کرد قوم نوح را هلاک کند، به مدت چهل سال زنان را عقیم کرد؛ در نتیجه فرزندی در میان آنان به دنیا نیامد. پس هنگامی که نوح از ساختن کشتی فارغ شد خداوند به وی امر کرد که بازبان سریانی ندا کند که: هیچ چهارپا و حیوانی باقی نماند مگر آنکه حاضر شوند... هنگامی که تنور فوران

کرد، زن نوح فریادی کشید. پس نوح به طرف تنور آمد و بر تنور گِل زد و او را مهر کرد تا حیوانات را به داخل کشتی برد سپس به طرف تنور آمد و مهر را شکست و گِل را برداشت...>

۲۱ > عن أبي عبد الله (ع) قال : جاءت إمراه نوح إليه و هو يعمل السفينه فقالت له : إن التَّنور قد خرج منه ماء فقام إليه مسرعاً حتى جعل الطبق عليه فختمه بخاتمه فقام الماء ، فلما فرغ نوح من السفينه جاء إلى خاتمه ففضّه و كشف الطبق ففار الماء ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همسر نوح درحالی که شوهرش مشغول ساختن کشتی بود، به نزد او آمد و گفت: تنور آب درآورده. نوح باسرعت بر سر تنور رفت و سرپوشی بر روی آن گذاشت و با مهر خود آن را ممهور کرد. پس آب ایستاد. هنگامی که از ساختن کشتی فارغ شد مهر خود را شکست و سرپوش را کنار زد؛ پس آب فوران کرد.>

۲۲ > عن أبي عبد الله (ع) قال : حمل نوح (ع) في السفينه الأزواج الثمانيه التي قال الله عزوجل : > ثمانيه أزواج من الضأن اثنين و من المعز اثنين و من الإبل اثنين و من البقر اثنين < فكان من الضأن اثنين زوج داجنه يرئبها الناس و الزوج الآخر الضأن التي تكون في الجبال الوحشيّه . . . و من المعز اثنين زوج داجنه . . . و الزوج الآخر الطبى التي تكون في المفاوز و من الإبل اثنين البخاتي و العراب و من البقر اثنين زوج داجنه للناس و الزوج

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خدا فرموده <ثمانیه أزواج من الضأن اثین...> در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشی که در کوههاست ... و از بز دو جفت: یکی اهلی ... و دیگری آهو که در بیابانهاست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی <.

۲۴ > عن أبي عبد الله (ع) : ... و كانت لنوح إبنه ركبت معه في السفينه ... ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: نوح دختری داشت که با آن حضرت سوار کشتی شد <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۵، ۲، ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله <قال اركبوا...> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است ؛ یعنی: قلنا احمل فيها ... ففعل كذا و كذا و قال اركبوا فيها و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت > آورده شد.

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجريها و مرسياها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای

میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها...> چنین معنا می شود: [نوح گفت: حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

۵ پیروان نوح ، به هنگام سوارشدن بر کشتی نجات ، نگران گناهان و تخلفات خویش بودند .

قال اركبوا فيها .. إن ربی لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ پیروان نوح ، پس از شروع طوفان و درپی فرمان او ، به کشتی سوار شدند .

و قال اركبوا فيها .. و هی تجری بهم

جمله <هی تجری...> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوح و اختصار در کلام ذکر نشده است؛ یعنی: فرکبوا فیها و هی تجری بهم.

۲ جوشش آب های زیرزمینی و ریزش باران در حادثه طوفان نوح ، تشکیل دهنده دریایی عظیم و پرتلاطم

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

وجود موجهایی همانند کوهها ، حکایت از به وجود آمدن دریایی بزرگ از آب دارد.

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده

، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

۵ فرزند نوح ، به هنگام حرکت کشتی ، با فاصله ای نسبتاً دور از کشتی بسر می برد .

و نادى نوح ابنه و كان فى معزل

متعلق <معزل> آیه و یا الفلک می باشد. بنابراین <و كان ...> یعنی ، فرزند نوح در کناری و به دور از پدرش یا کشتی بسر می برد.

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت .

و هی تجرى بهم فى موج کالجبال و نادى نوح ابنه و كان فى معزل

وقوع جمله <و نادى نوح> پس از <هی تجرى بهم ...> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادى نوح ...> را عطف بر <قال اركبوا ...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

۷ نوح (ع) با فریادی رسا و بلند ، فرزندش را برای سوار شدن به کشتی فرا خواند .

نادى نوح ابنه و كان فى معزل ینى اركب معنا

<نداء> بلند کردن صدا و ابراز کردن آن است (مفردات راغب).

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

ینى اركب معنا و لاتکن مع الکفرین

مراد از <مَعَنَا> همراهیو معیت عقیدتی

است نه جسمانی؛ زیرا جمله <ارکب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعْنَا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعْنَا> ضرورتی نداشت. جمله <و لاتکن...> مؤید این معناست.

۹ نوح (ع) به ایمان آوردن فرزندش امیدوار بود و آن را محتمل می شمرد.

بینی ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۴، ۲، ۱

۱ پسر نوح، دعوت او را (گرایش به توحید و...) نپذیرفت و از سوار شدن بر کشتی امتناع کرد.

بینی ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین. قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

۲ فرزند نوح، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت.

قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

<أوی> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر يعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی...> یعنی، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۴ نوح (ع)، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی، آگاه ساخت.

لاعاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

۱۰ موجهایی کوه پیکر، میان نوح (ع) و فرزندش حایل شد و مانع ادامه گفتوگوی آنان با یکدیگر گردید.

قال لا عاصم اليوم من أمر الله... و حال بینهما

<ال> در <الموج> عهد ذکری و اشاره به همان امواج کوه پیکر (موج کالجبال) است.

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

۱۲ کفرپیشگان قوم نوح ، در طوفان آب غرق شدند و به هلاکت رسیدند .

فکان من المغرقین

۱۴ > قال أبو عبدالله (ع) : ... غرق جميع الدنيا إلا موضع البيت ... ;

امام صادق(ع) فرمود: ... [در طوفان نوح] همه دنیا غرق شد مگر جایگاه خانه خدا ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱،۲،۴

۱ خداوند ، در پی غرق شدن کافران قوم نوح ، به زمین فرمان داد تا آب های خود (آب های زیرزمینی) را فرو برد .

فکان من المغرقین. و قيل يأرض ابلعی ماء ک

مراد از <ماء ک> آبهایی است که تا پیش از طوفان در منابع زیرزمینی وجود داشت و به امر خداوند بر سطح زمین ظاهر شده بود. اضافه کلمه <ماء> به ضمیر <ک> گویای این معناست.

۲ پس از حادثه طوفان نوح و غرق شدن کفرپیشگان ، آسمان از ناحیه خداوند فرمان یافت تا از بارش باز ایستد .

فکان من المغرقین. و قيل ... یسماأ أقلعی

اقلع (مصدر أقلعی) به معنای خودداری کردن است. مراد از خودداری کردن آسمان به قرینه مقام قطع باران می باشد.

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه

جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱،۷

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . . . و نادى نوح ربه فقال رب ان ابني من اهلي

جمله <فلاتسئلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

ان ابني من اهلي و ان وعدك الحق و انت احکم الحکمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۴،۵،۶،۷،۱۳

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فکان من المغرقين . . . انه ليس من اهلک انه عمل غير صلح

۵ نوح (ع) ، ناآگاه به تباهی و فساد بی حد فرزند ناخلف خویش

انه عمل غير صلح

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندى کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

ان ابني من اهلي . . . انه ليس من اهلک

۷ نوح (ع) به حکیمانه نبودن نجات فرزند فسادپیشه اش ، از حادثه طوفان آگاه نبود .

فلاتسئلن ما

لیس لک به علم

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و ...) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۱،۷

۱ نوح (ع) ، از تقاضای نجات فرزند ناصالحش منصرف شد و آن را امری نابه جا دانست .

فقال رب إن ابني من أهلی .. قال رب إنی أعوذ بک أن أسئلك ما لیس لی به علم

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱،۱۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی .. قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی:

أنزل من الفلک و من الجودی ... نیوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل

محدوف <قیل> به قرینه <منا> خداوند است.

۱۱ > عن أبي عبدالله (ع) قال: ... فنزل نوح بالموصل من السفينه مع الثمانين ...

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: .. نوح با هشتاد نفر همراه در موصل از کشتی پیاده شد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷، ۸، ۶، ۵، ۴

۴- حضرت نوح (ع) ، با صدای بلند و روشن از خداوند ، خواستار نجات از دست قومش گردید .

و نوحًا إذ نادى من قبل

<ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (مفردات راغب) و مقصود از آن در این آیه به قرینه آیه ۲۶ سوره <نوح> (و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الكافرين دياراً) و نیز ذیل آیه شریفه (فنجیناه و أهله ..) نجات نوح از دست قومش می باشد.

۵- دعای حضرت نوح (ع) برای نجات از دست قومش ، مستجاب شد .

و نوحًا إذ نادى من قبل فاستجبنا له

۶- حضرت نوح (ع) و خاندانش ، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش .

و نوحًا إذ نادى .. فنجینه و أهله من الكرب العظيم

<کرب> به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

۸- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فنجینه و أهله من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرته من القوم الذین کذبوا بایتنا

واژه <نصر> هرگاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحيط>).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۱،۲،۳

۱ - متهم شدن نوح (ع) ، از سوی اشراف قومش ، به نوعی دیوانگی و جنون

فقال الملوأ الذین کفروا .. إن هو إلا رجل به جنه

<إن> معادل مای نافیه است یعنی: <ما هو إلا رجل..>. نکره آوردن <جنه> نیز برای تنويع است. بنابراین عبارت <به جنه> یعنی، او گرفتار نوعی دیوانگی است. <تربص> (مصدر <تربصوا>) به معنای حلول چیزی را برای کسی، انتظار کشیدن است.

۲ - تبلیغ اشراف ، مبنی بر دست برداشتن نوح (ع) از دعوت خود با گذشت زمان و بهبود یافتنش

به جنه فتربصوا به حتی حین

۳ - وا نهادن و بی اعتنایی به نوح (ع) ، آخرین چاره اندیشی اشراف کافر در مبارزه با آن حضرت

فقال الملوأ .. إن هو إلا رجل به جنه فتربصوا به حتی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده

و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم ایای> می باشد.

۲- نوح (ع)، تقاضامند یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش

قال رب انصرنی بما کذبون

۴- التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار، برای نزول عذاب بر تکذیب گران آن حضرت

قال رب انصرنی بما کذبون

<باء> در <بما کذبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> به معنای <الذی> و عاید آن محذوف خواهد بود؛ یعنی، <رب انصرنی بالذی کذبونی به پروردگارا! مرا با همان چیزی که [دروغش پنداشتند و] تکذیب کردند، یاری ده.>

۵- هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال، از سوی نوح (ع)

قال رب انصرنی بما کذبون

۶- مردم، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و نوح (ع) را به دروغ گویی متهم ساختند.

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱- استجابت دعای نوح (ع) (نصرت خواهی او) از جانب خداوند

قال رب انصرنی .. فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا ووحینا

۲- وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک

۳- نوح (ع)، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلک بأعیننا ووحینا

۵- طوفان نوح ، به امر و اراده الهی بود ، نه یک رخداد طبیعی

فإذا جاء أمرنا .. من كل زوجين اثنين

قصود از

<أمرنا> فرارسیدن عذاب طوفان است. <فار> مشتق از <فوران> و <تَنُور> همان تنور می باشد^۱. <سلوک> (مصدر <اسلک>) به معنای ادخال و وارد کردن است. <زوجین> (مفعول <اسلک>) یعنی، دو رأس که هر یک جفت دیگری باشد (یک نر و یک ماده). <اثنین> نیز تأکید <زوجین> است. با توجه به این که مضاف الیه <کل> محذوف است (<من کل حیوان>) معنا چنین می شود: پس هرگاه فرمان ما در رسید و آب از تنور فوران کرد، از هر حیوانی دو تا (یکی نر و یکی ماده) با خانواده ات به جز آن کسی که حکم عذاب، پیش از این بر او صادر شده است در کشتی وارد کن.

۶- فوران آب از تنور، نشان صدور فرمان خدا و شروع طوفان نوح (ع) بود.

فَإِذَا جَاءَ أَمْرَنَا وَفَارَ التَّنُّورُ

عبارت <فَارَ التَّنُّورُ>، عطف تفسیری است برای <جاء أمرنا>.

۷- تنوری که فوران آب از آن نشانه در رسیدن عذاب بر قوم نوح بود از پیش تعیین شده بود.

فَإِذَا جَاءَ أَمْرَنَا وَفَارَ التَّنُّورُ

<ال> در <التَّنُّور> برای عهد ذهنی است. بنابراین <التَّنُّور> یعنی، آن تنور.

۸- نوح (ع)، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فَإِذَا جَاءَ أَمْرَنَا .. فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ

۹- نوح (ع)، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند.

فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

۱۰- طوفان نوح، منطقه بسیار گسترده

ای از آن سرزمین را فراگرفته بود .

فاسلک فیها من کل زوجین اثین

جای دادن یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان در کشتی، برای این بود که آنان پس از آرامش طوفان، بتوانند با پرورش و زاد و ولد آنها، نیازمندی های خود را برطرف سازند. و این نشان می دهد که گستردگی طوفان در آن سرزمین، به قدری بود که به دست آوردن حیوانات مورد نیاز، پس از فرونشستن آب، برای حضرت نوح(ع) و بازماندگان، میسر نبود.

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کل زوجین اثین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کل زوجین اثین)، بیانگر مطلب فوق است.

۱۶ - خداوند ، نوح (ع) را از وساطت برای نجات ظالمان از عذاب طوفان ، نهی کرد .

ولا تخطبني في الدين ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱۱، ۲

۲ - استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلک فیها من کل زوجین اثین و أهلک .. فإذا استوتت أنت و من معک علی الفلک

از تفریع عبارت <فإذا استوتت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

۱۱ - نوح

(ع) و یارانش ، گرفتار ظلم و بیدادگری قوم خویش

فقل الحمد لله الذي نَجَّنا من القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱،۵

۱ - روی آوردن به دعا پس از استقرار یافتن در کشتی و درخواست فرود آمدن در جایی پر برکت ، رهنمود دیگر خداوند به نوح (ع)

فإذا استويت .. فقل الحمد لله ... و قل ربّ أنزلني ... و أنت خير المنزلين

واژه <ربّ> مشترک لفظی میان مصدر (تربیت کردن) و وصف (مربی و تربیت کننده) است که در این جا معنای وصفی دارد. <منزل> می تواند مصدر میمی به معنای انزال باشد و نیز می تواند اسم مکان به معنای منزلگاه و مهمان سرا باشد.

۵ - فرود آمدن کشتی نوح ، در محلی غیر از محل زندگی نخستین او

و قل ربّ أنزلني منزلاً مبارکاً

همان طور که در برداشت پیشین گفته شد، <منزل> می تواند اسم مکان باشد. بنابراین درخواست فرود آمدن در یک جای پربرکت، بیانگر تغییر مکان و مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۱،۲

۱ - سرگذشت نوح (ع) و قوم او ، آینه عبرتی است برای دیگران .

إنّ فی ذلك لآیت

<الآیات> جمع <آیه> است و مراد از آن، نشانه های عبرت آموز است.

۲ - وجود درس های بسیار ، برای عبرت آموزی در سرگذشت نوح (ع) و قومش

إنّ فی ذلك لآیت

برداشت یاد شده از جمع آمدن <آیات>، استفاده می شود.

۱۳ - > عن أمير المؤمنين (ع) ... و نوح (ع) حسده قومه فقالوا: > ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون و يشرب مما تشربون ، و لئن أطعتم بشراً مثلكم إنكم إذا لخاسرون < ... ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: .. و قوم نوح نسبت به آن حضرت حسادت ورزیدند، پس گفتند: ما هذا إلا بشر مثلكم...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تکذیب رسالت نوح (ع) از سوی قومش

کذبت قوم نوح المرسلین

۵ - > عن أبي جعفر (ع) : فمكث نوح (ع) في قومه ألف سنة إلا خمسين عاماً لم يشاركه في نبوته أحد و لكنّه قدم على قوم مكذّبين للأنبياء (ع) الذين كانوا بينه و بين آدم (ع) و ذلك قول الله عزّوجلّ : > كذّبت قوم نوح المرسلين < ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده: .. نوح(ع) ۹۵۰ سال در میان قومش درنگ کرد و احدی در نبوتش با او شریک نبود؛ لکن نوح(ع) بر قومی فرستاده شده بود که آن قوم پیامبرانی را که بین نوح(ع) تا آدم(ع) بودند، تکذیب می کردند. این سخن خداوند عزّوجلّ است که: > کذّبت قوم نوح المرسلين <...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - قوم نوح ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی

و گنه پیشگی

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

استفهام در جمله <أَلَا تَتَّقُونَ> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۲،۵

۲ - دعوت نوح (ع) از قومش، برای پذیرفتن رسالت وی، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

<أَمِينٌ> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أَمِينٌ> دعوتی است از جانب نوح(ع) به قومش که به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵ - تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لَكُمْ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از قومش، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ... فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۱

۱ - تصریح نوح (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴،۸

۱ - امتناع قوم نوح از ایمان آوردن به وی ، به بهانه وجود گروهی محروم ، بی اعتبار و فاقد پایگاه اجتماعی

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون

<أردلون> جمع <أردل> است و آن تفصیل <ردل> (حقیر، پست و فرومایه) می باشد. بنابراین <أردلون>؛ یعنی، پست ترین فرومایگان و فرومایه ترین مردمان. گفتنی است که اشراف قوم نوح، این نسبت ناروا را از آن جهت به پیروان آن حضرت می دادند که آنان از طبقات محروم جامعه بودند و از اعتبارات اجتماعی و اقتصادی بهره ای نداشتند.

۲- نخستین مؤمنان به نوح (ع)، محرومان جامعه بودند.

و اتبعك الأردلون

۴- اشراف قوم نوح، در جبهه مخالف او

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأردلون

۸- تحقیر شدید پیروان نوح از سوی اشراف کافر

قالوا... و اتبعك الأردلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۴ - ۱،۲

۱- پاسخ منفی نوح (ع) به درخواست اشراف مبنی بر طرد محرومان از پیرامون خویش

أنؤمن لك و اتبعك الأردلون... و ما أنا بطارد المؤمنين

۲- اعلام قطعی نوح (ع) به طرد نکردن مؤمنان از اطراف خویش در هیچ شرایطی

و ما أنا بطارد المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۴

۴- تبلیغ تعالیم دینی از سوی حضرت نوح (ع)، به گونه ای روشن و قابل فهم برای همگان بود.

إن أنا إلا نذير مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۱،۴

۱ - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش ، مبنی بر

سنگسار شدن در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته يَنوح لتكوننَّ من المَرجومين

۴ - احساس خطر اشراف و زمامداران قوم نوح از گسترش دعوت وی

قالوا لئن لم تنته يَنوح لتكوننَّ من المَرجومين

تهدید سران قوم نوح به سخت ترین مجازات همچون رجم، نشانگر نگرانی شدید آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۱،۲

۱ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا، از لجاجت و تکذیب گری قومش نسبت به او

قال ربَّ إِنَّ قومی کذبون

۲ - نوح (ع)، نگران تکذیب ارزش ها و تعالیم الهی از سوی مردم بود؛ نه نگران تهدید خود او از سوی آنان.

قال ربَّ إِنَّ قومی کذبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکوه نوح(ع) به درگاه خدا در پی تهدیدهای سخت مخالفان، از تکذیب گری آنان بود نه از تهدیدهای آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۲،۳،۴،۵

۲ - دعای نوح به درگاه خدا، برای نجات خود و مؤمنان همراهش از شرّ قوم کفرپیشه خویش

ربَّ إِنَّ قومی کذبون .. نَجْنی و من معی من المؤمنین

متعلق <نَجْنی> حذف شده است و تقدیر آن <نَجْنی و .. من شَرِّهم> می باشد.

۳ - ناامیدی شدید نوح (ع) از گرایش کافران قومش به ایمان و رنج عمیق وی از کفرورزی آنان

و نَجْنی و من معی من المؤمنین

از این که نوح(ع) از پیشگاه خدا خواستار فیصله یافتن نزاع میان او و قومش شده است، نشان می دهد که او دیگر

هیچ گونه امیدی به گرویدن قومش به خود نداشته است.

۴ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا از ستم قوم خویش ، پس از اتمام حجت و به بن بست رسیدن همه راه های تبلیغی بود .

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مِّبَيْنٍ .. إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ... فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي

۵ - نوح (ع) ، خواستار نزول عذاب بر کافران و نجات خود و مؤمنان از آن عذاب

فافتح بيني .. و نَجِّنِي و من معي من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۱،۵

۱ - استجابت دعای نوح (ع) از سوی خداوند ، درباره عذاب قوم کافر او و نجات همراهان مؤمنش

و نَجِّنِي و من معي .. فَأُنَجِّينَهُ و من معه

۵ - کشتی نوح ، انباشته از امکانات ضروری و مورد نیاز سرنشینان آن

فِي الْفَلَکِ الْمَشْحُونِ

<شَحْنٌ> (مصدر مجهول <مشحون>) به معنای پُر گردانیده شدن است. بنابراین <فلک مشحون> یعنی، کشتی پر شده. گفتنی است که متعلق <مشحون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فِي الْفَلَکِ الْمَشْحُونِ بَمَا يَفْتَقِرُ إِلَيْهِ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۱،۳،۴

۱ - غرق شدن و هلاکت قوم نوح ، پس از نجات وی و همراهانش

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

<إِغْرَاقٌ> (مصدر <أغرقنا>) به معنای غرق کردن است. مضاف الیه <بعد> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <بعد نجات نوح و من معه> . <ألباقین> جمع همراه با <ال> جنس و مفید استغراق می باشد.

۳ - غرق شدن قوم نوح ، با

سیلی عظیم و بنیان برافکن

ثم أغرقنا بعد الباقين

با توجه به این که در آیات، سخن از وجود دریا نیست، روشن می شود که غرق شدن کافران به وسیله سیل بوده است.

۴ - تکذیب نوح (ع) از سوی قوم وی ، موجب هلاکت آنان شد .

قال ربّ إنّ قومی کذّبون .. ثمّ أغرقنا بعد الباقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۲

۲ - ماجرای میان نوح (ع) و قومش ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إنّ فی ذلک لآیه

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۶۸،۱۳

۶ - قوم نوح ، به دنبال قبول نکردن رسالت نوح (ع) دچار سیلی عظیم و بنیان کن شدند و به هلاکت رسیدند .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان

<طوفان> هر حادثه ای را می گویند که انسان را احاطه کند. این واژه در <آب فراوان (سیل)> متعارف شده است (مفردات راغب).

۸ - گرفتار شدن قوم نوح به سیلی عظیم و در نتیجه به هلاکت رسیدن ، پیامد مداومت آنان به شرک و قبول نکردن دعوت نوح بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان و هم ظلمون

به قرینه مقام، مراد از ظلمی که به قوم نوح نسبت داده شده است، ممکن است ظلم اصطلاحی نباشد و بلکه شرک و مداومت بر آن باشد.

- > عن أبي عبد الله (ع) قال : > عاش نوح ألفي سنة و ثلاث مائه سنة . منها ثمانمائه و خمسين سنة ، قبل أن يبعث و ألف سنة إلا خمسين عاماً و هو في قومه يدعوهم و خمس مائه عام بعد ما نزل من السفينه . . . >

از امام صادق(ع) روایت شده که نوح(ع)، دو هزار و سیصد سال عمر کرد. که هشتصد و پنجاه سال آن، پیش از بعثت او بود و نهصد و پنجاه سال، دورانی بود که در میان قوم خود مشغول دعوت آنها بود و پانصد سال نیز، بعد از آنکه از کشتی پیاده شد، (زندگانی کرد)... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۱،۲،۵

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فأخذهم الطوفان .. فأنجينه و أصحاب السفينه

۲ - نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی ، در واقعه طوفان ، بر کشتی سوار شدند .

فأخذهم الطوفان .. فأنجينه و أصحاب السفينه

۵ - مدت رسالت نهصد و پنجاه ساله نوح (ع) در میان قوم اش ، تنها ، مربوط به زمان قبل از طوفان است .

و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه فلبث فيهم .. فأخذهم الطوفان ... فأنجينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۳

۳ - نوح (ع) ، علیه قوم خود به درگاه الهی نفرین کرده ، یاری طلبید .

و لقد نادينا نوح

آیه بعد در پاسخ به ندای نوح(ع)، مسأله نجات آن حضرت و خاندانش را از عذاب الهی مطرح می کند. از این مطلب به دست می آید که آنچه آن حضرت از خدا خواسته است، نفرینی بود علیه قوم خود. آیه ۲۶ سوره <مؤمنون> (قال رب انصرنی بما کذبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲،۳،۵،۹

۱ - نوح (ع) و خاندانش، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند.

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۲ - نوح (ع) و خاندانش، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند.

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۳ - نوح (ع) و خاندانش به وسیله قوم خود، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار شدند.

و نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۵ - نوح (ع)، نجات خود و خاندانش را از دست ستم و اذیت و آزار قوم خود، از خداوند خواستار شده بود.

و لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا... وَ نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا... وَ نَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت

نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - طرد شدن نوح پیامبر (ع) ، از سوی قومش ، با دشنام و اتهام

و قالوا مجنون و ازدجر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <و ازدجر> به معنای <و ازدجره قومه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲،۵،۶

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

۵ - غلبه همه جانبه قوم نوح بر آن حضرت و بستن تمامی راه های امید بر روی ایشان

انّی مغلوب

۶ - نوح (ع) ، خواهان انتقام الهی از قوم حق ستیز خویش

انّی مغلوب فانتصر

مفسران <فانتصر> را به معنای <فانتقم> دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۱

۱ - اجابت دعای نوح (ع) به درگاه خداوند ، برای انتقام از قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه .. ففتحنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مшти تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار>

(مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۵

۵ - رسالت حضرت نوح (ع) ، مورد تکذیب و انکار مردم قرار گرفت .

جزاء لمن کان کفر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <کفر> در این آیه چنان که مفسران نیز گفته اند به معنای انکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۱

۱ - تلاش مستمر نوح (ع) ، برای ایمان آوردن قومش ، حاصلی جز فرار و دوری آنان نداشت .

فلم یزدهم دعاءى إلا فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۷، ۲، ۱

۱ - دعوت حضرت نوح (ع) ، در تمامی دفعات با مخالفت شدید قومش روبه رو می شد .

و إني كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا أصبعهم في أذانهم و استغشوا ثيابهم

۲ - انگشت ها را در گوش ها نهادن و جامه ها را بر سر کشیدن ، واکنش معمول قوم نوح در برابر دعوت آن حضرت

و إني كلما دعوتهم ... جعلوا أصبعهم في أذانهم و استغشوا ثيابهم

۷ - دعوت نوح (ع) ، با

استکبار و گردن فرازی شدید قومش روبه رو شد .

و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۱،۲

۱ - دعوت نوح (ع) از مردم ، برای ایمان آوردن با صدایی بلند و رسا

ثمّ إني دعوتهم جهارًا

<جهار> اسم مصدر <جهر> است و چنانچه در مورد کلام و سخن به کار رود، به معنای صدا و آواز بلند و در غیر آن به معنای علنی و آشکار خواهد بود.

۲ - دعوت نوح (ع) در میان قومش ، در آغاز به صورت سرّی و بی سروصدا بود .

و إني كلما دعوتهم .. و استکبروا استکبارًا . ثمّ إني دعوتهم جهارًا

دعوت نوح(ع) با صدای بلند و رسا، پس از دعوت ایشان و واکنش انکارآمیز و مستکبرانه قومش یاد شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که دعوت قبلی، سرّی و بی سروصدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۱،۲

۱ - نوح (ع) ، با استفاده از دو روش علنی و سخت پنهانی (خصوصی و عمومی) ، مردم را به ایمان فراخواند .

ثمّ إني أعلنت لهم و أسررت لهم إسرارًا

۲ - نوح (ع) ، برخی از مردم را به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند .

ثمّ إني أعلنت لهم و أسررت لهم إسرارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در

شرایط اجتماعی خاصی انجام گرفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۲

۲ - نوح پیامبر ، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان ، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوردن به خدای غفار تشویق و ترغیب می کرد .

فقلت استغفروا ربکم إِنَّه کان غَفَّارًا

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت به توبه و بازگشت از راه باطل گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربکم .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سما>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدرارًا> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم ... و یمدکم بأموال و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۲

۲ - شکوه حضرت نوح (ع) ، به درگاه الهی از نافرمانی قومش

قال نوح ربّ إنّهم عصوني

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح

۳ - ثروتمندان و زورمداران حيله گر ، مخالفان اصلی دعوت نوح (ع)

و مکروا مکراً کباراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح (ع) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

و لاتزد الظلمين إلاّ ضللاً

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملاً مأیوس بود؛ زیرا اصولاً پیامبران الهی برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی دراز؛ قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دياراً

واژه <ديار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

۲ - ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دياراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲،۸

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لا تذر على الأرض من الكافرين ديارًا . إنك إن تذرهم يضلوا

۸- نگرانی و احساس خطر نوح (ع)، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَلا يَلِدُوا إِلاَّ فَاجِرًا كَفَّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- درخواست نوح (ع) از درگاه الهی، مبنی بر افزودن هلاکت و بدبختی ستمگران حق ناپذیر

وَلا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلاَّ تَبَارًا

<تبار>، به معنای هلاکت و نابودی است.

قصه نوح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲

۲- سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است.

وَءَايَةٌ لَهُم أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُم فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذُرِّيَّتَهُم> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّاتِ الْبَشَرِ فِي سَفِينَةِ نُوحٍ>.

قصه هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۱، ۳۲، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۶، ۴، ۲

۲ هر يك از هاييل و قابيل هديه اى را به رسم تقرب به پيشگاه خداوند

تقدیم کردند .

اذ قربا قرباناً

<قربان> هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هاییل و قایل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابني اءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هاییل و قایل ، ماجرای واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابني اءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۱۲ تصمیم قطعی قایل بر کشتن برادرش هاییل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قایل بر قتل است.

۱۳ قایل ، برادرش هاییل را به قتل تهدید کرد .

قال لاقتلنک

۱۴ پذیرش قربانی هاییل و رد شدن قربانی قایل ، عامل انگیزش قایل به قتل برادرش هاییل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قایل و پذیرش قربانی برادرش هاییل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هاییل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هاییل، انگیزه ای برای تصمیم قایل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هاییل فحسده قایل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن

قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك قال انما يتقبل الله من المتقين

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی او

قال انما يتقبل الله من المتقين

۲۴ تقوای هابیل، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما .. قال انما يتقبل الله من المتقين

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول الله عزوجل: <واتل عليهم نبأ ابني
ءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

۳۲ در گرفتن آتش و به کام خود فروبردن قربانی هابیل، نشانه پذیرفته شدن آن از سوی خداوند

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

از امام باقر(ع) روایت شده: .. فتقبل قربان هابیل و لم يتقبل قربان قابیل و هو قول الله عزوجل: <واتل عليهم...> و كان
القربان اذا قبل تاكله النار ...

کمال الدین، ص ۲۱۳، ح ۲، ب ۲۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۲، ح ۱۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱،۷

۱ تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر، حتی در صورت اقدام قابیل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در <لئن> و نیز <باء> زایده در <ببساط>،

دلالت بر تأکید دارد.

۷ ترس هاییل از خداوند ، مانع اقدام وی به قتل برادر

ما إِنَّا بباسط یدی إِلیک لاقتلک انی اخاف اللّٰه رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۳، ۲، ۱

۱ عزم هاییل بر آلوده نساختن دست خویش به خون برادر و گرفتار نیامدن به پیامد های آن

انی ارید . . فتکون من اصحب النار

۲ تأکید هاییل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قاییل به دست هاییل صورت گیرد، معلوم می شود هاییل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

۳ قاییل در دیدگاه و سخن هاییل ، در صورت اقدام به تهاجم ، مسؤول تمامی پیامد های سوء عملکرد هر کدام

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

مراد از <اثمی>، به قرینه <اثمک>، گناهانی است که بر اثر درگیری آن دو به وجود می آید. زیرا به شهادت مقام، مراد از گناه قاییل، همان برادر کشی و مقدمات آن است. بنابراین مقصود هاییل این است که من تهاجمی را علیه تو آغاز نمی کنم و هرگز قصد کشتن تو را نخواهم کرد تا در درگیری احتمالی، تو مهاجم باشی و آغازگر و در نتیجه اگر تو تلف شدی و یامن کشته شدم در هر صورت گناه به گردن تو افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۰، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ درگیری و کشمکش درونی قاییل با هوای نفس خویش در مورد قتل هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۲ وسوسه های نفسانی قاییل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قاییل ، وادار کننده وی به کشتن هاییل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۵ قاییل ، برادرش هاییل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۰ بی اعتنایی قاییل به هشدارها و اندرزهای برادرش هاییل

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۹ قاییل ، کیفیت قتل برادرش هاییل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاده (ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . . .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

۲۰ کوه قاسیون در دمشق ، مکان کشته شدن هاییل توسط برادرش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از رسول خدا(ص) روایت شده: بدمشق. جبل یقال له قاسیون فیه قتل ابن آدم اخاه.

الدرالمنثور، ج ۳، ص ۶۱.

۲۱ قاییل ، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هابیل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قاییل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق

فرمود: .. ثم ان ابليس ... فقال له: يا قابيل قد تقبل قربان هابيل و لم يتقبل قربانك و انك ان تركته يكون له عقب يفتخرون على عقبك و يقولون نحن ابناء الذي تقبل قربانه فاقتله كيلا يكون له عقب يفتخرون على عقبك فقتله ...

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۸، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۱۶، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هابیل به سوی قابیل گسیل داشت .

فبعث الله غراباً .. ليريه كيف يورى سوءه اخيه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قابیل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث الله غراباً يبيحث فى الارض ليريه كيف يورى سوءه اخيه

۳ قابیل ، نا آگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هابیل

ليريه كيف يورى سوءه اخيه

۴ قابیل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هابیل

فبعث الله غراباً .. ليريه كيف يورى سوءه اخيه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قابیل هابیل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به .

...

مجمع البيان، ج ۳، ص ۲۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۴.

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث الله غراباً يبيحث فى الارض ليريه كيف يورى سوءه اخيه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <ليريه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن

قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هاییل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۱۶ قابیل، برخوردار از امداد خداوند برای دفن جسد برادرش هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه

برداشت فوق بر این مبناست که روانه ساختن کلاغ و تعلیم قابیل برای رفع سرگردانی وی صورت گرفته باشد.

۲۲ پیکر بیجان هاییل، ناخوشایند برای قابیل

کیف یوری سوءه اخیه .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هاییل <سوءه> (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قابیل ناخوشایند بوده است.

۲۳ پشیمانی قابیل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هاییل

اعجزت ان اکون .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصبح ..> متفرع بر جمله <اعجزت> باشد. بنابراین پشیمانی قابیل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قابیل، پشیمان از قتل برادرش هاییل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

۲۵ قابیل، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هاییل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب ..

تفریع ندامت قابیل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید

می کند.

۲۸ حفر

زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها، راهنمای قایم در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً يبحث في الارض ليريه كيف يوري سوءه اخيه

از امام سجاده (ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا يتضاربان حتى قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقى الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

قصه هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۷، ۱۵، ۹، ۸

۸ هارون، برادر موسی و از پیروان وی

و قال موسی لأخیه هرون

۹ موسی (ع)، برادرش هارون را به رهبری بنی اسرائیل تا پایان مناجاتش با خدا منصوب کرد.

و قال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

۱۵ اصلاح امور جامعه بنی اسرائیل از دستورالعمل های موسی به برادر و خلیفه خود هارون

و أصلح

چون فرمان به اصلاح پس از انتخاب هارون به سرپرستی بنی اسرائیل آمده است، معلوم می شود مراد، اصلاح امور اجتماعی، فرهنگی و ... بنی اسرائیل است، نه درستکاری هارون در امور شخصی خودش.

۱۷ پرهیز از پیروی از نظریات و روش های مفسدان، وظیفه ای تعیین شده از سوی موسی برای خلیفه اش هارون

و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ هارون با تحریک عواطف موسی (ع) در صدد تسکین غضب او و مطمئن ساختنش بر انجام وظایف و مسؤولیت های

خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل برآمد .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

به نظر می رسد هارون با انتخاب <ای فرزند مادرم> در خطاب به موسی، در صدد تحریک عواطف وی به سوی خود بوده است.

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرکورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۱۸ هارون ، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازدارای ایشان

إن القوم استضعفونی

<استضعاف> به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهبای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکورزی آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۲۰ هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازدارای آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش برای موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۲۲ هارون با بیان موضع خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل از موسی (ع) خواست تا با مؤاخذه وی دشمنان دین را شاد نسازد .

و کادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء

<ال> در <الأعداء> برای جنس است و مراد از آن، به قرینه <القوم الظلمین>، دشمنان دین و توحید، یعنی همان گوساله پرستان، است. <اشمات> (مصدر <لا تشمت>) به معنای خشنود ساختن و <باء> در <بی> سببیه است. بنابراین <لا تشمت بی الأعداء> یعنی دشمنان دین را با مؤاخذه من شاد نکن.

۲۶ هارون با بیان مبارزه خویش علیه شرکورزی بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواست تا وی را همسنگ ستمکاران شرک پیشه قرار ندهد .

استضعفونی و کادوا یقتلوننی . . . و لاتجعلنی مع القوم الظلمین

روشن است که موسی(ع) هرگز گمان نمی کرد که هارون از ستمکاران باشد. بنابراین <مع> در جمله <لا تجعلنی مع> معیت حکمی است؛ یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۱،۵

۱ موسی (ع) پس از مشاجره خویش با هارون و پی بردن به ناتوانی او در برابر منحرفان، رو به درگاه خدا آورد و به مناجات با او پرداخت.

قال رب اغفر لی و لأخی

۵ موسی (ع) در عین قانع شدن به بی تقصیری هارون در گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی، وی را کاملاً دور از خطا ندانست. *

قال رب اغفر لی و لأخی

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ موسی (ع) و برادرش (هارون)، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند.

قال موسی ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملاء زینه و أمولا . . . لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۲ - ۱

۱ - موسی (ع) از خداوند خواست، هارون (ع) را در ابلاغ پیام الهی به فرعون، شریک او گرداند.

هرون أخی . . . و أشرکه فی أمری

مقصود از شراکت مورد درخواست موسی(ع)، مشارکت هارون با او در ابلاغ پیام خداوند

به فرعونیان است، نه در دریافت وحی، زیرا موسی(ع) از تنهایی در آن هراسی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - موسی و هارون (ع) قبل از حرکت به طرف فرعون، با یکدیگر ملاقات نموده و موانع احتمالی ارشاد او را بررسی کردند

قالا ربنا اننا نخاف

قسمت هایی از داستان موسی(ع) از قبیل بازگشت او نزد خانواده اش و پیدا کردن راه مصر و ملاقات با برادرش هارون(ع) به این جهت که در ماجرای برخورد با فرعون، چندان دخیل نبوده، در این آیات ذکر نشده است. این احتمال نیز وجود دارد که آیه ۴۲ (اذهب أنت و أخوئک) به بعد، سخنان خداوند به موسی و هارون(ع)، پس از ملاقات آن دو باشد.

۲ - موسی و هارون (ع) با مناجات به درگاه خداوند و برشمردن موانع احتمالی اقدام خود، از خداوند راه چاره خواستند.

قالا ربنا اننا نخاف ان یفرط علینا

۳ - موسی و هارون (ع) از پیشدستی فرعون و اقدام او به کیفر فوری آنان، پیش از هرگونه فرصت اظهار معجزه و بیان حقیقت، نگران بودند.

قالا ربنا اننا نخاف ان یفرط علینا

<فَرَطَ> یعنی، پیشی گرفت بدون آن که افراط یا تفریط کرده باشد (مفردات راغب). مراد موسی و هارون(ع)، احتمال دست زدن فرعون به کاری است که فرصت ابلاغ پیام الهی را از آنان بگیرد.

۴ - موسی و هارون (ع)، از احتمال افزایش طغیان فرعون، در پی ابلاغ دعوت الهی به او، نگران بودند.

أو أن یطغی

خداوند در

سخن با موسی(ع)، به طغیان گری فرعون تصریح کرده بود. بنابراین مراد موسی و هارون(ع) از این سخن، احتمال افزایش طغیان او است، به گونه ای که زمینه پذیرش دعوت را در او به کلی از میان ببرد.

۵- نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۶، ۷، ۳، ۲

۲- خداوند به موسی و هارون (ع) اطمینان داد که فرعون فرصت ابلاغ پیام رسالت را از آنان نگرفته و بر طغیان خود نخواهند افزود.

نَخَافُ أَنْ يَفْرِطَ .. قَالَ لَاتَخَافَا

۳- خداوند همراهی کامل خود با موسی و هارون (ع) و حمایت و حفاظت از آنان را طی رویارویی با فرعون، اعلام کرد.

إِنِّي مَعَكُمْ

خداوند، همواره با همگان هست و در همه جا حضور دارد. آنچه که برای رفع نگرانی موسی و هارون(ع) مورد تأیید قرار گرفته، حضور ویژه خداوند است که حاکی از حمایت بی دریغ او از آنان است.

۶- شنوایی و بینایی خداوند، پشتوانه ای اطمینان بخش برای تضمین یاری موسی و هارون (ع) در برابر فرعون بود.

إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى

۷- وعده یاری خداوند و آگاهی گسترده او بر جزئیات ماجرای ارشاد فرعون، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های نگران موسی و هارون (ع) بود.

إِنَّا نَخَافُ .. لَاتَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه -

۱ - خداوند ، موسی و هارون (ع) را به حضور بی باکانه و بی درنگ نزد فرعون و آگاه ساختن او از رسالت خویش فرمان داد .

لاتخافا .. فأتياه فقولا إنا رسولا ربك

<فأتياه> عطف بر <لاتخافا> و تفریع بر آن است. یعنی حال که امنیت و حفاظت شما تأمین گردید بدون ترس و نگرانی نزد فرعون بروید. <فاء> عاطفه برای تعقیب است و دلالت دارد که نباید بین دو کار فاصله غیر متعارفی وجود داشته باشد.

۳ - آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا .. فأرسل معنا بنی إسرئیل

۵ - موسی و هارون (ع) به فرمان خداوند ، وظیفه دار رهبری بنی اسرائیل پس از موافقت فرعون با خروج آنان

فأرسل معنا بنی إسرئیل

۱۱ - موسی و هارون (ع) ، از جانب خداوند مأمور بازداشتن فرعون از شکنجه بنی اسرائیل بودند .

إنا رسولا ربك .. ولاتعدبهم

۱۳ - خداوند ، به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا داشتن معجزه برای اثبات رسالت خویش را به فرعون ابلاغ کنند .

قد جئتك بآیه

<آیه> اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است. بنابراین می توان بر معجزات متعدد نیز <آیه> اطلاق کرد.

۱۴ - توجه دادن فرعون به وابستگی امور زندگانی او به ربوبیت خداوند ، از جمله برنامه های دیدار موسی و هارون (ع) با فرعون بود .

إنا رسولا ربك .. بآیه من ربك

تکرار <ربك> در این آیه و در خطاب

به فرعون با توجه به ادعای ربوبیت او برای متذکر ساختن وی به انحصار ربوبیت برای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۳

۳ - انذار فرعون از عذاب ، با لحنی ملایم و پس از تبشیر وی ، از وظایف موسی و هارون بود .

والسلم علی من .. العذاب علی من کذب

ظاهر کلام آن است که انذار فرعون پس از تبشیر او صورت گرفته باشد. به کار گرفتن صیغه های غایب در انذار، و نیز تصریح به وحی بودن آن همراه با تأکید، جملگی گواه نرمی گفتار موسی و هارون در سخن گفتن با فرعون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۹ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی و هارون (ع) با ابلاغ پیام های وحی الهی به فرعون ، مأموریت خویش را به انجام رساندند .

فقولا له .. قال فمّن ربّکما

آیات گذشته، جملگی سخن خداوند با موسی و هارون(ع) بود و ولی از مواجهه آنان با فرعون و آنچه روی داده، در این آیات سخنی نیست. از پاسخ فرعون برمی آید که آنان پیام خویش را به وی رساندند و پاسخ او را دریافت کردند.

۲ - فرعون با گوش فرادادن به سخنان موسی و هارون (ع) ، اجازه داد آنان پیام الهی خویش را به او برسانند .

فقولا إنّنا رسولا .. قال فمّن ربّکما

۳ - اظهار بی اطلاعی و تجاهل نسبت به پروردگار موسی و هارون ، عکس العمل فرعون در برابر سخنان آن دو

إنّنا رسولا ربّک .

.. بایه من ربك ... قال فمّن ربكما

گرچه موسی و هارون(ع)، مبدأ پیام را با عنوان <ربكك> به فرعون معرفی کردند؛ ولی فرعون در مقام سؤال <ربكما> به کار برده است تا ضمن انکار ربوبیت خداوند، نسبت به آن اظهار بی خبری نیز کرده باشد.

۴ - فرعون با اظهار بی اطلاعی از پروردگار موسی و هارون، رکن اصلی پیام های آنان را زیر سؤال برد.

إنا رسولا ربك .. أوحى إلينا ... فمّن ربكما

۵ - با وجود مشارکت موسی و هارون (ع) در وحی و رسالت، مسؤولیت آن با موسی (ع) بود.

قال فمّن ربكما یموسی

موسی و هارون(ع)، در کلیه مکالمات خود موظف بودند که پیام مشترک خویش را به فرعون ابلاغ کنند و از این رو کلیه ضمائر در آیات گذشته به صورت تشبیه و مشترک آمده است (اذهبا، قولا، لاتخافا، معكما، فقولا، رسولا، جنناك، إنا، إلینا)؛ ولی فرعون در مطرح کردن سؤال خود در عین مخاطب قرار دادن هر دو، پاسخ را از موسی(ع) طلب می کند (یا موسی). این قرینه ها نشان دهنده آن است که در عین اشتراک موسی و هارون(ع) در رسالت، رهبری با موسی(ع) بوده و فرعون به آن پی برده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۳،۴،۵

۳ - تأکید بر ساحر بودن موسی و هارون (ع)، از جمله حرکت های تبلیغی فرعونیان بود.

قالوا إن هذّن لسحرن

حرف <إن> مخفف از <إنّ> و ملغی از عمل است؛ ولی معنای تأکید را می رساند.

۴ - هارون، همگام موسی)

ع) در مبارزه با فرعون و حاضر در صحنه مقابله موسی و ساحران

إن هذّن لسحرن

۵ - متهم ساختن موسی و هارون (ع) به تلاش و برنامه ریزی برای بیرون راندن قبطیان از مصر به وسیله سحر ، از جمله محور های تبلیغاتی فرعونیان علیه موسی (ع)

لسحرن یریدان آن یخرجاکم من أرضکم بسحرهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - موسی و هارون (ع) ، مصون از گزند فرعون و بیرون از سلطه فرعونیان

إنّه لکبیر کم .. فلاقطنّ ایدیکم ... أشدّ عذابًا و أبقی

تهدید ساحران به شکنجه و دار، به دلیل گرایش به موسی و هارون(ع) و سکوت از مجازات آن دو، نشانه میسر نبودن آن برای فرعون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴

۱۴ - هارون ، دارای حق ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) بود .

و لقد قال لهم هرون .. فأتبعونی و أطیعوا أمری

فرمان هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

۱۵ - هارون در غیاب موسی (ع) ، بنی اسرائیل را به ترک تبعیت سامری ، و پیروی و اطاعت از خود فرا خواند .

لقد قال لهم هرون من قبل .. فأتبعونی و أطیعوا أمری

۱۶ - هارون (ع) ، در غیاب موسی (ع) ، وظیفه ارشاد ، هشدار ، امر به معروف و نهی از

منکر را به نحو وافی انجام داد .

و لقد قال لهم هرون من قبل يقوم .. فأتبعوني و أطيعوا أمری

۱۷ - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطيعوا أمری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان <أتبعونی>، حاکی از آن است که وی برای بنی اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را تدارک دیده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فأتبعوني و أطيعوا أمری .. قالوا لن نبرح علیه عكفین

<لن نبرح> یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۱،۳،۶

۱ - موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد بازخواست و توبیخ قرار داد .

یهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال یهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

<ما منعك ..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

۶ - جلوگیری از انحراف و گمراهی بنی

اسرائیل ، از وظایف هارون در غیاب موسی (ع)

یهرون ما منعك إذ رأيتهم ضلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۲،۳،۴

۲ - هارون در غیاب موسی (ع) ، وظیفه رهبری و هدایت بنی اسرائیل را به عهده داشت .

یهرون ما منعك .. ألا تتبعن

۳ - موسی (ع) ، وظایف و مسؤولیت های هارون را در زمان غیبت خود ، برای وی معین کرده بود .

ما منعك .. ألا تتبعن أفعصیت امری

<لا> در <ألا تتبعن> برای تأکید نفی مستفاد از <منعك> است و در اصل مراد چنین بوده است: <ما منعك أن تتبعن> .
برخی گفته اند: <لا> زاید نیست؛ بلکه مراد این است که: <ما الذي صدك و حملك على ألا تتبعن>؛ یعنی، چه چیز تو را بازداشت و بر پیروی نکردن من وادار ساخت (مفردات راغب).

۴ - هارون (ع) ، متهم به مخالفت با فرمان های موسی (ع) با سکوت و بی تفاوتی در برابر انحراف بنی اسرائیل

ما منعك .. أفعصیت امری

<أفعصیت ..> خطاب موسی (ع) به هارون (ع) است. ظاهر آیه چنین دلالت دارد که عصیان هارون از دستورات موسی (ع) ، لاقبل به عنوان اتهام از جانب موسی (ع) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۲،۳،۵،۸،۱۲،۱۳،۱۸،۲۰

۲ - موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یهرون ما منعك .. لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی

۳ - هارون)

(ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعک .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۵ - هارون (ع) با مشاهده غضب موسی (ع) ، سعی در فرونشاندن خشم آن حضرت و جلب محبت و تحریک عواطف او داشت .

قال یبنؤم

مخاطب قرار دادن موسی (ع) با ندای <یا بن أمم> گویای این نکته است که هارون (ع) سعی داشت با برانگیختن احساسات موسی ، غضب او را فرونشانده و سپس توضیحات خود را بیان کند. در باره مفتوح بودن کلمه <أمم> توجیهاتی بیان شده است؛ از جمله این که اصل آن <یا بن أمه> بوده و برای تخفیف چنین شده است.

۸ - هارون (ع) ، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان ، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد .

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی إئی خشیت

۱۲ - حفظ وحدت و یک پارچگی و جلوگیری از تفرقه ، عذر هارون (ع) جهت اقدام نکردن به صورت عملی علیه گوساله پرستان بنی اسرائیل

إئی خشیت أن تقول فرقت بین بنی إسرئیل

۱۳ - حفظ وحدت و یک پارچگی بنی اسرائیل ، از سفارش های موسی (ع) به هارون

فرقت بین بنی إسرئیل و لم ترقب قولی

<ترقب> به معنای <تحفظ> است و مفاد جمله <إئی خشیت..> با توجه به عطف <لم ترقب> بر <فرقت> این است که: <من نگران آن بودم که بگویی بنی اسرائیل را متفرق ساختی و گفته مرا حفظ و مراعات نکردی.> این گفته هارون (ع) دال بر آن است که

موسی (ع) پیش از رفتن به میقات، در مورد حفظ وحدت بنی اسرائیل، توصیه های لازم را به او کرده بود.

۱۸ - هارون (ع)، در صدد اجرای دقیق فرمان های موسی (ع) و تخطی نکردن از معیار های او، در طول مدت میقات موسی (ع) و غیبت او

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ... و لم تَرْقُبْ قَوْلِي

۲۰ - اتهام تفرقه افکنی، اتهامی سخت و غیر قابل تحمل برای هارون بود.

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

ترس هارون (ع) از اتهام تفرقه افکنی، با توجه به واژه <خشیت> که خوفی همراه با بزرگ شماری است بر شدت ناگواری آن برای وی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱

۱ - موسی (ع)، پس از توییح بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل، به بازخواست و محاکمه او پرداخت.

قال فما خطبک یسمری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱،۶

۱ - مسؤولیت مشترک موسی و هارون، در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف قوم او

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون... إلی فرعون و ملایه

<ملاً> اسم جمع و به معنای اشراف و سران است. <استکبار> (مصدر <استکبروا>)؛ یعنی، کبر ورزیدن و تکبر نمودن <علو> (مصدر <عالین>) نیز به معنای برتری جویی و سلطه طلبی است.

۶ - موضع گیری مستکبرانه فرعون و اشراف دربار او،

در برابر موسی و هارون (ع)

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون .. إلى فرعون و ملائیه فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۳،۴،۷

۳ - پذیرش درخواست موسی (ع) از سوی خدا در مورد همراهی هارون با وی

فأرسل إلى هرون .. فاذهبنا بایتنا

۴ - موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال کلاً فاذهبنا بایتنا إنا معکم

۷ - هارون ، شریک و همراه موسی (ع) در امر رسالت

فاذهبنا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶ - ۱،۱۰

۱ - فرمان الهی به موسی و هارون (ع) مبنی بر مواجهه مستقیم با فرعون و اعلام رسالت خویش به وی

فأتیا فرعون فقولاً إنا رسول ربّ العلمین

<آئی و ایتیان> در این جا به معنای حاضر شدن و خود را رساندن است. بنابراین <فأتیا فرعون> یعنی، خود را به فرعون برسانید و ...

۱۰ - طرح ربوبیت مطلق خداوند در برابر فرعون ، اولین گام مبارزه صریح موسی و هارون (ع) با وی

فأتیا فرعون فقولاً إنا رسول ربّ العلمین

تصریح موسی و هارون(ع) به این که عوالم جهان آفرینش تحت ربوبیت خدا است، می تواند اولین گام در مبارزه با فرعون و ردّ صریح ادعای وی باشد که می گفت: <أنا ربکم الأعلى>. (۷۹/۲۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونى ،

در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أنت القوم الظلمين .. فأتيا فرعون فقولا... أن أرسل معنا بني إسرائيل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی (ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تدبیر مشاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهرها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است؛ یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۱،۳

۱ - موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجّینهما و قومهما من الكرب العظیم

۳ - موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان ، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار از سوی فرعونیان

و نَجّینهما و قومهما من الكرب العظیم

اندوهی که موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان به آن گرفتار بودند، ناشی از مسائل و مشکلات شخصی نبود؛ بلکه بر اثر تبلیغ رسالت شان در میان فرعونیان به وجود آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ -

۲ - غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

قصه های انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۳

۳ خداوند ، پیامبران بسیاری را پس از نوح (ع) مبعوث کرد و بدان ها وحی فرستاد .

كما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۳،۴،۹

۳ خداوند ، تنها سرگذشت پاره ای از رسولان الهی را برای پیامبر (ص) بیان داشته است .

و رسلا قد قصصنهم علیک من قبل و رسلا لم نقصصهم علیک

۴ خداوند ، سرگذشت گروهی از پیامبران را در قرآن بیان نکرده است .

و رسلا لم نقصصهم علیک

۹ مخفی بودن رسالت گروهی از انبیا (بین آدم و نوح) ، دلیل ذکر نشدن نام آنان در قرآن

و رسلا لم نقصصهم علیک

امام باقر(ع): کان ما بین آدم و بین نوح من الانبیاء مستخفین و مستعلنین و لذلك خفی ذکرهم فی القرآن فلم یسموا کما سمی من استعلن من الانبیاء و هو قول الله <رسلا لم نقصصهم علیک>، یعنی لم اسم المستخفین کما سمیت السمعلنین من الانبیاء.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۳

۳ بعثت رسولانی متعدد قبل از حضرت مسیح (ع)

ما المسيح ابن مريم الا

رسول قد خلت من قبله الرسل

قصه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۴

۴ خداوند ، سرگذشت گروهی از پیامبران را در قرآن بیان نکرده است .

و رسلا لم نقصصهم عليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعيب (ع)

تلک القری نقص عليك من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قصه همسر ابو لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۸

۸ - همسر ابولهب ، در حالی که خود همیشه آتش جهنم را بر دوش می کشد ، به دوزخ خواهد افتاد .

حمّاله الحطب

چنانچه <حمّاله الحطب> حال و هم زمان با <سیصلی> باشد؛ ناظر به حالت ام جمیل هنگام ورود به دوزخ خواهد بود.

قصه همسر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بهشت و بودن در جوار لطف خداوند ، نهایت آرزو و آرمان معنوی همسر فرعون (آسیه)

إذ قالت ربّ ابن لي عندك بيتاً في الجنّة

۶ - همسر فرعون ، در آرزوی شهادت به سر می برد .

إذ قالت ربّ

ابن لی عندک بیتاً فی الجَنّه

با توجه به این حقیقت که آسیه، از سوی فرعون به شدت تحت شکنجه و آزار بود، می توان استنباط کرد که دعای او درباره بنا شدن خانه ای در بهشت، اشاره به نائل شدن وی به فیض بزرگ شهادت است.

۷- درخواست همسر فرعون از خداوند، به نجات خویش از شرّ فرعون

و نَجّنی من فرعون

۸- درخواست همسر فرعون از خداوند، به رهایی خویش از رفتار و برخورد فرعون

و نَجّنی من فرعون و عمله

۹- فرعون، شخصیتی منفور در نگاه همسرش آسیه و رفتار وی غیر قابل تحمل برای او

و نَجّنی من فرعون و عمله

۱۰- همسر فرعون، از خداوند خواستار نجات خود از شرّ مردم ستمگر (قبطیان و کارگزاران فرعون)

و نَجّنی من القوم الظالمین

۱۱- همسر فرعون، افزون بر آزار دیدن از او، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت.

نَجّنی من فرعون و عمله و نَجّنی من القوم الظالمین

تکرار درخواست نجات (و نَجّنی) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

۱۳- همسر فرعون، از خداوند خواستار نابودی فرعون و حکومت ستم پیشه او

نَجّنی من فرعون و عمله و نَجّنی من القوم الظالمین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آسیه، نجات خود را با نابودی فرعون و حکومت وی از خداوند خواستار شده باشد.

قصه همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار

داشتند .

كانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

قصه همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳ - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

كانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

قصه همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۵،۷،۸،۹

۵ - بزرگواری پیامبر (ص) ، در برخورد با همسران خطاکار خویش

عَرَفَ بعضه و أَعْرَضَ عن بعض

از این که پیامبر(ص) تنها قسمتی از مطلب افشا شده را به همسر افشاگرش گفت نه همه آن را می توان برداشت بالا- را به دست آورد.

۷ - پرسش همسر پیامبر (ص) (حفصه) ، از آن حضرت درباره منبع اطلاع ایشان از افشا شدن رازش

فلما تبأها به قالت من أنباك هذا

۸ - پیامبر (ص) ، در پاسخ به پرسش همسرش (حفصه) ، خدای دانا و آگاه را منبع آگاهی خویش از افشا شدن رازش معرفی کرد .

قال نبأني العليم الخبير

۹- هیچ کس ، جز خداوند ، از افشا شدن راز پیامبر (ص) از سوی همسرش (حفصه) آگاه نبود .

قالت من أنباك هذا قال ثبأني العليم الخبير

از این که پیامبر(ص) آگاهی خود را از ناحیه خداوند دانسته است، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶

۱- توصیه خداوند به دو همسر خطاکار پیامبر (ص) (حفصه و عایشه)، به توبه و دست برداشتن از خطاکاری

إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ

جواب شرط <إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ>، محذوف و تقدیر آن چنین است: <فهو خير لكما>. این جمله در حقیقت، تشویق و توصیه به توبه و تکرار نکردن اشتباهات گذشته است.

۲- گناه کاری همسران پیامبر (ص) (حفصه و عایشه)، به خاطر افشای راز آن حضرت

إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ

توصیه به توبه، نشانگر ارتکاب گناه است.

۴- دو همسر پیامبر (ص)، به خاطر افشا کردن راز آن حضرت، به انحراف قلبی از مسیر حق دچار شده بودند.

فقد صغت قلوبكما

۹- افشای سخنان محرمانه و راز پیامبر (ص)، از سوی برخی از همسرانش، نوعی توطئه و همدستی علیه آن حضرت بود.

و إن تظهدا علیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <إن تظهدا علیه> (اگر علیه پیامبر(ص) هم پستی کنید)، استفاده می شود. گفتنی است <تظهدا> (مصدر <تظهدا>) به معنای تعاون و هم پستی است.

۱۰- همسران خطاکار پیامبر (ص) (حفصه و عایشه)، در معرض تکرار خطا و خیانت علیه آن حضرت بودند.

و إن تظهدا علیه

از تعبیر <إن تظهدا علیه> (اگر علیه پیامبر هم پستی کنید)، استفاده می شود که حفصه و عایشه، در معرض تکرار چنین خطاهایی بودند.

۱۱- هشدار خداوند به همسران پیامبر، نسبت به تکرار خطاها و موضع گیری علیه ایشان

و إن تظهدا علیه فإنَّ الله هو مولیه .. و المئکه بعد ذلك ظهیر

آیه شریفه

می فرماید: خداوند، جبرئیل و .. در صورت اقدام همسران رسول اکرم، علیه ایشان، از آن حضرت پشتیبانی می کنند. بیان این مطلب در حقیقت، هشدار از جانب خداوند به آنان است.

۱۲ - افشای راز پیامبر (ص) از سوی برخی از همسرانش، گناه و خطایی بزرگ بود.

فقد صغت قلوبكما و إن تظهرا علیه فإنّ الله هو مولیه .. و الملائکه بعد ذلک ظهیر

مطلب یاد شده، از آهنگ هشدار آمیز آیه شریفه نسبت به همسران رسول خدا و لحن حمایت گونه آن، به دست می آید.

۱۵ - پیامبر (ص)، در برابر ضدیت و خیانت برخی از همسرانش، مورد حمایت و پشتیبانی خداوند، جبرائیل، صالح مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت.

و إن تظهرا علیه فإنّ الله هو مولیه .. و الملائکه بعد ذلک ظهیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۳، ۲

۲ - جایگزینی همسرانی شایسته تر برای پیامبر (ص)، در صورت عزم آن حضرت به طلاق زنان خطاکار خویش

عسی ربّه إن طلقک أنّ یدله أزوجًا خیرًا منکّن

۳ - وجود زنانی شایسته تر از همسران خطاکار پیامبر (ص)، برای همسری آن حضرت

ان یدله أزوجًا خیرًا منکّن

تهدید به جایگزینی زنان بهتر، نشان دهنده وجود چنین اشخاصی در جامعه آن زمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - هشدار خداوند، به دو همسر خطاکار پیامبر (حفصه و عایشه)، درباره سرنوشت شوم

خیانت به پیامبر (ص) همچون سرنوشت همسران نوح و لوط

ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح .. قيل ادخلا النار مع الداخلين

یادآوری خیانت همسران دو پیامبر پس از نقل ماجرای توطئه دو همسر پیامبر اسلام می تواند هشداری به آنان باشد.

قصه هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۶، ۵، ۴، ۳

۳ وجود رابطه خویشاندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

و إلى عاد أخاهم هوداً

تصریح به اینکه هود برادر قوم عاد بود، می تواند اشاره به این باشد که آن حضرت از خویشان قوم عاد بوده و نیز می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و به آنان محبت داشته است. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۴ هود ، پیامبری دلسوز و با محبت به مردم خویش (قوم عاد)

و إلى عاد أخاهم هوداً قال يقوم

۵ هود با برانگیختن عواطف قومی مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال يقوم

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام هود برای قوم عاد

قال يقوم اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۴، ۲، ۱

۱ گروهی از اشراف قوم هود به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر با انکار رسالت او در برابرش جبهه گیری کردند .

قال الملأ الذين كفروا من قومه

۲ اشراف کفرپیشه قوم هود، وی را به سفاهت و دروغگویی متهم کردند.

قال الملأ الذين كفروا .. انا

لنریک فی سفاهه و إنا لنظنک من الکذبین

۴ تکذیب هود از سوی کافران قومش ، مبتنی بر حدس و گمان ، و نه علم و یقین *

إنا لنظنک من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۱،۲،۳

۱ هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه سفاهت و دروغگویی میرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

۲ هود ، رسولی از جانب خدا

و لکنی رسول من رب العلمین

۳ هود با استناد به رسالت الهی خود ، خویشان را از هر گونه سفاهت و کم خردی میرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱،۴

۱ هود (ع) در پاسخ قوم عاد ، خویشان را مبلغ پیام های خداوند ، خیرخواه مردم و فردی امین و سزاوار اطمینان خواند .

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

۴ هود ، استواری خویش را در تبلیغ رسالت های الهی به مردم گوشزد کرد .

أبلغکم رسلت ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۳،۱۶

۳ ادعای پیامبری از سوی هود (ع) ، نشانه سفاهت وی در پندار قوم عاد

إنا لنريك في سفاهه .. أو عجبتهم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

۱۶ هود (ع) به منظور ایجاد زمینه رستگاری در قوم خویش آنان را

به یادآوری دو نعمت بزرگ الهی (جانشینی قوم نوح ، برخورداری از نیرویی چشمگیر) فراخواند .

و اذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح . . لعلمکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱۱، ۷، ۱

۱ هود با ابلاغ مأموریت خویش از جانب خداوند ، مردمش را به توحید ، عبادت خداوند و ترک پرستش معبودان دروغین فراخواند .

أجئتنا لنعبد الله وحده و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

۷ تقلید از نیاکان و حفظ سنت های پیشینیان ، از انگیزه های قوم عاد برای پرستش معبودان دروغین و رویارویی با دعوت هود

قالوا . . و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

۱۱ قوم عاد با ناباوری به صداقت و راستگویی هود ، از وی خواستند تا تهدید های خویش را تحقق بخشد .

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱۸، ۱۷، ۱۱، ۱۰، ۲

۲ هود (ع) در پاسخ ناباوری قوم عاد به اخطار های عذاب ، فراهم آمدن زمینه های عذاب (پلید گشتن و گرفتاری به غضب خدا) را به آنان ابلاغ کرد .

فأتنا بما تعدنا . . قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

۱۰ هود ، گرفتار جدال و کشمکش مدام قوم عاد درباره معبودان بی اساسشان

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أنتم و ءاباؤکم

۱۱ هود با پرخاش به قوم خویش خواهان ترک بحث و جدال آنان با وی درباره معبودان دروغین شد .

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أنتم و ءاباؤکم

۱۷ هود (ع)

(، قوم مشرک خویش را به نزول عذابی از جانب خداوند آگاه ساخت .

فانتظروا إني معكم من المنتظرين

متعلق <انتظروا> به دلیل آیه بعد، عذاب الهی است.

۱۸ هود در انتظار نزول عذاب الهی بر قوم عاد ، پس از ابلاغ رسالت های الهی و اصرار آنان بر انکار توحید و رسالت وی

فانتظروا إني معكم من المنتظرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۲،۳

۲ گروهی از قوم هود رسالت وی را پذیرفتند و آیات الهی را تصدیق کردند و به یگانگی خداوند ایمان آوردند .

و الذین معه

۳ خداوند ، هود و مؤمنان به وی را از عذاب نازل شده بر قوم عاد ، نجات بخشید .

فأنجیناه و الذین معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۵،۱۱

۵ هود (ع) ، به قومش اعلام کرد که پاداش رسالتش ، تنها برعهده خداوند است .

قال یقوم .. إن أجری إلا علی الذی فطرنی

۱۱ هود (ع) ، قومش را به اندیشه کردن و فهمیدن حقایق و معارف دین فراخواند .

أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲،۲۰

۲ طلب بخشایش گناهان از خداوند ، حرکت به سوی او و استغفار از شرک ، از توصیه ها و پیام های هود (ع) به مردم

خویش

و يقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

۲۰ هود (ع) از قوم عاد خواست تا از دعوتش (پذیرش توحید ، یکتاپرستی و ترک شرک و

استغفار از گناهان) اعراض نکنند و بر گناه خویش اصرار نورزند .

و لاتتولوا مجرمین

<تولّی> (مصدر لاتتولوا) به معنای اعراض کردن و نپذیرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۶

۶ دعوت هود (ع) و سخنان او، بی تأثیر در بازداري قومش از شرک و پرستش خدایان دروغین

و ما نحن بتارکی ءالھتنا عن قولک

<عن> در <عن قولک> برای تعلیل است. بنابراین معنای جمله <ما نحن ...> چنین می شود: سخن و ادعای تو، باعث نخواهد شد که ما خدایان خویش را رها کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۵،۶

۵ هود (ع) به مشرکان اعلان کرد که از معبودهایشان بیزار است و آنها را منشأ هیچ تأثیری نمی داند و شایسته پرستش نمی شمارد .

قال .. اشهدوا انی بریء مما تشرکون

بیزاری و تنفر هود(ع) از بتها و معبودهای اهل شرک، به معنای منشأ اثر ندانستن آنها و شایسته عبادت نشمردنشان است. از اینکه هود(ع) در خطاب به مردم نگفت: <اشهدکم>، ولی در گواه خواهی از خداوند گفت: <أشهد الله> معلوم می شود مراد از <واشهدوا>، مجرد اعلان است نه شاهد گرفتن مردم.

۶ هود (ع) ، خداوند را بر بی تأثیر دانستن معبود های اهل شرک و اعلان بیزاری از آنان ، گواه گرفت .

قال انی اشهد الله واشهدوا انی بریء مما تشرکون

اشهاد (مصدر اشهد) به معنای گواه گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

هود (ع) ، همه مشرکان قوم عاد و خدایان آنان را ، به توطئه و مبارزه علیه خویش فرا خواند .

فکیدونی جمیعاً

چون در آیه قبل ، سخن از مشرکان و نیز بت‌های آنان بود ، مقصود از <جمیعاً> تمامی مشرکان و همه بت‌هاست .

۳ هود (ع) ، به مشرکان قومش اعلام کرد که در پی توطئه‌ها و مکرهایشان ، به او مهلت نداده و او را از میان بردارند .

فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

<انظار> به معنای مهلت دادن است و <لاتنظرون> (مرا مهلت ندهید) کنایه از <نابودم سازید> ، می باشد .

۴ آشکار شدن عجز بت‌ها و تأثیر نداشتن آنها در امور آدمیان و نیز روشن شدن ناتوانی قوم عاد در برابر خواست خداوند ، هدف هود (ع) از فراخوانی مردم ، به مبارزه و توطئه علیه خویش

فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

<کیدوا> فعل امر از مصدر <کَیَدٌ> (مکر کردن) است . امر در جمله فوق به تناسب مورد امر تعجیزی است ؛ یعنی ، درخواستی است برای نشان دادن عجز و ناتوانی مخاطب از انجام کار .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱۰ ، ۵

۵ خداوند ، هود (ع) و پیروانش را ، از عذاب نازل شده بر قوم عاد نجات داد .

و لما جاء أمرنا نجینا هوداً والذین ءامنوا معه

۱۰ خداوند ، هود (ع) و پیروان او را ، از گرفتار شدن به عذاب آخرت نجات داد .

و نجینهم من عذاب غلیظ

بر این اساس که مقصود از <عذاب غلیظ> عذاب اخروی باشد ، ماضی آوردن فعل <نجینا> اشاره

به این نکته دارد که: مؤمنان به هود(ع) پس از نزول عذاب استیصال بر قوم عاد ، همچنان به ایمان خویش پایبند بودند و مستحق عذاب اخروی نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۱

۱ - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومه

و قال الملائمة من قومه . . . إن هو إلا رجل افتری ... و ما نحن له بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - التجای پیامبر پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

ظرف <قال> محذوف است؛ یعنی، <قال بعد ما ایس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی) است. بنابراین <بما کذبون> به تأویل <بتکذیبهم ایّای> می باشد.

۲ - فرستاده الهی پس از نوح خواستاری یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومه بود .

قال رب انصرنی بما کذبون

۴ - التجای فرستاده الهی پس از نوح به درگاه پروردگار ، برای نزول عذاب استیصال

قال رب انصرنی بما کذبون

<باء> در <بما کذبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> اسم موصول و به معنای <الذی> بوده و عاید آن محذوف است؛ یعنی، <رب انصرنی بالذی کذبونی به> (پرودگار! مرا با همان چیزی که [دروغش پنداشتند و] تکذیبم کردند، یاری فرما).

۵ - هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال ، از سوی پیامبر پس از نوح

قال رب انصرنی بما کذبون

هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۱

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبر پس از نوح از سوی خداوند

قال رب انصرنی .. قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قلیل> به معنای <بعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است، یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عمّا قلیل> متعلق به <یصبحنّ> و <إصبح> (مصدر یصبحنّ) به معنای صیوررت و شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۳ - ۱

۱ - تکذیب رسالت هود (ع)، از سوی قوم عاد

کذّبت عاد المرسلین

گفتنی است که <عاد> اسم جد اعلاّی قوم هود است. بنابراین تمسیه آن قوم به عاد، از باب تمسیه یک قبیله به نام نیای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۶

۶ - عادیان، مورد سرزنش هود (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم هود ألا تتقون

استفهام در جمله <ألا تتقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دعوت هود (ع) از قومش مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <أَمِينٌ> می تواند از ریشه <أَمِنَ> و

به معنای <مأمون>؛ (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <آمین> دعوتی است از جانب هود(ع) به قومش که به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

۵- تصریح هود (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع عادیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> با لام انتفاع استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۱،۲

۱- دعوت مجدد هود (ع) از عادیان ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

۲- هود (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <اتقوا الله و اطیعوا> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> مفید مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۱

۱- تصریح هود (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

وَمَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ .. إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۳

۳- سرزنش عادیان توسط هود (ع) به خاطر ساختن بناهایی بی فایده و بازیگرانه

أَتَيْنُونَ بِكُلِّ رِيْعٍ ءَايَةً تُعِيبُونَ

استفهام در <أتنبون> برای توییخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - سرزنش عادیان از سوی هود (ع) ، به خاطر احداث قصر ها و روحیه کاخ نشینی آنان

و تتخذون مصانع لعلکم تخذلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از قوم عاد ، برای اطاعت از وی ، رعایت تقوای الهی و پرهیز از بیهودگی ، غرور و خشونت

أتبنون ... تعبثون ... بطشتم جبارین . فاتقوا الله و أطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۱،۲

۱ - تأکید هود (ع) بر بیمناک بودن درباره سرنوشت قومش ، به خاطر بی تقوایی و ناسپاسی آنان

فاتقوا الله .. الذى أمدکم ... إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

۲ - اقدام هود (ع) به انذار دادن قوم عاد به عذاب قیامت

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۱،۴

۱ - بی تأثیر خوانده شدن موعظه ها و اندرز های هود از سوی قوم عاد

قالوا سواء علينا أوعظت أم لم تكن من الوعظین

۴ - تلاش قوم عاد ، به ایجاد یأس و ناامیدی در حضرت هود (ع) نسبت به دستیابی او به اهداف رسالتش

قالوا سواء علينا أوعظت أم لم تكن من الوعظین

یادآوری قوم عاد به حضرت هود(ع) مبنی بر مؤثر نبودن موعظه هایش، می تواند به منظور ایجاد یأس در آن حضرت و نیز

بازداشتن ایشان از تلاش برای ادامه رسالت و

تبلیغ خود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۳،۶

۳ - تهمت ارتجاع و واپس گرایی به هود (ع) از سوی قوم عاد

إن هذا إلا خلق الأولین

۶ - تکیه و پافشاری قوم عاد بر سنت های نیاکانشان ، عامل رویارویی آنان با هود (ع) و رد کردن نصایح وی

إن هذا إلا خلق الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۲

۲ - ناباوری قوم عاد نسبت به هشدار های هود (ع) ، ریشه تکذیب رسالت آن حضرت

و ما نحن بمعذبین فکذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۹،۱۷

۹- سرگذشت هود و انذار های او به قوم خود ، نمونه ای از سرگذشت رسولان الهی و تلاش آنان برای هدایت مردم در طول

تاریخ

و قد خلت النذر من بین یدیه و من خلفه

می توان گفت: تعبیر <قد خلت... و من خلفه> در آیه شریفه، به صورت جمله معترضه آمده، تا بیانگر این معنا باشد که یادکرد سرگذشت هود به مثابه یادکرد دیگر پیامبران است؛ زیرا آنان در هدف مشترک بوده اند و سرگذشت هود به عنوان نمونه یاد شده است.

۱۷- اظهار نگرانی و هشدار هود (ع) ، نسبت به فرجام شوم قوم خویش و نزول عذاب الهی بر آنان

و اذکر أخوا عاد... إني أخاف عليكم عذاب يوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۲

-۲

قوم عاد، متهم کننده هود (ع)، به دروغ پردازی برای جداسازی آنان از خدایانشان

قالوا أجتئنا لتأفكنا عن الهتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۱

۱- اظهار بی اطلاعی هود (ع)، از کیفیت و زمان نزول عذاب الهی بر کافران قومش

فأنتا .. قال إنما العلم عند الله

قصه هود(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۵

۵- سرگذشت هود (ع) و قوم عاد، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

فكذبوه فأهلكهم إن في ذلك لآيه

واژه <ذلك> اشاره دارد به: نصیحت های هود(ع) و هشدارهای وی به عادیان، تأثیر ناپذیری آنان، تکذیب رسالت او و سرانجام هلاکت آنان به اراده خداوند. گفتنی است که کلمه <آیه> در اصل، به معنای نشانه است و در این جا معنایی معادل <عبره> دارد و نکره آمدن آن برای تفخیم و بیانگر وجود مایه های بزرگ عبرت در داستان هود و عادیان است.

قصه یاجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۲، ۶

۶- میانه دو کوه مرتفع و سد آسا، تنها راه نفوذ و حمله یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) علیه همسایگان خود بود.

فهل نجعل لك خرجا على أن تجعل بيننا وبينهم سدا

۱۲- > عن أمير المؤمنين (ع) : إن ذا القرنين ... وجد ... قوماً لا يكادون يفقهون قولاً قالوا : يا ذا القرنين ! إن ياجوج و ماجوج

خلف

هذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إیمان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتی لا یبقون من ها شیئاً > فهل نجعل لك خرجاً < نؤدیه إلیك فی کلّ عام > علی أن تجعل بیننا و بینهم سدّاً < ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یاجوج و ماجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو پردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۹۷ - ۲

۲- یاجوج و ماجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما استطعوا أن یظھروه و ما استطعوا له نقباً

>ظھور< به معنای <علو> و بالا رفتن است >فما استطعوا أن یظھروه< یعنی: >اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند.< . <نقب> به معنای <سوراخ و تونل> است و >ما استطعوا له نقباً< یعنی: >نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.< .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یاجوج و ماجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْتِ يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ وَ هُم مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون> یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

قصه یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۷، ۳، ۱

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ

<ذَٰلِكَ>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکر است .

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱

۱ سرگذشت زکریا ، عیسی ،

مریم ، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن ، حق و از جانب پروردگار است .

الحق من ربك

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱،۳

۱ - ابراهیم و یعقوب (ع) هر یک دارای پسرانی چند بودند .

و وصی بها ابرهیم بنیه و یعقوب یبنی

۳ - یعقوب (ع) ، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم (تسلیم شدن در برابر خدا) سفارش کرد .

و وصی بها ابرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <ابراهیم> است، یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۲،۳،۴،۶،۷

۲ - یعقوب ، دارای پسرانی چند

إذ قال لبنيه

برداشت فوق، از جمع آوردن کلمه <بنیه> استفاده شده است.

۳ - پسران یعقوب (ع) در زمان حیات او ، انسانهایی موحد و پرستشگر خدای یکتا بودند .

إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدي

برداشت فوق از قید <من بعدی> استفاده شده است.

۴- یعقوب (ع)، نگران باورهای دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

۶- یعقوب (ع) در آستانه مرگ، فرزندانش را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد.

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

۷- فرزندان یعقوب، او را بر ملازمت به پرستش خدای بی

همتا و تسلیم بودن در برابرش مطمئن ساختند .

قالوا نعبد .. إلهاً وحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع) ، از اعتذار های یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لا تأمناً .. قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۴ یعقوب (ع) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف (ع) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ تصمیم یعقوب (ع) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف (ع) و پی گیری نکردن آن

بل سؤلت لكم .. والله المستعان علی ما تصفون

۱۲ یعقوب (ع) مصمم بر شکیبیا بودن در فراق یوسف (ع) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف (ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۵

۵ برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقا

۲ یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند) .

لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقا من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لنأتنتنی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند . <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقا) ؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

۳ یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتى تؤتون موثقا من الله لتأتنتنی به إلا أن يحاط بكم

۵ یعقوب (ع) از فرزندانش انتظار نداشت با به خطر انداختن خویش در حفظ بنیامین و باز \$ گرداندن او تلاش

کنند .

إِلَّا أَنْ يَحَاطَ بِكُمْ

احاطه که ظاهراً مصدر <يحاط> است به معنای گرفتن پیرامون چیزی از همه جوانب آن است و در آیه شریفه کنایه از مغلوب شدن و بسته شدن همه راهها و چاره هاست.

۶ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لَتَأْتِنَنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يَحَاطَ بِكُمْ

ظاهر این است که عبارت <إِلَّا أَنْ يَحَاطَ بِكُمْ> استثنا از قسم که مفاد <لَتَأْتِنَنِي بِهِ> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <وَاللَّهِ لَأَتِينَنَّكَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَحَاطَ بِنَا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله على ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۶،۷،۵،۴،۱

۱ یعقوب (ع) در آستانه سفر فرزندانش به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال يبنِّي لا تدخلوا ... و عليه فليتوكل المتوكلون

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لا تدخلوا من باب وحد ... ما أغنى عنكم من الله من

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندان را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لاتدخلوا من باب وحد . . ما أغنى عنكم من الله من شیء

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . . ما أغنى عنكم من الله من شیء

از اینکه یعقوب (ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۷ یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندان به مصر، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

بینی لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ یعقوب (ع) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده، به کار بست .

إلا حاجة فی نفس یعقوب قضیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۴، ۱۲، ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع)، بنیامین و لاوی، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف (ع)، بنیامین و لاوی است.

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش، یوسف

(ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۶، ۵، ۲، ۱

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولى عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف (ع) را برای یعقوب (ع) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف (ع) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وایضت عیناه من الحزن

<ایضاض> مصدر باب افعال از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً .. وایضت عیناه من الحزن

۷ گریه فراوان یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع)

وایضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود؛ ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب (ع) بر اثر فراق یوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وایضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولیٰ عنهم .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد؛ یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱،۳،۴

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف>؛ یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت

پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله...> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۰، ۹، ۳، ۲، ۱

۱ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثی و حزنی إلی الله

<بثّ> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را تحمل کند. از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

۲ یعقوب (ع) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ، تنها به خداوند شکایت می کرد .

قال إنما أشکوا بثی و حزنی إلی الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ؛ یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بدرفتاری آن چیز. بنابراین <إنما أشکوا بثی و حزنی إلی الله> ؛ یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

۳ یعقوب (ع) هرگز از غم و اندوهش به غیر خدا (فرزندان و اطرافیانش) شکایت و گلایه نکرد .

قال إنما أشکوا بثی و حزنی إلی الله

۹ یعقوب

(ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لا تعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۳،۴

۲ یعقوب (ع) به فرزنداناش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند .

یَبْنِیْ اَذْهَبُوا فَتَحَسُّوْا مِنْ یُوْسُفَ وَ اَخِیْهِ

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۳ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف (ع) و بنیامین امیدوار شد .

یَبْنِیْ اَذْهَبُوا فَتَحَسُّوْا مِنْ یُوْسُفَ وَ اَخِیْهِ وَ لَا تَأْتِیْسُوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزنداناش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

۴ یعقوب

(ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لا تأیسوا من روح الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۲،۳،۴،۸،۹،۱۰

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

جمله <قال أبوهم ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف (ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب (ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف (ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرفیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۴ شامه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۸ سست شدن عقل و خرد بر اثر پیری و کهنسالی، اتهام خانواده یعقوب به آن حضرت

لولا أن تفنّدون

<فَنَدَ > به معنای فساد عقل بر اثر پیری است و <تفنّدون> (مصدر تفنّدون)؛ یعنی، کسی را به خاطر پیری و فرتوتی سست اندیشه شمردن (کشاف).

۹ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب در برخورد

لولا أن تفندون

۱۰ ترور شخصیت یعقوب (ع) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفندون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنك لفي ضللك القديم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القديم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف (ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنك لفي ضللك القديم

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنني لأجد ريح يوسف . . قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف (ع) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إنني لأجد ريح يوسف . . قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

۵ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب به ساحت والای آن حضرت

إنك لفي ضللك القديم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف)

ع) بر آن، فروغ گرفت و بینایش بازگشت .

أَلْقِيهِ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: ۱\$ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۱۱ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد.

أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱

۱ یعقوب (ع) از ستم فرزندانش در حق خویش درگذشت و آنان را بخشود .

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرَ لَكُمْ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱

۱ خاندان یعقوب، تقاضای یوسف (ع) را پذیرفتند و همگی از کنعان به سوی مصر کوچ کردند .

وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ .. فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يَوْسُفَ

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۷

۱ یعقوب (ع) و

خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکر میانه <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّداً

<خروار> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّداً> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <ادخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نجینه و

لوطًا إلى الأرض... ووهبنا له إسحق و يعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱۱، ۹، ۸، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إني رأيت أحد عشر كوكبا والشمس والقمر رأيتهم لي سجدین

۳ یوسف (ع) هیچ ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

إني رأيت أحد عشر كوكبا .. رأيتهم لي سجدین

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبا .. رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

۵ یوسف (ع) رؤیای شگفت خویش را برای پدرش (یعقوب (ع)) بیان کرد .

إذ قال يوسف لأبيه يأبت إني رأيت

۶ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال يوسف لأبيه يأبت .. بيني

تعبیر <يأبت> (ای پدرم) در

کلام یوسف(ع) و <بینی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

۸ > عن أبي جعفر (ع) : ... رأى يوسف هذه الرؤيا و له تسع سنين فقَصَّها على أبيه ... و كان يوسف من أحسن الناس وجهاً و كان يعقوب يحبه ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده: .. یوسف این خواب را در سن نه سالگی دید و آن را برای پدرش نقل کرد ... یوسف از تمام مردم زیبا صورت تر بود و یعقوب او را دوست می داشت <.

۹ > عن أبي جعفر (ع) : ... تأويل هذه الرؤيا أنه سيملك مصر و يدخل عليه أبواه و إخوته أما الشمس فأُمّ يوسف راحيل و القمر يعقوب و أما أحد عشر كوكباً فإخوته فلما دخلوا عليه سجدوا شكراً لله و حده حين نظروا إليه ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده: تأویل این خواب یوسف این است که او به زودی بر مصر پادشاهی خواهد کرد و پدر و مادر و برادرانش بر او وارد می شوند ; اما خورشید مادر یوسف <راحیل> و ماه <یعقوب> و یازده ستاره <برادران او> هستند. پس هنگامی که بر او وارد شدند و به او نظر افکندند برای خدا سجده شکر کردند ...<.

۱۱ > قال أبو حمزة : فقلت لعلی بن الحسین (ع) : متى رأى يوسف الرؤيا ؟ فقال : فى تلك الليلة التى بات فيها يعقوب و ولده شباعاً و بات فيها ذميال جائعاً رائهاً ... ;

ابو حمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم

چه وقت یوسف (ع) این خواب را دید؟، فرمود: همان شبی که یعقوب و فرزندانش با شکم سیر خوابیدند و ذمیال با شکم گرسنه و در حال ناراحتی خوابید... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۳، ۲۰، ۱۴، ۱۳، ۶، ۵، ۴، ۱

۱ یعقوب (ع)، فرزندش یوسف (ع) را از نقل خواب خویش برای برادرانش بر حذر داشت .

بینی لاتقصص رءیاك علی إخوتك

۴ یعقوب (ع) مطمئن به مکر و کید فرزندانش علیه یوسف (ع) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لاتقصص رءیاك علی إخوتك فیکیدوا لك کیداً

چنان چه یعقوب (ع) اطمینان و یقین به کید و مکر فرزندانش علیه یوسف (ع) نداشت ، پس از نقل رؤیا می فرمود: <فإنی أخاف أن یکیدوا... > (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

۵ یعقوب (ع) ، نگران آسیب دیدن یوسف (ع) از ناحیه برادرانش

فیکیدوا لك کیداً

۶ یعقوب (ع) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف (ع) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لك کیداً

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

۱۳ رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال بینی

کلمه <بنی> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <بینی> ; یعنی، ای پسر کوچک من.

۱۴ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب

(ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

يَأْتِ . . . قَالَ يَبْنِي لَاتَقْصَصْ رَأْيَاكَ

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف (ع) و <یبنی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب (ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

۲۰ برادران یوسف ، در خطر گرفتاری به دام دشمنی های شیطان در صورت شنیدن رؤیای یوسف (ع)

فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

۲۳ > عن علي بن الحسين (ع) : . . . فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصها على أبيه يعقوب . . . فقال يعقوب ليوسف : لاتقصص رؤياك هذه على إخوتك . . . فلم يكتف يوسف رؤياه فقصها على إخوته . . . ;

از امام سجاده (ع) روایت شده . . . هنگامی که یوسف آن خواب را دید و بامداد برای پدرش یعقوب بازگو کرد . . . یعقوب به یوسف گفت: این خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن . . . یوسف خواب خود را پوشیده نداشت و برای برادرانش بازگو کرد . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱

۱ رؤیای یوسف (ع) حاکی از برگزیده شدنش از ناحیه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و كذلك يجتبيك ربك

<اجتباء> به معنای گزینش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراین <يجتبيك ربك> یعنی ، پروردگارت تو را برمی گزیند و برای خویش خالص می گرداند ، به طوری که نصیبی در تو برای غیر او نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است.

يجتبيك ربك و يعلمك .. لقد كان في يوسف و إخوته آيت للسائلين

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و...> باشد که از جمله های <کذلک يجتبيك ربك و...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۵، ۸

۸ حسادت برادران یوسف به وی، آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت.

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

۱۵ > عن علي بن الحسين (ع) : ... فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها علي أبيه يعقوب ، فاغتم يعقوب لما سمع من يوسف مع ما أوحى الله عزوجل إليه أن استعد للبلاء ... و خاف أن يكون ما أوحى الله عزوجل إليه من الإستعداد للبلاء هو في يوسف خاصّه فاشتدت رفته عليه من بين ولده فلما رأى إخوه يوسف ما يصنع يعقوب بيوسف و تكرمته إياه و إيثاره إياهم إشتد ذلك عليهم ... و قالوا : إن يوسف و أخاه > أحب إلى أبينا منّا < ... ;

از امام سجاده(ع) روایت شده است: ... هنگامی که یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او

وحی کرد که آماده بلا باش غمگین شد ... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتیر شد؛ چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرمی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱۱، ۹، ۷، ۵، ۱

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً

جمله <اقتلوا یوسف..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲ اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۵ برادران یوسف در صورت نبود او، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب (ع) نمی دیدند.

لیوسف و أخوه أحب .. اقتلوا یوسف ... یخل لکم وجه أییکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب (ع) به یوسف (ع) و نیز بنیامین در رنج بودند؛ ولی با از میان بردن یوسف (ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین

، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

۷ برادران یوسف حضور او در نزد یعقوب را ، مایه تلخ کامی و نابسامانی خویش می دانستند .

اقتلوا یوسف .. تکنونوا من بعده قومًا صالحین

۸ برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا .. و تکنونوا من بعده قومًا صالحین

مراد از صلاح در <قومًا صالحین> صلاح امور دنیوی است ؛ زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تکنونوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکنونوا...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف .. و تکنونوا من بعده قومًا صالحین

در برداشت فوق، صلاح در <قومًا صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکنونوا> به معنای مع و <تکنونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف ... و تکنونوا من بعده قومًا صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

۱۱ > عن علی بن الحسین (ع) فی قوله تعالی : < و تکنونوا من بعده قومًا صالحین > ای تتوبون ؛

از امام سجاد(ع) روایت

شده که درباره سخن خدا که می فرماید: [برادران یوسف گفتند:] <وتكونوا من بعده قوماً صالحين> فرمود: یعنی بعد از آن توبه می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت.

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود.

لا تقتلوا يوسف و ألقوه في غيبث الجب .. إن كنتم فعلين

جمله شرطی <إن كنتم فاعلين> (اگر بر توطئه علیه یوسف (ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن كنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود؛ یعنی، <إن كنتم فاعلين فألقوه في غيبث الجب>.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند.

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه في غيبث الجب يلتقطه بعض السیارة

<جب> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جب> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غيبث الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می

دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لا تَقْتُلُوا یوسف . . . و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف (ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

۷ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال کبیرهم > ولا تَقْتُلُوا یوسف < و لکن > ألقوه فی غیبت الجب < ;

از امام سجاد (ع) روایت شده است: . . . که برادر بزرگ تر آنان گفت: یوسف را نکشید ، ولی او را در مخفی گاه چاه قرار دهید < .

۸ > عن أبی جعفر (ع) : . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر (ع) روایت شده است: . . . پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لا تقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب .. قالوا یا بانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

۳ یعقوب (ع) از سپردن یوسف (ع) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لک لا تأمنّا علی یوسف

۴ بردن یوسف (ع) از نزد یعقوب (ع) ، مشکل اساسی برادران یوسف در اجرای توطئه علیه او

قالوا یا بانا ما لک لا تأمنّا علی یوسف

۵ زمینه سازی برادران یوسف جهت جلب رضایت پدر در بردن یوسف (ع)

یا بانا ما لک لا تأمنّا علی یوسف

۶ فرزندان یعقوب ، با دروغ و نیرنگ در صدد برآمدن تا اعتماد وی را جلب کرده و رضایت او را در سپردن یوسف (ع) به ایشان فراهم سازند .

و إنا له لنصحون

۷ برادران یوسف با حضور در پیشگاه یعقوب (ع) لب به شکایت گشوده و از بی اعتمادی او نسبت به آنان درباره یوسف (ع) انتقاد کردند .

قالوا یا بانا ما لک لا تأمنّا

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف (ع) تأکید کردند .

ما لک لا تأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

۹ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به او ، و تحریک

احساسات وی درصدد فریب دادن او بودند .

قالوا یا بانا ما لک لا تأمنا علی یوسف

برداشت فوق ، از خطاب <یا بانا> (ای پدر جانمان) و نیز لحن کلام <ما لک لا تأمنا ..> (چه شده است که به ما درباره یوسف بی اعتماد هستی) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۱ - ۱۲

۱ فرزندان یعقوب ، پس از طرح توطئه علیه یوسف (ع) از او خواستند تا یوسف (ع) را همراه آنان به مرتع بفرستد .

أرسله معنا غداً

۲ برادران یوسف ، زمان اجرای توطئه علیه او را ، فردای همان روز مشورت با یکدیگر و گفت و گو با پدرشان تعیین کردند .

إذ قالوا .. قالوا یا بانا ... أرسله معنا غداً

۳ برادران یوسف در اجرای نقشه شوم خویش علیه او ، تعجیل داشتند و درنگ را روا نمی دانستند .

أرسله معنا غداً

برداشت فوق ، از تصریح برادران او به اینکه <فردا یوسف (ع) را به همراه ما بفرست< استفاده می شود.

۴ برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیازهای طبیعی یوسف (ع) (حضور در مرتع و گردش و بازی) درصدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند .

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

<یرتع> (مصدر یرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها ، مزارع و مراتع است.

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

۶ یوسف

(ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است.

أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

برداشت فوق، از فعل <يلعب> (بازی کند) به دست می آید؛ زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

۸ فرزندان یعقوب در حضور او، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف (ع) را برعهده گرفتند.

و إنا له لحفظون

تأکید فراوان، از آوردن جمله اسمیه به همراه <إنَّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

۱۱ > عن أبي جعفر (ع): ... فقالوا كما حكى الله عزوجل <... أرسله معنا غداً يرتع و يلعب > أي يرعى الغنم و يلعب؛

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً يرتع و يلعب>؛ یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۹

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع) به همراه فرزندان، موافق نبود و از آن اعتذار می جست.

قال إني ليحزنني أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع)، از اعتذارهای یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لا تأمناً.. قال إني ليحزنني أن تذهبوا به

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر

و محزون می شد .

قال إني ليحزنني أن تذهبوا به

۴ یعقوب (ع) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف (ع) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إني ليحزنني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب

۷ غفلت برادران از حراست یوسف (ع) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب (ع) نبود .

أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غفلون

۸ > عن أبي عبدالله (ع) قال : إن بني يعقوب لما سألوا أباهم يعقوب أن يأذن ليوسف في الخروج معهم قال لهم > إني أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غافلون < . . . قَرَّبَ يَعْقُوبُ لَهُمُ الْعِلَّةَ اعْتَلَّوْا بِهَا فِي يَوْسُفَ (ع) ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: فرزندان یعقوب هنگامی که از پدر خواستند تا اذن دهد که یوسف با آنان بیرون رود، پدرشان گفت: من می ترسم که او را گرگ بخورد و شما از او غافل باشید . . پس یعقوب عذری را که آنان برای نیاوردن یوسف اظهار کردند به [ذهن آنان] نزدیک کرد.

۹ > عن علي بن الحسين (ع) : . . . قال يعقوب (ع) > إني ليحزنني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب < فانترعه حذراً عليه من أن تكون البلوى من الله عزوجل علي يعقوب في يوسف خاصه . . . ؛

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . . . یعقوب [به فرزندان] گفت: > بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد < ؛ پس یوسف را

از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلایی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳،۴،۵

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند.

أخاف .. قالوا لئن أكله الذئب و نحن عصبه

۴ تأکید برادران یوسف بر بی لیاقتی خویش در صورت ناتوانی از حراست یوسف (ع)

لئن أكله الذئب و نحن عصبه إنا إذا لخسرون

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند.

إنا إذا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش، موافقت او را برای فرستادن یوسف (ع) به همراه خود جلب کردند.

إنا له لحفظون .. فلما ذهبوا به

۴ برادران یوسف تا قبل از بردن او به صحرا، نسبت به سرنوشت او به نظر قطعی نرسیده بودند. *

فلما ذهبوا به و أجمعوا

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای اتفاق نظر و عقیده و نیز به معنای تصمیم گرفتن و مهتئای انجام کاری شدن است. برداشت فوق، ناظر به معنای نخست است.

۵ برادران یوسف در توطئه علیه او، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند.

و ألقوه في غيب الجب .. و

أجمعوا أن يجعلوه في غيب الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند ، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

۶ برادران یوسف پس از همراه بردن او ، همگی خود را برای نهادن وی در نهانخانه چاه ، مهیا ساختند .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه في غيب الجب

در برداشت فوق <اجماع> به معنای تصمیم گرفتن و مهیای انجام کار شدن گرفته شده است. قابل ذکر است که آیات پیشین (۹ ، ۱۰ و ۱۱) مؤید این معنا می باشد.

۷ صحنه نهادن یوسف در چاه به دست برادرانش ، صحنه ای بس فجیع و اندوه بار بود .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه في غيب الجب

<لما> حرف شرط است و جواب آن در آیه شریفه ذکر نشده است. هدف از نیاوردن جواب، تفهیم فجیع بودن و اندوه بار بودن اموری است که هنگام قرار دادن یوسف در چاه پیش آمد ؛ یعنی، آن گاه که برادران یوسف مصمم شدند او را در چاه قرار دهند، اموری واقع شد که طاقت شنیدنش را ندارید.

۸ خداوند یوسف (ع) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحينا إليه لتبئتهم بأمرهم هذا

جمله <لتبئتهم> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف (ع) با وحی کردن

به او در چاه کنعان

أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَّتِ الْجَبِّ وَأَوْحِينَا إِلَيْهِ

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف (ع) به برادرانش، محتوای وحی خداوند به یوسف (ع)

وَأَوْحِينَا إِلَيْهِ لَتَنْبِتْنَهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۱۴ خداوند به یوسف (ع) خبر داد که ملاقات او با برادرانش، پس از داستان چاه کنعان، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت.

لَتَنْبِتْنَهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

جمله حالیه <و هم لایشعرون> متعلق به <لتنبتن> است؛ یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع) بر برادرانش در دیدار مجدد، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

وَأَوْحِينَا إِلَيْهِ لَتَنْبِتْنَهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

۱۷ > قال أبو حمزة: فقلت لعلی بن الحسین (ع): إبن کم کان یوسف یوم ألقوه فی الجبّ؟ فقال: إبن تسع سنین...؛

أبو حمزة گوید:

به امام سجاده (ع) گفتم: زمانی که یوسف را در چاه انداختند چند ساله بود؟ فرمود: نه ساله... <

۱۸ > قال رسول الله (ص) لما ألقى يوسف في الجبّ أتاه جبرئيل عليه السلام فقال له: يا غلام، من ألقاك في هذا الجبّ؟ قال: إخوتي. قال: ولم؟ قال: لمودّه أبي إياي حسدوني... >

رسول خدا (ص) فرمود: هنگامی که یوسف (ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت: چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند... <

۱۹ > عن أبي جعفر (ع) في قوله < لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون > يقول: لا يشعرون أنك أنت يوسف... >

از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند < لتنبئهم... و هم لا يشعرون > روایت شده که می فرمود: [یعنی] نمی دانند تو همان یوسفی... <

۲۰ > عن علي بن الحسين (ع): ... فانطلقوا به مسرعين مخافه أن يأخذهم منهم ولا يدفعه إليهم... >

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... یوسف را با سرعت بردند، مبادا یعقوب او را از دست آنان بگیرد و به آنان ندهد <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب، پس از رها ساختن یوسف (ع) در چاه، گریان نزد پدر آمدند.

و جاءو أباهم عشاءً يبكون

علل الشرايع، ص ۴۷، ح ۱، ب ۴۱؛ نورالثقلین، ج ۲،

۲ برادران یوسف برای حق جلوه دادن صحنه های دروغین ، حضور خویش در نزد پدر را تا شامگاهان به تأخیر انداختند .

و جاءو أباهم عشاءً

<عشاء> به اول تاریکی شب گفته می شود و برخی از اهل لغت گفته اند: <عشاء> از اول مغرب است تا سپری شدن ثلث شب. تصریح قرآن به زمان گزارش دروغین (شامگاهان) اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۵،۶،۸

۱ برادران یوسف ، پیش از حضور در نزد یعقوب (ع) با هماهنگی کامل ، دروغهایی را برای ارائه به او ، ساخته و پرداخته کردند .

قالوا یا بانا إنا ذهبنا .. فأكله الذئب

روشن است که همه فرزندان یعقوب در حضور او لب به سخن نگشودند و گزارش ندادند ؛ بلکه یکی از آنان سخن می گفت. بنابراین نسبت دادن آن سخنان دروغین به همه ایشان (قالوا) گویای این است که آنان از پیش دروغها را بافته و تبادل نظر کرده بودند و همگی بر آن اتفاق نظر داشتند.

۲ طعمه گرگ شدن یوسف (ع) ، گزارشی دروغین برادران او به پدرشان یعقوب

قالوا .. فأكله الذئب

۳ غفلت از یوسف (ع) به خاطر سرگرمی به دویدن و مسابقه دادن ، اعتذار دروغین برادران او در توجیه طعمه گرگ شدن یوسف (ع)

یا بانا إنا ذهبنا نستبق و ترکنا یوسف عند متعنا

<استباق> به معنای مسابقه دادن و پیشی گرفتن است و جمله <نستبق> حال برای فاعل <ذهبنا> است. بنابراین <ذهبنا نستبق> یعنی ، می رفتیم در حالی که با یکدیگر مسابقه می

دادیم. رفتن و مسابقه دادن با مسابقه تیراندازی یا اسب دوانی مطابقتی ندارد، بلکه با مسابقه دویدن منطبق است.

۵ برادران یوسف در داستان ساختگی خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) ناخواسته به کوتاهی در حراست از یوسف (ع) اعتراف کردند.

إنا له لحفظون . . . ذهبنا نستبق ... فأكله الذئب

۶ یعقوب (ع) ادعای فرزندانش درباره یوسف (ع) (طعمه گرگ شدن او) را باور نکرد و آن را نپذیرفت.

و ما أنت بمؤمن لنا

۸ اطمینان برادران یوسف به ناموفق بودن صحنه سازیهایشان در باوراندن دروغ های خود به یعقوب (ع)

و ما أنت بمؤمن لنا و لو كنا صدقین

<ایمان> به معنای تصدیق کردن شخص و باور کردن مدعای اوست. آوردن جمله اسمیه به همراه <باء> زائده که برای تأکید است حکایت از اطمینان برادران یوسف به مضمون جمله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۹، ۲۰، ۲۱ - ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۲۱

۱ برادران یوسف قبل از قرار دادن او در چاه، پیراهن او را از بدنش خارج کردند.

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۲ برادران یوسف، پیراهن وی را به خونی دروغین (خونی غیر از خون او) آغشته کردند.

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۳ برادران یوسف با ارائه پیراهن خونین او به یعقوب (ع)، درصدد اثبات ادعای ساختگی خویش برآمدند.

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود.

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاءو> است

و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاء و...> یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند، به خوبی نشان می داد که خون یوسف نیست.

جاء و علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) را آشکار کردند. *

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب(ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

۷ یعقوب (ع) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد.

فَأَكَلَهُ الذُّبُّ .. قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً

<تسویل> (مصدر سوّلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند به صورت

امری نیکوست و مراد از <أمرًا> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سؤلت ...> چنین معنای می شود: آنچه گفتید صحت ندارد؛ بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

۸ اطمینان یعقوب (ع) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف (ع)

بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> می رساند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت و جمله <سؤلت لکم ..> بیانگر این نکته است که او به توطئه آنان علیه یوسف(ع) اطمینان پیدا کرد.

۹ یعقوب (ع) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف (ع) دانست .

بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

۱۱ تصمیم یعقوب (ع) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف (ع) و پی گیری نکردن آن

بل سؤلت لکم ... والله المستعان علی ما تصفون

۱۹ > عن أبي عبدالله (ع) قال لما أوتى بقميص يوسف إلى يعقوب ... كان به نضح من دم؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد .. روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود.<

۲۰ > عن أبي جعفر (ع) في قوله < و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب > قال : إنهم ذبحوا جدیاً علی قمیصه؛

از امام باقر(ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: <و جاؤوا ..> فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند.<

۲۱ > عن علی بن الحسین

(ع) ... قال [يعقوب لهم] بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً و ما كان الله ليطعم لحم يوسف الذئب من قبل أن أرى تأويل رؤياه الصادقه ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: .. يعقوب به برادران يوسف گفت: <بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً> و چنین نیست که خدا گوشت يوسف را به خورد گرگ بدهد، قبل از آنکه تأویل خواب راستین او را بینم <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۳، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ کاروانی در اطراف چاهی که يوسف (ع) در آن بود، منزل گزیدند و مأمور تهیه آب را به سوی آن چاه روانه کردند .

و جاءت سیّاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسی که برای تهیه آب بر سر چاه، نهر و مانند آن می رود، گفته می شود.

۲ آب آور کاروان به منظور آب کشیدن، دلو خویش را در چاه کنعان افکند و برخلاف انتظار، کودکی را از آن بیرون آورد .

فأدلی دلوه قال یبشری هذا غلم

<أدلاء> (مصدر أدلی) به معنای فرستادن <دلو> است. <غلام> به پسر کوچک گفته می شود (مصباح المنیر).

۳ يوسف (ع) با چنگ زدن به طناب و دلو آب آور کاروان، خود را از چاه نجات داد .

فأرسلوا واردهم فأدلی دلوه قال یبشری هذا غلم

۴ آب آور کاروان، از یافتن يوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش بشارت داد .

قال یبشری هذا غلم

۵ کاروان یابنده يوسف (ع)، او را به عنوان کالای تجاری به

همراه خود بردند .

و أُسْرُوهُ بَضْعَهُ

<بضاعه> به مال و کالایی اطلاق می شود که برای تجارت قرار داده شده است.

۶ کاروانِ یابنده یوسف (ع) به منظور کالای تجارتهی قرار دادن او ، سعی در مخفی ساختن وی داشتند .

و أُسْرُوهُ بَضْعَهُ

در فعل <أُسْرُوا> (پنهان ساختند) معنای جعل و قرار دادن اشراب شده است ؛ از این رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معنای جمله نیز چنین می شود: یوسف(ع) را کالای تجارتهی قرار دادند و او را پنهان ساختند.

۷ نجات یوسف (ع) از چاه سرآغاز بردگی او

و أُسْرُوهُ بَضْعَهُ

بضاعت و کالای تجارتهی قرار دادن انسان ، مستلزم برده بودن و یا برده شمردن اوست.

۱۳ اتراق کاروانیان در اطراف چاه کنعان ، نجات دادن یوسف (ع) از آن چاه و به همراه خویش بردن او ، به تقدیر خداوند و تحت نظارت دقیق او انجام می گرفت .

و جاءت سَيَّارَةٌ .. واللهِ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

مراد از <ما> در <ما يعملون> می تواند کالا قرار دادن یوسف(ع) باشد (أُسْرُوهُ بَضْعَهُ). و نیز محتمل است همه داستان کاروان، در رابطه با یوسف(ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (کالا قرار دادن) کنایه از کیفردهی است و بنابر فرض دوم، علم خدا کنایه از تقدیر و تدبیر اوست ؛ یعنی، تمام مقدماتی که مایه نجات یوسف(ع) از چاه شد (گذر کردن کاروان در اطراف کنعان، منزل کردن در اطراف چاه و ...) همه به نظارت خدا و تدبیر او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰

۱ کاروانیان ، یوسف (ع) را به درمهایی اندک و بهایی ناچیز فروختند .

و شروه بثمان بخش درهم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیاره> باز می گردد. <بخس> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخوس = ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمان بخش> ؛ یعنی، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندک بودن است.

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و خویشان را مالک او می شمردند .

أسروه بضعه .. و شروه بثمان

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

۳ کاروانیان یابنده یوسف (ع) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شروه .. و کانوا فیه من الزهدین

<زهد> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. ازاین رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف (ع) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمان بخش .. و کانوا فیه من الزهدین

جمله <و کانوا ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمان بخش> است ؛ یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری

[یوسف (ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

۵ برادران یوسف ، او را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز ، به کاروانیان فروختند . *

و شروه بثمان بخش

برداشت فوق، براساس این احتمال است که مراد از ضمیر فاعلی در <شروه>، برادران یوسف باشد. بر این مبنا برادران یوسف فروشنده، و طبعاً کاروانیان خریدار او بودند. عبارت <الذی اشتره من مصر> در آیه بعد، می تواند مؤید این احتمال باشد؛ زیرا این عبارت می رساند که پیش از فروش یوسف (ع) در مصر، یک بار دیگر نیز خرید و فروش در مورد او انجام گرفته بود.

۶ یوسف (ع) در نزد برادرانش ، شخصی بی مقدار و کم ارزش بود . *

و کانوا فیه من الزهدین

در برداشت فوق ، ضمیر در <کانوا> به برادران یوسف باز گردانده شده است.

۹ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما أخرجوه أقبل إليهم إخوه يوسف فقالوا هذا عبدنا . . . أمنكم من يشتري هذا العبد؟ فاشتره رجل منهم بعشرين درهماً و كان إخوته فیه من الزاهدین . . . ;

از امام سجاد (ع) روایت شده است: . . . هنگامی که کاروانیان یوسف را از چاه درآوردند، برادران او به نزد آنان رفتند و گفتند: این برده ماست ... آیا از شما کسی هست که این برده را بخرد؟ پس مردی از آنان او را به بیست درهم خرید و برادران وی به او بی رغبت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷، ۶، ۳، ۲، ۱

۱ کاروان یابنده یوسف (ع) ، به

مصر وارد شد و او را در آن دیار به فروش رساند .

و شروه بثمان .. و قال الذی اشتریه من مصر

۲ عزیز مصر ، یوسف (ع) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

و قال الذی اشتریه من مصر

<من مصر> محتمل است متعلق به <اشتره> باشد ، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتره> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از <الذی اشتره>، عزیز مصر است.

۳ خریدار یوسف (ع) (همسر زلیخا) از شهروندان مصری بود .

و قال الذی اشتریه من مصر

برداشت فوق ، مبتنی بر این احتمال است که <من مصر> متعلق به محذوف و توصیفی برای <الذی اشتره> باشد ؛ یعنی: قال الذی اشتره و هو من اهل مصر.

۶ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف (ع) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندى خود و همسرش برگزیند .

قال الذی .. أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذہ ولداً

۷ عزیز مصر ، یاورى یوسف (ع) و گزینش او به فرزندى را ، در گرو علاقه مندى یوسف (ع) به وی و همسرش زلیخا می دانست .

أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذہ ولداً

جمله <عسی..> تعلیل برای <أکرمی مثواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

۸ عزیز

مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلش را پاس دارد .

لامرأته أكرمي مثويه

<مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أكرمي مثواه> ؛ یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مكّنا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <في الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکّنا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

كذلك مكّنا ليوسف في الأرض

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

عبارت <لنعلّمه> عطف بر عبارتی مقدر است ؛ یعنی: مكّنا ليوسف لنفعل كذا و لنعلّمه . . . ؛ مراد از لنفعل كذا ، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأيتهم لي ساجدين> و <كذلك يجتبيك ربك...> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و

نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أكرمی مثویه .. و لما بلغ أشده

کلمه <أشد< چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شده (توان و قدرت) است. بنابراین <أشد< ؛ یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آوردن <حکمًا> و <علمًا> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ؛ زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف (ع) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۵، ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ زلیخا، شیفته و شیدای یوسف (ع) شد .

و رودته التی هو فی بیتها .. و غَلَّتْ الأبواب

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف (ع) ، او را به وصال خویش فرامی خواند .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

<مرآوده> (مصدر راودت) به معنای درخواست کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست می باشد. بنابراین <راودته ...> یعنی، زلیخا با ملاحظت و اظهار عشق و علاقه از یوسف(ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف (ع) به منظور کام جویی ، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد یروود> که مرآوده از آن است ، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

۴ یوسف (ع) ، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) امتناع میورزید .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مرآوده ، کشمکش و نزاع میان طرفین را قید کرده و گفته اند: <مرآوده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق ، براساس این معناست.

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف (ع) ، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف

(ع) به خواسته های خویش

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التی هو فی بیتها> (آن زن که یوسف در خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلط زلیخا بر یوسف (ع) را برساند.

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند.

رودته ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لک

<تغلیق> (مصدر غلقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لک> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۸ زلیخا، همه شرایط و امکانات را برای کام جویی از یوسف (ع) فراهم کرده بود.

رودته ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لک

۹ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او، تمنای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد.

رودته ... و قالت هیت لک قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است؛ یعنی، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۰ یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی (تمنای زلیخا، ابراز اشتیاق او، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها) به خدا پناه برد.

قال معاذ الله

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی، انسانی موحد، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود.

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۱۸ زلیخا، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته

اش را ، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها . .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی . ..> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود ؛ یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود ؛ ولی یوسف(ع) با جمله <إنه ربی ...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

۱۹ زلیخا به دلیل اکرام یوسف (ع) و خدمت به او ، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضای نامشروعش ، تسلیم وی باشد .

رودته التی هو فی بیتها . .. قال ... إنه ربی

۲۰ یوسف (ع) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او ، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد ؛ زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۲ یوسف (ع)

(، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

۲۸ یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۵، ۶، ۳، ۲، ۱

۱ زلیخا، پس از استکفاف یوسف (ع) از وصال او ، بر آن شد تا با قهر و غلبه از وی کام بگیرد .

و لقد همّت به

کلمه <همّه> و مشتقات آن، اگر به وسیله حرف <باء> متعدی شود، به معنای قصد کردن است. بنابراین <و لقد همّت به> / یعنی، همانا زلیخا قصد یوسف (ع) کرد تا از او کام بگیرد، و چون زلیخا از پیش نیز چنین قصدی داشت (رودته التی ...)، معلوم می شود مراد از این قصد، عزمی دیگر است و آن به قرینه <استبقا...> در آیه بعد آهنگ انجام آن با قهر و غلبه است.

۲ مشاهده حجت و برهان الهی ، تنها مانع یوسف (ع) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله <همّ بها> به منزله جواب برای <لولا أن ..> است / یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. <برهان> به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد / یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف

ربوبیت خداوند و نعمتهای او را مشاهده می کرد (إنه ربی أحسن مثنوی). ب) یوسف (ع) با تمام وجود دریافته بود که گنه کاران و ستمگران، رستگار نمی شوند (إنه لا یفلح الظالمون). ج) او تردیدی نداشت که آمیزش با زلیخا، ظلم و معصیت خداوند است (معاذ الله ...).

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف (ع) ، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله <همّ بها لولا...> تنها مانع یوسف (ع) را، مشاهده برهان الهی معرفی کرد تا گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

۵ خداوند ، با ارائه برهان به یوسف (ع) ، او را از آمیزش با زلیخا (زنا) و نگاه های شهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

یوسف (ع) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

۱۳ > عن الرضا (ع) : . . . و أما قوله عزوجل في يوسف : > و لقد همت به و همّ بها < فإن ها همت بالمعصيه و همّ يوسف بقتل ها إن أجبرته . . . فصرف الله عنه قتلها و الفاحشه و هو قوله عزوجل : > كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء < يعنى القتل و الزنا . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: .. قول خدای عزوجل درباره یوسف که فرموده: > و لقد همت به و همّ بها < مقصود این است که آن زن قصد معصیت کرد و یوسف قصد کرد که اگر بانو وی را مجبور به گناه کند، او را بکشد ... پس خداوند، قتل و عمل خلاف عفت را از او بگردانید و این است سخن خدای عزوجل: > كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء < ; یعنی، قتل و زنا ... <.

۱۵ > عن الصادق (ع) [في البرهان الذي رأى يوسف] : انه النبوه المانعه من إرتكاب الفواحش والحكمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده] روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد <.

۱۶ > عن الرضا (ع) : لقد همت به و لولا- أن رأى برهان ربّه لهمّ بها كما همت به ، لكنّه كان معصوماً ، والمعصوم لا يهّم بذنب

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد؛ ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۲۰، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و واداشتن او به آمیزش، درصدد برآمد تا با وی درآویزد.

واستبقا الباب

۲ یوسف (ع) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او، به طرف درب خروجی فرار کرد.

و لقد همّت به .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۴ زلیخا برای دستیابی به یوسف (ع) و جلوگیری از خروج وی، به تعقیب او پرداخت و با سرعت به سمت درب خروجی دوید.

واستبقا الباب

۵ یوسف (ع) در تعقیب و گریزش با زلیخا، زودتر از وی به درب خروجی رسید.

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف (ع)، از پشت پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید.

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف (ع)، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد.

و قدت قمیصه من دبر

<قَدّ> (مصدر قَدّت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی

و سراسری است (لسان العرب)؛ یعنی، آن گاه گفته می شود <قَدَّ القميص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

۸ یوسف (ع)، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد.

و أَلْفِيا سِيدها لدا الباب

۹ یوسف (ع) و زلیخا، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند.

و أَلْفِيا سِيدها لدا الباب

<إِلْفاء> (مصدر أَلْفِيا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. <سَيِّد> به معنای شریف و دارای مجد است، و مراد از آن در این جا، شوهر است.

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش، عزیز مصر، یوسف (ع) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد.

قالت ما جزاء من أَراد بأهْلِك سوءًا

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و <ما> در جمله فوق نافییه است. بنابراین <ما جزاء...>؛ یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف (ع)

و أَلْفِيا سِيدها لدا الباب قالت ما جزاء من أَراد بأهْلِك سوءًا

۱۳ تلاش زلیخا برای تبرئه خویش نزد عزیز مصر

قالت ما جزاء من أَراد بأهْلِك سوءًا

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أَراد بأهْلِك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق، از تصریح زلیخا به <أهْلِك> (همسر تو) استفاده می شود؛ یعنی، او با آوردن <أهْلِك> درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات

یوسف (ع) بود.

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر، یوسف (ع) را به تحقق تجاوز، متهم نکرد.

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

برداشت فوق، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

۱۶ زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

۲۰ > عن علي بن الحسين (ع) : . . . فغلقت الأبواب عليها و عليه و قالت : لا تخف و ألتقت نفس ها عليه فأفلت منها هارباً إلى الباب ففتحه فلحقته فجلدته فجدبت قميصه من خلفه . . .

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . [همسر عزیز] درها را به روی خود و یوسف بست و گفت: نترس و خود را به روی او انداخت. یوسف از چنگ او نجات یافت و به طرف در فرار کرد و در را باز کرد؛ پس آن زن به او رسید و پیراهن او را از پشت او کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۲، ۱

۱ دفاع یوسف (ع) از خویش، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتني عن نفسي

۲ یوسف (ع) در نزد عزیز مصر، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرا دانست.

قال هی رودتني عن نفسي

ترکیبهایی نظیر <هی رودتني> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است

و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف(ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله <هی رودتنی > معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین <هی راودتنی > یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

۵ یوسف (ع) مراده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش ، پنهان کرده و فاش نساخته بود .

قالت .. قال هی رودتنی عن نفسی

۷ عزیز مصر در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود .

قالت .. قال هی رودتنی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

۸ مردی از خویشان زلیخا ، در ماجرای وی و یوسف (ع) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت .

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ من قُبَل

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ من قُبَل

مراد از شهادت در <شهد

شاهد< اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می طلبد - برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

۱۳ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلك سوء بل هی راودتني عن نفسی فسل هذا الصبی . . . و كان عندها من أهلها صبی زائر لها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : . . . انظر إلی قمیص یوسف . . .

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودک پرس کودکی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود پس خدا آن کودک را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: . . . به پیراهن یوسف نگاه کن . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱،۲،۳

۱ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف (ع)

- که برده ای زرخرید بوده ناسازگار است.

۲ تکریم و بزرگداشت یوسف (ع) از جانب عزیز، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

<یوسف> مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

۳ عزیز مصر، پس از روشن شدن خطای زلیخا، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد.

واستغفري لذنبك إنك كنت من الخاطئين

در جمله <استغفري لذنبك> (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد، استغفار به درگاه خداوند است و برخی بر آنند که مقصود، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای کام جویی وی از او، در شهر شایع شد.

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها

۲ زنان اشراف، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که <فی المدینه> متعلق به <قال> باشد. بر این مبنا <قال نسوه فی المدینه...> یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف (ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

۳ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی

از وی ، زیانزد زنان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

<فی المدینه> می تواند متعلق به <قال> باشد و نیز محتمل است صفت برای <نسوه> باشد. براساس احتمال دوم، مراد از <قال نسوه فی المدینه...> این است که: زنان شهر ، داستان زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

۵ عشق یوسف (ع) تا درون قلب و دل زلیخا نفوذ کرده و آن را به تسخیر خویش درآورده بود .

قد شغفها حبًّا

<شغاف> به جداره و یا هسته مرکزی قلب گفته می شود. <شغف> ؛ یعنی، جداره قلب شد و یا به مرکز آن رسید. ضمیر فاعلی در <شغفها> به <فتیها> برمی گردد و <حبًّا> تمیزی است مبدل از فاعل. بنابراین <شغفها حبًّا> در اصل چنین بوده است: <شغف حبّ یوسف إیها> ؛ یعنی، محبت یوسف جداره قلب زلیخا شد و آن را احاطه کرد، و یا عشق یوسف(ع) جداره قلب زلیخا را شکافت و به درون آن نفوذ کرد.

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف (ع) و داستان مر او ، در عنفوان جوانی یوسف (ع) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

۷ زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را ، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

<فتا> به معنای برده و عبد ، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شده باشد.

۸ شیفته غلام زرخرید شدن و تقاضای کام روایی از

او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًا إنا لنريها في ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف (ع) به عنوان <برده و جوانک زلیخا>، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زرخرید عشق میورزد.

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرات العزیز ترود فتيها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ؛ یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

۱۰ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما سمع الملك كلام الصبي . . . قال ليوسف : < أعرض عن هذا . . . > و اکتمه قال : فلم يکتمه يوسف و أذاعه فی المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمراه العزیز تراود فتاها عن نفسه . . . ؛

از امام سجاده (ع) نقل شده است: . . . همین که پادشاه سخن کودک را شنید ... به یوسف گفت: از این ماجرا در گذر ... و آن را پوشیده مدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای از زنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است ... <.

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) فی قوله < قد شغفها حبًا > يقول : قد حجبها حبّه عن الناس فلا تعقل غیره ؛

از امام باقر (ع) درباره قول

خدا <قد شغفها حباً> روایت شده که می فرمود: عشق یوسف پرده ای بر قلب همسر عزیز کشیده بود به گونه ای که او را از مردم جدا کرده بود و به هیچ کس غیر از یوسف نمی اندیشید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ زلیخا سرزنش زنان مصر را به خاطر عشقش به یوسف (ع)، شنید و به آن آگاهی یافت .

فلما سمعت بمکرهنّ

فعل <سمع> متعدی است و نیازی به حرف <باء> برای تعدیه ندارد. بنابراین در <سمعت بمکرهنّ> معنای <علمت> اشراب شده است. ازاین رو مفاد آن چنین می شود: زلیخا به مکر زنان آگاه شد و این آگاهی از طریق خبرهایی بود که برای او نقل می شد.

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۳ زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد .

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

مراد از <به سوی آنان فرستاد> که مفاد <أرسلت إلیهنّ> است به قرینه جمله <و أعتدت لهنّ متکئاً و . . .> این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده

، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إليهنّ و أعتدت لهنّ متكئاً

۵ زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود ، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

و أعتدت لهنّ متكئاً

<اعتاد> (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. <متكئاً> به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که <متكئاً> به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله <آتت...> (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <متكئاً> در آیه <طعام> است.

۶ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

و آتت کل وحده منهنّ سكيناً

۷ زلیخا خود ، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود .

و أعتدت لهنّ متكئاً و آتت کل وحده منهنّ سكيناً

ضمیر در <أعتدت> و <آتت> به <امرات العزیز> برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أُعتِد) و (اوتیت) آورده می شد.

۸ تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد ، بیش از ده نفر نبودند .

و قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمكرهنّ أرسلت إليهنّ

ضمیر در <مكرهنّ...> و <إليهنّ> به <نسوه> در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که <نسوه> از صیغه های جمع قله است ، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده

بیش از ده نفر نبود.

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

۱۱ زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند.

و قالت اخرج علیهنّ

۱۲ یوسف (ع) پس از دستور زلیخا بدون درنگ در مجلس زنان اشراف حاضر شد.

قالت اخرج علیهنّ فلما رأينه

<فاء> در <فلما..> فصیحه است و گویای جمله هایی مقدر می باشد؛ یعنی: <فخرج علیهنّ فرأينه فلما رأينه...>. حذف این جمله ها برای رساندن این نکته است که دستور زلیخا همان و اطاعت یوسف(ع) همان.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف (ع)، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد.

امرات العزیز ترود فتيها .. فلما رأينه أكبرنه

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند.

فلما رأينه أكبرنه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند.

فلما

رأينه أكبرنه و قطعن أيديهن

<إكبار> (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند.

فلما رأينه أكبرنه و قطعن أيديهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱۱، ۸، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند.

قالت فذلکن الذی لمتنی فیه

۲ زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

لقد رودته عن نفسه

۳ زلیخا نزد زنان اشراف، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد.

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند؛ با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است.

بنابراین <فاستعصم>؛ یعنی، یوسف (ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

۴ زلیخا در حضور زنان اشراف، تأکید کرد که هم چنان بر تقاضای وصال یوسف (ع) اصرار خواهد کرد.

و لئن لم يفعل ما ءامره

۵ زلیخا، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف (ع) از آمیزش با او، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی

مقدارش خواهد ساخت.

و لئن لم يفعل ما ءامره لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

<لام>

در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً=یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

۶ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود.

و لیکوناً من الصغیرین

۸ زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد.

لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغیرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجنن) است؛ زیرا یوسف (ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

۱۱ > عن علی بن الحسین: ... فقالت لهِنَّ > فذلکَ الذی لمتننی فیه < یعنی فی جبهه؛

از امام سجاد (ع) روایت شده است: ... همسر عزیز [با اشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا دربارہ او سرزنش می کردید؛ یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۱، ۷، ۶، ۱

۱ یوسف (ع) حافظ عفت خویش و بی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

۶ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا)، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند.

مما يدعونني إليه

<یدعون> در جمله فوق، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهن> یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و به

دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زليخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن

۱۱ یوسف (ع)، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت.

رب... و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلا تصرف...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

۲۳ > عن علی بن الحسین (ع): ... و خرجن النسوة من عندها (إمرأة العزيز) فأرسلت كل واحدة منهن إلى يوسف سرّاً من صاحبها تسأله الزیارة فأبی علیهنّ وقال: > إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهنّ و أكن من الجاهلین ;

از امام سجّاد(ع) روایت شده است: ... و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱،۲،۳

۱ خداوند، دعای یوسف (ع) (درخواست رهایی از کید زلیخا

و همپالگی های وی) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن

<استجاب> (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرآوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرآوده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۴، ۲، ۱

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآیت

۲ تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم .. لیسجننه

۴ زندانی شدن یوسف (ع) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم يفعل ما ءامرہ لیسجنن .. ثم بدا لهم ...

تعبیر <ثم بدا لهم> (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات لیسجنه

۹ یوسف (ع) ، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد .

لیسجنه حتی حین

۱۰ محکومیت یوسف (ع) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

لیسجنه حتی حین

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات لیسجنه حتی حین > فالآيات شهادة الصبي و القميص المخرق من دبر و استباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إياه علی الباب فلما عصاها فلم تزل ملحة بزوجهما حتی حبسه .
; ...

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم ..> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن

پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.

۱۲ > عن الصادق (ع) : انه قال : دخل يوسف السجن و هو ابن إثنتی عشر سنه و مكث فيه ثمان عشر سنه ...؛

از امام صادق (ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱۲، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم .. لیسجنه حتی حین . و دخل معه السجن فتیان

۲ دو تن از خادمان دربار مصر ، هم زمان با زندانی شدن یوسف (ع) ، به زندان درافتادند .

و دخل معه السجن فتیان

>فتی < (مفرد فتیان) به معنای عبد و نیز به معنای جوان است.

۳ هم بندان یوسف (ع) در زندان ، هر کدام رؤیایی دیده و برای او بازگو کردند .

قال أحدهما إني أرىني أعصر خمراً

۴ آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب ، رؤیای یکی از دو زندانی هم بند یوسف (ع)

قال أحدهما إني أرىني أعصر خمراً

>عصر < (مصدر أعصر) به معنای گرفتن آب از چیزی (میوه، لباس تر و ..) است . >خمر < به شراب مست کننده ای که از

انگور به دست می آید، گفته می شود و مراد از >خمر < در آیه شریفه به قرینه أعصر (آب می گرفتم)

انگور است. تعبیر کردن از انگور به شراب، به این لحاظ بوده که آن زندانی از انگور، برای تهیه شراب آب می گرفته است.

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف (ع)

و قال الآخر إني أريني أحمل فوق رأسي خبزاً تأكل الطير منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

۶ هر کدام از هم بندان یوسف (ع)، رؤیای خویش را به طور مکرر دیده بودند.

إني أريني أعصر .. إني أريني أحمل

به کارگیری فعل مضارع <أرى> (در خواب می بینم) به جای فعل ماضی <رأيت> (در خواب دیدم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد؛ یعنی، چندین شب پی در پی چنین دیده ام، به گونه ای که اگر باز هم بخوابم، مطمئنم که آن رؤیا را خواهم دید.

۷ هم بندان یوسف (ع)، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند.

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند.

إنا نرىك من المحسنين

۱۴ محسن بودن یوسف (ع)، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ إنا نرىك من المحسنين

جمله <إنا نراك> تعلیل برای <تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ> است.

۱۷ > عن أبي عبدالله (ع) : < قال الآخر إني أريني أحمل فوق رأسي خبزاً > قال : أحمل فوق رأسي جفنه فيها خبز ... >

از امام صادق (ع) [در باره سخن خدا] <إني أريني أحمل .. >

روایت شده که فرمود: یعنی، روی سرم کاسه بزرگی حمل می کنم که درون آن نان است ...>.

۱۸ > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل <إنا نراك من المحسنين > قال: كان يوسف المجلس و يستقرض للمحتاج و يعين الضعيف ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل <إنا نراك من المحسنين > روایت شده که فرمود: در مجلس جای نشستن را برای دیگران باز می کرد و برای نیازمند وام می گرفت و به ناتوان کمک می کرد.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۳، ۱۵، ۱۳، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) ، تقاضای هم بندگان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

تَبْنَا بتأويله .. قال لاياتيكما طعام ترزقانه إلا نبأتكما بتأويله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در <تأويله > رؤیای هر یک از هم بندگان یوسف باشد. بر این مبنا جمله <قال لاياتيكما... > چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

۲ یوسف (ع) اقبال هم بندگان را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نريك من المحسنين .. ذلكما مما علمني ربي إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله

۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندگان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلكما مما علمني ربي

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که

>این دانش را پروردگرم به من آموخته است < آن است که: هم بندگان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

۵ یوسف (ع) ، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندگان زندانیش فاش ساخت .

ذلکما مما علمنی ربی

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن ، دلیل یوسف (ع) فراروی زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلاّ نبأتکما بتأویله .. ذلکما مما علمنی ربی

۷ یوسف (ع) ، پیش از آوردن غذا برای زندانیان ، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد .

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلاّ نبأتکما بتأویله قبل أن یأتیکما

بر این اساس که ضمیر در <تأویله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لایأتیکما..> چنین معنا می شود: یوسف(ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام >مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

۱۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

ینی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

۱۵ یوسف (ع) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندگان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی ینی ترکت مله قوم

... هم كفرون

۲۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال : لما أمر الملك بحبس يوسف في السجن ألهمه الله علم تأويل الرؤيا ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد ، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبع مله اباي ابراهيم و اسحق و يعقوب

۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبع مله اباي ابراهيم و اسحق و يعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱،۳،۴،۷

۱ یوسف (ع) با اظهار مهربانی و ملاحظت به هم بندان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

يصحبي السجن ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد

۳ یوسف (ع) ، هم بندان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

يصحبي السجن ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد

۴ یوسف (ع) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقایق توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت .

ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

۷ یوسف (ع) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را برگزینند .

أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف (ع)، برای هم بندان زندانی خویش شایسته بودن معبودهایشان را برای پرستش، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد.

ما تعبدون من دونه إلا أسماء... ذلك الدين القيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵، ۷، ۲، ۱

۱ یوسف (ع)، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت.

يصحبي السجن أما أحد كما فيسقى ربه خمراً

۲ یوسف (ع)، رؤیای < آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب > را به رهایی صاحب رؤیا و ساقی ارباب خویش شدن تعبیر کرد.

أما أحد كما فيسقى ربه خمراً

<سَيَقِي> (مصدر يسقى) به معنای نوشانیدن و یا اعطای نوشیدنی است. بنابراین <أما أحد كما فيسقى...> یعنی: یکی از شما به مالک و ارباب خود شراب خواهد نوشاند و ساقی او خواهد شد.

۳ یوسف (ع)، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد.

و أما الآخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

<صلب> (مصدر يصلب) یعنی، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

۵ یوسف (ع)، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد.

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضی الأمر...> یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

۷ هم بندان زندانی یوسف (ع) ، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیا> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و گویای اصرار و تقاضای مکرر هم بندان یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۹، ۸، ۶، ۵، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف (ع) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذی> باز گردد و محتمل است

به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذی...> چنین می شود: یوسف(ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف (ع) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنسأه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنسأه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انسأه> (مصدر أنسأه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنسأه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنسأه...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

۱۱ شیطان ، برای باقی ماندن یوسف (ع) در زندان ، به دسیسه و شیطنت پرداخت .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن

۱۳ یوسف (ع) پس از آزادی

ساقی پادشاه ، سالیانی دیگر ، گرفتار زندان بود .

فلبث فی السجن بضع سنین

<بضع> به معنای <چند> و کنایه از عددی مبهم بین ۳ تا ۱۰ می باشد.

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ؛ یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

۱۵ > عن أبي عبدالله (ع) : . . . [فی قول الله] > قال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک < قال : و لم یفزع یوسف فی حاله إلی الله فیدعوه فلذالك قال الله > فأنساه الشیطان ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین < . . . ؛

از امام صادق(ع): .. [درباره سخن خدا] >قال للذی ...اذکرنی عند ربک< روایت شده است که فرمود: یوسف در آن حال به خداوند پناه نبرد که او را بخواند. برای همین است که خدا فرمود: فأنساه الشیطان ذکر ربه ...<.

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) فی قول الله تعالی : < فلبث فی السجن بضع سنین > قال : سبع سنین ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <فلبث فی السجن بضع سنین> روایت شده که فرمود: [مراد از بضع سنین] هفت سال است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملك إنی أرى سبع بقرت سمان .. إن كنتم للرءیا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إنی أرى سبع بقرت سمان .. و آخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمیز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن كنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن كنتم ..> استفاده می شود.

۸ پادشاه مصر ، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رءیی إن كنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱،۲

۱ خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد کردند .

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که:

رؤیای وی دارای رشته‌ها و اجزایی چند است، به گونه‌ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

۲ خواب گزاران دربار، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند.

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن...> / یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه‌های چند رشته است، نمی‌دانیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یکی از دو هم‌بند زندانی یوسف (ع)، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد.

و قال الذی نجا منهما

۲ ساقی پادشاه (هم‌بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه> می‌تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم‌بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی، <ادّکر> شده است. <أمّه>

در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبئكم بتأويله فأرسلون

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنبئكم بتأويله فأرسلون

ترکیب <أنا أُنبئكم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئكم بتأويله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبئكم بتأويله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبئكم بتأويله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی

بسیار راستگو نامید و با لقب < صدیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و آخر یابست

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۴،۵،۶

۴ باقی گذاشتن مقداری از ذخیره های هفت ساله و مصرف نکردن همه آنها در دوران قحطی ، توصیه یوسف (ع) به عهده داران حکومت مصر

یا کلن ما قدمتم لهن إلاً قلیلاً مما تحصنون

< احسان > (مصدر تحصنون) به معنای قرار دادن چیزی در محلی امن است. بنابراین حاصل معنای < إلاً قلیلاً مما تحصنون >

چنین

است: مقداری از آنچه را در انبارها ذخیره می کنید در دوران قحطی نخورید. حکمت این امر احتمالاً دارا بودن بذر است برای کشت در سال پانزدهم.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

يَا كَلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لِهِنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ

فعل مضارع <يَأْكَلْنَ> در نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی <أَكَلْنَ> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف (ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

۶ گاوهای لاغر در رؤیا، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست.

يَأْكَلْنَ سَبْعَ عَجَافٍ .. ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعَ شَدَادٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی، به مردم و حکومت مصر بشارت داد.

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسَ

فعل <يُغَاثُ> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <يُغَاثُ النَّاسَ> یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم، یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

۲ خواب پادشاه، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أَفْتِنَا .

.. ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

يوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند ، دریافت که پس از گذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

۴ مسؤولیت حاکمان مصر در نظارت بر تولید ، توزیع و مصرف غلات ، محدود به دوران چهارده ساله آبادانی و خشکسالی بود .

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس و فيه يعصرون

استفاده نکته فوق از تغییر سیاقی است که در سخنان یوسف(ع) مشاهده می شود. او دستورالعملهای دوران چهارده ساله را با فعلهای مخاطب <تزرعون> و <فدروه> بیان داشت ؛ ولی در بیان چگونگی سال پانزدهم و پایان بحران فعلهای <یغاث> و <يعصرون> به کار برد. از مقابله این دو سیاق معلوم می شود، مخاطبان <تزرعون> و ... حکومت مصر بود که باید عهده دار تولید و توزیع می شد و در سال پانزدهم خود مردم بدون دخالت و نظارت سیستم حکومت، به کار تولید و مصرف می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

وقال الملك ائتوني به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر

رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

و قال الملك ائتونی به .. . قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاء الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف (ع)

(از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلى ربك فستله ما بال النسوة التي قطعن أيديهنّ

۱۱ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فستله ما بال النسوة التي قطعن أيديهنّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت <التي قطعن أيديهنّ > داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

۱۲ یوسف (ع) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فستله ما بال النسوة التي قطعن أيديهنّ

با وجود اینکه زلیخا نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربي بكيدهنّ علیم

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فستله ما

بال النسوه .. إن ربي بكيدهنّ عليم

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربي بكيدهنّ عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبكنّ

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبكنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبكنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبكنّ...> / یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مرادده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا عليه من سوء

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن

حش لله ما علمنا عليه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

۱۰ زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (ع) تشکیل شده بود، حضور داشت.

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

۱۱ شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود.

قالت امرأت العزیز

توصیف زلیخا با وصف <همسر عزیز> می رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست.

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد.

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد؛ یعنی، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

۱۷ زلیخا پیش از

جلسه بازجویی و محکمه دادرسی ، یوسف (ع) را مجرم معرفی می کرد و به کام جویی از وی متهم می ساخت .

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصديقين

برداشت فوق از قید <الآن> استفاده می شود.

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصديقين

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصديقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلى ربك . . . ذلك ليعلم

در اینکه جمله <ذلك ليعلم . . .> تا آخر آیه بعد کلام یوسف (ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أني لم أخنه...> باشد ؛ یعنی: <ذلك ليعلم... أن الله لا يهدى...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع)

ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

چنان چه <ذلك ليعلم...> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملك> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلك ليعلم...> یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهران به او خیانتی نکردم.

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است.

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد.

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود.

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد، از جمله <ذلك ليعلم...> معلوم می شود که همسر ملك نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت، از زمره خائنان بودند.

أن الله لا يهدى كيد الخائنين

مصدق مورد نظر برای <الخائنين> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد

ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه ۳۵.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلك لیعلم . . . أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدی . . . > عطف بر <أنی . . . > است ؛ یعنی: <ذلك لیعلم أن الله . . . >. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلك لیعلم . . . أن الله لایهدی کید الخائنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلك لیعلم أنى لم أخنه . . . و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه > (بر گرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی > ؛ یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان

به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۳ یوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهی بر پادشاه و درباریان، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت.

قال الملك ائتونی به .. فلما كلمه

اتصال جمله <فلما كلمه> به <ائونی به> و نیاوردن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع)، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد.

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مکین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <كلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنك...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنك الیوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

۸ پادشاه مصر

در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت.

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <آمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر *

اثتونی به أستخلصه... قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف (ع) در ادامه داستان او، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله، منصوب کند.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف (ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر

به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی.. > است.

۴ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف (ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

۱۵ > عن رسول الله (ص) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولاه من ساعته و لکنه آخر ذلک سنه ۱

از رسول خدا (ص) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می داد ۱ ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : . . . ان یوسف (ع) . . . لما دفعته

الضروره إلى تولى خزائن العزيز قال : اجعلني على خزائن الأرض ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: ... هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت:
<اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ > عن أبي عبد الله (ع) أنه قال لقوم ممن يظهرون الزهد و يدعون الناس أن يكونوا معهم على مثل الذي هم عليه من
التقشف ... أخبروني أين أنتم عن .. يوسف النبي (ع) حيث قال لملك مصر : < اجعلني على خزائن الأرض ... > فكان
من أمره الذي كان أن اختار مملكه الملك و ما حولها إلى اليمن ... فلم نجد أحداً عاب ذلك عليه ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان
زندگی را بر خود سخت گیرند ... فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه
مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را
در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

۱۹ > عن الرضا (ع) : ... في قوله تعالى : <...إني حفيظ عليم> قال : حافظ لما في يديّ عالم بكل لسان ;

از امام رضا(ع) .. درباره سخن خدا <...إني حفيظ عليم> روایت شده است که

فرموده: مراد این است که نگه دارنده چیزی هستم که در تصرف من است و آگاه به همه زبانها می باشم >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۱، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ پادشاه مصر، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض... و كذلك مکننا لیوسف فی الأرض

۲ یوسف (ع) در سرزمین مصر به منزلی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت.

مکننا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

<تمکین> (مصدر مکننا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مکننا لیوسف فی الأرض> یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حیث یشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

۳ یوسف (ع) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مکننا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

<یتبوا> به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله <یتبوا منها حیث یشاء> (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای <مکننا...> است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

۵ سرگذشت یوسف (ع) (نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر

او بود .

و كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض

۱۱ به قدرت رسیدن یوسف (ع) پس از بردگی و اسارت در زندان ، دلیلی متقن بر حاکمیت مشیت الهی بر تمامی اسباب و علتهاست .

كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض يتبوأ منها حيث يشاء نصيب برحمتنا من نشاء

جمله <رحمت خویش را بر هر کس که خواهیم شامل می گردانیم و به او قدرت می بخشیم> که مفاد <نصیب برحمتنا..> است به منزله ادعایی است که با <كذلك مَكَّنَّا...> بر آن استدلال شده است ؛ یعنی، خداوند برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۲

۲ یوسف (ع) در طی هفت سال آبادانی ، به کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات برای دوران قحطی کاملاً موفق شد .

و جاء إخوه يوسف

۹ برادران یوسف بجز بنیامین ، از کنعان برای دریافت آذوقه به مصر آمدند و به حضور یوسف (ع) رسیدند .

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه

جمله <ائتونی بأخ لکم..> (برادر پدری خود را به نزد من آوردید) در آیه بعد می رساند که مراد از <إخوه> برادران یوسف بجز بنیامین است. جمله <و لما جهزهم...> در آیه بعد بیانگر هدف آنان از آمدن به مصر است.

۱۰ یوسف (ع) به مجرد مشاهده برادران خویش ، علی رغم گذشت سالیانی دراز ، آنان را شناخت .

فدخلوا عليه فعرّفهم

<فاء> در <عرّفهم> حکایت از

آن دارد که یوسف(ع) بدون پرسش و جست و جو بلکه به مجرد مشاهده برادرانش ، آنان را شناخت.

۱۱ ملاقات مردم حتی غیر مصریان ، با یوسف (ع) امری سهل و آسان بود .

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه

<فاء> در عبارت <فدخلوا عليه> می رساند که فاصله ای میان آمدن برادران و ملاقات با او نبوده است. جمله <عرفهم> نیز دلالت می کند که دربان و حاجبی که از حسب و نسب مراجعه کنندگان پرسش کند و به یوسف(ع) گزارش دهد و اجازه ملاقات بخواهد در میان نبوده است. اینها حکایت از آسانی ملاقات مردم حتی غیر مصریان با یوسف(ع) می کند.

۱۳ هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات با او ، وی را نشناختند .

فدخلوا عليه فعرفهم و هم له منكرون

۱۵ کمترین فاصله زمانی میان آخرین برخورد یوسف (ع) با برادران خویش تا ملاقات آنان با وی ، حدود بیست سال بوده است .

يرتع و يلعب .. و لما بلغ أشده ... فلبث في السجن بضع سنين... تزرعون سبع ... و

محاسبه مراحل که یوسف(ع) در مصر بسر برد، حدود بیست سال می شود ، زیرا کودکی حداکثر ده ساله بود که به دست کاروانیان افتاد و جمله <يرتع و يلعب> و نیز <أخاف أن يأكله الذئب> دلالت بر این معنا دارد. در خانه زلیخا به جوانی و رشد رسید (لما بلغ أشده) که این فاصله حدود هشت تا ده سال می شود. بیش از سه سال نیز (بضع سنين) در زندان بسر برد و هفت سال دوران پس از زندان را به وزارت اشتغال داشت و طبعاً یک سال

پس از قحطی برادرانش به وی مراجعه کردند. مجموعه اینها حدوداً بیست سال می شود.

۱۶ > عن أبي جعفر (ع) : > ... فعرّفهم يوسف و لم يعرفه إخوته لهيبه الملك و عزّته ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی نشناختند ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۲

۱ یوسف (ع) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر ، نظارت مستقیم داشت .

و جاء إخوه يوسف .. و لما جهزهم بجهازهم

۲ یوسف (ع) بار آذوقه و جیره غذایی برادران را ، خود آماده کرد . *

و لما جهزهم بجهازهم

<تجهیز> (مصدر جهز) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن جهاز (زاد و توشه) است. ضمیر در <جهز> به یوسف(ع) برمی گردد. بنابراین <لما جهزهم ...> ؛ یعنی، پس آن گاه که یوسف(ع) بار و بنه و زاد و توشه برادرانش را آماده ساخت. البته این احتمال که اسناد <جهز> به یوسف(ع) مجازی باشد، بعید به نظر نمی رسد ؛ زیرا بسیار متعارف است که فعل کارگزاران به کارفرما اسناد داده می شود.

۳ فرزندان یعقوب ، ضمن معرفی خویش و بیان تعداد نفرات ، به یوسف (ع) یادآور شدند که یک برادر پدری نیز دارند .

قال ائتونی بأخ لکم من أیکم

۴ بنیامین در اولین سفری که برادرانش برای تهیه خوار و بار به حضور یوسف (ع) رسیدند ، همراه آنان نبود .

قال ائتونی بأخ

لکم من أیکم

۵ برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال ائتونی بأخ لکم من أیکم

۶ یوسف (ع) سهمیه و جیره افراد را همواره عادلانه و بدون کمترین نقصی به آنان پرداخت می کرد .

ألا ترون أنى أوفى الكیل

کیل (پیمانه کردن) مصدر است و در آیه شریفه، به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن آذوقه و غلات است. <ایفاء> (مصدر اوفی) به معنای پرداختن به طور کامل و بدون نقص و کاستی است. آوردن فعل مضارع (اوفی) به جای فعل ماضی <وفیت> اشاره به روش مستمر یوسف(ع) در ایفای کیل دارد.

۸ یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنى أوفى الكیل و أنا خیر المنزلین

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أیکم ألا ترون أنى أوفى الكیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألا- ترون ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون .. أنا خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۶ - ۳،۲

۲ یوسف (ع) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی

۳ یوسف (ع) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به .. و لا تقربون

نون مکسور در <لا تقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لا تقربون> یعنی، نزد من نیاید.

۶ فرزندان یعقوب به بازگشت مجدد به مصر برای دریافت آذوقه ، مصمم بودند .

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۷ - ۶،۴،۳

۳ علاقه شدید یعقوب (ع) به بنیامین ، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

>با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نماییم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم < که مفاد <سنرود عنه أباه> می باشد اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین ، ممانعت پدرشان می باشد.

۴ فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

۶ برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

>مراوده> (مصدرنراود) به معنای درخواست با

لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود...> چنین است، همانا با ملاطفت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

۷ تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف (ع)

إنا لفاعلون

جمله <سنرود عنه أباه> این احتمال را برای یوسف (ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی با جمله <إنا لفاعلون> به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱۱، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد.

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

۲ یوسف (ع) از کارگزارانش خواست بهای دریافت شده از فرزندان یعقوب را در بارها و اثاثیه آنان جاسازی کنند.

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

۳ یوسف (ع) به کارگزارانش توصیه کرد سرمایه فرزندان یعقوب را به گونه ای در اثاثیه آنان جاسازی کنند که تا رسیدن به وطنشان متوجه آن نشوند.

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها إذا انقلبوا إلی أهلهم

۵ یوسف (ع) امید داشت برادرانش بضاعت های برگردانده شده به آنان را به هنگام

رسیدن به وطنشان باز شناسند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها

روشن است که فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش بضاعت‌های خود را در آن می یافتند. بنابراین جای <لعل> (شاید و باشد) نبود. از این رو در تفسیر کلمه <لعل> چند وجه ذکر شده است: ۱ اشفاق و ترجی مربوط به قید <إذا انقلبوا> است ؛ یعنی، امید است که پس از رسیدن به اهلشان دریابند نه قبل از آن. ۲ مقصود از شناخت بضاعت شناختن حق آن است ؛ یعنی، شاید حق آن را بشناسند و قدردانی کنند. ۳ لعل به معنای <کی> (تا اینکه) است و معنای ترجی و امید ندارد.

۶ یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گذاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

۷ یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف(ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین ، ممنوع کرد ، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه

او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸

۱ فرزندان یعقوب از مصر بازگشتند و گزارش سفرشان را برای او شرح دادند .

فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا

۲ ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود .

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم .. فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا یأبانا منع منا الکی

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

۴ فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین ، در طول سفرشان به مصر متعهد شدند و بر آن تأکید کردند .

فأرسل معنا أخانا نکتل و إنا له لحفظون

۵ گزارش تحریم سهمیه آذوقه بدون همراهی بنیامین ، خبر و گزارشی مهم در دیدگاه فرزندان یعقوب

یأبانا منع منا الکیل

فرزندان یعقوب پیش از باز کردن بارها و محموله ها که معمولاً اولین اقدام مسافران و کاروانهاست خبر تحریم سهمیه آذوقه را برای پدرشان بیان کردند. این تعجیل نشان دهنده اهمیت این خبر در نظر آنان است.

۷ فرزندان یعقوب بجز راهی مصر شدن و به حضور یوسف (ع) رسیدن ، راهی برای تأمین آذوقه در سال های قحطی نداشتند .

یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا

چنان چه جز به مصر رفتن راهی فراروی فرزندان یعقوب بود ، او آن راه را به فرزندانش پیشنهاد می کرد تا مجبور نباشد

را همراه آنان بفرستد.

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۶، ۹، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیہ إلاّ کما أمتکم علی أخیہ من قبل

۲ یعقوب (ع) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنکم علیہ إلاّ کما أمتکم علی أخیہ من قبل

استفهام در <هل ءامنکم...> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنکم...> یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

۳ بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او ، دلیل یعقوب (ع) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیہ إلاّ کما أمتکم علی أخیہ من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد <هل ءامنکم علیہ إلاّ...> چنین می شود: اعتماد من به شما [اگر اعتماد کنم] در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت

یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إِلَّا كَمَا أَمَّنْتُمْ عَلَىٰ أُخِيهِ مِنْ قَبْلِ

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

۹ یعقوب (ع) در پی تعهد فرزندانش بر محافظت از یوسف (ع) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

كَمَا أَمَّنْتُمْ عَلَىٰ أُخِيهِ مِنْ قَبْلِ

۱۶ تعریض یعقوب (ع) به فرزندانش مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف (ع) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علیٰ أخیه من قبل فالله خیر حفظاً و هو أرحم الرحمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۷، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرزندان یعقوب پس از گزارش سفر ، به گشودن محموله های خریداری شده از مصر پرداختند .

و لما فتحوا متعهم

۲ فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش ، بهای غلات خریداری شده از مصر را در میان آنها یافتند .

و لما فتحوا متعهم وجدوا بضعتهم ردّت إلیهم

۳ فرزندان یعقوب با مشاهده بهای باز گردانده شده ، شادمان شدند و آن را به یعقوب گزارش کردند .

قالوا یا بانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا

<ما> در <ما نبغی> استفهامیه و مفعول برای نبغی است. <بغی> به معنای خواستن و طلب کردن می باشد. جمله <ما

نبغی> یعنی ، [بیش از این] چه می خواهیم؟

۴ اطمینان فرزندان یعقوب

به باز گردانده شدن سرمایه خویش نه رخ دادن اشتباه و خطا از ناحیه کارگزاران یوسف

وجدوا بضعتهم ردّت إليهم .. هذه بضعتنا ردّت إلینا

جمله <ردّت إلینا> <دلالت بر آن دارد که فرزندان یعقوب بضاعت خویش را با این وصف که به آنان باز گردانده شده است، یافتند؛ یعنی، این گمان را نداشتند که اشتباهی رخ داده است تا خویشان را به ارجاع آن ملزم بینند.

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه باز گردانده شده، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند.

قال هل ءامنکم .. یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضعتنا..)) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

۸ حدس و پیش بینی یوسف (ع) (تقویت عزم برادرانش برای آمدن به مصر با مشاهده بهای باز گردانده شده) حدسی صائب و نظری بجا بود.

لعلهم يعرفونها .. لعلهم یرجعون ... ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا

۱۱ تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمیر أهلنا و نحفظ أخاننا

۱۲ لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غله با آمدن بنیامین به مصر، از دلیل های ارائه شده به یعقوب (ع) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

<ازدیاد> (مصدر <نزداد> از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. <کیل بعیر>؛ یعنی، بار و

محموله ای که معمولاً بر یک شتر حمل می کنند. گفتنی است جمله های <فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم...> و <منع منا الکیل> دلالت می کند بر اینکه یوسف (ع) اعطای سهمیه به فرزندان یعقوب را بدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از <نزداد کیل بعیر> این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه یوسف (ع) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به مصر ، فرزندان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته استفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۷ فرزندان یعقوب غله دریافتی در سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می شمردند .

ذلک کیل یسیر

<ذلک> اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. <یسیر> به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۳

۱۳ فرزندان یعقوب سوگند یاد کردند و با خدا پیمان بستند که در حد استطاعت ، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند .

حتى توتون موثقاً .. فلما اتوه موثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود.

لاتدخلوا من باب وحد . . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت.

لاتدخلوا من باب وحد . . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود.

لاتدخلوا من باب وحد . . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

از اینکه یعقوب (ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندانش خویش (اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۷ یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند.

بینی لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

۸ یعقوب (ع)، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید.
* .

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۶۸ - ۱،۲،۶،۸

۱ ورود

فرزندان یعقوب به مصر برای دومین بار

و جاء إخوه يوسف . . . و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

۲ فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت ، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند .

وادخلوا من أبواب متفرقه . . . و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

<حیث> اسم مکان و به معنای جا و محل است.

۶ تدبیر یعقوب (ع) (ورود فرزندانش به مصر از دروازه های متعدد) مانع پیشامدی که خداوند برای آنان مقدر کرده بود ، نشد .

ما كان یغنی عنهم من الله من شیء

ضمیر در <یغنی> به یعقوب(ع) و یا تدبیر او که از <ادخلوا من أبواب متفرقه> استفاده می شود برمی گردد. مآل هر دو احتمال یک معناست.

۸ توصیه یعقوب (ع) به فرزندانش (لزوم اختیار کردن دروازه های متعدد برای ورود به مصر) جز تلاش برای سلامتی فرزندانش ، اثر دیگری نداشت .

ما كان یغنی عنهم من الله من شیء إلا حاجة فی نفس یعقوب قضیها

استثنا در عبارت <إلا حاجة . . .> استثنای منقطع است. ظاهر آن است که ضمیر فاعلی در <قضیها> به یعقوب(ع) باز گردد. بر این اساس معنای <ما كان یغنی . . . إلا حاجة فی نفس یعقوب قضیها> چنین می شود: تدبیر یعقوب(ع) هرگز بازدارنده آنچه از ناحیه خداوند مقدر شده بود نشد ؛ لکن یعقوب(ع) خواسته ای داشت که با دستور خویش (ادخلوا من أبواب متفرقه) عملی ساخت. بر اساس این معنا مراد از خواسته او (حاجه) انجام وظیفه است و آن راهنمایی فرزندان به اسباب رهایی از خطرات احتمالی

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف (ع) در آمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخواه

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا .. ءاوی إلیه أخواه

۳ یوسف (ع) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إنی أنا أحوک

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر ، برادر ناپدید شده وی (یوسف (ع)) باشد ، ناباور بود .

إنی أنا أحوک

تأکید حکم در جمله <إنی أنا أحوک> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إِنَّ> و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

۵ یوسف (ع) شرح ماجرای خود و برادرانش (داستان قرار دادن او در چاه کنعان و ...) را برای بنیامین باز گفت .

قال إنی أنا أحوک فلا تبئس بما کانوا یعملون

مراد از ضمیر در <کانوا> و <یعملون> برادران یوسف است.

آوردن جمله <لاتبتس> (اندوهگین نشو و تأسف نخور) پس از <إنی أنا أحوک> می رساند که یوسف(ع) پس از معرفی خویش، ماجرای چاه کنعان و مسائل پیرامون آن را برای بنیامین باز گفته بود و گرنه مجرد معرفی خودش، زمینه ای برای ناراحتی و اندوه بنیامین نداشت.

۶ تأسف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتس بما كانوا يعملون

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتس بما كانوا يعملون

۱۰ توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أحوک فلاتبتس بما كانوا يعملون

تفریح <فلاتبتس ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أحوک> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ؛ یعنی، یوسف(ع) با این تفریح بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ؛ ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهّازهم جعل السقايه فی رحل أخیه

۲ یوسف (ع) خود به تجهیز و مهیا کردن محموله برادران خویش پرداخت .

فلما جهّزهم بجهّازهم

۳ یوسف)

ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد.

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه في رحل أخيه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

۴ بی اطلاعی کارگزاران یوسف (ع) از طرح و نقشه وی (جاسازی کردن پیمانانه در محموله بنیامین) برای جلوگیری از بازگشت بنیامین

جعل السقايه في رحل أخيه ثم أذن مؤذن

چنان چه کارگزاران یوسف (ع) از نقشه وی مطلع بودند، به سارق بودن فرزندان یعقوب تصریح و تأکید نمی کردند (إنکم لسارقون). همچنین از اینکه یوسف (ع) خود جام را در محموله بنیامین قرار داد، این معنا استفاده می شود که او نمی خواست دیگران از نقشه وی مطلع باشند.

۵ کارگزاران یوسف (ع) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند.

جعل السقايه في رحل أخيه ثم أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب، اتهام سرقت را به آنان اعلام کرد.

ثم أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قافله و شترانی که بار و بنه آنان را حمل می کنند، گفته می شود. این کلمه مرادف کاروان و قافله در فارسی است. <اذان> به معنای اعلام کردن است و <تأذین> مصدر <أذن> به معنای کثرت اعلام می باشد. بنابراین <أذن مؤذن...> یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

۷ اتهام سرقت به فرزندان یعقوب پس از حرکت و دور شدنشان از

محوطه بارگیری ، به آنان اعلام شد . *

ثم أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسارقون

حرف <ثم> و نیز جمله <أقبلوا عليهم> در آیه بعد می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۹ > عن أبي عبد الله عليه السلام . . . قال : إنهم سرقوا يوسف من أبيه إلا - تری أنه قال لهم حين قالوا : ماذا تفقدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملك ، و لم يقولوا : سرقتم صواع الملك ، إنما عنى أنكم سرقتم يوسف من أبيه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود [فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانۀ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید.<

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) . . . : و ارتحل القوم (إخوه يوسف) مع الرفقه فمضوا ، فلحقهم يوسف و فتيته فنادوا فيهم قال : > أيتها العير إنكم لسارقون < . . . <

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . برادران یوسف با کاروانیان حرکت کردند و رفتند، سپس یوسف و افرادش به آنان ملحق شدند. آن گاه بین آنان ندا دادند و منادی چنین گفت: <أيتها العير إنكم لسارقون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ فرزندان یعقوب با شنیدن

اتهام سرقت به سوی یوسف (ع) و کارگزاران وی بازگشتند .

قالوا و أقبلوا عليهم

ضمیر در <قالوا> و <أقبلوا> به کلمه <العیر> در آیه قبل باز می گردد و جمله <و أقبلوا عليهم> حال برای ضمیر در <قالوا> است.

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا .. ماذا تفقدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱،۵،۷،۲۰

۱ گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

<صواع> به معنای پیمانانه است.

۵ یک بار شتر غله ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعير

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعيم> یوسف (ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۲۰ > عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < صواع الملك > قال : كان قدحاً من ذهب و قال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال :

لعن الله الخَوَّان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق (ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمانانه می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمانانه خیانت نکنید.

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱،۴،۶

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش، بر منزله بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر، سوگند یاد کردند.

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است؛ ولی در حقیقت <ما جئنا..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

۴ دستگاه حکومتی یوسف (ع)، درباره کاروانهایی که به مصر وارد می شدند، تفحص می کرد تا به فسادگر و سارق نبودن ایشان اطمینان پیدا کند.

لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

جمله <لقد علمتم> (یقیناً دانستید و دریافتید که ما چنین و چنان نیستیم) حاکی است که کاروانهای وارد شده به مصر، مورد تفحص قرار می گرفتند تا هدف آنان از ورود به مصر مشخص شود که مبادا برای جاسوسی، خرابکاری، سرقت و... به مصر وارد شده باشند.

۶ فرزندان یعقوب با بیان حسن پیشینه خویش و منزله بودنشان از سابقه سرقت، متهم شدنشان را به سرقت جام شاهی امری نابجا شمردند.

لقد علمتم... ما كنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲،۵

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان

یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق، وی را مجازات خواهند کرد.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی، که از جمله های قبل استفاده می شود، برمی گردد.

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان، از اختیارات یوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱

۱ فرزندان یعقوب، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند.

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۴، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) خود به بازرسی بارها و اثاثیه کاروان فرزندان یعقوب اقدام کرد.

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه

ضمیر در <بدأ> و <استخرج> به قرینه <أخیه> به یوسف باز می گردد. اسناد آن دو فعل به یوسف، ظاهراً حقیقی است نه مجازی (به این معنا که او دستور داده باشد که چگونه بازرسی کنند در حالی که خود مباشرت نداشته باشد). تغییر سیاق / یعنی، تبدیل فعل جمع (قالوا فما جزاؤه) به فعل مفرد (بدأ) قرینه

بر معنای یاد شده است. <وعاء> به معنای ظرف و <أوعیه> جمع آن می باشد.

۲ یوسف (ع) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین ، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت .

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه <ثم> دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرا رسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر برادران به دقت انجام می گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

كذلك کدنا لیوسف

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جو یا \$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك کدنا لیوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما کان لیاخذ

دين به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملك> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

۱۴ مشیت الهی ، زمینه ساز باقی ماندن بنیامین نزد یوسف (ع)

ما کان .. إلا أن يشاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۶، ۱۴، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

۲ برادران یوسف در حضور او ، بنیامین را به داشتن روحیه سرقت متهم کردند .

قالوا إن يسرق

چون از نظر ظاهر بنیامین سارق شناخته شد، اقتضای مقام آن بود که برادران یوسف از فعل ماضی (سرق) استفاده می کردند. آنان با آوردن فعل مضارع (یسرق) که دلالت بر استمرار و تجدد دارد به جای فعل ماضی درصدد بیان این معنا بودند که بنیامین دارای روحیه سرقت است.

۳ برادران یوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنیامین (یوسف) سخن گفتند و سابقه دزدی را برای او نیز امری ثابت شده قلمداد کردند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

۴ یوسف (ع) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل .. قال

... الله أعلم بما تصفون

۵ برادران یوسف بر \$ این باور بودند که یوسف (ع) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل> می تواند متعلق به <سرق> باشد. بر این اساس جمله <فقد سرق...> چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود. همچنین می تواند متعلق به مضمون <أخ له> باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

۷ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن يسرق) جمله ای محذوف است و جمله <فقد سرق ..> - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله <إن يسرق...> چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

۸ فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد ، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن يسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته و ولی سایر برادرانش

چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد .

فأسرها يوسف في نفسه و لم يبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرها> و <لم يبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرها...> ؛ یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف (ع) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان (دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین) را باور ندارد .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل . . . و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . . .> عطف بر <أنتم...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسر> و <لم يبدها> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

۱۶ > عن النبي (ص) في قوله : > إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل < قال : سرق يوسف (ع) صنماً لجده أبي أمه من ذهب و فضّه ، فكسره و ألقاه في الطريق ، فعيره بذلك إخوته ؛

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا و نقره را که از

جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱۱ - ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد .

فهو جزؤه .. قالوا یا ایها العزیز إن له أبا شیخًا کبیرًا

الدرالمنثور، ج ۴، ص ۵۶۴.

۲ فرزندان یعقوب با تحریک عواطف یوسف (ع) درصدد جلب رضایت او برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قالوا یا ایها العزیز إن له أبا شیخًا کبیرًا

۳ اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یا ایها العزیز إن له أبا شیخًا کبیرًا .. إنا نریک من المحسنین

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف (ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف (ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

۵ یوسف (ع) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یا ایها العزیز

۶ بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أهدنا مکانه

۷ فداکاری و گذشت برادران بنیامین ، برای باز گرداندن او به پدرشان یعقوب

فخذ أهدنا مکانه

۸ برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است

فخذ أهدنا مكانه

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نريك من المحسنين

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أهدنا مكانه إنا نريك من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۰، ۵، ۱

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أهدنا مكانه . . . قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ...> یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

۵ اجتناب یوسف (ع) از نسبت دادن دزدی به بنیامین

أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

آوردن عبارت <إلا من وجدنا متعنا عنده> (مگر کسی که متاع خویش را نزد او یافتیم) به جای <إلا من سرق متعنا> (مگر کسی که متاع ما را سرقت کرده باشد) گویای اجتناب یوسف از نسبت دادن سرقت به بنیامین است.

۱۰ یوسف (ع) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر \$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان . . . إنا إذا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغير <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن)

نأخذ .. إنا إذا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً ناامید گشتند .

فلما استئیسوا منه

<یأس> و <استئیس> به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که <استئیس> حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در <منه> یوسف و یا بنیامین است. بنابراین <فلما استئیسوا منه ...> / یعنی، پس آن گاه که فرزندان یعقوب از [جلب رضایت] یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند

۲ فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین ، در کناری به دور از یوسف و کارگزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما استئیسوا منه خلصوا نجیاً

از معانی <خلوص> اعتزال و کناره گیری کردن است. <نجی> به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شریفه حال برای فاعل <خلصوا> می باشد. بنابراین <خلصوا نجیاً> / یعنی، برادران یوسف از دیگران جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

۳ فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر ، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباكم قد أخذ عليكم موثقاً من الله

۴ بازگشت همگان به کنعان ، نظر و رأی اکثریت فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین

قال كبيرهم ألم تعلموا .. فلن أبرح الأرض

استفهام

در <ألم تعلموا ..> استفهام توییخی است. از نتیجه ای که <لاوی>، فرزند ارشد یعقوب، در سخنان خویش بیان می دارد (فلن أبرح الأرض؛ از دیار مصر نمی روم) معلوم می شود منشأ توییخ و سرزنش او از برادرانش این بوده که آنان را مصمم بر بازگشت می دیده است.

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی يأذن لی أبی

<براح> (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (باز گرداندن بنیامین)

قال کبیرهم .. قد أخذ علیکم موثقاً ... فلن أبرح الأرض

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا .. من قبل ما فرطتم فی یوسف

<ما> در <ما>

فَرَطْتُمْ < مصدریه است و عبارت > من قبل ما فَرَطْتُمْ . . . < عطف بر > أَنْ أَبَاكُمْ ... < می باشد / یعنی: > أَلَمْ تَعْلَمُوا تَفْرِيطَكُمْ فِی یُوسُفَ مِنْ قَبْلِ . . . تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

۱۰ فرزند بزرگ یعقوب ، رفتار گذشته برادرانش با یوسف (ع) را رفتاری نکوهیده خواند .

قال کبیرهم . . . و من قبل ما فَرَطْتُمْ فِی یُوسُفَ

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لاوی از > حتی یأذن لی أبی < این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلاّ- أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از > یحکم الله < شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال کبیرهم . . . ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از

سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنك سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنك سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنك سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنك سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

يأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <يأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگوئید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنك سرق

لحن جمله <إن ابنك سرق> (به یقین پسر دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما كنا للغيب حفظين

در

معنای جمله <و ما كنا ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنك سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم / یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهان، اعتذار آنان نزد یعقوب (ع) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. و ما كنا للغيب حفظين

جمله <و ما كنا ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب (ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گوئید بینجامد.

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند.

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حفظين

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵ (جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حفظين> چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم / ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر

است که بر این مبنا <حافظین> به معنای <عالمین> خواهد بود.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهانی، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حفظين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ خیر دزدی بنیامین در آبادی محل سکونت یوسف (مصر)، شایع شده بود.

وسئل القرية التي كنا فيها

<قریه> به محل سکونت و اجتماع انسانها (شهر و روستا) گفته می شود. از این رو در برداشت از آن به <آبادی> تعبیر شد. پرسش از آبادی با اینکه مقصود پرسش از اهل آبادی است، برای رساندن این معناست که: خیر سرقت بنیامین در شهر شایع شده و همگان از آن مطلع بودند.

۲ کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند.

وسئل .. العير التي أقبلنا فيها

۳ فرزندان یعقوب، بر این گمان بودند که پدرشان داستان سرقت بنیامین را تصدیق نخواهد کرد.

وسئل القرية .. والعير التي أقبلنا فيها

۴ لای به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان، داستان سرقت بنیامین را جویا شود.

فقولوا ياأبانا .. وسئل القرية ... والعير التي أقبلنا فيها

<اقبال> (مصدر اقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إليك> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فيها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العير التي ...> یعنی، از کاروانی پرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است

که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

۵ فرزندان یعقوب از مصر به همراه کاروانی از کنعانیان رهسپار دیار خویش شدند .

والعیر التی أقبلنا فیها

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ فرزندان یعقوب به کنعان بازگشتند و گزارش سفرشان را همان گونه که لاوی سفارش کرده بود ، برای پدرشان بیان کردند

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یاأبانا .. قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

از آن جا که مطالب آیه ۸۱ و ۸۲ سخنان لاوی در مصر است و جمله <بل سؤلت ..> پاسخ یعقوب در برابر آن گفته هاست، معلوم می شود که اولاً: بخشی از داستان به خاطر اختصار آورده نشده است و آن اینکه: <ارجعوا إلی أبیهم و قالوا کذا و کذا>. ثانیاً: فرزندان یعقوب همان سخنان لاوی را به همان گونه که وی سفارش کرده بود برای پدرشان گزارش کردند.

۲ یعقوب (ع) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندانش را باور نکرد .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت.

۳ یعقوب (ع) ، فرزندانش را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

۵ یعقوب (ع) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

.. < ۱ یعنی ، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

۶ آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندانش (یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است . *

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندانش را باور نکرد و آنان را علی رغم داشتن شهود عینی که جای شک باقی نمی گذاشت به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: ۱ یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. ۲ کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. ۳ این کید و نقشه از ناحیه فرزندانش اجرا شده است. اینها واقعیهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت ۱ ولی نکته ای که برای او پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندانش است مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طراح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳، ۱۲، ۷

۷ گریه فراوان یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) *

وابيضت عیناه من الحزن

حرف < من > در < من الحزن > تعلیلیه است و حاکی از این است که

حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود؛ ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب (ع) بر اثر فراق یوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم

(كظيم) به معنای اسم مفعول مكظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولی عنهم .. فهو كظيم

<كظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد؛ یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۶، ۴، ۳، ۱

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیة است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف>؛ یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی

تكون حرصاً أو تكون من الهلكين

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله ..> گویای ملامت یعقوب (ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف (ع) است.

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تكون حرصاً أو تكون من الهلكين

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تكون حرصاً ..) جواب قسم است / یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تكون حرصاً ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۰، ۱۶، ۹

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لا تعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) قال : قدم أعرابي على يوسف ... قال له يوسف : ... فإذا مررت بوادي كذا و كذا فقف فناد : يا يعقوب ! يا يعقوب ! فإنه سيخرج إليك رجل ..

. فقل له : لقيت رجلاً بمصر و هو يقرئك السلام و يقول لك : إن وديعتك عند الله عزوجل لن تضيع ، قال : فمضى الأعرابي . .
. فأبلغه ما قال له يوسف . . . فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حي لم يموت و أن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته و
كان يقول لبنيه : < إني أعلم من الله ما لا تعلمون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف وارد شد . . . یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی
گذر کردی بایست و صدا بزنی: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهد آمد ... به او بگو مردی را در
مصر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت ...
و گفتار یوسف را به یعقوب ابلاغ کرد ... پس یعقوب می دانست یوسف زنده است و نمرده و خدای تعالی به زودی او را
پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: < إني أعلم من الله ما لا تعلمون > ...> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۳، ۴، ۲

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند .

بینی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست

و جو نمودن است.

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لا تأیسوا من روح الله

۱۳ > عن أبي جعفر (ع) : . . . انه [یعقوب] دعا ربّه فی السحر أن یهبط علیه ملک الموت فهبط علیه . . . قال یعقوب : . . . هل عرض عليك فی الأرواح روح یوسف ؟ فقال : لا فعند ذلك علم أنه حیّ فقال لولده : > اذهبوا فتحسسوا من یوسف . . . < . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید . . . پس او فرود آمد . . . یعقوب گفت: ... آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: > اذهبوا فتحسسوا من یوسف ... < . . . < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۴، ۳، ۱

۱ فرزندان یعقوب برای مرتبه سوم در دوران قحطی ، به مصر آمدند و به حضور یوسف (ع) رسیدند .

فلما دخلوا علیه

۳ فرزندان یعقوب سختی معیشت و نابسامان بودن وضع مادی خاندان یعقوب را به یوسف گزارش کردند .

قالوا یا ایها العزیز مسنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه

۴ یوسف (ع) در دوران قحطی مصر ، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت .

قالوا یا ایها العزیز

۷ فرزندان یعقوب در نوبت سوم سفرشان به مصر

، بهای کامل برای خرید سهمیه خویش را نداشتند .

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

<مزجاه> به معنای ناچیز و حقیر است.

۸ فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش ، از یوسف (ع) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند .

مسنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

۹ تداوم سیاست یوسف (ع) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدت‌ها ادامه داشت.

۱۰ یوسف (ع) از فقیران و تهیدستان برای پرداخت سهمیه شان ، بهایی دریافت نمی کرد .

مسنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <أوف لنا الکیل> به وسیله <فاء> بر <مسنا و أهلنا الضر ..> است.

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزندان

یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: ۱ منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف (ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. ۳ مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

۱۳ دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف (ع) و استرداد بنیامین *

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَ أَهْلُنَا الضَّر . . فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف (ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۱۴ برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب (ع) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه، آذوقه و غلات به آنان ببخشد.

مَسْنَا وَ أَهْلُنَا الضَّر . . فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس، خیرخواه و اهل جود و کرم بود.

فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنْ اللَّهُ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

۱۹ اظهار مسکنت و ذلت برادران یوسف به پیشگاه او و شکایت آنان از فقر و تنگدستی، در سومین سفر آنان به مصر

مَسْنَا وَ أَهْلُنَا الضَّر . . وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنْ اللَّهُ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

۲۰ > عن أبي الحسن الهادي (ع) : . . . لما مات العزيز . . . إفتقرت إمرأه العزيز و احتاجت حتى سألت

الناس فقالوا: ما يضرك لو قعدت للعزیز و كان یوسف یسمی العزیز [خ. ل. و كل ملك كان لهم سمي بهذا الاسم] ...
فقامت إليه و قالت : سبحان ... من جعل العبد بالطاعة ملوكاً ... ٢

از امام هادی (ع) روایت شده است: .. پس از مرگ عزیز مصر ... همسر وی [زلیخا] فقیر و نیازمند شد تا آن جا که از مردم درخواست کمک می کرد. پس مردم به او گفتند: چه ضرر دارد که بر سر راه عزیز بنشینی [واز او کمک خواهی] و یوسف در آن زمان عزیز نامیده می شد [و هر پادشاهی که بر مصریان حکومت می کرد به این اسم نامیده می شد] ... پس همسر عزیز بر سر راه یوسف ایستاد و گفت: ... منزه است خدایی که بردگان را در سایه اطاعت، به پادشاهی می رساند ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۹، ۸، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ عزیز مصر در پی مشاهده ذلت فرزندان یعقوب ، داستان رها کردن یوسف (ع) در چاه کنعان را به آنان یادآوری کرد .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

مراد از <ما فعلتم بیوسف> و یا مصداق مورد نظر از آن، داستان رهاسازی یوسف (ع) در چاه کنعان است. گویا این یادآوری همان است که خداوند در آیه ۱۵ از همین سوره بیان داشت، بدین مضمون که همانا این واقعه (داستان چاه) را در آینده به آنان گزارش خواهی کرد، در حالی که متوجه نیستند (تو را نمی شناسند).

۲ بنیامین ، برادر پدري

و مادری یوسف (ع)، همچون یوسف (ع)، مورد آزار و اذیت برادرانش بود.

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

۳ بنیامین برخوردارهای نامناسب و آزارهای برادرانش را برای یوسف (ع) شرح داده بود.

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف (ع) از آن مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف (ع) و بنیامین نیز باشد.

۶ برادران یوسف هنگام افکندن او در چاه کنعان، گرفتار جهل و بی خردی بودند.

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

۸ برادران یوسف پس از سپری کردن برهه ای از عمرشان از آزار و اذیت بنیامین دست کشیدند. *

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

چون <إذ أنتم جاهلون> ظرف برای <فعلتم> است، زمان آن فعل را مقید به زمان جهل و نادانی برادران یوسف می کند و این مفهوم را القا می کند که پس از آن زمان، برخوردشان با بنیامین برخوردار نامناسبی نبوده است. تناسب حکم و موضوع و طبیعت حال، این احتمال را به ذهن می آورد که بگوییم آن زمان، زمان جدایی ایشان بوده است.

(ع) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش ، عذر تقصیرشان (جهل و نادانی) را به آنان القا کرد .

إذ أنتم جاهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرزندان یعقوب در پی سخنان عزیز مصر (آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید) دریافتند که او برادرشان یوسف (ع) است .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف .. قالوا أءنك لأنت یوسف

جمله <أءنك ..> حاوی چهار تأکید است: اسمی بودن جمله ، حرف تأکید <إِنَّ> ، لام تأکید و ضمیر فصل <أنت> . و اینها حاکی از این است که برادران یوسف بر اینکه مخاطبشان همان یوسف(ع) است ، اطمینان کردند.

۲ استبعاد و شگفتی ، فرزندان یعقوب از اینکه عزیز مصر برادرشان یوسف باشد .

قالوا أءنك لأنت یوسف

برادران یوسف علی رغم اطمینانشان بر اینکه عزیز مصر همان یوسف است ، جمله خویش را با استفهام تقریری بیان کردند و از او خواستند که به یافته آنان اقرار کند و این بیانگر استبعاد و شگفتی ایشان است ؛ یعنی ، در عین اطمینان ناباور بودند.

۳ یوسف (ع) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنك لأنت یوسف قال أنا یوسف

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر ،

حضور داشت .

و هذا أخي

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهی بر صدق دعوی خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخي

جمله < هذا أخي > می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای < قد من الله > باشد به عنوان شاهی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را در خواهید یافت.

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إن كنا لخطئين

< إن > در جمله فوق به اصطلاح مخففه از مثقله (إن) است. دلیل آن حرف < لام > در < لخطئين > می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنا لخطئين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۴، ۱۳، ۶، ۴، ۳، ۱

۱ یوسف (ع) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لا تثریب علیکم

روا نداشتن سرزنش برادران که جمله < لا تثریب .. > گویای آن است ، می رساند که یوسف (ع) آنان را مورد عفو خویش

قرار داد.

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز

پرهیز نمود .

لا تثریب علیکم

< تثریب > به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

۴ یوسف (ع) پس از اعتراف برادرانش به خطا، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران، ناروا شمرد .

لا تثریب علیکم الیوم

کلمه < تثریب > نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر عموم دارد؛ یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله < لا تثریب علیکم الیوم > جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است؛ یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

۶ یوسف (ع) از خداوند خواستار آمرزش خطاها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله < یغفر.. > می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۱۳ یوسف (ع) برادرانش را به آمرزش خدا و شمول رحمتش بر آنان نوید داد .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

برداشت فوق بر این اساس است که < یغفر الله .. > جمله ای خبری باشد.

۱۴ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهی، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

جمله < و هو .. > حالیه است و به منزله تعلیل برای < یغفر الله > می باشد؛ یعنی، چون < ارحم الرحمین > است، گناه شما را می بخشاید. قابل ذکر است که یوسف با یادآوری این صفت خداوند، پس از گذشت از گناه

برادرانش، به این نکته اشاره می کند که: من از شما درگذشتم پس او که از همه از من و غیر من مهربان تر است، بی هیچ تردید از شما خواهد گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۲، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع)، برادرانش را با پیراهنی خاص از خویش روانه کنعان کرد.

اذهبوا بقمیصی هذا

کلمه <هذا> گویای آن است که یوسف (ع) پیراهن خاصی را به برادرانش سپرد تا به کنعان ببرند.

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود.

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیراً

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد؛ یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود.

یأت بصیراً

۴ یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند.

اذهبوا .. فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه>؛ یعنی، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۵ یوسف (ع) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود.

یأت بصیراً

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن

یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف (ع) در بینا شدن چشم یعقوب (ع) است.

۱۲ > عن أبی جعفر (ع) [فی قوله تعالی] : < قال ... إذهبوا بقمیصی هذا > الذی بلّته دموع عینی ...

از امام باقر (ع) درباره سخن خدای تعالی: <قال... إذهبوا بقمیصی هذا> روایت شده: پیراهنی که اشک های چشم آن را تر کرده است، [با خود ببرید].>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ کاروان فرزندان یعقوب با سوغاتی ارزشمند و دلیلی روشن بر سلامت یوسف (ع)، از مصر به سوی کنعان حرکت کردند

إذهبوا بقمیصی هذا... و لما فصلت العیر

<فصلت> از مصدر <فصول> گرفته شده است و <فصول> به معنای خارج شدن و جدا گشتن می باشد.

تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۷۹؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۱۸۵.

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد.

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم...> جواب شرط <لما فصلت...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف (ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی

مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد.

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۴ شامه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۷ خانواده یعقوب، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع)، انکار می کردند.

قال أبوهم .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إني لأجد...> نمی تواند بیانگر جواب <لولا...> باشد؛ زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما كذبتُموني و...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

۱۲ در سفر سوم فرزندان یعقوب به مصر برای جست و جوی یوسف (ع) و بنیامین، تنها برخی از آنان راهی آن سفر شدند.

بینی اذهبوا .. و لما فصلت العیر قال أبوهم ... لولا أن تفنّدون

جمله <قال أبوهم...> گویای این است که گوینده؛ یعنی، یعقوب(ع) پدر مخاطبان است. براین اساس مخاطبان یعقوب(ع) در جمله <لولا أن تفنّدون> فرزندان اویند و این می رساند که برخی از فرزندانش

برای جست و جوی یوسف(ع) و بنیامین (بینی اذهبوا) به مصر رفتند و برخی از آنان نزد پدر ماندند.

۱۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال: ... ان ابراهيم لما أوقدت له النار أتاه جبرئيل (ع) بثوب من ثياب الجنة ... فلما حضر ابراهيم الموت جعله في تميمه و علقه إسحاق على يعقوب ، فلما ولد يوسف (ع) علقه عليه فكان في عضده ... فلما أخرجته يوسف بمصر من التميمه وجد يعقوب ريحه و هو قوله: < إني لأجد ريح يوسف ... > فهو ذلك القميص الذي أنزله الله من الجنة ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد ... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را] بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إني لأجد ريح يوسف ...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و

آن را برای اطرافیان‌ش اظهار می‌کرد .

قال أبوهم إنني لأجد ريح يوسف . . قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ حامل پیراهن یوسف (ع) به عنوان پیکی مژده رسان پیش از دیگر افراد کاروان به حضور یعقوب (ع) رسید .

فلما أن جاء البشير

<بشیر> به معنای اسم فاعل (مبشّر) به کسی گفته می‌شود که پیامی مسرّت بخش را ابلاغ می‌کند. گفتنی است چنان‌چه <بشیر> همراه دیگر فرزندان به حضور یعقوب(ع) رسیده بود، مناسب تر آن بود که جمله به این صورت بیان می‌شد: <فلما أن جاءوا ألقاه البشير على وجهه>. بنابراین جمله <فلما أن جاء البشير> ظهور در این دارد که مژده رسان پیش از دیگران آمده بود.

۲ پیک فرزندان یعقوب زنده بودن یوسف (ع) و همراه داشتن پیراهن وی را به یعقوب (ع) بشارت داد .

فلما أن جاء البشير

مصادق مورد نظر برای بشارت و خبرت مسرّت بخش به مناسبت مورد خبر از حیات یوسف(ع)، سلطنت او و نیز به همراه داشتن پیراهن معجزه آسای وی است. قابل ذکر است که جمله <اذهبوا بقميصي> در آیه ۹۳ می‌رساند که <بشیر> یکی از همان برادران یوسف بوده نه شخصی دیگر.

۳ افکندن پیراهن یوسف (ع) بر چهره یعقوب (ع) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب (ع)

فلما أن جاء البشير ألقاه على وجهه

جمله <ألقاه . . > جواب برای <فلما أن جاء البشير> است و لذا دلالت می‌کند

به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <آن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن، فروغ گرفت و بینایش بازگشت.

أَلْقِيهِ عَلَيَّ وَجْهَهُ فَرْتَدُّ بَصِيرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: ۱\$ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش، تحقق یافت.

اذهبوا بقميصي هذا فالقوه على وجه ابي يأت بصيرا .. ألقيه على وجه فارتد بصيرا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقى> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۱،۲،۳،۴،۸

۱ فرزندان یعقوب در حضور وی خویشان را گنهکار دانسته و به گناه خویش اقرار و اعتراف کردند.

قالوا ياأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خطئين

۲ فرزندان یعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با یوسف (ع) و بنیامین و یعقوب (ع)، آن را مرتکب می شدند.

قالوا ياأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا

مراد از <ذنوبنا> به قرینه مقام رفتار فرزندان یعقوب با وی و یوسف و بنیامین می باشد.

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با یوسف (ع) ، بنیامین و یعقوب (ع) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

يَا بَانَا اسْتَغْفِر لَنَا ذُنُوبَنَا

۴ فرزندان یعقوب با لحنی ملتمسانه از وی خواستند برای آموزش گناهانشان از خداوند ، طلب آموزش کند .

يَا بَانَا اسْتَغْفِر لَنَا ذُنُوبَنَا

تصریح فرزندان یعقوب به <یا ابانا> (ای پدر ما) برای جلب مهر و محبت و برانگیختن عواطف اوست که از آن به <لحنی ملتمسانه> تعبیر شد.

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف (ع) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد . *

يَا بَانَا اسْتَغْفِر لَنَا ذُنُوبَنَا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب(ع) به <ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لكم ربي) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب(ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۱، ۱۸، ۱۰، ۷، ۸، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ خاندان یعقوب ، تقاضای یوسف (ع) را پذیرفتند و همگی از کنعان به سوی مصر کوچ کردند .

وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ .. فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يَوْسُفَ

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند

و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

۲ یوسف (ع) برای استقبال از پدر و مادر، برادران و سایر بستگانش، از شهر مصر بیرون رفت.

فلما دخلوا علی یوسف .. قال ادخلوا مصر

جمله <ادخلوا مصر> (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

۴ یوسف (ع) در استقبال از پدر، مادر و بستگانش، از تشریفات وزارتی و حکومتی پیراسته بود.

فلما دخلوا علی یوسف

یاد کردن از یوسف(ع) با نام وی و نه عنوان و سمت او (عزیز و مانند آن) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۵ یوسف (ع) در بیرون شهر مصر، جایگاهی را برای مراسم استقبال از خاندانش تدارک دید.

فلما دخلوا علی یوسف

جمله <آن گاه که بر یوسف(ع) وارد شدند> (فلما دخلوا علی یوسف) می رساند که یوسف(ع) در ساختمان و یا چادرهایی منزل گرفته بود. در غیر این صورت واژه ورود و دخول جایگاهی نداشت؛ بلکه کلمه ملاقات و مانند آن مناسب می نمود.

۶ یعقوب (ع) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف (ع) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف (ع) پایان یافت.

فلما دخلوا علی یوسف

۷ یوسف (ع) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش، آنان را در کنار خود جای داد.

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

۸ مادر یوسف به هنگام کوچ خاندان یعقوب از کنعان به مصر زنده بود.

فلما دخلوا علی یوسف

۱۰ یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا ..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

۱۱ یوسف (ع) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی درامان خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

<آمن> (مصدر آمنین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت ، دغدغه معاش نداشتن و درامان بودن از ناحیه حکومت است.

۱۸ > عن الحسن بن اسباط قال : سألت أبا الحسن فی کم دخل یعقوب من ولده علی یوسف ؟ قال : فی أحد عشر إبناً له . . . ; حسن بن اسباط گوید: از امام رضا(ع) سؤال کردم: یعقوب در میان چند نفر از فرزندانش وارد بر یوسف شد؟ حضرت فرمود: در میان یازده پسر خود . . .<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۲،۳،۷،۲۶

۱ یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر .. و

رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکر می میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۲ یوسف (ع) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه علی العرش

۳ یوسف (ع) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشاند .

و رفع أبویه علی العرش

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خَرّوا له سَجْدًا

<خرور> (مصدر خَرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سَجْدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خَرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۲۶ یوسف (ع) به سخن خویش (دیگر بر شما برادرانم ملامتی روا نیست) متعهد و بدان وفادار بود .

لا تثریب علیکم الیوم .. نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

یوسف(ع) در بیان سرگذشت خویش برای یعقوب(ع) از برادرانش که منشأ فراق و جدایی بودند گلایه ای نکرد و رفتار ناروای ایشان را یادآور نشد ؛ بلکه شیطان را عامل فساد می بیند که میان او و برادرانش رخ داده بود دانست با این برخورد به آنچه در خطاب به برادرانش گفته بود (هیچ کس حق ندارد شما را سرزنش و ملامت کند) وفا کرد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی ... فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۷

۷ تصمیم و عزم برادران یوسف بر توطئه و مکر علیه وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. مراد از ضمیرهای جمع در جمله <أجمعوا...> برادران یوسف است. گرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که مقصود از آن ضمیرها علاوه بر برادران، زلیخا و هیأت حاکمه مصر نیز باشد.

قصه یوسف (ع) قبل از محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذکک من أنباء الغیب

<ذکک> اشاره به داستان یوسف (ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ؛ یعنی: <ذکک النبأ من أنباء الغیب> .

قصه یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۵

۵- موسی (ع) همسفر خود را از احتمال طولانی بودن سفرشان آگاه ساخت و احتمال بازگشت از نیمه راه را منتفی دانست .

و إذ قال موسى لفته لا أبرح

.. أو أمضى حقبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱- موسی (ع) و همسفر او به محلّ تلاقی دو دریا رسیدند و در آن جا توقف کردند .

فلما بلغا مجمع بينهما

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرين ، يك ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ك. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محلّ تلاقی دو دریا ، از ماهی همراه خویش ، غفلت کردند .

فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۱،۲،۳،۵،۷

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرين ، در جستوجوی خضر (ع) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلما بلغا مجمع بينهما .. فلما جاوزا

موسی(ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرين را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلّ مورد نظر موسی(ع) رسیده اند.

۲- موسی (ع) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع

البحرین ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

۵- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرین ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کارِ همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاً می گفت <آتنی غدائی> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۶۳ - ۱۱، ۴، ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوینا إلی الصخره

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرییت إذ أوینا إلی الصخره فإنی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است . <أوینا

إلى الصخرة > یعنی: < برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) قال: إنَّه لما كان من أمر موسى الذي كان أعطى مَكْتَل فيه حوت مملح قيل له: هذا يدلُّك على صاحبك عند عين مجمع البحرين... فانطلق الفتى يغسل الحوت في العين فاضطرب الحوت في يده حتَّى خدشه فانفلت و نسيه الفتى ;

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی (ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند... پس آن جوانی که همراه موسی (ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۴

۴- موسی (ع) و همسفرش، پی جویانه، به نقطه قبلی توقّف خود و محل از دست دادن ماهی بازگشتند.

فارتدا علیء اثارهما قصصاً

<إرتداد> (مصدر <إرتدا>)؛ یعنی، <بازگشتن> و <قصّ أثره قَصِيصاً>؛ یعنی، جاب پای او را با دقت، دنبال و پی گیری کرد. مراد از <فارتدا...> این است که موسی (ع) و همراه او، به دقت، راه رفته را بازگشتند تا به همان نقطه که

ماهی به دریا رفته بود، باز گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود.

فارتدا... فوجدا عبداً من عبادنا... و علمنه من لدنا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲

۲- یونس (ع) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد.

إذ ذهب مغضباً

آن چه از نظر مفسران و مورخان استفاده می شود، این است که یونس(ع) از میان قومش، به خاطر ایمان نیاوردنشان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۳- رفتار قوم یونس، خشم شدید آن حضرت را برانگیخت و موجب ناخرسندی او شد.

إذ ذهب مغضباً

۵- گمان یونس (ع) در سخت نگرفتن خداوند بر وی، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضباً فظنّ أنّ لن نقدر عليه

یکی از معنای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن (ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۶- گمان یونس (ع) به مجازات نشدن او از جانب خداوند، در زمینه بیرون آمدنش

از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فَطْرَ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) مؤید همین برداشت است.

۷- یونس (ع) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد. *

إِذْ ذَهَبَ مُغْضَبًا فَطْرَ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذَاللَّنُونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضَبًا .. فَنَادَى فِي الظُّلْمِ

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس (ع) به درگاه الهی، پس از گرفتار آمدن در ظلمات (شکم ماهی)

فَنَادَى فِي الظُّلْمِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

۱۴- روی آوردن یونس (ع) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند، در نیایش ویژه خویش

فَنَادَى فِي الظُّلْمِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

۱۵- <لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين>، ندا و دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم

ماهی

فَنَادَى فِي الظُّلْمِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إني كنت من الظالمين

۱۷- خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فَنَادَى .. إني كنت من الظالمين

۲۱- <قال المؤمنون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عز وجل : > و ذَاللَّنُونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضَبًا فَطْرَ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ <

فقال الرضا (ع): ذاك يونس بن متى (ع) ذهب مغاضباً لقومه < فظنَّ > بمعنى إستيقن < أن لن نقدر عليه > أي لن نضيق عليه رزقه... < فنادی فی الظلمات > أي ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت: < أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين > بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ۷

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل < و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظنَّ أن لن نقدر عليه > امام فرمود: او یونس بن متى بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. < ظنَّ > در کلام خدا به معنای < إستيقن > و < لن نقدر عليه > به معنای < لن نضيق عليه رزقه > ... می باشد. < فنادی فی الظلمات > یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إني كنت من الظالمين > یعنی، ... من از ستم کارانم ۷ زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - یونس پیامبر، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر، از میان قوم خود گریخت.

إذ أبق إلى الفلك المشحون

<أَبَقَ > (مصدر <أَبَقَ >) به معنای فرار عبد از مالک است و <مشحون > به معنای مملو است.

۲ - تصمیم یونس)

ع) ، به گریختن از میان قوم خود و هجرت به دیار دیگر ، تصمیمی فردی بود نه با اذن و رهنمود خداوند .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

تعبیر <أبق> (گریختن عبد از دست مالکش) استعاره تمثیلیه است که در آن وضع یونس در گریختن از میان قوم خود به عبد فراری از مالکش تشبیه شده است. به کار رفتن این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

۴ - محل تبلیغ و رسالت یونس پیامبر (ع) ، به دریا نزدیک بود . *

إذ أبق إلى الفلك المشحون

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر ، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلى الفلك المشحون

فرار یونس (ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

۶ - یونس (ع) ، در معرض اذیت و آزار شدید و طاقت فرسای قوم خود قرار داشت .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

گریختن یونس (ع) از میان قومش، می تواند به این دلیل باشد که او به شدت تحت شکنجه و آزار آنان قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۳،۴

۳ - اصابت قرعه به نام یونس (ع) و مغلوبیت او در قرعه کشی

فساهم فکان من المدحضین

<مدحضین> (اسم مفعول از <ادحاض>) به معنای <ازلاق> (کسی را لغزاندن) است و در این جا کنایه از شکست و مغلوبیت در امر قرعه کشی می باشد.

۴ - نبودن هیچ داوطلبی برای افکندن خویش به دریا و فدا کردن خود در ماجرای یونس *

فساهم فکان من المدحضین

از قرعه کشی و نیز تعبیر <مدحضین> (مغلوب شدگان)، می توان

برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۱،۲،۳

۱ - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی بزرگ، پس از افکنده شدن او به دریا

فالتقمه الحوت و هو ملیم

<إلتقام> (مصدر <التقم>) به معنای بلعیدن است و <حوت> هر چند در مطلق ماهی چه بزرگ باشد و چه کوچک به کار می رود؛ اما کاربرد آن در ماهی بزرگ بیشتر است و در آیه شریفه نیز به همین معنا به کار رفته است.

۲ - حضرت یونس (ع) به جهت خروج عجولانه از میان قوم خود، سزاوار سرزنش شد.

إذ أبق إلى الفلك .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألام>) به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است؛ چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <ألام> برای صیروت است؛ یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

۳ - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود.

إذ أبق إلى الفلك .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۳ - ۱

۱ - یونس (ع)، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت.

فلولا أنه كان من المسبّحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - یونس (ع) اگر به تسبیح

خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

۲ - تسيح مستمر يونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱،۲،۴

۱ - یونس (ع) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعراء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و <عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

۲ - یونس (ع) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعراء و هو سقیم

۴ - "قال رسول الله(ص): "لما أراد الله حبس يونس عليه السلام في بطن الحوت، أوحى الله إلى الحوت أن خذه، و لا تخدش له لحماً، و لا تكسر له عظماً، فأخذه ثم أهوى به إلى مسكنه في البحر، فلما انتهى به إلى أسفل البحر سمع يونس حساً فقال في نفسه: ما هذا....؟ فأوحى الله إليه و هو في بطن الحوت: إن هذا تسيح دواب الأرض فسبح و هو في بطن الحوت فسمعت الملائكة عليهم السلام تسيحه فقالوا: ربنا إنا نسمع صوتاً ضعيفاً بأرض غربه، قال: ذاك عبدى يونس، عصاني فحبسته في بطن الحوت في البحر، قالوا: العبد الصالح الذى كان يصعد إليك منه فى كل يوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلك، فأمره فقذفه فى

الساحل، كما قال الله: "وهو سقيم"؛

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسبیح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسبیح گفت: ملائکه تسبیح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری. پس ملائکه در این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱،۲

۱ - رویدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند، بر فراز یونس (ع) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی

و أنبتنا عليه شجرة من يقطين

<يقطين> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می شود.

۲ - احتیاج یونس

(ع) به سایبان ، پس از بیرون آمدن از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۱،۴

۱ - یونس (ع) ، پس از نجات از شکم ماهی ، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید .

فنبذنه بالعراء .. و أرسلنه إلی مائه ألف

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . و نبی یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه قَلُوا أو کثروا کیونس . قال الله لیونس > و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون < . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . . . و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون> . . . < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۱،۷

۱ - تمامی قوم یونس ، پس از رسالت و مأموریت مجدد آن حضرت به سوی آنان ایمان آوردند .

و أرسلنه .. فآمنوا فمّتعنهم إلی حین

۷ - > قال أبو عبيدة : قلت لأبي جعفر (ع) کم غاب یونس عن قومه حتّی رجع إلیهم بالنبوّه و الرساله فآمنوا و صدّقوه قال :

أربعة أسابيع . . . إنَّ العذاب أتاهم يوم الأربعاء في النصف من شَوَّال و صرف عنهم من يومهم ذلك فأنطلق يونس مغاضباً فمضى يوم الخميس سبعة أيَّام في مسيره إلى البحر و سبعة أيَّام في بطن الحوت و سبعة أيَّام تحت الشجرة بالعراء و سبعة أيَّام في رجوعه إلى قومه . . . ثمَّ أتاهم فأمنوا به و صدَّقوه و اتبعوه . . .

ابوعبيده گوید: به امام باقر(ع) گفتم: چه مدتی یونس از قوم خود دور شد و سپس با نبوت و رسالت به سوی آنان بازگشت و آنها به او ایمان آوردند و تصدیقش کردند؟ فرمود: چهار هفته . . . همانا در روز چهارشنبه، در نیمه شوال عذاب بر آنان نازل شد و در همان روز عذاب از آنان برداشته شد. پس یونس با حالت غضب در روز پنجشنبه از آنان جدا شد و هفت روز در مسیرش تا دریا و هفت روز در شکم ماهی بود و هفت روز را در زیر درخت در سرزمین خشک و خالی و هفت روز را در راه بازگشت به سوی قومش گذراند... آن گاه به نزد آنان آمد و آنها به آن حضرت ایمان آورده و تصدیقش نمودند و از او پیروی کردند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۵،۶

۵ - یونس (ع) ، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد .

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

۶ - یونس (ع) ، در حالی که سینه اش مملو از غم و اندوه بود خدا

را ندا کرد .

إذ نادى و هو مكظوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱،۲،۳

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعرء

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعرء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ،

پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب < ترک اولی > از پیامبران بود. بنابراین

مقصود از < فاجتبه > به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

قصه یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ یهودیان عصر بعثت آگاه به تجاوزگری همدینان یهودی خویش در ایله و سرگذشت شوم آنان

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضره البحر

قضاوت در قصه يوسف(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۲

۲ پاره شدن پیراهن یوسف (ع) محور و تکیه گاه کشف حقیقت ، در نظر داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

و شهد شاهد .. و هو من الصدقین

قطع رابطه با توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای < افک > باشد.

کاردانی قاضی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، شخصی فرزانه، کاردان و عادل بود.

و شهد شاهد .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد، و از آن جایی که حق را، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

کشتزار قصه داود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۳، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع)، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، به مشورت پرداختند.

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تشبیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

۹- > أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : كان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهم الله عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام كلّه ;

احمد بن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن (ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود (ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد.

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) قال : كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفثت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الكرم إلى داود فاستعدى على صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهب إلى سلیمان (ع) ليحكم بينكما فذهب إلى ف قال : سلیمان إن كانت

الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما فى بطن ها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنه يدفع ولد ها إلى صاحب الكرم و كان هذا حكم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند . . . صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...<

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع) (في) قول الله عزوجل : < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > . . . قال : إنه كان أوحى الله عزوجل إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزوجل إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنه بعد سليمان < ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای

عَزَّوَجَلَّ > و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث < روایت شده ... که فرمود: همانا خدای عزوجل به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجل به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بیچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت... <.

کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۳، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چرا شده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

>نفث < به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تشبیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

کفر نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ -

۳- نوجوانی که خضر (ع) او را کُشت ، کافر بود .

و أمّا الغلم فكان أبواه مؤمنین

اختصاص وصف < مؤمن > به پدر و مادر نوجوان، گویای کافر بودن وی است و مؤثر بودن او در گرایش والدین خویش به کفر نیز، کافر بودن او را تأیید می کند.

کیفر اشاعه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶- فضل و رحمت خدا، مردم صدراسلام را که ندانسته در گسترش توطئه < افک > دخالت داشتند، از گرفتار شدن به عذاب دنیوی و اخروی نجات بخشید .

و لولا فضل الله علیکم و رحمته

به قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴، جمله < و لولا فضل الله >، به تقدیر < و لولا فضل الله علیکم و رحمته مسکم عذاب فی الدنيا و الآخرة > می باشد.

کیفر توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳- تهدید شدن توطئه گران < افک >، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إِنَّ الذین جاءو بالافک .. لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۵

۵- وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افک >، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر

مسلمانان صدراسلام

و لولا فضل الله عليكم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و

آخرین آیه ای است که درباره ماجرای <افک> نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

گنج قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۶،۲۷

۲۶- < فی المجمع فی قوله : > و كان تحته كنز لهما < ... و قيل : كان كنزاً من الذهب والفضه ... رواه أبوالدرداء عن النبي (ص) ؛

در مجمع البیان درباره این سخن خدا: <و كان تحته كنز لهما> آمده است: که آن گنج، از طلا و نقره بوده است. این قول را، ابوالدرداء، از پیامبر(ص) روایت کرده است.

۲۷- < عن الرضا (ع) قال : كان في الكنز الذي قال الله > و كان تحته كنز لهما < لوح من ذهب فيه : بسم الله الرحمن الرحيم . محمد رسول الله (ص) . عجت لمن أيقن بالموت كيف يفرح و عجت لمن أيقن بالقدر ، كيف يحزن و عجت لمن رأى الدنيا و تقلب ها بأهلها كيف يركن إليها و ينبغى لمن عقل عن الله أن لا-يتهم الله ، تبارك و تعالی ، فی قضائه و لا يستبطئه فی رزقه ؛

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: در میان آن گنجی که خداوند فرموده <و كان تحته كنز لهما> لوحی از طلا بود که بر آن نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحيم. محمد(ص)، رسول الله است. عجب دارم از کسی که یقین به مرگ دارد، چگونه شادی می کند و عجب دارم از کسی که به تقدیر الهی یقین دارد، چه گونه اندوهگین می شود. و عجب

دارم از کسی که دنیا و دگرگونی های آن در مورد اهل اش را می بیند، چگونه به دنیا اعتماد می کند. سزاوار است برای کسی که از خدا، دانش و آگاهی گرفته، به او سوء ظن نداشته باشد و خداوند تبارک و تعالی، را در روزی رساندن اش، به کندی نسبت ندهد.

گواهان اخروی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای < افک > باشد.

مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۳

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی، به ترمیم آن پرداخته بود. *

فكان لغلمين يتيمين في المدينة

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدينة> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدينة> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

ماهی قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۱ - ۲

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، يك ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ك. لسان العرب) به قرینه <غذاءنا> در آیه بعد آن ماهی ، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

مجادله در قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۷

۱۷- بحث گذرا و سطحی و به دور از درگیری جدی ، تنها محدوده مجاز برای پیامبر (ص) جهت بحث در باره اصحاب كهف و تعداد آنان بود .

فلاتمار فيهم إلا مرأء ظهراً

<مرأء> جدالی است که به منظور اعتراض به گفتار کسی و سست کردن آن و نیز تحقیر گوینده اش انجام گیرد (مصباح) و هنگامی که دنباله دار و عمیق نباشد، به آن، <مرأء ظاهر> گفته می شود.

محافظت از گنج قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۴،۷

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین فی المدینه و كان تحته كنز لهما

۷- صلاح و نیکی پدر یتیمان ، مایه اراده خداوند بر دستیابی آنان به گنج نهفته خویش ، هنگام توان مندی بر بهره گیری از آن شد .

وكان أبوهما صلحاً فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا

اهل لغت، در این که کلمه <أشدّ> مفردی است که وزنی مانند وزن جمع دارد، یا جمعی است که از لفظ خود مفردی ندارد، اختلاف نظر دارند. برخی، آن را جمع <شده> دانسته اند (لسان العرب). در هر صورت، مراد، حدّ توان مندی جسمی و عقلی است.

محرومیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۵

۵ - دست اندرکاران اصلی توطئه < افک > علیه پیامبر (ص) و خاندان آن حضرت ، از فضل و رحمت خداوند محروم شدند .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته .. لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

خداوند در آیه ۱۱، به شایعه سازان اصلی وعده عذاب بزرگ (و الذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم) می دهد. واژه <افاضه> نیز به معنای سخن گفتن بسیار در باره موضوعی و انتشار آن است و این، کار توده مردم بود نه منافقان که سازنده اصلی تهمت و شایعه بودند. بنابراین فضل و رحمت خدا، شامل کسانی است که کارگزار اصلی تهمت نبودند؛ بلکه بر اثر جهل و غفلت سخنی در این زمینه به میان آوردند در آیه بعد نیز خداوند، جهل و ناآگاهی آنان را یادآور شده، می فرماید: <و تقولون بأفواهم ما لیس لکم به علم>.

محرومیت مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد

فكانت لمسكين يعملون في البحر

محمد(ص) و قصه اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۲ - ۲۱، ۲۰، ۱۷

۱۷- بحث گذرا و سطحی و به دور از درگیری جدی، تنها محدوده مجاز برای پیامبر (ص) جهت بحث در باره اصحاب كهف و تعداد آنان بود.

فلاتمار فيهم إلا مرأء ظهراً

<مرأء> جدالی است که به منظور اعتراض به گفتار کسی و سست کردن آن و نیز تحقیر گوینده اش انجام گیرد (مصباح) و هنگامی که دنباله دار و عمیق نباشد، به آن، <مرأء ظاهر> گفته می شود.

۲۰- پیامبر (ص) در کسب آگاهی از ماجرای اصحاب كهف، مجاز به نظرخواهی از هیچ صاحب نظری نبود.

و لاتستفت فيهم منهم أحداً

ضمیر در <منهم> به کسانی مربوط است که در باره عدد اصحاب كهف به اظهار نظر می پرداختند.

۲۱- آگاهی پیامبر (ص) از ماجرای اصحاب كهف، تنها از طریق وحی الهی امکان پذیر بود.

و لاتستفت فيهم منهم أحداً

نهی <لاتستفت> ارشاد به بی ثمر بودن نظرخواهی است و مفاد آیه این است که از احدی، انتظار نمی رود که به نظرخواهی تو پاسخ صحیح بدهد.

محمد(ص) و قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۶

۶- آشنایی قبلی پیامبر اسلام (ص) از سرگذشت حضرت داوود (ع)

و اذکر عبدنا داود

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لازمه یادکرد، آشنایی است.

محمد(ص) و قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۹ > عن أبي جعفر (ع) : ... ان جبرئیل قال [لرسول الله] : إني نوديت من تلقاء العرش ... اهبط إلى قرية قوم لوط و ما حوت فاقلعهما من تحت سبع أرضين ... فهبطت على أهل القرية ... فاقلعتها ... ثم عرجت بها ... فقلبتهما عليهم حتى صار أسفلها أعلاها ... فقال له رسول الله (ص) : يا جبرئیل و أين كانت قريتهم من البلاد ؟ فقال جبرئیل : كان موضع قريتهم في موضع بحيره طبريه اليوم و هي في نواحي الشام قال له رسول الله (ص) : أرأيتك حين قلبتها عليهم في أي موضع من الأرضين وقعت القرية و أهلها ؟ فقال : يا محمد وقعت فيما بين بحر الشام إلى مصر فصارت تلوّاً في البحر ... ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. که جبرئیل به رسول خدا(ص) گفت: از سوی عرش به من ندا رسید ... به آبادی لوط و آنچه در میان دارد فرود آی و آن جا را از زیر هفت زمین بکن ... پس من بر اهل آن قریه فرود آمدم ... و آن را از جای کندم ... و بالا بردم ... و بر روی آنان واژگون کردم تا اینکه زیور و شد ... رسول خدا(ص) از جبرئیل پرسید: قریه قوم لوط در کجای بلاد بود؟ جبرئیل گفت: قریه آنان در محل دریاچه طبریه امروز بود که در نواحی شام واقع شده بود. رسول خدا(ص) به جبرئیل فرمود: بگو بدانم

هنگامی که قریه را بر روی آنان واژگون کردی، آن قریه و اهلش در کجای زمین افتاد. جبرئیل گفت: ای محمد! در میان دریای شام تا مصر افتاد و به صورت تپه هایی در میان دریا درآمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر، درس آموز و تسلی بخش پیامبر اسلام و مؤمنان

و إِنَّ لوطًا لَمِنَ المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبر اسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

محمد(ص) و قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱

۱- پیامبر (ص)، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إِذْ قَالَ موسی لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل <اذکر> قبل از <إذ> مقدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفه آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۸

۸- نمایان شدن آتش و فراهم آمدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسی (ع)، حادثه ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (ص) بود.

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نَارًا

کلمه <إذ> ظرف است برای <حدیث> (در آیه قبل) و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه به آن ماجرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۴

۴ - ندای خداوند به موسی)

ع) در وادی طوی ، حادثه ای با اهمیت و در خور توجه برای پیامبر (ص)

حدیث موسی . إذ نادیه ربّه

<إذ> ظرف برای <حدیث> (در آیه قبل) است و از آن جا که استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه و دقت در آن ماجرا بود، عظمت حادثه استفاده می شود.

محمد(ص) و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۳،۵،۶

۳ خداوند ، داستان نوح را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

تلك من أنباء الغیب نوحیها إلیك

ظاهر این است که مراد از ضمیر <ها> در <نوحیها> همان مشارالیه <تلك> باشد.

۵ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، پیش از نزول قرآن ، به سرگذشت نوح (ع) آگاهی نداشتند .

ما كنت تعلمها أنت و لا قومك من قبل هذا

مشارالیه <هذا> قرآن است که از جمله <نوحیها إلیك> معلوم می شود.

۶ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، جز از طریق وحی ، راهی برای شناخت صحیح حادثه طوفان و سرگذشت نوح (ع) در اختیار نداشتند .

ما كنت تعلمها أنت و لا قومك من قبل هذا

محمد(ص) و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۹

۹ پیامبر (ص) ، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف ، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت .

نقص .. بما أوحینا ... و إن كنت من قبله لمن الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

۳ خداوند ، داستان یوسف (ع) را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

ذلك من أنباء الغيب نوحیه إلیك

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن ، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت .

و ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما كنت لديهم> (نزد آنان نبود) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

۶ آگاه نبودن پیامبر (ص) به حقایق داستان یوسف پیش از نزول قرآن ، دلیلی روشن بر الهی بودن قرآن

ذلك من أنباء الغيب نوحیه إلیك و ما كنت لديهم

جمله حالیه <و ما كنت لديهم> به منزله تعلیل برای <نوحیه إلیك> است ؛ یعنی، از نشانه های این حقیقت که قرآن وحی الهی است آن است که تو از داستان یوسف(ع) بی خبر بودی ؛ ولی آن را به بهترین وجه آوردی و این جز از طریق وحی امکان پذیر نبود.

مردم صدر اسلام و قصه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۴

۴ - گذشت زمان و انقراض نسل های پیشین ، باعث از میان رفتن خاطرات پیامبران ، کتاب های آسمانی ، شرایع الهی و محروم شدن مردم عصر بعثت از آنها شد .

و لکننا أنشأنا قرونًا فتطاول علیهم العمر

مردم مقارن بعثت و قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۴

۴- اطلاعات مردم عصر بعثت از اصحاب کهف و سرگذشت آنان ، اطلاعات غیر واقعی و آمیخته

با خرافات بود .

نحن نقض عليك نبأهم بالحق

قید <بالحق> تعریضی است که به ناقلان سرگذشت اصحاب کهف و بیان کننده این که نقل آنان، آمیخته به اموری غیر واقعی و خرافی است.

مزد بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۱، ۱۳، ۱۲

۱۲- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار، چیزی دریافت نکرد .

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

۱۳- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها .. قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

۲۱- > عن أبي عبد الله (ع) : . . . فوجدنا فيها جداراً يريد أن ينقض فأقامه قال : > لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا خبزاً نأكله فقد جُعنا < ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: <می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم.>

مسافران کشتی قصه خضر(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۷،۱۰

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرجها لتغرق أهلها

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرجها لتغرق أهلها

مسلمانان صدر اسلام و قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۵

۵ - انتشار وسیع ماجرای < افک > ، در میان مسلمانان صدر اسلام

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

مسلمانان صدر اسلام و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۵،۶

۵ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، پیش از نزول قرآن ، به سرگذشت نوح (ع) آگاهی نداشتند .

ما كنت تعلمها أنت و لا قومك من قبل هذا

مشارالیه < هذا > قرآن است که از جمله < نوحیها إلیک > معلوم می شود.

۶ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، جز از طریق وحی ، راهی برای شناخت صحیح حادثه طوفان و سرگذشت نوح (ع) در اختیار نداشتند .

ما كنت تعلمها أنت و لا قومك من قبل هذا

مسلمانان صدر اسلام و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۰

۱۰ مردم عصر بعثت ، ناآگاه به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

و إن كنت من قبله لمن الغفلین

<إن> در جمله فوق

مخففه است و مراد از <الغافلین> مردم عصر بعثت می باشد. بنابراین مفاد جمله <إن كنت...> چنین می شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم، از داستان یوسف بی خبر بودی.

مشركان مكه و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۲

۲ مشركان مكه ، سرگذشت نوح و قوم او را ، داستانی ساختگی و بافته پیامبر (ص) می پنداشتند .

و لقد أرسلنا نوحًا .. أم يقولون افتريه

برداشت فوق ، براین اساس است که ضمیر مفعولی در <إفتره> به داستان نوح(ع) و قوم او که در آیات پیشین آمده ، باز گردد.

مطالعه قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۹ - ۱

۱ - تلاوت ماجرای ابراهیم برای مردم ، فرمان الهی به پیامبر (ص)

و اتل عليهم نبأ إبراهيم

مطالعه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳ - ۶

۶ مطالعه و دقت در داستان یوسف ، مایه دریافت حقایق و معارف الهی است .

إنا أنزلناه قرءاً نأ عربياً لعلكم تعقلون. نحن نقصّ عليك أحسن القصص

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان جمله <لعلكم تعقلون> با <نحن نقصّ عليك> است.

مغضوبیت طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۶

۶ - سازندگان و طراحان < افک > ، مورد خشم شدید خدا و گرفتار کیفر سخت او در جهان آخرت

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ

برداشت

یاد شده بر این اساس است که آیه ۲۳ تا ۲۵ نیز از جمله آیات مربوط به قضیه <افک> باشد.

مقاطع پنهان قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۸

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم وهم يمكرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمت‌های آن می باشد.

منازاعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳،۴،۵

۳ - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

<نبأ> به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

۴ - بالا رفتن نزاع کنندگان و شاکیان از دیوار جایگاه ویژه داوود (ع)

إذ تسوّروا المحراب

<تسوّروا> از ماده <سور> (به معنای دیوار بلند) است و به کسی گفته می شود که دزدانه بر دیواری بالا-رود. به عنوان مثال <تسوّر فلان>؛ یعنی، فلانی به دیوار بالا-رفت. واژه <محراب> نیز در دو معنا به کار می رود: ۱ جایگاه پادشاهان و بهترین جای منزل (قاموس المحيط)؛ ۲ جایگاه امام جماعت. گفتنی است که برداشت یاد شده براساس معنای نخست است.

۵ - بالا رفتن نزاع کنندگان و شاکیان از دیوار

محراب (جایگاه عبادت) داوود (ع)

إذ تسوّروا المحراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۳

۳- پی بردن نزاع کنندگان و شاکیان به وحشت داوود (ع) از ورودشان و دلداری دادن آنان به آن حضرت

إذ دخلوا علی داود ففرع منهم قالوا لاتخف

منشأ قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۲

۲۲- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن امری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

منشأ قصه ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۶

۶- تشریح داستان ذی القرنین ، برپایه تلاوت وحی و نه آگاهی های شخصی پیامبر (ص) استوار است .

سأتلوا علیکم منه ذکراً

منشأ قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۲

۲۲- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن أمری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

موانع غضب کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع)

(، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

موضعگیری علیه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۲

۲ - مسلمانان ، موظف بودند با توطئه < افک > به عنوان بهتانی بزرگ علیه پیامبر (ص) و حریم آن حضرت ، مقابله کنند .

و لولا إذ سمعتموه قلتم .. سبحنك هذا بهتن عظيم

موعظه به منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - موعظه و رهنمود داوود (ع) به دو برادر متخاصم ، با توصیه به ایمان و نیک کرداری و پرهیز از تجاوز به حقوق یکدیگر

و إن كثيراً من الخطاء ليغى .. إلا الذين ءامنوا ... و قليل ما هم

بیان این نکته مهم و کلی که < بسیاری از شریکان در حق یکدیگر ستم می کنند و تنها مؤمنان نیک کردار چنین نیستند > می تواند نوعی رهنمود و موعظه از سوی داوود(ع) به دو برادر متخاصم باشد. گفتنی است که درخواست رهنمود از داوود(ع) از سوی آن دو نفر (و اهدنا إلى سواء الصراط) مؤید برداشت یاد شده است.

مؤمن آل فرعون و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - آشنایی مؤمن آل فرعون ، از تاریخ مردم مصر و سرگذشت یوسف پیامبر (ع)

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت .. حتى إذا هلك

قلتم لن يبعث الله من بعده ر

مؤمنان و قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إِنَّ لوطًا لمن المرسلين

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۱

۱- درد زایمان، مریم (س) را به کنار تنه درخت خرما کشانید.

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِ

<أجاء> متعدی <جاء> یعنی آورد و <مخاض> درد زایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱

۱- مریم (س)، در کنار درخت خرما وضع حمل نمود و عیسی (ع) را به دنیا آورد.

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِ .. فَنَادِيهَا

<فاء> در <فناداها> فصيحه است و از جمله ای محذوف، قبل از خود، حکایت می کند و مضمون آن جمله، خبر از ولادت

عیسی(ع) در کنار درخت است.

نسل والدین نوجوان قصه خضر(ع)

۸- > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله : > فأردنا أن يبدلهم ربّهما خيراً منه . . . < قال : > إنّه ولدت لهما جاریه فولدت
غلاماً فكان نبياً . < ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا > فأردنا أن يبدلهم ربّهما خيراً منه . . . < روایت شده که فرمود:

>همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد.<

۹- > عن أبي عبدالله (ع) :... [في قول الله عزوجل] > فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه زكاه و أقرب رحماً < : >
أبدلها الله به جاريه ولدت سبعين نبياً . < ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزوجل] >فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه زكاه..< روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.<

نقش خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و ...) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

نقش نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۴

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

نگرانی از شیوع قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- نور - ۲۴ - ۱۱ - ۶

۶- احساس خطر و نگرانی شدید مسلمانان در پی انتشار شایعه > افک <

إِنَّ الدِّينَ جَاءُ بِالْإِنْفَكِ .. لِاتْحَسِبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

نهر آب قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۴،۵،۱۲

۴- خداوند، هم زمان با ولادت عیسی (ع)، در نقطه ای پایین تر از مکان استقرار مریم (س)، جویباری پدیدار ساخت.

فنادیها من تحتها ألاتحزنی قد جعل ربك تحتك سریاً

<سری> به معنای نهر کوچک است و به معنای <رفیع> نیز استعمال شده است، ولی جمله <اشربی> در آیات بعد قرینه بر اراده معنای اول است.

۵- عیسی (ع) در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به روان شدن جویباری در پایین دست او بشارت داد.

فنادیها .. قد جعل ربك تحتك سریاً

۱۲- در پی زایمان مریم (س)، فرشته الهی (جبرئیل) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خبر ساخت.

فنادیها من تحتها ألاتحزنی قد جعل ربك تحتك سریاً

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

واقعیّت قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۱،۲

۱- بیان خداوند در نقل سرگذشت اصحاب کهف برای پیامبر (ص) به دور از بافته ها و خرافات و عین واقعیت بود.

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

<بالحقّ> می تواند متعلق به <نقصّ> و یا قید برای <نبأهم> باشد. بر فرض نخست، مفاد آیه، این است که بیان ما درباره اصحاب کهف، کاملاً مطابق با واقع است و آنچه

نقل می کنیم، از هرگونه اختلاط با غیر حق، مبرا است.

۲- داستان اصحاب کهف، سرگذشتی حقیقی و دارای واقعیت خارجی است، نه افسانه ای ساختگی و تخیلی

نحن نقصّ عليك نبأهم بالحقّ

برداشت بالا، بدین لحاظ است که <بالحقّ> قید برای <نبأهم> باشد و گویای این که داستان اصحاب کهف، داستانی واقعی و تحقّق یافته در خارج بود، نه آن که قرآن، آن را به منظور ارائه نمونه ای ذهنی از انسان های موخّید ساخته و پرداخته باشد.

والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود.

و أمّا الغلم .. فخشينا أن يرهقهما طغياناً و كفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول، در صورت زنده ماندن فرزندشان، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند.

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزند پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه و أقرب رحماً

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحِم> و <رحمت> به یک معنا است.

گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

ورود منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱

۱ - ورود نزاع کنندگان و شاکیان بر داوود (ع) به طور ناگهانی و وحشتناک

إذ تسوّروا المحراب . إذ دخلوا علی داود ففزع منهم

بالا رفتن از دیوار جایگاه داوود(ع) و ترس او از این حرکت، گویای ناگهانی و ترسناک بودن این عمل است.

ویژگیهای قصه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴- در داستان زکریا، معجزه ای، وسیله اثبات اعجازی دیگر شد.

ءاتیک ألاً تکلم الناس

سکوت سه روزه زکریا خرق عادتی بود که صدق بشارت تولد یحیی را که خود امری خارق العاده بود، اثبات می کرد.

ویژگیهای قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴،۵

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

۵ خداوند، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است.

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷ - ۱

۱ داستان يوسف

و برادرانش ، حاوی نشانه ها و آیاتی فراوان از ربوبیت خدا و علم و حکمت او

إن ربك عليم حكيم. لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

<آیات> به معنای نشانه هاست و چون در جمله <لقد كان ..> بیان نشده است که داستان یوسف و برادرانش نشانه چه حقیقت و یا حقایقی می تواند باشد و به عبارت دیگر، متعلق <آیات> ذکر نشده است، می توان گفت متعلق آن، حقایق مطرح شده در آیه قبل است که از جمله آنها ربوبیت، علم و حکمت خداوند است (إن ربك عليم حكيم).

ویژگیهای نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۴

۴- اصله نخلی که مریم (س) در کنار آن پناه گرفت ، نخلی مشخص و درختی خشکیده بود .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

<النخلة> معرفه و <ال> در آن می تواند عهد ذهنی باشد. عهدی که یا بین خدا و مریم(س) و یا خدا و پیامبر(ص) بوده است و از این که گفته نشد <إلى النخلة>، دانسته می شود که آنچه مریم در کنار آن قرار گرفت، چیزی جز تنه درخت نبود. آیات بعد که سخن از آگاه ساختن مریم به وجود آب و لزوم تکان دادن درخت، برای استفاده از خرماى آن دارد، نیز حاکی از پیدایش خارق العاده آب و خرما است و گرنه مریم(س) برای پی بردن به آن دو موضوع، به راهنما نیازی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا)

ع) قال : كانت نخله مريم العجوه ، و نزلت في كانون و نزل مع آدم (ع) من الجنة العتيق والعجوه منهما تفرق أنواع النخل ؛
از امام رضا(ع) روایت شده: نخله مريم <عجوه> بود که در برج كانون نازل شد و با آدم(ع) از بهشت <عتیق> (نوعی درخت
خرمای نر) و عجوه (نوعی خرما که درخت آن <لینه> نامیده می شود) <نازل شد که از آن دو، انواع نخل منشعب شد.>

هشدار ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۳

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یا أيها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنکم سلیمن و جنوده

هماهنگی قصه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود پیام ها و رهنمود های همگون در سرگذشت پیامبران با امت های شان

و اتل علیهم نبأ إبرهیم

ذکر سرگذشت انبیای پیشین، دارای بعد هدایتی است و این امر منوط به وجود نوعی همگونی در مسائل پیامبران و امت های
آنان می باشد.

یتیمی مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین

یوسف(ع) و قصه مهمانان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) پیک

دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فستله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یهود صدر اسلام و قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر (ص) از سرگذشت موسی (ع) و فرعون

فستل بنی اسرائیل إذ جاءهم فقال له فرعون

قصه افک

{قصه افک}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳، ۲، ۱

۱ - هم دستی و تشکل تنی چند از مردمان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه پیامبر (ص) و برخی از مؤمنان

إِنَّ الذین جاءو بالافک عصبه منکم

<عصبه> در لغت به معنای گروهی متشکل و پشتیبان هم است که از ده نفر تا چهل نفر باشند. آمدن فعل <مجیء> به صورت جمع نیز، مؤید این است که تهمت زندگان به شکل دسته جمعی، به کار تهمت و شایعه سازی می پرداختند. گفتنی است آیه شریفه براساس تاریخ و شأن نزول آن در باره خانواده پیامبر(ص) نازل شده است که مورد اتهام تنی چند از بدخواهان قرار گرفته بودند.

۲ - هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (ص)

إِنَّ الذین جاءو بالافک عصبه منکم

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۱،۱۰

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر (ص) و موضع گیری تردیدآمیز نسبت به شایعه < افک > ورد نکردن صریح آن ، مورد سرزنش قرار داد .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا

۱۰ - قذف یکی از همسران پیامبر (ص) ، < افک > و بهتانی آشکار بود .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ... وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۵

۵ - توطئه گران علیه خاندان پیامبر (ص) (در قضیه افک) ، از اقامه حتی یک شاهد هم ناتوان بودند .

فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ

<ال> در <الشهداء> عهد ذکری است که اشاره به <أربعة شهداء> دارد نفی <الشهداء> به وسیله <لم> در (لم یأتوا) بیانگر این نکته است که آنان هیچ شاهدی بر ادعای خود نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۳

۳ - ماجرای < افک > ، بهتان بزرگی علیه < حریم > پیامبر (ص) بود .

هذا بهتن عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - کسانی که در صدراسلام در ماجرای < افک > (تهمت زنا) مورد اتهام قرار گرفتند ، افرادی پاکدامن و منزّه از این تهمت و آلودگی بودند .

للخِيثِينَ .. لِلطَّيِّبِينَ ... أَوْلَئِكَ مَبْرءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که آیه شریفه مربوط به ماجرای < افک > باشد.

آثار قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر تأثیرپذیری در برابر شایعه < افک > و عدم موضع گیری مناسب در برابر آن ، نکوهش کرد .

و لولا إذ سمعتموه قلتم .. سبحنك هذا بهتن عظيم

افشای توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۳

۳ - فضل و رحمت الهی و افشای چهره توطئه گران < افک > از سوی خدا ، مسلمانان صدراسلام را از خطر عذابی بزرگ نجات بخشید .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته .. لمسكم في ما أفضتم فيه عذاب عظيم

افشای قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۷،۸

۷ - خداوند ، توطئه بدخواهان و منافقان علیه پیامبر (ص) (ماجرای افک) را افشا کرد .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

۸- توطئه < افك > ، در نهایت با افشا شدن نیت و انگیزه بدخواهان و برملا شدن چهره کریه آنان ، به نفع

مسلمانان به پایان رسید .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

تهدید توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ امْرئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای < افک > باشد.

تهدید طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند، طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > را به عذاب بزرگ تهدید کرد .

والذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

< کبر > به معنای معظم شیء و قسمت عمده هر چیزی است و مرجع ضمیر < کبره >، < افک > است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: < کسی که متولی و عهده دار قسمت عمده ماجرای افک می باشد... > و مقصود از آن، عامل اصلی و طراح این ماجرا است.

جنسیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - گردانندگان توطئه > افک

< همگی از مردان بودند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

<مرء> در لغت هم به معنای انسان آمده و هم به معنای مرد و ولی به قرینه شأن نزول آیه شریفه، در این جا به معنای مرد است.

حسابرسی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای < افک > باشد.

شیوع قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۵

۵ - انتشار وسیع ماجرای < افک > ، در میان مسلمانان صدر اسلام

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۸

۸ - توطئه < افک > چنان تأثیر عمیقی داشت که مسلمانان را به خود مشغول کرده و تنها موضوع سخن هر مجلس و محفل گشته بود .

لِمَسْكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ

مطلب یاد شده از به کارگیری واژه <افاضه> که به معنای سخن گفتن بسیار درباره موضوعی و انتشار آن است استفاده می شود. گفتنی است که خطاب در <مَسْکَم> و <أَفْضَتُمْ> به عموم مسلمانان است و این

نشان می دهد که شایعه <افک>، در میان همه مسلمانان مدینه پیچیده بود و آنان را به خود مشغول کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۲،۳

۲ - ماجرای < افک > ، علی رغم این که مستقیماً هتک حریم پیامبر (ص) محسوب می شد ، مردم آن را ساده انگاشته و خوش باورانه به دامن زدن و گسترش آن پرداختند .

إذ تلقونه بألسنتكم و تقولون بأفواهكم ما ليس به علم و تحسبونه هيناً

۳ - ماجرای < افک > ، شایعه فراگیر و زبانزد عموم مردم شده بود .

إذ تلقونه بألسنتكم و تقولون بأفواهكم

طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > یک تن بود .

والذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

طبق نظر بیشتر مفسران، طراح و گرداننده اصلی ماجرای <افک>، فردی به نام عبدالله بن ابی سلول بود (مجمع البیان).

عذاب توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إِنَّ الذین یرمون المحصنت .. لهم عذاب عظیم

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

عذاب طراح قصه افك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند ،

طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > را به عذاب بزرگ تهدید کرد .

والذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

< کبر > به معنای معظم شیء و قسمت عمده هر چیزی است و مرجع ضمیر < کبره >، < افک > است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: < کسی که متولی و عهده دار قسمت عمده ماجرای افک می باشد... > و مقصود از آن، عامل اصلی و طراح این ماجرا است.

فرجام قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۸

۸ - توطئه < افک > ، در نهایت با افشا شدن نیت و انگیزه بدخواهان و برملا شدن چهره کریه آنان ، به نفع مسلمانان به پایان رسید .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

قطع رابطه با توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای < افک > باشد.

کیفر اشاعه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶ - فضل و رحمت خدا ، مردم صدر اسلام را که ندانسته در گسترش توطئه < افک > دخالت داشتند ، از گرفتار شدن به

عذاب دنیوی و اخروی نجات بخشید .

و لولا فضل الله علیکم و رحمته

به

قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴، جمله <و لولا فضل الله>، به تقدیر <و لولا فضل الله عليكم و رحمته مسكم عذاب في الدنيا و الآخرة> می باشد.

کیفر توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ امْرِي مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۵

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افک > ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر مسلمانان صدراسلام

و لولا فضل الله عليكم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و آخرین آیه ای است که درباره ماجرای <افک> نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

گواهان اخروی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

محرورمیت توطنه گران قصه افک

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۵

۵ - دست اندرکاران اصلی توطئه < افک > علیه پیامبر (ص) و خاندان آن حضرت ، از فضل و رحمت خداوند محروم شدند .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته .. لمسکم فی ما أفضتم فيه عذاب عظیم

خداوند در آیه ۱۱، به شایعه سازان اصلی وعده عذاب بزرگ (و الذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم) می دهد. واژه <افاضه> نیز به معنای سخن گفتن بسیار در باره موضوعی و انتشار آن است و این، کار توده مردم بود نه منافقان که سازنده اصلی تهمت و شایعه بودند. بنابراین فضل و رحمت خدا، شامل کسانی است که کارگزار اصلی تهمت نبودند بلکه بر اثر جهل و غفلت سخنی در این زمینه به میان آوردند در آیه بعد نیز خداوند، جهل و ناآگاهی آنان را یادآور شده، می فرماید: <و تقولون بأفواهم ما لیس لکم به علم>.

مسلمانان صدر اسلام و قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۵

۵ - انتشار وسیع ماجرای < افک > ، در میان مسلمانان صدر اسلام

إِنَّ الذین جاءو بالافک عصبه منکم لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

مغضوبیت طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۶

۶ - سازندگان و طراحان < افک > ، مورد خشم شدید خدا و گرفتار کیفر سخت او در جهان آخرت

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه

۲۳ تا ۲۵ نیز از جمله آیات مربوط به قضیه <افک> باشد.

موضعگیری علیه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۲

۲ - مسلمانان ، موظف بودند با توطئه < افک > به عنوان بهتانی بزرگ علیه پیامبر (ص) و حریم آن حضرت ، مقابله کنند .

و لولا إذ سمعتموه قلتم .. سبحنك هذا بهتن عظیم

نگرانی از شیوع قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۶

۶ - احساس خطر و نگرانی شدید مسلمانان در پی انتشار شایعه < افک > در میان جامعه

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

قصه سرایان

اضلالگری قصه سرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۶

۶ - < و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزوجل > والشعراء يتبعهم الغاوون < قال : هم القصاص ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل <والشعراء..> سؤال شد، آن حضرت فرمود: آنان قصه سرایان هستند.>

قضا و قدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قضا و قدر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - خداوند ، بر پدید آوردن هر آنچه که بخواهد و هر آنچه تقدیر کرده ، تواناست .

إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

۷ - آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ - تقدیر امور به دست خداوند است .

ما کتب الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۲۱

۲۱ لزوم رضایت به مقدرات الهی ، علی رغم میلِ نفسانی خود

عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

رسول الله (ص): ... ارض عن الله بما قدروا ان كان خلاف هواك ... فانه مثبت في كتاب الله ... قال: > و عسی ان تکرهوا شیئاً <

تفسیر طبری، ج ۲، ص ۲۰۱؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۸۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۷

۷ تأثیر نحوه روابط زناشویی ، در سرنوشت نیک یا بد انسان

فاتوا حرثکم انی شتتم و قدّموا لانفسکم

به نظر می رسد جمله > و قدّموا لانفسکم < به منزله تقییدی باشد برای اختیار و آزادی آدمی در آمیزش ؛ یعنی زندگی زناشویی در سرنوشت آدمی مؤثر است ؛ پس آن روشی را برگزینید که فرجامی نیک داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۰

۱۰ فرار از جنگ ، مانع از مرگِ مقدر شده الهی ، نیست .

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم .. قاتلوا في سبيل الله

بنابراینکه داستان یادشده در این آیه، مقدمه ای برای آیه بعد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۸

۲۸ پذیرش دلایل روشن و هدایت یافتن آدمی ، منوط به تعلّق اراده خداوندی است

فبهِت الَّذِي كَفَرُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۱۵

۱۵ تکوّن (پیدایش) موجودات ، در گرو دو مرحله متوالی قضای الهی و فرمان الهی

اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱

۱ سرنوشت آدمیان تنها به دست خداست ، نه حتی رسول او .

لیس لک من الامر شیء

بنابر اینکه <ال> در <الامر> برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ مالکیت و حاکمیت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الذین کفروا... لیس لک من الامر شیء... و لله ما فی السموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳

۲۸ مرگ آدمی و کیفیت آن ، برخاسته از تقدیر خداوند است .

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم

۲۹ شهادت در راه خدا ، از مقدرات الهی است .

قل لو كنتم فى بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم

۳۰ فراز از میدان نبرد و رویارویی با سختی ها ، مانع مرگ مقدر آدمی نیست .

قل لو كنتم فى بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم

۳۳ مرگ ، امری مقدر و فراتر از آن است که اندیشه های بشری به زمان آن راه یابد

يقولون .. ما قتلنا ههنا قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى م

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۳، ۱۱، ۷، ۴، ۲

۲ پندار کفرپیشگان بر این که خانه نشینی و یا پرهیز از حضور در کارزار، مانع مرگ و کشته شدن است .

يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين كفروا و قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا

۴ گمانِ حاکمیتِ عواملِ مادی بر مقدرات الهی، پنداری کفرآمیز

لا تكونوا كالذين كفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

خداوند با کفرآمیز خواندن این اندیشه که جنگ و مسافرت (عوامل مادی) تعیین کننده مرگ آدمی است، به مؤمنان تعلیم می دهد که آن عوامل، تعیین کننده مرگ آدمی، که از مقدرات الهی است، نخواهد بود.

۷ حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تكونوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل الله ذلك حسره في قلوبهم

بنابر اینکه <ليجعل> متعلق به محذوف باشد، یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدر نبود، کشته نمی شدند.

۱۱ مرگ و حیات در هر حال به دست خداست و مسافرت و یا حضور در میدان نبرد، تغییردهنده مسیر مقدر آن نیست .

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله يحيي و يميت

خداوند در جواب کسانی

که جهاد و مسافرت را عامل تعیین کننده مرگ می پنداشتند، می فرماید <و الله یحیی و یمیت> یعنی عوامل مادی، تعیین کننده نیستند، هر چه هست به دست خداوند و به تقدیر اوست.

۱۳ اعتقاد به مقدر بودن مرگ، از میان برنده هراس آدمی برای سفر و حضور در میدان نبرد (صحنه های دشوار زندگی)

قالوا.. ما ماتوا و ما قتلوا... و الله یحیی و یمیت

جمله <و الله یحیی و یمیت>، می تواند به منظور زدودن هراس از شرکت در پیکار ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ ایمان به مقدر بودن مرگ و حیات، و شناخت ارزش والای شهادت، آسان کننده حرکت به سوی نبرد با دشمنان دین

و الله یحیی و یمیت.. و لئن قتلتم فی سبیل الله او متّم لمغفره من الله و رحمه

خداوند با بیان دو نکته مؤمنان را به جهاد ترغیب می کند: ۱ مرگ و حیات به دست خداست و عوامل طبیعی تعیین کننده نیست. ۲ جان باختگان در راه خدا، آمرزیده و مشمول رحمت خاصّ خداوند هستند. بنابراین، مؤمنان با ایمان به این دو معنا، هرگز تردیدی برای شرکت در جهاد نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۹

۹ نقش آدمی در فرجام و سرنوشت خویش

قل هو من عند انفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸

شرکت در جنگ و یا خانه نشینی ، هیچکدام نقش تعیین کننده در مرگ و یا زندگی آدمی ندارد .

قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کتم صادقین

۱۵ انسان ، ناتوان از جلوگیری و دفع مرگ مقدر خویش

فادرؤا عن انفسکم الموت

۱۷ اعتقاد به مقدر بودن مرگ ، از میان برنده هراس و دلهره حضور در میدان نبرد

قالوا .. لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت

۱۸ ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران احد

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لو لا کتب .. عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۹

۹ زمان مرگ همه انسان ها مشخص و تحت حاکمیت قوانین معینی است .

و لو یعجل الله للناس الشر .. لقضى إلیهم أجلهم

از این که کیفر دادن خدا، منجر به مرگ کافران می شود و همین، سبب شده که مجازات آنان به تأخیر بیفتد، استفاده می شود که خداوند برای پایان زندگی انسانها زمان خاصی را مقرر فرموده است، یعنی، آن را تحت ضابطه و قانونی قرار داده است که پس و پیش شدن در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۶

۶ برخی از رخدادها، از پیش تعیین شده و غیر قابل تغییر و تحول است.

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۱

۱- خداوند، پیشاپیش حضرت لوط (ع) را از مقدر شدن عذاب بر قومش آگاه ساخت.

و قضینا إلیه ذلك الأمر

متعددی شدن <قضینا> به <إلی> متضمن معنای <أوحینا> است. بنابراین معنای جمله <و قضینا إلیه ذلك الأمر> چنین می شود: ما این امر (عذاب) را به او (لوط(ع)) وحی کردیم و آگاهش ساختیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۴

۴- تکوّن و پیدایش موجودات پس از دو مرحله تصمیم (قضا) و فرمان خداوند است.

إنما قولنا لشيء إذا أردناه أن نقول له كن فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۸

۱۸- > عن ابن عباس قال: لما انصرف أمير المؤمنين من صفين قام إليه شيخ... فقال: يا أمير المؤمنين أخبرنا عن مسيرنا هذا أبقضاء من الله وقدر؟... قال أمير المؤمنين: الأمر من الله والحكم ثم تلا هذه الآية: > و قضی ربک ألا تعبدوا إلا إياه و بالوالدين إحساناً <...;

از ابن عباس روایت شده است: هنگامی که امیرالمؤمنین(ع) از صفین باز می گشت، پیرمردی به سوی او برخواست... و گفت: ای امیرمؤمنان! ما را خبر ده از سفری

که رفتیم ، آیا به قضا و قدر الهی بود؟ ... امیرمؤمنان فرمود: فرمان و حکم از جانب خداوند بود؛ سپس آیه >وقضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه وبالوالدين إحساناً< را تلاوت کرد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۸

۸ - اتحاد و هم سانی قضا و تقدیر خداوند ، با قول و فعل او

فإذا قضی أمراً فإنما يقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۹

۹ - خداوند ، برای هر چیزی اندازه ای و برای هر امری در این عالم ، اسباب و عللی قرار داده است .

قد جعل الله لكل شیء قدرًا

قضاوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قضاوت

آثار قبول قضاوت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - اطاعت از خدا و رسول او و پذیرش داوری متکی بر احکام الهی ، موجب رستگاری و پیروزی است .

إنما کان قول المؤمنین إذا دعوا .. لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و أطعنا و أول

آثار قبول قضاوت رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۶

۶ - پذیرش داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، نشانه ایمان راستین به خدا و رسول او و فرمان بری از ایشان و التزام عملی به دین است .

و يقولون ءامنا بالله و بالرسول و أطعنا ثم يتولّى . . . و ما أولئك بالمؤمنين

آثار قبول قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۶

۶ - پذیرش داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی، نشانه ایمان راستین به خدا و رسول او و فرمان بری از ایشان و التزام عملی به دین است.

و يقولون ءامنّا بالله و بالرسول و أطعنا ثمّ يتولّون .. و ما أولئك بالمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۳

۳ - تسلیم حکم پیامبر بودن و پذیرش داوری بر مبنای تعالیم دین، نشانه خدا ترسی، تقوای پیشگی و مطیع خدا و رسول بودن است.

إذا دعوا إلى الله و رسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و أطعنا .. و من يطع الله

برداشت یاد شده، از ارتباط میان دو آیه فوق استفاده گردیده است.

آثار قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۸

۸ صدور حکم قاضی، موجب تغییر حق و واقع نخواهد شد.

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم في الحيوة الدنيا فمن يجدل الله عنهم في يوم القيمة

از اینکه خداوند می فرماید: بر فرض که در دنیا با دفاع ناحق ظالم را تبرئه کردید، در قیامت چه خواهید کرد، معلوم می شود حکم قاضی ایجاد حق نمی کند و واقع را تغییر نمی دهد.

آثار قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۹

۹- داوری پروردگار در قیامت میان انسان ها ، پایانی بر همه خصومت ها و اختلاف های آنان خواهد بود .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي

بینهم یوم القیمه

آثار قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۹

۱۹ - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - داوری پروردگار میان انسان ها و فیصله دادن به همه خصومت های آنان ، جلوه ای از ربوبیت او است .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ

آثار قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱

۱ ارجاع داوری به طاغوت ، موجب ابتلای مراجعه کنندگان به مصائب و مشکلات

یریدون ان يتحاكموا الى الطّٰغوت . . . فكيف اذا اصابتهم مصيبه بما قدّمت

با توجه به آیه پیش، از مصادیق مورد نظر برای <ما قدمت ایدیهم> مراجعه به طاغوت برای داوری است.

آثار قضاوت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲۰

۲۰ - داوری ظالمانه و متکی بر هوا و هوس ، در پی دارنده عذاب شدید الهی

فاحكم بين الناس بالحقّ ولا تتبع الهوى . . . إنّ الذين يضلّون عن سبيل الله لهم عذ

آثار قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲۰

۲۰ داوری بر پایه عدل و داد ، مایه جلب محبت خداوند

فاحكم بينهم بالقسط إنّ الله يحب المقسطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۷

۷ - قضاوت به حق و عادلانه ، مانع ستم و تجاوز به حقوق دیگران است .

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

تقدم توصیه به داوری عادلانه و به حق، بر توصیه به پرهیز از افراط و ستم روا داشتن در امر قضاوت، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

آداب قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۴

۴- مشورت در امر قضاوت ، امری است پسندیده و شایسته .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . و کنا لحکمهم شهدین

آسیب شناسی قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۱،۱۳

۱۱ - پیروی از هوای نفس ، مهم ترین خطر تهدید کننده قاضیان و داوران

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتبع الهوی

۱۳ - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

یداود إنا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتبع الهوی

آهمیت قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ متصدیان امر قضا، وظیفه دار فراگیری دانش قضا و علوم مربوط به آن

لتحکم بین الناس بما اریک الله

۱۵ قضاوت، مسؤولیتی مهم و خطیر

إنا انزلنا .. لتحکم بین الناس بما اریک الله و لاتکن للخائنین خصیماً

چون قضاوت بین مردم از اهداف نزول قرآن دانسته شده است، حکایت از اهمیت والای آن دارد.

۲۰ جانشینان پیامبر (ص)،

همانند خود آن حضرت ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

امام صادق(ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هی جاریه فی الاوصیاء.

کافی، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۵۴۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۶ - ۴

۴ لزوم توجه متصدیان قضاوت به نظارت الهی بر اعمال آنان

لتحکم بین الناس . . و استغفر الله

فرمان خدا به <استغفار>، پس از بیان مبانی قضاوت، گویای این نکته است که در نظام قضایی اسلام توجه به خدا و ناظر دانستن وی از ضروریات و آمیخته با انجام وظیفه خطیر قضاوت است.

إتقان قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۶

۶ حکم و قضاوت خداوند ، متقن ترین و عادلانه ترین حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحکم الحکمین

اتقان قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۱

۱ - قضاوت خداوند ، از حکم تمامی داوران برتر ، نافذتر و متقن تر است .

أليس الله بأحكم الحكمين

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق <أحكم>، ممکن است از ریشه <حَكْمُ> باشد که قاموس آن را به معنای اتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

اتقان قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۴

۴ - قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی برآمد.

اجتناب از قضاوت پنداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۰

۱۰ - از داوری خیالی و دور از واقعیت ، باید پرهیز کرد .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا سوء ما يحكمون

احکام قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۵

۵ - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلى الحكام لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالآثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۷

۴۷ آگاهی به احکام و مقررات الهی ، معیار صلاحیت داوران و حاکمان

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۵

۵- حکم و عمل انسان ، بر اساس آنچه صرفاً شنیده ، یا دیده و یا به قلبش راه یافته ، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی ، ممنوع است .

و لاتقف ما لیس لك به علم إن السمع و البصر و الفؤاد کلُّ أولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق

بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و .. تا زمانی که به مبنای علمی و یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

ارجاع قضاوت به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴ ارجاع داوری به غیر خداوند از سوی کسی که حقانیت و اعجاز قرآن را دریافته، کاری بس نکوهیده و نارواست.

أفغیر الله أبتغی حکما .. فلا تكونن من الممترین

استقلال قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۵

۵ - وحی و داوری خداوند ، تابع داوری ها و دیدگاه های انسان ها نیست .

أم لکم أیمن .. إن لکم لما تحکمون

اعراض از قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۶، ۱۹، ۱۴

۱۴ رویگردانی از حکم و داوری پیامبر (ص) ، زمینه ساز گرفتاری به عذاب دنیوی

فان تولوا فاعلم انما یریدالله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

برخی کلمه <بعض> را قرینه بر این دانسته اند که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی است، زیرا تهدید به عذابهای آخرت نمی تواند اختصاص به برخی از گناهان داشته باشد.

۱۹ رویگردانی از حکم و داوری پیامبر (ص) ، نتیجه پیروی از هوای نفس

وإن احكم بينهم بما أنزل الله

و لا تتبع اهواءهم .. فان تولوا

۲۶ فاسقان ، رویگردان از احکام الهی و بی اعتنا به داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا .. و ان كثيراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۱،۳

۱ - دسته ای از منافقان صدراسلام ، هنگام فراخوانده شدن برای داوری رسول خدا (ص) میان آنان ، از پذیرش آن خودداری می کردند .

و إذا دعوا إلى الله و رسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون

۳ - پذیرفتن داوری پیامبر (ص) ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و إذا دعوا إلى الله و رسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۲

۲ - اندیشه سودجویانه منافقان ، مانع از مراجعه آنان به پیامبر (ص) برای داوری به حق میان آنان بود .

و إذا دعوا إلى الله و رسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون . و إن يكن لهم الح

از این که منافقان داوری پیامبر (ص) را قبول نمی کردند و تنها در صورتی به آن تن می دادند که این داوری به نفع آنان بود، می توان به دست آورد که عدم پذیرش آنان در آغاز و قبول آنان به وقت سودمند دانستن آن برای خویش، ناشی از اندیشه سودجویانه آنان بود.

امارات قضایی در اثبات دعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع)

و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

و إن كان .. و هو من الصديقين

امتحان با قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۶

۱۶ - داوود (ع) ، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را ، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظن داود أنما فتنه

اهمیت عدالت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ ضرورت رعایت قسط و عدالت در داوری میان مردم

فاحكم بينهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ رعایت قسط در قضاوت و داوری ، لازم و ضروری است .

قضی بینهم بالقسط

اهمیت قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ نبوت ، فهم ، منصب قضاوت و لزوم اطاعت مردم ، داده های خداوند به خاندان ابراهیم (ع)

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمہ

و اتیناهم ملکاً عظیماً

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق درباره <الکتاب> فرمود: التَّبَوُّه، و درباره <الحکمه> فرمود: الفهم و القضاء، و درباره <ملکاً عظیماً> فرمود: الطَّاعه.

کافی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۳۰۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ خداوند ، شنوای احکام صادره از سوی قاضیان و حاکمان

و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل .. انّ الله کان سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۹، ۱۴، ۱۳

۱۳ قضاوت ، مسؤولیت عالمان به کتب آسمانی

یحکم بها .. و الربیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله

۱۴ احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف ، در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست .

یحکم بها النبیون .. و الربیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله

<باء> در <بما استحفظوا> سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

۴۹ خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکفرون

جمله <و من لم یحکم ..> دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دوم خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی در

عین وجود شرایط آن، برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۳

۲۳ - اهمیت حقوق مردم و خطیر بودن مسئولیت داوری میان آنان

فاستغفر ربّه و خزّ را کفّاً و أناب

استغفار، سجده و انابه داوود(ع) به درگاه الهی، پس از گمان به رخ دادن یک خطا در داوری میان دو گروه متخاصم (خطایی که مسلماً در نتیجه حکم هیچ تأثیری نداشت) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

اهمیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۱،۳،۶

۱ - قضاوت خداوند، از حکم تمامی داوران برتر، نافذتر و متقن تر است.

أليس الله بأحكم الحكمين

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق <أحكم>، ممکن است از ریشه <حکم> باشد که قاموس آن را به معنای اتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است.

أليس الله بأحكم الحكمين

همزه استفهام در <أليس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

۶ - سرآمد بودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است.

فما یکذبک بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

اهمیت قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳

۳ - ماجرای گروه شکایت کننده

و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

<نبأ> به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

ایمان به قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۱، ۷

۷ باور به داوری برتر خدا مایه صبر مؤمنان در برابر کفرپیشگان حق ستیز

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکمین

هدف شعیب(ع) از بیان داوری برتر خدا پس از دعوت مؤمنان به صبر تا فرارسیدن قضاوت الهی، ایجاد زمینه صبر در آنان بود.

۱۱ کافران قوم شعیب ، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکمین

چنانچه خطاب در <فاصبروا> متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعیب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به <بالذی ارسلت به> پس از <ءامنوا> این معنا را تأیید می کند.

بصیرت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

والله یقضی بالحقّ .. . إنّ الله هو السميع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیربودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

بی ارزشی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۲

۲ - قضاوت کافران درباره اسلام و

مسلمانان ، قضاوتی بی اساس و بدون پایه عقلانی و منطقی است .

ما لکم کیف تحکمون

بی نظیری قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۴۸

۴ - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما یکذبک بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه <دین> آمده بود، راغب در <مفردات> می گوید: کلمه <دین> در مورد <طاعت> و <جزا> گفته می شود و در معنای <شریعت> نیز به صورت استعاره به کار می رود.

۸ - داوری بی نظیر خداوند ، پشتوانه اجر بی پایان مؤمنان شایسته کردار

فلهم أجر غیر ممنون . . . أليس الله بأحكم الحكمين

تأخیر در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۸

۸ - تأخیر در داوری و کیفر و پاداش ، کاری ظالمانه و به دور از عدالت است .

لا ظلم اليوم إنَّ الله سريع الحساب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنَّ الله سريع الحساب> در مقام تعلیل برای <لاظلم اليوم> می باشد؛ یعنی، در محکمه عدل الهی به کسی ستم نمی شود؛ چون خداوند با سرعت به حساب بندگانش رسیدگی خواهد کرد.

ترس در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ ترس از مردم در قضاوت بر اساس کتاب های آسمانی ، ناروا و مورد نهی خداوند

یحکم بها .

.. فلا تخشوا الناس

ترک عجله در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۶

۶ - لزوم تأمل و تفکر در سخنان ، به هنگام شنیدن آن و اجتناب از داوری شتابزده درباره آن

و کذب بالصدق إذ جاءه

ترک قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۸

۴۸ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۳، ۲۱

۲۱ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئک هم الظلمون

۲۳ ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (ص) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئک هم الظلمون

ترک قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۱۲، ۱۰

۱۰ خودداری از قضاوت بر اساس احکام و قوانین الهی ، فسق است . *

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جمله <و من لم يحکم .. > دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دیگری خودداری از حکم کردن و قضاوت نمودن بر پایه مقررات الهی. برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

۱۲ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول

آن احکام

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

تسلیم به قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۰

۲۰ لزوم داوری بر اساس احکام الهی ، حتی با احتمال سرپیچی مردمان از پذیرش آن

و إن احکم .. فان تولوا

تشویق به مطالعه قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۱

۱ - تشویق پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به مطالعه در ماجرای گروه متخاصم و شاکی در نزد داوود (ع)

و هل أتیک نبؤا الخصم

استفهام در <هل أتاک..> برای تحریض و تشویق مخاطب است.

تعقل در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۶

۶ - لزوم تأمل و تفکر در سخنان ، به هنگام شنیدن آن و اجتناب از داوری شتابزده درباره آن

و کذب بالصدق إذ جاءه

توبه از قضاوت خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴ - لزوم توبه و بازگشت سریع از خطا هنگام رخ دادن کمترین اشتباه در داوری

فاستغفر ربّه و خرّ را کعّا و أناب

حتمیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۴

۴ - داوری قطعی خدا در قیامت ، علیه طرف تخلف کننده از قرارداد

و الله علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۸

حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

فالحکم لله العلیّ الکبیر

آمدن دو صفت <علیّ> و <کبیر> برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۲،۳

۲ تلاش محکومان دادگاه قیامت برای تغییر حکم الهی ، تلاشی بی فرجام

ما یبدّل القول لدیّ

در آیات پیشین، حکم مجرمان با فرمان <ألقیا فی جهنّم ..> از سوی خداوند صادر می گردد. مجرمان با جدال و تخاصم، درصدد تبرئه خویش برمی آیند تا مگر حکم الهی را در حق خود تغییر دهند؛ ولی <ما یبدّل القول...> بی فرجام بودن تلاش آنان را می رساند.

۳ حکم خداوند در قیامت علیه مجریان ، حکمی قطعی و به دور از هر گونه بازنگری

ما یبدّل القول لدیّ

تعبیر <لدیّ> مشعر به این معنا است که چون حکم از سوی خداوندی صادر شده که پیشینه خلق را به خوبی می داند و بر ایشان اتمام حجت کرده است و گواهان به گواهی نشسته اند مجال خدشه در آن نخواهد بود.

حق در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

فإذا جاء أمر الله قضی بالحقّ

حق شنوی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد

داوری ، از شرایط داوری به حق

والله يقضى بالحقّ .. . إنّ الله هو السميع البصير

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیر بودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۲،۴

۲- داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

ربّ احکم بالحقّ

برداشت یاد شده بنابراین است که این است که قید <بالحقّ> توضیحی باشد.

۴- داوری عادلانه و برحق خداوند ، از شؤن ربوبیت او است .

ربّ احکم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۶

۶- قضاوت و داوری خدا درباره کافران و حق ستیزان ، متکی بر موازین حق و عدل و به دور از کمترین سستی و کاستی

إنّ ربّک يقضى بینهم بحکمه

با این که واژه <یقضى> معنای حکم و داوری را می رساند، آمدن قید <بحکمه> نشانگر این حقیقت است که قضاوت الهی مخصوص به او است به گونه ای که کمترین خلل در آن راه ندارد و بر موازین عدل و حق استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۳،۵

۳- داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

۵- ملائک و معیار داوری در نزد خداوند ، حق است .

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۱

۱ - داوری خداوند ، بر

اساس حق است .

و الله يقضى بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر الله قضى بالحقّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از <أمر الله> عذاب دنیوی (استیصال) باشد؛ چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است؛ مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: <قال لا عاصم الیوم من أمر الله ..>، (هود، آیه ۴۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۲

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس الله بأحكم الحكمين

اسم تفضیل <أحكم>، ممکن است از <حُکم> به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، <أقضى> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

حقانیت قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۵

۵ - داوری پیامبر (ص) بر اساس حق بود .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم .. و إن يكن لهم الحقّ

حکمت در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۶، ۴، ۵، ۳، ۲

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس الله بأحكم

اسم تفضیل <أَحْکَم>، ممکن است از <حُکْم> به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، <أَقْضَى> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

۳- برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است.

أليس الله بأحكم الحكمين

همزه استفهام در <أليس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

۵- توجه به حکمت برتر خداوند، زمینه ساز پذیرش معاد

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

۴- جزا دادن به اعمال، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است.

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه <دین> آمده بود، راغب در <مفردات> می گوید: کلمه <دین> در مورد <طاعت> و <جزا> گفته می شود و در معنای <شریعت> نیز به صورت استعاره به کار می رود.

۶- سرآمد بودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است.

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

دخالت در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۸

۸- عدم دخالت غیرخدا، در قضاوت ها و داوری های او

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

قید <بحکمه> می تواند از نظر معنا تأکیدی بر عدم دخالت غیرخدا در قضاوت های او باشد.

درخواست قضاوت خدا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل رب احکم بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۱

۱ - نوح (ع) خواستار داوری و فیصله دادن به نزاع میان خود و قوم تکذیب گرش از درگاه خداوند

قال رب ان قومی کذبون .. فافتح بینی و بینهم فتحا

<فتح> (مصدر <افتح>) معادل <فُتِحَ> و به معنای حکم کردن و فیصله دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۲

۲ - موسی (ع) ، داوری میان خود و فرعونیان را به خداوند حواله کرد .

و قال موسی ربی أعلم

وقتی موسی(ع) با ارائه معجزات روشن و غیر قابل انکار، با تکذیب فرعونیان روبه رو شد، چاره ای ندید جز این که خدا را به داوری میان خود و آنان بخواند.

درخواست قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۸

۸ - توصیه شاکیان و

نزاع کنندگان به داوران ، مبنی بر رعایت حق و عدل در داوری ، امری بایسته و سزاوار

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

دعوت به قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۱

۱ - دسته ای از منافقان صدراسلام ، هنگام فراخوانده شدن برای داوری رسول خدا (ص) میان آنان ، از پذیرش آن خودداری می کردند .

و إذا دعوا إلى الله و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون

دلایل حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۶

۶ - شنوایی و بینایی مطلق خداوند ، دلیل به حق بودن داوری او در میان بندگان

و الله یقضی بالحقّ .. . إنّ الله هو السميع البصیر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله < إنّ الله هو السميع البصیر > ، در مقام تعلیل برای جمله < والله یقضی بالحقّ > می باشد.

ذکر قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضی بینهم .. . إنّ کلاً لما لیوفینهم أعمالهم ... فاستقم كما أمرت

رد قضاوت محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۳،۷

۳ پذیرفتن پیامبر (ص) به عنوان حاکم و داور، نشانه نفاق است .

و اذا قيل لهم تعالوا

الی ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک ص

۷ نفاق ، ریشه نپذیرفتن حاکمیت قضایی پیامبر (ص)

تعالوا .. رایت المنافقین یصدون عنک صدوداً

کلمه <المنافقین> در آیه، اشاره به ریشه اعمال اعراض کنندگان دارد. یعنی نفاق منافقان، عامل گریز آنان از حاکمیت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱۳، ۱

۱ تأکید و سوگند خداوند بر بی ایمانی کسانی که حاکمیت پیامبر (ص) را در اختلافات نپذیرند .

فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم

۱۳ تسلیم نبودن در برابر احکام قضایی پیامبر (ص) ، نشانه بی ایمانی است .

فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموک .. و یسلموا تسلیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱۰، ۸

۸ گروهی از یهودیان ، بی اعتنا به حکم خدا در تورات و رویگردان از حکم پیامبر (ص) پس از مراجعه به آن حضرت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم الله ثم یتولون من بعد ذلک

۱۰ یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا (ص) ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره باشد به حکم رسول خدا که از <یحکمونک> به دست می آید. گفتنی است که بر این مبنای، <یتولون> عطف بر <یحکمونک> می باشد.

روش قضاوت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - داوری مشرکان صدر اسلام ، سطحی و براساس ملاک های مادی و غفلت آنان از معادلات فرا مادی بود .

أم يقولون نحن جميع منتصر

اتکای مشرکان بر جمعیت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

زمینه قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۵

۵ اختلاف انسان ها در پذیرش و عدم پذیرش کتاب های آسمانی ، مقتضی داوری خداوند میان آنان و زمینه ساز پیامد های آن داوری (پاداش و کیفر) است .

فاختلف فیه و لولا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۳

۳ - ربوبیت خدا ، مقتضی داوری میان پیامبران و تکذیبگران رسالت ایشان

و قال موسی ربی أعلم بمن جاء بالهدی

زمینه قضاوت صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۷

۷ - لازمه علم و آگاهی ، قضاوت صحیح و واقع بینانه درباره تعالیم نازل شده از جانب خداوند است .

و یری الذین أوتوا العلم الذی أنزل إلیک من ربک هو الحقّ

سرزنش قضاوت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۱

۱۱ داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

و جعلوا لله .. ساء ما يحکمون

سرعت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۹

۹ سرعت در حسابرسی و قضاوت و

حکم، معیاری مهم و اساسی در نظام قضائی شایسته

ألا له الحكم و هو أسرع الحسين

بیان سرعت حسابرسی به عنوان یکی از ویژگیهای مهم در حکم و قضاوت خداوند، گویای رجحان و مزیت قضاوت و حکمی است که سرعت هر چه بیشتر و بدون فوت وقت انجام پذیرد.

شرایط قبول قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۱

۱ - منافقان صدراسلام، تنها در صورتی که داوری پیامبر (ص) به نفع آنان بود، به آن تن می دادند.

و إن یکن لهم الحقّ یأتوا إلیه مدعین

<اذعان> به معنای <انقیاد> و <مدعین> به معنای <منقادین> (فرمان برداران و اطاعت کنندگان) است.

شرایط قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۹

۱۹ عدم صلاحیت دادگاههایی که در آن بر اساس قانونی غیر از قوانین اسلام (قرآن و سنت) حکم می شود.

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۷، ۴۵

۴۵ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکفرون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

۴۷ آگاهی به احکام و مقررات الهی ، معیار صلاحیت داوران و حاکمان

و من لم یحکم بما أنزل الله

فأولئك هم الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۸

۱۸ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۹، ۱۸

۱۸ لزوم پابندی به حق در حکم و داوری و پرهیز از تمایلات نفسانی افراد

فاحکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

۱۹ قضاوت بر اساس احکام الهی در گرو پرهیز از تمایلات و هواهای نفسانی منحرفان

فاحکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع اهواءهم

نهی <لاتتبع> پس از <فاحکم> برای تفهیم این معناست که در صورت تبعیت از خواسته دیگران، قضاوت بر اساس احکام الهی میسر نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۵، ۶

۵ خداوند ، بر حذر دارنده پیامبر (ص) از پیروی تمایلات نفسانی اهل کتاب در قضاوت

و لا تتبع اهواءهم

۶ حرمت پیروی و تأثیرپذیری از تمایلات نفسانی دیگران در حکم و قضاوت

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ رعایت قسط در قضاوت و داوری ، لازم و ضروری است .

قضی بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۸

۸- توقف داوری صحیح و تعیین مراتب و درجات ، بر آگاهی کامل

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۵

۵- عهده دار شدن منصب قضا ، نیازمند برخورداری از صلاحیت علمی است .

و كَلَّا ؕ اَتَيْنَا حَكَمًا وَّ عِلْمًا

اعطای علم پس از منصب قضاوت، می تواند گویای این حقیقت باشد که قضاوت باید همراه با علم باشد؛ هر چند <علم> در آیه شریفه دارای معنای عام بوده و منحصر به علم قضا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۹

۹ - قضاوت و داوری ، نیازمند به آگاهی و اطلاعات کافی است .

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ .. إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر ، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي .. وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف <عزیز> و <علیم> را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - لزوم پرهیز از داوری در مسائل ، در صورت ابهام و فقدان برهان علمی برای انسان (در جهت رد یا اثبات آن) *

أَكْذِبْتُمْ بَايْتِي و لم تحيطوا

بها علماً.. ألم يروا أننا جعلنا الليل ليسكنوا فيه

تذکر خداوند به لزوم ساکن شدن انسان به هنگام تیرگی شب، پس از یادآوری محاکمه کافران به خاطر تکذیب جاهلانه آیات او، می تواند بیانگر ارتباطی باشد میان حرکت نکردن انسان در شب و لزوم توقف و داوری نکردن در مسائلی که دلیل روشنی برای آن ندارد. گفتنی است که نکته یاد شده برگرفته از تفسیر المیزان است.

شرایط قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

والله يقضى بالحقّ .. . إنّ الله هو السميع البصير

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیر بودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

شرایط قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۴

۴ - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه <دین> آمده بود، راغب در <مفردات> می گوید: کلمه <دین> در مورد <طاعت> و <جزا> گفته می شود و در معنای <شریعت> نیز به صورت استعاره به کار می رود.

شک در قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۵

احکام الهی و داوری پیامبر (ص)، در شک و تردید به سر می بردند .

أم يخافون أن يحيف الله عليهم و رسوله

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <بل> در <بل أولئك..> برای اضراب انتقالی باشد نه ابطالی.

شگفتی قضاوت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ - داوری و دیدگاه مشرکان درباره خداوند ، بی اساس و شگفت آور است .

أصطفى البنات على البنين . ما لكم كيف تحكمون

استفهام در آیه شریفه، از نوع استفهام انکاری و تعجیبی است.

۲ - انتساب برگزیدن دختر به خداوند به جای پسر داوری ناشایست و شگفت آور

أصطفى البنات على البنين . ما لكم كيف تحكمون

ظلم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷،۱۷

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا ... اذا حکمتم بين الناس ان تحکموا بالعدل

جمله <ان تحکموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

۱۷ هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

انّ الله .. انّ الله كان سمیعاً بصیراً

ظن در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۱

۱۱ داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

و جعلوا لله .. ساء ما يحکمون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۶

۶ - کافی نبودن گمان ، برای متهم ساختن انسان مؤمن و داوری علیه او

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثم

عادلانه ترین قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۶

۶ حکم و قضاوت خداوند ، متقن ترین و عادلانه ترین حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحکم الحکمین

عبرت از قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۲

۲ - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، درس آموز برای پیامبر اسلام (ص)

و هل أتیک نبؤا الخصم

از تشویق شدن پیامبر(ص) به مطالعه در این ماجرا، برداشت یاد شده استفاده می شود.

عدالت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۵، ۴

۴ وجوب مراعات عدالت و قضاوت

انّ الله یأمرکم . . . و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل

۵ اهمیت خاص عدل و داد در قضاوت ها و داوریهها

انّ الله يأمرکم . . . و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل

۸ مراعات عدل و داد در قضاوت ، حق تمامی انسانها

و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

انّ الله يأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه

در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

۱۰ ادای امانت به صاحبان آن و رعایت عدالت در قضاوت، از مصادیق اعمال صالح

و الذین امنوا و عملوا الصالحات .. انّ الله یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلہ

ظاهراً جمله <انّ الله> پس از جمله <عملوا الصالحات>، اشاره به برخی از مصادیق اعمال صالح دارد که همان ادای امانت و قضاوت عادلانه می باشد.

۱۱ فرمان به ادای امانت به اهل آن و قضاوت عادلانه، از مواظب بسیار نیکوی الهی به مردم

انّ الله یأمرکم .. انّ الله نعمًا یعظکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۸

۸ برقراری نظام قضایی عادلانه و برحق در جامعه بشری، از اهداف نزول قرآن

إنا انزلنا الیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس

توصیف قرآن به حق بودن، بیانگر این است که قضاوت نیز، که از اهداف نزول قرآن است، همواره قرین حق و عادلانه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۳

۱۳ انسان باید به هنگام سخن گفتن (شهادت دادن، داوری کردن و ..) به عدالت سخن گوید.

و إذا قلتم فاعدلوا

جمله <ولو کان ذاقربی> می تواند بیانگر این باشد که مراد از سخن در اینجا سخنی است که زمینه نفع و ضرر را برای خود و یا دیگران در بر داشته باشد؛ مانند شهادت، داوری و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۵

انسان ها و جنیان عهده دار هدایت هموعان خویش باشند و به عدالت در میان آنان داوری کنند .

و ممن خلقنا أمة يهدون بالحق و به يعدلون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله های <یهدون> و <یعدلون> به صورت انشا ایراد شده باشد. بر این مبنا آیه شریفه حاوی دستوری است به انسانها و جنیان که گروهی از آنان باید عهده دار هدایتگری و عدالت گستری باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۹

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۶

۶- انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشتن و پذیرش مسؤولیت عملکرد خود ، از صفات ارزشمند و شایسته است .

إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى قد بلغت من لدنى عذراً

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤولیت عمل خود را بر عهده گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۹

۹ - خدا و رسول او ، در داوری و حکمشان به احدی ، حتی منافقان ، ستم روا نمی دارند

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ - قدرت و علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری عادلانه او در میان بندگان

قل اللهم فاطر السموت .. علم الغيب و الشهده أنت تحكم

ذکر داوری خداوند، پس از یاد کردن از خالقیت و علم همه جانبه او، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۷

۷ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

عدالت در قضاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ - داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده و به کسی ستم نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

عرصه قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۶،۷

۶ خداوند ، حیات دنیا را عرصه داوری خویش میان گروندگان به کتاب های آسمانی و منکران آنها ، قرار نداده است .

لولا كلمة سبقت من ربك لفضى بينهم

مراد از <کلمه> امری است که خداوند مقدر کرده و آن بقای انسانها و سپری کردن حیات دنیوی است. آیاتی نظیر <ولکم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین / شما انسانها تا مدتی (تا سپری شدن حیات دنیا) در زمین مستقر خواهید بود و از اسباب معیشت بهره خواهید برد. بقره/۳۶> گویای آن تقدیر و کلمه است.

۷ امتناع

خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است.

لولا کلمه سبقت من ربك لقضى بينهم

عقل در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

عقیده به قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ لاوی به خداوند و برتری او در حکم و قضاوت معتقد بود.

قال .. أو یحکم الله لی و هو خیر الحکمین

علم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۷

۷ در دادگاه قیامت، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست.

و کان الله بما یعملون محیطاً .. فمن یجدل الله عنهم یوم القیمه ام من یکون علی

> وکیل < به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- عهده دار شدن منصب قضا، نیازمند برخورداری از صلاحیت علمی است .

و کَلَّآٰءَاتِنَا حَکْمًا وَّعِلْمًا

اعطای علم پس از منصب قضاوت، می تواند گویای این حقیقت باشد

که قضاوت باید همراه با علم باشد؛ هر چند <علم> در آیه شریفه دارای معنای عام بوده و منحصر به علم قضا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۹

۹ - قضاوت و داوری ، نیازمند به آگاهی و اطلاعات کافی است .

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ .. . إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر ، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي .. . وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف <عزیز> و <علیم> را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۵

۱۵ - لزوم پرهیز از داوری در مسائل ، در صورت ابهام و فقدان برهان علمی برای انسان (در جهت رد یا اثبات آن) *

أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي وَ لَمْ تَحِيطُوا بِهَا عِلْمًا .. أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ

تذکر خداوند به لزوم ساکن شدن انسان به هنگام تیرگی شب، پس از یادآوری محاکمه کافران به خاطر تکذیب جاهلانه آیات او، می تواند بیانگر ارتباطی باشد میان حرکت نکردن انسان در شب و لزوم توقف و داوری نکردن در مسائلی که دلیل روشنی برای آن ندارد. گفتنی است که نکته یاد شده برگرفته از تفسیر المیزان است.

فلسفه قضاوت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۱

۲۱ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

قانونمندی قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - حکم و قضاوت الهی درباره انسان ها ، دارای ضابطه و قانون تعیین شده

و لولا کلمه سبقت

قبول قضاوت رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۴،۹

۴ - لیبیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و

۹ - مؤمنان راستین در همه حال ، پذیرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی اند ، هر چند نتیجه این داوری بر ضرر آنان باشد

و إن يكن لهم الحق يأتوا إليه مدعين إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا... أن

آیات پیشین، درباره این مسأله بود که منافقان، تنها آن گاه به حکم خدا و رسول او تن در می دادند که این حکم، به نفع آنان باشد و ولی در آیه شریفه آمده است که: مؤمنان بی چون و چرا به این حکم گردن می نهادند. بنابراین از مقابله میان گروه منافقان و مؤمنان، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

قبول قضاوت رهبری

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ تسلیم در برابر احکام و داوری های حاکمان حق ، از علایم ایمان است . *

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك .. و يسلموا تسليماً

چون امر قضاوت همیشگی و احکام قرآن جاودانی است و پیامبر (ص) در همه ادوار حضور ندارد، بنابراین آیه مزبور شامل همه رهبران الهی و جانشینان بحق آن حضرت خواهد بود.

قبول قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۷،۲۱

۱۷ مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است .

یریدون ان يتحاكموا الى الطاغوت و قد امروا ان يكفروا به

۲۱ ارجاع داوری به طاغوت ، نشانه دروغگویی در ادعای ایمان

الم تر الى الذين يزعمون انهم امنوا

امام صادق (ع) فرمود: .. اما علمت ان كل زعم في القرآن كذب.

کافی، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۰ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۳۶۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱۲

۱۲ تظاهر منافقان به اینکه مراجعه آنان به طاغوت برای قضاوت ، از سر بی ایمانی به پیامبر (ص) نبوده است .

یریدون ان يتحاكموا الى الطاغوت .. ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

مفهوم جمله <ان اردنا> این است که قصد ما اعراض از حکم پیامبر (ص) نبوده است، بلکه می خواستیم بین طرفین دعوا صلح دهیم و به آنان نیکی کرده باشیم.

قبول قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۸

۸ پذیرش حاکمیت قضایی پیامبر (ص) در مشاجرات و التزام قلبی به حکم آن حضرت ، از علایم ایمان

فلا و ربّک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ ارجاع داوری به پیامبر ، خشنودی از حکم وی و تسلیم کامل در برابر ایشان ، سعادت و ثبات ایمان را در پی خواهد داشت

فلا و ربّک .. و لو أنّهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم و اشدّ تثیباً

بنابر اینکه < ما یوعظون > مطالب بیان شده در آیه قبل باشد و نه قتل و هجرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۱

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی ، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا و ربّک .. اذاً لأتیناهم من لدنا اجراً عظیماً

برداشت فوق بر این منبست که مراد از < ما یوعظون > همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۸ - ۲

۲ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و رضایت از حکم وی و تسلیم او بودن ، از عوامل هدایت و دستیابی به صراط مستقیم است .

حتى یحکموک .. و لو أنّهم فعلوا ما یوعظون به ... و لهدیناهم صراطاً مستقیماً

بنابر اینکه

مراد از <ما یوعظون به...>، همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است، یعنی پذیرش حاکمیت پیامبر (ص) و...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۷

۷ پذیرش احکام قضایی پیامبر (ص) و همسویی با مؤمنان، شرط نجات از عذاب دوزخ

و من یشاقق الرسول من بعد ما تبین له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین

با توجه به آیات قبل، مخالفت و موافقت با احکام قضایی پیامبر(ص)، از مصادیق مورد نظر در آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۸

۱۸ رهایی از کیفر گناهان، در گرو پذیرش احکام الهی و قضاوت های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۴،۹،۳،۱

۱ - <حرف شنوا و مطیع هستیم>، تنها سخن همیشگی مؤمنان راستین در برابر فرا خوانده شدن آنان به پذیرش حکم خدا و داوری پیامبر (ص)

إنما کان قول المؤمنین إذا دعوا إلى الله ورسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و

فعل مضارع <یقولوا> همراه با فعل <کان> بر استمرار و کلمه <إنما> که اصطلاحاً آن را قصر افرادی می گویند بر حصر دلالت می کند.

۳ - مؤمنان راستین، پذیرای بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) هستند.

إنما کان قول المؤمنین إذا دعوا إلى الله ورسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و

لیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ

۹ - مؤمنان راستین در همه حال، پذیرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی اند، هر چند نتیجه این داوری بر ضرر آنان باشد

و إِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ... .. نَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا... أَنْ

آیات پیشین، درباره این مسأله بود که منافقان، تنها آن گاه به حکم خدا و رسول او تن در می دادند که این حکم، به نفع آنان باشد؛ ولی در آیه شریفه آمده است که: مؤمنان بی چون و چرا به این حکم گردن می نهادند. بنابراین از مقابله میان گروه منافقان و مؤمنان، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

قدرت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي... .. وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف <عزیز> و <علیم> را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

قضاوت آل ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ نبوت، فهم، منصب قضاوت و لزوم اطاعت

مردم ، داده های خداوند به خاندان ابراهیم (ع)

فقد اتينا ال ابرهيم الكتب و الحكمة و اتيناهم ملكاً عظيماً

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق درباره <الكتاب> فرمود: النبوه، و درباره <الحكمه> فرمود: الفهم و القضاء، و درباره <ملكاً عظيماً> فرمود: الطّاعه.

کافی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۳۰۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰.

قضاوت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت اخروی بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۱

۱ - قیامت ، روز داوری میان مؤمنان و مشرکان

اللّٰه يحكم بينكم يوم القيمة

خطاب در آیه یاد شده از جانب خدا به عموم مؤمنان و مشرکان است. <حکم> (مصدر <یحکم>) به معنای قضاوت و داوری کردن است؛ یعنی، <خدا در قیامت، میان شما مؤمنان و مشرکان داوری خواهد کرد...>.

قضاوت اخروی بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۱

۱ - قیامت ، روز داوری میان مؤمنان و مشرکان

اللّٰه یحکم بینکم یوم القیمه

خطاب در آیه یاد شده از جانب خدا به عموم مؤمنان و مشرکان است. <حکم> (مصدر <یحکم>) به معنای قضاوت و داوری کردن است؛ یعنی، <خدا

در قیامت، میان شما مؤمنان و مشرکان داوری خواهد کرد...>.

قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۶، ۱۷، ۱۹

۱۶ - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

۱۹ - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۴، ۱۵، ۱۳

۱۳ خداوند ، در قیامت نسبت به اختلافات بنی اسرائیل ، داوری خواهد کرد .

و لقد بوأنا بنی اسرائیل ... إن ربك يقضى بينهم يوم القیمة فیما كانوا فیہ یختلفون

۱۴ قیامت ، روز داوری خداوند است .

إن ربك يقضى بينهم يوم القیمة

۱۵ ربوبیت الهی ، مقتضی داوری نسبت به اختلافات مردم در قیامت

إن ربك يقضى بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های

آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . . . و إِنَّ كَلَّا لَمَا لِيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبِّكَ أَعْمَلَهُمْ

مراد از <كَلَّا> به قرینه <فاختلف فيه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا . . . لقصی بینهم> معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفرسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۳

۱۳- پیمان شکنان ، مورد مؤاخذه و داوری خداوند در قیامت ، قرار خواهند گرفت .

تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا .. و لِيَبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۶۵

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۱،۴۸

۱ - داوری خداوند میان : مسلمانان ، یهودی ها ، نصارا ، صابئین ، مجوسی ها و مشرکان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبِئِينَ وَالنَّصِرَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ

<فصل> (مصدر <يفصل>) به معنای جدا کردن دو یا چند چیز از یکدیگر است. جدا کردن فرقه های یاد شده از یکدیگر در قیامت، کنایه از داوری میان آنان است. گفتنی است که چون داوری میان دو یا چند گروه متخاصم منجر به جدا شدن آنان از یکدیگر می شود، به آن فصل خصومت و به قاضی فاصل می گویند.

۴ - داوری میان مردم در روز بازپسین ، در اختیار خداوند است .

إِنَّ

اللّٰهُ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

۸- داوری خدا میان مردم در قیامت ، مبتنی بر نظارت و آگاهی همه جانبه او بر افکار و اعمال آنان است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا .. إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۳،۶

۳ - خدا ، حاکم و داور روز قیامت

الملك يومئذ لله يحكم بينهم

۶- ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

يحكم بينهم فالذين ءامنوا .. في جنت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۲

۲ - خدا ، داور روز قیامت

اللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۴

۴- داوری قطعی خدا در قیامت ، علیه طرف تخلف کننده از قرارداد

و اللّٰهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۳

۳- خدای بزرگ ، خود عهده دار محاکمه و بازجویی جوامع شرک پیشه در قیامت

فیقول این شرکاءى . . . و نزعنا من کلّ أمة شهیداً فقلنا هاتوا برهنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - کیفر و داوری خدا، در روز قیامت، متکی به علم خویش به نیت و مقاصد محاکمه شوندگان است.

فنتبّئهم بما عملوا إنّ الله علیم بذات الصدور

> إنّ الله علیم.. < به منزله تعلیل

است برای مفاد <نَبِّئَهُمْ...> که مجازات است و حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۱

۱ - خداوند ، تنها داوری کننده در قیامت ، در میان مذاهب گوناگون در مسائل مورد اختلاف آنان است .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

<فصل> (مصدر فعل <يفصل>) به معنای جدا کردن دو چیز از هم است، به گونه ای که میان آنها فاصله بیفتد (مفردات راغب). و مراد از آن داوری و حل اختلاف کردن است. لازم به ذکر است که ضمیر جمع <بینهم> و <کانوا فیہ یختلفون> بر این دلالت می کند که داوری خداوند میان افراد و گروه های متعدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۲

۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۷

۷ - امکان گفت و گوی مجرمان با یکدیگر ، در صحنه دادگاه الهی در قیامت

إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ . . . وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، به اختلافات میان مشرکان و مؤمنان در روز رستاخیز ، داوری خواهد کرد .

إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مرجع

ضمیر <هم>، دو گروه مؤمنان و مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۵،۶

۵ - خداوند، بر جریان نزاع و مجادله مردمان در قیامت، ناظر بوده و میان آنان به داوری خواهد پرداخت.

ثم إنکم یوم القیمه عند ربکم تختصمون

تعبیر <عند ربکم> می تواند گویای این حقیقت باشد که خداوند، بر جریان نزاع مردم ناظر است و او تصمیم نهایی را خواهد گرفت و میان آنان داوری خواهد کرد.

۶ - داوری خداوند در روز رستاخیز میان مردم، مقتضای ربوبیت او است.

ثم إنکم یوم القیمه عند ربکم تختصمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ - همه خلایق در قیامت، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت.

و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمد لله ربّ العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. از این رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۵

۵ - همه داوری ها در قیامت، از آن خدا است.

فالحکم لله

الف و لام در <الحکم> برای جنس و مفید استغراق و شمول می باشد، یعنی، <کلّ حکم لله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری

و حاکمیت مطلق خداوند در میان بندگان

إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۹

۹ - قیامت ، روز داوری خداوند میان خلایق است .

فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قَضَىٰ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۸

۸- داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیروها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ . . . يَوْمَ لَا يَغْنَىٰ . . . إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۷

۷ - داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوزگرانه بنی اسرائیل

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۲ - ۳

۳ - خداوند ، مرجع نهایی داوری و قضاوت میان انسان ها در قیامت

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ

در صورتی که آیه شریفه، ادامه آیات پیشین باشد که در مورد جزای اخروی سخن می گفت برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۲،۳

۲ - داوری روز قیامت ، در اختیار خداوند است .

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ

ضمير <له> به

خداوند بازمی گردد. این نشان می دهد که محاکمه مردم در قیامت، در پیشگاه خداوند صورت می پذیرد و هم او حاکم و داور آن روز است.

۳ - خداوند ، همه منافقان را بدون استثنا در روز رستاخیز ، برای محاکمه برخواهد انگیزت .

یوم یبعثهم الله جميعاً فيحلفون له

کلمه <جميعاً> می تواند تأکید برای ضمیر <هم> در <یبعثهم> باشد و نیز می تواند حال برای آن باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۹

۹ - علم گسترده خداوند بر اعمال خلق ، ملاک داوری میان آنان در قیامت *

یوم القیمه یفصل بینکم و الله بما تعملون بصیر

از ارتباط <یفصل بینکم> در صورتی که <یفصل> به معنای <یحکم> (داوری خواهد کرد) باشد و <والله بما تعملون بصیر> مطلب بالا استفاده می شود.

قضاوت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

قضاوت الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

قضاوت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۵

۱۵ روی انه أتى عمر بحامل قد زنت فامر برجمها فقال له امیر المؤمنین(ع): هب لك سبيل عليها أئى سبيل لك على ما فى بطنها والله تعالى يقول: <ولا تزر وازره وزر أخرى...>.

روایت شده: زن حامله ای را که مرتکب زنا شده بود نزد عمر آوردند، وی دستور داد زن را سنگسار کنند. امیرالمؤمنین(ع) به وی فرمود: بر فرض که حق سنگسار کردن زن را داشته باشی، ولی چه حقی بر طفل در شکم او داری؟ خداوند متعال می فرماید: کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد ...

قضاوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۴، ۱۳

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

۱۴ داوری پیامبران در محدوده

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

بنابراینکه ضمیر <لیحكم> به <الكتاب> برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۳

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون .. فلا تخشوا الناس و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۵،۶

۵ خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئك الذين ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

۶ پیامبران(ع) دارای حق حکومت و قضاوت در میان مردم هستند.

أولئك الذين ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

از جمله معانی مذکور برای واژه <حکم> قضاوت و همچنین حکومت است، لازم به ذکر است این دو معنی در طول یکدیگر و با هم متقارنند.

قضاوت با رشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۵

۵ - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلى الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالأثم

قضاوت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۱

۱۱ - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا ، مبتنی بر وهم و خیال وقضاوت ناشایست بود .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا سوء ما يحكمون

قضاوت برادران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ -

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۶

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۱، ۱۵

۱۱ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۵ - داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان ، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱۰، ۷

۷ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۰ - همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت .

و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمد لله ربّ العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلاق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد.
ازاین رو این ستایش و

حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۴، ۳، ۱

۱ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

و الله يقضى بالحقّ

۳ - قضاوت به حق ، از شؤون الوهیت حقیقی است .

و الله يقضى بالحقّ و الذين يدعون من دونه لا يقضون بشيء

مطلب یاد شده، از تصریح شدن اسم جلاله (الله) به دست می آید.

۴ - آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها ، پشتوانه قضاوت به حق او

يعلم خائنه الأعین . . . و الله يقضى بالحقّ

یادآوری قضاوت به حق خداوند پس از تذکر به علم همه جانبه او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

قضاوت بی اعتبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۵

۵ - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلى الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالأثم

قضاوت بین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۷، ۸

۷ امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی ، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است .

لولا کلمه سبقت من ربك لقضی بینهم

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربك لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که

به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود، یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۲

۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربنا ثم یتفتح بیننا بالحق

قضاوت بین کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۶

۲- قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

۶- ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا .. فی جنت النعیم

قضاوت بین محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل رب احکم بالحق

قضاوت بین محمد(ص) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل رب احکم بالحقّ

قضاوت بین محمد(ص) و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان

و کافران حق ناپذیر

قل رب احکم بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۳، ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ کلام خداوند به مشرکان درباره داوری نهایی خداوند بین آنان و آن حضرت

قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحق

<فتح> به معنای نصرت، پیروزی، حکم و داوری است (مفردات راغب). در این آیه - به قرینه مقام مراد از آن معنای سوم است.

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثم یفتح بیننا بالحق

قضاوت بین مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۰

۳۰ داوری نهایی میان مؤمنان و کافران ، شایسته خداوند آگاه بر تمامی هستی است .

وسع ربنا کل شیء علماً .. ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۷

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربك لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و

مربی است استفاده می شود^۲ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت .. و إِنَّ كَلَّا لَمَا لِيُوفِيَنَّهُمْ رَبِّكَ أَعْمَلَهُمْ

مراد از <كَلَّا> به قرینه <فاختلف فيه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا> .. لِقَضَى بَيْنَهُمْ معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفرسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ . إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <يقضی بینهم> به معنای <يقضی بین من آمن بالقرآن و بین من كفر به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

قضاوت بین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۱،۱۲

۱۱ پیامبر (ص) ، از جانب خداوند ، اختیار دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوك فاحكم بينهم او اعرض عنهم

۱۲ یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی

به پیامبر (ص)، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) از سوی یهودیان، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات، شگفت آور و سؤال بر انگیز

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فیها حکم الله

۲ گریز از احکام تورات، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (ص) برای قضاوت

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فیها حکم الله

۳ پیامبر (ص)، مورد مراجعه مردم، حتی یهودیان، برای حکمیت و داوری

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه

قضاوت پدران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند.

و به يعدلون

<به> متعلق به <يعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ -

۳- داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان، بر اساس حق است.

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

۵- ملاک و معیار داوری در نزد خداوند، حق است.

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵،۷

۵- داوود (ع)، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم بر پایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

۷- حق، پایه و محور داوری ها در جامعه الهی

فاحكم بين الناس بالحق

قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۲۰

۲۰- اختلافات مذهبی جز به دست خدا و داوری او حل نخواهد شد. *

فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت، میان مؤمنان و منافقان

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُم .. فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۲۰

۲۰ خداوند در زمان مناسب بهترین داوری را در بین پیامبر(ص) و منکران آن حضرت خواهد کرد.

يقص الحق و هو خير الفصليين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ خداوند حاکم و قضاوت کننده ای است که از حوادث و اعمال آگاهی دقیق دارد.

علم الغيب و الشهده و هو الحكيم الخبير

از معانی ذکر شده برای <حکیم>، حاکم

و قاضی است. (لسان العرب به نقل از ابن اثیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱،۲،۳،۶،۷،۸

۱ داوری تنها از آن خدا و شایسته اوست.

أفغیر الله أبتغی حکما

۲ خداوندی که قرآن را به تفصیل نازل کرده، شایسته داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلاً

۳ قرآن، بیانگر داوری خداوند درباره حق و باطل است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلاً

<مفصّل> به معنای <مبیّن> است و به قرینه <حکماً> در صدر آیه موضوع مورد نظر آیه داوری بین حق و باطل در عرصه های مورد نیاز است، یعنی اینکه قرآن بیانی شافی و کافی برای تشخیص حق از باطل در اینگونه موارد است.

۶ خداوند سزاوارترین حاکم و داور در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت نزول معجزات و دیگر شرایط و زمینه های آن است.

إنما الأیت عند الله و ما یشرکم أنها إذا جاءت لا یؤمنون .. أفغیر الله

۷ نزول معجزه ای روشن چون قرآن از سوی خدا، بهترین نشانه شایستگی او برای داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلاً

۸ داوری خداوند به اینکه برخی مشرکان ایمان نخواهند آورد سزاوار اعتماد است، نه ادعای مشرکان در مورد نیاز به معجزات دیگر.

ما کانوا لیؤمنوا .. أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی

آیات قبل درباره ادعای مشرکان بود که <لئن جاءتهم آیه لیؤمنن بها>، و خدا حکم فرمود که <ما کانوا لیؤمنوا>. لذا با توجه به اینکه ممکن است مخاطب در <و ما یشرکم> در آیات قبل مسلمانان باشند، این آیه

می خواهد مؤمنان را قانع سازد که در برخی از مشرکان هیچ معجزه ای اثر نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۵

۵ خداوند ، برترین حکم کننده و بهترین داور است .

و هو خیر الحکمین

۶ اختلافات دینی پیروان انبیا و مخالفان آنان با داوری خداوند خاتمه خواهد یافت .

حتى یحکم الله بیننا

۸ شعیب (ع) ، کافران قوم خویش را به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد .

و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا حتى یحکم الله بیننا

با توجه به ذیل آیه ۸۹ (ربنا افتح ...) معلوم می شود مقصود شعیب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در <فاصبروا> خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتى یحکم الله بیننا

۱۰ شعیب (ع) از مؤمنان و کافران قوم خویش خواست با وانهادن داوری به خداوند از تعرض به یکدیگر پرهیز کنند .

إن کان طائفه منکم ءامنوا .. و طائفه لم یؤمنوا ... فاصبروا حتى یحکم الله بیننا

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در <فاصبروا> علاوه بر مؤمنان متوجه کافران نیز باشد. در این صورت مراد از صبر در <فاصبروا> عدم تعرض به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۷ داوری خداوند میان انسان ها ، جلوه ای از ربوبیت او نسبت به ایشان است .

ربنا افتح

۲۸ وانهادن داوری نهایی به خداوند برای فیصله دادن به خصومت های طرفداران حق و باطل ، مصداقی از توکل بر اوست .

علی الله توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

۳۰ داوری نهایی میان مؤمنان و کافران ، شایسته خداوند آگاه بر تمامی هستی است .

وسع ربنا کل شیء علماً .. ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

۳۲ خداوند برترین حاکم و فیصله دهنده درگیری ها و کشمکش های طرفداران حق و باطل

و أنت خیر الفتحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۶، ۷

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۶

۶ قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جميعاً ثم نقول للذین أشركوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ خداوند ، حاکم و داور اختلافات و نزاع های میان پیامبر (ص) و مردم کفرپیشه بود .

اصبر حتى يحكم الله

۱۰ خداوند ، بهترین حاکم و داور است .

و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۷

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق و أنت أحكم الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۸

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود؛ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، بهترین داور و حکم کننده است .

و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱،۳

۱ - داوری حتمی خداوند میان بنی اسرائیل به خاطر اختلافات دینی دیرینشان

أكثر الذی هم فیہ یختلفون .. إِنَّ رَبَّكَ یَقْضِی بَیْنَهُمْ

ضمیر <بینهم> می تواند به <بنی اسرائیل> بازگردد. بنابراین آیه یاد شده مربوط به قضیه اختلافات عقیدتی و دینی آنان خواهد بود.

۳- داوری میان حق پذیران و حق ناپذیران از شؤون ربوبیت خداوند

إِنَّ رَبَّكَ یَقْضِی

تکیه بر وصف ربوبیت خداوند و نه هر اسم یا وصف دیگر بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۴

۴ - خدا ، حاکم و داور دادگاه کیفری کافران

قال أكذبتم بایتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۹

۹ - ارجاع دادن قضاوت و داوری به خداوند ، آخرین راه پیامبر (ص) در محاجه کافران و مشرکان بهانه جو

قل ربی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ کلام خداوند به مشرکان درباره داوری نهایی خداوند بین آنان و آن حضرت

قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحق

<فتح> به معنای نصرت، پیروزی، حکم و داوری است (مفردات راغب). در این آیه - به قرینه مقام مراد از آن معنای سوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۱،۱۲،۱۴

۱۱ - تنها خداوند داور نهایی در حل اختلاف های بندگان است .

أنت تحکم بین عبادك فی ما كانوا فیه یختلفون

تقدیم مسندالیه (أنت)، بر خبر فعلی (تحکم) افاده حصر می کند.

۱۲ - پیامبر (ص) ، برای حل اختلاف خود با مشرکان حق گریز ، از خداوند کمک خواسته و او را به داوری طلبید .

أنت تحکم بین عبادك فی ما كانوا فیه یختلفون

جمله <أنت تحکم..> برای انشای دعا است که

در قالب جمله خبری آمده است.

۱۴ - قدرت و علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری عادلانه او در میان بندگان

قل اللهم فاطر السموت .. علم الغيب و الشهده أنت تحکم

ذکر داوری خداوند، پس از یاد کردن از خالقیت و علم همه جانبه او، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۹

۹ - علم برتر و همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری و جزای عادلانه او است .

و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون .. و هو أعلم بما یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۶

۶ - تنها خداوند ، شایسته حکم دادن و داوری است .

الحکم لله

لام در <الله> برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۸

۸ - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریح و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فالله هو الولیّ .. ذلکم الله ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۷

۷ - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا كلمه الفصل لقضى بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۹،۱۰

۹- پیامبر (ص) در مقام تنزیه خویش از اتهام افترا ، امیدوار و متکی به داوری خداوند

قل إن افتريتہ

... کفی به شهیداً بینی و بینکم

۱۰- خداوند ، شاهدهی کافی برای داوری میان حق و باطل

قل . . . کفی به شهیداً بینی و بینکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۷

۲۷ - خداوند ، حاکم و داور میان خلق

یحکم بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۶

۶- داوری مشرکان درباره مسائل دینی ، مخالف داوری خداوند و تعالیم کتاب های آسمانی است .

أَمْ لَكُمْ أَيْمَنٌ .. . إِنَّ لَكُمْ لِمَا تَحْكُمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۷

۷- حکم نافذ و قضاوت حکیمانه خداوند ، تهدیدی برای تکذیب کنندگان دین و منکران قیامت

فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدَ الْدِّينِ . أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَكَمِينَ

قضاوت خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۶

۶- قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام < خلیفه اللهی > است .

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

مأموریت داوود(ع) به داوری میان مردم، پس از انتصاب ایشان به مقام <خلیفه اللهی>، گویای برداشت یاد شده است.

قضاوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت

بوده اند.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخونهم .. أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

قضاوت خویشاوندان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۸،۹

۸ مردی از خویشان زلیخا، در ماجرای وی و یوسف (ع) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت.

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، علی رغم خویشی او با زلیخا، بی طرفی کامل را رعایت کرد، و قضاوتی بر حق ارائه نمود.

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع)، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیہ غنم القوم

<نفش > به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۵- داوود و سلیمان (ع)، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، اختلاف نظر داشتند.

و داود و

سليمن إذ يحكمان في الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم و كُنَّا لحكمهم شهدين

نوع مفسران برآند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <كُنَّا لحكمهم شهدين> و <و كَلَّا آتينا حكماً و علماً> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

۷- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصر خویش برخوردار بودند .

و داود و سلیمان إذ يحكمان في الحرث

۸- < عن أبي جعفر (ع) في قول الله تبارك و تعالی : < داود و سلیمان إذ يحكمان في الحرث ... > قال لم يحكما إنما كانا يتناظران ففهمها سليمان ... ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدای تبارک و تعالی <و داوود و سلیمان إذ يحكمان في الحرث..> روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد.

۹- < أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عز وجل : < و داود و سلیمان إذ يحكمان في الحرث > قال : كان حكم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذي فهم الله عز وجل سليمان (ع) أن احكم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام كله ;

احمد بن عمر حلبي گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزوجل <و

داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث < سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد.>

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) قال : كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفشت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الكرم إلى داود فاستعدى على صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهب إلى سليمان (ع) ليحكم بينكما فذهبوا إليه فقال : سليمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما في بطنها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنه يدفع ولدها إلى صاحب الكرم و كان هذا حکم داود ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباہ کردند .. صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>

جلد - نام سوره - سوره -

۲- امتیاز سلیمان بر داوود (ع)، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث .. ففهمنها سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- خداوند به داوود (ع)، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد .

و ءاتینه .. فصل الخطاب

<فصل> مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه <خطاب> به معنای سخن بوده و مقصود از <فصل خطاب> سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه <خطاب> به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از <فصل خطاب> رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حکم داوود (ع)، به ظالمانه بودن کار صاحب ۹۹ میش در طمع کردن به تنها میش برادرش

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک إلی نعاجه

۱۶ - داوود (ع)، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک .. و ظنّ داود أنّما فتّنه

۱۸ - استغفار داوود (ع) از

پروردگار، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

۱۹ - داوود (ع)، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست.

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتّنه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵).

۲۵ - > عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجلّ إلى داود الملكين فتسورا المحراب فقالا خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم بيننا بالحقّ إنّ هذا أخي له تسع و تسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) على المدعى عليه فقال لقد ظلمك . . . و لم يسئل المدعى البینه على ذلك و لم يقبل على المدعى عليه فيقول له ما تقول فكان هذا خطيئه رسم الحكم ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجلّ دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بینه نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه

می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۲

۲ - خداوند ، از لغزش داوود (ع) در امر داوری میان دو گروه متخاصم در گذشت و او را مورد آمرزش قرار داد .

فغفرنا له ذلک

<ذلک> اشاره به لغزش مربوط به داوری میان دو گروه متخاصم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

قضاوت در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۳

۳ انجیل ، در بردارنده قوانین حکومتی و قضایی

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

قضاوت در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۶

۶ تورات ، پاسخگوی نیاز یهود عصر پیامبر (ص) به احکام قضایی و حدود الهی

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فيها حكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۸،۹

۸ تورات ، در بردارنده احکام قضایی و حکومتی

یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا

۹ تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها .. الربنیون و الاحبار

قضاوت در قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۲ پاره شدن پیراهن یوسف (ع) محور و تکیه گاه کشف حقیقت، در نظر داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

و شاهد شاهد... و هو من الصدقین

قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ - قیامت، صحنه داوری میان امتهاست.

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

۱۶ - خداوند، داور و حاکم در صحنه قیامت است.

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

۱۷ - خداوند، در قیامت میان یهود، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند.

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۷

۷ در دادگاه قیامت، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست.

و کان اللّٰهُ بما يعملون محیطاً... فمن یجدل اللّٰهُ عنهم یوم القیمة ام من یكون علی

<وکیل> به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه

وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربصون بکم .. فالله یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۸

۸ قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم فیما فیہ یختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۶

۶ قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین أشركوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- خداوند در قیامت ، نسبت به اختلافات و انحرافات یهود ، داوری خواهد کرد .

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

۶- قیامت ، روز داوری خداوند در زمینه اختلافات و انحرافات بشر

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - داوری میان مردم در روز بازپسین ، در اختیار خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۳،۶

۲ - قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ

۳ - خدا ، حاکم و داور روز قیامت

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا .. فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱

۱ - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَ الَّذِينَ كَفَرُوا ... عَذَابٌ مُهِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۲،۳

۲ - خدا ، داور روز قیامت

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

۳ - داوری خدا در قیامت ، بر اساس علم کامل او به کردار آدمیان است .

اللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ . اللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - اعمال آدمی ، تنها معيار ارزش و داوری در قیامت

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۲۰

۲۰ - نيات و انگیزه های پنهان اعمال ، مدرک و میزان داوری در روز قیامت است .

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

تعبیر <علیم بذات الصدور>

در حقیقت، تأکیدی است بر این نکته که آنچه در اندرون سینه ها می گذرد، دارای نقشی اساسی در ارزش گذاری و بررسی اعمال آدمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا يوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۵

۵ - همه داوری ها در قیامت ، از آن خدا است .

فالحکم لله

الف و لام در <الحکم> برای جنس و مفید استغراق و شمول می باشد یعنی، <کلّ حکم لله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۸

۸- داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیروها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إنّ يوم الفصل ... يوم لا یغنی ... إنّهُ هو العزیز الرحیم

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۷ - ۷،۹،۱۰

۷ - داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوز گرانه بنی اسرائیل

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

۹ - داوری پروردگار در قیامت میان انسان ها ، پایانی بر همه خصومت ها و اختلاف های آنان خواهد بود .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

۱۰ - داوری پروردگار میان انسان ها و فیصله دادن به همه خصومت های آنان ، جلوه ای از ربوبیت او است .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

و اتقوا الله الذي إليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحيط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک...> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۱،۶

۱ - قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

<فصل> یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن شدن

حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

۶- صحنه داوری در قیامت ، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقایق آن

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

قضاوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

وَأَتَيْنَهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

قضاوت درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۱

۱۱ داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

وَجَعَلُوا اللَّهَ .. سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۴ - ۳

۳- داوری درباره خداوند و عقاید دینی ، بدون علم و دلیل و شاهد ، قضاوتی ناشایست و شگفت آور است .

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ . مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

قضاوت درباره دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند؛ بی آن که در متن قرآن

و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

قضاوت درباره ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ قضاوت و داوری خداوند درباره ستمگران ، قضاوتی است بر پایه قسط و عدل .

و لو أن لكل نفس ظلمت . . . و أسروا الندامه لما رأوا العذاب و قضی بینهم بالقسط

قضاوت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۷

۷ قضاوت ، از شئون پیامبر (ص) و رهبران الهی است .

فلا و ربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم

قضاوت زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

نوع مفسران بر آنند که <فَفَهَّمْنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کُنَّا لِحَكْمِهِمْ شَاهِدِينَ> و <و كَلَّا آتَيْنَا حِكْمًا و عِلْمًا> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

۷- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصر خویش برخوردار بودند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث

۸- < عن أبي جعفر (ع) فی قول الله تبارک و تعالی : < داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث ... > قال لم یحکما إنما کانا یتناظران ففهمها سلیمان ... ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدای تبارک و تعالی <و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث..> روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد.

۹- < أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عز وجل : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهم الله عز وجل سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام كله ;

احمد بن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزوجل <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود:

حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد.

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) قال : كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفثت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الكرم إلى داود فاستعدى على صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهب إلى سليمان (ع) ليحكم بينكما فذهب إلى سليمان : فقال : سليمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما في بطنها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنه يدفع ولدها إلى صاحب الكرم و كان هذا حکم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباہ کردند . . . صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- امتیاز سلیمان بر داوود (ع)، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث .. ففهمنها سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۱

۱ - حضرت سلیمان (ع)، قضاوت درباره همد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعا های وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به .. قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۸، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۸، ۳، ۲، ۱

۱ تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الى الذين یزعمون .. یریدون ان یتحاكموا الى الطاغوت

۱ جمله <یریدون .. > دلالت می کند که حتی تصمیم بر چنین کاری نیز خطاست؛ چه رسد به انجام آن. ۲ کلمه <طاغوت>، مصدر و به معنای اسم فاعل است؛ یعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبار.

۲ ناسازگاری ایمان به قرآن و کتب آسمانی، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الى الذين یزعمون .. یریدون ان یتحاكموا الى الطاغوت

۳ مراجعه به طاغوتها برای داوری، علی رغم ادعای ایمان مایه شگفتی و تعجب

الم تر الى الذين یزعمون .. ان یتحاكموا الى الطاغوت

استفهام در جمله <الم تر>، برای تعجب ایراد شده است.

۸ دادگاه های طاغوتی، دادگاههایی هستند که بر خلاف حکم خدا و رسول قضاوت می کنند . *

يريدون ان يتحاكموا الى

الطَّاعُوتِ وَ قَدْ اَمَرُوا اَنْ يَكْفُرُوا بِهِ

در صورتی ارجاع داوری به دادگاهها ناسازگار با ایمان می شود که قضاوت در آن محاکم بر خلاف دستورات الهی باشد ؛ بنابراین مراد از طاغوت حاکمانی هستند که بر خلاف قرآن و سنت پیامبر حکم می کنند.

۱۱ خودداری از مراجعه به طاغوت برای قضاوت ، مصداقی از کفر به طاغوت

یریدون ان یتحاكما الی الطَّاعُوتِ وَ قَدْ اَمَرُوا اَنْ يَكْفُرُوا بِهِ

۱۲ ارجاع داوری ها به طاغوت (کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشَّیْطَانِ اَنْ یضَلَّهُمْ

۱۴ رجوع کنندگان به طاغوت ، تحت سیطره و نفوذ شیطان هستند .

یریدون ان یتحاكما الی الطَّاعُوتِ . . . و یرید الشَّیْطَانِ اَنْ یضَلَّهُمْ

۱۸ سقوط به ژرفنای گمراهی ، پیامد پذیرش دادگاه های طاغوتی

یریدون ان یتحاكما . . . و یرید الشَّیْطَانِ اَنْ یضَلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۶

۶ مراجعه به طاغوت و دادگاه های ناصالح برای داوری ، ستم به خویشان است .

یریدون ان یتحاكما . . . و لو اَنْهَم اذ ظلموا انفسهم

قضاوت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الذّین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون

جمله <الم تر... > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۵۳ داوری بر پایه جور اگر چه در مورد مالی اندک و اجبار دیگران به پذیرش آن ، کفر است .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

از رسول خدا(ص) روایت شده: من حکم فی درهمین بحکم جور ثم جبر علیه کان من اهل هذه الايه > و من لم يحكم بما انزل الله فأولئك هم الكفرون <

کافی، ج ۷، ص ۴۰۸، ح ۳، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ کسانی که بر مبنای مقررات و قوانین الهی حکم نکنند ، ستمکارند .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

قضاوت عادلان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۵

۵ عدالت پیشگان قوم موسی همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کردند .

و به يعدلون

>به < متعلق به <يعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲۱

۲۱ توجه به خشنودی خداوند از عدالت پیشگان ، بر انگیزاننده داوران به رعایت قسط و عدل

فاحکم بینهم بالقسط إنّ الله يحب المقسطین

قضاوت عجلولانه دربارہ اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۴

۲۴- پرهیز از ناشکیبایی و قضاوت عجلولانه در زمینه کار های شگفت اولیای الهی ،

لازم است .

ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

از مجموعه داستان موسی و خضر(ع) استفاده می شود که نباید کار اولیای الهی را با کار خود قیاس کرد، بلکه باید شکیبایی ورزید و سخنی ناسنجیده بر زبان نراند زیرا، آگاهی بر اسرار آن، مقدور همه نیست.

قضاوت عدالت پیشگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند .

و به يعدلون

<به> متعلق به <يعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

قضاوت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قميصه .. قال إنه من كيدكن إن كيدكن عظيم

قضاوت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۲، ۱۰

۱۰ داوری ظالمانه علمای یهود نسبت به مسلمانان

الم تر الى الذين .. و يقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلاً

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون

جمله <الم تر .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۳، ۱۰، ۹

۹ تورات ، محور قضاوت های

عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها .. الربنیون و الاحبار

۱۰ عالمان ربانی و احبار یهود ، ادامه دهندگان راه انبیا در مسند قضاوت

یحکم بها النبیون .. و الربنیون و الاحبار

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگوهای خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون .. فلا تخشوا الناس و اخشون

قضاوت علیه عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۴

۴ - داوری قطعی خدا در قیامت ، علیه طرف تخلف کننده از قرارداد

و الله علی ما نقول وکیل

قضاوت عمر (ابن خطاب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۵

۱۵ روی انه اتی عمر بحامل قد زنت فامر برجمها فقال له امیر المؤمنین (ع): هب لك سبیل علیها ائی سبیل لك علی ما فی بطنها و الله تعالی یقول: <ولا تزر وازره وزر آخری .. >.

روایت شده: زن حامله ای را که مرتکب زنا شده بود نزد عمر آوردند، وی دستور داد زن را سنگسار کنند. امیرالمؤمنین (ع) به وی فرمود: بر فرض که حق سنگسار کردن زن را داشته باشی، ولی چه حقی بر طفل در شکم او داری؟ خداوند متعال می فرماید: کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد ...

قضاوت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب

قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

قضاوت فرزندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم .. أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

قضاوت قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۸

۸ صدور حکم قاضی ، موجب تغییر حق و واقع نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا فمن یجدل الله عنهم فی یوم القیمه

از اینکه خداوند می فرماید: بر فرض که در دنیا با دفاع ناحق ظالم را تبرئه کردید، در قیامت چه خواهید کرد، معلوم می شود حکم قاضی ایجاد حق نمی کند و واقع را تغییر نمی دهد.

قضاوت گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۵

۵ - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالأثم

قضاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب و

۶ توبیخ منافقان به جهت رویگردانی آنان از حاکمیت قضایی پیامبر (ص)

رایت المنافقین یصدون عنک صدوداً

در برداشت فوق <یصدون> فعل لازم گرفته شده است؛ بر این مبنا <صد> به معنی اعراض خواهد بود.

۵ مردم، وظیفه دار مراجعه به پیامبر (ص) برای داوری و حلّ کلیه مشاجرات

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکموک فیما شجر بینهم

۶ ربوبیت الهی، منشأ تربیت پیامبر (ص) برای تصدّی مقام قضاوت و حکومت

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکموک

برداشت فوق از کاربرد کلمه <رب> و اضافه آن به ضمیر خطاب استفاده شده است.

۷ قضاوت، از شئون پیامبر (ص) و رهبران الهی است.

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکموک فیما شجر بینهم

۸ پذیرش حاکمیت قضایی پیامبر (ص) در مشاجرات و التزام قلبی به حکم آن حضرت، از علایم ایمان

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مم

۱۱ تسلیم همه جانبه در برابر پیامبر (ص) و احکام قضایی آن حضرت، از علایم ایمان

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکموک... و یسلّموا تسلیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۷،۱۱

۷ قضاوت ، از منصب های پیامبر (ص)

لتحکم بین

۱۱ پیامبر (ص) ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او ، از سوی خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىكَ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۳،۶

۳ تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (ص) ، در قضاوت

هانتم هؤلاء جدلتم عنهم في الحيوة الدنيا .. لهتم طائفه منهم ان يضلوك

اگر چه ظاهر جمله شرطیه <لولا...>.. لهتم<، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر(ص)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلا تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

۶ فضل و رحمت الهی ، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی های خائنان در قضاوت پیامبر (ص)

لتحكم بين الناس .. و لولا فضل الله عليك و رحمة لهتم طائفه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۳

۲۳ تثبیت حکم تحریف شده به دست عالمان یهود ، هدف آنان از ارجاع داوری به رسول خدا (ص)

ان اوتيتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داوری به رسول خدا(ص) و نپذیرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حکم وی با اظهارات عالمان یهود، می رساند که هدف آنان از این ارجاع تنها تلاش برای یافتن امضای حکم تحریف شده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ پیامبر (ص)، از جانب خداوند، اختیار دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوك فاحكم بينهم او اعرض عنهم

۱۲ یهودیان، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر (ص)، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

۱۳ پیامبر (ص)، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

به نظر می رسد مراد از <یضروك> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

۱۴ نوید خداوند به مصونیت پیامبر (ص) از توطئه های یهودیان به خاطر ترك داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

۱۵ پیامبر (ص)، مأمور به قضاوت عادلانه بین یهودیان در صورت تصمیم بر داوری میان آنان

و إن حكمت فاحكم بينهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱، ۲، ۳

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) از سوی یهودیان، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات، شگفت آور و سؤال بر انگیز

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فیها حکم الله

۲ گریز از احکام تورات، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (ص) برای قضاوت

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فیها حکم الله

۳ پیامبر (ص)، مورد مراجعه مردم، حتی یهودیان

، برای حکمیت و داوری

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۰، ۱۲، ۱۳

۱۰ پیامبر (ص) ، وظیفه دار قضاوت در بین اهل کتاب بر اساس احکام الهی

فاحکم بینهم بما أنزل الله

برداشت فوق بر این مناست که ضمیر در <بینهم> به اهل کتاب باز گردد.

۱۲ انتخاب قرآن از میان کتب آسمانی ، برای داوری بین اهل کتاب ، وظیفه پیامبر (ص)

و انزلنا الیک الکتب .. مهیمناً علیه فاحکم بینهم بما أنزل الله

<فاء> در <فاحکم> پس از ذکر مهیمن بودن قرآن، بیانگر این است که مراد از <ما انزل الله> قرآن است.

۱۳ قضاوت بین مردم بر اساس احکام الهی از وظایف پیامبر (ص)

فاحکم بینهم بما أنزل الله

بنابر اینکه مراد از ضمیر <بینهم> همه مردم باشند، نه خصوص اهل کتاب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۵، ۱۷، ۱۳، ۸، ۲، ۱

۱ پیامبر (ص) ، وظیفه دار قضاوت در بین مردمان ، بر اساس احکام الهی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله

۲ حکم و داوری در بین مردم ، از شؤون و مناصب پیامبر (ص)

و إن احکم بینهم بما أنزل الله

۸ هشدار خداوند به پیامبر (ص) درباره توطئه گروهی از مردم برای بازداشتن وی از داوری بر اساس تعالیم قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

۱۳ تلاش مودیانہ و فریبکارانہ اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (ص) از حکم و داوری

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

چون <يفتنوك> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است؛ یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

۱۵ اراده خداوند بر عذاب گنهکاران، مانع توفیق آنان به پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما يريد الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

۱۷ برخی گناهان، مایه محرومیت از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما يريد الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

برداشت فوق بر این منبست که مراد از <ان يصيبهم> همان گرفتار ساختن گنهکاران به رویگردانی و نپذیرفتن احکام قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱

۱ بسیاری از مردمان عصر بعثت، خواستار داوری پیامبر (ص) بر اساس قوانین جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۸

۸ حضرت محمد(ص)، دارای کتاب و مقام حکم و قضاوت و نبوت از جانب خداوند است.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه فإن يكفر بها هؤلاء

گر چه در این آیه نام حضرت محمد(ص) به صراحت نیامده، ولی یاد انبیای گذشته و اشاره به مقامات آنان و همچنین سخن از کفر مردم مکه، با لطافتی تمام، اشاره به این دارد که خداوند همان مقامات را به حضرت محمد(ص) نیز عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۵

۵ - قضاوت میان مردم ، از مسؤولیت ها و منصب های پیامبر (ص) بود .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۷

۷ - گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۶،۷

۶ - قضاوت میان مردم ، از مسؤولیت ها و منصب های پیامبر (ص) بود .

إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم

۷ - داوری پیامبر (ص) ، بر مبنای فرمان ها و دستورات خدا بود .

إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم

قضاوت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۴،۵

۴ احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیحکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی

بر اساس انجیل صادر می کنند.

۵ احکام قاضیان مسیحی تنها در بین همکیشان آنان دارای اعتبار است . *

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّٰه فیہ

عنوان <اهل الانجیل> می تواند بیانگر محدوده اعتبار و نفوذ داوریهای مستند به انجیل باشد.

قضاوت مشرکان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیح بتها بر او

فما كان لشركائهم .. ساء ما يحكمون

قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۴۸،۹

۴ احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی بر اساس انجیل صادر می کنند.

۸ قوانین حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

۹ ضرورت پذیرش احکام و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۵

۵ - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد آتينا .. و الحكم و النبوه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، <حکم> دانسته شده است ؛
آن هم در کنار <کتاب> و <نبوت> که اعطای آنها تنها از شؤن خداوند است.

قضاوت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۷ داوری غلط منافقان در مورد شکست و پیروزی مسلمانان

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

قضاوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱

۱ - موسی (ع) در پی محاکمه سامری، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد.

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب> علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است، یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خیر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

قضاوت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ . . . بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۹

۹ مصرف سهم خداوند برای بتها و دیگر شریکان خیالی و مصرف نکردن سهم بتها برای خداوند، از داوریه‌های ناپسند مشرکان عصر جاهلی بوده است.

فما كان لشركائهم .. ساء ما يحكمون

مراد از فعلهای <یصل> و <لا یصل>، آن گونه که مفسران گفته اند، در مقام خبر از انشای مشرکان است. یعنی مشرکان آنچه را سهم خداوند تلقی می نمودند، مصرفش را برای بتها (مانند مخارج بتکده و ...) مجاز می دانستند، ولی عکس آن را روا نمی شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴ - ۹

۹ - پندار امکان گریز از مجازات الهی ، پنداری ناشایست است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۴ - ۳

۳ - داوری درباره خداوند و عقاید دینی ، بدون علم و دلیل و شاهد ، قضاوتی ناشایست و شگفت آور است .

أصطفى البنات على البنين . ما لكم كيف تحكمون

قضاوت ناپسند مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۹،۱۰

۹- قرار دادن دختر برای خدا و پسر برای خود از سوی مشرکان ، قضاوتی بس زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنات سبحة و لهم ما يشتهون .. ألا ساء ما يحكمون

۱۰- تفاوت قائل شدن بین دختران و پسران از سوی مشرکان عصر جاهلی ، قضاوتی زشت و ناروا بود .

و يجعلون

لله البنت سبحانه و لهم ما يشتهون .. ألا ساء ما يحكمون

قضاوت ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٤٧ - ٦

٦ آنان که حکم و داوری خویش را بر پایه قوانین و مقررات الهی بنا نکنند ، فاسق هستند .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - جاثيه - ٤٥ - ٢١ - ١١

١١ - برابر پنداشتن افراد صلاح پیشه و خطاکار ، حکمی ناروا است .

أم حسب .. ساء ما يحكمون

قضاوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام - ٦ - ٨٩ - ٢

٢ نوح، ابراهيم، اسحاق، يعقوب، داوود، يوسف، موسى و هارون(ع) بهره مند از تعاليم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت وجدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - بقره - ٢ - ٢٦٧ - ٧٨

۷-احاله انفاق کننده به داوری وجدان خویش ، در پرهیز از اموال نامرغوب

و لا تيمّموا الخبيث منه تنفقون و لستم باخديه

۸-به داوری گرفتن وجدان ، از روش های قرآن برای پرهیز از کار های ناروا و تربیت انسان ها و رعایت احکام و مقررات دینی

و لا تيمّموا الخبيث منه تنفقون و لستم باخديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۱

۱ پیامبر(ص) مأمور برانگیختن داوری وجدان مشرکان بر

چگونگی فرجام آنان در صورت نزول عذاب الهی

قل أراءيتكم .. هل يهلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۷

۷ برانگیختن داوری وجدان از طریق طرح پرسش، از روشهای تبلیغی قرآن

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۱۱

۱۱- برانگیختن عقل و وجدان مردم به داوری، روش حضرت ابراهیم (ع) در ارشاد و تبلیغ

لِمَ تعبد ما لا یسمع .. لا تعبد الشیطن إِنَّ الشیطن کان للرحمن عصیاً

قضاوت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- حضرت یحیی، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحكم صیًا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کردن است (لسان العرب).

قضاوت

يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوہ

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوہ

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۴

۴ یوسف (ع) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشده آتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیایها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

قضاوت یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی،

الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

قضاوت يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷

۷ یهود، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا ... اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل

جمله <ان تحكموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

گواهی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ - دآوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الكتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لا یظلمون

مبانی قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۲۰، ۱۹، ۱۳، ۱۱، ۶

۶ قرآن، پایه و اساس برای قضاوت میان مردم

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس بما اريك الله

مراد از <تحکم>، قضاوت است و اگر مراد حکومت بود، می فرمود: <لتحكم على الناس>.

۱۱ پیامبر (ص) ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او ، از سوی خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

۱۳ فراگیری قرآن و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ

ظاهراً مراد از <ما اريك>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق .. بما اريك الله ولا تكن للخائنين خصيماً

۲۰ جانشینان پیامبر (ص) ، همانند خود آن حضرت ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس بما اريك الله

امام صادق(ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هی جاریه فی الاوصیاء.

کافی، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۵۴۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۶، ۴۸، ۴۹ - ۲۸، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱۱، ۹، ۳.

۳ تورات ، مرجع و پایه قضاوت های پیامبران در بین یهود

یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا

۹ تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها .. الربنیون و الاحبار

۱۱ قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی ، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است .

فیها هدی و نور یحکم بها النبیون .. و الربنیون و الاحبار

یادآوری قضاوت پیامبران بر اساس تورات، پس از توصیف آنان به هدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

۱۴ احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف ،

در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست .

يحکم بها النبیون . . . و الربیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه

<باء> در <بما استحفظوا> سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

یحکم . . . بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

چون جمله <کانوا . . .> عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

۱۸ محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ، شهادت بر حقانیت آنهاست .

یحکم بها النبیون . . . بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

۲۱ حراست از تورات و قضاوت بر اساس آن ، بدون هیچ ترسی از مردم ، فرمان خداوند به عالمان یهود معاصر پیامبر (ص)

و الربیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه . . . فلاتخشوا الناس

۲۲ عالمان یهود در عصر بعثت ، بیمناک از مردم خویش در حکم و قضاوت بر اساس تورات

و الربیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه . . . فلاتخشوا الناس

۲۳ ترس از مردم در قضاوت بر اساس کتاب های آسمانی ، ناروا و مورد نهی خداوند

یحکم بها . . . فلاتخشوا الناس

۲۸ خشیت از خداوند (ترس برخاسته از عظمت او) ، وادار کننده عالمان به داوری بر اساس

یحکم بها .. و اخشون

۴۳ آنان که حکم و داوری خویش را بر پایه مقررات و قوانین الهی بنا نکنند ، کافرند .

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکفرون

با توجه به آیات گذشته که درباره قضاوت بود، معلوم می شود که جمله <و من لم یحکم ..> ناظر به مسأله قضاوت و داوری است.

۴۶ ضرورت پذیرش قوانین و داوری های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکفرون

لازمه وجوب قضاوت بر اساس احکام الهی، ضرورت پذیرش آنها از سوی طرفین نزاع و مشاجره است.

۴۸ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکفرون

۴۹ خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکفرون

جمله <و من لم یحکم ..> دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دوم خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی در عین وجود شرایط آن، برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۱، ۲۳، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶

۱۶ کسانی که بر مبنای مقررات و قوانین الهی حکم نکنند ، ستمکارند .

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

۱۷ ضرورت پذیرش قوانین و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

لازمه فرمان به حکم و قضاوت بر

اساس کتابهای آسمانی، الزام بندگان به پذیرش آن احکام و داوریهاست.

۱۸ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گروهی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

۱۹ خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، ظلم است . *

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

۲۱ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

۲۳ ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (ص) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئك هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۹، ۸، ۴، ۱

۱ مسیحیان وظیفه دار حکم و داوری بر اساس انجیل

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

۴ احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی بر اساس انجیل صادر می کنند.

۸ قوانین حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

پذیرش احکام و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷

۱۰ پیامبر (ص) ، وظیفه دار قضاوت در بین اهل کتاب بر اساس احکام الهی

فاحکم بینهم بما أنزل الله

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <بینهم> به اهل کتاب باز گردد.

۱۳ قضاوت بین مردم بر اساس احکام الهی از وظایف پیامبر (ص)

فاحکم بینهم بما أنزل الله

بنابر اینکه مراد از ضمیر <بینهم> همه مردم باشند، نه خصوص اهل کتاب.

۱۴ تنها احکام الهی باید اساس و معیار قضاوت ها قرار گیرد .

فاحکم بینهم بما أنزل الله

۱۷ خداوند بر حذر دارنده پیامبر (ص) از پیروی تمایلات اهل کتاب و عدول از حق (احکام قرآن) در قضاوت

فاحکم ... و لا تتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

کلمه <عن> در <عما جاءك> می رساند که معنای عدول در <لا تتبع> تضمین شده است. یعنی لا تعدل عن الحق متبعاً اهواءهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳، ۲۰

۱ پیامبر (ص) ، وظیفه دار قضاوت در بین مردمان ، بر اساس احکام الهی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله

۳ تنها احکام الهی باید اساس و معیار حکومت و قضاوت قرار گیرد .

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّٰه

۸ هشدار خداوند به پیامبر (ص) درباره توطئه گروهی از مردم برای بازداشتن وی از داوری بر اساس تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن

بعض ما أنزل الله إليك

۹ ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران ، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

۱۳ تلاش موزیانه و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (ص) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

چون < یفتنوك > به < عن > متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن ، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ، یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

۲۰ لزوم داوری بر اساس احکام الهی ، حتی با احتمال سرپیچی مردمان از پذیرش آن

و إن احکم . . فان تولوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۵

۵ نظام سیاسی و قضایی شکل گرفته بر پایه قوانین غیر الهی ، نظامی جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون و من احسن من الله حکماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۵

۵ - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد آتینا . . و الحکم و النبوه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، < حکم > دانسته شده است ، آن هم در کنار < کتاب > و < نبوت > که اعطای آنها تنها از شؤن خداوند است.

مبانی قضاوت داود(ع)

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع) (فی) قول الله عزوجلّ: < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > . . . قال: إنّه كان أوحى الله عزوجلّ إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزوجلّ إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان < ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجلّ < و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث > روایت شده . . . که فرمود: همانا خدای عزوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد . . . پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت . . . <

مبانی قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

> و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث < . . . قال : إنه كان أوحى الله عزوجلّ إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزوجلّ إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان < ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجلّ > و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث < روایت شده . . . که فرمود: همانا خدای عزوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد . . . پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت . . . <.

مبانی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۱

۱۱ - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا ، مبتنی بر وهم و خیال و قضاوت ناشایست بود .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا سوء ما يحكمون

محرومیت از قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۱

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

کلمه <بعض> می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد؛ نه همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

مشورت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۴

۴- مشورت در امر قضاوت، امری است پسندیده و شایسته.

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث .. و کنا لحکمهم شهدین

معبودان باطل و قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۲

۲ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان از هرگونه قضاوت

والذین یدعون من دونه لایقضون بشیء

مقام قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۵

۵ خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

مقام قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۹ - ۴

۴- داوود و سليمان (ع) ، دارای

مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کَلَّا ءَاتِنَا حُكْمًا و عَلَمًا

مقام قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۴

۴- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کَلَّا ءَاتِنَا حُكْمًا و عَلَمًا

ملاک قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۶،۲۱

۱۶ کتاب های آسمانی ، معیار شناخت حق از باطل و قضاوت صحیح

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

۲۱ میسر بودن داوری به حق میان مردم ، با قوانین الهی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۵

۵- حکم و عمل انسان ، بر اساس آنچه صرفاً شنیده ، یا دیده و یا به قلبش راه یافته ، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی ، ممنوع است .

و لاتقف ما لیس لك به علم إن السمع و البصر و الفؤاد کلُّ أولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و . . . تا زمانی که به مبنای علمی و

یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۷

۷ - حق ، پایه و محور داوری ها در جامعه الهی

فاحکم بین الناس بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ - داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان ، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۷

۷ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۷

۷ - علم عادی و دلایل ظاهری ، کافی در مقام داوری و تشخیص امور

فامتحنوهنّ الله أعلم بإیمانهنّ

بیان <الله أعلم بإیمانهنّ...> پس از امر <امتحنوهنّ> می رساند که شما انسان ها در مقام داوری و حکم، موظف به ملاک های ظاهری و بشری هستید؛ نه ملاک هایی که چه بسا از دسترس بشر خارج است.

ملاک قضاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - اعمال آدمی ، تنها معیار ارزش و داوری در قیامت

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

ملاك قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۶

۶- حکم و داوری خداوند میان انسان ها در قیامت ، بر

اساس حجت و گواه شاهدان است .

و يوم نبعث في كل أمة شهيداً عليهم من أنفسهم

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که برانگیختن شاهدان در راستای صدور حکم و داوری است و نیز به منظور اتمام حجت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۴

۴ - توحید ربوبی و انقیاد در برابر خدا ، ملائک داوری خداوند میان انسان ها در قیامت

إِنَّ اللَّهَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مِنَ فِي السَّمَوَاتِ وَمِنَ

ارتباط این آیه با آیه پیشین، این معنا را می رساند که ملائک ارزیابی خداوند در داوری میان فرقه های گوناگون مردم در قیامت، اصل <توحید ربوبی و خضوع و انقیاد در برابر او> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱

۱ - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

يُحْكَمُ بَيْنَهُمُ الْفَالِقِينَ ءَامَنُوا .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا ... عَذَابٌ مُّهِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - داوری خداوند در قیامت ، درباره هر امت ، براساس کتاب آسمانی آنان است . *

كُلُّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَىٰ كِتَابِهَا

در صورتی که مراد از <کتاب> در <کتابها> کتاب آسمانی ویژه هر امت باشد، از دعوت شدن آنان به سوی کتاب آسمانی شان برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۲

۲ - علم خداوند

به گفتار کافران ، ملائک داوری او علیه آنان در قیامت

نحن أعلم بما يقولون

از ارتباط <نحن أعلم..> با آیات پیشین که درباره حشر و معاد است مطلب بالا استفاده می شود.

ملائک قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۲،۵

۲- داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

ربّ احکم بالحقّ

برداشت یاد شده بنابراین است که این است که قید <بالحقّ> توضیحی باشد.

۵- قضاوت و داوری برحق خداوند ، برخاسته از علم و آگاهی همه جانبه او است .

إنّه يعلم الجهر من القول و يعلم ما تکتُمون . .. قل ربّ احکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۳،۵

۳ - داوری خدا در قیامت ، بر اساس علم کامل او به کردار آدمیان است .

اللّه أعلم بما تعملون . اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

۵ - توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

اللّه یحکم . .. فیما کنتم فیہ تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

۵ - ملائک و معیار داوری در نزد خداوند

، حق است .

ثم يفتح بيننا بالحقّ

۹ - داوری خداوند ، بر اساس علم و آگاهی او است .

و هو الفتح العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الكتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۵

۵ - عمل و رفتار انسان ، مبنای داوری خداوند و ملاک جزای او در قیامت است .

و وقیت کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۴

۴ - آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها ، پشتوانه قضاوت به حق او

یعلم خائنه الأعین . .. و الله یقضی بالحقّ

یادآوری قضاوت به حق خداوند پس از تذکر به علم همه جانبه او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

فإذا جاء أمر الله قضى بالحقّ

۱۱ - حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر الله قضى بالحقّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از <أمر الله> عذاب دنیوی (استیصال) باشد؛ چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است؛ مانند عذاب طوفان نوح که

از آن چنین یاد شده است: <قال لاعاصم اليوم من أمر الله .. >، (هود، آیه ۴۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند درباره امت ها ، براساس نامه عمل شان

تدعی إلى كتبها اليوم تجزون ما كنتم تعملون

از این که پس از فراخوانی انسان ها به نامه عمل خویش، مسأله جزای آنان مطرح شده است، به دست می آید که نامه عمل شان ملاک داوری حق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۲

۱۲- شهادت و داوری خداوند میان حق و باطل ، متکی به علم برتر او

هو أعلم .. کفی به شهیداً

از ارتباط <هو أعلم> با <کفی به ..>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۴

۴ - ایمان ، معیار داوری خداوند درباره انسان و پاداش به مردان و زنان

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّات

وصف <المؤمنین و المؤمنات>، مُشعر به علیّت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۳ - ۴

۴ - اعمال خود انسان ، ملاک داوری خداوند درباره او

و کَلَّ شَيْءٌ فَعَلُوهُ فِي الزَّبْرِ . و کَلَّ صَغِيرٌ و کَبِيرٌ مُسْتَطَر

تصریح خداوند به مضبوط بودن اعمال کوچک و بزرگ آدمی، می رساند که اعمال خود او نقش اساسی در مسئولیت و مجازات و محاکمه وی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۷

- مبنای داوری و کیفر و پاداش الهی درباره انسان ، عملکرد خود آنان است .

فیتنهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۹

۹ - علم گسترده خداوند بر اعمال خلق ، ملاک داوری میان آنان در قیامت *

یوم القیمه یفصل بینکم و اللّٰه بما تعملون بصیر

از ارتباط <یفصل بینکم> در صورتی که <یفصل> به معنای <یحکم> (داوری خواهد کرد) باشد و <واللّٰه بما تعملون بصیر> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۹

۲۹ - احکام و داوری های خداوند میان خلق ، متکی به علم و حکمت گسترده او است .

یحکم بینکم و اللّٰه علیم حکیم

ملاک قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۴

۴ - توحید ربوبی و انقیاد در برابر خدا ، ملاک داوری خداوند میان انسان ها در قیامت

إِنَّ اللّٰهَ یفصل بینهم یوم القیمه . . . ألم تر أنّ اللّٰهَ یسجد له من فی السموت و م

ارتباط این آیه با آیه پیشین، این معنا را می رساند که ملاک ارزیابی خداوند در داوری میان فرقه های گوناگون مردم در قیامت، اصل <توحید ربوبی و خضوع و انقیاد در برابر او> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۲ - داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده

و به کسی ستم نخواهد شد .

و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ - قرآن و قانون الهی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

اللّٰه الذی .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

ملاک قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند؛ بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانہ بیندیشند.

ملاک قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۴

۴ - داوری پیامبر (ص) ، بر مبنای فرمان ها و دستورات خدا بود .

و إذا دعوا إلی اللّٰه و رسوله لیحکم بینهم

آیه شریفه، پیش از آن که منافقان را موظف سازد که به داوری پیامبر(ص) تن دهند، آنان را به پذیرش حکم خدا فرا خوانده است. این فراخوانی می تواند بیانگر این حقیقت باشد که حکم خدا، محور داوری ها است و پیامبر(ص) هم موظف بود براساس آن قضاوت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۵

۵ - داوری پیامبر (ص) بر اساس حق بود .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم .. و إن يكن لهم الحقّ

ملائک قضاوت مشرکان در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۳

۳ - داوری مشرکان صدراسلام ، سطحی و براساس ملائک های مادی و غفلت آنان از معادلات فرا مادی بود .

أم یقولون نحن جمیع منتصر

اتکای مشرکان بر جمیعت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

ملائک قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۸

۱۸ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الظلمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۶

۱۶ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها در گرو پی ریزی آنها بر اساس تعالیم قرآن است .

و انزلنا الیک الکتب .. فاحکم بینهم بما أنزل الله

ملائکهای قضاوت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۸ - ۸

۸ منافع شخصی منافقان ، ملائک داوری آنان درباره پیامبر (ص) و عامل طعن و خرده گیری از آن حضرت

و منهم من يلزمك في الصدقت فإن أعطوا منها رضوا

منابع قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۷

۷ - داوری پیامبر (ص) ، بر مبنای فرمان ها و

دستورات خدا بود .

إِذَا دَعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ

مِنْشَأُ قِضَاوَاتِ بَاطِلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۱۱

۱۱- داوری وارونه و دور از حقیقت درباره عملکردها ، از پی آمده های نابسامانی فکری و عقیدتی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء .. یحسبون أنهم یحسنون صنعاً

مجموع چند آیه، در آغاز، فقدان بینش را در کافران مطرح ساخت، آنگاه برگزیدن معبودانی جز خدا را به عنوان یکی از دستاوردهای آن مطرح کرد (أفحسب) و در این آیه، آنان را به عنوان (أخسرین) و کسانی که اعمال پوچ خود را کارهایی نیک می بینند، معرفی کرد. مقتضای ربط بین آیات مورد بحث، برداشت بالا، است.

مِنْشَأُ قِضَاوَاتِ سَلِيمَانَ (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

فَفَهَّمْنَهَا سَلِيمَانَ

<فا> در <فَفَهَّمْنَاهَا> برای تعقیب است و ضمیر <ها> به حکومت (قضاوت) بازمی گردد، یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

مِنْشَأُ قِضَاوَاتِ لُوطٍ (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند ، از منصب قضاوت و داوری برخوردار بود .

و لو طَّاء تينه حَكَمًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حکم> به معنای <قضاوت> باشد (لسان العرب). گفتنی است کاربرد <حکم> به معنای <قضاوت>، بسیار شایع است.

منشأ قضاوت نوح (ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۳

۳- حضرت نوح (ع) ، از جانب خداوند ، از علم ، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود .

و لوطاً اتینه حکماً و علماً .. و نوحاً إذ نادى

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت <نوحاً> عطف بر <و لوطاً آتیناه> باشد؛ یعنی، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه <حکم> هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

موانع قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۹

۳۹ سودجویی و طمعورزی ، از عوامل نادیده گرفتن احکام الهی و حکم نکردن بر اساس آن

یحکم بها .. و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلا

ناظر قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۶

۶- قضاوت داوود و سلیمان (ع) ، مورد نظارت و تأیید خداوند بود .

و کنا لحکمهم شهدین

ضمیر <حکمهم> به داوود و سلیمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو، اشاره به تأیید آن دارد.

ناظر قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- قضاوت داوود و سلیمان (ع)، مورد نظارت و تأیید خداوند بود.

و کنا لحکمهم شهدین

ضمیر <حکمهم> به داوود و سلیمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو،

اشاره به تأیید آن دارد.

نظام قضایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۹

۹ سرعت در حسابرسی و قضاوت و حکم، معیاری مهم و اساسی در نظام قضائی شایسته

ألا له الحكم وهو أسرع الحسین

بیان سرعت حسابرسی به عنوان یکی از ویژگیهای مهم در حکم و قضاوت خداوند، گویای رجحان و مزیت قضاوت و حکمی است که سرعت هر چه بیشتر و بدون فوت وقت انجام پذیرد.

نقش امارات قضایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

و إن كان .. و هو من الصدقین

نقش علم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- حکم و عمل انسان ، بر اساس آنچه صرفاً شنیده ، یا دیده و یا به قلبش راه یافته ، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی ، ممنوع است .

و لاتقف ما لیس لك به علم إن

السمع و البصر و الفؤاد كل أولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و .. تا زمانی که به مبنای علمی و یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

نقش مقام قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

يداود انا جعلتك خليفه في الارض فاحكم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى

وجدان در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل اغير الله اتخذ وليا فاطر السموت و الارض

وضوح حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۳

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

أليس الله بأحكم الحكمين

همزه استفهام در <أليس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

ویژگیهای قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ قضاوت و داوری خداوند درباره ستمگران ، قضاوتی است بر پایه قسط

و عدل .

و لو أن لكل نفس ظلمت . . . و أسروا الندامه لما رأوا العذاب و قضى بينهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۶

۶ حکم و قضاوت خداوند ، متقن ترین و عادلانه ترین حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحکم الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۵

۵- قضاوت و داوری برحق خداوند ، برخاسته از علم و آگاهی همه جانبه او است .

إنه يعلم الجهر من القول و يعلم ما تكتمون . . . قل رب احکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۶،۷،۸

۶ - قضاوت و داوری خدا درباره کافران و حق ستیزان ، متکی بر موازین حق و عدل و به دور از کمترین سستی و کاستی

إن ربك يقضى بينهم بحكمه

با این که واژه <یقضی> معنای حکم و داوری را می رساند، آمدن قید <بحکمه> نشانگر این حقیقت است که قضاوت الهی مخصوص به او است به گونه ای که کمترین خلل در آن راه ندارد و بر موازین عدل و حق استوار است.

۷ - داوری های خداوند ، دارای پشتوانه قوی اجرایی و علمی

إن ربك يقضى . . . و هو العزيز العليم

از ارتباط <عزیز و علیم> با <یقضی بینهم> مطلب فوق استفاده می شود.

۸ - عدم دخالت غیرخدا ، در قضاوت ها و داوری های او

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

قید <بحکمه> می تواند از نظر معنا تأکیدی بر عدم دخالت غیرخدا در قضاوت های او باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۱،۲

۱ - قضاوت خداوند ، از حکم تمامی داوران برتر ، نافذتر و متقن تر است .

أليس الله بأحكم الحكمين

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق <أحكم>، ممکن است از ریشه <حکم> باشد که قاموس آن را به معنای اتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس الله بأحكم الحكمين

اسم تفضیل <أحكم>، ممکن است از <حکم> به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، <أفضی> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

ویژگیهای قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۵

۵ - داوری میان حق و باطل در عرصه قیامت ، با حضور تمامی خلائق انجام خواهد پذیرفت .

هذا يوم الفصل جمعنكم و الأولین

ویژگیهای قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۴

۴ - قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی

برآمد.

هواپرستی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۹

۹ - هشدار خداوند به داوود (ع) ، برای پیروی نکردن از هوای نفس ، در داوری میان مردم

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی

قلب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قلب}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ قلب در اصطلاح قرآن ، جایگاه هدایت و گمراهی است .

فأما الذين في قلوبهم زيغ .. ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۱

۱ سینه آدمی ، خزانة افکار و اندیشه های او

ان تخفوا ما فی صدورکم

آثار بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۳،۵

۳ - نفاق ، خدعه گری و دروغ پردازی ، رذایلی هستند برخاسته از بیماری دل

و من الناس من يقول ءامنا .. يخذعون الله ... في قلوبهم مرض

<فی قلوبهم مرض> بیانگر ریشه ردائیلی است که در آیات قبل و فرازهای بعد، برای منافقان بیان شده است.

۵ - سرایت بیماری دل و اندیشه آدمی به تمامی وجود او

فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً

جمله نخست حاکی است که دل و اندیشه منافقان، بیمار است و جمله بعد، دلالت می کند که بیماری وجود آنان را فرا می گیرد؛ زیرا نفرمود <فزادها الله مرضاً>. این اختلافِ تعبیر یا اشاره به این معنا دارد که تمام حقیقت آدمی، دل و اندیشه اوست؛ و یا

حاکی از آن است که بیماری دل به همه وجود سرایت کرده و همه حرکات و سکانات آدمی را متأثر می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۷

۷ - فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض .. و إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۵

۵ - بیمار دلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض .. ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۴

۴ - بیمار دلی اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض .. قالوا أنؤمن کما ءامن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۳،۵

۳ بیمار دلی و ضعف ایمان ، زمینه تخلف از فرامین خداوند

لاتتخذوا اليهود و النصری اولیاء .. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۵ بیماری دل و سستی ایمان ، زمینه محرومیت از هدایت الهی

إنّ الله لا یهدی القوم الظلمین . فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ بیماردلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض . . و ماتوا و هم کفرون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۲

۲ - بیمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

ليجعل ما يلقى الشيطان فتنه .. و القاسيه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۲

۲ - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفي قلوبهم مرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۲

۲ - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ . إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وُلُّوا مُدْبِرِينَ

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست؛ بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - بیمار دلی ، باعث طمع ورزی در زنان نامحرم است .

فلاتخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - بیماردلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و ليقول الذين في قلوبهم مرض . . . ماذا أراد الله بهذا مثلاً

آثار بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - منافقان بر اثر بیماری دل و اندیشه ، فسادگری های خویش را اصلاح طلبی قلمداد می کنند .

فی قلوبهم مرض .. قالوا إنما نحن مصلحون

آثار پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۹

۳۹ پاکی دل ها و جان ها ، زمینه پذیرش هدایت الهی

و من یرد الله فتنته .. أولئك الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

چنانچه <فتنه> به معنای ضلالت باشد، مفهوم جمله <من یرد الله فتنته> باضمیمه جمله <أولئك ..> این خواهد بود که خداوند تنها پاکدلان را هدایت می کند.

آثار حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۷

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۶

۱۶ - هدایت پذیری کسانی که بر دل هایشان پرده افکنده شده و بر گوش هایشان سنگینی نشسته (محرومان از درک و فهم آیات الهی) ، ناممکن است .

و إن تدعهم إلى الهدی فلن یهدوا إذا أبداً

<لن> برای نفی همیشگی است که در آیه مورد بحث، با کلمه <أبداً> نیز بر آن تأکید مجدد شده است، یعنی، چنین

افرادی، هرگز و هیچ گاه، هدایت نخواهند شد و باید از آنان مأیوس بود.

آثار حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۷- کسانی که یاد خداوند در قلب آنان حضور ندارد، شایسته رهبری نیستند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

نهی از اطاعت غافلان، نفی شایستگی آن ها برای فرمان دادن و ارائه پیشنهاد است.

آثار ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۱

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۷

۷ افکنده شدن حجاب بر اندیشه و قلب آدمی، زمینه انکار هر گونه معجزه و آیت الهی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن یفقهوه .. و إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

كذلك یطبع الله علی قلوب الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۹

۹ مهر

شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۶

۶ اقوام تکذیب کننده پیامبران ، به خاطر مهر شدن دل‌هایشان و با وجود معجزات و براهین روشن ، توانایی پذیرش آنان را نداشتند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطیع علی قلوب المعتدین

تعبیر به <فما کانوا لیؤمنوا> به جای <فما آمنوا بما کذبوا به> بیانگر وجود نوعی مانع است که آنان را از ایمان آوردن باز می داشت. در جمله بعد، از آن مانع تعبیر به <طیع قلوب> شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۹، ۱۵

۱۵ مردمی که خدا بر دل آنان مهر بزند ، توفیق ایمان و گرایش به پیامبران ، از آنان سلب خواهد شد .

و اشد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

<فاء> در جمله <فلا یؤمنوا> فای سببیه است و دلالت بر سببیت ماقبل برای مابعدش می کند، یعنی، طبع قلب سبب سلب توفیق ایمان می شود.

۱۹ سخت شدن دل و مهر شدن آن ، زمینه ساز وقوع عذاب استیصال است .

و اشد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد. در این صورت روشن است که درخواست سخت شدن دل فرعون و اطرافیانش و مهر شدن آن، در واقع درخواست پیدایش زمینه عذاب

استیصال بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص)، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئك الذين طبع الله على قلوبهم و أتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع الله على قلوبهم> به عنوان علت <يستمع إليك .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۸،۹

۸- مردمی که دل هایشان مهر شده، از درک حقایق و معارف دینی و الهی محروم اند.

فطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون

۹- منافقان، بر اثر مهر شدن دل هایشان از درک معارف دین ناتوان اند.

فطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون

آثار ختم قلب مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۲

۲- مشرکان مکه، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشه‌هایشان، از ادراک صحیح آیات خدا، محروم بودند.

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً و جعلنا علی قلوبهم أکن

آثار خشوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او ، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله

<خشوع> در مقابل <قساوت> (سختی و صلابت)، به معنای

نرمی [قلب] است.

۲ - تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن ، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم .. و ما نزل من الحقّ

مقصود از <ما نزل من الحقّ> قرآن کریم است.

آثار خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۶

۶ اقامه نماز و انفاق در راه خدا ، تجلی خشیت قلب و فزونی ایمان و توکل بر خدا

وجلت قلوبهم .. زادتهم إيماناً ... الذين يقيمون الصلوة و مما رزقنهم ينفقون

تکرار <الذین> ، بدون حرف عطف، برای رساندن این معناست که اقامه نماز انفاق نمود خارجی و تجلی صفات برشمرده شده در آیه قبل است.

آثار رقت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۵

۵ - نرمی و سلامت دل ، زمینه ای مناسب برای گرایش به حق و پذیرش آن

ليجعل .. للذين في قلوبهم مرض و القاسية قلوبهم ... و ليعلم الذين أُوتوا العلم أ

آثار سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ سلامت دل و ایمان راسخ ، زمینه پرهیز از ستمگری و عصیان و موجب برخورداری از هدایت خاص الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۵

۵ ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خداوند منوط به برخورداری انسان از قلب و بینش سالم است.

و نقلب أفئدتهم ... كما

لم يؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۷

۷- بهر هوری از مفاهیم عالی وحی ، منوط به داشتن قلب سلیم و زمینه ساز تدبر

أفلا يتدبرون .. أم علی قلوب أفعالها

در صورتی که <أم> به معنای <بل> باشد، مفاد آیه چنین می شود: اگر در قرآن تدبر شود، حقیقت بر انسان آشکار می گردد؛ ولی حق گریزان در نتیجه اعمال خودشان، قلبی بسته و ناتوان از تدبر دارند. در حالی که تدبر در قرآن، برای قلب سلیم و تأثیر پذیر، میسر است.

آثار سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۸،۱۲

۸ - انکار قیامت ، برخاسته از قلب سیاه و درک ناتوان است .

الذین یکذبون بیوم الدین .. کلاً بل ران علی قلوبهم

۱۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال: [قال] ما من عبد إلا - و فی قلبه نکته بیضاء فإذا أذنب ذنباً خرج فی النکته نکته سوداء فإن تاب ذهب ذلك السواد فإن تمادی فی الذنوب زاد ذلك السواد حتى يُعْطَى البياض فإذا [ت] غطى البياض لم يرجع صاحبه إلى خير أبداً و هو قول الله عزوجل : > کلاً بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست جز این که در قلبش نقطه سفیدی است، هر گاه گناهی مرتکب شود، در آن سفیدی نقطه سیاهی پدید می آید، پس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می رود و اگر گناهان را ادامه

دهد، آن سیاهی افزون می گردد تا تمام سفیدی قلب را فرامی گیرد و هنگامی که سفیدی قلب به سیاهی پوشیده شد، صاحب آن قلب هرگز به سوی نیکی بر نمی گردد و این سخن خدای عزوجل است که فرمود: کلاً بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسیون <.

آثار قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۴

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم .. فهی کالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم .. أفتطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۷ سنگدلی و خشونت رهبران ، موجب پراکندگی مردم از پیرامون آنان

و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك

<انفضوا> از <فض> به معنای تفرق و پراکندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ سنگدلی بنی اسرائیل ، منشأ تحریف تورات

و جعلنا قلوبهم قسیه يحرفون الكلم عن مواضعه

جمله <يحرفون> جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۴۵، ۱۲

۴ سنگدلی، مانع تضرع به درگاه خداوند، حتی در شاداید و سختیها

فلولا... و لكن قست قلوبهم

۵ سنگدلی، موجب هدایت ناپذیری و اجابت نکردن دعوت انبیا

و لقد أرسلنا .. فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا و لكن قست قلوبهم

۱۲ قساوت دل زمينه ای مناسب برای القای تزینات شیطان

و لكن قست قلوبهم و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون

جمله <زين لهم> می تواند از قبیل عطف مسبب بر سبب باشد ؛ یعنی تزین شیطان پس از قساوت دل حاصل می گردد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۲

۲ - یمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

لیجعل ما یلقى الشیطن فتنه .. و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۷، ۱۳

۱۳ - قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح الله صدره للإسلام .. فویل للقسیه قلوبهم من ذکر الله

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان که از نور هدایت الهی برخوردارند می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

۱۷ - قساوت قلب و خدا فراموشی ، نشانه گمراهی سخت و آشکار

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر الله أولئک فی ضلل مبین

آثار قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۳

۳ - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأخذود .. إذ هم علیها قعود

کلمه <إذ>، ظرف برای <قتل> و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود

قتل

أصبح الأخدود .. إذ ... و هم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود

آثار قلب سليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۶

۶ - تنها دل های سلیم و حق پذیر ، شایسته بهره مندی از پیام الهی انبیا

إن تسمع إلا من يؤمن بآيتنا

مراد از <من يؤمن> کسانی اند که در مقام پذیرش حق می باشند و دل هایشان گرفتار کوری و کوری نشده است.

آثار مسخ قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم .. و لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

آثار ناپاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۴

۴۴ آلودگی دل و جان آدمی به ناپاکی ها ، موجب ذلت دنیا و عذاب آخرت

أولئك الذين لم يرد الله أن يطهر قلوبهم .. و لهم في الآخرة عذاب عظيم

آرامش قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۳

۳ آرامش خاطر پیامبر (ص) و استواری دل و قلب او ، هدف از بیان سرگذشت انبیا برای آن حضرت

و كلاً نقصّ عليك من أنباء الرسل ما نثبت به فؤادك

<تثبیت> (مصدر نثبت) به معنای مستقر کردن و استوار ساختن است و <فؤاد> به معنای قلب می باشد. استوار ساختن قلب، به ایجاد یقین و طمأنینه در آن

و رفع اضطراب و تردید از آن است. عبارت <و ما نثبت...> بدل برای <كَلَّا> می باشد و دلالت می کند که آن قسمتی از سرگذشت پیامبران بیان می شود که ایجاد یقین و اطمینان کند.

آرزوی پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، آرزومند پاک بودن قلب هایشان از کینه و عداوت نسبت به اهل ایمان

يقولون ربنا .. و لا تجعل في قلوبنا غلا للذين ءامنوا

اجتناب از لغزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۰

۳۰ - قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلكم أطهر لقلوبكم و قلوبهنّ

احاطه بر قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۱

۱ - آتش جهنم ، بر قلب ها احاطه یافته ، آن را خواهد سوزاند .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفْتَدَةِ

برخی از اهل لغت، اطلاع را به معنای بلوغ دانسته اند (لسان العرب). براین اساس، مفاد آیه این است که آتش، به قلب ها رسیده، آن را خواهد سوزاند. حرف <علی> بر احاطه کامل آتش دلالت دارد.

ارزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- ارزش والای قلب و ادراکات باطنی ، در مقایسه با دیگر منابع شناخت

ما کذب الفؤاد ما رأی

با توجه به این که در این آیه، رؤیت معارف والا به قلب نسبت داده شده

است؛ ارزش بی مانند قلب در میان منابع شناخت استفاده می شود.

ازدیاد بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند ، افزایش دهنده بیماری در دل و جان منافقان

فزادهم الله مرضاً

استفاده از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۷

۷- بهره نگرستن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف . . . إن السمع ... کان عنه مسؤولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

اضطراب قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۱ - ۹

۹ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : إن القلب ليرجج . . . حتى يعقده على الإيمان فإذا عقد على الإيمان قرّ و ذلك قول الله عزوجل : > و من يؤمن بالله يهد قلبه < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: قلب [انسان] در حال اضطراب است . . تا این که با ایمان و باور پیوند خورد. پس زمانی که بر ایمان پیوند خورد، قرار و ثبات می یابد و این سخن خدای عزوجل است: و من يؤمن بالله يهد قلبه <.

اطمینان قلب

- آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۲،۳،۱۰

۲ نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل ، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به

۳ دل آدمی ، کانون آرامش و اطمینان

و لتطمئن قلوبکم به

۱۰ تحقق اطمینان قلب ، با امداد های الهی

و لتطمئن قلوبکم به و ما التصر الا من عند الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۸

۸ - تنها دل های محکم و مطمئن ، قادر بر انجام کار های سخت و مخاطره آمیز

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

اقدام مادر موسی به انداختن فرزند خویش در آب نیل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۱

۱۱ قلب ، کانون ایمان و آرامش خاطر

لیطمئن قلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ اطمینان قلب مرتبه ای بالاتر از مرحله ایمان

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان ... تطمئن قلوبنا

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ الله ما یلقى الشیطن . . .

و ليعلم الذين أوتوا العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمير در <أنه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبت>) مشتق از <خَبْتُ> است. <خَبْتُ> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت> یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ الله ما يلقي الشيطان...> است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

اطمینان قلب مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۹

۹ - راسخ شدن ایمان مادر موسی ، هدف الهی در محکم ساختن دل وی و اطمینان بخشیدن به وی

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

اطمینان قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۸ - ۱

۱ آنان که ایمان آورده و دل هایشان به یاد خدا آرامش می یابد ، از کسانی اند که خداوند آنها را به سوی خویش هدایت کرده است .

و يهدى إليه من أناب. الذين ءامنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله

اعتدال قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۷

۱۷ اعتدال و سلامت قلب و اندیشه ، زمینه فهم صحیح قرآن

فأما الذين في

قلوبهم زيغ . . . و ابتغاء تأويله

انحراف قلب، منتهی به تأویل نادرست قرآن می شود؛ بنابراین سلامت قلب، فهم صحیح آیات قرآن را در پی دارد.

القای قرآن بر قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۲

۲- خداوند، قرآن کریم را در دل مجرمانِ هدایت ناپذیر القا می کند و آنان را با قرآن آشنا می سازد.

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین

القای قرآن در قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن، در قلب آنان رسوخ داد.

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۱

۱- خداوند، قرآن کریم را در قلب کافران هدایت ناپذیر مکه راه داد و به آنان شناساند.

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه>، <الذکر> و الف و لام <المجرمین> عهد ذکری باشد که اشاره به <الذین کفروا> در آیات قبل می کند.

اهمیت پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۶

۶ - تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی،

مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرّا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

اهمیت حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۸

۲۸- زنده نگه داشتن یاد خدا در قلب و از میان بردن زمینه های غفلت از آن ، لازم است .

و لا تطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۴

۴ لزوم روی آوری خالصانه به خدا و انقطاع کامل از غیر او به هنگام حضور در مساجد

و أقيموا وجوهكم عند كل مسجد

اهمیت سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۶

۶ - تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إلا من أتى الله بقلب سليم

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی، مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرّا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۴،۵،۶،۷

۴ - قلب سالم از امراض روحی و اخلاقی ، پایه و اساس خصلت های پسندیده و کمالات انسانی

إذ جاء ربّه بقلب سليم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که از میان انواع اوصاف پسندیده ابراهیم(ع)، تنها به صفت <قلب سلیم> اشاره شده است که در واقع، شرط بار یافتن به درگاه الهی است. ضمن این که نوعاً تمامی خصلت ها

و رفتارهای ناپسند، از قلب ناسالم نشأت می گیرد.

۵ - نقش قلب سالم و پاک ، در موفقیت رهبران و مبلغان دینی

إذ جاء ربّه بقلب سليم

۶ - پاک سازی قلب و دل ، از هرگونه امراض روحی و اخلاقی ، شرط تقرب به خدا و بار یافتن به درگاه او

إذ جاء ربّه بقلب سليم

۷ - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سليم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

اهمیت طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۸

۲۸ - حفظ طهارت قلب ، امری لازم و بایسته است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أظهر لقلوبکم و قلوبهنّ

اهمیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۶

۶ قلب ، جایگاه شکل گیری حالات روحی و روانی آدمی

سنلقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- شنوایی ، بینایی و قلب (مرکز ادراک) مهم ترین ابزار شناخت
و الله أخرجكم .. لاتعلمون شيئاً و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

اهمیت محافظت از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۳

- لزوم مراقبت از قلب و پرهیز از چرکین ساختن آن با گناه

ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون . کلاً

ایمان ختم قلب شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۶

۱۶ دل مهرخوردگان ، تنها هنگامی که با عذاب دردناک الهی رویاروی شوند ، به خود آمده و ایمان خواهند آورد .

و اشد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم

بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۸

۸ - امکان دارد که نوعی بیماری معنوی ، بر قلب انسان عارض شود .

و الذین فی قلوبهم مرض

مراد از <مرض> بیماری جسمی و فیزیکی نیست و به قرینه مقام، بیمار دلی است که باعث می شود شخص بیمار دل، اقدام به کارهایی خلاف اعتدال بکند.

بیماری قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۴

۴ - شرک ، نوعی از بیماری های قلبی است .

إذ جاء ربّه بقلب سلیم . إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۱،۴،۹

۱ - دل و اندیشه منافقان ، مبتلا به مرضی سخت

فی قلوبهم مرض

سخت بودن بیماری از نکره آمدن <مرض> استفاده شده است.

۴ - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماری دل و اندیشه ، در خویشتن

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقایسه دو جمله <فی قلوبهم مرض> (در قلب منافقان بیماری است) و <فزادهم الله مرضاً> (پس خداوند بیماری آنان را افزون کرد)

به دست می آید زیرا در جمله دوم خدانند را افزایش دهنده بیماری می داند، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

۹ دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم الله مرضاً .. بما كانوا يكذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بما كانوا...> علاوه بر تعلقش به <لهم عذاب الیم>، متعلق به <فزادهم...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۱۰، ۷

۷ - فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض ... و إذا قيل لهم لا تفسدوا فی الأرض

۱۰ - فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماری دل و اندیشه آنان

فزادهم الله مرضاً .. بما كانوا يكذبون. و إذا قيل لهم لا تفسدوا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ۱ <إذا قيل...> عطف بر <يكذبون> باشد. ۲ <بما كانوا يكذبون> علاوه بر تعلقش به <و لهم عذاب الیم> - متعلق به <فزادهم الله> نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: <فزادهم الله مرضاً... بما كانوا إذا قيل لهم... لهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۵

۵ - بیمار دلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض ... ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۴

- بیمار دلی اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض ... قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۲

۲ منافقان ، دارای پلیدی باطن و بیماری دل

و أما الذين فى قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۲

۲ - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفى قلوبهم مرض

بیماری قلب منافقان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۱

۱ - منافقان صدراسلام ، به بیمار دلی مبتلا بودند .

أفى قلوبهم مرض

همزه در <أفى> برای استفهام است، ولی متضمن معنای تقریر می باشد که برای سرزنش بیشتر منافقان آمده است.

بیماری قلب منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۲

۲ - منافقان مدینه ، شخصیت هایی با قلب های بیمار بودند .

و إذ يقول المنفقون و الذين في قلوبهم مرض

<و الذين في قلوبهم مرض> می تواند عطف تفسیری از <المنافقون> باشد. در این صورت، معنای یاد شده به دست می آید.

پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۹

۹ طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانش کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم آیته و یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

تقدّم ذکری <تزکیه> بر <تعلیم کتاب>، بیانگر این نکته است که

بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

پاکی قلب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱،۵

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه است.

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

پرسش از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹،۱۱

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤال نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱- > عن الحسن بن هارون قال : قال لی أبو عبدالله (ع) : > إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئولاً < قال : يسأل السمع عما سمع و البصر عما نظر إليه و الفؤاد عما عقد عليه ;

حسن بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: [مراد از آیه] >إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئولاً< [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه

که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود.

تشبیه قلب غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۲

۲ - دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لَذِكْرِ اللَّهِ .. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

تشبیه قلب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۲

۲ - دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لَذِكْرِ اللَّهِ .. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

تنوع ادراک قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - دریافت های ادراکی انسان ، از طریق گوش ، تنها به یک کیفیت است ، ولی از طریق چشم و قلب ، متنوع است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

مفرد آورده شدن <سمع> و جمع آورده شدن <أبصار> و <أفئده> شاید به خاطر این واقعیت خارجی باشد که انسان از طریق گوش، تنها صدا را می شنود در حالی که از طریق چشم، رنگ ها، جسم ها، سکون و حرکت و .. و نیز از طریق قلب، دریافت های گوناگونی دارد.

توطئه قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ شتاب زدگی بیماردلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در

پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق <یسرعون فیهم> به قرینه آیه قبل به معنای <یسارعون فی تولیهم> گرفته شده است.

حاکم قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - دل های مردمان ، در اختیار خداوند است و او دل ها را رؤوف و مهربان می گرداند .

و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفه و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۵

۱۵ - قلب ها ، در اختیار خداوند و مقهور اراده او است .

و قذف فی قلوبهم الرعب

حاکمیت بر قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لکن الله ألفت بینهم إنه عزیز حکیم

حجاب قلب دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۰

۱۰- خداوند، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی، بر دل هایشان، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان، سنگینی، می افکند.

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمُ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا

<أكِنَّة> جمع <کِنَان> به معنای <پرده و پوشش> است. <وَقْر> به معنای <سنگینی> است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه

کران، در آن است. ضمیر <یقفهوه> به <آیات> بازمی گردد که چون مراد از <آیات>، واژه <قرآن> است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از <أن یقفهوه>، <لئالیقفهوه> و یا <کراهه أن یقفهوه> است.

حجاب قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۲

۲- محبوب بودن دل از یاد خدا، از بارزترین خصلت های کافران است.

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳- قلب های کافران، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

حضور قلب در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۸

۸- احساس حضور در پیشگاه خداوند از آداب عبادت است.

إیاک نعبد

از جمله نکته های التفات از غیبت به خطاب در سوره حمد، بیان ادب عبادت و دعاست؛ یعنی، شایسته است انسان به هنگام پرستش و دعا احساس کند که در پیشگاه خداوند حاضر است.

حضور قلب در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۸،۹

۸ بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن ، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا تقربوا الصلوه .. حتی تعلموا ما تقولون

جمله <حتی تعلموا .. > بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

۹ برپایی نماز با حالت حضور قلب امری بایسته و سزاوار

حتی تعلموا ما تقولون

ملاک حرمت نماز در حال مستی توجه نداشتن و آگاه

نبودن به اذکار نماز است. و این معنا به هنگام غفلت و فقدان حضور قلب نیز وجود دارد.

خالق قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأئفده

ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۷

۷ مهر شدن قلب ها و از دست دادن توان درك معارف دين ، از كيفر های الهی است .

و نطبع علی قلوبهم فهم لا يسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۲

۲ - خداوند ، بر قلب کسانی که به هنگام مواجهه با آیات الهی ، از روی لجاجت ، آنها را عاری از حقیقت اعلام می کنند ، مهر می زند .

و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون . كذلك يطبع الله

ختم قلب اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ موسی (ع) در دعای خود ، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند ، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند .

ربنا .. و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

<شدت> به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون <اشدد> با <علی> استعمال شده در آن معنای <طبع> و <ختم> تضمین و اشراب

شده است.

ختم قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۳

۳ خداوند ، پیمان شکنان بنی اسرائیل را از رحمت خویش دور ساخت و دل های آنان را از پذیرش حق بازداشت .

فَمَا نَقْضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً

ختم قلب جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۴

۴ - بر قلب بی خبران از روز معاد ، مهر خورده و غیرقابل نفوذ است .

فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَ لَكُنْكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ... كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

احتمال دارد که مراد از <الذین لایعلمون> به قرینه آیه پنجاه و ششم، بی خبران از معاد و قیامت باشد.

ختم قلب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۱

۱ - تأثیر ناپذیری برخی از انسان ها در برابر پیام انبیا ، علی رغم روشنی و اصالت آن

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ . إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وُلُّوا مَدْبَرِينَ

آیه فوق بدین معنا است که: ای پیامبر! با این که تو بر حقی آن هم حقی بس روشن و انکار ناپذیر اما در عین حال نباید توقع داشته باشی که سخنانت در دل همگان تأثیر کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است

که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

ختم قلب دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱،۴

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبوا الحیوه الدنیا .. أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

ختم قلب فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ موسی (ع) در دعای خود ، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند ، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند .

ربنا .. و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

<شدت> به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون <اشدد> با <علی> استعمال شده در آن معنای <طبع> و <ختم> تضمین و اشراب شده است.

ختم قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۳

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ -

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأيت عند الله .. و نقلب ... و كذلك جعلنا ... و تمت كلمت ربك

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما كانوا ليؤمنوا> و <لكل نبي عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۶

۶ گنهکاران و کفرپیشگان، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله <نطبع علی قلوبهم> عطف بر جمله <أصبئهم> است و فعل ماضی <اصبنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع الله علی قلوب الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنيا .. الكفرین . أولئك الذین طبع الله علی

قلوبهم ... و أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبرها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فى القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئك الذين طبع الله على قلوبهم و أتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع الله على قلوبهم> به عنوان علت <يستمع إليك .. قالوا ... ماذا قال آنفأ> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

ختم قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۶

۶ گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع على قلوبهم

جمله <نطبع على قلوبهم> عطف بر جمله <أصبئهم> است و فعل ماضی <اصبنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - قلب مجرمان ، محروم از درک حقایق قرآن

كذلك سلكنه في قلوب المجرمين

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

كذلك سلكنه في قلوب المجرمين

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلك السلوک جزاء لأجرامهم؛ ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تا کیفری باشد در برابر جرم هایشان.>

ختم قلب متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، بر قلب هر متکبر تجاوزگری ، مهر می زند و او را از فهم درست حقایق الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار

به هر متجاوزی که از قانون بگذرد، <جبار> گویند. (قاموس المحيط).

ختم قلب متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۴

۴ منافقان از جهاد گریزِ ذلت پذیر ، دارای قلب های مهرشده و مسدود

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۷

۷ جهاد گریزان ذلت پذیر ، دارای قلب های مهر شده و مسدود

رضوا بأن یكونوا مع الخوالم و طبع اللّٰه علی قلوبهم

ختم قلب متکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر -

۱۰ - خداوند ، بر قلب هر متکبر تجاوز گری ، مهر می زند و او را از فهم درست حقایق الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار

به هر متجاوزی که از قانون بگذرد، <جبار> گویند. (قاموس المحيط).

ختم قلب مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه دنیا .. الکفرین . أولئك الذين طبع الله على قلوبهم ... و أ

ختم قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۶

۶ برخی مشرکان با دیدن هر گونه معجزه و آیت الهی ایمان نخواهند آورد.

و إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها

ختم قلب مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱

۱- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم قرآن نباشند .

الذین لایؤمنون بالأخره .. و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه

ختم قلب مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۶۸

۶ اقوام تکذیب کننده پیامبران ، به خاطر مهر شدن دل‌هایشان و با وجود معجزات و براهین روشن ، توانایی پذیرش آنان را نداشتند .

فما كانوا لیؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به <فما كانوا لیؤمنوا> به جای <فما آمنوا بما كذبوا به> بیانگر وجود نوعی مانع است که آنان را از ایمان آوردن بازمی داشت. در جمله بعد، از آن مانع تعبیر به <نطبع علی قلوب> شده است.

۸ خداوند ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما كانوا لیؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

ختم قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۴، ۲، ۱

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲ - بر گوش

و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

۴ - مؤثر نبودن انذار های پیامبر (ص) در کافرانِ منکرِ قرآن ، ناشی از مسدود بودن ابزار درک و فهم ایشان است .

سواء علیهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون. ختم الله علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲ - تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أکنه ... و فی ءاذاننا وقر

ختم قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۴

۴ منافقان از جهاد گریزِ ذلت پذیر ، دارای قلب های مهرشده و مسدود

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۹

۹ حق ناپذیری قلب منافقان ، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۹

۹ - منافقان ، بر اثر مُهر شدن دل هایشان از درک معارف دین ناتوان اند .

فطبح علی قلوبهم فهم لایفقهون

ختم قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۶،۷

۶ - قرار گرفتن حجاب

بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۷- یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۰، ۱۹، ۱۲، ۱۱

۱۱ کفر یهود ، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

۱۲ دل های یهود ، دارای حجابی جلوگیری از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

۲۰ دل های مهر خورده و در حجاب لجاج فرو رفته یهود ، مانع گرایش آنان به اسلام

بل طبع الله علیها بکفرهم فلا يؤمنون إلا قليلا

خشیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ - دل و

قلب آدمی ، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به حرکت در آید .

و إن منها لما يهبط من خشية الله

خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۱

۱ خشیت قلب از یاد خدا ، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن ، نشان ایمان حقیقی

أولئك هم المؤمنون حقا

رقت قلب علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۴

۴ - اهل دانش و معرفت ، برخوردار از دلی سالم و قلبی نرم

ليجعل .. للذين في قلوبهم مرض و القاسيه قلوبهم ... و ليعلم الذين أوتوا العلم

رقت قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسيه قلوبهم..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

رگهای قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۵

۵ خداوند ،

نزدیک تر از رگ های قلب ، به انسان

و نحن أقرب إليه من حبل الوريد

<ورید> ممکن است به معنای رگ هایی باشد که خون را به قلب می رساند.

زمینه ازدیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماری دل و اندیشه آنان

فزادهم الله مرضاً .. بما كانوا يكذبون. و إذا قيل لهم لا تفسدوا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ۱ <إذا قيل .. > عطف بر <يكذبون> باشد. ۲ <بما كانوا يكذبون> علاوه بر تعلقش به <و لهم عذاب أليم> - متعلق به <فزادهم الله> نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: <فزادهم الله مرضاً ... بما كانوا إذا قيل لهم ... لهم>.

زمینه اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۳ - ۴

۴ - نیکوکاری ، مایه رفع نگرانی و آسودگی خاطر در آخرت است .

على الأرائك ينظرون

زمینه ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۹

۹ از دست دادن نیروی درک معارف و حقایق بیان شده از سوی سفیران الهی ، پیامدی برای مهرشدن قلبهاست .

و نطبع على قلوبهم فهم لا يسمعون

برداشت فوق از <فاء> تفریح استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۵

۵ عملکرد نادرست و تخلف از فرمان های الهی ، زمینه ساز مهر شدن قلب انسان و دست نیافتن وی به درک عمیق حقایق

رضوا

بأن يكونوا مع الخوالم و طبع على قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۸،۹

۸ گناه تخلف از وظیفه جهاد ، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن يكونوا مع الخوالم و طبع الله على قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنه منافقان باشد نه علت آن.

۹ مهر شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع الله على قلوبهم فهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۹

۹- وسوسه ها و آرمان های شیطانی ، قفل اندیشه و قلب آگاهان حق گریز *

أم على قلوب أفعالها .. الشیطن سؤل لهم و أملى لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <إنّ الذین ارتدّوا..> در مقام تبیین و توضیح ذیل آیه قبل باشد (أم على قلوب أفعالها).

در این صورت وسوسه ها و آمال شیطانی منطبق بر <أفعالها> می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۵

۵ - کفر و ارتداد ، زمینه ساز مهر شدن دل است .

ذلک بأنهم ءامنوا ثمّ کفروا فطبع على قلوبهم

زمینه ختم قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - دل های منافقان ، بر اثر کفر و ارتداد مُهر شد .

ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَبَعَ عَلٰى قُلُوبِهِمْ

زمینه زنگار قلب کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

زمینه سلامت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۶

۶ - علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیمار دلی

لیجعل .. فتنه للذین فی قلوبهم مرض ... و لیعلم الذین أوتوا العلم أنه الحق من

زمینه سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۹

۹ - طغیان گری و گناه ، سیاه کننده قلب و مسدود سازنده راه درک و اعتقاد است .

کلّ معتد أثم .. بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

زمینه قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۹

۹ استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیر پذیری از قرآن

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ... تفیض من الدمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ - ثروت فراوان و نخوت آفرین ، زمینه ساز سنگ دلی و بی رحمی است .

إذ قال له قومه لاتفرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۴

۴- ترک رهنمود

ها و قوانین الهی، زمینه تبدیل شدن انسان به عنصری فسادگر و بی عاطفه و نه صرفاً بی ایمان

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

با توجه به متعدی آمدن واژه <تفسدوا>، استفاده می شود که روی گردانی از جهاد و سایر تکالیف دینی، صرفاً موجب فاسد شدن خود فرد نمی شود؛ بلکه او در نتیجه فساد شخصی، ناگزیر فسادگر نیز می گردد. جمله <تقطعوا أرحامکم> بر بی عاطفه شدن متخلفان جهاد دلالت دارد.

زمینه قساوت قلب اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲۱

۲۱ - فسق پیشگی اهل کتاب و نافرمانی آنان از حق، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان نسبت به تعالیم الهی و گرفتار شدن به قساوت قلب

فطال علیهم الأمد فقسست قلوبهم و کثیر منهم فسقون

زنگار قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۶

۶ - قلب های تیره کافران، در قیامت نیز از درک حقیقت و شناخت خداوند و جلوه های ربوبیت او، ناتوان خواهند بود. *

إنهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از <رب> چنانچه از ارتباط این آیه با آیه قبل برمی آید ممکن است به معنای محجوب ماندن قلب، از هرگونه ارتباط با خداوند باشد. در نتیجه کافران، در قیامت نیز خداوند را نخواهند شناخت و به او ایمان قلبی نمی آورند.

زنگار قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۴

، زنگار گرفته و چرکین است و از درک مفاهیم آن ناتوان می باشد .

کَلَّا بِل رَانَ عَلٰی قُلُوبِهِمْ

<رَئِیْنُ> (مصدر <ران>) به معنای زنگار و چرک است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۴

۴ - قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون . کَلَّا إِنَّهُمْ ... محجوبون

جمله بعد از <کَلَّا>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

زنگار قلب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۴

۴ - قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون . کَلَّا إِنَّهُمْ ... محجوبون

جمله بعد از <کَلَّا>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

سرزنش قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۸

۸ ترغیب به خوش خلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ، در برخورد های اجتماعی

و لو کنت فظًّا غلیظ القلب لانفضوا من حولک

سرزنش قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۸

۱۸ تخطئه پندار بیمار دلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی

خداوند

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

سلامتی قلب ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۱،۲،۳

۱- ابراهیم (ع) ، با قلبی سلیم به پیشگاه پروردگار بار می یافت .

لِإِبْرَاهِيمَ . إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

۲- ابراهیم (ع) ، برخوردار از قلبی سالم و پاک از آفت ها و امراض روحی ، اخلاقی و شخصیتی

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

<سلیم> صفت مشبّهه و مشتق از <سلامت> (پاکی از امراض دردها و آفت ها) است. توصیف قلب به <سلیم> بودن، اشاره به انواع امراض و آفت های روحی، اخلاقی و شخصیتی دارد.

۳- برخورداری از قلب سلیم ، برجسته ترین صفت ابراهیم (ع)

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

سلامتی قلب پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷- برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ . إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۸

۱۸ عن أبي عبدالله(ع) قال: إن الله عز و جل إذا أراد بعبد خيرا نكت في قلبه نكتة من نور و فتح مسامع قلبه و كل به ملكا يسدده

و إذا أراد بعبد سوءا نكت في قلبه نكته سوداء و سد مسامع قلبه و وکل به شیطانا یضله ثم تلا- هذه الآية: <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد أن یضله یجعل صدره ضيقا حرجا.>

امام صادق(ع) فرمود: هر گاه خداوند عز و جل برای بنده ای خیری بخواهد، در دلش نقطه ای از نور ایجاد می کند و گوشه‌های دلش را بازمی گرداند و فرشته ای بر او می گمارد که وی را در کارهایش استوار نماید. و آنگاه که خدا برای بنده ای بدی بخواهد، در دلش نقطه ای سیاه ایجاد کرده و گوشه‌های دلش را می بندد و شیطانی را بر او می گمارد تا گمراهش کند، سپس امام صادق(ع) آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت فرمود.

شرایط پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۷

۳۷ پاکی جان ها و دل ها از آلودگی در گرو توفیق الهی

أولئك الذين لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

شفای قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۸

۸ مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام ، شفابخش سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

یعذبهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین

صفات قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۵

۵ وابستگی به بیگانگان کافر ، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

اقسموا بالله جهد ایمنهم انهم لمعکم

طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۹

۲۹ - اجتناب از مطالبه کردن چیزی از همسران پیامبر، به صورت رو در رو، به خاطر حفظ طهارت قلب مؤمنان و همسران پیامبر است.

فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

ظلم قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۴

۴ سنگدلی و تضرع نکردن به درگاه خداوند، حتی در دشواریها، ظلم است.

فلولا... تضرعوا و لكن قست قلوبهم... فقطع دابر القوم الذين ظلموا

در آیه شریفه هدف از آمدن سختیها را تضرع و روی آوردن به خدا دانسته، و به دنبال آن گروهی را معرفی کرده که حتی در شدت و سختی منفعل نمی شوند، و سرانجام از این گروه با عنوان <ظالمان> یاد کرده است، بنابراین سنگدلی و تضرع نکردن آنان ظلم است.

عوامل ازدیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۹

۹ دروغ گویی مداوم منافقان، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم الله مرضاً... بما كانوا يكذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بما كانوا...> علاوه بر تعلقش به <لهم عذاب الیم>، متعلق به <فزادهم...> نیز باشد.

عوامل اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ عن أبي جعفر(ع): إن القلب ينقلب من لدن موضعه إلى حنجرته ما لم يصب الحق فاذا اصاب الحق قرّ

... و قرء هذه الآيه <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام ... >.

از امام باقر(ع) روایت شده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضطرب است که گویی از جای خود کنده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت کرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ خداوند به دلیل آگاهی بر عوامل اطمینان بخش قلب ها و علمش به زمینه های سستی آفرین ، مشرکان بدر را در رؤیای پیامبر (ص) اندک نمایان ساخت .

و لكن الله سلم إنه علیم بذات الصدور

عوامل بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۴

۴ - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماری دل و اندیشه ، در خویشتن

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقایسه دو جمله <فی قلوبهم مرض> (در قلب منافقان بیماری است) و <فزادهم الله مرضاً> (پس خداوند بیماری آنان را افزون کرد) به دست می آید زیرا در جمله دوم خداوند را افزایش دهنده بیماری می داند، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - بروز برخی از حالت های روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که فعالیت قلب را از

سیستم عادی خارج کرده و او را غیر متعادل سازد .

إذ جاءوكم .. و بلغت القلوب الحناجر

عوامل حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۶

۶- قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

عوامل ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۸

۱۸ لجاجت و ناباوری ، عامل بسته شدن قلب انسان ، بر شناخت معارف الهی و تأثیرپذیری از هدایتهاست .

قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۲،۳

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند <کل آیه ..>

< و > یجادلونک ... >، استفاده شده است.

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ ثبوت و رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آدمی، موجب مهر شدن قلب و هدایت ناپذیری است.

فما كانوا لیؤمنوا .. كذلك نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است.

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الکافرین> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۳

۳ - خداوند، بر قلب کسانی که تصمیم به باقی ماندن در نادانی و جهل گرفته اند، مهر می زند.

كذلك يطبع الله علی قلوب الذین لایعلمون

این که مراد از <الذین لایعلمون> چه کسانی اند، دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه آیه پیش، این است که مراد، کافران اند. دیگر این که آیه، معنای عام دارد و شامل همه کسانی که خود می خواهند در جهل و نادانی

باقی بمانند، می شود. لازم به ذکر است که چون، قطعاً سنت خداوند، چنین نیست که بر قلب هر ناآگاه و نادانی مهر بزند، مراد از <الذین لا یعلمون> کسانی اند که خود اصرار بر باقی ماندن در جهل و نادانی دارند، چنان که مفسران نیز بر این معنا تصریح کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۳

۳ - دل مبتلا به لهو و باطل ، از آیات الهی هیچ تأثیری نمی پذیرد .

من یشتري لهو الحديث .. و إذا تتلى عليه آیتنا ولی مستکبراً کأن لم یسمعها

از این که آیه گفته است برخی از مردم، در پی خرید حدیث لهوند، استفاده می شود که آنان، دل در گرو لهو دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۲

۱۲- قلب آدمی ، در سرشت خود ، پذیرای حق و عملکرد و روحیات منفی او ، عامل جمود آن

طبع الله علی قلوبهم و اتبعوا أهواءهم

از تعبیر <طبع الله علی قلوبهم> استفاده می شود که قلب آدمی در ابتدا، پذیرای سخن حق و قادر به فهم پیام الهی است و ولی در نتیجه عواملی از سوی خود انسان، طبق اراده الهی، قلب کارایی اصلی خود را از دست می دهد و در برابر حق نفوذناپذیر می شود.

عوامل سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال: [قال] ما من عبد إلا و فی قلبه نکته بیضاء

فإذا أذنب ذنباً خرج في النكته نكته سوداء فإن تاب ذهب ذلك السواد فإن تمادى في الذنوب زاد ذلك السواد حتى يُغَطَّى
البياض فإذا [ت] غَطَّى البياض لم يرجع صاحبه إلى خير أبداً و هو قول الله عزوجلّ : > كلاً بل ران على قلوبهم ما كانوا
يكسبون < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست جز این که در قلبش نقطه سفیدی است، هر گاه گناهی مرتکب شود،
در آن سفیدی نقطه سیاهی پدید می آید، پس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می رود و اگر گناهان را ادامه دهد، آن سیاهی
افزون می گردد تا تمام سفیدی قلب را فرامی گیرد و هنگامی که سفیدی قلب به سیاهی پوشیده شد، صاحب آن قلب هرگز به
سوی نیکی بر نمی گردد و این سخن خدای عزوجلّ است که فرمود: کلاً بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون <.

عوامل شفای قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۸

۸ مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام ، شفابخش سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

یعذبهم الله بأيديكم و يخزهم و ينصرکم عليهم و يشف صدور قوم مؤمنين

عوامل قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۶

۶ - علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیمار دلی

لیجعل .. فتنه للذین فی قلوبهم مرض ... و لیعلم الذین أوتوا العلم أنه الحق من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۶

۱۶- گناه ، مایه تیرگی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان *

كفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

میان سیئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علی و سببی باشد. از تقدم سیئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که <بال> به معنای قلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۱

شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئك الذين طبع الله على قلوبهم وأتبعوا أهواءهم

جمله <واتبعوا أهواءهم> می تواند بیانگر علت <طبع الله...> باشد؛ چه این که <طبع الله> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۶، ۲۲

۱۶ - بی تفاوتی در برابر تذکارها و رهنمودهای قرآن در دراز مدت، باعث قساوت قلب خواهد شد.

و لایکونوا کالذین... فطال علیهم الأمد فقتت قلوبهم

خداوند، مسلمانان را از پیش گرفتن شیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند؛ بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

۲۲ - > عن أبي بصير عن أبي جعفر (ع) قال: لم يزل بنو إسماعيل ولاة البيت [و] يقيمون للناس حججهم وأمر دينهم... >
فطال عليهم الأمد فقتت قلوبهم < و أفسدوا و أحدثوا في دينهم... >

ابوبصیر از امام باقر(ع) روایت نموده که فرزندان اسماعیل(ع) بزرگی بعد از بزرگی دیگر متولیان خانه خدا بودند و حج و امور دینی مردم را برپا می داشتند.. پس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب های آنان قساوت پیدا کرد و به فساد آلوده شدند و در دینشان دست بردند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۳

- قلب های تأثیرناپذیر از آیات قرآن ، سخت تر و بی اساس از سنگ های کوه

لو أنزلنا هذا القرآن .. متصدّعا من خشية الله

عوامل قساوت قلب مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ - قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لا یكونوا کالذین أوتوا الکتب من قبل فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

عوامل قساوت قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ - قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لا یكونوا کالذین أوتوا الکتب من قبل فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

عوامل مؤثر در قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۲،۴

۲ یاد خدا از سوی هر کس ، دارای تأثیری عمیق در قلب و روح مؤمنان

إذا ذکر الله وجلت قلوبهم

مجهول آوردن فعل <ذکر> دلالت می کند که یاد خدا از سوی هر کسی که باشد آن اثر شگرف را برای مؤمنان واقعی در پی دارد.

۴ دل های بیمناک و لرزان از یاد خدا ، دارای زمینه ای مناسب برای تأثیرپذیری از تلاوت آیات قرآن

إذا ذكر الله وجلت قلوبهم و إذا تليت عليهم آياته زادتهم إيمانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خشیت قلب از یاد خدا ، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن ، نشان ایمان حقیقی

أولئك هم المؤمنون حقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او ، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله

<خشوع> در مقابل <قساوت> (سختی و صلابت)، به معنای نرمی [قلب] است.

۲ - تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن ، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم .. و ما نزل من الحقّ

مقصود از <ما نزل من الحقّ> قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۶

۶ - تأثیر رفتار انسان ها در قلب و روح آنان

فقد صغت قلوبكما

عوامل نورانیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۱

۱ - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) ، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله .. و اعلموا أنّ الله یحیی الارض

جمله <اعلموا أن الله.. > تعلیل برای جمله <ألم یأن... لذكر الله > است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خدا و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شده است. همان طور که خداوند به وسیله باران، زمین مرده را زنده می کند؛

یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۹

۹- ایمان و تقوا، سبب می شود که خداوند، در درون انسان نوری قرار دهد که با آن بتواند راه درست را تشخیص داده و مسیر زندگی را سالم طی کند.

و يجعل لکم نورًا تمشون به

جمله <يجعل لکم..> (نظیر جمله پیشین) جواب برای شرط مقدر است. تقدیر آن چنین می شود: <إِن تَتَّقُوا وَ تَوٰمَنُوا برسوله يجعل لکم نورًا تمشون به.>

عهد شکنی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ نقض پیمان و شکستن سوگند، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اهولاء الذین اقسموا بالله جهد ایمنهم

فلسفه اطمینان قلب مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۳

۳- اقدام خداوند به محکم ساختن دل مادر موسی، به منظور پیش گیری از فاش شدن راز نوزادش توسط خود وی

إِن کَادَتْ لَتَبْدَىٰ بِهِ لَوْلَا أَن رَبَطْنَا عَلَیٰ قَلْبِهَا

<ربط> (مصدر <ربطنا>) به معنای بستن و محکم کردن است.

فواید قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۳

۳ - قلب (دل و اندیشه) ، گوش و چشم از ابزار شناخت

ختم الله على قلوبهم و على سمعهم و على ابصرهم غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

۶- قوای شنوایی و بینایی و قلب ، ابزار شناخت است .

و لاتقف .. إن السمع و البصر و الفؤاد

قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۹

۹ گرایش مردم به رهبران دینی ، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۵

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۲

۲ - اصحاب اخدود ، از سوختن مؤمنان هیچ اضطرابی در خود احساس نکرده ، خاطری آرام داشتند .

إذ هم عليها قعود

نشستن هنگام تماشای سوختن مؤمنان، نشانگر آن است که برای تماشاگران، این حادثه اهمیت چندانی نداشت و آنان را برآشفته نمی ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - اصحاب اخدود ، مردمی سنگدل و بی عاطفه بودند .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

حضور اصحاب اخدود در مراسم آدم سوزی برای شهود و نظاره آن صحنه، گویای قساوت قلب و بی رحمی آنان است.

قساوت قلب اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی اکثرهم .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

قساوت قلب اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۱

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی اکثرهم .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

قساوت قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - قلب های بنی اسرائیل - علی رغم دریافت آیات و معجزه های فراوان - به سختی گرایید و از درک معارف و آیات الهی ناتوان شد .

لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

<قساوه> (مصدر قست) به معنای غلظت پیدا کردن و سخت شدن است. جمله <لعلکم تعقلون> بیان می دارد که: سخت شدن دل‌های بنی اسرائیل در برابر فهم و درک آیات و معارف الهی است. <ذلک> اشاره به نعمتها و معجزاتی است که خداوند به بنی اسرائیل ارائه کرد و در آیات پیشین مطرح شد.

۲ - قلب ها و دل های بنی اسرائیل در سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت تر شد .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

<حجاره> جمع حجر و به معنای سنگها و

صخره هاست.

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبكم

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبكم .. فهی كالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود؛ یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

۵ - بیرون زدن و جاری شدن نهر های آب از برخی صخره ها ، شاهدهی بر سختی قلب های سخت تر از سنگ بنی اسرائیل

أو أشد قسوه و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

<تفجر> (مصدر یتفجر) به معنای بیرون آمدن و جاری شدن است (اقتباس از مجمع البیان). جمله <إن من الحجاره> به منزله دلیل برای <أشد قسوه> می باشد. <لما> مرکب از لام تأکید و <ما>ی موصوله است و مراد از آن، سنگ می باشد. بنابراین <إن من الحجاره لما ...>؛ یعنی، برخی از سنگها همانا سنگی است که ...

۶ - شکاف برداشتن برخی سنگ ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

و إن منها لما یشقق فیخرج منه الماء

<تَشَقُّقُ> (مصدر یشقق = یتشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که <شق> به شکاف ریز

که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

۷- سقوط سنگ ها بر اثر هراس و خشیت از خدا ، نشانه افزوتتر بودن سختی دل های بنی اسرائیل از پاره سنگهاست .

و إن منها لما يهبط من خشية الله

<من> در <من خشية الله> تعلیلیه است. <هبوط> (مصدر یهبط) به معنای افتادن و سقوط کردن است. بنابراین جمله <إن منها...> یعنی، برخی سنگها همانا سنگی است که به علت ترس از خدا سقوط می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴- قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم .. أفطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۱۲

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم وجعلنا قلوبهم قسية

۱۲ سنگدلی بنی اسرائیل ، منشأ تحریف تورات

و جعلنا قلوبهم قسية يحرفون الكلم عن مواضعه

جمله <يحرفون> جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

قساوت قلب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۰

بود .

إذ قال له قومه لاتفرح

از این که قارون علیه ملت و مردم هم نژاد خود دست به ظلم و تجاوز زد، می تواند به سنگ دلی و بی رحمی او پی برد.

قساوت قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول . . . للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

۱۵ - کافران اسلام گریز ، دچار سنگدلی و قساوت قلب اند .

فویل للقسيه قلوبهم من ذكر الله

قساوت قلب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - کافران صدراسلام ، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

قساوت قلب مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۵

۵ - مخالفان پیامبر (ص) در صدر اسلام، مردمانی بودند بیمار دل، قسی القلب و ستم پیشه.

ليجعل ما يلقي الشيطان... و إِنَّ الظلمين لفي شقاق بعيد

قساوت قلب مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لا یكونوا کالذین اوتوا الکتب... فقسست قلوبهم

قساوت قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول .. للذين فى قلوبهم مرض و القاسيه قلوبهم

قساوت قلب يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ٧٥ - ٤

٤ - قساوت و سخت دلى بنى اسرائيل و جامعه يهود ، از

میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبكم .. أفتطمعون أن يؤمنوا لكم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لا یكونوا کالذین أوتوا الکتب .. فقست قلوبهم

قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸

۸ خداوند، حایل میان انسان و قلب وی

و اعلموا أن الله یحول بین المرء و قلبه

۹ خداوند از قلب انسان به وی نزدیکتر است .

و اعلموا أن الله یحول بین المرء و قلبه

۱۰ خداوند به قلب انسان از خود انسان نزدیکتر است .

و اعلموا أن الله يحول بين المرء و قلبه

از لوازم اینکه خداوند حایل بین انسان و قلب

او باشد، همان است که در برداشت آورده شد.

۱۱ قلب انسان (اندیشه های او) در اختیار خداست .

و اعلموا أن الله يحول بين المرء و قلبه

چون خداوند حایل بین قلب و انسان است، پس در حقیقت هر اندیشه ای بخواهد وارد قلب شود باید از طریق خدا باشد و این بدین معناست که اندیشه های آدمی در اختیار خداوند است.

قلب انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ انسان ها و قلب های ایشان در اختیار خداوند است .

و ألف بين قلوبهم ... و لكن الله ألف بينهم

قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۴، ۹، ۸، ۶، ۱

۱ پیامبر (ص) ، شاهد تلاش آشکار و شتابزده بیماردلان سست ایمان برای پیوستن به یهود و نصارا

فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

کلمه <فیهم>، می رساند که بیمار دلان علاوه بر طرح دوستی با یهود و نصارا، اراده پیوستن به آنها را در سر می پروراندند.

۶ شتاب بیماردلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إن الله لا يهدى القوم الظالمين. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

۸ بیماردلان سست ایمان ، از زمره ستمگران

إن الله لا يهدى القوم الظالمين. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

۹ گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتری الذین فی

قلوبهم مرض يسرعون فيهم

تفریع جمله <فتری> بر جمله <ان الله...>، می رساند که گرایش عمیق بیماردلان، بیان مصداقی برای جمله <ان الله لایهدی...> است.

۱۴ مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار، بهانه بیماردلان برای دوستی با یهود و نصارا

یقولون نخشی ان تصیبا دائره

<دائره> از مصدر <دوران> (چرخیدن) است؛ که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده؛ چون چرخش روزگار احياناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

۲۲ پیروزی مسلمانان، مایه پشیمانی بیماردلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فعسى الله ان يأتى بالفتح او... فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسروا فى انفسهم>، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. <فى قلوبهم مرض>، این احتمال را تأیید می کند.

قلب جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵،۶

۵ جنیان، مانند انسان ها، دارای ابزار ادراک (قلب، چشم و گوش) هستند.

لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم أعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها

۶ بسیاری از انسان ها و جنیان، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک، خویشتن را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند.

لهم قلوب لا یفقهون بها

جمله <لهم قلوب> (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله <لا یفقهون بها> توضیح می دهد که آنان از ابزار شناختی که

در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

قلب خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۴

۴ دل های بیمناک و لرزان از یاد خدا ، دارای زمینه ای مناسب برای تأثیرپذیری از تلاوت آیات قرآن

إذا ذكر الله وجلت قلوبهم و إذا تليت عليهم آياته زادتهم إيمانا

قلب دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۱

۱ - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزل علی کل أفاك أثیم

<أفاك> از ریشه <إفك> (قلب کردن حقیقت) مشتق شده است. بنابراین <أفاك> به کسی گفته می شود که دروغ پرداز می کند. <أثیم> نیز از ماده <إثم> (گناه) به معنای گنه پیشه است.

قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۴، ۱۷

۱۴ سلامت تفکر و حرکت جامعه ، در گرو سلامت قلبها

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأويله

۱۷ اعتدال و سلامت قلب و اندیشه ، زمینه فهم صحیح قرآن

فأما الذين في قلوبهم زيغ .. و ابتغاء تأويله

انحراف قلب، منتهی به تأویل نادرست قرآن می شود؛ بنابراین سلامت قلب، فهم صحیح آیات قرآن را در پی دارد.

قلب سلیم علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۴

۴ - اهل دانش و معرفت ، برخوردار از دلی سالم و قلبی نرم

ليجعل . . . للذين في قلوبهم مرض و القاسيه قلوبهم ... و ليعلم الذين اوتوا

قلب سلیم متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۲

۲ - تقوایپیشگان ، دارندگان قلب سلیم

من أتى الله بقلب سليم . و أزلفت الجنة للمتقين

قلب فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۶

۱۶ - انسان های فاسق ، دارای قلب های منحرف

أزاع الله قلوبهم و الله لا يهدى القوم الفسقين

قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا يؤمنون بالله و لا باليوم الاخر و من يكن الشيطان له قريناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۵

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلى عليهم آياتنا قالوا .. إن هذا إلا أسطير الأولين

قلب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ عن أبي جعفر(ع): إن القلب ينقلب من لدن موضعه إلى حنجرته ما لم يصب الحق فاذا اصاب الحق قرء .. و قرء هذه الآيه
<فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام ... >

از

امام باقر(ع) روایت شده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضطرب است که گویی از جای خود کنده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت کرد ...

قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۱

۱ - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزل علی کل أفاک ائیم

<أفاک> از ریشه <إفک> (قلب کردن حقیقت) مشتق شده است. بنابراین <أفاک> به کسی گفته می شود که دروغ پردازی کند. <ائیم> نیز از ماده <إثم> (گناه) به معنای گنه پیشه است.

قلب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۲

۲ قلب های مجاهدان بدر تا پیش از بشارت پیروزی ، آکنده از اضطراب و پریشانی بود .

لتطمئن به قلوبکم

واژه اطمینان به معنای آرامش خاطر پس از اضطراب و پریشانی خاطر است. (مفردات راغب).

قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۷ - ۲،۶

۲- تثبیت مفاهیم وحی و جاودانگی آنها در قلب پیامبر (ص) ، جلوه ربوبیت خاص الهی نسبت به آن حضرت

لئن شئنا لنذهبن بالذی أوحینا .. إلا رحمة من ربک

۶- امتنان خداوند بر پیامبر (ص) به خاطر تثبیت مفاهیم وحی در قلب او

و لئن شئنا لنذهبنّ .. إن فضله كان عليك كبيرًا

قلب مضطرب

جلد - نام سورہ - سورہ -

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ عن أبي جعفر(ع): إن القلب ينقلب من لدن موضعه إلى حنجرته ما لم يصب الحق فاذا اصاب الحق قرء .. و قرء هذه الآية <فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام ... >.

از امام باقر(ع) روایت شده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضطرب است که گویی از جای خود کنده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه <فمن يرد الله ... > را تلاوت کرد ...

قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۲

۲ یاد خدا از سوی هر کس ، دارای تأثیری عمیق در قلب و روح مؤمنان

إذا ذكر الله وجلت قلوبهم

مجهول آوردن فعل <ذکر> دلالت می کند که یاد خدا از سوی هر کسی که باشد آن اثر شگرف را برای مؤمنان واقعی در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۱ - ۳

۳ - خداوند ، هدایت گر قلب انسان های مؤمن

و من يؤمن بالله يهد قلبه

قلب مؤمنان راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۱

۱ دل مؤمنان راستین ، لرزان و بیمناک به هنگام یاد خدا

إنما المؤمنون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم

قلب نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم

و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجكم من بطون أمهتكم لاتعلمون شيئاً

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

قلب و فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۲

۱۲ قلب های منحرف ، منشأ فساد و فتنه هستند .

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة

قلب های بیمار و صدای طنازانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۴

۴ - صدای نرم و طنازانه زنان ، موجب طمع قلب های بیمار در آنان است .

فلاتخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - یهودیان ، مدعی دارا بودن قلب و اندیشه ای نفوذناپذیر در برابر افکار و عقاید نادرست

قالوا قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که مراد یهودیان از <حجاب داشتن قلبهایشان> متأثر نشدن از سخنان ناصحیح باشد، چنانچه

هر غلافی مانع از آن است که چیز ناصوابی به آنچه در غلاف است در آید و بدان ضربه زند. گفتنی است که کلمه <پل> در این صورت نفی همین ادعاست.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۳

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام (ص)

قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

کفر قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۷

۱۷ کتمان شهادت ، حاکی از کفر قلب کتمان کننده است .

و لا تکتُموا الشَّهاده و من یکتُمها فأنَّه اثم قلبه

امام باقر (ع) درباره <فانه اثم قلبه> فرمود: کافر قلبه

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۱۲۰۷.

گناه قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۲

۱۲ کتمان شهادت ، گناهی است قلبی .

و من یکتُمها فأنَّه اثم قلبه

گواهی اخروی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إِن السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

لغزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۰

- قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

محرومیت قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۲

۳۲ بیمار دلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله یقوم .. ذلک فضل الله

مراتب قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ - قساوت و سخت دلی ، دارای مراحل و مراتبی مختلف است .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

کلمه <أو> در جمله فوق، می تواند برای تقسیم و تنويع باشد. بر این مبنا جمله <فهی کالحجاره...> دلالت می کند که: برخی از قلبهای قسی همانند سنگ است و برخی سخت تر از سنگ.

مراد از اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱۶

۱۶- > عن أبي عبدالله (ع) قال: ... ما فرض على القلب من الإيمان فالأقرار والمعرفة... وهو قول الله عزوجل > إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان... <...> ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آنچه که از ایمان بر قلب واجب شده، اقرار و معرفت است .. و این است قول خدای عزوجل > إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان... <...> .

مراد از قلب

جلد - نام سوره - سوره -

۷ - > عن هشام بن الحكم قال ، قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (ع) يا هشام ... إن الله يقول في كتابه > إن في ذلك لذكرى لمن كان له قلب < يعني عقل ... ;

هشام بن حکم می گوید: امام کاظم (ع) به من فرمود: ای هشام! خدای تعالی در کتاب خود فرموده > إن في ذلك لذكرى لمن كان له قلب < و مراد [از قلب]، > عقل < است <.

مراد از قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - > عن سفیان بن عیینة عن أبي عبد الله (ع) قال سألته عن قول الله عزوجل > إلا من أتى الله بقلب سليم < قال السليم الذي يلقي ربه و ليس فيه أحد سواه ... ;

سفیان بن عیینة گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزوجل > إلا من أتى الله بقلب سليم < پرسیدم، فرمود: [قلب] سلیم، قلبی است که پروردگارش را ملاقات نماید در حالی که جز خدا هیچ کس در آن نباشد <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - > في المجمع > بقلب سليم < من كل ما سوى الله تعالى لم يتعلق بشيء غيره ، عن أبي عبد الله (ع) ;

در >مجمع البيان< آمده است: قلب سلیم قلبی است که سالم از هر چیز غیر از خدای تعالی باشد و به چیزی غیر از او وابسته نباشد و این معنا از

امام صادق(ع) روایت شده است <.

مسخ قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۲

۲ قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم آیه .. لا يؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

<فؤاد> به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

مسخ قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم .. و لو أننا نزلنا ... ما كانوا لیؤمنوا

مسؤول قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۳

۳- انسان ، در قبال فعالیت چشم ، گوش و قلب خویش ، در پیشگاه خداوند مسؤول است .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک کان عنه مسؤولاً

مقهوریت قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۰

۳۰- قلب آدمی و توجهات و غفلت های آن ، در اختیار خداوند و مقهور اراده او است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

مکان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - سینه ، جایگاه قلب آدمیان

فتكون لهم قلوب . . و لكن تعمى القلوب التي في الصدور

منشأ اطمینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۱ - ۹

۹ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: إِنَّ الْقَلْبَ لِيُرْجَجُ... حَتَّى يَعْقَدَ عَلَى الْإِيمَانِ فَإِذَا عَقَدَ عَلَى الْإِيمَانِ قَرَّ وَ ذَلِكَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: > وَ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ < ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: قلب [انسان] در حال اضطراب است .. تا این که با ایمان و باور پیوند خورد. پس زمانی که بر ایمان پیوند خورد، قرار و ثبات می یابد و این سخن خدای عزوجل است: و من يؤمن بالله يهد قلبه <.

منشأ اطمینان قلب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۱

۱- خداوند ، در پی قیام و حرکت اصحاب کهف ، قلب های آنان را استوار و سرشار از اطمینان ساخت .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

جمله <ربطنا علی قلوبهم> (بر قلب هایشان بند زدیم) تمثیل است و مراد از آن، اطمینان بخشیدن و استوار ساختن قلب ها است.

منشأ تسخیر قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۸

۸- قلب و دل انسان ها ، در تسخیر اراده الهی است .

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - قلب انسان ها ، در احاطه علم الهی و مسخر اراده او

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

نزول آرامش بر قلب

مؤمنان، می رساند که قلب ها در برابر اراده الهی، تأثیرپذیر و مسخرند.

موارد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - رفتار جنسی خارج از اعتدال ، مثل طمعورزی در زنان نامحرم ، نوعی بیماری است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

موانع پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۸

۳۸ پافشاری در کفر ، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین یسرعون فی الکفر .. أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

موانع قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۶

۶ جلوگیری از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته ، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل .. فکانما قتل الناس جميعاً

نشانه های بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۸

۸ - فسادگری و نصیحت ناپذیری ، از نشانه های بیماری دل و اندیشه است .

فی قلوبہم مرض . . . و إذا قیل لهم لا تفسدوا فی الأرض قالوا إنما نحن مصلحون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - مائدہ - ۵ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبہم مرض . . . یقولون

نخشی ان تصیینا دائره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۶،۲۵

۱۶ تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهري نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتري الذین فی قلوبهم مرض .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیمار دلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته ، است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیمار دلی آنان است.

۲۵ گریز از جهاد و ترس از ملامت دشمنان دین ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتري الذین فی قلوبهم مرض .. یجهدون فی سبیل اللّٰه و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیمار دلی و ضعف ایمان است .

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض .. فإن اللّٰه عزیز حکیم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۳

۳ کفر و نفاق ، نشان بیماری دل و پلیدی باطن است .

الذین فی قلوبهم مرض .. رجسهم ... و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۷

۷- ترس و هراس از جهاد در راه خدا ، نشان بیماردلی انسان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشی علیہ من الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۸

۸- کینه و عداوت نسبت به پیامبر (ص) و مؤمنان ، نوعی بیماردلی است .

أم حسب الذین فی قلوبهم مرض أن لن یخرج الله أضغثهم

نشانه های بیماری قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، ناشی از بیماردلی و غرضورزی آنان بود .

و ليقول الذین فی قلوبهم مرض . . . ماذا أراد الله بهذا مثلاً

نشانه های حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است .

الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ . . . و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

نشانه های ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ بی تأثیری معجزات و

دلایل روشن در قلب ها ، نشان مهرزدگی آن قلبهاست .

فما كانوا ليؤمنوا .. كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - پافشاری بر راه باطل ، تردید در حق و جدال در آیات الهی باوجود دلایل روشن نشانه مهر شدن قلب و وجود روح تکبر و تجاوزگری در آدمی

من هو مسرف مرتاب . الذين يجدلون في آيت الله ... كذلك يطبع الله على كل قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۷

۷ - دروغ گویی ، استفاده ابزاری از مقدسات و عملکرد های ناپسند ، نشانه های مهر شدن دل است .

ذلك بأنهم ءامنوا ثم كفروا فطبع على قلوبهم

نشانه های ختم قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۶

۶ - متهم کردن پیامبر (ص) به سحرشدگی ، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق است .

و جعلنا في قلوبهم أكنه أن يفقهوه و في ءاذانهم وقراً و .. إذ يقول الظلمون إن

نشانه های رقت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ - یاد خدا ، نشانه شرح صدر و نرم دلی و پاکی از قساوت قلب است .

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله

در این آیه از ویژگی های سنگدلان، غفلت و دوری از یاد خدا برشمرده شده است. بنابراین می توان استفاده کرد آنان که

یاد خدا می کنند چنین نیستند، بلکه همواره با شرح صدر و نرم دلی به سر می برند.

نشانه های سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۳

۳ - دوری از شرک ، نشانه سلامت قلب و دل است .

إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ . إِذْ قَالَ لِأَيُّهُ وَ قَوْمَهُ مَاذَا تَعْبُدُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِذْ قَالَ لِأَيُّهُ..>، بدل اشتمال از <إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ> است، یعنی، چون ابراهیم(ع) دارای قلب سلیم بود، این سخن ضد شرک از او صادر شده است.

نشانه های قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ - درک نکردن و نپذیرفتن حقایق دینی و معارف الهی ، نشانه سخت شدن و قساوت پیدا کردن دلهاست .

يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ

نشانه های قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - صدور خیر ها و برکت ها و جوشش علم و حکمت ، نشانه منزه بودن قلب از قساوت و کدورت است .

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ .. فَبُهِتَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ ... وَإِنْ مِنْ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهَا الْأَنْهَارُ

۱۷ خشوع و خضوع در برابر خدا ، نشانه سلامت قلب از قساوت ها و کدورتهاست .

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ .. فَبُهِتَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ ... وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ

۲ - اعتقاد به یگانگی خدا و بیزاری از شرک و بت پرستی ، نشانه بهره مندی از قلب سلیم

إِلَّا مَنْ أْتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

در آیات پیشین، سخن درباره مبارزه حضرت ابراهیم(ع) با شرک و بت پرستی است. با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می توان گفت که مراد آن حضرت از قلب سلیم، قلب خالی از شرک است.

نعمت اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۴

۴- قدرت روحی و نیروی قلبی برای مبارزه در راه خدا ، موهبتی از جانب او برای قیام کنندگان یکتاپرست

ءامنوا برّبهم .. و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

نعمت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

والله أخرجكم .. و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۷

۷- بهره نگرستن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف .. إن السمع ... کان عنه مسؤولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده

است تا آنان، با بهره گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۶

۱۶ - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثم سوّيه و نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرو

نقش اخروی قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۱

۱ - قلب سلیم ، تنها سرمایه ثمربخش برای انسان در قیامت

يوم لا ينفع . . . إلا من أتى الله بقلب سليم

نقش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۵

۱۵ - قلب و دل آدمی باید منشأ بروز حقایق و معارف الهی بوده و خاستگاه علم و حکمت باشد .

و إن من الحجارة لما يتفجر منه الأنهر و إن منها لما يشقق فيخرج منه الماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۱۱

۱۱ قلب ، کانون روابط و پیوندهای عاطفی (عداوت و محبت) ، میان افراد جامعه

اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ قلب (دل) ، از ابزار شناخت

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۹

۹ قلب ، کانون ایمان و گرایش های اعتقادی انسان

و لم تؤمن قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۵

۵ گوش، ابزار شناخت و قلب و دل، جایگاه فهم

و منهم من يستمع اليك و جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و في آذانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ استدلال ها و براهین ، افاضاتی از ناحیه خدا بر قلب و اندیشه انسانها

ما نزل الله بها من سلطان

مراد از <تنزیل> می تواند <ایجاد کردن> باشد. بنابراین <ما نزل ...> یعنی خداوند هیچ دلیل و برهانی برای شرک نیافریده است. در این صورت مقصود از <سلطن> اعم از براهین عقلی و نقلی خواهد بود. و نیز می تواند مراد از <تنزیل> نازل کردن معارف دین و احکام الهی باشد. بر این مبنا مقصود از <سلطن> برهان نقلی خواهد بود. برداشت فوق مبتنی بر معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ قلب ، کانون کفر و ایمان است .

فما كانوا ليؤمنوا .. كذلك نطبع على قلوب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ دل ، مرکز ایمان و کفر است .

و اشد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷

۳- محل کینه و دشمنی انسان ، سینه و دل اوست .

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۷

۷- قلب ، مرکز پذیرش و یا انکار حقایق

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۵

۵- قلب ، چشم و گوش ، از ابزار شناخت

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۵

۵- حس شنوایی ، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست .

علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۵

۱۵- گوش ، ابزار شناخت ، و قلب و دل ، جایگاه فهم است .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۷

۷- عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

يَجْدُلُ فِي اللَّهِ بغير علم و لا هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۷

۷- قلب ، مرکز تقوا و خداترسی

فإنها من تقوى القلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۲، ۷

۷ - قلب

و گوش ، ابزار شناخت و درک حقایق

فتكون لهم قلوب يعقلون بها أو أذان يسمعون بها

۱۲ - قلب ، مرکز آگاهی ، شنوایی و بینایی انسان

فانها لاتعمى الأبصر و لكن تعمى القلوب التى فى الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۳

۳ - قلب ، از کانون های ادراک و شناخت در وجود انسان

نزل به الروح الأمين . على قلبك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۷

۷ - < دل > کانون عواطف و احساسات آدمی و مرکز بیم ، اندوه ، امید و شادمانی وی

و أصبح فؤاد أم موسى فرغاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۷

۷ - قلب ، مرکز و جایگاه دریافت و شناخت حقایق است .

كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون

این که خداوند، از میان حواس و اعضای شناخت در انسان، تنها قلب را مطرح کرده که مُهر می خورد، حکایت از مرکزیت آن می کند و با از کار افتادن آن، بقیه، کارایی خود را از دست می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۷

۷- روح انسانی ، حقیقتی شریف و والاتر از بُعد جسمانی وی است .

سویّه و نفخ فیّه من روچه

از اضافه <روح> به ضمیری که مرجع آن <اللّه> است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۵

۵ - هر قلبی

، کارکرد خود را دارد و تصمیمی غیر از قلب دیگری می گیرد .

ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه

این فراز، در صورتی که به آیات قبل و یا بعد ربط داشته باشد، در صدد بیان این نکته است که همان گونه که دو قلب، در درون یک شخص قرار نمی گیرد، دو اعتقاد و یا دو پدری و یا دو مادری برای یک نفر ممکن نیست. و این، حکایت از آن دارد که کارکرد هر قلبی، انحصاری است و اگر نه، جایی برای این تمثیل باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۵

۱۵ - قلب ، دارای نقشی اساسی در تصمیم گیری انسان است .

و لكن ما تعمّدت قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - قلب ، نقش اساسی در حیات و مرگ آدمی دارد .

و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۹

۹ - جایگاه ترس ، قلب آدمی است .

و قذف في قلوبهم الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - تأثیر گذاری قرآن ، در گرو وجود زمینه های لازم و دل آماده است .

تقشعّر منه جلود الذين يخشون ربهم ثمّ تلين جلودهم و قلوبهم إلى ذكر الله

این که خداوند فرمود: قرآن، لرزه به اندام اهل خشیت می اندازد و در خداترسان اثر عمیق می گذارد، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که قرآن

در کسانی اثر می گذارد که زمینه آن را داشته باشند و دلشان آماده پذیرش سخن حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - گوش ، چشم و قلب از مهم ترین ابزار شناخت و ادراک در انسان

و أضله الله على علم وختم على سمعه و قلبه و جعل على بصره غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۸

۸- قلب ، از ابزار مهم شناخت و ژرف اندیشی در حقایق

أفلا يتدبرون .. أم على قلوب أقفالها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زينه في قلوبكم و كره إليكم الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - قلب ، جایگاه ایمان

و لما يدخل الإيمن في قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۵

۵ - < قلب > (در اصطلاح قرآنی) ، کانون درک و خرد آدمی است .

لذكري لمن كان له قلب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۳

۳ - قلب ، جايگاه رؤيت حقايق نامحسوس

ما كذب الفؤاد ما رأى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - دل ، مركز رأفت و مهربانى است .

و جعلنا فى قلوب

الذین اتبعوه رأفه و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۹،۱۱

۹ - قلب ، مرکز ایمان است .

أولئك كتب في قلوبهم الإيمان

۱۱ - خداوند ، ایمان را در دل ها ثابت و پایدار می سازد .

أولئك كتب في قلوبهم الإيمان

ضمیر فاعل در <کتب>، به <الله> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۱۰

۱۰ - دل آدمی ، مرکز درک و فهم حقایق و معارف الهی است .

فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۵

۵ - قلب ، مرکز دریافت حقایق و رهنمود های الهی و پیدایش گرایش ها و اعتقادات است .

ما یکذب .. قال أسطیر الأولین . کلاً بل ان علی قلوبهم

نقش قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۸

۸ - خداوند ، حق را در قلب های شایسته قرار می دهد .

قل إنَّ ربِّي يقذف بالحقِّ

احتمال دارد مراد از <يقذف بالحقِّ> انداختن حق در قلب ها باشد. گفتنی است: ذکر صفت <عَلَّامُ الْغُيُوبِ> برای خداوند پس از یادآوری ارائه شدن حق از جانب خداوند می تواند گویای این حقیقت باشد که چون خداوند به نهان های بشر آگاه است، می داند که چه کسی شایستگی آن را دارد تا حق را به قلب او القا کند.

نقش قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۱ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول قرآن و پیام وحی

نزل به الروح الأمين . علی قلبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۶

۶ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول و دریافت وحی الهی

فإن یشاء الله یختم علی قلبک

نگرانی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ مسلمانان سست ایمان و بیمار دل عصر بعثت ، نگران از سرنوشت خویش به خاطر پندار بی ثباتی و شکست اسلام

یقولون نخشی ان تصیبا دائره

مراد از <دائره> می تواند چرخش وضع موجود و برگشت به حالت سابق باشد. یعنی شکست اسلام و برگشت کفر و شرک.

نورانیت قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۸، ۱۶، ۵

۵ شرح صدر نور الهی در قلب مؤمنان است. *

و جعلنا له نورا یمشی . . فمّن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره

<فاء> در <فمّن یرد . . > عطف و تفریع بر آیات قبل است. در آیه ۱۲۲ (أو من کان میتا ...) مردم به دو دسته تقسیم شدند: حیات یافتگان دارای نور و فروماندگان در ظلمت. در این آیه با نتیجه گیری از مجموع آیات، هدایت یافتگان دارای شرح صدر و گمراهان مبتلا به تنگی صدر شمرده شده اند. محتمل است شرح صدر همان نوری باشد که در آیه ۱۲۲ مطرح

شده است.

۱۶ لما نزلت هذه الآية سئل رسول الله (ص) عن شرح الصدر ما هو؟ فقال: نور

يقذفه الله في قلب المؤمن فينشرح له صدره و ينفسح . . .

آنگاه که آیه <فمن یرد الله .. > نازل شد از رسول خدا(ص) سؤال کردند، شرح صدر چیست؟ فرمود: نوری است که خداوند در قلب مؤمن می افکند و با آن سینه اش را بازمی گرداند ...

۱۸ عن أبي عبدالله(ع) قال: إن الله عز و جل إذا أراد بعبد خيرا نكت في قلبه نكتة من نور و فتح مسامع قلبه و كل به ملكا يسدده و إذا أراد بعبد سوءا نكت في قلبه نكتة سوداء و سد مسامع قلبه و وكل به شيطانا يضلّه ثم تلا- هذه الآية: <فمن یرد الله أن يهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد أن یضلّه یجعل صدره ضيقا حرجا.>

امام صادق(ع) فرمود: هر گاه خداوند عز و جل برای بنده ای خیری بخواهد، در دلش نقطه ای از نور ایجاد می کند و گوشه‌های دلش را بازمی گرداند و فرشته ای بر او می گمارد که وی را در کارهایش استوار نماید. و آنگاه که خدا برای بنده ای بدی بخواهد، در دلش نقطه ای سیاه ایجاد کرده و گوشه‌های دلش را می بندد و شیطانی را بر او می گمارد تا گمراهش کند، سپس امام صادق(ع) آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت فرمود.

نیاز به اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۳

۳- قیام برای خدا و دفاع از ارزش ها ، نیازمند قدرت روحی و قلبی نیرومند است .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

واژگونی قلب مشرکان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۶

۶ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إِنَّ القلوب أربعه : . . . و أما المنكوس فقلبُ المشرك ثم قرء هذه الآية : > أؤمن يمشى مكباً على وجهه أهدى أمن يمشى سوياً على صراط مستقيم < . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: قلب ها چهار گونه اند . . اما قلب وارونه، قلب مشرک است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: >أؤمن يمشى مكباً على وجهه أهدى أمن يمشى على صراط مستقيم<...<.

وحدت قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، برای هیچ کس ، دو قلب قرار نداده است .

ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه

وحي به قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۲

۲ - جبرئیل ، نازل کننده قرآن بر قلب پیامبر (ص)

فإنه نزله على قلبك

قلم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قلم

اطلاع رسانی با قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۴

۴ - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

سوگند به قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

منشأ کتابت قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق -

۴ - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

نقش قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۴،۴

۲ - قلم ، وسیله ای کارآمد در آموزش

الذی علّم بالقلم

۴ - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

قمار

آثار قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۶

۶ شراب و قمار ، موجب کُندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

<الاثم>: اسم للافعال المُبطئه عن الثواب (مفردات راغب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۲،۹

۲ شراب و قمار ، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما يريد الشيطان .. في الخمر و الميسر

۹ قماربازی و میگساری ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز

انما يريد الشيطان .. في الخمر و الميسر و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوه

اجتناب از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۱، ۵

۵ اهل ایمان وظیفه دار اجتناب از شرابخواری ، قماربازی و مظاهر شرک

يايها الذين ءامنوا انما الخمر و الميسر .. فاجتنبوه

۱۱ پرهیز از شراب خواری ، قماربازی و مظاهر شرک ، زمینه ساز نیل به فلاح و رستگاری *

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم ..

فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هر گونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوٰه فهل انتم منتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۶

۶ دوری جستن از پلیدی ها (شراب ، قمار ، مظاهر شرک) نشانگر اطاعت از خدا و رسول (ص)

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . . . و اطیعوا اللّٰه و اطیعوا الرسول

احکام قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۴

۴ حرمت شرابخواری و قمار بازی

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۴، ۱۳

۱۳ قمار ، حرم و ارتکاب آن ، موجب فسق است .

حرمت علیکم . . . و إن تستقسموا بالازلم ذلکم فسق

۱۴ حرمت تصرف در اموالی که به وسیله قمار به دست آید .

و إن تستقسموا بالازلّم

به نظر می رسد نه تیرهای قمار خصوصیتی در تحریم داشته باشد و نه حیوان و گوشت آن دارای ویژگی خاص است. بنابراین اموال به دست آمده از هر نوع قماری حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۵، ۱۷، ۱۸

۱۵ بازی

دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو)، قمار شمرده می شود و حرام است.

يايها الذين ءامنوا انما الخمر و الميسر .. رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنای <ميسر> در آیه فوق روایت شده: كلما تقومر به حتى الكعاب و الجوز . . .

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیرهای قمار، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است.

و الازلم رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یتقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۸ بازی با شطرنج و نرد، قمار و حرام است.

و الميسر .. رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطرنج و النرد ميسر.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۹ و ۱۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفسد شراب و قمار، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و الميسر .. و یتصدقکم عن ذکرالله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

پرسش از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱

۱ پرسش مردم

از پیامبر (ص)، درباره شراب و قمار

يسئلونك عن الخمر و الميسر

پلیدی قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب، قمار، بت‌ها و چوب‌های مخصوص برد و باخت، به تمامی پلید و ناپاک اند.

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته‌اند و برخی گفته‌اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می‌شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می‌پنداشتند و محترم می‌شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و برد و باخت به شمار می‌رفته است.

تحریم قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفاسد شراب و قمار، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و الميسر ... و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

ترک قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

حرمت قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

۱۹ حرمت تصرف در اموال به دست آمده از راه ربا، قمار، کم فروشی و ظلم

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل

امام باقر(ع) در مورد <بالباطل> در آیه فوق فرمود: بالزبا و القمار و البخس و الظلم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۷۸؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۱۹۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۳

۱۳ قمار، حرم و ارتکاب آن، موجب فسق است.

حرمت علیکم... و إن تستقسموا بالالزم ذلکم فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۵، ۱۸

۱۵ بازی دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو)، قمار شمرده می شود و حرام است.

يايها الذين ءامنوا انما الخمر و الميسر .. رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنای <میسر> در آیه فوق روایت شده: کلما تقومر به حتی الکعب و الجوز... .

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۸ بازی با شطرنج و نرد، قمار و حرام است.

و الميسر... رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطنج و النرد میسر.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۹ و ۱۰.

ضرر قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه <اثم>، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

فلسفه تحریم قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۴،۱۰

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۱۰ باز نماندن از نماز و یاد خدا از حکمت های تحریم میگساری و قماربازی

انما یرید الشیطن .. فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکرالله و عن الصلوه

فواید قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۵،۸

۵ شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه <اثم>، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

۸ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر .. اثمهما اکبر من نفعهما

قمار با ازلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۷، ۱۲، ۹، ۸، ۷

۷ حرمت تعیین سهام گوشت حیوان ، به وسیله تیر های قمار

حرمت .. و إن تستقسموا بالالزم

<ازلام> تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله <ازلام>، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

۸ حرمت استفاده از گوشتی که به

وسيله تير های قمار سهم بندی شود .

حرمت .. و إن تستقسموا بالازلّم

چون آيه شريفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تيرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم

۱۲ قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم ذلکم فسق

۳۷ استفاده از حیوان قربانی شده بر آستان بت ها و گوشت های سهمبندی شده با تير های قمار ، در حال اضطرار جایز است .

و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم .. فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قمار در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱۳

۱۳ رواج شرابخواری و قماربازی در عصر بعثت

يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير و منافع للناس

فعل مضارع <يسئلونك>، دلالت بر تکرار سؤال دارد و تکرار سؤال، بیانگر رواج مورد سؤال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۰

رواج شراب خواری ، قمار بازی و گرایش به مظاهر شرک در عصر بعثت

یا ایها الذین ءامنوا انما الخمر .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم منتهون

بیان رسای آیات مورد بحث در تحریم شراب و قمار و تذلیل آن با جمله ای مذمت آمیز همراه با تردید نسبت به پرهیز مسلمانان از آن (آیا دست از قمار بازی و شرابخواری می کشید)، می رساند که تحریم قمار و شراب قبلا اعلام شده ولی برخی از مسلمانان شاید به توهم تصریح نداشتن آن آیات در تحریم، همچنان به شرابخواری و قماربازی ادامه می دادند گفتنی است که شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱

۱ برخی از مسلمانان عصر بعثت تا پیش از نزول آیه < انما الخمر ... > به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی < طعموا > دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

قمار در قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ - ابو عبیده حداء می گوید : < سألت أبا عبد الله عن قول الله عز وجل

> و لاتأكلوا أموالكم بينكم بالباطل < فقال : كانت قریش تقامر الرجل بأهله و ماله فنهاهم الله عز و جل عن ذلك ;

از امام صادق(ع) از آیه < و لاتأكلوا أموالكم بينكم بالباطل > سؤال کردم، امام فرمود: قریش خانواده و مال خود را به قمار می گذاشتند پس خداوند آنان را از این عمل نهی فرمود.<

قمار در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم متهون

بیان رسای آیات مورد بحث در تحریم شراب و قمار و تذیل آن با جمله ای مذمت آمیز همراه با تردید نسبت به پرهیز مسلمانان از آن (آیا دست از قمار بازی و شرابخواری می کشید)، می رساند که تحریم قمار و شراب قبلا اعلام شده ولی برخی از مسلمانان شاید به توهم تصریح نداشتن آن آیات در تحریم، همچنان به شرابخواری و قماربازی ادامه می دادند گفتنی است که شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱،۲

۱ برخی از مسلمانان عصر بعثت تا پیش از نزول آیه < انما الخمر . . . > به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا

فعل ماضی < طعموا > دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

۲ استفاده مؤمنان

نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از <ما> در <ما طعموا> شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از <طعام> که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود میتواند از باب تغلیب باشد.

قمار قبل از تحریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۲،۵

۲ استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از <ما> در <ما طعموا> شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از <طعام> که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود میتواند از باب تغلیب باشد.

۵ مؤمنان دارای عمل صالح که شراب نوشیدند و از درآمدهای قمار بهره جستند و زمان تحریم آن را درک نکردند بر خلاف توهم گروهی از مسلمانان اهل نجات و رستگاری هستند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

در برخی از شأن نزولهای آمده که آیه <لیس علی الذین ..> رد پندار آن گروه از مسلمانان است که پس از تصریح به حرمت قمار و شراب و پلید شمردن آنها، نسبت به فرجام مؤمنان صالح حتی شهیدان راه خدا که شرابی نوشیدند و از عوائد قمار

بهره جستند، تشکیک می کردند و آنان را از زمره رستگاران نمی شمردند.

گناه قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۷۸

۷ میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير .. و اثمهما اكبر

<اثم> به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحيط)

۸ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

يسئلونك عن الخمر و الميسر .. اثمهما اكبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۳

۳ شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و الميسر .. رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی تواند گناه کوچکی محسوب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا إذا ما اتقوا

مفاسد قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و

قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و الميسر ... و يصدكم عن ذكرالله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

موارد قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۲، ۹، ۸، ۷

۷ حرمت تعیین سهام گوشت حیوان ، به وسیله تیر های قمار

حرمت ... و إن تستقسموا بالازلّم

<ازلام> تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله <ازلام>، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

۸ حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت ... و إن تستقسموا بالازلّم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم

۱۲ قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم ذلکم فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰

۱۵ بازی دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو) ، قمار شمرده می شود و حرام است .

يايها الذين ءامنوا انما الخمر و الميسر .. رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنای <ميسر> در آیه فوق روایت شده: كلما تقومر به حتى الكعاب و الجوز . . .

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الازلم رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یستقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۸ بازی با شطرنج و نرد ، قمار و حرام است .

و الميسر .. رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطرنج و النرد ميسر.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۹ و ۱۰.

ناپسندی قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۲

۲ شراب خواری ، قمار بازی ، گرایش به مظاهر شرک و تغال های مرسوم در جاهلیت ، کرداری شیطانی است

انما الخمر .. من عمل الشيطان

نهی از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ - ابو عبيده حذاء می گوید : > سألت أبا عبد الله عن قول

اللّٰه عز و جل > و لاتأكلوا أموالكم بينكم بالباطل < فقال : كانت قریش تقامر الرجل بأهله و ماله فنهاهم اللّٰه عز و جل عن ذلك ;

از امام صادق(ع) از آیه < و لاتأكلوا أموالكم بينكم بالباطل > سؤال کردم، امام فرمود: قریش خانواده و مال خود را به قمار می گذاشتند پس خداوند آنان را از این عمل نهی فرمود.<

قوانین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قوانین

آثار اجرای قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

آثار نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۵

۵ - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

<حرمه > (مفرد حرمت) به چیزهایی (قوانین، مقررات و ...) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین <و الحرمات قصاص > یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

بی منطقی قوانین جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹

۱۰ قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانیه بوده است.

و قالوا ما فی بطون .. سیجزیهم و صفهم إنه حکیم علیم

جمله <إنه حکیم علیم> به منزله تعریض به کسانی است که بدون علم و حکمت به جعل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

تبعیت از قوانین غیر دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸،۲۰

۱۸ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی، با وجود قوانین الهی، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است.

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

۲۰ - پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هواهای نفسانی، با وجود قوانین الهی، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از جانب خداست.

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۷

۱۷ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی - با وجود قوانین الهی - ظلم است.

لئن اتبعت أهواءهم من بعد جاءك من العلم إنک إذا لمن الظلمین

تبیین فلسفه قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۹

۹ - بیان فلسفه قوانین از سوی قانون گذاران امری شایسته و نیکوست . *

کتب علیکم الصیام . . . لعلکم تتقون

جرم تخلف

از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

سهولت قوانین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۶

۶- ذوالقرنین ، تصمیم گرفت که قوانین و مقررات اجتماعی سهل و قابل تحمّلی را برای مؤمنان وضع کند .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

<یسر> یعنی <آسانی> و <من أمرنا> یعنی: <از فرامینی که صادر می کنیم> ، لذا مفاد جمله <و سنقول...> آن است که برای مؤمنان صالح، فرامینی صادر می کنیم که اجرای آن دشوار نباشد و شنیدن آن برای مؤمنان سنگین نیاید.

شرایط نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۵

۵ - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

<حرمه> (مفرد حرمت) به چیزهایی (قوانین، مقررات و ..) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین <و الحرمات قصاص> یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

عرف و قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۶ - نقش معیار های عرفی در احکام دین

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف

عصیان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۳

۳ - تخلف بی دلیل از مقررات ارتش ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

أم کان من الغائبین . لأعدبته ... أو لأذبحنه

فلسفه قوانین اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ بنای اسلام بر جذب هر چه بیشتر انسان ها و متمایل ساختن دل ها به دین حق است .

إنما الصدقات للفقراء .. و المؤلفه قلوبهم

فلسفه قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت
خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

قوانین ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۲

۲- معارف و قوانین ادیان آسمانی ، مظهر < سبیل الله > است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله

قوانین انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۵

۵ تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلّمه الكتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

قوانین بین المللی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۲،۷

۲ لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براهه من الله و رسوله إلى الذين عهدتم

۷ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذين عهدتم من المشركين

قوانین تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۵

۵ تورات و انجیل (کتب الهی) ، در بردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلمه الكتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

قوانین جاهلانه دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۹

۹ وضع مقررات جاهلانه و انتساب به خدا، ویژگی مشرکان عصر جاهلی

و جعلوا لله .. و حرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله

قوانین جزایی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۳

۳ جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

جمله <فما جزؤه> که پرسش از تعیین کیفر سارق است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال

دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۶، ۹، ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود.

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

۹ قوانین جزایی مصر، استرقاق سارقان را مجاز نمی شمرد.

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

۱۶ مجازات مجرمان بیگانه بر اساس مقررات خود آنان، با قوانین و مقررات مصر در زمان وزارت یوسف (ع) مخالفتی نداشت.

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلا أن یشاء الله

قوانین حاکم بر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۲، ۶

۲ - زوجیت، قانونی حاکم بر نظام جهان و همه مظاهر آن

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

۶ - قوانین و پدیده های هستی، هدفمند و حکیمانه

و من کلّ شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون

<لعلکم تذکرون> هدف برای <من کلّ شیء..> است. از این بیان الهی استفاده می شود که اصولاً قوانین و پدیده های جهان، هدفی را دنبال می کنند و این هدف ارزشی و حکیمانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۱

۱- قوانین طبیعی حاکم بر جریان آب های زمین ، نمودی از ربوبیت انکارناپذیر الهی و غیرقابل تکذیب

مرج البحرین . . فبأی ءالآء ربکمما تکذبان

التقای آب های زمین و دریاها با یکدیگر و وجود حایل و مانع از هضم شدن آنها در یکدیگر، اشاره به نوعی قوانین حاکم بر آب های (شور و شیرین) دارد

خداوند متعال این قوانین را، نمودی از ربوبیت انکار ناپذیر خویش دانسته است.

قوانین عالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظالمين

قوانین کیفری در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۷

۷ > عن أبي عبدالله (ع) [فی قوله تعالى] : < جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه > : يعنون السنه التي تجرى فيهم أن يجبسه ... ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه> روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند ..<.

قوانین کیفری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

قوانین کیفری در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۳

۳ جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

جمله <فما جزاؤه> که پرسش از تعیین کیفر سارق

است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۷۸

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملک> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۳

۳ قوانین جزایی مصر در زمان یوسف ، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد ، مجاز نمی شمرد . *

معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد ؛ یعنی، یوسف(ع) با جمله <بازداشت نمی کنیم> به جای <بازداشت نمی کنم> اشاره

به این معنا می‌کند که قوانین مصر چنین اجازه‌ای به من نمی‌دهد که بی‌گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چند او خود داوطلب باشد.

کیفر اطاعت از قوانین ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هواهای نفسانی، با وجود احکام و قوانین قرآن، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است.

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم مالک من الله من ولی و لاواق

کیفر عصیان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۲،۴

۲ - شکنجه یا مرگ (بریدن سر)، مجازات تخلف بی‌دلیل از مقررات سپاه سلیمان

أم كان من الغائبين . لأعذبنه عذاباً شديداً أو لأأذبحنه

۴ - لزوم تعیین کیفرهای سخت تا مرز مرگ، برای متخلفان از مقررات ارتش

أم كان من الغائبين لأعذبنه عذاباً شديداً أو لأأذبحنه

مجازات تخلف از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا على الظلمين

مطالعه قوانین آسمان‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۸ - ۲

۲ - بررسی قوانین حاکم بر آسمان و فضای بالا ، زمینه ساز باور به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى السماء كيف رفعت

ملاکهای قوانین لازم الاتباع

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظالمين

منشأ قوانین آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۶

۶ اساس و ریشه تمام قوانین و مقررات عالم هستی نزد خداوند است و تنها او به آنها عالم است .

و عنده أمُّ الكتب

منشأ نسخ قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبله ترضيها

منشأ وضع قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبله ترضيها

نقض قوانین بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - لزوم توجه به ناتوانی و نقص مکاتب و برنامه های بشری ، در مسیر اصلاح و هدایت بایسته انسان

فمن یهدیه من بعد الله أفلاتذکرون

ویژگیهای قوانین بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۲

۲ - قوانین بشری حق محض نبوده و همواره با اموری باطل ، آمیخته

است .

الحق من ربك

برداشت فوق بر این مبناست که: <ال> در <الحق> همانند، زید الرجل برای استغراق خصایص افراد باشد، یعنی، آنچه تمام ویژگیهای حق را داراست و به امری باطل آمیخته نیست، از ناحیه خداوند می باشد.

ویژگیهای قوانین دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۴

۱۴ - انعطاف پذیری احکام و قوانین دین و ملاحظه ضرورت ها در تشریح آن قوانین

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا اثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۲

۲۲ - انعطاف پذیری احکام الهی و تخفیف در تکالیف ، پرتوی از رحمت الهی است .

فمن عفی له من أخیه شیء .. . ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

یوسف(ع) و قوانین مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در زمان وزارتش ، نمی توانست با قوانین و مقررات حکومت مصر مخالفت کند .

ما کان لیاخذ أخیه فی دین الملک

قوانین بین المللی

آثار نقض قوانین بین المللی

۵ - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

<حرمه> (مفرد حرمت) به چیزهایی (قوانین، مقررات و ...) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین <والحرمت قصاص>؛

یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

شرایط نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۵

۵ - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

<حرمه> (مفرد حرمت) به چیزهایی (قوانین، مقررات و ...) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین <و الحرمات قصاص> یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۲،۷

۲ لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براهه من الله و رسوله إلى الذين عهدتم

۷ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذين عهدتم من المشركين

قوای ادراکی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ابداع قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۲

بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذى أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

<إنشاء> (مصدر <أنشأ>) به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

ارزش قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۸

۸- درك حقایق و معارف دین و پذیرش آنها ، تعیین کننده میزان ارزش قوای ادراکی است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

کر، لال و کور خواندن کفرپیشگان علی رغم اینکه آنان از ابزار شنوایی و ... برخوردار هستند، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که: اگر ابزار و قوای ادراکی وسیله فهم معارف دین قرار نگیرند، در حقیقت با نبودشان یکسانند و ارزشی ندارند.

استفاده از قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۹

۹- لزوم بهره گیری از استعداد ها و قوای جسمی و عقلی ، به هنگام شکوفایی آن و در دوران پیری

و من نعمره ننكسه فى الخلق أفلا یعقلون

اهمیت قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۷

۷- اهمیت ویژه بینایی ، شنوایی و نیروی ادراکی انسان ، در مقایسه با سایر نعمت های الهی

و لقد مكّنهم .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

از اختصاص به ذکر یافتن چشم، گوش و قلب، مطلب بالا استفاده می شود.

تأثیر جادو در قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۸

۸ - سحر ،

دارای تأثیر و نفوذ بر قوای ادراکی و قوه مخیله

يَخْتَلِ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ

تأثیرپذیری قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ قوای ادراکی بشر، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال، کارآیی خود را از دست می دهد.

و قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

دقت در ضعف قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۱

۲۱- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد.

منكم من يردّ إلى أرذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً

رشد قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۹

۱۹- منحنی صعود، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است.

لتبلغوا أشدكم.. منكم من يردّ إلى أرذل العمر

زمینه ختم قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ارتباط مستقیم مهر شدن راه های ادراکی ، با غفلت کامل انسان

طبع الله على قلوبهم و سمعهم و أبصرهم و أولئك هم الغفلون

زمینه سلب قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۵

۵- موضع گیری و عمل خود آدمی ، زمینه نابود شدن استعداد هدایت در

وی است .

و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون . كذلك يطبع الله

ضعف قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۹

۱۹- منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

لتبلغوا أشدکم .. منکم من یردّ إلى أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۹

۹ - منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

ثمّ لتبلغوا أشدکم ثمّ لتکونوا شیوخاً

عوامل سلب قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۸

۸ - لجاجت کنندگان در برابر پذیرش آیات الهی ، در معرض از دست دادن قوای درک معارف الهی اند .

و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون . كذلك يطبع الله علی ق

فلسفه قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- هدف از آفرینش انسان و اعطای نعمت (قوای ادراکی و ...) به او ، شناخت خداوند و شکر اوست .

و الله أخرجكم من بطون... و جعل لكم السمع... لعلكم تشكرون

قوای ادراکی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۶،۹،۱۶

۶ قوای ادراکی (چشم

و گوش و قلب انسان) از نشانه های خداوند است .

اللّٰهُ الَّذِي أَحْسَنَ ... و بدأ خلق الإنسان ... و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

۹ - انسان ، واجد دو نوع قوه ادراکی (حسی و باطنی) است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

۱۶ - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثمّ سوّيه و نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرو

قوای ادراکی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۷

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی (چشم ، گوش و زبان) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم يوم القيمة على وجوههم عمياً و بكمًا و صمًا

قوای ادراکی موجودات زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۴ - ۳

۳ - اندیشه در چگونگی پیدایش حیات و نیروی حس و ادراک در موجودات زنده ، زمینه ره یابی به نشانه های متقن الهی

و فی خلقکم و ما ... آیت لقوم یوقنون

طرح خلقت انسان و جنبندگان ، به عنوان زمینه ره یابی به یقین ، می تواند نظر به جنبه زنده بودن و حس و شعور داشتن آنها داشته باشد. چه این که پیدایش این امور ، در متن نظام مادی طبیعت ، آیتی بزرگ است.

نعمت قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجكم ... و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۴

۴ - نیروی شنوایی ، بینایی و ادراکی انسان ، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گزاری

و هو الذى أنشأ لكم .. قليلاً ما تشكرون

نقش قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۶

۶ - ابزار حسی و عقلی انسان ، وسیله راه یابی او به شناخت حق و صراط مستقیم

و إنك لتدعوهم إلى صراط مستقيم .. أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۵

۵- بینایی ، شنوایی و نیروی ادراک ، از پایه های مهم شناخت

و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده فما أغنى عنهم

در آیه شریفه <سمع> ، <أبصار> و <أفئده> عواملی کافی برای رهیابی انسان به حقایق معرفی شده است و قوم عاد به خاطر بهره نگرفتن از آنها، مورد سرزنش قرار گرفته اند.

قیاس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قیاس

آثار قیاس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۲

۲ - برابر دانستن صالحان

با مفسدان و تقوایندگان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء .. بطلاً... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت كالمفسدين

آثار قیاس متقین با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۲

۲ - برابر دانستن صالحان با مفسدان و تقوایندگان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء .. بطلاً... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت كالمفسدين

ارزش قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۲

۲ ارزش حلال ها و حرام ها غیر قابل مقایسه با یکدیگر

قل لا یستوی الخیث و الطیب

برخی به قرینه آیات گذشته حرامها را مصداق مورد نظر برای خبیث و حلالها را مصداق طیب دانسته اند.

استفاده از قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

اولین قیاس کننده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ عن أبي عبدالله(ع): .. فإن أول من قاس إبليس حين قال: < خلقتني من نار و خلقتة من طين > فقاس ما بين النار و الطين، و لو قاس نوريه آدم بنوريه النار عرف فضل ما بين النورين ...

از امام صادق(ع) روايت شده

است: .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: >مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل < و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ...

اهمیت رعایت قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ رعایت حلال ها و حرام های الهی ، تقوای پیشگی است .

لا یستوی الخبیث و الطیب .. فاتقوا الله

برداشت فوق بر این مبناست که مصداق مورد نظر از خبث و طیب به قرینه آیات گذشته حلالها و حرامهای الهی باشد.

تاریخ قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ عن أبي عبدالله(ع): .. فإن أول من قاس إبليس حين قال: >خلقتني من نار و خلقتة من طين < فقاس ما بين النار و الطين، و لو قاس نوريه آدم بنوريه النار عرف فضل ما بين النورين ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: >مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل < و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ...

قیاس ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۲

عن أبي عبد الله (ع): .. فإن أول من قاس إبليس حين قال: < خلقتني من نار و خلقتة من طين > فقاس ما بين النار و الطين، و لو قاس نوريه آدم بنوريه النار عرف فضل ما بين النورين

از امام صادق (ع) روایت شده است: .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: < مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل > و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم (ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۸

۸ - ابلیس ، در مقایسه میان شخصیت خود و آدم (ع) ، روح الهی موجود در آفرینش آدم را نادیده گرفت .

فإذا سويته و نفخت فيه من روعي فقعوا له سجدین .. قال أنا خير منه خلقتني من نار

قیاس انسان با آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۲

۲ - انسان ، در مقایسه با مجموعه عالم هستی ، موجودی کوچک و ناچیز است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

قیاس اهل تسلیم با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۲

۲ - فرمانبران و تسلیم شدگان فرمان های الهی ، در نگاه ارزشی اسلام با مجرمان و تبهکاران برابر نیستند ؛ بلکه آنان برتراند .

أفجعل المسلمین كالمجرمین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است

که <مسلّمین> در معنای لغوی آن به کار رفته باشد؛ نه اصطلاحی

قیاس باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۳،۴،۸

۳- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

۴- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

۸- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق أفلاتندکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۱،۱۲

۱۱- استقلال مالی و توانگری همراه با انفاق، غیر قابل مقایسه با وابستگی، فقر و ناتوانی از انفاق است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً لایقدر علی شیء و من رزقنه .. هل یستون

۱۲- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند، امری روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً .. و من .. فهو ینفق منه سرّاً و جهراً هل یستون

پاسخ <هل یستون> به جهت بداهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - ٧٦ - ١٦ - نحل - ٩

٨ - قابل

مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام است .

و ضرب الله مثلاً رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء .. هل یستوی هو و من یأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل یستوی هو ..) که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بداهت آن باشد استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۲

۲ - هیچ چیز ، قابل مقایسه و برابری با پروردگار جهانیان نیست .

إن کنا لفی ضلل مبین . إذ نسوئکم برّب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱

۱ - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی) قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. کمن متّعه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۴

۴ - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنة التي وعد المتقون .. كمن هو خلد في النار

قیاس بت ها با عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۸ - ۱،۶

۱ - مجادله مشرکان مکه با پیامبر (ص) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

و قالوا ألهتنا خیر أم هو

۶ - مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربوه لك إلا جدلاً

در مکتب پیامبر (ص) سخن از الوهیت عیسی (ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

قیاس بهشت و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلاً أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

قیاس تولیت مسجد با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته

و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

قياس خدا با موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ - ٧٥ - ١٢

١٢- قابل مقايسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امري روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً .. و من ... فهو ينفق منه سرّاً و جهراً هل يستون

پاسخ <هل يستون> به جهت بداهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

قياس خوبی با بدی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ٣٤ - ١

١ - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امري روشن و آشکار

و لا تستوی الحسنه و لا السيئه

قياس دنیا با آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - حدید - ٥٧ - ٢٠ - ٢١

٢١ - زندگانی دنیا ، در مقایسه با آخرت ، کالایی فریبنده بیش نیست .

و ما الحیوه الدنيا إلا متع الغرور

قياس رباخوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱۷، ۸، ۷

۷ پندار نادرست رباخواران ، از همانندی بیع با ربا ، دلیل رباخواری آنان

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ

بنابراینکه <ذَلِكَ> اشاره به <اکل ربا> باشد که از <يَأْكُلُونَ الزُّبُورَ> به دست می آید.

۸ پندار و باور غلط رباخواران از همگونی بیع و ربا، نشانه عدم تعادل شخصیت آنان

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ... ذَلِكَ بَأْتِهِمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الزُّبُورِ

کلمه <ذَلِكَ> علاوه بر اینکه اشاره به <اکل ربا> است، می تواند اشاره به تَخَبُّطٌ و جنون زدگی باشد، البته در این صورت جمله <ذَلِكَ بَأْتِهِمْ> تعلیل در مقام اثبات است که در این برداشت به نشانه تعبیر شده است.

۱۷ اعتقاد به همگونی بیع و ربا پس از بیان ربا و حکم آن، موجب جاودانگی در آتش

قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ... وَ مِنْ عَادِ فَالْوَيْتِكَ اصحاب النار هم فيها خالدون

در برداشت فوق متعلق <عاد>، پندار غلط همسانی بیع و ربا گرفته شده است، بنابراین جمله <و من عاد...> به این معناست: اگر کسی پس از بیان حکم الهی درباره ربا، همچنان بر این پندار باشد که بیع همانند رباست در آتش مخلد خواهد بود. چون وی در حقیقت کافر است.

قیاس زنده به مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۱

۱ - زندگان با مردگان برابر نیستند .

و ما يستوی الأحياء و لا الأموات

قیاس سقای حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا

می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

قياس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۴،۵

۴ - مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند ، بلکه آنان برترند .

أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت كالمفسدين في الأرض

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواییشان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. كالفجار

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أم نجعل.. > به دست می آید.

قياس كافران با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - زندگی و سرنوشت کافران و مسلمانان ، هرگز برابر و همسان نیست .

أفمن يمشي مكبًا على وجهه أهدى أمن يمشي سوياً على صراط مستقيم

۵ - قابل مقایسه نبودن کافران و مسلمانان ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام

أفمن يمشي مكبًا على وجهه أهدى أمن يمشي سوياً على صراط مستقيم

برداشت یاد شده، از استفهام تقریری در (أفمن .. أمن) استفاده می شود.

قياس كافران با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۴

۴ - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یتوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ،

از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

قیاس گمراهان با مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۱

۱ - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

قیاس متقین با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۶

۶ - مقایسه فرجام نیک تقوایندگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها .. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَعِيمٍ

از این که خداوند در هدایت خلق، به ترسیم هر دو فرجام پرداخته است؛ مطلب بالا برداشت می شود.

قیاس متقین با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۵،۷

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقوایندگان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... كَالْفَجَّارِ

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أَمْ نَجْعَلُ...> به دست می آید.

۷ - تقوایندگان در نظام ارزشی خدا با تبه کاران برابر نیستند؛ بلکه آنان برتر می باشند .

أم نجعل المتقين كالفجار

قیاس مسلمانان با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۱

۱ - مسلمانان ، در نگاه نظام ارزشی اسلام ، با مجرمان برابر نیستند ؛ بلکه از آنان برتراند .

أفنجعل المسلمين كالمجرمين

استفهام در <أفنجعل..>، انکاری و در صدد نفی برابری مسلمانان با مجرمان و

اثبات برتری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۱

۱ - در هیچ کتاب آسمانی ، مسلمانان و اطاعت کنندگان از خدا ، با مجرمان و تبهکاران یکسان تلقی نشده اند .

أفجعل المسلمين كالمجرمين .. أم لكم كتب فيه تدرسون

قیاس مشرک با مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۲

۲ همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

قیاس مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۸ - ۶

۶ - مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربوه لك إلا جدلاً

در مکتب پیامبر(ص) سخن از الوهیت عیسی(ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

قیاس مشکلات با نعمتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۷

۷ - برخوردارای انسان از نعمت های الهی در دنیا بیش از ابتلای وی به شرور و سختی ها است .

لايسئم الإنسان من دعاء الخير و إن مسئه الشرّ

<إن> شرطیه در مواردی به کار رود که تحقق شیء در آن موارد نادر و کم می باشد به کارگیری آن در مورد <شر> بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - مشکلات و تنگنا های زندگی انسان ، در مقابل نعمت های اعطا شده از سوی خداوند به او اندک است .

و إذا أنعمنا .. و إذا مسّه الشرّ

به کار رفتن واژه <مسّه> در مورد شرور و نه مورد نعمت ها بیانگر مطلب یاد شده است.

قیاس ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۲

۲- مقایسه کردن خداوند با مخلوقات و تشبیه نمودن صفات او به صفات خلق ، ممنوع است .

فلا تضربوا لله الأمثال

قیاس موجودات با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۷

۱۷- بیشتر مشرکان نسبت به حقیقت صفات خدا و قابل مقایسه نبودن مخلوقات با او ، ناآگاهند .

بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت فوق به خاطر این است که صدر آیه سخن از قابل مقایسه نبودن خلق با خدا بود و نفی علم (لا يعلمون) نیز به همین زمینه نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۸

۱- خلق در مقایسه با خدا ، به مثابه لالهایی ناتوان و نیازمند سرپرستند .

و ضرب الله مثلاً رجلين أحدهما أبكم لا يقدر على شيء و هو كَلَّ على موله

۸- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام است .

و ضرب الله مثلاً رجلين أحدهما أبكم لا يقدر على شيء .. هل يستوى هو و من يأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل يستوى هو ..)

که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بداهت آن باشد استفاده گردیده است.

قیاس مؤمن با کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۲

۲ همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است.

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

قیاس مؤمنان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران، از نظر شخصیت و سرنوشت.

و لا الظلّ و لا الحرور

قیاس مؤمنان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۴

۴ - مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند، بلکه آنان برترند.

أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت كالمفسدين في الأرض

قیاس مهتدین با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱

۱ - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی)

قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. کمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت

آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

قیاس ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱،۲

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

۲ همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

قیاس نیکان با بدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۷

۷ - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أمن هو قنت ءاناء الیل . . . و یرجوا رحمه ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - مقایسه میان نیکان و بدان ، از روش های هدایتی و تربیتی قرآن

ضرب الله مثلاً رجلاً .. هل یستویان مثلاً

قیاس نیکان و بدان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۴

۴ - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمة

قیاس ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطنی و سنجیده کاری همراه بود .

إنه كان لأيتنا عيناً .. إنه فكّر و قدر

ملاک قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۳

۳ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیاء

لاستوی الخیث و الطیب

قیاس باطل

قیاس باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۳،۴،۸

۳- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر ، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

۴- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق ، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

۸- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق ، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق أفلاتذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۲، ۱۱

۱۱- استقلال مالی و توانگری همراه با انفاق ، غیر قابل مقایسه با وابستگی ، فقر و ناتوانی از انفاق است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً لا یقدر علی شیء و من

رزقنه .. هل یستون

۱۲- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً .. و من ... فهو ینفق منه سرّاً و جهراً هل یستون

پاسخ <هل یستون> به جهت بداهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۸

۸- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام است .

و ضرب الله مثلاً رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء .. هل یستوی هو و من یأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل یستوی هو ..) که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بداهت آن باشد استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۲

۲ - هیچ چیز ، قابل مقایسه و برابری با پروردگار جهانیان نیست .

إن کنا لفی ضلل مبین . إذ نسوئکم برّب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱

۱ - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی)

قیاسی نسنجیده و باطل

در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. كمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۴

۴ - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یتوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۹

۱۹- فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنّه الّتی وعد المتّقون .. کمن هو خلد فی النار

قیام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قیام

اخلاص در قیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱

۱- رسول اکرم (ص) ، پیام بسیار مهمی برای مردم داشت و آن قیام مخلصانه برای خدا است .

قل إنّما أعظکم بوحده أن تقوموا لله

<واحد> به صورت نکره آمده و دلالت بر اهمیت و عظمت موعظه می کند.

اعتدال در قیام نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۲۲

۲۲ - > عن حریز عن رجل عن أبی جعفر (ع) قال : قلت له > فصلّ لربّک و انحر < قال : النحر الإعتدال فی القیام أن یقیم صلبه و نحره ؛

حریز از مردی نقل کرده که گفت: به امام باقر(ع)

گفتم: [معنای] <فصل لربك و انحر> [چيست؟] فرمود: <نحر> اعتدال در حال قیام است، [به این که] استون فقرات و سینه خود را راست نگه دارد.

ایمان به قیام امام مهدی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۶

۱۶ > عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عز و جل <الذین یؤمنون بالغیب> قال : من أقر بقیام القائم انه حق ;

از امام صادق (ع) درباره <الذین یؤمنون بالغیب> روایت شده که فرمود: آنان کسانی هستند که به حقانیت قیام قائم اقرار دارند.

قیام امام مهدی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ > عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن الماضی (ع) قال : قلت : <هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق> قال : .

.. الولایه هی دین الحق قلت : <لیظهره علی الدین کله> قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم ... ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره <هو الذی أرسل رسوله ..> سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره <لیظهره علی الدین کله> فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... <.

قیام در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۲۳، ۲۱، ۱۸، ۱

۱ مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق، شهادت دهند .

یأیها الذین ءامنوا

کونوا قومین لله شهداء بالقسط

<قَوَام> صیغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، یعنی عادت شما باید قیام برای خدا باشد. و <قسط> به معنای عدل و حق است.

۱۸ قیام برای خدا، شهادت به حق و برپا داشتن قسط، نشانه و جلوه ای از تقوا

کونوا قومین لله شهداء بالقسط .. و اتقوا الله

۲۱ هشدار و تهدید خداوند نسبت به کسانی که به حق شهادت ندهند و برای خدا قیام نکنند.

کونوا قومین لله شهداء بالقسط .. و اتقوا الله إِنَّ الله خبیر بما تعملون

۲۳ اعتقاد به آگاهی خدا از اعمال انسان، زمینه قیام برای خدا، شهادت به قسط، اجرای عدالت و تحصیل تقواست.

کونوا قومین لله شهداء بالقسط .. و اتقوا الله إِنَّ الله خبیر بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۴

۴ قیام برای خدا، شهادت به قسط و اجرای عدالت، از مصادیق عمل صالح

کونوا قومین لله شهداء بالقسط .. و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱

۱ - رسول اکرم (ص)، پیام بسیار مهمی برای مردم داشت و آن قیام مخلصانه برای خدا است.

قل إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَحْدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ

<واحد> به صورت نکره آمده و دلالت بر اهمیت و عظمت موعظه می کند.

قیام در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٦ - زمر - ٣٩ - ٩ - ٤

٤ - سجده و قیام ، دو رکن عبادت

أَمَّن

هو قنت ءاناء الیل ساجدًا و قائمًا

اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر اجزا و ارکان عبادت، برداشت بالا به دست می آید.

قیام در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - قیام ، رکوع و سجود ، از ارکان نماز

و القائمین و الرکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۳

۳ سجده و قیام ، دو رکن اساسی نماز است .

و الذین یبیتون لربهم سجّدًا و قیّمًا

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۴

۴ - قیام و قرائت ، اساسی ترین ارکان عبادت و نماز

هی اشدّ وطًا و أقوم قیلاً

اختصاص به ذکر یافتن دو رکن قیام (أشدّ وطًا) و قرائت (أقوم قیلاً) از میان ارکان پنجگانه نماز، بیانگر مطلب یاد شده است.

قیام در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲- ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشدَّ وطًا و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <اشدَّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطی> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسدَّ> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن

گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

قیام علیه رهبران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۹

۱۹ - > عن ابی عبداللہ (ع) فی قول اللہ عز و جل : < فمن اضطر غیر باغ و لاعاد > قال : الباغی الذی یخرج علی الأمام و العادی : الذی یقطع الطریق لایحل لهما المیتة . . . ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < فمن اضطر غیر باغ و لاعاد > روایت شده است: مراد از باغی کسی است که علیه امام [حق] خروج کرده و مراد از عادی کسی است که راهزنی می کند که در [حال اضطرار هم] خوردن مردار بر آنان حلال نیست . . . <.

قیام هنگام خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۵

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائماً

مراد از قیام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ > عن ابی الحسن الرضا (ع) قال : إعلم . . . ان الله تبارک و تعالی . . . قائم لیس علی معنا انتصاب و قیام علی ساق فی کبد کما قامت الأشياء و لکن < قائم > یخبر أنه حافظ والله هو القائم علی کل نفس بما کسبت

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: بدان که خداوند تبارک و تعالی .. قائم است نه به معنای ایستادن و در میان آسمان بر روی پا قرار گرفتن آن گونه که اشیا قیام دارند و ایستاده اند؛ بلکه [خداوند] قائم است، به این معنا می باشد که او حافظ است و تنها خداوند است که حافظ هر فردی می باشد با آنچه کسب کرده است.

قیامت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قیامت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۱۳

۱ اذعان عالمان ژرفنگر، به وقوع قیامت، بر اساس وعده الهی

و الراسخون فی العلم .. ربّنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیہ انّ الله لا یخلف

۳ اعتقاد به قیامت، زمینه احساس نیاز انسان به رحمت و هدایت الهی

ربّنا لا تزغ قلوبنا .. ربّنا انک جامع الناس

بنابراینکه <ربّنا انک جامع الناس>، بیانگر علت طلب رحمت و استمرار هدایت خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۶

۶ وجود یاوران (شفیعان) در قیامت

ما لهم من ناصرین

حصر مستفاد از تقدیم <لهم> بر <ناصرین> گویای این معناست که تنها کافران از یاور محروم هستند بنابراین وجود یاور و شفیع در قیامت فرض شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۴

۴ پاداش ها در قیامت نتیجه عمل خود انسان است . *

فیوفیهم اجورهم

استعمال اجر و اجرت، معمولا در قبال عمل انسان به

کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱۱ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، مورد غضب الهی و محروم از سخن گفتن و توجه نمودن خداوند به آنان در آخرت

انّ الذین یشترون .. و لا یکلّمهم الله و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۲ پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود ، زمینه بهره مندی از سخن و نظر الهی در قیامت

انّ الذین یشترون .. و لا یکلّمهم الله و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۳ سخن گفتن خداوند با مردم در قیامت

و لا یکلّمهم الله و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار .. انّ الذین یشترون ... و لا یکلّمهم الله و لا ینظر

۲۱ تجلّی محبّت الهی نسبت به بندگان ، با تکلم و نظر به آنها در قیامت و تزکیه آنها در دنیا

بلی من اوفی بعهدہ و اتقی فانّ الله یحبّ المتقین . انّ الذین یشترون ... و لا یزکی

از ارتباط آیه قبل با مفهوم این آیه برداشت فوق استفاده شده است و چون جمله <لا- یزکیهم> را مقید به <یوم القیمه> نکرده بر خلاف فرازهای قبلی، می توان گفت تزکیه مربوط به دنیاست.

۲۲ دنیاپرستی ، موجب محرومیت از مواهب اخروی و سخن و نظر خدا در قیامت و مانع رشد یافتن و پاک گشتن

انّ

الذین یشترون .. ثمناً قليلاً ... ولا یزکیهم

۲۳ نظر خداوند به مردم در قیامت ، رحمت او به آنان است .

ولا ینظر الیهم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه <ولا ینظر الیهم یوم القیمه>، فرمود: فنظره الیهم رحمه منه لهم.

توحید صدوق، ص ۲۶۵، ح ۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱۰، ۸، ۷، ۵، ۴، ۱

۱ ایمان به خدا و روز قیامت ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در کار های خیر ، از ویژگی های برخی اهل کتاب

من اهل الکتب .. یؤمنون بالله و الیوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنک

۴ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب ورزیدن به کار های نیک ، ملاک ارزش و شایستگی (صالح بودن)

یؤمنون .. یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین

۵ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر ، از اصول مشترک اعتقادی و عملی ادیان الهی

من اهل الکتب .. یؤمنون بالله و الیوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنک

۷ گروهی از اهل کتاب که مؤمن به خدا و روز واپسین و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر و شتاب کنندگان به نیکی ها هستند ، از تبار صالحان هستند .

من اهل الکتب امه .. یؤمنون بالله ... و اولئک من الصالحین

۸ قیام به امر دین (اطاعت خدا) تلاوت آیات

خدا ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر ، ویژگی اُمت شایسته و صالح

امه قائمه . . . و اولئک من الصالحین

۱۰ صالح شدن انسان ها ، در گرو ایمان به خدا ، معاد ، امر به معروف و نهی از منکر (اصلاح دیگران) و شتاب در کار های نیک است .

یؤمنون باللّٰه . . . و اولئک من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۴،۷،۹

۴ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات وی در شب هنگام در حال سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، از اعمال خیر

من اهل الکتب امّه قائمه . . . و ما یفعلوا من خیر

۷ قیام به امر خدا ، تلاوت آیات او ، سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر ، از ویژگی های تقوایبندگان

امّه قائمه یتلون ءایة اللّٰه . . . و اللّٰه علیم بالمتّقین

آیه ، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند ، از آنها تعبیر به متّقین کرده ، پس آن خصلتها از آن متّقین است .

۹ ایمان به خدا و روز واپسین و عمل صالح ، موجب نیل آدمی به تقوایبشگی *

امّه قائمه . . . یؤمنون باللّٰه و الیوم الاخر ... و اللّٰه علیم بالمتّقین

تعبیر از مؤمنانِ آمر به معروف و . . . به متّقیان یا

به جهت این است که دارندگان صفات یاد شده تقوایشه هستند، و یا آن صفات موجب نیل آدمی به تقوایبشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ اندیشه های جاهلاننه درباره مرگ و حیات (حاکمیت عوامل مادی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل الله ذلك حسره في قلوبهم

برخی از مفسران بر آنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۳

۳ ایمان به حشر و بقای آدمی پس از مرگ ، برانگیزنده وی برای حضور در میدان کارزار علیه دشمنان دین

و لئن مُتّم او قُتلتم لالی الله تحشرون

خداوند با بیان این معنا که آدمی با مرگ و یا کشته شدن، چه در راه منافع دنیا و یا راه خدا، به سوی او محشور می شود، او را به جهاد ترغیب و انگیزه پیکار در راه خدا را در او تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۸، ۶

۶ روز رستاخیز ، عرصه حشر خیانتکاران به همراه آنچه (اموال و ...) در آن خیانت کرده اند .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

در برداشت فوق، <باء> در <بما غلّ>، باء مصاحبت گرفته شده است.

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفی کلّ نفس

۱۱ خیانتکاران، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش، در روز رستاخیز

و من یغلل .. ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد.

و هم لا یظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزاها و پاداش های اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله <و هم لا یظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفی کل نفس ما کسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد؛ و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کل شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۲، ۱۳، ۱۸

۱۲ دارایی های بخیلان در قیامت، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد.

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

۱۳ آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله <سَيَطْوِقُونَ مَا بَخَلُوا...>، تفسیر کلمه <شَرٌّ> است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شَرِّ است که دامنگیر بخیلان خواهد شد.

برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری <سیطوقون ... > مراد باشد.

۱۸ بخیلان در قیامت ، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید .

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

برخی برآنند که معنای ظاهری <سیطوقون .. > اراده نشده است، بلکه کلمه ای همانند وبال و گناه، قبل از <ما بخلوا> مقدر است. یعنی وبال گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۹،۳۱

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن ، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار

کلمه <فا> در <فقنا .. >، بیانگر این معناست که خردمندان با نفی بطلان در آفرینش و اعتقاد به هدفداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

۳۱ اعتقاد به معاد و درخواست رهایی از آتش دوزخ ، نشانه خردمندی

لایات لا ولی الا للباب .. فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۹

۹ خردمندان ، مؤمن به خداوند ، رسالت تمامی انبیا و برپایی قیامت

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۵

۵ - قیامت ، از نام های جهان آخرت

یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۹

- قیامت ، از نام های جهان آخرت

یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۳

۳ - قیامت ، از نام های جهان آخرت

یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۹

۹ - قیامت ، از نام های جهان آخرت

یوم القیمه

آتش جهنم و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۲

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور ، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد .

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيرًا

آتش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - آتش گداخته و دود های متراکم ، مانعی جدی در برابر جن و انس برای گریز از صحنه قیامت

لَا تَنْفَذُونَ إِلَّا أَمْرًا نَّاسِرًا ... يَرْسِلْ عَلَيْكُمْ حِوَابًا مِّن نَّارٍ

خطاب در <علیکما> و <لاتنتصران> متوجه جن و انس است.

۲- فرو ریختن شراره های آتش و دود غلیظ ، بر فضای محشر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

<شواظ> به معنای شراره خالص و بدون دود و <نحاس> به معنای دود خالص و بدون آتش است. نکره آمدن آنها بیانگر شدت و غلظت آن دو می باشد.

آثار احتمال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۳

۳- احتمال تحقق قیامت ، کافی در ایجاد زمینه پرهیز از طغیان گری در

برابر خداوند

لَلطَّغِينِ .. إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا

جمله <كانوا لا يرجون..>، دلالت دارد که طغیان گران به جهت این که حتی احتمال محاسبه اعمال را نیز منتفی می دانستند، به طغیان گری روی آورده و به عذاب آن گرفتار شدند. مفهوم این جمله آن است که برای پرهیز از طغیان و گناه، حتی احتمال قیامت نیز کافی است.

آثار استبعاد قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۷ - ۴

۴ - دور پنداشتن قیامت ، زمینه ساز روی گردانی از تعالیم پیامبران

أزفت الأزفة

تذکر به نزدیک شدن قیامت، در پی آیات انذار و دور داشتن خلق از ظلم و طغیان، بیانگر مطلب بالا است.

آثار اندوهناکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۳

۳ - سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

يوماً يجعل الولدن شيباً

آثار احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۲

۲ - غفلت و فراموشی مشرکان از معبود های خویش ، در مواجهه با واقعیت های سهمگین قیامت

و ضلّ عنهم ما كانوا

بنابر این که <ضَلَّ عَنْهُمْ> اشاره به این باشد که صحنه قیامت آن چنان برای مشرکان وحشتناک و دهشت آور است که خاطره بت ها از نظرشان محو و نابود خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۳،۴

۳ - سرمایه های مادی در صحنه هولناک برپایی قیامت ، جذابیت

خود را از دست داده و مالکان ثروت ، رغبتی به نگه داری آن نخواهند داشت .

و إذا العشار عطّلت

۴ - ثروت ها ، هر چند گران بها و نفیس باشند ، در برطرف ساختن خطر ها و اضطراب انسان از حوادث آغازین قیامت ، هیچ گونه کار آیی نخواهند داشت .

و إذا العشار عطّلت

آثار ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۳، ۹، ۲، ۱

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرائیه بوده است.

۲ - ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، شرط دور ماندن مسلمانان ، یهودیان ، نصارا و صابئان از هرگونه ترس و اندوه

إن الذین ءامنوا .. و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

تکرار <ایمان> در <ان الذین آمنوا> و <من آمن> حکایت از آن دارد که: مراد از ایمان در جمله <من آمن> ایمان واقعی و راستین است نه ایمان صوری و اسمی.

۹ - رسیدن به پاداش های گران قدر الهی در گرو ایمان به خدا ، باور به قیامت و انجام اعمال صالح است .

من ءامن بالله .. فلهم أجرهم عند ربهم

مقید کردن اجر و

پاداش به اینکه نزد خداوند است، اشاره به گران سنگی پاداش دارد.

۱۳ - رهایی یافتن یهود از خواری و درماندگی و برطرف شدن غضب الهی از آنان ، در گرو ایمان واقعی ایشان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت عليهم الذلة والمسكنه .. من ءامن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً فلهم أج

در آیه قبل بیان شد که یهود بر اثر کفر و گناه به خواری، ذلت و غضب گرفتار شدند. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والذین هادوا) می تواند اشاره به این باشد که: راه نجات یهود از آن سرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۵

۱۵ - باور به قیامت و حضور انسان ها در آن ، زمینه ساز گرایش آدمی به انجام کار های نیک است .

فاستبقوا الخیرت این ما تکنونوا یأت بکم الله جميعاً

یادآوری قیامت پس از فرمان به انجام کارهای نیک، گویای این معناست که: انسان در صورت باور به قیامت و توجه به آن، در انجام کارهای خیر سستی نخواهد ورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۹

۹ ایمان به خدا و روز رستاخیز ، اقامه نماز و پرداخت زکات و نرسیدن از غیر خدا ، زمینه ساز ره یابی به صراط مستقیم و قرار گرفتن در زمره ره یافتگان

من ءامن بالله و اليوم الآخر .. فعسی أولئک أن یکنونوا من المہتدین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۷

۷ ایمان واقعی به خدا و قیامت ، موجب داشتن اخلاص در عمل و انفاق کردن با میل و رغبت

و من الأعراب من يؤمن بالله و اليوم الآخر و يتخذ ما ينفق قربت عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۴

۴ ایمان به روز رستاخیز و امید دیدار با خدا ، مایه پیراستگی از دلخوش بودن به مظاهر فریبنده دنیا و آرامش یافتن به آن

إن الذين لا يرجون لقاءنا و رضوا بالحيوه الدنيا و اطمأنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۹

۹- ایمان راستین به خدا و قیامت ، ضامن پیاده شدن کامل و قاطع حدود و کیفر های الهی در جامعه و مانع تأثیر پذیری از احساسات و عواطف به هنگام اجرای آنها

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین الله إن کنتم تؤمنون با

پیام و مفهوم جمله <فاجلدوا.. > إن کنتم تؤمنون بالله و اليوم الآخر؛ تازیانه بزنید... اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید < این است که: اگر ایمان راستین وجود داشته باشد، حدود الهی اجرا خواهد شد و هرگز احساسات و عواطف و تعلقات شخصی، جلوگیر آنها نخواهد شد. گفتنی است جواب جمله شرطیه <إن کنتم...> جمله ای مقدر مانند: (فلاتأخذکم بهما رأفه) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۶

۶ - نقش مؤثر ایمان به خدا و روز جزا در

تضمین قراردادها و سلامت روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه

و الله على ما نقول وكيل

مفسران بر این باورند که گواه گرفتن خداوند از سوی موسی (ع) در قرارداد خود با شعیب (ع) برای تأکید بیشتر بر این میثاق و تضمین عمل به آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - تقوا و ایمان به قیامت و وعده های خدا ، مانع فریفتگی انسان به زندگی دنیا است .

اتقوا ربکم و اخشوا یومًا .. . إن وعد الله حقّ فلا تغرنکم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۴

۴ - ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب بزرگ آن روز ، بازدارنده آدمی از هرگونه گناه و قانون شکنی است .

إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۲

۲ - گرایش به عبادت و سجده در برابر خداوند ، نتیجه ضروری ایمان به وحی و قیامت

أزفت الأرفه .. . أفمن هذا الحدیث تعجبون ... فاسجدوا لله و اعبدوا

<فای تفریح > در آیه شریفه می رساند که سجده و عبادت برای خداوند، در پی باور داشتن قیامت و مفاهیم وحی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲

۲ - ایمان به خدا و روز بازپسین ، ناسازگار با دوستی ورزیدن با دشمنان خدا و رسول او

لا تجد قوماً يؤمنون .. يوادون من حادّ الله و رسوله

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۶

۶ - امیدواری به رحمت خدا و باورمندی به قیامت ، زمینه ساز روآوری انسان به توکل ، انابه و نیایش

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا .. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَاليَوْمَ ال

در صورتی که الگو بودن، نظر به محتوای آیات پیشین داشته باشد که درباره توکل، توبه و نیایش بود تعبیر <لمن كان..> افاده مطلب بالا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۸

۸ - ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز ، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به آرمان های بلند معنوی و اخروی

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱، ۹

۹ - ایمان به خدا و روز قیامت ، مقتضی پذیرش موعظه های الهی و عمل به آنها است .

ذَلِكُمْ يُوْعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الْآخِرِ

توصیف موعظه شدگان، به ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت، اشاره به مطلب یاد شده دارد.

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. ذَلِكُمْ يُوْعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الْآخِرِ

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل

مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۷

۷- آگاهی و ایمان به قیامت و عظمت عذاب و کیفر الهی در آن روز، بازدارنده آدمی از گناه (بخل ، محروم ساختن بینوایان از اموال خویش و ...)

كذلك العذاب .. لو كانوا يعلمون

خداوند، در پایان نقل ماجرای <اصحاب الجنه>، مردم کافر را به عذاب و پیامد هلاکت بار دنیوی و اخروی تهدید کرد. از این بیان، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۴

۴- انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به بهشت

إِلَّا الْمَصْلِينَ ... و الذين في أموالهم حقّ ... و الذين يصدّقون بيوم الدين ... أول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۵

۵- زندگی من های دین و ایمان به خدا و قیامت ، پوچ و بی هدف و سرگرمی صرف است .

فذرهم يخوضوا ويلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۲

۲- ایمان به قیامت ، بازدارنده انسان از فسق و فجور

بل يريد الإنسن ليفجر أمامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۴

۴ - ایمان به قیامت و

بیم از آن ، زمینه ساز گرایش و عامل انگیزش به نیکوکاری و نیک کرداری (اخلاص ، ایثار ، انفاق و ...)

و يطعمون الطعام .. أسیرًا ... لانريد منكم جزاءً ولاشکورًا . إنا نخاف من ربّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۳،۴

۳ - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان ، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إنا نخاف من ربّنا یومًا .. فوقیهم الله شرّ ذلك الیوم

<فا> در <فوقاهم> برای تفریح این آیه بر آیه قبل است یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند؛ روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

۴ - ایمان به قیامت و خوف از احوال آن روز ، موجب مصونیت از شرور روز قیامت و خرمی رخسار و شادمانی دل

إنا نخاف من ربّنا یومًا .. فوقیهم الله شرّ ذلك الیوم و لقیهم نضره و سرورًا

آثار برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

وله الملك یوم ینفخ فی الصور

<له الملك> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای

هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیت‌های اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملك يوم ينفخ في الصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۴،۵

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

يوم يأتى تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <يوم يأتى تأويله>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

يوم يأتى تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۸

۸- دوران برزخ برای انسان ها ، پس از گام نهادن در صحنه قیامت ، کوتاه جلوه می کند .

يوم يدعوكم . . . و تظنون إن لبثتم إلا قليلاً

این برداشت بنابراین احتمال است که مراد از <إن لبثتم> درنگ در برزخ باشد؛ چنانکه مفسران نیز گفته اند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۲

۲- به گمان مرد ثروت مند ، عاملی که می توانست باغ ها و کشت زار او را نابود ، کند قیامت بود .

ما أظنّ أن تبيد هذه أبداً . و ما أظنّ الساعة قائمه

تناسب پایان آیه قبل و شروع این آیه را می توان این گونه بیان کرد که مرد ثروت مند، گمان نابودی اموال خود را نداشت. سخن از قطعی نبودن قیامت نیز، پاسخی از جانب او به این سؤال است که: >با قیامت چه خواهی کرد که همه چیز را درهم می ریزد؟< او برای پاسخ به این مشکل می گوید: <و ما أظنّ الساعة قائمه ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۰

۱۰- عذاب الهی در دنیا و یا فرا رسیدن مرگ و قیامت ، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حتى إذا رأوا ما يوعدون إما العذاب و إما الساعة

>الساعة< در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای <قیامت> است و ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از <الساعة> قیامت با تمام مقدمات آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱۱، ۲، ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتَّبِعُوا أهواءهم .. فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة

از

مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

۱۱- وقوع رستاخیز، مایه به خود آمدن کافران؛ اما بی ثمر به حال آنان

فَأَنى لَهُمْ إِذَا جَاءتَهُمْ ذِكْرُهُمْ

تعبیر <ذکری> می رساند که قیامت، مایه هشدار و بیدار شدن کافران است؛ اما این بیداری پس از پایان مهلت است و سودی به حال آنان ندارد (فَأَنى لَهُمْ).

آثار بی ایمانی به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۳

۳- بی ایمانی و بی پروایی نسبت به روز جزا، عامل مخالفت کافران با رسالت پیامبر (ص) و نپذیرفتن تعالیم قرآن

بَلْ لَیخَافُونَ الْآخِرَةَ

آثار بی توجهی به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۸

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حَتى إِذَا جَاءتَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در <فرطنا فیها> می تواند <الساعة> باشد. و مراد از <الساعة> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

آثار ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۵۱ - ۸،۱۱،۱۲

۸ هراس

از روزی که در آن جز خداوند یاور و شفیع نیست، زمینه پذیرش انذارهای انبیا

و أُنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ

۱۱ سوق دادن بیمناکان از حشر و قیامت برای اجتناب از کفر و شرک از اهداف انذار است.

و أُنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ .. لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

<یتقون> در این آیه به معنای تقوای اصطلاحی نیست، بلکه با توجه به آیات این سوره که بحث از کفر و تکذیب بود مراد، اجتناب از کفر و تکذیب و گناهایی از این قبیل است.

۱۲ هراس از قیامت، زمینه ساز اجتناب از کفر و تکذیب آیات الهی است.

و أُنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا .. لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۶، ۱

۱ - ترس از خدا و قیامت ، برانگیزاننده انسان ها به انجام کار های نیک

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ .. أُولَئِكَ يَسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

<أُولَئِكَ> اشاره به موحدانی است که وصفشان در آیات پیش بیان شد. <مسارعه> (مصدر <یسارعون>) به معنای شتاب کردن است.

۶ - خدا ترسی و بیمناک بودن از روز رستاخیز ، برانگیزاننده انسان به پیشتازی در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، نماز به پا می دارند ، زکات می پردازند و از قیامت می ترسند ، از روزی فراوان و بی شمار برخوردارند

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله .. ليجزيهم الله أحسن ما عملوا ويزيد

<حساب> به معنای شمارش است و <بغير حساب> (بی شمارش) می تواند کنایه از کثرت و فراوانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۹

۱۹ - یاد قیامت و بیم از آن ، دارای نقش مؤثر در اصلاح و خود سازی انسان

و تنذر یوم الجمع

از این که خداوند پیامبر(ص) را مأمور به انداز از قیامت می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۵

۵ - وفای به نذر و خوف از قیامت ، از عوامل ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ .. يوفون بالنذر و يخافون يومًا كان شره مستطيرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <یوفون بالنذر..> جمله ای است بیانی که علت بهره مندی ابرار از مواهب بهشتی را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۳،۴

۳ - بیمناکی از قیامت ، عامل انگیزش ابرار به اطعام و انفاق خالصانه و بی چشمداشت

لانريد منكم جزاء ولاشكورا . إنا نخاف من ربنا يومًا عبوسًا قمطريرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنا نخاف..> تعلیل برای <لانريد منكم...> است، یعنی، به این دلیل از شما انتظار پاداش و سپاس گزاری نداریم که چون از روز قیامت دل نگرانیم.

۴ - ایمان به قیامت

و بیم از آن ، زمینه ساز گرایش و عامل انگیزش به نیکوکاری و نیک کرداری (اخلاص ، ایثار ، انفاق و ...)

و يطعمون الطعام .. أسيّرًا ... لانريد منكم جزاءً ولا شكورًا . إنا نخاف من ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۳،۴،۵

۳ - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان ، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إنا نخاف من ربّنا يومًا .. فوقههم الله شرّ ذلك اليوم

<فا> در <فوقاهم> برای تفریح این آیه بر آیه قبل است؛ یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند؛ روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

۴ - ایمان به قیامت و خوف از احوال آن روز ، موجب مصونیت از شرور روز قیامت و خرمی رخسار و شادمانی دل

إنا نخاف من ربّنا يومًا .. فوقههم الله شرّ ذلك اليوم و لقيهم نضرة و سرورًا

۵ - وفای به نذر ، ایثار و انفاق خالصانه به نیازمندان و بیم از روز قیامت ، موجب مصونیت از سختی های قیامت و شادمانی در آخرت است .

يوفون بالنذر و يخافون يومًا .. إنا نطمعكم لوجه الله ... فوقههم الله ... و

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه ناظر به مجموع آیات مربوط به ابرار و ویژگی های آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۳

۳ - وفای به نذر ، ایشار و انفاق به نیازمندان جامعه بدون چشمداشتی و خوف از قیامت ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا .. . إنّما نطعمکم لوجه اللّٰه ... و جزیهم بما صبروا ج

از مصادیق مورد نظر صبر در این آیه، موارد یاد شده است که در آیات پیش در وصف ابرار آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۷

۷ - وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا .. . إنّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورًا

آثار ترسناکی زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۳،۴

۳- با مشاهده ترس و دهشت ناشی از زلزله زمین در آستانه برپایی قیامت ، تمامی مادران ، کودکان شیرخوارشان را بی اختیار در دامن خود رها ساخته و از یاد خواهند برد .

تذهل کلّ مرضعه عمّا أرضعت

<ذهول> (مصدر <تذهل>) به فراموشی ای گفته می شود که از شدت دهشت بر انسان عارض شود. <مرضعه> نیز به زنی گفته می شود که در حال شیر دادن باشد؛ یعنی، هر زن شیر دهنده، به هنگام دیدن آن زلزله، از آن کسی که به او شیر می دهد غافل خواهد شد.

۴- زنان باردار با دیدن

زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت، از شدت بیم و اضطراب، سقط جنین خواهند کرد.

و تضع کل ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است، یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

آثار ترسناکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۲

۲ - آسمان از شدت هراس و هولناکی روز محشر، شکافته و از هم گسسته خواهد شد.

یومًا .. السماء منفطر به

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <با> در <به> سببیت باشد.

آثار ترسیم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۵

۵ ترسیم صحنه های قیامت، از شیوه های قرآن در تربیت و هدایت است.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا

تکرار جمله <لوتری> و همچنین بیان ویژگیهای قیامت در آیات متعدد گویای نکته فوق است.

آثار تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۲

۱۲ - کفر به خدا، انکار قیامت و نداشتن عمل صالح، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی است.

من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

مفهوم جمله <من آمن .. > گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ -

۸ گروهی از انسان ها به خاطر نپذیرفتن قیامت ، دین خدا را دینی منحرف می پندارند و از آن رویگردان می شوند .

الذین یصدون عن سبیل اللّٰه و یبغونها عوجاً و هم بالأخره کفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و هم بالأخره کفرون> جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن حال معلله گفته می شود. بر این مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن بازمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۷

۷ خداوند در روز قیامت کافران منکر قیامت را به فراموشی خواهد سپرد و اعتنایی به آنان نخواهد کرد .

فالیوم ننسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۱،۳

۱ تکذیب آیات الهی و انکار قیامت ، موجب تباه شدن همه اعمال نیک آدمی است .

و الذین کذبوا بآیتنا و لقاء الأخره حبطت أعمالهم

<حبط> به معنای تباه شدن و هدر رفتن است و مراد از <اعمال>، کردار و رفتار نیک است. زیرا تباه شدن اعمال ناپسند موجب منفعت آدمی در دنیا و آخرت خواهد شد. چون <اعمال>، به صورت جمع آمده و به کلمه بعد اضافه شده، مفید استغراق و شمول است. بنابراین <اعمالهم> یعنی تمام کارهای نیک آنان

۳ اعمال نیک بنی اسرائیل در صورت تکذیب

تورات و باور نداشتن قیامت برای آنان سودبخش نخواهد بود .

و الذین کذبوا .. حبطت أعمالهم

مصدق مورد نظر برای <الذین کذبوا .. > با توجه به آیات پیشین، بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۳

۳ انکار جهان آخرت ، زمینه ساز دل بستگی به دنیا و فریفته شدن به زخارف و زینت های آن

إن الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ انکار روز بازپسین ، زمینه ساز طغیان و سرکشی

فذر الذین لا یرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۰، ۶

۶ انکار قیامت ، هم طراز و مساوق انکار ربوبیت خداست .

أولئک الذین کفروا بربههم

۱۰ انکار قیامت ، معلول جهل و نادانی و مانع ترقی و تعالی انسان است .

أولئک الأغلل فی أعناقهم

<أغلال> (جمع غل) به معنای بندها و زنجیرهاست. مراد از آن می تواند معنای حقیقی آن باشد که در این صورت جمله <أولئک الأغلال فی أعناقهم> بیانگر کیفر و مجازات منکران ربوبیت خدا و منکران قیامت است و نیز می تواند مراد از آن معنای مجازی (بندها و زنجیرهای جهل و نادانی، خرافات، سنتهای غلط و ...) باشد که بر این مبنا جمله <أولئک ...> بیانگر ریشه و علت اعتقاد نداشتن به معاد و ربوبیت خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۱

۱ تکذیب قیامت ،

عامل اصلی انکار رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم از سوی کافران و مشرکان

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... بل کذبوا ب

<بل> در <بل کذبوا> برای اضراب انتقالی است و به قرینه مقام، انتقال از یک امر مهم و بزرگ به امری بزرگ تر و مهم تر است؛ یعنی، انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) به خاطر غذا خوردن و داد و ستد آن حضرت در بازار نیست (اینها همه بهانه بود)؛ بلکه به خاطر قبول نداشتن اصل اعتقادی معاد است؛ اصلی که پس از توحید، محور دعوت هر پیامبری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۴

۴ - انکار برپایی قیامت و دروغ پنداشتن آن، سبب کفر است .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون . اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

در این آیه مفعول <تکفرون> ذکر نشده است؛ ولی به قرینه آیه قبل که درباره وعده به عذاب دوزخ است مفعول آن برپایی قیامت و وجود دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۷

۷ - کفر و انکار قیامت، خصومت و ستیزه جویی آشکار و روشن با خداوند است

أولم ير الإنسان أنا خلقه من نطفه فإذا هو خصيم مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - انکار قیامت و مؤاخذه انسان ها در آن روز ، از زمینه های ستم کاری و بدکرداری

الذین لایؤمنون بالأخره .. للذین ظلموا ... و بدا لهم سیئات ما کسبوا و حاق بهم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، منکران روز قیامت و کیفر آن را، ستمکار (ظلموا) و بدکردار (سیئات ما کسبوا) معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - کفر به خدا و انکار روز رستاخیز ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و لكن حقت کلمه العذاب علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۳

۳ - انکار روز جزا ، زاینده پلیدی ها و تهی کننده زندگی انسان از ارزش حیات

نفرین الهی در جایی صورت می گیرد که فرد حقیقتاً ارزش حیات را از دست داده و مستحق مرگ شده باشد از این که <خِزْصون> (یاوه سرایان منکر معاد) نفرین شده اند، مطلب بالا استفاده

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۱

۱ - نکوهش کافران ، به خاطر باورنداشتن به قیامت و جدی نگرفتن تهدید های الهی

و تضحکون و لاتبکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۷

۷ - ناباوری قوم نوح ، نسبت به معاد و قیامت ، زمینه موضع گیری خصمانه آنان در قبال نوح (ع)

كذبت قبلهم قوم نوح فكذبوا عبدنا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <كذبت> به قرینه آیات پیشین تکذیب قیامت باشد. که در این صورت <فای تفریع> در <فكذبوا عبدنا> می رساند که تکذیب پیامبران، ریشه در تکذیب معاد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۳،۴

۳ - پیوستگی تنگاتنگ میان انکار قیامت با اقدام به جرم و گناه

هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون

از این که هر مجرمی به صورت مطلق تکذیب گر جهنم معرفی شده، مطلب بالا استفاده می شود.

۴ - تکذیب قیامت و کیفر آن ، از عوامل دوزخی شدن

هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون

از این که دوزخ به تکذیب گران آن معرفی می شود، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تکذیب قیامت ، عامل هلاکت قوم ثمود

کذبت ثمود .. فأهلکوا بالطاغیه

۳ - تکذیب قیامت ، از موجبات هلاکت و نابودی

کذبت ثمود .. فأهلکوا بالطاغیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تکذیب قیامت ، عامل هلاکت و نابودی عادیان

كذبت ثمود و عاد .. و أما عاد فأهلكوا بريح صرصر عاتيه

۳ - تکذیب قیامت ، از موجبات هلاکت و نابودی

كذبت .. فأهلكوا بريح صرصر عاتيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۱

۱ - تکذیب روز جزا ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلکم فی سقر .. و کنا نکذب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۱

۱ - ترک فریضه نماز ، اطعام مساکین ، گذراندن عمر به بطالت و تکذیب روز جزا ، از عوامل محرومیت انسان از شفاعت در قیامت

قالوا لم نک من المصلین .. و کنا نکذب بیوم الدین ... فما تنفعهم شفاعه الشفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۹ - ۲

۲ - تکذیب روز جزا ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز

قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۹ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۲

۲ - تکذیب قیامت و کیفر و پاداش الهی ، مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

ویل یومئذ للمکذبین

.الذین یکذبون بיום الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما یکذب به إلا کلّ معتد أثیم .. إنهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۳

۳ - تکذیب روز جزا ، انسان را از هر موجود پستی ، فرومایه تر می سازد .

ثمّ ردّنه أسفل سفلین .. فما یکذبک بعد بالدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۴

۴ - تکذیب روز جزا ، زمینه ساز ریاکاری در نماز

أرءیت الذی یکذب بالدین .. فویل للمصلین ... الذین هم یراءون

آثار جهل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۳

۳ - مشخص نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۲

۲- روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۴

۴- آگاه نساختن مردم حتی پیامبر (ص) از زمان وقوع قیامت ، مؤثر در رشد و تربیت آنان

إلى رَبِّكَ منتهيها

واژه <رَبِّكَ>، گواه این است که هدف از مسکوت

گذاشتن زمان قیامت، تربیت و رشد دادن است و چون پوشیده ماندن آن، تنها ویژه پیامبر(ص) نبوده است؛ می توان سودمندی آن را به همگان تعمیم داد.

آثار حضور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۹

۹- انسان ها ، پس از حضور در قیامت ، درمی یابند که زندگی دنیوی ، بسیار کوتاه بوده است .

یوم یدعوکم فتستجیبون .. تظنون إن لبثتم إلا قليلاً

بنابر اینکه مراد از <إن لبثتم> حیات دنیوی باشد که تصور می شد تا برپایی قیامت بسیار طولانی است، برداشت فوق به دست می آید.

آثار دومین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۸ - ۱

۱ - هنگام پیدایش دومین لرزش در دوران برپایی قیامت ، قلب های فراوانی را لرزه و اضطرابی شدید فرا خواهد گرفت .

قلوب یومئذ واجفه

<قلب واجف>، به قلبی گفته می شود که اضطراب شدیدی بر آن مستولی باشد (لسان العرب). <قلوب> نکره ای است که بر تکثیر دلالت دارد و به همین سبب با آن که نکره است مبتدا قرار گرفته است.

آثار ذکر احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ - توجه و اعتقاد به صحنه های دشوار و سخت قیامت ، مقتضی ترس از آن روز است .

یخافون یومًا تتقلب فیہ القلوب و الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۸،۹

۸ - توجه به سختی های قیامت ،

برانگیزاننده آدمی به تحصیل تقوا است .

اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَ اخشوا یومًا

فراخوانی به ترس از قیامت، پس از دعوت به تقوا، می تواند به منظور این نکته باشد که ترس از قیامت، در کسب تقوا به عنوان توشه ای برای آخرت، تأثیر دارد.

۹ - توجه به دشواری های قیامت ، باعث فراهم آوردن توشه مناسب برای آن روز می شود .

اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَ اخشوا یومًا لایجزی والد عن ولده

مطرح کردن این نکته که در قیامت هر کس در قبال اعمالش کیفر می شود، می تواند اشعار به این حقیقت داشته باشد که هر کسی باید برای خود چاره ای بیندیشد و توشه ای فراهم آورد. گفتنی است که دستور <اخشوا یومًا> پس از امر <اتَّقُوا> می تواند مؤید بر برداشت بالا باشد.

آثار ذکر حتمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به وقوع حتمی قیامت و از دست رفتن فرصت ها ، زمینه پابندی انسان به دین است .

فَأَقِمْ .. من قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ یَوْمَ ... یَوْمَئِذٍ یَصْدَعُونَ

یادآوری وقوع قیامت پس از سفارش به پابندی به دین، می تواند به منظور ایجاد انگیزه در انسان برای عمل به آن فرمان باشد.

آثار ذکر حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۴

۴ - توجه به حقانیت قیامت ، زمینه ساز جهت دادن تلاش ها و حرکت ها به سوی خداوند

فَمَنْ شَاءَ اتَّخِذْ إِلَی رَبِّهِ مَابًا

<فَاء> در <فَمَنْ شَاءَ..> برای تفریع است. مفاد آیه شریفه این است که چون قیامت حق

است، بنابراین باید مقصد را به گونه ای برگزید که به سوی خدا باشد.

آثار ذکر ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۴

۴ - توجه به ظهور حقایق در قیامت ، بازدارنده انسان از تلاش برای پیروزی بر حریفان ، در مسابقه ثروت و مقام

ألهیکم التکاثر .. ثم کلاً سوف تعلمون

آثار ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به قیامت و رخداد های مخاطرآمیز آن ، زمینه ساز ایمان به پیامبر (ص) و قرآن

من یکفر به فأولئک هم الخسرون .. و اتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ توجه به نبودن هیچ یاور و شفیع جز خداوند در قیامت، موجب هرس از حشر

الذین یخافون .. لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۷

۱۷ - توجه و اعتقاد انسان به قیامت ، مانع پیمان شکنی وی خواهد شد .

و أوفوا بعهد الله .. تتخذون أیمانکم دخلاً بینکم ... و لیبینن لكم القیم

تذکر خداوند به تبیین حقایق در قیامت، پس از طرح مسأله پیمان و سوگندشکنی، می تواند اشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۶

۶- توجه به قیامت و یاد آن

، امری لازم و دارای نقش سازنده و هدایتی

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

برداشت فوق، مبتنی بر این است که نصب <یوم> به تقدیر فعل <اذکر> یا <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۴

۴ - توجّه انسان به چگونگی خلقت خویش و مرگ و رستاخیز، زمینه ساز گرایش وی به ایمان و رو کردن به ارزش های دینی و الهی

ثمّ إنکم یوم القیمه تبعثون

در آیات نخستین این سوره، سخن از مؤمنان راستین و صفات ارزشی آنان بود. اکنون در این آیات که سخن از خلقت شگفت انسان و مرگ و رستاخیز او است می تواند رهنمودی باشد به انسان ها برای گرویدن به راه مؤمنان راستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - یاد قیامت، مؤثر در تصحیح رفتار و بازداشتن انسان از انحراف

أفمن یلقى فی النار خیر أم من یأتی ءامناً یوم القیمه .. إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۹

۱۹ - یاد قیامت و بیم از آن، دارای نقش مؤثر در اصلاح و خود سازی انسان

و تنذر یوم الجمع

از این که خداوند پیامبر(ص) را مأمور به انداز از قیامت می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ - توجه به قیامت ، زمینه ساز گرایش انسان به حقانیت قرآن و موازین الهی

اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ

الكتب بالحق .. و ما يدريك لعل الساعه قريب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاينه - ۴۵ - ۳۴ - ۵

۵ - توجه انسان به روز جزا ، زمينه ساز برخورداري او در قيامت از رحمت خدا

و قيل اليوم ننسيكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا

از مفهوم <نساكم كما نسيتم> استفاده مي شود كه اگر انسان، قيامت را از ياد نبرد، مورد بي اعتنايي حق در آخرت قرار نخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۲

۲ - توجه به انذار هاي الهی و واقعيت قيامت ، مایه نگرانی انسان و پرهیز از سرخوشي ها

أفمن هذا الحديث تعجبون . و تضحكون و لاتبكون

لحن توييخی آيه شريفه، می رساند كه توجه به حقانيت معاد و مفاهيم وحی، مقتضی اين است كه آدمی، بر فرجام خویش گريان و اندوهناك باشد؛ نه سرمست و خندان.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ - ۲

۲ - آگاهی از قيامت و سرگذشت انسان ها در آن روز ، زداینده غفلت ها و مایه یادآوری و بيداری

إن هذه تذکره

آیات گذشته، درباره قيامت و احوال انسان ها در آن روز بود؛ از این رو ممکن است، <هذه> اشاره به این موضوع باشد.

آثار ذکر نزدیکی قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ - توجه به نزدیک بودن زمان وقوع قیامت ، دارای نقشی مؤثر در رویکرد به خوبی ها است .

و ما یدریک لعلّ الساعه تکون قریباً

عدم اعلام صریح زمان

وقوع قیامت و قریب الوقوع دانستن آن، چه بسا به منظور آماده ساختن مردم و هشدار به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۹

۹ - توجه به نزدیکی قیامت، عامل حساسیت فزون تر نسبت به اعمال خویش

و لتنظر نفس ما قدّمت لغد

از به کار گرفته شدن واژه <غد> به جای قیامت، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۴

۴ - توجه به نزدیکی بودن قیامت و اندک بودن فاصله آن با زندگانی دنیا، افزایش دهنده ترس و نگرانی درباره گرفتاری های آن *

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشِيهَا . كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحِيهَا

آثار زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۳

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۲،۳

۲ - زمین در قیامت، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دینه های خویش، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد

ساخت .

يومئذ تحدد أخبارها

۳- زمین پس

از تحولاتی در سه مرحله (> لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا < ، > اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت < و > اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود <) ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إذا زلزلت .. و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۲

۲ - زلزله زمین ، از مقدمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قیامت است .

إذا زلزلت الأرض .. یومئذ یصدر الناس

آثار سختی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - زمزل - ۷۳ - ۱۷ - ۳

۳ - سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

یومًا یجعل الولدن شیئًا

آثار سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۶

۶ - شدت گرفتاری مردم در قیامت ، مانع پرداختن آنان به حل مشکلات دیگران ؛ حتی خویشاوندان خویش

یوم یفر المرء من أخیه

جمله <لکلّ .. شأن یغنیه> در آیات بعد، می تواند قرینه بر انگیزه فرار در قیامت باشد؛ یعنی، هر کس آن قدر به خود مشغول است که گوش و چشم خود را بر فریاد و زاری دیگران فرو می بندد و از درگیر

ساختن خود با مسائل آنان می‌گریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۱،۳

۱ - گرفتاری‌های هر کس در قیامت، جایی برای رسیدگی او به دیگران باقی نگذاشته، او را به خود مشغول خواهد ساخت.

لکلّ امریء منہم یومئذ شأن یغنیہ

به هر امری از امور <شأن> گفته می‌شود (قاموس)؛ جز این که سیاق آیه شریفه دلالت بر عظمت شأن مورد نظر دارد. فعل <اغنی> چه با حرف <عن> و چه بدون آن باشد به معنای <کفی> است (مفردات راغب). کفایت کردن شأن و کار، به معنای پر شدن فرصت‌ها است؛ به گونه‌ای که برای کار دیگر امان ندهد. اکتفا به بیان وضعیت مردان با کلمه <امرئ>، به جهت وضوح هم‌سرنوشت بودن زنان با آنان است.

۳ - شاید قیامت، از میان برنده فرصت بهره‌رساندن خویشاوندان به یکدیگر است.

یوم یفرّ المرء من أخیه .. لکلّ امریء منہم یومئذ شأن یغنیہ

جمله <لکلّ امرئ ..>، بیانگر علت فرار خویشاوندان از یکدیگر است و نشان می‌دهد که در آن سرا گرچه عواطف خویشاوندی هم وجود داشته باشد؛ ولی سودی نخواهد داشت.

آثار شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۶

۶ - شک و دودلی آمیخته با بدگمانی مشرکان پیشین، به بعث و قیامت باعث گرفتار شدن آنان به عذاب

و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم .. إنهم کانوا فی شکّ مریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۲

۲۲ - شك و تردید نسبت به قیامت نشانه کفر است .

و ما أظنّ الساعة قائمه .. الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۴،۶

۴ - تردید در قیامت ، حجاب آدمی در دیدن آیات روشن توحیدی است .

سنریهم ءایتنا .. ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <أنه الحقّ> در آیه قبل به خدا برگردد. در این صورت می توان گفت که: عبارت <ألا إنهم فی مریه> در مقام بیان این است که تردید در قیامت، باعث شده است که کافران نتوانند از آیات روشن توحیدی بهره ببرند.

۶ - تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه ساز بی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أرءیتم إن كان من عند الله .. فی شقاق بعید... ألا إنهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناپاوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

آثار ظن به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۴ - ۳

۳ - اعتقاد به معاد ، حتی در حد گمان ، بازدارنده انسان از خیانت در سنجش کالای دیگران

ألا یظنّ أولئک أنهم مبعوثون

در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۶

۶- ظهور حقایق در رستاخیز ، وادارنده انسان به ستایش خدا و بازدارنده او از گستاخی

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

جمله <تستجیبون بحمده> می رساند که این پاسخ گویی، همراه با زور و اکراه نیست؛ بلکه ممکن است به خاطر مشاهده حقایقی باشد که انسان را به ستایش خدا وامی دارد.

آثار عقیده به احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ - توجه و اعتقاد به صحنه های دشوار و سخت قیامت ، مقتضی ترس از آن روز است .

یخافون یومًا تتقلب فیہ القلوب و الأبصر

آثار عقیده به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲- عقیده به قیامت و هدف داری و حکمت آمیز بودن جهان خلقت ، موجب آسانی تحمل مشکلات و مقتضی گذشت و نادیده گرفتن اذیت و آزار و آسیب های وارده از سوی دشمنان است .

و ما خلقنا السموت ... إلاّ بالحقّ ... فاصفح الصفح الجمیل

<فا> در <فاصفح> تفریع است و جمله <فاصفح...> را بر جمله <و ما خلقنا السموات ... إلاّ بالحق و إن الساعه لأتیة> عطف کرده است. بنابراین، استفاده می شود که به حق آفریده شدن جهان اقتضا دارد تا انسان حق طلبی همچون رسول الله(ص) در مسیر حق بردبار باشد و تلاش خود را در برابر حق ناپذیری کافران بیهوده نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶

۱۷- توجه و اعتقاد انسان به قیامت ، مانع پیمان شکنی وی خواهد شد .

و أوفوا بعهد الله .. تتخذون أيمانكم دخلاً بينكم ... و ليبيئن لكم القيم

تذکر خداوند به تبیین حقایق در قیامت، پس از طرح مسأله پیمان و سوگندشکنی، می تواند اشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متی هذا الوعد .. لو يعلم الذين

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق ستیزی و هرگونه گناه باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به قیامت و عذاب دوزخ ، سبب ترس از خدا و تقوای پیشگی

لهم من فوقهم ظلل من النار .. ذلك يخوف الله به عباده يعباد فاتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۹

۹ - اعتقاد به روز قیامت ، بازدارنده انسان از گناه و بزه کاری (چون آدم کشی)

إني أخاف عليكم يوم التناد . يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم

از این که مؤمن آل فرعون برای بازداشتن فرعونیان از کشتن موسی(ع)، مسأله معاد و حسابرسی

اعمال بندگان را مطرح ساخت، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۴،۵

۴ - تقوا، تبلور ایمان و اعتقاد به قیامت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

از این که برای اهل ایمان تنها وصف تقوا آورده شده است، روشن می شود که تقوا، تبلور ایمان به وحی و اعتقاد به قیامت است.

۵ - پایبندی به ارزش ها و پرهیز از زشتی ها و پلیدی ها، تنها در گرو اعتقاد به قیامت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

از تقابل میان <متقین> و <منکران معاد> که در آیات پیشین مطرح شده است به دست می آید که تقوا در صورتی حاصل می شود که فرد، منکر قیامت نباشد؛ زیرا با انکار قیامت پایبندی به ارزش ها میسر نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۹

۹ - اعتقاد به قیامت و توجه داشتن به کیفر و پاداش الهی در آن، موجب تقویت روح تقوای پیشگی در انسان

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

یادآوری حشر انسان ها در قیامت پس از توصیه به تقوا می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۲

۲ - اعتقاد به روز جزا، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (حرص، بخل، ناشکیبایی و...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا... إِلَّا الْمُصَلِّينَ... وَالَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۵

۵ - وجود ارتباط وثیق و ناگسستنی ، میان عقیده به روز جزا و دیگر عقاید دینی و معارف الهی

بل لایخافون الآخره

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که با تکذیب قیامت از سوی کافران، دیگر عقاید دینی نادیده انگاشته می شد.

آثار علم به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ - ۲

۲ - آگاهی از قیامت و سرگذشت انسان ها در آن روز ، زداینده غفلت ها و مایه یادآوری و بیداری

إِنَّ هَذِهِ تَذَكَّرُهُ

آیات گذشته، درباره قیامت و احوال انسان ها در آن روز بود؛ از این رو ممکن است، <هذه> اشاره به این موضوع باشد.

آثار عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۱

۱ بیان آثار و نتایج رفتار انسان ها مؤمن و کافر در قیامت ، از آیات حق الهی

یوم تسوّد .. تلک ایات اللّٰه نتلوها علیک بالحق

آثار غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- غفلت از قیامت ، زمینه ساز کفرورزی و بی ایمانی است .

و أنذرهم يوم الحسره . . . و هم فى غفله و هم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۲ - ۹

۹- غفلت از قیامت ، زمینه ساز بی اعتنائی به وحی و بازیچه قراردادن دین است .

و هم فى غفله معرضون

. ما یأتیهم ... و هم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۸

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - غفلت از قیامت و دور پنداشتن آن ، از موانع مهم بی توجهی انسان به حقایق وحی و قوانین الهی

اللّٰه الذی أنزل الکتب . . . و ما یدریک لعلّ الساعه

از این که در مسأله قیامت، امکان نزدیک بودن آن تخصیص به ذکر یافته، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بی توجهی به روز قیامت و غفلت از پایان یافتن فرصت انجام تکالیف ، عامل اساسی در ترک دستورات الهی است .

استجیبوا لرّبکم من قبل أن یأتی یوم لا مردّ له

ذکر <من قبل أن یأتی> می تواند اشاره به آن داشته باشد که انسان ها، چنانچه به روز قیامت توجه کنند به اجابت دعوت الهی روی خواهند آورد.

آثار فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲۱

شدید الهی

لهم عذاب شدید بما نسوا يوم الحساب

<باء> در <بما نسوا..> برای سببیت است؛ یعنی، چون انسان ها روز حساب را فراموش کردند، به عذاب شدید محکوم شدند.

آثار قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۲

۲- برپایی قیامت ، اندوه زا و همراه با وحشت و فزع و جزع بزرگ است .

لا یحزنهم الفزع الأكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۵

۵- بازگشت به دنیا پس از برپایی قیامت ، ممکن نیست .

فلو أن لنا كرة فنكون من المؤمنين

برداشت یاد شده با توجه به آمدن واژه <لو> است که معمولاً در موارد غیر ممکن به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۲

۲- معاد و برپایی قیامت ، نمودی از تدبیر خداوند هستی و شایسته حمد و ستایش

إن وعد الله حقّ .. و قيل اليوم ننسیکم ... فالیوم لا یخرجون ... فَلَله الحمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۲

۲- برپایی قیامت ، نمودی از عظمت و کبریایی خداوند است .

أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا .. وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۵

۵ - شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

يَتَسَاءَلُونَ .. ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای بزرگ که هنگام برپایی آن ، شترداران با دل کندن از مرغوب ترین شتران خود ، آنها را به حال خود رها خواهند کرد .

و إذا العشار عطّلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۱

۱ - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت ، پناهگاه های خود را ترک کرده ، گرد هم جمع خواهند شد .

و إذا الوحوش حشرت

<وحوش> جمع <وَحْش> است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، <وَحْش> و <وحشئ> که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است گفته می شود (مصباح). <حشر>؛ یعنی، <جمع> (لسان العرب). راغب می گوید: <حشر>؛ یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات؛ یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۴

۴ - آماده سازی بهشت و جهنم برای ورود اهل آن ، هم زمان با برپایی قیامت

و إذا الجحیم سعّرت . و إذا الجنّه أزلفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۲

۲ - مشاهده کردار ها در عرصه قیامت ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان و پدیدار شدن رخدادهایی در صحنه قیامت

إذا الشمس .. و إذا ... و إذا ... علمت

نفس ما أحضرت

آیه شریفه، جواب حرف شرط <إذا> است که از آغاز سوره تکرار شده است.

آثار کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۳

۳ باور نداشتن قیامت زمینه پذیرش القائات و تبلیغات شیطانی است.

و لتصغى إليه أفئدة الذين لا يؤمنون بالآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۷

۷ - ناباوری به قیامت، در دنیا، عامل بی حاصل شدن معذرت خواهی در روز قیامت است.

و لكنكم كنتم لاتعلمون . فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا معذرتهم

<فاء> در <فيومئذ> عاطفه است و می تواند برای سببیت باشد. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <کسانی که به روز قیامت علم نداشتند، در آن روز معذرت خواهی شان سودی ندارد>. علم نداشتن، ملازم با ناباوری و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - ناباوری به قیامت، عامل حق ناپذیری و تأثیر نداشتن عالی ترین پیام های ارزشی در روح انسان

فذکر بالقرءان من يخاف وعيد

با توجه به این که آیات پیشین درباره معاد و رستاخیز بود؛ <من يخاف وعيد> می تواند بیانگر مسأله قیامت و نظام کیفر و پاداش باشد. در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد بود: <قرآن در ناباوران به قیامت بی تأثیر است>.

آثار ناگهانی بودن قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- وقوع ناگهانی قیامت ، مجال هر گونه بازنگری و توبه را برای کافران لجوج

از میان می برد .

فقد جاء أشراطها فأنتى لهم إذا جاءتهم ذكريهم

آثار نظام جزایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۲۰ - ۴

۴ - نظام کیفر و پاداش الهی در روز رستاخیز ، موجب تأسف و حسرت شدید منکران معاد خواهد شد .

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <هذا یوم الدین> استثنافیه و در مقام تعلیل برای مفاد جمله قبل است.

آثار نگرانی از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۷

۷- خدا ترسی و نگرانی از قیامت ، زمینه ساز بهره مندی انسان از وحی و هدایت الهی

و ذکراً للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب و هم من الساعه مشفقون

خداوند، در آیه قبل، تقوای پیشگان را شایسته بهره مند شدن از نور و هدایت خود دانسته و در این آیه اوصاف آنان را بیان کرده است. از ارتباط میان دو آیه می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

آثار یقین به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - اطاعت کامل از دستورات وحی ، تنها در پرتو باور و یقین به قیامت میسر خواهد بود .

و إنّهُ لعلم للساعه فلا تمترنّ بها و اتّبعون

ارتباط دو قسمت آیه شریفه (و إِنَّه لَعَلْمٌ لِّلسَاعَةِ فَلَاتَمْتَرَنَّ بِهَا) و (اتَّبِعُون) نشانگر آن است که اعتقاد به قیامت، زمینه ساز پیروی کامل از دستورات خداوند است.

آرزو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء توذّ لو أنّ بینها و بینه امداً بعيداً

آرزوی فرار از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند بود .

يقول الإنسان يومئذ أين المفرّ

<مفرّ> (مصدر میمی از <فرّ>) به معنای گریختن و استفهام در <أین المفرّ> برای <تمنّی> است. مقصود از <الإنسان> به قرینه <أیحسب الإنسان...> کافران اند.

آزادی بیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- آزاد و بدون مانع بودن سخن گفتن برای برخی از افراد در قیامت

ثمّ يوم القيّمه .. قال الذين أوتوا العلم

آسمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۷

۷ لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای دشوار و سنگین برای آسمان ها و زمین

ثقلت فی السموت و الأرض

متعدی شدن <ثقلت> با حرف <فی>، و نه حرف <علی>، گویای این است که آنچه در لحظه برپایی قیامت در آسمانها و زمین واقع می شود، حوادثی عظیم است که تحمل آن بر آسمانها و زمین دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- < عن النبي (ص) فی معنی < الفرع الأكبر > : ان الناس یصاح

بهم صیحه واحده فلا یقی میت إلا نشر و لا حی إلا مات إلا ما شاء الله ثم یصاح بهم صیحه آخری فینشر من مات و یصفون جمیعاً و تنشق السماء و تهد الأرض و تحزّ الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلا یقی ذو روح إلا إنخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلا ما شاء الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أكبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یاد آورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱،۲

۱- قیامت روزی است که خداوند ، آسمان را هم چون پیچیدن طومارنامه ها ، در هم می پیچد .

یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ <طی> به معنای پیچیدن است. ۲ <سجل> یا به معنای <کاتب> می باشد که در این صورت اضافه <طی> به <سجل> اضافه مصدر به فاعل

است و <لام> در <للکتب> برای اختصاص و یا برای تقویت عامل <طی> است و یا به معنای هر چیزی است که در آن نوشته باشند. در این صورت اضافه <طی> اضافه به مفعول است و <لام> در <للکتب> به معنای <من أجل> است.

۲- قیامت و در هم پیچیده شدن آسمان در آستانه آن ، از حوادث درس آموز و شایسته یاد و یادآوری

یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <یوم> به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۱

۱ زمین همچون آسمان ، دست خوش تحولات عظیم در آستانه قیامت

یوم تمور السماء .. و تسیر الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۷ - ۱،۲

۱ - شکافته شدن آسمان و از هم پاشیدن آن ، در آستانه قیامت

فإذا انشقت السماء

<انشقاق> به معنای شکافته شدن و در مورد آسمان به معنای درهم ریختن نظم کنونی اجرام است.

۲ - سرخ شدن آسمان و شباهت پیدا کردن آن به چرمی گلگون ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقت السماء فکانت ورده کالدهان

<ورده> به معنای گل سرخ و <دهان> به معنای چرم قرمز است. بنابراین <کانت ورده کالدهان> یعنی، همانند چرم گلگون سرخ خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۱

۱ - شکافته شدن و از هم گسستن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

یومًا .. السماء منظر به

برداشت یاد شده، مبتنی بر این

احتمال است که <با> در <به> ظرفیه و به معنای <فی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۹ - ۱،۳

۱ - آسمان ، در آستانه برپایی قیامت ، از هم گسیخته شده و اجزای آن می گسلد .

و إذا السماء فرجت

<فرج>، به معنای شکاف است (قاموس المحيط).

۳ - متلاشی شدن نظم کنونی آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

و إذا السماء فرجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۹ - ۱

۱ - آسمان در نخستین مراحل برپایی قیامت ، به فضایی باز و خالی از موانع عبور تبدیل خواهد شد .

و فتحت السماء فکانت أبواباً

مبالغه موجود در تعبیر <فکانت أبواباً> در تعبیر <فکانت ذات أبواب> نیست؛ زیرا در تعبیر اول، گویا آسمان به جهت فراوانی راه عبور چیزی جز همان درب ها نیست. جمله <فتحت السماء> عطف بر <ینفخ> و یا حال برای فاعل <تأتون> است. در هر دو صورت، حوادث آغازین قیامت را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱ - ۱

۱ - آسمان در آستانه قیامت ، از هم گسیخته خواهد شد .

إذا السماء انفطرت

<انفطار>؛ یعنی، انشقاق (تاج العروس). به قرینه <و إذا القبور بعثرت> در آیات بعد، انفصال اجزای آسمان از یکدیگر، پیش از حادثه قیامت و در آستانه آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۲

۲ - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم

خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱ - ۱

۱ - آسمان در آستانه قیامت ، از هم گسیخته شده و اجزای آن می گسلد .

إذا السماء انشقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۳

۱۳- > عن محمد بن مسلم قال : سمعت أبا جعفر (ع) يقول : ... لعلكم ترون إنه إذا كان يوم القيامة ... إن الله تبارك و تعالی لا يعبد في بلاده و لا يخلق خلقاً يعبدونه ... بلى و الله ليخلق خلقاً من غير فحوله و لا - إناث ... و يخلق لهم أرضاً تحملهم و سماء تظلمهم أليس الله يقول : > يوم تبدل الأرض غير الأرض و السماوات < ... ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می فرمود: ... شاید شما گمان کنید هنگامی که روز قیامت فرا رسد ... خدای تبارک و تعالی در بلاد خود عبادت نمی شود و خلقی را که عبادت او ... کند، نمی آفریند؟ چنین نیست، به خدا سوگند! خدا خلقی را از غیر نر و ماده می آفریند و برای آنها زمینی که آنان را حمل کند و آسمانی که بر سر آنها سایه افکند، خلق می کند. آیا خدا نفرموده است: يوم تبدل الأرض غير الأرض و السماوات؟<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - آسمان ها ، در روز قیامت پیچیده در دست قدرت خداوند است .

و السموت مطویّت بیمینه

۱۲ - > عن سلیمان بن مهران ، قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزّوجلّ > و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة < فقال یعنی ملکه لایملکها معه أحد . . . > و السماوات مطویّات بیمینه < قال : الیمن الید ، و الید القدره و القوّه یقول عزّوجلّ و السماوات مطویّات بقدرته و قوته سبحانه و تعالی عمّا یشرکون ؛

سلیمان بن مهران گوید: از امام صادق (ع) از سخن خداوند عزّوجلّ که می فرماید: < و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة > سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالکک زمین نیست. . . و درباره > و السماوات مطویّات بیمینه < فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزّوجلّ فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شرکی که به او نسبت می دهند.

آسمان هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۲،۳،۴

۱ شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و یوم تشقّق السماء بالغمم و نزل الملائکه تنزیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف (همچون <اذکر>) باشد.

۲ آسمان به همراه ابر ها ، در آستانه برپایی قیامت

شکافته خواهد شد .

یوم تشقق السماء بالغمم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <با> در <بالغمام> برای ملابست باشد؛ مثل <رکب الامیر بسلاحه>؛ امیر همراه سلاحش بر مرکب خود سوار شد.

۳ آسمان ، در آستانه برپایی قیامت ، به وسیله ابرها شکافته خواهد شد .

و یوم تشقق السماء بالغمم

برداشت فوق، بر این اساس است که <با> در <بالغمام> برای سبیت باشد.

۴ با شکافته شدن آسمان در آستانه برپایی قیامت ، فرشتگان بر اهل زمین فرود خواهند آمد .

و یوم تشقق السماء بالغمم و نزل الملائکه تنزیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۸ - ۱

۱ - گداخته شدن آسمان ، همچون ذوب فلزات در آستانه برپایی قیامت

یوم تکون السماء کالمهل

<مهل> به هر فلز گداخته شده (همچون طلا، نقره، مس و ..) گفته می شود.

آسیب پذیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۸

۸ - انسان در صحنه قیامت ، در معرض آسیب ها و نیازمند امنیت

أم من یأتی ءامناً یوم القیمه

با توجه به اتصاف مؤمنان به وصف امنیت و آرامش، مطلب بالا برداشت می شود.

آغاز برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۳

۳ - حاضران در صحنه قیامت ، در آغاز برپایی آن جهنم را مشاهده نمی کنند . *

و جایء یومئذ بجهنم

آغاز قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ نبود فاصله زمانی بین مرگ تمامی

انسان ها و آغاز قیامت

فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

بقای مسیحیان تا روز قیامت، حاکی از نبود فاصله بین قیامت و مرگ انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۹ - ۳

۳ - انقراض نسل بشر در دنیا و آغاز قیامت، غافل گیرانه و در حالی خواهد بود که همگان سرگرم جدال و کشمکش روزانه اند.

ما ینظرون إلا صیحه وحده تأخذهم و هم یخضمون

<یخضمون> (از ماده <خصومت> و <خصام>) به معنای جدال و کشمکش است و جمله <و هم یخضمون>، حال برای ضمیر مفعولی در <تأخذهم> است؛ یعنی، در حالی که آنان سرگرم جدال و کشمکش بر سر زندگی مادی اند، ناگهان صیحه سهمگین آنان را فراخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۱ - ۲

۲ - جهان آخرت و رستاخیز انسان ها، با نفخ صور آغاز خواهد شد.

و نفخ فی الصور فإذا هم من الأجدات إلی ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۸ - ۱

۱ - آغاز شدن رستاخیز انسان ها، با دمیده شدن در صور

فإذا نقر فی الناقور

<ناقور> به معنای <صور> است (قاموس المحيط و مفردات راغب).

آفرینش در قیامت

۴- برپایی قیامت به معنای نیستی محض و نابودی کامل جهان طبیعت و آفرینش دوباره آن نیست ؛ بلکه به معنای در هم پیچیده شدن نظم کنونی آن و تبدیل به نظم نوین است .

نطوی السماء کطی السجل للکتب

با توجه به تشبیه درهم پیچیدگی آسمان به پیچیده شدن طومار که به معنای حفظ اصل و موجودیت آن همراه با از بین رفتن نظام حاکم بر آن است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۴

۴- آکنده شدن فضا از دودی تیره و غلیظ ، در آستانه برپایی قیامت

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

بنابراین که آیه شریفه، در مورد علایم روز قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۴

۴- تیرگی تمام جهان ، در آستانه قیامت *

یغشی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۹ - ۲

۲ - تحولات شگفت و ناهنجار در نظام طبیعت ، در آستانه رستاخیز

یوم تمور السماء مورًا

برداشت یاد شده بر این اساس است که <تمور> در معنای اضطراب و ناآرامی به کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، در پی تحولات عظیم و دگرگونی نظام هستی

یوم تمور . . . و تسیر الجبال ... فویل

تفریع <فویل> بر حوادث مطرح شده در آیات پیشین، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۸ - ۲

۲ - دگرگون شدن نظم کنونی منظومه شمسی ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۶ - ۴

۴ - عوالم هستی ، پس از برپایی قیامت نیز در حال رشد و تکامل خواهند بود . *

یوم یقوم الناس لربّ العلمین

توصیف خداوند به <ربّ العالمین> حتی در قیامت بیانگر تداوم تدبیر و تربیت جهان هستی، در آن زمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۳

۳ - جهان در آستانه قیامت ، به گونه ای شگفت آور درهم کوبیده خواهد شد .

ما القارعه

آگاهی از برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۴، ۲

۲ آگاهی به زمان برپایی قیامت ، دانشی در انحصار خداوند

قل إنما علمها عند ربی . . . قل إنما علمها عند الله

۴ خداوند تنها قدرتی است که بر آشکارسازی قیامت تواناست .

لا یجلیها لوقتها إلا هو

<تجلیه> مصدر <یجلی> به معنای اظهار کردن و آشکار ساختن است.

۱۰ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت ، حتی به صورت احتمال

لا تأتیکم إلا بغته

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که انسان زمان تحقق آن را، حتی به صورت احتمال و حدس،

در ذهن خویش ترسیم نکرده باشد.

۱۱ پیامبر (ص) بر خلاف تصور مردم، بر آگاه شدن به زمان تحقق قیامت اصرار نداشت و برای دستیابی به آن تلاش نکرد.

یسئلونک کأنک حفی عنها

<حفی به> یعنی کنجکاوی نمود و درباره آن زیاد پرسش کرد. چون کلمه <حفی> در آیه شریفه با <عن> متعدی شده، معنای کشف کردن نیز در

آن مندرج است. یعنی <کانک حفی بها مستکشفها>. گویا تو پرسش کرده ای و در صدد کشف آن برآمده ای.

۱۳ پیامبر (ص)، بر خلاف تصور مردم، به زمان برپایی قیامت آگاه نبود.

یسئلونک کأنک حفی عنها

<حفی عنها> که دلالت بر پرسش زیاد و تلاش برای کشف زمان قیامت دارد، به قرینه <یسئلونک>، کنایه از آگاهی نیز می باشد. یعنی آنان گمان می کنند که تو از زمان قیامت پرسش کرده ای و در نتیجه بدان آگاه شده ای.

۱۴ عموم مردم نمی دانند که آگاهی به زمان قیامت در انحصار خداوند است.

و لکن أكثر الناس لا یعلمون

مفعول <لا یعلمون> معنایی است که از <انما علمها ..> به دست می آید.

۱۵ انحصار دانش قیامت به خدا، خود علم و معرفتی است که تنها برخی از مردم آن را درخواهند یافت.

إنما علمها عند الله و لکن أكثر الناس لا یعلمون

آگاهی از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۷

۷ تنها خداوند آگاه از زمان قیامت و حشر آدمی است.

و أجل مسمى عنده

مراد از <اجل مسمى> می تواند زمان برپایی قیامت باشد که پس از ذکر خلقت و عمر آدمی به عنوان آخرین منزل ذکر شده است.

آگاهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۰

۱۰ خداوند آگاه کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلى ربكم مرجعكم فينبئكم

آل فرعون در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر

۶- به دوزخ افتادن خاندان فرعون در قیامت با فرمان الهی

و یوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشدّ العذاب

آمادگی برای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۲

۲- لازم است که انسان ، برای حضور در صحنه قیامت ، همواره آماده باشد .

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ .. و ما تدری نفس بأیّ أرض تموت

نامعلوم گذاشته شدن زمان برپایی قیامت، احتمال دارد به خاطر این نکته باشد که انسان، همواره برای آن، باید آماده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- لزوم آمادگی همیشگی انسان برای مواجهه با قیامت

و ما یدریک لعلّ الساعة قریب

خبر از نزدیکی قیامت، می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

آمزش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار آمزش خود ، پدر و مادرش و مؤمنان در روز برپایی قیامت شد .

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

آمزشهای خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۴

۴- جلوه و ظهور غفران و رحمت گسترده الهی در قیامت

إِنَّ رَبَّكَ... لَغَفُورٌ رَحِيمٌ . یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <یوم> ظرف برای <لغفور رحیم> باشد.

آهسته گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - مردم حاضر در صحنه قیامت ، گفتار خود را با صدایی آهسته به زبان خواهند آورد .

یومئذ .. خشعت الأصوات للرحمن

<خشوع صوت> به معنای پایین آمدن صدا است (تاج العروس).

۹ - روز قیامت ، هیچ صدایی از آدمیان به جز صدای پنهان و زیر لب و یا صدای آهسته گام ها ، شنیده نخواهد شد .

و خشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع إلا همسًا

<همس> یعنی ، صدای پنهان و <همس الأقدام> به مخفیانه ترین قدم زدن گفته می شود (معجم مقاییس اللغه) در این آیه هر دو معنا محتمل است.

ابتلا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ آدمی در قیامت گرفتار پیامدهای اعمال خویش است.

و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

ابرار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۴

۴ - مردم در قیامت ، به دو گروه شاخص < ابرار > و < فجّار > تقسیم خواهند شد .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ . وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - نیکوکاران در قیامت ، بر تخت های تزیین شده آرمیده و به تماشای منظره ها خواهند پرداخت .

على الأرائك ينظرون

<أریکه> (مفرد <أرائك>) به تختی گفته می شود که تزیین یافته و در خیمه یا خانه ای نهاده شود. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب

اطلاق می شود. (قاموس)

ابرها هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۲،۳

۲ آسمان به همراه ابرها ، در آستانه برپایی قیامت شکافته خواهد شد .

یوم تشقّق السماء بالغمم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <با> در <بالغمام> برای ملابست باشد؛ مثل <رکب الامیر بسلاحه> امیر همراه سلاحش بر مرکب خود سوار شد.

۳ آسمان ، در آستانه برپایی قیامت ، به وسیله ابرها شکافته خواهد شد .

و یوم تشقّق السماء بالغمم

برداشت فوق، بر این اساس است که <با> در <بالغمام> برای سببیت باشد.

ابلیس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۷

۲۷- > قال رسول الله (ص) : إذا جمع الله الأولین و الآخرین و قضی بینهم و فرغ من القضاء . . . الکافرون . . . یأتون إبلیس فیقولون : . . . قم أنت فاشفع لنا فإنک أنت أضللتنا فقوم إبلیس . . . و یقول عند ذلك : > إن الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فاخلفتکم . . . < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند اولین و آخرین انسانها را جمع کرد و میان آنان حکم نمود و از حکم کردن فارغ شد . . . کافران ... نزد ابلیس آیند و گویند:... تو برخیز و برای ما شفاعت کن؛ پس همانا تنها تو ما را گمراه کردی. پس ابلیس می ایستد ... و در این هنگام می گوید: >إن الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم

فاخلفتمکم...>.

اجابت دعا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ امکان استجابت دعا در قیامت

أو أتکم الساعة .. فیکشف ما تدعون إلیه إن شاء

اجابت کنندگان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۴

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته نمی شود.

للذین استجابوا لربهم الحسنى

مقصود از <الحسنى> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنى> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

اجابت منادی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۲

۲ - همه آدمیان، بدون هیچ تخلف و با انضباط کامل، به ندای دعوت کننده روز قیامت پاسخ داده و از وی پیروی خواهند کرد.

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ضمیر <له> ممکن است به <اتباع> (مستفاد از <یتبعون>) برگردد. در این صورت مفاد <لااعوج له> این است که در پیروی از داعی روز قیامت، هیچ تخلف و انحرافی صورت نخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۱

۱ - شتاب آدمیان در خروج از قبرها ، برای اجابت منادی رستاخیز

يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ .. مهطعين إلى الداع

اجتماع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران -

۴ خداوند ، همه مردم را در قیامت جمع خواهد کرد .

رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ

بنابراینکه <لیوم> به معنای <فی یوم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۲،۳

۲ قیامت ، پایان گردآوری انسان ها از سوی خداوند

لِيَجْمَعَنَّكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

۳ قیامت ، روز گردآوری تمامی انسانها

لِيَجْمَعَنَّكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

بر اساس این احتمال که <الی> به معنی <فی> باشد ؛ چنانچه برخی از مفسران اظهار داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۱،۳

۱ خداوند تمامی آدمیان را در روز قیامت گرد می آورد.

و یوم نحشهرهم جمیعا

۳ خداوند گردآورنده تمامی ستمگران (اهل کتاب و مشرکان) در قیامت

اِنَّهٗ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُوْنَ . . . و یوم نحشهرهم جمیعا

چون در آیات گذشته سخن از مشرکان و اهل کتاب به میان آمده بود، در برداشت این دو گروه به عنوان مصادیقی بارز از ظالمان مشخص شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۷

۷ قیامت روز گرد آمدن تمامی آدمیان در پیشگاه خداوند است.

و هو الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۷

۷ - قیامت ، روز اجتماع و گرد آمدن انسان ها است .

نحشر المجرمین

<حشر> به معنای جمع کردن است (لسان العرب) و در آن، معنای سوق دادن نیز لحاظ می شود (مقایس اللغه).

اجتناب از تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۳ - تهدید منکران قیامت ، به دست برداشتن از انکار آن تا فرصت باقی مانده

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> می تواند صفت برای موصوف مقدر باشد (نفس کاذبه). در این صورت آیه شریفه نظر به کافران دارد که تا وقت باقی است، دست از انکار قیامت بردارند؛ زیرا روزی که قیامت واقع شود، آنان جز تسلیم شدن در برابر واقعیت و گرفتار سرافکنندگی شدن فرجامی ندارند.

اجرام آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حرکت سریع و بی سابقه اجرام آسمانی ، در آستانه رخداد قیامت

یوم تمور السماء مورًا

<مور> (مصدر <تمور>) در معانی <حرکت سریع> و <اضطراب و ناآرامی> به کار می رود. برداشت بالا با توجه به معنای نخست آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ذوب شدن اجرام آسمانی چون روغن گداخته ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقت السماء فکانت ورده کالدهان

برداشت یاد شده در صورتی است که <دهان> به معنای روغنی باشد که در نتیجه گداختن به رنگ گل سرخ در آمده است (چنان که عده ای از مفسران برآند) برداشت بالا استفاده می شود.

احاطه منادی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۴

۴ - همه انسان ها به هنگام رستاخیز ، در احاطه منادی حق به گونه ای همسان *

و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب

تعبیر <من مکان قریب> ممکن است بیانگر

این نکته باشد که در قیامت، همه انسان ها در برابر مبدأ حاکمیت و ندای حق، نسیتی همسان دارند و بعد مکانی وجود ندارد.

احتجاج در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ - یهودیان معتقد به برپایی قیامت، بر قراری صحنه های محاکمه در آن روز و احتجاج انسان ها علیه یکدیگر در پیشگاه خدا

أتحدثونهم .. لیحاجوكم به عند ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۹ - ۲

۲ - احتجاج الهی در قیامت با امت ها، بر اساس مدرک و سند

هذا کتبنا

احزاب کافر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسیمهم

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت.

يعرفونهم بسیمهم

۳ اصحاب اعراف در صحنه قیامت، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند.

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

احزاب مستکبر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسيمهم

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

احساس خطر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۳

۳ - قیامت ، روز احساس خطر ؛ حتی از نزدیک ترین خویشاوندان خود *

يفر المرء من أخيه

فرار از برادر، حاکی از خطری است که باقی ماندن در کنار او، آن را محتمل می سازد؛ چه خطری باشد که فرار از آن سودی نمی بخشد (نظیر گذشت نکردن برادر از حقوقی که برادرش آن را پایمال کرده است) و چه خطری که توهمی بیش نیست (نظیر این گمان که اگر بماند به آتش او بسوزد).

احساسات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۶

۶ - وجود احساسات و حالات روانی برای انسان ها در قیامت

لو أن لنا كزّه فتبیراً منهم كما تبّرءوا منا

احضار انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۱

۱ - رستاخیز ، روز احضار انسان ها از سوی خداوند

یوم یدعوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تمامی انسان ها بدون استثنا ، در قیامت برای حساب رسی و کیفر و پاداش به پیشگاه خداوند احضار خواهند شد .

و إن کُلّ لَمَّا جَمِیعٌ لَدَینَا مُحضَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - زنده شدن انسان ها و احضارشان به پیشگاه خداوند در قیامت ، تنها به مدت یک صبحه و بانگ زدن به طول می انجامد .

إِن كَانَتْ إِلَّا صَبْحَةً وَحَدَّةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

توصیف نفخ صور به این که آن تنها یک صبحه است، می تواند برای بیان مدت زمان زنده شدن و احضار گشتن انسان ها به پیشگاه خداوند رحمان باشد.

۴ - احضار انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت ، بسیار سریع و بی هیچ فاصله ای با نفخ صور انجام خواهد پذیرفت .

إِن كَانَتْ إِلَّا صَبْحَةً وَحَدَّةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

برداشت یاد شده از آمدن <إِذَا>ی فجائیه پس از ذکر نفخ صور به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۴

۴ - همه انسان ها در قیامت ، به پیشگاه خداوند احضار خواهند شد .

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۵ - ۳

۳ - احضار انسان ها در صحنه قیامت ، از اهداف محشور ساختن آنان است . *

مبعوثون . لیوم عظیم

لام در <لیوم> ممکن است بر تعلیل دلالت کند؛ یعنی، حشر انسان ها به جهت روز قیامت و حضور در صحنه های آن است.

احضار مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۶

۶- قیامت ، روز احضار و محاکمه مشرکان و معبود های آنان

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

احضار معبودان مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۶

۶- قیامت ، روز احضار و محاکمه مشرکان و معبود های آنان

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

احضار هدایت ناپذیران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۹

۹ - هدایت ناپذیران ، برای مؤاخذه و کیفر در روز رستاخیز احضار خواهند شد .

ثم هو یوم القیمه من المحضرن

احیای ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور موعظه و زنده نگه داشتن یاد قیامت در خاطره ها و توجه دادن انسان ها ، به قدرت خداوند

فذكر

<ذکر>، حالتی است در نفس انسان که او را بر محافظت از معارفی که فرا گرفته، توانا می سازد. این کلمه با <حفظ> به یک معنا است؛ جز این که اصل فراگیری <حفظ> و در خاطر حاضر داشتن، <ذکر> خوانده می شود (مفردات راغب)؛ بنابراین <ذکر> یعنی، متوجه ساز و به ذهن آنان بیفکن. این واژه چنانچه در قاموس آمده است در معنای موعظه کردن نیز به کار می رود.

احیای مردگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۱

۱ - زنده شدن مردگان در قیامت ، حتمی است .

ثم إذا شاء أنشره

<إنشأ> (مصدر <أنشأ>) به معنای احیا است (لسان العرب). حرف شرط <إذا> در مواردی به کار می رود که وقوع کار، مسلم گرفته شده است.

اخبار خدا در قیامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۸

۸ خداوند ، خبر دهنده تمامی اعمال دنیوی انسان ها به آنان ، در قیامت

و ستردون إلى علم الغیب و الشهده فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۵

۵ - خداوند ، در روز قیامت تمامی اعمال کافران را به آنان خبر خواهد داد .

فیتبئهم بما عملوا

اختفای حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۳ - ۵

۵ - در قیامت نیز برخی حقایق برای گروهی از مردم مخفی می ماند .

یتخفتون بینهم إن لبثتم إلاّ عشرًا

جمله <یتخفتون> دلالت می کند که مفاد <إن لبثتم إلاّ عشرًا> محور صحبت مجرمان بوده است؛ نه این که بر آن اتفاق نظر داشته باشند و ارائه نظرهای گوناگون، حاکی از مشخص نبودن حقیقت برای برخی از آنان است.

اختفای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۶

۶ - زمان وقوع قیامت ، برای هیچ کس روشن نیست .

يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم ميعاد يوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - زمان وقوع قیامت ، مخفی و پنهان حتی برای پیامبر (ص)

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

اختفای وقت قیامت

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۵

۵ - زمان قیامت ، نامعلوم است .

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشُرَهُ

کارهایی که در آیات پیشین به خداوند نسبت داده شد، گرچه مقید به مشیت الهی است، ولی قید <إِذَا شَاءَ> تنها در مورد محشور شدن انسان ذکر شده است تا این نکته را برساند که هر چند برای آن افعال (خَلَقَهُ، يَسْرَهُ، أَمَاتَهُ و أَقْبَرَهُ) می توان زمانی را حدس زد، ولی در مورد قیامت، تنها باید به خواست خداوند نظر داشت.

اختلاط رنگ کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۲

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، تمام کوه ها را متلاشی کرده ، ذرات رنگارنگ آنها را درهم خواهد آمیخت .

ما القارعه . يوم ... تكون الجبال كالعهن المنفوش

اختلاف مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۱

۱ - میان مشرکان به هنگام برپایی قیامت تفرقه و جدایی می افتد .

و يوم تقوم الساعة يومئذ يتفرقون

برداشت فوق، بنابراین است که مرجع ضمیر فاعلی <يتفرقون> مطابق آیه قبل، مشرکان باشد.

اخراج مردگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۳

۳- زمین پس از تحوّل-تی در سه مرحله (> لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا < ، > اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت < و > اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود <) ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها

خواهد شد .

إذا زلزلت . . . و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

ادراک دلایل قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۴

۴ ناباوران به قیامت از درک دلالت عذاب های دنیوی ، بر قیامت و عذاب های اخروی ناتوانند .

إن فی ذلک لأیه لمن خاف عذاب الآخره

روشن است که دلالت عذابهای دنیوی بر حقانیت قیامت، اختصاص به گروهی خاص ندارد. بنابراین لام در <لمن خاف...> لام انتفاع است و بیانگر این نکته می باشد که: هر چند آیت بودن عذابها اختصاص به کسی ندارد ولی ناباوران به قیامت از فهم آن محرومند.

ارزش ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أنّ لی کثره فأکون من المحسنین

ارزشها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواییشان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذين اتقوا فوقهم يوم القيمة

چون برتری مؤمنان تقوایبشه در دنیا نیز حتمی است / بنابراین <یوم القيمة>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

استبعاد قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۴

۴ - تردید و استبعاد

مشركان مكه ، در امكان وقوع قيامت

و اِنَّه لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۴

۴ - ناباوری بی جای کافران نسبت به نزدیک شدن لحظه به لحظه قیامت

أزفت الأزفة .. أفمن هذا الحديث

در صورتی که <هذا> اشاره باشد به آنچه در آیات پیشین درباره نزدیکی قیامت و وعده ها و عیدهای الهی بیان شده است، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۱

۱ - کافران ، برپایی قیامت و عذاب آن را ، امری بعید و به دور از حقیقت می دانند .

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا

با توجه به این که کافران، منکر معاد بودند، مقصود آنان از <بعید>، بعید زمانی نیست؛ بلکه مقصود دور بودن از دایره امکان است.

استماع حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغشیه

استفهام در <هل أتاک>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد؛ ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

استمداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۵،۷

۵ ایمان ، ارزشی فراتر از سنجش و مقایسه با تمامی مادیات

انّ الذین کفروا .. فلن یقبل من احدهم ملء الارض ذهباً

۷ وجود یاوران و

شفیعان در قیامت *

و ما لهم من ناصرین

تقدیم <لهم> بر <ناصرین> که بیانگر حصر است، می رساند که یاوران و شفیعان در قیامت هستند؛ ولی تنها کافران از شفاعت آنان محرومند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱،۲

۱- خداوند ، در قیامت ، به مشرکان فرصت خواهد داد تا از معبود های پنداری خویش استمداد کنند .

نادوا شرکاء الذین زعمتم

۲- مشرکان ، در قیامت ، به پندار توان مندی معبودان شان بر یاری آنان ، عجولانه ، از آنان استمداد خواهند کرد .

و یوم یقول نادوا .. فدعوهم

<فای تعقیب> در <فدعوهم> بر بی درنگ بودن کار آنان دلالت می کند. کاربرد فعل ماضی، برای کاری که در قیامت انجام می گیرد (دعوهم) نشانه آن است که به مجرد فرصت یافتن مشرکان باید استمداد را انجام یافته تلقی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۴

۴ - قیامت ، روز فریاد و استمداد خلاق

یوم التناد

<تناد> اگر مخفف <تنادی> باشد، از نداء، مشتق است؛ ولی اگر مخفف <تناد> باشد به معنای اختلاف و پراکنندگی خواهد بود. بنابراین <یوم التناد> یعنی، روز تفرق و جدایی. گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

استهزاگران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۴

۴ - کافران ، وقوع قیامت را امری مسخره دانسته و آن را به استهزا می گرفتند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

تعبیر به نیامدن قیامت (لاتأتینا) یا به جهت این است

که قیامت از جمله امور زمانی است و یا به جهت به سخره و استهزا گرفتن آن می باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال دوّم است.

استهزاهای مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۲

۲ منکران ربوبیت خدا و کافران به قیامت از سر استهزا و ناباوری، خواهان تعجیل در فرا رسیدن عذاب های موعود

یستعجلونک بالسیئه

<استعجال> (مصدر یستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف <باء> در <بالسیئه> برای تعدیه و <ال> در آن عهد ذهنی است؛ یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه <قد خلت من قبلهم المثلات> عذاب است. بنابراین <یستعجلونک بالسیئه>؛ از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

استهزای اخروی استهزاگران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۱

۱ - استهزاکنندگان دین و قیامت، مورد تحقیر و تمسخر در آتش دوزخ

یسئلون أیّان یوم الدین .. ذوقوا فتنکم هذا الذی کنتم به تستعجلون

امر در <ذوقوا>، برای تهکم و استهزا است.

استهزای اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت، علاوه بر گرفتاری به کیفر جسمانی (سوختن)، به کیفر روانی (تحقیر و استهزا) نیز مبتلا خواهند شد.

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً .. لاتدعوا اليوم ثوراً وحداً و ادعوا ثوراً ك

جمله <لاتدعوا..> - به جای جواب مناسب با <دعوا هنالك ثوراً> می تواند برای

تحقیر و استهزای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۱

۱ - استهزا شدن تکذیب گران در آستانه دوزخ ، به وسیله یادآوری سخنان کفرآلودشان به ایشان

أفسح هذا

استفهام در <أفسح هذا> برای تهکم و استهزا است.

استهزای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا.. و يقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱

۱ - درخواست تمسخرآمیز مشرکان عصر بعثت ، نسبت به برپایی هر چه زودتر قیامت

يستعجل بها الذين لا يؤمنون بها

درخواست برپایی قیامت از سوی کسانی که مؤمن به آن نیستند، نشانگر استهزاآمیز بودن خواسته آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - برخورد بازیگرانه و تمسخرآمیز دین ناباوران با مسأله قیامت

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتّى يلقوا يومهم الذى يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - موضع کافران در برابر پیامبران و وعده آنان به برپایی قیامت ، موضعی مستکبرانه و استهزاآمیز

وإذا قيل .. و الساعة لاریب فیها فلتتم ما ندری ... و ما نحن بمستیقنین

از سیاق آیه، استفاده می شود که سخن کافران در <ما ندری..>

لحن استهزایی نیز داشته و آیه بعد مؤید این معنا است (کانوا به يستهزون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیام یوم اللدین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست؛ بلکه از باب تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۸ - ۲

۲ - ادعای استهزاآمیز کافران ، به بهشتی بودن خود بر فرض برپایی قیامت

أیطمع کل امرئ منهم أن یدخل جنّه نعیم

مفسران اظهار داشته اند: که کافران به هنگام شنیدن سخنان پیامبر(ص)، به استهزا می گفتند: اگر آنچه پیامبر می گوید درست باشد؛ ما زودتر از آنان به بهشت خواهیم رفت و از آنان سزاوارتریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل اُیان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۳

۳ - طغیان گران دنیا طلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت

به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه ایتان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنما أنت منذر من یخشاها> در آیات بعد استفاده می شود؛ زیرا کسی که از انداز قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

استهزای مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۲

۲ - کافران صدر اسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و عقیده به آن را مورد استهزا قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> برابر نظر بیشتر مفسران برای تهکم و استهزا است.

اشراف قوم نوح و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملاً الذین کفروا من قومه

متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

اصحاب اخدود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۸

۸ - نظاره گر بودن اصحاب اخدود بر جنایت های خویش درباره مؤمنان ، جایی برای انکار آن در قیامت باقی نمی گذارد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

منظور از تحمل شهادت که آیه شریفه بر آن دلالت دارد ممکن است این باشد که آزار دهندگان، از انکار آن در قیامت ناتوان خواهند بود؛

زیرا خود گواه کردار خویش بوده اند.

اصحاب اعراف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۳،۶

۳ اعرافیان ، مشرف و ناظر بر تمامی انسان های حاضر در صحنه قیامت

و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسیمهم

توصیف اصحاب اعراف به اینکه بر بلندای حایل بین بهشتیان و دوزخیان مستقر هستند، بیانگر آن است که آنان بر تمامی افراد موجود در صحنه قیامت اشراف دارند و بر ایشان نظارت می کنند.

۶ اصحاب اعراف ، هر یک از امت ها و دسته های موجود در صحنه قیامت را با نشانه های مخصوصشان خواهند شناخت .

یعرفون کلاً بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> اصحاب اعراف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۲،۳

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

یعرفونهم بسیمهم

۳ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ٤٩ - ٥

٥ اصحاب اعراف در صحنه قيامت بشارت دهنده راهيان بهشت به زندگاني آكنده از امنيت

و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف عليكم و لا أتم تحزنون

اصحاب شمال در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۴،۳،۲

۲ - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

۳ - اصحاب الشمال ، انسان هایی شقی و بدبخت در قیامت

و أصحاب المشمه ... و أصحاب الشمال

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات پیشین، از <اصحاب الشمال> به <اصحاب المشمه> (مردم بدبخت) یاد شده بود.

۴ - اصحاب الشمال در جهان آخرت ، دارای وضعیتی بسیار تکان دهنده و هولناک

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

استفهام تعجبی در <ما أصحاب الشمال> حاکی از آن است که این گروه از مردم، در قیامت در درجه ای از بدبختی قرار می گیرند که هر بیننده ای با دیدن آنها شگفت زده و حیران خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۲ - ۱

۱ - دسته دیگر از مردم در قیامت ، <اصحاب الشمال> هستند .

و أما إن كان من المكذبين الضالين

<مکذبین> گروه دیگری اند که در آیات پیشین، از آنان به عنوان <اصحاب الشمال> نام برده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر

به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فَكَ رقبه .. و الذین كفروا بایتنا هم أصحاب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب> ، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۱

۱۱- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا .. فمن أوتی کتبه یمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فَأَمَّا مَنْ أوتی کتابه یمینه ..) باید گفت: <أصحاب الیمین> یعنی ، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

۲ - آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، <اصحاب الیمین> هستند .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

کان من أصحاب الیمین

<اصحاب الیمین> (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های <اسراء>، <حاقه> و <انشقاق> از آنان به <من اُتی کتابه بیمینه> (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

۲- به کسانی که در قیامت، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند، <اصحاب الیمین> گفته می شود.

و أمّا إن کان من أصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۹ - ۲

۲- اصحاب الیمین (خوبان و نیکان)، در قیامت از اسارت کردار خویش آزاد و از بازخواست الهی در امان خواهند بود.

إلا أصحاب الیمین

مقصود از اصحاب الیمین به قرینه آیات مشابه؛ مانند آیه ۲۷ سوره <واقعه> خوبان و نیکان اند که بهشت، برای آنان مقرر شده است.

اضطراب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۶

۶- لرزش و اضطراب بسیار شدید مردم، در عرصه قیامت

إن زلزله الساعة شیء عظیم

<ساعة> به معنای لحظه و هنگام است و <الساعة>؛ یعنی، آن هنگام. مقصود از <آن هنگام>، می تواند هنگام برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر باشد. در این صورت کلمه <زلزله> استعاره از اضطراب شدید مردم است. هم چنین می تواند زمان پایان یافتن عمر جهان کنونی و فرا رسیدن هنگام فروپاشی نظام آن باشد. در این صورت مراد از <زلزله>، لرزش شدیدی است که در آن لحظه، سراسر جهان را فرا می گیرد و باعث فروپاشی آن می شود.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها.. و تضع کلّ ذات حمل حملها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۰ - ۴

۴ - مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت حق در پی مشاهده نگرانی های همگانی قیامت *

و تری کلّ أمّه جائیه .. فأما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <فأما الذین..> تفریع بر <تری کلّ أمّه جائیه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۴

۴ - اهل محشر ، به شدّت دغدغه دار سرنوشت خود و گرفتار پیامد های کردار خویش

و لایسئل حمیم حمیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۷ - ۱

۱ - در آستانه برپایی قیامت ، چشمان انسان ها از ترس و اضطراب ، به گردش در می آید .

فإذا برق البصر

فعل <بَرَقَ> وقتی به چشم نسبت داده شود، به معنای اضطراب و به گردش آمدن چشم از ترس است (مفردات راغب).
گفتنی است آیه شریفه در مقام بیان حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت و لحظه های نخستین رستاخیز رخ خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۸ - ۱

۱ - هنگام پیدایش دومین

لرزش در دوران برپایی قیامت ، قلب های فراوانی را لرزه و اضطرابی شدید فرا خواهد گرفت .

قلوب یومئذ واجفه

<قلب واجف>، به قلبی گفته می شود که اضطراب شدیدی بر آن مستولی باشد (لسان العرب). <قلوب> نکره ای است که بر تکثیر دلالت دارد و به همین سبب با آن که نکره است مبتدا قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۴

۴ - ثروت ها ، هر چند گران بها و نفیس باشند ، در برطرف ساختن خطر ها و اضطراب انسان از حوادث آغازین قیامت ، هیچ گونه کارآیی نخواهند داشت .

و إذا العشار عطلت

اضطراب شفیعان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۶

۶ - شفاعت کنندگان قبل از دریافت امر خدا ، در حال هراس و اضطراب خواهند بود .

حتى إذا فرغ عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربكم

بنابراین که مرجع ضمیر <قلوبهم> شفاعت کنندگان باشد که از جمله آنان ملائکه اند برداشت یاد شده به دست می آید.

اعراض مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۶

۶ مشرکان و منکران روز قیامت و کافران به پیامبر (ص) و قرآن ، روی گردانان از دعوت الهی اند .

والذین لم يستجیبوا له

آیات گذشته شاهد بر این است که مقصود از <الذین لم يستجیبوا له> مشرکان و منکران رسالت پیامبر(ص) و ناباوران به

قیامت می باشد.

اغواپذیران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و يحسبون أنهم مهتدون . حتى إذا جاءنا

افشای رازها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی ، علاقه ها ، نیت ها و افکار) ، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد .

و حصّل ما فی الصدور

<تحصیل> ، به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است؛ مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از کاه (مفردات). برخی آن را با تمییز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه را بیخته شود، <محصل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

۲ - آشکار شدن اسرار درونی انسان در قیامت ، قهری و بیرون از اختیار او است .

حصّل

مجهول بودن <حصّل> ، دلالت بر نکته یاد شده دارد.

افشای علایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی ، علاقه ها ، نیت ها و افکار) ، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد .

و حصّل ما فی الصدور

<تحصیل> ، به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است؛ مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از

گاه (مفردات). برخی آن را با تمییز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه

را بیخته شود، <محصل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

افشای نیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی، علاقه ها، نیت ها و افکار)، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد.

و حصل ما فی الصدور

<تحصیل>، به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است؛ مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از کاه (مفردات). برخی آن را با تمیز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه را بیخته شود، <محصل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

اقرار به شرک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله ای معترف به آن می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشركين .. فقالوا يليتنا نرد و لا نكذب بايت ربنا و نكون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

اقرار به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۶ - ۵

۵- ابلیس، معترف به روز قیامت و برانگیخته شدن انسان

ها در آن روز

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۶

۶ - ابلیس ، معترف به قیامت و روز برانگیخته شدن انسان ها در آن روز

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

اقرار به کفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۴

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم كانوا کفرین

اقرار به گمراهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ اعتراف گمراهان در قیامت به تبعیت از خواهشهای نفسانی خویش تا آخرین لحظه عمر

ربنا استمتع بعضنا ببعض و بلغنا أجلنا الذی أجلت لنا

جمله <و بلغنا>، پس از <ربنا استمتع ..>، بیان استمرار بهره گیری گمراهان از تمتعات دنیا تا لحظه رسیدن اجل است.

بنابراین عمر آنها در این منظور صرف شده است.

اقرار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم كانوا کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۵

۲۵- اعتراف به حق در قیامت ، رهایی بخش از عذاب نیست .

إنی کفرت بما أشركتمون من قبل إن الظالمین لهم عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که <إن الظالمین لهم عذاب أليم> کلام خداوند

باشد. از اینکه خداوند ماجرای برخورد مستکبران و پیروانشان و نیز برخورد آنها با شیطان و اعتراف شیطان به خطای خود در قیامت را بیان می کند و آن گاه می فرماید که برای ستمگران عذابی دردناک در نظر گرفته شده است، نکته فوق به دست می آید.

اقرار علیه خود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

اقرار مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۴

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویلہ یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویلہ>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ - اعتقاد و اعتراف برخی از منکران قیامت به ربوبیت خدای یگانه

و ما أظنّ الساعه قائمه و لئن رجعت إلی ربّی

امت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۲۰

۲۰ آگاه شدن امت ها از کرده های خویش در قیامت

إلى يوم القيمة و سوف ينبئهم الله بما كانوا يصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، صحنه داوری میان امتهاست .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

امتیازات دنیوی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۳

۳- قیامت ، روز الغای اعتبارات و امتیازات دنیوی انسان ها است . *

و عرضوا على ربك صفاً

چنان چه مراد از <صفاً> این باشد که همگان در یک صف محشور خواهند شد جملهء <و عرضوا..> اشعار به این مطلب خواهد داشت که با وجود آن که اهل دنیا، امتیازات را به مال و منال و دیگر اعتبارات مادی دنیا می دانستند، ولی در صفی واحد محشور خواهند شد. این نکته، با توجه به آیات مربوط به داستان مرد ثروت مند و هم صحبت او، بیشتر واضح می گردد.

امداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۸

۸- در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد .

و لاهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۷

۷- در روز قیامت ، هیچ کس از دفاع و یاری دیگری بهره مند نخواهد شد .

و لاهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۲

۱۲ تنها خداوند ، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

به قرینه فراز قبل <فیعذبهم عذاباً الیماً> مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می یابند، این است که تنها وی توانا بر یآوری آنهاست، نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۹

۹ خداوند تنها شفاعت و یاری کننده در قیامت است.

و أنذر .. یخافون أن یحشروا إلی ربهم لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن .. ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۵ - ۳،۴

۳- معبود های ادعایی به روز رستاخیز ، در حالی که همچون سپاه آماده به خدمت برای مشرکان اند ، از هرگونه یاری رسانی به آنان ناتوان خواهند بود .

لا يستطيعون نصرهم و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر <هم> به معبودها و ضمیر <لهم> به مشرکان بازگردد و این جمله
حال برای

ضمیر غایبی در <لا یستطیعون> باشد. بر این اساس، این ترکیب از باب مبالغه آمده است زیرا متمرکز کردن تمامی نیروها در قالب یک سپاه آماده به خدمت و در عین حال ناتوان بودن از یاری رسانی، نشان دهنده اوج ناتوانی معبودها می باشد. گفتنی است بر اساس این نظر، آیه شریفه ناظر به روز قیامت است.

۴- تنها خداوند، توانا بر یاری رسانی به انسان ها در روز رستاخیز

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ... و هم لهم جند محضرون

از تأکید خداوند بر ناتوانی مطلق همه معبودها از یاری رسانی (به جز الله)، برداشت یاد شده به دست می آید.

امکانات مادی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۹

۱۹- پوچی و بی اثری امکانات دنیایی، موقعیت های اجتماعی و گروه بندی ها، در هنگام نزول عذاب و یا فرارسیدن مرگ و قیامت

فسیعلمون من هو شرّ مکاناً و أضعف جنّداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۸ - ۲

۲- قطع رابطه انسان با عوامل مادی تأثیرگذار در دنیا، به روز رستاخیز

یوم لا ینفع مال و لابنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۸

۸- حقایق مادی در جهان آخرت، دارای ماهیتی خالص، ناب و فاسد نشدنی

أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیر طعمه و أنهر من خمر لذّه للشربین

در صورتی که واژه <مثل> به معنای توصیف باشد و نهرهای اخروی از نوع نهرهای مادی و

دنیوی باشد؛ تعابیر <غیر آسن>، <لم یتغیر طعمه> و <مصفی> بیانگر ماهیت متفاوت آنها با امور دنیوی خواهد بود.

امنیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۵ - ۷

۷ تصدیق کنندگان انبیا و تقواییشان راستکردار در قیامت ایمن از عقوبتهای الهی و به دور از هر گونه اندوه هستند.

فمن اتقى و أصلح فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون

مراد از نبودن خوف (لا خوف) به دلیل آیه بعد، ایمنی از گرفتار شدن به آتش دوزخ است.

امنیت مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت، به دور از باطل گرایی و ایمن از زیان اخروی

یومئذ یخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

امنیت هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و .. است.

امیدواری به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۱

۱ - رهنمود خداوند به پیامبر (ص) ، در امید بستن به قیامت برای جزای کافران لجوج

فاصبر . . .

و استمع يوم يناد المناد

آیات پیشین در زمینه مواجهه ناروای کافران با پیامبر(ص) و لزوم شکیبایی آن حضرت در برابر آنان بود. اکنون در این آیه، خداوند به پیامبر(ص) می فرماید: گوش به زنگ منادی حق برای رستخیز باش؛ کنایه از این که آن روز کافران، مجازات واقعی خود را خواهند دید.

امیدواری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۱

۱ - پروردگار جهانیان ، کسی است که می توان به غفران و بخشایش او در قیامت ، دل بست .

إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ... وَالَّذِي أُطْمِعَ أَنْ يَغْفِرَ لِي يَوْمَ الدِّينِ

انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۷

۷ پیامبران ، شاهدان محکمه الهی در قیامت

و يوم القيمة يكون عليهم شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۱،۲،۱۱

۱ خداوند در قیامت مجمعی از تمامی پیامبران تشکیل خواهد داد .

يوم يجمع الله الرسل

۲ پرسش از برخورد امت ها با دعوت انبیا هدف از گردآوری پیامبران در عرصه قیامت

يوم يجمع الله الرسل فيقول ماذا اجبتم

۱۱ اظهار بی اطلاعی پیامبران در قیامت از چگونگی برخورد امت ها با دعوت آنان

فيقول ماذا اجبتم قالوا لا علم لنا

امام باقر(ع) در باره آيه فوق فرمود: ان لهذا تأويلا يقول: ماذا اجبتم في اوصيائكم الذين خلقتموهم على اممكم؟ فيقولون لا علم لنا بما فعلوا بعدنا.

كافي، ج ٨ ص ٣٣٨، ح ٥٣٥؛ نورالثقلين، ج ١، ص ٦٨٨، ح ٤٢٧.

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداوند ، در روز قیامت و در مجمع پیامبران ، نعمت های ارزانی شده به عیسی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع الله الرسل فيقول . . . اذ قال الله يعيسى ابن مریم اذکر نعمتی علیک و عل

کلمه <اذ> در <اذ قال الله> بدل اشتمال برای کلمه <یوم . . .> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم فراخوانده است ؟

و اذ قال الله يعيسى ابن مریم ءانت قلت للناس اتخذوني و امی الهین

با توجه به آیات بعد همانند <قال الله هذا یوم . . .> آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمان حضور مسیح(ع) در میان امت خویش کسی معتقد به الوهیت وی و مریم(ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسش و پاسخ در قیامت اتفاق خواهد افتاد. گفتنی است که تعبیر از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۳

۳ تبلیغ تعالیم دینی و آسمانی، محور بازجویی از پیامبران خدا در قیامت

فلنستلن الذین أرسل إلیهم و لنستلن المرسلین

عنوان <مرسلین> در جمله <و لنستلن المرسلین> بیانگر این است که سؤال از پیامبران درباره تبلیغ رسالت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف

۲ خداوند در قیامت سرگذشت پیامبران را در ابلاغ رسالت به گونه ای دقیق برای آنان بیان خواهد کرد.

و لنستلن المرسلین. فلنقصن علیهم بعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما یشاءون عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۷

۷ - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه <فکیف إذا جئنا من کل أمه بشهید و جنابک علی هؤلاء شهیداً (نساء(۴)، (۴۱) گواهی دادن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت ، وقت تعیین شده برای حضور پیامبران جهت گواهی بر امت های خویش

و إذا الرسل أقتت

مقصود و مفاد این آیه برابر نظر بیشتر مفسران فرارسیدن زمان وعده الهی مبنی بر گواهی پیامبران بر امت های خویش در عرصه قیامت است؛ مانند <فلنستلن الذین أرسل إلیهم و لنستلن المرسلین > (اعراف، آیه ۶).

انبیا و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ قیامت ، روزی عظیم در دیدگاه پیامبران (ع)

إني أخاف عليكم عذاب يوم

انتظار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد

ثُمَّ نَفْخُ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

<نظر> (مصدر <ینظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۲

۲ - مردم در صحنه قیامت ، به حال ایستاده در انتظار فرجام نهایی خویش اند .

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

انتقام جویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۵

۵ - وجود حس انتقام جویی برای انسان ها در قیامت

فَتَنبَرَأُ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا

اندوه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۷

۷- قیامت ، صحنه ای هراسناک و جایگاه حزن و اندوه است .

ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۱۰

۱۰ تباهی اعمال انجام شده برای غیر خداوند و اندوه فراوان انجام دهنده آن در قیامت

ایوّد احدکم .. فاحترقت

وجه تشبیه بین <اصابه الکبر> و انفاقهای باطل، ناتوانی جبران گذشته و تأمین آینده است و فرض این معنا در طرف مشبّه هنگام مرگ و قیامت است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۸

۸ انفاق کنندگان در راه خداوند ، ترس و اندوهی در رستاخیز نخواهند داشت .

و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> تنها مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۰

۱۰ مؤمنان دارای عمل صالح ، ترس و اندوهی در رستاخیز ندارند .

انّ الذّین امنوا .. و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

تودّ لو انّ بینها و بینه امداً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۵ - ۷

۷ تصدیق کنندگان انبیا و تقواییشان راستکردار در قیامت ایمن از عقوبتهای الهی و به دور از هر گونه اندوه هستند.

فمن اتقی و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

مراد از نبودن خوف (لا خوف) به دلیل آیه بعد، ایمنی از گرفتار شدن به آتش دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثمَّ كان عقبه الذين أسئوا السوأى أن كذبوا بأيت الله .. و يوم تقوم الساعة ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اندوهگین بودن بهشتیان در عرصه قیامت پیش از ورود به بهشت

و قالوا الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که لازمه برطرف کردن حزن وجود آن از پیش است.

۴ - قیامت ، عرصه حزن آور و اندوهگین حتی برای مؤمنان

و قالوا الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا يويلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۶

۶ - روز قیامت ، روزی بس دشوار و اندوه بار برای خلائق

فی يوم كان مقداره خمسين ألف سنة

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در زبان عرب، اوقات سخت و خزن آور را، به طولانی بودن آن و زمان های راحتی و شادمانی را به کوتاه بودن آن توصیف می کنند.

اندوهناکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، اندوه زا و همراه با وحشت و فزع و جزع بزرگ است .

لا يحزنهم الفزع الأكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۱

۱ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

فكيف تَتَّقون إن كفرتم يومًا يجعل الولدن شيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ،

روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

یومًا عبوسًا قمطیرًا

<عبوس> یعنی، چهره در هم کشیده و <روز عبوس> کنایه از روز سخت و اندوه بار است. <قمطیر> نیز به معنای شدید است و در این آیه هم می تواند وصف برای <عبوس> باشد (یعنی شدید العبوس) و هم می تواند صفت برای <یوم> باشد.

انذار از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۶،۸

۶ بیان آیات الهی به مردم و بیم دادن به آنان در مورد قیامت، از وظایف مهم انبیاست.

رسل منکم یقصون علیکم آیتی و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

۸ مطلع ساختن مردم از آیات الهی و مضامین آن، و انذار از قیامت دو وظیفه اساسی مبلغان دین است.

یقصون علیکم آیتی و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱

۱- پیامبر اکرم (ص) مأمور انذار و هشدار دادن به مردم در مورد حوادث حسرت آفرین قیامت

و أنذرهم یوم الحسره

ضمیر <هم> در <أنذرهم> شامل همه مردم می شود. از اضافه شدن <یوم> به <الحسره> معلوم می شود که در آن روز همگان برگزیده خویش تأسف می خورند، به طوری که آن روز <روز حسرت> نامیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۷

۱۷ - اخطار و انذار مردم درباره رستاخیز انسان ها، از وظایف رسولان الهی

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۰

انذار و اخطار مردم درباره قیامت ، از وظایف اصلی پیامبران

يلقى الروح .. على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق

در برداشت یاد شده، فاعل <لینذر>، ضمیری دانسته شده که به <من> موصول باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور انذار و اخطار به مردم درباره روز قیامت

و أنذرهم يوم الأزفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۶

۱۶ - انذار از قیامت ، از اهداف مهم وحی الهی

كذلك أوحينا إليك .. و تنذر يوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۳

۳- هشدار خداوند ، به سر رسیدن ناگهانی قیامت و غافلگیر شدن بشر

فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۳

۳ - ترسیم رخداد های پراضطراب هستی در آستانه قیامت ، هشدارى به تکذیب کنندگان آن است .

يوم تمور .. و تسير الجبال ... فويل يومئذ للمكذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۷ - ۲

۲ - توجه دادن خلق به نزدیکی قیامت ، از انذار های مهم پیامبران

هذا نذیر من النذر .. أذفت الأذفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، تنها عهده دار انذار مردمان ، درباره برپایی قیامت بود

، نه مشخص ساختن زمان دقیق آن .

قل إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حصر در <إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ> حصر اضافی بوده و نسبت به علم به زمان برپایی قیامت سنجیده شده است؛ یعنی، من تنها انذارگر به وقوع قیامت هستم، نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، هشدار دهنده و انذار کننده مردم درباره رخداد های قیامت

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۴

۴ - خداوند ، مردم را به روز جزا هشدار داده است .

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ

تکذیب، نوعی واکنش در برابر پیام یا دعوت است. بنابراین در تعالیم الهی، درباره روز جزا، هشدارهایی داده شده بود که مکذبان را، به تکذیب وادار ساخته است.

انذار مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- انذار غافلان و منکران قیامت و بیم دادن آنان از زمینه های حسرت در آن از وظایف پیامبر (ص) است .

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ . . . وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۳

۳- ترسیم رخداد های پراضطراب هستی در آستانه قیامت ، هشدارى به تکذیب کنندگان آن است .

يوم تمور . . . و تسير الجبال ... فويل يومئذ للمكذبين

انسان در قیامت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱

۱ حضور انسانها در قیامت، مانند آفرینش نخستینشان، در دو گروه هدایت یافته و گمراه گشته

فریقا هدی

جمله <فریقا هدی ..> حال برای فاعل <بدأکم> و بیانگر وجه مشابهت مطرح شده در جمله <كما بدأکم تعودون> است و حاصل معنی چنین می شود: خداوند شما را آفرید در حالی که شایستگان هدایت را هدایت کرد و مستحقان گمراهی را به گمراهی کشاند و به همین صورت (دو جناح بودن) به سوی او باز خواهید گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۰ - ۱

۱ - در قیامت، انسان هیچ قدرتی در برابر خواست خداوند و کیفرهای او ندارد.

فما له من قوه

انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱

۱ - انسان در آینده با روزی عظیم (قیامت) مواجه خواهد شد.

واتقوا یوماً

مراد از کلمه <یوماً> روز قیامت است و نکره آمدنش حکایت از عظمت آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۰، ۹

۹ - خداوند همه انسان ها را - هر کجا که باشند - در صحنه قیامت حاضر خواهد ساخت.

أین ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً

۱۰ - حضور یکپارچه انسان ها در صحنه قیامت

أین ما تكونوا یأت بکم اللّٰه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۲،۳

۲ قیامت ، پایان گردآوری

انسان ها از سوی خداوند

ليجمعنكم الي يوم القيمة

۳ قیامت ، روز گردآوری تمامی انسانها

ليجمعنكم الي يوم القيمة

بر اساس این احتمال که <الی> به معنی <فی> باشد ؛ چنانچه برخی از مفسران اظهار داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ خداوند، قطعاً و بدون تردید، تمامی انسانها را در صحنه قیامت گرد خواهد آورد.

ليجمعنكم إلی يوم القيمة لا ريب فيه

مرجع ضمیر <فيه> می تواند مضمون جمله <ليجمعنكم> باشد، یعنی جمع کردن شما در قیامت بدون تردید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۷

۷ خداوند مردگان را در قیامت برخواهد انگيخت.

و الموتى يبعثهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۳

۳ گرد آمدن آدمیان در پیشگاه خداوند در قیامت، مقتضای ربوبیت اوست.

أن يحشروا إلی ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۵

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

يمعشر الجن . . . و قال اولياؤهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۱

۱ هر یک از افراد جن و انس در روز قیامت از مرتبه و درجه

ویژه خود برخوردارند.

و لکل درجت مما عملوا

تنوین <و لکل> عوض محذوف است و به قرینه آیه ۱۲۸ و ۱۳۰، محذوف <جن و انس> است، یعنی: <لکل من الجن و الإنس...> و چون آیات پیشین ترسیم قیامت بوده، ظاهر آن است که درجات مطرح شده در آیه مربوط به آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۰

۱۰ هیچ انسانی در روز قیامت نمی تواند مدعی غفلت از ربوبیت خدا در حیات دنیوی خویش باشد .

أشهدهم على أنفسهم .. أن تقولوا يوم القيمة إنا كنا هذا غفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۳

۳ اختیار و انتخاب در روز قیامت ، از انسان ها سلب می شود .

يوم يأت لا تكلم نفس إلا بإذنه

قرین بودن هر گونه سخن در قیامت با اذن خداوند، می تواند به این معنا باشد که: صحنه قیامت مانند دنیا نیست که انسانها با اراده خویش سخن بگویند و یا افعال دیگری انجام دهند و احياناً کاری کنند که مورد رضایت خدا نباشد؛ بلکه اختیار از آنها سلب می شود و نمی توانند هر چه را می خواهند بگویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱

۱- همه انسان ها به صورت دسته جمعی در قیامت در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جميعاً

<جميعاً> حال برای ضمیر <برزوا> است و مرجع ضمیر آن می تواند همه انسانها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- روز قیامت ، تمامی انسان ها گرچه خود نخواهند به پیشگاه پروردگار عرضه خواهند شد .

و عرضوا علی ربِّک صفاً

مجهول بودن <عُرِضُوا> نشانگر آن است که انسان ها ناگزیر از حاضر شدن نزد خداوند هستند و از خود اختیار ندارد.

۲- حضور انسان ها در قیامت ، با صفوفی منظم و سازماندهی شده خواهد بود .

و عرضوا علی ربِّک صفاً

<صفاً> حال برای نایب فاعل <عرضوا> است (مصنوفین) یعنی، عرضه انسان ها، به صورت صف است که حکایت از نظم و طبقه بندی آدمیان دارد. البته به قرینه آیات دیگر، این صف بندی به شکل مجموعه ای مختلط نیست، بلکه هر گروه و پیروان هر طریقه، در گروهی مجزای از دیگری، در صحنه قیامت حضور می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۷

۷- در قیامت ، رابطه انسان با مالکیت های اعتباری او در دنیا ، به کلی بریده خواهد شد .

و أنذرهم یوم الحسره . . . إنا نحن نرث الأرض و من علیها و إلینا یرجعون

خداوند، هم زمین را میراث خود دانسته و هم آدمیان را، یعنی هم مالکان اعتباری و هم ملک های اعتباری / بنابراین در قیامت، این دو تنها با مالک حقیقی خود مرتبط خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۵

۵ - مردم حاضر در صحنه قیامت ، گفتار خود را با صدایی آهسته به زبان خواهند آورد .

یومئذ . . . خشعت الأصوات للرحمن

<خشوع صوت> به معنای پایین آمدن صدا است

(تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۱

۱ - نشانه های خضوع و تسلیم در برابر خداوند ، بر چهره تمامی انسان ها (در قیامت) نقش خواهد بست .

.. و عنت الوجوه للحی القیوم

<عناء> به معنای خاضع شدن و مطیع گشتن است (لسان العرب). <وجه> به معنای صورت است و از آن جهت که آثار خضوع و ذلت، بیش از همه جا در چهره آشکار می گردد، این واژه استفاده شده است. <ال> در <الوجوه> نیز محتمل است معنای استغراق داشته باشد و یا آن که عوض مضاف الیه بوده و مراد از آن <وجوه المجرمین> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر اولین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- < عن النبي (ص) فی معنی < الفزع الأكبر > : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلا یبقی میت إلا نشر و لا حی إلا مات إلا- ما شاء الله ثم یصاح بهم صیحه أخرى فینشر من مات و یصفون جميعاً و تنشق السماء و تهد الأرض و تخز الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلا یبقی ذو روح إلا إنخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلا ما شاء الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أكبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه

را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یاد آورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۴

۴ - قیامت ، عرصه حضور انسان ها در پیشگاه خدا

إِلَّا مَنْ أْتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۶

۶ - توجه انسان ها در قیامت ، به عدم امکان بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

يَوْمَئِذٍ يَصَّدَعُونَ

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

۱۳ - قیامت ، روز جدایی و پراکندگی کامل انسان ها است .

يَوْمَئِذٍ يَصَّدَعُونَ

<يَصِّدَعُونَ> از ریشه <صدع> به معنای <جدا شدن و پاره شدن در اجسام سخت> است. احتمال دارد که مراد از <يَصَّدَعُونَ> جدایی صف سعادت مندان و شقاوت مندان باشد و احتمال دارد

پراکندگی و جدا شدن انسان ها از هم باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۶

۶ - حضور انسان در صحنه قیامت ، حضوری جسمانی است .

و لو تری ... ناکسوارءوسهم

از سر به زیر انداختن که علامت شرمساری است استفاده می شود که انسان ها در قیامت، با بدن مادی حضور پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۶

۶ - سخن گفتن پیامبر (ص) از بازآفرینی انسان ها در قیامت

رجل یتبئکم إذا مرّتم کلّ ممزق إنکم لفی خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۴، ۲، ۱

۱ - با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از هر گونه توصیه و اندک سفارشی ، ناتوان خواهند شد .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا یستطیعون توصیه

نکره آمدن <توصیه> می تواند برای تقلیل باشد.

۲ - با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از مراجعه به کسان خود ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا یستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

۴ - انسان ها به وقت شنیدن صیحه و فریاد سهمگین در آستانه برپایی قیامت ، از هر گونه تحرک و عملی ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده .. فلا یستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ناتوانی انسان ها از توصیه و مراجعه

به کسان خود، به عنوان مثال و مصداق آمده و مقصود اصلی بیان ناتوانی کامل بشر در برابر مشیت خداوند به برپایی قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۳،۹

۳ - تابش نور عدل و قسط الهی بر اهل زمین در قیامت

و أشرق الأرض بنور ربّها

بسیاری از مفسران گفته اند: مقصود از نور در این آیه، به قرینه جمله های بعدی که درباره نامه اعمال و داوری به حق خداوند سخن گفته است نور عدل و قسط الهی است؛ چنان که در فرهنگ عرب، به پادشاهی که عادل باشد گفته می شود (أشرق الأفق بعدلك و أضئت الدنيا بقسطك).

۹ - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهادا> جمع <شاهد> (گواه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۳

۳ - حضور انسان ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

اضافه <لقاء> به وصف ربوبیت و نه دیگر اوصاف و اسمای الهی معنای بالا را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۲

۲۲ - تقسیم انسان ها در قیامت ، به دو گروه بهشتی و دوزخی

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۵

۵ - قیامت ، عرصه حضور انسان در پیشگاه الهی است .

حتی

إذا جاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۳، ۲، ۱

۱ حضور یکایک انسان ها در صحنه قیامت ، همراه با دو مأمور پیش برنده و گواه

و جاءت کلّ نفس معها سائق و شهید

۲ حرکت انسان در صحنه قیامت ، با راهنمایی و فرمان ملائکه

معها سائق

بنابراین که <سائق> فرشته ای از فرشتگان باشد و نه اعمال آدمی برداشت یاد شده استفاده می شود.

۳ هراس انسان در قیامت ، از حضور در دادگاه عدل الهی *

و جاءت کلّ نفس معها سائق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <سائق> و مأمور پیش برنده، از آن جهت یاد شده باشد که بی رغبتی و هراس انسان را، از حضور اختیاری در محکمه عدل الهی بنمایاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۵

۵ - نگرانی و سردرگمی آدمیان ، در لحظه های آغازین رستاخیز و خروج از قبرها

یخرجون من الأجدات كأنهم جراد منتشر

تشبیه به <جراد منتشر>، بیانگر سردرگمی و حرکت های نامنظم و حیرت زده آدمیان، پس از خروج از قبرها در روز رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۳

۳ - برانگیخته شدن انسان ها در قیامت ، امری قطعی است .

قل بلی و ربّی لتبعثّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۵

۵ - حشر و برانگیخته شدن انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت

و إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹

۱ - قیامت ، روز عرضه شدن و به نمایش در آمدن انسان ها در پیشگاه خداوند و در محکمه عدل او

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو می شوند .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ حَسَابِيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو خواهند شد .

و لم أدر ما حسابيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامت - ۷۵ - ۴ - ۴

۴ - برانگیخته شدن انسان ها در قیامت ، در قالب جسمی همانند جسم دنیایی آنان

قدرین علی أن نسوی بنانه

تصریح به درست کردن انگشتان، می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامت - ۷۵ - ۱۲ - ۱

۱ - سرنوشت انسان در قیامت و تعیین جایگاه وی (بهشت یا دوزخ) ، تنها در اختیار خداوند است .

إلی رَبِّكَ یومئذ المستقرّ

کلمه <مستقرّ> می تواند مصدر میمی باشد، یعنی، <استقرار الإنسان يوم القيامة ينتهي إلى حكم ربّك و مشیئته> و نیز می تواند به معنای مکان استقرار باشد، یعنی، تعیین قرارگاه انسان (بهشت یا جهنم) تنها به حکم و فرمان خدا بازمی گردد. گفتنی است تقدیم <إلی ربّك> (خبر) بر <مستقر> (مبتدا) افاده حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - بصیرت و بینایی کامل انسان به خویشتن خویش در قیامت

إلى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ .. بل الإنسان على نفسه بصيره

۲ - هر انسانی در عرصه قیامت ، خود شاهد و گواه بر محکومیت خویش خواهد بود .

بل الإنسان على نفسه بصيره

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <بصیره> صفت برای موصوف محذوفی (مانند <حجّه>) باشد. در این صورت مفاد این آیه مانند آیه ۲۴ از سوره <نور> است (یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا یعملون).

۳ - مجموعه رفتارها و کردارهای هر انسانی در قیامت ، برای او آن چنان روشن است که نیازی به دلیل و گواه دیگران نیست .

بل الإنسان على نفسه بصيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۷ - ۱

۱ - انسان ها در قیامت ، به دسته های مختلف تقسیم خواهند شد .

و إذا النفوس زوجت

سیاق آیات، دلالت دارد که آنچه پیش از این آیه آمده بود، <اشرط الساعه> و حوادثی بود که در آستانه قیامت رخ می نمود. از این آیه به بعد حوادثی آمده است که در قیامت رخ خواهد داد. <زوج> در اصل به معنای صنف و نوع از هر چیز است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۳

۳ - حاضران صحنه قیامت ، دارای قدرت درک و شناخت

علمت نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۳

- ۳

حاضران صحنه قیامت ، دارای قدرت درک و شناخت

علمت نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۶ - ۲

۲ - مردم در صحنه قیامت ، به حال ایستاده در انتظار فرجام نهایی خویش اند .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۲

۲ - صحنه گریزناپذیر قیامت ، برای برخی جز فروتنی و تسلیم ذلّت بار چاره ای باقی نمی گذارد .

حدیث الغشیه . وجوه یومئذ خشعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۵

۵ - وجود کارگزارانی چند ، برای حسابرسی اعمال مردم در قیامت

ثمّ إنّ علینا حسابهم

برداشت یاد شده، از ضمیر <نا> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۱،۲،۶

۱ - تجلّی حضور خداوند ، در تمام صحنه های قیامت برای همه مردم

و جاء ربّک

خداوند، همواره و در همه جا، در دنیا و آخرت، حضور دارد. بنابراین معنای <جاء>، ظهور همین حقیقت برای حاضران در

صحنه قیامت است، چه آن که آنان حضور خداوند را در همه امور، مشاهده خواهند کرد.

۲- انسان ها در قیامت، خود را به طور کامل، مقهور ربوبیت و تدبیر خداوند خواهند دید.

و جاء رَبُّكَ

اضافه <رَبِّ> به ضمیر خطاب - که به مخاطب خاصی نظر ندارد بیانگر آن است که آنچه برای همگان مشهود خواهد شد، جلوه های ربوبیت خداوند در هر شخص است.

۶- رسیدگی به کارهای انسان ها در

قیامت ، دارای قسمت های گوناگون و تفکیک شده است .

صَفَاً صَفَاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۳

۳ - انسان ها در قیامت ، به گروه هایی گوناگون تقسیم خواهند شد .

یومئذ یصدر الناس أشتاتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۲

۲ - کار های ناروا ، هر چند به وزن مورچه ریز و یا ذرات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد .

و من یعمل مثقال ذره شراً یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۳

۳ - تشبیه وضع انسان ها در قیامت ، به انبوه ملخ های پراکنده *

یوم یکون الناس کالفراش المبتوث

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که فرَاش چنان که فَرَّاء گفته است به معنای ملخ هایی باشد که بر زمین گسترده شده، درهم می لولند. گفتنی است که این معنا، تنها از فَرَّاء نقل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۱

۱ - برخی از مردم در قیامت ، دارای کرداری سنگین و ارجمند در پیشگاه خداوند

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

به وزنه هایی که با آن متاع را می سنجند و نیز به ابزار سنجش هر چیز، <میزان> گفته می شود (برگرفته از لسان العرب). سنگینی وزنه ها در قیامت، بیانگر سنگینی اعمال است که به تناسب ماهیت آنها، مراد ارج و بهای فراوان آنها خواهد بود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۱

۱ - اعمال برخی از مردم در قیامت ، سبک وزن و بی ارزش است .

و أمّا من خفت موزینه

<موازنین> یا جمع <میزان> و یا جمع <موزون> است. برداشت یاد شده، با هر دو مبنا سازگار است.

انسان ها و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتيك حديث الغشيه

استفهام در <هل أتيك>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

انسان ها هنگام برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- <سأل حبر من اليهود، رسول الله (ص) فقال: أين الناس > يوم تبدل الأرض غير الأرض ؟ > قال: هم في الظلمه دون الجسر؛

دانشمند یهودی از رسول خدا(ص) [درباره آیه] <يوم تبدل الأرض غير الأرض> سؤال کرد که [در آن هنگام] مردم کجا هستند حضرت فرمود: آنان در تاریکی نزدیک پل هستند.>

انسان های پیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- افراد عوام و تابع ، پس از حضور در پیشگاه خداوند در قیامت به رهبران مستکبر خویش اعتراض و از آنان درخواست کمک خواهند کرد .

و برزوا

لله جميعاً فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعاً فهل أنتم مغن

انسانها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۹

۹ اختیاری بودن اعمال انسان ، مورد پذیرش او در قیامت

توذ لو ان بینها و بینہ امدأ بعیداً

از اینکه انسان دوست دارد میان او و عملش فاصله باشد و نمی گوید مجبور بودم، معلوم می شود که انسان می پذیرد اعمالش، اختیاری بوده است.

انکار شرک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله ای معترف به آن می شوند.

والله ربنا ما كنا مشركين .. فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

انهدام آفرینش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۳

۳ - جهان در آستانه قیامت ، درهم کوبیده و دگرگون خواهد شد .

القارعه

نام گذاری قیامت به <القارعه>، ممکن است ناظر به کوبندگی حوادثی از قبیل <انشقاق آسمان>، <اندکاک زمین و کوه

ها < و > کدر شدن ستارگان < باشد که به تصریح آیات برخی از سوره های دیگر در آستانه قیامت پدید خواهد آمد.

انهدام زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

<دک>؛ یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دکاً دکاً> بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

انهدام کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۲

۲ - کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت به صورت انبوهی از ریگ های روان درخواهد آمد .

و كانت الجبال كئيِّبًا مهيلًا

<کئیب> به معنای ریگ انباشته شده و <مهیل> (اسم مفعول از ماده <هیل>) به معنای شیء روان است (صحاح اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۲، ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، مانند پشم های رنگارنگی خواهند شد که حلاجی شده و از هم باز شده باشد .

و تكون الجبال كالعهن المنفوش

<عهن>، به معنای پشمی است که با رنگ های گوناگون رنگ آمیزی شده باشد. برخی گفته اند: به هر پشمی <عهن> گفته می شود. <نُقُش>؛ یعنی، باز کردن و کشیدن پشم تا آن جا که اجزای آن از هم بگسلد. (لسان العرب)

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، تمام کوه ها را متلاشی کرده ، ذرات رنگارنگ آنها را درهم خواهد آمیخت .

ما القارعه . يوم ... تكون الجبال كالعهن المنفوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مرحله سنجش اعمال ، پس از تخریب کوه ها و گذشت دوران سرگردانی مردم در قیامت است .

یوم یکون الناس کالفراش . . . و تكون الجبال کالعهن المنفوش . فأما من ثقلت موزینه

حرف <فاء> در <فأما> بیانگر نکته یاد شده است.

اوامر خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش درآیند و به جمع دوزخیان بیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . . . فی النار

اولیاء الله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۴

۴ - > عن الزهری قال : سمعت علی بن الحسین (ع) یقول : . . . > إذا وقعت الواقعة < یعنی القیامه لیس لوقعتها کاذبه . >

خافضه < خففت و الله بأعداء الله إلى النار > رافعه < رفعت و الله أولیاء الله إلى الجنة . . . >

زهری گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه <إذا وقعت الواقعة> می فرمود: . . . یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] <خافضه> است؛ به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و <رافعه> است؛ به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...>.

اولین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۱،۲

۱ - در آستانه برپایی

قیامت و در پی صیحه و لرزش نخستین ، صیحه و لرزشی دوباره پدیدار خواهد شد .

تتبعها الرادفه

<رادفه>؛ یعنی، ملحق شونده و از پی در آینده. (مصباح) تطبیق آن بر نفخ صور دوم مفاد این آیه و آیه قبل را نظیر آیه ۶۸ سوره زمر می سازد.

۲ - دومین زلزله در مراحل برپایی قیامت ، تابع اولین لرزش و فرع بر پیدایش آن است .

تتبعها الرادفه

اهتمام مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۰

۱۰ - مسأله قیامت ، مهم ترین دغدغه اهل ایمان و عارفان است .

و یحذر الآخره

<حذر> (مصدر <یحذر>) به معنای احتراز و خویشتن را از چیز خطرناکی نگه داشتن و مراقبت کردن است. بر این اساس مقصود از <یحذر الآخره> دغدغه خاطری است که مؤمن از آخرت و وضعیت خود در آن جهان دارد.

اهل باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَتُهُمْ أَجْمَعِينَ

مراد از <فصل>، ممکن است جدا

شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

اهل کتاب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۴

۱۴ مسخ چهره انسانی گروهی از اهل کتاب (سران و عالمان) در قیامت *

من قبل ان نظمس وجوهاً فتردها علی ادبارها

نکره بودن <وجوه> حاکی از آن است که این عقوبت (مسخ چهره انسانی) برای تمامی مخاطبان نیست. لازم به ذکر است که برخی از مفسران تحقق این معنی را در قیامت می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند گردآورنده تمامی ستمگران (اهل کتاب و مشرکان) در قیامت

إنه لا یفلح الظلمون . . . و یوم نحشرهم جمیعا

چون در آیات گذشته سخن از مشرکان و اهل کتاب به میان آمده بود، در برداشت این دو گروه به عنوان مصادیقی بارز از ظالمان مشخص شده اند.

اهمیت آمادگی برای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۵

۵ - لزوم توجه و آمادگی انسان ، برای رخداد قیامت

هل ینظرون

از لحن نکوهش آمیز آیه شریفه، نسبت به غفلت کنندگان از قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

اهمیت احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۳

۳ - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .

.. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

اهمیت ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۹

۹ ضرورت ایمان به قیامت و ملاقات خداوند

لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۲

۲ اهمیت و ویژگی ایمان به خدا و قیامت ، در سلسله مفاهیم و معارف دینی

و من الأعراب من يؤمن بالله و اليوم الآخر

بسنده کردن به ذکر ایمان به خدا و روز رستاخیز، بیانگر محور بودن آن دو در میان سلسله مفاهیم و معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۶

۶ انکار قیامت ، هم طراز و مساوق انکار ربوبیت خداست .

أولئك الذين كفروا بربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۲

۲ موّحدان و مؤمنان به پیامبر (ص) و باورداران به قیامت ، اجابت کنندگان دعوت الهی اند .

للذين استجابوا لربهم الحسنى

آیات گذشته بیانگر این است که مراد از <الذین استجابوا> موحدان و مؤمنان به پیامبر(ص) و باورداران به قیامت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۳

۳- ایمان به قیامت ، از مهم ترین ارکان عقیدتی آیین موسی (ع) است .

نودی یموسی . . . إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۸

۸ - ایمان به قیامت و جزای اعمال ، دارای اهمیت و جایگاهی ویژه در عقیده دینی است .

الساعة آتیه .. فلا یصدنک عنها

اهمیت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت ، بخشی از اهداف الهی در آفرینش جهان

بالحقّ و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <و لتجزی> عطف بر محذوف باشد، یعنی، آفرینش به حق هستی اهداف متعددی را دنبال می کند و از آن میان، تنها یک مورد ذکر شده است که جزای عادلانه مردم است و قیامت صحنه اصلی بروز و ظهور آن می باشد.

اهمیت ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۴

۴- اهتمام به امر قیامت و ترس و نگرانی از آن ، از ویژگی های تقوای پیشگان است .

و ذکرًا للمتّقین .. و هم من الساعه مشفقون

واژه <اشفاق> از نظر بسیاری از مفسران و اهل لغت، به معنای ترس توأم با اعتنا و اهتمام است (مفردات راغب و ..).

اهمیت تفکر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۵

۵- یاد قیامت و تفکر و تأمل در حقایق و رخداد های آن ، امری لازم است و بایسته .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

آیه شریفه، در مقام سرزنش کسانی است که از قیامت و رخداد های آن غافل اند. این سرزنش، حاکی از ضرورت اندیشه و تأمل در باره

قیامت و احوال آن است.

اهمیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۵

۵ ضرورت و لزوم یاد قیامت و صحنه های حسابرسی آن برای اهل ایمان

یوم یجمع الله الرسل فبقول ماذا اجبتم

بدان احتمال که <یوم> مفعول به برای فعل محذوف همانند <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۵

۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

یوم الحساب

از نام گذاری روز قیامت به <روز حساب>، برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۵

۵ ضرورت و لزوم یاد قیامت و صحنه های حسابرسی آن برای اهل ایمان

یوم یجمع الله الرسل فبقول ماذا اجبتم

بدان احتمال که <یوم> مفعول به برای فعل محذوف همانند <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ تکیه بر موضوع قیامت و توجه دادن به مسائل آن، عنصری اساسی و سازنده در تبلیغ

و آنذر به الذین یخافون أن یحشروا إلی ربهم .. لعلمهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۲

۲ به یاد سپردن روز محشر و دشواری های آن ، توصیه ای است به اهل ایمان .

و یوم نحشرم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <یوم> مفعول به برای فعل مقدر (اذکروا) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷- یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۱

۱ قیامت ، روزی است که مردم باید آن را به خاطر داشته باشند و یکدیگر را به آن یادآوری کنند .

و یوم یحشرهم

<یوم> یا مفعول به است برای <اذکر> یا مفعول دوم است برای <ذکرهم> محذوف و یا ظرف است و متعلق به <قد خسر> می باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۲

۲- یادآوری از قیامت ، توصیه خداوند به انسانهاست .

يعرفون نعمت الله . . . و أكثرهم الكفرون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ظرف <یوم> متعلق به <اذکر> و یا <اذکروا> در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۶

۶- توجه به قیامت و یاد آن ، امری لازم و دارای نقش سازنده و هدایتی

یوم تأتي كل نفس تجدل عن نفسها

برداشت فوق، مبتنی بر این است که نصب <یوم> به تقدیر فعل <اذکر> یا <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲

۲- قیامت و احضار مردم و پیشوایانشان در آن هنگام ، روزی شایسته یاد و یادآوری و به خاطر سپاری است .

یوم ندعوا كل أناس باممهم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که نصب <یوم> به جهت مفعول فعل محذوف <اذکر> باشد و <با> ی در <یا مامهم> مصاحبت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۴۷ - ۱

۱- یادآوری مسائل آخرت،

به منظور دل نبستن به زندگی ناپایدار دنیا، لازم است .

المال و البنون زينه الحيوه الدنيا .. و يوم نسير الجبال

<یوم> مفعول برای فعل مقدر <أذکر> است؛ یعنی، <یاد کن روزی را که..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۵

۵- یاد قیامت و تفکر و تأمل در حقایق و رخداد های آن، امری لازم است و بایسته .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

آیه شریفه، در مقام سرزنش کسانی است که از قیامت و رخداد های آن غافل اند. این سرزنش، حاکی از ضرورت اندیشه و تأمل در باره قیامت و احوال آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۲

۲- قیامت و در هم پیچیده شدن آسمان در آستانه آن، از حوادث درس آموز و شایسته یاد و یادآوری

یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <یوم> به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۴

۴- لازم است که روزی را که در آن، کافران با آتش جهنم، به سختی عذاب و سوزانده می شوند، به خاطر داشت .

یوم تقلب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعول به بودن اش باشد. که باید فعل <أذکر> در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - ق - ٥٠ - ٤١ - ٣

٣ - مؤمن ، همواره

در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۱

۱ - صحنه قیامت و مسائل مربوط به آن ، شایان ذکر و یادآوری است .

یوم یکشف عن ساق

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلق به فعل مقدر <أذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۱

۱ - لزوم توجه به معاد و غفلت نداشتن از قیامت

ألا یظنّ أولئک أنّهم مبعوثون .. کلاّ إنّ کتب الفجار ... کلاّ إنّ کتب الأبر

حرف <کلا> در این آیه، مفاد <کلا> در آیه مربوط به فاجران را تأکید می کند. مقابله <أبرار> با <فجار> بیانگر این ارتباط است.

اهمیت عقیده به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۶

۶ - اعتقاد به قیامت و محاسبه اعمال ، دارای نقشی بنیادین در مجموعه باور های دینی

و هم بالآخره هم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ - دعوت مردم به یکتاپرستی و اعتقاد به روز رستاخیز ، در رأس برنامه های فرستادگان الهی

یتلون علیکم ءایت ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۲

۲ - اصل اعتقاد به قیامت و جزای عمل دارای اهمیت است ؛ نه شناخت زمان آن .

یسئلون أیّان یوم الدّین . یوم هم علی

کافران از زمان وقوع قیامت سؤال کرده اند؛ ولی خداوند پاسخ آنان را با یادآوری اصل وقوع قیامت داده و زمانی را معین نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۴

۴ - عقیده به قیامت و روز جزا، از ارکان مهم دین

بل لا یخافون الآخره

مطلب یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن انکار معاد از سوی کافران از میان دیگر اندیشه ها و عقاید اسلامی به دست می آید.

اهمیت علم به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۴

۴ - آگاهی از زمان وقوع قیامت، امری برای مردم بس مهم بود.

یسئلك الناس عن الساعه

اهمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۶

۶ طرح مسأله قیامت و روز بازپسین، رسالت مشترک تمامی پیامبران الهی

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه .. کذک کذب الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۸

۸- معاد و قیامت ، از مهم ترین موضوعات معرفت دینی پس از توحید *

و ما أمر الساعه إلاّ كالمح البصر

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط آیات و اینکه در آیات گذشته، محور اصلی موضوع توحید و پرهیز از شرک بود و در این آیه سخن از برپایی قیامت می باشد به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۵

۵- زمان ولادت

، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۳

۳ - روز قیامت ، روزی بس با عظمت و مهم

لکم میعاد یوم

تنوین <یوم> بر تعظیم دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۲،۳

۲ - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ عظمت رسالت خویش و موضوع قیامت و توحید الهی به مردم

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۶

۶- لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای بس مهم و متمایز از تمام تاریخ زندگانی بشر در دنیا *

فهل ینظرون إلاّ الساعه

با این که همه لحظه های عمر بشر و تاریخ، مصداق <ساعه> است؛ نام نهادن روز قیامت و لحظه برپایی آن به عنوان <الساعه>، می نمایاند که لحظه واقعی، سرنوشت ساز و قابل توجه، لحظه رستاخیز است و دیگر لحظه ها، در حقیقت قابل ذکر نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۱

۱ - ضرورت برپایی قیامت و خلقت دوباره آدمیان ، در بینش الهی

و أنّ علیه النشأه الأخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۳

۳ - برپایی قیامت ، لحظه ای

مهم و مقطعی حساس در نظام جهان

اقتربت الساعة

از این که در اولین پیام سوره مسأله نزدیکی قیامت با تعبیری هشداردهنده و بی مقدمه یاد شده است؛ استفاده می شود که نزدیکی آن لحظه بس مهم و وقوع قیامت، مقطعی حساس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۳

۳ - اهمیت و جایگاه ویژه مسأله قیامت ، در سلسله معارف الهی

و المرسلت عرفاً . .. إنما توعدون لوقوع

پنج بار سوگند الهی برای اثبات و قطعیت برپایی قیامت، بیانگر برداشت یاد شده است.

اهوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۴، ۳، ۲

۲ - قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت از آن ، وسیله کارسازی را تدارک دید .

واتقوا یوماً

<اتقاء> یعنی، بر گرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت از چیزی خطر ساز و هولناک. بنابراین <اتقوا یوماً> دلالت می کند که: روز قیامت متضمن خطرهای هولناکی است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها وقایه ای (نگهدارنده ای) را تدارک ببیند.

۳ - ایمان به قرآن ، پیروی از دستورات خدا و پرهیز از محرّمات ، وسیله محافظت آدمی در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت) - پس از دعوت به ایمان (آمنوا بما أنزلت) و دیگر تکلیفهای یاد شده در آیه - می رساند که: وقایه آدمی در روز قیامت، همان ایمان به قرآن و .. خواهد بود.

در نماز جماعت از جمله سبب های کارساز برای دور ماندن از عذاب ها و مخاطرات روز قیامت

و أقيموا الصلوه .. واتقوا يوماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۷

۷ - قیامت ، صحنه ای هراسناک و جایگاه حزن و اندوه است .

ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۲،۳

۲ - قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت از آن ، سببی کارساز تدارک دید .

و اتقوا يوماً

<اتقاء> (مصدر إتقوا) یعنی، برگرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت از چیزی هولناک و خطرناک. بنابراین <إتقوا يوماً> دلالت می کند که: روز قیامت حاوی مخاطرات هولناک است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها، وقایه (وسیله ای برای محافظت) فراهم آورد.

۳ - ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از کفر ورزی به آنها ، وسیله محافظت در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

أولئك يؤمنون به و من يكفر به .. و اتقوا يوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت)، پس از ترغیب به ایمان (أولئك يؤمنون به) و هشدار از کفرورزی (و من يكفر ..) می رساند که: وقایه انسان در روز قیامت، ایمان به قرآن و پیامبر(ص) و پرهیز از کفرورزی به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۶

۱۶ روز قیامت ، روزی بزرگ و عذاب آن ، عذابی سهمگین است .

فإني أخاف عليكم

عذاب یوم کبیر

کلمه <کبیر> در ظاهر صفت برای <یوم> است و در حقیقت بیانگر بزرگی عذاب آن روز می باشد که از آن در برداشت ، به سهمگینی عذاب تعبیر گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- قیامت ، روز خیره شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیہ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱- ستمگران ، در قیامت ، شتابان و با ترس و ذلت سر برافراشته و چشم دوخته ، محشور خواهند شد .

و لا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظلمون . . . مهطعین مقنعی رءوسهم

<اهطاع> به معنای حرکت سریع همراه با ترس است و <اقناع> به معنای سر برافراشتن و خیره شدن چشم به چیزی با حالت ذلت و خواری است (لسان العرب).

۲- ستمگران بر اثر وحشت روز قیامت ، از حرکت پلک های چشم ناتوان و دلشان تهی از تدبیر و چاره جویی خواهد بود .

يعمل الظلمون . . . لا یرتد إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

۳- شدت وحشت و اضطراب و بهت زدگی غیر قابل توصیف ستمگران در قیامت

يعمل الظلمون . . . مهطعین مقنعی رءوسهم لا یرتد إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۴

۴- کیفیت حضور مجرمان در قیامت ، منظره ای زشت و هولناک است .

و برزوا . . . و تری المجرمین یومئذ مقرنین فی الأصفاد . سرایلهم من قطران و تغشی

۲- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنم یومئذ للکفرین عرضاً

<عرضاً> علاوه بر تأکید سخن به دلیل نکره بودن بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۷

۷- صحنه های شهادت علیه کافران در قیامت ، منظره هایی دشوار و هلاکت آفرین خواهد بود .

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

<مشهد> ممکن است اسم مکان به معنای محل شهادت باشد. حرف <مِنْ> دلالت دارد که همان مکان شهادت منشأ <ویل> برای کافران است، بنابراین باید گفت صحنه های شهادت علیه آنها، مرگ آفرین و عذاب ساز است، به گونه ای که اگر در قیامت مرگ کسی امکان پذیر بود، آنان جز هلاکت و ویل سرنوشتی نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۹

۹- دوران برزخ ، در برابر عظمت و سختی های قیامت ، بسیار اندک و ناچیز است .

إذ یقول أمثلهم طریقه إن لبثتم إلا یوماً

کوتاه جلوه کردن فاصله مرگ تا قیامت، ظاهراً محصول نوعی مقایسه بین قیامت و برزخ است. منشأ این قضاوت ممکن است مشاهده سختی های قیامت و یا توجه به خلود و جاودانگی آن باشد. توصیف گوینده <إن لبثتم إلا یوماً> به این که او به حق نزدیک تر است، گویای تأکید قرآن بر اصل کوتاه بودن زمان برزخ است؛ زیرا بین فاصله یک روز و

فاصله ده روز، اولی را به حقیقت نزدیک تر دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۸

۸ - رحمانیت خداوند ، امید و ملجأ تمامی مردم در صحنه دهشت زا و مخوف قیامت

و خشعت الأصوات للرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- > عن النبي (ص) فی معنی < الفزع الأكبر > : ان الناس يصاح بهم صيحة واحده فلا يبقى ميت إلا نشر و لا حي إلا مات إلا ما شاء الله ثم يصاح بهم صيحة أخرى فينشر من مات و يصفون جميعاً و تنشق السماء و تهد الأَرْض و تخزّ الجبال و تزفر النيران و ترمي بمثل الجبال شرراً فلا يبقى ذو روح إلا إنخلع قلبه و ذكر ذنبه و شغل بنفسه إلا ما شاء الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أكبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یاد آورد و هر کس به فکر خویش باشد،

مگر آنچه را خدا بخواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۶

۶- لرزش و اضطراب بسیار شدید مردم ، در عرصه قیامت

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

<ساعه> به معنای لحظه و هنگام است و <الساعه> یعنی، آن هنگام. مقصود از <آن هنگام>، می تواند هنگام برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر باشد. در این صورت کلمه <زلزله> استعاره از اضطراب شدید مردم است. هم چنین می تواند زمان پایان یافتن عمر جهان کنونی و فرا رسیدن هنگام فروپاشی نظام آن باشد. در این صورت مراد از <زلزله>، لرزش شدیدی است که در آن لحظه، سراسر جهان را فرا می گیرد و باعث فروپاشی آن می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها.. و تضع کلّ ذات حمل حملها

۱۲- بیم و هراس مردم در عرصه محشر ، به اندازه ای است که آنان همچون مردم می خورده و مست ، عقل و هوش خود را از کف خواهند داد .

و تری الناس سکری و ما هم بسکری

۱۳- هراس سخت و سهمگین مردم در عرصه رستاخیز ، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

و لکنّ عذاب الله شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ - قیامت ، دارای صحنه هایی

هراس آور و هولناك

يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۶

۶ - رسوایی و شرمساری در روز رستاخیز ، سخت ترین حالات روحی انسان در آن روز

و لاتخزنی يوم يبعثون

از این که حضرت ابراهیم(ع) از میان انواع نگرانی ها و حالات ناخوشایند روحی در قیامت، تنها رسوایی و شرمساری را مطرح ساخت، می توان به مطلب یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۵

۵ - هراس و وحشت شدید موجودات آسمان ها و زمین ، در لحظه فروپاشی جهان و نیز روز رستاخیز

و يوم ينفخ في الصور ففرع من في السموت و من في الأرض

مراد از <ينفخ في الصور> می تواند مطلق نفخ صور و دربرگیرنده نفخه اولی که فروپاشی جهان و مرگ موجودات را در پی دارد و نفخه ثانیه که منجر به برپایی رستاخیز می شود باشد. گفتنی است که تعبیر <فرع من في السماوات و من في الأرض> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۲

۲ - قیامت ، روزی سخت و هولناك است .

و يوم تقوم الساعة يبلس المجرمون

احتمال دارد که اندوه و ناامیدی مجرمان و یا قطع شدن عذرها و حجت های آنان در روز قیامت، به جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۶

۶ - روز برپایی قیامت

، روزی هول ناک و خوف آور است .

و یوم تقوم الساعة .. و یوم تقوم الساعة

تکرار الفاظ <یوم> در دو آیه ای که بسیار نزدیک هم هستند، اشاره به نکته یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۶

۶ - قیامت ، روزی هول انگیز است و شایسته است که انسان ، از آن نگران باشد .

و اخشوا یومًا لایجزی والد عن ولده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۳

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۸،۱۰

۸ - قیامت ، روزی بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

۱۰ - قیامت ، عرصه ظهور حقایق و رخداد های بس بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

توصیف روز قیامت به عظیم بودن، می تواند به خاطر بزرگی رخدادها و عظمت حقایق آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روزی

سخت ، هولناک و هشدار دهنده برای انسان ها

لیندر ... یوم هم برزون لایخفی علی الله منهم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و نیز انداز به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۵،۶،۷

۵ - به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر

هرگاه انسان در تنگناهای سخت قرار گیرد، احساس می کند که گویی قلبش از جا کنده می شود. گاهی به این مطلب گفته می شود: <جانش به لب رسید>. در زبان عرب از این حالت به <بلغت القلوب الحناجر> تعبیر می شود.

۶ - قیامت ، دارای غم و اندوه کشنده و زجر آور ، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد .

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده باشد. <کاظمین> یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

۷ - وجود شرایط و صحنه های سخت و اندوه بار برای انسان در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه بروز حوادث هول انگیز

و الذین ءامنوا مشفقون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- زخرف - ۴۳ - ۶۸ - ۵

۵- قیامت ، صحنه

ای پر بیم و هول انگیز

یعباد لا خوف علیکم الیوم و لا أنتم تحزنون

از تأکید خداوند بر نفی خوف و اندوه برای تقوای پیشگان در قیامت، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱،۱۰

۱ - ناتوانی، هراس و وحشت همه گروه‌ها و مجموعه‌ها، در روز قیامت

و تری کلّ أمّه جائیه

<جُئُوْا> (مصدر <جائیه>) به معنای به زانو نشستن است و در این جا می‌تواند کنایه از هراس، دلهره و تسلیم باشد.

۱۰ - احضار امت‌ها برای حسابرسی، مایه هراس و به زانو درآمدن آنان در صحنه قیامت *

و تری کلّ أمّه جائیه کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

برداشت بالا بدان احتمال است که جمله <کلّ أمّه تدعی إلی کتبها> در صدد بیان علت <کلّ أمّه جائیه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۳

۳ - ترسیم رخداد های پراضطراب هستی در آستانه قیامت، هشدار به تکذیب کنندگان آن است.

یوم تمور... و تسیر الجبال... فویل یومئذ للمکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۲

۲ - صحنه قیامت، در بردارنده دشواری‌ها و مشقت‌ها برای انسان

لیس لها من دون الله کاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اهل عبادت برای خداوند ، برخوردار از حمایت های او در مراحل هولناک قیامت

لیس لها من دون الله كاشفه .. فاسجدوا لله و اعبدوا

چنانچه < کاشفه >

در آیات پیشین، به معنای گشاینده سختی ها باشد، از ارتباط این آیه با <لیس لها..> می توان به مطلب بالا پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۴

۴ - فضای محشر ، سخت داغ ، دود آلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۶، ۲

۲ - قیامت ، روزی بسیار سخت و هولناک برای اهل محشر

یوم یکشف عن ساق

تعبیر <یکشف عن ساق> (ساق ها برهنه می شود) در زبان عرب، کنایه از شدت هول و هراس و وخامت اوضاع است.

۶ - < عن أبي عبدالله (ع) فی قوله عزوجلّ : . . . > و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون < قال : أفحجم القوم و دخلتهم الهيبة و شخّصت الأبصار ، و بلغت القلوب الحناجر ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجلّ <و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون> فرمود: مهر سکوت بر دهان آنان زده می شود، ترس تمام وجودشان را فرامی گیرد، چشمانشان خیره می گردد، جان ها به حنجره ها می رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۱

۱ - ترس از احوال روز قیامت ، از ویژگی های ابرار

إننا نخاف من ربنا يوماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۲

۲ - قیامت ، حادثه ای سنگین و با عظمت و صحنه سایه افکندن نگرانی و ترس بر منکران

أبصرها خشعه

فروتنی و ذلت منکران معاد در صحنه قیامت، حاکی از عظمت و هول آور بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۴

۴ - حوادث قیامت ، هولناک و سزاوار ترس و نگرانی است .

من یخشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت روزی بس با عظمت است و بیان سختی حوادث آن ، امکان پذیر نیست .

ثم ما أدريک ما یوم الدین

تکرار <ما أدراک> تأکید بر عظمت و نبودن ابزار، برای آگاه سازی دیگران به حقیقت حوادث آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۶ - ۹

۹ - ایستادن در پیشگاه خداوند برای حسابرسی اعمال ، از صحنه های خوفناک و حوادث بزرگ روز قیامت است .

لیوم عظیم . یوم یقوم الناس لرب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۵

۵ - صحنه برملا شدن رازها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلا یعلم إذا .. و حصّل ما فی الصدور

ایستادن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۶ - ۲

۲ - مردم در صحنه قیامت ، به حال ایستاده در انتظار فرجام نهایی خویش اند .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین

ایفای حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۵

حاضران صحنه قیامت ، از مؤاخذه دیگران و گرفتن حقوق خود حتی از نزدیک ترین خویشاوندان چشم پوشی نخواهند داشت . *

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر و ترس از روبه رو شدن با او، حاکی از واقع شدن در مؤاخذه شدید از سوی او است؛ به گونه ای که شخص گمان می کند که اگر فرار نکند، گرفتار خواهد شد.

ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۲

۲۲ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانّا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۳

۳ - قرآن بهترین راهنمای مردم برای ایمان به خدا و قیامت

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا یؤمنون

چنانچه مراد از <کفر> کفر به قرآن باشد، جمله <سواء علیهم> به این حقیقت اشاره دارد که اگر قرآن در انسانی تأثیر نبخشد چگونه انتظار می رود که از سخن پیامبر(ص) تأثیر بپذیرد؟ و این حاکی از آن است که قرآن بهترین وسیله هدایت و ارائه کننده مؤثرترین اندازهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸ - ۳

۳ - ایمان به خدا و روز قیامت ، از ارکان اعتقادی دین اسلام

و من الناس من يقول ءامنا بالله و باليوم الآخر

معمولا کسانی که در صدد نفوذ در میان طایفه و گروهی هستند، پایندی

خویش را به مهمترین اصول آن طایفه ابراز می دارند. بنابراین از دیدگاه همگان، ایمان به خدا و قیامت از مهمترین ارکان اعتقادی اسلام می باشد و آدمی با اظهار ایمان به آن از زمره مسلمانان محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۵

۵ - ایمان به خدا و قیامت و تصدیق رسالت پیامبران ، از اصول مشترک ادیان آسمانی است .

إن الذين ءامنوا و الذين هادوا .. من ءامن بالله و اليوم الآخر

ایمان به خدا و قیامت از <من آمن ..> به دست می آید و ایمان به رسولان الهی از عنوانهای مذکور در آیه (مسلمانان، یهودیان و ...) معلوم می شود زیرا این ملتها همه معتقد به رسالت انبیا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۶

۶ - ایمان به خدا و روز قیامت از ارکان اساسی مکتب انبیا (ع)

من ءامن منهم بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۷

۱۷ - ایمان به خدا ، قیامت ، فرشتگان ، کتاب های آسمانی و پیامبران مشخصه نیکان

و لكن البر من ءامن بالله .. و النبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۵،۶

۵ ایمان به خدا و روز قیامت ، ضامن انجام تکالیف الهی

و لا يحل لهنّ .. ان كنّ يؤمنن بالله و اليوم الاخر

۶ عمل به تکالیف الهی ، لازمه ایمان

به خدا و روز قیامت

و لا یحلّ لهنّ . . . ان کنّ یؤمننّ باللّٰه و الیوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۹،۱۰

۹ مؤمنان به خدا و قیامت از ازدواج زن مُطلّقه ، ممانعت نمی کنند .

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . . . ذلک یوعظ به من کان منکم یؤمن باللّٰه و الیوم الآخر

۱۰ ایمان به خدا و قیامت ، زمینه پذیرش احکام و مواعظ الهی

ذلک یوعظ به من کان منکم یؤمن باللّٰه و الیوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۱،۲۲،۲۳

۲۱ معتقدان به لقای خداوند (روز رستاخیز) در لشکر طالوت ، امیدوارکنندگان دل های نگران

قال الذّین یظنون انّهم ملاقوا اللّٰه کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره

۲۲ مؤمنان به روز رستاخیز ، معتقد به پایداری در پیکار با دشمنان خدا ، علی رغم کمبود نیرو

قال الذّین یظنون . . . غلبت فئه کثیره

۲۳ گمان به لقاء اللّٰه (روز رستاخیز) موجب پایداری انسان در پیکار با دشمنان

قال الذّین یظنون . . . غلبت فئه کثیره

بنابراینکه < یظنون > به معنی گمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۵ - ۲۰

۲۰ اعتقاد و یقین مؤمنان به معاد و بازگشت به سوی خداوند .

و اليك المصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ٢٤ - ٧

٧ اهل كتاب ، معتقد به رستاخيز و كيفر اعمال

لن تمسنا النار الا اياماً

جلد - نام سوره -

۱ ایمان به خدا و روز قیامت ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در کار های خیر ، از ویژگی های برخی اهل کتاب

من اهل الكتب . . . يؤمنون بالله و اليوم الاخر و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنك

۴ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب ورزیدن به کار های نیک ، ملاک ارزش و شایستگی (صالح بودن)

يؤمنون . . . يسارعون في الخيرات و اولئك من الصالحين

۵ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر ، از اصول مشترک اعتقادی و عملی ادیان الهی

من اهل الكتب . . . يؤمنون بالله و اليوم الاخر و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنك

۷ گروهی از اهل کتاب که مؤمن به خدا و روز واپسین و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر و شتاب کنندگان به نیکی ها هستند ، از تبار صالحان هستند .

من اهل الكتب امه . . . يؤمنون بالله ... و اولئك من الصالحين

۸ قیام به امر دین (اطاعت خدا) تلاوت آیات خدا ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر ، ویژگی امت شایسته و صالح

امه قائمه . . . و اولئك من الصالحين

۱۰ صالح شدن انسان ها ، در گرو ایمان به خدا ، معاد ، امر به معروف و نهی از منکر (

اصلاح دیگران) و شتاب در کارهای نیک است.

يؤمنون بالله .. و اولئك من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۴،۷،۹

۴ قیام به طاعت خدا، تلاوت آیات وی در شب هنگام در حال سجده، ایمان به خدا و معاد، امر به معروف، نهی از منکر و شتاب در نیکی‌ها، از اعمال خیر

من اهل الكتب امه قائمه .. و ما يفعلوا من خير

۷ قیام به امر خدا، تلاوت آیات او، سجده، ایمان به خدا و معاد، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر، از ویژگی‌های تقوای پیشگان

امه قائمه يتلون آيات الله .. و الله عليهم بالمتقين

آیه، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند، از آنها تعبیر به متقین کرده، پس آن خصلتها از آن متقین است.

۹ ایمان به خدا و روز واپسین و عمل صالح، موجب نیل آدمی به تقوای پیشگی *

امه قائمه .. يؤمنون بالله و اليوم الاخر ... و الله عليهم بالمتقين

تعبیر از مؤمنان امر به معروف و .. به متقین یا به جهت این است که دارندگان صفات یاد شده تقوای پیشه هستند، و یا آن صفات موجب نیل آدمی به تقوای پیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۳

۳ ایمان به حشر و بقای آدمی پس از مرگ، برانگیزنده وی برای حضور در میدان کارزار علیه دشمنان دین

لئن مُتّم او قُتلتم لالی اللّٰه تحشرون

خداوند با بیان این معنا که آدمی با مرگ و یا کشته شدن، چه در راه منافع دنیا و یا راه خدا، به سوی او محشور می شود، او را به جهاد ترغیب و انگیزه پیکار در راه خدا را در او تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۹،۳۱

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن ، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

کلمه <فا> در <فقنا .. >، بیانگر این معناست که خردمندان با نفی بطلان در آفرینش و اعتقاد به هدفداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

۳۱ اعتقاد به معاد و درخواست رهایی از آتش دوزخ ، نشانه خردمندی

لایات لاولی الالباب .. فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۹

۹ خردمندان ، مؤمن به خداوند ، رسالت تمامی انبیا و برپایی قیامت

رَبَّنَا وَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رِسْلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ ناسازگاری تکبر و فخرفروشی با ایمان به خدا و قیامت

لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ مَخْتَالًا فُخْرًا .. وَ الَّذِينَ ... وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ

برداشت فوق بر این مبناست که <الذین .. لا يؤمنون> عطف بر <الذین یبخلون> و

توصیفی برای <مختلاً فخوراً> باشد. یعنی فخر فروشان و متکبران ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۱،۴

۱ ایمان به خدا و قیامت و انفاق ، هیچ خسارتی را برای آدمی در پی نخواهد داشت .

و ماذا علیهم لو امنوا بالله و الیوم الاخر و انفقوا

۴ ارزشمندی انفاق ، مشروط به ایمان به خدا و قیامت است .

ماذا علیهم لو امنوا بالله و الیوم الاخر و انفقوا

علی رغم اینکه بحث آیات گذشته درباره انفاق و مسائل مربوط به آن بود، مطرح ساختن ایمان به خدا و قیامت پیش از امر به انفاق می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۷،۲۰،۲۱،۲۴

۱۷ ارجاع اختلافات و کشمکش ها به خدا و پیامبر (ص) (قرآن و سنت) ، از نشانه های @ایمان به خدا و قیامت

فان تنازعتم .. ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر

۲۰ اطاعت از خدا و رسول و اولوالامر ، نشانه ایمان واقعی به خدا و روز قیامت است .

اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر .. ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم ال

بنابر اینکه جمله <ان کنتم> ، شرط برای جمله <اطیعوا الله> نیز باشد.

۲۱ ایمان به قیامت ، از اصول مهم اعتقادی اسلام

ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر

یاد کردن ایمان به قیامت در کنار ایمان به خداوند، دلالت بر اهمیت آن دارد.

۲۴ ایمان به خدا و قیامت ، پشتوانه اجرایی احکام اسلام

و مایه پرهیز از نافرمانی خدا و رسول (ص)

اطيعوا الله . .. ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۷،۹

۷ ضرورت ایمان به فرشتگان ، پیامبران الهی و روز قیامت

و من يكفر بالله و ملكته و كتبه و رسله و اليوم الآخر

۹ اعتقاد به خدا ، پیامبران ، روز قیامت ، فرشتگان و کتب آسمانی ، ارکان هدایت و شرط تحقق ایمان

يأبها الذين ءامنوا ءامنوا بالله و رسوله . .. فقد ضل ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۱،۱۲،۱۶

۱۱ یهودیان مؤمن به خدا و قیامت ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون فى العلم منهم . .. و المؤمنون بالله و اليوم الآخر

بنابر اینکه <المؤمنون بالله . .. > عطف باشد بر <الرسخون> .

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

۱۶ ایمان به خدا و قیامت ، مستلزم ایمان به پیامبر (ص) ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك . .. و المؤمنون بالله و اليوم الآخر

کلمه <المؤمنون بالله> عطف بر <الراسخون> است و در نتیجه <يؤمنون بما أنزل . .. > خبر برای <المؤمنون بالله> نیز می باشد. گفتنی است که لازمه ایمان به قرآن، ایمان به پیامبر(ص) است و لذا در برداشت فوق ایمان

به پیامبر(ص) نیز آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۱۱،۱۳

۱۱ علم و ایمان حضرت عیسی (ع) و فرشتگان مقرب الهی به قیامت و محسور شدن به پیشگاه خداوند ، مانع استکبار آنان از بندگی خدا

لن يستنكف المسيح ان يكون عبداً لله و لا الملائكة .. فسبحرهم إليه جميعاً

جمله <و من ..> جمله حالیه و بیان علت از جمله سابق است. یعنی امکان ندارد مسیح و فرشتگان از عبادت خدا امتناع کنند ؛ چون حشر انسان و ملائکه به سوی خدا حتمی است و فرشتگان از آن آگاهند.

۱۳ علم و ایمان در قیامت و حضور در پیشگاه خداوند ، مانع از استکبار و بازماندن از عبادت خدا

لن يستنكف المسيح .. و من يستنكف عن عبادته و يستكبر فسبحرهم إليه جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۷

۱۷ ایمان به وحدانیت خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، نشانه عبودیت و بندگی خدا

و يستكبر فسبحرهم إليه جميعاً. فاما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

خداوند از کسانی که استنکاف نمی کنند و او را عبادت می کنند، به مؤمنان دارای اعمال صالح تعبیر کرد. متعلق ایمان به دلیل آیات گذشته، قیامت (فسبحرهم) و وحدانیت خدا (انما الله اله واحد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱،۲،۴،۸،۹،۱۰

۱ ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، شرط رهایی مسلمانان ، یهودیان ، صابئی ها و

نصارا از هرگونه ترس و اندوه

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْثُونَ وَالنَّصْرَى .. و لا هم يحزنون

<صابئی> که مفرد <صابئون> است به کسی گفته می شود که آیین خویش را رها کرده و به آیینی دیگر گرویده باشد ; با توجه به این معنا می توان گفت مصداق مورد نظر از <الصَّبْثُونَ> در این آیه به قرینه وقوع آن بین <الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا> <و النصری>، کسانی هستند که با ترک اسلام و یا یهودیت پذیرای آیین نصارا شده باشند.

۲ مسلمانان ، یهودیان ، مسیحیان و صابئی ها ، سزاوارترین امت ها برای ایمان راستین به خدا و قیامت و انجام عمل صالح

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْثُونَ وَالنَّصْرَى مِنْ ءَامِنٍ

نام بردن از ملت‌های مذکور با اینکه ایمان راستین از هر امتی (من ءامن ..) موجب رهایی از ترس و اندوه است ، می تواند اشاره به این باشد که پیروان این ادیان از دیگران سزاوارتر و دارای زمینه بیشتری برای پذیرش ایمان حقیقی هستند.

۴ ایمان به خدا و قیامت و رسالت انبیا ، از اصول مشترک ادیان آسمانی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْثُونَ .. مِنْ ءَامِنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

ایمان به رسولان الهی، از عناوین مذکور در آیه (الَّذِينَ ءَامَنُوا .. النصری) استفاده شده است.

۸ تنها انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، سعادت آفرین نخواهد بود .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. مِنْ ءَامِنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَاخَوْفٍ

با توجه به اینکه جمله <من

ءامن .. > خبر برای <الذین ءامنوا> است، تکرار ایمان در این دو فراز و نبود ضمیر در جمله خبری می رساند که سعادت، در گرو ایمان حقیقی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح می باشد و در این جهت میان منتسبان به ادیان آسمانی و غیر آنان تفاوتی وجود ندارد.

۹ ایمان به خدا و قیامت و پیشه نمودن عمل صالح ، پایه های سعادت و رستگاری امتهما

إِنَّ الذِّينَ ءَامَنُوا .. و الیوم الآخر و عمل صلحاً فلاحوف علیهم و لا هم یحزنون

۱۰ آرامش خاطر و ترس نداشتن از آینده ، در گرو ایمان به خدا و قیامت و عمل صالح

من ءامن بالله و الیوم الآخر .. فلاحوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۲

۲ ایمان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، پیمان خداوند با بنی اسرائیل

من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صلحاً .. لقد اخذنا میثق بنی اسرائیل

به مقتضای این آیه با آیه قبل می توان گفت مورد میثاق ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۱،۱۲

۱۱ باور به قیامت و عذاب دردناک آن موجب ترس از خداوند و عمل به احکام او

لیعلم الله یخافه بالغیب

>باء< در بالغیب می تواند سببیه باشد بر این مبنا مراد از غیب اموری است که از نظر شخص خائف و حواس وی پنهان می باشد و از مصادیق بارز غیب و

نهانی که سبب خوف آدمی از خدا می شود قیامت و عذاب آخرت است.

۱۲ هدف از آزمایش مؤمنان مشخص شدن صفوف باورداران به غیب (قیامت و عذاب) از غیر آنان

لیلونکم الله .. لیعلم الله یخافه بالغیب

قیامت و عذاب آخرت زمانی موجب ترس از خداوند می شود که آدمی به آن باور داشته باشد بنابراین تمایز خداترسان در واقع تمایز باورداران قیامت از غیر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ باور به قیامت و بازگشت به خدا و حسابرسی کردارها زمینه ساز مراقبت بر ایمان و پرهیز از عوامل گمراهی

علیکم انفسکم .. فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۱، ۱۲

۱۱ ایمان به قیامت و ملاقات خدا، از اهداف نزول تورات است.

ثم ءاتینا موسی الکتب .. لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

۱۲ توجه بنی اسرائیل به محتوای تورات، زمینه ساز ایمان آنان به قیامت و ملاقات خدا

ثم ءاتینا موسی الکتب .. لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۲

۲ تصدیق آیات الهی و ایمان به روز قیامت از شرایط ارزشمندی اعمال نیک در پیشگاه خداوند است .

والذین کذبوا بآیتنا و لقاء الآخره حبطت أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ دقت در موجودات هستی و نظام آنها ، در پی دارنده باور به قیامت است .

الله الذی رفع

السموت . . . يفصل الأيت لعلكم بقاء ربكم توقنون

برداشت فوق ، ناظر به این معناست که مراد از <الآيات> آیات تکوینی از قبیل برافراشته شدن آسمانها و . . . باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۱۱

۱۱ تفکر در پدیده های هستی ، زمینه ساز باور به لقای خدا و برپایی قیامت است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱۳

۱۳ تفکر در پدیده های هستی ، زمینه ساز باور به لقای خدا و برپایی قیامت است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق <آیات> به قرینه جمله <لعلکم بقاء ربکم توقنون> در آیات قبل ، لقای خدا و برپایی قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۸

۸ باور به ربوبیت خدا بر انسان ها ، وادار کننده انسان به پذیرش قیامت و زنده شدن مردگان برای حضور در صحنه آخرت

أولئک الذین کفروا برهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۴ - ۲

۲ - ایمان به معاد و روز جزا ، از شاخصه های اندیشه اعتقادی ادیان آسمانی

و إن الذین لایؤمنون بالأخره عن الصرط لنکبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - واجدان روحیه تواضع ، با موعظه و یاد آوری به خداوند و قیامت ایمان می آورند .

نسیتم لقاء یومکم هذا .. . إنّما

يؤمن بأيتنا الذين إذا ذكروا بها خرّوا سجّداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۲ - ۴

۴ - مشركان ، با تحقق حشر و بعث و مشاهده آن ، به آن اظهار ايمان مي کنند .

و لو ترى إذ فرعوا .. قالوا ءامنّا به

در صورتی که زمان فرع مشركان، حشر و قیامت باشد؛ مرجع ضمير >به< می تواند >بعث< (مستفاد از >إذ فرعوا<) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۲

۲ - تصديق و باور داشتن قیامت و زنده شدن انسان ها ، از ویژگی های بهشتیان و بندگان مخلص خدا در دنیا است .

يقول أءنك لمن المصدّقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۶

۶ - صبر بر ناگواری ها ، عبادت در برابر پروردگار و ايمان به قیامت ، تکليف تمامی مؤمنان

فاصبر .. و سبّح ... و استمع يوم يناد المناد

هر چند واژه های >اصبر< ، >سبّح< و >استمع< ظاهراً خطاب به پیامبر(ص) است؛ ولی در حقیقت تکلیفی است برای همگان و پیامبر(ص) از آن جهت که الگوی امت است، به تنهایی مخاطب قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۲

۲ - انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

يؤفك عنه من أفك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱

۱ - اعتقاد به خداوند و روز

بازپسین ، دو رکن اساسی اسلام و ایمان

لا تجد قومًا يؤمنون بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۱،۵

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فَأَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كُتُبَهُ بِيَمِينِهِ .. إِنَّنِي ظَنَنْتُ أَنَّنِي مَلَقْتُ حِسَابِيهِ

۵ - ایمان به قیامت و حساب رسی اعمال ، دلیل شادمانی و رضایت مندی مؤمنان بهشتی ، هنگام مشاهده نامه اعمال خویش است .

فَيَقُولُ هَآؤُم مَّا أَقْرَأُوا كُتُبِيهِ . إِنَّنِي ظَنَنْتُ أَنَّنِي مَلَقْتُ حِسَابِيهِ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إِنِّي ظننت..> در مقام تعلیل برای جمله <فَيَقُولُ هَآؤُم...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۱

۱ - تصدیق روز جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الَّذِينَ يَصَدَّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

یکی از کاربردهای واژه <دین>، جزا و حساب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، مظهر بیم داری از قیامت و ایمان به روز جزا

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوَسًا قَمَطِرِيرًا

ایمان به نزدیکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - همواره ، باید وقوع قیامت را نزدیک دانست .

و ما یدریک لعلّ الساعه تكون قریباً

ایمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۸

۸ حصول ایمان و تسلیم در قیامت ، سودی ندارد . *

و قضی الأمر

بنابراینکه مراد از آمدن عذاب و ملائکه، نزول آنها در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۹

۹- شناخت حقایق در قیامت و ایمان به آن ، موجب نجات نیست .

أسمع بهم و أبصر .. لكن الظلمون اليوم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۸

۸ - بی فایده بودن اظهار ایمان در روز وقوع عذاب استیصال و نیز در روز رستاخیز

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ایمان یهود به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۶

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت

باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحيط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد

گرفت.

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک..> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۸،۱۰

۸ معبود ها (بت ها) در قیامت ، از مورد پرستش واقع شدن خود اظهار بی اطلاعی کرده و آن را انکار خواهند کرد .

و یوم نحشرهم جميعاً .. و قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

۱۰ بت ها ، در قیامت با مشرکان سخن خواهند گفت .

ثم نقول للذین أشرکوا .. قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۱

۱ بت ها در قیامت ، خدا را شاهد می گیرند که از عبادت اهل شرک بی خبر بوده اند .

فكفى بالله شهيداً بيننا وبينكم إن كنا

عن عبادتکم لغفلین

بتهای مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۹

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جميعاً .. و قال شرکاؤهم ما کنتم ایانا تعبدون

بخیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۸، ۱۳، ۱۲

۱۲ دارایی های بخیلان در قیامت ، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد .

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

۱۳ آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله <سیطوقون ما بخلوا...> ، تفسیر کلمه <شرّ> است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری <سیطوقون...> مراد باشد.

۱۸ بخیلان در قیامت ، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید .

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

برخی برآنند که معنای ظاهری <سیطوقون...> اراده نشده است، بلکه کلمه ای همانند وبال و گناه، قبل از <ما بخلوا> مقدر است. یعنی وبال گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون .. فکیف اذا جئنا

من کل ائمه بشهید

بدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

بدکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۶ - ۴

۴ - کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل تَوَّبَ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

<ما> در <ما كانوا..> مفعول دوم برای <تَوَّبَ> است؛ یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۱

۱ - بدکاران در قیامت ، کیفر دیده و با کردار ناروای خود ، روبه رو خواهند شد .

و من يعمل مثقال ذرّة شراً یره

برپایی تدریجی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - معاد و برپایی قیامت ، چونان شکل گیری نخستین جهان روندی تدریجی خواهد داشت . *

و لقد خلقنا .. فی سته ایام و ما مسنا من لغوب

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ارتباط با معاد بود مطرح کردن <سته ایام> می تواند اشاره به این داشته باشد که

اگر شکل گیری جهان، به تدریج صورت گرفته، معاد نیز از روند تدریجی و قانونمند برخوردار است.

برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۳،۴

۳ - برپایی قیامت و قرار دادن روز جزا برای جهانیان ، جلوه ای از رحمت خداوند است .

الرحمن الرحيم. ملك يوم الدين

مطرح کردن مسأله قیامت پس از بیان رحمت الهی، اشاره به برداشت فوق دارد.

۴ - برپایی قیامت پرتوی از ربوبیت خدا بر جهان هستی است .

رب العلمين .. ملك يوم الدين

برداشت فوق از ارتباط <مالک يوم الدين> با <رب العالمين>، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ - برپا کردن قیامت و آوردن همه انسان ها در آن ، مظهر قدرت همه جانبه خداوند است .

يأت بكم الله جميعاً إن الله على كل شيء قدير

۱۴ - برپا کردن صحنه قیامت و آوردن انسان ها به آن صحنه ، درخور قادری مطلق است .

يأت بكم الله جميعاً إن الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۹

۹ وقوع قیامت ، پرتویی از ربوبیت الهی است .

ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ برپایی قیامت جلوه ای از رحمت الهی است.

کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۵

۴ برپایی قیامت، ناگهانی و غیر قابل پیش بینی و غافلگیرانه است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۸

۸ خداوند قیامت را با فرمانی پدیدار خواهد کرد.

و هو الذی خلق السموت . . . و یوم یقول کن فیکون

<یوم>، عطف بر <السموات> می تواند باشد. لذا معنی جمله چنین می شود: <خلق السموات و خلق یوم>. البته مراد از <یوم>، به قرینه جملات بعدی آیه، روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۹

۹ برپایی قیامت و بازگشت انسانها به خدا، پرتوی از ربوبیت خدا بر انسانها و برای تدبیر امور آنان است.

ثم إلی ربکم مرجعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ تحقق روز قیامت از مهمترین آیات خدا *

كما نسوا لقاء یومهم هذا و ما كانوا بایتنا یجحدون

بدیهی است که معاد و برپایی قیامت از آیات الهی است. بنابراین ذکر به خصوص آن می تواند به این جهت باشد که در بین دیگر آیات از اهمیت خاصی برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۷۸،۹

۷ لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای دشوار و سنگین برای آسمان ها و زمین

ثقلت فی السموت و الأرض

متعدی شدن <ثقلت> با حرف <فی>، و نه حرف <علی>، گویای این است که آنچه در لحظه برپایی قیامت در آسمانها و زمین واقع می

شود، حوادثی عظیم است که تحمل آن بر آسمانها و زمین دشوار است.

۸ برپایی قیامت از مهمترین رخداد های جهان آفرینش است .

ثقلت فی السموت و الأرض

۹ قیامت ، ناگهانی و در حال بی خبری انسان ها تحقق خواهد یافت .

لا تأتیکم إلا بغته

برداشت فوق با توجه به کلمه <بغته> که به معنای هجوم ناگهانی و بدون اطلاع قبلی است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۷

۷ اعلام برپایی روز قیامت و وجود عذابهایی دردناک در آن روز ، از رسالت های حضرت نوح (ع)

إنی أخاف علیکم عذاب یوم ألیم

مراد از <یوم> می تواند روز قیامت باشد و می تواند مقصود از آن زمان حادثه طوفان باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. گفتنی است که توصیف <یوم> به <ألیم> به اعتبار عذاب آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۱۰، ۶

۶- برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است \$.

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

۱۰- برپایی قیامت ، جلوه ای از قدرت مطلقه الهی

و ما أمر الساعه إلا کلمح البصر . . . إن الله علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- برپایی قیامت و نظام های آن ، جلوه ای از عدالت خداوند است .

و وضع الکتب . . . و لا یظلم ربک أحدًا

سخن از میرا بودن خداوند از ظلم، پس از

ذکر آیات مربوط به قیامت، می تواند این نکته را نیز افاده کند که این نظام و صحنه ها، از آن رو است که خداوند، به هیچ کس، ظلم و ستمی را روا نمی دارد و برای برقراری عدالت، قیامت و صحنه های آن را برپا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۶

۶- قیامت ، با دمیده شدن دوباره روح ها در اجساد و صورت های پیشین ، برپا می شود . *

و نَفَخَ فِي الصُّورِ فَمَجَمَعْتَهُمْ جَمْعًا

برداشت بالا، بدان احتمال است که <صور> جمع <صوره> باشد؛ یعنی: در <صورت ها (اجساد) روح، دمیده می شود.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰- برپایی قیامت و حضور آدمیان نزد خداوند، لازمه یگانه معبود بودن او است .

أَتْمَا إِلَهَكُم إِلَهٌ وَحْدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا .. . إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - وعده الهی به برپایی قیامت ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

وَ اخشوا يَوْمًا .. . إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بنابراین که متعلق <وعد>، واژه <یوماً> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۱

- ۱

برپا شدن قیامت پس از مرگ انسان و استمرار حیات بشر و جاودانگی او در عالم هستی

إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ . ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۵

۵ - تحقق قیامت و علم به لحظه وقوع آن ، تنها در حیطة قدرت و علم الهی است .

لیس لها من دون الله كاشفه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <کاشفه>، پرده برداشتن از لحظه وقوع قیامت و تحقق ساختن و آشکار نمودن صحنه های آن است. برداشت بالا بر پایه این احتمال می باشد.

برگزیدگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲، ۱۱

۱۱ - حضور گروهی از انسان های برتر در آخرت با عنوان صالحان و شایستگان

و إنه فی الآخره لمن الصالحین

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفیناه فی الدنیا و إنه فی الآخره لمن الصالحین

برگشتن سرها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشاق - ۸۴ - ۱۰ - ۴

۴ - برخی از مردم ، در مواقف قیامت روی برگشته ، با حوادث آن روز از پشت سر مواجه خواهند شد . *

أوتی کتبه وراء ظهره

این آیه را می توان در راستای آیه ۴۷ سوره <نساء> دانست؛ در این احتمال <ردّ صورت ها به پشت سر> که در آن آیه آمده است مربوط به قیامت بوده و مراد برگرداندن حقیقی صورت ها است. و نامه عمل آنان، از پشت سر به

آنها داده خواهد شد.

برهنگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱۲

۱۲- > عن رسول الله (ص) : أيتها الناس إنكم تحشرون إلى الله كما خلقتم حفاة عراه ، ... ثم قرأ > كما بدأنا أول خلق نعيده وعداً علينا إنا كنا فاعلين < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: ای مردم! شما همان گونه که آفریده شده اید پا برهنه و عریان به سوی خدا محشور خواهید شد . . . سپس [این آیه را] قرائت فرمود: > كما بدأنا أول خلق نعيده ... < .

بشارت بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۹

۹ - قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

يوم ترى المؤمنين و المؤمنات .. بشريكم اليوم جنّات

بشارت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۲۰

۲۰- نوید برپایی قیامت ، زمینه ساز تربیت های الهی است .

و كان وعد ربّي حقاً

توجه به کلمه <ربّ> یادآور گفته بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۵

۵- بشارت فرشتگان به مؤمنان راستین و بهشتیان در قیامت ، به فرا رسیدن روز موعود (قیامت)

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

بعث در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۱

۱ - در قیامت ، مردگان از قبرها برانگیخته و پراکنده خواهند شد

بعثر ما فی القبور

<بُعِثَرٌ> (معلوم <بُعِثَرٌ>) یعنی، بیرون کشید؛ اجزا را زیر و رو کرد؛ متفرق ساخت؛ آشکار کرد و برانگیخت (صحاح اللغة). صاحب <مفردات> بعید نمی داند که فعل <بُعِثَرٌ>، مرکب از فعل های <بُعِثَ > و <أُثِرَ > باشد؛ زیرا معنای هر دو را دارد. مصداق بارز <ما فی القبور> به قرینه ضمیر جمع عاقل در جمله <إِنَّ رَبَّهُم... > (در آیات بعد) انسان ها هستند.

بلندی روز قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۲

۲ - قیامت و روز محشر، روزی بسیار طولانی

یومًا يجعل الولدن شیبًا

پیر شدن کودکان، ممکن است اشاره به طولانی بودن روز قیامت داشته باشد. البته طولانی بودن روز محشر نیز گویای سختی آن روز است.

بندگان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲، ۱۱

۱۱ - حضور گروهی از انسان های برتر در آخرت با عنوان صالحان و شایستگان

و إنه فی الآخره لمن الصلحین

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینہ فی الدنیا و إنه فی الآخره لمن الصلحین

بنی اسرائیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۳

۱۳ خداوند ، در قیامت نسبت به اختلافات بنی اسرائیل ، داوری خواهد کرد .

و لقد بؤأنا بنی إسرئیل . . . إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیہ یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴

۷- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل در قیامت ، برای بازجویی از آنان درباره نعمت های خدادادی

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الآخره جئنا بکم لفیفاً

برداشت فوق بدان احتمال است که احضار و حشر جمعی بنی اسرائیل در قیامت به قرینه فراز پیش (اسکنوا الأرض) از آن جهت باشد که آنان پاسخگوی نعمت بزرگ خدادادی (اسکنوا الأرض) باشند.

۸- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل همراه با فرعونیان در قیامت برای مؤاخذه

جئنا بکم لفیفاً

بنابر اینکه مراد از <کم> بنی اسرائیل و نیز فرعونیان هلاک شده باشند، این برداشت به دست می آید.

بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۱

۱ - بهشت در قیامت ، به جایگاهی نزدیک مردم آورده خواهد شد .

و إذا الجنّه أزلفت

<ازلاف> (مصدر <أزلفت>)؛ یعنی، نزدیک آوردن.

بهشت قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۳

۳ - جایگاه بهشت پیش از برپایی قیامت ، در فاصله ای دور نسبت به جایگاه مردم است .

و إذا الجنّه أزلفت

از آنجا که ظاهر آیه شریفه نزدیک آوردن بهشت است؛ نه نزدیک ساختن مردم به آن، می توان گفت: جایگاه بهشت در آغاز برپایی قیامت به عرصه محشر نزدیک نیست.

بهشتیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۳،۵،۷

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که

ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحب الجنه> در آیه قبل برگردانده شود.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۷ راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت ، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند .

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

بی پناهی انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۱

۱ - مردم در قیامت ، مانند پروانه های ریز و پراکنده در هوا ، هراسان و بی سامان به هر طرف روی خواهند آورد .

یوم یكون الناس كالفرش المبتوث

<فَراشه> (مفرد <فَراش>) یعنی، آنچه بال زده و در حرارت چراغ سقوط کرده و خود را می سوزاند (تاج العروس)
<فَراء> آنها را ملخ هایی می داند که روی زمین گسترده و در هم می لولند (مجمع البیان). تشبیه مردم در قیامت به آن
حشرات، نشانگر سردرگمی، ترس و اضطرابی است که انسان ها را به هر سو خواهد کشاند.

بی پناهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لاتجتروا الیوم انکم منا لاتنصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۸

۸ - قیامت ، صحنه بی پناهی و بی یآوری انسان ها است .

ما لکم من ملجأ یومئذ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - جائیہ - ۴۵ -

۸ - تنهایی و بی پناهی در قیامت ، هشدار به مال اندوزان و قدرت مداران

و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیئا و لا ما اتخذوا من دون الله اولیاء

بی پناهی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمتم تفکھون . انا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

بی تأثیری امکانات مادی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۴

۴- امکانات مادی و مال و فرزند کافران ، آنان را از فقر و تنهایی در قیامت نجات نمی دهد .

و نرثه ما یقول و یأتینا فردا

بی تأثیری پسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۴

۴ - فرزندان ، حتی پسران ، در قیامت سودی به پدر و مادر نخواهند رساند .

<بنیه> گر چه تنها شامل پسران است؛ ولی یاد نکردن از دختران به دلیل وضوح یکسانی آنها با پسران یا کمتر بودن انتظار یاری رسانی آنان است. فرار پدران از فرزندان، فرار مادر از آنان را نیز در مفهوم خود دارد. گفتنی است: در فرار پدر و مادر از فرزندان، سودمند نبودن

هر يك برای ديگري، نهفته است.

بی تأثیری پشیمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت ، بی تأثیر به حال ایشان

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند باز هم به ایشان حکم می شود که: <فذوقوا العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۲

۲ - در قیامت ، افسوس خوردن بر گذشته و اظهار پشیمانی از فراهم نکردن اندوخته های کارساز ، سودی نمی بخشد .

یلیتنی قدّمت

بی تأثیری تنبه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز پشیمانی و حسرت ندارد .

و أنى له الذکرى . يقول یلیتنی قدّمت لحياتی

بی تأثیری خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۲

۲ - رابطه خویشاوندی هر چند قوی باشد برای نجات از سختی های قیامت سودی ندارد .

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر، به معنای تنها گذاشتن او در شداید قیامت است.

بی تأثیری دفاع اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۵ - ۲

۲ - بی فایده بودن هر گونه سخن تکذیب گران ، در دفاع از خویش به روز رستاخیز

هذا یوم لا ینطقون

مطابق نظر

مفسران، سخن نگفتن تکذیب گران یا به دلیل ترس شدید آنان و یا به خاطر بی فایده بودن سخن آنان، در دفاع از خویش است.

بی تأثیری دفاع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۹

۹- دفاع انسان از کرده های خویش در قیامت ، هیچ تأثیری در سرنوشت او ندارد .

یوم تأتي كل نفس تجدل عن نفسها و توفی كل نفس ما عملت

خداوند، عمل انسان را میزان تعیین کیفر و پاداش و مؤثر در سرنوشت او دانسته است (و توفی كل نفس ما عملت) و این قرینه است بر این که دفاع آدمی از خویشتن، با توجیه عملکرد خود، بی ثمر خواهد بود.

بی تأثیری روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۲

۲- قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

بی تأثیری عواطف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۲

۲- قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

بی تأثیری فرزند در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - فرزندان ، حتی پسران ، در قیامت سودی به پدر و مادر نخواهند رساند .

و بنیه

<بنیه> گر چه تنها شامل پسران است ؛ ولی یاد نکردن از دختران به

دلیل وضوح یکسانی آنها با پسران یا کمتر بودن انتظار یاری رسانی آنان است. فرار پدران از فرزندان، فرار مادر از آنان را نیز در مفهوم خود دارد. گفتنی است: در فرار پدر و مادر از فرزندان، سودمند نبودن هر یک برای دیگری، نهفته است.

بی تقوایی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۸

۸ - تکذیب گران روز جزا، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ویل یومئذ للمکذبین .. إِنَّ الْمُتَّقِينَ ... إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

از تقابل تکذیب گران با تقوای پیشگان و محسنان در آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

بی ثمری تنبه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ - برطرف شدن غفلت ها در قیامت ، سودی به حال انسان ندارد .

وَأَنِّي لَهُ الذِّكْرَى

به قرینه <يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ> که بر تذکر یافتن انسان دلالت دارد مراد از نفی تذکر در <أَنِّي لَهُ الذِّكْرَى> نفی سودمند بودن آن است که برای مبالغه در آن، اصل تذکر پذیری منتفی دانسته شده است؛ زیرا تذکره که سودمند نباشد، با نبود آن یکسان است.

بی ثمری عبرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - در قیامت ، هیچ زمینه ای برای تأثیر پند و موعظه وجود ندارد و شناخت حقیقت بی ثمر است .

وَأَنِّي لَهُ الذِّكْرَى

<اَنّی> یعنی، <کیف> و <من این> (چگونه و از کجا)، (العین). بنابراین استفهام انکاری در آیه شریفه

متوجه زمینه ها و عوامل است، یعنی، <چه عامل تأثیرگذاری وجود دارد که تذکر را برای انسان مؤثر سازد؟>

بی ثمری قدرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

بی منطقی تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۵

۵ انکار قیامت امری شگفت و عاری از منطق و برهان

و إن تعجب فعجب قولهم

با توجه به اینکه متعلقی برای فعل <تعجب> ذکر نشده معنای <إن تعجب> این است: اگر اهل تعجب هستی و چنین حالتی بر تو عارض می شود . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۰

۲۰ - انکار قیامت، فاقد دلیل و متکی بر گمان و پندار

و ما أظنّ الساعه قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۲

۲ - کافران، هیچ دلیل قاطعی بر نفی قیامت ندارند، بلکه تنها به گمانه زنی درباره آن می پردازند .

إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۲

۲ - تکذیب دین و روز جزا ، فاقد هرگونه برهان است .

فما یکذّبک بعد بالدین

<ما ممکن است برای استفهام از عوامل تکذیب باشد. در این صورت <ما یکذّبک؟>;

یعنی، چه چیز تو را کاذب یا تکذیب گر می سازد؟ مخاطب در این فرض، هر انسانی است که مصداق آیه قبل نباشد، یعنی، ای انسان بی ایمان! چه عاملی سبب شده است، درباره دین (اسلام یا کفرهای اخروی) کاذب شده، سخن نادرست گویی؟ یا چه عاملی تو را تکذیب کننده دین ساخته است؟

بی منطقی شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۳

۳ - با وجود شواهد و دلایل اثباتگر برپایی قیامت، شک و تردید در آن، امری ناروا و نابه جا است.

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا

بی منطقی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - کافران و منکران برپایی قیامت، فاقد توجیه و تفسیر صحیح و حق مدارانه برای آفرینش جهانند و یا مردمی پوچ گرامی باشند.

و ما خلقنا السموت .. إلاّ بالحقّ و إنّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۳

۳ - منکران قیامت، فاقد دلیل و برهان یقینی و اطمینان آور بر انکار آن

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ

مطلب یاد شده با توجه به آمدن فعل <يَحْسَبُ> (گمان می کند)، استفاده می شود.

بی نظیری عذاب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ترک یتیم نوازی ، بی توجهی به تغذیه فقیران ، تصاحب ارث دیگران و دلبستگی شدید به ثروت ، مایه گرفتاری به

عذابی بی نظیر در قیامت

فیومئذ لایعذب عذابه أحد

ضمیر <عذابه>، ممکن است به انسان برگردد که در آیات پیشین ویژگی های او بیان شده بود. در این صورت عذاب که اسم مصدر و به معنای تعذیب است به مفعول خود اضافه شده است و مفاد آیه شریفه این است که عذاب کردن آن فرد، به گونه ای انجام می گیرد که کسی جز خداوند آن گونه عذاب نمی کند.

بی نظیری قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

إذا وقعت الواقعة

نام گذاری قیامت به <الواقعه> با توجه به این که این کار نوعی اختصاص دادن لفظ به یک مسمی است بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در برابر آن، چیزی به حساب نمی آید و تنها قیامت است که باید آن را واقعه نامید. این بیان، حکایت از عظمتی دارد که واقعه های دیگر در مقابل آن، ناچیز است و در واقع، قیامت حادثه ای است که مانند ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

فیومئذ وقعت الواقعة

نام گذاری قیامت به <واقعه>، بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در جهان، در مقایسه با رخداد قیامت، بسیار ناچیز است و تنها قیامت، شایسته آن است که حقیقتاً آن را <واقعه> نامید.

بی یآوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۲- در قیامت هیچ عامل نجات دهنده ای برای کافران ، در برابر عذاب و قهر خداوند وجود ندارد .

یوم تولون مدبرین ما لکم من الله من عاصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۴۵، ۴، ۳

۳- محرومیت انسان در قیامت ، از حمایت و شفاعت دیگران

یوم لایغنی ... و هم لاینصرون

۴- تنهایی انسان در قیامت و جدایی او از یاران خویش ، نمودی از < یوم الفصل > بودن قیامت *

إِنَّ یوم الفصل ... یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا

۵- انسان ها ، در اوج ازدحام و تجمع در قیامت ، تنها و بی یاور خواهند بود . *

میقتهم أجمعین ... یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا

از ارتباط < لایغنی ... > که تنهایی را می رساند با < میقتهم أجمعین > که تجمع را می فهماند مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۱

۱- جز برخورداران از رحمت الهی ، همه انسان ها ، در قیامت بی پناه و بی یاوراند .

ولا هم ینصرون . إلا من رحم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۳، ۱

۱- در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جو یا نمی شود .

و لایسٹل حمیم حمیمًا

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۳ - کارساز نبودن استمداد از

دیگران، حتی از خویشان و صمیمی ترین دوستان، برای رهایی از مشکلات و حوادث تلخ روز محشر

و لایسئل حمیم حمیمًا

درخواست و سؤال نکردن از یکدیگر در قیامت، ممکن است به سبب بی فایده بودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قیامت، روز محرومیت از یاری همسران حتی علاقه مندترین آنان به انسان

و صحبت

فرار از همسری که مصاحبت و همراهی او در دنیا به ثبوت رسیده بود تا چه رسد به همسر ناسازگار نشانه سودمند نبودن آنان در قیامت است.

بی یاوری کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۱

۱ - کافران در آخرت، گرفتار آتشی مسلط و فراگیرند، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود.

علیهم نار مؤصده

<وَصِيدَه> یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب> یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

بیان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷ - خداوند در قیامت، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد

داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذين يكتُمون .

.. لا يكلمهم الله

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذين .. لا يكلمهم الله> استفاده شده است.

بیم داران از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، وفاکنندگان به نذر خویش و بیم داران از قیامت بودند .

یوفون بالنذر و يخافون يوماً كان شره مستطيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، مظهر بیم داری از قیامت و ایمان به روز جزا

إننا نخاف من ربنا يوماً عبوساً قمطيراً

بینش مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از انسان ها به خاطر نپذیرفتن قیامت ، دین خدا را دینی منحرف می پندارند و از آن رویگردان می شوند .

الذين يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجاً و هم بالأخره كفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و هم بالأخره كفرون> جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن حال معلله گفته می شود. بر این مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن باز می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ منکران قیامت ، زنده شدن مردگان خاک گشته را امری بس بعید می شمردند .

أءذا کُنَّا ترَبًّا أءنا لفی خلق جدید

استفهام در جمله <أءذا ..> استفهام انکاری است و تکرار آن دلالت بر شدت انکار و استبعاد دارد.

پاداش ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردارى از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون على الأرض هونًا.. و الذین لایشهدون الزور... أولئک یجزون العرفه

پاداش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱۲، ۹

۹ دنیا ، محل اندوختن و کسب سرمایه ؛ و آخرت روز دریافت اندوخته هاست .

و وقّیت کل نفس ما کسبت

۱۲ پندار غلط برخی از اهل کتاب ، نسبت به محو اعمال ناشایست آنان در قیامت

لن تمسنا النار . . . و وفیت کل نفس ما کسبت

به نظر می رسد جمله >وفیت

کل . . . >، اشاره به علت پنداری است که اهل کتاب داشتند: لن تمسنا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷- جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءاتیه . . . لتجزی کل نفس

<لتجزی> یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أكاد أخفيها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفيها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزرًا

<وزر>، به معنای بار سنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۸

۸- جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملك يومئذ لله يحكم بينهم .. في جنّ النعيم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - حج

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

اللّٰه يحکم بینکم یوم القیمه

جمله <اللّٰه يحکم بینکم یوم القیمه> ، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنه فله خیر منها.. و من جاء بالسیئه فکبت وجوههم فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۱،۲

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۲ - اعمالِ صالحِ مؤمنانِ فراهم آورنده زمینه ، برای دریافت پاداش از خداوند ، در قیامت است .

فلأنفسهم یمهدون . لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<لام> در <لیجزی> تعلیل برای <یمهدون> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۸

۸ - قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو یؤاخذ الله الناس . . . و لكن یؤخرهم إلى أجل مسمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا یوم الدین

<دین> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستاخیز انسان ها است .

أءنَّا لمدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعثون> (مبعوث شدگان) و <محيون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستاخیز انسان ها، مسأله جزا است؛ نه صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>؛ یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵ - در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت ، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد .

لا ظلم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - <قیامت> روز کیفر و پاداش

<دين> به معنای جزا است و <جزا> معادل سزا می باشد که هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته

شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جمیعاً فیبتئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

پاسخ شبهات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متى هذا الوعد .. قل لکم میعاد یوم لاتستأخرون عنه ساعه

پاسخ شبهات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی

پاکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱،۳

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز الله> متعلق به <یحشرون> باشد.

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند

داشت .

لَعَلَّه يَزْكِي . أَوْ يَذَّكَّر ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَهُوَ يَخْشَى ... وَجْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفُورَه

پاکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۱،۶

۱ - خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملک یوم الدین

<مَلِكٌ> در <مالک یوم الدین> ملک حقیقی است ؛ یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک بر مملوک است. قابل ذکر است که <یوم الدین> هم می تواند مفعول برای <مالک> باشد و هم می تواند ظرف برای آن گرفته شود و در صورت دوم مفعول، کلمه ای همانند <الامور> خواهد بود؛ یعنی: مالک الامور فی یوم الدین. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد لله> است.

پراکنده گی انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۱

۱ - در قیامت ، مردگان از قبر ها برانگیخته و پراکنده خواهند شد .

بعث ما فی القبور

<بُعِثُوا> (معلوم <بُعِثُوا>) ؛ یعنی، بیرون کشید؛ اجزا را زیر و رو کرد؛ متفرق ساخت؛ آشکار کرد و برانگیخت (صحاح اللغة). صاحب <مفردات> بعید نمی داند که فعل <بُعِثُوا>، مرکب از فعل های <بُعِثَ> و <أُثِرَ> باشد؛ زیرا معنای هر دو را دارد. مصداق بارز <ما فی القبور> به قرینه ضمیر جمع عاقل در جمله <إِنَّ رَبَّهُمْ ...>

(در آیات بعد) انسان ها هستند.

پراکندگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز جدایی و پراکندگی کامل انسان ها است .

یومئذ یصدعون

<یَصِّدَعُونَ> از ریشه <صدع> به معنای <جدا شدن و پاره شدن در اجسام سخت> است. احتمال دارد که مراد از <یَصِّدَعُونَ> جدایی صف سعادت مندان و شقاوت مندان باشد و احتمال دارد پراکندگی و جدا شدن انسان ها از هم باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۵

۵ - قیامت ، روز پراکندگی و جدایی میان خلائق

یوم التناد

پرسش از برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱،۱۲

۱ پرسش از زمان فرارسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعة أیان مرسیها

<مرسی> مصدر میمی و یا اسم زمان از <ارساء> (مستقر کردن) است. <أیان> کلمه ای است برای پرسش از زمان و به معنای چه وقت. به کارگیری فعل مضارع (یسئلون) حکایت از تکرار سؤال دارد.

۱۲ مردم عصر بعثت به گمان آگاهی پیامبر (ص) از زمان تحقق قیامت ، با سؤال های مکرر خواهان افشای آن بودند .

یسئلونک کأنک حفی عنها

پرسش از زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیرآمیز آنان از اهداف

و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

پرسش از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۷

۷ - پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لا یعلم .. الغیب إلاّ الله و ما یشعرون آیاں یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند؛ زیرا ضمائر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا.. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۵،۹،۱

۱ - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

یسئلك الناس عن الساعة .. لعلّ الساعة تكون قریباً

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد استهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ينته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض . . . يستلک الناس عن الساعه

بنابراین که <ال>

در <الناس> عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۹- پاسخ خداوند به پرسش مردم درباره زمان قیامت، این است که جز خدا، کسی خبر ندارد.

يسئلك الناس عن الساعة قل إنما علمها عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۱

۱- پرسش مداوم مشرکان از پیامبر (ص) و مؤمنان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

مضارع آورده شدن <يقولون> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱- کافران صدراسلام، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند.

قال الذين كفروا... و يقولون متى هذا الوعد

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۲

۲- قیامت و زمان برپایی آن، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إليه يرد علم الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱- سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

از آيات قبل و بعد، تمسخر آميز بودن سؤال كافران استفاده مي شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با اين پرسش، مي خواستند راهي ديگر براي انكار معاد و وسيله اي براي تمسخر آن پيدا كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۵

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست بلکه از باب تهکم و استهزا است.

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است

بل لَجُوا فِي عَتْوٍ وَ نَفُورٍ .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۳ - ۱

۱ - پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد(مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <أیّان> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <یسئلونک> استفاده شده است.

۳ - طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طعی..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه

>إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشَاهَا< در آیات بعد استفاده می شود؛ زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او

از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

پرسش از نعمت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۹

۹ - > قال رسول الله (ص) . . . یابن مسعود! دع نعیم الدنیا و أكلها و حلاوتها و حارّها و باردها و لینها و طیّبها و ألزم نفسک الصبر عنها فإنّک مسؤول عن ذلك کلّه قال الله تعالی : > ثمّ لتستلنّ یومئذ عن النعیم < ;

رسول خدا(ص) [به عبدالله بن مسعود] فرمود: ای پسر مسعود! رها کن نعمت های دنیا و خوردنی های آن و شیرینی، گرم و سرد، نرم و گوارای آن را و نفس خود را وادار کن که در برابر آنها، صبر پیشه کند زیرا تو از تمامی آنها، سؤال خواهی شد. خدای تعالی فرموده: >ثمّ لتستلنّ یومئذ عن النعیم<.

پرسش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۲،۴

۲ پرسش از برخورد امت ها با دعوت انبیا هدف از گردآوری پیامبران در عرصه قیامت

یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا اجبتم

۴ قیامت ، عرصه پرسش از عملکرد آدمیان

یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا اجبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم

است؟

و اذ قال الله يعيسى ابن مريم ءانت قلت للناس اتخذوني و امي الهين

با توجه به آیات بعد همانند <قال الله هذا يوم .. > آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمان حضور مسیح(ع) در میان امت خویش کسی معتقد به الوهیت وی و مریم(ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسش و پاسخ در قیامت اتفاق خواهد افتاد. گفتنی است که تعبیر از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال الله يعيسى ابن مريم ءانت قلت للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالتهای انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنستلن الذين أرسل إليهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إليهم> دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۹

۱۹ انسان ، در برابر تمامی رفتار و حرکات خویش مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشد .

فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلُّ أولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این

است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۴

۴ - آدمی در قیامت، مجاز به پرسش از پروردگار است.

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

ظاهر <قال> چنین افاده می کند که این سؤال به لفظ در آمده و از سوی نابینایان در قیامت مطرح خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۳

۳ - خداوند در روز قیامت، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان، رضایت داشته اند؟

و یوم یحشرهم جمیعاً ثمّ یقول للملائکه أهؤلاء إیاکم کانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است؛ زیرا عبادت مشرکان در اختیار ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند؛ بلکه سؤال از رضایت ملائکه از این کار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۴ - ۲،۳

۲ - انسان ها، در قبال عقاید و رفتار خود، مسؤول بوده و در روز قیامت بازخواست خواهند شد.

وقفوهم إنهم مسئولون

۳ - وجود <موقف> و جایگاه سؤال و بازخواست از انسان ها، در عرصه قیامت

وقفوهم إنهم مسئولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶

۴ - پرسش از خلاقیت در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملک الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۵

۵ - انسان ها ، در برابر عقاید دینی خویش و انتخاب آن ، مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشند .

ثمَّ قیلَ لَهُمَ اَینَ مَا کُنتُم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۸

۸ - پابندی و استقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مسیر وحی ، از مسائل مهم مورد سؤال در قیامت

فاستمسک بالذی اوحی الیک . . . و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه انس و لاجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءوده سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - قال الرضا (ع) ولقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبدالله الصادق (ع) . . . قال : إنّ الله عزّوجلّ لا يسئل عباده عمّا تفضّل عليهم ولا يمينّ بذلك عليهم والإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزّوجلّ ما لا يرضى المخلوق

به و لکنّ النعیم حبنا أهل البيت و موالاتنا یسئل الله عباده عنه بعد التوحید و التّبوه لأنّ العبد إذا وفى بذلك اذاه إلى نعیم الجنّه الذی لایزول ۱

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان ممتّ نمی گذارد. ممتّ نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است ۲ پس چگونه به خالق عزوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثم لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و تبوت، از آن بازخواست خواهد کرد ۲ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

پرسش و پاسخ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

پشیمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعلم غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعلم ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو تری إذ المجرمون .. لأملأن جهنم من الجنه و الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز

پشیمانی و حسرت ندارد .

و أتى له الذكري . يقول يلبتنى قدّمت لحياتي

پلیدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱،۳،۶

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز الله> متعلق به <یحشرون> باشد.

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و يجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

پیدایی گناهکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۷

۷- حضور تقوایپیشگان در صحنه قیامت به صورت سواره ، و رانده شدن گنه پیشگان به سوی جهنم با پای پیاده خواهد بود .

نحشر المتقين ... و فدا . و نسوق المجرمين ... وردًا

برخی از لغت دانان <وفد> را سوارانی ارجمند و <ورد> را پیدایگانی تشنه کام معنا کرده اند (لسان العرب).

پیدایش مجدد آفرینش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۷

۷- چگونگی پیدایش مجدد جهان ، در آستانه برپایی قیامت ، مانند آفرینش نخستین آن است .

كما بدأنا أول خلق نعيده

پیروان ادیان در قیامت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

پیروان انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما یشاءون عند ربهم

پیروان شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۴، ۱۵

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا علی أنفسهم انهم كانوا کفرین

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا علی أنفسهم انهم كانوا کفرین

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

پیروان وحی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ - پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در

و كذلك أوحينا .. يدخل من يشاء في رحمته... و الظلمون ما لهم من وليّ و لا نصير

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من يشاء في رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

پیشگامان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزوجاً ثلثه

بیان <أزواجاً ثلاثه> محذوف و تقدیر آن چنین است: <و کنتم أزواجاً ثلاثه>: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون. در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۲

۲ - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

و السابقون السابقون

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در <السابقون> اول، سبقت در انجام امور خیر در دنیا و مراد از سبقت در <السابقون> دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

تأثیرپذیری مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۱

۱ منکران قیامت تحت تأثیر تبلیغات فریبنده شیاطین جن و انس

قرار می گیرند.

و لتصغى إليه أفئدة الذين لا يؤمنون بالآخرة

تأخير قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ برپایی قیامت از زمان تعیین شده آن ، به تأخیر نخواهد افتاد .

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

در برداشت فوق ، حرف <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> گرفته شده است.

۳ برای تأخیر قیامت ، دلیل و علتی جز انتظار فرارسیدن زمان مخصوص آن وجود ندارد .

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

برداشت فوق ، بر این مبناست که لام در <لأجل> برای تعلیل باشد.

تأمین خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما يشاءون عند ربهم

<عند ربهم> به منزله قید برای <لهم ما يشاءون> است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا/ چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: <...و فيها ما تشتهي الأنفس و تلذ الأعين...> در آن جا (بهشت) هرچه دل ها خواهش و آرزو کند و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف (۴۳)، آیه (۷۱).

تارکان حج در قیامت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - طہ - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - > معاویہ بن عمار عن أبی عبداللہ (ع) قال : سألتہ عن رجل لم یحج قط و له مال قال : هو ممّن قال اللّٰه : >

و نحشره يوم القيامة أعمى < قلت : سبحان الله أعمى ؟ قال : أعماه الله عن طريق الجنة ;

معاويه بن عمار گوید: از امام صادق(ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: <و نحشره يوم القيامة أعمى>. گفتم سبحان الله نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن] راه بهشت نابینا کرده است.<.

تارکان نماز در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و ...) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بآیتی ... و أقيموا الصلوه ... واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس

تاریخ عقیده به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۳

۳ - وعده رستاخیز ، دارای دیرینه در تاریخ بشر و تعالیم پیامبران

لقد وعدنا هذا نحن و ءاباؤنا من قبل

اقرار کافران به سابقه داشتن مسأله معاد، نشان می دهد که موضوع رستاخیز از دیرباز در میان بشر مطرح بوده است. بدیهی است که طرح مسأله یاد شده جز از طریق پیامبران صورت نگرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - عقیده به روز قیامت در تاریخ بشر ، سابقه ای دیرینه دارد .

و ما یکذب به .. قال أسطیر الأولین

معارف قرآن از جمله معاد را محصول اندیشه پیشینیان می دانستند بیانگر آن است که اندیشه معاد، گذشته ای طولانی دارد و مردم عصر بعثت، به سابقه دیرینه این اعتقاد آگاه بودند.

تاریکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۵، ۲، ۱

۱ - عرصه قیامت ، فرو رفته در ظلمت و تاریکی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

آیه قبل در بیان این معنا بود که مؤمنان، در پیمودن مسیر خود به بهشت از نور خودشان استفاده می کنند. در این آیه بیان می دارد که منافقان، برای پیمودن مسیر خود در قیامت، فاقد نور بوده و دست به دامان مؤمنان می زنند تا از نور آنان بهره گیرند. گفتنی است نیاز به همراه داشتن نور، در صورتی صحیح است که انسان در جای تاریک قرار گرفته باشد.

۲ - حرکت در عرصه تاریک قیامت ، نیازمند داشتن نور و روشنایی از خود

یوم یقول المنفقون . .. انظرونا نقتبس من نورکم

۵ - منافقان ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم یقول المنفقون . .. انظرونا نقتبس من نورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - انسان ، برای گذار از ظلمات قیامت ، باید از خود نوری داشته باشد که راه را برای او روشن کند .

و یجعل لکم نورًا تمشون به

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <تمشون>، پیمودن راه در عرصه قیامت باشد.

۱۱ - خداوند ، در قیامت به مؤمنان تقوایبش نوری عطا خواهد کرد که در

پرتو آن از ظلمات قیامت گذر کنند .

و يجعل لكم نورًا تمشون به

تبلیغ قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، در سال های نخست رسالت ، معاد و حوادث جهان آخرت را به مردم مکه ابلاغ کرده بود .

عن النبأ العظيم

اطلاق <نبأ> بر معاد، گویای این حقیقت است که حوادث آن، برای مردم گزارش شده بود و از نازل شدن این سوره در مکه، دانسته می شود که خبر معاد، در نخستین سال های رسالت ابلاغ شده بود.

تبهکارترین مردم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذين يصدون ... لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

تبیین اختلافات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۲

۱۲- خداوند ، تحقیقاً حقایق مورد اختلاف انسان ها را در قیامت ، بیان خواهد کرد .

و لیبیینن لکم یوم القیمه ما

کنتم فیه تختلفون

تبیین حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - تشریح حوادث قیامت و آینده مجرمان ، زمینه ساز پیدایش تقوا و رفع غفلت از انسان

و كذلك أنزلناه .. لعلهم يتقون أو يحدث لهم ذكراً

حرف <کاف> در <کذلک> برای تشبیه است و آیات گذشته را نمونه ای از نزول آیات الهی برای ایجاد تقوا و تذکر، معرفی می کند.

تجسم عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور اعمال پسندیده ای است که آدمی در دنیا انجام داده است .

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

ضمیر مفعولی در <تجدوه> (می یابید آن را) به کلمه <خیر> بر می گردد و مقتضایش آن است که: آدمی با همان عمل نیکی که انجام داده، روبه رو خواهد شد؛ یعنی، اعمال نیک آدمی در قیامت، به گونه ای بروز و ظهور دارند.

۱۱ - تجسم اعمال آدمی در قیامت

و ما تقدموا .. تجدوه عندالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۸، ۱۱

۸ - صحنه قیامت ، صحنه مشاهده اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن است .

كذلك يرهبم الله أعمالهم حسرت

فعل <یری> می تواند از رؤیت به معنای دیدن با چشم باشد. بر این مبنا معنای جمله <کذلک...> چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان (و یا نتایج اعمالشان) را به آنان نشان خواهد داد.

۱۱ - اعمال ناروای آدمیان در قیامت ، به صورت حسرتی

مجسم در پیش روی آنان قرار خواهد گرفت .

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت عليهم

برداشت فوق بر این اساس است که: <یری> از رؤیت قلبی باشد. در این صورت <حسرات> مفعول سوم برای <یری> خواهد بود و معنای جمله چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان را به صورت حسرت‌هایی، بر آنان جلوه گر خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳- اعمال انسان ها ، فانی نمی شود و در قیامت در برابر آنان حاضر و مجسم خواهد بود .

و وجدوا ما عملوا حاضراً

ظاهر جمله <و وجدوا..> آن است که تأسیس باشد، نه تأکید؛ یعنی، مطلب جدیدی را غیر از آنچه که در جملات قبل گفته شد، بیان می کند و آن این که علاوه بر نوشته اعمال خود آن نیز در برابر آدمیان حاضر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنه يحمله يوم القيمة وزراً

<وزر>، به معنای بار سنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال و ظهور دست مایه ها و تلاش های انسان

يوم ينظر المرء ما قدمه يده

تجسم گناه در قیامت

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۵

۵ بروز و ظهور گناهان در قیامت ، به صورت علامت و نشانه ای برای گناهکاران

و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسيمهم

تجلى توحيد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز تجلى یگانگى و قهاريت خداوند

يوم تبدل الأرض . . . و برزوا لله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۳

۳- قیامت ، عرصه آشکار شدن بطلان شرك و تجلى كردن وحدت و یگانگى خداوند

و يوم يناديهم . . . قال الذين حقّ عليهم القول ربّنا

اعتراف پیشوایان شرك به ربوبیت خداوند بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۹

۹- برملا شدن حقانیت توحيد برای جوامع شرك پيشه در قیامت

فعلموا أنّ الحقّ لله

تجلى خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تجلی حضور خداوند ، در تمام صحنه های قیامت برای همه مردم

و جاء ربك

خداوند، همواره و در همه جا، در دنیا و آخرت، حضور دارد. بنابراین معنای <جاء>، ظهور همین حقیقت برای حاضران در صحنه قیامت است؛ چه آن که آنان حضور خداوند را در همه امور، مشاهده خواهند کرد.

تجلی قاهریت خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت

، روز تجلی یگانگی و قهاریت خداوند

یوم تبدل الأرض . . . و برزوا لله الواحد القهار

تجمع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۵۸

۵ سرای آخرت ، عرصه گرد آمدن همه انسانهاست .

ذلك يوم مجموع له الناس

<ذلك> اشاره به <الأخره> است و به نظر می رسد مذکر آوردن آن به لحاظ خیر (یوم) باشد.

۸ > قال الصدوق روى : . . . و تقوم القيامة فى يوم الجمعة . . . قال الله عزوجل : > ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود < ;

صدوق گوید: روایت شده است که . . . قیامت در روز جمعه برپا می شود . . . و خدای عزوجل فرمود: ذلك يوم مجموع . . . < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۷

۷- حضور همه انسان ها در پیشگاه خداوند در روز قیامت

و برزوا لله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۷ - ۴

۴- همه انسان ها ، در قیامت ، به اراده الهی ، جمع شده و گرد آوری خواهند شد .

و حشرنهم

<حشر> جمع کردن مردم در روز قیامت است (لسان العرب). ماضی آوردن <حشرنا> برای دلالت بر قطعی بودن حشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۹ - ۵

۵- خداوند ، همه انسان ها را در صحنه قیامت ، با دمیده شدن در صور ، گرد خواهد آورد .

و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعًا

<صور> محتمل است به یکی از

دو معنا باشد: ۱ به معنای <شاخ>؛ که در این صورت، مقصود، دمیده شدن در بوق است؛ چرا که در قدیم، از شاخ حیوانات، بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع <صوره> باشد؛ در این صورت، مقصود، دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده ساختن آن ها است. بسیاری از اهل لغت، بر احتمال دوم، خرده گرفته اند و آن را با برخی از موارد استعمال کلمه <صور> در قرآن ناسازگار دیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۵

۵- قیامت ، روز حشر و اجتماع انسان ها

یوم نحشر

<حشر> یعنی، جمع کردن به گونه ای که با سوق دادن همراه باشد (مقایس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۵

۵- قیامت ، روز حضور همگان در پیشگاه خداوند

إِنَّهٗ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا

به قرینه آیه بعد (و من یأته مؤمن أ)، حضور در قیامت همگانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۶

۶- تجمع نهایی همه انسان های پراکنده در روی زمین ، در پیشگاه خدا ، پس از گذر از زندگی دنیوی

و هو الذی . . . و إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۲

۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل يجمع بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحقّ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ -

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۲ - ۲

۲ - احضار تمامی انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت ، به صورت دسته جمعی و یک جا خواهد بود .

و إن کلّ لَمَّا جمیع لدینا محضرون

<جمع> فعلیل به معنای مفعول (مجموع) و ضد متفرق است و مقصود از آن در آیه شریفه، اجتماع و انضمام تمامی افراد، از همه اقوام و جوامع بشری در یک مکان (قیامت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۸

۱۸ - تجمع همگانی انسان ها در روز قیامت

و تنذر یوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۵

۵- انسان ها ، در اوج ازدحام و تجمع در قیامت ، تنها و بی یاور خواهند بود . *

میقتهم أجمعین .. یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا

از ارتباط <لایغنی..> که تنهایی را می رساند با <میقاتهم أجمعین> که تجمع را می فهماند مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۴،۵

۴ - قیامت ، روز اجتماع تمامی انسان های تاریخ

جمعنکم و الأوّلین

۵ - داوری میان حق و باطل در عرصه قیامت ، با حضور تمامی خلائق انجام خواهد پذیرفت .

هذا يوم الفصل جمعنكم و الأولين

تجمع مشركان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۱

۱ - گردآوری جوامع شرک پیشه در قیامت برای محاکمه

و نزعنا من کلّ أمّه شهیداً فقلنا هاتوا

تحریفگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۹

۹ - تحریف گران آیات الهی و منحرفان از راه توحید ، فاقد امنیت در برابر آسیب های صحنه قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِيءِ آئِنَتِنَا .. أَمَّنْ يَلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْ

از تقابل دو گروه یاد شده در آیه، مطلب بالا قابل برداشت است.

تحقق نشانه های قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۴

۴- نشانه های برپایی قیامت ، تحقق یافته و قابل رؤیت برای بشر

فقد جاء أشراطها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۲

۲ - مشاهده کردار ها در عرصه قیامت ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان و پدیدار شدن رخدادهایی در صحنه قیامت

إِذَا الشَّمْسُ .. و إِذَا ... و إِذَا ... عَلِمْتَ نَفْسَ مَا أَحْضَرْتَ

آیه شریفه، جواب حرف شرط <إِذَا> است که از آغاز سوره تکرار شده است.

تحقیق اخروی استهزاگران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - استهزاکنندگان دین و قیامت ، مورد تحقیر و تمسخر در آتش دوزخ

یسئلون أیّان یوم الدین . . ذوقوا فنتکم هذا الذی کنتم به تستعجلون

امر در <ذوقوا>، برای تهکم و استهزا است.

تحقیر اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۲

۲ افکنده شدن منکران قیامت به جهنم ، همراه با

تحقیر و اجبار است .

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا

واژه <أُلْقُوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیر آمیز بودن ورود به جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، علاوه بر گرفتاری به کیفر جسمانی (سوختن) ، به کیفر روانی (تحقیر و استهزا) نیز مبتلا خواهند شد .

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا .. لا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَحَدًّا و ادعوا ثُبُورًا ك

جمله <لا تَدْعُوا..> - به جای جواب مناسب با <دعوا هنالك ثبورا> می تواند برای تحقیر و استهزای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۲

۲ - تحقیر و عذاب روحی تکذیب گران روز جزا ، در قیامت از سوی خداوند

فإن كان لكم كيد فكيدهون

امر در <فکیدون>، تعجیزی و مفید سرزنش و تحقیر است.

تحیت مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تحیت مؤمنان به هم ، هنگام لقاءالله ، با واژه <سلام> است .

تحیتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین است که اضافه <تحیت> به ضمیر <هم>، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

تداوم عذاب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یاد

شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

تداوم نفاق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۶

۶ - ثابت ماندن روحیه نفاق برای منافقان در قیامت

یوم یبعثهم الله جميعًا فيحلفون له كما يحلفون لكم

تدبیر برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۶ - ۲

۲ - ملائکه ، عهده دار تدبیر مراحل پایانی و برپایی جهان آخرت

فالمُدبِّرَتِ أَمْرًا . یوم ترجف الراجفه

برداشت یاد شده، براساس ظرف بودن <یوم> برای <المدبِّرات> است. در این ترکیب، آیات پیشین گویای حرکت فرشتگان و شتاب و مسابقه آنان برای مدیریت و تدبیر مراحل پایانی دنیا و آغاز آخرت است.

تذکر افشای رازها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۴

۴ - توجه به برملا شدن خصلت ها و علاقه ها در قیامت ، بازدارنده انسان از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به ثروت

لكنود .. أفلا یعلم إذا ... و حصّل ما فی الصدور

تذکر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ توجه دادن انسان ها به حیات پس از مرگ و برپایی قیامت ، از رسالت های پیامبر (ص)

و لئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

تراکم دود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن -

۱ - آتش گداخته و دود های متراکم ، مانعی جدی در برابر جن و انس برای گریز از صحنه قیامت

لاتنفذون إلاّ بسطن . . . یرسل علیکما شواظ من نار

خطاب در <علیکما> و <لاتنتصران> متوجه جن و انس است.

ترس اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۲

۲ - منکران رستاخیز و دنیامداران ، هراسناک از دستاورد های خود ، در قیامت

تری الظلمین

تعبیر <الظالمین> در آیه شریفه، عنوانی است که بر منکران معاد و دنیامداران مطرح در آیات پیشین اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران روز جزا، در آن روز از شدت ترس دم برنخواهند آورد .

هذا یوم لا ینطقون

ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۸

۸ توجه به قیامت و خوف از آن ، بازدارنده آدمی از اعمال ناشایست (ربا و . . .) و ترغیب کننده او به اعمال شایسته (انفاق ، صدقه و . . .)

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا . . . و ان تصدقوا خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۷

۷ ضرورت ترس از قیامت و صحنه های حسابرسی در آن روز .

یوم یجمع الله الرسل

برداشت فوق بر این است که <یوم> بدل اشتمال برای <الله> در آیه قبل <اتقوا الله> گرفته

شود و یا مفعول باشد. برای فعلی همانند: <اتقوا و یا احذروا و ... که به قرینه <اتقوا الله> حذف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۴

۴ پیامبر(ص)، مأمور به سرمایه گذاری بیشتر تبلیغی برای بیمناکان از حشر و قیامت

و أُنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ

با اینکه انبیا باید همه مردم را انذار دهند، ولی معرفی یک دسته برای انذار بیانگر عنایت بیشتر به آنان در امر تبلیغ و انذار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۴

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱،۱۵

۱ - مردمان الهی و والا-مقامی که تجارت و داد و ستد ، آنان را از ذکر خدا ، اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد ، همواره ترسان از روز قیامت اند .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله و إقام الصلوه و إيتاء الزكوه يخافون يوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <رجال> مبتدا و <يخافون> خبر آن باشد.

۱۵ - مردان الهی ، همواره از قیامت ترسان اند .

رجال .. يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الأبصر

- فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱،۶

۱ - خداوند ، فراخوان مردمان به تقوا و ترس از روز قیامت

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَ اخشوا يَوْمًا

۶ - قیامت ، روزی هول انگیز است و شایسته است که انسان ، از آن نگران باشد .

وَ اخشوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲

۲ - عبادت شبانه با سجده و قیام ، دغدغه خاطر داشتن از روز قیامت و امید به رحمت الهی ، از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَ ءَانَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحْذِرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ

آیه شریفه به قرینه مقابله با آیه قبل که درباره انسان های کافر بود درصدد بیان اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۳

۳ - مؤمنان ، دارای بیم و نگرانی همراه با مراقبت ، نسبت به رستاخیز

وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَشْفُقُونَ مِنْهَا

<اشفاق> (مصدر <مشفقون>) به معنای هراس داشتن توأم با عنایت و مراقبت نسبت به چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۲

۲ - خوف از قیامت ، از ویژگی های ابرار است .

و يخافون يومًا كان شره مستطيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۱

۱ - ترس از احوال روز قیامت ، از ویژگی های ابرار

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۴

۴ - حوادث قیامت ، هولناک و سزاوار ترس و نگرانی است .

من یخشیها

ترس انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۱

۱ - مردم در قیامت ، مانند پروانه های ریز و پراکنده در هوا ، هراسان و بی سامان به هر طرف روی خواهند آورد .

یوم یکون الناس کالفراش المبتوث

<فَرَّاشَه> (مفرد <فَرَّاش>)؛ یعنی، آنچه بال زده و در حرارت چراغ سقوط کرده و خود را می سوزاند (تاج العروس)
<فَرَّاء> آنها را ملخ هایی می داند که روی زمین گسترده و در هم می لولند (مجمع البیان). تشبیه مردم در قیامت به آن
حشرات، نشانگر سردرگمی، ترس و اضطرابی است که انسان ها را به هر سو خواهد کشاند.

ترس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۸

۸ انفاق کنندگان در راه خداوند ، ترس و اندوهی در رستاخیز نخواهند داشت .

و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> تنها مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۰

۱۰ مؤمنان دارای عمل صالح ، ترس و اندوهی در رستاخیز ندارند .

انّ الذّين امنوا .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، روز خیره

شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیہ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۷

۷- نمود حالت ترس و وحشت انسان در دیدگان وی در قیامت

فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۳

۱۳- هراس سخت و سهمگین مردم در عرصه رستاخیز ، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

و لکن عذاب الله شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۷ - ۱

۱ - در آستانه برپایی قیامت ، چشمان انسان ها از ترس و اضطراب ، به گردش در می آید .

فإذا برق البصر

فعل <بَرَقَ> وقتی به چشم نسبت داده شود، به معنای اضطراب و به گردش آمدن چشم از ترس است (مفردات راغب).
گفتنی است آیه شریفه در مقام بیان حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت و لحظه های نخستین رستاخیز رخ خواهد داد.

ترسناکی زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۷

۷- وقوع زلزله بسیار بزرگ و هولناک در جهان طبیعت (زمین و ...) ، در آستانه برپایی قیامت

إِنَّ زَلْزَلَهُ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱،۷

۱- زلزله زمین در آستانه فروپاشی نظام طبیعت ، رخدادی بسیار سهمگین و دهشتناک

إِنَّ زَلْزَلَهُ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ .. یوم ترونها... تری الناس سکری

۷- شدت و هراس ناشی از زلزله زمین در

آستانه برپایی رستاخیز، هوش از سر تمامی مردم روی زمین خواهد ربود و آنان را مانند می زدگان مست، بی خود خواهد ساخت.

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ.. يَوْمَ تُرْوَنَهَا... وَ تَرَى النَّاسَ سُكَرَى

<سکاری> جمع <سکران> است. <سکران> نیز به کسی گفته می شود که در اثر خوردن شراب، عقلش را از دست بدهد (مست شود).

ترسناکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۲۵

۲۵ قیامت، روزی بزرگ و هراسناک

عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا (ع) : إِنَّ أَوْحَشَ مَا يَكُونُ هَذَا الْخَلْقَ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ يَوْمِ يُولَدُ... وَ يَوْمِ يَمُوتُ... وَ يَوْمِ يَبْعَثُ... وَ قَدْ سَلَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى يَحْيَى (ع) فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْمَوَاطِنِ وَ آمَنَ رُوعَتَهُ فَقَالَ : > وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمِ يَمُوتُ وَ يَوْمِ يَبْعَثُ حَيًّا... < ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود.. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء

۶- قیامت ، حقیقتی خظیر و بیم آفرین برای انسان ها

و هم من الساعه مشفقون

<اشفاق> به معنای عنایت همراه با خوف است و هرگاه به وسیله <من> متعدی شود، معنای ترس در آن بیشتر خواهد بود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۶

۶- قیامت ، حادثه ای وحشت زا و دهشت آفرین برای کافران

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین كفروا

خیره شدن دیدگان کافران و بهت زدگی آنان، ناشی از حوادث هولناک و دهشت آفرین قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۲

۲- برپایی قیامت ، اندوه زا و همراه با وحشت و فزع و جزع بزرگ است .

لا یحزنهم الفزع الأكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۴

۴ - روز قیامت ، روزی سخت و هولناک است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و می تواند صفت باشد، برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است و ذکر آن به خاطر بیان هولناکی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - قیامت ، روزی سخت ، هولناک و هشدار دهنده برای انسان ها

لیندر . . . یوم هم برزون لایخفی علی الله منهم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و

نیز

انذار به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۶

۶- قیامت، دارای غم و اندوه کشنده و زجر آور، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد.

إذ القلوب لدى الحناجر كظمين

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده باشد.

<کاظمین>؛ یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۱

۱- قیامت، روزی مهیب و پرصوت

يوم نبطش البطشه الكبرى

<ببطش> (مصدر <نبطش>) در اصل به معنای گرفتن با شدت و صوت است و مراد از آن در آیه شریفه مؤاخذه و انتقام

شدید و مهیب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲ - ۱

۱- قیامت، حادثه ای بس با عظمت و هولناک

ما الحاقه

استفهام در <ما الحاقه> به گفته مفسران برای تهویل و تعظیم است؛ یعنی، چیست آن حادثه بزرگ و هولناک؟!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۲

۲- قیامت، حادثه ای کوبنده و هولناک

بالقارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۳

۳ - روز محشر ، روزی است بس هولناک و وصف ناپذیر .

یومًا .. السماء منفطر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵

۲ - قیامت ، روزی بس ناگوار و هولناک برای کافران

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ

فرار کافران، نشانه وجود صحنه های هولناک و شرایط دشوار در عرصه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بس سهمگین و عظیم

لأیّ یوم أُجِلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، واقعه ای است بس سهمگین ، با عظمت و شگفت آور .

و ما أدریک ما یوم الفصل

<ما> در <ما أدراک ما..> برای استفهام و مفید تعجیب و تهویل است؛ ضمن آن که تکرار <یوم الفصل> به صورت اسم ظاهر به جای ضمیر تأیید کننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۸ - ۲

۲ - صحنه برپایی قیامت برای منکران معاد ، صحنه ای هراس انگیز و اضطراب آور خواهد بود .

قلوب یومئذ واجفه

مراد از <قلوب> به قرینه <يقولون أءنا لمردودون فی الحافره> در آیات بعد قلب منکران معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

القارعه

<قَرَع>، به معنای کوبیدن چیزی بر چیزی است (مفردات). آیات بعد، قرینه است که مراد از <قارعه>، روز قیامت است. تناسب این نام برای <قیامت>، یا به این جهت است که قیامت کوبنده و ترساننده قلب ها است و یا اشاره به عذاب کوبنده و هولناک کافران دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۲

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، هول انگیز و دهشت آور است .

ما القارعه . یوم یكون الناس كالفراس المبتوث

<یوم> ظرف برای فعل محذوفی است که وصف <القارعه> بر آن دلالت دارد؛ یعنی، <تقرع یوم..>.

ترك احوال پرسى در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جو یا نمی شود .

و لایستل حمیم حمیمًا

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۹۲

ترك استمداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۲

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایستل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

تسلیم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۸

۸ حصول ایمان و تسلیم در قیامت ، سودی ندارد . *

و قضی الأمر

بنابراینکه مراد از آمدن عذاب و ملائکه، نزول آنها در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۲

۲ - قیامت ،

صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری کلّ أمّه جائیه

تشبیه انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۲

۱۲- بیم و هراس مردم در عرصه محشر ، به اندازه ای است که آنان همچون مردم می خورده و مست ، عقل و هوش خود را از کف خواهند داد .

و تری الناس سکری و ما هم بسکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۴

۴ - منظره رستاخیز آدمیان ، همچون منظره ملخ های پراکنده بر پهنه زمین

یخرجون من الأجداث کأنهم جراد منتشر

تعدد حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۶

۶ - رسیدگی به کار های انسان ها در قیامت ، دارای قسمت های گوناگون و تفکیک شده است .

صَفًّا صَفًّا

تعدد شفیعان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۵

۵- تعدّد شفاعت گران در قیامت

فما تنفعهم شفاعه الشفيعين

تعدد میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۳

۳- ابزار سنجش اعمال (میزان) در قیامت ، متعدد است .

و نضع الموزين القسط

<موازين> (جمع <میزان>) به معنای ترازوها است و جمع آمدن آن دلیل بر تعدد است. هرچند میان مفسران در باره چگونگی متعدد بودن ترازوهای قسط و عدل اختلاف هست.

تعقل در فرجام مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱

۱ انسان ، وظیفه دار سنجش میان فرجام تقوایبندگان و تکذیب کنندگان قیامت و دوزندگی بهشت و جهنم ، با تفکر در رهنمود های قرآن

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

تعیین سرنوشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۶

۶- قیامت ، روز فیصله امور و تعیین سرنوشت قطعی انسان

إذ قضی الأمر

ممکن است مقصود از <الأمر> حکم قطعی و تعیین بهشتی و یا دوزخی بودن مردم باشد در این صورت <قضی الأمر> ناظر به صدور احکام قطعی و گذشتن از آن مرحله است.

تعیین وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۱

۱ خداوند برای برپایی قیامت ، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما تؤخره إلا لأجل معدود

تفاوت صورتها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه... و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

تفاوت میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۶

۶ - کردار های ناروا ، هنگام حسابرسی در قیامت با وجود تهی بودن همه آنها از وزن و ارزش گوناگون بوده

و ابزار سنجش آنها متفاوت است .

و أمّا من خفت موزینه

جمع بودن <موازين>؛ بیانگر تعدد میزان و موزون و تغایر آنها است.

تفکر در خبرهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۳

۳- اخبار مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبر اسلام ، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها پردازد و از آنها روی گردانی نکند.

تقسیم انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۴

۴ انسان ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادت‌مندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

تکامل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۴

۱۴ مؤمنان ، برخوردار از تکامل و رشد معنوی ، در آخرت

و یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

جمله فسیدخلهم با توجه به <سین> دلالت دارد بر اینکه رحمت و فضل در آخرت است، پس هدایت هم که پس از آنها ذکر شده است، در آخرت است و هدایت به سوی خدا، رشد و کمال معنوی است.

تکذیب عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- کسانی که با ارتکاب اعمال زشت در دنیا به خود ستم کرده اند، در قیامت منکر آن اعمال

می شوند .

الذین تتوفهم الملائکه ظالمی أنفسهم .. ما کنا نعمل من سوء

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه <ما کنا نعمل من سوء> (ما مرتکب عمل زشت نمی شدیم) اعمال ناپسند و زشتی باشد که مرتکبان آنها، آن را از خود نفی می کنند.

تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ انکار هر یک از حقایق (خدا ، پیامبران ، فرشتگان ، کتب آسمانی و روز قیامت) ، کفر و به منزله انکار تمامی آنهاست .

و من یکفر بالله و ملئکتہ و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعیداً

با توجه به صدر آیه که ضرورت ایمان به تک تک معارف یاد شده را مطرح ساخت، معلوم می شود ضلالت بعید نتیجه انکار هر یک از معارف یاد شده است، نه نتیجه ای برای مجموع آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ انکار قیامت و به فراموشی سپردن آن ، کفرپیشگی است .

إن الله حرمهما علی الکفرین .. فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ - در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکران قیامت کشیده می شود .

فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون

عبارت توییحی <فهذا یوم البعث> قرینه است بر این که متعلق <لاتعلمون> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۳

۳ - مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت و معاد درست نمی دانستند .

و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶ - ۲

۲ - برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، مورد انکار مشرکان

أءذا متنا و كُنَّا ترابًا و عظمًا أءنَّا لمبعوثون

دو همزه به کار رفته در آیه شریفه، برای استفهام انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۹

۹ - هواپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .

و لا تتبع الهوی فیضلك عن سبیل اللّٰه . . بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۳

۳ - تأثیرپذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکارآمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنکم لفی قول مختلف . یؤفک عنه من أفک

ضمیر در <عنه> می تواند به <قول مختلف> بازگردد. در این صورت <عن> تعلیلیه بوده و جمله <یؤفک...> صفت برای <قول> می باشد؛ یعنی، <یؤفک بسببه...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - انکار قیامت از سوی کافران ، تنها محدود به زندگی دنیا است و

نه هنگام تحقق یافتن آن .

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> صفت برای موصوف محذوف است و تقدیر آن <نفس کاذبه> می باشد. <لام> در <لوقعتها> به معنای <عند> است؛ یعنی، وقتی قیامت واقع شود، هیچ کس نمی تواند به دروغ بگوید: <قیامت واقع شدنی نیست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنان جن ، دیگران را از انکار قیامت و رستاخیز از سوی برخی از انسان ها آگاه ساختند .

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۰ - ۴

۴ - گناه ، تکذیب عملی قیامت است .

إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ .. . وِيلَ يَوْمئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

تعبیر <یومئذ> به قرینه <إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِينٍ> بر روز برخورد فاجران با نامه عمل خویش منطبق است. بنابراین عنوان <مکذبین> در برگزیده <فَجَار> خواهد بود که با گناه خود، در عمل، تکذیب کننده قیامت اند.

تکذیب گناه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۹

۹ - انکار و پرده پوشی گناهان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لكم من نكير

<نکیر> چنان که برخی گفته اند مصدر و به معنای <انکار> است.

تکلم بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۹

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشهم جميعاً .. و قال شرکاؤهم

ما کنتم ایانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۳

۳ بت های اهل شرک در جهان آخرت ، دارای شعور و آگاهی و توانا بر نطق

و قال شرکاءهم .. فکفی بالله شهیداً بیننا و بینکم إن کنا عن عبادتکم لغفلین

تکلم خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۸، ۱۷، ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت لطف خویش را از کتمان کنندگان احکام و معارف دین دریغ کرده و با آنان سخن نخواهد گفت .

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه .. لا یکلّمهم اللّٰه یوم القیمه

جمله <ولا یکلّمهم اللّٰه> کنایه از خشم خدا و دریغ کردن لطف و رحمت است.

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد

داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتُمون .. لا یکلّمهم اللّٰه

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذین .. لا یکلّمهم اللّٰه> استفاده شده است.

۱۸ - عالمان متعهد از تزکیه الهی برخوردار شده و در قیامت با خداوند هم سخن خواهند بود .

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه .. لا یکلّمهم اللّٰه یوم القیمه و لا یرکبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۲

۲ گفتگوی مستقیم خداوند با کافران در قیامت

قال اليس هذا بالحق قالوا بلى و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۳

۳ - مکالمه خداوند با مردم در

قیامت

و یوم ینادیهم فیقول این شرکاءى

ضمیر فاعل در <ینادى> و <یقول> به خداوند بازمى گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۵ - ۳

۳ - مکالمه خداوند با مردم در روز رستاخیز

و یوم ینادیهم فیقول

ضمیر فاعل در <ینادى> و <یقول> به خداوند بازمى گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۳

۳ - سخن گفتن خداوند با مردم در روز رستاخیز

و یوم ینادیهم فیقول

ضمیرهای فاعل در <ینادى> و <یقول> به خداوند بازمى گردد. مراد از <یوم> نیز روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۷

۱۷ - گفتوگوى بى واسطه انسان ها با خداوند در قیامت

و یوم ینادیهم این شرکاءى قالوا

تکلم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۱

۱ هیچ کس در قیامت جز به اذن و رخصت خداوند سخن نخواهد گفت .

یوم یأت لاتکلم نفس إلا بإذنه

ضمیر در <یأت> به <یوم> در آیات قبل، باز می گردد و <یوم> در <یوم یأت> به معنای حین و زمان است. بنابراین <یوم یأت...> یعنی، در آن هنگام که روز قیامت برپا شود... قابل ذکر است که <لاتکلم> در اصل <لاتتکلم> بوده که بر اساس قواعد صرفی یک <تاء> از آن حذف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - در قیامت حتی برای مجرمان ، امکان تکلم و درخواست وجود

دارد .

و لو ترى إذ المجرمون .. ربنا أبصرنا و سمعنا فأرجعنا

فراز <ربنا أبصرنا..> مقول قول مجرمان در روز قیامت و مفید نکته بالا است.

تلاش مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۷

۷ - منکران وقوع قیامت ، در صدد بودند تا با طرح عدم امکان بازآفرینی اجساد قطعه قطعه شده انسان ها پس از مرگ ، عقیده خود را توجیه کنند .

و قال الذین کفروا لا تأتینا الساعه .. و قال الذین کفروا هل ندلکم علی رجل یتبئ

تمایز صفوف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحق

تمایز گروه ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفوف مؤمنان ، در روز قیامت ، از صف کافران جدا می شود .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرقون

در صورتی که مرجع ضمیر <یتفرقون> واژه <الخلق> در آیه یازده باشد و به قرینه دو آیه بعد که درباره وضعیت مؤمنان و کافران است نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یَوْمَئِذٍ يَصَّدَعُونَ

احتمال دارد مراد از تفکیک

شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۸

۸ - در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصِّدِّعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا ... یمهدون

تمایز گروهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، متشکل در گروه هایی مشخص و متمایز

و تری کلّ أمّه جائیه کلّ أمّه تدعی

واژه <أمّه>، می نمایاند که حضور انسان ها در قیامت، در مجموعه ها و امت ها است نه به صورت منفرد.

تمایلات مادی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۲ - ۳

۳ - وجود تمایلات مادی ، برای انسان ، در قیامت و ارضای کامل آنها در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

تنهایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۳

۳- کافران در صحنه قیامت ، بدون سازوبرگ و تنها و بی کس ، حاضر خواهند شد .

نرثه ما یقول و یأتینا فردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۵ - ۲،۳

۲- تمامی موجودات شعورمند آفرینش در صحنه قیامت ، یکه و تنها و بدون یاور و همراه ، حاضر خواهند شد .

ءاتیه یوم القیمه فردًا

<فرداً> حال برای ضمیر

فاعلی < آتیه > می باشد؛ یعنی، آمدن موجودات در قیامت در حال انفراد و تنهایی است.

۳- معبود های باطل (فرزند پنداشته شدگان خداوند) و پرستندگان آنها ، همه یکه و تنها در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

دعوا للرحمن ولدًا .. و کلّمهم آتیه یوم القیمه فردًا

< کلّمهم > شامل تمامی موجودات ذی شعور آفرینش (من فی السموات والأرض) می گردد و از جمله آنها کسانی اند که برخی از مردم را فرزند خدا می پنداشتند (مانند: ملائکه، حضرت عیسی و عزیر(ع)).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۵

۵- بی پناهی و تنهایی شدید انسان ها در عرصه قیامت ، علی رغم حضور در جمع

فلا أنساب بینهم یومئذ و لا یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۴،۵

۴- تنهایی انسان در قیامت و جدایی او از یاران خویش ، نمودی از < یوم الفصل > بودن قیامت *

إنّ یوم الفصل .. یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا

۵- انسان ها ، در اوج ازدحام و تجمع در قیامت ، تنها و بی یاور خواهند بود . *

میقتهم أجمعین .. یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا

از ارتباط < لایغنی .. > که تنهایی را می رساند با < میقتهم أجمعین > که تجمع را می فهماند مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۸

۸- تنهایی و بی پناهی در قیامت ، هشدار به مال اندوزان و قدرت مداران

عنهم ما كسبوا شيئاً ولا ما اتَّخذوا من دون الله أولياء

توجیه گری مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۷

۷ - منکران وقوع قیامت ، در صدد بودند تا با طرح عدم امکان بازآفرینی اجساد قطعه قطعه شده انسان ها پس از مرگ ، عقیده خود را توجیه کنند .

و قال الذين كفروا لا تأتينا الساعة .. و قال الذين كفروا هل ندلكم على رجل يبئ

توجیه ناپذیری تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۸ - ۳

۳ - افسانه پنداشتن قرآن و تکذیب قیامت ، توجیه ناپذیر است .

قال أسطير الأولين .. هذا الذي كنتم به تكذبون . كلاً

حرف <كلاً> ممکن است برای ردع و منع از توهماتی باشد که در آیات پیشین، کافران گرفتار آن دانسته شده بودند.

توحید در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ قیامت، روز ظهور حقانیت توحید، حتی برای مشرکان

ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون

توصیه به مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ایمان آوردن به معاد و دست برداشتن از انکار و تکذیب آن ، توصیه اکید الهی به همه کافران و تکذیب گران

و أمّا إن كان من المكذّبين . . . إنّ هذا لهو حقّ اليقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۲

۲ - توصیه

خداوند به کافران و منکران قیامت به ایمان به خدا ، پیامبر اسلام و قرآن

فامنوا بالله و رسوله و النور الذی أنزلنا

بیشتر مفسران مقصود از <نور> در این آیه را قرآن کریم می دانند.

تهدید مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۳

۳ - تهدید منکران قیامت ، به دست برداشتن از انکار آن تا فرصت باقی مانده

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> می تواند صفت برای موصوف مقدر باشد (نفس کاذبه). در این صورت آیه شریفه نظر به کافران دارد که تا وقت باقی است، دست از انکار قیامت بردارند؛ زیرا روزی که قیامت واقع شود، آنان جز تسلیم شدن در برابر واقعیت و گرفتار سرافکنندگی شدن فرجامی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۳

۳ - تهدید تکذیب گران روز جزا ، به محرومیت از موهبت های بهشتی

کلوا و تمتعوا قليلاً

امر در <کلوا و تمتعوا> در معنای تهدید و انذار به کار رفته است. در آیات گذشته، از مواهب بهشت و تأمین خواسته های تقوای پیشگان در آن، سخن به میان آمده است. از این مطلب استفاده می شود که این تهدید، ناظر به محرومیت از موهبت های بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۷

۷ - حکم نافذ و قضاوت حکیمانه خداوند ، تهدیدی برای تکذیب کنندگان دین و منکران قیامت

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

تهمتهاى مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور -

۳ - اتهام سحر و ساحری به پیامبران و وحی ، زشت ترین موضع گیری تکذیب گران علیه آنان *

أفسحر هذه

اختصاص به ذکر یافتن موضوع <سحر>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۱۱، ۵، ۳

۳ - تکذیب کنندگان قیامت ، معارف قرآن را نوشته هایی بی اساس و ساخته و پرداخته پیشینیان می دانند .

قال أسطیر الأولین

(>أساطیر < جمع >أسطوره <) به سخن های زیبا و نوشته شده ای گفته می شود که در محتوا، شبیه یاوه سرایی باشد (لسان العرب). مراد از استناد >أساطیر < به >أولین < یا این است که این اساطیر، تراوش افکار آنان است و یا این که زندگانی آنان، در این افسانه ها ترسیم شده است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال نخست است.

۵ - منکران قیامت ، قرآن را مجموعه ای افسانه ای ، درباره نسل های انقراض یافته بشر می دانند .

إذا تتلى عليه ءآیتنا قال أسطیر الأولین

ر. ک. توضیح ۳

۱۱ - منکران قیامت ، آن را خرافه ای ساخته و پرداخته افسانه پردازان پیشین می دانند .

و ما یکذب به إلا.. قال أسطیر الأولین

تیزبینی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۵

۵ چشمان آدمی در قیامت ، سخت ژرف نگر و واقع بین

فبصرک الیوم حدید

ثبت تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند

دید .

کتاب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

ثروت اندوزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۱

۱ دینه های زراندوزان در قیامت وبال گردن و ابزاری برای شکنجه و عذاب آنان ، خواهد گشت .

و الذین یکنزون الذهب و الفضة .. یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

جبر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت ، روز سلب اختیار از انسان

یوم .. لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن

جبرئیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۲

۲ - فرشتگان و جبرئیل ، کار گزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملائکه و الروح إلیه

جدایی انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث

قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جدایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است.

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جرم تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۶

۶ - تکذیب روز جزا، جرمی نابخشودنی است و تکذیب گران مجرم اند.

ویل یومئذ للمکذبین .. کلوا و تمتعوا قليلاً إنکم مجرمون

مطلب یاد شده، از به کار رفتن عنوان <مجرمان> درباره <مکذبان>، استفاده شده است.

جن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجان

جنیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن .. و قال أولیاءهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۱

۱ هر یک از افراد جن و انس در روز قیامت از مرتبه و درجه ویژه خود برخوردارند.

و لكل درجات مما عملوا

تنوین <و لكل> عوض محذوف است و به قرینه آیه ۱۲۸ و ۱۳۰، محذوف <جن و انس> است، یعنی: <لكل من الجن و الإنس ..> و چون آیات پیشین ترسیم قیامت بوده، ظاهر آن است که درجات مطرح شده در آیه مربوط به آن روز باشد.

جنیان گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایستل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جهل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۶

۶ - آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز ، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أئیان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما یشعرون> هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲

- کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

يقسم المجرمون ... فهذا يوم البعث و لكنكم كنتم لاتعلمون

۱۳ - کافران ، از وقوع قیامت بی اطلاع اند و برای حضور در آن ، آماده نیستند .

و يوم تقوم الساعه يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعه ... و لكنكم كنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إنما العلم عند الله

پاسخ پیامبر(ص) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در انحصار خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

يسئل أيا ن يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۳ - ۱

۱ - آگاهی به زمان وقوع قیامت حتی برای پیامبر (ص) مقدور نیست .

فيم أنت من ذكريها

<ذكري> به معنای ذکر فراوان است. این کلمه نسبت به کلمه <ذکر>، مبالغه بیشتری دارد (مفردات راغب). مراد از استفهام انکاری در جمله <فيم أنت...> این است که ای پیامبر! تو منزلتی نیستی که بتوانی هرگونه اطلاعی را درباره قیامت، به آنان ارائه کنی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۵

- انحصار تصمیم گیری درباره قیامت به خداوند ، دلیل ناآگاهی پیامبر (ص) از زمان وقوع آن است .

فیم أنت من ذكریها . إلی ربك متھیها

جمله <إلی ربك..>، به منزله تعلیل برای جمله قبل است.

جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۴

۴ زمان برپایی قیامت برای انسان ها مجهول است و همچنان مجهول خواهد ماند .

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۲،۳

۲- خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون أیان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در <یشعرون> و <یبعثون> معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۳- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون أیان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <یبعثون> پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی <یدعون> است.

جهل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۱

۱ - منکران روز جزا، فرومانده در گرداب جهالت و گرفتار غفلت و بی خبری

الذین هم فی غمره ساهون

<غمره> به معنای فرو رفتن در جهل و نادانی و <ساهی> به معنای غافل و بی خبر است.

جهنمیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱

۱ دوزخیان در

صحنه قیامت دارای موقعیتی بسیار شوم و دشوار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

هدف از بیان ناخوشایندی بهشتیان از مشاهده دوزخیان و بیان دعای آنان پس از مشاهده ناخواسته ترسیم موقعیت دشوار و شوم دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- جهنم یان در آخرت یکدیگر را شناخته و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۴

۴ - دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا يومًا أو بعض يوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۲

۲- وجود نیاز های جسمانی برای دوزخیان در قیامت *

إن شجرة الزقوم . طعام الأثیم

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <طعام>، حاکی از نیاز دوزخیان به غذا باشد، نه خوردن اجباری به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - گرفتاران پستی و خواری در قیامت ، برای رهایی خود تلاش کرده ، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت .

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَب> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای

کسانی است که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

۳- اهل دوزخ، تلاش های پرمشقت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلت در قیامت، از آن بهره ای نخواهند برد.

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد، مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

چشمهای کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر، با چشمانی فروافتاده و فروتنانه در محکمه عدل الهی حاضر می شوند.

خشه أبصارهم

حاکم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند یگانه، تنها حاکم در عرصه قیامت

اللّٰه لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۵

۵ حکمرانی قیامت تنها از آن خداوند و در اختیار اوست.

ثم ردوا إلى الله مولاهم الحق ألا له الحكم

از کلمه <ثم> استفاده می شود که انسانها در مرحله ای بعد از مردن به

سوی خدا برگردانده می شوند که ظاهراً همان مرحله قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۳

۳- خداوند به دلیل حاکمیت بر رستاخیز و نظام کیفری انسان ها ، تنها منبع آگاه از سود و زیان واقعی آنان است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ .. هَلْ نَسْبِتُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

خداوند پس از این که موضع قیامت و کیفر کافران را در آیات قبل یادآور شده، در مقام اخبار از سود و زیان واقعی انسان ها برآمده است. این نکته نشانه آن است که در شناخت سود و زیان، تنها، گفته های او ملاک است چرا که فرجام انسان ها را، او رقم می زند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۵ - ۵

۵- فرمان روایی حاکمیت مطلق در قیامت ، در انحصار خداوند است .

ءاتيه يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۵

۵ - خداوند ، حاکم مطلق و بی چون و چرای روز قیامت

إِلَّا مَنْ أَدْنَىٰ لَهُ الرَّحْمَنُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۲

۲ - تصمیم گیر و فرمان روای قیامت ، خداوند است .

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، حاکم روز جزا است .

يوم يبعثهم الله جميعاً فينبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸

۱۰ - خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، تنها فرمانروای روز قیامت

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - سیطره حاکمیت خداوند بر تمام امور قیامت ، حقیقتی وصف ناپذیر و تصوّر آن بیرون از طاقت علمی بشر است .

و ما أدريك .. ثمّ ما أدريك ما يوم الدين ... و الأمر يومئذ لله

بیان حاکمیت مطلقه خداوند پس از اشاره به فوق تصور بودن قیامت نشانه آن است که بشر، از درک حقیقت حاکمیت اخروی خدا ناتوان است.

۱۱ - ناتوانی انسان ها از یاری رسانی به یکدیگر در قیامت ، جلوه ای از حاکمیت مطلقه خداوند بر رخداد های آن است .

يوم لا تملك نفس لنفس شيئاً و الأمر يومئذ لله

ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، گویای برداشت یاد شده است.

حاکمیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۱

۱ - فرمان روایی مطلق و بی همتا در روز قیامت ، مخصوص خداوند است .

الملک یومئذ لله

حاکمیتها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

وله الملک یوم ینفخ فی الصور

حالات اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد.

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند؛ ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (تری المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۲ افکنده شدن منکران قیامت به جهنم، همراه با تحقیر و اجبار است.

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا

واژه <أُلْقُوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیرآمیز بودن ورود به جهنم است.

حبط عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۳

۳ اعمال نیک دلبستگان به دنیا و زیبایی های آن، در آخرت حبط شده و در پیشگاه خداوند ارزشی نخواهد داشت.

أُولَئِكَ... و حبط ما صنعوا فیها

ضمیر در <فیها> به <الحیاه الدنیا> برمی گردد و ظرف <حبط> به قرینه <فی الآخره> در فراز قبل جهان آخرت است؛ یعنی: و حبط فی الآخره ما صنعوا فی الدنیا. با توجه به معنای صنیعه (عمل خیر) به نظر می رسد، مراد از <ما صنعوا> اعمال نیک، همانند دستگیری از مستمندان و ... و مقصود از <ما کانوا یعملون> اعمال متعارف، همانند تجارت و ... باشد.

حتمیت حشر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۸ - ۲

۲ - حضور مردم در پیشگاه خداوند در قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین . کَلَّا إِنَّ کتبَ الفَجَّارِ ... کَلَّا إِنَّ کتبَ الأَبْرَارِ

حتمیت حضور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۲

۲ - حضور انسان ها در قیامت در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ،

فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کنتم أزوجًا ثلثه

تعبیر <کنتم> به صیغه ماضی، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز، چنان حتمی و غیرقابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است.

حتمیت رفع اختلاف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۴

۴ - برپایی قیامت و رفع اختلافات در آن ، حتمی و تردیدناپذیر است .

إِنَّ یومَ الفصلِ کانَ میقَّتًا

مشخص بودن زمان برپایی قیامت که کلمه <میققات> بر آن دلالت دارد حاکی از قطعی بودن آن است.

حتمیت رؤیت جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۲

۲ - سوگند خداوند برای تأکید بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت

لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ..> یا جواب <لو> است و یا جواب قسم محذوف. برداشت یاد شده ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲ - سوگند مکرّر خداوند ، بر

حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثم لترونها عين اليقين

حتمیت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۲

۲ - زلزله فراگیر زمین ، حادثه ای قطعی و تخلف ناپذیر است .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

حرف <إذا> بر فعلی داخل می شود که تحقق آن در آینده، حتمی خواهد بود.

حتمیت صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۲

۲ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

يوم يسمعون الصيحة بالحق

بنابراین که <بالحق>، نشانگر حتمیت و تخلف ناپذیری باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

حتمیت عذاب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۱

۱ - درماندگی تکذیب گران روز جزا در قیامت ، از هر گونه چاره اندیشی برای رهایی خویش از عذاب الهی

فإن كان لكم كيد فکيدون

حتمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۶

۶ قیامت ، روزی غیر قابل تردید

رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۵

۵ قیامت ، روزی تردیدناپذیر

لیوم لا ریب فیه

بنابراینکه <لا ریب فیه>، به معنای <لا ریب فی وقوعه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۱۱، ۷

۷ روز قیامت ، حتمی و تردیدناپذیر

ليجمعنَّكم الي

یوم القیمه لا ریب فیه

در برداشت فوق جمله <لا-ریب فیه> به معنای <لا-ریب فی وقوعه> گرفته شده است / یعنی وقوع و تحقق چنین روزی حتمی و تردیدناپذیر است.

۱۱ توجه به راستگویی مطلق خداوند ، برطرف کننده هر گونه تردید در تحقق قیامت

لیجمعنکم الی یوم القیمه لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ تردیدناپذیری تحقق قیامت

لیجمعنکم الی یوم القیمه لا ریب فیه

<لا ریب فیه> نفی هر گونه تردید درباره قیامت است، که از بارزترین موارد تردید درباره قیامت، تردید در تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۵

۵ قدرت مطلق خدا ، پشتوانه تحقق معاد و برپایی روز قیامت است .

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر. إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۲

۲ برپایی قیامت از زمان تعیین شده آن ، به تأخیر نخواهد افتاد .

و ما تؤخره إلا لأجل معدود

در برداشت فوق ، حرف <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ برپایی قیامت ، اصلی که باید به آن یقین و اطمینان داشت .

لعلکم بقاء ربکم توقنون

<لقای پروردگار> کنایه از برپایی قیامت است ؛ زیرا در آن صحنه است که ربوبیت خدا برای انسانها ملموس و محسوس می شود و آن

را به عين اليقين درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۳

۳- قطعی بودن وقوع قیامت و حضور همه انسان ها در آن

و برزوا لله جميعًا

ماضی آوردن فعل <برزوا> برای بیان حادثه ای که در آینده (قیامت) واقع خواهد شد، حکایت از قطعی بودن آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۵

۵- برپایی قیامت ، امری قطعی و تحقق پذیر است .

و إن الساعة لأتیة

<ساعة> در لغت، به معنای جزئی از اجزای زمان و در آیه فوق کنایه از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۹

۹- قدرت مطلق خداوند ، ضامن تحقق وعده او در زنده کردن دوباره انسان ها و برپایی قیامت

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... إنما قولنا لشيء إذا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۹

۹- رستاخیز ، امری تعیین شده و قطعی در آغاز خلقت آدم (ع) و آگاهی ابلیس از آن

قال .. لئن أآخرتن إلی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- برپایی قیامت ، حقیقتی تردیدناپذیر است .

و أنّ الساعه لاریب فیها

جمله <لاریب فیها> جمله خبریه ای است که از آن، مبالغه در نهی، اراده شده است ؛ یعنی، نباید در باره قیامت، تردید کرد؛
چه این که در موضوع قیامت، جایی

برای تردید وجود ندارد!

۱۶- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی است .

ليعلموا أنّ وعد الله حقّ و أنّ الساعه لا ريب فيها

عبارت < أنّ الساعه .. > ممکن است تفسیر کننده < أنّ وعد الله حقّ > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۸

۱۸- برپایی قیامت ، وعده خداوند و تخلف ناپذیر است .

و كان وعد ربّي حقّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱

۱ - فرا رسیدن قیامت ، حتمی است .

إنّ الساعه آتیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۳

۳- قیامت ، وعده راستین و تخلف ناپذیر الهی

و اقترب الوعد الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۵

۵ - فرا رسیدن لحظه برپایی قیامت حتمی است .

و أنّ الساعه آتیه

برداشت فوق، بر این اساس است که <الساعه> (آن هنگام) اشاره به زمان برپایی قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۱

۱ - قیامت، وعده ای راست و تخلف ناپذیر

بل أتینهم بالحقّ

<إتيان> (مصدر <أتي>) یک مفعولی و به معنای آمدن است و هر گاه همراه با <باء> تعدیه بیاید مانند آیه فوق دو مفعولی و به معنای آوردن می شود. <حقّ> به قرینه مقابله آن با <کذب> (إنهم لکاذبون)، به معنای سخن راست است. گفتنی است که مراد از سخن راست (حقّ)، می تواند یکی از سه امر زیر

باشد: ۱ وعده قیامت، ۲ مسأله توحید و یگانگی خدا، ۳ قرآن کریم. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵ - ۸

۸ - قیامت ، روزی تعیین شده از جانب خداوند ، و واقع شدن اش قطعی است .

فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ

جمله اسمی، حرف تأکید <إِنَّ> و لام در <لَآتٍ> بر قطعیت، دلالت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۹

۹ - برپایی قیامت ، از ناحیه خداوند است و هیچ مانعی جلوی وقوع آن را نمی گیرد .

أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدٍّ لَهُ مِنَ اللَّهِ

<من الله> احتمال دارد متعلق به <یأتی> باشد. یعنی: <روزی که از سوی خداوند می آید، هیچ مانعی برای تحقق آن نیست.>. لازم به ذکر است که <مَرَدٌّ> (مصدر میمی) و به معنای <دفع و رد کردن> است و مراد از <یوم> روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۵

۵ - وعده وقوع حتمی قیامت ، از سوی مؤمنان به کافران داده شده بود .

و يقولون متى هذا الفتح إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین كفروا لا تأتینا الساعه قل بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۵

۵ - زمان وقوع قیامت

، تغییر ناپذیر است .

قل لكم میعاد یوم لاتستأخرون عنه ساعه و لاتستقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، امری حتمی است .

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۶

۱۶ - قدرت نامحدود الهی ، تضمین کننده تحقق قیامت است .

لمحى الموتى إنه على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۱

۲۱ - قیامت ، واقعیتی حتمی و غیر قابل تردید

تنذر يوم الجمع لا ريب فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶ - اهل ایمان ، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و يعلمون أنها الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۷

۷- اراده خداوند ، نسبت به برپایی قیامت ، قاطع و غیرقابل تجدید نظر است .

من قبل أن يأتي يوم لا مردّ له من الله

<لا- > در <لامردّ له من الله > برای نفی جنس است. و <مردّ > مصدر میمی و به معنای بازگرداندن می باشد. منظور این است که برپایی قیامت، امری قطعی و تجدید نظر در آن غیر ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۷

۷- قیامت ، رخدادی غیر قابل تخلف و گریزناپذیر

و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳

۵- قیامت ، رخدادی قطعی و تردیدناپذیر

و إِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَاتَمْتَرَنَّ بِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۶

۶- قیامت ، آینده ای محتوم و نه چندان دور

فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۵،۶

۵- برپایی قیامت ، برنامه ای حتمی و تخلف ناپذیر

لاریب فیه

۶- حتمی بودن وقوع قیامت ، به رغم جهل و ناآگاهی بیشتر مردم نسبت به آن

لاریب فیه و لکنْ أَكثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۲،۳

۲- برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ السَّاعَةُ لَأَرِيبٌ فِيهَا

عطف جمله <السَّاعَةُ..> بر جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۳- وعده برپایی حتمی قیامت ، از پیام ها و هشدار های مهم خداوند به انسان ها

ءایتی تتلی علیکم . . . و إذا قیل إنّ وعد اللّٰه حقّ و الساعه

از این که خداوند، پس از بیان کلی <آیاتی تتلی علیکم> صرفاً به مسأله معاد به عنوان یکی از آن آیات تصریح کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۹

۹ علم الهی ، به زوایای وجود آدمی ، پشتوانه برپایی قیامت و

حساب رسی و مؤاخذة انسان *

و نحن أقرب إليه من جبل الوريد

در آیات پیشین برای اقامه برهان معاد به دو نکته اشاره شده است: نخست قدرت خداوند و سپس علم او. اکنون در این آیات، تعبیر <أفعبینا...> به قدرت و <نعلم ما توسوس...> به علم الهی نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۲

۲ - وعده رستاخیز، راست و غیر قابل تخلف است .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لِمَصَادِقٍ

تعبیر <ما توعدون> گرچه عام و شامل همه وعده های الهی است؛ لکن ذکر مسأله قیامت و معاد در قسمت بعد، قرینه است بر این که مصداق مورد نظر از آن، وعده قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۱

۱ - تحقق روز جزا و اجرای قانون الهی، امری حتمی و تخلف ناپذیر

و إِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ

واژه <دین> در معانی بسیاری به کار می رود که از جمله آنها <جزا> است. در آیه شریفه به مناسبت مورد، همین معنا اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۱

۱ - لحظه قیامت، بس نزدیک و حتمی الوقوع

اقتربت الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - صحنه های هول انگیز قیامت و مجازات دین ستیزان ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

اقتربت الساعة .. و کذبوا ... و کلّ امر مستقرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که > و

کَلَّ أمر مستقرّ در ارتباط با <اقتربت الساعة> باشد و نظر به تکذیب گران پیامبر(ص) داشته باشد که قیامت نزدیک شده و تهدیدهای الهی در مورد آنان محقق خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۲

۲ - اخبار قرآن از فرارسیدن قیامت ، هشدارى كافی برای دور شدن آدمیان از كفر و گناه است .

اقترب الساعة . . . و لقد جاءهم ... ما فيه مزدجر

مراد از <الأنباء> به قرینه آیات پیشین، می تواند مسأله نزدیکی قیامت و مسائل مختلف آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱ - ۱

۱ - قیامت ، امرى قطعى و تردیدناپذیر

إذا وقعت الواقعة

علمای ادب در فرق میان <إذا> و <إن> شرطیه گفته اند: <إذا> در مورد امور یقینی و <إن> در مورد امور محتمل الوقوع به کار می رود. هم چنین فعل شرط در <إذا> به صورت ماضی می آید، تا دلالت کند که تحقق آن به قدری قطعی است که گویا در زمانی پیش انجام یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۲

۲ - سخن الهی درباره وقوع قیامت و تخلف ناپذیر بودن آن ، حق و میرا از هرگونه کذب و دروغ

لیس لوقعتها كاذبه

<كاذبه> می تواند مصدر باشد (نظیر <عافیه و عاقبه>). در این صورت لام در <لوقعتها>، به معنای <فی> است؛ یعنی، درباره واقع شدن قیامت دروغی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- > عن الزهري قال : سمعت علي بن الحسين (ع) يقول : ... > إذا وقعت الواقعة < يعني القيامة ليس لوقعتها كاذبه . > خافضه < خفضت و الله بأعداء الله إلى النار > رافعه < رفعت و الله أولياء الله إلى الجنة ... >

زهري گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه >إذا وقعت الواقعة< می فرمود: ... یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] >خافضه< است؛ به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و >رافعه< است؛ به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۰ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، امری قطعی و تردید منکران درباره آن کاملاً بی مورد است .

إِنَّ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ . لمجموعون إلى ميقت يوم معلوم

روی سخن آیه شریفه، با منکران معاد است و آوردن جمله اسمیه همراه با دو تأکید (إِنَّ و لَانِمْ)، بیانگر حتمی بودن وقوع رستاخیز و بی جا بودن تردید درباره آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۵ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، تقسیم شدن مردم به سه دسته (مقربان ، اصحاب الیمین و اصحاب الشمال) و فرجام نیک دو دسته اول و بدفرجامی دسته آخر ، امری قطعی ، یقینی و غیرقابل تردید است .

إِنَّ هَذَا لَهُو حَقُّ الْيَقِينِ

>هذا< به آنچه

در سوره واقعه مطرح شده اشاره دارد و محور آن مطالبی است که در برداشت بالا- آمده است. گفتنی است که تعبیر <حقّ الیقین> از باب اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، <الیقین الحقّ> و حق به معنای ثابت و استوار است. بنابراین <الیقین الحقّ> یعنی، یقینی که ثابت است و هرگز تردید در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱ - ۱

۱ - قیامت ، واقعه ای حتمی و تخلف ناپذیر

الحاقه

<الحاقه> می تواند اسم فاعل از <حَقَّ> (به معنای ثَبَّتَ و وَجَبَ) و صفت برای موصوف مقدر (مانند الواقعه، الساعه و ..) باشد؛ یعنی، قیامت حادثه ای قطعی و دارای حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲ - ۲

۲ - قیامت ، واقعه ای حتمی و تخلف ناپذیر

ما الحاقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۶

۶ - برپایی قیامت و زندگی دشوار و طاقت فرسای محشر ، وعده ای است تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی از سوی خداوند به کافران .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۲

۲- قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَقْعِ

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - برپایی قیامت و رفع اختلافات در آن ، حتمی و تردیدناپذیر است .

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

مشخص بودن زمان برپایی قیامت که کلمه <میقات> بر آن دلالت دارد حاکی از قطعی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، حتمی و صحنه های آن ، سراسر حق و منزه از هر گونه باطل است .

ذَلِكَ الْيَوْمِ الْحَقِّ

درباره <حق>، معانی گوناگونی گفته شده است از جمله این که این کلمه مصدر و به معنای لزوم و ثبوت است و نیز نقطه مقابل باطل را <حق> گویند (مصباح). هر گاه مصدری صفت قرار گیرد، بر مبالغه دلالت دارد؛ بنابراین <روز حق>؛ یعنی، روزی سراسر حق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۵ - ۷

۷ - تردید ناپذیر بودن قیامت

و النازعات .. فآلمدبرت أمراً

جواب قسم هایی که از آغاز سوره تا این آیه تکرار شده است در آیه هشتم و نهم آمده است. برخی آن را جمله ای نظیر <لیبعثن> دانسته اند که پیش از <یوم ترجف الراجفه> محذوف باشد. برداشت یاد شده براساس نظر دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۳

۳ - وقوع قیامت ، حتمی و غیر قابل انفکاک از آفرینش دنیا است .

فإذا جاءت

حرف شرط <إذا>، در مواردی به کار می رود که فعل شرط محقق خواهد شد. گفتنی است که <فاء> بر ترتب آن بر آفرینش دنیا

که آیات پیشین بیانگر آن بود دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۳

۳ - وقوع قیامت ، حتمی است و فاصله ای با پایان دنیا ندارد .

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ

حرف <إِنْ> برای آنچه ممکن است تحقق یابد به کار رفته و حرف <إِذَا> در امور حتمی استعمال می شود (مصباح به نقل از ثعلب). حرف <فَاء> بر تعقیب و تأخیر بدون فاصله قیامت از دنیا دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذّب بالذین

حرام خواران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۸

۸ - مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لا تکرهون . . . و لا تحضون . . . تأکلون . . . تحبون . . . کلاً . . . یومئذ یتذکر الإنس

حساب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۸

۸ قیامت ، روزی که هر کس اندوخته های خود را به تمام و کمال دریافت می کند .

و وقیت کل نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۲

۲۲ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز

و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۲،۳

۲ - حسابرسی در روز قیامت و کیفر و پاداش دهی در آن روز ، به دست خدا و در اختیار اوست .

ملک یوم الدین

۳ - برپایی قیامت و قرار دادن روز جزا برای جهانیان ، جلوه ای از رحمت خداوند است .

الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین

مطرح کردن مسأله قیامت پس از بیان رحمت الهی، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۴

۴ محاسبه دقیق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و ائما توفون اجورکم یوم القیمه

<توفون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقیق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۴

۴ قیامت ، روز حسابرسی اعمال از سوی خداوند

انّ الله كان على كلّ شيء حسيباً .. ليجمعنكم الى يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ صحراى محشر عرصه حسابرسى مردم براى تعيين ميزان پاييندى آنان به احكام الهى

احل لكم .. حرم عليكم صيد البر ما دمتم حرمًا و اتقوا الله الذى إليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۳،۶،۷

۳ قیامت صحنه حسابرسی از امت ها و واکنش های آنان در برابر دعوت پیامبران

یوم یجمع الله الرسل فبقول ماذا اجبتم

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا و ترس از خداوند

و اتقوا الله .. یوم یجمع الله الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم ..> پس از <اتقوا الله> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

۷ ضرورت ترس از قیامت و صحنه های حسابرسی در آن روز .

یوم یجمع الله الرسل

برداشت فوق بر این است که <یوم> بدل اشتمال برای <الله> در آیه قبل <اتقوا الله> گرفته شود و یا مفعول باشد. برای فعلی همانند: <اتقوا و یا احذروا و ...> که به قرینه <اتقوا الله> حذف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۶

۶ شنوایی و دانایی خداوند، تضمین کننده حسابرسی از بندگان در روز قیامت

لیجمعنکم إلی یوم القیمه .. و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یرجعون إلیه یرجعون و الموتی یرجعون إلیه ثم یرجعون

جمله <ثم یرجعون إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت

مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می‌رسند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إليه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۷

۷ سریعترین نظام محاسبه و رسیدگی به اعمال در قیامت استقرار دارد.

ثم ردوا .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲،۵

۲ گمراهان برای حسابرسی و جزای عملکردشان در روز قیامت برانگیخته خواهند شد.

و من یرد أن یضله .. و یوم یحشرهم جمیعا یمعشر الجن

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن .. و قال أولیاءؤهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۸

۸ عن امیر المؤمنین (ع) .. و اما قوله: < فمن ثقلت موازینہ ... > فإنما یعنی الحساب ... و الحسنات ثقل المیزان ...

از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: .. مراد از آیه < فمن ثقلت موازینہ >، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسنات، موجب سنگینی میزان است ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ عن امیر المؤمنین (ع): ... و أما قوله: <... و من خفت موازینہ > فإنما یعنی الحساب ... و السيئات خفه المیزان

از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: مراد از آیه <و من خفت موازینہ >، حسابرسی (در قیامت) است .

.. و گناهان، موجب سبکی میزان هستند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۹

۹ قیامت ، عرصه احضار انسان ها برای حسابرسی اعمالشان

و ستردون .. فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنم ، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

و قال الشیطن لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ

مفسران، از جمله احتمالاتی که برای <قضى الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنم چنین خطابی خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۸

۸- قیامت روز حسابرسی است .

یوم یقوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۱،۲

۱- تمامی رفتار و اعمال آدمیان ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

لنستلّهم .. عمّا كانوا یعملون

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمين . الذين جعلوا القرآن عضين . فوربِّك لنسئَلَنهم أَجمعين . عمَّا كانوا يعمل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - اسراء - ١٧ - ١٣ - ٩

٩- > عن النبي قال : الكتب كلها تحت العرش فإذا كان يوم القيامة بعث الله تبارك و تعالى

ريحاً تطيرها بالأيمان و الشمائل أول حرفه : < اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارند و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است: *اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً*.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۲

۲- هر انسانی در قیامت ، با خواندن پرونده اعمال خویش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اقرأ كتبك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۹

۱۹- حساب رسی و سنجش عادلانه اعمال آدمیان در قیامت ، لازمه ربوبیت خدا است .

و وضع الكتب . . . و لا يظلم ربك أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اعمال است .

فلانقيم لهم يوم القيمة وزناً

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هر گونه عمل ارزشمند، هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسی ، از رخدادهای مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز

شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخدادهای قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۳،۶

۳ - وجود معیارها و میزانهای متعدد در قیامت، برای سنجش اعمال انسانها

فمن ثقلت موازینه

<موازین جمع > میزان است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

۶ - > عن أبي عبد الله (ص) (فی قوله تعالی): <فمن ثقلت موازینه > قال: فممن رحج عمله ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در معنای قول خدای تعالی <فمن ثقلت موازینه > فرمود: کسی که عمل او سنگین و با ارزش باشد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۶

۶ - وجود دادگاه و محاکمه برای انسانها در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که شهادت و گواهی، حاکی از وجود نوعی دادگاه و محاکمه است؛ زیرا بدون دادگاه و محاکمه، شهادت و گواهی بی معنا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد.

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورًا

فعل <قدمنا > در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا > <عمدنا > (قصد آهنگ [کاری

[کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - مشرکان مکه ، به بازخواست انسان ها از سوی خداوند ، پس از مرگ ، معتقد بودند .

و یوم تقوم الساعة .. و لم یکن لهم من شرکائهم شفعا

نفی شفاعت از معبودان مشرکان، حکایت از اعتقاد آنان به شفاعت می کند و ذکر آن به عنوان یکی از رخدادهای قیامت، این احتمال را تقویت می کند که آنان شفاعت معبودان را برای پس از مرگ خود می خواسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۵، ۱۲، ۱۰، ۲

۲ - اعتقاد به محاسبه اعمال در عالم آخرت ، مهم ترین اصل عقیدتی پس از عقیده به یک تایی خداوند است .

لا تشرک بالله .. ینبئ انّها ان تک مثقال حبه ... یأت بها الله

۱۰ - حساب رسی خداوند از اعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

انّها ان تک مثقال حبه .. یأت بها الله

از این که به جای <یعلمها الله> فرموده است <یأت بها الله> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد.

فعل مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۲ - توجه به محاسبه دقیق اعمال در آخرت ، در گرایش انسان به صلاح ، نقش سازنده ای دارد .

يَبْنِيْ اِنَّهَا اِنْ تَكْ مَثَقَالِ حَبَّةٍ .. يَأْتِ بِهَا اللّٰهُ

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او برگردآوری اعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

اِنْ تَكْ مَثَقَالِ حَبَّةٍ .. يَأْتِ بِهَا اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ لَطِيْفٌ خَبِيْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - کیفر و داوری خدا ، در روز قیامت ، متکی به علم خویش به نیت و مقاصد محاکمه شوندگان است .

فَنَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ بِذٰتِ الصُّدُوْرِ

<اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ ..> به منزله تعلیل است برای مفاد <نَنْبِئُهُمْ...> که مجازات است و حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۳

۳ - انسان ها در قیامت ، مورد مجازات و پاداش الهی قرار خواهند گرفت .

اٰءَنَّا لَمَدِيْنُوْنَ

<دین> (مصدر <مدینون>) به معنای جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

یوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

بما نسوا يوم الحساب

۲۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

يوم

از نام گذاری قیامت به روز حساب، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۶

۶ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم برپایی قیامت و وجود حسابرسی برای بندگان است .

بما نسوا يوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

ذکر حق مدار و هدفمند بودن جهان، پس از طرح مسأله حسابرسی قیامت، می تواند بیانگر چنین ارتباطی میان آن دو مسأله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء... بطلاً... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون ليوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - حسابرسی

اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فیتبئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إنّه علیم بذات الصدور> تعلیل برای جمله <فیتبئکم بما کنتم تعملون> است؛ یعنی، چون خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان پردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد

ثمّ نفخ فیهِ أُخری فاذا هم ینظرون

<نظر> (مصدر <ینظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۷

۷ - خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت . . . إنّ الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۸، ۷

۷ - فرعون فردی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بود .

کلّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

۸ - مخالفان رسالت موسی (ع) (فرعونیان) ، گروهی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بودند .

کلّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

۱۰- تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های

فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

كَلِّ مَتَكَبِّرَ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۱۱- اعتقاد به روز حساب ، از اصول دعوت موسی (ع)

لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

۱۲- قیامت ، روز حسابرسی اعمال بندگان

لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۹

۹- قیامت ، عرصه بازخواست و حسابرسی

و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۲

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۳

۳- بسیج تمامی امکانات هستی در نشأه آخرت ، برای حسابرسی نهایی خلق

سَنفِرُ لَكُمْ أَيْهَ الثَّقَلَانِ

نسبت داده شدن <فراغ> به خداوند با ضمیر متکلم مع الغیر می تواند کنایه از این باشد که او تمامی اسباب و عوامل را در

جهت رسیدگی به حساب خلق، در قیامت قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۵

۵ - تمامی رفتارها و کرده‌های انسان‌ها در قیامت، مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد گرفت.

ثُمَّ لَتَبْتُنَّ بِمَا عَمَلْتُمْ

کلمه <ما> (آنچه) افاده عموم می‌کند. با خبر کردن انسان‌ها از تمامی کرده‌های خویش در قیامت، اشاره به حسابرسی و کیفر و پاداش دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱،۲

۱ - خداوند، همه انسان‌ها را برای حسابرسی در روز قیامت گرد می‌آورد.

یوم یجمعکم

۲ - قیامت و گرد آمدن انسان‌ها در آن روز، برای محاکمه و مجازات، شایان یاد و یادآوری

یوم یجمعکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلق به فعل مقدر <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات، انگیزه‌ها، افکار و رفتار انسان‌ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۲

۲ - قیامت، روز جزا و حسابرسی است.

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴،۶

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءوده سئلت

۶ - حسابرسی قاتل در قیامت ، بر دادخواهی مقتول توقف ندارد .

و إذا الموءوده سئلت

مجهول آوردن <سئلت>، حاکی از

این است که فرد یا افرادی غیر از مقتول، پی گیر محاکمه قاتل خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی اعمال در قیامت

أوتی کتبه بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۱

۱ - تمام اسرار و اعمال کتمان شده ، در قیامت ارزیابی گشته ، و مورد سنجش و شناسایی قرار خواهد گرفت .

یوم تبلی السرائر

<سرائر> جمع <سریره> (آنچه کتمان شود) است (قاموس) و چون با حرف <ال> همراه است، بر عموم دلالت دارد. <ابلاء> (مصدر <تبلی>) به معنای امتحان کردن است (مصباح). مراد از آزمودن سرائر، سنجش و محاسبه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعمیم

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۴۸،۹،۱۳

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته

نمی شود .

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحَسَنَى

مقصود از <الحسنی> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا ، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنی> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

۸ روی گردانان از دعوت خدا ، در قیامت به حسابی سخت و ناگوار گرفتار خواهند بود .

و الَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ .. أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ

<سوء> به هر چیزی که مایه ناراحتی و رنج باشد گفته می شود. اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است. بنابراین <سوء الحساب> ؛ یعنی: <الحساب السوء>.

۹ قیامت صححه حسابرسی از انسانهاست .

أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ

۱۳ > فی مجمع البیان فی قوله : < أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ > ... هو أن لا يقبل لهم حسنه و لا يغفر لهم سيئه ... روی ذلك عن أبي عبدالله (ع) ؛

در مجمع البیان درباره سخن خدا: <أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ> .. از امام صادق(ع) روایت شده: مراد از <سوء الحساب> این است که هیچ حسنه ای از آنان پذیرفته نمی شود و هیچ گناهی از آنان آمرزیده نمی گردد.<

حسابرسی عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۳

۳ - وجود جهنم ، پیش از حسابرسی کردار ها در قیامت

و إذا الجحيم سعرت

برافروختن جهنم در قیامت، حاکی از وجود اصل آن پیش از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۲

۲- وجود بهشت ، پیش از حسابرسی کردار

ها در قیامت

و إذا الجنّة أزلفت

حسابرسی نیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

حسابری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۱

۱ - در قیامت ، اعمال انسان ها حسابرسی خواهد شد .

فسوف يحاسب

حسرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱۱، ۷

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء توّد لو أنّ بینها و بیننا امداً بعيداً

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷۸

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیهما>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار

حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

مرجع ضمیر در <فرطنا فيها> می تواند <الساعة> باشد. و مراد از <الساعة> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱،۲

۱- پیامبر اکرم (ص) مأمور انداز و هشدار دادن به مردم در مورد حوادث حسرت آفرین قیامت

و أنذرهم یوم الحسره

ضمیر <هم> در <أنذرهم> شامل همه مردم می شود. از اضافه شدن <یوم> به <الحسره> معلوم می شود که در آن روز همگان برگزیده خویش تأسف می خورند، به طوری که آن روز <روز حسرت> نامیده شده است.

۲- قیامت ، روز حسرت و افسوس آدمیان بر عملکرد خویش در دنیا است .

و أنذرهم یوم الحسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز پشیمانی و حسرت ندارد .

و أنئی له الذکری . یقول یلینتی قدّمت لِحیاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیت عوامل مادی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو کانوا

عندنا ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل الله ذلك حسره في قلوبهم

برخی از مفسران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

حشر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۹

۹ - خداوند، با به کارگیری اسباب، مردگان را برای حضور در قیامت زنده می کند. *

فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى

برداشت فوق بدان احتمال است که <وجه شبه> میان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل و زنده شدن مردگان در قیامت، به کارگیری اسباب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۹

۱۹ رهبر برگزیده هر کسی در دنیا، در قیامت نیز رهبر او خواهد بود.

و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

امیر المؤمنین (ع) در مورد دو نفری که از باب استهزاء به سوسماری خطاب یا امیر المؤمنین کردند فرمود: دعهما فهو امامهما يوم القيامة، اما تسمع الى الله يقول: <نوله ما تولى>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۲۷۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۱، ح ۵۶۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت تمامی جن و انس را گرد می آورد.

و يوم يحشرهم جميعا يمعشر الجن قد استكثرتم من الانس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیوی ، فرجام همه انسانهاست .

لقاء الآخره

کلمه <لقاء> (رسیدن و برخورد کردن) مصدری است

که به مفعولش اضافه شده و فاعل آن محذوف است ؛ یعنی: <و لقائهم الآخره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۳

۳- قیامت ، روز حشر و گردآوری تمامی انسان ها (نیکان و بدان ، و مؤمنان و مشرکان)

للذین أحسنوا .. و الذین کسبوا السيئات ... و یوم نحشرهم جميعاً

ضمیر <هم> در <نحشرهم> به هر دو دسته نیکان و بدان برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۶ - ۶

۶- قیامت ، روز برانگیخته شدن انسانها

قال ربّ فأنظرنی إلى یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۳

۳- قیامت ، روز فراخوانی همه نسل ها و گروه های مردم ، همراه با پیشوایانشان

یوم ندعوا کلّ أناس یا مهمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۲

۲ - دمیده شدن در صور ، و حشر در قیامت ، دو رخداد مرتبط با یکدیگر

یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین

عطف <حشر> بر <نفخ صور> نشان از ارتباط آن دو با یکدیگر در حادثه برپایی قیامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧- > عن النبي (ص) فى معنى < الفرع الأكبر > : ان الناس يصاح بهم صحيحه واحده فلا يبقى ميت إلا نشر و لا حتى إلامات إلا ما شاء الله ثم يصاح بهم صحيحه أخرى فينشر من مات و يصفون جميعاً

و تنشق السماء و تهدد الأرض و تخزّ الجبال و تزفر النيران و ترمي بمثل الجبال شرراً فلا يبقى ذو روح إلاّ إنخلع قلبه و ذكر ذنبه و شغل بنفسه إلاّ ما شاء الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أكبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یاد آورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۶

۶ - تجمع نهایی همه انسان های پراکنده در روی زمین ، در پیشگاه خدا ، پس از گذر از زندگی دنیوی

و هو الذی . . . و إليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أمة فوجاً ممّن یکذب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

- حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و یوم نحشر من کلّ أُمَّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۷، ۶، ۵

۵ - خروج انسان ها از قبر در قیامت ، به خواست و دعوت خداوند است .

ثمّ إذا دعاکم دعوه من الأرض إذا أنتم تخرجون

بنابر این که <من الأرض> متعلق به <تخرجون> باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

۶ - همه مردمان در روز قیامت ، با یک ندای خداوند ، به طور ناگهانی از دل خاک بیرون می آیند .

ثمّ إذا دعاکم دعوه من الأرض إذا أنتم تخرجون

۷ - مردگان ، در قیامت ، در پاسخ به ندای خداوند برای زنده شدن ، خود ، از قبر ها خارج می شوند .

إذا دعاکم ... إذا أنتم تخرجون

۸ - معاد و حشر انسان ها در قیامت ، جسمانی است .

إذا دعاکم دعوه من الأرض إذا أنتم تخرجون

<من الأرض> متعلق به <دعاکم> است، در نتیجه آنچه در دل زمین قرار دارد و بیرون می آید، امری جسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۶ - ۷، ۶

۶ - فرمان برداری محض موجودات عالم از خداوند ، دلیل اطاعت انسان ها از ندای او برای زنده شدن مجدد در قیامت است .

إذا دعاکم دعوه ... إذا أنتم تخرجون . و له من فی السموت ... کلّ له قنتون

جمله <کلّ له قانتون> عطف به جمله <و له من فی ...> است و

جمله <وله من فی...> را می توان به منزله دلیلی برای آیه قبل تلقی کرد. بنابراین، معنای آیه چنین می شود: به دلیل این که همه، از جمله انسان ها تسلیم محض خدایند، با صدور فرمان خداوند به برخاستن از قبر، زنده می شوند.

۷- مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل توانایی وی بر حشر انسان ها در قیامت است .

ثمّ إذا دعاکم دعوه .. إذا أنتم تخرجون . و له من فی السموت و الأرض

<وله من فی السماوات و ..> می تواند به منزله دلیلی برای <ثمّ إذا دعاکم ... تخرجون> در آیه قبلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۷

۷- روز قیامت ، روز برانگیخته شدن مردگان و احیای آنها است .

فهذا یوم البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱- قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جمیعاً فیبتئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸- قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا الله الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و

تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۱

برای محاکمه

یوم یبعثهم الله جميعًا فيحلفون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز گرد هم آمدن همه انسان ها است .

لیوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۵

۵ - حشر و برانگیخته شدن انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت

و إليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۱

۱ - قیامت ، روز عرضه شدن و به نمایش در آمدن انسان ها در پیشگاه خداوند و در محکمه عدل او

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۱

۱ - انسان ها ، در قیامت برانگیخته خواهند شد .

ألا یظن أولئک أنهم مبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۳

۳ - حاضران در صحنه قیامت ، در آغاز برپایی آن جهنم را مشاهده نمی کنند . *

و جای یومئذ بجهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۴

۴ - تمام مردم در قیامت ، با بیرون آورده شدن از زمین ، در صحنه محشر حضور خواهند یافت .

و أخرجت الأرض أثقالها .. یومئذ یصدر الناس أشتاتاً

جمله <یصدر الناس> ، ممکن است ناظر به رجوع مردم به حیات دوباره (معاد) باشد.

حضور انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ -

۵- حضور انسان ها در صحنه قیامت ، همراه با ستایش خداوند است .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

<بحمده> حال برای ضمیر <تستجیبون> است و معنای آن چنین است: شما دعوت خدا را اجابت می کنید در حالی که خدا را حمد می کنید.

حضور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دکت الأرض .. یومئذ یتذکر الإنسان

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دکت الأرض..> و جمله <یتذکر الإنسان> جزا برای آن است.

حق پذیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری کلّ أمّه جائیه

حق پذیری مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرایی و ایمن از زیان اخروی

يومئذ يخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۲

۲ حق (نوع شایسته و بایسته رفتار و اندیشه ها در پیشگاه خداوند)، وسیله سنجش اعمال و عقاید در قیامت است.

و الوزن يومئذ الحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الحق>

خبر برای <الوزن> باشد و کلمه <الوزن> به معنای میزان (مقیاس سنجش) باشد. مانند مثقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحيط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک..> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

حق ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳، ۲، ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است؛ یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلل ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدارها و انذارهای الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلك يوم الوعيد

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

حق طلبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل يجمع بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا يوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ يوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

حق گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - آنان که در قیامت ، رخصت سخن گفتن یافته اند ، سخنانی درست و به دور از هر گونه خطا خواهند گفت .

و قال صواباً

<قال>

در <قال صواباً> به جای مضارع آمده است تا بر یقینی بودن آن دلالت کند. جمله <قال صواباً>، یا حالیه است و یا مستأنفه ای که وضعیت پس از اذن را بیان می کند.

حقانیت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۹

۹ فرمان خداوند بر تحقق روز قیامت، فرمانی حق و به دور از بطلان و بیهودگی است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

حقانیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۴

۴ منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۸،۱۶

۸- برپایی قیامت ، حقیقتی تردیدناپذیر است .

وَأَنَّ السَّاعَةَ لَأَرِيبٌ فِيهَا

جمله <لأریب فیها> جمله خبریه ای است که از آن، مبالغه در نهی، اراده شده است؛ یعنی، نباید در باره قیامت، تردید کرد؛ چه این که در موضوع قیامت،

جایی برای تردید وجود ندارد!

۱۶- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی است .

لِیَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

عبارت <أَنَّ السَّاعَةَ..> ممکن است تفسیر کننده <أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱- در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکران قیامت کشیده می شود .

فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَ لَكُنْكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

عبارت توبیخی <فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ> قرینه است بر این که متعلق <لَا تَعْلَمُونَ> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶- اهل ایمان ، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و يَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۵، ۲

۲- برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

عطف جمله <السَّاعَةَ..> بر جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵- صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

برداشت بالا بدان بدان احتمال است که <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۶

۶ برپایی قیامت و تحقق هشدار های الهی ، از مصادیق حق

و جاءت سكره الموت بالحقّ . .. ذلك يوم الوعيد

چنانچه <باء> در <بالحقّ> برای تعدیه و مرگ و سكرات آن زمینه آشکار شدن حقایق باشد، نفخ صور و حیات مجدد اخروی و تحقق هشدارهای الهی بی تردید مصداقی از همان حقایق خواهد بود که بر آدمی مکشوف می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۲

۲ - سخن الهی درباره وقوع قیامت و تخلف ناپذیر بودن آن ، حق و میرا از هرگونه کذب و دروغ

لیس لوقعتها كاذبه

<كاذبه> می تواند مصدر باشد (نظیر <عافیه و عاقبه>). در این صورت لام در <لوقعتها>، به معنای <فی> است؛ یعنی، درباره واقع شدن قیامت دروغی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۱

۱ - برپایی قیامت و عذاب آن ، امری است ممکن و دارای حقیقت .

و نریه قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، حتمی و صحنه های آن ، سراسر حق و منزه از هرگونه باطل است .

ذلك اليوم الحقّ

درباره <حقّ>، معانی گوناگونی گفته شده است از جمله این که این کلمه مصدر و به معنای لزوم و ثبوت است و نیز نقطه

مقابل باطل را <حقّ> گویند (مصباح). هر گاه مصدری صفت قرار گیرد، بر مبالغه دلالت دارد؛ بنابراین <روز حق>؛ یعنی، روزی سراسر حق.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، حقیقت دارد و نباید آن را افسانه پنداشت .

الذین یکذبون بیوم الدین . . . إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأولین . کلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۱

۱ - قیامت ، حقیقت دارد و نباید آن را افسانه پنداشت .

الذین یکذبون بیوم الدین . . . قال أسطیر الأولین ... کلاً

حرف < کلاً > یا به معنای حقاً و یا برای < ردع > است و مخاطب را از پذیرش گفتار قبل، پرهیز می دهد.

حقوق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

حقیقت عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۷، ۱۹

۱۷ باز گشت همگان به سوی خداوند و آگاهی یافتن آنان از حقیقت کرده های خویش در قیامت، پرتوی از ربوبیت الهی است.

ثم إلی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون

۱۹ قیامت روز ظهور و برملاشدن اعمال آدمی و حقیقت آن است.

كذلك زينا لكل .. فينبئهم بما كانوا يعملون

حقیقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۶

۶- قیامت ، حقیقتی خطیر و بیم آفرین برای انسان ها

و هم من الساعه مشفقون

<اشفاق> به معنای عنایت همراه با خوف است و هرگاه به وسیله <من> متعدی شود، معنای ترس

در آن بیشتر خواهد بود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۴

۴- برپایی قیامت به معنای نیستی محض و نابودی کامل جهان طبیعت و آفرینش دوباره آن نیست؛ بلکه به معنای در هم پیچیده شدن نظم کنونی آن و تبدیل به نظم نوین است.

یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب

با توجه به تشبیه درهم پیچیدگی آسمان به پیچیده شدن طومار که به معنای حفظ اصل و موجودیت آن همراه با از بین رفتن نظام حاکم بر آن است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۴

۴ - قیامت ، روز رستاخیز انسان ها

یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۳

۳ - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض .. ثم نفخ فیهِ أُخری فإِذا هم ق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ - حقیقت قیامت ، بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره، در جهت بیان بخشی از حقایق مربوط به قیامت است. از مجموع آنها می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان ها قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک..> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما یوم الفصل

از این که آیه مورد بحث، در میان آیات مربوط به قیامت است قرار دارد، می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، تنها از طریق خود وحی برای بشر قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۱

۱ - شناخت حقیقت قیامت ، برای همگان میسر نیست .

و ما أدریک ما یوم الدین

استفهام <ما أدراک> (چه چیز تو را دانا ساخت)، حاکی از محرومیت عموم مردم از ابزار شناخت قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۱

۱ - انسان ، فاقد ابزار شناخت برای تصور

قیامت و پی بردن به حقیقت آن

ثم ما أدريک ما یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۸

۸ - قیامت ، میعاد ملاقات انسان با خداوند است .

فمَلَقِیْهِ

حقیقت کوبندگی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ابعاد قیامت و حقیقت حوادث کوبنده آن ، برای همگان امکان پذیر نیست .

و ما أدريک ما القارعه

حکمت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۱

۱ - روز قیامت ، روزی عظیم و برپایی آن کاری حکیمانه است .

ذَٰلِكَ الْيَوْمِ الْحَقِّ

<ذَٰلِكَ> اشاره به دور است. به قرینه <عذاباً قریباً> در آیه بعد مراد از دوری قیامت، تأخیر زمانی آن نیست؛ بلکه بیانگر عظمت والا و فراتر از حد تصور آن است. <حَقٌّ> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت پدید آمده باشد.

حل اختلاف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- قیامت ، روز پایان اختلافات و حل شدن نهایی آنها است .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- قیامت ، روز پایان و فیصله یافتن اختلافات فکری و عقیدتی بشر

إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - قیامت ، صحنه روشن شدن حقایق و حل اختلافات انسان ها به وسیله خداوند

و ما اختلفتم فيه من شيء فحکمہ إلی الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که حکم الهی در <فحکمہ> جنبه عینی و واقعی داشته باشد؛ یعنی، آشکار کردن حقایق در مورد اختلافات، با توجه به آیات پیشین که در زمینه قیامت بود به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۱

۱ - قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

<فصل>؛ یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن شدن حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسی ، از رخداد های مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخداد های قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۵

۵ - طرح جزئیات حوادث قیامت در قرآن ، نشانه وحی بودن آن

فلا أقسم

جمله <إِنَّه لَقَوْلِ رَسُولٍ> در آیات بعد که سوگندهای مکرر در این آیات، مربوط به آن است از انتساب قرآن به فرستاده الهی حکایت دارد. حرف <فاء> در آیه شریفه، مجموعه را بر آیات پیشین تفریع کرده است که درباره حوادث

قیامت بود؛ یعنی، حال که رخدادهای قیامت و آینده جهان را بیان کردیم، جای آن دارد که قرآن را به مبدأ وحی مربوط بدانید.

حیوانات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم .. ثم إلی ربهم یحشرون

حیوانات وحشی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۱،۲

۱ - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت، پناهگاه های خود را ترک کرده، گرد هم جمع خواهند شد.

و إذا الوحوش حشرت

<وحوش> جمع <وَحْش> است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، <وَحْش> و <وحشئ> که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است گفته می شود (مصباح). <حشر> یعنی، <جمع> (لسان العرب). راغب می گوید: <حشر> یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات؛ یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

۲ - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد.

و إذا الوحوش حشرت

مراد از <حشر حیوانات> محشور شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با <رها شدن شتران آبستن> (و إذا العشار عطلت)، شواهدی بر

دومین احتمال است.

خائنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶، ۱۱، ۷، ۶

۶ روز رستاخیز، عرصه حشر خیانتکاران به همراه آنچه (اموال و...) در آن خیانت کرده اند.

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

در برداشت فوق، <باء> در <بما غلّ>، باء مصاحبت گرفته شده است.

۷ تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

برخی برآنند که مراد از <ما غلّ>، آن مالی که در دنیا مورد خیانت واقع شده، نیست؛ بلکه گناه خیانتکاری در قیامت تجسم می یابد و خیانتکار همراه آن گناه مجسم در صحنه قیامت حاضر می شود.

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

۱۱ خیانتکاران، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش، در روز رستاخیز

و من یغلل... ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۲،۵،۶

۲ در روز قیامت ، هیچکس توان دفاع از خائن را در برابر خداوند ندارد .

هأنتم هؤلاء جدلتم .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة

۵ دادخواهی خداوند

از خیانت پیشگان در قیامت

فمن يجعل الله عنهم يوم القيامة

۶ در قیامت ، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود .

فمن يجعل الله عنهم يوم القيامة ام من يكون عليهم وكيلا

خبر از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۴

۴ - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبر اسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبر اسلام ، از سوی مشرکان و کافران مورد بی‌اعتنایی و اعراض قرار می‌گرفت .

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

۳ - اخبار مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبر اسلام ، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و .. و بی‌اعتنایی به آنها، می‌رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها پردازد و از آنها روی گردانی نکند.

خجالت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - سرافکنندگی و شرمندگی ، از جمله عذاب های روز قیامت است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم .. فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و مشارالیه آن مضمون <ناکسوا رءوسهم..> باشد.

خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداوند ، در روز قیامت و در مجمع پیامبران ، نعمت های ارزانی شده به عیسی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع الله الرسل فيقول . . . اذ قال الله يعيسى ابن مريم اذكر نعمتي عليك و عل

کلمه <اذ> در <اذ قال الله> بدل اشتمال برای کلمه <یوم . . .> می باشد.

خداترسان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - حاضران در قیامت ، به دو دسته متمایز طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فأما من طغى . . . و أما من خاف مقام ربه

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله <فإذا جاءت الطامة الكبرى> حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته که از جملات <فأما من طغى . . .> و <أما من خاف...> استفاده می شود جزای آن است.

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکر . . . و أما من خاف مقام ربه و نهى النفس عن الهوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزگی . أو یذکر . . . جاءك یسعی . و هو یخشی . . . وجوه یومئذ

خرافه بودن قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - منکران قیامت ، آن را خرافه ای ساخته و پرداخته افسانه پردازان پیشین می دانند .

و ما یکذب به إلا.. قال أسطیر الأولین

خزاین قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۷

۱۷ - > فی الخبر النبوی (ص) أنه یُفتَح للعبد یوم القیامه علی کلّ یوم من آیام عمره أربعه و عشرون خزائنه... یُفتَح له خزائنه... فیراها فارغه لیس فیها ما یسرّه و لا ما یسؤوه و هی الساعه الّتی نام فیها أو اشتغل فیها بشیء من مباحات الدنیا فینالہ من الغبن و الأسف علی فواتها... ما لا یوصف و من هذا قوله تعالی: > ذلک یوم التغابن < ;

در روایتی از پیامبر(ص) آمده که برای بنده در قیامت، برای هر روز از ایام عمرش ۲۴ خزانه باز می شود.. خزانه ای برای او باز می گردد که آن را خالی می بیند و چیزی که او را خوشحال یا ناراحت کند در آن نیست. این همان ساعتی است که در آن خوابیده و یا مشغول کارهای مباح دنیا بوده است. پس غبن و تأسف بر از دست دادن آن ساعت، به او دست می دهد... به اندازه ای که قابل توصیف نیست و در همین باره است سخن خدای تعالی: و ذلک یوم التغابن <.

خصلتهای انسان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ قیامت، صحنه بروز ملکات و خصلتهای تثبیت شده و پنهان آدمی

و الله ربنا ما كنا مشركين

مشركان در قیامت دروغ می گویند، حال آنکه برای آنان فایده ای ندارد. دلیل این کار، به فرموده صاحب المیزان، رسوخ خصلت دروغگویی در آنهاست.

خضوع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۶

۶ - ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحی القیوم

خطاکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لا یأکله إلا الخطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۶

۶ - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکر الإنسن

<ال> در الإنسان، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت‌ها و شکرگزار تنگدستی‌ها معرفی شده است. هم‌چنین می‌تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان‌ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می‌کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء یومئذ بجهنّم .. یقول یلینتی قدّمت لِحیاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، خطاکاران را چنان به بند می کشد که از هیچ کس ساخته نیست .

و لایوثق وثاقه أحد

ضمیر <وثاقه> به <ربّک> در آیات پیشین برمی گردد. <وثاق> اسم مصدر برای <ایثاق> (به بند کشیدن) است؛ نظیر عطا و اعطاء. این کلمه به معنای آنچه چیزی را با آن ببندند، نیز آمده است (مفردات راغب)، ولی این معنا با ترکیب آیه شریفه سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۴

۴ - تشبیه خطاپیشگان در قیامت ، به جان باختگانی که تحمّل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است . *

فأُمَّه هاویه

فعل <هوی> در معانی مختلفی از جمله <سَقَطَ> و <مات> به کار رفته است (قاموس). بنابر معنای دوم، کلمه <هاویه>، به معنای <هالکه> خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر وی است؛ به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمّل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند شد. در این صورت مرجع ضمیر <هی> در آیه بعد، عنوان <داهیه> (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله <فأُمَّه هاویه> است.

خطر غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ -

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی .. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

خنده در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۵

۵ - قیامت ، روز خنده و گریه خلایق *

ثم یجزیه الجزاء الأوفی .. و أنه هو أضحک و أبکی

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه به قرینه آیات پیشین در ارتباط با قیامت باشد.

خنده رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکه

خواستہ های اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرنين دعوا هنالك ثبوراً

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

خواسته های مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ -

۲ منکران ربوبیت خدا و کافران به قیامت از سر استهزا و ناباوری، خواهان تعجیل در فرا رسیدن عذاب های موعود

یستعجلونک بالسیئه

<استعجال> (مصدر یستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف <باء> در <بالسیئه> برای تعدیه و <ال> در آن عهد ذهنی است / یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه <قد خلت من قبلهم المثلات> عذاب است. بنابراین <یستعجلونک بالسیئه> / یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

خوبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

خورشید در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۵، ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کوّرت> و <تکویر> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

۵ - > عن النبی (ص) قال : الشمس

و القمر مکوران یوم القیامه ۷

از پیامبر (ص) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد.

خویشاوندان اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۶

۶ - > قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنَّ الله تبارك و تعالی إذا أراد أن يحاسب المؤمن أعطاه كتابه بيمينه و حاسبه . . . و هو قول الله عزَّوجلَّ > . . . و ينقلب إلى أهله مسروراً < أئى أهل ؟ قال : أهله فى الدنيا هم أهله فى الجنه إن كانوا مؤمنين ۷

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند . . و این است سخن خدای عزوجل > . . . و ينقلب إلى أهله مسروراً< . گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند ۷ اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود.

خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - در قیامت ، حتی خویشاوندان هم از به دوش کشیدن بارگناه کسان خود ، سر باز می زنند .

و إن تدع مثقله إلى حملها لا يحمل منه شیء و لو كان ذاقربى

۵ - بی یآوری انسان در قیامت ،

حتی از سوی خویشاوندان خود

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو كان ذاقربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جويا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۲

۲ - اهل محشر ، در عین دیدن و شناختن کامل خویشان و دوستان صمیمی خود ، از حال آنان جويا نشده و از آنان استمداد نخواهند کرد .

و لایسئل حمیم حمیمًا . یبصرونهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <یبصرونهم>، حال برای جمله پیشین (لایسئل حمیم حمیمًا) باشد.

خویشاوندان مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۶

۶ - > قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إن الله تبارك و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه

كتابه بيمينه و حاسبه ... و هو قول الله عزوجل > ... و ينقلب إلى أهله مسروراً < قلت : أي أهل ؟

قال : أهله في الدنيا هم أهله في الجنة إن كانوا مؤمنين ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند . .. و این است سخن خدای عزوجل >... و ينقلب إلى أهله مسروراً<. گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند؛ اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود.<.

خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

بیان این معنا که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود، در خطاب کسانی که از نسل پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

بیان این معنا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند،

گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۱،۶

۱ - پیوند های خویشاوندی و خانوادگی ، بی ثمر در روز قیامت

لن تنفعکم أرحامکم

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم .. یوم القیمه یفصل بینکم

خیرگی چشم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۶،۱۰

۶ - خیره شدن چشمان ستمگران و مبهوت ماندن آنان از شدت ترس در روز قیامت

ولا تحسبن الله غفلاً عما یعمل الظلمون إنما یؤخرهم لیوم تشخص فیہ الأبصر

۱۰ - قیامت ، روز خیره شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیہ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱ - ستمگران ، در قیامت ، شتابان و با ترس و ذلت سر برافراشته و چشم دوخته ، محشور خواهند شد .

ولا تحسبن الله غفلاً عما یعمل الظلمون .. مهطعین مقنعی رءوسهم

<اهطاع> به معنای حرکت سریع همراه با ترس است و <اقناع> به معنای سر برافراشتن و خیره شدن چشم به چیزی با حالت ذلت و خواری است (لسان العرب).

۲- ستمگران بر اثر وحشت روز قیامت ، از حرکت پلک های چشم ناتوان و دلشان تهی از تدبیر و چاره جویی خواهد بود .

يعمل الظلمون .. لا یرتد إلیهم طرفهم و أفندتهم هوآء

۳- شدت وحشت و اضطراب و بهت زدگی غیر قابل توصیف ستمگران در قیامت

يعمل الظلمون .. مهطعین مقنعی رءوسهم لا یرتد إلیهم طرفهم و أفندتهم هوآء

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ - مجرمان در لحظه حضور در قیامت ، با نگرانی به فرجام خویش چشم دوخته و مات و حیرت زده خواهند بود .

و نحشر المجرمین یومئذ زرقاً

<زرقاً> حال برای <المجرمین> است و مفرد آن <أزرق> یا <زرقاء> به کسی گفته می شود که سفیدی چشم او سیاهی آن را بپوشاند (لسان العرب). این حالت نشان چشم دوختن و خیره شدن مجرمان است و از اضطراب شدید درونی آنان حکایت دارد. برخی گفته اند: سفید شدن چشم، ملازم با کوری آن است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۴

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

<شخص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۶

۶ پیروی کنندگان از رهنمودها و هدایت های الهی ، هیچ ترس و اندوهی در قیامت نخواهند داشت .

فمن تبع هدای فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

کلمه <خوف> (ترس و نگرانی) نکره است و چون پس از حرف نفی واقع شده، معنای شمول را می رساند، یعنی: هیچ خوف و ترسی بر آنان نیست. همچنین فعل، آن گاه که منفی شود، دلالت بر نبود همه مصداقها دارد. بنابراین <ولا هم یحزنون> یعنی هیچ حزن و اندوهی ندارند.

درجات قیامت

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۳

۳ قیامت، روز اعطای درجات و یا سقوط به درجات است.

و لكل درجت مما عملوا

اگر چه در آیه شریفه تنها درجات مذکور شده است، ولی شامل درجات نیز می گردد. چون درجات و درجات آمیخته به یکدیگرند.

درخشندگی صورت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامت - ۷۵ - ۲۳ - ۵

۵ - > قال علی بن موسی الرضا (ع) فی قول الله عزوجل : > وجوه یومئذ ناضره . إلی ربها ناظره < یعنی مشرقه تنتظر ثواب ربها ;

امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزوجل: > وجوه یومئذ ناضره . إلی ربها ناظره < فرمود: یعنی (صورت هایی در آن روز) درخشیده است و در انتظار ثواب پروردگارشان اند.<

درخواست برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ تحقق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ينظرون إلا أن .. یأتی بعض آیت ربک

مراد از >بعض آیات ربک<، به دلیل >لا- ینفع نفساً إیمانها<، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل >إتیان< (تأتیهم، یأتی ربک و یأتی بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. >إتیان< در >یأتی بعض آیات< به معنای تحقق یافتن است.

درخواست تعجيل در قيامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران ، از روی ناباوری خواستار تعجیل در برپایی قیامت

یسئلون آیا ن یوم الدین . . . هذا الذی کنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۴

۴ - کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . . . و قیل هذا الذی کنتم به تدعون

<تدعون> می تواند از ماده <دعا> باشد. در این صورت به معنای <تطلبون> (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

دردناکی دود قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین> ، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، درد آفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

يغشى الناس هذا عذاب أليم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

درک حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۱

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضًا . الذین كانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

۹- گوش های عاجز از دریافت پیام های خداوند ، در قیامت ، شنوای صدای دوزخ خواهد بود .

و عرضنا جهنم .. الذین ... كانوا لا یستطیون سمعًا

درک عظمت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک..> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

درک قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ابعاد قیامت و حقیقت حوادث کوبنده آن ، برای همگان امکان پذیر نیست .

و ما أدریک ما القارعه

درک کمبودها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۵

۵ - آدمیان در قیامت ، کمبود

ها و کاستی های خویش را درک و احساس خواهند کرد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

درک ویژگیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت ویژگی های قیامت ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما القارعه

خطاب در آیه شریفه گرچه متوجه شخص پیامبر(ص) نیست؛ ولی چون آن حضرت خطاب را دریافت کرده است، او نیز از زمره مخاطبان خواهد بود.

درکات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۳

۳ قیامت، روز اعطای درجات و یا سقوط به درکات است.

و لكل درجات مما عملوا

اگر چه در آیه شریفه تنها درجات مذکور شده است، ولی شامل درکات نیز می گردد. چون درجات و درکات آمیخته به یکدیگرند.

دروغ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۱

۱ مشرکان در قیامت به دروغ منکر شرک و رزی خویش در دنیا می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشرکین. انظر کیف کذبوا علی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ مشرکان حتی در قیامت دروغ می گویند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب .. و انهم لکذبون

دروغگویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نظنکم کذبین .. انهم ملقوا ربهم

دروغگویی در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹،۲۰

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما کنا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

۲۰- امکان دروغ گویی در قیامت

ما کنا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ - کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا .. کذلک کانوا یؤفکون

از جمله معنای <إفک>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

۱۲ - دروغ پردازی ، در قیامت ، ممکن است .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون .. کذلک کانوا یؤفکون

دریاها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۶ - ۱،۲

۱ - دریاها در آستانه قیامت ، لبریز شده و آب آن به اطراف سرازیر خواهد گشت .

و إذا البحار سجرت

<سَجْرٌ> و <سَجْرٌ> به معنای <ملاً> (پر گردانید) است. برخی <تسجیر> را به معنای <تفجیر> (روان ساختن) گرفته اند (لسان العرب). بنابراین <سَجْرٌ> که تشدید آن برای مبالغه است یعنی کاملاً لبریز و به اطراف سرازیر گشت. فُزَّاء گفته است: <مسجور>؛ یعنی، آنچه آب آن فروکش کرده باشد (لسان العرب) و قاموس <مسجور> را شعله‌ور شده معنا کرده

است. براساس این دو معنا، آب دریاها تبخیر شده و نابود خواهد گشت.

۲- آب دریاها، هنگام پیدایش نشانه های قیامت

، به شدت داغ و جوشان خواهد شد . *

و إذا البحار سجرت

<مسجور>؛ یعنی، شعله‌ور شده (قاموس). این احتمال که <سجرت>، ناظر به این معنا باشد، منتفی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۱

۱ - پیدایش شکاف های وسیع و فراوان در دریا ها و راه یافتن آب آنها به نقاط دیگر زمین ، در آستانه قیامت

و إذا البحار فجرت

<فجر> به معنای ایجاد شکاف وسیع (مفردات راغب) و باز شدن راه (مقایس اللغة) است. باب تفعیل این کلمه، دلالت بر کثرت دارد. (تاج العروس)

دشمنان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۲

۲ - دشمنان خدا از پراکنده شدن و فرار در مسیر حرکت به طرف جهنم ، باز داشته می شوند .

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار فهم یوزعون

<وزع> (مصدر <یوزع>) به معنای منع و باز داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۴

۴ - > عن الزهري قال : سمعت علي بن الحسين (ع) يقول : ... > إذا وقعت الواقعة > یعنی القیامه لیس لوقعتها کاذبه . >
> خافضه > خفضت و الله بأعداء الله إلى النار > رافعه > رفعت و الله أولیاء الله إلى الجنة ... ;

زهري گوید: از امام سجاده (ع) شنیدم که با استناد به آیه <إذا وقعت الواقعة> می فرمود: .. یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] <خافضه> است؛ به

خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و <رافعه> است: به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...<

دشمنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۷ - ۲

۲ - گفت و گوی اعتراض آمیز و خصومت گونه مشرکان فریب خورده با پیشوایان فریب کار خود بر سر راه دوزخ

و قفوهم .. و أقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

مقصود از <علی بعض> به قرینه سه آیه بعد (و ما كان لنا عليكم من سلطان و ..) پیشوایان فریب کاراند. بر این اساس، گفت و گوی مشرکان با پیشوایان شان از سر اعتراض و خصمانه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل شدن دوستی های غیرخدایی ، به عداوت و دشمنی در قیامت

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۱

۱- موجودات مورد پرستش مشرکان ، دشمن ایشان در صحنه رستاخیز

و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

دشنام در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ناسزاگویی و لعن دیگران ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

ثمَّ يومَ القيَمه يكفر بعضكم ببعض و يلعن بعضكم بعضاً

دفاع از خود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۱- قیامت ، روز دفاع سرسختانه هر انسانی از خویش (عقاید ، رفتار و انگیزه ها)

یوم تأتي كل نفس تجدل عن نفسها

۳- تلاش و توجه هر فردی در قیامت ، تنها معطوف به دفاع از شخص خویش است .

یوم تأتي كل نفس تجدل عن نفسها

دگرگونی آفرینش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۳

۳- قیامت ، روز دگرگونی و انقلاب در نظام طبیعت

خافضه رافعه

برداشت بالا، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه، اشاره به دگرگونی در طبیعت داشته باشد؛ چنان که آیه بعد نیز در این باره سخن می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۳

۳- جهان در آستانه قیامت ، درهم کوبیده و دگرگون خواهد شد .

القارعه

نام گذاری قیامت به <القارعه>، ممکن است ناظر به کوبندگی حوادثی از قبیل <انشقاق آسمان>، <اندکاک زمین و کوه ها> و <کدر شدن ستارگان> باشد که به تصریح آیات برخی از سوره های دیگر در آستانه قیامت پدید خواهد آمد.

دگرگونی چشمها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۳

۱۳- قیامت ، روز زیر و رو شدن و تب و تاب دل ها و دیده ها است .

یومًا تتقلب فیہ القلوب و الأبصر

دگرگونی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۱

۱- قیامت ، روز دگرگونی و زیرورو شدن طبقات مردم

خافضه رافعه

<خفص>

به معنای فرود آوردن و به زیر کشیدن و <رفع> به معنای بالا بردن و برافراشتن است؛ یعنی، واقعه قیامت، به زیر آوردن اقوامی و بالا آوردن اقوامی دیگر است.

دگرگونی صورتها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۲

۲ - کفرپیشگی و ارتکاب گناه ، مایه تغییراتی ناخوشایند در چهره انسان ، هنگام حضور در صحنه قیامت

علیها غبره . ترهقها قتره . أولئک هم الکفره الفجره

تعبیر <علیها> و <ترهقها>، حاکی از عارض شدن تیرگی بر چهره کافران است؛ به گونه ای که اگر کفر و گناه نبود، چهره اصلی انسان نمایان می شد. این چهره در آیات پیشین، به درخشان و خندان بودن توصیف شده بود.

دگرگونی قلبها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز زیر و رو شدن و تب و تاب دل ها و دیده ها است .

یومًا تتقلب فیہ القلوب و الأبصر

دلایل حتمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۲۰

۲۰ توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذی رفع السموت .. یفصل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵- قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و اليوم الموعود

یاد

کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

دلایل حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۱

۱ عذاب های نازل شده بر امت های کفرپیشه و مشرک ، نشانه ای بزرگ بر وجود قیامت و عذاب های اخروی است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

<آیه> به معنای نشانه است و متعلق آن به قرینه <لمن خاف عذاب الآخرة> - حقانیت قیامت و عذابهای آن است. نکره آوردن <آیه> برای رساندن بزرگی و عظمت آن می باشد. بنابراین <إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ> یعنی، همانا در آن عذابهای دنیوی، نشانه بزرگی است بر حقانیت قیامت و عذابهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۳

۳ - پدیده حیات و احیای زمین مرده ، نشانه راستی قیامت و دلیل توانایی خداوند بر احیای مردگان است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها و أخرجنا منها حيا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه پس از طرح مسأله برانگیختن انسان ها که کافران آن را انکار می کردند آمده است. و در حقیقت، این آیه درصدد اثبات قیامت و نشان دادن جلوه ای از قدرت خداوند است.

دلایل سهولت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۱۱

۱۱- قدرت مطلق و بی پایان خداوند ، دلیل سهولت برپایی قیامت برای اوست .

و ما أمر الساعة

إِلَّا كَلِمَاحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنْ اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جمله <إِنْ اللهُ...> در مقام تعلیل برای جمله <و ما أمر الساعة...> است، یعنی، امر قیامت بر خدا آسان است، چون او بر انجام هر کاری تواناست.

دلایل قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۱۰

۱۰ پدیده های هستی حاوی نشانه هایی بر روز قیامت و رستاخیز انسانهاست .

إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق <آیات> به قرینه جمله <لعلکم بلقاء ربکم توقنون> در آیه قبل ، لقای خدا و برپایی قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۷۸

۷- حق بودن (هدفدار و حکیمانه بودن) نظام آفرینش ، مقتضی برپایی قیامت

و ما خلقنا السموات .. إِلَّا بِالْحَقِّ وَ إِنْ السَّاعَةُ لَأْتِيَةٌ

جمله <إِنْ السَّاعَةُ لَأْتِيَةٌ> به منزله نتیجه استدلال به آیه <و ما خلقنا السموات .. إِلَّا بِالْحَقِّ> است، یعنی، چون جهان بر اساس حق آفریده شده است، قهراً برپایی قیامت قطعی خواهد بود.

۸- آفرینش جهان بدون برپایی قیامت ، پوچ و عبث و به دور از حکمت و مقصودی صحیح است .

و ما خلقنا السموات .. إِلَّا بِالْحَقِّ وَ إِنْ السَّاعَةُ لَأْتِيَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶

۶- آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته

است که <الساعه> به برپایی قیامت و <ذلك> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن كنتم فی ریب من البعث فإنا خلقناكم من تراب.. فاذا أنزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت < اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۷

۷ - تحقق روز قیامت ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

و رَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أولم ير الإنسان أنا خلقناه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل> (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۷

۷ - آگاهی خداوند بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی ، دلیل و نشانه امکان برپایی قیامت و توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها

و هو بكلّ خلق علیم

جمله <و هو بكلّ خلق علیم> ادامه استدلال برای امکان معاد و رد شبهه منکران قیامت است / یعنی، بعید شمردن برپایی قیامت، ممکن است ناشی از این شبهه باشد که چگونه اجزای پوسیده و پراکنده بشر، شناسایی و جمع خواهد شد. خداوند در پاسخ آن، مسأله علم مطلق خویش بر آفرینش جهان هستی را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۶

۶ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم برپایی قیامت و وجود حسابرسی برای بندگان است .

بما نسوا يوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

ذکر حق مدار و هدفمند بودن جهان، پس از طرح مسأله حسابرسی قیامت، می تواند بیانگر چنین ارتباطی میان آن دو مسأله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء... بطلاً... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - قدرت نامحدود و بی کران خداوند ، دلیل توان مندی او بر احیای مردگان و برپایی قیامت

و هو يحيى الموتى و هو على كل شىء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۳

۳ - آفرینش عیسی (ع) ،

دلیلی بس روشن و آشکار بر امکان برپایی قیامت

و لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ... و إِنَّهُ لَعَلِمٌ لِّلسَّاعَةِ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مقصود از آیه شریفه این باشد که آفرینش شگفت عیسی (ع) به وسیله خداوند نشانگر قدرت و توانایی او بر برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۲

۲ - برنامه و حساب دقیق حاکم بر هستی ، خود دلیل ضرورت قیامت و محاسبه نهایی کردار آدمیان *

و الذریت .. و إِنَّ الدینَ لَوقِعٌ

از مناسبت میان مقسم به و جواب قسم، استفاده می شود: همان طور که تمام مظاهر طبیعت به گونه ای حساب شده در ارتباط باهم قرار دارند و هدفی را دنبال می کنند؛ به طریق اولی حیات انسان بی فرجام نیست و بدون حساب پایان نمی پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۳

۳ - آفرینش چوب آتش زنه ، نشانه ای از توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها و برپایی قیامت

ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشَوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا .. جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ... اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات

گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۲

۲ - وجود دلایل و شواهد اثبات گر و ممکن سازِ برپایی قیامت و عذاب آن

و نریه قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲،۳

۲ - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . . . فخلق فسوی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

۳ - هدف داری آفرینش و زندگی انسان ، دلیل وجود قیامت

أحسب الإنسن أن یترک سدی . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

یادآوری توانایی خداوند بر احیای مردگان پس از طرح مسأله بی هدف نبودن زندگی انسان می تواند بیانگر این حقیقت باشد که هدفدار بودن آفرینش و زندگی بشر، اقتضا دارد که انسان ها دوباره زنده شوند و به کردار آنان رسیدگی شود؛ زیرا جز این، آفرینش و زندگی بشر، بوج و بی هدف خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۷

۷ - آفرینش انسان ، از مایعی ناچیز و سیر متوازن و تکاملی وی در رحم ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم نخلقکم من ماء . . . فقد رنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، درصدد اثبات برپایی قیامت باشد.

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۷

۷- وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فرأتاً

دلایل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۴

۴ بعید شمردن حیات دوباره انسانها ، دلیل انکار سرای آخرت از سوی کافران به قیامت

أءذا کنا تراباً أءنا لفی خلق جدید

دنیاپرستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۵

۱۵ جایگاه پست دنیاپرستان و کافران در آخرت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

دنیاطلبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۵

۵- مشرکان و دنیاگرایان ، از منظر لطف و رحمت الهی ، در قیامت ، ساقط اند .

و عرضوا علی ربک صفاً

در صورتی که نایب فاعل <عرضوا> مشرکان و دنیاگرایان باشند که در آیات قبل، یاد آنان به میان آمد مجهول آمدن فعل و نیز به کار رفتن <رَبِّكَ> که خطاب پیامبر(ص) است به جای <رَبِّهِمْ> دال بر تحقیر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند ، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده ، جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکر

... و بَرَزَت الْجَحِيم ... و ءاثر الحيوه الدنيا

دود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۵

۵- نفوذ دود های غلیظ به جو زمین از سمت آسمان ، در قیامت [و یا در آستانه آن]

یوم تأتي السماء بدخان مبين

در صورتی که آیه شریفه مربوط به قیامت باشد از تعبیر <تأتي السماء> استفاده می شود که منشأ و خاستگاه آن دودها، فضا است نه این که از دل زمین پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۲،۴

۲ - فرو ریختن شراره های آتش و دود غلیظ ، بر فضای محشر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

<شواظ> به معنای شراره خالص و بدون دود و <نحاس> به معنای دود خالص و بدون آتش است. نکره آمدن آنها بیانگر شدت و غلظت آن دو می باشد.

۴ - فضای محشر ، سخت داغ ، دود آلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۲

۲ - نیاز انسان به دوستِ دلسوز ، حتی در قیامت

و لاصدیق حمیم

حسرت گمراهان بر نداشتن رفیق، نشانگر نیاز و کمبود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل شدن دوستی های غیرخدایی ، به عداوت و دشمنی در قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جويا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۲

۲ - اهل محشر ، در عین دیدن و شناختن کامل خویشان و دوستان صمیمی خود ، از حال آنان جويا نشده و از آنان استمداد نخواهند کرد .

و لایسئل حمیم حمیمًا . یبصرونهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <یبصرونهم>، حال برای جمله پیشین (لایسئل حمیم حمیمًا) باشد.

دوستی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۱

۱- قیامت صحنه گسستگی و بی تأثیری دوستی ها ، پیوند ها ، حمایت ها و دیگر روابط دنیایی

یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون

<مولی> در لغت، از ماده <ولاء> به معنای ارتباط و پیوند دو چیز با یکدیگر است و در مصادیق مختلفی؛ همچون دوست، سرور، خدمت گزار، بنده، مالک و .. به کار می رود.

دوستیها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۳

۳ - آشکار گشتن

پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و ما أضلنا إلا المجرمون .. و لاصدق حمیم

دومین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۲، ۱

۱ - در آستانه برپایی قیامت و در پی صیحه و لرزش نخستین ، صیحه و لرزشی دوباره پدیدار خواهد شد .

تتبعها الرادفه

<رادفه>؛ یعنی، ملحق شونده و از پی در آینده. (مصباح) تطبیق آن بر نفخ صور دوم مفاد این آیه و آیه قبل را نظیر آیه ۶۸ سوره زمر می سازد.

۲ - دومین زلزله در مراحل برپایی قیامت ، تابع اولین لرزش و فرع بر پیدایش آن است .

تتبعها الرادفه

دین ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز ، گرفتار قید و بند های گران در عرصه قیامت

إِنَّ لَدِينَا أَنْكَالًا

<نِكْلٌ> (مفرد <أنكال>) به معنای <قید شدید> است (قاموس المحيط).

دین فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و ...) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأیتی . . . و أقیموا الصلوه ... واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

ذکر احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به قیامت و رخداد های مخاطر آمیز آن

، زمینه ساز ایمان به پیامبر (ص) و قرآن

من يكفر به فأولئك هم الخسرون .. و اتقوا يوماً لا تجزي نفس عن نفس شيئاً

ذکر برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۱

۱ شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و يوم تشقق السماء بالغمم و نزل الملائكة تنزيلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف (همچون <اذکر>) باشد.

ذکر عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

يوم يتذكر .. و برزت الجحيم لمن یری . فأما من طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند ، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده ، جهنم را حاضر خواهند یافت .

يوم يتذكر ... و برزت الجحيم ... و ءاثر الحیوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۲

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکر .. و أمّا من خاف مقام ربّه

و نهی النفس عن الهوی

ذکر قطع روابط در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۴

۴ - توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت ، مانع از دست زدن انسان به کار های خلاف ، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۴

۲۴ توجه یافتن به مرگ و قبر و قیامت و آمادگی برای آنها ، فلسفه وجود حج و اختصاص آن به خداوند

و لله علی الناس حج البیت

امام صادق (ع): ... و اعلم بان الله تعالی لم یفترض الحج و لم یخصه من جمیع الطاعات بالاضافه الی نفسه بقوله عز و جل
<و لله علی الناس حج البیت ... > ... الا للاستعداد و الاشاره الی الموت و القبر و البعث و القیامه ...

مصباح الشریعه، ص ۴۹ ; بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۵، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۰

۱۰ اجتماع حج گزاران ، یادآور جمع شدن انسان ها در قیامت

و اعلموا انکم الیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا و ترس از خداوند

و اتقوا الله .. یوم یجمع الله الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم ..> پس

از < اتقوا الله > می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۲

۲ یاد آوری رخداد قیامت هشدار می به مشرکان و افترا زندگان به خداوند

و یوم نحشهرهم جمیعا ثم نقول للذین أشركوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۳

۳ یاد آوری قیامت، از روشهای قرآن برای انذار و تبلیغ است.

كذلك يجعل الله الرجس على الذین لا يؤمنون . . . و یوم یحشرهم جمیعا

<یوم>، ظرف و متعلق به فعلی محذوف مانند <اذکر> است. یعنی آن روز را به مردم یاد آوری کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۱

۱ - آخرت اندیشی و یاد مستمر قیامت ، از اوصاف ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام)

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِ الدَّارِ

<خالصه> موصوف برای صفت مقدر (چون خصله) و یا صفت است. <باء> آن برای سببیت و عبارت <ذکری الدار> نیز بیان برای <خالصه> می باشد. بر این اساس پیام آیه چنین خواهد بود: ما با خصلت و صفت خالص و بی شائبه که عبارت است از آخرت اندیشی آنان را خالص ساختیم.

ذلت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۴

۱۴- قیامت ، روزی سخت و خوار کننده است .

إن الخزي اليوم و السوء على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - غاشيه - ٨٨ - ٤

۱ - چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت، همراه با خفت و خواری است.

وجوه یومئذ خشعه .. تصلی نارًا حامیه

<صلی النار> یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

ذلت دشمنان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۷

۷ - ضرورت یادآوری اوضاع خفت بار دشمنان خدا، در عرصه قیامت برای کفرپیشگان

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار فهم یوزعون

<یوم> مفعول به برای فعل محذوفی مانند <ذکرهم> یا <أنذرهم> و امثال آن می باشد.

رباخوار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱۹

۱۹ رباخوار در قیامت، همچون دیوانگان محشور می شود.

الذین یأکلون الزبوا

رسول الله (ص): یأتی آکل الزبوا یوم القیامه مختبلا ..

الدر المثور، ج ۲، ص ۱۰۲.

ربوبیت خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ قیامت ظرف ظهور و انکشاف ربوبیت مطلق خدا برای همگان

أغیر الله أبغی ربا و هو رب کل شیء .. . فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

از مصادیق مورد نظر برای <ما کنتم فیه تختلفون>، به دلیل <أغیر الله أبغی ربا>، ربوبیت خداوند بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۴

۴ - ربوبیت خدا در قیامت ، برای مجرمان ، تجلی پیدا می کند .

ناکسوارءوسهم عند ربهم .. . ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۵

۵ ربوبیت انکارناپذیر الهی ، متجلی برای همگان در قیامت

قال قرینه ربّنا ما أطمعته

التجای قرین کافران به ربوبیت عام الهی در روز قیامت، می رساند که ربوبیت خداوند در آن روز، چنان آشکار است که هیچ کس، قادر به نادیده گرفتن آن نیست.

رحمت خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۴

۴- جلوه و ظهور غفران و رحمت گسترده الهی در قیامت

إن ربّك .. لغفور رحيم . یوم تأتي كلّ نفس تجدل عن نفسها

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <یوم> ظرف برای <لغفور رحیم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۲

۲- رحمت خداوند ، تنها تکیه گاه و نقطه امید برای انسان در قیامت

یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا .. إلا من رحم الله

ردّ خواسته های مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱،۲

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا اليوم ثبورا وحدا و ادعوا ثبورا كثيرا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

۲ درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای مرگ و هلاکت خویش ، بی نتیجه بوده و آنان برای همیشه در

آتش خشمگین جهنم خواهند سوخت .

بل كذبوا بالساعة .. لاتدعوا اليوم ثبورا وحدا و ادعوا ثبورا كثيرا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <و ادعوا ثبورا كثيرا> کنایه از این باشد که چون درخواست کافران برای مرگ و یا نجات، پذیرفته نمی شود و باید تا ابد در آتش بسوزند. از این رو از روی استهزا به آنان گفته می شود: بسیار درخواست هلاکت [و یا نجات] کنید.

رد عذرخواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۶ - ۳

۳ - < عن حماد بن عثمان ، قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : في قول الله تبارك و تعالی : < و لا يؤذن لهم فيعتذرون > فقال : الله أجل و أعدل [و أعظم] من أن يكون لعبده عُذرٌ ، لا يدعُه يعتذر به ، و لكنّه فُلج فلم يكن له عذر ؛

از حماد بن عثمان روایت شده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که درباره سخن خداوند تبارک و تعالی: <و لا يؤذن لهم فيعتذرون> می فرمود: خداوند بزرگوارتر و عادل تر [و بزرگ تر] از آن است که بنده اش عذری داشته باشد و نگذارد عذر خود را بیان کند؛ لکن آن بنده در قیامت <هنگام احتجاج> مغلوب می شود و عذری ندارد.

رد عذرخواهی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - تکذیب کنندگان روز جزا، در آن روز اجازه عذرخواهی نخواهند داشت .

و لا يؤذن لهم فيعتذرون

۲ - عذر کافران تکذیب گر در روز رستاخیز

، پذیرفته نخواهد شد .

و لا يؤذن لهم فيعتذرون

رستگاری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۳

۳ فلاح و رستگاری آدمی در قیامت در گرو داشتن اعمال و عقاید وزین و دارای ثقل است.

فمن ثقلت موزینه فأولئك هم المفلحون

کلمه <موازین> در برداشت فوق جمع موزون گرفته شده است. بنابراین مراد از <موازین> اعمال و عقایدی است که در قیامت مورد توزین و سنجش قرار می گیرد.

رضایت طلبی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران حق ستیز ، فاقد هر گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند ، در روز قیامت

و لا هم يستعتبون

<استعتاب> (مصدر <يستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

رفع اختلاف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیہ مختلون .. ثم کلاً سيعلمون

رنجهای روحی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۳۴ - ۵

۵ - وجود رنج های روحی در قیامت

من الکفار یضحکون

روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق

۵ - خوش بختی های دنیایی و دل خوشی به پیوند های خانوادگی ، در قیامت کارساز نبوده و انسان را از آتش دوزخ رهایی نمی بخشد .

و یصلی سعیرًا . إِنَّه کان فی أهله مسرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۱

۱ - اهل دوزخ در دنیا ، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إِنَّه ظنَّ أن لن یحور

<حور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۶

۶ - روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۳

۳ - تأثیر نداشتن پیوند خویشاوندی و روابط فامیلی ، در نجات انسان مجرم از عذاب الهی در قیامت

یودّ المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببینه .. و فصیله التی تویه

روابط در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۴

۴- نزدیکی ها و جدایی ها در صحنه قیامت ، بر اساسا سنخیت های فکری

و عملی خواهد بود .

لنحشرنهم والشیطن ثم لنحضرنهم

پیوستن منکران معاد به صف شیاطین در قیامت، به جهت سنخیتی است که در این از نظر فکری و عملی، در بین این دو طائفه به وجود آمده است. ذکر شیاطین در این آیه، برای بیان همین سنخیت و نتیجه ای است که از آن در صحنه قیامت بروز می کند.

روابط عاطفی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۶

۶ - روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

روح (اسم) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱،۴

۱ - روح و فرشتگان الهی در قیامت ، ایستاده و صف بسته در آماده باش کامل قرار می گیرند .

یوم یقوم الروح و الملائکه صفًا

<صفًا> مصدر است و چون حال قرار گرفته، به معنای <صافین> است. ایستادن و صف بستن، کنایه از مهیا بودن برای انجام فرمان های الهی است.

۴ - روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن

روز قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ > قال الصدوق روى: . . . و تقوم القيامة فى يوم الجمعة . . . قال الله عزوجل: > ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود <;

صدوق گوید:

روایت شده است که .. قیامت در روز جمعه برپا می شود ... و خدای عزوجل فرمود: ذلک یوم مجموع ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۹

۱۹- عن مثنیٰ الحنّاط قال : سمعت أبا جعفر (ع) يقول : أيام الله عزّوجلّ ثلاثه : یوم یقوم القائم (ع) و یوم الکزه و یوم القیامه ;

مثنیٰ حنّاط گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: ایام الله سه روز است روز قیام حضرت قائم(ع) و روز رجعت و روز قیامت.

روزی خائفان از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، نماز به پا می دارند ، زکات می پردازند و از قیامت می ترسند ، از روزی فراوان و بی شمار برخوردارند .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا و یزید

<حساب> به معنای شمارش است و <بغیر حساب> (بی شمارش) می تواند کنایه از کثرت و فراوانی باشد.

روسفیدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، با دو چهره مختلف تابناک و تیره حضور خواهند یافت و فرجام هر کس ، از آغاز حضور مشخص خواهد بود .

فإذا جاءت الصّاحّه .. وجوه ... و وجوه

تکرار <وجوه>، بیانگر جواب شرط در <إذا جاءت..> است ؛ یعنی، <کان الناس صنفین>.

روسپاهان در قیامت

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، با دو چهره مختلف تابناک و تیره حضور خواهند یافت و فرجام هر کس ، از آغاز حضور مشخص خواهد بود .

فإذا جاءت الصاخة .. وجوه ... و وجوه

تکرار <وجوه>، بیانگر جواب شرط در <إذا جاءت..> است؛ یعنی، <كان الناس صنفين>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۱

۱ - کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئك هم الكفرة الفجرة

فعل <فجر>، در مورد کسی گفته می شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالا پیش می رود؛ <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

رؤیت آتش جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۴

۴ - کافران ، در قیامت ، با مشاهده آتش جهنم ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

يوم تقلب وجوههم في النار .. وقالوا ربنا

ماضی آوردن عبارت <قالوا ربنا> در مقابل <يقولون ياليتنا> احتمال دارد که مربوط به زمانی باشد که هنوز در عذاب واقع نشده اند و تنها، آن را مشاهده کرده اند.

رؤیت بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- ق- ۵۰- ۳۱- ۲

۲ < متقین > ، قادر به

مشاهده بهشت در صحنه قیامت *

الجَنَّة .. غیر بعید

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر <غیر بعید> از پی <أزلفت> بیانگر این معنا باشد که بهشت آن قدر به متقین نزدیک خواهد شد، که در مرئی و منظر آنان قرار خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهشت و جهنم ، برای مردم در قیامت قابل مشاهده است . *

و إذا الجحیم سَعرت . و إذا الجَنَّة أُزلفت

هدف از شعلهور کردن جهنم و نزدیک نمودن بهشت ممکن است این باشد که همگان آنها را مشاهده کرده و به فرجام نیکان و بدان آگاه شوند.

رؤیت جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۱

۱- مجرمان ، در صحنه قیامت ، ناظر شعله های آتش دوزخ اند .

و رءا المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۳

۳- مشاهده دوزخ ، برای مردم حاضر در صحنه قیامت ، امکان پذیر است .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش

ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۱

۱ - جهنم در قیامت، بر همگان آشکار بوده و در معرض دید تمام بینندگان قرار داده خواهد شد.

و بَرَزَتِ الْجَحِيمِ لَمَنْ يَرَى

مراد از <من یری> (شخصی که می بیند)، هر کسی است که توان دیدن داشته باشد. مفاد چنین تعبیری، شدت ظهور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت.

یوم یتذکر... و بَرَزَتِ الْجَحِيمِ لَمَنْ يَرَى . فَأَمَّا مَنْ طَغَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده، جهنم را حاضر خواهند یافت.

یوم یتذکر... و بَرَزَتِ الْجَحِيمِ... و ءاثر الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهشت و جهنم، برای مردم در قیامت قابل مشاهده است. *

و إِذَا الْجَحِيمُ سَعَّتْ . و إِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ

هدف از شعلهور کردن جهنم و نزدیک نمودن بهشت ممکن است این باشد که همگان آنها را مشاهده کرده و به فرجام نیکان و بدان آگاه شوند.

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۲،۳،۶

۲ - جهنم ، قابل مشاهده برای تمام اهل محشر

و جایء یومئذ بجهنم

۳ - حاضران در صحنه قیامت ، در آغاز برپایی آن جهنم را مشاهده نمی کنند . *

و جایء یومئذ بجهنم

۶ - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکر الإنسن

<ال> در الإنسان>، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شکرگزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۱،۵

۱ - مشاهده دوزخ در قیامت و گرفتاری به عذاب آن ، تهدیدی الهی و هشدارى تردیدناپذیر برای دلبستگان به امتیازات دروغین

لترونّ الجحیم

چنانچه <لترونّ الجحیم> جمله مستقلی باشد؛ بیانگر قطعی بودن رؤیت جهنم برای مخاطبان <ألهیکم التکاثر> خواهد بود سیاق آیه که بر تهدید اهل تکاثر دلالت دارد، نشانگر آن است که مراد از دیدن جهنم، گرفتاری به آن است؛ بنابراین حرف <ثم> در آیه آخر (ثم لتسئلنّ ..)، بر تراخی رتبی دلالت دارد؛ زیرا حسابرسی، پیش از گرفتاری به عذاب جهنم است.

۵ - مشاهده جهنم در قیامت ، موجب آگاهی از نادرست بودن تفاخر و زیاده نمایی و سود نبخشیدن امتیازات مادی است .

سوف تعلمون .. لترونّ الجحیم

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان داده خواهد شد .

هذه جهنم التي كنتم توعدون

<هذه> که به شیء نزدیک اشاره دارد می رساند که جهنم در نزدیکی کافران و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

رؤیت جهنمیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۳،۴،۵

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحاب الجنة> در آیه قبل برگردانده شود.

۴ مشاهده دوزخیان از سوی بهشتیان ، مشاهده ای ناخواسته و بدون اختیار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

مجهول آوردن فعل <صرفت> حکایت از برداشت فوق دارد.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

رؤیت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۳

۳ - صحنه قیامت ، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنهم یوم یرونها

رؤیت خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، خویشان و دوستان هر فردی ، به وی نشان داده خواهند شد .

حمیمًا

• بیصرونهم

رؤیت دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، خویشان و دوستان هر فردی ، به وی نشان داده خواهند شد .

حمیمًا . بیصرونهم

رؤیت شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۹

۹ - مشاهده شیاطین در قیامت و همنشینی با آنان ، خود نوعی عذاب برای گمراهان است .

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

رؤیت عرش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۴،۵

۴ - قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت برای انسان ها

و تری الملائکه حاقین من حول العرش

فاعل و مخاطب فعل <تری>، ممکن است همه انسان ها باشند و نیز ممکن است شخص پیامبر اسلام(ص) باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۵ - قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت ، برای پیامبر اسلام (ص)

و تری الملائکه حاقین من حول العرش

رؤیت عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۲

۲ - مشاهده کردارها در عرصه قیامت ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان و پدیدار شدن رخدادهایی در
صحنه قیامت

إذا الشمس .. و إذا ... و إذا ... علمت نفس ما أحضرت

آیه شریفه، جواب حرف شرط <إذا> است که از آغاز سوره تکرار شده است.

رؤیت ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۳،۵

۳ منکران معاد ، در روز رستاخیز ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

و قال الذین لایرجون لقاءنا . . . یوم یرون الملائکه لابیشری یومئذ للمجرمین

۵ منکران معاد ، با مشاهده ملائکه در قیامت ، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند .

یوم یرون الملائکه لابیشری . . . و یقولون حجراً محجوراً

<حجراً محجوراً> سخنی است که عرب به هنگام روبه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلا- و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۴،۵

۴ - قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت برای انسان ها

و تری الملائکه حافین من حول العرش

فاعل و مخاطب فعل <تری>، ممکن است همه انسان ها باشند و نیز ممکن است شخص پیامبر اسلام(ص) باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۵ - قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت ، برای پیامبر اسلام (ص)

و تری الملائکه حافین من حول العرش

رؤیت مواقف قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۷

۷ صحنه های قیامت و موقف های آن علنی ، مشهود و در مرأی و منظر همگان است .

ذلك يوم مشهود

ظاهر این است که <مشهود> (مورد مشاهده) صفت برای متعلق موصوف است یعنی منظور مشاهده خود آن روز نیست بلکه مشاهده چیزهایی است که در آن روز وجود دارد و در آن پدید

می آید. از جمله آن هاست مواقف و صحنه های قیامت و یا انسانهای موجود و گردآوری شده در آن صحنه و یا ...

رهایی شتران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای بزرگ که هنگام برپایی آن ، شترداران با دل کندن از مرغوب ترین شتران خود ، آنها را به حال خود رها خواهند کرد .

و إذا العشار عطّلت

رهبران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۴

۴ پیشوایان انسان ها در قیامت ، همان پیشوایان آنان در دنیا خواهند بود .

فاتبعوا أمر فرعون . . . يقدم قومه يوم القيمة

مطرح ساختن پیشوایی فرعون در صحنه آخرت (يقدم قومه) پس از بیان پیشوایی او در دنیا (فاتبعوا أمر فرعون)، اشاره به این نکته دارد که: انسانها در دنیا از هر کسی پیروی کنند در آخرت نیز همراه او بوده و در پی او حرکت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < و نزعنا من كل أمة شهيداً > يقول من كل فرقة من هذه الأمة إمامها . . .

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و نزعنا من كل أمة شهيداً> روایت شده که خدا می فرماید: از هر فرقه ای از این امت، امام آنها را برمی گزینیم.<

رهبران شرک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۱

۱ - سران و پیشوایان شرک ، به هنگام بازخواست پیروانشان از سوی خداوند در قیامت حاضر خواهند شد .

و یوم ینادیهم .. قال الذین حقّ علیهم القول

مراد از <الذین حقّ علیهم القول> (آنان که سخن خدا درباره آنان مصداق یافت)، پیشوایان گمراهی و شرک اند. گفتنی است که برداشت یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۷ - ۱

۱ - مشرکان فریب خورده ، در عرصه قیامت رو در روی پیشوایان فریب کار خود قرار خواهند گرفت .

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۶

۶ - مشرکان فریب خورده و پیشوایان شان در قیامت ، یکدیگر را به دست داشتن در گمراهی و انحراف از مسیر حق ، متهم خواهند کرد .

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون . قالوا إنکم کنتم تأتوننا ... قالوا ... و ما کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۵

۵ - اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت الهی در حضور مشرکان در عرصه قیامت

فحقّ علینا قول ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۴

۴ - اعتراف سردمداران شرک در عرصه قیامت به گمراهی خود

إِنَّا كُنَّا غَوِينَ

رهبران کفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است .

*

و یوم نحشر . . . فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۴

۴ - پیشوایان کفر ، مورد تنفر و انزجار خلائق در روز قیامت

و یوم القیمه هم من المقبوحین

مفسران بر آنند که <مقبوح> از ریشه <قبیح> (زشتی) مشتق شده است. بنابراین <مقبوح>؛ یعنی، کسی که به خاطر زشتی، مورد نفرت دیگران بوده و از جانب آنان طرد شده است.

رهبران گمراهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۱۱

۱۱ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : < اذا كان يوم القيامة . . . يأتي النداء من عند الله عز وجل ، ألا من تعلق بامام في دار الدنيا فليتبعه الى حيث يذهب فحينئذ يتبرء الذين اتبعوا من الذين اتبعوا و رأوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب . . . >

وقتی قیامت بر پا شود . . . ندایی از نزد خداوند عز و جل می آید که هر کس در دنیا دلبستگی به پیشوایی داشته باید هر جا پیشوای او می رود او به دنبالش برود. و در این هنگام است که بیزاری می جویند رهبران گمراه از پیروان گمراه خود و عذاب خدا را مشاهده می کنند و دستشان از همه جا کوتاه می شود ... < .

رهبران مستکبر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۶، ۵

۵- افراد عوام و تابع ، پس از حضور در پیشگاه خداوند در قیامت به رهبران مستکبر خویش اعتراض و از آنان درخواست کمک خواهند کرد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

۱۵- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان در قیامت ، خود را ناتوان دانسته و کمک به آنان را تعلیق به محال می کنند .

فقال الضعفاء .. فهل أنتم مغنون عنا... قالوا لو هدینا الله لهدینکم

اینکه مستکبران در جواب استمداد پیروان خود در قیامت می گویند: اگر خداوند ما را هدایت کرده بود ما هم شما را هدایت می کردیم، در حالی که خداوند هم چنین کاری را هرگز انجام نداده است، در واقع برآوردن خواسته آنان را تعلیق به محال می کند.

۱۶- رهبران مستکبر ، در قیامت ، به گمراهی خود اعتراف خواهند کرد .

لو هدینا الله لهدینکم

۱۷- رهبران مستکبر ، در قیامت ، در پی معرفی شدن به عنوان مسؤول گمراهی پیروان ، گمراهی خود و آنان را به خداوند نسبت خواهند داد .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا .. قالوا لو هدینا الله لهدین

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که

مراد از هدایت در آیه هدایت در برابر گمراهی است و نه احتمال دیگر که به معنای راهنمایی برای نجات از عذاب باشد.

۱۹- رهبران مستکبر حتی در قیامت هم از خوی استکباری خویش دست برنخواهند داشت .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا لو هدينا الله لهدينكم

مفسران برای هدایت در این آیه دو احتمال ذکر کرده اند: یکی هدایت در برابر گمراهی و دیگری راهنمایی جهت نجات از عذاب. برداشت فوق با توجه به احتمال دوم است، به اضافه اینکه مستکبران به جای اینکه نجات پیروان خود را به خدا موکول کنند، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات خود آنها را نیز نجات خواهند داد.

۲۲- اعلام رهبران مستکبر در قیامت به پیروان خویش مبنی بر قطعی بودن عذاب آنها و نبودن هیچ راه گریزی از آن

قالوا .. سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱،۲

۱- پس از درگیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت ، آنان با شیطان به منازعه می پردازند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... وقال الشيطان لَمَا قَضَى الْأَمْرَ

ذکر قصه شیطان و سخنان وی در قیامت با جهنمیان، پس از گفت و گوی رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... وقال الشيطان لَمَا قَضَى الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ

ذکر سخنان شیطان در

قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او درصدد پاسخ گویی برمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۴

۴- سنخیت های قیامت برای پیشتازان و سردمداران استکبار ، دشوارتر و کیفر آنها سنگین تر از کیفر دیگران خواهد بود .

ثُمَّ لَنُنزِعَنَّ .. أَيْهِمْ أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عَنِيًّا

جداکردن پیشتازان و سردمداران استکبار، حکایت از رسوایی فزون تر و نیز عقوبت و حساب سنگین تری دارد که در انتظار آنان است.

رهبران مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۲،۳،۸

۲ - مشرکان (سران شرک و پیروانشان) به عذاب قیامت گرفتار خواهند شد .

إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَأَوَّاءَ الْعَذَابِ

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <رأوا العذاب> به هر دو طایفه (سران و تابعان) باز گردد. از آیه قبل و نیز آیه بعد معلوم می شود که ظرف <تبرّی>، روز قیامت است. بنابراین مراد از <العذاب> عذاب قیامت می باشد.

۳ - سران شرک به هنگام مواجه شدن با عذاب قیامت ، از پیروانشان فاصله گرفته و از آنان بیزار می شوند .

إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَأَوَّاءَ الْعَذَابِ

جمله <رأوا العذاب> جمله حالیه است، یعنی، تبرّی و بیزاری سران شرک از پیروانشان در آن حال است که با عذاب مواجه می شوند.

۸ - در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان

سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

ریاکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون .. فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید

زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۰

۱۰- زلزله ویرانگر و نابود کننده زمین در آستانه برپایی قیامت ، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم .. و ما هم بسکری و لکنّ عذاب الله شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۱

۱ - وقوع زلزله ، در سراسر زمین در آستانه قیامت

إذا وقعت الواقعة .. إذا رجّت الأرض رجّاً

<رج> (مصدر مجهول <رجّت>) به معنای به شدت لرزانده شدن است. مراد از <الأرض> تمام زمین و نه منطقه ای خاص از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۱

۱ - به لرزه درآمدن زمین و کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۶ - ۱

۱ - پیدایش زلزله ای عظیم ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الراجفه

مراد از <یوم> به قرینه آیه

بعد دورانی است که شامل هر دو نفخه صور باشد؛ نفخه اول که همگان می میرند و نفخه دوم که رستاخیز برپا می شود.
<رجف> یعنی، لرزش و اضطراب شدید. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۳

۳ - قیامت ، به دنبال پیدایش زلزله ای بزرگ ، برپا خواهد شد .

یوم ترجف الراجفه . تتبعها الرادفه

ممکن است <رادفه>، ناظر بر زلزله ای دیگر نباشد؛ بلکه مفاد آیه شریفه این باشد که به دنبال زلزله ای که در آیه قبل مطرح بود، پیامد آن (قیامت) به وجود خواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۳

۳ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله > **كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا** < قال : هي الزَّلْزَلَةُ ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا> روایت شده که مراد زلزله است. <

زمان برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۱۲

۱۲ - خبر وقوع قطعی قیامت ، خبری غیبی و در اختیار خدا است .

قل بلی . . لتأتینکم علم الغیب

زمان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۳

۳ - وقوع قیامت ، حتمی است و فاصله ای با پایان دنیا ندارد .

فإذا جاءت الصاخة

حرف <إن> برای آنچه ممکن است تحقق یابد به کار رفته و حرف <إذا> در امور حتمی استعمال می شود (مصباح به

نقل از ثعلب). حرف <فاء> بر تعقیب و تأخر بدون فاصله قیامت از دنیا دلالت دارد.

زمان نگرانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۴

۴ - گرفتاری ها و دل نگرانی های انسان در قیامت ، از نخستین لحظات آن آغاز می شود .

فَإِذَا جَاءتِ الصَّاعَةُ .. لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

جمله <لِكُلِّ امْرِئٍ..> به دلیل <یومئذ> دلالت دارد که زمان پیدایش <صاعه> (غرش کرکننده)، هنگام بروز گرفتاری ها است.

زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۷

۷ لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای دشوار و سنگین برای آسمان ها و زمین

ثقلت فی السموت و الأرض

متعدی شدن <ثقلت> با حرف <فی>، و نه حرف <علی>، گویای این است که آنچه در لحظه برپایی قیامت در آسمانها و زمین واقع می شود، حوادثی عظیم است که تحمل آن بر آسمانها و زمین دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲،۳

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و یوم نسیر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

آدمیان ، سیستم جغرافیایی و زیستی زمین ، تغییر می کند .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه و حشرنهم

روشن است که به حرکت در آمدن کوه ها و هم سطح شدن پوسته زمین، شرایط جدیدی را در زمین ایجاد خواهد کرد و شرایط کنونی از بین خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۱

۱۱- به هنگام برپایی قیامت ، تمامی استحکامات روی زمین با خاک یک سان خواهد شد .

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

آنچه ذوالقرنین درباره فرجام سدّ، باز گو کرد، سرچشمه در آگاهی او از انهدام جهان هنگام برپایی قیامت دارد، گرچه ممکن است در خصوص سد نیز از خداوند به او وعده خاصی رسیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۱

۱ - روز قیامت ، کمترین پستی و بلندی در سطح زمین مشاهده نخواهد شد .

لاتری فیها عوجا و لاأمتا

<عوج> نقطه مقابل اعتدال است (مصباح) و <أمت> به معنای مکان مرتفع می باشد و به پستی و بلندی نیز اطلاق می گردد (قاموس). مفاد <لاتری...> آن است که به هنگام تحقق رستاخیز در زمین، هیچ ناهمواری و کجی به چشم نخواهند خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از

او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- > عن النبي (ص) في معنى < الفزع الأكبر > : ان الناس يصاح بهم صيحة واحدة فلا يبقى ميت إلا نشر و لا حي إلا مات إلا- ما شاء الله ثم يصاح بهم صيحة أخرى فينشر من مات و يصفون جميعاً و تنشق السماء و تهد الأرض و تخزّ الجبال و تزفر النيران و ترمي بمثل الجبال شرراً فلا يبقى ذو روح إلا إنخلع قلبه و ذكر ذنبه و شغل بنفسه إلا ما شاء الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أكبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یاد آورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۱

زمین همچون آسمان ، دست خوش تحولات عظیم در آستانه قیامت

یوم تمور السماء . . . و تسیر الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۲

۲ - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إذا رجّت الأرض رجّاً

به کارگیری <إذا>ی شرطیه که در امور قطعی به کار می رود بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۲

۲ - دگرگونی اساسی در کره زمین ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست . و إذا السماء فرجت . و إذا الجبال نسفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخداد قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۲

۲ - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجّرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۳ - ۲ - ۱

۱ - زمین در آستانه برپایی قیامت ، گسترده و مسطح شده و مساحت آن افزایش می یابد .

و إذا الأرض

<مدّ> به معنای بسط دادن (قاموس)، کشاندن (مفردات) و افزایش دادن است. (مصباح)

۲ - انبساط زمین در آستانه قیامت، تحت تأثیر عامل خارجی است.

و إذا الأرض مدّت

مجهول بودن فعل <مدّت>، نشان تأثیرپذیری زمین از عامل انبساط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۴ - ۲، ۱

۱ - زمین در آستانه قیامت، تمام آن چه را در دل خود جای داده، بیرون افکنده، به کلی تخلیه خواهد شد.

و أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ

باب تفعّل، بر تکلف دلالت دارد؛ بنابراین <تخلّت> یعنی، در تخلیه سخت کوشید.

۲ - انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت، زمینه تخلیه کامل آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است.

و إذا الأرض مدّت . و أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ

تقدیم ذکری، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه <القاء> و <تخلیه> خواهد بود. به قرینه آیات بعد که درباره قیامت انسان ها است می توان گفت: از عبارت <أَلْقَتْ مَا فِيهَا> بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین، هنگام برپایی قیامت، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد.

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

<دكّ> یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دكّاً دكّاً> بر کثرت آن دلالت

دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق

خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۳

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد؛ ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۱

۱ - تحولات زمین هنگام برپایی قیامت ، برای انسان ها بی سابقه و شگفت آور است .

و قال الإنسن ما لها

استغراق که از حرف <ال> در <الإنسان> استفاده می شود استغراق عرفی است و اظهار شگفتی را به اکثریت قاطع انسان ها، نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۲،۴،۵،۶

۲ - زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

یومئذ تحدّث أخبارها

۴ - زمین گزارش های فراوانی را درباره انسان ها در خود ، بایگانی کرده ، در قیامت آنها را بازگو خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها

این آیه گرچه مصداق <اخبارها> را بیان نکرده است؛ ولی آیات بعد، می تواند قرینه باشد که مراد اخبار مربوط به انسان ها

است.

۵- زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده

است .

تحدّث

۶ - > عن أبي هريره قال قرء رسول الله (ص) هذه الآية > يومئذ تحدّث أخبارها < قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فانّ إخبارها أن تشهد على كلّ عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهريره روايت شده كه رسول خدا(ص) آيه >يومئذ تحدّث أخبارها< را قرائت كرد و فرمود: آيا مي دانيد خبردادن زمين چيست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمين گواهي دادن آن است بر هر مرد و زني به آنچه بر روي آن انجام داده است. <.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۱

۱ - خداوند در قيامت ، زمين را به ارائه اطلاعات بايگاني شده در آن ، فرمان خواهد داد .

بأن ربك أوحى لها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۲

۲ - زلزله زمين ، از مقدمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قيامت است .

إذا زلزلت الأرض .. . يومئذ يصدّر الناس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۵

۵ - زمين ، مشخصات کردار هاي ريز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قيامت آن را گزارش خواهد كرد .

يومئذ تحدّث أخبارها .. . فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۵

اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذره شراً يره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۶، ۱۴، ۱۳

۱۳- > عن محمد بن مسلم قال : سمعت أبا جعفر (ع) يقول : ... لعلكم ترون إنه إذا كان يوم القيامة ... إن الله تبارك و تعالی لا يعبد في بلاده و لا يخلق خلقاً يعبدونه ... بلى و الله ليخلق خلقاً من غير فحوله و لا -إناث ... و يخلق لهم أرضاً تحملهم و سماء تظلمهم أليس الله يقول : > يوم تبدل الأرض غير الأرض و السماوات < ... ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می فرمود: ... شاید شما گمان کنید هنگامی که روز قیامت فرا رسد ... خدای تبارک و تعالی در بلاد خود عبادت نمی شود و خلقی را که عبادت او ... کند، نمی آفریند؟ چنین نیست، به خدا سوگند! خدا خلقی را از غیر نر و ماده می آفریند و برای آنها زمینی که آنان را حمل کند و آسمانی که بر سر آنها سایه افکند، خلق می کند. آیا خدا نفرموده است: > يوم تبدل الأرض غير الأرض و السماوات؟ <.

۱۴- > عن علي بن الحسين (ع) قال : > تبدل الأرض غير الأرض < یعنی بأرض لم تكتسب عليها الذنوب بارزه ، لیست علیها جبال و لانبات كما دحاها أول مره ;

از امام علی بن الحسین(ع) در باره سخن خداوند > تبدل الأرض غير الأرض <

روایت شده است که فرمود: یعنی، به زمینی مبدل می شود که روی آن هیچ گناهی صورت نگرفته است. وسیع و باز است که روی آن کوه و گیاهی نیست، به آن سان که خداوند اولین بار این زمین را گسترده است.

۱۶- > قال رسول الله (ص) في قول الله: < يوم تبدل الأرض غير الأرض > قال: أرض بيضاء كأنها فضة، لم يسفك فيها دم حرام و لم يعمل فيها خطيئه؛

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند که می فرماید: <يوم تبدل الأرض غير الأرض> روایت شده است که فرمود: [زمین تبدیل می شود] به زمینی سفید مانند نقره که در آن خونی به حرام نمی ریزد و کار خطایی صورت نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۴،۱۲

۴ - زمین ، در قیامت ، یکسره در قبضه قدرت خداوند است .

و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة

۱۲ - > عن سليمان بن مهران ، قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل < و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة > فقال يعني ملكه لا يملكها معه أحد . . . < و السماوات مطويات بيمينه > قال : اليمين اليد ، و اليد القدره و القوه يقول عز وجل و السماوات مطويات بقدرته و قوته سبحانه و تعالى عما يشركون؛

سليمان بن مهران گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزوجل که می فرماید: <و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة> سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالک

زمین نیست. .. و درباره <و السماوات مطوَّيات ییمینه> فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزوجل فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شرکی که به او نسبت می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱،۲،۴

۱ - سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد .

و أشرق الأرض بنور ربّها

<إشراق> (مصدر <أشرق>) به معنای اضائه (روشن شدن) است.

۲ - زمین ، در قیامت عرصه روشن شدن حقایق الهی

و أشرق الأرض بنور ربّها

برخی از مفسران بر این عقیده اند که چون خاصیت نور، روشن کردن هر چیزناپید است. بنابراین مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگار، روشن شدن حقایق در عرصه قیامت است و اضافه نور به خداوند اضافه تشریفی و از باب تعظیم می باشد.

۴ - روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرق الأرض بنور ربّها

زمین هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۱

۱ - نظام زمین و جغرافیای آن در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی عمیقی خواهد شد .

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

پرسش مردم از پیامبر(ص) در باره سرنوشت کوه ها در قیامت، گواه آن است که برهم خوردن نظام فعلی جهان، به صورت ارتکازی و یا با استفاده از آیات دیگر در اذهان مردم، امری مسلم فرض گردیده است و ولی

عظمت کوه ها این سؤال را برای آنان پدید آورده که <سرنوشت آنها چگونه خواهد بود؟>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۲،۳،۴

۲ - جغرافیای زمین در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی های بزرگی خواهد شد .

الجبال ... ینسفها ... قاعًا صفصفاً

از بین رفتن پستی ها و بلندی ها، نشان از تحولِ عظیم در روی زمین در آستانه قیامت دارد.

۳ - سطح زمین در آستانه قیامت ، خالی از هرگونه گیاه و رویدنی خواهد بود .

فیذرها قاعًا صفصفاً

۴ - تبدیل کوه ها به زمینی مسطح و هموار در آستانه قیامت ، کار خداوند و به فرمان او است .

ینسفها ربی . . . فیذرها قاعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۲

۲ - متلاشی شدن نظم کنونی زمین ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که متلاشی شدن کوه ها، به معنای از بین رفت نقش آنها در زمین (ثبات و استقرار

زمین) است و این به متلاشی شدن زمین اشاره دارد.

زمینه اجابت آرزو ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۲

۲ - انفاق همراه باتقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

زمینه اجابت خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۲

۲ - انفاق همراه باتقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

زمینه ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۹

۹ توجه به مرگ و نزدیک بودن پایان عمر ، زمینه ساز پرهیز آدمی از انکار حق و معارف دین (توحید ، نبوت و قیامت) است .

إن هو إلا نذیر مبین . . . و أن عسی أن یكون قد اقترب أجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - پی بردن به حقانیت رستاخیز ، دارای راه علمی است و منکران آن گرفتار گمراهی اند .

و یعلمون أنها الحقّ ألا إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۸

۸ - آیات قرآن ، بازدارنده انسان از طغیان گری و گناه و راهنمای او برای ایمان به قیامت است .

و ما یکذب به إلا . . . إذا تتلی علیه آیتنا قال أسطیر الأولین

زمینه برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۷

۷ ربوبیت خدا بر انسانها ، مقتضی تشکیل دادن قیامت و آفرینش مجدد انسان ها پس از مرگ است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۸

۸ - رحمانیت خداوند ، مقتضی برپا کردن قیامت و حساب رسی از بندگان است .

هذا ما وعد الرحمن

برداشت یاد شده از یاد کردن خدا به صفت و نام <رحمان> از میان دیگر اوصاف و نام های الهی به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۲۱

۲۱ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال بندگان

ثم إلى ربكم مرجعكم فيبئسكم بما كنتم تعملون إنه علم بذات الصدور

زمینه پرسش از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۳

۳ - گرایش طبیعی انسان به فسق و فجور ، زمینه پرسش های انکارآمیز او درباره قیامت .

بل يريد الإنسان ليفجر أمامه . يسئل أئان يوم القيمة

جمله <يسئل أئان...> استیناف بیانی و در مقام تعلیل و تفسیر <بل يريد الإنسان ليفجر...> است یعنی، پرسش انکارآمیز انسان، برخاسته از گرایش او به فسق و فجور است چرا که اگر قیامت را بپذیرد، نمی تواند به فسق و فجور متمایل گردد. ازاین رو برای ادامه راه فسق و فجور خویش، قیامت را انکار کرده و به تمسخر می گیرد.

زمینه ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ - توجه و اعتقاد به صحنه های دشوار و سخت قیامت ، مقتضی ترس از آن روز است .

يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الأبصر

زمينه تكذيب قيامت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ ظلم و بیدادگری، زمینه ساز انکار قیامت و تکذیب دین و پیامبران

بل کذبوا بما لم يحيطوا بعلمه .. فانظر كيف كان عقبه الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۵

۵ - تحقق نیافتن قیامت پس از گذشت زمان ها و اعصار طولانی، دستاویز کافران برای انکار آن

إن هذا إلا أسطير الأولين

طرح پیشینه طولانی عقیده به معاد، ظاهراً تلاشی است از سوی کافران برای بیان این که اگر واقعاً وعده رستاخیز حق بود، باید تاکنون محقق می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۳

۳ - مشخص نبودن زمان برپایی قیامت، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۸

۸ - پوچ انگاری و باطل گرایی انسان ها، دارای پیوند با شک و ناباوری آنان نسبت به قیامت

لاریب فيه و لكنّ .. لا يعلمون ... یومئذ یخسر المبطلون

در آیه قبل شک در معاد، معلول جهل دانسته شد و در این آیه تعبیر <مبطلون> منطبق بر همان جاهلانی است که در آن جا یاد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - گرایش طبیعی انسان به فسق و فجور ، زمینه پرسش های انکارآمیز او درباره قیامت .

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه

جمله <یسئل أیّان..> استیناف بیانی و در مقام تعلیل و تفسیر <بل یرید الإنسان لیفجر...> است ؛ یعنی، پرسش انکارآمیز انسان، برخاسته از گرایش او به فسق و فجور است ؛ چرا که اگر قیامت را بپذیرد، نمی تواند به فسق و فجور متمایل گردد. ازاین رو برای ادامه راه فسق و فجور خویش، قیامت را انکار کرده و به تمسخر می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۴

۴ - کم فروشی ، زمینه ساز آلودگی به گناه و گناه زمینه ساز تکذیب قیامت است .

ویل للمطفّین . . . کلّا إنّ کتب الفجّار ... الذین یکذبون بیوم الدین

ترتیب آیات، ممکن است برخاسته از ترتیب پیدایش اوصاف ذکر شده در آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آلودگی به گناه و شکستن حریم قوانین و وظایف الهی ، زمینه ساز انکار روز جزا است .

و ما یکذب به الاکلّ معتد اثم

زمینه درخواست تعجیل قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۶

۶- خوی شتاب زدگی آدمی ، زمینه ساز درخواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب ، برپایی قیامت و ...)

خلق الإنسن من عجل . . . یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده

مبتنی بر این است که جمله <و یقولون متی . . . > عطف بر جمله <سأوریکم... > باشد و این دو جمله، با جمله <خلق الإنسان من عجل > که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است مرتبط باشند.

زمینه درك عظمت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۳

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما یوم الفصل

از این که آیه مورد بحث، در میان آیات مربوط به قیامت است قرار دارد، می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، تنها از طریق خود وحی برای بشر قابل شناخت است.

زمینه ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۳

۳ - حکمت ایجاد درخت آتش زنه از سوی خداوند ، یاد آوری قدرت الهی ، تداعی کردن روز رستاخیز و بیرون آمدن انسان ها از قبر ها است .

نحن جعلنها تذکره

ضمیر <جعلناها > می تواند به <نار > و یا به <شجره > برگردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است؛ یعنی، ما آن درخت را مایه تذکار قرار دادیم تا انسان ها با دیدن آن، به یاد قدرت خداوند بیفتند و پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، قادر است که مردگان را نیز بار دیگر از گورها بیرون آورد.

زمینه ذلت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در

زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمتم تفكّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زمینه رضایت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۴

۴ - اهتمام ورزیدن به کارهایی که پاداش اخروی دارد ، مطلوب و مایه خرسندی در قیامت است .

لسعیها راضیه

<سعی> به معنای راه رفتن سریع است که در مورد <جدیت در هر کار> نیز استعمال می شود. (مفردات راغب)

زمینه سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۲

۲ - گرفتن نامه عمل از پشت سر در قیامت ، سرآغاز گرفتاری در موقعیتی دشوار که هر کس ، فریاد هلاکت خواهی و آرزوی مرگ سر خواهد داد .

فسوف يدعوا ثبورًا

<ثبور> به معنای هلاکت و تباهی است. (مفردات راغب)

زمینه شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - <عن أبي عبد الله (ع) قال : قال رسول الله (ص) في قوله > ويزيدهم من فضله <الشفاعة لمن وجبت له النار ممن أحسن إليهم في الدنيا ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا راجع به این سخن خداوند <یزیدهم من فضله> (مراد از آنچه زاید بر اجابت دعای مؤمنان، به آنان

داده می شود) حق شفاعت است که شفاعت می کنند برای کسانی که آتش برای آنها واجب شده ولی در دنیا از کسانی بوده اند که به آن مؤمنان نیکی کرده اند.

زمینه شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - آسایش و سرخوشی ، زمینه ساز کفر و تردید انسان نسبت به قیامت

و لئن أذقنه رحمه .. ليقولن ... و ما أظن الساعة قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۳

۳ - پیوستگی گناه ، با تردید و ناباوری نسبت به قیامت

طعام الأثیم .. إن هذا ما كنتم به تمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۸

۸ - پوچ انگاری و باطل گرایی انسان ها ، دارای پیوند با شک و ناباوری آنان نسبت به قیامت

لاریب فیه و لکن .. لایعلمون ... یومئذ یخسر المبطلون

در آیه قبل شک در معاد، معلول جهل دانسته شد و در این آیه تعبیر <مبطلون> منطبق بر همان جاهلانی است که در آن جا یاد شده اند.

زمینه شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۱

۱- غرور و دنیاپرستی مرد رفاه مند ، به تردید و تشکیک در برپایی قیامت و وقوع رستاخیز منتهی شد .

و ما أظنّ الساعة قائمه

زمينه عذاب مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نبأ - ٧٨ - ٤٠ - ٣

- ٣

منکران قیامت ، در آستانه سقوط در عذاب الهی و لبه پرتگاه آن

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا

<قرب عذاب> در این برداشت به معنای ارتباط نزدیک آن به کافران گرفته شده است؛ یعنی، عذابی که کافران به آن انداز شده اند، با آنان ارتباطی تنگاتنگ دارد. بیان وصف <قریباً> برای نفس عذاب نه زمان آن این معنا را تقویت می کند.

زمینه قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۵ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها ، مقتضی بر پا ساختن قیامت و بازگرداندن آنان به سوی خویش

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

کاربرد وصف <رَبِّ> در آیه شریفه، گویای این نکته است که ربوبیت الهی نقشی عمده در رجعت آدمیان و حیات اخروی آنان دارد؛ یعنی، از آن جهت که خداوند، پروردگار و رشددهنده خلق است، می بایست حیات را در جهان آخرت تداوم بخشد تا خلق به کمال خویش برسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۷

۷ تحقق لحظه های سخت قیامت ، در پی هشدارها و اتمام حجت

ذَلِكِ يَوْمِ الْوَعِيدِ

تعبیر <وعید> می رساند که قبلاً رخداد روز قیامت و دشواری های آن از سوی خداوند به انسان ها تذکر داده شده است و پس از آن تذکرها است که قیامت برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۲

۲ - عدل ، تدبیر و قدرت الهی ، مقتضی برپا ساختن قیامت

ثمّ يجزيه الجزاء الأوفى . . . و أنّ عليه النشأه

عبارت <وَأَنْ عَلَيْهِ..> عطف است بر آنچه در آیات گذشته از عدل و تدبیر و قدرت خداوند بیان شده بود و در حکم نتیجه گیری از آن می باشد، یعنی، بایسته است خداوند با چنین صفاتی، قیامت را برای تحقق کامل عدل و اکمال آفرینش خویش برپا سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۵

۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۲

۲ - برپایی قیامت و پی بردن به کردار ها و بازتاب اخروی آن ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان

إِذَا السَّمَاءُ .. و إِذَا ... و إِذَا ... و إِذَا ... علمت نفس ما قَدَّمَتْ و أُخِّرَتْ

جمله <علمت نفس ..> جزای شرط هایی است که در آیات پیشین تکرار شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند ، مقتضی وجود یافتن قیامت و ملاقات انسان ها در آن ، با خداوند است .

إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلْقِيه

زمینه کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۶

۶ - پیروی از هواها و امیال نفسانی ، در پی دارنده کفر و بی ایمانی به قیامت است .

من لایؤمن بها واتبع هویه

<اتبع> ماضی است و عطف بر <لایؤمن> که مضارع است، بنابراین پیروی از هوس ها که در زمان

قبل انجام گرفته است، سبب بی ایمان در زمان بعد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - آسایش و سرخوشی، زمینه ساز کفر و تردید انسان نسبت به قیامت

و لئن أذقنه رحمه ... ليقولن ... و ما أظنّ الساعة قائمه

زمینه نجات از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ص) في قوله < و من يتق الله يجعل له مخرجاً > قال: من شبهات الدنيا و من

غمرات الموت و من شدائد يوم القيامة ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و من يتق الله يجعل له مخرجاً> فرمود: [خدا برای کسی که

تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد.<

زمینه یأس مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناپاوران به رستاخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث، زود خود را می بازند و

دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمت تفكّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناپاورانه دارند.

زناکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهاً .. ولا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثاماً

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

زنان منافق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۷

۷- زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم .. و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

زنان مؤمن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۹

۹- قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت .. بشریکم الیوم جنّت

زنگار قلب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۴

۴- قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلاً إنهم ... محجوبون

جمله بعد از <کلاً>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

زیان مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۹

۹ - خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و

روز حساب برای جامعه

كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

زیانکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۶

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۱

۱ قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم بما كانوا بآيتنا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۶

۶ مردمی که بر انکار معاد پای فشردند و از این گمراهی دست برنداشتند، در قیامت مردمی زیانکار و ورشکسته خواهند بود.

و یوم يحشرهم .. قد خسر الذين كذبوا بقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۵

۵ - روز قیامت، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منکران معاد

و يوم تقوم الساعة يومئذ يخسر المبطلون

<مبطلون>، به معنای واردشوندگان در باطل است.

زیانکارترین مردم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا

باز می‌دارند و قیامت را انکار می‌کنند، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران، تباه‌تر و زیانکارترند.

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم أتهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. بر این مبنا آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می‌باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۷

۷ - مشرکان و منکران قیامت، زیان‌کارترین مردم در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

زیانکاری مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱

۱- کافران به آیات پروردگار و منکران قیامت، زیانکارترین مردم اند.

الأخسرین أعملاً .. أولئك الذین کفروا بأیت ربهم و لقاءه

کفر به لقاء پروردگار، تعبیری دیگر از کفر به قیامت است، از آن جهت که ملاقات با پروردگار (با حساب و جزا و پاداش او) در قیامت صورت می‌گیرد.

زیارویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۱

۱ - در قیامت، چهره گروهی از مردم زیبا و درخشان خواهد بود.

وجوه یومئذ مسفره

<وجه مسفر> چهره ای است که به جهت شادمانی، درخشان شده باشد (مقایس اللغه) و یا زیبایی آن را فرا گرفته باشد.
(مصباح)

سبکی عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۱

۱ - اعمال برخی از مردم در قیامت ، سبک وزن و بی ارزش است .

و أمّا من خفت موزینه

<موازين> یا جمع <میزان> و یا جمع <موزون> است. برداشت یاد شده، با هر دو مبنا سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۱

۱ - صاحبان اعمال بیوزن و ارزش ، در قیامت گرفتار جهنم و سقوط کننده در پرتگاه عمیق آن

فأُمَّه هَاوِيَه

<هاویه> که در این آیه بر <جهنم> تطبیق یافته است به معنای هر درّه و یا حفره ای است که عمق آن معلوم نباشد. (لسان

العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۲

۲ سبکی و بیوزنی اعمال آدمی در قیامت نشانه زیانکاری است.

و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم

سبکی میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۳ - ۱

۱ - سبکی کفه ترازوی عمل ، نشان خسران و زیان کاری واقعی انسان در قیامت

و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۲

۲ - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ .. وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

چنانچه کلمه <موازنین> جمع <میزان> (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

ستارگان در

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲ - ۱،۳

۱ - در آستانه قیامت ، تمام ستارگان تیره و بی فروغ خواهند شد .

و إذا النجوم انكدرت

کدورت هر چیز، به معنای از بین رفتن صافی و شفافیت آن است (مصباح) و نتیجه ایجاد <کدوره> را <انکدار> می گویند. بنابراین ستارگان تحت تأثیر عواملی کدرکننده، قرار گرفته و صفا و جلای خود را از دست داده، تاریک خواهند شد.

۳ - ستارگان ، در آستانه قیامت به سرعت فرود آمده و ساقط خواهند شد .

و إذا النجوم انكدرت

از معانی <انکدار>، سرعت گرفتن و فرود آمدن است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۱،۳

۱ - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الكواكب انتثرت

<انتثار> به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

۳ - متلاشی شدن نظم حاکم بر ستارگان در آستانه قیامت

و إذا الكواكب انتثرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۲

۲ - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۸ - ۱

۱ - بی فروغ شدن ستارگان ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

<طمس> به معنای از بین رفتن اثر شیء است و هرگاه این واژه در مورد ستارگان،

ماه و چشم به کار رود، به معنای از بین رفتن نور آنها خواهد بود (تاج العروس).

سجده در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۵،۶

۵ - > عن أبي الحسن (ع) في قوله عزوجل: > يوم يكشف عن ساق < قال: حجاب من نور يُكشَف، فيقع المؤمنون سُجداً و تُدمَج أصلابُ المنافقين فلا يستطيعون السجود؛

از امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزوجل: >یوم یکشف عن ساق< روایت شده که فرمود: [در آن روز] پرده ای از نور برداشته می شود و مؤمنان به حالت سجده می افتند و استخوان های پشت منافقان سخت و بی انعطاف می گردد و قدرت سجده ندارند.<

۶ - > عن أبي عبدالله (ع) في قوله عزوجل: ... > و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون < قال: أفحِم القوم و دخلتهم الهيبة و شَخَصَتِ الأبصار، و بلغتِ القلوب الحناجر؛

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل >و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون< فرمود: مهر سکوت بر دهان آنان زده می شود، ترس تمام وجودشان را فرامی گیرد، چشمانشان خیره می گردد، جان ها به حنجره ها می رسد.<

سختی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۴

۴- سختی های قیامت برای پیشتازان و سردمداران استکبار، دشوارتر و کیفر آنها سنگین تر از کیفر دیگران خواهد بود .

ثُمَّ لَنُنزِعَنَّ .. أَيْهِمْ أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

جدا کردن پیشتازان و سردمداران استکبار، حکایت از رسوایی فزون تر و

نیز عقوبت و حساب سنگین تری دارد که در انتظار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۵

۵ - تقوای پیشگان ، از هر بدی و رنجی در قیامت در امان خواهند بود .

الذین اتقوا .. لا یمسهم السوء

سختی فهم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت قیامت ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما الحاقه

سختی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ - قیامت ، روزی سخت و خوار کننده است .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۳

۳ - قیامت ، روزی سخت و هلاکت بار برای کفرورزان به عیسی (ع) و گفته های او

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

<ویل>، یعنی عذاب و هلاکت (لسان العرب). هلاکت بار بودن قیامت کنایه از شدت عذاب است، در حدی که اگر در

قیامت نیز مرگ وجود می داشت گرفتاران به عذاب، زنده نمی ماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و كان يومًا على الكافرين عسيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روزی سخت ، هولناک و هشدار دهنده برای انسان

لیندر ... یوم هم برزون لایخفی علی الله منهم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و نیز انداز به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روزی بس سخت و دشوار برای ستمگران

من عذاب یوم أليم

بنابراین که <أليم> صفت <یوم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۷

۷ تحقق لحظه های سخت قیامت ، در پی هشدارها و اتمام حجت

ذلك یوم الوعيد

تعبیر <وعید> می رساند که قبلاً رخداد روز قیامت و دشواری های آن از سوی خداوند به انسان ها تذکر داده شده است و پس از آن تذکرها است که قیامت برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بسیار سخت و هولناک برای اهل محشر

یوم یکشف عن ساق

تعبیر <یکشف عن ساق> (ساق ها برهنه می شود) در زبان عرب، کنایه از شدت هول و هراس و وخامت اوضاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- روز قیامت ، روزی بس دشوار و اندوه بار برای خلائق

فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در زبان عرب، اوقات سخت و خزن آور

را، به طولانی بودن آن و زمان های راحتی و شادمانی را به کوتاه بودن آن توصیف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۱

۱ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۶

۶ - برپایی قیامت و زندگی دشوار و طاقت فرسای محشر ، وعده ای است تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی از سوی خداوند به کافران .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

یَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا

<عبوس> یعنی، چهره در هم کشیده و <روز عبوس> کنایه از روز سخت و اندوه بار است. <قَمْطَرِيرًا> نیز به معنای شدید است و در این آیه هم می تواند وصف برای <عبوس> باشد (یعنی شدید العبوس) و هم می تواند صفت برای <یوم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۵

۵ - قیامت ، روزی بس سنگین و دشوار

و يذرون وراءهم يومًا ثقیلاً

سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بس سخت و ناگوار ، برای تکذیب کنندگان آن

فویل یومئذ للمکذبین

مراد از <مکذبین> به قرینه آیه ۱۴

تکذیب کنندگان قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۳

۳ - قیامت ، روزی دشوار برای کافران

يقول الكفرون هذا يوم عسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۱

۱ - سختی های محشر و ناتوانی مجرمان جن و انس ، در گریز از صحنه آخرت ، نعمتی الهی در خدمت اجرای عدالت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس .. فبأی ءالآء ربکما تکذبان

از اطلاق <ءالآء> بر مفاد آیه قبل، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۹ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روزی سخت و دشوار

فذلک یومئذ یوم عسیر

۲ - لحظه دمیده شدن صور در روز رستاخیز ، آغاز سختی ها و ناگواری ها برای اهل محشر

فإذا نقر فی الناقور . فذلک یومئذ یوم عسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۴

۴ - ناتوانی همگان ، از مقاومت در برابر سختی های قیامت

یوم یفر المرء

فرار مردان با توجه به این که ترجیح فرار بر قرار به ویژه برای مرد تحمل نوعی زبونی و حقارت است نشانگر سنگینی مشکلات قیامت و ناتوانی همه انسان ها از تحمل آن است.

سخن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۵،۹

۵ - هیچ کس در آخرت جز به اذن خداوند توان سخن گفتن ندارد .

لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن

ضمیر فاعلی

<لایتکلمون> اگر مخصوص روح و ملائکه باشد، دیگران به طریق اولی از سخن گفتن عاجزاند و اگر به فاعل <لایملکون منه خطاباً> نیز نظر داشته باشد، همه موجودات را به صراحت شامل می شود.

۹- رخصت یافتن از جانب خداوند برای سخن گفتن در قیامت ، نشانگر برخورداری از رحمت گسترده او است .

من أذن له الرحمن

سرزنش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلا تلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم .. فهذا یوم البعث

<فء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته مفسران برای توییح و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۵

۵ - ظالمان ، در روز قیامت ، راهی برای رهایی از وضعیت رقت بار و مذمت آلود خویش ندارند .

الذین ظلموا.. و لاهم یستعتبون

<استعتاب> مصدر <یستعتبون> به معنای این است که از شخص خاطی، خواسته شود که وی از خطایش بازگردد (مفردات راغب) و نیز به معنای طلب رضایت آمده است (المنجد).

سرزنش کوهها در قیامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۱

۱ - به لرزه درآمدن زمین و کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال

سرزنش مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۱

۱ - فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمل رنج آن

اصلوها

<صَلَّى النَّارَ> یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

سرزنشهای مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۳

۳ - سرزنش شدن بندگان خالص خدا و باورداران به قیامت ، از سوی منکران آن

يقول أءنَّكَ لمن المصدِّقين

در برداشت یاد شده، استفهام <أءنَّكَ> استفهام توییخی دانسته شده است.

سرگردانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۸

۸ گمراهی و سرگردانی فاسقان در قیامت *

و الله لا يهدى القوم الفسقين. يوم يجمع الله الرسل

برداشت فوق بر این اساس است که <یوم> ظرف برای <لایهدی ..> در آیه قبل باشد.

سستی زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

<دكّ> یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار

دو مصدر <دكَّا دكَّا> بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

سعادت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّثَابٍ .. هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيِينَ لَشَرِّ مَثَابٍ

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

سعادت‌مندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۴

۴ انسان ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادت‌مندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سعادت‌مندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك يقرءون کتبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزوجاً ثلثه

بیان <أزواجاً ثلاثه> محذوف و تقدیر آن چنین است: <و کنتم أزواجاً ثلاثه: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون>. در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

۲ - حضور انسان ها در قیامت

در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ، فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کتتم أزوجًا ثلثه

تعبیر <کتتم> به صیغه ماضی، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز، چنان حتمی و غیرقابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است.

سفیدرویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۶، ۱۲، ۳، ۱

۱ کیفر سخت پویندگان راه اختلاف و تفرقه ، در روزی خواهد بود که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می شود .

و اولئک لهم عذاب عظیم. یوم تبيض وجوه و تسود وجوه

<یوم تبيض>، متعلق به <لهم عذاب عظیم> است.

۳ اعتصام به ریسمان الهی ، دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسفیدی در قیامت

و اعتصموا بحبل الله ... و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ی

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، سفیدرویی می تواند پاداش نیکیهای مذکور در آیات قبل باشد.

۱۲ سپاسگزاری و شکر نعمت های الهی ، موجب روسفیدی در قیامت *

و اذکروا نعمت الله ... یوم تبيض وجوه

روسیاهی در قیامت، ناشی از کفران نعمت است بنابراین، سفیدرویی ناشی از سپاسگزاری است.

۱۶ در قیامت عمل کنندگان به سنت رسول الله (ص) ، روسفید و بدعتگزاران روسیاهند .

یوم تبيض وجوه و تسود وجوه

رسول خدا (ص) درباره آیه <یوم تبيض وجوه ...>، فرمود: تبيض وجوه اهل السنه و تسود وجوه اهل البدع

الدّر المشور، ج ٢، ص ٢٩١.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۷ - ۵، ۴، ۱

۱ روسفیدان در قیامت ، غرق در رحمت جاودانه الهی

و اما الذین ایضت وجوههم ففی رحمه الله هم فیها خالدون

۴ تمسک کنندگان به ریسمان الهی و دعوت گران به خیر ، امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر ، روسفیدان در قیامت و مستغرق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل الله .. یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف ... اما الذین ایضت

مستفاد از ارتباط میان این آیه و آیات قبل.

۵ تداوم بر ایمان ، موجب روسفیدی و جاودانگی در رحمت الهی

اکفرتم بعد ایمانکم .. اما الذین ایضت وجوههم

علت سیه رویی به مقتضای <اکفرتم بعد ایمانکم> ، ارتداد است. و به قرینه مقابله، علت روسفیدی، تداوم بر ایمان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۵

۵ عذاب سیه رویان (اهل کفر) و استغراق سفیدرویان در رحمت الهی ، از آیات بحق خداوند

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون .. ففی رحمه الله ... تلک آیات الله

بنابراینکه مشارالیه <تلک> ، مطالب مذکور در دو آیه قبل باشد.

سقط جنین در زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۴

۴- زنان باردار با دیدن زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت ، از شدت بیم و اضطراب ، سقط جنین خواهند کرد .

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است؛ یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن

آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

سقط جنین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها.. و تضع کلّ ذات حمل حملها

سکوت اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران روز جزا ، در آن روز از شدت ترس دم برنخواهند آورد .

هذا یوم لا ینطقون

سلام مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تحیت مؤمنان به هم ، هنگام لقاءالله ، با واژه < سلام > است .

تحیتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین است که اضافه < تحیت > به ضمیر < هم >، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

سلامتی هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومییدی و .. است.

سلب اختیار در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۳

۳ اختیار و انتخاب در روز قیامت ، از انسان ها سلب می شود .

یوم یأت لاتکلم نفس إلا بإذنه

قرین بودن هر گونه سخن در قیامت با اذن خداوند، می تواند به این معنا باشد که: صحنه قیامت مانند دنیا نیست که انسانها با اراده خویش سخن بگویند و یا افعال دیگری انجام دهند و احياناً کاری کنند که مورد رضایت خدا نباشد؛ بلکه اختیار از آنها سلب می شود و نمی توانند هر چه را می خواهند بگویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۲

۲ - قیامت ، روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان ها است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئاً

سلب مالکیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۲

۲ - قیامت ، روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان ها است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئاً

سنگینی عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۱

۱ - برخی از مردم در قیامت ، دارای کرداری سنگین و ارجمند در پیشگاه خداوند

فأما من ثقلت موزینه

به وزنه هایی که با آن متاع را می سنجند و نیز به ابزار سنجش هر چیز، <میزان> گفته می شود (برگرفته از لسان العرب). سنگینی وزنه ها در قیامت، بیانگر سنگینی اعمال است که به تناسب ماهیت آنها، مراد ارج و بهای فراوان آنها خواهد بود.

سنگینی

میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۱

۱ - سنگینی کفه ترازوی اعمال خود انسان ، تنها عامل مؤثر در سرنوشت وی در قیامت

فمن ثقلت موزینه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۲

۲ - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فأما من ثقلت موزینه .. و أما من خفت موزینه

چنانچه کلمه <موازنین> جمع <میزان> (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

سواری متقین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۷

۷- حضور تقوایپیشگان در صحنه قیامت به صورت سواره ، و رانده شدن گنه پیشگان به سوی جهنم با پای پیاده خواهد بود .

نحشر المتقین .. و فدا . و نسوق المجرمین ... وردًا

برخی از لغت دانان <وفد> را سوارانی ارجمند و <ورد> را پیادگانی تشنه کام معنا کرده اند (لسان العرب).

سوگند بر حتمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- سوگند پیامبر (ص) به پروردگار، مبنی بر آمدن و تحقق قطعی روز قیامت

قل بلی و ربی لتأینکم

سوگند به حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب).
لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد
و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات
گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

سوگند به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱ - ۱

۱ - سوگند اُکید خداوند ، به روز قیامت

لأُقسم بیوم القیمه

مفسران درباره <لا> در <لأُقسم> و امثال آن، توجیهاً چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید
<أُقسم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به روز قیامت

و الیوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - > عن محمد بن هاشم عن روى عن أبي جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبي عن قول الله عز وجل > و شاهد و مشهود < فقال أبو جعفر (ع) : ما قيل لك ؟ فقال :

قالوا: الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفه ، فقال أبو جعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامة أما
تقرأ القرآن ؟ قال الله عزوجل : > ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود ؛

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند
عزوجل > و شاهد و مشهود < سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند:
> شاهد < روز جمعه و > مشهود < روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست ؛ بلکه
> شاهد < روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزوجل فرموده است: ذلك يوم مجموع له
الناس و ذلك يوم مشهود <.

۱۰ - > روی عن الحسن بن علی (ع) و هو یحدث عن رسول الله (ص) فقیل له أخبرنی عن > شاهد و مشهود < فقال : أمّا
الشاهد فمحمّد و أمّا المشهود فیوم القيامة . أما سمعته سبحانه یقول : > یا أيها النبی إنا أرسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً < و
قال : > ذلك يوم مجموع له الناس ذلك يوم مشهود ؛

از امام حسن(ع) روایت شده که از رسول خدا نقل حدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسیر] شاهد و مشهود خبر ده،
حضرت فرمود: اما شاهد محمد(ص) است و اما مشهود روز قیامت است. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید:
> یا أيها النبی إنا أرسلناک شاهداً

و مبشراً و نذیراً > و فرموده: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود >.

سوگند به گواهی گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد نه مشاهده و نظارت، کلمه <مشهود> نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد <مشهود به > است.

سوگند به ناظران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهادت یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

سوگند در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و الله ربنا ما كنا مشركين .. قالوا بلى و ربنا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱

۱ - مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و يوم تقوم الساعه يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعه

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود >يخلق ما يشاء< که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالم برزخ است.

سوگند دروغ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۳

۳ سوگند دروغ مشرکان در قیامت بر مشرک نبودنشان در دنیا

و الله ربنا ما كنا مشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۵

۵ - توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فيحلفون له

سهولت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۴

۴- برپایی قیامت با همه گستردگی و عظمت ، امری آسان برای خداوند

و ما أمر الساعه إلا كلمح البصر أو هو أقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ -

۱۳ - برپایی قیامت برای آفریننده هستی ، امری سهل و آسان است .

و من ءایته .. و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

سیاه رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۴، ۱

۱ کیفر سخت پویندگان راه اختلاف و تفرقه ، در روزی خواهد بود که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می شود .

و اولئک لهم عذاب عظیم . یوم تبيض وجوه و تسود وجوه

<یوم تبيض> ، متعلق به <لهم عذاب عظیم> است .

۴ دعوت نکردن به خیر و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسیاهی در قیامت

یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر .. و تسود وجوه

به مقتضای ارتباط با آیات قبل ، روسیاهی می تواند کیفر گناهان مذکور در آن آیات باشد .

۵ روسیاهی و عذاب مرتدان در قیامت

فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب

۶ کفر و ارتداد ، عامل روسیاهی و عذاب در قیامت

فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

۹ اختلاف و تفرقه در جامعه ایمانی ، مستلزم روسیاهی و عذاب در قیامت

و لا تکنونوا کالذین تفرقوا .. فاما الذین اسودت وجوههم ... فذوقوا العذاب

۱۰ کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسیاهی در قیامت *

و اذکروا نعمت الله .. فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم

بنابراینکه <اکفرتم> به معنای کفران نعمت باشد. و به مقتضای ارتباط با آیات قبل مراد از نعمتهای کفران شده همان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

مرتدّانِ روسیاه ، مورد بازخواست و سرزنش در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتهم بعد ایمانکم

۱۵ هواپرستان و بدعتگزاران در جامعه اسلامی ، روسیاهان در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم

امیرالمؤمنین (ع): <فاما الذین اسودّت وجوههم .. >، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۸۰۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۳۲۵.

۱۶ در قیامت عمل کنندگان به سنّت رسول الله (ص)، روسفید و بدعتگزاران روسیاهند .

یوم تبيضّ وجوه و تسودّ وجوه

رسول خدا (ص) درباره آیه <یوم تبيضّ وجوه .. >، فرمود: تبيضّ وجوه اهل السنه و تسودّ وجوه اهل البدع

الدّر المثور، ج ۲، ص ۲۹۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۵۸

۵ عذاب سیه رویان (اهل کفر) و استغراق سفیدرویان در رحمت الهی ، از آیات بحق خداوند

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون .. ففی رحمه الله ... تلك ایات الله

بنابراینکه مشارالیه <تلك>، مطالب مذکور در دو آیه قبل باشد.

۸ عذاب سیه رویان (کافران) ، ناشی از اعمال ناپسند (تفرقه و پراکندگی و کفر) خود آنان است و نه از ناحیه خداوند

فاما الذین اسودّت وجوههم .. و ما الله یزید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ چهره مردمان زشت کار در قیامت ، مانند پاره ای از شب دیجور ، سیاه خواهد بود .

و الذین کسبوا السيئات .. كأنما أغشيت وجوههم قطعاً من الیل مظلماً

سیمای گناهکاران در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۸

۸ چهره مردمان زشت کار در قیامت ، مانند پاره ای از شب دیجور ، سیاه خواهد بود .

و الذین کسبوا السيئات .. كأنما أغشيت وجوههم قطعاً من الليل مظلماً

شبهه افکنان معاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۵

۵ - شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

یتساءلون .. ثم کلاً سیعلمون

شبهه افکنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۸

۸ - تشکیک در برپایی قیامت ، نشانگر گمراهی عمیق انسان

ألا إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

شدت اندوه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۷، ۶، ۵

۵ - به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر

هر گاه انسان در تنگناهای سخت قرار گیرد، احساس می کند که گویی قلبش از جا کنده می شود. گاهی به این مطلب گفته

می شود: <جانش به لب رسید>. در زبان عرب از این حالت به <بلغت القلوب الحناجر> تعبیر می شود.

۶- قیامت، دارای غم و اندوه کشنده و زجر آور، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد.

إذ القلوب لدى الحناجر كظمين

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده

باشد. <کاظمین> یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

۷- وجود شرایط و صحنه های سخت و اندوه بار برای انسان در قیامت

إذ القلوب لدى الحناجر كظمين

شدت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۴

۴- زنان باردار با دیدن زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت ، از شدت بیم و اضطراب ، سقط جنین خواهند کرد .

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۲

۱- حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بسّت الجبال بسًّا

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحيط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۲- ذره ذره شدن کوه ها ، بر اثر زلزله شدید زمین در آستانه قیامت

إذا رجّت الأرض . . . و بسّت الجبال بسًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۳

۳- لرزش زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار شدید و کوبنده است .

و كانت الجبال كثيًّا مهيلًا

تبدیل شدن کوه های استوار به انبوهی از ریگ های روان، شدت و گوبندگی زمین لرزه را، در آستانه

برپایی قیامت می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۱

۱ - لرزشی شدید در آینده ، تمام زمین را فراخواهد گرفت .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

اضافه <زلزال> به ضمیر <الأرض>، بیانگر شدت آن است زیرا از طرفی آن را به تمام زمین ارتباط می دهد و از طرفی دیگر، به این نکته اشاره دارد که ابعاد آن حادثه، به قدری بزرگ است که ویژگی های آن را نمی توان بر شمرد بلکه در بیان آن تنها باید گفت: <زلزله زمین>.

شرایط ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۱

۱۱- عمل به قوانین و دستورات خداوند ، شرط ایمان راستین به خدا و روز قیامت

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. إن كنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر

برداشت یاد شده، از جمله شرطیه <إن كنتم تؤمنون بالله..> استفاده شده است.

شرایط تأثیر سخن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱۰

۱۰ - رضایت خداوند ، شرط ثمربخشی گفتار انسان ها در قیامت

و رضی له قولاً

شرایط شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- تنها کسانی در قیامت حق شفاعت دارند که عهدی و اذنی از جانب خداوند داشته باشند .

لا یملکون الشفعه إلا من اتّخذ عند الرحمن عهداً

از جمله معانی <عهد> میثاق و پیمان است. مقصود از گرفتن پیمان نزد خداوند، قرار و قانونی است که خداوند آن را بیان کرده و

و عده داده باشد.

شرایط قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۸

۸- برپایی قیامت و نظام کیفر و پاداش منوط به آمدن پیامبر و قوانین روشنگر *

فقد جاء أشراطها

اگر این احتمال را بپذیریم که مراد از <أشراط>، بعثت پیامبر(ص) و نزول قرآن است و در صورتی که <أشراط> را شرط بدانیم و نه صرفاً نشانه از آیه شریفه استفاده می شود که آمدن پیامبر و قرآن، شرط کیفر و پاداش است؛ زیرا تا اتمام حجت نشود، مجازات معنا ندارد.

شعور بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۹

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جميعاً .. و قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۳

۳ بت های اهل شرک در جهان آخرت ، دارای شعور و آگاهی و توانا بر نطق

و قال شرکاؤهم .. فکفی بالله شهیداً بیننا و بینکم إن کنا عن عبادتکم لغفلین

شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۲، ۱۱، ۶

۶- در روز قیامت ، شفاعت هیچ کس درباره دیگری پذیرفته نخواهد شد .

و لایقبل منها شفعه

ضمیر در <منها> می تواند به <نفس> دوم برگردد؛ یعنی، اگر فرد مورد مؤاخذه شفیععی، بیاورد شفاعتش قبول نمی شود و همچنین می تواند به <نفس> اول که مراد

از آن دوستان و نزدیکان و .. هستند، ارجاع شود؛ یعنی، آن دوستان (در ضمن اینکه عذاب دوست خویش را بر عهده نمی گیرند) اگر شفاعتی نیز درباره او بکنند، شفاعتشان پذیرفته نمی شود.

۱۱ - توهم وجود یارانی که آدمی را از عذاب قیامت نجات دهند و یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً .. و لاهم ینصرون

۱۲ - گناه کردن به خیال پذیرش شفاعت و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا يوماً .. ولا یقبل منها شفعه و لا یؤخذ منها عدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۶،۷،۹

۶ - در روز قیامت شفاعت هیچ کس از دیگری ، سودبخش نخواهد بود .

و لاتنفعها شفعه

ضمیر <ها> در <تنفعها> به <نفس> دوم در <لاتجزی نفس عن نفس> بر می گردد.

۷ - در روز قیامت ، هیچ کس از دفاع و یاری دیگری بهره مند نخواهد شد .

و لاهم ینصرون

۹ - توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

یبنی إسرائیل .. و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل <اتقوا> به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرائیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در بین آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۸

داد و ستد ، دوستی و شفاعت نیست .

یوم لا بیع فیہ ولا خُله و لا شفاعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۷

۷ وجود یاوران و شفیعان در قیامت *

و ما لهم من ناصرین

تقدیم <لهم> بر <ناصرین> که بیانگر حصر است، می رساند که یاوران و شفیعان در قیامت هستند و ولی تنها کافران از شفاعت آنان محرومند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۴،۵

۴ منافقان ، برای رهایی از عذاب اخروی ، هیچ یاور و شفیع نخواهند داشت .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا

۵ امکان برخورداری از یاری و شفاعت شفاعتگران ، در قیامت *

و لن تجد لهم نصيراً

تقدیم <لهم> بر <نصيراً>، بیانگر آن است که تنها برای منافقان یاور و شفیع نیست. بنابراین یاور و شفیع برای نجات از آتش، فرض شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۵،۱۹

۱۵ وجود شفاعت کنندگان برای یاری مردمان در قیامت

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لا نصیراً

تقدیم <لهم> بر <نصیراً> دلالت می کند که در قیامت یاورانی هستند و ولی مستکبران از یآوری آنان محرومند.

۱۹ مؤمنان دارای عمل صالح ، بهره مند از نعمت بهشت و دارای حق شفاعت برای کسانی که در دنیا به ایشان نیکی کرده اند

فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

رسول خدا(ص) درباره <اجورهم> در آیه فوق فرمود: یدخلهم الجنة و درباره <یزیدهم من فضله> فرمود: الشفاعة

فيمن وجبت لهم النار ممن صنع اليهم المعروف في الدنيا.

الدر المثور، ج ٢، ص ٧٥٢.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٧٢ - ٢٦

٢٦ وجود شفاعت کنندگانی در قیامت

و ما للظلمين من انصار

تقديم <للظلمين> که دلالت بر حصر دارد، حاکی از آن است که در قیامت یاوران و شفاعت کنندگانی هستند و تنها ظالمان از یاری آنان بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام - ٦ - ٥١ - ٩،١٠

٩ خداوند تنها شفاعت و یاری کننده در قیامت است.

و أنذر .. يخافون أن يحشروا إلى ربهم ليس لهم من دونه ولي ولا شفيع

١٠ توجه به نبودن هیچ یاور و شفيعی جز خداوند در قیامت، موجب هرس از حشر

الذين يخافون .. ليس لهم من دونه ولي ولا شفيع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - مريم - ١٩ - ٨٧ - ١،٦،٩

١- هیچ کس در قیامت خودسرانه ، حق شفاعت کردن و قدرت آن را ندارد .

المتقين .. المجرمين ... لا يملكون الشفعه

در مورد مرجع ضمير فاعلی <لا-يملكون> احتمالاتی هست؛ از جمله آن که مرجع ضمير، از مجموع <متقين> و <مجرمين> (در آیات پیشین) انتزاع شود؛ در این صورت مقصود، همه مردم خواهد بود. درباره معنای <الشفاعه> نیز دو

وجه محتمل است: ۱ به معنای شفاعت کردن (مصدر معلوم)، ۲ به معنای شفاعت شدن. این برداشت و چند برداشت بعد، مبتنی بر وجه اول است.

۶- اعطای حق شفاعت در قیامت به برخی از افراد، جلوه ای از رحمت گسترده (رحمانیت)

خداوند

لايملكون الشفعه إلا من اتخذ عند الرحمن عهداً

۹- تنها کسانی در قیامت مشمول شفاعت می شوند که در باره آن عهدی از جانب خداوند داشته باشند .

لايملكون الشفعه إلا من اتخذ عند الرحمن عهداً

در این برداشت <الشفاعه>، مصدر مجهول معنا شده است؛ از این رو <لايملكون الشفاعة>؛ یعنی، مالک شفاعت شدن نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱،۲،۷

۱ - شفاعت ، در صحنه قامت ، عنصری کارساز خواهد بود .

يوئذ لاتنفع الشفعه إلا

سخن از سودمند نبودن شفاعت جز برای مأذونان، بیانگر مسلم بودن اصل شفاعت است.

۲ - شفاعت ، امری قانون مند ، حساب شده و دارای محدوده معین است .

يوئذ لاتنفع الشفعه إلا من أذن

۷ - وجود شفاعت در قیامت و اثربخشی آن در محدوده معین ، نشأت گرفته از رحمانیت خداوند است .

لاتنفع الشفعه إلا من أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۴،۸

۴ - آگاهی گسترده و محیط خداوند بر احوال و اعمال بندگان ، پشتوانه قانون مندی شفاعت در قیامت و صدور یا عدم صدور اجازه بر آن

لاتنفع الشفعه إلا من أذن .. يعلم ما بين أيديهم و ما خلفهم

۸ - در قیامت راهی برای تزویر و استفاده نادرست از شفاعت وجود ندارد .

لا تَتَفَعَّ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ أَدْنَى لَهُ .. يَعْلَمُ ... وَ لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۱۱

۱۱ - ستم گران (در قیامت) از اذن خداوند برای شفاعت شدن و شفاعت کردن ، محروم

خواهند بود .

یومئذ لاتنفع الشفعه .. و قد خاب من حمل ظلماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۰ - ۱،۳،۴

۱ - شرک به خدا ، مایه محرومیت از شفاعت شفیعان در قیامت

إذ نسوئکم برّ العلمین .. فما لنا من شفیعین

۳ - وجود شفاعت و کارایی آن در قیامت

فما لنا من شفیعین

حسرت دوزخیان بر محرومیت خود از شفاعت، در صورتی معنا دارد که آنان شاهد وجود شفاعت و برخورداری دیگران از آن باشند.

۴ - چشمداشت آدمیان در قیامت ، به شفاعت شفیعان الهی

فما لنا من شفیعین

تمنای برخورداری از شفاعت و حسرت مشرکان بر محرومیت از آن، منوط به این است که دستِ کم عده قابل توجهی، از آن برخوردار شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۴

۴ - قرار گرفتن در زمره مؤمنان ، زمینه ساز برخورداری از شفاعت و موَدّت دوستان در قیامت

فما لنا من شفیعین . ولا صدیق حمیم . فلو أنّ لنا کزّه فنکون من المؤمنین

آرزوی دوزخیان مبنی بر بازگشت به دنیا و قرار گرفتن شان در زمره مؤمنان، بدان جهت است که این امر باعث می شود آنان با برخوردار شدن از شفاعت شافعان و موَدّت دوستان، از حسرت کنونی بیرون آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - معبودان مشرکان ، در روز قیامت توان شفاعت مشرکان را ندارند .

و لم یکن لهم من شرکائهم شفیعوا و كانوا بشرکائهم کفرین

۱۱ - شفاعت در قیامت ، اصلی پذیرفته شده

است .

و يوم تقوم الساعة .. و لم يكن لهم من شركائهم شفعا

از این که آیه، به جای نفی اصل شفاعت، شفاعتِ خدایان مشرکان را مورد انکار قرار داده است، استفاده می شود که شفاعت، پذیرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۴

۴ - وجود شفیعیانی چند در قیامت و امکان شفاعت کردن آنان از دیگران با اذن خداوند

و لا تنفع الشفعه عنده إلا لمن أذن له

از این که خداوند فرمود بدون اذن من شفاعت مفید نیست، می توان استفاده کرد که اصل شفاعت در قیامت مسلم است؛ منتها تأثیر آن تنها با اذن الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۹، ۱۰

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعیان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

<حمیم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القرب المشفق> (نزدیک دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

۱۰ - وجود شفاعت در قیامت و پذیرفته شدن آن از سوی خداوند ، برای برخی از شفیعیان

و لا شفیع یطاع

قید <یطاع> برای <شفیع> می رساند که در قیامت، شفاعت کنندگانی وجود دارد که مورد اطاعت قرار گیرند (سخنشان درباره دیگران پذیرفته شود)؛ ولی ظالمان از چنین شفیعیانی محروم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۶ - ۳

۳- اهل حق و حقیقت ، قادر به شفاعت دیگران در قیامت

و لا یملک .. الشفعه إلا من شهد بالحقّ و هم یعلمون

<من شهد بالحقّ >

وصف برای شافع است؛ نه شفاعت شونده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۹

۹- وجود اصل شفاعت در قیامت، نمود رحمت گسترده خداوند است.

یوم لا یغنی... إلا من رحم الله إنه هو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۱ - ۵

۵- تقوایبشگان، برخوردار از رحمت الهی و شفاعت شفیعان در قیامت

ولا هم ینصرون... إلا من رحم الله... إن المتقین فی مقام آمین

در آیات پیشین، محرومان و نیز برخورداران از شفاعت، نخست به اجمال یاد شده اند. سپس <إن شجرت الزقوم...> به تفصیل در باره محرومان از شفاعت سخن گفته و <إن المتقین...> توضیحی در باره برخورداران از رحمت و شفاعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۳

۳- وجود قانون شفاعت برای بشر در قیامت

فما تنفعهم شفاعه الشفیعین

از این که خداوند، سودمند بودن شفاعت را برای کافران رد فرموده، استفاده می شود که در قیامت، اصل شفاعت وجود دارد و عده ای هم شفاعت خواهند کرد؛ منتها این شفاعت ها برای کافران و مجرمان، سودمند نخواهد بود.

شفیعان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۷

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی

سعادۃ آفرین

یقول الذین نسوه .. فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۵

۱۵ وجود شفاعت کنندگان برای یاری مردمان در قیامت

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

تقدیم <لهم> بر <نصیراً> دلالت می کند که در قیامت یاورانی هستند؛ ولی مستکبران از یآوری آنان محرومند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۶

۲۶ وجود شفاعت کنندگانی در قیامت

و ما للظلمین من انصار

تقدیم <للظلمین> که دلالت بر حصر دارد، حاکی از آن است که در قیامت یاوران و شفاعت کنندگانی هستند و تنها ظالمان از یاری آنان بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۸

۱۸ در مجمع البیان آمده است: <قیل إن معنی قدم صدق شفاعه محمد (ص) لهم یوم القیامه ... و هو المروى عن ابی عبدالله (ع)؛>

گفته شده که معنای <قدم صدق> شفاعت حضرت محمد(ص) برای مؤمنان در روز قیامت می باشد .. و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۷ - ۳،۴

۳- در قیامت، برخی حق شفاعت کردن از دیگران را دارا خواهند بود.

لا یملکون الشفعه إلا من اتخذ .. عهداً

<شفاعه> یعنی، خود را در کنار کسی قراردادن، به منظور یاری رسانی و یا مطرح ساختن خواسته ای از جانب او . و بیشتر در مواردی به کار می رود که این شخص از احترام و

رتبه ای برتر برخوردار باشد (مفردات راغب). استثنای <إلا من اتخذ...> گرچه فعلیت یافتن شفاعت را نمی فهماند، ولی بر ثبوت حق شفاعت دلالت دارد.

۴- تنها کسانی در قیامت حق شفاعت دارند که عهدی و اذنی از جانب خداوند داشته باشند .

لايملكون الشفعه إلا من اتخذ عند الرحمن عهدًا

از جمله معانی <عهد> میثاق و پیمان است. مقصود از گرفتن پیمان نزد خداوند، قرار و قانونی است که خداوند آن را بیان کرده و وعده داده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۲

۲ - خداوند دانای مطلق به نهران و آشکار است .

يعلم ما بين أيديهم و ما خلفهم

<روبه رو> و <پشت سر> ممکن است کنایه از آشکار و نهران باشد، زیرا به طور معمول آنچه در برابر دیدگان انسان نباشد، از او نهران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۴

۴ - وجود شفیعیانی چند در قیامت و امکان شفاعت کردن آنان از دیگران با اذن خداوند

و لاتنفع الشفعه عنده إلا لمن أذن له

از این که خداوند فرمود بدون اذن من شفاعت مفید نیست، می توان استفاده کرد که اصل شفاعت در قیامت مسلم است، منتها تأثیر آن تنها با اذن الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۵

۵- مقام شفاعت و شفاعت گری ، تنها از آن برخورداران از رحمت الهی *

إِلَّا مِنْ رَحْمِ اللَّهِ

چنانچه <إِلَّا مِنْ رَحْمِ اللَّهِ> استثنای از <مولی> <لایغنی مولی> باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

شقاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَثَابٍ .. هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيِينَ لَشَرٍّ مَثَابٍ

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

شقاوت‌مندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۴،۵

۴ انسان ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادت‌مندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

۵ مشرکان و منکران رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه تیره بختان در سرای آخرتند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم .. فمنهم شقی

آیات پیشین که سخن از شرک‌ورزی و انکار رسالت پیامبران داشت ، قرینه بر این است که مشرکان و منکران رسالت ، مصداق بارزی از شقاوت‌مندانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزواجاً ثلثه

بیان < أزواجاً ثلثه > محذوف و تقدیر آن چنین است: < و کنتم أزواجاً ثلثه: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و

السابقون >. در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

۲ - حضور انسان ها در قیامت در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت

و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ، فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کنتم أزوجًا ثلثه

تعبیر <کنتم> به صیغه ماضی، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز، چنان حتمی و غیر قابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۳

۳ - اصحاب الشمال ، انسان هایی شقی و بدبخت در قیامت

و أصحاب المشمه . . . و أصحاب الشمال

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات پیشین، از <اصحاب الشمال> به <اصحاب المشمه> (مردم بدبخت) یاد شده بود.

شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لقد وعدنا هذا . . . إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنهم فی مریه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۱

۱- غوطهوران در گناه ، گرفتار تردید در وقوع قیامت و وجود دوزخ

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۴۷

۴ - تردید و استبعاد مشرکان مکه ، در امکان وقوع قیامت

و إِنَّهُ لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا

۷ - تردید در رخداد قیامت ، نشانگر عدم شناخت قدرت کامل خداوند

است .

و إِنَّه لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا

آفرینش شگرف عیسی(ع)، نشانه ای بر قدرت خداوند است و از آن جا که این آفرینش دلیل بر امکان معاد شمرده شده، می توان استفاده کرد که تردید در مورد قیامت، ناشی از غفلت نسبت به قدرت بی همتای خداوند است.

شک ناپذیری قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۱

۲۱ - قیامت ، واقعیتی حتمی و غیر قابل تردید

تَنْذِرُ يَوْمِ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ

شکنجه جسمانی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۲

۲ - تکذیب گران قیامت ، مبتلا به شکنجه روحی و جسمی در آخرت

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمَجْرُمُونَ

با این که مجرمان سرانجام به دوزخ افکنده می شوند؛ ولی با یادآوری تکذیب هایشان مورد شکنجه روحی نیز قرار می گیرند.

شکنجه روحی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۲

۲ - تکذیب گران قیامت ، مبتلا به شکنجه روحی و جسمی در آخرت

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمَجْرُمُونَ

با این که مجرمان سرانجام به دوزخ افکنده می شوند، ولی با یادآوری تکذیب هایشان مورد شکنجه روحی نیز قرار می گیرند.

شگفتی تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۵

۵ انکار قیامت امری شگفت و عاری از منطق و برهان

و إن تعجب فعجب قولهم

با توجه به اینکه متعلقی برای فعل <تعجب> ذکر نشده معنای <إن تعجب> این است: اگر اهل تعجب هستی و چنین حالتی

بر تو عارض می شود . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۱

۱ - تکذیب پیامبر (ص) ، در تعالیم دینی و حقایق روز جزا ، توجیه ناپذیر و شگفت آور است .

فما یکذّبک بعد بالدين

<ما> برای استفهام تعجّبی است. این کلمه گرچه برای غیرعاقل به کار می رود ولی در آیه شریفه بر تکذیب کنندگان اطلاق شده است تا نشانگر بی خردی آنان باشد. خطاب در این آیه، متوجه پیامبر(ص) است و کلمه <دين>، به معنای شریعت و یا جزا است. مفاد آیه شریفه، این است که بعد از آنچه در مورد تقسیم مردم به دو گروه گفته شد چه کسی تو را ای پیامبر(ص) به جهت دینی که آوردی و یا کیفر و پاداش روز جزا که بیان داشتی، تکذیب می کند؟! آیا نباید دینی باشد تا مردم را جزء گروه اول (الذین آمنوا و عملوا الصالحات) سازد؟ و آیا نباید کیفر و پاداشی باشد، تا هر گروه سزای کار خود را ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذّب بالدين

شگفتی حالات کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقت بار و شگفت آور است .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن ..

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو تری .. لرأیت أمراً عجیباً باشد.

شگفتی حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حدیث الغشیه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

شگفتی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۴

۴ - روز قیامت ، روزی بزرگ و شگفت

و الیوم الموعود

متعلق قسم های خداوند، از عظمتی خاص برخوردار است که آن را شایسته قسم او ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و رخدادی بس شگفت

ما القارعه

<ما>، استفهام تعجیبی است و بر شگفتی <قارعه> و عظمت و هول انگیز بودن آن دلالت دارد. با آن که این آیه خبر برای

آیه قبل است و در آن اکتفا به ضمیر ممکن بود، می توان گفت: تکرار لفظ <قارعه> تأکید بر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، واقعه ای سهمگین و شگفت و دارای عظمتی فراتر از حد تصور و بیان

و ما أدریک ما القارعه

شگفتی های قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۶

۶ فرود ملائکه از آسمان به زمین در آستانه قیامت ، فرودی به دور از انتظار و شگفت آور

و نزل الملائکه تنزیلاً

<تنزیلاً> مفعول مطلق برای <نزل> و به منظور بیان نزولی خاص و شگفت آور می باشد.

شناخت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ابعاد قیامت و حقیقت حوادث کوبنده آن ، برای همگان امکان پذیر نیست .

و ما أدریک ما القارعه

شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ - شیاطین و دیگر معبودان دروغین مشرکان ، در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

نادوا شرکاءى . . . و جعلنا بینهم موبقاً

به قرینه آیات قبل، مراد از <شرکاء> همان ابلیس و ذریه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۲

۲- منکران معاد ، با شیاطین در صحنه قیامت ، همراه و هم دوش خواهند بود .

لنحسرنهم والشیطین ثم لنحضرنهم

واو در <والشیاطین> می تواند عاطفه و یا به معنای <مع> باشد. در هر دو صورت برداشت یاد شده به دست می آید.

شیطان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۲ - ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۳، ۱۲

-۱۲

شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند .

و قال الشیطن . . . فلا تلومونی و لوموا أنفسکم

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلا تلومونی و لوموا أنفسکم

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن . . . ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول نداشته است .

و قال الشیطن . . . إنی کفرت بما أشرکتهم من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشرکتهم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إنی کفرت بما أشرکتهم من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتهم> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما

مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۲- شیطان در قیامت پیروان خود را از عذابی بس دردناک خبر خواهد داد .

ما أنا بمصرخکم .. إنی کفرت بما أشرکتُمون من قبل إن الظلمین لهم عذاب أليم

>إن الظالمین لهم عذاب أليم< به قرینه وحدت سیاق می تواند ادامه کلام شیطان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۳ - ۵

۵ شیطان مسلط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرینه هذا ما لدی عتید

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت وی را همراهی می کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۴

۴ تمسک شیطان به ربوبیت الهی در دادگاه اخروی ، برای مبرّا جلوه دادن خود از گناهان مشرکان *

قال قرینه ربنا ما أطمعته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۱

۱ مخاصمه شیطان و مشرکان با یکدیگر ، در محکمه عدل الهی

قال قرینه ربنا ما أطمعته .. قال لاتختصموا لدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات

او از کیفر اخروی

قال إني بريء منك إني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنهما في النار

صابران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۳

۳ - مؤمنان صابر ، تنها گروه رستگار در قیامت

أنهم هم الفائزون

ذکر ضمیر فصل (هم)، بیانگر حصر است.

صادقان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱،۱۳

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال الله هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصدقين .. ذلك الفوز العظيم

صالحان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

به قرینه <فلهم أجرهم عند ربهم> می توان گفت: ظرف <لاخوف عليهم ..> قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفينه في الدنيا و إنه في الآخرة لمن الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق

خویش ، در قیامت

قال الله هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم ءاتیه يوم القيامة فرداً . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم ءاتیه يوم القيامة فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۴

۴ - نیک کرداران ، ایمن از هراس و وحشت روز رستاخیز

و هم من فزع یومئذ ءامنون

نکره آمدن <فزع> بیانگر بزرگ بودن وحشت آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است نه از استحقاق آنان .

و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۶ - > قال رسول الله (ص) ... يابن مسعود أكثر من الصالحات و البرّ فإنّ المُحسن و المُسيء يندمان ، يقول المحسن : يا ليتني ازددت من المحسنات و يقول المسيء : قصرْتُ ، و تصديق ذلك قوله تعالى : > و لا أقسم باللوّاه > ;

رسول خدا(ص) فرمود: ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: > و لا أقسم باللوّاه <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - صاحبان کردار گران قدر ، پس از سنجش اعمال در قیامت ، از زندگانی رضایت مندی برخوردار خواهند شد .

فهو في عيشه راضيه

>عیشه > ; یعنی، نوعی زندگانی (لسان العرب). توصیف آن به >راضیه < (برخوردار از رضایت)، به اعتبار وجود رضایت کامل در آن است. چنین وصفی در حقیقت، با >مرضیه < به یک معنا است.

صفات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- جهنم یان در آخرت یکدیگر را شناخته

و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۶

۶- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

و برزوا لله جميعًا .. سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ... إِنَّ اللَّهَ وَعْدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَ

صفات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۸

۸ - تکذیب گران روز جزا ، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ویل یومئذ للمکذبین .. إِنَّ الْمُتَّقِينَ ... إنا كذلك نجزي المحسنين

از تقابل تکذیب گران با تقوای پیشگان و محسنان در آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

صفوف ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۴،۹

۴ - فرشتگان در قیامت ، در صف هایی منظم ، حضور یافته ، به اجرای رسالت خویش خواهند پرداخت .

و الملك صفاً صفاً

کلمه های <صَفًّا صَفًّا> به تأویل <مصطفین> (در صفوف منظم قرار گرفته) حال برای <المَلِک> است. <مَلِک> اسم جنس بوده و حرف <ال> در آن، برای استغراق است. برخی آن را مفرد <ملائکه> دانسته اند (مصباح) و برخی آن را از ریشه <مَلِک> و به معنای سیاست گذار دانسته و گفته اند: شخص سیاست گذار، اگر انسان باشد <مَلِک> و اگر فرشته باشد، <مَلِک> نامیده می شود. این کلمه در اصل <مَأَلِک> و به معنای <رسالت> بوده است. (مفردات راغب)

الحسن بن علی بن فضال عن أبيه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول الله عزوجل < و جاء ربك و الملك صفافاً > فقال : إن الله تعالى لا يوصف بالمجىء و الذهاب تعالى عن الانتقال إنما يعنى بذلك و جاء أمر ربك و الملك صفافاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند <و جاء ربك و الملك صفافاً> پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والا-تر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند.<

صورت انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۲

۲ حیات مجدد انسان ها در قیامت ، با دمیده شدن در صورت های آنان *

و نفخ فی الصور

<صور> در احتمالی ضعیف به معنای صورت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۳

۳ - چهره های انسان ها در قیامت ، بیانگر فرجام آنها است .

وجوه یومئذ ناضره . . . و وجوه یومئذ باسره

صورت‌های غبارآلود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۱

۱ - گروهی از مردم در قیامت ، چهره ای کدر و غبارآلود خواهند داشت .

و وجوه یومئذ علیها غبره

<غبره> و <غبار>، به یک معنا است و برخی گرد پراکنده و جابه جا شده را <غبره> و گرد برخاسته را <غبار> می

(لسان العرب)

صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - رستاخیز و لحظه خروج آدمیان از خاک ، هنگام شنود فریاد آسمانی بهوسیله همگان

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ ذلک یوم الخروج

۳ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری بایسته در روند تجدید حیات ، و نه گزاف و بیهوده

یسمعون الصیحه بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <بالحقّ> اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد؛ تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای تشریفاتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۶ - ۳

۳ - پیدایش صیحه ای رعد آسا ، در آستانه قیامت

یوم ترجف الراجفه

<رَجَفَ الرَّعْدُ>؛ یعنی، صدای رعد در ابرها پیچید (قاموس). اطلاق <رجف> که <مفردات> آن را لرزش و اضطراب شدید معنا کرده است بر صداهای شدید، به سبب شباهت آن به زلزله است. این آیه می تواند اشاره به اولین نفخ صور باشد که اهل آسمان ها و زمین را مدهوش می سازد.

طعن مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۸

۸- > عن جابر بن عبد الله قال : قال رسول الله (ص) : إن ناساً من أمتی یعذبون بذنوبهم فیکونون فی النار ما شاء الله أن یکونوا

، ثم يعيرهم أهل الشرك فيقولون : ما نرى ما كنتم فيه من تصديقكم نفعكم . فلا يبقى موحّد إلا أخرجّه الله تعالى من النار ثم قرأ رسول الله (ص) : >

ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسلمين >

جابر بن عبدالله روایت کرده است که رسول خدا(ص) فرمود: همانا گروهی از امت من به سبب گناهانشان عذاب می شوند. پس مدتی که خدا می خواهد در آتش هستند؛ سپس اهل شرک آنان را سرزنش می کنند و می گویند: نمی بینیم که ایمان شما برایتان سودی داشته است. پس هیچ موحدی نمی ماند مگر اینکه خدا او را از آتش بیرون می آورد؛ سپس رسول خدا(ص) این آیه را قرائت فرمود: <ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسلمين >.

طغیانگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۳ - ۳

۳ - تردید طاغیان ، در علل و چرایی پیدا نکردن مؤمنان و آگاه نشدن از وضعیت آنان در قیامت

أَتَخَذْنَهُمْ سَخِرًا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ

<أم> در جمله <أم زاعت..> عاطفه و متصله است و این جمله می تواند عطف بر <ما لنا لانرى...> باشد. در این صورت مفاد آن مربوط به قیامت بوده و معنای آیه چنین می شود: آیا مسخره شان می کردیم [و اهل بهشت اند] یا [در جهنم اند و] چشمان ما به آنان نمی افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

يوم يتذكر... و بززت الجحيم لمن یری . فأما من طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱

۱ - حاضران در قیامت

، به دو دسته متمایز طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فَأَمَّا مِنْ طَغَى . . . وَأَمَّا مِنْ خَافٍ مَقَامِ رَبِّهِ

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله <فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى> حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته که از جملات <فَأَمَّا مِنْ طَغَى . . . وَأَمَّا مِنْ خَافٍ...> استفاده می شود جزای آن است.

ظالمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۶،۱۰

۶ ستمکاران محروم از هر گونه یاور در قیامت

و مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

<انصار>، جمع ناصر (به معنای یاور) است و <مِنْ> زائده، تأکید بر نبودن یاور در آن روز است.

۱۰ محرومیت ستمگران در قیامت از یاری امامانی که آنها را یاری کنند .

و مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

امام باقر (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: مَا لَهُمْ مِنْ أُمَّةٍ يَسْمُونَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۱۷۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند گردآورنده تمامی ستمگران (اهل کتاب و مشرکان) در قیامت

إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ . . . و يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا

چون در آیات گذشته سخن از مشرکان و اهل کتاب به میان آمده بود، در برداشت این دو گروه به عنوان مصادیقی بارز از ظالمان مشخص شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۴ - ۲

۲ احضار ظالمان در

قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و یندرونکم لقاء یومکم هذا .. إن ما توعدون لأت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه الله علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۴

۴ آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه الله علی الظالمین . الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۸

۱۸- > عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (ع) قال : ... ان الله تبارك و تعالی یضلل الظالمین یوم القیامه عن دار کرامته ... کما قال عزّوجلّ : > و یضللّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء < ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی ستمگران را در روز قیامت از سرای کرامت خویش گمراه می کند . . . چنان چه می فرماید: < یضللّ الله الظالمین ... > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۶،۷

۶- خیره شدن چشمان ستمگران و مبهوت

ماندن آنان از شدت ترس در روز قیامت

و لا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظلمون إنما يؤخّره لهم ليوم تشخص فيه الأبصر

۷- تأخیر کیفر ستمگران از سوی خداوند تا روز قیامت ، جهت تشدید مجازات آنان است .

و لا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظلمون إنما يؤخّره لهم ليوم تشخص فيه الأبصر

از اینکه خداوند متعال کیفر ستمگران را تا روزی سخت و هولناک به تأخیر انداخت، حکایت از شدت مجازات آنان دارد؛ چون اگر آن مجازات در دنیا اتفاق می افتاد به این مقدار سخت نبود. بنابراین، تأخیر کیفر ظالمان به نفع آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱- ستمگران ، در قیامت ، شتابان و با ترس و ذلت سر برافراشته و چشم دوخته ، محشور خواهند شد .

و لا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظلمون .. مهطعين مقنعى رءوسهم

<اهطاع> به معنای حرکت سریع همراه با ترس است و <افناع> به معنای سر برافراشتن و خیره شدن چشم به چیزی با حالت ذلت و خواری است (لسان العرب).

۲- ستمگران بر اثر وحشت روز قیامت ، از حرکت پلک های چشم ناتوان و دلشان تهی از تدبیر و چاره جویی خواهد بود .

يعمل الظلمون .. لا يرتد إليهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

۳- شدت وحشت و اضطراب و بهت زدگی غیر قابل توصیف ستمگران در قیامت

يعمل الظلمون .. مهطعين مقنعى رءوسهم لا يرتد إليهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۴

۴- ظالمان به وقت مشاهده عذاب در قیامت خواستار مهلتی کوتاه برای بازگشت به

دنیا جهت پاسخ گویی به دعوت خداوند و پیروی از رسولان الهی می شوند . *

یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربّنا أخرنا إلى أجل قریب نجب دعوتک و نتبع

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از <یوم یأتیهم العذاب> روز قیامت باشد، نه عذاب استیصال.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۸

۸- قیامت ، روز احضار ستمگران و انتقام خداوند از آنان

و أنذر الناس .. الذین ظلموا ... إن الله عزیز ذو انتقام . یوم تبدل الأرض ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- کسانی که با ارتکاب اعمال زشت در دنیا به خود ستم کرده اند ، در قیامت منکر آن اعمال می شوند .

الذین تتوفّهم الملائکه ظالمی أنفسهم .. ما کنا نعمل من سوء

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه <ما کنا نعمل من سوء> (ما مرتکب عمل زشت

نمی شدیم) اعمال ناپسند و زشتی باشد که مرتکبان آنها، آن را از خود نفی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثم یردّ إلى ربّه فیعدّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۱،۲

۱ ستم گران در قیامت ، از عملکرد خویش به شدت پشیمان خواهند

بود .

و یوم یعضّ الظالم علی یدیه

جمله <یعضّ الظالم علی یدیه> ستم کار دو دست خویش به دندان گزد< از کنایات است و به قرینه سیاق آیه، این جمله کنایه از پشیمانی و ندامت می باشد. گفتنی است تعدیه فعل <یعضّ> به وسیله <علی> با آن که خود از افعال متعدی است برای تأکید مضمون آن فعل است؛ یعنی، پشیمانی آنان بسیار شدید خواهد بود.

۲ وضعیت تأسف بار ظالمان در قیامت و واکنش آنان در آن روز، شایان یاد و یادآوری

و یوم یعضّ الظالم علی یدیه

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف مانند <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۲،۵

۲ - عذرخواهی ستم پیشگان ، در روز قیامت ، سودی ندارد .

فیومئذ لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم

۵ - ظالمان ، در روز قیامت ، راهی برای رهایی از وضعیّت رقت بار و مذمت آلود خویش ندارند .

الذین ظلموا.. و لاهم یتعتبون

<استعتاب> مصدر <یتعتبون> به معنای این است که از شخص خاطی، خواسته شود که وی از خطایش بازگردد (مفردات راغب) و نیز به معنای طلب رضایت آمده است (المنجد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - مؤاخذه شدن ظالمان در پیشگاه پروردگار در قیامت

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم یرجع بعضهم إلی بعض القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - ستمگران با دیدن عذاب الهی در قیامت

، از انتخاب عقیده کفرآلود ، پشیمان شده و آن را مخفی خواهند کرد .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . وأسروا الندامة لما رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ - ستمگران در قیامت ، محروم از هر گونه نصرت و یاری

فما للظلمين من نصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۱

۱ - فرمان خداوند در قیامت ، مبنی بر راندن مشرکان ستم پیشه و هم فکران و معبود های آنان به راه دوزخ

احشروا الذين . . . يعبدون . من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۳،۷،۲،۱

۱ - ستمگران در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب سخت الهی ، حاضرانند دو چندان ثروت ها و دارایی های زمین را فدا کنند .

و لو أنّ للذين ظلموا ما فى الأرض جميعاً و مثله معه لآفتدوا به من سوء العذاب يوم

۲ - عذاب ستمگران در قیامت ، بسیار سخت و غیر قابل تحمل برای آنان

و لو أنّ للذين ظلموا ما فى الأرض . . . لآفتدوا به من سوء العذاب يوم القيمة

فدا کردن دو برابر ثروت های موجود در کره زمین برای نجات خود از عذاب الهی، بیانگر مطلب یاد شده است.

۳ - کیفر عذاب سخت برای ستمگران در قیامت ، قطعی و غیر قابل گریز است .

و لو أنّ للذين ظلموا ما فى الأرض . . . لآفتدوا به من سوء العذاب يوم القيمة

مشرکان و ستمگران در قیامت ، بسیار بزرگ و فراتر از تصورشان است .

و بدا لهم من الله ما لم یكونوا یحتسبون

<إحتساب> (مصدر <یحتسبون>) مبالغه در حساب و به معنای <ظن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۲

۲ - عذاب سخت و فوق تصور ستمگران در قیامت ، بازتاب کردار و رفتار خود آنان است .

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

آمدن ماده <کسب> به جای ماده <فعل>، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۹

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

<حمیم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القرب المشفق> (نزدیک دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۱

۱ - عذرخواهی ستمگران در قیامت ، بی نتیجه بوده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۶

۱۶ - نابود شدن دوستی ها و پیوند های ظالمان با یکدیگر در قیامت

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ولیّ> و <نصیر>، دوست و یاور دنیایی ظالمان باشد که در آخرت آن دوستی ها و یاری ها وجود نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ستم پیشگان ، هراسناک از عملکرد خویش در صحنه قیامت

تری الظلمین مشفقین ممّا کسبوا و هو واقع بهم

به قرینه ذیل این آیه که در مورد قیامت است به دست می آید که صدر آیه ترسیم کننده صحنه ای از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز و پشیمانی ستمکاران در قیامت ، آشکار و نمایان است .

و تری الظلمین ... یقولون

از واژه های <تری> و <یقولون>، استفاده می شود که ظالمان ندامت و آرزوی بازگشت را پنهان نمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲،۳،۴،۵،۹،۱۲،۲۳

۲ - گردن فرازان ستمگر ، خاشع و سرافکننده در صحنه قیامت

و تریهم ... خشعین من الذلّ

۳ - خشوع و فروتنی ظالمان در قیامت ، خشوعی ذلیلانه و از سر ترس و هراس

و تریهم ... خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

۴ - پشیمانی ستمکاران در صحنه قیامت و پس از مشاهده عذاب ، بی تأثیر به حال آنان

یقولون هلّ إلی مردّ من سبیل . و تریهم یعرضون علیها

۵ - ذلت و خواری ظالمان در قیامت ، پیامد خوی تجاوزگری و توسعه طلبی آنان است .

إنّما السبیل علی الذین یظلمون ... و تریهم یعرضون علیها خشعین من الذلّ

۹ - گمراهان ستمکار ، در روز قیامت ، مورد سرزنش اهل ایمان خواهند بود .

وقال الذين ءامنوا إنّ الخسرين الذين خسروا أنفسهم

١٢ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم

إِنَّ الْخٰسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

۲۳ - سرنوشت شوم ستمگران در قیامت ، هشدار برای متجاوزان به حقوق مردم است .

أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

کلمه <ألا> که برای هشدار است رساننده مطلب بالا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۴،۵

۴ - قیامت ، روزی بس سخت و دشوار برای ستمگران

من عذاب يوم أليم

بنابراین که <أليم> صفت <يوم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

۵ - ستم پیشگان ، گرفتار عذابی دردناک در قیامت

فويل للذين ظلموا من عذاب يوم أليم

ظلم تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۶

۶ منکران قیامت از زمره ستمکارانند و در قیامت از رحمت خدا محروم خواهند بود .

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ ... وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَفْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۳ - ۳

۳ - انکار قیامت ، ظلم است و منکران قیامت ظالم اند .

أءنك لمن المصدقين .. إنا جعلناها فتنه للظلمين

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به منکران قیامت قرار دارد که آنان را به رنج و عذاب تهدید می کند. تعبیر کردن از آنها به خصوصیت ستم کار بودن، گویای برداشت یاد شده است.

ظلم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۹

۹ در قیامت به کسی ستم نمی شود . (نه از ثواب او کاسته و نه بر عقاب او

افزوده می گردد .)

توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

ظلم مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۶

۶ - منکران قیامت ، از زمره ستمگران اند .

الذین لایؤمنون بالأخره . . . و لو أن للذین ظلموا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، از منکران قیامت تعبیر به ظالم کرده است.

ظن مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۳،۴

۳ - انکار قیامت از سوی جن و انس ، مبتنی بر ظن و گمان است ؛ نه علم و یقین .

و أنهم ظنوا کما ظننتم أن لن یبعث الله أحداً

از به کار رفتن ماده <ظن> در این آیه و آیات مشابه، در مورد نفی و انکار قیامت، مطلب یاد شده استفاده می شود.

۴ - هیچ کس در انکار قیامت ، علم و یقین ندارد .

و أنهم ظنوا کما ظننتم أن لن یبعث الله أحداً

ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۹

۱۹ - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِیْمَا كَانُوْا فِیْهِ یَخْتَلِفُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ -

۲۴ - قیامت ، روز ظهور و بروز قدرت مطلق خدا و آگاهی همگان به نبود قدرت برای غیر اوست .

إذ يرون العذاب أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۵

۵ - قیامت ، روز آگاهی مشرکان تابع و دنباله رو از گمراهی پیشوایان و بزرگان خویش

إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۸

۸ - صحنه قیامت ، صحنه مشاهده اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن است .

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت

فعل <یری> می تواند از رؤیت به معنای دیدن با چشم باشد. بر این مبنا معنای جمله <كذلك...> چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان (و یا نتایج اعمالشان) را به آنان نشان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواییشان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذين اتقوا فوقهم يوم القيمة

چون برتری مؤمنان تقواییشان در دنیا نیز حتمی است ، بنابراین <يوم القيمة>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۷

۷ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برچیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است. نه اینکه در وقوع و تحقق روز

قیامت شکی نیست چنانچه در برداشت قبلی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۶،۷

۶ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برجیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است؛ نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست، چنانچه در برداشت قبل آمده است.

۷ همه حقایق در قیامت ، مکشوف و یقینی است .

لیوم لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱

۱ تجلی علم و قدرت حق ، در روزی که هر کس کردار خویش را حاضر می یابد .

قل ان تخفوا .. یعلمه الله ... و الله علی کل شیء قدیر. یوم تجد کل نفس ما عملت

بنابراینکه <یوم تجد>، ظرف برای <یعلمه الله> و <قدیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۸

۸ آخرت ، عرصه ظهور واقعی نتایج عقاید و اعمال

و من یتغ ... و هو فی الاخره من الخاسرین

قید <فی الاخره>، نفی زیان در دنیا نیست؛ لذا حمل بر ظهور زیان در آخرت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۲

۲ قیامت ، عرصه آشکار شدن اعمال انسان ها در چهره های آنان

یوم تَبْيُضُّ وُجُوهُ وُتَسْوَدُّ وُجُوهُ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۷

۷ تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

برخی برآنند که مراد از <ما غلّ>، آن مالی که در دنیا مورد خیانت واقع شده، نیست؛ بلکه گناه خیانتکاری در قیامت تجسم می یابد و خیانتکار همراه آن گناه مجسم در صحنه قیامت حاضر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۹، ۲۹

۱۹ قیامت، صحنه ظهور خیر و شرّ واقعی

و لا یحسبنّ .. هو شرّ خیراً لهم بل هو شرّ سیطوّقون ... یوم القیمه

۲۹ آویخته شدن اموال مانعان زکات به گردنشان در قیامت، به صورت اژدهایی از آتش

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

از امام صادق (ع) درباره <سیطوّقون ما بخلوا به ..> سؤال شد، آن حضرت فرمود: ما من احد یمنع من زکاه ماله شیئاً الا جعل الله عزّوجلّ ذلک یوم القیمه ثعباناً من نار مطوّقاً فی عنقه.

کافی، ج ۳، ص ۵۰۲، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۴۴۹ و ۴۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱۰، ۱۹

۱ نیستی و نابودی، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص)، در قیامت

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو> در <لو تسوّی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوّی ..> کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

هیچ حقیقتی را از خداوند پنهان نخواهند ساخت .

و لا یکتُمون اللّٰه حدیثاً

بنابر اینکه جمله <و لا یکتُمون> عطف بر <یودّ> باشد، نه عطف بر <تسوی> .

۱۰ قیامت ، روز بروز نهفته های درونی انسان

و لا یکتُمون اللّٰه حدیثاً

بر این مبنا که جمله <و لا یکتُمون> عطف بر <یودّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۲۰

۲۰ آگاه شدن امت ها از کرده های خویش در قیامت

إلی یوم القیمه و سوف ینبئهم اللّٰه بما کانوا یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۴

۴ قیامت ، صحنه بروز کارساز نبودن ثروت دنیا برای زراندوزان بی ایمان

إِنَّ الذّٰلِیْنَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا و مثله معه .. ما تقبل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ صحرای محشر عرصه حسابرسی مردم برای تعیین میزان پایبندی آنان به احکام الهی

احل لكم .. حرم علیکم صید البر ما دتم حرمًا و اتقوا اللّٰه الذی الیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

ليجمعنكم إلى يوم القيمة لا ريب فيه

مرجع ضمیر <فيه> می تواند <یوم القیامه> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ -

۷ قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشهم جمیعا ثم نقول للذین أشركوا این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

۱۱ قیامت، روز ظهور حقانیت توحید، حتی برای مشرکان

ثم نقول للذین أشركوا این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۴،۷

۴ قیامت، روز رسوایی مشرکان و آشکار شدن بطلان عقاید شرک آلود آنان

ثم لم تکن فتنتهم .. و الله ربنا ما كنا مشرکین

۷ قیامت، صحنه بروز ملکات و خصلتهای تثبیت شده و پنهان آدمی

و الله ربنا ما كنا مشرکین

مشرکان در قیامت دروغ می گویند، حال آنکه برای آنان فایده ای ندارد. دلیل این کار، به فرموده صاحب المیزان، رسوخ خصلت دروغگویی در آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۳،۴،۶

۳ ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

از کاربردهای فعل <ضل> جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: <ضل الشيء إذا ضاع>

۴ ظهور بی پایگی و پوچی عقیده شرک در قیامت، صحنه ای در خور تأمل و درس آموز

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا یفترون

۶ قیامت، روز تجلی حقایق و از میان رفتن پرده های اوهام است.

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۶

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم

الساعة بغته قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

مراد از <الموتی> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله <یبعثهم الله>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب است که خداوند این مرده دلاّن را برخواهد انگیخت تا حقانیت دعوت پیامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۶، ۱۴

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون

۱۶ قیامت، روز بروز حقیقت اعمال دنیوی آدمیان است.

ثم إليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملك يوم ينفخ في الصور

<له الملك> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملك يوم ينفخ فى الصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۷، ۱۹

۱۷ بازگشت همگان به سوی خداوند و آگاهی یافتن آنان از حقیقت کرده های خویش در قیامت، پرتوی از ربوبیت الهی است.

ثم إلى ربهم مرجعهم فينبئهم بما كانوا يعملون

۱۹ قیامت روز ظهور و برملاشدن اعمال آدمی و حقیقت آن است.

كذلك زينا لكل . . . فينبئهم بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۵

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا على أنفسهم أنهم كانوا كافرين

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان است.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت خلافکاران را به اعمال ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ثم ینبئهم بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۰ خداوند آگاه کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلی ربکم مرجعکم فینبئکم

۱۱ قیامت روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداوند در دنیا حقانیت مسائل مورد اختلاف میان اهل ایمان و شرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفت خبر دادن <فینبئکم>، کنایه از کیفر دهی است، و یا مراد از آن آگاهی ویژه، یعنی آگاهی عینی و ملموس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

۱۳ قیامت ظرف ظهور و انکشاف ربوبیت مطلق خدا برای همگان

أغیر الله أبغی ربا و هو رب کل شیء .. فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

از مصادیق مورد نظر برای <ما کنتم فیه تختلفون>، به دلیل <أغیر الله أبغی ربا>، ربوبیت خداوند بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۱

۱ قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم بما کانوا بآیتنا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۱، ۴، ۳، ۲

۲ قیامت، روز تأویل و بروز حقایق مطرح شده در قرآن

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

مراد از <یوم> به دلیل فrazهای بعد روز قیامت است.

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله

يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمير مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۵ منکران حقانیت قرآن، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد.

یوم یأتی تأویله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

۱۱ کافران به قرآن، در قیامت، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید.

ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۴

۱۴ آدمی در قیامت به علم حضوری درمی یابد که خداوند پروردگار اوست.

إنا كنا هذا غفلین

اشاره به ربوبیت خدا با کلمه <هذا> گویای آن است که انسان در قیامت خود را در پیشگاه خداوند حاضر می یابد. یعنی علم حضوری و شهودی به او پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۲۱

۲۱ قیامت، روز حضور انسان در برابر خدا و آگاه شدن او از تمامی کرده هایش و نیز

روز محاکمه و تعیین سرنوشت

ثم تردون إلى علم الغيب والشهده فينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ باخبر شدن انسان ها در قیامت از حقیقت و بازتاب اعمال دنیوی خویش

فینبئکم بما کنتم تعملون

مراد از <ما کنتم تعملون> می تواند ظاهر اعمال نباشد ؛ چه اینکه انسانها از ظاهر اعمال خویش باخبرند و آنچه را نمی دانند، حقیقت اعمالشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۹

۹ قیامت ، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشرهم جميعاً .. و ردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نطنکم کذبین .. إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بروز و ظهور حاکمیت مطلق خداوند بر بندگان

یوم یأت لاتکلم نفس إلا یأذنه

از آن جا که در دنیا هیچ فعل و انفعالی صادر نمی شود مگر اینکه اذن خدا را همراه دارد ، می توان گفت مقصود از <لا-تکلم نفس إلا- بإذنه > این است که: در آخرت این حقیقت برای همگان مکشوف می شود و انسانها آن را لمس خواهند کرد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵،۶

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا . .. قال الشيطان ... إن الله وعدكم وعد الحق و

۶- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

و برزوا لله جميعًا . .. سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ... إن الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۹

۹- ظهور و بروز حقیقت انسان و نهان و آشکار وی به هنگام حضور در پیشگاه خداوند در روز رستاخیز

يوم تبدل الأرض . . . و برزوا لله الواحد القهار

یکی از معانی <بروز> کشف و ظهور حقیقتی است که قبلاً پنهان و در خفا بوده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۷

۷- کیفر دادن خداوند در قیامت ، عینیت یافتن رفتار خود آدمی و آینه تمام نمای آن است .

ليجزى الله كل نفس ما كسبت

آمدن جمله <ما کسبت> به جای <بما کسبت> (در مقابل کسب و تلاش)، می تواند مشعر به این حقیقت باشد که میان

کیفرهای الهی و رفتار آدمی وحدت کامل وجود داد و بلکه می توان گفت که عین یکدیگرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۴

۴- قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن حق و باطل است .

الذين يجعلون مع الله إلهًا

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که زمان <دانستن>، روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۸

۸- در قیامت ، پوچی و بطلان خدایان مشرکان برملا می شود .

يقول أين شركاءى الذين كنتم تشقون فيهم

از اینکه خداوند در قیامت در مؤاخذه مشرکان، از آنها می پرسد: خدایان ادعایی تان کجاست؟ و آنان جوابی نمی دهند، حکایت از آشکار شدن پوچی معبودهای مشرکان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- کافران پس از مرگ ، به حقایقی دست می یابند و از اعمال گذشته خود نگران می شوند .

الكفرین . الذين تتوفهم الملائكة ظالمى أنفسهم ... ما كنا نعمل من سوء

از اینکه کافران پس از مرگ، بی آنکه حرفی زده شود، به دفاع از خود می پردازند و منکر کارهای زشت خود می شوند، به دست می آید که آنان به چیزهایی از جمله به وضعیت بد خود و اینکه کردارشان باعث گرفتار شدن آنان به عذاب می شود، دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸

۱- خداوند ، انسان ها را پس از مرگ زنده می کند تا حقایق را برای آنان تبیین نماید .

بلى وعدًا عليه حقًا . .. ليبين لهم الذى يختلفون فيه

۲- ظهور حقیقت امور اختلافی ، از دلایل زنده شدن انسان ها در قیامت است .

بلى وعدًا عليه حقًا . .. ليبين لهم الذى يختلفون فيه

۳- قیامت ، روز ظهور حقایق

بلی وعدًا

عليه حقاً .. ليبيّن لهم الذی یختلفون فيه

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلی وعداً عليه حقاً .. و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۵

۵- قیامت ، روز آشکار شدن اعمال ، انگیزه ها و ماهیت همه انسانها

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً

برداشت فوق از آن جاست که با گواهی دادن گواهان، پرده از تمامی اعمال، انگیزه ها و .. انسانها که تا روز قیامت از منظرها پنهان بود برداشته خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۲

۲- لزوم توجه انسان ها ، به حقایقی که ناگزیر در قیامت با آن رو به رو خواهند شد .

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً

مقصود از <یوم> روز قیامت است، توصیه خداوند به یادآوری این روز که از امر <اذکر> مقدر به دست می آید، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۲

۱۲- خداوند ، تحقیقاً حقایق مورد اختلاف انسان ها را در قیامت ، بیان خواهد کرد .

و لیبيّننّ لکم یوم القیمه ما کنتم فيه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- منکران معاد ، با مشاهده حضور خود در صحنه قیامت ، به عمق نادرستی پندار خویش پی می برند .

بل زعمتم ألن نجعل لکم موعداً

تعبیر > بل

زعمتم... > در حقیقت، بازگو کننده حال کسی است که علی رغم باور خویش، خود را در صحنه قیامت می بیند و از این جهت شرمسار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۹

۹- در قیامت ، کارآمد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۴

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعینهم فی غطاء .. کفروا بأیت ربهم و لقاءه

مقصود از لقای پروردگار، مسلماً برخورد حسی نیست (لاتدرکه الأبصار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیامت، به حقایق یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز لقای پروردگار و مشاهده نمود های روشن وی است .

فمن کان یرجو لقاء ربّه

مسلّم است که مراد از لقای پروردگار، برخوردی حسی با او نیست؛ چون، چنین امری هم از نظر عقل و هم از نظر متون دینی، محال است (لاتدرکه الأبصار). بنابراین، به قرینه <فلیعمل عملاً صالحاً>، مراد از لقای پروردگار، مواجه شدن با رضایت و پاداش های او در روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۶

۶- در قیامت ، گواهانی بر بطلان پندار فرزندی عیسی (ع) برای خداوند شهادت خواهند داد .

فویل للذین

كفروا من مشهد يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۲،۴

۲- قیامت ، روز ظهور و بروز حقایق است .

أسمع بهم و أبصر يوم یأتوتنا

۴- روبه رو شدن با حقایق و درك و لمس آن ، از جمله عذاب های کافران در روز قیامت است .

فویل للذین كفروا من مشهد يوم عظیم . أسمع بهم و أبصر يوم یأتوتنا

در آیه قبل، دشواری و سنگینی روز قیامت برای کافران مطرح گردید. در این آیه یکی از عوامل آن دشواری ها مطرح گردیده که همان درك و فهم حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲۰

۲۰- قیامت ، روز ظهور حقایق

و إنا الساعة فسیعلمون من هو شرّ مكاناً و أضعف جنداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۲،۷

۲- معبود های مشرکان در قیامت ، بطلان و بیهودگی عبادت های مشرکان را برملا کرده و از آن براءت خواهند جست .

سیکفرون بعبادتهم و یكونون علیهم ضدّاً

در مورد ضمیرهای موجود در آیه، احتمالاتی ذکر شده است؛ از جمله آن که ضمیر <یکفرون> و <یکونون> به <ءالهه> باز می گردد و ضمیر <عبادتهم> و <علیهم> به مشرکان. برداشت یاد شده مبتنی بر این وجه است. گفتنی است که <کفر> در معانی مختلفی از جمله انکار و براءت استعمال شده است (لسان العرب). در این آیه نیز به قرینه <و یكونون علیهم ضدّاً> به معنای براءت جستن و سلب مسؤولیت است.

۷- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرکورزی و بروز ناتوانی

معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

لیکونوا لهم عزًا .. سیکفرون بعبادتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

یوم نحشر .. و نسوق المجرمین إلی جهنم وردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإِنَّه یحمل یوم القیمه وزرًا

<وزر>، به معنای بار سنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گناه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۷

۷- ملکات و تفاوت های انسان ها ، در قیامت نیز بروز و ظهور خواهند داشت .

إذ یقول أمثلهم طریقه

<أمثلهم طریقه> بیانگر خصلت شخصی است که نظریه <یک روز> را مطرح ساخته است. حدوث این خصلت برای وی در آخرت بعید به نظر می رسد. بنابراین باید گفت این ویژگی، بروز و ظهور ملکاتی است که در دنیا برای او تحصیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۴،۷

۴ - ظهور حاکمیت مطلق خداوند ، در قیامت

یومئذ یتبعون الداعی

۷ - قیامت ، روز تجلی و ظهور رحمانیت خداوند

و خشعت الأصوات للرحمن

<رحمان> یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۷

۷ - حقایق در قیامت ، آشکار خواهد شد .

و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۵،۱۰

۵ - آدمیان در قیامت ، کمبود ها و کاستی های خویش را درک و احساس خواهند کرد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

۱۰ - انسان در قیامت ، به خاطرات زندگانی خود در دنیا و ویژگی های جسمی خویش در آن دوران آگاه خواهد بود .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی و قد كنت بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۷

۷ - اعمال آدمیان حتی خُردترین آنها در روز قیامت ، حضور و بروز پیدا خواهند کرد .

و إن كان مثقال حَبَّةٍ من خردل أتینا بها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که از عبارت <أتینا بها> معنای ظاهری آن اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إنّ الله یفصل بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۴

۴ - دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۴

۴ - پی بردن دوزخیان در

قیامت به ناچیزی زندگی دنیوی، امری بی ثمر به حال آنان

إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

<لو> در عبارت <لو أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ> برای تمنی است؛ یعنی، ای کاش! این حقیقت را از پیش می دانستید تا کارتان به دوزخ نمی کشید؛ اما اکنون که در دوزخ هستید، این اعتراف ثمری برای شما ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۵،۷،۹

۵ - تمامی رفتار و گفته های آدمی در دنیا، در روز رستاخیز آشکار و بر ملا خواهد شد.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

با شهادت و گواهی اعضا و جوارح انسان بر گفته ها و رفتارهای او، تمامی آنها در روز قیامت بر ملا و آشکار خواهد شد.

۷ - جهان آخرت، جهان عینیت یافتن شعور و آگاهی برخی از پدیده ها و آشکار شدن حقایق ناشناخته دنیا

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

از آیه شریفه، چنین استفاده می شود که اعضا و جوارح، دارای نوعی شعوراند و اعمال آدمی را درک کرده و با خود نگه می دارند. البته این حقیقت در عالم دنیا، برای همگان عینیت ندارد و تنها در جهان آخرت، همگان شاهد تحقق عینی این معنا خواهند بود.

۹ - تهدید شدن سازندگان <افک> به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الدِّينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ... يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات

مربوط به ماجرای <افک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۹

۹ - ظهور کامل حقانیت < الله > در قیامت برای همگان

یومئذ .. يعلمون أنّ الله هو الحقّ المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۲، ۱۳

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعه يحسبه الظمآن ماء حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً و

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعه .. حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۹، ۱۰

۹ - خداوند ، انسان را از نتیجه و حقیقت کارهایی که در دنیا انجام می دهد آگاه خواهد ساخت .

و يوم يرجعون إليه فيبئتهم بما عملوا

۱۰ - قیامت ، روز آگاه شدن انسان از حقیقت و نتیجه اعمال خویش

و يوم يرجعون إليه فيبئتهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۱، ۲، ۳

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند رحمان

<الحق> صفت برای <الملك> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به

معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است، چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی و حاکمیت حقیقی از آن خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

۲ قیامت ، عرصه ظهور حاکمیت پایدار خدای رحمان

الملك يومئذ الحق للرحمن

۳ قیامت ، روز جلوه رحمانیت خداوند

الملك يومئذ الحق للرحمن

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن وصف <رحمان> برای خداوند در عرصه قیامت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۵

۵ - قرار گرفتن خصوصیات هر فرد در معرض دید همگان در روز رستاخیز

و لاتخزنی يوم يبعثون

فرض رسوایی و شرمساری، در صورتی صحیح است که دیگران از خصوصیات آدمی با خبر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۳

۳ - ظهور ارزش تقوا و مقام متقین در رستاخیز

و أزلفت الجنة للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱،۲

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و برزت الجحيم للغاوين

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أزلفت الجنة للمتقين . و برزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۲

۲ - آشکار گشتن پوچی عقاید شرک آلود ، برای مشرکان در قیامت

و قيل لهم أين ما كنتم . . هل ينصرونكم أو ينتصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۳

- آشکار گشتن پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و ما أضلنا إلا المجرمون .. و لاصديق حميم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۳

۳ - ظهور ارزش واقعی ایمان و مؤمنان در صحنه قیامت

فلو أن لنا كره فنكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال آدمیان

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

از این که نفس عمل آدمی به عنوان جزا معرفی شده، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۳

۳ - قیامت ، عرصه آشکار شدن بطلان شرک و تجلی کردن وحدت و یگانگی خداوند

و يوم يناديهم .. قال الذين حقّ عليهم القول ربنا

اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت خداوند بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۹

۹ - برملا شدن حقانیت توحید برای جوامع شرک پیشه در قیامت

فعلموا أن الحق لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۹

۹ - قیامت ، روز ظهور و تجلی حقایق است .

و یوم تقوم الساعة .. و کانوا بشرکائهم کفرین

ذکر کفر مشرکان به معبودان خویش در قیامت، به عنوان یکی از رخدادهای آن، می تواند به جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ -

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصدعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۷

۷ - خصلت های تثبیت شده انسان ها ، در روز قیامت بروز می کند .

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه کذلک کانوا یؤفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ - در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکران قیامت کشیده می شود .

فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون

عبارت توییحی <فهذا یوم البعث> قرینه است بر این که متعلق <لاتعلمون> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۱

۱۱ - همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو تری إذ المجرمون .. ربنا أبصرنا و سمعنا

۱۶ - در قیامت ، اهمیت عمل صالح برای همه انسان ها ، آشکار می شود .

فارجعنا نعمل صلحًا

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا .. إِنْنا موقنون

۱۸ - قیامت ، عرصه کشف و بروز حقایق است .

ناكسوارءوسهم عند ربهم ربنا

أبصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صلحًا إنا موقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۳

۳ - کافران در قیامت ، در می یابند که منشأ عذاب ، خداوند است .

رَبَّنَا ءَاتِهِمْ ضَعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق بر انسان ها

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم إلى بعض القول... لولا أنتم لك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۱

۱ - در روز قیامت ، همه مشرکان به منظور مؤاخذه و روشن شدن حقایق گردآوری خواهند شد .

و يوم يحشرهم جميعًا ثم يقول للملئكة أهؤلاء إياكم كانوا يعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۵،۹

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

۹ - کافران در قیامت ، به صراحت و راست گفتاری رسولان الهی پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

قالوا یویلنا .. و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس -

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا اليوم أيها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۲

۲ - قیامت ، روز شناخته شدن حق و باطل و خوب و بد و گروندگان به آنان

هذا يوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَثَابٍ .. هذا وَإِنَّ لِلطَّغْيَانِ لَشَرَّ مَثَابٍ

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۶

۶ - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

و قالوا ما لنا لانرى رجلاً كُنَّا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- قیامت ، عرصه ظهور حقایق و رخداد های بس بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

توصیف روز قیامت به عظیم بودن، می تواند به خاطر بزرگی رخدادها و عظمت حقایق آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر -

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسَرُوْا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسَرُوْا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَا ذٰلِكَ هُوَ الْخٰسِرَانِ الْمَبِيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۹

۹ - نتیجه و پیامد اصلی عقاید باطل و رفتار زشت انسان ، در قیامت ظهور و بروز پیدا خواهد کرد .

و لعذاب الآخره أكبر لو كانوا يعلمون

<عذاب> نتیجه طبیعی عقاید باطل و کردار ناپسند انسان است. بر این اساس بزرگ تر بودن عذاب اخروی در مقایسه با عذاب دنیایی، بیانگر این حقیقت است که نتیجه اصلی عقاید و رفتار زشت، در آخرت ظاهر خواهد شد و آنچه در دنیا مشاهده می شود تنها ظهور بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۵

۵ - پی بردن مشرکان و ظالمان

به بی ارزشی دنیا ، هنگام روبه رو شدن با عذاب قیامت

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض .. لاقتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مشرکان و ستمگران، بیشتر برای تقویت دنیای خود از آخرت روی گردان هستند و در صورت مشاهده عذاب الهی حاضر می شوند تمامی دنیا را فدای نجات خود کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۱،۳

۱ - ظهور و بروز تمامی اعمال و دستاورد های بد و زشت ستمگران در قیامت

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

۳ - تمامی کردار و رفتار آدمیان در روز رستاخیر ، در نظر آنان مجسم و ظاهر خواهد شد .

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ الله هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أنّ لی کزّه فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۶

۶ - ظهور و بروز قدرت مطلقه خداوند بر جهان در قیامت

و الأرض جميعاً قبضته يوم القيمة و السموت مطوَّيت بيمينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- زمین ، در قیامت عرصه روشن شدن حقایق الهی

و أشرقَت الأرض بنور ربِّها

برخی از مفسران بر این عقیده اند که چون خاصیت نور، روشن کردن هر چیزناپید است. بنابراین مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگار، روشن شدن حقایق در عرصه قیامت است و اضافه نور به خداوند اضافه تشریفی و از باب تعظیم می باشد.

۴- روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرقَت الأرض بنور ربِّها

۶- تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۱

۱- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقت و باطن انسان ها و نمایان شدن اسرار آنان

یوم هم برزون

طبق نظر بیشتر مفسران مقصود از نمایان شدن انسان ها، بروز و ظهور حقیقت و باطن آنان و کشف اسرار ایشان است؛ نه ظاهر شدن جسم آنان؛ مانند مفاد آیه <یوم تبلی السرائر>، (سوره طارق (۸۶) آیه ۹).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۵

۵- قیامت ، روز کشف حقایق

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف يعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلل...> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۴

۴ - قیامت، روز کشف حقایق و روشن شدن عقاید <درست و نادرست> و <حق و باطل>

قالوا ضلّوا عنّا بل لم نكن ندعوا من قبل شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قیامت، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالك المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۷

۷ - ضرورت یادآوری اوضاع خفت بار دشمنان خدا، در عرصه قیامت برای کفرپیشگان

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار فهم یوزعون

<یوم> مفعول به برای فعل محذوفی مانند <ذکرهم> یا <أنذرهم> و امثال آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۷

۷ - آخرت، صحنه بروز و ظهور حیات و شعور موجودات *

قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۲

۲ - کشف و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)،

مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ - قیامت ، صحنه کشف حقایق جهان هستی است .

و یوم ینادیهم این شرکاء قالوا اذنک ما منا من شهید

بنابراین که جمله <آذناک> برای انشا و ایجاد اعلام باشد (اعلام می کنیم) می توان استفاده کرد که این اعلام براساس کشف حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه آشکار شدن بطلان شرک و باور های شرک آلود

و ضلّ عنهم ما كانوا یدعون من قبل

بنابراین که مراد از <ما> آرا و ادعاهایی باشد که مشرکان در ارتباط با خدایانشان مطرح می کردند، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ - کشف حقیقت و باطن اعمال ، برای انسان در آخرت

فلننبئن الذین کفروا بما عملوا

بنابراین که <ما> در <ما عملوا> مای حقیقیه باشد با الغای خصوصیت از کافران استفاده می شود که انسان ها، از حقیقت اعمال خویش بی اطلاع اند و در روز قیامت برای آنان آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۲

۲- قیامت ، صحنه روشن شدن حقایق و حل اختلافات انسان ها به وسیله خداوند

و ما اختلفتم فيه من شيء فحکمہ إلى الله

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که حکم الهی در <فحکمہ> جنبه عینی و واقعی داشته باشد؛ یعنی، آشکار کردن حقایق در مورد

اختلافات، با توجه به آیات پیشین که در زمینه قیامت بود به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - ظهور قدرت و شکست ناپذیری خداوند برای کافران ، در جهان آخرت

و هو القویّ العزیز .. و ما له فی الآخره من نصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، < کلمه فصل > الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه .. و ما له فی الآخره من نصیب ... و لولا کلمه الفصل لقضی

از آن جا که محور این چند آیه، مسأله ایمان به قیامت و محاسبه آن در معادلات رفتاری و اعتقادی است، عنوان < کلمه الفصل > بر این معنا منطبق است؛ یعنی، اگر قیامتی نبود می بایست دنیامداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسیدند؛ ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۸

۸ - تجسم اعمال انسان در قیامت

مما کسبوا و هو واقع بهم

بنابراین که مراد از < ما > عمل باشد و < هو > به آن باز گردد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز و پشیمانی ستمکاران در قیامت ، آشکار و نمایان است .

و تری الظلمین .. یقولون

از واژه های <تری> و <يقولون>، استفاده می شود که ظالمان ندامت

و آرزوی بازگشت را پنهان نمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

و ما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۹

۹ - انکار و پرده پوشی گناهان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لكم من نكير

<نكیر> چنان که برخی گفته اند مصدر و به معنای <انکار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۶،۷

۶ - قیامت ، عرصه ظهور حقایق ، برای انسان ها

و يحسبون ... حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلِيت

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و يحسبون أنهم مهتدون . حَتَّى إِذَا جَاءَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴ - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و موَدّت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۸

۸- قیامت ، صحنه حقیقت و واقعیت است ؛ نه بازیگری و هوسرانی .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۲،۳

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لکنّ اکثرهم لایعلمون . إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۲

۲- شهود حسی دوزخیان در قیامت ، نسبت به حقایق مورد تشکیک خود در دنیا

إنّ هذا ما کنتم به تمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۳،۴

۳ - ظهور حاکمیت و قدرت یگانه خداوند برای آدمیان در قیامت

و لله ملك السموت و الأرض ... و ترى كلّ أمة جائیه ... اليوم تجزون

با توجه به آیه

قبل که سخن از مالکیت و حاکمیت مطلق خدا به میان آورد به زانو نشستن امت ها در قیامت که در این آیه مطرح شده می تواند نشانگر ظهور قدرت و حاکمیت خداوند در آن روز باشد.

۴ - اضطراب و ناتوانی همه امت ها در روز قیامت ، امری نمایان و قابل مشاهده

و تری کلّ أمّه جائیه

تعبیر <تری> مشهود بودن آن صحنه را افاده می کند و <جائیه> می تواند کنایه از اضطراب و ناتوانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۰ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه نمود حاکمیت اراده خداوند

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ

تعبیر به <یدخلهم> گویای این حقیقت است که بهره مند ساختن مردم از رحمت اخروی، کار خدا و وابسته به او است. در غیر این صورت، می فرمود: <یدخلون فی رحمته...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیئات ما عملوا

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیئات..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدارها و انذارهای الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فى الصور ذلك يوم الوعيد

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۵

۵ ربوبیت انکارناپذیر الهی ، متجلی برای همگان در قیامت

قال قرینه ربنا ما أظغیته

التجای قرین کافران به ربوبیت عام الهی در روز قیامت، می رساند که ربوبیت خداوند در آن روز، چنان آشکار است که هیچ کس، قادر به نادیده گرفتن آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۱

۱ - مواجه گشتن تکذیب گران ، با حقایق مورد انکار خویش در قیامت

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۳

۳ - تجلی توحید و ظهور حاکمیت یگانه حق ، در صحنه قیامت

یوم لا یغنی عنهم کیدهم شیئاً و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر به دست می آید: ۱ <یوم لا یغنی...> نظر به قیامت داشته باشد ۲ این که هیچ نیرویی در قبال نیروی حق، کارساز نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور حاکمیت مطلقه خداوند و بروز ناتوانی غیر او

لیس لها من دون الله کاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۱

۱ - ظهور حاکمیت

الهی بر جن و انس ، به هنگام برپایی قیامت

یمعشر الجنّ و .. لاتنفذون

مفاد آیه به قرینه سیاق و ارتباط آیات قبل و بعد درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۶

۶ - ظهور و تجلی اقتدار الهی بر خلق ، در صحنه قیامت

یرسل علیکما .. فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۲،۳

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

يعرف المجرمون بسیمهم

<سیمما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ .. يعرف المجرمون بسیمهم

۳ - قیامت ، روز آشکار شدن اسرار و عیان گشتن نهان ها

يعرف المجرمون بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز دگرگونی و زیرورو شدن طبقات مردم

خافضه رافعه

<خفض> به معنای فرود آوردن و به زیر کشیدن و <رفع> به معنای بالا بردن و برافراشتن است، یعنی، واقعه قیامت، به زیر آورنده اقوامی و بالا آورنده اقوامی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - قیامت، روز جلوه گر شدن حقیقت نورانی ایمان و عمل صالح

قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله -

۶ - تک تک اعمال انسان با وجود این که خود وی آنها را فراموش می کند در نزد خداوند محفوظ بوده و در قیامت به او ارائه خواهد شد .

فَيَتَّبِعُهُمُ بَما عَمِلُوا أَحْصِيهِ اللَّهُ وَ نَسُوهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۶

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لَنْ تَنفَعَكُمُ . . . يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۸

۸ - آگاهی یافتن انسان در دادگاه الهی در قیامت ، به تمامی اعمال گذشته خویش

فَيَتَّبِعُكُمْ بَما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذَلِكَ يَوْمِ التَّغَابُنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱

۱ - ظهور و بروز ذلت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خَشَعَهُ أَبْصَرَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۳،۴

۳ - قیامت ، روز کشف حقایق و بروز و ظهور تمامی ابعاد وجودی انسان ها (نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار ها)

لاتخفی منکم خافیه

۴ - بروز و به نمایش در آمدن شخصیت حقیقی و واقعی انسان ها (نقص و کمال و خوبی و بدی آدمیان)

لاتخفی منکم خافیه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۳

۳ - لحظه مرگ و جهان پس از آن ، زمان کشف حقایق الهی برای بشر

حَتَّىٰ آتِنَا الْيَقِينَ

برداشت یاد شده، براساس این احتمال است که نام گذاری مرگ به <یقین>، ممکن است به این لحاظ باشد که پس از مرگ، حقایق بسیاری از جمله وجود معاد و... برای بشر روشن و عینی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۳ - ۱

۱ - آگاه شدن انسان ها در قیامت ، از تمامی کرده های خویش در دنیا ، از نخستین تا آخرین آنها

يَتَّبِعُوا الْاِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاٰخِر

مفسران در تبیین <بما قَدَّمَ وَاٰخِر> سه احتمال بیان کرده اند: ۱ مقصود از <بما قَدَّمَ> اعمالی است که در آغاز زندگی انجام داده نشده و مراد از <اٰخِر> انجام دادن عمل در پایان عمر است. ۲ مراد از <بما قَدَّمَ> اعمالی است که در دنیا پایان می پذیرد (مانند نماز) و مقصود از <اٰخِر> اعمالی است که ثواب آنها پایان ندارد (مانند صدقه جاریه و سنت حسنه). ۳ مقصود از <بما قَدَّمَ> اقدام به عمل و مراد از <اٰخِر> به تأخیر انداختن و انجام ندادن آن است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۴ - ۳

۳ - مجموعه رفتارها و کردارهای هر انسانی در قیامت ، برای او آن چنان روشن است که نیازی به دلیل و گواه دیگران نیست .

بَلِ الْاِنْسَانِ عَلٰی نَفْسِهٖ بَصِيْرَه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۳

۳ - ظهور ناتوانی کامل بشر ، در برابر خداوند در عرصه قیامت

فإن كان لكم كيد فكيّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۳،۶

۳ - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را درخواست خواهند یافت .

كَلَّا سِيعْلَمُونَ

۶ - جهان آخرت ، جایگاه کشف حقایق و رفع اختلافات است .

مختلفون ... سِيعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳،۴،۵

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیہ مختلفون ... ثمّ کَلَّا سِيعْلَمُونَ

۴ - منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عمّ یتساءلون ... ثمّ کَلَّا سِيعْلَمُونَ

۵ - شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

یتساءلون ... ثمّ کَلَّا سِيعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - ظهور سلطه کامل خداوند بر تمام موجودات ، در قیامت

لا يتكلمون إلا من أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۶، ۱۳، ۱۰، ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال و ظهور دست مایه ها و تلاش های انسان

يوم ينظر المرء ما قَدَّمت يداه

۱۰ - انسان ، خود ناظر دسترنج خویش در قیامت

يوم

ينظر المرء ما قدّمت يداه

۱۳ - کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذابًا قریبًا یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه و یقول الکافر یلیننی کنت ترّبًا

از آن جایی که کافران با نگاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کنند؛ می توان پی برد که آنان، گرفتاری به عذاب را بر خود قطعی دیده اند.

۱۶ - کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و یقول الکافر یلیننی کنت ترّبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک إذا کزه خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۱

۱ - تمام انسان ها ، در صحنه قیامت حاضر شده ؛ کردار های فراموش گشته خویش و اهداف آن تلاش ها را به خاطر خواهند آورد .

یوم یتذکر الإنسن ما سعی

<ما> در <ما سعی> موصول و عائد آن حذف شده است؛ یعنی، <ما سعی له>. این تعبیر بر اهدافی منطبق است که سعی انسان، برای دستیابی به آن بوده است. ممکن است <ما> مصدریه باشد؛ یعنی، <سعیه>. در این صورت آنچه به یاد انسان خواهد آمد، نفس سعی و تلاش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

صحنه قیامت ، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنهم یوم یرونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز آگاهی انسان ها به کردار دنیایی خویش و آثار و نتایج آن

علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۴ - ۷

۷ - قیامت ، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قالوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۶ - ۴

۴ - کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل ثوب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ما> در <ما کانوا..> مفعول دوم برای <ثوب> است یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۴

۴ - حقایق کتمان شده ، در قیامت آشکار خواهد شد و مخفی نگه داشتن آن امکان پذیر نیست .

یوم تبلی السرائر

گرچه <ابلاء> به معنای آشکار ساختن نیست ولی لازمه اختبار و آزمایش سریره ها، بر ملا شدن ویژگی های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق برای همگان

یومئذ یتذکر الإنسن

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف

سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دكّت الأرض .. یومئذ یتذكر الإنسان

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دكّت الأرض..> و جمله <یتذكر الإنسان> جزا برای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۶

۶ - قیامت ، زمان ظهور حقایق و پی بردن انسان ها به نیک و بد اعمال خویش

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

وعدۀ <سوف تعلمون> به قرینه <لستسلنّ یومئذ عن النعیم> ناظر به زمان برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با تهدید رقابت کنندگان در امتیازات مادی ، بر ظهور حقیقت و مواجه شدن آنان با کیفر اخروی تأکید کرده است .

ثمّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۵

۵ - مشاهده جهنم در قیامت ، موجب آگاهی از نادرست بودن تفاخر و زیاده نمایی و سود نبخشیدن امتیازات مادی است .

سوف تعلمون .. لتروّن الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ - دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

استناد <نار> به <الله>، بیانگر آن است که، استناد آتش جهنم به خداوند، بر کسی پوشیده نخواهد ماند، گرچه درباره آتش های دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

عمل صالح در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور اعمال پسندیده ای است که آدمی در دنیا انجام داده است .

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

ضمیر مفعولی در <تجدوه> (می یابید آن را) به کلمه <خیر> بر می گردد و مقتضایش آن است که: آدمی با همان عمل نیکی که انجام داده، روبه رو خواهد شد؛ یعنی، اعمال نیک آدمی در قیامت، به گونه ای بروز و ظهور دارند.

عابدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۹

۹ حضور تمامی انسان ها مستکبران و عبادت کنندگان به پیشگاه خداوند در قیامت

لن يستنكف المسيح ان يكون عبداً لله .. و يستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

کلمه <اما> در آیه بعد تفصیل و توضیح <فسيحشرهم ..> می باشد. بنابراین ضمیر <هم> شامل هر دو گروه عبادت کنندگان و کسانی که از عبادت خدا استنکاف دارند می شود.

عبادت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۴

۴ - ممکن نبودن عبادت و جبران کوتاهی ها و تقصیر ها ، در جهان آخرت

و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون

یادآوری شدت هولناکی عرصه قیامت و ناتوانی کافران برای سجده و خضوع در برابر پروردگار، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که هیچ کس نمی تواند کوتاهی های گذشته خود را، در آخرت جبران کند.

عبرت از نشانه های قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- لزوم متذکر گشتن از نشانه های قیامت ، قبل از فرارسیدن آن و پایان یافتن مهلت

فهل ينظرون إلا الساعة .. فقد جاء أشراتها فأنى لهم إذا جاءتهم ذكريهم

از این که خداوند، تذکر را به هنگام برپایی قیامت بی فایده دانسته است، مطلب بالا استفاده می شود.

عجز اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۲

۲- تکذیب کنندگان قیامت ، ناتوان از توجیه تکذیب گری های خود به هنگام مشاهده آتش دوزخ

أفسح هذا أم أنتم لاتبصرون

عجز از امداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۱۱

۱۱- ناتوانی انسان ها از یاری رسانی به یکدیگر در قیامت ، جلوه ای از حاکمیت مطلقه خداوند بر رخداد های آن است .

يوم لا تملك نفس لنفس شيئاً و الأمر يومئذ لله

ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، گویای برداشت یاد شده است.

عجز از تکلم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۶

۶- قیامت ، دارای غم و اندوه کشنده و زجر آور ، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد .

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده باشد.
<کاظمین>؛ یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

عجز از توصیف قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۱

۱ - شناخت حقیقت قیامت ، برای همگان میسر نیست .

و ما أدریک ما یوم الدین

استفهام <ما أدراک> (چه چیز تو را دانا ساخت)، حاکی از محرومیت عموم مردم از ابزار شناخت قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۱

۱ - انسان ، فاقد ابزار شناخت برای تصور قیامت و پی بردن به حقیقت آن

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

عجز از فهم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۸

۸ - انکار قیامت ، برخاسته از قلب سیاه و درک ناتوان است .

الذین یکذبون بیوم الدین . . کلاً بل ران علی قلوبهم

عجز مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۴

۴ ناباوران به قیامت از درک دلالت عذاب های دنیوی ، بر قیامت و عذاب های اخروی ناتوانند .

إن فی ذلک لأیه لمن خاف عذاب الآخره

روشن است که دلالت عذابهای دنیوی بر حقانیت قیامت، اختصاص به گروهی خاص ندارد. بنابراین لام در <لمن خاف...> لام انتفاع است و بیانگر این نکته می باشد که: هر چند آیت بودن عذابها اختصاص به کسی ندارد ولی ناباوران به قیامت از فهم آن محرومند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۸

۸ - منکران قیامت ، ناتوان از ارائه دلیلی قطعی بر نفی معاد و معترف به امکان وقوع آن

قلتم ما ندری ما الساعه . . . و

از آیه شریفه استفاده می شود که منکران معاد، با ادعای <ما ندری> و <إن نظنّ..> در صدد انکار معادند؛ لیکن بر این دعوی هیچ دلیل اثباتی و قطعی ندارند؛ بلکه به گونه ضمنی امکان آن را معترف اند (و ما نحن بمستیقین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۱

۱ - درماندگی تکذیب گران روز جزا در قیامت ، از هر گونه چاره اندیشی برای رهایی خویش از عذاب الهی

فإن کان لکم کید فکیدون

عدالت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۹

۹ در قیامت به کسی ستم نمی شود . (نه از ثواب او کاسته و نه بر عقاب او افزوده می گردد .)

توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۸

۸ گروهی از اهل کتاب ، قائل به وجود تبعیض در رستاخیز و کیفر های الهی بودند . *

لن تمسنا النار الا ایاماً

زیرا نسبت به خودشان عذاب اندکی را باور داشتند، ولی نسبت به دیگران چنین پنداری را نداشتند؛ یعنی تبعیض در رستاخیز و کیفرهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ قیامت روزی که به انسان ظلم نخواهد شد .

و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲ - هیچ انسانی در قیامت نسبت

به کیفر و پاداش اعمال خویش ، ظلم و بی عدالتی نخواهد دید .

یوم ... توفی کل نفس ما عملت و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۵

۵ - پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من یعمل ... فلا یخاف ظلماً و لاهضماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۳ - ۵

۵ - بازتاب عادلانه عملکرد دنیوی انسان ها در آخرت

فمن ثقلت موزینه فأولئك هم المفلحون . و من خفت موزینه ... فی جهنم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۶،۹

۶- روا نشدن ظلم به انسان ها ، در جهان آخرت

و هم لایظلمون

۹- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لكل درجات مّا عملوا و لیوفّیهم عملهم و هم لایظلمون

لام در <لیوفّیهم>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۴،۱۳،۱۲

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

۱۳ پاداش و جزای کردار

آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزاها و پاداش های اعمال *

و من يغفل يأت بما غلّ يوم القيمة ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

جمله <و هم لا يظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفى كل نفس ما كسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۴

۴ محاسبه دقیق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و انما توفون اجورکم يوم القيمة

<توفون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقیق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

عدم تفکر در نشانه های قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۷

۷- انسان ها، از درنگ و تفکر در نشانه های قیامت و دلایل اثبات آن، روی گردان هستند.

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

متعلق <غفلت> و <اعراض> دو چیز است زیرا غفلت، نشانگر بی توجهی به مسأله و اعراض، علامت توجه به آن است و معقول نیست که یک چیز هم مورد توجه باشد و هم عدم توجه. بنابراین مقصود از اعراض، روی گردانی از دلایل روشن بر اثبات معاد و عدم تأمل و تفکر درباره قیامت است.

عذاب اخروی مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۲

۲ - تکذیب گران قیامت ، مبتلا به شکنجه روحی و جسمی در آخرت

هذه جهنم الّتی یکذب بها المجرمون

با این که مجرمان سرانجام به دوزخ افکنده می شوند ولی با یادآوری تکذیب هایشان مورد شکنجه روحی نیز قرار می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۲

۲ - تحقیر و عذاب روحی تکذیب گران روز جزا ، در قیامت از سوی خداوند

فإن کان لکم کید فکیدون

امر در <فکیدون>، تعجیزی و مفید سرزنش و تحقیر است.

عذاب جسمی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۵

۵ - باطن و روح انسان نیز در قیامت ، از آتش جهنم در عذاب خواهد بود .

الّتی تطلع علی الأفئدة

ممکن است در دنیا بدن کسی بسوزد ولی روح او رنج نبیند و از شکنجه در راه عقیده شادمان باشد اما این آیه، آتش جهنم را برای جان انسان که قلب کنایه از آن است نیز سوزاننده معرفی کرده است.

عذاب روحی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - باطن و روح انسان نیز در قیامت ، از آتش جهنم در عذاب خواهد بود .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

ممکن است در دنیا بدن کسی بسوزد و ولی روح او رنج نبیند و از شکنجه در راه عقیده شادمان باشد اما این آیه، آتش جهنم را برای جان انسان که

قلب کنایه از آن است نیز سوزاننده معرفی کرده است.

عذاب روحی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت، علاوه بر گرفتاری به کیفر جسمانی (سوختن)، به کیفر روانی (تحقیر و استهزا) نیز مبتلا خواهند شد.

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا .. لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَحَدًّا و ادعوا ثُبُورًا ك

جمله <لا تدعوا..> - به جای جواب مناسب با <دعوا هنالك ثبوراً> می تواند برای تحقیر و استهزای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۲

۲ - تحقیر و عذاب روحی تکذیب گران روز جزا، در قیامت از سوی خداوند

فإن كان لكم كيد فكيّدون

امر در <فکیّدون>، تعجیزی و مفید سرزنش و تحقیر است.

عذاب فراموشکاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - عذاب فراموش کاران قیامت، عذابی بس سخت و شدید است.

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا .. و ذوقوا عذاب الخلد

تکرار <ذوقوا> و مبهم گذاشتن آن و چیزی که شخص گناهکار، امر به چشیدن آن شده است در <ذوقوا> ی نخست حکایت از سختی و شدت آن می کند.

عذاب قیامت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۷

۱۷ عذاب روز قیامت ، عذابی بس بزرگ و هولناک

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره إني أخاف عليكم عذاب يوم

توصیف روز قیامت به عظمت و بزرگی می تواند به اعتبار بزرگی عذاب آن باشد. یعنی در حقیقت <عظیم> توصیف عذاب است.

عذاب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۴

۴ کیفر و عذاب تکذیب کنندگان قیامت ، بسیار شدید و هولناک خواهد بود .

سمعوا لها تَغِيظًا وَ زَفِيرًا

صدای خشمگینانه و پرخروش آتش جهنم، با دیدن منکران معاد از راه دور، حاکی از شدت و هولناکی عذاب و کیفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۴

۴ آتش دوزخ برای منکران قیامت ، بسیار زجر آور و طاقت فرسا خواهد بود .

دعوا هنالك ثبورًا

درخواست هلاکت و مرگ در آتش دوزخ، حاکی از شدت دردناکی و طاقت سوزی آن آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۳،۵

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، علاوه بر گرفتاری به کیفر جسمانی (سوختن) ، به کیفر روانی (تحقیر و استهزا) نیز مبتلا خواهند شد .

وَ إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا .. لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبورًا وَحَدًّا وَ ادْعُوا ثُبورًا ك

جمله <لا تدعوا..> - به جای جواب مناسب با <دعوا هنالك ثبورًا> می تواند برای تحقیر و استهزای آنان باشد.

۵ جهنم ، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لا تدعوا اليوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا كثيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مجرمان و منكران قيامت ، به

عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد .

و لو ترى إذ المجرمون .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۰ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قیامت در آن روز ، گرفتار جهنم و عذاب الهی خواهند بود .

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل> به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب). برخی آن را نام یکی از درب ها، یا درّه ای از جهنم می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز ، به حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثم إنهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال>) بوده است / یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَالَى بِالنَّارِ وَ صَالِيهَا صَلِيًّا قَاسِي حَرِّهَا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَالَى فَلَانٌ بِالنَّارِ يَصَلِي صُلِيًّا احترق (سوخت).

عذابهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۱،۱۲

های روز قیامت است .

و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم .. فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و مشارالیه آن مضمون <ناكسوا رءوسهم.. > باشد.

۱۲ - منسیّ خدا شدن ، یکی از عذاب های روز قیامت است .

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا إنا نسينكم

<إنا نسيناكم> به منزله مقابله با <نسيتم> است ؛ یعنی، چون شما روز قیامت را فراموش کردید، ما هم شما را فراموش کردیم. از آن جایی که آیه، در صدد بیان مجازات فراموش کاران قیامت است عبارت <إنا نسيناكم> هم می تواند مجازات تلقی شود.

عذر بر فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذين اتخذوا دينهم لهواً و لعباً .. و لقد جئتهم بكتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

عذرخواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۶،۷

۶ - در روز قیامت ، حتی برای کافران ، امکان عذرخواهی هست .

فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا معذرتهم

این که فرموده است: >عذرخواهی،

سودی ندارد < حکایت می کند که عذرخواهی، ممکن است، اگرچه پذیرفته نمی شود.

۷- ناباوری به قیامت، در دنیا، عامل بی حاصل شدنِ معذرت خواهی در روز قیامت است.

و لکنکم کنتم لاتعلمون . فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

<فاء> در <فیومئذ> عاطفه است و می تواند برای سببیت باشد. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <کسانی که به روز قیامت علم نداشتند، در آن روز معذرت خواهی شان سودی ندارد>. علم نداشتن، ملازم با ناباوری و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۶

۶- کافران حق ستیز، فاقد هر گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند، در روز قیامت

و لا هم یستعتبون

<استعتاب> (مصدر <یستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

عرش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۷ - ۵

۵- مسند قضای الهی در قیامت، بر فراز خلاق و در منظر همگان

و یحمل عرش ربک فوقهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <فوقهم>، خلاق در محشر باشد.

عرضه جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۴،۱۳

۱- روز قیامت، زمان عرضه جهنم بر حاضران

و جایء یومئذ بجهنم

مراد از <آوردن جهنم به صحنه قیامت>، ممکن است انتقال آن به محشر و یا اظهار آن

برای اهل محشر باشد. گفتنی است که در سوره های دیگر از نوع دوم سخن به میان آمده است.

۴ - جهنم ، مقهور کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جایء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

۱۳ - > [عن رسول الله في قوله تعالى < و جىء يومئذ بجهنم > انه] قال : يجىء بها سبعون ألف ملك يقودونها بسبعين ألف زمام ;

[از رسول خدا(ص) درباره قول خدای تعالی < و جىء يومئذ بجهنم > روایت شده که [فرمود: هفتاد هزار فرشته، جهنم را با هفتاد هزار بند می کشند و می آورند].

عصیان مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۱

۱ - سربچی تکذیب گران روز جزا ، از فرمان رکوع و فروتنی در مقابل خداوند

و إذا قيل لهم ارکعوا لایرکعون

عصیانگر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱،۴

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

يومئذ يوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو> در <لو تسوّی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوّی .. > کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

۴ - عصیان از فرمان های پیامبر (ص) ، موجب سرافکنندگی و شرمساری مرگبار در قیامت

و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

عصیانگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و ...) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأیتی . . . و أقیموا الصلوه ... و اتقوا یوماً لا تجزی نفس عن نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۲

۲- از بین هر گروه و مسلک در قیامت ، تجاوزکارترین و مستکبرترین افراد بیرون کشیده خواهند شد .

ثم لنتزعنّ . . . علی الرحمن عتیّاً

<عتیّاً> مصدر و به معنای استکبار و تجاوز از حد است (لسان العرب). <عُتُوٌّ> نیز به معنای دور شدن از طاعت می باشد (مفردات راغب).

عظمت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۲

۲ - برپا ساختن رستاخیز و زنده کردن مردگان ، کاری بزرگ و باعظمت است ؛ اما در برابر عظمت قدرت خداوند ناچیز می باشد .

إِنَّا نحن نحی الموتی

برداشت یاد شده، از آمدن دو ضمیر جمع (إِنَّا و نحن) استفاده شده است.

عظمت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

<غاشیه> به معنای داهیة (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن

خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه‌هایی قابل توجه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

عظمت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۷

۷- وقوع زلزله بسیار بزرگ و هولناک در جهان طبیعت (زمین و ...) ، در آستانه برپایی قیامت

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۳

۳- زلزله زمین در آستانه قیامت ، بسیار عظیم و غیر قابل توصیف

إِذَا رَجَّتْ الْأَرْضُ رَجًّا

ذکر <رَجًّا> به صورت نکره، بیانگر آن است که حرکت و لرزشی که بر زمین وارد می شود، چنان عظیم است که نمی توان هیچ وصفی را برای آن بیان کرد.

عظمت صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۲

۲ - همه انسان ها در قیامت ، تنها با یک صیحه عظیم زنده و به پیشگاه پروردگارشان حاضر خواهند شد .

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

عظمت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۱

۱- قیامت ، روزی با عظمت که همگان با آن مواجه خواهند شد .

و اتقوا یوماً

مراد از <یوماً> روز قیامت است. نکره آوردن آن، حکایت از عظمت آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ قیامت روزی بزرگ و با عظمت است.

عذاب

یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روزی عظیم در دیدگاه پیامبران (ع)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۶

۱۶ روز قیامت ، روزی بزرگ و عذاب آن ، عذابی سهمگین است .

فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ

کلمه <کبیر> در ظاهر صفت برای <یوم> است و در حقیقت بیانگر بزرگی عذاب آن روز می باشد که از آن در برداشت ، به سهمگینی عذاب تعبیر گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۸

۸- روز قیامت ، روزی عظیم و جایگاه حضور و گواهی است .

من مشهد یوم عظیم

<مشهد> چنانچه اسم مکان باشد، به معنای محل حضور و شهادت است. و می تواند مصدر میمی و به معنای شهود و حضور در روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۶

۶ - عظمت رخداد قیامت و چشم دوختن به رحمت خداوند در آن روز ، صداها را در سینه ها حبس و طنین آن را خواهد گرفت .

یومئذ... و خشعت الأصوات للرحمن

پایین آوردن صدا در قیامت، برخاسته از خشوع قلب است که نتیجه مشاهدات انسان از صحنه های آن روز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ - قیامت، روزی بزرگ و بسیار دشوار

عذاب یوم عظیم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۳

۳ - روز قیامت ، روزی بس با عظمت و مهم

لکم میعاد یوم

تنوین <یوم> بر تعظیم دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۸

۸ - قیامت ، روزی بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۲

۲۲ - روز قیامت و کیفر دهی کافران ، روزی بس بزرگ و توصیف ناپذیر *

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

نام گذاری قیامت به <الواقعه> با توجه به این که این کار نوعی اختصاص دادن لفظ به یک مسمی است بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در برابر آن، چیزی به حساب نمی آید و تنها قیامت است که باید آن را واقعه نامید. این بیان، حکایت از عظمتی دارد که واقعه های دیگر در مقابل آن، ناچیز است و در واقع، قیامت حادثه ای است که مانند ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، حادثه ای بس با عظمت و هولناک

ما الحاقه

استفهام در <ما الحاقه> به گفته مفسران برای تهویل و تعظیم است؛ یعنی، چیست آن حادثه بزرگ و هولناک؟!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، واقعه ای بس سهمگین و عظیم

و ما أدریک ما الحاقه

از تعبیر <و ما أدراک ما الحاقه> (چه چیز آگاه کرد تو را ..) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی از آن به درستی و شایستگی آگاهی ندارد و تنها در پرتو وحی الهی قابل شناخت است.

۲ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت قیامت ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما الحاقه

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما الحاقه

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره، در جهت بیان بخشی از حقایق مربوط به قیامت است. از مجموع آنها می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان ها قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

فیومئذ وقعت الواقعة

نام گذاری قیامت به <واقعه>، بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در جهان، در مقایسه با رخداد قیامت، بسیار ناچیز است و تنها قیامت، شایسته آن است که حقیقتاً آن را <واقعه> نامید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است بس بزرگ و با عظمت .

لأقسم بیوم القیمه

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که سوگند به هر چیزی، نشانه عظمت آن چیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بس سهمگین و عظیم

لأی یوم أُجَلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، واقعه ای است بس سهمگین ، با عظمت و شگفت آور .

و ما أدریک ما یوم الفصل

<ما> در <ما أدراک ما..> برای استفهام و مفید تعجیب و تهویل است؛ ضمن آن که تکرار <یوم الفصل> به صورت اسم ظاهر به جای ضمیر تأیید کننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۱

۱ - روز قیامت ، روزی عظیم و برپایی آن کاری حکیمانه است .

ذلک الیوم الحقّ

<ذلک> اشاره به دور است. به قرینه <عذاباً قریباً> در آیه بعد مراد از دوری قیامت، تأخیر زمانی آن نیست؛ بلکه بیانگر عظمت والا و فراتر از حد تصور آن است. <حقّ> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۲

۲ - قیامت ، حادثه ای سنگین و با عظمت و صحنه سایه افکندن نگرانی و ترس بر منکران معاد

أبصرها خشعه

فروتنی و ذلّت منکران معاد در صحنه قیامت، حاکی از عظمت و هول آور بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۱،۴

۱ - رخدادهای قیامت، برترین حادثه ناگواری که حوادث دیگر را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد.

الطامة الكبرى

<طامة> یعنی،

رخداد مصیبت باری که بر هر رخداد دیگر غالب آید (لسان العرب).

۴ - پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامه الكبرى

<کبری> اسم تفضیل است و قیامت را در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۲

۲ - فاصله قیامت و دنیا هرچند طولانی باشد در برابر عظمت حوادث قیامت ناچیز و بسان گذشت نیمروز از عمر دنیا است .

كأنهم ... لم يلبثوا إلا عشية أو ضحیها

مفاد <یرونها> ممکن است در ناچیز دیدن دوران گذشته، دخیل باشد؛ یعنی، دیدن قیامت و رخدادهای آن، این ذهنیت را در انسان ایجاد می کند که فاصله طولانی دنیا و برزخ، در نظر او اندک آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۵

۵ - قیامت ، رخدادی بزرگ و صحنه فریاد های گوش خراش مردم

فإذا جاءت الصاخه

<صاخه>؛ یعنی، فریاد شدیدی که گوش ها را کر کند و به حادثه بزرگ نیز اطلاق می گردد (قاموس). در کشف آمده است که توصیف قیامت به این وصف، به اعتبار فریاد کشیدن حاضران در قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در

حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخدادهای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای بزرگ که هنگام برپایی آن ، شترداران با دل کندن از مرغوب ترین شتران خود ، آنها را به حال خود رها خواهند کرد .

و إذا العشار عطلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۲

۲ - قیامت ، روزی سهمگین و دارای عظمتی فراتر از تصور است .

و ما أدريک ما یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت روزی بس با عظمت است و بیان سختی حوادث آن ، امکان پذیر نیست .

ثمّ ما أدريک ما یوم الدین

تکرار <ما أدراک> تأکید بر عظمت و نبودن ابزار، برای آگاه سازی دیگران به حقیقت حوادث آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - سیطره حاکمیت خداوند بر تمام امور قیامت ، حقیقتی وصف ناپذیر و تصوّر آن بیرون از طاقت علمی بشر است .

و ما أدريک .. ثمّ ما أدريک ما یوم الدین ... و الأمر یومئذ لله

بیان حاکمیت مطلقه خداوند پس از اشاره به فوق تصور بودن قیامت نشانه آن است که بشر، از درک حقیقت حاکمیت اخروی خدا ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۵ - ۱

۱ - قیامت ، روزی

با عظمت و سزاوار نگران بودن از دشواری های آن

لیوم عظیم

عظمت روز قیامت، به سهمگین بودن حوادث و مراحل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۶ - ۹

۹ - ایستادن در پیشگاه خداوند برای حسابرسی اعمال، از صحنه های خوفناک و حوادث بزرگ روز قیامت است.

لیوم عظیم . یوم یقوم الناس لرب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۴

۴ - روز قیامت، روزی بزرگ و شگفت

و الیوم الموعود

متعلق قسم های خداوند، از عظمتی خاص برخوردار است که آن را شایسته قسم او ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغشیه

استفهام در <هل أتاک>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۱

۱ - قیامت ، واقعه ای سهمگین و شگفت و دارای عظمتی فراتر از حد تصور و بیان

و ما أدریک ما القارعه

عظمت ناظران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۲

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

عقیده باطل در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۴

۴ قیامت، روز رسوایی مشرکان و آشکار شدن بطلان عقاید شرک آلود آنان

ثم لم تکن فتنتهم... و الله ربنا ما كنا مشرکین

عقیده به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ - یهودیان معتقد به برپایی قیامت، بر قراری صحنه های محاکمه در آن روز و احتجاج انسان ها علیه یکدیگر در پیشگاه خدا

أتحدثونهم... لیحاجوكم به عند ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله... یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۷

۷ اعتقاد به قیامت اصلی مسلم در همه ادیان الهی است.

رسل منکم... ینذرونکم لقاء یومکم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۶

۶ دست شستن از گرایش های شرک آلود و روی کردن به تعالیم پیامبران (همچون یگانه پرستی) و عقیده به قیامت ، در دیدگاه اهل شرک ، گمراهی و انحراف است .

إِنْ كَادَ لِيُضِلَّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - عقیده به برپایی قیامت و حساب رسی از بندگان ، از موضوعات

دعوت رسولان الهی

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - اعتقاد به روز حساب ، از اصول دعوت موسی (ع)

لایؤمنن بیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۶

۶ - قیامت و رستاخیز ، از اصول اعتقادی مشترک میان انسان و جن

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

عقیده مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار التي كنتم بها تكذبون

عقیده یهود به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

علم به عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - آگاهی یافتن بر اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن ، از اهداف معاد است .

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۹

۹ - دلیل این که خداوند ، در قیامت ، مردم را از اعمال دنیویشان خبر می هد ، آگاهی او است .

فنتبئهم بما عملوا .. إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۸

۸ - آگاهی یافتن انسان در دادگاه الهی در قیامت ، به تمامی اعمال گذشته خویش

فیتبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۴

۴ - انسان ها ، از تمامی کرده های خویش در قیامت آگاه می شوند .

ثم لتتبنون بما عملتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۶

۱ - آگاه شدن انسان ها در قیامت ، از تمامی کرده های خویش در دنیا ، از نخستین تا آخرین آنها

یتبؤا الإنسن یومئذ بما قدّم و آخر

مفسران در تبیین <بما قدّم و آخر> سه احتمال بیان کرده اند: ۱ مقصود از <بما قدّم> اعمالی است که در آغاز زندگی انجام داده نشده و مراد از <آخر> انجام دادن عمل در پایان عمر است. ۲ مراد از <بما قدّم> اعمالی است که در دنیا پایان می پذیرد (مانند نماز) و مقصود از <آخر> اعمالی است که ثواب آنها پایان ندارد (مانند صدقه جاریه و سنت حسنه). ۳ مقصود از <بما قدّم> اقدام به عمل و مراد از <آخر> به تأخیر انداختن و انجام ندادن آن است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ - اطلاع یافتن انسان در قیامت ، از تمامی اعمال خود در طول عمرش و اثر آنها پس از مرگ خویش (مانند صدقه جاریه و سنت حسنه یا سیئه)

یتبؤا الإنسن یومئذ بما قدّم و آخر

۳ - آگاه شدن انسان ها در قیامت

، از تمامی تکالیفی که انجام داده و یا وظایفی که ترک کرده اند .

يَتَّبِعُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَهُدِّ بِمَا قَدَّمَ وَاخَّرَ

۶ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > يَتَّبِعُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَهُدِّ بِمَا قَدَّمَ وَاخَّرَ < بما قدّم من خیر و شرّ و ما أخّر ممّا سنّ من شیئنه لیستین بها من بعده فإن كان شرّاً كان علیه مثل وزرهم و لا ینقص من وزرهم شیء و ان كان خیراً كان له مثل أجورهم و لا ینقص من أجورهم شیء ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: > يَتَّبِعُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَهُدِّ بِمَا قَدَّمَ وَاخَّرَ < روایت شده که فرمود: [انسان آگاه می شود] به آنچه از خوبی و بدی از پیش فرستاده و آنچه در پس خود نهاده و برخاسته از سنت هایی بوده که بنیان گذاری کرده است تا افراد بعد از او به آن عمل کنند. اگر آن سنت ها بد بوده به اندازه گناه عمل کنندگان برای سنت گذار گناه هست، بدون این که از گناه عمل کنندگان کاسته شود و اگر خیر بوده، برای او مثل پاداش عمل کنندگان هست؛ در عین حال که از پاداش آنان هیچ کاسته نخواهد شد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، روز باز شدن نامه عمل انسان و آگاهی او بر محتوای آن

و إذا الصحف نشرت

>نشر<، مخالف پیچیدن است (لسان العرب). براساس این معنا، فعل >نشرت<، دلالت دارد که نامه اعمال پیش از نشر، به شکل طومار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر -

۱ - قیامت ، روز آگاهی انسان ها به کردار دنیایی خویش و آثار و نتایج آن

علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۱،۲

۱ - قیامت روز آگاهی هر انسان ، به کردار دنیایی و آثار به جای مانده از خویش

علمت نفس ما قَدَمَت و أُخْرَت

<ماقَدَمَت> در یک احتمال ناظر به کرداری است که انسان خود، آن را انجام داده است. در مقابل مراد از <ماأُخْرَت> سنت های روا و ناروایی است که انسان پس از خود، به جای گذاشته و آثار و تبعات آن برای او ثبت شده است و در روز قیامت با آن مواجه خواهد شد.

۲ - برپایی قیامت و پی بردن به کردار ها و بازتاب اخروی آن ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان

إذا السماء .. و إذا ... و إذا ... و إذا ... علمت نفس ما قَدَمَت و أُخْرَت

جمله <علمت نفس ..> جزای شرط هایی است که در آیات پیشین تکرار شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۶

۶ - انسان ها هنگام حضور در پیشگاه خداوند نامه های اعمال خود را در اختیار داشته و به کردار خویش آگاهی یافته اند .

فمَلَقِيه . فَأَمَّا مِنْ أُوْتِي كُتُبِه بِيَمِيْنِه

<فَاء> در <فَأَمَّا> بیانگر ارتباط مفاد این آیه با ملاقات خداوند است که در آیه قبل مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ -

۱ - مشاهده نامه اعمال در قیامت ، مایه آگاهی به کردارها و پیش بینی کیفرها است .

و أمّا من أوتى .. فسوف يدعوا ثبورًا

علم به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۷

۷- عدم امکان راهیابی انسان ، به حقیقت و کیفیت و لحظه وقوع قیامت مگر از طریق وحی

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

بیان <أمر الساعه ..> پس از <لله غیب السماوات> ممکن است از باب ذکر خاص بعد از عام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۷

۱۷- مشرکان ، انتظار داشتند که پیامبر (ص) به زمان وقوع قیامت آگاه باشد .

و يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۴

۴- زمان برپایی قیامت ، زمانی است مشخص در پیشگاه خداوند .

حتّى تأتیهم الساعه بغته

به کارگیری <ساعه> با الف و لام عهد بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۸

۸- مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۵

۵ - زمان

برپایی قیامت ، از امور غیبی و علم آن تنها در اختیار خداوند

قل لا یعلم .. الغیب إلاّ الله و ما یسألون أیّان یبعثون

از ارتباط <أیّان یبعثون> با <الغیب> استفاده می شود که رستاخیز، خود مصداق و نمونه ای از امور غیبی است که دانش آن تنها در اختیار خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۱،۹

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ

۹ - آگاهی خدا به لحظه قیامت ، و حقایق مربوط به جنین و آینده هر انسان ، نمودی از علم گسترده وی است .

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ .. إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۸

۸ - ابلیس ، آگاه به پیدایش نسل هایی از آدم و وجود رستاخیز برای آنان

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱،۳

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إلیه یردّ علم السَّاعَةِ

تقدیم <إلیه> بر <یردّ> مفید حصر است.

۳ - آگاهی خداوند از زمان برپایی قیامت ، لازمه ربوبیت او است .

و ما رَبِّكَ بِظَلَمٍ .. إليه يردّ علم الساعه

با توجه به رجوع ضمیر <إليه> به <رَبِّكَ> در آیه قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۵

۵ - آگاهی به زمان برپایی قیامت مختص خداوند است

له ملك السموت و الأرض .. و عنده علم الساعه

از تقدم خبر بر مبتدا، حصر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۶ - ۲

۲ - آگاهی از زمان دقیق برپایی قیامت ، تنها در انحصار خداوند است و هیچ کس از آن باخبر نیست .

و يقولون متى هذا الوعد .. قل إنما العلم عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۳

۳ - محدودیت قلمرو علم پیامبر (ص) نسبت به عالم آخرت ، من های وحی الهی به ایشان

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم يجعل له ربی أمداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتی إذا اوا ما یوعدون .. اقرب ما توعدون ... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است ، یعنی ، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد ، یعنی ، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به

وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری أقرب ما توعدون .. إلا من ارتضى من رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۱

۱ - تنها خداوند ، خصوصیات قیامت و زمان وقوع آن را می داند .

إلی ربّك منتهیها

<منتهاها> به قرینه سیاق آیات پیشین به معنای منتهای علم به قیامت و شناخت خصوصیات و زمان آن است. تقدیم <إلی ربّك> بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۵

۵ - دانستن زمان وقوع قیامت ، خطر گرفتاری به کیفرهای موجود در آن را کاهش نمی دهد .

یسئلونك .. من یخشیها

جمله <إنّما أنت منذر ..> در مقام بیان این نکته است که آنچه درباره قیامت دارای اهمیت است، توجه به گرفتاری های آن و نگرانی و ترس از خطرات آن است و زمان آن چه معلوم باشد و چه مجهول تأثیری در آن جهت ندارد.

علم به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۴

۴- داشتن حیات و مطلع بودن از زمان وقوع قیامت ، از شرایط الوهیت

أموت غیر أحياء و ما یشعرون أیّان یبعثون

از اینکه خداوند در مقام رد الوهیت معبودهای مشرکان، از آنها به عنوان مردگانی فاقد هرگونه حیات و شعور نام می برد، می توان استفاده کرد که خدا باید دارای حیات و علم باشد.

علم حضوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۱۴ آدمی در قیامت به علم حضوری درمی یابد که خداوند پروردگار اوست .

إنا كنا هذا غفلين

اشاره به ربوبیت خدا با کلمه <هذا> گویای آن است که انسان در قیامت خود را در پیشگاه خداوند حاضر می یابد. یعنی علم حضوری و شهودی به او پیدا می کند.

علما در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذين أوتوا العلم إن الخزي اليوم و السوء على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۸

۱ - برخورداران از علم و ایمان ، در قیامت ، در مقابل اعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و يوم تقوم الساعة .. ما لبثوا غير ساعه ... و قال الذين أوتوا العلم ... لقد لبث

۸ - صاحبان علم و ایمان ، در قیامت ، به پاسخگویی سخنان نادرست و خلاف واقع اقدام می کنند .

يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعه .. قال الذين أوتوا العلم و الإيمن لقد لبثتم .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۵

۵ - اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخداد های

قیامت است .

یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون . . . و قال الذین أوتوا العلم و الإیمان ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

علمای متعهد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۸، ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یتکفون .. لایکلمهم الله

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذین .. لایکلمهم الله> استفاده شده است.

۱۸ - عالمان متعهد از تزکیه الهی برخوردار شده و در قیامت با خداوند هم سخن خواهند بود .

إن الذین یتکفون ما أنزل الله .. لایکلمهم الله یوم القیمه و لایزکیهم

عمل انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ارائه کننده اعمال دنیوی انسان ها به ایشان در صحنه قیامت

کذلک یریهم الله أعمالهم

عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، انسان ها را ، پس از حضور در پیشگاه خود ، از همه اعمال شان آگاه خواهد ساخت .

إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - در قیامت ، مجال عمل صالح ، فراهم نیست .

رَبَّنَا .. فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا

عمومیت اندوه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - نگرانی و هراس انسان ها حتی یکتاپرستان در قیامت

تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه مربوط به قیامت بوده و نگرانی موحدان از ناحیه سرنوشت و دشواری های مراحل بعد پدید آمده باشد.

عمومیت ترس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - نگرانی و هراس انسان ها حتی یکتاپرستان در قیامت

تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه مربوط به قیامت بوده و نگرانی موحدان از ناحیه سرنوشت و دشواری های مراحل بعد پدید آمده باشد.

عمومیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۱

۱ تمامی امتها و پیامبران مورد بازجویی خداوند در قیامت قرار می گیرند.

فلنستلن الذين أرسل إليهم ولنستلن المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۶

۶- همه انسان ها بدون استثنا ، در قیامت مورد بازپرسی خداوند قرار خواهند گرفت .

فوربک لنستلنهم أجمعين

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر <هم> به قرینه <إني أنا النذير المبين> همه انسانها باشد. به دلیل اینکه <نذير> بودن پیامبر(ص) برای

همه انسانهاست.

عمومیت دود قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، درد آفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

یغشی الناس هذا عذاب الیم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

عمومیت نگرانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۲

۲ - تمام انسان ها در قیامت ، نگران وضعیت خود و در تلاش برای رفع گرفتاری های خویش اند .

لکل امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

عوامل آهسته گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - عظمت رخداد قیامت و چشم دوختن به رحمت خداوند در آن روز ، صداها را در سینه ها حبس و طنین آن را خواهد گرفت .

یومئذ . . . و خشعت الأصوات للرحمن

پایین آوردن صدا در قیامت، برخاسته از خشوع قلب است که نتیجه مشاهدات انسان از صحنه های

آن روز می باشد.

عوامل اطمینان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۳

۳ - کرداری که ذخیره آخرت باشد ، در قیامت اطمینان آور و مایه آرامش خاطر انسان خواهد بود .

یلینتی قدّمت لحياتی . . . یأیتها النَّفس المطمئنّه

تقابل دو دسته ای که در این مجموعه آیات از آنان یاد شده است، بیانگر برداشت یاد شده است.

عوامل اندوه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۲، ۹، ۷

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرک‌ورزی و پیروی از سران شرک

کذلک یربهم الله أعمالهم حسرت علیهم

۹ - اعمال ناشایست آدمی در دنیا ، مایه حسرت و اندوه او در قیامت خواهد شد .

کذلک یربهم الله أعمالهم حسرت علیهم

۱۲ - شرک‌ورزی ، محبت به سران شرک و پیروی از آنان ، عمل های حسرت آفرین و اندوهبار در سرای آخرت برای مشرکان

پیرو

کذلک یربهم الله أعمالهم حسرت علیهم

عوامل ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۳، ۱۱

۱۱ قرآن و پیام های آن بهترین وسیله برای ایمان به معارف الهی (توحید ، قیامت و . . .) است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

در برداشت فوق ضمیر <بعده> به قرآن و <باء> در فبأی < سببیه گرفته شده است. قابل ذکر است که در این صورت متعلق <یؤمنون> معارف الهی خواهد بود. یعنی اگر به وسیله قرآن به توحید و مانند آن ایمان نیاورند، پس به سبب چه چیز

دیگری ایمان خواهند آورد؟

۱۳ دقت و تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین و دیگر آفریده ها ، بهترین وسیله برای ایمان به خدای یگانه و روز قیامت

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <بعده> به استدلالی که از <أو لم یظروا> فهمیده می شود، برگردانده شود. بر این مبنا <باء> در <بأی> سببیه است. یعنی اگر جهان آفرینش از آن جهت که نیازمند آفریننده است نتواند آدمی را به خدای یگانه مؤمن کند، کدامین دلیل توان اثبات آن را دارد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۶

۶ توجه و باور به قدرت مطلق خدا ، زداینده هرگونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر

هدف از بیان قدرت خداوند ، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت ، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۰

۳۰ - مطالعه در چگونگی رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، زایل کننده هرگونه شک و تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر احیای دوباره مردگان

یأیها الناس إن کتم فی ریب من البعث... و تری الأرض هامده... من کلّ زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۲

دقت و اندیشه در چگونگی پیدایش انسان ، زمینه ساز ممکن دانستن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

أولم ير الإنسن . . . و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه

عوامل پیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۳

۳ - سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

یوماً يجعل الولدن شیباً

عوامل ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۴

۴ - توجه به نزدیک بودن قیامت و اندک بودن فاصله آن با زندگانی دنیا ، افزایش دهنده ترس و نگرانی درباره گرفتاری های آن *

إنما أنت منذر من یخشیها . کأنهم یوم یرونها لم یلبثوا إلا عشیه أو ضحیها

عوامل ترشرویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۲

۲ - دل بستن به دنیا و غفلت از آخرت ، موجب اندوه شدید و گرفتگی چهره ها در قیامت

کلا بل تحبون العاجله . و تذرون الآخره ... و وجوه یومئذ باسره

عوامل تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ انکار قیامت ، معلول جهل و نادانی و مانع ترقی و تعالی انسان است .

أُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ

<أغلال> (جمع غل) به معنای بندها و زنجیرهاست. مراد از آن می تواند معنای حقیقی آن باشد که در این صورت جمله <أُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ> بیانگر کیفر و مجازات منکران

ربوبیت خدا و منکران قیامت است و نیز می تواند مراد از آن معنای مجازی (بندها و زنجیرهای جهل و نادانی، خرافات، سنتهای غلط و ...) باشد که بر این مینا جمله <أولئك...> بیانگر ریشه و علت اعتقاد نداشتن به معاد و ربوبیت خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۱

۱ - فراموشی و بی توجهی به مبدأ پیدایش انسان ، عامل دور شمردن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <و نسی خلقه> حال برای فاعل <ضرب> است؛ یعنی، در حالی که آفرینش خود را فراموش کرد، مثلی در رد عقیده به قیامت برای ما آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۶

۶ - کفر به خدا و انکار رستاخیز در عین شناخت آیات الهی برخاسته از تکبر و غرور است .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایة ربکم .. فبئس مثوی المتکبرین

توصیف شدن کافران و منکران قیامت به متکبر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۹

۹ - انکار قیامت و اظهار ناباوری به آن ، به رغم پیام های مکرر وحی ، معلول استکبار و جرم پیشگی است . *

فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین .. قلتما ما ندری ما الساعه

برداشت بالا با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و این نکته است که

>قلتم ما ندری.. < به عنوان نمودی از استکبار و جرم پیشگی کافران یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۲

۲ - باطل گرایی و سرگرم شدن به پوچی ها ، عامل اصلی تکذیب وحی و قیامت

الذین هم فی خوض یلعبون

از این که <الذین هم.. > به عنوان تنها وصف <المکذبین > آمده است؛ نقش اصلی آن در تکذیب حق استفاده می شود.

عوامل حسرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۲، ۱۱، ۹، ۷

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرکورزی و پیروی از سران شرک

کذلک یربهم الله أعمالهم حسرت علیهم

۹ - اعمال ناشایست آدمی در دنیا ، مایه حسرت و اندوه او در قیامت خواهد شد .

کذلک یربهم الله أعمالهم حسرت علیهم

۱۱ - اعمال ناروای آدمیان در قیامت ، به صورت حسرتی مجسم در پیش روی آنان قرار خواهد گرفت .

کذلک یربهم الله أعمالهم حسرت علیهم

برداشت فوق بر این اساس است که: <یری> از رؤیت قلبی باشد. در این صورت <حسرات> مفعول سوم برای <یری> خواهد بود و معنای جمله چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان را به صورت حسرتهایی، بر آنان جلوه گر خواهد ساخت.

۱۲ - شرکورزی ، محبت به سران شرک و پیروی از آنان ، عمل های حسرت آفرین و اندوهبار در سرای آخرت برای مشرکان پیرو

کذلک یربهم الله أعمالهم حسرت علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠- زلزله - ٩٩ - ٧ - ٦

٦- > عن أبي جعفر (ع

(فی قوله > فمن يعمل مثقال ذرّة خيراً يره < يقول إن كان من أهل النار و كان قد عمل فی الدنيا مثقال ذرّة خيراً يره يوم القیامه حسرةً انه كان عمله لغير الله < ;

از امام باقر(ع)، درباره سخن خداوند >فمن يعمل مثقال ذرّة خيراً يره< روایت شده که خداوند [می فرماید]: اگر [بنده ای] از اهل آتش بوده و در دنیا به اندازه وزن یک ذره، کار خوب انجام داده باشد، در قیامت آن را می بیند تا حسرت بخورد که چرا این عمل را برای غیر خدا انجام داده بود.

عوامل خنده رویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۴،۳

۳ - پاکی ، تذکر پذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزّکی . أو یدّکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

۴ - ایمان و دوری از گناه ، مایه بشاش و خندان بودن چهره مؤمنان در قیامت

وجوه ... ضاحکه مستبشره

به قرینه آخرین آیه این سوره (أولئک هم الکفره الفجره)، مراد از <وجوه> در این آیات، چهره های کسانی است که کافر نبوده و از فسق و فجور پاک و منزّه اند.

عوامل دشمنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۲،۵

۲- پیوند های باطل و شرک آلود دنیوی ، مایه عناد و ستیز در صحنه قیامت *

یدعوا من دون الله .. و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

موجوداتی را که انسان در دنیا به غلط

تکریم نموده و با آنان پیوند عبودیت و پرستش برقرار کرده^۴ در قیامت این پیوند به خصومت منتهی خواهد شد.

۵- توجه به تبدیل پیوند های شرک آلود به روابط خصمانه در آخرت ، مایه پرهیز انسان از شرک

و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

آیه شریفه، با تذکر دادن به عداوت اخروی معبودهای دروغین با عبادت گران خویش، درصدد دور نمودن انسان ها از شرک و روی آوری به غیر خدا است.

عوامل ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعة> به برپایی قیامت و <ذلک> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: *إن کنتم فی ریب من البعث فإننا خلقناکم من تراب.. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت >* اشاره داشته باشد.

عوامل رفع اضطراب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۷، ۶، ۵

۵ - با صدور امر خداوند درباره شفاعت ، قلب های مضطرب و در هراس ، از هراس خالی می شود .

حتّی إذا فرّغ عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم

<فرّغ عن > به معنای زوال فرّغ و هراس است (مفردات راغب).

۶ - شفاعت کنندگان قبل از دریافت امر خدا ، در حال هراس و اضطراب خواهند بود .

حتّی إذا فرّغ عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم

بنابراین که مرجع ضمیر <قلوبهم> شفاعت کنندگان باشد که

از جمله آنان ملائکه اند برداشت یاد شده به دست می آید.

۷- با صدور فرمان خداوند درباره شفاعت ، اضطراب شفاعت کنندگان برطرف می شود .

حَتَّى إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ

عوامل روسیاهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۲

۲- احساس بی نیازی از تعالیم دین ، مایه روسیاهی در قیامت

أَمَا مِنْ اسْتَعْنَى . فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ... و وجوه یومئذ علیها غبره

ارائه دو ترسیم از حاضران صحنه قیامت در ذیل سوره، ممکن است اشاره به تقسیمی باشد که در آغاز سوره انجام گرفته بود که در یک طرف این ام مکتوم و در طرف دیگر اشراف قرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۱ - ۲

۲- روسیاهی در قیامت ، فرجام بی نیاز دیدن خود از پند و اندرز قرآن

أَمَا مِنْ اسْتَعْنَى . .. كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ... ترهقها قتره

ارتباط این آیه با آیات آغاز سوره، گویای برداشت یاد شده است.

عوامل زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲- عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحجیرآمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

>ما< برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

عوامل سبکی میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۶

۶ عن امیر المؤمنین (ع): .. و أما قوله: >...

و من خفت موازینه < فإنما یعنی الحساب ... و السيئات خفه المیزان

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: مراد از آیه <و من خفت موازینه>، حسابرسی (در قیامت) است ... و گناهان، موجب سبکی میزان هستند

عوامل سختی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۶

۶ کفر، عامل سختی و تنگنایی در جهان آخرت

کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

عوامل سرور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لاتجزون إلا ما کتتم تعملون . إن أصحاب الجنة الیوم فی شغل فکھون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۳

۳ - پاکی ، تذکرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزگی . أو یذکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

عوامل سنگینی میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ عن امير المؤمنين (ع) .. و اما قوله: < فمن ثقلت موزينه ... > فإنما يعنى الحساب ... و

الحسنات ثقل الميزان ...

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: .. مراد از آیه <فمن ثقلت موازينه>، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسنات، موجب سنگینی میزان است ...

عوامل شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۳

۳- غفلت از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منك مالا .. قال ما أظن أن تبيد هذه أبداً . و ما أظن الساعة قائمه

عوامل غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۹، ۱۶

۱۶ - زندگی دنیا ، فریبنده و مایه غفلت انسان از خدا و قیامت است .

اتَّقُوا رَبَّكُمْ و اخشوا يوماً .. فلا تغرَّوكم الحيوه الدنيا

۱۹ - رحمانیت خدا ، مورد سوء استفاده اغواکنندگان ، در غافل ساختن انسان از قیامت و کیفر اعمال است .

و لا یغزَّوكم بالله الغرور

<باء> در <بالله> سببی است و مراد از آن، این است که شیطان و یا هر موجود فریبنده ای، به وسیله ذکر خدا و برخی از اوصاف او، همانند رحمانیت و یا غفاریت، چه بسا انسان را مغرور کند.

عوامل غفلت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۱

۱ - گرفتاری های هر کس در قیامت ، جایی برای رسیدگی او به دیگران باقی نگذاشته ، او را به خود مشغول خواهد ساخت .

لکَلّ امریء منہم یومئذ شأن یغنیہ

به هر امری از امور <شأن> گفته می شود (قاموس)؛ جز این که سیاق

آیه شریفه دلالت بر عظمت شأن مورد نظر دارد. فعل <اغنی> چه با حرف <عن> و چه بدون آن باشد به معنای <کفی> است (مفردات راغب). کفایت کردن شأن و کار، به معنای پر شدن فرصت‌ها است؛ به گونه‌ای که برای کار دیگر امان ندهد. اکتفا به بیان وضعیت مردان با کلمه <امریء>، به جهت وضوح هم سرنوشت بودن زنان با آنان است.

عوامل فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۹

۹ فریفته شدن به زندگانی دنیا و سرگرم شدن به آن، عامل فراموشی روز قیامت و آتش دوزخ است.

و غرتهم الحیوه الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

<کما نسوا .. > می‌رساند که از علل بی‌اعتنایی خداوند به دوزخیان این است که آنان روز قیامت را فراموش کردند و چون جمله <الیوم ننسیهم ... > به وسیله فاء بر <غرتهم الحیوه الدنیا> تفریع شده، معلوم می‌شود که از ریشه‌های فراموشی قیامت، فریفته شدن به زندگانی دنیاست.

عوامل کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه و دلبستگی به دنیا، از علت‌های کفر به قیامت و پرسش‌های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أتیان یوم القیمه ... کلاً بل تحبّون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أتیان یوم القیامه) باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۶

۶ - پوچ انگاری خلقت انسان و بی هدف دانستن زندگی او ، تأثیرگذار در انکار کردن معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت

أیحسب الإنسان أن یتَرَکَ سُدًى

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به تکذیب معاد از سوی کافران قرار دارد. از این رو می تواند درصدد بیان علل تکذیب روز قیامت باشد؛ هم چنان که می تواند بیانگر نشانه های تحقّق چنین روزی باشد.

عوامل کوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نایبایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکاً و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فإنّ له..> و <نحشره...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفس عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

عوامل مصونیت از احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۳،۴،۵

۳ - رحمت الهی ، مایه نجات انسان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت

و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ؛ نه از استحقاق آنان .

و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر

این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند؛ می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

۵- رهایی از ناراحتی های روز قیامت و بهره مندی از رحمت خداوند ، نشانه رستگاری و کامیابی است .

و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته و ذلک هو الفوز العظیم

عوامل مؤثر در درجات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۶

۶ لزوم مراقبت بر اعمال و توجه به نقش تعیین کننده آن در تعیین درجات و درکات آخرت

و لكل درجات مما عملوا و ما ربك بغفل عما يعملون

عوامل مؤثر در درکات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۶

۶ لزوم مراقبت بر اعمال و توجه به نقش تعیین کننده آن در تعیین درجات و درکات آخرت

و لكل درجات مما عملوا و ما ربك بغفل عما يعملون

عوامل نجات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۷

۷- رعایت تقوای الهی ، مایه نجات انسان در روز حشر

و اتقوا الله الذی إلیه تحشرون

عوامل نگرانی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ - وجود قیامت ، دغدغه جدی انسان ، حتی برای آنان که ظاهراً منکر آن هستند .

و ما أظنّ الساعة قائمه و لئن رجعت إلی ربّی

عهدشکنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ -

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق . . و یخافون سوء الحساب

عیسی (ع) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۶

۶ گواهی حضرت عیسی (ع) بر اهل کتاب در روز قیامت

و یوم القیمه یکون علیهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداوند ، در روز قیامت و در مجمع پیامبران ، نعمت های ارزانی شده به عیسی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع الله الرسل فیقول . . اذ قال الله یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و عل

کلمه <اذ> در <اذ قال الله> بدل اشتمال برای کلمه <یوم . . > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱،۹

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم فراخوانده است ؟

و اذ قال الله یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس اتخذونی و امی الهین

با توجه به آیات بعد همانند <قال الله هذا یوم . . > آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمان حضور مسیح (ع) در میان امت خویش کسی معتقد به الوهیت وی و مریم (ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسش و پاسخ در قیامت اتفاق خواهد

افتاد. گفتنی است که تعبیر

از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

۹ عیسی (ع) در قیامت منکر ادعای گزاف الوهیت برای خود و مادرش مریم

ما یکون لی ان اقول ما لیس لی بحق

غافلان از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۰

۱۰- غفلت از رستاخیز و تصوّر عدم برپایی قیامت ، آفت فراگیر مشرکان است .

بل زعمتم أئن نجعل لکم موعداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۱

۱۱ - سرپیچی کنندگان از پیام وحی و روی گردانان از یاد قیامت ، ظالم و ستمگرند .

و کذلک أوحینا .. و تنذر یوم الجمع ... و الظلمون ما لهم من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۴

۴ - ستم پیشگان و دین ستیزان ، غفلت زدگان از یاد قیامت اند .

فویل للذین ظلموا .. هل ینظرون إلا الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجه به نشانه های خدا در خلقت خویش

<کَلَّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجّه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کَلَّا> دلالت دارد که

نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه‌ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

غرش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۱

۱ - وقوع قیامت با غرش‌هایی کرکننده و ناشی از اصطکاک موجودات، همراه است.

فَإِذَا جَاءتِ الصَّاعَةُ

هر صدایی که از برخورد صخره با صخره‌ای دیگر یا مانند آن پدید آید صَخٌّ و صَيْخِيخٌ نامیده می‌شود و <صاعه> غرشی است که گوش را بکوبد و بر اثر شدت صدا آن را کر سازد (لسان العرب).

غضب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۵

۵ - توجه به سقوط اخلاقی منکران معاد، تا حد خشونت با یتیمان، مایه پرهیز از تکذیب آخرت است.

فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ

غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۱

۱ - انسان‌ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیکی بودن آن در غفلت شدید به سر می‌برند.

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدت وصف می‌کند؛ یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - خوشگذرانان غفلت زده و بی خبر از روز جزا، هم سنگ ددان و وحوش بیابان در بینش الهی

إذا هم یجثرون

چنان که گفته شد <جوار> به زوزه سگ، روباه

و گرگ گفته می شود. تعبیر زوزه برای فریاد استغاثه کافران، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۳

۳ - غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ

ضمیر <إِنَّهُمْ> به مشرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان که با تأکید همراه است (إِنَّكَ وِإِنَّهُمْ) و غیر قابل انکار بودن این حقیقت، می تواند گویای غفلت شدید مشرکان و کافران از مسأله مرگ باشد؛ گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۶

۶ - انسان ها ، در معرض غفلت نسبت به روز قیامت

مَنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَأَمْرَدٍ لَهُ مِنَ اللَّهِ

تأکید خداوند، درباره حقیقت روز قیامت، می تواند از آن جهت باشد که بسیاری از مردم نسبت به این امر مهم غافل اند.

غفلت از نوزادان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها.. و تضع کل ذات حمل حملها

غفلت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - منکران روز جزا، فرومانده در گرداب جهالت و گرفتار

غفلت و بی خبری

الذین هم فی غمره ساهون

<غمره> به معنای فرو رفتن در جهل و نادانی و <ساهی> به معنای غافل و بی خبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قیامت ، عناصری فرو رفته در باطل و سرگرم هوسرانی

للمکذبین . الذین هم فی خوض یلعبون

<خوض> به معنای وارد شدن در کارهای بیهوده و باطل و <لعب> (مصدر <یلعبون>) به معنای سرگرمی و هوسرانی است.

فاسدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثم یردّ الی ربّه فیعدّبه

فاسقان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۸

۸ گمراهی و سرگردانی فاسقان در قیامت *

و الله لایهدی القوم الفسّقین . یوم یجمع الله الرسل

برداشت فوق بر این اساس است که <یوم> ظرف برای <لایهدی ..> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۴

۴ - مردم در قیامت ، به دو گروه شاخص < ابرار > و < فجّار > تقسیم خواهند شد .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ . وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۴

۴ - فاسقان در قیامت ، محروم از یاری دیگران برای رهایی از آتش

وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ... يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

فاسقان و تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - فاسقان ، قیامت و نظام کیفری خدا را تکذیب می کردند .

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا ... ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

فاصله مرگ با قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۳

۳ - وجود فاصله میان مرگ تا رستاخیز انسان

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ

به کارگیری <ثُمَّ> در آیه فوق که برای تراخی و فاصله زمانی است بیانگر این برداشت می باشد.

فاصله مرگ تا قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۳ - ۴

۴ - فاصله مرگ تا روز قیامت ، فاصله ای اندک و ناچیز در دیدگاه حاضران صحنه قیامت

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۶

۶- وجود فاصله ، بین مرگ انسان ها و برپایی قیامت

فأقبره . ثم إذا شاء أنشره

حرف <ثم>، بیانگر برداشت یاد شده است.

فاقدان نور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۵،۷،۹

۵- منافقان ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

يوم يقول المنافقون .. انظرونا نقتبس من نوركم

۷- زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

يوم .. و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نوركم

کسب کردن نور از دیگران در قیامت ، در صورتی که انسان نور نداشته باشد ، ممکن نیست .

یوم یقول المنفقون .. قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

فدیه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۷،۱۲

۷- در روز قیامت از هیچ کس عدل و عوضی - که خویشان را با آن باز خرد - گرفته نخواهد شد .

و لایؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْلٌ> به معنای: فدیة و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۱۲ - گناه کردن به خیال پذیرش شفاعت و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا یوماً .. ولا یقبل منها شفعه و لایؤخذ منها عدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۵،۹

۵- در روز قیامت ، از هیچ کس فدیة و عوضی که خویشان را با آن باز خرد ، پذیرفته نمی شود .

و لایقبل منها عدل

<عدل> به معنای فدیة و عوضی است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۹ - توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

بینی اسرائیل .. و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل <اتقوا> به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرائیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در

بین آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۱،۲

۱ کسی که در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیة دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا .. و لو افتدی به

۲ هیچ فدیة ای در قیامت برای رهایی کافران از عذاب ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا .. و لو افتدی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۷،۱۲

۷ مشرکان و کافران ، در روز قیامت حاضرند در صورت دارا بودن حتی دو برابر ثروت زمین ، آن را برای رهایی از عذاب فدیة دهند .

والذین لم یتجیبوا له لو أن لهم ما فی الأرض جمیعاً و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معنای بخشیدن چیزی است برای رها شدن و خلاصی یافتن از اسارت.

۱۲ در قیامت هیچ گونه فدیة ای از مستحقان عذاب پذیرفته نمی شود .

لو أن لهم ما فی الأرض .. لافتدوا به أولئک لهم سوء الحساب و مأویهم جهنم و بئس

بیان فرجام روی گردانان از دعوت خدا (أولئک لهم ..) پس از جمله <لو أن لهم ... لافتدوا به> می رساند که آن فدیة بر فرض وجودش از آنان پذیرفته نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۱،۴

۱ - ستمگران در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب سخت الهی ، حاضراند دو چندان ثروت ها و دارایی های زمین را فدا

کنند .

و لو أنّ للذين ظلموا ما فى الأرض جميعًا و مثله معه لآفتدوا به من سوء العذاب يوم

۴ - ناچیز و بی ارزش بودن ثروت ها و خوشی های دنیا ، در مقابل رهایی از عذاب قیامت

و لو أنّ للذين ظلموا ما فى الأرض .. لآفتدوا به من سوء العذاب يوم القيامة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۲

۲ - در قیامت ، از منافقان و کافران فدیة پذیرفته نمی شود .

فاليوم لا يؤخذ منكم فدية و لا من الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۴۳

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همسران خویش اند .

و صحبته

۲ - مجرمان در عرصه محشر ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن برادران خویش اند .

و أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۱

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فصیلته الّتی تویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه انسان های کره زمین اند .

و من فی الأرض جمیعاً

۲ - مجرمان در قیامت ،

برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه محبوب ها و خلائق زمینی اند (انس ، جن و ...) .

و من فی الأرض جمیعاً ثم ینجیه

<من> برای مطلق موجودات شعورمند وضع شده است و برداشت یاد شده، مبتنی بر همین وضع اصلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۱

۱ - نجات مجرمان با پرداخت فدیة از عذاب الهی در قیامت هر چند بسیار و نامحدود آرزویی واهی و ناممکن است .

یودّ المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببینه .. کلاً

فرار از برادر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز فرار هر انسانی از برادر خویش است .

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از پدر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ؛ حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

فرار از پسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۲

۲- پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

فرار از مادر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱

۱- قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ؛ حتی

از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

فرار از همسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۱

۱ - شوهران ، پیوند الفت و همراهی با همسران خویش را در قیامت نادیده گرفته و از آنان متواری خواهند شد .

یوم یفرّ المرء من ... و صحبته

<صاحبه> همسری است که با شوهر خویش ملازمت و معاشرت داشته باشد. این تعبیر حاکی از شدت حوادث قیامت است؛ به گونه ای که انسان، حتی همسری را که در دنیا با او سازگار و همراه بود، نیز رها خواهد کرد.

فرار پدر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۲

۲ - پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

فرار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - سختی های محشر و ناتوانی مجرمان جن و انس ، در گریز از صحنه آخرت ، نعمتی الهی در خدمت اجرای عدالت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس ... فبأی ءالآء ربکمما تکذّبان

از اطلاق <ءالآء> بر مفاد آیه قبل، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

۲- ربوبیت الهی در حق خلق ، مستلزم مسدود ساختن راه هرگونه فرار از کیفر کردارشان در قیامت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس . . . فبأی ءالاء ربکمما تکذبان

از به کار رفتن وصف <ربکمما> و ارتباط آن با مفاد آیه قبل

که بیانگر ناتوانی فرار از صحنه قیامت بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ . كلاً

فرار شوهر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۱

۱ - شوهران ، پیوند الفت و همراهی با همسران خویش را در قیامت نادیده گرفته و از آنان متواری خواهند شد .

يوم يفّر المرء من .. و صحبتہ

<صاحبہ> همسری است که با شوهر خویش ملازمت و معاشرت داشته باشد. این تعبیر حاکی از شدت حوادث قیامت است؛
به گونه ای که انسان، حتی همسری را که در دنیا با او سازگار و همراه بود، نیز رها خواهد کرد.

فرار فرزند در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ؛ حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ انکار قیامت و به فراموشی سپردن آن ، کفریشگی است .

إن الله حرمهما علی الکفرین . . . فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

فراموشی نوزادان در زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۳

۳- با مشاهده ترس و

دهشت ناشی از زلزله زمین در آستانه برپایی قیامت، تمامی مادران، کودکان شیرخوارشان را بی اختیار در دامن خود رها ساخته و از یاد خواهند برد.

تذهل کلّ مرضعه عما أرضعت

<ذهول> (مصدر <تذهل>) به فراموشی ای گفته می شود که از شدت دهشت بر انسان عارض شود. <مرضعه> نیز به زنی گفته می شود که در حال شیر دادن باشد؛ یعنی، هر زن شیر دهنده، به هنگام دیدن آن زلزله، از آن کسی که به او شیر می دهد غافل خواهد شد.

فرزندان مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۷

۷ > عن عبدالله بن سلام مولى رسول الله (ص) انه قال : سألت رسول الله (ص) فقلت : ... فأولاد المشركين فى الجنة أم فى النار ؟ فقال : ... انه إذا كان يوم القيامة ... فىأمرالله عزوجل ناراً... ثم يأمرالله تبارك و تعالى أطفال المشركين أن يلقوا أنفسهم فى تلك النار فمن سبق له فى علم الله عزوجل أن يكون سعيداً ألقى نفسه فيها... و من سبق له فى علم الله عزوجل أن يكون شقيماً إمتنع فلم يلق نفسه فى النار... و ذلك قول الله عزوجل : < فمنهم شقى و سعيد > ... ;

از عبدالله بن سلام نقل شده است که گفت: از رسول خدا(ص) پرسیدم: ... آیا فرزندان مشرکان [که در کودکی مرده اند] بهشتی هستند یا جهنمی؟ فرمود: ... هنگامی که قیامت فرا

رسد ... خداوند به آتش فرمان حضور می دهد ... سپس به کودکان مشرکان دستور می دهد تا خود را در آن آتش درافکنند. پس هر کدام از آن کودکان که در علم خدای عزوجل سعادت‌مندیش رقم خورده است خود را در آن آتش می افکند ... و آنان که در علم خدای عزوجل برایشان شقاوت‌مندی رقم خورده، از پذیرش فرمان خدا امتناع نموده و خود را در آتش نمی اندازند ... و این سخن خداوند عزوجل است که فرمود: فمنهم شقی و سعید <...>.

فرعون در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

قدوم (مصدر يقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

فرعونیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

قدوم (مصدر يقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۸

۸- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل همراه با فرعونیان در قیامت برای مؤاخذه

جننا بكم ليفياً

بنابر اینکه مراد از <کم> بنی اسرائیل و نیز فرعونیان هلاک شده باشند، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۳

۳ - فرعونیان

، از زمره مطرودان در روز رستاخیزاند .

و یوم القیمه هم من المقبوحین

<قبیح> (مصدر <مقبوحین>) به معنای طرد کردن است. بنابراین <مقبوح>؛ یعنی، طرد شده.

فرقه های مذهبی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۱

۱ - خداوند ، تنها داوری کننده در قیامت ، در میان مذاهب گوناگون در مسائل مورد اختلاف آنان است .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصَلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

<فصل> (مصدر فعل <يفصل>) به معنای جدا کردن دو چیز از هم است، به گونه ای که میان آنها فاصله بیفتد (مفردات راغب). و مراد از آن داوری و حل اختلاف کردن است. لازم به ذکر است که ضمیر جمع <بینهم> و <كانوا فيه يختلفون> بر این دلالت می کند که داوری خداوند میان افراد و گروه های متعدد است.

فریاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۵

۵ - قیامت ، رخدادی بزرگ و صحنه فریاد های گوش خراش مردم

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ

<صاحه>؛ یعنی، فریاد شدیدی که گوش ها را کر کند و به حادثه بزرگ نیز اطلاق می گردد (قاموس). در کشف آمده است که توصیف قیامت به این وصف، به اعتبار فریاد کشیدن حاضران در قیامت است.

فشار جهنم بر مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۶

٦ > إن رسول الله (ص) سئل عن قول الله > وإذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرنين < قال : و الذي نفسي بيده

انهم ليستكروهون في النار كما يستكروه الوتد في الحائط .

از رسول خدا(ص) در باره قول خدا <إِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا..> سؤال شد؟ فرمود: قسم به کسی که جانم در دست او است آنان با اکراه و فشار در جهنم جای داده می شوند همان گونه که میخ با فشار در دیوار کوبیده می شود.

فضایل مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرایی و ایمن از زیان اخروی

یومئذ یخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

فعلیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۵

۵ وجود بالفعل قیامت در صحنه هستی *

لا یجلیها لوقتها إلا هو

برداشت فوق با توجه به (یجلیها، یعنی آشکار می سازد) استفاده شده است. کلمه <مرسها> می تواند مؤید این برداشت باشد زیرا <مرسی> به معنای مستقر شدن و یا زمان استقرار است، نه تحقق یافتن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۳

۳ - عرصه قیامت ، مکانی مشخص و از پیش تعیین شده است .

فإذا هم بالساهرة

حرف <ال> در <الساهرة>، گویای این است که جایگاه حضور مردم در قیامت، از پیش مشخص شده است.

۸- آگاه نبودن انسان ها به زمان برپایی قیامت ، زمینه ساز مداومت آنان بر کار های خویش

و به وجود آمدن استحقاق پاداش و کیفر است .

أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتَجْزِي كُلِّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى

لام در <لتجزي> در برداشت فوق تعلیل برای <أكاد أخفياها> گرفته شده است؛ در این معنا، ترکیب جمله در اصل <لتسعی كل نفس فتجزي بما تسعى> خواهد بود و حاصل معنی این که اراده کردم قیامت را مخفی بدارم تا همه به تلاش خود ادامه دهند و نتایج کردار خود را ببینند؛ این سخن ناظر به حالت روانی انسان ها است که اگر زمان مرگ خود و نابودی جهان را بدانند، بسیاری از تلاش های خود را رها خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۷

۷ - مصلحت در پنهان ماندن زمان وقوع قیامت است .

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم ميعاد يوم

از این که خداوند به جای پرداختن به جواب سؤال و روشن کردن وقت وقوع قیامت، تأکید می کند که وقوع آن قطعی است و تقدیم و تأخیر ندارد، نکته یاد شده به دست می آید.

فلسفه برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷ - جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءآتیه .. لتجزي كل نفس

<لتجزي> یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أكاد أخفياها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفياها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

فلسفه

تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۱

۱ - انکار و زیر سؤال بردن برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انجام هرگونه فسق و فجور

أیحسب الإنسان أنن نجتمع عظامه .. بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

<فجور> (مصدر <یفجر>) به معنای فسق (صحاح اللغة) و لام در <لیفجر> برای تعلیل است. <أمام> اسم مکان و در این آیه مجازاً در زمان مستقبل که مفید استمرار است استعمال شده است. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: <بلکه انسان می خواهد تا راه فسق و فجور، برای همیشه به روی او باز باشد و آن را ادامه دهد و همین سبب انکار معاد از جانب او است.>

فلسفه حشر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و ...) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلك یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلك یوم ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۵

۵ - مشاهده کردار و مواجه شدن با پاداش و کیفر آن ، از اهداف حشر انسان ها در قیامت

یصدر الناس أشتاتاً لیروا أعملهم

حرف <لام> در <لیروا>،

بیانگر برداشت یاد شده است. مشاهده اعمال، یا به معنای مشاهده پاداش و کیفر آنها است و یا ناظر به تجسم اعمال و مشهود بودن آن در قیامت است.

فلسفه زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیرآمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

فلسفه زندگی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۲

۲ - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتعوا قليلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

فلسفه قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ برخورداری مردم از رحمت خداوند، از فلسفه های برپایی قیامت

کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- حسابرسی اعمال بندگان بر مبنای قسط و عدل ، از فلسفه های برپایی قیامت

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده بر مبنای این است که لام در <لیوم القیامه> برای تعلیل باشد. بر این اساس پیام آیه

چنین می شود: ترازوهای قسط و داد را به خاطر برپایی قیامت، بنا می نهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۱

۱ - فلسفه برپایی قیامت ، پاداش دادن به مؤمنان دارای عمل صالح است .

لتَأْتِيَنَّكُمْ .. لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<ل> در <لیجزی>، تعلیل برای فعل <تأتی> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵ - ۱

۱ - فلسفه وقوع قیامت ، کیفر دادن به کسانی است که بر ضد آیات خدا تلاش می کنند .

لتَأْتِيَنَّكُمْ .. لیجزی الذین ... و الذین سَعَوْ فی ءایتنا معجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستاخیز انسان ها است .

أءنَّا لمَدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعوثون> (مبعوث شدگان) و <محبون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستاخیز انسان ها، مسأله جزا است؛ نه صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و

یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء... بطلاً... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۹

۹- برخورداری هر فرد، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت ممّا عملوا و لیوفّیهم أعمالهم و هم لایظلمون

لام در <لیوفّیهم>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۲

۲- برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح باسم ربّک> بر مطالب پیشین (فأما إن کان من المقرّیین.. حاکمی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۳

۳ - حساب رسی اعمال ، مهم ترین ویژگی قیامت و فلسفه برپایی آن

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ حَسَابِيَه

از این که از میان مجموعه مسائل قیامت، مسأله حساب رسی مورد توجه مؤمنان قرار گرفته است، می توان به حقیقت یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب رسی و کیفر و پاداش بندگان ، مهم ترین خصوصیت معاد و فلسفه برپایی قیامت

و الذین یصدّقون بیوم الدین

مطلب یاد شده، از تعبیر <یوم الدین> درباره قیامت، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۲

۲ - متمایز شدن حق از باطل ، فلسفه برپایی قیامت

یوم الفصل

فلسفه گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت با وجود آگاهی بر اعمال گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

كان الله بهم علیماً .. فكيف اذا جئنا ... و جئنا بك علی هؤلاء شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهًا . . . ولا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده

است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

قاضی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

قانونمندی موافق قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۱ - ۵

۵- مراحل و موافق قیامت ، دارای برنامه ریزی و اجرای بسیار دقیق

لنحشرنهم .. ثم لنزعهن .. إن منكم ... حتمًا مقضيًا

قبرها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۱

۱ - قبرها هنگام برپایی قیامت ، زیر و رو شده و هر چه در آن است بیرون ریخته خواهد شد .

و إذا القبور بعثرت

معنای <بعثرت>، این است که خاک قبرها زیر و رو شود و هر آنچه در آن است، پراکنده گردد. از آن جا که فعل <بعثرت>

متضمن معنای <بُعِثَ> و <أُثِرَ> است، بعید نیست این فعل مرکب از آن دو فعل باشد. (مفردات راغب)

قبول گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- شهادت گواهان در قیامت ، خدشه ناپذیر و غیر قابل ردّ است .

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

قدرت خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۶

۶- ظهور و تجلی اقتدار الهی بر خلق ، در صحنه قیامت

یرسل علیکما .

.. فلا تتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۵ - ۳

۳ - ظهور قدرت مطلق خداوند در قیامت و سیطره فرشتگان بر صحنه های آن ، دلیل بی نظیر بودن عذاب های او است .

فیومئذ لا یعذب عذابه أحد

حرف <فاء> در <فیومئذ>، آیه شریفه را بر مطالبی که در آیات پیشین بیان شد (از جمله آیه <و جاء ربک و الملک صفّاً صفّاً>) تفریع کرده است.

قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ - قیامت ، صحنه داوری میان امتهاست .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

۱۶ - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

و كان الله بما يعملون محيطاً .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون على

<وکیل> به کسی گفته

می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه و کالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربصون بکم .. فالله یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۸

۸ قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم فیما فیہ یختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۶

۶ قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین أشركوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- خداوند در قیامت ، نسبت به اختلافات و انحرافات یهود ، داوری خواهد کرد .

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

قیامت ، روز داوری خداوند در زمینه اختلافات و انحرافات بشر

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۴

۴ - داوری میان مردم در روز بازپسین ، در اختیار خداوند است .

إن الله يفصل بينهم يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۳،۶

۲ - قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

يحكم بينهم

۳ - خدا ، حاکم و داور روز قیامت

الملك يومئذ لله يحكم بينهم

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

يحكم بينهم فالذين ءامنوا .. في جنّ النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱

۱ - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

يحكم بينهم فالذين ءامنوا .. و الذين كفروا ... عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۲،۳

۲ - خدا ، داور روز قیامت

اللّٰه یحکم بینکم یوم القیمه

۳ - داوری خدا در قیامت ، بر اساس علم کامل او به کردار آدمیان است .

اللّٰه أعلم بما تعملون . اللّٰه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - اعمال آدمی ، تنها معیار ارزش و داوری در قیامت

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نیات و انگیزه های پنهان اعمال ، مدرک و میزان داوری در روز قیامت است .

إلینا مرجعهم فنبتئهم بما عملوا إنَّ اللهَ علیم بذات الصدور

تعبیر <علیم بذات الصدور> در حقیقت، تأکیدی است بر این نکته که آنچه در اندرون سینه ها می گذرد، دارای نقشی اساسی در ارزش گذاری و بررسی اعمال آدمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۵

۵ - همه داوری ها در قیامت ، از آن خدا است .

فالحکم لله

الف و لام در <الحکم> برای جنس و مفید استغراق و شمول می باشد؛ یعنی، <کلّ حکم لله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۸

۸- داوری نافذ الهی در قیامت

و ناتوانی همه نیروها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ . . . يَوْمَ لَا يَغْنَى ... إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۷ - ۷،۹،۱۰

۷ - داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوز گرانه بنی اسرائیل

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

۹ - داوری پروردگار در قیامت میان انسان ها ، پایانی بر همه خصومت ها و اختلاف های آنان خواهد بود .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

۱۰ - داوری پروردگار میان انسان ها و فیصله دادن به همه خصومت های آنان ، جلوه ای از ربوبیت او است .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

ليوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحيط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <ليوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک..> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

<فصل> یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن شدن حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

۶- صحنه داوری در قیامت، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقیقت آن

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

قطع اسباب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۸

۸- در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

قطع دوستی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۲

۲- قیامت، روز پایان دوستی ها و پیوند های غیر الهی است .

و یوم تقوم الساعة یومئذ یتفرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۶

۱۶- نابود شدن دوستی ها و پیوند های ظالمان با یکدیگر در قیامت

و الظلمون ما لهم من وليّ ولا نصير

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ولیی> و <نصیر>، دوست و یاور دنیایی ظالمان باشد که در آخرت آن دوستی‌ها و یاری‌ها وجود نخواهد داشت.

قطع روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۳

۳ - گسستن روابط خویشاوندی میان انسان ها ، در روز رستاخیز

فإذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم يومئذ

قطع روابط در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۸

۸ - در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بينهم موبقاً

<موبق> به معنای <هلاک شدن> است و <موبق> اسم مکان به معنای <مکان هلاکت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۴

۴ - نزدیکی ها و جدایی ها در صحنه قیامت ، بر اساسا سنخیت های فکری و عملی خواهد بود .

لنحشرنهم والشيطان ثم لنحشرنهم

پیوستن منکران معاد به صف شیاطین در قیامت، به جهت سنخیتی است که در این از نظر فکری و عملی، در بین این دو طائفه به وجود آمده است. ذکر شیاطین در این آیه، برای بیان همین سنخیت و نتیجه ای است که از آن در صحنه قیامت بروز می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم -

۱۹- پوچی و بی اثری امکانات دنیایی ، موقعیت های اجتماعی و گروه بندی ها ، در هنگام نزول عذاب و یا فرارسیدن مرگ و قیامت

فسیعلمون من هو شرّ مکاناً و أضعف جنداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۵،۶

۵ - بی پناهی و تنهایی شدید انسان ها در عرصه قیامت ، علی رغم حضور در جمع

فلاأنساب بینهم یومئذ و لایتساءلون

۶ - نسب ها و تفاخر به نیاکان ، امری اعتباری و فاقد کمترین اثر در قیامت

فإذا نفخ فی الصور فلاأنساب بینهم یومئذ

برداشت فوق، بر این اساس است که <فلاأنساب بینهم..> به تقدیر <لاأنساب بینهم یتفاخرون بها> باشد، یعنی، در آن روز نسبی نیست تا به آن تفاخر کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۸ - ۲

۲ - قطع رابطه انسان با عوامل مادی تأثیرگذار در دنیا ، به روز رستاخیز

یوم لا ینفع مال و لابنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز پایان دوستی ها و پیوند های غیر الهی است .

و یوم تقوم الساعة یومئذ یتفرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لا یحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - نابود شدن دوستی ها و پیوند های ظالمان با یکدیگر در قیامت

و الظلمون ما لهم من ولی و لانصیر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ولی> و <نصیر>، دوست و یاور دنیایی ظالمان باشد که در آخرت آن دوستی ها و یاری ها وجود نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۱

۱- قیامت صحنه گسستگی و بی تأثیری دوستی ها، پیوند ها، حمایت ها و دیگر روابط دنیایی

یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون

<مولی> در لغت، از ماده <ولاء> به معنای ارتباط و پیوند دو چیز با یکدیگر است و در مصادیق مختلفی؛ همچون دوست، سرور، خدمت گزار، بنده، مالک و.. به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۶

۶- قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم .. یوم القیمه یفصل بینکم

قطع عذر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۴

۴- اقدام خداوند به بستن راه هرگونه عذر و بهانه بر روی اهل شرک، با برگزیدن افراد خبره آن جوامع جهت پاسخ گویی به سؤالات خود در قیامت

و نزعنا من کلُّ أُمَّه شهیداً

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند به جای این که مستقیماً از مردم مطالبه دلیل کند، افراد خبره ای را از میان آنان بیرون می آورد و در حضور آن جوامع، از

آن افراد می خواهد که برهان خود را برای شرک بیان کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۵

۵ - عذر ها و حجت های مجرمان و تبهکاران ، در روز قیامت ، قطع می شود .

و یوم تقوم الساعة یبلس المجرمون

گفته شده که معنای <إبلاس>، سکوت و قطع شدن حجت است (مفردات راغب).

قطع علایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۸

۸ - در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

قوم ابراهیم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۰

۱۰ - در قیامت ، قوم ابراهیم به رگم دوستی در دنیا از هم براثت می جویند .

ثم یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض

<یکفر> در این آیه، احتمال دارد به معنای رایج آن، یعنی <کفر ورزیدن> باشد، و احتمال هم دارد به معنای <بی زاری جستن> باشد. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

۱۲ - قوم ابراهیم ، در قیامت ، معبودان خود را مورد انکار و کفر قرار می دهند .

ثمَّ يومَ القيَمه يكفر بعضكم ببعض

برداشت بالا- بنابراین اساس است که <یکفر> به همان معنای رایج اش بوده و مفعول آن <ببعض> باشد که مراد از آن معبودان مشرکان است.

۱۳- قوم ابراهیم ، در قیامت همدیگر را لعن

می کنند .

ثمَّ يومَ القيَمه . . . و يلعن بعضكم بعضاً

۱۵ - حضرت ابراهیم (ع) وضعیت قوم اش را در قیامت ، برای آنان تشریح کرد .

و قال إنّما . . . ثمَّ يومَ القيَمه يكفر بعضكم ببعض و يلعن بعضكم بعضاً مأویکم الن

قیامت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۷

۷ اعتقاد به قیامت اصلی مسلم در همه ادیان الهی است.

رسل منکم . . . ینذرونکم لقاء یومکم هذا

قیامت در جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۸

۸ > قال الصدوق روی : . . . و تقوم القيامة فی یوم الجمعة . . . قال الله عزوجل : > ذلك یوم مجموع له الناس و ذلك یوم مشهود < ;

صدوق گوید: روایت شده است که . . . قیامت در روز جمعه برپا می شود . . . و خدای عزوجل فرمود: ذلك یوم مجموع ... < .

کار گزاران خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۴

۴ - جهنم ، مقهور کار گزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جای

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

کارگزاران خدا و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها

تکذّبون

کار گزاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۹

۹ اصحاب اعراف دارای مرتبه ای والا در پیشگاه خداوند و از کار گزاران صحنه قیامت هستند .

قالوا .. ادخلوا الجنة لا خوف عليكم و لا أنتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ گواهان اعمال ، از کار گزاران صحنه قیامتند .

و يقول الأشهد .. ألا لعنة الله على الظلمين

کافران به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت ، مستحق عذاب دنیوی اند و به آن تهدید شده اند .

و لئن أآخرنا عنهم العذاب

جمله < ما يحبسہ > (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان ، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۵

۵ - موضع گیری ناباورانه مشرکان صدراسلام ، درباره وعده قیامت

إنّما توعدون لصادق

کافرانِ پیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۶،۷،۸،۱۲

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

۷- کافرانِ پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بدفرجامی خود معرفی خواهند

کرد .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

۸- کافرانِ پیرو از رهبران مستکبر خویش ، در قیامت درخواست می کنند که در صورت امکان ، اندکی از عذاب خدا را از آنان بکاهند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

تنوین <شیء> تنوین تنکیر و برای کم بودن است.

۱۲- عذاب کافرانِ پیرو در قیامت به قدری شدید است که آنان را به در یوزگی می کشاند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱،۲

۱- پس از در گیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت ، آنان با شیطان به منازعه می پردازند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... و قال الشيطان لما قضي الأمر

ذکر قصه شیطان و سخنان وی در قیامت با جهنمیان، پس از گفت و گوهای رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... و قال الشيطان لما قضي الأمر إن الل

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او در صدد پاسخ گویی برمی آید.

کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۷، ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ جایگاه بلند مؤمنان تقوا پیشه نسبت به کافران ، در روز قیامت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقوای پیشگان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

چون برتری مؤمنان تقوای پیشه در دنیا نیز حتمی است / بنابراین <یوم القیمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

۱۵ جایگاه پست دنیاپرستان و کافران در آخرت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۷ وعده الهی به مؤمنان نسبت به برتری آنان در قیامت ، عامل تسلی و مقاومت آنان در برابر استهزای کافران

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

به نظر می رسد جمله <و الذین اتقوا ..>، پس از عنوان کردن تمسخر تقوای پیشگان از سوی کافران، به منظور تسلی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۶، ۵، ۱

۱ کسی که در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیة دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا .. و لو افتدی به

۵ ایمان ، ارزشی فراتر از سنجش و مقایسه با تمامی مادیات

انّ الذین کفروا .. فلن یقبل من احدهم ملء الارض ذهباً

۶ کافران ، محروم از هر گونه یار و یاور در قیامت

و ما لهم من ناصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت . . . واتقوا يوماً لا تجزی نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکله: فدیة و عوضی گرفته نمی شود و ...، مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکله مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی، نخواهد داشت .

و لاهم ینظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ینظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ینظرون> یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۳

۳ در قیامت، کافران از اعمال صالح خویش، بهره ای نمی برند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم

چون پاداش الهی مشروط به توأم بودن ایمان و عمل صالح است، بنابراین عمل صالح بدون ایمان، پاداش الهی را در پی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین ینخلون .. فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۸،۱۱

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو>

در <لو تسوی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوی...> کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا عليهم لو امنوا... يومئذ يودّ الذين كفروا... لو تسوی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بك على هؤلاء شهيداً. يومئذ يودّ الذين كفروا... لو تسوی بهم الارض

<يومئذ> متعلق به <شهيداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

يومئذ يودّ الذين كفروا و عصوا الرسول... و لا يكتمون الله حديثاً

بنابر اینکه <لا يكتمون> عطف بر جمله <تسوی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت، از کتمان حقایق رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول... و لا يكتمون الله حديثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <كفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقایق رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۷

۱۷ کافران، در قیامت هیچ سلطه و یا حجتی علیه مؤمنان نخواهند داشت.

فالله يحكم بينكم يوم القيمة و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

برخی از مفسران به قرینه <فالله يحكم بينكم يوم القيمة>، معتقدند که نفی هرگونه سلطه از سوی کافران بر مؤمنان، مربوط به روز قیامت است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۱

۱ خداوند در قیامت کافران ظالم را جز به راه جهنم هدایت نخواهد کرد .

و لایه‌دهیم طریقا. الا طریق جهنم

در برداشت فوق ظرف و زمان هدایت در جمله <و لایه‌دهیم...> روز قیامت گرفته شده است ؛ یعنی خداوند در آن روز کافران را تنها به سوی جهنم رهنمون خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۸

۸ کافران با مشاهده مقام و جایگاه مؤمنان در قیامت به آن حسرت می‌خورند.

یلتینا نرد و لا نکذب بآیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷۸

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلتینا نرد و لا نکذب... و اینهم لکذبون

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی‌آورند.

فقالوا یلتینا نرد... و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ کافران در قیامت برای اثبات گفته‌های خویش مکرر سوگند می‌خورند.

و الله ربنا ما كنا مشرکین... قالوا بلی و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان

است.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش در آیند و به جمع دوزخیان پیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . . . فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

چون جمله <فما کان...> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۴

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادى اصحاب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمهم

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند.

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۷

۷ خداوند در روز قیامت کافران منکر قیامت را به فراموشی خواهد سپرد و اعتنایی به آنان نخواهد کرد .

فالیوم نسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۱،۱۳

۱۱ کافران به قرآن

، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودباخته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما كانوا یفترون

۱۳ کافران در قیامت هیچ اثری از معبودان دروغین خویش نخواهند یافت .

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

با توجه به زمان نزول قرآن که مخالفان اسلام مشرکان و بت پرستان بودند و آنان معبودان دروغین خویش را منشأ اثر در سرنوشت انسانها می پنداشتند، می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای <ما كانوا یفترون> معبودان ساختگی و دروغین کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۷

۷ مشرکان و کافران ، در روز قیامت حاضرند در صورت دارا بودن حتی دو برابر ثروت زمین ، آن را برای رهیدن از عذاب فدیة دهند .

والذین لم یتجیبا له لو أن لهم ما فی الأرض جمیعاً و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معنای بخشیدن چیزی است برای رها شدن و خلاصی یافتن از اسارت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲

۲- همه کافران به صورت دسته جمعی در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جمیعاً

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <برزوا> کافرانی باشد که در آیات قبل از آنان بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- < عن أبي جعفر (ع) فی قوله : < لیحملوا اوزارهم کامله یوم القیامه > یعنی لیستکملوا الکفر یوم القیامه >

و من اوزار الذین یضلّونهم بغير علم < یعنی کفر الذین یتولّونهم ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره قول خدا < لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیامه > فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره < و من اوزار الذین یضلّونهم بغير علم > فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند]. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذین أوتوا العلم إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما کنا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۲

۱۲- کافران در روز قیامت ، هیچ راهی برای جلب رضایت خداوند نمی یابند .

ثم لا یؤذن للذین کفروا و لا هم یتعتبون

<استیعاب> (مصدر یتعتبون) به معنای درخواست از بدی کننده برای بازگشت از بدکاری و جلب رضایت کسی که به او بدی شده است، می باشد. بنابراین معنای جمله <و لا هم یتعتبون> چنین خواهد بود: از آنان نخواهند که عذرخواهی کنند و یا کاری کنند که خدا از ایشان راضی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ -

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثُمَّ يردُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، جهنم را در صحنه قیامت بر کافران عرضه خواهد کرد .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً

۲- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً

<عرضاً> علاوه بر تأکید سخن به دلیل نکره بودن بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۹

۹- کافران ، به رغم کار و تلاش در دنیا ، در روز قیامت و ملاقات پروردگار ، تهیدست و بی توشه اند .

الذین كفروا .. فحبطت أعمالهم فلانقیم لهم یوم القیمه وزناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۱

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود

لو يعلم الذين كفروا حين لا يكفون عن وجوههم النار ولا عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز به طور ناگهانی با آتش فراگیر روبه رو خواهند شد .

لا یکفون عن وجوههم النار . . . بل تأتیهم بغته

<بغت> به معنای امر ناگهانی و به دور از محاسبه و پیش بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۴،۶،۸،۱۱

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین كفروا

<شخص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

۶- قیامت ، حادثه ای وحشت زا و دهشت آفرین برای کافران

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین كفروا

خیره شدن دیدگان کافران و بهت زدگی آنان، ناشی از حوادث هولناک و دهشت آفرین قیامت است.

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل،

مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

۱۱- اعتراف کافران در قیامت ، به ظلم و ستم پیشگی خویش در دنیا

بل کنا ظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - کافران ، در روز رستاخيز به

جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه .. حتی إذا جاءه لم یجده شیئاً و وجد الله ع

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمان ماء حتی إذا جاءه لم یجده شیئاً و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یوماً علی الکفرین عسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱،۷،۸

۱ - کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه خود ، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت ، بر دوش خواهند کشید .

و قال الذین کفروا .. أتبعوا سیلنا ... و لیحملن أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

۷ - بازخواست کافران ، در قیامت ، به خاطر تلاش همواره آنان در افترا زدن است .

و لیستلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

۸ - بازخواست کافران ، در قیامت ، بازخواستی ناخواسته و همراه با بی اعتنایی است .

و لیستلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

مجهول آورده شدن فعل <یُستلنّ> که ضمیر نایب فاعلی آن، به <کافران> باز می گردد حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفوف مؤمنان ، در روز قیامت ، از صف کافران

جدا می شود .

و یوم تقوم الساعة یومئذ یتفرّقون

در صورتی که مرجع ضمیر <یتفرّقون> واژه <الخلق> در آیه یازده باشد و به قرینه دو آیه بعد که درباره وضعیت مؤمنان و کافران است نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۲۸

۲ - پیامد های ناگوار کفر کافران ، در قیامت تنها ، متوجه خود آنان است .

یومئذ یصدّعون . من کفر فعلیه کفره

۸ - در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصدّعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا ... یمهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۵۸، ۱۱

۵ - کافران ، زنده شدن خود را در قیامت ، معلول فاصله زیاد نداشتن مرگ شان تا روز قیامت می دانند . *

و یوم . . . یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

احتمال دارد قسم خوردن کافران بر طولانی نبودن حضورشان در برزخ و نیز جواب صاحبان علم و ایمان به آنان، برای طولانی

بودن آن مدت، به خاطر ذکر این نکته باشد که کافران، با چنین ادعایی،

در پی اثبات این امر باشند که بدن شان، هنوز آمادگی حیات داشته است.

۸ - کافران ، در قیامت بهانه می آورند که در دنیا ، فرصت لازم را برای ایمان آوردن نداشته اند . *

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مکانی که کافران مجرم، از آن سخن می گویند، دنیا باشد و مرادشان از بیان چنین نکته ای، با ذکر قسم، به قرینه آیه پنجاه و هفت <فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم> عذرخواهی و یا بهانه تراشی باشد.

۱۱ - کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا .. کذلک کانوا یؤفکون

از جمله معنای <إفک>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹، ۱

۱ - برخورداران از علم و ایمان ، در قیامت ، در مقابل اعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و یوم تقوم الساعة .. ما لبثوا غیر ساعه ... و قال الذین أوتوا العلم ... لقد لبث

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته

مفسران برای توییح و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا

۱۳ - کافران ، از تمامی اعمال دنیوی خویش ، در قیامت ، از سوی خداوند آگاه می شوند .

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۷

۷ - کافران در قیامت ، وادار می شوند که در عذابی سخت ، وارد شوند .

نمتّعهم قليلاً ثمّ نضطرّهم إلى عذاب غليظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۳، ۷

۳ - ایمان کافران ، در قیامت ، ایمانی بی حاصل و غیر سودمند به حال آنان است .

يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا إيمانهم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از <يوم الفتح> روز قیامت است.

۷ - کافران در قیامت ، برای انجام دادن هیچ کاری ، فرصت نخواهند داشت .

يوم الفتح . . . ولا هم ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱، ۲

۱ - در روز بی یار و یآوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیاً . . . یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲ - در روز قیامت ، صورت های

کافران ، در آتش ، بر اثر شدت حرارت ، منقلب شده ، به رنگ های گوناگون در می آید .

یوم تقلّب وجوههم

احتمال دارد که <تقلّب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای <تحول و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و .. می شود. برداشت بالا، بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۶

۶ - کافران ، با مشاهده عذاب الهی ، در قیامت ، به درگاه خداوند ، اظهار تضرّع می کنند .

و قالوا ربّنا

اقرار به ربوبیت خداوند با واژه <ربّنا> برای اظهار تضرّع است. لازم به ذکر است که این گفته، به قرینه ماضی آورده شدن <قالوا> در کنار <يقولون> احتمال دارد مربوط به زمانی باشد که کافران، هنوز وارد آتش نشده اند و تنها، آن را مشاهده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۲،۳

۲ - کافرانِ پیرو در قیامت ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

و قالوا .. ربّنا

۳ - کافران در قیامت ، در می یابند که منشأ عذاب ، خداوند است .

ربّنا ائتهم ضعفین من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذین كفروا لن نؤمن بهذا القرآن .. و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسرّوا الندامه لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ

<أسرّوا> از لغت‌هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲،۳،۴

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

۴ - کافران در قیامت ، از زنده شدن و بیرون آمدن شان از قبرها ، بسیار شگفت زده خواهند شد .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام (من) در آیه شریفه، برای تعجب استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان داده خواهد شد .

هذه جهنم الّتی

کنتم توعدون

<هذه> که به شیء نزدیک اشاره دارد می رساند که جهنم در نزدیکی کافران و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - در قیامت بر دهان کافران مهر زده شده و آنان از هر گونه سخن گفتن ناتوان خواهند شد .

اليوم نختم علی أفوههم

مقصود از مهر خوردن دهان کافران، ناتوان شدن آنان از هر گونه سخن گفتن است.

۲ - کافران در قیامت ، از هر گونه دفاع از خود در برابر محکومیتشان به دوزخ ، ناتوان خواهند بود .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون .. اليوم نختم علی أفوههم

مهر خوردن دهان کافران، به قرینه آیه قبل که سخن از محکومیت آنان به دوزخی شدن می تواند کنایه از ناتوانی آنان در دفاع از خود، در برابر دوزخی شدن خویش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به آتش دوزخ در روز رستاخیز

فویل للذین کفروا من النار

کلمه <ویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر

این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱،۳

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أَوْ تَقُولُ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقوایپیشگان در قیامت

أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵،۶

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۳،۱۹

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا

<سوق> (مصدر <سِيقَ>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

۱۹ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی است .

و لكن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ

<حَقٌّ> به معنای <ثَبَّتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است و <کلمه> در آیه شریفه به معنای وعده و یا فرمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و كذلك حَقَّتْ کَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَی الذِّینِ کَفَرُوا

<حق> یعنی، <ثَبَّتَتْ> و <وَجَبَتْ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه رَبِّکَ> وعده فرمان عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ - عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۲،۳،۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل ینسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف يعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف >إذ

الأغلالل . . . < متعلق به > يعلمون < می باشد . > يسحبون < نیز حال از ضمیر > هم < در > في أعناقهم < است / یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

يسحبون . في الحميم

یکی از معانی < حمیم >، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۲

۲ - کشف و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذين كفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ - آگاهی قطعی کافران به وسیله خداوند ، از مجموعه عملکرد ناشایست خویش در قیامت

فلننبئن الذين كفروا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۴

۴ - امکانات مادی کافران مستکبر ، فاقد کمترین کارایی و گره گشایی برای ایشان در روز جزا

ولا يغني عنهم ما كسبوا شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیئات ما عملوا

۲ - تجسّم اعمال زشت کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیئات

اضافه < سیئات > به < ما عملوا > ممکن است اضافه بیانیه باشد. در آن صورت می توان گفت: آشکار گشتن اعمال به معنای تجسم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۲،۳،۶

۲ - کافران ، محروم از کمترین لطف و عنایت خداوند در قیامت

و قیل الیوم نسیکم

۳ - محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است .

و قیل الیوم نسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که < کما > در < کما نسیتم > برای تعلیل باشد.

۶ - آتش ، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۲،۳،۸

۲- روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

۳- آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

از واژه < یعرض >، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

۸- کافران ، چشنده عذاب الهی در قیامت ، پس از اقرارشان به مجرمیت خویش

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا قال فذوقوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۳

۱۳- مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است؛

<لم یلبثوا> می تواند ناظر به هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله أضلّ أعمالهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم> ، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدارها و انذارهای الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفيخ فی الصور ذلک يوم الوعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۳ - ۵

۵ شیطان مسلط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرينه هذا ما لدی عتید

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت وی را همراهی می کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۶

۶ تلاش کافران در قیامت ، برای افکندن جرم خود برعهده دیگران (شیطان)

قال قرينه ربنا ما أطغيتہ

از این که قرین مشرکان و کافران (شیطان) در مقام نفی مسؤولیت از خویش بر آمده، استفاده

می شود که قبلاً این اتهام، از سوی مشرکان بر وی وارد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز گداخته شدن کافران در آتش دوزخ

یوم هم علی النار یفتنون

<فتنه> در اصل به عمل گداختن طلا و نقره در آتش برای خالص شدن خوب از بد گفته می شود. در این جا مقصود بیان شدت عذاب کافران است و این که آنان چونان طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۴

۴ - نبودن کمترین یاور و شفیع ، برای کافران در قیامت

و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <یوم لا-یعنی..> نظر به قیامت داشته باشد. در این صورت تعبیر <ولا هم ینصرون> حکایت از نفی شفیع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۴

۴ - قیامت ، روز فراخوانی کافران هواپرست به فرجامی بس ناخوشایند برای ایشان

یوم یدع الداع إلی شیء نکر

<نکر> به امر سخت ناخوشایند و مشقت بار گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبرها در رستاخیز

خَشَعًا أَبْصَرَهُمْ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۳

۳ - قیامت ، روزی

دشوار برای کافران

يقول الكفرون هذا يوم عسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سيهزم الجمع . . . و الساعه أدهى و أمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة . . . خافضه رافعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۵

۵ - خداوند ، در روز قیامت تمامی اعمال کافران را به آنان خبر خواهد داد .

فیتبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلك يوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۳

۳ - توبه کافران در قیامت پذیرفته نمی شود .

لا تعذروا اليوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که اعتذار کافران، در حقیقت برای اظهار پشیمانی و توبه است که پذیرفتنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۲،۳

۲ - ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد ، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

زشت و کریه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در

آن هنگام است.

۳- سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قيل هذا الذی کنتم به تدعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <وقیل هذا الذی..> به انگیزه توییح به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳- کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند ؛ ولی آنان از این کار ناتوان اند .

و یدعون إلی السجود فلا یستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱،۲

۱- ظهور و بروز ذلت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

۲- ذلت و خواری ، تمامی وجود کافران و مشرکان را در قیامت فرا می گیرد .

ترهقهم ذله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲،۴،۵

۲- نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه

۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۴ - کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخوردگی می کنند .

فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمَ أُوتِ كِتَابَهُ

۵ - ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لِمَ أُوتِ كِتَابَهُ

جلد - نام سوره -

۱ - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتنی . . . و لم أدر ما حسابیه

۲ - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ، از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت القاضیه

مرجع ضمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید (مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعته> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

۲ - کافران دوزخی در قیامت ، دارای وضعیت و شرایطی بسیار سخت و غیر قابل تحمل

یلیتها کانت القاضیه

تقاضای مرگ ابدی از سوی کسانی که در دنیا به شدت از آن گریزان بودند، حکایت از این حقیقت دارد که وضعیت و شرایط قیامت، آن قدر بر کافران دوزخی سخت و غیر قابل تحمل خواهد بود که مرگ ابدی را بر آن ترجیح می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از اموال و ثروت خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

ما أغنی عَنّی مالیه

لحن و سیاق این آیه، می رساند که کافران این سخن را، از روی تأسف و حسرت به زبان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلک عَنّی سلطینیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۰ - ۱،۲،۴

۱ - فرمان دستگیری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

ما أغنی عَنّی مالیه ... خذوه

۲ - فرمان به غل و زنجیر کشیدن کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

فَعْلُوهُ

۴ - خَفَّت و خواری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

خذوه فَعْلُوهُ

دستگیری و به غل و زنجیر کشیدن کافران با آن که هیچ راه گریزی از عذاب الهی ندارد می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پر حرارت و شعلهور سوزاننده خواهند شد .

ثمَّ الْجَحِيمِ صَلَّوْهُ

<جحیم> (از ماده <ججمه>) به معنای آتش شعلهور و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۲ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و

زور در دوزخ ، در زنجیری بلند به طول هفتاد ذراع به بند کشیده خواهند شد .

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فليس له اليوم ههنا حميم

<حميم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

۳ - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نگرستن از تعالیم قرآن در زندگی

و إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران ، به روز رستاخیز در شرایطی بسیار سخت

و ناگوار بسر خواهند برد .

یوم عسیر . علی الکفرین

۲ - لحظه ای آسودگی و راحتی برای کافران ، در قیامت نخواهد بود .

علی الکفرین غیر یسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کافران در روز قیامت ، در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند بود .

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ

<مفرّ> (مصدر میمی از <فرّ>) به معنای گریختن و استفهام در <أین المفرّ> برای <تمنی> است. مقصود از <الإنسان> به قرینه <أیحسب الإنسان...> کافران اند.

۲ - قیامت ، روزی بس ناگوار و هولناک برای کافران

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ

فرار کافران، نشانه وجود صحنه های هولناک و شرایط دشوار در عرصه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ . کلاً

۲ - در عرصه قیامت ، هیچ ملجأ و پناهگاهی برای کافران نخواهد داشت .

لاوزر

<وزر> به معنای ملجأ و پناهگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، برای اعمال ناپسند خود عذر خواهند آورد .

و لو ألقى معاذيره

۳ - بی نتیجه بودن توجیه و عذر تراشی انسان ها ، نسبت به رفتار خویش در قیامت

و لو ألقى معاذيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران ، دارای چهره ای

گرفته و عبوس در قیامت

و وجوه یومئذ باسره

<بسر> (مصدر <باسره>) به معنای گرفتگی چهره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنُّ أن يفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنُّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

۲ - کافران در قیامت ، دچار مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنُّ أن يفعل بها فاقره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یوماً ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیه مختلون .. ثم کلاً سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذاباً قریباً یوم ینظر المرء ما قدّم یداه و یقول الکافر یلیننی کنت ترّباً

از آن جایی که کافران

با نگاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کنند؛ می توان پی برد که آنان، گرفتاری به عذاب را بر خود قطعی دیده اند.

۱۶ - کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و يقول الكافر يلبتني كنت ترابًا

۱۷ - کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلبتني كنت ترابًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه ... و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۱

۱ - کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئك هم الكفرة الفجرة

فعل <فجر>، در مورد کسی گفته می شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالا پیش می رود؛ <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۲،۴،۹

۲ - مؤمنان در قیامت ، همسان برخورداری که در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ .. فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار

۴ - استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

۹ - در قیامت ، مؤمنان و کافران از حال هم آگاه شده ، رفتار یکدیگر را مشاهده خواهند کرد .

فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

على الأرائك ينظرون

<أریکه> (مفرد <أرائك>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۱،۲،۳

۱ - عذاب های کافران در قیامت ، کیفر مداومت آنان بر کردار زشت خویش در دنیا است .

هل ثوب الكفّار ما كانوا يفعلون

<ثواب> یعنی، جزا و <تثویب> به معنای جزا دادن است (قاموس). فعل <كانوا> که بر مضارع داخل شده است

بر استمرار دلالت دارد.

۲- بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش ، امری طرفه و جالب توجه است .

هل ثوب الکفار ما كانوا يفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است؛ یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

۳- کافران در قیامت ، مورد تمسخر خداوند قرار خواهند گرفت . *

هل ثوب

<ثواب> در مورد خیر و شرّ هر دو کاربرد دارد؛ ولی به خیر و خوبی اختصاص بیشتری دارد و در آن فراوان تر استعمال می شود (نهایه ابن اثیر). بنابراین ممکن است گفته شود: تعبیر <ثوب> که در قرآن تنها در مورد امر ناخوشایند استعمال شده (مفردات) بیانگر آن است که خداوند، کیفر کافران را از روی تمسخر پاداش نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲- حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران ، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است .

ثمّ إنّ علینا حسابهم

حرف <ثمّ>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است؛ هر چند هر دو هم زمان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴،۵

۴- کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از

مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب المیمه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

۵- جایگاه مؤمنان در آخرت، نشانه عزت و کرامت آنان و جایگاه کافران، پست و ذلت آفرین است.

هم أصحاب المشأمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است؛ زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است؛ و گرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

کافران مکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کافران و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلا سحر مبین

<هَذَا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از

باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد؛ یعنی، این سخن

ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران ، در پی تحقق قابل مشاهده قیامت بودند .

و يقولون متی هذا الفتح

<فتح> می تواند به معنای <فصل> باشد. در این صورت، به قرینه آیه بیست و پنج و آیه بعد، مراد از <هذا الفتح> می تواند قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۴

۴ - کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندری ما الساعه

کتمان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و ...) راه نجاتی نیست .

لا تشترُوا بأیتی ... و أقیموا الصلوه ... و اتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ینظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ینظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ینظرون> یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد.

کسب نور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید -

۹ - کسب کردن نور از دیگران در قیامت ، در صورتی که انسان نور نداشته باشد ، ممکن نیست .

یوم یقول المنفقون .. قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

کفر بنی اسرائیل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۳

۱۳ ناباوری بنی اسرائیل به قیامت و ملاقات خدا پیش از نزول تورات

ثم ءاتینا موسی الکتب .. لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا .. لا یؤمنون

متعلق <لا یؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است، یعنی: لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۶،۷،۸

۶ عدم ایمان انفاق کنندگان ریاکار به خداوند و روز رستاخیز

کالذی ینفق ماله رءاء الناس و لا یؤمن بالله و الیوم الاخر

بنابراینکه جمله <و لا یؤمن .. >، توضیح و تفسیری برای جمله <ینفق ماله رءاء > باشد.

۷ ریا ، اثر و نشانه عدم ایمان به خداوند و قیامت

كَالَّذِي يَنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ

بنابراینکه جمله <و لا یؤمن .. >، تفسیری برای جمله قبل باشد.

۸ ریا و کفر به خدا و قیامت ، موجب بطلان صدقات و اعمال خیر

لا تبطلوا .. كَالَّذِي يَنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۳، ۹، ۸، ۷

۷ ریاکاران ، ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند .

و الذين ينفقون اموالهم رياء الناس و لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر

جمله < و لا يؤمنون > می تواند تفسیر و توضیح جمله <ینفقون .. > باشد ؛ تکرار نشدن <الذین > می تواند این معنا را تأیید کند.

۸ عذاب خوارکننده ، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً. و الذين ... لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر

۹ ایمان نداشتن به وعده های الهی و قیامت ، منشأ ریاکاری

رءاء النَّاس و لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر

بدان احتمال که جمله <الذین لا يؤمنون > بیانگر علت و ریشه انفاقهای ریایی باشد.

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۳

۳ بخل و ریاکاری ، نشانه کفر به خدا و قیامت است .

الذین یبخلون .. و ماذا علیهم لو امنوا بالله و الیوم الآخر و انفقوا

ضمیر در <علیهم > به <الذین یبخلون > برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون .. فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۸ کافران به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر بالله و ملئکتہ و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ کفر به خدا و قیامت و نداشتن عمل صالح ، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی

من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صلحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فندر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

کم فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطففین . . . ألا یظنُّ أولئک ... کلاً

کمک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۶۸،۱۰

۶ ستمکاران محروم از هر گونه یاور در قیامت

و ما للظالمین من انصار

<انصار>، جمع ناصر (به معنای یاور) است و <مِنْ> زائده، تأکید بر

نبودن یاور در آن روز است.

۸ ستمکاری، موجب ورود آدمی به آتش دوزخ و بی یآوری وی در قیامت

رَبَّنَا اِنَّكَ مِنْ تَدخُلِ النَّارِ فَقَدْ اخزيتَه و ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ انصَار

مراد از کلمه <لِلظَّالِمِينَ> همان دوزخیان هستند. بنابراین به کارگیری اسم ظاهر به جای ضمیر <ما لهم> برای رساندن این معناست که ستمکاری علت شده که خداوند آنان را به آتش کشاند و از یاری یاوران محروم باشند.

۱۰ محرومیت ستمگران در قیامت از یاری امامانی که آنها را یاری کنند.

و ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ انصَار

امام باقر (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: ما لهم من ائمه یسمونهم باسمائهم.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۱۷۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۸.

کوبندگی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۲

۲ - قیامت، حادثه ای کوبنده و هولناک

بالقارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۱

۱ - قیامت، حادثه ای کوبنده و هولناک

القارعه

<قَرَع>، به معنای کوبیدن چیزی بر چیزی است (مفردات). آیات بعد، قرینه است که مراد از <قارعه>، روز قیامت است. تناسب این نام برای <قیامت>، یا به این جهت است که قیامت کوبنده و ترساننده قلب ها است و یا اشاره به عذاب کوبنده و

هولناك كافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و رخدادی بس شگفت

ما القارعه

<ما>، استفهام تعجیبی است و بر شگفتی <قارعه> و عظمت و هول انگیز

بودن آن دلالت دارد. با آن که این آیه خبر برای آیه قبل است و در آن اکتفا به ضمیر ممکن بود، می توان گفت: تکرار لفظ <قارعه> تأکید بر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۲

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، هول انگیز و دهشت آور است .

ما القارعه . يوم يكون الناس كالفراش المبثوث

<يوم> ظرف برای فعل محذوفی است که وصف <القارعه> بر آن دلالت دارد؛ یعنی، <تفرع یوم..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۲

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، تمام کوه ها را متلاشی کرده ، ذرات رنگارنگ آنها را درهم خواهد آمیخت .

ما القارعه . يوم ... تكون الجبال كالعهن المنفوش

کوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ - زندگانی پر دردسر در دنیا و محسور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، از جلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فمن اتبع هداى فلا يضلّ ولا يشفى . و من أعرض عن ذكرى فإنّ له معيشة ضنكاً و نحشرة ی

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از

ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲،۳

۲ - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیرًا

۳ - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیرًا

مفعول مطلق <سیرًا>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۲،۳

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بست الجبال بسًّا

<بست> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحيط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۲ - ذره ذره شدن کوه ها ، بر اثر زلزله شدید زمین در آستانه قیامت

إذا رجّت الأرض . . . و بست الجبال بسًّا

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بست الجبال بسًّا

ذکر <بستًا> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها،

به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباءً منبثاً

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۱

۱ - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

<نسفت>، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲،۳

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیرت الجبال فکانت سراباً

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سراباً

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گسترده‌گی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبیحی از کوه نمایان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۱

۱ - در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده

خواهند شد .

و إذا الجبال سیّرت

کوهها هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳،۴،۵

۳ - تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسلونک عن الجبال

۴ - تمامی کوه های زمین ، در آستانه قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفاً

<نسف> به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

۵ - متلاشی شدن کوه ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و به فرمان او است .

فقل ینسفها ربّی نسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عن الجبال .. فیذرها قاعاً صفصفاً

<قاع> به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و <صفصف> به معنای زمین همواری است که امکان رویدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۱

۱ - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش>; (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

کیفر تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۸

۸ بی اعتنائی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فالیوم نسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است و <ما> مصدریه ؛ یعنی <لنسیانهم> . همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا> ، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۷

۷ تباه شدن اعمال نیک ، جزایی مناسب برای تکذیب آیات الهی و روز قیامت است .

حبطت أعمالهم هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۲

۲- آتش همواره شعلهور هستم ، کیفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخیز

کَلِّمًا خَبْتُ زِدْنَهُمْ سَعِيرًا . ذَلِكُمْ جَزَاءُ هُمُ بَأْنَهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - تکذیب همواره قیامت و جهنم ، موجب عذابی سخت است .

ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۴

۴ - تکذیب قیامت و کیفر آن ، از عوامل دوزخی شدن

هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون

از این که دوزخ به تکذیب گران آن معرفی می شود، مطلب یاد شده به دست می آید.

کیفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷- جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءاتیه .. لتجزی کلّ نفس

<لتجزی> یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أكاد أخفيها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفيها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزراً

<وزر>، به معنای بار سنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گناه کار است، <وزر> اطلاق می گردد

(مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۸

۸ - جهان

آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملك يومئذ لله يحكم بينهم .. في جنت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الله يحكم بينكم يوم القيمة

جمله <الله يحكم بينكم يوم القيمة>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

والذي أطمع أن يغفر لي خطيئتي يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنة فله خير منها.. و من جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لايجزي والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شيئاً

۱۱ - در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لايجزى والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شيئاً

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است

* .

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <يجزى> استفاده شده است و درباره

نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۸

۸ - قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو يؤاخذ الله الناس . . . و لكن يؤخّرهـم إلى أجل مسـمّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا يوم الدين

<دين> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستاخیز انسان ها است .

أءنّآ لمدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعوثون> (مبعوث شدگان) و <محبیون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستاخیز انسان ها، مسأله جزا است؛ نه صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

يوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ - ١٧ - ١،٥

١ - نظام پاداش و كيفر

الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

اليوم تجزی کل نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>؛ یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵- در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت ، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد .

لا ظلم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - <قیامت> روز کیفر و پاداش

یوم الدین

<دین> به معنای جزا است و <جزا> معادل سزای باشد که هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جمیعاً فیبتئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۲

۲ - قیامت و گرد آمدن انسان ها در آن روز ، برای محاکمه و مجازات ، شایان یاد و یادآوری

یوم یجمعکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلق به فعل مقدر <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۲

۲ - قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت

، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۴

۴ - قیامت ، روز جزا و رسیدگی به اعمال است .

یوم الدین

<دین> به معنای شریعت، طاعت و جزا است و از آن جا که دین به معنای <شریعت>، در قیامت مورد ندارد، <یوم الدین>، به معنای روز جزا خواهد بود و لازمه جزا دادن به بندگان، رسیدگی و محاسبه اعمال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز کیفر دادن اعمال است .

یوم الدین

کیفر فراموشکاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۲

۲ - کیفر حتمی فراموش کاران روز قیامت ، چشیدن عذاب است .

فدوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

کیفر فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۳

۲۳ عبدالعزیز بن مسلم گوید: از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: < نسوا الله فَنَسِيَهُمْ > سؤال کردم فرمود:
< ان الله تعالى لا ينسى ولا يسهو... و انما يجازى من نسيه و نسي لقاء يومه بان ينسيهم أنفسهم... >

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه... همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت
مجازات می کند که خودشان را از یادشان

ببرد ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۳،۵

۳ - فراموش کردن قیامت ، گرفتاری به عذاب را در پی دارد .

فدوقوا بما نسیتم

<باء> در <بما> سببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین، معنا چنین می شود: <به خاطر فراموشی تان روز قیامت را بچشید...!>

۵ - وانهادن شدن انسان به حال خود ، در قیامت ، کیفر فراموش کردن قیامت در عالم دنیا است .

فدوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا إنا نسینکم

<إنا نسیناکم> برای مقابله با <بما نسیتم> است ، یعنی، شما قیامت را فراموش کردید و ما هم، در مقابل، شما را به حال خود وانهادیم.

کیفر کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . . . ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار ، یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

کیفر مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذين لا يرجون لقاءنا .. و الذين هم عن ءايتنا غفلون. أولئك مأويهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۷، ۳، ۲

۲ مجازات کفار و منکران

قیامت (از میان برداشتن ایشان) منجر به انقراض نسل بشر خواهد شد .

و لو يعجل الله للناس الشر .. لقضى إليهم أجلهم

<ال> در <الناس> ال جنسیه و مفید استغراق است یعنی، اگر سنت الهی درباره جوامع بشری این بود که هر انسان کفرپیشه را در دنیا بی درنگ مجازات کند، هر آینه تا کنون زمین از وجود انسان تهی شده و نسل بشر منقرض گشته بود. در حالی که این با فلسفه آفرینش انسان (و لكم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین. بقره / ۳۶) ناسازگار است.

۳ مجازات کفرپیشگان و منکران قیامت (از میان برداشتنشان) ناسازگار با فلسفه آفرینش انسان

و لو يعجل الله للناس الشر .. لقضى إليهم أجلهم

۷ منکران قیامت ، مستحق کیفر و عذاب الهی در دنیا هستند .

و لو يعجل الله .. لقضى إليهم فنذر الذين لا يرجون لقاءنا

از آیه شریفه استفاده می شود که: اگر مجازات منکران قیامت منجر به مرگ آنان نمی شد، خدا بدون مهلت آنان را سرکوب می کرد؛ یعنی، آنان استحقاق کیفر را دارند لکن مانع وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۳،۶

۳ آتش بر افروخته و پراشتهای دوزخ ، کیفر تکذیب قیامت

و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيراً

<سعیر>، به معنای آتش پراشتهای و برافروخته است.

۶ آتش جهنم ، هم اکنون (پیش از برپایی قیامت) برای تکذیب کنندگان قیامت ، آماده و مهیا است .

و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيراً

آمدن فعل <أعتدنا> (آماده کردیم) به صورت فعل ماضی، می تواند گویای برداشت

یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۴

۴ کیفر و عذاب تکذیب کنندگان قیامت ، بسیار شدید و هولناک خواهد بود .

سمعوا لها تعظيلاً و زفيراً

صدای خشمگینانه و پرخروش آتش جهنم، با دیدن منکران معاد از راه دور، حاکی از شدت و هولناکی عذاب و کیفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۳

۳ - منکران قیامت ، در وسط دوزخ جای خواهند داشت .

فرءاه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

کیفیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۹ - ۱

۱ - برپایی قیامت و احیای مجدد انسان ها ، تنها با یک صیحه و فریاد سخت خواهد بود .

فإنما هی زجره وحده

<زجره> به معنای <صیحه> است و آمدن آن بر وزن <فعله>، بر <مرّه> دلالت می کند. آمدن <واحدہ> نیز برای

تأکید مفاد آن است. پس <فانما هی زجره...> یعنی، تنها یک صیحه و فریاد سخت.

گردش چشمها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۷ - ۱

۱ - در آستانه برپایی قیامت، چشمان انسان ها از ترس و اضطراب، به گردش در می آید.

فإذا برق البصر

فعل <بَرَقَ>

وقتی به چشم نسبت داده شود، به معنای اضطراب و به گردش آمدن چشم از ترس است (مفردات راغب). گفتنی است آیه شریفه در مقام بیان حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت و لحظه های نخستین رستاخیز رخ خواهد داد.

گرفتاری کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۸

۸ - در قیامت ، هیچ راه نجاتی برای کافرانِ به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

أولئك يؤمنون به و من يكفر به .. و اتقوا يوماً لا تجزي نفس عن نفس شيئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیة ای گرفته نمی شود و .. مایوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی - جز ایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

گرما در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۴

۴ - فضای محشر ، سخت داغ ، دودآلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

گروه ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۵

۵ - رو در رویی گروه های مختلف انسان ها ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون .. و قال الذین أوتوا العلم و الایمن لقد لبثتم

گروه بندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۸

۸- خداوند با سوگند به

ربوبیت خود ، بر تحقق حتمی طبقه بندی عاصیان در قیامت ، تأکید کرده است .

فوربک .. ثم لتنزعن من کل شیعه ... عتیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۴

۴ - مردم در قیامت ، به دو گروه شاخص < ابرار > و < فجّار > تقسیم خواهند شد .

إنّ الأبرار لفی نعیم . و إنّ الفجّار لفی جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۳

۳ - انسان ها در قیامت ، به گروه هایی گوناگون تقسیم خواهند شد .

یومئذ یصدر الناس أشتاتاً

گروهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۸ - ۳

۳ - مردم در عرصه قیامت ، در دو گروه متفاوت قرار خواهند گرفت : یا خوار و ذلیل خواهند بود و یا در ناز و نعمت . *

وجوه یومئذ خشعه .. وجوه یومئذ ناعمه

تکرار کلمه <وجوه>، ممکن است به منظور استقصای تمام انواع مردم باشد. در این صورت، کسی خارج از دو گروه یاد شده نخواهد بود. عطف نشدن <وجوه> (در این آیه) بر <وجوه> در آیات پیشین، بر شدت انفصال دلالت دارد، به گونه ای که این دو گروه هیچ نقطه اشتراکی نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۱

۱ - مردم ، در قالب گروه هایی متفاوت ، صحنه قیامت را به سوی سرنوشت مخصوص خویش ، ترک خواهند کرد .

يومئذ يصدر الناس أشتاتاً ليروا أعمالهم

<يصدر>;

یعنی، منصرف می شود و بازمی گردد (مفردات و صحاح اللغه). <أشتاتاً> (جمع <شت>) به معنای <تفرق یافتگان> است (صحاح اللغه). مفاد آیه شریفه ناظر به مرحله پس از حسابرسی است که مردم از آن برمی گردند و به سوی بهشت و جهنم می روند. فعل <یصدر> و نیز مشاهده اعمال (یا پاداش و کیفر آن)، با این معنا سازگارتر است؛ گرچه این احتمال نیز منتفی نیست که مراد، رجوع انسان ها به حیات دوباره باشد؛ ولی فعل <یصدر> و نیز مشاهده اعمال (یا پاداش و کیفر آن)، با احتمال نخست، سازگارتر است.

گروههای ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۷

۷ - فرشتگان در قیامت، در رده های مختلف دسته بندی شده و هر دسته مأموریتی ویژه دارند.

صَفَاً صَفَاً

گریه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۵

۵ - قیامت، روز خنده و گریه خلایق *

ثمَّ يجزيه الجزاء الأوفى . . . و أنه هو أضحك و أبكى

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه به قرینه آیات پیشین در ارتباط با قیامت باشد.

گفتگو با خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - ناتوانی همگان، از گفتوگوی خودسرانه با خداوند در قیامت

لايملكون منه خطاباً

مرجع ضمیر فاعلی <لایملکون>، موجودات عاقلی است که از <ما بینهما> دانسته می شود. <منه> حال برای <خطاباً> و حرف <من> برای اتصال و ارتباط است. مفاد آیه

این است که در رابطه با خداوند، هیچ سخنی برای آنان مقدور نیست. به قرینه آیه بعد، می توان گفت: مراد کلام نادرست و شفاعت غیر مأذون است.

گفتگو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ - امکان گفتگو و مذاکره مردم در صحنه قیامت

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم إلى بعض القول يقول الذين استضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۶

۶ - امکان گفت و گو و مذاکره در دادگاه الهی در قیامت

يقول الذين استضعفوا .. قال الذين استكبروا

گمراهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ اعتراف گمراهان در قیامت به تبعیت از خواهشهای نفسانی خویش تا آخرین لحظه عمر

ربنا استمتع بعضنا ببعض و بلغنا أجلنا الذی أجلت لنا

جمله <و بلغنا>، پس از <ربنا استمتع ..>، بیان استمرار بهره گیری گمراهان از تمتعات دنیا تا لحظه رسیدن اجل است. بنابراین عمر آنها در این منظور صرف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۵

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا علی أنفسهم أنهم كانوا کفرین

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف

۱ حضور انسانها در قیامت، مانند آفرینش نخستینشان، در دو گروه هدایت یافته و گمراه گشته

فریقا هدی

جمله <فریقا هدی...> حال برای فاعل <بدأکم> و بیانگر وجه مشابهت مطرح شده در جمله <كما بدأکم تَعُودُونَ> است و حاصل معنی چنین می شود: خداوند شما را آفرید در حالی که شایستگان هدایت را هدایت کرد و مستحقان گمراهی را به گمراهی کشاند و به همین صورت (دو جناح بودن) به سوی او باز خواهید گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۸

۸- ذلت و به خاک در افتادن چهره گمراهان در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیاً و بکمّاً و صمّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

و قال الذین استضعفوا... و أسروا الندامه لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ

بنابراین که ضمیر فاعلی <أسروا> به <استضعفوا> برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۹،۱۲

۹ - گمراهان ستمکار ، در روز قیامت ، مورد سرزنش اهل ایمان خواهند بود .

و قال الذین ءامنوا إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۲ - حضور انسان های گمراه و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت و در محضر خداوند

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا

۳ - رویارویی گمراهان و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت

قال یلیت بینی و بینک بعد

تعبیر <بینی و بینک> خطاب رو در رو را می رساند.

۴ - اظهار نفرت گمراهان ، از شیاطین و وسوسه گران خویش ، در صحنه قیامت و هنگام حضور در پیشگاه خداوند

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ یلیت بینی و بینک بعد المشرقین فبئس القرین

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و یحسبون أنهم مهتدون . حَتَّى إِذَا جَاءَنَا

گمراهگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، با دیدن عذاب الهی ، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الیل و النهار إذ تأمروننا أن نکفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسروا>، <استکبروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۲

۲ - حضور انسان های گمراه و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت و در محضر خداوند

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا

گمراهی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ .

.. و لو رحمهم ... فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - پی بردن به حقانیت رستاخیز ، دارای راه علمی است و منکران آن گرفتار گمراهی اند .

و یعلمون أنّها الحقّ ألا إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

گناه تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲،۴

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدراسلام

قال الذین کفروا إنّ هذا إلاّ إفک افتریه .. قالوا مالِ هذا الرسول ... بل کذبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

۴ انکار معاد ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

و أعتدنا لمن کذب بالساعه سعیرًا

برداشت فوق، از وعده عذاب دوزخ به تکذیب کنندگان قیامت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۴

۴ - تکذیب قیامت ، بزرگ ترین جرم محکومان دادگاه رستاخیز

فویل یومئذ للمکذبین

از این که تنها وصفی که برای محکومان روز قیامت آورده شده، عنوان <تکذیب قیامت> است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۳

۳ - تکذیب روز جزا ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین . . . و کنا نکذب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۶

۶ - تکذیب روز جزا ، جرمی نابخشودنی است و تکذیب گران مجرم اند .

ویل یومئذ للمکذبین .. کلوا و تمتعوا قليلاً إنکم مجرمون

مطلب یاد شده، از به کار رفتن عنوان <مجرمان> درباره <مکذبان>، استفاده شده است.

گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ مداومت بر نافرمانی خدا و رسول (ص) ، مایه گرفتاری به عذاب های جسمی و روحی در قیامت

و من يعص الله .. يدخله ناراً ... و له عذاب مهين

دخول در آتش، عذاب جسمی آنان و عذاب خوارکننده، شکنجه روحی ایشان.

گناهکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۷،۸،۱۱

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعيداً

۸ بیزاری شدید بدکاران ، از کردار خویش در قیامت

توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعيداً

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت خلافکاران را به اعمال ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ثم ینبئهم بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۵

۵ در قیامت به گنهکاران ستم نخواهد شد.

و

هم لا يظلمون

ذیل آیه قبل (ثم ینبئهم ..) بیانگر این است که ظرف پاداش و جزای مطرح شده در این آیه روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۳،۶

۳ بدکاران در قیامت ، گرفتار کیفر اعمال بد خویش خواهند شد .

و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها

۶ مردمان زشت کردار در سرای آخرت ، گرفتار خشم و عذاب الهی خواهند بود .

و الذین کسبوا السیئات .. ما لهم من الله من عاصم

مراد از جمله <ما لهم من الله من عاصم> ، <ما لهم من عذاب الله من عاصم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۹ - ۱،۲

۱- وضعیت مجرمان در قیامت برای همگان قابل رؤیت خواهد بود .

و ترى المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد

مخاطب <ترى المجرمین> (مجرمان را می بینی) نوع انسان است. بنابراین می توان استفاده کرد که وضعیت مجرمان برای همگان قابل رؤیت است.

۲- در قیامت انبوه مجرمان (همانند اسیران) با غل و زنجیر به هم بسته می شوند و همراه یکدیگر حاضر و محشور خواهند شد .

و ترى المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد

<أصفاد> جمع <صفد> و به معنای ریسمان و یا وسیله ای است که اشیا و یا افرادی مانند اسیران را به هم بسته باشند و <مقرّنین> از مصدر <قران> به معنای بستن شدید و محکم چند چیز و یا چند فرد با هم است (لسان العرب). ضمناً آمدن <مقرّنین>، از باب تفعیل، معنای تکثیر را افاده می کند.

سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۱،۲

۱- مجرمان در قیامت دارای پیراهنی از ماده ای سیاه ، بد بو ، داغ و قابل اشتعال (مانند قیر)

و تری المجرمین .. سرابیلهم من قطران

<قطران> به معنای ماده ای است سیاه، بد بو و چسبنده (روغن) که آن را بر بدن شتر می مالند (مجمع البیان). اینکه خداوند فرمود: لباس دوزخیان از قطران است، ممکن است برای بیان مبالغه و کثرت شعله‌وری و سوزندگی آتش جهنم به بدن انسان دوزخی باشد و نیز بیانگر قابل اشتعال بودن ماده قطران باشد (لسان العرب).

۲- چهره مجرمان در روز قیامت در پوششی از آتش است .

و تری المجرمین .. و تغشی وجوههم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۳،۵

۳- در قیامت مجرمان ، هنگام مشاهده نامه عمل ، از کردار خود وحشت و دلهره پیدا می کنند .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

۵- مجرمان رفاه مند و بی باک دنیا ، بیم ناکان وحشت زده صحنه قیامت اند .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

با توجه به این که آیات قبل در مورد رفاه مندان مغرور بود، مصداق بارز <مجرمان هراسناک> در این آیات، همان دنیاپرستان مغرور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۱،۳

۱- مجرمان ، در صحنه قیامت ، ناظر شعله های آتش دوزخ اند .

و رء المجرمون النار

۳- مجرمان ، در قیامت ، به دوزخی بودن خود و نداشتن راه گریزی از آن ، پی خواهند برد .

فَطَنُوا أَنَّهُمْ

مواقعوها و لم یجدوا عنها مصرفاً

بیان دیدگاه مشرکان در مورد ورود به جهنم با فعل <ظَنَ >، حکایت از آن دارد که آنان، در آن شرایط، خود را دوزخی می بینند، ولی هنوز امیدهایی هر چند واهی به نجات دارند. ولی به زودی درمی یابند که گریزگاهی برای آنان نیست. <مصرفاً > اسم مکان به معنای مکانی است که به آن روی آورند. جمله <لم یجدوا... > یعنی جایی را که بتوانند با پناه بردن به آن، از آتش رها شوند، نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۷

۷- تقسیم گنه کاران در قیامت براساس مراتب عصیان گری آنها، از شوون ربوبیت الهی است .

فوربک .. ثم لتزعن من کل شیعه ائهم اشد علی الرحمن عتیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

یوم نحشر .. و نسوق المجرمین إلی جهنم ورداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱

۱ - شهادت و گواهی زبان، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۶

۶ وحشت مجرمان از ملائکه به هنگام رو در رویی با آنها، به هنگام مرگ و روز رستاخیز

یوم یرون الملائکه لابیشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۱،۵

۱ - مجرمان ، در روز برپایی قیامت ، اندوهگین و ناامیدند .

و یوم تقوم الساعة یبلس المجرمون

<إبلاس> در لغت، اندوه ناشی از شدت سختی (مفردات راغب) و نیز به معنای یأس است (لسان العرب).

۵ - عذر ها و حجت های مجرمان و تبهکاران ، در روز قیامت ، قطع می شود .

و یوم تقوم الساعة یبلس المجرمون

گفته شده که معنای <إبلاس>، سکوت و قطع شدن حجت است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱

۱ - مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود <یخلق ما یشاء> که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالم برزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۱

۱ - مجرمان در روز قیامت ، بهانه جویی می کنند .

یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون . . . فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

مراد از <الذین ظلموا>

می تواند <المجرمون> باشد که در آیه پنجاه و پنج گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۵

۵ - اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخداد های قیامت است .

يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون .. و قال الذين أوتوا العلم و الإيمن ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۷، ۱۲، ۱۱، ۵، ۴، ۱

۱ - ندامت و سرافکنندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم عند ربّهم

<نكس الرأس> به معنای <پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأيت شيئاً عجيباً و هو...> است.

۴ - ربوبیت خدا در قیامت ، برای مجرمان ، تجلی پیدا می کند .

ناكسوا رؤوسهم عند ربّهم ... ربّنا أبصرنا

۵ - مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت ، به تبه کاری خویش در دنیا ، پی می برند .

و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا

<عند ربّهم> می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف

با <أبصرنا و سمعنا> پس از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

۱۱ - همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو تری إذ المجرمون .. ربنا أبصرنا و سمعنا

۱۲ - در قیامت حتی برای مجرمان ، امکان تکلم و درخواست وجود دارد .

و لو تری إذ المجرمون .. ربنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا

فراز <ربنا أبصرنا..> مقول قول مجرمان در روز قیامت و مفید نکته بالا است.

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربنا أبصرنا و سمعنا .. إنا موقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱،۳

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أن الله هدینی لکنت من المتّقین

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقوایپیشگان در قیامت

أن الله هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵،۶

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أن لی کثره فأکون من المحسنین

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أن لی کثره فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۱

۱- روز قیامت ،

میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در <مِيقَاتِهِمْ> مجرمان و منکران معاد باشد؛ همچون قوم <تَبِعَ> که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۳

۳- <درخت زقوم> ، تجسّم گناهان جرم پیشگان در قیامت *

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقْوَمِ . طَعَامُ الْأَثِيمِ

تعبیر <شجرت الزقوم> و ارتباط میان دو آیه، ممکن است کنایه از این باشد که این بذر گناه است که در آخرت <زقوم> می رویاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۴

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قال لا تختصموا لديّ و قد قدّمت إليکم بالوعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۲

۲ تلاش محکومان دادگاه قیامت برای تغییر حکم الهی ، تلاشی بی فرجام

ما يبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدِيّ

در آیات پیشین، حکم مجرمان با فرمان <أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ ..> از سوی خداوند صادر می گردد. مجرمان با جدال و تخاصم، درصدد تبرئه خویش برمی آیند تا مگر حکم الهی را در حق خود تغییر دهند؛ ولی <ما يبَدِّلُ الْقَوْلَ...> بی فرجام بودن تلاش آنان را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و

بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۲،۵

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

يعرف المجرمون بسیمهم

<سیمما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ .. يعرف المجرمون بسیمهم

۵ - مجرمان گردن فراز دنیا ، دارای وضعی خفت بار و ذلیلانه در قیامت

فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

گرفتار شدن کافران با موهای سر و با پاهایشان، حکایت از مقهور بون کامل آنان و ذلت ایشان در قیامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۴

۴ - مجرمان برای نجات خویش از عذاب الهی در قیامت ، آماده اند تا فرزندان خود را فدا کنند .

یوّد المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همسران خویش اند .

۲ - مجرمان در عرصه محشر ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن برادران خویش اند .

و أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۱

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ،

آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فصلته التي تويه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه انسان های کره زمین اند .

و من فی الأرض جميعًا

۲ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه محبوب ها و خلائق زمینی اند (انس ، جن و ..) .

و من فی الأرض جميعًا ثم ینجیه

<من> برای مطلق موجودات شعورمند وضع شده است و برداشت یاد شده، مبتنی بر همین وضع اصلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - > قال رسول الله (ص) ... یابن مسعود أكثر من الصالحات و البرّ فإنّ المحسن و المسیء یندمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازددت من المحسنات و یقول المسیء : قصرت ، و تصدیق ذلك قوله تعالی : > و لأقسم بالنفس اللّوامة < ;

رسول خدا(ص) فرمود: .. ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیاده تر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و

گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <ولا أقسم باللوّامة>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یوماً ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین .. یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشدارى به تکذیب گران است که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۳

۳ - گنه پیشگان کافر در قیامت ، وضعی ناهنجار و خنده آور خواهند داشت .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفار یضحکون

گناهکاری مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۴

۴ - قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون . کلاً إنهم ... محجوبون

جمله بعد از <کَلَّا>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب
گران مطرح کرده بود.

گواهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۲۳ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز *

و اشهد بانا مسلمون

۲۴ رهبران الهی ، گواهان امت خویش در قیامت *

و اشهد بانا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۸

۸ منزلت والای کسانی که در قیامت ، بر اعمال امت ها گواهی می دهند .

فاکتبنا مع الشاهدين

درخواست حواریون از خداوند به اینکه آنان را با گواهان قرار دهد، بیانگر آن است که آنان دارای مقامی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۳، ۱۲، ۷

۷ در قیامت ، گواهانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا ، شهادت خواهند داد .

و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

<أشهاد> جمع شاهد و به معنای گواهان است.

۱۲ گواهان اعمال در قیامت ، دوری ستمگران از رحمت الهی را به همگان اعلام می کنند .

ألا لعنه الله على الظلمين

۱۳ گواهان اعمال ، از کار گزاران صحنه قیامتند .

و يقول الأشهد .. ألا لعنه الله على الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- در قیامت از میان هر امت ، فردی به عنوان گواه و شاهد برانگیخته می شود .

و یوم نبعث من کلُّ أُمَّه شهیداً

۳- از میان هر امتی در تمامی عصر ها ، فردی به عنوان شاهد و گواه در قیامت حضور پیدا می کند .

و یوم نبعث من کلُّ أُمَّه شهیداً

حضور یافتن گواه هر امتی، ممکن است بدین صورت باشد که از میان

تمامی امتهای فردی از هر عصر و نسلی به عنوان گواهی دادن در قیامت حضور یابد. بنابراین به تعداد عصرها و نسلها، گواهانی به گواهی خواهند پرداخت.

۶- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند.

و یوم نبعث من کلُّ أمّه شهیداً

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امت خویشند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان نیز گروه دیگری شاهد و گواه باشد، انتخابشان برای دادن گواهی لغو و بیهوده خواهد بود.

۸- رخصت نیافتن کافران برای سخن گفتن و معذرت خواهی به هنگام حضور شاهدان و گواهان امت ها، در قیامت

و یوم نبعث من کلُّ أمّه شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

۹- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است. *

و یوم نبعث من کلُّ أمّه شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

واژه <ثمّ> که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود و نه قبل از آن دیگر کافران رخصت نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۴۸

۴- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند.

و یوم نبعث فی کلِّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امتند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند

و بر کار آنان گروه دیگری شاهد و گواه باشند، انتخاب آنان برای گواهی، لغو و بیهوده خواهد بود.

۸- پیامبر (ص)، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است.

و جنابك شهيداً علي هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در <فی کلّ أمة> مردم هر عصری نباشد؛ بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) <هؤلاء> اشاره باشد به کل امت پیامبر(ص) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۶

۶- در قیامت، گواهانی بر بطلان پندار فرزندی عیسی (ع) برای خداوند شهادت خواهند داد.

فویل للذین كفروا من مشهد یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ - <عن أبي جعفر (ع) فی قوله > و نزعنا من کلّ أمة شهيداً < یقول من کلّ فرقه من هذه الأمة إمامها ... >

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و نزعنا من کلّ أمة شهيداً> روایت شده که خدا می فرماید: از هر فرقه ای از این امت، امام آنها را برمی گزینیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۳

۳ - دست ها و پا های کافران، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان، گواهی خواهند داد.

تکلمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۷،۱۴

۷ - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه >فکیف إذا جئنا من کلّ أمّه بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً (نساء(۴)، ۴۱) گواهی دادن آنان است.

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۸

۸ - قیامت ، روز برپا خاستن گواهان برای شهادت و گواهی

یوم یقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۶،۸،۱۰

۲ خداوند گواهان و ناظران امت ها را در قیامت به گواهی فرامی خواند .

فکیف اذا جئنا من کلّ أمّه بشهید

۶ خداوند در قیامت ، پیامبر (ص) را برای گواهی بر امت خویش فرامی خواند .

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

۸ پیامبر (ص) ، گواهی بر شاهدان امت ها در قیامت

فکیف اذا .. و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

و لذا اسم اشاره با صیغه جمع (هؤلاء) آمده است.

۱۰ خداوند در قیامت با وجود آگاهی بر اعمال گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

كان الله بهم عليماً .. فكيف اذا جئنا ... و جئنا بك على هؤلاء

شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۳

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنابک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یوّد الذین کفروا ... لو تسوی بهم الارض

<یومئذ متعلق به <شهیداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان <افک> به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر

قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنت .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

گواهان عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۳،۴

۳ - قیامت، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است.

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی را برای آن ذکر کرده و می گوید:

شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

۴ - سوگند خداوند، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۹

۹ - اصحاب اخدود در قیامت ، بر کردار خویش شهادت خواهند داد .

و هم علی ما یفعلون

آیات <و الیوم الموعود> و <و شاهد و مشهود> در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۱

۱ - گواهی پیامبر (ص)، بر تمامی حرکات و رفتارهای امت خویش در قیامت

إنا أرسلنا إليكم رسولا شهيدا عليكم

گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۷

۷ پیامبران، شاهدان محکمه الهی در قیامت

و يوم القيمة يكون عليهم شهيدا

گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ پیامبر اسلام (ص)، گواه و شاهد بر همه رسولان الهی در روز رستاخیز

فكيف اذا جئنا .. و جئنا بك على هؤلاء شهيدا

امیرالمؤمنین (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هو [محمد (ص)] الشاهد على الشهداء و الشهداء هم الرسل (ع).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۱۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ گواهی حضرت عیسی (ع) بر اهل کتاب در روز قیامت

و یوم القیمه یكون علیهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۰

۱۰- محکومیت کافران در محکمه قیامت ، با شهادت شاهدان همراه است .

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۳

۳- قیامت ، روز برانگیخته شدن گواهانی از میان هر امت برای شهادت دادن بر آنان

و یوم نبعث فی کلِّ أمّہ شهیداً علیهم من أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۸

۸- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک کان عنه مسؤلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۸

۸- روز قیامت ، روزی عظیم و جایگاه حضور و گواهی است .

من مشهد یوم عظیم

<مشهد> چنانچه اسم مکان باشد، به معنای محل حضور و شهادت است. و می تواند مصدر میمی و به معنای شهود و حضور در روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۲،۳،۱

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

۲ - اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ عمل خلافی ،

فروگذار نخواهند کرد .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم . . . بما كانوا يعملون

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای

قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است .

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی را برای آن ذکر کرده و می گوید:
شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۶

۶ - > عن أبي هريرة قال قرء رسول الله (ص) هذه الآية > يومئذ تحدث أخبارها < قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فإن إخبارها أن تشهد على كل عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(ص) آیه >يومئذ تحدث أخبارها< را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبردادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. <.

لجاجت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۲

۲ - پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار التي كنتم بها تكذبون

جمله >كنتم بها تكذبون< ماضی استمراری و بیانگر

آن است که کافران تکذیب گر؛ هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند؛ بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

لذت گرایی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۲

۲ - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتعوا قليلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

لرزش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۶

۶- لرزش و اضطراب بسیار شدید مردم ، در عرصه قیامت

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

<ساعه> به معنای لحظه و هنگام است و <الساعه>؛ یعنی، آن هنگام. مقصود از <آن هنگام>، می تواند هنگام برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر باشد. در این صورت کلمه <زلزله> استعاره از اضطراب شدید مردم است. هم چنین می تواند زمان پایان یافتن عمر جهان کنونی و فرا رسیدن هنگام فروپاشی نظام آن باشد. در این صورت مراد از <زلزله>، لرزش شدیدی است که در آن لحظه، سراسر جهان را فرا می گیرد و باعث فروپاشی آن می شود.

لرزش کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۳

۳- لرزش زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار شدید و کوبنده است .

تبدیل شدن کوه های استوار به انبوهی از ریگ های روان، شدت و گوبندگی زمین لرزه را، در آستانه برپایی قیامت می رساند.

لعن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت اولی> نسل قبل و مراد از <امت آخری> نسل بعدی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ناسزاگویی و لعن دیگران ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

ثم يوم القيامة يكفر بعضكم ببعض و يلعن بعضكم بعضاً

لقاء الله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ روز قیامت، زمان ملاقات انسان با خداوند است.

لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

جلد - نام سورہ - سورہ

- آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۱

۱ قیامت ، روز دیدار با خداست .

إن الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۸

۸ قیامت ، روز دیدار با خداوند است .

الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۵

۵ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۷

۷ قیامت ، روز ملاقات با خداوند است .

و يوم يحشرهم .. قد خسر الذين كذبوا بقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز لقای پروردگار و مشاهده نمود های روشن وی است .

فمن كان يرجو لقاء ربه

مسلم است که مراد از لقای پروردگار، برخوردی حسی با او نیست، چون، چنین امری هم از نظر عقل و هم از نظر متون دینی، محال است (لاتدرکه الأبصار). بنابراین، به قرینه <فلیعمل عملاً صالحاً>، مراد از لقای پروردگار، مواجه شدن با رضایت و پاداش های او در روز قیامت است.

لقاءالله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۲

۲ قیامت صحنه ملاقات همگان با خداوند است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعة

<الساعة> از اسامی قیامت است و منظور از ملاقات، برخورد جسمانی نیست، زیرا چنین امری محال است. لذا مراد

از آن شهود حاکمیت و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵ - ۴

۴ - قیامت ، ظرف تحقق لقاء الله و حضور در پیشگاه خداوند است .

من كان یرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت

<لقاء الله> عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حضور انسان ها در پیشگاه خداوند است .

و إنَّ کثیرًا من الناس بلقاء ربهم لکفرون

ذکر وصف ربوبیت در مورد لقاء الله می تواند ناظر به برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - معاد ، عرصه رجوع و حضور در محضر خدا است .

أءنّأ لفی خلق جدید بل هم بلقاء ربّهم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۲،۳

۲ - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

۳ - حضور انسان ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت

الهی است .

ألا إناهم في مريه من لقاء ربهم

اضافه <لقاء> به وصف ربوبیت و نه دیگر اوصاف و اسمای الهی معنای بالا را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۵ - ۵

۵ - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إناهم عن ربهم يومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از خداوند، نمی تواند به معنای ندیدن با چشم باشد؛ زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

مال دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۸

۸ - مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لا تکرمون . . . و لا تحضون ... تأکلون ... تحبون ... کلاً ... يومئذ يتذکر الإنس

مالک قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۱،۶

۱ - خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملک يوم الدين

<مَلِك> در <مالک يوم الدين> ملک حقیقی است ؛ یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک

بر مملوك است. قابل ذكر است كه <يوم الدين> هم مي تواند مفعول براي <مالك> باشد و هم مي تواند ظرف براي آن گرفته شود و در صورت

دوم مفعول، کلمه ای همانند <الامور> خواهد بود؛ یعنی: مالک الامور فی يوم الدين. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

۶- مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک يوم الدين

<مالک يوم الدين> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد لله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۷، ۲

۲- ربوبیت خدا بر هستی، رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز قیامت، دلیل شایستگی او برای پرستش

رب العلمین. الرحمن الرحیم. ملک يوم الدين. إياک نعبد

۱۷ شناخت ربوبیت خدا بر تمام هستی و باور به رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز جزا، تنها با امداد الهی امکان پذیر است .

الحمد لله رب العلمین .. إياک نستعین

شناخت ربوبیت خدا و .. از تکالیفی است که می توان آن را از سوره حمد برداشت کرد. لذا آنها نیز متعلق <نستعین> می باشند؛ یعنی: نستعینک علی ان نعرف ربوبیتک و ...

مالکیت دنیوی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۷

۷- در قیامت، رابطه انسان با مالکیت های اعتباری او در دنیا، به کلی بریده خواهد شد .

و أنذرهم يوم الحسره .. إنا نحن نرث الأرض و من علیها و إلینا یرجعون

خداوند، هم زمین را میراث خود دانسته و هم آدمیان را؛ یعنی هم مالکان اعتباری و هم ملک های اعتباری؛ بنابراین در قیامت،

این دو تنها با مالک حقیقی خود مرتبط خواهند شد.

مالکیتها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملك يوم ينفخ في الصور

ماه(قمر) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۵

۵ - > عن النبي (ص) قال : الشمس و القمر مكوّران يوم القيامة ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد.<

متجاوزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - تجاوزگران به حقوق مردم ، حیران و سرگردان در صحنه قیامت

يظلمون الناس و يبغون في الأرض بغير الحقّ . . و ترى الظلمين لما رأوا العذاب يق

متقین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۱۲

۱۲ جایگاه بلند مؤمنان تقوا پیشه نسبت به کافران ، در روز قیامت

و الذين اتقوا فوقهم يوم القيمة

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواییشان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذين اتقوا فوقهم يوم القيمة

چون برتری مؤمنان تقوایشه در دنیا نیز حتمی است ؛ بنابراین <یوم القيمة> ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

۱۶ تقوا ، عامل دستیابی به مقام بلند در قیامت

و الذين اتقوا فوقهم يوم القيامة

۱۸ همراهی ایمان و تقوا ، عامل برتری در قیامت

و يسخرون

من الذين امنوا و الذين اتقوا فوقهم يوم القيمة

تبدیل <الذين امنوا> به <الذين اتقوا>، برای تفهیم این معناست که باید ایمان، همراه تقوا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۷

۷- پرهیز کنندگان از جرم و گناه، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت، بیم و هراس نخواهند داشت.

و وضع الکتب فتری المجرمین مشفقین ممّا فيه

جمله <وضع الکتب> وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله <فتری المجرمین..> تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱- تقوا پیشگان در روز قیامت، با اکرام و تجلیل بر خدای رحمان وارد خواهند شد.

یوم نحشر المتّقین إلی الرحمن وفداً

<وفداً جمع یا اسم جمع است و به هیأت هایی گفته می شود که جهت دیدار یا کمک خواهی، به نزد دولتمردان می روند (لسان العرب). توصیف متقین هنگام حضور در صحنه قیامت به <وفداً>، حکایت از ویژگی حضور آنان و احترام و موقعیت خاصی دارد که برای آنها در قیامت وجود خواهد داشت. این کلمه ممکن است مصدر و بیانگر نوع محشور شدن متقین باشد.

۲- متقین، دارای منزلت و تشخص ویژه در صحنه قیامت

یوم نحشر المتّقین إلی الرحمن وفداً

۳- خدای رحمان، در قیامت میزبان تقوای پیشگان (موحدان) خواهد بود.

یوم نحشر المتّقین إلی الرحمن وفداً

<وفداً> چه مصدر و بیان کننده نوع حشر باشد و چه به معنای <وافدین> گرفته شود،

بر میهمان بودن متقین دلالت دارد؛ با این تفاوت که در صورت دوم، می رساند که حضور آنان در صحنه قیامت فردی نبوده؛ بلکه به صورت گروهی خواهد بود. در این صورت باید گفت: <وفداً> حال مقدره است؛ یعنی، زمان گروهی بودن از زمان حشر متأخر است؛ زیرا آیات بعد به حضور فردی همگان تصریح دارد.

۷- برانگیختن تقوای پیشگان در قیامت با اکرام و احترام ویژه نمودی از رحمانیت خداوند و عزت بخشی او است .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا. .. يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

یوم نحشر .. و نسوق المجرمین إلى جهنم وردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۱

۱ - رستاخیز ، روز استقبال شایان بهشت از قدوم تقوای پیشگان

و أزلفت الجنة للمتقين

<إزلاف> (مصدر مجهول <أزلفت>) به معنای نزدیک آورده شدن است. بنابراین از مفاد آیه استفاده می شود که بهشت را برای استقبال و خوش آمدگویی به تقوای پیشگان، نزدیک می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۵

۵ - تأمین تمامی خواسته های تقوای پیشگان در آخرت ، مقتضای ربوبیت پروردگار است .

هم المتقون . لهم ما يشاءون عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۵،۶

۵ - تقوایپشگان ، از هر بدی و رنجی در قیامت در امان خواهند بود .

الذین اتَّقوا .

.. لا يمسهم السوء

۶ - تقوایپیشگان ، به هیچ حزن و اندوهی در قیامت گرفتار نخواهند شد .

الذین اتَّقوا.. و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود فاصله میان موقف تقوایپیشگان در محشر و بهشت

و سيق الذین اتَّقوا ربَّهم إلى الجنَّة زمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۲

۲ - مودّت و دوستی تقوایپیشگان ، پابرجا و مستحکم حتی در قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۸ - ۲،۴

۲ - گفتوگوی مستقیم و بیواسطه الهی ، با تقوایپیشگان در قیامت

یعباد

۴ - بشارت خداوند به تقوایپیشگان ، مبنی بر مصونیت آنان از هرگونه خوف و اندوه در قیامت

یعباد لا خوف علیکم الیوم و لا أنتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۱ - ۲،۴

۲ < متّقین > ، قادر به مشاهده بهشت در صحنه قیامت *

الجَنَّة .. غير بعيد

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر <غير بعيد> از پی <أزلفت> بیانگر این معنا باشد که بهشت آن قدر به متقین نزدیک خواهد شد، که در مرئی و منظر آنان قرار خواهد گرفت.

۴ < متقین > ، مورد اجلال و تکریم الهی در قیامت

و أُزلفت الجنة للمتقين

تعبیر <أزلفت> و این که بهشت به متقین نزدیک می شود و آنان حتی زحمت حرکت به سوی بهشت را احساس نمی کنند؛ کرامت و ارجمندی آنان

را نزد خداوند می رساند.

متکبران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۶

۶ - جایگاه متکبران در قیامت ، جایگاهی بد و ناگوار خواهد بود .

فبئس مثوی المتکبرین

متنعمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۸ - ۴

۴ - کسانی که در قیامت در ناز و نعمت اند ، هول و هراس آن روز را احساس نخواهند کرد .

وجوه یومئذ ناعمه

می توان گفت: وصف <الغاشیه> برای قیامت که بیانگر بسته بودن راه فرار است تنها به بدکاران نظر دارد؛ جز این که به صورت استطراد از نیکان نیز سخن به میان آمده است. در این موارد گفته می شود: بیان حالت دسته دوم، در حقیقت توضیحی اضافه است تا آنچه که مخاطب طالب شنیدن آن است، تکمیل شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۱،۳

۱ - بهره مندان از ناز و نعمت آخرت ، از تلاش های خویش در دنیا ، به وجد آمده و نسبت به آن احساس رضایت خواهند کرد .

لسعیها راضیه

۳ - افرادی که در قیامت ، در رفاه و خوش گذرانی به سر می برند ، دستیابی به آن را مرهون تلاش های دنیایی خود می بینند

ناعمه . لسعيها راضيه

مجادله در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۱

۱ مخاصمه شيطان و مشركان با يكديگر ، در محكمه عدل الهی

قال قرينه ربنا ما أطغيتہ

.. قال لا تختصموا لدي

مجادله درباره قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۷

۷ - مجادله و تشکیک مستمر مشرکان ، نسبت به برپایی قیامت

إن الذين يمارون في الساعة لفي ضلل بعيد

<ممارات> (مصدر <یمارون>) به معنای اصرار بر جدال است.

مجازات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۷

۷ منکران قیامت ، مستحق کیفر و عذاب الهی در دنیا هستند .

و لو يعجل الله .. لقضى إلیهم أجلهم فنذر الذين لا يرجون لقاءنا

از آیه شریفه استفاده می شود که: اگر مجازات منکران قیامت منجر به مرگ آنان نمی شد، خدا بدون مهلت آنان را سرکوب می کرد؛ یعنی، آنان استحقاق کیفر را دارند لکن مانع وجود دارد.

مجرمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۲، ۱

۱ - مجرمان ، در روز رستاخیز از صف مؤمنان جدا خواهند شد .

و امتزوا اليوم أئها المجرمون

۲ - مجرمان ، در روز رستاخیز از یکدیگر جدا شده و به درد فراق مبتلا خواهند بود .

و امتزوا اليوم أيها المجرمون

برداشت یاد شده بر این اساس قرار دارد که مقصود از جدایی مجرمان، جدایی آنان از یکدیگر و ابتلا به درد فراق باشد که این خود عذاب و درد بزرگ روحی و روانی برای آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان

داده خواهد شد .

هذه جهنم التي كنتم توعدون

<هذه> که به شیء نزدیک اشاره دارد می رساند که جهنم در نزدیکی کافران و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

محدوده پرسش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۴

۴ چگونگی رفتار امتهها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنستلن الذين أرسل إليهم ولنستلن المرسلين

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امتهایشان باشد؛ چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

محرومان از شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۲

۲ - جرم پیشگان ، محروم از شفاعت در قیامت

عن المجرمين .. فما تنفعهم شفاعه الشفعين

محرومیت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ خداوند ، منکران قیامت را از بهشت و مواهب آن محروم خواهد کرد .

إن الله حرهما على الكافرين .. فاليوم ننسيهم كما نسوا لقاء يومهم هذا

از مصادیق کلمه <الكفرین> به دلیل <كما نسوا لقاء یومهم هذا>، منکران قیامت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۳

۳ - تهدید تکذیب گران روز جزا ، به محرومیت از موهبت های بهشتی

كلوا و تمتعوا قليلاً

امر در <كلوا و تمتعوا> در معنای تهدید و انذار به کار رفته است. در آیات گذشته، از مواهب بهشت

و تأمین خواسته های تقواییشان در آن، سخن به میان آمده است. از این مطلب استفاده می شود که این تهدید، ناظر به محرومیت از موهبت های بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۵

۵ - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند.

إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

محجوب بودن از خداوند، نمی تواند به معنای ندیدن با چشم باشد؛ زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

محرومیت منکران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۶

۶ منکران قیامت از زمره ستمکارانند و در قیامت از رحمت خدا محروم خواهند بود.

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ ... وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَفُورُونَ

محسنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۶

۶ - برآورده شدن تمامی خواسته های احسان کنندگان در قیامت، به صرف اراده کردن آنان

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جِزَاءَ الْمُحْسِنِينَ

<احسان> هم شامل نیکی به خود می باشد که در این صورت مقصود نیک کرداری است و هم شامل نیکی به دیگران می شود (لسان العرب). این واژه در آیه شریفه، ممکن است در هر دو معنای کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما يشاءون عند ربهم .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <يجزيهم..> می تواند توضیح و بیان برای جمله <لهم ما يشاءون...> باشد. یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

محمد(ص) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۸

۸- پیامبر (ص) ، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است .

و جنابك شهيداً على هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در <فی کلّ أمه> مردم هر عصری نباشد بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) <هؤلاء> اشاره باشد به کل امت پیامبر(ص) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۷،۲۰

۱۷- تجلی مقام ستایش انگیز پیامبر (ص) در رستاخیز *

عسى أن يبعثك ربك مقاماً محموداً

برداشت فوق بدان احتمال است که واژه <يبعثك> اشاره به بعث در قیامت و رستاخیز داشته باشد و <مقاماً> مصدر میمی و مفعول مطلق برای <أن يبعثك> باشد که در این صورت ترکیب آیه چنین می شود: <عسى أن يبعثك ربك بعثاً محموداً> خداوند تو را به شکل پسندیده ای در قیامت مبعوث می سازد.>

۲۰- < قال

علی بن ابی طالب (ع) : ... ثم یتجمعون فی موطن آخر یكون فیہ مقام محمد (ص) و هو المقام المحمود فیثنی علی الله تبارک و تعالی بما لم یثن علیه أحد قبله ثم یثنی علی الملائکة کلهم ... ثم یثنی علی الرسل ... ثم یثنی علی کل مؤمن و مؤمنه ... فذلک قوله : > عسی أن یتعشک ربک مقاماً محموداً ... و هذا کلہ قبل الحساب ... <

حضرت علی بن ابی طالب فرمود: .. سپس خداوند [در قیامت] مردم را در موضعی جمع می کند که مقام محمد (ص) در آن جاست و آن مقام محمود است. پس پیامبر (ص) ثنای خدای تبارک و تعالی می گوید، به گونه ای که احدی قبل از او چنین ثنایی نگفته است؛ سپس به [ترتیب] بر تمامی فرشتگان ... و رسولان ... و تمامی مردان و زنان مؤمن درود می فرستد ... و این همان سخن خداست که: > عسی أن یتعشک ربک مقاماً محموداً... < و تمام این امور پیش از حسابرسی است...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ - ۷

۷ - ملاقات پیامبر اکرم (ص) با حضرت موسی (ع) ، در شب معراج و یا در قیامت ، قطعی است .

و لقد آتینا موسی الکتب فلا تکن فی مریه من لقائه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر در <لقائه> موسی (ع) باشد. لازم به ذکر است که این نکته، مورد تأیید روایت نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۱ - ۳

۳ - پیامبر اکرم (ص)، در خیر و سلامتی از ناحیه اصحاب الیمین در جهان آخرت

فسلم لك من أصحاب الیمین

محمد(ص) و برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱۱،۱۳

۱۱ پیامبر (ص) بر خلاف تصور مردم، بر آگاه شدن به زمان تحقق قیامت اصرار نداشت و برای دستیابی به آن تلاش نکرد.

یسئلونك كأنك حفی عنها

<حفی به> یعنی کنجکاو نمود و درباره آن زیاد پرسش کرد. چون کلمه <حفی> در آیه شریفه با <عن> متعدی شده، معنای کشف کردن نیز در آن مندرج است. یعنی <کأنك حفی بها مستکشفا عنها>. گویا تو پرسش کرده ای و در صدد کشف آن برآمده ای.

۱۳ پیامبر (ص)، بر خلاف تصور مردم، به زمان برپایی قیامت آگاه نبود.

یسئلونك كأنك حفی عنها

<حفی عنها> که دلالت بر پرسش زیاد و تلاش برای کشف زمان قیامت دارد، به قرینه <یسئلونك>، کنایه از آگاهی نیز می باشد. یعنی آنان گمان می کنند که تو از زمان قیامت پرسش کرده ای و در نتیجه بدان آگاه شده ای.

محور حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۴،۳،۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالت‌های انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنستلن الذین أرسل إلیهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إليهم> دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالت‌های الهی است.

۳ تبلیغ تعالیم

دینی و آسمانی، محور بازجویی از پیامبران خدا در قیامت

فلنستلن الذين أرسل إليهم ولنستلن المرسلين

عنوان <مرسلین> در جمله <و لنستلن المرسلین> بیانگر این است که سؤال از پیامبران درباره تبلیغ رسالت است.

۴ چگونگی رفتار امته‌ها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنستلن الذين أرسل إليهم ولنستلن المرسلين

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امتهایشان باشد؛ چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

مخلصان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفينه في الدنيا و إنه في الآخرة لمن الصالحين

مدت اولین روز قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۵ - ۹

۹ - نخستین روز پس از پایان عمر جهان هستی، برابر با هزار سال دنیوی است .

ثم يعرج إليه في يوم كان مقداره ألف سنة مما تعدون

احتمال دارد مراد از <یوم> روز قیامت باشد که در این صورت، معنا و مفهوم آیه چنین می شود: <خداوند، امور عالم را تدبیر می کند و آن گاه در روزی که پایان عمر عالم است و هزار سال دنیوی زمان آن است، امر، به خداوند باز می گردد و عالم بر چیده می شود.>

مدت قیامت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۹

۹ - > عن حفص بن غیاث القاضی قال

: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (ع) يقول: ... فَإِنَّ لِلْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلُّ مَوْقِفٍ مَقَامٌ أَلْفٌ سَنَةٍ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: >
فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ <;

از حفص بن غياث روایت شده که گفت: شنیدم که امام صادق (ع) می فرمود: برای قیامت پنجاه موقف (ایستگاه) است که هر کدام از آنها هزار سال طول می کشد. سپس امام (ع) این آیه را تلاوت فرمود: (فی یوم کان مقدارہ خمسین ألف سنہ).

مدح بیم داران از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۴

۴ - ستایش و تمجید خداوند ، از وفاکنندگان به نذر و بیم داران از قیامت

یوفون بالنذر و يخافون يوماً كان شره مستطيراً

مرتد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۵

۵ روسیاهی و عذاب مرتدان در قیامت

فاما الذين اسودت وجوههم اكفرتم بعد ايمانكم فذوقوا العذاب

مردان بنی اسرائیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۳

۳ هفتاد مرد گزینش شده برای حضور در میعادگاه مناجات ، بهترین و لایقترین مردم بنی اسرائیل در دیدگاه موسی (ع)

و اختار موسی

>اختیار< به معنای انتخاب و گزینش خیر است. بنابراین <اختار موسی> یعنی موسی بهترینها را انتخاب کرد.

مردگان هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۴ - ۲

۲ - انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت ، زمینه تخلیه کامل

آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است .

و إذا الأرض مدّت . و أَلقت ما فيها و تخلّت

تقدیم ذکر، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه <القاء> و <تخلیه> خواهد بود. به قرینه آیات بعد که درباره قیامت انسان ها است می توان گفت: از عبارت <أَلقت ما فيها> بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

مرفهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۷

۷ - رفاه زدگان و ذلّت پنداران فقر ، تنها به هنگام مواجه شدن با حوادث قیامت ، به خطای خویش پی برده ، حقیقت را در خواهند یافت .

فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَوْمئذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَنُ

مرفهان کافر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لَا تَجْرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِّنَّا لَا تَتَصَرَّوْنَ

مرفهان و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۷

۷- رفاه زدگان و ذلت پنداران فقر، تنها به هنگام مواجه شدن با حوادث قیامت، به خطای خویش پی برده، حقیقت را در خواهند یافت.

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ

مریم(س) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداوند ، در روز قیامت و در مجمع پیامبران ، نعمت های ارزانی شده به عیسی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع الله الرسل فبقول .. اذ قال الله یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و عل

کلمه <اذ> در <اذ قال الله> بدل اشتمال برای کلمه <یوم ..> می باشد.

مستضعفان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکننا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۳، ۲، ۱

۱ - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرفی خواهند کرد .

و قال الذین استکبروا للذین استضعفوا نحن صددنکم عن الهدی .. بل کنتم مجرمین

۲ - مستکبران در قیامت ، اعتراض مستضعفان را در ایجاد گمراهی با قاطعیت تمام رد خواهند کرد .

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکننا مؤمنین . قال الذین استکبروا ل

استفهام در <أنحن> انکاری است.

۳ - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذین استکبروا للذین استضعفوا نحن صددنکم عن الهدی بعد إذ جاءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲

۱ - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه

کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی خواهند کرد .

بل کنتم مجرمین . و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الیل و النهار إذ تأ

۳ - مستضعفان در قیامت ، تلاش مکارانه و شبانه روزی مستکبران را ، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا أنتم لکننا مؤمنین . قال الذین استکبروا ... بل کنتم مجرمین . و قال الذین است

۵ - مستضعفان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا .. تأمرونا أن نکفر بالله و نجعل له أنداد

۶ - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمرونا أن نکفر بالله و نجعل له أنداداً

کاربرد فعل <تأمرونا> (از ماده <أمر> و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

۱۶ - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

و قال الذین استضعفوا .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

بنابراین که ضمیر فاعلی <أسروا> به <استضعفوا> برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة .. خافضه رافعه

مستکبران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۹

۹ حضور تمامی انسان‌ها مستکبران و عبادت‌کنندگان به پیشگاه خداوند در قیامت

لن يستنكف المسيح ان يكون عبداً لله .. و يستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

کلمه <اما> در آیه بعد تفصیل و توضیح <فسیحشرهم ..> می‌باشد. بنابراین ضمیر <هم> شامل هر دو گروه عبادت‌کنندگان و کسانی که از عبادت خدا استنکاف دارند می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۲، ۱۳

۱۲ تنها خداوند، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

به قرینه فراز قبل <فیعذبهم عذاباً الیماً> مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می‌یابند، این است که تنها وی توانا بر یآوری آنهاست، نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

۱۳ خداوند، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را، در قیامت یاری نخواهد کرد.

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۸

۱۸- مستکبران، در قیامت، گمراهی خود را جبری و معلول خواست خداوند معرفی می‌کنند.

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

<لو> حرف شرط امتناعی است و مقدم قضیه را ممتنع می‌کند. بنابراین مفهوم عبارت چنین می‌شود اگر خداوند ما را هدایت می‌کرد و محال است که چنین بکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۲

۲- از بین هر گروه و مسلک در

قیامت ، تجاوزکارترین و مستکبرترین افراد بیرون کشیده خواهند شد .

ثُمَّ لَنْتَرَعَنَّ .. عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

<عتیًّا> مصدر و به معنای استکبار و تجاوز از حد است (لسان العرب). <عُتُوًّا> نیز به معنای دور شدن از طاعت می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لكنّا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۱،۲،۳

۱ - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرفی خواهند کرد .

و قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صدقناكم عن الهدى .. بل كنتم مجرمين

۲ - مستکبران در قیامت ، اعتراض مستضعفان را در ایجاد گمراهی با قاطعیت تمام رد خواهند کرد .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنين . قال الذين استكبروا ل

استفهام در <أنحن> انکاری است.

۳ - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صدقناكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۴

۴ - امکانات مادی کافران مستکبر ، فاقد کمترین کارایی و گره گشایی برای ایشان در روز جزا

و لا يغنى عنهم ما كسبوا شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - كافران و مستكبران

، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة .. حافظه رافعه

مستکبران و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۴

۴ - کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندری ما الساعه

مسخ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۴

۱۴ مسخ چهره انسانی گروهی از اهل کتاب (سران و عالمان) در قیامت *

من قبل ان نطمس وجوهاً فردّها علی ادبارها

نکره بودن <وجوه> حاکی از آن است که این عقوبت (مسخ چهره انسانی) برای تمامی مخاطبان نیست. لازم به ذکر است که برخی از مفسران تحقق این معنی را در قیامت می دانند.

مسلمانان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲

۲ رحمت خاص الهی در قیامت از آن پیروان پیامبر اسلام خواهد بود .

فسأکتبها .. الذین یتبعون الرسول

برداشت فوق بر این اساس است که <فسأکتبها> بیان تحقق رحمت الهی در سرای آخرت باشد.

مسیحیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِى مَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق

را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

مشرکان پیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۲،۵،۸

۲ - مشرکان (سران شرک و پیروانشان) به عذاب قیامت گرفتار خواهند شد .

إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا و رأوا العذاب

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <رأوا العذاب> به هر دو طایفه (سران و تابعان) باز گردد. از آیه قبل و نیز آیه بعد معلوم می شود که ظرف <تبری>، روز قیامت است. بنابراین مراد از <العذاب> عذاب قیامت می باشد.

۵ - قیامت ، روز آگاهی مشرکان تابع و دنباله رو از گمراهی پیشوایان و بزرگان خویش

إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا

۸ - در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

مشرکان جاهلیت و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۲،۳

۲ شرک پیشگان عرب جاهلی ، مردمانی ناآشنا به جهان آخرت و حقایق روز بازپسین

بل کذبوا بما لم يحيطوا بعلمه و لما يأتهم تأويله

مراد از <ما لم يحيطوا بعلمه> به قرینه جمله بعد (و لما يأتهم تأويله) می تواند قیامت باشد. در این صورت، جمله <لم يحيطوا...> بیانگر این است که: موضوع

قیامت برای مشرکان عرب جاهلی موضوعی بی سابقه و نوی بود و آنان در گذشته نسبت به آن در بی خبری محض به سر می بردند.

۳ قیامت و روز بازپسین ، مورد انکار شرک پیشگان عصر بعثت

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فَاللّٰهُ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَمَةِ فِیْمَا کَانُوا فِیْهِ یَخْتَلِفُونَ

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۶

۶ عذاب و نیز آمرزش مشرکان در قیامت در اختیار خداوند و به دست اوست

ان تعذبهم... و ان تغفر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۳،۷،۸

۳ خداوند گردآورنده تمامی ستمگران (اهل کتاب و مشرکان) در قیامت

انه لایفلیح الظلمون... و یوم نحشرهم جمیعا

چون در آیات گذشته سخن از مشرکان و اهل کتاب به میان آمده بود، در برداشت این دو گروه به عنوان مصادیقی بارز از ظالمان مشخص شده اند.

۷ قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین

آنهاست.

و يوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون

۸ مشركان، غوطهور در پندارهای بی اساس خویش و امیدوار به کمکهای خدایان دروغین در قیامت

این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸

۱ مشركان در قیامت برای شرك خویش چاره ای جز انكار آن ندارند.

ثم لم تكن فتنتهم إلا أن قالوا و الله ربنا ما كنا مشركين

از جمله معانی فتنه، اعتذار است که در این آیه به معنی راهی برای گریز و نجات است.

۲ بی پناهی مشركان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

این شرکاؤکم .. ثم لم تكن فتنتهم إلا أن قالوا و الله ربنا ما كنا مشركين

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشركان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشركان شده که: <این شرکاؤکم؟> و در این آیه درماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

۳ سوگند دروغ مشركان در قیامت بر مشرك نبودنشان در دنیا

و الله ربنا ما كنا مشركين

۴ قیامت، روز رسوایی مشركان و آشکار شدن بطلان عقاید شرك آلود آنان

ثم لم تكن فتنتهم .. و الله ربنا ما كنا مشركين

۵ تلاش مشركان در قیامت برای توجیه شرك خویش و گریز از پیامدهای آن

و الله ربنا ما كنا مشركين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مشركان این جمله را به دروغ به قصد نفی شرك خویش نگفته باشند، بلکه مقصودشان توجیه باشد که هدف ما حق بوده و بتها را مظهر حق

می دانستیم، نه شریک خدا

۶ اعتراف مشرکان در قیامت به الوهیت و ربوبیت خداوند

و الله ربنا ما كنا مشركين

۸ المروى عن أبى عبدالله(ع): ان المراد من <فتنتهم> معذرتهم.

از امام صادق(ع) روایت شده که مراد از <فتنتهم> در آیه <ثم لم تکن فتنتهم...>، معذرت خواهی مشرکان (در قیامت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۱،۵،۹

۱ مشرکان در قیامت به دروغ منکر شرک ورزی خویش در دنیا می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشركين. انظر كيف كذبوا على أنفسهم

۵ مشرکان، علی رغم اصرار بر شرک خویش در دنیا، در آخرت به شدت آنان را انکار می کنند.

قالوا و الله ربنا ما كنا مشركين .. و ضل عنهم ما كانوا يفترون

مفاد جمله <ما كانوا يفترون> ماضی استمراری است که دلالت بر تداوم و اصرار مشرکان بر عقاید خویش در دنیا دارد.

۹ دروغپردازی مشرکان، حتی در قیامت

انظر كيف كذبوا على أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله ای معترف به آن می شوند.

و الله ربنا ما كنا مشركين .. فقالوا يليتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا

اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

۱ پدیدار شدن عذابی که مشرکان آن را انکار می کردند، موجب آرزوی بازگشت به دنیا، نه ایمان واقعی به خداوند و آیات

فقالوا یلیتنا نرد . . . بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

جمله <یالیتنا . . . و نکون من المؤمنین > در آیه قبل، بیان آرزوی مشرکان برای بازگشت به دنیا و ایمان آوردن بود. حرف <بل > اضراب از آن مطالب است. یعنی نه اینکه آرزوی بازگشت برای ایمان باشد، بلکه به پندار رهایی از عذاب است.

۴ مشاهده عذاب قیامت زمینه آگاهی و وقوف مشرکان بر شرک خویش

ما کنا مشرکین . . . بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از جمله <ما کانوا یخفون >، به قرینه آیت پیشین (. . . و الله ربنا ما کنا مشرکین) می تواند شرک و اختفای آن از سوی مشرکان در برخی از مواقف قیامت باشد. <من قبل > اشاره به آن موقف است.

۹ لجاجت پیشگان مشرک، پس از دیدن جهنم نیز اگر دنیا بازگردند اصلاح نمی شوند.

و لو تری إذ وقفوا علی النار . . . و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر

دوش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

چون جمله <فما كان...> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لكل ضعف و لكن...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم فيما فيه يختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۵،۷

۵ حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبود های مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم و شركاؤكم

۷ خداوند ، پس از توقیف مشرکان و معبودهایشان در عرصه محشر ، نخست آنان را از هم جدا کرده و سپس به بازجویی و محاکمه آنان خواهد پرداخت .

ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم و شركاؤكم فريلنا بينهم .. ما كنتم إيانا تعبدو

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <بينهم> به اهل شرک و معبودهایشان بازگردد. گفتنی است که <تزییل> (مصدر زیلنا) به معنای دور کردن دو چیز از یکدیگر و جدایی افکندن میان آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۷

۷ مشرکان و کافران ، در روز قیامت حاضرند در صورت دارا بودن حتی دو برابر ثروت

زمین ، آن را برای رهیدن از عذاب فدیة دهند .

والذین لم یستجیبوا له لو أن لهم ما فی الأرض جمیعاً و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معنای بخشیدن چیزی است برای رها شدن و خلاصی یافتن از اسارت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۷

۷- مشرکان در قیامت ، جوابی در برابر بازخواست خداوند نخواهند داشت .

این شرکاء الذین کتمت تشقون فیهم قال الذین أوتوا العلم

از اینکه در آیه به جای پرداختن به جواب مشرکان، سخن اشخاص دیگری را به میان آورده است، به دست می آید که مشرکان در برابر مؤاخذه خداوند جوابی برای گفتن نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۶ - ۵،۶

۵- تلاش مشرکان در قیامت برای دخیل شمردن معبود های دروغینشان در گمراهی خویش *

و إذا رء الذین أشرکوا شرکاءهم قالوا ربنا هؤلاء شرکاؤنا الذین کنا ندعوا من دو

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که غرض مشرکان از نمایاندن معبودهای دروغین خویش، کاستن از بار گناه خویش و نهاندن آن بر دوش معبودها باشد.

۶- ادعای مشرکان در قیامت مبنی بر شریک بودن معبود ها برای خدا ، از سوی خود معبود ها تکذیب خواهد شد .

فألقوا إلیهم القول إنکم لکذبون

شکوائیه مشرکان از معبودهایشان در قیامت (قالوا هؤلاء ..)، ممکن است به این خاطر باشد که آنان معبودها را عامل گمراهی خود قلمداد می کنند. از این رو تکذیب معبودها می تواند مربوط به همین ادعا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- مشرکان ، مراتب تسلیم بودن خود را به پیشگاه خداوند ، در قیامت ابراز می دارند .

و إذا رءا الذین أشركوا .. و ألقوا إلى الله یومئذ السلم

۲- مشرکان ، تنها در قیامت و پس از ناگزیری ، تسلیم می شوند .

و ألقوا إلى الله یومئذ السلم

ناگفته پیداست که مشرکان در دنیا هرگز تسلیم حق و فرمان خدا نبوده اند (یعرفون نعمت الله ثم ینکرونها ..). بنابراین ابراز تسلیم با قید <یومئذ> (در آن روز) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۲

۲- خداوند ، به هنگام برپایی قیامت ، مشرکان را به حیات مجدد فرا می خواند و آنان بی هیچ درنگ و تأملی ، به او پاسخ گفته و با ستودن او زنده خواهند شد .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر <کم> منکران معاد و مشرکان باشد که از زمان وقوع قیامت سؤال می کردند و نیز <یوم> بدل برای <قریباً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۸ - ۵،۶

۵- مشرکان و دنیاگرایان ، از منظر لطف و رحمت الهی ، در قیامت ، ساقط اند .

و عرضوا علی ربّک صفّاً

در صورتی که نایب فاعل <عرضوا> مشرکان و دنیاگرایان باشند که در آیات قبل، یاد آنان به میان آمد مجهول آمدن فعل و نیز به کار رفتن <ربّک> که خطاب پیامبر(ص) است به جای <ربّهم> دال بر تحقیر ایشان است.

۶- گزارش

خداوند از صحنه قیامت و حشر مشرکان ، تسلیت و دل جویی از پیامبر (ص) در برابر انکارها و دنیاپرستی آنان است .

و البقیة الصلحت خیر عند ربّک . . . و تری الأرض ... علی ربّک

خطاب در <ربّیک> و <تری> به پیامبر(ص) است این گونه خطاب در دل آیات مربوط به قیامت مشرکان، نوعی تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر انکار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۲، ۷، ۶، ۵، ۳، ۱

۱- خداوند ، در قیامت ، به مشرکان فرصت خواهد داد تا از معبود های پنداری خویش استمداد کنند .

نادوا شرکاء الذین زعمتم

۳- معبودان و شرکای پنداری مشرکان ، در قیامت ، هیچ پاسخی به کمک خواهی آنان نخواهند داد .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

۵- صحنه بیهوده بودن استمداد مشرکان از معبود های خود در قیامت ، صحنه ای شایان فراگیری و به خاطر سپردن است .

و یوم یقول نادوا شرکاءى . . . فلم یستجیبوا لهم

<یوم> مفعول برای فعل مقدری مانند <أذکروا> است یعنی ، <به یاد آن روز باشید که . . .> .

۶- در قیامت ، مشرکان ، از معبودان پنداری خویش جدا و دوراند .

و یوم یقول نادوا شرکاءى

<نداء> به معنای <بلند کردن آواز و آشکار ساختن آن> است (مفردات راغب) و فعل <نادوا> نشانه زیاد بودن فاصله مشرکان و معبودان است.

۷- مشرکان ، حتی در قیامت هم دل بسته یاری معبودان شان اند .

فدعوهم

۱۲- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

<وبوق> به معنای <هلاک شدن> است و <موبق> اسم مکان به معنای <مکان هلاکت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۵۳ - ۲،۵

۲- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود، آتش دوزخ است.

و جعلنا بینهم موبقاً . و رءا المجرمون النار

۵- مشرکان، در قیامت، در پی یافتن راهی برای نجات خویش از آتش دوزخ اند.

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم . . . و لم يجدوا عنها مصرفاً

در آیه قبل، بیان شد که مشرکان، با خواندن معبودان پنداری شان، در صدد نجات خود برخواهند آمد و این آیه، خبر از نافرجامی تلاش آنان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۸۲ - ۸

۸- مشرکان در قیامت، پرستش و بندگی معبود های ساختگی را انکار کرده و با آنها به ستیز و دشمنی خواهند پرداخت.

سيفرون بعبادتهم و يكونون عليهم ضدًا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر <يکفرون> و <يکونون> مشرکان و مرجع ضمیر <بعبادتهم> و <عليهم> الهه دانسته شده و کفر نیز به معنای انکار گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۳

۳ مشرکان در قیامت، ناتوان از دفاع از خویش در برابر عذاب الهی و یافتن هرگونه یار و ناصری برای خود

فما تستطيعون صرفاً و لانصرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ مشركان ، آدم كشان و زناكاران ، به روز رستاخيز

با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع اللّٰه اِلٰهًا .. و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق اٰثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۲

۲ - آشکار گشتن پوچی عقاید شرک آلود ، برای مشرکان در قیامت

و قیل لهم اَین ما کنتم .. هل ینصرونکم أو ینتصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۱

۱ - حسرت مشرکان ، بر نداشتن کمترین دوست دلسوز در قیامت

و لاصدیق حمیم

<حمیم> به معنای نزدیک است و <صدیق حمیم> (دوست نزدیک) می تواند کنایه از فرد مشفق، مهربان و دلسوز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۱،۴

۱ - صحنه روبه رو شدن اهل شرک با مؤاخذه خداوند در روز رستاخیز ، صحنه ای شایان توجه و یادآوری

و یوم ینادیهم فیقول اَین شرکاءِی

<یوم> در <یوم ینادیهم> مفعول برای فعل محذوف <اذکر> است ؛ یعنی ، <اذکر یوم ینادیهم..>.

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند از مشرکان ، درباره معبود های آنان در قیامت

فیقول اَین شرکاءِی

استفهام در <این شرکاءی> برای تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۴ - ۳،۷

۳ - فراخواندن مشرکان از سوی خداوند ، برای یاری خواستن از معبودهایشان در قیامت .

و قیل ادعوا شرکاءکم

۷ - روبه رو شدن مشرکان

با عذاب الهی در قیامت ، همراه با یأس کامل آنان از وجود یاری دهنده ای برای خود

قیل ادعوا شركاء کم .. فلم يستجیبوا لهم و رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۵ - ۱،۴

۱ - مواجه شدن اهل شرک با بازخواست خداوند در روز رستاخیز ، امری قابل توجه و شایان یادآوری

و یوم ینادیهم

<یوم> در <یوم ینادیهم> مفعول برای <اذکر> محذوف است؛ یعنی، <و اذکر یوم ینادیهم...>.

۴ - پرسش خداوند از مشرکان در قیامت ، درباره چگونگی پاسخ آنان به دعوت پیامبران

فیقول ماذا أجبتم المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۶ - ۲

۲ - تحیر و درماندگی اهل شرک در روز رستاخیز

فعمیت علیهم الأنباء یومئذ

برداشت یاد شده بدین جهت است که میان بسته شدن همه راه های خبر بر انسان و سرگردانی وی، تلازم وجود دارد. بنابراین

جمله <عمیت علیهم الأنباء> می تواند کنایه از حیرت و سردرگمی مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۱

۱ - صحنه روبه رو شدن اهل شرک با مؤاخذه خداوند در روز رستاخیز ، صحنه ای شایان توجه و یادآوری

و یوم ینادیهم فیقول این شرکاء ی

<یوم> در <یوم ینادیهم> مفعول برای فعل محذوف <اذکر> است؛ یعنی، <اذکر یوم ینادیهم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۹

۹ - برملا شدن حقانیت توحید برای جوامع شرک پیشه در قیامت

فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۷

۷ - مشرکان ، در قیامت ، الوهیت معبودان خویش را انکار می کنند .

و لم یکن لهم من شرکائهم شفعاؤا و كانوا بشرکائهم کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۷،۹

۷ - مشرکان ، در قیامت خطاهای خود را به یکدیگر نسبت خواهند داد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم إلى بعض القول

۹ - مؤاخذه شدن مشرکان در پیشگاه خداوند در قیامت

و قال الذین کفروا .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربهم .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۳

۳ - در روز قیامت ، از ملائکه هیچ کاری برای عبادت کنندگان ادعایی شان ساخته نیست .

فالیوم لا یملک بعضکم لبعض نفعًا و لا ضرًا

به قرینه این که مخاطبان در آیات پیشین، ملائکه بودند و خداوند با آنان درباره عبادت مشرکان گفتوگو می کرد؛ مخاطب <کم> در <بعضکم> می تواند ملائکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۱ - ۳

۳ - فزع و گرفتاری مشرکان در قیامت ، مسلم و قطعی است .

و لو تری إذ فزعوا

یادآوری وضعیت مشرکان با فعل های ماضی <فزعوا> و <أخذوا>، حکایت از قطعیت ناراحتی و گرفتاری آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۲ - ۶

۶ - ایمان مشرکان در قیامت ، سودی برای آنان ندارد .

و لو تری إذ فزعوا .. و قالوا ءامنّا به و أنّى لهم التناوش

<تناوش> (از ریشه <نوش>) به معنای تناول و رسیدن است، یعنی، آنان چگونه می توانند به ایمان نایل آیند؟ و مراد از آن بی فایده بودن ایمان در غیر زمان و فرصت لازم خودش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۴ - ۴

۴ - حضور معبود ها در قیامت و انکار و تبرّی آنان از شرکورزی مشرکان

و یوم القیمه یکفرون بشرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۹ - ۴

۴ - مشرکان و منکران معاد ، خود را به طور ناگهانی در قیامت یافته و بر حال زار خود نظاره گر خواهندبود .

فإذا هم ینظرون

<إذا> برای مفاجات است که حاکی از ناگهانی انجام شدن مفاد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۱

۱ - فرمان خداوند در قیامت ، مبنی بر راندن مشرکان ستم پیشه و هم فکران و معبود های آنان به راه دوزخ

احشروا الذين .. يعبدون . من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - صفات - ٣٧ - ٢٤ - ١

١ - فرمان

خداوند به توقف مشرکان بر سر راه دوزخ به منظور بازخواست از آنان

وقفوهم إِيَّاهُمْ مسئولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - تسلیم و انقیاد کامل مشرکان به پیشگاه عدل الهی در عرصه قیامت

بل هم الیوم مستسلمون

آمدن <مستسلمون> از باب استفعال، بیانگر مبالغه در تسلیم است.

۲ - مشرکان در عرصه قیامت، یکدیگر را تسلیم کیفر الهی کرده و به خذلان هم خواهند پرداخت . *

بل هم الیوم مستسلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مستسلمون> به قرینه <لاتناصرون> به معنای تسلیم کنندگان باشد. گفتنی است کلمه <بل> که برای اضراب انتقالی است مؤید همین برداشت است. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: مشرکان نه تنها به یاری هم نمی شتابند بلکه با تسلیم کردن یکدیگر، به خذلان هم خواهند پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۷ - ۱

۱ - مشرکان فریب خورده، در عرصه قیامت رو در روی پیشوایان فریب کار خود قرار خواهند گرفت .

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۲

۲ - مشرکان فریب خورده، پیشوایان خود را مسؤول گمراهی خویش در قیامت معرفی خواهند کرد .

قالوا إِيَّاكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - مشرکان فریب خورده و پیشوایان شان در قیامت ، یکدیگر را به دست داشتن در گمراهی و انحراف از

مسیر حق ، متهم خواهند کرد .

و أقبل بعضهم على بعض يتساءلون . قالوا إنكم كنتم تأتوننا ... قالوا ... و ما كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۵

۵ - اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت الهی در حضور مشرکان در عرصه قیامت

فحقّ علينا قول ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۷

۷ - عذاب مشرکان و ستمگران در قیامت ، بسیار بزرگ و فراتر از تصورشان است .

و بدا لهم من الله ما لم یكونوا یحتسبون

<إحتساب> (مصدر <یحتسبون>) مبالغه در حساب و به معنای <ظن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ - عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده

و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - قیامت ، صحنه محاکمه مشرکان به خاطر عقاید شرک آمیز آنان

و یوم ینادیهم این شرکاء

۱۲ - مشرکان در قیامت مورد سخره و تحقیر الهی قرار می گیرند .

و یوم ینادیهم این شرکاء

لحن آیه و نحوه خطاب در آن (<این شرکائی> و <ینادیهم>) می تواند مفید برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۱

۱ - مخاصمه شیطان و مشرکان با یکدیگر ، در محکمه عدل الهی

قال قرینه ربنا ما أظغیته .. قال لاتختصموا لدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند ؛ ولی آنان از این کار ناتوان اند .

و یدعون إلی السجود فلا یستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱، ۲

۱ - ظهور و بروز ذلت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

۲- ذلت و خواری ، تمامی وجود کافران و مشرکان را در قیامت فرامی گیرد .

ترهقههم ذلّه

مشرکان صدر اسلام و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۴

۴ مشرکان عصر بعثت ، منکر روز بازپسین بودند .

قال الذین لا یرجون لقاءنا

مشرکان و تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

۱ تکذیب پیامبر از سوی مشرکان به خاطر مطرح کردن قیامت و نیز پیشنهاد های نابه جای ایشان ، آن حضرت را در خطر ترک و عدم ابلاغ برخی از آیات قرار داده بود .

فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک و ضائق به صدرک أن یقولوا لولا أنزل علیه کنز

روشن است که خوف و شکی که <لعل< دلالت بر آن می کند به لحاظ متکلم (خداوند) نیست؛ بلکه حاکی از خوف و تردید مخاطب (پیامبر) و یا موقعیت خاصی است که هر انسانی احتمال ترک برخی از آیات را دور از انتظار نمی بیند. بنابراین <لعلک تارک...> می رساند که پیامبر در شرایطی بود که این خوف و احتمال وجود داشت که در ابلاغ برخی از آیات به تردید بیفتد و مصلحت ببیند که آنها را موقتاً ابلاغ نکند تا شرایط و جو پیشامده تغییر کند. <أن یقولوا...> به تقدیر <لام< و <لا-ی نافیة (لأن لا یقولوا...) بیانگر علت و ریشه پدید آمدن زمینه و شرایط آن خوف و احتمال است. تفریع <لعلک تارک...> بر آیه هفتم می رساند که تکذیب قیامت نیز می توانست در پدید آمدن آن شرایط مؤثر باشد.

مشرکان و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۵

۵ تکذیب و انکار قیامت ، موضع گیری مشترک همه شرک پیشگان تاریخ

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه .. کذلک کذب الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ -

۹ - حدس و تخمین مشرکان درباره حشر و قیامت ، بسیار دور از واقعیت بوده است .

و قد كفروا به من قبل و يقذفون بالغيب من مكان بعيد

مشرکان پیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱،۲،۳،۷

۱ - بازگشت به دنیا برای تبری از سران شرک و مخالفت کردن با آنان ، آرزوی مشرکان پیرو در صحنه قیامت

و قال الذين اتبعوا لو ان لنا كزّه فتتبرأ منهم

<کز> به معنای رجوع و <کزّه> به معنای یکبار رجوع کردن است و مراد از آن، بازگشت به دنیا می باشد. بنابراین <لو ان لنا كزّه> یعنی، ای کاش یکبار دیگر به دنیا باز می گشتیم!

۲ - اظهار پشیمانی مشرکان پیرو در صحنه قیامت ، از دوستی با سران شرک و اطاعت از ایشان در دنیا

و قال الذين اتبعوا لو ان لنا كزّه فتتبرأ منهم

۳ - ندامت مشرکان پیرو در قیامت از شرک‌ورزی و پشیمانی آنان از اطاعت سران ، ثمری نداشته و موجب نجات آنان نخواهد شد .

و قال الذين اتبعوا لو ان لنا كزّه فتتبرأ منهم

چنانچه ندامت از شرک و ... در قیامت برای نجاتشان مؤثر می بود، مشرکان آرزوی بازگشت به دنیا را نمی کردند.

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرک‌ورزی و پیروی از سران شرک

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت عليهم

مصونیت از اندوه قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۱

۱ - نگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان ، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت

، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

و قهم السیئات

الف و لام جنس در <السیئات> مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

مصونیت از احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۱

۱- بهشتیان و مؤمنان راستین ، از ناله و اندوه بزرگ قیامت در امان بوده و غمگین نخواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ... لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَجُ الْأَكْبَرُ

<فزع> به معنای انقباض و گرفتگی ناشی از شیء ترسناک و از جنس <جزع> (ناله و افغان) است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۵،۶

۵- تعلق مشیت الهی بر ایمن بودن برخی انسان ها از وحشت روز رستاخیز ، دارای ملاک و مبتنی بر کردار خود آنان

ففزع من فی السموت و من فی الأرض إلامن شاء الله.. و هم من فزع یومئذ ءامنون

از ارتباط این آیه با قبل می توان استفاده کرد که عبارت <و هم من فزع یومئذ آمنون> تفسیر و تبیین مشیتی است که در آیه ۸۷ بدان اشاره شده است.

۶- ایمنی از وحشت روز جزا ، مهم ترین پاداش الهی به نیک کرداران

من جاء بالحسنة فله خیر منها و هم من فزع یومئذ ءامنون

اختصاص به ذکر یافتن <و هم من فزع یومئذ آمنون> با این که <له خیر منها> دربرگیرنده

آن نیز هست نشان می دهد که ایمنی از وحشت روز رستاخیز، مهم ترین لطف و عنایت الهی در حق نیک کرداران است.

مصونیت از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۵

۵ - مؤمنان ، ایمن از دشواری های قیامت

يقول الكفرون هذا يوم عسر

با توجه به مفهوم آیه شریفه و این که تنها کافران می گویند: <هذا يوم عسر>، استفاده می شود که مؤمنان چنین برداشتی ندارند.

مصونیت از شرور قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۱،۳

۱ - خداوند ، ابرار را از تمامی شرور و گزند های روز قیامت حفظ خواهد کرد .

فوقیهم الله شرّ ذلك اليوم

۳ - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان ، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إِنَّا نخاف من ربنا يوماً .. فوقیهم الله شرّ ذلك اليوم

<فا> در <فوقاهم> برای تفریع این آیه بر آیه قبل است؛ یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند؛ روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

مصونیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۲،۳

۲- قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت از آن ، سببی کارساز تدارک دید .

و اتقوا یوماً

<اتقاء> (مصدر إتقوا)؛ یعنی، برگرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت

از چیزی هولناک و خطرناک. بنابراین <إتقوا يوماً> دلالت می کند که: روز قیامت حاوی مخاطرات هولناک است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها، وقایه (وسیله ای برای محافظت) فراهم آورد.

۳- ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از کفر و رزی به آنها، وسیله محافظت در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است.

أولئك يؤمنون به و من یکفر به .. و اتقوا يوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت)، پس از ترغیب به ایمان (أولئك يؤمنون به) و هشدار از کفرورزی (و من یکفر ..) می رساند که: وقایه انسان در روز قیامت، ایمان به قرآن و پیامبر(ص) و پرهیز از کفرورزی به آن دو است.

مظلومان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۱ - ۳

۳ - ستمدیدگان ، به خاطر گرفتن انتقام خود از ستمگران ، در قیامت عقوبت نخواهند دید .

فأولئك ما عليهم من سبيل

جمله <فأولئك ما عليهم من سبيل> به قرینه ذیل آیه بعد (أولئك لهم عذاب أليم)، می تواند اشاره به برداشت بالا داشته باشد.

معاد قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۸

۸- تحقق نیافتن معاد انسان قبل از قیامت ، معلول حاکمیت نظم و برنامه در کار آفرینش است نه ناشی از عدم قدرت خداوند

قادر علی أن یخلق مثلهم و جعل لهم أجلاً

تذکر <جعل لهم أجلاً> پس از <قادر علی أن یخلق مثلهم> در واقع پاسخ گویی این سؤال مقدر است که اگر خدا قادر بر خلقت

دوباره انسانهاست، پس چرا از هم اکنون این کار را نمی کند.

معامله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۵،۹

۵ - در روز قیامت ، از هیچ کس فدیة و عوضی که خویشان را با آن باز خرد ، پذیرفته نمی شود .

و لایقبل منها عدل

<عدل> به معنای فدیة و عوضی است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۹ - توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

یبنی اسرائیل . . . و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعة

فعل <اتقوا> به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرائیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در بین آنان است.

معبودان باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۷

۷ قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشركوا این شركاؤکم الذین كنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۲

۲ بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

این شركاؤکم . . . ثم لم تكن فتنتهم إلا أن قالوا و الله ربنا ما كنا مشركين

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: <أین شرکاؤکم؟> و

در

این آیه درماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۳

۳ ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

از کاربردهای فعل <ضل> جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: <ضل الشيء إذا ضاع>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ کافران در قیامت هیچ اثری از معبودان دروغین خویش نخواهند یافت .

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

با توجه به زمان نزول قرآن که مخالفان اسلام مشرکان و بت پرستان بودند و آنان معبودان دروغین خویش را منشأ اثر در سرنوشت انسانها می پنداشتند، می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای <ما كانوا یفترون> معبودان ساختگی و دروغین کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۵

۵ حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبودهای مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذین أشركوا مکانکم أنتم و شرکاءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۶،۹،۱۲،۱۳

۶- در قیامت ، مشرکان ، از معبودان پنداری خویش جدا و دوراند .

و یوم یقول نادوا شرکاءى

<نداء> به معنای <بلند کردن آواز و آشکار ساختن آن> است (مفردات راغب) و فعل <نادوا> نشانه زیاد بودن فاصله مشرکان و معبودان است.

۹- در قیامت ، کارآمد نبودن معبودان مشرکان و بطلان

شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

۱۲- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بينهم موبقاً

<موبوق> به معنای <هلاک شدن> است و <موبوق> اسم مکان به معنای <مکان هلاکت> است.

۱۳- شیاطین و دیگر معبودان دروغین مشرکان ، در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

نادوا شركاءى . . . و جعلنا بينهم موبقاً

به قرینه آیات قبل ، مراد از <شركاء> همان ابلیس و ذریه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۲

۲- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بينهم موبقاً . و رءا المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۳

۳- معبود های مشرکان در قیامت ، به ستیز و دشمنی با پرستشگران خود خواهند پرداخت .

و یكونون عليهم ضداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۷ - ۲

۲- معبود های پنداری مشرکان ، از شفاعت در قیامت ناتوانند .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً... لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ

چنان که برخی از مفسران گفته اند، مرجع ضمیر در <لایملکون> می تواند <الهه> در آیات پیشین باشد. در این صورت رد پندار شفاعتی است که مشرکان آن را از معبودهای خود توقع داشتند. در این وجه استثنا منقطع و مفاد آن چنین خواهد بود: هر کس به عهدی نزد خداوند دست یافته باشد، توان شفاعت دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱،۳،۴،۵

۱ اعتراف معبود های مشرکان به روز رستاخیز و در پیشگاه خداوند ، به منزله بودن او از داشتن هر گونه شریک

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله . . . قالوا سبحنک

۳ معبود های مشرکان در روز رستاخیز ، اظهار می دارند که حق بر گفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند .

قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

<أولیاء> می تواند از <ولایت> (به فتح <واو>) به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از ولایت (به کسر <واو>) به معنای <نصرت> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

۴ معبود های مشرکان در قیامت ، خود را از داشتن هر گونه نقشی در گمراهی مشرکان ، تبرئه کرده و آن را تکذیب خواهند کرد .

ءأنتم أضللتم عبادی . . . قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

۵ اظهار شگفتی و اعلام انزجار معبود های مشرکان در قیامت ، از معبود قرار گرفتن خودشان از سوی مشرکان و یا نقش داشتن آنان در گمراهی دیگران

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء . . . قالوا سبحنک

جمله <سبحانک> و یا <سبحان الله> در دو مورد به کار می رود: ۱ آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود و شنونده بخواهد اظهار شگفتی کند. ۲ آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروایی شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اعلان برائت و اظهار انزجار کند و واکنش منفی از خود نشان دهد

(برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۱،۲

۱ ادعای مشرکان در باره وجود معبودهایی جز خداوند ، مورد تکذیب شدید خود معبود های آنها در قیامت

فقد کذبوکم بما تقولون

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ فاعل <کذبوا> معبودها و مخاطب <کم> مشرکان اند. ۲- آنچه مشرکان ادعای آن را دارند که مورد تکذیب معبودهایشان قرار خواهد گرفت ممکن است دو چیز باشد: ۱ وجود معبودهای متعدد، به جز خداوند. ۲ گمراه شدن آنان به دست معبودهایشان که از سؤال و پاسخ خدا و معبودها که در آیات قبل آمد به دست می آید.

۲ ادعای مشرکان در باره نقش داشتن معبودهایشان در گمراهی آنان ، مورد تکذیب همان معبود ها در قیامت

فقد کذبوکم بما تقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۲ - ۲

۲ - دست مشرکان در قیامت ، کوتاه از معبود های خیالی خود

وقیل لهم این ما کنتم تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۳

۳ - عناصر مورد اتکای مشرکان ، خود گرفتار در قیامت و ناتوان از یاری رساندن به دیگران و دفاع از خویش

هل ینصرونکم أو ینتصرون

<نصر> (مصدر <ینصرون>) برای دفاع از دیگران و <انتصار> (مصدر <ینتصرون>) به معنای دفاع از خود به کار می رود. ضمیرهای فاعل در دو فعل یاد شده، به معبودها بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - حضور معبود ها در قیامت و انکار و تبری آنان از شرکورزی مشرکان

و یوم القیمه یکفرون بشرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۴

۴ - در قیامت ، اثری از معبود های ادعایی مشرکان نخواهد بود .

ثمّ قیل لهم این ما کتّم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۴

۱۴ - مشرکان ، از حمایت معبود های خویش در قیامت محروم خواهند بود .

و یوم ینادیهم این شرکاء ی قالوا اذّنک ما منّا من شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۴

۴ - بیزاری معبود های باطل در قیامت ، از پرستش عبادت گران خود

و کانوا بعبادتهم کفرین

ضمیر <کانوا> به معبودها و ضمیر <بعبادتهم> به عبادت گران مشرک بازمی گردد.

معرضان از آیات خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۶

۶ - خداوند در روز قیامت ، از افراد بی اعتنا به آیات و معارف الهی ، روی برگردانده و به آنان بی اعتنا خواهد بود .

أَتَتَكَ ءَايَتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكِ الْيَوْمِ تَنسِي

در فعل <تنسی> گرچه فاعل، مجهول است؛ ولی به قرینه <رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي> (در آیه قبل) می توان گفت که فاعل، خداوند است. نسیان، مشترک بین دو معنا است: ۱ ترک از روی غفلت؛ ۲ ترک از روی عمد (مصباح). در این آیه به قرینه آیات پیشین، معنای دوم مراد است.

معرضان از عتق برده در قیامت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۲

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فَكَ رقبه .. و الذین كفروا بایتنا هم أصحاب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

معرضان از قرآن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۱

۱ - روی گردانندگان از قرآن و تذکار های آن ، در قیامت باری سنگین از گناه را به دوش خواهند کشید .

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزراً

نکره بودن <وزراً> بر گران باری و سنگینی آن دلالت دارد.

معرضان از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۷، ۳

۳- مشرکان صدراسلام ، از مسأله حسابرسی قیامت ، به طور کلی غافل مانده و از تأمل و اندیشه در نشانه ها و دلایل روشن آن ، روی گردان بودند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این سوره، مکی است و مخاطب و مصداق اولی <الناس>، مردم مشرک اند.

از درنگ و تفکر در نشانه های قیامت و دلایل اثبات آن ، روی گردان هستند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

متعلق < غفلت > و < اعراض > دو چیز است؛ زیرا غفلت، نشانگر بی توجهی به مسأله و اعراض، علامت توجه به آن است و معقول نیست که یک چیز هم مورد توجه باشد و هم عدم توجه. بنابراین مقصود از اعراض، روی گردانی از دلایل روشن بر اثبات معاد و عدم تأمل و تفکر درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۱

۱ - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت .

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لاتطع منهم ءائماً أو کفوراً .. . إن هؤلاء یحبون العاجله و یذرون وراءهم یوم

معرضان از محمد(ص) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۵

۵ - روی گردانان از دعوت به حق پیامبر (ص) ، ناگزیر از اجابت دعوت الهی در قیامت برای حسابرسی و مجازات

فما تغن النذر .. . یوم یدع الداع إلی شیء نکر

معرضان از مساکین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فَكِّ رَقَبَةٍ .. و الذین كفروا بآیتنا هم أصحاب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

معرضان از یتیم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فَكِّ رَقَبَةٍ .. و الذین كفروا بآیتنا هم أصحاب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

مفتریان بر خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ آنان که به خدا دروغ بسته اند

، در قیامت به پیشگاه او احضار می شوند .

أُولَئِكَ يَعْرُضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ

مفتریان به خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۱،۲

۱ - کسانی که برخدا دروغ بسته اند ، در قیامت با چهره سیاه برانگیخته خواهند شد .

و يوم القيمة ترى الذين كذبوا على الله وجوههم مسوَّده

۲ - کسانی که بر خدا دروغ می بندند ، در روز قیامت ، با ذلت و خواری ظاهر خواهند شد .

و يوم القيمة ترى الذين كذبوا على الله وجوههم مسوَّده

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که از جمله <وجوههم مسوَّده> معنای کنایی اراده شده است یعنی، دروغ زنندگان به خدا، روسیاه و شرمسار خواهند بود.

مفسدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، روز باخواست از تبهکاران است .

و لیسئلنّ یوم القيمة

مقامات گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۵

۵ - گواهان صحنه قیامت ، دارای مقامی ارجمنداند .

و شاهد

مقربان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۸ - ۱

۱ - دسته ای از انسان ها در جهان آخرت ، جزء مقربان در گاه خداوند هستند .

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۴

۴ - میهمانان قرب خداوند در آخرت ، به همه خواسته های خود دست یافته ، از پاداش خویش

خشنود خواهند بود .

راضیه

مکان حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

کأنهم إلى نصب یوفضون

مکان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۲

۲ - زمین ، محل رخداد قیامت و حشر انسان ها *

فیذرها قاعًا صفصفاً . لآتری فیها عوجًا و لأمنا

مسطح شدن زمین ممکن است جهت آماده سازی آن برای برانگیختن مردم باشد. بنابراین قیامت و صحنه رعب انگیز آن، بر روی همین زمین اتفاق خواهد افتاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۳

۳ - عرصه قیامت ، مکانی مشخص و از پیش تعیین شده است .

فإذا هم بالساهره

حرف <ال> در <الساهره>، گویای این است که جایگاه حضور مردم در قیامت، از پیش مشخص شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۳

۳ - کره زمین ، عرصه برپایی قیامت

یوم ... و تكون الجبال

مکذبان آیات خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۷

۷ - بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثمّ كان عقبه الذين أسئوا السوأى أن كذبوا بأيت الله .. و يوم تقوم الساعة ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ -

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فَكَ رَقِبَهُ .. و الذین كفروا بآیتنا هم أصحاب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

مکذبان انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

مکذبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بس سخت و ناگوار ، برای تکذیب کنندگان آن

فویل یومئذ للمکذبین

مراد از <مکذبین> به قرینه آیه ۱۴ تکذیب کنندگان قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۱

۱ - مواجهه گشتن تکذیب گران ، با حقایق مورد انکار خویش در قیامت

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز ، گرفتار قید و بند های

گران در عرصه قیامت

إِنَّ لَدِينَا أَنْكَالًا

<نِكْل> (مفرد <أنكال>) به معنای <قید شدید> است (قاموس المحيط).

مکذبان عیسی (ع) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۳

۳- قیامت ، روزی سخت و هلاکت بار برای کفرورزان به عیسی (ع) و گفته های او

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

<ویل>، یعنی عذاب و هلاکت (لسان العرب). هلاکت بار بودن قیامت کنایه از شدت عذاب است، در حدی که اگر در قیامت نیز مرگ وجود می داشت گرفتاران به عذاب، زنده نمی ماندند.

مکذبان قرآن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر (ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲، ۷، ۵

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی
سعادت آفرین

يقول الذين نسوه .. فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذين كنا نعمل

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری

خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن ، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر دوش خواهند کشید .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

لام <لیحملوا> لام عاقبت است و <أوزار> (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ آنان که سرمایه جان را به خسارت از کف داده اند، منکر قیامت هستند.

لیجمعنکم إلی یوم القیمه .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

متعلق <لا یؤمنون>، با توجه به جمله <لیجمعنکم إلی یوم القیامه> قیامت می تواند باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱،۳

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا .. و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله <و قالوا> می تواند عطف بر جمله <لعادوا> باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۲

۲ شرک پیشگان عصر بعثت ، منکر روز بازپسین بودند .

إن الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۴

۴ مشرکان عصر بعثت ، منکر روز بازپسین بودند .

قال الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۳،۵

۳ قیامت و روز بازپسین ، مورد انکار شرک پیشگان عصر بعثت

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

۵ تکذیب و انکار قیامت ، موضع گیری مشترک همه شرک پیشگان تاریخ

بل کذبوا بما لم يحيطوا بعلمه .. كذلك كذب الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر

، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلا سحر مبين

<هذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد؛ یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملأ الذين كفروا من قومه

متعلق <كفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۳

۳- کافران مکه ، منکر قیامت و عذاب های اخروی بودند .

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۵

۵ - تحقق نیافتن وعده رستاخیز ، پس از گذشت زمانی دراز ، دلیل بی اساس بودن آن در پندار کافران

لقد وعدنا نحن .. إن هذا إلا أسطير الأولين

مقصود کافران از عبارت <لقد وعدنا.. من قبل> می تواند این باشد که اگر قیامتی هست تا کنون بایستی تحقق می یافت. بنابراین عدم تحقق آن تاکنون، دلیل بی اساس بودن و واقعیت نداشتن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

مشركان ، هيچ اعتقادى به روز رستاخيز و انتظار كيفر و پاداش الهى در آن روز را نداشته اند .

بل كانوا لا يرجون نشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - فاسقان ، قيامت و نظام كيفرى خدا را تكذيب مى كردند .

و أما الذين فسقوا .. ذوقوا عذاب النار الذى كنتم به تكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۲، ۴، ۱

۱ - كافران ، مدعى تحقق پيدا نكردن روز قيامت اند .

و قال الذين كفروا لا تأتينا الساعه

۲ - كافران ، وعده تحقق روز قيامت را وعده اى نادرست مى دانستند .

و قال الذين كفروا لا تأتينا الساعه

لازمه انكار قيامت از سوى كافران، اين است كه به آنان وعده اى مبنى بر وقوع قيامت داده شده باشد.

۴ - كافران ، وقوع قيامت را امرى مسخره دانسته و آن را به استهزا مى گرفتند .

و قال الذين كفروا لا تأتينا الساعه

تعبير به نيامدن قيامت (لا تأتينا) يا به جهت اين است كه قيامت از جمله امور زمانى است و يا به جهت به سخره و استهزا گرفتن آن مى باشد. برداشت ياد شده، براساس احتمال دوّم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۵

۵ - كافران ، به دليل امكان نداشتن بازآفرينى انسان ها ، وقوع قيامت را منكر بودند .

وقال الذين كفروا لا تأتينا الساعة .. وقال الذين كفروا ... إذا مرّقتهم كلّ ممزّ

اين آيه عطف به آيه <وقال الذين كفروا لا تأتينا الساعة..>

است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۴

۴ - بیشتر مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت باور نداشتند .

و لکنّ أكثر الناس لا یعلمون . و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۵

۵ - مشرکان ، بدون این که درباره قیامت و حشر آگاهی داشته باشند ، آن را انکار می کنند .

و قال الذین کفروا لا تأتینا الساعه .. و یقذفون بالغیب

متعلق < یقذفون بالغیب > ذکر نشده و به قرینه مقام می تواند حشر، پیامبر(ص) و قرآن باشد. برداشت یاد شده بنابر احتمال اول است. گفتنی است که مراد از < یقذفون بالغیب > و براساس تخمین و ناآگاهانه اظهار نظر کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۲،۵

۲ - کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و عقیده به آن را مورد استهزا قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در < متی هذا الوعد > برابر نظر بیشتر مفسران برای تهکم و استهزا است.

۵ - کافران صدراسلام ، مؤمنان را دروغگو دانسته و عقیده آنان به برپایی قیامت را بی اساس می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۷

۷- مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها

به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوليس الذى خلق السموت و الأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران ، منکر قیامت و زنده شدن انسان ها هستند .

يقول أءنك لمن المصدّقين

برداشت یاد شده از آن جا است که گوینده، فرد کافر بوده و استفهام او از باب انکار می باشد. گفتنی است که مقصود از تصدیق به قرینه آیه بعد که مربوط به قیامت است تصدیق به قیامت و رستاخیز انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۲

۲ - مشرکان و کافران ، منکر توحید ، قیامت و رسالت پیامبر اسلام بودند .

أنتم عنه معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۹

۹ - مشرکان ، منکر برپایی قیامت و عذاب الهی در آن روز

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در توصیف مشرکان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۵

۵- انکار قدرت خداوند بر حیات مجدد انسان ها و برپایی قیامت

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا

اعتراف کافران در روز قیامت به دو بار مردن و زنده شدن و نیز گنه کار بودن شان، نشانگر آن است که آنان در دنیا منکر توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها بودند. از این رو به خطا کار بودن شان اعتراف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۷،۸

۷- فرعون فردی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بود .

کَلِّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

۸- مخالفان رسالت موسی (ع) (فرعونیان) ، گروهی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بودند .

کَلِّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۹

۹- معتقدان به آخرت اما مأیوس از ثواب اخروی مانند کافران ، بی اعتقاد به رستخیزانند .

قد یئسوا من الآخره کما یئس الکفار من أصحاب القبور

در صورتی که مقدر آیه چنین باشد: <قد یئسوا من ثواب الآخره..> استفاده می شود که معتقدان به معاد ولی ناامید از ثواب اخروی همچون کافرانی اند که اصولاً از زنده شدن دوباره مأیوس اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۴

۴- مشرکان و کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و آن را دروغ می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تكذيب قيامت

از سوی قوم ثمود و عاد

کذّبت ثمود و عاد بالقارعه

<القارعه> اسم فاعل از <قَرَع> (کوبیدن) و صفت برای موصوف مقدر (مانند الواقعة، الساعة و..). است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۱

۱ - گروهی از جن ، منکر قیامت و رستاخیزاند .

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخیان ، در سراسر عمرشان ، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین پرداخته اند و عمر خود را به بطالت و تکذیب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نك من المصلين .. و كنا نكذب بيوم الدين . حتى أتينا اليقين

مقصود از <یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های <لم نك> ، <نخوض> و <نكذب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تنها تجاوزگران و فرورفتگان در گناه ، به انکار قیامت کشانده می شوند .

و ما يكذب به إلاكلّ معتد أثيم

مراد از <اعتداء> (تجاوزگری) نادیده گرفتن حدود الهی است. <أثيم> مبالغه در <آثم> است (مصباح)؛ یعنی، کسی که در گناه زیاده روی می کند.

مکذبان قیامت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن

الذین لایرجون لقاءنا .. و الذین هم عن ایتنا غفلون. أولئک مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۱،۲،۴،۵

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند ، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد .

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرنين

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند؛ ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (تری المجرمین یومئذ مقرنین فی الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۲ افکنده شدن منکران قیامت به جهنم ، همراه با تحقیر و اجبار است .

و إذا ألقوا منها

واژه <ألقوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیرآمیز بودن ورود به جهنم است.

۴ آتش دوزخ برای منکران قیامت ، بسیار زجر آور و طاقت فرسا خواهد بود .

دعوا هنالك ثبوراً

درخواست هلاکت و مرگ در آتش دوزخ، حاکی از شدت دردناکی و طاقت سوزی آن آتش است.

۵ تکذیب کنندگان قیامت ، در اعماق دوزخ و در دورترین مکان آتشین جای دارند .

دعوا هنالك ثبوراً

برداشت یاد شده، از اسم اشاره <هنالك> که برای اشاره به مکان دور وضع شده است استفاده گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱،۴،۵

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لا تدعوا

اليوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا كثيرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

۴ تکذیب کنند قیامت، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند

لاتدعوا اليوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا كثيرًا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این است که آنان به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۵ جهنم، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لاتدعوا اليوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا كثيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - بهشتیان، هم نشینان کافر دنیایی خود را، در وسط دوزخ مشاهده خواهند کرد.

فراءه فی سواء الجحیم

<سواء> به معنای وسط است.

۴ - دوزخ، مجازات منکران قیامت

أنا لمدینون... فاطلع فراءه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی، به هنگام مواجهه آنان

با آتش دوزخ

هذه النار التي كنتم بها تكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان قیامت ، ناتوان از توجیه تکذیب گری های خود به هنگام مشاهده آتش دوزخ

أفسح هذا أم أنتم لا تبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۱

۱ - فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمل رنج آن

اصلوها

<صَلَّى النَّارَ> یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۹ - ۱

۱ - حرکت تکذیب گران روز جزا به سوی دوزخ ، به فرمان الهی

انطلقوا إلى ما كنتم به تكذبون

طبق گفته مفسران، مقصود از تکذیب در این آیه، تکذیب دوزخ است. گفتنی است که در روز قیامت، به کافران فرمان داده می شود که به سوی آن حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۳

۳ - احاطه همه جانبه دود برخاسته از آتش ، بر تکذیب گران روز جزا و نبودن هیچ راه گریزی از آن

انطلقوا إلى ظلّ ذي ثلث شعب

تعبیر <ثلاث شعب> به گفته مفسران می تواند اشاره به فراگیر و همه جانبه بودن دود برخاسته از آتش و گریزناپذیر بودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین

۱ - تکذیب کنندگان قیامت در آن روز، گرفتار جهنم و عذاب الهی خواهند بود .

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل> به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب). برخی آن را نام یکی از درب ها، یا درّه ای از جهنم می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز، به حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثم إنهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال>) بوده است / یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَالِيَ بِالنَّارِ وَ صَالِيَهَا صَالِيًا قَاسِي حَرِّهَا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَالِيَ فُلَانٌ بِالنَّارِ يَصْلِيًا احْتَرَقَ (سوخت).

مکذبان قیامت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۴

۴ - بیشتر مردم صدر اسلام با وجود شواهد و دلایل اثباتگر قیامت، به این حقیقت ایمان نیاوردند .

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ... وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

مکذبان قیامت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۱

۱ تکذیب کنندگان قیامت، آوای خشمگین و جوش و خروش آتش جهنم را از دور در قیامت خواهند شنید .

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيرًا

<تغیظ>، به معنای شدت غضب و خشم و

<زفیر> به معنای گرفتن سینه از شدت غم و به جوش و خروش افتادن است (برگرفته از لسان العرب و مفردات راغب).

مکذبان قیامت و احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۳

۳ منکران قیامت، زنده شدن مردگان خاک گشته را امری بس بعید می‌شمرند.

أءذا کنا تراباً أءنا لفی خلق جدید

استفهام در جمله <أءذا..> استفهام انکاری است و تکرار آن دلالت بر شدت انکار و استبعاد دارد.

مکذبان قیامت و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث، زود خود را می‌بازند و دچار یأس و احساس حرمان می‌شوند.

لو نشاء... فظلمت تفکھون. إنا لمغرمون. بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

مکذبان قیامت و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از انسان‌ها به خاطر نپذیرفتن قیامت، دین خدا را دینی منحرف می‌پندارند و از آن رویگردان می‌شوند.

الذین یصدون عن سبیل اللّٰه و یبغونها عوجاً و هم بالأخره کفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و هم بالأخره کفرون> جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن

حال معلله گفته می‌شود. بر این

مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن بازمی دارند.

مکذبان کیفرهای اخروی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفرهای اخروی، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد.

بل تکذّبون بالدین .. يعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشدار می دهد که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

مکذبان لقاءالله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۶،۷

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۳

لقاء الله در قیامت ، مردمانی سرافکنده و شرمسارند .

بل هم بقاء ربهم كفرون .. و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤسهم

مکذبان محمد(ص) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

يليتنا نرد و لا نکذب بأيت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

مراد از <الموتى> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله <يبعثهم الله>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب است که خداوند این مرده دلان را برخواهد انگيخت تا حقانیت دعوت پیامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دریابند.

مکذبان معاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱،۴

۱ آوردن ذلتبار منکران به پیشگاه پروردگار در قیامت، صحنه ای عجیب و دهشتنا

و لو ترى إذ وقفوا على ربهم

۴ منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو ترى إذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۲، ۶۸

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات

پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

مرجع ضمیر در <فرطنا فيها> می تواند <الساعة> باشد. و مراد از <الساعة> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

۱۲ منکران معاد در قیامت با بار سنگین گناهان خویش حضور می یابند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

<أوزار>، جمع <وزر>، به معنی سنگینی است و مقصود از <أوزار> در آیه سنگینی گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- منکران معاد، با مشاهده حضور خود در صحنه قیامت، به عمق نادرستی پندار خویش پی می برند.

بل زعمتم ألن نجعل لكم موعدًا

تعبیر <بل زعمتم...> در حقیقت، بازگو کننده حال کسی است که علی رغم باور خویش، خود را در صحنه قیامت می بیند و از این جهت شرمسار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۲

۲- منکران معاد، با شیاطین در صحنه قیامت، همراه و هم دوش خواهند بود.

لنحسرنهم والشیطین ثم لنحسرنهم

واو در <والشیاطین> می تواند عاطفه و یا به معنای <مع> باشد.

در هر دو صورت برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۳

۳ منکران معاد ، در روز رستاخیز ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

و قال الذین لایرجون لقاءنا .. یوم یرون الملائکه لابیشری یومئذ للمجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۹ - ۴

۴ - مشرکان و منکران معاد ، خود را به طور ناگهانی در قیامت یافته و بر حال زار خود نظاره گر خواهندبود .

فإذا هم ینظرون

<إذا> برای مفاجات است که حاکی از ناگهانی انجام شدن مفاد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۵

۵ - منکران معاد ، پیش از برپایی قیامت و روبه رو شدن با مجازات الهی ، درباره آن آگاهی و سابقه ذهنی دارند .

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که جمله <هذا یوم الدین> ادامه سخنان منکران معاد باشد. در این صورت سخن

گفتن از روز جزا با اسم اشاره <هذا>، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۱

۱- روز قیامت ، میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در <میقاتهم> مجرمان و منکران معاد باشد؛ همچون قوم <تبع> که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۲،۳

۲ - ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد ، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

زشت و کریه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در آن هنگام است.

۳ - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قیل هذا الذی کنتم به تدعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <و قیل هذا الذی.. > به انگیزه توییح به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۳

۳ - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را درخواست خواهند یافت .

کلا سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۴

۴ - منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عم یتساءلون .. ثم کلا سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۱

۱ - منکران معاد ، با چشمانی فروافتاده و در نهایت خواری و ذلت ، در صحنه قیامت ظاهر خواهند شد .

أبصرها خشعه

<خاشع> به شخصی گفته می شود که به زمین چشم دوخته باشد (لسان العرب). توصیف <أبصار القلوب> به آن، مجاز و حاکی از شدت ضعف و ذلت شخص است؛ تا آنجا که گویا قلب او که موجودی مستقل فرض شده است، دارای چشمانی است که خشوع و فروتنی، در آن جایگیر شده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک اذاً کزه خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

مکر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۸

۸ - در قیامت راهی برای تزویر و استفاده نادرست از شفاعت وجود ندارد .

لاتنفع الشفعه إلا من أذن له .. يعلم ... و لایحیطون به علمًا

مکر مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی .. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعة> (در آیه قبل) برمی گردد.

ملاقات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - قیامت ، روز به هم رسیدن بندگان و آشنا شدن آنان از حال یکدیگر

يوم التلاق

<تلاق> به معنای التقا و به هم رسیدن است. مقصود از آن در آیه شریفه، به هم رسیدن بندگان در روز قیامت است و یا ملاقات بندگان با خدا است که در این صورت معنای مجازی آن (روبه رو شدن با کيفر و پاداش الهی) مراد است.

> - ۱۵

عن أبي عبد الله (ع) قال: <يوم التلاق > يوم يلتقى أهل السماء و أهل الأرض ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: <يوم التلاق> روزی است که اهل آسمان و زمین با یکدیگر ملاقات می کنند..<.

ملاک ارزیابی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۵، ۲

۲ حق (نوع شایسته و بایسته رفتار و اندیشه ها در پیشگاه خداوند)، وسیله سنجش اعمال و عقاید در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الحق> خبر برای <الوزن> باشد و کلمه <الوزن> به معنای میزان (مقیاس سنجش) باشد. مانند متقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

۵ هر یک از رفتارها و عقاید آدمی دارای مقیاسی مخصوص برای ارزیابی آنها در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موزینه

کلمه <موازن> (جمع موزون) می رساند که هر یک از اعمال و عقاید آدمی مورد سنجش قرار می گیرد و چون اعمال و عقاید مختلف است، مقیاس و وسیله سنجش آن نیز متفاوت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۳

۳ - هر یک از رفتارهای انسان ، دارای مقیاسی مخصوص برای ارزیابی در قیامت

فأما من ثقلت موزینه

<موازن> یا جمع <میزان> است و یا جمع <موزون> (کشاف). در صورت اول، ناظر به تفاوت میزان هر عمل با میزان دیگر اعمال و عقاید است. برخی آن را ناظر به افرادی دانسته اند که مورد محاسبه قرار خواهند گرفت. (مفردات

(راغب)

ملاک حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۵

۵- اعمال و رفتار انسان ، معیار بازپرسی و محاسبه و تعیین کننده سرنوشت او در قیامت

لنسلّئهم .. عمّا كانوا يعملون

ملاک قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۲ - داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده و به کسی ستم نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ - قرآن و قانون الهی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

الله الذی .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۴

۴ - توحید ربوبی و انقیاد در برابر خدا ، ملاک داوری خداوند میان انسان ها در قیامت

إِنَّ اللَّهَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ

ارتباط این آیه با آیه پیشین، این معنا را می‌رساند که ملائک ارزیابی خداوند در داوری میان فرقه‌های گوناگون مردم در قیامت، اصل <توحید ربوبی و خضوع و انقیاد در برابر او> خواهد بود.

ملائک گروهبندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۴

۴- دسته‌بندی انسان‌ها در قیامت، بر اساس رهبران آنان

خواهد بود .

یوم ندعوا کلَّ أناس یاممهم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال در آیه است که مراد از <ندعوا کلَّ أناس یاممهم> فراخوانی مردم به نام رهبرانشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۱

۱- مردم در صحنه قیامت ، براساس مسلک ها و عقیده ها ، به دسته های مختلف تقسیم و از یکدیگر جدا خواهند شد .

ثم لنتزعن من کلَّ شیعه

<شیعه> به پیروان و یاوران شخص گفته می شود و هم چنین هر گروهی که بر مسلکی اتفاق نمایند، شیعه نامیده می شوند. این لفظ برای مفرد، تثنیه، جمع، مذکر و مؤنث به کار می رود (لسان العرب). <کلَّ شیعه> در آیه دال بر آن است که تابعان هر نحله و مسلک، به صورتی مجزاً از یکدیگر در صحنه قیامت حضور خواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - گروه بندی امت ها در قیامت ، براساس کتاب آسمانی ویژه آنان خواهد بود . *

و تری کلَّ أمّه جاثیه کلَّ أمّه تدعی إلی کتبها

در صورتی که مراد از <کتاب> کتاب آسمانی باشد؛ از فراخوانده شدن هر امت به کتاب خویش، استفاده می شود که انسان ها براساس کتاب آسمانی خویش، در قیامت گروه گروه خواهند شد.

ملاک همنشینی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۷ - ۲

۲ - هر انسانی در قیامت ، براساس کردار دنیوی خود ، هم نشینی مناسب خواهد یافت .

و إذا النفوس زوجت

از جمله معانی <زوج> فردی

است که دارای قرین باشد (لسان العرب). تناسب حکم و موضوع در این مورد، گویای آن است که انسان مؤمن، هم نشینی نظیر حورالعین خواهد یافت و غیر مؤمن، با شیطان های هم ردیف خود همراه خواهد شد.

ملاکهای سکونت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۳

۳ - جایگاه استقرار مردم در آخرت، براساس کردارشان، به آنان اختصاص خواهد یافت.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ .. هم أصحاب المئمه

ملائکه ثبت عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۵

۵ دو فرشته ثبت کننده اعمال آدمی در دنیا، همراهان وی در قیامت *

إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ .. و جاءت كل نفس معها سائق وشهيد

در آیات پیشین، سخن از فرشتگانی بود که مأمور ضبط کردار آدمیان بودند؛ اکنون در این آیه ممکن است تعبیر <سائق>، نظر به یکی از آن دو و تعبیر <شهید> ناظر به دیگری باشد.

ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱

۱ - فرشتگان به روز قیامت، در اطراف عرش به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او خواهند پرداخت.

و تری الملائکه حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۷ - ۱،۲،۴

۱ - فرشتگان هنگام برپا شدن قیامت ، در اطراف آسمان استقرار خواهند یافت .

و الملك على أرجائها

<أرجاء> به معنای نواحی و اطراف است.

۲ - هشت

فرشته در روز قیامت ، عرش الهی را حمل خواهند کرد .

و یحمل عرش ربك فوقهم یومئذ ثمنیه

در این که مقصود از <ثمانیه> هشت تن از فرشتگان است یا هشت گروه از آنان، میان مفسران اختلاف هست. برای انتخاب و تعیین هر یک از آنها، دلیل روشن و قاطعی وجود ندارد.

۴- فرشتگان هشتگانه ، حاملان تخت داوری خداوند در قیامت

و الملك علی أرجائها و یحمل عرش ربك فوقهم

در صورتی که مقصود از <عرش> در این آیه، تخت قضاوت و داوری باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۱،۲

۱- عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا (به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین الهی و اجرای آن

تعرج الملائکه و الروح إلیه

مقصود از <روح> روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در <إلیه> به <الله> بازمی گردد؛ به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه ها و صعودگاه ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

۲- فرشتگان و جبرئیل ، کار گزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملائکه و الروح إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱،۴

۱- روح و فرشتگان الهی در قیامت ، ایستاده و صف بسته در آماده باش کامل قرار می گیرند

یوم یقوم الروح و الملائکه صفاً

<صفاً> مصدر است و چون حال قرار گرفته، به معنای <صافین> است. ایستادن و صف بستن، کنایه از مهیا بودن برای انجام فرمان های الهی است.

۴ - روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۸

۸ - فرشتگان در قیامت ، به فرمان خداوند و با نظارت کامل او ، انجام وظیفه می کنند .

و جاء ربك و الملك

آمدن خداوند، کنایه از حضور کامل او است و عطف <ملك> بر <ربك>، بیانگر آن است که حضور فرشتگان، مستقل از حضور خداوند نیست؛ بلکه در راستای آن و بخشی از یک برنامه منسجم است.

منادی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبرها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

منافقان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربصون بکم . . فالله یحکم بینکم یوم القیمه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۵، ۷

۵ - منافقان ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم یقول المنفقون . .. انظرونا نقتبس من نورکم

۷ - زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم . . . و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

۱۴ - کشیده شدن حصار بلند و ضخیم ، میان مؤمنان و منافقان در قیامت

فصرب بینهم بسور

<سور> به دیوار شهر گفته می شود. نکره آمدن <سور> می تواند بیانگر بلندی و ضخامت آن باشد.

۱۶ - مؤمنان در قیامت ، در داخل حصار (حصار میان آنان و منافقان) قرار می گیرند و منافقان در بیرون آن .

فصرب بینهم بسور له باب

۱۸ - مؤمنان در قیامت ، مشمول رحمت خداوند و منافقان محکوم به عذاب الهی اند .

یوم یقول المنفقون . .. باطنه فيه الرحمه و ظهره من قبله العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۴

۴ - جدا شدن منافقان از جمع مؤمنان ، در قیامت و محکوم شدن آنان به عذاب الهی ، نتیجه و محصول انگیزه های منافقانه آنان است .

ینادونهم ألم نکن معکم قالوا بلی و لکنکم فتنتم أنفسکم

مؤمنان در پاسخ منافقان می گویند: درست است که شما با ما در اعمال و تکالیف دینی شرکت می کردید؛ لکن انگیزه های شما با ما یکی نبود. انگیزه های شما همواره خدعه و فریب، ریشخند و استهزا و ... بوده است و اینها شما را به این روز هوناک انداخته است. گفتنی است که

معنای <فتون> (مصدر <فتتم>)، در بلا- و عذاب انداختن است. <فتتم أنفسکم>؛ یعنی، خود را در گرفتاری عذاب انداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۵۸

۵ - توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فیحلفون له

۸ - منافقان می پندارند ، در قیامت نیز می توان از سوگند دروغ بهره جست و خود را از مهلکه نجات داد .

فیحلفون له ... و يحسبون أنهم على شيء

کلمه <شیء> در <أنهم على شيء> موصوف صفت محذوف است و تقدیر آن <على شيء نافع> می باشد؛ یعنی، منافقان می پندارند که چیز مفیدی در اختیار دارند (مقصود سوگند دروغ است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۵

۵ - <عن أبي الحسن (ع) في قوله عز وجل: > یوم یکشف عن ساق < قال : حجاب من نور یُکشف ، فيقع المؤمنون سُجداً و تُدمج أصلاب المنافقين فلا يستطيعون السجود ؛

از امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزوجل: <یوم یکشف عن ساق> روایت شده که فرمود: [در آن روز] پرده ای از نور برداشته می شود و مؤمنان به حالت سجده می افتند و استخوان های پشت منافقان سخت و بی انعطاف می گردد و قدرت سجده ندارند.

منحرفان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۱

۱ - کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئك هم الكفرة الفجرة

<فجر>، در مورد کسی گفته می شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالا پیش می رود؛ <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

منسی خدا شدن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۵،۱۲

۵ - وانهاده شدن انسان به حال خود، در قیامت، کیفر فراموش کردن قیامت در عالم دنیا است.

فدوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا إنا نسنیکم

<إنا نسنیکم> برای مقابله با <بما نسیتم> است؛ یعنی، شما قیامت را فراموش کردید و ما هم، در مقابل، شما را به حال خود وانهادیم.

۱۲ - منسی خدا شدن، یکی از عذاب های روز قیامت است.

فدوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا إنا نسنیکم

<إنا نسنیکم> به منزله مقابله با <نسیتم> است؛ یعنی، چون شما روز قیامت را فراموش کردید، ما هم شما را فراموش کردیم. از آن جایی که آیه، در صدد بیان مجازات فراموش کاران قیامت است عبارت <إنا نسنیکم> هم می تواند مجازات تلقی شود.

منشأ اخفای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند به اراده خویش، زمان برپایی قیامت را از انسان ها مخفی نگه داشته است.

أکاد أخفیها

در قاموس آمده است که <أکاد> (در این آیه) به معنای <آرید> است و <أکاد أخفیها>؛ یعنی، اراده می کنم که آن را مخفی نگه دارم، براین اساس مراد از اخفای قیامت، پنهان داشتن زمان وقوع آن خواهد بود،

نه اصل وقوع آن.

منشأ امور انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۸

۸ - زمام همه امور انسان ها در قیامت ، در دست خداوند است .

و الأمر یومئذ لله

ممکن است <أمر> مفرد <أمر> و به معنای کار و شأن باشد.

منشأ برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - برپایی قیامت به دست خداوند و اراده او است .

بل زعمتم أئن نجعل لكم موعداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۸

۸ - برپایی قیامت و احضار مجرمان در آن ، به دست خداوند و اراده او است .

نحشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۹

۹ - برپایی قیامت و احضار غافلان از یاد خدا در آن ، به دست خداوند و اراده او است .

و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۱ - ۵

۵- زنده کردن مردگان و برپایی قیامت ، تنها در توانایی خداوند است .

له من فی السموت والأرض . . . أم اتّخذوا ءالهه من الأرض هم ینشرون

خداوند با اثبات مالکیت و قدرت مطلق خود بر جهان هستی (له من فی السماوات. ..) و نفی توانایی خدایان ادعایی بر احیای مردگان، در صدد بیان این نکته است که زنده کردن آنها، تنها در قلمرو قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حضور انسان ها در پیشگاه خداوند است .

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بَلَقَا رَبَّهُمْ لَكُفْرُونَ

ذکر وصف ربوبیت در مورد لقاءالله می تواند ناظر به برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آفریدگار جهان و برپادارنده قیامت ، قادر به ایجاد نطق و شعور در اعضا و جوارح انسان

قالوا أنطقنا الله . . . و هو خلقكم أول مره و إليه ترجعون

جمله <و هو خلقکم> به منزله دلیلی بر قدرت خداوند در ایجاد نطق و سخن در اعضا و جوارح است.

منشأ تعیین قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۵، ۳، ۲

۲ - هرگونه تصمیم گیری درباره زمان و دیگر خصوصیات قیامت ، با خداوند است .

إلى ربك منتهيها

<منتهی> یعنی، زمان انتها. مراد از <منتهای قیامت> ممکن است منتهای امور آن و تعیین نهایی ویژگی های آن باشد، بنابراین مراد این است که تنها خداوند، وضعیت نهایی امور قیامت را مشخص می سازد.

۳ - تصمیم گیری درباره امور قیامت و تعیین زمان آن ، از شؤون ربوبیت خداوند است .

إلى ربك منتهيها

۵ - انحصار تصمیم گیری درباره قیامت به خداوند ، دلیل ناآگاهی پیامبر (ص) از زمان وقوع آن است .

فيم أنت من ذكرها . إلی ربك منتهيها

جمله <إلی ربك..>، به منزله تعلیل برای جمله قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۲

- تعیین زمان وقوع قیامت ، از محدوده وظایف و اختیارات پیامبر (ص) ، بیرون است .

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ

حصر <إِنَّمَا>، حصر اضافی و در رابطه با انتظاری است که پرسش کنندگان زمان وقوع قیامت، از پیامبر(ص) داشتند.

منشأ تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۱

۱ - انکار قیامت ، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ

مقصود از انسان در این آیه برابر نظر مفسران و به قرینه مقام انسان کافر است نه همه انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۳

۳ - کم فروشی و خیانت در معامله ، تکذیب عملی روز قیامت است .

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ .. وَيْلٌ لِّیَوْمِئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

آیات مورد بحث درباره <مطففین> است و آنان را با عناوین <فجّار> و <مکذّبین> تهدید به عذاب الهی می کند. مراد از <یومئذ> همان <یوم یقوم الناس...> است که در آیات پیشین گذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد نه بنابر این آیه اختصاص به کافران ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۸

۸ - انکار قیامت ، برخاسته از قلب سیاه و درک ناتوان است .

الذین یکذّبون بیوم الدین .. کلاً بل ران علی قلوبهم

منشأ زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۴

۴ - لرزش زمین در آستانه قیامت ،

وابسته به عواملی زمینی و بازتاب تحولات درونی آن است .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

مجهول بودن فعل <زلزلت>، بیانگر نقش عاملی در پیدایش زلزله است. اضافه شدن <زلزال> به ضمیری که به زمین برمی گردد، آن حوادث را به خود زمین مربوط می داند.

منشأ سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۱

۱ - تنها خداوند ، قادر به رفع دشواری ها و مشقت های صحنه قیامت است .

لیس لها من دون الله كاشفه

<كشف> (مصدر <کاشفه>) به معنای ازاله و برطرف کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد برطرف کردن سختی ها و مشقت های عرصه محشر باشد.

منشأ شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۶

۶ - شفاعت در قیامت ، منوط به اذن خداوند است .

لا يتكلمون إلا من أذن له الرحمن

سخن گفتن ملائکه در پیشگاه خداوند، به دلیل عصمت شان، از قبیل اعتراض به کارهای او نیست. بنابراین مصداق بارز آن به قرینه آیات مشابه این آیه شفاعت است.

منشأ شك به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۲

۲ - تلاش شیطان ، برای ایجاد شک و تردید در اعتقاد به قیامت

فلاتمترنّ بها... و لایصدنّکم الشیطن

منشأ ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۳

۳ کنار رفتن پرده های غفلت از برابر چشمان آدمی ، به اراده الهی در قیامت

فکشفنا

عنك غطاءك

منشأ علم به عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۷

۷ - اطلاع بر پرونده اعمال ، راهی برای آگاهی انسان در قیامت بر کردار خویش

و إذا الصحف نشرت .. علمت نفس ما أحضرت

منشأ علم به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۴

۴ - تنها راه پی بردن به قیامت و خصوصیات آن ، اطلاعات رسیده از جانب خداوند است .

أكاد أخفيها

اسناد <أخفيها> به خداوند، گویای این است که اگر او از قیامت سخن نگفته بود، برای پی بردن به آن راهی وجود نداشت.

منشأ فهم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳ - ۳

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدريك ما الحاقه

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره، در جهت بیان بخشی از حقایق مربوط به قیامت است. از مجموع آنها می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان ها قابل شناخت است.

منشأ قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵ - ۸

۸ - قیامت ، روزی تعیین شده از جانب خداوند ، و واقع شدن اش قطعی است .

فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ

جمله اسمی، حرف تأکید <إِنَّ> و لام در <لَآتٍ> بر قطعیت، دلالت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳

۹ - برپایی قیامت ، از ناحیه خداوند است و هیچ مانعی جلوی وقوع آن را نمی گیرد .

أَن يَأْتِي يَوْمَ لَا مَرَدٍّ لَهُ مِنَ اللَّهِ

<من الله> احتمال دارد متعلق به <یأتی> باشد. یعنی: <روزی که از سوی خداوند می آید، هیچ مانعی برای تحقق آن نیست.>. لازم به ذکر است که <مَرَدٌّ> (مصدر میمی) و به معنای <دفع و رد کردن> است و مراد از <یوم> روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۵

۵ - برپایی قیامت ، تنها با صدور یک فرمان از جانب خداوند *

و ما أمرنا إلاّ وحده كلمح بالبصر

مراد از <أمرنا>، احتمال دارد فرمان بر پایی قیامت باشد که در آیات پیشین (بل الساعة موعدهم..) مورد هشدار قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۲

۲ - فرا رسیدن زمان پیدایش قیامت و محشور شدن انسان ها در آن ، در گرو خواست خداوند است .

ثمّ إذا شاء أنشره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱

۱ - کفر به خداوند ، با آن که هدایت و مرگ و قیامت انسان به دست او است ، توجیه ناپذیر و مطرود است .

قتل الإنسن ما أكفّره .. کلاً

حرف <کلاً>، یا به معنای <حقّاً> و تأکید ما بعد است و یا برای ردع و زجر از چیزی است که در جملات قبلی، از آن

سخن به میان آمده بود، در صورت دوم مفاد آن در این آیه، باز

داشتن از کفرورزی است.

مواقف قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشر هم جمعياً... و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

<این شرکاء کم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <ألیس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و ...) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذَٰلِكَ یَوْمَ مَجْمُوعٍ لِّهٖ النَّاسِ

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذَٰلِكَ یَوْمَ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۹

۹ قیامت صحنه حسابرسی از انسانهاست .

أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۵

۵ انسان ها در قیامت مورد حسابرسی قرار می گیرند .

و يخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - فرمان خداوند به توقف مشرکان بر سر راه دوزخ به منظور بازخواست از

وقفوهم إنهم مسئولون

۲ - انسان ها ، در قبال عقاید و رفتار خود ، مسئول بوده و در روز قیامت بازخواست خواهند شد .

وقفوهم إنهم مسئولون

۳ - وجود < موقف > و جایگاه سؤال و بازخواست از انسان ها ، در عرصه قیامت

وقفوهم إنهم مسئولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۲۵ - ۳

۳ - یادآوری ناتوانی و ذلت مشرکان و منکران معاد و نیز بطلان عقاید آنها در موقف و پیش از ورود به دوزخ ، از عذاب های دیگر روحی آنان

ما لکم لاتناصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سيق الذين كفروا إلى جهنم زمراً

<سوق> (مصدر <سيق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود فاصله میان موقف تقوایندگان در محشر و بهشت

و سيق الذين اتقوا ربهم إلى الجنة زمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۶

۶ - روز قیامت ، دارای مراحل و مواقف متعدد

سوف یری . ثم یجزیه الجزاء الأوفی

از حرف <ثم> استفاده می شود که مرحله شهود اعمال در قیامت با مرحله جزا، متفاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ -

۹ - > عن حفص بن غياث القاضي قال : سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (ع) يقول : ... فَإِنَّ لِلْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلٌّ مَوْقِفٌ مَقَامُ أَلْفِ سَنَةٍ ثُمَّ تِلَاوَةُ هَذِهِ الْآيَةِ : > فِي يَوْمِ كَانَ مَقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ < ;

از حفص بن غياث روایت شده که گفت: شنیدم که امام صادق(ع) می فرمود: برای قیامت پنجاه موقف (ایستگاه) است که هر کدام از آنها هزار سال طول می کشد. سپس امام(ع) این آیه را تلاوت فرمود: (فی يوم كان مقداره خمسين ألف سنة).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۶،۷

۶ - قیامت ، دارای مراحل گوناگون و ترتیب یافته است .

لَتَرَوُنَّ ... ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا ... ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا ... ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ

موانع امداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۳

۳ - شاید قیامت ، از میان برنده فرصت بهره رساندن خویشاوندان به یکدیگر است .

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ .. لِكُلِّ امْرِيءٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

جمله <لِكُلِّ امْرِيءٍ ..> ، بیانگر علت فرار خویشاوندان از یکدیگر است و نشان می دهد که در آن سرا گرچه عواطف خویشاوندی هم وجود داشته باشد ولی سودی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۳

۳ - گرفتاری به آثار کفر و گناه در قیامت ، فرصت هرگونه یاری

رسانی به دیگران حتی نزدیک ترین خویشاوندان را از کافران و گنه کاران سلب خواهد کرد .

يوم يفز المرء ... لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه ... أولئك هم الكفرة الفجرة

موانع رفع مشکلات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۶

۶ - شدت گرفتاری مردم در قیامت ، مانع پرداختن آنان به حل مشکلات دیگران ؛ حتی خویشاوندان خویش

يوم يفز المرء من أخيه

جمله <للكلّ .. شأن يغنيه> در آیات بعد، می تواند قرینه بر انگیزه فرار در قیامت باشد؛ یعنی، هر کس آن قدر به خود مشغول است که گوش و چشم خود را بر فریاد و زاری دیگران فرو می بندد و از درگیر ساختن خود با مسائل آنان می گریزد.

موانع شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۸

۸ - توجه به احاطه همه جانبه خداوند بر موجودات ، موجب از بین رفتن هر گونه تردید در مورد حقانیت رستاخیز است .

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم ألا إنه بكلّ شيء محيط

انکار قیامت و رستاخیز مردگان از سوی مشرکان، مبنی بر این پندار نادرست است که آنها جمع شدن اجزاء پراکنده و از بین رفته موجودات را بعید می دانستند. خداوند با بیان این حقیقت که او بر همه چیز احاطه دارد و هیچ چیز از حیطه علم و قدرت او ناپدید نمی شود، این پندار را ابطال می کند.

موانع فرار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آتش گداخته و دود های متراکم ، مانعی جدی در برابر جن و انس برای گریز از صحنه قیامت

لاتنفذون إلاّ بسطن . . . یرسل علیکما شواظ من نار

خطاب در <علیکما> و <لاتتصران> متوجه جن و انس است.

موانع لقاءالله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما یکذب به إلاّ کلّ معتد أثیم . . . إنهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون

موجبات نجات از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۷

۷ - رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت ، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است .

و لایغنی عنهم . . . و لا ما اتخذوا من دون الله أولیاء

موجودات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۹،۱۱

۹ - همه خلایق در قیامت به حمد و ستایش خداوند خواهند پرداخت .

و قیل الحمد لله ربّ العلمین

۱۱ - < الحمد لله ربّ العالمین > ، ثنا و آخرین سخن خلایق در قیامت است .

و قيل الحمد لله رب العلمين

موحدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا كلمه سبقت من ربك لقضى بينهم فيما فيه يختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا

جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۳

۳- خدای رحمان ، در قیامت میزبان تقوایندگان (موحدان) خواهد بود .

یوم نحشر المتقین إلی الرحمن وفداً

<وفداً> چه مصدر و بیان کننده نوع حشر باشد و چه به معنای <وفا دین> گرفته شود، بر میهمان بودن متقین دلالت دارد؛ با این تفاوت که در صورت دوم، می رساند که حضور آنان در صحنه قیامت فردی نبوده؛ بلکه به صورت گروهی خواهد بود. در این صورت باید گفت: <وفداً> حال مقدره است؛ یعنی، زمان گروهی بودن از زمان حشر متأخر است؛ زیرا آیات بعد به حضور فردی همگان تصریح دارد.

موسی(ع) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ - ۷

۷ - ملاقات پیامبر اکرم (ص) با حضرت موسی (ع) ، در شب معراج و یا در قیامت ، قطعی است .

و لقد ءاتینا موسی الکتب فلا تکن فی مریه من لقائه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر در <لقائه> موسی(ع) باشد. لازم به ذکر است که این نکته، مورد تأیید روایت نیز هست.

موعظه پذیران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خدا ترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزگی . أو یدکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

موقعیت اجتماعی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۹

۱۹- پوچی و بی اثری امکانات دنیایی ، موقعیت های اجتماعی و گروه بندی ها ، در هنگام نزول عذاب و یا فرارسیدن مرگ و قیامت

فسیعلمون من هو شرّ مکاناً و أضعف جنداً

مؤاخذه جمعی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی مورد بازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل

مؤاخذه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ - یهودیان معتقد به برپایی قیامت ، بر قراری صحنه های محاکمه در آن روز و احتجاج انسان ها علیه یکدیگر در پیشگاه خدا

أتحدثونهم .. لیحاجوکم به عند ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۴،۵،۶

۴ بازخواست و محاکمه مشرکان در قیامت به سبب شریک پنداشتن برای خداوند

أین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

۵ پرسش از موقعیت و جایگاه معبودهای پنداری مشرکان، از صحنه های محاکمه آنان در قیامت

ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون

۶ بازخواست ذلتبار مشرکان و ستمگران در روز قیامت، نشانگر محرومیت آنها از سعادت و رستگاری است.

إنه لا يفلح الظلمون. و يوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۳۸

۳ خداوند در قیامت از منکران معاد

بازخواست می کند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین. و لو تری إذ ... ألیس هذا بالح

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشرهم جمعياً .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

<این شرکاؤکم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <ألیس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۴ - ۲

۲ احضار ظالمان در قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا .. إن ما توعدون لأت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۱۰

۱۰ عن جعفر بن محمد (ع) و قد سئل عن قوله تعالى <فله الحجه البالغه> فقال: إن الله تعالى یقول للعبد یوم القیامه: عبدی اکت عالماً؟ فان قال نعم. قال له: افلا عملت بما علمت؟ و إن قال: کنت جاهلاً. قال له: أفلا تعلمت حتی تعمل فیخصمه فتلک الحجه البالغه.

از امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه <فله الحجه البالغه>، روایت شده است: خداوند متعال در قیامت به بنده اش می فرماید: آیا [به وظایف خویش] آگاه بودی؟ اگر بگوید آری، می فرماید چرا عمل نکردی؟ و اگر بگوید آگاه نبودم، به او می فرماید چرا یاد نگرفتی؟ و [به این گونه] او را محکوم می کند. و این است حجت بالغه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۳

۱۳ قیامت روز مؤاخذه منکران ربوبیت خداست .

أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا هَذَا غَفْلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۲،۳

۲- مشرکان ، به خاطر عقیده شرک آلود خود ، در قیامت مورد بازخواست قرار خواهند گرفت .

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... وَ يَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِي

۳- خداوند ، خود بازخواست کننده مشرکان در قیامت

و يَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱

۱- همه انسان ها در قیامت درباره رفتار و اعمالشان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت .

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَمِهِمْ

از اینکه خداوند فرموده است: <همه انسانها با پیشوایان خود در قیامت خوانده می شوند> و نیز فرموده است: <هر کس که کتابش در دست راستش باشد> به دست می آید که همه، مورد بازخواست قرار می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۷

۷- مؤاخذه در روز قیامت ، صرفاً بر اساس آگاهی های پیشین خداوند نخواهد بود ؛ بلکه ممکن است با حضور طرف های ماجرا باشد .

و يَوْمَ يَحْشُرْهُمْ ... ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَكَةِ أَهْلُاءَ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- قیامت ، روز بازخواست و محاکمه انسان ها و داوری میان آنان است .

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - قیامت ، عرصه بازخواست و حسابرسی

و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۲

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إانس و لاجانّ .. یعرف المجرمون بسیمهم

مؤاخذه مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۶

۶ خداوند مشرکان را در قیامت مؤاخذه می کند و کیفر می دهد .

أفتهلکنا بما فعل المبطلون

مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۶

۶ - گریز باور داران به قیامت از مرگ و ناپسند شمردن آن ، به خاطر ارتکاب گناهان و ترس از عذاب اخروی است .

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

<باء> در <بما قدمت> سببیه است. بنابراین جمله <لن یتمنوه ...> گویای این حقیقت است که گناهان از عوامل ترس از مرگ است. گفتنی است که چون جمله فوق درباره باورداران به خدا و قیامت است، علت یاد شده مخصوص آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ وجود مؤمنان واقعی به خدا و قیامت در میان بادیه نشینان صدر اسلام ، علی رغم کفر و نفاق شدید عده ای دیگر از آنان

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً .. و من الأعراب من يؤمن بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ موحدان و مؤمنان به پیامبر (ص) و باورداران به قیامت، اجابت کنندگان دعوت الهی اند.

لذین استجابوا لربهم الحسنى

آیات گذشته بیانگر این است که مراد از <الذین استجابوا> موحدان و مؤمنان به پیامبر(ص) و باورداران به قیامت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۷ - ۱

۱- بوستان های فردوس، منزل گاهی تضمین شده برای نیک کرداران مؤمن به آیات الهی و قیامت است.

إِنَّ الذِّينَ ءَامَنُوا .. نَزَلًا

متعلق ایمان در <آمنوا> به قرینه آیات قبل که درباره کفر به آیات و لقای پروردگار بود ایمان به آیات و قیامت است. <فردوس> یعنی <وادی سرسبز>. برخی از زبان شناسان، آن را کلمه ای رومی می دانند که به زبان عرب وارد شده است (تاج العروس) کلمه <نزل> در معانی <منزل> و <وسایل پذیرایی> و... استعمال می شود. برداشت یاد شده، براساس معنای نخست است. فعل ماضی (کانت) درباره حوادث آینده، بر وقوع حتمی و تضمین شده آن حوادث دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶- اهل ایمان، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و يعلمون أَنَّهَا الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۴

۴- امیدواران به لطف خدا و معتقدان به روز جزا، بهره مند از الگوهای شایسته و الهی

لقد كان لكم فيهم .. لمن كان يرجوا الله

مؤمنان در قیامت

- آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۷، ۱۸، ۱۹

۱۲ جایگاه بلند مؤمنان تقوا پیشه نسبت به کافران، در روز قیامت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۷ وعده الهی به مؤمنان نسبت به برتری آنان در قیامت، عامل تسلی و مقاومت آنان در برابر استهزای کافران

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

به نظر می رسد جمله <والذین اتقوا..>، پس از عنوان کردن تمسخر تقوای پیشگان از سوی کافران، به منظور تسلی آنان باشد.

۱۸ همراهی ایمان و تقوا، عامل برتری در قیامت

و یسخرون من الذین امنوا و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

تبدیل <الذین امنوا> به <الذین اتقوا>، برای تفهیم این معناست که باید ایمان، همراه تقوا باشد.

۱۹ بهره مندی مؤمنان باتقوا از رزق بی پایان خداوند در قیامت

و الذین اتقوا.. و اللّٰه یرزق من یشاء بغير حساب

کلمه <بغير حساب>، می تواند کنایه از فراوانی و بی پایانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۰

۱۰ مؤمنان دارای عمل صالح، ترس و اندوهی در رستاخیز ندارند.

انّ الذّین امنوا.. و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من ءامن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

به قرینه > فلهم أجرهم

عند ربهم < می توان گفت: ظرف <لاخوف عليهم .. > قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربصون بکم .. فالله یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۷۸

۷ اصحاب اعراف با فریادی رسا بر مؤمنانی که در انتظار ورود به بهشتند ، درود می فرستند .

و نادوا اصحاب الجنه أن سلم علیکم

جمله <سلم علیکم> می تواند جمله ای انشایی باشد و می تواند اخبار از وجود امنیت و سلامت برای مؤمنان گرفته شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۸ اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحاب الجنه أن سلم علیکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <سلم علیکم> جمله ای اخباری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نظنکم کذبین .. إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و كلّمهم ءاتيه يوم القيمه فردًا . إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت سيجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به

صحنه قیامت باشد؛ زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم ءاتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۴

۴- مؤمنان راستین ، با فضیلت و مقرب الهی ، در قیامت در مکانی به دور از آتش دوزخ قرار خواهند گرفت .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۳،۴

۳- بهشتیان و مؤمنان راستین ، به هنگام برپایی قیامت مورد استقبال فرشتگان قرار خواهند گرفت .

و تتلقّیهم الملائکه

۴- بهشتیان و مؤمنان راستین ، برخوردار از مقام و منزلتی والا در روز رستاخیز

و تتلقّیهم الملائکه

استقبال فرشتگان از مؤمنان و بهشتیان، حاکی از منزلت و مقام والای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۳

۳ - مؤمنان صابر ، تنها گروه رستگار در قیامت

أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ

ذکر ضمیر فصل (هم)، بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳- صفوف مؤمنان ، در روز قیامت ، از صف کافران جدا می شود .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

در صورتی که مرجع ضمیر <یتفرّقون> واژه <الخلق> در آیه یازده باشد و به قرینه دو آیه بعد که درباره وضعیت مؤمنان و کافران

است نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۸

۸ - در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصّدعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا ... یمهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۸

۱ - برخورداران از علم و ایمان ، در قیامت ، در مقابل اعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و یوم تقوم الساعة .. ما لبثوا غیر ساعه ... و قال الذین أوتوا العلم ... لقد لبث

۸ - صاحبان علم و ایمان ، در قیامت ، به پاسخگویی سخنان نادرست و خلاف واقع اقدام می کنند .

یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه .. قال الذین أوتوا العلم و الإیمن لقد لبثتم .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۵

۵ - اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ

و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخداد های قیامت است .

یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون .. و قال الذین أوتوا العلم و الإیمان ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۱

۱ - مجرمان ، در روز رستاخیز از صف مؤمنان جدا خواهند شد .

و امتزوا الیوم أیها المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ؛ نه از استحقاق آنان .

و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند؛ می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان رنجیده از ستم گمراهان ، سرافراز و مقتدر ، در صحنه قیامت

و قال الذین ءامنوا إَنَّ الخسرین الذین خسروا.. یوم القیمه

از ملامت و سرزنش مؤمنان نسبت به کافران، اقتدار و سربلندی مؤمنان استفاده می شود؛ آنانی که

مصدق <لمن صبر و غفر> هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة .. خافضه رافعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۹

۹ - قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

يوم ترى المؤمنين و المؤمنات .. بشريكم اليوم جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۳

۳ - مؤمنان ، برخوردار از نور و روشنایی در صحنه تاریک قیامت

يوم يقول المنافقون .. انظرونا نقتبس من نوركم

۱۴ - کشیده شدن حصار بلند و ضخیم ، میان مؤمنان و منافقان در قیامت

فضرب بينهم بسور

<سور> به دیوار شهر گفته می شود. نکره آمدن <سور> می تواند بیانگر بلندی و ضخامت آن باشد.

۱۶ - مؤمنان در قیامت ، در داخل حصار (حصار میان آنان و منافقان) قرار می گیرند و منافقان در بیرون آن .

فضرب بينهم بسور له باب

۱۸ - مؤمنان در قیامت ، مشمول رحمت خداوند و منافقان محکوم به عذاب الهی اند .

يوم يقول المنافقون .. باطنه فيه الرحمه و ظهره من قبله العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۴

۴ - جدا شدن منافقان از جمع مؤمنان ، در قیامت و محکوم شدن آنان به عذاب الهی ، نتیجه و محصول انگیزه

های منافقانه آنان است .

ينادونهم ألم نكن معكم قالوا بلى و لكنكم فتنتم أنفسكم

مؤمنان در پاسخ منافقان می گویند: درست است که شما با ما در اعمال و تکالیف دینی شرکت می کردید؛ لکن انگیزه های شما با ما یکی نبود. انگیزه های شما همواره خدعه و فریب، ریشخند و استهزا و ... بوده است و اینها شما را به این روز هوناك انداخته است. گفتنی است که معنای <فتون> (مصدر <فتنتم>)، در بلا و عذاب انداختن است. <فتنتم أنفسكم>؛ یعنی، خود را در گرفتاری عذاب انداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۵

۱۵ - تنها مؤمنان دارای عمل صالح ، از خسارت عرصه قیامت در امان خواهند بود .

و من يؤمن بالله و يعمل صلحًا يكفر عنه سيئاته .. ذلك الفوز العظيم

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، روز قیامت را روز خسارت بار نام گذاشته است؛ ولی تنها گروهی که دارای ایمان و عمل صالح باشند از این قاعده مستثنا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ - حضور مؤمنان در عرصه قیامت ، با درخشش نور از وجود آنان

نورهم یسعی بین أیدیهم و بأیمنهم

۱۳ - مؤمنان در عرصه قیامت ، از خداوند خواستار اتمام و ازدیاد نور خویش اند .

يقولون ربنا أتمم لنا نورنا

۱۵ - مؤمنان در عرصه قیامت ، خواستار آمرزش الهی اند .

و اغفرلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - قلم - ٤٨ - ٤٢ - ٥

٥ - > عن أبي

الحسن (ع) فی قوله عزّوجلّ: < یوم یکشف عن ساق > قال: حجاب من نور یُکشف، فیقع المؤمنون سُجّداً و تُدمج أصلاب المنافقین فلا یستطیعون السجود؛

از امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزوجل: <یوم یکشف عن ساق> روایت شده که فرمود: [در آن روز] پرده ای از نور برداشته می شود و مؤمنان به حالت سجده می افتند و استخوان های پشت منافقان سخت و بی انعطاف می گردد و قدرت سجده ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۰ - ۳

۳ - مؤمنان آسوده از سختی های روز محشر

یوم عسیر . علی الکفرین غیر یسیر

قید <علی الکفرین>، بیانگر آن است که دشواری های قیامت اختصاص به کافران دارد نه مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۲ - ۱

۱ - مؤمنان ، دارای چهره هایی شاداب و زیبا در عرصه قیامت

وجوه یومئذ ناضره

<ناضره> در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحيط). <ناضره> (مؤنث <ناضر>) به معنای زیبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن به قرینه مقام شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۱،۲،۳

۱ - چهره تابناک مؤمنان در روز قیامت ، تنها متوجه خدا بوده و آنان مجذوب جمال اویند .

وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره

تقدیم <إلی ربّها> می تواند برای افاده حصر باشد.

۲ - مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی

چشم دوخته اند .

إلى ربّها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إلى ثواب ربّها ناظره>.

۳ - چشم امید مؤمنان در قیامت تنها به خداوند است .

إلى ربّها ناظره

برخی از مفسران گفته اند: عبارت <إلى ربّها ناظره> می تواند تعبیر کنایی باشد. در این صورت مقصود از آن، توقع و امید است، مانند آن که گفته می شود: <أنا إلى فلان ناظر ما يصنع بي> (من به فلانی چشم دوخته ام تا با من چه خواهد کرد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه ... و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۴ - ۲،۴،۹

۲ - مؤمنان در قیامت ، همسان برخورداری که در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ .. فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار

۴ - استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

۹ - در قیامت ، مؤمنان و کافران از حال هم آگاه شده ، رفتار یکدیگر را مشاهده خواهند کرد .

فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

علی الأرائك ينظرون

<أریکه> (مفرد <أرائك>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

۲ - تماشای کیفر های کافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است .

علی الأرائك ينظرون

۳ - صحنه قیامت ، در چشم انداز مؤمنان آرمیده بر تخت های بهشتی است .

فالیوم .. علی الأرائك ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۳،۴

۳ - گروه سمت راست در آخرت ، مجموعه ای سامان یافته از مؤمنانی که حامی بردگان و یتیمان و مسکینان بوده و مردم را به صبر و ترحم ترغیب کرده اند .

و ما أدريک ما العقبه .. أولئک أصحاب المیمنه

<أیمن> و <میمنه>، نقطه مقابل <أیسیر> و <میسیره> (سمت چپ) است (صحاح اللغه). تقابل این دسته با <أصحاب المشأمه> با توجه به این که <مشأمه> در یک احتمال به معنای <میسیره> است (صحاح) بیانگر آن است که قرار گرفتن در سمت راست یا چپ در آخرت، نشانگر فرجام افراد است.

۴ - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أولئک أصحاب المیمنه

احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۵

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحاب المشئمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است و گرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

مؤمنان و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۵

۵ ضرورت و لزوم یاد قیامت و صحنه های حسابرسی آن برای اهل ایمان

یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا اجبتم

بدان احتمال که <یوم> مفعول به برای فعل محذوف همانند <اذکروا> باشد.

مهتدین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱

۱ حضور انسانها در قیامت، مانند آفرینش نخستینشان، در دو گروه هدایت یافته و گمراه گشته

فریقا هدی

جمله <فریقا هدی...> حال برای فاعل <بدأکم> و بیانگر وجه مشابهت مطرح شده در جمله <كما بدأکم تعودون> است و حاصل معنی چنین می شود: خداوند شما را آفرید در حالی که شایستگان هدایت را هدایت کرد و مستحقان گمراهی

را به گمراهی کشاند و به همین صورت (دو جناح بودن) به سوی او باز

خواهید گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَرْكَبُ . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَ جَوْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفَرَه

مهلت به مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فَنذُرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طَغِينِهِمْ يَعْْمَهُونَ

مهمترین ویژگیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۲

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا يوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۳

۱۳ پاداش و جزایِ کردارِ آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثُمَّ تُوْفَى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۵، ۲

۲ حق (نوع شایسته و بایسته رفتار و اندیشه ها در پیشگاه خداوند)، وسیله سنجش اعمال و عقاید در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الحق> خبر برای <الوزن> باشد و کلمه <الوزن> به معنای میزان (مقیاس سنجش) باشد.

مانند مثقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

۵ هر یک از رفتارها و عقاید آدمی دارای مقیاسی مخصوص برای ارزیابی آنها در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موزینه

کلمه <موازنین> (جمع موزون) می رساند که هر یک از اعمال و عقاید آدمی مورد سنجش قرار می گیرد و چون اعمال و عقاید مختلف است، مقیاس و وسیله سنجش آن نیز متفاوت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱،۱۱

۱- حسابرسی مردم در قیامت بر میزان قسط و عدالت است .

و نضع الموازين القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که لام در <لیوم القیامه> برای ظرفیت و به معنای <فی>، یا <عند> باشد.

۱۱- > عن هشام بن سالم قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزوجل : > و نضع الموازين القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئاً < قال : هم الأنبياء و الأوصیا (ع) ;

از هشام بن سالم نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزوجل > و نضع الموازين القسط لیوم القیامه .. < پرسیدم فرمود: موازين قسط، پیامبران و اوصیا هستند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۲،۳،۴

۲ - تنها عقاید درست و اعمال صالح ، دارای وزن و مقدار در قیامت

فمن ثقلت موزینه فأولئك هم المفلحون

با توجه به این که فلاح و رستگاری در نتیجه ایمان و عمل صالح به دست می آید و در این آیه، تنها کسانی رستگار دانسته شده اند که

از میزانی سنگین برخوردار باشند، برداشت بالا استفاده می شود.

۳- وجود معیار ها و میزان های متعدد در قیامت ، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موازینہ

<موازنین > جمع <میزان > است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

۴- هر نوع عمل انسان ، دارای معیار و میزانی مخصوص در قیامت

فمن ثقلت موازینہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۵

۱۵- قرآن و قانون الهی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

اللّٰهُ الَّذِي .. و ما يدريك لعلّ الساعه قريب

ناگهانی بودن قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۳۱ - ۴

۴ برپایی قیامت، ناگهانی و غیر قابل پیش بینی و غافلگیرانه است.

حتى إذا جاءتهم الساعه بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۹

۹ قیامت ، ناگهانی و در حال بی خبری انسان ها تحقق خواهد یافت .

لا تأتیکم إلا بغته

برداشت فوق با توجه به کلمه <بغته> که به معنای هجوم ناگهانی و بدون اطلاع قبلی است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۶

۶ قیامت ، ناگهانی و در حال بی خبری انسان ها تحقق می یابد .

أو تأتيهم الساعة بغتة وهم لا يشعرون

<بغته> به معنای هجوم ناگهانی و بدون اطلاع قبلی است. جمله <و هم لا يشعرون> حال مؤکده است ؛ زیرا توجه نداشتن از <بغته> معلوم می شود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۳

۳- رخ نمودن لحظه قیامت ، در یک چشم به هم زدن یا کمتر از آن

و ما أمر الساعه إلاّ كالمح البصر أو هو أقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۶

۶ وقوع قیامت ، ناگهانی است .

أكاد أخفيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۵

۵- قیامت ، واقعه ای غافل گیرانه و ناگهانی است .

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هي شخصه

برداشت یاد شده از <إذاً>ی فجائیه، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۳

۳- برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر ، رخدادی ناگهانی و غافلگیر کننده

حتّى تأتيهم الساعه بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۰

۱۰- مواجه شدن کافران با برپایی قیامت ، ناگهانی و غافل گیرانه است .

يقسم المجرمون . . . فهذا يوم البعث

<فاء> در <فهدا> فصیحه است و حکایت از شرط مقدر می کند و مفید معنای مفاجات و ناگهانی بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۹ - ۳

۳ - انقراض نسل بشر در دنیا و آغاز قیامت ، غافل گیرانه و در حالی خواهد بود که همگان سرگرم جدال و کشمکش روزانه اند .

ما ينظرون إلاّ صیحه وحده تأخذهم و هم یخضمون

<یخضمون> (از ماده <خصومت> و <خصام>)

به معنای جدال و کشمکش است و جمله <و هم یخصمون>، حال برای ضمیر مفعولی در <تأخذهم> است؛ یعنی، در حالی که آنان سرگرم جدال و کشمکش بر سر زندگی مادی اند، ناگهان صبحه سهمگین آنان را فراخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - هشدار الهی به ستم پیشگان غافل، از وقوع ناگهانی قیامت

هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة و هم لا يشعرون

۲ - وقوع قیامت، امری ناگهانی و بدون اطلاع مردمان

هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة و هم لا يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۳

۳- هشدار خداوند، به سر رسیدن ناگهانی قیامت و غافلگیر شدن بشر

فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۸ - ۲

۲ - رستاخیز انسان ها، یکباره و ناگهانی است . *

فإذا نقر فی الناقور

از این که رستاخیز انسان ها، با دمیده شدن در صور صورت می گیرد، می توان حقیقت یاد شده را به دست آورد.

نامه عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملازمت است؛ یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد

که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

۲ خداوند در قیامت سرگذشت پیامبران را در ابلاغ رسالت به گونه ای دقیق برای آنان بیان خواهد کرد.

و لنستلن المرسلین. فلنقصدن علیهم بعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ..) باید گفت: <أصحاب الیمین> یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۱

۱ - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحاب الشمال ما أصحاب الشمال

<شمال> (در مقابل <یمین>) به معنای دست چپ است. طبق آیه ۲۵ سوره <حاقه> (وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۳،۵

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ

۵ - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فَيَقُولُ هَآؤُمِ اقْرءُوا كِتَابِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ -

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتى كُتبه بشماله

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

و أمّا من أوتى كُتبه بشماله

۶ - > عن أبي جعفر (ع) قال : ... و أنزل في الحاقّه ، < و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه ... < فهذا مشرك ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. خداوند در سوره <الحاقّه> می فرماید: (و أمّا من أوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم أوت كتابيه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند] مشرک است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۴،۵

۴ - بسته ماندن و باز شدن نامه اعمال انسان در قیامت ، در اختیار او نیست .

و إذا الصحف نشرت

مجهول بودن <نشرت>، گویای برداشت یاد شده است.

۵ - نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

<نشر> به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از <نُشرت>، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

يعلمون ما تفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۱

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۳

۳ - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه ۲۵)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۳

۳ - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فَسَوْفَ يَحْاسِبُ .. فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه <فسوف يحاسب> تنها در مورد یک دسته آمده است ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف <سوف> که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد و اوایلای شخص، فاصله ای را مفروض گرفته مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

> سمت

چپ و راست > در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۴،۹

۴- خداوند اعمال انسان را در دنیا ثبت کرده و در قیامت، به صورت کتابی گشوده در برابر او ظاهر خواهد ساخت.

و نخرج له یوم القیمه کتبا یلقه منشوراً

۹- > عن النبی قال : الکتب کلها تحت العرش فإذا کان یوم القیامه بعث الله تبارک و تعالی ریحاً تطیرها بالأیمان و الشمال أول حرفه : > إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیاً > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارند و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است: إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۱،۳،۵

۱- خداوند، فراخوان انسان ها در قیامت، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج

له يوم القيمه كتبًا .. اقرأ كتبك

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

از اینکه خداوند فرموده است: <خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی> نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

۵- < عن أبي عبدالله (ع) فی قوله : < اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم > قال : یذکر بالعبء جمیع ما عمل و ما کتب علیه حتی كأنه فعله تلک الساعه فلذلک قالوا : یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لا یغادر صغیره و لا کبیره إلاّ أحصاها > ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم> روایت شده است که فرمود: همه اعمالی که بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به یادش می آورند؛ به گونه ای که گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لا یغادر صغیره و لا کبیره إلاّ أحصاها.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲۲، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹- انسان ها ، عملکرد دنیوی خویش را در قیامت ، به صورت مجموعه ای ثبت شده و مکتوب دریافت می کنند .

فمن أوتی کتبه بیمینه

۱۰- محاکمه انسان ها در قیامت ، بر اساس دلایل و اسناد مکتوب است .

ندعوا .. فمن أوتی کتبه بیمینه

۱۱- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا .. فمن أوتی کتبه

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتى كتبه بیمینه فأولئك يقرءون كتبهم ولا يظلمون فتیلاً

۲۲- > عن أبي جعفر (ع) : ... أما المؤمن فيعطى كتابه بیمینه قال الله عزوجل : ... > من أوتى كتابه بیمینه فأولئك يقرءون كتابهم ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. اما مؤمن کتاب او به دست راستش داده می شود. خداوند عزوجل می فرماید: ... > من أوتى كتابه بیمینه فأولئك يقرءون كتابهم... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱

۱- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الكتب . .. و يقولون یویلتنا مال هذا الكتب

مقصود از <الكتاب> به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف <ال> در <وضع الكتاب>، برای استغراق افراد است، یعنی <کل کتاب>. در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴، ۹، ۶، ۵

۵ - نامه اعمال همه بندگان در قیامت ، عرضه خواهد شد .

و وضع الكتب

<وضع> به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. <کتاب> در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

- تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

۹ - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهداء> جمع <شاهد> (گواه) است.

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبيين و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۹

۹ - هر امت ، دارای نامه عملی ویژه و گروهی ، در قیامت

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

بازگشت ضمیر <کتابها> به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت به عنوان یک جمع و گروه کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

نامه عمل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

نامهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۴

۴ خداوند ، همه مردم را در قیامت جمع خواهد کرد .

رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ

بنابراینکه <لیوم> به معنای <فی یوم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۴ قیامت ، يوم الجمع است .

فكيف اذا جمعناهم ليوم لا ريب فيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۹

۹ > يوم القيمه < ، از اسامی روز جزای اعمال

و انما توفون اجوركم يوم القيمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۴

۱۴ از علی (ع) روایت شده که : > و اما قوله تعالى : ... < إلى يوم يلقونه بما أخلفوا الله ما وعده ... یعنی البعث فسماه الله عز و جل لقائه ;

مراد از >يوم يلقونه< در آیه شریفه، روز رستاخیز است که خدای عز و جل آن را روز لقای خود نامیده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و > يوم الدين < از نام های آن است .

يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۶

۶- > الساعه < از نام های قیامت

و إن الساعه لأتیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۶ - ۷

۷- < الساعه > از نام های قیامت است .

و ما أظنّ الساعه قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۳

۳ - < يوم الحسره > (روز افسوس و دریغ) ، از اوصاف و نام های قیامت

است .

و أنذرهم يوم الحسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ - < الساعه > ، از نام های قیامت است .

إمّا العذاب و إمّا الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۲

۲ - < ساعه > از اسامی قیامت است .

إنّ الساعه ءاتیه

<ساعه>، یعنی پاره ای از زمان. در بسیاری از آیات از قیامت با عنوان <ساعه> یاد شده است، به گونه ای که به صورت نام های مشهور قیامت در آمده است؛ این نام گذاری یا به خاطر این است که همه خلق در یک زمان محشور می شوند و یا به این جهت که زمان برپایی قیامت لحظه ای اندک است (اقتباس از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۵

۵- ساعت ، از اسامی قیامت است .

و هم من الساعه مشفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۵

۵ ساعت ، از نام های قیامت است .

كذب بالساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۶

۶ - < یوم الدین > از نام های قیامت

أن یغفرلی خطیئی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۴

۴ - < الساعة > از نام های قیامت است .

و یوم تقوم الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم -

۳۰ - ۱۴ - ۵

۵ - < الساعه > از نام های قیامت است .

و يوم تقوم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۴

۴ - < الساعه > از نام های قیامت

و يوم تقوم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۶

۶ - < يوم البعث > از نام های قیامت است .

إلى يوم البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۹

۹ - < يوم الفتح > ، از نام های قیامت است . *

قل يوم الفتح لا ینفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۸

۸ - < الساعه > از نام های روز قیامت است .

یسئلك الناس عن الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۳

۳ - < الساعه > ، از نام های قیامت است .

و قال الذين كفروا لا تأتينا الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۲۰ - ۶

۶ - < يوم الدين > از نام های قیامت

هذا يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۲۱ - ۳

۳ - < يوم الفصل > از نام های قیامت

هذا يوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۴

۴ - < يوم الحساب > از نام های قیامت

يوم

الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲۳

۲۳ - > یوم الحساب < از نام های قیامت

بما نسوا یوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۵

۵ - یوم الحساب ، از نام های قیامت

لیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۶

۶ - یوم الدین ، از نام های قیامت

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - > یوم التلاق < از نام های قیامت

یوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۳

۳ - > یوم الآزفه < از نام های قیامت

يوم الأذفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - < يوم الحساب > ، از نام های قیامت

لا يؤمن بيوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۶،۷

۶ - < يوم التناد > از نام های قیامت

يوم التناد

۷ - < عن أبي عبد الله (ع) قال: ... > يوم التناد < يوم ينادى أهل النار أهل الجنة أن أفيضوا علينا من الماء أو مما رزقكم الله ... >;

از امام صادق (ع) روایت شده فرمود: <يوم التناد> روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطا فرموده

ما را مستفیض کنید..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - < الساعه > ، از نام های قیامت

یوم تقوم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۵

۵ - < الساعه > ، از نام های قیامت

الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۴

۴ - < الساعه > ، از نام های قیامت

إليه یردّ علم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۹

۹ - < الساعه > از اسامی قیامت

و ما أظنّ الساعه قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۷

۱۷ - < یوم الجمع > از نام های قیامت است .

و تنذر يوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - < الساعه > ، از نام های قیامت است .

لعلّ الساعه قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - < الساعه > از نام های قیامت است .

یمارون فی الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۶

۶ - < ساعت > ، نامی از نام های قیامت

و إنّه لعلم للساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۳

۳ - ساعت

، نامی از نام های قیامت

هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۶

۶ - < ساعه > ، نامی از نام های قیامت

و عنده علم الساعة و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۵

۵ - < يوم الفصل > ، از نام های روز قیامت است .

إن يوم الفصل ميقتهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۶

۶ - < الساعة > ، از نام های قیامت

و يوم تقوم الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۶

۶ - < الساعة > ، از نام های قیامت

و الساعة لاریب فیها .. ما ندری ما الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۵

۵- < الساعه > از نام های قیامت

فهل ينظرون إلا الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۵

۵ < يوم الوعيد > از نام های قیامت

و نفخ في الصور ذلك يوم الوعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۷ - ۳

۳ - < آزفه > از نام های قیامت

أزفت الأزفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۴

۴ - < الساعه > از نام های قیامت

اقتربت الساعه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱ - ۲

۲ - < واقعه > ، از نام های قیامت

إذا وقعت الواقعة

در آیه شریفه، کلمه <الواقعه> به صورت مطلق و بدون ذکر موصوف یا تقدیر آن آورده شده است. این گونه تعبیر نشان می دهد که این واژه در قرآن عَلم برای قیامت است؛ مانند واژه های دیگری که به همین صورت ذکر شده اند (نظیر الحاقه، القارعه و القاشیه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۴

۴ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت

هذا نزلهم یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۴،۶

۴ - < یوم الجمع > ، از نام های قیامت

لیوم الجمع

۶ - < یوم التغابن > ، از نام های قیامت

ذلک یوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱ - ۲

۲ - < الحاقه > ، از نام های قیامت

الحاقه

مراد از <الحاقه> به گفته تمامی مفسران قیامت و از نام های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲ - ۳

۳ - <الحاقه> ، از نام های قیامت

ما الحاقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۴

۴ - <القارعه> ، از نام های قیامت

بالقارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۳

> واقعه < ، از نام های قیامت

فیومئذ وقعت الواقعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۴

۴ - > یوم الدین < ، از نام های قیامت

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۴

۴ - > یوم الدین < ، از نام های قیامت

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۳

۳ - > یوم الفصل < ، از نام های قیامت

لیوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۳

۳ - > یوم الفصل < ، از نام های قیامت

هذا یوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۳

۳ - > یوم الفصل < از نام های قیامت

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۲

۲ - > الطامه الكبرى < ، از اسامی قیامت

الطامه الكبرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۲

۲ - > الساعه < ، از نام های قیامت

يسئلونك عن الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۴

۴ - > صاخّه < ، از نام های قیامت است .

فإذا جاءت الصاخّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۳

- < جحیم > ، از نام های جهنم است . *

لفی جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۳

۳ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۳

۳ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت است .

و ما أدریک ما یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۳

۳ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت است .

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۶

۶ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت است .

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۲

۲ - < اليوم الموعود > ، از نام های قیامت

و اليوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۵

۵ - < غاشیه > از نام های قیامت

الغشیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۲

۲ - < القارعه > ، از نام های قیامت

القارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۲

۲ - < القارعه > ، از نام های قیامت

ما القارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۴

۴ - < القارعه > ، از نام های قیامت

و ما أدريک ما القارعه

نجات از اندوه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۸

۸ - نجات آدمی از ترس و اندوه صحنه قیامت ، در گرو تسلیم شدن در برابر خدا و انجام دادن اعمال نیک در دنیا است .

من أسلم .. ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نجات از احوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۳

۳ - کارساز نبودن استمداد از دیگران ، حتی از خویشان و صمیمی ترین دوستان ، برای رهایی از مشکلات و حوادث تلخ روز

محشر

و لایسئل حمیم حمیمًا

درخواست و سؤال نکردن از یکدیگر در قیامت، ممکن است به سبب بی فایده بودن آن باشد.

نجات از ترس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۸

۸ - نجات آدمی از ترس و اندوه صحنه قیامت ، در گرو تسلیم شدن در برابر خدا و انجام دادن اعمال نیک در دنیا است .

من أسلم .. ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون

نجواکنندگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۹،۱۰

۹ - نجواکنندگان ، در برابر نجواهایشان مسؤول بوده و در قیامت باید در برابر خداوند پاسخگو باشند .

ما یكون من نجوى .. ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیمه

۱۰ - خداوند ، گفتوگو های

محرمانه نجواکنندگان را ، در قیامت به آنان خبر خواهد داد .

ثُمَّ يَبْتِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ندا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فَإِذْ نُؤَذِّنُ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

ندای منادی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۲

۲ - قیامت ، روز ندای منادی حق ، از مکانی نزدیک به آدمیان

يَوْمَ ينادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ

نزدیکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۵

۵ تا برپایی قیامت ، تنها زمانی اندک باقی مانده است .

وَمَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ

کلمه <معدود> (شمارش دار) به اندک بودن تعداد اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۵

۵- نزدیکی برپایی قیامت در نظر خداوند ، علی رغم دور جلوه کردن آن در چشم آدمیان

و ما أمر الساعة إلا كلمح البصر أو هو أقرب

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أمر الساعة> رخداد قیامت باشد نه فرمان برپایی آن؛ که در این صورت آیه می تواند به بینش آدمیان نسبت به دور بودن قیامت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۱

۲۱- زمان وقوع قیامت ، نزدیک است .

و يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريباً

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱

۱- تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

و اقترب الوعد الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ - قیامت ، نزدیک است .

إن هو إلا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید

نفس انذار و صفت <شدید>، می رساند که مراد از <عذاب> در آیه عذاب قیامت است و <بین یدی> به معنای قبل با وصف نزدیک بودن بعد آن است؛ بنابراین، معنا چنین می شود: انذار کننده از عذابی شدید قبل از وقوع آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است قریب الوقوع .

یوم الأزفه

<الأزفه> اسم فاعل از فعل <أزِفَ به معنای <قَرَّبَ> می باشد. <یوم الأزفه> یعنی، روز نزدیک شونده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۶

۶ - قیامت ، آینده ای محتوم و نه چندان دور

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، لحظه ای نزدیک و همواره در حال نزدیک تر شدن

أزفت الأزفه

<آزفه> به معنای نزدیک شونده است. بنابراین <أزفت الأزفه> یعنی، آن نزدیک شونده، نزدیک شد.

۲ - توجه دادن خلق به نزدیکی قیامت ، از انداز های مهم پیامبران

هذا نذیر من النذر .. أزفت الأزفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - لحظه قیامت

، بس نزدیک و حتمی الوقوع

اقتربت الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار الهی ، به دور نبودن لحظه حسابرسی خلق و برپایی قیامت

سنفرغ لكم أیه الثقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۸

۸ - روز برخورداری انسان از نتایج اعمال خویش (قیامت) ، چون فردا نزدیک است .

و لتنظر نفس ما قدمت لغد

کاربرد واژه <غد> برای <قیامت> ، بیان کننده معنای یاد شده است؛ چرا که نزدیک ترین روز به انسان <فردا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، گرفتاری ثروتمندان مخالف دین به آتش دوزخ ، حتمی است .

سیصلی

حرف <سین> در <سیصلی> در تهدید به کار رفته و بر حتمی بودن دلالت دارد (کشاف). در تفاوت <سین> و <سوف> گفته شده است: <سین> بر استقبال نزدیک دلالت دارد.

نزول ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۱،۴،۶

۱ شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و یوم تشقق السماء بالغمم و نزل الملائکه تنزیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف (همچون <اذکر>) باشد.

۴ با شکافته شدن آسمان در آستانه برپایی قیامت ، فرشتگان بر اهل زمین فرود خواهند آمد .

و یوم تشقق السماء بالغمم و نزل الملائکه تنزیلاً

فروود ملائکه از آسمان به زمین در آستانه قیامت ، فرودی به دور از انتظار و شگفت آور

و نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلاً

<تنزیلاً> مفعول مطلق برای <نزل> و به منظور بیان نزولی خاص و شگفت آور می باشد.

نشانه های امت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۵،۶

۵ امت ها و گروه های موجود در صحنه قیامت ، چه بهشتی و چه دوزخی ، هر کدام دارای علایمی مخصوص به خویش

و علی الاعراف رجال يعرفون كلاً بسیمهم

کلمه <سیمما> به معنای علامت و نشانه است.

۶ اصحاب اعراف ، هر یک از امت ها و دسته های موجود در صحنه قیامت را با نشانه های مخصوصشان خواهند شناخت .

يعرفون كلاً بسیمهم

نشانه های ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۰

۱۰ - پذیرش موعظه های الهی و عمل به آنها ، نشانه ایمان به خدا و روز قیامت است .

ذلكم یوعظ به من كان یؤمن بالله و الیوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۶

۶ - یتیم نوازی ، لازمه پذیرش روز جزا و نشانه کام یابی در آن است .

یکذب بالذین . فذلک الذی یدع الیتیم

نشانه های تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۳

۳ - ترک نماز (رکوع و فروتنی در برابر خداوند) ، نشانه کفر و تکذیب روز جزا

و إذا قيل لهم ارکعوا لایرکعون

برداشت

یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، درصدد بیان ویژگی های تکذیب گران است و در این راستا، نماز نگزاردن آنان را مطرح کرده است.

نشانه های قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۲،۵

۲- دگرگونی اساسی آسمان و زمین و تبدیل نظام کنونی آنها به نظامی دیگر، در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت و برزوا لله

۵- تبدیل نظام کنونی جهان (آسمان و زمین) به نظامی متناسب با حیات جاودانه اخروی انسان در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

السموات) ممکن است پاسخ این سؤال باشد که: چگونه ممکن است انسان در آخرت حیات جاودانه ای داشته باشد و مواجه با مرگ نشود؟ قرآن پاسخ می دهد: نظام کنونی جهان متناسب با شرایط زندگی جاودانه دگرگون می شود و به نظامی کاملاً متفاوت تغییر می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۱۱

۱۱- > قال رسول الله (ص) :... قبل الساعة سحابه سوداء... ثم ینادی مناد : أيتها الناس > أتى أمر الله فلا تستعجلوه < ;

رسول خدا(ص) فرمود: ... قبل از روز قیامت ابر سیاهی ظاهر می شود ... سپس منادی ندا می کند: ای مردم! آتی امر الله فلا تستعجلوه <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۱،۲،۳،۴

۱- تمامی شهرها و تمدن ها و جوامع بشری، قبل از قیامت، توسط خداوند

یا به کلی نابود و یا به وسیله عذابی ، به ویرانی کشیده خواهد شد .

و إن من قریه إلا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه

<قریه> در لغت به معنای مجتمع و محل سکونت است و بر اعم از روستا و شهر اطلاق می شود (برگرفته از لسان العرب).

۲- سرنوشت همه انسان ها ، قبل از فرا رسیدن قیامت ، مرگ و میر است .

و إن من قریه إلا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه أو معدّبوها عذابًا شدیدًا

هلاکت و عذاب الهی، هر دو کنایه از مرگ است و بیان این حقیقت، شاید از این جهت باشد که همه انسانها قبل از قیامت می میرند منتهی صالحان با مرگ طبیعی و کافران با عذاب خواهند مرد.

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلكوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معدّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

۴- ویرانی شهر ها و مرگ و میر همه مردمان قبل از قیامت ، امری حتمی ، غیر قابل تغییر و نوشته شده در کتاب تقدیر الهی است .

كان ذلك في الكتب مسطورًا

<ال> در <الكتاب> برای معرفه و عهد است و مراد از آن، لوح محفوظ و کتاب تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲،۳

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه

ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

۳- در آستانه قیامت و حشر آدمیان ، سیستم جغرافیایی و زیستی زمین ، تغییر می کند .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه و حشرنهم

روشن است که به حرکت در آمدن کوه ها و هم سطح شدن پوسته زمین، شرایط جدیدی را در زمین ایجاد خواهد کرد و شرایط کنونی از بین خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۹،۱۱

۹- موانع هجوم یا جوج و مأجوج به همسایگان خود ، در آستانه قیامت ، منهدم خواهد شد .

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

۱۱- به هنگام برپایی قیامت ، تمامی استحکامات روی زمین با خاک یک سان خواهد شد .

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

آنچه ذوالقرنین درباره فرجام سدّ، باز گو کرد، سرچشمه در آگاهی او از انهدام جهان هنگام برپایی قیامت دارد، گرچه ممکن است در خصوص سد نیز از خداوند به او وعده خاصی رسیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۱،۲،۷

۱- خداوند در آستانه قیامت ، مردم را به حال خود رها خواهد کرد و آنان با یورش های سیل آسا به هم ، به جنگی جهانی

مبتلا

خواهند شد .

و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

<ترکنا> عطف بر <جعلہ دکاء> است. بنابراین، مضمون <و ترکنا> نیز مربوط به حوادث قبل از قیامت است و <یومئذ> نیز بر این مبنا، روزهای نزدیک به قیامت خواهد بود. ضمیر <بعضهم> به مرجعی معنوی، مانند <الناس> باز می گردد و مراد از <یموج فی بعض> داخل شدن برخی بر برخی دیگر است که شاید اشاره به هجوم و تجاوزگری گروهی از انسان ها به گروهی دیگر باشد.

۲- یاجوج و ماجوج ، در آستانه قیامت (آخرالزمان) به حمله و هجوم علیه دیگر انسان ها خواهند پرداخت .

و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

ممکن است این آیات، در صدد پیش گویی برخی حوادث آخرالزمان و اشراف الساعه باشد. عبارت های <إذا جاء وعد ربی> و <نفخ فی الصور> جملگی، قرائن این معنا هستند. لذا جمله <ترکنا...> بیان کننده برخی از همان اشراف الساعه خواهد بود؛ یعنی، در آن هنگام (و در پی متلاشی شدن سد ذوالقرنین) برخی مردم، موجب اضطراب برخی دیگر می شوند. و با توجه به این که سد، در برابر یاجوج و ماجوج بوده است، محتمل است، این اضطراب، از ناحیه هجوم و حمله آنان باشد.

۷- ویرانی سد ذوالقرنین ، از علایم نزدیکی قیامت است . *

فإذا جاء وعد ربی جعله دکاء .. و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۱،۴

۱ - نظام زمین و جغرافیای آن در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی عمیقی خواهد شد .

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی

پرسش مردم از پیامبر(ص) در

باره سرنوشت کوه ها در قیامت، گواه آن است که برهم خوردن نظام فعلی جهان، به صورت ارتکازی و یا با استفاده از آیات دیگر در اذهان مردم، امری مسلم فرض گردیده است؛ ولی عظمت کوه ها این سؤال را برای آنان پدید آورده که <سرنوشت آنها چگونه خواهد بود؟>

۴ - تمامی کوه های زمین ، در آستانه قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفاً

<نسف> به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۱،۲،۳

۱ - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عن الجبال ... فیذرها قاعاً صفصفاً

<قاع> به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و <صفصف> به معنای زمین همواری است که امکان رویدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

۲ - جغرافیای زمین در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی های بزرگی خواهد شد .

الجبال ... ینسفها ... قاعاً صفصفاً

از بین رفتن پستی ها و بلندی ها، نشان از تحول عظیم در روی زمین در آستانه قیامت دارد.

۳ - سطح زمین در آستانه قیامت ، خالی از هرگونه گیاه و رویدنی خواهد بود .

فیذرها قاعاً صفصفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۲

۲- هجوم یا جوج و مأجوج ، از علایم نزدیکی برپایی قیامت است .

حتی إذا فتحت یا جوج ... و اقترب الوعد الحقّ

ماجرای یاجوج و ماجوج مربوط به دوره آخرالزمان است. بنابراین ذکر

مسأله برپایی قیامت پس از این ماجرا، بیانگر این است که این ماجرا از علایم برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۳

۳- فروپاشی نظام کنونی طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب

با در هم پیچیده شدن آسمان، نظم کنونی آن هم در هم پیچیده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۷

۷- وقوع زلزله بسیار بزرگ و هولناک در جهان طبیعت (زمین و ...) ، در آستانه برپایی قیامت

إِنَّ زَلْزَلَهُ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۰

۱۰- زلزله ویرانگر و نابود کننده زمین در آستانه برپایی قیامت ، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

إِنَّ زَلْزَلَهُ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ .. و ما هم بسکری و لکنّ عذاب الله شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : إذا أراد الله عزّوجلّ أن يبعث الخلق أمطر السماء على الأرض أربعين صباحاً فاجتمعت الأوصال و نبتت اللحوم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که زمانی که خدای عزّوجلّ اراده کند که خلق را برانگیزد (زنده کند)، چهل روز از آسمان باران می باراند. پس اندام ها جمع می شود و گوشت ها [بر آنها] می روید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و یوم تشقق السماء بالغم و نزل الملائکه تنزیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف (همچون <اذکر>) باشد.

۲ آسمان به همراه ابرها ، در آستانه برپایی قیامت شکافته خواهد شد .

یوم تشقق السماء بالغم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <با> در <بالغمام> برای ملایست باشد، مثل <رکب الامیر بسلاحه> امیر همراه سلاحش بر مرکب خود سوار شد.

۴ با شکافته شدن آسمان در آستانه برپایی قیامت ، فرشتگان بر اهل زمین فرود خواهند آمد .

و یوم تشقق السماء بالغم و نزل الملائکه تنزیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۳

۱۳ - از هم پاشیده شدن نظام طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

با توجه به این که کوه ها، مظهر صلابت و پایداری اند، مطرح شدن حرکت آنها در فضا، می تواند نمادی برای بیان فروپاشی نظام طبیعت و کره خاکی باشد.

۱۴ - فروپاشی نظام طبیعت در آستانه قیامت ، امری حساب شده و قانونمند و نه اتفاقی و بدون دلیل

و هی تمرّ مرّ السحاب صنع الله الذی اتقن کلّ شیء

بنابراین فرض که آیه بالا، اشاره به حوادث بعد از نفع صورت داشته باشد، از ارتباط <و تری الجبال..> با <صنع الله...> می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

۱۵ - ویرانی نظام عالم در آستانه قیامت ، مقدمه شکل گیری جدید و متقن آن

يوم ينفخ فى الصور .. و ترى الجبال ... صنع الله الذى أتقن كل شىء

در صورتی که آیه بالا نظر به حوادث پایانی جهان داشته باشد، در پی آمدن <صنع الله الذى أتقن كل شىء> می تواند از آن جهت باشد که کسی گمان نکند که فروپاشی جهان، پایان کار است و هستی به پوچی می انجامد؛ بلکه باید بداند که این ویرانی، خزانی است برای بهاری دیگر.

۱۶ - رخداد های جهان بر اثر نفخ صور، زمینه ساز برپایی قیامت و حسابرسی آدمیان، براساس علم دقیق خداوند به اعمال آنان

و يوم ينفخ فى الصور.. و ترى الجبال... إنه خبير بما تفعلون

برداشت یاد شده بنابراین فرض است که <ترى الجبال..> ادامه <يوم ينفخ فى الصور...> و بیانگر حوادث جهان در پی دمیده شدن در صور باشد. بنابراین جمله پایانی آیه (إنه خبير بما تفعلون) می رساند که قیامت، برای حسابرسی است و این کار متکی به علم دقیق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - آسمان و زمین (هستی)، قبل از برپایی قیامت، فرو می ریزند.

تقوم السماء و الأرض بأمره ثم .. إذا أنتم تخرجون

<ثم> برای تراخی است و آورده شدن آن بین دو جمله ای که یکی درباره ثبات عالم و دیگری احیای مردگان در قیامت است، نشان می دهد که باید حادثه ای پس از قوام و ثبات عالم رخ بدهد و آنگاه فرمان حیات صادر شود. آن حادثه، به تناسب مقام، می تواند فروپاشی عالم باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، پس از یک صبحه و فریاد مرگ بار آغاز می شود .

و یقولون متی هذا الوعد .. ما ينظرون إلا صبحه وحده تأخذهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صبحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور .. إن كانت إلا صبحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

۲ - همه انسان ها در قیامت ، تنها با یک صبحه عظیم زنده و به پیشگاه پروردگارشان حاضر خواهند شد .

إن كانت إلا صبحه وحده فإذا هم جميع لدينا محضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۲

۲ - ظهور عیسی (ع) ، نشانه قطعی بر وقوع قیامت

و إنه لعلم للساعه

برداشت بالا بدین احتمال است که آیه ناظر به حضور مجدد عیسی(ع) در آخرالزمان بر روی زمین باشد. که در این صورت

مفاد آیه شریفه این خواهد بود که ظهور عیسی(ع) از <اشراط الساعه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۴،۵،۷

۴- آکنده شدن فضا از دودی تیره و غلیظ ، در آستانه برپایی قیامت

فارتقب يوم تأتي السماء بدخان مبين

بنابراین که آیه شریفه، در مورد علایم روز قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۵- نفوذ دود های غلیظ به

جو زمین از سمت آسمان ، در قیامت [و یا در آستانه آن]

یوم تأتي السماء بدخان مبين

در صورتی که آیه شریفه مربوط به قیامت باشد؛ از تعبیر <تأتي السماء> استفاده می شود که منشأ و خاستگاه آن دودها، فضا است؛ نه این که از دل زمین پدید آمده باشد.

۷- > و اختلف في الدخان ، فقيل ، إنه دخان تأتي من السماء قبل قيام الساعه يدخل في أسماع الكفرة حتى يكون رأس الواحد كالرأس الحنيد و يعتري المؤمن منه كهيئه الزكام و تكون الأرض كلها كبيت أوقد فيه ليس فيه خصاص يمد ذلك أربعين يوماً
روی ذلك عن علي (ع) ...؛

از امام علی(ع) درباره پیدایش دود آشکار در قیامت روایت شده است: این دود در آسمان قبل از برپایی قیامت آشکار می شود و در گوش های کافران فرومی رود؛ به طوری که سر آنان مثل سر کباب شده (سوخته شده) خواهد شد. ولی این دود مؤمنان را به حالت زکام درمی آورد و زمین در آن روز مثل خانه ای می گردد که در آن، آتش افروخته اند و در آن روزنه ای نیست و آن دود چهل روز طول می کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۴

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۴

۴- تیرگی تمام جهان ، در آستانه قیامت *

یغشی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱۲، ۷

۷- بعثت پیامبر خاتم (ص

(و نزول قرآن ، از نشانه های تحقق حتمی قیامت *)

فقد جاء أشراتها

به قرینه آیات پیشین و به میان آمدن نام پیامبر(ص) و استماع کلمات وحی از آن حضرت (من یستمع إلیک..)، احتمال دارد مراد از شرایط قیامت، آمدن پیامبرخاتم(ص) و قرآن باشد.

۱۲- > عن عبدالله بن عباس قال حججنا مع رسول الله (ص) حجه الوداع... فقال: ألا- أخبركم بأشراط الساعة؟ و كان أدنى الناس منه يومئذ سلمان ره فقال بلى يا رسول الله! فقال (ص): إن من أشراط القيامة إضاعة الصلوات و أتباع الشهوات و الميل إلى الأهواء و تعظيم أصحاب المال و بيع الدين بالدنيا... ;

عبدالله بن عباس می گوید: در آخرین حج رسول خدا(ص) همراه ایشان حج گذاردیم... آن حضرت فرمود: آیا شما را از نشانه های قیامت آگاه نسازم؟ نزدیک ترین مردم به آن حضرت، در آن روز سلمان(ره) بود، که گفت: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: از نشانه های قیامت بی توجهی به نماز، پیروی از شهوات، توجه به خواسته های نفسانی، ارزش گذاشتن به صاحبان مال، فروختن دین به دنیا و... است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۱

۱ دمیده شدن در < صور > سرآغاز شکل گیری رستاخیز

و نفخ فی الصور ذلک يوم الوعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۹ - ۲، ۱

۱ - حرکت سریع و بی سابقه اجرام آسمانی ، در آستانه رخداد قیامت

يوم تمور السماء مورًا

<مور>

(مصدر <تمور>) در معانی <حرکت سریع> و <اضطراب و ناآرامی> به کار می رود. برداشت بالا- با توجه به معنای نخست آن است.

۲- تحولات شگفت و ناهنجار در نظام طبیعت، در آستانه رستاخیز

یوم تمور السماء موراً

برداشت یاد شده بر این اساس است که <تمور> در معنای اضطراب و ناآرامی به کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲،۳

۲- به حرکت در آمدن کوه ها، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیراً

۳- حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیراً

مفعول مطلق <سیراً>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۱

۱- برپایی قیامت، در پی تحولات عظیم و دگرگونی نظام هستی

یوم تمور... و تسیر الجبال... فویل

تفریع <فویل> بر حوادث مطرح شده در آیات پیشین، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۷،۸،۹

۷- <شق القمر>، از نشانه های نزدیکی هر چه بیشتر وقوع قیامت

اقتربت الساعة و انشق القمر

۸- بعثت پیامبر خاتم (ص) ، نشانی از نزدیکی رخداد قیامت

اقتربت الساعة و انشق القمر

<شق القمر> از معجزات ویژه پیامبر اکرم(ص) است. در حقیقت خداوند، معجزه آن حضرت را که حاکی از حقانیت رسالت پیامبر(ص) و تحقق عصر خاتمیت است نشان نزدیکی قیامت معرفی کرده است.

۹- رخداد < شق القمر > ، نمودی از

تحولات مهم جهان در آستانه قیامت *

اقتربت الساعة و انشق القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <انشق القمر> از آن جهت در پی <اقتربت الساعة> یاد شده باشد که انسان ها بدانند همان گونه که در عصر پیامبر <شق القمر> صورت گرفت، این گونه تحولات عظیم در آستانه قیامت نیز رخ خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۷ - ۳، ۲، ۱

۱ - شکافته شدن آسمان و از هم پاشیدن آن ، در آستانه قیامت

فإذا انشقت السماء

<انشقاق> به معنای شکافته شدن و در مورد آسمان به معنای درهم ریختن نظم کنونی اجرام است.

۲ - سرخ شدن آسمان و شباهت پیدا کردن آن به چرمی گلگون ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان

<ورده> به معنای گل سرخ و <دهان> به معنای چرم قرمز است. بنابراین <كانت وردة كالدهان> یعنی، همانند چرم گلگون سرخ خواهد شد.

۳ - ذوب شدن اجرام آسمانی چون روغن گداخته ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان

برداشت یاد شده در صورتی است که <دهان> به معنای روغنی باشد که در نتیجه گداختن به رنگ گل سرخ در آمده است (چنان که عده ای از مفسران برآند) برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، پس از تحولات عظیم در نظام طبیعت و فروپاشی آن خواهد بود .

فإذا انشقت السماء .. فيومئذ لا يسأل عن ذنبه إنس ولا جانّ

تفريع <يومئذ> بر <إذا انشقت السماء> با <فأء>

نشانگر آن است که پس از فروپاشی نظام طبیعت، طولی نمی کشد که قیامت برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۳، ۲، ۱

۱ - وقوع زلزله ، در سراسر زمین در آستانه قیامت

إذا وقعت الواقعة .. إذا رجّت الأرض رجّاً

<رج> (مصدر مجهول <رجّت>) به معنای به شدت لرزانده شدن است. مراد از <الأرض> تمام زمین و نه منطقه ای خاص از آن است.

۲ - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إذا رجّت الأرض رجّاً

به کارگیری <إذا>ی شرطیه که در امور قطعی به کار می رود بیانگر مطلب بالا است.

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

إذا رجّت الأرض رجّاً

ذکر <رجّاً> به صورت نکره، بیانگر آن است که حرکت و لرزشی که بر زمین وارد می شود، چنان عظیم است که نمی توان هیچ وصفی را برای آن بیان کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۲، ۱

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجّاً . و بسّت الجبال بسّاً

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحيط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۲ - ذره ذره شدن کوه ها ، بر اثر زلزله شدید زمین در آستانه قیامت

إِذَا رَجَّتْ الْأَرْضُ . . . وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثاً

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۳

۳ - جهان ، در آستانه برپایی قیامت ، روبه رو با حادثه ای کوبنده و دگرگون کننده

بالقارعه

برخی از مفسران برآنند که مقصود از <القارعه>، حادث کوبنده و هولناکی است که پیش از برپایی قیامت با اولین نفخه صور رخ می دهد. البته در آیات ۱۳ تا ۱۵ همین سوره بدان تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - دمیده شدن یک بار در صور ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا نفخ فی الصور نفخه وحده

مقصود از نفخ صور در این آیه به گفته مفسران نفخ صور نخست است که نظم موجود جهان را به هم می ریزد. سپس قیامت با نفخ صور دوم برپا می شود.

۲ - از هم پاشیده شدن نظم کنونی جهان ، پیش از برپایی قیامت ، با کیفیت و سرعت شگفت انگیزی خواهد بود .

فإذا نفخ فی الصور نفخه وحده

مطلب یاد شده، از توصیف <نفخه> به <واحد> به دست می آید زیرا به هم ریختن نظم استوار کنونی جهان آن هم تنها با یک دمیدن در صور نشانه سرعت و عظمت شگفت انگیز فروپاشی نظام دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۱،۲،۳

۱ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حملت الأرض و الجبال

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکتا دکه وحده

<دک> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

۳ - نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حملت الأرض و الجبال فدکتا دکه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ في الصور .. و حملت الأرض ... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و .. در قرآن که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است علم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - از هم شکافته شدن آسمان در آستانه برپایی قیامت

و انشقت السماء

۲ - آسمان پس از شکافته شدن در آستانه برپایی قیامت ، سست و ناستوار خواهد شد .

<وهی> (ماده <واهیه>) به چیزی گفته می شود که رسته اش سست شده باشد.

۳ - متلاشی شدن نظم کنونی آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

و انشئت السماء فهی یومئذ واهیه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۸ - ۱،۳

۱ - گداخته شدن آسمان ، همچون ذوب فلزات در آستانه برپایی قیامت

یوم تکون السماء کالمهل

<مهل> به هر فلز گداخته شده (همچون طلا، نقره، مس و ..) گفته می شود.

۳ - متلاشی شدن نظم کنونی جهان طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

یوم تکون السماء کالمهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۱،۲

۱ - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش> (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

۲ - متلاشی شدن نظم کنونی زمین ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که متلاشی شدن کوه ها، به معنای از بین رفت نقش آنها در زمین (ثبات و استقرار زمین) است و این به متلاشی شدن زمین اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۱،۴

۱ - به لرزه در آمدن زمین و کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال

۴- دگرگونی نظم کنونی طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

يوم ترجف الأرض و الجبال و كانت الجبال كتيبا مهیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۱

۱ - شکافته شدن و از هم گسستن

آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

یومًا .. السماء منفطر به

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <با> در <به> ظرفیه و به معنای <فی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۷ - ۲، ۱

۱ - در آستانه برپایی قیامت ، چشمان انسان ها از ترس و اضطراب ، به گردش در می آید .

فإذا برق البصر

فعل <بَرَقَ> وقتی به چشم نسبت داده شود، به معنای اضطراب و به گردش آمدن چشم از ترس است (مفردات راغب).
گفتنی است آیه شریفه در مقام بیان حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت و لحظه های نخستین رستاخیز رخ خواهد داد.

۲ - روی دادن حوادث دهشتناک و اضطراب آور ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا برق البصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۸ - ۲، ۱

۱ - بی فروغ شدن ماه ، در آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر

۲ - تابندگی خورشید ، تا آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نور ماه، بازتاب نور خورشید است و بی فروغ شدن ماه در آستانه برپایی قیامت، به سبب بی فروغ شدن خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۹ - ۲، ۱

۱- در آستانه برپایی قیامت ، کره ماه به وسیله خورشید جذب و بلعیده خواهد شد .

و جمع الشمس و القمر

۲- فروپاشی نظام منظومه شمسی ، در آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر . و جمع الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره -

۵ - آفرینش انسان و هدفمندی زندگی او ، نشانه برپایی قیامت

و تذرون الآخره . وجوه یومئذ ناضره ... أیحسب الإنسان أن یترک سدی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره معاد و اثبات برپایی قیامت برای کیفر و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بی فروغ شدن ستارگان ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

<طمس> به معنای از بین رفتن اثر شیء است و هرگاه این واژه در مورد ستارگان، ماه و چشم به کار رود، به معنای از بین رفتن نور آنها خواهد بود (تاج العروس).

۲ - دگرگون شدن نظم کنونی منظومه شمسی ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آسمان ، در آستانه برپایی قیامت ، از هم گسیخته شده و اجزای آن می گسلد .

و إذا السماء فرجت

<فرج>، به معنای شکاف است (قاموس المحيط).

۳ - متلاشی شدن نظم کنونی آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

و إذا السماء فرجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

<نسف>، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحيط).

۲ - دگرگونی اساسی در کره زمین ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست .

و إذا السماء فرجت . و إذا الجبال نسفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۸ - ۱

۱ - دمیده شدن در صور ، پیش در آمدی برای حضور مردم در صحنه قیامت است .

يوم ينفخ فى الصور فتأتون أفواجا

<صور> به معنای، شاخی است که در آن دمیده می شود(قاموس). صحنه قیامت و گرد آوری مردم در آن به هر وسیله ای باشد به صحنه ای تشبیه شده است که در آن جا در بوق دمیده می شود تا همگان حاضر گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲،۳

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیرت الجبال فکانت سرايا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سرايا

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیدایش زلزله ای عظیم ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الراجفه

مراد از <یوم> به قرینه آیه بعد دورانی است که شامل هر دو نفخه صور باشد؛ نفخه اول که همگان می میرند و نفخه دوم که رستاخیز برپا می شود. <رجف> یعنی، لرزش و اضطراب شدید. (مفردات راغب)

۳ - پیدایش صیحه ای رعد آسا ، در آستانه قیامت

یوم ترجف الراجفه

<رَجَفَ الرَّعْدُ> یعنی، صدای رعد در ابرها پیچید (قاموس). اطلاق <رجف> که <مفردات> آن را لرزش و اضطراب شدید معنا کرده است بر صداهای شدید، به سبب شباهت آن به زلزله است. این آیه می تواند اشاره به اولین نفخ صور باشد که اهل آسمان ها و زمین را مدهوش می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۱،۲،۳

۱ - در آستانه برپایی قیامت و در پی صیحه و لرزش نخستین ، صیحه و لرزشی دوباره پدیدار خواهد شد .

تتبعها الرادفه

<رادفه> یعنی، ملحق شونده و از پی در آینده. (مصباح) تطبیق آن بر نفخ صور دوم مفاد این آیه و آیه قبل را نظیر آیه ۶۸ سوره زمر می سازد.

۲ - دومین زلزله در مراحل برپایی قیامت ، تابع اولین لرزش و فرع بر پیدایش آن است .

تتبعها الرادفه

۳ - قیامت ، به دنبال پیدایش زلزله ای بزرگ ، برپا خواهد شد .

یوم ترجف الراجفه . تتبعها الرادفه

ممکن است <رادفه>، ناظر بر زلزله ای دیگر نباشد؛ بلکه مفاد آیه شریفه این باشد که به دنبال زلزله ای که در آیه قبل مطرح بود، پیامد آن

(قیامت) به وجود خواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۸ - ۱

۱ - هنگام پیدایش دومین لرزش در دوران برپایی قیامت ، قلب های فراوانی را لرزه و اضطرابی شدید فرا خواهد گرفت .

قلوب یومئذ واجفه

<قلب واجف>، به قلبی گفته می شود که اضطراب شدیدی بر آن مستولی باشد (لسان العرب). <قلوب> نکره ای است که بر تکثیر دلالت دارد و به همین سبب با آن که نکره است مبتدا قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - وقوع قیامت با غرش هایی کر کننده و ناشی از اصطکاک موجودات ، همراه است .

فإذا جاءت الصاخه

هر صدایی که از برخورد صخره با صخره ای دیگر یا مانند آن پدید آید صَخَّ و صَيَّخِخ نامیده می شود و <صاخه> غرشی است که گوش را بکوبد و بر اثر شدت صدا آن را کر سازد(لسان العرب).

۲ - برپایی قیامت ، همراه با نفخ صور است . *

فإذا جاءت الصاخه

تطبیق <صاخه> بر قیامت، ممکن است به اعتبار غرشی باشد که از آن در بعضی از آیات دیگر، به نفخ صور یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس كورت

<كُور> و <تکویر> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که

شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲ - ۳، ۱

۱ - در آستانه قیامت ، تمام ستارگان تیره و بی فروغ خواهند شد .

و إذا النجوم انكدرت

کدورت هر چیز، به معنای از بین رفتن صافی و شفافیت آن است (مصباح) و نتیجه ایجاد <کدوره> را <انکدار> می گویند. بنابراین ستارگان تحت تأثیر عواملی کدرکننده، قرار گرفته و صفا و جلای خود را از دست داده، تاریک خواهند شد.

۳ - ستارگان ، در آستانه قیامت به سرعت فرود آمده و ساقط خواهند شد .

و إذا النجوم انكدرت

از معانی <انکدار>، سرعت گرفتن و فرود آمدن است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۲، ۱

۱ - در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و إذا الجبال سیّرت

۲ - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخدادهای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۶ - ۲، ۱

۱ - دریا ها در آستانه قیامت ، لبریز شده و آب آن به اطراف سرازیر خواهد گشت .

و إذا البحار سجرت

<سَجَر> و <سَجَّر> به معنای <مَلَأَ> (پر گردانید) است. برخی <تسجیر> را به معنای

<تفجیر> (روان ساختن) گرفته اند (لسان العرب). بنابراین <سجّرت> که تشدید آن برای مبالغه است یعنی کاملاً لبریز و به اطراف سرازیر گشت. فراء گفته است: <مسجر>؛ یعنی، آنچه آب آن فروکش کرده باشد (لسان العرب) و قاموس <مسجور> را شعله‌ور شده معنا کرده است. براساس این دو معنا، آب دریاها تبخیر شده و نابود خواهد گشت.

۲ - آب دریاها، هنگام پیدایش نشانه های قیامت، به شدت داغ و جوشان خواهد شد. *

و إذا البحار سجّرت

<مسجور>؛ یعنی، شعله‌ور شده (قاموس). این احتمال که <سجّرت>، ناظر به این معنا باشد، منتفی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۱ - ۱

۱ - آسمان در قیامت برکنده و برچیده خواهد شد .

و إذا السماء كَشطت

<كَشَطُ> (مصدر <كَشَطت>) به معنای برداشتن پوشش از چیزی است؛ همان گونه که پوست حیوان هنگام سلاخی از آن برچیده گردد و همان گونه که سقف از جای کنده می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱ - ۱

۱ - آسمان در آستانه قیامت، از هم گسیخته خواهد شد .

إذا السماء انفطرت

<انفطار>؛ یعنی، انشقاق (تاج العروس). به قرینه <و إذا القبور بعثرت> در آیات بعد، انفصال اجزای آسمان از یکدیگر، پیش از حادثه قیامت و در آستانه آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۱،۳

۱ - تمامی ستارگان در آستانه قیامت، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الكواكب انتشرت

<انتشار> به معنای تفرق یا

پاشیده شدن است. (تاج العروس)

۳ - متلاشی شدن نظم حاکم بر ستارگان در آستانه قیامت

و إذا الكواكب انتثرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۱

۱ - پیدایش شکاف های وسیع و فراوان در دریا ها و راه یافتن آب آنها به نقاط دیگر زمین ، در آستانه قیامت

و إذا البحار فجّرت

<فجر> به معنای ایجاد شکاف وسیع (مفردات راغب) و باز شدن راه (مقایس اللغه) است. باب تفعیل این کلمه، دلالت بر کثرت دارد. (تاج العروس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۱، ۲

۱ - قبرها هنگام برپایی قیامت ، زیر و رو شده و هر چه در آن است بیرون ریخته خواهد شد .

و إذا القبور بعثرت

معنای <بعثرت>، این است که خاک قبرها زیر و رو شود و هر آنچه در آن است، پراکنده گردد. از آن جا که فعل <بعثرت> متضمن معنای <بُعِثَ > و <أُثِرَ > است، بعید نیست این فعل مرکب از آن دو فعل باشد. (مفردات راغب)

۲ - دفن آخرین نسل انسان در زمین با به هم ریختن آسمان و ستارگان و زمین ، فاصله چندانی نخواهد داشت . *

و إذا القبور بعثرت

تعبیر <قبر> و زیر و رو شدن خاک آن، ممکن است حاکی از این باشد که هنگام پایان یافتن دنیا و آغاز آخرت، بقایای جسم برخی از انسان ها در قبرها باقی خواهد ماند. کلمه <القبور> به دلیل داشتن <ال> استغراق همه قبرهای موجود در آن زمان را شامل می شود. در نتیجه باید گفت این آیه، درباره سایر

انسان ها که چیزی از جسمشان باقی نمانده باشد سخنی نگفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱ - ۱

۱ - آسمان در آستانه قیامت ، از هم گسیخته شده و اجزای آن می گسلد .

إذا السماء انشقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۳ - ۱،۴،۵

۱ - زمین در آستانه برپایی قیامت ، گسترده و مسطح شده و مساحت آن افزایش می یابد .

و إذا الأرض مدّت

>مدّ< به معنای بسط دادن (قاموس)، کشاندن (مفردات) و افزایش دادن است. (مصباح)

۴ - مرحله شکافته شدن آسمان در مراحل مقدماتی قیامت مقدم بر مرحله انبساط زمین و مؤثر در آن خواهد بود . *

إذا السماء انشقت . .. و إذا الأرض مدّت

تقدیم <إذا السماء..> بر <إذا الأرض...>، ممکن است ناظر به تقدم زمانی آن باشد. ذکر این دو رخداد در کنار یکدیگر، می تواند نشانگر ارتباط آن دو باشد.

۵ - > عن جابر عن النبي (ص) قال : تمدّ الأرض يوم القيامة مدّ الأديم ، ثمّ لا يكون لابن آدم منها إلا موضع قدميه ؛

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرموده: زمین روز قیامت، مانند پوست دباغی شده پهن و گسترده می شود؛ در عین حال بر اثر کثرت جمعیت از این زمین پهناور، برای هر کدام از فرزندان آدم جز جای دو قدم نمی ماند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۴ - ۱

۱ - زمین در آستانه قیامت ، تمام آن چه را

در دل خود جای داده ، بیرون افکنده ، به کلی تخلیه خواهد شد .

و أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ

باب تفاعل، بر تکلف دلالت دارد؛ بنابراین <تخلت>؛ یعنی، در تخلیه سخت کوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۵ - ۳

۳ - گسترش و افزایش مساحت زمین در آستانه قیامت و خالی شدن درون آن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و در راستای تکامل یافتن زمین است .

و أذنت لربها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

<دكك>؛ یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دككاً دككاً> بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۳،۴

۳ - لرزش گسترده زمین ، از مقدمات برپایی قیامت

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

به قرینه جمله <یومئذ یصدر الناس أشتاتاً> (در آیات بعد)، زلزله زمین در آستانه قیامت خواهد بود.

۴ - لرزش زمین در آستانه قیامت ، وابسته به عواملی زمینی و بازتاب تحولات درونی آن است .

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

مجهول بودن فعل <زلزلت>، بیانگر نقش عاملی در پیدایش زلزله است. اضافه شدن <زلزال> به ضمیری که به زمین برمی گردد، آن حوادث را به خود زمین مربوط می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

زلزله - ۹۹ - ۲ - ۲،۳

۲ - تمام ذخایر زمین ، در آستانه قیامت آشکار شده ، از اعماق آن بیرون خواهد ریخت .

و أخرجت الأرض أثقالها

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد و ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۳

۳ - جهان در آستانه قیامت ، درهم کوبیده و دگرگون خواهد شد .

القارعه

نام گذاری قیامت به <القارعه>، ممکن است ناظر به کوبندگی حوادثی از قبیل <انشقاق آسمان>، <اندکاک زمین و کوه ها> و <کدر شدن ستارگان> باشد که به تصریح آیات برخی از سوره های دیگر در آستانه قیامت پدید خواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۳

۳ - جهان در آستانه قیامت ، به گونه ای شگفت آور درهم کوبیده خواهد شد .

ما القارعه

نصرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱،۱۳

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لا يجدون لهم من دون الله ولياً ولا نصيراً

۱۳ خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد

کرد .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

نظام جزایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۳،۴،۶

۳- نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها در برابر تمامی حرکات انسان است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

<ما> در <ما کسبت> موصوله است و معنای جنس را افاده می کند. بنابراین <ما کسبت> یعنی، هر آنچه بشر انجام دهد و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

۶- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما کسبت)، استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲- هیچ انسانی در قیامت نسبت به کیفر و پاداش اعمال خویش ، ظلم و بی عدالتی نخواهد دید .

یوم .. توفی کلّ نفس ما عملت و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۵

۱۵- توجه به حاکمیت عدل بر نظام کیفر و پاداش اخروی ، گرایش دهنده انسان ها به انجام اعمال و رفتار خوب و دارای

پاداش

فمن أوتی کتبه بیمینه

... و لا یظلمون فتیلاً

از اینکه خداوند، نظام پاداش دهی خود را در قیامت، برای مردم تشریح می کند، می تواند به منظور تشویق انسانها به انجام اعمالی باشد که پاداش الهی را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۷

۷ - وجود نظام کیفر و پاداش برای انسان ها ، مهم ترین مشخصه و ویژگی قیامت

هذا یوم الدین

توصیف قیامت به روز جزا از سوی منکران معاد، به مجرد زنده شدن و بازیافتن خود و دیدن صحنه های قیامت (فِإِذَا هُمْ یَنْظُرُونَ)، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۵

۵ - در قیامت ، هر انسانی با کردار خویش ، مواجه شده و سزای آن را خواهد دید . *

كِدْحًا فَمَلْقِیْهِ

ضمیر مفعولی در <فملاقیه> ممکن است به <كدحاً> برگردد؛ در این صورت احتمال می رود مراد ملاقات جزای عمل بوده و از باب مبالغه، به ملاقات خود عمل، تعبیر شده باشد.

نظام کیفری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۷، ۶، ۵

۵ - هیچ کس در روز قیامت ، ذره ای از عذاب دیگری را بر عهده نمی گیرد و متحمل نمی شود .

واتقوا یوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً

۶ - در روز قیامت ، شفاعت هیچ کس درباره دیگری پذیرفته نخواهد شد .

و لایق‌بل منها شفعه

ضمیر در <منها> می‌تواند به <نفس> دوم برگردد؛ یعنی، اگر فرد مورد مؤاخذه شفیعی، بیاورد شفاعتش قبول نمی‌شود و

همچنین می تواند به <نفس> اول که مراد از آن دوستان و نزدیکان و .. هستند، ارجاع شود؛ یعنی، آن دوستان (در ضمن اینکه عذاب دوست خویش را بر عهده نمی گیرند) اگر شفاعتی نیز درباره او بکنند، شفاعتشان پذیرفته نمی شود.

۷- در روز قیامت از هیچ کس عدل و عوضی - که خویشان را با آن باز خرد - گرفته نخواهد شد .

و لایؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْلٌ> به معنای: فدیة و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۸- در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد .

و لاهم ینصرون

نظم ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۴

۴- فرشتگان در قیامت ، در صف هایی منظم ، حضور یافته ، به اجرای رسالت خویش خواهند پرداخت .

و الملک صفًا صفًا

کلمه های <صَفًّا صَفًّا> به تأویل <مصطفین> (در صفوف منظم قرار گرفته) حال برای <الملک> است. <ملک> اسم جنس بوده و حرف <ال> در آن، برای استغراق است. برخی آن را مفرد <ملائکه> دانسته اند (مصباح) و برخی آن را از ریشه <ملک> و به معنای سیاست گذار دانسته و گفته اند: شخص سیاست گذار، اگر انسان باشد <ملک> و اگر فرشته باشد، <ملک> نامیده می شود. این کلمه در اصل <مَلْکُ> و به معنای <رسالت> بوده است. (مفردات راغب)

نفخ روح در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ -

۲- قیامت، روز دمیده شدن جان در پیکر ها است . *

یوم ینفخ فی الصور

برخی <صور> را جمع <صوره> دانسته و می گویند: خداوند، ابتدا کالبدها را صورت دهی کرده به آنها شکل می دهد؛ آن گاه در آنها جان می دمَد. این معنا برای نفخ صور در قیامت قابل تصور است؛ ولی در نفخ صوری که برای پایان دنیا و میراندن انسان ها است، مورد ندارد.

نفخ صور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

وله الملك یوم ینفخ فی الصور

<وله الملك> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

وله الملك یوم ینفخ فی الصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۸ - ۴

۴- > یحیی بن اَبی العلاء... ان رجلاً دخل علی اَبی عبدالله (ع) فقال: أخبرنی عن قول الله عزّوجلّ لأبلیس > فإنک من المنظرین إلی یوم الوقت المعلوم < قال: ... و یوم الوقت المعلوم یوم ینفخ فی الصور نفخه واحده فیموت ابلیس ما بین النفخه الأولى و الثانیه >

یحیی بن اَبی العلاء روایت کرده است

: شخصی وارد بر امام صادق(ع) شد و گفت : مرا از سخن خدای عزّ و جلّ که به ابلیس فرمود : <فإنك من المنظرين إلی يوم الوقت المعلوم> خبر ده، حضرت فرمود: مراد از روز وقت معلوم، روزی است که [هنوز فقط] یک بار در صور دمیده شده؛ پس ابلیس بین دمیدن اول و دوم می میرد. ..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۵

۵- خداوند ، همه انسان ها را در صحنه قیامت ، با دمیده شدن در صور ، گرد خواهد آورد .

و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعاً

<صور> محتمل است به یکی از دو معنا باشد: ۱ به معنای <شاخ>؛ که در این صورت، مقصود، دمیده شدن در بوق است؛ چرا که در قدیم، از شاخ حیوانات، بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع <صوره> باشد؛ در این صورت، مقصود، دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده ساختن آن ها است. بسیاری از اهل لغت، بر احتمال دوم، خرده گرفته اند و آن را با برخی از موارد استعمال کلمه <صور> در قرآن ناسازگار دیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۱،۲

۱ - دمیده شدن در صور (بوق و یا صورت و تمثال ها) ، از رخداد های روز قیامت

یوم ینفخ فی الصور

<صور> محتمل است به یکی از دو معنا باشد: ۱ به معنای شاخ، که در این صورت مقصود دمیده شدن در بوق خواهد بود؛ چرا که در قدیم، با سوراخ کردن شاخ حیوانات

از آن بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع صوره باشد. براین اساس، مقصود دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده شدن خواهد بود. بعضی از آیاتی که در آن کلمه <صور> آمده است، با معنای دوم سازگار نیست.

۲- دمیده شدن در صور، و حشر در قیامت، دو رخداد مرتبط با یکدیگر

یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین

عطف <حشر> بر <نفخ صور> نشان از ارتباط آن دو با یکدیگر در حادثه برپایی قیامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- <عن النبی (ص) فی معنی <الفرع الأكبر> : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلا یبقی میت إلا نشر و لا حی إلا مات إلا ما شاء الله ثم ینشر من مات و یصفون جمیعاً و تنشق السماء و تهد الأرض و تخز الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلا یبقی ذو روح إلا ینخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلا ما شاء الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فرع اکبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود و زنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو

ریخته و آتش شعله‌هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یادآورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۱

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور .. . إن کانت إلا صیحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲

۸ - وجود فاصله میان دو نفخ صور (زمان مرگ همه موجودات جهان و زنده شدن دوباره آنها در قیامت)

و نفخ فی الصور فصق .. . ثم نفخ فیهِ أُخری

برداشت یاد شده از کلمه <ثم> که می تواند بر تراخی زمانی دلالت کند به دست می آید.

۹ - به پاخاستن ناگهانی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از دومین نفخ صور در قیامت

ثم نفخ فیهِ أُخری فإذا هم قیام

<إذا> برای مفاجات و مفید معنای ناگهانی است و <قیام>، جمع <قائم> (به پاخاسته) است.

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد

ثم نفخ فیهِ أُخری فإذا هم قیام ینظرون

<نظر> (مصدر <ینظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد

شده مبتنی بر معنای نخست است.

۱۱ - نگاه متحیرانه و بهت آمیز موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور در قیامت

ثُمَّ نَفْخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

۱۲ - > قال رسول الله (ص) : > و نفخ في الصور فصعق من في السماوات و من في الأرض إلا من شاء الله > قالوا : يا

رسول الله من هؤلاء الذين استثنى الله ، قال : جبرئيل و ميكائيل و ملك الموت و اسرائيل و حملة العرش ...

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <و نفخ في الصور.. إلا من شاء الله>. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این

کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۳ - ۱

۱ - دمیده شدن یک بار در صور ، در آستانه برپایی قیامت

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ نَفْخَهُ وَحْدَهُ

مقصود از نفخ صور در این آیه به گفته مفسران نفخ صور نخست است که نظم موجود جهان را به هم می ریزد. سپس قیامت

با نفخ صور دوم برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ .. و حملت الأرض ... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های

<حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و.. در قرآن که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است عَلم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۸ - ۱

۱ - آغاز شدن رستاخیز انسان ها ، با دمیده شدن در صور

فَإِذَا نَقَرَ فِي النَّاقُورِ

<ناقور> به معنای <صور> است (قاموس المحيط و مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۹ - ۲

۲ - لحظه دمیده شدن صور در روز رستاخیز ، آغاز سختی ها و ناگواری ها برای اهل محشر

فَإِذَا نَقَرَ فِي النَّاقُورِ . فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، همراه با نفخ صور است . *

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّائِحَةُ

تطبیق <صائحه> بر قیامت، ممکن است به اعتبار غرشی باشد که از آن در بعضی از آیات دیگر، به نفخ صور یاد شده است.

نَفِي ظَلَمٍ فِي قِيَامَتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۵

۵ در قیامت به گنهکاران ستم نخواهد شد.

و هم لا يظلمون

ذیل آیه قبل (ثم ینبئهم ..) بیانگر این است که ظرف پاداش و جزای مطرح شده در این آیه روز قیامت است.

نقش جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۴

۲۴- مشخص نبودن زمان وقوع قیامت و نزدیک شمردن آن ، دارای نقش تربیتی و هدایتی برای انسان

قل عسی

آن یکون قریبًا

مشخص نکردن زمان دقیق وقوع قیامت از سویی و یادآوری قریب الوقوع بودن آن از سوی دیگر، می تواند برای توجه دادن انسانها به آن باشد تا آنان خود را همواره برای وقوع قیامت آماده کنند.

نقش صورت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۳

۳ - چهره انسان در قیامت ، نمایانگر فرجام او است .

و جوه یومئذ مسفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۴

۴ - چهره انسان در قیامت ، نمایشگر فرجام او است .

و جوه یومئذ علیها غبره

نقش علم به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۳

۲۳- بی نیازی انسان از دانستن زمان دقیق وقوع رستاخیز و تأثیر نداشتن آن در هدایت و کمال او

قل عسی أن یکون قریبًا

از اصرار قرآن در اثبات اصل معاد و از عدم تعیین وقت مشخص برای آن، استفاده می شود که انسان برای راه یابی به صلاح و هدایت و ایمان به قیامت، نیازی به دانستن زمان دقیق معاد ندارد.

نقش قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴ قیامت ، عرصه بازگشت آدمیان به سوی خداست .

إلى الله مرجعكم جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۳

۱۳ آزمون انسان ها از ناحیه خداوند ، در پرتو معاد و برپایی قیامت ، توجیه پذیر است .

خلق السموت و الأرض

... لیلوکم ائیکم أحسن عملاً و لئن قلت إنکم مبعوثون

طرح مسأله قیامت ، پس از بیان آزمودن انسانها ، حاوی این نکته است که بدون برپایی قیامت ، آزمون انسانها و مشخص شدن نیکوکاران از غیرشان ، ثمره و نتیجه مطلوب را نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۸

۸ - رخدادهای عظیم قیامت و دگرگونی های عمده در جهان ، و نظام دقیق و عادلانه آن ، جلوه هایی از مرتبت والا و فرمان روابی مطلق خداوند و منزله بودن او از هر گونه باطل

فتعلی الله الملك الحق

ارتباط این آیه با آیات پیشین که از حوادث نزدیک به قیامت و رخدادهای آن روز سخن گفته بود گویای نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۳ - ۴

۴- قیامت و بازگشتن تمامی انسان ها به پروردگار واحد ، مقتضی پرهیز از اختلاف و پراکندگی در دین است .

أُمَّه وَحَدَه و أَنَا رَبِّكُمْ فَاعْبُدُون . و تَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَجْعُونَ

جمله <كُلُّ إِلَيْنَا رَجْعُونَ> مستأنفه بیانی است / یعنی، بیانگر پاسخ سؤال مقدر است که عاقبت این پراکندگی چیست؟ تذکر و یادآوری این نکته می تواند هشدار و تعریضی باشد به غافلان از قیامت که به اختلاف در دین پرداخته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز زنده شدن مجدد انسان ها پس از مرگ

ثمَّ إنَّكُمْ یوم القیمه تبعثون

<بعث> (مصدر مجهول <تبعثون>) به معنای برانگیخته شدن است.

- رستاخیز و حیات اخروی ، آخرین حلقه در سیر تحولی آفرینش انسان

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تَبْعُونَ

این بخش از آیات، در مقام بیان سیر تکامل آفرینش انسان است. بنابراین مسأله رستاخیز، می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار؛ بلکه به عنوان آخرین حلقه متصل به حلقه های پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۴

۱۴ - قیامت ، جایگاه ملاقات مردم با خداوند است .

وَ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكُفْرُونَ

مراد از <لقاء ربهم> برپایی قیامت است. اطلاق <لقاء رب> برای قیامت، از باب اطلاق فعل بر ظرفِ تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۲۰

۲۰ - قیامت ، عرصه بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

مراد از بازگشت به خداوند، و آن گاه آگاه شدن از کردار خویش، حضور در صحنه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۹

۹ - قیامت ، مکان اصلی مجازات عصیانگران و گناه کاران است .

إِنِّي أَخَافُ إِنَّ عَصِيَّتَ رَبِّيَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

پیامبر(ص) ترس و هراس خود را تنها در پیامدهای اخروی عصیان و نافرمانی اظهار کرده اند. این نکته می توان بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تحقق هدف الهی از آفرینش انسان ، منوط به برپایی قیامت *

و أنه خلق .. و أن علیه النشأه الأخری

از

متفرع شدن <علیه النشأه الأخری> بر <خلق الزوجین>، می توان نتیجه گرفت که خلقت دنیوی مرد و زن، به تنهایی کافی نیست و برای تحقق هدف الهی، در خلقت اخروی آنان ضروری است.

نقش گواهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۶

۶- حکم و داوری خداوند میان انسان ها در قیامت، بر اساس حجت و گواه شاهدان است .

و یوم نبعث فی کلِّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که برانگیختن شاهدان در راستای صدور حکم و داوری است و نیز به منظور اتمام حجت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

نگرانی از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۵ - ۱

۱ - قیامت، روزی با عظمت و سزاوار نگران بودن از دشواری های آن

لیوم عظیم

عظمت روز قیامت، به سهمگین بودن حوادث و مراحل آن است.

نگرانی از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ - وجود قیامت ، دغدغه جدی انسان ، حتی برای آنان که ظاهراً منکر آن هستند .

و ما أظن الساعة قائمه ولئن رجعت إلى ربي

نیاز به امداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۳

- نیاز انسان ها به یاری یکدیگر در قیامت

یوم لاتملک نفس لنفس شیئاً

بیان سلب قدرت از یاری رسان، گویای آن است که نیاز به کمک وجود دارد ولی از کسی ساخته نیست.

نیکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱،۱۳

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال الله هذا يوم ينفع الصدقین صدقهم

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصدقین .. ذلك الفوز العظيم

وادی مهلك در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۲

۱۲- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بينهم موبقاً

<موبق> به معنای <هلاک شدن> است و <موبق> اسم مکان به معنای <مکان هلاکت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۳ - ۲

۲- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بينهم موبقاً . و رءا المجرمون النار

واقع بينى در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۵

۵ چشمان آدمى در قيامت ، سخت ژرف نگر و واقع بين

فبصر ك اليوم حديد

وحشت زدگان در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۵

مجرمانِ رفاه مند و بی باک دنیا، بیم ناکان وحشت زده صحنه قیامت اند .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

با توجه به این که آیات قبل در مورد رفاه مندان مغرور بود، مصداق بارز <مجرمان هراسناک> در این آیات، همان دنیاپرستان مغرور خواهد بود.

ورود مکذبان قیامت به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به تکذیب کنندگان روز جزا، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلى ظلّ

بنا به گفته مفسران، مقصود از <ظلّ> (سایه)، دود غلیظ برخاسته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود؛ مانند: <و ظلّ من یحموم و سایه ای از دودی سخت سیاه>. (واقعه، آیه ۴۳)

وسعت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۱

۱ - زمین، بر اثر زلزله فراگیر خود همه مردگان را، بیرون خواهد ریخت .

و أخرجت الأرض أثقالها

<أثقال> جمع <ثقل> و <ثقل> است؛ نظیر <أمثال> که جمع <مَثَل> و <مَثَل> می باشد. <ثقل> به معنای بار سنگین است. <ثقل> نیز به همان معنا و یا به معنای <شیء نفیس> است (لسان العرب). <بارهای سنگین زمین>، کنایه از ذخایر آن و نیز اجساد مردگان است. برداشت یاد شده، به مصداق دوم نظر دارد.

وسعت سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مشکلات و سختی های روز قیامت ، گسترده و فراگیر است .

یومًا کان شرّه مستطیرًا

مقصود از <شَرٌّ>، شدايد و مشکلاتی

است که در روز قیامت به انسان ها روی می آورد. <مستطیر> از باب استفعال از فعل <طار> (پرواز کرد) است و در این آیه، به انتشار و گسترش شرور و سختی ها در عرصه قیامت، همچون انتشار طيور در فضا و جو، اشاره دارد.

وسعت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۳

۳ - مرگ و رستاخیز، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض .. ثم نفخ فیہ اُخری فإذا هم ق

وضوح دلایل قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۲،۳،۴

۲ - برپایی قیامت، دارای شواهد و دلایل تردیدناپذیر است.

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا

با توجه به آیات پیشین که درصدد اثبات معاد انسان است تعبیر <لا ریب فیها>، می تواند اشاره به این نکته باشد که قیامت آن چنان از شواهد و دلایل متقن برخوردار است که توجه به آن، زداینده هرگونه تردید از انسان در برپایی آن است.

۳ - با وجود شواهد و دلایل اثباتگر برپایی قیامت، شک و تردید در آن، امری ناروا و نابه جا است.

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا

۴ - بیشتر مردم صدر اسلام با وجود شواهد و دلایل اثباتگر قیامت، به این حقیقت ایمان نیاوردند.

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ .. و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

وعده برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۵

۵- وعده وقوع حتمی قیامت ، از سوی مؤمنان به کافران داده شده بود .

و يقولون متى هذا الفتح إن كنتم صدقین

وعده قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و يقولون متى هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱

۱- تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

واقترب الوعد الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی كنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- برپایی قیامت با آفرینش و سازماندهی دوباره جهان ، وعده قطعی خداوند است .

وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا .. إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرَ الْأَوَّلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ -

۲- وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در آینده

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۴

۴- برپایی قیامت ، وعده ای الهی به انسان ها است .

متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶- برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱- منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مکرر خداوند به خلق

یومهم الذی یوعدون

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۳

۳- وعده برپایی حتمی قیامت ، از پیام ها و هشدار های مهم خداوند به انسان ها

ءایتی تتلی علیکم . . . و إذا قیل إن وعد الله حق و الساعة

از این که خداوند، پس از بیان کلی <آیاتی تتلی علیکم> صرفاً به مسأله معاد به عنوان یکی از آن آیات تصریح کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۳

۳ - برپایی قیامت ، وعده اعلام شده خداوند به انسان ها

و يقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۹

۶- برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز، وعده الهی به همگان

حَتَّىٰ يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يَوْعَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۲

۲- قیامت، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است.

إِنَّمَا تَوْعَدُونَ لَوْع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۱

۱- خداوند، به مردم وقوع قیامت را وعده داده است.

و الیوم الموعود

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از <الیوم الموعود> قیامت است.

وقت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱۰، ۶، ۳

۳ پیامبر (ص) موظف به اعلام عدم آگاهی خویش به لحظه فرارسیدن قیامت

قل إِنَّمَا عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي

۶ برپایی و ظهور قیامت دارای وقتی مشخص

لَا يَجْلِيهَا لَوْقْتَهَا إِلَّا هُوَ

۱۰ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت ، حتی به صورت احتمال

لا تأتیکم إلا بغته

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که انسان زمان تحقق آن را، حتی به صورت احتمال و حدس، در ذهن خویش ترسیم نکرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ زمان برپایی قیامت از امور غیبی است .

لو كنت أعلم الغيب لاستكثرت من الخير

پیامبر(ص) در پاسخ کسانی که می پنداشتند او به زمان برپایی قیامت آگاهی

دارد، با جمله <لو كنت أعلم الغيب .. > بیان می دارد که من عالم به غیب نیستم ؛ یعنی زمان برپایی قیامت از امور غیبی جهان است.

وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۱،۳،۵

۱ خداوند برای برپایی قیامت ، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما نُؤَخَّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ

۳ برای تأخیر قیامت ، دلیل و علتی جز انتظار فرارسیدن زمان مخصوص آن وجود ندارد .

و ما نُؤَخَّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ

برداشت فوق ، بر این مبناست که لام در <لأجل > برای تعلیل باشد.

۵ تا برپایی قیامت ، تنها زمانی اندک باقی مانده است .

و ما نُؤَخَّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ

کلمه <معدود> (شمارش دار) به اندک بودن تعداد اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۷

۷ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت حتی به صورت احتمال

أَوْ تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که آدمی زمان تحقق آن را حتی به صورت احتمال و حدس تعیین نکرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۸ - ۲

۲- روز قیامت و زمان دقیق برپایی آن ، مشخص و معلوم در نزد خداوند

فأنظرنى إلى يوم يبعثون . قال فإنك من المنظرين . إلى يوم الوقت المعلوم

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از <الوقت المعلوم> روز رستاخیز و قیامت باشد و نام گذاری آن روز به <وقت معلوم> برای این است

که تنها خدا، زمان دقیق آن را می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۵

۵- نزدیکی برپایی قیامت در نظر خداوند ، علی رغم دور جلوه کردن آن در چشم آدمیان

و ما أمر الساعة إلا كلمح البصر أو هو أقرب

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أمر الساعة> رخداد قیامت باشد نه فرمان برپایی آن؛ که در این صورت آیه می تواند به بینش آدمیان نسبت به دور بودن قیامت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۰، ۲۱، ۱۷

۱۷- مشرکان ، انتظار داشتند که پیامبر (ص) به زمان وقوع قیامت آگاه باشد .

و يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريباً

۲۰- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد .

متى هو قل عسى أن يكون قريباً

۲۱- زمان وقوع قیامت ، نزدیک است .

و يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند به اراده خویش ، زمان برپایی قیامت را از انسان ها مخفی نگه داشته است .

أكاد أخفيها

در قاموس آمده است که <أكاد> (در این آیه) به معنای <آرید> است و <أكاد أخفيها>؛ یعنی، اراده می کنم که آن را مخفی نگه دارم، براین اساس مراد از اخفای قیامت، پنهان داشتن زمان وقوع آن خواهد بود، نه اصل وقوع آن.

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۹

۹- زمان فروپاشی نظام طبیعت و برپایی قیامت ، زمانی معین در نزد خداوند

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

<ال> در <الساعة> برای عهد است. بنابراین <الساعة> آن هنگام اشاره به زمانی مشخص و معین دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۴

۴- زمان برپایی قیامت ، زمانی است مشخص در پیشگاه خداوند .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

به کارگیری <ساعة> با الف و لام عهد بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۷۸

۷- خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <و یوم..> عطف بر <ما أنتم...> باشد.

۸- مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۵،۶

۵- زمان برپایی قیامت ، از امور غیبی و علم آن تنها در اختیار خداوند

قل لا یعلم .. الغیب إلاّ الله و ما یسعون أیّان یبعثون

از ارتباط <أیّان یبعثون> با <الغیب> استفاده می شود که رستاخیز، خود مصداق و نمونه ای از امور غیبی است که دانش آن

تنها در اختیار خدا است.

۶- آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أئان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما یشعرون> هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳- پرشش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا.. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۶

۶- زمان برپایی قیامت، در آخرین لحظه های پایانی دنیا است. *

و یوم تقوم الساعة

نامیده شدن قیامت به <الساعة> ممکن است به جهت این باشد که قیامت، در آخرین دقیقه ها و لحظه های عمر دنیا رخ می دهد و از این رو، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۲

۱۲- کافران، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن، همواره، در جهل و بی اطلاعی اند.

یقسم المجرمون... فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۱

۱ - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

يسئلك الناس عن الساعة .. لعل الساعة تكون قريباً

<قريباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۴ - آگاهی از زمان وقوع قیامت ، امری برای مردم بس مهم بود .

يسئلك الناس عن الساعة

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد استهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ينته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض .. يسئلك الناس عن الساعة

بنابراین که <ال> در <الناس> عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۶ - پیامبر (ص) نیز از زمان وقوع قیامت بی اطلاع بود .

يسئلك الناس عن الساعة .. و ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً

۷ - پیامبر (ص) هیچ راهی برای آگاهی از زمان وقوع قیامت ندارد .

و ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً

<ما> در <ما يدريك> استفهامیه و مبتدأ، و جمله بعدی، خبر آن است و معنای عبارت چنین است: چه چیزی تو را آگاه می کند از وقت وقوع قیامت؟

۹ - پاسخ خداوند به پرسش مردم درباره زمان قیامت ، این است که جز خدا ، کسی خبر ندارد .

يسئلك الناس

عن الساعة قل إنّما علمها عند الله

۱۰ - زمان وقوع قیامت ، از اخبار غیبی است .

قل إنّما علمها عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۱،۵،۶

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم معياد يوم لا تستأخرون عنه ساعه

۵ - زمان وقوع قیامت ، تغییر ناپذیر است .

قل لكم معياد يوم لا تستأخرون عنه ساعه و لا تستقدمون

۶ - زمان وقوع قیامت ، برای هیچ کس روشن نیست .

يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم معياد يوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است قریب الوقوع .

يوم الأزفة

<الأزفة> اسم فاعل از فعل <أزِفَ به معنای <قَرَّبَ> می باشد. <يوم الأزفة> یعنی، روز نزدیک شونده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱،۲،۳

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إليه يردّ علم الساعة

تقدیم <إليه> بر <يردّ> مفید حصر است.

۲ - قیامت و زمان برپایی آن ، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إليه يردّ علم الساعة

۳ - آگاهی خداوند از زمان برپایی قیامت ، لازمه ربوبیت او است .

و ما ربّك بظلم .. إليه يردّ علم الساعة

با توجه به رجوع ضمیر <إليه> به <ربّك> در

آیه قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - امکان برپایی قیامت ، در هر لحظه از زمان

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

۱۲ - زمان وقوع قیامت ، مخفی و پنهان حتی برای پیامبر (ص)

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۹

۹ - تعیین زمان برپایی قیامت ، در اختیار خداوند و در گرو مشیت او است .

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

با توجه به این که زمان جمع آوری موجودات روز قیامت است، از آیه شریفه استفاده می شود که تعیین زمان آن وابسته به اراده و مشیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۵

۵ - آگاهی به زمان برپایی قیامت مختص خداوند است .

له ملک السموت و الأرض . . . و عنده علم الساعه

از تقدم خبر بر مبتدا، حصر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۰ - ۴

زمان برپایی قیامت ، معلوم و مشخص نزد خداوند

إلى ميقت يوم معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۴

۴ - زمان برپایی رستاخیز ، خارج از قلمرو دانش بشر

و ننشکم فی ما لاتعلمون

<ما کی موصوله در <فیما>، می تواند کنایه از کیفیت خلقت اخروی و یا کنایه از زمان حیات مجدد یافتن انسان در آخرت باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است، یعنی، ما مرگ را بر این اساس مقدر کردیم که در زمانی که نمی دانید، شما را بار دیگر ایجاد کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱،۷

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و يقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست بلکه از باب تهکم و استهزا است.

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است

بل لَجُوا فِي عْتَوٍ وَ نَفُورٍ .. و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۲،۳،۵

۲ - آگاهی از زمان دقیق برپایی قیامت ، تنها در انحصار خداوند است و هیچ کس از آن باخبر نیست .

و يقولون متی هذا الوعد .. قل إنَّما العلم عند الله

۳- پیامبر (ص)، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ

پاسخ پیامبر(ص) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در

انحصار خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

۵ - پیامبر (ص)، تنها عهده دار انذار مردمان، درباره برپایی قیامت بود، نه مشخص ساختن زمان دقیق آن.

قل إنّما العلم عند الله و إنّما أنا نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حصر در <إنّما أنا نذیر> حصر اضافی بوده و نسبت به علم به زمان برپایی قیامت سنجیده شده است، یعنی، من تنها انذارگر به وقوع قیامت هستم، نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب، شکست کافران و برپایی قیامت، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است.

حَتّٰی اِذَا اَوٰا مَا یُوْعَدُوْنَ.. اَقْرِبَ مَا تُوْعَدُوْنَ... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است، یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد، یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إنّ اُدْرٰی اَقْرِبَ مَا تُوْعَدُوْنَ .. اِلَّا مَنْ ارْتَضٰی مِنْ رَسُوْلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل أیّان یوم القیمه

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، از دیر زمان و در علم خداوند ، دارای زمانی مشخص بوده است .

إِنَّ یومَ الفِصلِ کانَ میقَّتًا

فعل <کان> دلالت دارد که وقت قیامت از پیش مشخص بوده است. <میقّات> گرچه اسم آلت است؛ ولی معنای <وقت> دارد؛ نظیر میعاد و میلاد که از اسم آلت بودن خارج شده و به معنای مصدر خود استعمال شده اند. متعلق میقات به قرینه سیاق کلام محشور شدن و مجازات دیدن است؛ یعنی، قیامت وقت مشخص شده برای این حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۱

۱ - تنها خداوند ، خصوصیات قیامت و زمان وقوع آن را می داند .

إلی ربِّکَ منتهیها

<منتهیها> به قرینه سیاق آیات پیشین به معنای منتهای علم به قیامت و شناخت خصوصیات و زمان آن است. تقدیم <إلی ربِّکَ> بیانگر حصر است.

وکالت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۷

۷ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

و كان الله بما يعملون محيطاً .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون على

<وکیل> به کسی

گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

ولایت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

ویژگی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۷،۸

۷ دنیا ، عرصه تجارت سعادت و کسبِ توشه اخروی است نه قیامت .

انفقوا .. من قبل ان یأتی یوم لا بیع فیه

۸ در قیامت ، هیچگونه داد و ستد ، دوستی و شفاعت نیست .

یوم لا بیع فیه و لا خُله و لا شفاعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۲،۳،۵،۹

۲ قیامت ، هنگامه ای عظیم و دهشتناک برای نابکاران

و اتقوا یوماً ترجعون فیه الی الله

آوردن <یوماً> به صورت نکره، اشاره به عظمت آن روز دارد.

۳ قیامت ، روز بازگشت انسان ها به سوی خداوند .

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه اعمال (کیفر و پاداش)

ثُمَّ تَوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ

<توفی> به معنای دریافت کامل است.

۹ در قیامت به کسی ستم نمی شود . (نه از ثواب او کاسته و نه بر عقاب او افزوده می

گردد.)

توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۷

۷ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برجیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است. نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست چنانچه در برداشت قبلی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ قیامت ، روز بروز نهفته های درونی انسان

و لا یکتُمون الله حدیثاً

بر این مبنا که جمله <و لا یکتُمون> عطف بر <یوَدَّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۲،۳

۲ قیامت ، پایان گردآوری انسان ها از سوی خداوند

لیجمعنکم الی یوم القیمه

۳ قیامت ، روز گردآوری تمامی انسانها

لیجمعنکم الی یوم القیمه

بر اساس این احتمال که <الی> به معنی <فی> باشد ؛ چنانچه برخی از مفسران اظهار داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

ليجمعنكم إلى يوم القيمة لا ريب فيه

مرجع ضمیر <فيه> می تواند <يوم القيامة> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى یبعثهم الله ثم إلیه یرجعون

جمله <ثم إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۸

۸ تمامی جنبندگان زمین و پرندگان آسمان، مانند انسان، در قیامت برانگیخته می شوند.

ثم إلی ربهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۸

۸ هراس از روزی که در آن جز خداوند یاور و شفیع نیست، زمینه پذیرش انذارهای انبیا

و أنذر به الذین یخافون أن یرجعوا إلی ربهم لیس لهم من دونه ولی ولا شفیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ قیامت، روز بروز حقیقت اعمال دنیوی آدمیان است.

ثم إلیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۷

۷ قیامت روز گرد آمدن تمامی آدمیان در پیشگاه خداوند است.

و هو الذى إليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام - ٦ - ١٥٤ - ١٠

١٠ روز قیامت، زمان ملاقات انسان با خداوند است.

لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام - ٦ - ١٦٤ - ١١، ١٣

١١ قیامت

روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف دین*

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداوند در دنیا حقانیت مسائل مورد اختلاف میان اهل ایمان و شرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفت خبر دادن <فینبئکم>، کنایه از کیفر دهی است، و یا مراد از آن آگاهی ویژه، یعنی آگاهی عینی و ملموس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۳ قیامت ظرف ظهور و انکشاف ربوبیت مطلق خدا برای همگان

أغیر الله أبغی ربا و هو رب کل شیء .. فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

از مصادیق مورد نظر برای <ما کنتم فیه تختلفون>، به دلیل <أغیر الله أبغی ربا>، ربوبیت خداوند بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۱

۱ قیامت روز سنجش و ارزیابی اعمال و عقاید آدمیان است.

و الوزن یومئذ الحق

ویژگیهای احضار انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۲ - ۲

۲ - احضار تمامی انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت، به صورت دسته جمعی و یک جا خواهد بود.

و إن کلّ لَمَّا جمیع لدینا محضرون

<جمیع> فعلیل به معنای مفعول (مجموع) و ضد متفرق است و مقصود از آن در آیه شریفه، اجتماع و انضمام تمامی افراد، از همه اقوام و جوامع بشری در یک مکان (قیامت) است.

ویژگیهای برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ قیامت ، ناگهانی و در حال بی خبری انسان ها تحقق می یابد .

أو تأتيهم

الساعة بغته و هم لايشعرون

<بغته> به معنای هجوم ناگهانی و بدون اطلاع قبلی است. جمله <و هم لايشعرون> حال مؤکده است زیرا توجه نداشتن از <بغته> معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۴

۴ - عدم امکان بازگشت انسان به دنیا ، پس از برپایی قیامت

ربنا أخرجنا منها .. قال اخسئوا فيها و لا تكلمون

ویژگیهای دود قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، درد آفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

یغشی الناس هذا عذاب أليم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

ویژگیهای قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۵

۵ - داوری میان حق و باطل در عرصه قیامت ، با حضور تمامی خلایق انجام خواهد پذیرفت .

هذا يوم الفصل جمعنكم و الأولین

ویژگیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵،۶

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد لله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۷،۸،۹

۲ - قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت از آن ، وسیله کارسازی را تدارک دید .

واتقوا يوماً

<اتقاء> یعنی، بر گرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت از چیزی خطر ساز و هولناک. بنابراین <اتقوا يوماً> دلالت می کند که: روز قیامت متضمن خطرهای هولناکی است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها وقایه ای (نگهدارنده ای) را تدارک ببیند.

۷ - در روز قیامت از هیچ کس عدل و عوضی - که خویشان را با آن باز خرد - گرفته نخواهد شد .

و لایؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْلٌ> به معنای: فدیة و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۸ - در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد .

و لاهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، صحنه

بروز و ظهور اعمال پسندیده ای است که آدمی در دنیا انجام داده است .

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

ضمیر مفعولی در <تجدوه> (می یابید آن را) به کلمه <خیر> بر می گردد و مقتضایش آن است که: آدمی با همان عمل نیکی که انجام داده، روبه رو خواهد شد؛ یعنی، اعمال نیک آدمی در قیامت، به گونه ای بروز و ظهور دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۷

۷ - قیامت ، صحنه ای هراسناک و جایگاه حزن و اندوه است .

ولا خوف عليهم و لا هم يحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، صحنه داوری میان امتهاست .

فالله يحكم بينهم يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸

۱ - قیامت ، روزی با عظمت که همگان با آن مواجه خواهند شد .

و اتقوا يوماً

مراد از <یوماً> روز قیامت است. نکره آوردن آن، حکایت از عظمت آن دارد.

۲ - قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت از آن ، سببی کارساز تدارک دید .

و اتقوا يوماً

<اتقاء> (مصدر إتقوا)؛ یعنی، برگرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت از چیزی هولناک و خطرناک. بنابراین

<إتقوا يوماً> دلالت می کند که: روز قیامت حاوی مخاطرات هولناک است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها، وقایه

(وسیله ای برای محافظت) فراهم آورد.

۴- هیچ کس در روز قیامت، ذره ای از عذاب دیگری را بر عهد نمی

گیرد و متحمل آن نمی شود .

و اتقوا يوماً لاتجزى نفس عن نفس شيئاً

۵- در روز قیامت ، از هیچ کس فدیة و عوضی که خویشان را با آن باز خرد ، پذیرفته نمی شود .

و لایقبل منها عدل

<عدل> به معنای فدیة و عوضی است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۶- در روز قیامت شفاعت هیچ کس از دیگری ، سودبخش نخواهد بود .

و لاتنفعها شفعه

ضمیر <ها> در <تنفعها> به <نفس> دوم در <لاتجزى نفس عن نفس> بر می گردد.

۷- در روز قیامت ، هیچ کس از دفاع و یاری دیگری بهره مند نخواهد شد .

و لاهم ینصرون

۸- در قیامت ، هیچ راه نجاتی برای کافران به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

اولئك یؤمنون به و من یکفر به .. و اتقوا يوماً لاتجزى نفس عن نفس شيئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیة ای گرفته نمی شود و ...؛ مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی -

جز ایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت این ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً

جمله <این ما تکنونوا ..> تعلیل جمله قبل است؛ یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک

پردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان

در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۸

۸ - صحنه قیامت ، صحنه مشاهده اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن است .

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت

فعل <یری> می تواند از رؤیت به معنای دیدن با چشم باشد. بر این مبنا معنای جمله <كذلك...> چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان (و یا نتایج اعمالشان) را به آنان نشان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱۳، ۱۰، ۸، ۷، ۶

۶ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برچیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است؛ نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست، چنانچه در برداشت قبل آمده است.

۷ همه حقایق در قیامت ، مکشوف و یقینی است .

لیوم لا ریب فیه

۸ قیامت ، روزی که هر کس اندوخته های خود را به تمام و کمال دریافت می کند .

و وقیت کل نفس ما کسبت

۱۰ حضور و نمود اعمال دنیوی انسان در قیامت

و وقیت کل نفس ما کسبت

زیرا <وقیت> به <ما کسبت> نسبت داده شده؛ نه به نتیجه آن.

۱۳ قیامت روزی که به انسان ظلم نخواهد شد .

و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۳،۵،۶

۳ قیامت ، روز تحقق عقاب و

قهر الهی و یافتن اعمال خیر و شر

و یحذّرکم اللّٰه نفسه . . . یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر . . . من سوء

۵ قیامت ، روز حضور نفس اعمال نیک و بد آدمی در پیش او

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً . . . من سوء

چون اسناد احضار به خود اعمال (ما عملت) است نه به پاداش و جزای آن.

۶ قیامت ، روز دریافتِ کيفر و پاداشِ اعمال نیک و بد *

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر . . . من سوء

بنابراینکه <ما عملت>، به معنای <جزاء ما عملت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۹

۱۹ قیامت ، جایگاه حلّ نهایی اختلافات

ثمّ الّٰی مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیہ تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۶

۶ بازگشت به دنیا پس از حشر در قیامت ممکن نیست.

و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

<لو> غالباً در مواردی به کار می رود که شرط آن کاری ممتنع و غیر عملی باشد. لذا جمله <ردوا> که شرط برای <لو> می باشد امری غیر عملی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۲،۳

۲ قیامت صحنه ملاقات همگان با خداوند است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء اللّٰه حتی إذا جاءتهم الساعه

<الساعه> از اسامی قیامت است و منظور از ملاقات، برخورد جسمانی نیست، زیرا چنین امری محال است. لذا مراد از آن شهود حاکمیت و قدرت خداوند است.

۳ قدرت

و حاکمیت خداوند در قیامت تجلی می یابد.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از <لقاء الله> نمی تواند ملاقات و برخورد، به معنی متعارف، باشد. لذا مراد از لقاء خداوند، ملموس شدن حاکمیت و رضایت و غضب اوست، به گونه ای که گویا آدمیان با خود خداوند ملاقات کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۲۰

۲۰ قیامت روز پاداش و کیفر اعمال است.

و کذلک زینا لكل أمه عملهم .. فینبئهم بما کانوا یعملون

مطلع ساختن آدمیان بر اعمالشان در قیامت، کنایه از مجازات و یا پاداش آنان می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۳

۳ قیامت، روز اعطای درجات و یا سقوط به درجات است.

و لكل درجت مما عملوا

اگر چه در آیه شریفه تنها درجات مذکور شده است، ولی شامل درجات نیز می گردد. چون درجات و درجات آمیخته به یکدیگرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۶

۶ قیامت، روز ملاقات انسان با خدا

یوم یلقونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۲۱

۲۱ قیامت ، روز حضور انسان در برابر خدا و آگاه شدن او از تمامی کرده هایش و نیز روز محاکمه و تعیین سرنوشت

ثم تردون إلى علم الغيب و الشهده فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۹،۱۰

قیامت ، عرصه احضار انسان ها برای حسابرسی اعمالشان

و ستردون .. فینبئکم بما کتتم تعملون

۱۰ باخبر شدن انسان ها در قیامت از حقیقت و بازتاب اعمال دنیوی خویش

فینبئکم بما کتتم تعملون

مراد از <ما کتتم تعملون> می تواند ظاهر اعمال نباشد ؛ چه اینکه انسانها از ظاهر اعمال خویش باخبرند و آنچه را نمی دانند، حقیقت اعمالشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۱

۱ قیامت ، روز دیدار با خداست .

إن الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۸

۸ قیامت ، روز دیدار با خداوند است .

الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۲۵، ۵

۵ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذین لا یرجون لقاءنا

۲۵ قیامت ، روزی بزرگ و هراسناک

عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا كلمه سبقت من ربك لقضى بينهم فيما فيه يختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۷

۷ جهان آخرت ، سرای تنهایی و محرومیت از هر گونه شفاعت برای زشت کرداران

و الذین کسبوا السيئات .. ما لهم من الله

من عاصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۳،۶،۹

۳ قیامت ، روز حشر و گردآوری تمامی انسان ها (نیکان و بدان ، و مؤمنان و مشرکان)

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا ... وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ ... و یوم نحشرهم جميعاً

ضمیر <هم> در <نحشرهم> به هر دو دسته نیکان و بدان برمی گردد.

۶ قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جميعاً ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم و شركاؤکم فزیلنا بینهم

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جميعاً .. و قال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۸،۹

۸ قیامت ، روز رجوع و بازگشت همه انسان ها به خداوند است .

و ردوا إلى الله مولیهم الحق

۹ قیامت ، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و

ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشرهم جميعاً .. و ردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۳،۴،۵،۷

۳ مردم در قیامت ، زمان درنگ خود در دنیا را بسیار کوتاه و به اندازه لحظاتی که چند تن همدیگر را ببینند و بشناسند ،

احساس می کنند .

و يوم يحشرهم كأن لم يلبثوا إلا ساعة من النهار يتعارفون بينهم

<ساعه> در لغت

به معنای جزئی از اجزای زمان، است (کوتاه باشد یا بلند). برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، دنیا باشد؛ یعنی: <كأن لم یلبثوا فی الدنيا ...>.

۴ مردم در قیامت، زمان درنگ خود در برزخ را بسیار کوتاه احساس می کنند.

و یوم یحشرهم كأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، زمان پس از مرگ باشد.

۵ مردم در قیامت، زمان درنگ خود در دو عالم (دنیا و برزخ) را بسیار کوتاه احساس می کنند.

و یوم یحشرهم كأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، دنیا و زمان پس از مرگ باشد؛ یعنی: <كأن لم یلبثوا فی الدنيا و بعد الموت>.

۷ قیامت، روز ملاقات با خداوند است.

و یوم یحشرهم .. قد خسر الذین کذبوا بقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۳

۳ قیامت، روزی است که در آن، عاقبت کار انسان ها مشخص می شود.

و ما ظن الذین یفترون .. یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۴

۱۴ قیامت، روز داوری خداوند است.

إن ربك یقضی بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۶

۱۶ روز قیامت ، روزی بزرگ و عذاب آن ، عذابی سهمگین است .

فإني أخاف

علیکم عذاب یوم کبیر

کلمه <کبیر> در ظاهر صفت برای <یوم> است و در حقیقت بیانگر بزرگی عذاب آن روز می باشد که از آن در برداشت ، به سهمگینی عذاب تعبیر گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بازگشت انسان ها به خداوند است .

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر. إلی الله مرجعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۶، ۱۵

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نطنکم کذبین .. إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۷، ۵

۵ سرای آخرت ، عرصه گرد آمدن همه انسانهاست .

ذلک یوم مجموع له الناس

<ذلک> اشاره به <الأخره> است و به نظر می رسد مذکر آوردن آن به لحاظ خبر (یوم) باشد.

۷ صحنه های قیامت و موقف های آن علنی ، مشهود و در مرأی و منظر همگان است .

ذلک یوم مشهود

ظاهر این است که <مشهود> (مورد مشاهده) صفت برای متعلق موصوف است یعنی منظور مشاهده خود آن روز نیست بلکه مشاهده چیزهایی است که در آن روز وجود دارد و در آن پدید می آید. از جمله آن هاست موافق و صحنه های قیامت و یا انسانهای موجود و گردآوری شده در آن صحنه و یا ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۱،۲،۳

۱ هیچ کس در قیامت جز

به اذن و رخصت خداوند سخن نخواهد گفت .

یوم یأت لاتکلم نفس إلا بإذنه

ضمیر در <یأت> به <یوم> در آیات قبل، باز می گردد و <یوم> در <یوم یأت> به معنای حین و زمان است. بنابراین <یوم یأت...> یعنی، در آن هنگام که روز قیامت برپا شود... قابل ذکر است که <لاتکلم> در اصل <لاتتکلم> بوده که بر اساس قواعد صرفی یک <تاء> از آن حذف شده است.

۲ روز قیامت ، روز بروز و ظهور حاکمیت مطلق خداوند بر بندگان

یوم یأت لاتکلم نفس إلا بإذنه

از آن جا که در دنیا هیچ فعل و انفعالی صادر نمی شود مگر اینکه اذن خدا را همراه دارد ، می توان گفت مقصود از <لاتکلم نفس إلا- بإذنه> این است که: در آخرت این حقیقت برای همگان مکشوف می شود و انسانها آن را لمس خواهند کرد.

۳ اختیار و انتخاب در روز قیامت ، از انسان ها سلب می شود .

یوم یأت لاتکلم نفس إلا بإذنه

قرین بودن هر گونه سخن در قیامت با اذن خداوند، می تواند به این معنا باشد که: صحنه قیامت مانند دنیا نیست که انسانها با اراده خویش سخن بگویند و یا افعال دیگری انجام دهند و احياناً کاری کنند که مورد رضایت خدا نباشد؛ بلکه اختیار از آنها سلب می شود و نمی توانند هر چه را می خواهند بگویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۸

۸- قیامت روز حسابرسی است .

یوم یقوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۱۰

قیامت ، روز خیره شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیہ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنستلّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع < نستل > برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۴

۴- قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن حق و باطل است .

الذین يجعلون مع الله إلهًا آخر فسوف يعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که زمان < دانستن >، روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- < عن أبي جعفر (ع) فی قوله : < ليحملوا اوزارهم كاملة يوم القيامة > یعنی لیستکملوا الکفر یوم القیامه > و من اوزار

الذین یضلّونهم بغير علم > یعنی کفر الذین یتولّونهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره قول خدا <ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة> فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره <ومن أوزار الذين يضلونهم بغير علم> فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [پر دوش بگیرند]..<

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۴

۱۴- قیامت ، روزی سخت و خوار کننده است .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۳

۳- قیامت ، روز ظهور حقایق

بلی وعدًا علیه حقًا . . لیبین لهم الذی یختلفون فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۳

۳- رخ نمودن لحظه قیامت ، در یک چشم به هم زدن یا کمتر از آن

و ما أمر الساعه إلا کلمح البصر أو هو أقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۵

۵- قیامت ، روز آشکار شدن اعمال ، انگیزه ها و ماهیت همه انسانها

و یوم نبعث من کلُّ أمّه شهیدًا

برداشت فوق از آن جاست که با گواهی دادن گواهان، پرده از تمامی اعمال، انگیزه ها و .. انسانها که تا روز قیامت از منظرها پنهان بود برداشته خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۳

۳- قیامت ، روز برانگیخته شدن گواهانی از میان هرامت برای شهادت دادن بر آنان

و یوم نبعث فی کلِّ أُمَّه شهیداً علیهم من أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۷، ۳، ۱

۱- قیامت ، روز دفاع سرسختانه هر انسانی از خویش (عقاید ، رفتار و انگیزه ها)

یوم تأتي کلّ نفس تجدل عن نفسها

۳- تلاش و توجه هر فردی در قیامت ، تنها معطوف

به دفاع از شخص خویش است .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

۷- همه انسان ها ، سزای اعمال خویش را در قیامت ، به طور کامل دریافت خواهند کرد .

یوم ... و توفی کلّ نفس ما عملت

<توفی> (از ماده توفیه) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۶

۶- قیامت ، روز داوری خداوند در زمینه اختلافات و انحرافات بشر

و إن ربك لیحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۱،۷

۱- رستاخیز ، روز احضار انسان ها از سوی خداوند

یوم یدعوکم

۷- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

بنابر اینکه مخاطب <یدعوکم> منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲،۳،۹

۲- قیامت و احضار مردم و پیشوایانشان در آن هنگام ، روزی شایسته یاد و یادآوری و به خاطر سپاری است .

یوم ندعوا کلّ أناس یامهم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که نصب <یوم> به جهت مفعول فعل محذوف <اذکر> باشد و <با> ی در <یامهم> مصاحبت باشد.

۳- قیامت ، روز فراخوانی همه نسل ها و گروه های مردم ، همراه با پیشوایانشان

یوم ندعوا کلّ أناس یامهم

۹- انسان ها ، عملکرد دنیوی خویش را در قیامت ،

به صورت مجموعه ای ثبت شده و مکتوب دریافت می کنند .

فمن أوتی کتبه بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۳،۱۴

۳- قیامت ، روز الغای اعتبارات و امتیازات دنیوی انسان ها است . *

و عرضوا علی ربک صفًا

چنان چه مراد از <صفًا> این باشد که همگان در یک صف محشور خواهند شد جملهء <و عرضوا..> اشعار به این مطلب خواهد داشت که با وجود آن که اهل دنیا، امتیازات را به مال و منال و دیگر اعتبارات مادی دنیا می دانستند، ولی در صافی واحد محشور خواهند شد. این نکته، با توجه به آیات مربوط به داستان مرد ثروت مند و هم صحبت او، بیشتر واضح می گردد.

۱۴- قیامت ، زمان به وقوع پیوستن وعده های الهی است .

بل زعمتم ألن نجعل لکم موعداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱،۴،۷

۱- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الکتب . . . و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

مقصود از <الکتب> به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف <ال> در <وضع الکتب>، برای استغراق افراد است، یعنی <کل کتاب>. در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

۴- روز قیامت ، بیم و هراس و تأثر ، در چهره

مجرمان ، ملموس و نمایان است .

فتري المجرمين مشفقين ممّا فيه

<اشفاق> توجه و عنایتی است که آمیخته به ترس باشد و در صورتی که با <من> متعدی شود، معنای بیم و دلهره در آن آشکارتر است (مفردات راغب). پس عبارت <مشفقین ممّا فيه> دلالت دارد که مجرمان، از آنچه در نامه اعمال مشاهده می کنند، خائف و هراسناک اند و این ترس به قرینه فعل <تری> در چهره آنان قابل مشاهده و رؤیت است.

۷- پرهیز کنندگان از جرم و گناه ، به هنگام مشاهده نامه اعمال خود در قیامت ، بیم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الکتب فتري المجرمين مشفقين ممّا فيه

جمله <وضع الکتب> وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله <فتري المجرمين..> تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتاب خود، اضطرابی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸،۹

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

۹- گوش های عاجز از دریافت پیام های خداوند ، در قیامت ، شنوای صدای دوزخ خواهد بود .

و عرضنا جهنم .. الذین ... کانوا لایستطیون سمعًا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۴،۱۱

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعینهم فی غطاء .. کفروا بأیت ربّهم و لقاءه

مقصود از لقای پروردگار، مسلماً برخورد حسی نیست (لاتدرکه الأبصار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیامت، به حقایق یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اعمال است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزناً

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند، هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز لقای پروردگار و مشاهده نمود های روشن وی است .

فمن کان یرجو لقاء ربّه

مسلم است که مراد از لقای پروردگار، برخوردی حسی با او نیست؛ چون، چنین امری هم از نظر عقل و هم از نظر متون دینی، محال است (لاتدرکه الأبصار). بنابراین، به قرینه <فلیعمل عملاً صالحاً>، مراد از لقای پروردگار، مواجه شدن با رضایت و پاداش های او در روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۲،۳

۲- قیامت ، روز ظهور و بروز حقایق است .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوتنا

۳- قیامت ، روز حضور مردم در پیشگاه خداوند است .

یوم یأتوننا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۲،۴،۶

۲- قیامت ، روز حسرت و افسوس آدمیان بر عملکرد خویش در دنیا است .

و أنذرهم يوم الحسره

۴- قیامت ، روز پایان فرصت ها و جبران ناپذیری خطا ها و انحرافات است .

و أنذرهم يوم الحسره إذ قضی الأمر

مراد از <الأمر> به قرینه <يوم الحسره> فرصت هایی است که از کف دادن آن موجب حسرت شده است و <قضی> از <قضاء> به معنای فیصله دادن و به پایان رساندن است، به گونه ای که مورد آن جبران پذیر نباشد (مفردات راغب).

۶- قیامت ، روز فیصله امور و تعیین سرنوشت قطعی انسان

إذ قضی الأمر

ممکن است مقصود از <الأمر> حکم قطعی و تعیین بهشتی و یا دوزخی بودن مردم باشد در این صورت <قضی الأمر> ناظر به صدور احکام قطعی و گذشتن از آن مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۷

۷- در قیامت ، رابطه انسان با مالکیت های اعتباری او در دنیا ، به کلی بریده خواهد شد .

و أنذرهم يوم الحسره ... إنا نحن نرث الأرض و من علیها و إلینا یرجعون

خداوند، هم زمین را میراث خود دانسته و هم آدمیان را، یعنی هم مالکان اعتباری و هم ملک های اعتباری را، بنابراین در قیامت، این دو تنها با مالک حقیقی خود مرتبط خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲۰

۲۰- قیامت ، روز ظهور حقایق

و إِمَّا السَّاعَةَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جِنْدًا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ

- فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۲

۲- قیامت ، روز حضور همگان در پیشگاه خداوند

و یاتینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۷،۱۰

۷- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرک‌ورزی و بروز ناتوانی معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

لیکونوا لهم عزا... سیکفرون بعبادتهم

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : > ... كلاً سيكفرون بعبادتهم و يكونون عليهم ضداً < يوم القيامة ... ثم قال : ليست العبادة هي السجود ولا الركوع وإنما هي طاعة الرجال من أطاع مخلوقاً في معصية الخالق فقد عبده ؛

از امام صادق (ع) در باره سخن خدا > .. كلاً- سيكفرون بعبادتهم و يكونون عليهم ضداً < روایت شده که فرمود: [این ضدیت] روز قیامت است... سپس امام فرمود: عبادت [در این جا] سجود و رکوع نیست ؛ بلکه [مراد] اطاعت از مردم است ؛ هر کس مخلوقی را در معصیت خالق اطاعت کند، او را عبادت کرده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۵

۵- قیامت ، روز حشر و اجتماع انسان ها

یوم نحشر

>حشر< ؛ یعنی، جمع کردن به گونه ای که با سوق دادن همراه باشد (مقایس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

يوم نحشر... و نسوق المجرمين إلى جهنم وردًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - طه

۵ - قیامت ، روز حضور همگان در پیشگاه خداوند

إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا

به قرینه آیه بعد (و من یأته مؤمن أ)، حضور در قیامت همگانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنه يحمله يوم القيمة وزرًا

<وزر>، به معنای بار سنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گناه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۵

۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر گناه پیشگان

و ساء لهم يوم القيمة حملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۱،۳،۷

۱ - دمیده شدن در صور (بوق و یا صورت و تمثال ها) ، از رخداد های روز قیامت

يوم ينفخ فى الصور

<صور> محتمل است به یکی از دو معنا باشد: ۱ به معنای شاخ، که در این صورت مقصود دمیده شدن در بوق خواهد بود؛ چرا که در قدیم، با سوراخ کردن شاخ حیوانات از آن بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع صوره باشد. براین اساس، مقصود دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده شدن خواهد بود. بعضی از آیاتی که در آن کلمه

<صور> آمده است، با معنای دوم سازگار نیست.

قیامت ، روز دمیده شدن دوباره روح ها در اجساد و صورت های مردگان *

یوم ینفخ فی الصور

برداشت یاد شده بر اساس احتمالی در معنای <صور> است که جمع <صورت> و به معنای <تمثال ها و پیکرها> باشد.

۷- قیامت ، روز اجتماع و گردآمدن انسان ها است .

نحشر المجرمین

<حشر> به معنای جمع کردن است (لسان العرب) و در آن، معنای سوق دادن نیز لحاظ می شود (مقایس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۷

۷- ملکات و تفاوت های انسان ها ، در قیامت نیز بروز و ظهور خواهند داشت .

إذ یقول أمثلهم طریقه

<أمثلهم طریقه> بیانگر خصلت شخصی است که نظریه <یک روز> را مطرح ساخته است. حدوث این خصلت برای وی در آخرت بعید به نظر می رسد. بنابراین باید گفت این ویژگی، بروز و ظهور ملکاتی است که در دنیا برای او تحصیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۱

۱- روز قیامت ، کمترین پستی و بلندی در سطح زمین مشاهده نخواهد شد .

لاتری فیها عوجًا و لأمثًا

<عوج> نقطه مقابل اعتدال است (مصباح) و <أمت> به معنای مکان مرتفع می باشد و به پستی و بلندی نیز اطلاق می گردد (قاموس). مفاد <لاتری...> آن است که به هنگام تحقق رستاخیز در زمین، هیچ ناهمواری و کجی به چشم نخواهند خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - عظمت رخداده قیامت و چشم دوختن به رحمت خداوند در

آن روز، صداها را در سینه ها حبس و طنین آن را خواهد گرفت .

یومئذ .. و خشعت الأصوات للرحمن

پایین آوردن صدا در قیامت، برخاسته از خشوع قلب است که نتیجه مشاهدات انسان از صحنه های آن روز می باشد.

۷- قیامت، روز تجلی و ظهور رحمانیت خداوند

و خشعت الأصوات للرحمن

<رحمان>؛ یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

۹- روز قیامت، هیچ صدایی از آدیان به جز صدای پنهان و زیر لب و یا صدای آهسته گام ها، شنیده نخواهد شد .

و خشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع إلا همساً

<همس>؛ یعنی، صدای پنهان و <همس الأقدام> به مخفیانه ترین قدم زدن گفته می شود (معجم مقاییس اللغه) در این آیه هر دو معنا محتمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۸

۸- در قیامت راهی برای تزویر و استفاده نادرست از شفاعت وجود ندارد .

لا تنفع الشفعه إلا من أذن له .. يعلم ... و لا يحيطون به علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴- پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او، از رخداد های صحنه قیامت

ربِّ لم حشرتنی .. قال كذلك أتتك ءايتنا

از ظاهر <قال كذلك> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- حسابرسی ، از رخداد های مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخداد های قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۵

۵- قیامت ، واقعه ای غافل گیرانه و ناگهانی است .

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه

برداشت یاد شده از <إذا>ی فجائیه، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۵،۶

۵- خداوند ، مخلوقات نابود شده در آستانه قیامت را ، بسان آفرینش نخستین آنها باز خواهد آفرید .

كما بدأنا أول خلق نعيده

۶- آسمان بسان خلقت نخستین خود ، پس از در هم پیچیده شدن مجدداً شکل خواهد گرفت .

كما بدأنا أول خلق نعيده

برداشت برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <نعيده> اشاره به آفرینش آسمان پس از در هم پیچیده شدن آن باشد و نه تمامی مخلوقات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۹

۹- در قیامت همه مردگان زنده می شوند و هیچ کس در گور خود باقی نمی ماند .

أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

با توجه به، به کارگیری کلمه <من> و <القبور> (جمع با الف و لام) که هر دو کلمه مفید عموم است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات

و کيفر کفرپيشگان و حق ستيزان

و نذيقه يوم القيمه عذاب الحريق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قيامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۳

۳ - برپایی قيامت و حضور مردم در عرصه محشر ، رخدادی ناگهانی و غافلگیر کننده

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲۸

۲ - قيامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

يُحْكَمُ بَيْنَهُمْ

۸ - جهان آخرت ، جهان کيفر و پاداش

الْمَلِكِ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يُحْكَمُ بَيْنَهُمْ .. فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۱،۴

۱ - قيامت ، روز داوری میان مؤمنان و مشرکان

اللَّهُ يُحْكَمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

خطاب در آیه یاد شده از جانب خدا به عموم مؤمنان و مشرکان است. <حکم> (مصدر <یحکم>) به معنای قضاوت و داوری کردن است، یعنی، <خدا در قیامت، میان شما مؤمنان و مشرکان داوری خواهد کرد...>.

۴ - جهان آخرت، جهان کیفر و پاداش

اللّٰه یحکم بینکم یوم القیمه

جمله <اللّٰه یحکم بینکم یوم القیامه>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۰ - ۶

۶ - رسیدگی به همه گفته ها و کرده های آدمیان در روز رستاخیز

اللّٰه أعلم بما تعملون

الله يحكم بينكم يوم القيمة... إن ذلك في كتب إن ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۳،۴،۶

۳ - گسستن روابط خویشاوندی میان انسان ها ، در روز رستاخیز

فإذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم يومئذ

۴ - شدت نگرانی و گرفتاری انسان ها در قیامت ، مشغول دارنده آنان به خویشتن و بازدارنده آنها از پرسش و پاسخ و گفتوگو با یکدیگر

فإذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم يومئذ و لا يتساءلون

۶ - نسب ها و تفاخر به نیاکان ، امری اعتباری و فاقد کمترین اثر در قیامت

فإذا نفخ في الصور فلا أنساب بينهم يومئذ

برداشت فوق، بر این اساس است که <فلا أنساب بينهم..> به تقدیر <لا أنساب بينهم يتفاخرون بها> باشد، یعنی، در آن روز نسبی نیست تا به آن تفاخر کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۴

۴ - هر نوع عمل انسان ، دارای معیار و میزانی مخصوص در قیامت

فمن ثقلت موازينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان عینیت یافتن شعور و آگاهی برخی از پدیده ها و آشکار شدن حقایق ناشناخته دنیا

يوم تشهد عليهم ألسنتهم... بما كانوا يعملون

از آیه شریفه، چنین استفاده می شود که اعضا و جوارح، دارای نوعی شعوراند و اعمال آدمی را درک کرده و با خود نگه می

دارند. البته این حقیقت در عالم دنیا، برای همگان عینیت ندارد و تنها در جهان آخرت، همگان شاهد تحقق عینی این معنا خواهند بود.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز زیر و رو شدن و تب و تاب دل ها و دیده ها است .

يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

۱۴ - قیامت ، دارای صحنه هایی هراس آور و هولناک

يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلَهُمْ كَسْرَابٍ بِقِيَعِهِ .. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، روز آگاه شدن انسان از حقیقت و نتیجه اعمال خویش

و يَوْمَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمَلُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۱، ۲، ۳، ۵

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند رحمان

الملك يومئذ الحقّ للرحمن

<الحق> صفت برای <الملك> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است؛ زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است؛ چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی

و حاکمیت حقیقی از آن خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

۲ قیامت ، عرصه ظهور حاکمیت پایدار خدای رحمان

الملك يومئذ الحق للرحمن

۳ قیامت ، روز جلوه رحمانیت خداوند

الملك يومئذ الحق للرحمن

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن وصف <رحمان> برای خداوند در عرصه قیامت به دست می آید.

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و كان يومًا على الكافرين عسيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذي أطمع أن يغفر لي خطيئتي يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۵،۶،۲

۲ - روز رستاخیز ، روز رسوایی و شرمساری شرک پیشگان گمراه

إنه كان من الضالين . و لاتخزني يوم يبعثون

۵ - قرار گرفتن خصوصیات هر فرد در معرض دید همگان در روز رستاخیز

و لاتخزني يوم يبعثون

فرض رسوایی و شرمساری، در صورتی صحیح است که دیگران از خصوصیات آدمی با خبر شوند.

۶ - رسوایی و شرمساری در روز رستاخیز ، سخت ترین حالات روحی انسان در آن روز

و لاتخزنی یوم یبعثون

از این که حضرت ابراهیم(ع) از میان انواع نگرانی ها و حالات ناخوشایند روحی در قیامت، تنها رسوایی و شرمساری را مطرح ساخت، می توان به مطلب یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۸ - ۲

۲ - قطع رابطه انسان با عوامل مادی تأثیرگذار در دنیا، به روز رستاخیز

یوم لاینفع مال

و لَابْنُون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۴

۴ - قیامت ، عرصه حضور انسان ها در پیشگاه خدا

إِلَّا مَنْ أْتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۱

۱ - رستاخیز ، روز استقبالِ شایانِ بهشت از قدم تقوایندگان

و أُزْلِفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

<إِزْلَافٌ> (مصدر مجهول <أُزْلِفَتْ>) به معنای نزدیک آورده شدن است. بنابراین از مفاد آیه استفاده می شود که بهشت را برای استقبال و خوش آمدگویی به تقوایندگان، نزدیک می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و بَرَزَتْ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۳

۳ - آشکار گشتن پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و مَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ... و لاصدق حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ - قیامت ، روزی بزرگ و بسیار دشوار

عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هرامت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است .

*

و یوم نحشر ... فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ - قیامت

روز ذلت کافران و پایان بخشیدن به گردن‌گشایان دنیا

أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي . . . وَ كَلَّ أْتُوهُ دَخْرِينَ

هرچند تعبیر <كلّ أتوه> شامل همه مؤمنان و کافران می شود؛ اما با توجه به اصل تناسب و ارتباط آیات، می توان گفت که نظر عمده، متوجه تکذیب کنندگان آیات الهی است. مبنی بر این که آنان گرچه در دنیا ظالمانه کفر ورزیده اند؛ اما باید بدانند که در آخرت، مجال گستاخی برای هیچ یک از آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۹، ۱۲

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال آدمیان

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

از این که نفس عمل آدمی به عنوان جزا معرفی شده، مطلب بالا قابل استفاده است.

۱۲ - قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنة فله خير منها. .. و من جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۶ - ۱

۱ - بسته شدن همه راه های خبر بر مشرکان ، در روز قیامت

فعمیت علیهم الأنباء يومئذ

فعل <عمیت> متضمن معنای <خفیت> است. <الأنباء> (جمع <نبأ> (خبر)، همراه با <ال>) مفید استغراق است. بنابراین <عمیت علیهم الأنباء>؛ یعنی، <خفیت علیهم کلّ نبأ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۱

۱ - جهان آخرت ، سرای کیفر و پاداش است .

من جاء بالحسنه فله خير منها و من جاء بالسيئه فلايجزى . . . إلا ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲

۲ - قیامت ، روزی سخت و هولناک است .

و یوم تقوم الساعة یبلس المجرمون

احتمال دارد که اندوه و ناامیدی مجرمان و یا قطع شدن عذرها و حجت های آنان در روز قیامت، به جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز پایان دوستی ها و پیوند های غیر الهی است .

و یوم تقوم الساعة یومئذ یتفرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

۱۳ - قیامت ، روز جدایی و پراکندگی کامل انسان ها است .

یومئذ یصدّعون

<یَصِّدَّعُونَ> از ریشه <صدع> به معنای <جدا شدن و پارگی در اجسام سخت> است. احتمال دارد که مراد از <یَصِّدَّعُونَ> جدایی صف سعادت مندان و شقاوت مندان باشد و احتمال دارد پراکندگی و جدا شدن انسان ها از هم باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۷

۷- روز قیامت ، روز برانگیخته شدن مردگان و احیای آنها است .

فهذا یوم البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۸

۸- فرصت توبه ، محدود به عالم دنیا است

و در قیامت ، جایگاهی ندارد .

فیومئذ لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم و لا هم یتعتبون

<یتعتبون> به معنای <طلب رضایت و انجام کاری جهت رفع سرزنش> است. طبق این معنا، <یتعتبون>، می تواند کنایه از توبه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - در قیامت ، مجال عمل صالح ، فراهم نیست .

رَبَّنَا .. فارجعنا لعملِ صَالِحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۴

۴ - روز قیامت ، روزی سخت و هولناک است .

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و می تواند صفت باشد، برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است و ذکر آن به خاطر بیان هولناکی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۹

۹ - قیامت ، روز پایان اختلافات و حل شدن نهایی آنها است .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصَلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۶

۶ - قیامت ، روز فتح و پیروزی ایمان بر کفر است .

و يقولون متى هذا الفتح

در صورتی که مراد از <الفتح> روز قیامت باشد، نکته یاد شده، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ - امکان گفتوگو و مذاکره مردم در صحنه قیامت

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم إلى بعض القول يقول الذين استضع

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۶

۶ - امکان گفت و گو و مذاکره در دادگاه الهی در قیامت

يقول الذين استضعفوا .. قال الذين استكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۸، ۷

۷ - امکان گفت و گوی مجرمان با یکدیگر ، در صحنه دادگاه الهی در قیامت

إذ الظلمون موقوفون عند ربهم .. و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا

۱۸ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق بر انسان ها

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم إلى بعض القول .. لولا أنتم لك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۴

۴ - قیامت ، عرصه حزن آور و اندوهگین حتی برای مؤمنان

و قالوا الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۸

۸ - قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو يؤخذ الله الناس .. و لكن يؤخرهم إلى أجل مسمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۹ - ۳

۳ - انقراض نسل بشر در دنیا و آغاز قیامت ، غافل گیرانه و در حالی خواهد بود که همگان سرگرم جدال و کشمکش روزانه اند .

ما ينظرون إلاّ صيحة وحده تأخذهم وهم يخضمون

<يخضمون> (از ماده <خصومت> و <خصام>) به معنای جدال و کشمکش است و جمله <وهم يخضمون>، حال برای ضمیر مفعولی در <تأخذهم> است؛ یعنی، در حالی

که آنان سرگرم جدال و کشمکش بر سر زندگی مادی اند، ناگهان صیحه سهمگین آنان را فراخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۳

۳ - زنده شدن انسان ها و احضارشان به پیشگاه خداوند در قیامت ، تنها به مدت یک صیحه و بانگ زدن به طول می انجامد .

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنا مُحْضَرُونَ

توصیف نفخ صور به این که آن تنها یک صیحه است، می تواند برای بیان مدت زمان زنده شدن و احضار گشتن انسان ها به پیشگاه خداوند رحمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز حساب رسی از تمام رفتار و کردار های بندگان

فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنا مُحْضَرُونَ . فَالْيَوْمِ لَا تَظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمَجْرُمُونَ

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۵

۵ - اعضای بدن انسان (پا ، دست و ...) در قیامت به قدرت خدا ، به سخن در خواهند آمد .

تَكَلَّمْنَا أَيُّدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ -

۳ - قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا یوم الدین

<دین> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

۷ - وجود نظام کیفر و پاداش برای انسان ها ، مهم ترین مشخصه و ویژگی قیامت

هذا یوم الدین

توصیف قیامت به روز جزا از سوی منکران معاد، به مجرد زنده شدن و بازیافتن خود و دیدن صحنه های قیامت (فِإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ)، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱،۲،۴

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

۲ - قیامت ، روز شناخته شدن حق و باطل و خوب و بد و گروندگان به آنان

هذا یوم الفصل

۴ - تکذیب نظام کیفر و پاداش و جدایی حق و باطل ، از ویژگی های مشرکان

هذا یوم الفصل الذی کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۳،۵

۳ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

يوم الحساب

۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

يوم الحساب

از نام گذاری روز قیامت به <روز حساب> برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲۴،۲۵

۲۴ - قیامت ، روز حسابرسی

از بندگان

بما نسوا يوم الحساب

۲۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

يوم الحساب

از نام گذاری قیامت به روز حساب، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون ليوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَثَابٍ .. هذا وَإِنَّ لِلطَّغْيِينَ لَشَرٍّ مَثَابٍ

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

يوم الدين

<دين> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها

یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۷

۱۷ - قیامت ، روز پایان و فیصله یافتن اختلافات فکری و عقیدتی بشر

إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۵

۱۵ - قیامت ،

روز بازگشت انسان ها به خدا و فرجام سیر آنان

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۶۸

۶ - نظام کیفر و جزای الهی در قیامت ، برپایه عدل و به دور از تبعیض و نابرابری است .

إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتَ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۸ - قیامت ، روزی بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخَسِرَانِ الْمُبِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۷

۷ - قیامت ، روز بازخواست و محاکمه انسان ها و داوری میان آنان است .

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ

<عند ربهم> به منزله قید برای <لهم ما یشاءون> است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا. چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: <...و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذ الأعین...> در آن جا (بهشت) هرچه دل ها خواهش و آرزو کند و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف

(۴۳)، آیه (۷۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۳

۳ - تمامی کردار و رفتار آدمیان در روز رستاخیز، در نظر آنان مجسم و ظاهر خواهد شد.

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۷

۷ - در قیامت، راهی برای جبران گذشته‌ها و انجام هیچ عملی نیست.

لو أن لی کثره فأکون من المحسنین

از این که کافران و گنه کاران برای جبران کوتاهی‌های خود، تقاضای بازگشت به دنیا را دارند، می‌توان به این حقیقت رسید که قیامت روز عمل و تلاش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۴، ۵، ۶، ۱، ۳

۱ - سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد.

و أشرقَت الأرض بنور ربِّها

<إشراق> (مصدر <أشرق>) به معنای اضائه (روشن شدن) است.

۳ - تابش نور عدل و قسط الهی بر اهل زمین در قیامت

و أشرقَت الأرض بنور ربِّها

بسیاری از مفسران گفته‌اند: مقصود از نور در این آیه، به قرینه جمله‌های بعدی که درباره نامه اعمال و داوری به حق خداوند سخن گفته است نور عدل و قسط الهی است؛ چنان که در فرهنگ عرب، به پادشاهی که عادل باشد گفته می‌شود (أشرقَت الأفاق بعدلک و أضائت الدنيا بقسطک).

۴ - روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرق الأرض بنور ربّها

۵ - نامه اعمال همه بندگان در قیامت ،

عرضه خواهد شد .

و وضع الکتب

<وضع> به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. <کتاب> در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

۶- تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

۱۱- داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۲- داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده و به کسی ستم نخواهد شد .

و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۱

۱- هر کس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست ، دریافت خواهد کرد .

و وُفیت کلّ نفس ما عملت

<توفیه> (مصدر <وفیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱

۱- تقوایپیشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . . . و قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلى الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - قیامت ، روز به هم رسیدن بندگان و آشنا شدن آنان از حال یکدیگر

يوم التلاق

<تلاق> به معنای التقا و به هم رسیدن است. مقصود از آن در آیه شریفه، به هم رسیدن بندگان در روز قیامت است و یا ملاقات بندگان با خدا است

که در این صورت معنای مجازی آن (روبه رو شدن با کیفر و پاداش الهی) مراد است.

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

۱۵ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : > یوم التلاق < یوم يلتقی أهل السماء و أهل الأرض ... >

از امام صادق (ع) روایت شده که: <یوم التلاق> روزی است که اهل آسمان و زمین با یکدیگر ملاقات می کنند. >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقت و باطن انسان ها و نمایان شدن اسرار آنان

یوم هم برزون

طبق نظر بیشتر مفسران مقصود از نمایان شدن انسان ها، بروز و ظهور حقیقت و باطن آنان و کشف اسرار ایشان است؛ نه ظاهر شدن جسم آنان؛ مانند مفاد آیه <یوم تبلی السرائر>، (سوره طارق (۸۶) آیه ۹).

۲ - همه چیز انسان (گفتار ، رفتار و انگیزه های او) در قیامت ، در قلمرو علم و آگاهی خداوند قرار دارد .

لا یخفی علی الله من هم شیء

۳ - قیامت ، روزی سخت ، هولناک و هشدار دهنده برای انسان ها

لیندر ... یوم هم برزون لا یخفی علی الله من هم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و نیز انذار به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - پرسش از خلاق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملك الیوم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

اليوم تجزي كل نفس بما كسبت

<ما> در <بما كسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما كسبت>؛ یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۵،۶،۷،۹

۵ - به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه در قیامت

إذ القلوب لدى الحناجر

هرگاه انسان در تنگناهای سخت قرار گیرد، احساس می کند که گویی قلبش از جا کنده می شود. گاهی به این مطلب گفته می شود: <جانش به لب رسید>. در زبان عرب از این حالت به <بلغت القلوب الحناجر> تعبیر می شود.

۶ - قیامت ، دارای غم و اندوه کشنده و زجرآور ، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد .

إذ القلوب لدى الحناجر كظمين

<كاظم> (مفرد <كاظمين>) اسم فاعل از <كظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده باشد. <كاظمين>؛ یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

۷ - وجود شرایط و صحنه های سخت و اندوه بار برای انسان در قیامت

إذ القلوب لدى الحناجر كظمين

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ما للظلمين من حميم ولا شفيع يطاع

<حميم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القريب المشفق> (نزدیک

دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال بندگان

لا يؤمن بيوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۴،۵

۴ - قیامت ، روز فریاد و استمداد خلائق

يوم التناد

<تناد> اگر مخفف <تنادی> باشد، از نداء، مشتق است؛ ولی اگر مخفف <تناد> باشد به معنای اختلاف و پراکندگی خواهد بود. بنابراین <يوم التناد> یعنی، روز تفرّق و جدایی. گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۵ - قیامت ، روز پراکندگی و جدایی میان خلائق

يوم التناد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و حاکمیت مطلق خداوند در میان بندگان

إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۸،۱۰

۸ - قیامت ، روز برپا خاستن گواهان برای شهادت و گواهی

يوم يقوم الأشهد

۱۰ - بازخواست و محاسبه شدن رفتار و کردار انسان ها در قیامت

يوم يقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۵

۵ - قیامت ، روز کشف حقایق

فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۴

۴ - قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن عقاید < درست و نادرست > و < حق و باطل >

قالوا ضلّوا عنّا بل لم نكن ندعوا من قبل شیئا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۹، ۱۲

۹ - قیامت ، روز داوری خداوند میان خلائق است .

فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسرها لک المبتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۶، ۷، ۱

۱ - گفتگوی آدمی با اعضا و جوارح خویش ، در قیامت

و قالوا لجلودهم .. قالوا أنطقنا الله

۶ - برخورداری تمام موجودات در قیامت ، از قدرت نطق و سخن گویی

قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شيء

برداشت بالا بر این پایه است که ظرف <نطق> در <أنطق كل شيء> قیامت باشد.

۷ - آخرت ، صحنه بروز و ظهور حیات و شعور موجودات *

قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۸

۸ - انسان در صحنه قیامت ، در معرض آسیب ها و نیازمند امنیت

أم من يأتي أمناً يوم القيمة

با توجه به اتصاف مؤمنان به وصف امنیت و آرامش، مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۱، ۱۷، ۲۰

۱۱ - قیامت ، صحنه محاکمه مشرکان به خاطر عقاید شرک آمیز آنان

و یوم ینادیهم این شرکاءى

۱۷ - گفتوگوى بى واسطه انسان ها با خداوند در قیامت

و یوم ینادیهم این شرکاءى قالوا

۲۰ - قیامت ، صحنه کشف حقایق جهان هستى است .

و یوم ینادیهم این شرکاءى قالوا اذنک ما منا من شهید

بنابراین که جمله < اذنک > برای انشا و ایجاد اعلام

باشد (اعلام می کنیم) می توان استفاده کرد که این اعلام براساس کشف حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه آشکار شدن بطلان شرک و باور های شرک آلود

و ضلّ عنهم ما كانوا يدعون من قبل

بنابراین که مراد از <ما> آرا و ادعاهایی باشد که مشرکان در ارتباط با خدایانشان مطرح می کردند، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ - کشف حقیقت و باطن اعمال ، برای انسان در آخرت

فلننبئن الذين كفروا بما عملوا

بنابراین که <ما> در <ما عملوا> مای حقیقیه باشد با الغای خصوصیت از کافران استفاده می شود که انسان ها، از حقیقت اعمال خویش بی اطلاع اند و در روز قیامت برای آنان آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۸

۱۸ - تجمع همگانی انسان ها در روز قیامت

و تنذر يوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه روشن شدن حقایق و حل اختلافات انسان ها به وسیله خداوند

و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه إلی الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که حکم الهی در <فحکمه> جنبه

عینی و واقعی داشته باشد؛ یعنی، آشکار کردن حقایق در مورد اختلافات، با توجه به آیات پیشین که در زمینه قیامت بود به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ - قیامت ، صحنه سنجش و محاسبه اعمال و رفتار آدمی است .

اللّٰه الذی .. المیزان و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

از ارتباط دو قسمت از آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه بروز حوادث هول انگیز

و الذین ءامنوا مشفقون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، < کلمه فصل > الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه .. و ما له فی الآخره من نصیب ... و لولا کلمه الفصل لقضی

از آن جا که محور این چند آیه، مسأله ایمان به قیامت و محاسبه آن در معادلات رفتاری و اعتقادی است، عنوان < کلمه الفصل > بر این معنا منطبق است؛ یعنی، اگر قیامتی نبود می بایست دنیامداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسیدند؛ ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۸

۸ - تجسم اعمال انسان در قیامت

مَمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقَعٌ بِهِمْ

بنابراین که مراد از <ما> عمل باشد و <هو> به آن باز گردد، برداشت بالا استفاده می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - تمامی موجودات زنده در قیامت ، محشور خواهند شد .

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

با توجه به ضمیر <هم> در <جمعهم> که به همه موجودات (ما بئ فیهما) بر می گردد مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

و ما کان لهم من أولیاء ینصرونهم من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۸،۹

۸ - قیامت ، صحنه بی پناهی و بی یآوری انسان ها است .

ما لکم من ملجأ یومئذ

۹ - انکار و پرده پوشی گناهان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لکم من نکیر

<نکیر> چنان که برخی گفته اند مصدر و به معنای <انکار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۵،۶،۷

۵ - قیامت ، عرصه حضور انسان در پیشگاه الهی است .

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا

۶ - قیامت ، عرصه ظهور حقایق ، برای انسان ها

و يحسبون . . . حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلِيت

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و

فریب خوردگان

و يحسبون أنهم مهتدون . حتى إذا جاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۹

۹ - قیامت ، عرصه بازخواست و حسابرسی

و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱،۴

۱ - تبدیل شدن دوستی های غیرخدایی ، به عداوت و دشمنی در قیامت

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتقين

۴ - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتقين

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۸ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه ای پر بیم و هول انگیز

یعباد لا خوف علیکم الیوم و لا أنتم تحزنون

از تأکید خداوند بر نفی خوف و اندوه برای تقوایان در قیامت، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- قیامت، پایان بازیگری و بیهوده گرایی های کافران حق ستیز

يخوضوا و يلعبوا حتّى يلقوا يومهم الذی يوعدون

بنابراین که مراد از <یومهم..> روز قیامت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

۸- قیامت، صحنه حقیقت و واقعیت است نه بازیگری و هوسرانی .

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتّى يلقوا يومهم

۹- قیامت، روز کیفر مشرکان به خاطر ستیزه گری های آنان

با پیام حق

حَتَّى يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

۱۰- قیامت ، روز انسان و محصول تلاش و عملکرد او است .

حَتَّى يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۱

۱- قیامت ، روزی مهیب و پرصوت

یوم نبطش البطشه الكبرى

<بطش> (مصدر <نبطش>) در اصل به معنای گرفتن با شدت و صولت است و مراد از آن در آیه شریفه مؤاخذه و انتقام شدید و مهیب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳، ۲، ۱

۱- روز قیامت ، میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در <مِيقَاتِهِمْ> مجرمان و منکران معاد باشد، همچون قوم <تَبِعَ> که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۴،۵،۳،۱

۱- قیامت صحنه گسستگی و بی تأثیری دوستی ها ، پیوند ها ، حمایت ها و دیگر روابط دنیایی

یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون

<مولی> در لغت، از ماده <ولاء> به معنای ارتباط و پیوند دو چیز با یکدیگر

است و در مصادیق مختلفی؛ همچون دوست، سرور، خدمت گزار، بنده، مالک و... به کار می رود.

۳- محرومیت انسان در قیامت، از حمایت و شفاعت دیگران

یوم لایغنی... و هم لاینصرون

۴- تنهایی انسان در قیامت و جدایی او از یاران خویش، نمودی از < یوم الفصل > بودن قیامت *

إِنَّ یومَ الفصل... یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا

۵- انسان ها، در اوج ازدحام و تجمع در قیامت، تنها و بی یاور خواهند بود. *

میقتهم أجمعین... یوم لایغنی مولی عن مولی شیئا

از ارتباط < لایغنی... > که تنهایی را می رساند با < میقاتهم أجمعین > که تجمع را می فهماند مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۵

۵- روز قیامت، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منکران معاد

و یوم تقوم الساعة یومئذ یخسر المبطلون

<مبطلون>، به معنای واردشوندگان در باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۰، ۴، ۲، ۱

۱- ناتوانی، هراس و وحشت همه گروه ها و مجموعه ها، در روز قیامت

و تری کلّ أمّه جاثیه

<جُثُوٌّ> (مصدر <جاثیه>) به معنای به زانو نشستن است و در این جا می تواند کنایه از هراس، دلهره و تسلیم باشد.

۲- قیامت، صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری کلّ أمّه جائیه

۴- اضطرار و ناتوانی همه امت ها در روز قیامت ، امری نمایان و قابل مشاهده

و تری کلّ

تعبیر <تری> مشهود بودن آن صحنه را افاده می کند و <جاثیه> می تواند کنایه از اضطراب و ناتوانی باشد.

۱۰ - احضار امت ها برای حسابرسی ، مایه هراس و به زانو درآمدن آنان در صحنه قیامت *

و تری کلّ أُمّه جاثیه کلّ أُمّه تدعی إلی کتبها

برداشت بالا بدان احتمال است که جمله <کلّ أُمّه تدعی إلی کتبها> درصدد بیان علت <کلّ أُمّه جاثیه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه نمود حاکمیت اراده خداوند

فأما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم

تعبیر به <یدخلهم> گویای این حقیقت است که بهره مند ساختن مردم از رحمت اخروی، کار خدا و وابسته به او است. در غیر این صورت، می فرمود: <یدخلون فی رحمته ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۳،۶

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیئات..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۶ - نبودن کمترین گریزگاه در قیامت برای منکران معاد

و حاق بهم ما کانوا به یتسهون

مفاد <حاق بهم> (نزول و احاطه بر کافران) می تواند کنایه از این باشد که آنچه در قیامت بر کافران اتفاق می افتد گریزناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۲

۱۲- تجسم اعمال نیک و بد ، در قیامت *

و لیوفیهم أعمالهم

دریافت کامل اعمال، اگر به معنای ظاهری آن

حمل شود، مستلزم تجسم عمل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۸

۸- قیامت ، روز مجازات کافران با عذابی خوارکننده و ذلت بار

فالیوم تجزون عذاب الهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۲

۲۲- روز قیامت و کیفر دهی کافران ، روزی بس بزرگ و توصیف ناپذیر *

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۲

۲- روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۸

۸- حقایق مادی در جهان آخرت ، دارای ماهیتی خالص ، ناب و فاسد نشدنی

أنهر من ماء غیر آسن و أنهر من لبن لم یتغیر طعمه و أنهر من خمر لذه للشربین

در صورتی که واژه <مثل> به معنای توصیف باشد و نهرهای اخروی از نوع نهرهای مادی و دنیوی باشد، تعابیر <غیر آسن>، <لم یتغیر طعمه> و <مصنّفی> بیانگر ماهیت متفاوت آنها با امور دنیوی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدارها و انذارهای الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک يوم الوعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۱

۱ حضور یکایک انسانها در صحنه قیامت ، همراه با دو

مأمور پیش برنده و گواه

و جاءت كل نفس معها سائق وشهيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۳

۳ کنار رفتن پرده های غفلت از برابر چشمان آدمی ، به اراده الهی در قیامت

فكشفتنا عنك غطاءك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۲،۵

۲ - قیامت ، روز ندای منادی حق ، از مکانی نزدیک به آدمیان

يوم يناد المناد من مكان قريب

۵ - قوانین حاکم بر نظام هستی در آستانه رستاخیز ، متفاوت با نظام موجود در جهان *

يوم يناد المناد من مكان قريب

از این که انسان ها در پهنه زمین پراکنده اند و با همه پراکندگی ندای الهی نسبت به همه نزدیک معرفی شده است ، استفاده می شود که در آستانه رستاخیز، قوانین فعلی حاکم بر ماده تغییر می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۱

۱ - رستاخیز و لحظه خروج آدمیان از خاک ، هنگام شنود فریاد آسمانی بهوسیله همگان

يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۴ - ۱

۱- قیامت ، روز شکافتن زمین و خروج سریع آدمیان از دل خاک

یوم تشقُّق الأرض عنهم سرعاً

مطلب بالا، بر این اساس است که <سراعاً> اشاره به خروج سریع داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۳

۳- قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أیان یوم الدین

<دین> به معنای

جزا و <یوم الدین> به معنای روز جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

۳ - قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا... فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

مراد از <یومهم...>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت روز رانده شدن تکذیب گران ، با شدت و خشونت به سوی آتش دوزخ

يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً

<دَعَّ> (مصدر مجهول <یدعون>) به معنای رانده شدن همراه با تندى و خشونت است و ضمیر <یدعون> به <مکذبین> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵،۶،۸

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثُمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفى> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد؛ اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

۶ - روز قیامت ، دارای مراحل و مواقف متعدد

سوف یری . ثُمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى

از حرف <ثُمَّ> استفاده می شود که مرحله شهود اعمال در قیامت با مرحله جزا، متفاوت است.

۸ - توجه انسان به نظام عادلانه مجازات الهی ، تشویق کننده او در جدیت و تلاش

و أن لیس للإنسن إلا ما سعی . و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

یادکرد مجازات الهی پس

از تأکید بر اصل مسؤولیت فردی انسان در برابر عمل خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۵

۵ - قیامت ، روز خنده و گریه خلاق *

ثم يجزيه الجزاء الأوفى . . . و أنه هو أضحك و أبكى

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه به قرینه آیات پیشین در ارتباط با قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۲،۴

۲ - صحنه قیامت ، دربردارنده دشواری ها و مشقت ها برای انسان

ليس لها من دون الله كاشفه

۴ - قیامت ، روز ظهور حاکمیت مطلقه خداوند و بروز ناتوانی غیر او

ليس لها من دون الله كاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۴

۴ - قیامت ، روز فراخوانی کافران هواپرست به فرجامی بس ناخوشایند برای ایشان

يوم يدع الداع إلى شيء نكر

<نکر> به امر سخت ناخوشایند و مشقت بار گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۴

۴ - منظره رستاخیز آدمیان ، همچون منظره ملخ های پراکنده بر پهنه زمین

يخرجون من الأجداث كأنهم جراد منتشر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - قمر - ٥٤ - ٤٦ - ٣

٣ - قيامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سيهزم الجمع . . . و الساعة أدهى و أمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - رحمن - ٥٥ - ٣٣ -

۳ - آدمیان و جنیان ، فاقد هرگونه توانایی و قدرت در گریز از عذاب الهی در روز رستاخیز

لاتنفذون إلاّ بسلطن

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لاتنفذون ..> تأکید فراز اول آیه باشد؛ بدان معنا که گریز از مجازات الهی نیازمند قدرت و توان است و شما فاقد هرگونه قدرتید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - آتش گداخته و دود های متراکم ، مانعی جدی در برابر جن و انس برای گریز از صحنه قیامت

لاتنفذون إلاّ بسلطن .. یرسل علیکما شواظ من نار

خطاب در <علیکما> و <لاتنتصران> متوجه جن و انس است.

۲ - فرو ریختن شراره های آتش و دود غلیظ ، بر فضای محشر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

<شواظ> به معنای شراره خالص و بدون دود و <نحاس> به معنای دود خالص و بدون آتش است. نکره آمدن آنها بیانگر شدت و غلظت آن دو می باشد.

۳ - خلق ، ناتوان از یاری رسانی به یکدیگر و عاجز از عکس العمل دفاعی در مقابل سختی های محشر

یرسل علیکما .. فلاتنتصران

۴ - فضای محشر ، سخت داغ ، دود آلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۳، ۲، ۱

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم

<سيما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس

در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ .. یعرف المجرمون بسیمهم

۳ - قیامت ، روز آشکار شدن اسرار و عیان گشتن نهان ها

یعرف المجرمون بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

إذا وقعت الواقعة

نام گذاری قیامت به <الواقعه> با توجه به این که این کار نوعی اختصاص دادن لفظ به یک مسمی است بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در برابر آن، چیزی به حساب نمی آید و تنها قیامت است که باید آن را واقعه نامید. این بیان، حکایت از عظمتی دارد که واقعه های دیگر در مقابل آن، ناچیز است و در واقع، قیامت حادثه ای است که مانند ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۱،۳

۱ - قیامت ، روز دگر گونی و زیرو رو شدن طبقات مردم

خافضه رافعه

<خفض> به معنای فرود آوردن و به زیر کشیدن و <رفع> به معنای بالا بردن و برافراشتن است، یعنی، واقعه قیامت، به زیر آورنده اقوامی و بالا آورنده اقوامی دیگر است.

۳ - قیامت ، روز دگر گونی و انقلاب در نظام طبیعت

خافضه رافعه

برداشت بالا، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه، اشاره به دگر گونی در طبیعت داشته باشد، چنان که آیه بعد نیز در این باره سخن می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - <قیامت> روز کیفر و پاداش

یوم الدین

<دین> به معنای جزا است و

<جزا> معادل سزا می باشد که هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱،۹

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذي يقرض الله .. و له أجر كريم . يوم ترى المؤمنين

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که... گفتنی است که مراد از <یوم تری> روز قیامت است.

۹ - قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم ترى المؤمنین و المؤمنت .. بشریکم الیوم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز جلوه گر شدن حقیقت نورانی ایمان و عمل صالح

قیل ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جميعًا فیبتئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه

و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۱،۴

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه

یوم یبعثهم الله جميعاً فيحلفون له

۴ - برانگیخته شدن جمعی منافقان و احضار یک جای آنان ، برای محاکمه در قیامت

یوم یبعثهم الله جميعاً فيحلفون له

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که جمله <جميعاً> حال برای ضمیر <هم> در <یبعثهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۷

۷ - قیامت ، روز دریافت نتایج اعمال دنیوی است .

و لتنظر نفس ما قدمت لغد

واژه <غد>، اشاره به قیامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۳،۵

۳ - قیامت ، روز گرد هم آمدن همه انسان ها است .

لیوم الجمع

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - قیامت ، روزی بسیار سخت و هولناک برای اهل محشر

یوم یکشف عن ساق

تعبیر <یکشف عن ساق> (ساق ها برهنه می شود) در زبان عرب، کنایه از شدت هول و هراس و وخامت اوضاع است.

۴ - ممکن نبودن عبادت و جبران کوتاهی ها و تقصیر ها ، در جهان آخرت

و یدعون إلى السجود فلا يستطيعون

یادآوری شدت هولناکی عرصه قیامت و ناتوانی کافران برای سجده و خضوع در برابر پروردگار، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که هیچ کس نمی تواند

کوتاهی های گذشته خود را، در آخرت جبران کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۲

۲ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

بالقارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

فیومئذ وقعت الواقعة

نام گذاری قیامت به <واقعه>، بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در جهان، در مقایسه با رخداد قیامت، بسیار ناچیز است و تنها قیامت، شایسته آن است که حقیقتاً آن را <واقعه> نامید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۱،۲،۳

۱ - قیامت ، روز عرضه شدن و به نمایش در آمدن انسان ها در پیشگاه خداوند و در محکمه عدل او

یومئذ تعرضون

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیت ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

۳ - قیامت ، روز کشف حقایق و بروز و ظهور تمامی ابعاد وجودی انسان ها (نیت ، انگیزه ها ، افکار و رفتار ها)

لاتخفی منکم خافیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - عرصه محشر و حساب رسی خلایق در آن ، بسیار طولانی است .

فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنه

برداشت یاد شده، بنابراین احتمال است که عدد یاد شده در آیه شریفه، صرفاً برای بیان کثرت است.

۶ - روز قیامت ، روزی بس دشوار و اندوه بار برای خلایق

فی یوم کان

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در زبان عرب، اوقات سخت و خزن آور را، به طولانی بودن آن و زمان های راحتی و شادمانی را به کوتاه بودن آن توصیف می کنند.

۹ - > عن حفص بن غياث القاضي قال : سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (ع) يقول : ... فَإِنَّ لِلْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلٌّ مَوْقِفٌ مَقَامُ أَلْفِ سَنَةٍ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : > فِي يَوْمٍ كَانَ مَقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ < ;

از حفص بن غياث روایت شده که گفت: شنیدم که امام صادق(ع) می فرمود: برای قیامت پنجاه موقف (ایستگاه) است که هر کدام از آنها هزار سال طول می کشد. سپس امام(ع) این آیه را تلاوت فرمود: (فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جويا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

>حمیم<به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۳ - کارساز نبودن استمداد از دیگران ، حتی از خویشان و صمیمی ترین دوستان ، برای رهایی از مشکلات و حوادث تلخ روز محشر

و لایسئل حمیم حمیمًا

درخواست و سؤال نکردن از

یکدیگر در قیامت، ممکن است به سبب بی فایده بودن آن باشد.

۴ - اهل محشر، به شدت دغدغه دار سرنوشت خود و گرفتار پیامد های کردار خویش

و لایسئل حمیم حمیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۲۱

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۱،۲،۳

۱ - قیامت، روزی است بسیار سخت و اندوه بار.

فکیف تتقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیئا

۲ - قیامت و روز محشر، روزی بسیار طولانی

یومًا یجعل الولدن شیئا

پیر شدن کودکان، ممکن است اشاره به طولانی بودن روز قیامت داشته باشد. البته طولانی بودن روز محشر نیز گویای سختی آن روز است.

۳ - سختی و اندوه باری روز محشر، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد.

یومًا یجعل الولدن شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۳

۳ - روز محشر، روزی است بس هولناک و وصف ناپذیر.

یومًا .. السماء منفطر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۲

۲ - قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

یومًا عبوسًا قمطیرًا

<عبوس>؛ یعنی، چهره در هم کشیده و <روز عبوس> کنایه از روز سخت و اندوه بار است. <قمطیر> نیز به معنای

شدید

است و در این آیه هم می تواند وصف برای <عبوس> باشد (یعنی شدید العبوس) و هم می تواند صفت برای <یوم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۵

۵ - قیامت ، روزی بس سنگین و دشوار

و یذرون وراءهم یوماً ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت ، وقت تعیین شده برای حضور پیامبران جهت گواهی بر امت های خویش

و إذا الرسل أُقَّتت

مقصود و مفاد این آیه برابر نظر بیشتر مفسران فرارسیدن زمان وعده الهی مبنی بر گواهی پیامبران بر امت های خویش در عرصه قیامت است، مانند <فلنسنلنّ الذین أرسل إلیهم و لنسنلنّ المرسلین> (اعراف، آیه ۶).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ - ۱

۱ - گواهی پیامبران بر امت های خویش ، دارای وقتی معین در عرصه قیامت

و إذا الرسل أُقَّتت . لأئّی یوم أُجّلت

<أئّی> اسم استفهام و یا موصوله و مفید تعظیم و تهویل است. <أُجّلت> به معنای <أُخّرت> است. در این برداشت مرجع ضمیر فاعلی <أُجّلت>، میقات و گواهی پیامبران (قابل استفاده از آیه قبل) دانسته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحيط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند

از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلائق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلائق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک..> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

۲ - قیامت ، واقعه ای است بس سهمگین ، با عظمت و شگفت آور .

و ما أدریک ما یوم الفصل

<ما> در <ما أدراک ما..> برای استفهام و مفید تعجیب و تهویل است؛ ضمن آن که تکرار <یوم الفصل> به صورت اسم ظاهر به جای ضمیر تأیید کننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران روز جزا ، در آن روز از شدت ترس دم برنخواهند آورد .

هذا یوم لا ینطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۴ - قیامت ، روز اجتماع تمامی انسان های تاریخ

جمعنکم و الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۱

۱ - قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

<فصل> یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن شدن حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۸ - ۲،۳

۲ - قیامت ، روز دمیده شدن جان در پیکر ها است . *

یوم ینفخ فی الصور

برخی <صور> را جمع <صوره> دانسته و می گویند: خداوند، ابتدا کالبدها را صورت دهی کرده به آنها شکل می دهد؛ آن گاه در آنها جان می دمدم. این معنا برای نفخ صور در قیامت قابل تصور است؛ ولی در نفخ صوری که برای پایان دنیا و میراندن انسان ها است، مورد ندارد.

۳ - حضور انسان ها در صحنه قیامت ، به صورت گروهی و دسته دسته است .

فتأتون أفواجا

<فوج>

(مفرد <أفواج>) به معنای جماعتی از مردم است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه حسابرسی انسان ها است .

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۲، ۱۱، ۱

۱ - روح و فرشتگان الهی در قیامت ، ایستاده و صف بسته در آماده باش کامل قرار می گیرند .

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا

<صَفًّا> مصدر است و چون حال قرار گرفته، به معنای <صافین> است. ایستادن و صف بستن، کنایه از مهیا بودن برای انجام فرمان های الهی است.

۱۱ - قیامت ، روز سلب اختیار از انسان

يَوْمَ... لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ

۱۲ - آنان که در قیامت ، رخصت سخن گفتن یافته اند ، سخنانی درست و به دور از هر گونه خطا خواهند گفت .

و قال صوابًا

<قال> در <قال صوابًا> به جای مضارع آمده است تا بر یقینی بودن آن دلالت کند. جمله <قال صوابًا>، یا حالیه است و یا مستأنفه ای که وضعیت پس از اذن را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۱

۱ - روز قیامت ، روزی عظیم و برپایی آن کاری حکیمانه است .

ذَلِكَ الْيَوْمِ الْحَقِّ

<ذلک> اشاره به دور است. به قرینه <عذاباً قریباً> در آیه بعد مراد از دوری قیامت، تأخیر زمانی آن نیست؛ بلکه بیانگر عظمت والا و فراتر از حد تصور آن است. <حقّ> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت

پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال و ظهور دست مایه ها و تلاش های انسان

یوم ينظر المرء ما قدّمت یداه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۳

۳ - عرصه قیامت ، مکانی مشخص و از پیش تعیین شده است .

فإذا هم بالساهره

حرف <ال> در <الساهره>، گویای این است که جایگاه حضور مردم در قیامت، از پیش مشخص شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۵

۵ - قیامت ، رخدادی بزرگ و صحنه فریاد های گوش خراش مردم

فإذا جاءت الصاخّه

<صاخّه>؛ یعنی، فریاد شدیدی که گوش ها را کر کند و به حادثه بزرگ نیز اطلاق می گردد (قاموس). در کشف آمده است که توصیف قیامت به این وصف، به اعتبار فریاد کشیدن حاضران در قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - قیامت ، روز فرار هر انسانی از برادر خویش است .

یوم یفرّ المرء من أخیه

۲ - رابطه خویشاوندی هر چند قوی باشد برای نجات از سختی های قیامت سودی ندارد .

يوم يفرّ المرء من أخيه

فرار از برادر، به معنای تنها گذاشتن او در شدايد قیامت است.

۳ - قیامت ، روز احساس خطر ؛ حتی از نزدیک ترین خویشاوندان خود *

يُفِرُّ المرء من أخيه

فرار از برادر، حاکی از خطری است که باقی ماندن در کنار او، آن را محتمل می

سازد؛ چه خطری باشد که فرار از آن سودی نمی بخشد (نظیر گذشت نکردن برادر از حقوقی که برادرش آن را پایمال کرده است) و چه خطری که توهمی بیش نیست (نظیر این گمان که اگر بماند به آتش او بسوزد).

۴ - ناتوانی همگان ، از مقاومت در برابر سختی های قیامت

یوم یفّر المرء

فرار مردان با توجه به این که ترجیح فرار بر قرار به ویژه برای مرد تحمل نوعی زبونی و حقارت است نشانگر سنگینی مشکلات قیامت و ناتوانی همه انسان ها از تحمل آن است.

۵ - حاضران صحنه قیامت ، از مؤاخذه دیگران و گرفتن حقوق خود حتی از نزدیک ترین خویشاوندان چشم پوشی نخواهند داشت . *

یوم یفّر المرء من أخیه

فرار از برادر و ترس از روبه رو شدن با او، حاکی از واقع شدن در مؤاخذه شدید از سوی او است؛ به گونه ای که شخص گمان می کند که اگر فرار نکند، گرفتار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ؛ حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

۲ - قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - شوهران ، پیوند الفت و همراهی با همسران خویش را در قیامت نادیده گرفته و از آنان متواری خواهند شد .

یوم یفّر المرء من ... و

>صاحبہ< همسری است که با شوهر خویش ملازمت و معاشرت داشته باشد. این تعبیر حاکی از شدت حوادث قیامت است؛ به گونه ای که انسان، حتی همسری را که در دنیا با او سازگار و همراه بود، نیز رها خواهد کرد.

۲ - پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

۳ - قیامت ، روز محرومیت از یاری همسران حتی علاقه مندترین آنان به انسان

و صحبتہ

فرار از همسری که مصاحبت و همراهی او در دنیا به ثبوت رسیده بود تا چه رسد به همسر ناسازگار نشانه سودمند نبودن آنان در قیامت است.

۴ - فرزندان ، حتی پسران ، در قیامت سودی به پدر و مادر نخواهند رساند .

و بنیه

>بنیه< گر چه تنها شامل پسران است؛ ولی یاد نکردن از دختران به دلیل وضوح یکسانی آنها با پسران یا کمتر بودن انتظار یاری رسانی آنان است. فرار پدران از فرزندان، فرار مادر از آنان را نیز در مفهوم خود دارد. گفتنی است: در فرار پدر و مادر از فرزندان، سودمند نبودن هر یک برای دیگری، نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۴، ۲، ۱

۱ - گرفتاری های هر کس در قیامت ، جایی برای رسیدگی او به دیگران باقی نگذاشته ، او را به خود مشغول خواهد ساخت .

لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

به هر امری از امور <شأن> گفته می شود (قاموس)؛ جز این که سیاق آیه شریفه دلالت بر عظمت شأن مورد نظر دارد. فعل

<اغنی>

چه با حرف <عن> و چه بدون آن باشد به معنای <کفی> است (مفردات راغب). کفایت کردن شأن و کار، به معنای پر شدن فرصت ها است، به گونه ای که برای کار دیگر امان ندهد. اکتفا به بیان وضعیت مردان با کلمه <امری>، به جهت وضوح هم سرنوشت بودن زنان با آنان است.

۲ - تمام انسان ها در قیامت ، نگران وضعیت خود و در تلاش برای رفع گرفتاری های خویش اند .

لکلّ امریء منہم یومئذ شأن یغنیہ

۴ - گرفتاری ها و دل نگرانی های انسان در قیامت ، از نخستین لحظات آن آغاز می شود .

فإذا جاءت الصّاخّہ .. لکلّ امریء منہم یومئذ شأن یغنیہ

جمله <لکلّ امریء..> به دلیل <یومئذ> دلالت دارد که زمان پیدایش <صاخّہ> (غرش کرکننده)، هنگام بروز گرفتاری ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۱

۱ - در قیامت ، چهره گروهی از مردم زیبا و درخشان خواهد بود .

وجوه یومئذ مسفره

<وجه مسفره> چهره ای است که به جهت شادمانی، درخشان شده باشد (مقایس اللغه) و یا زیبایی آن را فرا گرفته باشد. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۵،۶،۱

۱ - گروهی از مردم در قیامت ، چهره ای کدر و غبارآلود خواهند داشت .

و وجوه یومئذ علیها غبره

<غَبْرَه> و

<غُبَار>، به یک معنا است و برخی گَرَد پراکنده و جابه جا شده را <غبره> و گَرَد برخاسته را <غبار> می نامند. (لسان العرب)

۵ - انسان ها در قیامت ، با دو چهره مختلف تابناک و تیره حضور خواهند یافت و فرجام هر کس ، از آغاز حضور مشخص خواهد بود .

فإذا جاءت الصّاحّة .. وجوه ... و وجوه

تکرار <وجوه>، بیانگر جواب شرط در <إذا جاءت..> است؛ یعنی، <كان الناس صنفین>.

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه ... و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۱ - ۱

۱ - چهره برخی از اهل محشر ، در غباری سیاه و دودآسا فرو رفته ، آثار افسردگی و اندوه از سر و روی آنان خواهد بارید .

ترهقها قتره

<رَهَق> یعنی، فراگرفتن و پوشاندن و <قتره> غباری است که مانند دود، سیاه فام باشد (لسان العرب). هم چنین به هر اندوهی که رخسار انسان را فرا گیرد <قتر> گفته می شود. (مقایس اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءودة سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۲،۵

۲ - قیامت ، روز باز شدن نامه

عمل انسان و آگاهی او بر محتوای آن

و إذا الصحف نشرت

<نشر>، مخالف پیچیدن است (لسان العرب). براساس این معنا، فعل <نشرت>، دلالت دارد که نامه اعمال پیش از نشر، به شکل طومار است.

۵- نامه های اعمال در قیامت، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد.

و إذا الصحف نشرت

<نشر> به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از <نُشرت>، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت، روز شعلهور شدن شدید جهنم

و إذا الجحیم سعرت

<جحیم> (که بر اثر استعمال مکرر درباره جهنم، نام دیگری برای آن شده است، در اصل) آتشی است که به شدت افروخته شده باشد و به آتش عظیمی که در حفره ای عمیق افروخته شود <جحیم> گفته می شود. سعرا النار و سعرها] به یک معنا است] یعنی، آتش را شعلهور ساخت و تشدید [در باب تفعیل] برای مبالغه است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۱

۱ - قیامت، روز آگاهی انسان ها به کردار دنیایی خویش و آثار و نتایج آن

علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۴

۴- قیامت ، روز زنده شدن مردگان

و إذا القبور بعثرت

بیرون ریخته شدن آنچه در قبرها هست، کنایه از زنده شدن مردگان در قیامت است. تعبیر <قبر> در این آیه، ممکن

است هر نقطه ای از جهان را که از بقایای انسان در آن اثری باشد شامل گردد. بنابراین، آیه شریفه، شامل تمامی انسان ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۱،۸

۱ - قیامت روز آگاهی هر انسان، به کردار دنیایی و آثار به جای مانده از خویش

علمت نفس ما قَدِّمت و أُخْرَت

<ماقَدِّمت> در یک احتمال ناظر به کرداری است که انسان خود، آن را انجام داده است. در مقابل مراد از <ماأُخْرَت> سنت های روا و ناروایی است که انسان پس از خود، به جای گذاشته و آثار و تبعات آن برای او ثبت شده است و در روز قیامت با آن مواجه خواهد شد.

۸ - قیامت، روز توجّه انسان به توانمندی ها و فرصت های از دست رفته خویش

علمت نفس ما .. أُخْرَت

<ما .. أُخْرَت> در یک احتمال ناظر به کرداری است که انسان، آن را با امروز و فردا کردن، به تأخیر می اندازد و فرصت را از دست می دهد. او در قیامت متوجه چنین خسارت هایی شده، بر آن افسوس خواهد خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - قیامت، روز گرفتاری طاقت فرسای فاسقان در آتش جهنم

یصلونها یوم الدین

<یصلونها>؛ یعنی، با رنج و مشقّت، حرارت آن را می چشند. (برگرفته از قاموس)

۲ - قیامت، روز مواجه شدن با سزای اعمال است.

یوم الدین

<دین>؛ یعنی، جزا و به معنای طاعت نیز آمده است (مفردات راغب) و

چون معنای اول با قیامت تناسب دارد، در آیه شریفه به معنای جزا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۲،۴

۲ - قیامت ، روزی سهمگین و دارای عظمتی فراتر از تصور است .

و ما أدریک ما یوم الدین

۴ - قیامت ، روز جزا و رسیدگی به اعمال است .

یوم الدین

<دین> به معنای شریعت، طاعت و جزا است و از آن جا که دین به معنای <شریعت>، در قیامت مورد ندارد، <یوم الدین>، به معنای روز جزا خواهد بود و لازمه جزا دادن به بندگان، رسیدگی و محاسبه اعمال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۲،۴

۲ - قیامت روزی بس با عظمت است و بیان سختی حوادث آن ، امکان پذیر نیست .

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

تکرار <ما أدراک> تأکید بر عظمت و نبودن ابزار، برای آگاه سازی دیگران به حقیقت حوادث آن است.

۴ - قیامت ، روز کیفر دادن اعمال است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۲،۵،۷

۲ - قیامت ، روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان ها است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئاً

۵- ناتوانی انسان‌ها از یاری‌رسانی به یکدیگر، از حوادث بزرگ و وصف ناپذیر قیامت

و ما أدریک .. ثم ما أدریک ما یوم الدین . یوم لا تملک نفس لنفس شیئاً

۷- قیامت روز تخلف ناپذیر بودن فرمان‌های خداوند

و الأمر یومئذ لله

اختصاص <أمر> به خداوند، کنایه از این است

که تنها دستور مطاع در قیامت، فرمان او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۴ - ۲

۲ - قیامت، روز کیفر دیدن کم فروشان

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۶ - ۱

۱ - قیامت، روز حضور همه انسان ها در برابر خداوند

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

کلمه <یوم> ظرف برای <مبعوثون> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت، روز جزای اعمال است .

الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

<دین> در معانی <طاعت> و <جزاء> استعمال می شود و معنای مجازی آن <شریعت> است (مفردات راغب). تناسب معنای <جزاء> با قیامت، دلیل برگزیدن این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۴ - ۷

۷ - قیامت، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ... فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۱

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است .

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی

را برای آن ذکر کرده و می گوید: شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۰ - ۲،۳

۲ - قیامت ، روز محرومیت انسان از هر گونه یار و یاور در برابر کیفر های الهی است .

فما له من ... و لا ناصر

۳ - قیامت روز بی ثمر ماندن نیرو های درونی و بیرونی انسان ، در برابر حسابرسی کار های پنهانی او است .

فما له من قوّه و لا ناصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۲،۳

۲ - قیامت ، انسان ها را در میان گرفته و راه گریز را بر آنها خواهد بست .

هل أتیک حدیث الغشیه

<غشاء> و <غطاء> (پوشاننده) به یک معنا است و قیامت، از آن جهت <غاشیه> نامیده می شود که با حوادث سهمگین خود، خلق را احاطه می کند. (مقایس اللغه)

۳ - قیامت ، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حدیث الغشیه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۳

۳ - چهره حاضران صحنه

قیامت ، نمایانگر فرجام کار آنان است .

وجوه یومئذ خشعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۲

۲ - تلاش بی حاصل و رنج و زحمت بیهوده ، نمونه ای از گرفتاری های قیامت برای برخی از مردم

حدیث الغشیه .. عامله ناصبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۸ - ۲

۲ - چهره حاضران در صحنه قیامت ، نمایانگر فرجام آنان است .

وجوه یومئذ ناعمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۰، ۹، ۲، ۱

۱ - روز قیامت ، زمان عرضه جهنم بر حاضران

و جای یومئذ بجهنم

مراد از <آوردن جهنم به صحنه قیامت>، ممکن است انتقال آن به محشر و یا اظهار آن برای اهل محشر باشد. گفتنی است که در سوره های دیگر از نوع دوم سخن به میان آمده است.

۲ - جهنم ، قابل مشاهده برای تمام اهل محشر

و جای یومئذ بجهنم

۹ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق برای همگان

یومئذ یتذکر الإنسن

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دكّت الأرض .. یومئذ یتذکّر الإنسن

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دكّت الأرض..> و جمله <یتذکّر الإنسان> جزا برای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۲

۲ - قیامت ، روز زنده شدن مردگان

بعثر ما فی القبور

بیرون ریخته شدن آنچه

در قبرها هست، کنایه از زنده شدن مردگان در قیامت است. تعبیر <قبر> در این آیه ممکن است هر نقطه ای از جهان را که از بقایای انسان در آن اثری باشد، شامل گردد؛ بنابراین، آیه شریفه شامل تمامی انسان ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی، علاقه ها، نیت ها و افکار)، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد.

و حَصَلَ مَا فِي الصُّدُورِ

<تحصیل>، به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است؛ مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از کاه (مفردات). برخی آن را با تمیز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه را بیخته شود، <محصل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

۲ - آشکار شدن اسرار درونی انسان در قیامت، قهری و بیرون از اختیار او است.

حَصَلَ

مجهول بودن <حَصَلَ>، دلالت بر نکته یاد شده دارد.

۳ - قیامت، روز حسابرسی نیت ها، خصلت ها و اسرار درونی است.

و حَصَلَ مَا فِي الصُّدُورِ

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

۴ - توجه به برملا شدن خصلت ها و علاقه ها در قیامت، بازدارنده انسان از خوی ناسپاسی، بخل و دل بستگی به ثروت

لكنود .. أفلا يعلم إذا ... و حَصَلَ

۵ - صحنه برملا شدن رازها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلا يعلم إذا .. و حصّل ما فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۲

۲ - قیامت ، روز پی بردن همگان به آگاهی دقیق خداوند از اسرار درونی ایشان

یومئذ

تعبیر <یومئذ> قیامت را زمان علم خداوند، قرار داده و درباره علم او در دنیا، بیانی ندارد و از آن جا که علم الهی ازلی و ابدی است، اختصاص یافتن آن به قیامت، ناظر به قابل انکار نبودن آن است؛ یعنی، گرچه در دنیا برخی به علم او معترف نیستند؛ ولی در قیامت، آنان نیز به این حقیقت پی خواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

القارعه

<قَرَع>، به معنای کوبیدن چیزی بر چیزی است (مفردات). آیات بعد، قرینه است که مراد از <قارعه>، روز قیامت است. تناسب این نام برای <قیامت>، یا به این جهت است که قیامت کوبنده و ترساننده قلب ها است و یا اشاره به عذاب کوبنده و هولناک کافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و رخدادی بس شگفت

ما القارعه

<ما>، استفهام تعجبی است و بر شکفتی <قارعه> و عظمت و هول انگیز بودن آن دلالت دارد. با آن که این آیه خبر برای آیه قبل است و در آن اکتفا

به ضمیر ممکن بود، می توان گفت: تکرار لفظ <قارعه> تأکید بر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۲،۴

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، هول انگیز و دهشت آور است .

ما القارعه . یوم یكون الناس كالفراش المبثوث

<یوم> ظرف برای فعل محذوفی است که وصف <القارعه> بر آن دلالت دارد؛ یعنی، <تقرع یوم..>.

۴ - مردم در نخستین مراحل رستاخیز ، سردرگم و حیرت زده خواهند بود .

كالفراش المبثوث

<مبثوث>، به معنای منتشر و متفرق است. <بَثَّ الْغُبَارَ>؛ یعنی، غبار را برانگیخت (قاموس). پراکنندگی و افشاندن بودن، نشانگر آشفتگی و پریشان حالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۲

۲ - اعمال نیک انسان ، در قیامت سنجیده خواهد شد .

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۲،۶

۲ - همه انسان ها ، در آینده هنگام حسابرسی نعمت ها ، به پوچی افتخارات مادی پی خواهند برد .

سوف تعلمون

زمان مورد نظر در <سوف تعلمون> به قرینه <ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ> هنگام حسابرسی نعمت ها است.

۶ - قیامت ، زمان ظهور حقایق و پی بردن انسان ها به نیک و بد اعمال خویش

کلاً سوف تعلمون

وَعَدَهُ <سوف تعلمون> به قرینه <لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ> ناظر به زمان برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷، ۶، ۱

۱ - قیامت، زمان حسابرسی از نعمت‌ها است.

ثَمَّ

لتسئلنَّ يومئذ عن النعيم

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

۶- قیامت، دارای مراحل گوناگون و ترتیب یافته است.

لترونَّ .. ثم لترونَّها ... ثم لتسئلنَّ

۷- حسابرسی از نعمت‌ها، مرحله‌ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است.

ثم لترونَّها .. ثم لتسئلنَّ

ویژگیهای گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۱

۱۱- شهادت گواهان در قیامت، خدشه ناپذیر و غیر قابل ردّ است.

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً ثم لا یؤذن للذین کفروا

هشدار از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۶

۶- پیامبر (ص)، دعوت کننده مردم به دین و هشداردهنده آنان، به روز جزا است.

فما یکذبک بعد بالدین

برداشت یاد شده، بر دو پیش فرض استوار است: ۱. مخاطب آیه شریفه پیامبر(ص) باشد؛ ۲. کلمه <دین> در هر دو معنای <شریعت> و <جزا> استعمال شده باشد.

هلاکت جوامع قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- تمامی شهرها و تمدن‌ها و جوامع بشری، قبل از قیامت، توسط خداوند یا به کلی نابود و یا به وسیله عذابی، به ویرانی کشیده خواهد شد.

و إن من قریه إلا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه

<قریه> در لغت به معنای مجتمع و محل سکونت است و بر اعم از روستا و شهر اطلاق می‌شود (برگرفته از لسان العرب).

همنشینی با شیاطین در

قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۹

۹ - مشاهده شیاطین در قیامت و همنشینی با آنان ، خود نوعی عذاب برای گمراهان است .

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

هواپرستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۲

۲ - تکذیب گران هواپرست ، گرفتار ذلت و خواری در رستاخیز

و کذبوا و اتبعوا أهواءهم .. خشعاً أبصرهم یخرجون من الأجداث

هواپرستی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قیامت ، عناصری فرو رفته در باطل و سرگرم هوسرانی

للمکذبین . الذین هم فی خوض یلعبون

<خوض> به معنای وارد شدن در کارهای بیهوده و باطل و <لعب> (مصدر <یلعبون>) به معنای سرگرمی و هوسرانی است.

یأس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۳،۷

۳- جرم و گناه ، عامل ناامیدی انسان ، در قیامت است .

و يوم تقوم الساعة يبلس المجرمون

۷- بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثمّ كان عقبه الذين أسوأ السوأي أن كذبوا بأيت الله .. و يوم تقوم الساعة ی

یحیی (ع) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱۰، ۳، ۱

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه يوم ولد و

یوم یموت و یوم یبعث حیاً

۳- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه... یوم یموت و یوم یبعث حیاً

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنَّ أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثه مواطن يوم يولد... و یوم یموت... و یوم یبعث... و قد سلم الله عزوجل على یحیی (ع) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : > و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً... < ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود.. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً...>.

یقین به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۷

۱۷ برپایی قیامت، اصلی که باید به آن یقین و اطمینان داشت.

لعلکم بلقاء

<لقای پروردگار> کنایه از برپایی قیامت است؛ زیرا در آن صحنه است که ربوبیت خدا برای انسانها ملموس و محسوس می شود و آن را به عین الیقین درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنُّ أن يفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنُّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

یقین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

ليجمعنكم إلى يوم القيمة لا ريب فيه

مرجع ضمیر <فيه> می تواند <يوم القيمة> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۶

۶ قیامت، روز تجلی حقایق و از میان رفتن پرده های اوهام است.

و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أَعینهم فی غطاء .. کفروا بأیت ربّهم و لقاءه

مقصود از لقای پروردگار، مسلماً

برخورد حسی نیست (لاتدرکه الأبصار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیامت، به حقایق یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۷، ۱۹

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقایق وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا .. إنا موقنون

۱۹ - به یقین رسیدن مجرمان درباره معاد ، در قیامت دلیل درخواست شان از خدا جهت بازگشت به دنیا است .

فارجعنا لعمل صلحًا إنا موقنون

<إنا موقنون> به منزله تعلیل برای درخواست است.

یهود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّٰه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

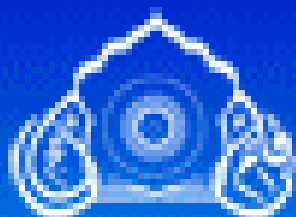
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

